

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جامع الأحادیث

شکر

حدیث ۴۵۸۹

۲۰۸۵ سرعنوان (موضوع فرعی)

با ترجمه‌ی فارسی در صفحه‌ی مقابل

علی‌رضا برازش



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران، ۱۳۹۲

فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا^۱

اگر مردم با زیبایی‌های کلام ما آشنا می‌شدند، از ما پیروی می‌کردند.

علی بن موسی الرضا(ع)

محتوای کتاب دقیقاً همان است که از نام کتاب بر می‌آید «جامع‌الاحادیث»؛ یعنی مؤلف در پی آن بوده است همه‌ی روایات پیرامون یک موضوع را از میان احادیث نقل شده در کتب محدثین و مؤلفین شیعی استخراج و به نحوی که مشاهده می‌کنید تدوین و تا جزئی‌ترین لایه‌ها، تبویب و فصل‌بندی نموده، به تشنگان معارف اهل بیت عصمت علیهم‌السلام ارائه کند. هدف از تألیف این مجموعه، شناساندن معارف ناب اسلامی با برداشت مستقیم از آیات و روایات است.

شک نیست که با الهام از «وَالْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ^۲»، «فَالْحَقُّ مَا رَضِيتُمُوهُ^۳» و «مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا^۴» و «أَمَّا إِنَّهُ شَرٌّ عَلَيْكُمْ أَنْ تَقُولُوا بِشَيْءٍ مَا لَمْ نَسْمَعُوهُ مِنَّا^۵» و ده‌ها

۱. وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۹۲

۲. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۱

۳. همان

۴. سوره‌ی حشر، آیه‌ی ۷

۵. وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۷۰

﴿جامع الأحادیث شکر﴾

آیه و حدیث و دلایل عقلی و نقلی دیگر، برای دستیابی به معارف الهی، راهی جز مراجعه به بیانات مخاطبان وحی نیست.

و البته پرواضح است هرچقدر دامنه‌ی مأخذ وسیع‌تر و نیز هرچه محقق عمیق‌تر باشد، امکان دستیابی به نظر شارع و انطباق نظریه‌ی حاصله با آن بیشتر خواهد بود.

ضرورت تألیف

مرحوم کلینی در قرن سوم و چهارم با امکانات و محدودیت‌های زمانه‌ی خود، کتاب شریف کافی را تدوین و تبویب نمود. پس از گذشت هشت قرن، مرحوم مجلسی به ده‌ها بلکه صدها اثر حدیثی دیگر دست یافت و بر آن شد ضمن پذیرفتن کلیات نقشه‌ی جامع ابواب معارف که مرحوم کلینی گسترده و حدود شانزده هزار حدیث خود را در آن تنظیم کرده بود، با توجه به در اختیار داشتن چندین برابر بیشتر از احادیثی که کلینی در اختیار داشت، همان نقشه را گسترش دهد و از بعضی فصول، بخش‌ها و ابواب جدید منشعب کند.

نگاهی به فهرست کتاب‌های کافی هشت جلدی و بحارالانوار یکصد و ده جلدی بیانگر حقیقت فوق‌الذکر است.

هر چند قائلیم نایافته‌های مجلسی در مقابل یافته‌های او بسیار اندکند، ولی سخت معتقدیم حتی در محدوده‌ی خود کتاب عظیم بحارالانوار، می‌توان احادیث بسیاری یافت که در غنای محتوای ابواب دیگر همان کتاب - جز آن بابی که هم اکنون حدیث را دربر گرفته است - بتواند نقش مؤثر ایفا کند.

مزیت نسبی زمانه‌ی مجلسی به زمانه‌ی کلینی، امکان گردآوری و ادغام صدها جلد کتاب حدیثی را فراهم آورد.

لکن مزیت نسبی زمان حال به زمان تألیف بحارالانوار نیز این فرصت را در اختیار من و سایر مؤلفین قرار داده است تا اینکه حتی در همان محدوده‌ی احادیث مورد قبول مؤلفان و محدثانی چون مجلسی، حرّ عاملی، فیض کاشانی و محدث نوری، دست به تألیفاتی بزنند که هرچند در همان نقشه‌ی مهندسی ابواب دین که آن بزرگان طراحی کرده‌اند می‌گنجد، ولی به دلیل دستیابی به ده‌ها برابر حدیث در هر فصل و بخش و باب، این امکان در اختیار مؤلف قرار می‌گیرد تا به فصل‌بندی و تبویبی بسیار جزئی‌تر دست زند.

﴿جامع الأحادیث شکر﴾

اگر باب شکر در کتاب شریف کافی دارای ۳۰ حدیث و باب شکر در دایرةالمعارف بحارالانوار حاوی حدود ۸۰ حدیث - بدون فصل بندی داخلی - است، دستیابی به بیش از دو هزار حدیث از همان منابع مورد قبول مجلسی و دیگر مؤلفان کتب روایی، یقیناً امکانی چند برابر برای تبویبی ده‌ها برابر جزئی شده در اختیار مؤلف قرار داده است.

مقایسه‌ی هر اثر با آثار مشابه هم‌عصر یا آثار گذشتگان ما را بر وجود یا فقدان نوآوری در اثر مورد نظر آگاه می‌کند.

توان و حوصله‌ی مؤلف برای گردآوری بیش از سی برابر احادیث یافت شده در فصل و باب مشابه در دایرةالمعارف بحارالانوار و وجود فهرست چند ده صفحه‌ای و چند هزار سطر برای موضوعی که در کتابهای شریف کلینی و مجلسی، تقریباً هیچ زیرفصلی را به خود اختصاص نداده‌اند، بیانگر آن است که طالب دریافت معارف از سرچشمه‌ی آیات و روایات، با بهره‌گیری مناسب از این مجموعه، با وسعت و جزئیات بسیار بیشتری به گنجینه‌ی معارف دست خواهد یافت، هدفی که در تقدّسش هیچ شبهه‌ای روا نیست.

تفاوت بارز این اثر با کارهای مشابه، در گستره‌ی روایات مورد استناد و استخراج زیرموضوع و تبویب بسیار جزئی احادیث است. مقایسه‌ی فهرست تفصیلی اثر حاضر که برای یک صفت اخلاقی تا بیش از هزار شاخه و زیرشاخه ترسیم و احادیث را در آن نظم داده است، با فهرست باب الشکر در کافی، بحار، میزان الحکمة و یا کتب مستقل پیرامون این موضوع، بهترین بیانگر این تفاوت‌هاست.

مخاطب این مجموعه کسی است که می‌خواهد و می‌تواند مستقیماً احادیث اهل بیت(ع) را مطالعه کند. استخراج بیشترین حدیث پیرامون یک موضوع و تبویب جزئی، به نحوی است که حتی مطالعه‌ی فهرست تفصیلی هر جلد از این مجموعه، خواننده را تا حدود زیادی بیش از آنچه تاکنون درباره‌ی آن موضوع می‌دانست، با آن آشنا می‌کند. کنار هم قرار گرفتن احادیث قریب‌المعنی، در نزدیک کردن معانی احادیث به فهم خواننده، بی‌تأثیر نیست. به‌هر صورت این مجموعه جز حدیث نیست و از آنجا که مطالعه‌ی احادیث اخلاقی نسبت به احادیث کلامی، فقهی و حتی تاریخی، برای اقشار غیر متخصص، سهل‌تر می‌باشد، در مرحله‌ی اول به موضوعات اخلاقی پرداختیم.

مجموعه‌ی حاضر جز از منابع معتبر حدیث شیعی استفاده نکرده است، لذا اعتبار آن به اعتبار مأخذی است که در پایان کتاب در بخش فهرست مأخذ ذکر کرده‌ایم.

«جامع الأحادیث شکر»

هر قدر به کافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب، استیصار، بحار الأنوار، وسائل الشیعه و مستدرک الوسائل و وافی اعتماد می‌کنید به این مجموعه اتکا کنید.

هر قدر به راحتی از کلینی، صدوق، شیخ طوسی، مجلسی، حرّ عاملی، فیض کاشانی و سید بن طاووس حدیث نقل می‌کنید و به امام معصوم (علیه السلام) نسبت می‌دهید از این مجموعه نیز نقل کنید؛ و اگر در جایگاهی هستید که برای افتاء و اظهار نظر دقیق دینی، به بررسی تک‌تک زوایای احادیث می‌پردازید و با به‌کار بستن معیارهای علم رجال و درایه و فقه‌الحدیث، روایات را ردّ و قبول می‌کنید، با این مجموعه نیز همان کنید که با سایر کتب حدیث.

بزرگان ما به راحتی در سخنرانی و نوشته‌ها و درس و بحث خود از کافی، نهج‌البلاغه، وسائل الشیعه، وافی، بحار الأنوار، غررالحکم و... نقل حدیث می‌کنند و با بردن نام نهج‌البلاغه، به اعتبار سید رضی (علیه السلام) و با بردن نام کافی به اعتبار کلینی (علیه السلام)، این باور را در شنونده و خواننده می‌پروراند که آنچه می‌گوییم و می‌نویسم، نقل قول از معصوم (علیه السلام) است. این مجموعه نیز حرفی و کلمه‌ای خارج از آنچه کلینی، و صدوق، مجلسی و سایر مؤلفان آثار روایی شیعه نقل کرده‌اند در خود نگنجانده است.

اما آنچه در اختیار کلینی و صدوق و مجلسی و... نبوده و مزیت زمان حاضر است، اعم از کتاب‌های خوش‌چاپ و کم‌غلط، نرم‌افزارهایی با قابلیت جستجوهای ترکیبی در کم‌ترین زمان ممکن لابه‌لای صدها هزار صفحه متون روایی، همه و همه این امکان را به ما داده است تا بدون خدشه به وثاقت و استحکام مطالب، با در اختیار گرفتن صدها برابر حدیث نسبت به محدثان متقدم، تبویبی بسیار جزئی و غیر قابل مقایسه با آثار پیشینیان ارائه دهیم که البته ویژگی این مجموعه و جلوه‌ی اثر وجودی مؤلف نیز همین بخش است - تبویب و دسته‌بندی -؛ فلذا اگر دانش مؤلف در فهم موضوع حدیث و قدرت استخراج زیرموضوع از دل روایات، مورد خدشه‌ی جدّی نباشد، مجموعه‌ی حاضر، ابواب جدیدی را بر روی طالب علم می‌گشاید و به دانش‌پژوه فرصت می‌دهد تا نقشه‌ی وسیع‌تر و جزئی‌تری از موضوعات اخلاقی را دریافت و مطالعه کند.

نقطه‌ی آغاز ایده‌ی «جامع الأحادیث» به اواخر دهه‌ی ۶۰ و بعد از انتخاب «المعجم الفهرس اصول کافی» به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی در سال ۶۸ برمی‌گردد. مؤسسه‌ی انتشارات امیرکبیر در دوره‌ی مدیریت آقای حسین انواری - مدیر فعلی کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره) - و ریاست حضرت آیت‌الله جنتی بر سازمان تبلیغات اسلامی، طرح «جامع الأحادیث» را به مؤلف پیشنهاد و مرحله‌ی اول آن از آغاز سال ۱۳۶۹ شروع شد.

﴿جامع الأحادیث شکر﴾

مجموعه‌ی معاجم کتب روایی در ۷۰ مجلد و بالغ بر پنجاه هزار صفحه از ثمرات جانبی مرحله‌ی اول این طرح بود؛ چراکه برای تألیف کتابی که جامع همه‌ی احادیث باشد وجود معاجم حدیثی ضروری می‌نمود و در آن تاریخ جز بر اصول کافی و نهج‌البلاغه معجم حدیثی قابل ذکر دیگری نبود. هرچند ترشحات و تولیدات جنبی طرح «جامع الأحادیث» با استقبال جامعه‌ی علمی و حوزوی مواجه شد و رهبر معظم انقلاب و حضرت آیه‌الله مکارم شیرازی و حضرت آیه‌الله هاشمی رفسنجانی و حضرت آیه‌الله جنتی هریک بر یکی از آثار تقریظ نگاشتند و دو دوره‌ی دیگر نیز بخش‌هایی از این مجموعه به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی برگزیده شد. لکن به دلیل تغییر مدیریت در سازمان تبلیغات اسلامی و موسسه‌ی انتشارات امیرکبیر و نیز محو شدن برخی مسؤولیت‌های اجرایی از جمله معاونت فرهنگی وزارت ارشاد، مدیریت کتابخانه و مرکز اسناد آستان قدس رضوی و مدیریت شبکه‌ی یک و دو سیما به مؤلف، اجرای مراحل پایانی این پروژه‌ی بزرگ به تأخیر افتاد. شروع دوباره‌ی این طرح مدیون رئیس وقت موسسه‌ی انتشارات امیرکبیر برادر گرامی جناب آقای احمد نثاری است که تحت حمایت‌های ریاست سازمان تبلیغات اسلامی، حجة الاسلام والمسلمین دکتر خاموشی طرح به فراموشی سپرده شده‌ی «جامع الأحادیث» را احیا کردند و توفیق سروکارداشتن با احادیث اهل بیت (علیهم السلام) را بعد از وقفه‌ای نسبتاً طولانی دگر بار به من بخشیدند. البته در طول این سال‌ها با ورود کامپیوتر به عرصه‌ی تحقیقات مذهبی و تأسیس و توسعه‌ی موسسات پر تعداد و در رأس آنان «مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی»، روش دستیابی به احادیث، نسبت به سال‌های شروع طرح در دهه‌ی ۶۰ به کلی دگرگون شده است. اما علی‌رغم جمع شدن مجموعه‌ی منابع روایی در یک لوح فشرده باز هم نیاز به «جامع الأحادیث» احساس می‌شد و با شکل گرفتن اولین مجلدات آن و امکان مقایسه با کتاب‌ها و نرم‌افزارهای موجود، این فرضیه بیشتر و بیشتر تقویت شد.

این مجموعه که از موضوعات اخلاقی، عقیدتی آغاز کرده است و راه طولانی‌ای در پیش دارد؛ و با ارائه‌ی اولین مجلدات، خود را در معرض نقد و پیشنهاد اساتید فن و کلیه‌ی علاقمندان به گسترش کلام معصومین (علیهم السلام) قرار می‌دهد؛ چه در انتخاب و ترتیب موضوعات و چه در نحوه‌ی دسته‌بندی و ارائه‌ی آن.

دست‌اندرکاران تهیه‌ی این اثر، خود را از راهنمایی علاقمندان به نشر روایات معصومین (علیهم السلام) بی‌نیاز نمی‌دانند و این مجموعه را به مثابه برگ سبزی به سلسله‌ی نورانی اهل بیت عصمت (علیهم السلام) تقدیم می‌کنند؛ به امید آن که در بهره‌برداری نسل حاضر و نسل‌های آتی از بیانات ارزشمند ایشان

﴿جامع الأحادیث شکر﴾

و تطبیق هرچه بیشتر زندگی با راهنمایی‌های آن پیشوایان راستین، گامی هرچند ناچیز برداشته باشند.

مقدمه را با فقراتی برگزیده از کلام فقیه و محدث معاصر، مؤسس مرکز پژوهشی دارالحدیث حضرت آیه‌الله محمدی ری‌شهری مؤلف موسوعه‌ی حدیثی «میزان الحکمة» در شأن حدیث، جایگاه آن و اهمیت تنظیم موضوعی احادیث به پایان می‌برم.

✽ حدیث، بهترین وسیله برای تبلیغ دین و آشنا کردن مردم با اسلام ناب است.

✽ قرآن کریم، به مثابه قانون اساسی اسلام، بیشتر کلیات را بیان کرده و تبیین تفصیل و جزئیات را به روایات واگذار کرده است. از این رو، روایات، پس از قرآن، مهم‌ترین منبع شناخت دین به‌شمار می‌آید.

✽ حدیث، به دلیل انتساب آن به معصوم علیه السلام و وحیانی بودن محتوای آن، حجت است.

✽ احادیث اسلامی نه تنها در میان عموم مردم، بلکه در میان خواص حوزه‌های علمیه، جایگاه شایسته‌ی خود را ندارند.

✽ اگر برآیند صحیح قرآن و حدیث به زبان روز برای مردم جهان بیان شود، در عصر حاضر، اسلام بیش از هر وقت دیگر هوادار خواهد داشت.

✽ احادیث اسلامی، مانند آیات قرآن مفسر یکدیگرند و تنظیم احادیث به صورت موضوعی، به‌خصوص در کنار ارائه‌ی موضوعی آیات قرآن، علاوه بر آنکه می‌تواند در تشخیص میزان صحت و یا سقم احادیث مؤثر باشد، موجب فهم دقیق رهنمودهای خداوند متعال و پیشوایان بزرگ اسلام نیز می‌شود و افزون بر این، دسترسی پژوهشگران و عموم علاقمندان به اسلام راستین را آسان می‌سازد.

و من الله التوفیق

علیرضا برازش

زمستان ۱۳۹۱

الفهرس

الْكِتَابُ الْأَوَّلُ: شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ ١٤٤

١-١٠١- مفهومٌ ودرجاتُ الشُّكرِ ١٤٤

١-١٠١- معنى الشُّكرِ وَ حَقِيقَتُهُ، مَصَادِيقُ الشُّكْرِ وَ عِلَامَاتُهُ ١٤٤

١-١-١-٠١- إِجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ ١٤٤

١-١-١-٠٢- الإِجْتِهَادُ فِي الْعِبَادَةِ ١٤٤

١-١-١-٠٣- إِحْتِمَالُ الْجَفَاءِ ١٤٦

١-١-١-٠٤- الإِحْسَانُ وَ رَاجِعُ الْإِنْعَامِ وَ، الإِعْطَاءُ وَ، الإِطْعَامُ ١٤٦

١-١-١-٠٥- أَخْذُ مَا آتَاهُ اللَّهُ ١٤٦

١-١-١-٠٦- الإِخْلَاصُ وَ رَاجِعُ الْخُشُوعِ وَ الْإِخْلَاصُ ١٤٨

١-١-١-٠٧- آدَاءُ مَا فَرَضَ اللَّهُ، آدَاءُ حَقِّ اللَّهِ وَ رَاجِعُ الْجَزَاءِ ١٤٨

١-١-١-٠٨- آدَاءُ حَقِّ النِّعْمَةِ وَ رَاجِعُ جَزَاءِ حَقِّ النِّعْمَةِ وَ رَاجِعُ قَضَاءِ حَقِّ الْمَعْرُوفِ وَ رَاجِعُ الْقِيَامِ بِحَقُوقِ النِّعْمَةِ ١٤٨

١-١-١-٠٩- آدَاءُ حَقِّ الْمَالِ ١٤٨

١-١-١-١٠- إِسْتِكْنَارُ الرِّزْقِ ١٥٠

١-١-١-١١- أَصْلُ مِنْ أَصُولِ مُعَامَلَةِ اللَّهِ ١٥٠

١-١-١-١٢- الإِطْعَامُ وَ رَاجِعُ الإِحْسَانِ وَ رَاجِعُ الْإِنْعَامِ ١٥٠

فهرست

۱۴۵.....	۱- کتاب اول: شکر بنده در برابر خداوند.....
۱۴۵.....	۱-۱- مفهوم و درجات شکر.....
۱۴۵.....	۱-۱-۱- معنی شکر و حقیقت آن، مصداق‌های شکر و علامت‌هایش.....
۱۴۵.....	۱-۱-۱-۱- پرهیز از حرام و گناه.....
۱۴۵.....	۱-۱-۱-۲- نهایت تلاش در عبادت.....
۱۴۷.....	۱-۱-۱-۳- شکیبایی بر جفا.....
۱۴۷.....	۱-۱-۱-۴- نیکی کردن و ر.به: نعمت‌دادن و ر.به: بخشش و ر.به: غذا دادن.....
۱۴۷.....	۱-۱-۱-۵- گرفتن آنچه خدا عطا می‌کند.....
۱۴۹.....	۱-۱-۱-۶- اخلاص و ر.به: تواضع قلبی و اخلاص.....
۱۴۹.....	۱-۱-۱-۷- به‌جای آوردن آنچه خدا واجب کرده، به‌جای آوردن حق خدا و ر.به: پاداش.....
۱۴۹.....	۱-۱-۱-۸- به‌جای آوردن حق نعمت و ر.به: پاداش حق نعمت و ر.به: قضای حق نعمت و ر.به: به‌پاخواستن برای ادای حقوق نعمت.....
۱۴۹.....	۱-۱-۱-۹- به‌جای آوردن حق مال.....
۱۵۱.....	۱-۱-۱-۱۰- زیادشمردن روزی.....
۱۵۱.....	۱-۱-۱-۱۱- اصلی از اصول معامله با خدا.....
۱۵۱.....	۱-۱-۱-۱۲- غذا دادن و ر.به: نیکی کردن و ر.به: نعمت دادن.....

﴿الفهرس﴾

١٥٠	١-١-١٣- إظهارُ الغنى
١٥٠	١-١-١٤- الإعتِرافُ بِنِعَمِ اللَّهِ
١٥٢	١-١-١٥- الإعتِرافُ بِأَنَّ الشُّكْرَ مِنَ اللَّهِ
١٥٢	١-١-١٦- الإعتِرافُ بِالْعَجْزِ وَالتَّقْصِيرِ عَنْ بُلُوغِ أَذَى شُكْرِهِ
١٥٤	١-١-١٧- الإعتِرافُ بِحُقُوقِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ
١٥٤	١-١-١٨- إعطاءُ النِّعمِ بِمُسْتَحَقِّهَا وَ راجع: الإنعامُ و الإحسانُ بِالنِّعمَةِ
١٥٤	١-١-١٩- إعظامُ الأمرِ
١٥٤	١-١-٢٠- الإقرارُ بِأَيْدِي اللَّهِ وَ راجع: الإعتِرافُ
١٥٤	١-١-٢١- الأكلُ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ
١٥٤	١-١-٢٢- الإنعامُ بِالنِّعمَةِ وَ راجع: إعطاءُ النِّعمِ بِمُسْتَحَقِّهَا وَ راجع: الإطعامُ
١٥٤	١-١-٢٣- الإنقطاعُ وَ التَّفَرُّدُ وَ التَّجَرُّيدُ
١٥٤	١-١-٢٤- إنكارُ الجَفَاءِ
١٥٤	١-١-٢٥- الإيمانُ وَ راجع: ١-٤-٤- الشُّكْرُ وَ الإيمانُ
١٥٤	١-١-٢٦- البَذْلُ
١٥٤	١-١-٢٦-١- بَذْلُ الْمَالِ
١٥٨	١-١-٢٦-٢- بَذْلُ الْعِلْمِ
١٥٨	١-١-٢٦-٣- بَذْلُ النِّعمِ
١٥٨	١-١-٢٧- البر
١٦٠	١-١-٢٨- الْبُكَاءُ وَ الْغَشْيَانُ الْبُكَاءُ مِنَ السُّرُورِ بِنِعَمِ اللَّهِ
١٦٠	١-١-٢٩- تَحَدُّثُ النِّعمَةِ وَ راجع: الذِّكْرُ
١٦٠	١-١-٣٠- تَرْجُمَانُ النَّبِيِّ
١٦٠	١-١-٣١- التَّسْمِيَةُ وَ الْحَمْدُ فِي الْأَكْلِ
١٦٢	١-١-٣٢- التَّقْوَى، حَقُّ التَّقْوَى وَ راجع: الطَّاعَةُ وَ التَّقْوَى
١٦٢	١-١-٣٣- التَّوَاضُّعُ
١٦٢	١-١-٣٤- التَّوْبَةُ
١٦٤	١-١-٣٥- التَّوْحِيدُ (لَا يُحْمَدُ وَ لَا يُعْظَمُ إِلَّا اللَّهُ)
١٦٤	١-١-٣٦- جَزَاءُ حَقِّ النِّعمَةِ وَ راجع: الأداءُ
١٦٤	١-١-٣٧- جَزَاءُ النِّعمَةِ وَ راجع: الأداءُ
١٦٤	١-١-٣٨- جُنْدٌ مِنْ جُنُودِ الْعَقْلِ
١٦٤	١-١-٣٩- حِصْنُ النِّعمِ
١٦٤	١-١-٤٠- الحَفْظُ وَ الْمُرَاعَاةُ
١٦٤	١-١-٤١- الْحَمْدُ وَ راجع: ١-٤-١- الشُّكْرُ وَ الْحَمْدُ
١٦٨	١-١-٤٢- الْحَمْدُ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ عَلَيْهِ

﴿فهرست﴾

۱۵۱.....	۱-۱-۱۳- اظهار توانگری.....
۱۵۱.....	۱-۱-۱۴- اقرار کردن به نعمت‌های خدا.....
۱۵۳.....	۱-۱-۱۵- اقرار به اینکه شکر از جانب خداست.....
۱۵۳.....	۱-۱-۱۶- اقرار به عاجز بودن و ناتوانی خود از رسیدن به کمترین مرتبه از مراتب شکر.....
۱۵۵.....	۱-۱-۱۷- اقرار به حقوق اولیای خدا.....
۱۵۵.....	۱-۱-۱۸- دادن نعمت به مستحق آن و ر.به: اعطای نعمت به دیگران.....
۱۵۵.....	۱-۱-۱۹- بزرگ‌داشت امر و فرمان الهی.....
۱۵۵.....	۱-۱-۲۰- اقرار به نعمت‌های خداوند و ر.به: اعتراف.....
۱۵۵.....	۱-۱-۲۱- خوردن از رزق حلال.....
۱۵۵.....	۱-۱-۲۲- نعمت‌دادن به وسیله‌ی نعمت و ر.به: بخشیدن نعمت به مستحق آن و ر.به: غذا دادن.....
۱۵۷.....	
۱۵۷.....	۱-۱-۲۳- دل‌کندن و تنهایی و خلوت.....
۱۵۷.....	۱-۱-۲۴- بریدن از جفا.....
۱۵۷.....	۱-۱-۲۵- ایمان و ر.به: ۱-۴-۱- شکر و ایمان.....
۱۵۷.....	۱-۱-۲۶- بخشش.....
۱۵۷.....	۱-۱-۲۶-۱- بخشش مال.....
۱۵۹.....	۱-۱-۲۶-۲- آموختن علم.....
۱۵۹.....	۱-۱-۲۶-۳- بخشیدن نعمت.....
۱۵۹.....	۱-۱-۲۷- نیکی.....
۱۶۱.....	۱-۱-۲۸- گریه و غش کردن، گریه‌ی شادی از نعمت‌های خداوند.....
۱۶۱.....	۱-۱-۲۹- سخن‌گفتن از نعمت و ر.به: ذکر و یاد خدا.....
۱۶۱.....	۱-۱-۳۰- زبان‌گویای نیت.....
۱۶۱.....	۱-۱-۳۱- گفتن "بسم الله" و شکرگزاری هنگام خوردن.....
۱۶۳.....	۱-۱-۳۲- ترس از خداوند و عمل به واجب و ترک حرام، حق تقوا و ر.به: اطاعت و تقوا.....
۱۶۳.....	۱-۱-۳۳- فروتنی.....
۱۶۳.....	۱-۱-۳۴- توبه.....
۱۶۵.....	۱-۱-۳۵- یکتاپرستی (جز خداوند کسی ستوده و بزرگ شمرده نمی‌شود).....
۱۶۵.....	۱-۱-۳۶- پاداش حق نعمت و ر.به: به‌جای آوردن.....
۱۶۵.....	۱-۱-۳۷- پاداش نعمت و ر.به: به‌جای آوردن.....
۱۶۵.....	۱-۱-۳۸- سربازی از سپاه عقل.....
۱۶۵.....	۱-۱-۳۹- قلعه برای حفظ و پایدار کردن نعمت‌ها.....
۱۶۵.....	۱-۱-۴۰- حفظ و رعایت کردن.....
۱۶۵.....	۱-۱-۴۱- ستایش و ر.به: ۱-۴-۱- شکر و حمد.....
۱۶۹.....	۱-۱-۴۲- ستایش بر هر نعمتی.....

﴿الفهرس﴾

١٦٨.....	١-١-١-٤٣ الخشوع و الإخلاص.....
١٦٨.....	١-١-١-٤٤ دِعَامَةُ الدِّين.....
١٦٨.....	١-١-١-٤٥ الذِّكْرُ وَ رَاجِعُ: التَّحَدُّثُ بِالنَّعْمَةِ.....
١٦٨.....	١-١-١-٤٦ رُؤْيَا النَّعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَ رَاجِعُ: الْعِلْمُ بِأَنَّ النَّعْمَةَ مِنَ اللَّهِ.....
١٧٠.....	١-١-١-٤٧ رَبْطُ النَّعْمِ.....
١٧٠.....	١-١-١-٤٨ الرِّضَا بِالنَّعْمِ.....
١٧٠.....	١-١-١-٤٩ الرِّضَا بِالْوَلَايَةِ.....
١٧٠.....	١-١-١-٥٠ رِعَايَةُ الْحُرْمَةِ.....
١٧٠.....	١-١-١-٥١ الزَّادُ (خَيْرُ الزَّادِ).....
١٧٠.....	١-١-١-٥٢ الزَّهَادَةُ.....
١٧٢.....	١-١-١-٥٣ زِينَةُ الرَّخَاءِ.....
١٧٢.....	١-١-١-٥٤ زِينَةُ الْغِنَى.....
١٧٢.....	١-١-١-٥٥ زَيْنُ النَّعْمِ، زِينَةُ النَّعْمِ.....
١٧٢.....	١-١-١-٥٦ السُّمْعَةُ.....
١٧٢.....	١-١-١-٥٧ شَرْطُ إِعْطَاءِ النَّعْمِ.....
١٧٢.....	١-١-١-٥٨ الشُّكْرُ مِنْ وَسَائِلِ النَّعْمَةِ.....
١٧٤.....	١-١-١-٥٩ الشُّكْرُ عَلَى الْمُصِيبَةِ.....
١٧٤.....	١-١-١-٦٠ الشُّكْرُ فِي النِّعَمَاءِ.....
١٧٤.....	١-١-١-٦١ الشُّكْرُ مِنْ وَسَائِلِ النَّعْمِ.....
١٧٤.....	١-١-١-٦٢ الشُّكْوَى عَنِ النَّفْسِ.....
١٧٦.....	١-١-١-٦٣ الصَّبْرُ.....
١٧٦.....	١-١-١-٦٤ صِدْقُ الْوَلَاءِ.....
١٧٦.....	١-١-١-٦٥ الطَّاعَةُ وَ التَّقْوَى.....
١٧٦.....	١-١-١-٦٦ الْعِبَادَةُ (عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ).....
١٧٦.....	١-١-١-٦٧ الْعِبْرَةُ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ.....
١٧٨.....	١-١-١-٦٨ عَدَمُ الشُّكْوَى.....
١٧٨.....	١-١-١-٦٩ عَدَمُ الْعُصْيَانِ.....
١٧٨.....	١-١-١-٧٠ الْعَفْوُ عِنْدَ الْقُدْرَةِ.....
١٨٠.....	١-١-١-٧١ عِقَالُ النَّعْمِ.....
١٨٠.....	١-١-١-٧٢ الْعِلْمُ.....
١٨٠.....	١-١-١-٧٣ الْعِلْمُ بِأَنَّ النَّعْمَ مِنَ اللَّهِ وَ رَاجِعُ: الْمَعْرِفَةُ بِأَنَّ النَّعْمَ مِنَ اللَّهِ وَ ، رُؤْيَا النَّعْمَةِ مِنَ اللَّهِ.....
١٨٢.....	١-١-١-٧٤ الْعِلْمُ بِأَنَّ نِعْمَةَ الشُّكْرِ مِنَ اللَّهِ رَاجِعُ: الْمَعْرِفَةُ وَ الْعِلْمُ بِأَنَّ نِعْمَةَ الشُّكْرِ مِنَ اللَّهِ.....

﴿فهرست﴾

۱۶۹.....	۱-۱-۴۳- فروتنی و اخلاص.....
۱۶۹.....	۱-۱-۴۴- ستون دین.....
۱۶۹.....	۱-۱-۴۵- یاد خدا و ر.به: سخن گفتن از نعمت.....
۱۶۹.....	۱-۱-۴۶- مشاهده‌ی اینکه نعمت از جانب خداست و ر.به: دانستن اینکه نعمت از جانب خداست
۱۷۱.....	و ر.به: معرفت به اینکه نعمت از جانب خداست.....
۱۷۱.....	۱-۱-۴۷- بستن نعمت‌ها.....
۱۷۱.....	۱-۱-۴۸- خشنودی از نعمت‌ها.....
۱۷۱.....	۱-۱-۴۹- خشنودی به ولایت و سرپرستی الهی.....
۱۷۱.....	۱-۱-۵۰- رعایت احترام.....
۱۷۱.....	۱-۱-۵۱- توشه (بهترین توشه).....
۱۷۱.....	۱-۱-۵۲- بی‌اعتنایی و روی گردانی از دنیا.....
۱۷۳.....	۱-۱-۵۳- زینت دوران رفاه.....
۱۷۳.....	۱-۱-۵۴- زینت دوران بی‌نیازی.....
۱۷۳.....	۱-۱-۵۵- زینت نعمت‌ها.....
۱۷۳.....	۱-۱-۵۶- خودنمایی، انجام عمل با نیت اینکه مردم مطلع شوند.....
۱۷۳.....	۱-۱-۵۷- شرط دادن نعمت.....
۱۷۳.....	۱-۱-۵۸- شکر از واسطه‌های بخشایش نعمت است.....
۱۷۵.....	۱-۱-۵۹- شکر بر مصیبت.....
۱۷۵.....	۱-۱-۶۰- شکر بر نعمت‌ها.....
۱۷۵.....	۱-۱-۶۱- شکر از واسطه‌های دریافت نعمت.....
۱۷۵.....	۱-۱-۶۲- شکایت از نفس خود.....
۱۷۷.....	۱-۱-۶۳- صبر.....
۱۷۷.....	۱-۱-۶۴- راستی در دوستی.....
۱۷۷.....	۱-۱-۶۵- اطاعت و تقوا.....
۱۷۷.....	۱-۱-۶۶- عبادت، (عبادت آزادگان).....
۱۷۷.....	۱-۱-۶۷- عبرت و پندگرفتن از آیات الهی.....
۱۷۹.....	۱-۱-۶۸- شکایت نکردن.....
۱۷۹.....	۱-۱-۶۹- نافرمانی نکردن.....
۱۷۹.....	۱-۱-۷۰- عفو و بخشش هنگام قدرت.....
۱۸۱.....	۱-۱-۷۱- بستن نعمت.....
۱۸۱.....	۱-۱-۷۲- علم.....
۱۸۱.....	۱-۱-۷۳- دانستن اینکه نعمت‌ها از جانب خداست و ر.به: شناخت اینکه نعمت‌ها از جانب خداست و ر.به: مشاهده‌ی اینکه نعمت‌ها از جانب خداست.....
۱۸۱.....	۱-۱-۷۴- دانستن اینکه نعمت شکر کردن از جانب خداست ر.به: شناخت و علم به اینکه نعمت شکر کردن از جانب خداست.....
۱۸۳.....	شکر کردن از جانب خداست.....

﴿الفهرس﴾

١٨٢.....	١-١-١-٧٥- العَمَلُ فِي النِّعْمَةِ بِالشُّكْرِ
١٨٢.....	١-١-١-٧٦- القَبُول.....
١٨٢.....	١-١-١-٧٧- الْقَدَرُ بِقَدَرِ اللَّهِ.....
١٨٢.....	١-١-١-٧٨- قَضَاءُ حَقِّ الْمَعْرُوفِ.....
١٨٢.....	١-١-١-٧٩- قَضَاءُ الْفَوَائِدِ.....
١٨٢.....	١-١-١-٨٠- الْقَنَاعَةُ.....
١٨٤.....	١-١-١-٨١- الْقِيَامُ بِحَقُوقِ النِّعْمَةِ.....
١٨٤.....	١-١-١-٨٢- لِسَانُ الطَّوْبَةِ.....
١٨٤.....	١-١-١-٨٣- مَا ابْتُلِيَ بِهِ الْغَنِيُّ.....
١٨٤.....	١-١-١-٨٤- مَا يُخْشَى بِهِ الْعَقْلُ.....
١٨٦.....	١-١-١-٨٥- مَادَّةُ النِّعْمِ.....
١٨٦.....	١-١-١-٨٦- مُجَاوَرَةُ النِّعْمَةِ (حُسْنُ مُجَاوَرَتِهِ).....
١٨٦.....	١-١-١-٨٧- مَرَكَبُ الْمُؤْمِنِ.....
١٨٦.....	١-١-١-٨٨- مُصَاحَبَةُ النِّعْمِ.....
١٨٦.....	١-١-١-٨٩- مُعَاوَنَةُ الْإِخْوَانِ.....
١٨٨.....	١-١-١-٩٠- الْمَعْرِفَةُ، حَقُّ الْمَعْرِفَةِ.....
١٨٨.....	١-١-١-٩١- الْمَعْرِفَةُ بِالْإِحْسَانِ.....
١٨٨.....	١-١-١-٩٢- الْمَعْرِفَةُ بِأَنَّ النِّعْمَةَ مِنْ اللَّهِ وَ رَاجِعَ الْعِلْمُ بِأَنَّ النِّعْمَةَ مِنْ اللَّهِ وَ، رُؤْيَةُ النِّعْمَةِ مِنْ اللَّهِ.....
١٩٠.....	١-١-١-٩٣- الْمَعْرِفَةُ وَالْعِلْمُ بِأَنَّ نِعْمَةَ الشُّكْرِ مِنْ اللَّهِ.....
١٩٠.....	١-١-١-٩٤- مَعْرِفَةُ حَقِّ النِّعْمَةِ.....
١٩٠.....	١-١-١-٩٥- الْمَعْرِفَةُ بِالتَّقْصِيرِ.....
١٩٢.....	١-١-١-٩٦- الْمُكَافَأَةُ.....
١٩٤.....	١-١-١-٩٧- نَشْرُ النِّعْمَةِ.....
١٩٤.....	١-١-١-٩٨- النُّصْحُ لِأَوَّلَى الْأَمْرِ.....
١٩٤.....	١-١-١-٩٩- النَّصِيحَةُ.....
١٩٤.....	١-١-١-١٠٠- النُّصْرَةُ.....
١٩٦.....	١-١-١-١٠١- النَّظَرُ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَهُ فِي ذُنْبَاهُ وَإِلَى مَنْ فَوْقَهُ فِي دِينِهِ.....
١٩٦.....	١-١-١-١٠٢- النِّعْمَةُ.....
١٩٦.....	١-١-١-١٠٣- الْوَرَعُ.....
١٩٦.....	١-١-١-١٠٤- وَظِيفَةُ حَقِّ اللَّهِ.....
١٩٦.....	١-١-١-١٠٥- الْوَفَاءُ.....
١٩٦.....	١-١-١-١٠٦- الْوِلَايَةُ.....

﴿فهرست﴾

۱۸۳.....	۱-۱-۱-۷۵ به کارگرفتن نعمت با شکر
۱۸۳.....	۱-۱-۱-۷۶ پذیرش
۱۸۳.....	۱-۱-۱-۷۷ تقدیر به واسطه‌ی قضا و قدر الهی
۱۸۳.....	۱-۱-۱-۷۸ به جای آوردن حق احسان
۱۸۳.....	۱-۱-۱-۷۹ به جای آوردن واجبات فوت شده
۱۸۳.....	۱-۱-۱-۸۰ قناعت، رضایت به آنچه که قسمت شده است
۱۸۵.....	۱-۱-۱-۸۱ به پاخواستن برای اداکردن حقوق نعمت
۱۸۵.....	۱-۱-۱-۸۲ زبان ضمیر
۱۸۵.....	۱-۱-۱-۸۳ آنچه ثروتمند به آن امتحان می‌شود
۱۸۵.....	۱-۱-۱-۸۴ آنچه به واسطه‌ی آن عقل پر می‌شود
۱۸۷.....	۱-۱-۱-۸۵ اصل نعمت‌ها
۱۸۷.....	۱-۱-۱-۸۶ همنشینی با نعمت
۱۸۷.....	۱-۱-۱-۸۷ آنچه مؤمن بر آن سوار می‌شود
۱۸۷.....	۱-۱-۱-۸۸ همراهی با نعمت‌ها
۱۸۷.....	۱-۱-۱-۸۹ یاری‌رساندن به برادران
۱۸۹.....	۱-۱-۱-۹۰ شناخت، حق شناخت
۱۸۹.....	۱-۱-۱-۹۱ شناخت به واسطه‌ی نیکی
۱۸۹.....	۱-۱-۱-۹۲ شناخت به اینکه نعمت از جانب خداست و ر.به: دانستن اینکه نعمت از جانب خداست
۱۹۱.....	۱-۱-۱-۹۳ آگاهی و دانستن اینکه نعمت شکرکردن از جانب خداست
۱۹۱.....	۱-۱-۱-۹۴ شناخت حق نعمت
۱۹۱.....	۱-۱-۱-۹۵ ناتوانی از شناخت
۱۹۳.....	۱-۱-۱-۹۶ عقوبت
۱۹۵.....	۱-۱-۱-۹۷ توزیع نعمت
۱۹۵.....	۱-۱-۱-۹۸ خیرخواهی برای سرپرستان و صاحبان ولایت
۱۹۵.....	۱-۱-۱-۹۹ خیرخواهی
۱۹۵.....	۱-۱-۱-۱۰۰ یاری
۱۹۷.....	۱-۱-۱-۱۰۱ نگاه به کسی که جایگاه دنیوی‌اش از او پست‌تر و دینش در مرتبه‌ی والاتری قرار دارد
۱۹۷.....	۱-۱-۱-۱۰۲ نعمت
۱۹۷.....	۱-۱-۱-۱۰۳ پرهیز از گناه
۱۹۷.....	۱-۱-۱-۱۰۴ ادای حق واجب خدا
۱۹۷.....	۱-۱-۱-۱۰۵ وفا
۱۹۷.....	۱-۱-۱-۱۰۶ ولایت

﴿الفهرس﴾

١٩٨.....	١-١-٢- المَعْرِفَةُ مِنْ خِلَالِ الْمُرَادِفَاتِ وَالْكَلِمَاتِ قَرِيبَةِ الْمَعْنَى
١٩٨.....	١-١-٢-١- الثَّنَاءُ
٢٠٢.....	١-١-٢-٢- التَّحَدُّثُ بِالنَّعَمِ
٢٠٢.....	١-١-٢-٣- إِحْصَاءُ الثَّنَاءِ وَالْأَيَادِي، إغْتِدَادُهُ وَصَفُهُ
٢٠٢.....	١-١-٢-٤- الْحَمْدُ
٢٠٨.....	١-١-٢-٥- الذِّكْرُ (ذِكْرُ الْمُحَامِدِ، ذِكْرُ الْمَعْرُوفِ، ذِكْرُ الْجَمِيلِ)
٢٠٨.....	١-١-٢-٦- التَّسْبِيحُ
٢٠٨.....	١-١-٢-٧- الإِغْتِدَادُ بِالنَّعْمَاءِ راجع: الإِحْصَاءُ
٢١٠.....	١-١-٢-٨- التَّعْظِيمُ
٢١٠.....	١-١-٢-٩- التَّكْبِيرُ
٢١٠.....	١-١-٢-١٠- التَّجْجِيدُ
٢١٠.....	١-١-٢-١١- الْمَدْحُ
٢١٠.....	١-١-٢-١٢- النَّشْرُ، نَشْرُ الْعَوَارِفِ
٢١٠.....	١-١-٢-١٣- التَّهْلِيلُ
٢١٠.....	١-١-٢-١٤- وَصْفُ الْمُنَنِ راجع: الإِحْصَاءُ
٢١٠.....	١-١-٣- المَعْرِفَةُ مِنْ خِلَالِ الْأَضْدَادِ
٢١٠.....	١-١-٣-١- الْكُفْرَانُ
٢٢٠.....	١-١-٣-٢- جُحُودُ الْمُنْعَمِ بِهَا
٢٢٢.....	١-١-٣-٣- الْجَهْلُ
٢٢٢.....	١-١-٣-٤- الْحَرْصُ
٢٢٢.....	١-١-٣-٥- الْمُخَالَفَةُ راجع: الْمَعْصِيَةُ
٢٢٢.....	١-١-٣-٦- الْإِسْتِذْرَاجُ
٢٢٢.....	١-١-٣-٧- الشُّرْكُ
٢٢٢.....	١-١-٣-٨- تَضْيِيعُ الْحَقِّ
٢٢٤.....	١-١-٣-٩- عِبَادَةُ التُّجَّارِ وَعِبَادَةُ الْعَبِيدِ
٢٢٤.....	١-١-٣-١٠- الْمَعْصِيَةُ
٢٢٤.....	١-١-٣-١١- التَّقْصِيرُ وَالْإِهْمَالُ
٢٢٦.....	١-١-٣-١٢- اللَّؤْمُ
٢٢٦.....	١-١-٣-١٣- الْمَنْعُ لِحَقُوقِ اللَّهِ
٢٢٦.....	١-١-٣-١٤- الْإِنْتِهَامُ
٢٢٦.....	١-١-٤- المَعْرِفَةُ مِنْ خِلَالِ صِفَاتِ الرَّفِيقِ وَالْقَرِينِ
٢٢٦.....	١-١-٤-١- الشُّكْرُ وَالْحَمْدُ
٢٢٦.....	١-١-٤-١-١- الْحَمْدُ شُكْرٌ

﴿فهرست﴾

۱۹۹.....	۱-۱-۲- شناخت از طریق مترادفات و کلماتی با معنای نزدیک به شکر.....
۱۹۹.....	۱-۱-۲-۱- تحسین.....
۲۰۳.....	۱-۱-۲-۲- سخن گفتن از نعمت.....
۲۰۳.....	۱-۱-۲-۳- یادکرد موارد تحسین برانگیز و نعمت‌ها، شمارش و توصیف آن.....
۲۰۳.....	۱-۱-۲-۴- ستایش.....
۲۰۹.....	۱-۱-۲-۵- یاد خدا، یاد ستوده ها، یاد نیکی‌ها، یاد پسندیده.....
۲۰۹.....	۱-۱-۲-۶- به پاکی یادکردن.....
۲۰۹.....	۱-۱-۲-۷- شمارش نعمت‌ها ربه: شمردن.....
۲۱۱.....	۱-۱-۲-۸- بزرگداشت.....
۲۱۱.....	۱-۱-۲-۹- بزرگ شمردن.....
۲۱۱.....	۱-۱-۲-۱۰- بزرگ شمردن.....
۲۱۱.....	۱-۱-۲-۱۱- ستایش.....
۲۱۱.....	۱-۱-۲-۱۲- پخش و گسترش، انتشار خوبی‌ها.....
۲۱۱.....	۱-۱-۲-۱۳- گفتن "لا اله الا الله".....
۲۱۱.....	۱-۱-۲-۱۴- توصیف نعمت‌ها ربه: شمردن.....
۲۱۱.....	۱-۱-۳- شناخت از طریق کلمات مخالف.....
۲۱۱.....	۱-۱-۳-۱- ناسپاسی.....
۲۲۱.....	۱-۱-۳-۲- ناسپاسی دهنده‌ی نعمت.....
۲۲۳.....	۱-۱-۳-۳- نادانی.....
۲۲۳.....	۱-۱-۳-۴- زیاده‌خواهی.....
۲۲۳.....	۱-۱-۳-۵- مخالفت ربه: گناه.....
۲۲۳.....	۱-۱-۳-۶- به دلیل اعمال زشت درجه‌درجه از خدا دور شدن.....
۲۲۳.....	۱-۱-۳-۷- شریک قائل شدن برای خدا.....
۲۲۳.....	۱-۱-۳-۸- پایمال کردن حق.....
۲۲۵.....	۱-۱-۳-۹- عبادت کاسب کارانه و عبادت بردگان.....
۲۲۵.....	۱-۱-۳-۱۰- نافرمانی.....
۲۲۵.....	۱-۱-۳-۱۱- کوتاهی و سستی.....
۲۲۷.....	۱-۱-۳-۱۲- پستی.....
۲۲۷.....	۱-۱-۳-۱۳- عدم ادای حقوق خداوند.....
۲۲۷.....	۱-۱-۳-۱۴- تهمت‌زدن.....
۲۲۷.....	۱-۱-۴- شناخت از طریق صفات همراه و نزدیک.....
۲۲۷.....	۱-۱-۴-۱- شکر و ستایش.....
۲۲۷.....	۱-۱-۴-۱-۱- حمد همان شکر است.....

﴿الفهرس﴾

- ٢٢٨.....١-١-٤-١-١-١ الحَمْدُ رَأْسُ الشُّكْرِ
- ٢٢٨.....١-١-٤-١-١-٢ الحَمْدُ لِلَّهِ يَعْنِي: الشُّكْرُ لِلَّهِ
- ٢٢٨.....١-١-٤-١-١-٣ مَنْ حَمِدَ اللَّهَ فَقَدْ شَكَرَهُ
- ٢٢٨.....١-١-٤-١-١-٤ شُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ وَإِنْ عَظُمَتْ أَنْ تَحْمَدَ اللَّهَ
- ٢٢٨.....١-١-٤-١-١-٥ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ شُكْرَهَا قَبْلَ أَنْ يُحْمَدَ عَلَيْهَا
- ٢٢٨.....١-١-٤-١-١-٦ الحَمْدُ لَكَ بِمَا أَوْجَبْتَ عَلَيَّ مِنْ شُكْرِكَ
- ٢٢٨.....١-١-٤-١-٢ الحَمْدُ، أَدَاءُ لِلشُّكْرِ
- ٢٣٢.....١-١-٤-١-٢-١ أَحْمَدُكَ فَاجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ
- ٢٣٢.....١-١-٤-١-٢-٢ أَحْمَدُكَ فَقَدْ اصْطَنَعْتَ عِنْدِي مَا يَحِقُّ لَكَ بِهِ شُكْرِي
- ٢٣٢.....١-١-٤-١-٢-٣ حَمِدَ اللَّهَ وَهُوَ قَوْلُهُ لَيْنُ شُكْرْتُمْ
- ٢٣٤.....١-١-٤-١-٢-٤ حَمْدُ اللَّهِ، حَدُّ لِلشُّكْرِ
- ٢٣٤.....١-١-٤-١-٢-٥ قَوْلُ "الْحَمْدُ لِلَّهِ"، أَدَاءُ الشُّكْرِ
- ٢٣٤.....١-١-٤-١-٢-٦ قَوْلُ "الْحَمْدُ لِلَّهِ"، حَقُّ الشُّكْرِ
- ٢٣٤.....١-١-٤-١-٢-٧ قَوْلُ "الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ"، تَمَامُ الشُّكْرِ
- ٢٣٤.....١-١-٤-١-٣ تَقْدُمُ الْحَمْدِ عَلَى الشُّكْرِ
- ٢٣٤.....١-١-٤-١-٣-١ الحَمْدُ أَوَّلُ نَمِّ الشُّكْرِ
- ٢٣٦.....١-١-٤-١-٣-٢ فِي أَوَّلِ النُّعْمَةِ يَحْمَدُونَ وَفِي آخِرِهَا يَشْكُرُونَ
- ٢٣٦.....١-١-٤-١-٣-٣ إِتِّصَالَ الْحَمْدِ بِالشُّكْرِ
- ٢٣٦.....١-١-٤-١-٣-٤ حَمْدًا يَتَّبِعُ حَقِيقَةَ الشُّكْرِ
- ٢٣٦.....١-١-٤-١-٣-٥ حَمْدًا جَامِعًا لِشُكْرِكَ أَلْوَجِبِ
- ٢٣٦.....١-١-٤-١-٤ الحَمْدُ، عَلَامَةُ الشُّكْرِ
- ٢٣٦.....١-١-٤-١-٥ قَوْلُ الْحَمْدِ، مُصْدَقُ الشُّكْرِ
- ٢٣٨.....١-١-٤-١-٥-١ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى بَسْطِ لِسَانِي، أَفِيلْسَانِي هَذَا الْكَلَّ أَشْكُرُكَ
- ٢٣٨.....١-١-٤-١-٥-٢ قُصُورُ الْمُحَامِدِ عَنِ الشُّكْرِ
- ٢٣٨.....١-١-٤-١-٥-٣ حَمْدُ الشَّاكِرِينَ
- ٢٣٨.....١-١-٤-١-٥-٤ حَمْدُ الشَّاكِرُونَ
- ٢٤٠.....١-١-٤-١-٤-٦ الشُّكْرُ، حَالٌ لِلْحَمْدِ
- ٢٤٠.....١-١-٤-١-٦-١ الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا، لَكَ الْحَمْدُ شُكْرًا
- ٢٤٢.....١-١-٤-١-٦-٢ أَحْمَدُهُ شَاكِرًا
- ٢٤٢.....١-١-٤-١-٦-٣ أَحْمَدُهُ شُكْرًا
- ٢٤٢.....١-١-٤-١-٦-٤ نَحْمَدُهُ شَاكِرِينَ
- ٢٤٢.....١-١-٤-١-٦-٥ يَحْمَدُ اللَّهَ شُكْرًا
- ٢٤٢.....١-١-٤-١-٦-٦ لَكَ الْحَمْدُ فِي الشُّكْرِ

﴿فهرست﴾

- ۱-۱-۴-۱-۱-۱ ستایش سر شکر است ۲۲۹
- ۱-۱-۴-۱-۱-۲ حمد مخصوص خداست یعنی: شکر مخصوص خداست ۲۲۹
- ۱-۱-۴-۱-۱-۳ کسی که خدا را ستایش کند شکر او را به جای آورده است ۲۲۹
- ۱-۱-۴-۱-۱-۴ شکر هر نعمتی هر چند بزرگ باشد آن است که خدا راستایش کنی ۲۲۹
- ۱-۱-۴-۱-۱-۵ خداوند قبل از اینکه ستوده شود، تشکر از او را بر خود واجب کرده است ۲۲۹
- ۱-۱-۴-۱-۱-۶ بر آنچه که شکرش را بر من واجب کردی، ستایش مخصوص توست ۲۲۹
- ۱-۱-۴-۱-۲ ستایش، ادای شکر است ۲۲۹
- ۱-۱-۴-۱-۲-۱ تو را می ستایم، پس ما را از شاکرین قرار ده ۲۳۳
- ۱-۱-۴-۱-۲-۲ تو را می ستایم، زیرا به من احسانی کرده ای که سزاوار سپاسگزاری هستی ۲۳۳
- ۱-۱-۴-۱-۲-۳ خداوند را ستود و این کلام خداوند است که "اگر شکر کنید..." ۲۳۳
- ۱-۱-۴-۱-۲-۴ ستایش خداوند، نهایت شکر است ۲۳۵
- ۱-۱-۴-۱-۲-۵ عبارت "ستایش مخصوص خداوند است"، ادای شکر است ۲۳۵
- ۱-۱-۴-۱-۲-۶ عبارت "حمد و ستایش مخصوص خداوند است"، ادای حق شکر است ۲۳۵
- ۱-۱-۴-۱-۲-۷ عبارت "حمد مخصوص پروردگار جهانیان است"، تمام شکر است ۲۳۵
- ۱-۱-۴-۱-۳ تقدم ستایش بر شکر ۲۳۵
- ۱-۱-۴-۱-۳-۱ اول حمد سپس شکر ۲۳۵
- ۱-۱-۴-۱-۳-۲ در ابتدای نعمت حمد می کنند و در آخر آن شکر می کنند ۲۳۷
- ۱-۱-۴-۱-۳-۳ همراه بودن حمد با شکر ۲۳۷
- ۱-۱-۴-۱-۳-۴ حمد به حقیقت شکر می رساند ۲۳۷
- ۱-۱-۴-۱-۳-۵ برای شکر واجب تو حمد جامعی آماده کرده ام ۲۳۷
- ۱-۱-۴-۱-۴ حمد، علامت شکر است ۲۳۷
- ۱-۱-۴-۱-۵ زبان به حمد گشودن، مصداق شکر است ۲۳۷
- ۱-۱-۴-۱-۵-۱ ستایش مخصوص توست به خاطر گشودن زبانم، آیا می توانم با زبان ناتوانم شکر تو را به جای آورم؟ ۲۳۹
- ۱-۱-۴-۱-۵-۲ کوتاهی ستایش ها از ادای شکر ۲۳۹
- ۱-۱-۴-۱-۵-۳ حمد شاکران ۲۳۹
- ۱-۱-۴-۱-۵-۴ شکرگزاران او را سپاس گزارده اند ۲۳۹
- ۱-۱-۴-۱-۶ شکر در حالی که سپاس می گزاریم ۲۴۱
- ۱-۱-۴-۱-۶-۱ خدا را شاکرانه ستایش می کنم ۲۴۱
- ۱-۱-۴-۱-۶-۲ او را شاکرانه ستایش می کنم ۲۴۳
- ۱-۱-۴-۱-۶-۳ به عنوان ستایش او را می ستایم ۲۴۳
- ۱-۱-۴-۱-۶-۴ او را شاکرانه می ستایم ۲۴۳
- ۱-۱-۴-۱-۶-۵ به عنوان ستایش او را می ستاید ۲۴۳
- ۱-۱-۴-۱-۶-۶ در نعمت شکر، ستایش مخصوص توست ۲۴۳

﴿فهرست﴾

- ۲۴۳..... ۱-۱-۴-۱-۶-۷ ستایش مخصوص توست، همان گونه که سپاسگزاری می شوی
- ۲۴۳..... ۱-۱-۴-۱-۷-۱ شکر حمد و حمد بر شکر
- ۲۴۵..... ۱-۱-۴-۱-۷-۱ شکر حمد
- ۲۴۵..... ۱-۱-۴-۱-۷-۲ حمد بر شکر
- ۲۴۵..... ۱-۱-۴-۱-۸-۱ حمد همراه و مترادف شکر است
- ۲۴۵..... ۱-۱-۴-۱-۸-۱ ما صبح را آغاز کردیم درحالی که برای خدا شاکریم و شب را آغاز کردیم در حالی که خدا را ستایشگریم
- ۲۴۷..... ۱-۱-۴-۱-۸-۲ خدا را ستایش کن و از او سپاسگزاری کن
- ۲۴۷..... ۱-۱-۴-۱-۸-۳ تو را می ستایم و تو را شکر می کنم
- ۲۴۷..... ۱-۱-۴-۱-۸-۴ او را می ستایم و او را شکر می کنم
- ۲۴۹..... ۱-۱-۴-۱-۸-۵ خدا را بستایید و سپاسگزاری کنید
- ۲۴۹..... ۱-۱-۴-۱-۸-۶ خدا را ستایش و از او سپاسگزاری کن
- ۲۴۹..... ۱-۱-۴-۱-۸-۷ خدا را ستایش و از او سپاسگزاری کنید
- ۲۴۹..... ۱-۱-۴-۱-۸-۸ در حال شکر و در حال حمد
- ۲۵۱..... ۱-۱-۴-۱-۸-۹ ستایشگران سپاسگزار
- ۲۵۱..... ۱-۱-۴-۱-۸-۱۰ حمد و شکر
- ۲۵۳..... ۱-۱-۴-۱-۸-۱۱ حمد و شکر
- ۲۵۵..... ۱-۱-۴-۱-۸-۱۲ حمد و شکر
- ۲۵۵..... ۱-۱-۴-۱-۸-۱۳ خدا را ستودند و شکر گزارند
- ۲۵۵..... ۱-۱-۴-۱-۸-۱۴ خدا را ستود و سپاسگزاری کرد
- ۲۵۷..... ۱-۱-۴-۱-۸-۱۵ خدا را ستود و سجدهی شکر به جا آورد
- ۲۵۷..... ۱-۱-۴-۱-۸-۱۶ تو را می ستایم و تو را شکر می کنم
- ۲۵۷..... ۱-۱-۴-۱-۸-۱۷ او را می ستایم و او را شکر می کنم
- ۲۵۷..... ۱-۱-۴-۱-۸-۱۸ حمد تو و شکر تو
- ۲۵۷..... ۱-۱-۴-۱-۸-۱۹ شکر او و حمد او
- ۲۵۹..... ۱-۱-۴-۱-۸-۲۰ حمدشان و شکرشان
- ۲۵۹..... ۱-۱-۴-۱-۸-۲۱ حمد من و شکر من
- ۲۵۹..... ۱-۱-۴-۱-۸-۲۲ مورد ستایش و مورد سپاس
- ۲۵۹..... ۱-۱-۴-۱-۸-۲۳ او را می ستاید و شکر می کند
- ۲۶۱..... ۱-۱-۴-۱-۹-۱ تفاوت های بین حمد و شکر
- ۲۶۱..... ۱-۱-۴-۱-۹-۱-۱ حمد بر آنچه آن را نمی پسندد، شکر بر آنچه دوست دارد
- ۲۶۱..... ۱-۱-۴-۱-۹-۱-۱ حمد بر سختی و تنگنا، شکر بر آسایش و آسانی
- ۲۶۱..... ۱-۱-۴-۱-۹-۱-۲ حمد بر آنچه می آزماید، شکر بر نعمت

﴿الفهرس﴾

﴿ ٢٤ ﴾

﴿فهرست﴾

۱-۱-۴-۱-۹-۱-۳	حمد بر امتحانت و شکر بر نعمت‌هایت.....	۲۶۱
۱-۱-۴-۱-۹-۱-۴	حمد بر امتحانش و شکر بر عطایش.....	۲۶۱
۱-۱-۴-۱-۹-۱-۵	حمد بر هر امری که اراده کردی، شکر بر آنچه لطف کردی...۲۶۱	۲۶۱
۱-۱-۴-۱-۹-۱-۶	حمد بر اینکه ما را از بلا و آسیب نگاه داشتی، شکر بر نعمت‌هایی که به ما بخشیده‌ای.....	۲۶۳
۱-۱-۴-۱-۹-۱-۷	ستایشگر بر آنچه نعمت و عافیت دادی، شکر گزار بر لطفی که کردی.....	۲۶۳
۱-۱-۴-۱-۹-۱-۲	حمد بر آنچه دوست دارد، شکر بر آنچه نمی‌پسندد.....	۲۶۳
۱-۱-۴-۱-۹-۲-۱	حمد بر آنچه ما را به آن هدایت کردی، شکر بر آنچه ما را به آن مبتلا کردی.....	۲۶۳
۱-۱-۴-۱-۹-۲-۱	حمد بر نعمت‌ها، شکر بر بلا.....	۲۶۳
۱-۱-۴-۱-۹-۲-۲	حمد بر نعمتی که دادی و شکر بر بلایی که فرستادی.....	۲۶۳
۱-۱-۴-۱-۹-۲-۳	به هر آنچه حکم کرده ستایش کرده‌شود، به هر آنچه آزمایش کند سپاسگزاری شود.....	۲۶۳
۱-۱-۴-۱-۹-۲-۴	اگر حاجتم روا کنی خدا را می‌ستاییم و شکر می‌کنیم، اگر آن را برآورده نکنی، خدا را شکر می‌کنیم و عذر تو را می‌پذیریم.....	۲۶۳
۱-۱-۴-۱-۹-۳	حمد بر آنچه دوست دارد و نیز شکر بر آنچه دوست ندارد.....	۲۶۵
۱-۱-۴-۱-۹-۳-۱	حمد بر احسان، شکر بر لطف.....	۲۶۵
۱-۱-۴-۱-۹-۳-۲	حمد بر احسان، شکر بر موفق‌شدن بر عمل خیر.....	۲۶۵
۱-۱-۴-۱-۹-۳-۳	حمد بر آنچه به ما الهام کرد، شکر بر آنچه به ما عطا کرد.....	۲۶۵
۱-۱-۴-۱-۹-۳-۴	حمد بر نعمت‌ها، شکر بر روزی.....	۲۶۵
۱-۱-۴-۱-۹-۳-۵	به حمدش زبان باز کرد و به شکرش الهام کرد.....	۲۶۵
۱-۱-۴-۱-۹-۳-۶	حمد بر نعمت‌هایش و شکر بر الطافش.....	۲۶۵
۱-۱-۴-۱-۹-۳-۷	حمد بر نعمت و شکر بر احسانت.....	۲۶۷
۱-۱-۴-۱-۹-۳-۸	حمد بر نعمت‌هایت، کر بر بخشش‌هایت.....	۲۶۷
۱-۱-۴-۱-۹-۳-۹	حمد بر هر نعمت، شکر بر هر آسایش.....	۲۶۷
۱-۱-۴-۱-۹-۳-۱۰	ستایش بر نعمت، شکر بر عطا.....	۲۶۷
۱-۱-۴-۱-۹-۳-۱۱	حمد بر آنچه نعمت داد، شکر بر آنچه الهام کرد.....	۲۶۷
۱-۱-۴-۱-۹-۳-۱۲	ستایش بر نعمت، شکر بر عظمت.....	۲۶۷
۱-۱-۴-۱-۹-۳-۱۳	ستایش بر هدایت، شکر بر نعمت.....	۲۶۷
۱-۱-۴-۱-۹-۳-۱۴	ستایش بر الهام، شکر بر دربرگرفته‌شدن با نعمت.....	۲۶۷
۱-۱-۴-۱-۹-۳-۱۵	شکر بر آنچه نعمت دادی، ستایش بر آنچه عطا کردی.....	۲۶۹
۱-۱-۴-۱-۹-۳-۱۶	حمد بر آنچه به ما نعمت داد و شکر بر آنچه به ما عطا کرد.....	۲۶۹
۱-۱-۴-۱-۹-۴	حمد بر حسن نیت، شکر بر هدیه‌ی زیبا.....	۲۶۹
۱-۱-۴-۱-۹-۵	حمد بر نعمت‌ها، شکر بر پروردگار.....	۲۶۹
۱-۱-۴-۱-۹-۵-۱۷	از شاکرین پرودگارت و از ستایشگران نعمت‌هایش باش.....	۲۶۹
۱-۱-۴-۱-۹-۵-۱۸	حمد بر لطف، شکر بر پرودگار.....	۲۶۹

﴿الفهرس﴾

(28)

﴿فهرست﴾

- ۱۹-۱-۴-۱-۹۵-۱ با نعمت‌های توست که ستایشگران ستایش می‌کنند و از
 قدردانی توست که شاکران شکر می‌کنند ۲۶۹
- ۹-۱-۴-۱-۹۹-۱ حمد بر تقدیر، شکر بر قضای حتمی ۲۶۹
- ۱۰-۱-۴-۱-۹۹-۱ حمد ما اندک، شکر ما کوتاه و کم ۲۷۱
- ۱۱-۱-۴-۱-۹۹-۱ خداوند دوست‌دارد ستوده‌شود و نعمت را برآن که شکر کند بیافزاید... ۲۷۱
- ۱۲-۱-۴-۱-۹۹-۱ حمد نعمت را ثابت می‌کند و شکر موجب زیادشدن نعمت می‌شود... ۲۷۱
- ۱۳-۱-۴-۱-۹۹-۱ خداوند ستودنی است و شکرکننده‌ی شاکر ۲۷۱
- ۱۴-۱-۴-۱-۹۹-۱ حمد او رفیع است شکر او بر همه‌چیز احاطه دارد..... ۲۷۱
- ۱۵-۱-۴-۱-۹۹-۱ شکر او رستگاری است، حمد او عزت ۲۷۱
- ۱۶-۱-۴-۱-۹۹-۱ حمد دائم، شکر ریزنده ۲۷۱
- ۱۷-۱-۴-۱-۹۹-۱ حمد در آخرت و در دنیا، شکر در آغاز و پایان ۲۷۱
- ۱۸-۱-۴-۱-۹۹-۱ حمدی همراه با ستایش هر ستایشگر و شکری که شکر هیچ
 شکرگزاری به پای آن نرسد..... ۲۷۳
- ۱۹-۱-۴-۱-۹۹-۱ سپاس به تعداد همه‌ی نعمت‌ها، شکر بر گذر شب‌ها و روزها..... ۲۷۳
- ۲۰-۱-۴-۱-۹۹-۱ حمد به واسطه‌ی عبادات، شکر و سپاس بر نعمت ۲۷۳
- ۲۱-۱-۴-۱-۹۹-۱ کدام‌یک از حالات تندرستی و بیماری به شکرگزاری تو شایسته‌تر است
 و کدام‌یک از این دو هنگام برای ستایش تو سزاوارتر است؟ ۲۷۳
- ۲۲-۱-۴-۱-۹۹-۱ توانایی حمد، به‌جای آوردن شکر ۲۷۳
- ۲۳-۱-۴-۱-۹۹-۱ اعتراف به وجود نعمت، همان حمد است و اعتراف به عجز و ناتوانی از
 شکر، همان شکر..... ۲۷۳
- ۲۴-۱-۴-۱-۹۹-۱ ما صبح را آغاز کردیم درحالی که خدا را شاکریم و شب را آغاز کردیم
 درحالی که خدا را سپاسگزاریم ۲۷۳
- ۲۵-۱-۴-۱-۹۹-۱ ما را از کسانی قرار ده به هنگام غفلت دیگران تو را ستایش کند و به
 هنگام نادانی دیگران تو را سپاس گزارد..... ۲۷۵
- ۲-۱-۴-۱-۹۹-۱ شکر و ذکر ۲۷۵
- ۱-۱-۴-۲-۱-۹۹-۱ یاد مصداق شکر است..... ۲۷۵
- ۱-۱-۴-۲-۱-۹۹-۱ هرکس او را یاد کند شکر کرده است..... ۲۷۵
- ۲-۱-۴-۲-۱-۹۹-۱ اگر از خدا پروا کنید او را به بهترین صورت یاد کرده و شکر کرده‌اید..... ۲۷۵
- ۳-۱-۴-۲-۱-۹۹-۱ ذاکران در آغاز خدا را می‌ستایند و در پایان او را شکر می‌کنند..... ۲۷۵
- ۴-۱-۴-۲-۱-۹۹-۱ خدا را در آنچه شکرش را بر شما واجب کرده است بسیار یاد کنید..... ۲۷۵
- ۵-۱-۴-۲-۱-۹۹-۱ کسی که به نیکویی صاحب احسان را یاد کند، شکر آن را به جای آورده..... ۲۷۵
- ۶-۱-۴-۲-۱-۹۹-۱ در میان اعضا از چشم ناسپاس‌تر نیست، زیرا از یاد خدا بازتان می‌دارد..... ۲۷۵
- ۷-۱-۴-۲-۱-۹۹-۱ شاکر و ذاکر ۲۷۷
- ۸-۱-۴-۲-۱-۹۹-۱ منزّه است یادکننده‌ای که چه بسیار شکر می‌کند..... ۲۷۷
- ۲-۱-۴-۲-۱-۹۹-۱ نزدیکی و هم معنایی بین یاد و شکر ۲۷۷

﴿الفهرس﴾

٢٧٦.....	١-١-٤-٢-٢-١- أذْكُرُونِي وَاشْكُرُوا لِي.....
٢٧٦.....	١-١-٤-٢-٢-٢- مَنْ أَرَادَ أَنْ يَذْكُرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا.....
٢٧٦.....	١-١-٤-٢-٢-٣- يَذْكُرُهُ وَيَشْكُرُهُ.....
٢٧٦.....	١-١-٤-٢-٢-٤- ذَاكِرًا شَاكِرًا.....
٢٧٦.....	١-١-٤-٢-٢-٥- الذِّكْرُ وَ الشُّكْرُ.....
٢٧٦.....	١-١-٤-٢-٢-٦- ذِكْرُكَ وَ شُكْرُكَ.....
٢٨٠.....	١-١-٤-٢-٢-٧- ذِكْرُهُ وَ شُكْرُهُ.....
٢٨٢.....	١-١-٤-٢-٢-٨- ذِكْرُهَا وَ شُكْرُهَا.....
٢٨٢.....	١-١-٤-٢-٢-٩- طَوَى أَتْنَاءَ ذِكْرِهِ عَظِيمَ شُكْرِهِ.....
٢٨٢.....	١-١-٤-٢-٣- مَوَارِدُ الْإِخْتِلَافِ بَيْنَ الذِّكْرِ وَ الشُّكْرِ.....
٢٨٢.....	١-١-٤-٢-٣-١- الذِّكْرُ بِالسَّانِ وَ الشُّكْرُ بِالْقَلْبِ.....
٢٨٤.....	١-١-٤-٢-٣-٢- الذِّكْرُ بِالْقَلْبِ، الشُّكْرُ بِالسَّنِّ.....
٢٨٤.....	١-١-٤-٢-٣-٣- الذِّكْرُ بِالْقَلْبِ، الشُّكْرُ بِالْأَبْدَانِ.....
٢٨٤.....	١-١-٤-٢-٣-٤- بِذِكْرِكَ أَسْتَفْتِجُ مَقَالِي، بِشُكْرِكَ أَسْتَنْجِجُ سُؤَالِي.....
٢٨٤.....	١-١-٤-٢-٣-٥- حَتِّكُمْ عَلَى الشُّكْرِ، إِفْتِرَاضَ عَلَيْكُمْ الذِّكْرَ.....
٢٨٤.....	١-١-٤-٢-٣-٦- الشُّكْرُ فِي الرَّغْبَةِ، الذِّكْرُ فِي الرَّهْبَةِ.....
٢٨٤.....	١-١-٤-٢-٣-٧- الْخُلُوءُ وَ الذِّكْرُ، النُّعْمَةُ وَ الشُّكْرُ.....
٢٨٤.....	١-١-٤-٢-٣-٨- إِيْزَاجُ الشُّكْرِ، رِزْقُ الذِّكْرِ وَ إِيْهَامُ الذِّكْرِ.....
٢٨٤.....	١-١-٤-٢-٣-٩- إِيْهَامُ الشُّكْرِ وَ إِرَادَةُ الذِّكْرِ.....
٢٨٦.....	١-١-٤-٢-٣-١٠- نِسْيَانُ الذِّكْرِ وَ الْإِنْصِرَافُ مِنَ الشُّكْرِ.....
٢٨٦.....	١-١-٤-٢-٣-١١- إِيْجْعَلْ غَفْلَةَ النَّاسِ لَنَا ذِكْرًا وَ اجْعَلْ ذِكْرَهُمْ لَنَا شُكْرًا.....
٢٨٦.....	١-١-٤-٢-٣-١٢- الذِّكْرُ وَ النِّسْيَانُ، الشُّكْرُ وَ الْكُفْرَانُ.....
٢٨٦.....	١-١-٤-٢-٣-١٣- الذِّكْرُ وَ النِّسْيَانُ، الشُّكْرُ وَ الْجَهْلُ.....
٢٨٦.....	١-١-٤-٢-٣-١٤- كَثْرَةُ الذِّكْرِ وَ تَنَاقُصُ الشُّكْرِ.....
٢٨٦.....	١-١-٤-٢-٣-١٥- كَثْرَةُ الذِّكْرِ وَ دَوَامُ الشُّكْرِ.....
٢٨٦.....	١-١-٤-٢-٣-١٦- دَوَامُ الذِّكْرِ وَ تَعْظِيمُ الشُّكْرِ.....
٢٨٨.....	١-١-٤-٢-٣-١٧- إِيْجْعَلْنِي مِمَّنْ يُدِيمُ ذِكْرَكَ وَ لَا يَفْعَلُ عَنْ شُكْرِكَ.....
٢٨٨.....	١-١-٤-٢-٣-١٨- لَا يُخْصَى ذِكْرُهُ وَ لَا يُؤَدَّى شُكْرُهُ.....
٢٨٨.....	١-١-٤-٢-٣-١٩- حَلَاوَةُ الذِّكْرِ، آدَاءُ الشُّكْرِ.....
٢٨٨.....	١-١-٤-٢-٣-٢٠- أَنْشُرْهُ وَ أَطْوِيهِ مِنْ شُكْرِكَ، أَعِيدْهُ وَ أَبْدِيهِ فِي ذِكْرِكَ.....
٢٨٨.....	١-١-٤-٢-٣-٢١- ذَكَرَكَ فَادْكُرْهُ وَ أَقَالَكَ فَاشْكُرْهُ.....
٢٨٨.....	١-١-٤-٢-٣-٢٢- الذَّاكِرُ لِمَنْ ذَكَرَكَ، الشَّاكِرُ لِمَنْ شَكَرَكَ.....
٢٨٨.....	١-١-٤-٢-٣-٢٣- إِذَا ذُكِرَ ذَكَرَ وَ إِذَا أُعْطِيَ شَكَرَ.....

﴿فهرست﴾

۲۷۷.....	۱-۱-۴-۲-۲-۱- یاد کنید مرا و شکر کنید مرا.....
۲۷۷.....	۱-۱-۴-۲-۲-۲- کسی که بخواهد یادآور شود یا بخواهد شکر الهی را به جا آورد.....
۲۷۷.....	۱-۱-۴-۲-۲-۳- او را یاد می‌کند و شکرش را به‌جای می‌آورد.....
۲۷۷.....	۱-۱-۴-۲-۲-۴- یادکننده‌ی شکرگزار.....
۲۷۷.....	۱-۱-۴-۲-۲-۵- ذکر و شکر.....
۲۷۷.....	۱-۱-۴-۲-۲-۶- یاد تو و شکر تو.....
۲۸۱.....	۱-۱-۴-۲-۲-۷- یادش و شکرش.....
۲۸۳.....	۱-۱-۴-۲-۲-۸- یادش و شکرش.....
۲۸۳.....	۱-۱-۴-۲-۲-۹- ادای شکر بزرگ خود را در میان ذکر و یاد پیچیده است.....
۲۸۳.....	۱-۱-۴-۲-۲-۳- موارد تفاوت بین ذکر و شکر.....
۲۸۳.....	۱-۱-۴-۲-۳-۱- ذکر با زبان است و شکر با قلب.....
۲۸۵.....	۱-۱-۴-۲-۳-۲- ذکر با قلب است، شکر به زبان.....
۲۸۵.....	۱-۱-۴-۲-۳-۳- ذکر با قلب است، شکر با اندام‌ها.....
۲۸۵.....	۱-۱-۴-۲-۳-۴- با ذکر تو گفتارم را آغاز می‌کنم و با شکر تو حاجتم را می‌خواهم.....
۲۸۵.....	۱-۱-۴-۲-۳-۵- به شکرگزاری ترغیب‌تان کرد و یاد خود را بر شما واجب کرد.....
۲۸۵.....	۱-۱-۴-۲-۳-۶- شکر در شوق و رغبت است، ذکر در ترس.....
۲۸۵.....	۱-۱-۴-۲-۳-۷- خلوت و ذکر، نعمت و شکر.....
۲۸۵.....	۱-۱-۴-۲-۳-۸- الهام شکر، روزی‌شدن شکر.....
۲۸۵.....	۱-۱-۴-۲-۳-۹- الهام شکر و خواستن ذکر.....
۲۸۷.....	۱-۱-۴-۲-۳-۱۰- فراموشی ذکر و منصرف‌شدن از شکر.....
۲۸۷.....	۱-۱-۴-۲-۳-۱۱- غفلت مردم را موجب ذکر و آگاهی‌شان را موجب شکرمان قرارداد.....
۲۸۷.....	۱-۱-۴-۲-۳-۱۲- یاد و فراموشی، شکر و ناسپاسی.....
۲۸۷.....	۱-۱-۴-۲-۳-۱۳- یاد و فراموشی، شکر و نادانی.....
۲۸۷.....	۱-۱-۴-۲-۳-۱۴- فراوانی ذکر، پیاپی بودن شکر.....
۲۸۷.....	۱-۱-۴-۲-۳-۱۵- فراوانی ذکر، استمرار و دوام‌داشتن شکر.....
۲۸۷.....	۱-۱-۴-۲-۳-۱۶- دوام ذکر و عظیم‌شمردن شکر.....
۲۸۹.....	۱-۱-۴-۲-۳-۱۷- مرا از کسانی قرارده که دائماً به یادت بوده و از شکرت غافل نباشد.....
۲۸۹.....	۱-۱-۴-۲-۳-۱۸- ذکرش به شمارش درنیاید و شکرش به جای آورده نشود.....
۲۸۹.....	۱-۱-۴-۲-۳-۱۹- شیرینی ذکر، به جای آوردن شکر.....
۲۸۹.....	۱-۱-۴-۲-۳-۲۰- آنچه را که از شکرت پراکنده می‌کنم و یا در هم می‌پیچم، به سوی یادش بازمی‌گردم و آن را آغاز می‌کنم.....
۲۸۹.....	۱-۱-۴-۲-۳-۲۱- خدا یادت کرد یادش کن و از تو درگذشت شکرش کن.....
۲۸۹.....	۱-۱-۴-۲-۳-۲۲- یادکننده‌ی کسی که یادت کند سپاسگزار کسی که سپاست گوید.....
۲۸۹.....	۱-۱-۴-۲-۳-۲۳- هر گاه یاد شود، یاد کند و هر گاه به او عطا شود شکر کند.....

﴿الفهرس﴾

٢٨٨.....	١-١-٤-٢-٣-٢٤- دَاعِ شَاكِرٌ وَ مُسَبِّحٌ ذَاكِرٌ.....
٢٩٠.....	١-١-٤-٢-٣-٢٥- سُبْحَانَكَ يَا مَدْكُورُ تَعَالَيْتَ يَا مَشْكُورُ.....
٢٩٠.....	١-١-٤-٢-٣-٢٦- شُغْلُهُ الذِّكْرُ وَ هِمَّةُ الشُّكْرِ.....
٢٩٠.....	١-١-٤-٢-٣-٢٧- الذِّكْرُ لِلآلَاءِ، الشُّكْرُ عَلَى الْبَلَاءِ.....
٢٩٠.....	١-١-٤-٢-٣-٢٨- الشُّكْرُ لِلنِّعَمَاءِ، الذِّكْرُ لِلآلَاءِ وَ الْفَضْلُ.....
٢٩٠.....	١-١-٤-٢-٣-٢٩- الذِّكْرُ لِلآلَاءِ وَ الْمَحَامِدِ، الشُّكْرُ لِلَّهِ.....
٢٩٠.....	١-١-٤-٢-٣-٣٠- الذِّكْرُ بِالْمَنْ، الشُّكْرُ بِالْفَضْلِ.....
٢٩٢.....	١-١-٤-٣- الشُّكْرُ وَ الصَّبْرُ.....
٢٩٢.....	١-١-٤-٣-١- الْحَالُ الَّتِي تُوجِبُ الشُّكْرَ أَفْضَلُ مِنَ الْحَالِ الَّتِي تُوجِبُ الصَّبْرَ.....
٢٩٢.....	١-١-٤-٣-٢- مُشَابَهَةُ الشُّكْرِ وَ الصَّبْرِ.....
٢٩٢.....	١-١-٤-٣-٢-١- مَنْ شَكَرَ كَمَنْ صَبَرَ.....
٢٩٢.....	١-١-٤-٣-٢-٢- مَنْ لَمْ يَصْبِرْ كَمَنْ لَمْ يَشْكُرْ وَ مَنْ لَمْ يَشْكُرْ كَمَنْ لَمْ يَصْبِرْ.....
٢٩٢.....	١-١-٤-٣-٢-٣- أَجْرُ الشَّاكِرِينَ كَأَجْرِ الصَّابِرِينَ.....
٢٩٢.....	١-١-٤-٣-٢-٤- شُكْرُ الصَّابِرِينَ وَ صَبْرُ الشَّاكِرِينَ.....
٢٩٤.....	١-١-٤-٣-٢-٥- مَنْ صَبَرَ أَعْطَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ الشَّاكِرِينَ.....
٢٩٤.....	١-١-٤-٣-٢-٦- الْإِيمَانُ نِصْفَانُ نِصْفُ فِي الصَّبْرِ وَ نِصْفُ فِي الشُّكْرِ.....
٢٩٤.....	١-١-٤-٣-٢-٧- الصَّبْرُ عَلَى الْبَلَاءِ، مِنْ مَصَادِقِ الشُّكْرِ.....
٢٩٤.....	١-١-٤-٣-٢-٨- ذِكْرُ الشُّكْرِ وَ الصَّبْرِ مَعًا.....
٢٩٨.....	١-١-٤-٣-٣- الْفُرُوقُ بَيْنَ الشُّكْرِ وَ الصَّبْرِ.....
٢٩٨.....	١-١-٤-٣-٣-١- الشُّكْرُ بِالْقَلْبِ، الصَّبْرُ بِالْبَدَنِ.....
٢٩٨.....	١-١-٤-٣-٣-٢- إِسْتِدَامَةُ النِّعْمَةِ بِالشُّكْرِ وَ إِرْتِجَاعُ فَائِئَتِهَا بِالصَّبْرِ.....
٢٩٨.....	١-١-٤-٣-٣-٣- إِلْهَامُ الصَّبْرِ، إِيْزَاعُ وَ طَوْقُ الشُّكْرِ.....
٣٠٠.....	١-١-٤-٣-٣-٤- دَوَامُ الشُّكْرِ، عَظَمَةُ وَ لُزُومُ الصَّبْرِ.....
٣٠٠.....	١-١-٤-٣-٣-٥- الْبَلَاءُ وَ الْكَرْبُ وَ اللَّأْوَاءُ وَ الْمَنْعُ، مَوْضِعُ الصَّبْرِ لِلْعَامَّةِ، مَوْضِعُ الشُّكْرِ لِلْأَوْلِيَاءِ.....
٣٠٢.....	١-١-٤-٣-٣-٦- إِنَّ أَيُّوبَ مِصْدَاقُ الصَّبْرِ وَ آلُ دَاوُدَ مِصْدَاقُ الشُّكْرِ.....
٣٠٢.....	١-١-٤-٣-٣-٧- الشُّكْرُ عَلَى الرَّخَاءِ وَ الْمَحْبُوبِ، الصَّبْرُ عَلَى الْبَلَاءِ وَ الْمَكْرُوهِ.....
٣٠٢.....	١-١-٤-٣-٣-٧-١- الشُّكْرُ عَلَى الْإِيَادَى، الصَّبْرُ عَلَى الْإِذَى.....
٣٠٢.....	١-١-٤-٣-٣-٧-٢- الشُّكْرُ عَلَى الْإِلَاءِ، الصَّبْرُ عَلَى الدَّوَاهِي.....
٣٠٢.....	١-١-٤-٣-٣-٧-٣- الشُّكْرُ عَلَى الْحَلَالِ، الصَّبْرُ عَلَى الْحَرَامِ.....
٣٠٢.....	١-١-٤-٣-٣-٧-٤- الشُّكْرُ عَلَى الْخَيْرِ، الصَّبْرُ عَلَى الْمُصِيبَةِ.....
٣٠٢.....	١-١-٤-٣-٣-٧-٥- الشُّكْرُ فِي الرَّخَاءِ، الصَّبْرُ فِي الْبَلَاءِ.....
٣٠٤.....	١-١-٤-٣-٣-٧-٦- الشُّكْرُ عَلَى الرَّخَاءِ، الصَّبْرُ عَلَى الْجُوعِ.....

﴿فهرست﴾

۲۸۹.....	۱-۱-۴-۲-۳-۲۴- دعاکننده‌ی شاکر و تسبیح‌کننده‌ی ذاکر
۲۸۵-۱-۱-۴-۲-۳-۲۵-	پاک و منزهی تو ای یاد شده، رفیع و والا مقام هستی ای
۲۹۱.....	سپاسگزاری شده.....
۲۹۱.....	۱-۱-۴-۲-۳-۲۶- اشتغالش ذکر و اهتمامش شکر است.....
۲۹۱.....	۱-۱-۴-۲-۳-۲۷- یاد در نعمت‌ها، شکر در هنگام بلا.....
۲۹۱.....	۱-۱-۴-۲-۳-۲۸- شکر برای نعمت‌ها، یاد برای بخشش‌ها و احسان.....
۲۹۱.....	۱-۱-۴-۲-۳-۲۹- یاد در نعمت‌ها و ستایش‌ها، شکر از آن خدا.....
۲۹۱.....	۱-۱-۴-۲-۳-۳۰- یاد به واسطه‌ی نعمت‌ها، شکر به واسطه‌ی احسان.....
۲۹۳.....	۱-۱-۴-۳- شکر و صبر.....
۲۹۳.....	۱-۱-۴-۳-۱- حالی که موجب شکر شود از حالی که موجب صبر شود برتر است.....
۲۹۳.....	۱-۱-۴-۳-۲- تشابه شکر و صبر.....
۲۹۳.....	۱-۱-۴-۳-۲-۱- کسی که شکر کند همانند کسی است که صبر کند.....
۲۹۳.....	۱-۱-۴-۳-۲-۲- کسی که صبر نمی‌کند همانند کسی است که شکر نمی‌کند، و کسی که شکر نمی‌کند همانند کسی است که صبر نمی‌کند.....
۲۹۳.....	۱-۱-۴-۳-۲-۳- پاداش شاکران همانند پاداش صابران است.....
۲۹۳.....	۱-۱-۴-۳-۲-۴- شکر صابران و صبر شاکران.....
۲۹۵.....	۱-۱-۴-۳-۲-۵- کسی که صبر کند خداوند ثواب شاکران را به او عطا می‌کند.....
۲۹۵.....	۱-۱-۴-۳-۲-۶- ایمان دو نیمه دارد، نصف آن در صبر و نصف آن در شکر است.....
۲۹۵.....	۱-۱-۴-۳-۲-۷- صبر هنگام بلا از مصادیق شکر است.....
۲۹۵.....	۱-۱-۴-۳-۲-۸- ذکر شکر و صبر با هم.....
۲۹۹.....	۱-۱-۴-۳-۳- تفاوت‌های بین شکر و صبر.....
۲۹۹.....	۱-۱-۴-۳-۳-۱- شکر با قلب، صبر با بدن.....
۲۹۹.....	۱-۱-۴-۳-۳-۲- پایداری نعمت از طریق شکر و بازگرداندن از دست رفته‌ی آن نعمت با صبر کردن.....
۲۹۹.....	۱-۱-۴-۳-۳-۳- الهام کردن صبر، الهام کردن و بر گردن آویختن شکر.....
۳۰۱.....	۱-۱-۴-۳-۳-۴- استمرار شکر، بزرگی و لزوم صبر.....
۳۰۱.....	۱-۱-۴-۳-۳-۵- بلا و سختی و آزار و محرومیت، محل صبر برای عامه است و لیکن موضع شکر برای اولیای خداست.....
۳۰۳.....	۱-۱-۴-۳-۳-۶- ایوب مصداق صبر و آل داود مصداق شکر است.....
۳۰۳.....	۱-۱-۴-۳-۳-۷- شکر در آسایش و دوست داشتنی‌هاست، و صبر در بلا و ناپسند.....
۳۰۳.....	۱-۱-۴-۳-۳-۷-۱- شکر بر نعمت‌ها، صبر بر اذیت‌ها.....
۳۰۳.....	۱-۱-۴-۳-۳-۷-۲- شکر بر نعمت‌ها، صبر بر مصیبت‌ها.....
۳۰۳.....	۱-۱-۴-۳-۳-۷-۳- شکر بر حلال، صبر بر حرام.....
۳۰۳.....	۱-۱-۴-۳-۳-۷-۴- شکر بر خیر، صبر بر مصیبت.....
۳۰۳.....	۱-۱-۴-۳-۳-۷-۵- شکر بر گشایش، صبر در بلا.....
۳۰۵.....	۱-۱-۴-۳-۳-۷-۶- شکر در توسعه‌ی روزی، صبر بر گرسنگی.....

﴿الفهرس﴾

﴿ ٢٤ ﴾

﴿فهرست﴾

۳۰۵.....	شکر بر گشایش، صبر در سختی‌ها
۳۰۷.....	شکر بر زندگی آسوده، صبر در بلا و سختی
۳۰۷.....	شکر بر زندگی آسوده، صبر در سختی و تنگنا
۳۰۷.....	شکر بر شادی، صبر در بدی و شر
۳۰۷.....	شکر بر عدل، صبر در مقابل گناه
۳۰۹.....	شکر بر عطا، صبر در بلا
۳۱۱.....	شکر بر عطا، صبر در محرومیت
۳۱۱.....	شکر هنگام توانگری، صبر هنگام آزمایش و سختی
۳۱۳.....	شکر در توانگری، صبر بر سختی و شدت
۳۱۳.....	شکر در توانگری و رفاه، صبر هنگام فقر
۳۱۳.....	شکر بر آنچه به من عطا کردی، صبر بر آنچه مرا آزمودی
۳۱۳.....	شکر بر دوست‌داشتنی‌ها، صبر بر آنچه مورد پسند نیست
۳۱۳.....	شکر بر دوری از گرفتاری، صبر بر بلا
۳۱۳.....	شکر بر نعمت‌ها، صبر بر بلا
۳۱۷.....	شکر بر نعمت، صبر بر شدت
۳۱۷.....	شکر بر نعمت‌ها، صبر بر تنگدستی و سختی
۳۱۷.....	شکر بر نعمت، صبر بر اطاعت الهی و معصیت و حکم و الهی
۳۱۷.....	شکر بر نعمت، صبر بر پیشامد
۳۱۷.....	شکر بر ولایت، صبر بر تحمل آزار بر دفاع از ولایت
۳۱۹.....	شکر و اطاعت و عبادت
۳۱۹.....	تشابه شکر و اطاعت و عبادت
۳۱۹.....	عبادت از مصادیق شکر است
۳۲۱.....	شکر از مصادیق عبادت است
۳۲۱.....	عبادت شاکرین برترین عبادت است
۳۲۱.....	ذکر شکر و اطاعت و عبادت باهم
۳۲۵.....	تفاوت بین شکر و اطاعت
۳۲۵.....	بستن نعمت با شکر و در بند کردن آن با اطاعت
۳۲۵.....	ما را فرمان داده تا اطاعت و پیروی‌مان را بیازماید و نهی‌مان کرد تا شکر و سپاسگزاری‌مان را آزمایش کند
۳۲۷.....	الهام‌کردن سپاسگزاری و تقویت‌کردن بر اطاعت و عبادت
۳۲۷.....	تو ما را برای عبادت برگزیدی و ما را به شرف طاعت اهلیت دادی و برای شکر نعمت موفق کردی
۳۲۷.....	بهره‌ای از عبادت و نصیبی از شکر
۳۲۷.....	ناتوانی و عجز از شکرگزاری و کوتاهی از اطاعت

﴿الفهرس﴾

٣٢٦.....	١-١-٤-٥- الشُّكْرُ وَ الرِّضَا.....
٣٢٦.....	١-١-٤-٥-١- ذِكْرُ الشُّكْرِ وَ الرِّضَا مَعًا.....
٣٢٨.....	١-١-٤-٥-٢- الفُرُوقُ بَيْنَ الشُّكْرِ وَ الرِّضَا.....
٣٢٨.....	١-١-٤-٥-٢-١- تَقَدُّمُ الشُّكْرِ عَلَى الرِّضَا.....
٣٢٨.....	١-١-٤-٥-٢-٢- الشُّكْرُ لِلنَّعْمَةِ، الرِّضَا بِالْأَحْكَامِ.....
٣٢٨.....	١-١-٤-٥-٢-٣- الشُّكْرُ لِلنَّعْمَةِ، الرِّضَا بِالْقَضَاءِ.....
٣٣٠.....	١-١-٤-٥-٢-٤- الشُّكْرُ عَلَى مَا نُحِبُّ، الرِّضَا عَلَى مَا نَكْرَهُ.....
٣٣٠.....	١-١-٤-٥-٢-٥- مَا قَضَى اللَّهُ فَاقْبَلُوا مِنْ اللَّهِ بِالشُّكْرِ، مَا زَوَى عَنْكُمْ فَاقْبَلُوهُ عَنِ اللَّهِ بِالرِّضَا.....
٣٣٠.....	١-١-٤-٥-٢-٦- الرِّضَا بِالْقَلِيلِ، الشُّكْرُ عَلَى الرَّخَاءِ.....
٣٣٠.....	١-١-٤-٦- الشُّكْرُ وَ الْإِيمَانُ.....
٣٣٢.....	١-١-٤-٦-١- الشُّكْرُ مِنَ الْإِيمَانِ وَ عِلَامَتُهُ.....
٣٣٢.....	١-١-٤-٦-٢- الْمُؤْمِنُ شَاكِرٌ وَ شَكُورٌ.....
٣٣٤.....	١-١-٤-٦-٣- الشُّكْرُ مَرَكَبُ الْمُؤْمِنِ.....
٣٣٤.....	١-١-٤-٦-٤- الْإِيمَانُ يَقْلِبُ شَاكِرًا.....
٣٣٤.....	١-١-٤-٦-٥- ذِكْرُ الشُّكْرِ وَ الْإِيمَانِ مَعًا.....
٣٣٤.....	١-١-٥- آيَةُ جَمَاعَةٍ خَطِيئَتُهُنَّ بِالشُّكْرِهَا بِالْمَنْحِ وَالْإِشَادَةِ؟.....
٣٣٤.....	١-١-٥-١- شُكْرُ أُولَى الْأَلْبَابِ.....
٣٣٦.....	١-١-٥-٢- شُكْرُ الْمُؤْمِنِينَ.....
٣٣٦.....	١-١-٥-٣- شُكْرُ الصَّابِرِينَ.....
٣٣٦.....	١-١-٥-٤- شُكْرُ الْمُصْطَفَيْنِ.....
٣٣٦.....	١-١-٥-٥- شُكْرُ مَقَرٍّ بِأَيَادِي اللَّهِ.....
٣٣٦.....	١-١-٥-٦- دَرَجَاتُ وَأَقْسَامُ الشُّكْرِ.....
٣٣٦.....	١-١-٥-١- شُكْرُ لَا يَتَجَاوَزُ عَنِ اللِّسَانِ.....
٣٣٦.....	١-١-٥-٢- شُكْرُ الْعَيْنِ وَ اللِّسَانِ وَ الْقَلْبِ.....
٣٣٨.....	١-١-٥-٣- شُكْرُ عَلَى الْإِعْطَاءِ وَ شُكْرُ عَلَى الْمَنْعِ.....
٣٣٨.....	١-١-٥-٤- شُكْرٌ بِسِيرٍ صَغِيرٍ.....
٣٣٨.....	١-١-٥-٥- الشُّكْرُ الْحَسَنُ وَ أَحْسَنُ الشُّكْرِ.....
٣٤٠.....	١-١-٥-٦- أَفْضَلُ الشُّكْرِ.....
٣٤٢.....	١-١-٥-٧- تَمَامُ الشُّكْرِ، شُكْرُ النَّامِ.....
٣٤٢.....	١-١-٥-٨- عَظِيمُ الشُّكْرِ.....
٣٤٢.....	١-١-٥-٩- حَقِيقَةُ الشُّكْرِ.....
٣٤٤.....	١-١-٥-١٠- خَيْرُ الشُّكْرِ.....
٣٤٤.....	١-١-٥-١١- الشُّكْرُ الْمُبَارَكُ.....

﴿فهرست﴾

۳۲۷.....	۱-۱-۴-۵- شکر و رضا.....
۳۲۷.....	۱-۱-۴-۵-۱- ذکر شکر و رضایتمندی با هم.....
۳۲۹.....	۱-۱-۴-۵-۲- فرقه‌های بین شکر و رضا.....
۳۲۹.....	۱-۱-۴-۵-۲-۱- مقدم‌بودن شکر بر رضا.....
۳۲۹.....	۱-۱-۴-۵-۲-۲- شکر برای نعمت، رضا به قضا و قدر الهی.....
۳۲۹.....	۱-۱-۴-۵-۲-۳- شکر برای نعمت، رضا به حکم قطعی الهی.....
۳۳۱.....	۱-۱-۴-۵-۲-۴- شکر بر آنچه دوست داریم، رضا بر آنچه ناپسند داریم.....
۳۳۱.....	۱-۱-۴-۵-۲-۵- هر حاجتی که برآورده شد با تشکر از خدا بپذیرد و هر کدام برنیامد با رضایت از خدا پذیرا شود.....
۳۳۱.....	۱-۱-۴-۵-۲-۶- رضا به روزی اندک و شکر در توسعه‌ی روزی.....
۳۳۱.....	۱-۱-۴-۶- شکر و ایمان.....
۳۳۳.....	۱-۱-۴-۶-۱- شکر از ایمان و نشانه‌ی آن است.....
۳۳۳.....	۱-۱-۴-۶-۲- مؤمن شاکر و بسیار سپاسگزار است.....
۳۳۵.....	۱-۱-۴-۶-۳- شکر مرکب مؤمن است.....
۳۳۵.....	۱-۱-۴-۶-۴- ایمان با دل شکرگزار است.....
۳۳۵.....	۱-۱-۴-۶-۵- ذکر شکر و ایمان با هم.....
۳۳۵.....	۱-۱-۵- از شکر کدام گروه‌ها ستایش شده است؟.....
۳۳۵.....	۱-۱-۵-۱- شکر صاحبان خرد.....
۳۳۷.....	۱-۱-۵-۲- شکر مؤمنان.....
۳۳۷.....	۱-۱-۵-۳- شکر صابران.....
۳۳۷.....	۱-۱-۵-۴- شکر برگزیدگان.....
۳۳۷.....	۱-۱-۵-۵- شکر اقرارکننده‌ی به نعمت‌های خدا.....
۳۳۷.....	۱-۱-۶- درجات و اقسام شکر.....
۳۳۷.....	۱-۱-۶-۱- شکری که از زبان تجاوز نکند.....
۳۳۷.....	۱-۱-۶-۲- شکر چشم و زبان و قلب.....
۳۳۹.....	۱-۱-۶-۳- شکر بر اعطا و شکر بر محرومیت.....
۳۳۹.....	۱-۱-۶-۴- شکر کم و ناچیز.....
۳۳۹.....	۱-۱-۶-۵- شکر نیکو و بهترین شکر.....
۳۴۱.....	۱-۱-۶-۶- برترین شکر.....
۳۴۳.....	۱-۱-۶-۷- کمال شکر، شکر کامل.....
۳۴۳.....	۱-۱-۶-۸- شکر بزرگ.....
۳۴۳.....	۱-۱-۶-۹- حقیقت شکر.....
۳۴۵.....	۱-۱-۶-۱۰- بهترین شکر.....
۳۴۵.....	۱-۱-۶-۱۱- شکر مبارک.....

﴿الفهرس﴾

- ٣٤٤..... ١٢-١-١٤-١- الشُّكْرُ الْمُتَمَرِّى لِلْمَزِيدِ.....
- ٣٤٤..... ١٣-١-١٤-١- شُكْرًا عَلَى جُهْدِ الْيَقِينِ.....
- ٣٤٤..... ١٤-١-١٤-١- شُكْرًا يَبْقَى وَلَا يَفْنَى.....
- ٣٤٤..... ١٥-١-١٤-١- شُكْرًا يَقْصُرُ عَنْهُ شُكْرُ كُلِّ شَاكِرٍ.....
- ٣٤٤..... ١٦-١-١٤-١- أَشْكُرُ النَّاسَ.....
- ٣٤٤..... ١٧-١-١٤-١- خُذُوذُ الشُّكْرِ وَكَثْرَتُهُ وَإِسْتِمْرَارُهُ وَسَعَتُهُ الْمَكَانِيَّةُ وَالزَّمْنِيَّةُ.....
- ٣٤٤..... ١-١-٧-١- حَدُّ الشُّكْرِ.....
- ٣٤٤..... ١-١-٧-١-١- حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ وَبَعْدَ الرِّضَى.....
- ٣٤٨..... ١-١-٧-١-٢- حَتَّى يَقُولَ اللَّهُ: أَنْتَ لِنِعْمَتِي مِنَ الشَّاكِرِينَ.....
- ٣٤٨..... ١-١-٧-١-٣- بِقَدْرِ قُدْرَتِنَا.....
- ٣٤٨..... ١-١-٧-١-٤- بِجَهْدِنَا.....
- ٣٤٨..... ١-١-٧-١-٥- حَتَّى يَكُونَ الشُّكْرُ هُوَ الْغَالِبُ عَلَيْنَا.....
- ٣٤٨..... ١-١-٧-١-٦- بِجَمِيعِ مَحَامِدِكِ كُلِّهَا.....
- ٣٤٨..... ١-١-٧-١-٧- يُحِيطُ بِشُكْرِ كُلِّ شَاكِرٍ.....
- ٣٥٠..... ١-١-٧-١-٨- مَا أَرْزَادَ بِكُلِّ نِعْمَةٍ.....
- ٣٥٠..... ١-١-٧-١-٩- مَا أَرْزَادَ فِي الْجَنَّةِ.....
- ٣٥٠..... ١-١-٧-٢- كَثْرَةُ الشُّكْرِ.....
- ٣٥٠..... ١-١-٧-٢-١- الْأَمْرُ بِالْإِكْتِفَارِ.....
- ٣٥٠..... ١-١-٧-٢-١-١- أَكْثَرُ مِنَ الشُّكْرِ.....
- ٣٥٠..... ١-١-٧-٢-١-٢- أَكْثَرُوا مِنْ شُكْرِهِ، أَشْكُرُوهُ كَثِيرًا.....
- ٣٥٠..... ١-١-٧-٢-١-٣- فَلْيَكْثِرِ الشُّكْرُ.....
- ٣٥٠..... ١-١-٧-٢-٢- كَثْرَةُ شُكْرِ الْأَوْلِيَاءِ.....
- ٣٥٠..... ١-١-٧-٢-٢-١- رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَكْثُرُ مِنْ شُكْرِهِ.....
- ٣٥٠..... ١-١-٧-٢-٢-٢- أَكْثَرُ الْأَنْبِيَاءِ شُكْرًا نُوحٌ ﷺ.....
- ٣٥٢..... ١-١-٧-٢-٢-٣- كَثُرَ شُكْرُهُمْ.....
- ٣٥٢..... ١-١-٧-٢-٢-٤- أَشْكُرُ اللَّهَ كَثِيرًا.....
- ٣٥٢..... ١-١-٧-٢-٢-٥- لَهُ الشُّكْرُ كَثِيرًا.....
- ٣٥٢..... ١-١-٧-٢-٣- ثَمَرَةُ كَثَرِ الشُّكْرِ.....
- ٣٥٢..... ١-١-٧-٣- الْإِزْدِيَادُ.....
- ٣٥٢..... ١-١-٧-٣-١- الْأَمْرُ بِزِيَادَةِ الشُّكْرِ.....
- ٣٥٤..... ١-١-٧-٣-٢- طَلَبُ الزِّيَادَةِ فِي الشُّكْرِ.....
- ٣٥٤..... ١-١-٧-٣-٣- الْأَمْرُ بِطَلَبِ الزِّيَادَةِ فِي الشُّكْرِ.....
- ٣٥٤..... ١-١-٧-٣-٤- لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَزِدْ فِي الشُّكْرِ.....

﴿الفهرس﴾

٣٥٤.....	١-١-٧-٣-٥- ثَمَرَةُ زِيَادَةِ الشُّكْرِ
٣٥٤.....	١-١-٧-٤- الإِطَالَةُ.....
٣٥٤.....	١-١-٧-٥- الدَّوَامُ وَ الثَّبَاتُ.....
٣٥٤.....	١-١-٧-٥-١- الدَّوَامُ.....
٣٥٤.....	١-١-٧-٥-١-١- طَلَبُ الدَّوَامِ.....
٣٥٤.....	١-١-٧-٥-١-٢- لَكَ الشُّكْرُ دَائِمًا وَاصْبِرْ.....
٣٥٤.....	١-١-٧-٥-١-٣- الأَمْرُ بِالدَّوَامِ.....
٣٥٤.....	١-١-٧-٥-١-٤- إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ أَذْوَمُ النَّاسِ شُكْرًا.....
٣٥٤.....	١-١-٧-٥-١-٥- عَامِلُ الدَّوَامِ.....
٣٥٤.....	١-١-٧-٥-١-٦- ثَمَرَةُ الدَّوَامِ.....
٣٥٤.....	١-١-٧-٥-٢- عَلَى كُلِّ حَالٍ.....
٣٥٨.....	١-١-٧-٥-٣- لِسَانُ الْحَالِ.....
٣٥٨.....	١-١-٧-٥-٤- فِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا، عَلَى كُرُورِ اللَّيَالِي وَ الْأَيَّامِ.....
٣٦٠.....	١-١-٧-٥-٥- فِي كُلِّ سَاعَةٍ.....
٣٦٠.....	١-١-٧-٥-٦- فِي كُلِّ نَفْسٍ.....
٣٦٠.....	١-١-٧-٥-٧- عِنْدَ كُلِّ نِعْمَةٍ.....
٣٦٠.....	١-١-٧-٥-٨- أَبَدًا.....
٣٦٢.....	١-١-٧-٥-٩- سَرْمَدًا.....
٣٦٤.....	١-١-٧-٥-١٠- الشُّكْرُ الَّذِي لَا يَنْقُضِي أَبَدًا.....
٣٦٤.....	١-١-٧-٥-١١- الشُّكْرُ الَّذِي لَا يَخْلُ مِنْ قُلُوبِنَا.....
٣٦٤.....	١-١-٧-٥-١٢- الشُّكْرُ الَّذِي لَا أَمَلُ مِنْهُ.....
٣٦٤.....	١-١-٧-٥-١٣- الشُّكْرُ الَّذِي لَا أَغْفُلُ عَنْهُ.....
٣٦٤.....	١-١-٧-٥-١٤- الشُّكْرُ الَّذِي يَبْقَى وَ لَا يَفْنَى.....
٣٦٤.....	١-١-٧-٥-١٥- الشُّكْرُ الَّذِي يُتَابِعُ الشُّكْرَ.....
٣٦٤.....	١-١-٧-٥-١٦- الثَّبَاتُ عَلَى الشُّكْرِ.....
٣٦٤.....	١-١-٧-٥-١٧- حَتَّى تَرْضَى وَ بَعْدَ الرِّضَا.....
٣٦٤.....	١-١-٧-٦- الإِحَاطَةُ.....
٣٦٤.....	١-٢- حَوْلُ الشُّكْرِ.....
٣٦٤.....	١-٢-١- مَنِ الَّذِي يَجِبُ شُكْرُهُ؟ (التَّوْحِيدُ فِي الشُّكْرِ).....
٣٦٤.....	١-٢-١-١- أَنْتَ لِلشُّكْرِ أَهْلٌ.....
٣٦٤.....	١-٢-١-٢- لَكَ الشُّكْرُ كُلُّهُ.....
٣٦٤.....	١-٢-١-٣- لَا شَكَرْتُ عَلَى النِّعْمَاءِ أَحَدًا سِوَاكَ.....
٣٦٤.....	١-٢-١-٤- الشَّاكِرُ لَا يَحْمَدُ إِلَّا اللَّهَ.....

﴿فهرست﴾

۳۵۵.....	۱-۱-۷-۳-۵- ثمره‌ی زیاد شکرگزاردن.....
۳۵۵.....	۱-۱-۷-۴- به درازاکشیدن.....
۳۵۵.....	۱-۱-۷-۵- پایداری و ثبات.....
۳۵۵.....	۱-۱-۷-۵-۱- تداوم.....
۳۵۵.....	۱-۱-۷-۵-۱-۱- طلب استمرار.....
۳۵۷.....	۱-۱-۷-۵-۱-۲- شکر دائمی و همیشگی از آن توست.....
۳۵۷.....	۱-۱-۷-۵-۱-۳- امر و فرمان به استمرار شکر.....
۳۵۷.....	۱-۱-۷-۵-۱-۴- اولیای خدا پایدارترین مردم در شکرگزاری‌اند.....
۳۵۷.....	۱-۱-۷-۵-۱-۵- عامل استمرار.....
۳۵۷.....	۱-۱-۷-۵-۱-۶- ثمره‌ی استمرار.....
۳۵۷.....	۱-۱-۷-۵-۲- در هر حال.....
۳۵۹.....	۱-۱-۷-۵-۳- زبان حال.....
۳۵۹.....	۱-۱-۷-۵-۴- در تمام روزهای ماه، در رفت‌وآمد پی‌درپی شب‌ها و روزها.....
۳۶۱.....	۱-۱-۷-۵-۵- در هر لحظه.....
۳۶۱.....	۱-۱-۷-۵-۶- در هر نفس.....
۳۶۱.....	۱-۱-۷-۵-۷- در هر نعمت.....
۳۶۱.....	۱-۱-۷-۵-۸- همیشه.....
۳۶۳.....	۱-۱-۷-۵-۹- همیشه.....
۳۶۵.....	۱-۱-۷-۵-۱۰- شکری که هرگز پایان نپذیرد.....
۳۶۵.....	۱-۱-۷-۵-۱۱- شکری که قلب‌های ما از آن خالی نشود.....
۳۶۵.....	۱-۱-۷-۵-۱۲- شکری که خستگی و نومیدی در آن نباشد.....
۳۶۵.....	۱-۱-۷-۵-۱۳- شکری که غفلتی با آن نباشد.....
۳۶۵.....	۱-۱-۷-۵-۱۴- شکری که باقی بماند و فنا نشود.....
۳۶۵.....	۱-۱-۷-۵-۱۵- شکری که در پی آن شکر دیگری باشد.....
۳۶۵.....	۱-۱-۷-۵-۱۶- دوام و استمرار در شکر.....
۳۶۷.....	۱-۱-۷-۵-۱۷- تا اینکه راضی شوی و حتی بعد از مقام رضا.....
۳۶۷.....	۱-۱-۷-۶- دربرگرفتن از همه‌ی جهات.....
۳۶۷.....	۱-۲- پیرامون شکر.....
۳۶۷.....	۱-۲-۱- سپاس چه کسی واجب است، یکتاپرستی در شکر.....
۳۶۷.....	۱-۲-۱-۱- تو شایسته‌ی شکری.....
۳۶۷.....	۱-۲-۱-۲- تمام شکر از آن توست.....
۳۶۷.....	۱-۲-۱-۳- برای نعمت‌ها جز تو کسی را سپاس نمی‌گزارم.....
۳۶۷.....	۱-۲-۱-۴- شکرگزار کسی را جز خدا ستایش نمی‌کند.....

﴿الفهرس﴾

٣٦٨.....	١-٢-١-٥- أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَجْعَلَ شَيْئاً مِنْ شُكْرِي لِغَيْرِكَ.....
٣٦٨.....	١-٢-١-٦- إِيَّاهُ أَشْكُرُ.....
٣٦٨.....	١-٢-١-٧- الشُّكْرُ لِلَّهِ.....
٣٦٨.....	١-٢-١-٨- لِلَّهِ شُكْرًا لَا شَرِيكَ لَهُ.....
٣٦٨.....	١-٢-١-٩- لَكَ الشُّكْرُ.....
٣٧٠.....	١-٢-١-١٠- الشُّكْرُ لَكَ.....
٣٧٠.....	١-٢-١-١١- مَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ.....
٣٧٠.....	١-٢-١-١٢- الْعِلْمُ بَأَنَّ النِّعْمَةَ مِنَ اللَّهِ.....
٣٧٠.....	١-٢-١-١٣- مَنْ أَشْكُرُ إِذَا كَفَرْتُكَ.....
٣٧٢.....	١-٢-٢- لَأَيَّ شَيْءٍ يُتَّبَعِي أَنْ تَشْكُرَ اللَّهَ؟.....
٣٧٢.....	١-٢-٢-٠٠١- الأَبُ.....
٣٧٢.....	١-٢-٢-٠٠٢- مَا آتَاهُ اللَّهُ.....
٣٧٤.....	١-٢-٢-٠٠٣- الأَجَلُ.....
٣٧٤.....	١-٢-٢-٠٠٤- مَا آدَى إِلَيْهِمْ.....
٣٧٤.....	١-٢-٢-٠٠٥- آدَاءُ الْفَرِيضَةِ.....
٣٧٤.....	١-٢-٢-٠٠٦- آدَى النَّاسِ.....
٣٧٤.....	١-٢-٢-٠٠٧- الأَكْلُ رَاجِعُ الطَّعَامِ.....
٣٧٤.....	١-٢-٢-٠٠٨- الأَلَاءُ.....
٣٧٦.....	١-٢-٢-٠٠٩- الإمامة.....
٣٧٦.....	١-٢-٢-٠١٠- الإيمانُ.....
٣٧٨.....	١-٢-٢-٠١١- الإِيوَاءُ.....
٣٧٨.....	١-٢-٢-٠١٢- البر.....
٣٧٨.....	١-٢-٢-٠١٣- البشارة.....
٣٧٨.....	١-٢-٢-٠١٤- السَّمْعُ وَالْبَصَرُ وَالْفُؤَادُ.....
٣٨٠.....	١-٢-٢-٠١٥- البعثُ راجع: الحياة.....
٣٨٠.....	١-٢-٢-٠١٦- البلاء، مَا أَتَى.....
٣٨٤.....	١-٢-٢-٠١٧- مَا جَلَى مِنْ مُظْلَمٍ ظَلَمَ جَهْلٌ.....
٣٨٤.....	١-٢-٢-٠١٨- إجتماعُ الشَّمْلِ.....
٣٨٨.....	١-٢-٢-٠١٩- الإِجْتِنَابُ عَنْ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ.....
٣٨٨.....	١-٢-٢-٠٢٠- إجابةُ الدُّعَاءِ.....
٣٩٠.....	١-٢-٢-٠٢١- المجاعة.....
٣٩٠.....	١-٢-٢-٠٢٢- الجُودُ.....
٣٩٢.....	١-٢-٢-٠٢٣- حُبُّ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام

﴿فهرست﴾

۱-۲-۱-۵	به تو پناه می‌برم از اینکه بخشی از شکرت را به دیگری اختصاص دهم.....	۳۶۹
۱-۲-۱-۶	فقط او را شکر می‌گزارم.....	۳۶۹
۱-۲-۱-۷	شکر برای خداست.....	۳۶۹
۱-۲-۱-۸	شکر مخصوص خداست، هیچ شریکی برایش نیست.....	۳۶۹
۱-۲-۱-۹	شکر فقط از آن توست.....	۳۶۹
۱-۲-۱-۱۰	شکر فقط از آن توست.....	۳۷۱
۱-۲-۱-۱۱	هر نعمتی از آن توست، یکتایی و شریکی برایت نیست.....	۳۷۱
۱-۲-۱-۱۲	می‌دانی که نعمت از جانب خداست.....	۳۷۱
۱-۲-۱-۱۳	اگر تو را سپاس نگویم که را سپاس گویم؟.....	۳۷۱
۱-۲-۲	چه چیز سزاوار است که شکرش را به جای آوریم؟.....	۳۷۳
۱-۲-۲-۰۰۱	پدر.....	۳۷۳
۱-۲-۲-۰۰۲	آنچه خدا داده است.....	۳۷۳
۱-۲-۲-۰۰۳	پایان عمر.....	۳۷۵
۱-۲-۲-۰۰۴	آنچه به او می‌دهد.....	۳۷۵
۱-۲-۲-۰۰۵	به‌جای آوردن واجب.....	۳۷۵
۱-۲-۲-۰۰۶	آزار مردم.....	۳۷۵
۱-۲-۲-۰۰۷	خوردن ربه: غذا.....	۳۷۵
۱-۲-۲-۰۰۸	نعمت‌ها.....	۳۷۵
۱-۲-۲-۰۰۹	امامت.....	۳۷۷
۱-۲-۲-۰۱۰	ایمان.....	۳۷۷
۱-۲-۲-۰۱۱	پناه‌دادن.....	۳۷۹
۱-۲-۲-۰۱۲	نیکي، احسان.....	۳۷۹
۱-۲-۲-۰۱۳	بشارت و نوید.....	۳۷۹
۱-۲-۲-۰۱۴	گوش و چشم و قلب.....	۳۷۹
۱-۲-۲-۰۱۵	قیامت ربه: زندگی.....	۳۸۱
۱-۲-۲-۰۱۶	آزمایش.....	۳۸۱
۱-۲-۲-۰۱۷	برطرف‌شدن تاریکی نادانی.....	۳۸۵
۱-۲-۲-۰۱۸	برطرف‌شدن پراگندگی.....	۳۸۵
۱-۲-۲-۰۱۹	پرهیز از پرستش بت‌ها.....	۳۸۹
۱-۲-۲-۰۲۰	اجابت دعا.....	۳۸۹
۱-۲-۲-۰۲۱	گرسنگی.....	۳۹۱
۱-۲-۲-۰۲۲	بخشش.....	۳۹۱
۱-۲-۲-۰۲۳	دوست‌داشتن علی بن ابی طالب (علیه السلام).....	۳۹۳

﴿الفهرس﴾

٣٩٢.....	٢٤-١-٢-٢-٠٢٤ ما نُجِبُ.....
٣٩٢.....	٢٥-١-٢-٢-٠٢٥ مَا بِهِ حَيَاتَانَا.....
٣٩٢.....	٢٦-١-٢-٢-٠٢٦ الإِحْسَانُ.....
٣٩٤.....	٢٧-١-٢-٢-٠٢٧ الحَسَنَةُ.....
٣٩٤.....	٢٨-١-٢-٢-٠٢٨ حُسْنُ الْمَجَاوَرَةِ.....
٣٩٤.....	٢٩-١-٢-٢-٠٢٩ الْحِصْنُ، تَحْصِينُ كُلِّ عَوْرَةٍ، حَظُّ الْمُعَاصِي، حِفْظُ الْأَهْلِ وَالْمَالِ.....
٣٩٤.....	٣٠-١-٢-٢-٠٣٠ حُكْمُ يُدَبِّرُ بِهِ أَمْرَ دِينِهِ وَدُنْيَاهُ.....
٣٩٤.....	٣١-١-٢-٢-٠٣١ الْحَيَاةُ.....
٣٩٨.....	٣٢-١-٢-٢-٠٣٢ الْخَيْرُ.....
٣٩٨.....	٣٢-١-٢-٢-٠٣٢-١ الْخَيْرُ لِأَمَّةٍ مُحَمَّدٍ ﷺ.....
٣٩٨.....	٣٣-١-٢-٢-٠٣٣ دَفْعُ الْعَدُوِّ.....
٣٩٨.....	٣٤-١-٢-٢-٠٣٤ الدِّينُ.....
٤٠٠.....	٣٥-١-٢-٢-٠٣٥ الرَّحْمَةُ.....
٤٠٠.....	٣٦-١-٢-٢-٠٣٦ الرَّخَاءُ.....
٤٠٤.....	٣٧-١-٢-٢-٠٣٧ رَدُّ الضَّيْعَةِ.....
٤٠٤.....	٣٨-١-٢-٢-٠٣٨ رَدُّ الْمَالِ وَرَدُّ الْمُسَافِرِ مِنَ السَّفَرِ.....
٤٠٤.....	٣٩-١-٢-٢-٠٣٩ الرِّزْقُ.....
٤١٢.....	٤٠-١-٢-٢-٠٤٠ الْإِرْشَادُ.....
٤١٢.....	٤١-١-٢-٢-٠٤١ الرِّضَا.....
٤١٢.....	٤٢-١-٢-٢-٠٤٢ الرَّغْبَةُ.....
٤١٢.....	٤٣-١-٢-٢-٠٤٣ الرَّفْدُ.....
٤١٢.....	٤٤-١-٢-٢-٠٤٤ الرَّفْعَةُ.....
٤١٤.....	٤٥-١-٢-٢-٠٤٥ شَهْرُ رَمَضَانَ.....
٤١٤.....	٤٦-١-٢-٢-٠٤٦ الْإِرْوَاءُ.....
٤١٤.....	٤٧-١-٢-٢-٠٤٧ التَّزْوِيجُ، الزَّوْجَةُ.....
٤١٦.....	٤٨-١-٢-٢-٠٤٨ الْمَزِيدُ.....
٤١٦.....	٤٩-١-٢-٢-٠٤٩ الزِّيَارَةُ.....
٤١٦.....	٥٠-١-٢-٢-٠٥٠ إِزَالَةُ الشَّكِّ.....
٤١٦.....	٥١-١-٢-٢-٠٥١ السُّتْرُ.....
٤١٨.....	٥٢-١-٢-٢-٠٥٢ تَسْخِيرُ الْأَنْعَامِ.....
٤١٨.....	٥٣-١-٢-٢-٠٥٣ السَّرَاءُ.....
٤١٨.....	٥٤-١-٢-٢-٠٥٤ السُّرُورُ.....
٤٢٠.....	٥٥-١-٢-٢-٠٥٥ السَّلَامَةُ.....

﴿فهرست﴾

۳۹۳.....	۱-۲-۲-۰۲۴- آنچه دوست داریم.....
۳۹۳.....	۱-۲-۲-۰۲۵- آنچه به ما ارزانی کرد.....
۳۹۳.....	۱-۲-۲-۰۲۶- احسان.....
۳۹۵.....	۱-۲-۲-۰۲۷- نیکی.....
۳۹۷.....	۱-۲-۲-۰۲۸- همراهی خوب.....
۳۹۷.....	۱-۲-۲-۰۲۹- پوشاندن زشتی‌ها و ریختن گناهان و محافظت از خانواده و اموال.....
۳۹۷.....	۱-۲-۲-۰۳۰- حکمتی که با آن امر دین و دنیايش را تدبیر کند.....
۳۹۷.....	۱-۲-۲-۰۳۱- زندگی.....
۳۹۹.....	۱-۲-۲-۰۳۲- خیر.....
۳۹۹.....	۱-۲-۲-۰۳۲-۱- خیر برای امت حضرت محمد ﷺ.....
۳۹۹.....	۱-۲-۲-۰۳۳- دور کردن دشمن.....
۳۹۹.....	۱-۲-۲-۰۳۴- دین.....
۴۰۱.....	۱-۲-۲-۰۳۵- رحمت و مهربانی.....
۴۰۱.....	۱-۲-۲-۰۳۶- گشایش.....
۴۰۵.....	۱-۲-۲-۰۳۷- پیداشدن اموال گم‌شده.....
۴۰۵.....	۱-۲-۲-۰۳۸- پس گرفتن مال و برگشتن مسافر از سفر.....
۴۰۵.....	۱-۲-۲-۰۳۹- روزی.....
۴۱۳.....	۱-۲-۲-۰۴۰- هدایت.....
۴۱۳.....	۱-۲-۲-۰۴۱- رضایت از قضای الهی.....
۴۱۳.....	۱-۲-۲-۰۴۲- اشتیاق.....
۴۱۳.....	۱-۲-۲-۰۴۳- بخشش و دهش.....
۴۱۳.....	۱-۲-۲-۰۴۴- بلندپایگی.....
۴۱۵.....	۱-۲-۲-۰۴۵- ماه رمضان.....
۴۱۵.....	۱-۲-۲-۰۴۶- سیراب کردن.....
۴۱۵.....	۱-۲-۲-۰۴۷- ازدواج، همسر.....
۴۱۷.....	۱-۲-۲-۰۴۸- افزونی.....
۴۱۷.....	۱-۲-۲-۰۴۹- زیارت.....
۴۱۷.....	۱-۲-۲-۰۵۰- برطرف شدن شک و تردید.....
۴۱۷.....	۱-۲-۲-۰۵۱- پوشاندن.....
۴۱۹.....	۱-۲-۲-۰۵۲- رام شدن حیوانات.....
۴۱۹.....	۱-۲-۲-۰۵۳- گشایش در زندگی.....
۴۱۹.....	۱-۲-۲-۰۵۴- شادی.....
۴۲۱.....	۱-۲-۲-۰۵۵- سلامت.....

﴿الفهرس﴾

٤٢٤.....	٥٦-١-٢-٢-١- سَمَاعُ الْحَدِيثِ.....
٤٢٦.....	٥٧-١-٢-٢-١- الإِشْبَاعُ و راجع: الإِرواءُ.....
٤٢٨.....	٥٨-١-٢-٢-١- الشَّدَّةُ.....
٤٢٨.....	٥٩-١-٢-٢-١- الشِّفَاءُ.....
٤٢٨.....	٦٠-١-٢-٢-١- الشُّكْرُ (شُكْرُ الشُّكْرِ).....
٤٢٨.....	١-١-٢-٢-٢-١- إِفْتِقَارُ شُكْرِ النِّعْمَةِ بِشُكْرِ ثَانٍ (شُكْرُ الشُّكْرِ).....
٤٣٠.....	٢-١-٢-٢-٢-١- وَجُوبُ شُكْرِ الشُّكْرِ.....
٤٣٠.....	٣-١-٢-٢-٢-١- عَدَمُ الْإِسْطِطَاعَةِ بِأَدَاءِ شُكْرِ الشُّكْرِ.....
٤٣٠.....	٤-١-٢-٢-٢-١- الإِغْتِرَافُ بِعَدَمِ الْإِسْطِطَاعَةِ الشُّكْرِ وَالْمَعْرِفَةُ بِأَنَّ الشُّكْرَ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ، (هُوَ شُكْرُ الشُّكْرِ).....
٤٣٠.....	٥-١-٢-٢-٢-١- أَتَأْتِيكَ شُكْرُ الشُّكْرِ.....
٤٣٢.....	٦-١-٢-٢-٢-١- فَاحْمَدُوا اللَّهَ عَلَى الشُّكْرِ.....
٤٣٢.....	٧-١-٢-٢-٢-١- الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ شُكْرٍ.....
٤٣٤.....	٨-١-٢-٢-٢-١- أَشْكُرُكَ بِمَا عَلَّمْتَنِي مِنْ شُكْرِكَ.....
٤٣٤.....	١-١-٢-٢-٢-١- الصِّحَّةُ.....
٤٣٤.....	٢-١-٢-٢-٢-١- صَرْفُ الْآذَى وَالْعَمِّ.....
٤٣٤.....	٣-١-٢-٢-٢-١- الإِصْطِفَاءُ.....
٤٣٦.....	٤-١-٢-٢-٢-١- الصَّلَوةُ.....
٤٣٦.....	٥-١-٢-٢-٢-١- صِنَائِعُ اللَّهِ.....
٤٣٨.....	٦-١-٢-٢-٢-١- الْمُصِيبَةُ.....
٤٣٨.....	٧-١-٢-٢-٢-١- الضَّرَاءُ.....
٤٣٨.....	٨-١-٢-٢-٢-١- الطَّعَامُ، الْأَكْلُ وَالشُّرْبُ وَمَا بَقِيَ مِنْهُمَا فِي الْبَدَنِ.....
٤٤٢.....	٩-١-٢-٢-٢-١- إِطْلَاقُ اللِّسَانِ.....
٤٤٢.....	١٠-١-٢-٢-٢-١- التَّطْهِيرُ.....
٤٤٢.....	١١-١-٢-٢-٢-١- تَطْهِيرُ الْقَلْبِ.....
٤٤٤.....	١٢-١-٢-٢-٢-١- التَّطَوُّلُ.....
٤٤٤.....	١٣-١-٢-٢-٢-١- الظَّفَرُ عَلَى الْعَدُوِّ وَ راجع: دَفْعُ الْعَدُوِّ.....
٤٤٤.....	١٤-١-٢-٢-٢-١- ظِلَالُ الشَّمْسِ.....
٤٤٤.....	١٥-١-٢-٢-٢-١- الْعِبَادَةُ.....
٤٤٤.....	١٦-١-٢-٢-٢-١- الْمُعْجَزَةُ.....
٤٤٤.....	١٧-١-٢-٢-٢-١- الْمَعْرُوفُ، الْعَارِفَةُ.....
٤٤٦.....	١٨-١-٢-٢-٢-١- الْمَعْرِفَةُ.....
٤٤٦.....	١٩-١-٢-٢-٢-١- مَعْرِفَةُ سَبِيلِ اللَّهِ.....

﴿فهرست﴾

۴۲۵.....	۱-۲-۲-۰۵۶- شنیدن حدیث
۴۲۷.....	۱-۲-۲-۰۵۷- سیر کردن
۴۲۹.....	۱-۲-۲-۰۵۸- سختی
۴۲۹.....	۱-۲-۲-۰۵۹- درمان، بهبودی
۴۲۹.....	۱-۲-۲-۰۶۰- شکر، سپاسگزاری بر توفیق شکر
۴۲۹.....	۱-۲-۲-۰۶۱- نیاز شکر نعمت به شکر دوم، سپاسگزاری بر توفیق شکر
۴۳۱.....	۱-۲-۲-۰۶۲- واجب بودن سپاسگزاری بر توفیق شکر
۴۳۱.....	۱-۲-۲-۰۶۳- عدم توانایی به انجام شکرگزاری از خود شکر
۴۳۱.....	۱-۲-۲-۰۶۴- اقرار به عدم توانایی شکرگزاری و آگاهی بر اینکه شکر، نعمتی از جانب خداست، همان سپاسگزاری بر توفیق شکر است
۴۳۳.....	۱-۲-۲-۰۶۵- از تو سپاسگزاری بر توفیق شکر را درخواست می‌کنم
۴۳۳.....	۱-۲-۲-۰۶۶- پس خدا را بر توفیق شکر بستانید
۴۳۳.....	۱-۲-۲-۰۶۷- بر هر شکری ستایش مخصوص خداست
۴۳۵.....	۱-۲-۲-۰۶۸- بر آنچه از شکرت به من آموختی تو را شکر می‌گزارم
۴۳۵.....	۱-۲-۲-۰۶۹- سلامتی
۴۳۵.....	۱-۲-۲-۰۷۰- برطرف شدن آزار و اندوه
۴۳۵.....	۱-۲-۲-۰۷۱- برگزیدن
۴۳۷.....	۱-۲-۲-۰۷۲- نماز
۴۳۷.....	۱-۲-۲-۰۷۳- الطاف خداوند
۴۳۹.....	۱-۲-۲-۰۷۴- مصیبت
۴۳۹.....	۱-۲-۲-۰۷۵- سختی
۴۳۹.....	۱-۲-۲-۰۷۶- غذا، خوردنی و نوشیدنی و آنچه از آن‌ها در بدن باقی می‌ماند
۴۴۳.....	۱-۲-۲-۰۷۷- توانایی سخن گفتن
۴۴۳.....	۱-۲-۲-۰۷۸- پاک کردن
۴۴۳.....	۱-۲-۲-۰۷۹- پاک کردن قلب
۴۴۵.....	۱-۲-۲-۰۸۰- فضل و کرم
۴۴۵.....	۱-۲-۲-۰۸۱- پیروزی بر دشمن و ربه: دور کردن دشمن
۴۴۵.....	۱-۲-۲-۰۸۲- سایه‌ی خورشید
۴۴۵.....	۱-۲-۲-۰۸۳- عبادت
۴۴۵.....	۱-۲-۲-۰۸۴- معجزه
۴۴۵.....	۱-۲-۲-۰۸۵- کار نیک
۴۴۷.....	۱-۲-۲-۰۸۶- شناخت
۴۴۷.....	۱-۲-۲-۰۸۷- شناخت راه خدا

﴿الفهرس﴾

٤٤٦.....	١-٢-٢-٠٧٨-٢- خُلُوصُ مَعْرِفَةِ اللَّهِ.....
٤٤٦.....	١-٢-٢-٠٧٨-٣- الْمَعْرِفَةُ بِحَقِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ.....
٤٤٨.....	١-٢-٢-٠٧٩- الإعزازُ.....
٤٤٨.....	١-٢-٢-٠٨٠- العِصْمَةُ.....
٤٥٠.....	١-٢-٢-٠٨١- العَطَاءُ.....
٤٥٦.....	١-٢-٢-٠٨٢- عَظَمَةُ اللَّهِ.....
٤٥٦.....	١-٢-٢-٠٨٣- عَدَمُ الْخُزْيِ وَالْإِسَاءَةِ فِي أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ ﷺ.....
٤٥٦.....	١-٢-٢-٠٨٤- الْعَفْوُ.....
٤٥٦.....	١-٢-٢-٠٨٥- الْعَاقِبَةُ.....
٤٦٤.....	١-٢-٢-٠٨٦- الْعَقْلُ.....
٤٦٤.....	١-٢-٢-٠٨٧- الْعَلَّةُ.....
٤٦٦.....	١-٢-٢-٠٨٨- التَّعْلِيمُ.....
٤٦٦.....	١-٢-٢-٠٨٩- الْعُمُرُ.....
٤٦٦.....	١-٢-٢-٠٩٠- الْعَمَلُ الْحَسَنُ.....
٤٦٨.....	١-٢-٢-٠٩١- عِيسَى ﷺ.....
٤٦٨.....	١-٢-٢-٠٩٢- الْمَعَاشُ.....
٤٦٨.....	١-٢-٢-٠٩٣- الْإِعَانَةُ عَلَى الطَّاعَةِ وَ رَاجِعُ: التَّوْفِيقُ.....
٤٦٨.....	١-٢-٢-٠٩٤- الْغَنِيْمَةُ.....
٤٦٨.....	١-٢-٢-٠٩٥- الْغَنَى.....
٤٧٠.....	١-٢-٢-٠٩٦- التَّفْرِيجُ.....
٤٧٠.....	١-٢-٢-٠٩٧- الْفَرَحُ.....
٤٧٠.....	١-٢-٢-٠٩٨- الْفَضْلُ.....
٤٧٤.....	١-٢-٢-٠٩٩- فَضِيلَةُ النَّبِيِّ ﷺ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ ﷺ وَ رَاجِعُ: الْوَلَايَةُ.....
٤٨٦.....	١-٢-٢-١٠٠- الْفَقْهُ.....
٤٨٦.....	١-٢-٢-١٠١- الْفَوَاضُ رَاجِعُ: الْبَصَرُ وَ الْفَوَاضُ.....
٤٨٦.....	١-٢-٢-١٠٢- الْقَبُولُ.....
٤٨٦.....	١-٢-٢-١٠٣- التَّقْدِيرُ وَ رَاجِعُ: الْقَضَاءُ.....
٤٨٦.....	١-٢-٢-١٠٤- الْقُدْرَةُ.....
٤٨٦.....	١-٢-٢-١٠٥- الْقُرْآنُ.....
٤٨٨.....	١-٢-٢-١٠٦- الْقَضَاءُ.....
٤٨٨.....	١-٢-٢-١٠٧- قَضَاءُ الْحَاجَةِ.....
٤٨٨.....	١-٢-٢-١٠٨- الْقِنَاعَةُ.....
٤٨٨.....	١-٢-٢-١٠٩- الْقُوَّةُ.....

﴿فهرست﴾

۴۴۷.....	۱-۲-۲-۰۷۸۲- اخلاص در شناخت خداوند.....
۴۴۷.....	۱-۲-۲-۰۷۸۳- شناخت حق امیرالمؤمنین (علیه السلام).....
۴۴۹.....	۱-۲-۲-۰۷۹- گرامی داشتن.....
۴۴۹.....	۱-۲-۲-۰۸۰- پاک ماندن از گناه.....
۴۵۱.....	۱-۲-۲-۰۸۱- عطا.....
۴۵۷.....	۱-۲-۲-۰۸۲- بزرگی خدا.....
۴۵۷.....	۱-۲-۲-۰۸۳- عدم خواری و بدی در امت محمد (صلی الله علیه و آله).....
۴۵۷.....	۱-۲-۲-۰۸۴- گذشت.....
۴۵۷.....	۱-۲-۲-۰۸۵- دوری از گرفتاری.....
۴۶۵.....	۱-۲-۲-۰۸۶- خرد.....
۴۶۵.....	۱-۲-۲-۰۸۷- بیماری.....
۴۶۷.....	۱-۲-۲-۰۸۸- آمرزش.....
۴۶۷.....	۱-۲-۲-۰۸۹- عمر.....
۴۶۷.....	۱-۲-۲-۰۹۰- عمل نیک.....
۴۶۹.....	۱-۲-۲-۰۹۱- عیسی (علیه السلام).....
۴۶۹.....	۱-۲-۲-۰۹۲- وسیله‌ی زندگانی.....
۴۶۹.....	۱-۲-۲-۰۹۳- یاری بر اطاعت و ربه: موفق شدن به عمل نیک.....
۴۶۹.....	۱-۲-۲-۰۹۴- ثروت.....
۴۶۹.....	۱-۲-۲-۰۹۵- توانگری.....
۴۷۱.....	۱-۲-۲-۰۹۶- رهاشدن از غم.....
۴۷۱.....	۱-۲-۲-۰۹۷- شادی.....
۴۷۱.....	۱-۲-۲-۰۹۸- لطف.....
۴۷۵.....	۱-۲-۲-۰۹۹- برتری پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیتش (علیهم السلام) و ربه: ولایت.....
۴۸۷.....	۱-۲-۲-۱۰۰- دانش احکام.....
۴۸۷.....	۱-۲-۲-۱۰۱- قلب ربه: چشم و قلب.....
۴۸۷.....	۱-۲-۲-۱۰۲- پذیرش.....
۴۸۷.....	۱-۲-۲-۱۰۳- تقدیر الهی و ربه: حکم قطعی الهی.....
۴۸۷.....	۱-۲-۲-۱۰۴- توانایی.....
۴۸۷.....	۱-۲-۲-۱۰۵- قرآن.....
۴۸۹.....	۱-۲-۲-۱۰۶- حکم قطعی الهی.....
۴۸۹.....	۱-۲-۲-۱۰۷- برآورده شدن حاجت.....
۴۸۹.....	۱-۲-۲-۱۰۸- راضی بودن به قسمت خود.....
۴۸۹.....	۱-۲-۲-۱۰۹- نیرو.....

﴿الفهرس﴾

٤٩٢.....	١-٢-٢-١١٠- تَقْوِيَةُ الْإِسْلَامِ.....
٤٩٢.....	١-٢-٢-١١١- الْإِقَالَةُ.....
٤٩٢.....	١-٢-٢-١١٢- قِيَامُ الْحُجَّةِ ﷻ.....
٤٩٤.....	١-٢-٢-١١٣- الْإِكْرَامُ.....
٤٩٤.....	١-٢-٢-١١٤- الْإِكْسَاءُ.....
٤٩٤.....	١-٢-٢-١١٥- الْكَشْفُ.....
٤٩٤.....	١-٢-٢-١١٦- الْكِفَارَةُ.....
٤٩٤.....	١-٢-٢-١١٧- الْكِفَايَةُ.....
٤٩٤.....	١-٢-٢-١١٨- الْإِلْهَامُ.....
٤٩٤.....	١-٢-٢-١١٩- التَّمْحِصُ.....
٤٩٨.....	١-٢-٢-١٢٠- الْمَطَرُ.....
٤٩٨.....	١-٢-٢-١٢١- التَّمَكُّنُ.....
٤٩٨.....	١-٢-٢-١٢٢- الْمُنْحَةُ.....
٤٩٨.....	١-٢-٢-١٢٣- الْمَنْعُ.....
٤٩٨.....	١-٢-٢-١٢٤- الْمِنَّةُ.....
٥٠٢.....	١-٢-٢-١٢٥- الْمَالُ.....
٥٠٢.....	١-٢-٢-١٢٦- الْمَاءُ.....
٥٠٢.....	١-٢-٢-١٢٧- النَّبَأُ بِسَلَامِهِ عَلَى ﷺ.....
٥٠٢.....	١-٢-٢-١٢٨- التَّنْبِيهُ.....
٥٠٢.....	١-٢-٢-١٢٩- الْإِنْجَازُ لِمَا وَعَدَ اللَّهُ.....
٥٠٤.....	١-٢-٢-١٣٠- النَّجَاةُ.....
٥٠٤.....	١-٢-٢-١٣١- النَّشْرُ.....
٥٠٤.....	١-٢-٢-١٣٢- النَّصْرُ.....
٥٠٨.....	١-٢-٢-١٣٣- النُّطْقُ.....
٥٠٨.....	١-٢-٢-١٣٤- النَّعْشُ.....
٥٠٨.....	١-٢-٢-١٣٥- النُّعْمَةُ.....
٥٥٢.....	١-٢-٢-١٣٦- النَّفْسُ.....
٥٥٤.....	١-٢-٢-١٣٧- التَّنْفِيسُ.....
٥٥٤.....	١-٢-٢-١٣٨- الْمَنَافِعُ.....
٥٥٤.....	١-٢-٢-١٣٩- الْهِدَايَةُ.....
٥٥٤.....	١-٢-٢-١٤٠- هَلَاكَةُ الْعَدُوِّ.....
٥٥٤.....	١-٢-٢-١٤١- هَوَى النَّاسِ.....
٥٥٨.....	١-٢-٢-١٤٢- الْمُوَافَقَةُ.....

﴿فهرست﴾

۴۹۳.....	۱-۲-۲-۱۱۰- نیرومند کردن اسلام.....
۴۹۳.....	۱-۲-۲-۱۱۱- فسخ یا قرارداد.....
۴۹۳.....	۱-۲-۲-۱۱۲- قیام حضرت حجة الله عليه السلام.....
۴۹۵.....	۱-۲-۲-۱۱۳- بزرگداشت و گرامی شمردن.....
۴۹۵.....	۱-۲-۲-۱۱۴- لباس پوشاندن.....
۴۹۷.....	۱-۲-۲-۱۱۵- آشکار کردن.....
۴۹۷.....	۱-۲-۲-۱۱۶- آنچه که گناه را بپوشاند.....
۴۹۷.....	۱-۲-۲-۱۱۷- بی نیاز کردن.....
۴۹۷.....	۱-۲-۲-۱۱۸- الهام.....
۴۹۷.....	۱-۲-۲-۱۱۹- خالص کردن چیزی.....
۴۹۹.....	۱-۲-۲-۱۲۰- باران.....
۴۹۹.....	۱-۲-۲-۱۲۱- توانایی.....
۴۹۹.....	۱-۲-۲-۱۲۲- عطا و بخشش.....
۴۹۹.....	۱-۲-۲-۱۲۳- محرومیت.....
۴۹۹.....	۱-۲-۲-۱۲۴- نعمت.....
۵۰۳.....	۱-۲-۲-۱۲۵- مال.....
۵۰۳.....	۱-۲-۲-۱۲۶- آب.....
۵۰۳.....	۱-۲-۲-۱۲۷- خبر به سلامتی علی السلام.....
۵۰۳.....	۱-۲-۲-۱۲۸- بیدار کردن.....
۵۰۳.....	۱-۲-۲-۱۲۹- برآورده شدن وعدهی خداوند.....
۵۰۵.....	۱-۲-۲-۱۳۰- نجات.....
۵۰۷.....	۱-۲-۲-۱۳۱- پخش کردن.....
۵۰۷.....	۱-۲-۲-۱۳۲- یاری.....
۵۰۹.....	۱-۲-۲-۱۳۳- گفتن.....
۵۰۹.....	۱-۲-۲-۱۳۴- طراوت.....
۵۰۹.....	۱-۲-۲-۱۳۵- نعمت.....
۵۵۳.....	۱-۲-۲-۱۳۶- نفس.....
۵۵۵.....	۱-۲-۲-۱۳۷- برطرف کردن اندوه.....
۵۵۵.....	۱-۲-۲-۱۳۸- منافع.....
۵۵۵.....	۱-۲-۲-۱۳۹- هدایت.....
۵۵۷.....	۱-۲-۲-۱۴۰- نابودی دشمن.....
۵۵۷.....	۱-۲-۲-۱۴۱- خواهش نفس مردم.....
۵۵۹.....	۱-۲-۲-۱۴۲- موافقت.....

﴿الفهرس﴾

٥٥٨.....	١-٢-٢-١٤٣- التَّوْفِيقُ
٥٦٠.....	١-٢-٢-١٤٤- الْوَلَدُ الصَّالِحُ
٥٦٢.....	١-٢-٢-١٤٥- وَلَادَةُ الْحَسَنِ عليه السلام
٥٦٢.....	١-٢-٢-١٤٦- الْوَلَايَةُ
٥٦٤.....	١-٢-٢-١٤٧- مَا أَوْلَانَا
٥٦٦.....	١-٢-٢-١٤٨- الْمَوَاهِبُ
٥٦٦.....	١-٢-٢-١٤٩- الْأَيَادِي
٥٦٨.....	١-٢-٢-١٥٠- الْيُسْرُ
٥٦٨.....	١-٢-٢-١٥١- الْيَسِيرُ
٥٦٨.....	١-٢-٢-١٥٢- أَيَّامُ اللَّهِ
٥٧٠.....	١-٢-٣- بَأَى وَسِيلَةٍ وَأَدَاةٍ يُمَكِّنُ أَنْ نَشْكُرَ اللَّهَ بِهَا؟
٥٧٠.....	١-٢-٣-١- الْبَدَنُ وَأَعْضَاؤُهُ
٥٧٠.....	١-٢-٣-١-١- الْبَدَنُ، الْجِسْمُ
٥٧٠.....	١-٢-٣-١-٢- الْجَنَانُ رَاجِعُ: الْقَلْبُ
٥٧٢.....	١-٢-٣-١-٣- الْخَدُّ
٥٧٢.....	١-٢-٣-١-٤- الْعَيْنُ
٥٧٢.....	١-٢-٣-١-٤-١- أَقَلُّ شَيْءٍ شُكْرًا
٥٧٢.....	١-٢-٣-١-٥- الْقَلْبُ، الْجَنَانُ
٥٧٦.....	١-٢-٣-١-٦- اللِّسَانُ
٥٨٠.....	١-٢-٣-١-٦-١- لِسَانُ الْحَالِ
٥٨٠.....	١-٢-٣-١-٧- الْوَجْهُ
٥٨٠.....	١-٢-٣-١-٨- الْيَدَيْنِ
٥٨٠.....	١-٢-٣-٢- تحَقُّقُ الشُّكْرِ بِالْعِبَادَاتِ
٥٨٠.....	١-٢-٣-٢-١- الدُّعَاءُ وَ رَاجِعُ: الْأَدْعِيَّةُ فِي السَّجْدَةِ الشُّكْرِ
٥٨٠.....	١-٢-٣-٢-١-١- الدُّعَاءُ ١
٥٨٢.....	١-٢-٣-٢-١-٢- الدُّعَاءُ ٢
٥٨٢.....	١-٢-٣-٢-١-٣- الدُّعَاءُ ٣
٥٨٢.....	١-٢-٣-٢-١-٤- الدُّعَاءُ ٤
٥٨٤.....	١-٢-٣-٢-١-٥- الدُّعَاءُ ٥
٥٨٦.....	١-٢-٣-٢-١-٦- الدُّعَاءُ ٦
٥٨٦.....	١-٢-٣-٢-١-٧- الدُّعَاءُ ٧
٥٨٦.....	١-٢-٣-٢-١-٨- الدُّعَاءُ ٨
٥٨٦.....	١-٢-٣-٢-١-٩- الدُّعَاءُ ٩

﴿فهرست﴾

۵۵۹.....	۱۴۳-۲-۱-توفیق.....
۵۶۱.....	۱۴۴-۲-۱-فرزند صالح.....
۵۶۳.....	۱۴۵-۲-۱-ولادت امام حسن و امام حسین (علیه السلام).....
۵۶۳.....	۱۴۶-۲-۱-ولایت.....
۵۶۵.....	۱۴۷-۲-۱-آنچه عطایمان کرد.....
۵۶۷.....	۱۴۸-۲-۱-عطایا.....
۵۶۷.....	۱۴۹-۲-۱-نعمتها.....
۵۶۹.....	۱۵۰-۲-۱-آسانی.....
۵۶۹.....	۱۵۱-۲-۱-اندک.....
۵۶۹.....	۱۵۲-۲-۱-روزهای خدا.....
۵۷۱.....	۲-۱-۲-به کدام وسیله و ابزار می‌توان خدا را شکر کرد.....
۵۷۱.....	۱-۲-۳-۱-بدن و اعضایش.....
۵۷۱.....	۱-۲-۳-۱-۱-بدن، جسم.....
۵۷۱.....	۱-۲-۳-۱-۲-قلب ربه: دل.....
۵۷۳.....	۱-۲-۳-۱-۳-چهره.....
۵۷۳.....	۱-۲-۳-۱-۴-چشم.....
۵۷۳.....	۱-۲-۳-۱-۴-۱-ناسپاس‌ترین.....
۵۷۳.....	۱-۲-۳-۱-۵-قلب.....
۵۷۷.....	۱-۲-۳-۱-۶-زبان.....
۵۸۱.....	۱-۲-۳-۱-۶-۱-زبان حال.....
۵۸۱.....	۱-۲-۳-۱-۷-چهره.....
۵۸۱.....	۱-۲-۳-۱-۸-دستان.....
۵۸۱.....	۲-۱-۲-۱-محقق‌شدن شکر به واسطه‌ی عبادت.....
۵۸۱.....	۲-۱-۲-۱-دعا و ربه: دعاهاى سجده‌ی شکر.....
۵۸۱.....	۲-۱-۲-۱-۱-دعای ۱.....
۵۸۳.....	۲-۱-۲-۱-۲-دعای ۲.....
۵۸۳.....	۲-۱-۲-۱-۳-دعای ۳.....
۵۸۳.....	۲-۱-۲-۱-۴-دعای ۴.....
۵۸۵.....	۲-۱-۲-۱-۵-دعای ۵.....
۵۸۷.....	۲-۱-۲-۱-۶-دعای ۶.....
۵۸۷.....	۲-۱-۲-۱-۷-دعای ۷.....
۵۸۷.....	۲-۱-۲-۱-۸-دعای ۸.....
۵۸۷.....	۲-۱-۲-۱-۹-دعای ۹.....

﴿الفهرس﴾

٥٨٨.....	١٠-١-٢-٣-٢-١-١٠ الدعاء
٥٨٨.....	١١-١-٢-٣-٢-١-١١ الدعاء
٥٨٨.....	١٢-١-٢-٣-٢-١-١٢ الدعاء
٥٩٠.....	١٣-١-٢-٣-٢-١-١٣ الدعاء
٥٩٠.....	١٤-١-٢-٣-٢-١-١٤ الدعاء
٥٩٠.....	١٥-١-٢-٣-٢-١-١٥ الدعاء
٥٩٠.....	٢-١-٢-٣-٢-١-٢-٢ الذكر و راجع: الأذكار في السجدة الشكر
٥٩٠.....	١-١-٢-٣-٢-٢-١-١ الحمد لله
٥٩٢.....	١-١-٢-٣-٢-٢-١-١ الحمد لله
٥٩٢.....	٢-١-٢-٣-٢-٢-١-٢ الحمد لله الذي أنجز لي ما وعدني
٥٩٢.....	٣-١-٢-٣-٢-٢-١-٣ الحمد لله الذي ذهب بالليل وجاء بالنهار سكيناً نعمة منه وفضلاً اللهم اجعلنا من الشاكرين الحمد لله الذي عافاني في ليلى هذا فربّ مُبْتَلًى قد ابتلى فيما مضى اللهم عافني فيما بقي منه وفي الآخرة و قني عذاب النار وإذا أصبح..... ٥٩٤
٥٩٢.....	٤-١-٢-٣-٢-٢-١-٤ الحمد لله الذي ذهب بالنهار وجاء بالليل سكيناً نعمة منه وفضلاً اللهم اجعلنا من الشاكرين الحمد لله الذي عافاني في ليلى هذا فربّ مُبْتَلًى قد ابتلى فيما مضى اللهم عافني فيما بقي منه وفي الآخرة و قني عذاب النار وإذا أصبح..... ٥٩٤
٥٩٢.....	٥-١-٢-٣-٢-٢-١-٥ الحمد لله الذي سخر لنا هذا..... ٥٩٤
٥٩٢.....	٦-١-٢-٣-٢-٢-١-٦ الحمد لله الذي عافاني مما ابتلاه وفضلني على كثير ممن خلق تفضيلاً..... ٥٩٤
٥٩٢.....	٧-١-٢-٣-٢-٢-١-٧ الحمد لله الذي قضى حاجتي وأعطاني سؤلي ومسألتي..... ٥٩٤
٥٩٢.....	٨-١-٢-٣-٢-٢-١-٨ الحمد لله الذي قضى لي حاجتي واستجاب دعائي وأعطاني مسألتي..... ٥٩٤
٥٩٦.....	٩-١-٢-٣-٢-٢-١-٩ الحمد لله رب العالمين..... ٥٩٦
٥٩٦.....	١٠-١-٢-٣-٢-٢-١-١٠ الحمد لله رب العالمين ثلاث مرات..... ٥٩٦
٥٩٦.....	١١-١-٢-٣-٢-٢-١-١١ الحمد لله رب العالمين أربع مرات..... ٥٩٦
٥٩٨.....	١٢-١-٢-٣-٢-٢-١-١٢ الحمد لله رب العالمين اللهم اجعلها نعمة مشكورة..... ٥٩٨
٥٩٨.....	١٣-١-٢-٣-٢-٢-١-١٣ الحمد لله رب العالمين شكراً..... ٥٩٨
٥٩٨.....	١٤-١-٢-٣-٢-٢-١-١٤ الحمد لله رب العالمين كثيراً طيباً على كل حال..... ٥٩٨
٥٩٨.....	١٥-١-٢-٣-٢-٢-١-١٥ الحمد لله رب العالمين وإياه أشكر تمام نعمة علينا..... ٥٩٨
٥٩٨.....	١٦-١-٢-٣-٢-٢-١-١٦ الحمد لله شكراً..... ٥٩٨
٦٠٠.....	١٧-١-٢-٣-٢-٢-١-١٧ الحمد لله شكراً شكراً..... ٦٠٠
٦٠٠.....	١٨-١-٢-٣-٢-٢-١-١٨ الحمد لله شكراً شكراً لله وحمداً..... ٦٠٠
٦٠٠.....	١٩-١-٢-٣-٢-٢-١-١٩ الحمد لله شكراً شكراً وحمداً حمداً..... ٦٠٠

﴿فهرست﴾

۵۸۹.....	۱۰-۱-۲-۳-۲-۱-۱۰ دعای
۵۸۹.....	۱۱-۱-۲-۳-۲-۱-۱۱ دعای
۵۸۹.....	۱۲-۱-۲-۳-۲-۱-۱۲ دعای
۵۹۱.....	۱۳-۱-۲-۳-۲-۱-۱۳ دعای
۵۹۱.....	۱۴-۱-۲-۳-۲-۱-۱۴ دعای
۵۹۱.....	۱۵-۱-۲-۳-۲-۱-۱۵ دعای
۵۹۱.....	۲-۲-۳-۱-۲-۲-۱ ذکر و ربه: ذکرهای سجده‌ی شکر
۵۹۱.....	۱-۲-۳-۲-۲-۱ ستایش مخصوص خداست
۵۹۳.....	۱-۲-۳-۲-۲-۱-۱ ستایش مخصوص خداست
۵۹۳.....	۲-۲-۳-۱-۲-۲-۱ ستایش مخصوص خدایی است که به آنچه به من وعده داده وفا کرد
۵۹۵.....	۳-۲-۳-۲-۲-۱-۲ ستایش مخصوص خدایی است که شب را برد و روز را آورد
۵۹۵.....	۴-۲-۳-۲-۲-۱-۲ ستایش مخصوص خدایی است که روز را برد و شب را آورد
۵۹۵.....	۵-۲-۳-۲-۲-۱-۲ ستایش مخصوص خدایی است که این را رام ما کرد
۵۹۵.....	۶-۲-۳-۲-۲-۱-۲ ستایش مخصوص خدایی است که مرا از گرفتاری دور کرد و بر بسیاری از خلق مرا برتری مان داد
۵۹۵.....	۷-۲-۳-۲-۲-۱-۲ ستایش مخصوص خدایی است که حاجتم را برآورده کرد و درخواستم را عطا کرد
۵۹۵.....	۸-۲-۳-۲-۲-۱-۲ ستایش مخصوص خدایی است که حاجتم را برآورده کرد و دعایم را مستجاب کرد و درخواستم را عطا کرد
۵۹۷.....	۹-۲-۳-۲-۲-۱-۲ ستایش خدا را که پروردگار جهانیان است
۵۹۷.....	۱۰-۲-۳-۲-۲-۱-۲ ستایش خدا را که پروردگار جهانیان است (سه بار)
۵۹۷.....	۱۱-۲-۳-۲-۲-۱-۲ ستایش خدا را که پروردگار جهانیان است (چهار بار)
۵۹۷.....	۱۲-۲-۳-۲-۲-۱-۲ ستایش خدا را که پروردگار جهانیان است، خدایا توفیق شکر آن را نیز به من عطا کن
۵۹۹.....	۱۳-۲-۳-۲-۲-۱-۲ ستایش خدا را که پروردگار جهانیان است و او را می‌ستایم
۵۹۹.....	۱۴-۲-۳-۲-۲-۱-۲ در همه‌ی حالات خدایی را که پروردگار جهانیان است به پاکی و بسیار می‌ستایم
۵۹۹.....	۱۵-۲-۳-۲-۲-۱-۲ ستایش خدا را که پروردگار جهانیان است و بر همه‌ی نعمت‌هایش فقط او را شکر می‌گزارم
۵۹۹.....	۱۶-۲-۳-۲-۲-۱-۲ شاکرانه خدا را می‌ستایم
۶۰۱.....	۱۷-۲-۳-۲-۲-۱-۲ شاکرانه خدا را می‌ستایم
۶۰۱.....	۱۸-۲-۳-۲-۲-۱-۲ سپاس و ستایش مخصوص خداست
۶۰۱.....	۱۹-۲-۳-۲-۲-۱-۲ سپاس و ستایش مخصوص خداست

﴿الفهرس﴾

- ١-٢-٣-٢-٢-١-٢٠- الحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا لِنِعْمَائِهِ وَاسْتِدْعَاءً لِمَزِيدِهِ..... ٦٠٠
- ١-٢-٣-٢-٢-١-٢١- الحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى سَائِغِ نِعَمِ اللَّهِ..... ٦٠٠
- ١-٢-٣-٢-٢-١-٢٢- الحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ أَنْعَمَهَا عَلَيَّ..... ٦٠٢
- ١-٢-٣-٢-٢-١-٢٣- الحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ كَانَتْ أَوْ هِيَ كَائِنَةٌ..... ٦٠٢
- ١-٢-٣-٢-٢-١-٢٤- الحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا أَصْبَحْنَا لَكَ مُسْلِمِينَ سَالِمِينَ..... ٦٠٢
- ١-٢-٣-٢-٢-١-٢٥- الحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ مَا حَمِدَ اللَّهُ بِهِ حَامِدٌ إِلَى أَبَدِ الْأَبَدِ بِمَا مَنَّ بِهِ عَلَيْكَ مِنْ نِعْمَةٍ وَنَجَاكَ بِهِ مِنَ الْهَلَكَةِ..... ٦٠٢
- ١-٢-٣-٢-٢-٢-٢- أَصْبَحْتُ، أَصْبَحْنَا..... ٦٠٢
- ١-٢-٣-٢-٢-٢-١- أَصْبَحْتُ وَرَبِّي مَحْمُودٌ أَصْبَحْتُ لَا أَشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا أَدْعُو مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا أَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ وَلِيًّا..... ٦٠٢
- ١-٢-٣-٢-٢-٢-٢- أَصْبَحْتُ أَشْهَدُكَ مَا أَصْبَحْتَ بِي مِنْ نِعْمَةٍ أَوْ عَافِيَةٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَإِنَّهَا مِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ فَالْحَمْدُ عَلَيَّ ذَلِكَ وَلَكَ الشُّكْرُ كَثِيرًا..... ٦٠٢
- ١-٢-٣-٢-٢-٢-٣- أَصْبَحْنَا لِلَّهِ شَاكِرِينَ وَأَمْسَيْنَا لِلَّهِ حَامِدِينَ فَالْحَمْدُ كَمَا أَمْسَيْنَا لَكَ مُسْلِمِينَ سَالِمِينَ..... ٦٠٤
- ١-٢-٣-٢-٢-٢-٣- اللَّهُمَّ..... ٦٠٤
- ١-٢-٣-٢-٢-٢-٣-١- اللَّهُمَّ أَنْتَ أَنْتَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ..... ٦٠٤
- ١-٢-٣-٢-٢-٢-٣-٢- اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنَّهُ مَا أَصْبَحَ وَأَمْسَى بِي مِنْ نِعْمَةٍ وَعَافِيَةٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَمِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ فَالْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ بِهَا عَلَيَّ حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَا..... ٦٠٤
- ١-٢-٣-٢-٢-٢-٣-٣- اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنَّهُ مَا أَصْبَحَ وَأَمْسَى بِي مِنْ نِعْمَةٍ أَوْ عَافِيَةٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَمِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ فَالْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ بِهَا عَلَيَّ حَتَّى تَرْضَى إِلَيْنَا..... ٦٠٤
- ١-٢-٣-٢-٢-٢-٣-٤- اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنَّهُ مَا أَصْبَحَ وَأَمْسَى بِي مِنْ نِعْمَةٍ أَوْ عَافِيَةٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَمِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ فَالْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ عَلَى كُلِّ حَالٍ..... ٦٠٤
- ١-٢-٣-٢-٢-٣-٥- اللَّهُمَّ مَا أَصْبَحَ بِي مِنْ نِعْمَةٍ أَوْ بِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فَمِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ فَالْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ..... ٦٠٦
- ١-٢-٣-٢-٢-٣-٤- أَمْسَيْتُ، أَمْسَيْنَا..... ٦٠٦
- ١-٢-٣-٢-٢-٣-٤-١- أَمْسَيْتُ أَشْهَدُكَ أَنَّهُ مَا أَمْسَيْتُ بِهِ مِنْ نِعْمَةٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَإِنَّهَا مِنَ اللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْحَمْدُ بِهَا وَ الشُّكْرُ كَثِيرًا..... ٦٠٦
- ١-٢-٣-٢-٢-٣-٤-٢- أَمْسَيْنَا لِلَّهِ شَاكِرِينَ وَأَصْبَحْنَا لِلَّهِ حَامِدِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا أَصْبَحْنَا لَكَ مُسْلِمِينَ سَالِمِينَ..... ٦٠٦
- ١-٢-٣-٢-٢-٣-٥- اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَمْ يُمَسِّرْ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ..... ٦٠٨
- ١-٢-٣-٢-٢-٣-٦- بِسْمِ اللَّهِ..... ٦٠٨

﴿فهرست﴾

- ۱-۲۰-۲-۳-۱-۲۰ ستایش مخصوص خداست شکر بر نعمت‌هایش و درخواست
فزونی‌اش..... ۶۰۱
- ۱-۲۱-۲-۳-۱-۲۱ خدا را بر نعمت‌های گوناگونش می‌ستایم..... ۶۰۱
- ۱-۲۲-۲-۳-۱-۲۲ خدا را بر هر نعمتی که بر من نعمت داد می‌ستایم..... ۶۰۳
- ۱-۲۳-۲-۳-۱-۲۳ خدا را بر هر نعمتی که بوده یا هست می‌ستایم..... ۶۰۳
- ۱-۲۴-۲-۳-۱-۲۴ خدا را همچنان که فرمان‌بردار و تسلیم‌اویم می‌ستایم..... ۶۰۳
- ۱-۲۵-۲-۳-۱-۲۵ ستایش مخصوص خداست به اندازه‌ی ستایش همه‌ی
ستایشگران تا ابد..... ۶۰۳
- ۱-۲۶-۲-۳-۱-۲۶ صبح را آغاز کردم، صبح را آغاز کردیم..... ۶۰۳
- ۱-۲۷-۲-۳-۱-۲۷ صبح را آغاز کردم و پروردگارم ستوده است، صبح را آغاز کردم و
چیزی را شریک او نمی‌دانم و به همراهش معبودی نمی‌خوانم و در برابرش
سرپرستی نمی‌گیرم..... ۶۰۳
- ۱-۲۸-۲-۳-۱-۲۸ صبح را آغاز کردم و تو را گواه می‌گیرم بدان‌چه از نعمت و عافیت
در دین یا دنیا به من دادی که همه از توست، یکتا و بی‌همتایی، شریک نداری،
ستایش شکر فراوان مخصوص توست..... ۶۰۳
- ۱-۲۹-۲-۳-۱-۲۹ صبح را با شکر خداوند و شب را با سپاسگزاری خدا آغاز کردیم... ۶۰۵
- ۱-۳۰-۲-۳-۱-۳۰ خدایا تو تنها امید منی..... ۶۰۵
- ۱-۳۱-۲-۳-۱-۳۱ خدایا تنها تو، امیدم جز از تو قطع شده است..... ۶۰۵
- ۱-۳۲-۲-۳-۱-۳۲ خدایا... ستایش و شکر از آن توست و بر این نعمت‌ها ستایش و
شکرت بر من واجب است چنان‌که خشنود شوی و حتی بعد از خشنودی..... ۶۰۵
- ۱-۳۳-۲-۳-۱-۳۳ خدایا... ستایش و شکر از آن توست و بر این نعمت‌ها ستایش و
شکرت بر من واجب شد تا آنجا که خشنود شوی ای خدای ما..... ۶۰۵
- ۱-۳۴-۲-۳-۱-۳۴ خدایا... ستایش و شکر در هر حال از آن توست..... ۶۰۵
- ۱-۳۵-۲-۳-۱-۳۵ خدایا در این صبحگاه هر آنچه نعمت بر من یا به یکی از
مخلوقات می‌رسد از جانب توست، یکتایی، شریکی نداری ستایش و شکر از آن
توست..... ۶۰۷
- ۱-۳۶-۲-۳-۱-۳۶ شب را آغاز کردم، شب را آغاز کردیم..... ۶۰۷
- ۱-۳۷-۲-۳-۱-۳۷ شب را آغاز کردم و گواهی می‌دهم که آنچه از نعمت‌های دین یا
دنیا که با آن شب را آغاز کردم از جانب خداست، او که یکتاست و شریکی ندارد و
ستایش و شکر بسیار از آن اوست..... ۶۰۷
- ۱-۳۸-۲-۳-۱-۳۸ شب را با شکر خدا و روز را با ستایش از او آغاز کردیم و ستایش
مخصوص اوست به خاطر آنکه با تسلیم و در حال سلامت صبح را آغاز کردیم... ۶۰۷
- ۱-۳۹-۲-۳-۱-۳۹ خدایا احدی از آفریدگانت شب را آغاز نکرد مگر..... ۶۰۹
- ۱-۴۰-۲-۳-۱-۴۰ به نام خدا... ۶۰۹

﴿ الفهرس ﴾

- ١-٢٣-٢-٢٦-١.....بِسْمِ اللَّهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الشُّكْرُ لِلَّهِ ٢٠٨
- ١-٢٣-٢-٢٦-٢.....بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ إِيْمَانًا بِاللَّهِ وَتَنَاءً عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَالْعِصْمَةَ لِأَمْرِهِ وَالشُّكْرَ لِرِزْقِهِ ٢٠٨
- ١-٢٣-٢-٢٧-١.....سُبْحَانَ اللَّهِ سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ٢٠٨
- ١-٢٣-٢-٢٧-٢.....سُبْحَانَ رَبِّ النَّبِيِّنَ وَإِلَهُ الْمُرْسَلِينَ وَرَبِّ الْمُسْتَضْعَفِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ٢١٠
- ١-٢٣-٢-٢٨-١.....شُكْرًا ٢١٠
- ١-٢٣-٢-٢٨-٢.....شُكْرًا ٢١٠
- ١-٢٣-٢-٢٨-٣.....شُكْرًا شُكْرًا كَمَا أَوْثَقْتَنِي وَأَوْثَقْتَ مَنْ مَعِيَ ٢١٠
- ١-٢٣-٢-٢٨-٤.....شُكْرًا شُكْرًا مِائَةَ مَرَّةٍ ٢١٢
- ١-٢٣-٢-٢٨-٥.....شُكْرًا شُكْرًا وَحَمْدًا حَمْدًا سَبْعَ مَرَّاتٍ ٢١٢
- ١-٢٣-٢-٢٨-٦.....شُكْرًا لِلْمُنْجِبِ ٢١٢
- ١-٢٣-٢-٢٨-٧.....شُكْرًا لِلْمُنْعَمِ شُكْرًا لِلْمُنْعَمِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ٢١٢
- ١-٢٣-٢-٢٨-٨.....شُكْرًا لِلَّهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ٢١٤
- ١-٢٣-٢-٢٨-٩.....شُكْرًا لِلَّهِ مِائَةَ مَرَّةٍ ٢١٤
- ١-٢٣-٢-٢٨-١٠.....شُكْرًا لِلَّهِ جَلَّتْ عَظَمَتُهُ ٢١٤
- ١-٢٣-٢-٢٨-١١.....شُكْرًا لِلَّهِ وَحَمْدًا ٢١٤
- ١-٢٣-٢-٢٨-٩.....من قال "لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ... " فِي ذُبْرِ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ...أَدَّى مَا يَجِبُ عَلَيْهِ مِنْ شُكْرِ اللَّهِ تَعَالَى ٢١٦
- ١-٢٣-٢-٢٨-١٠.....لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ٢١٦
- ١-٢٣-٢-٢٨-١١.....لَكَ الْحَمْدُ ٢١٦
- ١-٢٣-٢-٢٨-١١-١.....لَكَ الْحَمْدُ شُكْرًا ٢١٦
- ١-٢٣-٢-٢٨-١١-٢.....لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ ٢١٦
- ١-٢٣-٢-٢٨-١٢.....يَا ٢١٦
- ١-٢٣-٢-٢٨-١٢-١.....يَا أَحَدُ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ ثَلَاثًا ٢١٦
- ١-٢٣-٢-٢٨-١٢-٢.....يَا ذَا الْمَنِّ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا وَلَا يُخْصِيهِ غَيْرُهُ عَدَدًا وَيَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْفَدُ أَبَدًا يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ ٢١٦
- ١-٢٣-٢-٢٨-١٢-٣.....يَا كَهْنِي حِينَ تُعَيِّنِي الْمَذَاهِبُ وَتَضِيقُ عَلَيَّ الْأَرْضُ بِمَا رَحَبْتُ وَيَا بَارِي خَلْقِي رَحْمَةً بِي وَكُنْتُ عَنْ خَلْقِي غَنِيًّا صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى الْمُسْتَخْفِظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ثَلَاثًا ٢١٨

﴿فهرست﴾

- ۱-۲-۳-۲-۲-۶-۱ به نام خدا، ستایش و شکر از آن خداست..... ۶۰۹
- ۲-۲-۳-۲-۲-۶-۲ به نام خدا و به یاری خدا و ستایش خدا را..... ۶۰۹
- ۷-۲-۳-۲-۲-۶-۱ پاک و منزّه است خدا..... ۶۰۹
- ۱-۲-۳-۲-۲-۷-۱ منزّه است خدایی که او را رانم کرد و ما بر آن توانا نبودیم و ما به سوی پروردگارمان بازمی‌گردیم و ستایش خدا را که پروردگار جهانیان است... ۶۰۹
- ۲-۲-۳-۲-۲-۷-۲ منزّه است خدایی که پروردگار پیامبران و معبود فرستادگان و پروردگار مستضعفین است، ستایش خدایی را که مرده را زنده می‌کند و او بر هر چیز تواناست..... ۶۱۱
- ۸-۲-۳-۲-۲-۶-۱ شکر..... ۶۱۱
- ۱-۲-۳-۲-۲-۸-۱ شکر..... ۶۱۱
- ۲-۲-۳-۲-۲-۸-۱ شکر سه مرتبه..... ۶۱۱
- ۳-۲-۳-۲-۲-۸-۱ سپاس گزارم سپاس گزارم که مرا و یارانم را جا و مکان دادی... ۶۱۱
- ۴-۲-۳-۲-۲-۸-۱ سپاسگزارم سپاسگزارم صد مرتبه..... ۶۱۳
- ۵-۲-۳-۲-۲-۸-۱ شکر شکر، سپاس سپاس هفت مرتبه..... ۶۱۳
- ۶-۲-۳-۲-۲-۸-۱ سپاس می‌گزارم خداوندی را که اجابت می‌کند..... ۶۱۳
- ۷-۲-۳-۲-۲-۸-۱ سپاس می‌گزارم خداوندی را که نعمت می‌دهد سه مرتبه..... ۶۱۳
- ۸-۲-۳-۲-۲-۸-۱ سپاس خدا را سه مرتبه..... ۶۱۵
- ۹-۲-۳-۲-۲-۸-۱ سپاس خدا را صد مرتبه..... ۶۱۵
- ۱۰-۲-۳-۲-۲-۸-۱ سپاس خدا را که بزرگ است عظمت او..... ۶۱۵
- ۱۱-۲-۳-۲-۲-۸-۱ شکر خدا را و ستایش خدا را..... ۶۱۵
- ۹-۲-۳-۲-۲-۲-۱ هرکس این دعا را بعد از هر نماز واجب بخواند شکر واجب بر تقویت اسلام را ادا کرده است، "هیچ خدایی جز خدای یکتا نیست، یگانه و تنهاست وعده‌ی خود را به‌جای آورده است..."..... ۶۱۷
- ۱۰-۲-۳-۲-۲-۲-۱ هیچ نیرویی جز به اراده‌ی خداوند عمل نمی‌کند، درخواست آمرزش می‌کنم و بازگشت همه‌چیز به سوی اوست..... ۶۱۷
- ۱۱-۲-۳-۲-۲-۲-۱ ستایش از آن توست..... ۶۱۷
- ۱-۲-۳-۲-۲-۱۱-۱ ستایش از آن توست و تو را سپاس می‌گزارم..... ۶۱۷
- ۲-۲-۳-۲-۲-۱۱-۲ ستایش و سپاس از آن توست..... ۶۱۷
- ۱۲-۲-۳-۲-۲-۲-۱ ای..... ۶۱۷
- ۱-۲-۳-۲-۲-۱۲-۱ ای بی‌همتایی که همتایی برای او نیست سه بار..... ۶۱۷
- ۲-۲-۳-۲-۲-۱۲-۲ ای صاحب نعمتی که هرگز بخششت پایان نمی‌پذیرد و هیچ‌گاه نعمتت به شمار در نمی‌آید، ای صاحب خیر که هرگز نیکی‌ات گسسته نمی‌شود، ای بزرگوار، ای بزرگوار، ای بزرگوار..... ۶۱۷
- ۳-۲-۳-۲-۲-۱۲-۳ ای پناه من آن‌گاه که گوناگونی راه‌ها مرا در انتخاب بهترین به عجز می‌اندازند... سه بار..... ۶۱۹

﴿الفهرس﴾

[illegible]

﴿فهرست﴾

۱۲-۴-۱-۲-۳-۲-۲	ای آغازکننده به عطای نعمت قبل از سزاواری من به آن‌ها... ۶۱۹
۱۲-۵-۱-۲-۳-۲-۲	ای خوارکننده‌ی هر ستمگر زورگو و ای عزیزکننده‌ی هر خوار، به عزت سوگند که رنج و مشقت مرا از پای درآورده است... ۳ بار... ۶۱۹
۱۲-۳-۲-۳	۱-۲-۳-۲-۳ هنگام قربانی... ۶۱۹
۱۲-۳-۲-۴	۱-۲-۳-۲-۴ رکوع و ربه: سجده... ۶۱۹
۱۲-۳-۲-۵	۱-۲-۳-۲-۵ زکات... ۶۲۱
۱۲-۳-۲-۶	۱-۲-۳-۲-۶ سجده، سجده‌ی شکر... ۶۲۱
۱۲-۳-۲-۶-۱	۱-۲-۳-۲-۶-۱ تعریف، نشانه‌ها و چگونگی آن... ۶۲۱
۱۲-۳-۲-۶-۱-۱	۱-۲-۳-۲-۶-۱-۱ سجده‌ی شکر، یک سجده است... ۶۲۱
۱۲-۳-۲-۶-۱-۲	۱-۲-۳-۲-۶-۱-۲ طولانی‌کردن آن... ۶۲۱
۱۲-۳-۲-۶-۱-۳	۱-۲-۳-۲-۶-۱-۳ ذکرها و دعا‌های سجده‌ی شکر... ۶۲۳
۱۲-۳-۲-۶-۱-۳-۱	۱-۲-۳-۲-۶-۱-۳-۱ ذکرها... ۶۲۵
۱۲-۳-۲-۶-۱-۳-۲	۱-۲-۳-۲-۶-۱-۳-۲ دعاها... ۶۲۷
۱۲-۳-۲-۶-۲	۱-۲-۳-۲-۶-۲ فضیلت و اهمیت... ۶۴۳
۱۲-۳-۲-۶-۲-۱	۱-۲-۳-۲-۶-۲-۱ از لازم‌ترین و واجب‌ترین‌هاست... ۶۴۳
۱۲-۳-۲-۶-۲-۲	۱-۲-۳-۲-۶-۲-۲ فرمان به سجده شکر... ۶۴۳
۱۲-۳-۲-۶-۲-۳	۱-۲-۳-۲-۶-۲-۳ از نشانه‌های شیعه... ۶۴۵
۱۲-۳-۲-۶-۲-۴	۱-۲-۳-۲-۶-۲-۴ همانند کسی است که در خدمت رسول خدا به جهاد رفته باشد و به‌سوی دشمنان خدا تیر انداخته باشد... ۶۴۵
۱۲-۳-۲-۶-۳	۱-۲-۳-۲-۶-۳ کسانی که سجده‌ی شکر به جای آورده‌اند... ۶۴۷
۱۲-۳-۲-۶-۳-۱	۱-۲-۳-۲-۶-۳-۱ رسول خدا ﷺ... ۶۴۷
۱۲-۳-۲-۶-۳-۲	۱-۲-۳-۲-۶-۳-۲ اهل بیت ﷺ... ۶۵۳
۱۲-۳-۲-۶-۳-۳	۱-۲-۳-۲-۶-۳-۳ امیرالمؤمنین ﷺ، اولین کسی بود که سجده‌ی شکر به‌جای آورد ... ۶۵۵
۱۲-۳-۲-۶-۳-۴	۱-۲-۳-۲-۶-۳-۴ امام سجاد ﷺ... ۶۵۷
۱۲-۳-۲-۶-۳-۵	۱-۲-۳-۲-۶-۳-۵ امام باقر ﷺ... ۶۵۷
۱۲-۳-۲-۶-۳-۶	۱-۲-۳-۲-۶-۳-۶ امام صادق ﷺ... ۶۵۹
۱۲-۳-۲-۶-۳-۷	۱-۲-۳-۲-۶-۳-۷ امام رضا ﷺ... ۶۵۹
۱۲-۳-۲-۶-۳-۸	۱-۲-۳-۲-۶-۳-۸ حضرت مریم ؑ... ۶۵۹
۱۲-۳-۲-۶-۳-۹	۱-۲-۳-۲-۶-۳-۹ یعقوب ﷺ و فرزندان... ۶۵۹
۱۲-۳-۲-۶-۳-۱۰	۱-۲-۳-۲-۶-۳-۱۰ لقمان (ره)... ۶۶۱
۱۲-۳-۲-۶-۳-۱۱	۱-۲-۳-۲-۶-۳-۱۱ ابن ابی بصیر... ۶۶۱
۱۲-۳-۲-۶-۳-۱۲	۱-۲-۳-۲-۶-۳-۱۲ نیکان... ۶۶۱
۱۲-۳-۲-۶-۴	۱-۲-۳-۲-۶-۴ زمان‌ها... ۶۶۱
۱۲-۳-۲-۶-۴-۱	۱-۲-۳-۲-۶-۴-۱ نیمه شب... ۶۶۱

﴿الفهرس﴾

٦٦٠.....	بَعْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ ١-٢-٣-٤-٤-٢
٦٦٢.....	لَيْلَةُ الْجُمُعَةِ ١-٢-٣-٤-٤-٣
٦٦٢.....	يَوْمُ الْجُمُعَةِ ١-٢-٣-٤-٤-٤
٦٦٢.....	يَوْمُ النَّيْرُوزِ ١-٢-٣-٤-٤-٥
٦٦٢.....	المَوَاضِعُ ١-٢-٣-٤-٤-٥
٦٦٢.....	بَعْدَ الرُّجُوعِ مِنَ السَّفَرِ ١-٢-٣-٤-٥-١
٦٦٤.....	بَعْدَ الْقِيَامِ مِنَ النَّوْمِ ١-٢-٣-٤-٥-٢
٦٦٤.....	عِنْدَ تَذَكُّرِ النِّعْمَةِ ١-٢-٣-٤-٥-٣
٦٦٤.....	عِنْدَ الْخَوْفِ ١-٢-٣-٤-٥-٤
٦٦٤.....	بَعْدَ سَمْعِ الْحَدِيثِ ١-٢-٣-٤-٥-٥
٦٦٦.....	بَعْدَ الصَّلَاةِ ١-٢-٣-٤-٥-٦
٦٦٦.....	بَعْدَ صَلَاةِ يَوْمِ النَّيْرُوزِ ١-٢-٣-٤-٥-٦-١
٦٦٦.....	بَعْدَ صَلَاةِ الْفَرِيضَةِ ١-٢-٣-٤-٥-٦-٢
٦٦٨.....	بَعْدَ التَّعْقِيبِ لِمُصَلَّةِ الْفَرِيضَةِ ١-٢-٣-٤-٥-٦-٣
٦٦٨.....	بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ ١-٢-٣-٤-٥-٦-٤
٦٧٠.....	بَعْدَ صَلَاةِ الظُّهْرِ ١-٢-٣-٤-٥-٦-٥
٦٧٠.....	بَعْدَ تَعْقِيبِ صَلَاةِ الظُّهْرِ ١-٢-٣-٤-٥-٦-٦
٦٧٠.....	بَعْدَ صَلَاةِ الْمَغْرَبِ ١-٢-٣-٤-٥-٦-٧
٦٧٢.....	بَعْدَ التَّائِلَةِ لِمُصَلَّةِ الْمَغْرَبِ ١-٢-٣-٤-٥-٦-٨
٦٧٢.....	بَعْدَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ١-٢-٣-٤-٥-٦-٩
٦٧٢.....	بَعْدَ تَعْقِيبِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ١-٢-٣-٤-٥-٦-١٠
٦٧٤.....	بَعْدَ صَلَاةِ الْوُتْبَةِ ١-٢-٣-٤-٥-٦-١١
٦٧٤.....	بَعْدَ أَرْبَعِ رَكَعَاتٍ ١-٢-٣-٤-٥-٦-١٢
٦٧٤.....	بَعْدَ الثَّمَانِي رَكَعَاتٍ ١-٢-٣-٤-٥-٦-١٣
٦٧٤.....	بَعْدَ صَلَاةِ اللَّيْلِ ١-٢-٣-٤-٥-٦-١٤
٦٧٦.....	فِي غَيْرِ الصَّلَاةِ ١-٢-٣-٤-٥-٧
٦٧٦.....	لِمَاذَا؟ ١-٢-٣-٤-٥-٦-٦
٦٧٦.....	لِلسَّلَامَةِ ١-٢-٣-٤-٥-٦-١
٦٧٦.....	لِتَجْدِيدِ النِّعْمَةِ ١-٢-٣-٤-٥-٦-٢
٦٧٦.....	لِجَمْعِ الشَّمْلِ ١-٢-٣-٤-٥-٦-٣
٦٧٦.....	لِلبَّشَارَةِ ١-٢-٣-٤-٥-٦-٤
٦٧٨.....	لِلنَّيْسِ وَالسُّرُورِ ١-٢-٣-٤-٥-٦-٥
٦٧٨.....	لِلنَّبِيِّ ﷺ وَ أَهْلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ١-٢-٣-٤-٥-٦-٦

﴿فهرست﴾

۶۶۱.....	۱-۲-۳-۲۶-۴-۲ بعد از طلوع خورشید
۶۶۳.....	۱-۲-۳-۲۶-۴-۳ شب جمعه
۶۶۳.....	۱-۲-۳-۲۶-۴-۴ روز جمعه
۶۶۳.....	۱-۲-۳-۲۶-۴-۵ نوروز
۶۶۳.....	۱-۲-۳-۲۶-۵ مکان‌ها
۶۶۳.....	۱-۲-۳-۲۶-۵-۱ پس از بازگشت از سفر
۶۶۵.....	۱-۲-۳-۲۶-۵-۲ پس از بیدار شدن از خواب
۶۶۵.....	۱-۲-۳-۲۶-۵-۳ هنگام یادآوری نعمت
۶۶۵.....	۱-۲-۳-۲۶-۵-۴ هنگام ترس از خدا
۶۶۵.....	۱-۲-۳-۲۶-۵-۵ بعد از شنیدن حدیث
۶۶۷.....	۱-۲-۳-۲۶-۵-۶ بعد از نماز
۶۶۷.....	۱-۲-۳-۲۶-۵-۶-۱ بعد از نماز نوروز
۶۶۷.....	۱-۲-۳-۲۶-۵-۶-۲ بعد از نماز واجب
۶۶۹.....	۱-۲-۳-۲۶-۵-۶-۳ بعد از تعقیب نماز واجب
۶۶۹.....	۱-۲-۳-۲۶-۵-۶-۴ بعد از نماز صبح
۶۷۱.....	۱-۲-۳-۲۶-۵-۶-۵ بعد از نماز ظهر
۶۷۱.....	۱-۲-۳-۲۶-۵-۶-۶ بعد از تعقیب نماز ظهر
۶۷۱.....	۱-۲-۳-۲۶-۵-۶-۷ بعد از نماز مغرب
۶۷۳.....	۱-۲-۳-۲۶-۵-۶-۸ بعد از نافله‌ی نماز مغرب
۶۷۳.....	۱-۲-۳-۲۶-۵-۶-۹ بعد از نماز عشا
۶۷۳.....	۱-۲-۳-۲۶-۵-۶-۱۰ بعد از تعقیب نماز عشاء
۶۷۵.....	۱-۲-۳-۲۶-۵-۶-۱۱ بعد از نماز وتیره
۶۷۵.....	۱-۲-۳-۲۶-۵-۶-۱۲ بعد از چهار رکعت
۶۷۵.....	۱-۲-۳-۲۶-۵-۶-۱۳ بعد از هشت رکعت
۶۷۵.....	۱-۲-۳-۲۶-۵-۶-۱۴ بعد از نماز شب
۶۷۷.....	۱-۲-۳-۲۶-۵-۷ در غیر نماز
۶۷۷.....	۱-۲-۳-۲۶-۶ چه نعمتی را شکر گزاریم؟
۶۷۷.....	۱-۲-۳-۲۶-۶-۱ سلامتی
۶۷۷.....	۱-۲-۳-۲۶-۶-۲ تجدید نعمت
۶۷۷.....	۱-۲-۳-۲۶-۶-۳ جمع شدن دوستان یا خانواده
۶۷۷.....	۱-۲-۳-۲۶-۶-۴ بشارت و نوید دادن
۶۷۹.....	۱-۲-۳-۲۶-۶-۵ آسانی و شادی
۶۷۹.....	۱-۲-۳-۲۶-۶-۶ بشارت و فضل و برتری پیامبر ﷺ و اهل بیت ﺍﻟﻤﺎﺟﺪ

﴿الفهرس﴾

٦٨٨.....	١-٢-٣-٢-٢-٦-٦-٧	لِتَوْفِيقِ آدَاءِ الْفَرَائِضِ.....
٦٨٨.....	١-٢-٣-٢-٢-٦-٦-٨	لِبَشَارَةِ الْفَتْحِ وَ قَتْلِ الْعَدُوِّ.....
٦٨٨.....	١-٢-٣-٢-٢-٦-٦-٩	لِلْيُسْرِ بَعْدَ الْعُسْرِ.....
٦٩٠.....	١-٢-٣-٢-٢-٦-٧	حَالَاتُ السَّاجِدِ فِي السَّجْدَةِ الشُّكْرِ.....
٦٩٠.....	١-٢-٣-٢-٢-٦-٧-١	مُتَوَضِّعٌ.....
٦٩٠.....	١-٢-٣-٢-٢-٦-٨	ثَمَرَاتُ سَجْدَةِ الشُّكْرِ.....
٦٩٤.....	١-٢-٣-٢-٢-٦-٩	بَعْدَ سَجْدَةِ الشُّكْرِ.....
٦٩٤.....	١-٢-٣-٢-٢-٧	الصَّدَاقُ.....
٦٩٤.....	١-٢-٣-٢-٢-٨	الصَّلَاةُ.....
٦٩٤.....	١-٢-٣-٢-٢-٨-١	الْأَمْرُ بِصَلَاةِ الشُّكْرِ.....
٦٩٤.....	١-٢-٣-٢-٢-٨-٢	صَلَاةُ الشُّكْرِ لِلرَّسُولِ ﷺ.....
٦٩٦.....	١-٢-٣-٢-٢-٨-٣	كُلُّ الصَّلَوَاتِ لِشُكْرِ النِّعَمِ.....
٦٩٦.....	١-٢-٣-٢-٢-٨-٤	كَرَاهَةُ الْإِجَابِ لَصَلَاةِ الشُّكْرِ.....
٦٩٦.....	١-٢-٣-٢-٢-٨-٥	صَلَاةُ الشَّاكِرِينَ.....
٦٩٦.....	١-٢-٣-٢-٢-٨-٦	وَضْعُ الْإِضَافَاتِ عَلَى الرُّكْعَتَيْنِ لَوْلَاذِهِ أَهْلُ الْبَيْتِ ﷺ.....
٦٩٨.....	١-٢-٣-٢-٢-٨-٧	صَلَاةُ الشُّكْرِ لِسَلَامِهِ أَهْلُ الْبَيْتِ ﷺ.....
٦٩٨.....	١-٢-٣-٢-٢-٨-٨	صَلَاةُ الشُّكْرِ فِي يَوْمِ الْغَدِيرِ.....
٧٠٠.....	١-٢-٣-٢-٢-٨-٩	صَلَاةُ الشُّكْرِ فِي مَوْضِعِ مِنْبَرِ الْقَائِمِ ﷺ.....
٧٠٢.....	١-٢-٣-٢-٢-٨-١٠	صَلَاةُ الشُّكْرِ فِي الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ لَيْلَةَ الْأَضْحَى.....
٧٠٢.....	١-٢-٣-٢-٢-٨-١١	صَلَاةُ الشُّكْرِ فِي الرَّابِعِ وَالْعِشْرِينَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ.....
٧٠٢.....	١-٢-٣-٢-٢-٨-١٢	صَلَاةُ الشُّكْرِ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَرِيضَةِ.....
٧٠٢.....	١-٢-٣-٢-٢-٨-١٣	صَلَاةُ الشُّكْرِ عِنْدَ اسْتِجَابَةِ الدُّعَاءِ.....
٧٠٢.....	١-٢-٣-٢-٢-٨-١٤	صَلَاةُ الشُّكْرِ إِذَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْكَ بِنِعْمَةٍ.....
٧٠٤.....	١-٢-٣-٢-٢-٨-١٥	صَلَاةُ الشُّكْرِ لِلْيُسْرِ بَعْدَ الْعُسْرِ.....
٧٠٤.....	١-٢-٣-٢-٢-٨-١٦	صَلَاةُ الشُّكْرِ بَعْدَ قَضَاءِ الْحَاجَةِ.....
٧٠٤.....	١-٢-٣-٢-٢-٨-١٧	صَلَاةُ الشُّكْرِ إِذَا قَدِمَ الرَّجُلُ مِنَ السَّفَرِ.....
٧٠٤.....	١-٢-٣-٢-٢-٨-١٨	صَلَاةُ الشُّكْرِ بَعْدَ الْخُرُوجِ مِنَ الْحَمَامِ.....
٧٠٤.....	١-٢-٣-٢-٢-٩	الصَّلَوَاتُ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ.....
٧٠٦.....	١-٢-٣-٢-٢-١٠	الصَّوْمُ.....
٧٠٦.....	١-٢-٣-٢-٢-١٠-١	الشُّكْرُ عَلَيَّ وَضْعُ الصَّوْمِ.....
٧٠٦.....	١-٢-٣-٢-٢-١٠-٢	صَوْمُ الشُّكْرِ لِاسْتِجَابَةِ الدُّعَاءِ.....
٧٠٦.....	١-٢-٣-٢-٢-١٠-٣	صَوْمُ الشُّكْرِ لِلْسَّلَامَةِ.....
٧٠٨.....	١-٢-٣-٢-٢-١٠-٤	صَوْمُ الشُّكْرِ لِلنَّجَاةِ.....

﴿فهرست﴾

۶۸۹.....	۱-۲-۳-۲۶۶-۷- موفق شدن بر انجام واجبات.....
۶۸۹.....	۱-۲-۳-۲۶۶-۸- نوید پیروزی و کشته شدن دشمن.....
۶۸۹.....	۱-۲-۳-۲۶۶-۹- آسانی بعد از سختی.....
۶۹۱.....	۱-۲-۳-۲۶۷- حالات سجده کننده در سجده ی شکر.....
۶۹۱.....	۱-۲-۳-۲۶۷-۱- طهارت و وضو.....
۶۹۱.....	۱-۲-۳-۲۶۸- ثمرات سجده ی شکر.....
۶۹۵.....	۱-۲-۳-۲۶۹- بعد از سجده ی شکر.....
۶۹۵.....	۱-۲-۳-۲۷۰- مهریه.....
۶۹۵.....	۱-۲-۳-۲۸۰- نماز.....
۶۹۵.....	۱-۲-۳-۲۸۱- فرمان به نماز شکر.....
۶۹۵.....	۱-۲-۳-۲۸۲- نماز شکر برای پیامبر ﷺ.....
۶۹۷.....	۱-۲-۳-۲۸۳- همه ی نمازها برای شکر و سپاسگزاری از نعمت هاست.....
۶۹۷.....	۱-۲-۳-۲۸۴- کراهت لازم ندانستن نماز شکر.....
۶۹۷.....	۱-۲-۳-۲۸۵- نماز شکر گزاران.....
۶۹۷.....	۱-۲-۳-۲۸۶- اضافه کردن بر دو رکعت برای ولادت اهل بیت علیهم السلام.....
۶۹۹.....	۱-۲-۳-۲۸۷- نماز شکر برای سلامتی ائمه علیهم السلام.....
۶۹۹.....	۱-۲-۳-۲۸۸- نماز شکر در روز غدیر.....
۷۰۱.....	۱-۲-۳-۲۸۹- نماز شکر در محل منبر حضرت قائم ﷺ.....
۷۰۳.....	۱-۲-۳-۲۹۰- نماز شکر در مشعرالحرام روز عید قربان.....
۷۰۳.....	۱-۲-۳-۲۹۱- نماز شکر در بیست و چهارم ذی حجه.....
۷۰۳.....	۱-۲-۳-۲۹۲- نماز شکر بعد از نماز واجب.....
۷۰۳.....	۱-۲-۳-۲۹۳- نماز شکر هنگام استجابت دعا.....
۷۰۳.....	۱-۲-۳-۲۹۴- نماز شکر هنگامی که خداوند نعمتی به تو ارزانی کرد.....
۷۰۵.....	۱-۲-۳-۲۹۵- نماز شکر برای آسانی پس از سختی.....
۷۰۵.....	۱-۲-۳-۲۹۶- بعد از برآورده شدن حاجت.....
۷۰۵.....	۱-۲-۳-۲۹۷- نماز شکر هنگامی که مردی از سفر آید.....
۷۰۵.....	۱-۲-۳-۲۹۸- نماز شکر پس از خروج از حمام.....
۷۰۵.....	۱-۲-۳-۲۹۹- صلوات بر پیامبر ﷺ.....
۷۰۷.....	۱-۲-۳-۳۰۰- روزه.....
۷۰۷.....	۱-۲-۳-۳۰۰-۱- شکر، علت واجب شدن روزه.....
۷۰۷.....	۱-۲-۳-۳۰۰-۲- روزه ی شکر برای استجابت دعا.....
۷۰۷.....	۱-۲-۳-۳۰۰-۳- روزه ی شکر برای سلامتی.....
۷۰۹.....	۱-۲-۳-۳۰۰-۴- روزه ی شکر برای نجات.....

﴿الفهرس﴾

- ٧٠٨.....١-٢-٣-٢-١٠-٥ صَوْمُ الشُّكْرِ لِقَبُولِ التَّوْبَةِ.....
- ٧٠٨.....١-٢-٣-٢-١٠-٦ صَوْمُ الشُّكْرِ لِنَصَبِ الْوَصِيِّ.....
- ٧١٠.....١-٢-٣-٢-١٠-٧ صَوْمُ الشُّكْرِ فِي يَوْمِ الْمُبَاهِلَةِ.....
- ٧١٠.....١-٢-٣-٢-١٠-٨ صَوْمُ الشُّكْرِ فِي يَوْمِ تَزْوِيجِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ فَاطِمَةَ عليهما السلام.....
- ٧١٠.....١-٢-٣-٢-١٠-٩ صَوْمُ الشُّكْرِ فِي يَوْمِ الْغَدِيرِ.....
- ٧١٢.....١-٢-٣-٢-١٠-١٠ صَوْمُ بَنِي أُمَيَّةَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ.....
- ٧١٢.....١-٢-٣-٢-١١ طَوَافُ الشُّكْرِ.....
- ٧١٢.....١-٢-٣-٢-١٢ الْقُرْآنُ.....
- ٧١٢.....١-٢-٣-٢-١٢-١ حِفْظُهُ.....
- ٧١٤.....١-٢-٣-٢-١٢-٢ قِرَاءَتُهُ.....
- ٧١٤.....١-٢-٣-٢-١٢-٢-١ قِرَاءَةُ أُمِّ الْقُرْآنِ.....
- ٧١٤.....١-٢-٣-٢-١٢-٢-٢ قِرَاءَةُ سُورَةِ الرَّحْمَنِ.....
- ٧١٤.....١-٢-٣-٢-١٣ النَّذْرُ لِلشُّكْرِ.....
- ٧١٤.....١-٢-٣-٢-١٣-١ النَّذْرُ لِلْحَجِّ شُكْرًا.....
- ٧١٤.....١-٢-٣-٢-١٣-٢ النَّذْرُ لِلصَّدَقَةِ شُكْرًا.....
- ٧١٦.....١-٢-٣-٢-١٣-٣ النَّذْرُ لِلصَّوْمِ شُكْرًا.....
- ٧١٦.....١-٢-٣-٢-١٣-٤ النَّذْرُ لِلنَّخْرِ شُكْرًا.....
- ٧١٦.....١-٢-٣-٣ سَائِرُ الْأَوْسَائِلِ وَالْوَسَائِلِ.....
- ٧١٨.....١-٢-٣-٣-١ الْعِلْمُ.....
- ٧١٨.....١-٢-٣-٣-٢ الْفِعْلُ وَالْعَمَلُ.....
- ٧١٨.....١-٢-٣-٣-٣ الْمَالُ.....
- ٧١٨.....١-٢-٣-٣-٤ الْمَقَالُ رَاجِعُ: اللِّسَانُ.....
- ٧١٨.....١-٢-٣-٣-٥ النِّعْمَةُ وَالْمِنَّةُ.....
- ٧١٨.....١-٢-٤ الْأَمَّاكِنُ الَّتِي يُوصَى فِيهَا عَلَى الشُّكْرِ.....
- ٧١٨.....١-٢-٤-١ مَوْضِعُ مَنَبَرِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ.....
- ٧١٨.....١-٢-٤-٢ مَوْضِعُ مَنَبَرِ الْقَائِمِ عليه السلام.....
- ٧٢٠.....١-٢-٤-٣ الْمَشْعَرُ الْحَرَامُ.....
- ٧٢٠.....١-٢-٥ الْأَوْقَاتُ الَّتِي شُدِّدَ فِيهَا عَلَى الشُّكْرِ.....
- ٧٢٠.....١-٢-٥-١ أَبَدًا.....
- ٧٢٠.....١-٢-٥-٢ كُلُّ صَبَاحٍ وَمَسَاءٍ.....
- ٧٢٢.....١-٢-٥-٣ كُلُّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ.....
- ٧٢٢.....١-٢-٥-٤ فِي أَحَبِّ الْأَوْقَاتِ مِنَ اللَّيْلِ.....
- ٧٢٢.....١-٢-٥-٥ الْيَوْمُ التَّاسِعُ وَالْعِشْرِينَ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ.....

﴿فهرست﴾

۷۰۹.....	۱-۲-۳-۲-۱۰-۵-روزه‌ی شکر برای قبول توبه
۷۰۹.....	۱-۲-۳-۲-۱۰-۶-روزه‌ی شکر برای انتصاب جانشین
۷۱۱.....	۱-۲-۳-۲-۱۰-۷-روزه‌ی شکر در روز میاهله.....
۷۱۱.....	۱-۲-۳-۲-۱۰-۸-روزه‌ی شکر در روز ازدواج امیرالمؤمنین و فاطمه علیهما السلام
۷۱۱.....	۱-۲-۳-۲-۱۰-۹-روزه‌ی شکر در روز غدیر.....
۷۱۳.....	۱-۲-۳-۲-۱۰-۱۰-روزه‌ی بنی امیه در روز عاشورا.....
۷۱۳.....	۱-۲-۳-۲-۱۱-طواف شکر.....
۷۱۳.....	۱-۲-۳-۲-۱۲-قرآن.....
۷۱۳.....	۱-۲-۳-۲-۱۲-۱-حفظ آن.....
۷۱۵.....	۱-۲-۳-۲-۱۲-۲-خواندنش.....
۷۱۵.....	۱-۲-۳-۲-۱۲-۲-۱-خواندن سوره‌ی حمد.....
۷۱۵.....	۱-۲-۳-۲-۱۲-۲-۲-خواندن سوره‌ی الرحمن.....
۷۱۵.....	۱-۲-۳-۲-۱۳-نذر شکر.....
۷۱۵.....	۱-۲-۳-۲-۱۳-۱-نذر حج به عنوان شکر.....
۷۱۵.....	۱-۲-۳-۲-۱۳-۲-نذر صدقه به عنوان شکر.....
۷۱۷.....	۱-۲-۳-۲-۱۳-۳-نذر روزه به عنوان شکر.....
۷۱۷.....	۱-۲-۳-۲-۱۳-۴-نذر قربانی به عنوان شکر.....
۷۱۷.....	۱-۲-۳-۳-سایر وسیله‌ها و واسطه‌ها.....
۷۱۹.....	۱-۲-۳-۳-۱-علم.....
۷۱۹.....	۱-۲-۳-۳-۲-عمل.....
۷۱۹.....	۱-۲-۳-۳-۳-مال.....
۷۱۹.....	۱-۲-۳-۳-۴-گفتار ربه: زبان.....
۷۱۹.....	۱-۲-۳-۳-۵-نعمت.....
۷۱۹.....	۱-۲-۴-۱-مکان‌هایی که شکر در آن‌ها سفارش شده است.....
۷۱۹.....	۱-۲-۴-۱-۱-محل منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله
۷۱۹.....	۱-۲-۴-۲-محل منبر حضرت قائم علیه السلام
۷۲۱.....	۱-۲-۴-۳-در مشعرالحرام.....
۷۲۱.....	۱-۲-۵-۱-زمان‌هایی که شکر در آن‌ها سفارش شده است.....
۷۲۱.....	۱-۲-۵-۱-همیشه.....
۷۲۱.....	۱-۲-۵-۲-هر صبح و عصر.....
۷۲۳.....	۱-۲-۵-۳-هر روز و شب.....
۷۲۳.....	۱-۲-۵-۴-در بهترین لحظه‌های شب.....
۷۲۳.....	۱-۲-۵-۵-روز بیست و هفتم از هر ماه.....

﴿الفهرس﴾

٧٢٢.....	١-٢-٥-٦-اليومُ الثلاثينَ من كُلِّ شهرٍ
٧٢٢.....	١-٢-٥-٧-ليلةُ الجمعةِ
٧٢٢.....	١-٢-٥-٨-يومُ الجمعةِ
٧٢٤.....	١-٢-٥-٩-شهرُ رَمَضانَ
٧٢٤.....	١-٢-٥-٩-١-العشرُ الأَخيرُ من شهرِ رَمَضانَ
٧٢٤.....	١-٢-٥-٩-٢-ليلةُ القَدْرِ
٧٢٤.....	١-٢-٥-١٠-يومُ عَرَفَةَ
٧٢٤.....	١-٢-٥-١١-ليلةُ الأَضْحَى
٧٢٤.....	١-٢-٥-١٢-يومُ غَدِيرِ خُمٍّ
٧٢٨.....	١-٢-٥-١٣-يومُ التاسعِ من ربيعِ الأَوَّلِ
٧٢٨.....	١-٢-٥-١٤-يومُ النَّيرُوزِ
٧٣٠.....	١-٢-٥-المَواقِعُ الَّتِي يُوصَى فيها بِالشُّكْرِ
٧٣٠.....	١-٢-٥-١-في كُلِّ حالٍ
٧٣٠.....	١-٢-٥-١-١-في السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ
٧٣٠.....	١-٢-٥-١-٢-في السَّرِّ وَالضَّرِّ
٧٣٢.....	١-٢-٥-٢-عِنْدَ الأَعْمَالِ اليَوْمِيَّةِ
٧٣٢.....	١-٢-٥-٢-١-الأَكْلُ وَالشُّرْبُ
٧٣٢.....	١-٢-٥-٢-١-١-إِذَا أَرَدْتَ أَكَلَ الطَّعَامِ
٧٣٢.....	١-٢-٥-٢-١-٢-إِذَا وَضِعَ الطَّعَامُ
٧٣٢.....	١-٢-٥-٢-١-٣-عَلَى الطَّعَامِ
٧٣٤.....	١-٢-٥-٢-١-٤-إِذَا رُفِعَتِ المَائِدَةُ
٧٣٤.....	١-٢-٥-٢-١-٥-إِذَا شَبِعَ
٧٣٤.....	١-٢-٥-٢-١-٦-إِذَا شَرِبَ أَحَدُكُمْ
٧٣٦.....	١-٢-٥-٢-١-٧-إِذَا شَرِبَ مِنْ زَمَزمَ
٧٣٦.....	١-٢-٥-٢-٢-لَبَسُ التَّوْبِ
٧٣٦.....	١-٢-٥-٢-٣-الخُرُوجُ مِنَ البَيْتِ
٧٣٦.....	١-٢-٥-٢-٤-الخُرُوجُ مِنَ الحَمَّامِ
٧٣٨.....	١-٢-٥-٢-٥-عِنْدَ العِطاسِ
٧٣٨.....	١-٢-٥-٢-٦-عِنْدَ التَّفَكُّرِ
٧٣٨.....	١-٢-٥-٣-عِنْدَ العِبَادَةِ
٧٣٨.....	١-٢-٥-٣-١-الدُّعَاءُ
٧٣٨.....	١-٢-٥-٣-١-١-قَبْلَ الدُّعَاءِ
٧٤٠.....	١-٢-٥-٣-١-٢-حِينَ الدُّعَاءِ

﴿فهرست﴾

۷۲۳.....	۱-۲-۵-۶- روز سیام هر ماه.....
۷۲۳.....	۱-۲-۵-۷- شب جمعه.....
۷۲۳.....	۱-۲-۵-۸- روز جمعه.....
۷۲۵.....	۱-۲-۵-۹- ماه رمضان.....
۷۲۵.....	۱-۲-۵-۹-۱- دهه‌ی آخر از ماه رمضان.....
۷۲۵.....	۱-۲-۵-۹-۲- شب قدر.....
۷۲۵.....	۱-۲-۵-۱۰- روز عرفه.....
۷۲۵.....	۱-۲-۵-۱۱- روز عید قربان.....
۷۲۵.....	۱-۲-۵-۱۲- روز غدیر خم.....
۷۲۹.....	۱-۲-۵-۱۳- روز نهم از ماه ربیع‌الاول.....
۷۲۹.....	۱-۲-۵-۱۴- روز نوروز.....
۷۳۱.....	۱-۲-۶- موقعیت‌هایی که در آن به شکرگزاری سفارش شده است.....
۷۳۱.....	۱-۲-۶-۱- در هر حال.....
۷۳۱.....	۱-۲-۶-۱-۱- در خلوت و جلوت.....
۷۳۱.....	۱-۲-۶-۱-۲- در شادمانی و سختی.....
۷۳۳.....	۱-۲-۶-۲- هنگام اعمال روزانه.....
۷۳۳.....	۱-۲-۶-۲-۱- هنگام خوردن و نوشیدن.....
۷۳۳.....	۱-۲-۶-۲-۱-۱- هنگامی که بخواهی غذا بخوری.....
۷۳۳.....	۱-۲-۶-۲-۱-۲- هنگامی که غذا در سفره قرار داده شد.....
۷۳۳.....	۱-۲-۶-۲-۱-۳- هنگام خوردن.....
۷۳۵.....	۱-۲-۶-۲-۱-۴- هنگامی که سفره را برچینند.....
۷۳۵.....	۱-۲-۶-۲-۱-۵- هنگام سیری.....
۷۳۵.....	۱-۲-۶-۲-۱-۶- هنگامی که یکی از شما آب بنوشد.....
۷۳۷.....	۱-۲-۶-۲-۱-۷- هنگامی که آب زمزم بنوشد.....
۷۳۷.....	۱-۲-۶-۲-۲- هنگام پوشیدن لباس.....
۷۳۷.....	۱-۲-۶-۲-۳- هنگام خروج از خانه.....
۷۳۷.....	۱-۲-۶-۲-۴- هنگام خروج از حمام.....
۷۳۹.....	۱-۲-۶-۲-۵- هنگام عطسه کردن.....
۷۳۹.....	۱-۲-۶-۲-۶- هنگام تفکر.....
۷۳۹.....	۱-۲-۶-۳- هنگام عبادت.....
۷۳۹.....	۱-۲-۶-۳-۱- هنگام دعا.....
۷۳۹.....	۱-۲-۶-۳-۱-۱- قبل از دعا.....
۷۴۱.....	۱-۲-۶-۳-۱-۲- حین دعا.....

﴿الفهرس﴾

٧٤٢.....	١-٢-٤-٣-٢- الصَّلَاةُ
٧٤٢.....	١-٢-٤-٣-٢-١- بَعْدَ أَرْبَعِ رَكَعَاتٍ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ
٧٤٢.....	١-٢-٤-٣-٢-٢- بَعْدَ صَلَاةِ اللَّيْلِ
٧٤٢.....	١-٢-٤-٣-٣- بَعْدَ الزَّيَارَةِ
٧٤٢.....	١-٢-٤-٣-٤- حِينَ الذَّبْحِ
٧٤٢.....	١-٢-٤-٤- في الرَّخَاءِ
٧٤٢.....	١-٢-٤-٤-١- عِنْدَ اسْتِجَابَةِ الدُّعَاءِ
٧٤٢.....	١-٢-٤-٤-٢- فِي الرَّخَاءِ
٧٤٤.....	١-٢-٤-٤-٣- فِي الرَّغْبَةِ
٧٤٤.....	١-٢-٤-٤-٤- فِي السَّرَّاءِ
٧٤٦.....	١-٢-٤-٤-٥- فِي السَّلَامَةِ وَالْعِصْمَةِ
٧٤٦.....	١-٢-٤-٤-٦- فِي الصَّحَّةِ وَالْقُوَّةِ
٧٤٦.....	١-٢-٤-٤-٧- فِي الْعَافِيَةِ وَالْغَلْبَةِ عَلَى الْأَعْدَاءِ
٧٤٨.....	١-٢-٤-٤-٨- فِي الْغِنَاءِ
٧٤٨.....	١-٢-٤-٤-٨-١- إِذَا نَظَرَ الْغَنِيُّ إِلَى الْفَقِيرِ
٧٤٨.....	١-٢-٤-٤-٩- فِي النُّعْمَةِ
٧٥٠.....	١-٢-٤-٤-٩-١- عِنْدَ ذِكْرِ النُّعْمَةِ
٧٥٠.....	١-٢-٤-٤-١٠- فِي بَدْءِ الْإِمَامَةِ
٧٥٢.....	١-٢-٤-٤-١١- عِنْدَ قَضَاءِ اللَّهِ
٧٥٢.....	١-٢-٤-٤-١٢- فِي الْإِنْتِفَاعِ
٧٥٢.....	١-٢-٤-٤-١٣- فِي الْيُسْرِ
٧٥٢.....	١-٢-٤-٤-١٤- بَعْدَ الْيَأْسِ
٧٥٤.....	١-٢-٤-٥- فِي الْبَلَاءِ وَالْمَكْرُوهِ
٧٥٤.....	١-٢-٤-٥-١- فِي الْبَلَاءِ
٧٥٤.....	١-٢-٤-٥-٢- عِنْدَ اللَّأْوَاءِ وَالْكَرْبِ
٧٥٤.....	١-٢-٤-٥-٣- عِنْدَ الْمَنْعِ
٧٥٤.....	١-٢-٤-٥-٤- عِنْدَ الْمَرَضِ، الْعِلَّةِ، الْحُمَّى
٧٥٦.....	١-٢-٤-٥-٥- عِنْدَ الشَّهَادَةِ
٧٥٦.....	١-٢-٤-٥-٦- إِذَا فَقَدْنَا
٧٥٦.....	١-٣- الْفَضْلُ وَالْأَهَمِيَّةُ
٧٥٦.....	١-٣-١- فَضِيلَةُ الشُّكْرِ وَالشَّاكِرِ
٧٥٦.....	١-٣-١-١- (آخِرَةً)، الشَّاكِرُ أَهْلُ الْآخِرَةِ
٧٥٨.....	١-٣-١-٢- (أداء)، الشُّكْرُ أدَاءُ الْحَقِّ

﴿فهرست﴾

۷۴۳.....	۱-۲-۳-۲- هنگام نماز.....
۷۴۳.....	۱-۲-۳-۲-۱- بعد از چهار رکعت در نیمه شب.....
۷۴۳.....	۱-۲-۳-۲-۲- بعد از نماز شب.....
۷۴۳.....	۱-۲-۳-۲-۳- بعد از زیارت.....
۷۴۳.....	۱-۲-۳-۲-۴- هنگام قربانی کردن.....
۷۴۳.....	۱-۲-۳-۲-۴- در گشایش.....
۷۴۳.....	۱-۲-۳-۲-۴-۱- هنگام استحابت دعا.....
۷۴۳.....	۱-۲-۳-۲-۴-۲- هنگام گشایش.....
۷۴۵.....	۱-۲-۳-۲-۴-۳- هنگام اشتیاق و میل.....
۷۴۵.....	۱-۲-۳-۲-۴-۴- هنگام شادمانی.....
۷۴۷.....	۱-۲-۳-۲-۴-۵- هنگام سلامتی و پاکی از گناه.....
۷۴۷.....	۱-۲-۳-۲-۴-۶- هنگام تندرستی و نیرومندی.....
۷۴۷.....	۱-۲-۳-۲-۴-۷- هنگام دوری از گرفتاری و غلبه بر دشمنان.....
۷۴۹.....	۱-۲-۳-۲-۴-۸- هنگام توانگری.....
۷۴۹.....	۱-۲-۳-۲-۴-۸-۱- هنگامی که توانگر به فقیر نگاه کند.....
۷۴۹.....	۱-۲-۳-۲-۴-۹- در نعمت.....
۷۵۱.....	۱-۲-۳-۲-۴-۹-۱- هنگام یادآوری نعمت.....
۷۵۱.....	۱-۲-۳-۲-۴-۱۰- در آغاز امامت.....
۷۵۳.....	۱-۲-۳-۲-۴-۱۱- هنگام حکم قطعی الهی.....
۷۵۳.....	۱-۲-۳-۲-۴-۱۲- هنگام سودبردن.....
۷۵۳.....	۱-۲-۳-۲-۴-۱۳- در آسانی.....
۷۵۳.....	۱-۲-۳-۲-۴-۱۴- پس از ناامیدی.....
۷۵۵.....	۱-۲-۳-۲-۵- در بلا و آزمایش و آنچه ناپسند است.....
۷۵۵.....	۱-۲-۳-۲-۵-۱- در بلا و آزمایش.....
۷۵۵.....	۱-۲-۳-۲-۵-۲- هنگام سختی.....
۷۵۵.....	۱-۲-۳-۲-۵-۳- هنگام محرومیت.....
۷۵۵.....	۱-۲-۳-۲-۵-۴- هنگام بیماری، هنگام تب.....
۷۵۷.....	۱-۲-۳-۲-۵-۵- هنگام گواهی دادن.....
۷۵۷.....	۱-۲-۳-۲-۵-۶- هنگام نداری.....
۷۵۷.....	۱-۳- فضیلت و اهمیت.....
۷۵۷.....	۱-۳-۱- فضیلت شکرگزاری و شکرگزار.....
۷۵۷.....	۱-۳-۱-۰۱- (آخرت)، شکرگزار اهل آخرت است.....
۷۵۹.....	۱-۳-۱-۰۲- (انجام دادن)، شکر به جای آوردن حق است.....

﴿الفهرس﴾

٧٥٨-١-٣-١٠٣.....(أصل)، الشُّكْرُ أَصْلٌ مِنْ أَصُولٍ مُعَامَلَةٍ اللَّهُ.....

٧٥٨-١-٣-١٠٤.....(الله)، إِنَّ اللَّهَ أَعْلَمُ بِالشَّاكِرِينَ، إِنَّ اللَّهَ هَادِيًا إِلَى شُكْرِهِ.....

٧٥٨-١-٣-١٠٥.....(اولوية)، الشُّكْرُ أَوْلَى الْأَمْرِ.....

٧٥٨-١-٣-١٠٦.....(إيمان)، الشُّكْرُ مِنْ عِلَامَاتِ الْمُؤْمِنِ وَ رَاجِعٌ: ١-٤-١-٤-١-٤..... الشُّكْرُ وَالْإِيمَانُ.....

٧٦٢-١-٣-١٠٧.....(أول)، الشُّكْرُ أَوَّلُ مَا يُجِبُّ عَلَيْكُمْ.....

٧٦٢-١-٣-١٠٨.....(مبدل)، الشُّكْرُ مُبْدِلُ الْمَحْنَةِ النِّعْمَةَ.....

٧٦٢-١-٣-١٠٩.....(بقاء)، الشُّكْرُ يَبْقَى.....

٧٦٢-١-٣-١١٠.....(ثروة)، الشُّكْرُ ثَرَوَْةٌ.....

٧٦٢-١-٣-١١١.....(جود)، الشَّاكِرُ جَوَادٌ.....

٧٦٤-١-٣-١١٢.....حُبُّ اللَّهِ.....

٧٦٤-١-٣-١١٢-١..... أَحَبَّ النَّاسُ إِلَى اللَّهِ الشَّاكِرُ.....

٧٦٤-١-٣-١١٢-٢..... إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الشَّاكِرِينَ.....

٧٦٤-١-٣-١١٢-٣..... إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ تَشْكُرَهُ.....

٧٦٤-١-٣-١١٣.....(الحرية)، عِبَادَةُ الشَّاكِرِينَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ.....

٧٦٤-١-٣-١١٤.....الحُسْنُ.....

٧٦٤-١-٣-١١٤-١..... الشَّاكِرُ أَحْسَنُ النَّاسِ.....

٧٦٤-١-٣-١١٤-٢..... الشُّكْرُ أَحْسَنُ مِنَ الْمَالِ.....

٧٦٤-١-٣-١١٤-٣..... الشُّكْرُ حَسَنَةٌ.....

٧٦٤-١-٣-١١٥..... الشُّكْرُ حَقٌّ.....

٧٦٤-١-٣-١١٦.....الخَيْرُ.....

٧٦٤-١-٣-١١٦-١..... الشُّكْرُ خَيْرٌ.....

٧٦٨-١-٣-١١٦-٢..... الشُّكْرُ، الْخَيْرُ الَّذِي لَا شَرْفَ فِيهِ.....

٧٦٨-١-٣-١١٦-٣..... الشُّكْرُ خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.....

٧٦٨-١-٣-١١٦-٤..... الشُّكْرُ خَيْرٌ مِنْ كُنُوزِ الْأَرْضِ وَ خَزَائِنِ الدُّنْيَا.....

٧٧٠-١-٣-١١٦-٥..... الشُّكْرُ خَيْرٌ لِمَنْحَصِينِ النِّعَمِ.....

٧٧٠-١-٣-١١٦-٦..... الشُّكْرُ خَيْرٌ لِامْتِدَامِهِ النِّعَمِ.....

٧٧٠-١-٣-١١٦-٧..... الشَّاكِرُ أَهْلُ الْخَيْرِ.....

٧٧٠-١-٣-١١٦-٨..... الشَّاكِرُ خَيْرُ الْعِبَادِ.....

٧٧٠-١-٣-١١٦-٩..... الشَّاكِرُ خَيْرُ النَّاسِ.....

٧٧٠-١-٣-١١٦-١٠..... خَيْرُ اللَّبَاسِ مَا يَقْرَبُكَ مِنْ شُكْرِهِ.....

٧٧٠-١-٣-١١٦-١١..... خَيْرُ الْمَالِ مَا كَسَبَ شُكْرًا.....

٧٧٢-١-٣-١١٧.....الدِّينُ.....

٧٧٢-١-٣-١١٧-١..... دِينَ اللَّهِ الَّذِي إِنْ قَضَاهُ لِلصَّالِحِينَ.....

﴿فهرست﴾

۱-۳-۱-۰۳	(اصل)، شکر اصلی از اصول معامله با خداست.....	۷۵۹
۱-۳-۱-۰۴	(خدا) خداوند سپاسگزاران را بهتر می شناسد، خداوند به سپاس نعمتش راهنماست.....	۷۵۹
۱-۳-۱-۰۵	(اولویت)، شکر در اولویت است.....	۷۵۹
۱-۳-۱-۰۶	(ایمان)، شکر، از نشانه‌های مؤمن و ربه: ۱-۴-۶-۱- شکر و ایمان.....	۷۵۹
۱-۳-۱-۰۷	(اول)، شکر، اول چیزی که بر شما واجب است.....	۷۶۳
۱-۳-۱-۰۸	(تبدیل کننده) شکر، تبدیل کننده‌ی بلا به نعمت.....	۷۶۳
۱-۳-۱-۰۹	(باقی ماندن)، شکر باقی می ماند.....	۷۶۳
۱-۳-۱-۱۰	(ثروت) شکرگزاری ثروت است.....	۷۶۳
۱-۳-۱-۱۱	(بخشش) شکرگزار بخشنده است.....	۷۶۳
۱-۳-۱-۱۲	(دوست داشتن خدا).....	۷۶۵
۱-۳-۱-۱۲-۱	دوست داشتنی ترین مردم نزد خدا، شکرگزار است.....	۷۶۵
۱-۳-۱-۱۲-۲	خداوند شکرگزاران را دوست دارد.....	۷۶۵
۱-۳-۱-۱۲-۳	خداوند دوست دارد که او را شکر کنی.....	۷۶۵
۱-۳-۱-۱۳	(آزادی)، عبادت شکرگزاران، عبادت آزادگان است.....	۷۶۵
۱-۳-۱-۱۴	(نیکو).....	۷۶۵
۱-۳-۱-۱۴-۱	شکرگزار، بهترین مردم است.....	۷۶۵
۱-۳-۱-۱۴-۲	شکرگزاری بهتر از ثروت است.....	۷۶۵
۱-۳-۱-۱۴-۳	شکرگزاری، کار نیک است.....	۷۶۷
۱-۳-۱-۱۵	شکرگزاری، حق است.....	۷۶۷
۱-۳-۱-۱۶	خیر.....	۷۶۷
۱-۳-۱-۱۶-۱	شکرگزاری بهتر است.....	۷۶۷
۱-۳-۱-۱۶-۲	شکرگزاری خیری است که شری در آن نیست.....	۷۶۹
۱-۳-۱-۱۶-۳	شکرگزاری خیر دنیا و آخرت است.....	۷۶۹
۱-۳-۱-۱۶-۴	شکرگزاری برتر از گنج‌های زمین و خزائن دنیاست.....	۷۶۹
۱-۳-۱-۱۶-۵	شکر بهترین وسیله برای حفظ نعمت است.....	۷۷۱
۱-۳-۱-۱۶-۶	شکر بهترین وسیله برای تداوم نعمت است.....	۷۷۱
۱-۳-۱-۱۶-۷	شکرگزار، اهل خیر است.....	۷۷۱
۱-۳-۱-۱۶-۸	شکرگزار، بهترین بندگان است.....	۷۷۱
۱-۳-۱-۱۶-۹	شکرگزار، بهترین مردم است.....	۷۷۱
۱-۳-۱-۱۶-۱۰	بهترین لباس آن است که تو را به شکر خدا نزدیک کند.....	۷۷۱
۱-۳-۱-۱۶-۱۱	بهترین مال آن است که باعث شکرگزاری شود.....	۷۷۱
۱-۳-۱-۱۷	دین.....	۷۷۳
۱-۳-۱-۱۷-۱	دین الهی که خداوند آن را برای صالحان پسندیده است.....	۷۷۳

﴿الفهرس﴾

٧٧٢.....	١٧-١-١٣-١-١٧-٢ من دَعَامِهِ الدِّين
٧٧٢.....	١٨-١-٣-١- (الرَّفْعَة)، لا تَتَرَفَّعْ عَنْ شُكْرِ أَحَدٍ وَإِنْ قَلَّ
٧٧٢.....	١٩-١-٣-١- (السَّعَادَة)، الشَّاكِرُ أَسْعَدُ.....
٧٧٢.....	٢٠-١-٣-١- (السَّلَاح)، الشُّكْرُ سِلَاحُ الْمُؤَقِنِ.....
٧٧٤.....	٢١-١-٣-١- السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الشُّكْرِ.....
٧٧٤.....	٢٢-١-٣-١- (الشُّكْر)، الشَّاكِرُ يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ.....
٧٧٤.....	٢٣-١-٣-١- (الشَّيْئَة)، الشُّكْرُ مِنْ عِلَامَاتِ الشَّيْئَة.....
٧٧٤.....	٢٤-١-٣-١- (الصَّدَق)، الشَّاكِرُ مِنَ الصَّادِقِينَ.....
٧٧٤.....	٢٥-١-٣-١- (الإِصْطِفَاء)، الشُّكْرُ مِنْ عَمَلِ الْمُصْطَفِينَ.....
٧٧٦.....	٢٦-١-٣-١- (الصَّلَاح)، الشَّاكِرُ مِنَ الصَّالِحِينَ.....
٧٧٦.....	٢٧-١-٣-١- (الإِصْطِنَاع)، الشَّاكِرُ أَوْلَى النَّاسِ بِالْإِصْطِنَاعِ.....
٧٧٦.....	٢٨-١-٣-١- لَا يَضُرُّ مَعَهُ.....
٧٧٨.....	٢٩-١-٣-١- طُوبَى لِلشَّاكِرِينَ.....
٧٧٨.....	٣٠-١-٣-١- العَجَبُ.....
٧٧٨.....	١-٣٠-١-٣- أَشْكُرُ تَرَى الْعَجَبَ.....
٧٧٨.....	٢-٣٠-١-٣- العَجَبُ لِمَنْ لَمْ يَشْكُرْ.....
٧٧٨.....	٣١-١-٣-١- الشُّكْرُ عَدْلٌ.....
٧٧٨.....	٣٢-١-٣-١- (المَعْرِفَة)، لَا يَشْكُرُ النُّعْمَة إِلَّا الْعَارِفُ.....
٧٧٨.....	٣٣-١-٣-١- (العِظْمَة).....
٧٧٨.....	١-٣٣-١-٣- فَمَا أَعْظَمَ مَا وَعَدْتَنِي عَلَى الشُّكْرِ.....
٧٨٠.....	٢-٣٣-١-٣- الشُّكْرُ أَعْظَمُ قَدْرًا مِنَ الْمَعْرُوفِ.....
٧٨٠.....	٣٤-١-٣-١- (الْعُقْبَى).....
٧٨٠.....	١-٣٤-١-٣- الشُّكْرُ عُقْبَى.....
٧٨٠.....	٣٥-١-٣-١- (التَّعْلُق)، الشَّاكِرُ تَعْلَقَ بِغُصْنٍ مِنْ أَغْصَانِ شَجَرَةِ طُوبَى.....
٧٨٠.....	٣٦-١-٣-١- الْعَقْلُ.....
٧٨٠.....	١-٣٦-١-٣- الشَّاكِرُ عَاقِلٌ.....
٧٨٠.....	٢-٣٦-١-٣- الشُّكْرُ مِنْ جُنُودِ الْعَقْلِ.....
٧٨٠.....	٣-٣٦-١-٣- الشُّكْرُ مِنْ عِلَامَاتِ الْعَقْلِ الْقَامِعِ.....
٧٨٢.....	٤-٣٦-١-٣- الشُّكْرُ تَمَامُ الْعَقْلِ.....
٧٨٢.....	٣٧-١-٣-١- الشُّكْرُ عِلَّةُ ال.....
٧٨٢.....	١-٣٧-١-٣- تَمَنَّى الْحَيَاةَ لِلشُّكْرِ.....
٧٨٢.....	٢-٣٧-١-٣- جَعَلَ عِيسَى ﷺ فِتْنَةً لِشُكْرِ أَوْلَى الْأَلْبَابِ.....
٧٨٢.....	٣-٣٧-١-٣- جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ شُكُورًا.....

﴿فهرست﴾

- ۱۷-۱-۳-۲- پایه و ستون دین ۷۷۳
- ۱۸-۱-۳-۱- (بزرگی)، چیزی را از شکرگزاری بالاتر ندان حتی اگر کم باشد ۷۷۳
- ۱۹-۱-۳-۱- (خوشبختی)، شکر گزار خوشبخت‌ترین افراد است. ۷۷۳
- ۲۰-۱-۳-۱- (سلاح)، شکر سلاح صاحب یقین است ۷۷۳
- ۲۱-۱-۳-۱- سلام و درود بر شکرگزاران ۷۷۵
- ۲۲-۱-۳-۱- (شکر)، شکر گزار، به نفع خودش شکر می‌کند ۷۷۵
- ۲۳-۱-۳-۱- (شیعه)، شکر، از نشانه‌های شیعه ۷۷۵
- ۲۴-۱-۳-۱- (راستی)، شکر گزار از صدیقین و بسیار راستگویان است ۷۷۵
- ۲۵-۱-۳-۱- (انتخاب)، شکر، از عمل انتخاب‌شدگان ۷۷۵
- ۲۶-۱-۳-۱- (آشتی)، شکر گزار از نیکان است ۷۷۷
- ۲۷-۱-۳-۱- (عطا و بخشش)، شکر گزار سزاوارترین مردم به احسان است ۷۷۷
- ۲۸-۱-۳-۱- به همراه آن زبانی نیست ۷۷۷
- ۲۹-۱-۳-۱- خوشا به حال شکرگزاران ۷۷۹
- ۳۰-۱-۳-۱- شگفتی ۷۷۹
- ۱-۳۰-۱-۳- شکر کن شگفتی‌هایی از فضل خدا ببینی ۷۷۹
- ۲-۳۰-۱-۳- عجب از کسی که شکر نمی‌کند ۷۷۹
- ۳۱-۱-۳-۱- شکر عدل است ۷۷۹
- ۳۲-۱-۳-۱- (شناخت)، نعمت را جز کسی که می‌شناسد سپاس نمی‌گزارد. ۷۷۹
- ۳۳-۱-۳-۱- (بزرگی) ۷۷۹
- ۱-۳۳-۱-۳- چه وعده‌ی بزرگی در برابر سپاسگزاری‌ات به من دادی ۷۷۹
- ۲-۳۳-۱-۳- شکر از احسان بارزش تر است. ۷۸۱
- ۳۴-۱-۳-۱- ذخیره‌ی آخرت ۷۸۱
- ۱-۳۴-۱-۳- شکر ذخیره‌ی آخرت است ۷۸۱
- ۳۵-۱-۳-۱- (آویختن)، شکر گزار به شاخه‌ای از شاخه‌های درخت طوبی می‌آویزد ۷۸۱
- ۳۶-۱-۳-۱- عقل و خرد ۷۸۱
- ۱-۳۶-۱-۳- شکر گزار عاقل است ۷۸۱
- ۲-۳۶-۱-۳- شکر از سربازان عقل است ۷۸۱
- ۳-۳۶-۱-۳- شکر از نشانه‌های عقل بازدارنده است ۷۸۱
- ۴-۳۶-۱-۳- شکر تمام عقل است ۷۸۳
- ۳۷-۱-۳-۱- شکر علت... است ۷۸۳
- ۱-۳۷-۱-۳- آرزوی زندگی برای شکر ۷۸۳
- ۲-۳۷-۱-۳- عیسی را آزمایشی برای سپاسگزاری خردمندان قرار داد ۷۸۳
- ۳-۳۷-۱-۳- شب و روز را دنبال هم نهاد برای هر کس بخواهد سپاس بگزارد ۷۸۳

﴿الفهرس﴾

٧٨٢.....	١-٣-١-٣٧-٤- إِرَائَةُ مَقْعَدِ النَّاسِ فِي النَّارِ لِإِزْدِيَادِ الشُّكْرِ
٧٨٢.....	١-٣-١-٣٧-٥- التَّسْبِيحُ لِلشُّكْرِ
٧٨٢.....	١-٣-١-٣٧-٦- السُّجُودُ لِلشُّكْرِ
٧٨٤.....	١-٣-١-٣٧-٧- الصَّدَاقُ لِلشُّكْرِ
٧٨٤.....	١-٣-١-٣٧-٨- الصَّلَاةُ لِلشُّكْرِ
٧٨٤.....	١-٣-١-٣٧-٩- العَطْشَةُ لِلشُّكْرِ
٧٨٤.....	١-٣-١-٣٧-١٠- قَبْضُ الْعَارِيَةِ لِإِتِّلَاءِ الشُّكْرِ
٧٨٤.....	١-٣-١-٣٧-١١- النَّعْمَةُ لِإِتِّلَاءِ الشُّكْرِ
٧٨٤.....	١-٣-١-٣٧-١٢- هِدَايَةُ النَّاسِ لِلشُّكْرِ
٧٨٦.....	١-٣-١-٣٨- الشُّكْرُ مِيعَارٌ
٧٨٦.....	١-٣-١-٣٨-١- ثَوَابُ الشَّاكِرِينَ مِيعَارُ الثَّوَابِ
٧٨٨.....	١-٣-١-٣٨-٢- سُؤَالُ الشَّاكِرِينَ
٧٨٨.....	١-٣-١-٣٨-٣- صَبْرُ الشَّاكِرِينَ
٧٨٨.....	١-٣-١-٣٨-٤- عِبَادَةُ الشَّاكِرِينَ
٧٨٨.....	١-٣-١-٣٨-٥- قَلْبُ الشَّاكِرِينَ
٧٨٨.....	١-٣-١-٣٨-٦- الْقِسْمُ بِشَيْنِ الشُّكْرِ
٧٨٨.....	١-٣-١-٣٩- الشُّكْرُ مَعْنَمٌ
٧٨٨.....	١-٣-١-٤٠- الشُّكْرُ فُتُوَةٌ
٧٨٨.....	١-٣-١-٤١- الْفَضْلُ
٧٨٨.....	١-٣-١-٤١-١- لَيْسَ عِبَادَةُ أَفْضَلُ مِنَ الشُّكْرِ
٧٩٠.....	١-٣-١-٤١-٢- حَالُ الشُّكْرِ أَفْضَلُ مِنْ حَالِ الصَّبْرِ
٧٩٠.....	١-٣-١-٤١-٣- الشُّكْرُ أَفْضَلُ مِنَ النَّعْمَةِ
٧٩٠.....	١-٣-١-٤١-٤- جَزَاءُ الشُّكْرِ أَفْضَلُ مِنْ أَنْ يُعْلَمَهُ الْمَلَائِكَةُ
٧٩٠.....	١-٣-١-٤١-٥- الشَّاكِرُ مِنْ أَفْضَلِ عِبَادِ اللَّهِ
٧٩٢.....	١-٣-١-٤١-٦- الشُّكْرُ بِفَضْلِ اللَّهِ
٧٩٢.....	١-٣-١-٤٢- الشُّكْرُ فَوْزٌ
٧٩٢.....	١-٣-١-٤٣- الشُّكْرُ قُرَّةُ الْعَيْنِ
٧٩٢.....	١-٣-١-٤٤- (القسم)، القسمُ بِكُلِّ مَا سَأَلَكَ بِهِ شَاكِرٌ
٧٩٢.....	١-٣-١-٤٥- (القسم)، لَمْ يُقَسِّمْ بَيْنَ الْعِبَادِ أَقْلٌ مِنَ الشُّكْرِ
٧٩٢.....	١-٣-١-٤٦- (القضاء)، الشُّكْرُ قِضَاءُ الْحَقِّ
٧٩٢.....	١-٣-١-٤٧- (الكثرة)، جَزَاءُ الشُّكْرِ أَكْثَرُ مِنْ
٧٩٢.....	١-٣-١-٤٧-١- جَزَاءُ الشُّكْرِ أَكْثَرُ مِنْهُ
٧٩٤.....	١-٣-١-٤٧-٢- جَزَاءُ الشُّكْرِ أَكْثَرُ مِمَّا أَضَاعَ الْكَافِرُ

﴿فهرست﴾

- ۷۸۳.....۱-۳-۱۳۷-۴ نشان دادن جایگاه مردم در آتش برای افزایش شکر
- ۷۸۳.....۱-۳-۱۳۷-۵ پاک و منزّه شمردن برای شکرگزاری
- ۷۸۳.....۱-۳-۱۳۷-۶ سجده کردن برای شکرگزاری
- ۷۸۵.....۱-۳-۱۳۷-۷ مهریه برای شکرگزاری
- ۷۸۵.....۱-۳-۱۳۷-۸ نماز برای شکرگزاری
- ۷۸۵.....۱-۳-۱۳۷-۹ عطسه برای شکر
- ۷۸۵.....۱-۳-۱۳۷-۱۰ پس گرفتن امانت برای امتحان شکرگزاری
- ۷۸۵.....۱-۳-۱۳۷-۱۱ عطای نعمت برای آزمایش شکرگزاری
- ۷۸۵.....۱-۳-۱۳۷-۱۲ هدایت مردم برای شکرگزاری
- ۷۸۷.....۱-۳-۱۳۸ شکر، معیار و سنجش است
- ۷۸۷.....۱-۳-۱۳۸-۱ ثواب شکرگزاران، معیار ثواب است
- ۷۸۹.....۱-۳-۱۳۸-۲ درخواست شکرگزاران
- ۷۸۹.....۱-۳-۱۳۸-۳ صبر شکرگزاران
- ۷۸۹.....۱-۳-۱۳۸-۴ عبادت شکرگزاران
- ۷۸۹.....۱-۳-۱۳۸-۵ قلب شکرگزاران
- ۷۸۹.....۱-۳-۱۳۸-۶ سوگند به شین شکر
- ۷۸۹.....۱-۳-۱۳۹ شکر غنیمت است
- ۷۸۹.....۱-۳-۱۴۰ شکر جوانمردی است
- ۷۸۹.....۱-۳-۱۴۱ شکر برتری است
- ۷۸۹.....۱-۳-۱۴۱-۱ عبادتی برتر از شکر نیست
- ۷۹۱.....۱-۳-۱۴۱-۲ حال شکرگزاری برتر از حال صبر است
- ۷۹۱.....۱-۳-۱۴۱-۳ شکر نعمت برتر از خود نعمت است
- ۷۹۱.....۱-۳-۱۴۱-۴ پاداش شکرگزاری بیشتر از آن است که ملائکه می دانند
- ۷۹۱.....۱-۳-۱۴۱-۵ شکرگزار از برترین بندگان است
- ۷۹۳.....۱-۳-۱۴۱-۶ شکرگزاری به فضل خداست
- ۷۹۳.....۱-۳-۱۴۲ شکرگزاری رستگاری است
- ۷۹۳.....۱-۳-۱۴۳ شکرگزاری روشنائی چشم است
- ۷۹۳.....۱-۳-۱۴۴ (سوگند) تو را به آنچه شاکران سوگند داده اند سوگند می دهم
- ۷۹۳.....۱-۳-۱۴۵ (قسمت)، بین بندگان کمتر از شکرگزاری تقسیم نمی شود
- ۷۹۳.....۱-۳-۱۴۶ (اجرا)، شکرگزاری به جای آوردن حق الهی است
- ۷۹۳.....۱-۳-۱۴۷ (بسیاری) پاداش شکرگزاری بیشتر است از
- ۷۹۳.....۱-۳-۱۴۷-۱ پاداش شکرگزاری بیشتر از خود آن شکر است
- ۷۹۵.....۱-۳-۱۴۷-۲ پاداش سپاسگزاری خدا بیش از ناسپاسی کافر است

﴿الفهرس﴾

- ٧٩٤.....١-٣-١-٤٨- الكرامة، الشُّكْرُ مِنْ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ وَ الشَّاكِرُ أَكْرَمُ الْخَلْقِ.....
- ٧٩٤.....١-٣-١-٤٨-١- الشَّاكِرُ أَكْرَمُ الْخَلْقِ.....
- ٧٩٤.....١-٣-١-٤٨-٢- الشُّكْرُ مِنْ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ.....
- ٧٩٤.....١-٣-١-٤٨-٣- الشَّاكِرُ كَرِيمٌ.....
- ٧٩٤.....١-٣-١-٤٩- لَا يَنْبَغِي أَنْ يَغْفَلَ عَنِ الشُّكْرِ.....
- ٧٩٤.....١-٣-١-٥٠- (لَهُ لَا عَلَيْهِ)، الشُّكْرُ لِلْمَرْءِ لَا عَلَيْهِ.....
- ٧٩٤.....١-٣-١-٥١- (المروءة)، الشَّاكِرُ ذُو الْمَرْوَةِ الْكَامِلَةِ.....
- ٧٩٤.....١-٣-١-٥٢- (مثل)، ثَوَابُ الشُّكْرِ مِثْلُ ثَوَابِ.....
- ٧٩٤.....١-٣-١-٥٢-١- الشَّاكِرُ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الْمُتَبَلِّ الصَّابِرِ وَ الْمَحْرُومِ الْقَانِعِ.....
- ٧٩٨.....١-٣-١-٥٢-٢- الشَّاكِرُ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الصَّائِمِ الْمُسَحَّرِ.....
- ٧٩٨.....١-٣-١-٥٢-٣- الشَّاكِرُ مِثْلُ الصَّابِرِ.....
- ٧٩٨.....١-٣-١-٥٢-٤- أَدَاءُ الشُّكْرِ كَعِبَادَةِ سِتِّينَ سَنَةً.....
- ٧٩٨.....١-٣-١-٥٣- (المنة)، الشُّكْرُ مِنْ مَنِ اللَّهِ.....
- ٧٩٨.....١-٣-١-٥٤- (المال)، الشُّكْرُ مَالٌ.....
- ٧٩٨.....١-٣-١-٥٥- (النبوة)، الشُّكْرُ مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَقْرَانِهِمْ فِي الْجَنَّةِ.....
- ٧٩٨.....١-٣-١-٥٥-١- الشُّكْرُ مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ.....
- ٨٠٠.....١-٣-١-٥٥-٢- الشُّكْرُ مِنْ أَخْلَاقِ قَرَيْنِ دَاوُدَ النَّبِيِّ ﷺ.....
- ٨٠٠.....١-٣-١-٥٦- (النفع)، أَذْنَى نَفْعِ الشُّكْرِ الزِّيَادَةُ.....
- ٨٠٠.....١-٣-١-٥٧- (الهداية)، الشَّاكِرُ مِنَ الْمُهْتَدِينَ.....
- ٨٠٢.....١-٣-١-٥٨- (التقوى)، الشُّكْرُ مِنْ عِلَامَاتِ الْمُتَّقِينَ.....
- ٨٠٢.....١-٣-١-٥٩- (الولاية)، إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَأَدْوَمُ النَّاسُ لَهُ شُكْرًا.....
- ٨٠٢.....١-٣-١-٥٩-١- إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَأَدْوَمُ النَّاسُ لَهُ شُكْرًا.....
- ٨٠٢.....١-٣-١-٦٠- (الياقوت)، بَابُ الشُّكْرِ مِنْ يَاقُوتَةٍ بَيَضَاءٍ.....
- ٨٠٢.....١-٣-١-٦١- (اليقين)، الشُّكْرُ سِلَاحُ الْمُوقِنِ.....
- ٨٠٢.....١-٣-١-٦٢- الشُّكْرُ غَايَةُ لِلْخَلْقِ.....
- ٨٠٤.....١-٣-٢-١- إِبْتِلَانًا لِيَعْلَمَ أَوْ لِيَبْلُوَ كَيْفَ شُكْرُنَا، (الإبتلاء و الامتحان للشُّكْرِ).....
- ٨٠٦.....١-٣-٢-٢- أَحْيَانًا لِنَشْكُرَهُ، تَمَنَّى الْحَيَاةَ لِلشُّكْرِ.....
- ٨٠٦.....١-٣-٢-٣- خَلَقْنَا لِيَعْلَمَ أَوْ لِيَبْلُوَ كَيْفَ شُكْرُنَا.....
- ٨٠٨.....١-٣-٢-٤- أَنْعَمْنَا وَ تَفَضَّلَ عَلَيْنَا لِيَعْلَمَ أَوْ لِيَبْلُوَ كَيْفَ شُكْرُنَا.....
- ٨١٠.....١-٣-٢-٥- هَذَا لِيَعْلَمَ أَوْ لِيَبْلُوَ كَيْفَ شُكْرُنَا، الْهَدَايَةُ لِلتَّخْضِيعِ إِلَى الشُّكْرِ.....
- ٨١٢.....١-٣-٢-٦- نَهَانَا لِيَعْلَمَ أَوْ لِيَبْلُوَ كَيْفَ شُكْرُنَا.....
- ٨١٢.....١-٣-٢-٧- وَضَعَ الْعِبَادَاتِ لِتَرْغِبِنَا لِأَدَاءِ الشُّكْرِ.....
- ٨١٢.....١-٣-٢-٧-١- الْعِلَّةُ فِي الصَّلَاةِ، الْإِقْرَارُ بِرُبُوبِيَّتِهِ مُكَرَّرًا وَ أَنْ يَكُونُوا شَاكِرِينَ.....

﴿فهرست﴾

- ۱-۳-۱-۴۸- بزرگواری، شکرگزاری از اخلاق بزرگواران است و شکرگزار بزرگوارترین آفریده است ۷۹۵
- ۱-۳-۱-۴۸-۱- شکرگزار بزرگوارترین مخلوقات است ۷۹۵
- ۱-۳-۱-۴۸-۲- شکر، از اخلاق پسندیده است ۷۹۵
- ۱-۳-۱-۴۸-۳- شکرگزار، بزرگوار است ۷۹۷
- ۱-۳-۱-۴۹- سزاوار نیست که از شکر غفلت شود ۷۹۷
- ۱-۳-۱-۵۰- (به سود او و نه زیان او)، شکرگزاری به سود انسان است نه به زیان او ۷۹۷
- ۱-۳-۱-۵۱- (جوانمردی)، شکرگزار صاحب نهایت جوانمردی است ۷۹۷
- ۱-۳-۱-۵۲- (همانند)، ثواب شکر همانند ثواب... است ۷۹۷
- ۱-۳-۱-۵۲-۱- اجر شکرگزار مانند اجر و پاداش گرفتار شکیبیا و محروم قانع است ۷۹۷
- ۱-۳-۱-۵۲-۲- اجر شکرگزار مثل اجر روزه دار سحرخیز است ۷۹۹
- ۱-۳-۱-۵۲-۳- شکرگزار مانند شکیبیاست ۷۹۹
- ۱-۳-۱-۵۲-۴- به جای آوردن شکر، مانند عبادت شصت ساله است ۷۹۹
- ۱-۳-۱-۵۳- (نعمت)، شکرگزاری از نعمت‌های الهی است ۷۹۹
- ۱-۳-۱-۵۴- (مال)، شکر ثروت است ۷۹۹
- ۱-۳-۱-۵۵- (پیامبری)، شکرگزاری از اخلاق پیامبران و همنشینان آنان در بهشت است ۷۹۹
- ۱-۳-۱-۵۵-۱- شکرگزاری از اخلاق پیامبران است ۷۹۹
- ۱-۳-۱-۵۵-۲- شکرگزاری از همنشین داود نبی ﷺ است ۸۰۱
- ۱-۳-۱-۵۶- (سود) کمترین نفع و بهره شکرگزاری، زیادشدن نعمت است ۸۰۱
- ۱-۳-۱-۵۷- (هدایت) شکرگزار از هدایت‌شدگان است ۸۰۱
- ۱-۳-۱-۵۸- (تقوی)، شکر، از نشانه‌های پرهیزگاران است ۸۰۳
- ۱-۳-۱-۵۹- (ولایت)، اولیای خدا پایدارترین مردم در شکرگزاری‌اند ۸۰۳
- ۱-۳-۱-۵۹-۱- اولیای خدا پایدارترین مردم در شکرگزاری‌اند ۸۰۳
- ۱-۳-۱-۶۰- (یاقوت)، باب شکر از یاقوت سفید رنگ است ۸۰۳
- ۱-۳-۱-۶۱- (یقین)، شکر، سلاح صاحب یقین است ۸۰۳
- ۱-۳-۲- شکر هدف خلقت است ۸۰۳
- ۱-۳-۲-۱- ما را می‌آزماید که بدانند شکر ما چگونه است، آزمایش و امتحان برای شکرگزاری ۸۰۵
- ۱-۳-۲-۲- زندگی می‌کنیم برای اینکه شکر او را به جا آوریم، آرزوی زندگی برای شکرگزاری ۸۰۷
- ۱-۳-۲-۳- ما را خلق کرد برای اینکه بدانند یا آزمایش کند که شکرگزاری ما چگونه است ۸۰۷
- ۱-۳-۲-۴- به ما نعمت داد و بر ما احسان کرد برای اینکه بدانند یا آزمایش کند که شکرگزاری ما چگونه است ۸۰۹
- ۱-۳-۲-۵- ما را هدایت کرد برای آنکه بدانند یا امتحان کند که شکرگزاری ما چگونه است، هدایت برای ترغیب به شکرکردن ۸۱۱
- ۱-۳-۲-۶- ما را از منکر نهی کرد برای اینکه بدانند یا امتحان کند که شکرگزاری ما چگونه است ۸۱۳
- ۱-۳-۲-۷- عبادات را وضع کرد برای اینکه ما را به ادای شکر ترغیب و تشویق کند ۸۱۳
- ۱-۳-۲-۷-۱- حکمت نماز، اقرارکردن پیاپی به ربوبیت خداوند و شکرگزاری است ۸۱۳

﴿الفهرس﴾

٨١٤.....	١-٣-٢-٧-٢- السُّؤَالُ وَ الدُّعَاءُ لِلشُّكْرِ
٨١٤.....	١-٣-٣- الأَمْرُ وَ التَّحْرِيزُ بِالشُّكْرِ
٨١٤.....	١-٣-٣-١- إِيْجْعَلْ قِرَى النِّعْمَةِ الشُّكْرَ
٨١٤.....	١-٣-٣-٢- أَخْذَتْنِي لِلَّهِ شُكْرًا
٨١٤.....	١-٣-٣-٣- أَحْسِنُوا جَوَارَ النِّعَمِ بِالشُّكْرِ
٨١٤.....	١-٣-٣-٤- أَدِّ شُكْرَ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ
٨١٤.....	١-٣-٣-٥- إِرْتَبِطُوا النِّعَمَ بِالشُّكْرِ
٨١٤.....	١-٣-٣-٦- إِسْتَدْعَى الشُّكْرُ
٨١٤.....	١-٣-٣-٧- إِسْتَدِيمُوا النِّعْمَةَ بِشُكْرِهَا
٨١٤.....	١-٣-٣-٨- أَسْجُدْ لِلَّهِ شُكْرًا
٨١٤.....	١-٣-٣-٩- إِشْتَغَلْ بِشُكْرِ النِّعْمَةِ
٨١٤.....	١-٣-٣-١٠- أَشْكُرْ
٨٢٠.....	١-٣-٣-١١- أَشْكُرُهُ
٨٢٠.....	١-٣-٣-١٢- فَاشْكُرَاهُ
٨٢٠.....	١-٣-٣-١٣- أَشْكُرُوا
٨٢٢.....	١-٣-٣-١٤- أَشْكُرُوهُ
٨٢٤.....	١-٣-٣-١٥- فَاشْكُرِي
٨٢٤.....	١-٣-٣-١٦- أَشْكِلُوا النِّعْمَةَ بِالشُّكْرِ
٨٢٤.....	١-٣-٣-١٧- إِصْحَبِ النِّعَمَ بِالشُّكْرِ
٨٢٤.....	١-٣-٣-١٨- إِعْمَلُوا شُكْرًا
٨٢٤.....	١-٣-٣-١٩- إِغْتَنِمُوا الشُّكْرَ
٨٢٤.....	١-٣-٣-٢٠- أَوْ فَلَا يَشْكُرُونَ
٨٢٤.....	١-٣-٣-٢١- إِلْقُوا النِّعَمَ بِالشُّكْرِ عَلَيْهَا
٨٢٤.....	١-٣-٣-٢٢- أَنْظِرْ كَيْفَ شُكْرَكَ
٨٢٤.....	١-٣-٣-٢٣- أُوصِيكَ بِالشُّكْرِ
٨٢٤.....	١-٣-٣-٢٤- أَمَرَ بِالشُّكْرِ
٨٢٤.....	١-٣-٣-٢٥- أَمَرْتَنِي بِالشُّكْرِ
٨٢٤.....	١-٣-٣-٢٦- أَنْ تَشْكُرَ
٨٢٤.....	١-٣-٣-٢٧- أَنْ تَكُونَ لِلَّهِ شَاكِرًا
٨٢٤.....	١-٣-٣-٢٨- أَنْ يَشْكُرَ
٨٢٨.....	١-٣-٣-٢٩- إِيَّاكَ أَنْ لَا تُؤَدِّيَ شُكْرَهُ
٨٢٨.....	١-٣-٣-٣٠- حَتَّكُمْ عَلَى الشُّكْرِ
٨٢٨.....	١-٣-٣-٣١- رَاعِ مَا يَجِبُ عَلَيْكَ مِنَ الشُّكْرِ

﴿فهرست﴾

۸۱۵.....	۱-۳-۲-۷-۲ درخواست کردن و دعا کردن برای شکر
۸۱۵.....	۱-۳-۳-۱ فرمان و تشویق به شکرگزاری
۸۱۵.....	۱-۳-۳-۱ نعمت را با شکر پذیرایی کن
۸۱۵.....	۱-۳-۳-۲ خدای را شکر کن
۸۱۵.....	۱-۳-۳-۳ با ادای شکرگزاری با نعمت‌ها به خوبی رفتار کنید
۸۱۵.....	۱-۳-۳-۴ شکر آنچه را خداوند به تو ارزانی کرده ادا کن
۸۱۵.....	۱-۳-۳-۵ نعمت را به شکر پیوند دهید
۸۱۷.....	۱-۳-۳-۶ خداوند از آفریدگان شکر می‌خواهد
۸۱۷.....	۱-۳-۳-۷ از طریق شکر، نعمت را دوام بخشید
۸۱۷.....	۱-۳-۳-۸ خدا را برای شکرگزاری سجده کن
۸۱۷.....	۱-۳-۳-۹ به شکر نعمت مشغول شو
۸۱۷.....	۱-۳-۳-۱۰ شکر کن
۸۲۱.....	۱-۳-۳-۱۱ او را شکر کن
۸۲۱.....	۱-۳-۳-۱۲ پس شما دو نفر او را شکر کنید
۸۲۱.....	۱-۳-۳-۱۳ شکر کنید
۸۲۳.....	۱-۳-۳-۱۴ او را شکر کنید
۸۲۵.....	۱-۳-۳-۱۵ پس مرا شکر کن
۸۲۵.....	۱-۳-۳-۱۶ نعمت را با شکرگزاری، در بند کنید
۸۲۵.....	۱-۳-۳-۱۷ نعمت‌ها را با شکرگزاری همراه کن
۸۲۵.....	۱-۳-۳-۱۸ شکر کنید
۸۲۵.....	۱-۳-۳-۱۹ شکر را غنیمت بدانید
۸۲۵.....	۱-۳-۳-۲۰ آیا شکر نمی‌گزارید؟
۸۲۵.....	۱-۳-۳-۲۱ با شکر با نعمت‌ها ملاقات کنید
۸۲۵.....	۱-۳-۳-۲۲ بنگر که شکرت چگونه است
۸۲۵.....	۱-۳-۳-۲۳ تو را به شکرگزاری سفارش می‌کنم
۸۲۵.....	۱-۳-۳-۲۴ به شکرگزاری فرمان داد
۸۲۷.....	۱-۳-۳-۲۵ مرا به شکرگزاری فرمان داد
۸۲۷.....	۱-۳-۳-۲۶ شکر کن
۸۲۷.....	۱-۳-۳-۲۷ باید شکرگزار خدا باشی
۸۲۷.....	۱-۳-۳-۲۸ باید شکر کند
۸۲۹.....	۱-۳-۳-۲۹ مبدا از عهده‌ی شکرش برنیایی
۸۲۹.....	۱-۳-۳-۳۰ به شکرگزاری وادارتان کرد
۸۲۹.....	۱-۳-۳-۳۱ آنچه از شکر بر تو واجب شده رعایت کن

﴿الفهرس﴾

٨٢٨.....	١-٣-٣٢- زدْ في شُكْرِكَ
٨٢٨.....	١-٣-٣٣- سَأَلْتَنِي شُكْرًا.....
٨٢٨.....	١-٣-٣٤- صَبِرَ الشُّكْرُ حِرْزَ نِعْمَتِكَ
٨٢٨.....	١-٣-٣٥- عَلَيْكَ بِالشُّكْرِ
٨٣٠.....	١-٣-٣٦- عَلَيْكُمْ بِالشُّكْرِ
٨٣٠.....	١-٣-٣٧- غُودُوا بِالشُّكْرِ
٨٣٠.....	١-٣-٣٨- قَابِلِ النِّعْمَةَ بِالشُّكْرِ
٨٣٠.....	١-٣-٣٩- كُنْ بِالشُّكْرِ مُنْطَلِقَ اللِّسَانِ
٨٣٠.....	١-٣-٤٠- كُنْ شَاكِرًا.....
٨٣٠.....	١-٣-٤١- كُنْ شَكُورًا
٨٣٢.....	١-٣-٤٢- كُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ
٨٣٤.....	١-٣-٤٢- كُونُوا مِنَ الشَّاكِرِينَ
٨٣٤.....	١-٣-٤٤- لَا تَبْغُدُونَ مِنْ شُكْرٍ
٨٣٤.....	١-٣-٤٥- لَا تَخُلْ مِنْ شُكْرِهِ
٨٣٤.....	١-٣-٤٦- لَا تَشْغَلْنِي عَنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ
٨٣٤.....	١-٣-٤٦-١- لَا تَغْفُلُوا عَنْ الشُّكْرِ
٨٣٤.....	١-٣-٤٧- لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَعْجِزُ عَنْ شُكْرِ مَا أُوتِيَ
٨٣٤.....	١-٣-٤٨- لَا تَنْسُوا عِنْدَ النِّعَمِ شُكْرَكُمْ
٨٣٤.....	١-٣-٤٩- لَا يَنْبَغِي أَنْ يَغْفَلَ عَنْ شُكْرِكَ
٨٣٦.....	١-٣-٥٠- لِأَنْ يَكُونُوا شَاكِرِينَ
٨٣٦.....	١-٣-٥١- لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ، لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ
٨٣٨.....	١-٣-٥٢- لِكَيْ يَشْكُرُوا
٨٣٨.....	١-٣-٥٣- لَوْ لَا تَشْكُرُونَ
٨٣٨.....	١-٣-٥٤- لِيَسْأَلَ الشُّكْرُ
٨٤٠.....	١-٣-٥٥- لِيَشْكُرَ
٨٤٠.....	١-٣-٥٦- لِيَكْثُرَ الشُّكْرُ
٨٤٠.....	١-٣-٥٧- لِيَكُنْ أَوَّلَى الْأَمْرِ بِكَ الشُّكْرُ
٨٤٠.....	١-٣-٥٧- لِيَكُنَ الشُّكْرُ شَاغِلًا لَكَ
٨٤٠.....	١-٣-٥٩- لِيَكُونَ شَاكِرًا
٨٤٢.....	١-٣-٦٠- يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ الشُّكْرُ هُوَ الْغَالِبَ عَلَيْهِمْ، يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ شَكُورًا
٨٤٢.....	١-٣-٤- وَجُوبٌ وَلُزُومٌ وَضَرُورَةُ الشُّكْرِ
٨٤٢.....	١-٣-٤-١- إِنَّ اللَّهَ أَهْلٌ أَنْ تُشْكَرَ
٨٤٢.....	١-٣-٤-٢- الشُّكْرُ حَقٌّ

﴿فهرست﴾

۸۲۹.....	۱-۳-۳۲- بر شکرگزاریات بیافزا.....
۸۲۹.....	۱-۳-۳۳- از من شکر خواسته‌ای.....
۸۲۹.....	۱-۳-۳۴- شکر را نگیان نعمت بگردان.....
۸۲۹.....	۱-۳-۳۵- بر تو باد به شکرگزاری.....
۸۳۱.....	۱-۳-۳۶- بر شما باد به شکرگزاری.....
۸۳۱.....	۱-۳-۳۷- به شکرگزاری بازگردید.....
۸۳۱.....	۱-۳-۳۸- نعمت را با سپاسگزاری پاسخ بده.....
۸۳۱.....	۱-۳-۳۹- با زبان گشاده شکر کن.....
۸۳۱.....	۱-۳-۴۰- شکرگزار باش.....
۸۳۱.....	۱-۳-۴۱- بسیار شکرگزار باش.....
۸۳۳.....	۱-۳-۴۲- از شکرگزاران باش.....
۸۳۵.....	۱-۳-۴۲- از شکرگزاران باشید.....
۸۳۵.....	۱-۳-۴۴- از شکرگزاری دور نباشید.....
۸۳۵.....	۱-۳-۴۵- خود را از شکرگزاری او خالی نکن.....
۸۳۵.....	۱-۳-۴۶- مرا از شکرگزاری نعمت غافل مساز.....
۸۳۵.....	۱-۳-۴۶-۱- از شکرگزاری غافل م باشید.....
۸۳۵.....	۱-۳-۴۷- از کسانی میاش که از شکرگزاری آنچه به ایشان داده شده عاجز می‌شوند.....
۸۳۵.....	۱-۳-۴۸- در برابر نعمت‌ها، شکر یادتان نرود.....
۸۳۵.....	۱-۳-۴۹- سزاوار نیست که از شکرگزاریات غافل شوی.....
۸۳۷.....	۱-۳-۵۰- باید شکرگزار باشند.....
۸۳۷.....	۱-۳-۵۱- شاید که ایشان شکر کنند، شاید شما شکر کنید.....
۸۳۹.....	۱-۳-۵۲- تا اینکه شکر کنند.....
۸۳۹.....	۱-۳-۵۳- چرا شکر نمی‌کنید.....
۸۳۹.....	۱-۳-۵۴- باید شکر را بخواهد.....
۸۴۱.....	۱-۳-۵۵- باید شکرگزاری کند.....
۸۴۱.....	۱-۳-۵۶- باید بسیار شکر کند.....
۸۴۱.....	۱-۳-۵۷- باید صاحبان خرد به واسطه‌ی توفیق تو شکر کنند.....
۸۴۱.....	۱-۳-۵۷- باید شکرگزاری تو را مشغول کند.....
۸۴۱.....	۱-۳-۵۹- باید شکرگزار باشد.....
۸۴۳.....	۱-۳-۶۰- سزاوار است که شکرگزاری بر آن‌ها غالب باشد، سزاوار است که بسیار شکرگزار باشند.....
۸۴۳.....	۱-۳-۴- وجوب و لزوم و ضرورت شکرگزاری.....
۸۴۳.....	۱-۳-۴-۱- خداوند شایسته‌ی آن است که شکر گزارده شود.....
۸۴۳.....	۱-۳-۴-۲- شکرگزاری حق است.....

﴿الفهرس﴾

٨٤٢.....	١-٣-٤-٢-١- إِسْتَحَقَّ أَنْ يَشْكُرَهُ.....
٨٤٢.....	١-٣-٤-٢-٢- تَسْتَحِقُّ عَلَيْنَا الشُّكْرَ.....
٨٤٤.....	١-٣-٤-٢-٣- الشُّكْرُ حَقُّ اللَّهِ.....
٨٤٤.....	١-٣-٤-٢-٤- مُسْتَحَقُّ لِلشُّكْرِ.....
٨٤٤.....	١-٣-٤-٢-٥- يَحِقُّ بِي لَكَ الشُّكْرُ.....
٨٤٦.....	١-٣-٤-٣- يُعْطَى النِّعَمَ بِشَرْطِ الشُّكْرِ.....
٨٤٦.....	١-٣-٤-٤- الْفَرَضُ.....
٨٤٦.....	١-٣-٤-٤-١- أَفْتَرَضَ عَلَيْنَا الشُّكْرَ.....
٨٤٨.....	١-٣-٤-٤-٢- فَرَضَ الشُّكْرَ.....
٨٤٨.....	١-٣-٤-٤-٣- الشُّكْرُ فَرَضٌ.....
٨٤٨.....	١-٣-٤-٤-٤- الشُّكْرُ فَرِيضَةٌ.....
٨٤٨.....	١-٣-٤-٤-٥- الشُّكْرُ مَقْرُوضٌ.....
٨٤٨.....	١-٣-٤-٥- التَّكْلِيفُ.....
٨٥٠.....	١-٣-٤-٦- كَيْفَ لَا أَشْكُرُكَ.....
٨٥٠.....	١-٣-٤-٧- الزُّوْمُ.....
٨٥٠.....	١-٣-٤-٨- لَمْ يَبْقَ إِلَّا الشُّكْرُ.....
٨٥٢.....	١-٣-٤-٩- الشُّكْرُ مَا خُوذُ.....
٨٥٢.....	١-٣-٤-١٠- الشُّكْرُ مَضْمُونٌ.....
٨٥٢.....	١-٣-٤-١١- وَجُوبُ الشُّكْرِ.....
٨٥٢.....	١-٣-٤-١١-١- أَوَّلُ مَا يَجِبُ عَلَيْكُمْ.....
٨٥٢.....	١-٣-٤-١١-٢- أَوْجَبَ اللَّهُ الشُّكْرَ.....
٨٥٢.....	١-٣-٤-١١-٣- أَوْجِبْتَ الشُّكْرَ.....
٨٥٢.....	١-٣-٤-١١-٤- اسْتَوْجَبَ الشُّكْرَ.....
٨٥٤.....	١-٣-٤-١١-٥- أَيُّ الشُّكْرِ لَمْ تَسْتَوْجِبْ مِنِّي.....
٨٥٤.....	١-٣-٤-١١-٦- مُسْتَوْجِبُ الشُّكْرِ.....
٨٥٤.....	١-٣-٤-١١-٧- الْمُوْجِبُ، الْمُوْجِبَةُ.....
٨٥٤.....	١-٣-٤-١١-٨- وَاجِبٌ.....
٨٥٦.....	١-٣-٤-١١-٩- سَجْدَةُ الشُّكْرِ وَاجِبَةٌ.....
٨٥٦.....	١-٣-٤-١١-١٠- وَجِبَ الشُّكْرُ.....
٨٥٦.....	١-٣-٤-١١-١١- وَجُوبُ شُكْرِكَ.....
٨٥٦.....	١-٣-٤-١١-١٢- يَجِبُ الشُّكْرُ.....
٨٥٨.....	١-٣-٤-١١-١٣- يُوجِبُ.....
٨٥٨.....	١-٣-٤-١٢- النِّعْمَةُ مَوْصُولَةٌ بِالشُّكْرِ.....

﴿فهرست﴾

۸۴۳.....	۱-۳-۴-۲-۱- سزاوار است که او را شکر کنی
۸۴۳.....	۱-۳-۴-۲-۲- سزاوار است که او را شکر کنیم
۸۴۵.....	۱-۳-۴-۲-۳- شکرگزاری حق خداست
۸۴۵.....	۱-۳-۴-۲-۴- برای شکرگزاری لایق و شایسته است
۸۴۵.....	۱-۳-۴-۲-۵- بر من حق است که شکر تو گزارم
۸۴۷.....	۱-۳-۴-۳- به شرط شکر کردن نعمت عطا می کند
۸۴۷.....	۱-۳-۴-۴- واجب
۸۴۷.....	۱-۳-۴-۴-۱- شکرگزاری بر ما واجب است
۸۴۹.....	۱-۳-۴-۴-۲- شکرگزاری واجب است
۸۴۹.....	۱-۳-۴-۴-۳- شکرگزاری واجب است
۸۴۹.....	۱-۳-۴-۴-۴- شکرگزاری واجب است
۸۴۹.....	۱-۳-۴-۴-۵- شکرگزاری واجب است
۸۴۹.....	۱-۳-۴-۵- تکلیف
۸۵۱.....	۱-۳-۴-۶- چگونه شکر نکنم
۸۵۱.....	۱-۳-۴-۷- ضرورت، نیاز
۸۵۱.....	۱-۳-۴-۸- جز شکرگزاری چیزی باقی نمی ماند
۸۵۳.....	۱-۳-۴-۹- شکر واجب شده است
۸۵۳.....	۱-۳-۴-۱۰- شکر ضمانت شده است
۸۵۳.....	۱-۳-۴-۱۱- واجب بودن شکر
۸۵۳.....	۱-۳-۴-۱۱-۱- اولین چیزی که بر شما واجب شده است
۸۵۳.....	۱-۳-۴-۱۱-۲- خداوند شکرگزاری را واجب کرد
۸۵۳.....	۱-۳-۴-۱۱-۳- شکرگزاری را بر تو واجب کرد
۸۵۳.....	۱-۳-۴-۱۱-۴- سزاوار شکرگزاری است
۸۵۵.....	۱-۳-۴-۱۱-۵- من سزاوار کدام شکرگزاری نیستم
۸۵۵.....	۱-۳-۴-۱۱-۶- سزاوار شکرگزاری
۸۵۵.....	۱-۳-۴-۱۱-۷- موجب، آنچه واجب شده است
۸۵۵.....	۱-۳-۴-۱۱-۸- واجب
۸۵۷.....	۱-۳-۴-۱۱-۹- سجده‌ی شکر واجب است
۸۵۷.....	۱-۳-۴-۱۱-۱۰- شکر واجب شد
۸۵۷.....	۱-۳-۴-۱۱-۱۱- واجب بودن شکر
۸۵۷.....	۱-۳-۴-۱۱-۱۲- شکرگزاری واجب می شود
۸۵۹.....	۱-۳-۴-۱۱-۱۳- واجب می شود
۸۵۹.....	۱-۳-۴-۱۲- نعمت به شکر پیوسته است

﴿الفهرس﴾

١٣-٤-١٣-١.....إِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْ شُكْرِنَا.....٨٥٨

١٣-٥-١-٣.....طَلَبُ الشُّكْرِ، الإِسْتِعَاذَةُ وَالْإِعْتِدَارُ مِنَ التَّقْصِيرِ فِيهِ.....٨٦٠

١٣-٥-١-٣.....سُؤَالُ الشُّكْرِ.....٨٦٠

١٣-٥-١-٣.....(بعث)، اِئْتَمَنِي لِشُكْرِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَبْعَثَنِي مِنَ الشَّاكِرِينَ.....٨٦٠

١٣-٥-١-٣.....(بقي)، أَقْبِنِي قَائِمًا بِشُكْرِكَ.....٨٦٠

١٣-٥-١-٣.....(جعل).....٨٦٠

١٣-٥-١-٣.....إِجْعَلْ.....٨٦٠

١٣-٥-١-٣.....إِجْعَلْنِي.....٨٦٢

١٣-٥-١-٣.....إِجْعَلْنَا.....٨٦٤

١٣-٥-١-٣.....إِجْعَلُهُ.....٨٦٦

١٣-٥-١-٣.....إِجْعَلْهَا نِعْمَةً مَشْكُورَةً.....٨٦٨

١٣-٥-١-٣.....أَنْ تَجْعَلَ.....٨٦٨

١٣-٥-١-٣.....أَنْ تَجْعَلَنِي.....٨٦٨

١٣-٥-١-٣.....(حضر) أَحْضَرْنَا شُكْرَكَ.....٨٧٠

١٣-٥-١-٣.....(رزق).....٨٧٠

١٣-٥-١-٣.....أَرْزُقْنِي.....٨٧٠

١٣-٥-١-٣.....أَرْزُقْنَا.....٨٧٤

١٣-٥-١-٣.....تَرْزُقْنِي، أَسْأَلُكَ أَنْ تَرْزُقَنِي.....٨٧٤

١٣-٥-١-٣.....(رغب)، اِرْغَبُوا إِلَى الشُّكْرِ.....٨٧٦

١٣-٥-١-٣.....(زيد)، زِدْنِي مِنْ شُكْرِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَزِيدَنِي شُكْرًا.....٨٧٦

١٣-٥-١-٣.....(سأل).....٨٧٦

١٣-٥-١-٣.....أَسْأَلُ اللَّهَ الشُّكْرَ.....٨٧٦

١٣-٥-١-٣.....أَسْأَلُكَ الشُّكْرَ.....٨٧٨

١٣-٥-١-٣.....سَأَلْتُهُ الشُّكْرَ.....٨٨٦

١٣-٥-١-٣.....نَسَأَلُكَ الشُّكْرَ.....٨٨٦

١٣-٥-١-٣.....الْأَمْرُ بِالسُّؤَالِ (فَأَسْأَلُوا اللَّهَ الشُّكْرَ وَتَسْأَلُهُ الشُّكْرَ).....٨٨٦

١٣-٥-١-٣.....(سدد)، سَدَّدْنِي لِأَنَّ أَشْكَرَ الْحَسَنَةِ.....٨٨٦

١٣-٥-١-٣.....(سعد)، أَسْعِدْنَا بِالشُّكْرِ.....٨٨٨

١٣-٥-١-٣.....(سوق)، سَقْنِي بِحَسَنِ شُكْرٍ.....٨٨٨

١٣-٥-١-٣.....(شغل)، اشْغَلْ أَلْسِنَتَنَا بِشُكْرِكَ.....٨٨٨

١٣-٥-١-٣.....(طلق)، أَطْلِقْ أَلْسِنَتَنَا بِشُكْرِ آلَاكَ.....٨٨٨

١٣-٥-١-٣.....(عزم)، عَزَمْ اللَّهُ لَكَ عَلَى الشُّكْرِ.....٨٨٨

﴿فهرست﴾

- ۱۳-۳-۱- خداوند از شکرگزاری ما بی‌نیاز است..... ۸۵۹
- ۵-۳-۱- درخواست شکر، پناه‌بردن و عذرخواهی کردن از کوتاهی در آن..... ۸۶۱
- ۱-۳-۵-۱- درخواست شکر..... ۸۶۱
- ۱-۳-۵-۱-۱- (برانگیخته شدن) مرا برای شکرت برانگیختی، از تو می‌خواهم که مرا در میان شکرگزارانت برانگیزی..... ۸۶۱
- ۱-۳-۵-۱-۲- (باقی ماند) مرا استوار بر شکرت باقی بدار..... ۸۶۱
- ۱-۳-۵-۱-۳- (قراردادن)..... ۸۶۱
- ۱-۳-۵-۱-۳-۱- قرار ده..... ۸۶۱
- ۱-۳-۵-۱-۳-۲- مرا قرار ده..... ۸۶۳
- ۱-۳-۵-۱-۳-۳- ما را قرار ده..... ۸۶۵
- ۱-۳-۵-۱-۳-۴- او را قرار ده..... ۸۶۷
- ۱-۳-۵-۱-۳-۵- آن را نعمتی قرار ده که شکرش به جا آورده شود..... ۸۶۹
- ۱-۳-۵-۱-۳-۶- باید قرار دهی..... ۸۶۹
- ۱-۳-۵-۱-۳-۷- باید برایم قرار دهی..... ۸۶۹
- ۱-۳-۵-۱-۴- (حاضر کردن) شکرت را برای ما حاضر کن..... ۸۷۱
- ۱-۳-۵-۱-۵- (روزی کردن)..... ۸۷۱
- ۱-۳-۵-۱-۵-۱- روزی‌ام کن..... ۸۷۱
- ۱-۳-۵-۱-۵-۲- روزی‌مان کن..... ۸۷۵
- ۱-۳-۵-۱-۵-۳- باید روزی‌ام کنی، از تو درخواست می‌کنم که روزی‌ام کنی..... ۸۷۵
- ۱-۳-۵-۱-۶- (میل و اشتیاق) به شکرگزاری مشتاقم کن..... ۸۷۷
- ۱-۳-۵-۱-۷- (زیاد شدن) شکرگزاری‌ات را بر من بیافزا، از تو درخواست می‌کنم که شکرم را بیافزایی..... ۸۷۷
- ۱-۳-۵-۱-۸- (درخواست کردن)..... ۸۷۷
- ۱-۳-۵-۱-۸-۱- شکرگزاری را از خداوند درخواست می‌کنم..... ۸۷۷
- ۱-۳-۵-۱-۸-۲- از تو شکر را می‌خواهم..... ۸۷۹
- ۱-۳-۵-۱-۸-۳- از او شکر را خواهانم..... ۸۸۷
- ۱-۳-۵-۱-۸-۴- از تو شکر را درخواست می‌کنیم..... ۸۸۷
- ۱-۳-۵-۱-۸-۵- فرمان به درخواست کردن (از خداوند شکر را درخواست کنید، باید از او شکر را بخواهد)..... ۸۸۷
- ۱-۳-۵-۱-۹- (استوار کردن)، مرا استوار کن که به خوبی شکر کنم..... ۸۸۷
- ۱-۳-۵-۱-۱۰- (کامیاب شدن)، ما را به شکر کامیاب و موفق کن..... ۸۸۹
- ۱-۳-۵-۱-۱۱- (سوق دادن)، مرا به شکرگزاری نیکو سوق ده..... ۸۸۹
- ۱-۳-۵-۱-۱۲- (مشغول شدن)، زبان ما را به شکرت مشغول کن..... ۸۸۹
- ۱-۳-۵-۱-۱۳- (رها کردن)، زبان‌های ما را به شکر نعمت‌هایت باز کن..... ۸۸۹
- ۱-۳-۵-۱-۱۴- (اراده کردن)، خداوند برای تو شکر را اراده کرد..... ۸۸۹

﴿الفهرس﴾

٨٨٨.....	١٥-١-٣-١-١٣-٥-١ (عطو)
٨٨٨.....	١-١٥-١-٣-٥-١-١٣-٥-١ أَعْطِنِي
٨٩٠.....	٢-١٥-١-٣-٥-١-١٣-٥-١ أَعْطِنَا
٨٩٠.....	٣-١٥-١-٣-٥-١-١٣-٥-١ ذَلِّلْنِي بِإِعْطَاءِ الشُّكْرِ
٨٩٠.....	١٦-١-٣-٥-١-١٣-٥-١ (عون)
٨٩٠.....	١-١٦-١-٣-٥-١-١٣-٥-١ أَعْنِي الشُّكْرَ
٨٩٠.....	٢-١٦-١-٣-٥-١-١٣-٥-١ أَعِنَّا عَلَى شُكْرِكَ
٨٩٠.....	٣-١٦-١-٣-٥-١-١٣-٥-١ أَعَانَا اللَّهُ وَإِيَّاكَ عَلَى شُكْرِهِ
٨٩٠.....	٤-١٦-١-٣-٥-١-١٣-٥-١ حَتَّى يُعِينَنَا وَإِيَّاكَ عَلَى شُكْرِهِ
٨٩٠.....	١٧-١-٣-٥-١-١٣-٥-١ (فتح)، افْتَحْ مَسَامِعَ قُلُوبِي لِشُكْرِكَ
٨٩٠.....	١٨-١-٣-٥-١-١٣-٥-١ (قرر)، أَقِرْ بِشُكْرِ نِعْمَتِكَ عَيْنِي
٨٩٢.....	١٩-١-٣-٥-١-١٣-٥-١ (قول)، أَنْ تَقُولَ: أَنْتَ لِنِعْمَتِي مِنَ الشَّاكِرِينَ
٨٩٢.....	٢٠-١-٣-٥-١-١٣-٥-١ (كتب)، أَكْتُبْنَا لَكَ شَاكِرِينَ
٨٩٢.....	٢١-١-٣-٥-١-١٣-٥-١ (لحق)، أَلْحِقْنَا بِهِمْ شَاكِرِينَ
٨٩٢.....	٢٢-١-٣-٥-١-١٣-٥-١ (لهم)
٨٩٢.....	١-٢٢-١-٣-٥-١-١٣-٥-١ أَسْأَلُكَ إِلَهَامَ الشُّكْرِ
٨٩٢.....	٢-٢٢-١-٣-٥-١-١٣-٥-١ أَسْأَلُكَ أَنْ تُلْهِمَنِي شُكْرَكَ
٨٩٢.....	٣-٢٢-١-٣-٥-١-١٣-٥-١ أَلْهِمْنِي الشُّكْرَ
٨٩٤.....	٤-٢٢-١-٣-٥-١-١٣-٥-١ أَلْهِمْنَا الشُّكْرَ
٨٩٤.....	٥-٢٢-١-٣-٥-١-١٣-٥-١ أَلْهِمْنَا عَلَى شُكْرِهِ
٨٩٤.....	٢٣-١-٣-٥-١-١٣-٥-١ (ملا)، امْلَأْ لَنَا مَا بَيْنَ طَرَفَيْهِ حَمْدًا وَشُكْرًا
٨٩٤.....	٢٤-١-٣-٥-١-١٣-٥-١ (منن)
٨٩٤.....	١-٢٤-١-٣-٥-١-١٣-٥-١ أَسْأَلُكَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ بِالشُّكْرِ
٨٩٤.....	٢-٢٤-١-٣-٥-١-١٣-٥-١ مَنْ عَلَى شُكْرِكَ
٨٩٦.....	٢٥-١-٣-٥-١-١٣-٥-١ (وجه)، وَجِّهْنِي إِلَى الشُّكْرِ
٨٩٦.....	٢٦-١-٣-٥-١-١٣-٥-١ (وزع)
٨٩٦.....	١-٢٦-١-٣-٥-١-١٣-٥-١ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ
٨٩٨.....	٢-٢٦-١-٣-٥-١-١٣-٥-١ أَوْزِعْنَا أَنْ نَشْكُرَ نِعْمَتَكَ
٨٩٨.....	٣-٢٦-١-٣-٥-١-١٣-٥-١ أَوْزِعْهُمْ أَنْ يَشْكُرُوا نِعْمَتَكَ
٩٠٠.....	٤-٢٦-١-٣-٥-١-١٣-٥-١ اجْعَلْنَا مِمَّنْ أَوْزَعْتَهُ شُكْرَكَ
٩٠٠.....	٥-٢٦-١-٣-٥-١-١٣-٥-١ أَسْأَلُكَ الْإِيزَاعَ لِشُكْرِكَ
٩٠٠.....	٦-٢٦-١-٣-٥-١-١٣-٥-١ أَسْأَلُكَ أَنْ تُوزِعَنِي مِنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ
٩٠٠.....	٢٧-١-٣-٥-١-١٣-٥-١ (وفق)

﴿فهرست﴾

۸۸۹.....	۱۵-۱-۳-۱- (عطا کردن)
۸۸۹.....	۱-۱۵-۱-۳- به من عطا کن
۸۹۱.....	۲-۱۵-۱-۳- به ما عطا کن
۸۹۱.....	۳-۱۵-۱-۳- مرا با توفیق شکر رام کن
۸۹۱.....	۱۶-۱-۳-۱- (یاری)
۸۹۱.....	۱-۱۶-۱-۳- بر شکرگزاری یاری ام کن
۸۹۱.....	۲-۱۶-۱-۳- بر شکرگزاری ات یاری مان نما
۸۹۱.....	۳-۱۶-۱-۳- خداوند ما و تو را به شکر خود یاری دهد
۸۹۱.....	۴-۱۶-۱-۳- تا خدا ما و شما را بر سپاسگزاری یاری کند
۸۹۱.....	۱۷-۱-۳-۱- (گشایش)، گوش دلم را برای شکرت بگشا
۸۹۱.....	۱۸-۱-۳-۱- (روشن کردن)، چشمم را به شکر نعمت روشن کن
۸۹۳.....	۱۹-۱-۳-۱- (سخن)، اینکه بگویی تو از شکرگزاران نعمت من هستی
۸۹۳.....	۲۰-۱-۳-۱- (نوشتن)، ما را از شکرگزاران درگاهت بنویس
۸۹۳.....	۲۱-۱-۳-۱- (ملحق شدن)، ما را به شکرگزاران ملحق کن
۸۹۳.....	۲۲-۱-۳-۱- (الهام کردن)
۸۹۳.....	۱-۲۲-۱-۳- از تو الهام شکر را درخواست می کنم
۸۹۳.....	۲-۲۲-۱-۳- از تو درخواست می کنم که شکرت را به من الهام کنی
۸۹۳.....	۳-۲۲-۱-۳- به من شکرگزاری را الهام کن
۸۹۵.....	۴-۲۲-۱-۳- شکر را به من الهام کن
۸۹۵.....	۵-۲۲-۱-۳- به ا و شکرش را الهام کرد
۸۹۵.....	۲۳-۱-۳-۱- (پیر کردن)، سراسر روز ما را برایمان از حمد و شکر پر کن
۸۹۵.....	۲۴-۱-۳-۱- (نعمت بخشیدن، منت گذاردن)
۸۹۵.....	۱-۲۴-۱-۳- از تو درخواست می کنم که با شکرگزاری بر من منت گذاری
۸۹۵.....	۲-۲۴-۱-۳- بر من با شکرگزاری ات منت گذار
۸۹۷.....	۲۵-۱-۳-۱- (روبهرو شدن)، مرا با شکرت روبهرو کن
۸۹۷.....	۲۶-۱-۳-۱- (الهام کردن)
۸۹۷.....	۱-۲۶-۱-۳- به من الهام کن که شکر نعمت را به جای آورم
۸۹۹.....	۲-۲۶-۱-۳- به ما الهام کن که نعمت را شکر گزاریم
۸۹۹.....	۳-۲۶-۱-۳- به آن ها الهام کن که نعمت را شکر گزارند
۹۰۱.....	۴-۲۶-۱-۳- ما را از کسانی قرار ده که شکرت را به آن ها الهام کردی
۹۰۱.....	۵-۲۶-۱-۳- از تو الهام کردن شکرت را درخواست می کنم
۹۰۱.....	۶-۲۶-۱-۳- از تو درخواست می کنم که شکر نعمت های تو را به من الهام کنی
۹۰۱.....	۲۷-۱-۳-۱- موفق شدن

﴿الفهرس﴾

- ٩٠٠..... ١-٣-٥-١-٢٧-١ وَقَفْنِي لِلشُّكْرِ
- ٩٠٢..... ١-٣-٥-١-٢٧-٢ وَقَفْنَا لِشُّكْرِ النِّعَمِ
- ٩٠٢..... ١-٣-٥-١-٢٧-٣ أَرْزُقْنِي شُكْرَكَ بِدَوَامِهِ بِتَوْفِيقِكَ
- ٩٠٢..... ١-٣-٥-١-٢٧-٤ إِنَّكَ وَقَفْتَنَا لِلشُّكْرِ
- ٩٠٢..... ١-٣-٥-١-٢٨ وَقَفْنَا عَلَيْهِ مِنْ شُكْرِ آلَائِكَ (وقف)
- ٩٠٢..... ١-٣-٥-١-٢٩ (وهب)
- ٩٠٢..... ١-٣-٥-١-٢٩-١ هَبْ لِي شُكْرًا
- ٩٠٤..... ١-٣-٥-١-٢٩-٢ أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يَهَبَ لَنَا شُكْرًا
- ٩٠٤..... ١-٣-٥-١-٢٩-٣ سَأَلْتُهُ أَنْ يَهَبَ لِي قَلْبًا شَاكِرًا
- ٩٠٤..... ١-٣-٥-١-٣٠ (يقظ)
- ٩٠٤..... ١-٣-٥-١-٣٠-١ نَسْأَلُكَ أَنْ تُؤَفِّقَنَا لِلشُّكْرِ
- ٩٠٤..... ١-٣-٥-١-٣-٢ طَلَبُ عَدَمِ سَلْبِ الشُّكْرِ
- ٩٠٤..... ١-٣-٥-٢-١ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ عَنْ شُكْرِكَ
- ٩٠٤..... ١-٣-٥-٢-٢ لَا تُذْهِبْ عَنِّي شُكْرَكَ
- ٩٠٤..... ١-٣-٥-٢-٣ لَا تَشْغَلْنِي عَنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ
- ٩٠٤..... ١-٣-٥-٢-٤ لَا تُنْسِنَا شُكْرَكَ
- ٩٠٤..... ١-٣-٥-٢-٥ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا فَيَقْصُرُ شُكْرِي
- ٩٠٤..... ١-٣-٥-٣ الإِعْتِذَارُ مِنْ عَدَمِ الشُّكْرِ
- ٩٠٤..... ١-٣-٥-٣-١ أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ مِنْ مَعْرُوفٍ لَمْ أَشْكُرْهُ
- ٩٠٤..... ١-٣-٥-٣-٢ الإِسْتِعَاذَةُ مِنْ عَدَمِ الشُّكْرِ
- ٩٠٤..... ١-٣-٥-٣-٣ أَعُوذُ بِكَ مِنْ تَرْكِ الشُّكْرِ، أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَجْعَلَ شَيْئًا مِنْ شُكْرِي لِعَيْرِكَ
- ٩٠٨..... ١-٣-٥-٣-٤ مَصَادِيقُ الشَّاكِرِ وَالشُّكُورِ
- ٩٠٨..... ١-٣-٥-٣-٥ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ وَرَاجِعُ: الْفَصْلُ الثَّالِثُ
- ٩٠٨..... ١-٣-٥-٣-٦ آدَمُ وَحَوَاءُ عليهما السلام
- ٩٠٨..... ١-٣-٥-٣-٧ آلُ دَاوُدَ عليه السلام
- ٩٠٨..... ١-٣-٥-٣-٨ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام
- ٩١٠..... ١-٣-٥-٣-٩ أَبُودَرٍّ عليه السلام
- ٩١٠..... ١-٣-٥-٣-١٠ إِدْرِيسَ عليه السلام
- ٩١٠..... ١-٣-٥-٣-١١ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام
- ٩١٤..... ١-٣-٥-٣-١٢ أَهْلُ الْبَيْتِ عليهم السلام
- ٩١٤..... ١-٣-٥-٣-١٣ أَيُّوبَ عليه السلام
- ٩١٤..... ١-٣-٥-٣-١٤ الْبَاقِرُ عليه السلام
- ٩١٤..... ١-٣-٥-٣-١٥ الْحُجَّةُ عليه السلام

﴿فهرست﴾

- ۱-۲۷-۱-۳-۵-۱-۲۷-۱ برای شکرگزاری توفیقم ده ۹۰۱
- ۱-۲۷-۲-۳-۵-۱-۲۷-۲ ما را برای شکرگزاری نعمت‌های توفیق ده ۹۰۳
- ۱-۲۷-۳-۳-۵-۱-۲۷-۳ با استمرار توفیق شکر را روزی‌ام کن ۹۰۳
- ۱-۲۷-۴-۳-۵-۱-۲۷-۴ تو ما را بر شکرگزاری موفق ساختی ۹۰۳
- ۱-۲۸-۱-۳-۵-۱-۲۸-۱ (نگاه‌داشتن)، ما را بر شکرگزاری نعمت‌های نگاه دار ۹۰۳
- ۱-۲۹-۱-۳-۵-۱-۲۹-۱ (بخشیدن) ۹۰۳
- ۱-۲۹-۱-۳-۵-۱-۲۹-۱ توفیق شکرگزاری را بر من ارزانی دار ۹۰۳
- ۱-۲۹-۲-۳-۵-۱-۲۹-۲ از خداوند می‌خواهم که به ما توفیق شکرگزاری عطا کند ۹۰۵
- ۱-۲۹-۳-۳-۵-۱-۲۹-۳ از او می‌خواهم که قلبی شکرگزار به من ببخشد ۹۰۵
- ۱-۳۰-۱-۳-۵-۱-۳۰-۱ (بیدار شدن) ۹۰۵
- ۱-۳۰-۱-۳-۵-۱-۳۰-۱ از تو درخواست می‌کنم که ما را برای شکرگزاری بیدار کنی ۹۰۵
- ۱-۳۰-۲-۳-۵-۱-۳۰-۲ درخواست بازپس گرفته‌نشدن توفیق شکر ۹۰۵
- ۱-۳۰-۲-۳-۵-۱-۳۰-۲ مرا از غافلان و افراد بی‌توجه به شکرگزاری‌ات قرار مده ۹۰۵
- ۱-۳۰-۲-۳-۵-۱-۳۰-۲ شکر و سپاست را از من زایل نکن ۹۰۵
- ۱-۳۰-۳-۳-۵-۱-۳۰-۳ مرا از سپاسگزاری نعمت غافل مساز ۹۰۵
- ۱-۳۰-۴-۳-۵-۱-۳۰-۴ شکرگزاری‌ات را فراموشمان مساز ۹۰۷
- ۱-۳۰-۵-۳-۵-۱-۳۰-۵ تنها رهایم مساز تا در شکرگزاری‌ام کوتاهی شود ۹۰۷
- ۱-۳۰-۶-۳-۵-۱-۳۰-۶ عذرخواهی از شکرگزاری‌نکردن ۹۰۷
- ۱-۳۰-۷-۳-۵-۱-۳۰-۷ بابت لطفی که شکرش را به‌جای نیاوردم‌از تو پوزش می‌خواهم ۹۰۷
- ۱-۳۰-۸-۳-۵-۱-۳۰-۸ پناه‌بردن به خدا از عدم شکرگزاری ۹۰۷
- ۱-۳۰-۹-۳-۵-۱-۳۰-۹ از ترک شکر به تو پناه می‌آورم، به تو پناه می‌برم از اینکه شکرگزاری‌ام را برای غیر تو به‌جای آورم ۹۰۷
- ۱-۳۰-۱۰-۳-۵-۱-۳۰-۱۰ مصادیق شکرگزار و سپاسگزار ۹۰۹
- ۱-۳۰-۱۱-۳-۵-۱-۳۰-۱۱ خداوند و.ر.به: کتاب سوم ۹۰۹
- ۱-۳۰-۱۲-۳-۵-۱-۳۰-۱۲ آدم و حوا علیهم‌السلام ۹۰۹
- ۱-۳۰-۱۳-۳-۵-۱-۳۰-۱۳ آل داود علیهم‌السلام ۹۰۹
- ۱-۳۰-۱۴-۳-۵-۱-۳۰-۱۴ ابراهیم علیه‌السلام ۹۰۹
- ۱-۳۰-۱۵-۳-۵-۱-۳۰-۱۵ ابوذر رضی‌الله‌تعالی‌عنه ۹۱۱
- ۱-۳۰-۱۶-۳-۵-۱-۳۰-۱۶ ادریس ۹۱۱
- ۱-۳۰-۱۷-۳-۵-۱-۳۰-۱۷ امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام ۹۱۱
- ۱-۳۰-۱۸-۳-۵-۱-۳۰-۱۸ اهل بیت علیهم‌السلام ۹۱۵
- ۱-۳۰-۱۹-۳-۵-۱-۳۰-۱۹ ایوب علیه‌السلام ۹۱۵
- ۱-۳۰-۲۰-۳-۵-۱-۳۰-۲۰ اما باقر علیه‌السلام ۹۱۷
- ۱-۳۰-۲۱-۳-۵-۱-۳۰-۲۱ امام زمان علیه‌السلام ۹۱۷

﴿الفهرس﴾

- ٩١٨.....١٢-٣-١- خَلَادَةُ بِنْتُ أَوْسٍ
- ٩١٨.....١٣-٣-١- دَاوُدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ
- ٩٢٠.....١٤-٣-١- رَاحِيلُ
- ٩٢٠.....١٥-٣-١- السَّجَّادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ
- ٩٢٠.....١٦-٣-١- سَلْمَانُ عَلَيْهِ السَّلَامُ
- ٩٢٤.....١٧-٣-١- سُلَيْمَانُ عَلَيْهِ السَّلَامُ
- ٩٢٦.....١٨-٣-١- الشَّيْعَةُ
- ٩٢٦.....١٩-٣-١- فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ
- ٩٢٦.....٢٠-٣-١- لُقْمَانُ عَلَيْهِ السَّلَامُ
- ٩٢٦.....٢١-٣-١- مَتَّى عَلَيْهِ السَّلَامُ
- ٩٢٨.....٢٢-٣-١- مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ ﷺ
- ٩٣٤.....٢٣-٣-١- الْمَلَائِكَةُ
- ٩٣٤.....٢٤-٣-١- الْمُؤْمِنُ وَ رَاجِع: ٤-١-١- الشُّكْرُ وَ الْإِيمَانُ
- ٩٣٤.....٢٥-٣-١- النَّجَاشِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
- ٩٣٤.....٢٦-٣-١- نُوحُ عَلَيْهِ السَّلَامُ
- ٩٣٨.....٢٧-٣-١- يَعْقُوبُ عَلَيْهِ السَّلَامُ
- ٩٣٨.....٢٨-٣-١- يُوسُفُ عَلَيْهِ السَّلَامُ
- ٩٣٨.....٢٩-٣-١- يُونُسُ عَلَيْهِ السَّلَامُ
- ٩٣٨.....٣-١- قِلَّةُ الشَّاكِرِ وَ الشُّكُورِ
- ٩٣٨.....١-٣-٧- قَلِيلٌ مِنْ عِبَادِ الشُّكُورِ
- ٩٤٠.....٢-٣-٧- الشَّاكِرُونَ شِرْذِمَةٌ قَلِيلَةٌ
- ٩٤٠.....٣-٣-٧- قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ
- ٩٤٠.....٤-٣-٧- مَا أَقَلَّ مَنْ شَكَرَ الْمَعْرُوفَ
- ٩٤٠.....٥-٣-٧- لَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ
- ٩٤٢.....٦-٣-٧- أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ
- ٩٤٢.....٧-٣-٧- كَمْ رَأَيْنَا غَيْرَ شَاكِرٍ
- ٩٤٢.....٨-٣-١- الْإِعْتِرَافُ بِقِلَّةِ الشُّكْرِ، صَغَرِهِ وَ ضَعْفِهِ وَ الْإِخْلَالِ وَ الْإِهْمَالِ وَ التَّقْصِيرِ فِيهِ
- ٩٤٢.....١-٣-٨- الْإِخْلَالُ
- ٩٤٢.....١-٣-٨-١- إِخْلَالِي بِالشُّكْرِ
- ٩٤٢.....٢-٣-٨- الصَّغَرُ
- ٩٤٢.....١-٣-٨-١- صَغُرَ شُكْرِي
- ٩٤٤.....٢-٣-٨-٢- تَصَاغَرَ شُكْرِي
- ٩٤٤.....٣-٣-٨-٢- كَانَ شُكْرِي مُسْتَصْغَرًا

﴿فهرست﴾

۹۱۹.....	۱۲-۱-۳-۶-۱ خلادهی دختر اوس
۹۱۹.....	۱۳-۱-۳-۶-۱ حضرت داود علیه السلام
۹۲۱.....	۱۴-۱-۳-۶-۱ راحیل
۹۲۱.....	۱۵-۱-۳-۶-۱ امام سجاد علیه السلام
۹۲۱.....	۱۶-۱-۳-۶-۱ سلمان (ره)
۹۲۵.....	۱۷-۱-۳-۶-۱ حضرت سلیمان علیه السلام
۹۲۷.....	۱۸-۱-۳-۶-۱ شیعه
۹۲۷.....	۱۹-۱-۳-۶-۱ حضرت فاطمه علیها السلام
۹۲۷.....	۲۰-۱-۳-۶-۱ لقمان (ره)
۹۲۷.....	۲۱-۱-۳-۶-۱ متی (ره)
۹۲۹.....	۲۲-۱-۳-۶-۱ حضرت محمد صلی الله علیه و آله
۹۳۵.....	۲۳-۱-۳-۶-۱ فرشتگان
۹۳۵.....	۲۴-۱-۳-۶-۱ مؤمن و ربه: شکر و ایمان
۹۳۵.....	۲۵-۱-۳-۶-۱ نجاشی (ره)
۹۳۵.....	۲۶-۱-۳-۶-۱ حضرت نوح علیه السلام
۹۳۹.....	۲۷-۱-۳-۶-۱ حضرت یعقوب علیه السلام
۹۳۹.....	۲۸-۱-۳-۶-۱ حضرت یوسف علیه السلام
۹۳۹.....	۲۹-۱-۳-۶-۱ حضرت یونس علیه السلام
۹۳۹.....	۷-۱-۳-۱ کم بودن تعداد شکرگزاران و بسیار سپاسگزاران
۹۳۹.....	۱-۱-۳-۷-۱ بندگان بسیار سپاسگزار من اندکند
۹۴۱.....	۲-۱-۳-۷-۱ شکرگزاران طایفه‌ی بسیار کوچکی هستند
۹۴۱.....	۳-۱-۳-۷-۱ شکرگزاری شما اندک است
۹۴۱.....	۴-۱-۳-۷-۱ چه کمند کسانی که شکر نیکی را به جای آورند
۹۴۱.....	۵-۱-۳-۷-۱ بیشترشان را شکرگزار نخواهی یافت
۹۴۳.....	۶-۱-۳-۷-۱ اکثر مردم شکر نمی‌گرازند
۹۴۳.....	۷-۱-۳-۷-۱ چه بسا افرادی را غیر شکرگزار دیدیم
۹۴۳.....	۸-۱-۳-۱ اعتراف به اندک بودن شکرگزاری، کمی و ناتوانی و ضایع کردن و سستی و کوتاهی در شکر
۹۴۳.....	۱-۱-۳-۸-۱ ضایع کردن
۹۴۳.....	۱-۱-۳-۸-۱ ضایع کردن و ترک کردن شکرگزاری
۹۴۳.....	۲-۱-۳-۸-۱ کوچکی
۹۴۳.....	۱-۱-۳-۸-۲ شکرم ناچیز است
۹۴۵.....	۲-۱-۳-۸-۲ شکرم ناچیز است
۹۴۵.....	۳-۱-۳-۸-۲ شکرم ناچیز است

﴿الفهرس﴾

٩٤٤.....	١-٣-٨٣- الضَّعْفُ
٩٤٤.....	١-٣-٨٣-١- هَذَا مَقَامٌ مِنْ شُكْرِهِ ضَعِيفٌ
٩٤٤.....	١-٣-٨٣-٢- ضَعْفٌ شُكْرِي
٩٤٤.....	١-٣-٨٣-٣- ضَعْفًا مِنْ شُكْرِي
٩٤٤.....	١-٣-٨٣-٤- ضَعْفِي عَنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ
٩٤٤.....	١-٣-٨٤- إِسْتِغْرَاقُ الشُّكْرِ فِي النِّعَمِ
٩٤٤.....	١-٣-٨٥- تَفْضِيلُ النِّعْمَةِ عَلَى شُكْرِنَا
٩٤٤.....	١-٣-٨٦- التَّقْصِيرُ
٩٤٤.....	١-٣-٨٦-١- التَّقْصِيرُ فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ
٩٤٤.....	١-٣-٨٦-٢- بِالتَّقْصِيرِ
٩٤٤.....	١-٣-٨٦-٣- تَقْصِيرِي
٩٤٨.....	١-٣-٨٦-٤- فَيَقْصُرُ شُكْرِي
٩٤٨.....	١-٣-٨٦-٥- قَاصِرًا عَاجِزًا عَنْ دَرْكِ غَايَةِ شُكْرِهِ
٩٤٨.....	١-٣-٨٦-٦- قَصُرَ شُكْرُنَا
٩٥٠.....	١-٣-٨٦-٧- قَصَرْتُ فِي شُكْرِهَا
٩٥٠.....	١-٣-٨٦-٨- قَصَرْتُ الْمَحَامِدَ عَنْ شُكْرِكَ
٩٥٠.....	١-٣-٨٦-٩- شُكْرُنَا قَصِيرٌ
٩٥٠.....	١-٣-٨٦-١٠- مُقْصَرًا عَنْ الشُّكْرِ
٩٥٢.....	١-٣-٨٧- قِلَّةُ الشُّكْرِ
٩٥٢.....	١-٣-٨٧-١- لَا تَحْرِمْنِي لِقَلَّةِ شُكْرِي
٩٥٢.....	١-٣-٨٧-٢- أَوْءٌ عَلَى نَفْسِي بِقِلَّةِ الشُّكْرِ
٩٥٢.....	١-٣-٨٧-٣- أَشْكُو قِلَّةَ شُكْرِي
٩٥٢.....	١-٣-٨٧-٤- أَشْهَدُ بِقِلَّةِ شُكْرِي
٩٥٢.....	١-٣-٨٧-٥- يَا مَنْ قَلَّ عِنْدَ نِعْمَائِهِ شُكْرِي
٩٥٤.....	١-٣-٨٧-٦- قَلَّ شُكْرِي
٩٥٤.....	١-٣-٨٧-٧- قَلَّ مِنِّي الشُّكْرُ
٩٥٤.....	١-٣-٨٧-٨- قِلَّةُ شُكْرِي
٩٥٤.....	١-٣-٨٧-٩- قَلِيلًا شُكْرِي
٩٥٤.....	١-٣-٨٧-١٠- شُكْرِي قَلِيلٌ
٩٥٤.....	١-٣-٨٧-١١- أَقَلَّلْتُ لَكَ مِنَ الشُّكْرِ
٩٥٤.....	١-٣-٨٧-١٢- كَانَ شُكْرِي مُسْتَقِيلًا
٩٥٤.....	١-٣-٨٨- الإِهْمَالُ
٩٥٤.....	١-٣-٨٨-١- شَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْإِهْمَالِ

﴿فهرست﴾

۹۴۵.....	۱-۳۸۳-۱ ناتوانی
۹۴۵.....	۱-۳۸۳-۱ این جایگاه کسی است که شکرگزاری اش ضعیف است
۹۴۵.....	۱-۳۸۳-۲ شکرگزاری من اندک است
۹۴۵.....	۱-۳۸۳-۳ ناتوانی شکرگزاری من
۹۴۵.....	۱-۳۸۳-۴ ناتوانی من از شکرگزاری نعمت تو
۹۴۷.....	۱-۳۸۴-۱ غرق شدن شکر در نعمت ها
۹۴۷.....	۱-۳۸۵-۱ برتری نعمت بر شکرگزاری ما
۹۴۷.....	۱-۳۸۶-۱ کوتاهی
۹۴۷.....	۱-۳۸۶-۱ کوتاهی در به جای آوردن شکر نعمت
۹۴۷.....	۱-۳۸۶-۲ با کوتاهی
۹۴۷.....	۱-۳۸۶-۳ کوتاهی من
۹۴۹.....	۱-۳۸۶-۴ در شکرگزاری کوتاهی کرده ام
۹۴۹.....	۱-۳۸۶-۵ مقصر و ناتوان از درک نهایت شکرگزاری
۹۴۹.....	۱-۳۸۶-۶ شکر ما در ادای حقش ناتوان است
۹۵۱.....	۱-۳۸۶-۷ در شکرگزاری اش ناتوانم
۹۵۱.....	۱-۳۸۶-۸ ستایش های شکرگزاران از شکر تو کوتاه است
۹۵۱.....	۱-۳۸۶-۹ شکر ما کوتاه است
۹۵۱.....	۱-۳۸۶-۱۰ در شکرگزاری ات کوتاهی دارم
۹۵۳.....	۱-۳۸۷-۱ اندکی شکر
۹۵۳.....	۱-۳۸۷-۱ مرا به خاطر اندک بودن ناسپاسی ام محروم مکن
۹۵۳.....	۱-۳۸۷-۲ اندک سپاسگزاری کردم
۹۵۳.....	۱-۳۸۷-۳ از اندک بودن سپاسگزاری ام شکایت می کنم
۹۵۳.....	۱-۳۸۷-۴ به کم بودن سپاسگزاری ام گواهی می دهم
۹۵۳.....	۱-۳۸۷-۵ ای کسی که شکرگزاری من در برابر نعمت هایش اندک است
۹۵۵.....	۱-۳۸۷-۶ شکرگزاری ام اندک است
۹۵۵.....	۱-۳۸۷-۷ شکرگزاری ام اندک است
۹۵۵.....	۱-۳۸۷-۸ اندک بودن سپاسگزاری ام
۹۵۷.....	۱-۳۸۷-۹ شکرگزاری ام ناچیز است
۹۵۷.....	۱-۳۸۷-۱۰ شکرگزاری ام اندک است
۹۵۷.....	۱-۳۸۷-۱۱ شکرگزاری ام را اندک می دانم
۹۵۷.....	۱-۳۸۷-۱۲ شکرگزاری ام اندک است
۹۵۷.....	۱-۳۸۸-۱ تنبلی و سستی
۹۵۷.....	۱-۳۸۸-۱ گواهی می دهد که سستی کرده است

﴿الفهرس﴾

- ٩٥٨-١-٣-٩- العَجْزُ وَ عَدَمُ الْإِسْطَاعَةِ لِأَدَاءِ الشُّكْرِ..... ٩٥٨
- ٩٥٨-١-٣-٩-١- أَيْ فَيَلْسَانِي هَذَا الْكَلَّ أَشْكُرُكَ؟..... ٩٥٨
- ٩٥٨-١-٣-٩-٢- أَيْ نَعِيمِكَ أَشْكُرُ، أَيْ شُكْرِي يَقُومُ عِنْدَكَ بِنِعْمَةٍ مِنْ نَعِيمِكَ، فَيَأْتِي شَيْءٌ أَشْكُرُ النُّعْمَ ٩٥٨
- ٩٦٠-١-٣-٩-٣- أَيْنَ شُكْرُهُ عَلَى مَا أَنْعَمَ؟..... ٩٦٠
- ٩٦٠-١-٣-٩-٤- أَنِّي يَلْحَقُ الْعَبْدُ شُكْرَ نِعْمَةِ اللَّهِ، أَنِّي لِي يَا رَبِّ بِشُكْرِكَ؟..... ٩٦٠
- ٩٦٢-١-٣-٩-٥- التُّرَابُ فِي فَمٍ مُدْعَى الشُّكْرِ..... ٩٦٢
- ٩٦٤-١-٣-٩-٦- جَلَّتْ نِعْمَتُكَ عَنْ شُكْرِي..... ٩٦٤
- ٩٦٤-١-٣-٩-٧- أُخِلْ بِمَا يَجِبُ عَلَى مَنْ شَكَرَكَ..... ٩٦٤
- ٩٦٤-١-٣-٩-٨- مَا نَدْرِي مَا نَشْكُرُ..... ٩٦٤
- ٩٦٤-١-٣-٩-٩- لَا يَجْزِي بِاللَّائِي الشَّاكِرُونَ..... ٩٦٤
- ٩٦٤-١-٣-٩-١٠- الْإِذْهَالُ عَنْ إِقَامَةِ شُكْرِ اللَّهِ وَالشَّهَادَةِ بِتَضْيِيعِهِ..... ٩٦٤
- ٩٦٦-١-٣-٩-١١- لَا شُكْرَ لِي..... ٩٦٦
- ٩٦٦-١-٣-٩-١٢- لَا تَشْكُرُ..... ٩٦٦
- ٩٦٦-١-٣-٩-١٣- لَا تُشْكِرُكَ أَحَدٌ..... ٩٦٦
- ٩٦٨-١-٣-٩-١٤- لَمْ أَشْكُرْ، لَمْ يَشْكُرْ..... ٩٦٨
- ٩٦٨-١-٣-٩-١٥- مَا شَكَرْتُ..... ٩٦٨
- ٩٦٨-١-٣-٩-١٦- ضِيقْتُ ذَرْعًا فِي شُكْرِي..... ٩٦٨
- ٩٦٨-١-٣-٩-١٧- عَدَمُ الْإِسْطَاعَةِ لِأَدَاءِ الشُّكْرِ..... ٩٦٨
- ٩٦٨-١-٣-٩-١٧-١- مَا اسْتَطَعْتُ أَنْ أُوَدِّيَ شُكْرَ وَاحِدَةٍ مِنْ أَنْعَمِكَ..... ٩٦٨
- ٩٧٠-١-٣-٩-١٧-٢- لَا أَسْتَطِيعُ أَنْ أَشْكُرَكَ..... ٩٧٠
- ٩٧٠-١-٣-٩-١٨- عَدَمُ الطَّاقَةِ..... ٩٧٠
- ٩٧٠-١-٣-٩-١٨-١- لَا تُطِيقُ شُكْرَهَا..... ٩٧٠
- ٩٧٠-١-٣-٩-١٩- العَجْزُ..... ٩٧٠
- ٩٧٠-١-٣-٩-١٩-١- الْإِعْتِرَافُ بِالْعَجْزِ..... ٩٧٠
- ٩٧٢-١-٣-٩-١٩-٢- الْإِشْفَاقُ مِنَ الْعَجْزِ عَنِ الشُّكْرِ..... ٩٧٢
- ٩٧٢-١-٣-٩-١٩-٣- تَعَجُّزُ الْأَبْدَانِ عَنْ أَدَاءِ شُكْرِهَا..... ٩٧٢
- ٩٧٢-١-٣-٩-١٩-٤- تَعَجُّزُ الْأَلْسُنِ عَنْ وَصْفِ الشُّكْرِ..... ٩٧٢
- ٩٧٢-١-٣-٩-١٩-٥- أَشْكُرُ عِبَادَكَ عَاجِزٌ عَنِ الشُّكْرِ..... ٩٧٢
- ٩٧٢-١-٣-٩-١٩-٦- عَجَزَ شُكْرِي، عَجَزَ عَنْ شُكْرِهِ شُكْرُ الشَّاكِرِينَ..... ٩٧٢
- ٩٧٤-١-٣-٩-١٩-٧- عَجَزِي عَنِ الشُّكْرِ..... ٩٧٤
- ٩٧٤-١-٣-٩-١٩-٨- يَعْجِزُ شُكْرِي..... ٩٧٤
- ٩٧٤-١-٣-٩-٢٠- عَدَمُ الْبُلُوغِ..... ٩٧٤
- ٩٧٤-١-٣-٩-٢٠-١- لَيْسَ شُكْرِي بِبَالِغِ آدَاءِ حَقِّكَ وَلَا مُكَافِئًا لِفَضْلِكَ وَلَا مُوَازِيًا لِنَعِيمِكَ..... ٩٧٤

﴿فهرست﴾

- ۱-۳-۹-۱ ناتوانی و عدم امکان به جای آوردن شکر ۹۵۹
- ۱-۳-۹-۱-۱ آیا با این زبان ناتوانم شکر را به جای آورم؟ ۹۵۹
- ۱-۳-۹-۲ کدام نعمت را شکر گزارم؟ کدام شکر می تواند حق نعمت را ادا کند، با چه چیز نعمت های را شکر گزارم؟ ۹۵۹
- ۱-۳-۹-۳ کجا می توان شکر نعمت های او را کرد؟ ۹۶۱
- ۱-۳-۹-۴ کجا انسان می تواند شکر نعمت های او را بکند؟ ای پروردگار چگونه می توانم شکر را به جای آورم؟ ۹۶۱
- ۱-۳-۹-۵ خاک در دهان کسی که ادعا کند بر شکر تواناست ۹۶۳
- ۱-۳-۹-۶ نعمت از شکر من بزرگ است ۹۶۵
- ۱-۳-۹-۷ به آنچه از شکر بر من واجب شد کوتاهی کردم ۹۶۵
- ۱-۳-۹-۸ ما نمی دانیم چه شکر کنیم ۹۶۵
- ۱-۳-۹-۹ شکر گزاران نمی توانند نعمت هایش را پاداش دهند ۹۶۵
- ۱-۳-۹-۱۰ سرگردانی از به جای آوردن شکر خداوند و گواهی دادن به ضایع کردن آن ۹۶۵
- ۱-۳-۹-۱۱ هیچ شکری به جای نیاورده ام ۹۶۷
- ۱-۳-۹-۱۲ شکر و سپاس نگویند ۹۶۷
- ۱-۳-۹-۱۳ احدی تو را شکر نمی گوید ۹۶۷
- ۱-۳-۹-۱۴ هرگز شکر نمی گویم، هرگز شکر نمی گوید ۹۶۹
- ۱-۳-۹-۱۵ شکرگزاری نکردم ۹۶۹
- ۱-۳-۹-۱۶ در شکر کردن عاجز شدم ۹۶۹
- ۱-۳-۹-۱۷ عدم توانایی در ادا کردن شکر ۹۶۹
- ۱-۳-۹-۱۷-۱ نمی توانم حتی شکر یکی از نعمت های را به جای آورم ۹۶۹
- ۱-۳-۹-۱۷-۲ نمی توانم شکرگزاری ات کنم ۹۷۱
- ۱-۳-۹-۱۸ عدم تحمل ۹۷۱
- ۱-۳-۹-۱۸-۱ قدرت شکر و سپاس او را نداری ۹۷۱
- ۱-۳-۹-۱۹ ناتوانی ۹۷۱
- ۱-۳-۹-۱۹-۱ اقرار به ناتوانی ۹۷۱
- ۱-۳-۹-۱۹-۲ ترس از ناتوانی از شکر ۹۷۳
- ۱-۳-۹-۱۹-۳ بدن ها از ادای شکرش ناتوانند ۹۷۳
- ۱-۳-۹-۱۹-۴ زبان ها از وصف شکرش ناتوانند ۹۷۳
- ۱-۳-۹-۱۹-۵ شکر گزارترین بندگان از به جای آوردن شکر ناتوانند ۹۷۳
- ۱-۳-۹-۱۹-۶ در شکر ناتوانم، شکر گزاران از شکرش ناتوانند ۹۷۳
- ۱-۳-۹-۱۹-۷ ناتوانی ام از شکرگزاری ۹۷۵
- ۱-۳-۹-۱۹-۸ از شکرگزاری ناتوانم ۹۷۵
- ۱-۳-۹-۲۰ نرسیدن ۹۷۵
- ۱-۳-۹-۲۰-۱ شکر من ادای حق تو را نمی کند و نیز نمی تواند فضل و کرم تو را تلافی کند و یا با نعمت برابری کند ۹۷۵

﴿الفهرس﴾

- ٩٧٦..... ١-٣-٩-٢٠-٢ لا أَتْلُغُ الشُّكْرَ.....
- ٩٧٦..... ١-٣-٩-٢٠-٣ لا تَبْلُغُوا شُكْرَهَا.....
- ٩٧٦..... ١-٣-٩-٢٠-٤ لا يَبْلُغُ أَذْنَى النُّعْمَةِ شُكْرِي، لا يَبْلُغُ الْأَعْمَالُ شُكْرَهُ.....
- ٩٧٦..... ١-٣-٩-٢٠-٥ لَمْ يَبْلُغْ مَدَى شُكْرِهِ.....
- ٩٧٦..... ١-٣-٩-٢٠-٦ لا تَبْلُغُ الْخَلَائِقُ شُكْرَهُ.....
- ٩٧٨..... ١-٣-٩-٢١ عَدَمُ التَّأْدِيَةِ.....
- ٩٧٨..... ١-٣-٩-٢١-١ لا يُوَدِّي شُكْرُهُ.....
- ٩٧٨..... ١-٣-٩-٢٢ لا تَعْقِلُونَ شُكْرَ النُّعْمَةِ.....
- ٩٧٨..... ١-٣-٩-٢٣ اسْتَغْرَقَتْ نِعْمَتُكَ شُكْرَ الشَّاكِرِينَ.....
- ٩٧٨..... ١-٣-٩-٢٤ غَيْرُ شَاكِرٍ.....
- ٩٧٨..... ١-٣-٩-٢٥ فَقِيرٌ إِلَى الشُّكْرِ، شُكْرِي إِيَّاكَ يَفْتَقِرُ إِلَى شُكْرٍ.....
- ٩٨٠..... ١-٣-٩-٢٦ مَا قَدَرُ لِسَانِي يَا رَبِّ فِي جَنْبِ شُكْرِكَ.....
- ٩٨٠..... ١-٣-٩-٢٧ شُكْرُهُ لَا يُسْتَقْصَى.....
- ٩٨٠..... ١-٣-٩-٢٨ شُكْرُهُ لَا يُقْضَى.....
- ٩٨٠..... ١-٣-٩-٢٩ لا تَقْوَى عَلَى شُكْرِ نِعْمَةٍ وَاحِدَةٍ.....
- ٩٨٠..... ١-٣-٩-٣٠ لَنْ أَقُومَ لِلَّهِ بِشُكْرِ النُّعْمَةِ، أَخَافُ عَلَيْكُمْ أَنْ لَا تَقُومُوا بِشُكْرِهِ.....
- ٩٨٠..... ١-٣-٩-٣١ إِحْسَانُكَ أَكْبَرُ مِنْ أَنْ يُشْكَرَ.....
- ٩٨٠..... ١-٣-٩-٣٢ نِعَمُ اللَّهِ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُشْكَرَ، إِحْسَانُكَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُشْكَرَ عَلَى أَقْلِهِ، نِعَمُ اللَّهِ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُثْنَى بِشُكْرِهِ الْعَامِلُونَ.....
- ٩٨٢..... ١-٣-٩-٣٣ كَيْفَ أَشْكُرُكَ، فَكَيْفَ لَكَ أَنْ تَقُومَ بِهَذَا الشُّكْرِ، فَكَيْفَ لِي بِتَحْصِيلِ الشُّكْرِ، كَيْفَ يَسْتَطِيعُ أَنْ يُؤَدِّيَ الشُّكْرَ، كَيْفَ اسْتَطَاعَ أَنْ يُؤَدِّيَ الشُّكْرَ.....
- ٩٨٤..... ١-٣-٩-٣٤ مَتَى نُؤَدِّي شُكْرَهُ.....
- ٩٨٤..... ١-٣-٩-٣٥ نَسِيتُ شُكْرَ مَا أَوْلَيْتَنِي.....
- ٩٨٤..... ١-٣-٩-٣٦ لَمْ أَجِدْ أَنْ أَقُومَ بِالشُّكْرِ، فَلَمْ تَجِدْنِي شَاكِراً.....
- ٩٨٦..... ١-٣-٩-٣٧ لَوْ اجْتَمَعَ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَا وَقَوْا عَنِ الْقِيَامِ بِالشُّكْرِ.....
- ٩٨٦..... ١-٣-١٠-١ فِي مَذْمَةٍ فَقْدَانِ الشُّكْرِ وَنَقْصِهِ.....
- ٩٨٦..... ١-٣-١٠-٢ أَعْظَمُ الذُّنُوبِ وَاتِّهَامُ بِاللَّهِ.....
- ٩٨٦..... ١-٣-١٠-٣ حَدٌّ لِلْخُرُوجِ مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَدِّ الْبَهِيمِيَّةِ.....
- ٩٨٦..... ١-٣-١٠-٤ حَرَمَهُ اللَّهُ.....
- ٩٨٦..... ١-٣-١٠-٥ حَطِئَتُهُ.....
- ٩٨٦..... ١-٣-١٠-٦ خِيَانَةُ الْقَلْبِ.....
- ٩٨٨..... ١-٣-١٠-٧ السَّيِّئَةُ.....
- ٩٨٨..... ١-٣-١٠-٨ مَنْ لَمْ يَتَشْكُرْ يَكُونُ أَسْوَأَ حَالاً.....

﴿فهرست﴾

- ۹۷۷.....۱-۳-۹۲۰-۲ به شکرت نمی‌رسم.....
- ۹۷۷.....۱-۳-۹۲۰-۳ به شکرش نمی‌رسند.....
- ۹۷۷.....۱-۳-۹۲۰-۴ شکر من از عهده‌ی کمترین نعمت بر نمی‌آید، اعمال شکرش را به جای نمی‌آورند.....
- ۹۷۷.....۱-۳-۹۲۰-۵ کسی به غایت شکر او نمی‌رسد.....
- ۹۷۷.....۱-۳-۹۲۰-۶ خلاق به شکر واقعی او نمی‌رسند.....
- ۹۷۹.....۱-۳-۹۲۱ ادا نکردن.....
- ۹۷۹.....۱-۳-۹۲۱-۱ حق شکرش را ادا نمی‌کند.....
- ۹۷۹.....۱-۳-۹۲۲ حق شکر نعمت را در نمی‌یابند.....
- ۹۷۹.....۱-۳-۹۲۳ نعمت سپاسگزاران را در خویش غرق کرده است.....
- ۹۷۹.....۱-۳-۹۲۴ ناسپاس.....
- ۹۷۹.....۱-۳-۹۲۵ نیازمند شکرگزاری هستم، هر شکر من نیازمند شکر دیگری است.....
- ۹۸۱.....۱-۳-۹۲۶ زبان من در شکرگزاری‌ات چه توانی دارد.....
- ۹۸۱.....۱-۳-۹۲۷ شکرش نهایت ندارد.....
- ۹۸۱.....۱-۳-۹۲۸ حق شکرش ادا نمی‌شود.....
- ۹۸۱.....۱-۳-۹۲۹ حتی یک نعمت او را نمی‌توان شکر کرد.....
- ۹۸۱.....۱-۳-۹۳۰ هرگز سپاس یک نعمت از خدا را نکردم، می‌ترسم که نتوانید از عهده‌ی شکرش به درآیید.....
- ۹۸۱.....۱-۳-۹۳۱ فضل و احسان تو بزرگ‌تر از آن است که شکرش ادا شود.....
- ۹۸۱.....۱-۳-۹۳۲ نعمت‌های خداوند بیشتر از آن است که شکرش ادا شود، احسان تو افزون‌تر از آن است که کمترین آن را شکر توان گفت، نعمت‌های خداوند بیش از آن است که عمل‌کنندگان با شکرش حمد و ثنای او را به جا آورند.....
- ۹۸۱.....۱-۳-۹۳۳ چگونه شکرت گزارم؟ چگونه می‌توانی از عهده‌ی شکر این همه نعمت برآیی؟ پس چگونه می‌توانم شکر را به جای آورم؟.....
- ۹۸۳.....۱-۳-۹۳۴ چه وقت می‌توانیم او را سپاس گزاریم؟.....
- ۹۸۵.....۱-۳-۹۳۵ شکر نعمت‌هایی را که به من ارزانی داشتی فراموش کردم.....
- ۹۸۵.....۱-۳-۹۳۶ هرگز خود را شاکر نیافتم، هرگز مرا شکرگزار نیابی.....
- ۹۸۷.....۱-۳-۹۳۷ اگر اهل آسمان‌ها و زمین جمع شوند بر ادای شکر ناتوانند.....
- ۹۸۷.....۱-۳-۱۰۰ در مذمت ناسپاسی و ناقص‌بودن شکر.....
- ۹۸۷.....۱-۳-۱۰۰-۱ عظیم‌ترین گناهان و تهمت‌زدن به خداست.....
- ۹۸۷.....۱-۳-۱۰۰-۲ حد خروج از حدود انسانیت به سوی حیوانیت.....
- ۹۸۷.....۱-۳-۱۰۰-۳ خداوند آن را حرام کرده است.....
- ۹۸۷.....۱-۳-۱۰۰-۴ خطاست.....
- ۹۸۷.....۱-۳-۱۰۰-۵ پیمان‌شکنی قلب است.....
- ۹۸۹.....۱-۳-۱۰۰-۶ گناه است.....
- ۹۸۹.....۱-۳-۱۰۰-۷ کسی که شکر نگذارد، بدترین حال را دارد.....

﴿الفهرس﴾

- ٩٨٨.....١٠-٣-١-٨- شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَشْكُرُ النِّعْمَةَ.....
- ٩٨٨.....١٠-٣-١-٩- شَرٌّ مِنَ الْمُصِيبَةِ.....
- ٩٨٨.....١٠-٣-١-١٠- فَلْيَطْلُبْ رَبًّا سِوَى اللَّهِ.....
- ٩٨٨.....١٠-٣-١-١١- صَدُّ عَنْ الْحَقِّ.....
- ٩٨٨.....١٠-٣-١-١٢- لَا يَنْبَغِي أَنْ يَفْعَلَ عَنْ شُكْرِكَ.....
- ٩٩٠.....١٠-٣-١-١٣- مَنْ لَمْ يَشْكُرْ مَقْصُرٌ.....
- ٩٩٠.....١-٤- سُبُلُ الْوُصُولِ إِلَى الشُّكْرِ.....
- ٩٩٠.....١-٤-١- الْمُقَدَّمَاتُ الْإِجَابِيَّةُ لِتَبَلِّغِ الشُّكْرِ.....
- ٩٩٠.....١-٤-١-١- مِنْ اللَّهِ.....
- ٩٩٠.....١-٤-١-١- الشُّكْرُ لِلَّهِ وَ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ.....
- ٩٩٠.....١-٤-١-٢- الْإِتِّبَالُ.....
- ٩٩٠.....١-٤-١-٣- إِطْلَاقُ اللِّسَانِ.....
- ٩٩٠.....١-٤-١-٤- الْإِعْطَاءُ.....
- ٩٩٢.....١-٤-١-٥- الْأَلْزَامُ.....
- ٩٩٢.....١-٤-١-٦- الْإِلْهَامُ.....
- ٩٩٢.....١-٤-١-٦-١- أَسْأَلُكَ إِلَهَامَ الشُّكْرِ.....
- ٩٩٢.....١-٤-١-٦-٢- اللَّهُمَّ الشُّكْرَ.....
- ٩٩٢.....١-٤-١-٦-٣- لَهُ الشُّكْرُ بِمَا أَلْهِمَ.....
- ٩٩٢.....١-٤-١-٦-٤- أَنْتَ أَلْهَمْتَهُ شُكْرَكَ.....
- ٩٩٢.....١-٤-١-٦-٥- أَلْهَمْنِيهِ مِنْ شُكْرِكَ.....
- ٩٩٢.....١-٤-١-٦-٦- أَلْهَمَكَ الشُّكْرَ.....
- ٩٩٢.....١-٤-١-٦-٧- أَلْهَمْنَا مِنْ شُكْرِهِ.....
- ٩٩٤.....١-٤-١-٦-٨- أَلْهَمَهَا بِشُكْرِهِ.....
- ٩٩٤.....١-٤-١-٦-٩- أَسْأَلُكَ أَنْ تُلْهَمَنِي شُكْرَكَ.....
- ٩٩٤.....١-٤-١-٦-١٠- أَلْهَمْنِي شُكْرَكَ.....
- ٩٩٤.....١-٤-١-٦-١١- أَلْهَمْنَا شُكْرَكَ.....
- ٩٩٦.....١-٤-١-٧- الْإِيزَاعُ.....
- ٩٩٦.....١-٤-١-٧-١- أَوْزِعْ لَوَلِيكَ الشُّكْرَ.....
- ٩٩٦.....١-٤-١-٧-٢- أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ، أَوْزِعْنِي آدَاءَ شُكْرِكَ.....
- ٩٩٨.....١-٤-١-٧-٣- أَوْزِعْنَا أَنْ نَشْكُرَ نِعْمَتَكَ، أَوْزِعْنَا شُكْرَهُ.....
- ٩٩٨.....١-٤-١-٧-٤- أَوْزِعْنَا الشُّكْرَ.....
- ٩٩٨.....١-٤-١-٧-٥- أَوْزِعْهُمْ أَنْ يَشْكُرُوا نِعْمَتَكَ.....
- ١٠٠٠.....١-٤-١-٧-٦- إِجْعَلْنَا مِمَّنْ أَوْزَعَتْهُ شُكْرَكَ.....

﴿فهرست﴾

- ۱۰-۳-۸- بدترین مردم، کسی است که نعمت را شکر نکند..... ۹۸۹
- ۱۰-۳-۹- بدتر از مصیبت است..... ۹۸۹
- ۱۰-۳-۱۰- پس باید خدایی جز الله طلب کند..... ۹۸۹
- ۱۰-۳-۱۱- بازداشتن از حق..... ۹۸۹
- ۱۰-۳-۱۲- سزاوار نیست که به شکرگزاری ات بی توجهی شود..... ۹۸۹
- ۱۰-۳-۱۳- کسی که شکر نگذارد کوتاهی کرده است..... ۹۹۱
- ۱-۴- راه‌های رسیدن به شکر..... ۹۹۱
- ۱-۴-۱- مقدمات ایجابی برای رسیدن به شکر..... ۹۹۱
- ۱-۴-۱-۱- از طرف خدا..... ۹۹۱
- ۱-۴-۱-۱-۱- شکر از خداست و از نعمت‌های او..... ۹۹۱
- ۱-۴-۱-۱-۲- آزمایش..... ۹۹۱
- ۱-۴-۱-۱-۳- گشودن زبان..... ۹۹۱
- ۱-۴-۱-۱-۴- بخشش..... ۹۹۱
- ۱-۴-۱-۱-۵- ضروری کردن..... ۹۹۳
- ۱-۴-۱-۱-۶- الهام..... ۹۹۳
- ۱-۴-۱-۱-۶-۱- از تو درخواست می‌کنم که شکرگزاری را به من الهام کنی..... ۹۹۳
- ۱-۴-۱-۱-۶-۲- شکر الهام شود..... ۹۹۳
- ۱-۴-۱-۱-۶-۳- شکر از آن اوست به خاطر آنچه الهام کرد..... ۹۹۳
- ۱-۴-۱-۱-۶-۴- تو سپاسگزاری را به او الهام کردی..... ۹۹۳
- ۱-۴-۱-۱-۶-۵- شکر خویش را به من الهام کردی..... ۹۹۳
- ۱-۴-۱-۱-۶-۶- به تو شکرگزاری را الهام کرد..... ۹۹۳
- ۱-۴-۱-۱-۶-۷- شکر خود را به ما الهام کرد..... ۹۹۳
- ۱-۴-۱-۱-۶-۸- شکر و تمجید خود را به آن دو الهام کرد..... ۹۹۵
- ۱-۴-۱-۱-۶-۹- از تو درخواست می‌کنم که شکر خود را به من الهام کنی..... ۹۹۵
- ۱-۴-۱-۱-۶-۱۰- شکر خودت را به من الهام کن..... ۹۹۵
- ۱-۴-۱-۱-۶-۱۱- شکر خودت را به ما الهام کن..... ۹۹۵
- ۱-۴-۱-۱-۷- الهام کردن..... ۹۹۷
- ۱-۴-۱-۱-۷-۱- شکرگزاری را به ولی خود الهام کن..... ۹۹۷
- ۱-۴-۱-۱-۷-۲- به من الهام کن که نعمت را سپاس گزارم، به من الهام کن که حق شکرت را ادا کنم..... ۹۹۷
- ۱-۴-۱-۱-۷-۳- به ما الهام کن که نعمت را سپاس گزاریم، شکر و قدردانی از آن را بر ما الهام کن..... ۹۹۹
- ۱-۴-۱-۱-۷-۴- شکر و قدردانی را به ما الهام کن..... ۹۹۹
- ۱-۴-۱-۱-۷-۵- به آنان الهام کن که نعمت را شکر گزارند..... ۹۹۹
- ۱-۴-۱-۱-۷-۶- ما را از کسانی قرار ده که شکر خویش را به او الهام کردی..... ۱۰۰۱

﴿الفهرس﴾

1.2

﴿فهرست﴾

- ۱۰۰۱..... ۱-۷-۱-۱-۴- از تو الهام شکر را درخواست می‌کنم..... ۱۰۰۱
- ۱۰۰۱..... ۱-۷-۱-۱-۴- از تو درخواست می‌کنم که شکر خویش را به من الهام کنی..... ۱۰۰۱
- ۱۰۰۱..... ۱-۷-۱-۱-۴- ای الهام‌کننده‌ی شکر..... ۱۰۰۱
- ۱۰۰۳..... ۱-۸-۱-۱-۴- برانگیختن..... ۱۰۰۳
- ۱۰۰۳..... ۱-۸-۱-۱-۴- از خدا درخواست می‌کنم که مرا بر شکرگزاری‌اش برانگیزاند..... ۱۰۰۳
- ۱۰۰۳..... ۱-۹-۱-۱-۴- تعریف..... ۱۰۰۳
- ۱۰۰۳..... ۱-۱۰-۱-۱-۴- تعلیم..... ۱۰۰۳
- ۱۰۰۳..... ۱-۱۰-۱-۱-۴- به آنچه از شکر خود به من تعلیم داده‌ای شکر می‌کنم..... ۱۰۰۳
- ۱۰۰۳..... ۱-۱۰-۱-۱-۴- آن را برای ما علمی قرار ده که به واسطه‌ی آن شکر کنیم..... ۱۰۰۳
- ۱۰۰۳..... ۱-۱۰-۱-۱-۴- شکر نعمت خویش را به ایشان می‌آموزی..... ۱۰۰۳
- ۱۰۰۳..... ۱-۱۱-۱-۱-۴- احاطه..... ۱۰۰۳
- ۱۰۰۳..... ۱-۱۲-۱-۱-۴- بیدار کردن..... ۱۰۰۳
- ۱۰۰۳..... ۱-۱۲-۱-۱-۴- مرا برای شکر بیدارم کن، خداوند او را بیدار کرد برای آنکه شکرگزار
اشد، او را بر شکرگزاری خدا بیدار کند..... ۱۰۰۵
- ۱۰۰۵..... ۱-۱۳-۱-۱-۴- توفیق..... ۱۰۰۵
- ۱۰۰۵..... ۱-۱۳-۱-۱-۴- موفق شدن به شکرگزاری، خود نعمت جدیدی است..... ۱۰۰۵
- ۱۰۰۵..... ۱-۱۳-۱-۱-۴- ما را به شکرگزاری موفق کن..... ۱۰۰۵
- ۱۰۰۷..... ۱-۱۳-۱-۱-۴- او را به شکرگزاری خود موفق کرد..... ۱۰۰۷
- ۱۰۰۷..... ۱-۱۳-۱-۱-۴- توان ادای شکرش را نداری مگر به توفیق خودش..... ۱۰۰۷
- ۱۰۰۷..... ۱-۱۳-۱-۱-۴- او را می‌ستایم درحالی‌که شکرگزارم، حمدی که موفق به دریافت کمال
آن شوم..... ۱۰۰۷
- ۱۰۰۷..... ۱-۱۳-۱-۱-۴- دوام و استمرار توفیق..... ۱۰۰۷
- ۱۰۰۷..... ۱-۱۳-۱-۱-۴- شکر خود با توفیق مداومت روزی‌ام کن..... ۱۰۰۷
- ۱۰۰۷..... ۱-۱۴-۱-۱-۴- قراردادن..... ۱۰۰۷
- ۱۰۰۷..... ۱-۱۴-۱-۱-۴- مرا از کسی که شکر و سپاسش می‌کند قرار داد..... ۱۰۰۷
- ۱۰۰۷..... ۱-۱۴-۱-۱-۴- ما را از کسانی قرار ده که شکر خویش را به او الهام کردی..... ۱۰۰۷
- ۱۰۰۷..... ۱-۱۴-۱-۱-۴- توانایی و روشنی و پاک‌باطنی به ما مرحمت کن که از زمره
شکرگزاران باشیم..... ۱۰۰۷
- ۱۰۰۷..... ۱-۱۴-۱-۱-۴- سلامتی دل‌های ما و آسایش تن‌های ما را در سپاسگزاری نعمت خود
قرار ده..... ۱۰۰۹
- ۱۰۰۹..... ۱-۱۵-۱-۱-۴- بخشش و رحمت..... ۱۰۰۹
- ۱۰۰۹..... ۱-۱۵-۱-۱-۴- شکر به رحمت و بخشش تو مرتبط است..... ۱۰۰۹
- ۱۰۰۹..... ۱-۱۶-۱-۱-۴- روزی..... ۱۰۰۹
- ۱۰۰۹..... ۱-۱۶-۱-۱-۴- تو شکر و سپاس را روزی می‌کنی..... ۱۰۰۹
- ۱۰۰۹..... ۱-۱۶-۱-۱-۴- شکر و سپاسگزاری را روزی ما و تو بکند..... ۱۰۰۹
- ۱۰۰۹..... ۱-۱۶-۱-۱-۴- قلبی شاکر برای نعمت‌هایش به او روزی کرد..... ۱۰۰۹

﴿الفهرس﴾

- ١٠٠٨ ١-٤-١-١٦-٤-٤ رَزَقَ الصَّبْرُ وَ الشُّكْرُ
- ١٠١٠ ١-٤-١-١٦-٥-٤ أَرْزَقْنِي شُكْرَكَ
- ١٠١٠ ١-٤-١-١٦-٦-٤ أَسْأَلُكَ أَنْ تَرْزُقَنِي الشُّكْرَ
- ١٠١٠ ١-٤-١-١٧-١-٤ الرُّشْدُ
- ١٠١٠ ١-٤-١-١٨-١-٤ الرِّضَا
- ١٠١٠ ١-٤-١-١٨-١-٤ أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يَجْعَلَنَا مِنْ يَرْضَاهُ حَتَّى يَبْعَثَنَا عَلَى شُكْرِهِ
- ١٠١٢ ١-٤-١-١٩-١-٤ شُكْرُ اللَّهِ
- ١٠١٢ ١-٤-١-١٩-١-٤ مِنْ شُكْرِكَ يَشْكُرُ الشَّاكِرُونَ
- ١٠١٢ ١-٤-١-٢٠-٤ عَدَمُ الْإِذْهَابِ بِالشُّكْرِ
- ١٠١٢ ١-٤-١-٢١-٤ عَدَمُ إِخْلَاءِ الْقُلُوبِ مِنْ شُكْرِهِ
- ١٠١٢ ١-٤-١-٢٢-٤ الْعِنَايَةُ
- ١٠١٢ ١-٤-١-٢٣-٤ الْعَوْنُ
- ١٠١٢ ١-٤-١-٢٣-١-٤ أَعَانَنَا اللَّهُ عَلَى شُكْرِهِ
- ١٠١٢ ١-٤-١-٢٣-٢-٤ أَعَانَ اللَّهُ عَلَى شُكْرِهِ
- ١٠١٤ ١-٤-١-٢٣-٣-٤ أَعْنَى عَلَى شُكْرِكَ، أَعْنَى حَتَّى أَتْلُغَ شَاكِرًا
- ١٠١٤ ١-٤-١-٢٣-٤-٤ أَعْنَى عَلَى شُكْرِكَ
- ١٠١٤ ١-٤-١-٢٣-٥-٤ الَّذِينَ أَعْتَبْتَهُمْ، إِنْ لَمْ تُعْنَى عَلَى الشُّكْرِ
- ١٠١٤ ١-٤-١-٢٣-٦-٤ بَعَوْنُ اللَّهِ، لَا تُطِيقُ شُكْرَهَا إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ
- ١٠١٤ ١-٤-١-٢٣-٧-٤ الْمُسْتَعَانُ عَلَى آدَاءِ الشُّكْرِ
- ١٠١٤ ١-٤-١-٢٣-٨-٤ يُعِينُنَا عَلَى شُكْرِهِ
- ١٠١٦ ١-٤-١-٢٤-١-٤ الْفَضْلُ
- ١٠١٦ ١-٤-١-٢٤-١-٤ شُكْرُكَ بِفَضْلِكَ
- ١٠١٦ ١-٤-١-٢٥-٤-٤ الْكَرَمُ
- ١٠١٦ ١-٤-١-٢٦-٤-٤ الْمَحَبَّةُ مِنَ اللَّهِ
- ١٠١٦ ١-٤-١-٢٧-٤-٤ الْمُعَافَاةُ
- ١٠١٦ ١-٤-١-٢٨-٤-٤ الْمَنُّ
- ١٠١٦ ١-٤-١-٢٨-١-٤ مَنْ عَلَيْنَا أَنْ نَشْكُرَ، لِلَّهِ الْمَنُّ فِي الشُّكْرِ
- ١٠١٦ ١-٤-١-٢٩-٤-٤ النَّعْمُ
- ١٠١٨ ١-٤-١-٣٠-٤-٤ الْهَبَةُ
- ١٠١٨ ١-٤-١-٣١-٤-٤ الْهَدَايَةُ
- ١٠١٨ ١-٤-١-٣٢-٤-٤ الصِّفَاتُ وَالْأَعْمَالُ الدَّاعِي إِلَى الشُّكْرِ وَ رَاجِعُ حَقِيقَةِ الشُّكْرِ، عَلَامَةُ الشُّكْرِ وَ الشَّاكِرِ
- ١٠١٨ ١-٤-١-٣٢-١-٤ مَا فَرَضَ اللَّهُ
- ١٠١٨ ١-٤-١-٣٢-٢-٤ إِسْتِكْتَارَ قَلِيلِ الرِّزْقِ وَ اسْتِقْلَالَ كَثِيرِ الطَّاعَةِ

﴿فهرست﴾

۱۰۰۹.....	۱-۴-۱-۱۶-۴ روزی شدن صبر و شکر
۱۰۱۱.....	۱-۴-۱-۱۶-۵ شکر خود را روزی ام کن
۱۰۱۱.....	۱-۴-۱-۱۶-۶ از تو درخواست می کنم که شکر و سپاس را روزی ام کنی
۱۰۱۱.....	۱-۴-۱-۱۷ هدایت
۱۰۱۱.....	۱-۴-۱-۱۸ رضایت
۱۰۱۱.....	۱-۴-۱-۱۸-۱ از خدا می خواهم ما را از کسانی قرار دهد که از آن ها راضی است تا اینکه ما را بر شکرش برانگیزد
۱۰۱۳.....	۱-۴-۱-۱۹ شکر خداوند
۱۰۱۳.....	۱-۴-۱-۱۹-۱ از شکر توسست که شکرگزاران شکر می کنند
۱۰۱۳.....	۱-۴-۱-۲۰ نبردن شکر
۱۰۱۳.....	۱-۴-۱-۲۱ خالی نکردن قلب از شکر
۱۰۱۳.....	۱-۴-۱-۲۲ توجه و لطف
۱۰۱۳.....	۱-۴-۱-۲۳ یاری
۱۰۱۳.....	۱-۴-۱-۲۳-۱ خداوند ما را بر شکر خود یاری کرد
۱۰۱۳.....	۱-۴-۱-۲۳-۲ خداوند بر شکر خود یاری کرد
۱۰۱۵.....	۱-۴-۱-۲۳-۳ بر شکرگزاریات یاری ام کن، یاری ام کن تا به شکرگزاری برسم
۱۰۱۵.....	۱-۴-۱-۲۳-۴ بر شکرگزاریات یاری مان کن
۱۰۱۵.....	۱-۴-۱-۲۳-۵ آنان که تو خود یارشان بودی، اگر برای شکرگزاری یاری ام نکنی
۱۰۱۵.....	۱-۴-۱-۲۳-۶ به یاری خدا، جز به یاری خداوند قدرت و توان شکرش را نداری
۱۰۱۵.....	۱-۴-۱-۲۳-۷ یاری کننده بر ادای شکر
۱۰۱۵.....	۱-۴-۱-۲۳-۸ ما را بر شکر خود یاری می کند
۱۰۱۷.....	۱-۴-۱-۲۴ لطف
۱۰۱۷.....	۱-۴-۱-۲۴-۱ به لطف و احسانت تو را سپاس می گزارند
۱۰۱۷.....	۱-۴-۱-۲۵ بزرگواری، بخشندگی
۱۰۱۷.....	۱-۴-۱-۲۶ محبت خدا
۱۰۱۷.....	۱-۴-۱-۲۷ دوری از گرفتاری
۱۰۱۷.....	۱-۴-۱-۲۸ منت، نعمت
۱۰۱۷.....	۱-۴-۱-۲۸-۱ بر ما منت گزارد که شکر بگزاریم، نعمت شکرگزاری از جانب خداست
۱۰۱۷.....	
۱۰۱۷.....	۱-۴-۱-۲۹ نعمت ها
۱۰۱۹.....	۱-۴-۱-۳۰ بخشش، هدیه
۱۰۱۹.....	۱-۴-۱-۳۱ هدایت
۱۰۱۹.....	۱-۴-۱-۳۲ صفات و اعمال دعوت کننده به شکر و ربه: حقیقت شکر، علامت شکر و شکرگزار
۱۰۱۹.....	۱-۴-۱-۳۲-۱ به جای آوردن آنچه خدا واجب کرده است
۱۰۱۹.....	۱-۴-۱-۳۲-۲ زیاد شمردن رزق اندک و کم شمردن طاعت بسیار

﴿الفهرس﴾

[illegible]

﴿فهرست﴾

۱۰۱۹.....	۱-۴-۱-۲-۳- توانایی
۱۰۱۹.....	۱-۴-۱-۲-۴- انکار ظلم و ستم و خشونت
۱۰۲۱.....	۱-۴-۱-۲-۵- ایمان و ربه: شکر و ایمان
۱۰۲۱.....	۱-۴-۱-۲-۶- تغذیه قلب و بدن از حلال
۱۰۲۱.....	۱-۴-۱-۲-۷- دوراندیشی
۱۰۲۱.....	۱-۴-۱-۲-۸- ستایش
۱۰۲۱.....	۱-۴-۱-۲-۸-۱- حمد و سپاسی که به حقیقت شکر برسد، حمدی که آغازش به سپاسگزاری تو برسد
۱۰۲۳.....	۱-۴-۱-۲-۹- ترس از نابودی و از بین رفتن نعمت
۱۰۲۳.....	۱-۴-۱-۲-۱۰- دعای در خلوت
۱۰۲۳.....	۱-۴-۱-۲-۱۱- مداومت بر آیه الکرسی پس از هر نماز
۱۰۲۳.....	۱-۴-۱-۲-۱۲- یاد
۱۰۲۳.....	۱-۴-۱-۲-۱۳- بی رغبتی به دنیا
۱۰۲۳.....	۱-۴-۱-۲-۱۴- شکر مردم
۱۰۲۵.....	۱-۴-۱-۲-۱۵- شکر پدر و مادر
۱۰۲۵.....	۱-۴-۱-۲-۱۶- شکر کسی که نعمت به واسطه‌ی او ما می‌رسد، تشکر از آفریدگان
۱۰۲۵.....	۱-۴-۱-۲-۱۷- شایستگی
۱۰۲۵.....	۱-۴-۱-۲-۱۸- نماز
۱۰۲۷.....	۱-۴-۱-۲-۱۹- پاکی باطن
۱۰۲۷.....	۱-۴-۱-۲-۲۰- علم
۱۰۲۷.....	۱-۴-۱-۲-۲۰-۱- علم به خدا
۱۰۲۷.....	۱-۴-۱-۲-۲۰-۲- علم مفید
۱۰۲۷.....	۱-۴-۱-۲-۲۱- عمل برای رضای خدا
۱۰۲۷.....	۱-۴-۱-۲-۲۲- خرد
۱۰۲۹.....	۱-۴-۱-۲-۲۳- خشم در مقابل ستم
۱۰۲۹.....	۱-۴-۱-۲-۲۴- آسایش بدن‌ها، دوری از گرفتاری
۱۰۲۹.....	۱-۴-۱-۲-۲۵- خواندن قرآن، خواندن آیه الکرسی پس از هر نماز
۱۰۲۹.....	۱-۴-۱-۲-۲۶- قناعت
۱۰۲۹.....	۱-۴-۱-۲-۲۷- بزرگواری
۱۰۲۹.....	۱-۴-۱-۲-۲۸- همنشینی با فقرا
۱۰۲۹.....	۱-۴-۱-۲-۲۹- محبت
۱۰۳۱.....	۱-۴-۱-۲-۳۰- شناخت
۱۰۳۱.....	۱-۴-۱-۲-۳۱- نگاه
۱۰۳۱.....	۱-۴-۱-۲-۳۱-۱- نگاه به زیردست

﴿الفهرس﴾

١٠٣٠	١-٤-١-٢-٣١-٢	نَظَرُ الْغَنَى إِلَى الْفَقِيرِ
١٠٣٠	١-٤-١-٢-٣١-٣	النَّظَرُ إِلَى مَنْ فَضَّلَتْ عَلَيْهِ
١٠٣٠	١-٤-١-٢-٣١-٤	النَّظَرُ إِلَى الْبَلَاءِ قَدْ صَرَفَهُ عَنِّي
١٠٣٢	١-٤-١-٢-٣٢	النِّيَّةُ
١٠٣٢	١-٤-١-٢-٣٣	الهِدَايَةُ
١٠٣٢	١-٤-١-٢-٣٤	الْوَثْقُ بِعَدْلِ اللَّهِ
١٠٣٢	١-٤-١-٢-٣٥	الْيَقِينُ
١٠٣٢	١-٤-٢	مَوَانِعُ الْوُصُولِ إِلَى الشُّكْرِ
١٠٣٢	١-٤-٢-١	عَقِبَاتُ خَارِجِيَّةٍ
١٠٣٢	١-٤-٢-١-١	الْإِسْتِدْرَاجُ
١٠٣٢	١-٤-٢-١-٢	إِلْقَاءُ الشَّيْطَانِ
١٠٣٢	١-٤-٢-١-٣	تَتَابُعُ الطَّوْلِ
١٠٣٤	١-٤-٢-١-٤	الْمَالُ رَاجِعٌ حُبُّ الدُّنْيَا
١٠٣٤	١-٤-٢-٢	عَقِبَاتُ دَاخِلِيَّةٍ
١٠٣٤	١-٤-٢-٢-١	الْأَشْرُ
١٠٣٤	١-٤-٢-٢-٢	الْإِهْمَالُ
١٠٣٤	١-٤-٢-٢-٣	الْبَطَرُ
١٠٣٤	١-٤-٢-٢-٤	التَّطَرُّبُ
١٠٣٦	١-٤-٢-٢-٥	التَّقْصِيرُ
١٠٣٦	١-٤-٢-٢-٦	التَّكْذِيبُ
١٠٣٦	١-٤-٢-٢-٧	الْتِمَئِي وَالتَّظَنِّي
١٠٣٦	١-٤-٢-٢-٨	الْتِهَافُونَ
١٠٣٦	١-٤-٢-٢-٩	الْجَهْلُ
١٠٣٨	١-٤-٢-٢-١٠	حُبُّ الدُّنْيَا
١٠٣٨	١-٤-٢-٢-١١	الْحِرْصُ
١٠٣٨	١-٤-٢-٢-١٢	الْحَسَدُ
١٠٤٠	١-٤-٢-٢-١٣	السَّهْوُ
١٠٤٠	١-٤-٢-٢-١٤	الشُّغْلُ بِغَيْرِ اللَّهِ، الشُّغْلُ عَنِ اللَّهِ
١٠٤٢	١-٤-٢-٢-١٥	الضَّجْرُ
١٠٤٢	١-٤-٢-٢-١٦	عَدَمُ إِحْتِمَالِ الْجَفَاءِ
١٠٤٢	١-٤-٢-٢-١٧	عَدَمُ انْكَارِ الْجَفْوَةِ
١٠٤٢	١-٤-٢-٢-١٨	عَدَمُ الْغَضَبِ فِي الْجَفْوَةِ
١٠٤٢	١-٤-٢-٢-١٩	عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ

﴿فهرست﴾

۱۰۳۱.....	۱-۴-۱-۲-۳۱-۲- توجه و نگاه توانگر به فقیر
۱۰۳۱.....	۱-۴-۱-۲-۳۱-۳- توجه و نگاه به کسی که تو بر او برتری و فضل داری
۱۰۳۱.....	۱-۴-۱-۲-۳۱-۴- توجه و نگاه به بلایی که از من روبرگردانده
۱۰۳۳.....	۱-۴-۱-۲-۳۲- نیت
۱۰۳۳.....	۱-۴-۱-۲-۳۳- هدایت
۱۰۳۳.....	۱-۴-۱-۲-۳۴- اعتماد به عدل خداوند
۱۰۳۳.....	۱-۴-۱-۲-۳۵- یقین
۱۰۳۳.....	۱-۴-۲- موانع رسیدن به شکرگزاری
۱۰۳۳.....	۱-۴-۲-۱- موانع بیرون از خود
۱۰۳۳.....	۱-۴-۲-۱-۱- به تدریج از رحمت خدا دور شدن
۱۰۳۳.....	۱-۴-۲-۱-۲- به دل انداختن شیطان
۱۰۳۳.....	۱-۴-۲-۱-۳- پی در پی بودن بخشنده گی
۱۰۳۵.....	۱-۴-۲-۱-۴- مال ربه: دوستی دنیا
۱۰۳۵.....	۱-۴-۲-۲- موانع داخلی
۱۰۳۵.....	۱-۴-۲-۲-۱- سرمستی
۱۰۳۵.....	۱-۴-۲-۲-۲- سستی
۱۰۳۵.....	۱-۴-۲-۲-۳- سرمستی
۱۰۳۵.....	۱-۴-۲-۲-۴- شادمانی
۱۰۳۷.....	۱-۴-۲-۲-۵- کوتاهی
۱۰۳۷.....	۱-۴-۲-۲-۶- انکار
۱۰۳۷.....	۱-۴-۲-۲-۷- با آرزو و توهم زندگی کردن
۱۰۳۷.....	۱-۴-۲-۲-۸- تحقیر و سبک شمردن
۱۰۳۷.....	۱-۴-۲-۲-۹- نادانی
۱۰۳۹.....	۱-۴-۲-۲-۱۰- دوستی دنیا
۱۰۳۹.....	۱-۴-۲-۲-۱۱- زیاده خواهی
۱۰۳۹.....	۱-۴-۲-۲-۱۲- حسد
۱۰۴۱.....	۱-۴-۲-۲-۱۳- بی توجهی
۱۰۴۱.....	۱-۴-۲-۲-۱۴- مشغولیت به غیر خدا
۱۰۴۳.....	۱-۴-۲-۲-۱۵- تنگدلی، اندوه
۱۰۴۳.....	۱-۴-۲-۲-۱۶- عدم تحمل ظلم و ستم
۱۰۴۳.....	۱-۴-۲-۲-۱۷- عدم انکار ظلم
۱۰۴۳.....	۱-۴-۲-۲-۱۸- عدم خشم در مقابل ظلم
۱۰۴۳.....	۱-۴-۲-۲-۱۹- نارضایتی پدر و مادر

﴿الفهرس﴾

١٠٤٢	التَّغْذَى مِنَ الْحَرَامِ	١-٤-٢-٢-٢٠
١٠٤٢	الْغُرُورُ	١-٤-٢-٢-٢١
١٠٤٢	الْغَفْلَةُ	١-٤-٢-٢-٢٢
١٠٤٤	الْغِنَى	١-٤-٢-٢-٢٣
١٠٤٤	الْكَثْمَانُ	١-٤-٢-٢-٢٤
١٠٤٤	اللُّؤْمُ	١-٤-٢-٢-٢٥
١٠٤٤	اللَّهُوُ وَ التَّقَتِينُ	١-٤-٢-٢-٢٦
١٠٤٦	مَدُّ الطَّرْفِ إِلَى مَا فِي أَيْدِي أَهْلِ الدُّنْيَا	١-٤-٢-٢-٢٧
١٠٤٦	الْمَعْصِيَةُ	١-٤-٢-٢-٢٨
١٠٤٦	الْمُنَى	١-٤-٢-٢-٢٩
١٠٤٦	النَّسْيَانُ	١-٤-٢-٢-٣٠
١٠٤٦	ثِمَارُ الشُّكْرِ	١-٥
١٠٤٨	مَا يُثْمِرُ الشُّكْرُ مِنَ الصِّفَاتِ	١-٥-١
١٠٤٨	(كَمَالُ الْإِسْلَامِ)	١-٥-١-١
١٠٤٨	(كَمَالُ الْإِيمَانِ)	١-٥-١-٢
١٠٤٨	تَقْوِيَةُ الْعَقْلِ	١-٥-١-٣
١٠٤٨	التَّوْبَةُ بِأَلْيَاتٍ	١-٥-١-٤
١٠٤٨	الْخُلَاصُ مِنَ الرِّيَاءِ وَ النِّفَاقِ	١-٥-١-٥
١٠٤٨	لِسَانًا ذَاكِرًا	١-٥-١-٦
١٠٥٠	ثِمَارُ الشُّكْرِ	١-٥-٢
١٠٥٠	إِتِمَامُ الصَّلَاةِ	١-٥-٢-٠١
١٠٥٠	إِجَابَةُ الدُّعَاءِ	١-٥-٢-٠٢
١٠٥٢	إِجْتِلَابُ النُّعْمَةِ رَاجِع: النُّعْمَةُ	١-٥-٢-٠٣
١٠٥٢	الْأَجْرُ وَ الْجَزَاءُ وَ الثَّوَابُ	١-٥-٢-٠٤
١٠٥٢	الْأَجْرُ	١-٥-٢-٠٤-١
١٠٥٤	الثَّوَابُ	١-٥-٢-٠٤-٢
١٠٥٤	ثَوَابُ الشَّاكِرِينَ	١-٥-٢-٠٤-٢-١
١٠٥٦	ثَوَابُ الرَّامِي مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ	١-٥-٢-٠٤-٢-٢
١٠٥٨	ثَوَابُ عِبَادَةِ سِتِّينَ سَنَةً	١-٥-٢-٠٤-٢-٣
١٠٥٨	الْجَزَاءُ	١-٥-٢-٠٤-٣
١٠٦٠	جَزَاءُ لَا جَزَاءَ فَوْقَهُ	١-٥-٢-٠٤-٣-١
١٠٦٠	الدُّخْرُ	١-٥-٢-٠٤-٤
١٠٦٠	إِحَاطَةُ النُّعْمَةِ رَاجِع: النُّعْمَةُ	١-٥-٢-٠٥

﴿فهرست﴾

۱۰۴۳	 حرام‌خواری ۱-۴-۲-۲۰
۱۰۴۳	 فریب ۱-۴-۲-۲۱
۱۰۴۳	 بی‌توجهی ۱-۴-۲-۲۲
۱۰۴۵	 بی‌نیازی ۱-۴-۲-۲۳
۱۰۴۵	 پوشاندن ۱-۴-۲-۲۴
۱۰۴۵	 پستی و خساست ۱-۴-۲-۲۵
۱۰۴۵	 بی‌توجهی و به‌فتنه‌افتادن ۱-۴-۲-۲۶
۱۰۴۷	 چشم‌داشت به آنچه دنیا‌داران دارند ۱-۴-۲-۲۷
۱۰۴۷	 گناه ۱-۴-۲-۲۸
۱۰۴۷	 آرزو ۱-۴-۲-۲۹
۱۰۴۷	 فراموشی ۱-۴-۲-۳۰
۱۰۴۷	 ۱-۵- نتایج شکر ۱-۵-۱
۱۰۴۹	 صفاتی که ثمره‌ی شکر است ۱-۵-۱-۱
۱۰۴۹	 تسلیم (کمال تسلیم) ۱-۵-۱-۲
۱۰۴۹	 ایمان، (کمال ایمان) ۱-۵-۱-۳
۱۰۴۹	 تقویت عقل ۱-۵-۱-۴
۱۰۴۹	 بیدارشدن با آیات ۱-۵-۱-۵
۱۰۴۹	 رهایی از ریا و دورویی ۱-۵-۱-۶
۱۰۴۹	 زبان یادکننده‌ی خدا ۱-۵-۲
۱۰۵۱	 ثمرات دیگر شکر ۱-۵-۲-۱
۱۰۵۱	 کامل شدن نماز ۱-۵-۲-۲
۱۰۵۱	 اجابت دعا ۱-۵-۲-۳
۱۰۵۳	 به‌دست‌آوردن نعمت ربه: نعمت ۱-۵-۲-۴
۱۰۵۳	 اجر و ثواب و پاداش و... ۱-۵-۲-۴-۱
۱۰۵۳	 اجر ۱-۵-۲-۴-۲
۱۰۵۵	 ثواب ۱-۵-۲-۴-۲-۱
۱۰۵۵	 پاداش شکرگزاران ۱-۵-۲-۴-۲-۲
۱۰۵۷	 پاداش رزمنده‌ی همراه رسول خدا ﷺ ۱-۵-۲-۴-۲-۳
۱۰۵۹	 ثواب عبادت شصت سال ۱-۵-۲-۴-۳
۱۰۵۹	 پاداش ۱-۵-۲-۴-۳-۱
۱۰۶۱	 پاداشی برتر و بالاتر از آن نیست ۱-۵-۲-۴-۴
۱۰۶۱	 ذخیره ۱-۵-۲-۴-۵
۱۰۶۱	 دربرگرفتن نعمت ربه: نعمت ۱-۵-۲-۴-۵

﴿الفهرس﴾

- ١٠٦٠.....١-٥-٢-٠٦- الإحسانُ راجع: النُّعْمَةُ.....
- ١٠٦٠.....١-٥-٢-٠٧- إذْ رَارُ النِّعَمِ راجع: النُّعْمَةُ.....
- ١٠٦٠.....١-٥-٢-٠٨- إِرَاءَةُ وَجْهِ اللَّهِ إِلَيْهِ.....
- ١٠٦٢.....١-٥-٢-٠٩- الإزْدِيَادُ فِي النُّعْمَةِ راجع: النُّعْمَةُ.....
- ١٠٦٢.....١-٥-٢-١٠- الإِصْطِنَاعُ راجع: النُّعْمَةُ.....
- ١٠٦٢.....١-٥-٢-١١- أَغْظَمُ مَا وَعَدَ اللَّهُ.....
- ١٠٦٢.....١-٥-٢-١٢- إِقْبَالُ اللَّهِ بِفَضْلِهِ.....
- ١٠٦٢.....١-٥-٢-١٣- الأَمْنُ وَالْأَمَانُ، الْعَفْوُ وَالْعَافِيَةُ وَالْغُفْرَانُ، الْعِصْمَةُ وَالْوَقَايَةُ.....
- ١٠٦٢.....١-٥-٢-١٣-١- الأَمْنُ.....
- ١٠٦٤.....١-٥-٢-١٣-٢- الأَمَانُ.....
- ١٠٦٤.....١-٥-٢-١٣-٢-١- الأَمَانُ مِنْ تَحْوِيلِ النُّعْمَةِ.....
- ١٠٦٤.....١-٥-٢-١٣-٢-٢- الأَمَانُ مِنْ حُلُولِ النُّقْمَةِ.....
- ١٠٦٤.....١-٥-٢-١٣-٢-٣- الأَمَانُ مِنَ الْغَيْرِ.....
- ١٠٦٤.....١-٥-٢-١٣-٢-٤- الأَمَانُ مِنَ الْفَقْرِ.....
- ١٠٦٤.....١-٥-٢-١٣-٣- الْعَفْوُ.....
- ١٠٦٤.....١-٥-٢-١٣-٤- الْعَافِيَةُ.....
- ١٠٦٤.....١-٥-٢-١٣-٥- الْغُفْرَانُ.....
- ١٠٦٦.....١-٥-٢-١٣-٦- الْعِصْمَةُ.....
- ١٠٦٦.....١-٥-٢-١٣-٧- الْوَقَايَةُ.....
- ١٠٦٦.....١-٥-٢-١٣-٧-١- وَقَايَةُ الْغُرُضِ.....
- ١٠٦٦.....١-٥-٢-١٤- إِمْتِدَادُ النُّعْمَةِ وَ راجع: النُّعْمَةُ.....
- ١٠٦٨.....١-٥-٢-١٥- الْإِنْسَاءُ فِي الْأَجَلِ راجع: طُولُ الْعُمْرِ.....
- ١٠٦٨.....١-٥-٢-١٦- الْإِيمَانُ وَ راجع: الصِّفَاتُ وَ راجع: ١-٤-٦- الشُّكْرُ وَالْإِيمَانُ.....
- ١٠٦٨.....١-٥-٢-١٧- الْبِرُّ راجع: النُّعْمَةُ.....
- ١٠٦٨.....١-٥-٢-١٨- الْبَقَاءُ.....
- ١٠٦٨.....١-٥-٢-١٨-١- بَقَاءُ النُّعْمَةِ راجع: النُّعْمَةُ.....
- ١٠٦٨.....١-٥-٢-١٩- بُلُوغُ الرَّجَاءِ.....
- ١٠٦٨.....١-٥-٢-٢٠- تَأْيِيدُ النُّعْمَةِ راجع: النُّعْمَةُ.....
- ١٠٦٨.....١-٥-٢-٢١- التَّبْدِيلُ.....
- ١٠٦٨.....١-٥-٢-٢١-١- تَبْدِيلُ الذُّنُوبِ بِالْحَسَنَاتِ.....
- ١٠٦٨.....١-٥-٢-٢١-٢- تَبْدِيلُ الْمَخْنَةِ بِالنُّعْمَةِ.....
- ١٠٦٨.....١-٥-٢-٢٢- التَّمَامُ وَ التَّكْمِيلُ راجع: النُّعْمَةُ.....
- ١٠٦٨.....١-٥-٢-٢٣- التَّكْمِيلُ راجع: النُّعْمَةُ.....

﴿فهرست﴾

۱۰۶۱.....	۱-۵-۲-۰۶ احسان ر.به: نعمت.....
۱۰۶۱.....	۱-۵-۲-۰۷ ریزش نعمت ر.به: نعمت.....
۱۰۶۱.....	۱-۵-۲-۰۸ دیدن وجه خدا.....
۱۰۶۳.....	۱-۵-۲-۰۹ افزایش نعمت ر.به: نعمت.....
۱۰۶۳.....	۱-۵-۲-۱۰ احسان ر.به: نعمت.....
۱۰۶۳.....	۱-۵-۲-۱۱ بزرگترین چیزی که خداوند وعده داده است.....
۱۰۶۳.....	۱-۵-۲-۱۲ روی آوردن خداوند با احسانش.....
۱۰۶۳.....	۱-۵-۲-۱۳ امن و امان، بخشش و عافیت و آمرزش، پاکی و نگهداشتن.....
۱۰۶۳.....	۱-۵-۲-۱۳-۱ امن.....
۱۰۶۵.....	۱-۵-۲-۱۳-۲ ایمنی.....
۱۰۶۵.....	۱-۵-۲-۱۳-۲-۱ ایمنی از گرفته شدن نعمت.....
۱۰۶۵.....	۱-۵-۲-۱۳-۲-۲ ایمنی از فرود آمدن عقوبت و انتقام.....
۱۰۶۵.....	۱-۵-۲-۱۳-۲-۳ ایمنی از تغییرات.....
۱۰۶۵.....	۱-۵-۲-۱۳-۲-۴ ایمنی از فقر.....
۱۰۶۵.....	۱-۵-۲-۱۳-۳ بخشش.....
۱۰۶۵.....	۱-۵-۲-۱۳-۴ دوری از گرفتاری.....
۱۰۶۵.....	۱-۵-۲-۱۳-۵ آمرزش.....
۱۰۶۷.....	۱-۵-۲-۱۳-۶ پاکی.....
۱۰۶۷.....	۱-۵-۲-۱۳-۷ نگهداشتن.....
۱۰۶۷.....	۱-۵-۲-۱۳-۷-۱ حفظ آبرو.....
۱۰۶۷.....	۱-۵-۲-۱۴ گسترده شدن نعمت و ر.به: نعمت.....
۱۰۶۹.....	۱-۵-۲-۱۵ به تأخیر انداختن اجل ر.به: طول عمر.....
۱۰۶۹.....	۱-۵-۲-۱۶ ایمان و ر.به: صفات و ر.به: شکر و ایمان.....
۱۰۶۹.....	۱-۵-۲-۱۷ نیکی و ر.به: نعمت.....
۱۰۶۹.....	۱-۵-۲-۱۸ ثابت ماندن.....
۱۰۶۹.....	۱-۵-۲-۱۸-۱ برقرار بودن نعمت ر.به: نعمت.....
۱۰۶۹.....	۱-۵-۲-۱۹ رسیدن به امید و آرزو.....
۱۰۶۹.....	۱-۵-۲-۲۰ استوار ساختن نعمت و ر.به: نعمت.....
۱۰۶۹.....	۱-۵-۲-۲۱ تبدیل.....
۱۰۶۹.....	۱-۵-۲-۲۱-۱ تبدیل گناهان به نیکی ها.....
۱۰۶۹.....	۱-۵-۲-۲۱-۲ تبدیل سختی به نعمت.....
۱۰۶۹.....	۱-۵-۲-۲۲ تمام و کامل کردن و ر.به: نعمت.....
۱۰۶۹.....	۱-۵-۲-۲۳ نتیجه دادن ر. به نعمت.....

﴿الفهرس﴾

١٠٦٨.....	١-٥-٢-٢٤- تجديد النعمة راجع: النعمة.....
١٠٦٨.....	١-٥-٢-٢٥- التسمية بالعظيم (إن الله تعالى سماه عظيماً).....
١٠٧٠.....	١-٥-٢-٢٦- التعطف.....
١٠٧٠.....	١-٥-٢-٢٧- التعلق بغضن من أغصان شجرة طوبى.....
١٠٧٠.....	١-٥-٢-٢٨- التقلب إلى الخير راجع: الخير.....
١٠٧٠.....	١-٥-٢-٢٩- تقوية العقل راجع: الصفات.....
١٠٧٠.....	١-٥-٢-٣٠- تقييد النعمة راجع: النعمة.....
١٠٧٠.....	١-٥-٢-٣١- التنبيه بالآيات راجع: الصفات.....
١٠٧٠.....	١-٥-٢-٣٢- التواب راجع: الأجر.....
١٠٧٠.....	١-٥-٢-٣٣- الجزاء راجع: الأجر.....
١٠٧٠.....	١-٥-٢-٣٤- جلب النعمة و إجتنابها راجع: النعمة.....
١٠٧٠.....	١-٥-٢-٣٥- الجنة راجع: النعم الأخرى.....
١٠٧٠.....	١-٥-٢-٣٦- جود الله راجع: النعمة.....
١٠٧٠.....	١-٥-٢-٣٧- الحب راجع: محبة الله.....
١٠٧٠.....	١-٥-٢-٣٨- الحباء راجع: النعمة.....
١٠٧٠.....	١-٥-٢-٣٩- حراسة النعمة راجع: النعمة.....
١٠٧٠.....	١-٥-٢-٤٠- حرز النعمة راجع: النعمة.....
١٠٧٠.....	١-٥-٢-٤١- الحسنة.....
١٠٧٠.....	١-٥-٢-٤١-١- حسنة الدنيا راجع: النعمة.....
١٠٧٠.....	١-٥-٢-٤١-٢- حسنة الآخرة راجع: نعم الأخرى.....
١٠٧٠.....	١-٥-٢-٤٢- حصن النعمة راجع: النعمة.....
١٠٧٠.....	١-٥-٢-٤٣- حفظ النعمة راجع: النعمة.....
١٠٧٢.....	١-٥-٢-٤٤- حياة طيبة.....
١٠٧٢.....	١-٥-٢-٤٥- الخروج من حق المال.....
١٠٧٢.....	١-٥-٢-٤٦- الخلاص من الرياء و النفاق راجع: الصفات.....
١٠٧٢.....	١-٥-٢-٤٧- الخلود راجع: النعم الأخرى.....
١٠٧٢.....	١-٥-٢-٤٨- الخير، النفع، الغنيمة.....
١٠٧٢.....	١-٥-٢-٤٨-١- الخير.....
١٠٧٤.....	١-٥-٢-٤٨-١-١- خير الدنيا و الآخرة.....
١٠٧٤.....	١-٥-٢-٤٨-١-٢- التقلب إلى الخير.....
١٠٧٤.....	١-٥-٢-٤٨-٢- النفع.....
١٠٧٦.....	١-٥-٢-٤٨-٣- المنع من الضرر.....
١٠٧٦.....	١-٥-٢-٤٨-٤- الغنيمة.....

﴿فهرست﴾

۱۰۶۹.....	۱-۵-۲-۲۴- تکرار نعمت ر.به: نعمت
۱۰۶۹.....	۱-۵-۲-۲۵- خدا را با عظمت نام بردن، (خداوند او را به بزرگی یاد می کند)
۱۰۷۱.....	۱-۵-۲-۲۶- مهربانی
۱۰۷۱.....	۱-۵-۲-۲۷- آویختن به شاخه ای از شاخه های درخت طوبی
۱۰۷۱.....	۱-۵-۲-۲۸- برگرداندن به سوی خیر ر.به: خیر
۱۰۷۱.....	۱-۵-۲-۲۹- قوی کردن عقل ر.به: صفات
۱۰۷۱.....	۱-۵-۲-۳۰- ماندگار کردن نعمت ر.به: نعمت
۱۰۷۱.....	۱-۵-۲-۳۱- بیدار شدن با آیات ر.به: صفات
۱۰۷۱.....	۱-۵-۲-۳۲- ثواب ر.به: اجر
۱۰۷۱.....	۱-۵-۲-۳۳- پاداش ر.به: اجر
۱۰۷۱.....	۱-۵-۲-۳۴- جلب کردن نعمت ر.به: نعمت
۱۰۷۱.....	۱-۵-۲-۳۵- بهشت ر.به: نعمت های اخروی
۱۰۷۱.....	۱-۵-۲-۳۶- بخشندگی خدا ر.به: نعمت
۱۰۷۱.....	۱-۵-۲-۳۷- دوست داشتن ر.به: محبت خدا
۱۰۷۱.....	۱-۵-۲-۳۸- عطا ر.به: نعمت
۱۰۷۱.....	۱-۵-۲-۳۹- محافظت از نعمت ر.به: نعمت
۱۰۷۱.....	۱-۵-۲-۴۰- قلعه و حصار نعمت ر.به: نعمت
۱۰۷۱.....	۱-۵-۲-۴۱- نیکی
۱۰۷۱.....	۱-۵-۲-۴۱-۱- نعمت دنیا ر.به: نعمت
۱۰۷۱.....	۱-۵-۲-۴۱-۲- نعمت آخرت ر.به: نعمت های اخروی
۱۰۷۱.....	۱-۵-۲-۴۲- نگهداشتن نعمت ر.به: نعمت
۱۰۷۱.....	۱-۵-۲-۴۳- حفظ نعمت ر.به: نعمت
۱۰۷۳.....	۱-۵-۲-۴۴- زندگی پاک
۱۰۷۳.....	۱-۵-۲-۴۵- خارج شدن از حق مال
۱۰۷۳.....	۱-۵-۲-۴۶- رهایی از خودنمایی و دورویی ر.به: صفات
۱۰۷۳.....	۱-۵-۲-۴۷- جاودان بودن ر.به: نعمت های اخروی
۱۰۷۳.....	۱-۵-۲-۴۸- سود، نفع، خیر
۱۰۷۳.....	۱-۵-۲-۴۸-۱- خیر
۱۰۷۵.....	۱-۵-۲-۴۸-۱-۱- خیر دنیا و آخرت
۱۰۷۵.....	۱-۵-۲-۴۸-۱-۲- برگرداندن به سوی خیر و خوبی
۱۰۷۵.....	۱-۵-۲-۴۸-۲- بهره
۱۰۷۷.....	۱-۵-۲-۴۸-۳- جلوگیری از ضرر
۱۰۷۷.....	۱-۵-۲-۴۸-۴- بهره

﴿الفهرس﴾

١٠٧٦.....	١-٥-٢-٤٩- دَوَامُ النُّعْمَةِ راجع: النُّعْمَةُ.....
١٠٧٦.....	١-٥-٢-٥٠- دِينَ اللَّهِ الَّذِي ارْتَضَاهُ لِلصَّالِحِينَ.....
١٠٧٦.....	١-٥-٢-٥١- الذُّخْرُ راجع: الْأَجْرُ.....
١٠٧٦.....	١-٥-٢-٥٢- إِرْتِبَاطُ النُّعْمِ راجع: النُّعْمَةُ.....
١٠٧٦.....	١-٥-٢-٥٣- الرِّحْمَةُ راجع: النُّعْمَةُ.....
١٠٧٦.....	١-٥-٢-٥٤- الرِّزْقُ راجع: النُّعْمَةُ.....
١٠٧٦.....	١-٥-٢-٥٥- الرِّضَا، الرِّضْوَانُ.....
١٠٨٢.....	١-٥-٢-٥٥-١- غَايَةُ رِضَاكَ.....
١٠٨٢.....	١-٥-٢-٥٥-٢- غَايَةُ رِضَا اللَّهِ.....
١٠٨٢.....	١-٥-٢-٥٦- الرِّقْعَةُ.....
١٠٨٢.....	١-٥-٢-٥٧- رَفْعُ النَّقْصِ.....
١٠٨٢.....	١-٥-٢-٥٨- السَّعَادَةُ.....
١٠٨٢.....	١-٥-٢-٥٩- السَّلَامُ.....
١٠٨٤.....	١-٥-٢-٦٠- الشُّكْرُ.....
١٠٨٤.....	١-٥-٢-٦٠-١- شُكْرُ اللَّهِ.....
١٠٨٤.....	١-٥-٢-٦٠-٢- شُكْرُ لِنَفْسِهِ.....
١٠٨٦.....	١-٥-٢-٦١- شَكْلُ النُّعْمَةِ راجع: النُّعْمَةُ.....
١٠٨٦.....	١-٥-٢-٦٢- الصَّلَاحُ وَ الإِصْلَاحُ.....
١٠٨٦.....	١-٥-٢-٦٢-١- دِينَ اللَّهِ الَّذِي ارْتَضَاهُ لِلصَّالِحِينَ.....
١٠٨٦.....	١-٥-٢-٦٣- صَلَوَاتُ اللَّهِ.....
١٠٨٦.....	١-٥-٢-٦٤- تَضَاعَفَ النُّعْمَةُ راجع: النُّعْمَةُ.....
١٠٨٦.....	١-٥-٢-٦٥- طَوْلُ الْعُمْرِ.....
١٠٨٨.....	١-٥-٢-٦٦- الْعَاقِبَةُ راجع: الْأَمْنُ.....
١٠٨٨.....	١-٥-٢-٦٧- الْعِتْقُ مِنْ رَبْقِ النُّعْمَةِ راجع: النُّعْمَةُ.....
١٠٨٨.....	١-٥-٢-٦٨- الْعَجَبُ وَالْعَجِيبُ.....
١٠٨٨.....	١-٥-٢-٦٨-١- رُؤْيَةُ الْعَجَبِ.....
١٠٨٨.....	١-٥-٢-٦٨-٢- الْعَجَبُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ.....
١٠٩٠.....	١-٥-٢-٦٩- الْعِصْمَةُ راجع: الْأَمْنُ.....
١٠٩٠.....	١-٥-٢-٧٠- الْعَطَاءُ راجع: النُّعْمَةُ.....
١٠٩٠.....	١-٥-٢-٧١- الْعَفْوُ راجع: الْأَمْنُ.....
١٠٩٠.....	١-٥-٢-٧٢- الْغُفْرَانُ راجع: الْأَمْنُ.....
١٠٩٠.....	١-٥-٢-٧٣- الْعُقْبَى راجع: النُّعْمُ الْآخِرِيُّ.....
١٠٩٠.....	١-٥-٢-٧٤- الْغِنَى راجع: النُّعْمَةُ.....

﴿فهرست﴾

۱۰۷۷.....	۱-۵۲-۴۹- استمرار نعمت ر.به: نعمت.....
۱۰۷۷.....	۱-۵۲-۵۰- دینی که خداوند برای بندگان شایسته خود پسندیده است.....
۱۰۷۷.....	۱-۵۲-۵۱- ذخیره ر.به: پاداش.....
۱۰۷۷.....	۱-۵۲-۵۲- بستن و حفظ نعمت‌ها ر.به: نعمت.....
۱۰۷۷.....	۱-۵۲-۵۳- رحمت ر.به: نعمت.....
۱۰۷۷.....	۱-۵۲-۵۴- روزی ر.به: نعمت.....
۱۰۷۷.....	۱-۵۲-۵۵- رضایت، خشنودی.....
۱۰۸۳.....	۱-۵۲-۵۵-۱- نهایت رضایت.....
۱۰۸۳.....	۱-۵۲-۵۵-۲- نهایت رضایت خدا.....
۱۰۸۳.....	۱-۵۲-۵۶- بلندی درجه و مقام.....
۱۰۸۳.....	۱-۵۲-۵۷- برطرف کردن نقص.....
۱۰۸۳.....	۱-۵۲-۵۸- خوشبختی.....
۱۰۸۳.....	۱-۵۲-۵۹- صلح و آشتی.....
۱۰۸۵.....	۱-۵۲-۶۰- شکر.....
۱۰۸۵.....	۱-۵۲-۶۰-۱- شکر خدا.....
۱۰۸۵.....	۱-۵۲-۶۰-۲- سپاس از نفس خود.....
۱۰۸۷.....	۱-۵۲-۶۱- بستن نعمت ر.به: نعمت.....
۱۰۸۷.....	۱-۵۲-۶۲- شایستگی و اصلاح.....
۱۰۸۷.....	۱-۵۲-۶۲-۱- دینی که خداوند برای بندگان شایسته‌ی خود پسندیده است.....
۱۰۸۷.....	۱-۵۲-۶۳- سلام و درود خداوند.....
۱۰۸۷.....	۱-۵۲-۶۴- دوبرابر شدن نعمت ر.به: نعمت.....
۱۰۸۷.....	۱-۵۲-۶۵- طول عمر.....
۱۰۸۹.....	۱-۵۲-۶۶- دوری از گرفتاری ر.به: امن و... ..
۱۰۸۹.....	۱-۵۲-۶۷- آزادی از بند نعمت ر.به: نعمت.....
۱۰۸۹.....	۱-۵۲-۶۸- شگفتی و تعجب.....
۱۰۸۹.....	۱-۵۲-۶۸-۱- دیدن شگفتی.....
۱۰۸۹.....	۱-۵۲-۶۸-۲- شگفتی فرشتگان.....
۱۰۹۱.....	۱-۵۲-۶۹- پاکی ر.به: امن و... ..
۱۰۹۱.....	۱-۵۲-۷۰- عطا ر.به: نعمت.....
۱۰۹۱.....	۱-۵۲-۷۱- بخشودگی ر.به: امن و... ..
۱۰۹۱.....	۱-۵۲-۷۲- آمرزش ر.به: امن و... ..
۱۰۹۱.....	۱-۵۲-۷۳- آخرت ر.به: نعمت‌های اخروی.....
۱۰۹۱.....	۱-۵۲-۷۴- توانگری ر.به: نعمت.....

﴿الفهرس﴾

١٠٩٠.....	١-٥-٢-٧٥- النِّعْمَةُ راجع: النِّعْمَةُ.....
١٠٩٠.....	١-٥-٢-٧٦- فَتَحَ الْحِجَابَ.....
١٠٩٠.....	١-٥-٢-٧٧- الْفُسْحَةُ فِي الْأَجَلِ راجع: طُولُ الْعُمُرِ.....
١٠٩٠.....	١-٥-٢-٧٨- الْفَضْلُ وَ التَّفَضُّلُ راجع: النِّعْمَةُ.....
١٠٩٢.....	١-٥-٢-٧٩- الْفَضَائِلُ راجع: ١-٥-١- (مَا يُثْمِرُ الشُّكْرُ مِنَ الصِّفَاتِ).....
١٠٩٢.....	١-٥-٢-٨٠- الْفَوْزُ.....
١٠٩٢.....	١-٥-٢-٨١- الْقَبُولُ.....
١٠٩٢.....	١-٥-٢-٨١-١- أَحْسَنُ الْقَبُولِ.....
١٠٩٢.....	١-٥-٢-٨٢- قَرَّةُ الْعَيْنِ.....
١٠٩٢.....	١-٥-٢-٨٣- الْقُرْآنُ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَنْبِيَاءِ راجع: النِّعْمُ الْآخِرِيُّ.....
١٠٩٢.....	١-٥-٢-٨٤- قَهْرُ النِّعْمَةِ وَ دَمْعُهَا لِأَدَاءِ حَقِّهَا راجع: النِّعْمَةُ.....
١٠٩٢.....	١-٥-٢-٨٥- كُتِبَ مِنَ الصَّادِقِينَ.....
١٠٩٤.....	١-٥-٢-٨٦- الْكَرَامَةُ.....
١٠٩٤.....	١-٥-٢-٨٧- الْكَفَايَةُ.....
١٠٩٦.....	١-٥-٢-٨٨- الْكَمَالُ راجع: الصِّفَاتُ.....
١٠٩٦.....	١-٥-٢-٨٩- لِلْمَرْءِ لَا عَلَيْهِ.....
١٠٩٦.....	١-٥-٢-٩٠- اللَّحَاقُ بِأَهْلِ النَّبِيِّ ﷺ وَ راجع: النِّعْمُ الْآخِرِيُّ.....
١٠٩٦.....	١-٥-٢-٩١- اللَّسَانُ الذَّاكِرُ راجع: الصِّفَاتُ.....
١٠٩٦.....	١-٥-٢-٩١- مَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى.....
١٠٩٦.....	١-٥-٢-٩٣- مُحِبَّةُ اللَّهِ وَ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ.....
١٠٩٨.....	١-٥-٢-٩٤- مَدُّ النِّعْمَةِ راجع: النِّعْمَةُ.....
١٠٩٨.....	١-٥-٢-٩٥- مَحَقُّ التَّقْصِيرِ وَ راجع: تَبْدِيلُ الْحَسَنَاتِ بِالسَّيِّئَاتِ.....
١٠٩٨.....	١-٥-٢-٩٦- مَحْوُ السَّيِّئَاتِ وَ راجع: تَبْدِيلُ الْحَسَنَاتِ بِالسَّيِّئَاتِ.....
١١٠٠.....	١-٥-٢-٩٧- الْمَطَرُ راجع: النِّعْمَةُ.....
١١٠٠.....	١-٥-٢-٩٨- الْمَنْزِلَةُ الْكُبْرَى راجع: النِّعْمُ الْآخِرِيُّ.....
١١٠٠.....	١-٥-٢-٩٩- الْمَنْعُ مِنْ تَسَلُّطِ النَّارِ راجع: النِّعْمُ الْآخِرِيُّ.....
١١٠٠.....	١-٥-٢-١٠٠- الْمَنْعُ مِنْ تَغْيِيرِ النِّعْمَةِ راجع: النِّعْمَةُ.....
١١٠٠.....	١-٥-٢-١٠١- الْمَنْعُ مِنْ زَوَالِ النِّعْمَةِ راجع: النِّعْمَةُ.....
١١٠٠.....	١-٥-٢-١٠٢- الْمَنْعُ مِنْ سَلْبِ النِّعْمَةِ راجع: النِّعْمَةُ.....
١١٠٠.....	١-٥-٢-١٠٣- الْمَنْعُ مِنَ الضَّرَرِ راجع: الْخَيْرُ.....
١١٠٠.....	١-٥-٢-١٠٤- الْمَنْعُ مِنَ الْعَذَابِ راجع: النِّعْمُ الْآخِرِيُّ.....
١١٠٠.....	١-٥-٢-١٠٥- النِّعْمَةُ، الْعَطَاءُ، الْإِحْسَانُ وَ الرَّحْمَةُ.....
١١٠٠.....	١-٥-٢-١٠٥-١- النِّعْمَةُ.....

﴿فهرست﴾

۱۰۹۱.....	۱-۵۲-۷۵ بهره ر.به: نعمت
۱۰۹۱.....	۱-۵۲-۷۶ گشودن حجاب
۱۰۹۱.....	۱-۵۲-۷۷ طولانی شدن اجل ر.به: طول عمر
۱۰۹۱.....	۱-۵۲-۷۸ لطف و احسان کردن ر.به: نعمت
۱۰۹۳.....	۱-۵۲-۷۹ صفات برتر ر.به: آن صفاتی که ثمره‌ی شکر است)
۱۰۹۳.....	۱-۵۲-۸۰ کامیابی
۱۰۹۳.....	۱-۵۲-۸۱ پذیرش
۱۰۹۳.....	۱-۵۲-۸۱-۱ بهترین پذیرش
۱۰۹۳.....	۱-۵۲-۸۲ نور چشم
۱۰۹۳.....	۱-۵۲-۸۳ همراهی با پیامبران و امامان علیهم السلام ر.به: نعمت‌های الهی
۱۰۹۳.....	۱-۵۲-۸۴ غلبه بر نعمت و چیره‌شدن بر آن برای اداکردن حق آن ر.به: نعمت
۱۰۹۳.....	۱-۵۲-۸۵ از شمار صدیقین نوشته می‌شود
۱۰۹۵.....	۱-۵۲-۸۶ بزرگواری
۱۰۹۵.....	۱-۵۲-۸۷ بی‌نیاز کردن
۱۰۹۷.....	۱-۵۲-۸۸ کمال ر.به: صفات
۱۰۹۷.....	۱-۵۲-۸۹ به سود انسان است نه به زیان او
۱۰۹۷.....	۱-۵۲-۹۰ رسیدن به اهل بیت علیهم السلام و ر.به: نعمت‌های اخروی
۱۰۹۷.....	۱-۵۲-۹۱ زبان یادکننده خدا ر.به: صفات
۱۰۹۷.....	۱-۵۲-۹۱ آنچه دوست داری و راضی می‌شوی
۱۰۹۷.....	۱-۵۲-۹۳ محبت خدا و اهل آسمان‌ها
۱۰۹۹.....	۱-۵۲-۹۴ گسترده‌شدن نعمت ر.به: نعمت
۱۰۹۹.....	۱-۵۲-۹۵ از بین رفتن کوتاهی و ر.به: تبدیل نیکی‌ها به بدی‌ها
۱۰۹۹.....	۱-۵۲-۹۶ پاک‌شدن گناهان و ر.به: تبدیل نیکی‌ها به بدی‌ها
۱۱۰۱.....	۱-۵۲-۹۷ باران ر.به: نعمت
۱۱۰۱.....	۱-۵۲-۹۸ مقام عظیم ر.به: نعمت‌های اخروی
۱۱۰۱.....	۱-۵۲-۹۹ جلوگیری از چیره‌شدن آتش ر.به: نعمت‌های اخروی
۱۱۰۱.....	۱-۵۲-۱۰۰ جلوگیری از تغییر نعمت ر.به: نعمت
۱۱۰۱.....	۱-۵۲-۱۰۱ جلوگیری از نابودی نعمت ر.به: نعمت
۱۱۰۱.....	۱-۵۲-۱۰۲ جلوگیری از پس‌گرفتن نعمت ر.به: نعمت
۱۱۰۱.....	۱-۵۲-۱۰۳ جلوگیری از زیان ر.به: نیکی
۱۱۰۱.....	۱-۵۲-۱۰۴ جلوگیری از عذاب ر.به: نعمت‌های اخروی
۱۱۰۱.....	۱-۵۲-۱۰۵ نعمت، عطا، احسان و رحمت و...
۱۱۰۱.....	۱-۵۲-۱۰۵-۱ نعمت

الفهرس

١١٠٠ إِنْشَاءُ النُّعْمَةِ ١٠٥-٢-١٥-١-١
١١٠٠ تَتِمُّ بِهِ الصَّلَاةُ ١٠٥-٢-١٥-١-١
١١٠٢ إِنْجِلَابُ النُّعْمَةِ ١٠٥-٢-١٥-١-٢
١١٠٢ إِحَاطَةُ النُّعْمَةِ ١٠٥-٢-١٥-١-٣
١١٠٢ إِدْرَارُ النُّعْمَةِ ١٠٥-٢-١٥-١-٤
١١٠٢ إِرْتِبَاطُ النُّعْمَةِ ١٠٥-٢-١٥-١-٥
١١٠٢ الإِزْدِيَادُ فِي النُّعْمَةِ رَاجِعٌ: زِيَادَةُ النُّعْمَةِ ١٠٥-٢-١٥-١-٦
١١٠٢ إِسْتِحْقَاقُ النُّعْمَةِ ١٠٥-٢-١٥-١-٧
١١٠٢ الأَمَانُ مِنْ تَحْوِيلِ النُّعْمَةِ ١٠٥-٢-١٥-١-٨
١١٠٢ إِمْتِدَادُ النُّعْمَةِ ١٠٥-٢-١٥-١-٩
١١٠٤ بَقَاءُ النُّعْمَةِ ١٠٥-٢-١٥-١-١٠
١١٠٤ تَأْيِيدُ النُّعْمَةِ ١٠٥-٢-١٥-١-١١
١١٠٤ تَثْمِيرُ النُّعْمَةِ ١٠٥-٢-١٥-١-١٢
١١٠٤ تَجْدِيدُ النُّعْمَةِ ١٠٥-٢-١٥-١-١٣
١١٠٤ تَقْيِيدُ النُّعْمَةِ ١٠٥-٢-١٥-١-١٤
١١٠٤ حِرَاسَةُ النُّعْمَةِ ١٠٥-٢-١٥-١-١٥
١١٠٤ حِرْزُ النُّعْمَةِ ١٠٥-٢-١٥-١-١٦
١١٠٤ حِصْنُ النُّعْمَةِ ١٠٥-٢-١٥-١-١٧
١١٠٦ حِفْظُ النُّعْمَةِ ١٠٥-٢-١٥-١-١٨
١١٠٦ دَوَامُ النُّعْمَةِ ١٠٥-٢-١٥-١-١٩
١١٠٨ إِزْدِيَادُ النُّعْمَةِ ١٠٥-٢-١٥-١-٢٠
١١٠٨ أَزْدَكُ ١٠٥-٢-١٥-١-٢٠-١
١١٠٨ أَزِيدَنَّكُمْ ١٠٥-٢-١٥-١-٢٠-٢
١١١٠ إِسْتِزَادَتُهَا ١٠٥-٢-١٥-١-٢٠-٣
١١١٠ تَزَدُ ١٠٥-٢-١٥-١-٢٠-٤
١١١٠ تَزِيدَانِ ١٠٥-٢-١٥-١-٢٠-٥
١١١٠ زَائِدٌ، زَائِدَةٌ ١٠٥-٢-١٥-١-٢٠-٦
١١١٠ زَادَنَا ١٠٥-٢-١٥-١-٢٠-٧
١١١٠ زَادَهُ ١٠٥-٢-١٥-١-٢٠-٨
١١١٢ زَادَهَا ١٠٥-٢-١٥-١-٢٠-٩
١١١٢ زِدْنَكُمْ ١٠٥-٢-١٥-١-٢٠-١٠
١١١٢ زِدْنِي ١٠٥-٢-١٥-١-٢٠-١١
١١١٢ زِدْنَهُ ١٠٥-٢-١٥-١-٢٠-١٢

﴿فهرست﴾

۱۱۰۱.....	۱-۵-۲-۱۰۵-۱-۱ به کمال رسیدن نعمت
۱۱۰۱.....	۱-۵-۲-۱۰۵-۱-۱ نماز را با آن کامل کنی
۱۱۰۳.....	۱-۵-۲-۱۰۵-۱-۲ جلب نعمت
۱۱۰۳.....	۱-۵-۲-۱۰۵-۱-۳ فراگیر شدن نعمت
۱۱۰۳.....	۱-۵-۲-۱۰۵-۱-۴ جاری شدن نعمت
۱۱۰۳.....	۱-۵-۲-۱۰۵-۱-۵ بستن نعمت
۱۱۰۳.....	۱-۵-۲-۱۰۵-۱-۶ افزایش نعمت ربه: زیاد شدن نعمت
۱۱۰۳.....	۱-۵-۲-۱۰۵-۱-۷ سزاوار بودن نعمت
۱۱۰۳.....	۱-۵-۲-۱۰۵-۱-۸ ایمنی از انتقال نعمت
۱۱۰۳.....	۱-۵-۲-۱۰۵-۱-۹ گسترش نعمت
۱۱۰۵.....	۱-۵-۲-۱۰۵-۱-۱۰ باقی ماندن نعمت
۱۱۰۵.....	۱-۵-۲-۱۰۵-۱-۱۱ تثبیت نعمت
۱۱۰۵.....	۱-۵-۲-۱۰۵-۱-۱۲ زایش نعمت
۱۱۰۵.....	۱-۵-۲-۱۰۵-۱-۱۳ تجدید نعمت
۱۱۰۵.....	۱-۵-۲-۱۰۵-۱-۱۴ نگهداشتن نعمت
۱۱۰۵.....	۱-۵-۲-۱۰۵-۱-۱۵ محافظت از نعمت
۱۱۰۵.....	۱-۵-۲-۱۰۵-۱-۱۶ نگهداری از نعمت
۱۱۰۵.....	۱-۵-۲-۱۰۵-۱-۱۷ محافظت از نعمت
۱۱۰۷.....	۱-۵-۲-۱۰۵-۱-۱۸ حفظ نعمت
۱۱۰۷.....	۱-۵-۲-۱۰۵-۱-۱۹ استمرار نعمت
۱۱۰۹.....	۱-۵-۲-۱۰۵-۱-۲۰ افزایش نعمت
۱۱۰۹.....	۱-۵-۲-۱۰۵-۱-۲۰-۱ بر تو خواهم افزود
۱۱۰۹.....	۱-۵-۲-۱۰۵-۱-۲۰-۲ بر شما خواهم افزود
۱۱۱۱.....	۱-۵-۲-۱۰۵-۱-۲۰-۳ بر آن بیافزاید
۱۱۱۱.....	۱-۵-۲-۱۰۵-۱-۲۰-۴ زیاد شوی
۱۱۱۱.....	۱-۵-۲-۱۰۵-۱-۲۰-۵ زیاد می کنند
۱۱۱۱.....	۱-۵-۲-۱۰۵-۱-۲۰-۶ افزایش
۱۱۱۱.....	۱-۵-۲-۱۰۵-۱-۲۰-۷ بر ما افزود
۱۱۱۱.....	۱-۵-۲-۱۰۵-۱-۲۰-۸ بر او افزود
۱۱۱۳.....	۱-۵-۲-۱۰۵-۱-۲۰-۹ بر او افزود
۱۱۱۳.....	۱-۵-۲-۱۰۵-۱-۲۰-۱۰ بر شما افزودم
۱۱۱۳.....	۱-۵-۲-۱۰۵-۱-۲۰-۱۱ بر من افزودی
۱۱۱۳.....	۱-۵-۲-۱۰۵-۱-۲۰-۱۲ بر او افزودی

﴿الفهرس﴾

١١١٢.....	١٣-٢٠-١٠٥-٢-١-الزَّيَادَةُ، بِالزَّيَادَةِ، زِيَادَةٌ، زِيَادَتِي، الزَّيَادَاتُ.....
١١١٨.....	١٤-٢٠-١٠٥-٢-١-الْمَزِيدُ، مَزِيدٌ، مَزِيدًا، بِالْمَزِيدِ، لِلْمَزِيدِ.....
١١٢٢.....	١٥-٢٠-١٠٥-٢-١-مَزِيدُهُ، مَزِيدُهَا، مَزِيدَكَ.....
١١٢٤.....	١٦-٢٠-١٠٥-٢-١-يُزِدُهُ.....
١١٢٤.....	١٧-٢٠-١٠٥-٢-١-يَزِيدُ، يَزِيدُهُ، لِيَزِيدَكَ.....
١١٢٦.....	١٨-٢٠-١٠٥-٢-١-يَزِيدَانِ.....
١١٢٦.....	١٩-٢٠-١٠٥-٢-١-يُسْتَرَادُّ.....
١١٢٦.....	٢١-١٠٥-٢-١-شَكْلُ النُّعْمَةِ.....
١١٢٦.....	٢٢-١٠٥-٢-١-تَضَاعَفُ النُّعْمَةُ.....
١١٢٦.....	٢٣-١٠٥-٢-١-الْعَتَقُ مِنْ رَبْقِ النُّعْمَةِ.....
١١٢٦.....	٢٤-١٠٥-٢-١-قَهَرُ النُّعْمَةِ وَ دَمْعُهَا لِأَدَاءِ حَقِّهَا.....
١١٢٦.....	٢٥-١٠٥-٢-١-مَدُّ النُّعْمَةِ رَاجِعٌ: إِمْتِدَادُ النُّعْمَةِ.....
١١٢٨.....	٢٦-١٠٥-٢-١-الْمَنْعُ مِنْ تَغْيِيرِ النُّعْمَةِ.....
١١٢٨.....	٢٧-١٠٥-٢-١-الْمَنْعُ مِنْ زَوَالِ النُّعْمَةِ.....
١١٣٠.....	٢٨-١٠٥-٢-١-الْمَنْعُ مِنْ سَلْبِ النُّعْمَةِ.....
١١٣٠.....	٢٩-١٠٥-٢-١-الْوُصُولُ بِالنُّعْمَةِ.....
١١٣٠.....	١-٢٩-١٠٥-٢-١-الْوُصُولُ بِالنُّعْمَةِ الْآخِرَةِ.....
١١٣٠.....	٢-١٠٥-٢-١-الإِحْسَانُ.....
١١٣٠.....	٣-١٠٥-٢-١-الإِصْطِنَاعُ.....
١١٣٠.....	٤-١٠٥-٢-١-الْبِرُّ.....
١١٣٢.....	٥-١٠٥-٢-١-جُودُ اللَّهِ.....
١١٣٢.....	٦-١٠٥-٢-١-الْحَيَاءُ.....
١١٣٢.....	٧-١٠٥-٢-١-حَسَنَةُ الدُّنْيَا.....
١١٣٢.....	٨-١٠٥-٢-١-الرَّحْمَةُ.....
١١٣٢.....	٩-١٠٥-٢-١-الرِّزْقُ.....
١١٣٤.....	١٠-١٠٥-٢-١-الْعَطَاءُ.....
١١٣٤.....	١١-١٠٥-٢-١-الْغِنَى.....
١١٣٤.....	١٢-١٠٥-٢-١-الْفَضْلُ وَ التَّقْضِيلُ.....
١١٣٦.....	١٣-١٠٥-٢-١-الْمَطَرُ.....
١١٣٦.....	١٤-١٠٥-٢-١-النَّعْمُ الْآخَرُوى حَاصَةً.....
١١٣٦.....	١-١٤-١٠٥-٢-١-الْبَقَاءُ.....
١١٣٦.....	٢-١٤-١٠٥-٢-١-الْجَنَّةُ.....
١١٣٨.....	١-٢-١٤-١٠٥-٢-١-الدُّخُولُ مِنْ بَابِ الشُّكْرِ.....

﴿فهرست﴾

۱۱۱۳.....	۱۰۵-۲-۱-۱۳-۱۵۲-۱-افزودن.....
۱۱۱۹.....	۱۰۵-۲-۱-۱۴-۱۵۲-۱-افزایش.....
۱۱۲۳.....	۱۰۵-۲-۱-۱۵-۱۵۲-۱-افزونی.....
۱۱۲۵.....	۱۰۵-۲-۱-۱۶-۱۵۲-۱-بر او می‌افزاید.....
۱۱۲۵.....	۱۰۵-۲-۱-۱۷-۱۵۲-۱-می‌افزاید، بر او می‌افزاید.....
۱۱۲۷.....	۱۰۵-۲-۱-۱۸-۱۵۲-۱-بر آن دو می‌افزاید.....
۱۱۲۷.....	۱۰۵-۲-۱-۱۹-۱۵۲-۱-فزونی خواست.....
۱۱۲۷.....	۱۰۵-۲-۱-۲۱-۱۵۲-۱-بستن نعمت.....
۱۱۲۷.....	۱۰۵-۲-۱-۲۲-۱۵۲-۱-دوبرابرشدن نعمت.....
۱۱۲۷.....	۱۰۵-۲-۱-۲۳-۱۵۲-۱-آزادی از بند نعمت.....
۱۱۲۷.....	۱۰۵-۲-۱-۲۴-۱۵۲-۱-غلبه نعمت و چیره‌شدن بر آن برای اداکردن حقش.....
۱۱۲۷.....	۱۰۵-۲-۱-۲۵-۱۵۲-۱-گسترش نعمت ر.به: گسترش نعمت.....
۱۱۲۹.....	۱۰۵-۲-۱-۲۶-۱۵۲-۱-جلوگیری از تغییر نعمت.....
۱۱۲۹.....	۱۰۵-۲-۱-۲۷-۱۵۲-۱-جلوگیری از نابودی نعمت.....
۱۱۳۱.....	۱۰۵-۲-۱-۲۸-۱۵۲-۱-جلوگیری از گرفته‌شدن نعمت.....
۱۱۳۱.....	۱۰۵-۲-۱-۲۹-۱۵۲-۱-رسیدن به نعمت.....
۱۱۳۱.....	۱۰۵-۲-۱-۲۹-۱-دست‌یافتن به نعمت اخروی.....
۱۱۳۱.....	۱۰۵-۲-۱-۵۲-۱-نیکی کردن.....
۱۱۳۱.....	۱۰۵-۲-۱-۵۳-۱-احسان.....
۱۱۳۱.....	۱۰۵-۲-۱-۵۴-۱-نیکی.....
۱۱۳۳.....	۱۰۵-۲-۱-۵۵-۱-بخشنده‌گی خداوند.....
۱۱۳۳.....	۱۰۵-۲-۱-۵۶-۱-عطا.....
۱۱۳۳.....	۱۰۵-۲-۱-۵۷-۱-خیر دنیا.....
۱۱۳۳.....	۱۰۵-۲-۱-۵۸-۱-رحمت.....
۱۱۳۳.....	۱۰۵-۲-۱-۵۹-۱-روزی.....
۱۱۳۵.....	۱۰۵-۲-۱-۶۰-۱-عطا.....
۱۱۳۵.....	۱۰۵-۲-۱-۶۱-۱-بی‌نیازی.....
۱۱۳۵.....	۱۰۵-۲-۱-۶۲-۱-لطف و احسان.....
۱۱۳۷.....	۱۰۵-۲-۱-۶۳-۱-باران.....
۱۱۳۷.....	۱۰۵-۲-۱-۶۴-۱-نعمت‌های خاص اخروی.....
۱۱۳۷.....	۱۰۵-۲-۱-۶۴-۱-جاودانگی.....
۱۱۳۷.....	۱۰۵-۲-۱-۶۴-۲-بهشت.....
۱۱۳۹.....	۱۰۵-۲-۱-۶۴-۲-۱-واردشدن از در شکر.....

﴿الفهرس﴾

١١٣٨.....	١٥-٢-١٠٥-١٤-٢-٢- الحَدِيقَةُ الثَّانِيَّةُ
١١٣٨.....	١٥-٢-١٠٥-١٤-٢-٣- دَرَجَةُ
١١٣٨.....	١٥-٢-١٠٥-١٤-٢-٤- دَرَجَةُ الْعَلِيِّينَ
١١٣٨.....	١٥-٢-١٠٥-١٤-٢-٥- الْمَنْزِلَةُ الْكُبْرَى
١١٤٠.....	١٥-٢-١٠٥-١٤-٣- حَسَنَةُ الْآخِرَةِ
١١٤٠.....	١٥-٢-١٠٥-١٤-٤- الْخُلُودُ
١١٤٢.....	١٥-٢-١٠٥-١٤-٥- الْعُقْبَى
١١٤٢.....	١٥-٢-١٠٥-١٤-٦- الْقُرْآنُ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَنْبِيَاءِ وَاللَّحَاقُ بِهِمْ
١١٤٢.....	١٥-٢-١٠٥-١٤-٧- الْمَنْعُ مِنَ تَسَلُّطِ النَّارِ
١١٤٢.....	١٥-٢-١٠٥-١٤-٨- الْمَنْعُ مِنَ الْعَذَابِ
١١٤٤.....	١٥-٢-١٠٦- النَّفْعُ رَاجِعُ الْخَيْرِ
١١٤٤.....	١٥-٢-١٠٧- الْهَدَايَةُ
١١٤٤.....	١٥-٢-١٠٨- الْوَقَايَةُ رَاجِعُ الْأَمْنِ
١١٤٤.....	١٥-٢-١٠٩- الْوَلَايَةُ
١١٤٤.....	١٥-٣- تَبِعَاتُ ضَعْفٍ وَ عَدَمُ وُجُودِ الشُّكْرِ
١١٤٤.....	١٥-٣-١- الصِّفَاتُ وَالْأَفْعَالُ
١١٤٤.....	١٥-٣-١-١- إِزْدِيَادُ الْإِثْمِ
١١٤٤.....	١٥-٣-١-٢- الْجُحُودُ
١١٤٤.....	١٥-٣-٢- الْعُقُوبَاتُ
١١٤٦.....	١٥-٣-٢-١- الْإِمْتِحَانُ بِالْمَكْرُوهِ
١١٤٦.....	١٥-٣-٢-٢- اسْتِجَابَةُ دُعَاءِ الْقَوْمِ عَلَيْهِ
١١٤٦.....	١٥-٣-٢-٣- تَعْجِيلُ الْعُقُوبَةِ
١١٤٦.....	١٥-٣-٢-٤- الْحُجَّةُ عَلَيْهِ
١١٤٦.....	١٥-٣-٢-٥- خُلُوعُ الْبَلَاءِ وَالْأَذَى وَالضَّرُّ وَالسَّقَمُ وَالْفَقْرُ
١١٤٦.....	١٥-٣-٢-٦- الدَّلَّةُ
١١٤٨.....	١٥-٣-٢-٧- السَّخَطُ
١١٥٠.....	١٥-٣-٢-٨- سُوءُ الْحَالِ
١١٥٠.....	١٥-٣-٢-٩- (الطَّرْدُ)، كَانَ مِنَ الْمَطْرُودِينَ
١١٥٠.....	١٥-٣-٢-١٠- الْعَذَابُ
١١٥٠.....	١٥-٣-٢-١١- الْعِقَابُ
١١٥٠.....	١٥-٣-٢-١٢- الْغَضَبُ
١١٥٠.....	١٥-٣-٢-١٣- فَلْيَتَّخِذْ رَبًّا سِوَانِي رَاجِعُ الطَّرْدِ
١١٥٢.....	١٥-٣-٢-١٤- فَلْيَعُدَّ مِنَ الْأَنْعَامِ

﴿فهرست﴾

۱۱۳۹.....	۱-۵-۲-۱۰-۵-۱۴-۲-۲- باغ دوم.....
۱۱۳۹.....	۱-۵-۲-۱۰-۵-۱۴-۲-۳- درجات.....
۱۱۳۹.....	۱-۵-۲-۱۰-۵-۱۴-۲-۴- والاترین جایگاهها.....
۱۱۳۹.....	۱-۵-۲-۱۰-۵-۱۴-۲-۵- مقام و منزلت برجسته.....
۱۱۴۱.....	۱-۵-۲-۱۰-۵-۱۴-۳- خیر آخرت.....
۱۱۴۱.....	۱-۵-۲-۱۰-۵-۱۴-۴- جاودانگی.....
۱۱۴۳.....	۱-۵-۲-۱۰-۵-۱۴-۵- عاقبت.....
۱۱۴۳.....	۱-۵-۲-۱۰-۵-۱۴-۶- همنشینی با پیامبران و ائمه علیهم السلام و پیوستن به ایشان.....
۱۱۴۳.....	۱-۵-۲-۱۰-۵-۱۴-۷- جلوگیری از چیره شدن آتش.....
۱۱۴۳.....	۱-۵-۲-۱۰-۵-۱۴-۸- جلوگیری از عذاب.....
۱۱۴۵.....	۱-۵-۲-۱۰-۶- سود بردن ربه: خیر.....
۱۱۴۵.....	۱-۵-۲-۱۰-۷- هدایت.....
۱۱۴۵.....	۱-۵-۲-۱۰-۸- محافظت ربه: امن و.....
۱۱۴۵.....	۱-۵-۲-۱۰-۹- ولایت.....
۱۱۴۵.....	۱-۵-۳- عواقب سستی و عدم وجود شکر.....
۱۱۴۵.....	۱-۵-۳-۱- صفات و افعال.....
۱۱۴۵.....	۱-۵-۳-۱-۱- زیاد شدن گناه.....
۱۱۴۵.....	۱-۵-۳-۱-۲- انکار.....
۱۱۴۵.....	۱-۵-۳-۲- مجازاتها.....
۱۱۴۷.....	۱-۵-۳-۲-۱- امتحان با سختی.....
۱۱۴۷.....	۱-۵-۳-۲-۲- استجاب دعاى دیگران بر ضد او.....
۱۱۴۷.....	۱-۵-۳-۲-۳- عجله در عقوبت.....
۱۱۴۷.....	۱-۵-۳-۲-۴- حجت و برهان بر ضد او.....
۱۱۴۷.....	۱-۵-۳-۲-۵- وارد شدن بلا و آزار و سختی و بیماری و فقر.....
۱۱۴۷.....	۱-۵-۳-۲-۶- خواری.....
۱۱۴۹.....	۱-۵-۳-۲-۷- خشم.....
۱۱۵۱.....	۱-۵-۳-۲-۸- بدحالی.....
۱۱۵۱.....	۱-۵-۳-۲-۹- (رانده شدن)، از رانده شدگان بود.....
۱۱۵۱.....	۱-۵-۳-۲-۱۰- عذاب.....
۱۱۵۱.....	۱-۵-۳-۲-۱۱- کیفر.....
۱۱۵۱.....	۱-۵-۳-۲-۱۲- خشم.....
۱۱۵۱.....	۱-۵-۳-۲-۱۳- باید برای خود خدایی غیر از من بیاید ربه: راندن.....
۱۱۵۳.....	۱-۵-۳-۲-۱۴- باید از چارپایان شمرده شود.....

﴿الفهرس﴾

١١٥٢	 المِخْنَةُ ١-٥-٣-٢-١٥
١١٥٢	 المَقْتُ ١-٥-٣-٢-١٦
١١٥٢	 الْمُؤَاخَذَةُ ١-٥-٣-٢-١٧
١١٥٢	 النِّعَمُ ١-٥-٣-٢-١٨
١١٥٢	 الْوَبَالُ ١-٥-٣-٢-١٩
١١٥٢	 الْوَيْلُ ١-٥-٣-٢-٢٠
١١٥٤	 التَّحْرِيمُ ١-٥-٣-٣
١١٥٤	 تَحْرِيمُ النَّعْمَةِ ١-٥-٣-٣-١
١١٥٤	 الْحِجَابُ عَنِ الْمَسْأَلَةِ ١-٥-٣-٣-٢
١١٥٤	 الزُّهْدُ فِي إِصْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ ١-٥-٣-٣-٣
١١٥٤	 الْقَطْعُ ١-٥-٣-٣-٤
١١٥٦	 لَا يَرْضَى عَنْهُ ١-٥-٣-٣-٥
١١٥٦	 لَا يُسْتَجَابُ دُعَاؤُهُ ١-٥-٣-٣-٦
١١٥٦	 لَا يُغْفَرُ ١-٥-٣-٣-٧
١١٥٦	 الْمَنْعُ ١-٥-٣-٣-٨
١١٥٦	 التَّغْيِيرُ وَالزَّوَالُ ١-٥-٣-٤
١١٥٦	 إِعَارَةُ النَّعْمَةِ ١-٥-٣-٤-١
١١٥٨	 تَغْيِيرُ الدَّهْرِ ١-٥-٣-٤-٢
١١٥٨	 تَغْيِيرُ النَّعْمِ ١-٥-٣-٤-٣
١١٥٨	 زَوَالُ النَّعْمَةِ ١-٥-٣-٤-٤
١١٦٠	 زَوَالُ الْخَيْرِ ١-٥-٣-٤-٥
١١٦٠	 سَلْبُ الدُّنْيَا ١-٥-٣-٤-٥
١١٦٠	 سَلْبُ النَّعْمَةِ ١-٥-٣-٤-٦
١١٦٢	 لَا إِقَامَةَ لِلنَّعْمَةِ ١-٥-٣-٤-٧
١١٦٢	 لَا بَقَاءَ لِلنَّعْمَةِ ١-٥-٣-٤-٨
١١٦٢	 لَا مَالَ لَهُمْ ١-٥-٣-٤-٩
١١٦٢	 نَفَارُ النَّعْمَةِ ١-٥-٣-٤-١٠
١١٦٢	 رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَى قَلِيلِ الشُّكْرِ أَوْ عَلَى مَنْ لَمْ يَشْكُرْ ١-٥-٣-٥
١١٦٢	 إِيْتِمَامُ الْإِحْسَانِ، لَا يُنْقَضُ جُودُهُ ١-٥-٣-٥-١
١١٦٢	 التَّثْمِيرُ ١-٥-٣-٥-٢
١١٦٤	 الرَّحْمَةُ ١-٥-٣-٥-٣
١١٦٤	 الزِّيَادَةُ ١-٥-٣-٥-٤
١١٦٤	 عَدَمُ التَّحْرِيمِ ١-٥-٣-٥-٥

﴿فهرست﴾

۱۱۵۳.....	۱-۵-۳-۲-۱۵..... سختی
۱۱۵۳.....	۱-۵-۳-۲-۱۶..... دشمنی
۱۱۵۳.....	۱-۵-۳-۲-۱۷..... بازخواست
۱۱۵۳.....	۱-۵-۳-۲-۱۸..... مجازات
۱۱۵۳.....	۱-۵-۳-۲-۱۹..... گرفتاری سخت
۱۱۵۳.....	۱-۵-۳-۲-۲۰..... وای
۱۱۵۵.....	۱-۵-۳-۳..... جلوگیری، ممانعت، محروم کردن
۱۱۵۵.....	۱-۵-۳-۳-۱..... محروم کردن از نعمت
۱۱۵۵.....	۱-۵-۳-۳-۲..... مخفی ماندن مورد درخواست
۱۱۵۵.....	۱-۵-۳-۳-۳..... بی‌ رغبتی به احسان کردن
۱۱۵۵.....	۱-۵-۳-۳-۴..... بریدن
۱۱۵۷.....	۱-۵-۳-۳-۵..... از او راضی نمی‌شود
۱۱۵۷.....	۱-۵-۳-۳-۶..... دعایش مستجاب نمی‌شود
۱۱۵۷.....	۱-۵-۳-۳-۷..... آمرزیده نمی‌شود
۱۱۵۷.....	۱-۵-۳-۳-۸..... جلوگیری، محرومیت
۱۱۵۷.....	۱-۵-۳-۴..... تغییر و نابودی
۱۱۵۷.....	۱-۵-۳-۴-۱..... عدم تداوم نعمت
۱۱۵۹.....	۱-۵-۳-۴-۲..... تغییر روزگار
۱۱۵۹.....	۱-۵-۳-۴-۳..... تغییر نعمت‌ها
۱۱۵۹.....	۱-۵-۳-۴-۴..... نابودی نعمت
۱۱۶۱.....	۱-۵-۳-۴-۵..... از بین رفتن خیر
۱۱۶۱.....	۱-۵-۳-۴-۵..... گرفتن دنیا
۱۱۶۱.....	۱-۵-۳-۴-۶..... گرفتن نعمت
۱۱۶۳.....	۱-۵-۳-۴-۷..... عدم پایداری نعمت
۱۱۶۳.....	۱-۵-۳-۴-۸..... عدم ماندگاری نعمت
۱۱۶۳.....	۱-۵-۳-۴-۹..... مالی برای ایشان نمی‌ماند
۱۱۶۳.....	۱-۵-۳-۴-۱۰..... گریختن نعمت
۱۱۶۳.....	۱-۵-۳-۵..... لطف خدا بر کسی که شکر را اندک به جای می‌آورد یا هیچ به جای نمی‌آورد
۱۱۶۳.....	۱-۵-۳-۵-۱..... کامل کردن احسان، بخشش خدا کم نمی‌شود
۱۱۶۳.....	۱-۵-۳-۵-۲..... باردهی
۱۱۶۵.....	۱-۵-۳-۵-۳..... رحمت
۱۱۶۵.....	۱-۵-۳-۵-۴..... فزونی
۱۱۶۵.....	۱-۵-۳-۵-۵..... عدم محرومیت

﴿الفهرس﴾

١١٦٤	١-٥-٣-٥-٦- عَدَمُ سَلْبِ النَّعْمَةِ.....
١١٦٤	١-٥-٣-٥-٧- العَطَاءُ وَ الْفَضْلُ.....
١١٦٤	١-٦- قِصَصُ حَوْلِ الشُّكْرِ.....
١١٦٤	١-٦-١- قِصَّةُ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.....
١١٦٦	١-٦-٢- قِصَّةُ الْأَشْجَعِ وَ شُكْرِهِ عِنْدَ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.....
١١٦٦	١-٦-٣- قِصَّةُ أَيُّوبَ.....
١١٧٠	١-٦-٤- قِصَّةُ ثَعْلَبَةَ بْنِ حَاطِبِ الْأَنْصَارِيِّ.....
١١٧٢	١-٦-٥- قِصَّةُ جُوَيْرٍ.....
١١٧٢	١-٦-٦- قِصَّةُ خَلَادَةَ بِنْتِ أَوْسَ قَرِينِ دَاوُدَ فِي الْجَنَّةِ.....
١١٧٤	١-٦-٧- قِصَّةُ سَلْمَانَ وَ أَبِي ذَرٍّ.....
١١٧٤	١-٦-٨- قِصَّةُ سَلْمَانَ وَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ.....
١١٧٦	١-٦-٩- قِصَّةُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ.....
١١٧٦	١-٦-١٠- قِصَّةُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ عَبْدِ الْمَلِكِ.....
١١٧٨	١-٦-١١- قِصَّةُ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ الْمَأْمُونِ.....
١١٧٨	١-٦-١٢- قِصَّةُ مَتَّى أَبِي يُونُسَ.....
١١٨٢	١-٦-١٣- قِصَّةُ الْمَلِكِ وَ إِيْتِلَاءِ شُكْرِ الصَّحَابِيِّ.....
١١٨٢	١-٦-١٤- قِصَّةُ رَجُلٍ الَّذِي كَانَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ فَأَتَاهُ فِي مَنَامِهِ مَنْ قَالَ لَهُ: (إِنَّ لَكَ نِصْفَ عُمْرِكَ سَعَةً فَاخْتَرِ أَيَّ النِّصْفَيْنِ شِئْتَ).....
١١٨٢	١-٦-١٥- قِصَّةُ رَجُلٍ الْمُحَارَفِ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ.....
١١٨٤	١-٦-١٦- قِصَّةُ مُوسَى بْنِ عُمَرَ وَ السَّحَابَةِ.....
١١٨٤	١-٦-١٧- قِصَّةُ النَّجَاشِيِّ.....
١١٨٦	١-٦-١٨- قِصَّةُ يَعْقُوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.....
١١٨٨	الْكِتَابُ الثَّانِي: شُكْرُ الْإِنْسَانِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ.....
١١٨٨	٢-١- تَعْرِيفُ الشُّكْرِ مِنَ الْآخَرِينَ وَ مَصَادِقُهُ.....
١١٨٨	٢-١-١- الْإِخْلَاصُ فِي الدُّعَاءِ لَهُ.....
١١٨٨	٢-١-٢- الْإِسْلَامُ.....
١١٩٠	٢-١-٣- الْإِعَانَةُ.....
١١٩٠	٢-١-٤- التَّنَاءُ.....
١١٩٠	٢-١-٥- الْجَزَاءُ.....
١١٩٠	٢-١-٦- عَدَمُ تَحْرِيمِ النَّعْمَةِ.....
١١٩٠	٢-١-٧- حُسْنُ جَوَارِ النَّعْمِ.....
١١٩٠	٢-١-٨- الذِّكْرُ، ذِكْرُ الْمَعْرُوفِ.....
١١٩٢	٢-١-٩- صِدْقُ الْوَلَاءِ.....

﴿فهرست﴾

- ۱۱۶۵ ۱۵۳-۵۶ - نگرفتن نعمت
 ۱۱۶۵ ۱۵۳-۵۷ - عطا و لطف
 ۱۱۶۵ ۱۶-۱ داستان‌هایی پیرامون شکر
 ۱۱۶۵ ۱۶-۱ داستان ابراهیم علیه السلام
 ۱۱۶۷ ۱۶-۲ داستان اشجع و شکر او نزد امام صادق علیه السلام
 ۱۱۶۷ ۱۶-۳ داستان ایوب
 ۱۱۷۱ ۱۶-۴ داستان ثعلبه پسر حاطب انصاری
 ۱۱۷۳ ۱۶-۵ داستان جویبر
 ۱۱۷۳ ۱۶-۶ داستان خلاد دختر اوس و همنشین داود علیه السلام در بهشت
 ۱۱۷۵ ۱۶-۷ داستان سلمان و ابوذر
 ۱۱۷۵ ۱۶-۸ داستان رسول خدا صلی الله علیه و آله
 ۱۱۷۷ ۱۶-۹ داستان عبدالمطلب
 ۱۱۷۷ ۱۶-۱۰ داستان امام سجاد علیه السلام و عبدالملک
 ۱۱۷۹ ۱۶-۱۱ داستان امام رضا علیه السلام و مأمون
 ۱۱۷۹ ۱۶-۱۲ داستان متی پدر یونس
 ۱۱۸۳ ۱۶-۱۳ داستان فرشته و آزمایش شکر صحابی
 ۱۶-۱۴ داستان مردی که در بنی اسرائیل بود به خواب شخصی آمد و به او گفت که نصف عمر خود را در وسعت و رفاه به سر خواهی برد اینک هر کدام را می‌خواهی طلب کن ۱۱۸۳
 ۱۶-۱۵ داستان مرد فقیر در بنی اسرائیل ۱۱۸۳
 ۱۶-۱۶ داستان موسی پسر عمران و ابر ۱۱۸۵
 ۱۶-۱۷ داستان نجاشی ۱۱۸۵
 ۱۶-۱۸ داستان یعقوب علیه السلام ۱۱۸۷
۲- کتاب دوم: تشکر انسان از هم‌نوع خود ۱۱۸۹
 ۲-۱ تعریف تشکر از دیگران و مصادیق آن ۱۱۸۹
 ۲-۱-۱ اخلاص در دعا برای او ۱۱۸۹
 ۲-۱-۲ اسلام ۱۱۸۹
 ۲-۱-۳ یاری ۱۱۹۱
 ۲-۱-۴ تحسین ۱۱۹۱
 ۲-۱-۵ پاداش، کیفر ۱۱۹۱
 ۲-۱-۶ عدم محرومیت از نعمت ۱۱۹۱
 ۲-۱-۷ پاسداری از حریم نعمت‌ها ۱۱۹۱
 ۲-۱-۸ یاد خدا، به خوبی یادکردن ۱۱۹۱
 ۲-۱-۹ صداقت در دوستی ۱۱۹۳

﴿الفهرس﴾

١١٩٢	٢-١-١٠- العطاء
١١٩٢	٢-١-١١- العمل
١١٩٢	٢-١-١٢- المكافأة
١١٩٢	٢-٢- الفضل والأهمية
١١٩٢	٢-٢-١- لا يشكر الله من لا يشكر الناس
١١٩٤	٢-٢-٢- إن لم تشكروا، شكر الله
١١٩٤	٢-٢-٣- الشكر حق
١١٩٤	٢-٢-٤- وجوبه
١١٩٨	٢-٢-٥- طلب شكر الناس لنفسه
١١٩٨	٢-٢-٥-١- لا تلتبس من غيرك شكر ما أتيت إلى نفسك
١٢٠٠	٢-٢-٦- طلب توفيق الشكر
١٢٠٠	٢-٢-٧- الأمر بالشكر
١٢٠٢	٢-٢-٨- الشكر خير
١٢٠٢	٢-٢-٨-١- خير من المال
١٢٠٢	٢-٢-٨-٢- خير مما أعطى
١٢٠٢	٢-٢-٨-٣- خير مما أضر الكافر
١٢٠٢	٢-٢-٨-٤- إن تشكر خير من أن تكفر
١٢٠٢	٢-٢-٨-٥- خير الأعمال ما اكتسب شكرًا
١٢٠٢	٢-٢-٩- من سعادة المرء
١٢٠٤	٢-٢-١٠- قلة الشاكر
١٢٠٤	٢-٢-١١- المؤمن مكفر
١٢٠٤	٢-٢-١٢- لا تطيق الشكر
١٢٠٦	٢-٢-١٣- مصاديق الشاكر
١٢٠٦	٢-٢-١٣-١- رسول الله ﷺ
١٢٠٦	٢-٢-١٣-٢- أهل البيت ﺍﻟﻌﻠﻴﻪ
١٢٠٦	٢-٢-١٣-٣- الصادق ﺍﻟﻌﻠﻴﻪ
١٢٠٦	٢-٢-١٣-٤- الكريم
١٢٠٦	٢-٣- مذمة عدم الشكر
١٢٠٨	٢-٣-١- الاستعاذة والاستغفار من عدم الشكر
١٢٠٨	٢-٤- علة عدم الشكر
١٢٠٨	٢-٤-١- الحسد
١٢٠٨	٢-٥- علة عدم جلب الشكر
١٢٠٨	٢-٥-١- البخل

﴿فهرست﴾

۱۱۹۳.....	۲-۱-۱۰ عطاء.....
۱۱۹۳.....	۲-۱-۱۱ عمل.....
۱۱۹۳.....	۲-۱-۱۲ پاسخ نعمت، معامله به مثل.....
۱۱۹۳.....	۲-۲ برتری و اهمیت.....
۱۱۹۳.....	۲-۲-۱ کسی که از مردم تشکر و قدردانی نمی کند خدا را نیز سپاس نمی گوید.....
۱۱۹۵.....	۲-۲-۲ اگر از دیگران تشکر نکنید، خدا شکر می کند.....
۱۱۹۵.....	۲-۲-۳ شکرگزاری حق است.....
۱۱۹۷.....	۲-۲-۴ واجب بودن آن.....
۱۱۹۹.....	۲-۲-۵ درخواست تشکر و قدردانی مردم.....
۱۱۹۹.....	۲-۲-۵-۱ بابت آنچه به نفع خود انجام می دهی از دیگران انتظار تشکر نداشته باش.....
۱۲۰۱.....	۲-۲-۶ درخواست توفیق شکرگزاری.....
۱۲۰۱.....	۲-۲-۷ امر به شکرگزاری.....
۱۲۰۳.....	۲-۲-۸ شکرگزاری خیر.....
۱۲۰۳.....	۲-۲-۸-۱ بهتر از مال و ثروت.....
۱۲۰۳.....	۲-۲-۸-۲ بهتر از آنچه عطا شده.....
۱۲۰۳.....	۲-۲-۸-۳ بهتر از آنچه ناسپاس ضایع کرده.....
۱۲۰۳.....	۲-۲-۸-۴ اگر تشکر کنی بهتر از آن است که ناسپاسی کنی.....
۱۲۰۳.....	۲-۲-۸-۵ بهترین اعمال آن است که تشکری را به خود جلب کند.....
۱۲۰۳.....	۲-۲-۹ از سعادت انسان است.....
۱۲۰۵.....	۲-۲-۱۰ اندک بودن شکرگزاران.....
۱۲۰۵.....	۲-۲-۱۱ مؤمن مورد ناسپاسی قرار می گیرد.....
۱۲۰۵.....	۲-۲-۱۲ نمی توانی شکرگزاری کنی.....
۱۲۰۷.....	۲-۲-۱۳ مصادیق شاکر.....
۱۲۰۷.....	۲-۲-۱۳-۱ رسول خدا ﷺ.....
۱۲۰۷.....	۲-۲-۱۳-۲ اهل بیت علیهم السلام.....
۱۲۰۷.....	۲-۲-۱۳-۳ امام صادق علیهم السلام.....
۱۲۰۷.....	۲-۲-۱۳-۴ بزرگوار و بخشنده.....
۱۲۰۷.....	۲-۳ نکوهش ناسپاسی.....
۱۲۰۹.....	۲-۳-۱ پناه بردن به خدا و طلب آمرزش به خاطر ناسپاسی.....
۱۲۰۹.....	۲-۴ علت ناسپاسی.....
۱۲۰۹.....	۲-۴-۱ حسادت.....
۱۲۰۹.....	۲-۵ علت مورد ناسپاسی قرار گرفتن.....
۱۲۰۹.....	۲-۵-۱ بخل و خست.....

﴿الفهرس﴾

١٢١٠	 ٢-٥-٢ المنة
١٢١٠	 ٢-٥-٣ منع البر
١٢١٠	 ٢-٥-٤ وضع المال في غير حقه وعند غير أهله
١٢١٠	 ٢-٥-٥ الشكر على غير إحسان
١٢١٠	 ٢-٥-٦ من نشكره؟
١٢١٠	 ٢-٥-١ الإخوان
١٢١٢	 ٢-٥-٢ الأم
١٢١٢	 ٢-٥-٣ الإمام العادل
١٢١٢	 ٢-٥-٤ إيمانك في صلاتك
١٢١٢	 ٢-٥-٥ الراضى عنك
١٢١٤	 ٢-٥-٦ الساخط عنك
١٢١٤	 ٢-٥-٧ السلطان العادل
١٢١٤	 ٢-٥-٨ عليُّ عليه السلام و راجع: محمد بن علي عليه السلام
١٢١٤	 ٢-٥-٩ المؤذن
١٢١٤	 ٢-٥-١٠ المحسن
١٢١٤	 ٢-٥-١١ محمد بن علي عليه السلام و علي عليه السلام
١٢١٤	 ٢-٥-١١-١ تعجز الألسن عن وصف شكر النبي صلى الله عليه وآله
١٢١٤	 ٢-٥-١٢ المشير
١٢١٤	 ٢-٥-١٣ المضيف
١٢١٤	 ٢-٥-١٤ المعطى
١٢١٤	 ٢-٥-١٥ المنعم
١٢١٨	 ٢-٥-١٦ من بذل لك جهد عنايته
١٢١٨	 ٢-٥-١٧ من جرت تلك النعمة على يده
١٢١٨	 ٢-٥-١٨ من دلكم على النعمة
١٢١٨	 ٢-٥-١٩ من دونك
١٢١٨	 ٢-٥-٢٠ من سرَّك لله
١٢٢٠	 ٢-٥-٢١ من فوقك
١٢٢٠	 ٢-٥-٢٢ من لا يمنع مزيدك
١٢٢٠	 ٢-٥-٢٣ الوالدین
١٢٢٠	 ٢-٥-٢٧ ما نشكره (ما هي الأمور التي ينبغي أن نشكر الآخرين عليها؟ أو ما هي الأمور التي نكرم من أجلها؟)
١٢٢٠	 ٢-٧-١ الإحسان
١٢٢٢	 ٢-٧-٢ الإغطاء
١٢٢٤	 ٢-٧-٣ الإكرام

﴿فهرست﴾

۱۲۱۱.....	۲-۵-۲- منت گذاردن.....
۱۲۱۱.....	۲-۵-۳- ممانعت از عطا و بخشش.....
۱۲۱۱.....	۲-۵-۴- مصرف نابجای مال و کمک.....
۱۲۱۱.....	۲-۵-۵- شکر بی دلیل.....
۱۲۱۱.....	۲-۶- از چه کسی تشکر کنیم؟.....
۱۲۱۱.....	۲-۶-۱- برادران.....
۱۲۱۳.....	۲-۶-۲- مادر.....
۱۲۱۳.....	۲-۶-۳- امام عادل.....
۱۲۱۳.....	۲-۶-۴- امام جماعت.....
۱۲۱۳.....	۲-۶-۵- آن که از تو راضی است.....
۱۲۱۵.....	۲-۶-۶- آن که از تو خشمگین است.....
۱۲۱۵.....	۲-۶-۷- پادشاه عادل.....
۱۲۱۵.....	۲-۶-۸- علی علیه السلام و ربه: محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام
۱۲۱۵.....	۲-۶-۹- اذان گو.....
۱۲۱۵.....	۲-۶-۱۰- نیکوکار.....
۱۲۱۵.....	۲-۶-۱۱- محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام
۱۲۱۷.....	۲-۶-۱۱-۱- زبان از شکرگزاری پیامبر صلی الله علیه و آله ناتوان است.....
۱۲۱۷.....	۲-۶-۱۲- مشورت دهنده.....
۱۲۱۷.....	۲-۶-۱۳- میزبان، صاحب خانه.....
۱۲۱۷.....	۲-۶-۱۴- عطا کننده.....
۱۲۱۷.....	۲-۶-۱۵- بخشنده ی نعمت.....
۱۲۱۹.....	۲-۶-۱۶- هر کس برای تو نهایت توانایی خود را نثار کند.....
۱۲۱۹.....	۲-۶-۱۷- کسی که نعمت خداوند به وسیله ی او به بنده رسیده باشد.....
۱۲۱۹.....	۲-۶-۱۸- کسی که شما را به سوی نعمت راهنمایی می کند.....
۱۲۱۹.....	۲-۶-۱۹- کسی که پست مرتبه تر از تو باشد.....
۱۲۱۹.....	۲-۶-۲۰- کسی که تو را برای خدا شادمان کرده باشد.....
۱۲۲۱.....	۲-۶-۲۱- کسی که بلندمرتبه تر از تو باشد.....
۱۲۲۱.....	۲-۶-۲۲- کسی که مانع افزونی نعمت تو نشود.....
۱۲۲۱.....	۲-۶-۲۳- پدر و مادر.....
۱۲۲۱.....	۲-۷- چه چیزی را شکر کنیم؟ (کدام امور سزاوارند که بر آن ها از دیگران تشکر کنیم؟).....
۱۲۲۱.....	۲-۷-۱- لطف و احسان.....
۱۲۲۳.....	۲-۷-۲- بخشش.....
۱۲۲۵.....	۲-۷-۳- سخاوت و گرمی داشت.....

﴿الفهرس﴾

١٢٢٤	٢-٧-٤- الإنعام.....
١٢٢٤	٢-٧-٥- البر.....
١٢٢٦	٢-٧-٦- التَّذِكْرَةُ لِلرَّبِّ وَالْعَوْنُ عَلَى قَضَاءِ فَرَضِ اللَّهِ.....
١٢٢٦	٢-٧-٧- الحَسَنَةُ.....
١٢٢٦	٢-٧-٨- الزِّيَارَةُ.....
١٢٢٦	٢-٧-٩- الصَّنِيعَةُ.....
١٢٢٨	٢-٧-١٠- الْقَبُولُ وَالْمُوَافَقَةُ.....
١٢٢٨	٢-٧-١١- الْقَلِيلُ.....
١٢٢٨	٢-٧-١٢- الْمَشُورَةُ.....
١٢٢٨	٢-٧-١٣- الْمَعْرُوفُ، الْعَارِفَةُ.....
١٢٣٠	٢-٧-١٤- النِّعْمَةُ.....
١٢٣٢	٢-٧-١٥- النِّفْعُ.....
١٢٣٢	٢-٨- بَعْدَ الشُّكْرِ.....
١٢٣٢	٢-٨-١- الإنعامُ وَالْإِعْطَاءُ.....
١٢٣٤	٢-٨-٢- الْوَفَاءُ.....
١٢٣٤	٢-٨-٣- لَا تَأْمَنُ عَدُوًّا وَإِنْ شَكَرَ.....
١٢٣٤	٢-٩- ثِمَارُ الشُّكْرِ.....
١٢٣٤	٢-٩-١- السَّخَاءُ.....
١٢٣٤	٢-٩-٢- قَطْعُ مَنْعِ الْآخِرِ.....
١٢٣٤	٢-٩-٣- يَزِيدُهُ رِضَاءً وَوَفَاءً.....
١٢٣٤	٢-٩-٤- الصَّلَاحُ وَالنَّعْطُفُ.....
١٢٣٤	٢-١٠- ثَمَرَةُ عَدَمِ الشُّكْرِ.....
١٢٣٤	٢-١٠-١- الضِّيَاعُ.....
١٢٣٦	٢-١٠-٢- الزُّهْدُ فِي إِصْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ.....
١٢٣٦	٢-١٠-٣- الْمَقْتُ.....
١٢٣٦	٢-١٠-٤- إِسْتِجَابَةُ دُعَاءِ النَّاسِ عَلَيْهِمْ.....
١٢٣٦	٢-١٠-٥- إِنْ اللَّهُ يَقُومُ بِشُكْرِهَا.....
١٢٣٦	٢-١١- قِصَصُ الشُّكْرِ.....
١٢٣٦	٢-١١-١- قِصَّةُ شُكْرِ الْجَنِّ مِنَ الْأَرْضِ.....
١٢٣٨	٢-١١-٢- قِصَّةُ ثُمَامَةَ بِنِ أَثَال.....
١٢٣٨	٢-١١-٣- قِصَّةُ شُكْرِ السَّائِلِ.....
١٢٤٠	الْكِتَابُ الثَّلَاثُ: شُكْرُ اللَّهِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ.....
١٢٤٠	٣-١- إِنْ اللَّهُ شَاكِرٌ وَشَكُورٌ.....

﴿فهرست﴾

۱۲۲۵.....	۲-۷-۴. بخشیدن نعمت.....
۱۲۲۵.....	۲-۷-۵. احسان و نیکی.....
۱۲۲۷.....	۲-۷-۶. خدا را به یادداشتن و کمک کردن در انجام واجبات الهی.....
۱۲۲۷.....	۲-۷-۷. خیر و نیکی.....
۱۲۲۷.....	۲-۷-۸. دیدار.....
۱۲۲۷.....	۲-۷-۹. لطف و احسان.....
۱۲۲۹.....	۲-۷-۱۰. پذیرش و موافقت.....
۱۲۲۹.....	۲-۷-۱۱. اندک.....
۱۲۲۹.....	۲-۷-۱۲. مشورت.....
۱۲۲۹.....	۲-۷-۱۳. عمل نیک، خیر و نیکی.....
۱۲۳۱.....	۲-۷-۱۴. نعمت.....
۱۲۳۳.....	۲-۷-۱۵. بهره.....
۱۲۳۳.....	۲-۸. پس از شکر.....
۱۲۳۳.....	۲-۸-۱. نعمت دادن و عطا کردن.....
۱۲۳۵.....	۲-۸-۲. وفا.....
۱۲۳۵.....	۲-۸-۳. نسبت به دشمن حتی اگر در حق تو سپاسگزاری کند، ایمن مباش.....
۱۲۳۵.....	۲-۹. نتایج و ثمرات شکر.....
۱۲۳۵.....	۲-۹-۱. بخشش.....
۱۲۳۵.....	۲-۹-۲. عدم ممانعت از ادامه‌ی اعطای نعمت‌ها.....
۱۲۳۵.....	۲-۹-۳. خشنودی و وفاداری او را زیاد می‌کند.....
۱۲۳۵.....	۲-۹-۴. صلاح و مهربانی.....
۱۲۳۵.....	۲-۱۰. نتایج ناسپاسی.....
۱۲۳۵.....	۲-۱۰-۱. تلف شدن.....
۱۲۳۷.....	۲-۱۰-۲. بی‌رغبتی در احسان کردن.....
۱۲۳۷.....	۲-۱۰-۳. دشمنی.....
۱۲۳۷.....	۲-۱۰-۴. استجابت دعای مردم بر ضد ایشان.....
۱۲۳۷.....	۲-۱۰-۵. خداوند از سزاوار شکر سپاسگزاری می‌کند.....
۱۲۳۷.....	۲-۱۱. داستان‌های شکر.....
۱۲۳۷.....	۲-۱۱-۱. داستان شکر جن از موریانه.....
۱۲۳۹.....	۲-۱۱-۲. داستان ثمامه فرزند اُثال.....
۱۲۳۹.....	۲-۱۱-۳. داستان شکر فقیر.....
۱۲۴۱.....	۳. کتاب سوم: تشکر و قدردانی خدا از انسان.....
۱۲۴۱.....	۳-۱. خداوند شاکر و سپاسگزار است.....

﴿الفهرس﴾

- ١٢٤٠ ٣-١-١- شُكْرُ اللَّهِ قَبْلَ شُكْرِنَا.....
- ١٢٤٠ ٣-١-٢- إِنَّ اللَّهَ شَكُورٌ وَلَوْ شَاءَ مَا شَكَرْنِي.....
- ١٢٤٢ ٣-١-٣- لَا يَمَلُّ عَنِ الشُّكْرِ.....
- ١٢٤٢ ٣-١-٤- لَمْ يُهْمِلْ فِي الشُّكْرِ.....
- ١٢٤٢ ٣-١-٥- خَيْرُ الشَّاكِرِينَ.....
- ١٢٤٢ ٣-١-٦- خَيْرُ شَاكِرٍ.....
- ١٢٤٢ ٣-١-٧- شَاكِرٌ.....
- ١٢٤٢ ٣-١-٨- الشُّكُورُ.....
- ١٢٤٤ ٣-١-٨-١- الْبِرُّ الشُّكُورُ.....
- ١٢٤٤ ٣-١-٨-٢- حَلِيمٌ شَكُورٌ، شَكُورٌ حَلِيمٌ.....
- ١٢٤٤ ٣-١-٨-٣- الدِّيَّانُ الشُّكُورُ.....
- ١٢٤٤ ٣-١-٨-٤- غَفُورٌ شَكُورٌ.....
- ١٢٤٦ ٣-١-٨-٥- وَدُودٌ شَكُورٌ.....
- ١٢٤٦ ٣-١-٨-٦- الشُّكُورُ الْكَبِيرُ.....
- ١٢٤٦ ٣-١-٩- أَشْكُرُ.....
- ١٢٤٦ ٣-١-٩-١- مَا أَشْكُرُهُ.....
- ١٢٤٦ ٣-١-٩-٢- مَا أَشْكُرُكَ.....
- ١٢٤٦ ٣-٢- مَا الشُّكْرُ مِنَ اللَّهِ.....
- ١٢٤٨ ٣-٢-١- الإِجَابَةُ، بُلُوغُ السُّؤْلِ، نَيْلُ السُّؤْلِ.....
- ١٢٤٨ ٣-٢-٢- الْجَزَاءُ.....
- ١٢٤٨ ٣-٢-٣- الْقَبُولُ.....
- ١٢٥٠ ٣-٢-٤- الْمَغْفِرَةُ.....
- ١٢٥٠ ٣-٣- مَا شَكَرَهُ اللَّهُ.....
- ١٢٥٠ ٣-٣-١- الإِحْسَانُ وَ رَاجِعُ الْحَسَنَةِ.....
- ١٢٥٠ ٣-٣-٢- إِرَادَةُ الْآخِرَةِ وَ السَّعْيُ لَهَا.....
- ١٢٥٠ ٣-٣-٣- الإِسْتِقْدَامُ وَ الْمُوَاسَاةُ لِلْإِمَامِ.....
- ١٢٥٢ ٣-٣-٤- الإِثَارُ.....
- ١٢٥٢ ٣-٣-٥- الإِيمَانُ.....
- ١٢٥٢ ٣-٣-٦- الْبِرُّ.....
- ١٢٥٢ ٣-٣-٦-١- بِرُّ الْوَالِدَيْنِ.....
- ١٢٥٢ ٣-٣-٦-٢- بِرُّ الإِخْوَانِ وَ الْجِيرَانِ وَ صِلَتُهُمْ.....
- ١٢٥٤ ٣-٣-٧- الْبَصِيرَةُ.....
- ١٢٥٤ ٣-٣-٨- تَرَكُ شَرْبِ الْحَمْرِ.....

﴿فهرست﴾

- ۱۲۴۱-۳-۱-۱ شکر خدا قبل از شکر ماست..... ۱۲۴۱
- ۱۲۴۱-۳-۱-۲ خداوند بسیار سپاسگزار است و اگر می‌خواست از من تشکر نمی‌کرد..... ۱۲۴۱
- ۱۲۴۳-۳-۱-۳ از شکر کردن خسته و ملول نمی‌شود..... ۱۲۴۳
- ۱۲۴۳-۳-۱-۴ از شکرگزاری دست نکشیده است..... ۱۲۴۳
- ۱۲۴۳-۳-۱-۵ بهترین شکرگزاران..... ۱۲۴۳
- ۱۲۴۳-۳-۱-۶ بهترین شکرگزار..... ۱۲۴۳
- ۱۲۴۳-۳-۱-۷ شکرگزار و شکرپذیر..... ۱۲۴۳
- ۱۲۴۳-۳-۱-۸ بسیار شکرگزار..... ۱۲۴۳
- ۱۲۴۵-۳-۱-۸-۱ نیکوکار ق‌دردان..... ۱۲۴۵
- ۱۲۴۵-۳-۱-۸-۲ بردبار ق‌دردان، ق‌دردان بردبار..... ۱۲۴۵
- ۱۲۴۵-۳-۱-۸-۳ پاداش‌دهنده‌ی بسیار شکرگزار..... ۱۲۴۵
- ۱۲۴۵-۳-۱-۸-۴ بسیار آمرزنده‌ی بسیار ق‌دردان..... ۱۲۴۵
- ۱۲۴۷-۳-۱-۸-۵ بسیار با محبت، بسیار ق‌دردان..... ۱۲۴۷
- ۱۲۴۷-۳-۱-۸-۶ بسیار ق‌دردان، بزرگ..... ۱۲۴۷
- ۱۲۴۷-۳-۱-۹ ق‌دردان‌ترین..... ۱۲۴۷
- ۱۲۴۷-۳-۱-۹-۱ چه قدر ق‌دردان است!..... ۱۲۴۷
- ۱۲۴۷-۳-۱-۹-۲ چه قدر ق‌دردانی!..... ۱۲۴۷
- ۱۲۴۷-۳-۲ خداوند چگونه سپاسگزاری می‌کند؟..... ۱۲۴۷
- ۱۲۴۹-۳-۲-۱ اجابت، رساندن به خواسته..... ۱۲۴۹
- ۱۲۴۹-۳-۲-۲ پاداش..... ۱۲۴۹
- ۱۲۴۹-۳-۲-۳ پذیرش..... ۱۲۴۹
- ۱۲۵۱-۳-۲-۴ آمرزش..... ۱۲۵۱
- ۱۲۵۱-۳-۳ آنچه مورد ق‌دردانی خدا واقع می‌شود..... ۱۲۵۱
- ۱۲۵۱-۳-۳-۱ احسان و ربه: نیکی..... ۱۲۵۱
- ۱۲۵۱-۳-۳-۲ میل و رغبت به آخرت و تلاش برای آن..... ۱۲۵۱
- ۱۲۵۱-۳-۳-۳ پیش‌قدم‌شدن در یاری امام خود..... ۱۲۵۱
- ۱۲۵۳-۳-۳-۴ ترجیح‌دادن دیگران برخود..... ۱۲۵۳
- ۱۲۵۳-۳-۳-۵ ایمان..... ۱۲۵۳
- ۱۲۵۳-۳-۳-۶ نیکی..... ۱۲۵۳
- ۱۲۵۳-۳-۳-۶-۱ نیکی به پدر و مادر..... ۱۲۵۳
- ۱۲۵۳-۳-۳-۶-۲ نیکی به برادران و همسایگان و برقراری ارتباط با ایشان..... ۱۲۵۳
- ۱۲۵۵-۳-۳-۷ آگاهی..... ۱۲۵۵
- ۱۲۵۵-۳-۳-۸ ترک شراب‌خواری..... ۱۲۵۵

﴿الفهرس﴾

١٢٥٤	٣-٣-٩- تصديق الإمام
١٢٥٤	٣-٣-١٠- التطوع
١٢٥٦	٣-٣-١١- الجهاد
١٢٥٦	٣-٣-١٢- الحج والعمرة و راجع: السعي
١٢٥٦	٣-٣-١٣- الحسنة و راجع: الإحسان و المعروف
١٢٥٦	٣-٣-١٤- الحمد
١٢٥٦	٣-٣-١٥- زيارة أمير المؤمنين عليه السلام
١٢٥٨	٣-٣-١٦- السعي
١٢٥٨	٣-٣-١٦-١- إجعل سعي مشكوراً
١٢٥٨	٣-٣-١٦-٢- إجعل سعيًا مشكوراً
١٢٥٨	٣-٣-١٦-٣- أرزقني سعيًا مشكوراً
١٢٥٨	٣-٣-١٦-٤- أسألك أن تجعلني من المشكور سعيهم
١٢٦٠	٣-٣-١٦-٥- أسألك أن تردني بعد سعي مشكور
١٢٦٠	٣-٣-١٦-٦- أسألك أن تشكر سعي، أسأل الله أن يشكر سعي
١٢٦٠	٣-٣-١٦-٧- أسألك أن تكتبني من المشكور سعيهم
١٢٦٠	٣-٣-١٦-٨- أسألك أن يشكر سعيًا
١٢٦٠	٣-٣-١٦-٩- أسألك سعيًا مشكوراً
١٢٦٠	٣-٣-١٦-١٠- أشكر سعي
١٢٦٢	٣-٣-١٦-١١- شكر سعيك، شكر سعي
١٢٦٢	٣-٣-١٦-١٢- كان سعيكم (سعيهم) مشكوراً
١٢٦٢	٣-٣-١٦-١٣- لا تخرجني من هذه الدنيا إلا بسعي مشكور
١٢٦٢	٣-٣-١٦-١٤- لا تخرجني من هذه القبة الشريفة إلا مشكوراً سعي
١٢٦٤	٣-٣-١٦-١٥- لا يجد لسعيه شاكراً سواك
١٢٦٤	٣-٣-١٧- الشكر
١٢٦٦	٣-٣-١٧-١- الشاكر قليل الشكر
١٢٦٦	٣-٣-١٨- الشوق إلى رؤيه الإمام عليه السلام
١٢٦٦	٣-٣-١٩- الصبر
١٢٦٦	٣-٣-٢٠- الصلاح
١٢٦٦	٣-٣-٢٠-١- العمل الصالح
١٢٦٦	٣-٣-٢١- الصلاة
١٢٦٨	٣-٣-٢١-١- صلاة الأوابين

﴿فهرست﴾

۱۲۵۵.....	۳-۳-۹- تصدیق امام
۱۲۵۵.....	۳-۳-۱۰- اعمال افزون بر واجبات.....
۱۲۵۷.....	۳-۳-۱۱- جهاد
۱۲۵۷.....	۳-۳-۱۲- حج و عمره.....
۱۲۵۷.....	۳-۳-۱۳- پاداش و ربه: احسان و نیکی.....
۱۲۵۷.....	۳-۳-۱۴- ستایش
۱۲۵۷.....	۳-۳-۱۵- زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام
۱۲۵۹.....	۳-۳-۱۶- تلاش.....
۱۲۵۹.....	۳-۳-۱۶-۱- سعی و تلاشم را مورد قدردانی قرار ده
۱۲۵۹.....	۳-۳-۱۶-۲- سعی و تلاشمان را مورد قدردانی قرار ده
۱۲۵۹.....	۳-۳-۱۶-۳- سعی و تلاشی که مورد قدردانی باشد روزی ام کن.....
۱۲۵۹.....	۳-۳-۱۶-۴- از تو درخواست می کنم که مرا از کسانی قراردهی که سعی و تلاششان مورد قدردانی است.....
۱۲۶۱.....	۳-۳-۱۶-۵- از تو درخواست می کنم که مرا با تلاش قدردانی شده برگردانی.....
۱۲۶۱.....	۳-۳-۱۶-۶- از تو درخواست می کنم که سعی و تلاش مرا مورد قدردانی قرار دهی، از خداوند می خواهم که از سعی و تلاش من قدردانی کند.....
۱۲۶۱.....	۳-۳-۱۶-۷- از تو درخواست می کنم که مرا از کسانی قراردهی که سعی و تلاش آنها مورد قدردانی است.....
۱۲۶۱.....	۳-۳-۱۶-۸- از تو درخواست می کنم که از سعی مان قدردانی کنی.....
۱۲۶۱.....	۳-۳-۱۶-۹- از تو سعی و تلاش قدردانی شده درخواست می کنم.....
۱۲۶۱.....	۳-۳-۱۶-۱۰- از سعی و تلاشم، قدردانی کن.....
۱۲۶۳.....	۳-۳-۱۶-۱۱- سعی تو را بپذیرد و مورد قدردانی قرار دهد، سعی مرا بپذیرد و مورد قدردانی قرار دهد.....
۱۲۶۳.....	۳-۳-۱۶-۱۲- سعی شما مورد قدردانی قرار گیرد.....
۱۲۶۳.....	۳-۳-۱۶-۱۳- مرا از این دنیا جز با سعی و تلاش قدردانی شده خارج مکن.....
۱۲۶۳.....	۳-۳-۱۶-۱۴- مرا از این قبه ی شریف جز با سعی و تلاش قدردانی شده خارج مکن.....
۱۲۶۵.....	۳-۳-۱۶-۱۵- برای سعی و تلاش خود قدردانی جز تو نمی یابد.....
۱۲۶۵.....	۳-۳-۱۷- شکر.....
۱۲۶۷.....	۳-۳-۱۷-۱- پاداش دهنده ی سپاس اندک
۱۲۶۷.....	۳-۳-۱۸- اشتیاق برای دیدار امام علیه السلام
۱۲۶۷.....	۳-۳-۱۹- صبر
۱۲۶۷.....	۳-۳-۲۰- صلاح.....
۱۲۶۷.....	۳-۳-۲۰-۱- عمل صالح.....
۱۲۶۷.....	۳-۳-۲۱- نماز.....
۱۲۶۹.....	۳-۳-۲۱-۱- نماز بازگشت کنندگان.....

﴿الفهرس﴾

١٢٦٨	 الصَّنِيعَةُ ٣-٣-٢٢
١٢٦٨	 الطَّاعَةُ و راجع: العِبَادَةُ ٣-٣-٢٣
١٢٧٠	 الطَّاعَةُ و راجع: الطَّاعَةُ ٣-٣-٢٤
١٢٧٠	 الْعَمَلُ ٣-٣-٢٥
١٢٧٠	 الْعَمَلُ الصَّالِحُ ٣-٣-٢٥-١
١٢٧٠	 الْعَمَلُ الْقَلِيلُ راجع: الْقَلِيلُ ٣-٣-٢٥-٢
١٢٧٠	 الْعَمَلُ الْيَسِيرُ راجع: الْيَسِيرُ ٣-٣-٢٥-٣
١٢٧٠	 الْفَرَائِضُ ٣-٣-٢٦
١٢٧٠	 قَرَضُ الْحَسَنَةِ ٣-٣-٢٧
١٢٧٠	 الْقَلِيلُ و راجع: الْيَسِيرُ ٣-٣-٢٨
١٢٧٢	 مَا أَنْعَمَ وَأَعْطَى ٣-٣-٢٩
١٢٧٢	 مَعْرِفَةُ الْعَارِفِينَ بِالْتَّقْصِيرِ عَنْ مَعْرِفَتِهِ ٣-٣-٣٠
١٢٧٢	 الْمَعْرُوفُ ٣-٣-٣١
١٢٧٢	 الْمَقَامُ ٣-٣-٣٢
١٢٧٤	 الْوَفَاءُ بِالْوَعْدِ ٣-٣-٣٣
١٢٧٤	 الْيَسِيرُ و راجع: الْقَلِيلُ ٣-٣-٣٤
١٢٧٤	 مَا لَا يَشْكُرُهُ اللَّهُ (غَيْرُ مُشْكُورٍ) ٣-٤
١٢٧٤	 الْعِبَادَةُ بِلا إِمَامٍ ٣-٤-١
١٢٧٤	 الْمَنَّةُ ٣-٤-٢
١٢٧٤	 مِنْ شَكَرَ اللَّهُ لَهُ ٣-٥
١٢٧٤	 إِبْلِيسَ ٣-٥-١
١٢٧٦	 أَبُو إِسْحَاقَ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ ٣-٥-٢
١٢٧٦	 إِسْمَاعِيلُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام ٣-٥-٣
١٢٧٦	 التَّابِعِينَ لِمُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله ٣-٥-٤
١٢٧٦	 جَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام ٣-٥-٥
١٢٧٦	 الشَّيْعَةُ و راجع: عَلِيُّ عليه السلام و شِيعَتُهُ ٣-٥-٦
١٢٧٨	 صَاحِبُ الْبَقَرَةِ (فِي قِصَّةِ الْبَقَرَةِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ) ٣-٥-٧
١٢٧٨	 الْعَبَّاسُ بْنُ رَبِيعَةَ ٣-٥-٨
١٢٧٨	 عَلِيُّ و فَاطِمَةُ و حَسَنَتَيْنِ عليهما السلام ٣-٥-٩
١٢٧٨	 عَلِيُّ عليه السلام و شِيعَتُهُ ٣-٥-١٠
١٢٨٢	 عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام ٣-٥-١١
١٢٨٢	 قَارُونُ ٣-٥-١٢
١٢٨٢	 لَأَوَى بْنُ يَعْقُوبَ ٣-٥-١٣

﴿فهرست﴾

۱۲۶۹	۳-۳-۲۲ احسان
۱۲۶۹	۳-۳-۲۳ اطاعت و ربه: عبادت
۱۲۷۱	۳-۳-۲۴ عبادت و ربه: اطاعت
۱۲۷۱	۳-۳-۲۵ عمل
۱۲۷۱	۳-۳-۲۵-۱ عمل صالح
۱۲۷۱	۳-۳-۲۵-۲ عمل اندک ربه: آسان
۱۲۷۱	۳-۳-۲۵-۳ عمل کم ربه: آسان
۱۲۷۱	۳-۳-۲۶ واجبات
۱۲۷۱	۳-۳-۲۷ قرض الحسنه
۱۲۷۱	۳-۳-۲۸ کم و ربه: آسان
۱۲۷۳	۳-۳-۲۹ آنچه نعمت داده و عطا کرده
۱۲۷۳	۳-۳-۳۰ آگاهی عارفان به کوتاهی و ناتوانی از شناخت خداوند
۱۲۷۳	۳-۳-۳۱ نیکی
۱۲۷۳	۳-۳-۳۲ جایگاه
۱۲۷۵	۳-۳-۳۳ وفاکردن به وعده
۱۲۷۵	۳-۳-۳۴ اندک و ربه: اندک
۱۲۷۵	۳-۴-۱ آنچه مورد قدردانی خدا قرار نمی گیرد
۱۲۷۵	۳-۴-۲ عبادت بدون پیروی از امام
۱۲۷۵	۳-۴-۳ منت
۱۲۷۵	۳-۵-۱ کسانی که مورد قدردانی خدا قرار گرفته اند
۱۲۷۵	۳-۵-۲ ابلیس
۱۲۷۷	۳-۵-۳ ابواسحاق ابراهیم بن اسماعیل
۱۲۷۷	۳-۵-۴ اسماعیل بن ابراهیم علیه السلام
۱۲۷۷	۳-۵-۵ پیروان حضرت محمد صلی الله علیه و آله
۱۲۷۷	۳-۵-۶ جعفر بن ابی طالب (ره)
۱۲۷۷	۳-۵-۷ شیعه و ربه: علی علیه السلام و شیعه ی او
۱۲۷۹	۳-۵-۸ صاحب گاو (در قصه ی گاو بنی اسرائیل)
۱۲۷۹	۳-۵-۹ عباس بن ربیع
۱۲۷۹	۳-۵-۱۰ امام علی و حضرت زهرا و امام حسن و امام حسین علیهم السلام
۱۲۷۹	۳-۵-۱۱ امام علی علیه السلام و شیعه ی او
۱۲۸۳	۳-۵-۱۲ امام سجاد علیه السلام
۱۲۸۳	۳-۵-۱۳ قارون
۱۲۸۳	۳-۵-۱۴ لاوی بن یعقوب

﴿الفهرس﴾

١٢٨٢	١٤-٥-٣- مُحَمَّدٌ وَآلِهِ ﷺ
١٢٨٤	١٥-٥-٣- الوالدَيْنِ

﴿فهرست﴾

۱۲۸۳.....	۱۴-۵-۳- حضرت محمد و خاندان او ﷺ
۱۲۸۵.....	۱۵-۵-۳- پدر و مادر

الكتابُ الأوَّلُ: شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ

١-٠-١- مفهومُ ودرجاتُ الشُّكْرِ

١-١-٠١- معنى الشُّكْرِ وحقائقه، مصاديق الشُّكْرِ وعلاماته

١-١-٠١-١- إجتنبُ المَحَارِمَ

﴿١﴾ الصادق عليه السلام: الشُّكْرُ لِلنَّعَمِ اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ٢٧٨

﴿٢﴾ الصادق عليه السلام: شُكْرُ النِّعْمَةِ اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ الكافي ج: ٢ ص: ٩٥

﴿٣﴾ لَوْ لَمْ يَتَوَعَّدِ اللَّهُ عَلَى مَعْصِيَتِهِ لَكَانَ يَجِبُ أَلَّا يُعْصَى شُكْرًا لِنِعْمِهِ نهج البلاغة ص: ٥٢٧

١-١-٠٢- الإجتِهَادُ فِي الْعِبَادَةِ

﴿٤﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: أَنْ عُمَرَ دَخَلَ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ وَهُوَ مَوْفُودٌ أَوْ قَالَ مَحْمُومٌ فَقَالَ لَهُ يَا رَسُولَ

اللَّهِ مَا أَشَدَّ وَعَكَّكَ أَوْ حُمَّاكَ فَقَالَ لَهُ مَا مَنَعَنِي ذَلِكَ أَنْ قَرَأْتُ اللَّيْلَةَ ثَلَاثِينَ سُورَةً فِيهِنَّ السَّبْعُ الطُّوَلُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ وَأَنْتَ تَجْتَنِّهُ هَذَا

الاجْتِهَادَ فَقَالَ أَفَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا؛ وسائل الشيعة ج: ٦ ص: ١٩١

کتاب اول: شکر بنده در برابر خداوند

۱-۱- مفهوم و درجات شکر

۱-۱-۱- معنی شکر و حقیقت آن، مصداق‌های شکر و علامت‌هایش

۱-۱-۱-۰۱- پرهیز از حرام و گناه

﴿۱﴾ شکر نعمت، دوری گزیدن از حرام‌هاست.

﴿۲﴾ حقیقت شکر نعمت، دوری کردن از گناهان است.

﴿۳﴾ اگر خداوند در برابر معصیتش وعده‌ی عذاب نداده بود، بازهم واجب بود که به خاطر شکر

نعمت‌هایش او را نافرمانی نکنند.

۱-۱-۱-۰۲- نهایت تلاش در عبادت

﴿۴﴾ عمر نزد پیامبر ﷺ رفت و پیامبر خدا شدیداً بیمار بودند یا راوی گفت تب داشتند؛ عمر

گفت: ای پیامبر خدا چه سخت بیماری! یا چه سخت تب داری! پیامبر ﷺ فرمودند: چرا این گونه

نباشم که امشب سی سوره خواندم که هفت سوره‌ی طولانی قرآن نیز در بین آن‌ها بود؛ عمر

گفت: ای پیامبر خدا، تو این گونه تلاش می‌کنی درحالی که خداوند گناهان گذشته و آینده‌ات را

بخشیده است حضرت فرمودند: آیا بنده‌ی شاکری نباشم؟

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٥﴾ الرسول ﷺ: قَامَ مُحَمَّدٌ ﷺ عَلَى أَطْرَافِ أَصَابِعِ رِجْلَيْهِ عَشْرَ سِنِينَ حَتَّى تَوَرَّمَتْ قَدَمَاهُ وَاصْفَرَّ وَجْهُهُ مِنْ قِيَامِ اللَّيْلِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ طَهُ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى وَكَانَ يَبْكِي حَتَّى يُغْشَى عَلَيْهِ فَقِيلَ لَهُ أَلَيْسَ قَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ فَقَالَ أَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا؛ بحار الأنوار ج: ١٧ ص: ٢٥٧

﴿٦﴾ الرسول ﷺ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عِنْدَ عَائِشَةَ لَيْلَتَهَا فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ لِمَ تَتَعَبُ نَفْسَكَ وَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ فَقَالَ يَا عَائِشَةُ أَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا قَالَ وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَقُومُ عَلَى أَطْرَافِ أَصَابِعِ رِجْلَيْهِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى طَهُ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٥

﴿٧﴾ الصادق عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُصَلِّي حَتَّى يَتَوَرَّمَ قَدَمَاهُ وَيَقُولُ أَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا أَرَادَ أَنْ يَعْتَبِرَ بِهِ أُمَّتُهُ؛ بحار الأنوار ج: ٦٧ ص: ٦٩

﴿٨﴾ الصادق عليه السلام: أَمَا مَا عَلِمْتُ أَنَّ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَدْ غَفَرَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ فَلَمْ يَدَعْ الْجَاهِدَ وَ قَدْ تَعَبَّدَ بِأَبِي هُوَ وَ أُمِّي حَتَّى انْتَفَخَ السَّاقُ وَ وَرَمَ الْقَدَمُ فَقِيلَ لَهُ أَ تَفْعَلُ هَذَا وَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ فَقَالَ أَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ١٨٥

١-١-١-٠٣- إِحْتِمَالُ الْجَفَاءِ

﴿٩﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ لَمْ يَحْتَمِلِ الْجَفَاءَ لَمْ يَشْكُرِ النِّعْمَةَ مِنْ غَيْرِهِ؛ مشكاة الأنوار ص: ٢٨٥

١-١-١-٠٤- الإِحْسَانُ وَ رَاجِعُ: الإِنْعَامُ وَ، الإِعْطَاءُ وَ، الإِطْعَامُ

﴿١٠﴾ الصادق عليه السلام: لَنْ يَسْتَطِيعَ أَحَدٌ أَنْ يَشْكُرَ النِّعْمَ بِمِثْلِ الإِحْسَانِ بِهَا؛ مشكاة الأنوار ص: ٢٨٥

﴿١١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِلَهِي فَأَيُّ نِعَمِكَ أَشْكُرُ مَا ابْتَدَأْتَنِي مِنْهَا بَلَا اسْتِحْقَاقٍ أَوْ حِلْمِكَ عَنِّي بِإِدَامَةِ النِّعَمِ وَ زِيَادَتِكَ إِيَّايَ كَأَنِّي مِنَ الْمُحْسِنِينَ الشَّاكِرِينَ وَ لَسْتُ مِنْهُمْ؛ بحار الأنوار ج: ٩٧ ص: ٤٢٠

١-١-١-٠٥- أَخَذُ مَا آتَاهُ اللَّهُ

﴿١٢﴾ قَالَ يَا مُوسَى إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَتِي وَ بِكَلَامِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَ كُنْ مِنَ

الشَّاكِرِينَ؛ الأعراف: الآية ١٤٤

﴿١٣﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا قَالَ عَرَفْنَاهُ إِمَّا آخِذٌ وَ إِمَّا تَارِكٌ؛

الكافي ج: ١ ص: ١٦٣

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۵﴾ پیامبر ﷺ بر کنار انگشتان پاهایشان ده سال ایستادند تا اینکه به خاطر نماز شب پاهایشان ورم کرد و صورتشان زرد شد؛ پس خداوند نازل کرد: "طه، ما قرآن را بر تو فرو نفرستادیم که خود را هلاک کنی". و پیامبر ﷺ گریه می کردند تا اینکه مدهوش می شدند؛ به ایشان عرض شد: آیا خداوند از گناه گذشته و آینده ی تو درنگدشت؟ پس فرمودند: حال که چنین است آیا بنده ی شکرگزاری نباشم؟

﴿۶﴾ پیامبر خدا ﷺ شبی که نوبت عایشه بود نزد او بود. او، به پیامبر ﷺ گفت: ای پیامبر خدا، با آنکه خدا گناه گذشته و آینده‌ی تو را آمرزیده است چرا خودت را به رنج می‌اندازی؟ فرمود: ای عایشه، آیا من بنده‌ی سپاسگزار خدا نباشم؟ و عایشه گفت: پیامبر خدا ﷺ روی کناره‌های انگشتان پایش می‌ایستاد تا اینکه خدای سبحانه و تعالی چنین نازل فرمود: "طه ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که به زحمت افتی".

﴿۷﴾ پیامبر اکرم ﷺ به حدی در عبادت کوشا بود و به قدری نماز می‌خواند که پاهای مبارکش ورم می‌کرد و در پاسخ اصحاب می‌فرمود: آیا نباید بنده‌ی سپاسگزاری باشم؟

﴿۸﴾ آیا نمی‌دانی همانا خدای تعالی گناهان قبل و بعد جدّ من پیامبر خدا ﷺ را آمرزید با این اوصاف او هرگز از تلاش برای عبادت فروگذار نکرد و پدر و مادرم فدای او که آن قدر عبادت کرد تا اینکه ساق و کف دو پای مبارکش متورّم شد. به پیامبر خدا ﷺ عرض شد: چرا شما این قدر زیاد خدا را عبادت می‌کنید، درحالی‌که خدای تعالی گناهان گذشته و آینده‌تان را آمرزیده است؟ پیامبر خدا ﷺ فرمود: درست است، ولی آیا من نباید بنده‌ی شاکری باشم (به سبب مرحمتی که حق تعالی در این آموزش به من روا داشته است؟).

۳-۱-۱-۱- شکیبایی بر جفا

﴿۹﴾ هر کس تحمل بدگویی مردم را نداشته باشد، در برابر نعمت دیگران شکرگزار نیست.

۴-۱-۱- نیکی کردن و ر.به: نعمت دادن و ر.به: بخشش و ر.به: غذا دادن

﴿۱۰﴾ هرگز کسی نمی‌تواند شکر نعمتی را بهتر از احسان کردن با آن به جا بیاورد.

﴿۱۱﴾ خدایا، کدام‌یک از نعمت‌هایت را شکر گویم؟ آن را که بدون آنکه استحقاقش را داشته باشم از ابتدای خلقتم به من بخشیدی و یا بردباری تو در تداوم و فزونی نعمت‌ها بر من چنان است که گویا من از نیکوکاران شکر گزارم؟ درحالی‌که از آنان نیستم.

۵-۱-۱-۱- گرفتن آنچه خدا عطا می کند

﴿۱۲﴾ خداوند فرمود: ای موسی من تو را به مقام پیام‌رسان خود و هم‌صحبتی با خویش، بر سایر مردم برگزیدم، پس آنچه که به تو دادم کاملاً فراگیر و از شکرگزاران باش.

﴿۱۳﴾ همانا او را (انسان را) به راه (راست) هدایت کردیم، خواه شکرگزار باشد (و در راه قرارگیرد) یا کفران نموده (به بی‌راهه برود) گفت: یعنی شناسانیدیم آن را، خواه بگیرد که چه گفتیم و خواه گفتار ما را ترک کند.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٤﴾ الباقر عليه السلام: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا قَالَ إِمَّا أَخِذْ فَشَاكِرٌ وَإِمَّا تَارِكٌ فَكَافِرٌ؛ وسائل الشيعة ج: ١ ص: ٣٦

﴿١٥﴾ الصادق عليه السلام: فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا قَالَ عَرَفْنَاهُ إِمَّا أَخِذًا وَإِمَّا تَارِكًا؛ بحار الأنوار ج: ٥ ص: ١٩٦

﴿١٦﴾ الصادق عليه السلام: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا قَالَ عَلَّمَهُ السَّبِيلَ فَأَمَّا أَخِذٌ فَهُوَ شَاكِرٌ وَإِمَّا تَارِكٌ فَهُوَ كَافِرٌ؛ بحار الأنوار ج: ٥ ص: ٣٠٢

﴿١٧﴾ الصادق عليه السلام: فَمَا ذَلِكَ الْقُرْآنُ عَلَيْهِ مِنْ صِفَتِهِ فَاتَّبِعْهُ لِيُوصَلَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مَعْرِفَتِهِ وَانْتِمَ بِهِ وَاسْتَضَى بِنُورِ هِدَايَتِهِ فَإِنَّهَا نِعْمَةٌ وَحِكْمَةٌ أَوْتِيَتْهُمَا فَخُذْ مَا أُوتِيتَ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٤ ص: ٢٧٦

﴿١٨﴾ الصادق عليه السلام: فَأَنْتَبَهَ آدَمُ مِنْ نَوْمِهِ وَقَالَ يَا رَبِّ مَنْ هَذِهِ فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى هِيَ أُمِّي حَوَاءُ قَالَ يَا رَبِّ لِمَنْ خَلَقْتَهَا قَالَ لِمَنْ أَخَذَهَا بِالْأَمَانَةِ وَأَصْدَقَهَا الشُّكْرَ قَالَ يَا رَبِّ أَقْبَلَهَا عَلَى هَذَا فَزَوَّجْنِيهَا؛ مستدرک الوسائل ج: ١٤ ص: ٣٢٤

١-١-١٠٠٦- الإخلاصُ و راجع: الخشوعُ و الإخلاصُ

١-١-١٠٠٧- أَدَاءُ مَا فَرَضَ اللَّهُ، أَدَاءُ حَقِّ اللَّهِ و راجع: الجزاءُ

﴿١٩﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ آدَى مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَقَدْ قَضَى مَا عَلَيْهِ وَآدَى شُكْرَ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي مَالِهِ إِذَا هُوَ حَمِيدٌ عَلَى مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِيهِ مِمَّا فَضَّلَهُ بِهِ مِنَ السَّعَةِ عَلَى غَيْرِهِ وَلِمَا وَفَّقَهُ لِأَدَاءِ مَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ وَآغَانَهُ عَلَيْهِ؛ الكافي ج: ٣ ص: ٤٩٨

﴿٢٠﴾ الرسول ﷺ: أَسْأَلُكَ شُكْرَ نِعْمَتِكَ وَ... أَدَاءَ حَقِّكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٢

﴿٢١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَلَيْسَ شُكْرِي وَإِنْ دَأَبْتُ مِنْهُ فِي الْمَقَالِ وَبَالَغْتُ مِنْهُ فِي الْفَعَالِ بِبَالِغِ أَدَاءِ حَقِّكَ؛ مهج الدعوات ص: ١٢٩

١-١-١٠٠٨- أَدَاءُ حَقِّ النِّعْمَةِ و راجع: جَزَاءُ حَقِّ النِّعْمَةِ و راجع: قَضَاءُ حَقِّ الْمَعْرُوفِ و راجع: الْقِيَامُ بِحَقُوقِ النِّعْمَةِ

﴿٢٢﴾ الصادق عليه السلام: أَحْسِنُوا جَوَارِ النِّعَمِ قُلْتُ وَ مَا حُسْنُ جَوَارِ النِّعَمِ قَالَ الشُّكْرُ لِمَنْ أَنْعَمَ بِهَا وَ أَدَاءُ حَقُوقِهَا؛ الكافي ج: ٤ ص: ٣٨

١-١-١٠٠٩- أَدَاءُ حَقِّ الْمَالِ

﴿٢٣﴾ الرسول ﷺ: وَ أَمَّا الْمَالُ فَإِنَّ الْمَخْرَجَ مِنْهُ شُكْرُ النِّعْمَةِ وَ أَدَاءُ حَقِّهِ؛ بحار الأنوار ج: ٢ ص: ٤٢

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۴﴾ از امام باقر علیه السلام سؤال کردم، درباره‌ی بیان حق تعالی که فرموده است: "همانا ما او را به راه هدایت کردیم خواه سپاس گوید و خواه ناسپاسی ورزد" در جواب فرمود: یا انسان راه خدا را در پیش می‌گیری و از هدایت الهی پیروی می‌کنی، که در این حالت او شکرگزار است، یا راه خدا را ترک می‌کنی و از هدایت الهی سرپیچی می‌کنی، که در این صورت او کفران‌کننده است.

﴿۱۵﴾ درباره آیه‌ی: "ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس"، فرمود: راه را به او شناسانندیم خواه بگردد یا واگذارد.

﴿۱۶﴾ از امام صادق (علیه السلام) درباره‌ی کلام خداوند که می‌فرماید: "ما راه را به‌او نمودیم، یا سپاسگزار خواهد بود و یا ناسپاس" فرمود: راه را به او تعلیم کرد، اگر آن را بگیرد شاکر است و اگر ترک کند کافر است.

﴿۱۷﴾ آنچه را که قرآن از توصیف خداوند ما را بدان راهنمایی نمود، پیروی کن تا بین تو و بین معرفت او پیوند برقرار کند و او را پیشوای خود قرار ده و از نور هدایتش روشنی بجوی که آن نعمت و حکمت است که به تو داده شده است پس آنچه را که به تو داده شد بگیر و از شاکران باش.

﴿۱۸﴾ آدم از خواب بیدار شد و گفت: ای پروردگار من، این کیست؟ خداوند متعال فرمود: این بنده‌ی من حوا است. گفت: پروردگارا او را برای که خلق کرده‌ای؟ گفت: برای کسی که او را امانت بگیرد و شکر را مهریه‌ی او کند. گفت: پروردگارم، با این مهریه او را قبول می‌کنم پس او را به عقد درآورد.

٠٦-١-١-١-اخلاص و.ر.به: تواضع قلبی و اخلاص

۷-۱-۱- به جای آوردن آنچه خدا واجب کرده، به جای آوردن حق خدا و ر. به: پاداش

﴿۱۹﴾ هرکس که آنچه را خدا بر او واجب کرده است ادا کند، وظیفه‌ی خویش را به انجام رسانیده است، و هر که خدا را بر نعمتی که به او عطا کرده و فضیلتی که به او بیش از بر دیگران داده است و اینکه او را موفق داشته و کمک کرده است تا بتواند وظیفه‌ی خویش را ادا کند بستاند شکر نعمت مالی را که خداوند از به او ارزانی داشته به‌جا آورده است.

﴿۲۰﴾ پروردگارا، از تو، توفیق، شکرگزاری بر نعمت و... ادای حقوق را خواهیم.

﴿۲۱﴾ شکر و سپاسگزاری من به هراندامای که با زبان برای ادای آن بکوشم، و به هرمقدار که در عمل برای تحقق آن تلاش کنم، حق تو را ادا نمی‌کند.

۰۸-۱-۱-۱- به جای آوردن حق نعمت و ر.به: پاداش حق نعمت و ر.به: قضای حق

نعمت و ربه: به یا خواستن برای ادای حقوق نعمت

﴿۲۲﴾ از حریم نعمت‌های الهی پاسداری کنید. گفتم: پاسداری از حریم نعمت در چیست؟ ابو عبدالله گفت: سیاس از بخشنده‌ی نعمت و ادای حق آن.

۹-۱-۱- به جای آوردن حق مال

﴿۲۳﴾ و اما مال و دارایی پس راه بیرون رفتن از آن به جا آوردن شکر نعمت و ادای حق آن است.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٤﴾ الصادق عليه السلام: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: هَلْ لِلشُّكْرِ حَدٌّ إِذَا فَعَلَهُ الْعَبْدُ كَانَ شَاكِرًا قَالَ نَعَمْ قُلْتُ مَا هُوَ قَالَ يَحْمَدُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ عَلَيْهِ فِي أَهْلٍ وَمَالٍ وَإِنْ كَانَ فِيمَا أَنْعَمَ عَلَيْهِ فِي مَالِهِ حَقٌّ آدَاهُ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٥

١٠-١-١-١٠- إشتكثار الرزق

﴿٢٥﴾ الباقر عليه السلام: يَا جَابِرُ اسْتَكْثِرْ لِنَفْسِكَ مِنَ اللَّهِ قَلِيلَ الرِّزْقِ تَخْلُصًا إِلَى الشُّكْرِ وَاسْتَقْلِلْ مِنْ نَفْسِكَ كَثِيرَ الطَّاعَةِ لِلَّهِ إِزْرَاءً عَلَى النَّفْسِ وَتَعَرُّضًا لِلْعَفْوِ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ١٦٢

١١-١-١-١١- أصل من أصول معاملته الله

﴿٢٦﴾ الصادق عليه السلام: أَمَّا أَصُولُ مُعَامَلَةِ اللَّهِ تَعَالَى فَسَبْعَةُ أَشْيَاءَ آدَاءُ حَقِّهِ وَحِفْظُ حُدُودِهِ وَشُكْرُ عَطَائِهِ وَالرِّضَا بِقَضَائِهِ وَالصَّبْرُ عَلَى بَلَائِهِ وَتَعْظِيمُ حُرْمَتِهِ وَالشُّوقُ إِلَيْهِ؛ مصباح الشريعة ص: ٥

١٢-١-١-١٢- الإطعام وراجع: الإحسان وراجع: الإنعام

﴿٢٧﴾ الصادق عليه السلام: فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ سَلْ مِنْ زِيَادَةِ الْعُمْرِ مَا أَحْبَبْتَ تُعْطَهُ قَالَ فَأَخْبَرَ إِبْرَاهِيمَ سَارَةَ بِذَلِكَ فَقَالَتْ لَهُ سَلِ اللَّهُ أَنْ لَا يُمِيتَكَ حَتَّى تَكُونَ أَنْتَ الَّذِي تَسْأَلُهُ الْمَوْتَ قَالَ فَسَأَلَ إِبْرَاهِيمَ رَبَّهُ ذَلِكَ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ ذَلِكَ لَكَ قَالَ فَأَخْبَرَ إِبْرَاهِيمَ سَارَةَ بِمَا أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ فِي ذَلِكَ فَقَالَتْ سَارَةُ لِإِبْرَاهِيمَ اشْكُرْ لِلَّهِ وَاعْمَلْ طَعَامًا وَادْعُ عَلَيْهِ الْفُقَرَاءَ وَ أَهْلَ الْحَاجَةِ؛ بحار الأنوار ج: ١٢ ص: ٧٩

١٣-١-١-١٣- إظهار الغنى

﴿٢٨﴾ إظهار الغنى من الشُّكْرِ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٩

١٤-١-١-١٤- الإعترافُ بنعم الله

﴿٢٩﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: قَدْ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ اعْتَرَفُوا بِنِعْمَةِ اللَّهِ رَبِّكُمْ عَزَّ وَجَلَّ وَتَوَبُّوا إِلَيْهِ مِنْ جَمِيعِ ذُنُوبِكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الشَّاكِرِينَ مِنْ عِبَادِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٤٨ ص: ١٥٢

﴿٣٠﴾ الصادق عليه السلام: اعْتَرَفْ بِحُسْنِ صَنَائِعِ اللَّهِ إِلَيَّ وَ أَبْوْءْ عَلَى نَفْسِي بِقِلَّةِ الشُّكْرِ؛

المصباح للكفعمي ص: ٨٤

﴿٣١﴾ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ، وَ لَا تُذْهِبْ عَنِّي شُكْرَكَ، بَلْ الزَّمْنِيهِ فِي أَحْوَالِ السَّهْوِ عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِينَ لِأَلَايِكَ، وَ أَوْزِعْنِي أَنْ أَثْنِيَ بِمَا أَوْلَيْتَنِيهِ، وَ اعْتَرِفَ بِمَا أَسَدَيْتَنِي إِلَيَّ؛ الصحيفة السجادية

عليه السلام ص: ٢٢٨

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۴﴾ به امام صادق علیه السلام عرض کردم آیا شکر حدی دارد که هرگاه بنده‌ای آن را انجام داد شکرگزار محسوب گردد، فرمود: آری، عرض کردم: آن چیست؟ فرمود: خداوند را در هر نعمتی که به او و خاندانش می‌رسد سپاس گوید، که در این صورت حق مالی را که به او رسیده ادا کرده است.

۱۰-۱-۱-۱-۱-زیادشمردن روزی

﴿۲۵﴾ ای جابر، رزق اندک خدا را برای خود زیاد شمار، تا راه به شکر پیدا کنی، و اطاعت و بندگی زیاد خود را کم بشمار تا نفس خود را سرزنش کرده باشی و راه به عفو و بخشش او پیدا کنی.

۱۱-۱-۱-۱-۱-اصلی از اصول معامله با خدا

﴿۲۶﴾ اصول معامله کردن با خداوند در هفت چیز است: ادای حق او و نگهداشتن حد او و شکر نعمتش و راضی بودن به قضا و قدرش و صبر بر بلاهایش و بزرگداشتن حرمتش و شوق به درگاهش.

۱۲-۱-۱-۱-۱-غذا دادن و ر. به: نیکی کردن و ر. به: نعمت دادن

﴿۲۷﴾ خداوند به او وحی کرد که هرچه عمر طولانی بخواهی می‌دهم. آن حضرت به ساره خبر داد که خدا چنین فرموده است. ساره گفت: از خدا بخواه که تو را نمیراند تا زمانی که تو از او بخواهی. آن حضرت آنچه را که ساره گفته بود از خداوند درخواست کرد، و خدای تعالی پذیرفت. آن حضرت ساره را از پاسخ مطلع نمود، ساره گفت برای شکرانه‌ی این نعمت که خدا به تو عنایت کرده، غذایی آماده کن و فقرا و نیازمندان را دعوت کن که بر سر سفره‌ی تو حاضر شوند.

۱۳-۱-۱-۱-۱-اظهار توانگری

﴿۲۸﴾ اظهار توانگری، نوعی شکر است.

۱۴-۱-۱-۱-۱-اقرار کردن به نعمت‌های خدا

﴿۲۹﴾ از پیامبر اکرم شنیده شد که فرمود: به نعمت پروردگارتان اعتراف کنید و از تمام گناهانتان توبه کنید، زیرا خداوند بندگان شکرگزار خود را دوست می‌دارد.

﴿۳۰﴾ من به لطف خداوند نسبت به خود معترفم و اقرار می‌کنم که در مقابل این همه عنایت، شکر ناچیزی می‌کنم.

﴿۳۱﴾ پروردگارا، یاد خود را از یادم میر و شکر و سپاس خود را از من زایل مکن، بلکه آن را در حالات غفلت، هنگام فراموشی‌های نادانان نسبت به نعمت‌هایت، همیشه همراه من قرار ده، و به من الهام کن که آنچه را به من عطا کرده‌ای ستایش کنم، و به آنچه به من لطف کرده‌ای اقرار کنم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٢﴾ الرسول ﷺ: اِعْتَرِفُوا بِنِعَمِ اللَّهِ رَبِّكُمْ وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ مِنْ جَمِيعِ ذُنُوبِكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الشَّاكِرِينَ مِنْ عِبَادِهِ؛ وسائل الشيعة ج: ١٦ ص: ٧٦

١٥-١-١- الإعتِرافُ بِأَنَّ الشُّكْرَ مِنَ اللَّهِ

﴿٣٣﴾ الرسول ﷺ: أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَى دَاوُدَ أَنْ اشْكُرْنِي يَا دَاوُدَ فَقَالَ ﷺ: أَنَّى لِي يَا رَبَّ بِشُكْرِكَ وَحَمْدِكَ وَشُكْرِي وَحَمْدِي إِيَّاكَ مِنْ نِعْمِكَ فَقَالَ يَا دَاوُدُ كَفَى لَكَ بِذَلِكَ شُكْرًا إِذَا اعْتَرَفْتَ بِأَنَّ شُكْرَكَ لِي مِنْ نِعْمِي؛ عوالي اللآلي ج: ٤ ص: ٩٨

﴿٣٤﴾ الصادق ﷺ: أَوْحَى اللَّهُ إِلَى دَاوُدَ ﷺ: اشْكُرْنِي حَقَّ شُكْرِي قَالَ إِلَهِي أَشْكُرُكَ حَقَّ شُكْرِكَ وَشُكْرِي إِيَّاكَ نِعْمَةً مِنْكَ فَقَالَ الْآنَ شَكَرْتَنِي وَقَالَ دَاوُدُ ﷺ: يَا رَبُّ وَكَيْفَ كَانَ أَدَمُ يَشْكُرُكَ حَقَّ شُكْرِكَ وَقَدْ جَعَلْتَهُ أَبَائِيَّائِكَ وَصَفْوَتَكَ وَاسْجَدْتَ لَهُ مَلَائِكَتَكَ فَقَالَ إِنَّهُ عَرَفَ أَنَّ ذَلِكَ مِنْ عِنْدِي فَكَانَ اعْتِرَافُهُ بِذَلِكَ حَقَّ شُكْرِي؛ بحار الأنوار ج: ١٤ ص: ٢٠

١٦-١-١- الإعتِرافُ بِالْعَجْزِ وَالتَّقْصِيرِ عَنْ بُلُوغِ أَذْنَى شُكْرِهِ

﴿٣٥﴾ الصادق ﷺ: تَمَامُ الشُّكْرِ اعْتِرَافُ لِسَانِ السَّارِّ خَاضِعًا لِلَّهِ تَعَالَى بِالْعَجْزِ عَنْ بُلُوغِ أَذْنَى شُكْرِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٥٢

﴿٣٦﴾ السَّجَاد ﷺ: سُبْحَانَ مَنْ جَعَلَ الْاعْتِرَافَ بِالنِّعْمَةِ لَهُ حَمْدًا سُبْحَانَ مَنْ جَعَلَ الْاعْتِرَافَ بِالْعَجْزِ عَنِ الشُّكْرِ شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ١٤٢

﴿٣٧﴾ الرسول ﷺ: طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ وَ هُوَ عِلْمُ الْإِنْفُسِ فَيَجِبُ أَنْ يَكُونَ نَفْسُ الْمُؤْمِنِ عَلَى كُلِّ حَالٍ فِي شُكْرِ أَوْ عُذْرِ عَلَى مَعْنَى إِنْ قَبِلَ فَفَضْلٌ وَإِنْ رُدَّ فَعَدْلٌ؛ بحار الأنوار ج: ٦٧ ص: ٦٨

﴿٣٨﴾ الصادق ﷺ: يَا مُوسَى اشْكُرْنِي حَقَّ شُكْرِي فَقَالَ يَا رَبُّ وَكَيْفَ أَشْكُرُكَ حَقَّ شُكْرِكَ وَ لَيْسَ مِنْ شُكْرِ أَشْكُرُكَ بِهِ إِلَّا وَأَنْتَ أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ قَالَ يَا مُوسَى الْآنَ شَكَرْتَنِي حِينَ عَلِمْتَ أَنَّ ذَلِكَ مِنِّي؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٨

﴿٣٩﴾ أمير المؤمنين ﷺ: أَوْحَى اللَّهُ إِلَى دَاوُدَ يَا دَاوُدَ اشْكُرْنِي قَالَ وَكَيْفَ أَشْكُرُكَ يَا رَبُّ وَ الشُّكْرُ مِنْ نِعْمِكَ تَسْتَحِقُّ عَلَيْهِ شُكْرًا قَالَ يَا دَاوُدَ رَضِيتُ بِهَذَا الْاعْتِرَافِ مِنْكَ شُكْرًا؛ عدة الداعي ص: ٢٣٩

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۲﴾ به نعمت‌های خدایی که پروردگار شماست اعتراف کنید و از تمامی گناهای که مرتکب شده‌اید به‌سوی خدای تعالی بازگشت کنید؛ که همانا خداوند دوستدار بنده‌های شکرگزارش می‌باشد.

۱۵-۱-۱- اقرار به اینکه شکر از جانب خداست

﴿۳۳﴾ خداوند به حضرت داود علیه السلام وحی کرد: ای داود، مرا شکر کن. داود علیه السلام گفت: پروردگارا، من چگونه می‌توانم شکر و سپاس را به‌جا آورم در صورتی که همین شکر و سپاس از نعمت‌های تو هستند پس حق تعالی فرمود: ای داود، همین اعتراف به اینکه شکر تو هم از نعمت‌های من است برای شکرگزاری کفایت می‌کند.

﴿۳۴﴾ خدای تعالی به داود علیه السلام وحی نمود که: (ای داود) مرا آن‌چنان که شایسته است شکر کن. داود گفت: پروردگارا، چگونه حق شکر تو را به‌جای آورم، حال آنکه من خوب می‌دانم شکرگزاری من نیز نعمتی از سوی توست (که به من ارزانی داشته‌ای) پس حق تعالی فرمود: الآن شکر مرا به‌جای آوردی. (اینکه دانستی همه‌چیز، حتی شکر تو از جانب من است همان حق شکرگزاری خداوندی من است). داود گفت: ای پروردگارم، حضرت آدم چگونه توانست شکر تو را به‌جا آورد، درحالی که تو او را پدر پیامبرانت قرار دادی و او را ریشه و اصل تمام خوبان نمودی و به تمام فرشتگان امر کردی در برابرش سجده نمایند؟ پس حق تعالی فرمود: همانا (آدم) می‌دانست که (همه‌ی آن نعمت‌ها که ذکر کردی) از جانب من است پس (این را بدان که) اعترافش به این مطلب، همان به‌جا آوردن حق شکر من است.

۱۶-۱-۱- اقرار به عاجز بودن و ناتوانی خود از رسیدن به کمترین مرتبه از مراتب شکر

﴿۳۵﴾ همه‌ی شکر آن است که با زبان دل اعتراف کند و نزد خداوند با خشوع و عجز اقرار نماید که هرگز توان شکر ندارد.

﴿۳۶﴾ منزّه است خداوندی که اعتراف به نعمت را به‌عنوان سپاس قرار داد و منزّه است خدایی که اعتراف به ناتوانی از شکر را شکر قرار داد.

﴿۳۷﴾ طلب علم بر هر زن مسلمان و مرد مسلمان واجب می‌باشد و آن علم نفس می‌باشد، لازم است نفس مؤمن در هر حال یا شاکر باشد یا عذرخواه، به این معنی که اگر مورد قبول قرار گرفت برای آن فضیلتی هم داشته باشد و اگر رد شد در آن باره با او به عدالت رفتار شود.

﴿۳۸﴾ ای موسی حق شکر مرا ادا کن. موسی علیه السلام عرض کرد: خداوند، من چگونه می‌توانم حق شکر تو را ادا کنم با اینکه هر شکری که به‌جا آورم آن خود نعمتی است که تو به من عنایت فرموده‌ای؟ خطاب رسید: ای موسی، اکنون که دانستی این توفیق هم از من است، شکر مرا ادا کردی.

﴿۳۹﴾ خدای تعالی به داود وحی فرمود: ای داود خدا را شکر کن داود گفت: پروردگارا، چگونه تو را شکر کنم درحالی که توفیق شکرگزاری، خودش از نعمت‌های توست که باید بر آن هم شکر کرد خداوند فرمود: ای داود به این اقرار به ناتوانی از ادای شکر، بسنده می‌کنم (و آن را به عنوان شکر از تو می‌پذیرم).

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٤٠﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ أَخْلَصَ بَاطِنَهُ لِلَّهِ وَخَشَعَ لَهُ بَقْلَبَهُ وَرَأَى نَفْسَهُ مُقَصِّرًا بَعْدَ بَذْلِ كُلِّ مَجْهُودٍ وَجَدَ الشُّكْرَ عَلَيْهِ حَاصِلًا فَيَكُونُ مِمَّنْ يُرْجَى لَهُ الْخَلَاصُ مِنَ الرِّيَاءِ وَالتَّفَاقُ إِذَا اسْتَقَامَ عَلَى ذَلِكَ فِي كُلِّ حَالٍ؛ مستدرک الوسائل ج: ١ ص: ١٠٧

١٧-١-١- الإِعْتِرَافُ بِحَقُوقِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ

﴿٤١﴾ العسكري عليه السلام: وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ لَا تَشْكُرُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِشَيْءٍ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَبَعْدَ الْإِعْتِرَافِ بِحَقُوقِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنْ مُعَاوَنَتِكُمْ لِإِخْوَانِكُمُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى دُنْيَاهُمْ الَّتِي هِيَ مَعْبَرَتُهُمْ إِلَى جَنَانِ رَبِّهِمْ؛ بحار الأنوار ج: ٤٩ ص: ١٨٢

١٨-١-١- إِعْطَاءُ النِّعَمِ بِمُسْتَحَقِّهَا وَرَاجِعُ: الْإِنْعَامُ وَالْإِحْسَانُ بِالنِّعْمَةِ

﴿٤٢﴾ الصادق عليه السلام: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ إِنِّي شَيْخٌ كَثِيرُ الْعِيَالِ ضَعِيفُ الرُّكْنِ قَلِيلُ الشَّيْءِ فَهَلْ مِنْ مَعُونَةٍ عَلَى زَمَانِي فَنَظَرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِلَى أَصْحَابِهِ وَنَظَرَ إِلَيْهِ أَصْحَابُهُ وَقَالَ قَدْ أَسْمَعْنَا الْقَوْلَ وَاسْمَعَكُمْ فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ كُنْتُ مِثْلَكَ بِالْأَمْسِ فَذَهَبَ بِهِ إِلَى مَنْزِلِهِ فَأَعْطَاهُ مِرْوَدًا مِنْ تَبَرٍ وَكَانُوا يَتَبَايَعُونَ بِالتَّبَرِ وَهُوَ الذَّهَبُ وَالْفِضَّةُ فَقَالَ الشَّيْخُ هَذَا كُلُّهُ قَالَ نَعَمْ فَقَالَ الشَّيْخُ أَقْبَلْ تَبَرَكْ فَإِنِّي لَسْتُ بِجَنَىٍّ وَلَا إِنْسِيٍّ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ لِأُبْلُوكَ فَوَجَدْتُكَ شَاكِرًا فَجَزَاكَ اللَّهُ خَيْرًا؛ الكافي ج: ٤ ص: ٤٨

١٩-١-١- إِعْظَامُ الْأَمْرِ

﴿٤٣﴾ الباقر عليه السلام: نَقُولُ لَكَ مَا قُلْنَا تَقَرُّبًا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِتَوْقِيرِكَ وَتَوْسَعًا بِتَفْضِيلِكَ وَشُكْرًا بِإِعْظَامِ أَمْرِكَ؛ الكافي ج: ٨ ص: ٣٥٥

٢٠-١-١- الإِقْرَارُ بِأَيَادِي اللَّهِ وَرَاجِعُ: الْإِعْتِرَافُ

﴿٤٤﴾ الرسول ﷺ: أَشْكُرُكَ شُكْرَ مُقِرٍّ بِأَيَادِيكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٢٨٠

٢١-١-١- الْأَكْلُ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ

﴿٤٥﴾ إِنَّ دَاوُدَ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ: يَا رَبِّ أَخْبِرْنِي بِقَرِينِي فِي الْجَنَّةِ وَنَظِيرِي فِي مَنْزِلِي فَأَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَيْهِ أَنَّ ذَلِكَ مَتَّى أَبَا يُونُسَ قَالَ فَاسْتَأْذَنَ اللَّهَ فِي زيارَتِهِ فَأَذِنَ لَهُ فَخَرَجَ هُوَ وَسُلَيْمَانُ ابْنُهُ ﷺ حَتَّى آتَيَا مَوْضِعَهُ فَإِذَا هُمَا بَنِيَّتٌ مِنْ سَعَفٍ فَقِيلَ لَهُمَا هُوَ فِي السُّوقِ فَسَأَلَا عَنْهُ فَقِيلَ لَهُمَا اظْلُبَاهُ فِي الْحَطَّابِينَ فَسَأَلَا عَنْهُ فَقَالَ لَهُمَا جَمَاعَةٌ مِنَ النَّاسِ نَحْنُ نَنْتَظِرُهُ الْآنَ يَجِيءُ فَجَلَسَا يَنْتَظِرَانِهِ إِذَا أَقْبَلَ وَ عَلَى رَأْسِهِ وَفَرُّ مِنْ حَطَبٍ فَقَامَ إِلَيْهِ النَّاسُ فَأَلْقَى عَنْهُ الْحَطَبَ وَحَمِدَ اللَّهُ وَقَالَ مَنْ يَشْتَرِي

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۴۰﴾ اما کسی که باطنش را برای خداوند خالص کند و دلش خاشع گردد و خود را مقصر و ذلیل بداند و کوشش کند و همواره شکرگزار باشد، این چنین اشخاصی امید خلاصی دارند و در صورت تداوم امید می‌رود از ریا و نفاق دور بمانند.

۱۷-۱-۱-۱-۱ اقرار به حقوق اولیای خدا

﴿۴۱﴾ بدانید که شما بعد از ایمان به خدا و اعتراف به حقوق اولیای خدا از خاندان محمد ﷺ، با فعلی محبوب‌تر از کمک به برادران دینی خود در امور دنیا که وسیله‌ی رسیدن به بهشت پروردگارشان است، نمی‌توانید شکر و سپاس پروردگار را به جا آورید.

۱۸-۱-۱-۱-۱ دادن نعمت به مستحق آن و ر.به: اعطای نعمت به دیگران

﴿۴۲﴾ مردی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: من پیری هستم که زن و فرزند فراوانی دارم کم‌توان و ندارم آیا در این گرفتاری کمکی برای من هست؟ پیامبر خدا ﷺ به اصحابشان نگاه کردند و اصحابشان هم به ایشان نگریستند و فرمودند: به گوش ما و شما رسید. مردی برخاست و به‌سوی پیرمرد رفت و گفت: من نیز قبلاً مانند تو بودم و او را با خود به منزلش برد و به او میله‌ای از طلا داد، و آن‌ها با همین میله‌های طلا و نقره داد و ستد می‌کردند. پیرمرد گفت: این، همه‌ی دارایی‌ات است؟ گفت: آری: پیرمرد گفت: آن را از تو می‌پذیرم؛ من نه از طایقه‌ی جنم و نه از انس بلکه فرستاده‌ی خدایم تا تو را امتحان نمایم و دریافتم که تو شاکری پس خداوند به تو پاداش دهد.

۱۹-۱-۱-۱-۱ بزرگداشت امر و فرمان الهی

﴿۴۳﴾ آنچه در احترام و گرامی داشت تو و گستردن فضیلت‌های تو و سپاس و بزرگداشت امر تو می‌گوییم برای نزدیک‌شدن به خدای عزیز و جلیل است.

۲۰-۱-۱-۱-۱ اقرار به نعمت‌های خداوند و ر.به: اعتراف

﴿۴۴﴾ تو را شکر می‌کنم، شکر کسی که به دریافت نعمت‌ها و کمک‌های تو اقرار دارد.

۲۱-۱-۱-۱-۱ خوردن از رزق حلال

﴿۴۵﴾ حضرت داود علی‌ه‌السلام به درگاه الهی عرض نمود: پروردگارا، هم‌نشین من در بهشت را که از نظر درجه و منزلت مانند من است به من نشان بده، خداوند به او وحی کرد: او متی پدر یونس است، داود گفت: به من اجازه بده او را ملاقات کنم، و خداوند به او اجازه داد، سپس داود با پسرش سلیمان به راه افتادند تا به مکانی رسیدند که در آنجا خانه‌ای ساخته‌شده از شاخه و برگ درخت خرما وجود داشت، در آنجا سراغ متی را گرفتند، گفتند: او در بازار است، سرانجام او را در بازار هیزم‌فروشان درحالی که پشته‌ای هیزم بر پشت داشت یافتند، درحالی که جماعتی از مردم منتظر او بودند، او هیزم را بر زمین نهاد و شکر الهی را به‌جای آورد و گفت: چه کسی کالای

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

طَبِيبًا بِطَبِّبَ فَسَاوَمَهُ وَاحِدٌ وَزَادَهُ آخَرُ حَتَّى بَاعَهُ مِنْ بَعْضِهِمْ قَالَ فَسَلَّمَا عَلَيْهِ فَقَالَ انْطَلِقَا بِنَا إِلَى الْمَنْزِلِ وَاشْتَرَى طَعَامًا بِمَا كَانَ مَعَهُ ثُمَّ طَحَنَهُ وَعَجَنَهُ فِي نَقِيرٍ لَهُ ثُمَّ أَجَجَ نَارًا وَأَوْقَدَهَا ثُمَّ جَعَلَ الْعَجِينَ فِي تِلْكَ النَّارِ وَجَلَسَ مَعَهُمَا يَتَحَدَّثُ ثُمَّ قَامَ وَقَدْ نَضِجَتْ خُبِيزَتُهُ فَوَضَعَهَا فِي النَّقِيرِ وَفَلَقَهَا وَذَرَّ عَلَيْهَا مِلْحًا وَوَضَعَ إِلَى جَنْبِهِ مِطْهَرَةً مَلَأَ [مِلْتًا] مَاءً وَجَلَسَ عَلَى رُكْبَتَيْهِ وَأَخَذَ لُقْمَةً فَلَمَّا رَفَعَهَا إِلَى فِيهِ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ فَلَمَّا أَزْدَرَدَهَا قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ ثُمَّ فَعَلَ ذَلِكَ بِأُخْرَى وَأُخْرَى ثُمَّ أَخَذَ الْمَاءَ فَشَرِبَ مِنْهُ فَذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ فَلَمَّا وَضَعَهُ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ يَا رَبِّ مَنْ ذَا الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَأَوْلَيْتَهُ مِثْلَ مَا أَوْلَيْتَنِي قَدْ صَحَّحْتَ بَصْرِي وَسَمِعِي وَبَدَنِي وَقَوَّيْتَنِي حَتَّى ذَهَبْتُ إِلَى الشَّجَرِ لَمْ أَغْرَسْهُ وَلَمْ أَهْتَمَّ لِحِفْظِهِ جَعَلْتَهُ لِي رِزْقًا وَسَقَيْتَ إِلَيَّ مِنْ اشْتِرَائِهِ مِنِّي فَاشْتَرَيْتُ بِثَمَنِهِ طَعَامًا لَمْ أَزْرَعْهُ وَسَخَّرْتَ لِي النَّارَ فَأَنْضَجْتُهُ وَجَعَلْتَنِي أَكْلُهُ بِشَهْوَةٍ أَقْوَى بِهِ عَلَى طَاعَتِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ قَالَ ثُمَّ بَكَى قَالَ دَاوُدُ يَا بُنَيَّ قُمْ فَأَنْصَرِفْ بِنَا فَإِنِّي لَمْ أَرْ عَبْدًا قَطُّ أَشْكُرَ لِلَّهِ مِنْ هَذَا؛

بحار الأنوار ج: ١٤ ص: ٤٠٢

٢٢-١-١-١- الإنعامُ بالنَّعمَةِ و راجع: إعطاءُ النَّعمِ بِمُسْتَحَقِّهَا و راجع: الإطعامُ

﴿٤٦﴾ إِذَا أَنْعَمْتَ بِالنَّعْمَةِ فَقَدْ فَضَيْتَ وَ شُكْرُهَا؛ غررالحكم ص: ٢٧٧

﴿٤٧﴾ لَنْ يَسْتَطِيعَ أَحَدٌ أَنْ يَشْكُرَ النَّعْمَ بِمِثْلِ الْإِنْعَامِ بِهَا؛ غررالحكم ص: ٢٧٩

﴿٤٨﴾ أَحْسَنُ شُكْرِ النَّعْمِ الْإِنْعَامُ بِهَا؛ غررالحكم ص: ٢٧٩

٢٣-١-١-١- الإنقطاعُ وَ التَّفَرُّدُ وَ التَّجَرُّدُ

﴿٤٩﴾ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): أَعْنَى بِانْقِطَاعِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ وَ تَفَرُّدِي بِالتَّهَجُّدِ لَكَ وَ تَجَرُّدِي [و تَجَرُّدِي

بِسُكُونِي إِلَيْكَ] عِنْدَ شُكْرِي لَكَ؛ إقبال الأعمال ص: ٣٥٧

٢٤-١-١-١- إنكارُ الجَفَاءِ

﴿٥٠﴾ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): مَنْ لَمْ يُنْكِرِ الْجَفْوَةَ لَمْ يَشْكُرِ النَّعْمَةَ؛ بحار الأنوار ج: ٤٨ ص: ٤٢

﴿٥١﴾ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): مَنْ لَمْ تُغْضِبِهِ الْجَفْوَةُ لَمْ يَشْكُرِ النَّعْمَةَ؛ بحار الأنوار ج: ٤٨ ص: ٤٢

٢٥-١-١-١- الإيمانُ وَ راجع: ٤-١-١- الشُّكْرُ وَ الإيمانُ

﴿٥٢﴾ الْكَاطِمُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): هُوَ مِمَّنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ... وَ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ؛

الكافي ج: ١ ص: ٤٨٣

٢٦-١-١-١- البَدَلُ

١-٢٦-١-١- بَدَلُ الْمَالِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

نیکوی مرا با کالای نیکوی دیگر معاوضه می‌کند؟ سرانجام هیزم‌ها را فروخت و به‌جای آن مقداری گندم تهیه کرد، آنگاه داود و سلیمان نزد او آمدند و بر او سلام کردند، متی پاسخ آن‌ها را داد و آن‌ها را به منزل خود دعوت کرد و طعامی خرید و آتش برافروخت و طعام را روی آن قرار داد و همراه آن دو مشغول صحبت شد، و هنگام غذاخوردن در شروع هر لقمه "بسم الله" می‌گفت و بعد از خوردن آن "الحمد لله" بر زبان می‌آورد، بعد از اتمام غذا گفت: پروردگارا، کیست که به او به اندازه‌ی من نعمت داده باشی؟ چشمم را بینا کردی و گوشتم را شنوا قرار دادی و بدنم را سلامتی و توان بخشیدی و خار و شاخه‌ی درختان را وسیله‌ی تأمین رزق من قرار دادی و کسانی را فرمان دادی که آن هیزم را از من خریداری کنند تا با پول آن طعامی را تهیه کردم که خودم آن را نکشتم و آتش را مسخّر من گردانیدی تا آن طعام را بپزم و به من اشتهایی دادی تا آن را با یاد و شکر تو تناول کنم و بدنم بر طاعت و عبادت قوت گیرد، پس حمد و سپاس شایسته‌ی توست و آنگاه گریست، سپس داود به سلیمان گفت: پسر، برخیز تا برویم من تا امروز بنده‌ای که تا این حد شاکر باشد ندیده بودم.

۲۲-۱-۱-۱- نعمت‌دادن به وسیله‌ی نعمت و.ر.به: بخشیدن نعمت به مستحق آن

و.ر.به: غذا دادن

﴿۴۶﴾ هرزمان که از نعمتی که دریافت کرده‌ای، دیگران را نیز برخوردار سازی، پس به تحقیق شکر آن را به‌جا می‌آورم.

﴿۴۷﴾ هرگز کسی نمی‌تواند شکر نعمتی را بهتر از احسان کردن با آن به‌جا بیاورد.

﴿۴۸﴾ بهترین شکر برای هر نعمتی آن است که با همان نعمت‌ها به دیگران خیر برسانی.

۲۳-۱-۱-۱- دل‌کندن و تنهایی و خلوت

﴿۴۹﴾ مرا در آن به بریدن از دیگران برای بندگی‌ات و خلوت‌گزینی برای شب‌زنده‌داری و تنهایی برای آرامش همراه با سپاسگزاری یاری کن.

۲۴-۱-۱-۱- بریدن از جفا

﴿۵۰﴾ کسی که بدخویی را زشت نداند از نعمت سپاسگزاری نخواهد کرد.

﴿۵۱﴾ کسی که از برخوردهای خشن ناراحت نشود، سپاسگزار (نعمت‌ها و رحمت‌ها هم) نخواهد بود.

۲۵-۱-۱-۱- ایمان و.ر.به: ۴-۱-۱- شکر و ایمان

﴿۵۲﴾ او به خدای یکتای بی شریک ایمان دارد... و خداوند به سپاسگزاران چنین پاداش می‌دهد.

۲۶-۱-۱-۱- بخشش

۱-۲۶-۱-۱-۱- بخشش مال

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٥٣﴾ الرسول ﷺ: أَنَّ أَبَا لُبَابَةَ وَصَاحِبَهُ لَمَّا بَشَّرَهُمُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِقَبُولِ اللَّهِ تَوْبَتَهُمْ وَ مَغْفِرَتِهِ لَهُمْ قَالُوا نَتَقَرَّبُ بِجَمِيعِ أَمْوَالِنَا شُكْرًا لِمَا أَنْعَمَ اللَّهُ بِهِ عَلَيْنَا مِنْ قَبُولِ تَوْبَتِنَا؛ فَفَهَ الْقُرْآنُ ج: ١: ص: ٢٢٢

﴿٥٤﴾ الباقِر ﷺ: كَانَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ رَجُلٌ عَابِدٌ وَكَانَ مُحَارِفًا لَا يَتَوَجَّهُ فِي شَيْءٍ فَيُصِيبَ فِيهِ شَيْئًا فَأَنْفَقَتْ عَلَيْهِ امْرَأَتُهُ حَتَّى لَمْ يَبْقَ عِنْدَهَا شَيْءٌ فَجَاعُوا يَوْمًا مِنَ الْآيَامِ فَدَفَعَتْ إِلَيْهِ نَصْلًا مِنْ غَزَلٍ وَقَالَتْ لَهُ مَا عِنْدِي غَيْرُهُ أَنْطَلِقْ فَبِعْهُ وَاشْتَرِ لَنَا شَيْئًا نَأْكُلُهُ فَاَنْطَلَقَ بِالنَّصْلِ الْغَزْلَ لِيَبِيعَهُ فَوَجَدَ السُّوقَ قَدْ غُلِقَتْ وَ وَجَدَ الْمُشْتَرِينَ قَدْ قَامُوا وَانْصَرَفُوا فَقَالَ لَوْ أَتَيْتُ هَذَا الْمَاءَ فَنَوَضَّاتُ مِنْهُ وَصَبْتُ عَلَى مِنْهُ وَانْصَرَفْتُ فَبَاءَ إِلَى الْبَحْرِ وَإِذَا هُوَ بِصَيَّادٍ قَدْ أَلْقَى شَبَكَتَهُ فَأَخْرَجَهَا وَ لَيْسَ فِيهَا إِلَّا سَمَكَةٌ رَدِيَّةٌ قَدْ مَكَثَتْ عِنْدَهُ حَتَّى صَارَتْ رَخْوَةً مُنْتِنَةً فَقَالَ لَهُ بَعْضَى هَذِهِ السَّمَكَةِ وَ أَعْطَيْكَ هَذَا الْغَزْلَ تَنْتَفِعُ بِهِ فِي شَبَكِكَ قَالَ نَعَمْ فَأَخَذَ السَّمَكَةَ وَ دَفَعَ إِلَيْهِ الْغَزْلَ وَانْصَرَفَ بِالسَّمَكَةِ إِلَى مَنْزِلِهِ فَأَخْبَرَ زَوْجَتَهُ الْخَبَرَ فَأَخَذَتِ السَّمَكَةَ لِتُضْلِحَهَا فَلَمَّا شَقَّتْهَا بَدَتْ مِنْ جَوْفِهَا لُؤْلُؤَةٌ فَدَعَتْ زَوْجَهَا فَأَرَتْهُ إِيَّاهَا فَأَخَذَهَا فَاَنْطَلَقَ بِهَا إِلَى السُّوقِ فَبَاعَهَا بِعِشْرِينَ أَلْفَ دِرْهَمٍ وَانْصَرَفَ إِلَى مَنْزِلِهِ بِالْمَالِ فَوَضَعَهُ فَإِذَا سَائِلٌ يَدُقُّ الْبَابَ وَيَقُولُ يَا أَهْلَ الدَّارِ تَصَدَّقُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ عَلَى الْمُسْكِينِ فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ ادْخُلْ فَدَخَلَ فَقَالَ لَهُ خُذْ إِحْدَى الْكَيْسَيْنِ فَأَخَذَ إِحْدَاهُمَا وَانْطَلَقَ فَقَالَتْ لَهُ امْرَأَتُهُ سُبْحَانَ اللَّهِ بَيْنَمَا نَحْنُ مِيَّاسِيرُ إِذْ ذَهَبْتَ بِنَصْفٍ يَسَارِنَا فَلَمْ يَكُنْ ذَلِكَ بِأَسْرَعَ مِنْ أَنْ دَقَّ السَّائِلُ الْبَابَ فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ ادْخُلْ فَدَخَلَ فَوَضَعَ الْكَيْسَ فِي مَكَانِهِ ثُمَّ قَالَ كُلْ هَنِيئًا مَرِيئًا إِنَّمَا أَنَا مَلَكٌ مِنْ مَلَائِكَةِ رَبِّكَ إِنَّمَا أَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُوكَ فَوَجَدَكَ شَاكِرًا ثُمَّ ذَهَبَ؛

الكافي ج: ٨: ص: ٣٨٥

﴿٥٥﴾ لَا يَحُوزُ الشُّكْرُ إِلَّا مَنْ بَدَلَ مَالَهُ؛ غُرَرُ الْحَكَمِ ص: ٣٧٦

﴿٥٦﴾ الصَّادِقُ ﷺ: مَنْ آدَى مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَقَدْ قَضَى مَا عَلَيْهِ وَ آدَى شُكْرَ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي مَالِهِ إِذَا هُوَ حَمْدُهُ عَلَى مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِيهِ مِمَّا فَضَّلَهُ بِهِ مِنَ السَّعَةِ عَلَى غَيْرِهِ وَلِمَا وَقَّعَهُ لِأَدَاءِ مَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ وَ آعَانَهُ عَلَيْهِ؛ الكافي ج: ٣: ص: ٤٩٨

٢-٢٦-١-١-١-بَذَلُ الْعِلْمِ

﴿٥٧﴾ امير المؤمنين ﷺ: شُكْرُ الْعَالَمِ عَلَى عِلْمِهِ أَنْ يُبَذَّلَ لِمَنْ يَسْتَحِقُّهُ؛ بحار الأنوار ج: ٢: ص: ٨١

٣-٢٦-١-١-بَذَلُ النِّعَمِ

﴿٥٨﴾ مَا شُكِرَتِ النِّعَمُ بِمِثْلِ بَذْلِهَا؛ غُرَرُ الْحَكَمِ ص: ٣٧٦

٢٧-١-١-١-الْبِرُّ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۵۳﴾ هنگامی که پیامبر خدا ﷺ به ابولبابه و دوستش بشارت داد که خداوند توبه‌شان را قبول کرده و ایشان را بخشیده است، گفتند: با بخشیدن تمام داراییمان شاکریم به عنوان شکر بر نعمت قبول توبه‌مان به خدا قصد تقرب و نزدیک شدن می‌کنیم.

﴿۵۴﴾ در میان بنی اسرائیل مرد عابدی بود که از رزق و روزی بی بهره بود و به چیزی روی نمی آورد که بهره ای از آن نصیبش گردد. زنی داشت که خرجی او را می پرداخت تا اینکه نزد آن زن نیز مالی نماند، و روزی رسید که هردو گرسنه ماندند. آن زن رفت و یک دوک نخ ریسیده شده به او داد و به او گفت: جز این چیزی ندارم، این را بفروش و چیزی بخر تا بخوریم. آن مرد دوک نخ را برداشت و برای فروش به بازار برد. بازار را تعطیل یافت و خریدارها بساط خود را برچیده و رفته بودند. با خود گفت: خوب است کنار آب بروم. وضویی بگیرم و قدری آب به سر و صورتم بزنم و بازگردم. در این اندیشه بود که کنار دریا آمد. در آنجا ماهیگیری را دید که تور خود را به دریا انداخته و در آن جز یک ماهی نا مرغوب نمانده بود. عابد به او گفت: این ماهی را به من بفروش و من در عوض این دوک نخ را به تو می دهم تا برای مرمت تور خود از آن استفاده کنی. ماهیگیر پذیرفت و عابد ماهی را گرفت و دوک را تحویل او داد. او ماهی را به خانه آورد و جریان را برای همسرش تعریف کرد. زن آن ماهی را گرفت تا آماده کند. همین که شکمش را درید مروارید گران بهایی در شکمش یافت، شوهر را خبر کرد و آن مروارید را به او نشان داد. عابد آن مروارید را برداشت و به بازار برد و به بیست هزار درهم فروخت و به خانه برگشت و پول ها را در منزل نهاد. در این هنگام گدایی به درب خانه آمد و در زد و گفت: ای اهل خانه، خدا شما را رحمت کند، به این مسکین بینوا هم صدقه ای بدهید. مرد عابد به فقیر گفت: به درون خانه بیا. فقیر وارد خانه شد و عابد به او گفت: یکی از این دو کیسه را بردار. فقیر یکی را برداشت و رفت. زنش گفت: سبحان الله، از لحظه ای که ثروتمند شدیم نیمی از ثروتمان رفت. طولی نکشید که فقیر بازگشت و در زد، مرد عابد گفت: بفرمایید. فقیر وارد شد و کیسه را به جای خود نهاد و گفت: بخور که گوارای تو باد، من فرشته ای از فرشتگان پروردگار تو بودم و پروردگارت اراده کرده بود که تو را بیازماید پس تو را مرد سپاسگزاری یافت، و از نزد عابد رفت.

﴿۵۵﴾ تشکر و سپاس دیگران بدون بذل مال به دست نمی‌آید.

﴿۵۶﴾ هرکس که آنچه را خدا بر او واجب کرده است ادا کند، وظیفه‌ی خویش را به انجام رسانیده است، و هر که خدا را بر نعمتی که به او عطا کرده و فضیلتی که به او بیش از بر دیگران داده است و اینکه او را موفق داشته و کمک کرده است تا بتواند وظیفه‌ی خویش را ادا کند بستاند شکر نعمت مالی را که خداوند از به او ارزانی داشته به‌جا آورده است.

۲-۲۶-۱-۱-۱-آموختن علم

﴿۵۷﴾ شکر و سپاس عالم و دانشمند بر علم و دانشش (که خدای تعالی چنین نعمت بزرگی را به او عطا فرموده) آن است که آن علم را به کسی که مستحق و سزاوار است بذل نموده و بیاموزد.

۳-۲۶-۱-۱-۱- بخشیدن نعمت

﴿ ۵۸ ﴾ با هیچ چیز مثل بخشیدن نعمت، شکر آن ادا نمی‌شود.

۲۷-۱-۱-۱ نیکی

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٥٩﴾ حَقُّ اللَّهِ سُبْحَانَهُ عَلَيْكُمْ فِي الْيُسْرِ الْبَرُّ وَالشُّكْرُ وَفِي الْعُسْرِ الرِّضَا وَالصَّبْرُ؛ غررالحكم
ص: ٣٧١

٢٨-١-١-١-البكاء والغشيان، البكاء من السرور ينعم الله
﴿٦٠﴾ الرسول ﷺ: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يَبْكِي حَتَّى يُغْشَى عَلَيْهِ فَقِيلَ لَهُ أَلَيْسَ قَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ مَا
تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ فَقَالَ أَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا؛ الخرائج والجرائح ج: ٩١٥ ص: ٢
﴿٦١﴾ العسكري ﷺ: إِنَّ الْبُكَاءَ مِنَ السُّرُورِ يَنْعَمُ اللَّهُ مِثْلَ الشُّكْرِ لَهَا؛ مستدرک الوسائل ج: ٢
ص: ٢٥٦

٢٩-١-١-١-تَحَدَّثُ النِّعَمِ وَرَاجِعُ الذِّكْرِ
﴿٦٢﴾ الكاظم ﷺ: التَّحَدَّثُ بِنِعَمِ اللَّهِ شُكْرٌ وَتَرَكُّ ذَلِكَ كُفْرٌ فَارْتَبِطُوا بِنِعَمِ رَبِّكُمْ تَعَالَى
بالشُّكْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٣١٧

٣٠-١-١-١-تَرْجُمَانُ النَّبِيِّ
﴿٦٣﴾ الشُّكْرُ تَرْجُمَانُ النَّبِيِّ وَلسَانُ الطَّوْبَةِ؛ غررالحكم ص: ٢٧٧
٣١-١-١-١-التَّسْمِيَةُ وَالْحَمْدُ فِي الْأَكْلِ

﴿٦٤﴾ الصادق ﷺ: إِنَّ دَاوُدَ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ: يَا رَبِّ أَخْبِرْنِي بِقَرِينِي فِي الْجَنَّةِ وَنَظِيرِي فِي
مَنَازِلِي فَأَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَيْهِ أَنْ ذَلِكَ مَتَى أَبَا يُونُسَ قَالَ فَاسْتَأْذَنَ اللَّهُ فِي زِيَارَتِهِ
فَإِذْنٌ لَهُ فَخَرَجَ هُوَ وَسُلَيْمَانُ ابْنُهُ ﷺ: حَتَّى آتَيَا مَوْضِعَهُ فَإِذَا هُمَا بَيْتٌ مِنْ سَعَفٍ فَقِيلَ لَهُمَا هُوَ
فِي السُّوقِ فَسَالَا عَنْهُ فَقِيلَ لَهُمَا اطْلُبَاهُ فِي الْحَطَّابِينَ فَسَالَا عَنْهُ فَقَالَ لَهُمَا جَمَاعَةٌ مِنَ النَّاسِ نَحْنُ
نَنْتَظِرُهُ الْآنَ يَجِيءُ فَجَلَسَا يَنْتَظِرَانِهِ إِذَا أَقْبَلَ وَ عَلَى رَأْسِهِ وَقُرْ مِنْ حَطَبٍ فَقَامَ إِلَيْهِ النَّاسُ فَالْتَمَى
عَنْهُ الْحَطَبُ وَ حَمِدَ اللَّهُ وَقَالَ مَنْ يَشْتَرِي طَبِيبًا بِطَبِيبٍ فَسَاوَمَهُ وَاحِدٌ وَ زَادَهُ آخِرٌ حَتَّى بَاعَهُ مِنْ
بَعْضِهِمْ قَالَ فَسَلِمَا عَلَيْهِ فَقَالَ انْطَلِقَا بِنَا إِلَى الْمَنْزِلِ وَ اشْتَرِي طَعَامًا بِمَا كَانَ مَعَهُ ثُمَّ طَحَنَهُ وَ عَجَنَهُ
فِي نَقِيرٍ لَهُ ثُمَّ أَجَّجَ نَارًا وَ أَوْقَدَهَا ثُمَّ جَعَلَ الْعَجِينَ فِي تِلْكَ النَّارِ وَ جَلَسَ مَعَهُمَا يَتَحَدَّثُ ثُمَّ قَامَ
وَ قَدْ نَضِجَتْ خُبْزَتُهُ فَوَضَعَهَا فِي النَّقِيرِ وَ فَلَقَهَا وَ ذَرَّ عَلَيْهَا مِلْحًا وَ وَضَعَ إِلَى جَنْبِهِ مِطْهَرَةً مَلَأَ
[مِلْتًا] مَاءً وَ جَلَسَ عَلَى رُكْبَتَيْهِ وَ أَخَذَ لُقْمَةً فَلَمَّا رَفَعَهَا إِلَى فِيهِ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ فَلَمَّا ازْدَرَدَهَا قَالَ
الْحَمْدُ لِلَّهِ ثُمَّ فَعَلَ ذَلِكَ بِأُخْرَى وَ أُخْرَى ثُمَّ أَخَذَ الْمَاءَ فَشَرَبَ مِنْهُ فَذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ فَلَمَّا وَضَعَهُ
قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ يَا رَبِّ مَنْ ذَا الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَ أَوْلَيْتَهُ مِثْلَ مَا أَوْلَيْتَنِي قَدْ صَحَّحْتَ بَصْرِي وَ
سَمِعِي وَ بَدَنِي وَ قَوَّيْتَنِي حَتَّى ذَهَبْتُ إِلَى الشَّجَرِ لَمْ أَغْرُسْهُ وَ لَمْ أَهْتَمَّ لِحِفْظِهِ جَعَلْتَهُ لِي رِزْقًا وَ
سُقْتِ إِلَى مَنْ اشْتَرَاهُ مِنِّي فَاشْتَرَيْتُ بِثَمَنِهِ طَعَامًا لَمْ أَرْزَعْهُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۵۹﴾ حقّ خدای سبحانه بر شما در فراخی و توانگری، احسان کردن و شکرست، و در عسرت و تنگی، حق خدای تعالی بر شما راضی بودن و صبرکردن بر آن است.

۱-۱-۱-۲۸- گریه و غش کردن، گریه‌ی شادی از نعمت‌های خداوند

﴿۶۰﴾ حضرت به قدری می‌گریست که از حال می‌رفت، به او گفتند: (چرا این همه ناله و گریه می‌کنید) مگر نه اینکه خداوند گناه گذشته و آینده‌ی شما را بخشیده است؟ فرمود: آیا نباید من بنده‌ی شکرگزاری باشم؟

﴿۶۱﴾ همانا گریه از خوشحالی دریافت نعمت خداوند. مانند شکر بر آن نعمت است.

۱-۱-۱-۲۹- سخن گفتن از نعمت و.ر.به: ذکر و یاد خدا

﴿۶۲﴾ صحبت کردن درباره نعمت‌های الهی نوعی شکر و سپاسگزاری و ترک آن کفران نعمت است پس نعمت‌های پروردگارتان را به شکر پیوند بزنید.

۱-۱-۱-۳۰- زبان گویای نیت

﴿۶۳﴾ شکر بازگوکننده‌ی نیت زبان درون است.

۱-۱-۱-۳۱- گفتن "بسم الله" و شکرگزاری هنگام خوردن

﴿۶۴﴾ حضرت داود علیه السلام به درگاه الهی عرض نمود: پروردگارا، هم‌نشین من در بهشت را که از نظر درجه و منزلت مانند من است به من نشان بده، خداوند به او وحی کرد: او متی پدر یونس است، داود گفت: به من اجازه بده او را ملاقات کنم، و خداوند به او اجازه داد، سپس داود با پسرش سلیمان به راه افتادند تا به مکانی رسیدند که در آنجا خانه‌ای ساخته شده از شاخه و برگ درخت خرما وجود داشت، در آنجا سراغ متی را گرفتند، گفتند: او در بازار است، سرانجام او را در بازار هیزم‌فروشان درحالی که پشته‌ای هیزم بر پشت داشت یافتند، درحالی که جماعتی از مردم منتظر او بودند، او هیزم را بر زمین نهاد و شکر الهی را به جای آورد و گفت: چه کسی کالای نیکوی مرا با کالای نیکوی دیگر معاوضه می‌کند؟ سرانجام هیزم‌ها را فروخت و به جای آن مقداری گندم تهیه کرد، آنگاه داود و سلیمان نزد او آمدند و بر او سلام کردند، متی پاسخ آن‌ها را داد و آن‌ها را به منزل خود دعوت کرد و طعامی خرید و آتش برافروخت و طعام را روی آن قرار داد و همراه آن دو مشغول صحبت شد، و هنگام غذاخوردن در شروع هر لقمه "بسم الله" می‌گفت و بعد از خوردن آن "الحمد لله" بر زبان می‌آورد، بعد از اتمام غذا گفت: پروردگارا، کیست که به او به اندازه‌ی من نعمت داده باشی؟ چشمم را بینا کردی و گوشم را شنوا قرار دادی و بدنم را سلامتی و توان بخشیدی و خار و شاخه‌ی درختان را وسیله‌ی تأمین رزق من قرار دادی و کسانی را فرمان دادی که آن هیزم را از من خریداری کنند تا با پول آن طعامی را تهیه کردم که خودم آن را نکشته‌ام و آتش را مسخّر من گردانیدی تا آن طعام را بپزم و به من اشتباهی دادی تا آن را با یاد و شکر تو تناول کنم و بدنم بر طاعت و عبادت قوت گیرد، پس

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

وَسَخَرَتْ لِي النَّارَ فَاَنْضَجْتَهُ وَجَعَلْتَنِي اَكْلُهُ بِشَهْوَةٍ اَقْوَىٰ بِهِ عَلٰى طَاعَتِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ قَالَ ثُمَّ بَكَى قَالَ دَاوُدُ يَا بُنَيَّ قُمْ فَانْصَرِفْ بِنَا فَاِنِّى لَمْ اَرَ عَبْدًا قَطُّ اَشْكُرَ لِلّٰهِ مِنْ هٰذَا؛ بحار الأنوار ج: ١٤ ص: ٤٠٢

١-١-٣٢-١- التَّقْوَى، حَقُّ التَّقْوَى وَ رَاجِعُ: الطَّاعَةِ وَ التَّقْوَى

﴿٦٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: سَأَلْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ قَالَ وَ اللَّهُ مَا عَمِلَ بِهَذَا غَيْرُ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ نَحْنُ ذَكَرْنَا اللَّهَ فَلَا نَنْسَاهُ وَ نَحْنُ شَكَرْنَاهُ فَلَا نَكْفُرُهُ؛ بحار الأنوار ج: ٣٨ ص: ٦٣

﴿٦٦﴾ الكاظم عليه السلام: هُوَ مِمَّنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ عَبْدَهُ بِالْإِخْلَاصِ وَ الْإِيْقَانِ وَ فَرَّ مِنْ قَوْمِهِ لَمَّا خَافَهُمْ فَوَهَبَ لَهُ رَبُّهُ حُكْمًا وَ هَدَاهُ لِسَبِيلِ الرِّشَادِ وَ جَعَلَهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ وَ عَرَفَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ عِبَادِهِ الْمُخْلِصِينَ وَ مَا مِنْ سَنَةٍ إِلَّا وَ هُوَ يَزُورُ فِيهَا مَكَّةَ حَاجًّا وَ يَعْتَمِرُ فِي رَأْسِ كُلِّ شَهْرٍ مَرَّةً وَ يَجِيءُ مِنْ مَوْضِعِهِ مِنَ الْهِنْدِ إِلَى مَكَّةَ فَضَلًّا مِنَ اللَّهِ وَ عَوْنًا وَ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ؛ الكافي ج: ١ ص: ٤٨٣

﴿٦٧﴾ الرسول ﷺ: وَ اعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّكُمْ إِذَا اتَّقَيْتُمُ اللَّهَ وَ حَفِظْتُمْ نَبِيَّكُمْ فِي أَهْلِهِ فَقَدْ عَبْدْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ عِبَادَتِهِ وَ ذَكَرْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا ذَكَرَ وَ شَكَرْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا شَكَرَ وَ قَدْ أَخَذْتُمْ بِأَفْضَلِ الصَّبْرِ وَ الشُّكْرِ وَ اجْتَهَدْتُمْ بِأَفْضَلِ الْجَاهِدِ وَ إِنْ كَانَ غَيْرُكُمْ أَطُولَ مِنْكُمْ صَلَاةً وَ أَكْثَرَ مِنْكُمْ صِيَامًا وَ صَدَقَةً؛ بحار الأنوار ج: ٢٧ ص: ١٦٩

﴿٦٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَا عِبَادَ اللَّهِ إِنْ اتَّقَيْتُمُ اللَّهَ وَ حَفِظْتُمْ نَبِيَّكُمْ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ فَقَدْ عَبْدْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا عُبِدَ وَ ذَكَرْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا ذَكَرَ وَ شَكَرْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا شَكَرَ وَ أَخَذْتُمْ بِأَفْضَلِ الصَّبْرِ وَ الشُّكْرِ وَ اجْتَهَدْتُمْ أَفْضَلَ الْجَاهِدِ وَ إِنْ كَانَ غَيْرُكُمْ أَطُولَ مِنْكُمْ صَلَاةً وَ أَكْثَرَ مِنْكُمْ صِيَامًا فَانْتُمْ أَتَقَىٰ لِلَّهِ مِنْهُ وَ أَنْصَحُ لِأَوْلَى الْأَمْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٢٧ ص: ١٦٩

١-١-٣٣-١- التَّوَاضُّعُ

﴿٦٩﴾ الصادق عليه السلام: لَيْسَ مِنَ الشُّكْرِ لِلَّهِ شَيْءٌ يَعْدِلُهُ مِثْلُ التَّوَاضُّعِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ٣٠١

﴿٧٠﴾ الصادق عليه السلام: نَجِدُ فِي الْإِنْجِيلِ أَنَّ لَيْسَ مِنَ الشُّكْرِ لِلَّهِ شَيْءٌ يَعْدِلُهُ مِثْلُ التَّوَاضُّعِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ٣٠١

١-١-٣٤-١- التَّوْبَةُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

حمد و سپاس شایسته‌ی توست و آنگاه گریست، سپس داود به سلیمان گفت: پسر، برخیز تا برویم من تا امروز بنده‌ای که تا این حد شاکر باشد ندیده بودم.

۳۲-۱-۱- ترس از خداوند و عمل به واجب و ترک حرام، حق تقوا و ربه: اطاعت و تقوا

﴿۶۵﴾ سؤال کردم از حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام درباره‌ی کلام خدای تعالی که فرموده است: ای کسانی که ایمان آوردید تقوا پیشه کنید آن چنان که حق تقوا و پرهیزکاری است. حضرت فرمود: به خدا سوگند جز اهل بیت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله عمل نکرد کسی به این آیه، ما یاد کردیم و ذکر الهی داشتیم و هرگز دچار غفلت و فراموشی نشدیم، و همچنین ما شکر و سپاس خدای تعالی را به جای آوردیم و کفران نوزیدیم.

﴿۶۶﴾ او به خدای یکتا ایمان دارد، و او را از روی یقین می‌پرستد، از ترس خویشاوندانش فرار کرد، خداوند به او حکمت عنایت کرد. و به راه راست هدایتش نمود و او را از پرهیزکاران قرار داد و او را با بندگان مخلص خود آشنا نمود در هر سال به زیارت مکه به عنوان حج می‌رود و در ابتدای هر ماه یک عمره انجام می‌دهد و از محل خود در هند به لطف خدا و عنایت او به مکه می‌آید، آری خداوند این چنین پاداش سپاسگزاران را می‌دهد.

﴿۶۷﴾ بندگان خدا، بدانید، اگر جانب خدا را نگاه دارید و (احترام) پیامبرتان را در سفارش‌هایی که درباره‌ی خاندانش فرمود حفظ کنید، عالی‌ترین عبادت، بهترین ذکر، برترین شکر را انجام داده‌اید، و به بالاترین مراتب صبر، شکر و تلاش رسیده‌اید؛ هرچند فرقه‌های دیگر نمازشان طولانی‌تر و روزه و صدقاتشان بیشتر باشد.

﴿۶۸﴾ بندگان خدا، اگر پروای الهی پیش گیرید، و حق پیامبرتان را درباره‌ی خاندانش محفوظ دارید، هرآینه خدا را به بهترین وجه پرستش نموده‌اید، و به بهترین صورت یاد کرده، و به نیکوترین روش سپاس گفته، و به بالاترین درجات صبر و شکر دست یافته‌اید، و به برترین درجه‌ی تلاش، سعی و کوشش نموده‌اید، هرچند که دیگران نمازشان از شما طولانی‌تر، و روزه‌داری‌شان از شما بیشتر باشد، زیرا که شما از آنان پرهیزکارتر، و نسبت به اولی الامر و امامان خود، خیرخواه‌ترید.

۳۳-۱-۱- فروتنی

﴿۶۹﴾ برای ادای شکر خداوند هیچ چیز معادل تواضع کردن نیست.

﴿۷۰﴾ در انجیل آمده است: شکری برای خدا مانند تواضع نیست.

۳۴-۱-۱- توبه

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

- ﴿٧١﴾ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَدْ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ اعْتَرَفُوا بِنِعْمَةِ اللَّهِ رَبِّكُمْ عَزَّ وَجَلَّ وَ تَوُوبُوا إِلَيْهِ مِنْ جَمِيعِ ذُنُوبِكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الشَّاكِرِينَ مِنْ عِبَادِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٤٨ ص: ١٥٢
- ١-١-٣٥- التَّوْحِيدُ (لَا يُحْمَدُ وَلَا يُعْظَمُ إِلَّا اللَّهُ)
- ﴿٧٢﴾ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الرُّسُولُ ﷺ: وَأَمَّا عَلَامَةُ الشَّاكِرِ فَأَرْبَعَةٌ الشُّكْرُ فِي النِّعَمَاءِ وَالصَّبْرُ فِي الْبَلَاءِ وَالْقَنُوعُ بِقَسَمِ اللَّهِ وَلَا يَحْمَدُ وَلَا يُعْظَمُ إِلَّا اللَّهُ؛ بحار الأنوار ج: ١ ص: ١١٩
- ١-١-٣٦- جَزَاءُ حَقِّ النِّعْمَةِ وَ رَاجِعُ الْأَدَاءِ
- ﴿٧٣﴾ الشُّكْرُ عَلَى النِّعْمَةِ جَزَاءٌ لِمَا ضِيحَتْهَا وَ اجْتِلَابٌ لِتَيْبِهَا؛ غرر الحكم ص: ٢٧٨
- ١-١-٣٧- جَزَاءُ النِّعْمَةِ وَ رَاجِعُ الْأَدَاءِ
- ﴿٧٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: كَثُرَتْ أَيَادِيكَ عِنْدِي فَعَجَزْتُ عَنْ إِحْصَائِهَا وَ ضِيقَتْ ذُرْعَايَ فِي شُكْرِي لَكَ بِجَزَائِهَا؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٠٧
- ﴿٧٥﴾ الشُّكْرُ أَحَدُ الْجَزَاءَيْنِ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٧
- ١-١-٣٨- جُنْدٌ مِنْ جُنُودِ الْعَقْلِ
- ﴿٧٦﴾ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الصَّادِقُ عليه السلام: إِغْرِفُوا الْعَقْلَ وَ جُنْدَهُ وَ الْجَهْلَ وَ جُنْدَهُ تَهْتَدُوا... ثُمَّ جَعَلَ لِلْعَقْلِ خَمْسَةً وَ سَبْعِينَ جُنْدًا... وَ الشُّكْرُ وَ ضِدُّهُ الْكُفْرَانُ؛ الكافي ج: ١ ص: ٢٠
- ١-١-٣٩- حِصْنُ النِّعَمِ
- ﴿٧٧﴾ الشُّكْرُ حِصْنُ النِّعَمِ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٨
- ﴿٧٨﴾ الشُّكْرُ زِينَةُ الرَّخَاءِ وَ حِصْنُ النِّعَمَاءِ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٨
- ١-١-٤٠- الْحِفْظُ وَ الْمُرَاعَاةُ
- ﴿٧٩﴾ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الصَّادِقُ عليه السلام: اللَّهُمَّ احْمِلْ عَنَّا ثِقْلَهُ وَ أَوْجِبْ لَنَا أَجْرَهُ وَ أَوْزِعْنَا شُكْرَهُ وَ اجْعَلْنَا نُرَاعِيهِ وَ نَحْفَظْهُ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٧٣
- ١-١-٤١- الْحَمْدُ وَ رَاجِعُ: ١-١-٤- الشُّكْرُ وَ الْحَمْدُ
- ﴿٨٠﴾ الْحَاجَةُ مَسْأَلَةٌ وَ الدُّعَاءُ زِيَادَةٌ وَ الْحَمْدُ شُكْرٌ وَ النَّدَمُ تَوْبَةٌ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٢٠ ص: ٢٦١
- ﴿٨١﴾ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الرُّسُولُ ﷺ: الْحَمْدُ رَأْسُ الشُّكْرِ وَ مَا شَكَرَ اللَّهُ عَبْدٌ لَمْ يَحْمَدْهُ؛ مجموعة ورام ج: ٢ ص: ١٠٦

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۷۱﴾ از پیامبر اکرم شنیده شد که فرمود: به نعمت پروردگارتان اعتراف کنید و از تمام گناهانتان توبه کنید، زیرا خداوند بندگان شکرگزار خود را دوست می‌دارد.

۱-۱-۱-۳۵- یکتاپرستی (جز خداوند کسی ستوده و بزرگ شمرده نمی‌شود)

﴿۷۲﴾ علامت شخص سپاسگزار چهار چیز است: شکر در نعمت، صبر در بلا، قناعت به قسمت، کسی را جز خدا نستاید و کسی را جز خدا تعظیم نکند.

۱-۱-۱-۳۶- پاداش حق نعمت و ر.به: به جای آوردن

﴿۷۳﴾ شکر نعمت، جزای نعمت دریافت شده است و باعث جلب نعمت جدید می‌شود.

۱-۱-۱-۳۷- پاداش نعمت و ر.به: به جای آوردن

﴿۷۴﴾ خدایا، نعمت‌های تو بر من بسیار است و من از شمارش آن‌ها ناتوان و در به جا آوردن شکر شایسته‌ی تو در مقابل آنچه به من عطا فرموده‌ای دستم کوتاه است.

﴿۷۵﴾ شکر یکی از دو نوع پاداش است

۱-۱-۱-۳۸- سربازی از سپاه عقل

﴿۷۶﴾ عقل و جهل و لشکریان‌شان را بشناسید تا هدایت شوید... سپس برای هریک از عقل و جهل هفتاد و پنج لشکر قرار داد... از جمله شکر و ضد آن ناسپاسی.

۱-۱-۱-۳۹- قلعه برای حفظ و پایدار کردن نعمت‌ها

﴿۷۷﴾ شکر پناه نعمت‌هاست

﴿۷۸﴾ شکر زینت و آراستگی دوران توسعه‌ی زندگانی است و قلعه‌ای است برای حفظ نعمت.

۱-۱-۱-۴۰- حفظ و رعایت کردن

﴿۷۹﴾ خدایا، سنگینی آن را از ما بردار و پاداش آن را بر ما واجب و شکرش را بر ما الهام کن و ما را مراعات‌کننده و حفظ‌کننده‌ی آن قرار ده.

۱-۱-۱-۴۱- ستایش و ر.به: ۱-۱-۴-۱- شکر و حمد

﴿۸۰﴾ نیازمندی موجب درخواست است؛ دعا موجب زیادت، حمد و ستایش موجب قدردانی؛ و پشیمانی موجب توبه و بازگشت.

﴿۸۱﴾ حمد و سپاس، رأس و ابتدای شکر است بنده‌ای که حمد خدا نمی‌کند شکر او را به جا نیاورده است.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٨٢﴾ الصادق عليه السلام: وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ فَهَذَا كُفْرُ النِّعَمِ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَيُّمَا عَبْدٍ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ وَحَمِدَ اللَّهَ عَلَيْهَا بِلِسَانِهِ لَمْ تَنْفَدْ حَتَّى يَأْمُرَ اللَّهُ لَهُ بِالزِّيَادَةِ - وَهُوَ قَوْلُهُ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ؛ تفسير القمي ج: ١ ص: ٣٦٧

﴿٨٣﴾ عمران عليه السلام: يَا رَبِّ كَيْفَ يَسْتَطِيعُ آدَمُ أَنْ يُؤَدِّيَ شُكْرَ مَا صَنَعْتَ إِلَيْهِ خَلَقْتَهُ بِيَدِكَ وَ نَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِكَ وَ أَسَكَّنْتَهُ جَنَّاتِكَ وَ أَمَرْتَ الْمَلَائِكَةَ فَسَجَدُوا لَهُ فَقَالَ يَا مُوسَى عَلِمَ أَنَّ ذَلِكَ مِنِّي فَحَمِدَنِي عَلَيْهِ وَ كَانَ ذَلِكَ شُكْرًا مَا صَنَعْتُ إِلَيْهِ؛ مجموعة ورام ج: ١ ص: ٨

﴿٨٤﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ دَاوُدَ النَّبِيَّ عليه السلام قَالَ: يَا رَبِّ أَخْبِرْنِي بِقَرِينِي فِي الْجَنَّةِ وَ نَظِيرِي فِي مَنَازِلِي فَأَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَيْهِ أَنَّ ذَلِكَ مَتَّى أَبَا يُوسُفَ قَالَ فَاسْتَأْذَنَ اللَّهُ فِي زِيَارَتِهِ فَأَذِنَ لَهُ فَخَرَجَ هُوَ وَ سُلَيْمَانُ ابْنُهُ عليه السلام: حَتَّى أَتَيَا مَوْضِعَهُ فَإِذَا هُمَا بَيْتٌ مِنْ سَعَفٍ فَقِيلَ لَهُمَا هُوَ فِي السُّوقِ فَسَالَا عَنْهُ فَقِيلَ لَهُمَا اطْلُبَاهُ فِي الْحَطَّابِينَ فَسَالَا عَنْهُ فَقَالَ لَهُمَا جَمَاعَةٌ مِنَ النَّاسِ نَحْنُ نَنْتَظِرُهُ الْآنَ يَجِيءُ فَجَلَسَا يَنْتَظِرَانِهِ إِذَا أَقْبَلَ وَ عَلَى رَأْسِهِ وَ قُرْ مِنْ حَطَبٍ فَقَامَ إِلَيْهِ النَّاسُ فَالْتَمَى عَنْهُ الْحَطَبُ وَ حَمِدَ اللَّهَ وَ قَالَ مَنْ يَشْتَرِي طَبِيبًا بِطَبِيبٍ فَسَاوَمَهُ وَاحِدٌ وَ زَادَهُ آخَرٌ حَتَّى بَاعَهُ مِنْ بَعْضِهِمْ قَالَ فَسَلَّمَا عَلَيْهِ فَقَالَ انْطَلِقَا بِنَا إِلَى الْمَنْزِلِ وَ اشْتَرِي طَعَامًا بِمَا كَانَ مَعَهُ ثُمَّ طَحَنَهُ وَ عَجَنَهُ فِي نَقِيرٍ لَهُ ثُمَّ أَجَجَ نَارًا وَ أَوْقَدَهَا ثُمَّ جَعَلَ الْعَجِينَ فِي تِلْكَ النَّارِ وَ جَلَسَ مَعَهُمَا يَتَحَدَّثُ ثُمَّ قَامَ وَ قَدْ نَضِجَتْ خَبِيزَتُهُ فَوَضَعَهَا فِي النَّقِيرِ وَ فَلَقَهَا وَ ذَرَّ عَلَيْهَا مِلْحًا وَ وَضَعَ إِلَى جَنْبِهِ مِطْهَرَةً مَلَأَ [مِلْتًا] مَاءً وَ جَلَسَ عَلَى رُكْبَتَيْهِ وَ أَخَذَ لُقْمَةً فَلَمَّا رَفَعَهَا إِلَى فِيهِ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ فَلَمَّا ازْدَرَدَهَا قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ ثُمَّ فَعَلَ ذَلِكَ بِأُخْرَى وَ أُخْرَى ثُمَّ أَخَذَ الْمَاءَ فَشَرَبَ مِنْهُ فَذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ فَلَمَّا وَضَعَهُ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ يَا رَبِّ مَنْ ذَا الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَ أَوْلَيْتَهُ مِثْلَ مَا أَوْلَيْتَنِي قَدْ صَحَّحْتَ بَصْرِي وَ سَمِعِي وَ بَدَنِي وَ قَوَّيْتَنِي حَتَّى ذَهَبْتُ إِلَى الشَّجَرِ لَمْ أَغْرُسْهُ وَ لَمْ أَهْتَمَّ لِحِفْظِهِ جَعَلْتَهُ لِي رِزْقًا وَ سَقَيْتَ إِلَيَّ مَنْ اشْتَرَاهُ مِنِّي فَاشْتَرَيْتُ بِثَمَنِهِ طَعَامًا لَمْ أَرْزَعْهُ وَ سَخَّرْتَ لِي النَّارَ فَأَنْضَجْتَهُ وَ جَعَلْتَنِي أَكُلُهُ بِشَهْوَةٍ أَقْوَى بِهِ عَلَى طَاعَتِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ قَالَ ثُمَّ بَكَى دَاوُدُ يَا بُنَيَّ فَمَنْ أَنْصَرَفَ بِنَا فَإِنِّي لَمْ أَرِ عَبْدًا قَطُّ أَشْكَرَ لِلَّهِ مِنْ هَذَا؛ بحار الأنوار ج: ١٤ ص: ٢٠٢

﴿٨٥﴾ الصادق عليه السلام: اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا اُتْلُغُ بِهِ رِضَاكَ وَ اُودِي بِهِ شُكْرَكَ وَ اَسْتَوْجِبُ بِهِ الْعَفْوَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ وَ الرَّحْمَةَ عِنْدَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ١٤٥

﴿٨٦﴾ نَحْمَدُهُ عَلَى عَظِيمِ إِحْسَانِهِ وَ نَبِيرِ بُرْهَانِهِ وَ نَوَامِي فَضْلِهِ وَ اِمْتِنَانِهِ حَمْدًا يَكُونُ لِحَقِّهِ قَضَاءً وَ لِشُكْرِهِ آدَاءً؛ شرح نهج البلاغة ج: ١٠ ص: ٧٦

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۸۲﴾ و (همچنین به خاطر بیاورید) هنگامی که پروردگارتان اعلام داشت: "اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهیم افزود و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است." و این کفر نعمت است پس امام صادق علیه السلام فرمود: هر بنده‌ای که خداوند نعمتی به او داده و آن بنده به آن نعمت معرفت قلبی داشته باشد و با زبان نیز حمد و سپاس الهی را به‌جا آورد؛ هنوز حمد و سپاسش تمام نشده باشد که خداوند دستور افزایش نعمت را صادر می‌کند. و این است معنای آیه "لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ".

﴿۸۳﴾ خدایا، آدم چگونه می‌توانست که حق شکر نعمت تو را به‌جا آورد؟ او را به قدرت خود آفریدی و از روح خود بر او دمیدی، و در بهشت خود جا دادی و به فرشتگان دستور دادی تا او را سجده کردند؟ خداوند فرمود: "ای موسی، همین قدر که او فهمید همه‌ی این‌ها از جانب من است، و مرا سپاس گفت، این خود شکر نعمت من بود".

﴿۸۴﴾ حضرت داود علیه السلام به درگاه الهی عرض نمود: پروردگارا، هم‌نشین من در بهشت را که از نظر درجه و منزلت مانند من است به من نشان بده، خداوند به او وحی کرد: او متی پدر یونس است، داود گفت: به من اجازه بده او را ملاقات کنم، و خداوند به او اجازه داد، سپس داود با پسرش سلیمان به راه افتادند تا به مکانی رسیدند که در آنجا خانه‌ای ساخته‌شده از شاخه و برگ درخت خرما وجود داشت، در آنجا سراغ متی را گرفتند، گفتند: او در بازار است، سرانجام او را در بازار هیزم‌فروشان درحالی که پشته‌ای هیزم بر پشت داشت یافتند، درحالی که جماعتی از مردم منتظر او بودند، او هیزم را بر زمین نهاد و شکر الهی را به‌جای آورد و گفت: چه کسی کالای نیکوی مرا با کالای نیکوی دیگر معاوضه می‌کند؟ سرانجام هیزم‌ها را فروخت و به‌جای آن مقداری گندم تهیه کرد، آنگاه داود و سلیمان نزد او آمدند و بر او سلام کردند، متی پاسخ آن‌ها را داد و آن‌ها را به منزل خود دعوت کرد و طعامی خرید و آتش برافروخت و طعام را روی آن قرار داد و همراه آن دو مشغول صحبت شد، و هنگام غذاخوردن در شروع هر لقمه "بسم الله" می‌گفت و بعد از خوردن آن "الحمد لله" بر زبان می‌آورد، بعد از اتمام غذا گفت: پروردگارا، کیست که به او به اندازه‌ی من نعمت داده باشی؟ چشمم را بینا کردی و گوشم را شنوا قرار دادی و بدنم را سلامتی و توان بخشیدی و خار و شاخه‌ی درختان را وسیله‌ی تأمین رزق من قرار دادی و کسانی را فرمان دادی که آن هیزم را از من خریداری کنند تا با پول آن طعامی را تهیه کردم که خودم آن را نکشتم و آتش را مسخر من گردانیدی تا آن طعام را بپزم و به من اشتیایی دادی تا آن را با یاد و شکر تو تناول کنم و بدنم بر طاعت و عبادت قوت گیرد، پس حمد و سپاس شایسته‌ی توست و آنگاه گریست، سپس داود به سلیمان گفت: پسر، برخیز تا برویم من تا امروز بنده‌ای که تا این حد شاکر باشد ندیده بودم.

﴿۸۵﴾ خدایا، حمد سزای توست، حمدی که به وسیله‌ی آن به خشنودی تو دست یابم و ادای شکر تو را نمایم و مستوجب عفو تو شوم درحالی که تو قدرت بر عقوبت داری و سزاوار رحمت نزد تو گردم.

﴿۸۶﴾ او را به خاطر احسانش که فراوان است، و برهان او که رخشان است، و بخشش او که افزون است، و نعمت او که از اندازه برون است سپاس می‌گوییم، ستایشی که حق او را ادا کند و سپاس او را به‌جای آرد.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٨٧﴾ تَحْمَدُكَ نَفْسِي وَ لِسَانِي وَ عَقْلِي، حَمْدًا يَبْلُغُ الْوَفَاءَ وَ حَقِيقَةَ الشُّكْرِ، حَمْدًا يَكُونُ مَبْلَغَ رِضَاكَ عَنِّي؛ الصَّحِيفَةُ السَّجَّادِيَّةُ الطَّلِيَّةُ ص: ٢٥٠

١-١-١-٤٢- الْحَمْدُ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ عَلَيْهِ

﴿٨٨﴾ الصَّادِقُ الطَّلِيَّةُ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الطَّلِيَّةُ: هَلْ لِلشُّكْرِ حَدٌّ إِذَا فَعَلَهُ الْعَبْدُ كَانَ شَاكِرًا قَالَ نَعَمْ قُلْتُ مَا هُوَ قَالَ يَحْمَدُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ عَلَيْهِ فِي أَهْلٍ وَ مَالٍ وَ إِن كَانَ فِيمَا أَنْعَمَ عَلَيْهِ فِي مَالِهِ حَقٌّ آدَاهُ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٥

١-١-١-٤٣- الْخُشُوعُ وَ الْإِخْلَاصُ

﴿٨٩﴾ الصَّادِقُ الطَّلِيَّةُ: مَنْ أَخْلَصَ بَاطِنَهُ لِلَّهِ وَ خَشَعَ لَهُ بَقْلِبِهِ وَ رَأَى نَفْسَهُ مُقَصِّرًا بَعْدَ بَذْلِ كُلِّ مَجْهُودٍ وَ جَدَّ الشُّكْرَ عَلَيْهِ حَاصِلًا فَيَكُونُ مِمَّنْ يُرْجَى لَهُ الْإِخْلَاصُ مِنَ الرِّيَاءِ وَ النِّفَاقِ إِذَا اسْتَقَامَ عَلَى ذَلِكَ فِي كُلِّ حَالٍ؛ مستدرک الوسائل ج: ١ ص: ١٠٧

﴿٩٠﴾ الكاظم الطَّلِيَّةُ: هُوَ مِمَّنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ عَبْدَهُ بِالْإِخْلَاصِ وَ الْإِيْقَانِ وَ فَرَّ مِنْ قَوْمِهِ لَمَّا خَافَهُمْ فَوَهَبَ لَهُ رَبُّهُ حُكْمًا وَ هَدَاهُ لِسَبِيلِ الرَّشَادِ وَ جَعَلَهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ وَ عَرَفَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ عِبَادِهِ الْمُخْلِصِينَ وَ مَا مِنْ سَنَةٍ إِلَّا وَ هُوَ يَزُورُ فِيهَا مَكَّةَ حَاجًّا وَ يَغْتَمِرُ فِي رَأْسِ كُلِّ شَهْرٍ مَرَّةً وَ يَجِيءُ مِنْ مَوْضِعِهِ مِنَ الْهِنْدِ إِلَى مَكَّةَ فَضَلًّا مِنَ اللَّهِ وَ عَوْنًا وَ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ؛ الكافي ج: ١ ص: ٤٨٣

١-١-١-٤٤- دِعَامَةُ الدِّينِ

﴿٩١﴾ الرِّسُولُ الطَّلِيَّةُ: إِنْ مِنْ دِعَامَةِ الْبَيْتِ أَسَاسُهُ وَ دِعَامَةُ الدِّينِ الْمَعْرِفَةُ بِاللَّهِ تَعَالَى وَ الْيَقِينُ بِتَوْحِيدِهِ وَ الْعَقْلُ الْقَامِعُ فَقَالُوا وَ مَا الْقَامِعُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ الْكَفُّ عَنِ الْمَعَاصِي وَ الْجِرْصُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَ الشُّكْرُ عَلَى جَمِيلِ إِحْسَانِهِ وَ إِنْعَامِهِ وَ حُسْنِ بَلَائِهِ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ١٦٩

١-١-١-٤٥- الذِّكْرُ وَ رَاجِعُ: التَّحَدُّثُ بِالنِّعَمِ

﴿٩٢﴾ امير المؤمنين الطَّلِيَّةُ: أَمَّا حَقُّ ذِي الْمَعْرُوفِ عَلَيْكَ فَإِنْ تَشْكُرُهُ وَ تَذْكُرُ مَعْرُوفَهُ وَ تَكْسِبُهُ الْمَقَالَةَ الْحَسَنَةَ وَ تُخْلِصَ لَهُ الدُّعَاءَ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ كُنْتَ قَدْ شَكَرْتَهُ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً ثُمَّ إِنْ قَدَرْتَ عَلَى مُكَافَأَتِهِ يَوْمًا كَافَأْتَهُ؛ وسائل الشيعة ج: ١٥ ص: ١٧٥

﴿٩٣﴾ الزَّهْرَاءُ الطَّلِيَّةُ: اللَّهُمَّ اجْعَلْ غَفْلَةَ النَّاسِ لَنَا ذِكْرًا وَ اجْعَلْ ذِكْرَهُمْ لَنَا شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٨٧

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۸۷﴾ جان من، زبان من و عقل من تو را می‌ستایند ستایشی که تمام و کامل باشد و به درجات عمیق و اصل شکر برسد سپاسی که به خشنودی تو منجر شود.

۴۲-۱-۱-۱-ستایش بر هر نعمتی

﴿۸۸﴾ به امام صادق علیه السلام عرض کردم آیا شکر حدی دارد که هرگاه بنده‌ای آن را انجام داد شکرگزار محسوب گردد، فرمود: آری، عرض کردم: آن چیست؟ فرمود: خداوند را در هر نعمتی که به او و خاندانش می‌رسد سپاس گوید، که در این صورت حق مالی را که به او رسیده ادا کرده است.

۴۳-۱-۱-۱-فروتنی و اخلاص

﴿۸۹﴾ اما کسی که باطنش را برای خداوند خالص کند و دلش خاشع گردد و خود را مقصر و ذلیل بداند و کوشش کند و همواره شکرگزار باشد، این چنین اشخاصی امید خلاصی دارند و در صورت تداوم امید می‌رود از ریا و نفاق دور بمانند.

﴿۹۰﴾ او به خدای یکتا ایمان دارد، و او را از روی یقین می‌پرستد، از ترس خویشاوندانش فرار کرد، خداوند به او حکمت عنایت کرد. و به راه راست هدایتش نمود و او را از پرهیزکاران قرار داد و او را با بندگان مخلص خود آشنا نمود در هر سال به زیارت مکه به عنوان حج می‌رود و درابتدای هر ماه یک عمره انجام می‌دهد و از محل خود در هند به لطف خدا و عنایت او به مکه می‌آید، آری خداوند این چنین پاداش سپاسگزاران را می‌دهد.

۴۴-۱-۱-۱-ستون دین

﴿۹۱﴾ استواری خانه از پایه‌های آن است و ستون و پایه‌ی دین، خداشناسی و یقین به توحید و عقل قانع است، پرسیدند: عقل قانع چیست؟ فرمود: خویشتنی‌داری از گناهان و حرص به طاعت خدا و شکر بر احسان‌ها و تکالیف نیکوی اوست.

۴۵-۱-۱-۱-یاد خدا و ر.به: سخن گفتن از نعمت

﴿۹۲﴾ حق کسی که به تو احسان کند این است که احسانش را، قدردانی کنی و خوبی او را بگویی و دعای میان خود و خدا را برای او مخلصانه کنی، چون چنین کردی شکر او را در نهان و آشکار ادا نموده‌ای و اگر روزی توانستی به او عوض دهی نیز این کار را بکن.

﴿۹۳﴾ پروردگارا، بی‌خبری و غفلت مردم را برای ما موجب یادآوری، و آگاهی آنان را برای ما موجب شکر و سپاس قرار ده.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١-١-١-٤٦- رُؤْيَةُ النَّعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَ رَاجِعُ: الْعِلْمُ بِأَنَّ النَّعْمَةَ مِنَ اللَّهِ وَ رَاجِعُ: الْمَعْرِفَةُ بِأَنَّ النَّعْمَةَ مِنَ اللَّهِ
 ﴿٩٤﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): فِي كُلِّ نَفْسٍ مِنْ أَنْفَاسِكَ شُكْرٌ لَازِمٌ لَكَ بَلْ أَلْفٌ وَ أَكْثَرُ وَ أَذْنَى الشُّكْرِ
 رُؤْيَةُ النَّعْمَةِ مِنَ اللَّهِ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ يَتَعَلَّقُ الْقَلْبُ بِهَا دُونَ اللَّهِ؛ بحار الأنوار ج: ٤٨ ص: ٥٢

﴿٩٥﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): أَرَأَيْتَ هَذِهِ النَّعْمَةَ الظَّاهِرَةَ عَلَيْنَا مِنَ اللَّهِ أَلَيْسَ
 إِنْ شَكَرْنَاهُ عَلَيْهَا وَ حَمِدْنَاهُ زَادَنَا كَمَا قَالَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ لَتَنَزَّ شُكْرُكُمْ لَا زَيْدَ لَكُمْ فَقَالَ نَعَمْ مِنْ حَمْدِ
 اللَّهِ عَلَى نِعَمِهِ وَ شُكْرِهِ وَ عَلِمَ أَنْ ذَلِكَ مِنْهُ لَا مِنْ غَيْرِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٤٨ ص: ٥٣

١-١-١-٤٧- رَبُّطُ النَّعْمِ

﴿٩٦﴾ الكَاضِمُ (عليه السلام): أَلْتَحَدَّثُ نِعَمَ اللَّهِ شُكْرُ وَ تَرَكْتُ ذَلِكَ كَفَرُ فَارْتَبَطُوا نِعَمَ رَبِّكُمْ تَعَالَى
 بِالشُّكْرِ؛ وسائل الشيعة ج: ٧ ص: ٤٠

١-١-١-٤٨- الرِّضَا بِالنَّعْمِ

﴿٩٧﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): فِي كُلِّ نَفْسٍ مِنْ أَنْفَاسِكَ شُكْرٌ لَازِمٌ لَكَ بَلْ أَلْفٌ وَ أَكْثَرُ وَ أَذْنَى الشُّكْرِ
 رُؤْيَةُ النَّعْمَةِ مِنَ اللَّهِ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ يَتَعَلَّقُ الْقَلْبُ بِهَا دُونَ اللَّهِ وَ الرِّضَا بِمَا أَعْطَاهُ وَ أَنْ لَا تَعْصِيَهُ
 بِنِعْمَتِهِ وَ تَخَالِفَهُ بِشَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ بِسَبَبِ نِعْمَتِهِ وَ كُنْ لِلَّهِ عَبْدًا شَاكِرًا عَلَى كُلِّ حَالٍ تَجِدِ
 اللَّهَ رَبًّا كَرِيمًا عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ لَوْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عِبَادَةٌ تُعْبَدُ بِهَا عِبَادَةُ الْمُخْلِصِينَ أَفْضَلُ مِنَ الشُّكْرِ
 عَلَى كُلِّ حَالٍ لَا تُطْلَقُ لَفْظُهُ فِيهِمْ مِنْ جَمِيعِ الْخَلْقِ بِهَا فَلَمَّا لَمْ يَكُنْ أَفْضَلُ مِنْهَا خَصَّهَا مِنْ بَيْنِ
 الْعِبَادَاتِ وَ خَصَّ أَرْبَابَهَا فَقَالَ وَ قَلِيلٌ مِنْ عِبَادِي الشَّاكِرُونَ؛ بحار الأنوار ج: ٤٨ ص: ٥٢

١-١-١-٤٩- الرِّضَا بِالْوَلَايَةِ

﴿٩٨﴾ الرَّسُولُ (صلى الله عليه وآله): عَلَى خَيْرِ الْبَشَرِ فَمَنْ أَبِي فَقَدْ كَفَرَ وَ مَنْ رَضِيَ فَقَدْ شَكَرَ؛ بحار الأنوار ج: ٣٨
 ص: ٧

١-١-١-٥٠- رِعَايَةُ الْحُرْمَةِ

﴿٩٩﴾ شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَشْكُرُ النَّعْمَةَ وَ لَا يَرَعَى الْحُرْمَةَ؛ غرر الحكم ص: ٣٢٢

١-١-١-٥١- الزَّادُ (خَيْرُ الزَّادِ)

﴿١٠٠﴾ امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): إِنِّي أُوصِيكَ بِوَصِيَّةٍ فَاحْفَظْهَا وَ اتَّقِ اللَّهَ وَ لِيَكُنْ أَوَّلَى الْأَمْرِ بِكَ
 الشُّكْرُ لِلَّهِ فِي السِّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ فَإِنَّ الشُّكْرَ خَيْرُ زَادٍ؛ بحار الأنوار ج: ٣٢ ص: ٦٠٥

١-١-١-٥٢- الزَّهَادَةُ

﴿١٠١﴾ أَيُّهَا النَّاسُ الزَّهَادَةُ قَصْرُ الْأَمَلِ وَ الشُّكْرُ عِنْدَ النَّعْمِ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٦ ص: ٢٣٠

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۴۶-۱-۱-۱- مشاهده‌ی اینکه نعمت از جانب خداست و ر.به: دانستن اینکه نعمت از جانب خداست و ر.به: معرفت به اینکه نعمت از جانب خداست

﴿۹۴﴾ برای هر نفسی شکری بلکه هزار شکر یا بیشتر لازم است. و کمترین درجه‌ی شکر این است که نعمت را فقط از خدا بدانی و اسباب و علت دیگری جز خدا در دل تو جای نداشته باشد.

﴿۹۵﴾ به حضرت صادق علیه السلام گفتم: این نعمت ظاهری را که خدا عنایت فرموده ملاحظه می‌فرمایید؟ آیا چنین نیست که اگر ما شکر خدا را در برابر این نعمت انجام داده و حمد و سپاس او را به‌جا آوریم خداوند، همچنان که خود فرموده "لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ" نعمت را بر ما می‌افزاید؟ حضرت فرمود: آری، مطلب همین‌طور است، هر کس خداوند را در برابر نعمتش حمد و سپاس نماید و بداند که این نعمت و یا این توفیق فقط از اوست نه غیر او، خداوند نعمت را زیاد می‌کند.

۴۷-۱-۱-۱- یستن نعمت‌ها

﴿۹۶﴾ صحبت کردن درباره نعمت‌های الهی نوعی شکر و سپاسگزاری و ترک آن کفران نعمت است پس نعمت‌های پروردگارتان را به شکر پیوند زنید.

۴۸-۱-۱-۱- خشنودی از نعمت‌ها

﴿۹۷﴾ برای هر نفسی شکری بلکه هزار شکر یا بیشتر لازم است. و کمترین درجه‌ی شکر این است که نعمت را فقط از خدا بدانی و اسباب و علت دیگری جز خدا در دل تو جای نداشته باشد؛ برای هر نفسی شکری بلکه هزار شکر یا بیشتر لازم است. و کمترین درجه‌ی شکر این است که نعمت را فقط از خدا بدانی و اسباب و علت دیگری جز خدا در دل تو جای نداشته باشد. و نیز راضی بودن از آنچه خدا به او بخشیده و اینکه با نعمت خدا او را نافرمانی نکند و با امری نهی او از در مخالفت برنخیزد. برای خدا در همه‌ی حالات بنده‌ی شکرگزار باش خدا را پروردگاری سخاوتمند بیایی. و اگر برای خدا عبادتی بهتر از شکر می‌بود که بندگان خالص، بتوانند در تمام حالات او را با آن پرستند، خداوند در بین آفریدگان از آن نام می‌برد. ولی چون خداوند در میان عبادات بهتر از آن نیافت که صاحبانش را بر آن ممتاز کند چنین فرمود: "و اندکی از بندگان من سیاسگزارند".

۴۹-۱-۱-۱- خشنودی به ولایت و سرپرستی الهی

﴿۹۸﴾ علی بهترین آدمیان است و هرکس با او مخالفت ورزد کافر شده است و هرکس که با او (و بر دستوراتش) راضی باشد شکر نموده است.

۵۰-۱-۱-۱- رعایت احترام

﴿۹۹﴾ بدترین مردم کسی است که شکر نعمت را بهجا نیاورد، و رعایت نکند حرمت را، یعنی احترام مردم را بهجا نیاورد.

۵۱-۱-۱-۱- توشه (بهترین توشه)

﴿۱۰۰﴾ همانا من تو را به وصیتی مهمم سفارش می‌کنم، پس آن را حفظ کن و پرهیز کاری و تقوا پیشه کن تا از جمله صاحبان و مجریان امور الهی باشی، شکر و آن سفارش حق تعالی در نهان و آشکاراست، زیرا شکرگزاری حق تعالی، بهترین زاد و توشه است.

۵۲-۱-۱-۱-بی‌اعتنایی و روی‌گردانی از دنیا

﴿۱۰۱﴾ ای مردم، تعریف زهد؛ کوتاه‌شدن آرزوها و سپاسگزاری در هنگام رسیدن به نعمت می‌باشد.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١١٤﴾ الرسول ﷺ: إِنَّهُ لَيُؤْتَى بِعَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيَقَالُ لَهُ أُوتِيتَ ذَلِكَ عَلَى يَدَيْهِ فَيَقُولُ بَلْ يَكُونُ جَعَلْتُ شُكْرَ ذَلِكَ كُلَّهُ لِلَّهِ فَيَقَالُ لَهُ لَمْ تَشْكُرِ اللَّهَ إِذْ لَمْ تَشْكُرْ مَنْ أَجْرَى اللَّهُ ذَلِكَ عَلَى يَدَيْهِ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَمَنْ أُوتِيَ خَيْرًا عَلَى يَدَيِ أَخِيهِ أَوْ صَنَعَ إِلَيْهِ صَانِعٌ مَعْرُوفًا فَلْيَذْكُرْهُ فَإِذَا ذَكَرَهُ فَقَدْ شَكَرَهُ وَإِذَا كَتَمَهُ فَقَدْ كَفَرَهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٥٧

﴿١١٥﴾ الرسول ﷺ: يُؤْتَى الْعَبْدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيُوقَفُ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَيَأْمُرُ بِهِ إِلَى النَّارِ فَيَقُولُ أَيْ رَبِّ أَمَرْتَ بِي إِلَى النَّارِ وَقَدْ قَرَأْتُ الْقُرْآنَ فَيَقُولُ اللَّهُ أَيْ عَبْدِي إِنِّي قَدْ أَنْعَمْتُ عَلَيْكَ وَلَمْ تَشْكُرْ نِعْمَتِي فَيَقُولُ أَيْ رَبِّ أَنْعَمْتَ عَلَيَّ بِكَذَا وَشَكَرْتُكَ بِكَذَا وَأَنْعَمْتَ عَلَيَّ بِكَذَا وَشَكَرْتُكَ بِكَذَا فَلَا يَزَالُ يُحْصِي النِّعْمَةَ وَيُعَدُّ الشُّكْرَ فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى صَدَقْتَ عَبْدِي إِلَّا أَنَّكَ لَمْ تَشْكُرْ مَنْ أَجَرَيْتَ لَكَ (النِّعْمَةَ عَلَى يَدَيْهِ) وَإِنِّي قَدْ آتَيْتُ عَلَى نَفْسِي أَنْ لَا أَقْبَلَ شُكْرَ عَبْدٍ لِنِعْمَةٍ أَنْعَمْتُهَا عَلَيْهِ حَتَّى يَشْكُرَ مَنْ سَاقَهَا مِنْ خَلْقِي إِلَيْهِ؛ وسائل الشيعة ج: ١٦ ص: ٣١٢

﴿١١٦﴾ الصادق عليه السلام: مِنْ حَقِّ الشُّكْرِ لِلَّهِ تَعَالَى أَنْ يَشْكُرَ مَنْ أَجْرَى تِلْكَ النِّعْمَةَ عَلَى يَدَيْهِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٥٧

﴿١١٧﴾ السجاد عليه السلام: إِنْ اللَّهَ يُحِبُّ كُلَّ قَلْبٍ حَزِينٍ وَيُحِبُّ كُلَّ عَبْدٍ شَاكِرٍ يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِعَبْدٍ مِنْ عِبْدِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَشَكَرْتَ فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِشُكْرِكَ يَا رَبِّ فَيَقُولُ لَمْ تَشْكُرْنِي إِذْ لَمْ تَشْكُرْهُ ثُمَّ قَالَ أَشْكُرْكُمْ لِلَّهِ أَشْكُرْكُمْ لِلنَّاسِ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٩

٥٩-١-١- الشُّكْرُ عَلَى الْمُصِيبَةِ

﴿١١٨﴾ الصادق عليه السلام: أَرْبَعٌ فِي التَّوَرَةِ وَإِلَى جَنْبِهَا أَرْبَعٌ مِنْ أَصْحَابِ الدُّنْيَا حَزِينًا فَقَدْ أَصْبَحَ عَلَى رَبِّهِ سَاحِطًا وَمَنْ أَصْبَحَ يَشْكُرُ مُصِيبَةً نَزَلَتْ بِهِ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ رَبَّهُ؛ بحار الأنوار ج: ١٣ ص: ٣٤٨

٦٠-١-١- الشُّكْرُ فِي النِّعْمَةِ

﴿١١٩﴾ الرسول ﷺ: وَأَمَّا عَلَامَةُ الشَّاكِرِ فَارْبَعَةٌ الشُّكْرُ فِي النِّعْمَةِ وَالصَّبْرُ فِي الْبَلَاءِ وَالْقُنُوعُ بِقَسَمِ اللَّهِ وَلَا يَحْمَدُ وَلَا يُعْظِمُ إِلَّا اللَّهَ؛ بحار الأنوار ج: ١ ص: ١١٩

٦١-١-١- الشُّكْرُ مِنْ وَسَائِطِ النِّعَمِ

﴿١٢٠﴾ الصادق عليه السلام: مِنْ حَقِّ الشُّكْرِ لِلَّهِ أَنْ تَشْكُرَ مَنْ أَجْرَى تِلْكَ النِّعْمَةَ عَلَى يَدَيْهِ؛

وسائل الشيعة ج: ١٦ ص: ٣١١

٦٢-١-١- الشُّكْوَى عَنِ النَّفْسِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۱۴﴾ بنده‌ای را در روز قیامت می‌آورند و می‌گویند: این چیز به‌وسیله‌ی فلانی به تو داده شد می‌گوید: آری و همه‌ی شکر آن را نسبت به خدا انجام دادم. به او گفته می‌شود: اگر از کسی که به‌وسیله‌ی او نعمت به تو رسیده است تشکر نکنی از خدا نیز تشکر نکرده‌ای؛ سپس پیامبر خدا ﷺ فرمود: اگر به کسی از طریقی برادرش خیری برسد یا کسی به او نیکی کند باید که او را یاد کند، آنگاه که او را یاد کند خدا را شکر کرده و اگر آن را انکار کند کفران کرده است.

﴿۱۱۵﴾ روز قیامت بنده‌ای را می‌آورند و در پیشگاه عدل پروردگار قرار می‌دهند، خداوند امر می‌کند او را به طرف دوزخ ببرند. آن مرد می‌گوید خدایا، امر می‌کنی که مرا به دوزخ ببرند؟ من قرآن تلاوت می‌کردم، خداوند می‌فرماید: من به تو نعمت دادم ولی تو شکر آن را به‌جای نیاوردی، او می‌گوید: خدایا، تو نعمت عطا کردی و من هم شکر نمودم و او همچنین نعمت‌ها و شکر خود را برمی‌شمرد. خداوند هم در پاسخ اومی فرماید: تو راست می‌گویی ولی شکر آن کسی را که نعمت من توسط او به شما رسید ادا نکردی و من با خود عهد کرده‌ام، شکر کسانی را که از واسطه‌ی نعمت شکر نکنند نپذیرم.

﴿۱۱۶﴾ نشانه‌ی کمال شکرگزاری خداوند، سپاسگزاری کردن از کسی است که نعمت خداوند به‌وسیله‌ی او به بنده رسیده باشد.

﴿۱۱۷﴾ خداوند همه‌ی دل‌های اندوهگین را دوست می‌دارد، و هر بنده‌ی شکرگزاری را نیز دوست دارد، خداوند روز قیامت به یکی از بندگان خود می‌گوید: آیا از فلان شخص تشکر کردی، می‌گوید: خدایا، تو را شکر گفتم، خداوند می‌فرماید: هرگاه او را سپاس نگویی مرا هم سپاس نگفته‌ای، و سپس امام علیؑ فرمود: سپاسگزارترین شما نسبت به خدا کسی است که نسبت به مردم سپاگزار باشد.

۵۹-۱-۱-۱- شکر بر مصیبت

﴿۱۱۸﴾ چهارنکته در تورات هست که چهار چیز به همراه دارد: از آن جمله است: هر که صبح کند درحالی که بر دنیا اندوهناک باشد، صبح کرده درحالی که بر خدا خشمگین است؛ و هر که صبح را با شکر بر مصیبتی که به او وارد شده شروع کند پس همانا شکر خدا را به‌جای آورده است.

۶۰-۱-۱-۱- شکر بر نعمت‌ها

﴿۱۱۹﴾ علامت شخص سپاسگزار چهار چیز است: شکر در نعمت، صبر در بلا، قناعت به قسمت، کسی را جز خدا نستاید و کسی را جز خدا تعظیم نکند.

۶۱-۱-۱-۱- شکر از واسطه‌های دریافت نعمت

﴿۱۲۰﴾ نشانه‌ی کمال شکرگزاری خداوند، سپاسگزاری کردن از کسی است که نعمت خداوند به‌وسیله‌ی او به بنده رسیده باشد.

۶۲-۱-۱-۱- شکایت از نفس خود

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٢١﴾ قَالَ أَبُو ذَرٍّ: أَصْبَحْتُ أَشْكُرُ رَبِّي وَأَشْكُو نَفْسِي؛ بحار الأنوار ج: ٧١ ص: ٣٠٧

١-١-١-٦٣- الصَّابِرُ

﴿١٢٢﴾ الرسول ﷺ: وَأَمَّا عَلَامَةُ الشَّاكِرِ فَأَرْبَعَةٌ الشُّكْرُ فِي النَّعْمَاءِ وَالصَّبْرُ فِي الْبَلَاءِ وَالْقُنُوعُ بِقَسَمِ اللَّهِ وَلَا يَحْمَدُ وَلَا يُعْظَمُ إِلَّا اللَّهُ؛ بحار الأنوار ج: ١ ص: ١١٩

١-١-١-٦٤- صِدْقُ الْوَلَاءِ

﴿١٢٣﴾ شُكْرٌ مَنْ فَوْقَكَ بِصِدْقِ الْوَلَاءِ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٩

١-١-١-٦٥- الطَّاعَةُ وَالتَّقْوَى

﴿١٢٤﴾ العسكरी ﷺ: اتَّقُوا اللَّهَ فِي نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تَنْفَرُوهَا عَنْكُمْ بِمَعَاصِيهِ بَلِ اسْتَدِيمُوهَا بِطَاعَتِهِ وَشُكْرِهِ عَلَى نِعَمِهِ وَآيَاتِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٤٩ ص: ١٨٢

﴿١٢٥﴾ العسكरी ﷺ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ آيٍ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ فَاشْكُرُوا نِعْمَةَ بَطَاعَةٍ مَنْ يَأْمُرُكُمْ بِطَاعَتِهِ مِنْ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَخُلَفَائِهِمَا الطَّيِّبِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٢٦ ص: ٢٣٢

١-١-١-٦٦- الْعِبَادَةُ (عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ)

﴿١٢٦﴾ أَسْأَلُكَ شُكْرَ نِعْمَتِكَ وَحُسْنَ عِبَادَتِكَ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٦ ص: ١٩٥

﴿١٢٧﴾ الكاظمي ﷺ: يَا مَنْ دَعَاهُ الْمُضْطَرُونَ وَلَجَأَ إِلَيْهِ الْخَائِفُونَ وَسَأَلَهُ الْمُؤْمِنُونَ وَعَبَدَهُ الشَّاكِرُونَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٣٤٨

﴿١٢٨﴾ الصادق ﷺ: فِي كُلِّ نَفْسٍ مِنْ أَنْفَاسِكَ شُكْرٌ لَزِمَ لَكَ بَلْ أَلْفٌ وَأَكْثَرُ وَأَدْنَى الشُّكْرِ رُؤْيَةُ النُّعْمَةِ مِنَ اللَّهِ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ يَتَعَلَّقُ الْقَلْبُ بِهَا دُونَ اللَّهِ وَالرِّضَا بِمَا أَعْطَاهُ وَأَنْ لَا تَعْصِيَهُ بِنِعْمَتِهِ وَتُخَالِفَهُ بِشَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ بِسَبَبِ نِعْمَتِهِ وَكُنْ لِلَّهِ عَبْدًا شَاكِرًا عَلَى كُلِّ حَالٍ تَجِدِ اللَّهَ رَبًّا كَرِيمًا عَلَى كُلِّ حَالٍ وَلَوْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عِبَادَةٌ تُعْبَدُ بِهَا عِبَادَةُ الْمُخْلِصِينَ أَفْضَلُ مِنَ الشُّكْرِ عَلَى كُلِّ حَالٍ لِأَنَّ لَفْظَهُ فِيهِمْ مِنْ جَمِيعِ الْخَلْقِ بِهَا فَلَمَّا لَمْ يَكُنْ أَفْضَلُ مِنْهَا خَصَّهَا مِنْ بَيْنِ الْعِبَادَاتِ وَخَصَّ أَرْبَابَهَا فَقَالَ وَفَلْيَلِ مِنْ عِبَادِي الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٥٢

﴿١٢٩﴾ إِنْ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ التَّجَارِ وَإِنْ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَإِنْ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ؛ شرح نهج البلاغة ج: ١٩ ص: ٦٨

١-١-١-٦٧- الْعِبْرَةُ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۲۱﴾ ابوذر گفت: در حالی صبح را آغاز می‌کنم که از پروردگارم سپاسگزار و از خودم شاکی‌ام.

۱-۱-۱-۶۳ صبر

﴿۱۲۲﴾ علامت شخص سپاسگزار چهار چیز است: شکر در نعمت، صبر در بلا، قناعت به قسمت، کسی را جز خدا نستاید و کسی را جز خدا تعظیم نکند.

۱-۱-۱-۶۴ راستی در دوستی

﴿۱۲۳﴾ شکر کسی که بلند مرتبه‌تر از تو باشد دوستی صادقانه است.

۱-۱-۱-۶۵ اطاعت و تقوا

﴿۱۲۴﴾ از شکستن حریم خدا بپرهیزید و قدر نعمت او را بدانید، مبدا با انجام معصیت، نعمت را از خود دور کنید، بلکه به وسیله‌ی اطاعت و بندگی و شکر و سپاسگزاری آن نعمت‌ها را برای خود دوام ببخشید و پایدار کنید.

﴿۱۲۵﴾ خداوند می‌فرماید: اگر او را می‌پرستید پس از نعمت‌هایش را با اطاعت نمودن از محمد ﷺ و علی ﷺ و جانشینان پاک آن‌ها سپاسگزاری کنید که دستور اطاعت آن‌ها را به شما داده است.

۱-۱-۱-۶۶ عبادت، (عبادت آزادگان)

﴿۱۲۶﴾ پروردگارا، از تو، توفیق شکرگزاری نعمت و توفیق عبادت نیکوی تو را خواهانم.

﴿۱۲۷﴾ ای آن که او را بیچارگان خوانده‌اند، و او ایشان را اجابت نمود، و ترسندگان به‌سوی او پناه برده‌اند.

﴿۱۲۸﴾ برای هر نفسی شکری بلکه هزار شکر یا بیشتر لازم است. و کمترین درجه‌ی شکر این است که نعمت را فقط از خدا بدانی و اسباب و علت دیگری جز خدا در دل تو جای نداشته باشد؛ برای هر نفسی شکری بلکه هزار شکر یا بیشتر لازم است. و کمترین درجه‌ی شکر این است که نعمت را فقط از خدا بدانی و اسباب و علت دیگری جز خدا در دل تو جای نداشته باشد. و نیز راضی بودن از آنچه خدا به او بخشیده و اینکه با نعمت خدا او را نافرمانی نکند و با امرو نهی او از در مخالفت برنخیزد. برای خدا در همه‌ی حالات بنده‌ی شکرگزار باش تا خدا را پروردگاری سخاوتمند بیابی. و اگر برای خدا عبادتی بهتر از شکر می‌بود که بندگان خالصش، بتوانند در تمام حالات او را با آن پرستند، خداوند در بین آفریدگان از آن نام می‌برد. ولی چون خداوند در میان عبادات بهتر از آن نیافت که صاحبانش را بر آن ممتاز کند چنین فرمود: "و اندکی از بندگان من سپاسگزارند".

﴿۱۲۹﴾ گروهی در عبادت و اطاعت انگیزه رغبت و میل دارند و برای دستیابی به منافع اخروی خدا را عبادت می‌نمایند که این نوع عبادت، عبادت تاجران و بازرگانان است که با هدف سودجویی است. گروهی دیگر با انگیزه‌ی ترس از عذاب، خدا را عبادت می‌کنند و این هم عبادت بردگان است. گروهی هم با هدف شکر و انگیزه‌ی سپاس از نعمت‌های فراوان خداوندی عبادت خود را انجام می‌دهند و این عبادت آزادگان است.

۱-۱-۱-۶۷ عبرت و پندگرفتن از آیات الهی

﴿۱۲۷﴾

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٣٠﴾ وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبِثَ لَا يَخْرِجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ؛ الأعراف: الآية ٥٨

﴿١٣١﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ؛ إبراهيم: الآية ٥

﴿١٣٢﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا؛ الفرقان: الآية ٦٢

﴿١٣٣﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللَّهِ لِيُرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ؛ لقمان: الآية ٣١

﴿١٣٤﴾ فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَمَزَقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ؛ سبأ: الآية ١٩

﴿١٣٥﴾ إِنْ يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ؛ الشورى: الآية ٣٣

١-١-١-٦٨- عَدَمُ الشُّكْوَى

﴿١٣٦﴾ الْكَافِرُ الْكَافِرُ: حُمَى يَوْمَ كَفَارَةٍ سِتْنِ سَنَةٍ إِذَا قَبِلَهَا بِقَبُولِهَا قِيلَ وَمَا قَبُولُهَا قَالَ أَنْ يُحْمَدَ اللَّهُ وَيَشْكُرَهُ وَيَشْكُوَ إِلَيْهِ وَلَا يَشْكُوهُ وَإِذَا سُئِلَ عَنْ خَبَرِهِ قَالَ خَيْرًا؛ مستدرک الوسائل ج: ٢ ص: ٦٩

١-١-١-٦٩- عَدَمُ الْعِصْيَانِ

﴿١٣٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَوْ لَمْ يَتَوَعَّدِ اللَّهُ عَلَى مَعْصِيَتِهِ لَكَانَ يَجِبُ أَنْ لَا يُعْصَى شُكْرًا لِنِعْمِهِ؛ وسائل الشيعة ج: ١٥ ص: ٣٠٨

﴿١٣٨﴾ الصادق عليه السلام: فِي كُلِّ نَفَسٍ مِنْ أَنْفَاسِكَ شُكْرٌ لَزِمَ لَكَ بَلْ أَلْفٌ وَ أَكْثَرُ وَأَدْنَى الشُّكْرِ رُؤْيَةُ النِّعْمَةِ مِنَ اللَّهِ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ يَتَعَلَّقُ الْقَلْبُ بِهَا دُونَ اللَّهِ وَالرِّضَا بِمَا أَعْطَاهُ وَأَنْ لَا تَعْصِيَهُ بِنِعْمَتِهِ وَتُخَالِفَهُ بِشَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ بِسَبَبِ نِعْمَتِهِ وَكُنْ لِلَّهِ عَبْدًا شَاكِرًا عَلَى كُلِّ حَالٍ تَجِدِ اللَّهَ رَبًّا كَرِيمًا عَلَى كُلِّ حَالٍ وَلَوْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عِبَادَةٌ تُعْبَدُ بِهَا عِبَادَةُ الْمُخْلِصِينَ أَفْضَلَ مِنَ الشُّكْرِ عَلَى كُلِّ حَالٍ لِأَطْلُقَ لَفْظَهُ فِيهِمْ مِنْ جَمِيعِ الْخَلْقِ بِهَا فَلَمَّا لَمْ يَكُنْ أَفْضَلَ مِنْهَا خَصَّهَا مِنْ بَيْنِ الْعِبَادَاتِ وَخَصَّ أَرْبَابَهَا فَقَالَ وَقَلِيلٌ مِنْ عِبَادِي الشُّكُورُ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٥٢

١-١-١-٧٠- الْعَفْوُ عِنْدَ الْقُدْرَةِ

﴿١٣٩﴾ إِذَا قَدَّرْتَ عَلَى عَدْوِكَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ؛ شرح نهج البلاغة ج: ١٨ ص: ١٠٩

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۳۰﴾ سرزمین پاکیزه، گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید اما سرزمین‌های بدطینت (و شوره‌زار)، از آن جز گیاه ناچیز و بی‌ارزش، نمی‌روید این‌گونه آیات خود را برای آن‌ها که شکر گزارند، بیان می‌کنیم.

﴿۱۳۱﴾ ما موسی را با آیات خود فرستادیم (و دستور دادیم): قومت را از ظلمات (گمراهی) به سوی نور بیرون آر و ایام‌الله را به آنان یاد آوری کن؛ در این کار برای هر صبرکننده‌ی شکر گزار نشانه‌هایی است.

﴿۱۳۲﴾ و او همان کسی است که شب و روز را جانشین یکدیگر قرار داد برای کسی که بخواهد متذکر شود یا شکرگزاری کند (و آنچه را در روز کوتاهی کرده در شب انجام دهد و به عکس).
﴿۱۳۳﴾ آیا ندیدی کشتی‌ها بر (صفحه‌ی) دریاها به فرمان خدا، و به (برکت) نعمت او حرکت می‌کنند تا بخشی از نشانه‌هایش را به شما نشان دهد؟ در این‌ها نشانه‌هایی است برای کسانی که شکبیا و شکر گزارند.

﴿۱۳۴﴾ ولی (این ناسپاس مردم) گفتند: "پروردگارا، میان سفرهای ما دوری بیفکن"، (تا) بینوایان نتوانند دوش به دوش اغنیا سفر کنند! و به این طریق آن‌ها به خویشتن ستم کردند! و ما آنان را داستان‌هایی (برای عبرت دیگران) قرار دادیم و جمعیتشان را متلاشی ساختیم در این ماجرا، نشانه‌های عبرتی برای هر صابر شکر گزار است.

﴿۱۳۵﴾ اگر او اراده کند، باد را ساکن می‌سازد تا آن‌ها بر پشت دریا بی‌حرکت بمانند در این نشانه‌هایی است برای هر صبرکننده‌ی شکر گزار.

۶۸-۱-۱-۱- شکایت نکردن

﴿۱۳۶﴾ یک روز تب کفاره‌ی شصت سال است به شرط آنکه آن را بپذیرد. گفته شد: پذیرش آن چیست؟ امام علیه السلام فرمود: اینکه خدا را بستاید و شکر کند؛ به خدا شکایت کند و از او شکوه نکند و آنگاه که حالش را پرسیدند بگوید: خوب است.

۶۹-۱-۱-۱- نافرمانی نکردن

﴿۱۳۷﴾ اگر خداوند به گنهکاران وعده‌ی عذاب هم نداده بود باز هم واجب بود که برای ادای شکر نعمت‌هایش (بندگان) او را معصیت نکنند.

﴿۱۳۸﴾ برای هر نفسی شکری بلکه هزار شکر یا بیشتر لازم است. و کمترین درجه‌ی شکر این است که نعمت را فقط از خدا بدانی و اسباب و علت دیگری جز خدا در دل تو جای نداشته باشد؛ برای هر نفسی شکری بلکه هزار شکر یا بیشتر لازم است. و کمترین درجه‌ی شکر این است که نعمت را فقط از خدا بدانی و اسباب و علت دیگری جز خدا در دل تو جای نداشته باشد. و نیز راضی بودن از آنچه خدا به او بخشیده و اینکه با نعمت خدا او را نافرمانی نکند و با امر و نهی او از در مخالفت برنخیزد. برای خدا در همه‌ی حالات بنده‌ی شکر گزار باش تا خدا را پروردگاری سخاوتمند بیابی. و اگر برای خدا عبادتی بهتر از شکر می‌بود که بندگان خالصش، بتوانند در تمام حالات او را با آن ببرستند، خداوند در بین آفریدگان از آن نام می‌برد. ولی چون خداوند در میان عبادات بهتر از آن نیافت که صاحبانش را بر آن ممتاز کند چنین فرمود: "و اندکی از بندگان من سپاسگزارند".

۷۰-۱-۱-۱- عفو و بخشش هنگام قدرت

﴿۱۳۹﴾ هرگاه بر دشمن پیروز شدی، به عنوان ادای شکر پیروزی، او را مورد بخشش قرار بده.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

٧١-١-١-١- عِقالُ النِّعمِ

﴿١٤٠﴾ الرضا عليه السلام: اسْتَدِيمُوا نِعَمَ اللَّهِ بِالشُّكْرِ فَإِنَّ الشُّكْرَ عَقْلُهَا؛ المصباح للكفعمي ص: ٧١١

٧٢-١-١-١- العلم

﴿١٤١﴾ الرسول ﷺ: طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ وَ هُوَ عِلْمُ الْإِنْفُسِ فَيَجِبُ أَنْ يَكُونَ نَفْسُ الْمُؤْمِنِ عَلَى كُلِّ حَالٍ فِي شُكْرِ أَوْ عُذْرِ عَلَى مَعْنَى إِنْ قَبِلَ فَفَضْلٌ وَإِنْ رَدَّ فَعَدْلٌ؛

بحار الأنوار ج: ٤٧ ص: ٤٨

١٧٣-١-١- العلمُ بَأَنَّ النِّعَمَ مِنَ اللَّهِ وَ رَاجِعُ: الْمَعْرِفَةُ بِأَنَّ النِّعَمَ مِنَ اللَّهِ وَ ، رُؤْيَةُ النِّعْمَةِ مِنَ اللَّهِ
﴿١٤٢﴾ الرِّسُولُ ﷺ: إِذَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً فَلَعَلَّهَا مِنْ اللَّهِ فَقَدْ آدَى شُكْرَهَا مِنْ قَبْلِ أَنْ
يَحْمَدَهَا؛ مُسْتَدْرَكُ الْوَسَائِلِ ج: ٥ ص: ٣١٤

﴿١٤٣﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ نِعْمَةً فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ وَ عَلِمَ أَنَّ الْمُنْعِمَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَقَدْ آدَى شُكْرَهَا وَإِنْ لَمْ يُحِرْكَ لِسَانَهُ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٢٥٢

﴿١٤٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً فَعَلِمَ أَنَّهَا مِنَ اللَّهِ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ جَلَّ اسْمُهُ لَهُ شُكْرَهَا قَبْلَ أَنْ يُحْمَدَهُ عَلَيْهَا؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٨٢

﴿١٤٥﴾ الصّادق عليه السلام: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَرَأَيْتَ هَذِهِ النُّعْمَةَ الظَّاهِرَةَ عَلَيْنَا مِنَ اللَّهِ أَلَيْسَ إِنَّ شُكْرَنَاهُ عَلَيْهَا وَحَمْدَنَاهُ زَادَنَا كَمَا قَالَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ لَعَنَ شُكْرُكُمْ لِأَنِّي بَدَّلْتُكُمْ نِعْمَ مَنْ حَمَدَ اللَّهَ عَلَى نِعْمِهِ وَشَكَرَهُ وَعَلِمَ أَنَّ ذَلِكَ مِنْهُ لَا مِنْ غَيْرِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٤٨ ص: ٥٣

﴿١٤٦﴾ الصّادق عليه السلام: يَا مُوسَى اشْكُرْنِي حَقَّ شُكْرِي فَقَالَ يَا رَبَّ كَيْفَ أَشْكُرُكَ حَقَّ شُكْرِكَ وَلَيْسَ مِنْ شُكْرٍ أَشْكُرُكَ بِهِ إِلَّا وَأَنْتَ أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ فَقَالَ يَا مُوسَى شُكْرَتِي حَقَّ شُكْرِي حِينَ عَلِمْتَ أَنَّ ذَلِكَ مِنِّي؛ بحار الأنوار ج: ١٣ ص: ٣٥١

﴿١٤٧﴾ موسى بن عمران عليه السلام: يَا رَبِّ كَيْفَ يَسْتَطِيعُ آدَمُ أَنْ يُؤَدِّيَ شُكْرَ مَا صَنَعْتَ إِلَيْهِ خَلَقْتَهُ بِيَدِكَ وَنَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِكَ وَاسْكَنْتَهُ جَنَّتِكَ وَأَمَرْتَ الْمَلَائِكَةَ فَسَجَدُوا لَهُ فَقَالَ يَا مُوسَى عَلِمَ أَنْ ذَلِكَ مِنِّي فَحَمِدَنِي عَلَيْهِ وَكَانَ ذَلِكَ شُكْرًا مَا صَنَعْتَ إِلَيْهِ: مجموعة ورام ج: ١ ص: ٨

﴿١٤٨﴾ موسى بن عمران عليه السلام: إِلَهِي كَيْفَ اسْتَطَاعَ آدَمُ أَنْ يُؤَدِّيَ شُكْرَ مَا أَجْرَيْتَ عَلَيْهِ مِنْ نِعْمَتِكَ خَلَقْتَهُ بِيَدِيكَ وَأَسْجَدْتَ لَهُ مَلَائِكَتِكَ وَاسْكَنْتَهُ جَنَّتِكَ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنْ آدَمُ عَلِمَ أَنَّ ذَلِكَ كُلَّهُ مِنِّي وَمِنْ عِنْدِي فَذَلِكَ شُكْرُهُ: جامع الأخبار ص: ١٢٧

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۷۱-۱-۱-۱-بستن نعمت

﴿۱۴۰﴾ به شکر خود تداوم ببخشید زیرا شکر، نگهدارنده‌ی نعمت است.

٧٢-١-١-١ علم

﴿۱۴۱﴾ طلب علم بر هر زن مسلمان و مرد مسلمان واجب می‌باشد و آن علم نفس می‌باشد، لازم است نفس مؤمن در هر حال یا شاکر باشد یا عذرخواه، به این معنی که اگر مورد قبول قرار گرفت برای آن فضیلتی هم داشته باشد و اگر رد شد در آن باره با او به عدالت رفتار شود.

۷۳-۱-۱-۱- دانستن اینکه نعمت‌ها از جانب خداست و ر.به: شناخت اینکه نعمت‌ها از

حاجت خداست و... به: مشاهده‌ی اینکه نعمت‌ها از جانب خداست

﴿۱۴۲﴾ هنگامی که خدای تعالی به بنده‌ای نعمتی عطا کند، پس اگر آن بنده بداند که این نعمت از جانب حق تعالی است، به تحقیق قبل از آنکه حمد و ثنای خدا را بگوید شکر آن نعمت را به جا آورده است.

﴿۱۴۳﴾ هرکس خدا به او نعمتی ارزانی کند اگر در قلب آن نعمت را بشناسد و بداند که از جانب خدا است، شکر آن نعمت را به جا آورده است، حتی اگر با زبان چیزی نگوید و هر که بداند کیفر دهنده‌ی گناهان خدا است، پس در حقیقت استغفار کرده، حتی اگر با زبان چیزی نگوید.

﴿۱۴۴﴾ هر نعمتی را که خداوند به بنده‌ای ارزانی کند، همین که آن بنده بداند این نعمت از خدا است، بیش از اینکه بر آن نعمت حمد و ستایش کند سیاس و شکر آن را به جای آورده است.

﴿۱۴﴾ به حضرت صادق (علیه السلام) گفتیم: این نعمت ظاهری را که خدا عنایت فرموده ملاحظه می‌فرمایید؟ آیا چنین نیست که اگر ما شکر خدا را در برابر این نعمت انجام داده و حمد و سپاس او را به جا آوریم خداوند، همچنان که خود فرموده "لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ" نعمت را بر ما می‌افزاید؟ حضرت فرمود: آری، مطلب همین طور است، هر کس خداوند را در برابر نعمتش حمد و سپاس نماید و بداند که این نعمت و یا این توفیق فقط از اوست نه غیر او، خداوند نعمت را زیاد می‌کند.

﴿۱۴۶﴾ ای موسیٰ حق شکر مرا ادا کن. موسیٰ علیه السلام عرض کرد: خداوند! من چگونه می‌توانم حق شکر تو را ادا کنم با اینکه هر شکری که به‌جا آورم آن خود نعمتی است که تو به من عنایت فرموده‌ای؟ خطاب رسید: ای موسیٰ، اکنون که دانستی این توفیق هم از من است، حق شکر مرا ادا کن.

﴿۱۴۷﴾ خدایا، آدم چگونه می‌توانست که حق شکر نعمت تو را بهجا آورد؟ او را به قدرت خود آفریدی و از روح خود بر او دمیدی، و در بهشت خود جا دادی و به فرشتگان دستور دادی تا او را سجده کردند؟ خداوند فرمود: "ای موسی، همین قدر که او فهمید همه‌ی این‌ها از جانب من است، و مرا سیاس گفت، این خود شکر نعمت من بود."

﴿۱۴۸﴾ پروردگارا، آدم علیه السلام چگونه توانسته است حق نعمت تو را سپاسگزاری کند؟ حال آنکه خود به دست خویش او را آفریدی و فرشتگان خود را به سجده کردن بر او واداشتی و در بهشت خویش او را جای دادی؟ خداوند به موسی علیه السلام وحی فرمود که آدم علیه السلام می‌دانست همه‌ی این‌ها از من و به اراده‌ی من است و همین شکر او بود.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١-١-٧٤- الْعِلْمُ بِأَنَّ نِعْمَةَ الشُّكْرِ مِنَ اللَّهِ رَاجِعٌ: الْمَعْرِفَةُ وَالْعِلْمُ بِأَنَّ نِعْمَةَ الشُّكْرِ مِنَ اللَّهِ

١-١-٧٥- الْعَمَلُ فِي النَّعْمَةِ بِالشُّكْرِ

﴿١٤٩﴾ أَحَبُّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ الْعَامِلُ فِيمَا أَنْعَمَ بِهِ عَلَيْهِ بِالشُّكْرِ وَابْتِغَاءُهَا إِلَيْهِ الْعَامِلُ

فِي نِعْمِهِ بِالْكَفْرِ؛ غررالحكم ص: ٢٧٧

﴿١٥٠﴾ شُكْرُ الْمُؤْمِنِ يُظْهِرُ فِي عَمَلِهِ؛ غررالحكم ص: ٢٧٩

١-١-٧٦- الْقَبُولُ

﴿١٥١﴾ الرُّسُولُ ﷺ: أَيُّمَا عَبْدٍ جَاءَتْهُ مَوْعِظَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي دِينِهِ فَإِنَّهَا نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ

سَبَقَتْ إِلَيْهِ فَإِنْ قَبِلَهَا يَشْكُرُ وَإِلَّا كَانَتْ حُجَّةً مِنَ اللَّهِ عَلَيْهِ لِيَزِدَّادَ بِهَا إِنْشَاءً وَ يَزِدَّادَ اللَّهُ بِهَا

سَخَطًا؛ مجموعة ورام ج: ٢ ص: ٢٧٤

﴿١٥٢﴾ الرُّسُولُ ﷺ: وَقَالَ أَيُّمَا عَبْدٍ جَاءَتْهُ مَوْعِظَةٌ مِنَ اللَّهِ فِي دِينِهِ فَإِنَّهَا نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ

جَلَّ فَإِنْ قَبِلَهَا شُكْرًا وَإِلَّا كَانَتْ حُجَّةً مِنَ اللَّهِ لِيَزِدَّادَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَخَطًا؛ مشكاة الأنوار ص: ٣١٥

١-١-٧٧- الْقَدْرُ يَقْدِرُ اللَّهُ

﴿١٥٣﴾ دُعَاءُ يَوْمِ الْآرِبَعَاءِ: اللَّهُمَّ لَا يَقْدِرُ أَحَدٌ قَدْرَكَ وَلَا يَشْكُرُ أَحَدٌ حَقَّ شُكْرِكَ؛ بحار الأنوار

ج: ٨٧ ص: ١٩٥

١-١-٧٨- قَضَاءُ حَقِّ الْمَعْرُوفِ

﴿١٥٤﴾ مَنْ شَكَرَ الْمَعْرُوفَ فَقَدْ قَضَى حَقَّهُ؛ غررالحكم ص: ٢٧٨

١-١-٧٩- قَضَاءُ الْفَوَائِدِ

﴿١٥٥﴾ الصَّادِقُ ﷺ: كُلُّ مَا فَاتَكَ بِاللَّيْلِ فَأَقْضِهِ بِالنَّهَارِ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى (وَهُوَ الَّذِي

جَعَلَ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ خَلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذْكُرَ أَوْ أَرَادَ سُكُورًا) يَعْنِي أَنَّ يَقْضِيَ الرَّجُلُ مَا فَاتَهُ بِاللَّيْلِ

بِالنَّهَارِ وَمَا فَاتَهُ بِالنَّهَارِ بِاللَّيْلِ وَأَقْضِ مَا فَاتَكَ مِنْ صَلَاةِ اللَّيْلِ أَى وَقْتُ شِئْتَ مِنْ لَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ مَا

لَمْ يَكُنْ وَقْتُ فَرِيضَةٍ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٤٩٦

١-١-٨٠- الْقَنَاعَةُ

﴿١٥٦﴾ امير المؤمنين ﷺ: أَشْكُرُ النَّاسَ أَقْنَعُهُمْ وَ أَكْفَرُهُمْ لِلنَّعَمِ أَجْشَعُهُمْ؛ بحار الأنوار ج: ٧٤

ص: ٤٢٤

﴿١٥٧﴾ الرُّسُولُ ﷺ: كُنْ تَقِيًّا تَكُنْ أَوْرَعَ النَّاسِ وَ كُنْ قَنِعًا تَكُنْ أَشْكَرَ النَّاسِ؛ مستدرک الوسائل

ج: ١١ ص: ١٧٥

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۷۴-۱-۱-۱ دانستن اینکه نعمت شکر کردن از جانب خداست ر.به: شناخت و علم به اینکه نعمت شکر کردن از جانب خداست

۷۵-۱-۱-۱ به کار گرفتن نعمت با شکر

﴿۱۴۹﴾ دوست داشتنی ترین مردم نزد خدای سبحان، کسی است که در آنچه حق تعالی به او عطا کرده است به ادای شکر آن نعمت می پردازد، و منفورترین مردم نزد خدا کسی است که در مقابل نعمت ها ناسپاسی کند.

﴿۱۵۰﴾ شکر مؤمن ظاهر می شود در عمل او.

۷۶-۱-۱-۱ پذیرش

﴿۱۵۱﴾ اگر موعظه ای از جانب خداوند عزیز و گرامی به بنده ای برسد، نعمتی است که به سوی او شتافته است؛ اگر آن را قبول کند شکر کرده است و در غیر این صورت خداوند بر او حجت دارد تا به خاطر آن، گناهانش را بیافزاید و بر او بسیار غضب کند.

﴿۱۵۲﴾ هر بنده ای که از جانب خداوند نصیحتی در رابطه با دینش دریافت کند، در واقع نعمتی از خدا که به او رسیده است، اگر آن را به کار بندد شکرگزاری نموده، و در غیر این صورت آن نصیحت حجتی از جانب خدا بر اوست تا خشم خدا نسبت به او بیشتر گردد.

۷۷-۱-۱-۱ تقدیر به واسطه ی قضا و قدر الهی

﴿۱۵۳﴾ پروردگارا، احدی قدر تو را نمی داند و احدی آن گونه که حق شکر توست تو را شکر نمی کند.

۷۸-۱-۱-۱ به جای آوردن حق احسان

﴿۱۵۴﴾ هر که لطف و احسانی را شکر کند، حق آن را به جا آورده است.

۷۹-۱-۱-۱ به جای آوردن واجبات فوت شده

﴿۱۵۵﴾ هر نمازی که در شب از تو فوت شده آن را در روز قضا کن، خداوند تبارک و تعالی فرموده است: "و خداوند شماسست آن خدایی که شب و روز را جانشین یکدیگر ساخت، برای کسی که بخواهد متذکر شود یا بخواهد شکر الهی را به جا آورد". مراد این است که شخص هر نمازی را که در شب از او فوت شده قضای آن را در روز به جا آورد، و هر نمازی که در طول روز از او فوت شده شب قضا کند. و آنچه از نماز شب که از تو فوت شده هر وقت از شب یا روز که خواهی آن را قضا کن، به شرط آنکه وقت نماز واجب نباشد.

۸۰-۱-۱-۱ قناعت، رضایت به آنچه که قسمت شده است

﴿۱۵۶﴾ سپاسگزارترین مردم، کسی است که قناعتش بیشتر باشد، و ناسپاس ترین ایشان کسی است که حرص و آزش بیشتر باشد.

﴿۱۵۷﴾ تقوا پیشه کن تا از پارسا ترین مردم باشی و قانع باش تا از شکر گزارترین مردم باشی.

﴿۱۸۳﴾

﴿شَكَرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٥٨﴾ كُنْ وَرِعًا تَكُنْ عَبْدُ النَّاسِ وَ كُنْ قَنُوعًا تَكُنْ أَشْكُرُ النَّاسِ؛ شرح نهج البلاغة ج: ١١ ص: ١٩٩
 ﴿١٥٩﴾ الرسول ﷺ: إِفْنَعْ بِمَا عِنْدَكَ فَإِنَّ الشَّاكِرَ أَحْسَنُ مِمَّنْ لَهُ مَالٌ كَثِيرٌ لَا يَشْكُرُهُ؛
 مستدرک الوسائل ج: ١٣ ص: ٢٥٦

﴿١٦٠﴾ امير المؤمنين ﷺ: اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِيْ زَوْجَةً صَالِحَةً وَدُودًا وَلُودًا شَكُورًا قَنُوعًا غَيْرًا اِنْ اَحْسَنْتُ شَكَرْتَ؛ بحار الأنوار ج: ١٠٠ ص: ٢٦٨

﴿١٦١﴾ الرسول ﷺ: مَا تَفْسِيرُ الْقَنَاعَةِ قَالَ يَقْنَعُ بِمَا يُصِيبُ مِنَ الدُّنْيَا يَقْنَعُ بِالْقَلِيلِ وَ يَشْكُرُ
 اَلْيَسِيرِ؛ وسائل الشيعة ج: ١٥ ص: ١٩٤

﴿١٦٢﴾ الرسول ﷺ: مَا تَفْسِيرُ الْقَنَاعَةِ قَالَ يَقْنَعُ بِمَا تُصِيبُ مِنَ الدُّنْيَا يَقْنَعُ بِالْقَلِيلِ وَ تَشْكُرُ
 اَلْيَسِيرِ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٣٤٦

﴿١٦٣﴾ الرسول ﷺ: وَ اَمَّا عَلَامَةُ الشَّاكِرِ فَارْبَعَةٌ الشُّكْرُ فِي النِّعَمِ وَ الصَّبْرُ فِي الْبَلَاءِ وَ الْقُنُوعُ
 بِقِسْمِ اللَّهِ وَ لَا يَحْمَدُ وَ لَا يُعْظِمُ اِلَّا اللَّهَ؛ بحار الأنوار ج: ١ ص: ١١٩

﴿١٦٤﴾ الصادق ﷺ: الْمُعْطَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْاَجْرِ كَالْمَحْرُومِ الْقَانِعِ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٤
 ﴿١٦٥﴾ الرسول ﷺ: الْمُعْطَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْاَجْرِ كَاَجْرِ الْمُحْتَرِفِ الْقَانِعِ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٥٦

﴿١٦٦﴾ الرسول ﷺ: الْمُعْطَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْاَجْرِ كَاَجْرِ الْمَحْرُومِ الْقَانِعِ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٤

١-١-٨١- القيام بحقوق النعمة

﴿١٦٧﴾ امير المؤمنين ﷺ: اِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُعْطِي النِّعَمَ بِشَرْطِ الشُّكْرِ لَهَا وَ الْقِيَامَ فِيهَا بِحَقُوقِهَا
 فَاِذَا اَخْلَ الْمُكَلَّفُ بِذَلِكَ كَانَ لِلَّهِ التَّغْيِيرُ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ١٤٩

١-١-٨٢- لسان الطَّوْبَةِ

﴿١٦٨﴾ الشُّكْرُ تَرْجُمَانُ النَّبِيِّ وَ لِسَانُ الطَّوْبَةِ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٧

١-١-٨٣- مَا ابْتُلِيَ بِهِ الْغَنِيُّ

﴿١٦٩﴾ الرسول ﷺ: بَيْنَا اَنَا جَالِسٌ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ اِذَا قَصَدَ لَهُ رَجُلٌ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ اَلْمَمْلُوكُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ابْتُلِيَ بِكَ وَ لَيْتَ بِهِ لَيَنْظُرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ كَيْفَ تَشْكُرُ وَ يَنْظُرَ

كَيْفَ يَصْبِرُ؛ بحار الأنوار ج: ٦ ص: ١١٣

١-١-٨٤- مَا يُحْشَى بِهِ الْعَقْلُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۵۸﴾ پرهیزگار باش تا عابدترین مردم باشی، و قانع باش تا سپاسگزارترین مردم باشی.
﴿۱۵۹﴾ به آنچه داری قانع و راضی باش، که همانا انسان شکور از کسی که مال بسیار دارد و شکر نمی‌کند بهتر است.

﴿۱۶۰﴾ خدایا، همسری صالح، مهربان، زاینده، سپاسگزار، قانع و تسلیم و باغیرت روزی من گردان، که اگر به او نیکی کنم سپاسگزار باشد.

﴿۱۶۱﴾ سؤال کردم که تفسیر قناعت چیست؟ فرمود: به آنچه از دنیا برایش می‌رسد بسنده کند، و با اندک بسازد و برای روزی اندک نیز سپاسگزار باشد.

﴿۱۶۲﴾ جبرئیل امین قناعت را این‌چنین تفسیر کرده است: درباره‌ی آنچه از دنیا به تو رسیده است قانع بوده و در مقابل نعمت اندک سپاسگزار باش و به آن بسنده کن.

﴿۱۶۳﴾ علامت شخص سپاسگزار چهار چیز است: شکر در نعمت، صبر در بلا، قناعت به قسمت، کسی را جز خدا نستاید و کسی را جز خدا تعظیم نکند.

﴿۱۶۴﴾ توانگر شاکر، مانند تهیدست قناعت‌پیشه اجر و پاداش خواهد گرفت.

﴿۱۶۵﴾ توانگر شاکر، مانند تهیدست قناعت‌پیشه اجر و پاداش خواهد گرفت.

﴿۱۶۶﴾ توانگر شاکر، مانند تهیدست قناعت‌پیشه اجر و پاداش خواهد گرفت.

۸۱-۱-۱- به‌پاخواستن برای اداکردن حقوق نعمت

﴿۱۶۷﴾ همانا خدای تعالی نعمت‌ها را به بندگانش عطا می‌کند، به شرط اینکه سپاسگزاری کنند و برای ادای حقوق الهی به‌پاخیزند سپس هرگاه بنده در وظیفه کوتاهی کرد بر خداست که نعمتش را تغییر دهد.

۸۲-۱-۱- زبان ضمیر

﴿۱۶۸﴾ شکر بازگوکننده‌ی نیت زبان درون است.

۸۳-۱-۱- آنچه ثروتمند به آن امتحان می‌شود

﴿۱۶۹﴾ نزد پیامبر خدا ﷺ نشسته بودم که مردی نزد آن حضرت آمد و گفت: ای پیامبر خدا، وای از مملوک، آن حضرت به او فرمود: او به تو گرفتار شده و تو نیز گرفتار اوئی، تا خدا ببیند، تو چگونه شکر می‌گزاری و او چگونه شکیبایی می‌ورزد؟

۸۴-۱-۱- آنچه به واسطه‌ی آن عقل پر می‌شود

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٧٠﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْعَقْلَ مِنْ نُورٍ مَخْزُونٍ مَكْنُونٍ فِي سَابِقِ عِلْمِهِ... ثُمَّ حَشَاهُ وَ قَوَّاهُ بِعَشْرَةِ أَشْيَاءَ بِالْيَقِينِ وَ الْإِيمَانِ وَ الصَّدْقِ وَ السَّكِينَةِ وَ الْإِحْلَاصِ وَ الرِّفْقِ وَ الْعَطِيَّةِ وَ الْقَنُوعِ وَ التَّسْلِيمِ وَ الشُّكْرِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ٢٠٣

١-١-٨٥- مادة النعم

﴿١٧١﴾ السجاد ﷺ: يَا مَنْ جَعَلَ الصَّبْرَ عَوْنًا عَلَى بَلَائِهِ وَ جَعَلَ الشُّكْرَ مَادَّةً لِنِعَمَائِهِ قَدْ جَلَّتْ نِعْمَتُكَ عَنْ شُكْرِي فَتَفَضَّلْ عَلَى إِقْرَارِي بِعَجْزِي بِعَفْوِ أَنْتَ أَقْدَرُ عَلَيْهِ وَأَوْسَعُ لِي مِنِّي؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٣١

١-١-٨٦- مُجَاوَرَةُ النَّعْمَةِ (حُسْنُ مُجَاوَرَتِهِ)

﴿١٧٢﴾ الرسول ﷺ: أَحْسِنُوا مُجَاوَرَةَ النَّعْمِ بِشُكْرِهَا؛ أعلام الدين ص: ١٥٢
﴿١٧٣﴾ الهادي ﷺ: اَلْقُوا النَّعْمَ بِحُسْنٍ مُجَاوَرَتِهَا وَ اَلْتَمِسُوا الزِّيَادَةَ فِيهَا بِالشُّكْرِ عَلَيْهَا؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٦٩

﴿١٧٤﴾ الصادق ﷺ: تَلَقَّوْا النَّعْمَ يَا سَدِيرُ حُسْنٍ مُجَاوَرَتِهَا وَ اشْكُرُوا مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكُمْ وَ أَنْعِمُوا عَلَى مَنْ شَكَرَكُمْ فَإِنَّكُمْ إِذَا كُنْتُمْ كَذَلِكَ اسْتَوْجِبْتُمْ مِنَ اللَّهِ الزِّيَادَةَ وَ مِنْ إِخْوَانِكُمُ الْمُنَاصَحَةَ ثُمَّ تَلَا لَتَيْنِ شَكَرْتُمُ لَا زِيَادَتَكُمْ؛ وسائل الشيعة ج: ١٦ ص: ٣٢٨
﴿١٧٥﴾ امير المؤمنين ﷺ: أَحْسِنُوا جِوَارَ نِعَمِ الدِّينِ وَ الدُّنْيَا بِالشُّكْرِ لِمَنْ دَلَّكُمْ عَلَيْهَا؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٧٠

﴿١٧٦﴾ الصادق ﷺ: أَحْسِنُوا جِوَارَ النَّعْمِ قُلْتُ وَ مَا حُسْنُ جِوَارِ النَّعْمِ قَالَ الشُّكْرُ لِمَنْ أَنْعَمَ بِهَا وَ آدَاءُ حُقُوقِهَا؛ الكافي ج: ٤ ص: ٣٨

١-١-٨٧- مَرْكَبُ الْمُؤْمِنِ

﴿١٧٧﴾ امير المؤمنين ﷺ: الْمُؤْمِنُ يَكُونُ صَادِقًا فِي الدُّنْيَا... وَ الشُّكْرُ مَرْكَبُهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ١٧٤

١-١-٨٨- مُصَاحَبَةُ النَّعْمِ

﴿١٧٨﴾ إِشْحَنَ الْخُلُوةَ بِالذِّكْرِ وَ اصْحَبَ النَّعْمَ بِالشُّكْرِ؛ غرر الحكم ص: ١٨٨

١-١-٨٩- مُعَاوَنَةُ الْإِخْوَانِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۷۰﴾ همانا خدای تعالی عقل را از نوری که در خزانه‌ی غیب پنهان خویش خلق کرد که در سابقه‌ی علم و دانایی خویش بر آن آگاهی داشته است؛ سپس آن را به وسیله‌ی ده چیز پرکرد و قدرت داد؛ یقین و ایمان و راستی و آرامش و اخلاص و نرمی و مدارا و بخشش و رضایت و تسلیم و شکر.

۱-۱-۱-۸۵- اصل نعمت‌ها

﴿۱۷۱﴾ ای آن که صبر را یاور دوران بلا و شکر را مایه‌ی جلب نعمت‌هایش قرار داد. نعمت بسیار بیشتر از شکر من است؛ پس در مقابل اقرار من به عجز خود با عفوئ که تو بر آن توانا تر و از من بر آن مسلط تری بر من لطف کن.

۱-۱-۱-۸۶- همنشینی با نعمت

﴿۱۷۲﴾ با ادای شکر، نعمت‌ها را به خوبی همراهی کنید.
﴿۱۷۳﴾ با همراهی خوب با نعمت‌ها به سوی آن‌ها بروید و با سپاسگزاری کردن بر آن‌ها افزایش نعمت را بجوید.

﴿۱۷۴﴾ ای سدید، با نعمت‌ها خوب همراهی کنید و از کسی که به شما لطف می‌کند سپاسگزاری کنید و به کسی که از شما تشکر می‌کند ببخشید، که اگر چنین کنید سزاوار زیاد شدن نعمت از طرف خدا و خیر خواهی از طرف دوستان هستید؛ سپس امام علیه السلام این آیه را تلاوت فرمود: "اگر شکر کنید نعمتتان را زیاد می‌کنم".

﴿۱۷۵﴾ در اختیار داشتن نعمت‌های دنیا و آخرت را با شکر کردن از کسی که واسطه‌ی رسیدن این نعمت به شما بوده است، به خوبی همراهی کنید.

﴿۱۷۶﴾ از حریم نعمت‌های الهی پاسداری کنید. گفتم: پاسداری از حریم نعمت در چیست؟ ابوعبدالله گفت: سپاس از بخشنده‌ی نعمت و ادای حق آن.

۱-۱-۱-۸۷- آنچه مؤمن بر آن سوار می‌شود

﴿۱۷۷﴾ مؤمن در دنیا اهل راست‌گویی و صداقت است... و شکر نعمت و سپاسگزاری (همراه) و مرکب همیشگی اوست.

۱-۱-۱-۸۸- همراهی با نعمت‌ها

﴿۱۷۸﴾ تنهایی و خلوت خود را با یاد خداوند پر و نعمت‌ها را با شکرگزاری همراه کن.

۱-۱-۱-۸۹- یاری رساندن به برادران

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٧٩﴾ العسكرى عليه السلام: وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ لَا تَشْكُرُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِشَيْءٍ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَبَعْدَ الْاعْتِرَافِ بِحَقِّقِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنْ مُعَاوَنَتِكُمْ لِإِخْوَانِكُمُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى ذُنُوبِهِمْ الَّتِي هِيَ مَعْبِرَتُهُمْ إِلَى جَنَانِ رَبِّهِمْ؛ بحار الأنوار ج: ٤٩ ص: ١٨٢

٩٠-١-١-المعرفة، حق المعرفة

﴿١٨٠﴾ الشُّكْرُ الْمَعْرِفَةُ وَفِي قَوْلِهِ وَلَا يَرْضَى لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ فَقَالَ الْكُفْرُ هَاهُنَا الْخِلَافُ وَالشُّكْرُ الْوَلَايَةُ وَالْمَعْرِفَةُ؛ بحار الأنوار ج: ٢٤ ص: ٦٠

﴿١٨١﴾ إِلَهِي فَمَا أَحْسَنَ بَلَائِكَ عِنْدِي وَأَظْهَرَ نِعْمَائِكَ عَلَيَّ وَأَكْثَرَ أَيَادِيكَ لَدَيَّ إِنْ شَكَرْتَهَا عَرَفْتُ وَاجِبَ حَقِّهَا؛ إقبال الأعمال ص: ١٣٣

﴿١٨٢﴾ أَنْ حَقَّ الْمَعْرِفَةُ أَنْ تُطِيعَ وَلَا تَعْصِيَ وَتَشْكُرَ وَلَا تَكْفُرَ؛ بحار الأنوار ج: ٣ ص: ١٤

﴿١٨٣﴾ الرسول عليه السلام: وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ فَهَذَا كُفْرُ النَّعْمِ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَيُّمَا عَبْدٍ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ نِعْمَةً فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ وَحَمِدَ اللَّهَ عَلَيْهَا بِلِسَانِهِ لَمْ تَنْفُذْ حَتَّى يَأْمُرَ اللَّهُ لَهُ بِالزِّيَادَةِ - وَهُوَ قَوْلُهُ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ١٨

٩١-١-١-المعرفة بالإحسان

﴿١٨٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مِنْ شُكْرِهِ مَعْرِفَتُهُ بِإِحْسَانٍ مَنْ أَحْسَنَ إِلَيْهِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ١٧٠

٩٢-١-١-المعرفة بأن النعمة من الله وراجع: العلم بأن النعمة من الله و، رُؤْيَةُ النَّعْمَةِ مِنَ اللَّهِ

﴿١٨٥﴾ الصادق عليه السلام: إِنْ مَنْ عَرَفَ نِعْمَةَ اللَّهِ بِقَلْبِهِ اسْتَوْجَبَ الْمَزِيدَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَبْلَ أَنْ يُظْهَرَ شُكْرُهَا عَلَى لِسَانِهِ؛ الكافي ج: ٨ ص: ١٢٨

﴿١٨٦﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ نِعْمَةً فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ فَقَدْ آدَى شُكْرَهَا؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٦

﴿١٨٧﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ نِعْمَةً فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ وَعَلِمَ أَنَّ الْمُنْعَمَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَقَدْ آدَى شُكْرَهَا وَإِنْ لَمْ يُحَرِّكْ لِسَانَهُ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٢٥٢

﴿١٨٨﴾ الصادق عليه السلام: وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ فَهَذَا كُفْرُ النَّعْمِ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَيُّمَا عَبْدٍ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ نِعْمَةً فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ وَحَمِدَ اللَّهَ عَلَيْهَا بِلِسَانِهِ لَمْ تَنْفُذْ حَتَّى يَأْمُرَ اللَّهُ لَهُ بِالزِّيَادَةِ - وَهُوَ قَوْلُهُ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ؛ تفسير القمي ج: ١ ص: ٣٦٧

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۷۹﴾ بدانید که شما بعد از ایمان به خدا و اعتراف به حقوق اولیای خدا از خاندان محمد ﷺ، با فعلی محبوب‌تر از کمک به برادران دینی خود در امور دنیا که وسیله‌ی رسیدن به بهشت پروردگارشان است، نمی‌توانید شکر و سپاس پروردگار را به جا آورید.

۹۰-۱-۱-۱- شناخت، حق شناخت

﴿۱۸۰﴾ شکر معرفت است و در باره‌ی این آیه "و بر بندگان نمی‌پسندد که کفران کنند و اگر سپاسگزاری کنید از شما خشنود می‌شود" فرمود: کفر در این آیه (رفتار برخلاف امامان است) و شکر، ولایت و معرفت امام است.

﴿۱۸۱﴾ پروردگارا، چه نیکوست تکالیفی که از من خواسته‌ای و چه آشکار است نعمت‌های تو بر من و چه بسیار است خوبی‌هایت بر من، که اگر آن نعمت را شکر کنم در واقع حق واجب نعمت را شناخته‌ام.

﴿۱۸۲﴾ حق معرفت آن است که اطاعت کنی و نافرمانی نکنی و شکرگزاری کنی و کفران نکنی.

﴿۱۸۳﴾ و (همچنین به خاطر بیاورید) هنگامی که پروردگارتان اعلام داشت: "اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است." و این کفر نعمت است پس امام صادق علیه السلام فرمود: هر بنده‌ای که خداوند نعمتی به او داده و آن بنده به آن نعمت معرفت قلبی داشته باشد و با زبان نیز حمد و سپاس الهی را به‌جا آورد؛ هنوز حمد و سپاسش تمام نشده باشد که خداوند دستور افزایش نعمت را صادر می‌کند. و این است معنای آیه "لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ".

۹۱-۱-۱-۱- شناخت به واسطه‌ی نیکی

﴿۱۸۴﴾ هر که به نیکوکاری کسی که به او احسان کرده آگاه باشد، این شناخت به‌عنوان شکر پذیرفته است.

۹۲-۱-۱-۱- شناخت به اینکه نعمت از جانب خداست و ر.به: دانستن اینکه نعمت از جانب خداست و ر.به: مشاهده‌ی اینکه نعمت از جانب خداست

﴿۱۸۵﴾ کسی که نعمت خدا را بشناسد موجب افزایش نعمت از جانب خدا می‌شود حتی پیش از آنکه با زبان شکرگزاری کند.

﴿۱۸۶﴾ هر کس که خداوند نعمتی به او عنایت فرماید و بفهمد که این نعمت از طرف خدا است و آنکه نعمت‌دهنده‌ی حقیقی اوست، قطعاً شکر نعمت را ادا نموده‌است.

﴿۱۸۷﴾ هر کس خدا به او نعمتی ارزانی کند اگر در قلب آن نعمت را بشناسد و بداند که از جانب خدا است، شکر آن نعمت را به جا آورده است، حتی اگر با زبان چیزی نگوید و هر که بداند کیفردهنده‌ی گناهان خدا است، پس در حقیقت استغفار کرده، حتی اگر با زبان چیزی نگوید.

﴿۱۸۸﴾ و (همچنین به خاطر بیاورید) هنگامی که پروردگارتان اعلام داشت: "اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است." و این کفر نعمت است پس امام صادق علیه السلام فرمود: هر بنده‌ای که خداوند نعمتی به او داده و آن بنده به آن نعمت معرفت قلبی داشته باشد و با زبان نیز حمد و سپاس الهی را به‌جا آورد؛ هنوز حمد و سپاسش تمام نشده باشد که خداوند دستور افزایش نعمت را صادر می‌کند. و این است معنای آیه "لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ".

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٨٩﴾ الصادق عليه السلام: أَتَمَّا عَبْدٌ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ نِعْمَةً فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ وَحَمِدَ اللَّهَ عَلَيْهَا بِلِسَانِهِ لَمْ تَنْفُذْ حَتَّى يَأْمُرَ اللَّهُ لَهُ بِالزِّيَادَةِ وَهُوَ قَوْلُهُ لَمَنْ شَكَرْتُمْ أَزِيدَنَّكُمْ؛ بحار الأنوار ج: ٤٨ ص: ٤٢

﴿١٩٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً فَعَلِمَ أَنَّهَا مِنَ اللَّهِ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ جَلَّ اسْمُهُ لَهُ شُكْرَهَا قَبْلَ أَنْ يُحَمِّدَهُ عَلَيْهَا؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٨٢

﴿١٩١﴾ الكاظم عليه السلام: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام أَتَانِي اللَّهُ بِأُمُورٍ لَا أَحْتَسِبُهَا لَأُذْرى كَيْفَ وَجُوهُهَا قَالَ آوٍ لَا تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا مِنَ الشُّكْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٤٨ ص: ٥٤

﴿١٩٢﴾ العسكري عليه السلام: لَا يَعْرِفُ النُّعْمَةَ إِلَّا الشَّاكِرُ وَلَا يَشْكُرُ النُّعْمَةَ إِلَّا الْعَارِفُ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٣٧٨

﴿١٩٣﴾ إِذَا كُسِيَ اللَّحْمُ ثُمَّ أَنْشَأَنَاهُ خَلْقًا آخَرَ قَالَ أَنْتَبَ لَهُ الشَّعْرُ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ فَأَنْبَأَهُ اللَّهُ مِمَّا خَلَقَهُ وَأَبْنَاهُ إِنَّمَا بَيَّنَّ ذَلِكَ لِيَبْتَلِيَهُ بِذَلِكَ لِيَعْلَمَ كَيْفَ شُكْرُهُ وَمَعْرِفَتُهُ لِحَقِّهِ فَبَيَّنَ اللَّهُ لَهُ مَا أَحَلَّ لَهُ وَمَا حَرَّمَ عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا؛ بحار الأنوار ج: ٥٧ ص: ٣٨٥

٩٣-١-١-المعرفة والعلم بأن نعمة الشكر من الله

﴿١٩٤﴾ الصادق عليه السلام: أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا مُوسَى اشْكُرْنِي حَقَّ شُكْرِي فَقَالَ يَا رَبَّ كَيْفَ أَشْكُرُكَ حَقَّ شُكْرِكَ وَ لَيْسَ مِنِّي شُكْرُ أَشْكُرُكَ بِهِ إِلَّا وَأَنْتَ أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ فَقَالَ يَا مُوسَى شَكَرْتَنِي حَقَّ شُكْرِي حِينَ عَلِمْتَ أَنَّ ذَلِكَ مِنِّي؛ بحار الأنوار ج: ١٣ ص: ٣٥١

﴿١٩٥﴾ أَوْحَى اللَّهُ إِلَى دَاوُدَ عليه السلام: أَشْكُرْنِي حَقَّ شُكْرِي قَالَ إِلَهِي أَشْكُرُكَ حَقَّ شُكْرِكَ وَ شُكْرِي إِيَّاكَ نِعْمَةً مِنْكَ فَقَالَ الْآنَ شَكَرْتَنِي وَ قَالَ دَاوُدُ عليه السلام: يَا رَبَّ وَ كَيْفَ كَانَ آدَمُ يَشْكُرُكَ حَقَّ شُكْرِكَ وَقَدْ جَعَلْتَهُ أَبَ أَنْبِيَائِكَ وَ صَفَوْتِكَ وَأَسْجَدْتَ لَهُ مَلَائِكَتَكَ فَقَالَ إِنَّهُ عَرَفَ أَنَّ ذَلِكَ مِنْ عِنْدِي فَكَانَ اعْتِرَافُهُ بِذَلِكَ حَقَّ شُكْرِي؛ بحار الأنوار ج: ١٤ ص: ٤٠٠

٩٤-١-١-معرفة حق النعمة

﴿١٩٦﴾ إِلَهِي فَمَا أَحْسَنَ بِلَائِكَ عِنْدِي وَأَظْهَرَ نِعْمَائِكَ عَلَيَّ وَ أَكْثَرَ آيَادِيكَ لَدَيَّ إِنْ شَكَرْتَهَا عَرَفْتُ وَأَجَبْتُ حَقَّهَا؛ إقبال الأعمال ص: ١٣٣

٩٥-١-١-المعرفة بالتقصير

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۸۹﴾ هر بنده‌ای که خداوند به او نعمتی دهد و آن بنده با قلب خود آن نعمت را بشناسد (و لطفی از طرف خدا بداند) و با زبان نیز حمد و سپاس الهی را به‌جا آورد، هنوز حمد و سپاسش تمام نشده است که خداوند دستور افزایش نعمت را برای او صادر می‌کند. و این است معنای آیه‌ی "اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهیم افزود".

﴿۱۹۰﴾ هر نعمتی را که خداوند به بنده‌ای ارزانی کند، همین‌که آن بنده بداند این نعمت از خدا است، پیش از اینکه بر آن نعمت حمد و ستایش کند سپاس و شکر آن را به جای آورده است.

﴿۱۹۱﴾ به حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) عرضه داشتم: خداوند چیزهایی به من عنایت فرموده که تصور نمی‌کردم به آن‌ها برسم و نمی‌دانم این‌ها از کجا آمده و به چه طریق فراهم شده است؟ حضرت فرمود: آیا نمی‌دانی، که این حالت و این اعتراف به نعمت خودش یک نحوه سیاست و شکر است.

﴿۱۹۲﴾ نعمت را جز سپاسگزار نمی‌شناسد، و جز عارف و آن که نعمت را می‌شناسد سپاسگزاری نمی‌کند. ﴿۱۹۳﴾ آنگاه که گوشت برآرد، موجود دیگری می‌شود و مو برایش رویانده می‌شود؛ پس آفرین بر بهترین خلق کنندگان، خدا از آنچه آفریده شده است؛ او را آگاه کرد، و به او اطلاع داد که او را آفریده تا آزمایش کند، و بداند چگونه او را شکر می‌کند و چقدر حق شناس است، و برایش حلال و حرام را بیان کرد، سپس فرمود: "ما را هنمایی! شکر کردیم خواه شاکر نعمت‌های خداوند باشد و خواه ناسپاسی کند."

۹۳-۱-۱-۱- آگاهی و دانستن اینکه نعمت شکر کردن از جانب خداست

﴿۱۹۴﴾ خدای متعال به‌سوی موسی علیه السلام وحی فرمود که: ای موسی، شکر مرا آن‌چنان که شایسته است به‌جا آور، پس موسی گفت: ای پروردگار من چگونه تو را آن‌چنان که شایسته‌ی آنی شکر بگزارم حال آنکه شکرکردنی برای من نیست مگر آنکه همان شکرگزاری و سپاس به درگاهت را نیز تو به‌عنوان نعمتی به من حقیر بخشیده‌ای (و اگر لطف تو نبود کی و کجا من بنده‌ی شکرگزار تو بودم؟ و یا از کجا شیوه‌ی شکرگزاری می‌آموختم؟ پس حق تعالی فرمود: ای موسی تو مرا شکر نمودی به‌صورتی که حق سپاسگزاری من بود، هنگامی که دانستی همانا آن نیز (نعمت شکرگزاری) از جانب من است.

﴿۱۹۵﴾ خدای تعالی به داود علیه السلام وحی نمود که: (ای داود) مرا آن چنان که شایسته است شکر کن. داود گفت: پروردگارا، چگونه حق شکر تو را به جای آورم، حال آنکه من خوب می دانم شکرگزاری من نیز نعمتی از سوی توست (که به من ارزانی داشته ای) پس حق تعالی فرمود: الآن شکر مرا به جای آوردی. (اینکه دانستی همه چیز، حتی شکر تو از جانب من است همان حق شکرگزاری خداوندی من است). داود گفت: ای پروردگارم، حضرت آدم چگونه توانست شکر تو را به جا آورد، درحالی که تو او را پدر پیامبران قرار دادی و او را ریشه و اصل تمام خویان نمودی و به تمام فرشتگان امر کردی در برابرش سجده نمایند؟ پس حق تعالی فرمود: همانا (آدم) می دانست که (همه ی آن نعمت ها که ذکر کردی) از جانب من است پس (این را بدان که) اعترافش به این مطلب، همان به جا آوردن حق شکر من است.

۹۴-۱-۱-۱- شناخت حق نعمت

﴿۱۹۶﴾ پروردگارا، چه نیکوست تکالیفی که از من خواسته‌ای و چه آشکار است نعمت‌های تو بر من و چه بسیار است خوبی‌هایت بر من، که اگر آن نعمت را شکر کنم در واقع حق واجب نعمت را شناختم.

۹۵-۱-۱-۱- ناتوانی از شناخت

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٩٧﴾ السَّجَادُ عليه السلام: كَانَ عَلَى بَنِي الْحُسَيْنِ عليهم السلام إِذَا قَرَأَ هَذِهِ آيَةَ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا يَقُولُ عليه السلام سُبْحَانَ مَنْ لَمْ يَجْعَلْ فِي أَحَدٍ مِنْ مَعْرِفَةِ نِعَمِهِ إِلَّا الْمَعْرِفَةَ بِالتَّقْصِيرِ عَنْ مَعْرِفَتِهَا كَمَا لَمْ يَجْعَلْ فِي أَحَدٍ مِنْ مَعْرِفَةِ إِدْرَاكِهِ أَكْثَرَ مِنَ الْعِلْمِ بَأَنَّهُ لَا يَذْرُكُهُ فَشَكَرَ عَزَّ وَجَلَّ مَعْرِفَةَ الْعَارِفِينَ بِالتَّقْصِيرِ عَنْ مَعْرِفَتِهِ وَجَعَلَ مَعْرِفَتَهُمْ بِالتَّقْصِيرِ شُكْرًا؛ الكافي ج: ٨ ص: ٣٩٤

﴿١٩٨﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: مَنْ أَخْلَصَ بَاطِنَهُ لِلَّهِ وَخَشَعَ لَهُ بَقْلِيهِ وَرَأَى نَفْسَهُ مُقْصِرًا بَعْدَ بَذْلِ كُلِّ مَجْهُودٍ وَجَدَ الشُّكْرَ عَلَيْهِ حَاصِلًا فَيَكُونُ مِمَّنْ يُرْجَى لَهُ الْخُلَاصُ مِنَ الرِّيَاءِ وَالتَّفَاقِ إِذَا اسْتَقَامَ عَلَى ذَلِكَ فِي كُلِّ حَالٍ؛ مستدرک الوسائل ج: ١ ص: ١٠٧

١-١-٩٦-المكافأة

﴿١٩٩﴾ مَنْ شَكَرَ مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْهِ فَقَدْ كَفَّاهُ؛ غررالحكم ص: ٢٨٠

﴿٢٠٠﴾ الرسول ﷺ: أَفْضَلُ مُكَافَأَةِ الْمَعْرُوفِ الدُّعَاءُ وَ الشُّكْرُ لِلَّهِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٥٨

﴿٢٠١﴾ الرسول ﷺ: مَنْ أَوْلَى مَعْرُوفًا فَلَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ خَيْرٌ يُكَافِيهِ بِهِ عَنْهُ فَأَتْنِي عَلَى مَوْلِيهِ فَقَدْ شَكَرَهُ وَمَنْ شَكَرَ مَعْرُوفًا فَقَدْ كَفَّاهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٥٥

﴿٢٠٢﴾ أَطْلُ يَدِكَ فِي مُكَافَأَةِ مَنْ أَحْسَنَ إِلَيْكَ فَإِنْ لَمْ تَقْدِرْ فَلَا أَقْلَ مِنْ أَنْ تَشْكُرَهُ؛ غررالحكم ص: ٣٨٥

﴿٢٠٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ صَنَعَ بِمِثْلِ مَا صُنِعَ إِلَيْهِ فَإِنَّمَا كَفَّاهُ وَمَنْ أَضْعَفَهُ كَانَ شُكُورًا وَمَنْ شَكَرَ كَانَ كَرِيمًا وَمَنْ عَلِمَ أَنَّ مَا صَنَعَ إِنَّمَا صَنَعَ إِلَى نَفْسِهِ لَمْ يَسْتَبِطِ النَّاسَ فِي شُكْرِهِمْ وَلَمْ يَسْتَزِدَّهُمْ فِي مَوَدَّتِهِمْ فَلَا تَلْتَمِسْ مِنْ غَيْرِكَ شُكْرَ مَا آتَيْتَ إِلَى نَفْسِكَ وَوَقَّيْتُ بِهِ عِرْضَكَ وَاعْلَمْ أَنَّ الطَّالِبَ إِلَيْكَ الْحَاجَّةَ لَمْ يُكْرِمْ وَجْهَهُ عَنْ وَجْهِكَ فَأَكْرِمْ وَجْهَكَ عَنْ رَدِّهِ؛ الكافي ج: ٤ ص: ٢٨

﴿٢٠٤﴾ الباقر عليه السلام: مَنْ صَنَعَ مِثْلَ مَا صُنِعَ إِلَيْهِ فَإِنَّمَا كَفَّاهُ وَمَنْ أَضْعَفَ كَانَ شَاكِرًا وَمَنْ شَكَرَ كَانَ كَرِيمًا وَمَنْ عَلِمَ أَنَّ مَا صُنِعَ إِلَيْهِ إِنَّمَا يُصْنَعُ إِلَى نَفْسِهِ لَمْ يَسْتَبِطِ النَّاسَ فِي شُكْرِهِمْ وَلَمْ يَسْتَزِدَّهُمْ فِي مَوَدَّتِهِمْ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٥٠

﴿٢٠٥﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: مَنْ قَصُرَتْ يَدُهُ بِالْمُكَافَأَةِ فَلْيُطِلْ لِسَانَهُ بِالشُّكْرِ؛ وسائل الشيعة ج: ١٦ ص: ٣١١

﴿٢٠٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِذَا قَصُرَتْ يَدُكَ عَلَى الْمُكَافَأَةِ فَأُطِلْ لِسَانَكَ بِالشُّكْرِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٥٦

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۹۷﴾ هروقت حضرت زین العابدین علیه السلام آیهی "وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا" را تلاوت می کرد می فرمود: منزّه است خدایی که شناخت حق نعمت خود را به کسی نداد مگر اینکه به قصور و ناتوانی از این شناخت اعتراف کرد. همچنان که شناخت و درک خود را بیش از این درجه نصیب کسی نکرد که بداند نمی تواند خدا را بشناسد و ادراک کند. پس خداوند عزیز و جلیل این شناخت عارفان و اعترافشان به ناتوانی از شناخت را قدردانی کرد و به عنوان "شناخت" پذیرفت. و نیز اعترافشان به اینکه از ادای حق شکر او ناتوانند را نیز مورد قدرشناسی قرار داد و آن را به عنوان "شکر" پذیرفت.

﴿۱۹۸﴾ اما کسی که باطنش را برای خداوند خالص کند و دلش خاشع گردد و خود را مقصر و ذلیل بداند و کوشش کند و همواره شکرگزار باشد، این چنین اشخاصی امید خلاصی دارند و در صورت تداوم امید می رود از ریا و نفاق دور بمانند.

۹۶-۱-۱-۱-عقوبت

﴿۱۹۹﴾ هر که احسان کننده را شکر کند، درواقع پاداش متناسب او را داده است.
﴿۲۰۰﴾ با فضیلت ترین پاداش در مقابل، دعا و شکر به محضر خدای تعالی است.
﴿۲۰۱﴾ اگر به کسی خیری رسید و او چیزی نداشت تا به صاحب آن خیر، پاداش دهد، اگر او را بستانید از او سپاسگزاری کرده است. و هر که از خیری سپاسگزی کند، پاداش متناسب آن را داده است.

﴿۲۰۲﴾ دست خود را برای عوض دادن به کسی که به تو احسان کرده است دراز کن. ولی اگر توانایی نداشته باشی حداقل در تشکر کردن از او کوتاهی نکن.
﴿۲۰۳﴾ هر کس همان گونه که به او نیکی شده، نیکی کند همسان با نیکی کننده است؛ و هر که کمتر پاسخ دهد، شکرگزار محسوب می شود و هر که شکر کند، بزرگوار است و هر که بداند که هر عمل نیکی که انجام می دهد به سود خودش است، از مردم توقع نخواهد داشت که از وی تشکر کنند و به خاطر کار نیکی که برایشان انجام داده از آن ها طلب محبت بیشتر نمی کند. پس از دیگران شکر آنچه را که برای خودت انجام داده ای و آبرویت را با آن حفظ کرده ای درخواست نکن و بدان که هر که از تو درخواستی کند در صورت اجابت نکردن آبروی تو بیش از او در معرض سقوط است، پس با رد نکردن او آبروی خودت را حفظ کن.

﴿۲۰۴﴾ هر کس همان گونه که به او نیکی شده، نیکی کند همسان با نیکی کننده است؛ و هر که کمتر پاسخ دهد، شکرگزار محسوب می شود و هر که شکر کند، بزرگوار است و هر که بداند که هر عمل نیکی که انجام می دهد به سود خودش است، از مردم توقع نخواهد داشت که از وی تشکر کنند و به خاطر کار نیکی که برایشان انجام داده از آن ها طلب محبت بیشتر نمی کند.
﴿۲۰۵﴾ هر که دستش از دادن پاسخ برابر به لطفی که به او شده کوتاه است، باید زبانش را در سپاسگزاری بگشاید.

﴿۲۰۶﴾ هنگامی که دستت از پاسخ دادن به محبت های دیگران کوتاه است، حداقل زبان خود را برای تشکر از او حرکت بده.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٠٧﴾ السَّجَّادُ عليه السلام: وَ أَمَّا حَقُّ مَنْ سَرَّكَ اللَّهُ بِهِ وَ عَلَى يَدَيْهِ فَإِنْ كَانَ تَعَمَّدَهَا لَكَ حَمِدَتْ اللَّهُ أَوَّلًا ثُمَّ شَكَرْتَهُ عَلَى ذَلِكَ بِقَدْرِهِ فِي مَوْضِعِ الْجَزَاءِ وَ كَافَأْتَهُ عَلَى فَضْلِ الْإِيتِدَاءِ وَ أَرَصَدْتَ لَهُ الْمُكَافَأَةَ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ تَعَمَّدَهَا حَمِدْتَ اللَّهَ وَ شَكَرْتَهُ وَ عَلِمْتَ أَنَّهُ مِنْهُ تَوَحَّدَكَ بِهَا وَ أَحْبَبْتَ هَذَا إِذَا كَانَ سَبَبًا مِنْ أَسْبَابِ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ تَرَجُّوْ لَهُ بَعْدَ ذَلِكَ خَيْرًا فَإِنَّ أَسْبَابَ النِّعَمِ بَرَكَةٌ حَيْثُ مَا كَانَتْ وَ إِنْ كَانَ لَمْ يَعْمِدْ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ١٦٦

﴿٢٠٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَلَيْسَ شُكْرِي وَ إِنْ دَأْبْتُ مِنْهُ فِي الْمَقَالِ وَ بَالِغْتُ مِنْهُ فِي الْفَعَالِ بِبَالِغِ أَدَاءِ حَقِّكَ وَ لَا مُكَافِ فَضْلِكَ؛ مهج الدعوات ص: ١٢٩

﴿٢٠٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَمَّا حَقُّ ذِي الْمَعْرُوفِ عَلَيْكَ فَإِنَّ تَشْكُرَهُ وَ تَذْكُرُ مَعْرُوفَهُ وَ تَكْسِبُهُ الْمَقَالَةَ الْحَسَنَةَ وَ تُخْلِصَ لَهُ الدُّعَاءَ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ كُنْتَ قَدْ شَكَرْتَهُ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً ثُمَّ إِنْ قَدَرْتَ عَلَى مُكَافَأَتِهِ يَوْمًا كَافَأْتَهُ؛ وسائل الشيعة ج: ١٥ ص: ١٧٥
٩٧-١-١-١- نُشْرُ النِّعْمَةِ

﴿٢١٠﴾ أَحْسَنُ السُّمْعَةِ شُكْرُ يُنْشَرُ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٧

﴿٢١١﴾ الرسول ﷺ: يَا مَنْ اسْتَوْجَبَ الشُّكْرَ بَنَشْرٍ سَحَائِبِ نِعْمِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٤٠٢
﴿٢١٢﴾ الصادق عليه السلام: الْمُؤْمِنُ مُكْفَرٌ وَ فِي رَوَايَةٍ أُخْرَى وَ ذَلِكَ أَنَّ مَعْرُوفَهُ يَصْعَدُ إِلَى اللَّهِ فَلَا يُنْشَرُ فِي النَّاسِ وَ الْكَافِرُ مَشْكُورٌ؛ بحار الأنوار ج: ٦٤ ص: ٢٦٠
٩٨-١-١-١- النَّصِيحُ لِأُولَى الْأَمْرِ

﴿٢١٣﴾ الرسول ﷺ: يَا عِبَادَ اللَّهِ إِنْ اتَّقَيْتُمُ اللَّهَ وَ حَفِظْتُمْ نَبِيَّكُمْ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ فَقَدْ عَبَدْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا عُبِدَ وَ ذَكَرْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا ذُكِرَ وَ شَكَرْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا شُكِرَ وَ أَخَذْتُمْ بِأَفْضَلِ الصَّبْرِ وَ الشُّكْرِ وَ اجْتَهِدْتُمْ أَفْضَلَ الْجَاهِدِ وَ إِنْ كَانَ غَيْرُكُمْ أَطْوَلَ مِنْكُمْ صَلَاةً وَ أَكْثَرَ مِنْكُمْ صِيَامًا فَأَنْتُمْ أَتَقَى لِلَّهِ مِنْهُ وَ أَنْصَحُ لِأُولَى الْأَمْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٢٧ ص: ١٦٩
٩٩-١-١-١- النَّصِيحَةُ

﴿٢١٤﴾ الصادق عليه السلام: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ قَوْلَ التَّوَابِیْنِ وَ عَمَلَهُمْ وَ نُوْرَ الْاَنْبِیَاءِ وَ صِدْقَهُمْ وَ نَجَاةَ الْمُجَاهِدِیْنَ وَ ثَوَابَهُمْ وَ شُكْرَ الْمُصْطَفَیْنِ وَ نَصِيحَتَهُمْ؛ الکافی ج: ٢ ص: ٥٩٣
١٠٠-١-١-١- النُّصْرَةُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۰۷﴾ حق آن که خدا به دست او تو را خشنود کرده (و سبب خرسندیات شده) این است که اگر منظورش خشنودی تو بوده نخست خدا را شکر گویی، سپس به عنوان پاداش، به قدر این محبت از او تشکر کنی، و در فکر تلافی باشی و مزیت پیش قدم شدنش را نیز جبران کنی (که اگر تلافی سربه سر باشد امتیاز تقدم او فراموش شده است) و اگر چنین منظوری نداشته، باز خدا را سپاسگزاری و از او تشکر کنی و بدانی که این شادی از جانب اوست، و چون او واسطه‌ی نعمت خدا بوده دوستش بداری و خیرش را بخواهی، زیرا اسباب نعمت هرچه باشد، برکت است، حتی اگر او چنین قصدی نداشته باشد، و هیچ توانی نیست مگر با تکیه بر خدا.

﴿۲۰۸﴾ شکر و سپاسگزاری من به هراندازه‌ای که با زبان برای ادای آن بکوشم، و به هر مقدار که در عمل برای تحقق آن تلاش کنم، حق تو را ادا نمی‌کند و لطف تو را پاسخ نمی‌دهد.

﴿۲۰۹﴾ حق کسی که به تو احسان کند این است که احسانش را، قدردانی کنی و خوبی او را بگویی و دعای میان خود و خدا را برای او مخلصانه کنی، چون چنین کردی شکر او را در نهان و آشکار ادا نموده‌ای و اگر روزی توانستی به او عوض دهی نیز این کار را بکن.

۹۷-۱-۱-۱- توزیع نعمت

﴿۲۱۰﴾ نیکوترین کلام، تشکر و سپاسی است که منتشر شود و مخفی نماند.

﴿۲۱۱﴾ ای کسی که به علت گستردن ابرها نعمت خود سزاوار شکر کرده است.

﴿۲۱۲﴾ مؤمن مورد ناسپاسی قرار می‌گیرد و در روایت دیگر است که نیکی او به آسمان بالامی‌رود، ولی در میان مردم منتشر نگردد، ولی کافر قدردانی شود.

۹۸-۱-۱-۱- خیرخواهی برای سرپرستان و صاحبان ولایت

﴿۲۱۳﴾ بندگان خدا، اگر پروای الهی پیش گیرید، و حق پیامبران را درباره‌ی خاندانش محفوظ دارید، هرآینه خدا را به بهترین وجه پرستش نموده‌اید، و به بهترین صورت یاد کرده، و به نیکوترین روش سپاس گفته، و به بالاترین درجات صبر و شکر دست یافته‌اید، و به برترین درجه‌ی تلاش، سعی و کوشش نموده‌اید، هرچند که دیگران نمازشان از شما طولانی‌تر، و روزه‌داری‌شان از شما بیشتر باشد، زیرا که شما از آنان پرهیزکارتر، و نسبت به اولی الامر و امامان خود، خیرخواه‌ترید.

۹۹-۱-۱-۱- خیرخواهی

﴿۲۱۴﴾ خدایا، از تو گفتار توبه‌کنندگان و کردارشان را و نور (هدایت) پیامبران و راستی آن‌ها را، و رستگاری مجاهدان و پاداششان را، و شکرگزاری برگزیدگان و نصیحت آن‌ها را درخواست می‌کنم.

۱۰۰-۱-۱-۱- یاری

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢١٥﴾ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَدْ اصْطَنَعَ عِنْدَنَا وَعِنْدَكُمْ أَنْ نَشْكُرَهُ بِجُهِدِنَا وَأَنْ نَنْصُرَهُ بِمَا بَلَغَتْ قُوَّتُنَا؛ شرح نهج البلاغة ج: ١٧ ص: ١٩

١٠١-١-١-النَّظَرُ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَهُ فِي دُنْيَاهُ وَإِلَى مَنْ فَوْقَهُ فِي دِينِهِ
﴿٢١٦﴾ الرَّسُولُ ﷺ: خَصَلْتَانِ مَنْ كَانَتْ فِيهِ كِتَابَةُ اللَّهِ شَاكِرًا صَابِرًا مَنْ نَظَرَ فِي دِينِهِ إِلَى مَنْ فَوْقَهُ فَاقْتَدَى بِهِ وَنَظَرَ فِي دُنْيَاهُ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَهُ فَشَكَرَ اللَّهُ فَإِنْ نَظَرَ فِي دُنْيَاهُ إِلَى مَنْ فَوْقَهُ فَاسِيفَ عَلَى مَا فَاتَهُ لَمْ يَكْتُبْهُ اللَّهُ شَاكِرًا وَلَا صَابِرًا؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ١٧٢
﴿٢١٧﴾ أَكْثَرَ أَنْ تَنْظُرَ إِلَى مَنْ فَضَّلْتَ عَلَيْهِ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ أَبْوَابِ الشُّكْرِ؛ شرح نهج البلاغة ج: ١٨ ص: ٤١

١٠٢-١-١-النَّعْمَةُ
﴿٢١٨﴾ الْهَادِي ﷺ: الشَّاكِرُ أَسْعَدُ بِالشُّكْرِ مِنْهُ بِالنَّعْمَةِ الَّتِي أَوْجَبَتْ الشُّكْرَ لِأَنَّ النَّعْمَ مَتَاعٌ وَ الشُّكْرَ نِعْمٌ وَعَقْبَى؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٣٦٥

١٠٣-١-١-الْوَرَعُ
﴿٢١٩﴾ امير المؤمنين ﷺ: شُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ الْوَرَعُ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ؛ بحار الأنوار ج: ٦٧ ص: ٣٠٧
١٠٤-١-١-وَطِيفَةُ حَقِّ اللَّهِ

﴿٢٢٠﴾ أَحَمَدُهُ شُكْرًا لِإِنْعَامِهِ وَاسْتَعِينُهُ عَلَى وَطَائِفِ حُقُوقِهِ؛ شرح نهج البلاغة ج: ١٣ ص: ١١٠
١٠٥-١-١-الْوَفَاءُ

﴿٢٢١﴾ الرضا ﷺ: فِي...فَتَحَ الْعِرَاقَ مَرَّتَيْنِ وَ تَفَرَّقَ جُمُوعُ الشَّيْطَانِ بِيَدَيْهِ حَتَّى قَوِيَ الدِّينُ وَ خَاضَ نِيرَانَ الْحُرُوبِ وَفَاءً وَ شُكْرًا بِنَفْسِهِ وَ أَهْلَ بَيْتِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٤٩ ص: ١٦١
﴿٢٢٢﴾ السَّلَامُ عَلَى مَنْ شَكَرَ النَّعْمَةَ وَ وَفَى بِالْبَيْعَةِ؛ شرح نهج البلاغة ج: ١٤ ص: ١٠
١٠٦-١-١-الْوَلَايَةُ

﴿٢٢٣﴾ الشُّكْرُ الْمَعْرِفَةُ وَ فِي قَوْلِهِ وَ لَا يَرْضَى لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَ إِنْ تَشَكَّرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ فَقَالَ الْكُفْرُ هَاهُنَا الْخِلَافُ وَ الشُّكْرُ الْوَلَايَةُ وَ الْمَعْرِفَةُ؛ بحار الأنوار ج: ٢٤ ص: ٦٠
﴿٢٢٤﴾ الرَّسُولُ ﷺ: عَلَى خَيْرِ الْبَشَرِ فَمَنْ أَبَى فَقَدْ كَفَرَ وَ مَنْ رَضِيَ فَقَدْ شَكَرَ؛ بحار الأنوار ج: ٣٨ ص: ٧

﴿٢٢٥﴾ الْعَسْكَرِيُّ ﷺ: وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ لَا تَشْكُرُونَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِشَيْءٍ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَ بَعْدَ الْإِعْتِرَافِ بِحُقُوقِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنْ مُعَاوَنَتِكُمْ لِإِخْوَانِكُمْ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى دُنْيَاهُمْ الَّتِي هِيَ مَعْبَرَتُهُمْ إِلَى جَنَّاتِ رَبِّهِمْ؛ بحار الأنوار ج: ٤٩ ص: ١٨٢

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۱۵﴾ خدای سبحان از ما و شما خواسته است تا سرحد توانایی خود، او را سپاس گوئیم و تا آنجا که توان داریم او را یاری دهیم.

۱+۱-۱-۱-۱-۱ نگاه به کسی که جایگاه دنیوی اش از او پست تر و دینش در مرتبه‌ی والاتری قرار دارد

﴿۲۱۶﴾ دو خصلت است در هر که باشد در دیوان خدا شاکر و صابر محسوب می‌شود؛ در امر دین به بالادست بنگرد و از او پیروی کند، و در کار دنیا به زیردست نظر کند و بر هر نعمتی که دارد شکر گزارد. و هر که در کار دین به زیردست نگاه کند و در امر دنیا به بالادست و بر آنچه ندارد حسرت خورد، خدا او را شاکر و صابر ثبت نفرماید.

﴿۲۱۷﴾ به کسی که از او بیشتر نعمت دریافت کرده‌ای بسیار نگاه کن و بیندیش که این عمل از دروازه‌های شکر است.

۲+۱-۱-۱-۱-۱ نعمت

﴿۲۱۸﴾ شکرگزار از خود شکر بیشتر بهره می‌برد تا از نعمتی که موجب شکرگزاری او شده است؛ زیرا نعمت‌ها کالای دنیایند ولی شکر، هم نعمت دنیاست و هم آخرت.

۳+۱-۱-۱-۱-۱ پرهیز از گناه

﴿۲۱۹﴾ شکر و سپاسگزاری از هر نعمتی این گونه است؛ که انسان از محرمات الهی بپرهیزد.

۴+۱-۱-۱-۱-۱ ادای حق واجب خدا

﴿۲۲۰﴾ او را سپاس می‌گویم تا شکری باشد بر نعمتی که از او دریافت کرده‌ام، و از او طلب یاری می‌کنم که در انجام آنچه از حق و وظایف بندگی برعهده‌ام می‌باشد موفق شوم.

۵+۱-۱-۱-۱-۱ وفا

﴿۲۲۱﴾ دو بار فتح عراق و پراکندن سپاهیان شیطان، تا بالاخره با دستان مبارکش دین قدرت گرفت و شعله آتش نبرد افروخته شد؛ این‌ها همه به عنوان عمل کردن به تعلمات و ادای شکر نعمت‌هایی بود که به او خانواده‌اش بخشیده شده بود.

﴿۲۲۲﴾ درود بر آنان که شکر نعمت کنند و وفای به بیعت.

۶+۱-۱-۱-۱-۱ ولایت

﴿۲۲۳﴾ شکر معرفت است و در باره‌ی این آیه "و بر بندگانش نمی‌پسندد که کفران کنند و اگر سپاسگزاری کنید از شما خشنود می‌شود" فرمود: کفر در این آیه (رفتار برخلاف امامان است) و شکر، ولایت و معرفت امام است.

﴿۲۲۴﴾ علی بهترین آدمیان است و هر کس با او مخالفت ورزد کافر شده است و هر کس که با او (و بر دستوراتش) راضی باشد شکر نموده است.

﴿۲۲۵﴾ بدانید که شما بعد از ایمان به خدا و اعتراف به حقوق اولیای خدا از خاندان محمد ﷺ، با فعلی محبوب‌تر از کمک به برادران دینی خود در امور دنیا که وسیله‌ی رسیدن به بهشت پروردگارشان است، نمی‌توانید شکر و سپاس پروردگار را به جا آورید.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٢٦﴾ الرسول ﷺ: وَاعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّكُمْ إِذَا اتَّقَيْتُمُ اللَّهَ وَحَفِظْتُمْ نَبِيَّكُمْ فِي أَهْلِهِ فَقَدْ عِبَدْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ عِبَادَتِهِ وَذَكَرْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا ذُكِرَ وَشَكَرْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا شُكِرَ وَقَدْ أَخَذْتُمْ بِأَفْضَلِ الصَّبْرِ وَالشُّكْرِ وَاجْتَهَدْتُمْ بِأَفْضَلِ الْجَاهِدِ وَإِنْ كَانَ غَيْرُكُمْ أَطْوَلَ مِنْكُمْ صَلَاةً وَآكْثَرَ مِنْكُمْ صِيَامًا وَصَدَقَةً؛ بحار الأنوار ج: ٣٣ ص: ٥٨٥

﴿٢٢٧﴾ الرسول ﷺ: قِيلَ لِي يَا مُحَمَّدُ قَابِلْ نِعْمَائِي عَلَيْكَ بِشُكْرِ الْمُتَمَرِّ لِلْمَزِيدِ فَقُلْتُ يَا رَبِّي وَمَا أَفْضَلُ مَا أَشْكُرُكَ بِهِ فَقَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ أَفْضَلُ ذَلِكَ بَنُكَ فَضْلَ أَخِيكَ عَلَيَّ وَبِعُنْكَ سَائِرَ عِبَادِي عَلَى تَعْظِيمِهِ وَتَعْظِيمِ شَيْعَتِهِ وَأَمْرُكَ إِيَّاهُمْ أَنْ لَا يَتَوَادُّوا إِلَّا فِيَّ وَلَا يَتَبَاغَضُوا إِلَّا فِيَّ وَلَا يُوَالُوا وَلَا يُعَادُّوا إِلَّا فِيَّ وَأَنْ يَنْصُبُوا الْحَرْبَ لِإِبْلِيسَ وَغَنَاءَ مَرَدَّتِهِ الدَّاعِينَ إِلَى مُخَالَفَتِي وَأَنْ يَجْعَلُوا جُنَّتَهُمْ مِنْهُمْ الْعِدَاوَةَ لِأَعْدَاءِ مُحَمَّدٍ وَعَلَيٍّ وَأَنْ يَجْعَلُوا أَفْضَلَ سِلَاحِهِمْ عَلَى إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ تَفْضِيلَ مُحَمَّدٍ عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَتَفْضِيلَ عَلِيٍّ عَلَى سَائِرِ أُمَّتِهِ أَجْمَعِينَ وَاعْتِقَادَهُمْ بِأَنَّهُ الصَّادِقُ لَا يَكْذِبُ وَالْحَلِيمُ لَا يَجْهَلُ وَالْمُصِيبُ لَا يَغْفُلُ وَالَّذِي بِمَحَبَّتِهِ تَنْقُلُ مَوَازِينُ الْمُؤْمِنِينَ وَبِمُخَالَفَتِهِ تَخَفُ مَوَازِينُ النَّاصِبِينَ فَإِذَا هُمْ فَعَلُوا ذَلِكَ كَانَ إِبْلِيسُ وَجُنُودُهُ الْمُرْدَةُ أَخْسَاءَ الْمَهْزُومِينَ وَأَضْعَفَ الضَّعِيفِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٢٤ ص: ٣٧٩

﴿٢٢٨﴾ شُكْرُ مَنْ فَوْقَكَ بِصِدْقِ الْوَلَاءِ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٩

١-١-٢- المعْرِفَةُ مِنْ خِلَالِ الْمُرَادِفَاتِ وَالْكَلِمَاتِ قَرِيبَةِ الْمَعْنَى

١-١-٢-١- الثَّنَاءُ

﴿٢٢٩﴾ الرسول ﷺ: أَلْهَمْنَا زِيَادَةَ الشُّكْرِ وَالثَّنَاءِ وَتَفَضَّلَ عَلَيْنَا بِإِنْجَازِ وَعْدِكَ لِمَنْ شَكَرَكَ مِنْ زِيَادَةِ النِّعْمَاءِ وَبُلُوغِ الرَّجَاءِ؛ الأمان ص: ١٤٩

﴿٢٣٠﴾ السَّجَادُ ﷺ: إِلَهِي أَذْهَلَنِي عَنْ إِقَامَةِ شُكْرِكَ تَتَابُعُ طَوْلِكَ وَأَعْجَزَنِي عَنْ إِحْصَاءِ ثَنَائِكَ فَيُضْ فَضْلُكَ وَشَغَلَنِي عَنْ ذِكْرِ مَحَامِدِكَ تَرَادُّفُ عَوَائِدِكَ وَأَغْيَانِي عَنْ نَشْرِ عَوَارِفِكَ تَوَالِي أَيَادِيكَ وَهَذَا مَقَامٌ مِنْ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النِّعْمَاءِ وَقَابَلَهَا بِالتَّقْصِيرِ وَشَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْإِهْمَالِ وَالتَّضْيِيعِ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٤٦

﴿٢٣١﴾ السَّجَادُ ﷺ: إِلَهِي تَصَاغَرَ عِنْدَ تَعَاظُمِ آلَائِكَ شُكْرِي وَتَضَاءَلْ فِي جَنْبِ إِكْرَامِكَ إِيَّايَ ثَنَائِي وَنَشْرِي؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٤٦

﴿٢٣٢﴾ إِنَّ خَيْرَ أَمَالٍ مَا كَسَبَ [اَلْكَسَبُ] ثَنَاءً وَشُكْرًا وَأَوْجَبَ ثَوَابًا وَاجْرَاءً؛ غرر الحكم ص: ٣٦٧

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۲۶﴾ بندگان خدا، بدانید، اگر جانب خدا را نگاه دارید و (احترام) پیامبرتان را در سفارش هایی که درباره‌ی خاندانش فرمود حفظ کنید، عالی‌ترین عبادت، بهترین ذکر، برترین شکر را انجام داده‌اید، و به بالاترین مراتب صبر، شکر و تلاش رسیده‌اید؛ هرچند فرقه‌های دیگر نمازشان طولانی‌تر و روزه و صدقاتشان بیشتر باشد.

﴿۲۲۷﴾ به من گفت ای محمد، در مقابل این نعمت‌های من شکر و سپاسی بگزار که موجب افزایش نعمت شود؛ عرض کردم: خدایا، چه شکری بهترین شکر توست؟ فرمود ای محمد، بهترین شکر انتشار فضل علی علیه السلام است و وادار نمودن پیروان به احترام او و شیعانش و اینکه دستور دهی که محبت و علاقه و همچنین بغض و دشمنی به یکدیگر را فقط در راه خدا قرار دهند نه دوست بدارند و نه دشمن بدارند مگر در راه من، و آماده‌ی جنگ با شیطان و پیروان او باشند که به مخالفت با من دعوت می‌کنند و سپر خویش را در این مبارزه دشمنی با دشمنان محمد و علی قرار دهند و بهترین اسلحه در راه مبارزه با شیطان و سپاهش برتری دادن محمد است بر تمام پیامبران و برتری دادن علی را بر سایر امت و اعتقاد به اینکه پیامبر هرگز دروغ نمی‌گوید، او بردباری است که نادانی او را فرامی‌گیرد و پیوسته تمام کارهای او صحیح است و او غفلت ندارد و او کسی است که محبتش موجب سنگینی ترازوی عمل مؤمنین می‌شود و مخالفتش باعث سبکی ترازوی دشمنان می‌گردد؛ وقتی چنین کاری را می‌کنند شیطان و پیروان او از همه خوارتر و ذلیل‌تر می‌شوند.

﴿۲۲۸﴾ شکر کسی که بلند مرتبه‌تر از تو باشد دوستی صادقانه است.

۲-۱-۱- شناخت از طریق مترادفات و کلماتی با معنای نزدیک به شکر

۱-۱-۲-۱- تحسین

﴿۲۲۹﴾ خداوند، سپاسگزاری و ثناگویی بیشتر را به ما الهام فرما و با وفا کردن به وعده‌هایی که به سپاسگزارانت داده‌ای، مانند دادن نعمت بیشتر و رساندن به آرزوها، در حق ما بزرگواری فرما.

﴿۲۳۰﴾ خدایا، پیایی بودن بخشش‌هایت مرا در ادای شکرست سرگردان نموده، و فراوانی فضلت از شمارش ستایش عاجز کرده است و پی‌درپی بودن احسانت مرا از یاد حمدت بازداشته و پیوستگی الطافت از بازگویی نیکویی‌هایت درمانده‌ام نموده و این مقام کسی است که اعتراف می‌کند که تو نعمت‌های او را کامل کرده‌ای و او با اهمال سستی با آن‌ها مقابله کرده است و خود به بی‌توجهی و سستی خود گواه است.

﴿۲۳۱﴾ پروردگارا، شکر در برابر بزرگی نعمت‌هایت کوچک و مدح و ثنایم در مقابل بزرگواری تو حقیر است.

﴿۲۳۲﴾ به‌درستی که بهترین مال آن است که با خود تشکر دیگران را جلب کند، و پاداش خیر و را واجب سازد.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

- ﴿٢٣٣﴾ أَنْتَ جَمِيلُ الْعَادَةِ وَالْبَلَاءِ مُسْتَحَقُّ لِلشُّكْرِ وَالثَّنَاءِ؛ المقتعة ص: ١٢٤
- ﴿٢٣٤﴾ أَنْطِقْ بِحَمْدِكَ وَشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ وَحُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْكَ لِسَانِي؛ الصحيفة السجادية
الطحاوي ص: ١١٢
- ﴿٢٣٥﴾ الْإِيْمَةُ عليه السلام: أَنِّي وَ لَكُمْ الْقُلُوبُ الَّتِي تَوَلَّى اللَّهُ رِيَاضَتَهَا بِالْخَوْفِ وَ الرَّجَاءِ وَ جَعَلَهَا
أَوْعِيَةً لِلشُّكْرِ وَ الثَّنَاءِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٩ ص: ١٦٢
- ﴿٢٣٦﴾ سُبْحَانَ الْجَمِيلِ الْعَادَةِ وَالْبَلَاءِ مُسْتَحَقُّ الشُّكْرِ وَ الثَّنَاءِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤١٨
- ﴿٢٣٧﴾ الرضا عليه السلام: فَاشْهَدْ بَأَنَّا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ مُؤْمِنُونَ مُصَدِّقُونَ غَيْرُ مُكَذِّبِينَ مُقْرُونُونَ غَيْرُ
جَا حِدِينَ وَ لَا مُرَكَّ مُسْلَمُونَ وَ بِحَبْلِكَ مُعْتَصِمُونَ وَ لَا تَمَتَّنَا طَائِعُونَ وَ لَا مَرَهْمَ وَ حُكْمِهِمْ
خَاضِعُونَ لَا مُسْتَكْبِرِينَ وَ لَا مُتَكَبِّرِينَ وَ بِمَا رَضِيتَ لَنَا رَاضُونَ وَ لِمَا أَعْطَيْتَنَا آخِذُونَ وَ لَا نَعْمِكَ
شَاكِرُونَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٩ ص: ١٨٩
- ﴿٢٣٨﴾ الرَسُولُ عليه السلام: مَنْ أُولَى مَعْرُوفًا فَلَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ خَيْرٌ يُكَافِئُ بِهِ عَنْهُ فَأَتْنِي عَلَى مَوْلِيهِ فَقَدْ
شَكَرَهُ وَ مَنْ شَكَرَ مَعْرُوفًا فَقَدْ كَافَاهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٥٥
- ﴿٢٣٩﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَثْنِي عَلَيْكَ بِأَحْسَنِ مَا أَقْدِرُ عَلَيْهِ وَ أَشْكُرُكَ بِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ أَشْكُرُكَ وَ
أَعْتَرِفُ لَكَ بِذُنُوبِي وَ أَذْكُرُ حَاجَتِي؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٢٠
- ﴿٢٤٠﴾ الرَسُولُ عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمَدُكَ بِجَمِيعِ مَحَامِدِكَ كُلِّهَا وَ أَشْكُرُكَ شُكْرَ مُقَرَّرٍ
بِأَيَادِيكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٢٨٠
- ﴿٢٤١﴾ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَ الثَّنَاءُ وَ الشُّكْرُ؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ١٦٧
- ﴿٢٤٢﴾ السَّجَادُ عليه السلام: سَيِّدِي تَتَابَعَ مِنْكَ الْبِرُّ وَ أَعْطَاؤُ فَلَزِمَنِي الشُّكْرُ وَ الثَّنَاءُ فَمَا مِنْ شَيْءٍ
أَنْشُرُهُ وَ أَطْوِيهِ مِنْ شُكْرِكَ وَ لَا قَوْلٍ أَعِيدُهُ وَ أَبْدِيهِ فِي ذِكْرِكَ إِلَّا كُنْتُ لَهُ أَهْلًا وَ مَحَلًّا وَ كَانَ
فِي جَنْبِ مَعْرُوفِكَ مُسْتَضْعَرًّا مُسْتَقِيلًا؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٧١
- ﴿٢٤٣﴾ شَكَرَ الْإِحْسَانَ مَنْ أَتْنَى عَلَى مُسْدِيهِ وَ ذَكَرَ بِالْجَمِيلِ مَوْلِيهِ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٩
- ﴿٢٤٤﴾ شُكْرُ إِلَهِكَ بِطُولِ الثَّنَاءِ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٩
- ﴿٢٤٥﴾ ابْنُ عَبَّاسٍ رضي الله عنه: فَيَرْفَعُونَ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ أَصْوَاتَهُمْ بِالتَّسْبِيحِ وَ التَّهْلِيلِ وَ الثَّنَاءِ عَلَى اللَّهِ
تَعَالَى وَ شُكْرِهِ بِمَا فَعَلَ بِأَمَّةٍ مُحَمَّدٍ عليه السلام؛ مستدرک الوسائل ج: ٧ ص: ٤٦٠

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

- ﴿۲۳۳﴾ تو دارای زیباترین عادت ها تکالیف هستی، و شایسته‌ی؛ شکر و ثنا.
- ﴿۲۳۴﴾ زبانم را با حمد و سپاس و یاد و ستایش نیک خود گویا فرما.
- ﴿۲۳۵﴾ چرا این گونه نباشد که خداوند عهده‌دار تهنید دل‌های شما به وسیله‌ی ترس و امید شده است و دل‌هایتان را ظرف شکر و ثنای خود قرار داده است.
- ﴿۲۳۶﴾ پاک و منزّه است خدایی که عاداتش زیبا و تکالیفش مناسب و شایسته‌ی شکر و ستایش است.
- ﴿۲۳۷﴾ گواهی ده که ما می‌شنویم و اطاعت می‌کنیم و ایمان داریم و تصدیق می‌کنیم و تکذیب نمی‌کنیم و اقرار می‌کنیم و انکار نمی‌کنیم و تسلیم امر توایم و ریسمان تو را گرفته‌ایم و از امامانمان اطاعت می‌کنیم و در برابر امر و حکم آن‌ها خاضعیم و خودبزرگ‌بین و متکبر نیستیم و به آنچه تو برای ما پسندیده‌ای راضی هستیم و آنچه را به ما عطا کرده‌ای می‌گیریم و شاکر نعمت‌هایت هستیم.
- ﴿۲۳۸﴾ اگر به کسی خیری رسید و او چیزی نداشت تا به صاحب آن خیر، پاداش دهد، اگر او را بستاند از او سپاسگزاری کرده است. و هر که از خیری سپاسگزاری کند، پاداش متناسب آن را داده است.
- ﴿۲۳۹﴾ خداوند، به خاطر نیکوترین مقدراتی که بر من مقرر فرمودی ثنای تو را می‌گویم و به واسطه‌ی آنچه بر من منت نهاده‌ی تو را شکر می‌کنم و سپاسگزار تو هستم و به گناهانم به درگاهت اعتراف می‌کنم و حاجتم را ذکر می‌کنم (و از تو آن را می‌طلبم).
- ﴿۲۴۰﴾ پروردگارا، همانا من ستایش می‌کنم تو را به خاطر همه‌ی صفات پسندیده و ستوده شده‌ات، و تو را بر نعمت‌هایت شکر می‌کنم.
- ﴿۲۴۱﴾ پروردگارا، حمد و ستایش و شکر مخصوص توست.
- ﴿۲۴۲﴾ آقای من، خیر و لطف از طرف تو پیایی بر من می‌بارد و شکر و ستایش را بر من واجب می‌کند. پس هیچ چیزی از شکر تو انجام نداده و هیچ کلامی در ثنای تو گفته نشده‌ام مگر اینکه سزاوار آن بوده‌ای و با این وجود، همه‌ی این‌ها در مقابل نعمت‌های تو کوچک و کم هستند.
- ﴿۲۴۳﴾ احسان را شکر نموده است کسی که ستایش کند بر احسان کننده‌ی آن، و یاد کند به نیکویی صاحب آن را.
- ﴿۲۴۴﴾ شکر خداوند، به طولانی‌بودن (مشغولیت دائمی به) ستایش و ثنای الهی است.
- ﴿۲۴۵﴾ پس فرشتگان آسمان‌ها صدای خویش را به تسبیح "سبحان الله" و تهلیل "لا اله الا الله" و ثنای الهی برای خدای متعال بلند می‌کنند و به سبب (خدای متعال) آن را برای امت محمد ﷺ انجام داد. به درگاه او شکر می‌گزارند.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٤٦﴾ لَا تُسِنِّي ذِكْرَكَ، وَلَا تُذْهِبْ عَنِّي شُكْرَكَ، بَلْ أَلْزِمْنِيهِ فِي أَحْوَالِ السَّهْوِ عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِينَ لَالِئِكَ، وَأَوْزِعْنِي أَنْ أَتْنِي بِمَا أَوْلَيْتَنِيهِ، وَأَعْتَرِفَ بِمَا أَسَدَيْتَهُ إِلَيَّ؛ الصَّحِيفَةُ السَّجَادِيَّةُ
الطَّلَبَةُ ص: ٢٢٨

﴿٢٤٧﴾ الصَّادِقُ الطَّلَبَةُ: لَكَ مَا تَرْضَى بِهِ مِنَ الثَّنَاءِ وَالْحَمْدِ وَالشُّكْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٤٠٠
﴿٢٤٨﴾ العسكري الطَّلَبَةُ: وَرَبِّمَا تَرَكَ بَعْضُ شَيْعَتِنَا فِي افْتِتَاحِ أَمْرِهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَيَمْتَحِنُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِمَكْرُوهِ لِيُنَبِّهَهُ عَلَى شُكْرِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَالثَّنَاءِ عَلَيْهِ وَيَمَحِّقَ عَنْهُ وَصِمَةَ تَقْصِيرِهِ عِنْدَ تَرْكِهِ قَوْلَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٩ ص: ٢٣٢
١-١-٢-٢- التَّحَدُّثُ بِالنَّعَمِ

﴿٢٤٩﴾ أَطْلُقُ أَلْسِنَتَنَا بِشُكْرِ آلَائِكَ وَالتَّحَدُّثِ بِنِعَمَائِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١١٢
١-١-٢-٣- إِحْصَاءُ الثَّنَاءِ وَالْأَيَادِي، إِعْتِدَادُهُ وَوَصْفُهُ
﴿٢٥٠﴾ السَّجَادُ الطَّلَبَةُ: إِلَهِي أَذْهَلْنِي عَنْ إِقَامَةِ شُكْرِكَ تَتَابُعُ طَوْلِكَ وَأَعْجَزَنِي عَنْ إِحْصَاءِ ثَنَائِكَ فَيُضْضِلْكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٤٦

﴿٢٥١﴾ العسكري الطَّلَبَةُ: كَثُرَتْ أَيَادِيكَ عِنْدِي فَعَجَزْتُ عَنْ إِحْصَائِهَا وَضِيقْتُ ذَرْعًا فِي شُكْرِي لَكَ بِجَزَائِهَا؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٠٧
﴿٢٥٢﴾ الرَّسُولُ ﷺ: أَسْأَلُكَ الْمَزِيدَ مِنْ فَضْلِكَ وَالْإِيزَاعَ لِشُكْرِكَ وَالِاعْتِدَادَ بِنِعَمَائِكَ؛
البلد الأمين ص: ٣٨٥

﴿٢٥٣﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ سَلَامَةَ قُلُوبِنَا فِي ذِكْرِ عَظَمَتِكَ، وَفَرَاغَ أَبْدَانِنَا فِي شُكْرِ نِعَمَتِكَ، وَانْطِلَاقَ أَلْسِنَتِنَا فِي وَصْفِ مَنِّكَ؛ الصَّحِيفَةُ السَّجَادِيَّةُ الطَّلَبَةُ ص: ٤٤
١-١-٢-٤- الْحَمْدُ

﴿٢٥٤﴾ امير المؤمنين الطَّلَبَةُ: يَا شَكُورُ أَنْتَ الشُّكُورُ عَلَى مَا رَعَيْتَ وَغَذَّيْتَ وَهَبْتَ وَأَعْطَيْتَ وَأَغْنَيْتَ فَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلِإِلَائِكَ مِنَ الْحَامِدِينَ؛ إقبال الأعمال ص: ٥٢١
﴿٢٥٥﴾ الرَّسُولُ ﷺ: أَلَا أَعْجَبُكُمْ أَنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَصَابَ خَيْرًا حَمِدَ اللَّهَ وَشَكَرَ وَإِذَا أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ حَمِدَ اللَّهَ وَصَبَرَ فَالْمُؤْمِنُ يُوجِرُ فِي كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى اللَّقْمَةَ يَرْفَعُهَا إِلَى فِيهِ؛ مَسْكَنُ الْفُؤَادِ
ص: ٤٥

﴿٢٥٦﴾ الرضا الطَّلَبَةُ: اتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَيْكُمْ بِالتَّوَاضُعِ وَالشُّكْرِ وَالْحَمْدِ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٥٤

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۴۶﴾ پروردگارا، یاد خود را از یادم مبر و شکر و سپاس خود را از من زایل مکن، بلکه آن را در حالات غفلت، هنگام فراموشی‌های نادانان نسبت به نعمت‌های، همیشه همراه من قرار ده، و به من الهام کن که آنچه را به من عطا کرده‌ای ستایش کنم، و به آنچه به من لطف کرده‌ای اقرار کنم.

﴿۲۴۷﴾ حمد و تحسین و شکری که شایسته‌ی توست که تو را راضی کند.

﴿۲۴۸﴾ و چه بسا بعضی از شیعیان ما در ابتدای کارشان "بسم الله الرحمن الرحيم" را ترک می‌کنند و خداوند آن‌ها را به آنچه برایشان ناگوار است مبتلا می‌کند تا به او هشدار دهد که شکر خدای تبارک و تعالی را به جای آورد و عوارض کوتاهی‌کردنش در ترک عبارت "بسم الله الرحمن الرحيم" را پاک کند.

۲-۱-۱-۲-۲ سخن گفتن از نعمت

﴿۲۴۹﴾ زبانمان را بر شکر نعمت‌های تو و صحبت درباره آنها باز کن.

۳-۱-۱-۲-۳ یادکرد موارد تحسین برانگیز و نعمت‌ها، شمارش و توصیف آن

﴿۲۵۰﴾ خدایا، پیایی‌بودن بخشش‌های تو مرا در ادای شکر تو سرگردان نموده و فراوانی فضل تو مرا از یاد ستودنی‌های تو بازداشته است.

﴿۲۵۱﴾ خدایا، نعمت‌های تو بر من بسیار است و من از شمارش آن‌ها ناتوان و در به‌جا آوردن شکر شایسته‌ی تو در مقابل آنچه به من عطا فرموده‌ای دستم کوتاه است.

﴿۲۵۲﴾ فضل بیشتر، توفیق شکر و آمادگی و لیاقت برای دریافت نعمت‌های تو را خواستارم.

﴿۲۵۳﴾ خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست، و سلامتی دل‌های ما را در یاد عظمت و بزرگی خود، و آسایش تن‌های ما را در سپاسگزاری نعمت خود، و شیرینی زبان‌های ما را در بیان توصیف نعمت خود قرار ده.

۴-۱-۱-۲-۴ ستایش

﴿۲۵۴﴾ ای بسیار قدردان، تو با حفظ کردن و غذا دادن بخشیدن، عطا کردن و بی‌نیاز کردن، شایسته‌ی سپاسگزاری هستی پس مرا از شاکران خود و از ستایش‌کنندگان به خاطر نعمت‌هایی که به من ارزانی داشتی قرار ده.

﴿۲۵۵﴾ پیامبر اکرم ﷺ فرمود: آیا روش پسندیده‌ی مؤمن شما را شگفت‌زده نمی‌کند؟ هرگاه خیر و نعمتی به مؤمن برسد خدا را می‌ستاید و شکر می‌کند و هرگاه مصیبتی به او برسد در مقابل مصیبت هم خدا را ستایش می‌کند و صبر و شکیبایی پیشه می‌کند، مؤمن در تمام کارهایش اجر و ثواب می‌برد، حتی در لقمه‌ای که به طرف دهانش بالا می‌برد.

﴿۲۵۶﴾ از معصیت خداوند بپرهیزید و فروتن باشید و شکر و سپاس او را به جای آورید.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٥٧﴾ أَنْطِقْ بِحَمْدِكَ وَشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ وَحُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْكَ لِسَانِي؛ الصحيفة السجادية
الطليعة: ص: ١١٢

﴿٢٥٨﴾ الرضا الطليعة: أ نَطَقَهَا بِتَحْمِيدِهِ وَآلِهَمَهَا عَلَى شُكْرِهِ وَتَمْجِيدِهِ؛ إقبال الأعمال ص: ٤٦٢
﴿٢٥٩﴾ نَحْمَدُهُ عَلَى عَظِيمِ إِحْسَانِهِ وَنِيرِ بُرْهَانِهِ وَنَوَامِي فَضْلِهِ وَامْتِنَانِهِ حَمْدًا يَكُونُ لِحَقِّهِ

قَضَاءً وَ لِشُكْرِهِ آدَاءً؛ شرح نهج البلاغة ج: ١٠ ص: ٧٦

﴿٢٦٠﴾ السجاد الطليعة: وَ أَمَّا حَقُّ مَنْ سَرَّكَ اللَّهُ بِهِ وَ عَلَى يَدَيْهِ فَإِنْ كَانَ تَعَمَّدَهَا لَكَ حَمَدَتْ
اللَّهُ أَوَّلًا ثُمَّ شَكَرْتَهُ عَلَى ذَلِكَ بِقُدْرِهِ فِي مَوْضِعِ الْجَزَاءِ وَ كَافَاتِهِ عَلَى فَضْلِ الْإِثْنَاءِ وَ أَرَصَدَتْ لَهُ
الْمُكَافَأَةَ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ تَعَمَّدَهَا حَمَدَتْ اللَّهُ وَ شَكَرْتَهُ وَ عَلِمْتَ أَنَّهُ مِنْهُ تَوَحَّدَكَ بِهَا وَ أَحْبَبْتَ
هَذَا إِذَا كَانَ سَبَبًا مِنْ أَسْبَابِ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ تَرَجُّوْا لَهُ بَعْدَ ذَلِكَ خَيْرًا فَإِنَّ أَسْبَابَ النِّعَمِ بَرَكَةٌ
حَيْثُ مَا كَانَتْ وَ إِنْ كَانَ لَمْ يَعْمِدْ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ١٦٦

﴿٢٦١﴾ أَحْمَدُهُ شُكْرًا لِإِنْعَامِهِ وَ اسْتَعِينَهُ عَلَى وَطَائِفِ حُقُوقِهِ؛ شرح نهج البلاغة ج: ١٣ ص: ١١٠
﴿٢٦٢﴾ السجاد الطليعة: اللَّهُمَّ أَلْحِقْ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ وَ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ شِيعَتَهُمْ بِنَبِيِّكَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ
أَلْحِقْنَا بِهِمْ مُؤْمِنِينَ مُخْتَلِينَ فَائِزِينَ مُتَّقِينَ صَالِحِينَ خَاشِعِينَ عَابِدِينَ مُوقِفِينَ مُسَدِّدِينَ عَامِلِينَ
زَاكِينَ مُزَكِّينَ تَائِبِينَ سَاجِدِينَ رَاكِعِينَ شَاكِرِينَ حَامِدِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٢٣٢

﴿٢٦٣﴾ الرسول ﷺ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمَدُكَ بِجَمِيعِ مَحَامِدِكَ كُلِّهَا وَ أَشْكُرُكَ شُكْرَ مُقَرَّرٍ
بِأَيَادِيكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٢٨٠

﴿٢٦٤﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ ارْزُقْنَا حُسْنَ مُصَاحَبَتِهِ وَ اغْصِنْنَا مِنْ سُوءِ مُفَارَقَتِهِ
بَارِتْكَابِ جَرِيرَةٍ، أَوْ اقْتِرَافِ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ، وَ أَجْزُلْ لَنَا فِيهِ مِنَ الْحَسَنَاتِ، وَ أَخْلِنَا فِيهِ مِنَ
السَّيِّئَاتِ، وَ اَمْلَأْ لَنَا مَا بَيْنَ طَرَفَيْهِ حَمْدًا وَ شُكْرًا وَ أَجْرًا وَ ذُخْرًا وَ فَضْلًا وَ إِحْسَانًا؛ الصحيفة
السجادية الطليعة: ص: ٤٨

﴿٢٦٥﴾ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَ الثَّنَاءُ وَ الشُّكْرُ؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ١٦٧
﴿٢٦٦﴾ امير المؤمنين الطليعة: أَنَا بِفَضْلِكَ حَامِدٌ وَ بِجَهْدِ نَفْسِي لَكَ شَاكِرٌ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢
ص: ٢٤٥

﴿٢٦٧﴾ الصادق الطليعة: أَنَّهُ خَطَبَ رَاحِيلُ فِي الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ فِي جَمْعٍ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ
فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ قَبْلَ أَوَّلِيَّةِ الْأَوَّلِينَ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ الْبَاقِينَ نَحْمَدُهُ إِذْ جَعَلَنَا مَلَائِكَةً رُوحَانِيِّينَ
وَ بَرُوبِيَّةً مُدْعِنِينَ وَ لَهُ عَلَى مَا أَنْعَمَ عَلَيْنَا شَاكِرِينَ؛ المناقب ج: ٣ ص: ٣٤٧

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۵۷﴾ زبانم را با حمد و سپاس و یاد و ستایش نیک خود گویا فرما.

﴿۲۵۸﴾ به او قدرت گویش و نطق بخشید و حمد و ستایشش را برای شکر و بزرگداشت خدا به او الهام نمود.

﴿۲۵۹﴾ او را به خاطر احسانش که فراوان است، و برهان او که رخشان است، و بخشش او که افزون است، و نعمت او که از اندازه برون است سپاس می گوئیم، ستایشی که حق او را ادا کند و سپاس او را به جای آرد.

﴿۲۶۰﴾ حق آن که خدا به دست او تو را خشنود کرده (و سبب خرسندی ات شده) این است که اگر منظورش خشنودی تو بوده نخست خدا را شکر گویی، سپس به عنوان پاداش، به قدر این محبت از او تشکر کنی، و در فکر تلافی باشی و مزیت پیش قدم شدنش را نیز جبران کنی (که اگر تلافی سربه سر باشد امتیاز تقدم او فراموش شده است) و اگر چنین منظوری نداشته، باز خدا را سپاسگزاری و از او تشکر کنی و بدانی که این شادی از جانب اوست، و چون او واسطه‌ی نعمت خدا بوده دوستش بداری و خیرش را بخواهی، زیرا اسباب نعمت هر چه باشد، برکت است، حتی اگر او چنین قصدی نداشته باشد، و هیچ توانی نیست مگر با تکیه بر خدا.

﴿۲۶۱﴾ او را سپاس می گوئیم تا شکری باشد بر نعمتی که از او دریافت کرده‌ام، و از او طلب یاری می کنم که در انجام آنچه از حق و وظایف بندگی بر عهده‌ام می باشد موفق شوم.

﴿۲۶۲﴾ خداوند، اهل بیت پیامبر خود و اولاد و پیروان ایشان را به پیامبرد، که بزرگ و برگزیده‌ی پیامبران است ملحق فرما و ما را به ایشان ملحق فرما در حالی که از زمره‌ی مؤمنان و تواضع کنندگان و بهره‌یافتگان و پرهیزگاران و نیکوکاران و فروتنی کنندگان و عبادت کنندگان و توفیق یافتگان و محکم کاران و به‌جای‌آورندگان فرمان خدا و پاکیزگان و پاک‌شدگان و توبه‌کنندگان و سجده‌کنندگان و رکوع‌کنندگان و سپاسگزاران و ستایش کنندگان باشیم.

﴿۲۶۳﴾ پروردگارا، همانا من ستایش می‌کنم تو را به خاطر همه‌ی صفات پسندیده و ستوده شده‌ات، و تو را بر نعمت‌های شکر می‌کنم.

﴿۲۶۴﴾ خدایا، بر محمد ﷺ و خاندانش درود فرست، و همراه خوبی بودن با این روز را نصیب ما گردان، و ما را از بدجدا شدن از آن بر اثر نافرمانی یا به‌جا آوردن گناه کوچک یا بزرگ، مصون نگهدار. و در این روز بر نیکی‌های ما بیافزا، و از بدی‌ها تهی‌مان ساز، و دو طرف (اول تا آخر) آن را برای ما از ستایش و سپاس و پاداش و اندوخته (برای آخرت) و بخشش و نیکی لبریز کن.

﴿۲۶۵﴾ پروردگارا، حمد و ستایش و شکر مخصوص توست.

﴿۲۶۶﴾ من فضل تو را می‌ستایم و با تمام وجودم به درگاهت شکر گزارم.

﴿۲۶۷﴾ که راحیل - از فرشتگان مقرب الهی - خطبه را در آسمان هفتم در جمعی از اهل آسمان‌ها خواند و گفت: حمد خدایی را که ازلی است و قبل از هر موجودی وجود داشته، و باقی است بعد از آنکه همه‌ی موجودات فانی می‌شوند، حمد و سپاس می‌گوئیم او را که ما را فرشتگان روحانی آفرید و ما را اقرار کننده به ربوبیت و مقام الهی‌اش قرار داد و او را به دلیل نعمت‌هایی که به ما عطا فرموده شکر می‌کنیم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٦٨﴾ الصادق عليه السلام: أَتَبَا عَبْدٌ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ وَحَمِدَ اللَّهَ عَلَيْهَا بِلِسَانِهِ لَمْ تَنْفُذْ حَتَّى يَأْمُرَ اللَّهُ لَهُ بِالزِّيَادَةِ وَهُوَ قَوْلُهُ لَعَنَ شُكْرُكُمْ لَا زَيْدٌ لَكُمْ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٤٢

﴿٢٦٩﴾ تَشْكُرُ مَنْ شَكَرَكَ وَأَنْتَ أَلْهَمْتَهُ شُكْرَكَ وَتُكَافِي مَنْ حَمِدَكَ وَأَنْتَ عَلَّمْتَهُ

حَمْدَكَ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ١٩٢

﴿٢٧٠﴾ الكاظم عليه السلام: حُمِيَ يَوْمَ كَفَّارَةٍ سِتِّينَ سَنَةً إِذَا قَبَلَهَا بِقَوْلِهَا قِيلَ وَمَا قَبُولُهَا قَالَ أَنْ يَحْمَدَ اللَّهَ وَيَشْكُرَهُ وَيَشْكُوَ إِلَيْهِ وَلَا يَشْكُوهُ وَإِذَا سُئِلَ عَنْ خَيْرِهِ قَالَ خَيْرًا؛ مستدرک الوسائل ج: ٢

ص: ٦٩

﴿٢٧١﴾ الصادق عليه السلام: شُكْرُ النِّعْمَةِ اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ وَتَمَامُ الشُّكْرِ قَوْلُ الرَّجُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

الْعَالَمِينَ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٥

﴿٢٧٢﴾ الصادق عليه السلام: شُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ وَإِنْ عَظُمَتْ أَنْ تَحْمَدَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهَا؛ الكافي ج: ٢

ص: ٩٥

﴿٢٧٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كُنْتُ أَنَا وَقَنْبَرٌ وَعَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَبَيْنَا نَحْنُ قُعُودٌ إِذْ هَدَفَ إِلَيْنَا أَغْرَابِي فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ يَا أَخَا الْعَرَبِ فَقَالَ الْأَغْرَابِي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّ لِي إِلَيْكَ حَاجَةً قَدْ رَفَعْتُهَا إِلَى اللَّهِ قَبْلَ أَنْ أَرْفَعَهَا إِلَيْكَ فَإِنْ أَذِنْتَ بِقَضَائِهَا حَمَدْنَا اللَّهَ وَشَكَرْنَاكَ وَإِنْ لَمْ تَقْضِهَا شَكَرْنَا اللَّهَ وَعَذَرْنَاكَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٧ ص: ١٧٦

﴿٢٧٤﴾ الصادق عليه السلام: لَكَ مَا تَرْضَى بِهِ مِنَ الثَّنَاءِ وَالْحَمْدِ وَالشُّكْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٤٠٠

﴿٢٧٥﴾ الرضا عليه السلام: لَيْسَ شَيْءٌ مِنَ الْقُرْآنِ وَالْكَلامِ جُمِعَ فِيهِ مِنْ جَوَامِعِ الْخَيْرِ وَالْحِكْمَةِ مَا جُمِعَ فِي سُورَةِ الْحَمْدِ وَذَلِكَ أَنَّ قَوْلَهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ إِنَّمَا هُوَ آدَاءٌ لِمَا أَوْجَبَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ مِنَ الشُّكْرِ وَشُكْرُ لِمَا وَفَّقَ عَبْدَهُ لِلْخَيْرِ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٣١٠

﴿٢٧٦﴾ العسكري عليه السلام: لَيْسَ مِنْ نِعْمَةٍ وَإِنْ جَلَّ أَمْرُهَا وَعَظُمَ خَطَرُهَا إِلَّا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ عَلَيْهَا مُؤَدَّ شُكْرُهَا وَأَنَا أَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ مَا حَمِدَ اللَّهُ بِهِ حَامِدٌ إِلَى أَبَدٍ أَبَدٍ بِمَا مِنْ بِهِ عَلَيْكَ مِنْ نِعْمَةٍ وَنَجَاكَ بِهِ مِنَ الْهَلَكَةِ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ٣١٢

﴿٢٧٧﴾ الصادق عليه السلام: مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ بِنِعْمَةٍ صَغُرَتْ أَوْ كَبُرَتْ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ إِلَّا آدَى

شُكْرُهَا؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٦

﴿٢٧٨﴾ مَرْحَبًا بِسَيِّدِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِمَامِ الْمُتَّقِينَ فَقِيلَ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَيْفَ شُكْرُكَ فَقَالَ أَحْمَدُ اللَّهُ

عَلَى مَا آتَانِي وَأَسْأَلُهُ الشُّكْرَ عَلَى مَا أَوْلَانِي وَأَنْ يَزِيدَنِي مِمَّا أَعْطَانِي؛ شرح نهج البلاغة ج: ٩

ص: ١٧٠

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۶۸﴾ هر بنده‌ای که خداوند به او نعمتی دهد و آن بنده با قلب خود آن نعمت را بشناسد (و لطفی از طرف خدا بداند) و با زبان نیز حمد و سپاس الهی را به جا آورد. هنوز حمد و سپاسش تمام نشده است که خداوند دستور افزایش نعمت را برای او صادر می‌کند. و این است معنای آیه‌ی "اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود".

﴿۲۶۹﴾ هر که تو را سپاس گزارد پاداش می‌دهی، حال آنکه تو خود سپاسگزاری را به او الهام کرده‌ای و هر که تو را بستانی جزا می‌دهی، حال آنکه تو ستودن را به او آموخته‌ای.
﴿۲۷۰﴾ یک روز تب کفاره‌ی شصت سال است به شرط آنکه آن را بپذیرد. گفته شد: پذیرش آن چیست؟ امام علیه السلام فرمود: اینکه خدا را بستانی و شکر کنی؛ به خدا شکایت کنی و از او شکوه نکنی و آنگاه که حالش را پرسیدند بگوید: خوب است.

﴿۲۷۱﴾ حقیقت شکر نعمت، دوری کردن از گناهان و محرمات است و تمام و کامل شدن شک آن است که مرد بگوید: "الحمد لله رب العالمین".

﴿۲۷۲﴾ شکر هر نعمتی هر چه بزرگ باشد این است که حمد خداوند متعال را بگویی.
﴿۲۷۳﴾ درحالی که من و قنبر و علی علیهم السلام نشسته بودیم عرب بیابان نشینی نزد ما آمد و گفت: سلام بر شما ای امیرالمؤمنین و رحمت خدا و برکاتش بر شما باد، علی علیه السلام فرمود: سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو باد ای برادر عرب. عرب بیابان نشین گفت: یا امیرالمؤمنین حاجتی دارم که قبل از آنکه آن را به تو عرض کنم به خداوند گفته‌ام پس اگر تو آن را برآوری خدا را سپاس می‌گویم و تو شکر می‌گزارم و اگر آن را برآورده نسازی خدا را شکر و عذر تو را می‌پذیریم.

﴿۲۷۴﴾ حمد و تحسین و شکری که شایسته‌ی توست که تو را راضی کند.
﴿۲۷۵﴾ هیچ سوره‌ای از سوره‌های قرآن مثل سوره‌ی حمد مشتمل بر جوامع خیر و حکمت نیست و از جمله آنجا که می‌فرماید: "الْحَمْدُ لِلَّهِ"، با این عبارت بنده آنچه حق تعالی از خیر بر او واجب کرده یعنی شکر توفیقی را که برای اعمال خیر نصیب او کرده است، ادا می‌کند.
﴿۲۷۶﴾ هر نعمتی هر چند بزرگ‌ترین و با ارزش‌ترین لغت باشد، همین که بگویی: "الحمد لله"، شکر و سپاس آن را ادا کنی، من نیز می‌گویم: "الحمد لله" به اندازه‌ی حمد و ستایش هر ستایش‌کننده‌ای تا ابد بر آن نعمتی که خداوند به تو ارزانی داشته و از هلاکت نجات بخشیده است.

﴿۲۷۷﴾ هر کس در برابر نعمت بزرگ یا کوچکی بگوید: "الحمد لله"، حق شکرش را ادا کرده است.

﴿۲۷۸﴾ خوشامد بر آقای مؤمنان و امام متقین. به علی علیه السلام گفته شد چگونه شکر می‌کنید؟ فرمودند: حمد می‌کنم خدا را برای آنچه بر من داده و از او طلب شکر می‌کنم در آنچه به من بخشیده و از او فزونی می‌خواهم در آنچه به من عطا کرده است.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٧٩﴾ الْكَافِرُ: مَنْ حَمِدَ اللَّهَ عَلَى النِّعْمَةِ فَقَدْ شَكَرَهُ وَكَانَ الْحَمْدُ أَفْضَلَ مِنْ تِلْكَ النِّعْمَةِ؛

الكافي ج: ٢ ص: ٩٦

﴿٢٨٠﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ قَالَ إِذَا أَصْبَحَ أَرْبَعَ مَرَّاتِ الْحَمْدَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ فَقَدْ آدَى شُكْرَ يَوْمِهِ

وَمَنْ قَالَهَا إِذَا أَمْسَى أَرْبَعًا فَقَدْ أَدَّى شُكْرَ لَيْلَتِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ١٦٢

٥-٢-١-١- الذَّكْرُ (ذِكْرُ الْمَحَامِدِ، ذِكْرُ الْمَعْرُوفِ، ذِكْرُ الْجَمِيلِ)

﴿٢٨١﴾ أَنْطِقْ بِحَمْدِكَ وَشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ وَحُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْكَ لِسَانِي؛ الصَّحِيفَةُ السَّجَّادِيَّةُ

العليه ص: ١١٢

﴿٢٨٢﴾ السَّجَادُ **التَّائِبُ**: إِلَهِي أَذْهَلْنِي عَنْ إِقَامَةِ شُكْرِكَ تَتَابَعِ طَوْلُكَ وَ... شَغَلَنِي عَنْ ذِكْرِكَ

مَحَامِدُكَ تَرَادُفُ عَوَائِدِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٤٦

﴿٢٨٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اَمَّا حَقُّ ذِي الْمَعْرُوفِ عَلَيْكَ فَاَنْ تَشْكُرَهُ وَ تَذْكُرَ مَعْرُوفَهُ وَ تَكْسِبُهُ

الْمَقَالَةِ الْحَسَنَةِ وَتُخْلِصَ لَهُ الدُّعَاءَ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ كُنْتَ قَدْ

شَكَرْتُهُ سِرًّا وَعَلَانِيَةً ثُمَّ إِنَّ قَدْرَتَ عَلَيَّ مُكَافَأَتِهِ يَوْمًا كَفَأَتْهُ؛ وسائل الشيعة ج: ١٥ ص: ١٧٥

﴿٢٨٤﴾ الرسول ﷺ: إِنَّهُ لَيُوتَى بَعْدَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَيَقَالُ لَهُ أُوتِيتَ ذَلِكَ عَلَى يَدَيْهِ فَيَقُولُ بَلْ

يَكُونُ جَعَلْتُ شُكْرَ ذَلِكَ لِلَّهِ فَإِنَّا لَهُ لَمْ نَشْكُرُ اللَّهَ إِذْ لَمْ نَشْكُرْ مِنْ أَجْرِ اللَّهِ ذَلِكَ عَلَى

يَدِيهِ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَمَنْ أَوْتَى خَيْرًا عَلَى يَدَيِ أَخِيهِ أَوْ صَنَعَ إِلَيْهِ صَانِعٌ مَعْرُوفًا فَلْيَذْكُرْهُ

فَإِذَا ذَكَرَهُ فَقَدْ شَكَرَهُ وَإِذَا كَتَمَهُ فَقَدْ كَفَرَهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ۱۲ ص: ۳۵۷

﴿٢٨٥﴾ شَكَرَ الْإِحْسَانَ مَنْ أَتَى عَلَى مُسْئِدِهِ وَ ذَكَرَ بِالْجَمِيلِ مُوَلِيَهُ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٩

﴿٢٨٦﴾ البقرة ^{العليه}: نَحْدِثُ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِذَلِكَ شُكْرًا نَعْظُمُهُ وَذِكْرًا نُدِيمُهُ؛ الكافي ج: ٨

ص: ۳۵۸

١-٢-١-١-التَّسْبِيحُ

﴿٢٨٧﴾ الرضا عليه السلام: إِنَّمَا جُعِلَ التَّسْبِيحُ فِي الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ لِعَلَّ مِنْهَا أَنْ يَكُونَ الْعَبْدُ مَعَ

خُضُوعِهِ وَخُشُوعِهِ وَتَعَبُّدِهِ وَتَوَرُّعِهِ وَاسْتِكَانَتِهِ وَتَذَلُّلِهِ وَتَوَاضُعِهِ وَتَقَرُّبِهِ إِلَى رَبِّهِ مُقَدَّسًا لَهُ

مُمَجِّدًا مُسَبِّحًا مُعَظَّمًا شَاكِرًا لِخَالِقِهِ وَرَازِقِهِ؛ وسائل الشيعة ج: ٦ ص: ٣٠٠

﴿٢٨٨﴾ ابن عباس رضي الله عنه: فَيَرْفَعُونَ مَلَائِكَةَ السَّمَاءِ أَصْوَاتَهُمْ بِالتَّسْبِيحِ وَالتَّهْلِيلِ وَالتَّنَائِ عَلَى اللَّهِ

تَعَالَى وَشَكَرَهُ بِمَا فَعَلَ بِأُمَّةٍ مُحَمَّدٍ ﷺ؛ مستدرک الوسائل ج: ۷ ص: ۴۶۰

٧-٢-١-١- الإعتدادُ بالنِّعماءِ راجع: الإحصاءُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۷۹﴾ هر کس خداوند را به خاطر نعمتش سپاسگزاری کند؛ او را شکر نموده است و این سپاس از آن نعمت (برای او) بهتر است.

﴿۲۸۰﴾ هر کس به هنگام صبح، چهار بار " اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ " بگوید، از عهده‌ی شکر (نعمت‌های) آن روز برآمده است؛ و هر کس همین ذکر را در شب چهار بار بگوید، شکر (نعمت‌های) آن شب را به جا آورده است.

۵-۲-۱- یاد خدا، یاد ستوده ها، یاد نیکی ها، یاد پسندیده

﴿۲۸۱﴾ زبانم را با حمد و سپاس و یاد و ستایش نیک خود گویا فرما.

﴿۲۸۲﴾ خدا یا، پیایی بودن بخشش‌هایت مرا در ادای شکر تو سرگردان نموده و... پی‌درپی بودن احسانت مرا از یاد حمد بازداشته است.

﴿۲۸۳﴾ حق کسی که به تو احسان کند این است که احسانش را، قدردانی کنی و خوبی او را بگویی و دعای میان خود و خدا را برای او مخلصانه کنی، چون چنین کردی شکر او را در نهان و آشکار ادا نموده‌ای و اگر روزی توانستی به او عوض دهی نیز این کار را بکن.

﴿۲۸۴﴾ بنده‌ای را در روز قیامت می‌آورند و می‌گویند: این چیز به وسیله‌ی فلانی به تو داده شد می‌گوید: آری و همه‌ی شکر آن را نسبت به خدا انجام دادم. به او گفته می‌شود: اگر از کسی که به وسیله‌ی او نعمت به تو رسیده است تشکر نکنی از خدا نیز تشکر نکرده‌ای؛ سپس پیامبر خدا ﷺ فرمود: اگر به کسی از طریقی برادرش خیری برسد یا کسی به او نیکی کند باید که او را یاد کند، آنگاه که او را یاد کند خدا را شکر کرده و اگر آن را انکار کند کفران کرده است.

﴿۲۸۵﴾ احسان را شکر نموده است کسی که ستایش کند بر احسان کننده‌ی آن، و یاد کند به نیکویی صاحب آن را.

﴿۲۸۶﴾ سپاسگزاری جدیدی را آغاز می‌کنیم، او را بزرگ می‌داریم و پیوسته او را یاد می‌کنیم.

۶-۲-۱- به پاکی یاد کردن

﴿۲۸۷﴾ تسبیح خدای تعالی در رکوع و سجده به علت‌های گوناگون قرار داده شد، و از آن جمله است که: خضوع و خشوع و بندگی و پرهیزکاری و شکستگی و خواری و تواضع، نزدیکی جستن او به سوی پروردگارش با تقدیس و بزرگداشت و تسبیح و تعظیم و شکر برای آفریننده و روزی‌دهنده‌اش همراه باشد.

﴿۲۸۸﴾ پس فرشتگان آسمان‌ها صدای خویش را به تسبیح " سبحان الله " و تهلیل " لا اله الا الله " و ثنای الهی برای خدای متعال بلند می‌کنند و به سبب (خدای متعال) آن را برای امت محمد ﷺ انجام داد. به درگاه او شکر می‌گزارند.

۷-۲-۱- شمارش نعمت‌ها ر.به: شمردن

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

٨-١-٢-١- التَّعْظِيمُ

﴿٢٨٩﴾ الباقر عليه السلام: نُحَدِّثُ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِذَلِكَ شُكْرًا نُعْظِمُهُ وَ ذِكْرًا نُدِيمُهُ؛ الكافي ج: ٨

ص: ٣٥٨

﴿٢٩٠﴾ الباقر عليه السلام: نَقُولُ لَكَ مَا قُلْنَا تَقَرُّبًا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِتَوْفِيرِكَ وَ تَوْسَعًا بِتَفْضِيلِكَ وَ

شُكْرًا بِإِعْظَامِ أَمْرِكَ؛ الكافي ج: ٨ ص: ٣٥٥

٩-١-٢-١- التَّكْبِيرُ

﴿٢٩١﴾ الصادق عليه السلام: كَانَ التَّكْبِيرُ فِي السُّجُودِ شُكْرًا؛ الكافي ج: ٣ ص: ٤٨٦

١٠-١-٢-١- التَّمْجِيدُ

﴿٢٩٢﴾ الرضا عليه السلام: أَوْ نَطَقَهَا بِتَحْمِيدِهِ وَ أَلْهَمَهَا عَلَى شُكْرِهِ وَ تَمْجِيدِهِ؛ إقبال الأعمال ص: ٤٦٢

١١-١-٢-١- المَدْحُ

﴿٢٩٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِلَهِي وَ مَوْلَايَ أَوْ تَسْلُطُ النَّارَ عَلَى وَجْهِ خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً وَ

عَلَى أَلْسِنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً وَ بِشُكْرِكَ مَادِحَةً؛ إقبال الأعمال ص: ٧٠٨

﴿٢٩٤﴾ بَابُكَ لِلطَّالِبِينَ مَفْتُوحٌ وَ أَنْتَ مَشْكُورٌ مَمْدُوحٌ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٢٦٢

﴿٢٩٥﴾ فَأَنْتَ مَشْكُورٌ مَمْدُوحٌ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٦٨

١٢-١-٢-١- النَّشْرُ، نَشْرُ الْعَوَارِفِ

﴿٢٩٦﴾ السجاد عليه السلام: إِلَهِي تَصَاغَرَ عِنْدَ تَعَاظُمِ آلَائِكَ شُكْرِي وَ تَضَاءَلَتْ فِي جَنْبِ إِكْرَامِكَ إِيَائِي

ثَنَائِي وَ نَشْرِي؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٤٦

﴿٢٩٧﴾ السجاد عليه السلام: إِلَهِي أَذْهَلَنِي عَنْ إِقَامَةِ شُكْرِكَ تَتَابُعُ طَوْلِكَ وَ... أَغْيَانِي عَنْ نَشْرِ

عَوَارِفِكَ تَوَالِي أَيَادِيكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٤٦

١٣-١-٢-١- التَّهْلِيلُ

﴿٢٩٨﴾ ابن عباس رضي الله عنهما: فَيَرْفَعُونَ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ أَصْوَاتَهُمْ بِالتَّسْبِيحِ وَ التَّهْلِيلِ وَ الثَّنَاءِ عَلَى اللَّهِ

تَعَالَى وَ شُكْرِهِ بِمَا فَعَلَ بِأَمَّةٍ مُحَمَّدٍ ص؛ مستدرک الوسائل ج: ٧ ص: ٤٦٠

١٤-١-٢-١- وَصَفُ الْمُنِّ رَاجِعُ الْإِحْصَاءِ

٣-١-١- المَعْرِفَةُ مِنْ خِلَالِ الْأَضْدَادِ

١-١-٣-١- الْكُفْرَانُ

﴿٢٩٩﴾ فَادْكُرُونِي أَدْكُرْكُمْ وَ اشْكُرُوا لِي وَ لَا تَكْفُرُونِ؛ البقرة: الآية ١٥٢

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۸-۲-۱-۱- بزرگداشت

﴿۲۸۹﴾ سپاسگزاری جدیدی را آغاز می‌کنیم، او را بزرگ می‌داریم و پیوسته او را یاد می‌کنیم.
﴿۲۹۰﴾ آنچه در احترام و گرمی داشت تو و گستردن فضیلت‌های تو و سپاس و بزرگداشت امر تو می‌گوییم برای نزدیک شدن به خدای عزیز و جلیل است.

۹-۲-۱-۱- بزرگ شمردن

﴿۲۹۱﴾ گفتن "الله اکبر" در سجده، شکر محسوب می‌شود.

۱۰-۲-۱-۱- بزرگ شمردن

﴿۲۹۲﴾ به او قدرت گویش و نطق بخشید و حمد و ستایشش را برای شکر و بزرگداشت خدا به او الهام نمود.

۱۱-۲-۱-۱- ستایش

﴿۲۹۳﴾ ای خدا و ای مولای من، آیا آتش دوزخ را بر چهره‌هایی که برای عظمت به سجده افتاده و بر زبان‌هایی که صادقانه به یگانگی‌ات گویا شده، و سپاسگزارانه به شکرگزاری تو باز شده است چیره می‌کنی؟

﴿۲۹۴﴾ دروازه‌ی رحمت تو برای خواستاران همواره گشوده است و مورد ستایش و ستوده شده‌ای.

﴿۲۹۵﴾ پس تو همانی که مورد سپاسگزاری و ستایش قرار گرفته‌ای.

۱۲-۲-۱-۱- پخش و گسترش، انتشار خوبی‌ها

﴿۲۹۶﴾ پروردگارا، شکر در برابر بزرگی نعمت‌های کوچک و مدح و ثنایم در مقابل بزرگواری تو حقیر است.

﴿۲۹۷﴾ خدایا، پیاپی بودن بخشش‌هایت مرا در ادای شکرت سرگردان نموده و... پیوستگی الطافت در بازگویی نکویی‌هایت درمانده‌ام کرده است.

۱۳-۲-۱-۱- گفتن "لا اله الا الله"

﴿۲۹۸﴾ پس فرشتگان آسمان‌ها صدای خویش را به تسبیح "سبحان الله" و تهلیل "لا اله الا الله" و ثنای الهی برای خدای متعال بلند می‌کنند و به سبب (خدای متعال) آن را برای امت محمد ﷺ انجام داد. به درگاه او شکر می‌گزارند.

۱۴-۲-۱-۱- توصیف نعمت‌ها ر.به: شمردن

۳-۱-۱- شناخت از طریق کلمات مخالف

۱-۳-۱- ناسپاسی

﴿۲۹۹﴾ پس به یاد من باشید، تا به یاد شما باشیم؛ و شکر مرا ادا کنید و (در برابر نعمت‌هایم) کفران نکنید.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٠٠﴾ وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ؛ إبراهيم: الآية ٧
 ﴿٣٠١﴾ قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ؛ النمل: الآية ٤٠

﴿٣٠٢﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنِ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ؛ لقمان: الآية ١٢

﴿٣٠٣﴾ إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَى لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ؛ الزمر:

الآية ٧

﴿٣٠٤﴾ إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا؛ الإنسان: الآية ٣
 ﴿٣٠٥﴾ أَحَبَّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ الْعَامِلُ فِيمَا أَنْعَمَ بِهِ عَلَيْهِ بِالشُّكْرِ وَابْتِغَاءِ لَهُمُ الْإِلَهِ الْعَامِلُ فِي نِعَمِهِ بِالْكَفْرِ؛ غررالحكم ص: ٢٧٧

﴿٣٠٦﴾ إِذَا كُسِيَ اللَّحْمُ ثُمَّ انْشَأَنَاهُ خَلْقًا آخَرَ قَالَ أَنْبَتَ لَهُ الشَّعْرَ فَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ فَأَنْبَأَهُ اللَّهُ مِمَّا خَلَقَهُ وَأَبْنَاهُ إِنَّمَا بَيْنَ ذَلِكَ لِيَبْتَلِيَهُ بِذَلِكَ لِيَعْلَمَ كَيْفَ شُكْرُهُ وَمَعْرِفَتُهُ لِحَقِّهِ فَبَيَّنَ اللَّهُ لَهُ مَا أَحَلَّ لَهُ وَمَا حَرَّمَ عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا بها؛ بحار الأنوار ج: ٥٧ ص: ٣٨٥

﴿٣٠٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَشْكُرُ النَّاسَ أَقْنَعُهُمْ وَأَكْفُرُهُمْ لِلنَّعَمِ أَجْشَعُهُمْ؛ بحار الأنوار ج: ٧٤ ص: ٢٢٤

﴿٣٠٨﴾ الرسول ﷺ: أَشْكُرُ تَرْزُقُ وَلَا تَكْفُرُ فَتُعَذِّبُ؛ بحار الأنوار ج: ٣٥ ص: ١٥١
 ﴿٣٠٩﴾ الصادق عليه السلام: أَشْكُرُ مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ وَأَنْعَمَ عَلَى مَنْ شَكَرَكَ فَإِنَّهُ لَا إِزَالَهَ لِلنَّعَمِ إِذَا شُكِرَتْ وَلَا إِقَامَةَ لَهَا إِذَا كُفِرَتْ وَالشُّكْرُ زِيَادَةٌ فِي النِّعَمِ وَأَمَانٌ مِنَ الْفَقْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٢٤١

﴿٣١٠﴾ الصادق عليه السلام: أَعْرِفُوا الْعَقْلَ وَجُنْدَهُ وَالْجَهْلَ وَجُنْدَهُ تَهْتَدُوا... ثُمَّ جَعَلَ لِلْعَقْلِ خَمْسَةً وَسَبْعِينَ جُنْدًا... وَالشُّكْرُ وَضِدُّهُ الْكُفْرَانُ؛ الكافي ج: ١ ص: ٢٠
 ﴿٣١١﴾ الكاظم عليه السلام: التَّحَدُّثُ بِنِعَمِ اللَّهِ شُكْرٌ وَتَرْكُ ذَلِكَ كُفْرٌ فَارْتَبِطُوا بِنِعَمِ رَبِّكُمْ تَعَالَى بِالشُّكْرِ؛ وسائل الشيعة ج: ٧ ص: ٤٠

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۰۰﴾ و (همچنین به خاطر بیاورید) هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت: "اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهیم افزود و اگر ناسپاسی کنید، همانا مجازات من شدید است." ﴿۳۰۱﴾ اما کسی که دانشی از کتاب (آسمانی) داشت گفت: "پیش از آنکه چشم‌برهم زنی، آن را نزد تو خواهیم آورد؛" و هنگامی که (سلیمان) آن (تخت) را نزد خود ثابت و پابرجا دید گفت: "این از فضل پروردگار من است تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را به‌جا می‌آورم یا کفران می‌کنم؟ و هرکس شکر کند، به نفع خود شکر می‌کند و هرکس کفران نماید (به زیان خویش نموده است زیرا که) پروردگار من بی‌نیاز و کریم است."

﴿۳۰۲﴾ ما به لقمان حکمت دادیم (و به او گفتیم): شکر خدا را به‌جا آور؛ هرکس شکرگزاری کند، تنها به سود خویش شکر کرده و آن‌کس که کفران کند، (زیانی به خدا نمی‌رساند) زیرا خداوند بی‌نیاز و ستوده است.

﴿۳۰۳﴾ اگر کفران کنید، خداوند از شما بی‌نیاز است و هرگز کفران را برای بندگانش نمی‌پسندد و اگر شکر او را به‌جا آورید آن را برای شما می‌پسندد؛ و هیچ گنهکاری گناه فرد دیگری را بر دوش نمی‌کشد؛ سپس بازگشت همه‌ی شما به‌سوی پروردگارتان است، و شما را از آنچه انجام می‌دادید آگاه می‌سازد زیرا او به آنچه در سینه‌هاست آگاه است.

﴿۳۰۴﴾ ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد و بپذیرد خواه ناسپاس.

﴿۳۰۵﴾ دوست داشتنی‌ترین مردم نزد خدای سبحان، کسی است که در آنچه حق تعالی به او عطا کرده است به ادای شکر آن نعمت می‌پردازد، و منفورترین مردم نزد خدا کسی است که در مقابل نعمت‌ها ناسپاسی کند.

﴿۳۰۶﴾ آنگاه که گوشت برآرد، موجود دیگری می‌شود و مو برایش رویانده می‌شود؛ پس آفرین بر بهترین خلق‌کنندگان، خدا از آنچه آفریده شده‌است؛ او را آگاه کرد، و به او اطلاع داد که او را آفریده تا آزمایش کند، و بداند چگونه او را شکر می‌کند و چقدر حق‌شناس است، و برایش حلال و حرام را بیان کرد، سپس فرمود: "ما راهنمایی‌اش کردیم خواه شاکر نعمت‌های خداوند باشد و خواه ناسپاسی کند."

﴿۳۰۷﴾ سپاسگزارترین مردم، کسی است که قناعتش بیشتر باشد، و ناسپاس‌ترین ایشان کسی است که حرص و آزش بیشتر باشد.

﴿۳۰۸﴾ سپاسگزار باش تا روزی داده شوی و کفران نعمت نکن که دراین‌صورت عذاب خواهی شد

﴿۳۰۹﴾ سپاسگزار کسی باش که به تو نعمت بخشیده و نعمت عطا کن به آن کسی که قدرشناس توست و تشکر می‌کند. زیرا وقتی که شکرگزاری می‌کنی نعمت از بین نمی‌رود، وقتی کفران کنی پایدار نخواهد بود؛ شکر موجب افزایش نعمت و امان از فقر و تنگدستی است.

﴿۳۱۰﴾ عقل و جهل و لشکریان‌شان را بشناسید تا هدایت شوید... سپس برای هریک‌از عقل و جهل هفتاد و پنج لشکر قرار داد... از جمله شکر و ضد آن ناسپاسی.

﴿۳۱۱﴾ صحبت کردن درباره نعمت‌های الهی نوعی شکر و سپاسگزاری و ترک آن کفران نعمت است پس نعمت‌های پروردگارتان را به شکر پیوند بزنید.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣١٢﴾ السَّجَادُ عليه السلام: الذُّنُوبُ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ الْبَغْيُ عَلَى النَّاسِ وَالزَّوَالُ عَنِ الْعَادَةِ فِي الْخَيْرِ وَاصْطِنَاعُ الْمَعْرُوفِ وَكُفْرَانُ النَّعْمِ وَتَرْكُ الشُّكْرِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ وسائل الشيعة ج: ١٦ ص: ٢٨١

﴿٣١٣﴾ الشُّكْرُ الْمَعْرِفَةُ وَفِي قَوْلِهِ وَلَا يَرْضَى لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ فَقَالَ الْكُفْرُ هَاهُنَا الْخِلَافُ وَالشُّكْرُ الْوَلَايَةُ وَالْمَعْرِفَةُ؛ بحار الأنوار ج: ٢٤ ص: ٦٠

﴿٣١٤﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: الشُّكْرُ وَضِدُّهُ الْكُفْرُ؛ الخصال ج: ٢ ص: ٥٨٨

﴿٣١٥﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: الْعَجَبُ مِنْ أَنْاسٍ جَعَلُوا مَكَانَ الشُّكْرِ عَلَى النُّعْمَةِ جُحُودَ الْمُنْعِمِ بِهَا؛ بحار الأنوار ج: ٣ ص: ١٣١

﴿٣١٦﴾ الْعِلْمُ بِاللَّهِ جَمَاعُ الشُّكْرِ وَالْجَهْلُ بِاللَّهِ جَمَاعُ الْكُفْرِ

ديوان الإمام علي (ع) ص: ١٧٩

﴿٣١٧﴾ الْكَرِيمُ يَشْكُرُ الْقَلِيلَ وَاللَّيْمُ يُكْفِرُ الْجَزِيلَ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٧

﴿٣١٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَعِينُكَ وَنَسْتَغْفِرُكَ وَنَسْأَلُكَ بِكَ وَنُؤْمِنُ بِكَ وَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ وَتُثْنِي عَلَيْكَ الْخَيْرَ كُلَّهُ تَشْكُرُكَ وَلَا نَكْفُرُكَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٤ ص: ٤٠١

﴿٣١٩﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: الْمُؤْمِنُ مُكْفَرٌ وَفِي رَوَايَةٍ أُخْرَى وَذَلِكَ أَنْ مَعْرُوفَهُ يَصْعَدُ إِلَى اللَّهِ فَلَا يُشْرُ فِي النَّاسِ وَالْكَافِرُ مُشْكُورٌ؛ بحار الأنوار ج: ٦٤ ص: ٢٦٠

﴿٣٢٠﴾ الْمُجْتَبَى عليه السلام: النُّعْمَةُ مِخْنَةٌ فَإِنْ شَكَرْتَ كَانَتْ نِعْمَةً فَإِنْ كَفَرْتَ صَارَتْ نِقْمَةً؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ١١٣

﴿٣٢١﴾ أَمَّا وَاللَّهِ لَهْذُمِ النُّعْمَةِ أَيْسَرُ مِنْ بِنَائِهَا وَمَا الزِّيَادَةُ إِلَيْكُمْ بِالشُّكْرِ أَسْرَعَ مِنْ زَوَالِ النُّعْمَةِ عَنْكُمْ بِالْكَفْرِ؛ بلاغات النساء ص: ٢٠

﴿٣٢٢﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ لَمْ يُعْطِ لِيَأْخُذْ وَلَوْ أَنْعَمَ عَلَى قَوْمٍ مَا أَنْعَمَ وَبَقُوا مَا بَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ مَا سَلَبَهُمْ تِلْكَ النَّعْمَ وَهُمْ لَهُ شَاكِرُونَ إِلَّا أَنْ يَتَحَوَّلُوا مِنْ شُكْرِ إِلَى كُفْرٍ وَمِنْ طَاعَةٍ إِلَى مَعْصِيَةٍ وَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ٣١

﴿٣٢٣﴾ الرضا عليه السلام: أَنْ حَقَّ الْمَعْرِفَةُ أَنْ يُطِيعَ وَلَا يَعْصَى وَ يَشْكُرَ وَلَا يَكْفُرُ؛ فقه الرضا عليه السلام ص: ٦٥

﴿٣٢٤﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: أَنْ يُوجِبَ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَشْكُرَ اللَّهَ وَلَا يَكْفُرَهُ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٢٨٣

﴿٣٢٥﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: إِنَّا لَنَشْكُرُ لِلنَّعْمَاءِ وَقَدْ كُفِرَتْ وَعِنْدَنَا بَعْدَ هَذَا الْيَوْمِ مُدَّخَرٌ

بحار الأنوار ج: ٢١ ص: ١٣

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۱۲﴾ گناهانی که نعمت را تغییر می‌دهند عبارتند از: ظلم و تعدی بر مردم، و ترک عمل خیری که به آن عادت شده، و ترک امر به نیکی‌ها، و کفران نعمت، و ترک شکر، و خداوند درباره‌اش فرمود است: خداوند سرنوشت هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را که در وجود خودشان است تغییر دهند.

﴿۳۱۳﴾ شکر معرفت است و در باره‌ی این آیه "و بر بندگانش نمی‌پسندد که کفران کنند و اگر سپاسگزاری کنید از شما خشنود می‌شود" فرمود: کفر در این آیه (رفتار برخلاف امامان است) و شکر، ولایت و معرفت امام است.

﴿۳۱۴﴾ ضد شکر کفر است.

﴿۳۱۵﴾ شگفتا از مردمی که به‌جای سپاس بر نعمت، انکار منعم می‌کنند.

﴿۳۱۶﴾ شناخت خدا جمع‌کننده‌ی شکر است و عدم شناخت جمع‌کننده‌ی کفر.

﴿۳۱۷﴾ کریم و بزرگوار اندک را شکر می‌کند و پست‌مرتبه حتی لطف بزرگ را کفران می‌کند.

﴿۳۱۸﴾ پروردگارا، ما از تو طلب یاری و تقاضای آمرزش و درخواست هدایت داشته و به تو ایمان داریم و به تو توکل می‌کنیم و سپاس همه‌ی خیرها را به پیشگاه تو عرضه می‌کنیم و تو را شکر می‌کنیم و هرگز به تو کفر نمی‌ورزیم.

﴿۳۱۹﴾ مؤمن مورد ناسپاسی قرار می‌گیرد و در روایت دیگر است که نیکی او به آسمان بالامی‌رود، ولی درمیان مردم منتشر نگردد، ولی کافر قدردانی شود.

﴿۳۲۰﴾ نعمت، در واقع ابزار امتحان و آزمایش است؛ وقتی سپاس آن را به‌جا آوری و شکرگزار باشی تبدیل به نعمت می‌شود و اگر کفران کردی؛ به نعمت و بلا تبدیل می‌شود.

﴿۳۲۱﴾ قسم به خدا، از بین بردن نعمت آسان‌تر از درست کردن نعمت است و آنچه نعمت را زیاد می‌کند شکربر نعمت است و آنچه با سرعت نعمت را از بین می‌برد کفران نعمت است.

﴿۳۲۲﴾ خداوند نعمتی به مردم نداده که از آنان بازپس بگیرد پس نعمت‌هایش، تا زمانی که شب و روز باقی است باقی می‌ماند، مگر اینکه کفران نعمت کنند و از اطاعت خدا روی بگردانند. و آیه‌ی شریفه به همین مفهوم اشاره دارد: "خدای مهربان حال و نعمت مردم را دگرگون نخواهد کرد، مگر اینکه خود آن مردم حالشان را تغییر دهند.

﴿۳۲۳﴾ حق معرفت این است که آدمی اطاعت کند و معصیت نکند و شکر کند و کفران نعمت نکند.

﴿۳۲۴﴾ لازم و ضروری است که خود را وادار کند که شکر خدا گوید و کفران نرزد.

﴿۳۲۵﴾ ما در آن هنگام که نعمت‌ها، کفران شود شکرگزاری می‌کنیم و این شکر برای فردای ما ذخیره می‌شود.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٢٦﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّمَا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا قَالَ عَرَفْنَاهُ إِمَّا آخِذٌ وَإِمَّا تَارِكٌ؛

الكافي ج: ١ ص: ١٦٣

﴿٣٢٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا الْمَعْرُوفُ زَرْعٌ مِنْ أَنْمَى الزَّرْعِ وَ كَنْزٌ مِنْ أَفْضَلِ الْكُنُوزِ فَلَا يُزْهَدَنَّكَ فِي الْمَعْرُوفِ كُفْرٌ مِنْ كُفْرِهِ وَ لَا جُحُودٌ مِنْ جَحْدِهِ فَإِنَّهُ قَدْ يَشْكُرُكَ عَلَيْهِ مَنْ يَسْمَعُ مِنْكَ فِيهِ وَ قَدْ تُصِيبُ مِنْ شُكْرِ الشَّاكِرِ مَا أَضَاعَ مِنْهُ الْعَبْدُ الْجَاهِلُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٤٠

﴿٣٢٨﴾ الرسول الله ﷺ: إِنَّهُ لَيُؤْتِي بَعْدَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَيَقَالُ لَهُ أُوتِيتَ ذَلِكَ عَلَى يَدَيْهِ فَيَقُولُ بَلْ يَكُونُ جَعَلْتُ شُكْرَ ذَلِكَ كُلِّهِ لِلَّهِ فَيَقَالُ لَهُ لَمْ تَشْكُرِ اللَّهَ إِذْ لَمْ تَشْكُرْ مَنْ أَجْرَى اللَّهُ ذَلِكَ عَلَى يَدَيْهِ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَمَنْ أُوتِيَ خَيْرًا عَلَى يَدَيِّ أَخِيهِ أَوْ صَنَعَ إِلَيْهِ صَانِعٌ مَعْرُوفًا فَلْيَذْكُرْهُ فَإِذَا ذَكَرَهُ فَقَدْ شَكَرَهُ وَ إِذَا كَتَمَهُ فَقَدْ كَفَرَهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٥٧

﴿٣٢٩﴾ عمران عليه السلام: أَيُّ رَبِّ أَى خَلْقِكَ أَعْظَمُ ذَنْبًا قَالَ الَّذِي يَتَّهَمُنِي قَالَ يَا رَبِّ وَ هَلْ يَتَّهَمُكَ أَحَدٌ قَالَ نَعَمْ يَا مُوسَى الَّذِي يَسْتَخِيرُنِي وَ لَا يَرْضَى بِقَضَائِي وَ لَا يَشْكُرُ نِعْمَائِي وَ لَا يَصْبِرُ عَلَى بَلَائِي؛ مجموعة ورام ج: ٢ ص: ٢٣١

﴿٣٣٠﴾ السجاد عليه السلام: بَنَى إِنْ جَعَلْتُكَ خَلِيفَتِي مِنْ بَعْدِي لَا يَدْعِي فِيمَا بَيْنِي وَ بَيْنَكَ أَحَدٌ إِلَّا قَدَّهَ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ طَوْفًا مِنْ نَارٍ فَاحْمَدِ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ وَ اشْكُرْهُ يَا بَنِي أَشْكُرْ لِمَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ وَ أَنْعَمَ عَلَى مَنْ شَكَرَكَ فَإِنَّهُ لَا تَزُولُ نِعْمَةٌ إِذَا شُكِرَتْ وَ لَا بَقَاءٌ لَهَا إِذَا كُفِرَتْ وَ الشَّاكِرُ بِشُكْرِهِ أَسْعَدُ مِنْهُ بِالنِّعْمَةِ الَّتِي وَجَبَ عَلَيْهِ بِهَا الشُّكْرُ وَ تَلَا عَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام: لَتُنْ شُكْرُكُمْ لَا زِيَادَتَكُمْ وَ لَتُنْ كَفَرْتُمْ إِنْ عَذَابِي لَشَدِيدٌ؛ بحار الأنوار ج: ٤٦ ص: ٢٣١

﴿٣٣١﴾ الرضا عليه السلام: حَرَّمَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عُقُوقَ الْوَالِدَيْنِ لِمَا فِيهِ مِنَ الْخُرُوجِ مِنَ التَّوْقِيرِ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ التَّوْقِيرِ لِلْوَالِدَيْنِ وَ كُفْرَانَ النِّعْمَةِ وَ إِبْطَالَ الشُّكْرِ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٣ ص: ٥٦٥

﴿٣٣٢﴾ حَقَّ الْمَعْرِفَةُ أَنْ تُطِيعَ وَ لَا تُعْصَى وَ تَشْكُرَ وَ لَا تَكْفُرَ؛ بحار الأنوار ج: ٣ ص: ١٤

﴿٣٣٣﴾ المجتبي عليه السلام: سَأَلَ مُعَاوِيَةَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ عليه السلام بَعْدَ الصُّلْحِ أَنْ يَخْطُبَ النَّاسَ فَامْتَنَعَ فَنَاشَدَهُ أَنْ يَفْعَلَ فَوَضِعَ لَهُ كُرْسِيًّا فَجَلَسَ عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَوَحَّدَ فِي مُلْكِهِ وَ تَفَرَّدَ فِي رُبُوبِيَّتِهِ يُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ يَشَاءُ وَ يَنْزِعُهُ عَمَّنْ يَشَاءُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَ بَنِي مُؤْمِنِكُمْ وَ أَخْرَجَ مِنَ الشُّرْكِ أَوْلَكُمْ وَ حَقَّنَ دِمَاءَ آخِرِكُمْ فَبَلَّأُونَا عِنْدَكُمْ قَدِيمًا وَ حَدِيثًا أَحْسَنَ الْبَلَاءِ إِنْ شَكَرْتُمْ أَوْ كَفَرْتُمْ؛ بحار الأنوار ج: ٤٤ ص: ٤٢

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۲۶﴾ همانا او را (انسان را) به راه (راست) هدایت کردیم، خواه شکرگزار باشد (و در راه قرار گیرد) یا کفران نموده (به بی‌راهه برود) گفت: یعنی شناسانیدیم آن را، خواه بگیرد که چه گفتیم و خواه گفتار ما را ترک کند.

﴿۳۲۷﴾ کار نیک، از رشد یابنده‌ترین کشت و از برترین گنج‌هاست؛ پس انکار تکذیب‌کنندگان باعث نشود که تو آن را رها نمایی زیرا هر که این صفت تو را بشنود، قدردان توست، و هر چه ناسپاسان قدرناشناسی کنند، در عوض از شکر قدرشناسان به تو بهره می‌رسد.

﴿۳۲۸﴾ بنده‌ای را در روز قیامت می‌آورند و می‌گویند: این چیز به‌وسیله‌ی فلانی به تو داده شد می‌گوید: آری و همه‌ی شکر آن را نسبت به خدا انجام دادم. به او گفته می‌شود: اگر از کسی که به‌وسیله‌ی او نعمت به تو رسیده است تشکر نکنی از خدا نیز تشکر نکرده‌ای؛ سپس پیامبر خدا ﷺ فرمود: اگر به کسی از طریقی برادرش خیری برسد یا کسی به او نیکی کند باید که او را یاد کند، آنگاه که او را یاد کند خدا را شکر کرده و اگر آن را انکار کند کفران کرده است.

﴿۳۲۹﴾ ای پروردگارم کدام‌یک از بندگان بزرگ‌ترین گناه را انجام داده است؟ فرمود: کسی که مرا متهم می‌کند. گفت: پروردگارا آیا کسی هم تو را متهم می‌کند؟ فرمود: آری ای موسی، کسی که از من طلب خیر می‌کند ولی نه به حکم من راضی می‌شود و نه نعمت‌هایم را شکر می‌کند و نه در بلایم صبر می‌کند.

﴿۳۳۰﴾ ای فرزندم تو را جانشین خود قرار می‌دهم و بین من و تو هیچ‌کس ادعای جانشینی نمی‌کند مگر اینکه خداوند روز قیامت گردنبندی از آتش بر گردنش می‌اندازد؛ پس خدا را بر این نعمت سپاس بگو و او را شکر کن. ای فرزند عزیزم، آن را که به تو نعمت داده شکر کن و به آن که از تو شکر کرده نیکی کن که اگر شکر نعمت شود، نعمت از بین نمی‌رود و چنانچه نعمت مورد کفران قرار گیرد باقی نخواهد ماند و شاکر به خاطر شکری که توفیق آن به او داده شده بهره‌ی بیشتری دریافت می‌کند در مقایسه با نعمتی که توفیق آن به او داده شده و شکر آن بر او واجب شده است و علی بن الحسین علیه السلام این آیه را تلاوت نمود. "اگر شکرگزاری کنی (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود و اگر ناسپاسی کنی، مجازاتم شدید است."

﴿۳۳۱﴾ خدای تعالی ناراضی کردن پدر و مادر را حرام فرموده است؛ زیرا در عقوق و ناراضی کردن پدر و مادر، خارج شدن از بزرگداشت خدا و نیز کفران نعمت و باطل شدن شکرو سپاسگزاری نهفته است.

﴿۳۳۲﴾ حق معرفت آن است که اطاعت کنی و نافرمانی نکنی و شکرگزاری کنی و کفران نکنی.

﴿۳۳۳﴾ پس از اینکه معاویه با امام حسن پیمان صلح بست از آن حضرت تقاضا کرد که برای مردم سخنرانی کند، ولی آن بزرگوار نپذیرفت. معاویه وی را مجبور کرد؛ آنگاه منبر برای آن حضرت نصب شد. امام حسن پس از اینکه بر فراز منبر رفت این خطبه را خواند: "حمد خدایی راست که در پادشاهی‌اش یکتاست و در ربوبیتش تنه‌است و به هر که خواهد فرمانروایی می‌بخشد و از هر که خواهد باز می‌ستاند و حمد خدایی راست که مؤمن شما را به‌وسیله‌ی ما مورد کرامت قرار داد و پیشینیان شما را به‌وسیله‌ی ما از شرک دور کرد و خون بقیه‌ی شما را به‌وسیله‌ی ما حفظ کرد.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٣٤﴾ الصادق عليه السلام: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ اللَّهِ ﷺ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ إِنْ شَاكَرْتُمْ أَزِيدَنَّكُمْ وَ إِنْ كَفَرْتُمْ أَزِيدَنَّكُمْ قَالَ عَلَّمَ السَّبِيلَ فَأَمَّا أَخِذْ فَهُوَ شَاكِرٌ وَإِمَّا تَارَكَ فَهُوَ كَافِرٌ؛ بحار الأنوار ج: ٥ ص: ٣٠٢

﴿٣٣٥﴾ الصادق عليه السلام: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ اللَّهِ ﷺ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ اتَّقُوا اللَّهَ حَتَّى تُقَاتِيَهُ قَالَ يُطَاعَ فَلَا يُعْصَى وَ يُذَكَّرُ فَلَا يُنْسَى وَ يُشْكُرُ فَلَا يُكْفَرُ؛ وسائل الشيعة ج: ١٥ ص: ٢٣٥

﴿٣٣٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: سَأَلْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَتَّى يُقَاتِيَهُ قَالَ وَ اللَّهُ مَا عَمِلَ بِهَذَا غَيْرُ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ نَحْنُ ذَكَرْنَا اللَّهَ فَلَا نَنْسَاهُ وَ نَحْنُ شَكَرْنَاهُ فَلَا نَكْفُرُهُ؛ بحار الأنوار ج: ٣٨ ص: ٦٣

﴿٣٣٧﴾ شُكْرُ النِّعَمِ يُوجِبُ مَزِيدَهَا وَ كُفْرُهَا بُرْهَانَ جُحُودِهَا؛ غرر الحكم ص: ٢٧٩

﴿٣٣٨﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: عَلَى خَيْرِ الْبَشَرِ فَمَنْ أَبَى فَقَدْ كَفَرَ وَ مَنْ رَضِيَ فَقَدْ شَكَرَ؛ بحار الأنوار ج: ٣٨ ص: ٧

﴿٣٣٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: عَلَى مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْهِ أَنْ يَشْكُرَ النِّعْمَةَ لِمُنْعِمِهَا فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ فَقَدْ كَفَرَهَا؛ دعائم الإسلام ج: ٢ ص: ٣٢٠

﴿٣٤٠﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: عَلَيْكَ بِالشُّكْرِ فَإِنَّ مَعَهُ الزِّيَادَةَ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ لَتُنَّ شُكْرُكُمْ لِأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَتُنَّ كَفَرْتُكُمْ إِنْ عَذَابِي لَشَدِيدٌ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٥٨

﴿٣٤١﴾ فَإِنَّا نَحْمَدُ اللَّهَ رَبَّنَا وَ إِلَهَنَا وَ وَلِيَّنَا وَ وَلِيَّ النِّعَمِ عَلَيْنَا الَّذِي أَصْبَحَتْ نِعْمُهُ عَلَيْنَا ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً اْمْتِنَانًا مِنْهُ بِغَيْرِ حَوْلٍ مِنَّا وَ لَا قُوَّةٍ لِيَبْلُوَنَا أَوْ نَشْكُرُ أَمْ نَكْفُرُ فَمَنْ شَكَرَ زَادَهُ وَ مَنْ كَفَرَ عَذَّبَهُ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٧ ص: ٣٩

﴿٣٤٢﴾ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ حَوْلَ مَكَانِ إِبْطَائِي عَنْ الْآخِرَةِ سُرْعَةً إِلَيْهَا وَ اجْعَلْ مَكَانَ سُرْعَتِي إِلَى الدُّنْيَا إِبْطَاءً عَنْهَا مَنْ أَرْجُو إِذَا لَمْ أَرْجُكَ أَمْ مَنْ أَخَافُ إِذَا اْمْتَنَيْتُكَ أَمْ مَنْ أُطِيعُ إِذَا عَصَيْتُكَ أَمْ مَنْ أَشْكُرُ إِذَا كَفَرْتُكَ أَمْ مَنْ أَذْكُرُ إِذَا نَسَيْتُكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٤ ص: ٣١٩

﴿٣٤٣﴾ السجادة عليه السلام: فَكَفَرْتُ وَ لَمْ أَشْكُرْ بَلَاءَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٣٦

﴿٣٤٤﴾ فَمَنْ يَشْكُرِ اللَّهَ يَلْقَ الْمَزِيدَ وَ مَنْ يَكْفُرِ اللَّهَ يَلْقَ الْغَيْرَ

شرح نهج البلاغة ج: ١٤ ص: ٨١

﴿٣٤٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كُفِرَ النِّعْمَةُ دَاعِيَةُ الْمَقْتِ وَ مَنْ جَازَاكَ بِالشُّكْرِ فَقَدْ أَعْطَاكَ أَكْثَرَ مِمَّا أَخَذَ مِنْكَ؛ كشف الغمة ص: ٢ ص: ٣٤٩

﴿٣٤٦﴾ الصادق عليه السلام: لَتُنَّ شُكْرُكُمْ لِأَزِيدَنَّكُمْ، وَ لَتُنَّ كَفَرْتُكُمْ إِنْ عَذَابِي لَشَدِيدٌ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٣٨٩

﴿٣٤٧﴾ الصادق عليه السلام: لَا نَفَادَ لِفَائِدَةٍ إِذَا شُكِرَتْ وَ لَا بَقَاءَ لِنِعْمَةٍ إِذَا كُفِرَتْ؛ الإرشاد ج: ١ ص: ٣٠٠

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۳۴﴾ از امام صادق علیه السلام درباره‌ی کلام خداوند که می‌فرماید: "ما راه را به او نمودیم، یا سپاسگزار خواهد بود و یا ناسپاس" فرمود: راه را به او تعلیم کرد، اگر آن را بگیرد شاکر است و اگر ترک کند کافر است.

﴿۳۳۵﴾ از امام صادق علیه السلام در مورد آیه‌ی شریفه: "آن گونه که حق تقوا و پرهیزکاری است، از خدا پرهیزید" فرمود: یعنی همواره مطیع اوامر الهی بودن و هرگز گناه نکردن، پیوسته به یاد خدا بودن و هیچ‌گاه او را فراموش نکردن، همه‌ی نعمت‌های خدای را سپاسگزار بودن و هرگز ناسپاسی نکردن.

﴿۳۳۶﴾ سؤال کردم از حضرت علی بن ابی‌طالب علیه السلام درباره‌ی کلام خدای تعالی که فرموده است: ای کسانی که ایمان آوردید تقوا پیشه کنید آن جنان که حق تقوا و پرهیزکاری است. حضرت فرمود: به خدا سوگند جز اهل بیت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله عمل نکرد کسی به این آیه، ما یاد کردیم و ذکر الهی داشتیم و هرگز دچار غفلت و فراموشی نشدیم، و همچنین ما شکر و سپاس خدای تعالی را به جای آوردیم و کفران نورزیدیم.

﴿۳۳۷﴾ شکر نعمت، افزونی آن را موجب می‌شود، و کفران آن دلیل کم شدن و تیره شدن آن‌ها خواهد بود.

﴿۳۳۸﴾ علی بهترین آدمیان است و هرکس با او مخالفت ورزد کافر شده است و هرکس که با او (و بر دستوراتش) راضی باشد شکر نموده است.

﴿۳۳۹﴾ بر کسی که نعمتی داده شده واجب است که شکر نعمت‌دهنده را بکند در غیر این صورت کفران نعمت کرده است.

﴿۳۴۰﴾ شکر کردن بر تو واجب است زیرا که همراه آن، فزونی است و خداوند بلندمرتبه فرمود: "اگر سپاسگزاری کنید، [نعمت] شما را افزون خواهیم کرد، و اگر ناسپاسی نمایید، قطعاً عذاب من سخت خواهد بود."

﴿۳۴۱﴾ خداوند را سپاس می‌گزاریم که پروردگار و مولا و ولی نعمت ماست، او که نعمت‌هایش را آشکار و پنهان بر ما ارزانی داشته تا بر ما احسان نماید بدون آنکه سخنی بر زبان رانده باشیم (و از او درخواست کرده باشیم) و یا قدرتی از خود بر شکرگزاری یا کفران نعمتش داشته باشیم. پس که شکر او را به جای آرد فزونی دهد و آن را که کفران کند عذاب نماید.

﴿۳۴۲﴾ پس بر محمد و آلش درود فرست و کندی من در جلب نعمت‌های اخروی را تبدیل به سرعت کن، و شتابم به سوی دنیا را به تأخیر تبدیل فرما. اگر به تو امید نداشته باشم به که امید داشته باشم و اگر از تو در امان نباشم از که بترسم و یا اگر تو را نافرمانی نکنم از که اطاعت نمایم، یا اگر تو را کفران کنم که را شکر کنم و یا اگر تو را فراموش کنم که را به یاد آورم؟

﴿۳۴۳﴾ خدایا، تو را ناسپاسی کردم و بر امتحانی که از من گرفتی قدرشناس نبودم.

﴿۳۴۴﴾ هرکس خدا را شکر کند، افزایش نعمت را ملاقات خواهد کرد؛ و هرکس خدا را ناسپاسی کند، با تغییر و پس گرفته شدن نعمت مواجه می‌شود.

﴿۳۴۵﴾ ناسپاسی نعمت موجب خشم است، هر که نیکی تو را با شکر پاسخ دهد بیش از آنچه دریافت کرده به تو داده است.

﴿۳۴۶﴾ اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهیم افزود و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است.

﴿۳۴۷﴾ هر بهره‌ای که به انسان برسد و شکر آن به جا آورده شود از میان نخواهد رفت. و هر نعمتی که ناسپاسی شود باقی نخواهد ماند.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٤٨﴾ الصادق عليه السلام: مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ اشْكُرْ مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ وَأَنْعِمْ عَلَى مَنْ شَكَرَكَ فَإِنَّهُ لَا زَوَالَ لِلنِّعْمَةِ إِذَا شُكِرَتْ وَلَا بَقَاءَ لَهَا إِذَا كُفِّرَتْ وَ الشُّكْرُ زِيَادَةٌ فِي النِّعَمِ وَ أَمَانٌ مِنَ الْغَيْرِ؛
الكافي ج: ٢ ص: ٩٤

﴿٣٤٩﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: مَنْ ذَكَرَهُ فَقَدْ شَكَرَهُ وَ مَنْ كَتَمَهُ فَقَدْ كَفَرَهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ٢٩٦
﴿٣٥٠﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: وَ إِذَا تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَنْ يَسْكُرْتُمْ أَلاَّ يَزِيدَنَّكُمْ وَلَنْ تَكْفُرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ فَهَذَا كُفْرُ النِّعَمِ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَيُّمَا عَبْدٍ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ وَ حَمِدَ اللَّهَ عَلَيْهَا بِلِسَانِهِ لَمْ تَنْفَذْ حَتَّى يَأْمُرَ اللَّهُ لَهُ بِالزِّيَادَةِ - وَ هُوَ قَوْلُهُ لَنْ يَسْكُرْتُمْ أَلاَّ يَزِيدَنَّكُمْ؛ بحار الأنوار ج: ٤٨ ص: ١٨

﴿٣٥١﴾ الصادق عليه السلام: وَ اشْكُرُوا لِي وَ لَا تَكْفُرُون؛ الكافي ج: ٢ ص: ٣٨٩
﴿٣٥٢﴾ الصادق عليه السلام: وَ الْوَاجِبُ عَلَى مَنْ وَهَبَ اللَّهُ لَهُ الْهُدَى وَ أَكْرَمَهُ بِالْإِيمَانِ وَ أَلْهَمَهُ رُشْدَهُ وَ رَكَّبَ فِيهِ عَقْلاً يَتَعَرَّفُ بِهِ نِعْمَهُ وَ آتَاهُ عِلْماً وَ حُكْماً يَدَّبُّ بِهِ أَمْرَ دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ أَنْ يُوجِبَ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَشْكُرَ اللَّهَ وَ لَا يَكْفُرَهُ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٢٨٣

﴿٣٥٣﴾ الصادق عليه السلام: وَ مِنْهُ كُفْرُ النِّعَمِ وَ هُوَ قَوْلُهُ لِيَبْلُوَنِي أَ أَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَ مَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَ مَنْ كَفَرَ أَيْ وَ مَنْ لَمْ يَشْكُرْ نِعْمَةَ اللَّهِ فَقَدْ كَفَرَ فَهَذِهِ وَجْهُ الْكُفْرِ فِي كِتَابِ اللَّهِ؛
بحار الأنوار ج: ٦٩ ص: ٩٢

﴿٣٥٤﴾ العسكري عليه السلام: يَا يَهُودِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَ تَهَنَّا بِعَافِيَةِ اللَّهِ إِيَّاكَ وَ لَا تَتَعَرَّضْ لِلْبَلَاءِ وَ لِمَا لَا تُطِيقُهُ وَ قَابِلِ النِّعْمَةَ بِالشُّكْرِ فَإِنَّ مَنْ كَفَرَهَا سَلَبَهَا وَ مَنْ شَكَرَهَا أَثْمَرَهَا مَزِيدَهَا؛ بحار الأنوار ج: ٩ ص: ٣٢٣

﴿٣٥٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَفَلَا قُلْتَ كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَ عُيُونٍ وَ زُرُوعٍ وَ مَقَامٍ كَرِيمٍ وَ نِعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَكَيْهِنَ كَذَلِكَ وَ أَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ وَ مَا كَانُوا مُنْظَرِينَ إِنَّ هَؤُلَاءِ كَانُوا وَارِثِينَ فَأَصْبَحُوا مَوْرُوثِينَ إِنَّ هَؤُلَاءِ لَمْ يَشْكُرُوا النِّعْمَةَ فَسَلِبُوا دُنْيَاهُمْ بِالْمَعْصِيَةِ إِيَّاكُمْ وَ كُفْرُ النِّعَمِ لَا تَحِلُّ بِكُمْ النِّقْمُ؛ بحار الأنوار ج: ٤٨ ص: ٣٢٧

١-٣-٢- جُحُودُ الْمُنْعَمِ بِهَا

﴿٣٥٦﴾ الصادق عليه السلام: الْعَجَبُ مِنْ أَنْاسٍ جَعَلُوا مَكَانَ الشُّكْرِ عَلَى النِّعْمَةِ جُحُودَ الْمُنْعَمِ بِهَا؛
بحار الأنوار ج: ٣ ص: ١٣١

﴿٣٥٧﴾ الصادق عليه السلام: عَظُمَ يَا مُحَمَّدُ أَسْمَائِي وَ اشْكُرْ نِعْمَائِي وَ لَا تَجْحَدْ آلَائِي؛ الكافي ج: ١ ص: ٥٢٧

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۴۸﴾ در تورات نوشته شده است: از کسی که به تو نعمت می‌دهد سپاسگزاری کن و به کسی که از تو سپاسگزاری می‌کند نیکی کن، و بدان اگر شکرگزاری کنی نعمت از بین نمی‌رود، و اگر ناسپاسی کنی نعمت پایدار نمی‌ماند، شکر، نعمت‌ها را زیاد می‌کند و از دگرگون‌شدن بازمی‌دارد.

﴿۳۴۹﴾ هر کس خدا را یاد کند، مانند این است که او را شکر کرده است؛ و هر کس که او را یاد نکند به یقین او را ناسپاسی کرده است.

﴿۳۵۰﴾ و (همچنین به خاطر بیاورید) هنگامی که پروردگارتان اعلام داشت: "اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهیم افزود و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است." و این کفر نعمت است پس امام صادق علیه السلام فرمود: هر بنده‌ای که خداوند نعمتی به او داده و آن بنده به آن نعمت معرفت قلبی داشته باشد و با زبان نیز حمد و سپاس الهی را به‌جا آورد؛ هنوز حمد و سپاسش تمام نشده باشد که خداوند دستور افزایش نعمت را صادر می‌کند. و این است معنای آیه "لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ".

﴿۳۵۱﴾ سپاسگزاری کنید مرا و ناسپاسی نکنید.

﴿۳۵۲﴾ لازم است کسی که خداوند او را هدایت فرموده و به ایمان گرامی داشته و ارشادش کرده و به او بینشی عطا کرده که نعمت‌های پروردگار را درمی‌یابد و به او علم و حکمتی بخشیده که امر دنیا و آخرت خود را تدبیر می‌کند و شکر این نعمت‌ها را به‌جا آورد و کفران نکند.

﴿۳۵۳﴾ دیگر از انواع کفر، کفر نعمت می‌باشد؛ و این کلام قرآن است که می‌فرماید: "خداوند مرا آزمایش می‌کند که آیا من کفران می‌کنم و یا سپاس می‌گویم، هر کس سپاس گوید به سود خودش کرده و هر کس کفران نماید به زیان خود کرده است." این‌ها بودند وجوه کفر در کتاب خداوند.

﴿۳۵۴﴾ ای یهودی، از خدا بپرهیز و قدر عافیت و سلامتی را بدان؛ مبدا خود را دچار بلا کنی و به استقبال بلا و گرفتاری بروی، این نعمت را با تشکر و سپاسگزاری پاسخ بده، هر که کفران نعمت کند از او گرفته می‌شود و هر کس سپاسگزار باشد نعمتش را می‌افزایند.

﴿۳۵۵﴾ امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: خدایا آیا فرموده‌ای؟ "چه بسیار باغات و چشمه‌زارها که از آن‌ها به‌جای ماند. و زراعت و کشت‌زارها و زمین‌های پست و بلند و نعمت‌هایی که در کنار آن خوش‌وخرم بودند. و همین‌طور این‌ها را به دیگران ارث دادیم. (آن‌ها مردند) و نه آسمان و نه زمین هیچ‌کدام به حال رقت‌بار آن‌ها گریه نکرد و کوچک‌ترین مهلتی به آن‌ها داده نشد." حضرت فرمود: این گروه وارث دیگران بودند که اکنون دیگران وارث ایشان شدند و دارایی‌هایشان را مالک شده و به‌جای آن‌ها نشسته‌اند. این‌ها شکر نعمت‌ها را به‌جا نیاوردند و به خاطر انجام نافرمانی‌ها، این نعمت‌ها از دستشان رفت؛ پس کفران نعمت نکنید تا عذاب خداوند بر شما وارد نشود.

۲-۱-۱- ناسپاسی دهنده‌ی نعمت

﴿۳۵۶﴾ شگفتا از مردمی که به‌جای سپاس بر نعمت، انکار منعم می‌کنند.

﴿۳۵۷﴾ ای محمد، اسامی مرا بزرگ بدار و بر نعمت‌هایم سپاسگزار باش، و آن‌ها را انکار مکن.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٥٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا الْمَعْرُوفُ زَرْعٌ مِنْ أَنْمَى الزَّرْعِ وَ كَنْزٌ مِنْ أَفْضَلِ الْكُنُوزِ فَلَا يُزْهَدَنَّكَ فِي الْمَعْرُوفِ كُفْرٌ مِنْ كُفْرِهِ وَلَا جُحُودٌ مِنْ جَحْدِهِ فَإِنَّهُ قَدْ يَشْكُرُكَ عَلَيْهِ مَنْ يَسْمَعُ مِنْكَ فِيهِ وَ قَدْ تُصِيبُ مِنْ شُكْرِ الشَّاكِرِ مَا أَضَاعَ مِنْهُ الْعَبْدُ الْجَاهِدُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٤٠

﴿٣٥٩﴾ شُكْرُ النِّعَمِ يُوجِبُ مَزِيدَهَا وَ كُفْرُهَا بُرْهَانَ جُحُودِهَا؛ غرر الحكم ص: ٢٧٩
٣-١-١-١-الجهل

﴿٣٦٠﴾ الرسول الله: فَمَنْ عَمِلَ بِرِضَايَ الزَّمَهُ ثَلَاثَ خِصَالٍ أَعْرِفُهُ شُكْرًا لَا يُخَالِطُهُ الْجَهْلُ وَ ذِكْرًا لَا يُخَالِطُهُ النِّسْيَانُ وَ مَحَبَّةً لَا يُؤْثِرُ عَلَى مَحَبَّتِي مَحَبَّةَ الْمَخْلُوقِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٧٤ ص: ٢٨٠
٣-١-١-١-الحرص

﴿٣٦١﴾ العسكري عليه السلام: الْحِرْصُ أَقْلُ رِضَاً وَ أَفْحَشُ غَضَباً وَ الْغَضَبُ أَجْوَرُ سُلْطَانًا وَ أَقْلُ شُكْرًا وَ أَكْثَبُ لِبَغْضَاءٍ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٤٢١
٣-١-١-١-المخالفة راجع: المعصية

٣-١-١-١-الإستدراج
﴿٣٦٢﴾ الحسين عليه السلام: الْإِسْتِدْرَاجُ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ لِعَبْدِهِ أَنْ يُسْبِغَ عَلَيْهِ النُّعَمَ وَ يَسْلُبَهُ الشُّكْرَ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ١١٧
٣-١-١-١-الشُّرْكُ

﴿٣٦٣﴾ الرضا عليه السلام: فَلَمَّا آتَاهُمَا صَالِحًا مِنَ النَّسْلِ خَلَقًا سَوِيًّا بَرِيئًا مِنَ الزَّمَانَةِ وَ الْعَاهَةِ كَانَ مَا آتَاهُمَا صِنْفَيْنِ صِنْفًا ذُكْرَانًا وَ صِنْفًا إِنَاثًا فَجَعَلَ الصَّنْفَانِ لِلَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ شُرَكَاءَ فِيمَا آتَاهُمَا وَ لَمْ يَشْكُرَاهُ كَشُكْرِ أَبِيئِهِمَا لَهُ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ؛ بحار الأنوار ج: ١١ ص: ٧٨

٣-١-١-١-تَضْيِيعُ الْحَقِّ
﴿٣٦٤﴾ السجاد عليه السلام: اللَّهُمَّ فَكَمَا حَلُمْتَ عَنِّي فِيمَا اجْتَرَأْتُ عَلَيْهِ مِنْ مَعَاصِيكَ وَ عَرَفْتَ تَضْيِيعِي حَقِّكَ وَ ضَعْفِي عَنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ وَ رُكُوبِي مَعْصِيَتِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي لَسْتُ ذَا عَذْرِ فَأَعْتَذِرْ وَ لَا ذَا حِيلَةٍ فَأَتَتَصَبَّرْ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٣٦

﴿٣٦٥﴾ السجاد عليه السلام: إِلَهِي أَذْهَلْنِي عَنْ إِقَامَةِ شُكْرِكَ تَتَابِعُ طَوْلِكَ وَ أَعْجَزَنِي عَنْ إِحْصَاءِ ثَنَائِكَ فَيُضْ فَضْلُكَ وَ شَغَلَنِي عَنْ ذِكْرِ مَحَامِدِكَ تَرَادَفُ عَوَائِدِكَ وَ أَعْيَانِي عَنْ نَشْرِ عَوَارِفِكَ تَوَالِي

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۵۸﴾ کار نیک، از رشد یابنده‌ترین کشت و از برترین گنج‌هاست؛ پس انکار تکذیب‌کنندگان باعث نشود که تو آن را رها نمایی زیرا هر که این صفت تو را بشنود، قدردان توست، و هر چه ناسپاسان قدرناشناسی کنند، در عوض از شکر قدرشناسان به تو بهره می‌رسد.

﴿۳۵۹﴾ شکر نعمت، افزونی آن را موجب می‌شود، و کفران آن دلیل کم‌شدن و تیره‌شدن آن‌ها خواهد بود.

۳-۱-۱-۳-۳ نادانی

﴿۳۶۰﴾ آن کس که مطابق خشنودی من رفتار کند، سه خصلت را همراه او می‌کنم؛ شکری به او می‌آموزم که آمیخته به نادانی نباشد و ذکری به او می‌آموزم که توأم با فراموشی نباشد، و محبت من را آن چنان در دل او قرار می‌دهم که دوستی احدی را بر آن ترجیح ندهد.

۴-۱-۱-۳-۴ زیاده‌خواهی

﴿۳۶۱﴾ حرص موجب کم شدن رضایت و اوج گرفتن عصبانیت و خشم است. و خشم ظالم‌ترین سلطان و موجب ناسپاسی و جلب کینه هاست.

۵-۱-۱-۳-۵ مخالفت ر.به: گناه

۶-۱-۱-۳-۶ به دلیل اعمال زشت درجه‌درجه از خدا دور شدن

﴿۳۶۲﴾ استدراج و سقوط پله‌پله آن است که خداوند سبحان بر بنده‌ای پی‌درپی نعمت بفرستد و او شکر نکند.

۷-۱-۱-۳-۷ شریک قائل شدن برای خدا

﴿۳۶۳﴾ وقتی خداوند نسلی صحیح و سالم، بدون هیچ‌گونه بیماری و آفتی به آنان داد، و آنچه خدا به آنان داده بود، دو دسته کردند، گروهی مذکر و گروهی مؤنث، و در انتساب آن دو گروه به خدا برای او شریکانی در نظر گرفتند و مانند پدر و مادرشان خدا را شکر نکردند و خداوند می‌فرماید: "خداوند برتر است از آنچه همتای او قرار می‌دهند".

۸-۱-۱-۳-۸ پایمال کردن حق

﴿۳۶۴﴾ پروردگارا، همان‌طور که درباره‌ی من در مورد گناهایی که به انجام آن جسارت کردم، بردباری کردی. و می‌دانی حقت را ضایع کردم و در شکر نعمت کوتاهی نمودم و تو را نافرمانی کردم. پروردگارا، عذری ندارم پس مرا ببخش و برای من هیچ چاره‌ای نیست، پس مرا یاری کن (که تنها چاره‌ی من تو هستی).

﴿۳۶۵﴾ خدایا، پیایی بودن بخشش‌هایت مرا در ادای شکرست سرگردان نموده و فراوانی فضل از شمارش ستودنی‌هایت عاجزم کرده است و پی‌درپی بودن احسانت مرا از یاد حمدت بازداشته و پیوستگی الطافت از بازگویی نیکویی‌هایت درمانده‌ام کرده است و این مقام کسی است که اعتراف

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

أَيَادِيكَ وَهَذَا مَقَامٌ مَنِ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النِّعْمَاءِ وَفَاقَبَهَا بِالتَّقْصِيرِ وَشَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْإِهْمَالِ وَالتَّضْيِيعِ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٤٦

٩-٣-١- عِبَادَةُ التَّجَارِ وَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ

﴿٣٦٦﴾ إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ التَّجَارِ وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَخْرَارِ؛ شرح نهج البلاغة ج: ١٩ ص: ٦٨

١٠-٣-١- الْمُعْصِيَةُ

﴿٣٦٧﴾ السَّجَادُ ﷺ: اللَّهُمَّ فَكَمَا حَلُمْتَ عَنِّي فِيمَا اجْتَرَأْتُ عَلَيْهِ مِنْ مَعَاصِيكَ وَ عَرَفْتُ تَضْيِيعِي حَقِّكَ وَ ضَعْفِي عَنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ وَ رُكُوبِي مَعْصِيَتِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي لَسْتُ ذَا عُذْرٍ فَأَعْتَذِرُ وَ لَا ذَا حِيلَةٍ فَاتَّقِصِرْ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٣٦

﴿٣٦٨﴾ حَتَّى تُمِيتَنِي عَلَى الْإِخْلَاصِ بِهِ وَ تَبْعَنِي عَلَى اسْتِجَابِ رِضَاكَ وَ لَمَّا جَعَلْتَهُ نُورًا وَ حُجَّةً وَ حِجَابًا وَ لَمَّا لَمْ تَجْعَلْهُ وَبَالًا عَلَيَّ بِتَقْصِيرِ كَانٍ مِنِّي وَ ضَعْفًا مِنْ شُكْرِي فَأَكُونُ وَ مِنْ عَصَاكَ وَ خَالَفَ أَمْرَكَ وَ جَحَدَكَ بِمَنْزِلَةِ سَوَاءٍ فِي غَضَبِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٣٣

﴿٣٦٩﴾ امير المؤمنين ﷺ: وَ اللَّهُ مَا نَزَعَ اللَّهُ مِنْ قَوْمٍ نِعْمَاءً إِلَّا بِذُنُوبٍ اجْتَرَحُوهَا فَأَرْبَطُوهَا بِالشُّكْرِ وَ قِيدُوهَا بِالطَّاعَةِ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ١٥٠

﴿٣٧٠﴾ امير المؤمنين ﷺ: أَوَّلًا قُلْتُ كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَاتٍ وَ عُيُونٍ وَ زُرُوعٍ وَ مَقَامٍ كَرِيمٍ وَ نِعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَكَيْهِنَ كَذَلِكَ وَ أَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ وَ مَا كَانُوا مُنْظَرِينَ إِنَّ هَؤُلَاءِ كَانُوا وَارِثِينَ فَاصْبَحُوا مَوْرُوثِينَ إِنَّ هَؤُلَاءِ لَمْ يَشْكُرُوا النِّعْمَةَ فَسَلَبُوا دُنْيَاهُمْ بِالْمَعْصِيَةِ إِيَّاكُمْ وَ كَفَرُوا النِّعْمَ لَا تَجِلْ بِكُمْ النِّقَمُ؛ بحار الأنوار ج: ٧٣ ص: ٢٧٥

﴿٣٧١﴾ العسكरी ﷺ: اتَّقُوا اللَّهَ فِي نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تُنْفِرُوهَا عَنْكُمْ بِمَعَاصِيهِ بَلِ اسْتَدِيمُوهَا بِطَاعَتِهِ وَ شُكْرِهِ عَلَى نِعَمِهِ وَ أَيَادِيهِ؛ بحار الأنوار ج: ٤٩ ص: ١٨٢

﴿٣٧٢﴾ حَتَّى تُمِيتَنِي عَلَى الْإِخْلَاصِ بِهِ وَ تَبْعَنِي عَلَى اسْتِجَابِ رِضَاكَ وَ لَمَّا جَعَلْتَهُ نُورًا وَ حُجَّةً وَ حِجَابًا وَ لَمَّا لَمْ تَجْعَلْهُ وَبَالًا عَلَيَّ بِتَقْصِيرِ كَانٍ مِنِّي وَ ضَعْفًا مِنْ شُكْرِي فَأَكُونُ وَ مِنْ عَصَاكَ وَ خَالَفَ أَمْرَكَ وَ جَحَدَكَ بِمَنْزِلَةِ سَوَاءٍ فِي غَضَبِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٣٣

١١-٣-١- التَّقْصِيرُ وَ الْإِهْمَالُ

﴿٣٧٣﴾ زَوَالَ النِّعَمِ بِمَنْعِ حُقُوقِ اللَّهِ مِنْهَا وَ التَّقْصِيرِ فِي شُكْرِهَا؛ غرر الحكم ص: ١٠٠

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

می‌کند که تو نعمت‌های او را کامل کرده‌ای و او با سستی و اهمال با آن‌ها مقابله کرده است و خود به بی‌توجهی و سستی خودش گواه است.

۹-۳-۱-۱- عبادت کاسب‌کارانه و عبادت بردگان

﴿۳۶۶﴾ گروهی در عبادت و اطاعت انگیزه رغبت و میل دارند و برای دستیابی به منافع اخروی خدا را عبادت می‌نمایند که این نوع عبادت، عبادت تاجران و بازرگانان است که با هدف سودجویی است. گروهی دیگر با انگیزه‌ی ترس از عذاب، خدا را عبادت می‌کنند و این هم عبادت بردگان است. گروهی هم با هدف شکر و انگیزه‌ی سپاس از نعمت‌های فراوان خداوندی عبادت خود را انجام می‌دهند و این عبادت آزادگان است.

۱۰-۳-۱-۱- نافرمانی

﴿۳۶۷﴾ پروردگارا، همان‌طور که درباره‌ی من در مورد گناهانی که به انجام آن جسارت کردم، بردباری کردی. و می‌دانی حقت را ضایع کردم و در شکر نعمت کوتاهی نمودم و تو را نافرمانی کردم. پروردگارا، عذری ندارم پس مرا ببخش و برای من هیچ چاره‌ای نیست، پس مرا یاری کن (که تنها چاره‌ی من تو هستی).

﴿۳۶۸﴾ تا اینکه مرا در حال اخلاص بمیرانی و درحالی که مستوجب رضای تو باشم برانگیزی و حال که آن را نور و حجت و حفاظی قرار داده‌ای به خاطر کوتاهی و ناتوانی‌ام در شکر، آن را برایم و بال و مایه‌ی سختی قرار ند که در آن صورت من و آن کسی که تو را نافرمانی کرده و با امرت مخالفت کند و انکار تو را نماید در برابر غضب تو یکسان خواهیم بود.

﴿۳۶۹﴾ سوگند به خدا هیچ نعمتی از مردمی گرفته نمی‌شود، مگر به علت گناه آن‌ها، پس ای مردم نعمت خدا را با فرمان برداری و شکر دربند کنید و آن را نگاه دارید.

﴿۳۷۰﴾ امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: خدایا آیا نفرموده‌ای؟ "چه بسیار باغات و چشمه‌زارها که از آن‌ها به‌جای ماند. و زراعت و کشت‌زارها و زمین‌های پست و بلند و نعمت‌هایی که در کنار آن خوش‌وخرم بودند. و همین‌طور این‌ها را به دیگران ارث دادیم. (آن‌ها مردند) و نه آسمان و نه زمین هیچ‌کدام به حال رقت‌بار آن‌ها گریه نکرد و کوچک‌ترین مهلتی به آن‌ها داده نشد." حضرت فرمود: این گروه وارث دیگران بودند که اکنون دیگران وارث ایشان شدند و دارایی‌هایشان را مالک شده و به‌جای آن‌ها نشسته‌اند. این‌ها شکر نعمت‌ها را به‌جا نیاوردند و به خاطر انجام نافرمانی‌ها، این نعمت‌ها از دستشان رفت؛ پس کفران نعمت نکنید تا عذاب خداوند بر شما وارد نشود.

﴿۳۷۱﴾ از شکستن حریم خدا بپرهیزید و قدر نعمت او را بدانید، مبادا با انجام معصیت، نعمت را از خود دور کنید، بلکه به‌وسیله‌ی اطاعت و بندگی و شکر و سپاسگزاری آن نعمت‌ها را برای خود دوام ببخشید و پایدار کنید.

﴿۳۷۲﴾ تا اینکه مرا در حال اخلاص بمیرانی و درحالی که مستوجب رضای تو باشم برانگیزی و حال که آن را نور و حجت و حفاظی قرار داده‌ای به خاطر کوتاهی و ناتوانی‌ام در شکر، آن را برایم و بال و مایه‌ی سختی قرار ند که در آن صورت من و آن کسی که تو را نافرمانی کرده و با امرت مخالفت کند و انکار تو را نماید در برابر غضب تو یکسان خواهیم بود.

۱۱-۳-۱-۱- کوتاهی و سستی

﴿۳۷۳﴾ زایل شدن نعمت‌ها به بازداشتن حقوق الهی از او ایجاد می‌شود و کوتاهی کردن در سپاسگزاری در برابر نعمت‌ها نیز سبب زوال آن‌ها خواهد بود.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٧٤﴾ السَّجَّادُ عليه السلام: إِلَهِي أَذْهَلْنِي عَنْ إِقَامَةِ شُكْرِكَ تَتَابِعُ طَوْلِكَ وَاعْجَزَنِي عَنْ إِحْصَاءِ ثَنَائِكَ فَيُضْ فَضْلُكَ وَشَغَلَنِي عَنْ ذِكْرِ مَحَامِدِكَ تَرَادَفُ عَوَائِدِكَ وَأَغْيَانِي عَنْ نَشْرِ عَوَارِفِكَ تَوَالِي آيَادِيكَ وَهَذَا مَقَامٌ مَنِ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النِّعْمَاءِ وَقَابَلَهَا بِالتَّقْصِيرِ وَشَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْإِهْمَالِ وَالتَّضْيِيعِ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٤٦

﴿٣٧٥﴾ حَتَّى تُمِيتَنِي عَلَى الْإِخْلَاصِ بِهِ وَتُبْعَثَنِي عَلَى اسْتِجَابِ رِضَاكَ وَلَمَّا جَعَلْتَهُ نُورًا وَحُجَّةً وَحِجَابًا وَلَمَّا لَمْ تَجْعَلْهُ وَبَالًا عَلَى بِنَقْصِيرِ كَانِ مِنِّي وَضَعْفًا مِنْ شُكْرِي فَأَكُونَ وَمَنْ عَصَاكَ وَخَالَفَ أَمْرَكَ وَجَحَدَكَ بِمَنْزِلَةِ سَوَاءٍ فِي غَضَبِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٣٣

١٢-١-٣-١-اللُّؤْمُ

﴿٣٧٦﴾ الْمُجْتَبَى عليه السلام: اللُّؤْمُ أَنْ لَا تَشْكُرَ النِّعْمَةَ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ١٠٥

١٣-١-٣-١-الْمَنْعُ لِحُقُوقِ اللَّهِ

﴿٣٧٧﴾ زَوَالَ النِّعَمِ بِمَنْعِ حُقُوقِ اللَّهِ مِنْهَا وَالتَّقْصِيرِ فِي شُكْرِهَا؛ غرر الحكم ص: ١٠٠

١٤-١-٣-١-الْإِتِّهَامُ

﴿٣٧٨﴾ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ عليه السلام: أَيُّ رَبِّ أَيُّ خَلْقِكَ أَعْظَمُ ذَنْبًا قَالَ الَّذِي يَتَّهَمُنِي قَالَ يَا رَبِّ وَهَلْ يَتَّهَمُكَ أَحَدٌ قَالَ نَعَمْ يَا مُوسَى الَّذِي يَسْتَخِيرُنِي وَلَا يَرْضَى بِقَضَائِي وَلَا يَشْكُرُ نِعْمَائِي وَلَا يَصْبِرُ عَلَى بَلَائِي؛ مجموعة ورام ج: ٢ ص: ٢٣١

٤-١-١-المَعْرِفَةُ مِنْ خِلَالِ صِفَاتِ الرَّفِيقِ وَالْقَرِينِ

١-١-٤-١-الشُّكْرُ وَالْحَمْدُ

١-١-٤-١-١-الْحَمْدُ شُكْرُ

﴿٣٧٩﴾ الْحَاجَةُ مَسْأَلَةٌ وَالدُّعَاءُ زِيَادَةٌ وَالْحَمْدُ شُكْرٌ وَالنَّدَمُ تَوْبَةٌ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٢٠ ص: ٢٤١

﴿٣٨٠﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: فَأَكْثَرُ مِنَ الْحَمْدِ وَالشُّكْرِ عَلَى اللَّهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٢٠٠

﴿٣٨١﴾ الْكَاسِمُ عليه السلام: سَأَلْتُ الْعَالِمَ عليه السلام عَنِ الْعُطْسَةِ وَمَا الْعِلَّةُ فِي الْحَمْدِ لِلَّهِ عَلَيْهَا فَقَالَ إِنَّ لِلَّهِ نِعْمًا عَلَى عَبْدِهِ فِي صِحَّةِ بَدَنِهِ وَسَلَامَةِ جَوَارِحِهِ وَإِنَّ الْعَبْدَ يَنْسَى ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى ذَلِكَ وَإِذَا نَسِيَ أَمَرَ اللَّهُ الرِّيحَ فَتَجَاوَزَ فِي بَدَنِهِ ثُمَّ يُخْرِجُهَا مِنْ أَنْفِهِ فَيَحْمَدُ اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ فَيَكُونُ حَمْدُهُ عِنْدَ ذَلِكَ شُكْرًا لِمَا نَسِيَ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٦٥٤

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۷۴﴾ خدایا، پیاپی بودن بخشش‌هایت مرا در ادای شکر تو سرگردان نموده و فراوانی فضیلت از شمارش ستودنی‌هایت عاجزم کرده است و پی‌درپی بودن احسانت مرا از یاد حمدت بازداشته و پیوستگی الطافت از بازگویی نیکویی‌هایت درمانده‌ام کرده‌است و این مقام کسی است که اعتراف می‌کند که تو نعمت‌های او را کامل کرده‌ای و او با سستی و اهمال با آن‌ها مقابله کرده است و خود به بی‌توجهی و سستی خودش گواه است.

﴿۳۷۵﴾ تا اینکه مرا در حال اخلاص بمیرانی و در حالی که مستوجب رضای تو باشم برانگیزی و حال که آن را نور و حجت و حفاظتی قرار داده‌ای به خاطر کوتاهی و ناتوانی‌ام در شکر، آن را برابم و بال و مایه‌ی سختی قرار ندی که در آن صورت من و آن کسی که تو را نافرمانی کرده و با امرت مخالفت کند و انکار تو را نماید در برابر غضب تو یکسان خواهیم بود.

۱۲-۱-۱-۳-۱ پستی

﴿۳۷۶﴾ نهایت پستی این است؛ که انسان سپاسگزار نعمت نباشد.

۱۳-۱-۱-۳-۱ عدم ادای حقوق خداوند

﴿۳۷۷﴾ زایل شدن نعمت‌ها به بازداشتن حقوق الهی از او ایجاد می‌شود و کوتاهی کردن در سپاسگزاری در برابر نعمت‌ها نیز سبب زوال آن‌ها خواهد بود.

۱۴-۱-۱-۳-۱ تهمت‌زدن

﴿۳۷۸﴾ ای پروردگارم کدام‌یک از بندگان بزرگ‌ترین گناه را انجام داده است؟ فرمود: کسی که مرا متهم می‌کند. گفت: پروردگارا آیا کسی هم تو را متهم می‌کند؟ فرمود: آری ای موسی، کسی که از من طلب خیر می‌کند ولی نه به حکم من راضی می‌شود و نه نعمت‌هایم را شکر می‌کند و نه در بلایم صبر می‌کند.

۴-۱-۱-۱-۱ شناخت از طریق صفات همراه و نزدیک

۱-۴-۱-۱-۱ شکر و ستایش

۱-۱-۴-۱-۱ حمد همان شکر است

﴿۳۷۹﴾ نیازمندی موجب درخواست است؛ دعا موجب زیادت، حمد و ستایش موجب قدردانی؛ و پشیمانی موجب توبه و بازگشت.

﴿۳۸۰﴾ خدا را فراوان ستایش و سپاسگزاری کن. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: "اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود."

﴿۳۸۱﴾ از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام درباره‌ی عطسه و سرّ اینکه به دنبالش حمد خدا را باید کرد پرسیدم؟ فرمود: همانا برای خدا بر بنده‌اش نعمت‌هایی است از سلامتی بدن و اعضای او و تندرستی‌اش، و به‌درستی که بنده، خدای عزیز و جلیل را از یاد بیرد و درباره‌ی این نعمت‌ها فراموشش کند، و چون خدا را فراموش کند خداوند به باد دستور دهد که در تنش بگذرد و از بینی او بیرون آید تا خدا را بر آن حمد کند، پس حمد او در آن هنگام شکری است برای آنچه فراموش کرده است (و خدا به یادش آورده است).

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١-١-٤-١-الحمدُ رأسُ الشُّكر

﴿٣٨٢﴾ الرِّسُولُ ﷺ: الْحَمْدُ رَأْسُ الشُّكْرِ وَ مَا شَكَرَ اللَّهُ عَبْدٌ لَمْ يَحْمَدْهُ؛ مجموعة ورام ج: ٢ ص: ١٠٦

٢-١-١-٤-١-الحمد لله يعنى: الشكر لله

﴿٣٨٣﴾ الصادق عليه السلام: تَفْسِيرُ الْحَمْدِ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ يَغْنِي الشُّكْرَ لِلَّهِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٢ ص: ٥١

﴿٣٨٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: تَفَقَّدْتُ النَّبِيَّ ﷺ غَيْرَ مَرَّةٍ وَهُوَ إِذَا شَرِبَ تَنَفَّسَ ثَلَاثًا مَعَ كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهَا تَسْمِيَةً إِذَا شَرِبَ وَتَحْمِيدٌ إِذَا انْقَطَعَ فَسَأَلَتْهُ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ يَا عَلِيُّ شُكْرُ اللَّهِ تَعَالَى بِالْحَمْدِ وَتَسْمِيَةٌ مِنَ الدَّاءِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٧ ص: ١١

٣-١-١-٤-١- من حمد الله فقد شكره

﴿٣٨٥﴾ الكاظم (عليه السلام): مَنْ حَمِدَ اللَّهَ عَلَى النِّعْمَةِ فَقَدْ شَكَرَهُ وَكَانَ الْحَمْدُ أَفْضَلَ مِنْ تِلْكَ النِّعْمَةِ؛
الكاظمي ج: ٢ ص: ٩٦

﴿٣٨٦﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): يَا إِسْحَاقُ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدِهِ نِعْمَةً فَشَكَرَهَا بِسَجْدَةٍ يَحْمَدُ اللَّهَ فِيهَا فَفَرَّغَ مِنْهَا حَتَّى يُؤْمِنَ لَهُ بِالْمَزِيدِ مِنَ الدَّارَيْنِ؛ مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ ص: ٢٦٥

٤-١-١-٤-١ شُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ وَإِنْ عَظُمَتْ أَنْ تَحَمَدَ اللَّهُ

﴿٣٨٧﴾ الصادق عليه السلام: شَكَرْتُ كُلَّ نِعْمَةٍ وَإِنْ عَظُمَتْ أَنْ تَحْمَدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهَا؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٥

٥-١-١-٤-١- كَتَبَ اللَّهُ لَهُ شُكْرَهَا قَبْلَ أَنْ يُحَمِّدَهُ عَلَيْهَا

﴿٣٨٨﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً فَعَلِمَ أَنَّهَا مِنَ اللَّهِ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ حِلَّ اسْمِهِ لَهُ شُكْرَهَا فَقِيلَ أَنْ يُحَمِّدَهُ عَلَيْهِا؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٨٢

١-١-٤-١-١-٦ الْحَمْدُ لَكَ بِمَا أُوجِبْتَ عَلَيَّ مِنْ شُكْرِكَ

﴿٣٨٩﴾ الْحَمْدُ لَكَ يَا أَوْحَيْتَ عَلَيَّ مِنْ شُكْرِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٤٣

٢-١-٤-١- الحمد، أداء للشكر

﴿٣٩﴾ موسى بن عمران عليه السلام: يَا رَبِّ كَيْفَ يَسْتَطِيعُ آدَمُ أَنْ يُؤَدِّيَ شُكْرَ مَا صَنَعْتَ إِلَيْهِ خَلَقْتَهُ بِيَدِكَ وَ نَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِكَ وَ أَسْكَنْتَهُ جَنَّاتِكَ وَ أَمَرْتَ الْمَلَائِكَةَ فَسَجَدُوا لَهُ فَقَالَ يَا مُوسَى عَلِمَ أَنْ ذَلِكَ مِنِّي فَحَمِدَنِي عَلَيْهِ وَ كَانَ ذَلِكَ شُكْرَ مَا صَنَعْتَ إِلَيْهِ: مجموعة ورام ج: ١ ص: ٨

﴿٣٩١﴾ نَحْمَدُهُ عَلَى عَظِيمِ إِحْسَانِهِ وَ نَبِيرِ بُرْهَانِهِ وَ نَوَامِي فَضْلِهِ وَ اٰمِنٰنِهِ حَمْدًا يَكُونُ لِحَقِّهِ قَضَاءٌ وَ لِشُكْرِهِ اَدَاءٌ؛ شرح نهج البلاغة ج: ١٠ ص: ٧٦

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۱-۱-۴-۱-۱-۱-۱ ستایش سر شکر است

﴿۳۸۲﴾ حمد و سپاس، رأس و ابتدای شکر است بنده‌ای که حمد خدا نمی‌کند شکر او را به‌جا نیاورده است.

۱-۱-۴-۱-۱-۲ حمد مخصوص خداست یعنی: شکر مخصوص خداست

﴿۳۸۳﴾ شرح و تفسیر آیه‌ی شریفه " الحمد لله رب العالمین " یعنی شکر و سپاس تنها مخصوص خداوند است.

﴿۳۸۴﴾ چند بار تجربه کرده، دیدم پیامبر خدا ﷺ هنگام نوشیدن آب، آن را با سه نفس می‌آشامید. و در هر بار " بسم الله " می‌گفت. و در آخر " الحمد لله " می‌گفت. از سبب آن پرسیدم. فرمود: یا علی، حمد به‌منظور ادای شکر خدا، و " بسم الله " برای ایمنی از دردهاست.

۱-۱-۴-۱-۱-۳ کسی که خدا را ستایش کند شکر او را به‌جا آورده است

﴿۳۸۵﴾ هر کس خداوند را به‌خاطر نعمتش سپاسگزاری کند؛ او را شکر نموده‌است و این سپاس از آن نعمت (برای او) بهتر است.

﴿۳۸۶﴾ ای اسحاق، اگر خداوند به بنده‌ای نعمتی بدهد و او آن را شکر گزارد، به محض اینکه از سجده فارغ شود خداوند به فرشتگان امر می‌کند که در دو جهان بر نعمت او افزوده شود.

۱-۱-۴-۱-۱-۴ شکر هر نعمتی هر چند بزرگ باشد آن است که خدا را ستایش کنی

﴿۳۸۷﴾ شکر هر نعمتی هر چه بزرگ باشد این است که حمد خداوند متعال را بگویی.

۱-۱-۴-۱-۱-۵ خداوند قبل از اینکه ستوده شود، تشکر از او را بر خود واجب کرده است

﴿۳۸۸﴾ هر نعمتی را که خداوند به بنده‌ای ارزانی کند، همین که آن بنده بداند این نعمت از خدا است، پیش از اینکه بر آن نعمت حمد و ستایش کند سپاس و شکر آن را به‌جا آورده است.

۱-۱-۴-۱-۱-۶ بر آنچه که شکرش را بر من واجب کردی، ستایش مخصوص توست

﴿۳۸۹﴾ به‌خاطر نعمت‌هایی که شکرش را بر من واجب کردی، حمد و سپاس مخصوص توست؛

۱-۱-۴-۱-۱-۲ ستایش، ادای شکر است

﴿۳۹۰﴾ خدایا، آدم چگونه می‌توانست که حق شکر نعمت تو را به‌جا آورد؟ او را به قدرت خود آفریدی و از روح خود بر او دمیدی، و در بهشت خود جا دادی و به فرشتگان دستور دادی تا او را سجده کردند؟ خداوند فرمود: " ای موسی، همین قدر که او فهمید همه‌ی این‌ها از جانب من است، و مرا سپاس گفت، این خود شکر نعمت من بود ".

﴿۳۹۱﴾ او را به‌خاطر احسانش که فراوان است، و برهان او که رخشان است، و بخشش او که افزون است، و نعمت او که از اندازه برون است سپاس می‌گوییم، ستایشی که حق او را ادا کند و سپاس او را به‌جای آرد.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٩٢﴾ الحسين عليه السلام: فَحَمَدُ اللَّهِ عَلَى نِعْمَائِهِ وَهُوَ الْمُسْتَعَانُ عَلَى آدَاءِ الشُّكْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٤٤ ص: ٣٦٥

﴿٣٩٣﴾ الرسول ﷺ: إِذَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً فَعَلِمَ أَنَّهَا مِنَ اللَّهِ فَقَدْ آدَى شُكْرَهَا مِنْ قَبْلِ أَنْ يَحْمَدَهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ٣١٤

﴿٣٩٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا كَمَا يَحْمَدُكَ مَنْ بِالْحَمْدِ رَضِيَتْ عَنْهُ لِشُكْرِ مَا بِهِ مِنْ نِعَمِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٣١٨

﴿٣٩٥﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ كَمَا جَعَلْتَ رِضَاكَ عَمَّنْ بِالْحَمْدِ رَضِيَتْ عَنْهُ لِشُكْرِ مَا بِهِ مِنْ نِعَمَتِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٤ ص: ٥٥

﴿٣٩٦﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا أَتْلُغُ بِهِ رِضَاكَ وَأُودِي بِهِ شُكْرَكَ وَأَسْتَوْجِبُ بِهِ الْعَفْوَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ وَالرَّحْمَةَ عِنْدَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ١٤٥

﴿٣٩٧﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا أَتْلُغُ بِهِ رِضَاكَ وَأُودِي بِهِ شُكْرَكَ وَأَسْتَوْجِبُ بِهِ الْمَزِيدَ مِنْ عِنْدِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ١٩٢

﴿٣٩٨﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّمَا كَانَتْ يَلِيَّةُ أَيُّوبَ الَّتِي ابْتُلِيَ بِهَا فِي الدُّنْيَا لِنِعْمَةِ أَنْعَمَ اللَّهُ بِهَا عَلَيْهِ فَأَدَّى شُكْرَهَا وَكَانَ إِبْلِيسُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ لَا يُحِبُّ دُونَ الْعَرْشِ فَلَمَّا صَعِدَ عَمَلُ أَيُّوبَ بِأَدَاءِ شُكْرِ النِّعْمَةِ حَسَدَهُ إِبْلِيسُ فَقَالَ يَا رَبِّ إِنَّ أَيُّوبَ لَمْ يُؤَدِّ شُكْرَ هَذِهِ النِّعْمَةِ إِلَّا بِمَا أَعْطَيْتَهُ مِنَ الدُّنْيَا فَلَوْ خُلْتُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ دُنْيَاهُ مَا آدَى إِلَيْكَ شُكْرَ نِعْمَةٍ فَسَلَّطَنِي عَلَى دُنْيَاهُ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يُؤَدِّي شُكْرَ نِعْمَةٍ فَقَالَ قَدْ سَلَّطْتُكَ عَلَى دُنْيَاهُ فَلَمْ يَدَعْ لَهُ دُنْيَا وَ لَا وَلَدًا إِلَّا أَهْلَكَ كُلَّ ذَلِكَ وَهُوَ يَحْمَدُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ رَجَعَ إِلَيْهِ فَقَالَ يَا رَبِّ إِنَّ أَيُّوبَ يَعْلَمُ أَنَّكَ سَتَرْدُ إِلَيْهِ دُنْيَاهُ الَّتِي أَخَذَتْهَا مِنْهُ فَسَلَّطَنِي عَلَى بَدَنِهِ حَتَّى تَعْلَمَ أَنَّهُ لَا يُؤَدِّي شُكْرَ نِعْمَةٍ قَالَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ سَلَّطْتُكَ عَلَى بَدَنِهِ مَا عَدَا عَيْنِيهِ وَقَلْبَهُ وَلِسَانَهُ وَسَمْعَهُ؛ بحار الأنوار ج: ١٢ ص: ٣٤٤

﴿٣٩٩﴾ الرسول ﷺ: أَنَّهُ إِذَا رَأَى مِنْ أَصْحَابِهِ الْمُتَبَلَّى قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَافَانِي مِمَّا ابْتَلَاهُ وَ فَضَّلَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقَ تَفْضِيلًا وَ قَالَ مَنْ قَالَ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ فِي تِلْكَ الْحَالِ فَقَدْ آدَى شُكْرَ الْعَافِيَةِ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ٣١٥

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۹۲﴾ پس در مقابل نعمت‌های حق تعالی سپاسگزاریم و خدا بر ادای شکر یاور ماست.
﴿۳۹۳﴾ هنگامی که خدای تعالی به بنده‌ای نعمتی عطا کند، پس اگر آن بنده بداند که این نعمت از جانب حق تعالی است، به تحقیق قبل از آنکه حمد و ثنای خدا را بگوید شکر آن نعمت را به جا آورده است.

﴿۳۹۴﴾ خداوند! ای پروردگار ما، حمد و ستایش مخصوص توست حمد و ستایشی که با ادای آن بتوان آن چنان شکر تو را انجام داد که رضایت تو جلب شود.

﴿۳۹۵﴾ خداوند! پروردگارا، تو را ستایش می‌کنم، چنان که ستایشت را مایه‌ی خشنودی خود از کسانی قراردادی که تو را ستایش می‌کنند و به واسطه‌ی آن از آنان خرسند گردیدی، تا بدین وسیله شکر نعمتت را به جا آورند.

﴿۳۹۶﴾ خداوند! حمد و ستایش مخصوص و شایسته‌ی توست ستایشی که به وسیله‌ی آن به خشنودی‌ات برسم، و شکر تو را به جای آورده باشم، و سزاوار آن بخشش بعد از قدرت تو و نیز سزاوار رحمت و بخشش شوم.

﴿۳۹۷﴾ خداوند! حمد و ستایش مخصوص و شایسته‌ی توست ستایشی که به وسیله‌ی آن به خشنودی‌ات برسم، و شکر تو را به جای آورده باشم، و سزاوار افزونی نعمت شوم.

﴿۳۹۸﴾ همانا آزمایشی که ایوب در این جهان به آن گرفتار شد، در واقع به خاطر نعمتی بود که خدا به او داد و او هم شکر آن را ادا کرد. ابلیس در آن زمان تا زیر عرش بر او پوشیده نبود و از اینکه شکر نعمت ایوب بالا می‌رفت حسادت می‌ورزید پس به خدا گفت: پروردگارا، ایوب این شکر را در برابر نعمت دنیا که به او داده‌ای انجام می‌دهد و اگر دنیا را از او بگیری شکر نعمت نمی‌کند، مرا بر دنیای او مسلط کن و ببین که شکر نمی‌کند. خداوند فرمود: من تو را به دنیای او مسلط کردم و او از دنیا و فرزندان ایوب چیزی را باقی نگذاشت و همه را نابود کرد و ایوب در همه حال سپاس خدا را می‌گفت، آنگاه ابلیس نزد خدا برگشت و گفت: پروردگارا، ایوب می‌داند دنیایی که از او گرفتی به او برمی‌گردانی پس مرا بر بدنش نیز مسلط کن تا بدانی که شکر نمی‌کند، خدای عزیز و جلیل فرمود: تو را بر تنش مسلط کردم، به جز دو چشم و دل و زبان و گوش‌هایش.

﴿۳۹۹﴾ هرگاه که می‌دیدند یکی از اصحابشان دچار بلایی شده است می‌فرمودند: حمد خدا را که مرا از بلایی که او را به آن دچار کرده عافیت داد و بر بسیاری از خلائق برتری بخشید و نیز فرمودند: هر که این عبارات را در چنین حالی بگوید، شکر عافیت را به جا آورده است.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٤٠٠﴾ الرضا عليه السلام: لَيْسَ شَيْءٌ مِنَ الْقُرْآنِ وَالْكَلَامِ جُمِعَ فِيهِ مِنْ جَوَامِعِ الْخَيْرِ وَالْحِكْمَةِ مَا جُمِعَ فِي سُورَةِ الْحَمْدِ وَذَلِكَ أَنَّ قَوْلَهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ إِنَّمَا هُوَ آدَاءٌ لِمَا أَوْجَبَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ مِنَ الشُّكْرِ وَشَكَرُوا لِمَا وَفَّقَ عَبْدَهُ لِلْخَيْرِ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٣١٠

﴿٤٠١﴾ الْعَسْكَرُ الْقَلْبُ: لَيْسَ مِنْ نِعْمَةٍ وَإِنْ جَلَّ أَمْرُهَا وَعَظُمَ خَطَرُهَا إِنَّا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُاُ عَلَيْهَا مُوَدَّ شُكْرُهَا وَ أَنَا أَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ مَا حَمِدَ اللَّهُ بِهِ حَامِدٌ إِلَى أَبَدِ الْأَبَدِ بِمَا مِنْ بِهِ عَلَيْكَ مِنْ نِعْمَةٍ وَنَجَّاكَ بِهِ مِنَ الْهَلَكَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٥٠ ص: ٣١٩

﴿٤٠٢﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ آدَى مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَقَدْ قَضَى مَا عَلَيْهِ وَ آدَى شُكْرَ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي مَالِهِ إِذَا هُوَ حَمْدُهُ عَلَى مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِيهِ مِمَّا فَضَّلَهُ بِهِ مِنَ السَّعَةِ عَلَى غَيْرِهِ وَ لِمَا وَفَّقَهُ لِإِدَائِهِ مَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ وَ آعَانَهُ عَلَيْهِ، الكافي ج: ٣ ص: ٤٩٨

١-٢-١-٤-١-١-أحمدُكَ فَاجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ

﴿٤٠٣﴾ السَّجَادَ (عليه السلام): اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمَدُكَ عَلَى أَنْ أَكْرَمْتَنَا بِالنُّبُوَّةِ وَعَلَّمْتَنَا الْقُرْآنَ وَقَهَّهْنَا فِي الدِّينِ وَجَعَلْتَ لَنَا أَسْمَاعًا وَأَبْصَارًا وَأَفئِدَةً فَاجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٤٤ ص: ٣٩٢

٢-٢-١-٤-١-أَحْمَدُكَ فَقَدْ اصْطَنَعْتُ عِنْدِي مَا يَحِقُّ لَكَ بِهِ شُكْرِي

﴿٤٠٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمَدُكَ وَأَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ عَلَى حُسْنِ صُنْعِكَ إِلَيَّ وَ تَعَطَّفِكَ عَلَيَّ وَ عَلَى مَا وَصَلْتَنِي بِهِ مِنْ نُورِكَ وَ تَدَارَكْتَنِي بِهِ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ أَسْبَغْتَ عَلَيَّ مِنْ نِعْمَتِكَ فَقَدْ اصْطَنَعْتَ عِنْدِي يَا مَوْلَايَ مَا يَحِقُّ لَكَ بِهِ جُحْدِي وَ شُكْرِي؛ مستدرک الوسائل ج: ١١

ص: ۱۱۰

٣-٢-١-٤-١- حَمْدُ اللَّهِ وَهُوَ قَوْلُهُ لِنِّ شَكَرْتُمْ

﴿٤٠٥﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): أَيُّمَا عَبْدٍ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ وَحَمَدَ اللَّهَ عَلَيْهَا بِلِسَانِهِ لَمْ تَنْفُذْ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَهُ بِالزِّيَادَةِ وَهُوَ قَوْلُهُ لَكُنْ شَكَرْتُمْ لِأَزِيدَنَّكُمْ؛ بحار الأنوار ج: ٤٨ ص: ٤٢

﴿٤٠٦﴾ الصادق (عليه السلام): فَيَجِزُ عَلَى مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِمَعْرِفَتِهِ وَهَدَاهُ لِدِينِهِ وَوَقَّعَهُ لِتَأْمُلَ التَّذْيِيرَ فِي صُنْعَةِ الْخَلَائِقِ وَالْوُقُوفِ عَلَى مَا خَلَقُوا لَهُ مِنْ لَطِيفِ التَّذْيِيرِ وَصَوَابِ التَّعْبِيرِ بِالِدَلَالَةِ الْقَائِمَةِ الدَّلَالَةِ عَلَى صَانِعِهَا أَنْ يُكْثِرَ حَمْدَ اللَّهِ مَوْلَاهُ عَلَى ذَلِكَ وَيَرْغَبَ إِلَيْهِ فِي الثَّبَاتِ عَلَيْهِ وَالزِّيَادَةِ مِنْهُ فَإِنَّهُ جَلَّ اسْمُهُ يَقُولُ لَتَيْنِ شَكَرْتُمُ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَتَيْنِ كَفَرْتُمُ إِنِّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ بحار الأنوار ج: ٣

ص: ۵۹

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۴۰۰﴾ هیچ سوره‌ای از سوره‌های قرآن مثل سوره‌ی حمد مشتمل بر جوامع خیر و حکمت نیست و از جمله آنجا که می‌فرماید: "الْحَمْدُ لِلَّهِ"، با این عبارت بنده آنچه حق تعالی از خیر بر او واجب کرده یعنی شکر توفیقی را که برای اعمال خیر نصیب او کرده است، ادا می‌کند.

﴿۴۰۱﴾ هر نعمتی هرچند بزرگ‌ترین و با ارزش‌ترین لغت باشد، همین که بگویی: "الحمد لله"، شکر و سپاس آن را ادا کنی، من نیز می‌گویم: "الحمد لله" به اندازه‌ی حمد و ستایش هر ستایش‌کننده‌ای تا ابد بر آن نعمتی که خداوند به تو ارزانی داشته و از هلاکت نجات بخشیده است.

﴿۴۰۲﴾ هرکس که آنچه را خدا بر او واجب کرده است ادا کند، وظیفه‌ی خویش را به انجام رسانیده است، و هر که خدا را بر نعمتی که به او عطا کرده و فضیلتی که به او بیش از بر دیگران داده است و اینکه او را موفق داشته و کمک کرده است تا بتواند وظیفه‌ی خویش را ادا کند بستاید شکر نعمت مالی را که خداوند از به او ارزانی داشته به‌جا آورده است.

۱-۲-۱-۴-۱- تو را می‌ستایم، پس ما را از شاکرین قرار ده

﴿۴۰۳﴾ خدایا، تو را سپاس می‌گویم بر اینکه ما را به داشتن پیامبرگرمی داشتی و قرآن را به ما آموختی و در فهم دین ما را دانا ساختی، و گوش‌های شنوا و دیده‌های بینا و دل‌های آگاه به ما ارزانی داشتی، پس ما را از سپاسگزاران قرار ده.

۱-۲-۲-۴-۱- تو را می‌ستایم، زیرا به من احسانی کرده‌ای که سزاوار سپاسگزاری

هستی

﴿۴۰۴﴾ خداوند به‌درستی که من ستایش می‌کنم تو را درحالی که تو از هرکس دیگری برای ستایش سزاوارتری، بر نیکویی احسان تو به‌سوی من و بر شفقت تو بر من بر اینکه مرا به نور خودت متصل کردی و رحمت را برایم آماده و نعمت را بر من تمام، ای مولای من تو آن قدر به من لطف کرده‌ای که سزاواری در راه تو بکوشم و شکرگزار تو باشم.

۱-۲-۳-۴-۱- خداوند را ستود و این کلام خداوند است که "اگر شکر کنید..."

﴿۴۰۵﴾ هر بنده‌ای که خداوند به او نعمتی دهد و آن بنده با قلب خود آن نعمت را بشناسد (و لطفی از طرف خدا بداند) و با زبان نیز حمد و سپاس الهی را به‌جا آورد. هنوز حمد و سپاسش تمام نشده است که خداوند دستور افزایش نعمت را برای او صادر می‌کند. و این است معنای آیه‌ی "اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهیم افزود".

﴿۴۰۶﴾ پس بر کسی که خداوند معرفت خود را به او تنصّل کرده و او را به دین خود هدایت کرده و به او توفیق داده باشد لازم است که در مدیریتی که در خلقت خلایق به‌کار رفته تأمل کند و دریابد که برای چه آفریده شد و با براهینی که بر صانع ایشان دلالت می‌کند بداند که تدبیر پروردگارش لطیف و تعابیر او درست و بجاست و خدا و مولای خود را بر این نعمت بزرگ بسیار حمد کند و به درگاه خدا زاری کند که او را بر این موهبت عظیم ثابت بدارد، و هدایت او را بیافزاید زیرا که حق تعالی می‌فرماید: "اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهیم افزود و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است".

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٤٠٧﴾ الصادق عليه السلام: وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ فَهَذَا كُفْرُ النِّعَمِ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَيُّمَا عَبْدٍ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ وَحَمِدَ اللَّهَ عَلَيْهَا بِلِسَانِهِ لَمْ تَنْفَذْ حَتَّى يَأْمُرَ اللَّهُ لَهُ بِالرِّيَادَةِ - وَ هُوَ قَوْلُهُ «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ»؛ تفسیر القمی ج: ١ ص: ٣٤٧

٤-٢-١-٤-١- حَمْدُ اللَّهِ، حَدُّ الشُّكْرِ

﴿٤٠٨﴾ الصادق عليه السلام: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: هَلْ لِلشُّكْرِ حَدٌّ إِذَا فَعَلَهُ الْعَبْدُ كَانَ شَاكِراً قَالَ نَعَمْ قُلْتُ مَا هُوَ قَالَ يَحْمَدُ اللَّهَ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ عَلَيْهِ فِي أَهْلٍ وَ مَالٍ وَ إِنْ كَانَ فِيمَا أَنْعَمَ عَلَيْهِ فِي مَالِهِ حَقٌّ أَدَّاهُ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٥

٥-٢-١-٤-١-قَوْلُ "الْحَمْدُ لِلَّهِ"، آدَاءُ الشُّكْرِ

﴿٤٠٩﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): وَ أَمَّا قَوْلُهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ فَإِنَّهُ عَلِمَ أَنَّ الْعِبَادَ لَا يُؤَدُّونَ شُكْرَ نِعْمَتِهِ فَحَمِدَ نَفْسَهُ قَبْلَ أَنْ يَحْمَدُوهُ وَ هُوَ أَوَّلُ الْكَلَامِ لَوْ لَا ذَلِكَ لَمَّا أُنْعِمَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ نِعْمَتِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٩ ص: ٢٩٤

ع-٢-١-٤-١-قَوْلُ "الْحَمْدُ لِلَّهِ"، حَقُّ الشُّكْرِ

﴿٤١٠﴾ الصادق عليه السلام: خَرَجَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الْمَسْجِدِ وَقَدْ ضَاعَتْ دَابَّتُهُ فَقَالَ لَتَيْنِ رَدَّهَا اللَّهُ عَلَيَّ لِأَشْكُرَنَّ اللَّهَ حَقَّ شُكْرِهِ قَالَ فَمَا لَبِثَ أَنْ أَتَى بِهَا فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ فَقَالَ لَهُ قَائِلٌ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَلَيْسَ قُلْتَ لِأَشْكُرَنَّ اللَّهَ حَقَّ شُكْرِهِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَلَمْ تَسْمَعْني قُلْتَ الْحَمْدُ لِلَّهِ: الكافي ج: ٢ ص: ٩٧

١-٢-٧-١-١-٤-١-١-٣ قَوْلُ "الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ"، تَمَامُ الشُّكْرِ

﴿٤١١﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الشُّكْرُ لِلنَّعَمِ اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ وَتَمَامُ الشُّكْرِ قَوْلُ الْحَمْدِ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛
بحار الأنوار ج: ٩٠ ص: ٢١٤

١-٣-١-٤-١- تقدّم الحمد على الشكر

﴿٤١٢﴾ امیر المؤمنین (علیہ السلام): فَإِنِّي لِفَضْلِكَ عَلَى حَامِدٍ وَ تَوْفِيقِكَ إِيَّايَ بِحَمْدِكَ شَاكِرٌ؛
 مهج الدعوات ص: ١٣١

١-٣-١-٤-١-١-الحَمْدُ أَوَّلًا ثُمَّ الشُّكْرُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿٤٠٧﴾ و (همچنین به خاطر بیایورید) هنگامی که پروردگارتان اعلام داشت: "اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهیم افزود و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است." و این کفر نعمت است پس امام صادق علیه السلام فرمود: هر بنده‌ای که خداوند نعمتی به او داده و آن بنده به آن نعمت معرفت قلبی داشته باشد و با زبان نیز حمد و سپاس الهی را به‌جا آورد؛ هنوز حمد و سپاسش تمام نشده باشد که خداوند دستور افزایش نعمت را صادر می‌کند. و این است معنای آیه "لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ".

۴-۲-۱-۴-۱-۱-ستایش خداوند، نهایت شکر است

﴿٤٠٨﴾ به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم آیا شکر حدی دارد که هرگاه بنده‌ای آن را انجام داد شکرگزار محسوب گردد، فرمود: آری، عرض کردم: آن چیست؟ فرمود: خداوند را در هر نعمتی که به او و خاندانش می‌رسد سپاس گوید، که در این صورت حق مالی را که به او رسیده ادا کرده است.

۵-۲-۱-۴-۱ عبارت "ستایش مخصوص خداوند است"، ادای شکر است

﴿۴۰۹﴾ و اما کلام پروردگار " الحمد لله " برای آن است که می‌داند بندگان نمی‌توانند، شکر نعمتش را ادا کنند و خود را ستود پیش از آنکه او را بستانید، آن اول کلام است و اگر آن نباشد خدا به کسی نعمت نمی‌دهد.

۱-۲-۴-۱-۱- عبارت "حمد و ستایش مخصوص خداوند است"، ادای حق شکر

است

﴿۴۱۰﴾ امام صادق علیه السلام از مسجد بیرون شد، درحالی که مرکب سواری آن حضرت گم شده بود، فرمود: اگر خداوند آن را برگرداند حق شکرش را ادا می کنم، راوی گوید: بعد از چندی آن مرکب پیدا شد و آن را نزد آن جناب آوردند. امام علیه السلام خداوند را سپاس گفتند و شکر به جای آوردند، راوی گوید: عرض کردم: قربانت گردم شما فرمودید حق شکرش را به جای می آورم، امام فرمود مگر نشنیدی که من گفتم: "الحمد لله".

۷-۲-۱-۴-۱ عبارت "حمد مخصوص پرودگار جهانپان است"، تمام شکر است

﴿۴۱۱﴾ شکر نعمت دوری گزیدن از حرام‌هاست و نهایت شکر، گفتن "الحمد لله رب العالمین" است.

۳-۱-۴-۱- تقدّم ستایش بر شکر

﴿۴۱۲﴾ همانا به سبب لطف و رحمت بر من، لازم است که سپاسگزار تو باشم و به سبب توفیقی که عطایم کردی که تو را بستانیم، باید شکرگزار تو باشم.

۱-۳-۱-۴-۱-۱-اول حمد سپس شکر

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٤١٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: حَقُّ مَنْ سَرَّكَ لِلَّهِ تَعَالَى أَنْ تَحْمَدَ اللَّهَ تَعَالَى أَوَّلًا ثُمَّ تَشْكُرَهُ؛

من لا يحضره الفقيه ج: ٢ ص: ٦٢٥

﴿٤١٤﴾ السجاد عليه السلام: حَقُّ مَنْ سَرَّكَ بِشَيْءٍ لِلَّهِ تَعَالَى أَنْ تَحْمَدَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَوَّلًا ثُمَّ تَشْكُرَهُ؛

مكارم الأخلاق ص: ٤٢٣

١-٣-٢-١-٤-١- في أوَّلِ النِّعْمَةِ يَحْمَدُونَ وَفِي آخِرِهَا يَشْكُرُونَ

﴿٤١٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَهْلُ الْخَيْرِ وَأَهْلُ الْآخِرَةِ... إِذَا كُتِبَ النَّاسُ مِنَ الْغَافِلِينَ كُتِبُوا مِنَ

الذَّاكِرِينَ فِي أَوَّلِ النِّعْمَةِ يَحْمَدُونَ وَفِي آخِرِهَا يَشْكُرُونَ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ٢٠٠

١-٣-٣-١-٤-١- إتِّصَالَ الْحَمْدِ بِالشُّكْرِ

﴿٤١٦﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاصِلِ الْحَمْدُ بِالنِّعَمِ وَالنِّعَمُ بِالشُّكْرِ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٧ ص: ٢٥٠

١-٣-٤-١-٤-١- حَمْدًا يَبْلُغُ حَقِيقَةَ الشُّكْرِ

﴿٤١٧﴾ تَحْمَدُكَ نَفْسِي وَلِسَانِي وَعَقْلِي، حَمْدًا يَبْلُغُ الْوَفَاءَ وَحَقِيقَةَ الشُّكْرِ، حَمْدًا يَكُونُ مَبْلَغَ

رِضَاكَ عَنِّي؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٢٥٠

١-٣-٥-١-٤-١- حَمْدًا جَامِعًا لِشُكْرِكَ الْوَاجِبِ

﴿٤١٨﴾ السجاد عليه السلام: فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى جَزِيلِ جُودِكَ وَنَوَافِلِ مَزِيدِكَ حَمْدًا جَامِعًا لِشُكْرِكَ

الوَاجِبِ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٧١

١-٤-١-١-٤-١- الْحَمْدُ، عَلَامَةُ الشُّكْرِ

﴿٤١٩﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: وَأَمَّا عَلَامَةُ الشَّاكِرِ فَارْبَعَةُ الشُّكْرِ فِي النِّعْمَاءِ وَالصَّبْرِ فِي الْبَلَاءِ وَالْقُنُوعِ

بِقِسْمِ اللَّهِ وَلَا يَحْمَدُ وَلَا يُعْظَمُ إِلَّا اللَّهُ؛ بحار الأنوار ج: ١ ص: ١١٩

١-٤-١-١-٤-١- قَوْلُ الْحَمْدِ، مِصْدَاقُ الشُّكْرِ

﴿٤٢٠﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: إِذَا شَرِبَ أَحَدُكُمْ فَلْيَشْرَبْ فِي ثَلَاثَةِ أَنْفَاسٍ يَحْمَدُ اللَّهَ فِي كُلِّ مِنْهَا أَوَّلَهُ

شُكْرُ الشَّرْبَةِ وَالثَّانِي مَطْرَدَةُ الشَّيْطَانِ وَالثَّالِثُ شِفَاءٌ لِمَا فِي جَوْفِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٦٣ ص: ٤٧٥

﴿٤٢١﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ مِنَ اللَّيْلِ فَلْيَقُلْ سُبْحَانَ رَبِّ النَّبِيِّينَ وَإِلَهُ الْمُرْسَلِينَ وَرَبَّ

الْمُسْتَضْعَفِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ صَدَقَ

عَبْدِي وَشَكَرَ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٣٨

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۴۱۳﴾ حق کسی که تو را برای خدا به چیزی خشنود سازد این است که، اول خدا را حمد کنی و سپس از او تشکر نمایی.

﴿۴۱۴﴾ حق کسی که تو را برای خدا به چیزی خشنود سازد این است که، اول خدای عز و جل را حمد کنی و سپس از او تشکر نمایی.

۲-۳-۱-۴-۱- در ابتدای نعمت حمد می‌کنند و در آخر آن شکر می‌کنند

﴿۴۱۵﴾ از صفات اهل خیر و اهل آخرت... زمانی که مردمان را در فهرست غافلان از یاد خدا می‌نویسند، ایشان را در فهرست یادکنندگان می‌نویسند، ایشان در ابتدای نعمت حمد می‌کنند و در آخر آن شکر.

۳-۳-۱-۴-۱- همراه بودن حمد با شکر

﴿۴۱۶﴾ حمد و سپاس سزاوار خداوندی است که حمد را به نعمت‌ها و نعمت‌ها را به شکر پیوند داده است

۴-۳-۱-۴-۱- حمد به حقیقت شکر می‌رساند

﴿۴۱۷﴾ جان من، زبان من و عقل من تو را می‌ستایند ستایشی که تمام و کامل باشد و به درجات عمیق و اصل شکر برسد سپاسی که به خشنودی تو منجر شود.

۵-۳-۱-۴-۱- برای شکر واجب تو حمد جامعی آماده کرده‌ام

﴿۴۱۸﴾ پس به خاطر فراوانی سخاوت و پی‌درپی بودن لطف حمدسزاوار توست ستایشی کامل به خاطر ادای شکرت که واجب است.

۴-۱-۴-۱- حمد، علامت شکر است

﴿۴۱۹﴾ علامت شخص سپاسگزار چهار چیز است: شکر در نعمت، صبر در بلا، قناعت به قسمت، کسی را جز خدا نستاید و کسی را جز خدا تعظیم نکند.

۵-۱-۴-۱- زبان به حمد گشودن، مصداق شکر است

﴿۴۲۰﴾ چون یکی از شما آب بنوشد جرعه‌جرعه در سه نفس بنوشد و در هر نفس حمد و سپاس خدا را با گفتن "الحمد لله" بر زبان جاری کند که اولی شکر آن نوشیدنی است و دومی دورکننده‌ی شیطان و سومی درمان هر دردی که درون بدنش باشد.

﴿۴۲۱﴾ زمانی که یکی از شما، شب از خواب برخیزد چنین بگوید: "پاک و منزّه است پروردگار پیامبران و خداوندگار فرستادگان و پروردگار مستضعفین؛ و سپاس خدایی را که زنده می‌کند مرده را و او بر هر چیزی تواناست"، خدای عزیز و جلیل در مقابل می‌فرماید: بنده‌ی من راست گفت و شکر را به‌جای آورد.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٤٢٢﴾ السَّجَادُ عليه السلام: أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ مِائَةَ مَرَّةٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا وَكُلَّمَا قَالَهُ عَشْرَ مَرَّاتٍ قَالَ شُكْرًا لِلْمُجِيبِ ثُمَّ يَقُولُ يَا ذَا الْمَنِّ الَّذِي لَا يَنْقُطِعُ أَبَدًا وَلَا يُحْصِيهِ غَيْرُهُ عَدَدًا وَيَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقُذُ أَبَدًا يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ ثُمَّ يَدْعُو وَيَتَضَرَّعُ وَيَذْكُرُ حَاجَتَهُ؛ وسائل الشريعة ج: ٧ ص: ١٧

﴿٤٢٣﴾ الرضا عليه السلام: لَيْسَ شَيْءٌ مِنَ الْقُرْآنِ وَالْكَلَامِ جُمِعَ فِيهِ مِنْ جَوَامِعِ الْخَيْرِ وَالْحِكْمَةِ مَا جُمِعَ فِي سُورَةِ الْحَمْدِ وَذَلِكَ أَنَّ قَوْلَهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ إِنَّمَا هُوَ آدَاءٌ لِمَا أَوْجَبَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ مِنَ الشُّكْرِ وَشُكْرُ لِمَا وَقَّعَ عَبْدُهُ لِلْخَيْرِ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٣١٠

١-١-٤-١-٥-١ لك الحمد على بسط لسانى، أ فليسانى هذا الكال أشكرك
﴿٤٢٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اللَّهُمَّ فَلكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا نَقَّيْتَ مِنَ الشُّرُكِ قَلْبِي وَلكَ الْحَمْدُ عَلَى بَسْطِ لِسَانِي أ فليسانى هذا الكال أشكرك أَمْ بَغَايَةِ جُهْدِي فِي عَمَلِي أَرْضِيكَ وَ مَا قَدَّرَ لِسَانِي يَا رَبِّ فِي جَنْبِ شُكْرِكَ وَقَدَّرَ عَمَلِي فِي جَنْبِ نِعَمِكَ وَإِحْسَانِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٨٩

﴿٤٢٥﴾ اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنَ التَّمَنَّى وَالتَّظَنِّي وَ الْحَسَدِ ذِكْرًا لِعَظَمَتِكَ وَ تَفَكُّرًا فِي قُدْرَتِكَ، وَ تَذْيِيرًا عَلَى عَدُوِّكَ، وَ مَا أَجْرَى عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظَةٍ فُحْشٍ أَوْ هُجْرٍ أَوْ شَتْمٍ عَرَضَ أَوْ شَهَادَةٍ بَاطِلٍ أَوْ اغْتِيَابٍ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ أَوْ سَبٍّ حَاضِرٍ وَ مَا أَشَبَهَ ذَلِكَ نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ، وَ إِغْرَاقًا فِي الثَّنَاءِ عَلَيْكَ، وَ ذَهَابًا فِي تَمْجِيدِكَ، وَ شُكْرًا لِنِعْمَتِكَ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٩٢

١-١-٤-١-٥-٢ قُصُورُ الْمَحَامِدِ عَنِ الشُّكْرِ
﴿٤٢٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَكَ عَلَى كُلِّ مَنْ اسْتَعْبَدْتَ مِنْ خَلْقِكَ أَلَّا يَمْلُؤُوا مِنْ حَمْدِكَ وَإِنْ قَصُرَتْ الْمَحَامِدُ عَنْ شُكْرِكَ عَلَى مَا أَسَدَيْتَ إِلَيْهَا مِنْ نِعَمِكَ فَحَمْدُكَ بِمِثْلِ طَاقَةِ حَمْدِهِمْ الْحَامِدُونَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٠٢

١-١-٤-١-٥-٣ حَمْدُ الشَّاكِرِينَ
﴿٤٢٧﴾ الباقر عليه السلام: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدُ الشَّاكِرِينَ عَلَى مُصَابِهِمْ؛ مصباح المتعجب ص: ٧٧٤

﴿٤٢٨﴾ الباقر عليه السلام: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدُ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مُصَابِهِمْ؛ المصباح للكفعمي ص: ٤٨٤

١-١-٤-١-٥-٤ حَمْدُ الشَّاكِرُونَ
﴿٤٢٩﴾ الهادي عليه السلام: يَا مَنْ دَعَاهُ الْمُضْطَرُّونَ فَأَجَابَهُمْ وَ لَجَأَ إِلَيْهِ الْخَائِفُونَ فَأَمَنَهُمْ وَ عَبْدَهُ الطَّائِعُونَ فَشَكَرَهُمْ وَ حَمْدُهُ الشَّاكِرُونَ فَأَثَابَهُمْ؛ بحار الأنوار ج: ٨٢ ص: ٢٢٦

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۴۲۲﴾ در سجده‌ی شکر صد بار می‌گفت: "برای شکر خدا، او را می‌ستایم" و در پایان هر ده مرتبه می‌گفت: "ستایش مخصوص کسی است که دعایم را پاسخ می‌دهد؛ سپس می‌گفت: "ای صاحب نعمتی که نعمتش را قطع نمی‌کند و آن را دیگری نمی‌تواند بشمارد؛ ای صاحب لطفی که هرگز پایان نمی‌پذیرد، ای سخاوتمند، ای سخاوتمند، ای سخاوتمند؛ سپس دعا کند و زاری کند و نیازهای خود را نام ببرد.

﴿۴۳﴾ هیچ سوره‌ای از سوره‌های قرآن مثل سوره‌ی حمد مشتمل بر جوامع خیر و حکمت نیست و از جمله آنجا که می‌فرماید: "الْحَمْدُ لِلَّهِ"، با این عبارت بنده آنچه حق تعالی از خیر بر او واجب کرده یعنی شکر توفیقی را که برای اعمال خیر نصیب او کرده است، ادا می‌کند.

۱-۵-۱-۴-۱-۱- ستایش مخصوص توست به خاطر گشودن زبانم، آیا می‌توانم با زبان ناتوانم شکر تو را به جای آورم؟

﴿۴۲۴﴾ حمد مخصوص توست به خاطر آنکه قلبم را از شرک پاک کردی و زبانم را باز کردی، آیا با این زبان لال تو را شکر گویم و یا با نهایت کوشش در عملم می‌توانم تو را راضی نمایم؟ زبانم چه توانی دارد؟ عمل من در برابر نعمت‌ها و احسان تو چه ارزشی دارد؟

﴿۴۲۵﴾ خدایا، هر آرزو و گمان و حسد که شیطان در دل من افکند تو آن را به ذکر عظمت و تفکر در قدرت و تدبیر بر ضد دشمنیت بدل نمای و هر ناسزا و سخن زشت و ریختن آبرو، یا شهادت باطل، یا غیبت مؤمن غایب یا ناسزا به حاضران و از این گونه که شیطان بر زبان من می‌افکند تو آن را به حمد و سپاس خود و اغراق در ثنا و بیان مجد و عظمت و شکر نعمت خود بدل فرما.

۲-۵-۱-۴-۱- کوتاهی ستایش‌ها از ادای شکر

﴿۴۲۶﴾ خدایا، هر که را به بندگی خود توفیق داده‌ای بر او لازم است که از ستایش تو خسته نشود هر چند همه‌ی ستایش‌ها از ادای شکر تو در مقابل نعمت‌هایی که دریافت کرده‌اند ناتوانند پس ستایشگران در واقع فقط به اندازه‌ی توان خود تو را می‌ستایند (نه به اندازه بایسته و شایسته تو).

۳-۵-۱-۴-۱-حمد شاکران

﴿۴۲۷﴾ خدایا، حمد و ستایش مخصوص توست ستایش سپاسگزاران بر مصیبتی که بر ایشان وارد شد.

﴿۴۲۸﴾ خدایا، حمد و ستایش مخصوص توست ستایش سپاسگزاران بر مصیبتی که بر ایشان وارد شد.

۴-۵-۱-۴-۱- شکرگزاران او را سپاس گزارده‌اند

﴿۴۳۹﴾ ای آن که او را بیچارگان خوانده‌اند، و او ایشان را اجابت نمود، و ترسندگان به‌سوی او پناه برده‌اند، پس ایشان را ایمن گردانید، و او را اطاعت‌کنندگان بندگی نموده‌اند و او به ایشان جزا داده است و شکرکنندگان او را سپاس گزارده‌اند و او به ایشان پاداش داده است.

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۱-۴-۱-۱-۱ شکر در حالی که سپاس می‌گزاریم

۱-۴-۱-۱-۱ خدا را شاکرانه ستایش می‌کنم

﴿۴۳۰﴾ مستحب است که این دعا در نماز وتر افزوده شود: " حمد خدا را به خاطر شکر نعمت‌هایش و نیز طلب فزونی نعمت‌های بیشتر... تا آخر دعا "

﴿۴۳۱﴾ ای معبود من و ای آقای من، شاکرانه، تو را ستایش کنم.

﴿۴۳۲﴾ و ستایش و شکر مخصوص خداوند است شریکی برای او نیست، خیرخواه بندگان و پایدار بی پایان.

﴿۴۳۳﴾ از روی سپاسگزاری تو را ستایش کنم.

﴿۴۳۴﴾ در رکوع و سجده رکعت اول هفت بار بگو: " الحمد لله شکراً و حمداً حمداً "

﴿۴۳۵﴾ سپاس خدای را، شکر بر نعمت‌هایش و صبر بر آزمایش‌هایش.

﴿۴۳۶﴾ ستایش مخصوص خداست به خاطر شکر نعمت‌هایش و الطافش.

﴿۴۳۷﴾ خدا را صبورانه سپاس می‌گوییم به خاطر آنکه پایداری را به ما الهام کرد و خدا را شاکرانه سپاس می‌گوییم که شکر را به ما الهام نمود.

﴿۴۳۸﴾ ستایش مخصوص خداست، و خدا بزرگ است، با ایمان به خدا، و ثنا و مدح پیامبر خدا ﷺ و شکر بر روزی او.

﴿۴۳۹﴾ خداوند، حمد و ستایش مخصوص توست، شکری مخصوص برای آنچه که از عافیت و سلامتی بر من عنایت فرمودی و نیکی (و خیر) آنچه که مرا به آن مبتلا نمودی.

﴿۴۴۰﴾ پس به خاطر شکر عافیتی که به من دادی و تکالیف خوبی که برعهده‌ام نهادی حمد سزاوار توست.

﴿۴۴۱﴾ در سجده‌ی شکر صد بار می‌گفت: " برای شکر خدا، او را می‌ستایم "

﴿۴۴۲﴾ خداوند به او وحی کرد که مرا با نام خودم بخوان، به همین دلیل " بسم الله الرحمن الرحيم "، " به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان، در ابتدای سوره گذاشته شد، سپس خداوند وحی کرد که مرا حمد کن. آنگاه که فرمود: " ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است ". پیامبر با خودش گفت: " شکر خدا را ". پس خداوند به او وحی کرد: " حمد را قطع کردی؛ پس دوباره مرا به نامم، صدا کن "، به همین خاطر در سوره‌ی حمد، " بخشنده‌ی بخشایشگر " دو بار گذاشته شد پس آنگاه که به عبارت " و نه گمراهان " رسید، پیامبر ﷺ برای شکر گفت: ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است. پس خداوند به او

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

الرَّحِيمِ مَرَّتَيْنِ فَلَمَّا بَلَغَ وَ لَا الضَّالِّينَ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ شُكْرًا فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ فَطَعْتَ ذِكْرِي فَسَمِ بِاسْمِي فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ جُعِلَ بِسْمُ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فِي أَوَّلِ السُّورَةِ؛
الكافي ج: ٣ ص: ٤٨٤

٢-٦-١-٤-١-أَحْمَدُ شَاكِرًا

﴿٤٤٣﴾ السَّجَّادُ: أَحْمَدُهُ جَاهِرًا بِحَمْدِهِ شَاكِرًا لِرَفْدِهِ حَمْدًا مُوَفِّقَ لِرُشْدِهِ وَآتِقَ بِعَدْلِهِ؛
بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٥٣

٣-٦-١-٤-١-أَحْمَدُهُ شُكْرًا

﴿٤٤﴾ أَحْمَدُهُ شُكْرًا لِلْإِعَامِهِ وَاسْتَعِينَهُ عَلَى وَطَافِ حُقُوقِهِ؛ شرح نهج البلاغة ج: ١٣ ص: ١١٠
﴿٤٤٥﴾ السجادة الطاهرة: رَبِّ إِنَّكَ عَوَّدْتَنِي عَافِيَتِكَ وَغَذَوْتَنِي بِنِعْمَتِكَ وَتَعَمَّدْتَنِي بِرَحْمَتِكَ
تَعْدُو وَتَرُوحُ بِفَضْلِ ابْتِدَائِكَ لَا أَعْرِفُ غَيْرَهَا وَرَضِيتَ مِنِّي بِمَا أَسَدَيْتَ إِلَيَّ أَنْ أَحْمَدَكَ بِهَا
شُكْرًا مِنِّي عَلَيْهَا فَضَعُفَ شُكْرِي لِقِلَّةِ جُهْدِي فَاْمُنْ عَلَيَّ بِحَمْدِكَ كَمَا ابْتَدَأْتَنِي بِنِعْمَتِكَ؛
بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٢٩٨

۴-۶-۱-۴-۱-۱-نَحْمَدُهُ شَاكِرِينَ

﴿٤٤﴾ **الصادق عليه السلام**: أَنَّهُ خَطَبَ رَاحِيلُ فِي الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ فِي جَمْعٍ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ قَبْلَ أَوَّلِيهِ وَالْآخِرِ بَعْدَ فَنَاءِ الْبَاقِينَ نَحْمَدُهُ إِذْ جَعَلَنَا مَلَائِكَةً رُوحَانِيِّينَ وَرَبُّو بَيْتَهُ مُذْنَعِينَ وَلَهُ عَلَى مَا أَنْعَمَ عَلَيْنَا شَاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٤٣ ص: ١١٠

٥-٦-١-٤-١-يَحْمَدُ اللَّهَ شُكْرًا

﴿٤٤٧﴾ الصادق عليه السلام: إِذَا ذَكَرَ أَحَدُكُمْ نِعْمَةَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَلْيُضِعْ خَدَّهُ عَلَى التُّرَابِ شُكْرًا لِلَّهِ فَإِنْ كَانَ رَاكِبًا فَلْيَنْزِلْ فَلْيُضِعْ خَدَّهُ عَلَى التُّرَابِ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ يَقْدِرْ عَلَى النُّزُولِ لِلشُّهْرَةِ فَلْيُضِعْ خَدَّهُ عَلَى قَرْبُوسِهِ وَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ فَلْيُضِعْ خَدَّهُ عَلَى كَفِّهِ ثُمَّ لِيُحْمَدِ اللَّهَ عَلَى مَا أَنْعَمَ عَلَيْهِ؛ الْكَافِي

ج: ٢ ص: ٩٨

٦-٤-١-١- لك الحمد في الشكر

﴿٤٤٨﴾ الصادق عليه السلام: لَكَ الْحَمْدُ فِي الْمُعَافَاةِ وَالشُّكْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ١٤٧

٧-٦-١-٤-١-١- لَكَ الْحَمْدُ كَمَا تَشْكُرُ

﴿٤٤٩﴾ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا تُحِبُّ وَتُعْبَدُ وَتُشْكِرُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ١٩٠

١-٧-١-٤-١- شُكْرُ الْحَمْدِ وَالْحَمْدُ عَلَى الشُّكْرِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

وحی کرد: " ذکر م را قطع کردی " پس دوباره مرا به اسم، صدا بزن. پس به همین دلیل " بسم الله الرحمن الرحيم " در ابتدای هر سوره گذاشته شد.

۲-۶-۱-۴-۱-۱- او را شاکرانه ستایش می‌کنم

﴿۴۴۳﴾ او را آشکارا حمد و سپاس می‌گوییم با سپاسی که همراه شکر باشد، تا به واسطه‌ی حمد و با اعتماد به عدل او، توفیق تعالی و رشد برایم حاصل شود.

۳-۶-۱-۴-۱-۱- به عنوان ستایش او را می‌ستایم

﴿۴۴۴﴾ او را سپاس می‌گوییم تا شکری باشد بر نعمتی که از او دریافت کرده‌ام، و از او طلب یاری می‌کنم که در انجام آنچه از حق و وظایف بندگی برعهده‌ام می‌باشد موفق شوم.

﴿۴۴۵﴾ خدایا، مرا به عافیت عادت داده‌ای و به نعمت پروراندی و در پوشش رحمت خود قرار دادی، رحمتی که شب و روز از ابتدای خلقت به فضل و کرم به‌سوی ما روانه می‌شود، رحمتی که من جز آن رحمتی نمی‌شناسم. و تو در مقابل نیکی‌هایی که در حق من کردی چنین پسندیدی که من تو را برای آن نعمت‌ها شاکرانه سپاس گویم؛ اما به علت کم‌کاری و قصور شکر من ناقابل است ولی تو بر من منت بگذار و همان‌گونه که از ابتدای خلقت به من نعمت داده‌ای توفیق شکرگزاری را هم تو به من بده.

۴-۶-۱-۴-۱-۱- او را شاکرانه می‌ستایم

﴿۴۴۶﴾ که راحیل - از فرشتگان مقرب الهی - خطبه را در آسمان هفتم در جمعی از اهل آسمان‌ها خواند و گفت: حمد خدایی را که ازلی است و قبل از هر موجودی وجود داشته، و باقی است بعد از آنکه همه‌ی موجودات فانی می‌شوند، حمد و سپاس می‌گوییم او را که ما را فرشتگان روحانی آفرید و ما را اقرار کننده به ربوبیت و مقام الهی‌اش قرار داد و او را به دلیل نعمت‌هایی که به ما عطا فرموده شکر می‌کنیم.

۵-۶-۱-۴-۱-۱- به عنوان ستایش او را می‌ستاید

﴿۴۴۷﴾ هرگاه یکی از شما نعمت خدای عزیز و جلیل را به یاد آورد، باید برای شکر خدا، چهره روی خاک بگذارد و اگر سواره‌است باید پیاده شود و چهره روی خاک گذارد و اگر از بیم شهرت و ریا نتواند پیاده شود چهره روی برآمدگی زین بگذارد، و اگر نتواند، چهره بر کف دست بگذارد، سپس خدا را بر نعمتی که به او داده ستایش کرده و سپاس گوید.

۶-۶-۱-۴-۱-۱- در نعمت شکر، ستایش مخصوص توست

﴿۴۴۸﴾ حمد و ستایش تنها سزاوار توست در هر عافیت و سلامتی و در هنگام شکر و سپاسگزاری.

۷-۶-۱-۴-۱-۱- ستایش مخصوص توست، همان‌گونه که سپایگزاری می‌شوی

﴿۴۴۹﴾ حمد و ستایش تنها تو را شایسته است، آن‌چنان که تو دوست داری و بندگی می‌شوی و مورد سپاسگزاری قرار می‌گیری.

۷-۱-۴-۱-۱- شکر حمد و حمد بر شکر

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١-٧-١-١-٤-١-شُكْرُ الْحَمْدِ

﴿٤٥٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ الْعَظِيمُ... فَإِنِّي لِفَضْلِكَ عَلَى حَامِدٍ وَ لِتَوْفِيقِكَ إِيَّايَ بِحَمْدِكَ شَاكِرٌ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٢٦٣

﴿٤٥١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَرْغَبُ إِلَيْكَ اللَّهُمَّ فِي شُكْرٍ مَا أَنْطَقْتَنِي بِهِ مِنْ حَمْدِكَ فَمَا أَيْسَرَ مَا كَلَّفْتَنِي مِنْ ذَلِكَ وَ أَعْظَمَ مَا وَعَدْتَنِي عَلَى شُكْرِكَ أَتَيْدَأْتَنِي بِالنَّعَمِ فَضْلاً وَ طَوْلاً وَ أَمَرْتَنِي بِالشُّكْرِ حَقّاً وَ عَدْلاً وَ وَعَدْتَنِي عَلَيْهِ أَوْعَافاً وَ مَزِيداً؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٢٦٣

١-٧-٢-١-٤-١-الْحَمْدُ عَلَى الشُّكْرِ

﴿٤٥٢﴾ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا عَرَفْنَا مِنْ نَفْسِهِ، وَ أَلهَمَّنَا مِنْ شُكْرِهِ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٢٨

﴿٤٥٣﴾ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى اتِّدَائِكَ بِالنَّعَمِ الْجِسَامِ، وَ إِلْهَامِكَ الشُّكْرَ عَلَى الْإِحْسَانِ وَ الْإِنْعَامِ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ١٥٢

﴿٤٥٤﴾ الرسول عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَمْدٍ وَ ذِكْرٍ وَ شُكْرٍ؛ فلاح السائل ص: ٢٥١

﴿٤٥٥﴾ الكاظم عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ لِمَا جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ لِمَعْرِفَتِي بِفَضْلِكَ وَ النِّعْمَةِ عَلَيْكَ وَ شُكْرِي بِلَاءِكَ؛ قرب الإسناد ص: ١٢٦

﴿٤٥٦﴾ الباقر عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ مُتِمُّ النِّعَمِ بِرَحْمَتِهِ وَ الْهَادِي إِلَى شُكْرِهِ بِمَنِّهِ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٣ ص: ٣٩٨

﴿٤٥٧﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا نُسِيَ مِنْهَا وَ مَا ذُكِرَ وَ مَا شُكِرَ مِنْهَا وَ مَا كُفِرَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ١٩٥

﴿٤٥٨﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعَمِكَ مَا نُسِيَ مِنْهَا وَ مَا ذُكِرَ وَ مَا شُكِرَ مِنْهَا وَ مَا كُفِرَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ١٤٦

﴿٤٥٩﴾ السجاد عليه السلام: فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى جَزِيلِ جُودِكَ وَ نَوَافِلِ مَزِيدِكَ حَمْداً جَامِعاً لِشُكْرِكَ أَلْوَجِبَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٧١

﴿٤٦٠﴾ الباقر عليه السلام: هَبْ لِي شُكْرًا تَرْضَى بِهِ عَنِّي وَ حَمْدًا عَلَى مَا أَلْهَمْتَنِي؛ جمال الأسبوع ص: ٣٩٦

١-٨-١-١-٤-١-الْحَمْدُ مُقَارَنُ وَ مُرَادِفُ لِلشُّكْرِ

١-٨-١-١-٤-١-أَصْبَحْنَا لِلَّهِ شَاكِرِينَ وَ أَمْسَيْنَا لِلَّهِ حَامِدِينَ، أَمْسَيْنَا لِلَّهِ شَاكِرِينَ وَ أَصْبَحْنَا لِلَّهِ حَامِدِينَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۱-۷-۱-۴-۱-۱-۱-۱ شکر حمد

﴿۴۵۰﴾ خدایا، ستایش عظیم مخصوص توست... و من به سبب لطف تو که شامل حال من گشته (دائماً) ستایشگر تو هستم و به خاطر توفیقی که به من عنایت فرمودی که تو را سپس گویم، شکر گزارم.

﴿۴۵۱﴾ پروردگارا، من مایل و علاقمندم که در آنچه به لطف تو بر زبانم بر ستایش و سپاسگزاری اش گویا شده است، ادای شکر کرده باشم پس چه آسان است تکلیف تو به من، و چه بزرگ است آنچه در ازای ادای شکر به من وعده داده‌ای از سر لطف شروع به نعمت دادن به من کرده و بر مبنای عدالت درخواست شکر داشته‌ای و آنگاه بر همین شکر (که وظیفه بوده است) وعده‌ی چند برابر شدن نعمت داده‌ای.

۱-۷-۲-۴-۱-۱-۱-۱ حمد بر شکر

﴿۴۵۲﴾ و سپاس خدای را که خویشتن را به ما شناساند و شکر و سپاس نعمت‌های خود را به ما الهام نمود.

﴿۴۵۳﴾ پس ستایش سزاوار توست، بخاطر شروع به دادن نعمت‌های بزرگ (بدون آنکه بنده‌ات شایسته‌ی دریافت آن باشد)؛ و نیز بخاطر آنکه شکر بر لطف و احسان را به ما الهام کردی.

﴿۴۵۴﴾ در هر ستایش و یاد و شکری. ستایش مخصوص خداست.

﴿۴۵۵﴾ حمد خدا را که به من شناخت فضل تو و نعمتی را که به تو داده شد عطا کرد و بر این آزمون از تو سپاسگزاری می‌کنم.

﴿۴۵۶﴾ سپاس خدای را که از سر رحمت و مهر، نعمت خود را تمام کرده‌است، و از روی فضل و کرم به شکر نعمتش راهنماست.

﴿۴۵۷﴾ پروردگارا، ستایش مخصوص توست بر آنچه فراموش شد و آنچه یاد شد و آنچه شکر شد و آنچه ناسپاسی شد.

﴿۴۵۸﴾ پروردگارا، ستایش مخصوص توست بر آنچه از نعمت فراموش شد و آنچه یاد شد و آنچه شکر شد و آنچه ناسپاسی شد.

﴿۴۵۹﴾ پس به خاطر فراوانی سخاوت و پی‌درپی بودن لطفت حمدسزاوار توست ستایشی کامل به خاطر ادای شکرت که واجب است.

﴿۴۶۰﴾ شکری به من ببخش که از من با ادای آن راضی شوی و به خاطر آنچه به من الهام کردی، سپاسی به من هدیه کن.

۱-۸-۱-۴-۱-۱-۱-۱ حمد همراه و مترادف شکر است

۱-۸-۱-۴-۱-۱-۱-۱ ما صبح را آغاز کردیم درحالی که برای خدا شاکریم و شب را آغاز کردیم در حالی که خدا را ستایشگریم

﴿۲۴۵﴾

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٤٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كَانَ يَقُولُ عليه السلام إِذَا أُمِسَ أَصْبَحْنَا لِلَّهِ شَاكِرِينَ وَأَمْسَيْنَا لِلَّهِ حَامِدِينَ فَلَاكَ الْحَمْدُ كَمَا أَمْسَيْنَا لَكَ مُسْلِمِينَ سَالِمِينَ قَالَ وَإِذَا أَصْبَحَ قَالَ أَمْسَيْنَا لِلَّهِ شَاكِرِينَ وَأَصْبَحْنَا لِلَّهِ حَامِدِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا أَصْبَحْنَا لَكَ مُسْلِمِينَ سَالِمِينَ: الكافي ج: ٢، ص: ٥٢٥

٢-٨-١-٤-١-١-إِحْمَدِ اللَّهَ وَاشْكُرْهُ

﴿٤٦٢﴾ السَّجَادَ ^{الْعَلِيِّ} : أَمَا حَقُّ أَبِيكَ فَإِنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ أَصْلُكَ وَ أَنَّهُ لَوْلَاهُ لَمْ تَكُنْ فَهَهُمَا رَأَيْتَ فِي نَفْسِكَ مِمَّا يُعْجِبُكَ فَاعْلَمْ أَنَّ أَبَاكَ أَصْلُ النُّعْمَةِ عَلَيْكَ فِيهِ فَاحْمَدِ اللَّهَ وَ اشْكُرْهُ عَلَى قَدْرِ ذَلِكَ؛ مكارم الأخلاق ص: ٤٢١

ذَلِكَ؛ مكارم الأخلاق ص: ٤٢١

﴿٤٦٣﴾ السَّجَادَ الْحَسَنِ: بَنَى إِيَّيْ جَعَلْتِكَ خَلِيفَتِي مِنْ بَعْدِي لَا يَدْعِي فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَحَدٌ إِلَّا قَلَدَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ طَوْفًا مِنْ نَارٍ فَاحْمَدِ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ وَاشْكُرْهُ يَا بَنَى اشْكُرْ لِمَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ وَأَنْعِمَ عَلَى مَنْ شَكَرَكَ فَإِنَّهُ لَا تَزُولُ نِعْمَةٌ إِذَا شُكِرَتْ وَلَا بَقَاءَ لَهَا إِذَا كُفِرَتْ وَ الشَّاكِرُ بِشُكْرِهِ أَسْعَدُ مِنْهُ بِالنِّعْمَةِ الَّتِي وَجَبَ عَلَيْهِ بِهَا الشُّكْرُ وَ تَلَا عَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ الْحَسَنِ: لَعَنَ شُكْرْتُمْ لَا زَيْدَتُكُمْ وَ لَعَنَ كُفْرْتُمْ إِنْ عَذَابِي لَشَدِيدٌ بحار الأنوار ج: ٤٦ ص: ٢٣١

وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ؛ بحار الأنوار ج: ٤٦ ص: ٢٣١

﴿٤٦٤﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): أَنَّ جَبْرِئَلَ (عليه السلام) نَزَلَ إِلَيْهِ وَ مَعَهُ مَفَاتِيحُ كُنُوزِ الْأَرْضِ وَ قَالَ يَا مُحَمَّدُ السَّلَامُ يُقَرِّتُكَ السَّلَامُ وَ يَقُولُ لَكَ إِنَّ شَيْتَ صَيَّرَتْ مَعَكَ جِبَالَ تِهَامَةَ ذَهَبًا وَ فِضَّةً وَ خَذْ هَذِهِ مَفَاتِيحُ كُنُوزِ الْأَرْضِ وَ لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ حِطِّكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَالَ يَا جَبْرِئِيلُ وَ مَا يَكُونُ بَعْدَ ذَلِكَ قَالَ الْمَوْتُ فَقَالَ إِذَا لَا حَاجَةَ لِي فِي الدُّنْيَا دَعْنِي أَجُوعُ يَوْمًا وَ أَشْبَعُ يَوْمًا فَأَلِيَوْمَ الَّذِي أَجُوعُ فِيهِ أَنْتَضِعُ إِلَى رَبِّي وَ أَسْأَلُهُ وَ الْيَوْمَ الَّذِي أَشْبَعُ فِيهِ أَشْكُرُ رَبِّي وَ أَحْمَدُهُ فَقَالَ لَهُ جَبْرِئِيلُ وَفُتَّتْ لِكُلِّ خَيْرٍ يَا مُحَمَّدُ؛ بحار الأنوار ج: ٤٢ ص: ٢٧٥

جَبْرِئِيلُ وَفَقْتُ لِكُلِّ خَيْرٍ يَا مُحَمَّدٌ؛ بحار الأنوار ج: ٤٢ ص: ٢٧٥

۳-۸-۱-۴-۱-۱-أَحْمَدُكَ وَأَشْكُرُكَ

﴿٤٦٥﴾ اَحْمَدُكَ اللَّهُمَّ وَ اَنْتَ لِلْحَمْدِ اَهْلٌ وَ اَشْكُرُكَ وَ اَنْتَ لِلشُّكْرِ اَهْلٌ عَنْ حُسْنِ صَنِيعِكَ
إِلَى وَ سَوَاجِعِ نِعَمِكَ عَلَى وَ جَزِيلِ عَطَايِكَ لَدَى وَ عَلَى كُلِّ مَا فَضَّلْتَنِي بِهِ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ اَسْبَغْتَ
عَلَيَّ مِنْ نِعْمَتِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٢٢١

عَلَىٰ مِنْ نِعْمَتِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٢١

﴿٤٦﴾ الرَّسُولُ ﷺ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمَدُكَ بِجَمِيعِ مَحَامِدِكَ كُلِّهَا وَ أَشْكُرُكَ شُكْرَ مُقَرَّرٍ

بِأَيِّدِيكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٢٨٠

٤-٨-١-٤-١-أحمدُهُ وَأَشْكُرُهُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۴۶۱﴾ امیرالمؤمنین علیه السلام در آغاز شب می فرمود: "روز را با شکر خدا و شب را با سپاس او آغاز می کنیم." و نیز نقل شده است که در آغاز روز می فرمود: "شب را با شکر خدا و روز را با سپاس او آغاز می کنیم هم چنان که تسلیم او بوده و روزمان را به دور از آفات شروع کردیم."

۱-۸-۴-۱-۱-۱ خدا را ستایش کن و از او سپاسگزاری کن

﴿۴۶۲﴾ حق پدرت این است که بدانی او ریشه و اصل توسست و اگر او نبود تو نبودی و هر چه را که در خودت می بینی که از آن خوشست می آید بدان که اصل آن نعمت، از پدر توسست، پس خدا را حمد کن و او را براین نعمت شکرگزار باش.

﴿۴۶۳﴾ ای فرزندم تو را جانشین خود قرار می دهم و بین من و تو هیچ کس ادعای جانشینی نمی کند مگر اینکه خداوند روز قیامت گردنبندی از آتش بر گردنش می اندازد؛ پس خدا را بر این نعمت سپاس بگو و او را شکر کن. ای فرزند عزیزم، آن را که به تو نعمت داده شکر کن و به آن که از تو شکر کرده نیکی کن که اگر شکر نعمت شود، نعمت از بین نمی رود و چنانچه نعمت مورد کفران قرار گیرد باقی نخواهد ماند و شاکر به خاطر شکری که توفیق آن به او داده شده بهره ی بیشتری دریافت می کند در مقایسه با نعمتی که توفیق آن به او داده شده و شکر آن بر او واجب شده است و علی بن الحسین علیه السلام این آیه را تلاوت نمود. "اگر شکرگزاری کنی (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود و اگر ناسپاسی کنی، مجازاتم شدید است."

﴿۴۶۴﴾ همانا جبرئیل علیه السلام بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نازل شد درحالی که کلیدهای گنج های زمین همراه او بود، و گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله، خدایی که خود سلام است بر تو سلام فرستاده و به تو می گوید: اگر بخوای کوه های تهامه را به طلا و نقره تبدیل می کنم. پس کلیدهای گنجینه های زمین را بگیر و از بهره های تو در روز قیامت هم چیزی کم نخواهد شد. پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: ای جبرئیل بعد از آن چه می شود؟ جبرئیل گفت: پایان دنیا مرگ است. پس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: در این صورت حاجتی به دنیا ندارم زیرا خداوند روزی گرسنه ام می دارد و روزی سیرم می کند پس من روزی را که گرسنه ام می دارد به سوی پروردگارم زاری می کنم و از او درخواست می کنم و روزی که مرا سیر می کند او را شکر می گویم و می ستایم پس به او جبرئیل گفت: ای محمد به همه خیر موفق شدی.

۱-۸-۴-۱-۱-۱ تو را می ستایم و تو را شکر می کنم

﴿۴۶۵﴾ پروردگارا، تو را، حمد و سپاس می گویم در حالی که تو سزاوارستایشی و تو را شکر می کنم به سبب آنکه تو لایق شکرگزاری هستی؛ زیرا تو بهترین نعمت های خود را به من ارزانی داشتی و لطف و احسانت را در اختیار من قرار دادی و به خاطر همه ی فضائل و نیکی ها و برجسته ترین نعمت های که از رحمت خود بر من مرحمت نمودی.

﴿۴۶۶﴾ پروردگارا، همانا من ستایش می کنم تو را به خاطر همه ی صفات پسندیده و ستوده شده ات، و تو را بر نعمت های شکر می کنم.

۱-۸-۴-۱-۱-۱ او را می ستایم و او را شکر می کنم

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٤٦٧﴾ الرضا عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَمَاتِنَا وَإِلَيْهِ النُّشُورُ لِعِبْدِهِ وَأَحْمَدُهُ وَأَشْكُرُهُ؛

مستدرک الوسائل ج: ۴ ص: ۱۴۶

(٤٦٨) الباقِرُ عليه السلام: أَحْمَدُهُ وَ أَشْكُرُهُ عَلَى السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ؛ رَوْضَةُ الْوَاعِظِينَ

ج: ۱ ص: ۹۲

٥-٨-١-٤-١- إْحْمَدُوا اللَّهَ وَاشْكُرُوهُ

﴿٤٦٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: نَحْنُ بَنُو هَاشِمٍ كُنُجُومُ السَّمَاءِ كُلَّمَا غَابَ نَجْمٌ بَدَأَ نَجْمٌ حَتَّى إِذَا أَشْرَتْهُ إِلَى بَايْدِيكُمْ وَأَوْمَأَتْهُم بِحَوَاجِبِكُمْ وَمَدَدْتُهُمْ إِلَيْهِ رِقَابَكُمْ جَاءَ مَلَكُ الْمَوْتِ فَيَغِيبُ مِنْ بَيْنِ أَظْهُرِكُمْ... وَكَانُوا كَأَسْنَانِ الْمُسْطَرِّ فَإِذَا أَطْلَعَ اللَّهُ لَكُمْ فَاحْمَدُوا اللَّهَ وَاشْكُرُوهُ؛ دلائل الإمامة

ص: ۲۹۱

﴿٤٧٠﴾ الصادق عليه السلام: الْحَوَامِيمُ رِيحَانُ الْقُرْآنِ فَإِذَا قَرَأْتُمُوهَا فَاحْمَدُوا اللَّهَ وَ اشْكُرُوهُ كَثِيرًا

بِحِفْظِهَا وَتِلَاوَتِهَا؛ وسائل الشيعة ج: ٦ ص: ١٤٦

٦-٨-١-٤-١- تَحْمَدُهُ وَتَشْكُرُهُ

﴿٤٧١﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): فَاحْمَدِ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ فَإِنَّهُ يُحِبُّ أَنْ تَحْمَدَهُ وَتَشْكُرَهُ لِيَزِيدَكَ إِلَى

مَا أَعْطَاكَ خَيْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٢٢ ص: ٥٣٢

﴿٤٧٢﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): فَيَقُولُ لَهُ النَّبِيُّ ﷺ: اِنْ كَانَ وَجَعًا يَا جَبْرِئِيلُ اَجْدُنِي وَجَعًا فَقَالَ لَهُ جَبْرِئِيلُ (عليه السلام) اَعْلَمْ يَا مُحَمَّدُ اِنَّ اللَّهَ لَمْ يَشْدُدْ عَلَيْكَ وَمَا مِنْ اَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ اَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنْكَ وَ لَكِنَّهُ اَحَبُّ اَنْ يَسْمَعَ صَوْتِكَ وَ دُعَاكَ حَتَّى تَلْقَاهُ مُسْتَوْجِبًا لِلدَّرَجَةِ وَ الثَّوَابِ الَّذِي اَعَدَّ لَكَ وَ الْكَرَامَةِ وَ الْفَضِيلَةِ عَلَى الْخَلْقِ وَ اِنْ قَالَ لَهُ النَّبِيُّ ﷺ: اَجْدُنِي مُرِيحًا فِي عَافِيَةٍ قَالَ لَهُ فَاحْمَدِ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ فَانَّهُ يُحِبُّ اَنْ تَحْمَدَهُ وَ تَشْكُرَهُ لِيَزِيدَكَ اِلَى مَا اَعْطَاكَ خَيْرًا فَانَّهُ يُحِبُّ اَنْ

يُحْمَدَ وَ يَزِيدُ مَنْ شَكَرَ؛ بحار الأنوار ج: ٢٢ ص: ٥٣٢

٧-٨-١-٤-١- تَحْمَدُونَ اللَّهَ وَتَشْكُرُونَهُ

﴿٤٧٣﴾ أَنْ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ شَكَا إِلَيْهِ مَا يَقُولُونَ مِنَ النَّاسِ فَقَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَاذَا نَحْنُ

فِيهِ مِنْ أَذَى النَّاسِ وَ مُطَالَبَتِهِمْ لَنَا وَ بَغْضِهِمْ إِيَّانَا وَ طَعْنِهِمْ عَلَيْنَا كَأَنَّا لَسْنَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْمُسْلِمِينَ

فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ أَوْ مَا تَحْمَدُونَ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ وَتَشْكُرُونَهُ؛ دُعَاءُ الْإِسْلَامِ ج: ١ ص: ٤٧

٨-٨-١-٤-١- شَاكِرًا وَحَامِدًا

﴿٤٧٤﴾ اجْعَلْنِي لَأَلَّاكَ شَاكِرًا وَحَامِدًا؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٦٦

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۴۶۷﴾ حمد و سپاس خدای تعالی را که پس از مردن، ما را زنده کرد و ما را به سوی خود از خاک برآورد تا او را بپرستیم، سپاس گوئیم و شکر گزار باشیم.

﴿۴۶۸﴾ خداوند را در همه حال ستایش می‌کنم و در سختی و راحتی و شدت و آسایش، شکر گزار اویم.

۵-۸-۱-۴-۱-۱-۱ خدا را بستایید و سپاسگزاری کنید

﴿۴۶۹﴾ ما بنی‌هاشم مانند ستارگان آسمانیم هرگاه ستاره‌ای پنهان شود، ستاره‌ای دیگر آشکار می‌شود تا اینکه با دستان و ابروهایتان به آن اشاره می‌کنید و گردن‌هایتان را به سوی او می‌کشید، تا فرشته‌ی مرگ درآید و از مقابل شما پنهان شود؛ و آن‌ها مانند دندان‌های شانه هستند پس آنگاه که خداوند نورتان را برایتان نمایان کرد خدا را حمد کنید و سپاسش گزارید.

﴿۴۷۰﴾ سوره‌هایی را که با " حم " شروع می‌شوند گل‌های خوشبوی قرآن هستند پس آنگاه که آن‌ها را قرائت نمودید خدا را ستایش کرده و بسیار شکر کنید.

۶-۸-۱-۴-۱-۱-۱ خدا را ستایش و از او سپاسگزاری کن

﴿۴۷۱﴾ خدا را ستایش کن و شکرگزار که او دوست دارد که او را بستایی و شکر کنی تا آنچه به تو عطا فرموده بیافزاید و بهتر از آن را به تو عطا فرماید.

﴿۴۷۲﴾ پیامبر ﷺ فرمود: ای جبرئیل احساس درد دارم، جبرئیل گفت: ای محمد، بدان که خداوند بر تو سخت نگرفته و هیچ آفریده‌ای نزد خدا گرمی‌تر از تو نیست، ولی خداوند دوست دارد که صدای تو و دعای تو را بشنود تا سزاوار پاداش و کرامت و فضیلت و درجه‌ای شوی به تو وعده داده‌ام. و آن‌گاه که پیامبر ﷺ می‌فرمود: احساس راحتی و سلامت می‌کنم، جبرئیل به او می‌گفت: به این حال خدا را ستایش کن، زیرا او دوست دارد ستایش شود و مورد سپاسگزاری قرار گیرد تا بر آنچه به تو عطا کرد بیافزاید و بهتر از آن را نصیب تو کند زیرا خداوند دوست دارد ستوده شود و بر سپاسگزار بیافزاید.

۷-۸-۱-۴-۱-۱-۱ خدا را ستایش و از او سپاسگزاری کنید

﴿۴۷۳﴾ یکی از اصحاب امام علیؑ از برخوردهای مردم به ایشان شکوه کرد و گفت: ای پسر پیامبر خدا، این چه وضعی است که ما داریم؟ مردم ما را اذیت می‌کنند و از ما چیزهایی می‌خواهند و فقط بر ما کینه می‌ورزند و دشمنی می‌کنند و بر ما طعنه می‌زنند گویا ما را مسلمان نمی‌دانند اباعبدالله علیؑ به او فرمودند: آیا خدا را بر این امر حمد نمی‌کنید و او را شکر نمی‌نمایید؟

۸-۸-۱-۴-۱-۱-۱ در حال شکر و در حال حمد

﴿۴۷۴﴾ پروردگارا، مرا از زمره‌ی کسانی که برای تو شاکر و، سپاس گزار هستند قرار بده.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٤٧٥﴾ الْبَاقِرُ الرَّحْمَنُ: اِنْقَلَبْتُ يَا سَيِّدِي عَنْكُمَا تَائِبًا حَامِدًا لِلَّهِ شَاكِرًا؛ الْبَلَدُ الْأَمِينُ ص: ٢٧٢

۹-۸-۱-۴-۱-حَامِدُونَ شَاكِرُونَ

﴿٤٧٦﴾ الصادق عليه السلام: وَاسْأَلِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَقْبَلَهُ مِنْكَ وَلَا يَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْكَ ثُمَّ

تَقُولُ وَأَنْتَ مَا رَأَيْتُكَ تَائِبُونَ حَامِدُونَ لِرَبِّنَا شَاكِرُونَ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٢ ص: ٥٥٧

﴿٤٧٧﴾ الْعِلَّةُ فِي الصَّلَاةِ الْاسْتِعْبَادُ وَالْإِفْرَارُ بِرُبُوبِيَّتِهِ وَخَلْعُ الْأُنْدَادِ مُكَرَّرًا ذَلِكَ عَلَيْهِمْ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ وَلِنَلَّا يَنْسَوُا خَالِقَهُمْ وَرَازِقَهُمْ وَلَا يَعْقِلُوا عَنْ طَاعَتِهِ وَيَكُونُوا ذَاكِرِينَ

حَامِدِينَ شَاكِرِينَ لِنِعْمِهِ وَ تَفَضُّلِهِ عَلَيْهِمْ؛ بحار الأنوار ج: ٧٩ ص: ٢٧٥

﴿٤٧٨﴾ السَّجَادَ الْعَظِيمَ: اللَّهُمَّ أَحَقَّ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ وَذُرِّيَّتِهِمْ وَشِعْتِهِمْ بَنِيكَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ

أَلْحِقْنَا بِهِمْ... شَاكِرِينَ حَامِدِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٢٣٢

﴿٤٧٩﴾ **امير المؤمنين** عليه السلام: فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِكَ كَفَيْتُهُ كُلَّ الَّذِي أَكْفَى عِبَادِي الصَّالِحِينَ الْحَامِدِينَ

الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٤ ص: ٥٦

١٠-٨-١-٤-١-١-الحَمْدُ وَالشُّكْرُ

﴿٤٨٠﴾ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَلَكَ الْحَمْدُ وَ الشُّكْرُ؛ البلد الأمين ص: ٢٥٥

﴿٤٨١﴾ الباقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَلَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ؛ البلداأمين ص: ٢٧٢

﴿٤٨٢﴾ الكَافِرُ: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِذَا شَرِبَ مِنْ زَمْزَمَ بِسْمِ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ

الشُّكْرُ لِلَّهِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٦ ص: ٢٤٤

﴿٤٨٣﴾ الباقِرُ الرَّحْمٰنُ: كَانَ نُوحٌ إِذَا أَمْسَى وَ أَصْبَحَ يَقُولُ أَمْسَيْتُ أَشْهَدُ أَنَّهُ مَا أَمْسَى بِي مِنْ نِعْمَةٍ

أَوْ دُنْيَا فَإِنَّهَا مِنَ اللَّهِ وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْحَمْدُ بِهَا عَلَىَّ وَالشُّكْرُ كَثِيرًا فَأَنْزَلَ اللَّهُ إِنَّهُ

كَانَ عَبْدًا شَكُورًا؛ بحار الأنوار ج: ١١ ص: ٢٩١

﴿٤٨٤﴾ الصادق (عليه السلام): لَكَ مَا تَرْضَى بِهِ مِنَ الثَّنَاءِ وَالْحَمْدِ وَالشُّكْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٤٠٠

﴿٤٨٥﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: فَالِكِ الْحَمْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ بِهِ عَلَى حَتَّى تَرْضَى وَ بَعْدَ الرِّضَا؛

مكارم الأخلاق ص: ٢٧٧

﴿٤٨٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَلِكِ الْحَمْدُ يَا إِلَهِي كَثِيرًا وَلَكَ الشُّكْرُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ؛ بحار الأنوار

ج: ٩٤ ص: ١٩٨

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۴۷۵﴾ ای دو سرور و آقای من (حضرت امیرالمؤمنین و امام حسین علیهما السلام) از نزد شما توبه کننده و سپاسگزار و شکرگزار خدا باز می گردم.

۹-۸-۱-۴-۱- ستایشگران سپاسگزار

﴿۴۷۶﴾ از خدای عزیز و جلیل درخواست کن که آن را از تو قبول کند، و آن را آخرین حج و عمره‌ی تو قرار ندهد سپس، در حالی که حرکت می کنی، بگو: ناله کننده بازگشت کننده و سپاسگزار و شکرگزار پروردگارمان هستیم.

﴿۴۷۷﴾ علت نمازخواندن بندگی و اقرار به ربوبیت است و کنار گذاشتن آنچه که شریک خدا می پندارند، این کار در هر روز و شب پنج بار بر آنان واجب است و نیز برای اینکه خالق و رازقشان را فراموش نکنند و از طاعتش غفلت ننمایند و ذاکر و سپاسگزار نعمت‌ها و نیکی‌هایش بر آنان باشند.

﴿۴۷۸﴾ خداوندا، اهل بیت پیامبر خود و اولاد و پیروان ایشان را به پیامبرت، که بزرگ و برگزیده‌ی پیامبران است ملحق فرما و ما را به ایشان ملحق فرما درحالی که از زمره‌ی... سپاسگزاران و ستایش کنندگان باشیم.

﴿۴۷۹﴾ وقتی که بنده‌ام این را بگوید، همان گونه که بندگان صالح و ستایش کننده‌ی شاکرم را بی نیاز می کنم، او را نیز بی نیاز می کنم،

۱۰-۹-۱-۴-۱- حمد و شکر

﴿۴۸۰﴾ سپاس و ستایش سزاوار توست.

﴿۴۸۱﴾ پس ستایش و شکر مخصوص توست.

﴿۴۸۲﴾ ابوالحسن علیه السلام هنگام نوشیدن از آب زمزم می فرمود: به نام خدا و حمد و سپاس برای خداست و شکر و قدردانی مخصوص خدای یگانه است.

﴿۴۸۳﴾ نوح علیه السلام در ابتدای شب و در آغاز صبح چنین می گفت: شهادت می دهم که همه‌ی نعمت‌هایی که از دین و دنیا همراه من بوده از طرف خداست، یکتایی که شریک ندارد و شکر فراوانش بر من واجب است پس خداوند چنین نازل کرد: " او بنده‌ای بسیار شکرگزار بود ".

﴿۴۸۴﴾ حمد و تحسین و شکری که شایسته‌ی توست که تو را راضی کند.

﴿۴۸۵﴾ حمد و سپاس این نعمت‌ها بر گردن من است تا آنجا که از من خشنود و راضی گردی و حتی پس از رضایت تو.

﴿۴۸۶﴾ خدایا، ستایش فراوان و شکر سزاوار توست، ای پروردگار جهانیان.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٤٨٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: حَقُّ اللَّهِ فِي الْعُسْرِ الرِّضَى وَالصَّبْرُ وَحَقُّهُ فِي الْيُسْرِ الْحَمْدُ وَ الشُّكْرُ؛

بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٤٥

﴿٤٨٨﴾ الصادق (عليه السلام): فَأَكْثَرُ مِنَ الْحَمْدِ وَ الشُّكْرِ عَلَى اللَّهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ

لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٢٠٠

﴿٤٨٩﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٩

﴿٤٩٠﴾ الصادق عليه السلام: أَلْهَمَنِي لَكَ الْحَمْدَ وَ الشُّكْرَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٢٧٠

﴿٤٩١﴾ السَّجَادَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَالتَّثَنَاءُ وَالشُّكْرُ؛ المصباح للكفعمي ص: ٧٤

﴿٢٩٢﴾ اللَّهُمَّ وَ لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ بِجَمِيعِ مَحَامِدِكَ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نِعَمَائِكَ كُلِّهَا؛

بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٢٧١

﴿٤٩٣﴾ الباقِرُ الْعَلِيٌّ: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ وَلَكَ الشُّكْرُ كُلُّهُ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٧٦

﴿٤٩٤﴾ الرَّسُولُ ﷺ: فَكَرَّ الْحَمْدُ رَبَّنَا وَ لَكَ الشُّكْرُ وَ الْهُنَّةُ عَلَى مَا قَدَّرْتَ وَ وَقَفْتَ؛

مستدرک الوسائل ج: ۴ ص: ۳۷۳

﴿٤٩٥﴾ الرسول ﷺ: لَهُ الْحَمْدُ وَلَهُ الشُّكْرُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ١٧

﴿٤٩٦﴾ الزهراء عليها السلام: فَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى إِفْضَالِهِ وَالشُّكْرُ لِلَّهِ الْعَزِيزِ الْقَادِرِ

المناقب ج: ٣ ص: ٣٥٥

﴿٤٩٧﴾ الصادق عليه السلام: قَالَ آدَمُ عليه السلام: عِنْدَ ذَلِكَ يَا رَبِّ مَا هَذَا الْخَلْقُ الْحَسَنُ الَّذِي قَدْ آتَسَنِي

قَرُبُهُ وَ النَّظَرُ إِلَيْهِ فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَا آدَمُ هَذِهِ أَمَتِي حَوَّاءُ أَ فَتَحِبُّ أَنْ تَكُونَ مَعَكَ

تَوْنُسُكَ وَتُحَدِّثُكَ وَتَكُونُ تَبَعًا لِأَمْرِكَ فَقَالَ نَعَمْ يَا رَبِّ وَلَكَ عَلَىٰ بَذْلِكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ

مَا بَقِيَ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٣ ص: ٣٧٩

﴿٤٩٨﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: لَكَ الْحَمْدُ مَا أَظْهَرَ نِعْمَاءَكَ وَ لَكَ الشُّكْرُ مَا أَكْبَرَ عَظَمَتِكَ؛

بحار الأنوار ج: ٨٨ ص: ١٧٥

﴿٤٩٩﴾ الصادق (عليه السلام): وَ لِمَوْلَايَ الْحَمْدُ وَ الشُّكْرُ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَ مُسْتَحَقُّهُ؛ بحار الأنوار ج: ٣

ص: ۱۵۰

﴿٥٠٠﴾ السَّجَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَكَفَّ لِي بِتَحْصِيلِ الشُّكْرِ وَشُكْرِي إِيَّاكَ بِفَتْحٍ إِلَى شُكْرٍ فَكَلَّمَا قُلْتُ

لَكَ الْحَمْدُ وَجَبَ عَلَيَّ لِذَلِكَ أَنْ أَقُولَ لَكَ الْحَمْدُ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٤٦

۱۱-۸-۱-۴-۱-۱-حَمْدُ وَ شُكْرُ

﴿٥٠١﴾ الرسول ﷺ: الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَمْدٍ وَذِكْرٍ وَشُكْرٍ؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ١١٥

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۴۸۷﴾ حق خدا در حالت تنگدستی، رضایت و خشنودی و صبر و شکیبایی است و حق خدا در هنگام فراخی نعمت، حمد و سپاس اوست.

﴿۴۸۸﴾ خدا را فراوان ستایش و سپاسگزاری کن. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: "اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود".

﴿۴۸۹﴾ حمد و ستایش و شکر و سپاس تنها سزاوار توست.

﴿۴۹۰﴾ شکر و ستایش را به من الهام کن.

﴿۴۹۱﴾ پروردگارا، حمد و ستایش و شکر مخصوص توست.

﴿۴۹۲﴾ پروردگارا، همه‌ی انواع ستایش و سپاسگزاری در مقابل همه‌ی نعمت‌ها متعلق به توست.

﴿۴۹۳﴾ پروردگارا، تمامی ستایش و تمامی شکر مخصوص توست.

﴿۴۹۴﴾ پس حمد سزاوار توست ای پروردگار ما، و شکر و منت به خاطر آنچه تقدیر نمودی و توفیق دادی از آن توست.

﴿۴۹۵﴾ ستایش و سپاس مخصوص اوست.

﴿۴۹۶﴾ ستایش مخصوص خداست به خاطر الطافش... و شکر مخصوص خدای عزیز و تواناست.

﴿۴۹۷﴾ در این هنگام آدم عليه السلام عرض کرد: خدایا، این مخلوق زیبا کیست که همشینی و نگرستن به او مرا به آرامش می‌رساند؟ خداوند متعال فرمود: این کنیز من حواست، آیا دوست داری همدم تو باشد و با تو هم صحبت شود، و پیرو تو باشد؟ آدم گفت: آری ای پروردگار من؛ و به پاس آن تا زنده هستم ستایش و سپاس تو را بر خود لازم می‌دانم.

﴿۴۹۸﴾ حمد و سپاس برای توست، و چه آشکار است نعمت‌های تو، و شکر مخصوص توست و چه بزرگ است عظمت تو.

﴿۴۹۹﴾ ستایش و سپاس متعلق به مولا و سرورم است آن‌چنان که او شایسته‌ی آن است و استحقاق آن را دارد.

﴿۵۰۰﴾ پس چگونه می‌توانم به شکر تو دست یابم در حالی که شکر من نیازمند شکر دیگری است، پس هرچه حمد و سپاست بگویم، به خاطر آن حمد دیگری بر من واجب می‌شود.

۱۱-۸-۱-۴-۱- حمد و شکر

﴿۵۰۱﴾ در هر ستایش و یاد و شکر. ستایش مخصوص خداست.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٥٠٢﴾ العسكرى عليه السلام: إِنْ اللَّهَ يَعْلَمُ مِنَ الْحِسَابِ مَا لَا يَبْلُغُهُ عَقُولُ الْخَلْقِ إِنَّهُ يَضْرِبُ أَلْفًا وَ سَبْعِمِائَةً فِي أَلْفٍ وَ سَبْعِمِائَةً ثُمَّ مَا ارْتَفَعَ مِنْ ذَلِكَ فِي مِثْلِهِ إِلَى أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ أَلْفَ مَرَّةٍ ثُمَّ آخِرُ مَا يَرْتَفِعُ مِنْ ذَلِكَ عَدَدٌ مَا يَهْبُهُ اللَّهُ لَكَ يَا عَلِيُّ فِي الْجَنَّةِ مِنَ الْقُصُورِ قَصْرٌ مِنْ ذَهَبٍ وَ قَصْرٌ مِنْ فِضَّةٍ وَ قَصْرٌ مِنْ لَوْلُؤٍ وَ قَصْرٌ مِنْ زَبَرْجَدٍ وَ قَصْرٌ مِنْ جَوْهَرٍ وَ قَصْرٌ مِنْ نُورٍ رَبِّ الْعِزَّةِ وَ أَعْصَافِ ذَلِكَ مِنَ الْعَبِيدِ وَ الْخُدَمِ وَ الْخَيْلِ وَ النَّجَبِ تَطِيرُ بَيْنَ سَمَاءِ الْجَنَّةِ وَ أَرْضِهَا فَقَالَ عَلِيُّ عليه السلام حَمْدًا لِرَبِّي وَ شُكْرًا: بحار الأنوار ج: ٨ ص: ١٦٥

١٢-٨-١-٤-١-١- حَمْدًا وَشُكْرًا

﴿٥٠٣﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنَا حُسْنَ مُصَاحَبَتِهِ، وَاعْصِمْنَا مِنْ سُوءِ مُفَارَقَتِهِ بَارِتْكَابِ جَرِيرَةٍ، أَوْ اقْتِرَافِ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ، وَاجْزُلْ لَنَا فِيهِ مِنَ الْحَسَنَاتِ، وَاخْلُنا فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَامْلَأْ لَنَا مَا بَيْنَ طَرَفَيْهِ حَمْدًا وَشُكْرًا وَاجْرًا وَذُخْرًا وَفَضْلًا وَإِحْسَانًا؛ الصَّحِيفَةُ السَّجَادِيَّةُ (الطَّبَاتُ) ص: ٤٨

۱۳-۸-۱-۴-۱- حَمْدًا لِلَّهِ وَشُكْرًا

﴿٥٠٤﴾ دَعَا اللَّهَ أَنْ يَجْمَعَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ زَوْجَتِهِ حَوَاءَ قَالَ فَكَانَ ذَهَابُ آدَمَ مِنَ الصَّفَا إِلَى الْمَرْوَةِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَرُجُوعُهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَذَلِكَ سِتَّةُ أَشْوَاطٍ فَلَمَّا أَنْ دَعَا اللَّهَ وَبَكَيَا إِلَيْهِ وَسَأَلَاهُ أَنْ يَجْمَعَ بَيْنَهُمَا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُمَا مِنْ سَاعَتِهِمَا مِنْ يَوْمِهِمَا ذَلِكَ مَعَ زَوَالِ الشَّمْسِ فَأَتَاهُ جَبْرِئِيلُ وَهُوَ عَلَى الصَّفَا وَاقِفٌ يَدْعُو اللَّهَ مُقْبِلًا بَوَجْهِهِ نَحْوَ التَّرْعَةِ فَقَالَ لَهُ جَبْرِئِيلُ عليه السلام أَنْزِلْ يَا آدَمُ مِنَ الصَّفَا فَالْحَقْ بِحَوَاءَ فَنَزَلَ آدَمُ مِنَ الصَّفَا إِلَى الْمَرْوَةِ فَفَعَلَ مِثْلَ مَا فَعَلَ فِي الثَّلَاثِ الْمَرَّاتِ حَتَّى انْتَهَى إِلَى الْمَرْوَةِ فَصَعِدَ عَلَيْهَا وَآخَبَ حَوَاءَ بِمَا أَخْبَرَهُ جَبْرِئِيلُ عليه السلام فَفَرَحَا بِذَلِكَ فَرَحًا شَدِيدًا وَحَمْدًا لِلَّهِ وَشُكْرًا لَهُ فَلِذَلِكَ جَرَتْ السَّنَةُ بِالسَّعْيِ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ؛ بحار الأنوار ج: ١١ ص: ١٨٤

١٢-١٨-١٤-١- حَمْدُ اللَّهِ وَشُكْرُهُ

١٤-٨-١-٤-١- حَمْدُ اللَّهِ وَشُكْرُهُ

﴿٥٠٥﴾ الصادق عليه السلام: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَرَأَيْتَ هَذِهِ النُّعْمَةَ الظَّاهِرَةَ عَلَيْنَا مِنَ اللَّهِ أَ لَيْسَ إِنْ شَكَرْنَاهُ عَلَيْهَا وَحَمِدْنَاهُ زَادَنَا كَمَا قَالَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ فَقَالَ نَعَمْ مِنْ حَمْدِ اللَّهِ عَلَى نِعَمِهِ وَشُكْرِهِ وَ عَلِمَ أَنَّ ذَلِكَ مِنْهُ لَا مِنْ غَيْرِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٥٣

﴿٥٠٦﴾ الباقِرُ الرَّحْمَنُ: فَإِذَا سَلَّمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَانْصَرَفَ حَمْدُ اللَّهِ تَعَالَى وَشَكَرُهُ وَتَصَدَّقَ بِمَا تَبَيَّنَ لَهُ؛ مِنْ لِيَحْضُرَهُ الْفَقِيه ج: ٢ ص: ٢٧٠

﴿٥٠٧﴾ الصادق (عليه السلام): فَإِذَا هُوَ دَخَلَهَا وَ عَظُمَتْ مَسَرَّتُهُ شَكَرَ اللَّهَ وَ حَمَدَهُ؛ بحار الأنوار ج: ٨.

ص: ۱۲۰

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۵۰۲﴾ یا علی علیه السلام خداوند آن قدر حساب می‌داند که عقل مخلوقات به آن نمی‌رسد هزار و هفتصد را در هزار و هفتصد ضرب می‌کند سپس این کار را آن قدر انجام می‌دهد تا هزار بار بشود و نهایت آن تعداد قصرهایی می‌شود که خداوند به تو در بهشت می‌بخشد قصری از طلا و قصری از نقره و قصری از مروارید و قصری از زبرجد و قصری از گوهر و قصری از نور. پروردگارت و چندین برابر آن غلام و خدم و حشم و ندیم که بین آسمان و زمین بهشت پرواز می‌کنند، همه را به تو عطا می‌نماید پس علی علیه السلام گفت: حمد و شکر پروردگارم را سزااست.

۱۲-۸-۱-۴-۱-۱-۱ حمد و شکر

﴿۵۰۳﴾ خدایا، بر محمد صلی الله علیه و آله و خاندانش درود فرست، و همراه خوبی بودن با این روز را نصیب ما گردان، و ما را از بدجدا شدن از آن بر اثر نافرمانی یا به‌جا آوردن گناه کوچک یا بزرگ، مصون نگهدار. و در این روز بر نیکی‌های ما بیافزا، و از بدی‌ها تهی‌مان ساز، و دو طرف (اول تا آخر) آن را برای ما از ستایش و سپاس و پاداش و اندوخته (برای آخرت) و بخشش و نیکی لبریز کن.

۱۳-۸-۱-۴-۱-۱-۱ خدا را ستودند و شکر گزار شدند

﴿۵۰۴﴾ از خدا خواست تا او و همسرش حوا را به‌هم برساند و آدم سه بار از صفا به مروه رفت و سه بار برگشت که جمعاً شش دور شد. آنگاه خدا را صدا زدند و گریستند و از او خواستند تا آن‌ها را به‌هم برساند خداوند در همان ساعت و همان روز هنگام ظهر دعایشان را مستجاب کرد و جبرئیل نزد آدم آمد درحالی که آدم در صفا ایستاده بود و خدا را صدا می‌کرد و رو به چشمه کرده بود، جبرئیل علیه السلام به او گفت: ای آدم از صفا پایین بیا و به حوّا ملحق شو، آدم از صفا پایین آمد و به‌سوی مروه رفت و مثل قبل سه بار این کار را انجام داد تا به مروه منتهی شود و بالای کوه رفت و حوّا را از آنچه که جبرئیل علیه السلام گفته بود باخبر کرد، و از این خبر بسیار خوشحال شدند و خدا را حمد کردند و شکرش نمودند به همین دلیل سعی بین صفا و مروه سنت شد.

۱۴-۸-۱-۴-۱-۱-۱ خدا را ستود و سپاسگزاری کرد

﴿۵۰۵﴾ به حضرت صادق علیه السلام گفتیم: این نعمت ظاهری را که خدا عنایت فرموده ملاحظه می‌فرمایید؟ آیا چنین نیست که اگر ما شکر خدا را در برابر این نعمت انجام داده و حمد و سپاس او را به‌جا آوریم خداوند، همچنان که خود فرموده "لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ" نعمت را بر ما می‌افزاید؟ حضرت فرمود: آری، مطلب همین‌طور است، هر کس خداوند را در برابر نعمتش حمد و سپاس نماید و بداند که این نعمت و یا این توفیق فقط از اوست نه غیر او، خداوند نعمت را زیاد می‌کند.

﴿۵۰۶﴾ پس چون خدای او را به سلامت می‌داشت و از سفر بازمی‌گشت، خدای تعالی را ستایش می‌کرد، و به هراندازه که برایش ممکن بود صدقه می‌داد.

﴿۵۰۷﴾ پس هنگامی که داخل شد و شادمانی‌اش زیاد شد خدا را شکر کرد و او را ستود.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٥٠٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَإِنْ ذَكَرَ أَنَّهُ جَرَى مِنْهُ خَيْرٌ حَمِدَ اللَّهَ تَعَالَى وَشَكَرَهُ عَلَى تَوْفِيقِهِ؛
تأويل الآيات الظاهرة

١٥-٨-١-١٤-١- حَمِدَ اللَّهَ وَسَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ

﴿٥٠٩﴾ الباقر عليه السلام: فَأَقْبَلَ وَلَدُ يَعْقُوبَ يُحْثُونَ السَّيْرَ بِالْقَمِيصِ فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالَ لَهُمْ مَا فَعَلَ ابْنُ يَامِينَ قَالُوا خَلَفْنَاهُ عِنْدَ أَخِيهِ صَالِحًا فَحَمِدَ اللَّهَ عِنْدَ ذَلِكَ يَعْقُوبُ وَسَجَدَ لِرَبِّهِ سَجْدَةَ الشُّكْرِ وَاعْتَدَلَ ظَهْرُهُ وَقَالَ لَوْلَدِهِ تَحَمَّلُوا إِلَى يُوسُفَ مِنْ يَوْمِكُمْ فَسَارُوا فِي تِسْعَةِ أَيَّامٍ إِلَى مِصْرَ فَلَمَّا دَخَلُوا اعْتَنَقَ يُوسُفُ أَبَاهُ وَرَفَعَ خَالَتَهُ ثُمَّ دَخَلَ مَنْزِلَهُ وَادَّهَنَ وَلَبَسَ ثِيَابَ الْمُلْكِ فَلَمَّا رَأَوْهُ سَجَدُوا شُكْرًا لِلَّهِ؛ بحار الأنوار ج: ١٢ ص: ٢٨٧

١٦-٨-١-١٤-١- حَمِدْتُكَ وَشَكَرْتُكَ

﴿٥١٠﴾ الرسول عليه السلام: غُرِضْتُ عَلَى بَطْحَاءِ مَكَّةَ ذَهَبًا فَقُلْتُ يَا رَبِّ لَا وَلَكِنْ أَشْبَعُ يَوْمًا وَأَجُوعُ يَوْمًا فَإِذَا شَبِعْتُ حَمِدْتُكَ وَشَكَرْتُكَ وَإِذَا جُعْتُ دَعَوْتُكَ وَذَكَرْتُكَ؛ الكافي ج: ٨ ص: ١٣١

١٧-٨-١-١٤-١- شَكَرْتُهُ وَحَمِدْتُهُ

﴿٥١١﴾ الصادق عليه السلام: بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام مَعَ أَصْحَابِهِ إِذْ سَجَدَ فَأَطَالَ السُّجُودَ حَتَّى ظَنُّوا أَنَّهُ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَقَدْ أَطَلْتَ السُّجُودَ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّكَ مِمَّا ذَاكَ فَقَالَ عليه السلام أَتَانِي جَبْرِئِيلُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْرُئُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ إِنِّي لَنْ أَسْوءَكَ فِيمَنْ وَالَاكَ مِنْ أُمَّتِكَ وَلَنْ أَقْضِيَ عَلَى مُؤْمِنٍ قَضَاءً سَاءَهُ أَوْ سَرَّ ذَلِكَ إِلَّا وَهُوَ خَيْرٌ لَهُ قَالَ عليه السلام فَلَمْ يَكُنْ عِنْدِي مَالٌ فَاتَّصَدَّقْتُ بِهِ وَ لَا مَمْلُوكٌ فَأَعْتَقْتُهُ فَسَجَدْتُ لِلَّهِ وَ شَكَرْتُهُ وَ حَمِدْتُهُ عَلَى ذَلِكَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ١٥١

١٨-٨-١-١٤-١- حَمِدْتُكَ وَشَكَرْتُكَ

﴿٥١٢﴾ أَنْطِقْ بِحَمْدِكَ وَشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ وَحُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْكَ لِسَانِي؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ١١٢

﴿٥١٣﴾ أَقْصِرْ فِي حَقِّكَ وَاعْرِضْ عَنِ ذِكْرِكَ وَاجْلُ بِمَا يَجِبُ عَلَى مَنْ حَمَدَكَ وَشَكَرَكَ؛
البلد الأمين ص: ٤٢٨

١٩-٨-١-١٤-١- شُكْرُهُ وَحَمْدُهُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۵۰۸﴾ پس؛ اگر به یادش آید که از او خیری سر زده، به حمد و ستایش خدای عزیز و جلیل بپردازد و بر این توفیق، خدا را شکر کند.

۱۵-۸-۱-۴-۱-۱ خدا را ستود و سجده‌ی شکر به جا آورد

﴿۵۰۹﴾ پسران یعقوب به سرعت پیراهن را آوردند و آنگاه که نزد او وارد شدند یعقوب به آن‌ها گفت: ابن‌یامین چه شد؟ گفتند: او با احترام نزد برادرش مانده است پس یعقوب آن‌هنگام خدا را ستایش کرد و برای پروردگارش سجده‌ی شکر به جا آورد و پشتش راست شد و به پسرانش گفت: امروز به‌سوی یوسف بروید و نه روزه به مصر رفتند و آنگاه که وارد شدند یوسف پدرش را در آغوش گرفت و خاله‌اش را اکرام کرد بعد وارد اطاق خود شد و روغن مالید و لباس پادشاهی پوشید و آنگاه که او را در لباس پادشاهی دیدند به شکرانه سجده‌ی شکر نمودند.

۱۶-۸-۱-۴-۱-۱ تو را می‌ستایم و تو را شکر می‌کنم

﴿۵۱۰﴾ دره‌ی بطحای مکه را پر از طلا به من عرضه کردند اما من گفتم: پروردگارا، نه، چنانچه من روزی سیر باشم و روزی گرسنه (برایم بهتر است) تا چون سیر شوم تو را سپاس گویم و هنگامی که گرسنه شوم تو را بخوانم و یادت کنم.

۱۷-۸-۱-۴-۱-۱ او را می‌ستایم و او را شکر می‌کنم

﴿۵۱۱﴾ پیامبر خدا ﷺ با اصحابشان بودند که به سجده رفتند سجودشان طولانی شد به حدی که گمان کردند ایشان به رحمت خدا رفته‌اند... سپس سرشان را بلند کردند. از ایشان پرسیدند: ای پیامبر خدا، سجده‌ات را طولانی نمودی به حدی که ما گمان کردیم که از دنیا رفته‌ای. فرمود: جبرئیل از نزد خداوند تبارک و تعالی بر من نازل شد و گفت: ای محمد! پروردگارت تو را سلام می‌رساند و به تو می‌فرماید، من هرگز در مورد بنده‌ای از امت که تو را دوست دارد امر ناراحت کننده‌ای نفرستاده‌ام، و بر هر مؤمنی امری را که در ظاهر او را ناراحت کند یا او را شادمان کند انجام ندادم مگر اینکه آن کار برای او خیر بود. پیامبر خدا ﷺ فرمود: نه مالی نزد من بود که آن را صدقه دهم و نه بنده‌ای که او را آزاد سازم، پس به شکرانه برای خدا به سجده افتادم و او را شکر کردم و بر این امر او را ستایش کردم.

۱۸-۸-۱-۴-۱-۱ حمد تو و شکر تو

﴿۵۱۲﴾ زبانم را با حمد و سپاس و یاد و ستایش نیک خود گویا فرما.

﴿۵۱۳﴾ پروردگارا، در رعایت حق تو کوتاهی کردم، و از یاد تو روگرداندم و شکر و ستایش واجبیت را ادا نکردم.

۱۹-۸-۱-۴-۱-۱ شکر او و حمد او

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٥١٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اذْكُرُوا اللَّهَ عَلَى الطَّعَامِ وَلَا تَلْغَطُوا فَإِنَّهُ نِعْمَةٌ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ وَرِزْقٌ مِنْ رِزْقِهِ يَجِبُ عَلَيْكُمْ فِيهِ شُكْرُهُ وَذِكْرُهُ وَحَمْدُهُ؛ وسائل الشيعة ج: ٢٤ ص: ٣٥٠

﴿٥١٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَكْثِرُوا ذِكْرَ اللَّهِ عَلَى الطَّعَامِ وَلَا تَطْغَوْا فَإِنَّهَا نِعْمَةٌ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ وَرِزْقٌ مِنْ رِزْقِهِ يَجِبُ عَلَيْكُمْ فِيهِ شُكْرُهُ وَحَمْدُهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٦ ص: ٢٧٣

﴿٥١٦﴾ الصادق عليه السلام: دَخَلَ عَلَى فَاطِمَةَ وَالحَسَنَ وَالحُسَيْنِ عليهم السلام وَرَدَّهُ فِي أَيْدِيهِمْ فَتَحَيَّوْا بِهِ وَقَبِّلُوهُ وَأَكْثِرُوا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَحَمْدِهِ وَشُكْرِهِ وَالثَّنَاءِ عَلَيْهِ؛ إرشاد القلوب ج: ٢ ص: ٢٨٦

﴿٥١٧﴾ الصادق عليه السلام: رَسُولُ اللَّهِ يُكْثِرُ مِنْ حَمْدِ اللَّهِ وَشُكْرِهِ؛ إرشاد القلوب ج: ٢ ص: ٢٨٦

٢٠-١-٨-١-١-٤-١-٨-١-٤-١-٨-٢٠ حَمْدُهُمْ وَشُكْرُهُمْ

﴿٥١٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كَثُرَ حَمْدُهُمْ لِلَّهِ وَشُكْرُهُمْ عَلَى النِّعْمَةِ الَّتِي أَنْعَمَ بِهَا عَلَيْهِمْ فِي مَعْرِفَتِهِمْ بِحَقِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام؛ بحار الأنوار ج: ٤١ ص: ٢٦٠

٢١-١-٨-١-١-٤-١-٨-١-٤-١-٨-٢١ حَمْدِي وَشُكْرِي

﴿٥١٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَصْبَغْتَ عَلَيَّ مِنْ نِعْمَتِكَ فَقَدْ اصْطَنَعْتُ يَا مَوْلايَ مَا يَحِقُّ لَكَ بِهِ حَمْدِي وَشُكْرِي بِحُسْنِ عَمَلِكِ وَبِلَائِكَ الْقَدِيمِ عِنْدِي وَتَظَاهِرِ نِعْمَاتِكَ عَلَيَّ وَتَتَابِعِ أَيْدِيكَ لَدَيَّ؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ١١٠

٢٢-١-٨-١-١-٤-١-٨-١-٤-١-٨-٢٢ مَحْمُودٌ مَشْكُورٌ

﴿٥٢٠﴾ الرضا عليه السلام: فَتَحَمْدُكَ نَفْسِي بِحُسْنِ الْفِعَالِ فِي الْمَنَازِلِ كُلِّهَا عَلَى خَلْقِي وَصُورَتِي وَهَدَايَتِي وَرَفْعِكَ إِيَّايَ مَنَزَلَةً حَتَّى بَلَغْتَ بِي هَذَا الْيَوْمَ مِنَ الْعُمْرِ مَا بَلَغْتَ مَعَ جَمِيعِ نِعَمِكَ وَالْأَرْزَاقِ الَّتِي أَنْتَ عِنْدِي بِهَا مَحْمُودٌ مَشْكُورٌ؛ البلد الأمين ص: ٨٣

﴿٥٢١﴾ الصادق عليه السلام: فَلَكَ الْحَمْدُ مَحْمُوداً مَشْكُوراً؛ بحار الأنوار ج: ٩٨ ص: ٣١١

٢٣-١-٨-١-١-٤-١-٨-١-٤-١-٨-٢٣ يَحْمَدُهُ وَيَشْكُرُهُ

﴿٥٢٢﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِمَّنْ يَحْمَدُهُ وَيَشْكُرُهُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٧٦

﴿٥٢٣﴾ الصادق عليه السلام: اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ مَنْ خَلَقَ أَنْ يَشْكُرَهُ وَيَحْمَدَهُ عَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ؛ بحار الأنوار ج: ٣٧ ص: ٢٠٦

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۵۱۴﴾ به هنگام غذاخوردن خدای تعالی را یاد کنید و حرف‌های نامربوط و ناسپاسانه نگویید، زیرا غذا نعمتی از نعمت‌های الهی و رزقی از رزق‌های خداوندی است و بر شما واجب است که آن نعمت را شکر و خدا را یاد کنید و سپاسگزار و ستایشگر حق تعالی باشید.

﴿۵۱۵﴾ در هنگام غذاخوردن بسیار یاد خدا کنید و گردنکشی و ناسپاسی نکنید، زیرا آن نعمتی از نعمت‌های الهی و رزقی از رزق‌های او و شکر سپاس بر آن واجب است.

﴿۵۱۶﴾ نزد فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام آمد و آن جام را به آنان داد پس آن دو به او تحیت گفتند و او را بوسیدند و خدا را بسیار یاد کردند حمد و شکر و ثنای او را بسیار به جا آوردند.

﴿۵۱۷﴾ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم متوالیا سپاس و شکر خدا را بر زبان داشت.

۲۰-۸-۱-۴-۱-۱-۱-۱ حمدشان و شکرشان

﴿۵۱۸﴾ حمد و ستایش ایشان برای خدای تعالی و شکر و قدردانی‌شان در مقابل نعمتی که در باب معرفت و حصول شناخت درباره‌ی مقام و حقانیت امیرالمؤمنین علیه‌السلام به ایشان بخشیده شد فراوان شد.

۲۱-۸-۱-۴-۱-۱-۱-۱ حمد من و شکر من

﴿۵۱۹﴾ نعمت را بر من کامل نمودی و ای آقای من، به من آن چنان لطفی کرده‌ای، که به خاطر آن گذشت و تکالیف نیکوی دیرینه‌ات، و نیز به خاطر پیوسته‌رسیدن نعمت‌هایت و پی‌درپی آمدن لطف و کرمت بر من سزاوار و شایسته است که تو را سپاس بگویم و ادای شکر کنم.

۲۲-۸-۱-۴-۱-۱-۱-۱ مورد ستایش و مورد سپاس

﴿۵۲۰﴾ من در تمام احوال تو را به خاطر نیکی‌هایی که به من کرده‌ای شکر می‌کنم؛ بر خلقتم، تصویرم، هدایتم و اینکه تو مرا به‌درجه‌ای رفیع رسانده‌ی تا اینکه امروز به این جایگاه از عمر خود رسیدم و همراه همه‌ی نعمت‌ها و روزی‌هایی که دریافت کردم تو به خاطر همه‌ی آن‌ها نزد من شایسته ستایش و سپاسگزاری هستی.

﴿۵۲۱﴾ ستایش مخصوص توست، ستوده‌ای و سپاسگزاری شده.

۲۳-۸-۱-۴-۱-۱-۱-۱ او را می‌ستاید و شکر می‌کند

﴿۵۲۲﴾ حمد و ستایش مخصوص خدایی است که مرا از زمره‌ی کسانی که او را حمد و ستایش می‌کنند و سپاسگزار و شاکر او هستند قرارداد.

﴿۵۲۳﴾ سزوار است که همه‌ی آفریدگان در همه‌ی حالات اعم از شادمانی و گرفتاری و سختی و آسانی شکر او را به جا آورند.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٥٢٤﴾ الرسول ﷺ: الَّذِي اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ خَلْقٍ أَنْ يَشْكُرَهُ وَ يَحْمَدَهُ عَلَى كُلِّ حَالٍ؛

التحصين لابن طائوس ص: ٥٨٠

﴿٥٢٥﴾ الكَاظِمُ الْعَلِيٌّ: حُمِيَ يَوْمَ كَفَّارَةِ سِتِّينَ سَنَةً إِذَا قَبَلَهَا بِقَبُولِهَا قِيلَ وَ مَا قَبُولُهَا قَالَ أَنْ يَحْمَدَ اللَّهَ وَيَشْكُرَهُ وَيَسْكُوَ إِلَيْهِ وَلَا يَشْكُوهُ وَإِذَا سُئِلَ عَنْ خَبْرِهِ قَالَ خَيْرًا؛ مستدرک الوسائل ج: ٢

ص: ٦٩

﴿٥٢٦﴾ قَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وَهُمْ مُضْرَعُونَ جَعَلَ أَبُو بَكْرٍ يُخْبِرُهُ بِهِمْ رَجُلًا رَجُلًا وَرَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَحْمَدُ اللَّهَ وَيَشْكُرُهُ وَيَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْجَزَ لِي مَا وَعَدَنِي؛

شرح نهج البلاغة ج: ١٤ ص: ١٧٨

﴿٥٢٧﴾ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَنْظُرُ الْغَنِيُّ إِلَى الْفَقِيرِ فَيَحْمَدُنِي وَيَشْكُرُنِي؛ الْكَافِي ج: ٢ ص: ٨

١-٩-١-٤-١- الفُروقُ بَيْنَ الْحَمْدِ وَالشُّكْرِ

١-٩-١-٤-١- الحمدُ عَلَى مَا يَكْرِهُهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا يُحِبُّ

١-٩-١-٤-١-١- الحَمْدُ عَلَى الْعُسْرِ، الشُّكْرُ عَلَى السُّرِّ

﴿٥٢٨﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): الزاهد عندنا من علمَ فعملَ ومن آتقنَ فحذرَ وإن أَمسى على عُسرٍ حمدَ اللهَ وإن أَصبحَ على بُسرٍ شكرَ اللهَ فهو الزاهدُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٤٤

٢-١-٩-١-٤-١-الحَمْدُ عَلَى مَا أَلْبَى، الشُّكْرُ عَلَى مَا أَوْلَى

﴿٥٢٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَشْكُرُ اللَّهَ عَلَى مَا أَوْلَاكَ وَ أَحْمَدُهُ عَلَى مَا أَجْلَاكَ؛ مستدرک الوسائل

ج: ۱۴ ص: ۹

﴿٥٣٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَشْكُرُ اللَّهَ كَثِيرًا عَلَى مَا أَوْلَاكَ وَ أَحْمَدُهُ عَلَى مَا أَبْلَاكَ؛

دعائم الإسلام ج: ٢ ص: ٤٨٧

۱-۳-۹-۱-۴-۱- الحَمْدُ لَكَ عَلَى بَلَائِكَ وَ الشُّكْرُ لَكَ عَلَى نِعْمَائِكَ

﴿٥٣١﴾ السَّجَاد **الْبَيْتُ**: الْحَمْدُ لَكَ عَلَى بِلَائِكَ وَ الشُّكْرُ لَكَ عَلَى نِعَمَائِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧

ص: ۸۰

٤-١-٩-١-٤-١ الحمدُ عَلَى اِبْتِلَاءِهِ وَ الشُّكْرُ عَلَى اِعْطَائِهِ

﴿٥٣٢﴾ أَيُّوبُ التَّيْمِيُّ: فَعَلِيَ إِعْطَاهُ نَشْكُرُهُ وَاعْلَى ائْتَلَاهُ نَحْمَدُهُ؛ بحار الأنوار ج: ١٢ ص: ٣٥٢

٥-١-٩-٤-١-الحَمْدُ عَلَى كُلِّ أَمْرٍ آرَدْتَ، الشُّكْرُ عَلَى مَا اصْطَنَعْتَ

﴿٥٣﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْكُرُكَ عَلَى مَا اصْطَنَعْتَ عِنْدَنَا وَنَحْمَدُكَ عَلَى كُلِّ أَمْرٍ

أَرَدْتُ أَنْ تَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٩٢

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۵۲۴﴾ اوست که شایسته است همه‌ی خلق فقط او را سپاسگزار باشند و در هر حال او را ستایش کنند.

﴿۵۲۵﴾ یک روز تب کفاره‌ی شصت سال است به شرط آنکه آن را بپذیرد. گفته شد: پذیرش آن چیست؟ امام علیه السلام فرمود: اینکه خدا را بستاید و شکر کند؛ به خدا شکایت کند و از او شکوه نکند و آنگاه که حالش را پرسیدند بگوید: خوب است.

﴿۵۲۶﴾ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در میان آنان می‌گشت و آن‌ها روی زمین افتاده بودند و ابوبکر ایشان را از احوال یک‌یک آن‌ها، با خبر می‌ساخت و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خدا را حمد می‌کرد و شکر می‌نمود و می‌گفت: حمد خدایی راست که به آنچه بر من وعده داده بود وفا کرد.

﴿۵۲۷﴾ دارا به فقیر نگاه می‌کند و مرا سپاس می‌گوید و شکر می‌کند.

۹-۱-۴-۱- تفاوت‌های بین حمد و شکر

۹-۱-۴-۱- حمد بر آنچه آن را نمی‌پسندد، شکر بر آنچه دوست دارد

۹-۱-۴-۱-۱- حمد بر سختی و تنگنا، شکر بر آسایش و آسانی

﴿۵۲۸﴾ زاهد نزد ما کسی است که بداند و عمل کند و با آنکه یقین دارد احتیاط کند؛ اگر در شب به او سختی رسید، خدا را ستایش کند و اگر صبح به او راحتی رسید خدا را شکر کند پس چنین کسی زاهد است.

۹-۱-۴-۱-۲- حمد بر آنچه می‌آزماید، شکر بر نعمت

﴿۵۲۹﴾ بر نعمتهایی که خداوند به تو ارزانی داشته شکر کن و بر آزمایش‌های ناگواری که از تو می‌گیرد شکبیا باش.

﴿۵۳۰﴾ بر نعمتهایی که خداوند به تو ارزانی داشته بسیار شکر کن و بر آزمایش‌های ناگواری که از تو می‌گیرد شکبیا باش.

۹-۱-۴-۱-۳- حمد بر امتحانات و شکر بر نعمت‌های

﴿۵۳۱﴾ به خاطر بلاها و آزمایش‌های حمد و سپاس و به خاطر نعمت‌های شکر لازم است.

۹-۱-۴-۱-۴- حمد بر امتحانش و شکر بر عطایش

﴿۵۳۲﴾ پس بر آنچه به ما عطا می‌کند شکر می‌گزاریم و برای آنچه از ناگواری‌هایی که بر ما وارد می‌کند او را سپاس می‌گوییم.

۹-۱-۴-۱-۵- حمد بر هر امری که اراده کردی، شکر بر آنچه لطف کردی

﴿۵۳۳﴾ خدایا، ما تو را شکر و سپاس می‌گوییم به خاطر آنچه درباره‌ی ما انجام دادی و ستایش می‌کنیم به خاطر هر کاری که هرگاه اراده کنی بشود، می‌شود.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١-١-٤-١-٩-١-٦ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَقَيْتَنَا مِنَ الْبَلَاءِ، الشُّكْرُ عَلَى مَا حَوَّلَتْنَا مِنَ النِّعَمِ
﴿٥٣٤﴾ فَلِكِ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَقَيْتَنَا مِنَ الْبَلَاءِ، وَلَكَ الشُّكْرُ عَلَى مَا حَوَّلَتْنَا مِنَ النِّعَمِ؛ الصحيفة
السَّجَّادِيَّةُ ١٦٠ ص

١-٧-٩-٤-١-١-١ حَامِدٌ لِمَا مَنَنْتَ وَعَافَيْتَ، شَاكِرٌ لِمَا أَنْعَمْتَ وَأَوْلَيْتَ
 ﴿٥٣﴾ الصادق عليه السلام: أَوْلَيْتَ حَامِدٌ لِمَا مَنَنْتَ وَعَافَيْتَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٢٧٠

ج: ٦ ص: ١٥٨

[illegible]

٣-٢-٩-١-٤-١-١-١ مَحْمُودٌ بِكُلِّ مَا يُؤْلَى مَشْكُورٌ بِكُلِّ مَا يُبْلَى
 ﴿٥٤١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْمَحْمُودِ الَّذِي تَوَحَّدَ بِمُلْكِهِ وَعَلَا بِقُدْرَتِهِ أَحْمَدُهُ
 عَلَى مَا عَرَفَ مِنْ سَبِيلِهِ وَآلَهُمْ مِنْ طَاعَتِهِ وَعَلَّمَ مِنْ مَكْنُونِ حِكْمَتِهِ فَإِنَّهُ مَحْمُودٌ بِكُلِّ مَا يُؤْلَى
 مَشْكُورٌ بِكُلِّ مَا يُبْلَى؛ بحار الأنوار ج: ٥٣ ص: ٧٧

٢-٤-٩-١-١٠-١١-١٢-١٣-١٤-١٥-١٦-١٧-١٨-١٩-٢٠-٢١-٢٢-٢٣-٢٤
﴿٥٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كُنْتُ أَنَا وَقَبْرِي وَعَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِيْنَا نَحْنُ قُعُوْدٌ إِذْ هَدَفَ إِلَيْنَا أَعْرَابِيٌّ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحِمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحِمَةُ اللَّهِ وَ

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

بَرَكَاتُهُ يَا آخَا الْعَرَبِ فَقَالَ الْأَعْرَابِيُّ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّ لِي إِلَيْكَ حَاجَةً قَدْ رَفَعْتُهَا إِلَى اللَّهِ قَبْلَ أَنْ أَرْفَعَهَا إِلَيْكَ فَإِنْ أَذْنَتْ بِقَضَائِهَا حَمِدْنَا اللَّهَ وَشَكَرْنَاكَ وَإِنْ لَمْ تَقْضِهَا شَكَرْنَا اللَّهَ وَعَذَرْنَاكَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٧ ص: ١٧٦

٣-٩-١-٤-١- الحمدُ عَلَى مَا يُحِبُّ وَ الشُّكْرُ عَلَى مَا يُحِبُّ أَيْضاً

١-٣-٩-١-٤-١-الحمدُ عَلَى التَّفَضُّلِ، الشُّكْرُ عَلَى التَّطَوُّلِ

﴿٥٤٣﴾ السَّجَادُ ^{الْمَلَكُ}: فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَوْلَيْتَ مِنَ التَّفَضُّلِ وَ لَكَ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَبْلَيْتَ مِنْ

التَّطَوُّلُ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٦٧

٢-٣-٩-١-٤-١-الحمدُ عَلَى التَّفَضُّلِ، الشُّكْرُ عَلَى التَّوْفِيقِ

﴿٥٤٤﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): فَإِنِّي لَفَضْلِكَ عَلَى حَامِدٍ وَ تَوْفِيقِكَ إِيَّايَ بِحَمْدِكَ شَاكِرٌ؛

مهج الدعوات ص: ١٣١

٣-٩-١-٤-١-الحمدُ على ما ألهَمنا، الشُّكرُ على ما مَنَحنا

﴿٥٤٥﴾ الصادق عليه السلام: فَلَهُ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَلْهَمَنَا وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا مَنَحَنَا؛ بحار الأنوار ج: ٣

ص: ۵۹

٤-٣-٩-١-٤-١-الحمدُ عَلَى الْمِنْنِ، الشُّكْرُ عَلَى الرِّزْقِ

﴿٥٤٦﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَسَّ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَةَ حَمْدِهِ عَلَى مَا أَوْفَاهُمْ مِنْ مِّنِهِ الْمُتَابِعَةَ، وَ
 أَسْنَعَ عَلَيْهِمْ مِنْ نِعَمِهِ الْمُتَظَاهِرَةَ، لَتَصَرَّفُوا فِي مَنِّهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ، وَتَوَسَّعُوا فِي رِزْقِهِ فَلَمْ يَشْكُرُوهُ.
 وَلَوْ كَانُوا كَذَلِكَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَدِّ الْبَهِيمِيَّةِ فَكَانُوا كَمَا وَصَفَ فِي مُحْكَمِ
 كِتَابِهِ «إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا.»؛ الصَّحِيفَةُ السَّجَادِيَّةُ الْمُتَابِعَةُ ص: ٢٨

۵-۳-۹-۱-۴-۱- أَنْطَقَ بِتَحْمِيدِهِ وَ اَللّٰهُمَّ بِشُكْرِهِ

﴿٥٤٧﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى اخْتَصَّ لِنَفْسِهِ بَعْدَ نَبِيِّهِ ﷺ مِنْ بَرِيَّتِهِ خَاصَّةً عَلَاهُمْ بِتَعْلِيَّتِهِ وَ سَمَّا بِهِمْ إِلَى رُتْبَتِهِ وَ جَعَلَهُمُ الدُّعَاةَ بِالْحَقِّ إِلَيْهِ وَ الْأَدَاةَ بِالْإِشْرَادِ عَلَيْهِ لِقَرْنٍ قَرْنٍ وَ زَمَنَ زَمَنٍ أَتَشَاهُهُمْ فِي الْقَدَمِ قَبْلَ كُلِّ مَذْرُوءٍ وَ مَبْرُوءٍ أَنْوَارًا أَنْطَقَهَا بِتَحْمِيدِهِ وَ أَلْهَمَهَا بِشُكْرِهِ؛

بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ١١٢

١-١-٤-١-٩-٣-٦- الحَمْدُ عَلَى نِعْمَائِهِ وَالشُّكْرُ عَلَى آلَائِهِ

﴿٥٤٨﴾ الصادق عليه السلام: رَأَى النَّبِيُّ ﷺ فَاطِمَةَ وَ عَلَيْهَا كِسَاءٌ مِنْ أَجَلَّةِ الْإِبِلِ وَ هِيَ تَطْحَنُ بِيَدَيْهَا وَ تُرْضِعُ وَ لَدَهَا فَدَمَعَتْ عَيْنَا رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ يَا بِنْتَاهُ تَعْجَلِي مَرَارَةَ الدُّنْيَا بِحُلَاوَةِ الْآخِرَةِ فَقَالَتْ يَا

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

دارم که قبل از آنکه آن را به تو عرض کنم به خداوند گفته‌ام پس اگر تو آن را برآوری خدا را سپاس می‌گویم و تو شکر می‌گزارم و اگر آن را برآورده نسازی خدا را شکر و عذر تو را می‌پذیریم.

۳-۹-۱-۴-۱- حمد بر آنچه دوست دارد و نیز شکر بر آنچه دوست ندارد

۱-۳-۹-۱-۴-۱- حمد بر احسان، شکر بر لطف

﴿۵۴۳﴾ پس به خاطر نیکی‌هایی که عطا نمودی حمد سزاوار توست و به خاطر امتحان سراسر لطف شکر شایسته‌ی توست. ر

۲-۳-۹-۱-۴-۱- حمد بر احسان، شکر بر موفق شدن بر عمل خیر

﴿۵۴۴﴾ همانا به سبب لطف و رحمتت بر من، لازم است که سپاسگزار تو باشم و به سبب توفیقی که عطایم کردی که تو را بستایم، باید شکرگزار تو باشم.

۳-۳-۹-۱-۴-۱- حمد بر آنچه به ما الهام کرد، شکر بر آنچه به ما عطا کرد

﴿۵۴۵﴾ ستایش مخصوص اوست به خاطر آنچه به ما الهام نموده و شکر از آن اوست به خاطر آنچه که به ما بخشیده است.

۴-۳-۹-۱-۴-۱- حمد بر نعمت‌ها، شکر بر روزی

﴿۵۴۶﴾ ستایش مخصوص خدایی است که اگر بندگان را از شناختن سپاسگزاری خود بر نعمت‌های پی‌درپی که به ایشان داده و بخشش‌های پیوسته که برای آن‌ها به حد کمال رسانیده بود باز می‌داشت، نعمت‌هایش را مصرف نموده و او را سپاس نمی‌گزاردند، و در روزی او غوطه‌ور می‌شدند و شکرش را به‌جا نمی‌آوردند و اگر چنین می‌بودند (شکر نمی‌کردند) از حدود انسانیت بیرون رفته و در رتبه‌ی چارپایان قرار می‌گرفتند، و چنان می‌شدند که در کتاب محکم و استوار خود وصف فرموده: "ایشان (ناسپاسان) جز مانند چارپایان نیستند بلکه همراه‌ترند".

۵-۳-۹-۱-۴-۱- به حمدش زبان باز کرد و به شکرش الهام کرد

﴿۵۴۷﴾ خداوند بلندمرتبه پس از پیامبر اکرم برگزیدگانی از خلق را به خود اختصاص داد و به بلندمرتبه‌ی خود آن‌ها را برتر ساخت و به رتبه‌ی خود آن‌ها را بالا برد و آن‌ها را دعوت‌کننده‌ی به حق به‌سوی خود قرار دارد و آن‌ها را راهنما برای هدایت به‌سوی خویش کرد برای هر دوره و هر زمانی قبل از هر آفریده و مخلوقی آن‌ها را به‌صورت نورهایی خلق کرد و زبان آن‌ها را به حمدش گشود و شکرش را به آن‌ها الهام کرد.

۶-۳-۹-۱-۴-۱- حمد بر نعمت‌هایش و شکر بر الطافش

﴿۵۴۸﴾ پیامبر خدا ﷺ فاطمه را در حالی دید که عبایی از پوست شتر پوشیده و با یک دست مشغول آسیاکردن و به کمک دست دیگر مشغول شیردادن به فرزندش می‌باشد. چشمان پیامبر خدا از مشاهده‌ی این امر پر از اشک شد و به فاطمه فرمود: دخترم! سختی‌ها و تلخی‌های دنیا را در مقابل حلاوت و شیرینی آخرت قرار بده. فاطمه گفت: ای پیامبر خدا، خدا را سپاس می‌گویم

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

رَسُولَ اللَّهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى نِعْمَائِهِ وَ الشُّكْرُ لِلَّهِ عَلَى آلائِهِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى؛ بحار الأنوار ج: ٤٣ ص: ٨٥

﴿٥٤٩﴾ الرسول ﷺ: أَحْمَدُهُ عَلَى نِعْمَائِهِ وَ أَشْكُرُهُ عَلَى آلائِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٣٢٥

﴿٥٥٠﴾ السجاد ﷺ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَحْمُودِ عَلَى نِعْمَائِهِ الْمَشْكُورِ عَلَى آلائِهِ؛ إقبال الأعمال ص: ٢٤٣

١-١-٤-١-٩-٣-٧- الْحَمْدُ عَلَى نِعْمَتِكَ، الشُّكْرُ لِإِحْسَانِكَ

﴿٥٥١﴾ الرسول ﷺ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ وَقِّفْنِي لِلْحَمْدِ عَلَى نِعْمَتِكَ الَّتِي

آتَعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ وَ الشُّكْرَ لِإِحْسَانِكَ الَّذِي أَسَدَيْتَ إِلَيَّ؛ بحار الأنوار ج: ٨٦ ص: ٣٧٩

١-١-٤-١-٩-٣-٨- الْحَمْدُ عَلَى نِعْمَائِكَ، الشُّكْرُ عَلَى مَنِّكَ

﴿٥٥٢﴾ السجاد ﷺ: اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمَائِكَ كُلِّهَا وَ لَكَ الشُّكْرُ عَلَى مَنِّكَ كُلِّهَا؛

بحار الأنوار ج: ٩٨ ص: ١٩٧

١-١-٤-١-٩-٣-٩- الْحَمْدُ لِكُلِّ نِعْمَةٍ، الشُّكْرُ لِكُلِّ رَحَاءٍ

﴿٥٥٣﴾ الرسول ﷺ: لِكُلِّ نِعْمَةٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لِكُلِّ رَحَاءٍ الشُّكْرُ لِلَّهِ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥

ص: ٣٧٩

١-١-٤-١-٩-٣-١٠- حَامِداً عَلَى مَا أَنْعَمَ بِهِ عَلَيَّ، شَاكِراً عَلَى مَا مَنَحَنِي

﴿٥٥٤﴾ الصادق ﷺ: فَأَنْصَرَفْتُ مِنْ عِنْدِهِ مَسْرُوراً بِمَا عَرَفْتُهُ مُبْتَهِجاً بِمَا أُوتِيتُهُ حَامِداً لِلَّهِ عَلَى

مَا أَنْعَمَ بِهِ عَلَيَّ شَاكِراً لِأَنْعَمِهِ عَلَى مَا مَنَحَنِي بِمَا عَرَفْنِيهِ مَوْلَايَ وَ تَفَضَّلَ بِهِ عَلَيَّ؛ بحار الأنوار ج: ٣

ص: ٨٩

١-١-٤-١-٩-٣-١١- الْحَمْدُ عَلَى مَا أَنْعَمَ الشُّكْرُ بِمَا أَلْهِمَ

﴿٥٥٥﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ وَ لَهُ الشُّكْرُ بِمَا أَلْهِمَ؛ شرح نهج البلاغة ج: ١٦ ص: ٢١١

١-١-٤-١-٩-٣-١٢- لَكَ الْحَمْدُ مَا أَظْهَرَ نِعْمَاكَ وَ لَكَ الشُّكْرُ مَا أَكْبَرَ عَظَمَتَكَ

﴿٥٥٦﴾ الصادق ﷺ: لَكَ الْحَمْدُ مَا أَظْهَرَ نِعْمَاكَ وَ لَكَ الشُّكْرُ مَا أَكْبَرَ عَظَمَتَكَ؛

بحار الأنوار ج: ٨٨ ص: ١٧٥

١-١-٤-١-٩-٣-١٣- الْحَمْدُ عَلَى مَا هَدَانَا، الشُّكْرُ عَلَى مَا أَوْلَانَا

﴿٥٥٧﴾ الصادق ﷺ: الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا هَدَانَا وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَوْلَانَا؛ البلد الأمين ص: ٢٣٦

١-١-٤-١-٩-٣-١٤- الْحَمْدُ عَلَى مَا أَوْزَعَنِي، شَاكِراً لَهُ عَلَى مَا طَوَّقَنِي

﴿٥٥٨﴾ الصادق ﷺ: حَامِداً لِرَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى مَا أَوْزَعَنِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ شَاكِراً لَهُ عَلَى مَا

طَوَّقَنِي مِنْ احْتِمَالِ فَضْلِكَ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٧ ص: ٣٥١

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

به سبب نعمت‌های فراوانی که به من عطا فرموده، و او را در مقابل محبت‌هایش شکر می‌گزارم. و نقل کرده‌اند که در این هنگام آیه "و به‌زودی پروردگارت آن‌قدر به تو عطا خواهد کرد که خشنود شوی" بر پیامبر نازل گردید.

﴿۵۴۹﴾ سپاس می‌گویم او را بر نعمت‌هایش و شکرگزاری می‌کنم او را بر آزمایش‌ها و تکلیف‌هایش.

﴿۵۵۰﴾ حمد خدایی را که به سبب نعمت‌هایش ستوده و مورد شکر قرار گرفته است.

۱-۱-۴-۱-۹-۳-۷ حمد بر نعمت و شکر بر احسانت

﴿۵۵۱﴾ پروردگارا، بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا به سپاسگزاری بر نعمتی که به من دادی و شکر بر لطفی که در حق من روا داشتی، موفق کن.

۱-۱-۴-۱-۹-۳-۸ حمد بر نعمت‌هایت، کر بر بخشش‌هایت

﴿۵۵۲﴾ پروردگارا، ستایش مخصوص توست به واسطه‌ی تمامی نعمت‌هایت (که عطا فرمودی) و شکر مخصوص توست بر همه‌ی آنچه به من منت نهادی.

۱-۱-۴-۱-۹-۳-۹ حمد بر هر نعمت، شکر بر هر آسایش

﴿۵۵۳﴾ برای هر نعمتی حمد و ستایش الهی لازم است و برای هر راحتی و آسایش شکر خداوند لازم است.

۱-۱-۴-۱-۹-۳-۱۰ ستایش بر نعمت، شکر بر عطا

﴿۵۵۴﴾ شاد و سرحال از آنچه فراگرفتم و با سپاس از خداوند بخاطر نعمت‌هایی که به من ارزانی داشت و آنچه مولایم به من شناساند و لطفی که در حق من روا شد، بازگشتم.

۱-۱-۴-۱-۹-۳-۱۱ حمد بر آنچه نعمت داد، شکر بر آنچه الهام کرد

﴿۵۵۵﴾ حمد مخصوص خداست در برابر نعمت‌هایی که عطا کرد و شکر متعلق به اوست در برابر آنچه الهام کرد.

۱-۱-۴-۱-۹-۳-۱۲ ستایش بر نعمت، شکر بر عظمت

﴿۵۵۶﴾ حمد و سپاس برای توست، و چه آشکار است نعمت‌های تو، و شکر مخصوص توست و چه بزرگ است عظمت تو.

۱-۱-۴-۱-۹-۳-۱۳ ستایش بر هدایت، شکر بر نعمت

﴿۵۵۷﴾ حمد مخصوص خداست به خاطر آنکه ما را هدایت کرد و شکر متعلق به اوست به خاطر آنچه به ما عطا فرمود.

۱-۱-۴-۱-۹-۳-۱۴ ستایش بر الهام، شکر بر دربر گرفته شدن با نعمت

﴿۵۵۸﴾ خدای عزیز و جلیل را به خاطر اینکه معرفت تو را به من الهام نموده حمد می‌کنم و شکرگزار اویم که پذیرش فضل تو را برگردنم آویخته است. پدر و مادرم فدایت یا امیرالمؤمنین.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١٥-٣-٩-١-٤-١- الشَّاكِرِينَ لِمَا أَوْفَيْتَ، الْحَامِدِينَ عَلَى مَا أَعْطَيْتَ
﴿٥٥٩﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْأَلُكَ بِاَسْمَائِكَ الْمَكْنُوْنَةِ اَنْ تُصَلِّىَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ
وَ اَنْ تَجْعَلَنِيْ فِيْ هٰذَا الْيَوْمِ مِنَ الشَّاكِرِيْنَ لِمَا اَوْفَيْتَنِيْهِ وَ الصَّابِرِيْنَ عَلٰى مَا بَلَيْتَ وَ الْحَامِدِيْنَ عَلٰى
مَا اَعْطَيْتَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٢٦٨

١٦-٣-٩-١-٤-١- الْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَى مَا اَوْفَاَنَا وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا اَعْطَاَنَا
﴿٥٦٠﴾ ابوطالب عليه السلام: الْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَى مَا اَوْفَاَنَا وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا اَعْطَاَنَا وَ مَا بِهِ حَبَانَا وَ
فَضَّلَنَا عَلَى الْاَنَامِ وَ عَصَمَنَا عَنِ الْحَرَامِ وَ اَمَرَنَا بِالْمَقَارَنَةِ وَ الْوَصْلِ وَ ذٰلِكَ لِيَكْتُمَرَ مِنَّا النَّسْلُ؛
مستدرک الوسائل ج: ١٤ ص: ٢٠٣

٤-٩-١-٤-١- الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ النِّيَّةِ، الشُّكْرُ عَلَى جَمِيْلِ الْعَطِيَّةِ
﴿٥٦١﴾ مَنْ لَمْ يَحْمَدْكَ عَلَى حُسْنِ النِّيَّةِ لَمْ يَشْكُرْكَ عَلَى جَمِيْلِ الْعَطِيَّةِ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٢٠
ص: ٣٣٥

٥-٩-١-٤-١- الْحَمْدُ لِلّٰلَاءِ، الشُّكْرُ لِلرَّبِّ
١٧-٩-١-٤-١- كُنْ لِرَبِّكَ مِنَ الشَّاكِرِيْنَ وَ لِلّٰلَاءِ مِنَ الْحَامِدِيْنَ
﴿٥٦٢﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: يَا مُفَضَّلُ خُذْ مَا آتَيْتُكَ وَ احْفَظْ مَا مَنَحْتُكَ وَ كُنْ لِرَبِّكَ مِنَ الشَّاكِرِيْنَ
وَ لِلّٰلَاءِ مِنَ الْحَامِدِيْنَ؛ بحار الأنوار ج: ٣ ص: ١٥٠
١٨-٩-١-٤-١- الْحَمْدُ لِلْفَضْلِ، الشُّكْرُ لِلرَّبِّ

﴿٥٦٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَانِّىْ لِفَضْلِكَ عَلَى حَامِدٍ وَ لَكَ نَفْسِيْ شَاكِرَةٌ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢
ص: ٢٥٧
﴿٥٦٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اَنَا بِفَضْلِكَ حَامِدٌ وَ بِجَهْدِ نَفْسِيْ لَكَ شَاكِرٌ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢
ص: ٢٤٥

١٩-٩-١-٤-١- مِنْ نَعِمِكَ يَحْمَدُ الْحَامِدُونَ وَ مِنْ شُكْرِكَ يَشْكُرُ الشَّاكِرُونَ
﴿٥٦٥﴾ الجواد عليه السلام: يَا مَنْ جَلَّ عَنْ اَدْوَاتِ لِحَظَاتِ الْبَشَرِ وَ لَطَفَ عَنْ دَقَائِقِ خَطَرَاتِ الْفِكْرِ لَا
تُحْمَدُ يَا سَيِّدِيْ اِلَّا بِتَوْفِيقٍ مِنْكَ يَقْتَضِيْ حَمْدًا وَ لَا تُشْكَرُ عَلٰى اَصْغَرِ مِنَّةٍ اِلَّا اَسْتَوْجِبْتَ بِهَا شُكْرًا
فَمَتٰى تُحْصٰى نِعْمَاؤُكَ يَا اِلٰهِيْ وَ تُجَازٰى اَلَاؤُكَ يَا مَوْلَايْ وَ تُكَافٰى صِنَائِعُكَ يَا سَيِّدِيْ وَ مِنْ
نَعِمِكَ يَحْمَدُ الْحَامِدُونَ وَ مِنْ شُكْرِكَ يَشْكُرُ الشَّاكِرُونَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٩ ص: ٥٥
٩-٩-١-٤-١- الْحَمْدُ عَلَى التَّقْدِيرِ، الشُّكْرُ عَلَى الْقَضَاءِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۱۵-۳-۹-۱-۴-۱- شکر بر آنچه نعمت دادی، ستایش بر آنچه عطا کردی

﴿۵۵۹﴾ خداوند، به اسمای پنهانی‌ات از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و در این روز مرا از شاکران نیکی‌هایی که به من ارزانی داشتی و از صابران در بلاهایت و سپاسگزاران بر آنچه عطا نمودی قرار دهی.

۱۶-۳-۹-۱-۴-۱- حمد مخصوص خداست بر آنچه به ما نعمت داد و شکر مخصوص اوست بر آنچه به ما عطا کرد

﴿۵۶۰﴾ سپاس مخصوص خداست به خاطر آنچه به ما بخشیده و شکر به خاطر آنچه به ما عطا کرد و مارا بر مردم برتری داد و از حرام بازمان داشت و به ازدواج امرمان نمود تا بدین‌وسیله نسلمان تکثیر شود.

۴-۹-۱-۴-۱- حمد بر حسن نیت، شکر بر هدیه‌ی زیبا

﴿۵۶۱﴾ هر که نیت خوب تو را سپاس نگوید، در برابر عطایای زیباییت نیز شکر نمی‌کند.

۵-۹-۱-۴-۱- حمد بر نعمت‌ها، شکر بر پروردگار

۱۷-۵-۱-۴-۱- از شاکرین پرودگارت باش و از ستایشگران نعمت‌هایش باش

﴿۵۶۲﴾ ای مفضل، آنچه به تو دادم بگیر، و آنچه به تو بخشیدم حفظ کن، و برای پروردگار خود از شکرگزاران و در مقابل نعمت‌های او از سپاسگزاران باش.

۱۸-۵-۱-۴-۱- حمد بر لطف، شکر بر پروردگار

﴿۵۶۳﴾ همانا به سبب لطف تو و رحمتت لازم است که حمد و سپاست را به‌جای آورم و نفس من سپاسگزار تو باشد.

﴿۵۶۴﴾ من فضل تو را می‌ستایم و با تمام وجودم به درگاهت شکر گزارم.

۱۹-۵-۱-۴-۱- با نعمت‌های توست که ستایشگران ستایش می‌کنند و از

قدردانی توست که شاکران شکر می‌کنند

﴿۵۶۵﴾ ای آن که از ابزار نگاه بشر بزرگ‌تر و از ظرافت‌های آنچه به فکر خطور کند لطیف‌تری، ای آقای من، تو ستایش نمی‌شوی مگر آنکه خودت توفیق دهی که در آن صورت بر آن ستایش، ستایش دیگری واجب می‌شود و بر کوچک‌ترین نعمت‌ها شکر نمی‌شوی مگر آنکه برای آن نیز مستوجب شکر می‌شوی. پس کجا نعمت‌هایت را بشمارم ای خدای من، و چگونه عطا‌هایت را پاداش دهم، ای مالک من، چگونه نیکی‌هایت را پاسخ متناسب دهم ای آقای من؟ در حالی که حمد ستایش‌کنندگان خود نعمتی از نعمت‌های توست و شکر شکرکنندگان نیز از قدردانی توست.

۹-۹-۱-۴-۱- حمد بر تقدیر، شکر بر قضای حتمی

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٥٧٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَلَكَ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى وَلَكَ الشُّكْرُ فِي الْبَدَءِ وَالْخُصْبِ؛

بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ١٨٣

١٨-٩-١-٤-١- حَمْدًا مَعَ حَمْدِ كُلِّ حَامِدٍ، شُكْرًا يَقْصُرُ عَنْهُ شُكْرُ كُلِّ شَاكِرٍ

﴿٥٧٦﴾ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا مَعَ حَمْدِ كُلِّ حَامِدٍ، وَشُكْرًا يَقْصُرُ عَنْهُ شُكْرُ كُلِّ شَاكِرٍ؛ الصحيفة

السجادة العليّة ص: ٢١٠

١٩-١-٩-١-٤-١- الحَمْدُ عَدَدَ النِّعَمَاءِ، الشُّكْرُ عَلَى كُرُورِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ

﴿٥٧٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ نِعْمَائِكَ عَلَى الْإِنَامِ وَ لَكَ الشُّكْرُ عَلَى كُرُورِ

اللَّيَالِي وَالْأَيَّامُ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ١٤٦

٢٠-٩-١-٤-١-١-الحمدُ بالعبادات، الشُّكْرُ عَلَى النِّعْمَةِ

﴿٥٧٨﴾ الباقِرُ عليه السلام: رَبِّ نَفْسِي غَرِيقٌ خَطَايَا مُحْخَفَةٌ وَرَهْمِي ذُنُوبٌ مُؤَمَّةٌ وَصَاحِبُ عُيُوبٍ

حُمَةً فَمِنْ حَمْدِ نَفْسِهِ عِنْدَكَ فَإِنَّمَا عَلَيْهَا زَارٌ وَ لَا آتَوْسَلُّ إِلَيْكَ بِأَحْسَنَ وَ لَا فَمِنْ حَنْكِ سُفْكَ

وَلَمْ يَنْجِ الصَّامُ وَالْقَامُ حَسْمٌ فَأَيُّ ذَلِكَ أَزْكَى نَفْسٍ وَأَشْكُرُهَا عَلَيْهِ وَأَحْمَدُهَا بِهِ

بَل الشُّكْرُ لَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٦٨

٢١-٩-١-٤-١-أَيُّ الْحَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ، أَيُّ الْوَقْتَيْنِ أَوْلَى بِالْحَمْدِ لَكَ

﴿٥٧٩﴾ فَمَا أَذْرَى، يَا إِلَهِي، أَيُّ الْحَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ، وَ أَىُّ الْوَقْتَيْنِ أَوْلَى بِالْحَمْدِ لَكَ؛

الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٧٦

٢٢-٩-١-٤-١- طاقةُ الحمد، أداءُ الشكر

﴿٥٨٠﴾ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَغْلَقَ عَلَيْنَا بَابَ الْحَاحَةِ اِلَّا اِلَيْهِ، فَكَتَفَ نُطْقُ حَمْدِهِ اَمَّ مَتَى نُؤَدِّي

شُكْرُهُ لَّا، مَتَمَّ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٢٨

٢٣-٩-١-٤-١-الحمد، الاعترافُ بالنعمةِ و الشُّكْر، الاعترافُ بالعجزِ عن الشُّكْرِ

﴿٥٨١﴾ السَّجَّادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سُحَّانَ مَنْ حَعَلَ الْاِعْتِرَافَ بِالنُّعْمَةِ لَهُ حَمْدًا سُبْحَانَ مَنْ حَعَلَ الْاِعْتِرَافَ

بِالْعِزِّ عَنِ الشُّكْرِ شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ١٤٢

٢٤-١-٩-١-٤-١- أَصْبَحْنَا لِلَّهِ شَاكِرِينَ وَ أَمْسَيْنَا لِلَّهِ حَامِدِينَ، أَمْسَيْنَا لِلَّهِ شَاكِرِينَ وَ أَصْبَحْنَا لِلَّهِ حَامِدِينَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۵۷۵﴾ پس حمد و ستایش در دنیا و آخرت مخصوص توست و شکر و سپاس در ابتدا و انتها از آن تو.

۱۸-۹-۱-۴-۱- حمدی همراه با ستایش هر ستایشگر و شکری که شکر هیچ شکرگزاری به پای آن نرسد

﴿۵۷۶﴾ حمد و سپاس تنها مخصوص توست، آن گونه حمدی که ستایش همه‌ی ستایشگران را به همراه داشته باشد. و آن چنان شکری که شکر همه‌ی شکرگزاران در مقابل آن کم باشد.

۱۹-۹-۱-۴-۱- سپاس به تعداد همه‌ی نعمت‌ها، شکر بر گذر شب‌ها و روزها
﴿۵۷۷﴾ پس ستایش سزاوار توست به عدد نعمت‌هایی که به خلق خود عطا کرده‌ای و در گذر آمدورفت شب‌ها و روزها شکر شایسته‌ی توست.

۲۰-۹-۱-۴-۱- حمد به واسطه‌ی عبادات، شکر و سپاس بر نعمت
﴿۵۷۸﴾ پروردگارا، نفس من غرق جرم‌های ناگوار است و گروگان گناهان هلاک‌کننده و صاحب عیوب فراوان. اگر کسی می‌خواهد نزد تو خودش را بستاید ولی من خودم را نکوهش می‌کنم زیرا که نه با کار نیک به تو توسل جستم و نه در راه تو خونم ریخته شده و نه روزه و نماز جسمم را لاغر کرده پس با کدامیک از این کارها خود را پاک بدانم و آن‌ها را شایسته‌ی قدردانی بدانم و خود را با آن بستایم؟ حال آنکه شکر از آن توست.

۲۱-۹-۱-۴-۱- کدامیک از حالات تندرستی و بیماری به شکرگزاری تو شایسته‌تر است و کدامیک از این دو هنگام برای ستایش تو سزاوارتر است؟
﴿۵۷۹﴾ خدایا، نمی‌دانم کدامیک از این دو حالت سزاوارتر به سپاسگزاری توست و کدامیک از این دو وقت برای شکر تو مناسب‌تر است.

۲۲-۹-۱-۴-۱- توانایی حمد، به جای آوردن شکر
﴿۵۸۰﴾ سپاس خدای را که در نیازمندی به غیر خودش را به روی ما بست. ما چگونه می‌توانیم از عهده‌ی شکرش به درآییم؟ یا چه وقت می‌توانیم او را سپاسگزاریم؟ هرگز.

۲۳-۹-۱-۴-۱- اعتراف به وجود نعمت، همان حمد است و اعتراف به عجز و ناتوانی از شکر، همان شکر

﴿۵۸۱﴾ منزّه است خداوندی که اعتراف به نعمت را به عنوان سپاس قرار داد و منزّه است خدایی که اعتراف به ناتوانی از شکر را شکر قرار داد.

۲۴-۹-۱-۴-۱- ما صبح را آغاز کردیم درحالی که خدا را شاکریم و شب را آغاز کردیم درحالی که خدا را سپاسگزاریم

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٥٨٢﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): كَانَ يَقُولُ (عليه السلام): إِذَا أَمَسَ أَصْبَحْنَا لِلَّهِ شَاكِرِينَ وَأَمْسَيْنَا لِلَّهِ حَامِدِينَ فَلَاكَ الْحَمْدُ كَمَا أَمْسَيْنَا لَكَ مُسْلِمِينَ سَالِمِينَ قَالَ وَ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ أَمْسَيْنَا لِلَّهِ شَاكِرِينَ وَأَصْبَحْنَا لِلَّهِ حَامِدِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا أَصْبَحْنَا لَكَ مُسْلِمِينَ سَالِمِينَ؛ الكافي ج ٢: ص ٥٢٥

۲۵-۹-۱-۴-۱-۱۔ اِجْعَلْنَا مِمَّنْ يَحْمَدُكَ اِنْ غَفَّلْنَا وَ يَشْكُرُكَ اِنْ جَهَلْنَا

﴿٥٨٣﴾ الرسول ﷺ: وَاجْعَلْ مِنْ لِسَانِ حَالِنَا مِنْ يَحْمَدُكَ إِنْ غَفَلْنَا وَ يَشْكُرُكَ إِنْ جَهِلْنَا وَ تَشْنِي عَلَيْنَا إِنْ أَهْمَلْنَا؛ الأمان ص: ١٤٦

٢-٤-١-١- الشُّكْرُ وَالذِّكْرُ

١-٢-٤-١- الذِّكْرُ مُصْدَقُ الشُّكْرِ

۱-۱-۲-۴-۱-۱- من ذکره فقد شکره

﴿٥٨٤﴾ الرسول ﷺ: مَنْ ذَكَرَهُ فَقَدْ شَكَرَهُ وَمَنْ كَتَمَهُ فَقَدْ كَفَرَهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ٢٩٦

١-٢-٣-٤-١- إن اتقينا ربكم ذكرتموه بأفضل ما ذكره وشكرتوه بأفضل ما شكره

﴿٥٨٥﴾ الرّسول ﷺ: وَاعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنكُمُ إِن تَقِيَّتُمْ رَبَّكُمْ وَحَفِظْتُمْ نَيْبَكُمْ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ فَقَدْ عَدَدْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا عُبدَ وَذَكَرْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا ذُكِرَ وَشَكَرْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا شُكِرَ: بحار الأنوار ج: ٣٣

ص: ۵۴۳

٣-١-٢-٤-١- الذَّاكِرِينَ فِي أَوَّلِ النُّعْمَةِ يُحْمَدُونَ وَفِي آخِرِهَا يَشْكُرُونَ

﴿٥٨٦﴾ الرسول ﷺ: إِذَا كُتِبَ النَّاسُ مِنَ الْغَافِلِينَ كُتِبُوا مِنَ الذَّاكِرِينَ فِي أَوَّلِ النُّعْمَةِ يَحْمَدُونَ وَ

فِي آخِرِهَا يَشْكُرُونَ؛ بَحَارُ الْأَنْوَارِ ج: ٧٤ ص: ٢٤

١-٤-٢-١-٤-١-٤ أَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ فِيمَا يَجِبُ عَلَيْكُمْ فِيهِ شُكْرُهُ

﴿٥٨٧﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): أَتَشْرُونَ ذِكْرَ اللَّهِ عَلَى الطَّعَامِ وَلَا تَطْعَمُوا فَإِنَّهَا نِعْمَةٌ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ وَ رِزْقٌ مِنْ رِزْقِهِ يَجِبُ عَلَيْكُمْ فِيهِ شُكْرُهُ وَ حَمْدُهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٦ ص: ٢٧٣

٥-١-٢-٤-١- شُكْرُ الْإِحْسَانِ مَنْ ذَكَرَ بِالْجَمِيلِ مَوْلِيَهُ

﴿٥٨٨﴾ شَكَرَ الْإِحْسَانَ مَنْ أَتَانِي عَلَى مُسَدِّدِهِ وَ ذَكَرَ بِالْجَمِيلِ مُؤَلِيَهُ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٩

١-٢-٤-١-١- لَيْسَ فِي الْبَدَنِ أَقَلُّ شُكْرًا مِنَ الْعَيْنِ فَتَشْغَلُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ

﴿٥٨٩﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): لَيْسَ فِي الْبَدَنِ أَقَلُّ شُكْرًا مِنَ الْعَيْنِ فَلَا تُعْطُوهَا سَوْئَهَا فَتَشْغَلَكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ وسائل الشيعة ج: ٦ ص: ٥٠٥

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۵۸۲﴾ امیرالمؤمنین (علیه السلام) در آغاز شب می‌فرمود: "روز را با شکر خدا و شب را با سپاس او آغاز می‌کنیم." و نیز نقل شده است که در آغاز روز می‌فرمود: "شب را با شکر خدا و روز را با سپاس او آغاز می‌کنیم هم‌چنان که تسلیم او بوده و روزمان را به دور از آفات شروع کردیم." ۲۵-۹-۱-۴-۱-۱-۱ ما را از کسانی قرار ده به هنگام غفلت دیگران تو را ستایش کند و به هنگام نادانی دیگران تو را سپاس گزارد

﴿۵۸۳﴾ خدایا، زبان حالم را چنین قرار ده که اگر غفلت ورزیدیم، تو را ستایش کند، و اگر نافرمانی کردیم، تو را سپاس گزارد و اگر سهل‌انگاری کردیم، تو را ثنا گوید.

۲-۴-۱-۱-۱-۱ شکر و ذکر

۱-۲-۴-۱-۱-۱ یاد مصداق شکر است

۱-۱-۲-۴-۱-۱ هر کس او را یاد کند شکر کرده است

﴿۵۸۴﴾ هر کس خدا را یاد کند، مانند این است که او را شکر کرده است؛ و هر کس که او را یاد نکند به یقین او را ناسپاسی کرده است.

۲-۱-۲-۴-۱-۱-۱ اگر پروای الهی پیش گیرید خدا را به بهترین صورت یاد کرده و به نیکوترین روش شکر کرده‌اید

﴿۵۸۵﴾ و بدانید ای بندگان خدا، اگر از خدا بترسید و حق پیامبران را در پیروی از اهل بیت او نگه دارید به یقین خدا را به بهترین شکل پرستیده‌اید، و او را به بهترین صورت یاد کرده و سپاس گفته‌اید.

۳-۱-۲-۴-۱-۱-۱ یادکنندگان در اولین مرحله‌ای که نعمت به آنان روی آورد خدا را می‌ستایند و در پایان او را سپاسگزاری می‌کنند

﴿۵۸۶﴾ زمانی که مردمان غافلند ایشان به یاد خداوند زیرا اینان در ابتدای هر نعمت حمد و سپاس حق تعالی می‌کنند و در آخر آن شکر نعمت به جای می‌آورند.

۴-۱-۲-۴-۱-۱-۱ خدا را در آنچه که شکرش را بر شما واجب کرده است بسیار یاد کنید

﴿۵۸۷﴾ در هنگام غذاخوردن بسیار یاد خدا کنید و گردنکشی و ناسپاسی نکنید، زیرا آن نعمتی از نعمت‌های الهی و رزقی از رزق‌های او و شکر سپاس بر آن واجب است.

۵-۱-۲-۴-۱-۱-۱ کسی که به نیکویی صاحب آن را یاد کند، شکر احسان را به جای آورده

﴿۵۸۸﴾ احسان را شکر نموده است کسی که ستایش کند بر احسان‌کننده‌ی آن، و یاد کند به نیکویی صاحب آن را.

۶-۱-۲-۴-۱-۱-۱ در میا اندام‌ها، چشم از همه ناسپاس‌تر است، زیرا شما را از یاد خدا مشغول می‌کند

﴿۵۸۹﴾ هیچ عضوی در بدن ناسپاس‌تر از چشم نیست، خواسته‌هایش را به او ندهید که شما را از یاد خدا باز می‌دارد.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

۷-۱-۲-۴-۱-۱-شاکراً ذاکراً

﴿٥٩٠﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي لَكَ ذَاكِرًا لَكَ شَاكِرًا؛ مستدرك الوسائل ج: ١١

١٠٩: ص

﴿٥٩١﴾ الكاظم (عليه السلام): أَغْنَىٰ عَنِّي مَنْ ظَلَمَنِي حَتَّىٰ أَبْلُغَ شَاكِرًا ذَاكِرًا فِيهِ مَا رَبِّي؛ مصباح المتعجب

٥٠٦: ص

٨-١-٢-٤-١- سُبْحَانَهُ مِنْ ذَاكَرَ مَا أَشْكُرُهُ

﴿٥٩٢﴾ الرسول ﷺ: سُبْحَانَهُ مِنْ ذَاكَرٍ مَا أَشْكِرُهُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٣٦٧

٢-٢-٤-١- القَرَابَةُ وَالْمُرَادَفَةُ بَيْنَ الذِّكْرِ وَالشُّكْرِ

۱-۲-۲-۴-۱- اذْكُرُونِي وَاشْكُرُوا لِي

﴿٥٩٣﴾ فَادْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ؛ البقرة: الآية ١٥٢

۲-۲-۴-۱- من اراد ان يذکر او اراد شکورا

﴿٥٩٤﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِمَن أَرَادَ أَن يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا، الْفَرَقَانِ: الْآيَةُ ٦٢

﴿٥٩٥﴾ يَا مَنْ جَعَلَ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ خَلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذْكُرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا؛ إقبال الأعمال

٢٠٢:ص

۳-۲-۲-۴-۱-۱- یَذْكُرُهُ وَيَشْكُرُهُ

﴿٥٩٦﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): مَنْ قَعَدَ يَذْكُرُ اللَّهَ نِعْمَاءَهُ وَ يَشْكُرُهُ عَلَيْهَا فَقَدْ تَعَلَّقَ مِنْهُ بِغُصْنٍ مِنْ

أَغْصَانُ شَجَرَةِ طُوبَى؛ مستدرک الوسائل ج: ص: ۷ ص: ۵۴۴

۴-۲-۱-۴-۱- ذاکراً شاکراً

﴿٥٩٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي لَكَ ذَاكِرًا لَكَ شَاكِرًا؛ مستدرك الوسائل ج: ١١

ص: ١٠٩

٥-٢-٢-٤-١- الذِّكْرُ وَالشُّكْرُ

﴿٥٩٨﴾ الرسول ﷺ: الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَمْدٍ وَذِكْرٍ وَشُكْرٍ؛ فلاح السائل ص: ٢٥١

۶-۲-۲-۴-۱- ذکر کی وَ شکر کی

﴿٥٩٩﴾ الرسول ﷺ: أَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَارْزُقْنِي

فِيهَا ذِكْرُكَ وَشُكْرُكَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٧ ص: ٤٦٧

﴿٦٠﴾ الرَّسُولُ ﷺ: اللَّهُمَّ اغْنِنِي فِيهِ عَلَى صِيَامِهِ وَ قِيَامِهِ وَ اجْنُبْنِي فِيهِ مِنْ هَفَوَاتِهِ وَ آثَامِهِ وَ

ارزونی فيه ذکرک و شکرک بدوامہ بتوفیقک یا ولی المؤمنین؛ بحار الأنوار ج: ۹۵ ص: ۲۷

﴿٦٠﴾ الاثمة عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَارْزُقْنَا فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ؛ الكافي ج: ٤ ص: ١٦٠

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۷-۱-۲-۴-۱-۱-شاکر و ذاکر

﴿۵۹۰﴾ خدایا، مرا یادکننده و شکرگزار خود قرار ده.

﴿۵۹۱﴾ در مقابل آنکه به من ظلم می‌کند مرا یاری کن تا بتوانم نیازهایم را با یاد تو و همراه با سپاسگزاری از تو برطرف کنم.

۸-۱-۲-۴-۱-۱-منزه است یادکننده‌ای که چه بسیار شکر می‌کند

﴿۵۹۲﴾ پاک و منزه است او از ذکر هر ذاکری و از آنچه که شکرگزارده شود منزه و بی‌نیاز است.

۲-۱-۲-۴-۱-۱-نزدیکی و هم معنایی بین یاد و شکر

۱-۲-۲-۴-۱-۱-یاد کنید مرا و شکر کنید مرا

﴿۵۹۳﴾ پس به یاد من باشید، تا به یاد شما باشم؛ و شکر مرا ادا کنید و (در برابر نعمت‌هایم) کفران نکنید.

۲-۲-۲-۴-۱-۱-کسی که بخواهد یادآور شود یا بخواهد شکر الهی را به جا آورد

﴿۵۹۴﴾ و او همان کسی است که شب و روز را جانشین یکدیگر قرار داد برای کسی که بخواهد متذکر شود یا شکرگزاری کند (و آنچه را در روز کوتاهی کرده در شب انجام دهد و به‌عکس).

﴿۵۹۵﴾ ای کسی که برای هرکس که بخواهد عبرت گیرد یا بخواهد سپاسگزاری نماید، شب و روز را جانشین یکدیگر قرار دادی.

۳-۱-۲-۴-۱-۱-او را یاد می‌کند و شکرش را به‌جای می‌آورد

﴿۵۹۶﴾ هرکه بنشیند و نعمت‌های خدا را یاد کند و از او به خاطر آن‌ها سپاسگزاری کند به شاخه‌ای از شاخه‌های درخت طوبی آویزان شده است.

۴-۱-۲-۴-۱-۱-یادکننده‌ی شکرگزار

﴿۵۹۷﴾ خدایا، مرا یادکننده و شکرگزار خود قرار ده.

۵-۱-۲-۴-۱-۱-ذکر و شکر

﴿۵۹۸﴾ در هر ستایش و یاد و شکر. ستایش مخصوص خداست.

۶-۱-۲-۴-۱-۱-یاد تو و شکر تو

﴿۵۹۹﴾ از تو می‌خواهم که نام مرا در این شب از زمره‌ی سعادتمندان قرار دهی و روحم را با شهدا محشور فرمایی و در این شب یاد و شکر را نصیبم گردانی.

﴿۶۰۰﴾ خدایا، در این روز به من برای روزه گرفتن و برپاداشتن (امرت) کمک کن و مرا از لغزش‌ها و گناهان دور و ذکر و شکر را در تمام این روز به تداوم توفیقت روزی‌ام کن ای سرپرست مؤمنان.

﴿۶۰۱﴾ پروردگارا، در این ماه رمضان یاد خود، سپاسگزاری خود و تمایل به خودت را روزی‌مان

کن.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٦٠٢﴾ الرسول ﷺ: وَ ارْزُقْنِي ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ بِدَوَامِ هِدَايَتِكَ يَا هَادِيَ الْمُؤْمِنِينَ؛
المصباح للكفعمي ص: ٦١٢

﴿٦٠٣﴾ الصادق ﷺ: وَ ارْزُقْنِي يَا رَبِّ فِيهَا ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ١٥٤
﴿٦٠٤﴾ الرسول ﷺ: يَقُولُ مَنْ أَرَادَ الْإِنْتِبَاهَ اللَّهُمَّ ابْعَثْنِي مِنْ مَضْجَعِي لِذِكْرِكَ وَ شُكْرِكَ وَ صَلَوَاتِكَ وَ اسْتِغْفَارِكَ وَ تِلَاوَةِ كِتَابِكَ وَ حُسْنِ عِبَادَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٤ ص: ١٧٣

﴿٦٠٥﴾ الحسين ﷺ: أَوْجَبْتَ عَلَيَّ حُجَّتَكَ بِأَنْ أَلْهِمْتَنِي مَعْرِفَتَكَ وَ رَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ حِكْمَتِكَ وَ أَيْقَنْتَنِي لِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَائِكَ وَ أَرْضِكَ مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ وَ نَبَّهْتَنِي لِشُكْرِكَ وَ ذِكْرِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٥٧ ص: ٣٧٢

﴿٦٠٦﴾ تَلْهِمْنِي ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ؛ البلد الأمين ص: ٤٣٠
﴿٦٠٧﴾ ارْزُقْنِي بَرْدَ عَفْوِكَ وَ حُلَاوَةَ ذِكْرِكَ وَ شُكْرِكَ؛ إقبال الأعمال ص: ٧١٦
﴿٦٠٨﴾ الرسول ﷺ: ارْزُقْنِي ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ؛ المصباح للكفعمي ص: ٦١٢
﴿٦٠٩﴾ الصادق ﷺ: ارْزُقْنِي شُكْرَكَ وَ ذِكْرَكَ فِي كُلِّ حَالٍ أَبَدًا؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ١٦٠
﴿٦١٠﴾ الرسول ﷺ: ارْزُقْنِي شُكْرَكَ وَ ذِكْرَكَ وَ طَاعَتَكَ وَ عِبَادَتَكَ حَتَّى تَرْضَى وَ بَعْدَ الرِّضَا؛ المقنعة ص: ٣٩١

﴿٦١١﴾ الرسول ﷺ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْتَحْ مَسَامِعَ قَلْبِي لِذِكْرِكَ وَ شُكْرِكَ؛
مكارم الأخلاق ص: ٢٩٨

﴿٦١٢﴾ الصادق ﷺ: اللَّهُمَّ لَقْنِي حُجَّتِي يَوْمَ الْفَاكِ وَ أَطْلُقْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ وَ شُكْرِكَ؛
من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٤١

﴿٦١٣﴾ الصادق ﷺ: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بِمَحَامِدِكَ كُلِّهَا أَوَّلُهَا وَ آخِرُهَا مَا قُلْتُ لِنَفْسِكَ مِنْهَا وَ مَا قَالَهُ لَكَ الْخَلَائِقُ الْحَامِدُونَ الْمُجْتَهِدُونَ الْمُعَدِّدُونَ الْمُؤَقِّرُونَ فِي ذِكْرِكَ وَ شُكْرِكَ؛ الكافي ج: ٤ ص: ١٦٥

﴿٦١٤﴾ أَنْطِقْ بِحَمْدِكَ وَ شُكْرِكَ وَ ذِكْرِكَ وَ حُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْكَ لِسَانِي؛ الصحيفة السجادية ﷺ ص: ١١٢

﴿٦١٥﴾ الصادق ﷺ: لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ عَنْ ذِكْرِكَ وَ شُكْرِكَ؛ إقبال الأعمال ص: ٤٤٣

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۶۰۲﴾ خدایا، یاد و شکر تو را همراه با هدایت دائم روزی‌ام کن، ای هدایت کننده مومنین.

﴿۶۰۳﴾ خدایا، در این شب، یاد و شکر تو را روزی‌ام گردان.

﴿۶۰۴﴾ برای بیدار شدن چنین بگوید: خدایا، مرا از بسترم برانگیز تا ذکر تو گویم و سپاس و نماز و استغفارت را به جای آرم و قرآن تو را تلاوت کنم و به نیکی تو را بندگی نمایم، ای ارحم الراحمین.

﴿۶۰۵﴾ حجت خود را بر من تمام کردی و شناخت خود را به من الهام نمودی و از عجایب آفرینش مرا به هراس افکندی و مرا برای بهره‌گیری از تارهای آفرینش در آسمان و زمین بیدار کردی، و به ذکر و شکر آگاه ساختی.

﴿۶۰۶﴾ خدایا، تو یاد و فکر تو را به من الهام کردی.

﴿۶۰۷﴾ پروردگارا، خنکای بخشش تو را روزی‌ام فرما و شیرینی یاد و شکر و سپاس تو را به من بچشان.

﴿۶۰۸﴾ پروردگارا، از تو می‌خواهم که یاد و شکر را نصیبم سازی.

﴿۶۰۹﴾ خداوند، شکر و سپاس تو را و در تمامی حالات و برای همیشه یاد خودت را روزی‌ام کن.

﴿۶۱۰﴾ پروردگارا، شکر، یاد و فرمان برداری از خودت را تا جایی که از من راضی شوی و حتی بعد از رضایت نیز روزی‌ام کن.

﴿۶۱۱﴾ خداوند بر محمد و آلش درود فرست، و گوش‌های دلم را برای یاد و شکر خودت باز کن.

﴿۶۱۲﴾ خدایا، در روزی که تو را ملاقات می‌کنم، دلایلم را به من تلقین فرما و زبانم را فقط به یاد خودت و شکر و سپاسگزاری از خودت گویا کن.

﴿۶۱۳﴾ خدایا، تو را به همه‌ی ستایش‌ها می‌ستایم، از اولین ستایش تا آخرین ستایش با همه‌ی آن ستایش‌ها که خود در کتاب آورده‌ای و همه‌ی آن ستایش‌ها که آفریدگانت انجام داده‌اند، همان ستایشگران پرتلاش، آنان که یاد تو و شکر تو را بزرگ داشتند.

﴿۶۱۴﴾ زبانم را با حمد و سپاس و یاد و ستایش نیک خود گویا فرما.

﴿۶۱۵﴾ پروردگارا، مرا از زمره‌ی غافلین از یاد و شکر تو قرار نده.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٦١٦﴾ مَنْ عَلَى أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي بِذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٧٠

﴿٦١٧﴾ الحسين عليه السلام: نَبِّهْتَنِي لِذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٥٧، ص: ٣٧٢

﴿٦٨﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ وَ أَقْطِظْنِي مِنْ رَفْدَتِي وَ سَهْلَ الْقِيَامِ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ

فِي أَحَبِّ الْأَوْقَاتِ إِلَيْكَ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَالصَّلَاةَ وَالشُّكْرَ وَالِدُعَاءَ؛ بحار الأنوار ج: ٧٣

٢٠٨: ص

﴿٦٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَتَعَالَتْ رَبَّنَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ حَتَّى إِذَا اسْتَهْلِكْتُ بِالْكَلامِ أَتَمَمْتَ

عَلَّمَ بِالْإِنْعَامِ وَرَبَّنَّ مُتَزَادًا فِي كُلِّ عَامٍ حَتَّى إِذَا أَكْمَلْتَ فِطْرَتَهُ وَاعْتَدَلْتَ قُوَّتَهُ أَوْحَيْتَ عَلَيْهِ

حُحَّتْكَ يَا أَلْهُمَّنِي مَعْرِفَتِكَ وَرَوْعَتِي بِعَحَائِبِ رَحْمَتِكَ وَأَقْطَعْتَنِي بِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَائِكَ

وَأَرْضِكَ فِي بَدَائِعِ خَلْقِكَ وَنَهَيْتَنِي لَشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٣١٤

﴿٤٢٠﴾ الصّادِقِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: آتَيْنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَ

ارزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ؛ تهذيب الأحكام ج: ٣ ص: ١٠٢

﴿٦٢﴾ الرسول ﷺ: أَسْأَلُكَ أَنْ تُخَلِّفَنِي فِي أَهْلِي وَوَلَدِي وَصُرُوفِ حُزَانَتِي بِأَحْسَنَ مَا خَلَفْتَ

بِهِ غَائِبًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَحْصِينِ كُلِّ عَوْرَةٍ وَ سِتْرِ كُلِّ سَيِّئَةٍ وَ حِطِّ كُلِّ مَعْصِيَةٍ وَ كِفَايَةِ كُلِّ

مَكْرُوهُ وَارْزُقْنِي عَلَى ذَلِكَ شُكْرَكَ وَذِكْرَكَ؛ مهج الدعوات ص: ٩٤

﴿٦٢﴾ اَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ... تُلْهِمَنِي شُكْرَكَ وَ ذِكْرَكَ؛

بحار الأنوار ج: ٩٧ ص: ١٦٦

﴿٦٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اَسْأَلُكَ فِي اَكْلِي وَ شُرْبِي السَّلَامَةَ مِنْ وَعْكَهِ وَ الْقُوَّةَ بِهِ عَلَى

طَاعَتِكَ وَذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ فِيمَا بَقِيَتهُ فِي بَدَنِي؛ مستدرک الوسائل ج: ۱۶ ص: ۲۸۱

﴿٦٢٤﴾ امیر المؤمنین علیہ السلام: اللَّهُمَّ اَعْنِي عَلَى ذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ؛ فلاح السائل ص: ٩١

﴿٦٢٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اِنِّى اَسْأَلُكَ فِى اَكْلِى وَ شَرْبِى السَّلَامَةَ مِنْ وَعْكَهِ وَ الْقُوَّةَ بِهِ

عَلَى طَاعَتِكَ وَذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ فِيمَا بَقِيَّتُهُ فِي بَدَنِي وَأَنْ تُشَجِّعَنِي بِقُوَّتِهِ عَلَى عِبَادَتِكَ وَأَنْ

تَلْهَمَنِي حُسْنَ التَّحَرُّزِ مِنْ مَعْصِيَتِكَ فَإِنَّكَ إِنْ فَعَلْتَ ذَلِكَ أُمِنْتَ وَعَثْتَهُ وَغَابَتْتَهُ؛

مستدرک الوسائل ج: ۱۶ ص: ۲۸۱

﴿٦٢٦﴾ الزهراء عليها السلام اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعِنَّا عَلَى شُكْرِكَ وَذِكْرِكَ وَ

طَاعَتِكَ وَ عِبَادَتِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٣٣٨

٧-٢-٢-٤-١-١- ذِكْرُهُ وَشُكْرُهُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿٦١٦﴾ تا زنده‌ام مرا از یاد و شکر خود بهره‌مند کن.

﴿۶۱۷﴾ مرا برای ذکر و شکر بیدار ساختی

﴿۶۱۸﴾ خدایا از غافلان قرارم مده، از خواب بیدارم کن، و بیدارشدن در این شب را در بهترین اوقات در نزد تو برایم آسان گردان، و در آن لحظات، نماز و شکر و دعا را روزی‌ام کن.

﴿۶۱۹﴾ ای مهربان‌ترین مهربانان و ای پروردگار ما، بلند مرتبه‌ای. آنگاه که سخن گفتن آغاز کردم، نعمت را بر من تمام کردی و هر سال مرا بیش از پیش پرورش دادی؛ تا آنگاه که خلقتم تمام شد و توانایی‌ام استوار گشت، با الهام معرفت بر من محبت را بر من تمام کردی و مرا با عجایب رحمت شگفت‌زده نمودی و با پدیده‌های خلقت که در آسمان و زمین آن‌ها را آفریده‌ای مرا بیدار نمودی و مرا بر شکر و ذکر خود آگاه نمودی.

﴿۶۲۰﴾ پروردگارا، به ما در دنیا نیکی عطا کن، و در آخرت نیز نیکی مرحمت فرما، و ما را از عذاب آتش حفظ فرما و در مقابل عطایای خویش یاد و ادای شکر نسبت به خودت را روزی ام گردان.

﴿۶۲۱﴾ پروردگارا، از تو می‌خواهم بعد از من درباره‌ی خانواده و فرزندان و برطرف کنندگان گرفتاری‌ام به بهترین شکلی که فردی می‌تواند برای افراد غایبِ مؤمن درخواست کند و تو انجام دهی، در محافظت کردن از حریم‌هایشان و پوشاندن همه‌ی بدی‌ها و درگذشتن از همه گناهان و برطرف کردن همه‌ی ناخوشی‌هایشان و بر من نعمت شکرگزاری را و یاد خودت را نیز روزی کن.

﴿۶۲۲﴾ از تو درخواست می‌کنم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و یاد و ذکر خودت را به من الهام کنی.

﴿۶۲۳﴾ پروردگارا، از تو می‌خواهم از بیماری‌هایی که از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها پدید می‌آید سالم بمانم و به واسطه‌ی آنچه از خوردنی‌ها که در بدنم باقی می‌گذاری بر انجام طاعت و یاد و شکر تو طلب نیرو می‌کنم.

﴿۶۲۴﴾ خداوندا، مرا بر یاد و شکرگزاریات یاری فرما.

﴿۶۲۵﴾ خداوند، در خوردن و آشامیدنم از تو، سلامت و دوری از درد و بیماری آن را درخواست می‌کنم، و از آنچه از غذا در بدنم باقی می‌ماند بر انجام طاعت و ذکر و شکر نبرو و قدرت و توان می‌طلبم، و از تو می‌خواهم که مرا بر انجام عبادت و بندگی‌ات تحریک‌کنی و پرهیز و دوری از گناهانت را در دلم قرار دهی که چون چنین کنی مرا از گرفتاری و دردش ایمن و آسوده سازی.

﴿٦٢٦﴾ خداوندا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و ما را بر شکر، ذکر، اطاعت و عبادت خودت یاری کن.

۷-۲-۲-۴-۱- یادش و شکرش

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٦٢٧﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): اَعَانَا اللَّهُ وَ إِيَّاكَ عَلَى شُكْرِهِ وَ ذِكْرِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٣٣ ص: ٥٤٩

﴿٦٢٨﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): اذْكُرُوا اللَّهَ عَلَى الطَّعَامِ وَ لَا تَلْغُطُوا فَإِنَّهُ نِعْمَةٌ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ وَ رِزْقٌ مِنْ رِزْقِهِ يَحِبُّ عَلَيْكُمْ فِيهِ شُكْرُهُ وَ ذِكْرُهُ وَ حَمْدُهُ؛ وسائل الشيعة ج: ٢٤ ص: ٣٥٠

﴿٦٢٩﴾ أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي بَرَى وَ لَا يَرَى وَ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى أَنْ يَجْعَلَنَا وَ إِيَّاكَ مِمَّنْ يُحِبُّهُ اللَّهُ وَ يَرْضَاهُ حَتَّى يَبْعَثَنَا عَلَى شُكْرِهِ وَ ذِكْرِهِ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٦ ص: ٧١

﴿٦٣٠﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): حَتَّى يُعِينَنَا وَ إِيَّاكَ عَلَى شُكْرِهِ وَ ذِكْرِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٧٤ ص: ٣٩٢

﴿٦٣١﴾ الصادق (عليه السلام): خَيْرُ لِبَاسِكَ مَا لَا يَشْغُوكَ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بَلَّ يُقَرِّبُكَ مِنْ ذِكْرِهِ وَ شُكْرِهِ؛ مستدرک الوسائل ج: ٣ ص: ٣٢٤

شکرہ؛ مستدرک الوسائل ج: ۳ ص: ۳۲۴

۸-۲-۲-۴-۱- ذکرها و شکرها

﴿٤٣٢﴾ وَ اكْسُهُ مِنْ خَلْعِ الْعَفْوَ وَالْغُفْرَانِ وَالْأَمَانِ وَالرُّضْوَانِ مَا يَكُونُ ذِكْرُهَا وَ شُكْرُهَا وَ نَشْرُهَا مَنْسُوبًا إِلَى مُجَرَّدِ رَحْمَتِكَ وَ جُودِكَ؛ إقبال الأعمال ص: ٢٧٨

طَوَى اٰثْنَاءَ ذِكْرِهِ عَظِيْمَ شُكْرِهِ ۱-۱-۴-۲-۲-۹

﴿٤٣﴾ الرِّسُولُ ﷺ: سَمَّاهُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ مُحَمَّدًا وَ أَحْمَدَ فَمِنْ خَصَائِصِهِ تَعَالَى لَهُ أَنْ ضَمَّنَ
أَسْمَاءَهُ تَنَاءً وَ طَوَّى أَثْنَاءَ ذِكْرِ [ذِكْرِهِ] عَظِيمِ شُكْرِهِ؛ بحار الأنوار ج: ١٦ ص: ١٢٩

٣-٢-٤-١-١- مواردُ الاختلافِ بينَ الذِّكْرِ وَالشُّكْرِ

١-٣-٢-٤-١- الذِّكْرُ بِاللِّسَانِ وَالشُّكْرُ بِالْقَلْبِ

﴿٤٣٤﴾ الرسول ﷺ: سَأَلْتُهُ بِهِمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَنْ يَهَبَ لِي لِسَانًا ذَاكِرًا تَحْمِيدِهِ وَثَنَانِهِ وَقَلْبًا شَاكِرًا لَا لَأَنَّهُ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٢٢

شَاكِرًا لِّلَّآلِهَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٢٢

﴿٦٣٥﴾ الرسول ﷺ: أَرْبَعٌ مَنْ أُعْطِيَهُنَّ فَقَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ بَدَنًا صَابِرًا وَلِسَانًا ذَاكِرًا وَقَلْبًا شَاكِرًا وَزَوْجَةً صَالِحَةً؛ مستدرک الوسائل ج: ٢ ص: ٤١٤

وَقَلْبًا شَاكِرًا وَزَوْجَةً صَالِحَةً؛ مستدرک الوسائل ج: ٢ ص: ٤١٤

﴿٦٣٦﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ لِسَانًا ذَاكِرًا وَ قَلْبًا شَاكِرًا؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٢٣٧

﴿٦٣٧﴾ الرَّسُولُ النَّبِيُّ الْأُمِّيُّ صَاحِبُ الْخُلُقِ الْعَظِيمِ ... اللَّسَانِ الذَّكُورِ وَالْبَدَنِ الصَّبُورِ وَالْقَلْبِ الشَّكُورِ؛ بحار الأنوار ج: ١٦ ص: ١٠٦

الشُّكُور؛ بحار الأنوار ج: ١٦ ص: ١٠٦

﴿٦٣٨﴾ السَّجَادُ ^{السَّجْدَةُ}: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَذْكُورِ بِكُلِّ لِسَانٍ الْمَشْكُورِ عَلَى كُلِّ إِحْسَانٍ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٥٣

ج: ۹۱ ص: ۱۵۳

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۶۲۷﴾ خداوند، ما و تو را به شکر و ذکر خود یاری دهد.

﴿۶۲۸﴾ به هنگام غذا خوردن خدای تعالی را یاد کنید و حرف‌های نامربوط و ناسپاسانه نگویید، زیرا غذا نعمتی از نعمت‌های الهی و رزقی از رزق‌های خداوندی است و بر شما واجب است که آن نعمت را شکر و خدا را یاد کنید و سپاسگزار و ستایشگر حق تعالی باشید.

﴿۶۲۹﴾ از خدایی که می‌بیند و دیده نمی‌شود و در موقعیت عالی قرار دارد، درخواست می‌کنم که ما و تو را از جمله کسانی قرار دهد که دوستشان دارد و از آنان خرسند و راضی است، تا اینکه ما را بر شکرگزاری و یاد خویش برانگیزد.

﴿۶۳۰﴾ تا ما و شما را بر سپاسگزاری و یاد خود یاری کند.

﴿۶۳۱﴾ و بهترین لباس تو، آن لباسی است که تو را از یاد خدا و از انجام وظائف لازم مانع نشود، و بلکه تو را به یاد و سپاسگزاری پروردگار متعال نزدیک کند.

۸-۲-۴-۱-۱- یادش و شکرش

﴿۶۳۲﴾ و او را از جامه‌های عفو و آمرزش و امن و رضایت جامه‌ای بپوشان آن‌گونه که یاد و سپاس و گستردن آن فقط مناسب رحمت و سخاوت تو باشد.

۹-۲-۴-۱-۱- ادای شکر بزرگ خود را در میان ذکر و یاد پیچیده است

﴿۶۳۳﴾ خداوند در کتابش او را محمد و احمد ﷺ نامید؛ پس از ویژگی‌هایی که خداوند متعال برای او قرار داده آن است که در ضمن نام‌های پیامبر ﷺ، ثنای خود را قرار داده است [و در خلال یاد پیامبر ﷺ، شکر عظیم خود را پیچیده است].

۳-۲-۴-۱-۱- موارد تفاوت بین ذکر و شکر

۱-۳-۲-۴-۱- ذکر با زبان است و شکر با قلب

﴿۶۳۴﴾ سؤال کردم آن را از ایشان ﷺ که بخشید برای من زبانی گویای ذکر برای حمد و ثنای الهی و قلبی که خاضع و شاکر است در برابر نعمت‌هایش.

﴿۶۳۵﴾ چهار چیز است که اگر به هرکسی عطا شده باشد خیر دنیا و آخرت به او عطا شده است، و آن چهار چیز عبارت است از: "بدنی صابر، زبانی گویا به ذکر خدا، قلبی شکرکننده و همسری صالح".

﴿۶۳۶﴾ خداوند از تو؛ زبانی گویا به ذکر، و قلبی سرشار از سپاسگزاری درخواست می‌کنم.

﴿۶۳۷﴾ فرستاده‌ی خدا پیامبر درس‌ناخوانده و صاحب خلقی عظیم است... و زبانش دائماً به ذکر گویاست و بسیار صبور است و قلبش بسیار شاکر.

﴿۶۳۸﴾ حمد خدایی را که با همه‌ی زبان‌ها یاد شده و در مقابل همه‌ی احسان‌ها شکر شده است.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

٢-٣-٢-٤-١- الذِّكْرُ بِالْقَلْبِ، الشُّكْرُ بِاللِّسَانِ

﴿٦٣٩﴾ وَ اشْغَلْ قُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ عَنْ كُلِّ ذِكْرٍ، وَ اَلْسِنَتَنَا بِشُكْرِكَ عَنْ كُلِّ شُكْرٍ؛ الصَّحِيفَةُ

السجادية العليّة ص: ٦٢

٣-٣-٢-٤-١- الذِّكْرُ بِالْقَلْبِ، الشُّكْرُ بِالْأَبْدَانِ

(٤٠) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ سَلَامَةَ قُلُوبِنَا فِي ذِكْرِ عَظَمَتِكَ، وَفَرَاغَ أَبْدَانِنَا فِي

شُكْرُ نِعْمَتِكَ، وَانْطِلَاقَ أَلْسِنَتِنَا فِي وَصْفِ مِتِّكَ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٤٤

٤-٣-٢-١-٤-١-١-بَذِرْكَ اسْتَفْتَحْ مَقَالِي، بِشُكْرِكَ اسْتَنْجِحْ سُؤَالِي

﴿٦٤١﴾ السَّجَادَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اللَّهُمَّ بِذِكْرِكَ أَسْفِطِحْ مَقَالِي وَبَشُكْرِكَ أَسْتَنْجِحُ سُؤَالِي؛ بحار الأنوار ج: ٩١

ص: ۱۵۳

٥-٣-٢-٤-١- حَتَّكُمْ عَلَى الشُّكْرِ، إِفْرَضْ عَلَيْكُمْ الذِّكْرَ

﴿٦٤٢﴾ المجتبی عليه السلام: حَتَّكُمْ عَلَى الشُّكْرِ وَافْتَرَضَ عَلَيْكُمُ الذِّكْرَ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ١١٠

٦-٣-٢-٤-١- الشُّكْرُ فِي الرَّغْبَةِ، الذِّكْرُ فِي الرَّهْبَةِ

﴿٦٤٣﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): اَلَا فاعْمَلُوا فِي الرَّغْبَةِ وَ الرَّهْبَةِ فَإِنْ نَزَلَتْ بِكُمْ رَغْبَةٌ فَاشْكُرُوا اللَّهَ وَ

أَجْمِعُوا مَعَهَا رَهْبَةً وَإِنْ نَزَلَتْ بِكُمْ رَهْبَةٌ فَادْكُرُوا اللَّهَ وَاجْمِعُوا مَعَهَا رَغْبَةً؛ بحار الأنوار ج: ٧٤

ص: ٤١٩

٧-٣-٢-٤-١-١-الْخُلُوءُ وَالدُّكْرُ، النَّعْمَةُ وَ الشُّكْرُ

﴿٦٤٤﴾ إِشْحَنَ الْخُلُوةَ بِالذِّكْرِ وَاصْحَبَ النِّعَمَ بِالشُّكْرِ؛ غررالحكم ص: ١٨٨

٨-٣-٢-٤-١-١-إيزاعُ الشُّكر، رزقُ الذَّكر و إلهامُ الذَّكر

﴿٦٤٥﴾ اَسْأَلُكَ بِجُودِكَ اَنْ تُدَيِّنِي مِنْ قُرْبِكَ وَ اَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ وَ اَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ؛

إقبال الأعمال ص: ٧٠٦

﴿٦٦﴾ الرَّسُولُ ﷺ: اللَّهُمَّ قَوِّنِي فِيهِ عَلَى إِقَامَةِ أَمْرِكَ وَارْزُقْنِي فِيهِ حَلَاوَةَ ذِكْرِكَ وَأَوْزِعْنِي

فِيهِ آدَاءُ شُكْرِكَ يَا خَيْرَ النَّاصِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٢

﴿٦٤٧﴾ السَّجَادَ ^{الْعَلِيِّ} إِلَهِي فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ... اللَّهُمَّ ذِكْرَكَ وَ أَوْرَعْتَهُ شُكْرَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١

ص: ١٤٨

٩-٣-٢-٤-١-١- إلهامُ الشُّكْرِ و إرادةُ الذِّكْرِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۲-۳-۲-۴-۱- ذکر با قلب است، شکر به زبان

﴿۶۳۹﴾ دل‌های ما را به یاد خود از هر یادی و زبان‌هایمان را به سپاس خود از هر سپاسی مشغول کن.

۳-۳-۲-۴-۱- ذکر با قلب است، شکر با اندام‌ها

﴿۶۴۰﴾ خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست، و سلامتی دل‌های ما را در یاد عظمت و بزرگی خود، و آسایش تن‌های ما را در سپاسگزاری نعمت خود، و شیرینی زبان‌های ما را در بیان و توصیف نعمت خود قرارده.

۴-۳-۲-۴-۱- با ذکر تو گفتارم را آغاز می‌کنم و با شکر تو حاجتم را می‌خواهم

﴿۶۴۱﴾ پروردگارا، از تو می‌خواهم که سخنم را با یاد تو آغاز کنم و درخواست‌هایم را با شکرگزاری تو قرین کامیابی کنم.

۵-۳-۲-۴-۱- به شکرگزاری ترغیب‌تان کرد و یاد خود را بر شما واجب کرد

﴿۶۴۲﴾ شما را بر سپاسگزاری تشویق کرده و ذکر را بر شما لازم و واجب کرده است.

۶-۳-۲-۴-۱- شکر در شوق و رغبت است، ذکر در ترس

﴿۶۴۳﴾ به هنگام دریافت آنچه می‌پسندید و آنچه ناگوار است، در هر دو حال خداپسندانه عمل کنید و اگر آنچه می‌پسندید به شما داده شد، خدا را شکر کنید ولی همزمان نگران از دست‌دادن آن هم باشید و اگر آنچه بر شما ناگوار است بر شما وارد شد، باز هم خدا را یاد کنید و منتظر آمدن چیزهایی باشید که می‌خواستید.

۷-۳-۲-۴-۱- خلوت و ذکر، نعمت و شکر

﴿۶۴۴﴾ تنهایی و خلوت خود را با یاد خداوند پر و نعمت‌ها را با شکرگزاری همراه کن.

۸-۳-۲-۴-۱- الهام شکر، روزی‌شدن شکر

﴿۶۴۵﴾ پروردگارا، از توبه حق جود و بخشش و کرمیت تقاضا می‌کنم، که مرا به خود نزدیک سازی شکر و سپاسگزاری را بر من الهام کنی.

﴿۶۴۶﴾ پروردگارا، مرا در اجرای دستورات محکم و استوار ساز و در آن شیرینی یادت را روزی‌ام گردان و مرا بر ادای شکرت توفیق بده ای بهترین یاری‌کنندگان.

﴿۶۴۷﴾ پروردگارا، ما را از زمره‌ی کسانی قراربده که... یادت را در دلشان قرار دادی و شکرگزاری را به ایشان الهام کردی.

۹-۳-۲-۴-۱- الهام شکر و خواستن ذکر

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٤٨﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): اللَّهُمَّ كَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ مَا أَرَدْتَنِي بِهِ مِنْ ذِكْرِكَ وَالْهَمْنَيْنِ مِنْ شُكْرِكَ وَدُعَائِكَ فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ الْإِجَابَةُ لِي فِيمَا دَعَوْتُكَ وَالنَّجَاةُ فِيمَا فَرَعْتُ إِلَيْكَ مِنْهُ؛
البلد الأمين ص: ٦٣

١٠-٣-٢-٤-١-١-نسيان الذكر و الانصراف من الشكر

﴿٤٩﴾ الرسول ﷺ: اَعُوْذُ بِكَ مِنْ حَزِيْكَ وَ مِنْ كَشْفِ سِتْرِكَ وَ مِنْ نِّسْيَانِ ذِكْرِكَ وَ
الانصراف من شُكْرِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٢١٢

١١-٣-٢-٤-١- إَجْعَلْ غَفْلَةَ النَّاسِ لَنَا ذِكْرًا وَاجْعَلْ ذِكْرَهُمْ لَنَا شُكْرًا

﴿٦٥٠﴾ الزهراء عليها السلام: اللَّهُمَّ اجْعَلْ غَفْلَةَ النَّاسِ لَنَا ذِكْرًا وَاجْعَلْ ذِكْرَهُمْ لَنَا شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٣٣٨

١٢-٣-٢-٤-١- الذِّكْرُ وَالنِّسْيَانُ، الشُّكْرُ وَالْكَفْرَانُ

﴿٦٥﴾ الصادق (عليه السلام): سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ قَالَ يُطَاعُ فَلَا يُعْصَى وَيُذَكَّرُ فَلَا يُنْسَى وَيُشْكَرُ فَلَا يُكْفَرُ؛ وسائل الشيعة ج: ١٥ ص: ٢٣٥

﴿٦٥٢﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): سألتُ عليَّ بنَ أبي طالب (عليه السلام) عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ قَالَ وَ اللَّهُ مَا عَمِلَ بِهَذَا غَيْرَ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ نَحْنُ ذَكَرْنَا اللَّهَ نَحْنُ فَلَا نَنْسَاهُ وَ نَحْنُ شَكَرْنَاهُ فَلَا نَكْفُرُهُ؛ بحار الأنوار ج: ٣٨ ص: ٦٣

١٣-٣-٢-٤-١- الذِّكْرُ وَالنِّسْيَانُ، الشُّكْرُ وَالْجَهْلُ

﴿٤٨٣﴾ الرسول ﷺ: فَمَنْ عَمِلَ بِرِضَايَ أَزْمُهُ ثَلَاثَ خِصَالٍ أَعْرَفُهُ شُكْرًا لَا يُخَالِطُهُ الْجَهْلُ وَ ذِكْرًا لَا يُخَالِطُهُ النِّسْيَانُ وَ مَحَبَّةً لَا يُؤْثِرُ عَلَى مَحَبَّتِي مَحَبَّةَ الْمَخْلُوقِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٧٤ ص: ٢٨

١٤-٣-٢-٤-١- كَثْرَةُ الذَّكْرِ وَتَتَابُعُ الشُّكْرِ

﴿٦٥٤﴾ الرسول ﷺ: اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يُكْثِرُ ذِكْرَكَ وَ يُتَابِعُ شُكْرَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ١١٣

١٥-٣-٢-٤-١- كَثْرَةُ الذِّكْرِ وَدَوَامُ الشُّكْرِ

﴿٦٥٥﴾ إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَأَكْثَرُ النَّاسِ لَهُ ذِكْرًا وَآذُوهُمْ لَهُ شُكْرًا وَاعْظَمُهُمْ عَلَى بَلَاءِهِ صَبْرًا؛
غرر الحكم ص: ١٨٨

١٦-٣-٢-٤-١-١-دَوَامُ الذِّكْرِ وَتَعْظِيمُ الشُّكْرِ

﴿٤٥٤﴾ الباقِرُ (عليه السلام): نُحَدِّثُ لِلّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِذَلِكَ شُكْرًا نِعْظُمُهُ وَ ذِكْرًا نُدِيمُهُ؛ الكافي ج: ٨
ص: ٣٥٨

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۶۴۸﴾ خداوندا، هم چنان که اراده کرده‌ای یادت کنم و شکر و دعای خویش را به من الهام کرده‌ای، پس اجابت دعای من، و نجات از آنچه را که از آن به‌سوی تو پناه آورده‌ام نیز بخواه زیرا تنها تویی که قدرت بر نجات بندگان و اجابت دعای ایشان را داری.

۱۰-۳-۲-۴-۱-۱- فراموشی ذکر و منصرف‌شدن از شکر

﴿۶۴۹﴾ پروردگارا، از ذلت و خواری به تو پناه می‌برم و از آنکه پرده‌ی من کنار رود و نیز از فراموشی و غفلت از یاد تو و از روگرداندن از ادای شکر تو.

۱۱-۳-۲-۴-۱-۱- غفلت از مردم را موجب ذکر و آگاهی‌شان را موجب شکرمان

قرارد

﴿۶۵۰﴾ پروردگارا، بی‌خبری و غفلت مردم را برای ما موجب یادآوری، و آگاهی آنان را برای ما موجب شکر و سپاس قرار ده.

۱۲-۳-۲-۴-۱-۱- یاد و فراموشی، شکر و ناسپاسی

﴿۶۵۱﴾ از امام صادق علیه السلام در مورد آیه‌ی شریفه: "آن‌گونه که حق تقوا و پرهیزکاری است، از خدا پرهیزید" فرمود: یعنی همواره مطیع اوامر الهی بودن و هرگز گناه‌نکردن، پیوسته به یاد خدا بودن و هیچ‌گاه او را فراموش نکردن، همه‌ی نعمت‌های خدای را سپاسگزار بودن و هرگز ناسپاسی نکردن.

﴿۶۵۲﴾ سؤال کردم از حضرت علی بن ابی‌طالب علیه السلام درباره‌ی کلام خدای تعالی که فرموده است: ای کسانی که ایمان آوردید تقوا پیشه کنید آن‌چنان که حق تقوا و پرهیزکاری است. حضرت فرمود: به خدا سوگند جز اهل بیت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله عمل نکرد کسی به این آیه، ما یاد کردیم و ذکر الهی داشتیم و هرگز دچار غفلت و فراموشی نشدیم، و همچنین ما شکر و سپاس خدای تعالی را به‌جای آوردیم و کفران نورزیدیم.

۱۳-۳-۲-۴-۱-۱- یاد و فراموشی، شکر و نادانی

﴿۶۵۳﴾ آن‌کس که مطابق خشنودی من رفتار کند، سه خصلت را همراه او می‌کنم؛ شکر، به او می‌آموزم که آمیخته به نادانی نباشد و ذکر، به او می‌آموزم که توأم با فراموشی نباشد، و محبت من را آن‌چنان در دل او قرار می‌دهم که دوستی احدی را بر آن ترجیح ندهد.

۱۴-۳-۲-۴-۱-۱- فراوانی ذکر، پیایی بودن شکر

﴿۶۵۴﴾ خدایا، مرا از کسانی قرار ده که فراوان به یادت هستند و پیوسته شکر می‌کنند.

۱۵-۳-۲-۴-۱-۱- فراوانی ذکر، استمرار و دوام‌داشتن شکر

﴿۶۵۵﴾ به‌درستی که دوستان خدا ذکر و یادشان از خداوند بیشترین، شکرشان پردوام‌ترین و صبرشان بر بلا بزرگ‌ترین است.

۱۶-۳-۲-۴-۱-۱- دوام ذکر و عظیم‌شمردن شکر

﴿۶۵۶﴾ سپاسگزاری جدیدی را آغاز می‌کنیم، او را بزرگ می‌داریم و پیوسته او را یاد می‌کنیم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١٧-٢٣-٤-١-إِجْعَلْنِي مِمَّنْ يُذَكِّرُ وَلَا يَعْغُلْ عَنْ شُكْرِكَ
﴿٤٥٧﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُذَكِّرُ
ذِكْرَكَ وَلَا يَنْقُضُ عَهْدَكَ وَلَا يَعْغُلْ عَنْ شُكْرِكَ؛ إقبال الأعمال ص: ٤٨٧
١٨-٢٣-٤-١-لَا يُحْصَى ذِكْرُهُ وَلَا يُؤَدَّى شُكْرُهُ
﴿٤٥٨﴾ المجتبی (عليه السلام): الْحَمْدُ لِلَّهِ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ثُمَّ إِنَّ مِمَّا عَظَّمَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ مِنْ
حَقِّهِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِهِ مَا لَا يُحْصَى ذِكْرُهُ وَلَا يُؤَدَّى شُكْرُهُ؛ بحار الأنوار ج: ٣٢ ص: ٤٠٣
١٩-٢٣-٤-١-حَلَاوَةُ الذِّكْرِ، آدَاءُ الشُّكْرِ
﴿٤٥٩﴾ الرسول (عليه السلام): اللَّهُمَّ قَوْنِي فِيهِ عَلَى إِقَامَةِ أَمْرِكَ وَارْزُقْنِي فِيهِ حَلَاوَةَ ذِكْرِكَ وَأَوْزِغْنِي
فِيهِ آدَاءَ شُكْرِكَ يَا خَيْرَ النَّاصِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٢
٢٠-٢٣-٤-١-أَنْشُرُهُ وَأَطْوِيهِ مِنْ شُكْرِكَ، أُعِيدُهُ وَأُبْدِيهِ فِي ذِكْرِكَ
﴿٤٦٠﴾ السَّجَاد (عليه السلام): سَيِّدِي تَتَابَعَ مِنْكَ الْبِرُّ وَالْعَطَاءُ فَلَزِمَنِي الشُّكْرُ وَالثَّنَاءُ فَمَا مِنْ شَيْءٍ
أَنْشُرُهُ وَأَطْوِيهِ مِنْ شُكْرِكَ وَلَا قَوْلٍ أُعِيدُهُ وَأُبْدِيهِ فِي ذِكْرِكَ إِلَّا كُنْتُ لَهُ أَهْلًا وَمَحَلًّا وَكَانَ
فِي جَنْبِ مَعْرُوفِكَ مُسْتَضْفَرًا مُسْتَقِيلًا؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٧١
٢١-٢٣-٤-١-ذَكَرَكَ فَادُّكْرُهُ وَأَقَالَكَ فَاشْكُرُهُ
﴿٤٦١﴾ السَّجَاد (عليه السلام): يَهْنُوكَ الطُّهُورُ مِنَ الذُّنُوبِ إِنَّ اللَّهَ قَدْ ذَكَرَكَ فَادُّكْرُهُ وَأَقَالَكَ فَاشْكُرُهُ؛
بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ١٣٨
٢٢-٢٣-٤-١-الذَّاكِرُ لِمَنْ ذَكَرَكَ، الشَّاكِرُ لِمَنْ شَكَرَكَ
﴿٤٦٢﴾ الرسول (عليه السلام): اللَّهُمَّ أَنْتَ الذَّاكِرُ لِمَنْ ذَكَرَكَ الشَّاكِرُ لِمَنْ شَكَرَكَ؛ البلد الأمين ص: ٤٢١
﴿٤٦٣﴾ شُكُورُ إِنْ شُكِرْتَ ذَاكِرُ إِنْ ذُكِرْتَ؛ تهذيب الأحكام ج: ٣ ص: ٧٨
﴿٤٦٤﴾ الرسول (عليه السلام): مَنْ ذَكَرَهُ فِي مَلَأٍ ذَكَرَهُ فِي مَلَأٍ أَشْرَفَ وَمَنْ شَكَرَهُ شَكَرَهُ فِي مَقَامِ أَسْنَى؛
مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ٢٩٧
٢٣-٢٣-٤-١-إِذَا ذُكِرَ ذَكَرَ وَإِذَا أُعْطِيَ شُكْرَ
﴿٤٦٥﴾ ذُو الْمُرُوءَةِ الْكَامِلَةِ مَنْ اجْتَمَعَ فِيهِ سَبْعُ خِصَالٍ إِذَا ذُكِرَ ذَكَرَ وَإِذَا أُعْطِيَ شُكْرَ...؛
أعلام الدين ص: ١٥٥
٢٤-٢٣-٤-١-دَاعٍ شَاكِرٌ وَمُسْتَجِبٌ ذَاكِرٌ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۱۷-۳-۲-۴-۱-۱- مرا از کسانی قرار ده که دائماً به یادت بوده و از شکر غافل نباشد

﴿۶۵۷﴾ از تو خواهیم که بر محمد و خاندانش درود فرستی، و مرا از کسانی قرار دهی که پیوسته به یاد تو هستند و پیمان را نمی‌شکنند، و از شکر تو غافل نمی‌شوند.

۱۸-۳-۲-۴-۱-۱- ذکرش به شمارش درنیايد و شکرش به جای آورده نشود

﴿۶۵۸﴾ ستایش مخصوص خداوندی است که جز او خدایی نیست، یکتاست و شریکی ندارد و همانا از حقوق بزرگی که خداوند بر شما تمام کرده و از نعمت‌های کاملی که به شما ارزانی داشته است؛ نعمت‌هایی که به‌شمار در نیاید و سپاسش گزارده نشود.

۱۹-۳-۲-۴-۱-۱- شیرینی ذکر، به جای آوردن شکر

﴿۶۵۹﴾ پروردگارا، مرا در اجرای دستورات محکم و استوار ساز و در آن شیرینی یادت را روزی‌ام گردان و مرا بر ادای شکر توفیق بده ای بهترین یاری‌کنندگان.

۲۰-۳-۲-۴-۱-۱- آنچه را که از شکر پراکنده می‌کنم و یا در هم می‌پیچم، به سوی یادش باز می‌گردم و آن را آغاز می‌کنم

﴿۶۶۰﴾ آقای من، خیر و لطف از طرف تو پیایی بر من می‌بارد و شکر و ستایش را بر من واجب می‌کند. پس هیچ چیزی از شکر تو انجام نداده و هیچ کلامی در ثنای تو گفته نشده‌ام مگر اینکه سزاوار آن بوده‌ای و با این وجود، همه‌ی این‌ها در مقابل نعمت‌های تو کوچک و کم هستند.

۲۱-۳-۲-۴-۱-۱- خدا یادت کرد یادش کن و از تو درگذشت شکرش کن

﴿۶۶۱﴾ پاک‌شدن از گناه برایت؛ مبارک باشد خدا به یاد تو افتاد تو هم او را یاد کن؛ خدا تو را بخشید، تو نیز از او سپاسگزاری کن.

۲۲-۳-۲-۴-۱-۱- یادکننده‌ی کسی که یادت کند سپاسگزار کسی که سپاست گوید

﴿۶۶۲﴾ پروردگارا، تو از کسی که تو را یاد می‌کند یاد می‌کنی و کسی را که تو را شکر کند سپاس می‌گویی.

﴿۶۶۳﴾ شکرگزار (افزایش‌دهنده‌ی نعمت و جزا دهنده است) هنگامی که سپاس گزارده شود و یاد می‌کند آن‌هنگام که یاد شود.

﴿۶۶۴﴾ هر کس خدا را در بین مردم یاد کند، خدا او را در گروهی شریف‌تر یاد خواهد کرد، و هر که او را شکر کند، خدا او را در جایی والاتر سپاسگزاری خواهد کرد.

۲۳-۳-۲-۴-۱-۱- هر گاه یاد شود، یاد کند و هر گاه به او عطا شود شکر کند

﴿۶۶۵﴾ مردانگی کامل در هفت خصلت است: چون یادش آرند یادآور شود، چونش دهند شکر گزارد...

۲۴-۳-۲-۴-۱-۱- دعاکننده‌ی شاکر و تسبیح‌کننده‌ی ذاکر

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٦٦﴾ أَسْأَلُكَ بِأَمْرِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَبِاسْمِكَ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَبِكُلِّ مَا سَأَلَكَ بِهِ دَاعٍ شَاكِرٌ وَ مُسَبِّحٌ ذَاكِرٌ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٦٩

١-١-٤-٢-٣-٢٥- سُبْحَانَكَ يَا مَذْكُورُ تَعَالَيْتَ يَا مَشْكُورُ

﴿٦٧﴾ الرسول ﷺ: سُبْحَانَكَ يَا غَفُورُ تَعَالَيْتَ يَا شَكُورُ؛ البلد الأمين ص: ٣٦٢

١-١-٤-٢-٣-٢٦- شُغْلُهُ الذِّكْرُ وَ هَمُّهُ الشُّكْرُ

﴿٦٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يُصْبِحُ وَ شُغْلُهُ الذِّكْرُ وَ يُمَسِّي وَ هَمُّهُ الشُّكْرُ؛ بحار الأنوار ج: ٦٥ ص: ١٩٤

﴿٦٩﴾ يُمَسِّي وَ هَمُّهُ الشُّكْرُ وَ يُصْبِحُ وَ هَمُّهُ الذِّكْرُ؛ شرح نهج البلاغة ج: ١٠ ص: ١٤٨

١-١-٤-٢-٣-٢٧- الذِّكْرُ لِلْآلَاءِ، الشُّكْرُ عَلَى الْبَلَاءِ

﴿٦٧٠﴾ الذِّكْرُ لِلْآلَائِكَ وَ الْحَمْدُ عَلَى تَعَاهُدِكَ بِنِعْمَائِكَ وَ الشُّكْرُ عَلَى بَلَائِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٢١

﴿٦٧١﴾ الرسول ﷺ: عُرِضَتْ عَلَى بَطْحَاءٍ مَكَّةَ ذَهَبًا فَقُلْتُ يَا رَبِّ لَا وَلَكِنْ أَشْبَعُ يَوْمًا وَ أَجُوعُ يَوْمًا فَإِذَا شَبِعْتُ حَمْدُكَ وَ شَكَرْتُكَ وَإِذَا جُعْتُ دَعْوَتُكَ وَ ذَكَرْتُكَ؛ الكافي ج: ٨ ص: ١٣١

١-١-٤-٢-٣-٢٨- الشُّكْرُ لِلنِّعْمَاءِ، الذِّكْرُ لِلْآلَاءِ وَ الْفَضْلُ

﴿٦٧٢﴾ الكاظم عليه السلام: صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِي لِأَنْعَمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَ لِآلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٣١٩

﴿٦٧٣﴾ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي... شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ نِعْمَائِكَ ذَاكِرَةً لِسَائِغِ آلَائِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٧ ص: ٢٦٤

﴿٦٧٤﴾ الصادق عليه السلام: أَنَا عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ وَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ شَاكِرًا لِنِعْمَتِكَ ذَاكِرًا لِفَضْلِكَ وَ كَرَمِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٢٦٨

١-١-٤-٢-٣-٢٩- الذِّكْرُ لِلْآلَاءِ وَ الْمَحَامِدِ، الشُّكْرُ لِلَّهِ

﴿٦٧٥﴾ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عَبْدًا شَكُورًا وَ لَآلَائِكَ ذَكُورًا؛ بحار الأنوار ج: ٩٧ ص: ٢٦٣

﴿٦٧٦﴾ الرسول ﷺ: فَلَمْ يَبْقَ عَلَى إِلَّا الشُّكْرُ لَكَ وَ الذِّكْرُ لِمَحَامِدِكَ وَ الْإِنْقِيَادُ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْاسْتِمَاعُ لِلدَّاعِي إِلَيْكَ؛ البلد الأمين ص: ٣٨٤

﴿٦٧٧﴾ الحسين عليه السلام: وَ اجْعَلْنَا لَكَ شَاكِرِينَ وَ لَآلَائِكَ ذَاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٢٢

١-١-٤-٢-٣-٣٠- الذِّكْرُ بِالْمَنْ، الشُّكْرُ بِالْفَضْلِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۶۶۶﴾ پروردگارا، از تو به واسطه‌ی حکم تو بر مخلوقات و به آن نامت که بسیار بلندمرتبه و با عظمت است و به تمامی آنچه که به حق آن هر دعا کننده‌ی شکرگزار و هرتسبیح گوی ذکرکننده درخواست می‌کنند درخواست می‌نمایم.

۱-۱-۴-۲-۳-۲۵ پاک و منزهی تو ای یاد شده، رفیع و والا مقام هستی ای سپاسگزاری شده

﴿۶۶۷﴾ پاک و منزهی تو ای خداوندی که آمرزنده‌ای و بلندمرتبه‌ای شکرگزار و فزون‌بخشی.

۱-۱-۴-۲-۳-۲۶ اشتغالش ذکر و اهتمامش شکر است

﴿۶۶۸﴾ صبح را با ذکر و یاد خدا آغاز می‌کند، و در حالی شب را آغاز می‌کند که تلاش و همتش سپاسگزاری است.

﴿۶۶۹﴾ شب را در حالی آغاز می‌کند که همتش ادای شکر است و صبح را در حالی آغاز می‌کند که همتش یاد پروردگار است.

۱-۱-۴-۲-۳-۲۷ یاد در نعمت‌ها، شکر در هنگام بلا

﴿۶۷۰﴾ نعمت‌های تو را به یاد می‌آورم و تو را به خاطر آنکه عهد کرده‌ای که به من نعمت دهی ستایش می‌کنم و بر امتحانات شکر می‌کنم.

﴿۶۷۱﴾ دره‌ی بطحای مکه را پر از طلا به من عرضه کردند اما من گفتم: پروردگارا، نه، چنانچه من روزی سیر باشم و روزی گرسنه (برایم بهتر است) تا چون سیر شوم تو را سپاس گویم و هنگامی که گرسنه شوم تو را بخوانم و یادت کنم.

۱-۱-۴-۲-۳-۲۸ شکر برای نعمت‌ها، یاد برای بخشش‌ها و احسان

﴿۶۷۲﴾ پروردگارا، رحمت فرست بر محمد و بر خاندانش و قرار بده مرا در برابر نعمت‌های خود از جمله شکرگزاران، و برای نیکویی‌های تو از یادآورندگان و ذاکرین یاد خودت قرار بده. ﴿۶۷۳﴾ پروردگارا، نفسم را... در مقابل نعمت‌های بزرگت شاکر و نسبت به نعمت‌های کاملت ذاکر و متوجه قرار بده.

﴿۶۷۴﴾ من بنده‌ی توام و در مُشت تو و در دست قدرت تو هستم و اختیارم به دست توست، شکرگزار نعمت هستم و ذکرکننده‌ی فضل و کرم.

۱-۱-۴-۲-۳-۲۹ یاد در نعمت‌ها و ستایش‌ها، شکر از آن خدا

﴿۶۷۵﴾ خدایا، مرا بنده‌ای بسیار شاکر و بسیار یادکننده‌ی نعمت‌هایت قرار بده.

﴿۶۷۶﴾ وظیفه‌ای جز شکر تو و یاد ستودنی‌هایت و سرخم کردن برای فرمان برداری از تو و گوش فرادادن به دعوت کننده‌ای که به سوی تو، بخواند، بر من نیست.

﴿۶۷۷﴾ خدایا، ما را به درگاهت از زمره‌ی شکرکنندگان و بر نعمت‌هایت از جمله و یادکنندگان قرار ده.

۱-۱-۴-۲-۳-۳۰ یاد به واسطه‌ی نعمت‌ها، شکر به واسطه‌ی احسان

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٦٧٨﴾ فَذَكَرُواكَ بِمَنَّكَ، وَشَكَرُواكَ بِفَضْلِكَ؛ الصَّحِيفَةُ السَّجَّادِيَّةُ الرَّضَايَةُ ص: ١٩٢

١-١-٤-٣- الشُّكْرُ وَالصَّبْرُ

١-١-٤-٣-١- الْحَالُ الَّتِي تُوجِبُ الشُّكْرَ أَفْضَلُ مِنَ الْحَالِ الَّتِي تُوجِبُ الصَّبْرَ

﴿٦٧٩﴾ الصَّادِقُ الرَّضَايَةُ: الْحَالُ الَّتِي تُوجِبُ الشُّكْرَ أَفْضَلُ مِنَ الْحَالِ الَّتِي تُوجِبُ الصَّبْرَ؛

مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ٢٨٧

﴿٦٨٠﴾ الرضا الرَّضَايَةُ: مَرَّ عَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ الرَّضَايَةُ رَجُلٌ وَهُوَ يَدْعُو اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَهُ الصَّبْرَ فَقَالَ أَلَا لَا تَقُلْ هَذَا وَلَكِنْ سَلِ اللَّهَ الْعَافِيَةَ وَ الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ فَإِنَّ الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ خَيْرٌ مِنَ الصَّبْرِ عَلَى الْبَلَاءِ كَانَ مِنْ دُعَاءِ النَّبِيِّ ﷺ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ وَ الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ وَ تَمَامَ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٢٩٢

١-١-٤-٣-٢- مُشَابَهَةُ الشُّكْرِ وَالصَّبْرِ

١-١-٤-٣-٢-١- مَنْ شَكَرَ كَمَنْ صَبَرَ

﴿٦٨١﴾ مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْهِ فَشَكَرَ كَمَنْ ابْتُلِيَ فَصَبَرَ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٨

١-١-٤-٣-٢-٢- مَنْ لَمْ يَصْبِرْ كَمَنْ لَمْ يَشْكُرْ وَ مَنْ لَمْ يَشْكُرْ كَمَنْ لَمْ يَصْبِرْ

﴿٦٨٢﴾ الصَّادِقُ الرَّضَايَةُ: مَنْ لَا يَقْضِي حَقَّ الصَّبْرِ عَلَى الْبَلَاءِ حُرْمَ قَضَاءِ الشُّكْرِ فِي النِّعْمَةِ كَذَلِكَ مَنْ لَا يُؤَدِّي حَقَّ الشُّكْرِ فِي النِّعْمَةِ يُحْرِمَ عَنْ قَضَاءِ الصَّبْرِ فِي الْبَلَاءِ وَ مَنْ حُرِمَهُمَا فَهُوَ مِنَ الْمَطْرُودِينَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٢ ص: ٤٣٩

١-١-٤-٣-٢-٣- أَجْرُ الشَّاكِرِينَ كَأَجْرِ الصَّابِرِينَ

﴿٦٨٣﴾ الرسول ﷺ: الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الْمُتَبَلِّ الصَّابِرِ وَ الْمُعْطَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الْمُحْتَرَفِ الْقَانِعِ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٥٦

﴿٦٨٤﴾ الصَّادِقُ الرَّضَايَةُ: الطَّاعِمُ الشَّاكِرُ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الصَّائِمِ الْمُحْتَسِبِ وَ الْمُعَافَى الشَّاكِرُ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الْمُتَبَلِّ الصَّابِرِ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٢٤٦

﴿٦٨٥﴾ الصَّادِقُ الرَّضَايَةُ: الْمُعَافَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مَا لِلْمُتَبَلِّ الصَّابِرِ وَ الْمُعْطَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَلْمَحْرُومِ الْقَانِعِ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٤

١-١-٤-٣-٢-٤- شُكْرُ الصَّابِرِينَ وَ صَبْرُ الشَّاكِرِينَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۶۷۸﴾ تو را به خاطر نعمت‌هایت یاد و به خاطر الطافت شکر کردند.

۳-۱-۴-۱- شکر و صبر

۱-۳-۴-۱- حالی که موجب شکر شود از حالی که موجب صبر شود برتر است

﴿۶۷۹﴾ موقعیتی که موجب شکر شود بسیار نیکوتر و با فضیلت‌تر است از موقعیتی که موجب صبر و شکیبایی شود.

﴿۶۸۰﴾ حضرت سجاد علیه السلام به مردی که از خداوند می‌خواست به او صبر بدهد، فرمود: ای مرد، این چنین نگو بلکه از خداوند عافیت بخواه و هرگاه عافیت داد، سپاسگزار باش زیرا شکر بر عافیت از صبر بهتر است. حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمود: "خدا یا، از تو عافیت و شکر بر عافیت را در دنیا و آخرت خواستارم."

۲-۳-۴-۱- تشابه شکر و صبر

۱-۲-۳-۴-۱- کسی که شکر کند همانند کسی است که صبر کند

﴿۶۸۱﴾ به هر کس که نعمت عطا شود و او شکر کند اجرا و مثل کسی است که به بلایی مبتلا شود به و در برابر آن صبر کند.

۲-۲-۳-۴-۱- کسی که صبر نمی‌کند همانند کسی است که شکر نمی‌کند، و کسی که شکر نمی‌کند همانند کسی است که صبر نمی‌کند

﴿۶۸۲﴾ هر که حق شکیبایی بر بلا را ادا نکند، از شکر نعمت دور می‌افتد، و همچنین هر که حق شکر نعمت را ادا نکند از ادای حق صبر در بلا دور می‌افتد و هر کس از این دو محروم شود از طردشدگان و رانده‌شدگان است.

۳-۲-۳-۴-۱- پاداش شاكران همانند پاداش صابران است

﴿۶۸۳﴾ کسی که شکر خدا را می‌گوید مانند گرفتار صابر پاداش دارد، و کسی که نعمت به او داده شود و سپاسگزاری کند مانند کاسب قانع پاداش می‌گیرد.

﴿۶۸۴﴾. اجر آن که غذا می‌خورد و شکر می‌کند، چون کسی است که روزه گیرد و اجر طلبد، و پاداش تندرست شاكر همانند گرفتار صابر است.

﴿۶۸۵﴾ شخصی که صحیح و سالم باشد و شکرگزار، مانند شخص مریض شکیبا، اجر و پاداش دارد و ثروتمند سپاسگزار در اجر و پاداش همانند مستمند قانع است.

۴-۲-۳-۴-۱- شکر صابران و صبر شاكران

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٦٨٦﴾ الصادق عليه السلام: أَسْأَلُكَ عِلْمَ الْخَائِفِينَ وَإِنَابَةَ الْمُخْطِئِينَ وَيَقِينَ الْمُتَوَكِّلِينَ وَتَوَكُّلَ الْمُؤَقِّنِينَ بِكَ وَخَوْفَ الْعَالَمِينَ وَإِخْبَاتَ الْمُنِيِّينَ وَشُكْرَ الصَّابِرِينَ وَصَبْرَ الشَّاكِرِينَ؛ مصباح المتعبد ص: ٢٧١

﴿٦٨٧﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صَبْرَ الشَّاكِرِينَ لَكَ؛ المصباح للكفعمي ص: ٥٢٨

١-١-٤-٣-٢-٥- مِنْ صَبَرَ أَعْطَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ الشَّاكِرِينَ

﴿٦٨٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَلَا وَ مَنْ صَبَرَ عَلَى خُلُقِ امْرَأَةٍ سَيَتَمَّ الْخُلُقُ وَ اخْتَسَبَ فِي ذَلِكَ الْأَجْرَ أَعْطَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ الشَّاكِرِينَ فِي الْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٧٣ ص: ٣٣٥

١-١-٤-٣-٢-٦- الْإِيمَانُ نِصْفَانُ نِصْفٌ فِي الصَّبْرِ وَ نِصْفٌ فِي الشُّكْرِ

﴿٦٨٩﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: الْإِيمَانُ نِصْفَانُ نِصْفٌ فِي الصَّبْرِ وَ نِصْفٌ فِي الشُّكْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٧٤

ص: ١٥٣

﴿٦٩٠﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: الْإِيمَانُ شَطْرَانِ شَطْرُ صَبْرٍ وَ شَطْرُ شُكْرٍ؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ٢٨٧

﴿٦٩١﴾ الْإِيمَانُ صَبْرٌ فِي أَلْبَاءٍ وَ شُكْرٌ فِي الرَّخَاءِ؛ غرر الحكم ص: ٨٧

١-١-٤-٣-٢-٧- الصَّبْرُ عَلَى أَلْبَاءٍ، مِنْ مَصَادِيقِ الشُّكْرِ

﴿٦٩٢﴾ الصادق عليه السلام: لَمَّا اشْتَدَّ أَلْبَاءُ عَلَى أَيُّوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَتِ امْرَأَتُهُ أَلَا تَدْعُو رَبَّكَ فَيَكْشِفَ مَا بَكَ فَقَالَ لَهَا يَا امْرَأَةُ إِنِّي عِشْتُ فِي الْمَلِكِ وَ الرَّخَاءِ سَبْعِينَ سَنَةً فَأَنَا أُرِيدُ أَنْ أَعِيشَ مِثْلَهَا فِي أَلْبَاءٍ لَعَلِّي كُنْتُ أَدَيْتُ شُكْرَ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيَّ وَأَوَّلَى بِي الصَّبْرُ عَلَى مَا أَتَلَى؛ مسكن الفؤاد ص: ٩٥

﴿٦٩٣﴾ الرضا عليه السلام: أَنَّ عِلَّةَ الزَّكَاةِ مِنْ أَجْلِ قُوتِ الْفُقَرَاءِ وَ تَحْصِينِ أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ كَلَّفَ أَهْلَ الصَّحَّةِ الْقِيَامَ بِشَأْنِ أَهْلِ الزَّمَانَةِ وَ الْبَلْوَى كَمَا قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَتُبْلَوُنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فِي أَمْوَالِكُمْ إِخْرَاجُ الزَّكَاةِ وَ فِي أَنْفُسِكُمْ تَوْطِينُ الْأَنْفُسِ عَلَى الصَّبْرِ مَعَ مَا فِي ذَلِكَ مِنْ آدَاءِ شُكْرِ نِعَمِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٢ ص: ٨

﴿٦٩٤﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: عَلَامَةُ الصَّابِرِ فِي ثَلَاثٍ أَوَّلُهَا أَنْ لَا يَكْسَلَ وَ الثَّانِيَةُ أَنْ لَا يَضْجَرَ وَ الثَّالِثَةُ أَنْ لَا يَشْكُو مِنْ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لِأَنَّهُ إِذَا كَسِلَ فَقَدْ ضَيَّعَ الْحُقُوقَ وَ إِذَا ضَجَرَ لَمْ يُؤَدِّ الشُّكْرَ وَ إِذَا شَكَا مِنْ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَدْ عَصَاهُ؛ وسائل الشيعة ج: ١٦ ص: ٢٣

١-١-٤-٣-٢-٨- ذِكْرُ الشُّكْرِ وَ الصَّبْرِ مَعًا

﴿٦٩٥﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ ذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ؛ إبراهيم: الآية ٥

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۶۸۶﴾ خداوند، از تو درخواست می‌کنم، دانش آنان را که نگران و ترسان از مخالفت با امر تو هستند؛ و نیز ناله و توسل اهل خشوع و یقین اهل توکل و اعتماد و ترس و بیمناکی اهل علم و دانایی و خضوع اهل انابه و ناله؛ و شکر و سپاسگزاری صابران و بردباران و صبر و بردباری اهل شکرگزاران را به من عطا فرمایی.

﴿۶۸۷﴾ پروردگارا، از تو صبر شکرکنندگان به درگاهت را می‌خواهم.

۵-۲-۳-۴-۱-۱- کسی که صبر کند خداوند ثواب شاکران را به او عطا می‌کند

﴿۶۸۸﴾ آگاه باشید که هرکس بر بدرفتاری زن بداخلاقی شکیبایی ورزد و به حساب بگذارد خداوند در آخرت به او پاداش شکرگزاران را می‌دهد.

۶-۲-۳-۴-۱-۱- ایمان دو نیمه دارد، نصف آن در صبر و نصف آن در شکر است

﴿۶۸۹﴾ ایمان دو بخش است؛ نیمی صبر و شکیبایی و نیمی شکر و سپاس.

﴿۶۹۰﴾ ایمان بر دو قسمت است؛ قسمتی بر صبر و قسمتی بر شکر استوار شده است.

﴿۶۹۱﴾ ایمان همان صبر در گرفتاری، و سختی و شکر در حالت راحتی و آسایش است.

۷-۲-۳-۴-۱-۱- صبر هنگام بلا از مصادیق شکر است

﴿۶۹۲﴾ وقتی که بلا و گرفتاری حضرت ایوب علیه السلام شدت یافت همسر آن حضرت به او گفت: آیا دعا نمی‌کنی که خداوند بلا را از تو برطرف کند؟ حضرت ایوب فرمود: ای زن، من هفتادسال در حال رفاه و آسایش زندگی کردم، حال مایلم که هفتادسال در بلا و گرفتاری باشم تا شاید بتوانم شکر نعمت‌های گذشته را ادا کنم؛ و صبر کردن در برابر بلا برای من سزاوارتر است.

﴿۶۹۳﴾ علت تشریع زکات به جهت تأمین مایحتاج فقرا بوده است، اگر توانگران از مال خود، حق فقرا را ندهند اموال آن‌ها در معرض تلف و نابودی قرار خواهد گرفت. خداوند متعال مردمان سالم را مکلف کرده که به بیماران و معلولان و ناتوانان و گرفتاران رسیدگی کنند و در قرآن مجید فرموده است: "با مال‌ها و جان‌هایتان آزمایش می‌شوید". خداوند متعال در اموال آن‌ها حقوقی برای فقرا معین کرده و فرموده است باید زکات مال خود را بپردازند، و در مورد نفس نیز باید در مشکلات صابر و شکیبیا باشند، و همواره بردبار و حلیم بوده و شکر و سپاس پروردگار را به جای آورند.

﴿۶۹۴﴾ علامت و نشانه‌ی صابر و شکیبیا در سه چیز است ۱- هیچ‌وقت کسل و بی‌حال و حوصله نمی‌شود ۲- هیچ‌وقت احساس خستگی نمی‌کند ۳- هیچ‌گاه از خدای متعال شکوه و شکایت ندارد. زیرا اگر کسالت و تنبلی کند حق از دست می‌رود و اگر احساس خستگی کند شکر نعمت را ننموده و اگر از خداوند متعال شکوه و شکایت داشته باشد حتما معصیت و نافرمانی او را ننموده و خواهد نمود.

۸-۲-۳-۴-۱-۱- ذکر شکر و صبر با هم

﴿۶۹۵﴾ ما موسی را با آیات خود فرستادیم (و دستور دادیم:) قومت را از ظلمات (گمراهی) به‌سوی نور بیرون آر و ایام‌الله را به آنان یادآوری کن؛ در این کار برای هر صبرکننده‌ی شکرگزار نشانه‌هایی است.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٦٩٦﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ نَبْعَةً مِنَ اللَّهِ لِيَرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ

شَكُورٍ؛ لقمان: الآية ٣١

﴿٦٩٧﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): هَبْ لِي فِيهِ أَمْنًا وَ إِيْمَانًا وَ عَافِيَةً وَ يُسْرًا وَ صَبْرًا وَ شُكْرًا؛ بحار الأنوار

ج: ٩١ ص: ٢٩٤

﴿٦٩٨﴾ الرسول (عليه السلام): دَخَلْتُ أَنَا وَ خَمْسَةُ رَهْطٍ مِنْ أَصْحَابِنَا يَوْمًا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (عليه السلام) وَ قَدْ أَصَابَتْنَا مَجَاعَةٌ شَدِيدَةٌ وَ لَمْ يَكُنْ دُفْنَا مِنْذُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ إِلَّا الْمَاءُ وَ اللَّبَنُ وَ وَرَقَ الشَّجَرِ قُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ إِلَى مَتَى نَحْنُ عَلَى هَذِهِ الْمَجَاعَةِ الشَّدِيدَةِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (عليه السلام) لَا تَزَالُونَ فِيهَا مَا عَشْتُمْ فَأَحْدِثُوا لِلَّهِ شُكْرًا فَإِنِّي قَرَأْتُ كِتَابَ اللَّهِ الَّذِي أُنْزِلَ عَلَى وَ عَلَى مَنْ كَانَ قَلْبِي فَمَا وَجَدْتُ مَنْ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ إِلَّا الصَّابِرُونَ؛ بحار الأنوار ج: ٧٤ ص: ٩٤

﴿٦٩٩﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): رَاعِ أَوْقَاتَ قِرَائِصِ اللَّهِ وَ سُنَنِ نَبِيِّهِ (عليه السلام) وَ مَا يَجِبُ عَلَيْكَ مِنَ الْأَدَبِ وَ الْإِحْتِمَالِ وَ الصَّبْرِ وَ الشُّكْرِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٠ ص: ١٧٢

﴿٧٠٠﴾ الرسول (عليه السلام): خَصَلْتَانِ مِنْ كَانَتَا فِيهِ كَتَبَهُ اللَّهُ شَاكِرًا صَابِرًا مَنْ نَظَرَ فِي دِينِهِ إِلَى مَنْ فَوْقَهُ فَاقْتَدَى بِهِ وَ نَظَرَ فِي دُنْيَاهُ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَهُ فَشَكَرَ اللَّهَ فَإِنْ نَظَرَ فِي دُنْيَاهُ إِلَى مَنْ فَوْقَهُ فَاسِيفَ عَلَى مَا فَاتَهُ لَمْ يَكْتُبْهُ اللَّهُ شَاكِرًا وَ لَا صَابِرًا؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ١٧٢

﴿٧٠١﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَصَّ رَسُولَهُ (عليه السلام) بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَامْتَحِنُوا أَنْفُسَكُمْ فَإِنْ كَانَتْ فِيكُمْ فَاحْمَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ ارْغَبُوا إِلَيْهِ فِي الزِّيَادَةِ مِنْهَا فَذَكَرَهَا عَشْرَةَ الْيَقِينِ وَ الْقَنَاعَةِ وَ الصَّبْرِ وَ الشُّكْرِ؛ من لايحضره الفقيه ج: ٣ ص: ٥٥٤

﴿٧٠٢﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): أَمَّا الصَّالِحُونَ فَإِنَّ الَّذِي يُصَيِّبُهُمْ مِنْ هَذَا يَرُدُّهُمْ [يَزِدُّهُمْ] نِعَمَ رَبِّهِمْ عِنْدَهُمْ فِي سَالِفِ أَيَّامِهِمْ فَيَحْدُوهُمْ ذَلِكَ عَلَى الشُّكْرِ وَ الصَّبْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٣ ص: ١٣٩

﴿٧٠٣﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): لَمْ يُقَسِّمْ بَيْنَ الْعِبَادِ أَقْلٌ مِنْ خَمْسِ الْيَقِينِ وَ الْقُنُوعِ وَ الصَّبْرِ وَ الشُّكْرِ وَ الَّذِي يَكْمُلُ بِهِ هَذَا كُلُّهُ الْعَقْلُ؛ بحار الأنوار ج: ١ ص: ٨٦

﴿٧٠٤﴾ الْمُؤْمِنُ بَشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَ حُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ أَوْسَعُ شَيْءٍ صَدْرًا وَ أَذَلُّ شَيْءٍ نَفْسًا يَكْرَهُ الرِّفْعَةَ وَ يَشْتَأُ السَّمْعَةَ طَوِيلَ عُمِهِ بَعِيدُ هَمِّهِ كَثِيرُ صَمْتِهِ مَشْغُولُ وَقْتِهِ شَكُورُ صَبْرِهِ؛

شرح نهج البلاغة ج: ١٩ ص: ٢٤٥

﴿٧٠٥﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ؛ ابراهيم الآية ٥

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۶۹۶﴾ آیا ندیدی کشتی‌ها بر (صفحه‌ی) دریاها به فرمان خدا، و به (برکت) نعمت او حرکت می‌کنند تا بخشی از نشانه‌هایش را به شما نشان دهد؟ در این‌ها نشانه‌هایی است برای کسانی که شکبیا و شکر گزارند.

﴿۶۹۷﴾ به من در این سفر امنیت و ایمان و سلامتی و آسانی در کارها و صبر در بلاها را و شکرگزاری در نعمت‌ها را ببخش.

﴿۶۹۸﴾ من و پنج دسته از یارانمان روزی بر پیامبر خدا ﷺ وارد شدیم، قحطی سختی به ما رسیده بود که چهار ماه تمام جز آب و شیر و برگ درختان چیزی نچشیده بودیم، عرض کردم: ای پیامبر خدا، تا کی ما در این قحطی به سر ببریم؟ پیامبر خدا فرمود: همیشه در این قحطی خواهید بود پس سپاسگزاری خدا را کنید، زیرا که من خواندم کتاب خدا را که بر من و پیامبران پیش از من فرود آمده پیدا نکردم در آسمان‌ها کسی را که وارد بهشت شود، مگر شکیبایان را.

﴿۶۹۹﴾ پیوسته مراعات و مراقبت کن تا وظائف واجبه و آداب و سنن پیامبر اکرم ﷺ در اوقات مخصوص آن‌ها را به جای آوری، و در این راه آداب عرفی را رعایت کن، و در مقابل پیشامدها، بر ناگواری‌ها و سختی‌ها تحمل داشته باش، و در مقابل ناراحتی‌ها بردباری کن، و پیوسته به خاطر نعمت‌ها و خوشی‌ها سپاسگزار باش.

﴿۷۰۰﴾ دو خصلت است در هر که باشد در دیوان خدا شاکر و صابر محسوب می‌شود؛ در امر دین به بالادست بنگرد و از او پیروی کند، و در کار دنیا به زیردست نظر کند و بر هر نعمتی که دارد شکر گزارد. و هر که در کار دین به زیردست نگاه کند و در امر دنیا به بالادست و بر آنچه ندارد حسرت خورد، خدا او را شاکر و صابر ثبت نفرماید.

﴿۷۰۱﴾ همانا خداوند پیامبرش را به مکارم اخلاق اختصاص داد، پس خودتان را بیازمایید، اگر آن‌ها در شما باشد خدا را سپاس گوئید و از او بخواهید در شما افزون کند، پس ده تا از آن‌ها را بیان کرد: یقین و قناعت و صبر و شکر...

﴿۷۰۲﴾ و اما صالحان هنگامی که گرفتار می‌شوند به یاد نیکی‌ها و نعمات گذشته‌ی خداوند و پروردگار خویش می‌افتند و این یادآوری آنان را به شکرگزاری و شکیبایی می‌کشانند.

﴿۷۰۳﴾ بین مردم کمتر از پنج چیز تقسیم نشده است و آن‌ها عبارتند از؛ یقین، قناعت، صبر، شکر، و همه‌ی این‌ها را عقل کامل می‌کند.

﴿۷۰۴﴾ شادمانی مؤمن در رخسار اوست و اندوه وی در دلش. سینه‌ی او وسیع‌تر از هر چیزی است و نفس وی هر چه خوارتر، برتری‌جستن را خوش نمی‌دارد، و از اینکه نیکی خود را به گوش دیگران برساند بیزار است. اندوهش دائمی است، همتش بسیار زیاد است. خاموشی‌اش افزون، اوقاتش پرکار و بسیار شکرگزار و سپاسگزار است، و همواره شکیباست.

﴿۷۰۵﴾ در این، نشانه‌هایی است برای هر صبرکننده‌ی شکرگزار.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٧٠٦﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: أَلَا وَإِنَّ عَلَيَّ هُوَ الْمَوْصُوفُ بِالصَّبْرِ وَ الشُّكْرِ ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ وَلَدِي مِنْ صَلْبِهِ؛

بحار الأنوار ج: ٣٧ ص: ٢١١

﴿٧٠٧﴾ بِحَقِّ الصَّابِرِ عَلَى الشُّكْرِ مِنَ الصَّابِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٨ ص: ٣٧١

﴿٧٠٨﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي صَبُورًا وَ اجْعَلْنِي شُكُورًا؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٢١١

﴿٧٠٩﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صِفْ لَنَا صِفَةَ الْمُؤْمِنِ كَأَنَّا نَنْظُرُ إِلَيْهِ فَقَالَ يَا هَمَّامُ الْمُؤْمِنُ هُوَ الْكَيْسُ الْفَطْنُ... صَبُورٌ شُكُورٌ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٢٢٦

﴿٧١٠﴾ الْحَازِمُ مِنْ شُكْرِ النِّعْمَةِ مُقْبِلَةٌ وَ صَبْرَ عَنْهَا وَ سَلَاهَا مُؤَلِّقَةٌ مُدْبِرَةٌ [مُدْبِرَةٌ مُؤَلِّقَةٌ]؛

غرر الحكم ص: ٤٧٥

٣-١-٤-١- الفُروقُ بَيْنَ الشُّكْرِ وَ الصَّبْرِ

١-١-٤-٣-٣-١ الشُّكْرُ بِالْقَلْبِ، الصَّبْرُ بِالْبَدَنِ

﴿٧١١﴾ الرَّسُولُ النَّبِيُّ الْأَمِيُّ صَاحِبُ الْخَلْقِ الْعَظِيمِ وَ الدِّينِ الْقَوِيمِ وَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ وَ الذِّكْرِ الْحَكِيمِ وَ الرُّكْنِ وَ الْحَظِيمِ صَاحِبُ الدِّينِ وَ الطَّاعَةِ وَ الْفَصَاحَةِ وَ الْبَرَاةِ وَ الْكُرِّ وَ الشَّجَاعَةِ وَ التَّوَكُّلِ وَ الْقَنَاعَةِ وَ الْحَوْضِ وَ الشَّفَاعَةِ صَاحِبُ الدِّينِ الظَّاهِرِ وَ الْحَقِّ الزَّاهِرِ وَ الزَّمَانِ الْبَاهِرِ وَ اللِّسَانِ الذَّاكِرِ وَ الْبَدَنِ الصَّابِرِ وَ الْقَلْبِ الشَّاكِرِ وَ الْأَصْلِ الطَّاهِرِ وَ الْأَبَاءِ الْأَخَابِرِ وَ الْأُمَمَاتِ الطَّوَاهِرِ صَاحِبُ الضِّيَاءِ وَ النُّورِ وَ الْبَرَكَةِ وَ الْحُبُورِ وَ الْيَمْنِ وَ السُّرُورِ وَ اللِّسَانِ الذَّكُورِ وَ الْبَدَنِ الصَّبُورِ وَ الْقَلْبِ الشُّكُورِ؛ بحار الأنوار ج: ١٦ ص: ١٠٦

٢-١-٤-٣-٣-٢ إِسْتِدَامَةُ النِّعْمَةِ بِالشُّكْرِ وَ ارْتِجَاعُ فَائِثَتِهَا بِالصَّبْرِ

﴿٧١٢﴾ أَحْسَنُ النَّاسِ حَالًا فِي النِّعَمِ مَنْ اسْتَدَامَ حَاضِرَهَا بِالشُّكْرِ وَ ارْتَجَعَ فَائِثَتَهَا بِالصَّبْرِ؛

غرر الحكم ص: ٢٧٨

٣-١-٤-٣-٣-٣ إِيْهَامُ الصَّبْرِ، إِيْزَاعُ وَ طَوْقُ الشُّكْرِ

﴿٧١٣﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ صَبْرًا لِمَا أَلْهَمَنَا عَلَيْهِ صَبْرًا وَ شُكْرًا لِمَا أَوْزَعَنَا عَلَيْهِ شُكْرًا؛ المصباح للكفعمي

ص: ٧٦١ ص: في خطبة النكاح

﴿٧١٤﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِكَ أَلْهَمْتُهُ الصَّبْرَ وَ طَوَّقْتُهُ الشُّكْرَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢

ص: ٣١٠

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۷۰۶﴾ آگاه باشید، که همانا علی علیه السلام؛ شناخته شده به صفت شکیبایی و شکر است، و بعد از او فرزندان او از صلب او هستند به این صفات آراسته‌اند.

﴿۷۰۷﴾ تو را به حق امام هادی علیه السلام آن شکیبایی که در میان شکیبایان بسیار شکرگزار است سوگند می‌دهم

﴿۷۰۸﴾ خداوند، مرا بسیار صبرکننده و بسیار شکرکننده قرارده.

﴿۷۰۹﴾ یا امیرالمؤمنین صفات مؤمن را برای من بیان فرماید. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ای همام مؤمن زرنک و باهوش است... شکیبا و سپاسگزار است.

﴿۷۱۰﴾ دور اندیش کسی است که نعمتی را که رو کرده است شکر بگذارد و قبل از رسیدن آن شکیبا باشد و با نعمتی که پشت کرده و از دست رفته است صبور و خوشتن دار باشد.

۳-۳-۱-۱- تفاوت‌های بین شکر و صبر

۱-۱-۴-۳-۳-۱- شکر با قلب، صبر با بدن

﴿۷۱۱﴾ فرستاده‌ی خدا پیامبر درس‌ناخوانده و صاحب خُلق عظیم و دین استوار و راه مستقیم و قرآن حکیم و رکن و حطیم؛ صاحب دین و اطاعت و فصاحت و بلاغت حمله‌های مکرر و شجاعت و توکل و قناعت و حوض کوثر و شفاعت و صاحب دین پیروز و حق درخشان و زمان نورانی و زبان گویا و بدن کشیبا و قلب شاکر و نسب پاک و بهترین پدران و مادران پاک، نور و برکت و نعمت و یمن و سرور و صاحب زبانی بسیار یاد کننده و بدنی بسیار شکیبا و قلبی بسیار شکرگزار است.

۲-۳-۳-۱-۱- پایداری نعمت از طریق شکر و بازگرداندن از دست رفته‌ی آن نعمت با صبر کردن

﴿۷۱۲﴾ بهترین مردم نسبت به نوع عملکردشان درباره‌ی نعمت‌ها، کسی است که با شکر کردن به نعمت‌ها استمرار و تداوم ببخشد، و نعمت‌های از دست‌رفته را نیز با شکیبایی برگرداند.

۳-۳-۴-۱-۱- الهام کردن صبر، الهام کردن و برگردن آویختن شکر

﴿۷۱۳﴾ خدا را صبورانه سپاس می‌گوییم به خاطر آنکه پایداری را به ما الهام کرد و خدا را شاکرانه سپاس گوییم که شکر را به ما الهام نمود.

﴿۷۱۴﴾ اگر آن شخص این عبادت را بگوید، صبر و شکیبایی را به او الهام می‌کنم و گردنبد شکر را به گردنش می‌آویزم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

٤-٣-٣-١-٤-١- دَوَامُ الشُّكْرِ، عَظَمَةُ وَ لُزُومُ الصَّبْرِ

﴿٧١٥﴾ إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَأَكْثَرُ النَّاسِ لَهُ ذِكْرًا وَادْعُهُمْ لَهُ شُكْرًا وَاعْظُمُهُمْ عَلَى بَلَاءِهِ صَبْرًا؛

غُرر الحکم ص: ۱۸۸

﴿٧١٦﴾ عَلَيْكُمْ بِدَوَامِ الشُّكْرِ وَ لَزُومِ الصَّبْرِ فَانَّهُمَا يَزِيدَانِ النِّعْمَةَ وَيُزِيلَانِ الْمِحْنَةَ؛ غررالحكم

ص: ۲۷۸

٥-٣-١-١-البلاءُ و الكربُ و اللأواءُ و المنعُ، موضعُ الصبرِ للعامة، موضعُ الشكرِ للأولياءِ

﴿٧٧﴾ قُلْتُ لِي أُبَشِّرْ فَإِنَّ الشَّهَادَةَ مِنْ وَرَائِكَ فَقَالَ لِي إِنَّ ذَلِكَ لَكَ فَكَيْفَ صَبْرُكَ إِذْ

قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَيْسَ هَذَا مِنْ مَوَاطِنِ الصَّبْرِ وَ لَكِنْ مِنْ مَوَاطِنِ الْبُشْرِى وَ الشُّكْرِ؛

شرح نهج البلاغة ج: ٩ ص: ٢٠٥

﴿٧١٨﴾ الصادق (عليه السلام): لَمَّا قَالَ لَهُ ابْنُ عَمِّهِ وَ أَخُوهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كَيْفَ صَبْرُكَ إِذَا ضَرَبْتَ عَلَى

قَرْنِكَ وَ اخْتَضَبَ شَيْبُكَ بِدَمِّكَ وَ أَنْتَ فِي مَحْرَابٍ صَلَاتِكَ سَاجِدًا لِرَبِّكَ فَقَالَ ﷺ ذَلِكَ

مَقَامُ الشُّكْرِ لَا مَقَامَ الصَّبْرِ؛ قصص الأنبياء للجزائري ص: ٣٥١

﴿٧١٩﴾ أَنَّهُ بَلَغَهُ أَنَّ زَاعِمًا يَزْعُمُ أَنَّهُ يُنْقِصُ عَلَيَّا فَقَامَ فِي أَصْحَابِهِ يَوْمًا فَقَالَ لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَغْلِقَ

بَابِي ثُمَّ لَا أَخْرُجَ مِنْ بَيْتِي حَتَّى يَأْتِيَنِي أَجَلِي بَلَّغْنِي أَنَّ زَاعِمًا مِنْكُمْ يَزْعُمُ أَنِّي أَنْتَقِصُ خَيْرَ النَّاسِ

وَأَنبِئْهُمْ أَنَّ النَّارَ بَارِئَةٌ فَتَىٰ ۖ فَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْيُنًا عَنَّا وَإِنِ احْشَرْتُمْ عُسُفُوسًا ۖ وَتَذَكَّرُوا إِلَيْنَا ۚ إِنَّ عَلَيْكُمْ عِثْرَ اللَّهِ لَأَكْبَرُ ۚ فَاذْكُرُوا يَوْمَ التَّنَازُلِ ۚ

لَقَدْ فَارَقَكُم رَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَوَقَّرَهُ وَآخَذَ الْعِلْمَ فَوَقَّرَهُ وَحَازَ الْبَأْسَ فَاسْتَعْمَلَهُ فِي طَاعَةِ رَبِّهِ

صَابِرًا عَلَى مَضَضِ الْحَرْبِ شَاكِرًا عِنْدَ اللّٰوَاءِ وَ الْكَرْبِ؛ بحار الأنوار ج: ٤٠ ص: ١١٧

﴿٧٢٠﴾ الكَاظِمُ ^{الْمَلِكُ}: كَيْفَ أَنْتُمْ فِي بِلَادِكُمْ فَقَالَ بَخِيرُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ أَعْظَمَنَا شُكْرًا وَإِنْ

مِنْعُنَا صَبَرْنَا فَقَالَ لَهُ هَكَذَا كِلَابٌ حِجَارَانَا يَا شَفِيقُ فَقَالَ لَهُ كَيْفَ أَقُولُ قَالَ لَهُ هَلَّا كُنْتُمْ إِذَا

أَعْظَيْتُمْ آثَرْتُمْ وَإِذَا مُنِعْتُمْ شَكَرْتُمْ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ١٢٣

﴿٧٢١﴾ امیر المؤمنین علیہ السلام: أَنَّهُ مَرَّ يَوْمًا عَلَى قَوْمٍ فَرَأَاهُمْ أَصْحَابَ

الْبَلَاءُ: مَنْ أَنْتُمْ قَالُوا نَحْنُ الْمُتَوَكِّلُونَ قَالَ الْبَلَاءُ: لَا بَلْ أَنْتُمْ الْمُتَاكِّلَةُ فَإِنْ كُنْتُمْ مُتَوَكِّلِينَ فَمَا بَلَغَ

بِكُمْ تَوَكَّلْكُمْ قَالُوا إِذَا وَجَدْنَا أَكَلْنَا وَإِذَا فَقَدْنَا صَبَرْنَا قَالَ ^{الطَّبِيبُ} هَكَذَا تَفْعَلُ الْكِلَابُ عِنْدَنَا قَالُوا

فَمَا نَفَعُ قَالَ كَمَا نَفَعُوا قَالُوا كَيْفَ تَفْعَلُ قَالَ الْعَلَمَاءُ إِذَا وَجَدْنَا بَدَلًا وَ إِذَا فَقَدْنَا شُكْرًا؛

مستدرک الوسائل ج: ۱۱ ص: ۲۲۰

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

٣-٤-١- إنَّ أَيُّوبَ مُصْدَقُ الصَّبْرِ وَ آلُ دَاوُدَ مُصْدَقُ الشُّكْرِ

﴿٧٢٢﴾ الرضا عليه السلام: إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ وَرَثْنَا الْعَفْوَ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَوَرَّثْنَا الشُّكْرَ مِنْ آلِ دَاوُدَ وَزَعَمَ أَنَّهُ كَانَ كَلِمَةً أُخْرَى وَنَسِيَهَا مُحَمَّدٌ فَقُلْتُ لَهُ لَعَلَّهُ قَالَ وَوَرَّثْنَا الصَّبْرَ مِنْ آلِ أَيُّوبَ فَقَالَ يَنْبَغِي؛

الكافي ج: ٨ ص: ٣٠٨

٧-٣-٣-٤-١- الشُّكْرُ عَلَى الرَّحَاءِ وَالْمَحْبُوبِ، الصَّبْرُ عَلَى الْبَلَاءِ وَالْمَكْرُوهِ

١-١-٤-٣-٣-٧-١- الشُّكْرُ عَلَى الْيَادِي، الصَّبْرُ عَلَى الْآذَى

﴿٧٢٣﴾ اللَّهُمَّ اجْزِهِمْ بِشُكْرِ نِعْمَتِكَ وَ تَعْظِيمِ حُرْمَتِكَ جَزَاءً لَا جَزَاءَ فَوْقَهُ وَ عَطَاءً لَا عَطَاءَ مِثْلَهُ وَ خُلُودًا لَا خُلُودَ يُشَاكِلُهُ وَ لَا يَطْمَعُ أَحَدٌ فِي مِثْلِهِ وَ لَا يَقْدِرُ أَحَدٌ قَدْرَهُ وَ لَا تَهْتَدِي الْأَلْبَابُ إِلَى طَلَبِهِ نِعْمَةً لِمَا شَكَرُوا مِنْ آيَاتِكَ وَ إِرْصَادًا لِمَا صَبَرُوا عَلَى الْأَذَى فِيكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٩

ص: ۳۲۰

٢-٧-٣-٣-٤-١- الشُّكْرُ عَلَى الْآلَاءِ، الصَّبْرُ عَلَى الدَّوَاهِي

﴿٧٢٤﴾ العسكرى العليه: سَأَلْتُهُ بِهِمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَنْ يَهَبَ لِي لِسَانًا لَتَمَجِّدَهُ وَتَنَائِهِ ذَاكِرًا وَ قَلْبًا لَأَلَانِهِ شَاكِرًا وَ عَلَى الدَّوَاهِي الدَّاهِيَةِ لِي صَابِرًا: بحار الأنوار ج: ٢٢ ص: ٣٦٩

٣-٧-٣-٣-٤-١-١- الشُّكْرُ عَلَى الْحَالِ، الصَّبْرُ عَلَى الْحَرَامِ

﴿٧٢٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الزَاهِدُ فِي الدُّنْيَا مَنْ لَمْ يُغْلِبِ الْحَرَامَ صَبْرَهُ وَلَمْ يَشْغَلِ الْحَلَالَ شُكْرَهُ؛

بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٣٧

﴿٧٢٦﴾ الْكَافِرُ: يَا هِشَامُ إِنَّ الْعَاقِلَ الَّذِي لَا يَشْغُلُ الْحَلَالَ شُكْرَهُ وَلَا يَغْلِبُ الْحَرَامَ صَبْرَهُ؛

الكافي ج: ١ ص: ١٥

٤-٧-٣-٣-٤-١- الشُّكْرُ عَلَى الْخَيْرِ، الصَّبْرُ عَلَى الْمُصِيبَةِ

﴿٧٢٧﴾ الرّسول ﷺ: أَلَا أَعْجَبَكُمُ أَنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَصَابَ خَيْرًا حَمِدَ اللَّهَ وَشَكَرَ وَإِذَا أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ حَمِدَ اللَّهَ وَصَبَرَ فَأَلْهَمُوا الْمُؤْمِنَ يُوجِرُ فِي كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى اللَّقْمَةَ يَرْفَعَهَا إِلَى فِيهِ؛ مَسْكِنُ الْفُقَرَاءِ

ص: ۴۵

٥-٧-٣-٣-٤-١- الشُّكْرُ فِي الرَّخَاءِ، الصَّبْرُ فِي الْبَلَاءِ.

﴿٧٢٨﴾ الرَّسُولُ ﷺ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الصَّبْرَ عِنْدَ الْبَلَاءِ وَ الشُّكْرَ عِنْدَ الرِّخَاءِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٣

ص: ۳۲۳

﴿٧٢٩﴾ الْإِيمَانُ صَبْرٌ فِي الْبَلَاءِ وَشُكْرٌ فِي الرِّخَاءِ؛ غرر الحكم ص: ٨٧

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۶-۳-۳-۱-۱-۴-۱-۱-۱ ایوب مصداق صبر و آل داود مصداق شکر است

﴿۷۲۲﴾ ما خاندانی هستیم که گذشت را از خاندان یعقوب و شکر و سپاس را از خاندان داود به ارث برده‌ایم. و راوی معتقد بود که کلمه‌ی دیگری هم بوده که فراموش کرده است و من [علی بن اسباط] به او گفتم: شاید فرموده است: صبر و شکیبایی را از خاندان ایوب به ارث برده‌ایم. محمد بن حسین در پاسخ گفت: شاید که چنین باشد.

۷-۳-۳-۱-۱-۴-۱-۱-۱ شکر در آسایش و دوست داشتنی‌هاست، و صبر در بلا و ناپسند

۱-۷-۳-۳-۱-۱-۴-۱-۱-۱ شکر بر نعمت‌ها، صبر بر اذیت‌ها

﴿۷۲۳﴾ خدایا، به خاطر شکر نعمت‌ها و بزرگداشت حرمت‌هایت به آن‌ها پاداشی ده که بالاتر از آن پاداشی نبوده و عطایی که مثل آن عطایی نباشد و بقایی به آن‌ها ده که هیچ بقایی نظیر آن نباشد و هیچ کس حتی به چیزی شبیه آن نیز طمع نکند و اندازه‌اش را کسی نداند و اندیشه به خواستش راه نبرد؛ نعمتی به خاطر آنکه الطاف تو را شکر کردند و انتظار آمدن نعمتی به خاطر آنکه در راه تو اذیت را تحمل کنند.

۲-۷-۳-۳-۱-۱-۴-۱-۱-۱ شکر بر مصیبت‌ها، صبر بر مصیبت‌ها

﴿۷۲۴﴾ از خدا خواستم تا به خاطر آن‌ها علیهم‌السلام به من زبانی گویا به تمجید و ثنایش ببخشد و قلبی شاکر نعمت‌ها و صبور در مصیبت‌های بزرگش عطا کند.

۳-۷-۳-۳-۱-۱-۴-۱-۱-۱ شکر بر حلال، صبر بر حرام

﴿۷۲۵﴾ پارسا (و از دنیا گذشته) کسی است که حرام، صبر از کفش نریاید، و حلال از شکر بازش ندارد.

﴿۷۲۶﴾ ای هشام، عاقل آن است که حلال او را از شکر باز ندارد، و حرام صبرش را نریاید.

۴-۷-۳-۳-۱-۱-۴-۱-۱-۱ شکر بر خیر، صبر بر مصیبت

﴿۷۲۷﴾ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: آیا روش پسندیده‌ی مؤمن شما را شگفت‌زده نمی‌کند؟ هرگاه خیر و نعمتی به مؤمن برسد خدا را می‌ستاید و شکر می‌کند و هرگاه مصیبتی به او برسد در مقابل مصیبت هم خدا را ستایش می‌کند و صبر و شکیبایی پیشه می‌کند، مؤمن در تمام کارهایش اجر و ثواب می‌برد، حتی در لقمه‌ای که به طرف دهانش بالا می‌برد.

۵-۷-۳-۳-۱-۱-۴-۱-۱-۱ شکر بر گشایش، صبر در بلا

﴿۷۲۸﴾ خداوند، از تو، شکیبایی به‌هنگام بلا و شکرگزاری به‌هنگام آسایش و فراخی را خواستارم.

﴿۷۲۹﴾ ایمان همان صبر در گرفتاری، و سختی و شکر در حالت راحتی و آسایش است.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٧٣٠﴾ الصادق عليه السلام: يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ فِيهِ ثَمَانُ خِصَالٍ وَقُورٌ عِنْدَ الْهَزَازِ صَبُورٌ عِنْدَ الْبَلَاءِ شُكُورٌ عِنْدَ الرَّخَاءِ قَانِعٌ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ لَا يَطْلُمُ الْأَعْدَاءَ وَلَا يَتَحَامَلُ لِلْأَصْدِقَاءِ بَدَنُهُ مِنْهُ فِي تَعَبٍ وَ النَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٢٣٠

﴿٧٣١﴾ الكاظم عليه السلام: رَفَعَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَوْمٌ فِي بَعْضِ غَزَوَاتِهِ فَقَالَ مَنْ الْقَوْمُ فَقَالُوا مُؤْمِنُونَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ وَمَا بَلَغَ مِنْ إِيْمَانِكُمْ قَالُوا الصَّبْرُ عِنْدَ الْبَلَاءِ وَالشُّكْرُ عِنْدَ الرَّخَاءِ وَالرِّضَا بِالْقَضَاءِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حُلَمَاءُ عُلَمَاءُ كَادُوا مِنَ الْفَقْهِ أَنْ يَكُونُوا أَنْبِيَاءَ إِنْ كُنْتُمْ كَمَا تَصِفُونَ فَلَا تَبْتُؤُوا مَا لَا تَسْكُنُونَ وَلَا تَجْمَعُوا مَا لَا تَأْكُلُونَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٤٨

﴿٧٣٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنْ أَهْلَ الدُّنْيَا لَا يَشْكُرُونَ عِنْدَ الرَّخَاءِ وَلَا يَصْبِرُونَ عِنْدَ الْبَلَاءِ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ٢٠٠

﴿٧٣٣﴾ ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَقَدْ رُزِقَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ هُنَّ الرِّضَا بِالْقَضَاءِ وَالصَّبْرُ عَلَى الْبَلَاءِ وَالشُّكْرُ فِي الرَّخَاءِ؛ غرر الحكم ص: ٢٨٢

١-٣-٣-٧-٦- الشُّكْرُ عَلَى الرَّخَاءِ، الصَّبْرُ عَلَى الْجُوعِ
﴿٧٣٤﴾ الرسول ﷺ: وَمَنْ الْفُقَرَاءُ قَالَ الَّذِينَ رَضُوا بِالْقَلِيلِ وَصَبَرُوا عَلَى الْجُوعِ وَ شَكَرُوا عَلَى الرَّخَاءِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٢٣٧

﴿٧٣٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَنَّهُ مَرَّ يَوْمًا عَلَى قَوْمٍ فَرَأَاهُمْ أَصْحَاءَ جَالِسِينَ فِي زَاوِيَةِ الْمَسْجِدِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَنْتُمْ قَالُوا نَحْنُ الْمُتَوَكِّلُونَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا بَلْ أَنْتُمْ الْمُتَأَكِّلَةُ فَإِنْ كُنْتُمْ مُتَوَكِّلِينَ فَمَا بَلَغَ بِكُمْ تَوَكُّلَكُمْ قَالُوا إِذَا وَجَدْنَا أَكَلْنَا وَإِذَا فَقَدْنَا صَبَرْنَا قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَكَذَا تَفْعَلُ الْكِلَابُ عِنْدَنَا قَالُوا فَمَا تَفْعَلُ قَالَ كَمَا نَفْعَلُ قَالُوا كَيْفَ تَفْعَلُ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا وَجَدْنَا بَذَلْنَا وَإِذَا فَقَدْنَا شَكَرْنَا؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ٢٢٠

١-٣-٣-٧-٦- الشُّكْرُ فِي الرَّخَاءِ، الصَّبْرُ فِي الْمَكَارِهِ
﴿٧٣٦﴾ فَأَلْمَتَقُونَ فِيهَا هُمْ أَهْلُ الْفَضَائِلِ... فِي الْمَكَارِهِ صَبُورٌ وَ فِي الرَّخَاءِ شُكُورٌ؛ نهج البلاغة ص: ٣٠٣

﴿٧٣٧﴾ الْمُتَّقَى مَيِّتَةُ شَهْوَتِهِ مَكْظُومٌ غَيْظُهُ فِي الرَّخَاءِ شُكُورٌ وَ فِي الْمَكَارِهِ صَبُورٌ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٣

﴿٧٣٨﴾ فِي الْمَكَارِهِ صَبُورٌ وَ فِي الرَّخَاءِ شُكُورٌ؛ شرح نهج البلاغة ج: ١٠ ص: ١٤٨

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۷۳۰﴾ شایسته است که مؤمن هشت خصلت داشته باشد، در پیشامدهای تکان دهنده آرام باشد، در بلا شکیبیا، در دوران نعمت قانع به آنچه خدا روزی اش کرده است، به دشمنان هم ستم نکند، چیزی را بر دوستان تحمیل ننماید، تنش را رنج دهد تا مردم از او در آسایش باشند.

﴿۷۳۱﴾ در یکی از جنگ‌ها جماعتی را نزد پیامبر خدا ﷺ بردند، حضرت فرمود: این مردم چه کسانند؟ گفتند: ای پیامبر خدا، مؤمنینند، فرمود: ایمان شما در چه پایه است؟ گفتند: بردباری هنگام بلا و سپاسگزاری زمان نعمت و رضای به قضای الهی پیامبر خدا ﷺ فرمود: این‌ها صفات خویشان داران و دانشمندانی است که از کثرت دانش به پیامبران نزدیک شده‌اند، اگر چنان که گفتید هستید، پس ساختمانی را که در آن سکونت نمی‌کنید نسازید و چیزی را که نمی‌خورید گرد نیاورید، و از خدایی که به سویش بازگشت می‌کنید پروا نمایید.

﴿۷۳۲﴾ همانا اهل دنیا بر رفاه و نعمت‌ها شکر نمی‌کنند، و در بلاها صبر ندارند.

﴿۷۳۳﴾ سه صفت است که در هر کسی بوده است، پس به یقین خدای تعالی خیر دنیا و آخرت را روزی او کرده است و آن سه صفت عبارتند از؛ خشنودی به قضا و قدر خدا، صبر کردن بر بلا، و شکر کردن در دوران خوشی است.

۶-۷-۳-۴-۱-۱- شکر در توسعه‌ی روزی، صبر بر گرسنگی

﴿۷۳۴﴾ سؤال شد: "فقرا چه کسانی هستند؟" فرمود: کسانی هستند که به اندک از مال دنیا خرسندند، و بر گرسنگی صبر می‌کنند و در نعمت و آسایش سپاسگزارند، و از گرسنگی و تشنگی خود به کسی شکوه و گلایه نمی‌برند.

﴿۷۳۵﴾ روزی امیرالمؤمنین ﷺ بر گروهی عبور کرد و دید که ایشان در کمال سلامت در کنجی از مسجد اجتماع کرده و نشسته‌اند. پس حضرت فرمود: چگونه‌اید؟ گفتند: ما از زمره‌ی توکل‌پیشگانیم حضرت فرمود: خیر؛ بلکه مفت‌خورانید. اگر اهل توکلید، توکل‌تان شما را به کجا رهنمون شده است؟ گفتند: اگر بیاییم می‌خوریم و اگر نیاییم خویشان‌داری می‌کنیم؛ حضرت فرمود: سگان نیز چنین می‌کنند. گفتند: پس باید چه کنیم؟ حضرت فرمود: آن گونه که ما عمل می‌کنیم. گفتند: شما چگونه عمل می‌کنید؟ حضرت فرمود: اگر بیاییم می‌بخشیم و اگر نیاییم شکر می‌کنیم.

۷-۷-۳-۴-۱-۱- شکر بر گشایش، صبر در سختی‌ها

﴿۷۳۶﴾ پرهیزگاران، صاحبان فضیلتند... در ناگواری‌ها بردبار و در خوشی‌ها سپاسگزارند.

﴿۷۳۷﴾ پرهیزکار کسی است که؛ شهوات (حیوانی‌اش) مرده است، غیظ و غضبش کنترل شده و فروخورده شده است و در دوران فراوانی نعمت بسیار شکرگزار است و در ناخوشی‌ها بسیار صبرکننده و شکیبیاست.

﴿۷۳۸﴾ آدمی باید در گرفتاری‌ها شکیبیا و در آسایش و رفاه شاکر باشد.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٧٣٩﴾ الصادق عليه السلام: شُكْرُ فِي رَفَقٍ وَ سَخَاءٍ فِي حَقٍّ وَ قَصْدٌ فِي غِنًى وَ تَجَمُّلٌ فِي فَاقَةٍ وَ عَفْوٌ فِي قُدْرَةٍ وَ طَاعَةٌ فِي نَصِيحَةٍ وَ وَرَعٌ فِي رَغْبَةٍ وَ حِرْصٌ فِي جِهَادٍ وَ صَلَاةٌ فِي شُغْلٍ وَ صَبْرٌ فِي شِدَّةٍ وَ فِي الْهَزَازِ وَ قُورٌ وَ فِي الْمَكَارِهِ صَبُورٌ وَ فِي الرَّخَاءِ شُكُورٌ؛ بحار الأنوار ج: ٦٤ ص: ٢٩٤

﴿٧٤٠﴾ فَالْمُتَّقُونَ فِيهَا هُمْ أَهْلُ الْفَضَائِلِ... فِي الْمَكَارِهِ صَبُورٌ وَ فِي الرَّخَاءِ شُكُورٌ؛ نهج البلاغة

ص: ٣٠٣

﴿٧٤١﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: يَا عَلِيُّ يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ لِلْمُؤْمِنِ ثَمَانُ خِصَالٍ وَقَارٌ عِنْدَ الْهَزَازِ وَ صَبْرٌ عِنْدَ الْبَلَاءِ وَ شُكْرٌ عِنْدَ الرَّخَاءِ وَ...؛ بحار الأنوار ج: ٦٤ ص: ٢٩٤

﴿٧٤٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَلَا مَنْ سَأَلَ عَنْ شِيعَةِ أَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرَهُمْ فِي كِتَابِهِ مَعَ نَبِيِّهِ تَطْهِيراً فَهُمْ الْعَارِفُونَ بِاللَّهِ الْعَامِلُونَ بِأَمْرِ اللَّهِ أَهْلُ الْفَضَائِلِ وَ الْفَوَاضِلِ مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ... فِي الْمَكَارِهِ صَبُورٌ وَ فِي الرَّخَاءِ شُكُورٌ؛ بحار الأنوار ج: ٦٥ ص: ١٩٢

﴿٧٤٣﴾ الصادق عليه السلام: الْمُؤْمِنُ لَهُ قُوَّةٌ فِي دِينٍ وَ حَزْمٌ فِي لَيْنٍ... فِي الْمَكَارِهِ صَبُورٌ وَ فِي الرَّخَاءِ شُكُورٌ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٢٣١

﴿٧٤٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْمُؤْمِنُ يَرْغَبُ فِيْمَا يَبْقَى وَ يَزْهَدُ فِيْمَا يَفْنَى... فِي الْمَكَارِهِ صَبُورٌ وَ فِي الرَّخَاءِ شُكُورٌ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٢٦

٨-٧-٣-١-١-٤-١- الشُّكْرُ فِي السَّرَّاءِ، الصَّبْرُ فِي الْبَلَاءِ

﴿٧٤٥﴾ الْمُؤْمِنُ شَاكِرٌ فِي السَّرَّاءِ صَابِرٌ فِي الْبَلَاءِ خَائِفٌ فِي الرَّخَاءِ؛ غرر الحكم ص: ٨٩

٩-٧-٣-١-١-٤-١- الشُّكْرُ فِي السَّرَّاءِ، الصَّبْرُ فِي الضَّرَّاءِ

﴿٧٤٦﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: عَجَبًا لِأَمْرِ الْمُؤْمِنِ إِنْ أَمْرُهُ كُلُّهُ لَهُ خَيْرٌ وَ لَيْسَ ذَلِكَ لِأَحَدٍ إِلَّا لِلْمُؤْمِنِ إِنْ أَصَابَتْهُ سَرَاءٌ شَكَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ وَ إِنْ أَصَابَتْهُ ضَرَاءٌ صَبَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ٢

ص: ٤٢٦

﴿٧٤٧﴾ كُنْ فِي السَّرَّاءِ عَبْدًا شُكُورًا وَ فِي الضَّرَّاءِ عَبْدًا صَبُورًا؛ غرر الحكم ص: ٢٧٧

١٠-٧-٣-١-١-٤-١- الشُّكْرُ عَلَى السُّرُورِ، الصَّبْرُ عَلَى السَّوِّ

﴿٧٤٨﴾ لِكُلِّ مِّنَ الْأَيَّامِ عِنْدِي عَادَةٌ فَإِنْ سَاءَ بِي صَبْرٌ وَ إِنْ سَرَّنِي شُكْرٌ

ديوان الإمام علي (ع) ص: ١٨٩

١١-٧-٣-١-١-٤-١- الشُّكْرُ عَلَى الْعَدْلِ، الصَّبْرُ عَلَى الْوُزْرِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۷۳۹﴾ شکر در مدارا و سخاوت در مقام حق، میانه‌روی در توانگری و تحمل در نداری، گذشت با قدرت، و طاعت در نصیحت، پارسایی با رغبت و حرص در جهاد، نماز با مشغله و صبر در سختی. در تند بادهای سنگین است، و در ناخوشایندها شکیبیا، در خوشی شاکر است و همه‌ی این‌ها در آنچه بیان شد نیکوست.

﴿۷۴۰﴾ پرهیزگاران، صاحبان فضیلتند... در ناگواری‌ها بردبار و در خوشی‌ها سپاسگزارند.

﴿۷۴۱﴾ ای علی، سزاوار است که در مؤمن هشت خصلت باشد؛ وقار در برابر سختی‌ها و فتنه‌ها، بردباری در بلا، سپاسگزاری در آسایش و...

﴿۷۴۲﴾ آگاه باشید کسی که درباره پیرو اهل بیت سؤال می‌کند، آن کسانی که خدا در کتابش آلودگی و ناپاکی را از ایشان برد و آنان را به پاکیزگی خاصی پاک کرد، پس ایشان عارف و اهل شناخت به حق خداوند و انجام‌دهنده‌ی دستورات حق تعالی اهل تمامی فضیلت‌ها هستند سخنشان درست... در سختی‌ها شکیبیا و در دوران آسایش و بهره‌مندی شکرگزارند.

﴿۷۴۳﴾ مؤمن در امور دین نیرومند و با نشاط است، و در هنگام نرمی و راحتی با احتیاط رفتار می‌کند... در سختی‌ها و پیش آمدهای ناگوار صبر پیشه می‌کند و در هنگام رسیدن به توسعه‌ی روزی دنیا شکر خدا را به جا می‌آورد.

﴿۷۴۴﴾ مؤمن علاقه به چیزی دارد که ماندنی است و به دنیای ناپایدار بی‌میل است... در گرفتاری‌ها شکیبیا، و در نعمت و فراوانی شکرگزار است.

۸-۷-۳-۳-۴-۱-۱- شکر بر زندگی آسوده، صبر در بلا و سختی

﴿۷۴۵﴾ مؤمن در شادمانی و راحتی سپاسگزار و شاکر و در بلا صبرکننده و در رفاه و آسودگی بیمناک است.

۹-۷-۳-۳-۴-۱-۱- شکر بر زندگی آسوده، صبر در سختی و تنگنا

﴿۷۴۶﴾ شگفتا از کار مؤمن، همه‌ی کارش خیر است، این [ویژگی] جز برای مؤمن حاصل نمی‌شود: اگر خوشی به او برسد، شکر می‌کند، که برایش خیر است و اگر سختی به او برسد، بردباری می‌کند و [این نیز] برایش خیر است.

﴿۷۴۷﴾ در شادی بنده‌ای بسیار شکرگزار، و در سختی بنده‌ای بسیار صبور و شکیبیا باش.

۱۰-۷-۳-۳-۴-۱-۱- شکر بر شادی، صبر در بدی و شر

﴿۷۴۸﴾ این عادت همیشگی من است، اگر کسی به من بد کند صبر می‌کنم و اگر شادم کند، شکر می‌کنم.

۱۱-۷-۳-۳-۴-۱-۱- شکر بر عدل، صبر در مقابل گناه

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٧٤٩﴾ الرسول ﷺ: السُّلْطَانُ ظِلُّ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ يَا أَوَى إِلَيْهِ كُلُّ مَظْلُومٍ فَمَنْ عَدَلَ كَانَ لَهُ الْأَجْرُ وَ عَلَى الرَّعِيَّةِ الشُّكْرُ وَ مَنْ جَارَ كَانَ عَلَيْهِ الْوِزْرُ وَ عَلَى الرَّعِيَّةِ الصَّبْرُ حَتَّى يَأْتِيَهُمُ الْأَمْرُ؛ بحار الأنوار ج: ٧٢ ص: ٣٥٤

١٢-٧-٣-٤-١- الشُّكْرُ عَلَى الْعَطَاءِ، الصَّبْرُ عَلَى الْبَلَاءِ

﴿٧٥٠﴾ الباقر ﷺ: وَ أَمَّا الْأَزْهَرُ فَقَلْبُ الْمُؤْمِنِ إِنْ أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ شَكَرَ وَ إِنْ ابْتَلَاهُ صَبَرَ؛

بحار الأنوار ج: ٦٧ ص: ٥١

﴿٧٥١﴾ الرسول ﷺ: عَجَبًا لِلْمُؤْمِنِ إِنْ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَا يَقْضِي لَهُ قَضَاءً إِلَّا كَانَ لَهُ خَيْرًا إِنْ ابْتُلِيَ صَبَرَ وَ إِنْ أُعْطِيَ شَكَرَ؛ بحار الأنوار ج: ٦٧ ص: ١٨٤

﴿٧٥٢﴾ الرسول ﷺ: خَصَلَتَانِ مَنْ رَزَقَهُمَا قَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ مَنْ إِذَا ابْتُلِيَ صَبَرَ وَ إِذَا أُعْطِيَ شَكَرَ؛ مجموعة ورام ج: ٢ ص: ٢٤٧

﴿٧٥٣﴾ خَيْرُ النَّاسِ مَنْ إِذَا أُعْطِيَ شَكَرَ وَ إِذَا ابْتُلِيَ صَبَرَ وَ إِذَا ظَلِمَ غَفَرَ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٧

﴿٧٥٤﴾ الرسول ﷺ: الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الْمُتَبَلِّ الصَّابِرِ وَ الْمُعْطَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الْمُحْتَرِفِ الْقَانِعِ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٥٦

﴿٧٥٥﴾ الصادق ﷺ: الْمُعَافَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مَا لِلْمُتَبَلِّ الصَّابِرِ وَ الْمُعْطَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَالْمُخْرُومِ الْقَانِعِ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٤

﴿٧٥٦﴾ الصادق ﷺ: فَمَنْ أَكْرَمَ الْخَلْقِ عَلَى اللَّهِ قَالَ ﷺ: مَنْ إِذَا أُعْطِيَ شَكَرَ وَ إِذَا ابْتُلِيَ صَبَرَ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٢٤٧

﴿٧٥٧﴾ الصادق ﷺ: أَمَّا أَصُولُ مُعَامَلَةِ اللَّهِ تَعَالَى فَسَبْعَةُ أَشْيَاءٍ آدَاءُ حَقِّهِ وَ حِفْظُ حَدِّهِ وَ شُكْرُ عَطَائِهِ وَ الرِّضَا بِقَضَائِهِ وَ الصَّبْرُ عَلَى بَلَائِهِ وَ تَعْظِيمُ حُرْمَتِهِ وَ الشُّوقُ إِلَيْهِ؛ مصباح الشريعة ص: ٥

﴿٧٥٨﴾ الصادق ﷺ: اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَمْ أَشْكُرْهُ وَ ابْتَلَيْتَنِي فَلَمْ أَصْبِرْ فَلَمْ يُوجِبْ عَجْزِي عَنْ شُكْرِكَ مَنَعَ الْمُؤْمِلِ مِنْ فَضْلِكَ وَ أَوْجَبَ عَجْزِي عَنْ الصَّبْرِ عَلَى بَلَائِكَ كَشَفَ ضُرَّكَ وَ أَنْزَالَ رَحْمَتِكَ فَيَا مَنْ قَلَّ عِنْدَ بَلَائِهِ صَبْرِي فَعَافَانِي وَ عِنْدَ نِعْمَائِهِ شُكْرِي فَأَعْطَانِي أَسْأَلُكَ الْمَزِيدَ مِنْ فَضْلِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٢٧٦

﴿٧٥٩﴾ الرسول ﷺ: إِنْ الْمُؤْمِنُ إِذَا أَحْسَنَ اسْتَبْشَرَ وَ إِذَا أَسَاءَ اسْتَغْفَرَ وَ إِذَا ابْتُلِيَ صَبَرَ وَ إِذَا أُعْطِيَ شَكَرَ؛ عوالي اللآلي ج: ١ ص: ٤٣٧

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۷۴۹﴾ سلطان عادل سایه‌ی خداست در زمین که هر ستم‌دیده‌ای به او پناه می‌برد پس سلطانی که عادلانه رفتار کند اجر دارد و بر رعیت واجب است که از سلطان عادل سپاسگزاری کنند و اگر سلطانی ستم کند گناه ستم بر اوست و بر رعیت لازم است که صبر و شکیبایی کند تا مرگ آن ظالم برسد.

﴿۱۲-۷-۳-۳-۴-۱-۱-شکر بر عطا، صبر در بلا﴾

﴿۷۵۰﴾ قلب مؤمن درخشنده است که اگر خداوند چیزی به او بدهد سپاسگزاری می‌کند و اگر گرفتارش کند صبر می‌نماید.

﴿۷۵۱﴾ در شگفتم از مؤمن که خداوند هرچه برای او مقدر کند خیر می‌باشد، اگر گرفتار شود صبر می‌کند، و اگر نعمتی به او برسد شکر می‌نماید.

﴿۷۵۲﴾ دو خصلت است که به هر کس داده شود به تحقیق خیر دنیا و آخرت نصیب او خواهد شد؛ آن دو خصلت عبارتند از اینکه هرگاه مبتلا به بلایی شد صبر پیشه کند و هرگاه نعمتی به او عطا شود شکر و سپاس گوید.

﴿۷۵۳﴾ بهترین مردم کسی است که هرگاه نعمتی به او عطا شود، شکر کند، و هرگاه به بلایی گرفتار شود صبر کند، و هرگاه به او ستمی روا شود ببخشايد.

﴿۷۵۴﴾ کسی که شکر خدا را می‌گوید مانند گرفتار صابر پاداش دارد، و کسی که نعمت به او داده شود و سپاسگزاری کند مانند کاسب قانع پاداش می‌گیرد.

﴿۷۵۵﴾ شخصی که صحیح و سالم باشد و شکرگزار، مانند شخص مریض شکیبا، اجر و پاداش دارد و ثروتمند سپاسگزار در اجر و پاداش همانند مستمند قانع است.

﴿۷۵۶﴾ چه کسی گرامی‌ترین خلق نزد خداست؟ فرمود: کسی که وقتی به او عطا شود شکر کند و اگر گرفتارش شود صبر کند.

﴿۷۵۷﴾ اصول معامله کردن با خداوند در هفت چیز است: ادای حق او و نگهداشتن حد او و شکر نعمتش و راضی بودن به قضا و قدرش و صبر بر بلاهایش و بزرگداشتن حرمتش و شوق به درگاهش.

﴿۷۵۸﴾ خداوند، به درستی که تو به من نعمت عطا کردی، ولی من آن چنان که شایسته‌ی آن بود شکرگزاری نکردم، مرا با بلا آزمودی، ولی صبر نکردم، پس ضعف من در ادای شکر تو، مانع دریافت الطاف مورد آرزویم نشد، و علیرغم ضعف من در شکیبایی کردن بر بلای تو همچنان به برطرف کردن گرفتاری‌های من و ارسال مهر و رحمت مشغولی؛ پس ای کسی که صبر من در مقابل بلای او ناچیز است، ولی او مرا از گرفتاری رها کرد و شکر من در مقابل نعمت‌های او کم بود ولی او به من نعمت عطا کرد، از تو افزایش الطاف را خواهانم.

﴿۷۵۹﴾ هنگامی که از مؤمن احسان و نیکویی سر بزند خوشحال می‌شود و هنگامی که خطایی مرتکب شود، استغفار و طلب آمرزش می‌کند و هنگامی که به بلایی مبتلا شود شکیبایی می‌ورزد و هنگامی که نعمتی به او عطا شود شکر نعمت را به جا می‌آورد.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٧٦٠﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ خَيْرَ الْعِبَادِ مَنْ يَجْتَمِعُ فِيهِ خَمْسُ خِصَالٍ إِذَا أَحْسَنَ اسْتَبْشَرَ وَإِذَا أَسَاءَ اسْتَغْفَرَ وَإِذَا أُعْطِيَ شَكَرَ وَإِذَا ابْتُلِيَ صَبَرَ وَإِذَا ظَلِمَ غَفَرَ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٢٠٦

﴿٧٦١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَنَّهُ تُوْفِيَ لِمُعَاذٍ وَلَكُلِّ فَاشْتَدَّ وَجْدُهُ عَلَيْهِ فَبَلَغَ ذَلِكَ النَّبِيَّ ﷺ فَكَتَبَ إِلَيْهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنْ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ إِلَى مُعَاذٍ سَلَامٌ عَلَيْكَ فَإِنِّي أَحْمَدُ إِلَيْكَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ أَمَّا بَعْدُ أَعْظَمَ اللَّهُ جَلَّ اسْمُهُ لَكَ الْأَجْرَ وَالْهَمَكَ الصَّبَرَ وَرَزَقَنَا وَإِيَّاكَ الشُّكْرَ إِنَّا أَنْفُسَنَا وَأَهْلِيْنَا وَأَمْوَالَنَا وَأَوْلَادَنَا مِنْ مَوَاهِبِ اللَّهِ الْهَنِيئَةِ وَعَوَارِيهَا الْمُسْتَوْدَعَةِ يُمَتِّعُ بِهَا إِلَى أَجَلٍ مَعْلُومٍ وَيَقْبِضُهَا لَوْفَتٍ مَعْدُودٍ ثُمَّ افْتَرَضَ عَلَيْنَا الشُّكْرَ إِذَا أَعْطَانَا وَالصَّبَرَ إِذَا ابْتَلَى؛ مستدرک الوسائل ج: ٢ ص: ٣٥٣

﴿٧٦٢﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الْمَكْنُونَةِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَنِي فِي هَذَا الْيَوْمِ مِنَ الشَّاكِرِينَ لِمَا أَوْلَيْتَنِيهِ وَالصَّابِرِينَ عَلَى مَا بَلَيْتَ وَالْحَامِدِينَ عَلَى مَا أَعْطَيْتَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٢٦٨

﴿٧٦٣﴾ الرسول ﷺ: قُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَنْ الصَّابِرُونَ قَالَ الَّذِينَ يَصْبِرُونَ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَ... يَا ابْنَ مَسْعُودٍ إِذَا ابْتُلُوا صَبَرُوا وَإِذَا أُعْطُوا شَكَرُوا؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ٢٦١

١٣-٧-٣-٣-١-١- الشُّكْرُ عَلَى الْعَطَاءِ، الصَّبْرُ عَلَى الْمُنْعِ

﴿٧٦٤﴾ الصادق عليه السلام: فَبِمَاذَا اسْتَحَقَّ الَّذِينَ آغْنَاهُمْ وَأَوْسَعَ عَلَيْهِمْ مِنْ رِزْقِهِ الْغِنَى وَالسَّعَةَ وَبِمَاذَا اسْتَحَقَّ الْفُقَرَاءُ التَّقْيِيرَ وَالضِّيقَ قَالَ اخْتَبَرَ الْأَغْنِيَاءَ بِمَا أَعْطَاهُمْ لِيَنْظُرَ كَيْفَ شَكَرَهُمْ وَالْفُقَرَاءَ إِنَّمَا مَنَعَهُمْ لِيَنْظُرَ كَيْفَ صَبَرَهُمْ؛ بحار الأنوار ج: ١٠ ص: ١٧٠

﴿٧٦٥﴾ الكاظم عليه السلام: كَيْفَ أَنْتُمْ فِي بِلَادِكُمْ فَقَالَ بَخِيرٌ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنْ أَعْطَيْنَا شَكَرْنَا وَإِنْ مُنِعْنَا صَبَرْنَا فَقَالَ لَهُ هَكَذَا كِتَابُ حِجَازِنَا يَا شَفِيقُ فَقَالَ لَهُ كَيْفَ أَقُولُ قَالَ لَهُ هَلَّا كُنْتُمْ إِذَا أَعْطَيْتُمْ أَثَرْتُمْ وَإِذَا مُنِعْتُمْ شَكَرْتُمْ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ١٢٣

﴿٧٦٦﴾ الصادق عليه السلام: فَمَا قَضَى اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ فَأَقْبَلُوا مِنَ اللَّهِ بِالشُّكْرِ وَمَا زَوَى عَنْكُمْ مِنْهَا فَأَقْبَلُوهُ عَنِ اللَّهِ بِالرِّضَا وَالتَّسْلِيمِ وَالصَّبْرِ فَعَسَى أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ خَيْرًا لَكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ أَعْلَمُ بِمَا يُصْلِحُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٢٤٨

١٤-٧-٣-٣-١-١- الشُّكْرُ عَلَى الْغِنَى، الصَّبْرُ عَلَى الْبُلُوَى

﴿٧٦٧﴾ الصادق عليه السلام: الشُّكْرُ زِينَةُ الْغِنَى وَالصَّبْرُ زِينَةُ الْبُلُوَى؛ الإرشاد ج: ١ ص: ٣٠٠

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۷۶۰﴾ بهترین مردم کسی است که در او پنج خصلت جمع شود وقتی کار نیک می‌کند شاد است و وقتی کار بد انجام می‌دهد استغفار می‌کند، وقتی به او چیزی بدهند سپاسگزار است و وقتی گرفتار شود صبر می‌کند و وقتی باو ستم شود می‌بخشد.

﴿۷۶۱﴾ در روایت است که چون فرزند معاذ وفات یافت، به شدت متأثر و ناراحت شد. وقتی که خبر ناراحتی او به پیامبر ﷺ رسید حضرت نامه‌ای به وی نوشتند. مضمون آن نامه چنین است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، از محمد ﷺ پیامبر خدا به معاذ، سلام بر تو ای معاذ، حمد و ستایش می‌کنم خدایی را که جز او معبودی نیست. اما بعد از حمد و ستایش. ای معاذ، خداوند اجر تو را در مصیبت مرگ فرزندت بزرگ و عظیم قرار دهد و به تو صبر و بردباری الهام کند و شکر و سپاسگزاری را نصیب ما و تو بفرماید. زیرا وجود ما و اهل و عیال و دوستان و اولاد ما همه و همه از بخشش‌های خداوند عزیز و جلیل و از امانت‌هایی است که مدت معین و محدودی در اختیار ماست و ما از آن‌ها بهره‌مند می‌شویم (هروقت مدت امانتداری به پایان رسد، صاحب امانت امانت را می‌برد) سپس بر ما واجب کرده است که در برابر نعمت‌ها شکر کنیم و در برابر بلاها صبر نماییم.

﴿۷۶۲﴾ خداوند، به اسمای پنهانی‌ات از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و در این روز مرا از شاكران نیکی‌هایی که به من ارزانی داشتی و از صابران در بلاهیت و سپاسگزاران بر آنچه عطا نمودی قرار دهی.

﴿۷۶۳﴾ گفتیم: ای پیامبر خدا، صابر به چه کسانی گفته می‌شود؟ فرمود: کسانی که بر انجام طاعت الهی پایداری دارند و... ای پسر مسعود (صابران) هنگامی که مبتلا می‌شوند شکیبایی می‌ورزند و هنگامی که نعمتی به ایشان عطا می‌شود شکر و سپاس به جا می‌آورند.

۱۳-۷-۳-۳-۴-۱-۱-۱ شکر بر عطا، صبر در محرومیت

﴿۷۶۴﴾ چه چیز موجب شده که گروهی فقیر و تنگدست باشند؟ فرمود: ثروتمندان را با ثروتی که به آن‌ها می‌دهد آزمایش می‌کند تا ببیند چگونه شکرمی‌کنند و فقیران را می‌آزماید تا ببیند چگونه شکیبایی می‌ورزند.

﴿۷۶۵﴾ در شهر و دیارتان چگونه زندگی می‌کنید؟ گفتند: ای فرزند پیامبر خدا، به خوبی؛ اگر نعمت دریافت کنیم شکر می‌کنیم و اگر دریافت نکنیم صبر می‌کنیم. فرمود: ای شفیق، سگ‌های حجاز نیز این چنینند. گفت: پس چه بگوییم؟ حضرت فرمود: چرا چنین نباشید که اگر به شما چیزی دادند شما انفاق کنید و اگر ندادند سپاسگزاری نمایید.

﴿۷۶۶﴾ هر حاجتی را که خدا برآورد با شکر کردن بپذیرید و هر حاجتی را برنیآورد با رضا و تسلیم نسبت به آن برخورد کنید، شاید برنیآوردن آن به صلاح شما باشد، زیرا خداوند بهتری‌داند که چه چیز به خیر صلاح شماست ولی خودتان خبر ندارید.

۱۴-۷-۳-۳-۴-۱-۱-۱ شکر هنگام توانگری، صبر هنگام آزمایش و سختی

﴿۷۶۷﴾ سپاسگزاری زینت توانگری، و بردباری زینت گرفتاری و تنگدستی است.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١٥-٧-٣-٣-٤-١-١- الشُّكْرُ عَلَى الْغِنَى، الصَّبْرُ عَلَى الشَّدَّةِ

﴿٧٦٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا نَظَرَ اَعْتَبَرَ وَ إِذَا سَكَتَ تَفَكَّرَ وَ إِذَا تَكَلَّمَ ذَكَرَ وَ إِذَا

اَسْتَغْنَى شَكَرَ وَإِذَا أَصَابَتْهُ شِدَّةٌ صَبَرَ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٥٠

١٦-٧-٣-٣-٤-١-١- الشُّكْرُ عَلَى الْغِنَى، الصَّبْرُ عَلَى الْفَقْرِ

﴿٧٦٩﴾ لقمان عليه السلام: اللَّهُمَّ ارْحَمْ الْفُقَرَاءَ لِقَلَّةِ صَبْرِهِمْ وَارْحَمْ الْأَغْنِيَاءَ لِقَلَّةِ شُكْرِهِمْ وَارْحَمْ

الْجَمِيعَ لَطُولَ غَفْلَتِهِمْ؛ مجموعة ورام ج: ٢ ص: ١٩٩

۱۷-۷-۳-۳-۴-۱- الشُّكْرُ عَلَى مَا آتَيْتَنِي، الصَّبْرُ عَلَى مَا أْبَلَيْتَنِي

﴿٧٧٠﴾ الرَّسُولُ ﷺ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي التَّوْقَىٰ وَابْقِيَنِي وَالصَّلَاحَ مَا أَحْيَيْتَنِي وَالصَّبْرَ عَلَىٰ مَا

أَبْلَيْتَنِي وَ الشُّكْرَ عَلَى مَا آتَيْتَنِي؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٣٠٤

﴿٧٧١﴾ اَرْزُقْنِي الْقُوَّةَ مَا أَبْقَيْتَنِي وَالْإِصْلَاحَ مَا أَحْيَيْتَنِي وَالْعَوْنَ عَلَى مَا حَمَلْتَنِي وَالصَّبْرَ عَلَى مَا

أَبْلَيْتَنِي وَ الشُّكْرَ فِيمَا آتَيْتَنِي؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ١٩١

١٨-٧-٣-٣-٤-١-١- الشُّكْرُ عَلَى الْمَحْبُوبِ، الصَّبْرُ عَلَى الْمَكْرُوهِ

﴿٧٧٢﴾ الصادق عليه السلام: لَمْ يُسْتَزَدْ فِي مَحْبُوبٍ بِمِثْلِ الشُّكْرِ وَلَمْ يُسْتَنْقَصْ مِنْ مَكْرُوهِ بِمِثْلِ الصَّبْرِ؛

مستدرک الوسائل ج: ۲ ص: ۴۲۳

١٩-٧-٣-٣-٤-١-١- الشُّكْرُ عَلَى الْمُعَافَاةِ، الصَّبْرُ عَلَى الْبَلَاءِ

﴿٧٧٣﴾ الصادق عليه السلام: الطَّاعِمُ الشَّاكِرُ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الصَّائِمِ الْمُحْسِبِ وَ الْمُعَافِي الشَّاكِرُ لَهُ مِثْلُ

أَجْرُ الْمُتَبَلِّى الصَّابِرِ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٢٤٦

﴿٧٧٤﴾ الْحِجَّةُ ^{الْبَكْرِ} : لَكِنَّهُ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ أَحْوَالَهُمْ فِي ذَلِكَ كَأَحْوَالِ غَيْرِهِمْ لِيَكُونُوا فِي

حَالُ الْمِحْنَةِ وَالْبُلُوَى صَابِرِينَ وَفِي حَالِ الْعَافِيَةِ وَالظُّهُورِ عَلَى الْأَعْدَاءِ شَاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٢٢

ص: ۲۷۳

٢٠-٧-٣-٣-٤-١-١- الشُّكْرُ عَلَى النِّعْمَاءِ، الصَّبْرُ عَلَى الْبَلَاءِ

﴿٧٧٥﴾ الرِّسُولُ ﷺ: وَ أَمَّا عَلَامَةُ الشَّاكِرِ فَارْبَعَةُ الشُّكْرِ فِي النَّعْمَاءِ وَ الصَّبْرُ فِي الْبَلَاءِ وَ الْقَنُوعُ

يَقْسِمُ اللَّهُ وَلَا يَحْمَدُ وَلَا يُعْظَمُ إِلَّا اللَّهُ؛ بحار الأنوار ج: ١ ص: ١١٩

﴿٧٧٦﴾ السَّجَادُ ^{الْمُتَعَلِّقُ}: يَا مَنْ جَعَلَ الصَّبْرَ عَوْنًا عَلَى بَلَائِهِ وَجَعَلَ الشُّكْرَ مَادَّةَ لِنِعْمَائِهِ قَدْ جَلَّتْ

نِعْمَتُكَ عَنْ شُكْرِي فَتَفَضَّلْ عَلَيَّ إِقْرَارِي بِعَجْزِي بِعَفْوِ أَنْتَ أَقْدَرُ عَلَيْهِ وَأَوْسَعُ لَهُ مِنِّي؛ بحار الأنوار

ج: ۹۱ ص: ۱۳۱

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۱۵-۷-۳-۳-۴-۱-۱- شکر در توانگری، صبر بر سختی و شدت

﴿۷۶۸﴾ فرمود مؤمن نگاهش پند است و سکوتش فکر و سخنش ذکر و بی‌نیازی‌اش شکر و در هنگام گرفتاری شکیباست.

۱۶-۷-۳-۳-۴-۱-۱- شکر در توانگری و رفاه، صبر هنگام فقر

﴿۷۶۹﴾ خدایا، بر فقرا به خاطر کمی صبرشان رحم کن و بر توانگران به خاطر کمی شکرشان و بر همگان به سبب طولانی‌بودن غفلتشان.

۱۷-۷-۳-۳-۴-۱-۱- شکر بر آنچه به من عطا کردی، صبر بر آنچه مرا آزمودی

﴿۷۷۰﴾ خدایا، مادامی که مرا زنده می‌داری به من تقوی عطا کن و تا آن زمان که به من حیات می‌دهی نیکی؛ و صبر بر آنچه مرا به آن می‌آزمایی و شکر بر آنچه به من می‌دهی. ﴿۷۷۱﴾ پروردگارا، تا آن زمان که مرا زنده نگاه می‌داری به من توانایی و توفیق انجام کار شایسته روزی کن، بر انجام تکالیفم یاری‌ام و مرا بر بلاها به صبر و در نعمت‌ها به شکر موفق کن.

۱۸-۷-۳-۳-۴-۱-۱- شکر بر دوست‌داشتنی‌ها، صبر بر آنچه مورد پسند نیست

﴿۷۷۲﴾ امور مطلوب با چیزی بهتر از شکر زیاد نمی‌شوند و امور نامطلوب با چیزی بهتر از صبر کاهش نمی‌یابند.

۱۹-۷-۳-۳-۴-۱-۱- شکر بر دوری از گرفتاری، صبر بر بلا

﴿۷۷۳﴾ . اجر آن که غذا می‌خورد و شکر می‌کند، چون کسی است که روزه گیرد و اجر طلبید، و پاداش تندرست شاکر همانند گرفتار صابر است.

﴿۷۷۴﴾ خدای سبحان حال پیامبران را از این لحاظ نظیر حال غیر آنان قرارداد تا در موقع محنت و بلا صبور و در هنگام عافیت و غلبه بر دشمنان سپاسگزار باشند.

۲۰-۷-۳-۳-۴-۱-۱- شکر بر نعمت‌ها، صبر بر بلا

﴿۷۷۵﴾ علامت شخص سپاسگزار چهار چیز است: شکر در نعمت، صبر در بلا، قناعت به قسمت، کسی را جز خدا نستاید و کسی را جز خدا تعظیم نکند.

﴿۷۷۶﴾ ای آن که صبر را یاور دوران بلا و شکر را مایه‌ی جلب نعمت‌هایش قرار داد. نعمت بسیار بیشتر از شکر من است؛ پس در مقابل اقرار من به عجز خود با عفوئ که تو بر آن توانا تر و از من بر آن مسلط تری بر من لطف کن.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٧٧٧﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَمْ أَشْكُرْهُ وَابْتَلَيْتَنِي فَلَمْ أَصْبِرْ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٢٧٦

﴿٧٧٨﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مَشْغُولِينَ بِأَمْرِكَ آمِنِينَ بِوَعْدِكَ آيسِينَ مِنْ خَلْقِكَ آنِسِينَ بِكَ مُسْتَوْحِشِينَ مِنْ غَيْرِكَ رَاضِينَ بِقَضَائِكَ صَابِرِينَ عَلَى بَلَائِكَ شَاكِرِينَ عَلَى نِعْمَائِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٣٦٠

﴿٧٧٩﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ يَقُولُ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي مَا خَلَقْتُ مِنْ خَلْقِي خَلْقًا أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ وَ لَذَلِكَ سَمَّيْتُهُ بِاسْمِي مُؤْمِنًا لَأَحْرَمُهُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ هِيَ خَيْرَةٌ لَهُ مِنِّي وَ إِنِّي لَأَمْلِكُهُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ هِيَ خَيْرَةٌ لَهُ مِنِّي فَلْيَرْضَ بِقَضَائِي وَ لِيَصْبِرْ عَلَى بَلَائِي وَ لِيَشْكُرْ نِعْمَائِي أَكْتُبُهُ يَا مُحَمَّدُ مِنَ الصَّدِّيقِينَ عِنْدِي؛ بحار الأنوار ج: ٩٨ ص: ١٥٨

﴿٧٨٠﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: وَ أَمَّا عَلَامَةُ الشَّاكِرِ فَارْبَعَةُ الشُّكْرِ فِي النِّعْمَاءِ وَ الصَّبْرُ فِي الْبَلَاءِ وَ الْقَنُوعُ بِقِسْمِ اللَّهِ وَ لَا يَحْمَدُ وَ لَا يُعْظَمُ إِلَّا اللَّهُ؛ بحار الأنوار ج: ١ ص: ١١٩

﴿٧٨١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا عَلَى نِعْمَائِهِ وَ صَبْرًا عَلَى بَلَائِهِ؛ كتاب سليم بن قيس ص: ٥٦٩

﴿٧٨٢﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ شُكْرًا عَلَى نِعْمَائِهِ وَ صَبْرًا عَلَى بَلَائِهِ؛ إرشاد القلوب ج: ٢ ص: ٤٢٠

﴿٧٨٣﴾ المجتبي عليه السلام: إِنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ التَّزَمَ الرُّكْنَ فَقَالَ إِلَهِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَمْ تَجِدْنِي شَاكِرًا وَ ابْتَلَيْتَنِي فَلَمْ تَجِدْنِي صَابِرًا فَلَا أَنْتَ سَابَقْتَ النِّعْمَةَ بِتَرْكِ الشُّكْرِ وَ لَا أَنْتَ أَدَمْتَ الشَّدَّةَ بِتَرْكِ الصَّبْرِ إِلَهِي مَا يَكُونُ مِنَ الْكَرِيمِ إِلَّا الْكَرَمُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٦ ص: ١٩٧

﴿٧٨٤﴾ الْمُؤْمِنُ دَائِمُ الذِّكْرِ كَثِيرُ الْفِكْرِ عَلَى النِّعْمَاءِ شَاكِرٌ وَ فِي الْبَلَاءِ صَابِرٌ؛ غرر الحكم ص: ٩٠

﴿٧٨٥﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ لَا أَصْرَفُ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ عَنْ شَيْءٍ إِلَّا جَعَلْتُ ذَلِكَ خَيْرًا لَهُ فَلْيَرْضَ بِقَضَائِي وَ لِيَصْبِرْ عَلَى بَلَائِي وَ لِيَشْكُرْ نِعْمَائِي أَكْتُبُهُ فِي الصَّدِّيقِينَ عِنْدِي؛ أعلام الدين ص: ٤٣٦

﴿٧٨٦﴾ موسى بن عمران عليه السلام: أَيُّ رَبِّ أَيُّ خَلْقِكَ أَغْظَمُ ذَنْبًا قَالَ الَّذِي يَتَّهَمُنِي قَالَ يَا رَبِّ وَ هَلْ يَتَّهَمُكَ أَحَدٌ قَالَ نَعَمْ يَا مُوسَى الَّذِي يَسْتَخِيرُنِي وَ لَا يَرْضَى بِقَضَائِي وَ لَا يَشْكُرْ نِعْمَائِي وَ لَا يَصْبِرُ عَلَى بَلَائِي؛ مجموعة ورام ج: ٢ ص: ٢٣١

﴿٧٨٧﴾ الحسين عليه السلام: عَزَمَ اللَّهُ لَنَا وَ لَكَ بِالصَّبْرِ عِنْدَ الْبُلْوَى وَ الشُّكْرِ عِنْدَ النُّعْمَى؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ١١٧

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۷۷۷﴾ خداوند، به درستی که تو به من نعمت داده‌ای و من شکرگزاری نکردم و مرا به بلا آزمودی و من شکیبایی نکردم.

﴿۷۷۸﴾ خدایا، ما را به امرت مشغول، به وعده‌هایت مؤمن، از خلقت ناامید، انس گیرنده به تو، ترسان از غیر تو، راضی به قضای تو، صابر در امتحان تو و شاکر بر نعمت‌هایت کن.

﴿۷۷۹﴾ خداوند متعال فرمود: سوگند به عزت و جلال خودم، مخلوقی محبوب‌تر از بنده‌ی مؤمن نیافریدم، و از این رو وی را به نام خود "مؤمن" نام نهادم، اگر بین مشرق و مغرب را به او حرام کنم برایش خیر است. و اگر همه‌ی آنچه بین مشرق و مغرب وجود دارد در اختیار او قرار دهم باز هم برای او خیر است. او باید به سرنوشتی که برایش معین کرده‌ام راضی باشد و در گرفتاری‌ها صبر کند، و از نعمت‌های من سپاسگزاری نماید، ای محمد، در این صورت او را از صدیقان قرار خواهم داد.

﴿۷۸۰﴾ علامت شخص سپاسگزار چهار چیز است: شکر در نعمت، صبر در بلا، قناعت به قسمت، کسی را جز خدا نستانید و کسی را جز خدا تعظیم نکند.

﴿۷۸۱﴾ سپاس خدای را، شکر بر نعمت‌هایش و صبر بر آزمایش‌هایش.

﴿۷۸۲﴾ سپاس خدا را و شکر بر نعمت‌های او و صبر بر بلایش.

﴿۷۸۳﴾ همانا حسن بن علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) ... در خانه‌ی خدا به مقام رکن چسبیده بود و می‌فرمود: پروردگارا، به من نعمت دادی و مرا شاکر نیافتی و مرا امتحان کردی (مبتلا کردی) و صبورم نیافتی، ولی به خاطر شکر نکردن من نعمت را از من سلب نکردی و به خاطر صبر نکردنم، مرا به زمین نزدی. پروردگارا، از شخص کریم و بزرگوار جز کرامت توقع دیگری نمی‌رود.

﴿۷۸۴﴾ مؤمن دائماً مشغول به یاد خداست و بسیار اندیشه می‌کند، بر نعمت شکرکننده است، و در بلا صبرکننده.

﴿۷۸۵﴾ همانا خدای متعال می‌فرماید: بنده‌ی مؤمنم را از چیزی منصرف نکردم مگر آنکه آن را برایش خیر و خوبی قرار دادم، پس باید که بنده‌ی مؤمن من به تقدیر و مشیتم راضی شود و در بلا و سختی صبر پیشه کند و بر نعمت‌هایم شکر می‌کند، در چنین شرایطی من نام او را نزد خودم در زمره‌ی صدیقین و راست کرداران ثبت می‌کنم.

﴿۷۸۶﴾ ای پروردگارم کدامیک از بندگان بزرگ‌ترین گناه را انجام داده است؟ فرمود: کسی که مرا متهم می‌کند. گفت: پروردگارا آیا کسی هم تو را متهم می‌کند؟ فرمود: آری ای موسی، کسی که از من طلب خیر می‌کند ولی نه به حکم من راضی می‌شود و نه نعمت‌هایم را شکر می‌کند و نه در بلایم صبر می‌کند.

﴿۷۸۷﴾ خداوند در زمان گرفتاری صبر و تحمل و هنگام نعمت و خوشی توفیق شکر به ما و شما ارزانی دارد.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٧٨٨﴾ الْمُؤْمِنُ دَائِمُ الذِّكْرِ كَثِيرُ الْفِكْرِ عَلَى النِّعْمَاءِ شَاكِرٌ وَفِي الْبَلَاءِ صَابِرٌ؛ غررالحكم ص: ٩٠
 ﴿٧٨٩﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): الْعَبْدُ بَيْنَ ثَلَاثِ بَلَاءٍ وَ قَضَاءٍ وَ نِعْمَةٍ فَعَلَيْهِ لِبَلَاءٍ مِنَ اللَّهِ الصَّبْرُ فَرِيضَةٌ وَ عَلَيْهِ لِقَضَاءٍ مِنَ اللَّهِ التَّسْلِيمُ فَرِيضَةٌ وَ عَلَيْهِ لِلنِّعْمَةِ مِنَ اللَّهِ الشُّكْرُ فَرِيضَةٌ؛ وسائل الشيعة ج: ٣ ص: ٢٦٠

﴿٧٩٠﴾ الرُّسُولُ (عليه السلام): إِنَّ اللَّهَ جَلَّ تَنَاوُهُ يَقُولُ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي مَا خَلَقْتُ مِنْ خَلْقِي خَلْقًا أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ وَ لِذَلِكَ سَمَّيْتُهُ بِاسْمِي مُؤْمِنًا لَأَحَرِّمُهُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ هِيَ خَيْرَةٌ لَهُ مِنِّي وَ إِنِّي لَأَمْلِكُهُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ هِيَ خَيْرَةٌ لَهُ مِنِّي فَلْيَرْضَ بِقَضَائِي وَ لِيَصْبِرْ عَلَى بَلَائِي وَ لِيَشْكُرْ نِعْمَائِي أَكْتُبُهُ يَا مُحَمَّدُ مِنَ الصَّدِّيقِينَ عِنْدِي؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ١٥٨
 ﴿٧٩١﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): إِلَهِي كُلَّمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ مِنْ نِعْمَةٍ قَلَّ عِنْدَهَا شُكْرِي وَ كُلَّمَا ابْتَلَيْتَنِي بِبَلِيَّةٍ قَلَّ عِنْدَهَا صَبْرِي فَيَا مَنْ قَلَّ شُكْرِي عِنْدَ نِعْمَتِهِ فَلَمْ يَحْرَمْنِي؛ مستدرک الوسائل ج: ٢ ص: ٩٠
 ﴿٧٩٢﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): إِنَّ اللَّهَ أَنْعَمَ عَلَيَّ قَوْمٍ بِالْمَوَاهِبِ فَلَمْ يَشْكُرُوهُ فَصَارَتْ عَلَيْهِمْ وَبَالًا وَ ابْتَلَى قَوْمًا بِالْمَصَائِبِ فَصَبَرُوا فَكَانَتْ عَلَيْهِمْ نِعْمَةٌ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٢٤١

١-١-٤-٣-٣-٧-٢١- الشُّكْرُ عَلَى النِّعْمَةِ، الصَّبْرُ عِنْدَ الشَّدَّةِ

﴿٧٩٣﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): وَ اعْلَمْ أَنَّ الْخَلْقَ بَيْنَ فِتْنٍ وَ مِحَنٍ فِي الدُّنْيَا إِمَّا مُبْتَلَى بِالنِّعْمَةِ لِيُظْهَرَ شُكْرُهُ وَ إِمَّا مُبْتَلَى بِالشَّدَّةِ لِيُظْهَرَ صَبْرُهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ٢٥

١-١-٤-٣-٣-٧-٢٢- الشُّكْرُ عَلَى النِّعْمَةِ، الصَّبْرُ عِنْدَ الضَّرَاءِ

﴿٧٩٤﴾ الرُّسُولُ (عليه السلام): ثَلَاثُ خِصَالٍ يُدْرِكُ بِهَا خَيْرُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ الشُّكْرُ عِنْدَ النِّعْمَةِ وَ الصَّبْرُ عِنْدَ الضَّرَاءِ وَ الدُّعَاءُ عِنْدَ الْبَلَاءِ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ١٤٩

١-١-٤-٣-٣-٧-٢٣- الشُّكْرُ عَلَى النِّعْمَةِ، الصَّبْرُ عَلَى الطَّاعَةِ وَ الْمَعْصِيَةِ وَ الْحُكْمِ

﴿٧٩٥﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الصَّبْرَ عَلَى طَاعَتِكَ وَ الصَّبْرَ عَنِ مَعْصِيَتِكَ وَ الصَّبْرَ لِحُكْمِكَ وَ الصَّدْقَ فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَ الشُّكْرَ لِنِعْمَتِكَ؛ البلد الأمين ص: ١٥

١-١-٤-٣-٣-٧-٢٤- الشُّكْرُ عَلَى النِّعْمَةِ، الصَّبْرُ عَلَى النَّازِلَةِ

﴿٧٩٦﴾ الْمُجْتَبَى (عليه السلام): الْخَيْرُ الَّذِي لَا شَرَّ فِيهِ الشُّكْرُ مَعَ النِّعْمَةِ وَ الصَّبْرُ عَلَى النَّازِلَةِ وَ قَالَ (عليه السلام): لِرَجُلٍ أَبَلَ مِنْ عِلَّةٍ إِنَّ اللَّهَ قَدْ ذَكَرَكَ فَادْكُرْهُ وَ أَقَالَكَ فَاشْكُرْهُ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ١٠٦

١-١-٤-٣-٣-٧-٢٥- الشُّكْرُ عَلَى الْوَلَايَةِ، الصَّبْرُ عَلَى الْأَذَى لِلْوَلَايَةِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۷۸۸﴾ مؤمن دائماً مشغول به یاد خداست و بسیار اندیشه می‌کند، بر نعمت شکرکننده است، و در بلا صبرکننده.

﴿۷۸۹﴾ بنده با سه چیز روبروست: بلا و قضا و نعمت؛ در بالای الهی صبر بر او لازم است و در قضای الهی تسلیم بر او واجب و در نعمتی که از خداوند به او می‌رسد وظیفه‌اش شکرگزاری است.

﴿۷۹۰﴾ خداوند متعال فرمود: سوگند به عزت و جلال خودم، مخلوقی محبوب‌تر از بنده‌ی مؤمن نیافریدم، و از این رو وی را به نام خود "مؤمن" نام نهادم، اگر بین مشرق و مغرب را به او حرام کنم برایش خیر است. و اگر همه‌ی آنچه بین مشرق و مغرب وجود دارد در اختیار او قرار دهم باز هم برای او خیر است. او باید به سرنوشتی که برایش معین کرده‌ام راضی باشد و در گرفتاری‌ها صبر کند، و از نعمت‌های من سپاسگزاری نماید، ای محمد، در این صورت او را از صدیقان قرار خواهم داد.

﴿۷۹۱﴾ پروردگارا، هر چه به من نعمت دادی شکرم در مقابل آن ناچیز و بی‌مقدار بود و هر چه مرا گرفتار کردی صبرم در مقابل آن کم بود، ای کسی که شکر من در مقابل نعمتش اندک است ولی مرا محروم نکرد.

﴿۷۹۲﴾ خداوند گروهی را مشمول نعمت خویش قرار داد، پس سپاسگزاری او را نکردند، آن نعمت بر آن‌ها تبدیل به عذاب و گروهی دچار مصیبت شدند بر آن مصیبت صبر کردند. مصیبت برای آن‌ها تبدیل به نعمت شد.

۲۱-۷-۳-۳-۴-۱-۱-۱ شکر بر نعمت، صبر بر شدت

﴿۷۹۳﴾ بدان که خداوند عالم، بندگان خود را هرگز از امتحان و فتنه خالی نمی‌گذارد؛ یا مبتلا به نعمت می‌کند، تا امتحان کند که آیا شکر نعمت او به‌جا می‌آورند یا نه؟ یا بندگان خود را به سختی‌ها مبتلا می‌کند که تا درجه‌ی صبر و شکیبایی‌شان آشکار شود.

۲۲-۷-۳-۳-۴-۱-۱-۱ شکر بر نعمت‌ها، صبر بر تنگدستی و سختی

﴿۷۹۴﴾ سه خصلت است که به آن سه خصلت خیر دنیا و آخرت به دست می‌آید، سپاسگزاری در برابر نعمت‌های پروردگار، شکیبایی هنگام سختی‌ها و دعا هنگام رسیدن بلا.

۲۳-۷-۳-۳-۴-۱-۱-۱ شکر بر نعمت، صبر بر اطاعت الهی و معصیت و حکم و الهی

﴿۷۹۵﴾ خداوند، از تو شکیبایی بر طاعتت، و خویشن‌داری از ارتکاب معصیتت، و بردباری در پذیرفتن حکم تو و صدق و راستی در هر مکان و موضعی و شکر بر نعمت را خواستارم.

۲۴-۷-۳-۳-۴-۱-۱-۱ شکر بر نعمت، صبر بر پیشامد

﴿۷۹۶﴾ خیری که شر با آن آمیخته نیست، شکر بر نعمت و صبر بر ناگواری‌هاست. و به مردی که از بیماری بهبود یافته بود فرمود: همانا خدایت تو را یاد کرد تو نیز خدا را یاد کن و از تو گذشت نمود تو نیز سپاسگزارش باش.

۲۵-۷-۳-۳-۴-۱-۱-۱ شکر بر ولایت، صبر بر تحمل آزار بر دفاع از ولایت

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٧٩٧﴾ الباقِرُ الرَّحْمٰنُ: صَبَّارٌ عَلَى مَوْتِنَا وَعَلَى مَا نَزَلَ بِهِ مِنْ شِدَّةٍ أَوْ رَخَاءٍ صَبُورٌ عَلَى الْأَذَى فِينَا شُكْرٌ لِلَّهِ عَلَى وَلَآئِنَا أَهْلُ الْبَيْتِ: تَأْوِيلُ الْآيَاتِ الظَّاهِرَةِ ص: ٤٦٣

٤-١-١- الشُّكْرُ وَالطَّاعَةُ وَالْعِبَادَةُ

١-٤-١-٤-١- مُشَابَهَةُ الشُّكْرِ وَالطَّاعَةِ وَالْعِبَادَةِ

١-١-٤-٤-١-١- العِبَادَةُ مِنْ مَّصَادِيقِ الشُّكْرِ

﴿٧٩٨﴾ بَلِ اللَّهِ فَاعْبُدْ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ الزمر: الآية ٦٦

﴿٧٩٩﴾ الرّسول ﷺ: قَامَ عَلَى أَطْرَافِ أَصَابِعِ رَجُلَيْهِ عَشْرَ سِنِينَ حَتَّى تَوَرَّمَتْ قَدَمَاهُ وَاصْفَرَّ وَجْهُهُ مِنْ قِيَامِ اللَّيْلِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ طَهُ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى وَكَانَ يَبْكِي حَتَّى يُغْشَى عَلَيْهِ فَعِيلَ لَهُ أَلَيْسَ قَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ فَقَالَ أَ فَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا؛

بحار الأنوار ج: ١٧ ص: ٢٥٧

﴿٨٠٠﴾ الباقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عِنْدَ عَائِشَةَ لَيْلَتَهَا فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ لِمَ تَتَعَبُ نَفْسَكَ وَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ مَا تَقْدَمُ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأْخُرُ فَقَالَ يَا عَائِشَةُ أَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا قَالَ وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَقُومُ عَلَى أَطْرَافِ أَصَابِعِ رَجُلَيْهِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى طَهُ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى؛ بحار الأنوار ج: ١٦ ص: ٢٦٣

﴿٨٠١﴾ أَنَّهُ بَلَغَهُ أَنَّ زَاعِمًا يَزْعُمُ أَنَّهُ يَتَّقُصُّ عَلَيَّا فَقَامَ فِي أَصْحَابِهِ يَوْمًا فَقَالَ لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَغْلِقَ بَابِي ثُمَّ لَا أَخْرُجُ مِنْ بَيْتِي حَتَّى يَأْتِيَنِي أَجَلِي بَلْغَنِي أَنْ زَاعِمًا مِنْكُمْ يَزْعُمُ أَنِّي أَتَيْتُصُّ خَيْرَ النَّاسِ بَعْدَ نَبِيِّنَا ﷺ وَأَنِيسَهُ وَجَلِيسَهُ وَالمُفْرَجَ لِلْكَرْبِ عَنْهُ عِنْدَ الزَّلَازِلِ وَالقَاتِلَ لِلْأَقْرَانِ يَوْمَ التَّنَازُلِ لَقَدْ فَارَقَكُم رَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَوْقَهُ وَآخَذَ الْعِلْمَ فَوْقَهُ وَحَازَ الْبَاسَ فَاسْتَعْمَلَهُ فِي طَاعَةِ رَبِّهِ صَابِرًا عَلَى مَضَى الْحَرْبِ شَاكِرًا عِنْدَ اللَّأْوَاءِ وَ الْكَرْبِ؛ بحار الأنوار ج: ٤٠ ص: ١١٧

﴿٨٠٢﴾ السَّجَادُ عليه السلام: دَخَلْتُ مَعَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام عَلَى عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ فَاسْتَغْطِمَ عَبْدُ الْمَلِكِ مَا رَأَى مِنْ آثَرِ السُّجُودِ بَيْنَ عَيْنَيْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام فَقَالَ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ لَقَدْ بَيَّنَّ عَلَيْكَ الْجَاهِدَ وَلَقَدْ سَبَقَ لَكَ مِنَ اللَّهِ الْحُسْنَى وَأَنْتَ بَضْعَةٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَرِيبُ النَّسَبِ وَكِيدُ السَّبَبِ وَإِنَّكَ لَدُوْ فَضْلٍ عَظِيمٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ وَذَوَى عَصْرِكَ وَلَقَدْ أُوتِيتَ مِنَ الْفَضْلِ وَالْعِلْمِ وَالِدِّينِ وَالْوَرَعِ مَا لَمْ يُؤْتَهُ أَحَدٌ مِّثْلَكَ وَلَا قَبْلَكَ إِلَّا مِنْ مَضَى مِنْ سَلَفِكَ وَأَقْبَلَ يَتْنِي عَلَيْهِ وَ يُطْرِيهِ قَالَ فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام كُلُّ مَا ذَكَرْتَهُ وَوَصَفْتَهُ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَأْيِيدِهِ وَتَوْفِيقِهِ فَإِنَّ شُكْرَهُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۷۹۷﴾ در راه دوستی ما و درهنگام سختی و آسایش بسیار شکیباء و بر اذیت شدن در راه ما صبور و بر ولایت ما اهل بیت بسیار شکرگزار خداست.

۴-۱-۴-۱-۱ شکر و اطاعت و عبادت

۱-۴-۴-۱-۱ تشابه شکر و اطاعت و عبادت

۱-۴-۴-۱-۱ عبادت از مصادیق شکر است

﴿۷۹۸﴾ بلکه تنها خداوند را عبادت کن و از شکرگزاران باش.

﴿۷۹۹﴾ بر کنار انگشتان پاهایشان ده سال ایستادند تا اینکه به خاطر نماز شب پاهایشان ورم کرد و صورتشان زرد شد؛ پس خداوند نازل کرد: "طه، ما قرآن را بر تو فرو نفرستادیم که خود را هلاک کنی". و پیامبر ﷺ گریه می کردند تا اینکه مدهوش می شدند؛ به ایشان عرض شد: آیا خداوند از گناه گذشته و آینده‌ی تو درگذشت؟ پس فرمودند: حال که چنین است آیا بنده‌ی شکرگزاری نباشم؟

﴿۸۰۰﴾ پیامبر خدا ﷺ شبی که نوبت عایشه بود نزد او بود. او، به پیامبر ﷺ گفت: ای پیامبر خدا، با آنکه خدا گناه گذشته و آینده‌ی تو را آمرزیده است چرا خودت را به رنج می اندازی؟ فرمود: ای عایشه، آیا من بنده‌ی سپاسگزار خدا نباشم؟ و عایشه گفت: پیامبر خدا ﷺ روی کناره های انگشتان پایش می ایستاد تا اینکه خدای سبحانه و تعالی چنین نازل فرمود: "طه ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که به زحمت افتی".

﴿۸۰۱﴾ به حسن بصری خبر رسید؛ که کسی گمان برده است که او علی علیه السلام را تحقیر کرده است؛ روزی میان اصحابش برخاست و گفت قصد داشتیم در خانه‌ام را به روی خود ببندم و تا آخر عمر از خانه‌ام بیرون نیایم، به من خبر رسیده که یکی از شماها مرا متهم نموده‌اید که من علی علیه السلام را تحقیر کرده‌ام حال آنکه او بهترین مردم پس از پیامبر ماست و انیس و جلیس او بوده است، در هر شدت و سختی و در واقع گرفتاری از پیامبر رفع گرفتاری و ناراحتی می کرد. اوست کشنده‌ی مبارزان در روزهای جنگ، به تحقیق مردی از شما جدا شده که قرآن را به حد کمال می دانست و علم فراوان داشت و صاحب شجاعت بی مثال بود که آن را در طاعت پروردگارش به کار بست، بر سختی های نبرد شکبیا بود و درهنگام سختی ها و ناخوشی ها شکرگزار کامل است.

﴿۸۰۲﴾ با حضرت زین العابدین رفتیم پیش عبدالملک بن مروان اثر سجده ای که در پیشانی علی بن الحسین دید خیلی بزرگ شمرد، عرض کرد: واقعا در راه عبادت خدا کوشش می کنی، خداوند به تو عنایت فراوان دارد پاره‌ی تن پیامبری قرابت نزدیک و نسبت زیاد تو مقامی ارجمند بین خانواده‌ی خود و اهل زمان داری، دارای علم و فضل و دین و ورعی هستی که احدی پیش از تو و بعد از تو دارای این مقام نبوده‌اند جز اجداد طاهرینت شروع کرد به تعریف و ستایش آن مولا. علی بن الحسین فرمود: آنچه ذکر کردی از لطف خدا و تأیید و توفیقش می باشد. پس کجا می توان شکر و سپاس نعمت او را نمود. آن قدر پیامبر در نماز ایستاد تا قدم هایش ورم کرد، چنان

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

عَبْدُ الْمَلِكِ؛ مستدرک الوسائل ج: ۱ ص: ۱۲۵

٢-١-٤-٤-١- الشُّكْرُ مِنْ مَّصَادِقِ الْعِبَادَةِ

﴿٨٠٣﴾ فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمْ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنَّ كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ؛ النحل: الآية

۱۱۴

٣-١-٤-١ عبادة الشّاكرين أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ

ص: ٦٨

الشَّاكِرُونَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٣٤٨

٤-١-٤-٤-١- ذكرُ الشُّكْرِ و الطَّاعَةِ و الْعِبَادَةِ مَعًا

رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ؛ العنكبوت: الآية ١٧

مفتاح الفلاح ص: ١٦٧

الشَّاكِرِينَ لِنِعْمَتِهِ فَقَدْ سَمِعْتُمْ وَأَطَعْتُمْ وَدُعِيتُمْ فَأَجَبْتُمْ؛ شرح نهج البلاغة ج: ١٤ ص: ٢٦

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

در روزه‌داری تشنه می‌شد آب دهانش خشک می‌گردید، گفتند ای پیامبر خدا، مگر خداوند وعده‌ی مغفرت به تو نداده؟ می‌فرمود بنده‌ی شکرگزار خدا نباشم؟ خدای را سپاس بر نعمت و آزمایشش و او را ستایش از ابتدا تا انتهای روزگار به خدا سوگند اگر اعضايم قطع شود و چشمانم بر روی سینه‌ام بیفتد هنوز سپاس یک‌دهم از یک نعمت از نعمت‌های بی‌شمارش را نکرده‌ام ستایش تمام ستایشگران به پایه‌ی یک نعمت او نمی‌رسد. به خدا سوگند از کوشش در شکرگزاری فروگذار نخواهم بود تا او ببیند که پیوسته در ستایش اویم در شب و روز آشکارا و پنهان اگر خانواده‌ام و مردم بر من حقوقی نداشتند که به ناچار باید آن حقوق را مراعات نمود پیوسته چشم به آسمان می‌دوختم و دل در گرو او می‌نهادم تا جان در بدن دارم، در این موقع اشک از دیدگان فرو ریخت و عبدالملک نیز گریه کرد.

۲-۱-۴-۴-۱-۱-۱ شکر از مصادیق عبادت است

﴿۸۰۳﴾ پس، از آنچه خدا روزی‌تان کرده است، حلال و پاکیزه بخورید و شکر نعمت خدا را به‌جا آورید اگر او را می‌پرستید.

۳-۱-۴-۴-۱-۱-۱ عبادت شاکرین برترین عبادت است

﴿۸۰۴﴾ گروهی در عبادت و اطاعت انگیزه رغبت و میل دارند و برای دستیابی به منافع اخروی خدا را عبادت می‌نمایند که این نوع عبادت، عبادت تاجران و بازرگانان است که با هدف سودجویی است. گروهی دیگر با انگیزه‌ی ترس از عذاب، خدا را عبادت می‌کنند و این هم عبادت بردگان است. گروهی هم با هدف شکر و انگیزه‌ی سپاس از نعمت‌های فراوان خداوندی عبادت خود را انجام می‌دهند و این عبادت آزادگان و بهترین عبادت است.

﴿۸۰۵﴾ ای آن‌که او را بیچارگان خوانده‌اند، و او ایشان را اجابت نمود، و ترسندگان به‌سوی او پناه برده‌اند.

۴-۱-۴-۴-۱-۱-۱ ذکر شکر و اطاعت و عبادت باهم

﴿۸۰۶﴾ شما غیر از خدا فقط بت‌هایی (از سنگ و چوب) را می‌پرستید و دروغی به‌هم می‌یافید؛ آن‌هایی را که غیر از خدا پرستش می‌کنید، مالک هیچ رزقی برای شما نیستند؛ روزی را تنها نزد خدا بطلبید و او را پرستش کنید و شکر او را به‌جا آورید که به‌سوی او بازگشت داده می‌شوید

﴿۸۰۷﴾ خداوند، به من در این (لباس) عبادت نیکو و عمل به فرمانت و ادای شکر نعمت را روزی کن.

﴿۸۰۸﴾ و خدا شما مردم شهر را از سوی خاندان پیامبرتان (که درود خدا بر او باد) پاداش دهد نیکوترین پاداشی که به فرمانبران خود عطا می‌فرماید و به سپاسگزاران نعمتش می‌دهد؛ زیرا شما باید که شنیدید و فرمان بردید و خوانده شدید و پاسخ گفتید.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٨٠٩﴾ الكاظم عليه السلام: وَجَدْتُ عِلْمَ النَّاسِ فِي أَرْبَعٍ... الثَّانِيَةُ أَنْ تَعْرِفَ مَا صَنَعَ بِكَ... مَعْنَى هَذِهِ الْأَرْبَعِ... الثَّانِيَةُ مَعْرِفَةُ مَا صَنَعَ بِكَ مِنَ النِّعَمِ الَّتِي يَتَعَيَّنُ عَلَيْكَ لِاجْتِلَاءِ الشُّكْرِ وَالْعِبَادَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٣٢٨

﴿٨١٠﴾ الرسول ﷺ: يَا عِبَادَ اللَّهِ إِنْ اتَّقَيْتُمُ اللَّهَ وَحَفِظْتُمْ نَبِيَّكُمْ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ فَقَدْ عَبْدْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا عُبِدَ وَذَكَرْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا ذُكِرَ وَشَكَرْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا شُكِرَ وَأَخَذْتُمْ بِأَفْضَلِ الصَّبْرِ وَ الشُّكْرِ وَاجْتَهَدْتُمْ أَفْضَلَ الْجَاهِدِ وَإِنْ كَانَ غَيْرُكُمْ أَطْوَلَ مِنْكُمْ صَلَاةً وَ أَكْثَرَ مِنْكُمْ صِيَامًا فَأَنْتُمْ أَتَقَى لِلَّهِ مِنْهُ وَ أَنْصَحَ لِأَوْلَى الْأَمْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٢٧ ص: ١٦٩

﴿٨١١﴾ الباقر عليه السلام: مَا عَاشَ قَوْمٌ قَطُّ فِي غَضَارَةٍ مِنْ كَرَامَةِ نِعَمِ اللَّهِ فِي مَعَاشِ دُنْيَا وَ لَا دَائِمٍ تَقْوَى فِي طَاعَةِ اللَّهِ وَ الشُّكْرِ لِنِعْمِهِ فَأَزَالَ ذَلِكَ عَنْهُمْ إِلَّا مِنْ بَعْدِ تَغْيِيرٍ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ تَحْوِيلٍ عَنْ طَاعَةِ اللَّهِ وَ الْوَحْدَانِيَّةِ مِنْ ذُنُوبِهِمْ وَ قَلَّةِ مُحَافَظَةِ وَ تَرْكِ مُرَاقَبَةِ اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ وَ تَهَاوُنٍ بِشُكْرِ نِعْمَةِ اللَّهِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ إِنْ اللَّهُ لَا يُغَيِّرُ مَا بَقِيَ مَا بَقِيَ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بَأَنْفُسِهِمْ وَ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ؛ الكافي ج: ٨ ص: ٢٥٦

﴿٨١٢﴾ الرسول ﷺ: فَلَمْ يَبْقَ عَلَى إِلَّا الشُّكْرُ لَكَ وَ الذِّكْرُ لِمَحَامِدِكَ وَ الْإِنْقِيَادُ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْاسْتِمَاعُ لِلدَّاعِي إِلَيْكَ؛ البلد الأمين ص: ٣٨٤

﴿٨١٣﴾ الصادق عليه السلام: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ قَالَ يُطَاعُ فَلَا يُعْصَى وَ يُذَكَّرُ فَلَا يُنْسَى وَ يُشْكَرُ فَلَا يُكْفَرُ؛ وسائل الشيعة ج: ١٥ ص: ٢٣٥

﴿٨١٤﴾ أَنَّهُ مَنْ أَنْفَقَ فِي الْيَوْمِ النَّاسِعِ مِنْهُ شَيْئًا غَيْرَ لَهُ، وَ يُسْتَحَبُّ فِيهِ إِطْعَامُ الْإِخْوَانِ وَ تَطْيِيبُهُمْ وَ التَّوَسُّعُ فِي النِّفَقَةِ، وَ لُبْسُ الْجَدِيدِ، وَ الشُّكْرُ وَالْعِبَادَةُ؛ بحار الأنوار ج: ٣١ ص: ١١٩

﴿٨١٥﴾ الصادق عليه السلام: أَنْتَ خَلَقْتَ هَذَا فَأَحْسَنْتَ وَ سَوَّيْتَ فَأَحْكَمْتَ وَ نَبَّهْتَ عَلَى الطَّاعَةِ فَأَنْعَمْتَ فَلَمْ يَبْقَ إِلَّا شُكْرِي وَ الْإِنْقِيَادُ لِطَاعَتِكَ وَ ذِكْرُ مُحَامِدِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٣١٦

﴿٨١٦﴾ السجاد عليه السلام: أَنْتَ الْإِمَامُ بَعْدِي وَ وَارَثُ عِلْمِي وَ أَفْضَلُ مَنْ أَتْرَكَ بَعْدِي وَ خَيْرُ مَنْ أَخْلَفَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي وَ أَخُوكَ ابْنُ أُمِّكَ بِشَرِّكَمَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِالْبُشْرَى فَأَبْشَرَا بِمَا بَشَرَكُمَا وَ اَعْمَلَا لِلَّهِ بِالطَّاعَةِ فَاشْكُرَاهُ عَلَى النِّعْمَةِ؛ دعائم الإسلام ج: ٢ ص: ٣٥٣

﴿٨١٧﴾ الباقر عليه السلام: إِنْ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ لَمَّا فَتَحَ مَكَّةَ أَتَعَبَ نَفْسَهُ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الشُّكْرِ لِنِعْمِهِ فِي الطَّوَافِ بِالْبَيْتِ؛ بحار الأنوار ج: ٣٩ ص: ١٢٤

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۸۰۹﴾ علم مردم را در چهار چیز دیدم: ۱ - بفهمی چه لطفی به تو انجام داده است... یعنی: شناخت نعمت‌هایی که به تو ارزانی داشته و شکر و سپاسگزاری تو در مقابل آن‌ها لازم است. ﴿۸۱۰﴾ بندگان خدا، اگر پروای الهی پیش گیرید، و حق پیامبران را درباره‌ی خاندانش محفوظ دارید، هرآینه خدا را به بهترین وجه پرستش نموده‌اید، و به بهترین صورت یاد کرده، و به نیکوترین روش سپاس گفته، و به بالاترین درجات صبر و شکر دست یافته‌اید، و به برترین درجه‌ی تلاش، سعی و کوشش نموده‌اید، هرچند که دیگران نمازشان از شما طولانی‌تر، و روزه‌داری‌شان از شما بیشتر باشد، زیرا که شما از آنان پرهیزکارتر، و نسبت به اولی الامر و امان خود، خیرخواه‌ترید.

﴿۸۱۱﴾ هرگز خداوند نعمت‌هایش را از مردمی که در خرمی کرامت نعمت‌های خداوند عمر به سر بردند و پیوسته تقوی را در طاعت خداوند رعایت نمودند و شکر نعمت‌های او را به‌جا آوردند دریغ ننموده است و قطع نکرده است مگر آنکه آنان خود را (در انجام عبادت و طاعت) واژگونه کرده و از طاعت خداوند روی گردان شده باشند و گناهای مرتکب شوند و دست از مراقبت خود برداشته و خدا را نادیده گرفته و شکر نعمت او را زیر پا گذارند زیرا خدای عزیز و جلیل در آیات محکم کتابش می‌فرماید: (اما) خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند، و هنگامی که خدا به قومی (به خاطر اعمالشان) اراده‌ی سوء و بدی داشته باشد، هیچ چیز مانع آن نخواهد شد. و جز خدا، سرپرستی نخواهند داشت.

﴿۸۱۲﴾ وظیفه‌ای جز شکر تو و یاد ستودنی‌هایت و سرخم کردن برای فرمان برداری از تو و گوش فرادادن به دعوت کننده‌ای که به سوی تو، بخواند، بر من نیست. ﴿۸۱۳﴾ از امام صادق علیه السلام در مورد آیه‌ی شریفه: "آن‌گونه که حق تقوا و پرهیزکاری است، از خدا بپرهیزید" فرمود: یعنی همواره مطیع اوامر الهی بودن و هرگز گناه نکردن، پیوسته به یاد خدا بودن و هیچ‌گاه او را فراموش نکردن، همه‌ی نعمت‌های خدای را سپاسگزار بودن و هرگز ناسپاسی نکردن.

﴿۸۱۴﴾ هر کس در روز نهم این ماه چیزی اتفاق کند آمرزیده می‌شود؛ غذادادن به برادران دینی و معطر کردن ایشان و دست‌ودلبازی در مخارج منزل و پوشیدن لباس نو و شکرگزاری و عبادت در این روز مستحب است

﴿۸۱۵﴾ تو این را خلق کردی، پس آفرین باد بر تو؛ و آن را متناسب و با استفهام آفریدی و او را برای اطاعتت هشیار ساختی و به او نعمت بخشیدی، پس چیزی باقی نماند مگر شکر من و گردن‌نهادن به طاعتت و ذکر و صفات پسندیده‌ی تو.

﴿۸۱۶﴾ تو امام بعد از من و وارث علم من و با فضیلت‌ترین بازمانده‌ی من و بهترین کسی از خاندان من هستی که به جانشینی برمی‌گزینم؛ و برادرت که زاده‌ی مادرت است، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شما دو نفر را بشارت داد؛ پس به آن بشارت شادمان باشید و به انجام دستورات خدا بپردازید و او را به خاطر نعمت‌هایش شکر کنید.

﴿۸۱۷﴾ هنگامی که مکه را فتح نمودند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نفس شریف خود را در عبادت خداوند و شکر نعمت‌هایش با طواف کردن بیت به رنج و سختی انداختند.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٨١٨﴾ الصادق عليه السلام: أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَرْضَى عَنِّي رِضًا لَا تَسْخَطُ عَلَيَّ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا وَأَنْ تَمُدَّ لِي فِي عُمْرِي وَأَنْ تُوسِّعَ عَلَيَّ فِي رِزْقِي وَأَنْ تَصِيحَ لِي جَسْمِي وَأَنْ تُبَلِّغَنِي أَمَلِي وَتَقْوِيَنِي عَلَى طَاعَتِكَ وَعِبَادَتِكَ وَتُلْهِمَنِي شُكْرَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٣٦٤

﴿٨١٩﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ هَذِهِ الْأَرْضَ مِنْ جُمْلَةِ شُهُودِنَا يَوْمَ مَوْعِدِنَا إِنَّكَ ارْتَضَيْتَنَا فِيهَا لِعِبَادَتِكَ وَأَهْلَتَنَا لِلتَّشْرِيفِ بِطَاعَتِكَ وَوَفَّقْتَنَا لِلشُّكْرِ لِنِعْمَتِكَ؛ الأمان ص: ١٤١

﴿٨٢٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَسْأَلُكَ فِي أَكْلِي وَشُرْبِي السَّلَامَةَ مِنْ وَعْكِهِ وَالْقُوَّةَ بِهِ عَلَى طَاعَتِكَ وَذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ فِيمَا بَقِيَّتُهُ فِي بَدَنِي؛ مستدرک الوسائل ج: ١٦ ص: ٢٨١

﴿٨٢١﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: أَرْزُقْنِي شُكْرَكَ وَذِكْرَكَ وَطَاعَتَكَ وَعِبَادَتَكَ حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَا؛ المقنعة ص: ٣٩١

﴿٨٢٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي أَكْلِي وَشُرْبِي السَّلَامَةَ مِنْ وَعْكِهِ وَالْقُوَّةَ بِهِ عَلَى طَاعَتِكَ وَذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ فِيمَا بَقِيَّتُهُ فِي بَدَنِي وَأَنْ تُشَجِّعَنِي بِقُوَّتِهِ عَلَى عِبَادَتِكَ وَأَنْ تُلْهِمَنِي حُسْنَ التَّحَرُّزِ مِنْ مَعْصِيَتِكَ فَإِنَّكَ إِنْ فَعَلْتَ ذَلِكَ أَمِنْتَ وَعَثْتَهُ وَغَائِلْتَهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٦ ص: ٢٨١

﴿٨٢٣﴾ الرضا عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَمَاتِنَا وَإِلَيْهِ النُّشُورُ لِأَعْبُدَهُ وَأَحْمَدَهُ وَأَشْكُرَهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ٤ ص: ١٤٦

﴿٨٢٤﴾ الباقر عليه السلام: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ حُسْنَ عِبَادَتِكَ وَعَمَلًا بِطَاعَتِكَ وَأَدَاءَ شُكْرِ نِعْمَتِكَ؛ مفتاح الفلاح ص: ١٦٧

﴿٨٢٥﴾ الزهراء عليها السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِنَّا عَلَى شُكْرِكَ وَذِكْرِكَ وَطَاعَتِكَ وَعِبَادَتِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٣٣٨

١-٤-٢-١- الفرقُ بَيْنَ الشُّكْرِ وَالطَّاعَةِ

١-٤-٢-١- رُبُطُ النِّعْمَةِ بِالشُّكْرِ وَفَيْدُهُ بِالطَّاعَةِ

﴿٨٢٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَاللَّهِ مَا نَزَعَ اللَّهُ مِنْ قَوْمٍ نِعْمَاءَ إِلَّا بِذُنُوبٍ اجْتَرَحُوهَا فَأَرْبَطُوهَا بِالشُّكْرِ وَفَيْدُوهَا بِالطَّاعَةِ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ١٥٠

١-٤-٢-١- أَمْرُنَا لِيَخْتَبِرَ طَاعَتَنَا، نَهَانَا لِيُتَبَلَى شُكْرُنَا

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۸۱۸﴾ پروردگارا، از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش علیهم‌السلام درود فرستی و از من، خشنود باشی بعد از آن هرگز از من ناخشنود نگردی و نیز می‌خواهم که عمرم را طولانی کنی و روزی‌ام را وسعت دهی، جسمم را سالم گردانی و مرا به آرزویم برسانی و مرا بر عبادت و فرمان برداری‌ات قدرت دهی و شکر را نصیبم کنی.

﴿۸۱۹﴾ خدایا، این زمین را از زمره‌ی گواهان ما در روز قیامت قرار ده؛ زیرا راضی شدی که در آن عبادت را به‌جا آوریم و لیاقت مفتخرشدن به عبادت و بندگی‌ات را به ما داده‌ای و برای سپاسگزاری نعمت ما را موفق ساخته‌ای.

﴿۸۲۰﴾ پروردگارا، از تو می‌خواهم از بیماری‌هایی که از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها پدید می‌آید سالم بمانم و به واسطه‌ی آنچه از خوردنی‌ها که در بدنم باقی می‌گذاری بر انجام طاعت و یاد و شکر تو طلب نیرو می‌کنم.

﴿۸۲۱﴾ پروردگارا، شکر، یاد و فرمان برداری از خودت را تا جایی که از من راضی شوی و حتی بعد از رضایت نیز روزی‌ام کن.

﴿۸۲۲﴾ خداوندا، در خوردن و آشامیدنم از تو، سلامت و دوری از درد و بیماری آن را درخواست می‌کنم، و از آنچه از غذا در بدنم باقی می‌ماند بر انجام طاعت و ذکر و شکر نیرو و قدرت و توان می‌طلبم، و از تو می‌خواهم که مرا بر انجام عبادت و بندگی‌ات تحریک کنی و پرهیز و دوری از گناهانت را در دلم قرار دهی که چون چنین کنی مرا از گرفتاری و دردش ایمن و آسوده سازی.

﴿۸۲۳﴾ حمد و سپاس خدای تعالی را که پس از مردن، ما را زنده کرد و ما را به سوی خود از خاک برآورد تا او را بپرستیم، سپاس گوئیم و شکر گزار باشیم.

﴿۸۲۴﴾ خداوندا، به من در این (لباس) عبادت نیکو و عمل به فرمانت و ادای شکر نعمت را روزی کن.

﴿۸۲۵﴾ خداوندا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و ما را بر شکر، ذکر، اطاعت و عبادت خودت یاری کن.

۲-۴-۱-۱- تفاوت بین شکر و اطاعت

۱-۲-۴-۱-۱- بستن نعمت با شکر و در بند کردن آن با اطاعت

﴿۸۲۶﴾ سوگند به خدا هیچ نعمتی از مردمی گرفته نمی‌شود، مگر به علت گناه آن‌ها، پس ای مردم نعمت خدا را با فرمان برداری و شکر در بند کنید و آن را نگاه دارید.

۲-۴-۱-۱-۱- ما را فرمان داده تا اطاعت و پیروی‌مان را بیازماید و نهی‌مان کرد تا شکر و سپاسگزاری‌مان را آزمایش کند

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٨٢٧﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَكَّبَ فِينَا آلَاتِ الْبَسْطِ، وَجَعَلَ لَنَا آدَوَاتِ الْقَبْضِ، وَمَتَّعَنَا بِأَرْوَاحِ الْحَيَاةِ، وَأَثْبَتَ فِينَا جَوَارِحَ الْأَعْمَالِ، وَغَذَّنَا بِطَبَيِّاتِ الرِّزْقِ، وَآغْنَانَا بِفَضْلِهِ، وَأَقْنَانَا بِمَنِّهِ، ثُمَّ أَمَرَنَا لِيُخْتَبَرَ طَاعَتَنَا، وَنَهَانَا لِيُنْتَلَى شُكْرُنَا؛ الصَّحِيفَةُ السَّجَّادِيَّةُ ٢٨:ص

٣-٢-٤-١-١-إلهامُ الشُّكْرِ وَالتَّقْوِيَةِ عَلَى الطَّاعَةِ وَالْعِبَادَةِ

﴿٨٢٨﴾ الصادق عليه السلام: أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَرْضَى عَنِّي رِضًا لَا تَسْخَطُ عَلَيَّ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا وَأَنْ تَمُدَّ لِي فِي عُمْرِي وَأَنْ تَوْسِعَ عَلَيَّ فِي رِزْقِي وَأَنْ تَصِحَّ لِي جِسْمِي وَأَنْ تُبَلِّغَنِي أَمَلِي وَتَقْوِيَنِي عَلَى طَاعَتِكَ وَعِبَادَتِكَ وَتُلْهِمَنِي شُكْرَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٣٦٤

﴿٨٢٩﴾ الرسول ﷺ: اللَّهُمَّ قَوْنِي فِيهِ عَلَى إِقَامَةِ أَمْرِكَ وَارْزُقْنِي فِيهِ حَلَاوَةَ ذِكْرِكَ وَأَوْزِعْنِي فِيهِ آدَاءَ شُكْرِكَ يَا خَيْرَ النَّاصِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٢

[illegible]

﴿٨٣٠﴾ الرَّسُولُ ﷺ: اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ هَذِهِ الْأَرْضَ مِنْ جُمْلَةِ شُهُودِنَا يَوْمَ مَوْعِدِنَا إِنَّكَ ارْتَضَيْتَنَا فِيهَا لِعِبَادَتِكَ وَاهْلَأْنَا لِلشَّرِيفِ بِطَاعَتِكَ وَوَقَفْنَا لِلشُّكْرِ لِنِعْمَتِكَ؛ الأمان ص: ١٤١

۵-۲-۴-۱-۱- حَظًّا مِنْ عِبَادَتِكَ وَنَصِيبًا مِنْ شُكْرِكَ

﴿٨٣١﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِهِ حَظًّا مِنْ عِبَادَتِكَ وَنَصِيبًا مِنْ شُكْرِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٣٠٦

٦-٢-٤-١-١-٤-١-العجزُ عن الشُّكْرِ والتَّقصيرُ عن الطَّاعَةِ

﴿١٣٢﴾ اللَّهُمَّ إِنْ أَحَدًا لَا يَبْلُغُ مِنْ شُكْرِكَ غَايَةَ إِلَّا حَصَلَ عَلَيْهِ مِنْ إِحْسَانِكَ مَا يُلْزِمُهُ شُكْرًا. وَ لَا يَبْلُغُ مَبْلَغًا مِنْ طَاعَتِكَ وَ إِنْ اجْتَهَدَ إِلَّا كَانَ مُقْصِرًا ذُوْنَ اسْتِحْقَاقِكَ بِفَضْلِكَ، فَاشْكُرْ عِبَادَكَ عَاجِزٌ عَنِ شُكْرِكَ، وَ اعْذِبْهُمْ مُقْصِرٌ عَنْ طَاعَتِكَ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ١٦٢

٥-٤-١-١- الشُّكْرُ وَالرِّضَا

١-٥-٤-١- ذكرُ الشُّكْرِ والِرِّضَا مَعًا

﴿٨٣٣﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الشُّكْرِ وَ الرِّضَا؛ إقبال الأعمال ص: ٧١٣

﴿٨٣٤﴾ الرسول ﷺ: لَا يَكْمُلُ الْمُؤْمِنُ إِيمَانَهُ حَتَّى يَخْتَوِيَ عَلَى مِائَةِ وَ ثَلَاثَ خِصَالٍ فِعْلٌ وَ عَمَلٌ وَ نِيَّةٌ وَ بَاطِنٌ وَ ظَاهِرٌ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا يَكُونُ الْمِائَةِ وَ ثَلَاثَ خِصَالٍ فَقَالَ يَا عَلِيُّ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۸۲۷﴾ و ستایش مخصوص خدایی است که ابزار گستردن و جمع کردن را در اختیار ما قرار داد و ما را از روح زندگی بهره‌مند ساخت و برای فعالیت در وجودمان اندام‌هایی قرارداد و غذای پاک روزی‌مان کرد و به لطف خویش از غیر بی‌نیازمان ساخت و با نعمت خویش سرمایه‌مان بخشید. سپس به ما دستوراتی داد تا درجه‌ی فرمان‌برداری‌مان بیازماید و از کارهایی بازمان داشت تا اندازه‌ی سیاست‌گزاری‌مان امتحان کند

۳-۲-۴-۱-۴-۱-۱- الهام کردن سپاسگزاری و تقویت کردن بر اطاعت و عبادت

﴿۸۲۸﴾ پروردگارا، از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش علیهم‌السلام درود فرستی و از من، خشنود باشی بعد از آن هرگز از من ناخشنود نگردی و نیز می‌خواهم که عمرم را طولانی کنی و روزی‌ام را وسعت دهی، جسمم را سالم گردانی و مرا به آرزویم برسانی و مرا بر عبادت و فرمان برداری‌ات قدرت دهی و شکر تو را نصیب کنی.

﴿۸۲۹﴾ پروردگارا، مرا در اجرای دستورات محکم و استوار ساز و در آن شیرینی یادت را روزی ام گردان و مرا بر ادای شکر توفیق بده ای بهترین یاری کنندگان.

۴-۲-۴-۴-۱-۱- تو ما را برای عبادت برگزیدی و ما را به شرف طاعت اهلیت دادی و برای شکر نعمت موفق کردی

﴿۸۳۰﴾ خدایا، این زمین را از زمره‌ی گواهان ما در روز قیامت قرار ده؛ زیرا راضی شدی که در آن عبادت را به‌جا آوریم و لیاقت مفتخرشدن به عبادت و بندگی‌ات را به ما داده‌ای و برای سپاسگزاری نعمت ما را موفق ساخته‌ای.

۵-۲-۴-۱-۴-۱-۱- بهرهای از عبادت و نصیبی از شکر

﴿۸۳۱﴾ خداوند، در هر ساعتی از ساعات این روز بهره‌ای از عبادت، و نصیبی از سپاسگزاری‌ات برای ما قرار ده.

۶-۲-۴-۴-۱-۱-۱ ناتوانی و عجز از شکرگزاری و کوتاهی از اطاعت

﴿۸۳۲﴾ خدایا، هنوز بنده سپاس نعمت را آن چنان که باید به جا نیاورده که نعمت دیگری نصیبش می شود و شکری دیگر بر او واجب می گردد؛ و هرچه بکوشد باز در ادای حق فرمان برداریات آن چنان که شایسته ی لطف توست کوتاهی کرده است؛ پس سپاسگزارترین بندگانت از سپاسگزاری تو عاجز است و آن که بیشترین عبادت را انجام می دهد از فرمان برداریات ناتوان است.

۵-۴-۱-۱- شکر و رضا

۱-۵-۴-۱- ذکر شکر و رضایتمندی با هم

﴿۸۳۳﴾ درود بر شما ای اهل شکر و رضا.

﴿۸۳۴﴾ ایمان مؤمن کامل نیست تا صد و سه خصلت را در کار و کردار و نیت و درون و برون دارا باشد. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: ای پیامبر خدا، آن صد و سه خصلت کدامند؟ فرمود: ای علی

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

مِنْ صِفَاتِ الْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ جَوَّالَ الْفِكْرِ... وَقَوْرًا صَبُورًا رَضِيًّا شُكُورًا... قَلِيلًا حَقْدُهُ كَثِيرًا شُكْرُهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ١٧٨

﴿٨٣٥﴾ الرسول ﷺ: يَا عَلِيُّ اأْتِنَّا عَشْرَةَ خَصْلَةٍ يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَتَعَلَّمَهَا عَلَى الْمَائِدَةِ أَرْبَعٌ مِنْهَا فَرِيضَةٌ وَ أَرْبَعٌ مِنْهَا سُنَّةٌ وَ أَرْبَعٌ مِنْهَا آدَبٌ فَأَمَّا الْفَرِيضَةُ فَالْمَعْرِفَةُ بِمَا يَأْكُلُ وَ التَّسْمِيَةُ وَ الشُّكْرُ وَ الرِّضَا؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٤ ص: ٣٥٢

١-١-٤-٥-٢- الفروقُ بَيْنَ الشُّكْرِ وَ الرِّضَا

١-١-٤-٥-٢-١- تَقَدَّمَ الشُّكْرُ عَلَى الرِّضَا

﴿٨٣٦﴾ الصادق عليه السلام: لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَبْلُغُ أَوَّلَهُ شُكْرَكَ وَ عَاقِبَتُهُ رِضْوَانُكَ؛ بحار الأنوار

ج: ٩٤ ص: ١٤٢

١-١-٤-٥-٢-٢- الشُّكْرُ لِلنَّعْمَةِ، الرِّضَا بِالْأَحْكَامِ

﴿٨٣٧﴾ العسكري عليه السلام: أَمَّا أَحْسَنُ مِنَ الْأَوَّلِ حَالًا فَرَجُلٌ اعْتَقَدَ صِدْقًا بِمُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ وَ صِدْقًا بِإِعْظَامِ عَلَى أَخِي رَسُولِ اللَّهِ وَ وَلِيِّهِ وَ ثَمَرَةَ قَلْبِهِ وَ مَحْضَ طَاعَتِهِ فَشَكَرَ لَهُ رَبَّهُ وَ نَبِيَّهُ وَ وَصِيَّ نَبِيِّهِ فَجَمَعَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ بِذَلِكَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَزَقَهُ لِسَانًا لِأَلَاءِ اللَّهِ تَعَالَى ذَاكِرًا وَ قَلْبًا لِنِعْمَائِهِ شَاكِرًا وَ بِأَحْكَامِهِ رَاضِيًا وَ عَلَى اخْتِمَالِ مَكَارِهِ أَعْدَاءِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ نَفْسَهُ مُوْطِنًا لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى سَمَاءَهُ عَظِيمًا فِي مَلَكُوتِ أَرْضِهِ وَ سَمَاوَاتِهِ وَ حَبَاهُ بِرِضْوَانِهِ وَ كَرَامَاتِهِ فَكَانَتْ تِجَارَةً هَذَا أَرْبَحَ وَ غَنِيمَتُهُ أَكْثَرَ وَ أَعْظَمَ؛ بحار الأنوار ج: ٦٥ ص: ١٠٦

١-١-٤-٥-٢-٣- الشُّكْرُ لِلنَّعْمَةِ، الرِّضَا بِالْقَضَاءِ.

﴿٨٣٨﴾ الرسول ﷺ: لَمَّا دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَى الْأَنْصَارِ فَقَالَ أَمْؤِمِنُونَ أَنْتُمْ فَسَكَنُوا فَقَالَ رَجُلٌ نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ وَ مَا عَلَامَةُ إِيْمَانِكُمْ فَقَالُوا نَشْكُرُ عَلَى الرَّخَاءِ وَ نَصْبِرُ عَلَى الْبَلَاءِ وَ نَرْضَى بِالْقَضَاءِ فَقَالَ مُؤْمِنُونَ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٧٩ ص: ١٣٧

﴿٨٣٩﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ يَقُولُ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي مَا خَلَقْتُ مِنْ خَلْقِي خَلْقًا أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ وَ لِذَلِكَ سَمَّيْتُهُ بِاسْمِي مُؤْمِنًا لِأَحْرَمُهُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ هِيَ خَيْرَةٌ لَهُ مِنِّي وَ إِنِّي لَأَمْلِكُهُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ هِيَ خَيْرَةٌ لَهُ مِنِّي فَلْيَرْضَ بِقَضَائِي وَ لْيَصْبِرْ عَلَى بَلَائِي وَ لْيَشْكُرْ نِعْمَائِي أَكْتُبُهُ يَا مُحَمَّدُ مِنَ الصَّادِقِينَ عِنْدِي؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ١٥٨

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

مؤمن کسی است که اندیشه‌اش پویا باشد... باوقار، صبور، خشنود، و بسیارشکرگزار... کینه‌اش اندک، شکرش بسیار باشد.

﴿۸۳۵﴾ ای علی، دوازده خصلت است که سزاوارست مسلمان آن‌ها را یاد بگیرد؛ هنگامی که سر سفره می‌نشیند چهار مورد واجب است، چهار مورد مستحب، چهار مورد ادب، اما آن چهار واجب: شناختن غذا و "بسم الله" گفتن، شکر، خشنودشدن به امر خدا.

۲-۵-۴-۱-۱- تفاوت‌های بین شکر و رضا

۱-۲-۵-۴-۱-۱-مقدم بودن شکر بر رضا

﴿۸۳۶﴾ تو را می‌ستایم، ستایشی که آغاز آن به شکر و سپاس تو بینجامد و پایان و آن به رضایت تو.

۲-۲-۵-۴-۱-۱- شکر برای نعمت، رضا به قضا و قدر الهی

﴿۸۳۷﴾ آن کس که حالش از اولی بهتر است، مردی است که بهراستی به محمد عقیده دارد و او را پیامبر خدا می‌داند و حق علی علیه السلام را بزرگ می‌شمارد و او را برادر پیامبر خدا و ولیّ او و میوه‌ی دل او و فرمان‌بر خالص او می‌داند، (در عوض) پروردگارش و پیامبر و وصی پیامبر از او قدردانی می‌نماید و خداوند به همین جهت خیر دنیا و آخرت را برای او فراهم می‌آورد و به او ربانی عنایت می‌کند تا همیشه به یاد نعمت‌های خدا باشد و قلبی عطا می‌کند که سپاسگزار او باشد و به قوانین الهی خشنود و بر تحمل ناملایمات از دشمنان محمد صلی الله علیه و آله و خاندانش اراده‌ی محکم و تصمیم جدی داشته باشد، بدیهی است خداوند چنین کسی را در ملکوت زمین و آسمان هایش به بزرگی نام می‌برد، و خشنودی و عنایات خاصه‌ی خویش را به او پیشکش می‌نماید، تجارت چنین کسی سودمندتر و سود او از هر کسی و هر تجارتی بزرگ‌تر و بیشتر است.

۳-۲-۵-۴-۱-۱- شکر برای نعمت، رضا به حکم قطعی الهی

﴿۸۳۸﴾ هنگامی که پیامبر اکرم بر انصار وارد شد، از ایشان سؤال کرد: آیا شما مؤمن هستید؟ همه ساکت شدند. مردی از ایشان عرض کرد: آری ای پیامبر خدا، مؤمن هستیم. حضرت سؤال کرد: نشانه‌ی ایمان شما چیست؟ عرض کرد: در دوران آسایش سپاسگزاریم و و بر بلا صبر می‌کنیم و به قضای الهی راضی هستیم. حضرت فرمود: قسم به خدای کعبه شما مؤمن هستید.

﴿۸۳۹﴾ خداوند متعال فرمود: سوگند به عزت و جلال خودم، مخلوقی محبوب‌تر از بنده‌ی مؤمن نیافریدم، و از این رو وی را به نام خود " مؤمن " نام نهادم، اگر بین مشرق و مغرب را به او حرام کنم برایش خیر است. و اگر همه‌ی آنچه بین مشرق و مغرب وجود دارد در اختیار او قرار دهم باز هم برای او خیر است. او باید به سرنوشتی که برایش معین کرده‌ام راضی باشد و در گرفتاری‌ها صبر کند، و از نعمت‌های من سپاسگزاری نماید، ای محمد، در این صورت او را از صدیقان قرار خواهیم داد.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٨٤٠﴾ الرسول ﷺ: أَنَّهُ مَرَّ عَلَى قَوْمٍ مِنَ الْأَنْصَارِ فِي بَيْتٍ فَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ وَوَقَّفَ فَقَالَ كَيْفَ أَنْتُمْ قَالُوا مُؤْمِنُونَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَفَمَعَكُمْ بَرْهَانُ ذَلِكَ قَالُوا نَعَمْ قَالَ هَاتُوا قَالُوا نَشْكُرُ اللَّهَ فِي الرِّخَاءِ وَنَصْبِرُ عَلَى الْبَلَاءِ وَنَرْضَى بِالْقَضَاءِ قَالَ أَنْتُمْ إِذَا أَنْتُمْ؛ مستدرک الوسائل ج: ٢ ص: ٢٢١

﴿٨٤١﴾ موسى بن عمران ﷺ: أَيُّ رَبِّ أَيُّ خَلْقِكَ أَغْظَمُ ذَنْبًا قَالَ الَّذِي يَتَّهَمُنِي قَالَ يَا رَبِّ وَهَلْ يَتَّهَمُكَ أَحَدٌ قَالَ نَعَمْ يَا مُوسَى الَّذِي يَسْتَخِيرُنِي وَلَا يَرْضَى بِقَضَائِي وَلَا يَشْكُرُ نِعْمَائِي وَلَا يَصْبِرُ عَلَى بَلَائِي؛ مجموعة ورام ج: ٢ ص: ٢٣١

﴿٨٤٢﴾ ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَقَدْ رَزَقَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ هُنَّ الرِّضَا بِالْقَضَاءِ وَالصَّبْرُ عَلَى الْبَلَاءِ وَ الشُّكْرُ فِي الرِّخَاءِ؛ غرر الحكم ص: ٢٨٢

﴿٨٤٣﴾ الكاظم ﷺ: رَفَعَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَوْمٌ فِي بَعْضِ غَزَوَاتِهِ فَقَالَ مَنْ الْقَوْمُ فَقَالُوا مُؤْمِنُونَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ وَمَا بَلَغَ مِنْ إِيْمَانِكُمْ قَالُوا الصَّبْرُ عِنْدَ الْبَلَاءِ وَالشُّكْرُ عِنْدَ الرِّخَاءِ وَ الرِّضَا بِالْقَضَاءِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حُلَمَاءُ عُلَمَاءُ كَادُوا مِنَ الْفِقْهِ أَنْ يَكُونُوا أَنْبِيَاءَ إِنْ كُنْتُمْ كَمَا تَصِفُونَ فَلَا تَبْنُوا مَا لَا تَسْكُنُونَ وَلَا تَجْمَعُوا مَا لَا تَأْكُلُونَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٤٨

٤-٥-٢-١- الشُّكْرُ عَلَى مَا نُحِبُّ، الرِّضَا عَلَى مَا نَكْرَهُ

﴿٨٤٤﴾ أمير المؤمنين ﷺ: دَخَلَ الصَّادِقُ ﷺ إِلَى بَيْتِهِ وَلَبَسَ أَنْظَفَ ثِيَابِهِ وَ سَرَّحَ شَعْرَهُ وَ جَاءَ إِلَى مَجْلِسِهِ فَجَلَسَ سَاكِئًا عَنِ الْمُصِيبَةِ كَأَنَّهُ لَمْ يَصِبْ بِمُصِيبَةٍ فَقِيلَ لَهُ فِي ذَلِكَ فَقَالَ إِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ نُطِيعُ اللَّهَ فِيمَا أَحَبَّ وَ نَسْأَلُهُ مَا نَحِبُّ وَإِذَا فَعَلَ بِنَا مَا نَحِبُّ شَكَرْنَا وَإِذَا فَعَلَ بِنَا مَا نَكْرَهُ رَضِينَا؛ مجموعة ورام ج: ٢ ص: ٢٥٣

٥-٢-١-٤-١- مَا قَضَى اللَّهُ فَأَقْبَلُوا مِنَ اللَّهِ بِالشُّكْرِ، مَا زُوِيَ عَنْكُمْ فَأَقْبَلُوهُ عَنِ اللَّهِ بِالرِّضَا
﴿٨٤٥﴾ الصادق ﷺ: فَمَا قَضَى اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ فَأَقْبَلُوا مِنَ اللَّهِ بِالشُّكْرِ وَ مَا زُوِيَ عَنْكُمْ مِنْهَا فَأَقْبَلُوهُ عَنِ اللَّهِ بِالرِّضَا وَ التَّسْلِيمِ وَ الصَّبْرِ فَعَسَى أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ خَيْرًا لَكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ أَعْلَمُ بِمَا يُصْلِحُكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٢٤٨

٤-٥-٢-١- الرِّضَا بِالْقَلِيلِ، الشُّكْرُ عَلَى الرِّخَاءِ
﴿٨٤٦﴾ الرسول ﷺ: وَ مَنْ الْفُقَرَاءُ قَالَ الَّذِينَ رَضُوا بِالْقَلِيلِ وَ صَبَرُوا عَلَى الْجُوعِ وَ شَكَرُوا عَلَى الرِّخَاءِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٢٣٧

٤-١-١- الشُّكْرُ وَ الْإِيْمَانُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۸۴۰﴾ همانا پیامبر خدا ﷺ در حال عبور بر گروهی از مردم انصار که در خانه (خدا) جمع شده بودند. به ایشان سلام کردند و نزد ایشان توقف کردند و گفتند: حال شما چگونه است؟ گفتند: از زمره‌ی مؤمنان هستیم ای پیامبر خدا ﷺ؛ حضرت فرمودند: آیا برهان و دلیلی برای صحت ادعای خود دارید؟ گفتند: آری، حضرت فرمود: بگویید گفتند: ما در حالت راحتی و رفاه و آسایش شکرگزار نعمت‌های خداوند هستیم و در هنگام سختی و بلا صبر و شکیبایی پیشه می‌کنیم و بر قضای الهی راضی هستیم و گلایه نمی‌کنیم حضرت فرمود: شما همان گونه هستید که گفتید.

﴿۸۴۱﴾ ای پروردگارم کدام‌یک از بندگان بزرگ‌ترین گناه را انجام داده است؟ فرمود: کسی که مرا متهم می‌کند. گفت: پروردگارا آیا کسی هم تو را متهم می‌کند؟ فرمود: آری ای موسی، کسی که از من طلب خیر می‌کند ولی نه به حکم من راضی می‌شود و نه نعمت‌هایم را شکر می‌کند و نه در بلایم صبر می‌کند.

﴿۸۴۲﴾ سه صفت است که در هر کسی بوده است، پس به یقین خدای تعالی خیر دنیا و آخرت را روزی او کرده است و آن سه صفت عبارتند از: خشنودی به قضا و قدر خدا، صبر کردن بر بلا، و شکر کردن در دوران خوشی است.

﴿۸۴۳﴾ در یکی از جنگ‌ها جماعتی را نزد پیامبر خدا ﷺ بردند، حضرت فرمود: این مردم چه کسانی هستند؟ گفتند: ای پیامبر خدا، مؤمنینند، فرمود: ایمان شما در چه پایه است؟ گفتند: بردباری هنگام بلا و سپاسگزاری زمان نعمت و رضای به قضای الهی پیامبر خدا ﷺ فرمود: این‌ها صفات خویشان‌داران و دانشمندان است که از کثرت دانش به پیامبران نزدیک شده‌اند، اگر چنان که گفتید هستید، پس ساختمانی را که در آن سکونت نمی‌کنید نسازید و چیزی را که نمی‌خورید گرد نیاورید، و از خدایی که به سویش بازگشت می‌کنید پروا نمایید.

۴-۲-۵-۱-۴-۱- شکر بر آنچه دوست داریم، رضا بر آنچه ناپسند داریم

﴿۸۴۴﴾ حضرت صادق علیه السلام وارد خانه شدند و پاکیزه‌ترین لباسشان را پوشیدند و مویشان را شانه نمودند و به مجلس او آمدند و ساکت نشستند، گویا که مصیبتی به ایشان نرسیده است درباره‌ی علت این عمل از ایشان سؤال شد پس فرمودند: ما اهل بیت خدا را در آنچه دوست می‌دارد اطاعت می‌کنیم و آنچه را دوست داریم از او می‌خواهیم، آنگاه که آنچه را که دوست داشتیم واقع شود او را شکر می‌گذاریم و چنانچه آنچه را دوست نمی‌داریم واقع شود راضی هستیم.

۵-۲-۵-۱-۴-۱- هر حاجتی که برآورده شد با تشکر از خدا بپذیرد و هر کدام برنیامد با رضایت از خدا بپذیرد شود

﴿۸۴۵﴾ هر حاجتی را که خدا برآورد با شکر کردن بپذیرد و هر حاجتی را برنیامد با رضا و تسلیم نسبت به آن برخورد کنید، شاید برنیامدن آن به صلاح شما باشد، زیرا خداوند بهتری داد که چه چیز به خیر صلاح شماست ولی خودتان خبر ندارید.

۶-۲-۵-۱-۴-۱- رضا به روزی اندک و شکر در توسعه‌ی روزی

﴿۸۴۶﴾ فقیران کیانند؟ امام علی علیه السلام فرمود: آنان که به اندک خرسندند، و بر گرسنگی شکیبیا، و به هنگام فراخی زندگی سپاسگزار.

۶-۲-۵-۱-۴-۱- شکر و ایمان

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١-٤-٦-١- الشُّكْرُ مِنَ الْإِيمَانِ وَ عَلَامَتُهُ

﴿٨٤٧﴾ الرَّسُولُ ﷺ: الْإِيمَانُ شَطْرَانِ شَطْرُ صَبْرٍ وَ شَطْرُ شُكْرٍ؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ٢٨٧

﴿٨٤٨﴾ الْإِيمَانُ صَبْرٌ فِي الْبَلَاءِ وَ شُكْرٌ فِي الرَّخَاءِ؛ غررالحکم ص: ٨٧

﴿٨٤٩﴾ الرَّسُولُ ﷺ: الْإِيمَانُ نِصْفَانِ نِصْفٌ فِي الصَّبْرِ وَ نِصْفٌ فِي الشُّكْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٧٤

ص: ١٥٣

١-٤-٦-٢- الْمُؤْمِنُ شَاكِرٌ وَ شَكُورٌ

﴿٨٥٠﴾ الرَّسُولُ ﷺ: أَلَا أَعْجِبُكُمْ أَنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَصَابَ خَيْرًا حَمِدَ اللَّهَ وَ شَكَرَ وَ إِذَا أَصَابَتْهُ

مُصِيبَةٌ حَمِدَ اللَّهَ وَ صَبَرَ فَالْمُؤْمِنُ يُؤْجَرُ فِي كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى اللَّقْمَةَ يَرْفَعُهَا إِلَى فِيهِ؛ مَسْكَنُ الْفُؤَادِ

ص: ٤٥

﴿٨٥١﴾ الْمُؤْمِنُ بَشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَ حُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ أَوْسَعُ شَيْءٍ صَدْرًا وَ أَدْلُ شَيْءٍ نَفْسًا يَكْرَهُ

الرَّفْعَةَ وَ يَشْنَأُ السَّمْعَةَ طَوِيلُ غَمِّهِ بَعِيدُ هَمِّهِ كَثِيرُ صَمْتِهِ مَشْغُولُ وَقْتِهِ شَكُورٌ صَبُورٌ؛ نهج البلاغة

ص: ٥٣٣

﴿٨٥٢﴾ الْمُؤْمِنُ دَائِمُ الذِّكْرِ كَثِيرُ الْفِكْرِ عَلَى النِّعَمِ شَاكِرٌ وَ فِي الْبَلَاءِ صَابِرٌ؛ غررالحکم ص: ٩٠

﴿٨٥٣﴾ الْمُؤْمِنُ شَاكِرٌ فِي السَّرِّ صَابِرٌ فِي الْبَلَاءِ خَائِفٌ فِي الرَّخَاءِ؛ غررالحکم ص: ٨٩

﴿٨٥٤﴾ الْمُؤْمِنُ بَيْنَ نِعْمَةٍ وَ خَطِيئَةٍ لَا يُصْلِحُهُمَا إِلَّا الشُّكْرُ وَ الْاسْتِغْفَارُ؛ غررالحکم ص: ٩٠

﴿٨٥٥﴾ الصَّادِقُ ﷺ: الْمُؤْمِنُ لَهُ قُوَّةٌ فِي دِينٍ وَ حَزْمٌ فِي لَيْلٍ... فِي الْمَكَارِهِ صَبُورٌ وَ فِي الرَّخَاءِ

شَكُورٌ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٢٣١

﴿٨٥٦﴾ امير المؤمنين ﷺ: الْمُؤْمِنُ يَرْغَبُ فِيمَا يَبْقَى وَ يَرْهَدُ فِيمَا يَفْنَى... فِي الْمَكَارِهِ صَبُورٌ وَ فِي

الرَّخَاءِ شَكُورٌ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٢٦

﴿٨٥٧﴾ الرَّسُولُ ﷺ: إِنْ الْمُؤْمِنُ إِذَا أَحْسَنَ اسْتَبَشَرَ وَ إِذَا أَسَاءَ اسْتَغْفَرَ وَ إِذَا ابْتُلِيَ صَبَرَ وَ إِذَا

أُعْطِيَ شَكَرَ؛ عوالي اللآلي ج: ١ ص: ٤٣٧

﴿٨٥٨﴾ امير المؤمنين ﷺ: إِنْ الْمُؤْمِنُ إِذَا نَظَرَ اعْتَبَرَ وَ إِذَا سَكَتَ تَفَكَّرَ وَ إِذَا تَكَلَّمَ ذَكَرَ وَ إِذَا

اسْتَغْنَى شَكَرَ وَ إِذَا أَصَابَتْهُ شِدَّةٌ صَبَرَ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٥٠

﴿٨٥٩﴾ الرَّسُولُ ﷺ: أَنَّهُ مَرَّ عَلَى قَوْمٍ مِنَ الْأَنْصَارِ فِي بَيْتٍ فَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ وَ وَقَفَ فَقَالَ كَيْفَ أَنْتُمْ

قَالُوا مُؤْمِنُونَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَمَعَكُمْ بُرْهَانُ ذَلِكَ قَالُوا نَعَمْ قَالَ هَاتُوا قَالُوا نَشْكُرُ اللَّهَ فِي

الرَّخَاءِ وَ نَصْبِرُ عَلَى الْبَلَاءِ وَ نَرْضَى بِالْقَضَاءِ قَالَ أَنْتُمْ إِذَا أَنْتُمْ؛ مستدرک الوسائل ج: ٢ ص: ٤٢١

﴿٨٦٠﴾ الْكَاطِمُ ﷺ: رَفَعَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَوْمٌ فِي بَعْضِ غَزَوَاتِهِ فَقَالَ مَنْ الْقَوْمُ فَقَالُوا

مُؤْمِنُونَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ وَ مَا بَلَغَ مِنْ إِيْمَانِكُمْ قَالُوا الصَّبْرُ عِنْدَ الْبَلَاءِ وَ الشُّكْرُ عِنْدَ الرَّخَاءِ وَ

الرِّضَا بِالْقَضَاءِ فَقَالَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۱-۴-۶-۱- شکر از ایمان و نشانه‌ی آن است

﴿۸۴۷﴾ ایمان بر دو قسمت است؛ قسمتی بر صبر و قسمتی بر شکر استوار شده است.

﴿۸۴۸﴾ ایمان همان صبر در گرفتاری، و سختی و شکر در حالت راحتی و آسایش است.

﴿۸۴۹﴾ ایمان دو بخش است؛ نیمی صبر و شکیبایی و نیمی شکر و سپاس.

۱-۴-۶-۲- مؤمن شاکر و بسیار سپاسگزار است

﴿۸۵۰﴾ پیامبر اکرم ﷺ فرمود: آیا روش پسندیده‌ی مؤمن شما را شگفت‌زده نمی‌کند؟ هرگاه

خیر و نعمتی به مؤمن برسد خدا را می‌ستاید و شکر می‌کند و هرگاه مصیبتی به او برسد در مقابل مصیبت هم خدا را ستایش می‌کند و صبر و شکیبایی پیشه می‌کند، مؤمن در تمام کارهایش اجر و ثواب می‌برد، حتی در لقمه‌ای که به‌طرف دهانش بالا می‌برد.

﴿۸۵۱﴾ شادمانی مؤمن در رخسار اوست و اندوه وی در دلش. سینه‌ی او وسیع‌تر از هر چیزی است و نفس وی هرچه خوارتر، برتری‌جستن را خوش نمی‌دارد، و از اینکه نیکی خود را به گوش دیگران برساند بیزار است. اندوهش دائمی است، همتش بسیار زیاد است. خاموشی‌اش افزون، اوقاتش پرکار و بسیار شکرگزار و سپاسگزار است، و همواره شکیباست.

﴿۸۵۲﴾ مؤمن دائماً مشغول به یاد خداست و بسیار اندیشه می‌کند، بر نعمت شکرکننده است، و در بلا صبرکننده.

﴿۸۵۳﴾ مؤمن در شادمانی و راحتی سپاسگزار و شاکر و در در بلا صبرکننده و در رفاه و آسودگی بیمناک است.

﴿۸۵۴﴾ مؤمن، مابین نعمت و خطاست که این دو سامان نمی‌گیرند، مگر با شکر و استغفار.

﴿۸۵۵﴾ مؤمن در امور دین نیرومند و با نشاط است، و در هنگام نرمی و راحتی با احتیاط رفتار می‌کند... در سختی‌ها و پیش آمدهای ناگوار صبر پیشه می‌کند و در هنگام رسیدن به توسعه‌ی روزی دنیا شکر خدا را به‌جا می‌آورد.

﴿۸۵۶﴾ مؤمن علاقه به چیزی دارد که ماندنی است و به دنیای ناپایدار بی‌میل است... در گرفتاری‌ها شکیبا، و در نعمت و فراوانی شکرگزار است.

﴿۸۵۷﴾ هنگامی که از مؤمن احسان و نیکویی سر بزند خوشحال می‌شود و هنگامی که خطایی مرتکب شود، استغفار و طلب آمرزش می‌کند و هنگامی که به بلایی مبتلا شود شکیبایی می‌ورزد و هنگامی که نعمتی به او عطا شود شکر نعمت را به‌جا می‌آورد.

﴿۸۵۸﴾ فرمود مؤمن نگاهش پند است و سکوتش فکر و سخنش ذکر و بی‌نیازی‌اش شکر و در هنگام گرفتاری شکیباست.

﴿۸۵۹﴾ همانا پیامبر خدا ﷺ در حال عبور بر گروهی از مردم انصار که در خانه (خدا) جمع شده بودند. به ایشان سلام کردند و نزد ایشان توقف کردند و گفتند: حال شما چگونه است؟ گفتند: از زمره‌ی مؤمنان هستیم ای پیامبر خدا ﷺ؛ حضرت فرمودند: آیا برهان و دلیلی برای صحت ادعای خود دارید؟ گفتند: آری، حضرت فرمود: بگویید گفتند: ما در حالت راحتی و رفاه و آسایش شکرگزار نعمت‌های خداوند هستیم و در هنگام سختی و بلا صبر و شکیبایی پیشه می‌کنیم و بر قضای الهی راضی هستیم و گلایه نمی‌کنیم حضرت فرمود: شما همان گونه هستید که گفتید.

﴿۸۶۰﴾ در یکی از جنگ‌ها جماعتی را نزد پیامبر خدا ﷺ بردند، حضرت فرمود: این مردم چه کسانی هستند؟ گفتند: ای پیامبر خدا، مؤمنینند، فرمود: ایمان شما در چه پایه است؟ گفتند: بردباری هنگام بلا و سپاسگزاری زمان نعمت و رضای به قضای الهی پیامبر خدا ﷺ فرمود: این‌ها

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حُلَمَاءُ عُلَمَاءُ كَادُوا مِنْ الْفَقْهِ أَنْ يَكُونُوا أَنْبِيَاءَ إِنْ كُنْتُمْ كَمَا تَصِفُونَ فَلَا تَبْنُوا مَا لَا تَسْكُنُونَ وَلَا تَجْمَعُوا مَا لَا تَأْكُلُونَ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٤٨

﴿٨٦١﴾ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ مَا مَاتَ مُؤْمِنٌ إِلَّا بَكَتْ عَلَيْهِ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ فَقَالَ أَوْ تَعْجَبُونَ مَا لِلْأَرْضِ لَا تَبْكِي عَلَى عَبْدٍ كَانَ يَغْمُرُهَا بِالرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ وَمَا لِلسَّمَاءِ لَا تَبْكِي عَلَى عَبْدٍ كَانَ لَتَسِيحِهِ شُكْرٌ وَتَكْبِيرِهِ فِيهَا دَوَى كَدَوَى النَّحْلِ؛ الدعوات ص: ٢٤٠
﴿٨٦٢﴾ الرُّسُولُ ﷺ: لَا يَكْمُلُ الْمُؤْمِنُ إِيْمَانَهُ حَتَّى يَحْتَوِيَ عَلَى مِائَةِ وَثَلَاثِ خِصَالٍ فِعْلٌ وَعَمَلٌ وَنِيَّةٌ وَظَاهِرٌ وَبَاطِنٌ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا يَكُونُ الْمِائَةُ وَثَلَاثُ خِصَالٍ فَقَالَ يَا عَلِيُّ مِنْ صِفَاتِ الْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ جَوَالَ الْفِكْرِ... وَقَوْرًا صَبُورًا رَضِيًّا شُكُورًا... قَلِيلًا حَقْدَةً كَثِيرًا شُكْرُهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ١٧٨

﴿٨٦٣﴾ الصَّادِقُ ﷺ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صِفْ لَنَا صِفَةَ الْمُؤْمِنِ كَأَنَّا نَنْظُرُ إِلَيْهِ فَقَالَ يَا هَمَّامُ الْمُؤْمِنُ هُوَ الْكَيْسُ الْفَطِنُ... صَبُورٌ شُكُورٌ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٢٢٦
﴿٨٦٤﴾ الرُّسُولُ ﷺ: يَا عَلِيُّ يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ لِلْمُؤْمِنِ ثَمَانُ خِصَالٍ وَقَارٌ عِنْدَ الْهَزَازِ وَصَبْرٌ عِنْدَ الْبَلَاءِ وَشُكْرٌ عِنْدَ الرَّخَاءِ وَ...؛ بحار الأنوار ج: ٦٤ ص: ٢٩٤

﴿٨٦٥﴾ الصَّادِقُ ﷺ: يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ فِيهِ ثَمَانُ خِصَالٍ وَقُورٌ عِنْدَ الْهَزَازِ صَبُورٌ عِنْدَ الْبَلَاءِ شُكُورٌ عِنْدَ الرَّخَاءِ قَانِعٌ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ لَا يَطْلُمُ الْأَعْدَاءَ وَلَا يَتَحَامَلُ لِلْأَصْدِقَاءِ بَدْنُهُ مِنْهُ فِي تَعَبٍ وَالنَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٢٣٠

٣-٤-١- الشُّكْرُ مَرْكَبُ الْمُؤْمِنِ

﴿٨٦٦﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: الْمُؤْمِنُ يَكُونُ صَادِقًا فِي الدُّنْيَا... وَالشُّكْرُ مَرْكَبُهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ١٧٤

٤-٤-١- الإيمانُ بقلْبٍ شاكِرٍ

﴿٨٦٧﴾ يَنْصُرُنِي رَبِّي خَيْرُ نَاصِرٍ أَمَنْتُ بِاللَّهِ بِقَلْبٍ شَاكِرٍ

ديوان الإمام علي (ع) ص: ٢١٩

٥-٤-١- ذِكْرُ الشُّكْرِ وَالْإِيمَانِ مَعًا

﴿٨٦٨﴾ مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِكُمْ بَعْدَ إِذْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا؛ النساء: الآية ١٤٧

٥-١-١- آيَةُ جَمَاعَةٍ حُظِيَ شُكْرُهَا بِالْمَدْحِ وَالْإِشَادَةِ؟

١-١-٥- شُكْرُ أُولَى الْأَتَابِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

صفات خویشتن‌داران و دانشمندانی است که از کثرت دانش به پیامبران نزدیک شده‌اند، اگر چنان‌که گفتید هستید، پس ساختمانی را که در آن سکونت نمی‌کنید نسازید و چیزی را که نمی‌خورید گرد نیاورید، و از خدایی که به سویش بازگشت می‌کنید پروا نمایید.

﴿۸۶۱﴾ درباره‌ی این کلام خداوند متعال: "آسمان و زمین بر آن‌ها زاری نکردند" فرمود: هیچ مؤمنی نمی‌میرد مگر آسمان و زمین برایش گریه می‌کنند؛ و در ادامه فرمود: آیا تعجب می‌کنید که زمین را چه شده که بر بنده‌ای که تمام عمرش را با رکوع و سجود گذرانده گریه نمی‌کند و بر آسمان چه شده که بر بنده‌ای که تسبیح و تکبیرش در آسمان صدایی همچون صدای زنبور عسل داشت نمی‌گرید.

﴿۸۶۲﴾ ایمان مؤمن کامل نیست تا صد و سه خصلت را در کار و کردار و نیت و درون و برون دارا باشد. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: ای پیامبر خدا، آن صد و سه خصلت کدامند؟ فرمود: ای علی مؤمن کسی است که اندیشه‌اش پویا باشد... باوقار، صبور، خشنود، و بسیارشکرگزار... کینه‌اش اندک، شکرش بسیار باشد.

﴿۸۶۳﴾ یا امیرالمؤمنین صفات مؤمن را برای من بیان فرمایید. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ای همام مؤمن زرنگ و باهوش است... شکبیا و سپاسگزار است.

﴿۸۶۴﴾ ای علی، سزاوار است که در مؤمن هشت خصلت باشد؛ وقار در برابر سختی‌ها و فتنه‌ها، بردباری در بلا، سپاسگزاری در آسایش و...

﴿۸۶۵﴾ شایسته است که مؤمن هشت خصلت داشته باشد، در پیشامدهای تکان دهنده آرام باشد، در بلا شکبیا، در دوران نعمت قانع به آنچه خدا روزی‌اش کرده‌است، به دشمنان هم ستم نکند، چیزی را بر دوستان تحمیل ننماید، تنش را رنج دهد تا مردم از او در آسایش باشند.

۳-۴-۱-۱- شکر مرکب مؤمن است

﴿۸۶۶﴾ مؤمن در دنیا اهل راست‌گویی و صداقت است... و شکر نعمت و سپاسگزاری (همراه) و مرکب همیشگی اوست.

۴-۴-۱-۱- ایمان با دل شکرگزار است

﴿۸۶۷﴾ پروردگارم به من یاری می‌رساند که نیکو یاری‌دهنده‌ای است، به خدای تعالی با قلبی سرشار از شکر و سپاس ایمان دارم.

۵-۴-۱-۱- ذکر شکر و ایمان با هم

﴿۸۶۸﴾ خدا چه نیازی به مجازات شما دارد؟ اگر شکرگزاری کنید و ایمان آورید خدا شکرگزار و آگاه است.

۵-۱-۱- از شکر کدام گروه‌ها ستایش شده است؟

۱-۵-۱- شکر صاحبان خرد

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٨٦٩﴾ الكاظم عليه السلام: جَعَلَ عَيْسَىٰ عِبْرَةً لِّلْعَالَمِينَ وَفِتْنَةً لِّشُكْرِ أَوْلَى الْأَلْبَابِ؛ الكافي ج: ١ ص: ٤٨١

١-١-٥-٢- شُكْرُ الْمُؤْمِنِينَ

﴿٨٧٠﴾ يَا مَنْ دَعَاهُ الْمُضْطَرُّونَ فَأَجَابَهُمْ وَالتَّجَا إِلَيْهِ الْخَائِفُونَ فَأَمَنَهُمْ وَعَبَدَهُ الطَّائِعُونَ فَشَكَرَهُمْ وَشَكَرَهُ الْمُؤْمِنُونَ فَحَبَاهُمْ وَأَطَاعُوهُ فَعَصَمَهُمْ وَسَأَلُوهُ فَأَعْطَاهُمْ وَنَسُوا نِعْمَتَهُ فَلَمْ يُخْلِ شُكْرَهُ مِنْ قُلُوبِهِمْ وَآمَنَّا عَلَيْهِمْ فَلَمْ يَجْعَلِ اسْمَهُ مَنْسِيًّا عِنْدَهُمْ؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٣٥٠

١-١-٥-٣- شُكْرُ الصَّابِرِينَ

﴿٨٧١﴾ الصَّادِق عليه السلام: أَسْأَلُكَ عِلْمَ الْخَائِفِينَ وَإِنَابَةَ الْمُخْتَبِينَ وَيَقِينَ الْمُتَوَكِّلِينَ وَتَوَكُّلَ الْمُؤَقِّنِينَ بِكَ وَخَوْفَ الْعَالَمِينَ وَإِخْبَاتَ الْمُتَبِينَ وَشُكْرَ الصَّابِرِينَ وَصَبْرَ الشَّاكِرِينَ؛ مصباح المتعجب ص: ٢٧١

١-١-٥-٤- شُكْرُ الْمُصْطَفِينَ

﴿٨٧٢﴾ الصَّادِق عليه السلام: اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْأَلُكَ قَوْلَ التَّوَّابِينَ وَعَمَلَهُمْ وَنُورَ الْأَنْبِيَاءِ وَصِدْقَهُمْ وَنَجَاةَ الْمُجَاهِدِينَ وَثَوَابَهُمْ وَشُكْرَ الْمُصْطَفِينَ وَنَصِيحَتَهُمْ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٩٣

١-١-٥-٥- شُكْرُ مُقَرَّبِ بَايَادِ اللَّهِ

﴿٨٧٣﴾ الرِّسُولُ صلى الله عليه وآله: أَشْكُرُكَ شُكْرَ مُقَرَّبِ بَايَادِيكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٢٨٠

١-١-٦- دَرَجَاتُ وَأَقْسَامُ الشُّكْرِ

١-١-٦-١- شُكْرُ لَا يَتَجَاوَزُ عَنِ اللِّسَانِ

﴿٨٧٤﴾ شُكْرُ الْمُتَأَفِّقِ لَا يَتَجَاوَزُ لِسَانَهُ؛ غرر الحكم ص: ٤٥٩

١-١-٦-٢- شُكْرُ الْعَيْنِ وَاللِّسَانِ وَالْقَلْبِ

﴿٨٧٥﴾ الصَّادِق عليه السلام: لَا تُعْطُوا الْعَيْنَ حَظَّهَا فَإِنَّهَا أَقَلُّ شَيْءٍ شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٨٤ ص: ١٥٦

﴿٨٧٦﴾ الكاظم عليه السلام: لَا تُعَوِّدْ عَيْنَيْكَ كَثْرَةَ النَّوْمِ فَإِنَّهَا أَقَلُّ شَيْءٍ فِي الْجَسَدِ شُكْرًا؛ بحار الأنوار

ج: ٧٣ ص: ١٨٠

﴿٨٧٧﴾ الصَّادِق عليه السلام: يَا ابْنَ جُنْدَبٍ أَقَلَّ النَّوْمِ بِاللَّيْلِ وَالْكَلَامِ بِالنَّهَارِ فَمَا فِي الْجَسَدِ شَيْءٌ أَقَلُّ شُكْرًا مِنَ الْعَيْنِ وَاللِّسَانِ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ١١٨

﴿٨٧٨﴾ الْبَاقِرُ عليه السلام: مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً فَشَكَرَهَا بِقَلْبِهِ إِلَّا اسْتَوْجَبَ الْمَزِيدَ قَبْلَ أَنْ يُظْهِرَ

شُكْرَهُ عَلَى لِسَانِهِ؛ وسائل الشيعة ج: ١٦ ص: ٣١١

﴿٨٧٩﴾ مَنْ شَكَرَ النِّعَمَ بِجَنَانِهِ اسْتَحَقَّ الْمَزِيدَ قَبْلَ أَنْ يُظْهِرَ عَلَى لِسَانِهِ؛ غرر الحكم ص: ٢٨٠

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۸۶۹﴾ و آفرینش عیسی را عبرتی برای جهانیان و آزمایشی برای سپاسگزاری خردمندان قرار داد.

۲-۱-۵-۱- شکر مؤمنان

﴿۸۷۰﴾ ای کسی که بیچارگان او را صدا زدند و او پاسخشان داد و بیمناکان به او پناه بردند و او امانشان داد و فرمانبرداران او را پرستیدند و او از آنها سپاسگزاری کرد و مؤمنان او را شکر کردند و او به آنها بخشید، او را اطاعت کردند و او آنها را محافظت نمود و از او درخواست کردند و او به آنها عطا کرد و نعمتهایش را فراموش کردند و او دل‌های آنها را از شکرش بی‌بهره ننمود و بر آنها منت گذاشت و نامش را نزد آنها به فراموشی نسپرد.

۳-۱-۵-۱- شکر صابران

﴿۸۷۱﴾ خداوند، از تو درخواست می‌کنم، دانش آنان را که نگران و ترسان از مخالفت با امر تو هستند؛ و نیز ناله و توسل اهل خشوع و یقین اهل توکل و اعتماد و ترس و بیمناکی اهل علم و دانایی و خضوع اهل انابه و ناله؛ و شکر و سپاسگزاری صابران و بردباران و صبر و بردباری اهل شکرگزاران را به من عطا فرمایی.

۴-۱-۵-۱- شکر برگزیدگان

﴿۸۷۲﴾ خدایا، از تو گفتار توبه‌کنندگان و کردارشان را و نور (هدایت) پیامبران و راستی آنها را، و رستگاری مجاهدان و پاداششان را، و شکرگزاری برگزیدگان و نصیحت آنها را درخواست می‌کنم.

۵-۱-۵-۱- شکر اقرارکننده‌ی به نعمت‌های خدا

﴿۸۷۳﴾ تو را شکر می‌کنم، شکر کسی که به دریافت نعمت‌ها و کمک‌های تو اقرار دارد.

۶-۱-۱- درجات و اقسام شکر

۱-۱-۶-۱- شکری که از زبان تجاوز نکند

﴿۸۷۴﴾ سپاسگزاری و شکر شخص منافق از زبانش تجاوز نمی‌کند (یعنی قلباً شکر نمی‌کند).

۲-۱-۶-۱- شکر چشم و زبان و قلب

﴿۸۷۵﴾ به چشم هرچه می‌خواهد نده؛ چون ناسپاس ترین عضو است.

﴿۸۷۶﴾ چشم‌ت را عادت به پرخوابی مده که ناسپاس ترین اندام تن است.

﴿۸۷۷﴾ ای پسر جندب، هرچه می‌توانی خواب شب و صحبت کردن روز را کم کن. در بدن انسان عضوی ناسپاس‌تر از چشم و زبان نیست.

﴿۸۷۸﴾ خداوند هیچ نعمتی را بر بنده‌ای ارزانی نداشته مگر آنکه بنده با شکر آن در دل، پیش از آشکارکردن آن به زبان، شایسته افزایش آن نعمت شده است.

﴿۸۷۹﴾ هرکه نعمت‌ها را در دل خود شکر کند، پیش از اینکه آن شکر بر زبان او جاری شود سزاوار دریافت نعمت بیشتر خواهد شد.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

٣-١-٦-١- شُكْرُ عَلَى الْإِعْطَاءِ وَ شُكْرُ عَلَى الْمُنْعِ

﴿٨٨٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَنَّهُ رَأَى يَوْمًا جَمَاعَةً فَقَالَ مَنْ أَنْتُمْ قَالُوا نَحْنُ قَوْمٌ مُتَوَكِّلُونَ فَقَالَ مَا بَلَغَ بِكُمْ تَوَكُّلَكُمْ قَالُوا إِذَا وَجَدْنَا أَكْلَنَا وَإِذَا فَقَدْنَا صَبَرْنَا فَقَالَ عليه السلام: هَكَذَا يَفْعَلُ الْكِلَابُ عِنْدَنَا فَقَالُوا كَيْفَ نَفْعَلُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ كَمَا نَفْعَلُهُ إِذَا فَقَدْنَا شَكْرْنَا وَإِذَا وَجَدْنَا آثَرْنَا؛

مستدرک الوسائل ج: ٧ ص: ٢١٧

﴿٨٨١﴾ عَنِ الْفُتُوَّةِ فَقَالَ مَا تَقُولُ أَنْتَ قَالَ إِنْ أَعْطَيْنَا شَكْرْنَا وَإِنْ مُنِعْنَا صَبَرْنَا قَالَ إِنْ الْكِلَابُ عِنْدَنَا بِالْمَدِينَةِ هَذَا شَأْنُهَا وَ لَكِنْ قُلْ إِنْ أَعْطَيْنَا آثَرْنَا وَإِنْ مُنِعْنَا شَكْرْنَا؛ شرح نهج البلاغة ج: ١١

ص: ٢١٧

﴿٨٨٢﴾ الكاظم عليه السلام: كَيْفَ أَنْتُمْ فِي بِلَادِكُمْ فَقَالَ بَخِيرٌ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنْ أَعْطَيْنَا شَكْرْنَا وَإِنْ مُنِعْنَا صَبَرْنَا فَقَالَ لَهُ هَكَذَا كِلَابٌ حِجَازَنَا يَا شَفِيقُ فَقَالَ لَهُ كَيْفَ أَقُولُ قَالَ لَهُ هَلَّا كُنْتُمْ إِذَا أَعْطَيْتُمْ آثَرْتُمْ وَإِذَا مُنِعْتُمْ شَكَّرْتُمْ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ١٢٣

﴿٨٨٣﴾ فَقُلْتُ لِي أَبَشِّرْ فَإِنَّ الشَّهَادَةَ مِنْ وَرَائِكَ فَقَالَ لِي إِنَّ ذَلِكَ لَكَذَلِكَ فَكَيْفَ صَبَرْتُ إِذَنْ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَيْسَ هَذَا مِنْ مَوَاطِنِ الصَّبْرِ وَ لَكِنْ مِنْ مَوَاطِنِ الْبُشْرَى وَ الشُّكْرِ؛

شرح نهج البلاغة ج: ٩ ص: ٢٠٥

﴿٨٨٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَلَيْسَ ذَلِكَ بِمَوْطِنٍ صَبْرٍ لَكِنَّهُ مَوْطِنٌ بُشْرَى وَ شُكْرٍ؛ بحار الأنوار

ج: ٣٢ ص: ٢٩٧

٤-١-٦-١- شُكْرُ يَسِيرٍ صَغِيرٍ

﴿٨٨٥﴾ أَعْطَيْتَنِي مِنْ رِزْقِكَ وَاسِعًا اخْتِيَارًا وَ رِضًا وَ سَأَلْتَنِي مِنْهُ شُكْرًا يَسِيرًا صَغِيرًا؛ بحار الأنوار

ج: ٩٢ ص: ٢٥٥

٥-١-٦-١- الشُّكْرُ الْحَسَنُ وَ أَحْسَنُ الشُّكْرِ

﴿٨٨٦﴾ أَحْسَنُ شُكْرِ النِّعَمِ الْإِنْعَامُ بِهَا؛ غرر الحكم ص: ٢٧٩

﴿٨٨٧﴾ الصادق عليه السلام: أَنْ تَجْعَلَنِي بِرَحْمَتِكَ مِمَّنْ حُزْتُ لَهُ لَيْلَةَ الْقَدَرِ وَ جَعَلْتَهَا لَهُ خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ فِي أَغْظَمِ الْأَجْرِ وَ كَرَأَمِ الذُّخْرِ وَ طُولِ الْعُمُرِ وَ حُسْنِ الشُّكْرِ؛ تهذيب الأحكام ج: ٣

ص: ١٢٢

﴿٨٨٨﴾ الكاظم عليه السلام: قَدْ أَهْلَكَ اللَّهُ أَنْفَاءَ عَدُوِّكَ فَلْيُحْسِنْ لِلَّهِ شُكْرُكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١

ص: ٣١٩

﴿٨٨٩﴾ حُسْنُ الشُّكْرِ يُوجِبُ الزِّيَادَةَ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٩

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۳-۶-۱-۱- شکر بر اعطا و شکر بر محرومیت

﴿۸۸۰﴾ همانا علی علیه السلام روزی جماعتی را دید، رو به آنان گفت: شما کیستید؟ گفتند: ما گروه توکل کنندگانیم. پس فرمود: چگونه به این باور رسیده‌اید که توکل کنندگانید. گفتند: هنگامی که بیاییم (نعمت حق تعالی را) می‌خوریم (و سپاس می‌گوییم) و هنگامی که از دست داده و واجد نعمت نباشیم صبر پیشه می‌سازیم. پس حضرت فرمود: این رفتار شما نزد ما همانند رفتار سگان است پس آن‌ها گفتند: ای امیرالمؤمنین (شما بفرمایید که) چگونه عمل کنیم. ایشان فرمودند: همان‌طور که ما رفتار می‌کنیم؛ به هنگامی که از دست بدهیم شکر می‌کنیم و هنگامی که بیاییم (می‌بخشیم).

﴿۸۸۱﴾ از جوانمردی پرسیده شد که پس تو چه می‌گویی گفت: اگر به ما نعمتی عطا شود شکر و سپاس می‌گوییم و اگر منع شود و به ما نرسد صبر پیشه می‌سازیم پس گفت: این روش سگ‌های شهرماست اما خود ما این‌گونه هستیم که؛ اگر به ما نعمتی عطا شود، گذشت و ایشار کرده و می‌بخشیم و اگر هم از ما منع شود شکر به جای می‌آوریم.

﴿۸۸۲﴾ در شهر و دیارتان چگونه زندگی می‌کنید؟ گفتند: ای فرزند پیامبر خدا، به خوبی؛ اگر نعمت دریافت کنیم شکر می‌کنیم و اگر دریافت نکنیم صبر می‌کنیم. فرمود: ای شفیق، سگ‌های حجاز نیز این چنینند. گفت: پس چه بگوییم؟ حضرت فرمود: چرا چنین نباشید که اگر به شما چیزی دادند شما انفاق کنید و اگر ندادند سپاسگزاری نمایید.

﴿۸۸۳﴾ گفتی: ای علی، مژده باد تو را که شهادت به‌دنبالت خواهد بود. گفت: "اگر چنان شود، در آن هنگام شکیبایی تو چگونه خواهد بود؟" گفتم: ای پیامبر خدا چنین روزی نه جای شکیبایی کردن بلکه جای خوشحالی و بشارت‌شنیدن و شکرگزاردن است.

﴿۸۸۴﴾ آن‌هنگام محلّ شکیبایی و صبر نیست، بلکه آن‌هنگام زمان خوشحالی و شکر و بشارت است.

۴-۶-۱-۱- شکر کم و ناچیز

﴿۸۸۵﴾ از روی رضایت و خرسندی از روزی گسترده و انتخاب شده‌ات به من بخشیدی و در مقابل از من شکر اندک و آسانی خواستی.

۵-۶-۱-۱- شکر نیکو و بهترین شکر

﴿۸۸۶﴾ بهترین شکر برای هر نعمتی آن است که با همان نعمت‌ها به دیگران خیر برسانی.

﴿۸۸۷﴾ از تو می‌خواهم که مرا با لطف و مرحمت خود در ردیف آن بندگان قرار دهی که در شب قدر برای آنان خیر و صلاح فراهم می‌آوری و برکت آن شب را از نظر پاداش‌های عظیم و ذخیره‌های کریمانه و طول عمر و سپاسگزاری برای او از هزار ماه بهتر قرار دادی.

﴿۸۸۸﴾ هم‌اکنون خداوند دشمنت را هلاک کرد پس به نیکویی شکر خدا را به جای آور.

﴿۸۸۹﴾ شکر خوب، زیاد شدن نعمت را واجب می‌کند.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿ ٨٩٠ ﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَا مُفَضَّلَنَا بِالْأَرْزَاقِ بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ سُقْنِي وَوَجَّهْنِي فِي تِجَارَتِي هَذِهِ إِلَى وَجْهِ غَنَى عَاصِمٍ شُكُورٍ آخِذُهُ بِحَسَنِ شُكْرِ تَنْفَعَنِي بِهِ وَتَنْفَعُ بِهِ مِنِّي؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٣٢٢

٦-٦-١- أَفْضَلُ الشُّكْرِ

﴿٨٩﴾ الصادق عليه السلام: أَسْأَلُكَ أَكْثَرَ الْحَمْدِ عِنْدَ الرَّحَاءِ وَ أَجْمَلَ الصَّبْرِ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَ أَفْضَلَ الشُّكْرِ عِنْدَ مَوْضِعِ الشَّكِّ؛ مصباح المتعبد ص: ٢٧٣

﴿٨٩٢﴾ الصادق عليه السلام: أَفْضَلُ الشُّكْرِ عِنْدَ مَوْضِعِ الشَّكِّ؛ مصباح المتعجب ص: ٢٧٣

﴿٨٩٣﴾ الصادق عليه السلام: أَفْضَلُ الشُّكْرِ عِنْدَ مَوْضِعِ الشُّكْرِ وَ التَّسْلِيمِ عِنْدَ الشُّبُهَاتِ؛ الكافي ج: ٢

ص: ۵۹۰

﴿٨٩٤﴾ الرّسول ﷺ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ اللَّيْلَةَ أَفْضَلَ النَّصِيبِ فِي الْأَنْصِبَاءِ وَ أَتَمَّ النِّعْمَةِ فِي النِّعْمَاءِ وَأَفْضَلَ الشُّكْرِ فِي السَّرَّاءِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٣٠٠

﴿٨٩٥﴾ الرسول ﷺ: فَقُلْتُ يَا رَبِّي وَمَا أَفْضَلُ مَا أَشْكُرُكَ بِهِ فَقَالَ لِي يَا مُحَمَّدٌ أَفْضَلُ ذَلِكَ بِشُكِّكَ فَضْلَ أَخِيكَ عَلَيَّ وَبِعَشْكَ سَائِرِ عِبَادِي عَلَى تَعْظِيمِهِ وَتَعْظِيمِ شِيعَتِهِ، وَأَمْرِكَ إِيَّاهُمْ أَنْ لَا يَتَوَادُّوا إِلَّا فِي، وَلَا يَتَبَاغَضُوا إِلَّا فِي، وَلَا يُؤَالُوا وَلَا يُعَادُوا إِلَّا فِي، وَأَنْ يَنْصُبُوا الْحَرْبَ لِإِبْلِيسَ وَغَنَاءَ مَرَدَّتِهِ الدَّاعِينَ إِلَى مُخَالَفَتِي وَأَنْ يَجْعَلُوا جُنَّتَهُمْ مِنْهُمْ الْعَدَاوَةَ لَأَعْدَاءِ مُحَمَّدٍ وَعَلَيٍّ وَأَنْ يَجْعَلُوا أَفْضَلَ سِلَاحِهِمْ عَلَى إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ تَفْضِيلَ مُحَمَّدٍ عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ، وَتَفْضِيلَ عَلَيٍّ عَلَى سَائِرِ أُمَّتِهِ أَحْمَعِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٢٤ ص: ٣٧٩

﴿٨٩٦﴾ الرسول ﷺ: قِيلَ لِي يَا مُحَمَّدٌ قَابِلُ نِعْمَائِي عَلَيْكَ بِشُكْرِ الْمُتَمَرِّى لِمَزِيدٍ فَقُلْتُ يَا رَبِّى وَ مَا أَفْضَلُ مَا أَشْكُرُكَ بِهِ فَقَالَ لِي يَا مُحَمَّدٌ أَفْضَلُ ذَلِكَ بَنُكَ فَضْلَ أَخِيكَ عَلَى وَ بَعْنُكَ سَائِرِ عِبَادِي عَلَى تَعْظِيمِهِ وَ تَعْظِيمِ شَيْعَتِهِ وَ أَمْرُكَ إِيَّاهُمْ أَنْ لَا يَتَوَدَّوْا إِلَّا فِيَّ وَ لَا يَتَبَاغَضُوا إِلَّا فِيَّ وَ لَا يُؤَالُوا وَ لَا يُعَادُوا إِلَّا فِيَّ وَ أَنْ يَنْصُبُوا الْحَرْبَ لِلْإِلَهِسِ وَ عَتَاةَ مَرَدِّهِ الدَّاعِينَ إِلَى مُخَالَفَتِي وَ أَنْ يَجْعَلُوا جُنَّتَهُمْ مِنْهُمْ الْعَدَاوَةَ لَأَعْدَاءِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَىَّ وَ أَنْ يَجْعَلُوا أَفْضَلَ سِلَاحِهِمْ عَلَى إِيْلَهِسِ وَ جُنُودَهُ تَفْضِيلَ مُحَمَّدٍ عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَ تَفْضِيلَ عَلَىَّ عَلَى سَائِرِ أُمَّتِي أَجْمَعِينَ وَ اعْتِقَادَهُمْ بِأَنَّهُ الصَّادِقُ لَا يَكْذِبُ وَ الْحَلِيمُ لَا يَجْهَلُ وَ الْمُصِيبُ لَا يَغْفُلُ وَ الَّذِي بِمَحَبَّتِهِ تَنْقُلُ مَوَازِينَ الْمُؤْمِنِينَ وَ بِمُخَالَفَتِهِ تَخَفُ مَوَازِينَ النَّاصِبِينَ فَإِذَا هُمْ فَعَلُوا ذَلِكَ كَانَ إِيْلَهِسُ وَ جُنُودُهُ الْمَرْدَةُ أَخْسَاءَ الْمَهْزُومِينَ وَ أَضْعَفُ الضَّعِيفِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٢٤ ص: ٣٧٩

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۸۹۰﴾ ای کسی که روزی بعضی از ما را بیش از دیگران تقسیم کردی، در این تجارت مرا به سوی بی‌نیازی و دوری از اشتباه و شکر بسیار سوق ده تا با شکری زیبا آن را بگیرم که موجب شود تو به خاطر آن به من سود رسانی و از جانب من به تو خیر رسد.

﴿۶-۱-۱- برترین شکر﴾

﴿۸۹۱﴾ پروردگارا، از تو درخواست می‌کنم، بیشترین حمد و سپاس را در هنگام آسایش و زیباترین صبر را در هنگام بلا و مصیبت و با فضیلت‌ترین نوع شکرگزاری را در هنگام قرار گرفتن در موقعیت و شک و تردید.

﴿۸۹۲﴾ با فضیلت‌ترین شکر در نزد موضع شک و تردید است.

﴿۸۹۳﴾ با فضیلت‌ترین شکرها در موقعیت سپاسگزاری و تسلیم و هنگام مواجهه با شبهات است.

﴿۸۹۴﴾ خدایا، امشب از تو بهترین سهم در سهم‌ها و کامل‌ترین نعمت در نعمت‌ها و برترین شکر در هنگام راحتی و فراوانی نعمت را خواهانم.

﴿۸۹۵﴾ پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: عرض کردم: خدایا چگونه می‌توانم شکر تو را به جا آورم؟ خداوند فرمود: ای محمد ﷺ بهترین شکر، گستردن فضیلت‌های علی است و وادار نمودن پیروان به احترام او و شیعیانش، و اینکه دستور دهی محبت و علاقه همچنین بغض و دشمنی به یکدیگر را فقط با نیت الهی و برای خدا بروز دهند. نه دوست بدارند و نه دشمن بدارند مگر در راه من؛ و آماده‌ی جنگ با شیطان و پیروان او باشند که دعوت به مخالفت با من می‌نمایند و سپر خویش را در این مبارزه دشمنی با دشمنان محمد ﷺ و علی علیه السلام قرار دهند و بهترین اسلحه در راه مبارزه با شیطان و سپاهش، برتری دادن محمد ﷺ است بر تمام پیامبران و برتری دادن علی علیه السلام بر سایر امت.

﴿۸۹۶﴾ به من گفت ای محمد، در مقابل این نعمت‌های من شکر و سپاسی بگزار که موجب افزایش نعمت شود؛ عرض کردم: خدایا، چه شکری بهترین شکر توسست؟ فرمود ای محمد، بهترین شکر انتشار فضل علی علیه السلام است و وادار نمودن پیروان به احترام او و شیعیانش و اینکه دستور دهی که محبت و علاقه و همچنین بغض و دشمنی به یکدیگر را فقط در راه خدا قرار دهند نه دوست بدارند و نه دشمن بدارند مگر در راه من، و آماده‌ی جنگ با شیطان و پیروان او باشند که به مخالفت با من دعوت می‌کنند و سپر خویش را در این مبارزه دشمنی با دشمنان محمد و علی قرار دهند و بهترین اسلحه در راه مبارزه با شیطان و سپاهش برتری دادن محمد است بر تمام پیامبران و برتری دادن علی را بر سایر امت و اعتقاد به اینکه پیامبر هرگز دروغ نمی‌گوید، او بردباری است که نادانی او را فرامی‌گیرد و پیوسته تمام کارهای او صحیح است و او غفلت ندارد و او کسی است که محبتش موجب سنگینی ترازوی عمل مؤمنین می‌شود و مخالفتش باعث سبکی ترازوی دشمنان می‌گردد؛ وقتی چنین کاری را می‌کنند شیطان و پیروان او از همه خوارتر و ذلیل‌تر می‌شوند.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٨٩٧﴾ الرسول ﷺ: وَاعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّكُمْ إِذَا اتَّقَيْتُمُ اللَّهَ وَحَفِظْتُمْ نَبِيَّكُمْ فِي أَهْلِهِ فَقَدْ عِبَدْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ عِبَادَتِهِ وَذَكَرْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا ذُكِرَ وَشَكَرْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا شُكِرَ وَقَدْ أَخَذْتُمْ بِأَفْضَلِ الصَّبْرِ وَالشُّكْرِ وَاجْتَهَدْتُمْ بِأَفْضَلِ الْجَاهِدِ وَإِنْ كَانَ غَيْرُكُمْ أَطْوَلَ مِنْكُمْ صَلَاةً وَ أَكْثَرَ مِنْكُمْ صِيَامًا وَ صَدَقَةً؛ بحار الأنوار ج: ٣٣ ص: ٥٨٥

﴿٨٩٨﴾ الرسول ﷺ: يَا عِبَادَ اللَّهِ إِنْ اتَّقَيْتُمُ اللَّهَ وَحَفِظْتُمْ نَبِيَّكُمْ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ فَقَدْ عِبَدْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا عُبِدَ وَذَكَرْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا ذُكِرَ وَشَكَرْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا شُكِرَ وَأَخَذْتُمْ بِأَفْضَلِ الصَّبْرِ وَالشُّكْرِ وَاجْتَهَدْتُمْ أَفْضَلَ الْجَاهِدِ وَإِنْ كَانَ غَيْرُكُمْ أَطْوَلَ مِنْكُمْ صَلَاةً وَ أَكْثَرَ مِنْكُمْ صِيَامًا فَانْتُمْ أَتَقَى لِلَّهِ مِنْهُ وَ أَنْصَحَ لِأَوْلَى الْأَمْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٢٧ ص: ١٦٩

٧-١-١٠-١- تمام الشُّكْرِ، شُكْرُ التَّامِّ
﴿٨٩٩﴾ الصادق عليه السلام: الشُّكْرُ لِلنَّعَمِ اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ وَ تَمَامُ الشُّكْرِ قَوْلُ الْحَمْدِ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٠ ص: ٢١٤

﴿٩٠٠﴾ الصادق عليه السلام: يَا إِلَهِي وَ تَرَزَّنِي الشُّكْرَ عَلَى مَا أَبْلَيْتَنِي وَ تَجْعَلْ ذَلِكَ تَامًا أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي حَتَّى تَصِلَ ذَلِكَ بِنَعِيمٍ آخِرَةٍ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٤٠
﴿٩٠١﴾ الصادق عليه السلام: تَمَامُ الشُّكْرِ اعْتِرَافُ لِسَانِ السَّرِّ خَاضِعًا لِلَّهِ تَعَالَى بِالْعَجْزِ عَنْ بُلُوغِ أَذْنِي شُكْرِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٥٢

٨-١-١٠-١- عَظِيمُ الشُّكْرِ
﴿٩٠٢﴾ الباقر عليه السلام: تَخَلَّصَ إِلَى عَظِيمِ الشُّكْرِ بِاسْتِكْنَارِ قَلِيلِ الرِّزْقِ وَ اسْتِقْلَالِ كَثِيرِ الطَّاعَةِ وَ اسْتَجْلِبَ زِيَادَةَ النَّعَمِ بِعَظِيمِ الشُّكْرِ وَ تَوَسَّلَ إِلَى عَظِيمِ الشُّكْرِ بِخَوْفِ زَوَالِ النَّعَمِ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ١٦٢

٩-١-١٠-١- حَقِيقَةُ الشُّكْرِ
﴿٩٠٣﴾ تَحَمْدُكَ نَفْسِي وَ لِسَانِي وَ عَقْلِي، حَمْدًا يَبْلُغُ الْوَفَاءَ وَ حَقِيقَةَ الشُّكْرِ، حَمْدًا يَكُونُ مَبْلَغَ رِضَاكَ عَنِّي؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٢٥٠

﴿٩٠٤﴾ الرسول ﷺ: فَقَالَ لَهُ جُؤَيْبِرُ يَا رَسُولَ اللَّهِ دَخَلْتُ بَيْتًا وَاسِعًا وَ رَأَيْتُ فِرَاشًا وَ مَنَاعًا وَ فَنَاءً حَسَنًا عَطْرَةً وَ ذَكَرْتُ حَالِي الْبَيْتِ كُنْتُ عَلَيْهَا وَ غُرْبَتِي وَ حَاجَتِي وَ وَضِيعَتِي وَ كِسْوَتِي مَعَ الْغُرَبَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ فَأَحْبَبْتُ إِذْ أَوْلَانِي اللَّهُ ذَلِكَ أَنْ أَشْكُرَهُ عَلَى مَا أَعْطَانِي وَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْهِ بِحَقِيقَةِ الشُّكْرِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۸۹۷﴾ بندگان خدا، بدانید، اگر جانب خدا را نگاه دارید و (احترام) پیامبران را در سفارش هایی که درباره‌ی خاندانش فرمود حفظ کنید، عالی‌ترین عبادت، بهترین ذکر، برترین شکر را انجام داده‌اید، و به بالاترین مراتب صبر، شکر و تلاش رسیده‌اید؛ هرچند فرقه‌های دیگر نمازشان طولانی‌تر و روزه و صدقاتشان بیشتر باشد.

﴿۸۹۸﴾ بندگان خدا، اگر پروای الهی پیش گیرید، و حقّ پیامبران را درباره‌ی خاندانش محفوظ دارید، هرآینه خدا را به بهترین وجه پرستش نموده‌اید، و به بهترین صورت یاد کرده، و به نیکوترین روش سپاس گفته، و به بالاترین درجات صبر و شکر دست یافته‌اید، و به برترین درجه‌ی تلاش، سعی و کوشش نموده‌اید، هرچند که دیگران نمازشان از شما طولانی‌تر، و روزه‌داری‌شان از شما بیشتر باشد، زیرا که شما از آنان پرهیزکارتر، و نسبت به اولی الامر و امامان خود، خیرخواه‌ترید.

۷-۶-۱- کمال شکر، شکر کامل

﴿۸۹۹﴾ شکر نعمت دوری‌گزیدن از حرام‌هاست و نه‌ایست شکر، گفتن " الحمد لله رب العالمین " است.

﴿۹۰۰﴾ خدایا، به من در برابر آزمایش‌هایی که از من به‌عمل می‌آوری شکر عطا کن و آن را کامل و همیشگی تا زمانی که مرا زنده می‌داری برقرار بدار، تا جایی که آن را به نعمت‌های آخرت پیوند دهی.

﴿۹۰۱﴾ همه‌ی شکر آن است که با زبان دل اعتراف کند و نزد خداوند با خشوع و عجز اقرار نماید که هرگز توان شکر ندارد.

۸-۶-۱- شکر بزرگ

﴿۹۰۲﴾ شکر بزرگ را با بسیارشمردن روزی اندک، و کم‌شمردن طاعت فراوان به دست آور، و نعمت فراوان را با شکر بسیار کسب کن، و با هراس از زوال نعمت یا برای نجات از زوال نعمت به شکر بسیار پناه ببر.

۹-۶-۱- حقیقت شکر

﴿۹۰۳﴾ جان من، زبان من و عقل من تو را می‌ستایند ستایشی که تمام و کامل باشد و به درجات عمیق و اصل شکر برسد سپاسی که به خشنودی تو منجر شود.

﴿۹۰۴﴾ پس جویبر گفت: ای پیامبر خدا، وارد خانه‌ای بزرگ شدم و فرش و وسایلی دیدم و دختری جوان و زیبا و خوشبو، به یاد حال خودم قبل از این افتادم که غریب و نیازمند بودم و در لباس غریبان و بیچارگان. پس دوست داشتم حال که خداوند این نعمت را به من بخشیده به

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

فَنَهَضْتُ إِلَى جَانِبِ الْبَيْتِ فَلَمْ أَزَلْ فِي صَلَاتِي تَالِيًا لِلْقُرْآنِ رَاكِعًا وَ سَاجِدًا أَشْكُرُ اللَّهَ؛ الكافي ج: ٥ ص: ٣٤٢

١٠-١-١٠- خَيْرُ الشُّكْرِ

﴿٩٠٥﴾ خَيْرُ الشُّكْرِ مَا كَانَ كَافِلًا بِالْمَزِيدِ؛ غررالحكم ص: ٢٧٩

١١-١-١٠- الشُّكْرُ الْمُبَارَكُ

﴿٩٠٦﴾ السَّجَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي صَلَاتِي وَ صِيَامِي وَ دُعَائِي وَ نُسُكِي وَ شُكْرِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي فَبَارِكْ

لِي؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٢٢٧

١٢-١-١٠- الشُّكْرُ الْمُفْتَرَى لِلْمَزِيدِ

﴿٩٠٧﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَرْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ رِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا لَا تُفْقِرُنِي بَعْدَهُ إِلَى أَحَدٍ

سِوَاكَ أَبَدًا تَزِيدُنِي بِذَلِكَ لَكَ شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٣٢٦

﴿٩٠٨﴾ الرَّسُولُ ﷺ: قِيلَ لِي يَا مُحَمَّدُ قَابِلْ نِعْمَائِي عَلَيْكَ بِشُكْرِ الْمُفْتَرَى لِلْمَزِيدِ فَقُلْتُ يَا رَبِّي وَ مَا أَفْضَلُ مَا أَشْكُرُكَ بِهِ فَقَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ أَفْضَلُ ذَلِكَ بُتُّكَ فَضْلَ أَخِيكَ عَلَيَّ وَ بَعْتُكَ سَائِرَ عِبَادِي عَلَى تَعْظِيمِهِ وَ تَعْظِيمِ شَيْعَتِهِ وَ أَمْرُكَ إِيَّاهُمْ أَنْ لَا يَتَوَادُّوا إِلَّا فِيَّ وَ لَا يَتَبَاغَضُوا إِلَّا فِيَّ وَ لَا يُوَالُّوا وَ لَا يُعَادُّوا إِلَّا فِيَّ وَ أَنْ يَنْصِبُوا الْحَرْبَ لِإِبْلِيسَ وَ عُنَاةَ مَرَدَّتِهِ الدَّاعِينَ إِلَى مُخَالَفَتِي وَ أَنْ يَجْعَلُوا جُنَّتَهُمْ مِنْهُمْ الْعِدَاوَةَ لِأَعْدَاءِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَيٍّ وَ أَنْ يَجْعَلُوا أَفْضَلَ سِلَاحِهِمْ عَلَى إِبْلِيسَ وَ جُنُودِهِ تَفْضِيلَ مُحَمَّدٍ عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَ تَفْضِيلَ عَلَيٍّ عَلَى سَائِرِ أُمَّتِهِ أَجْمَعِينَ وَ اعْتِقَادَهُمْ بِأَنَّهُ الصَّادِقُ لَا يَكْذِبُ وَ الْحَلِيمُ لَا يَجْهَلُ وَ الْمُصِيبُ لَا يَغْفُلُ وَ الَّذِي بِمَحَبَّتِهِ تَنْقُلُ مَوَازِينُ الْمُؤْمِنِينَ وَ بِمُخَالَفَتِهِ تَخْفُ مَوَازِينُ النَّاصِبِينَ فَإِذَا هُمْ فَعَلُوا ذَلِكَ كَانَ إِبْلِيسُ وَ جُنُودُهُ الْمُرْدَةُ أَخْسَاءَ الْمَهْزُومِينَ وَ أَضْعَفَ الضَّعِيفِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٢٤ ص: ٣٧٩

١٣-١-١٠- شُكْرًا عَلَى جُهِدِ الْيَقِينِ

﴿٩٠٩﴾ فَإِنَّا لَفَضْلُكَ عَلَى حَامِدٍ وَ بِجُهِدِ يَقِينِي لَكَ شَاكِرٌ؛ البلد الأمين ص: ٣٤٧

١٤-١-١٠- شُكْرًا يَبْقَى وَ لَا يَفْنَى

﴿٩١٠﴾ الرَّسُولُ ﷺ: أَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَبْقَى وَ لَا يَفْنَى وَ لَكَ الشُّكْرُ شُكْرًا

يَبْقَى وَ لَا يَفْنَى؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٣٤

١٥-١-١٠- شُكْرًا يَقْصُرُ عَنْهُ شُكْرُ كُلِّ شَاكِرٍ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

خاطر عطایش او را شکر کنم و با حقیقت شکر به او تقرب بجویم پس به گوشه‌ای از خانه رفتم و پیوسته در حال خواندن نماز و قرآن بودم و در رکوع و سجود خدا را شکر می‌کردم.

۱۰-۱-۶-۱- بهترین شکر

﴿۹۰۵﴾ بهترین شکر آن است که ضامن زیادتى باشد.

۱۱-۱-۶-۱- شکر مبارک

﴿۹۰۶﴾ خدایا در نماز و روزه و دعا و عبادت و شکر و دنیا و آخرت برکت و افزونی قرار ده.

۱۲-۱-۶-۱- شکری که موجب افزایش نعمت شود

﴿۹۰۷﴾ پروردگارا، از فضل گسترهات روزی‌ام گردان روزی و رزق گسترده‌ی حلال و پاکیزه‌ای، که پس از آن هرگز به کسی غیر خودت نیازمند نشوم و شکر و سپاسگزاری‌ام موجب افزایش نعمت بر من شود.

﴿۹۰۸﴾ به من گفت ای محمد، در مقابل این نعمت‌های من شکر و سپاسی بگذار که موجب افزایش نعمت شود؛ عرض کردم: خدایا، چه شکری بهترین شکر توست؟ فرمود ای محمد، بهترین شکر انتشار فضل علی علیه السلام است و وادار نمودن پیروانت به احترام او و شیعانش و اینکه دستور دهی که محبت و علاقه و همچنین بغض و دشمنی به یکدیگر را فقط در راه خدا قرار دهند نه دوست بدارند و نه دشمن بدارند مگر در راه من، و آماده‌ی جنگ با شیطان و پیروان او باشند که به مخالفت با من دعوت می‌کنند و سپر خویش را در این مبارزه دشمنی با دشمنان محمد و علی قرار دهند و بهترین اسلحه در راه مبارزه با شیطان و سپاهش برتری‌دادن محمد است بر تمام پیامبران و برتری‌دادن علی را بر سایر امت و اعتقاد به اینکه پیامبر هرگز دروغ نمی‌گوید، او بردباری است که نادانی او را فرامی‌گیرد و پیوسته تمام کارهای او صحیح است و او غفلت ندارد و او کسی است که محبتش موجب سنگینی ترازوی عمل مؤمنین می‌شود و مخالفتش باعث سبکی ترازوی دشمنان می‌گردد؛ وقتی چنین کاری را می‌کنند شیطان و پیروان او از همه خوارتر و ذلیل‌تر می‌شوند.

۱۳-۱-۶-۱- شکری با نهایت باور

﴿۹۰۹﴾ من فضل تو را بر خود سپاسگزارم و در نهایت یقینم شکرگزار تو هستم.

۱۴-۱-۶-۱- شکری که باقی می‌ماند و فنا نمی‌شود

﴿۹۱۰﴾ تو خدای بلندمرتبه، با عظمتی هستی که حمد و ستایش مخصوص توست، حمدی که همواره باقی و دائمی است و نابود نمی‌شود و شکر و سپاس مخصوص توست که همواره باقی است و از بین نمی‌رود.

۱۵-۱-۶-۱- سپاسی که سپاس هر سپاسگزار از آن باز ماند و به پای آن نرسد

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٩١١﴾ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا مَعَ حَمْدِ كُلِّ حَامِدٍ، وَ شُكْرًا يَقْصُرُ عَنْهُ شُكْرُ كُلِّ شَاكِرٍ؛ الصحيفة

السجادية الطويلة: ص: ٢١٠

١٦-١-١٦-١- أشكر الناس

﴿٩١٢﴾ الرسول ﷺ: أَحَقُّ النَّاسِ بِالنِّعَمِ أَشْكُرُهُمْ لَهَا وَ نِعْمَةٌ لَا تُشْكِرُ خَاطِئَةً لَا تُغْفَرُ؛

مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٦٩

﴿٩١٣﴾ الصادق الطويل: أَشْكُرُ النَّاسَ أَقْنَعُهُمْ وَ أَكْفَرُهُمْ لِلنِّعَمِ أَجْشَعُهُمْ؛ الإرشاد ج: ١ ص: ٣٠٤

﴿٩١٤﴾ السجاد الطويل: أَشْكُرُكُمْ لِلَّهِ أَشْكُرُكُمْ لِلنَّاسِ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٩

﴿٩١٥﴾ الرسول ﷺ: كُنْ تَقِيًّا تَكُنْ أَوْرَعَ النَّاسِ وَ كُنْ قَنَعًا تَكُنْ أَشْكَرَ النَّاسِ؛ مستدرک الوسائل

ج: ١١ ص: ١٧٥

﴿٩١٦﴾ وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَرْضِي مَنْ مَرَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ مِنْ جُمْلَةِ خَلْقِكَ، أَشْكُرُهُمْ لِمَا أَوْلَيْتَ

مِنْ نِعَمِكَ؛ الصحيفة السجادية الطويلة: ص: ٤٨

٧-١-١- حُدُودُ الشُّكْرِ وَ كَثْرَتُهُ وَ اسْتِمْرَارُهُ وَ سَعَتُهُ الْمَكَائِيَّةُ وَ الزَّمَنِيَّةُ

١-٧-١- حُدُودُ الشُّكْرِ

١-٧-١-١- حَتَّى يَرْضَى اللَّهُ وَ بَعْدَ الرِّضَى

﴿٩١٧﴾ أَرْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَرْجُو وَ مِنْ حَيْثُ لَا أَرْجُو وَ اسْتُرْنِي وَ وُلْدِي وَ وَالِدِي وَ إِخْوَانِي مِنْ

الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فِي دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي بِالْغِنَى وَ الْعَافِيَةِ وَ الشُّكْرِ عَلَيْهَا حَتَّى تَرْضَى وَ بَعْدَ

الرِّضَى؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٣٩

﴿٩١٨﴾ الصادق الطويل: أَسْأَلُكَ... تَمَامَ نِعْمَتِكَ فِي جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ وَ الشُّكْرَ لَكَ عَلَيْهَا لِكَيْ تَرْضَى

وَ بَعْدَ الرِّضَا؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٩٢

﴿٩١٩﴾ الصادق الطويل: اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنَّهُ مَا أَصْبَحَ وَ أَمْسَى بِي مِنْ نِعْمَةٍ وَ عَافِيَةٍ فِي دِينٍ أَوْ

دُنْيَا فَمِنْكَ وَ حَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ بِهَا عَلَى حَتَّى تَرْضَى وَ بَعْدَ الرِّضَا

يَقُولُهَا إِذَا أَصْبَحَ عَشْرًا وَ إِذَا أَمْسَى عَشْرًا فَسَمِّيَ بِذَلِكَ عَبْدًا شَكُورًا؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١

ص: ٣٣٥

﴿٩٢٠﴾ الباقر الطويل: أَنْ نُوْحًا كَانَ إِذَا أَصْبَحَ وَ أَمْسَى قَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنْ مَا أَصْبَحَ أَوْ

أَمْسَى بِي مِنْ نِعْمَةٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَمِنْكَ وَ حَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ بِهَا

عَلَى حَتَّى تَرْضَى وَ بَعْدَ الرِّضَى فَهَذَا كَانَ شُكْرُهُ؛ بحار الأنوار ج: ١١ ص: ٢٩٠

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۹۱۱﴾ حمد و سپاس تنها مخصوص توست، آن گونه حمدی که ستایش همه‌ی ستایشگران را به همراه داشته باشد. و آن چنان شکری که شکر همه‌ی شکرگزاران در مقابل آن کم باشد.

۱۶-۶-۱-۱- سپاسگزارترین مردم

﴿۹۱۲﴾ سزاوارترین و مستحق‌ترین مردم به دریافت نعمت، شکرگزارترین ایشان بر آن نعمت است و نعمتی که بر آن شکرگزاری نشود، همانند خطا و گناهی است که بخشیده نشود.

﴿۹۱۳﴾ سپاسگزارترین مردم، کسی است که قناعتش بیشتر باشد، و ناسپاس‌ترین ایشان کسی است که حرص و آرزویش بیشتر باشد.

﴿۹۱۴﴾ سپاسگزارترین شما نسبت به خداوند، کسی است که نسبت به مردم قدرشناس تر و شکورتر باشد.

﴿۹۱۵﴾ تقوا پیشه کن تا از پارساترین مردم باشی و قانع باش تا از شکرگزارترین مردم باشی.

﴿۹۱۶﴾ خدایا، در میان همه‌ی آفریدگانت که شب روز بر آنان می‌گذرد ما را از راضی کننده‌ترین بندگان و شکرگزارترینشان در نعمت‌هایی که به آنان داده‌ای قرار بده.

۷-۱-۱- حدود شکر و کثرت و استمرار و گستردگی مکانی اش و جاری شدن آن بر

زبان

۱-۷-۱-۱- حد شکر

۱-۱-۷-۱-۱- تا زمانی که خداوند راضی شود و حتی بعد از رضایت او

﴿۹۱۷﴾ پروردگارا، از جایی که امید دارم و حتی از جایی که امید ندارم به من روزی برسان و مرا و فرزندان و والدینم و برادران و خواهران دینی‌ام را در دنیا و آخرت با ثروت و بی‌نیازی و سلامتی و شکر بر آنها پوشش بده تا جایی که تو راضی شوی از من و حتی بعد از رضایت.

﴿۹۱۸﴾ از تو درخواست می‌کنم... همه‌ی نعمت‌هایت را بر من کامل کنی و توفیق دهی که تا جلب رضایت تو و حتی بعد از آن مشغول شکر باشم.

﴿۹۱۹﴾ پروردگارا، من تو را گواه می‌گیرم که همانا شک ندارم هرآنچه از نعمت و سلامتی که در هر صبح و شام با من همراه است - چه در دین و چه در دنیای من - همه از جانب توست، بی‌همتایی، شریک‌نداری، سپاس و شکر مخصوص توست چندان که خشنود شوی و بلکه بیش از آن. این دعا را ده بار هر بامداد می‌خواند، و چون روز به پایان می‌رسید نیز ده بار دیگر، و از این‌رو، او را بنده‌ی بسیار شکرگزار نامیدند.

﴿۹۲۰﴾ نوح در هر صبح و شام می‌گفت: (" خداوندا؛ تو را گواه می‌گیرم که در هر صبح و شام هر نعمتی که در دین یا دنیای من وجود دارد، از ناحیه‌ی توست، تو یگانه‌ای و شریکی نداری، حمد و سپاس از آن توست، تا آنجا که از من راضی شوی) و حتی بعد از رضایت، و این کلام شکر نوح بود.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٩٢١﴾ الصادق عليه السلام: أَسْأَلُكَ... تَمَامَ نِعْمَتِكَ فِي جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ وَالشُّكْرَ لَكَ عَلَيْهَا لِكَيْ تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَا؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٩٢

﴿٩٢٢﴾ الصادق عليه السلام: لَكَ مَا تَرْضَى بِهِ مِنَ الثَّنَاءِ وَالْحَمْدِ وَالشُّكْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٠٠
 ﴿٩٢٣﴾ تَحْمَدُكَ نَفْسِي وَلِسَانِي وَعَقْلِي، حَمْدًا يَبْلُغُ الْوَفَاءَ وَحَقِيقَةَ الشُّكْرِ، حَمْدًا يَكُونُ مَبْلَغَ رِضَاكَ عَنِّي؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٢٥٠

١-٧-١-٢- حَتَّى يَقُولَ اللَّهُ: أَنْتَ لِنِعْمَتِي مِنَ الشَّاكِرِينَ

﴿٩٢٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَسْأَلُكَ بِكَرَمِكَ وَمَجْدِكَ وَجُودِكَ وَفَضْلِكَ وَمَنَّكَ وَرَأْفَتِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَجَمَالِكَ وَجَلَالِكَ وَعِزَّتِكَ وَجَبْرُوتِكَ وَعَظَمَتِكَ لَمَّا أَوْجَبْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ الَّتِي كَتَبْتَ عَلَيْهَا الرَّحْمَةَ أَنْ تَقُولَ قَدْ أَتَيْتُكَ عَبْدِي مَا سَأَلْتَنِي فِيهِ فِي عَافِيَةٍ وَأَدَيْتُهَا لَكَ مَا أَحْيَيْتُكَ حَتَّى أَتَوْكَ فِي عَافِيَةٍ وَرِضْوَانٍ وَأَنْتَ لِنِعْمَتِي مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٢٠٥

١-٧-١-٣- بِقَدْرِ قُدْرَتِنَا

﴿٩٢٥﴾ إِنْ اللَّهُ أَنْعَمَ عَلَى الْعِبَادِ بِقَدْرِ قُدْرَتِهِ وَكَلَّفَهُمْ مِنَ الشُّكْرِ بِقَدْرِ قُدْرَتِهِمْ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٢٠ ص: ٣٠٤

١-٧-١-٤- بِجُهْدِنَا

﴿٩٢٦﴾ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَدْ اصْطَنَعَ عِنْدَنَا وَعِنْدَكُمْ أَنْ نَشْكُرَهُ بِجُهْدِنَا وَأَنْ نَنْصُرَهُ بِمَا بَلَغَتْ قُوَّتُنَا؛ شرح نهج البلاغة ج: ١٧ ص: ١٩

١-٧-١-٥- حَتَّى يَكُونَ الشُّكْرُ هُوَ الْغَالِبُ عَلَيْنَا

﴿٩٢٧﴾ إِنَّمَا يَنْبَغِي لِأَهْلِ الْعِصْمَةِ وَالْمَصْنُوعِ إِلَيْهِمْ فِي السَّلَامَةِ أَنْ يَرْحَمُوا أَهْلَ الذُّنُوبِ وَالْمَعْصِيَةِ وَيَكُونَ الشُّكْرُ هُوَ الْغَالِبَ عَلَيْهِمْ وَالْحَاجِزَ لَهُمْ عَنْهُمْ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٩ ص: ٥٩

١-٧-١-٦- بِجَمِيعِ مَحَامِدِكَ كُلِّهَا

﴿٩٢٨﴾ اللَّهُمَّ وَ لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ بِجَمِيعِ مَحَامِدِكَ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نِعَمَائِكَ كُلِّهَا حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا تُحِبُّ رَبَّنَا؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٢٧١

١-٧-١-٧- يُحِيطُ بِشُكْرِ كُلِّ شَاكِرٍ

﴿٩٢٩﴾ الرَّسُولُ ﷺ: حَمْدًا يَعْلُو حَمْدَ كُلِّ حَامِدٍ وَ شُكْرًا يُحِيطُ بِشُكْرِ كُلِّ شَاكِرٍ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٤٨

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۹۲۱﴾ خدايا، تکميل نعمت را در همه چيز و توفيق ادای شکر آن را خواستارم تا خشنود شوی و شکر پس از خشنودی تو را نیز خواهانم.

﴿۹۲۲﴾ حمد و تحسین و شکری که شایسته‌ی توست که تو را راضی کند.

﴿۹۲۳﴾ جان من، زبان من و عقل من تو را می‌ستایند ستایشی که تمام و کامل باشد و به درجات عمیق و اصل شکر برسد سپاسی که به خشنودی تو منجر شود.

۱-۱-۷-۱-۲ تا زمانی که خداوند بگوید تو در نعمت من از سپاسگزاران هستی

﴿۹۲۴﴾ خداوند، از تو به حق کرم و بزرگی و بخشش و فضل و امتنان و مهربانی و آمرزندگی و رحمت و زیبایی و ابهت عزت و جبروت و عظمت که بر خودت واجب کرده‌ای، به این صورت که بر آن واجب بودن رحمت را ثبت کردی؛ می‌خواهم که در حق من چنین مقرر کنی و بگویی: "سجده‌ی من، آنچه در مورد سلامت و عافیت از من خواستی به سوی تو فرستاده شد و مادامی که زنده‌ای برای تو مقرر خواهد بود، تا اینکه در عافیت و رضایت جان تو را بگیرم و تو برای نعمت من از شاکرین و اهل سپاسگزاری باشی.

۱-۱-۷-۱-۳ به اندازه‌ی قدرت ما

﴿۹۲۵﴾ همانا خداوند بر بندگان خود به اندازه‌ی توانش نعمت عطا فرموده است ولی آن‌ها را در شکرگزاری به اندازه‌ی توانشان تکلیف فرموده است.

۱-۱-۷-۱-۴ به اندازه‌ی سقف توانمان

﴿۹۲۶﴾ خدای سبحان از ما و شما خواسته است تا سرحد توانایی خود، او را سپاس گوئیم و تا آنجا که توان داریم او را یاری دهیم.

۱-۱-۷-۱-۵ تا اینکه شکرگزاری بر ما چیره شود، شکر صفت غالب و همیشگی شود

﴿۹۲۷﴾ همانا برای کسانی که از معصیت و نافرمانی (خداوند به سبب توفیقی که به ایشان عطا فرموده) محفوظ مانده‌اند و سالم ماندن (از عیوب) به آنان احسان شده سزاواراست که بر گناهکاران ترحم نمایند و شکر و سپاسگزاری (پروردگار بر نعمت توفیق پرهیز از گناهان) بر ایشان مسلط و غالب باشد و ایشان را از عیب‌جویی آنان بازدارد.

۱-۱-۷-۱-۶ با هر آنچه ستوده شده‌ای

﴿۹۲۸﴾ خدايا، و حمد برای توست و شکر برای توست، تمامی حمد برای همه‌ی نعمت‌هایت تا اینکه حمد منتهی شود به آنچه که تو دوست می‌داری.

۱-۱-۷-۱-۷ شکری که بر همه‌ی سپاسگزاری‌ها احاطه داشته باشد

﴿۹۲۹﴾ حمدی که برتر از حمد هر حمدکننده‌ای باشد و شکری که شامل شکر هر شکرکننده‌ای بشود.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١-١-٧-١-٨- ما ازداد بكلِّ نعمة

﴿٩٣٠﴾ الصادق عليه السلام: ذَكَرَ أَيُّوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَّالُهُ إِنَّ عَبْدِي أَيُّوبَ مَا أُتِّعَ عَلَيْهِ
بِنِعْمَةٍ إِلَّا أَزْدَادَ شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ١٢ ص: ٣٥٠

١-١-٧-١-٩- ما ازداد في الجنة

﴿٩٣١﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: ذَلِكَ يَوْمُ النَّعَّائِنِ وَقَدْ رَوَى عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله فِي تَفْسِيرِهِ وَهَذَا قَوْلُهُ مَا مِنْ
عَبْدٍ مُؤْمِنٍ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا أُرِيَ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ لَوْ أَسَاءَ لِيَزْدَادَ شُكْرًا وَمَا مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ يَدْخُلُ
النَّارَ إِلَّا أُرِيَ مَقْعَدَهُ فِي الْجَنَّةِ لَوْ أَحْسَنَ لِيَزْدَادَ حَسْرَةً؛ جامع الأخبار ص: ١٨٣

١-١-٧-٢- كثرة الشكر

١-١-٧-٢-١- الأمر بالإكثار

١-١-٧-٢-١-١- أكثر من الشكر

﴿٩٣٢﴾ الصادق عليه السلام: إِذَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْكَ بِنِعْمَةٍ فَأَحْبَبْتَ بَقَاءَهَا فَأَكْثِرْ مِنَ الْحَمْدِ وَ الشُّكْرِ
عَلَى اللَّهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ لَمَنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٢٠٠

١-١-٧-٢-١-٢- أكثروا من شكره، أشكروه كثيراً

﴿٩٣٣﴾ الصادق عليه السلام: الْحَوَامِيمُ رِيحَانُ الْقُرْآنِ فَإِذَا قَرَأْتُمُوهَا فَاحْمَدُوا اللَّهَ وَ اشْكُرُوهُ كَثِيرًا
بِحِفْظِهَا وَ تِلَاوَتِهَا؛ وسائل الشيعة ج: ٦ ص: ١٤٦

﴿٩٣٤﴾ الصادق عليه السلام: دَخَلَ عَلَى فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ رَدَّهُ فِي أَيْدِيهِمْ فَتَحَيَّوْا بِهِ وَ
قَبِّلُوهُ وَ أَكْثَرُوا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ حَمْدِهِ وَ شُكْرِهِ وَ الثَّنَاءِ عَلَيْهِ؛ إرشاد القلوب ج: ٢ ص: ٢٨٦

١-١-٧-٢-١-٣- فليكثر الشكر

﴿٩٣٥﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: مَنْ تَظَاهَرَتْ نِعَمُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَلْيَكْثِرِ الشُّكْرَ وَ مَنْ أَلْهِمَ الشُّكْرَ لَمْ يُحْرَمِ
الْمَزِيدَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ١٩٤

١-١-٧-٢-٢- كثرة شكر الأولياء

١-١-٧-٢-٢-١- رسول الله صلى الله عليه وآله يكثر من شكره

﴿٩٣٦﴾ الصادق عليه السلام: رَسُولُ اللَّهِ يُكْثِرُ مِنْ حَمْدِ اللَّهِ وَ شُكْرِهِ؛ إرشاد القلوب ج: ٢ ص: ٢٨٦

١-١-٧-٢-٢-٢- أكثر الأنبياء شكراً نوح عليه السلام

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۸-۱-۷-۱-۱- آنچه با هر نعمت زیاد می شود

﴿۹۳۰﴾ ایوب علیه السلام را یاد کرد و فرمود: خداوند باجلالت فرمود: به بندهام ایوب هیچ نعمتی نمی دهم مگر اینکه او شکرگزاری اش را بیشتر می کند.

۹-۱-۷-۱-۱- آنچه در بهشت زیاد می شود

﴿۹۳۱﴾ " آن، روز حسرت است " و از پیامبر صلی الله علیه و آله در تفسیر آن روایت شده و این کلام ایشان است که " هیچ بنده‌ی مؤمنی نیست که داخل بهشت می شود مگر آنکه به او نشان داده می شود که اگر بدی کرده بود جایگاهش از آتش بود تا بر شکرش بیافزاید و هیچ بنده‌ی مؤمنی نیست که وارد جهنم شود مگر آنکه جایگاهش در بهشت در صورت نیکوکاربودنش به او نشان داده می شود تا بر حسرتش بیافزاید.

۲-۱-۷-۱-۱- فراوانی شکر

۱-۱-۷-۲-۱- امر به بسیار شکر کردن

۱-۱-۷-۲-۱-۱- بسیار شکر کن

﴿۹۳۲﴾ هرگاه خدا به تو نعمتی ارزانی داشت و تو مایل بودی که آن نعمت پایدار بماند، بسیار حمد و سپاس خداوند را به جا آور، زیرا خداوند در قرآن کریم می فرماید: " اگر شکرگزاری کنید، حتماً آن را برای شما افزایش می دهم ".

۲-۱-۷-۲-۱-۲- بسیار شکر کنید، خدا را بسیار سپاس گزارید

﴿۹۳۳﴾ سوره هایی را که با " حم " شروع می شوند گل های خوشبوی قرآن هستند پس آنگاه که آن ها را قرائت نمودید خدا را ستایش کرده و بسیار شکر کنید.

﴿۹۳۴﴾ نزد فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام آمد و آن جام را به آنان داد پس آن دو به او تحیت گفتند و او را بوسیدند و خدا را بسیار یاد کردند حمد و شکر و ثنای او را بسیار به جا آوردند.

۳-۱-۷-۲-۱-۳- پس باید به شکر و سپاس خود بیافزاید.

﴿۹۳۵﴾ بر هرکس نعمت های خداوند آشکار شود واجب است که بسیار شکر کند و بر هرکس که شکر الهام شود، از فزونی محروم نخواهد شد.

۲-۱-۷-۲-۲- فراوانی شکر اولیای خدا

۱-۱-۷-۲-۲-۱- رسول خدا شکر بسیار می گفت

﴿۹۳۶﴾ پیامبر صلی الله علیه و آله متوالیا سپاس و شکر خدا را بر زبان داشت.

۲-۱-۷-۲-۲-۲- نوح در بین انبیاء شاکرترین بود

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٩٣٧﴾ الرِّسُولُ ﷺ: أَطْوَلُ الْأَنْبِيَاءِ عُمَرًا وَ أَكْثَرُهُمْ لِرَبِّهِ شُكْرًا وَ أَعْظَمُهُمْ أَجْرًا ذَاكَ أَبُوكَ نُوحٌ؛ بحار الأنوار ج: ٣٨ ص: ٥٥

نُوح؛ بحار الأنوار ج: ٣٨ ص: ٥٥

۳-۲-۲-۷-۱-۱- کثر شکرهم

﴿٩٣٨﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): كَثُرَ حَمْدُهُمْ لِلَّهِ وَ شَكَرُهُمْ عَلَى النِّعْمَةِ الَّتِي اَنْعَمَ بِهَا عَلَيْهِمْ فِي

مَعْرِفَتِهِمْ بِحَقِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع؛ بحار الأنوار ج: ٤١ ص: ٢٦٠

٤-٢-٧-١-١-أَشْكُرُ اللَّهَ كَثِيرًا

﴿٩٣٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اشكر الله كثيراً على ما أوتاك و احمده على ما أبلاك؛

دعائم الإسلام ج: ٢ ص: ٤٨٧

٥-٢-٢-٧-١-١- له الشُّكْرُ كَثِيرًا

﴿٩٤٠﴾ الباقِرُ الْمَلَكُ: إِذَا كَانَ أَمْسَى وَاصْبَحَ يَقُولُ أَمْسَيْتُ أَشْهَدُ أَنَّهُ مَا أَمْسَيْتُ بِهِ مِنْ نِعْمَةٍ فِي

دِينِ أَوْ دُنْيَا فَإِنَّهَا مِنَ اللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْحَمْدُ بِهَا وَ الشُّكْرُ كَثِيرًا؛ مستدرک الوسائل ج: ٥

ص: ۳۸۸

﴿٩٤١﴾ الباقِرُ عليه السلام: كَانَ نُوحٌ إِذَا أَمْسَى وَ أَصْبَحَ يَقُولُ أَمْسَيْتُ أَشْهَدُ أَنَّهُ مَا أَمْسَى بِي مِنْ نِعْمَةٍ

فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَإِنَّهَا مِنَ اللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْحَمْدُ بِهَا عَلَى وَ الشُّكْرُ كَثِيرًا فَأَنْزَلَ اللَّهُ إِنَّهُ

كَانَ عَبْدًا شَكُورًا؛ بحار الأنوار ج: ١١ ص: ٢٩١

﴿٩٤٢﴾ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ عَلَىٰ بِهَا وَ الشُّكْرُ كَثِيرًا؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٨٩

٣-٢-٧-١-١-ثمرة كثره الشكر

﴿٩٤٣﴾ مَنْ كَثَرَ شُكْرُهُ كَثُرَ خَيْرُهُ؛ غررالحكم ص: ٢٨٠

٣-٧-١-١-الازديادُ

١-٣-٧-١-١- الأمرُ بزيادةِ الشُّكْرِ

﴿٩٤﴾ رَبِّ مُنْعِمٍ عَلَيْهِ مُسْتَدْرِجٌ بِالنَّعْمَى وَ رَبِّ مُبْتَلَىٰ مَصْنُوعٌ لَهُ بِالْبَلَاىِ فَزِدْ أَيُّهَا الْمُسْتَمْعُ فِي

شُكْرَكَ وَقَصَّرَ مِنْ عَجَلَتِكَ وَقَفَّ عِنْدَ مُنْتَهَى رِزْقِكَ؛ شرح نهج البلاغة ج: ١٩ ص: ١٦٢

﴿٩٤٥﴾ فَرِّدْ أَيْهَا الْمُسْتَنْفَعُ فِي شُكْرِكَ؛ نهج البلاغة ص: ٥٢٣

﴿٩٤٤﴾ الزَّهْرَاءُ عليها السلام وَارْزُقْنَا مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ رِزْقًا حَلَالًا طَيِّبًا وَ لَا تُخَوِّجْنَا وَ لَا تُفْقِرْنَا إِلَىٰ

أَحَدٍ سِوَاكَ وَزِدْنَا لَكَ شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٣٣٨

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۹۳۷﴾ از میان پیامبران آن که عمرش طولانی‌تر و شکرگزاری‌اش نسبت به پروردگار بیشتر و پاداش بزرگ‌تری داشت حضرت نوح بود.

۳-۲-۲-۱-۱-۱- شکر ایشان بسیار است

﴿۹۳۸﴾ حمد و ستایش ایشان برای خدای تعالی و شکر و قدردانی‌شان در مقابل نعمتی که در باب معرفت و حصول شناخت درباره‌ی مقام و حقانیت امیرالمؤمنین علیه السلام به ایشان بخشیده شد فراوان شد.

۴-۲-۲-۲-۱-۱-۱- بسیار سپاسگزاری می‌کنم

﴿۹۳۹﴾ بر نعمت‌هایی که خداوند به تو ارزانی داشته بسیار شکر کن و بر آزمایش‌های ناگواری که از تو می‌گیرد شکبیا باش.

۵-۲-۲-۲-۱-۱-۱- شکر بسیار برای اوست

﴿۹۴۰﴾ در آغاز هر شب و روز چنین بگو: گواهی می‌دهم که از هر نعمتی برخوردار شده‌ام از طرف خدای تعالی است که شریکی ندارد و واحد است و حمد و سپاس و شکر بسیار از آن اوست.

﴿۹۴۱﴾ نوح علیه السلام در ابتدای شب و در آغاز صبح چنین می‌گفت: شهادت می‌دهم که همه‌ی نعمت‌هایی که از دین و دنیا همراه من بوده از طرف خداست، یکتایی که شریک ندارد و شکر فراوانش بر من واجب است پس خداوند چنین نازل کرد: "او بنده‌ای بسیار شکرگزار بود".

﴿۹۴۲﴾ پادشاهی از آن اوست و به خاطر نعمتی که به من ارزانی داشته است حمد و شکر بسیار سزاوار اوست

۳-۲-۲-۱-۱-۱- ثمره‌ی فراوانی شکر

﴿۹۴۳﴾ هر که شکرش زیاد باشد، خیرش زیاد است.

۳-۱-۱-۷-۱-۱- زیادشدن

۱-۳-۱-۱-۷-۱- فرمان به زیاد شکر کردن

﴿۹۴۴﴾ و بسا صاحب نعمتی که نعمت‌ها او را پله‌پله به سقوط نزدیک می‌کنند و بسا گرفتاری که در گرفتاری ساخته‌شده و سود برد، پس ای کسی که از این گفتار بهره‌مند می‌شوی، بر شکرگزاری بیافزای، و از شتاب بیجا دست بردار، و به رزقی که به تو رسیده قناعت کن.

﴿۹۴۵﴾ پس ای کسی که از این گفتار یا از نعمت‌های پروردگارم بهره‌مند می‌شوی، بر شکرگزاری بیافزای.

﴿۹۴۶﴾ خدایا، از فضل گسترده‌ات ما را روزی پاک و حلال روزی کن، و ما را محتاج و نیازمند و کسی غیر از خودت قرار مده، و بر شکرگزاری ما به درگاهت بیافزا.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

٢-١-٧-٣-١- طلبُ الزَّيَادَةِ فِي الشُّكْرِ

﴿٩٤٧﴾ الرُّسُولُ ﷺ: أَلْهَمْنَا زِيَادَةَ الشُّكْرِ وَ الثَّنَاءِ وَ تَفَضَّلْ عَلَيْنَا بِإِنْجَازِ وَعْدِكَ لِمَنْ شَكَرَكَ مِنْ زِيَادَةِ النِّعَمَاءِ وَ بُلُوغِ الرَّجَاءِ؛ الأمان ص: ١٤٩

٣-١-٧-٣-١- الأمرُ بِطَلْبِ الزَّيَادَةِ فِي الشُّكْرِ

﴿٩٤٨﴾ الصَّادِقُ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَصَّ رَسُولَهُ ﷺ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَامْتَحِنُوا أَنْفُسَكُمْ فَإِنْ كَانَتْ فِيكُمْ فَاحْمَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ ارْغَبُوا إِلَيْهِ فِي الزَّيَادَةِ مِنْهَا فَذَكَرَهَا عَشْرَةَ أَلْفَيْنِ وَ الْقَنَاعَةِ وَ الصَّبْرِ وَ الشُّكْرِ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٣ ص: ٥٥٤

﴿٩٤٩﴾ الصَّادِقُ ﷺ: فَيَحِقُّ عَلَى مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِمَعْرِفَتِهِ وَ هَدَاهُ لِدِينِهِ وَ وَقَّعَهُ لِتَأْمُلِ التَّنْذِيرِ فِي صُنْعَةِ الْخَلَائِقِ وَ الْوُقُوفِ عَلَى مَا خُلِقُوا لَهُ مِنْ لَطِيفِ التَّنْذِيرِ وَ صَوَابِ التَّعْبِيرِ بِالِدَّلَالَةِ الْقَائِمَةِ الدَّالَّةِ عَلَى صَانِعِهَا أَنْ يُكْثِرَ حَمْدَ اللَّهِ مَوْلَاهُ عَلَى ذَلِكَ وَ يَرْغَبَ إِلَيْهِ فِي الثَّبَاتِ عَلَيْهِ وَ الزَّيَادَةِ مِنْهُ فَإِنَّهُ جَلَّ أَسْمُهُ يَقُولُ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ؛ بحار الأنوار ج: ٣ ص: ٥٩

٤-١-٧-٣-١- لَيْسَ مِنْهُ مَنْ لَمْ يَزِدَّادُ فِي الشُّكْرِ

﴿٩٥٠﴾ الرِّضَا ﷺ: لَيْسَ مِنْهُ مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ فَإِنْ عَمِلَ حَسَنًا أَزْدَادَ اللَّهُ شُكْرًا وَ إِنْ عَمِلَ سَيِّئًا اسْتَعْفَرَ اللَّهُ وَ تَابَ إِلَيْهِ؛ مشكاة الأنوار ص: ٢٤٧

٥-١-٧-٣-١- ثَمَرَةُ زِيَادَةِ الشُّكْرِ

﴿٩٥١﴾ زِيَادَةُ الشُّكْرِ وَ صِلَةُ الرَّحِمِ تَزِيدَانِ النِّعَمَ وَ تَفْسَحَانِ فِي الْأَجَلِ؛ غرر الحكم ص: ٤٠٦

٤-١-٧-١- الإِطَالَةُ

﴿٩٥٢﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: إِذَا قَصُرَتْ يَدُكَ عَلَى الْمُكَافَاةِ فَاطْلُ لِسَانَكَ بِالشُّكْرِ؛

مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٥٦

٥-١-٧-١- الدَّوَامُ وَ الثَّبَاتُ

١-١-٧-٥-١- الدَّوَامُ

١-١-٧-٥-١- طَلْبُ الدَّوَامِ

﴿٩٥٣﴾ وَ ارْزُقْنَا اللَّهُمَّ دِينًا قِيمًا وَ شُكْرًا دَائِمًا؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ١٨٧ ص: دعاء ليوم الثلاثاء

﴿٩٥٤﴾ الصَّادِقُ ﷺ: فَيَحِقُّ عَلَى مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِمَعْرِفَتِهِ وَ هَدَاهُ لِدِينِهِ وَ وَقَّعَهُ لِتَأْمُلِ التَّنْذِيرِ فِي صُنْعَةِ الْخَلَائِقِ وَ الْوُقُوفِ عَلَى مَا خُلِقُوا لَهُ مِنْ لَطِيفِ التَّنْذِيرِ وَ صَوَابِ التَّعْبِيرِ بِالِدَّلَالَةِ الْقَائِمَةِ الدَّالَّةِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۲-۳-۷-۱-۱-درخواست زیاد شکر کردن

﴿۹۴۷﴾ خداوندا، سپاسگزاری و ثناگویی بیشتر را به ما الهام فرما و با وفا کردن به وعده‌هایی که به سپاسگزارانت داده‌ای، مانند دادن نعمت بیشتر و رساندن به آرزوها، در حق ما بزرگواری فرما.

۳-۳-۷-۱-۱-امر بسیار بر زیاد شکر کردن

﴿۹۴۸﴾ همانا خداوند پیامبرش را به مکارم اخلاق اختصاص داد، پس خودتان را بیازمایید، اگر آن‌ها در شما باشد خدا را سپاس گوئید و از او بخواهید در شما افزون کند، پس ده تا از آن‌ها را بیان کرد: یقین و قناعت و صبر و شکر...

﴿۹۴۹﴾ پس بر کسی که خداوند معرفت خود را به او تنضّل کرده و او را به دین خود هدایت کرده و به او توفیق داده باشد لازم است که در مدیریتی که در خلقت خلاق به کار رفته تأمل کند و دریابد که برای چه آفریده شد و با براهینی که بر صانع ایشان دلالت می‌کند بداند که تدبیر پروردگارش لطیف و تعابیر او درست و بجاست و خدا و مولای خود را بر این نعمت بزرگ بسیار حمد کند و به درگاه خدا زاری کند که او را بر این موهبت عظیم ثابت بدارد، و هدایت او را بیافزاید زیرا که حق تعالی می‌فرماید: "اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهیم افزود و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است."

۴-۳-۷-۱-۱-کسی که زیاد شکر نکند از ما نیست

﴿۹۵۰﴾ از ما نیست کسی که هر روز از خودش حساب نکشد پس اگر کار نیکویی کرده است بر شکر و سپاس خویش از خداوند بیافزاید و اگر گناهی مرتکب شده است از خدا آمرزش طلبد و توبه نماید.

۵-۳-۷-۱-۱-ثمره‌ی زیاد شکرگزاردن

﴿۹۵۱﴾ بسیار سپاسگزاری نمودن و شکرانه‌ی نعمات الهی را به جای آوردن به همراه صله رحم موجب افزایش نعمت‌ها هستند و طول عمر را افزایش می‌دهند.

۴-۳-۷-۱-۱-به درازا کشیدن

﴿۹۵۲﴾ هنگامی که دستت از پاسخ دادن به محبت‌های دیگران کوتاه است، حداقل زبان خود را برای تشکر از او حرکت بده.

۵-۳-۷-۱-۱-پایداری و ثبات

۱-۵-۷-۱-۱-تداوم

۱-۱-۵-۷-۱-۱-طلب استمرار

﴿۹۵۳﴾ پروردگارا، دینی پایدار و شکری دائم روزی‌مان کن.

﴿۹۵۴﴾ پس بر کسی که خداوند معرفت خود را به او تنضّل کرده و او را به دین خود هدایت کرده و به او توفیق داده باشد لازم است که در مدیریتی که در خلقت خلاق به کار رفته تأمل کند و دریابد که برای چه آفریده شد و با براهینی که بر صانع ایشان دلالت می‌کند بداند که تدبیر

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

عَلَى صَانِعِهَا أَنْ يُكْثِرَ حَمْدَ اللَّهِ مَوْلَاهُ عَلَى ذَلِكَ وَ يَرْغَبَ إِلَيْهِ فِي الثَّبَاتِ عَلَيْهِ وَ الزِّيَادَةِ مِنْهُ فَإِنَّهُ
جَلَّ اسْمُهُ يَقُولُ لَتَيْنِ شَكَرْتُمَ لَا زِيدَنَّكُمْ وَ لَتَيْنِ كَفَرْتُمَ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ؛ بحار الأنوار ج: ٣ ص: ٥٩
١-١-٧-٥-١-٢- لك الشُّكْرُ دائماً وأصبأ

﴿٩٥٥﴾ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَ مِنْكَ النِّعْمَاءُ وَ لَكَ الشُّكْرُ دائماً؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٣٤٦
﴿٩٥٦﴾ الحسين (عليه السلام): فَلكَ الْحَمْدُ دائماً وَ لَكَ الشُّكْرُ وأصبأ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٢٠
﴿٩٥٧﴾ الصادق (عليه السلام): الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا وَ وَفَّقَنَا لِعِبَادَتِهِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ
يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ وَ جَنَّبَنَا عِبَادَةَ الْأَوْثَانِ حَمداً سَرْمداً وَ شُكراً وأصبأ؛ بحار الأنوار ج: ٣
ص: ٢٢٤

﴿٩٥٨﴾ وَ ارْزُقْنَا اللَّهُمَّ... شُكراً دائماً وَ صَبراً جَميلاً؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ١٨٧
﴿٩٥٩﴾ شُكراً لَدَيْنَا عَلَى ذَلِكَ دائماً؛ بحار الأنوار ج: ٨٢ ص: ٢٧٠
﴿٩٦٠﴾ السَّجَاد (عليه السلام): لَهُ الشُّكْرُ الدَّائِمُ وَ الْأَمْرُ اللَّازِمُ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٥٣

١-١-٧-٥-١-٣- الأمرُ بالدَّوامِ
﴿٩٦١﴾ اِسْتَدِمِ الشُّكْرَ تَدُمُ عَلَيْكَ النِّعْمَةُ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٨
﴿٩٦٢﴾ الرسول (صلى الله عليه وآله): أَشْكُرُهُ دائماً عَلَى السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ الشَّدَّةِ وَ الرِّخَاءِ؛ التحصين لابن طائوس
ص: ٥٨٠

١-١-٧-٥-١-٤- إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ أَدْوَمُ النَّاسِ شُكْراً
﴿٩٦٣﴾ إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا كَثُرَ النَّاسِ لَهُ ذِكْراً وَ أَدْوَمُهُمْ لَهُ شُكْراً وَ أَعْظَمُهُمْ عَلَى بَلَاءِهِ صَبْراً؛
غرر الحكم ص: ١٨٨

١-١-٧-٥-١-٥- عَامِلُ الدَّوامِ
﴿٩٦٤﴾ بِفِعْلِ الْمَعْرُوفِ يُسْتَدَامُ الشُّكْرُ؛ غرر الحكم ص: ٣٨٥
﴿٩٦٥﴾ كَثْرَةُ الصَّنَائِعِ تَرْفَعُ الشَّرَفَ وَ يَسْتَدِيمُ الشُّكْرُ؛ غرر الحكم ص: ٣٨٦

١-١-٧-٥-١-٦- ثَمَرَةُ الدَّوامِ
﴿٩٦٦﴾ مَنْ أَدَامَ الشُّكْرَ اسْتَدَامَ الْبِرَّ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٧
﴿٩٦٧﴾ دَوَامُ الشُّكْرِ غُنْوَانُ دَرْكِ الزِّيَادَةِ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٩
١-١-٧-٥-٢- عَلَى كُلِّ حَالٍ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

پروردگارش لطیف و تعابیر او درست و بجاست و خدا و مولای خود را بر این نعمت بزرگ بسیار حمد کند و به درگاه خدا زاری کند که او را بر این موهبت عظیم ثابت بدارد، و هدایت او را بیافزاید زیرا که حق تعالی می فرماید: "اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهیم افزود و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است."

۱-۵-۷-۱-۱-۱-۲ شکر دائمی و همیشگی از آن توست

﴿۹۵۵﴾ پروردگارا، ستایش مخصوص توست و نعمت‌ها از جانب توست و شکر دائمی و بی‌پایان مخصوص توست.

﴿۹۵۶﴾ ستایش دائم مخصوص توست و شکر همیشه سزاوارتوست.

﴿۹۵۷﴾ ستایش مخصوص خدایی است که بر ما منت نهاد و ما را برای پرستیدنش توفیق داد، یکتا و یگانه و بی‌نیازی که همه‌ی نیازمندان قصد او می‌کنند او که نژاد و زاده نشد و برای او هیچگاه شبیه و مانندی نبوده است و ما را از پرستش بتان دور گردانید؛ حمدی همیشگی و شکری دائمی.

﴿۹۵۸﴾ خدایا شکری دائمی و صبری زیبا روزی‌ام کن.

﴿۹۵۹﴾ شکر می‌گزاریم بر آنچه که نزد ماست (از لطف و مهرورزی تو) به صورت مداوم و دائمی.

﴿۹۶۰﴾ شکر دائم و حکم لازم از آن اوست.

۱-۵-۷-۱-۱-۱-۳ امر و فرمان به استمرار شکر

﴿۹۶۱﴾ به شکر خود تداوم ببخش تا آمدن نعمت نیز تداوم داشته باشد.

﴿۹۶۲﴾ دائما شکرگزار او هستیم، چه در دوران آسانی و برخورداری از نعمت و چه در دوره‌ی شدت و سختی.

۱-۵-۷-۱-۱-۱-۴ اولیای خدا پایدارترین مردم در شکرگزاری‌اند

﴿۹۶۳﴾ به درستی که دوستان خدا ذکر و یادشان از خداوند بیشترین، شکرشان پردوام‌ترین و صبرشان بر بلا بزرگ‌ترین است.

۱-۵-۷-۱-۱-۱-۵ عامل استمرار

﴿۹۶۴﴾ انجام دادن کارهای خوب زمینه‌ی تداوم شکرگزاری را فراهم می‌کند.

﴿۹۶۵﴾ احسان زیاد شرافت را بالا می‌برد و شکر را دوام می‌بخشد.

۱-۵-۷-۱-۱-۱-۶ ثمره‌ی استمرار

﴿۹۶۶﴾ هر که بر شکر تداوم داشته باشد خدا بر ارسال نیکی به او تداوم خواهد داشت.

﴿۹۶۷﴾ دایم بودن شکرگزاری به عنوان دریافت زیادتی است.

۱-۵-۷-۱-۱-۲ در هر حال

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٩٦٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّهُ لَا تَخْلُو مِنْ نِعْمَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عِنْدَكَ وَ عَافِيَتِهِ فَلَا تَخْلُ مِنْ تَحْمِيدِهِ وَ تَمْجِيدِهِ وَ تَسْبِيحِهِ وَ تَقْدِيسِهِ وَ شُكْرِهِ وَ ذِكْرِهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ؛ مستدرک الوسائل ج: ١ ص: ١٢١

﴿٩٦٩﴾ الرسول ﷺ: الَّذِي اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ خَلْقٍ أَنْ يَشْكُرَهُ وَ يَحْمَدَهُ عَلَى كُلِّ حَالٍ؛ التحصين لابن طائوس ص: ٥٨٠

﴿٩٧٠﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّمَا سُمِّيَ نُوحٌ عَبْدًا شُكُورًا لِأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ هَذَا عِنْدَ كُلِّ صَبَاحٍ وَ مَسَاءٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنَّهُ مَا أَمْسَى وَ أَصْبَحَ بِي مِنْ عَافِيَةٍ أَوْ نِعْمَةٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَمِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَ الشُّكْرُ عَلَى كُلِّ حَالٍ؛ فلاح السائل ص: ٢٢٣

﴿٩٧١﴾ الصادق عليه السلام: أَرْزُقْنِي شُكْرَكَ وَ ذِكْرَكَ فِي كُلِّ حَالٍ أَبَدًا؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ١٦٠
﴿٩٧٢﴾ الرسول ﷺ: الَّذِي اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ خَلْقٍ أَنْ يَشْكُرَهُ وَ يَحْمَدَهُ عَلَى كُلِّ حَالٍ؛ التحصين لابن طائوس ص: ٥٨٠

﴿٩٧٣﴾ سِرَّنَا بِعَوْنِ اللَّهِ جَارَاتِي وَ أَشْكُرْنَاهُ فِي كُلِّ حَالَاتٍ

بحار الأنوار ج: ٤٣ ص: ١١٥
﴿٩٧٤﴾ الرسول ﷺ: طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ وَ هُوَ عِلْمُ الْإِنْفُسِ فَيَجِبُ أَنْ يَكُونَ نَفْسُ الْمُؤْمِنِ عَلَى كُلِّ حَالٍ فِي شُكْرِ أَوْ عُذْرِ عَلَى مَعْنَى إِنْ قَبِلَ فَفَضْلٌ وَ إِنْ رُدَّ فَقَعْدَلٌ؛ بحار الأنوار ج: ٦٧ ص: ٦٨

﴿٩٧٥﴾ موسى بن عمران عليه السلام: يَا رَبِّ لَا مَرَضٌ يُضِنِّي وَ لَا صِحَّةٌ تُنْسِينِي وَ لَكِنْ بَيْنَ ذَلِكَ أَمْرٌ تَارَةً فَاشْكُرْكَ وَ أَصْبَحُ تَارَةً فَاشْكُرْكَ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ٤٢

﴿٩٧٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَا كَمِيلُ إِنَّهُ لَا تَخْلُو مِنْ نِعْمَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عِنْدَكَ وَ عَافِيَتِهِ فَلَا تَخْلُ مِنْ تَحْمِيدِهِ وَ تَمْجِيدِهِ وَ تَسْبِيحِهِ وَ تَقْدِيسِهِ وَ شُكْرِهِ وَ ذِكْرِهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ؛ مستدرک الوسائل ج: ١ ص: ١٢١

١-٧-٥-٣- لِسَانُ الْحَالِ

﴿٩٧٧﴾ الرسول ﷺ: وَ اجْعَلْ مِنْ لِسَانِ حَالِنَا مِنْ يَحْمَدُكَ إِنْ غَفَلْنَا وَ يَشْكُرُكَ إِنْ جَهِلْنَا وَ يُثْنِي عَلَيْكَ إِنْ أَهْمَلْنَا؛ الأمان ص: ١٤٦

١-٧-٥-٤- فِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا، عَلَى كُرُورِ اللَّيَالِي وَ الْأَيَّامِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۹۶۸﴾ ای کمیل! همانا تو از نعمت‌های خدای عزیز و جلیل بی‌بهره نیستی، بنابر این در تمام حالات از ستایش و ثناء، تسبیح و تقدیس، سپاسگزاری و یادآوری غافل مباش.

﴿۹۶۹﴾ اوست که شایسته است همه‌ی خلق فقط او را سپاسگزار باشند و در هر حال او را ستایش کنند.

﴿۹۷۰﴾ حضرت نوح علیه السلام از آن جهت بنده‌ی بسیار سپاسگزار نامیده شد، که پیوسته در هر صبح و شام می‌فرمود: "خدایا، تو را گواه می‌گیرم که روز و شب را با هیچ عافیت یا نعمتی دینی و دنیوی آغاز نکردم مگر اینکه همه آنها از ناحیه‌ی توست و شریکی برای تو وجود ندارد، ستایش و سپاسگزاری در هر حالتی مخصوص توست.

﴿۹۷۱﴾ خداوند، شکر و سپاست را و در تمامی حالات و برای همیشه یاد خودت را روزی‌ام کن.

﴿۹۷۲﴾ اوست که شایسته است همه‌ی خلق فقط او را سپاسگزار باشند و در هر حال او را ستایش کنند.

﴿۹۷۳﴾ ای هووهای من! به یاری خدا با من همراه شوید و خدا را در هر حال سپاس گوید.

﴿۹۷۴﴾ طلب علم بر هر زن مسلمان و مرد مسلمان واجب می‌باشد و آن علم نفس می‌باشد، لازم است نفس مؤمن در هر حال یا شاکر باشد یا عذرخواه، به این معنی که اگر مورد قبول قرار گرفت برای آن فضیلتی هم داشته باشد و اگر رد شد در آن باره با او به عدالت رفتار شود.

﴿۹۷۵﴾ پروردگارا، دوست ندارم مرضی را که به واسطه‌ی ناتوانی ناشی از آن به عبادت بی‌میل شوم و آن تندرستی را که خدا را از یاد من ببرد نیز دوست نمی‌دارم، ولی دوست دارم که بین این دو باشم؛ گاهی مریض و گاهی تندرست یک مرتبه مریض شوم که به یاد تو باشم و تندرست باشم تا تو را سپاس بگزارم.

﴿۹۷۶﴾ ای کمیل، تو از نعمت‌های خدای عزیز و جلیل بی‌بهره نیستی، پس در هر حال از ستایش و ثناء، تسبیح و تقدیس، سپاسگزاری و یادآوری غافل مباش.

۳-۵-۱-۱- زبان حال

﴿۹۷۷﴾ خدایا، زبان حالمان را چنین قرار ده که اگر غفلت ورزیدیم، تو را ستایش کند، و اگر نافرمانی کردیم، تو را سپاس گزارد و اگر سهل‌انگاری کردیم، تو را ثنا گوید.

۴-۵-۱-۱- در تمام روزهای ماه، در رفت‌وآمد پی‌درپی شب‌ها و روزها

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٩٧٨﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَوَقِّفْنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَلَيْتِنَا هَذِهِ وَفِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا لِسَعْمَالِ الْخَيْرِ، وَهَجْرَانَ الشَّرِّ، وَشُكْرَ النِّعَمِ؛ الصحيفة السجادية (عليه السلام) ص: ٤٨

﴿٩٧٩﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): فَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ نِعْمَاتِكَ عَلَى الْإِنَامِ وَلَكَ الشُّكْرُ عَلَى كُرُورِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ١٤٦

٥-٥-٧-١-١- في كُلِّ سَاعَةٍ

﴿٩٨٠﴾ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِهِ حَظًّا مِنْ عِبَادَتِكَ، وَ نَصِيبًا مِنْ شُكْرِكَ وَ شَاهِدَ صِدْقٍ مِنْ مَلَائِكَتِكَ؛ الصحيفة السَّجَّادِيَّةُ الطَّلَبَةُ ص: ٤٨

﴿٩٨١﴾ السَّجَّادُ الطَّلَبُ: لَا يَشْعَلْنِي شَيْءٌ عَنْ شُكْرِهِ وَ ذِكْرِهِ فِي لَيْلٍ وَ لَا نَهَارٍ وَ لَا سِرٍّ وَ لَا عَلَانِيَةٍ؛ مستدرک الوسائل ج: ١ ص: ١٢٥

٥-٦-٧-١-١- في كُلِّ نَفْسٍ

﴿٩٨٢﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: فِي كُلِّ نَفْسٍ مِنْ أَنْفَاسِكَ شُكْرٌ لَزِمَ لَكَ بَلْ أَلْفٌ وَ أَكْثَرُ؛ بحار الأنوار ج: ٤٨ ص: ٥٢

٧-٥-٧-١-١-عند كُلِّ نعمة

﴿٩٨٣﴾ الرَّسُولُ ﷺ: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الشُّكْرَ عِنْدَ كُلِّ نِعْمَةٍ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٢٨٦

﴿٩٨٤﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْضِرْنَا ذِكْرَكَ عِنْدَ كُلِّ غَفْلَةٍ وَشُكْرَكَ عِنْدَ كُلِّ نِعْمَةٍ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ١٥٩

﴿٩٨٥﴾ السَّجَادَ الْمُبَشِّرَ: اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمَائِكَ كُلِّهَا وَ لَكَ الشُّكْرُ عَلَى مَنِّكَ كُلِّهَا؛
بحار الأنوار ج: ٩٨ ص: ١٩٧

﴿٩٨٦﴾ اللَّهُمَّ وَ لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ بِجَمِيعِ مَحَامِدِكَ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نِعَمَائِكَ كُلِّهَا حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا تُحِبُّ رَبَّنَا؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٢٧١ ص: زُرُّ

﴿٩٨٧﴾ حَتَّى أَكُونَ لَكَ فِي جَمِيعِ مَا أَمَرَنِي بِهِ تَابِعًا وَ لَكَ سَامِعًا مُطِيعًا وَ عَن كُلِّ مَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ مُتَنِيًّا وَ بِكُلِّ مَا قَضَيْتَ عَلَيَّ رَاضِيًّا وَ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ لَكَ شَاكِرًا؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٣٧ ص:

٨-٥-٧-١-١-أندأ

﴿٩٨٨﴾ الصادق عليه السلام: لَا تَعْتَزَّ بِنِعْمَتِهِ وَاشْكُرْهُ أَبَدًا؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٢٠٠

﴿٩٨٩﴾ مَنْ عَلَى أَبَدًا مَا أَقْبَيْتَنِي بِذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٧٠

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۹۷۸﴾ خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست، و ما را در این روزو این شب و همه‌ی روزهایمان برای انجام نیکی و دوری از بدی و سپاسگزاری از نعمت‌ها توفیق عطا فرما.
﴿۹۷۹﴾ پس ستایش سزاوار توست به عدد نعمت‌هایی که به خلق خود عطا کرده‌ای و در گذر آمدورفت شب‌ها و روزها شکر شایسته‌ی توست.

۵-۷-۱-۱-در هر لحظه

﴿۹۸۰﴾ خداوندا در هر ساعتی از ساعات این روز بهره‌ای از عبادتت، و نصیبی از سپاسگزاری‌ات، و گواه صادقی از فرشتگانت برای ما قرار ده
﴿۹۸۱﴾ از کوشش در شکرگزاری فروگذار نخواهم کرد تا او ببیند که پیوسته در ستایش اویم؛ در شب و روز، آشکارا و پنهان.

۶-۵-۷-۱-۱-در هر نفس

﴿۹۸۲﴾ در هر نفسی از نفس‌هایت لازم است شکرگزاری کنی بلکه هزار بار و بیشتر.

۷-۵-۷-۱-۱-در هر نعمت

﴿۹۸۳﴾ خدایا، همراه هر نعمتی شکر روزی‌ام کن.
﴿۹۸۴﴾ خداوندا، درود فرست بر محمد و خاندانش ﷺ و در کنار هر غفلت، یاد خود را و در کنار هر نعمت شکر خود را برای ما حاضر و به ما الهام کن.
﴿۹۸۵﴾ پروردگارا، ستایش مخصوص توست به واسطه‌ی تمامی نعمت‌هایت (که عطا فرمودی) و شکر مخصوص توست بر همه‌ی آنچه به من منت نهادی.
﴿۹۸۶﴾ خدایا، و حمد برای توست و شکر برای توست، تمامی حمد برای همه‌ی نعمت‌هایت تا اینکه حمد منتهی شود به آنچه که تو دوست می‌داری.
﴿۹۸۷﴾ تا در هر آنچه که مرا بدان امر نموده‌ای تابع تو باشم و فرمان تو را گوش کنم و مطیع باشم و از هر چه که مرا از آن نهی نموده‌ای دست بردارم به هر حکمی که بر من کرده‌ای راضی باشم و بر تمام نعمت‌ها شاکر تو باشم.

۸-۵-۷-۱-۱-همیشه

﴿۹۸۸﴾ مبدا فریب فراوانی نعمت را بخوری، پیوسته شکرگزارش باش.

﴿۹۸۹﴾ تا زنده‌ام مرا از یاد و شکر خود بهره‌مند کن.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٩٩٠﴾ الباقِرُ الرَّحْمٰنُ: وَ ارْزُقْنِي شُكْرَكَ وَ عَافِيَتَكَ وَ فَضْلَكَ وَ كَرَامَتَكَ اَبَدًا مَا اَبْقَيْتَنِي؛

بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٧٤

﴿٩٩١﴾ الصَّادِقُ الطَّيِّبُ: يَا إِلَهِي وَ تَرَزَّقْنِي الشُّكْرَ عَلَى مَا أُبْلَيْتَنِي وَ تَجْعَلْ ذَلِكَ تَامًا أَبَدًا مَا

أَبْقَيْتَنِي حَتَّى تَصِلَ ذَلِكَ بِنَعِيمِ الْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٤٠

﴿٩٩٢﴾ الباقِرُ الرَّحْمٰنُ: يَا مُحِبِّيَّ اَحْيِي حَيَاةَ طَيِّبَةٍ بِجُودِكَ وَ اَلْهَمْنِي شُكْرَكَ وَ ذِكْرَكَ اَبَدًا مَا

أَبْقَيْتَنِي؛ إقبال الأعمال ص: ٥٢١

﴿٩٩٣﴾ الصَّادِقُ (السَّيِّدُ): تَقُولُ فِي دُبُرِ الْفَجْرِ وَ دُبُرِ الْمَغْرِبِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ

مُحَمَّدٌ عَلَيْكَ صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلِ النُّورَ فِي بَصَرِي وَالبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَاليَقِينَ

فِي قَلْبِي وَ الْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَ السَّلَامَةَ فِي نَفْسِي وَ السَّعَةَ فِي رِزْقِي وَ الشُّكْرَ لَكَ أَبَدًا مَا

أَبْقَيْتَنِي؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٤٩

﴿٩٩٤﴾ الرسول ﷺ: الدُّعَاءُ عِنْدَ الْكُحْلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصَرِي وَالبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَاليَقِينَ فِي قَلْبِي وَ

الإِخْلَاصَ فِي عَمَلِيَّ وَ السَّلَامَةَ فِي نَفْسِي وَ السَّعَةَ فِي رِزْقِي وَ الشُّكْرَ لَكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي؛

بحار الأنوار ج: ٧٣ ص: ٩٦

﴿٩٩٥﴾ الصَّادِقُ الْعَلِيُّ: يَا إِلَهِي وَ تَرْزُقِي الشُّكْرَ عَلَى مَا أَبْلَيْتَنِي وَ تَجْعَلِ ذَلِكَ تَامًا أَبَدًا مَا

أَبْقَيْتَنِي حَتَّى تَصِلَ ذَلِكَ بِنَعِيمِ الْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٤٠

﴿٩٩٦﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): فَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا وَلَكَ الشُّكْرُ وَاصْبَا أَبَدًا؛ البلد الأمين ص: ٢٥٥

٩-٥-٧-١-١- سرمداً

﴿٩٩٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ الْعَظِيمُ وَالْمَنُّ الْقَدِيمُ وَالسُّلْطَانُ الشَّامِخُ وَالْحَوْلُ

الْوَاسِعِ وَالْقُدْرَةِ الْمُقْتَدِرَةِ وَالْحَمْدُ الْمُسْتَبَاحُ الَّذِي لَا يَنْفَدُ بِالشُّكْرِ سَرْمَدًا وَلَا يَنْقُضِي أَبَدًا إِذْ

جَعَلْتَنِي مِنْ أَفْضَلِ بَنِي آدَمَ وَجَعَلْتَنِي سَمِيعًا بَصِيرًا صَحِيحًا سَوِيًّا مُعَافًى لَمْ تَشْغَلْنِي بِنُقْصَانٍ فِي

بَدَنِي وَلَا بَافَةَ فِي جَوَارِحِي وَلَا عَاهَةَ فِي نَفْسِي وَلَا فِي عَقْلِي وَلَا لَمْ يَمْنَعَكَ كَرَامَتُكَ إِلَّايَ وَلَا

حُسْنُ صُنْعِكَ عِنْدِي وَ فَضْلُ نِعْمَاتِكَ عَلَيَّ إِذْ وَسَّعْتَ عَلَيَّ فِي الدُّنْيَا وَ فَضَّلْتَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِنْ

أَهْلَهَا تَفْضِيلًا وَجَعَلَنِي سَمِيعًا أَعَى مَا كَلَفْتَنِي بَصِيرًا أَرَى قُدْرَتَكَ فِيمَا ظَهَرَ لِي وَاسْتَرَعَيْنِي وَ

اَسْتَوْدِعُنِي قَلْبًا يَشْهَدُ لِعَظَمَتِكَ وَ لِسَانًا نَاطِقًا بِتَوْحِيدِكَ فَإِنِّي لِفَضْلِكَ عَلَى حَامِدٍ وَ لَتَوْفِيقِكَ

إِنِّي بِحَمْدِكَ شَاكِرٌ وَبِحَقِّكَ شَاهِدٌ وَإِلَيْكَ فِي مِلْمِي وَمَهْمِّي ضَارِعٌ؛ مهج الدعوات ص: ١٣١

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۹۹۰﴾ خدایا، شکر و عافیت و لطف و کرامت را همواره تا زمانی که زنده‌ام میداری، روزی فرما.

﴿۹۹۱﴾ خدایا، به من در برابر آزمایش‌هایی که از من به‌عمل می‌آوری شکر عطا کن و آن را کامل و همیشگی تا زمانی که مرا زنده می‌داری برقرار بدار، تا جایی که آن را به نعمت‌های آخرت پیوند دهی.

﴿۹۹۲﴾ ای زنده‌کننده، مرا به‌واسطه‌ی سخاوت زندگانی پاک عطاکن و شکر و ذکر را مادام که زنده‌ام به من الهام کن.

﴿۹۹۳﴾ پس از نماز صبح و پس از مغرب بگو: "خداوندا، به حق محمد و خاندانش بر تو، از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی، و در چشم نور، و در دینم بینش، و در قلبم یقین، و در عملم اخلاص، و در جانم سلامتی، و در روزی‌ام فراخی و گشایش قرار دهی، و تا زمانی که زنده‌ام می‌داری توفیق سپاسگزاری از خود را به من عطا فرمایی."

﴿۹۹۴﴾ دعا وقت سرمه کشیدن: "خداوندا، به حق محمد و خاندانش علیه السلام از تو درخواست می‌کنم که بر محمد و خاندانش درود فرستی، و در دیده‌ام نور، و در دینم بصیرت و در قلبم یقین، و در عملم اخلاص، و در نفسم سلامتی، و در روزی‌ام وسعت قرار دهی، و سپاسگزاری به درگاهت را تا زمانی که مرا زنده داشته‌ای ارزانی‌ام داری.

﴿۹۹۵﴾ خدایا، به من در برابر آزمایش‌هایی که از من به‌عمل می‌آوری شکر عطا کن و آن را کامل و همیشگی تا زمانی که مرا زنده می‌داری برقرار بدار، تا جایی که آن را به نعمت‌های آخرت پیوند دهی.

﴿۹۹۶﴾ ستایش دائماً از آن توست و شکر همیشه و تا ابد سزاوارتوست.

۹-۷-۱-۱- همیشه

﴿۹۹۷﴾ خداوندا، ستایش عظیم مخصوص توست، و نعمت دیرینه، و پادشاهی بلند، و کرامت گسترده، و نیروی ثابت و محکم، و سپاسگزاری بادوام و همیشگی که پایان نپذیرد، و هیچ‌گاه سپری نشود، به خاطر آنکه مرا از برترین فرزندان آدم قرار دادی، و شنوا و بینا و سالم و درست و تندرستم ساختی، مرا نه به نقصانی در بدن و نه به آفتی در اعضا و جوارح و نه به دردی در جان و عقل دچار نمودی، و بزرگواری و خوش‌رفتاری و فزون‌بخشی نعمت‌هایت بر من مانع از آن نشد که (بازهم) نعمت‌های دنیا بر من توسعه دهی، و مرا بر بسیاری از مردم دنیا، برتری دهی، و شنوایم سازی که آنچه را بدان مکلفم ساختی بشنوم، و بینایم کردی که قدرت را در آنچه که بر من آشکار گشته بینم، و مرا تحت سرپرستی خود گرفتی و قلبی در بدنم به ودیعت نهادی که به بزرگی‌ات گواهی دهد، و زبانی که بر یکتایی‌ات گویا باشد، پس من کرم و فضل تو را ستایش کنم، و توفیقی را که به من عنایت فرمودی تا به حمد و ستایش مشغول باشم سپاسگزارم و به حق تو گواهی می‌دهم، و در پیشامدهای سخت و مهمات کار خود به درگاه تو زاری می‌کنم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١٠-٥-٧-١- الشُّكْرُ الَّذِي لَا يَنْقُضِي أَبَدًا

﴿٩٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ الْعَظِيمُ وَالْمَنْ الْقَدِيمُ وَالسُّلْطَانُ الشَّامِخُ وَالْحَوْلُ الْوَاسِعُ وَالْقُدْرَةُ الْمُقَدَّرَةُ وَالْحَمْدُ الْمُسْتَبَاحُ الَّذِي لَا يَفْدُ بِالشُّكْرِ سَرْمَدًا وَلَا يَنْقُضِي أَبَدًا إِذْ جَعَلْتَنِي مِنْ أَفْضَلِ بَنِي آدَمَ وَجَعَلْتَنِي سَمِيعًا بَصِيرًا صَحِيحًا سَوِيًّا مُعَافًى لَمْ تَسْغَلْنِي بِنُقْصَانٍ فِي بَدَنِي وَلَا بَاقَةٍ فِي جَوَارِحِي وَلَا عَاهَةً فِي نَفْسِي وَلَا فِي عَقْلِي وَلَمْ يَمْنَعْكَ كَرَامَتُكَ إِيَّايَ وَحُسْنُ صُنْعِكَ عِنْدِي وَفَضْلُ نِعْمَاتِكَ عَلَيَّ إِذْ وَسَّعْتَ عَلَيَّ فِي الدُّنْيَا وَفَضَّلْتَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِنْ أَهْلِهَا تَفْضِيلًا وَجَعَلْتَنِي سَمِيعًا أَعْيَ مَا كَلَّمْتَنِي بَصِيرًا أَرَى قُدْرَتَكَ فِيمَا ظَهَرَ لِي وَاسْتُرْعَيْتَنِي وَاسْتَوْدَعْتَنِي قَلْبًا يَشْهَدُ لِعَظَمَتِكَ وَلِسَانًا نَاطِقًا بِتَوْحِيدِكَ فَإِنِّي لِفَضْلِكَ عَلَى حَامِدٍ وَلِتَوْفِيقِكَ إِيَّايَ بِحَمْدِكَ شَاكِرٌ وَبِحَقِّكَ شَاهِدٌ وَإِلَيْكَ فِي مِلْمَى وَمُهْمَى ضَارِعٌ؛ مهج الدعوات ص: ١٣١

۱۱-۵-۷-۱- الشُّكْرُ الَّذِي لَا يَخْلُ مِنْ قُلُوبِنَا

﴿٩٩﴾ يَا مَنْ دَعَا الْمُضْطَرُونَ فَاجَابَهُمْ وَ اتَّجَأَ إِلَيْهِ الْخَائِفُونَ فَامَنَهُمْ وَ عَبْدَهُ الطَّائِعُونَ فَشَكَرَهُمْ وَ شَكَرَهُ الْمُؤْمِنُونَ فَحَبَاهُمْ وَ اطَاعُوهُ فَعَصَمَهُمْ وَ سَأَلُوهُ فَأَعْطَاهُمْ وَ نَسُوا نِعْمَتَهُ فَلَمْ يُخَلْ شُكْرُهُ مِنْ قُلُوبِهِمْ وَ اٰمَنَّا عَلَيْهِمْ فَلَمْ يَجْعَلْ اسْمُهُ مَنَسِيًّا عِنْدَهُمْ؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٣٥٠

١٢-٥-٧-١- الشُّكْرُ الَّذِي لَا أَمَلُ مِنْهُ

﴿١٠٠﴾ الرضا عليه السلام: اللَّهُمَّ مَا غَيَّبْتَ عَنِّي مِنَ الْأُمُورِ فَلَا تُغَيِّبْنِي عَنْ حِفْظِكَ وَ مَا فَقَدْتُ فَلَا أَفْقُدْ عَوْنَكَ وَ مَا نَسِيتُ فَلَا أَنْسِ ذِكْرَكَ وَ مَا مَلَكَتْ فَمَا أَمَلْتُ شُكْرَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٢٨٣

١٣-٥-٧-١-الشُّكُّ الَّذِي لَا أَغْفُلُ عَنْهُ

﴿١٠٠﴾ الصادق عليه السلام: أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُدِيرُ ذِكْرَكَ وَلَا يَنْقُضُ عَهْدَكَ وَلَا يَغْفُلُ عَنْ شُكْرِكَ؛ إقبال الأعمال ص: ٦٨٧

١٤-٥-٧-١- الشُّكْرُ الَّذِي يَبْقَى وَلَا يَفْنَى

﴿١٠٠٢﴾ الرسول ﷺ: أَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَبْقَى وَلَا يَفْنَى وَلَكَ الشُّكْرُ شُكْرًا يَبْقَى وَلَا يَفْنَى؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٣٤

١٥-٥-٧-١- الشُّكْرُ الَّذِي يُتَابَعُ الشُّكْرُ

﴿١٠٠٣﴾ اَلرَّسُوْلُ ﷺ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ مِمَّنْ يُّكْثِرُ ذِكْرَكَ وَ يَتَابِعُ شُكْرَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٣

ص: ۱۱۳

١٦-٥-٧-١- الثَّباتُ عَلَى الشُّكْرِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۱۰-۵-۷-۱-۱- شکری که هرگز پایان نپذیرد

﴿۹۹۸﴾ خداوند، ستایش عظیم مخصوص توست، و نعمت دیرینه، و پادشاهی بلند، و کرامت گسترده، و نیروی ثابت و محکم، و سپاسگزاری بادوام و همیشگی که پایان نپذیرد، و هیچ‌گاه سپری نشود، به خاطر آنکه مرا از برترین فرزندان آدم قرار دادی، و شنوا و بینا و سالم و درست و تندرستم ساختی، مرا نه به نقصانی در بدن و نه به آفتی در اعضا و جوارح و نه به دردی در جان و عقل دچار نمودی، و بزرگواری و خوشرفتاری و فزون‌بخشی نعمت‌هایت بر من مانع از آن نشد که (بازهم) نعمت‌های دنیا بر من توسعه دهی، و مرا بر بسیاری از مردم دنیا، برتری دهی، و شنوایم سازی که آنچه را بدان مکلفم ساختی بشنوم، و بینایم کردی که قدرتت را در آنچه که بر من آشکار گشته ببینم، و مرا تحت سرپرستی خود گرفتی و قلبی در بدنم به ودیعت نهادی که به بزرگی‌ات گواهی دهد، و زبانی که بر یکتایی‌ات گویا باشد، پس من کرم و فضل تو را ستایش کنم، و توفیقی را که به من عنایت فرمودی تا به حمد و ستایش مشغول باشم سپاسگزارم و به حق تو گواهی می‌دهم، و در پیشامدهای سخت و مهمات کار خود به درگاه تو زاری می‌کنم.

۱۱-۵-۷-۱-۱- شکری که قلب‌های ما از آن خالی نشود

﴿۹۹۹﴾ ای کسی که بیچارگان او را صدا زدند و او پاسخشان داد و بیمناکان به او پناه بردند و او امانشان داد و فرمان‌برداران او را پرستیدند و او از آن‌ها سپاسگزاری کرد و مؤمنان او را شکر کردند و او به آن‌ها بخشید، او را اطاعت کردند و او آن‌ها را محافظت نمود و از او درخواست کردند و او به آن‌ها عطا کرد و نعمت‌هایش را فراموش کردند و او دل‌های آن‌ها را از شکرش بی‌بهره نمود و بر آن‌ها منت گذاشت و نامش را نزد آن‌ها به فراموشی نسپرد.

۱۲-۵-۷-۱-۱- شکری که خستگی و نومیدی در آن نباشد

﴿۱۰۰۰﴾ خدایا، هرچه به من نمی‌دهی، محافظتت را از من دریغ نکن و هرچه ندارم، مبادا یاری‌ات را از دست بدهم و هرچه فراموش می‌کنم چنان مکن که یاد تو را فراموش کنم و از هرچه خسته شوم پس چنان مکن که از شکر و سپاس تو خسته شوم.

۱۳-۵-۷-۱-۱- شکری که غفلتی با آن نباشد

﴿۱۰۰۱﴾ از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش علیهم‌السلام درود فرستی، و مرا از زمره‌ی کسانی قرار دهی که پیوسته به یاد تو هستند و پیمانت را نمی‌شکنند و از شکر تو غافل نمی‌شوند.

۱۴-۵-۷-۱-۱- شکری که باقی بماند و فنا نشود

﴿۱۰۰۲﴾ تو خدای بلندمرتبه، با عظمتی هستی که حمد و ستایش مخصوص توست، حمدی که همواره باقی و دائمی است و نابود نمی‌شود و شکر و سپاس مخصوص توست که همواره باقی است و از بین نمی‌رود.

۱۵-۵-۷-۱-۱- شکری که در پی آن شکر دیگری باشد

﴿۱۰۰۳﴾ خدایا، مرا از کسانی قرار ده که فراوان به یادت هستند و پیوسته شکر می‌کنند.

۱۶-۵-۷-۱-۱- دوام و استمرار در شکر

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٠٠﴾ الصادق عليه السلام: فَيَحِقُّ عَلَى مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِمَعْرِفَتِهِ وَهَذَا لِدِينِهِ وَوَقَّعَهُ لِتَأْمُلَ التَّدْبِيرَ فِي صُنْعَةِ الْخَلَائِقِ وَالْوُقُوفَ عَلَى مَا خَلَقُوا لَهُ مِنْ لَطِيفِ التَّدْبِيرِ وَصَوَابِ التَّعْبِيرِ بِالِدَّلَالَةِ الْقَائِمَةِ الدَّلَالَةِ عَلَى صَانِعِهَا أَنْ يُكْثَرَ حَمْدُ اللَّهِ مَوْلَاهُ عَلَى ذَلِكَ وَيَرْغَبَ إِلَيْهِ فِي الثَّبَاتِ عَلَيْهِ وَ الزِّيَادَةِ مِنْهُ فَإِنَّهُ جَلَّ اسْمُهُ يَقُولُ لَمَنْ شَكَرْتُمْ لَا زَيْدَتُكُمْ وَلَمَنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ؛ بحار الأنوار

ج: ۳ ص: ۵۹

١٧-٥-١-١-٧-١- حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَا

﴿١٠٥﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّمَا سُمِّيَ نُوحٌ عَبْدًا شَكُورًا لِأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ إِذَا أَصْبَحَ وَآمَسَى اللَّهُمَّ إِنَّهُ مَا أَصْبَحَ وَآمَسَى بِي مِنْ نِعْمَةٍ أَوْ عَافِيَةٍ مِنْ دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَمِنْكَ وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ بِهِ عَلَيَّ يَا رَبَّ حَتَّى تَرْضَى وَ بَعْدَ الرِّضَا يَقُولُهَا إِذَا أَصْبَحَ عَشْرًا وَإِذَا آمَسَى عَشْرًا (فَسُمِّيَ بِذَلِكَ عَبْدًا شَكُورًا)؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ٣٨٧

٦-٧-١-١- الاحاطة

﴿١٠٠﴾ الكاظم (عليه السلام): حَمْدًا يَعْلُو حَمْدَ كُلِّ حَامِدٍ وَ شُكْرًا يُحِيطُ بِشُكْرِ كُلِّ شَاكِرٍ؛
إقبال الأعمال ص: ١٦٣

إقبال الأعمال ص: ١٦٣

﴿١٠٠٧﴾ اللَّهُمَّ وَ لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ بِجَمِيعِ مَحَامِدِكَ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نِعْمَائِكَ كُلِّهَا حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا تُحِبُّ رَبَّنَا؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٢٧١

٢-١- حَوْلُ الشُّكْرِ

١-٢-١- مَنْ الَّذِي يَجِبُ شُكْرُهُ؟ (التَّوْحِيدُ فِي الشُّكْرِ)

١-٢-١-١- أَنْتَ لِلشُّكْرِ أَهْلٌ

﴿١٠٨﴾ اَحْمَدُكَ اللَّهُمَّ وَ اَنْتَ لِلْحَمْدِ اَهْلٌ وَ اَشْكُرُكَ وَ اَنْتَ لِلشُّكْرِ اَهْلٌ عَنْ حُسْنِ صَنِيعِكَ
إِلَى وَ سَوَابِغِ نِعَمِكَ عَلَى وَ جَزِيلِ عَطَائِكَ لَدَيَّ وَ عَلَى كُلِّ مَا فَضَّلْتَنِي بِهِ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ أَسْبَغْتَ
عَلَيَّ مِنْ نِعْمَتِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٢١

۲-۱-۲-۱- لَكَ الشُّكْرُ كُلُّهُ

﴿١٠٠٩﴾ الْبَاقِرُ الْبَاقِرُ: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ وَ لَكَ الشُّكْرُ كُلُّهُ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٧٦

۱-۲-۱-۳۔ لَا شَكَرْتُ عَلَى النَّعْمَاءِ أَحَدًا سِوَاكَ

﴿١٠١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا شَكْرَ تُ عَلَى النَّعْمَاءِ أَحَدًا سِوَاكَ؛ بحار الأنوار ج: ٤١ ص: ٥.

٤-١-٢-١ الشَّاكِرُ لَا يَحْمَدُ إِلَّا اللَّهَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۰۰۴﴾ پس بر کسی که خداوند معرفت خود را به او تنضّل کرده و او را به دین خود هدایت کرده و به او توفیق داده باشد لازم است که در مدیریتی که در خلقت خلایق به کار رفته تأمل کند و دریابد که برای چه آفریده شد و با براهینی که بر صانع ایشان دلالت می‌کند بداند که تدبیر پروردگارش لطیف و تعابیر او درست و بجاست و خدا و مولای خود را بر این نعمت بزرگ بسیار حمد کند و به درگاه خدا زاری کند که او را بر این موهبت عظیم ثابت بدارد، و هدایت او را بیافزاید زیرا که حق تعالی می‌فرماید: "اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهیم افزود و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است".

۱۷-۵-۱-۱ تا اینکه راضی شوی و حتی بعد از مقام رضا

﴿۱۰۰۵﴾ حضرت نوح علیه السلام از آن جهت بنده‌ی بسیار سپاسگزار نامیده شد، که پیوسته در هر صبح و شام می‌فرمود: "خدایا، تو را گواه می‌گیرم که روز و شبم را با هیچ عافیت یا نعمتی دینی و دنیوی آغاز نکردم مگر اینکه همه آنها از ناحیه‌ی توست و شریکی برای تو وجود ندارد، ستایش و سپاسگزاری مخصوص توست تا اینکه خشنود گردی، و حتی بعد از خوشنودی‌ات.

۶-۷-۱-۱- دربرگرفتن از همه‌ی جهات

﴿۱۰۰۶﴾ حمدی که برتر از حمد هر حمدکننده‌ای باشد و شکرى که شامل شکر هر شکرکننده‌ای بشود.

﴿۱۰۰۷﴾ خدایا، و حمد برای توست و شکر برای توست، تمامی حمد برای همه‌ی نعمت‌هایت تا اینکه حمد منتهی شود به آنچه که تو دوست می‌داری.

۲-۱- پیرامون شکر

۱-۲-۱- سپاس چه کسی واجب است، یکتاپرستی در شکر

۱-۲-۱-۱- تو شایسته‌ی شکرى

﴿۱۰۰۸﴾ پروردگارا، تو را، حمد و سپاس می‌گویم در حالی که تو سزاوارستایشی و تو را شکر می‌کنم به سبب آنکه تو لایق شکرگزاری هستی؛ زیرا تو بهترین نعمت‌های خود را به من ارزانی داشتی و لطف و احسانت را در اختیار من قرار دادی و به خاطر همه‌ی فضائل و نیکی‌ها و برجسته‌ترین نعمت‌هایت که از رحمت خود بر من مرحمت نمودی.

۲-۲-۱-۲- تمام شکر از آن توست

﴿۱۰۰۹﴾ پروردگارا، تمامی ستایش و تمامی شکر مخصوص توست.

۳-۲-۱-۲- برای نعمت‌ها جز تو کسی را سپاس نمی‌گزارم

﴿۱۰۱۰﴾ نعمت‌های هیچ کسی را جز تو شکر نمی‌کنم (زیرا تنها تو شایسته‌ی سپاسگزاری هستی).

۴-۲-۱-۲- شکر گزار کسی را جز خدا ستایش نمی‌کند

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٠١١﴾ الرسول ﷺ: وَأَمَّا عَلَامَةُ الشَّاكِرِ فَأَرْبَعَةٌ الشُّكْرُ فِي النَّعْمَاءِ وَالصَّبْرُ فِي الْبَلَاءِ وَالْقَنُوعُ بِقَسَمِ اللَّهِ وَلَا يَحْمَدُ وَلَا يُعْظِمُ إِلَّا اللَّهَ؛ بحار الأنوار ج: ١ ص: ١١٩

١-٢-١-٥- أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَجْعَلَ شَيْئًا مِنْ شُكْرِي لِغَيْرِكَ

﴿١٠١٢﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَجْعَلَ شَيْئًا مِنْ شُكْرِي فِيمَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ لِغَيْرِكَ أَطْلُبُ بِهِ رِضَا خَلْقِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٣٢٦

١-٢-١-٦- إِيَّاهُ أَشْكُرُ

﴿١٠١٣﴾ إِيَّاهُ أَشْكُرُ وَلَهُ أَعْبُدُ وَمِنْهُ أَرْجُو التَّمَامَ وَالْمَزِيدَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٥٥

١-٢-١-٧- الشُّكْرُ لِلَّهِ

﴿١٠١٤﴾ الصادق عليه السلام: تَفْسِيرُ الْحَمْدِ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ يَعْنِي الشُّكْرَ لِلَّهِ وَهُوَ أَمْرٌ وَلَفْظُهُ خَبَرٌ وَالْأَمْرُ مُضْمَرٌ فِيهِ وَمَعْنَاهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٢ ص: ٥١

١-٢-١-٨- لِلَّهِ شُكْرًا لَا شَرِيكَ لَهُ

﴿١٠١٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَالْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا لَا شَرِيكَ لَهُ أَلْبِرُّ بِالْعَبْدِ وَالْبَاقِي بِلَا أَمَدٍ.

بحار الأنوار ج: ١٠ ص: ٣٨١

١-٢-١-٩- لَكَ الشُّكْرُ

﴿١٠١٦﴾ الباقر عليه السلام: إِنْ نُوحًا إِنَّمَا سُمِّيَ عَبْدًا شُكُورًا لِأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ إِذَا أَمْسَى وَاصْبَحَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنَّهُ مَا أَمْسَى وَاصْبَحَ بِي مِنْ نِعْمَةٍ أَوْ عَاقِبَةٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَمِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ بِهَا عَلَيَّ حَتَّى تَرْضَى إِلَهَنَا؛ وسائل الشيعة ج: ٧ ص: ٢٢٦

﴿١٠١٧﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٢٠٦

﴿١٠١٨﴾ يَا رَبِّ فَلَكَ أَسْلَمْتُ وَجْهِي فَلَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ عَلَى ذَلِكَ؛ إقبال الأعمال

ص: ١٤٩

﴿١٠١٩﴾ الباقر عليه السلام: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ بِجَمِيعِ مَحَامِدِكَ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نِعْمَاتِكَ كُلِّهَا حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٧٦

﴿١٠٢٠﴾ الدعاء عِنْدَ اسْتِهْلَالِ شَهْرِ صَفَرٍ: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَمِنْكَ النَّعْمَاءُ وَلَكَ الشُّكْرُ دَائِمًا؛

بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٣٤٦

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۰۱۱﴾ علامت شخص سپاسگزار چهار چیز است: شکر در نعمت، صبر در بلا، قناعت به قسمت، کسی را جز خدا نستاید و کسی را جز خدا تعظیم نکند.

۵-۱-۲- به تو پناه می‌برم از اینکه بخشی از شکرت را به دیگری اختصاص دهم

﴿۱۰۱۲﴾ خداوند، به تو پناه می‌برم از این که ذره‌ای از شکرگزاری‌ام در مقابل نعمتی را که به من عطا کردی، به دیگری متوجه کنم و با آن در پی جلب رضایت بندگان باشم دادی.

۶-۱-۲- فقط او را شکر می‌گزارم

﴿۱۰۱۳﴾ و برای اوست که پرستیده شود و بندگی در برابر او سزاوار است و تنها از اوست امید به تمام کردن (نعمت) و زیادت‌بخشیدن آن. فقط او را شکر می‌کنیم و او را می‌پرستیم و تکمیل شدن و اضافه شدن نعمت‌ها را از او امید داریم.

۷-۱-۲- شکر برای خداست

﴿۱۰۱۴﴾ شرح و تفسیر آیه‌ی شریفه "الحمد لله رب العالمین" یعنی شکر و سپاس تنها مخصوص خداوند است و آن دستور است و لفظش خبر است و امر در آن پوشیده است و معنای آن این است که: بگو: "الحمد لله رب العالمین".

۸-۱-۲- شکر مخصوص خداست، هیچ شریکی برایش نیست

﴿۱۰۱۵﴾ پس سپاس خدای را که یگانه است و دارای هیچ شریکی نیست نیکوکار بر بنده و پاینده‌ای بی‌پایان است.

۹-۱-۲- شکر فقط از آن توست

﴿۱۰۱۶﴾ به این جهت حضرت نوح علیه السلام را بنده‌ی بسیار شکرگزار نامیدند که هرگاه شب و صبح را آغاز می‌کرد به درگاه خداوند عزیز و جلیل عرض می‌کرد: "خدایا، تو را شاهد قرار می‌دهم که هر نعمت یا عافیتی در دین یا دنیا، شب یا روز به من می‌رسد فقط از ناحیه‌ی توست که شریکی نداری، و در مقابل این نعمت و عافیت که به من داده‌ای سپاس و شکرت را به‌جا می‌آورم تا از من راضی شوی و حتی بعد از آن نیز پروردگارا، باز تو را می‌ستایم و شکر می‌نمایم. ﴿۱۰۱۷﴾ خداوند، حمد و شکر مخصوص توست.

﴿۱۰۱۸﴾ پروردگارا، خود را تسلیم تو کردم و بر این امر حمد و شکر سزاوار توست.

﴿۱۰۱۹﴾ پروردگارا، تو سزاوار حمد و سپاس هستی به تمامی صفات پسندیده و ستوده‌شده و به خاطر تمامی نعمت‌هایت، تا آن زمان که این ستایش به آنچه که تو دوست داری و با آن راضی می‌شوی منجر شود.

﴿۱۰۲۰﴾ پروردگارا، ستایش مخصوص توست و نعمت‌ها از جانب توست و شکر دائمی و بی‌پایان مخصوص توست.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٠٢١﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ مَا أَصْبَحْتَ بِي مِنْ نِعْمَةٍ أَوْ عَافِيَةٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَمِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ بِهَا عَلَى يَا رَبِّ حَتَّى تَرْضَى وَ بَعْدَ الرِّضَا؛ وسائل الشيعة ج: ٧ ص: ٢٢٩

﴿١٠٢٢﴾ الحسين عليه السلام: فَلَكَ الْحَمْدُ وَ الشُّكْرُ؛ البلد الأمين ص: ٢٥٥

﴿١٠٢٣﴾ الصادق عليه السلام: فَلَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٨ ص: ٢٩٨

﴿١٠٢٤﴾ الصادق عليه السلام: فَلَكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهِي كَثِيرًا وَ لَكَ الشُّكْرُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ١٩٨

﴿١٠٢٥﴾ لَكَ التَّسْبِيحُ وَ التَّقْدِيسُ وَ التَّهْلِيلُ وَ الشُّكْرُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٣١
١٠-١-٢-١- الشُّكْرُ لَكَ

﴿١٠٢٦﴾ الرضا عليه السلام: الشُّكْرُ لَكَ فِيمَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ٣٨٢
١١-١-٢-١- مَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

﴿١٠٢٧﴾ الصادق عليه السلام: إِذَا أَصْبَحْتَ وَ أَمْسَيْتَ فَقُلْ عَشْرَ مَرَّاتٍ اللَّهُمَّ مَا أَصْبَحْتَ بِي مِنْ نِعْمَةٍ أَوْ عَافِيَةٍ مِنْ دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَمِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ بِهَا عَلَى يَا رَبِّ حَتَّى تَرْضَى وَ بَعْدَ الرِّضَا فَإِنَّكَ إِذَا قُلْتَ ذَلِكَ كُنْتَ قَدْ أَدَيْتَ شُكْرَ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ بِهِ عَلَيْكَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ وَ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٩

﴿١٠٢٨﴾ الباقر عليه السلام: إِذَا كَانَ أَمْسَى وَ أَصْبَحَ يَقُولُ أَمْسَيْتُ أَشْهَدُ أَنَّهُ مَا أَمْسَيْتُ بِهِ مِنْ نِعْمَةٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَإِنَّهَا مِنَ اللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْحَمْدُ بِهَا وَ الشُّكْرُ كَثِيرًا؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ٣٨٨

١٢-١-٢-١- الْعِلْمُ بِأَنَّ النِّعْمَةَ مِنَ اللَّهِ

﴿١٠٢٩﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: إِذَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً فَعَلِمَ أَنَّهَا مِنَ اللَّهِ فَقَدْ أَدَّى شُكْرَهَا مِنْ قَبْلِ أَنْ يَحْمَدَهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ٣١٤

﴿١٠٣٠﴾ الصادق عليه السلام: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَرَأَيْتَ هَذِهِ النِّعْمَةَ الظَّاهِرَةَ عَلَيْنَا مِنَ اللَّهِ أَلَيْسَ إِنَّ شُكْرَنَا عَلَيْهِ وَ حَمْدَنَا زَادَنَا كَمَا قَالَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ لَمَنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ فَقَالَ نَعَمْ مَنْ حَمِدَ اللَّهَ عَلَى نِعْمِهِ وَ شَكَرَهُ وَ عَلِمَ أَنَّ ذَلِكَ مِنْهُ لَا مِنْ غَيْرِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٥٣
١٣-١-٢-١- مَنْ أَشْكُرُ إِذَا كَفَرْتُكَ

﴿١٠٣١﴾ مَنْ أَشْكُرُ إِذَا كَفَرْتُكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٤ ص: ٣١٩

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۰۲۱﴾ خدایا، آن هنگام که صبح مرا آغاز می‌کنی هر نعمتی را که مربوط به دین و دنیایم باشد به من عطا می‌کنی (نیک می‌دانم که) همه از ناحیه‌ی تو می‌رسد، خداوند، تو یگانه هستی و شریکی نداری، سپاس و شکر مخصوص توست، خداوند، همواره تو را سپاس می‌گویم تا اینکه از من راضی شوی.

﴿۱۰۲۲﴾ سپاس و ستایش سزاوار توست.

﴿۱۰۲۳﴾ پس ستایش و شکر مخصوص توست.

﴿۱۰۲۴﴾ خدایا، ستایش فراوان و شکر سزاوار توست، ای پروردگار جهانیان.

﴿۱۰۲۵﴾ پاک و منزّه است خداوند و مقدّس است ذات با جلالتش و نیست خدایی جز الله و شکر تنها برای اوست.

۱۰-۱-۲-۱ شکر فقط از آن توست

﴿۱۰۲۶﴾ در نعمتهایی که به من ارزانی داشته‌ای، شکر از آن توست.

۱۱-۱-۲-۱ هر نعمتی از آن توست، یکتایی و شریکی برایت نیست

﴿۱۰۲۷﴾ صبحگاهان و شامگاهان ده مرتبه چنین بگو: پروردگارا، آنچه من در صبحگاه از صحت و سلامت و از نعمت‌های دینی و دنیوی در خود می‌بینم، فقط و فقط از جانب توست و نه از ناحیه‌ی غیر تو. و حمد و ستایش تو در برابر این نعمتها بر من لازم است تا راضی و خشنود شوی و حتی بعد از خشنودی‌ات اگر انسان این دعا را در هر روز ده بار بگوید شکر نعمتهایی که خداوند در آن روز و در آن شب به او عنایت فرموده به‌جای آورده است.

﴿۱۰۲۸﴾ در آغاز هر شب و روز چنین بگو: گواهی می‌دهم که از هر نعمتی برخوردار شده‌ام از طرف خدای تعالی است که شریکی ندارد و واحد است و حمد و سپاس و شکر بسیار از آن اوست.

۱۲-۱-۲-۱ می‌دانی که نعمت از جانب خداست

﴿۱۰۲۹﴾ هنگامی که خدای تعالی به بنده‌ای نعمتی عطا کند، پس اگر آن بنده بداند که این نعمت از جانب حق تعالی است، به تحقیق قبل از آنکه حمد و ثنای خدا را بگوید شکر آن نعمت را به جا آورده است.

﴿۱۰۳۰﴾ به حضرت صادق علیه السلام گفتیم: این نعمت ظاهری را که خدا عنایت فرموده ملاحظه می‌فرمایید؟ آیا چنین نیست که اگر ما شکر خدا را در برابر این نعمت انجام داده و حمد و سپاس او را به‌جا آوریم خداوند، همچنان که خود فرموده "لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ" نعمت را بر ما می‌افزاید؟ حضرت فرمود: آری، مطلب همین‌طور است، هر کس خداوند را در برابر نعمتش حمد و سپاس نماید و بداند که این نعمت و یا این توفیق فقط از اوست نه غیر او، خداوند نعمت را زیاد می‌کند.

۱۳-۱-۲-۱ اگر تو را سپاس نگویم که را سپاس گویم؟

﴿۱۰۳۱﴾ اگر تو را کفر کنم، که را شکر کنم؟

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١-٢-٢- لاَ يَشَى شَيْءٌ يَنْبَغِي أَنْ نَشْكُرَ اللَّهَ؟

١-٢-٢-٢-٠٠١- الأب

﴿١٠٣٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ أَمَّا حَقُّ أَبِيكَ فَإِنْ تَعَلَّمَ أَنَّهُ أَصْلُكَ فَإِنَّكَ لَوَلَّاهُ لَمْ تَكُنْ فَمَهْمَا رَأَيْتَ مِنْ نَفْسِكَ مَا يُعْجِبُكَ فَاعْلَمْ أَنَّ أَبَاكَ أَصْلُ النِّعْمَةِ عَلَيْكَ فِيهِ فَاحْمَدِ اللَّهَ وَ اشْكُرْهُ عَلَى قَدْرِ ذَلِكَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ؛ من لايحضره الفقيه ج: ٢ ص: ٦٢١

١-٢-٢-٢-٠٠٢- مَا آتَاهُ اللَّهُ

﴿١٠٣٣﴾ قَالَ يَا مُوسَى إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَاتِي وَ بَكَلَامِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَ كُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ الأعراف: الآية ١٤٤

﴿١٠٣٤﴾ الصادق عليه السلام: عَلَيْكَ يَا عَبْدَ اللَّهِ بِمَا دَلَّكَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ مِنْ صِفَتِهِ وَ تَقَدَّمَكَ فِيهِ الرَّسُولُ مِنْ مَعْرِفَتِهِ فَاتَّمَّ بِهِ وَ اسْتَضِىْ بُنُورَ هِدَايَتِهِ فَإِنَّمَا هِيَ نِعْمَةٌ وَ حِكْمَةٌ أُوتِيَتْهَا فَخُذْ مَا أُوتِيتَ وَ كُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٢٤٧

﴿١٠٣٥﴾ الصادق عليه السلام: فَمَا دَلَّكَ الْقُرْآنُ عَلَيْهِ مِنْ صِفَتِهِ فَاتَّبِعْهُ لِيُوصِلَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ مَعْرِفَتِهِ وَ اتَّمَّ بِهِ وَ اسْتَضِىْ بُنُورَ هِدَايَتِهِ فَإِنَّمَا نِعْمَةٌ وَ حِكْمَةٌ أُوتِيَتْهُمَا فَخُذْ مَا أُوتِيتَ وَ كُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٤ ص: ٢٧٦

﴿١٠٣٦﴾ الصادق عليه السلام: ارْزُقْنِي الْقُوَّةَ مَا أَتَيْتَنِي وَ الْإِصْلَاحَ مَا أَحْيَيْتَنِي وَ الْعُونَ عَلَى مَا حَمَلْتَنِي وَ الصَّبْرَ عَلَى مَا أَتَيْتَنِي وَ الشُّكْرَ فِيمَا آتَيْتَنِي؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ١٩١

﴿١٠٣٧﴾ الرسول عليه السلام: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي التَّقْوَى مَا أَتَيْتَنِي وَ الصَّلَاحَ مَا أَحْيَيْتَنِي وَ الصَّبْرَ عَلَى مَا أَتَيْتَنِي وَ الشُّكْرَ عَلَى مَا آتَيْتَنِي؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٣٠٤

﴿١٠٣٨﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ مَا آتَيْتَنِي مِنْ خَيْرٍ فَاتِنِي مَعَهُ شُكْرًا تُحْدِثُ بِهِ لِي ذِكْرًا وَ أَحْسِنُ لِي بِهِ ذِكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٢٣٩

﴿١٠٣٩﴾ لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُو الْآخِرَةَ بغيرِ عَمَلٍ وَ يَرْجَى التَّوْبَةَ بِطُولِ الْأَمَلِ يَقُولُ فِي الدُّنْيَا يَقُولُ الزَّاهِدِينَ وَ يَعْمَلُ فِيهَا بِعَمَلِ الرَّاعِينَ إِنْ أُعْطِيَ مِنْهَا لَمْ يَشْبَعْ وَ إِنْ مَنَعَ مِنْهَا لَمْ يَقْنَعْ يَعْجِزُ عَنْ شُكْرِ مَا أُوتِيَ وَ يَتَّبِعِي الزِّيَادَةَ فِيمَا بَقِيَ؛ نهج البلاغة ص: ٤٩٧

﴿١٠٤٠﴾ الصادق عليه السلام: يَا إِلَهِي وَ تَرَزَّقْنِي الشُّكْرَ عَلَى مَا تُؤْتِينِي؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٣١٠

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۱-۲-۲- چه چیز سزاوار است که شکرش را به جای آوریم؟

۱-۲-۲-۰۰۱ پدر

﴿۱۰۳۲﴾ حقّ پدّرت، آن است که بدانی او اصل وجود توست، که اگر نمی‌بود، تو هم نبود. پس هر نیکی در خودت دیدی که از آن شگفت‌زده شدی، بدان که پدّرت، در آن خیر اصل آن نعمت بر تو بوده است. پس خدا را به اندازه‌ی آن حمد و شکر کن. و نیرویی جز با تکیه بر خدا نیست.

۱-۲-۲-۰۰۲ آنچه خدا داده است

﴿۱۰۳۳﴾ خداوند فرمود: ای موسی من تو را به مقام پیام‌رسان خود و هم‌صحبتی با خویش، بر سایر مردم برگزیدم، پس آنچه که به تو دادم کاملاً فراگیر و از شکرگزاران باش.

﴿۱۰۳۴﴾ ای بنده‌ی خدا، ملاحظه کن که قرآن به چه صفاتی از خداوند تو را، راهنمایی کرده است و پیامبر خدا ﷺ چه چیزی از شناخت خدا را پیش روی تو گزارده است پس از آن پیروی کن و از نور هدایت آن روشنایی بگیر که آن همان نعمت و حکمت است که به تو داده شده است پس آنچه که به تو داده شده را بگیر و از شاکران باش.

﴿۱۰۳۵﴾ آنچه را که قرآن از توصیف خداوند ما را بدان راهنمایی نمود، پیروی کن تا بین تو و بین معرفت او پیوند برقرار کند و او را پیشوای خود قرار ده و از نور هدایتش روشنی بجوی که آن نعمت و حکمت است که به تو داده شده است پس آنچه را که به تو داده شد بگیر و از شاکران باش.

﴿۱۰۳۶﴾ پروردگارا، تا آن زمان که مرا زنده نگاه می‌داری به من توانایی و توفیق انجام کار شایسته روزی کن، بر انجام تکالیفم یاری ام و مرا بر بلاها به صبر و در نعمت‌ها به شکر موفق کن.

﴿۱۰۳۷﴾ خدایا، مادامی که مرا زنده می‌داری به من تقوی عطا کن و تا آن زمان که به من حیات می‌دهی نیکی؛ و صبر بر آنچه مرا به آن می‌آزمایی و شکر بر آنچه به من می‌دهی.

﴿۱۰۳۸﴾ خداوند، (به همراه) آنچه از خیر و نیکی به من عطا فرموده‌ای، شکری به من مرحمت فرما تا با شکر نعمت‌های بی‌پایان تو، ذکر و یاد تو همواره برای من ظهور و بروز یابد و به سبب آن (شکر و یاد) ذخیره‌ای را (برای حسن عاقبتم) برایم در نظر بگیر.

﴿۱۰۳۹﴾ از آنان مباش که بدون هیچ عمل خیری به آخرت طمع دارد، و به خاطر آرزوهای دراز توبه را به تأخیر می‌اندازد، در دنیا مانند پارسایان سخن می‌گوید، ولی پیوسته راه علاقمندان به این سرا را پوید، اگر همه‌ی دنیا را به وی دهند سیر نمی‌شود، و چون از چیزی بازش بدارند قناعت نمی‌کند، از سپاسگزاری آنچه به او داده شده فرو می‌ماند، ولی هنوز باقی‌مانده‌ی آن را درخواست می‌کند.

﴿۱۰۴۰﴾ خدایا، در برابر آنچه به من عطا کردی، شکر را روزی ام کن.

﴿۳۷۳﴾

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٠٤١﴾ بَلَغَ مِنْ خُدَعِ النَّاسِ أَنْ جَعَلُوا شُكْرَ الْمَوْتَى تِجَارَةً عِنْدَ الْأَحْيَاءِ وَ الثَّنَاءِ عَلَى الْغَائِبِ
اسْتِمَالَةً لِلشَّاهِدِ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٢٠ ص: ٣٢٣
١-٢-٢-٠٠٣-الأجل

﴿١٠٤٢﴾ أَشْكُرُ الَّذِي بَسَطَ رِزْقَهُ عَلَيَّكَ وَ أَجَلَكَ؛ المصباح للكفعمي ص: ٧٤٤
١-٢-٢-٠٠٤-مَا آدَى إِلَيْهِمْ

﴿١٠٤٣﴾ الرِّسُولُ ﷺ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي ابْتَدَأَ خَلْقَهُ بِنِعْمَتِهِ وَ أَسْنَعَ عَلَيْهِمْ ظِلَالَ رَحْمَتِهِ ثُمَّ فَرَضَ
عَلَيْهِمْ شُكْرَ مَا آدَى إِلَيْهِمْ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٥٣
١-٢-٢-٠٠٥-أداء الفريضة

﴿١٠٤٤﴾ الصَّادِقُ ﷺ: إِنَّمَا يَسْجُدُ الْمُصَلِّي سَجْدَةً بَعْدَ الْفَرِيضَةِ لِيَشْكُرَ اللَّهَ تَعَالَى ذِكْرُهُ فِيهَا عَلَى
مَا مَنَّ بِهِ عَلَيْهِ مِنْ آدَاءِ فَرِيضِهِ وَ أَذْنَى مَا يُجْزَى فِيهَا شُكْرًا لِلَّهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١
ص: ٣٣٣

١-٢-٢-٠٠٦-آذَى النَّاسِ
﴿١٠٤٥﴾ أَنَّ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ شَكَا إِلَيْهِ مَا يُلْقَوْنَ مِنَ النَّاسِ فَقَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَاذَا نَحْنُ
فِيهِ مِنْ آذَى النَّاسِ وَ مُطَالِبَتِهِمْ لَنَا وَ بُغْضِهِمْ إِيَّانَا وَ طَعْنِهِمْ عَلَيْنَا كَأَنَّا لَسْنَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْمُسْلِمِينَ
فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ أَوْ مَا تَحْمَدُونَ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ وَ تَشْكُرُونَهُ؛ دعائم الإسلام ج: ١ ص: ٤٧
١-٢-٢-٠٠٧-الأكل راجع: الطعام
١-٢-٢-٠٠٨-الآلاء

﴿١٠٤٦﴾ إِجْعَلْنِي لِآلَائِكَ شَاكِرًا وَ حَامِدًا؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٦٦
﴿١٠٤٧﴾ أَطْلُقُ أَلْسِنَتَنَا بِشُكْرِ آلَائِكَ وَ التَّحَدُّثِ بِنِعْمَائِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١١٢
﴿١٠٤٨﴾ الْمُجْتَبَى ﷺ: فَإِنَّهُ مَنْ عَلَيْنَا بِمَا هُوَ أَهْلُهُ أَنْ نَشْكُرَ فِيهِ آلَاءَهُ وَ بَلَاءَهُ وَ نَعْمَاءَهُ؛
بحار الأنوار ج: ٣٢ ص: ٤٠٣

﴿١٠٤٩﴾ السَّجَادُ ﷺ: إِلَهِي تَصَاغَرَ عِنْدَ تَعَاظُمِ آلَائِكَ شُكْرِي وَ تَضَاعَلَ فِي جَنْبِ إِكْرَامِكَ
إِيَّايَ تَنَائِي وَ نَشْرِي؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٤٦

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۰۴۱﴾ فریبکاری مردم به جایی رسیده که برای تجارت و جلب منافع مادی، نزد زندگان از مردگان شکرگزاری می کنند و برای جذب کردن حاضران مدح غایبان را می کنند.

۱-۲-۲-۰۰۳- پایان عمر

﴿۱۰۴۲﴾ سپاسگزار کسی باش که روزی اش را بر تو گسترده کرده و تو را زنده نگاه داشته است.

۱-۲-۲-۰۰۴- آنچه به او می دهد

﴿۱۰۴۳﴾ حمد و ستایش (مخصوص) خدای تعالی است، او رفتار با آفریدگانش را با دادن نعمت می آغازد و سایه های نعمتش را بر ایشان می گستراند؛ سپس شکر آنچه را به ایشان داده است بر آنها واجب کرد.

۱-۲-۲-۰۰۵- به جای آوردن واجب

﴿۱۰۴۴﴾ نمازگزار پس از انجام فریضه به سجده می رود تا سپاس خداوند متعال را بر نعمتی که به او عطا کرده و او را به انجام وظیفه موفق ساخته است به جا آورد، و کمترین ذکر که در آن باید گفته شود سه بار گفتن "شکراً لله" "همه ی شکر متعلق به خداست"، می باشد.

۱-۲-۲-۰۰۶- آزار مردم

﴿۱۰۴۵﴾ یکی از اصحاب امام علی (علیه السلام) از برخوردهای مردم به ایشان شکوه کرد و گفت: ای پسر پیامبر خدا، این چه وضعی است که ما داریم؟ مردم ما را اذیت می کنند و از ما چیزهایی می خواهند و فقط بر ما کینه می ورزند و دشمنی می کنند و بر ما طعنه می زنند گویا ما را مسلمان نمی دانند اباعبدالله (علیه السلام) به او فرمودند: آیا خدا را بر این امر حمد نمی کنی و او را شکر نمی نمایدی؟

۱-۲-۲-۰۰۷- خوردن ر.به: غذا

۱-۲-۲-۰۰۸- نعمت ها

﴿۱۰۴۶﴾ پروردگارا، مرا از زمره ی کسانی که برای تو شاکر و، سپاس گزار هستند قرار بده.

﴿۱۰۴۷﴾ زبانمان را بر شکر نعمت های و صحبت درباره آنها باز کن.

﴿۱۰۴۸﴾ پس او آن چنان که سزاوارش است بر ما منت گذارد که نعمت ها و آزمایش هایش را سپاس گزاریم.

﴿۱۰۴۹﴾ پروردگارا، شکر در برابر بزرگی نعمت های کوچک و مدح و ثنایم در مقابل بزرگواری تو حقیر است.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٠٥٠﴾ الكاظم عليه السلام: أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ لَا تَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَةِ أَوْلِيَائِكَ وَ الْإِلْمَامِ بِمَشَاهِدِ حُبِّكَ وَ أَصْفِيائِكَ وَ أَهْمِنِي بِهَا شُكْرَ آلَائِكَ؛ كامل الزيارات ص: ٤٦

﴿١٠٥١﴾ الصادق عليه السلام: رَأَى النَّبِيُّ عليه السلام فَاطِمَةَ وَ عَلَيْهَا كِسَاءٌ مِنْ أَجَلَّةِ الْإِبِلِ وَ هِيَ تَطْحَنُ بِيَدَيْهَا وَ تُرْضِعُ وَ لَدَهَا فَدَمَعَتْ عَيْنَا رَسُولِ اللَّهِ عليه السلام فَقَالَ يَا بِنْتَاهُ تَعْجَلِي مَرَارَةَ الدُّنْيَا بِحُلَاوَةِ الْآخِرَةِ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى نِعْمَائِهِ وَ الشُّكْرُ لِلَّهِ عَلَى آلَائِهِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى؛ بحار الأنوار ج: ٤٣ ص: ٨٥

﴿١٠٥٢﴾ العسكري عليه السلام: سَأَلْتُهُ بِهِمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَنْ يَهَبَ لِي لِسَانًا لِمُجِيدِهِ وَ ثَنَاءً ذَاكِرًا وَ قَلْبًا لآلَائِهِ شَاكِرًا وَ عَلَى الدَّوَاهِي الدَّاهِيَةِ لِي صَابِرًا؛ بحار الأنوار ج: ٢٢ ص: ٣٦٩

﴿١٠٥٣﴾ الرسول عليه السلام: سُبْحَانَ الَّذِي لَا يُخْصِي مِذْحَتَهُ الْقَائِلُونَ وَ لَا يَجْزِي بآلَائِهِ الشَّاكِرُونَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٦٥

﴿١٠٥٤﴾ الصادق عليه السلام: رَأَى النَّبِيُّ عليه السلام فَاطِمَةَ وَ عَلَيْهَا كِسَاءٌ مِنْ أَجَلَّةِ الْإِبِلِ وَ هِيَ تَطْحَنُ بِيَدَيْهَا وَ تُرْضِعُ وَ لَدَهَا فَدَمَعَتْ عَيْنَا رَسُولِ اللَّهِ عليه السلام فَقَالَ يَا بِنْتَاهُ تَعْجَلِي مَرَارَةَ الدُّنْيَا بِحُلَاوَةِ الْآخِرَةِ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى نِعْمَائِهِ وَ الشُّكْرُ لِلَّهِ عَلَى آلَائِهِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى؛ بحار الأنوار ج: ٤٣ ص: ٨٥

﴿١٠٥٥﴾ فَقَدْ اسْتَشْفَعْتُ بِهِمْ إِلَيْكَ وَ قَدَّمْتُهُمْ أَمَامِي وَ بَيْنَ يَدَي حَوَائِجِي وَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ كِفَايَتِكَ فِي حِرْزِ حَرِيزٍ وَ مِنْ كَلَاءَتِكَ تَحْتَ عِزِّ عَزِيزٍ وَ تَوْزِعَنِي شُكْرَ آلَائِكَ وَ مِنْكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٣٤١

﴿١٠٥٦﴾ الرسول عليه السلام: وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى آلَائِهِ وَ أَحْمَدُهُ عَلَى نِعْمَائِهِ وَ أَشْكُرُهُ عَلَى آلَائِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٣٢٥

﴿١٠٥٧﴾ السجاد عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُحْمَدِ عَلَى نِعْمَائِهِ الْمَشْكُورِ عَلَى آلَائِهِ؛ إقبال الأعمال ص: ٢٤٣

١٠٠٩-٢-١-الإمامة

﴿١٠٥٨﴾ الكاظم عليه السلام: كُنْتُ حَاضِرًا أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام لَمَّا تُوُفِّيَ ابْنُهُ مُحَمَّدٌ فَقَالَ لِلْحَسَنِ يَا بَنِيَّ أَخَذْتُ لِلَّهِ شُكْرًا فَقَدْ أَخَذْتُ فِيكَ أَمْرًا؛ الكافي ج: ١ ص: ٣٢٦

١٠١٠-٢-١-الإيمان

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۰۵۰﴾ بر محمد و خاندانش درود فرست و این زیارت را آخرین زیارت من از اولیاء و... برگزیدگانت قرار نده و به من با این زیارت شکر نعمت‌هایت را الهام کن.

﴿۱۰۵۱﴾ پیامبر خدا ﷺ فاطمه را در حالی دید که عبایی از پوست شتر پوشیده و با یک دست مشغول آسیاکردن و به کمک دست دیگر مشغول شیردادن به فرزندش می‌باشد. چشمان پیامبر خدا از مشاهده‌ی این امر پر از اشک شد و به فاطمه فرمود: دخترم! سختی‌ها و تلخی‌های دنیا را در مقابل حلاوت و شیرینی آخرت قرار بده. فاطمه گفت: ای پیامبر خدا، خدا را سپاس می‌گویم به سبب نعمت‌های فراوانی که به من عطا فرموده، و او را در مقابل محبت‌هایش شکر می‌گزارم. و نقل کرده‌اند که در این هنگام آیه "و به زودی پروردگارت آن قدر به تو عطا خواهد کرد که خشنود شوی" بر پیامبر نازل گردید.

﴿۱۰۵۲﴾ از خدا خواستم تا به خاطر آن‌ها ﷺ به من زبانی گویا به تمجید و ثنایش ببخشد و قلبی شاکر نعمت‌ها و صبور در مصیبت‌های بزرگش عطا کند.

﴿۱۰۵۳﴾ منزّه است پروردگاری که گویندگان موارد قابل ستایش او را نمی‌توانند بشمارند و شکرکنندگان نیز نمی‌توانند نعمت‌های او را پاسخ دهند.

﴿۱۰۵۴﴾ پیامبر خدا ﷺ فاطمه را در حالی دید که عبایی از پوست شتر پوشیده و با یک دست مشغول آسیاکردن و به کمک دست دیگر مشغول شیردادن به فرزندش می‌باشد. چشمان پیامبر خدا از مشاهده‌ی این امر پر از اشک شد و به فاطمه فرمود: دخترم! سختی‌ها و تلخی‌های دنیا را در مقابل حلاوت و شیرینی آخرت قرار بده. فاطمه گفت: ای پیامبر خدا، خدا را سپاس می‌گویم به سبب نعمت‌های فراوانی که به من عطا فرموده، و او را در مقابل محبت‌هایش شکر می‌گزارم. و نقل کرده‌اند که در این هنگام آیه "و به زودی پروردگارت آن قدر به تو عطا خواهد کرد که خشنود شوی" بر پیامبر نازل گردید.

﴿۱۰۵۵﴾ من به واسطه‌ی ایشان از تو شفاعت خواستم، و آنان را پیشاپیش خود و نیازهایم واداشتم، و اینکه در دژ محکمی از مراقبت و بی‌نیازکردن خویش، و در زیر سایه‌ی محکمی تحت حفظ و حمایت خود قرارم دهی، و سپاس نعمت‌ها و بخشش‌هایت را به من ارزانی داری.

﴿۱۰۵۶﴾ ستایش مخصوص خداست، خدا را بر نعمت‌هایش ستایش می‌کنم او را بر نعمت‌هایش شکرمی‌کنم.

﴿۱۰۵۷﴾ حمد خدایی را که به سبب نعمت‌هایش ستوده و مورد شکر قرار گرفته است.

۰۹-۲-۱-امامت

﴿۱۰۵۸﴾ هنگامی که فرزند حضرت هادی یعنی محمد از دنیا رفت من حاضر بودم که به حسن (فرزند دیگر خود) فرمود: پسر من خدا را شکری تازه کن که درباره‌ی تو امر خود را تازه کرد.

۱۰-۲-۲-ایمان

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٠٥٩﴾ الرسول ﷺ: يَا أَبَا هَاشِمٍ أَيُّ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكَ تُرِيدُ أَنْ تُؤَدِّيَ شُكْرَهَا قَالَ أَبُو هَاشِمٍ فَوَجَمْتُ فَلَمْ أَذُرْ مَا أَقُولُ لَهُ فَأَبْتَدَأَنِي ﷺ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ رَزَقَكَ الْإِيمَانَ فَحَرِّمْ بِهِ بَدَنَكَ عَلَى النَّارِ وَرَزَقَكَ الْعَافِيَةَ فَأَعَانِكَ عَلَى الطَّاعَةِ وَرَزَقَكَ الْقُنُوعَ فَصَانِكَ عَنِ التَّبَذْلِ؛

من لا يحضره الفقيه ج: ٤ ص: ٤٠١

﴿١٠٦٠﴾ الصادق ﷺ: وَالْوَاجِبُ عَلَى مَنْ وَهَبَ اللَّهُ لَهُ الْهُدَى وَآكْرَمَهُ بِالْإِيمَانِ وَالْأَلْهَمَهُ رُشْدَهُ وَرَكَّبَ فِيهِ عَقْلاً يَتَعَرَّفُ بِهِ نِعَمَهُ وَآتَاهُ عِلْماً وَحُكْماً يُدِيرُ بِهِ أَمْرَ دِينِهِ وَدُنْيَاهُ أَنْ يُوجِبَ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَشْكُرَ اللَّهَ وَلَا يَكْفُرَهُ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٢٨٣

١٠١٢-٢-١-الإيواء

﴿١٠٦١﴾ الرسول ﷺ: فَنَزَلَ جِبْرِئِيلُ ﷺ وَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ اسْتَجَابَ دَعْوَتَكَ فَجَاءَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَى رُكْبَتَيْهِ وَبَسَطَ يَدَيْهِ وَأَرْسَلَ بِالْذُّمُوعِ عَيْنَيْهِ ثُمَّ نَادَى شُكْرًا شُكْرًا كَمَا آوَيْتَنِي وَآوَيْتَ مَنْ مَعِيَ؛ القصص للراوندي ص: ٣٤٥

١٠١٢-٢-١-البر

﴿١٠٦٢﴾ فِي كُلِّ بَرٍّ شُكْرٌ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٧
﴿١٠٦٣﴾ أَحَقُّ النَّاسِ مَنْ يَمْنَعُ الْبِرَّ وَيَطْلُبُ الشُّكْرَ وَيَفْعَلُ الشَّرَّ وَيَتَوَقَّعُ ثَوَابَ الْخَيْرِ؛ غرر الحكم ص: ٧٧

١٠١٣-٢-١-البشارة

﴿١٠٦٤﴾ الرسول ﷺ: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا بُشِّرَ بِشَيْءٍ سَجَدَ شُكْرًا لِلَّهِ؛ الصراط المستقيم ج: ٣ ص: ٢٠١

﴿١٠٦٥﴾ الصادق ﷺ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ فِي سَفَرٍ يَسِيرُ عَلَى نَاقَةٍ لَهُ إِذَا نَزَلَ فَسَجَدَ خَمْسَ سَجَدَاتٍ فَلَمَّا أَنْ رَكِبَ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّا رَأَيْنَاكَ صَنَعْتَ شَيْئاً لَمْ تَصْنَعْهُ فَقَالَ نَعَمْ اسْتَقْبَلَنِي جِبْرِئِيلُ ﷺ فَبَشَّرَنِي بِبَشَارَاتٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَسَجَدْتُ لِلَّهِ شُكْرًا لِكُلِّ بُشْرَى سَجْدَةً؛ الكافي

ج: ٢ ص: ٩٨

﴿١٠٦٦﴾ الرسول ﷺ: أَنَّهُ كَانَ إِذَا جَاءَهُ أَمْرٌ سُرُورٍ أَوْ بُشْرٍ بِهِ خَرَّ سَاجِداً شَاكِراً لِلَّهِ؛ الطرائف

ج: ٢ ص: ٥٤٢

١٠١٤-٢-١-السمع والبصر والفؤاد

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۰۵۹﴾ ای اباهاشم، می‌خواهی کدام نعمت از نعمتهایی را که خدا به تو بخشیده است شکر گویی؟ در این حال من سر به زیر افکندم و خاموش ماندم، زیرا نمی‌دانستم که در جواب آن امام چه بگویم، پس او خود سخن را آغاز کرد و فرمود: خداوند عزیز و جلیل ایمان را نصیب تو کرد، از این رو بدنت را بر دوزخ حرام ساخت، و سلامت را روزی‌ات کرد، از این رو تو را در طاعت خود یاری فرمود، و قناعت را نصیب تو فرمود و از این رو تو را از بی‌آبرویی مصون داشت.

﴿۱۰۶۰﴾ لازم است کسی که خداوند او را هدایت فرموده و به ایمان گرامی داشته و ارشادش کرده و به او بیشنی عطا کرده که نعمت‌های پروردگار را درمی‌یابد و به او علم و حکمتی بخشیده که امر دنیا و آخرت خود را تدبیر می‌کند و شکر این نعمت‌ها را به‌جا آورد و کفران نکند.

۱۱-۲-۲-۱- پناه‌دادن

﴿۱۰۶۱﴾ جبرئیل علیه السلام نازل شد و گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله خداوند عزیز و جلیل دعای تو را مستجاب نمود و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دو زانو نشست و دستانش را باز کرد و از چشمانش اشک جاری شد و سپس چنین گفت: "شکر خدا را، شکر خدا را که مرا و همراهان مرا پناه داد.

۱۲-۲-۲-۱- نیکی، احسان

﴿۱۰۶۲﴾ درمقابل هرکار خیری شکری لازم است.

﴿۱۰۶۳﴾ کم‌عقل‌ترین مردم کسی است که خیر نمی‌رساند و انتظار دارد از او تشکر کنند. و شر و بدی را مرتکب می‌شود و توقع پاداش و نتیجه‌ی نیکو دارد.

۱۳-۲-۲-۱- بشارت و نوید

﴿۱۰۶۴﴾ پیامبر اکرم اسلام آن هنگام که به خبر خوشی بشارت داده می‌شد برای شکر از خدای متعال سجده می‌کرد.

﴿۱۰۶۵﴾ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای سفر کوتاهی بر شتر ماده‌ی خویش سواربود [در سفری بر شتر ماده‌ی خویش نشسته راه می‌پیمود] ناگاه فرود آمد و پنج سجده کرد، چون سوارشد، اصحاب عرض کردند: ای پیامبر خدا، از شما عملی دیدیم که تاکنون انجام نداده بودید؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آری، جبرئیل علیه السلام نزد من آمد و از جانب خدای عزیز و جلیل به من مژده‌هایی داد، من برای هر مژده یک سجده‌ی شکر برای خدا به‌جا آوردم.

﴿۱۰۶۶﴾ اگر به ایشان امر خوشحال کننده یا مژده‌ای می‌رسید به درگاه خداوند سجده‌ی شکر می‌نمود.

۱۴-۲-۲-۱- گوش و چشم و قلب

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٠٦٧﴾ ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ؛

السجدة: الآية ٩

﴿١٠٦٨﴾ قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ؛ الملك:

الآية ٢٣

﴿١٠٦٩﴾ وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَ

الْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ النحل: الآية ٧٨

﴿١٠٧٠﴾ السَّجَادُ ﷺ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمَدُكَ عَلَى أَنْ أَكْرَمْتَنَا بِالنُّبُوَّةِ وَعَلَّمْتَنَا الْقُرْآنَ وَفَقَّهْتَنَا فِي

الدِّينِ وَجَعَلْتَ لَنَا أَسْمَاعًا وَأَبْصَارًا وَأَفْئِدَةً فَاجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٤٤ ص: ٣٩٢

﴿١٠٧١﴾ السَّجَادُ ﷺ: وَكَيْفَ لَا أَشْكُرُكَ يَا إِلَهِي أَطْلَقْتَ لِسَانِي بِذِكْرِكَ رَحْمَةً لِي مِنْكَ وَ

أَضَاتَ لِي بَصَرِي بِطُفُفِكَ حُجَّةً مِنْكَ عَلَيَّ وَ سَمِعْتُ أَذْنَائِي بِقُدْرَتِكَ نَظْرًا مِنْكَ وَ دَلَّتْ عَقْلِي

عَلَى تَوْبِيخِ نَفْسِي؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٣٦

١٥-٢-١- البعث راجع: الحياة

١٥-٢-٢- البلاء، مَا أَبْلَى

﴿١٠٧٢﴾ أَتَيْتُكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ زَائِرًا قَاضِيًا فِيكَ حَقَّ الْإِمَامِ وَ شَاكِرًا لِبَلَائِكَ فِي الْإِسْلَامِ؛

تهذيب الأحكام ج: ٦ ص: ١١٨

﴿١٠٧٣﴾ إِذَا رَأَيْتَ رَبَّكَ يُوَالِي عَلَيْكَ الْبَلَاءَ فَاشْكُرْهُ؛ غرر الحكم ص: ٩٩

﴿١٠٧٤﴾ أمير المؤمنين ﷺ: أَشْكُرُ اللَّهَ عَلَى مَا أَوْلَاكَ وَ أَحْمَدُهُ عَلَى مَا أَبْلَاكَ؛

مستدرک الوسائل ج: ١٤ ص: ٩

﴿١٠٧٥﴾ السَّجَادُ ﷺ: الْحَمْدُ لَكَ عَلَى بَلَائِكَ وَ الشُّكْرُ لَكَ عَلَى نِعْمَائِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧

ص: ٨٠

﴿١٠٧٦﴾ الرسول ﷺ: الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى آلَائِهِ وَ أَحْمَدُهُ عَلَى نِعْمَائِهِ وَ أَشْكُرُهُ عَلَى بَلَائِهِ؛

مهج الدعوات ص: ١٧١

﴿١٠٧٧﴾ المجتبی ﷺ: فَإِنَّهُ مَنْ عَلَيْنَا بِمَا هُوَ أَهْلُهُ أَنْ نَشْكُرَ فِيهِ آلَاءَهُ وَ بَلَاءَهُ وَ نَعْمَاءَهُ؛

بحار الأنوار ج: ٣٢ ص: ٤٠٣

﴿١٠٧٨﴾ الكاظم ﷺ: الْحَمْدُ لِلَّهِ لِمَا جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ لِمَعْرِفَتِي بِفَضْلِكَ وَ النُّعْمَةِ عَلَيْكَ وَ

شُكْرِي بِلَاءِكَ؛ قرب الإسناد ص: ١٢٦

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۰۶۷﴾ سپس (اندام) او را موزون ساخت و از روح خویش در وی دمید و برای شما گوش و چشم و دل قرار داد اما کمتر شکر نعمت‌های او را به‌جا می‌آوردید.

﴿۱۰۶۸﴾ بگو: "او کسی است که شما را آفرید و برای شما گوش و چشم و قلب قرار داد اما کمتر سپاسگزاری می‌کنید".

﴿۱۰۶۹﴾ و خداوند شما را از شکم مادرانتان خارج نمود درحالی که هیچ‌چیز نمی‌دانستید و برای شما، گوش و چشم و عقل قرار داد، تا شکر نعمت او را به‌جا آورید.

﴿۱۰۷۰﴾ خدایا، تو را سپاس می‌گوییم بر اینکه ما را به داشتن پیامبرگرمی داشتی و قرآن را به ما آموختی و در فهم دین ما را دانا ساختی، و گوش‌های شنوا و دیده‌های بینا و دل‌های آگاه به ما ارزانی داشتی، پس ما را از سپاسگزاران قرار ده.

﴿۱۰۷۱﴾ ای خدای من، چگونه تو را شکر نکنم که تو از سر رحمت زبانم را به ذکررت گویا نمودی، و از سر لطف چشمم را بینا کردی که حجت تو بر من است؛ و نیز از سر مهربانی گوش‌هایم را به قدرت خود شنوا کردی و نیز عقلم را بر توبیخ خودم راهنمایی کردی.

۱۵-۲-۱- قیامت ر.به: زندگی

۱۶-۲-۱- آزمایش

﴿۱۰۷۲﴾ ای اباعبدالله به‌سوی تو آمده‌ام، درحالی که زائر تو و آگاه به حق امامت تو هستم و امتحان موفق را که در دفاع از اسلام پشت سر گذاردی شکر می‌کنم.

﴿۱۰۷۳﴾ هرگاه دیدی که پروردگارت پی‌درپی بر تو بلا می‌فرستد او را شکر کن.

﴿۱۰۷۴﴾ بر نعمت‌هایی که خداوند به تو ارزانی داشته شکر کن و بر آزمایش‌های ناگواری که از تو می‌گیرد شکینا باش.

﴿۱۰۷۵﴾ به خاطر بلاها و آزمایش‌های حمد و سپاس و به خاطر نعمت‌های شکر لازم است.

﴿۱۰۷۶﴾ ستایش مخصوص خداست او را به خاطر نعمت‌ها و الطافش می‌ستایم و به خاطر آزمایش‌هایش شکر می‌گزارم.

﴿۱۰۷۷﴾ پس او آن‌چنان که سزاوارش است بر ما منت گذارد که نعمت‌ها و آزمایش‌هایش را سپاس گزاریم.

﴿۱۰۷۸﴾ حمد خدا را که به من شناخت فضل تو و نعمتی را که به تو داده شد عطا کرد و بر این آزمون از تو سپاسگزاری می‌کنم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٠٧٩﴾ الذِّكْرُ لِلَّائِكَ وَالْحَمْدُ عَلَى تَعَاهُدِكَ بِنِعْمَائِكَ وَالشُّكْرُ عَلَى بَلَائِكَ؛ بحار الأنوار

ج: ٩٢ ص: ٤٢١

﴿١٠٨٠﴾ الرسول ﷺ: اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مَشْغُولِينَ بِأَمْرِكَ آمِنِينَ بِوَعْدِكَ آيِسِينَ مِنْ خَلْقِكَ آنِسِينَ بِكَ مُسْتَوْحِشِينَ مِنْ غَيْرِكَ رَاضِينَ بِقَضَائِكَ صَابِرِينَ عَلَى بَلَائِكَ شَاكِرِينَ عَلَى نِعْمَائِكَ؛

بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٣٦٠

﴿١٠٨١﴾ الصادق ﷺ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْهُ أَفْضَلَ يَوْمَ عَهْدِنَاهُ وَآمِنَ صَاحِبَ صَحْبِنَاهُ وَخَيْرَ وَقْتٍ ظَلَلْنَا فِيهِ وَاجْعَلْنَا أَرْضَى مَنْ مَرَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ مِنْ جُمْلَةِ خَلْقِكَ وَاشْكُرْ لِمَا أُبْلِيتَ مِنْ نِعَمِكَ وَأَقُومَ بِمَا شَرَعْتَ مِنْ شَرَائِعِكَ وَأَوْبِقْهُ عَمَّا حَذَرْتَ مِنْ نَهْيِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٣٠٦

﴿١٠٨٢﴾ الرسول ﷺ: اللَّهُمَّ فَلِكِ الْحَمْدُ شُكْرًا عَلَى مَا عَافَيْتَنِي وَحُسْنِ مَا ابْتَلَيْتَنِي؛

المصباح للكفعمي ص: ٦٤٠

﴿١٠٨٣﴾ إِلَهِي فَمَا أَحْسَنَ بَلَائِكَ عِنْدِي وَأَظْهَرَ نِعْمَائِكَ عَلَيَّ وَأَكْثَرَ أَيَادِيكَ لَدَيَّ إِنْ شَكَرْتَهَا عَرَفْتُ وَأَجَبْتُ حَقَّهَا؛ إقبال الأعمال ص: ١٣٣

﴿١٠٨٤﴾ أَنْ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ شَكََا إِلَيْهِ مَا يَلْقَوْنَ مِنَ النَّاسِ فَقَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا ذَا نَحْنُ فِيهِ مِنْ آدَى النَّاسِ وَمُطَالِبَتِهِمْ لَنَا وَبُغْضِهِمْ إِيَّانَا وَطَعْنِهِمْ عَلَيْنَا كَأَنَّا لَسْنَا عَنْدهُمْ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ أَوْ مَا تَحْمَدُونَ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ وَتَشْكُرُونَهُ؛ دعائم الإسلام ج: ١ ص: ٤٧

﴿١٠٨٥﴾ المجتبى ﷺ: سَأَلَ مُعَاوِيَةَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ ﷺ بَعْدَ الصُّلْحِ أَنْ يَخْطُبَ النَّاسَ فَامْتَنَعَ فَنَاشَدَهُ أَنْ يَفْعَلَ فَوَضَعَ لَهُ كُرْسِيًّا فَجَلَسَ عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَوَحَّدَ فِي مُلْكِهِ وَتَفَرَّدَ فِي رُبُوبِيَّتِهِ يُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ يَشَاءُ وَيَنْزِعُهُ عَمَّنْ يَشَاءُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَ بِنَا مُؤْمِنَكُمْ وَأَخْرَجَ مِنَ الشُّرْكِ أَوْلَكُمْ وَحَقَّنَ دِمَاءَ آخِرِكُمْ فَبَلَّأُونَا عَنْدَكُمْ قَدِيمًا وَحَدِيثًا أَحْسَنَ الْبَلَاءِ إِنْ شَكَرْتُمْ أَوْ كَفَرْتُمْ؛ بحار الأنوار ج: ٤٤ ص: ٤٢

﴿١٠٨٦﴾ أمير المؤمنين ﷺ: شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَمَّا أَبْلَانِي مِنَ الْكَرَامَةِ فِي أَهْلِ بَيْتِي؛

بحار الأنوار ج: ٢١ ص: ٣٢٤

﴿١٠٨٧﴾ السجاد ﷺ: فَكَفَرْتُ وَلَمْ أَشْكُرْ بَلَاءَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٣٦

﴿١٠٨٨﴾ الصادق ﷺ: فَلِكِ الْحَمْدُ شُكْرًا عَلَى مَا عَافَيْتَنِي وَحُسْنِ مَا ابْتَلَيْتَنِي؛ البلد الأمين

ص: ٢٣٥

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۰۷۹﴾ نعمت‌های تو را به یاد می‌آورم و تو را به خاطر آنکه عهد کرده‌ای که به من نعمت دهی ستایش می‌کنم و بر امتحانت شکر می‌کنم.

﴿۱۰۸۰﴾ خدایا، ما را به امرت مشغول، به وعده‌هایت مؤمن، از خلقت ناامید، انس گیرنده به تو، ترسان از غیر تو، راضی به قضای تو، صابر در امتحان تو و شاکر بر نعمت‌هایت کن.

﴿۱۰۸۱﴾ خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و این روز را بهترین روزی که گذرانیدیم و با برکت‌ترین همشینی که با او بودیم و بهترین وقتی که به‌سر آوردیم قرار ده و ما را در بین کسانی که این شب‌ها و روزها بر آنان می‌گذرد در جلب رضایت تو موفق‌ترین و در برابر نعمت‌هایی که عطا کرده‌ای سپاسگزارترین و در رهسپاری بر وقف آیینت پایدارترین و در برابر آنچه که از آن نهی کرده‌ای گریزان‌ترین قرار بده.

﴿۱۰۸۲﴾ خداوندا، حمد و ستایش مخصوص توست، شکری مخصوص برای آنچه که از عافیت و سلامتی بر من عنایت فرمودی و نیکی (و خیر) آنچه که مرا به آن مبتلا نمودی.

﴿۱۰۸۳﴾ پروردگارا، چه نیکوست تکالیفی که از من خواسته‌ای و چه آشکار است نعمت‌های تو بر من و چه بسیار است خوبی‌هایت بر من، که اگر آن نعمت را شکر کنم در واقع حق واجب نعمت را شناخته‌ام.

﴿۱۰۸۴﴾ یکی از اصحاب امام علی (علیه السلام) از برخورد‌های مردم به ایشان شکوه کرد و گفت: ای پسر پیامبر خدا، این چه وضعی است که ما داریم؟ مردم ما را اذیت می‌کنند و از ما چیزهایی می‌خواهند و فقط بر ما کینه می‌ورزند و دشمنی می‌کنند و بر ما طعنه می‌زنند گویا ما را مسلمان نمی‌دانند اباعبدالله (علیه السلام) به او فرمودند: آیا خدا را بر این امر حمد نمی‌کنید و او را شکر نمی‌نمایید؟

﴿۱۰۸۵﴾ پس از اینکه معاویه با امام حسن پیمان صلح بست از آن حضرت تقاضا کرد که برای مردم سخنرانی کند، ولی آن بزرگوار نپذیرفت. معاویه وی را مجبور کرد؛ آنگاه منبر برای آن حضرت نصب شد. امام حسن پس از اینکه بر فراز منبر رفت این خطبه را خواند: "حمد خدایی راست که در پادشاهی‌اش یکتاست و در ربوبیتش تنهاست و به هر که خواهد فرمانروایی می‌بخشد و از هر که خواهد باز می‌ستاند و حمد خدایی راست که مؤمن شما را به وسیله‌ی ما مورد کرامت قرار داد و پیشینیان شما را به وسیله‌ی ما از شرک دور کرد و خون بقیه‌ی شما را به وسیله‌ی ما حفظ کرد.

﴿۱۰۸۶﴾ شکر و سپاس مخصوص خدای تعالی است به سبب آنچه که مبتلا ساخت ما را به لطف و کرامتش در خاندان ما.

﴿۱۰۸۷﴾ خدایا، تو راناسپاسی کردم و بر امتحانی که از من گرفتی قدرشناس نبودم.

﴿۱۰۸۸﴾ پس به خاطر شکر عافیتی که به من دادی و تکالیف خوبی که برعهده‌ام نهادی حمد سزاوار توست.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٠٨٩﴾ السَّجَادُ عليه السلام: فَلِكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَوْلَيْتَ مِنَ التَّفْضِيلِ وَلِكَ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَبْلَيْتَ مِنَ التَّطَوُّلِ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٦٧

﴿١٠٩٠﴾ الْعَسْكَرِيُّ عليه السلام: فَلِكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَوْلَيْتَ وَلِكَ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَبْلَيْتَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٠٧

﴿١٠٩١﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: فَمَا نَذَرِي مَا نَشْكُرُ أَجْمِلُ مَا تَنْشُرُ أَمْ قَبِيحُ مَا تَسْتُرُ أَمْ عَظِيمُ مَا أَبْلَيْتَ وَأَوْلَيْتَ أَمْ كَثِيرُ مَا مِنْهُ نَجَّيْتَ وَعَافَيْتَ؛ البلد الأمين ص: ٢٠٦

﴿١٠٩٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لِلَّهِ الْحَمْدُ عَلَى مَا هَدَانَا وَلَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَهْلَانَا؛ مستدرک الوسائل ج: ٦ ص: ١٥٨

﴿١٠٩٣﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: يَا إِلَهِي وَتَرْزُقَنِي الشُّكْرَ عَلَى مَا أَبْلَيْتَنِي وَتَجْعَلَ ذَلِكَ تَامًا أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي حَتَّى تَصِلَ ذَلِكَ بِنَعِيمٍ آخِرَةٍ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٤٠

﴿١٠٩٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْمَحْمُودِ الَّذِي تَوَحَّدَ بِمُلْكِهِ وَعَلَا بِقُدْرَتِهِ أَحْمَدُهُ عَلَى مَا عَرَفَ مِنْ سَبِيلِهِ وَأَلْهَمَ مِنْ طَاعَتِهِ وَعَلَّمَ مِنْ مَكْنُونِ حِكْمَتِهِ فَإِنَّهُ مَحْمُودٌ بِكُلِّ مَا يُؤْلَى مَشْكُورٌ بِكُلِّ مَا يُؤْلَى؛ بحار الأنوار ج: ٥٣ ص: ٧٧

﴿١٠٩٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَشْكُرُ اللَّهَ كَثِيرًا عَلَى مَا أَوْلَاكَ وَاحْمَدُهُ عَلَى مَا أَهْلَاكَ؛ دعائم الإسلام ج: ٢ ص: ٤٨٧

١٧-٢-٢-١- مَا جَلَى مِنْ مُظْلَمٍ ظَلَمَ جَهْلٍ
﴿١٠٩٦﴾ الرضا عليه السلام: أَشْكُرُهُ عَلَى مَا جَلَى مِنْ مُظْلَمٍ ظَلَمَ جَهْلٍ وَكَشَرَ مِنْ كَشَفٍ رُكَّامٍ كَرَبٍ؛

المصباح للكفعمي ص: ٧٢٣

١٨-٢-٢-١-اجْتِمَاعُ الشَّمْلِ

﴿١٠٩٧﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: سَجَدَ النَّبِيُّ عليه السلام شُكْرًا لِمَا اجْتَمَعَ عَلَى بِفَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ؛ الصراط المستقيم ج: ٣ ص: ٢٠١

﴿١٠٩٨﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: يَا رَسُولَ اللَّهِ رَأَيْنَا مِنْكَ الْيَوْمَ مَا لَمْ نَرَهُ قَبْلَ ذَلِكَ فَقَالَ عليه السلام إِنِّي لَمَّا أَكَلْتُ مَعَكُمْ فَرِحْتُ وَ سُرَرْتُ بِسَلَامَتِكُمْ وَ اجْتِمَاعِكُمْ فَسَجَدْتُ لِلَّهِ تَعَالَى شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٩٨ ص: ٤٤

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۰۸۹﴾ پس به خاطر نیکی‌هایی که عطا نمودی حمد سزاوار توست و به خاطر امتحان سراسر لطف شکر شایسته‌ی توست. ر

﴿۱۰۹۰﴾ ستایش مخصوص توست به خاطر آنچه نعمت دادی و شکر متعلق به توست به خاطر گرفتاری‌هایی که عطا فرمودی.

﴿۱۰۹۱﴾ نمی‌دانیم که کدام را شکر کنیم؟ زیبایی‌هایی که منتشر کردی و یا زشتی‌هایی را که پوشاندی یا امتحانات بزرگی که به عمل آوردی و بخشش‌های بزرگی که نمودی و یا موارد فراوانی که از آن‌ها نجاتمان دادی و عافیتمان بخشیدی.

﴿۱۰۹۲﴾ ستایش مخصوص خداست بخاطر ما را هدایت کرد و شکر مخصوص اوست به خاطر لطف‌هایی که به ما کرد.

﴿۱۰۹۳﴾ خدایا، به من در برابر آزمایش‌هایی که از من به عمل می‌آوری شکر عطا کن و آن را کامل و همیشگی تا زمانی که مرا زنده می‌داری برقرار بدار، تا جایی که آن را به نعمت‌های آخرت پیوند دهی.

﴿۱۰۹۴﴾ حمد و ستایش (مخصوص) پروردگاری است که تنهای بی‌شریک و ستایش شده است؛ او که در پادشاهی‌اش واحد است و یگانه و او که در قدرتش بلندمرتبه است و او را می‌ستایم به این دلیل که راهش را به من شناساند و اطاعتش را به من الهام کرد و از حکمت‌های نهانی‌اش به من آموخت. که همانا او در هر نعمتی که می‌دهد، مورد شکر و در بلایی که بفرستد سزاوار ستایش است.

﴿۱۰۹۵﴾ بر نعمت‌هایی که خداوند به تو ارزانی داشته بسیار شکر کن و بر آزمایش‌های ناگواری که از تو می‌گیرد شکایتا باش.

۱۷-۲-۲-۱- برطرف‌شدن تاریکی نادانی

﴿۱۰۹۶﴾ به خاطر زدودن تاریکی‌های نادانی و برطرف کردن گرفتاری‌های متراکم شکر او را به جا می‌آورم.

۱۸-۲-۲-۱- برطرف‌شدن پراکندگی

﴿۱۰۹۷﴾ پیامبر خدا به خاطر جمع‌شدن علی و فاطمه و حسنین به عنوان شکرگزاری سجده کرد

﴿۱۰۹۸﴾ ای پیامبر خدا ﷺ ما امروز از شما چیزی را دیدیم که پیش از آن ندیده بودیم؟ پیامبر ﷺ فرمود: هنگامی که من به همراه شما غذا می‌خوردم، به علت سلامتی شما و اینکه با یکدیگر جمع و در کنار هم هستید، شاد و خوشحال شدم پس برای خدای تعالی به عنوان شکرگزاری سجده کردم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٠٩٩﴾ لَيْلَةَ إِحْدَى وَ عَشْرِينَ مِنَ الْمُحَرَّمِ وَ كَانَتْ لَيْلَةً خَمِيسَ سَنَةِ ثَلَاثٍ مِنَ الْهَجْرَةِ كَانَ زَفَافُ فَاطِمَةَ ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِلَى مَنْزِلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ يُسْتَحَبُّ صَوْمُهُ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى لِمَا وَفَّقَ مِنْ جَمْعِ حُجَّتِهِ وَ صَفْوَتِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٤٣ ص: ٩٢

﴿١١٠٠﴾ الْبَاقِرُ ﷺ: فَأَقْبَلَ وَوُلِدَ يَعْقُوبَ يُحْتَنُونَ السَّيْرَ بِالْقَمِيصِ فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالَ لَهُمْ مَا فَعَلَ ابْنُ يَامِينَ قَالُوا خَلَفْنَاهُ عِنْدَ أَخِيهِ صَالِحًا فَحَمِدَ اللَّهُ عِنْدَ ذَلِكَ يَعْقُوبُ وَ سَجَدَ لِرَبِّهِ سَجْدَةَ الشُّكْرِ وَ اعْتَدَلَ ظَهْرُهُ وَ قَالَ لَوْلَدِهِ تَحَمَّلُوا إِلَى يُوسُفَ مِنْ يَوْمِكُمْ فَسَارُوا فِي تِسْعَةِ أَيَّامٍ إِلَى مِصْرَ فَلَمَّا دَخَلُوا اعْتَنَقَ يُوسُفُ أَبَاهُ وَ رَفَعَ خَالَتَهُ ثُمَّ دَخَلَ مَنْزِلَهُ وَ ادَّهَنَ وَ لَبَسَ ثِيَابَ الْمُلْكِ فَلَمَّا رَأَوْهُ سَجَدُوا شُكْرًا لِلَّهِ؛ بحار الأنوار ج: ١٢ ص: ٢٨٧

﴿١١٠١﴾ الْهَادِي ﷺ: فَسَجَدَ يَعْقُوبُ ﷺ وَ وُلِدَهُ وَ يُوسُفُ مَعَهُمْ شُكْرًا لِلَّهِ بِاجْتِمَاعِ شَمْلِهِمْ أَلَمْ تَرَهُ يَقُولُ فِي شُكْرِهِ ذَلِكَ الْوَقْتُ رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَ عَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ؛ بحار الأنوار ج: ١٠ ص: ٣٨٨

﴿١١٠٢﴾ الرضا ﷺ: أَمَّا سُجُودُ يَعْقُوبَ وَ وُلِدَهُ يُوسُفَ فَإِنَّهُ لَمْ يَكُنْ لِيُوسُفَ وَ إِنَّمَا كَانَ ذَلِكَ مِنْ يَعْقُوبَ وَ وُلِدَهُ طَاعَةً لِلَّهِ وَ تَحِيَّةً لِيُوسُفَ كَمَا كَانَ السُّجُودُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ لِآدَمَ وَ لَمْ يَكُنْ لِآدَمَ إِنَّمَا كَانَ ذَلِكَ مِنْهُمْ طَاعَةً لِلَّهِ وَ تَحِيَّةً لِآدَمَ فَسَجَدَ يَعْقُوبُ وَ وُلِدَهُ وَ سَجَدَ يُوسُفُ مَعَهُمْ شُكْرًا لِلَّهِ لِاجْتِمَاعِ شَمْلِهِمْ أَلَمْ تَرَأَنَّهُ يَقُولُ فِي شُكْرِهِ ذَلِكَ الْوَقْتُ رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَ عَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَ احْشِنِي بِالصَّلَاحِينَ فَنَزَلَ جِبْرِيلُ فَقَالَ لَهُ يَا يُوسُفُ أَخْرِجْ يَدَكَ فَأَخْرَجَهَا فَخَرَجَ مِنْ بَيْنِ أَصَابِعِهِ نُورٌ فَقَالَ مَا هَذَا النُّورُ يَا جِبْرِيلُ فَقَالَ هَذِهِ النُّورَةُ أَخْرَجَهَا اللَّهُ مِنْ صُلْبِكَ لِأَنَّكَ لَمْ تَقُمْ لِأَبِيكَ؛ تفسير القمي ج: ١ ص: ٣٥٦

﴿١١٠٣﴾ الْبَاقِرُ ﷺ: فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَى الْقَمِيصَ عَلَى وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا وَ قَالَ لَهُمْ مَا فَعَلَ ابْنُ يَامِينَ [يَامِينَ] قَالُوا خَلَفْنَاهُ عِنْدَ أَخِيهِ صَالِحًا قَالَ فَحَمِدَ اللَّهُ يَعْقُوبَ عِنْدَ ذَلِكَ وَ سَجَدَ لِرَبِّهِ سَجْدَةَ الشُّكْرِ وَ رَجَعَ إِلَيْهِ بَصَرُهُ وَ تَقَوَّمَ لَهُ ظَهْرُهُ؛ بحار الأنوار ج: ١٢ ص: ٣١٧

﴿١١٠٤﴾ الرَّسُولُ ﷺ: دَعَا اللَّهُ أَنْ يَجْمَعَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ زَوْجَتِهِ حَوَاءَ قَالَ فَكَانَ ذَهَابُ آدَمَ مِنَ الصِّفَا إِلَى الْمَرْوَةِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ رُجُوعُهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَذَلِكَ سِتَّةُ أَشْوَاطٍ فَلَمَّا أَنْ دَعَا اللَّهُ وَ بَكِيَ إِلَيْهِ وَ سَأَلَهُ أَنْ يَجْمَعَ بَيْنَهُمَا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُمَا مِنْ سَاعَتَهُمَا مِنْ يَوْمَهُمَا ذَلِكَ مَعَ زَوَالِ الشَّمْسِ فَاتَاهُ جِبْرِيلُ وَ هُوَ عَلَى الصِّفَا وَ أَقْفُ يَدْعُو اللَّهَ مُقْبِلًا بِوَجْهِهِ نَحْوَ التُّرْعَةِ فَقَالَ لَهُ جِبْرِيلُ ﷺ أَنْزِلْ يَا آدَمُ مِنَ الصِّفَا

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۰۹۹﴾ ازدواج و عروسی فاطمه‌ی زهرا علیها السلام دختر حضرت محمد صلی الله علیه و آله با حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام در شب پنجشنبه ۲۱ ماه محرم سال سوم هجری واقع شد. روزه گرفتن آن روز به عنوان شکر جمع شدن دو حجت و دو برگزیده‌ی خداوند مستحب است.

﴿۱۱۰۰﴾ پسران یعقوب به سرعت پیراهن را آوردند و آنگاه که نزد او وارد شدند یعقوب به آنها گفت: ابن‌یامین چه شد؟ گفتند: او با احترام نزد برادرش مانده است پس یعقوب آن‌هنگام خدا را ستایش کرد و برای پروردگارش سجده‌ی شکر به جا آورد و پشتش راست شد و به پسرانش گفت: امروز به‌سوی یوسف بروید و نه روزه به مصر رفتند و آنگاه که وارد شدند یوسف پدرش را در آغوش گرفت و خاله‌اش را اکرام کرد بعد وارد اطاق خود شد و روغن مالید و لباس پادشاهی پوشید و آنگاه که او را در لباس پادشاهی دیدند به شکرانه سجده‌ی شکر نمودند.

﴿۱۱۰۱﴾ یعقوب و فرزندان او به همراه یوسف به سجده افتادند. و این سجده به خاطر شکر خدا بود که جدایی چندین ساله از بین رفت و با یکدیگر متحد شدند. مگر نمیبینی که در مورد شکر نعمت و این سجده در قرآن چنین آمده است: "پروردگارا، بخشی (عظیم) از حکومت به من بخشیدی، و مرا از علم تعبیر خواب‌ها آگاه ساختی."

﴿۱۱۰۲﴾ اما سجده کردن یعقوب و فرزندان بر یوسف، در واقع آن سجده برای یوسف نبود بلکه از طرف یعقوب و فرزندان بر طاعت الهی و تحیت و بزرگداشت یوسف بود، همچنان که سجده‌ی فرشتگان نیز برای تحیت برای آدم علیه السلام بود، و همان سجده هم برای آدم نبود بلکه برای اطاعت امر الهی بود و درودی بر آدم علیه السلام بود. پس یعقوب و فرزندان سجده کردند و یوسف نیز همراه ایشان برای اینکه خداوند دوباره جمع ایشان را گرد هم آورد به عنوان شکر سجده کرد. آیا ندیدی که همانا او به‌عنوان شکر چنین گفت: پروردگارا آن وقت که به من حکومت و علم تفسیر و تأویل احادیث را عطا کردی، ای شکافته‌ی آسمان‌ها و زمین تو ولی و سرپرست من هستی در دنیا و آخرت، پس جان مرا درحالی بگیر که تسلیم تو هستم و مرا به زمره‌ی صالحین ملحق فرما. پس دراین‌هنگام فرشته‌ی وحی (جبرئیل) نازل شد و به او گفت: ای یوسف، دستت را بیرون بیاور، و او دستش را بیرون آورد، درآن‌هنگام از بین انگشتانش نوری خارج شد، یوسف پرسید: این نور چه بود ای جبرئیل؟ گفت: این نور نبوت بود که خداوند آن را از نسل تو خارج کرد به سبب آنکه ادب را رعایت ننموده و در برابر پای پدرت قیام نکردی.

﴿۱۱۰۳﴾ آنگاه که بشارت‌دهنده آمد و پیراهن را روی چهره‌ی او انداخت، او بینا شد و به آنها گفت: ابن‌یامین چه شد؟ گفتند او با احترام نزد برادرش مانده است. پس آنگاه یعقوب خدا را ستایش کرد و برای پروردگارش سجده‌ی شکر به‌جای آورد و چشمش بینا و پشتش راست شد.

﴿۱۱۰۴﴾ از خدا خواست تا او و همسرش حوا را به‌هم برساند و آدم سه بار از صفا به مروه رفت و سه بار برگشت که جمعا شش دور شد. آنگاه خدا را صدا زدند و گریستند و از او خواستند تا آنها را به‌هم برساند خداوند در همان ساعت و همان روز هنگام ظهر دعایشان را مستجاب کرد و جبرئیل نزد آدم آمد درحالی که آدم در صفا ایستاده بود و خدا را صدا می‌کرد و رو به چشمه کرده بود، جبرئیل علیه السلام به او گفت: ای آدم از صفا پایین بیا و به حوا ملحق شو، آدم از صفا پایین

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

فَالْحَقُّ بَحْوَاءَ فَنَزَلَ آدَمُ مِنَ الصَّفَا إِلَى الْمَرْوَةِ فَفَعَلَ مِثْلَ مَا فَعَلَ فِي الثَّلَاثِ الْمَرَّاتِ حَتَّى انْتَهَى إِلَى الْمَرْوَةِ فَصَعِدَ عَلَيْهَا وَ أَخْبَرَ حَوَاءَ بِمَا أَخْبَرَهُ جَبْرِئِيلُ عليه السلام فَفَرَحَا بِذَلِكَ فَرَحًا شَدِيدًا وَ حَمْدًا لِلَّهِ وَ شُكْرًا فَلِذَلِكَ جَرَتْ السُّنَّةُ بِالسَّعْيِ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ؛ بحار الأنوار ج: ١١ ص: ١٨٤

١٩-٢-١- الإجتنبُ عَنْ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ

﴿١١٠٥﴾ الصادق عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا وَ وَقَفْنَا لِعِبَادَتِهِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفْوًا أَحَدٌ وَ جَنَّبَنَا عِبَادَةَ الْأَوْثَانِ حَمْدًا سَرْمَدًا وَ شُكْرًا وَاصِبًا؛ بحار الأنوار ج: ٣ ص: ٢٢٤

٢٠-٢-١- إجابة الدعاء

﴿١١٠٦﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ فَرِّجْ هَمِّي وَ بَرِّدْ كَبِدِي بِخَلِيلِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَتَّى قَالَهَا ثَلَاثًا قَالَتْ لَهُ خَدِيجَةُ قَدْ اسْتَجَابَ اللَّهُ دَعْوَتَكَ فَاسْتَقِلَّ قَائِمًا رَافِعًا يَدَيْهِ وَ يَقُولُ شُكْرًا لِلْمُحِبِّ قَالَهُ إِخْدَى عَشْرَةَ مَرَّةً؛ بحار الأنوار ج: ٤٠ ص: ٦٤

﴿١١٠٧﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: فَنَزَلَ جَبْرِئِيلُ عليه السلام وَ قَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ اسْتَجَابَ دَعْوَتَكَ فَجَنَّا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَلَى رُكْبَتَيْهِ وَ بَسَطَ يَدَيْهِ وَ أَرْسَلَ بِالدُّمُوعِ عَيْنَيْهِ ثُمَّ نَادَى شُكْرًا شُكْرًا كَمَا آوَيْتَنِي وَ آوَيْتَ مَنْ مَعِيَ؛ القصص للراوندي ص: ٣٤٥

﴿١١٠٨﴾ الصادق عليه السلام: قَامَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَلَى التَّلِّ الَّذِي عَلَيْهِ مَسْجِدُ الْفَتْحِ فِي غَزْوَةِ الْأَحْزَابِ فِي لَيْلَةٍ ظُلُمَاءَ قَرَّةً فَقَالَ مَنْ يَذْهَبُ فَيَأْتِينَا بِخَبَرِهِمْ وَ لَهُ الْجَنَّةُ فَلَمْ يَقُمْ أَحَدٌ ثُمَّ أَعَادَهَا فَلَمْ يَقُمْ أَحَدٌ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام بِيَدِهِ وَ مَا أَرَادَ الْقَوْمُ أَرَادُوا أَفْضَلَ مِنَ الْجَنَّةِ ثُمَّ قَالَ مَنْ هَذَا فَقَالَ خُذِيفَةُ فَقَالَ أَمَا تَسْمَعُ كَلَامِي مِنْذُ اللَّيْلَةِ وَ لَا تَكَلِّمْ أَ قُبِرْتَ فَقَامَ خُذِيفَةُ وَ هُوَ يَقُولُ الْقُرْ وَ الضُّرُّ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ مَنْعَنِي أَنْ أَجِيبَكَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله انْطَلِقْ حَتَّى تَسْمَعَ كَلَامَهُمْ وَ تَأْتِيَنِي بِخَبَرِهِمْ فَلَمَّا ذَهَبَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله اللَّهُمَّ احْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ حَتَّى تَرُدَّهُ وَ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَا خُذِيفَةُ لَا تُحَدِّثْ شَيْئًا حَتَّى تَأْتِيَنِي فَأَخَذَ سَيْفَهُ وَ قَوْسَهُ وَ حَجَفْتَهُ قَالَ خُذِيفَةُ فَخَرَجْتُ وَ مَا بِي مِنْ ضَرٍّ وَ لَا فَرْ فَمَرَرْتُ عَلَى بَابِ الْخَنْدَقِ وَ قَدْ اغْتَرَاهُ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْكُفَّارُ فَلَمَّا تَوَجَّهَ خُذِيفَةُ قَامَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ نَادَى يَا صَرِيحَ الْمَكْرُوبِينَ وَ يَا مُجِيبَ الْمُضْطَرِّينَ اكْشِفْ هَمِّي وَ غَمِّي وَ كَرِّبِي فَقَدْ تَرَى حَالِي وَ حَالَ أَصْحَابِي فَنَزَلَ عَلَيْهِ جَبْرِئِيلُ عليه السلام فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ ذِكْرُهُ قَدْ سَمِعَ مَقَالَتَكَ وَ دُعَاكَ وَ قَدْ أَجَابَكَ وَ كَفَاكَ هَوْلَ عَدُوِّكَ فَجَنَّا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَلَى

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

آمد و به‌سوی مروه رفت و مثل قبل سه بار این کار را انجام داد تا به مروه منتهی شود و بالای کوه رفت و حوّا را از آنچه که جبرئیل علیه السلام گفته بود باخبر کرد، و از این خبر بسیار خوشحال شدند و خدا را حمد کردند و شکرش نمودند به همین دلیل سعی بین صفا و مروه سنت شد.

۱۹-۰۲-۲-۱- پرهیز از پرستش بت‌ها

﴿۱۱۰۵﴾ ستایش مخصوص خدایی است که بر ما منت نهاد و ما را برای پرستیدنش توفیق داد، یکتا و یگانه و بی‌نیازی که همه‌ی نیازمندان قصد او می‌کنند او که نژاد و زاده نشد و برای او هیچگاه شبیه و مانندی نبوده است و ما را از پرستش بتان دور گردانید؛ حمدی همیشگی و شکر دائمی.

۲۰-۲-۲-۱- اجابت دعا

﴿۱۱۰۶﴾ پروردگارا، بر اندوهم گشایشی عنایت فرما و جگرم را به واسطه‌ی دوستی‌ام با علی بن ابی طالب علیه السلام خنک کن تا اینکه آن را سه بار گفت. خدیجه به او گفت: خداوند دعوت تو را اجابت کرد، پس ایستاد و دستانش را بالا برد و یازده مرتبه گفت: به درگاه اجابت‌کننده شکر می‌کنم.

﴿۱۱۰۷﴾ جبرئیل علیہ السلام نازل شد و گفت: ای محمد ﷺ خداوند عزیز و جلیل دعای تو را مستجاب نمود و پیامبر خدا ﷺ دو زانو نشست و دستانش را باز کرد و از چشمانش اشک جاری شد و سپس چنین گفت: "شکر خدا را، شکر خدا را که مرا و همراهان مرا پناه داد.

«۱۱۰۸» از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: "پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در جنگ احزاب در شبی تاریک و سرد روی تپه‌ای که اکنون مسجد فتح روی آن قرار دارد ایستاد و فرمود: "کیست که برود و گزارشی از مشرکین برای ما بیاورد و در عوض بهشت پاداشش باشد، هیچ کس از جا برخاست بار دوم این سخن را تکرار کرد و کسی برخاست؛ در اینجا امام صادق علیه السلام دست خود را حرکت داده فرمود: آن مردم چه می‌خواستند؟ آیا بهتر از بهشت می‌خواستند؟ سپس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (به کسی که در آن نزدیکی بود) فرمود: کیستی؟ گفت: حذیفه‌ام، فرمود: آیا سخن مرا از اول شب می‌شنوی و دم نمی‌زنی؟ آیا در گوری؟ (و در برخی از نسخه‌ها به جای "اقترب"، "اقترب" ذکر شده یعنی نزدیک بیا)، حذیفه از جا برخاست و می‌گفت: خدا مرا به قربانت کند سرما و سختی مرا بازداشت که پاسخ شما را بدهم، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هم‌اکنون به میان آن‌ها برو تا سخن آن‌ها را بشنوی و گزارش آن‌ها را به من برسانی، و چون حذیفه‌ی به راه افتاد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (دست به دعا برداشت) و چنین گفت: "خدایا، او را از پیش رو و از پشت سر و از سمت راست و چپش نگهداری کن تا به‌سوی ما بازگردد، و از آن سو پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به حذیفه فرمود: کاری انجام ندهی تا به نزد من بازآیی، حذیفه شمشیر و کمان و سپر خود را برداشته و به راه افتاد. حذیفه گوید: من به راه افتادم و دیگر هیچ‌گونه سختی و سرما حس نمی‌کردم، پس از راه خندق گذشتم و مؤمنان و کفار را دیدم که در آنجا پاس می‌دادند، و از سوی دیگر وقتی حذیفه به دنبال مأموریت خویش رفت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برخاست و با صدای بلند این دعا را خواند: "ای فریادرس درماندگان و ای پاسخ‌دهنده‌ی گرفتاران، اندوه و غم و گرفتاری مرا برطرف گردان که تو به‌خوبی شاهد حال من و اصحاب من هستی" در این وقت جبرئیل علیه السلام نازل شد و عرض کرد: ای پیامبر خدا، همانا خدای عزیز گفتار را شنید و دعایت را به اجابت رساند و

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

رُكِبَتْ يَدَايَ وَبَسَطَ يَدَيْهِ وَأَرْسَلَ عَيْنَيْهِ ثُمَّ قَالَ شُكْرًا شُكْرًا كَمَا رَحِمْتَنِي وَرَحِمْتَ أَصْحَابِي؛ الكافي ج: ٨، ص: ٢٧٧

﴿١١٠٩﴾ الصادق عليه السلام: فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ سَلْ مِنْ زِيَادَةِ الْعُمْرِ مَا أَحْبَبْتَ تُعْطَهُ قَالَ فَأَخْبَرَ إِبْرَاهِيمُ سَارَةَ بِذَلِكَ فَقَالَتْ لَهُ سَلِ اللَّهُ أَنْ لَا يُمِيتَكَ حَتَّى تَكُونَ أَنْتَ الَّذِي تَسْأَلُهُ الْمَوْتُ قَالَ فَسَأَلَ إِبْرَاهِيمُ رَبَّهُ ذَلِكَ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ ذَلِكَ لَكَ قَالَ فَأَخْبَرَ إِبْرَاهِيمُ سَارَةَ بِمَا أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ فِي ذَلِكَ فَقَالَتْ سَارَةُ لِإِبْرَاهِيمِ اشْكُرْ لِلَّهِ وَاعْمَلْ طَعَامًا وَادْعُ عَلَيْهِ الْفُقَرَاءَ وَ أَهْلَ الْحَاجَةِ؛ بحار الأنوار ج: ١٢، ص: ٧٩

﴿١١١٠﴾ اللَّهُمَّ وَ أَنَا الدَّاعِي الَّذِي أَجَبْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا السَّائِلُ الَّذِي أَعْطَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الضَّالُّ الَّذِي هَدَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الضَّعِيفُ الَّذِي قَوَّيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْفَقِيرُ الَّذِي أَغْنَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْعَارِي الَّذِي كَسَوْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا السَّقِيمُ الَّذِي شَفَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ أَجَلْ وَ عَزَّتْكَ لَقَدْ فَعَلْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِهِ وَ اجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢، ص: ٤٢٨

﴿١١١١﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: مَا الَّذِي تُرِيدُونَ فَقَالُوا إِنْ يَكُنْ لَكَ عِنْدَ رَبِّكَ قَدْرُ فَاَمْرِ الْقَمَرِ أَنْ يَنْقَطَعَ قِطْعَتَيْنِ فَهَبْطَ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ اللَّهُ يُقَرِّبُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ إِنِّي قَدْ أَمَرْتُ كُلَّ شَيْءٍ بِطَاعَتِكَ فَرَفَعَ رَأْسَهُ فَاَمَرَ الْقَمَرَ أَنْ يَنْقَطَعَ قِطْعَتَيْنِ فَانْقَطَعَ قِطْعَتَيْنِ فَسَجَدَ النَّبِيُّ ﷺ شُكْرًا لِلَّهِ وَ سَجَدَ شَيْعَتُنَا ثُمَّ رَفَعَ النَّبِيُّ رَأْسَهُ وَ رَفَعُوا رُءُوسَهُمْ فَقَالُوا يَعُودُ كَمَا كَانَ فَعَادَ كَمَا كَانَ ثُمَّ قَالُوا يَنْشَقُّ رَأْسُهُ فَاَمَرَهُ فَاَنْشَقَّ فَسَجَدَ النَّبِيُّ ﷺ شُكْرًا لِلَّهِ وَ سَجَدَ شَيْعَتُنَا؛ بحار الأنوار ج: ١٧، ص: ٣٥١

٢٠٢١-٢-١-المَجَاعَةُ

﴿١١١٢﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: دَخَلْتُ أَنَا وَ خَمْسَةُ رَهْطٍ مِنْ أَصْحَابِنَا يَوْمًا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ قَدْ أَصَابَتْنَا مَجَاعَةٌ شَدِيدَةٌ وَ لَمْ يَكُنْ دُفْنَا مِنْذُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ إِلَّا الْمَاءُ وَ اللَّبَنُ وَ وَرَقَ الشَّجَرِ قُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ إِلَى مَتَى نَحْنُ عَلَى هَذِهِ الْمَجَاعَةِ الشَّدِيدَةِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا تَزَالُونَ فِيهَا مَا عِشْتُمْ فَأَحْدِثُوا لِلَّهِ شُكْرًا فَإِنِّي قَرَأْتُ كِتَابَ اللَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَىَّ وَ عَلَى مَنْ كَانَ قَبْلِي فَمَا وَجَدْتُ مَنْ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ إِلَّا الصَّابِرُونَ؛ بحار الأنوار ج: ٧٤، ص: ٩٤

٢٠٢٢-٢-١-الجُودُ

﴿١١١٣﴾ فَلَهُ الشُّكْرُ عَلَى إِنْعَامِهِ وَ جُودِهِ وَ امْتِنَانِهِ؛ الأمان ص: ٦١

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

هراس دشمنت را از تو دور کرد، پیامبر خدا ﷺ به دوزانو (روی زمین) نشست و دست‌ها را باز کرد، و اشک از دیدگانش سرازیر شد و گفت: سپاس تو را که به من و اصحابم رحم کردی.

﴿۱۱۰۹﴾ خداوند به او وحی کرد که هرچه عمر طولانی بخواهی می‌دهم. آن حضرت به ساره خبر داد که خدا چنین فرموده است. ساره گفت: از خدا بخواه که تو را نمیراند تا زمانی که تو از او بخواهی. آن حضرت آنچه را که ساره گفته بود از خداوند درخواست کرد، و خدای تعالی پذیرفت. آن حضرت ساره را از پاسخ مطلع نمود، ساره گفت برای شکرانه‌ی این نعمت که خدا به تو عنایت کرده، غذایی آماده کن و فقرا و نیازمندان را دعوت کن که بر سر سفره‌ی تو حاضر شوند.

﴿۱۱۱۰﴾ خدایا، من همانم که دعا کردم و تو اجابت نمودی، پس حمد سزاوارتوست؛ و من همانم که از تو درخواست نمودم و تو عطا کردی، پس حمد سزاوارتوست؛ و من همان گمراهی هستم که هدایتش کردی، پس حمد سزاوارتوست؛ و من آن ضعیفم که به او توان دادی، پس حمد سزاوارتوست؛ و من آن فقیری هستم که توانگرش نمودی، پس حمد سزاوارتوست؛ و من آن عریانی هستم که بر او لباس پوشاندی، پس حمد سزاوارتوست؛ و من آن بیماری هستم که شفایش دادی، پس حمد سزاوارتوست؛ آری به عزتت سوگند که این لطف‌ها را تو در حق من روا داشته‌ای، پس حمد سزاوارتوست؛ بر محمد و آلش درود فرست و مرا از قدرشناسان و شکرگزاران خود قرار ده.

﴿۱۱۱۱﴾ پیامبر ﷺ فرمود: چه می‌خواهید؟ گفتند: اگر تو نزد پروردگارت منزلتی داری به ما
امر کن تا به دو قسمت تقسیم شود. پس جبرئیل علیہ السلام نازل شد و گفت: ای محمد ﷺ، خداوند
بر تو درود می‌فرستد و می‌گوید من همه چیز را به اطاعت کردن از تو امر کردم. پس پیامبر ﷺ
سرشان را بلند کردند و به ماه امر کردند که به دو قسمت تقسیم شود و ماه به دو قسمت تقسیم
شد؛ پس پیامبر ﷺ برای شکر خداوند سجده کردند و شیعیان ما هم سجده کردند؛ سپس پیامبر
سرشان را برداشتند و آن‌ها هم سرشان را برداشتند. پس منکران گفتند: بخواه که به حال
اول بازگردد؛ پس به حال اول بازگشت سپس گفتند: بشکافد پس پیامبر ﷺ به ماه امر کردند و
شکافته شد پس پیامبر ﷺ برای شکر خداوند سجده کردند و شیعیان ما هم سجده کردند.

۲۱-۰۲-۲-۱- گرسنگی

﴿۱۱۱۲﴾ من و پنج دسته از یارانمان روزی بر پیامبر خدا ﷺ وارد شدیم، قحطی سختی به ما رسیده بود که چهار ماه تمام جز آب و شیر و برگ درختان چیزی نخشیده بودیم، عرض کردم: ای پیامبر خدا، تا کی ما در این قحطی به سر ببریم؟ پیامبر خدا فرمود: همیشه در این قحطی خواهید بود پس سپاسگزاری خدا را کنید، زیرا که من خواندم کتاب خدا را که بر من و پیامبران پیش از من فرود آمده پیدا نکردم در آسمان‌ها کسی را که وارد بهشت شود، مگر شکیبایان را.

۲۲-۰۲-۲-۱-بخشش

﴿۱۱۱۳﴾ به خاطر نعمتی که داده و بخششی که نموده و لطفی که نسبت به من روا داشته است، او را می‌ستایم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١١١٤﴾ السَّجَادُ عليه السلام: فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى جَزِيلِ جُودِكَ وَ نَوَافِلِ مَزِيدِكَ حَمْدًا جَامِعًا

لشُكْرِكَ الْوَاجِب؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٧١

١-٢-٢-٠٢٣- حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام

﴿١١١٥﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: ثُمَّ لَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ... فَمَا النَّعِيمُ قَالَ حُبُّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ

أَبِي طَالِبٍ وَ عَثَرْتَهُ عليه السلام يَسْأَلُهُمُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَيْفَ كَانَ شُكْرُكُمْ لِي حِينَ أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ بِحُبِّ عَلِيٍّ وَ عَثَرْتَهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٦ ص: ٢٤٨

﴿١١١٦﴾ الرَّسُولُ ﷺ: ثُمَّ قَالَ لِي الْجَلِيلُ جَلَّ جَلَالُهُ يَا مُحَمَّدُ مَنْ تَحِبُّ مِنْ خَلْقِي قُلْتُ أَحِبُّ

الَّذِي تَحِبُّهُ أَنْتَ يَا رَبِّي فَقَالَ لِي جَلَّ جَلَالُهُ فَأَحِبَّ عَلِيًّا فَإِنِّي أُحِبُّهُ وَ أَحِبُّ مَنْ يُحِبُّهُ وَ أَحِبُّ مَنْ أَحَبَّ مَنْ يُحِبُّهُ فَخَرَرْتُ لِلَّهِ سَاجِدًا مُسَبِّحًا شَاكِرًا لِرَبِّي تَبَارَكَ وَ تَعَالَى؛ بحار الأنوار ج: ١٨

ص: ٣٩٧

١-٢-٢-٠٢٤- مَا نُحِبُّ

﴿١١١٧﴾ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: دَخَلَ الصَّادِقُ عليه السلام إِلَى بَيْتِهِ وَ لَبَسَ أَنْظَفَ ثِيَابِهِ وَ سَرَحَ شَعْرَهُ وَ

جَاءَ إِلَى مَجْلِسِهِ فَجَلَسَ سَاكِئًا عَنِ الْمُصِيبَةِ كَأَنَّهُ لَمْ يُصَبِّ بِمُصِيبَةٍ فَقِيلَ لَهُ فِي ذَلِكَ فَقَالَ إِنَّا أَهْلُ

الْبَيْتِ نَطِيعُ اللَّهِ فِيمَا أَحَبَّ وَ نَسْأَلُهُ مَا نُحِبُّ وَ إِذَا فَعَلْنَا بِمَا نَحِبُّ شَكَرْنَا وَ إِذَا فَعَلْنَا بِمَا

نَكْرَهُ رَضِينَا؛ مجموعة ورام ج: ٢ ص: ٢٥٣

١-٢-٢-٠٢٥- مَا بِهِ حَبَانَا

﴿١١١٨﴾ أَبُو طَالِبٍ عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَوْفَلْنَا وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَعْطَانَا وَ مَا بِهِ حَبَانَا وَ

فَضَّلَنَا عَلَى الْإِنَامِ وَ عَصَمَنَا عَنِ الْحَرَامِ وَ أَمَرَنَا بِالْمُقَارَنَةِ وَ الْوَصْلِ وَ ذَلِكَ لِيَكْثَرَ مِنَّا النَّسْلُ؛

مستدرک الوسائل ج: ١٤ ص: ٢٠٣

١-٢-٢-٠٢٦- الْإِحْسَانُ

﴿١١١٩﴾ إِحْسَانُكَ أَكْبَرُ مِنْ أَنْ يَشْكُرَ عَلَى أَقْلِهِ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٦ ص: ١٧٨

﴿١١٢٠﴾ أَطْلُ يَدَكَ فِي مَكَاافَةٍ مِنْ أَحْسَنِ إِلَيْكَ فَإِنْ لَمْ تَقْدِرْ فَلَا أَقْلَ مِنْ أَنْ تَشْكُرَهُ؛

غرر الحكم ص: ٣٨٥

﴿١١٢١﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِحَمْدِهِ، وَ جَعَلَنَا مِنْ أَهْلِهِ لِنَكُونَ لِإِحْسَانِهِ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَ

لِيَجْزِيَنَا عَلَى ذَلِكَ جَزَاءَ الْمُحْسِنِينَ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ١٨٦

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۱۱۴﴾ پس به خاطر فراوانی سخاوت و پی‌درپی بودن لطف حمدسزاوار توست ستایشی کامل به خاطر ادای شکر که واجب است.

۰۲۳-۲-۱- دوست داشتن علی بن ابی طالب علیه السلام

﴿۱۱۱۵﴾ سپس در آن روز از آنان درباره‌ی نعمت سؤال خواهد شد، پس نعمت چیست؟ فرمود: همان محبت امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب است و خاندانش علیهم السلام خدای تعالی در روز قیامت ایشان را مورد سؤال قرار می‌دهد، هنگامی که نعمت حبّ و دوستی علی بن ابی‌طالب و عترتش به شما عطا کردم شکر آن را چگونه ادا کردید؟

﴿۱۱۱۶﴾ سپس خداوند جلیل و با جلالیت به من فرمود: ای محمد صلی الله علیه و آله، از میان بندگانم چه کسی را دوست می‌داری؟ گفتم: او را که تو او را دوست می‌داری ای پروردگارم. پس خدای باجلالت به من فرمود: علی علیه السلام را دوست بدار که من او را دوست دارم و آن که او را دوست بدارد، دوست می‌دارم و دوست می‌دارم آن که دوستدار او را دوست بدارد؛ پس به درگاه خداوند سجده کردم و تسبیح کردم و شکر پروردگار تبارک و تعالی را به‌جا آوردم.

۰۲۴-۲-۱- آنچه دوست داریم

﴿۱۱۱۷﴾ حضرت صادق علیه السلام وارد خانه شدند و پاکیزه‌ترین لباسشان را پوشیدند و مویشان را شانه نمودند و به مجلس او آمدند و ساکت نشستند، گویا که مصیبتی به ایشان نرسیده‌است درباره‌ی علت این عمل از ایشان سؤال شد پس فرمودند: ما اهل بیت خدا را در آنچه دوست می‌دارد اطاعت می‌کنیم و آنچه را دوست داریم از او می‌خواهیم، آنگاه که آنچه را که دوست داشتیم واقع شود او را شکر می‌گذاریم و چنانچه آنچه را دوست نمی‌داریم واقع شود راضی هستیم.

۰۲۵-۲-۱- آنچه به ما ارزانی کرد

﴿۱۱۱۸﴾ سپاس مخصوص خداست به خاطر آنچه به ما بخشیده و شکر به خاطر آنچه به ما عطا کرد و ما را بر مردم برتری داد و از حرام بازمان داشت و به ازدواج امرمان نمود تا بدین وسیله نسلمان تکثیر شود.

۰۲۶-۲-۱- احسان

﴿۱۱۱۹﴾ احسان و نیکی تو بزرگ‌تر از آن است که بتوان بر کوچک‌ترین آن‌ها ادای شکر کرد. ﴿۱۱۲۰﴾ دست خود را برای عوض دادن به کسی که به تو احسان کرده است دراز کن. ولی اگر توانایی نداشته باشی حداقل در تشکر کردن از او کوتاهی نکن.

﴿۱۱۲۱﴾ حمد و سپاس خداوندی را که ما را به حمد و سپاس خویش هدایت نمود و از جمله‌ی ستایشگران خود قرار داد، تا شکرگزار احسان او باشیم و به ما در برابرشکرمان پاداش نیکوکاران را عطا نماید.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١١٢٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي زَوْجَةً صَالِحَةً وَدُوداً وَلُوداً شُكُوراً قَنُوعاً غَيْرَاً إِنَّ أَحْسَنْتُ شُكْرَتِ؛ بحار الأنوار ج: ١٠٠ ص: ٢٦٨

﴿١١٢٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي زَوْجَةً وَدُوداً وَلُوداً شُكُوراً غَيْرَاً إِنَّ أَحْسَنْتُ شُكْرَتِ وَ إِنِ اسَاءْتُ غَفَرْتُ؛ مستدرک الوسائل ج: ٦ ص: ٣٢٥

﴿١١٢٤﴾ الرسول ﷺ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ وَفَّقْنِي لِلْحَمْدِ عَلَى نِعْمَتِكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ وَ الشُّكْرَ لِإِحْسَانِكَ الَّذِي أَسَدَيْتَ إِلَيَّ؛ بحار الأنوار ج: ٨٦ ص: ٣٧٩

﴿١١٢٥﴾ اللَّهُمَّ وَ أَنَا الطَّرِيدُ الَّذِي رَدَدْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْمُسَافِرُ الَّذِي صَحَبْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْمُسِيءُ الَّذِي أَحْسَنْتَ إِلَيْهِ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْمَهْمُومُ الَّذِي فَرَّجْتَ هَمَّهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْمَكْرُوبُ الَّذِي نَفَسْتُ كَرْبَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ أَجَلُ وَ عِزَّتِكَ لَقَدْ فَعَلْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٢٨

﴿١١٢٦﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ مِنْ دِعَامَةِ الْبَيْتِ آسَاسُهُ وَ دِعَامَةُ الدِّينِ الْمَعْرِفَةُ بِاللَّهِ تَعَالَى وَ الْيَقِينُ بِتَوْحِيدِهِ وَ الْعَقْلُ الْقَامِعُ فَقَالُوا وَ مَا الْقَامِعُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ الْكَفُّ عَنِ الْمَعَاصِي وَ الْجَرُّ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَ الشُّكْرُ عَلَى جَمِيلِ إِحْسَانِهِ وَ إِنْعَامِهِ وَ حُسْنُ بَلَايَةٍ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ١٦٩

﴿١١٢٧﴾ حُبَّتْكَ أَجَلُ مِنْ أَنْ تُوصَفَ بِكُلِّهَا، وَ مَجْدُكَ أَرْفَعُ مِنْ أَنْ يُحَدَّ بِكُنْهٍ، وَ نِعْمَتُكَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُحْصَى بِأَسْرِهِا، وَ إِحْسَانُكَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُشْكَرَ عَلَى أَقْلِهِ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٢٠٤

﴿١١٢٨﴾ شُكْرَ الْإِحْسَانِ مَنْ أَتَى عَلَى مُسْئِدِيهِ وَ ذَكَرَ بِالْجَمِيلِ مُؤَلِّيهِ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٩

﴿١١٢٩﴾ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى ائْتِدَائِكَ بِالنِّعَمِ الْجِسَامِ، وَ اِلْتِهَامِكَ الشُّكْرَ عَلَى الْإِحْسَانِ وَ الْإِنْعَامِ؛

الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ١٥٢

﴿١١٣٠﴾ السَّجَادُ عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَذْكُورِ بِكُلِّ لِسَانٍ الْمَشْكُورِ عَلَى كُلِّ إِحْسَانٍ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٥٣

٢٧-٢-١- الحسنة

﴿١١٣١﴾ الكاظم عليه السلام: لَيْسَ مِنَّْا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ فَإِنْ عَمِلَ حَسَنًا ازْدَادَ اللَّهُ شُكْرًا وَ إِنْ عَمِلَ سَيِّئًا اسْتَغْفَرَ اللَّهُ وَ تَابَ إِلَيْهِ؛ بحار الأنوار ج: ٦٧ ص: ٧٢

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۱۲۲﴾ خدایا، همسری صالح، مهربان، زاینده، سپاسگزار، قانع و تسلیم و باغیرت روزی من گردان، که اگر به او نیکی کنم سپاسگزار باشد.

﴿۱۱۲۳﴾ خداوندا، زنی صالح، مهربان، زاینده، سپاسگزار، قانع و تسلیم و باغیرت نصیب من بگردان، که اگر به او نیکی کنم سپاسگزار باشد، و اگر در حق او کوتاهی و بدی کردم از من در گذرد.

﴿۱۱۲۴﴾ پروردگارا، بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا به سپاسگزاری بر نعمتی که به من دادی و شکر بر لطفی که در حق من رواداشتی، موفق کن.

﴿۱۱۲۵﴾ خدایا، و من آن رانده شده‌ای هستم که تو او را بازگرداندی، پس حمد سزاوار توست؛ و من آن مسافری هستم که تو همنشین او شدی، پس حمد سزاوار توست؛ و من آنم که بد کردم و تو به او نیکی کردی، پس حمد سزاوار توست؛ و من آن غمگینم که تو اندوهش را برطرف کردی، پس حمد سزاوار توست؛ و من آن اندوهگینم که تو حزنش را زدودی، پس حمد سزاوار توست؛ آری به عزت سوگند که این لطف‌ها را تو در حق من رواداشته‌ای پس حمد سزاوار توست؛ بر محمد و آلش درود فرست و مرا از قدرشناسان و شکرگزاران خودت قرار ده.

﴿۱۱۲۶﴾ استواری خانه از پایه‌های آن است و ستون و پایه‌ی دین، خداشناسی و یقین به توحید و عقل قانع است، پرسیدند: عقل قانع چیست؟ فرمود: خویشی‌داری از گناهان و حرص به طاعت خدا و شکر بر احسان‌ها و تکالیف نیکوی اوست.

﴿۱۱۲۷﴾ حجت و دلیل تو بزرگ‌تر از آن است که به همه‌ی (صفات) آن وصف شود و بزرگی تو بالاتر از آن است که کنه و حقیقت آن به توصیف محدود گردد و (پایانی برای آن تعیین گردد)؛ و نعمت تو افزون‌تر از آن است که همه‌ی آن شمرده شود، و نیکی تو بیشتر از آن است که مقدار کمی از آن سپاس گزارده شود.

﴿۱۱۲۸﴾ احسان را شکر نموده است کسی که ستایش کند بر احسان‌کننده‌ی آن، و یاد کند به نیکویی صاحب آن را.

﴿۱۱۲۹﴾ پس ستایش سزاوار توست، بخاطر شروع به دادن نعمت‌های بزرگ (بدون آنکه بنده‌ات شایسته‌ی دریافت آن باشد)؛ و نیز بخاطر آنکه شکر بر لطف و احسان را به ما الهام کردی.

﴿۱۱۳۰﴾ حمد خدایی را که با همه‌ی زبان‌ها یاد شده و در مقابل همه‌ی احسان‌ها شکر شده است.

۲۷-۲-۱- نیکی

﴿۱۱۳۱﴾ از ما نیست کسی که هر روز از خودش حساب نکشد پس اگر کار نیکویی کرده است بر شکر و سپاس خویش از خداوند بیافزاید و اگر گناهی مرتکب شده است از خدا آمرزش طلبد و توبه نماید.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١١٣٢﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ سَدِّدْنِي لِأَنْ أَعَارِضَ مَنْ غَشَّيَ بِالنُّصْحِ، وَ أَجْزَى مَنْ هَجَرَنِي بِالْبِرِّ، وَ أَثِيبَ مَنْ حَرَمَنِي بِالْبَذْلِ، وَ أَكْفِئْ مَنْ قَطَعَنِي بِالصَّلَةِ، وَ أَخَالَفَ مَنْ اغْتَابَنِي إِلَى حُسْنِ الذِّكْرِ، وَ أَنْ أَشْكُرَ الْحَسَنَةَ، وَ أَعْضِيَ عَنِ السَّيِّئَةِ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٩٢

١-٢-٢-٢٨- حُسْنُ الْمَجَاوِرَةِ

﴿١١٣٣﴾ الرسول ﷺ: وَ إِذَا أَرَدْتَ وَدَاعَ الرُّوحَانِيِّينَ فِي هَذَا الْمَنْزِلِ الثَّلَاثِ فَقُلِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلُهَا الرُّوحَانِيُّونَ وَ الْحَافِظُونَ وَ الْمَجَاوِرُونَ قَدْ عَزَمْنَا عَلَى الرَّحِيلِ مِنْ جِهَتِكُمْ وَ نَحْنُ شَاكِرُونَ لِحُسْنِ مُجَاوِرَتِكُمْ؛ الأمان ص: ١٤٤

١-٢-٢-٢٩- الْحِصْنُ، تَحْصِينُ كُلِّ عَوْرَةٍ، حِطُّ الْمَعَاصِي، حِفْظُ الْأَهْلِ وَ الْمَالِ

﴿١١٣٤﴾ وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَهُ لَبِوسَ لَكُمْ لِنَحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ؛ الأنبياء: الآية ٨٠

﴿١١٣٥﴾ الرسول ﷺ: أَسْأَلُكَ أَنْ تُخَلِّفَنِي فِي أَهْلِي وَ وَلَدِي وَ صُرُوفِ خِزَانَتِي بِأَحْسَنِ مَا خَلَفْتَ بِهِ غَائِبًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَحْصِينِ كُلِّ عَوْرَةٍ وَ سِتْرِ كُلِّ سَيِّئَةٍ وَ حِطِّ كُلِّ مَعْصِيَةٍ وَ كِفَايَةِ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَ ارْزُقْنِي عَلَى ذَلِكَ شُكْرَكَ وَ ذِكْرَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٣٠٣

١-٢-٢-٣٠- حُكْمُ يُدَبِّرُ بِهِ أَمْرَ دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ

﴿١١٣٦﴾ الصادق عليه السلام: وَ الْوَاجِبُ عَلَى مَنْ وَهَبَ اللَّهُ لَهُ الْهُدَى وَ أَكْرَمَهُ بِالْإِيمَانِ وَ أَلْهَمَهُ رُشْدَهُ وَ رَكَّبَ فِيهِ عَقْلًا يَتَعَرَّفُ بِهِ نِعَمَهُ وَ آتَاهُ عِلْمًا وَ حُكْمًا يُدَبِّرُ بِهِ أَمْرَ دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ أَنْ يُوجِبَ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَشْكُرَ اللَّهَ وَ لَا يَكْفُرَهُ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٢٨٣

١-٢-٢-٣١- الْحَيَاةُ

﴿١١٣٧﴾ الرضا عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانَا بَعْدَ مَمَاتِنَا وَ إِلَيْهِ الشُّوْرُ لِأَعْبُدَهُ وَ أَحْمَدَهُ وَ أَشْكُرَهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ٤ ص: ١٤٦

﴿١١٣٨﴾ ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ البقرة: الآية ٥٦

﴿١١٣٩﴾ العسكري عليه السلام: ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ بَعَثْنَا أَسْلَافَكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ أَيْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِ أَسْلَافِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ بحار الأنوار ج: ١٣ ص: ٢٣٥

﴿١١٤٠﴾ العسكري عليه السلام: أَيْ لَعَلَّ أَسْلَافَكُمْ يَشْكُرُونَ الْحَيَاةَ الَّتِي فِيهَا يَتَوَبُّونَ وَ يَقْلَعُونَ وَ إِلَى رَبِّهِمْ يُنِيبُونَ لَمْ يُدِمْ عَلَيْهِمْ ذَلِكَ الْمَوْتُ فَيَكُونُ إِلَى النَّارِ مَصِيرُهُمْ وَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ؛ بحار الأنوار ج: ١٣ ص: ٢٣٥

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۱۳۲﴾ خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست، و مرا توفیق ده تا با کسی که با من ناراستی نموده، از روی اخلاص (درستی) رفتار کنم، و کسی را که از من دوری کرده به نیکویی پاداش دهم، و کسی که مرا نومید گردانیده به عفو و بخشش عوض دهم، و کسی را که از من بریده به با پیوستن جبران نمایم، و از آن که از من غیبت نموده (پشت سرم بدگویی کرده) به نیکی یاد کنم، و نیکی را سپاس گزارده از بدی چشم بپوشم.

۰۲۸-۲-۱- همراهی خوب

﴿۱۱۳۳﴾ درهنگام وداع با موجودات روحانی در منزل سوم بگو: " درود بر شما ای موجودات لطیف و نگهبانان و همسایگان، ما می‌خواهیم از نزد شما برویم و چون شما برای ما همسایه‌ی خوبی بودید، از شما سپاسگزاریم.

۰۲۹-۲-۱- پوشاندن زشتی‌ها و ریختن گناهان و محافظت از خانواده و اموال

﴿۱۱۳۴﴾ و ساختن زره را به‌خاطر شما به او تعلیم دادیم، تا شما را در جنگ‌هایتان حفظ کند آیا شکرگزار هستید؟

﴿۱۱۳۵﴾ پروردگارا، از تو می‌خواهم بعد از من درباره‌ی خانواده و فرزندان و برطرف کنندگان گرفتاری‌ام به بهترین شکلی که فردی می‌تواند برای افراد غایب مؤمن درخواست کند و تو انجام دهی، در محافظت کردن از حریم‌هایشان و پوشاندن همه‌ی بدی‌ها و درگذشتن از همه گناهان و برطرف کردن همه‌ی ناخوشی‌هایشان و بر من نعمت شکرگزاری را و یاد خودت را نیز روزی کن.

۰۳۰-۲-۱- حکمتی که با آن امر دین و دنیایش را تدبیر کند

﴿۱۱۳۶﴾ لازم است کسی که خداوند او را هدایت فرموده و به ایمان گرامی داشته و ارشادش کرده و به او بینشی عطا کرده که نعمت‌های پروردگار را درمی‌یابد و به او علم و حکمتی بخشیده که امر دنیا و آخرت خود را تدبیر می‌کند و شکر این نعمت‌ها را به‌جا آورد و کفران ننماید.

۰۳۱-۲-۱- زندگی

﴿۱۱۳۷﴾ حمد و سپاس خدای تعالی را که پس از مردن، ما را زنده کرد و ما را به سوی خود از خاک برآورد تا او را بپرستیم، سپاس گوئیم و شکرگزار باشیم.

﴿۱۱۳۸﴾ سپس پس از مرگتان به شما، حیات بخشیدیم شاید شکر (نعمت او را) به‌جا آورید.

﴿۱۱۳۹﴾ سپس برانگیختم شما را پس از آنکه گذشتگان شما را برانگیختم، پس از مرگ شما (یعنی بعد از مرگ گذشتگانتان) شاید که شما شکرگزاری پیشه سازید.

﴿۱۱۴۰﴾ یعنی ای کاش پیشینیان شما شکر نعمت حیات را به‌نحوی به‌جا می‌آوردند که در آن توبه کرده و گناهان را از خود می‌کنند و به‌سوی پروردگارشان باز می‌گشتند و چنین مرگی نصیبشان نمی‌شد که مقصدشان دوزخ باشد و در آن جاویدان بمانند.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

٣٢-٢-١-١-الخير

﴿١١٤١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَعِينُكَ وَنَسْتَغْفِرُكَ وَنَسْتَهِدُكَ وَنُؤْمِنُ بِكَ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ وَنُثْنِي عَلَيْكَ الْخَيْرَ كُلَّهُ نَشْكُرُكَ وَلَا نَكْفُرُكَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٤ ص: ٤٠١

٣٢-٢-١-١-الخير لأمّة محمد عليه السلام

﴿١١٤٢﴾ الصادق عليه السلام: بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام مَعَ أَصْحَابِهِ إِذْ سَجَدَ فَأَطَالَ السُّجُودَ حَتَّى ظَنُّوا أَنَّهُ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَقَدْ أَطَلْتَ السُّجُودَ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّكَ مِمَّا ذَاكَ فَقَالَ عليه السلام أَتَانِي جَبْرِئِيلُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّكَ يُقْرُئُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ إِنِّي لَنْ أَسُوءَكَ فِيمَنْ وَالَاكَ مِنْ أُمَّتِكَ وَلَنْ أَقْضِيَ عَلَى مُؤْمِنٍ قَضَاءً سَاءَهُ أَوْ سَرَّ ذَلِكَ إِلَّا وَهُوَ خَيْرٌ لَهُ قَالَ عليه السلام فَلَمْ يَكُنْ عِنْدِي مَالٌ فَأَتَصَدَّقَ بِهِ وَلَا مَمْلُوكٌ فَأُعْتِقَهُ فَسَجَدْتُ لِلَّهِ وَشَكَرْتُهُ وَحَمِدْتُهُ عَلَى ذَلِكَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ١٥١

٣٢-٢-١-١-دفع العدو

﴿١١٤٣﴾ الصادق عليه السلام: قَامَ رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام عَلَى التَّلِّ الَّذِي عَلَيْهِ مَسْجِدُ الْفَتْحِ فِي غَزْوَةِ الْأَخْزَابِ فِي لَيْلَةٍ ظَلَمَاءَ قَرَّةً فَقَالَ مَنْ يَذْهَبُ فَيَأْتِينَا بِخَبَرِهِمْ وَلَهُ الْجَنَّةُ فَلَمْ يَقُمْ أَحَدٌ ثُمَّ أَعَادَهَا فَلَمْ يَقُمْ أَحَدٌ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام بِيَدِهِ وَمَا أَرَادَ الْقَوْمُ أَرَادُوا أَفْضَلَ مِنَ الْجَنَّةِ ثُمَّ قَالَ مَنْ هَذَا فَقَالَ حُذَيْفَةُ فَقَالَ أَمَا تَسْمَعُ كَلَامِي مِنْذُ اللَّيْلَةِ وَلَا تَكَلِّمْ أَقْبَرْتَ فَقَامَ حُذَيْفَةُ وَهُوَ يَقُولُ الْقُرْ وَالْضُّرُّ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ مَنْعَنِي أَنْ أُجِيبَكَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام انْطَلِقْ حَتَّى تَسْمَعَ كَلَامَهُمْ وَتَأْتِيَنِي بِخَبَرِهِمْ فَلَمَّا ذَهَبَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام اللَّهُمَّ احْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ حَتَّى تَرُدَّهُ وَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام يَا حُذَيْفَةُ لَا تُحْدِثْ شَيْئًا حَتَّى تَأْتِيَنِي فَأَخَذَ سَيْفَهُ وَقَوَّسَهُ وَحَجَفْتَهُ قَالَ حُذَيْفَةُ فَخَرَجْتُ وَمَا بِي مِنْ ضُرٍّ وَلَا قُرٍّ فَمَرَرْتُ عَلَى بَابِ الْخَنْدَقِ وَقَدْ اغْتَرَاهُ الْمُؤْمِنُونَ وَالْكَفَّارُ فَلَمَّا تَوَجَّهَ حُذَيْفَةُ قَامَ رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام وَنَادَى يَا صَرِيحَ الْمَكْرُوبِينَ وَيَا مُجِيبَ الْمُضْطَرِّينَ اكْشِفْ هَمِّي وَغَمِّي وَكَرْبِي فَقَدْ تَرَى حَالِي وَحَالَ أَصْحَابِي فَنَزَلَ عَلَيْهِ جَبْرِئِيلُ عليه السلام فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ ذِكْرُهُ فَدَسَمِعَ مَقَالَتَكَ وَدَعَاكَ وَقَدْ أَجَابَكَ وَكَفَاكَ هُوَ عَدُوُّكَ فَجَنَّا رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام عَلَى رُكْبَتَيْهِ وَبَسَطَ يَدَيْهِ وَأَرْسَلَ عَيْنَيْهِ ثُمَّ قَالَ شُكْرًا شُكْرًا كَمَا رَحِمْتَنِي وَرَحِمْتَ أَصْحَابِي؛ الكافي ج: ٨ ص: ٢٧٧

٣٢-٢-١-١-الدين

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۳۲-۲-۱-۱-خیر

﴿۱۱۴۱﴾ پروردگارا، ما از تو طلب یاری و تقاضای آمرزش و درخواست هدایت داشته و به تو ایمان داریم و به تو توکل می‌کنیم و سپاس همه‌ی خیرها را به پیشگاه تو عرضه می‌کنیم و تو را شکر می‌کنیم و هرگز به تو کفر نمی‌ورزیم.

۳۲-۲-۱-۲-خیر برای امت حضرت محمد ﷺ

﴿۱۱۴۲﴾ پیامبر خدا ﷺ با اصحابشان بودند که به سجده رفتند سجودشان طولانی شد به حدی که گمان کردند ایشان به رحمت خدا رفته‌اند... سپس سرشان را بلند کردند. از ایشان پرسیدند: ای پیامبر خدا، سجده‌ات را طولانی نمودی به حدی که ما گمان کردیم که از دنیا رفته‌ای. فرمود: جبرئیل از نزد خداوند تبارک و تعالی بر من نازل شد و گفت: ای محمد! پروردگارت تو را سلام می‌رساند و به تو می‌فرماید، من هرگز در مورد بنده‌ای از امت که تو را دوست دارد امر ناراحت کننده‌ای نفرستاده‌ام، و بر هر مؤمنی امری را که در ظاهر او را ناراحت کند یا او را شادمان کند انجام ندادم مگر اینکه آن کار برای او خیر بود. پیامبر خدا ﷺ فرمود: نه مالی نزد من بود که آن را صدقه دهم و نه بنده‌ای که او را آزاد سازم، پس به شکرانه برای خدا به سجده افتادم و او را شکر کردم و بر این امر او را ستایش کردم.

۳۳-۲-۱-۲-دور کردن دشمن

﴿۱۱۴۳﴾ از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: "پیامبر خدا ﷺ در جنگ احزاب در شبی تاریک و سرد روی تپه‌ای که اکنون مسجد فتح روی آن قرار دارد ایستاد و فرمود: "کیست که برود و گزارشی از مشرکین برای ما بیاورد و در عوض بهشت پاداشش باشد، هیچ‌کس از جا برخاست بار دوم این سخن را تکرار کرد و کسی برخاست؛ در اینجا امام صادق علیه السلام دست خود را حرکت داده فرمود: آن مردم چه می‌خواستند؟ آیا بهتر از بهشت می‌خواستند؟ سپس پیامبر خدا ﷺ (به کسی که در آن نزدیکی بود) فرمود: کیستی؟ گفت: حذیفه‌ام، فرمود: آیا سخن مرا از اول شب می‌شنوی و دم نمی‌زنی؟ آیا در گوری؟ (و در برخی از نسخه‌ها به جای "قبرت"، "اقترب" ذکر شده یعنی نزدیک بیا)، حذیفه از جا برخاست و می‌گفت: خدا مرا به قربانت کند سرما و سختی مرا بازداشت که پاسخ شما را بدهم، پیامبر خدا ﷺ فرمود: هم‌اکنون به میان آن‌ها برو تا سخن آن‌ها را بشنوی و گزارش آن‌ها را به من برسانی، و چون حذیفه‌ی به راه افتاد پیامبر خدا ﷺ (دست به دعا برداشت) و چنین گفت: "خدایا، او را از پیش رو و از پشت سر و از سمت راست و چپش نگهداری کن تا به‌سوی ما بازگردد، و از آن سو پیامبر خدا ﷺ به حذیفه فرمود: کاری انجام ندهی تا به نزد من بازآیی، حذیفه شمشیر و کمان و سپر خود را برداشته و به راه افتاد. حذیفه گوید: من به راه افتادم و دیگر هیچ‌گونه سختی و سرما حس نمی‌کردم، پس از راه خندق گذشتم و مؤمنان و کفار را دیدم که در آنجا پاس می‌دادند، و از سوی دیگر وقتی حذیفه به دنبال مأموریت خویش رفت پیامبر خدا ﷺ برخاست و با صدای بلند این دعا را خواند: "ای فریادرس در ماندگان و ای پاسخ‌دهنده‌ی گرفتاران، اندوه و غم و گرفتاری مرا برطرف گردان که تو به‌خوبی شاهد حال من و اصحاب من هستی" در این وقت جبرئیل علیه السلام نازل شد و عرض کرد: ای پیامبر خدا، همانا خدای عزیز گفتارت را شنید و دعایت را به اجابت رساند و هراس دشمنت را از تو دور کرد، پیامبر خدا ﷺ به دوزانو (روی زمین) نشست و دست‌ها را باز کرد، و اشک از دیدگانش سرازیر شد و گفت: سپاس تو را که به من و اصحابم رحم کردی.

۳۴-۲-۱-۲-دین

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١١٤٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَحْسِنُوا جِوَارَ نِعَمِ الدِّينِ وَ الدُّنْيَا بِالشُّكْرِ لِمَنْ دَلَّكُمْ عَلَيْهَا؛

مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٧٠

٣٥-٢-١-الرحمة

﴿١١٤٥﴾ الكاظم عليه السلام: أَوْزَعْنَا أَنْ نَشْكُرَ رَحْمَتَكَ؛ مصباح المتعبد ص: ٤٤٢

﴿١١٤٦﴾ السجاد عليه السلام: رَبِّ إِنَّكَ عَوَّدْتَنِي غَافِيَتِكَ وَ غَدَوْتَنِي نِعْمَتِكَ وَ تَعَمَّدْتَنِي بِرَحْمَتِكَ تَعْدُو وَ تَرُوحُ بِفَضْلِ ابْتِدَائِكَ لَا أَعْرِفُ غَيْرَهَا وَ رَضِيتَ مِنِّي بِمَا أَسْدَيْتَ إِلَيَّ أَنْ أَحْمَدَكَ بِهَا شُكْرًا مِنِّي عَلَيْهَا فَضَعُفَ شُكْرِي لِقِلَّةِ جُهْدِي فَاثْمُنْ عَلَيَّ بِحَمْدِكَ كَمَا ابْتَدَأْتَنِي بِنِعْمَتِكَ؛

بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٢٩٨

﴿١١٤٧﴾ الصادق عليه السلام: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَامَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَى التَّلِّ الَّذِي عَلَيْهِ مَسْجِدُ الْفَتْحِ فِي غَزْوَةِ الْأَحْزَابِ فِي لَيْلَةٍ ظَلَمَاءَ قَرَّةً فَقَالَ مَنْ يَذْهَبُ فَيَأْتِينَا بِخَبَرِهِمْ وَ لَهُ الْجَنَّةُ فَلَمْ يَقُمْ أَحَدٌ ثُمَّ أَعَادَهَا فَلَمْ يَقُمْ أَحَدٌ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام بِيَدِهِ وَ مَا أَرَادَ الْقَوْمُ أَرَادُوا أَفْضَلَ مِنَ الْجَنَّةِ ثُمَّ قَالَ مَنْ هَذَا فَقَالَ حُذِيفَةُ فَقَالَ أَمَا تَسْمَعُ كَلَامِي مِنْذُ اللَّيْلَةِ وَ لَا تَكَلِّمْ أَ قُبِرْتَ فَقَامَ حُذِيفَةُ وَ هُوَ يَقُولُ الْقُرْ وَ الضُّرُّ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ مَنَعَنِي أَنْ أُجِيبَكَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ انْطَلِقْ حَتَّى تَسْمَعَ كَلَامَهُمْ وَ تَأْتِنِي بِخَبَرِهِمْ فَلَمَّا ذَهَبَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ اللَّهُمَّ احْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ حَتَّى تَرُدَّهُ وَ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَا حُذِيفَةُ لَا تَحْدِثْ شَيْئًا حَتَّى تَأْتِنِي فَأَخَذَ سَيْفَهُ وَ قَوْسَهُ وَ حَجَفْتَهُ قَالَ حُذِيفَةُ فَخَرَجْتُ وَ مَا بِي مِنْ ضَرٍّ وَ لَا قُرٍّ فَمَرَرْتُ عَلَى بَابِ الْخَنْدَقِ وَ قَدْ اغْتَرَاهُ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْكُفَّارُ فَلَمَّا تَوَجَّهَ حُذِيفَةُ قَامَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ نَادَى يَا صَرِيخَ الْمَكْرُوبِينَ يَا مُجِيبَ الْمُضْطَرِّينَ اكْشِفْ هَمِّي وَ غَمِّي وَ كَرِّبِي فَقَدْ تَرَى حَالِي وَ حَالَ أَصْحَابِي فَنَزَلَ عَلَيْهِ جَبْرَائِيلُ عليه السلام فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ ذَكَرُهُ قَدْ سَمِعَ مَقَالَتَكَ وَ دُعَاكَ وَ قَدْ أَجَابَكَ وَ كَفَاكَ هَوَلَ عَدُوِّكَ فَجَنَّا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَى رُكْبَتَيْهِ وَ بَسَطَ يَدَيْهِ وَ

أَرْسَلَ عَيْنَيْهِ ثُمَّ قَالَ شُكْرًا شُكْرًا كَمَا رَحِمْتَنِي وَ رَحِمْتَ أَصْحَابِي؛ الكافي ج: ٨ ص: ٢٧٧

﴿١١٤٨﴾ أَحْمَدُكَ اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ وَ أَشْكُرُكَ وَ أَنْتَ لِلشُّكْرِ أَهْلٌ عَنْ حُسْنِ صَنِيعِكَ إِلَيَّ وَ سَوَابِغِ نِعْمِكَ عَلَيَّ وَ جَزِيلِ عَطَائِكَ لَدَيَّ وَ عَلَى كُلِّ مَا فَضَّلْتَنِي بِهِ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ أَسْبَغْتَ عَلَيَّ مِنْ نِعْمَتِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٢١

٣٦-٢-١-الرخاء

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۱۴۴﴾ در اختیار داشتن نعمت‌های دنیا و آخرت را با شکر کردن از کسی که واسطه‌ی رسیدن این نعمت به شما بوده است، به خوبی همراهی کنید.

۱-۲-۲-۳۵- رحمت و مهربانی

﴿۱۱۴۵﴾ خدایا، به ما الهام کن تا مهربانی تو را شکر گزایم.

﴿۱۱۴۶﴾ خدایا، مرا به عافیت عادت داده‌ای و به نعمت پروراندی و در پوشش رحمت خود قرار دادی، رحمتی که شب و روز از ابتدای خلقت به فضل و کرم به‌سوی ما روانه می‌شود، رحمتی که من جز آن رحمتی نمی‌شناسم. و تو در مقابل نیکی‌هایی که در حق من کردی چنین پسندیدی که من تو را برای آن نعمت‌ها شاکرانه سپاس گویم؛ اما به علت کم‌کاری و قصور شکر ناقابل است ولی تو بر من منت بگذار و همان‌گونه که از ابتدای خلقت به من نعمت داده‌ای توفیق شکرگزاری را هم تو به من بده.

﴿۱۱۴۷﴾ از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: "پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در جنگ احزاب در شبی تاریک و سرد روی تپه‌ای که اکنون مسجد فتح روی آن قرار دارد ایستاد و فرمود: "کیست که برود و گزارشی از مشرکین برای ما بیاورد و در عوض بهشت پاداشش باشد، هیچ‌کس از جا برخاست بار دوم این سخن را تکرار کرد و کسی برخاست؛ در اینجا امام صادق علیه السلام دست خود را حرکت داده فرمود: آن مردم چه می‌خواستند؟ آیا بهتر از بهشت می‌خواستند؟ سپس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (به کسی که در آن نزدیکی بود) فرمود: کیستی؟ گفت: حذیفه‌ام، فرمود: آیا سخن مرا از اول شب می‌شنوی و دم نمی‌زنی؟ آیا در گوری؟ (و در برخی از نسخه‌ها به جای "اقبرت"، "اقترب" ذکر شده یعنی نزدیک بیا)، حذیفه از جا برخاست و می‌گفت: خدا مرا به قربانت کند سرما و سختی مرا بازداشت که پاسخ شما را بدهم، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هم‌اکنون به میان آن‌ها برو تا سخن آن‌ها را بشنوی و گزارش آن‌ها را به من برسانی، و چون حذیفه‌ی به راه افتاد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله (دست به دعا برداشت) و چنین گفت: "خدایا، او را از پیش رو و از پشت سر و از سمت راست و چپش نگهداری کن تا به‌سوی ما بازگردد، و از آن سو پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به حذیفه فرمود: کاری انجام ندهی تا به نزد من بازآیی، حذیفه شمشیر و کمان و سپر خود را برداشته و به راه افتاد. حذیفه گوید: من به راه افتادم و دیگر هیچ‌گونه سختی و سرما حس نمی‌کردم، پس از راه خندق گذشتم و مؤمنان و کفار را دیدم که در آنجا پاس می‌دادند، و از سوی دیگر وقتی حذیفه به دنبال مأموریت خویش رفت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برخاست و با صدای بلند این دعا را خواند: "ای فریادرس در ماندگان و ای پاسخ‌دهنده‌ی گرفتاران، اندوه و غم و گرفتاری مرا برطرف گردان که تو به‌خوبی شاهد حال من و اصحاب من هستی" در این وقت جبرئیل علیه السلام نازل شد و عرض کرد: ای پیامبر خدا، همانا خدای عزیز گفتارت را شنید و دعایت را به اجابت رساند و هراس دشمنت را از تو دور کرد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به دوزانو (روی زمین) نشست و دست‌ها را باز کرد، و اشک از دیدگانش سرازیر شد و گفت: سپاس تو را که به من و اصحابم رحم کردی.

﴿۱۱۴۸﴾ پروردگارا، تو را، حمد و سپاس می‌گوییم در حالی که تو سزاوارستایشی و تو را شکر می‌کنم به سبب آنکه تو لایق شکرگزاری هستی؛ زیرا تو بهترین نعمت‌های خود را به من ارزانی داشتی و لطف و احسانت را در اختیار من قرار دادی و به خاطر همه‌ی فضائل و نیکی‌ها و برجسته‌ترین نعمت‌هایت که از رحمت خود بر من مرحمت نمودی.

۱-۲-۲-۳۶- گشایش

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١١٤٩﴾ إَجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَّبِعِينَ إِلَيْكَ الْتَّابِعِينَ لِأَمْرِكَ الْمُخْتَبِينَ إِلَيْكَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرْتُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالْمُسْتَكْمِلِينَ مَنَاسِكَهُمْ وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَلَاءِ وَالشَّاكِرِينَ فِي الرَّخَاءِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٤ ص: ٦٤

﴿١١٥٠﴾ الصادق عليه السلام: أَسْأَلُكَ أَكْثَرَ الْحَمْدِ عِنْدَ الرَّخَاءِ وَ أَجْمَلَ الصَّبْرِ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَ أَفْضَلَ الشُّكْرِ عِنْدَ مَوْضِعِ الشَّكِّ؛ مصباح المتهجد ص: ٢٧٣

﴿١١٥١﴾ الصادق عليه السلام: أَسْتَحِقُّ مِنْ كُلِّ مَنْ خَلَقَ أَنْ يَشْكُرَهُ وَ يَحْمَدَهُ عَلَى السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ؛ بحار الأنوار ج: ٣٧ ص: ٢٠٦

﴿١١٥٢﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: أَشْكُرُهُ دَائِمًا عَلَى السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ؛ التحصين لابن طائوس ص: ٥٨٠

﴿١١٥٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَلَا مَنْ سَأَلَ عَنْ شَيْعَةِ أَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرَهُمْ فِي كِتَابِهِ مَعَ نَبِيِّهِ تَطْهِيرًا فَهُمْ الْعَارِفُونَ بِاللَّهِ الْعَامِلُونَ بِأَمْرِ اللَّهِ أَهْلُ الْفَضَائِلِ وَ الْفَوَاضِلِ مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ... فِي الْمَكَارِهِ صَبُورٌ وَ فِي الرَّخَاءِ شُكُورٌ؛ بحار الأنوار ج: ٦٥ ص: ١٩٢

﴿١١٥٤﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: أَنَّهُ مَرَّ عَلَى قَوْمٍ مِنَ الْأَنْصَارِ فِي بَيْتٍ فَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ وَ وَقَفَ فَقَالَ كَيْفَ أَنْتُمْ قَالُوا مُؤْمِنُونَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَفَمَعَكُمْ بُرْهَانُ ذَلِكَ قَالُوا نَعَمْ قَالَ هَاتُوا قَالُوا نَشْكُرُ اللَّهَ فِي الرَّخَاءِ وَ نَصْبِرُ عَلَى الْبَلَاءِ وَ نَرْضَى بِالْقَضَاءِ قَالَ أَنْتُمْ إِذَا أَنْتُمْ؛ مستدرک الوسائل ج: ٢ ص: ٢٢١

﴿١١٥٥﴾ ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَقَدْ رَزَقَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ هُنَّ الرِّضَا بِالْقَضَاءِ وَ الصَّبْرُ عَلَى الْبَلَاءِ وَ الشُّكْرُ فِي الرَّخَاءِ؛ غرر الحكم ص: ٢٨٢

﴿١١٥٦﴾ الصادق عليه السلام: سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْأَلُكَ إِجَابَةَ الدُّعَاءِ وَ الشُّكْرَ فِي الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ١٩٨

﴿١١٥٧﴾ الصادق عليه السلام: شُكْرٌ فِي رَفَقٍ وَ سَخَاءٍ فِي حَقٍّ وَ قَصْدٌ فِي غِنًى وَ تَجَمُّلٌ فِي فَاقَةٍ وَ عَفْوٌ فِي قُدْرَةٍ وَ طَاعَةٌ فِي نَصِيحَةٍ وَ وَرَعٌ فِي رَغْبَةٍ وَ حِرْصٌ فِي جِهَادٍ وَ صَلَاةٌ فِي شُغْلٍ وَ صَبْرٌ فِي شِدَّةٍ وَ فِي الْهَزَازِ وَ قُورٌ وَ فِي الْمَكَارِهِ صَبُورٌ وَ فِي الرَّخَاءِ شُكُورٌ؛ بحار الأنوار ج: ٦٤ ص: ٢٩٤

﴿١١٥٨﴾ فَالْمُتَّقُونَ فِيهَا هُمْ أَهْلُ الْفَضَائِلِ... فِي الْمَكَارِهِ صَبُورٌ وَ فِي الرَّخَاءِ شُكُورٌ؛ نهج البلاغة ص: ٣٠٣

﴿١١٥٩﴾ فِي الْمَكَارِهِ صَبُورٌ وَ فِي الرَّخَاءِ شُكُورٌ؛ شرح نهج البلاغة ج: ١٠ ص: ١٤٨

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۱۴۹﴾ پروردگارا، مرا از بازگشت کنندگان، به سوی خودت قرار بده، آنان که تابع، دستورات می‌باشند، و همواره با یاد تو آرامش حاصل می‌کنند و پیوسته متوجه تو هستند، آنان که وقتی از تو یاد می‌شود دل‌هایشان لرزان و هراسان می‌گردد؛ و از کسانی که همواره در حال هرچه کامل‌تر نمودن عبادات و اعمال بندگی‌شان هستند، و در هنگام گرفتاری شکیبایی پیشه نموده و در حالت خوشی سپاسگزارند.

﴿۱۱۵۰﴾ پروردگارا، از تو درخواست می‌کنم، بیشترین حمد و سپاس را در هنگام آسایش و زیباترین صبر را در هنگام بلا و مصیبت و با فضیلت‌ترین نوع شکرگزاری را در هنگام قرار گرفتن در موقعیت و شک و تردید.

﴿۱۱۵۱﴾ سزوار است که همه‌ی آفریدگان در همه‌ی حالات اعم از شادمانی و گرفتاری و سختی و آسانی شکر او را به جا آورند.

﴿۱۱۵۲﴾ دائماً شکرگزار او هستم، چه در دوران آسانی و برخورداری از نعمت و چه در دوره‌ی شدت و سختی.

﴿۱۱۵۳﴾ آگاه باشید کسی که درباره پیرو اهل بیت سؤال می‌کند، آن کسانی که خدا در کتابش آلودگی و ناپاکی را از ایشان برد و آنان را به پاکیزگی خاصی پاک کرد، پس ایشان عارف و اهل شناخت به حق خداوند و انجام‌دهنده‌ی دستورات حق تعالی اهل تمامی فضیلت‌ها هستند سخنشان درست... در سختی‌ها شکیبا و در دوران آسایش و بهره‌مندی شکرگزارند.

﴿۱۱۵۴﴾ همانا پیامبر خدا ﷺ در حال عبور بر گروهی از مردم انصار که در خانه (خدا) جمع شده بودند. به ایشان سلام کردند و نزدایشان توقف کردند و گفتند: حال شما چگونه است؟ گفتند: از زمره‌ی مؤمنان هستیم ای پیامبر خدا ﷺ؛ حضرت فرمودند: آیا برهان و دلیلی برای صحت ادعای خود دارید؟ گفتند: آری، حضرت فرمود: بگوئید گفتند: ما در حالت راحتی و رفاه و آسایش شکرگزار نعمت‌های خداوند هستیم و در هنگام سختی و بلا صبر و شکیبایی پیشه می‌کنیم و بر قضای الهی راضی هستیم و گلایه نمی‌کنیم حضرت فرمود: شما همان گونه هستید که گفتید.

﴿۱۱۵۵﴾ سه صفت است که در هر کسی بوده است، پس به یقین خدای تعالی خیر دنیا و آخرت را روزی او کرده است و آن سه صفت عبارتند از؛ خشنودی به قضا و قدر خدا، صبر کردن بر بلا، و شکر کردن در دوران خوشی است.

﴿۱۱۵۶﴾ پاک و منزهی تو ای خداوند نیست جز تو پروردگاری، درخواست می‌کنم از تو اجابت دعایم را و فزونی و خیر و برکت را در سختی و آسانی.

﴿۱۱۵۷﴾ شکر در مدارا و سخاوت در مقام حق، میانه‌روی در توانگری و تحمل در نداری، گذشت با قدرت، و طاعت در نصیحت، پارسایی با رغبت و حرص در جهاد، نماز با مشغله و صبر در سختی. در تند بادهای سنگین است، و در ناخوشایندها شکیبا، در خوشی شاکر است و همه‌ی این‌ها در آنچه بیان شد نیکوست.

﴿۱۱۵۸﴾ پرهیزگاران، صاحبان فضیلتند... در ناگواری‌ها بردبار و در خوشی‌ها سپاسگزارند.

﴿۱۱۵۹﴾ آدمی باید در گرفتاری‌ها شکیبا و در آسایش و رفاه شاکر باشد.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١١٦٠﴾ الرسول ﷺ: لِكُلِّ نِعْمَةٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَلِكُلِّ رَحَاءٍ الشُّكْرُ لِلَّهِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٤ ص: ٥
 ﴿١١٦١﴾ الصادق عليه السلام: يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ فِيهِ ثَمَانُ خِصَالٍ وَفُورٌ عِنْدَ الْهَزَاهِزِ صَبُورٌ عِنْدَ
 الْبَلَاءِ شُكُورٌ عِنْدَ الرَّحَاءِ قَانِعٌ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ لَا يَطْلُمُ الْأَعْدَاءَ وَلَا يَتَحَامَلُ لِلْأَصْدِقَاءِ بَدَنُهُ مِنْهُ فِي
 تَعَبٍ وَالنَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٢٣٠
 ٣٧-٢-١- رَدُّ الضَّيْعَةِ

﴿١١٦٢﴾ الصادق عليه السلام: خَرَجَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ مِنَ الْمَسْجِدِ وَقَدْ ضَاعَتْ دَابَّتُهُ فَقَالَ لَيْنُ رَدَّهَا
 اللَّهُ عَلَيَّ لَا شُكْرَنَّ اللَّهُ حَقَّ شُكْرِهِ قَالَ فَمَا لَبِثَ أَنْ أَتَى بِهَا فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ فَقَالَ لَهُ قَائِلٌ جُعِلْتُ
 فِدَاكَ أَلَيْسَ قُلْتَ لَا شُكْرَنَّ اللَّهُ حَقَّ شُكْرِهِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ أَلَمْ تَسْمَعْني قُلْتَ الْحَمْدُ
 لِلَّهِ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٧

﴿١١٦٣﴾ الصادق عليه السلام: نَفَرَتْ بَغْلَةٌ لِأَبِي جَعْفَرٍ ﷺ فِيمَا بَيْنَ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةِ فَقَالَ لَيْنُ رَدَّهَا
 اللَّهُ عَلَيَّ لَا شُكْرَنَّه حَقَّ الشُّكْرِ فَلَمَّا أَخَذَهَا قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ قَالَ ثَلَاثَ
 مَرَّاتٍ شُكْرًا لِلَّهِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٠ ص: ٢١٥

٣٨-٢-١- رَدُّ الْمَالِ وَرَدُّ الْمُسَافِرِ مِنَ السَّفَرِ
 ﴿١١٦٤﴾ الباقر عليه السلام: لَا يَمِينُ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِلَّا الْيَمِينُ الْوَاجِبَةُ الَّتِي يَنْبَغِي لِصَاحِبِهَا أَنْ يَقِيَّ بِهَا
 مَا جَعَلَ لِلَّهِ عَلَيْهِ فِي الشُّكْرِ إِنْ هُوَ عَافَاهُ اللَّهُ مِنْ مَرَضِهِ أَوْ عَافَاهُ مِنْ أَمْرٍ يَخَافُهُ أَوْ رَدَّ عَلَيْهِ مَالَهُ
 أَوْ رَدَّه مِنْ سَفَرٍ أَوْ رَزَقَهُ رِزْقًا فَقَالَ لِلَّهِ عَلَى كَذَا وَكَذَا شُكْرًا فَهَذَا الْوَاجِبُ عَلَى صَاحِبِهِ يَنْبَغِي
 لَهُ أَنْ يَقِيَّ بِهِ؛ بحار الأنوار ج: ١٠١ ص: ٢٤٣
 ٣٩-٢-١- الرِّزْقُ

﴿١١٦٥﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ؛ البقرة:
 الآية ١٧٢

﴿١١٦٦﴾ وَادْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ
 بِبَصَرِهِ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ الأنفال: الآية ٢٦
 ﴿١١٦٧﴾ رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ دُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ
 أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ؛ إبراهيم: الآية ٣٧

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۱۶۰﴾ برای هر نعمتی حمد و ستایش الهی لازم است و برای هر راحتی و آسایش شکر خداوند لازم است.

﴿۱۱۶۱﴾ شایسته است که مؤمن هشت خصلت داشته باشد، در پیشامدهای تکان دهنده آرام باشد، در بلا شکیبیا، در دوران نعمت قانع به آنچه خدا روزی اش کرده است، به دشمنان هم ستم نکند، چیزی را بر دوستان تحمیل ننماید، تنش را رنج دهد تا مردم از او در آسایش باشند.

۳۷-۲-۱- پیداشدن اموال گم شده

﴿۱۱۶۲﴾ امام صادق علیه السلام از مسجد بیرون شد، درحالی که مرکب سواری آن حضرت گم شده بود، فرمود: اگر خداوند آن را برگرداند حق شکرش را ادا می کنم، راوی گوید: بعد از چندی آن مرکب پیدا شد و آن را نزد آن جناب آوردند. امام علیه السلام خداوند را سپاس گفتند و شکر به جای آوردند، راوی گوید: عرض کردم: قربانت گردم شما فرمودید حق شکرش را به جای می آورم، امام فرمود مگر نشنیدی که من گفتم: "الحمد لله".

﴿۱۱۶۳﴾ استر امام باقر علیه السلام در بین راه مکه و مدینه فرار کرد، امام فرمود: اگر خدا استرم را بازگرداند او را چنان که سزاوار است شکر گویم؛ چون استر به او رسید سه بار فرمود: "الحمد لله رب العالمین" و سه بار فرمود: "شکر الله".

۳۸-۲-۱- پس گرفتن مال و برگشتن مسافر از سفر

﴿۱۱۶۴﴾ در نافرمانی خدا هیچ سوگندی [صحیح] نیست. سوگند صحیح و لازم که وفای به آن برای صاحبش واجب است، سوگندی است که برای سپاسگزاری از خدا آن را برعهده ی خود قرار می دهد که اگر خداوند او را از بیماری یا حادثه ی ترسناکی نجات داد یا مالش را به او بازگرداند یا او را از مسافرت به وطن بازگرداند یا خداوند به او روزی دهد؛ و چنین بگوید: "بر من واجب است که برای شکر خدا فلان کار را انجام دهم". و ادای این قسم واجب است و بر صاحبش لازم است که برای پروردگار به آن عمل کند.

۳۹-۲-۱- روزی

﴿۱۱۶۵﴾ ای کسانی که ایمان آورده اید، از نعمت های پاکیزه ای که به شما روزی داده ایم بخورید و شکر خدا را به جا آورید اگر او را پرستش می کنید.

﴿۱۱۶۶﴾ و به خاطر بیاورید هنگامی را که شما در روی زمین، گروهی کوچک و اندک و زبون بودید آن چنان که می ترسیدید مردم شما را برابیند؛ ولی او شما را پناه داد و با یاری خود تقویت کرد و از روزی های پاکیزه بهره مند ساخت؛ باشد که شکر نعمتش را به جا آورید

﴿۱۱۶۷﴾ پروردگارا، من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی آب و علف، در کنار خانه ای که حرم توست، سکونت دادم تا نماز را برپا دارند؛ پس تو دل های گروهی از مردم را متوجه آن ها ساز و از میوه ها و گیاهان به آن ها روزی ده، باشد که آنان شکر تو را به جای آورند.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١١٦٨﴾ إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ الَّذِينَ يَتَعَبَّدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ؛ العنكبوت: الآية ١٧
﴿١١٦٩﴾ لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ؛ سبأ: الآية ١٥

﴿١١٧٠﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: أَرْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ رِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا لَا تُفْقِرْنِي بَعْدَهُ إِلَى أَحَدٍ سِوَاكَ أَبَدًا تَزِيدُنِي بِذَلِكَ لَكَ شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٣٢٦
﴿١١٧١﴾ السَّجَّادُ عليه السلام: أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَرْزُقَنِي رِزْقًا حَلَالًا طَيِّبًا مِنْ سَعَةِ فَضْلِكَ تَزِيدُنِي بِذَلِكَ شُكْرًا؛ إقبال الأعمال ص: ٢٣٢

﴿١١٧٢﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَرْزُقَنِي رِزْقًا حَلَالًا طَيِّبًا وَاسِعًا يَكُونُ لِي غِنًى عَنْ خَلْقِكَ وَيَكُونُ لَكَ أَمْنٌ عَلَى فِيهِ خَالِصًا وَاجْعَلْنِي فِيهِ لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ إقبال الأعمال ص: ١٥٤

﴿١١٧٣﴾ أَشْكُرُ الَّذِي بَسَطَ رِزْقَهُ عَلَيْكَ وَأَجْلَكَ؛ المصباح للكفعمي ص: ٧٤٤
﴿١١٧٤﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي غَذَانِي بِنِعْمَتِهِ وَاسْتَجَّ عَلَى فَضْلِهِ وَابْتَدَأَنِي بِرِزْقِهِ الطَّيِّبِ مِنْ غَيْرِ أَنْ أَسْأَلَهُ وَلَا يَعْمَلُ صَالِحٍ اسْتَوْجَبْتُ مَا ابْتَدَأَنِي بِهِ إِلَهِي وَأَوْجَبَ عَلَيَّ مِنْ شُكْرِهِ كَمَا لَا أَسْتَحِقُّ بِهِ الْمَزِيدَ مِنْ لَدَيْهِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٢٣
﴿١١٧٥﴾ الْبَاقِرُ عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ إِيْمَانًا بِاللَّهِ وَثَنَاءً عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَشُكْرًا لِلرِّزْقِ اللَّهِ؛ بحار الأنوار ج: ١٠١ ص: ١٢٢

﴿١١٧٦﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: اللَّهُمَّ امْنُنْ عَلَيَّ بِالرِّزْقِ الْوَاسِعِ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ بِرَحْمَتِكَ تَكُونُ لَكَ الْمِنَّةُ عَلَيَّ وَتَكُونُ لِي غِنًى عَنْ خَلْقِكَ خَالِصًا لَيْسَ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ مِنْهُ مِنْ غَيْرِكَ وَاجْعَلْنَا فِيهِ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٤٢

﴿١١٧٧﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: إِنَّ دَاوُدَ النَّبِيَّ عليه السلام قَالَ: يَا رَبِّ أَخْبِرْنِي بِقَرِينِي فِي الْجَنَّةِ وَنَظِيرِي فِي مَنَازِلِي فَأَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَيْهِ أَنْ ذَلِكَ مَتَّى أَبَا يُونُسَ قَالَ فَاسْتَأْذَنَ اللَّهَ فِي زِيَارَتِهِ فَأَذِنَ لَهُ فَخَرَجَ هُوَ وَسُلَيْمَانُ ابْنُهُ عليه السلام: حَتَّى آتَيَا مَوْضِعَهُ فَإِذَا هُمَا بَيْتٌ مِنْ سَعَفٍ فَقِيلَ لَهُمَا هُوَ فِي السُّوقِ فَسَالَا عَنْهُ فَقِيلَ لَهُمَا اظْلُبَاهُ فِي الْحِطَّائِينَ فَسَالَا عَنْهُ فَقَالَ لَهُمَا جَمَاعَةٌ مِنَ النَّاسِ نَحْنُ نَنْتَظِرُهُ الْآنَ يَجِيءُ فَجَلَسَا يَنْتَظِرَانِهِ إِذَا أَقْبَلَ وَ عَلَى رَأْسِهِ وَفَرُّ مِنْ حَطَبٍ فَقَامَ إِلَيْهِ النَّاسُ فَأَلْقَمِي عَنْهُ الْحَطَبَ وَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۱۶۸﴾ شما غیر از خدا فقط بت‌هایی (از سنگ و چوب) را می‌پرستید و دروغی به‌هم می‌بافید؛ آن‌هایی را که غیر از خدا پرستش می‌کنید، مالک هیچ رزقی برای شما نیستند؛ روزی را تنها نزد خدا بطلبید و او را پرستش کنید و شکر او را به‌جا آورید که به‌سوی او بازگشت داده می‌شوید

﴿۱۱۶۹﴾ برای قوم سبا در محل سکونتشان نشانه‌ای (از قدرت الهی) بود: دو باغ (بزرگ و گسترده) از راست و چپ (رودخانه‌ی عظیم با میوه‌های فراوان و به آن‌ها گفتیم:) از روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را به‌جا آورید شهری است پاک و پاکیزه، و پروردگاری آمرزنده (و مهربان)!

﴿۱۱۷۰﴾ پروردگارا، از فضل گسترده‌ات روزی‌ام گردان روزی و رزق گسترده‌ی حلال و پاکیزه‌ای، که پس از آن هرگز به کسی غیر خودت نیازمند نشوم و شکر و سپاسگزاری‌ام موجب افزایش نعمت بر من شود.

﴿۱۱۷۱﴾ پروردگارا، از تو درخواست می‌کنم بر محمد و خاندانش درود فرستی و مرا از لطف گسترده‌ات رزق حلال و پاک روزی کنی، آن‌چنان که بر من شکر بیافزاید.

﴿۱۱۷۲﴾ پروردگارا، از تو درخواست می‌کنم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و رزق حلال و پاک و طیب و گسترده را روزی‌ام کنی، سبب بی‌نیازی‌ام از خلق تو شود و در آن متنی خالصانه و بی‌شریک بر من داشته باشی. و مرا در آن نعمت از شکرگزاران قرارده.

﴿۱۱۷۳﴾ سپاسگزار کسی باش که روزی‌اش را بر تو گسترده کرده و تو را زنده نگاه داشته است.

﴿۱۱۷۴﴾ سپاس خدایی را سزااست که با نعمت‌هایش به من غذا داد و فضلش را بر من تمام کرد و بدون اینکه از او درخواست کرده باشم و یا به‌واسطه‌ی انجام عمل نیکی مستوجب آن شده باشم به من روزی پاکیزه داد و شکرش را بر من واجب نمود درحالی‌که استحقاق فزونی نعمتش را نداشتم.

﴿۱۱۷۵﴾ ستایش مخصوص خداست، و خدا بزرگ است، با ایمان به خدا، و ثنا و مدح پیامبر خدا ﷺ و شکر بر روزی او.

﴿۱۱۷۶﴾ پروردگارا، به‌واسطه‌ی رحمت با دادن روزی فراوان پاک و حلال به من منت گذار، زیرا من متعلق به توست و موجب بی‌نیازی من به مردم می‌شود که احدی جز تو بر من منت نداشته باشد... و مرا در بهره‌گیری از این روزی حلال از زمره‌ی شکرگزاران قرار ده.

﴿۱۱۷۷﴾ حضرت داود علیه السلام به درگاه الهی عرض نمود: پروردگارا، هم‌نشین من در بهشت را که

از نظر درجه و منزلت مانند من است به من نشان بده، خداوند به او وحی کرد: او متی پدر یونس است، داود گفت: به من اجازه بده او را ملاقات کنم، و خداوند به او اجازه داد، سپس داود با پسرش سلیمان به راه افتادند تا به مکانی رسیدند که در آنجا خانه‌ای ساخته‌شده از شاخه و برگ درخت خرما وجود داشت، در آنجا سراغ متی را گرفتند، گفتند: او در بازار است، سرانجام او را در بازار هیزم‌فروشان درحالی‌که پشته‌ای هیزم بر پشت داشت یافتند، درحالی‌که جماعتی از مردم منتظر او بودند، او هیزم را بر زمین نهاد و شکر الهی را به‌جای آورد و گفت: چه کسی کالای نیکوی مرا با کالای نیکوی دیگر معاوضه می‌کند؟ سرانجام هیزم‌ها را فروخت و به‌جای آن مقداری گندم تهیه کرد، آنگاه داود و سلیمان نزد او آمدند و بر او سلام کردند، متی پاسخ آن‌ها را داد و آن‌ها را به منزل خود دعوت کرد و طعامی خرید و آتش برافروخت و طعام را روی آن قرار داد و همراه آن دو مشغول صحبت شد، و هنگام غذاخوردن در شروع هر لقمه "بسم الله"

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

حَمِدَ اللَّهُ وَ قَالَ مَنْ يَشْتَرِي طَبِيبًا طَيِّبًا فَسَاوَمَهُ وَاحِدٌ وَ زَادَهُ آخِرٌ حَتَّى بَاعَهُ مِنْ بَعْضِهِمْ قَالَ فَسَلَّمَا عَلَيْهِ فَقَالَ انْطَلِقَا بِنَا إِلَى الْمَنْزِلِ وَ اشْتَرِي طَعَامًا بِمَا كَانَ مَعَهُ ثُمَّ طَحَنَهُ وَ عَجَنَهُ فِي نَقِيرٍ لَهُ ثُمَّ أَجَجَ نَارًا وَ أَوْقَدَهَا ثُمَّ جَعَلَ الْعَجِينَ فِي تِلْكَ النَّارِ وَ جَلَسَ مَعَهُمَا يَتَحَدَّثُ ثُمَّ قَامَ وَ قَدْ نَضِجَتْ خُبِيزَتُهُ فَوَضَعَهَا فِي النَّقِيرِ وَ فَلَقَهَا وَ ذَرَّ عَلَيْهَا مِلْحًا وَ وَضَعَ إِلَى جَنْبِهِ مِطْهَرَةً مَلَأَ [مَلَأَتْ] مَاءً وَ جَلَسَ عَلَى رُكْبَتَيْهِ وَ أَخَذَ لُقْمَةً فَلَمَّا رَفَعَهَا إِلَى فِيهِ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ فَلَمَّا اِزْدَرَدَهَا قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ ثُمَّ فَعَلَ ذَلِكَ بِأُخْرَى وَ أُخْرَى ثُمَّ أَخَذَ الْمَاءَ فَشَرَبَ مِنْهُ فَذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ فَلَمَّا وَضَعَهُ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ يَا رَبِّ مَنْ ذَا الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَ أَوْلَيْتَهُ مِثْلَ مَا أَوْلَيْتَنِي قَدْ صَحَّحْتَ بَصْرِي وَ سَمِعِي وَ بَدَنِي وَ قَوَّيْتَنِي حَتَّى ذَهَبْتُ إِلَى الشَّجَرِ لَمْ أَغْرِسْهُ وَ لَمْ أَهْتَمَّ لِحِفْظِهِ جَعَلْتَهُ لِي رِزْقًا وَ سَقَيْتَنِي مِنَ اشْتِرَاؤِهِ مِنِّي فَاشْتَرَيْتَ بِشَمَنِهِ طَعَامًا لَمْ أَرْزَعْهُ وَ سَخَّرْتَ لِي النَّارَ فَأَنْضَجْتَهُ وَ جَعَلْتَنِي أَكُلُهُ بِشَهْوَةٍ أَقْوَى بِهِ عَلَى طَاعَتِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ قَالَ ثُمَّ بَكَى قَالَ دَاوُدُ يَا بُنَيَّ فَمَنْ فَاَنْصَرِفْ بِنَا فَإِنِّي لَمْ أَرَ عَبْدًا قَطُّ أَشْكُرُ لِلَّهِ مِنْ هَذَا؛ بِحَارِ الْأَنْوَارِ ج: ١٤ ص: ٤٠٢

﴿١١٧٨﴾ الرضا عليه السلام: أَنَا عَبْدُكَ خَوْلَتْنِي حِينَ رَزَقْتَنِي اللَّهُمَّ فَالْهِمْنِي شُكْرَكَ فِيهِ؛

مستدرک الوسائل ج: ١٣ ص: ٢٦٦

﴿١١٧٩﴾ الباقر عليه السلام: لَا يَمِينُ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِنَّمَا الْيَمِينُ الْوَاجِبَةُ الَّتِي يُتَبَغَى لِصَاحِبِهَا أَنْ يَفِيَّ بِهَا مَا جَعَلَ لِلَّهِ عَلَيْهِ فِي الشُّكْرِ إِنْ هُوَ عَافَاهُ اللَّهُ مِنْ مَرَضِهِ أَوْ عَافَاهُ مِنْ أَمْرٍ يَخَافُهُ أَوْ رَدَّ عَلَيْهِ مَالَهُ أَوْ رَدَّهُ مِنْ سَفَرٍ أَوْ رَزَقَهُ رِزْقًا فَقَالَ لِلَّهِ عَلَى كَذَا وَ كَذَا شُكْرًا فَهَذَا الْوَاجِبُ عَلَى صَاحِبِهِ يُتَبَغَى لَهُ أَنْ يَفِيَّ بِهِ؛ بِحَارِ الْأَنْوَارِ ج: ١٠١ ص: ٢٤٣

﴿١١٨٠﴾ الصادق عليه السلام: دَعَا سُلَيْمَانُ أَبَا ذَرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِمَا إِلَى مَنْزِلِهِ فَقَدَّمَ إِلَيْهِ رَغِيفَيْنِ فَأَخَذَ أَبُو ذَرٍّ الرَّغِيفَيْنِ فَقَالَ سُلَيْمَانُ يَا أَبَا ذَرٍّ لَأَيِّ شَيْءٍ تَقْلِبُ هَذَيْنِ الرَّغِيفَيْنِ قَالَ خِفْتُ أَلَّا يَكُونَا نَضِيجَيْنِ فَغَضِبَ سُلَيْمَانُ مِنْ ذَلِكَ غَضَبًا شَدِيدًا ثُمَّ قَالَ مَا أَجْرَاكَ حَيْثُ تَقْلِبُ الرَّغِيفَيْنِ فَوَلَّى اللَّهُ لَقَدْ عَمِلَ فِي هَذَا الْخُبْزِ الْمَاءُ الَّذِي تَحْتَ الْعَرْشِ وَ عَمِلَتْ فِيهِ الْمَلَائِكَةُ حَتَّى آتَتْهُ إِلَى الرِّيحِ وَ عَمِلَتْ فِيهِ الرِّيحُ حَتَّى آتَتْهُ إِلَى السَّحَابِ وَ عَمِلَ فِيهِ السَّحَابُ حَتَّى أَمْطَرَهُ إِلَى الْأَرْضِ وَ عَمِلَ فِيهِ الرُّعْدُ وَ الْمَلَائِكَةُ حَتَّى وَضَعُوهُ مَوَاضِعَهُ وَ عَمِلَتْ فِيهِ الْأَرْضُ وَ الْخَشَبُ وَ الْحَدِيدُ وَ الْبَهَائِمُ وَ النَّارُ وَ الْحَطَبُ وَ الْمِلْحُ وَ مَا لَا أَحْصِيهِ أَكْثَرُ فَكَيْفَ لَكَ أَنْ تَقُومَ بِهَذَا الشُّكْرِ فَقَالَ أَبُو ذَرٍّ إِلَى اللَّهِ أَتُوبُ وَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِمَّا أَحْدَثْتُ وَ إِلَيْكَ أَعْتَدِرُ مِمَّا كَرِهْتَ؛ مستدرک الوسائل

ج: ١٦ ص: ٢٩٤

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

می گفت و بعد از خوردن آن " الحمد لله " بر زبان می آورد، بعد از اتمام غذا گفت: پروردگارا، کیست که به او به اندازه‌ی من نعمت داده باشی؟ چشمم را بینا کردی و گوشم را شنوا قرار دادی و بدنم را سلامتی و توان بخشیدی و خار و شاخه‌ی درختان را وسیله‌ی تأمین رزق من قرار دادی و کسانی را فرمان دادی که آن هیزم را از من خریداری کنند تا با پول آن طعامی را تهیه کردم که خودم آن را نکشته‌ام و آتش را مسخر من گردانیدی تا آن طعام را پیزم و به من اشتباهی دادی تا آن را با یاد و شکر تو تناول کنم و بدنم بر طاعت و عبادت قوت گیرد، پس حمد و سپاس شایسته‌ی توست و آنگاه گریست، سپس داود به سلیمان گفت: پسر، برخیز تا برویم من تا امروز بنده‌ای که تا این حد شاکر باشد ندیده بودم.

﴿۱۱۷۸﴾ من آن بنده‌ی تو هستم در روزی دادن به من مرا تکریم کرده‌ای پس خدایا، شکرش را نیز به من الهام فرما.

﴿۱۱۷۹﴾ در نافرمانی خدا هیچ سوگندی [صحیح] نیست. سوگند صحیح و لازم که وفای به آن برای صاحبش واجب است، سوگندی است که برای سپاسگزاری از خدا آن را برعهده‌ی خود قرار می‌دهد که اگر خداوند او را از بیماری یا حادثه‌ی ترسناکی نجات داد یا مالش را به او بازگرداند یا او را از مسافرت به وطن بازگرداند یا خداوند به او روزی دهد؛ و چنین بگوید: " بر من واجب است که برای شکر خدا فلان کار را انجام دهم ". و ادای این قسم واجب است و بر صاحبش لازم است که برای پروردگار به آن عمل کند.

﴿۱۱۸۰﴾ سلمان فارسی، ابوذر غفاری (ره) را به مهمانی دعوت نمود. پس از ورود ابوذر به منزل، سلمان دو قرص نان بر سر سفره نهاد. ابوذر آن دو قرص نان را به دست گرفت و به این طرف و آن طرف نان نگاهی کرد. سلمان گفت: ای ابوذر، برای چه این نان‌ها را مورد دقت قرار می‌دهی؟ ابوذر، گفت: چون احتمال دادم خوب پخته شده نباشند، ناگهان سلمان خشمگین شد و خیلی ناراحت گردید و گفت: ای ابوذر خیلی جرأت داری که این نان‌ها را به این طرف و آن طرف می‌گردانی و دقت می‌کنی. به خدا سوگند در راه تهیه‌ی این نان، آب زیر عرش فعالیت کرده و فرشتگان مأموریت یافته که آب را در اختیار باد قرار دهد و باد هم به نوبه‌ی خود او را به ابر تحویل دهد و ابر هم او را به صورت باران به زمین برساند و رعد و برق و فرشتگان در این راه انجام وظیفه نموده تا مراحل بسیاری طی شود و در راه تهیه‌ی این نان نیز زمین و چوب و آهن و حیوان و آتش و هیزم و نمک و چیزهای دیگری که نمی‌شود احصا کرد به کار گمارده شده است. ای ابوذر چگونه می‌توانی شکر و سپاس این همه را به جا آوری؟ ابوذر متنبه شده و گفت: توبه می‌نمایم و به‌سوی خدا بازگشت می‌کنم و از این غفلتی که از من واقع شده استغفار می‌نمایم و از تو هم معذرت می‌خواهم چون عملی که تو را ناراحت کرده انجام دادم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١١٨١﴾ الرضا عليه السلام: فَتَحَمِّدُكَ نَفْسِي بِحُسْنِ الْفِعَالِ فِي الْمَنَازِلِ كُلِّهَا عَلَى خَلْقِي وَ صُورَتِي وَ هِدَايَتِي وَ رَفْعِكَ إِيَّايَ مُنْزَلَةً حَتَّى بَلَغْتَ بِي هَذَا الْيَوْمَ مِنَ الْعُمُرِ مَا بَلَغْتَ مَعَ جَمِيعِ نِعَمِكَ وَ الْأَرْزَاقِ الَّتِي أَنْتَ عِنْدِي بِهَا مَحْمُودٌ مَشْكُورٌ؛ البلدالأمين ص: ٨٣

﴿١١٨٢﴾ العسكري عليه السلام: كُلُّوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ اشْكُرُوا لِلَّهِ عَلَى مَا رَزَقَكُمْ مِنْهَا بِالْمَقَامِ عَلَى وَلَايَةِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى لِقَائِكُمُ اللَّهَ بِذَلِكَ شُرُورَ الشَّيَاطِينِ الْمَرْدَةِ عَلَى رَبِّهِمَا عَزَّ وَ جَلَّ فَإِنَّكُمْ كُلَّمَا جَدَّدْتُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ وَلَايَةَ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى تَجَدُّدٍ عَلَى مَرْدَةِ الشَّيَاطِينِ لَعَائِنُ اللَّهِ وَ آعَاذُكُمْ اللَّهُ مِنْ نَفَخَاتِهِمْ وَ نَفَثَاتِهِمْ؛ بحار الأنوار ج: ٢٦ ص: ٢٣٢

﴿١١٨٣﴾ العسكري عليه السلام: وَ اشْكُرُوا لِلَّهِ عَلَى مَا رَزَقَكُمْ مِنْهَا بِالْمَقَامِ عَلَى وَلَايَةِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى لِقَائِكُمُ اللَّهَ بِذَلِكَ شُرُورَ الشَّيَاطِينِ الْمُتَمَرِّدَةِ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛ تفسير الإمام عليه السلام ص: ٥٨٤

﴿١١٨٤﴾ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَةَ حَمْدِهِ عَلَى مَا أَثْبَاهُمْ مِنْ مِثْلِهِ الْمُتَابِعَةِ، وَ أَسْنَعَ عَلَيْهِمْ مِنْ نِعَمِهِ الْمُتَظَاهِرَةِ، لَتَصَرَّفُوا فِي مِثْلِهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ، وَ تَوَسَّعُوا فِي رِزْقِهِ فَلَمْ يَشْكُرُوهُ. وَ لَوْ كَانُوا كَذَلِكَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَدِّ الْبَهِيمِيَّةِ فَكَانُوا كَمَا وَصَفَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ «إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا.»؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٢٨

﴿١١٨٥﴾ وَ تَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَيْ شُكْرَكُمْ النُّعْمَةَ الَّتِي رَزَقَكُمْ اللَّهُ وَ مَا مِنْ عَلَيْكُمْ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَنْكُمْ تُكَذِّبُونَ؛ بحار الأنوار ج: ٢٤ ص: ٦٦

﴿١١٨٦﴾ الرضا عليه السلام: فَتَحَمِّدُكَ نَفْسِي بِحُسْنِ الْفِعَالِ فِي الْمَنَازِلِ كُلِّهَا عَلَى خَلْقِي وَ صُورَتِي وَ هِدَايَتِي وَ رَفْعِكَ إِيَّايَ مُنْزَلَةً حَتَّى بَلَغْتَ بِي هَذَا الْيَوْمَ مِنَ الْعُمُرِ مَا بَلَغْتَ مَعَ جَمِيعِ نِعَمِكَ وَ الْأَرْزَاقِ الَّتِي أَنْتَ عِنْدِي بِهَا مَحْمُودٌ مَشْكُورٌ؛ البلدالأمين ص: ٨٣

﴿١١٨٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اذْكُرُوا اللَّهَ عَلَى الطَّعَامِ وَ لَا تَلْغَطُوا فَإِنَّهُ نِعْمَةٌ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ وَ رِزْقٌ مِنْ رِزْقِهِ يَجِبُ عَلَيْكُمْ فِيهِ شُكْرُهُ وَ ذِكْرُهُ وَ حَمْدُهُ؛ وسائل الشيعة ج: ٢٤ ص: ٣٥٠

﴿١١٨٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَسْأَلُكَ بِتَمَجِيدِكَ وَ تَحْمِيدِكَ وَ تَوْحِيدِكَ وَ تَعْظِيمِكَ وَ تَفْضِيلِكَ وَ تَكْبِيرِكَ وَ تَهْلِيلِكَ وَ إِلَّا فِي تَقْدِيرِكَ خَلَقِي حِينَ صَوَّرْتَنِي فَأَحْسَنْتَ صُورَتِي وَ إِلَّا فِي قِسْمَةِ الْأَرْزَاقِ حِينَ قَدَرْتَنِي لِي لَكَ فِي ذَلِكَ مَا يَشْغُلُ شُكْرِي عَنْ جَهْدِي فَكَيْفَ إِذَا فَكَّرْتُ فِي النِّعَمِ الْعِظَامِ الَّتِي أَتَقَلَّبُ فِيهَا أَوْ لَا أَبْلُغُ شُكْرَ شَيْءٍ مِنْهَا فَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا حَفِظَهُ عِلْمُكَ وَ عَدَدَ مَا

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۱۸۱﴾ من در تمام احوال تو را به خاطر نیکی‌هایی که به من کرده‌ای شکر می‌کنم؛ بر خلقتم، تصویرم، هدایتم و اینکه تو مرا به درجه‌ای رفیع رسانه‌ی تا اینکه امروز به این جایگاه از عمر خود رسیدم و همراه همه‌ی نعمت‌ها و روزی‌هایی که دریافت کردم تو به خاطر همه‌ی آن‌ها نزد من شایسته ستایش و سپاسگزاری هستی.

﴿۱۱۸۲﴾ از هر چیز پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم بخورید و بر این نعمت‌ها به پایداری بر ولایت و دوستی محمد و علی سپاسگزاری کنید تا بدین وسیله خدا شما را از شر شیاطین سرکش نگاه دارد. هر زمان که شما بر ولایت محمد و علی بر خود تجدید بیعت می‌کنید بر شیطان‌های سرکش نفرین خدا تجدید می‌شود و خداوند شما را از وسوسه‌ها و حربه‌های شیطانی آن‌ها نکه می‌دارد.

﴿۱۱۸۳﴾ خدا را به خاطر اینکه نعمت ولایت محمد و علی را به شما روزی کرده و با آن شما را از شر شیاطینی سرکش حفظ می‌کند سپاسگزار باشید.

﴿۱۱۸۴﴾ ستایش مخصوص خدایی است که اگر بندگان را از شناختن سپاسگزاری خود بر نعمت‌های پی‌درپی که به ایشان داده و بخشش‌های پیوسته که برای آن‌ها به حد کمال رسانیده بود باز می‌داشت، نعمت‌هایش را مصرف نموده و او را سپاس نمی‌گزاردند، و در روزی او غوطه‌ور می‌شدند و شکرش را به جا نمی‌آوردند و اگر چنین می‌بودند (شکر نمی‌کردند) از حدود انسانیت بیرون رفته و در رتبه‌ی چارپایان قرار می‌گرفتند، و چنان می‌شدند که در کتاب محکم و استوار خود وصف فرموده: "ایشان (ناسپاسان) جز مانند چارپایان نیستند بلکه گمراه‌ترند".

﴿۱۱۸۵﴾ در مورد آیه: "وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ" چنین نقل شده است یعنی شکر شما نسبت به نعمتی که روزی شما شده و منتهی که خدا به واسطه‌ی محمد و خاندانش بر شما نهاده "أَنْتُمْ تُكْذِبُونَ" شما تکذیب می‌کنید.

﴿۱۱۸۶﴾ من در تمام احوال تو را به خاطر نیکی‌هایی که به من کرده‌ای شکر می‌کنم؛ بر خلقتم، تصویرم، هدایتم و اینکه تو مرا به درجه‌ای رفیع رسانه‌ی تا اینکه امروز به این جایگاه از عمر خود رسیدم و همراه همه‌ی نعمت‌ها و روزی‌هایی که دریافت کردم تو به خاطر همه‌ی آن‌ها نزد من شایسته ستایش و سپاسگزاری هستی.

﴿۱۱۸۷﴾ به هنگام غذا خوردن خدای تعالی را یاد کنید و حرف‌های نامربوط و ناسپاسانه نگوئید، زیرا غذا نعمتی از نعمت‌های الهی و رزقی از رزق‌های خداوندی است و بر شما واجب است که آن نعمت را شکر و خدا را یاد کنید و سپاسگزار و ستایشگر حق تعالی باشید.

﴿۱۱۸۸﴾ پروردگارا، از تو به حق مجد و عظمت، به حمد و سپاست، به وحدانیت و بزرگواری و فضیلت و بزرگی و یکتایی‌ات درخواست می‌کنم مگر نه اینکه در تقدیر تو بود که مرا بیافرینی و به نیکوترین حالت آفریدی، و مگر نه اینکه در تقسیم روزی و رزق آن قدر برای من روزی مقدر کردی که از شکر باز نمانم؛ پس چگونه است هنگامی که در نعمات بزرگ و با عظمت تو می‌اندیشم متوجه می‌شوم که موفق به ادای اندکی از شکر آن هم نمی‌شوم. پس حمد و ستایش

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

وَسِعَتْهُ رَحْمَتُكَ وَ عَدَدَ مَا أَحَاطَتْ بِهِ قُدْرَتُكَ وَ أَضْعَافَ مَا تَسْتَوْجِبُهُ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ؛

بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٢٥٧

﴿١١٨٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ عَلَى الطَّعَامِ وَ لَا تَطْعَمُوا فَإِنَّهَا نِعْمَةٌ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ وَ

رِزْقُ مَنْ رَزَقَهُ يَجِبُ عَلَيْكُمْ فِيهِ شُكْرُهُ وَ حَمْدُهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٦ ص: ٢٧٣

﴿١١٩٠﴾ أَشْكُرُ الَّذِي بَسَطَ رِزْقَهُ عَلَيَّ وَ أَجَلَّكَ؛ المصباح للكفعمي ص: ٧٤٤

٢٠٤٠-١-٢-٢-الإرشاد

﴿١١٩١﴾ الكاظم عليه السلام: فَلِكِ الشُّكْرُ يَا رَبِّ وَ لَكَ الْمَنُّ حَيْثُ هَدَيْتَنِي وَ أَرَشَدْتَنِي؛ البلد الأمين

ص: ٢٦٥

﴿١١٩٢﴾ الصادق عليه السلام: وَ الْوَاجِبُ عَلَى مَنْ وَهَبَ اللَّهُ لَهُ الْهُدَى وَ أَكْرَمَهُ بِالْإِيمَانِ وَ آلِهَمَهُ

رُشْدَهُ وَ رَكَّبَ فِيهِ عَقْلاً يَتَعَرَّفُ بِهِ نِعَمَهُ وَ آتَاهُ عِلْماً وَ حُكْماً يُدَبِّرُ بِهِ أَمْرَ دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ أَنْ

يُوجِبَ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَشْكُرَ اللَّهَ وَ لَا يَكْفُرَهُ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٢٨٣

٢٠٤١-١-٢-٢-الرضا

﴿١١٩٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فِي الْمَكَارِهِ وَ قُورٍ وَ فِي الرِّضَا شُكْرٌ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٧٣

٢٠٤٢-١-٢-٢-الرغبة

﴿١١٩٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَلَا فَاعْمَلُوا فِي الرَّغْبَةِ وَ الرَّهْبَةِ فَإِنْ نَزَلَتْ بِكُمْ رَغْبَةٌ فَاشْكُرُوا اللَّهَ

وَ أَجْمِعُوا مَعَهَا رَهْبَةً وَ إِنْ نَزَلَتْ بِكُمْ رَهْبَةٌ فَادْكُرُوا اللَّهَ وَ أَجْمِعُوا مَعَهَا رَغْبَةً؛ بحار الأنوار ج: ٧٤

ص: ٤١٩

٢٠٤٣-١-٢-٢-الرفد

﴿١١٩٥﴾ السجاد عليه السلام: أَحْمَدُهُ جَاهِراً بِحَمْدِهِ شَاكِراً لِرَفْدِهِ حَمْدَ مُوقِّ لِرُشْدِهِ وَ اتَّقِ بَعْدَ ذَلِكَ؛

بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٥٣

٢٠٤٤-١-٢-٢-الرفعة

﴿١١٩٦﴾ اللَّهُمَّ وَ أَنَا الدَّلِيلُ الَّذِي أَغْرَزْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْمَحْذُولُ الَّذِي كَفَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ

وَ أَنَا الْمُبْعِيُّ عَلَيْهِ الَّذِي نَصَرْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْوَضِيعُ الَّذِي رَفَعْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْهَالِكُ

الَّذِي خَلَصْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْغَرِيقُ الَّذِي نَجَّيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْمُهَانُ الَّذِي أَكْرَمْتَهُ فَلَكَ

الْحَمْدُ وَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

مخصوص توسل به آن تعداد که در علم و دانش تو محفوظ است و به آن تعداد که در گستره‌ی رحمت و توسل به آن تعداد که قدرت و توانایی تو بر آن احاطه دارد و بیش از آنچه از طرف همه‌ی مخلوقات ادا شود.

﴿۱۱۸۹﴾ در هنگام غذاخوردن بسیار یاد خدا کنید و گردنکشی و ناسپاسی نکنید، زیرا آن نعمتی از نعمت‌های الهی و رزقی از رزق‌های او و شکر سپاس بر آن واجب است.

﴿۱۱۹۰﴾ سپاسگزار کسی باش که روزی‌اش را بر تو گسترده کرده و تو را زنده نگاه داشته است.

۴۰-۲-۱- هدایت

﴿۱۱۹۱﴾ پروردگارا، شکر و منت از آن توسل که مرا هدایت و راهنمایی کردی.

﴿۱۱۹۲﴾ لازم است کسی که خداوند او را هدایت فرموده و به ایمان گرامی داشته و ارشادش کرده و به او بینشی عطا کرده که نعمت‌های پروردگار را درمی‌یابد و به او علم و حکمتی بخشیده که امر دنیا و آخرت خود را تدبیر می‌کند و شکر این نعمت‌ها را به جا آورد و کفران ننماید.

۴۱-۲-۱- رضایت از قضای الهی

﴿۱۱۹۳﴾ آدمی باید در گرفتاری‌ها شکیبیا و در آسایش و رفاه شاکر باشد.

۴۲-۲-۱- اشتیاق

﴿۱۱۹۴﴾ به هنگام دریافت آنچه می‌پسندید و آنچه ناگوار است، در هر دو حال خداپسندانه عمل کنید و اگر آنچه می‌پسندید به شما داده شد، خدا را شکر کنید ولی همزمان نگران از دست‌دادن آن هم باشید و اگر آنچه بر شما ناگوار است بر شما وارد شد، باز هم خدا را یاد کنید و منتظر آمدن چیزهایی باشید که می‌خواستید.

۴۳-۲-۱- بخشش و دهش

﴿۱۱۹۵﴾ او را آشکارا حمد و سپاس می‌گویم با سپاسی که همراه شکر باشد، تا به واسطه‌ی حمد و با اعتماد به عدل او، توفیق تعالی و رشد برایم حاصل شود.

۴۴-۲-۱- بلندپایگی

﴿۱۱۹۶﴾ خداوند، من همان شخص ذلیل و خواری هستم که تو او را عزت و بزرگی بخشیدی، پس حمد و سپاس برای توسل؛ و من همان شخص بیچاره‌ای هستم که تو او را کفایت فرمودی، پس حمد و ستایش مخصوص توسل؛ و من همان درهم‌شکسته‌ای هستم که تو او را یاری نمودی پس به این جهت ستایش مخصوص توسل؛ و من همان فروافتاده‌ای هستم که تو او را بالابردی، پس ستایش مخصوص توسل؛ و من همان هلاک و نابود شده‌ای هستم که تو او را از نابودی خلاصی و رهایی بخشیدی، پس حمد و ستایش برای توسل؛ و من آن غرق شده (فرورفته در گناهان و غفلت) که تو او را نجات بخشیدی پس حمد و ستایش شایسته‌ی توسل؛ و من همان دردمند و غم‌زده‌ای هستم که تو او را اکرام نمودی پس حمد و سپاس از آن توسل؛ و

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

أَنَا الرَّاجِلُ الَّذِي حَمَلْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ أَجَلُ وَ عِزَّتِكَ لَقَدْ فَعَلْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٢٨

﴿١١٩٧﴾ الرضا عليه السلام: فَتَحَمَدُكَ نَفْسِي بِحُسْنِ الْفِعَالِ فِي الْمَنَازِلِ كُلِّهَا عَلَى خَلْقِي وَ صُورَتِي وَ هِدَايَتِي وَ رَفْعِكَ إِيَّايَ مُنْزَلَةً حَتَّى بَلَغْتَ بِي هَذَا الْيَوْمَ مِنَ الْعُمْرِ مَا بَلَغْتَ مَعَ جَمِيعِ نِعَمِكَ وَ الْأَرْزَاقِ الَّتِي أَنْتَ عِنْدِي بِهَا مَحْمُودٌ مَشْكُورٌ؛ البلد الأمين ص: ٨٣
٤٥-٢-١- شهر رمضان

﴿١١٩٨﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: لَوْ عَلِمْتُمْ مَا لَكُمْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لَزِدْتُمْ لِلَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ شُكْرًا؛ وسائل الشيعة ج: ١٠ ص: ٢٤٣

٤٦-٢-١- الإرواء

﴿١١٩٩﴾ الحسين عليه السلام: يَا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضًا فَشَفَانِي وَ غُرِيَانًا فَكَسَانِي وَ جَائِعًا فَاشْبَعَنِي وَ عَطْشَانًا فَأَرْوَانِي وَ ذَلِيلًا فَأَعِزَّنِي وَ جَاهِلًا فَعَرَفَنِي وَ وَحِيدًا فَكَثَّرَنِي وَ غَائِبًا فَردَّنِي وَ مَقِيلًا فَأَغْنَانِي وَ مُتَنَصِّرًا فَنَصَرَنِي وَ غَنِيًّا فَلَمْ يَسْلُنِي وَ أَمْسَكَتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَابْتَدَأَنِي فَلَكَ الْحَمْدُ وَ الشُّكْرُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٢٠

٤٧-٢-١- التزويج، الزوجة

﴿١٢٠٠﴾ اللَّهُمَّ وَ أَنَا الْمَرِيضُ الَّذِي نَعَشْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْمُتَبَلَّى الَّذِي عَافَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْمَسْجُونُ الَّذِي أَخْرَجْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْأَسِيرُ الَّذِي فَكَّكْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْأَغْرَبُ الَّذِي زَوَّجْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الَّذِي لَمْ أَكُ شَيْئًا حَتَّى جَعَلْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ أَجَلُ وَ عِزَّتِكَ لَقَدْ فَعَلْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٣٠

﴿١٢٠١﴾ الصادق عليه السلام: فَانْتَبَهَ آدَمُ مِنْ نَوْمِهِ وَ قَالَ يَا رَبِّ مَنْ هَذِهِ فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى هِيَ أَمَّتِي حَوَاءُ قَالَ يَا رَبِّ لِمَنْ خَلَقْتَهَا قَالَ لِمَنْ أَخَذَهَا بِالْأَمَانَةِ وَ أَصْدَقَهَا الشُّكْرَ قَالَ يَا رَبِّ أَقْبَلُهَا عَلَى هَذَا فَرَوَّجْنِيهَا؛ مستدرک الوسائل ج: ١٤ ص: ٣٢٤

﴿١٢٠٢﴾ الصادق عليه السلام: فَقَالَ آدَمُ عليه السلام: عِنْدَ ذَلِكَ يَا رَبِّ مَا هَذَا الْخَلْقُ الْحَسَنُ الَّذِي قَدْ أَنْسَنِي قُرْبُهُ وَ النَّظَرُ إِلَيْهِ فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَا آدَمُ هَذِهِ أَمَّتِي حَوَاءُ أَ فَتُحِبُّ أَنْ تَكُونَ مَعَكَ تُوَسُّكُ وَ تُحَدِّثُكَ وَ تَكُونَ تَبَعًا لِأَمْرِكَ فَقَالَ نَعَمْ يَا رَبِّ وَ لَكَ عَلَى ذَلِكَ الْحَمْدُ وَ الشُّكْرُ مَا بَقِيَتْ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٣ ص: ٣٧٩

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

من همان تنهامانده‌ای هستم که تو به او مهلت دادی پس حمد و مخصوص توست؛ سوگند به عزت و بزرگی‌ات که همه‌ی آن نیکویی‌ها را تو در حق من انجام دادی پس حمد و ستایش مخصوص توست. پس درود فرست بر محمد و خاندانش و مرا از زمره‌ی شکرگزاران به درگاهت قرار بده.

﴿۱۱۹۷﴾ من در تمام احوال تو را به خاطر نیکی‌هایی که به من کرده‌ای شکر می‌کنم؛ بر خلقتم، تصویرم، هدایتم و اینکه تو مرا به درجه‌ای رفیع رسانه‌ی تا اینکه امروز به این جایگاه از عمر خود رسیدم و همراه همه‌ی نعمت‌ها و روزی‌هایی که دریافت کردم تو به خاطر همه‌ی آن‌ها نزد من شایسته ستایش و سپاسگزاری هستی.

۰۴۵-۱-۲-۲- ماه رمضان

﴿۱۱۹۸﴾ اگر می‌دانستید که در ماه رمضان برای شما چه چیزهایی برای شکر خداوند متعال می‌افزودید.

۰۴۶-۱-۲-۲- سیراب کردن

﴿۱۱۹۹﴾ ای کسی که در حال بیماری او را خواندم مرا شفا داد، در حال برهنگی او را خواندم، مرا پوشاند، در گرسنگی صدایش کردم، سیرم کرد، در حال تشنگی خواندمش، سیرآبم نمود؛ در حال خواری صدایش کردم، عزیزم کرد؛ درحالی که نادان بودم صدایش زدم مرا دانا کرد؛ در حال تنهایی او را خواندم، مرا از تنهایی درآورد؛ در دوری از دوستان صدایش کردم مرا به دوستان بازگرداند؛ در حال احتیاج خواندمش، مرا بی‌نیاز کرد؛ یاری خواستم یاری‌ام کرد و آنگاه که بی‌نیاز شدم از من بازنگرفت؛ و از همه‌ی آن‌ها دست برداشتم و هیچ کاری نکردم ولی او دوباره نعمت‌دادنش را بر من آغاز نمود پس حمد و شکر سزاوارتوست.

۰۴۷-۱-۲-۲- ازدواج، همسر

﴿۱۲۰۰﴾ خدایا، و من آن مریضم که او را از نابودی نجات دادی پس حمد سزاوار توست؛ و من آن مبتلا شده‌ای هستم که تو او را عافیت دادی پس حمد سزاوار توست؛ و من آن زندانی هستم که تو او را از زندان خارج کردی پس حمد سزاوار توست؛ و من آنم که هیچ نبودم تا اینکه تو او را خلق کردی پس حمد سزاوار توست؛ آری به عزتت سوگند که تو کرده‌ای؛ پس حمد سزاوار توست؛ بر محمد و خاندانش درود فرست و من را از شاکران خودت قرار ده.

﴿۱۲۰۱﴾ آدم از خواب بیدار شد و گفت: ای پروردگار من، این کیست؟ خداوند متعال فرمود: این بنده‌ی من حوا است. گفت: پروردگارا او را برای که خلق کرده‌ای؟ گفت: برای کسی که او را امانت بگیرد و شکر را مهریه‌ی او کند. گفت: پروردگارم، با این مهریه او را قبول می‌کنم پس او را به عقد درآورد.

﴿۱۲۰۲﴾ در این هنگام آدم عليه السلام عرض کرد: خدایا، این مخلوق زیبا کیست که همشینی و نگرستن به او مرا به آرامش می‌رساند؟ خداوند متعال فرمود: این کنیز من حواست، آیا دوست داری همدم تو باشد و با تو هم صحبت شود، و پیرو تو باشد؟ آدم گفت: آری ای پروردگار من؛ و به پاس آن تا زنده هستم ستایش و سپاس تو را بر خود لازم می‌دانم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٢٠٣﴾ الرسول ﷺ: يَا عَلِيُّ إِنَّ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَنِي أَنْ أَرْوِّجَكَ فَاطِمَةَ وَقَدْ زَوَّجْتُكَ إِيَّاهَا عَلَى أَرْبَعِمِائَةِ مِثْقَالِ فِضَّةٍ إِنْ رَضِيتَ يَا عَلِيُّ قَالَ رَضِيتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ثُمَّ إِنَّ عَلِيًّا خَرَّ سَاجِدًا شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى؛ روضة الواعظين ج: ١ ص: ١٤٧

﴿١٢٠٤﴾ الرسول ﷺ: لَيْلَةَ إِحْدَى وَعِشْرِينَ مِنَ الْمُحَرَّمِ وَكَانَتْ لَيْلَةَ خَمِيسَ سَنَةِ ثَلَاثٍ مِنْ الْهَجْرَةِ كَانَ زَفَافُ فَاطِمَةَ ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِلَى مَنْزِلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) يُسْتَحَبُّ صَوْمُهُ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى لِمَا وَفَّقَ مِنْ جَمْعِ حُجَّتِهِ وَصَفْوَتِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٤٣ ص: ٩٢

١-٢-٢-٠٤٨-المزید

﴿١٢٠٥﴾ السجادة (عليها السلام): فَالْحَمْدُ عَلَى جَزِيلِ جُودِكَ وَنَوَافِلِ مَزِيدِكَ حَمْدًا جَامِعًا لِشُكْرِكَ الْوَاجِبِ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٧١

١-٢-٢-٠٤٩-الزيارة

﴿١٢٠٦﴾ الصادق (عليه السلام): إِسْأَلُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَقْبَلَهُ مِنْكَ وَلَا يَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْكَ ثُمَّ تَقُولُ وَأَنْتَ مَا رَأَيْتُ تَائِبُونَ حَامِدُونَ لِرَبِّنَا شَاكِرُونَ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٢ ص: ٥٥٧

﴿١٢٠٧﴾ الكاظم (عليه السلام): إِنْقَلَبْتُ يَا سَيِّدِي عَنْكُمَا تَائِبًا حَامِدًا لِلَّهِ شَاكِرًا؛ البلد الأمين ص: ٢٧٢

١-٢-٢-٠٥٠-إزالة الشك

﴿١٢٠٨﴾ فَحَمِدْتُ اللَّهَ وَشَكَرْتُهُ عَلَى مَا مَنَّ بِهِ عَلَيَّ مِنْ إِزَالَةِ الشَّكِّ عَنْ قَلْبِي؛ بحار الأنوار ج: ٥١ ص: ٣٠٢

١-٢-٢-٠٥١-الستر

﴿١٢٠٩﴾ الصادق (عليه السلام): فَمَا نَدَرِي مَا نَشْكُرُ أَمْ جَمِيلُ مَا تَنْشُرُ أَمْ قَبِيحُ مَا تَسْتُرُ أَمْ عَظِيمُ مَا أَبْلَيْتَ وَأَوَّلَيْتَ أَمْ كَثِيرُ مَا مِنْهُ نَجَّيْتَ وَعَافَيْتَ؛ البلد الأمين ص: ٢٠٦

﴿١٢١٠﴾ السجادة (عليها السلام): لَا أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِإِحْسَانٍ وَلَا فِي جَنْبِكَ سَفِكَ دَمِي وَلَمْ يُنْحَلِ الصِّيَامُ وَالْقِيَامُ جَسْمِي فَبَإِي ذَلِكِ أَرْكَى نَفْسِي وَأَشْكُرُهَا عَلَيْهِ وَأَحْمَدُهَا بِهِ بَلِ الشُّكْرُ لَكَ اللَّهُمَّ

لِسُتْرِكَ عَلَى مَا فِي قَلْبِي وَتَمَامِ النِّعْمَةِ عَلَيَّ فِي دِينِي؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٦٨

﴿١٢١١﴾ الرسول ﷺ: أَسْأَلُكَ أَنْ تُخْلِفَنِي فِي أَهْلِي وَوَلَدِي وَصُرُوفِ حُزَانَتِي بِأَحْسَنِ مَا خَلَفْتَ بِهِ غَائِبًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَحْصِينِ كُلِّ عَوْرَةٍ وَسِتْرِ كُلِّ سَيِّئَةٍ وَحِطِّ كُلِّ مَعْصِيَةٍ وَكَفَايَةِ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَأَرْزُقْنِي عَلَى ذَلِكَ شُكْرَكَ وَذِكْرَكَ؛ مهج الدعوات ص: ٩٤

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۲۰۳﴾ ای علی، پروردگارم به من دستور داد، فاطمه را به همسری تو درآوردم و در صورتی که تو راضی باشی او را در قبال چهارصد مثقال نقره، به همسری تو درآوردم. گفت: ای پیامبر خدا، راضی و خشنودم و برای سپاس به درگاه خداوند متعال پیشانی بر خاک نهاد و سجده کرد.

﴿۱۲۰۴﴾ ازدواج و عروسی فاطمه‌ی زهرا علیها السلام دختر حضرت محمد صلی الله علیه و آله با حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام در شب پنجشنبه ۲۱ ماه محرم سال سوم هجری واقع شد. روزه گرفتن آن روز به عنوان شکر جمع شدن دو حجت و دو برگزیده‌ی خداوند مستحب است.

۴۸-۱-۲-۲-افزونی

﴿۱۲۰۵﴾ پس به خاطر فراوانی سخاوت و پی‌درپی‌بودن لطف حمدسزاوار توست ستایشی کامل به خاطر ادای شکر که واجب است.

۴۹-۱-۲-۲-زیارت

﴿۱۲۰۶﴾ از خدای عزیز و جلیل درخواست کن که آن را از تو قبول کند، و آن را آخرین حج و عمره‌ی تو قرار ندهد سپس، در حالی که حرکت می‌کنی، بگو: ناله‌کننده بازگشت‌کننده و سپاسگزار و شکرگزار پروردگارمان هستیم.

﴿۱۲۰۷﴾ ای دو سرور و آقای من (حضرت امیرالمؤمنین و امام حسین علیهما السلام) از نزد شما توبه‌کننده و سپاسگزار و شکرگزار خدا بازمی‌گردم.

۵۰-۱-۲-۲-برطرف‌شدن شک و تردید

﴿۱۲۰۸﴾ خدا را ستودم و او را به خاطر لطفش نسبت به خودم و اینکه شک و تردیدم را برطرف کرد شکر کردم.

۵۱-۱-۲-۲-پوشاندن

﴿۱۲۰۹﴾ نمی‌دانیم که کدام را شکر کنیم؟ زیبایی‌هایی که منتشر کردی و یا زشتی‌هایی را که پوشاندی یا امتحانات بزرگی که به عمل آوردی و بخشش‌های بزرگی که نمودی و یا موارد فراوانی که از آن‌ها نجاتمان دادی و عافیتمان بخشیدی.

﴿۱۲۱۰﴾ من نه با کار نیکی به درگاهت توسل جستم و نه در راه تو خونم ریخته شد و نه روزه و نماز جسمم را نحیف کرد پس به کدام‌یک از آن‌ها خود را پاک و شایسته بدانم کنم و از خویش قدردانی کرده و بستایم؟ بلکه بخاطر پوشاندن آنچه در دل دارم و بدین خاطر که نعمت مرا در امر دین کامل کرده‌ای، تو را شایسته‌ی شکر می‌دانم.

﴿۱۲۱۱﴾ پروردگارا، از تو می‌خواهم بعد از من درباره‌ی خانواده و فرزندان و برطرف کنندگان گرفتاری‌ام به بهترین شکلی که فردی می‌تواند برای افراد غایب مؤمن درخواست کند و تو انجام دهی، در محافظت کردن از حریم‌هایشان و پوشاندن همه‌ی بدی‌ها و درگذشتن از همه گناهان و برطرف کردن همه‌ی ناخوشی‌هایشان و بر من نعمت شکرگزاری را و یاد خودت را نیز روزی کن.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

٥٢-٢-١- تسخير الأنعام

﴿١٢١٢﴾ وَالْبَدَنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ فَلِذَا وَجِبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِيعُوا الْقَانِعَ وَالْمَعْتَرِ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ الحج: الآية ٣٦

٥٣-٢-١- السراء

﴿١٢١٣﴾ الصادق عليه السلام: اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ مَنْ خَلَقَ أَنْ يَشْكُرَهُ وَيَحْمَدَهُ عَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ؛ بحار الأنوار ج: ٣٧ ص: ٢٠٦
﴿١٢١٤﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: أَشْكُرُهُ دَائِمًا عَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ؛ التحصين لابن طائوس ص: ٥٨٠

﴿١٢١٥﴾ الصادق عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ بِالْعِزِّ مَذْكُورٌ وَبِالْفَخْرِ مَشْهُورٌ وَعَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ مَشْكُورٌ؛ مكارم الأخلاق ص: ٤١٨

٥٤-٢-١- السرور

﴿١٢١٦﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: إِذَا جَاءَهُ أَمْرٌ يَسُرُّهُ أَوْ سُرَّ بِهِ خَرَّ سَاجِدًا شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى؛ عوالي اللآلي ج: ١ ص: ١٩٩

﴿١٢١٧﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: أَنَّهُ كَانَ إِذَا جَاءَهُ أَمْرٌ سُرُّورٍ أَوْ بَشَرٍ بِهِ خَرَّ سَاجِدًا شَاكِرًا لِلَّهِ؛ الطرائف ج: ٢ ص: ٥٤٢

﴿١٢١٨﴾ الباقر عليه السلام: بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَعَ أَصْحَابِهِ رَاكِبًا عَلَى دَابَّتِهِ إِذْ نَزَلَ فَخَرَّ سَاجِدًا فَقِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ رَأَيْنَاكَ صَنَعْتَ شَيْئًا لَمْ تَكُ تَصْنَعُهُ قَبْلَ الْيَوْمِ فَقَالَ أَتَانِي مَلَكٌ مِنْ عِنْدِ رَبِّي فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّكَ يُفَرِّقُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَسْرُكُ فِي أَمَّتِكَ فَلَمْ يَكُنْ عِنْدِي مَالٌ أَصْدَقُ وَلَا عَبْدٌ أَعْتَقَهُ فَسَجَدْتُ لِلَّهِ شُكْرًا؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ١٥٢

﴿١٢١٩﴾ السجاد عليه السلام: حَقٌّ مِنْ سِرِّكَ بِشَيْءٍ لِلَّهِ تَعَالَى أَنْ تَحْمَدَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَوَّلًا ثُمَّ تَشْكُرَهُ؛ مكارم الأخلاق ص: ٤٢٣

﴿١٢٢٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: حَقٌّ مِنْ سِرِّكَ لِلَّهِ تَعَالَى أَنْ تَحْمَدَ اللَّهَ تَعَالَى أَوَّلًا ثُمَّ تَشْكُرَهُ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٢ ص: ٦٢٥

﴿١٢٢١﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: زَارَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا يَوْمًا فَصَنَعَتْ لَهُ عَصِيدَةً مِنْ تَمْرٍ فَقَدَمَتْهَا بَيْنَ يَدَيْهِ فَأَكَلَ هُوَ وَعَلِيُّ وَفَاطِمَةُ وَالحَسَنَانِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَلَمَّا فَرَّغُوا مِنَ الْأَكْلِ سَجَدَ النَّبِيُّ ﷺ فَأَطَالَ السُّجُودَ ثُمَّ بَكَى فِي

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۵۲-۰۲-۲-۱- رام شدن حیوانات

﴿۱۲۱﴾ و شترهای چاق و فربه را (در مراسم حج) برای شما از شعایر الهی قرار دادیم؛ در آن‌ها برای شما خیر و برکت است. (هنگام قربانی کردن) درحالی‌که به صف ایستاده‌اند و هنگامی‌که پهلوهایشان آرام گرفت (و جان دادند) نام خدا را بر آنها ببرید، از گوشت آن‌ها بخورید، و مستمندان قانع و فقیران را نیز از آن اطعام کنید؛ این‌گونه ما آن‌ها را مسخرتان ساختیم، تا شکر خدا را به‌جا آورید.

۵۳-۲-۲-۱- گشایش در زندگی

﴿۱۲۱۳﴾ سزوار است که همه‌ی آفریدگان در همه‌ی حالات اعم از شادمانی و گرفتاری و سختی و آسانی شکر او را به جا آورند.

﴿۱۲۱۴﴾ دائماً شکرگزار او هستم، چه در دوران آسانی و برخورداری از نعمت و چه در دوره‌ی شدت و سختی.

﴿۱۲۱۵﴾ سپاس خدا را که او به عزت یاد شده و به فخر مشهور گشته و در آسایش و سختی شکر شده است.

۵۴-۰-۲-۲-۱- شادی

﴿۱۲۱۶﴾ هنگامی که برای پیامبر ﷺ مطلب ناخوشایند یا مسأله‌ی خوشحال‌کننده‌ای پیش می‌آمد برای ادای شکر به پیشگاه خداوند متعال به حالت سجده به زمین می‌افتاد.

﴿۱۲۱۷﴾ اگر به ایشان امر خوشحال‌کننده یا مژده‌ای می‌رسید به درگاه خداوند سجده‌ی شکر می‌نمود.

﴿۱۲۱۸﴾ پیامبر خدا ﷺ سوار مرکبشان همراه اصحاب بودند که پیاده شدند و به درگاه خداوند سجده کردند. به ایشان گفته شد: ای پیامبر خدا دیدیم که شما عملی انجام دادید که تا حالا چنین نکرده بودید. فرمودند: فرشته‌ای از جانب پروردگارم آمد و گفت: یا محمد ﷺ پروردگارت به تو سلام می‌رساند و می‌گوید: من تو را درباره‌ی امتت شاد می‌کنم. نه مالی داشتم که آن را صدقه دهم و نه بنده‌ای داشتم که آزادش کنم پس سجده‌ی شکر به‌جا آوردم.

﴿۱۲۱۹﴾ حق کسی که تو را برای خدا به چیزی خشنود سازد این است که، اول خدای عز و جل را حمد کنی و سپس از او تشکر نمایی.

﴿۱۲۲۰﴾ حق کسی که تو را برای خدا به چیزی خشنود سازد این است که، اول خدا را حمد کنی و سپس از او تشکر نمایی.

﴿۱۳۲﴾ پیامبر ﷺ به دیدار فاطمه علیها السلام رفت و حضرت فاطمه علیها السلام برای ایشان، حلویایی از خرما درست کردند و به ایشان تقدیم کردند پیامبر و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام خوردند و آنگاه که از خوردن آن فارغ شدند پیامبر صلی الله علیه و آله سجده کردند و سجده را طولانی کردند و

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

سُجُودِهِ ثُمَّ ضَحِكَ ثُمَّ جَلَسَ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ يَا رَسُولَ اللَّهِ لِمَ سَجَدْتَ وَبَكَيْتَ وَضَحِكْتَ فَقَالَ ﷺ لَمَّا رَأَيْتُكُمْ مُجْتَمِعِينَ سُرَرْتُ بِذَلِكَ فَسَجَدْتُ لِلَّهِ شُكْرًا؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ١٥٤

﴿١٢٢٢﴾ الصادق عليه السلام: فَإِذَا هُوَ دَخَلَهَا وَ عَظُمَتْ مَسَرَّتُهُ شُكْرَ اللَّهِ وَ حَمِيدُهُ؛ بحار الأنوار ج: ٨ ص: ١٢٠

﴿١٢٢٣﴾ قَالَ يُودَّاسُفُ قَدْ سُرَرْتُ بِهَذَا الْحَدِيثِ جِدًّا فَرَدَدَنِي مِنْ نَحْوِهِ أَرَدَدُ سُورًا وَ لِرَبِّي شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٤٣٠

﴿١٢٢٤﴾ لِكُلِّ مِنَ الْأَيَّامِ عِنْدِي عَادَةٌ فَإِنْ سَاءَ بِي صَبْرٌ وَإِنْ سَرَّنِي شُكْرٌ

ديوان الإمام علي (ع) ص: ١٨٩

﴿١٢٢٥﴾ السجاد عليه السلام: وَ أَمَّا حَقٌّ مَنْ سَرَّكَ اللَّهُ بِهِ وَ عَلَى يَدَيْهِ فَإِنْ كَانَ تَعَمَّدَهَا لَكَ حَمْدَتُ اللَّهِ أَوْ لَا ثُمَّ شَكَرْتَهُ عَلَى ذَلِكَ بِقُدْرِهِ فِي مَوْضِعِ الْجَزَاءِ وَ كَافَأَتْهُ عَلَى فَضْلِ الْإِثْبَادِ وَ أَرْضَدَتْ لَهُ الْمُكَافَأَةَ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ تَعَمَّدَهَا حَمْدَتُ اللَّهِ وَ شَكَرْتَهُ وَ عَلِمْتَ أَنَّهُ مِنْهُ تَوَحَّدَكَ بِهَا وَ أَحْبَبْتَ هَذَا إِذْ كَانَ سَبَبًا مِنْ أَسْبَابِ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ تَرَجُّوْا لَهُ بَعْدَ ذَلِكَ خَيْرًا فَإِنَّ أَسْبَابَ النِّعَمِ بَرَكَةٌ حَيْثُ مَا كَانَتْ وَ إِنْ كَانَ لَمْ يَتَعَمَّدْ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ؛ بحار الأنوار ج: ٧١ ص: ١٩

﴿١٢٢٦﴾ الرسول ﷺ: يَا رَسُولَ اللَّهِ رَأَيْنَا مِنْكَ الْيَوْمَ مَا لَمْ نَرَهُ قَبْلَ ذَلِكَ فَقَالَ ﷺ إِنِّي لَمَّا أَكَلْتُ مَعَكُمْ فَرِحْتُ وَ سُرَرْتُ بِسَلَامَتِكُمْ وَ اجْتِمَاعِكُمْ فَسَجَدْتُ لِلَّهِ تَعَالَى شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٩٨ ص: ٤٤

٥٥-٢-١-السلامة

﴿١٢٢٧﴾ الجواد عليه السلام: إِجْعَلْنِي سَالِمًا مِنْ كُلِّ سُوءٍ مُعَافًا مِنَ الضَّرُورَةِ فِي مُنْتَهَى الشُّكْرِ وَ الْعَافِيَةِ؛ المصباح للكفعمي ص: ٣٣

﴿١٢٢٨﴾ أَمَرَنِي بِمَسْأَلَتِهِ وَ دَعَانِي إِلَى عِبَادَتِهِ وَ رَغَبَنِي فِيْمَا عِنْدَهُ وَ حَثَّنِي عَلَى طَاعَتِهِ وَ زَهَّدَنِي فِي مَعْصِيَتِهِ وَ شَوَّقَنِي إِلَى جَنَّتِهِ وَ حَذَرَنِي عِقَابَهُ رَحْمَةً مِنْهُ لِي وَ مَنَّةً وَاجِبُ شُكْرُهَا؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٢٣

﴿١٢٢٩﴾ الصادق عليه السلام: إِنْ الصَّوْمُ لَا يَكُونُ لِلْمُصِيبَةِ وَ لَا يَكُونُ إِلَّا شُكْرًا لِلسَّلَامَةِ وَ إِنْ الْحُسَيْنَ عليه السلام أَصِيبَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ فَإِنْ كُنْتَ فِيمَنْ أُصِيبَ بِهِ فَلَا تَصُمْ وَ إِنْ كُنْتَ شَامِتًا مِمَّنْ سَرَّهُ سَلَامَةُ بَنِي أُمِّيَّةٍ فَصُمْ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى؛ وسائل الشيعة ج: ١٠ ص: ٤٦٢

﴿١٢٣٠﴾ الصادق عليه السلام: إِنْ الصَّوْمُ لَا يَكُونُ لِلْمُصِيبَةِ وَ لَا يَكُونُ إِلَّا شُكْرًا لِلسَّلَامَةِ؛ وسائل الشيعة ج: ١٠ ص: ٤٦٢

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

سپس در سجده گریه کردند و سپس نشستند؛ امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کرد: ای پیامبر خدا سجده کردید و گریستید و خندیدید؟ فرمودند: آنگاه که دیدم شما همگی جمع هستید شاد شدم و برای خدا سجده‌ی شکر کردم.

﴿۱۲۲۲﴾ پس هنگامی که داخل شد و شادمانی‌اش زیاد شد خدا را شکر کرد و او را ستود.
﴿۱۲۲۳﴾ یوذاسف گفت خیلی از این حکایت خوشحال شدم بیشتر برایم نقل کن تا بیشتر خوشحال شوم و شکر خدا را بیشتر به جای آورم.
﴿۱۲۲۴﴾ این عادت همیشگی من است، اگر کسی به من بد کند صبر می‌کنم و اگر شادم کند، شکر می‌کنم.

﴿۱۲۲۵﴾ حق آن که خدا به دست او تو را خشنود کرده (و سبب خرسندی‌ات شده) این است که اگر منظورش خشنودی تو بوده نخست خدا را شکر گویی، سپس به عنوان پاداش، به قدر این محبت از او تشکر کنی، و در فکر تلافی باشی و مزیت پیش قدم شدنش را نیز جبران کنی (که اگر تلافی سربه‌سر باشد امتیاز تقدم او فراموش شده است) و اگر چنین منظوری نداشته، باز خدا را سپاسگزاری و از او تشکر کنی و بدانی که این شادی از جانب اوست، و چون او واسطه‌ی نعمت خدا بوده دوستش بداری و خیرش را بخواهی، زیرا اسباب نعمت هرچه باشد، برکت است، حتی اگر او چنین قصدی نداشته باشد، و هیچ توانی نیست مگر با تکیه بر خدا.
﴿۱۲۲۶﴾ ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ما امروز از شما چیزی را دیدیم که پیش از آن ندیده بودیم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هنگامی که من به همراه شما غذا می‌خوردم، به علت سلامتی شما و اینکه با یکدیگر جمع و در کنار هم هستید، شاد و خوشحال شدم پس برای خدای تعالی به عنوان شکرگزاری سجده کردم.

۵۵-۲-۱- سلامت

﴿۱۲۲۷﴾ خداوند، به من در نهایت شکرگزاری و عافیت سالم ماندن از هر بدی و زشتی عطا فرما و معاف شدن از اینکه از روی ناچاری در آن وارد شوم.
﴿۱۲۲۸﴾ مرا به درخواست از خودش امر کرد و به عبادتش دعوت کرد و به آنچه نزد خودش می‌باشد تشویق کرد و به طاعتش وادار کرد و از گناهانش پاک کرد و به بهشتش مشتاق کرد و از عقابش دور کرد، همه‌ی این‌ها رحمت و لطفی از طرف او بر من است که شکر آن واجب و ضروری است.

﴿۱۲۲۹﴾ روزه برای سختی کشیدن نیست بلکه تنها شکرانه‌ی سلامتی است. و همانا بر امام حسین علیه السلام در روز عاشورا مصیبتی وارد شد پس اگر تو هم خود را مصیبت دیده می‌دانی پس آن روز را روزه بگیر ولی اگر ملامتگر امامی و از سلامتی بنی‌امیه شادمانی، آن روز را به شکرانه روزه بگیر.

﴿۱۲۳۰﴾ همانا روزه برای سختی کشیدن نیست بلکه شکر بر سلامتی است.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٢٣١﴾ الزهراء عليها السلام: إِنَّ بَرًّا وَلَدَايَ مِمَّا بِهِمَا صُمْتُ لِلَّهِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ شُكْرًا وَ ذَكَرَ عَنْ فَاطِمَةَ وَ فَضَّةَ نَحْوُ ذَلِكَ فَبَرَاءً؛ بناءً المقالة ص: ٢٣٥

﴿١٢٣٢﴾ الصادق عليه السلام: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ بَشَّرَ بِالْحَسَنِ عليه السلام وَ هُوَ فِي آخِرِ تَسْبِيحِ الْمَغْرَبِ قَبْلَ الدُّعَاءِ فَقَامَ مِنْ وَفْتِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَتَكَلَّمَ أَوْ يَصْنَعَ شَيْئًا فَصَلَّى رُكْعَتَيْنِ جَعَلَهُمَا شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى عَلَى سَلَامَةِ فَاطِمَةَ عليها السلام وَ وَلَادَتِهَا الْحَسَنُ عليه السلام ثُمَّ دَعَا بَعْدَ الرُّكْعَتَيْنِ وَ عَقَّبَ بِسُجْدَتِي الشُّكْرِ وَ التَّغْفِيرِ بَيْنَهُمَا وَ كَانَ ذَلِكَ سَنَةً حَتَّى وُلِدَ الْحُسَيْنُ عليه السلام فَجَاءَ الْبَشِيرُ بِهِ وَ قَدْ صَلَّى هَاتَيْنِ الرُّكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْمَغْرَبِ وَ هُوَ فِي آخِرِ تَسْبِيحِهِ فَقَامَ مِنْ غَيْرِ تَعْقِيبٍ فَصَلَّى رُكْعَتَيْنِ جَعَلَهُمَا شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى ثُمَّ عَقَّبَ بِالدُّعَاءِ بَعْدَهُمَا وَ سَجَدَ؛ المقنعة ص: ١١٧

﴿١٢٣٣﴾ الرسول ﷺ: أَنَّهُ دَخَلَ النَّبِيُّ ﷺ يَوْمًا إِلَى فَاطِمَةَ عليها السلام فَهَيَّاتُ لَهُ طَعَامًا مِنْ تَمْرٍ وَ قُرْصٍ وَ سَمْنٍ فَاجْتَمَعُوا عَلَى الْأَكْلِ هُوَ وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عليهم السلام فَلَمَّا أَكَلُوا سَجَدَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ أَطَالَ سُجُودَهُ ثُمَّ بَكَى ثُمَّ ضَحِكَ وَ جَلَسَ وَ كَانَ أَجْرَاهُمْ فِي الْكَلَامِ عَلَى ﷺ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ رَأَيْنَا فِيكَ الْيَوْمَ مَا لَمْ نَرَهُ قَبْلَ ذَلِكَ فَقَالَ إِنِّي لَمَّا أَكَلْتُ مَعَكُمْ فَرَحْتُ وَ سُرْتُ بِسَلَامَتِكُمْ فَسَجَدْتُ لِلَّهِ تَعَالَى شُكْرًا فَهَبَطَ جَبْرِئِيلُ يَقُولُ سَجَدْتَ شُكْرًا لِنَفَرٍ حَكَّ بِأَهْلِكَ فَقُلْتُ نَعَمْ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٠ ص: ٢٧٥

﴿١٢٣٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ سَرِيَّةً فَقَالَ اللَّهُمَّ إِنَّا لَكَ عَلَىٰ إِنْ رَدَدْتَهُمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ أَنْ أَشْكُرَكَ حَقَّ الشُّكْرِ قَالَ فَمَا لَبِثُوا أَنْ جَاءُوا كَذَلِكَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ سَابِغِ نِعَمِ اللَّهِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٠ ص: ٢١٤

﴿١٢٣٥﴾ الرسول ﷺ: سَجَدَةُ الشُّكْرِ عَلَىٰ سَلَامَتِكَ فِي نَوْمِكَ وَ يَقْظَتِكَ؛ الأمان ص: ١٤٤

﴿١٢٣٦﴾ الصادق عليه السلام: شَكْوَتْ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الْجَرَبَ عَلَى جَسَدِي وَ الْحَرَارَةَ فَقَالَ عَلَيْكُمْ بِالْإِفْتِصَادِ مِنَ الْأَكْلِ فَفَعَلْتُ فَذَهَبَ عَنِّي وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٥٩ ص: ١٢٨

﴿١٢٣٧﴾ الباقر عليه السلام: فَإِذَا سَلَّمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ انْصَرَفَ حَمْدُ اللَّهِ تَعَالَى وَ شُكْرُهُ وَ تَصَدَّقَ بِمَا تيسَّرَ لَهُ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٢ ص: ٢٧٠

﴿١٢٣٨﴾ الرسول ﷺ: فَاسْجُدْ سَجْدَةَ الشُّكْرِ عَلَى السَّلَامَةِ وَ الْعَافِيَةِ؛ الأمان ص: ١٤٣

﴿١٢٣٩﴾ الصادق عليه السلام: فَبِمَاذَا شَكَرْتَ نِعْمَاءَهُ قَالَ نَظَرْتُ إِلَى بَلَاءٍ قَدْ صَرَفَهُ عَنِّي وَ أَبْلَى بِهِ غَيْرِي فَعَلِمْتُ أَنَّهُ قَدْ أَنْعَمَ عَلَيَّ فَشَكَرْتُهُ؛ بحار الأنوار ج: ٣ ص: ٤٢

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۲۳۱﴾ برای اینکه فرزندانم از بیماری رها شوند من نذر کردم که به شکرانه‌ی آن سه روز روزه بگیرم. و فاطمه‌ی زهرا علیها السلام نیز به همین طریق نذر کرد. و خدمتکار ایشان را که فضا نامیده می‌شد، او نیز این چنین نذر کرد.

﴿۱۲۳۲﴾ بشارت تولد امام حسن علیه السلام را به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دادند و ایشان در آخرین تسبیح نماز مغرب قبل از دعا بودند، حضرت بدون آنکه صحبتی کنند و یا کاری انجام دهند برخاستند و دو رکعت نماز به شکرانه‌ی سلامتی حضرت فاطمه علیها السلام و به دنیا آوردن امام حسن علیه السلام خواندند و سپس دعا نمودند و دو سجده‌ی شکر به جای آوردند و بین دو سجده، گونه بر خاک نهادند و این کار سنت بود تا اینکه حسین علیه السلام به دنیا آمد و پیک خبر را درحالی به پیامبر داد که آن حضرت دو رکعت نماز را بعد از نماز مغرب خوانده بودند و در آخرین تسبیح بودند؛ پس بدون آنکه تعقیبی انجام دهند برخاستند و دو رکعت نماز برای سپاس از خدا به جای آوردند و سپس دعا نمودند و سجده کردند.

﴿۱۲۳۳﴾ داخل شد روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به خانه‌ی فاطمه علیها السلام وارد شد و حضرت زهرا علیها السلام برای پیامبر صلی الله علیه و آله غذایی از خرما و نان و روغن درست کرد و اهل خانه که شامل پیامبر صلی الله علیه و آله و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام بود برای صرف غذا جمع شدند، پس از آنکه غذا را خوردند، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سجده کردند و سجده را طولانی نمودند، سپس گریستند و بعد از آن خندید و نشست آنگاه علی علیه السلام آغاز به سخن نمود که: ای پیامبر خدا، امروز از شما حالتی و کاری را دیدیم که پیش از آن ندیده بودیم، پس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانا من هنگامی که به همراه شما غذا خوردم، شاد و از سلامتی شما خشنود گشتم پس از بابت شکرگزاری به پیشگاه خدای تعالی سجده کردم، پس آنگاه جبرئیل نازل شد و گفت: به جهت شکر و خوشحالی برای سلامت خانواده‌ات سجده کردی؟ من پاسخ دادم: آری.

﴿۱۲۳۴﴾ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گروهی را برای جهاد فرستادند و گفتند: خدایا، آن‌ها را سالم و با داشتن غنیمت به منزلشان برگردان و من شکر تو را به جای خواهم آورد، پس آن‌ها بعد از چندی مراجعت کردند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شکر خدا را به جا آوردند.

﴿۱۲۳۵﴾ سجده‌ی شکر برای سالم نگاه‌داشتن در خواب و بیداری.

﴿۱۲۳۶﴾ به امام صادق علیه السلام از خشکی تن و حرارت نالیدم، فرمود: بر شما باد که از سیاهرگ رگ بزیند، انجام دادم و ناراحتی‌ام برطرف شد پس شاکرانه خدا را می‌ستایم.

﴿۱۲۳۷﴾ پس چون خدای او را به سلامت می‌داشت و از سفر بازمی‌گشت، خدای تعالی را ستایش می‌کرد، و به هراندازه که برایش ممکن بود صدقه می‌داد.

﴿۱۲۳۸﴾ برای امنیت و تندرستی سجده‌ی شکر به جای آور.

﴿۱۲۳۹﴾ برای کدام نعمت او را شکر کردی؟ فرمود: به گرفتاری و بلایی که از من دور شده و دیگران درگیر آن هستند توجه کردم؛ دانستم که او مرا مورد لطف قرار داده است. پس او را شکر کردم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٢٤٠﴾ الصادق عليه السلام: قَالَتْ يَا أَيُّوبُ مَا دَهَاكَ فَنَادَاهَا أَيُّوبُ، فَأَقْبَلَتْ فَلَمَّا رَأَتْهُ وَقَدْ رَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِ بَدَنَهُ وَنِعْمَتَهُ سَجَدَتْ لِلَّهِ شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ١٢ ص: ٣٤١

﴿١٢٤١﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: يَا رَسُولَ اللَّهِ رَأَيْنَا مِنْكَ الْيَوْمَ مَا لَمْ نَرَهُ قَبْلَ ذَلِكَ فَقَالَ ﷺ إِنِّي لَمَّا أَكَلْتُ مَعَكُمْ فَرَحْتُ وَ سُرِرْتُ بِسَلَامَتِكُمْ وَ اجْتِمَاعِكُمْ فَسَجَدْتُ لِلَّهِ تَعَالَى شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٩٨ ص: ٤٤

﴿١٢٤٢﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: أَبُو رَافِعٍ وَ عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ يُحَدِّثُونَ عَنْ هِجْرَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام وَ سَأَلَ الْحَدِيثَ إِلَى أَنْ قَالَ قَالَ لَهُ النَّبِيُّ ﷺ وَ إِنَّهُ تَعَالَى أَمَرَنِي أَنْ أَمُرَكَ بِالْمَيْتِ عَلَى ضِبْجَاعِي أَوْ قَالَ مَضْجَعِي لِتُخْفِيَ بِمَيْتِكَ عَلَيْهِمْ أَتْرَى فَمَا أَنْتَ قَائِلٌ وَ صَانِعٌ فَقَالَ عَلَى ﷺ أ وَ تَسْلَمَنَّ بِمَيْتِي هُنَاكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ قَالَ نَعَمْ فَتَبَسَّمَ عَلَى ﷺ ضَاحِكًا وَ أَهْوَى إِلَى الْأَرْضِ سَاجِدًا (شَاكِرًا لَمَّا أَنْبَاهُ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ) مِنْ سَلَامَتِهِ فَكَانَ عَلَى ﷺ أَوَّلَ مَنْ سَجَدَ لِلَّهِ شُكْرًا وَ أَوَّلَ مَنْ وَضَعَ وَجْهَهُ عَلَى الْأَرْضِ بَعْدَ سَجْدَتِهِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ ص: مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ١٥٥

﴿١٢٤٣﴾ الصادق عليه السلام: إِذَا خَرَجَ أَحَدُكُمْ مِنَ الْحَمَّامِ وَ قَدْ سَلِمَ فَلْيُصَلِّ رُكْعَتَيْنِ شُكْرًا؛ وسائل الشريعة ج: ٢ ص: ٧٦

٥٦-٢-١- سماع الحديث

﴿١٢٤٤﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي آخِرِ يَوْمٍ مِنْ جُمَادَى الْآخِرَةِ فِي وَقْتٍ لَمْ أَدْخُلْ عَلَيْهِ فِيهِ قَبْلَهُ قَالَ يَا سَلْمَانَ أَنْتَ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ أَمْ لَا أَحَدُثُكَ قُلْتَ بَلَى فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ يَا سَلْمَانُ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ وَ لَا مُؤْمِنَةٍ صَلَّى فِي هَذَا الشَّهْرِ ثَلَاثِينَ رُكْعَةً وَ هُوَ شَهْرُ رَجَبٍ يَقْرَأُ فِي كُلِّ رُكْعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ مَرَّةً وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ إِلَّا مَحَا اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ كُلَّ ذَنْبٍ عَمِلَهُ فِي صِغَرِهِ وَ كِبَرِهِ وَ أَعْطَاهُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَمَنْ صَامَ ذَلِكَ الشَّهْرَ كُلَّهُ وَ كُتِبَ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْمُصَلِّينَ إِلَى السَّنَةِ الْمُقْبِلَةِ وَ رُفِعَ لَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ عَمَلُ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ كُتِبَ لَهُ بِصَوْمِ كُلِّ يَوْمٍ يَصُومُهُ مِنْهُ عِبَادَةُ سَنَةٍ وَ رُفِعَ لَهُ أَلْفُ دَرَجَةٍ فَإِنْ صَامَ الشَّهْرَ كُلَّهُ اتَّجَاهَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ النَّارِ وَ أَوْجِبَ لَهُ الْجَنَّةُ يَا سَلْمَانُ أَخْبَرَنِي بِذَلِكَ جَبْرِئِيلُ ع وَ قَالَ يَا مُحَمَّدُ هَذِهِ عَلَامَةُ بَيْنِكُمْ وَ بَيْنَ الْمُنَافِقِينَ لِأَنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يُصَلُّونَ ذَلِكَ قَالَ سَلْمَانُ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخْبَرَنِي كَيْفَ أَصَلَّى هَذِهِ الثَّلَاثِينَ رُكْعَةً وَ مَتَى أَصَلِّيَهَا قَالَ يَا سَلْمَانُ تُصَلِّي فِي أَوَّلِهِ عَشْرَ رُكْعَاتٍ تَقْرَأُ فِي كُلِّ رُكْعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ مَرَّةً وَاحِدَةً وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَإِذَا سَلَّمْتَ رَفَعْتَ يَدَيْكَ وَ قُلْتَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ- لَهُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۲۴۰﴾ همسر ایوب فریاد زد: ای ایوب چه بر سرت آمده؟ آن وقت ایوب او را صدا زد، وقتی جلوتر رفت و ایوب را سالم مشاهده کرد، سجده‌ی شکر به جا آورد.

﴿۱۲۴۱﴾ ای پیامبر خدا ﷺ ما امروز از شما چیزی را دیدیم که پیش از آن ندیده بودیم؟ پیامبر ﷺ فرمود: هنگامی که من به همراه شما غذا می‌خوردم، به علت سلامتی شما و اینکه با یکدیگر جمع و در کنار هم هستید، شاد و خوشحال شدم پس برای خدای تعالی به عنوان شکرگزاری سجده کردم.

﴿۱۲۴۲﴾ ابورافع و عمار یاسر این چنین نقل کردند در ارتباط با هجرت امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام پیامبر فرمود: همانا خدای تعالی به من امر کرد تا به تو دستور دهم (ای علی) تا بر سر جای من بخوابی؛ تا مهاجرت کردن من از دشمنان مخفی بماند. پس آیا تو انجام این مأموریت را می‌پذیری و به آن اقدام می‌کنی؟ پس علی علیه السلام عرضه کرد: ای پیامبر خدا، آیا چنانچه من در بستر شما بخوابم، شما به سلامت خواهید بود؟ حضرت فرمود: آری؛ پس امیرالمؤمنین، علیه السلام لبخندی (از سر رضایتمندی) زد و خندید، و به شکرانه‌ی دریافت خبر سلامتی پیامبر ﷺ برای انجام سجده‌ی شکر به زمین افتاد. پس علی علیه السلام اولین کسی بود که برای شکرگزاری، سجده به جا آورد و او بعد پیامبر خدا ﷺ اولین شخصی از این امت بود که بعد از سجده صورت به روی خاک گذاشت.

﴿۱۲۴۳﴾ هرگاه یکی از شما به سلامت از گرمابه خارج شود، دو رکعت نماز شکر بخواند.

۵۶-۲-۱- شنیدن حدیث

﴿۱۲۴۴﴾ سلمان فارسی (ره) گفت: روز آخر ماه جمادی‌الآخر نزد پیامبر خدا ﷺ رفتم و تا آن زمان در چنین موقعیتی نزد ایشان نرفته بودم. فرمودند: سلمان، تو از ما اهل بیت هستی آیا مایلی به تو سخن جدیدی بگویم؟ گفتم: آری پدر و مادرم فدایت ای پیامبر خدا. فرمودند: ای سلمان هیچ مرد و زن مؤمنی نیست که در ماه رجب سی رکعت نماز بخواند و در هر رکعت یک مرتبه فاتحه‌الکتاب و سه مرتبه " قل هو الله احد " و سه مرتبه " قل یا ایها الکافرون " بخواند مگر اینکه خداوند متعال تمام گناهانی را که در کودکی و بزرگی انجام داده است از او محو می‌کند و به او اجر کسی را می‌دهد که تمام آن ماه را روزه گرفته است و نامش نزد خداوند تا سال آینده در فهرست نمازگزاران نوشته می‌شود و هر روز برایش عملی چون عمل شهدای بدر بالا برده می‌شود و در عوض روزه‌ی هر روزی که از این ماه بگیرد عبادت یک سال برایش نوشته می‌شود و برایش هزار درجه بالا برده می‌شود و اگر تمام این ماه را روزه بگیرد خداوند عزیز و جلیل او را از آتش نجات می‌دهد و بهشت را بر او واجب می‌کند. ای سلمان، جبرئیل علیه السلام این خبر را به من داد و گفت: ای محمد ﷺ این، نشانه بین شما و بین منافقین است، زیرا که منافقان این نماز را نمی‌خوانند. سلمان گفت: گفتم: ای پیامبر خدا ﷺ، به من بفرمایید این سی رکعت نماز را چگونه بخوانم و کی بخوانم؟ فرمودند: ای سلمان، در اول این ماه ده رکعت می‌خوانی و در هر رکعت یک مرتبه فاتحه‌الکتاب و سه مرتبه " قل هو الله احد " و سه مرتبه " قل یا ایها الکافرون " را می‌خوانی آنگاه که سلام دادی دستانت را بلند کن و بگو: " خدایی جز الله نیست یکتاست و

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ ثُمَّ امْسَحْ بِهَا وَجْهَكَ وَصَلِّ فِي وَسْطِ الشَّهْرِ عَشْرَ رَكَعَاتٍ تَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ مَرَّةً وَاحِدَةً «٤٨» وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَقُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَإِذَا سَلَّمْتَ فَأَرْفَعْ يَدَيْكَ إِلَى السَّمَاءِ وَقُلْ- لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ- لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ- يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ- إِلَهًا وَاحِدًا أَحَدًا فَرْدًا صَمَدًا لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا ثُمَّ امْسَحْ بِهَا وَجْهَكَ وَصَلِّ فِي آخِرِ الشَّهْرِ عَشْرَ رَكَعَاتٍ تَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ مَرَّةً وَاحِدَةً وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَقُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَإِذَا سَلَّمْتَ فَأَرْفَعْ يَدَيْكَ إِلَى السَّمَاءِ وَقُلْ- لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ- لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ثُمَّ امْسَحْ بِهَا وَجْهَكَ وَصَلِّ حَاجَتَكَ فَإِنَّهُ يُسْتَجَابُ لَكَ دُعَاؤُكَ وَيَجْعَلُ اللَّهُ بَيْنَكَ وَبَيْنَ جَهَنَّمَ سَبْعَةَ خَنَادِقَ كُلَّ خَنَادِقٍ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَبِكُتُبٍ لَكَ بِكُلِّ رَكَعَةٍ أَلْفَ أَلْفٍ رَكَعَةٍ وَبِكُتُبٍ لَكَ بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ وَجَوَازٌ عَلَى الصِّرَاطِ قَالَ سَلْمَانُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَلَمَّا فَرَغَ النَّبِيُّ ع مِنَ الْحَدِيثِ خَرَّتْ سَاجِدًا أَبْكَى شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى لِمَا سَمِعَتْ هَذَا الْحَدِيثَ؛ مصباح المتعبد ص: ٨١٧

٥٧-٢-١-الإشباع وراجع: الإرواء

﴿١٢٤٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَنَّ جِبْرِئِيلَ عليه السلام نَزَلَ إِلَيْهِ وَمَعَهُ مَفَاتِيحُ كُنُوزِ الْأَرْضِ وَقَالَ يَا مُحَمَّدُ السَّلَامُ يُقْرَأُ بِكَ السَّلَامُ وَيَقُولُ لَكَ إِنَّ شَيْئًا صَيَّرَتْ مَعَكَ جِبَالَ تِهَامَةَ ذَهَبًا وَفِضَّةً وَخُذْ هَذِهِ مَفَاتِيحَ كُنُوزِ الْأَرْضِ وَلَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ حِطِّكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَالَ يَا جِبْرِئِيلُ وَمَا يَكُونُ بَعْدَ ذَلِكَ قَالَ الْمَوْتُ فَقَالَ إِذَا لَا حَاجَةَ لِي فِي الدُّنْيَا دَعْنِي أَجُوعُ يَوْمًا وَأَشْبَعُ يَوْمًا فَالْيَوْمَ الَّذِي أَجُوعُ فِيهِ أَنْتَضِعْ إِلَى رَبِّي وَأَسْأَلُهُ وَالْيَوْمَ الَّذِي أَشْبَعُ فِيهِ أَشْكُرُ رَبِّي وَأُحْمَدُهُ فَقَالَ لَهُ جِبْرِئِيلُ وَفَقْتُ لِكُلِّ خَيْرٍ يَا مُحَمَّدُ؛ بحار الأنوار ج: ٢٢ ص: ٢٧٥

﴿١٢٤٦﴾ الرضا عليه السلام: يَا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضًا فَشَفَانِي وَغُرْبَانًا فَكَسَانِي وَجَائِعًا فَأَشْبَعَنِي وَعَظْشَانًا فَأَرْوَانِي وَذَلِيلًا فَأَعَزَّنِي وَجَاهِلًا فَعَرَّفَنِي وَوَحِيدًا فَكَثَّرَنِي وَغَائِبًا فَزِدَّنِي وَمَقِيلًا فَأَغْنَانِي وَمُنْتَصِرًا فَفَضَّلَنِي وَغَنِيًّا فَلَمْ يَسْلُبْنِي وَأَمْسَكَتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَابْتَدَأَنِي فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٢٠

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

شریک ندارد، پادشاهی و ستایش از آن اوست؟ زنده می‌کند و می‌میراند و او زنده‌ای است که هرگز نمی‌میرد و خیر به دست اوست و او بر هر چیز تواناست و از خداوند می‌خواهم بر محمد و خاندان پاکش درود فرستد و هیچ نیرو و قدرتی نیست مگر به واسطه‌ی خداوند بلندمرتبه و بزرگ. سپس دستان خود را بر صورت بکش و حاجتت را بخواه که دعایت مستجاب است و خداوند بین تو و جهنم هفت گودال پهن و عمیق قرار می‌دهد که هر خندق به اندازه‌ی فاصله‌ی آسمان و زمین است؛ به ازای هر رکعت یک میلیون رکعت برایت می‌نویسد و برایت خلاصی از آتش نوشته می‌شود و برگه‌ی عبور از صراط. سلمان (ره) گفت: آنگاه که پیامبر ﷺ از ذکر این کلام فارغ شدند به خاطر شنیدن این کلام به درگاه خداوند سجده کردم و به شکرانه‌ی آن گریستم.

۵۷-۲-۱- سیرکردن

﴿۱۲۴۵﴾ همانا جبرئیل علیه السلام بر پیامبر خدا ﷺ نازل شد درحالی که کلیدهای گنج‌های زمین همراه او بود، و گفت: ای محمد ﷺ، خدایی که خود سلام است بر تو سلام فرستاده و به تو می‌گوید: اگر بخواهی کوه‌های تهامه را به طلا و نقره تبدیل می‌کنم. پس کلیدهای گنجینه‌های زمین را بگیر و از بهره‌های تو در روز قیامت هم چیزی کم نخواهد شد. پیامبر ﷺ گفت: ای جبرئیل بعد از آن چه می‌شود؟ جبرئیل گفت: پایان دنیا مرگ است. پس پیامبر ﷺ فرمود: در این صورت حاجتی به دنیا ندارم زیرا خداوند روزی گرسنه‌ام می‌دارد و روزی سیرم می‌کند پس من روزی را که گرسنه‌ام می‌دارد به‌سوی پروردگارم زاری می‌کنم و از او درخواست می‌کنم و روزی که مرا سیر می‌کند او را شکر می‌گویم و می‌ستایم پس به او جبرئیل گفت: ای محمد به همه خیر موفق شدی.

﴿۱۲۴۶﴾ ای کسی که در حال بیماری او را خواندم مرا شفا داد، در حال برهنگی او را خواندم، مرا پوشاند، در گرسنگی صدایش کردم، سیرم کرد، در حال تشنگی خواندمش، سیرابم نمود؛ در حال خواری صدایش کردم، عزیزم کرد؛ درحالی که نادان بودم صدایش زدم مرا دانا کرد؛ در حال تنهایی او را خواندم، مرا از تنهایی درآورد؛ در دوری از دوستان صدایش کردم مرا به دوستان بازگرداند؛ در حال احتیاج خواندمش، مرا بی‌نیاز کرد؛ یاری خواستم یاری‌ام کرد و آنگاه که بی‌نیاز شدم از من بازنگرفت؛ و از همه‌ی آن‌ها دست برداشتم و هیچ کاری نکردم ولی او دوباره نعمت‌دادنش را بر من آغاز نمود پس حمد و شکر سزاوارتوست.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

٥٨-٢-١- الشَّدَّةُ

﴿١٢٤٧﴾ الصادق عليه السلام: اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ مَنْ خَلَقَ أَنْ يَشْكُرَهُ وَيَحْمَدَهُ عَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ؛ بحار الأنوار ج: ٣٧ ص: ٢٠٦

﴿١٢٤٨﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: أَشْكُرُهُ دَائِمًا عَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ؛ التحصين لابن طاووس ص: ٥٨٠

﴿١٢٤٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْأَلُكَ إِجَابَةَ الدُّعَاءِ وَالشُّكْرَ فِي الشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ١٩٨

٥٩-٢-١- الشِّفَاءُ

﴿١٢٥٠﴾ اللَّهُمَّ وَآنَا الدَّاعِي الَّذِي أَحْبَبْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ وَآنَا السَّائِلُ الَّذِي أَعْطَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَآنَا الضَّالُّ الَّذِي هَدَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَآنَا الضَّعِيفُ الَّذِي قَوَّيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَآنَا الْفَقِيرُ الَّذِي أَغْنَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَآنَا الْغَارِي الَّذِي كَسَوْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَآنَا السَّقِيمُ الَّذِي شَفَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ أَجَلٌ وَعِزَّتِكَ لَقَدْ فَعَلْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٢٨

﴿١٢٥١﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: تَقُولُ عِنْدَ الشِّفَاءِ إِذَا شَفَى اللَّهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَنِي فَهْدَانِي وَأَطْعَمَنِي وَسَقَانِي وَصَحَّحَ جِسْمِي وَشَفَانِي لَهُ الْحَمْدُ وَلَهُ الشُّكْرُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ١٧

﴿١٢٥٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: يَا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضًا فَشَفَانِي وَغُرِيَانًا فَكَسَانِي وَجَائِعًا فَاشْبَعْنِي وَعَطْشَانًا فَأَرْوَانِي وَذَلِيلًا فَأَعِزَّنِي وَجَاهِلًا فَعَرَّفَنِي وَوَحِيدًا فَكَثَّرَنِي وَغَائِبًا فَردَّنِي وَمَقِيلًا فَأَغْنَانِي وَمُنْتَصِرًا فَنَصَرَنِي وَغَنِيًّا فَلَمْ يَسْلُبْنِي وَأَمْسَكَتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَابْتَدَأَنِي فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ؛ البلد الأمين ص: ٢٥٥

﴿١٢٥٣﴾ الصادق عليه السلام: إِذَا شَرَبَ أَحَدُكُمْ فَلْيَشْرَبْ فِي ثَلَاثَةِ أَنْفَاسٍ يَحْمَدُ اللَّهَ فِي كُلِّ مِنْهَا أَوَّلَهُ شُكْرُ الشَّرْبَةِ وَالثَّانِي مَطْرَدَةُ الشَّيْطَانِ وَالثَّالِثُ شِفَاءٌ لِمَا فِي جَوْفِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٦٣ ص: ٤٧٥

٥٠-٢-١- الشُّكْرُ (شُكْرُ الشُّكْرِ)

١-٢-٢-١- إِفْتِقَارُ شُكْرِ النِّعْمَةِ بِشُكْرِ ثَانٍ (شُكْرُ الشُّكْرِ)

﴿١٢٥٤﴾ السَّجَاد عليه السلام: شُكْرِي إِيَّاكَ يَفْتَقِرُ إِلَى شُكْرِ فَكَلِّمًا قُلْتُ لَكَ الْحَمْدُ وَجَبَ عَلَيَّ لِذَلِكَ أَنْ أَقُولَ لَكَ الْحَمْدُ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٤٦

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۵۸-۰۲-۱-سختی

﴿۱۲۴۷﴾ سزوار است که همه‌ی آفریدگان در همه‌ی حالات اعم از شادمانی و گرفتاری و سختی و آسانی شکر او را به جا آورند.

﴿۱۲۴۸﴾ دائماً شکرگزار او هستم، چه در دوران آسانی و برخورداری از نعمت و چه در دوره‌ی شدت و سختی.

﴿۱۲۴۹﴾ پاک و منزهی تو ای خداوند نیست جز تو پروردگاری، درخواست می‌کنم از تو اجابت دعایم را و فزونی و خیر و برکت را در سختی و آسانی.

۵۹-۰۲-۱-درمان، بهبودی

﴿۱۲۵۰﴾ خدایا، من همانم که دعا کردم و تو اجابت نمودی، پس حمد سزاوار توست؛ و من همانم که از تو درخواست نمودم و تو عطا کردی، پس حمد سزاوار توست؛ و من همان گمراهی هستم که هدایتش کردی، پس حمد سزاوار توست؛ و من آن ضعیفم که به او توان دادی، پس حمد سزاوار توست؛ و من آن فقیری هستم که توانگرش نمودی، پس حمد سزاوار توست؛ و من آن عریانی هستم که بر او لباس پوشاندی، پس حمد سزاوار توست؛ و من آن بیماری هستم که شفایش دادی، پس حمد سزاوار توست؛ آری به عزت سوگند که این لطف‌ها را تو در حق من رواداشته‌ای، پس حمد سزاوار توست؛ بر محمد و آلش درود فرست و مرا از قدرشناسان و شکرگزاران خودت قرار ده.

﴿۱۲۵۱﴾ هرگاه خدا تو را شفا داد و شفا یافتی بگو: "حمد و سپاس برای خداوندی است که مرا خلق کرده و هدایتم فرمود و غذا خورانید و مرا نوشانید و جسم و بدنم را سالم قرار داد و شفای من از جانب اوست و ستایش مخصوص اوست و شکر فقط متعلق به اوست.

﴿۱۲۵۲﴾ ای کسی که در حال بیماری او را خواندم مرا شفا داد، در حال برهنگی او را خواندم، مرا پوشاند، در گرسنگی صدایش کردم، سیرم کرد، در حال تشنگی خواندمش، سیرابم نمود؛ در حال خواری صدایش کردم، عزیزم کرد؛ درحالی که نادان بودم صدایش زدم مرا دانا کرد؛ در حال تنهایی او را خواندم، مرا از تنهایی درآورد؛ در دوری از دوستان صدایش کردم مرا به دوستان بازگرداند؛ در حال احتیاج خواندمش، مرا بی‌نیاز کرد؛ یاری خواستم یاری‌ام کرد و آنگاه که بی‌نیاز شدم از من بازنگرفت؛ و از همه‌ی آن‌ها دست برداشتم و هیچ کاری نکردم ولی او دوباره نعمت‌دادنش را بر من آغاز نمود پس حمد و شکر سزاوار توست.

﴿۱۲۵۳﴾ چون یکی از شما آب بنوشد جرعه‌جرعه در سه نفس بنوشد و در هر نفس حمد و سپاس خدا را با گفتن "الحمد لله" بر زبان جاری کند که اولی شکر آن نوشیدنی است و دومی دورکننده‌ی شیطان و سومی درمان هر دردی که درون بدنش باشد.

۶۰-۰۲-۱-شکر، سپاسگزاری بر توفیق شکر

۱-۰۲-۱-نیاز شکر نعمت به شکر دوم، سپاسگزاری بر توفیق شکر

﴿۱۲۵۴﴾ اگر بخواهم تو را شکر کنم، شکر کردنم نیز احتیاج به شکر تو دارد و هرگاه که بگویم حمد سزاوار توست، بخاطر گفتن این جمله نیز بر من واجب شود که دوباره بگویم "حمد سزاوار توست".

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

٢-٦٠-٢-١- وجوبُ شُكْرِ الشُّكْرِ

﴿١٢٥٥﴾ مَنْ شَكَرَ اللَّهَ سَبَّحَانَهُ وَجَبَ عَلَيْهِ شُكْرُ ثَانٍ إِذٍ [إِذَا] وَقَفَهُ لِشُكْرِهِ وَهُوَ شُكْرُ الشُّكْرِ؛

غررالحكم ص: ٢٧٨

﴿١٢٥٦﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): وَتَمَامُ الشُّكْرِ اعْتِرَافُ لِسَانِ السَّرِّ خَاضِعاً لِلَّهِ تَعَالَى بِالْعَجْزِ عَنْ بُلُوغِ أَذْنَى شُكْرِهِ لِأَنَّ التَّوْفِيقَ لِلشُّكْرِ نِعْمَةٌ حَادِثَةٌ يَجِبُ الشُّكْرُ عَلَيْهَا وَهِيَ أَعْظَمُ قَدْرًا وَأَعَزُّ وَجُودًا مِنَ النِّعْمَةِ الَّتِي مِنْ أَجْلِهَا وَقَفْتَ لَهُ فَيَلْزَمُكَ عَلَى كُلِّ شُكْرٍ أَعْظَمُ مِنْهُ إِلَى مَا لَا نِهَايَةَ لَهُ مُسْتَعْرِقًا فِي نِعْمَتِهِ قَاصِرًا عَاجِزًا عَنْ دَرْكِ غَايَةِ شُكْرِهِ وَأَنْتَ يَلْحَقُ الْعَبْدُ شُكْرَ نِعْمَةِ اللَّهِ وَنَتَى يَلْحَقُ صَنِيعُهُ بِصَنِيعِهِ وَالْعَبْدُ ضَعِيفٌ لَا قُوَّةَ لَهُ أَبَدًا إِلَّا بِاللَّهِ وَاللَّهُ غَنِيٌّ عَنْ طَاعَةِ الْعَبْدِ قَوِيٌّ عَلَى مَزِيدِ النِّعَمِ عَلَى الْأَبَدِ فَكُنْ لِلَّهِ عَبْدًا شَاكِرًا عَلَى هَذَا الْأَصْلِ تَرَى الْعَجَبَ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٥٢

﴿١٢٥٧﴾ السَّجَادُ (عليه السلام): فَكَلَّمَا قُلْتُ لَكَ الْحَمْدُ وَجَبَ عَلَيَّ لِذَلِكَ أَنْ أَقُولَ لَكَ الْحَمْدُ؛

بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٤٦

٣-٦٠-٢-١- عَدَمُ الْإِسْطِطَاعَةِ بِإِدَاءِ شُكْرِ الشُّكْرِ

﴿١٢٥٨﴾ الْحُسَيْنُ (عليه السلام): لَوْ حَاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْمَارِ وَالْأَحْقَافِ لَوْ عَمَّرْتُهَا أَنْ أُؤَدِّيَ بَعْضَ شُكْرِ وَاحِدَةٍ مِنْ أَنْعَمِكَ فَمَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ إِلَّا بِمَنْكَ الْمَوْجِبِ بِهِ عَلَيَّ شُكْرًا أَنْفَاءً جَدِيدًا أَوْ ثَنَاءً طَارِقًا عَتِيدًا؛ إقبال الأعمال ص: ٣٤١

﴿١٢٥٩﴾ السَّجَادُ (عليه السلام): فَكَيْفَ لِي بِتَحْصِيلِ الشُّكْرِ وَشُكْرِي إِيَّاكَ يَفْتَقِرُ إِلَى شُكْرٍ فَكَلَّمَا قُلْتُ لَكَ الْحَمْدُ وَجَبَ عَلَيَّ لِذَلِكَ أَنْ أَقُولَ لَكَ الْحَمْدُ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٤٦

﴿١٢٦٠﴾ الْجَوَادُ (عليه السلام): يَا مَنْ جَلَّ عَنْ أَدَوَاتِ لِحْظَاتِ الْبَشَرِ وَلَطْفَ عَنْ دَقَائِقِ خَطَرَاتِ الْفِكْرِ لَا تُحْمَدُ يَا سَيِّدِي إِلَّا بِتَوْفِيقٍ مِنْكَ يَقْتَضِي حَمْدًا وَلَا تُشْكَرُ عَلَى أَصْغَرِ مَنَّةٍ إِلَّا اسْتَوْجِبْتَ بِهَا شُكْرًا فَمَنْتَ تُحْصِي نِعْمَاؤَكَ يَا إِلَهِي وَتُجَازِي أَلَاؤَكَ يَا مَوْلَايَ وَتُكَافِي صَنَائِعَكَ يَا سَيِّدِي وَمِنْ نِعَمِكَ يَحْمَدُ الْحَامِدُونَ وَمِنْ شُكْرِكَ يَشْكُرُ الشَّاكِرُونَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٩ ص: ٥٥

٤-٦٠-٢-١- الْإِعْتِرَافُ بِعَدَمِ الْإِسْطِطَاعَةِ الشُّكْرِ وَالْمَعْرِفَةُ بِأَنَّ الشُّكْرَ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ، (هُوَ شُكْرُ الشُّكْرِ)

﴿١٢٦١﴾ أَوْحَى اللَّهُ إِلَى دَاوُدَ (عليه السلام): أَشْكُرْنِي حَقَّ شُكْرِي قَالَ إِلَهِي أَشْكُرُكَ حَقَّ شُكْرِكَ وَشُكْرِي إِيَّاكَ نِعْمَةٌ مِنْكَ فَقَالَ الْآنَ شَكَرْتَنِي وَقَالَ دَاوُدُ (عليه السلام): يَا رَبُّ وَكَيْفَ كَانَ آدَمُ يَشْكُرُكَ حَقَّ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۲-۶۰-۲-۱- واجب بودن سپاسگزاری بر توفیق شکر

﴿۱۲۵۵﴾ هر که خدا ی سبحان را شکر کند، بر او شکر دومی واجب میشود، زیرا توفیق شکرگزاری از جانب حق تعالی نصیب او شده است و این شکر بر شکر است. ﴿۱۲۵۶﴾ همه ی شکر آن است که با زبان دل اعتراف کند و نزد خداوند با خشوع و عجز اقرار نماید که هرگز توان شکر ندارد، زیرا ادای شکر خداوند هم، توفیقی است که او عطا می کند که خود موجب شکر می گردد و این خود بزرگ ترین و عزیزترین مقام در نزد خداوند است که نصیب آدمی می شود. اینک لازم می آید که برای هر شکری شکر دیگری به جای آوری و این پایان ندارد، آدمیان در نعمت های خداوند غرق و از شکر او عاجز و ناتوان هستند، چگونه انسان می تواند شکر نعمت های او را بکند و چگونه می تواند جبران کارهای خدا را بنماید، بندگان ضعیفند و نیرویی ندارند و این خداوند است که به آن ها نیرو می دهد و قدرت می بخشد. خداوند متعال از عبادت و طاعت بندگان بی نیاز است و همواره می تواند به آن ها نعمت عطا کند، اینک بنده ی شاکر و سپاسگزاری باش و خداوند را ثنا گوی، و به این اصل پایبند باش و آن را مورد عمل قرار ده تا شگفتی هایی را ببینی.

﴿۱۲۵۷﴾ پس هرچه حمد و سپاست بگویم، به خاطر آن حمد دیگری بر من واجب می شود.

۳-۶۰-۲-۱- عدم توانایی به انجام شکرگزاری از خود شکر

﴿۱۲۵۸﴾ اگر در طول دوران و سالیان طولانی تا زمانی که زنده باشیم که سعی و تلاش کنم بتوانم شکر یکی از نعمت های را ادا کنم نمی توانم مگر اینکه تو بر من منت گذاری و توفیق شکر بدهی؛ که در آن صورت شکری دوباره و مدحی و نو بر من واجب می شود. ﴿۱۲۵۹﴾ پس چگونه می توانم به شکر تو دست یابم در حالی که شکر من نیازمند شکر دیگری است، پس هرچه حمد و سپاست بگویم، به خاطر آن حمد دیگری بر من واجب می شود.

﴿۱۲۶۰﴾ ای آن که از ابزار نگاه بشر بزرگ تر و از ظرافت های آنچه به فکر خطور کند لطیف تری، ای آقای من، تو ستایش نمی شوی مگر آنکه خودت توفیق دهی که در آن صورت بر آن ستایش، ستایش دیگری واجب می شود و بر کوچک ترین نعمت ها شکر نمی شوی مگر آنکه برای آن نیز مستوجب شکر می شوی. پس کجا نعمت های را بشمارم ای خدای من، و چگونه عطاهایت را پاداش دهم، ای مالک من، چگونه نیکی های را پاسخ متناسب دهم ای آقای من؟ در حالی که حمد ستایش کنندگان خود نعمتی از نعمت های توست و شکر شکر کنندگان نیز از قدردانی توست.

۴-۶۰-۲-۱- اقرار به عدم توانایی شکرگزاری و آگاهی بر اینکه شکر، نعمتی از

جانب خداست، همان سپاسگزاری بر توفیق شکر است

﴿۱۲۶۱﴾ خدای تعالی به داود علیه السلام وحی نمود که: (ای داود) مرا آن چنان که شایسته است شکر کن. داود گفت: پروردگارا، چگونه حق شکر تو را به جای آورم، حال آنکه من خوب می دانم شکرگزاری من نیز نعمتی از سوی توست (که به من ارزانی داشته ای) پس حق تعالی فرمود: الآن شکر مرا به جای آوردی. (اینکه دانستی همه چیز، حتی شکر تو از جانب من است همان حق شکرگزاری خداوندی من است). داود گفت: ای پروردگارم، حضرت آدم چگونه توانست شکر تو را

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

شُكْرَكَ وَقَدْ جَعَلْتَهُ أَبَ أَنْبِيَائِكَ وَصَفْوَتِكَ وَأَسْجَدْتَ لَهُ مَلَائِكَتَكَ فَقَالَ إِنَّهُ عَرَفَ أَنَّ ذَلِكَ مِنْ عِنْدِي فَكَانَ اعْتِرَافُهُ بِذَلِكَ حَقَّ شُكْرِي؛ بحار الأنوار ج: ١٤ ص: ٤٠

﴿١٢٦٢﴾ داود عليه السلام: يَا رَبِّ كَيْفَ أَشْكُرُكَ وَأَنَا لَا أَسْتَطِيعُ أَنْ أَشْكُرَكَ إِلَّا بِنِعْمَةٍ ثَانِيَةٍ مِنْ نِعَمِكَ فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ إِذَا عَرَفْتَ هَذَا فَقَدْ شَكَرْتَنِي؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٣٦

﴿١٢٦٣﴾ الصادق عليه السلام: يَا مُوسَى اشْكُرْنِي حَقَّ شُكْرِي فَقَالَ يَا رَبِّ كَيْفَ أَشْكُرُكَ حَقَّ شُكْرِكَ وَلَيْسَ مِنْ شُكْرٍ أَشْكُرُكَ بِهِ إِلَّا وَأَنْتَ أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ فَقَالَ يَا مُوسَى شَكَرْتَنِي حَقَّ شُكْرِي حِينَ عَلِمْتَ أَنَّ ذَلِكَ مِنِّي؛ بحار الأنوار ج: ١٣ ص: ٣٥١

﴿١٢٦٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَوْحَى اللَّهُ إِلَى دَاوُدَ يَا دَاوُدُ اشْكُرْنِي قَالَ وَكَيْفَ أَشْكُرُكَ يَا رَبِّ وَ الشُّكْرُ مِنْ نِعَمِكَ تَسْتَحِقُّ عَلَيْهِ شُكْرًا قَالَ يَا دَاوُدُ رَضِيتُ بِهَذَا الْإِعْتِرَافِ مِنْكَ شُكْرًا؛ عدة الداعي ص: ٢٣٩

﴿١٢٦٥﴾ عيسى عليه السلام: قَالَ دَاوُدُ عليه السلام: يَا رَبِّ كَيْفَ أَشْكُرُكَ وَ الشُّكْرُ نِعْمَةٌ مِنْكَ عَلَيَّ فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ الْآنَ شَكَرْتَنِي؛ مجموعة ورام ج: ٢ ص: ١٧

٥-٦٠-٢-١- أسألك شُكْرَ الشُّكْرِ

﴿١٢٦٦﴾ الكاظم عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ وَ أَسْأَلُكَ جَمِيلَ الْعَافِيَةِ وَ أَسْأَلُكَ شُكْرَ الْعَافِيَةِ وَ أَسْأَلُكَ شُكْرَ شُكْرِ الْعَافِيَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٣٦٢

٦-٦٠-٢-١- فَاحْمَدُوا اللَّهَ عَلَى الشُّكْرِ

﴿١٢٦٧﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: أَنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ خَصَّ رُسُلَهُ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَاْمْتَحِنُوا أَنْفُسَكُمْ فَإِنْ كَانَتْ فِيكُمْ فَاحْمَدُوا اللَّهَ وَ إِلَّا فَاسْأَلُوهُ وَ ارْغَبُوا إِلَيْهِ فِيهَا فَقَالَ وَ ذَكَرَهَا عَشْرَةَ الْيَقِينِ وَ الْقَنَاعَةِ وَ الْبَصِيرَةِ وَ الشُّكْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٦٦ ص: ٣٩٤

٧-٦٠-٢-١- الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ شُكْرٍ

﴿١٢٦٨﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَمْدٍ وَ ذِكْرٍ وَ شُكْرٍ؛ فلاح السائل ص: ٢٥١

﴿١٢٦٩﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِمَّنْ يَحْمَدُهُ وَ يَشْكُرُهُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٧٦

﴿١٢٧٠﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي... أَوْجَبَ عَلَيَّ مِنْ شُكْرِهِ كَمَا لَا أَسْتَطِيعُ بِهِ الْمَزِيدَ مِنْ لَدَيْهِ؛ بحار الأنوار

ج: ٩٢ ص: ٤٢٣

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

به جا آورد، درحالی که تو او را پدر پیامبرانت قرار دادی و او را ریشه و اصل تمام خوبان نمودی و به تمام فرشتگان امر کردی در برابرش سجده نمایند؟ پس حق تعالی فرمود: همانا (آدم) می دانست که (همه ی آن نعمت ها که ذکر کردی) از جانب من است پس (این را بدان که) اعترافش به این مطلب، همان به جا آوردن حق شکر من است.

﴿۱۲۶۲﴾ پروردگارا، چگونه می توانم تو را سپاس بگذارم با اینکه مرا توانایی و امکان سپاسگزاری نیست مگر به وسیله ی نعمت دیگری که به من عنایت فرمایی. خداوند متعال وحی فرمود: اکنون که چنین معرفتی یافتی و اعتراف داری که موفقیت به شکر و سپاس نیز نعمت تازه ی دیگری است، شکر و سپاس مرا ادا کردی.

﴿۱۲۶۳﴾ ای موسی حق شکر مرا ادا کن. موسی علیه السلام عرض کرد: خداوندا، من چگونه می توانم حق شکر تو را ادا کنم با اینکه هر شکری که به جا آورم آن خود نعمتی است که تو به من عنایت فرموده ای؟ خطاب رسید: ای موسی، اکنون که دانستی این توفیق هم از من است، حق شکر مرا ادا کردی.

﴿۱۲۶۴﴾ خدای تعالی به داود وحی فرمود: ای داود خدا را شکر کن داود گفت: پروردگارا، چگونه تو را شکر کنم درحالی که توفیق شکرگزاری، خودش از نعمت های توست که باید بر آن هم شکر کرد خداوند فرمود: ای داود به این اقرار به ناتوانی از ادای شکر، بسنده می کنم (و آن را به عنوان شکر از تو می پذیرم).

﴿۱۲۶۵﴾ داوود علیه السلام گفت: پروردگارا، چگونه شکر تو را به جای آورم حال آنکه خود شکر، نعمتی از جانب توست، پس از جانب خدای تعالی به او وحی شد حالا که این را فهمیدی شکر مرا به جای آوردی.

۵-۶۰-۲-۱- از تو سپاسگزاری بر توفیق شکر را درخواست می کنم

﴿۱۲۶۶﴾ خداوندا، از تو، عافیت می خواهم و تقاضا می کنم که به من زیباترین نوع عافیت را عطا فرمایی و از تو شکر بر نعمت عافیت را درخواست می کنم و نیز شکر بر عافیت را.

۶-۶۰-۲-۱- پس خدا را بر توفیق شکر بستانیید

﴿۱۲۶۷﴾ خداوند پیامبران خود را به مکارم اخلاق مبعوث فرموده است، اینک خود را بیازمایید اگر یکی از آن اخلاق در شما هست خداوند را سپاس گویند در غیر این صورت از او بخواهید تا به شما عطا کند. مکارم اخلاق ده صفت است: از جمله: یقین، قناعت، بصیرت، شکر...

۷-۶۰-۲-۱- بر هر شکری ستایش مخصوص خداست

﴿۱۲۶۸﴾ در هر ستایش و یاد و شکری. ستایش مخصوص خداست.

﴿۱۲۶۹﴾ حمد و ستایش مخصوص خدایی است که مرا از زمره ی کسانی که او را حمد و ستایش می کنند و سپاسگزار و شاکر او هستند قرارداد.

﴿۱۲۷۰﴾ حمد و ستایش پروردگاری را که... شکر و ستایش خویش را بر من واجب ساخت، هر چند سزاوار دریافت افزونی نعمتش نبودم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٢٧١﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِحَمْدِهِ، وَ جَعَلَنَا مِنْ أَهْلِهِ لِنَكُونَ لِإِحْسَانِهِ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛

الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ١٨٦

﴿١٢٧٢﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ... شُكْرًا لِمَا أَوْزَعَنَا عَلَيْهِ شُكْرًا؛ المصباح للكفعمي ص: ٧٦١

﴿١٢٧٣﴾ الباقر عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ مُتِمُّ النِّعَمِ بِرَحْمَتِهِ وَ الْهَادِي إِلَى شُكْرِهِ بِمَنِّهِ؛ من لا يحضره الفقيه

ج: ٣ ص: ٣٩٨

﴿١٢٧٤﴾ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى ائْتِدَائِكَ بِالنِّعَمِ الْجِسَامِ، وَ الْهِامِكِ الشُّكْرَ عَلَى الْإِحْسَانِ وَ الْإِنْعَامِ؛

الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ١٥٢

﴿١٢٧٥﴾ الصَّادِق عليه السلام: لَكَ الْحَمْدُ فِي الْمُعَافَاةِ وَ الشُّكْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ١٤٧

﴿١٢٧٦﴾ الصَّادِق عليه السلام: لَكَ الْحَمْدُ كَمَا تُحِبُّ وَ تُعْبَدُ وَ تُشْكِرُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ١٩٠

﴿١٢٧٧﴾ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا عَرَفْنَا مِنْ نَفْسِهِ، وَ الْهَمْنَا مِنْ شُكْرِهِ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام

ص: ٢٨

٨-٤٠-٢-١- أَشْكُرُكَ بِمَا عَلَّمْتَنِي مِنْ شُكْرِكَ

﴿١٢٧٨﴾ الصَّادِق عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَثْنِي عَلَيْكَ بِأَحْسَنِ مَا أَقْدِرُ عَلَيْهِ وَ أَشْكُرُكَ بِمَا مَنَنْتَ بِهِ

عَلَيَّ وَ عَلَّمْتَنِي مِنْ شُكْرِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٤٢

٦١-٢-١- الصَّحَّةُ

﴿١٢٧٩﴾ فَمَا أَدْرَى، يَا إِلَهِي، أَيُّ الْحَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ، وَ أَيُّ الْوَقْتَيْنِ أَوْلَى بِالْحَمْدِ لَكَ، أَمْ

وَقْتُ الصَّحَّةِ الَّتِي هَمَّائِي فِيهَا طَيِّبَاتُ رِزْقِكَ، وَ نَشَاطَتِي بِهَا لِإِتِّغَاءِ مَرْضَاتِكَ وَ فَضْلِكَ، وَ

قَوِيَّتِي مَعَهَا عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ مِنْ طَاعَتِكَ، أَمْ وَقْتُ الْعِلَّةِ الَّتِي مَحَصَّنِي بِهَا، وَ النِّعَمِ الَّتِي

أَتَحَفَّتَنِي بِهَا، تَخْفِيفًا لِمَا ثَقُلَ بِهِ عَلَى ظَهْرِي مِنَ الْخَطِيئَاتِ، وَ تَطْهِيرًا لِمَا أَنْغَمَسْتُ فِيهِ مِنَ

السَّيِّئَاتِ، وَ تَنْبِيهًا لِتَنَاوُلِ التَّوْبَةِ، وَ تَذْكِيرًا لِمَحْوِ الْحَوْبَةِ بِقَدِيمِ النِّعْمَةِ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام

ص: ٧٦

٢٢-٢-١- صَرَفُ الْأَذَى وَ الْغَمِّ

﴿١٢٨٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كَانَ الصَّادِقُ عليه السلام إِذَا دَخَلَ الْخَلَاءَ يَقْنَعُ رَأْسَهُ وَ يَقُولُ فِي نَفْسِهِ بِسْمِ

اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبِّ أَخْرِجْ عَنِّي الْأَذَى سَرَحًا بَغَيْرِ حِسَابٍ وَ اجْعَلْنِي لَكَ مِنَ

الشَّاكِرِينَ فِيمَا تَصَرَّفُهُ عَنِّي مِنَ الْأَذَى وَ الْغَمِّ الَّذِي لَوْ حَبَسْتُهُ عَنِّي هَلَكَتُ لَكَ الْحَمْدُ؛

من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٢٤

٦٣-٢-١- الإِصْطِفَاءُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۲۷۱﴾ حمد و سپاس خداوندی را که ما را به حمد و سپاس خویش هدایت نمود و از جمله‌ی ستایشگران خود قرار داد، تا شکرگزار احسان او باشیم.

﴿۱۲۷۲﴾ حمد و ستایش مخصوص توست... حمدی برای تشکر از اینکه نعمت شکر را به‌ما الهام کردی.

﴿۱۲۷۳﴾ سپاس خدای را که از سر رحمت و مهر، نعمت خود را تمام کرده‌است، و از روی فضل و کرم به شکر نعمتش راهنماست.

﴿۱۲۷۴﴾ پس ستایش سزاوار توست، بخاطر شروع به دادن نعمت‌های بزرگ (بدون آنکه بنده‌ات شایسته‌ی دریافت آن باشد)؛ و نیز بخاطر آنکه شکر بر لطف و احسان را به ما الهام کردی.

﴿۱۲۷۵﴾ حمد و ستایش تنها سزاوار توست در هر عافیت و سلامتی و در هنگام شکر و سپاسگزاری.

﴿۱۲۷۶﴾ حمد و ستایش تنها تو را شایسته است، آن‌چنان که تو دوست داری و بندگی می‌شوی و مورد سپاس‌گزاری قرار می‌گیری.

﴿۱۲۷۷﴾ و سپاس خدای را که خویشتن را به ما شناساند و شکر و سپاس نعمت‌های خود را به ما الهام نمود.

۸-۶۰-۲-۱- بر آنچه از شکرت به من آموختی تو را شکر می‌گزارم

﴿۱۲۷۸﴾ خدایا، تو را ستایش می‌کنم به بهترین نحوی که بر آن توانایی دارم و تو را به خاطر نعمت‌هایی که به من دادی و اینکه شکر کردن از خودت را به من آموختی شکر می‌کنم.

۱-۶۱-۲-۱- سلامتی

﴿۱۲۷۹﴾ خدایا، نمی‌دانم، کدامیک از این دو حالت (تندرستی و بیماری) به سپاسگزاری نزد تو نزدیک‌تر و شایسته‌تر است و کدامیک از این دو زمان برای ستایش تو سزاوارتر است؛ آیا هنگام تندرستی که در آن روزی‌های پاکیزه‌ات را به من گوارا ساخته و برای درخواست رضایت و لطف تو به من نشاط بخشیدی و با آن مرا بر فرمان‌برداری خویش توفیق و توانایی دادی؟ یا هنگام بیماری که مرا با آن (از گناهان) رهانیدی و نعمت بیماری که به من هدیه کردی تا گناهانی را که پشت مرا سنگین کرده بود سبک نماید، و از بدی‌هایی که در آن فرو رفته‌ام پاکم سازد، و برای فراگرفتن توبه بیدارم کند و با یادآوری نعمت‌هایی که از قبل به من داده شده گناهانم را فروریزد؟

۲-۶۲-۲-۱- برطرف شدن آزار و اندوه

﴿۱۲۸۰﴾ و امام صادق علیه السلام هنگامی که داخل دست‌شویی می‌شد سر خود را با روپوشی می‌پوشانید و زیر لب و آهسته می‌فرمود: به نام خدا و با استعانت از ذات او، و گواهی می‌دهم که هیچ آفریننده و معبودی جز خداوند نیست؛ پروردگارا، مواد زائد را بدون وارد کردن آسیب و حساب کشیدن از بدن من دفع و به خاطر آنچه از بیماری و گرفتاری که اگر آن را از من دفع نکنی نابود خواهم شد، مرا از شکرگزاران قرار ده. خدایا، تو را شکر می‌گویم.

۳-۶۳-۲-۱- برگزیدن

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٢٨١﴾ قَالَ يَا مُوسَى إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَاتِي وَبِكَلَامِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ: الأعراف: الآية ١٤٤

١-٢-٢-٠٦٤- الصَّلَاةُ

﴿١٢٨٢﴾ الرضا عليه السلام: السَّجْدَةُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى مَا وَفَّقَ لَهُ الْعَبْدَ مِنْ أَدَاءِ فَرَضِهِ وَادْنَى مَا يُجْزَى فِيهَا مِنَ الْقَوْلِ أَنْ يُقَالَ شُكْرًا لِلَّهِ شُكْرًا لِلَّهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ قُلْتُ فَمَا مَعْنَى قَوْلِهِ شُكْرًا لِلَّهِ قَالَ يَقُولُ هَذِهِ السَّجْدَةُ مِنِّي شُكْرًا لِلَّهِ عَلَى مَا وَفَّقَنِي لَهُ مِنْ خِدْمَتِهِ وَادَاءِ فَرَضِهِ وَالشُّكْرُ مُوجِبٌ لِلزِّيَادَةِ فَإِنْ كَانَ فِي الصَّلَاةِ تَقْصِيرٌ لَمْ يَتِمَّ بِالنَّوَافِلِ تَمَّ بِهِدِهِ السَّجْدَةُ؛ وسائل الشيعة ج: ٧ ص: ٥

١-٢-٢-٠٦٥- صَنَائِعُ اللَّهِ

﴿١٢٨٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اعْتَرِفْ بِحُسْنِ صَنَائِعِ اللَّهِ إِلَيَّ وَ أَبَوُ عَلَى نَفْسِي بِقِلَّةِ الشُّكْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٣١٨

﴿١٢٨٤﴾ الباقر عليه السلام: فَاسْتَوْجِبْ بِجَمِيلِ صَنِيعِهِ الشُّكْرَ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ١٧٠
﴿١٢٨٥﴾ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَدْ اصْطَنَعَ عِنْدَنَا وَ عِنْدَكُمْ أَنْ نَشْكُرَهُ بِجُهْدِنَا وَ أَنْ نَنْصُرَهُ بِمَا بَلَغَتْ قُوَّتُنَا؛ شرح نهج البلاغة ج: ١٧ ص: ١٩

﴿١٢٨٦﴾ الصادق عليه السلام: يَا مُحَمَّدُ... وَ اشْكُرِ اللَّهَ بِمَا صَنَعَ إِلَيْكَ؛ بحار الأنوار ج: ١٨ ص: ٣٢٥
﴿١٢٨٧﴾ أَحْمَدُكَ اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ وَ أَشْكُرُكَ وَ أَنْتَ لِلشُّكْرِ أَهْلٌ عَنْ حُسْنِ صَنِيعِكَ إِلَيَّ وَ سَوَابِغِ نِعْمِكَ عَلَيَّ وَ جَزِيلِ عَطَائِكَ لَدَيَّ وَ عَلَى كُلِّ مَا فَضَّلْتَنِي بِهِ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ أَسْبَغْتَ عَلَيَّ مِنْ نِعْمَتِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٢١

﴿١٢٨٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ تَسْبِيحًا وَ نُمَجِّدُهُ تَمْجِيدًا نَكْبِرُ عَظَمَتَهُ لِعِزِّ جَلَالِهِ وَ نَهْلِكُهُ تَهْلِيلًا مُوَحِّدًا مُخْلِصًا وَ نَشْكُرُهُ فِي مَصَانِعِهِ [مَصَانِعِهِ] الْحُسْنَى أَهْلُ الْحَمْدِ وَ الثَّنَاءِ أَلَا عَلَى؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٢

﴿١٢٨٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمَدُكَ وَ أَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ عَلَى حُسْنِ صَنِيعِكَ إِلَيَّ وَ تَعَطُّفِكَ عَلَيَّ وَ عَلَى مَا وَصَلْتَنِي بِهِ مِنْ نُورِكَ وَ تَدَارَكْتَنِي بِهِ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ أَسْبَغْتَ عَلَيَّ مِنْ نِعْمَتِكَ فَقَدْ اصْطَنَعْتَ عِنْدِي يَا مَوْلَايَ مَا يَحِقُّ لَكَ بِهِ جُهْدِي وَ شُكْرِي؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ١١٠

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۲۸۱﴾ خداوند فرمود: ای موسی من تو را به مقام پیام‌رسان خود و هم‌صحبتی با خویش، بر سایر مردم برگزیدم، پس آنچه که به تو دادم کاملاً فراگیر و از شکرگزاران باش.

﴿۱-۲-۲-۰۶۴ نماز﴾

﴿۱۲۸۲﴾ سجده‌ی بعد از نماز واجب، شکر به درگاه خداوند است به خاطر توفیقی که به بنده‌اش برای ادای نماز واجب داده است، و کمترین ذکر در سجده‌ی شکر این است که سه بار بگوید: "شکراً لله" "شکر مخصوص خداست". گفتیم: معنی این ذکر چیست؟ فرمود: "یعنی: این سجده به عنوان سپاسگزاری بر توفیقی است که بر خدمت و ادای واجبش به ما عطا کرد". شکر موجب افزونی نعمت می‌شود؛ اگر در نماز کوتاهی شده باشد که حتی با نوافل جبران نشود با این سجده برطرف می‌شود.

﴿۱-۲-۲-۰۶۵ الطاف خداوند﴾

﴿۱۲۸۳﴾ من به لطف خداوند نسبت به خود معترفم و اقرار می‌کنم که در مقابل این همه عنایت، شکر ناچیزی می‌کنم.

﴿۱۲۸۴﴾ خداوند به خاطر لطف‌های زیبا و مناسبی که به تو داشته است سزاوار سپاسگزاری است.

﴿۱۲۸۵﴾ خدای سبحان از ما و شما خواسته است تا سرحد توانایی خود، او را سپاس گوئیم و تا آنجا که توان داریم او را یاری دهیم.

﴿۱۲۸۶﴾ ای محمد،... خداوند را به خاطر لطفی که به تو کرده‌است شکر کن.

﴿۱۲۸۷﴾ پروردگارا، تو را، حمد و سپاس می‌گویم در حالی که تو سزاوارستایشی و تو را شکر می‌کنم به سبب آنکه تو لایق شکرگزاری هستی؛ زیرا تو بهترین نعمت‌های خود را به من ارزانی داشتی و لطف و احسانت را در اختیار من قرار دادی و به خاطر همه‌ی فضائل و نیکی‌ها و برجسته‌ترین نعمت‌هایت که از رحمت خود بر من مرحمت نمودی.

﴿۱۲۸۸﴾ ستایش مخصوص خداست، او را ستایش می‌کنیم ستایشی همراه با تسبیح و او را تمجید می‌کنیم، بزرگی‌اش را می‌ستاییم چون جلالش عزیز است و به یکتایی تقدیش می‌کنیم درحالی که موحد و مخلص هستیم و او را بر کارهای والا و نیکویش سپاسگزاریم. او شایسته‌ی سپاسگزاری و ثنای عالی است.

﴿۱۲۸۹﴾ خداوند به درستی که من ستایش می‌کنم تو را درحالی که تو از هر کس دیگری برای ستایش سزاوارتری، بر نیکویی احسان تو به سوی من و بر شفقت تو بر من بر اینکه مرا به نور خود متصل کردی و رحمت را برایم آماده و نعمت را بر من تمام، ای مولای من تو آن قدر به من لطف کرده‌ای که سزاواری در راه تو بکوشم و شکرگزار تو باشم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٢٩٠﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْكُرُكَ عَلَى مَا اصْطَنَعْتَ عِنْدَنَا وَنَحْمَدُكَ عَلَى كُلِّ أَمْرٍ أَرَدْتَ أَنْ تَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ١٩٢
 ﴿١٢٩١﴾ النبي صلى الله عليه وآله: أَوْرَثْتُ مَا حَازَ مِنَ الْبَاطِلِ وَجَمَعَ وَصَدَّ عَنِ الْحَقِّ مَنْ لَمْ يَشْكُرْهُ عَلَى مَا صَنَعَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٥٩؛ في صحيفة إدريس

١-٢-٢-٠٦٦-المُصْبِيَّةُ

﴿١٢٩٢﴾ الصادق عليه السلام: أَرْبَعُ فِي التَّوْرَةِ وَإِلَى جَنَّتَيْنِ أَرْبَعُ مَنْ أَصْبَحَ عَلَى الدُّنْيَا حَزِينًا فَقَدْ أَصْبَحَ عَلَى رَبِّهِ سَاحِطًا وَمَنْ أَصْبَحَ يَشْكُرُ مُصِيبَةً نَزَلَتْ بِهِ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ رَبَّهُ؛ بحار الأنوار ج: ١٣ ص: ٣٤٨
 ﴿١٢٩٣﴾ الباقر عليه السلام: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدُ الشَّاكِرِينَ عَلَى مُصَابِهِمْ؛ بحار الأنوار ج: ٩٨ ص: ٢٩٢

١-٢-٢-٠٦٧-الضَّرَاءُ

﴿١٢٩٤﴾ الصادق عليه السلام: اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ مَنْ خَلَقَ أَنْ يَشْكُرَهُ وَيَحْمَدَهُ عَلَى السَّرِّاءِ وَالضَّرِّاءِ وَالشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ؛ بحار الأنوار ج: ٣٧ ص: ٢٠٦
 ﴿١٢٩٥﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: أَشْكُرُهُ دَائِمًا عَلَى السَّرِّاءِ وَالضَّرِّاءِ وَالشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ؛ التحصين لابن طائوس

ص: ٥٨٠

﴿١٢٩٦﴾ الزهراء عليها السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ بِالْعِزِّ مَذْكُورٌ وَبِالْفَخْرِ مَشْهُورٌ وَعَلَى السَّرِّاءِ وَالضَّرِّاءِ مَشْكُورٌ؛ بحار الأنوار ج: ٤٣ ص: ٦٦

١-٢-٢-٠٦٨-الطَّعَامُ، الْأَكْلُ وَالشُّرْبُ وَمَا بَقِيَ مِنْهُمَا فِي الْبَدَنِ

﴿١٢٩٧﴾ لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ؛ يس: الآية ٣٥

﴿١٢٩٨﴾ وَهُمْ فِيهَا مَنَّاعٌ وَمَشَارِبٌ أَفَلَا يَشْكُرُونَ؛ يس: الآية ٧٣

﴿١٢٩٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي أَكْلِي وَشُرْبِي السَّلَامَةَ مِنْ وَعْكَهِ وَالْقُوَّةَ بِهِ عَلَى طَاعَتِكَ وَذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ فِيمَا بَقِيَتهُ فِي بَدَنِي؛ مستدرک الوسائل ج: ١٦ ص: ٢٨١

﴿١٣٠٠﴾ الصادق عليه السلام: إِذَا شَرَبَ أَحَدُكُمْ فَلْيَشْرَبْ فِي ثَلَاثَةِ أَنْفَاسٍ يَحْمَدُ اللَّهَ فِي كُلِّ مِنْهَا أَوَّلَهُ شُكْرُ الشُّرْبَةِ وَالتَّانِي مَطْرَدَةُ الشَّيْطَانِ وَالتَّالِثُ شِفَاءٌ لِمَا فِي جَوْفِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٦٣ ص: ٤٧٥

﴿١٣٠١﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: الطَّاعِمُ الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الصَّائِمِ الْمُحْتَسِبِ وَالْمُعَافَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الْمُتَبَلَّى الصَّابِرِ وَالْمُعْطَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الْمَحْرُومِ الْقَانِعِ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٤

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۲۹۰﴾ خدایا، ما تو را شکر و سپاس می‌گوییم به خاطر آنچه دربارهی ما انجام دادی و ستایش می‌کنیم به خاطر هر کاری که هرگاه اراده کنی بشود، می‌شود.
﴿۱۲۹۱﴾ آن که در اعمالش شکر خالق را به‌جا نیاورد، آنچه را که از راه باطل به دست آورد و جمع کرد و آنچه را با مانع شدن از حق پدید آورد، برای من به ارث گذاشت.

۱-۲-۲-۰۶۶ مصیبت

﴿۱۲۹۲﴾ چهارنکته در تورات هست که چهار چیز به همراه دارد: از آن جمله است: هر که صبح کند درحالی که بر دنیا اندوهناک باشد، صبح کرده درحالی که بر خدا خشمگین است؛ و هر که صبح را با شکر بر مصیبتی که به او وارد شده شروع کند پس همانا شکر خدا را به‌جای آورده است.

﴿۱۲۹۳﴾ خدایا، حمد و ستایش مخصوص توست ستایش سپاسگزاران بر مصیبتی که بر ایشان وارد شد.

۱-۲-۲-۰۶۷ سختی

﴿۱۲۹۴﴾ سزوار است که همه‌ی آفریدگان در همه‌ی حالات اعم از شادمانی و گرفتاری و سختی و آسانی شکر او را به‌جا آورند.

﴿۱۲۹۵﴾ دائماً شکرگزار او هستیم، چه در دوران آسانی و برخورداری از نعمت و چه در دورهی شدت و سختی.

﴿۱۲۹۶﴾ سپاس خدا را که او به عزت یاد شده و به فخر مشهور گشته و در آسایش و سختی شکر شده است.

۱-۲-۲-۰۶۸ غذا، خوردنی و نوشیدنی و آنچه از آن‌ها در بدن باقی می‌ماند

﴿۱۲۹۷﴾ تا از میوه‌ی آن بخورند درحالی که دست آنان هیچ دخالتی در پدیدآوردن آن نداشته است، آیا شکر خدا را به‌جا نمی‌آورند؟

﴿۱۲۹۸﴾ و برای آنان بهره‌های دیگری در آن (حیوانات) است و نوشیدنی‌هایی گوارا، آیا با این حال شکرگزاری نمی‌کنند؟

﴿۱۲۹۹﴾ خداوند، در خوردن و آشامیدنم از تو، سلامت و دوری از درد و بیماری آن را درخواست می‌کنم، و از آنچه از غذا در بدنم باقی می‌ماند بر انجام طاعت و ذکر و شکر نیرو و قدرت و توان می‌طلبم.

﴿۱۳۰۰﴾ چون یکی از شما آب بنوشد جرعه‌جرعه در سه نفس بنوشد و در هر نفس حمد و سپاس خدا را با گفتن "الحمد لله" بر زبان جاری کند که اولی شکر آن نوشیدنی است و دومی دورکننده‌ی شیطان و سومی درمان هر دردی که درون بدنش باشد.

﴿۱۳۰۱﴾ آنکه می‌خورد سپاسگزار است، اجرش مانند روزه‌داری است که با خدا معامله کرده است و تندرست شکرگزار اجرش مانند اجر گرفتار صابر است و عطاگرفته‌ی سپاسگزار اجرش مانند اجر محروم قانع است.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٣٠٢﴾ النبی ﷺ: الْوَيْلُ لِمَنْ أَكَلَ طَيِّبَ الطَّعَامِ وَشَرِبَ لَذِيذَ الشَّرَابِ وَلَمْ يُؤَدِّ شُكْرَ الْوَهَّابِ وَإِنَّهُ مُحَاسَبٌ عَلَى الْخُرْدِ لَةِ وَمَدِينٌ بِمَا صَنَعَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٧٠

﴿١٣٠٣﴾ الصادق ﷺ: إِنَّ دَاوُدَ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ: يَا رَبِّ أَخْبِرْنِي بِقَرِينِي فِي الْجَنَّةِ وَنَظِيرِي فِي مَنَازِلِي فَأَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَيْهِ أَنَّ ذَلِكَ مَتَى أَبَا يُونُسَ قَالَ فَاسْتَأْذَنَ اللَّهَ فِي زِيَارَتِهِ فَأَذِنَ لَهُ فَخَرَجَ هُوَ وَسَلِيمَانُ ابْنُهُ ﷺ: حَتَّى آتَيَا مَوْضِعَهُ فَإِذَا هُمَا بَيْتٌ مِنْ سَعَفٍ قَلِيلٍ لَهُمَا هُوَ فِي السُّوقِ فَسَأَلَا عَنْهُ فَقِيلَ لَهُمَا اطْلُبَاهُ فِي الْحَطَّائِينَ فَسَأَلَا عَنْهُ فَقَالَ لَهُمَا جَمَاعَةٌ مِنَ النَّاسِ نَحْنُ نَنْتَظِرُهُ الْآنَ يَجِيءُ فَجَلَسَا يَنْتَظِرَانِهِ إِذَا أَقْبَلَ وَعَلَى رَأْسِهِ وَفَرُّ مِنْ حَطَبٍ فَقَامَ إِلَيْهِ النَّاسُ فَأَلْقَى عَنْهُ الْحَطَبَ وَحَمِدَ اللَّهَ وَقَالَ مَنْ يَشْتَرِي طَيِّبًا فَسَاوَمَهُ وَاحِدٌ وَزَادَهُ آخَرُ حَتَّى بَاعَهُ مِنْ بَعْضِهِمْ قَالَ فَسَلَّمَا عَلَيْهِ فَقَالَ انْطَلِقَا بِنَا إِلَى الْمَنْزِلِ وَاشْتَرِ طَعَامًا بِمَا كَانَ مَعَهُ ثُمَّ طَحَنَهُ وَعَجَنَهُ فِي نَقِيرٍ لَهُ ثُمَّ أَجَجَ نَارًا وَأَوْقَدَهَا ثُمَّ جَعَلَ الْعَجِينَ فِي تِلْكَ النَّارِ وَجَلَسَ مَعَهُمَا يَتَحَدَّثُ ثُمَّ قَامَ وَقَدْ نَضِجَتْ خُبْزَتُهُ فَوَضَعَهَا فِي النَّقِيرِ وَفَلَقَهَا وَدَرَّ عَلَيْهَا مِلْحًا وَوَضَعَ إِلَى جَنْبِهِ مِطْهَرَةً مَلَأَ [مِلْتًا] مَاءً وَجَلَسَ عَلَى رُكْبَتَيْهِ وَأَخَذَ لُقْمَةً فَلَمَّا رَفَعَهَا إِلَى فِيهِ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ فَلَمَّا أَزْدَرَدَهَا قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ ثُمَّ فَعَلَ ذَلِكَ بِأُخْرَى وَأُخْرَى ثُمَّ أَخَذَ الْمَاءَ فَشَرِبَ مِنْهُ فَذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ فَلَمَّا وَضَعَهُ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ يَا رَبِّ مَنْ ذَا الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَأَوْلَيْتَهُ مِثْلَ مَا أَوْلَيْتَنِي قَدْ صَحَحْتَ بَصْرِي وَسَمِعِي وَبَدَنِي وَفَوَيْتَنِي حَتَّى ذَهَبْتُ إِلَى الشَّجَرِ لَمْ أَغْرُسْهُ وَلَمْ أَهْتَمَّ لِحِفْظِهِ جَعَلْتَهُ لِي رِزْقًا وَسَقْتَنِي إِلَى مَنْ اشْتَرَاهُ مِنِّي فَاشْتَرَيْتُ بِثَمَنِهِ طَعَامًا لَمْ أَزْرَعْهُ وَسَخَّرْتَ لِي النَّارَ فَأَنْضَجْتَهُ وَجَعَلْتَنِي أَكُلُهُ بِشَهْوَةٍ أَقْوَى بِهِ عَلَى طَاعَتِكَ فَالْحَمْدُ قَالَ ثُمَّ بَكَى قَالَ دَاوُدُ يَا بُنَيَّ قُمْ فَأَنْصَرِفْ بِنَا فَإِنِّي لَمْ أَرِ عَبْدًا قَطُّ أَشْكُرَ لِلَّهِ مِنْ هَذَا؛ بحار الأنوار ج: ١٤ ص: ٤٠٢

﴿١٣٠٤﴾ الصادق ﷺ: دَعَا سَلْمَانُ أَبَا ذَرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِمَا إِلَى مَنْزِلِهِ فَقَدَّمَ إِلَيْهِ رَغِيفَيْنِ فَأَخَذَ أَبُو ذَرٍّ الرَّغِيفَيْنِ فَقَالَ سَلْمَانُ يَا أَبَا ذَرٍّ لَأَيُّ شَيْءٍ تَقْلِبُ هَذَيْنِ الرَّغِيفَيْنِ قَالَ خَفْتُ أَلَّا يَكُونَا نَضِيجَيْنِ فَغَضِبَ سَلْمَانُ مِنْ ذَلِكَ غَضَبًا شَدِيدًا ثُمَّ قَالَ مَا أَجْرَاكَ حَيْثُ تَقْلِبُ الرَّغِيفَيْنِ فَوَاللَّهِ لَقَدْ عَمِلَ فِي هَذَا الْخُبْزِ الْمَاءُ الَّذِي تَحْتَ الْعَرْشِ وَعَمِلَتْ فِيهِ الْمَلَائِكَةُ حَتَّى أَلْقَوْهُ إِلَى الرِّيحِ وَعَمِلَتْ فِيهِ الرِّيحُ حَتَّى أَلْقَاهُ إِلَى السَّحَابِ وَعَمِلَ فِيهِ السَّحَابُ حَتَّى أَمْطَرَهُ إِلَى الْأَرْضِ وَعَمِلَ فِيهِ الرَّغْدُ وَالْمَلَائِكَةُ حَتَّى وَضَعُوهُ مَوَاضِعَهُ وَعَمِلَتْ فِيهِ الْأَرْضُ وَالْخَشَبُ وَالْحَدِيدُ وَالنَّهَائِمُ وَالنَّارُ وَالْحَطَبُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۳۰۲﴾ وای بر کسی که غذای پاک می خورد و نوشیدنی گوارا می نوشد و شکر پروردگار بسیار بخشنده را به جا نمی آورد، که همانا او در مقابل ذره ای به اندازه ی خردل باید حساب پس دهد و در گرو کارهایی است که انجام داده است.

﴿۱۳۰۳﴾ حضرت داود علیه السلام به درگاه الهی عرض نمود: پروردگارا، هم نشین من در بهشت را که از نظر درجه و منزلت مانند من است به من نشان بده، خداوند به او وحی کرد: او متی پدر یونس است، داود گفت: به من اجازه بده او را ملاقات کنم، و خداوند به او اجازه داد، سپس داود با پسرش سلیمان به راه افتادند تا به مکانی رسیدند که در آنجا خانه ای ساخته شده از شاخه و برگ درخت خرما وجود داشت، در آنجا سراغ متی را گرفتند، گفتند: او در بازار است، سرانجام او را در بازار هیزم فروشان درحالی که پشته ای هیزم بر پشت داشت یافتند، درحالی که جماعتی از مردم منتظر او بودند، او هیزم را بر زمین نهاد و شکر الهی را به جای آورد و گفت: چه کسی کالای نیکوی مرا با کالای نیکوی دیگر معاوضه می کند؟ سرانجام هیزم ها را فروخت و به جای آن مقداری گندم تهیه کرد، آنگاه داود و سلیمان نزد او آمدند و بر او سلام کردند، متی پاسخ آن ها را داد و آن ها را به منزل خود دعوت کرد و طعامی خرید و آتش برافروخت و طعام را روی آن قرار داد و همراه آن دو مشغول صحبت شد، و هنگام غذاخوردن در شروع هر لقمه " بسم الله " می گفت و بعد از خوردن آن " الحمد لله " بر زبان می آورد، بعد از اتمام غذا گفت: پروردگارا، کیست که به او به اندازه ی من نعمت داده باشی؟ چشمم را بینا کردی و گوشم را شنوا قرار دادی و بدنم را سلامتی و توان بخشیدی و خار و شاخه ی درختان را وسیله ی تأمین رزق من قرار دادی و کسانی را فرمان دادی که آن هیزم را از من خریداری کنند تا با پول آن طعامی را تهیه کردم که خودم آن را نکشته ام و آتش را مسخر من گردانیدی تا آن طعام را پیزم و به من اشتهایی دادی تا آن را با یاد و شکر تو تناول کنم و بدنم بر طاعت و عبادت قوت گیرد، پس حمد و سپاس شایسته ی توست و آنگاه گریست، سپس داود به سلیمان گفت: پسر،م، برخیز تا برویم من تا امروز بنده ای که تا این حد شاکر باشد ندیده بودم.

﴿۱۳۰۴﴾ سلمان فارسی، ابوذر غفاری (ره) را به مهمانی دعوت نمود. پس از ورود ابوذر به منزل، سلمان دو قرص نان بر سر سفره نهاد. ابوذر آن دو قرص نان را به دست گرفت و به این طرف و آن طرف نان نگاهی کرد. سلمان گفت: ای ابوذر، برای چه این نان ها را مورد دقت قرار می دهی؟ ابوذر، گفت: چون احتمال دادم خوب پخته شده نباشند، ناگهان سلمان خشمگین شد و خیلی ناراحت گردید و گفت: ای ابوذر خیلی جرأت داری که این نان ها را به این طرف و آن طرف می گردانی و دقت می کنی. به خدا سوگند در راه تهیه ی این نان، آب زیر عرش فعالیت کرده و فرشتگان مأموریت یافته که آب را در اختیار باد قرار دهد و باد هم به نوبه ی خود او را به ابر تحویل دهد و ابر هم او را به صورت باران به زمین برساند و رعد و برق و فرشتگان در این راه انجام وظیفه نموده تا مراحل بسیاری طی شود و در راه تهیه ی این نان نیز زمین و چوب و آهن و حیوان و آتش و هیزم و نمک و چیزهای دیگری که نمی شود احصا کرد به کار گمارده شده

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

وَالْمِلْحُ وَمَا لَا أَحْصِيهِ أَكْثَرُ فَكَيْفَ لَكَ أَنْ تَقُومَ بِهَذَا الشُّكْرِ فَقَالَ أَبُو ذَرٍّ إِلَى اللَّهِ أَتُوبُ وَ
أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِمَّا أَحَدْتُكَ وَإِلَيْكَ أَعْتَذِرُ مِمَّا كَرِهْتُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٦ ص: ٢٩٤

﴿١٣٠٥﴾ الرسول ﷺ: لِلطَّاعِمِ الشَّاكِرِ كَأَجْرِ الصَّائِمِ الْمُحْتَسِبِ وَلِلْعَافِي الشَّاكِرِ كَأَجْرِ الْمُتَبَلِّى
الصَّابِرِ وَلِلْمُعْطَى الشَّاكِرِ كَأَجْرِ الْمَحْرُومِ الْقَانِعِ؛ روضة الواعظين ج: ٢ ص: ٤٧٣

﴿١٣٠٦﴾ الرسول ﷺ: يَا عَلِيُّ ائْتِنَا عَشْرَةَ خَصْلَةٍ يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَعْلَمَهَا عَلَى الْمَائِدَةِ
أَرْبَعٌ مِنْهَا فَرِيضَةٌ وَأَرْبَعٌ مِنْهَا سُنَّةٌ وَأَرْبَعٌ مِنْهَا آدَبٌ فَأَمَّا الْفَرِيضَةُ فَالْمَعْرِفَةُ بِمَا يَأْكُلُ وَالتَّسْمِيَةُ
وَالشُّكْرُ وَالرِّضَا؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٤ ص: ٣٥٢

﴿١٣٠٧﴾ الصادق ﷺ: إِذَا شَرِبَ أَحَدُكُمْ فَلْيَشْرَبْ فِي ثَلَاثَةِ أَنْفَاسٍ يَحْمَدُ اللَّهَ فِي كُلِّ مِنْهَا أَوَّلَهُ
شُكْرُ الشَّرْبَةِ وَالتَّانِي مَطْرَدَةُ الشَّيْطَانِ وَالثَّلَاثُ شِفَاءٌ لِمَا فِي جَوْفِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٦٣ ص: ٤٧٥

﴿١٣٠٨﴾ أمير المؤمنين ﷺ: أَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ عَلَى الطَّعَامِ وَلَا تَطْعَمُوا فَإِنَّهَا نِعْمَةٌ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ وَ
رِزْقٌ مِنْ رِزْقِهِ يَجِبُ عَلَيْكُمْ فِيهِ شُكْرُهُ وَحَمْدُهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٦ ص: ٢٧٣

٢٠٦٩-٢-١- إطلاق اللسان

﴿١٣٠٩﴾ السجاد ﷺ: وَكَيْفَ لَا أَشْكُرُكَ يَا إِلَهِي أَطْلَقْتَ لِسَانِي بِذِكْرِكَ رَحْمَةً لِي مِنْكَ وَ
أَضَاتَ لِي بَصَرِي بِطُفْكَ حُجَّةً مِنْكَ عَلَيَّ وَ سَمِعْتَ أَذْنَائِي بِقُدْرَتِكَ نَظْرًا مِنْكَ وَ دَلَلْتَ عَقْلِي
عَلَى تَوْبِيخِ نَفْسِي؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٣٦

٢٠٧٠-٢-١- التطهير

﴿١٣١٠﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا
بُرُوسَكُمْ وَارْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ مَجْنُبًا فَاطَّهَرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ
مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَ
أَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ
تَشْكُرُونَ؛ المائدة: الآية ٦

٢٠٧١-٢-١- تطهير القلب

﴿١٣١١﴾ أمير المؤمنين ﷺ: فَشَكَرْتُكَ بِإِذْخَالِي فِي كَرَمِكَ وَ لِتَطْهِيرِ قَلْبِي مِنْ أَوْسَاحِ الْغَفْلَةِ
عَنْكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٩٨

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

است. ای ابوذر چگونه می‌توانی شکر و سپاس این همه را به‌جا آوری؟ ابوذر متنبه شده و گفت: توبه می‌نمایم و به‌سوی خدا بازگشت می‌کنم و از این غفلتی که از من واقع شده استغفار می‌نمایم و از تو هم معذرت می‌خواهم چون عملی که تو را ناراحت کرده انجام دادم.

﴿۱۳۰۵﴾ برای کسی که می‌خورد و سپاسگزار است، همانند اجر و پاداش روزه‌داری است که به قصد قربت روزه می‌گیرد؛ و برای تندرست سپاسگزار، همان پاداش گرفتار شکیباست، و برای عطاکننده‌ی سپاسگزار، همان پاداش محروم قانع است.

﴿۱۳۰۶﴾ ای علی، دوازده خصلت است که سزاوار است مسلمان آن‌ها را یاد بگیرد؛ هنگامی که سر سفره می‌نشیند چهار مورد واجب است، چهار مورد مستحب، چهار مورد ادب، اما آن چهار واجب: شناختن غذا و "بسم الله" گفتن، شکر، خشنودشدن به امر خدا.

﴿۱۳۰۷﴾ چون یکی از شما آب بنوشد جرعه‌جرعه در سه نفس بنوشد و در هر نفس حمد و سپاس خدا را با گفتن "الحمد لله" بر زبان جاری کند که اولی شکر آن نوشیدنی است و دومی دورکننده‌ی شیطان و سومی درمان هر دردی که درون بدنش باشد.

﴿۱۳۰۸﴾ در هنگام غذاخوردن بسیار یاد خدا کنید و گردنکشی و ناسپاسی نکنید، زیرا آن نعمتی از نعمت‌های الهی و رزقی از رزق‌های او و شکر سپاس بر آن واجب است.

۶۹-۲-۲-۱- توانایی سخن گفتن

﴿۱۳۰۹﴾ ای خدای من، چگونه تو را شکر نکنم که تو از سر رحمت زبانم را به ذکررت گویا نمودی، و از سر لطف چشمم را بینا کردی که حجت تو بر من است؛ و نیز از سر مهربانی گوش‌هایم را به قدرت خود شنوا کردی و نیز عقلم را بر توبیخ خودم راهنمایی کردی.

۷۰-۲-۲-۱- پاک کردن

﴿۱۳۱۰﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که به نماز می‌ایستید، صورت و دست‌ها را تا آرنج بشوید، و سر و پاها را تا مفصل [برآمدگی پشت پا] مسح کنید، و اگر جُنُب باشید، خود را بشوید (و غسل کنید)؛ و اگر بیمار یا مسافر باشید، یا یکی از شما از محل پستی آمده [قضای حاجت کرده]، یا با همسرش تماس جنسی برقرار کرده و آب (برای غسل یا وضو) نیافتید، با خاک پاکی تیمم کنید، و از آن، بر صورت [پیشانی] و دست‌ها بکشید، خداوند نمی‌خواهد کار را برای شما مشکل کند بلکه می‌خواهد شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام نماید شاید شکر او را به‌جا آورید.

۷۱-۲-۲-۱- پاک کردن قلب

﴿۱۳۱۱﴾ پس تو را سپاس می‌گویم که مرا در کرم خویش داخل کرده، و دلم را از آلودگی‌های غفلت و بی‌خبری پاکیزه ساخته‌ای.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٣١٢﴾ فَمَا أَذْرِي، يَا إِلَهِي، أَيُّ الْحَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ، وَ أَيْ الْوَقْتَيْنِ أَوْلَى بِالْحَمْدِ لَكَ، أَ وَقْتُ الصَّحَّةِ الَّتِي هَمَّائِنِي فِيهَا طَيِّبَاتِ رَزْقِكَ، وَ نَشَطَّنِي بِهَا لِإِتِّغَاءِ مَرْضَاتِكَ وَ فَضْلِكَ، وَ قَوَّيْتَنِي مَعَهَا عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ مِنْ طَاعَتِكَ، أَمْ وَقْتُ الْعِلَّةِ الَّتِي مَحَصَّنِي بِهَا، وَ النِّعَمِ الَّتِي أَتَحَفَّتَنِي بِهَا، تَخْفِيفاً لِمَا ثَقُلَ بِهِ عَلَى ظَهْرِي مِنَ الْخَطِيئَاتِ، وَ تَطْهِيراً لِمَا أَنْعَمَسْتُ فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَ تَنْبِيهاً لِتَنَاوُلِ التَّوْبَةِ، وَ تَذْكِيراً لِمَحْوِ الْحَوْبَةِ بِقَدِيمِ النُّعْمَةِ؛ الصَّحِيفَةُ السَّجَادِيَّةُ ﷺ

ص: ٧٦

١-٢-٣-٧٢-التَّطَوُّلُ

﴿١٣١٣﴾ السَّجَادُ ﷺ: فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَوْلَيْتَ مِنَ التَّفْضِيلِ وَ لَكَ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَثْبَيْتَ مِنَ التَّطَوُّلِ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٦٧

١-٢-٣-٧٣-الظَّفَرُ عَلَى الْعَدُوِّ وَ رَاجِع: دَفْعُ الْعَدُوِّ

﴿١٣١٤﴾ الصَّادِقُ ﷺ: أَنَّهُ وَرَدَ عَلَى فِي لَيْلَتِي هَذِهِ أَنَّ ابْنَ عَمِّكَ مُحَمَّدًا ﷺ قَدْ أَظْفَرَهُ اللَّهُ بِمُشْرِكِي أَهْلِ بَدْرٍ فَأَحْبَبْتُ أَنْ أَشْكُرَ اللَّهَ تَعَالَى بِمَا تَرَى؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ٣٠١

١-٢-٣-٧٤-ظِلَالُ الشَّمْسِ

﴿١٣١٥﴾ امير المؤمنين ﷺ: اثْبَتَ اللَّهُ عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَفْطِينٍ وَ هِيَ الدُّبَابُ فَأَظْلَمَتْهُ مِنَ الشَّمْسِ فَشَكَرَ؛ تفسير القمي ج: ١ ص: ٣١٨

١-٢-٣-٧٥-الْعِبَادَةُ

﴿١٣١٦﴾ الصَّادِقُ ﷺ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مِنْ عَلَيْنَا وَ وَقَّفَنَا لِعِبَادَتِهِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ وَ جَنَّبَنَا عِبَادَةَ الْأَوْثَانِ حَمْدًا سَرْمَدًا وَ شُكْرًا وَاصِبًا؛ بحار الأنوار ج: ٣ ص: ٢٢٤

١-٢-٣-٧٦-الْمُعْجَزَةُ

﴿١٣١٧﴾ الرَّسُولُ ﷺ: مَا الَّذِي تُرِيدُونَ فَقَالُوا إِنْ يَكُنْ لَكَ عِنْدَ رَبِّكَ قَدْرُ فَأَمْرِ الْقَمَرِ أَنْ يَنْقَطِعَ قَطْعَتَيْنِ فَهَبَطَ جِبْرِئِيلُ ﷺ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ اللَّهُ يُقَرِّتُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ إِنِّي قَدْ أَمَرْتُ كُلَّ شَيْءٍ بِطَاعَتِكَ فَرَفَعَ رَأْسَهُ فَأَمَرَ الْقَمَرَ أَنْ يَنْقَطِعَ قَطْعَتَيْنِ فَانْقَطَعَ قَطْعَتَيْنِ فَسَجَدَ النَّبِيُّ ﷺ شُكْرًا لِلَّهِ وَ سَجَدَ شَيْعَتُنَا ثُمَّ رَفَعَ النَّبِيُّ رَأْسَهُ وَ رَفَعُوا رُءُوسَهُمْ فَقَالُوا يَعُودُ كَمَا كَانَ فَعَادَ كَمَا كَانَ ثُمَّ قَالُوا يَنْشَقُّ رَأْسُهُ فَأَمَرَهُ فَاَنْشَقَّ فَسَجَدَ النَّبِيُّ ﷺ شُكْرًا لِلَّهِ وَ سَجَدَ شَيْعَتُنَا؛ بحار الأنوار ج: ١٧ ص: ٣٥١

١-٢-٣-٧٧-الْمَعْرُوفُ، الْعَارِفَةُ

﴿١٣١٨﴾ الرَّسُولُ ﷺ: أَفْضَلُ مُكَافَاةِ الْمَعْرُوفِ الدُّعَاءُ وَ الشُّكْرُ لِلَّهِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٥٨

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۳۱۲﴾ خدایا، نمی‌دانم، کدام‌یک از این دو حالت (تندرستی و بیماری) به سپاسگزاری نزد تو نزدیک‌تر و شایسته‌تر است و کدام‌یک از این دو زمان برای ستایش تو سزاوارتر است؛ آیا هنگام تندرستی که در آن روزی‌های پاکیزه‌ات را به من گوارا ساخته و برای درخواست رضایت و لطف تو به من نشاط بخشیدی و با آن مرا بر فرمان‌برداری خویش توفیق و توانایی دادی؟ یا هنگام بیماری که مرا با آن (از گناهان) رهانیدی و نعمت بیماری که به من هدیه کردی تا گناهانی را که پشت مرا سنگین کرده بود سبک نماید، و از بدی‌هایی که در آن فرو رفته‌ام پاکم سازد، و برای فراگرفتن توبه بیدارم کند و با یادآوری نعمت‌هایی که از قبل به من داده شده گناهانم را فروریزد؟

۰۷۲-۱-۲-۲- فضل و کرم

﴿۱۳۱۳﴾ پس به خاطر نیکی‌هایی که عطا نمودی حمد سزاوار توست و به خاطر امتحان سراسر لطف شکر شایسته‌ی توست. ر

۰۷۳-۱-۲-۲- پیروزی بر دشمن و ر. به: دور کردن دشمن

﴿۱۳۱۴﴾ امشب به من خبر رسید که عموزاده‌ات محمد را خدا بر مشرکان اهل بدر پیروز ساخته، و خواستم که بدین وضع که می‌بینی خدا را شکر کنم.

۰۷۴-۱-۲-۲- سایه‌ی خورشید

﴿۱۳۱۵﴾ خداوند بالای سر او درخت کدو رویانید، تا او را از نور خورشید در امان نگاه دارد، و او شکر کرد.

۰۷۵-۱-۲-۲- عبادت

﴿۱۳۱۶﴾ ستایش مخصوص خدایی است که بر ما منت نهاد و ما را برای پرستیدنش توفیق داد، یکتا و یگانه و بی‌نیازی که همه‌ی نیازمندان قصد او می‌کنند او که نژاد و زاده نشد و برای او هیچگاه شبیه و مانندی نبوده است و ما را از پرستش بتان دور گردانید؛ حمدی همیشگی و شکری دائمی.

۰۷۶-۱-۲-۲- معجزه

﴿۱۳۱۷﴾ پیامبر ﷺ فرمود: چه می‌خواهید؟ گفتند: اگر تو نزد پروردگارت منزلتی داری به ماه امر کن تا به دو قسمت تقسیم شود. پس جبرئیل علیه السلام نازل شد و گفت: ای محمد ﷺ، خداوند بر تو درود می‌فرستد و می‌گوید من همه‌چیز را به اطاعت کردن از تو امر کردم. پس پیامبر ﷺ سرشان را بلند کردند و به ماه امر کردند که به دو قسمت تقسیم شود و ماه به دو قسمت تقسیم شد؛ پس پیامبر ﷺ برای شکر خداوند سجده کردند و شیعیان ما هم سجده کردند؛ سپس پیامبر ﷺ سرشان را برداشتند و آن‌ها هم سرشان را برداشتند. پس منکران گفتند: بخواه که به حال اول بازگردد؛ پس به حال اول بازگشت سپس گفتند: بشکافد پس پیامبر ﷺ به ماه امر کردند و شکافته شد پس پیامبر ﷺ برای شکر خداوند سجده کردند و شیعیان ما هم سجده کردند.

۰۷۷-۱-۲-۲- کار نیک

﴿۱۳۱۸﴾ با فضیلت‌ترین پاداش در مقابل، دعا و شکر به محضر خدای تعالی است.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٣١٩﴾ الشُّكْرُ أَعْظَمُ قَدْرًا مِنَ الْمَعْرُوفِ لِأَنَّ الشُّكْرَ يَبْقَى وَالْمَعْرُوفَ يَفْنَى؛ غررالحكم ص: ٢٧٧

﴿١٣٢٠﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيَجَانِ الْحِرْصِ... وَ تَرَكِ الشُّكْرِ لِمَنْ اصْطَنَعَ الْعَارِفَةَ عِنْدَنَا؛ الصحيفة السجادية (عليه السلام) ص: ٥٦

﴿١٣٢١﴾ الْمَعْرُوفُ غُلٌّ لَا يَفْكُهُ إِلَّا شُكْرٌ أَوْ مَكَا فَآةٌ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٢٠ ص: ٣٢٧
 ﴿١٣٢٢﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): الْمَعْرُوفُ فُرُوضُ الشُّكْرِ مَقْرُوضٌ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٥٦
 ﴿١٣٢٣﴾ أَمَّا الْجَاهِلُ فَلَا يَعْرِفُ الْمَعْرُوفَ وَلَا يَشْكُرُ عَلَيْهِ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٢٠ ص: ٣٠١
 ﴿١٣٢٤﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): خِيَارُ الْمُؤْمِنِينَ مُكْفَرُونَ لَا يُشْكُرُ مَعْرُوفَهُمْ؛ وسائل الشيعة ج: ١٦ ص: ٣٠٨

﴿١٣٢٥﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): فَإِنِّي لِبَابِكَ قَاصِدٌ وَعَلَيْكَ عَاقِدٌ وَلَكَ رَاكِعٌ وَسَاجِدٌ وَلِمَا أَوْلَيْتَ وَ أَنْعَمْتَ مِنْ مَعْرُوفِكَ شَاكِرٌ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٢٦٢
 ﴿١٣٢٦﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): لَا تَصْلُحُ الصَّنِيعَةُ إِلَّا عِنْدَ ذِي حَسَبٍ أَوْ دِينٍ وَمَا أَقَلَّ مَنْ يَشْكُرُ الْمَعْرُوفَ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٢٤٠
 ﴿١٣٢٧﴾ مَنْ شَكَرَ الْمَعْرُوفَ فَقَدْ قَضَى حَقَّهُ؛ غررالحكم ص: ٢٧٨

٧٨-٢-١-١-المعرفة

﴿١٣٢٨﴾ الْحُسَيْنُ (عليه السلام): يَا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضًا فَشَفَانِي وَ غُرِيَانًا فَكَسَانِي وَ جَائِعًا فَأَشْبَعَنِي وَ عَطْشَانًا فَأَرَوَانِي وَ ذَلِيلًا فَأَعَزَّنِي وَ جَاهِلًا فَعَرَّفَنِي وَ وَحِيدًا فَكَثَّرَنِي وَ غَائِبًا فَرَدَّنِي وَ مَقِيلًا فَأَغْنَانِي وَ مُنْتَصِرًا فَنَصَرَنِي وَ غَنِيًّا فَلَمْ يَسْلُبْنِي وَ أَمْسَكَتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَابْتَدَأَنِي فَلَكَ الْحَمْدُ وَ الشُّكْرُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٢٠

٧٨-٢-١-١-معرفة سبيل الله

﴿١٣٢٩﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَحَدِ الْمُحْمَدِ الَّذِي تَوَحَّدَ بِمُلْكِهِ وَ عَلَا بِقُدْرَتِهِ أَحْمَدُهُ عَلَى مَا عَرَفَ مِنْ سَبِيلِهِ وَ أَلْهَمَ مِنْ طَاعَتِهِ وَ عَلَّمَ مِنْ مَكْنُونِ حِكْمَتِهِ فَإِنَّهُ مُحْمَدٌ بِكُلِّ مَا يُؤَلَى مَشْكُورٌ بِكُلِّ مَا يُؤَلَى؛ بحار الأنوار ج: ٥٣ ص: ٧٧

٧٨-٢-١-١-خُلُوصُ مَعْرِفَةِ اللَّهِ

﴿١٣٣٠﴾ السَّجَادُ (عليه السلام): وَهَبْتَ لِي مِنْ خُلُوصِ مَعْرِفَتِكَ حَقِيقَةً أَنْتَ الْمَشْكُورُ عَلَى إِلْهَامِهَا؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٦٥

٧٨-٢-١-١-المعرفة بِحَقِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام)

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۳۱۹﴾ ارزش شکر بیش از ارزش کار نیک است؛ زیرا که شکر باقی می ماند و کار نیک از بین می رود.

﴿۱۳۲۰﴾ خدایا، از حرص و آز... و ناسپاسی از کسی که به ما نیکویی کرده است به تو پناه می برم.

﴿۱۳۲۱﴾ احسان همانند زنجیر و بندی است در گردن، که چیزی آن را باز نمی کند مگر شکرگزاری یا جبران و مکافات آن.

﴿۱۳۲۲﴾ کار خیر و نیکی کردن، یک بخشش و لطف است ولی شکر بر آن واجب است.

﴿۱۳۲۳﴾ از صفات جاهل آن است که قدر خوبی را نمی شناسد و بر آن شکر نمی کند.

﴿۱۳۲۴﴾ خوبان مؤمنان مورد ناسپاسی قرار می گیرند و احسانشان قدردانی نمی شود.

﴿۱۳۲۵﴾ من قصد کوی تو کرده و با تو پیمان بسته ام و برای تو رکوع و سجود می کنم و در برابر عطاها و نعمت های نیکی که به من داده ای شکرگزارم.

﴿۱۳۲۶﴾ کار نیک امید نمی رود مگر از انسان شریف و یا دیندار، و چقدر اندکند کسانی که از کار نیک سپاسگزاری کنند.

﴿۱۳۲۷﴾ هر که لطف و احسانی را شکر کند، حق آن را به جا آورده است.

۰۷۸-۲-۱- شناخت

﴿۱۳۲۸﴾ ای کسی که در حال بیماری او را خواندم مرا شفا داد، در حال برهنگی او را خواندم، مرا پوشاند، در گرسنگی صدایش کردم، سیرم کرد، در حال تشنگی خواندمش، سیرابم نمود؛ در حال خواری صدایش کردم، عزیزم کرد؛ درحالی که نادان بودم صدایش زدم مرا دانا کرد؛ در حال تنهایی او را خواندم، مرا از تنهایی درآورد؛ در دوری از دوستان صدایش کردم مرا به دوستان بازگرداند؛ در حال احتیاج خواندمش، مرا بی نیاز کرد؛ یاری خواستم یاری ام کرد و آنگاه که بی نیاز شدم از من بازنگرفت؛ و از همه ی آن ها دست برداشتم و هیچ کاری نکردم ولی او دوباره نعمت دادنش را بر من آغاز نمود پس حمد و شکر سزاوارتوست.

۰۷۸-۲-۱- شناخت راه خدا

﴿۱۳۲۹﴾ حمد و ستایش (مخصوص) پروردگاری است که تنهای بی شریک و ستایش شده است؛ او که در پادشاهی اش واحد است و یگانه و او که در قدرتش بلندمرتبه است و او را می ستایم به این دلیل که راهش را به من شناساند و اطاعتش را به من الهام کرد و از حکمت های نهانی اش به من آموخت. که همانا او در هر نعمتی که می دهد، مورد شکر و در بلایی که بفرستد سزاوار ستایش است.

۰۷۸-۲-۱- اخلاص در شناخت خداوند

﴿۱۳۳۰﴾ از معرفت خالصت، حقیقتی را به من بخشیدی که برای الهام آن بر من باید تو را سپاس گویم.

۰۷۸-۲-۱- شناخت حق امیرالمؤمنین علیه السلام

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٣٣١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كَثُرَ حَمْدُهُمْ لِلَّهِ وَ شُكْرُهُمْ عَلَى النِّعْمَةِ الَّتِي أَنْعَمَ بِهَا عَلَيْهِمْ فِي مَعْرِفَتِهِمْ بِحَقِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع؛ بحار الأنوار ج: ٤١ ص: ٢٦٠
١٠٧٩-٢-١-الإعزاز

﴿١٣٣٢﴾ اللَّهُمَّ وَ أَنَا الدَّلِيلُ الَّذِي أَغْرَزْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْمَحْذُولُ الَّذِي كَفَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْمُبْعِيُّ عَلَيْهِ الَّذِي نَصَرْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْوَصِيغُ الَّذِي رَفَعْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْهَالِكُ الَّذِي خَلَّصْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْغَرِيقُ الَّذِي نَجَّيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْمُهَانُ الَّذِي أَكْرَمْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الرَّاجِلُ الَّذِي حَمَلْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ أَجَلٌ وَ عِزَّتِكَ لَقَدْ فَعَلْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٢٨

﴿١٣٣٣﴾ السَّجَاد عليه السلام: فَأَمَّا حُقُوقُ رِعْيَتِكَ بِالسُّلْطَانِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّكَ إِنَّمَا اسْتَرْعَيْتَهُمْ بِفَضْلِ قُوَّتِكَ عَلَيْهِمْ فَإِنَّهُ إِنَّمَا أَحْلَاهُمْ مَحَلَّ الرِّعْيَةِ لَكَ ضَعْفُهُمْ وَ ذُلُّهُمْ فَمَا أَوْلَى مَنْ كَفَاكَهُ ضَعْفُهُ وَ ذُلُّهُ حَتَّى صَيَّرَهُ لَكَ رِعْيَةً وَ صَيَّرَ حُكْمَكَ عَلَيْهِ نَافِذًا لَا يَمْتَنِعُ مِنْكَ بَعْزَةٌ وَ لَا قُوَّةٌ وَ لَا يَسْتَنْصِرُ فِيمَا تَعَاظَمَهُ مِنْكَ إِلَّا بِاللَّهِ بِالرَّحْمَةِ وَ الْحَيَاةِ وَ الْآثَانَةِ وَ مَا أَوْلَاكَ إِذَا عَرَفْتَ مَا أَعْطَاكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِ هَذِهِ الْعِزَّةِ وَ الْقُوَّةِ الَّتِي فَهَرَّتْ بِهَا أَنْ تَكُونَ لِلَّهِ شَاكِرًا وَ مَنْ شَكَرَ اللَّهُ أَعْطَاهُ فِيمَا أَنْعَمَ عَلَيْهِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ١٥٨

﴿١٣٣٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضًا فَشَفَانِي وَ غُرْيَانًا فَكَسَانِي وَ جَائِعًا فَاشْبَعْنِي وَ عَطْشَانًا فَارْوَانِي وَ ذَلِيلًا فَأَعَزَّنِي وَ جَاهِلًا فَعَرَّفَنِي وَ وَحِيدًا فَكَثَّرَنِي وَ غَائِبًا فَרَدَّنِي وَ مَقِيلًا فَأَغْنَانِي وَ مُتَنَصِّرًا فَنَصَرَنِي وَ غَنِيًّا فَلَمْ يَسْلُبْنِي وَ أَمْسَكَتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَابْتَدَأَنِي فَلَكَ الْحَمْدُ وَ الشُّكْرُ؛ البلد الأمين ص: ٢٥٥

١٠٨٠-٢-١-العصمة

﴿١٣٣٥﴾ ابوطالب عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَوْلَانَا وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَعْطَانَا وَ مَا بِهِ حَبَانَا وَ فَضَّلَنَا عَلَى الْآثَامِ وَ عَصَمَنَا عَنِ الْحَرَامِ وَ أَمَرَنَا بِالْمُقَارَنَةِ وَ الْوَصْلِ وَ ذَلِكَ لِيَكْثَرَ مِنَّا النَّسْلُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٤ ص: ٢٠٣

﴿١٣٣٦﴾ الصَّادِق عليه السلام: فَانْظُرْ أَيُّهَا الْمُؤْمِنُ فَإِنْ كَانَتْ حَالَتُكَ حَالَةً تَرْضَاهَا لِحُلُولِ الْمَوْتِ فَاشْكُرِ اللَّهَ تَعَالَى عَلَى تَوْفِيقِهِ وَ عِصْمَتِهِ وَ إِنْ تَكُنِ الْآخِرَى فَانْتَقِلْ عَنْهَا بِصِحَّةِ الْعَزِيمَةِ وَ أَنْدَمْ عَلَى مَا سَلَفَ مِنْ عُمْرِكَ فِي الْغَفْلَةِ وَ اسْتَعِنْ بِاللَّهِ تَعَالَى عَلَى تَطْهِيرِ الظَّاهِرِ مِنَ الذُّنُوبِ وَ تَنْظِيفِ الْبَاطِنِ مِنْ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۳۳۱﴾ حمد و ستایش ایشان برای خدای تعالی و شکر و قدردانی‌شان در مقابل نعمتی که در باب معرفت و حصول شناخت درباره‌ی مقام و حقانیت امیرالمؤمنین علیه السلام به ایشان بخشیده شد فراوان شد.

۷۹-۲-۱- گرامی داشتن

﴿۱۳۳۲﴾ خداوند، من همان شخص ذلیل و خواری هستم که تو او را عزت و بزرگی بخشیدی، پس حمد و سپاس برای توست؛ و من همان شخص بیچاره‌ای هستم که تو او را کفایت فرمودی، پس حمد و ستایش مخصوص توست؛ و من همان درهم‌شکسته‌ای هستم که تو او را یاری نمودی پس به‌این‌جهت ستایش مخصوص توست؛ و من همان فروافتاده‌ای هستم که تو او را بالا بردی، پس ستایش مخصوص توست؛ و من همان هلاک و نابود شده‌ای هستم که تو او را از نابودی خلاصی و رهایی بخشیدی، پس حمد و ستایش برای توست؛ و من آن غرق شده (فرورفته در گناهان و غفلت) که تو او را نجات بخشیدی پس حمد و ستایش شایسته‌ی توست؛ و من همان دردمند و غم‌زده‌ای هستم که تو او را اکرام نمودی پس حمد و سپاس از آن توست؛ و من همان تنهامانده‌ای هستم که تو به او مهلت دادی پس حمد و مخصوص توست؛ سوگند به عزت و بزرگی‌ات که همه‌ی آن نیکویی‌ها را تو در حق من انجام دادی پس حمد و ستایش مخصوص توست. پس درود فرست بر محمد و خاندانش و مرا از زمره‌ی شکرگزاران به درگاهت قرار بده.

﴿۱۳۳۳﴾ اما حقوق رعیت تحت سلطه‌ات این است که بدانی آنان را به خاطر توان بیشتر رعیت خود ساخته‌ای، و ایشان نیز به جهت ضعف و زبونی، زیردست و رعیت تو شده‌اند، پس چه خوب است کسی که ناتوانی و خواری‌اش تو را از صدمه‌دیدن از دشمنی او حفظ کرده و او را زیردست تو قرار داده، و دستوراتت را در آنان نافذ ساخته که قادر به سرپیچی از آن نیستند، و هر جا که از تو به ستوه آیند فریادرسی جز رحمت و حمایت خداوند، و صبر و تحمل نمی‌یابند، و چقدر خوب است که این برتری خدا داده را شکرگزار باشی. و هر کس که شکر خدا را به‌جای آورد خداوند بر نعمتی که او را بهره‌مند ساخته می‌افزاید.

﴿۱۳۳۴﴾ ای کسی که در حال بیماری او را خواندم مرا شفا داد، در حال برهنگی او را خواندم، مرا پوشاند، در گرسنگی صدایش کردم، سیرم کرد، در حال تشنگی خواندمش، سیرابم نمود؛ در حال خواری صدایش کردم، عزیزم کرد؛ درحالی که نادان بودم صدایش زدم مرا دانا کرد؛ در حال تنهایی او را خواندم، مرا از تنهایی درآورد؛ در دوری از دوستان صدایش کردم مرا به دوستان بازگرداند؛ در حال احتیاج خواندمش، مرا بی‌نیاز کرد؛ یاری خواستم یاری‌ام کرد و آنگاه که بی‌نیاز شدم از من بازنگرفت؛ و از همه‌ی آن‌ها دست برداشتم و هیچ کاری نکردم ولی او دوباره نعمت‌دادنش را بر من آغاز نمود پس حمد و شکر سزاوارتوست.

۸۰-۲-۱- پاک‌ماندن از گناه

﴿۱۳۳۵﴾ سپاس مخصوص خداست به خاطر آنچه به ما بخشیده و شکر به خاطر آنچه به ما عطا کرد و ما را بر مردم برتری داد و از حرام بازمان داشت و به ازدواج امرمان نمود تا بدین‌وسیله نسلمان تکثیر شود.

﴿۱۳۳۶﴾ پس ای مؤمن، درست دقت کن اگر حالت به گونه‌ای است که فرارسیدن مرگ را دوست داری. سپاسگزار خدا باش که تو را موفق داشته و تو را از توجه به غیر خودش بازداشته است. و اگر حالت دیگری داری با تصمیم جدی و محکم از این حالت خارج شو و از اینکه عمرت در غفلت صرف شده پشیمان و متاسف باش و از خدا بر پاک‌کردن ظاهرت از گناهان و

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

الْعُيُوبِ وَاقْطَعْ رِبَاطَ الْغَفْلَةِ عَنْ قَلْبِكَ وَأَطْفِئْ نَارَ الشَّهْوَةِ مِنْ نَفْسِكَ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ١٦٨

﴿١٣٣٧﴾ الصادق عليه السلام: وَ اشْكُرْهُ عَلَى مَا عَصَمَكَ مِنَ الشَّهَوَاتِ وَ جَنَّبَكَ مِنْ قَبِيحِ أَفْعَالِ الْمُجْرِمِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٧٣ ص: ١٦٧
٠٨١-٢-١-العتاء

﴿١٣٣٨﴾ الصادق عليه السلام: أَعْطَى دَاوُدَ فَشَكَرَ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٦٢

﴿١٣٣٩﴾ الصادق عليه السلام: أَعْطَى سُلَيْمَانَ فَشَكَرَ؛ الإرشاد ج: ٢ ص: ١٨٢

﴿١٣٤٠﴾ أَعْطَى فَشَكَرَ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٣ ص: ١٩٨

﴿١٣٤١﴾ الْحَمْدُ لَكَ بِمَا أَوْجَبْتَ عَلَيَّ مِنَ الشُّكْرِ [شُكْرَكَ] وَ عَرَفْتَنِي مِنْ نِعَمَائِكَ وَ أَلْبَسْتَنِي مِنْ عَافِيَتِكَ وَ أَفْضَلْتَ عَلَيَّ مِنْ جَزِيلِ عَطِيَّتِكَ؛ إقبال الأعمال ص: ١٥٥

﴿١٣٤٢﴾ ابوطالب عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَوْلَانَا وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَعْطَانَا وَ مَا بِهِ حَبَانَا وَ فَضَّلَنَا عَلَى الْإِنَامِ وَ عَصَمَنَا عَنِ الْحَرَامِ وَ أَمَرَنَا بِالْمُقَارَنَةِ وَ الْوَصْلِ وَ ذَلِكَ لِيَكْثُرَ مِنَّا النَّسْلُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٤ ص: ٢٠٣

﴿١٣٤٣﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الْمُتَبَلَّى الصَّابِرِ وَ الْمُعْطَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الْمُخْتَرَفِ الْقَانِعِ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٥٦

﴿١٣٤٤﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: الطَّاعِمُ الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الصَّائِمِ الْمُحْتَسِبِ وَ الْمُعَاوَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الْمُتَبَلَّى الصَّابِرِ وَ الْمُعْطَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الْمَحْرُومِ الْقَانِعِ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٤

﴿١٣٤٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اللَّهُمَّ أَلْهِمْنِي الشُّكْرَ عَلَى مَا أَعْطَيْتَنِي؛ إقبال الأعمال ص: ٥٢١

﴿١٣٤٦﴾ اللَّهُمَّ وَ أَنَا الدَّاعِي الَّذِي أَحْبَبْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا السَّائِلُ الَّذِي أَعْطَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الضَّالُّ الَّذِي هَدَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الضَّعِيفُ الَّذِي قَوَّيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْفَقِيرُ الَّذِي أَغْنَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْعَارِي الَّذِي كَسَوْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا السَّقِيمُ الَّذِي شَفَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ أَجَلٌ وَ عِزَّتِكَ لَقَدْ فَعَلْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِهِ وَ اجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٢٨

﴿١٣٤٧﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ وَ مَا أَعْطَيْتَنَا مِنْ عَطَاءٍ أَوْ فَضَّلْتَنَا بِهِ مِنْ فَضِيلَةٍ أَوْ أَكْرَمْتَنَا بِهِ مِنْ كَرَامَةٍ فَأَعْظِمْنَا مَعَهُ شُكْرًا يَقْهَرُهُ وَ يَدْمَغُهُ؛ تهذيب الأحكام ج: ٣ ص: ٩٣

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

پاکیزه نمودن باطن از نواقص و عیوب یاری طلب. و ادامه‌ی غفلت را قطع و آتش و شعله‌ی شهوات را در درون خود خاموش کن.

﴿۱۳۳۷﴾ خدا را بخاطر آنکه تو را از شهوات محفوظ داشته و از کارهای زشت مجرمان دور ساخته است شکر کن.

۸۱-۲-۱-عطا

﴿۱۳۳۸﴾ خداوند به داود پیامبر علیه السلام، نعمت داد و او شکرگزاری کرد.

﴿۱۳۳۹﴾ به سلیمان نعمت داده شد، و او شکرگزاری کرد.

﴿۱۳۴۰﴾ خداوند عطا کرد و او شکرگزاری کرد.

﴿۱۳۴۱﴾ به خاطر آنچه شکرش را بر من واجب کردی و به خاطر نعمت‌هایی که به من شناساندی و عافیت‌هایی که بر من پوشاندی و به خاطر بخشش‌های بزرگی که به ما عطا کردی، تو را سپاس می‌گوییم.

﴿۱۳۴۲﴾ سپاس مخصوص خداست به خاطر آنچه به ما بخشیده و شکر به خاطر آنچه به ما عطا کرد و ما را بر مردم برتری داد و از حرام بازمان داشت و به ازدواج امرمان نمود تا بدین وسیله نسلمان تکثیر شود.

﴿۱۳۴۳﴾ کسی که شکر خدا را می‌گوید مانند گرفتار صابر پاداش دارد، و کسی که نعمت به او داده شود و سپاسگزاری کند مانند کاسب قانع پاداش می‌گیرد.

﴿۱۳۴۴﴾ آنکه می‌خورد سپاسگزار است، اجرش مانند روزه‌داری است که با خدا معامله کرده است و تندرست شکرگزار اجرش مانند اجر گرفتار صابر است و عطاگرفته‌ی سپاسگزار اجرش مانند اجر محروم قانع است.

﴿۱۳۴۵﴾ پروردگارا، شکر بر نعمتی را که به من عطا فرمودی به من الهام کن.

﴿۱۳۴۶﴾ خدایا، من همانم که دعا کردم و تو اجابت نمودی، پس حمد سزاوار توست؛ و من همانم که از تو درخواست نمودم و تو عطا کردی، پس حمد سزاوار توست؛ و من همانم که هدایتش کردم، پس حمد سزاوار توست؛ و من آن ضعیفم که به او توان دادی، پس حمد سزاوار توست؛ و من آن فقیری هستم که توانگرش نمودی، پس حمد سزاوار توست؛ و من آن عریانی هستم که بر او لباس پوشاندی، پس حمد سزاوار توست؛ و من آن بیماری هستم که شفایش دادی، پس حمد سزاوار توست؛ آری به عزت سوگند که این لطف‌ها را تو در حق من روا داشته‌ای، پس حمد سزاوار توست؛ بر محمد و آلش درود فرست و مرا از قدرشناسان و شکرگزاران خودت قرار ده.

﴿۱۳۴۷﴾ پروردگارا! (قسم به) آنچه از بخشش‌هایت که به ما عطا کردی و لطف‌هایی که به ما روا داشتی، و یا تکریم‌هایی که از ما کردی پس به ما توفیق شکری بده که با آن بر شیطان چیره شوم و بینی او را به خاک بمالم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٣٤٨﴾ الصادق عليه السلام: الْمُعَافَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنْ الْأَجْرِ مَا لِلْمُبْتَلَى الصَّابِرِ وَالْمُعْطَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنْ الْأَجْرِ كَالْمَخْرُومِ الْقَانِعِ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٤

﴿١٣٤٩﴾ الرضا عليه السلام: أَلْهَمَنِي الشُّكْرَ عَلَى مَا أُعْطِيتَنِي؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ١٣٧
 ﴿١٣٥٠﴾ الصادق عليه السلام: أَمَّا أَصُولُ مُعَامَلَةِ اللَّهِ تَعَالَى فَسَبْعَةُ أَشْيَاءَ آدَاءُ حَقِّهِ وَحِفْظُ حَدِّهِ وَشُكْرُ عَطَائِهِ وَالرِّضَا بِقَضَائِهِ وَالصَّبْرُ عَلَى بَلَائِهِ وَتَعْظِيمُ حُرْمَتِهِ وَالشُّوقُ إِلَيْهِ؛ مصباح الشريعة ص: ٥

﴿١٣٥١﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَحْسَنَ اسْتَبْشَرَ وَإِذَا أَسَاءَ اسْتَغْفَرَ وَإِذَا ابْتُلِيَ صَبَرَ وَإِذَا أُعْطِيَ شَكَرَ؛ عوالي اللآلي ج: ١ ص: ٤٣٧

﴿١٣٥٢﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ خَيْرَ الْعِبَادِ مَنْ يَجْتَمِعُ فِيهِ خَمْسُ خِصَالٍ إِذَا أَحْسَنَ اسْتَبْشَرَ وَإِذَا أَسَاءَ اسْتَغْفَرَ وَإِذَا أُعْطِيَ شَكَرَ وَإِذَا ابْتُلِيَ صَبَرَ وَإِذَا ظَلَمَ غَفَرَ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٢٠٦
 ﴿١٣٥٣﴾ الحسين عليه السلام: أَنَا أَذْكُرُ لَكَ فَضَائِلَهُ غَيْرَ مُزِرٍ بِالْأَنْبِيَاءِ وَلَا مُنْقِصٍ لَهُمْ وَلَكِنْ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى مَا أُعْطِيَ مُحَمَّدًا ﷺ مِثْلَ مَا أُعْطَاهُمْ وَمَا زَادَهُ اللَّهُ وَمَا فَضَّلَهُ عَلَيْهِمْ؛ بحار الأنوار ج: ١٠ ص: ٢٨

﴿١٣٥٤﴾ أَوَّلَى النَّاسِ بِالْإِصْطِنَاعِ مَنْ إِذَا مُطِلَّ صَبَرَ وَإِذَا مُنِعَ عَذَرَ وَإِذَا أُعْطِيَ شَكَرَ؛ غرر الحكم ص: ٣٨٧

﴿١٣٥٥﴾ خَيْرَ النَّاسِ مَنْ إِذَا أُعْطِيَ شَكَرَ وَإِذَا ابْتُلِيَ صَبَرَ وَإِذَا ظَلَمَ غَفَرَ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٧
 ﴿١٣٥٦﴾ ذُو الْمُرُوءَةِ الْكَامِلَةِ مَنْ اجْتَمَعَ فِيهِ سَبْعُ خِصَالٍ إِذَا ذُكِرَ ذَكَرَ وَإِذَا أُعْطِيَ شَكَرَ وَإِذَا ابْتُلِيَ صَبَرَ وَإِذَا غَضِيَ غَفَرَ وَإِذَا أَحْسَنَ اسْتَبْشَرَ وَإِذَا أَسَاءَ اسْتَغْفَرَ وَإِذَا وَعَدَ أَنْجَزَ وَيَسَّرَ؛ أعلام الدين ص: ١٥٥

﴿١٣٥٧﴾ الباقر عليه السلام: سُئِلَ النَّبِيُّ ﷺ عَنْ خِيَارِ الْعِبَادِ فَقَالَ الَّذِينَ إِذَا أَحْسَنُوا اسْتَبْشَرُوا وَإِذَا أَسَاءُوا اسْتَغْفَرُوا وَإِذَا أُعْطُوا شَكَرُوا وَإِذَا ابْتُلُوا صَبَرُوا وَإِذَا غَضِبُوا غَفَرُوا؛ الكافي ج: ٢ ص: ٢٤٠
 ﴿١٣٥٨﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: عَجَبًا لِلْمُؤْمِنِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَقْضِي لَهُ قَضَاءً إِلَّا كَانَ لَهُ خَيْرًا إِنْ ابْتُلِيَ صَبَرَ وَإِنْ أُعْطِيَ شَكَرَ؛ بحار الأنوار ج: ٦٧ ص: ١٨٤

﴿١٣٥٩﴾ أَيُّوب عليه السلام: فَعَلَى إِعْطَائِهِ نَشْكُرُهُ وَعَلَى ابْتِلَائِهِ نَحْمَدُهُ؛ بحار الأنوار ج: ١٢ ص: ٣٥٢
 ﴿١٣٦٠﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: فَقَالَ لَهُ جُؤَيْبُ يَا رَسُولَ اللَّهِ دَخَلْتُ بَيْتًا وَاسِعًا وَرَأَيْتُ فِرَاشًا وَمَتَاعًا وَفَتَاةَ حَسَنَاءَ عَطِرَةً وَذَكَرْتُ حَالِي الَّتِي كُنْتُ عَلَيْهَا وَغُرْبَتِي وَحَاجَتِي وَضِيعَتِي وَكِسْوَتِي مَعَ الْغُرَبَاءِ وَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۳۴۸﴾ شخصی که صحیح و سالم باشد و شکرگزار، مانند شخص مریض شکبیا، اجر و پاداش دارد و ثروتمند سپاسگزار در اجر و پاداش همانند مستمند قانع است.

﴿۱۳۴۹﴾ شکر بر آنچه را که به من عطا کردی را به من الهام کن.

﴿۱۳۵۰﴾ اصول معامله کردن با خداوند در هفت چیز است: ادای حق او و نگهداشتن حد او و شکر نعمتش و راضی بودن به قضا و قدرش و صبر بر بلاهایش و بزرگداشتن حرمتش و شوق به درگاهش.

﴿۱۳۵۱﴾ هنگامی که از مؤمن احسان و نیکویی سر بزند خوشحال می شود و هنگامی که خطایی مرتکب شود، استغفار و طلب آمرزش می کند و هنگامی که به بلایی مبتلا شود شکبایی می ورزد و هنگامی که نعمتی به او عطا شود شکر نعمت را به جا می آورد.

﴿۱۳۵۲﴾ بهترین مردم کسی است که در او پنج خصلت جمع شود وقتی کار نیک می کند شاد است و وقتی کار بد انجام می دهد استغفار می کند، وقتی به او چیزی بدهند سپاسگزار است و وقتی گرفتار شود صبر می کند و وقتی باو ستم شود می بخشد.

﴿۱۳۵۳﴾ من برای تو ذکر فضایل آن حضرت را می گویم و منظورم نقص وارد کردن به پیامبران دیگر نیست، بلکه نیتم از این کار ادای شکر به درگاه خداوند است به خاطر نعمت هایی به حضرت محمد ﷺ مشابه عطایای پیامبران داده شد و نیز نعمت های فراوان تر فضیلت های بیشتر.

﴿۱۳۵۴﴾ سزاوارترین مردم به احسان به او کسی است که هرگاه در وعده ای که به او شده تاخیر شود، صبر کند، و هرگاه، چیزی به او ندهند معذور دارد، و هرگاه به او عطا شود شکر کند.

﴿۱۳۵۵﴾ بهترین مردم کسی است که هرگاه نعمتی به او عطا شود، شکر کند، و هرگاه به بلایی گرفتار شود صبر کند، و هرگاه به او ستمی روا شود ببخشد.

﴿۱۳۵۶﴾ مردانگی کامل در هفت خصلت است: چون یادش آرند یادآور شود، چون نعمت به او عطا شود شکر گزارد، و چون بلا دید شکبیا باشد، و چون عصیان و گناه شد، درگذرد، و چون نیکی کرد شاد باشد، و چون بدی کرد آمرزش خواهد و چون وعده داد انجام دهد و وعده اش را عملی سازد.

﴿۱۳۵۷﴾ از پیامبر خدا ﷺ درباره ی بهترین بندگان خدا سؤال شد، فرمود: آن هاینکه که چون خوش رفتاری کنند خرم گردند و چون بد کرداری کنند آمرزش جویند و چون عطا دریابند شکر گزارند و چون گرفتار شوند شکبیا باشند و چون خشمناک شوند ببخشند.

﴿۱۳۵۸﴾ در شگفتم از مؤمن که خداوند هرچه برای او مقدر کند خیر می باشد، اگر گرفتار شود صبر می کند، و اگر نعمتی به او برسد شکر می نماید.

﴿۱۳۵۹﴾ پس بر آنچه به ما عطا می کند شکر می گزاریم و برای آنچه از ناگواری هایی که بر ما وارد می کند او را سپاس می گوئیم.

﴿۱۳۶۰﴾ پس جویبر گفت: ای پیامبر خدا، وارد خانه ای بزرگ شدم و فرش و وسایلی دیدم و دختری جوان و زیبا و خوشبو. به یاد حال خودم قبل از این افتادم که غریب و نیازمند بودم و در

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

الْمَسَاكِينِ فَاحْبَبْتُ إِذْ أَوْلَانِي اللَّهَ ذَلِكَ أَنْ أَشْكُرَهُ عَلَى مَا أَعْطَانِي وَاتَّقَرَبُ إِلَيْهِ بِحَقِيقَةِ الشُّكْرِ فَتَهَضَّتْ إِلَيَّ جَانِبِ الْبَيْتِ فَلَمْ أَزَلْ فِي صَلَاتِي تَالِيًا لِلْقُرْآنِ رَاكِعًا وَسَاجِدًا أَشْكُرُ اللَّهَ؛ الْكَافِي ج: ٣٤٢: ص ٥

﴿١٣٤١﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): فَمَنْ أَكْرَمَ الْخَلْقِ عَلَى اللَّهِ قَالَ (عليه السلام): مَنْ إِذَا أُعْطِيَ شَكَرَ وَإِذَا ابْتُلِيَ صَبَرَ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥: ص ٢٤٧

﴿١٣٤٢﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) إِذَا ذَكَرَ لِنَفْسِهِ فَضِيلَةً قَالَ وَ لَا فَخْرَ وَ أَنَا أَذْكُرُ لَكَ الْيَوْمَ مِنْ فَضْلِهِ مِنْ غَيْرِ إِزْرَاءٍ عَلَى أَحَدٍ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ مَا يَقْرَأُ اللَّهُ بِهِ أَعْيُنَ الْمُؤْمِنِينَ شُكْرًا لِلَّهِ عَلَى مَا أَعْطَى مُحَمَّدًا ص؛ بحار الأنوار ج: ١٦: ص ٣٤١

﴿١٣٤٣﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): كَيْفَ أَنْتُمْ فِي بِلَادِكُمْ فَقَالَ بَخِيرَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ أَعْطَيْنَا شَكَرْنَا وَ إِن مُنِعْنَا صَبَرْنَا فَقَالَ لَهُ هَكَذَا كِلَابُ حِجَازِنَا يَا شَفِيقُ فَقَالَ لَهُ كَيْفَ أَقُولُ قَالَ لَهُ هَلَّا كُنْتُمْ إِذَا أُعْطِيتُمْ أَثَرْتُمْ وَ إِذَا مُنِعْتُمْ شَكَرْتُمْ؛ إرشاد القلوب ج: ١: ص ١٢٣

﴿١٣٤٤﴾ الرسول (صلى الله عليه وآله): لِلطَّاعِمِ الشَّاكِرِ كَأَجْرِ الصَّائِمِ الْمُحْسِنِ وَ لِلْعَافِي الشَّاكِرِ كَأَجْرِ الْمُتَبَلِّغِ الصَّابِرِ وَ لِلْمُعْطَى الشَّاكِرِ كَأَجْرِ الْمَحْرُومِ الْقَانِعِ؛ روضة الواعظين ج: ٢: ص ٤٧٣

﴿١٣٤٥﴾ الرضا (عليه السلام): هُوَ عِظَةٌ لِأَهْلِ الْغِنَى... مَا لَهُمْ مِنَ الْحَثِّ فِي ذَلِكَ عَلَى الشُّكْرِ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِمَا خَوَّلَهُمْ وَ أَعْطَاهُمْ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٢: ص ٨

﴿١٣٤٦﴾ مَنْ أَعْطَانِي شَكَرْتُهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٨: ص ٤١٩

﴿١٣٤٧﴾ مَنْ لَمْ يَحْمَدَكَ عَلَى حُسْنِ النِّيَّةِ لَمْ يَشْكُرْكَ عَلَى جَمِيلِ الْعَطِيَّةِ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٢٠: ص ٣٣٥

﴿١٣٤٨﴾ الباقر (عليه السلام): وَ أَمَّا الْأَزْهَرُ فَقَلْبُ الْمُؤْمِنِ إِنْ أَعْطَاهُ شَكَرَ وَ إِنْ ابْتَلَاهُ صَبَرَ؛ الْكَافِي ج: ٢: ص ٤٢٢

﴿١٣٤٩﴾ فَإِنَّكَ اللَّهُ عَلَى نِعَمَائِكَ وَ جَزِيلَ عَطَائِكَ مَشْكُورٌ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥: ص ٣٨٢

﴿١٣٧٠﴾ السَّجَادُ (عليه السلام): إِذَا عَرَفْتَ مَا أَعْطَاكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِ هَذِهِ الْعِزَّةِ وَ الْقُوَّةِ الَّتِي قَهَرَتْ بِهَا أَنْ تَكُونَ لِلَّهِ شَاكِرًا؛ مستدرک الوسائل ج: ١١: ص ١٥٨

﴿١٣٧١﴾ إِذَا أُعْطِيتَ فَاشْكُرْ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٧

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

لباس غریبان و بیچارگان. پس دوست داشتیم حال که خداوند این نعمت را به من بخشیده به خاطر عطایش او را شکر کنم و با حقیقت شکر به او تقرب بجویم پس به گوشه‌ای از خانه رفتم و پیوسته در حال خواندن نماز و قرآن بودم و در رکوع و سجود خدا را شکر می‌کردم. ﴿۱۳۶۱﴾ چه کسی گرمی‌ترین خلق نزد خداست؟ فرمود: کسی که وقتی به او عطا شود شکر کند و اگر گرفتارشود صبر کند.

﴿۱۳۶۲﴾ هرگاه پیامبر ناچار می‌شد فضیلتی از فضائل خود را یادآور شد چنین می‌گفت: این‌ها را برای تفاخر و مباهات نمی‌گویم. و من امروز فضائل او را برای تو یادآور می‌شوم بدون اینکه به یکی از پیامبران جسارتی شود، نقل می‌کنم آنچه را که خدا به واسطه‌ی آن چشم مؤمنان را روشن کرده است، سپاس خدای را به خاطر آنچه به محمد ﷺ بخشیده است.

﴿۱۳۶۳﴾ در شهر و دیارتان چگونه زندگی می‌کنید؟ گفتند: ای فرزند پیامبر خدا، به خوبی؛ اگر نعمت دریافت کنیم شکر می‌کنیم و اگر دریافت نکنیم صبر می‌کنیم. فرمود: ای شفیق، سگ‌های حجاز نیز این چنینند. گفت: پس چه بگوییم؟ حضرت فرمود: چرا چنین نباشید که اگر به شما چیزی دادند شما انفاق کنید و اگر ندادند سپاسگزاری نمایید.

﴿۱۳۶۴﴾ برای کسی که می‌خورد و سپاسگزار است، همانند اجر و پاداش روزه‌داری است که به قصد قربت روزه می‌گیرد؛ و برای تندرست سپاسگزار، همان پاداش گرفتار شکیباست، و برای عطاکننده‌ی سپاسگزار، همان پاداش محروم قانع است.

﴿۱۳۶۵﴾ این پندی است برای توانگران... برای برانگیختن ایشان به سپاسگزاری از خداوند تبارک و تعالی به خاطر نعمت‌هایی که به ایشان ارزانی داشته است.

﴿۱۳۶۶﴾ هرکس که به من (چیزی) عطا کند او را سپاس گویم.

﴿۱۳۶۷﴾ هر که نیت خوب تو را سپاس نگوید، در برابر عطایای زیباییت نیز شکر نمی‌کند.

﴿۱۳۶۸﴾ اما قلب نورانی، قلب مؤمن است که چنانچه خداوند به او عطا کند، شکر می‌کند و چون او را دچار بلا کند، صبر می‌کند.

﴿۱۳۶۹﴾ که تو خدایی هستی که در برابر نعمت‌ها و فراوانی عطایت، مورد شکرگزاری قرار گرفته‌ای.

﴿۱۳۷۰﴾ هنگامی که فضل و احسان خدا را در عزت و قدرتی که به تو داده بشناسی، سزاوار است که به درگاهش شکرگزار باشی.

﴿۱۳۷۱﴾ هرگاه نعمتی به تو عطا شد شکر کن.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١٧٥-١٢-٢-٠٨٢-عَظَمَةُ اللَّهِ

﴿١٣٧٢﴾ الصادق عليه السلام: لَكَ الْحَمْدُ مَا أَظْهَرَ نِعْمَاءَكَ وَ لَكَ الشُّكْرُ مَا أَكْبَرَ عَظَمَتِكَ؛

بحار الأنوار ج: ٨٨ ص: ١٧٥

١٧٦-١٢-٢-٠٨٣-عَدَمُ الْخِزْيِ وَالْإِسَاءَةِ فِي أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ ﷺ

﴿١٣٧٣﴾ الصادق عليه السلام: بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَسِيرُ مَعَ بَعْضِ أَصْحَابِهِ فِي بَعْضِ طُرُقِ الْمَدِينَةِ إِذْ ثَنَّى رَجُلُهُ عَنْ دَائِيهِ ثُمَّ خَرَّ سَاجِدًا فَأَطَالَ فِي سُجُودِهِ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَعَادَ ثُمَّ رَكِبَ فَقَالَ لَهُ أَصْحَابُهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ رَأَيْنَاكَ تَنَبَّيْتَ رَجُلَكَ عَنْ دَائِيكَ ثُمَّ سَجَدْتَ فَأَطَلْتَ السُّجُودَ فَقَالَ إِنَّ جَبْرِئِيلَ ﷺ أَتَانِي فَأَقْرَأَنِي السَّلَامَ مِنْ رَبِّي وَ بَشَّرَنِي أَنَّهُ لَنْ يُخْزِنَنِي فِي أُمَّتِي فَلَمْ يَكُنْ لِي مَالٌ فَأَتَصَدَّقَ بِهِ وَ لَا مَمْلُوكٌ فَأَعْتِقَهُ فَأَحْبَبْتُ أَنْ أَشْكُرَ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٢٤١

﴿١٣٧٤﴾ الصادق عليه السلام: بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَعَ أَصْحَابِهِ إِذْ سَجَدَ فَأَطَالَ السُّجُودَ حَتَّى ظَنُّوا أَنَّهُ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَقَدْ أَطَلْتَ السُّجُودَ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّكَ مِمَّا ذَاكَ فَقَالَ ﷺ أَتَانِي جَبْرِئِيلُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّكَ يُقْرُئُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ إِنِّي لَنْ أَسْوءَكَ فِيمَنْ وَ أَلَاكَ مِنْ أُمَّتِكَ وَ لَنْ أَقْضِيَ عَلَى مُؤْمِنٍ قَضَاءً سَاءَهُ أَوْ سَرَّ ذَلِكَ إِلَّا وَ هُوَ خَيْرٌ لَهُ قَالَ ﷺ فَلَمْ يَكُنْ عِنْدِي مَالٌ فَأَتَصَدَّقَ بِهِ وَ لَا مَمْلُوكٌ فَأَعْتِقَهُ فَسَجَدْتُ لِلَّهِ وَ شَكَرْتُهُ وَ حَمِدْتُهُ عَلَى ذَلِكَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ١٥١

١٧٧-١٢-٢-٠٨٤-الْعَفْوُ

﴿١٣٧٥﴾ ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ البقرة: الآية ٥٢

١٧٨-١٢-٢-٠٨٥-الْعَافِيَةُ

﴿١٣٧٦﴾ الجواد عليه السلام: اجْعَلْنِي سَالِمًا مِنْ كُلِّ سُوءٍ مُعَافًا مِنَ الضَّرُورَةِ فِي مُنْتَهَى الشُّكْرِ وَ الْعَافِيَةِ؛

المصباح للكفعمي ص: ٣٣

﴿١٣٧٧﴾ الصادق عليه السلام: ارْزُقْنَا الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٣٣٨

﴿١٣٧٨﴾ الصادق عليه السلام: ارْزُقْنِي تَمَامَ الْعَافِيَةِ وَ دَوَامَ الْعَافِيَةِ وَ الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ؛

المصباح للكفعمي ص: ٤٢

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۸۲-۰۲-۲-۱- بزرگی خدا

﴿۱۳۷۲﴾ حمد و سپاس برای توست، و چه آشکار است نعمت‌های تو، و شکر مخصوص توست و چه بزرگ است عظمت تو.



۸۳-۰۲-۲-۱- عدم خواری و بدی در امت محمد ﷺ

﴿۱۳۷۳﴾ در این میان که پیامبر خدا ﷺ با برخی اصحابش در یکی از کوچه‌های مدینه می‌رفت ناگهان پا از رکاب خالی کرد و روی زمین به سجده افتاد و سجده‌ای طولانی کرد و سر برداشت و باز سوار شد اصحابش سبب پرسیدند، فرمود: جبرئیل نزد من آمد و از پروردگارم به من سلام رسانید و به من مژده داد که خدا مرا در امتم رسوا نمی‌کند مالی نداشتیم به شکرانه‌ی آن صدقه دهم و بنده‌ای نداشتیم آزاد کنم و خواستم شکر پروردگار عزیز و جلیل را کرده باشم.

﴿۱۳۷۴﴾ پیامبر خدا ﷺ با اصحابشان بودند که به سجده رفتند سجودشان طولانی شد به حدی که گمان کردند ایشان به رحمت خدا رفته‌اند... سپس سرشان را بلند کردند. از ایشان پرسیدند: ای پیامبر خدا، سجده‌ات را طولانی نمودی به حدی که ما گمان کردیم که از دنیا رفته‌ای. فرمود: جبرئیل از نزد خداوند تبارک و تعالی بر من نازل شد و گفت: ای محمد! پروردگارت تو را سلام می‌رساند و به تو می‌فرماید، من هرگز در مورد بنده‌ای از امت که تو را دوست دارد امر ناراحت کننده‌ای نفرستاده‌ام، و بر هر مؤمنی امری را که در ظاهر او را ناراحت کند یا او را شادمان کند انجام ندادم مگر اینکه آن کار برای او خیر بود. پیامبر خدا ﷺ فرمود: نه مالی نزد من بود که آن را صدقه دهم و نه بنده‌ای که او را آزاد سازم، پس به شکرانه برای خدا به سجده افتادم و او را شکر کردم و بر این امر او را ستایش کردم.

۸۴-۰۲-۲-۱- گذشت

﴿۱۳۷۵﴾ بعد از آن شما را بخشیدیم شاید شکر (این نعمت را) به جا آورید.

۸۵-۰۲-۲-۱- دوری از گرفتاری

﴿۱۳۷۶﴾ خداوند، به من در نهایت شکرگزاری و عافیت سالم ماندن از هر بدی و زشتی عطا فرما و معاف شدن از اینکه از روی ناچاری در آن وارد شوم.

﴿۱۳۷۷﴾ پروردگارا، توفیق شکر بر عافیت را روزی ما گردان.

﴿۱۳۷۸﴾ پروردگارا، عافیت کامل و دائم و ادای شکر بر عافیت و سلامتی را روزی‌ام فرما.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٣٧٩﴾ ارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَرَجُوْ وَ مِنْ حَيْثُ لَا أَرَجُوْ وَ اسْتُرْنِي وَ وُلْدِي وَ وَالِدِيْ وَ إِخْوَانِيْ مِنْ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فِيْ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِيْ بِالْغِنَى وَ الْعَافِيَةِ وَ الشُّكْرِ عَلَيْهَا حَتَّى تَرْضَى وَ بَعْدَ الرِّضَى؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٣٩ ص:

﴿١٣٨٠﴾ الرسول ﷺ: أَسْأَلُكَ الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ١٩٨

﴿١٣٨١﴾ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْإِمَامِ... الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ وَ النَّعْمَاءِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٨ ص: ٣٢٦

﴿١٣٨٢﴾ الرسول ﷺ: أَسْأَلُكَ تَمَامَ الْعَافِيَةِ وَ أَسْأَلُكَ دَوَامَ الْعَافِيَةِ وَ أَسْأَلُكَ الشُّكْرَ عَلَى

الْعَافِيَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ١٩٨

﴿١٣٨٣﴾ الصادق ﷺ: أَسْأَلُكَ فَرَجًا عَاجِلًا وَ صَبْرًا جَمِيلًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ الْعَافِيَةَ مِنْ جَمِيعِ

الْبَلَاءِ وَ الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٣١٧

﴿١٣٨٤﴾ الصادق ﷺ: أَعْطِنِي فِي كُلِّ عَافِيَةٍ شُكْرًا حَتَّى تُبَلِّغَنِي مِنْهَا رِضْوَانَكَ؛ الكافي ج: ٦

ص: ٧

﴿١٣٨٥﴾ الْحَمْدُ لَكَ بِمَا أَوْجَبْتَ عَلَيَّ مِنَ الشُّكْرِ [شُكْرَكَ] وَ عَرَفْتَنِي مِنْ نِعَمَائِكَ وَ الْبَسْتَنِي

مِنْ عَافِيَتِكَ وَ أَفْضَلْتَ عَلَيَّ مِنْ جَزِيلٍ عَطَيْتِكَ؛ إقبال الأعمال ص: ١٥٥

﴿١٣٨٦﴾ الرسول ﷺ: الطَّاعِمُ الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الصَّائِمِ الْمُحْتَسِبِ وَ الْمُعَافَى الشَّاكِرُ

لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الْمُتَبَلَّى الصَّابِرِ وَ الْمُعْطَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الْمَحْرُومِ الْقَانِعِ؛ الكافي

ج: ٢ ص: ٩٤

﴿١٣٨٧﴾ الصادق ﷺ: اللَّهُمَّ أَتْبِسْنِي الْعَافِيَةَ وَ ارْزُقْنِي عَلَيْهَا الشُّكْرَ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٢٤

﴿١٣٨٨﴾ الكاظم ﷺ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ وَ أَسْأَلُكَ جَمِيلَ الْعَافِيَةِ وَ أَسْأَلُكَ شُكْرَ

الْعَافِيَةِ وَ أَسْأَلُكَ شُكْرَ شُكْرِ الْعَافِيَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٣٦٢

﴿١٣٨٩﴾ الصادق ﷺ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ وَ تَمَامَ الْعَافِيَةِ وَ دَوَامَ الْعَافِيَةِ وَ الشُّكْرَ عَلَى

الْعَافِيَةِ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٧٠

﴿١٣٩٠﴾ الرضا ﷺ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ وَ دَوَامَ الْعَافِيَةِ وَ شُكْرَ الْعَافِيَةِ؛ البلد الأمين

ص: ١٠٠

﴿١٣٩١﴾ الرسول ﷺ: اللَّهُمَّ فَلكَ الْحَمْدُ شُكْرًا عَلَى مَا عَافَيْتَنِي وَ حُسْنِ مَا ابْتَلَيْتَنِي؛

المصباح للكفعمي ص: ٦٤٠

﴿١٣٩٢﴾ الكاظم ﷺ: اللَّهُمَّ كَرِّمْنِي بِالتَّقْوَى وَ جَمِّلْنِي بِالنَّعَمِ وَ اغْمُرْنِي بِالْعَافِيَةِ وَ ارْزُقْنِي شُكْرَ

الْعَافِيَةِ؛ الكافي ج: ٤ ص: ٥٥١

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۳۷۹﴾ پروردگارا، از جایی که امید دارم و حتی از جایی که امید ندارم به من روزی برسان و مرا و فرزندان و والدینم و برادران و خواهران دینی‌ام را در دنیا و آخرت با ثروت و بی‌نیازی و سلامتی و شکر بر آنها پوشش بده تا جایی که تو راضی شوی از من و حتی بعد از رضایت.

﴿۱۳۸۰﴾ خداوند، از تو شکر بر سلامت را خواستارم.

﴿۱۳۸۱﴾ پروردگارا، به حق این امام... سپاسگزاری و شکر بر عافیت و سلامتی و نعمت‌هایت را از تو می‌خواهم.

﴿۱۳۸۲﴾ پروردگارا، از تو درخواست می‌نمایم که عافیتی تام و تمام عطا فرمایی و نیز پیوستگی و دوام عافیت را می‌خواهم و همچنین از تو خواستارم که به من توفیق شکر بر عافیت را ارزانی کنی.

﴿۱۳۸۳﴾ پروردگارا، از تو، گشایشی که به سرعت حاصل شود و صبری زیبا و روزی گسترده و دور ماندن از همه‌ی بلاها را و شکرگزاری بر عافیت و سلامتی را درخواست می‌کنم.

﴿۱۳۸۴﴾ پروردگارا، در هر عافیتی به من شکر عطا فرما تا اینکه مرا به بهشت رضوانت برسانی.

﴿۱۳۸۵﴾ به خاطر آنچه شکرش را بر من واجب کردی و به خاطر نعمت‌هایی که به من شناساندی و عافیت‌هایی که بر من پوشاندی و به خاطر بخشش‌های بزرگی که به ما عطا کردی، تو را سپاس می‌گوییم.

﴿۱۳۸۶﴾ آنکه می‌خورد سپاسگزار است، اجرش مانند روزه‌داری است که با خدا معامله کرده است و تندرست شکرگزار اجرش مانند اجر گرفتار صابر است و عطاگرفته‌ی سپاسگزار اجرش مانند اجر محروم قانع است.

﴿۱۳۸۷﴾ پروردگارا، بر من لباس عافیت بیوشان و شکر بر آن را روزی‌ام گردان.

﴿۱۳۸۸﴾ خداوند، از تو، عافیت می‌خواهم و تقاضا می‌کنم که به من زیباترین نوع عافیت را عطا فرمایی و از تو شکر بر نعمت عافیت را درخواست می‌کنم و نیز شکر بر عافیت را.

﴿۱۳۸۹﴾ خدایا، عافیت و تمام عافیت و کمال عافیت و دوام عافیت و شکر بر عافیت را از تو درخواست می‌کنم؛ ای صاحب عافیت.

﴿۱۳۹۰﴾ خدایا، از تو عافیت و تداوم عافیت و شکر کردن بر عافیت را می‌خواهم.

﴿۱۳۹۱﴾ خداوند، حمد و ستایش مخصوص توست، شکری مخصوص برای آنچه که از عافیت و سلامتی بر من عنایت فرمودی و نیکی (و خیر) آنچه که مرا به آن مبتلا نمودی.

﴿۱۳۹۲﴾ پروردگارا، مرا به وسیله‌ی تقوی تکریم کن و مرا با نعمت‌ها بیار، و لباس عافیت بیوشان و شکر بر عافیت را روزی‌ام کن.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٣٩٣﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ مَا أَصْبَحْتُ بِى مِنْ نِعْمَةٍ أَوْ عَافِيَةٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَمِنْكَ وَخَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ بِهَا عَلَى يَا رَبِّ حَتَّى تُرَضَى وَبَعْدَ الرِّضَا؛ وسائل الشيعة ج: ٧ ص: ٢٢٩

﴿١٣٩٤﴾ اللَّهُمَّ وَآنَا الْمَرِيضُ الَّذِي نَعَشْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَآنَا الْمُتَبَتِّلِي الَّذِي عَافَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَآنَا الْمَسْجُونُ الَّذِي أَخْرَجْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَآنَا الْأَسِيرُ الَّذِي فَكَّكْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَآنَا الْأَغْرَبُ الَّذِي زَوَّجْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَآنَا الَّذِي لَمْ أَكُ شَيْئاً حَتَّى جَعَلْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ أَجَلٌ وَعَزَّتْكَ لَقَدْ فَعَلْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٣٠

﴿١٣٩٥﴾ الصادق عليه السلام: الْمُعَافَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنْ الْأَجْرِ مَا لِلْمُتَبَتِّلِ الصَّابِرِ وَالْمُعْطَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنْ الْأَجْرِ كَالْمَحْرُومِ الْقَانِعِ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٤

﴿١٣٩٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنْ بَرَأَ وَلَدَايَ مِمَّا بِهِمَا صُمْتُ لِلَّهِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ شُكْرًا وَذَكَرَ عَنْ فَاطِمَةَ وَفَضَّةَ نَحْوُ ذَلِكَ فَبَرَاءً؛ بحار الأنوار ج: ٣٥ ص: ٢٤٥

﴿١٣٩٧﴾ لَا يَمِينُ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِلَّا يَمِينُ الْوَاجِبَةِ الَّتِي يَنْبَغِي لِصَاحِبِهَا أَنْ يَقْبَلَ بِهَا مَا جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الشُّكْرِ إِنْ هُوَ عَافَاهُ اللَّهُ مِنْ مَرَضِهِ أَوْ عَافَاهُ مِنْ أَمْرٍ يَخَافُهُ أَوْ رَدَّ عَلَيْهِ مَالَهُ أَوْ رَدَّ مِنْ سَفَرٍ أَوْ رَزَقَهُ رِزْقًا فَقَالَ لِلَّهِ عَلَى كَذَا وَكَذَا شُكْرًا فَهَذَا الْوَاجِبُ عَلَى صَاحِبِهِ يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَقْبَلَ بِهِ؛ تهذيب الأحكام ج: ٨ ص: ٣١١

﴿١٣٩٨﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: أَنَّهُ إِذَا رَأَى مِنْ أَصْحَابِهِ الْمُتَبَتِّلِي قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَافَانِي مِمَّا ابْتَلَاهُ وَفَضَّلَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقَ تَفْضِيلًا وَقَالَ مَنْ قَالَ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ فِي تِلْكَ الْحَالِ فَقَدْ آدَى شُكْرَ الْعَافِيَةِ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ٣١٥

﴿١٣٩٩﴾ الصادق عليه السلام: دَخَلْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِنَا وَكَانَ مَرِيضًا فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْسَاكَ اللَّهُ الْعَافِيَةَ وَلَا أَنْسَاكَ الشُّكْرَ عَلَيْهَا فَلَمَّا خَرَجْنَا مِنْ عِنْدِ الرَّجُلِ قُلْتُ لَهُ يَا سَيِّدِي مَا هَذَا الدُّعَاءُ الَّذِي دَعَوْتُ بِهِ لِلرَّجُلِ فَقَالَ يَا حُسَيْنُ الْعَافِيَةُ مُلْكٌ خَفِيَ يَا حُسَيْنُ الْعَافِيَةُ نِعْمَةٌ إِذَا فَقِدْتُ ذُكِرْتُ وَإِذَا وَجِدْتُ نُسِيتُ فَقُلْتُ لَهُ أَنْسَاكَ اللَّهُ الْعَافِيَةَ بِحُصُولِهَا وَلَا أَنْسَاكَ الشُّكْرَ عَلَيْهَا لِتَنْدَمَ لَهُ يَا حُسَيْنُ إِنَّ أَبِي خَبَرَنِي عَنْ آبَائِهِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ يَا صَاحِبَ الْعَافِيَةِ إِلَيْكَ أَنْتَهَتْ الْأَمَانِيُّ؛ مستدرک الوسائل ج: ٢ ص: ١٥٢

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۳۹۳﴾ خدایا، آن هنگام که صبح مرا آغاز می‌کنی هر نعمتی را که مربوط به دین و دنیا می‌باشد به من عطا می‌کنی (نیک می‌دانم که) همه از ناحیه‌ی تو می‌رسد، خداوند! تو یگانه هستی و شریکی نداری، سپاس و شکر مخصوص توست، خداوند! همواره تو را سپاس می‌گویم تا اینکه از من راضی شوی.

﴿۱۳۹۴﴾ خدایا، و من آن مریضم که او را از نابودی نجات دادی پس حمد سزاوار توست؛ و من آن مبتلا شده‌ای هستم که تو او را عافیت دادی پس حمد سزاوار توست؛ و من آن زندانی هستم که تو او را از زندان خارج کردی پس حمد سزاوار توست؛ و من آنم که هیچ نبودم تا اینکه تو او را خلق کردی پس حمد سزاوار توست؛ آری به عزتت سوگند که تو کرده‌ای؛ پس حمد سزاوار توست؛ بر محمد و خاندانش درود فرست و من را از شاكران خودت قرار ده.

﴿۱۳۹۵﴾ شخصی که صحیح و سالم باشد و شکرگزار، مانند شخص مریض شکمیا، اجر و پاداش دارد و ثروتمند سپاسگزار در اجر و پاداش همانند مستمند قانع است.

﴿۱۳۹۶﴾ برای اینکه فرزندانم از بیماری رها شوند من نذر کردم که به شکرانه‌ی آن سه روز روزه بگیرم. و فاطمه‌ی زهرا علیها السلام نیز به همین طریق نذر کرد. و خدمتکار ایشان را که فضا نامیده می‌شد، او نیز این چنین نذر کرد.

﴿۱۳۹۷﴾ در نافرمانی خدا هیچ سوگندی [صحیح] نیست. سوگند صحیح و لازم که وفای به آن برای صاحبش واجب است، سوگندی است که برای سپاسگزاری از خدا آن را برعهده‌ی خود قرار می‌دهد که اگر خداوند او را از بیماری یا حادثه‌ی ترسناکی نجات داد یا مالش را به او بازگرداند یا او را از مسافرت به وطن بازگرداند یا خداوند به او روزی دهد؛ و چنین بگوید: "بر من واجب است که برای شکر خدا فلان کار را انجام دهم". و ادای این قسم واجب است و بر صاحبش لازم است که برای پروردگار به آن عمل کند.

﴿۱۳۹۸﴾ هرگاه که می‌دیدند یکی از اصحابشان دچار بلایی شده است می‌فرمودند: حمد خدا را که مرا از بلایی که او را به آن دچار کرده عافیت داد و بر بسیاری از خلائق برتری بخشید و نیز فرمودند: هرکه این عبارات را در چنین حالی بگوید، شکر عافیت را به جا آورده است.

﴿۱۳۹۹﴾ با اباعبدالله جعفر بن محمد علیه السلام نزد مرد بیماری از بستگانمان رفتیم. اباعبدالله علیه السلام به او فرمودند: خداوند شکر تو را نگیرد آن چنان که سلامتی تو را گرفت. وقتی از نزد آن مرد بیرون آمدیم به ایشان عرض کردم: آقای من این چه دعایی بود که برای این مرد کردید؟ امام علیه السلام فرمود: ای حسین، عافیت، دارایی پنهان است، ای حسین، عافیت نعمتی است که چون از دست برود به یاد می‌آید و چون همراه آدمی باشد فراموش می‌گردد؛ پس به او گفتم: خداوند عافیت داشتن را از تو دور کرد و خداوند شکر را از تو دور نکند که پشیمان شوی؛ ای حسین، پدرم از پدرانش از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرد که ایشان در دعا می‌فرمودند: "ای صاحب عافیت آرزوها به تو ختم می‌شود."

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٤٠٠﴾ السَّجَادُ عليه السلام: رَبُّ إِنْكَ عَوَّدْتَنِي عَافِيَتَكَ وَغَذَوْتَنِي بِنِعْمَتِكَ وَتَعَمَّدْتَنِي بِرَحْمَتِكَ تَعْدُو وَتَرُوحُ بِفَضْلِ ابْتِدَائِكَ لَا أَعْرِفُ غَيْرَهَا وَرَضِيتَ مِنِّي بِمَا أَسَدَيْتَ إِلَيَّ أَنْ أَحْمَدَكَ بِهَا شُكْرًا مِنِّي عَلَيْهَا فَضَعَفَ شُكْرِي لِقِلَّةِ جُهْدِي فَأَمْنُنْ عَلَيَّ بِحَمْدِكَ كَمَا ابْتَدَأْتَنِي بِنِعْمَتِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٢٩٨

﴿١٤٠١﴾ الرضا عليه السلام: صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ وَدَوَامَ الْعَافِيَةِ وَتَمَامَ الْعَافِيَةِ وَشُكْرَ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ وسائل الشيعة ج: ١٣ ص: ٣٣٥

﴿١٤٠٢﴾ الرسول عليه السلام: فَأَخْبَرْنَا عَمَّا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَنْزَلَ التَّوْرَةُ قَالَ أَتَشِدُّكُمْ بِاللَّهِ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ أَحَبَّ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ إِلَيْهِ لَحُومُ الْإِبِلِ وَالْبَنَاهَا فَاشْتَكَى شَكْوَى فَلَمَّا عَافَاهُ اللَّهُ مِنْهَا حَرَّمَهَا عَلَى نَفْسِهِ لِيَشْكُرَ اللَّهُ بِهِ قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ؛ بحار الأنوار ج: ٩ ص: ٣٠٧

﴿١٤٠٣﴾ الرسول عليه السلام: فَاسْجُدْ سَجْدَةَ الشُّكْرِ عَلَى السَّلَامَةِ وَالْعَافِيَةِ؛ الأمان ص: ١٤٣
﴿١٤٠٤﴾ الصادق عليه السلام: فَلِكِ الْحَمْدُ شُكْرًا عَلَى مَا عَافَيْتَنِي وَحُسْنِ مَا أَتَيْتَنِي؛ البلد الأمين ص: ٢٣٥

﴿١٤٠٥﴾ فَلْيَكْفُفْ مَنْ عِلِمَ مِنْكُمْ عَيْبَ غَيْرِهِ لِمَا يَعْلَمُ مِنْ عَيْبِ نَفْسِهِ وَلْيَكُنِ الشُّكْرُ شَاغِلًا لَهُ عَلَى مُعَافَاتِهِ مِمَّا ابْتُلِيَ بِهِ غَيْرُهُ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٩ ص: ٥٩
﴿١٤٠٦﴾ الصادق عليه السلام: فَمَا نَدْرِي مَا نَشْكُرُ أَمْ جَمِيلٌ مَا تَنْشُرُ أَمْ قَبِيحٌ مَا تَسْتُرُ أَمْ عَظِيمٌ مَا أَتَيْتَ وَأَوَّلَيْتَ أَمْ كَثِيرٌ مَا مِنْهُ نَجَّيْتَ وَعَافَيْتَ؛ البلد الأمين ص: ٢٠٦

﴿١٤٠٧﴾ الصادق عليه السلام: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَسَأَلَهُ رَجُلٌ عَنْ رَجُلٍ مَرَضَ فَنَذَرَ لِلَّهِ شُكْرًا إِنْ عَافَاهُ اللَّهُ أَنْ يَصَّدَّقَ مِنْ مَالِهِ بِشَيْءٍ كَثِيرٍ وَلَمْ يُسَمِّ شَيْئًا فَمَا تَقُولُ قَالَ يَتَصَدَّقُ بِثَمَانِينَ دِرْهَمًا فَإِنَّهُ يُجْزِيهِ وَذَلِكَ بَيْنَ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِذْ يَقُولُ لِنَبِيِّهِ عليه السلام لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَكَثِيرٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ ثَمَانُونَ؛ تهذيب الأحكام ج: ٨ ص: ٣١٧

﴿١٤٠٨﴾ الصادق عليه السلام: لَكَ الْحَمْدُ فِي الْمُعَافَاةِ وَالشُّكْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ١٤٧
﴿١٤٠٩﴾ الرسول عليه السلام: لِلطَّاعِمِ الشَّاكِرِ كَأَجْرِ الصَّائِمِ الْمُحْتَسِبِ وَلِلْعَافِي الشَّاكِرِ كَأَجْرِ الْمُتَبَلِّى الصَّابِرِ وَلِلْمُعْطَى الشَّاكِرِ كَأَجْرِ الْمَخْرُومِ الْقَانِعِ؛ روضة الواعظين ج: ٢ ص: ٤٧٣
﴿١٤١٠﴾ لِيَكُنِ الشُّكْرُ شَاغِلًا لَكَ عَلَى مُعَافَاتِكَ مِمَّا ابْتُلِيَ بِهِ غَيْرُكَ؛ غرر الحكم ص: ٢٨٠

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۴۰۰﴾ خدایا، مرا به عافیت عادت داده‌ای و به نعمت پروراندی و در پوشش رحمت خود قرار دادی، رحمتی که شب و روز از ابتدای خلقت به فضل و کرم به‌سوی ما روانه می‌شود، رحمتی که من جز آن رحمتی نمی‌شناسم. و تو در مقابل نیکی‌هایی که در حق من کردی چنین پسندیدی که من تو را برای آن نعمت‌ها شاکرانه سپاس گویم؛ اما به علت کم‌کاری و قصور شکر ناقابل است ولی تو بر من مَنّت بگذار و همان‌گونه که از ابتدای خلقت به من نعمت داده‌ای توفیق شکرگزاری را هم تو به من بده.

﴿۱۴۰۱﴾ پروردگارا، درود فرست بر محمد و خاندانش و روزی ما قراریده عافیت و سلامتی را و تداوم آن را و تمام و کمال بودن عافیت را و یاری فرما به ما در به‌جای آوردن شکر و سپاس عافیت (که بر ما عطا نمودی) در دنیا و آخرت.

﴿۱۴۰۲﴾ به ما خبر بده اسرائیل قبل از نازل شدن تورات چه چیز را بر خود حرام نمود فرمود: تورا به خدا مگر محبوب‌ترین غذاها نزد یعقوب گوشت و نیز شتر و نبود؟ او بیمار شد و همین‌که خداوند او را شفا بخشید به عنوان شکرگزاری آن گوشت را بر خود حرام کرد. گفتند: بلی، این چنین بود.

﴿۱۴۰۳﴾ برای امنیت و تندرستی سجده‌ی شکر به‌جای آور.

﴿۱۴۰۴﴾ پس به خاطر شکر عافیتی که به من دادی و تکالیف خوبی که برعهده‌ام نهاده‌ی حمد سزاوارتوست.

﴿۱۴۰۵﴾ پس اگر از شما کسی عیب دیگری را دانست به خاطر عیبی که در خود می‌داند، عیب او را بر زبان نراند (فاش نکند). و شکر دور ماندن از آن گناه، او را، از آنکه دیگری را که به گناه گرفتار است بیازارد و رسوا نماید بازدارد.

﴿۱۴۰۶﴾ نمی‌دانیم که کدام را شکر کنیم؟ زیبایی‌هایی که منتشر کردی و یا زشتی‌هایی را که پوشاندی یا امتحانات بزرگی که به عمل آوردی و بخشش‌های بزرگی که نمودی و یا موارد فراوانی که از آن‌ها نجاتمان دادی و عافیتمان بخشیدی.

﴿۱۴۰۷﴾ نزد ابی‌عبدالله علیه السلام بودم که مردی از ایشان سؤال کرد که مردی مریض بوده نذر کرده که اگر خداوند به او عافیت دهد به شکرانه‌ی عافیت بخش چیز زیادی از مالش را صدقه دهد و مقدار را ذکر نکرده است، بفرمایید باید چه مقدار صدقه بدهد؟ فرمودند: باید هشتاد درهم صدقه بدهد و این مسأله در کتاب خدا آشکار است، آنجا که به پیامبرش می‌فرماید: "قطعا خداوند شما را در مواضع بسیاری یاری کرده است." و بسیار در کتاب خدا هشتاد است.

﴿۱۴۰۸﴾ حمد و ستایش تنها سزاوارتوست در هر عافیت و سلامتی و در هنگام شکر و سپاسگزاری.

﴿۱۴۰۹﴾ برای کسی که می‌خورد و سپاسگزار است، همانند اجر و پاداش روزه‌داری است که به قصد قربت روزه می‌گیرد؛ و برای تندرست سپاسگزار، همان پاداش گرفتار شکیباست، و برای عطاکننده‌ی سپاسگزار، همان پاداش محروم قانع است.

﴿۱۴۱۰﴾ باید که توجه به عافیت خود و نیز گرفتاری دیگران باید تو را به شکر وا دارد.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٤١١﴾ الصادق عليه السلام: مَا هَذَا الدُّعَاءُ الَّذِي تَدْعُو بِهِ فَقَدْ أَخْبَرَنِي جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ لَكَ دُعَاءً تَدْعُو بِهِ مَعْرُوفًا فِي السَّمَاءِ فَقَالَ نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْآمِنَ وَالْإِيمَانَ بِكَ وَالتَّصَدِيقَ بِنَبِيِّكَ وَالْعَافِيَةَ مِنْ جَمِيعِ الْبَلَاءِ وَالشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ وَالْغِنَى عَنْ شِرَارِ النَّاسِ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٨٧

﴿١٤١٢﴾ الرضا عليه السلام: مَرَّ عَلَيَّ ابْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِرَجُلٍ وَهُوَ يَدْعُو اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَهُ الصَّبْرَ فَقَالَ أَلَا لَا تَقُلْ هَذَا وَلَكِنْ سَلِ اللَّهَ الْعَافِيَةَ وَالشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ فَإِنَّ الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ خَيْرٌ مِنَ الصَّبْرِ عَلَى الْبَلَاءِ كَانَ مِنْ دُعَاءِ النَّبِيِّ ﷺ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ وَالشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ وَتَمَامَ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٢٩٢

﴿١٤١٣﴾ الرسول ﷺ: يَا أَبَا هَاشِمٍ أَيُّ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكَ تُرِيدُ أَنْ تُؤَدِيَ شُكْرَهَا قَالَ أَبُو هَاشِمٍ فَوَجَمْتُ فَلَمْ أَذْرَ مَا أَقُولُ لَهُ فَأَبْتَدَأَنِي عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ رَزَقَكَ الْإِيمَانَ فَحَرِّمْ بِهِ بَدَنَكَ عَلَى النَّارِ وَرَزَقَكَ الْعَافِيَةَ فَأَعَانِكَ عَلَى الطَّاعَةِ وَرَزَقَكَ الْقُنُوعَ فَصَانِكَ عَنِ التَّبَدُّلِ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٤ ص: ٤٠١

﴿١٤١٤﴾ الرضا عليه السلام: يَا أَيُّهَا النَّاسُ هَذِهِ بَعَثَهَا اللَّهُ لَكُمْ فَاشْكُرُوهُ عَلَى تَفَضُّلِهِ عَلَيْكُمْ؛ الخرائج ج: ٦٥٨ ص: ٢

﴿١٤١٥﴾ أسألك الشُّكْرَ وَالْمُعَافَاةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ١٩٩
٠٨٦-٢-١-العقل

﴿١٤١٦﴾ الصادق عليه السلام: وَالْوَاجِبُ عَلَى مَنْ وَهَبَ اللَّهُ لَهُ الْهُدَى وَآكْرَمَهُ بِالْإِيمَانِ وَآلْهَمَهُ رُشْدَهُ وَرَكَّبَ فِيهِ عَقْلًا يَتَعَرَّفُ بِهِ نِعَمَهُ وَآتَاهُ عِلْمًا وَحُكْمًا يُدَبِّرُ بِهِ أَمْرَ دِينِهِ وَدُنْيَاهُ أَنْ يُوجِبَ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَشْكُرَ اللَّهَ وَلَا يَكْفُرَهُ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٢٨٣

﴿١٤١٧﴾ السجاد عليه السلام: وَكَيْفَ لَا أَشْكُرُكَ يَا إِلَهِي أَطَلَقْتَ لِسَانِي بِذِكْرِكَ رَحْمَةً لِي مِنْكَ وَأَضَاتَ لِي بَصَرِي بِلُطْفِكَ حُجَّةً مِنْكَ عَلَيَّ وَسَمِعْتَ أَدْنَايَ بِقُدْرَتِكَ نَظْرًا مِنْكَ وَدَلَّتْ عَقْلِي عَلَى تَوْبِيخِ نَفْسِي؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٣٦
٠٨٧-٢-١-العلة

﴿١٤١٨﴾ فَمَا أَذْرِي، يَا إِلَهِي، أَيُّ الْحَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ، وَآيُ الْوَقْتَيْنِ أَوْلَى بِالْحَمْدِ لَكَ، أَوْ قَتُّ الصِّحَّةِ الَّتِي هَنَاتَنِي فِيهَا طَيِّبَاتُ رِزْقِكَ، وَتَشَطَّتْنِي بِهَا لِابْتِغَاءِ مَرْضَاتِكَ وَفَضْلِكَ، وَقَوَّيْتَنِي مَعَهَا

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ مِنْ طَاعَتِكَ، أَمْ وَفَّتُ الْعِلَّةَ الَّتِي مَحَصَّنْتَنِي بِهَا، وَ النَّعْمَ الَّتِي اتَّحَفْتَنِي بِهَا، تَخْفِيفًا لِمَا ثَقُلَ بِهِ عَلَى ظَهْرِي مِنَ الْخَطِيئَاتِ، وَ تَطْهِيرًا لِمَا أَنْعَمَسْتُ فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَ تَنْبِيهًا لِتَنَاوُلِ التَّوْبَةِ، وَ تَذْكِيرًا لِمَحْوِ الْحَوْبَةِ بِقَدِيمِ النُّعْمَةِ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٧٦

﴿١٤١٩﴾ المجتبي عليه السلام: الْخَيْرُ الَّذِي لَا شَرَّ فِيهِ الشُّكْرُ مَعَ النُّعْمَةِ وَ الصَّبْرُ عَلَى النَّازِلَةِ وَ قَالَ عليه السلام: لِرَجُلٍ أَتَلَ مِنْ عِلَّةٍ إِنَّ اللَّهَ قَدْ ذَكَرَكَ فَادْكُرْهُ وَ أَقَالَكَ فَاشْكُرْهُ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ١٠٦

٢٠٨٨-٢-١-التَّعْلِيمُ

﴿١٤٢٠﴾ الصادق عليه السلام: قَالَ آدَمُ يَا رَبِّ فَهَذِهِ أَمْتُكَ حَوَاءُ قَدْ رَقَّ لَهَا قَلْبِي فَلِمَنْ خَلَقْتَهَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى خَلَقْتُهَا لَكَ لِتَسْكُنَ الدُّنْيَا فَلَا تَكُونَ وَحِيدًا فِي جَنَّتِي قَالَ فَأَتَكِحْنِيهَا يَا رَبِّ قَالَ أَنْكَحْنُكَهَا بِشَرْطٍ أَنْ تُعَلِّمَهَا مَصَالِحَ دِينِي وَ تَشْكُرْنِي عَلَيْهَا فَرَضِيَ آدَمُ ع؛ مستدرک الوسائل ج: ١٤ ص: ٣٢٤

﴿١٤٢١﴾ السجاد عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمَدُكَ عَلَى أَنْ أَكْرَمْتَنَا بِالنُّبُوَّةِ وَ عَلَّمْتَنَا الْقُرْآنَ وَ فَهَّمْتَنَا فِي الدِّينِ وَ جَعَلْتَ لَنَا أَسْمَاعًا وَ أَبْصَارًا وَ أَفئِدَةً فَاجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٤٤ ص: ٣٩٢

﴿١٤٢٢﴾ الصادق عليه السلام: وَ الْوَاجِبُ عَلَى مَنْ وَهَبَ اللَّهُ لَهُ الْهُدَى وَ أَكْرَمَهُ بِالْإِيمَانِ وَ أَلْهَمَهُ رُشْدَهُ وَ رَكَّبَ فِيهِ عَقْلًا يَتَعَرَّفُ بِهِ نِعَمَهُ وَ آتَاهُ عِلْمًا وَ حُكْمًا يُدَبِّرُ بِهِ أَمْرَ دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ أَنْ يُوجِبَ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَشْكُرَ اللَّهَ وَ لَا يَكْفُرَهُ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٢٨٣

﴿١٤٢٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَحَدِ الْمُخْمُودِ الَّذِي تَوَحَّدَ بِمُلْكِهِ وَ عَلَا بِقُدْرَتِهِ أَحْمَدُهُ عَلَى مَا عَرَفَ مِنْ سَبِيلِهِ وَ أَلْهَمَ مِنْ طَاعَتِهِ وَ عَلَّمَ مِنْ مَكْنُونِ حِكْمَتِهِ فَإِنَّهُ مَخْمُودٌ بِكُلِّ مَا يُؤَلَى مَشْكُورٌ بِكُلِّ مَا يُؤَلَى؛ بحار الأنوار ج: ٥٣ ص: ٧٧

﴿١٤٢٤﴾ الصادق عليه السلام: أَشْكُرُكَ بِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ وَ عَلَّمْتَنِي مِنْ شُكْرِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٤٢

٢٠٨٩-٢-١-الْعُمْرُ

﴿١٤٢٥﴾ الرضا عليه السلام: فَتَحَمَدُكَ نَفْسِي بِحُسْنِ الْفِعَالِ فِي الْمَنَازِلِ كُلِّهَا عَلَى خَلْقِي وَ صُورَتِي وَ هِدَايَتِي وَ رَفْعِكَ إِيَّايَ مُنْزَلَةً حَتَّى بَلَغْتَ بِي هَذَا الْيَوْمَ مِنَ الْعُمْرِ مَا بَلَغْتَ مَعَ جَمِيعِ نَعْمِكَ وَ الْأَرْزَاقِ الَّتِي أَنْتَ عِنْدِي بِهَا مَخْمُودٌ مَشْكُورٌ؛ البلد الأمين ص: ٨٣

٢٠٩٠-٢-١-الْعَمَلُ الْحَسَنُ

﴿١٤٢٦﴾ الهادي عليه السلام: لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ فَإِنْ عَمِلَ حَسَنًا زَادَادَ اللَّهُ شُكْرًا وَ إِنْ عَمِلَ سَيِّئًا اسْتَغْفَرَ اللَّهُ وَ تَابَ إِلَيْهِ؛ محاسبها لنفس ص: ١٣

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

بیماری که مرا با آن (از گناهان) رهانیدی و نعمت بیماری که به من هدیه کردی تا گناهانی را که پشت مرا سنگین کرده بود سبک نماید، و از بدی‌هایی که در آن فرو رفته‌ام پاکم سازد، و برای فراگرفتن توبه بیدارم کند و با یادآوری نعمت‌هایی که از قبل به من داده شده گناهانم را فروریزد؟

﴿۱۴۱۹﴾ خیری که شر با آن آمیخته نیست، شکر بر نعمت و صبر بر ناگواری‌هاست. و به مردی که از بیماری بهبود یافته بود فرمود: همانا خدایت تو را یاد کرد تو نیز خدا را یاد کن و از تو گذشت نمود تو نیز سپاسگزارش باش.

۸۸-۲-۱-آمرزش

﴿۱۴۲۰﴾ آدم گفت: پروردگارا، دل من به این کنیز تو حوا متمایل شده است، او را برای که خلق کرده‌ای؟ خداوند گفت: او را برای تو خلق کردم تا در دنیا زندگی کند و تو در بهشتم تنها نباشی آدم گفت: پروردگارا، او را به عقد من درآور گفت: او را به عقد تو درآوردم به این شرط که دینم را که باعث خیر است به او بیاموزی و مرا بر این نعمت شکر کنی. پس آدم راضی شد. ﴿۱۴۲۱﴾ خدایا، تو را سپاس می‌گویم بر اینکه ما را به داشتن پیامبرگرامی داشتی و قرآن را به ما آموختی و در فهم دین ما را دانا ساختی، و گوش‌های شنوا و دیده‌های بینا و دل‌های آگاه به ما ارزانی داشتی، پس ما را از سپاسگزاران قرار ده.

﴿۱۴۲۲﴾ لازم است کسی که خداوند او را هدایت فرموده و به ایمان گرامی داشته و ارشادش کرده و به او بینشی عطا کرده که نعمت‌های پروردگار را درمی‌یابد و به او علم و حکمتی بخشیده که امر دنیا و آخرت خود را تدبیر می‌کند و شکر این نعمت‌ها را به جا آورد و کفران ننماید.

﴿۱۴۲۳﴾ حمد و ستایش (مخصوص) پروردگاری است که تنهای بی‌شریک و ستایش شده است؛ او که در پادشاهی‌اش واحد است و یگانه و او که در قدرتش بلندمرتبه است و او را می‌ستایم به این دلیل که راهش را به من شناساند و اطاعتش را به من الهام کرد و از حکمت‌های نهانی‌اش به من آموخت. که همانا او در هر نعمتی که می‌دهد، مورد شکر و در بلایی که بفرستد سزاوار ستایش است.

﴿۱۴۲۴﴾ تو را به واسطه‌ی منتی که بر من نهادی و شکر تو را به من آموختی شکر و سپاس می‌گویم.

۸۹-۲-۱-عمر

﴿۱۴۲۵﴾ من در تمام احوال تو را به خاطر نیکی‌هایی که به من کرده‌ای شکر می‌کنم؛ بر خلقتم، تصویرم، هدایتم و اینکه تو مرا به درجه‌ای رفیع رسانده‌ی تا اینکه امروز به این جایگاه از عمر خود رسیدم و همراه همه‌ی نعمت‌ها و روزی‌هایی که دریافت کردم تو به خاطر همه‌ی آن‌ها نزد من شایسته ستایش و سپاسگزاری هستی.

۹۰-۲-۱-عمل نیک

﴿۱۴۲۶﴾ از ما نیست کسی که هر روز از خودش حساب نکشد پس اگر کار نیکویی کرده است بر شکر و سپاس خویش از خداوند بیافزاید و اگر گناهی مرتکب شده است از خدا آمرزش طلبد و توبه نماید.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١٠٩١-٢-١- عيسى عليه السلام

﴿١٤٢٧﴾ الكاظم عليه السلام: جَعَلَ عِيسَى عِبْرَةً لِّلْعَالَمِينَ وَفِتْنَةً لِّشُكْرِ أُولَى الْأَلْبَاب؛ الكافي ج: ١

ص: ٤٨١

١٠٩٢-٢-١- المعاش

﴿١٤٢٨﴾ وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ؛ الأعراف: الآية ١٠
 ﴿١٤٢٩﴾ الرسول عليه السلام: دَخَلْتُ أَنَا وَخَمْسَةُ رَهْطٍ مِنْ أَصْحَابِنَا يَوْمًا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَقَدْ أَصَابَتْنا مَجَاعَةٌ شَدِيدَةٌ وَلَمْ يَكُنْ دَقْنَا مِنْذُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ إِلَّا الْمَاءَ وَاللَّبَنَ وَرَقَّ الشَّجَرُ قُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ إِلَى مَتَى نَحْنُ عَلَى هَذِهِ الْمَجَاعَةِ الشَّدِيدَةِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا تَزَالُونَ فِيهَا مَا عِشْتُمْ فَأَحْدِثُوا لِلَّهِ شُكْرًا فَإِنِّي قَرَأْتُ كِتَابَ اللَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَىَّ وَعَلَى مَنْ كَانَ قَبْلِي فَمَا وَجَدْتُ مَنْ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ إِلَّا الصَّابِرُونَ؛ بحار الأنوار ج: ٧٤ ص: ٩٤

١٠٩٣-٢-١- الإعانة على الطاعة وراجع: التوفيق

﴿١٤٣٠﴾ الرسول عليه السلام: يَا أَبَا هَاشِمٍ أَيُّ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكَ تُرِيدُ أَنْ تُؤَدِّيَ شُكْرَهَا قَالَ أَبُو هَاشِمٍ فَوَجَمْتُ فَلَمْ أَذُرْ مَا أَقُولُ لَهُ فَأَبْتَدَأَنِي عليه السلام فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ رَزَقَكَ الْإِيمَانَ فَحَرِّمْ بِهِ بَدَنَكَ عَلَى النَّارِ وَرَزَقَكَ الْعَافِيَةَ فَأَعَانِكَ عَلَى الطَّاعَةِ وَرَزَقَكَ الْقُنُوعَ فَصَانِكَ عَنِ التَّبَدُّلِ؛

من لا يحضره الفقيه ج: ٤ ص: ٤٠١

١٠٩٤-٢-١- الغنمة

﴿١٤٣١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ سَرِيَّةً فَقَالَ اللَّهُمَّ إِنَّ لَكَ عَلَىَّ إِنْ رَدَدْتَهُمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ أَنْ أَشْكُرَكَ حَقَّ الشُّكْرِ قَالَ فَمَا لَبِثُوا أَنْ جَاءُوا كَذَلِكَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى سَابِغِ نِعَمِ اللَّهِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٠ ص: ٢١٤

١٠٩٥-٢-١- الغنى

﴿١٤٣٢﴾ ارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ ارْجُو وَمِنْ حَيْثُ لَا ارْجُو وَاسْتُرْنِي وَوَلَدِي وَالِدِي وَإِخْوَانِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي بِالْغِنَى وَالْعَافِيَةِ وَالشُّكْرِ عَلَيْهَا حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَى؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٣٩

﴿١٤٣٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الشُّكْرُ زِينَةُ الْغِنَى وَالصَّبْرُ زِينَةُ الْبُلُوَى؛ الإرشاد ج: ١ ص: ٣٠٠
 ﴿١٤٣٤﴾ اللَّهُمَّ وَأَنَا الدَّاعِي الَّذِي أَحْبَبْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنَا السَّائِلُ الَّذِي أَعْطَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنَا الضَّالُّ الَّذِي هَدَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنَا الضَّعِيفُ الَّذِي قَوَّيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنَا الْفَقِيرُ الَّذِي أَغْنَيْتَهُ فَلَكَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۹۱-۲-۲-۱- عیسیٰ علیہ السلام

﴿۱۴۲۷﴾ و آفرینش عیسی را عبرتی برای جهانیان و آزمایشی برای سپاسگزاری خردمندان قرار داد.

۹۲-۲-۲-۱- وسیله‌ی زندگانی

﴿۱۴۲۸﴾ و همانا ما شما فرزندان آدم را در زمین تمکین و اقتدار بخشیدیم و لوازم گذران زندگی دراختیارتان گذاردیم لیکن تعداد کمی از شما، شکر نعمت‌های خداوند را به جا می‌آورید.

﴿۱۴۲۹﴾ من و پنج دسته از یارانمان روزی بر پیامبر خدا ﷺ وارد شدیم، قحطی سختی به ما رسیده بود که چهار ماه تمام جز آب و شیر و برگ درختان چیزی نچشیده بودیم، عرض کردم: ای پیامبر خدا، تا کی ما در این قحطی به سر ببریم؟ پیامبر خدا فرمود: همیشه در این قحطی خواهید بود پس سپاسگزاری خدا را کنید، زیرا که من خواندم کتاب خدا را که بر من و پیامبران پیش از من فرود آمده پیدا نکردم در آسمان‌ها کسی را که وارد بهشت شود، مگر شکیبایان را.

۹۳-۲-۲-۱- یاری بر اطاعت و ر.به: موفق شدن به عمل نیک

﴿۱۴۳۰﴾ ای اباهاشم، می‌خواهی کدام نعمت از نعمت‌هایی را که خدا به تو بخشیده است شکر گویی؟ در این حال من سر به زیر افکندم و خاموش ماندم، زیرا نمی‌دانستم که در جواب آن امام چه بگویم، پس او خود سخن را آغاز کرد و فرمود: خداوند عزیز و جلیل ایمان را نصیب تو کرد، از این رو بدنت را بر دوزخ حرام ساخت، و سلامت را روزی‌ات کرد، از این رو تو را در طاعت خود یاری فرمود، و قناعت را نصیب تو فرمود و از این رو تو را از بی‌آبرویی مصون داشت.

۹۴-۲-۲-۱- ثروت

﴿۱۴۳۱﴾ پیامبر خدا ﷺ گروهی را برای جهاد فرستادند و گفتند: خدایا، آن‌ها را سالم و با داشتن غنیمت به منزلشان برگردان و من شکر تو را به جای خواهم آورد، پس آن‌ها بعد از چندی مراجعت کردند و پیامبر اکرم ﷺ شکر خدا را به جا آوردند.

۹۵-۲-۲-۱- توانگری

﴿۱۴۳۲﴾ پروردگارا، از جایی که امید دارم و حتی از جایی که امید ندارم به من روزی برسان و مرا و فرزندان و والدینم و برادران و خواهران دینی‌ام را در دنیا و آخرت با ثروت و بی‌نیازی و سلامتی و شکر بر آنها پوشش بده تا جایی که تو راضی شوی از من و حتی بعد از رضایت.

﴿۱۴۳۳﴾ سپاسگزاری زینت توانگری، و بردباری زینت گرفتاری و تنگدستی است.

﴿۱۴۳۴﴾ خدایا، من همانم که دعا کردم و تو اجابت نمودی، پس حمد سزاوارت هست؛ و من همانم که از تو درخواست نمودم و تو عطا کردی، پس حمد سزاوارت هست؛ و من همانم که هدایتش کردم، پس حمد سزاوارت هست؛ و من آن ضعیفم که به او توان دادی، پس حمد سزاوارت هست؛ و من آن فقیری هستم که توانگرش نمودی، پس حمد سزاوارت هست؛ و من

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

الْحَمْدُ وَآنَا الْعَارِي الَّذِي كَسَوْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَآنَا السَّقِيمُ الَّذِي شَفَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ أَجَلُ وَ
عِزَّتِكَ لَقَدْ فَعَلْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛
بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٢٨

﴿١٤٣٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضًا فَشَفَانِي وَغُرِيَانَا فَكَسَانِي وَجَائِعًا فَأَشْبَعَنِي وَ
عَطْشَانًا فَأَرْوَانِي وَذَلِيلًا فَأَعَزَّنِي وَجَاهِلًا فَعَرَّفَنِي وَوَحِيدًا فَكَثَّرَنِي وَغَائِبًا فَרَدَدَنِي وَمَقِيلًا فَأَغْنَانِي
وَمُنْتَصِرًا فَنَصَرَنِي وَغَنِيًّا فَلَمْ يَسْلُنِي وَأَمْسَكَتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَأُبْتَغِي فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ؛
البلد الأمين ص: ٢٥٥

﴿١٤٣٦﴾ الباقر عليه السلام: يَنْظُرُ الْغَنِيُّ إِلَى الْفَقِيرِ فَيَحْمَدُنِي وَيَشْكُرُنِي؛ الكافي ج: ٢ ص: ٨٠
٩٦-٢-١-التفريح

﴿١٤٣٧﴾ اللَّهُمَّ وَآنَا الطَّرِيدُ الَّذِي رَدَدْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَآنَا الْمُسَافِرُ الَّذِي صَحَبْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ
آنَا الْمُسِيءُ الَّذِي أَحْسَنْتَ إِلَيْهِ فَلَكَ الْحَمْدُ وَآنَا الْمَهْمُومُ الَّذِي فَرَّجْتَ هَمَّهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَآنَا
الْمَكْرُوبُ الَّذِي نَفَسْتَ كَرْبَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ أَجَلُ وَعِزَّتِكَ لَقَدْ فَعَلْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٢٨
٩٧-٢-١-الفرح

﴿١٤٣٨﴾ الرسول عليه السلام: أَنَّهُ دَخَلَ النَّبِيُّ عليه السلام يَوْمًا إِلَى فَاطِمَةَ عليها السلام فَهَيَّاتْ لَهُ طَعَامًا مِنْ تَمْرٍ وَ
قُرْصٍ وَسَمْنٍ فَاجْتَمَعُوا عَلَى الْأَكْلِ هُوَ وَعَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَالحَسَنُ وَالحُسَيْنُ عليهم السلام فَلَمَّا أَكَلُوا
سَجَدَ رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام وَأَطَالَ سُجُودَهُ ثُمَّ بَكَى ثُمَّ ضَحِكَ وَجَلَسَ وَكَانَ أَجْرَاهُمْ فِي الْكَلَامِ
عَلَى عليه السلام فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ رَأَيْنَا فِيكَ الْيَوْمَ مَا لَمْ نَرَهُ قَبْلَ ذَلِكَ فَقَالَ إِنِّي لَمَّا أَكَلْتُ مَعَكُمْ
فَرَحْتُ وَ سُرَرْتُ بِسَلَامَتِكُمْ فَسَجَدْتُ لِلَّهِ تَعَالَى شُكْرًا فَهَبَطَ جِبْرِيلُ يَقُولُ سَجَدْتَ شُكْرًا
لِفَرَحِكَ بِأَهْلِكَ فَقُلْتُ نَعَمْ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٠ ص: ٢٧٥
٩٨-٢-١-الفضل

﴿١٤٣٩﴾ وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمِنْ كُلِّ تَأْكُلُونَ
لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حَبَاتٍ تَلْبَسُوهَا وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَاحِرُ لِيَتَبَغَّوْا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛
فاطر: الآية ١٢

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

آن عریانی هستم که بر او لباس پوشاندی، پس حمد سزاوار توست؛ و من آن بیماری هستم که شفایش دادی، پس حمد سزاوار توست؛ آری به عزت سوگند که این لطفها را تو درحق من رواداشته‌ای، پس حمد سزاوار توست؛ بر محمد و آلش درود فرست و مرا از قدرشناسان و شکرگزاران خودت قرار ده.

﴿۱۴۳۵﴾ ای کسی که در حال بیماری او را خواندم مرا شفا داد، در حال برهنگی او را خواندم، مرا پوشاند، در گرسنگی صدایش کردم، سیرم کرد، در حال تشنگی خواندمش، سیرآبم نمود؛ در حال خواری صدایش کردم، عزیزم کرد؛ درحالی که نادان بودم صدایش زدم مرا دانا کرد؛ در حال تنهایی او را خواندم، مرا از تنهایی درآورد؛ در دوری از دوستان صدایش کردم مرا به دوستان بازگرداند؛ در حال احتیاج خواندمش، مرا بی‌نیاز کرد؛ یاری خواستم یاری‌ام کرد و آنگاه که بی‌نیاز شدم از من بازنگرفت؛ و از همه‌ی آنها دست برداشتم و هیچ کاری نکردم ولی او دوباره نعمت‌دادنش را بر من آغاز نمود پس حمد و شکر سزاوارتوست.

﴿۱۴۳۶﴾ دارا به فقیر نگاه می‌کند و مرا سپاس می‌گوید و شکر می‌کند.

۹۶-۲-۱-رهانشدن از غم

﴿۱۴۳۷﴾ خدایا، و من آن رانده شده‌ای هستم که تو او را بازگرداندی، پس حمد سزاوار توست؛ و من آن مسافری هستم که تو همنشین او شدی، پس حمد سزاوار توست؛ و من آنم که بد کردم و تو به او نیکی کردی، پس حمد سزاوار توست؛ و من آن غمگینم که تو اندوهش را برطرف کردی، پس حمد سزاوار توست؛ و من آن اندوهگینم که تو حزنش را زدودی، پس حمد سزاوار توست؛ آری به عزت سوگند که این لطفها را تو درحق من رواداشته‌ای پس حمد سزاوار توست؛ بر محمد و آلش درود فرست و مرا از قدرشناسان و شکرگزاران خودت قرار ده.

۹۷-۲-۱-شادی

﴿۱۴۳۸﴾ داخل شد روزی پیامبر خدا ﷺ به خانه‌ی فاطمه علیها السلام وارد شد و حضرت زهرا علیها السلام برای پیامبر صلی الله علیه و آله غذایی از خرما و نان و روغن درست کرد و اهل خانه که شامل پیامبر صلی الله علیه و آله و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام بود برای صرف غذا جمع شدند، پس از آنکه غذا را خوردند، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سجده کردند و سجده را طولانی نمودند، سپس گریستند و بعد از آن خندید و نشست آنگاه علی علیه السلام آغاز به سخن نمود که: ای پیامبر خدا، امروز از شما حالتی و کاری را دیدیم که پیش از آن ندیده بودیم، پس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانا من هنگامی که به همراه شما غذا خوردم، شاد و از سلامتی شما خشنود گشتم پس از بابت شکرگزاری به پیشگاه خدای تعالی سجده کردم، پس آنگاه جبرئیل نازل شد و گفت: به جهت شکر و خوشحالی برای سلامت خانواده‌ات سجده کردی؟ من پاسخ دادم: آری.

۹۸-۲-۱-لطف

﴿۱۴۳۹﴾ دو دریا یکسان نیستند: این یکی دریایی است که آبش گوارا و شیرین و نوشیدنش خوشگوار است، و آن یکی شور و تلخ و گلوگیر (اما) از هردو گوشتی تازه می‌خورید و وسایل زینتی استخراج کرده می‌پوشید و کشتی‌ها را در آن می‌بینی که آنها را می‌شکافند (و به‌سوی مقصد پیش می‌روند) تا از فضل خداوند بهره‌گیرید، و شاید شکر (نعمت‌های او را) به‌جا آورید.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٤٤٠﴾ اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لَتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛

الجاثية: الآية ١٢

﴿١٤٤١﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيَذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا

مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ الروم: الآية ٤٦

﴿١٤٤٢﴾ وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛

القصص: الآية ٧٣

﴿١٤٤٣﴾ وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِيَأْكُلُوا مِنْهُ حُلْمًا وَطَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَبْلَةً حَلِيقَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى

الْفُلُكَ مَوَازِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ النحل: الآية ١٤

﴿١٤٤٤﴾ الْعَسْكَرِيُّ عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ بِهِ عَلَيْنَا وَذَكَرْنَا بِهِ مِنْ خَيْرٍ فِي كُتُبِ الْأَوَّلِينَ

قَبْلَ أَنْ نَكُونَ فِيهِ هَذَا إِيْجَابُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى شِيعَتِهِمْ أَنْ يَشْكُرُوهُ بِمَا فَضَّلَهُمْ؛

بحار الأنوار ج: ٢٦ ص: ٢٧٤

﴿١٤٤٥﴾ الزَّهْرَاءُ عليها السلام: اسْتَدْعَى الشُّكُورُ بِإِفْضَالِهَا وَإِسْتَحْمَدَ إِلَى الْخَلَائِقِ بِإِجْزَالِهَا؛ دلائل الإمامة

ص: ٣٠

﴿١٤٤٦﴾ أَكْثَرَ أَنْ تَنْظُرَ إِلَى مَنْ فَضَّلْتَ عَلَيْهِ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ أَبْوَابِ الشُّكْرِ؛ شرح نهج البلاغة ج: ١٨

ص: ٤١

﴿١٤٤٧﴾ ابوطالب عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَوْثَقَنَا وَلَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَعْطَانَا وَمَا بِهِ حَبَانَا وَ

فَضَّلَنَا عَلَى الْأَنَامِ وَعَصَمَنَا عَنِ الْحَرَامِ وَأَمَرَنَا بِالْمُقَارَنَةِ وَالْوَصْلِ وَذَلِكَ لِيَكْثُرَ مِنَّا النَّسْلُ؛

مستدرک الوسائل ج: ١٤ ص: ٢٠٣

﴿١٤٤٨﴾ الباقر عليه السلام: اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي... شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ نِعْمَاتِكَ ذَاكِرَةً لِسَائِغِ آثَاكَ؛

بحار الأنوار ج: ٩٧ ص: ٢٦٦

﴿١٤٤٩﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ وَمَا أَعْطَيْتَنَا مِنْ عَطَاءٍ أَوْ فَضَّلْتَنَا بِهِ مِنْ فَضِيلَةٍ أَوْ أَكْرَمْتَنَا بِهِ مِنْ

كَرَامَةٍ فَأَعْطِنَا مَعَهُ شُكْرًا يَقْهَرُهُ وَيَذْمُغُهُ؛ تهذيب الأحكام ج: ٣ ص: ٩٣

﴿١٤٥٠﴾ الْعَسْكَرِيُّ عليه السلام: فَمَا زَالَ حَتَّى جَاءَتْ عَشْرُ سَحَابَاتٍ وَعَبَّرَتْ وَيَقُولُ عَلَى بَنِي مُوسَى

الرِّضَا عليه السلام: فِي كُلِّ وَاحِدَةٍ عَلَى رِسْلِكُمْ لَيْسَتْ هَذِهِ لَكُمْ إِنَّمَا هِيَ لِأَهْلِ بَلَدٍ كَذَا ثُمَّ أَقْبَلَتْ

سَحَابَةٌ حَادِيَةٌ عَشْرَ فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ هَذِهِ بَعَثَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَكُمْ فَاشْكُرُوا اللَّهَ تَعَالَى عَلَى

تَفَضُّلِهِ عَلَيْكُمْ؛ بحار الأنوار ج: ٤٩ ص: ١٨٠

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۴۴۰﴾ خداوند همان کسی است که دریا را مسخر شما کرد تا کشتی‌ها به فرمانش در آن حرکت کنند و بتوانید از فضل او بهره گیرید باشد که شکر نعمت‌هایش را به‌جا آورید.

﴿۱۴۴۱﴾ و از آیات عظمت خدا این است که باده‌ها را به عنوان بشارت دهندگانی می‌فرستد تا شما را از رحمتش بچشانند (و سیراب کند) و کشتی‌ها به فرمانش حرکت کنند و از فضل او بهره گیرید باشد که شکرگزاری کنید.

﴿۱۴۴۲﴾ و از رحمت اوست که برای شما شب و روز قرار داد تا هم در آن آرامش داشته باشید و هم برای بهره‌گیری از فضل خدا تلاش کنید، و شاید شکر نعمت او را به‌جا آورید

﴿۱۴۴۳﴾ او کسی است که دریا را مسخر (شما) ساخت تا از آن، گوشت تازه بخورید و زیوری برای پوشیدن (مانند مروارید) از آن استخراج کنید و کشتی‌ها را می‌بینی که سینه‌ی دریا را می‌شکافند تا شما (به تجارت پردازید و) از فضل خدا بهره گیرید شاید شکر نعمت‌های او را به‌جا آورید.

﴿۱۴۴۴﴾ ستایش خدا را به خاطر نعمت‌هایی که به ما ارزانی داشته و ما را در کتاب‌های پیشینیان قبل از اینکه وجود داشته باشیم به نیکی یاد کرده در این مطلب برای محمد و خاندانش و شیعیان آن‌ها ضروری است که از او به خاطر فضیلتی که به ایشان بخشیده است سپاسگزاری کنند.

﴿۱۴۴۵﴾ خداوند از آفریدگان شکر می‌خواهد که نعمت بیشتری بدهد و حمد و سپاس می‌طلبد تا نعمت‌های بزرگ عطا کند.

﴿۱۴۴۶﴾ به کسی که از او بیشتر نعمت دریافت کرده‌ای بسیار نگاه کن و بیندیش که این عمل از دروازه‌های شکر است.

﴿۱۴۴۷﴾ سپاس مخصوص خداست به خاطر آنچه به ما بخشیده و شکر به خاطر آنچه به ما عطا کرد و ما را بر مردم برتری داد و از حرام بازمان داشت و به ازدواج امرمان نمود تا بدین‌وسیله نسلمان تکثیر شود.

﴿۱۴۴۸﴾ پروردگارا، نفسم را... در مقابل نعمت‌های بزرگت شاکر و نسبت به نعمت‌های کامل‌ت ذاکر و متوجه قرار بده.

﴿۱۴۴۹﴾ پروردگارا! (قسم به) آنچه از بخشش‌هایت که به ما عطا کردی و لطف‌هایی که به ما روا داشتی، و یا تکریم‌هایی که از ما کردی پس به ما توفیق شکری بده که با آن بر شیطان چیره شوم و بینی او را به خاک بمالیم.

﴿۱۴۵۰﴾ تا ده ابر آمد و رد شد، حضرت رضا علیه السلام می‌فرمود: صبر کنید، این ابر مربوط به شما نیست برای فلان ناحیه است تا ابر یازدهم آمد فرمود: این یکی را خدا برای شما فرستاده بر لطف و نعمت خدا شکر کنید.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٤٥١﴾ الرسول ﷺ: قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ إِلَى آخِرِ الْآيَةِ فَمَاذَا أَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ نَبِيَّكُمْ أَمْ سُلَيْمَانُ ﷺ فَقَالُوا بَلَى نَبِينَا ﷺ أَكْرَمَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ فَوَصَّى نَبِيَّكُمْ أَكْرَمَ مَنْ وَصَّى سُلَيْمَانُ وَإِنَّمَا كَانَ عِنْدَ وَصِيِّ سُلَيْمَانِ ﷺ مِنَ اسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ حَرْفٌ وَاحِدٌ فَسَأَلَ اللَّهُ جَلَّ اسْمُهُ فَخَسَفَ لَهُ الْأَرْضُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ سَرِيرِ بَلْقَيْسَ فَتَنَاولَهُ فِي أَقْلٍ مِنْ طَرْفِ الْعَيْنِ وَعِنْدَنَا مِنْ اسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ اثْنَانِ وَسَبْعُونَ حَرْفًا وَحَرْفٌ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى اسْتَأْثَرَ بِهِ ذُنَّ خَلْقِهِ؛ بحار الأنوار ج: ١٤ ص: ١٠٩

﴿١٤٥٢﴾ الحسين ﷺ: لَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا آلَهُمْ، وَ الثَّنَاءُ بِمَا قَدَّمَ مِنْ غُثِّ نِعَمٍ ابْتَدَأَهَا، وَ شُبُوحُ آلَاءِ أَسْدَاهَا، وَ إِحْسَانُ مَنَنِ وَالْأَهْلِ، جَمَّ عَنْ الْإِحْصَاءِ عَدْدُهَا، وَ نَأَى عَنِ الْمَجَازَةِ أَمْدُهَا، وَ تَفَاوَتْ عَنِ الْإِذْرَاقِ أَمَالُهَا، وَ اسْتَنَّتِي الشُّكْرُ بِفَضَائِلِهَا؛ بحار الأنوار ج: ٢٩ ص: ٢٣٩

﴿١٤٥٣﴾ الرضا ﷺ: وَ أَشْكُرُوا اللَّهَ عَلَى فَضْلِهِ عَلَيْكُمْ؛ دلائل الإمامة ص: ١٩٥
 ﴿١٤٥٤﴾ الهادي ﷺ: وَ إِنَّ عَلِيًّا لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ. وَ إِنَّ وَلَاتِيَهُ لَحَقَّ الْيَقِينُ. فَسَبِّحْ يَا مُحَمَّدٌ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ يَقُولُ أَشْكُرُ رَبِّكَ الْعَظِيمِ الَّذِي آعْطَاكَ هَذَا الْفَضْلَ؛ الكافي ج: ١ ص: ٤٣٢
 ﴿١٤٥٥﴾ أَحْمَدُكَ اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ وَ أَشْكُرُكَ وَ أَنْتَ لِلشُّكْرِ أَهْلٌ عَنْ حُسْنِ صَنِيعِكَ إِلَيَّ وَ سَوَائِغِ نِعَمِكَ عَلَيَّ وَ جَزِيلِ عَطَائِكَ لَدَيَّ وَ عَلَى كُلِّ مَا فَضَّلْتَنِي بِهِ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ أَسْبَغْتَ عَلَيَّ مِنْ نِعَمَتِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٢١

١-٢-٢٠٩٩- فضيلة النبي ﷺ و أهل بيته ﷺ و راجع: الولاية
 ﴿١٤٥٦﴾ ابن عباس رضيهما ﷺ: فَيَرْفَعُونَ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ أَصْوَاتَهُمْ بِالتَّسْبِيحِ وَ التَّهْلِيلِ وَ الثَّنَاءِ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ شُكْرِهِ بِمَا فَعَلَ بِأُمَّةٍ مُحَمَّدٍ ص؛ مستدرک الوسائل ج: ٧ ص: ٤٦٠
 ﴿١٤٥٧﴾ الصادق ﷺ: صَلَاةُ يَوْمِ الْغَدِيرِ عَنِ الصَّادِقِ ﷺ رَكْعَتَانِ قَبْلَ الزَّوَالِ يَنْصُفُ سَاعَةً شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى عَلَى مَا مِنْ سُبْحَانَهُ عَلَى عَلِيِّ ﷺ وَ خَصَّهُ بِهِ وَ تُصَلِّيَ جَمَاعَةً فِي الصَّخْرَاءِ بَعْدَ أَنْ يَخْطُبَ الْإِمَامُ بِهِمْ وَ يُعَرِّفَهُمْ فَضْلَ الْيَوْمِ فَإِذَا انْقَضَتِ الْخُطْبَةُ تَصَافَحُوا وَ تَهَانَوْا؛ المصباح للكفعمي ص: ٤١٢

﴿١٤٥٨﴾ العسكري ﷺ: إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مِنَ الْحِسَابِ مَا لَا يَبْلُغُهُ عَقُولُ الْخَلْقِ إِنَّهُ يَضْرِبُ أَلْفًا وَ سَبْعِمِائَةً فِي أَلْفٍ وَ سَبْعِمِائَةً ثُمَّ مَا ارْتَفَعَ مِنْ ذَلِكَ فِي مِثْلِهِ إِلَى أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ أَلْفَ مَرَّةٍ ثُمَّ آخِرُ مَا يَرْتَفِعُ مِنْ ذَلِكَ عَدَدُ مَا يَهْبُهُ اللَّهُ لَكَ يَا عَلِيُّ فِي الْجَنَّةِ مِنَ الْقُصُورِ قَصْرٌ مِنْ ذَهَبٍ وَ قَصْرٌ مِنْ فِضَّةٍ وَ قَصْرٌ مِنْ لُؤْلُؤٍ وَ قَصْرٌ مِنْ زَبَرْجَدٍ وَ قَصْرٌ مِنْ جَوْهَرٍ وَ قَصْرٌ مِنْ نُورٍ رَبِّ الْعِزَّةِ وَ أَضْعَافُ ذَلِكَ مِنْ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۴۵۱﴾ اما کسی که دانشی از کتاب (آسمانی) داشت گفت: "پیش از آنکه چشم‌برهم‌زنی، آن را نزد تو خواهم آورد." و هنگامی که (سلیمان) آن (تخت) را نزد خود ثابت و پابرجا دید گفت: "این از فضل پروردگار من است، تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را به‌جا می‌آورم یا کفران می‌کنم." امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: از سلیمان و پیامبر شما کدام‌یک نزد خدا گرامی‌ترند؟ گفتند: البته پیامبر ما گرامی‌تر است ای امیرالمؤمنین، حضرت فرمود: پس جانشین پیامبر شما نیز گرامی‌تر از جانشین سلیمان است؛ نزد جانشین سلیمان یک حرف از اسم اعظم خدا بود و به‌وسیله‌ی آن خدا را خواند و زمین در فاصله‌ی او و تخت بلقیس درنور دیده شد و در زمانی کمتر از یک چشم‌برهم‌زدن به آن رسید، حال آنکه هفتاد و دو حرف از اسم اعظم خدا نزد ماست و فقط یک حرف می‌ماند که خدا به هیچ مخلوقی نمی‌دهد.

﴿۱۴۵۲﴾ به خاطر آنچه الهام کرده شایسته‌ی شکر است و به خاطر نعمت‌های فراگیری که پیشاپیش ارزانی داشته است و نعمت‌های کاملی که بخشیده است احسان‌هایی که عددشان از شمارش بیرون و اندازه‌شان از پاداش متناسب دادی فراتر است آرزوها از دستیابی به آن عاجزند و فقط شکر است که می‌تواند ادامه‌ی آن را جلب کند.

﴿۱۴۵۳﴾ خدارا به خاطر لطفش به شما شکر کنید.

﴿۱۴۵۴﴾ و به‌راستی که (علی ع) مایه‌ی حسرت کافران است بر؛ و به‌راستی که (ولایت او) حق‌الیقین است؛ پس (ای محمد) به نام پروردگارت که بزرگ است تسبیح بگو و می‌فرماید: "برای پروردگارت شکر کن که این فضل را به تو داده است."

﴿۱۴۵۵﴾ پروردگارا، تو را، حمد و سپاس می‌گوییم در حالی که تو سزاوارستایشی و تو را شکر می‌کنم به سبب آنکه تو لایق شکرگزاری هستی؛ زیرا تو بهترین نعمت‌های خود را به من ارزانی داشتی و لطف و احسانت را در اختیار من قرار دادی و به خاطر همه‌ی فضائل و نیکی‌ها و برجسته‌ترین نعمت‌هایت که از رحمت خود بر من مرحمت نمودی.

۹۹-۲-۱- برتری پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیتش علیهم السلام و ر.به: ولایت

﴿۱۴۵۶﴾ پس فرشتگان آسمان‌ها صدای خویش را به تسبیح "سبحان الله" و تهلیل "لا اله الا الله" و ثنای الهی برای خدای متعال بلند می‌کنند و به سبب (خدای متعال) آن را برای امت محمد صلی الله علیه و آله انجام داد. به درگاه او شکر می‌گزارند.

﴿۱۴۵۷﴾ نماز روز عید غدیر از امام صادق علیه السلام: دو رکعت نماز نیم‌ساعت قبل از ظهر به‌عنوان شکر خداوند متعال بر نعمت بزرگی که بر علی علیه السلام بخشید و فقط او را مختص به آن نمود. این نماز در صحرا بعد از آنکه امام برای مردم خطبه بخواند و فضیلت این روز را به مردم بگوید خوانده می‌شود و پس از اتمام خطبه با یکدیگر دست دهید و تبریک بگویید.

﴿۱۴۵۸﴾ یا علی علیه السلام خداوند آن‌قدر حساب می‌داند که عقل مخلوقات به آن نمی‌رسد هزار و هفتصد را در هزار و هفتصد ضرب می‌کند سپس این کار را آن‌قدر انجام می‌دهد تا هزار بار بشود و نهایت آن تعداد قصرهایی می‌شود که خداوند به تو در بهشت می‌بخشد قصری از طلا و قصری از نقره و قصری از مروارید و قصری از زبرجد و قصری از گوهر و قصری از نور

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

الْعَبِيدِ وَالْخَدَمِ وَالْخَيْلِ وَالنُّجُبِ تَطِيرُ بَيْنَ سَمَاءِ الْجَنَّةِ وَارْضِهَا فَقَالَ عَلِيُّ عليه السلام حَمْدًا لِلرَّبِّ وَ شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ١٦٥٨

﴿١٤٥٩﴾ الصادق عليه السلام: اجْتَمَعَتِ الْمَلَائِكَةُ فَقَالُوا لِلنَّبِيِّ صلى الله عليه وآله آيَنَ تَرَكْتَ أَحَاكَ وَ كَيْفَ هُوَ فَقَالَ لَهُمْ أَ تَعْرِفُونَهُ فَقَالُوا نَعَمْ نَعْرِفُهُ وَ شِيعَتَهُ وَ هُوَ نُورٌ حَوْلَ عَرْشِ اللَّهِ وَ إِنَّ فِي الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ لَرَقًّا مِنْ نُورٍ فِيهِ كِتَابٌ مِنْ نُورٍ فِيهِ اسْمُ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ الْأَئِمَّةِ عليهم السلام وَ شِيعَتِهِمْ لَا يَزِيدُ فِيهِمْ رَجُلٌ وَ لَا يَنْقُصُ مِنْهُمْ رَجُلٌ إِنَّهُ لَمِثْقَالُنَا الَّذِي أَخَذَ عَلَيْنَا وَ إِنَّهُ لَيُقْرَأُ عَلَيْنَا فِي كُلِّ يَوْمٍ جُمُعَةٍ فَسَجَدْتُ لِلَّهِ شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ١٨ ص: ٣٥٧

﴿١٤٦٠﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنْزَلَ عَلَى نَبِيِّهِ صلى الله عليه وآله كُلَّ صَلَاةٍ رَكْعَتَيْنِ فَأَضَافَ إِلَيْهَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لِكُلِّ صَلَاةٍ رَكْعَتَيْنِ فِي الْحَضَرِ وَ قَصَرَ فِيهَا فِي السَّفَرِ إِلَّا الْمَغْرِبَ وَ الْعَدَاةَ فَلَمَّا صَلَّى عليه السلام الْمَغْرِبَ بَلَغَهُ مَوْلِدُ فَاطِمَةَ عليها السلام فَأَضَافَ إِلَيْهَا رَكْعَةً شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَلَمَّا أَنْ وُلِدَ الْحَسَنُ عليه السلام أَضَافَ إِلَيْهَا رَكْعَتَيْنِ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَلَمَّا أَنْ وُلِدَ الْحُسَيْنُ عليه السلام أَضَافَ إِلَيْهَا رَكْعَتَيْنِ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَالَ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيْنِ فَتَرَكَهَا عَلَى حَالِهَا فِي الْحَضَرِ وَ السَّفَرِ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٤٥٤

﴿١٤٦١﴾ الصادق عليه السلام: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله بَشَّرَ بِالْحَسَنِ عليه السلام وَ هُوَ فِي آخِرِ تَسْبِيحِ الْمَغْرِبِ قَبْلَ الدُّعَاءِ فَقَامَ مِنْ وَفْتِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَتَكَلَّمَ أَوْ يَصْنَعَ شَيْئًا فَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ جَعَلَهُمَا شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى عَلَى سَلَامَةِ فَاطِمَةَ عليها السلام وَ وَلَادَتِهَا الْحَسَنَ عليه السلام ثُمَّ دَعَا بَعْدَ الرُّكْعَتَيْنِ وَ عَقَّبَ بِسُجْدَتَي الشُّكْرِ وَ التَّعْفِيرِ بَيْنَهُمَا وَ كَانَ ذَلِكَ سَنَةً حَتَّى وُلِدَ الْحُسَيْنُ عليه السلام فَجَاءَ الْبَشِيرُ بِهِ وَ قَدْ صَلَّى هَاتَيْنِ الرُّكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ وَ هُوَ فِي آخِرِ تَسْبِيحِهِ فَقَامَ مِنْ غَيْرِ تَعْقِيبٍ فَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ جَعَلَهُمَا شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى ثُمَّ عَقَّبَ بِالْدُّعَاءِ بَعْدَهُمَا وَ سَجَدَ؛ المقنعة ص: ١١٧

﴿١٤٦٢﴾ الباقر عليه السلام: أَنَّ عَلِيًّا عليه السلام دَخَلَ الْحِصْنَ فَأَقْبَلَ رَسُولُ اللَّهِ فَخَرَجَ عَلَيَّ عليه السلام يَتَلَقَّاهُ فَقَالَ صلى الله عليه وآله بَلَّغْنِي نَبُوءَكَ الْمَشْكُورَ؛ بحار الأنوار ج: ٢١ ص: ٢٢

﴿١٤٦٣﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ فِي الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ لَرَقًّا مِنْ نُورٍ فِيهِ كِتَابٌ مِنْ نُورٍ فِيهِ اسْمُ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ الْأَئِمَّةِ وَ شِيعَتِهِمْ لَا يَزِيدُ فِيهِمْ رَجُلٌ وَ لَا يَنْقُصُ مِنْهُمْ رَجُلٌ إِنَّهُ لَمِثْقَالُنَا الَّذِي أَخَذَ عَلَيْنَا وَ إِنَّهُ لَيُقْرَأُ عَلَيْنَا فِي كُلِّ يَوْمٍ جُمُعَةٍ فَسَجَدْتُ لِلَّهِ شُكْرًا؛ الكافي ج: ٣ ص: ٤٨٤

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

پروردگارت و چندین برابر آن غلام و خدم و حشم و ندیم که بین آسمان و زمین بهشت پرواز می‌کنند، همه را به تو عطا می‌نماید پس علی علیه السلام گفت: حمد و شکر پروردگارم را سزااست. ﴿۱۴۵۹﴾ فرشتگان جمع شدند و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کردند: برادرت را در کجا ترک کردی و حال او چگونه است؟ حضرت به ایشان فرمود: مگر شما هم او را می‌شناسید؟ عرضه داشتند: آری، او و شیعیانش را می‌شناسیم، او (یعنی علی علیه السلام) نوری است که اطراف عرش خداست و در بیت المعمور پارچه و جلد نازکی از نور هست که با خط نور در آن، نام محمد و علی و حسن و حسین علیهم السلام و امامان و شیعیانشان، بدون اینکه نام یکی از ایشان کم یا زیاد شده باشد نوشته شده است، همانا از ما بر پذیرش ولایت او پیمان گرفته‌اند و در هر جمعه آن را برای ما مجدداً می‌خوانند، و من (از شنیدن این خبر) سجده‌ی شکر کردم.

﴿۱۴۶۰﴾ همانا خداوند تبارک و تعالی همه‌ی نمازها را بر پیامبر خود دو رکعتی فرو فرستاد، و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به هر نماز در حضر دو رکعت افزود و در سفر آن دو رکعت را حذف کرده و نماز را به صورت اولیه باقی گذاشت، مگر نماز مغرب و نماز صبح را، خبر ولادت حضرت فاطمه علیها السلام را برای پیامبر صلی الله علیه و آله آوردند پس از شکرگزاری به پیشگاه خداوند عزیز و جلیل به پاس مولود به دنیا آمده یک رکعت به نماز مغرب افزود، زمانی که حضرت امام حسن علیه السلام به دنیا آمد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای شکرگزاری به درگاه خداوند متعال دو رکعت نافله‌ی مغرب را افزود، و زمانی که امام حسین علیه السلام متولد شد باز به عنوان شکرگزاری دو رکعت دیگر به نافله‌ی شام افزود و این آیه را تلاوت فرمود: " برای هر پسر برابر بهره و نصیب دو دختر است "، پس این نمازها را در وطن و در سفر همچنان به حال خود باقی گذاشت.

﴿۱۴۶۱﴾ بشارت تولد امام حسن علیه السلام را به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دادند و ایشان در آخرین تسبیح نماز مغرب قبل از دعا بودند، حضرت بدون آنکه صحبتی کنند و یا کاری انجام دهند برخاستند و دو رکعت نماز به شکرانه‌ی سلامتی حضرت فاطمه علیها السلام و به دنیا آوردن امام حسن علیه السلام خواندند و سپس دعا نمودند و دو سجده‌ی شکر به جای آوردند و بین دو سجده، گونه بر خاک نهادند و این کار سنت بود تا اینکه حسین علیه السلام به دنیا آمد و پیک خبر را درحالی به پیامبر داد که آن حضرت دو رکعت نماز را بعد از نماز مغرب خوانده بودند و در آخرین تسبیح بودند؛ پس بدون آنکه تعقیبی انجام دهند برخاستند و دو رکعت نماز برای سپاس از خدا به جای آوردند و سپس دعا نمودند و سجده کردند.

﴿۱۴۶۲﴾ علی بن ابی طالب علیه السلام قلعه‌های یهودیان را گشود در این هنگام حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله به طرف حصار تشریف فرما شدند علی بن ابی طالب علیه السلام از آن جناب استقبال کرد، پیامبر فرمود: اخبار موفقیتت به من رسید و من قدردان هستم.

﴿۱۴۶۳﴾ در بیت المعمور لایه‌ی نازکی از نور هست که با خط نور در آن نام محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و امامان و شیعیانشان بدون اینکه نام یکی از ایشان کم یا زیاد شده باشد نوشته شده است، این میثاق و پیمانی است که از ما گرفته‌اند و در هر روز جمعه بر ما قرائت می‌نمایند. پس من به سجده‌ی شکر افتادم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٤٦٤﴾ الصادق عليه السلام: بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي سَفَرٍ إِذْ نَزَلَ فَسَجَدَ خَمْسَ سَجَدَاتٍ فَلَمَّا رَكِبَ قَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ رَأَيْنَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَنَعْتَ مَا لَمْ تَكُنْ تَصْنَعُهُ قَالَ نَعَمْ أَتَانِي جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَبَشَّرَنِي أَنَّ عَلِيًّا فِي الْجَنَّةِ فَسَجَدْتُ شُكْرًا لِلَّهِ فَلَمَّا رَفَعْتُ رَأْسِي قَالَ وَفَاطِمَةُ فِي الْجَنَّةِ فَسَجَدْتُ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى فَلَمَّا رَفَعْتُ رَأْسِي قَالَ وَالحَسَنُ وَالحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَسَجَدْتُ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى فَلَمَّا رَفَعْتُ رَأْسِي قَالَ وَ مَنْ يُحِبُّهُمْ فِي الْجَنَّةِ فَسَجَدْتُ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى فَلَمَّا رَفَعْتُ رَأْسِي قَالَ وَ مَنْ يُحِبُّ مَنْ يُحِبُّهُمْ فِي الْجَنَّةِ فَسَجَدْتُ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى؛ بحار الأنوار ج: ٦٥ ص: ١١١

﴿١٤٦٥﴾ الرسول ﷺ: ثُمَّ قَالَ لِي الْجَلِيلُ جَلَّ جَلَالُهُ يَا مُحَمَّدُ مَنْ تُحِبُّ مِنْ خَلْقِي قُلْتُ أَحِبُّ الَّذِي تُحِبُّهُ أَنْتَ يَا رَبِّي فَقَالَ لِي جَلَّ جَلَالُهُ فَأَحِبَّ عَلِيًّا فَإِنِّي أَحِبُّهُ وَأَحِبُّ مَنْ يُحِبُّهُ وَأَحِبُّ مَنْ أَحَبَّ مَنْ يُحِبُّهُ فَخَرَرْتُ لِلَّهِ سَاجِدًا مُسَبِّحًا شَاكِرًا لِرَبِّي تَبَارَكَ وَ تَعَالَى؛ بحار الأنوار ج: ١٨ ص: ٣٩٧

﴿١٤٦٦﴾ الصادق عليه السلام: ثُمَّ لَتُسْتَلَنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ... فَمَا النَّعِيمُ قَالَ حُبُّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ عَثَرَتِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَسْأَلُهُمُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَيْفَ كَانَ شُكْرُكُمْ لِي حِينَ أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ بِحُبِّ عَلِيٍّ وَ عَثَرَتِهِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٦ ص: ٢٤٨

﴿١٤٦٧﴾ الرسول ﷺ: خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَاتَّبَعْتُهُ حَتَّى دَخَلَ نَخْلًا فَسَجَدَ وَ أَطَالَ السُّجُودَ حَتَّى خِفْتُ أَوْ خَشِيتُ أَنْ يَكُونَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ تَوَفَّاهُ وَ قَبَضَهُ فَجِئْتُ أَنْظُرُ فَرَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ مَا لَكَ يَا عَبْدَ الرَّحْمَنِ قَالَ فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لَهُ قَالَ فَقَالَ لِي إِنَّ جَبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِي أَلَا أُبَشِّرُكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ لَكَ مَنْ صَلَّى عَلَيْكَ صَلَّيْتُ عَلَيْهِ وَ مَنْ سَلَّمَ عَلَيْكَ سَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَسَجَدْتُ لِلَّهِ شُكْرًا؛ كشف الغمة ج: ١ ص: ٢٨

﴿١٤٦٨﴾ الرسول ﷺ: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيَّ قَالَ يَا سَلْمَانُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا وَ لَا رَسُولًا إِلَّا جَعَلَ لَهُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ عَرَفْتُ هَذَا مِنَ الْكِتَابَيْنِ قَالَ يَا سَلْمَانُ فَهَلْ عَلِمْتَ نَقِيبَاتِي الْاثْنَيْ عَشَرَ الَّذِينَ اخْتَارَهُمُ اللَّهُ لِلْإِمَامَةِ مِنْ بَعْدِي فَقُلْتُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ يَا سَلْمَانُ خَلَقَنِي اللَّهُ مِنْ صَفَاءِ نُورِهِ فَدَعَانِي فَأَطَعْتُهُ وَ خَلَقَ مِنْ نُورِي عَلِيًّا فَدَعَاهُ إِلَى طَاعَتِهِ فَأَطَاعَهُ وَ خَلَقَ مِنْ نُورِي وَ نُورَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَاطِمَةُ فَدَعَاها فَأَطَاعَتْهُ وَ خَلَقَ مِنِّي وَ مِنْ عَلِيٍّ وَ مِنْ فَاطِمَةَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ فَدَعَاها فَأَطَاعَاهُ فَسَمَّانا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِخَمْسَةِ أَسْمَاءٍ مِنْ أَسْمَائِهِ فَاللَّهُ الْمَحْمُودُ وَ أَنَا مُحَمَّدٌ وَ اللَّهُ الْعَلِيُّ وَ هَذَا عَلِيٌّ وَ اللَّهُ فَاطِرٌ وَ هَذِهِ فَاطِمَةُ وَ اللَّهُ الْإِحْسَانُ وَ هَذَا الْحَسَنُ وَ اللَّهُ الْمُحْسِنُ وَ هَذَا الْحُسَيْنُ ثُمَّ خَلَقَ مِنْ نُورِ الْحُسَيْنِ تِسْعَةَ أَيْمَةٍ فَدَعَاها فَأَطَاعُوهُ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ سَمَاءً

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۴۶۴﴾ پیامبر خدا ﷺ در سفری، از مرکب خود پیاده شد و پنج مرتبه به سجده افتاد. چون سوار مرکب شد یکی از یارانش عرض کرد: ما کاری از شما دیدیم که تاکنون مثل آن را از شما ندیده بودیم فرمود: آری، جبرئیل علیه السلام نزد من آمده و مرا بشارت داد که علی اهل بهشت است، من به شکرانه‌ی این نعمت به پیشگاه خدای متعال سجده آوردم، چون سر برداشتم گفت: فاطمه هم اهل بهشت است، من به شکرانه‌ی آن نیز سجده آوردم، چون سر برداشتم گفت: حسن و حسین دو سرور جوانان بهشتی‌اند. باز هم به شکرانه‌ی آن سجده کردم، چون سر برداشتم گفت: هر که ایشان را دوست بدارد نیز اهل بهشت است، من به شکرانه‌ی آن سجده کردم، چون سر برداشتم گفت: هر که دوست دوستان ایشان باشد اهل بهشت است، و من به شکرانه‌ی آن نیز سجده نمودم.

﴿۱۴۶۵﴾ سپس خداوند جلیل و با جلالیت به من فرمود: ای محمد ﷺ، از میان بندگانم چه کسی را دوست می‌داری؟ گفتم: او را که تو او را دوست می‌داری ای پروردگارم. پس خدای باجلالت به من فرمود: علی علیه السلام را دوست بدار که من او را دوست دارم و آن که او را دوست بدارد، دوست می‌دارم و دوست می‌دارم آن که دوستدار او را دوست بدارد؛ پس به درگاه خداوند سجده کردم و تسبیح کردم و شکر پروردگار تبارک و تعالی را به جا آوردم.

﴿۱۴۶۶﴾ سپس در آن روز از آنان درباره‌ی نعمت سؤال خواهد شد، پس نعمت چیست؟ فرمود: همان محبت امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب است و خاندانش علیه السلام خدای تعالی در روز قیامت ایشان را مورد سؤال قرار می‌دهد، هنگامی که نعمت حبّ و دوستی علی بن ابی‌طالب و عترتش به شما عطا کردم شکر آن را چگونه ادا کردید؟

﴿۱۴۶۷﴾ روزی پیامبر خدا ﷺ بیرون تشریف بردند درحالی که من در عقب آن حضرت می‌رفتم ایشان به نخلستانی رفتند و سجده کردند و آن سجده بسیار طول کشید که من از آن ترسیدم که مبدا اتفاقی رخ داده که منجر به فوت و قبض روح آن حضرت شده باشد؛ نزدیک شدم که حضرت را مشاهده کنم، آن حضرت سر برداشت و گفت که تو را چه شده ای عبدالرحمن، آنچه را که در خاطر داشتم عرض کردم، فرمود: که جبرئیل علیه السلام نازل گشت و گفت که بشارت باد تو را که خداوند باجلالت و بلندمرتبه می‌فرماید: "یا محمد هر که بر تو درود فرستد من بر او درود می‌فرستم، و هر که بر تو سلام کند من بر او سلام کنم"؛ به شکرانه‌ی این خبر سجده‌ی طولانی اختیار کردم.

﴿۱۴۶۸﴾ خدمت پیامبر اکرم ﷺ رسیدم همین که چشمش به من افتاد فرمود: خداوند هیچ پیامبر و یا رسولی را نفرستاد مگر اینکه برای او دوازده نقیب قرار داد، عرض کردم من این مطلب را در تورات و انجیل نیز دیده‌ام. فرمود: سلمان آیا نقیبان دوازده‌گانه‌ی مرا که برای امامت و رهبری بعد از من برگزیده شده‌اند می‌شناسی عرض کردم: خدا و پیامبرش بهتر می‌دانند، فرمود سلمان! خداوند مرا از صفای نور خود آفرید، دعوتم کرد اطاعت نمودم، از نور من علی را آفرید او را دعوت به اطاعت خود کرد پذیرفت، از نور من و علی فاطمه را آفرید او را نیز دعوت کرد اطاعت نمود از من و علی و فاطمه حسن و حسین را آفرید آن دو را خواند هر دو اجابت کردند ما را به پنج اسم از اسم‌های خود نامید خداوند محمود است و من محمد او علی و این هم علی او فاطر است و این فاطمه خداوند صاحب احسان است و این حسن او محسن است و این حسین. آنگاه از نور حسین نه نفر امام آفرید آن‌ها را دعوت کرد پذیرفتند، این‌ها قبل از آن بود که آسمان

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

مَنْبِيَّةٌ أَوْ أَرْضاً مَدْحِيَّةً أَوْ هَوَاءً أَوْ مَاءً أَوْ مَلَكاً أَوْ بَشِراً وَكُنَّا بِعِلْمِهِ أَنْوَاراً نُسَبِّحُهُ وَنَسْمَعُ لَهُ وَنُطِيعُ فَقَالَ سَلْمَانُ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ بَابِي أَنْتَ وَأُمِّي مَا لِمَنْ عَرَفَ هَؤُلَاءِ فَقَالَ يَا سَلْمَانُ مَنْ عَرَفَهُمْ حَقَّ مَعْرِفَتِهِمْ وَاقْتَدَى بِهِمْ فَوَالِي وَلِيَّهُمْ وَتَبَرَّأَ مِنْ عَدُوِّهِمْ فَهُوَ وَاللَّهُ مِنَّا يَرُدُّ حَيْثُ نَرُدُّ وَ يَسْكُنُ حَيْثُ نَسْكُنُ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ يَكُونُ إِيْمَانُ بِهِمْ بَغْيُ مَعْرِفَتِهِمْ وَ أَسْمَائِهِمْ وَ أَنْسَابِهِمْ فَقَالَ لَا يَا سَلْمَانُ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَأَنَّى لِي بِهِمْ قَالَ قَدْ عَرَفْتُ إِلَى الْحُسَيْنِ ثُمَّ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ عَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ ثُمَّ ابْنُهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بَاقِرُ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ ثُمَّ ابْنُهُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ لِسَانُ اللَّهِ الصَّادِقُ ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ الْكَاطِمُ غَيْظُهُ صَبْرًا فِي اللَّهِ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا لِأَمْرِ اللَّهِ ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْجَوَادُ الْمُخْتَارُ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْهَادِي إِلَى اللَّهِ ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الصَّامِتُ الْأَمِينُ الْعَسْكَرِيُّ ثُمَّ ابْنُهُ حُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ الْمَهْدِيُّ النَّاطِقُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ اللَّهِ قَالَ سَلْمَانُ فَسَكَتُ ثُمَّ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ادْعُ اللَّهَ لِي بِإِذْرَاكَهُمْ قَالَ يَا سَلْمَانُ إِنَّكَ مُذَرِّكُهُمْ وَ أَمْثَالُكَ وَ مَنْ تَوَلَّاهُمْ بِحَقِيقَةِ الْمَعْرِفَةِ قَالَ سَلْمَانُ فَشَكَرْتُ اللَّهَ كَثِيراً؛ بحار الأنوار ج: ٢٥ ص: ٦

﴿١٤٦٩﴾ الصادق عليه السلام: سألتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام عَنْ سَجْدَةِ الشُّكْرِ الَّتِي سَجَدَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام مَا كَانَ سَبَبُهَا فَذَكَرَ حَدِيثاً طَوِيلاً فِي آخِرِهِ أَنَّ جَبْرِئِيلَ عليه السلام نَزَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ هَذَا ابْنُ عَمِّكَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ قَالَ إِنْ قَالَ إِنْ قَالَ اللَّهُ جَعَلَكَ سَيِّدَ الْأَنْبِيَاءِ وَ جَعَلَ عَلِيّاً سَيِّدَ الْأَوْصِيَاءِ وَ خَيْرَهُمْ وَ جَعَلَ الْأَئِمَّةَ مِنْ ذُرِّيَّتِكَمَا قَالَ فَأَخْبَرَ عَلِيّاً عليه السلام بِذَلِكَ فَسَجَدَ عَلَيْهِ ﷺ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ جَعَلَ يَقْلُبُ وَجْهَهُ عَلَى الْأَرْضِ شُكْراً؛ وسائل الشيعة ج: ٧ ص: ٢٠

﴿١٤٧٠﴾ الصادق عليه السلام: سَجْدَةُ الشُّكْرِ الَّتِي سَجَدَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام مَا كَانَ سَبَبُهَا فَحَدَّثَنِي عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَجَّهَهُ فِي أَمْرٍ مِنْ أُمُورِهِ فَحَسَنَ فِيهِ بِلَاؤُهُ وَ عَظَّمَ عَنَاؤُهُ فَلَمَّا قَدِمَ مِنْ وَجْهِهِ ذَلِكَ أَقْبَلَ إِلَى الْمَسْجِدِ وَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَدْ خَرَجَ يُصَلِّي الصَّلَاةَ فَصَلَّى مَعَهُ فَلَمَّا انْصَرَفَ مِنَ الصَّلَاةِ أَقْبَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَاعْتَنَقَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ثُمَّ سَأَلَهُ عَنْ مَسِيرِهِ ذَلِكَ وَ مَا صَنَعَ فِيهِ فَجَعَلَ عَلِيُّ ﷺ يُحَدِّثُهُ وَ أَسَارِيرُ وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ تَلْمَعُ سُورُوراً [بِمَا حَدَّثَهُ] فَلَمَّا أَتَى ﷺ عَلَى حَدِيثِهِ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَلَا أُبَشِّرُكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ (فَقَالَ بَلَى) فَذَاكَ أَبِي وَ أُمِّي فَكَمْ مِنْ خَيْرٍ بَشَّرْتُ [به] قَالَ إِنْ جَبْرِئِيلَ هَبَطَ إِلَيَّ فِي وَقْتِ الزَّوَالِ فَقَالَ [لِي] يَا مُحَمَّدُ هَذَا ابْنُ عَمِّكَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ أَرَدْتُ عَلَيْكَ إِلَى أَنْ قَالَ قَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنْ اللَّهُ جَعَلَكَ سَيِّدَ الْأَنْبِيَاءِ وَ جَعَلَ عَلِيّاً سَيِّدَ الْأَوْصِيَاءِ وَ خَيْرَهُمْ وَ جَعَلَ الْأَئِمَّةَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

افراشته و زمین گسترده یا هوا و یا آب و ملک یا بشری را بیافریند ما در علم خدا انواری بودیم که او را تسبیح می کردیم و شنوا بودیم و اطاعت می کردیم. سلمان گفت عرض کردم: پدر و مادرم فدایت چه امتیازی دارند کسانی که این ها را بشناسند فرمود: هر کس آن ها را به حقیقت معرفت بشناسد و پیرو ایشان باشد و دوستدار دوست آن ها و دشمن دشمنشان به خدا قسم او از ماست و به هرجا که وارد شویم وارد خواهد شد و هرجا منزل بگیریم او نیز منزل بگیرد. عرض کردم: آیا ممکن است ایمان به آن ها داشته باشیم بدون شناختن ایشان و نام و نژادشان، فرمود: نه. عرض کردم: ای پیامبر خدا، پس من آن ها را چگونه بشناسم فرمود: حسین علیه السلام را شناخته ای پس از او زین العابدین علی بن الحسین آنگاه پسرش محمد بن علی باقر و شکافنده ی علم پیشینیان و دیگران از پیامبران و مرسلین، پس از او جعفر بن محمد زبان راستین خدا سپس موسی بن جعفر که خشم خود را فرو می برد در راه خدا، آنگاه علی بن موسی الرضا که راضی است بامر خدا سپس محمد بن علی جواد که برگزیده ی خلق خدا است، بعد علی بن محمد رهنما و هادی به سوی خدا پس از او حسن بن علی خاموش امین عسکری، سپس فرزندش حجة بن الحسن المهدی گوینده قائم به امر خدا، سلمان گفت: دیگر چیزی نگفتم. آنگاه عرض کردم: ای پیامبر خدا، دعا بفرمایید آن ها را درک کنم. فرمود: سلمان تو آن ها را درک خواهی کرد و کسانی که مثل تو باشند و هر کس آن ها را دوست بدارد پس به حقیقت معرفت خدا را بر این نعمت بسیار سپاسگزاری کردم.

﴿۱۴۶۹﴾ از جعفر بن محمد علیه السلام درباره ی سبب سجده ی شکری که امیرالمؤمنین علیه السلام انجام داد پرسیدم، حدیثی طولانی ذکر نمود و در انتها فرمود: جبرئیل علیه السلام بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نازل شد و گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله این پسرعمویت علی علیه السلام است تا جایی که گفت: ای محمد خداوند تو را آقای پیامبران قرار داد و علی را آقای جانشینان و بهترین آن ها قرار داد و امامان را از نسل شما قرار داد پس امیرالمؤمنین علیه السلام برای خدا سجده کرد و برای ادای شکر پروردگار صورت بر زمین نهاد.

﴿۱۴۷۰﴾ از امام صادق علیه السلام درباره ی سبب سجده ی شکری که امیرالمؤمنین علیه السلام انجام دادند پرسیدم، ایشان از قول پدرشان محمد بن علی علیه السلام برایم گفتند که پدرشان علی بن الحسین علیه السلام از پدرشان حسین علیه السلام از پدرشان علی بن ابی طالب علیه السلام نقل کردند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام را برای انجام مأموریتی فرستادند حضرت علی با همه ی سختی تکلیف را به خوبی ادا کردند و هنگامی که از مأموریت بازگشتند پیامبر خدا برای نماز به مسجد رفته بودند؛ پس به مسجد رفته به سجده رفته با ایشان نماز خواندند و آنگاه که نماز تمام شد رو به پیامبر خدا کردند و پیامبر خدا ایشان را در آغوش گرفتند و درباره ی چگونگی انجام مأموریت پرسیدند و علی شروع به صحبت کرد و چهره ی پیامبر خدا از کلام حضرت علی از شادی می درخشید؛ هنگامی که کلام حضرت علی تمام شد پیامبر خدا به ایشان فرمودند: ای ابالحسن آیا به تو بشارت بدهم؟ گفت: پدر و مادرم فدایت آری؛ و چه بسیار بشارت ها که تو به ما داده ای. پیامبر فرمودند: جبرئیل هنگام ظهر بر من فرود آمد و به من گفت: ای محمد، خداوند تو را آقای پیامبران قرار داد و علی را آقای جانشینان و بهترین آن ها قرار داد و امامان را از نسل شما قرار

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

مِنْ ذُرِّيَّتِكُمَا إِلَى أَنْ يَرِثَ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا فَسَجَدَ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ وَجَعَلَ يَقْبَلُ الْأَرْضَ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى؛ بحار الأنوار ج: ٣٥ ص: ٢٦

﴿١٤٧١﴾ الرسول ﷺ: فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ عَلِيًّا إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَقَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَيَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ فَبَشَّرَهُ بِذَلِكَ فَبَشَّرَهُ النَّبِيُّ ﷺ بِذَلِكَ فَخَرَّ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ سَاجِدًا شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ بحار الأنوار ج: ١٨ ص: ٣٤٣

﴿١٤٧٢﴾ أمير المؤمنين ﷺ: فَقَامَ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الدَّائِبُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ رَبِّهِ فَأَجَابَتْهُ الشَّمْسُ وَهِيَ تَقُولُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَخَا رَسُولِ اللَّهِ وَوَصِيَّهُ وَحُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ فَأَنْكَبَ عَلَى سَاجِدًا شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى؛ بحار الأنوار ج: ٤١ ص: ١٧٦

﴿١٤٧٣﴾ الصادق ﷺ: فِي فَضْلِ يَوْمِ الْغَدِيرِ قَالَ قُلْتُ فَمَا يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَعْمَلَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ قَالَ هُوَ يَوْمٌ عِبَادَةٌ وَصَلَاةٌ وَشُكْرٌ لِلَّهِ وَحَمْدٌ لَهُ؛ وسائل الشيعة ج: ١٠ ص: ٤٤٦

﴿١٤٧٤﴾ الرسول ﷺ: لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ عَهَدَ إِلَيَّ رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ فِي عَلَيٍّ ع ثَلَاثَ كَلِمَاتٍ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ قُلْتُ لِيَبْنِيكَ رَبِّي وَسَعْدِيكَ فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ عَلِيًّا إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَقَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَيَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ فَبَشَّرَهُ بِذَلِكَ فَبَشَّرَهُ النَّبِيُّ ﷺ بِذَلِكَ فَخَرَّ عَلَى سَاجِدًا شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ بَلَغَ مِنْ قُدْرِي حَتَّى إِنِّي أَذْكَرُ هُنَاكَ قَالَ نَعَمْ وَإِنَّ اللَّهَ يَعْرِفُكَ وَإِنَّكَ لَتَذْكُرُ فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى؛ الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ ص: ٦١٤

﴿١٤٧٥﴾ الرسول ﷺ: أَتَانِي جَبْرِئِيلُ فَقَالَ: مَنْ صَلَّى عَلَيْكَ مَرَّةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ عَشْرًا فَخَرَرْتُ شُكْرًا لِلَّهِ؛ الصَّراطِ الْمُسْتَقِيمِ ج: ٣ ص: ٢٠١

﴿١٤٧٦﴾ الصادق ﷺ: مَنْ صَلَّى فِيهِ رَكْعَتَيْنِ أَى وَقْتٍ شَاءَ وَأَفْضَلُ ذَلِكَ قُرْبُ الزَّوَالِ وَهِيَ السَّاعَةُ الَّتِي أَقِيمَ فِيهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ بِغَدِيرِ خُمٍّ عَلَمًا لِلنَّاسِ وَذَلِكَ أَنَّهُمْ كَانُوا قَرَّبُوا مِنَ الْمَنْزِلِ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ فَمَنْ صَلَّى فِيهِ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ سَجَدَ وَشَكَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِائَةَ مَرَّةٍ وَدَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ بَعْدَ رَفْعِ رَأْسِهِ مِنَ السُّجُودِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ إِلَى آخِرِهِ ثُمَّ تَسْجُدُ وَتَحْمَدُ اللَّهُ مِائَةَ مَرَّةٍ وَتَشْكُرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِائَةَ مَرَّةٍ وَأَنْتَ سَاجِدٌ فَإِنَّهُ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ كَمَنْ حَضَرَ ذَلِكَ الْيَوْمَ وَبَايَعَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَلَى ذَلِكَ وَكَانَتْ دَرَجَتُهُ مَعَ دَرَجَةِ الصَّادِقِينَ الَّذِينَ صَدَقُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ فِي

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

داد تا اینکه زمین و آنچه را بر آن است ارث برید پس علی سجده کرد و برای شکر خداوند تعالی شروع به بوسیدن زمین کرد.

﴿۱۴۷۱﴾ خدای عزیز و جلیل فرمود علی امام پرهیزگاران و پیشوای رو سفیدان و سرور مؤمنان است، او را به این مقام بشارت بده، پیامبر این مژده را به او داد و علی برای ادای شکر خدای عزیز و جلیل، خود را به زمین انداخت و سجده کرد.

﴿۱۴۷۲﴾ پس علی علیه السلام برخاست و فرمود: ای بنده‌ی خدا که در اطاعت پروردگارش کوشایی، خورشید پاسخش داد و گفت: و سلام بر تو ای برادر پیامبر خدا و جانشین او و حجت خداوند بر مردم، پس علی علیه السلام خود را بر زمین انداخت و برای خداوند متعال سجده‌ی شکر به جا آورد.

﴿۱۴۷۳﴾ درباره‌ی فضیلت روز غدیر پرسیدم درباره‌ی اعمال آن روز چه می‌فرمایید؟ فرمود: آن روز، روز عبادت و نماز و شکر و حمد و سپاس برای خدای تعالی است.

﴿۱۴۷۴﴾ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چون مرا به معراج بردند پروردگار باجلالت و بلندمرتبه درباره‌ی علی علیه السلام سه سفارش به من کرد؛ فرمود: "ای محمد" پاسخ دادم و خداوند فرمود: "علی امام پرهیزگاران و پیشوای رو سفیدان و سرور مؤمنان است او را به این خبر مژده بده"، پیامبر این مژده را به او داد و علی برای خدای عزیز و جلیل به سجده‌ی شکر افتاد و سر برداشت و گفت: ای پیامبر خدا، قدر من به آنجا رسیده که در معراج نامم برده شد؟ فرمود: آری تو نزد خدا معروفی و از تو در رفیق اعلا نام برده می‌شوی.

﴿۱۴۷۵﴾ جبرئیل بر من نازل شد و چنین گفت: هرکه بر تو یک بار درود فرستد خداوند بر او ده بار درود می‌فرستد و من برای شکرگزاری به درگاه خداوند سجده کردم.

﴿۱۴۷۶﴾ هرکه در این روز هروقت که بخواند، دو رکعت نماز بخواند - اما زمان بهتر نزدیک ظهر است - که همان ساعتی است که امیرالمؤمنین علیه السلام به‌عنوان جانشین پامبر صلی الله علیه و آله در غدیرخم به مردم معرفی شد و جمعیت در آن وقت نزدیک آن محل بودند. پس هرکه در آن روز، دو رکعت نماز بخواند بعد سجده کند و خداوند عزیز و جلیل را صد مرتبه شکر کند و بعد از بلندکردن سر از سجده این دعا را بخواند؛ "خدایا، من از تو می‌خواهم حمد سزاوارت هست... تا آخر دعا" و سپس سجده کند و در حال سجده خدا را صد مرتبه حمد و صد مرتبه شکر خدای عزیز و جلیل را به جا آورد هرکه این کار را انجام دهد، مانند کسی خواهد بود که در آن روز حضور داشته و با پیامبر صلی الله علیه و آله در این امر بیعت کرده و هم‌درجه‌ی راستگویان خواهد بود؛ همان‌ها که با

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

مُؤَالَاة مَوْلَاهُمْ ذَلِكَ الْيَوْمَ وَكَانَ كَمَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَآمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَعَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ ﷺ وَكَمَنْ يَكُونُ تَحْتَ رَايَةِ الْفَائِزِ ﷺ وَفِي فُسْطَاطِهِ مِنَ النُّجَبَاءِ وَالنُّقَبَاءِ؛
مستدرک الوسائل ج: ٦ ص: ٢٧٥

﴿١٤٧٧﴾ الرسول ﷺ: مِنْ فَضَائِلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ مَا أَجْمَعَ عَلَيْهِ أَهْلُ السَّيْرِ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ بَعَثَ خَالِدَ بْنَ الْوَلِيدِ إِلَى أَهْلِ الْيَمَنِ يَدْعُوهُمْ إِلَى الْإِسْلَامِ وَأَنْفَذَ مَعَهُ جَمَاعَةً مِنَ الْمُسْلِمِينَ فِيهِمْ الْبَرَاءُ بْنُ عَازِبٍ رَحِمَهُ اللَّهُ وَأَقَامَ خَالِدٌ عَلَى الْقَوْمِ سِتَّةَ أَشْهُرٍ يَدْعُوهُمْ فَلَمْ يُجِبْهُ أَحَدٌ مِنْهُمْ فَسَاءَ ذَلِكَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَدَعَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ وَأَمَرَهُ أَنْ يَقُولَ خَالِدًا وَمَنْ مَعَهُ وَقَالَ لَهُ إِنْ أَرَادَ أَحَدٌ مِمَّنْ مَعَ خَالِدٍ أَنْ يُعَقِّبَ مَعَكَ فَاتْرُكْهُ قَالَ الْبَرَاءُ فَكُنْتُ مِمَّنْ عَقَّبَ مَعَهُ فَلَمَّا انْتَهَيْنَا إِلَى أَوَائِلِ أَهْلِ الْيَمَنِ وَبَلَغَ الْقَوْمُ الْخَبَرَ فَجَمَعُوا لَهُ فَصَلَّى بِنَا عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ الْفَجْرَ ثُمَّ تَقَدَّمَ بَيْنَ أَيْدِينَا فَحَمِدَ اللَّهَ وَآتَنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَرَأَ عَلَى الْقَوْمِ كِتَابَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَاسْلَمَتْ هَمْدَانُ كُلُّهَا فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ وَكَتَبَ بِذَلِكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَلَمَّا قَرَأَ كِتَابَهُ اسْتَبْشَرَ وَانْتَهَجَ وَخَرَّ سَاجِدًا شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى؛ بحار الأنوار ج: ٢١ ص: ٣٦٣

﴿١٤٧٨﴾ أمير المؤمنين ﷺ: هَبَطَ عَلَيْهِ جَبْرَيْلُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُفَرِّقُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ إِنَّ عَبْدِي مُوسَى ﷺ بَاهِلَ عَدُوَّةِ قَارُونَ بِأَخِيهِ هَارُونَ وَبَيْنِهِ فَخَسَفَتْ بَقَارُونَ وَآهْلُهُ وَمَالُهُ وَبِمَنْ أَرَزَهُ مِنْ قَوْمِهِ وَبِعِزَّتِي أَقْسِمُ وَبِجَلَالِي يَا أَحْمَدُ لَوْ بَاهَلْتَ بَكَ وَبِمَنْ تَحْتَ الْكِسَاءِ مِنْ أَهْلِكَ أَهْلُ الْأَرْضِ وَالْخَلَائِقِ جَمِيعًا لَتَقَطَّعَتِ السَّمَاءُ كِسْفًا وَالْجِبَالُ زُبْرًا وَلَسَاخَتِ الْأَرْضُ فَلَمْ تَسْتَقِرَّ أَبَدًا إِلَّا أَنْ أَشَاءَ ذَلِكَ فَسَجَدَ النَّبِيُّ ﷺ وَوَضَعَ عَلَى الْأَرْضِ وَجْهَهُ ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ حَتَّى تَبَيَّنَ لِلنَّاسِ غُفْرَةٌ يُطِيبُهُ فَقَالَ شُكْرًا لِلْمُنْعَمِ شُكْرًا لِلْمُنْعَمِ قَالَهَا ثَلَاثًا فَسُئِلَ نَبِيُّ اللَّهِ ﷺ عَنْ سَجْدَتِهِ وَعَمَّا رَأَى مِنْ تَبَاشِيرِ السُّرُورِ فِي وَجْهِهِ فَقَالَ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِمَا أُبْلَانِي مِنَ الْكَرَامَةِ فِي أَهْلِ بَيْتِي ثُمَّ حَدَّثَهُمْ بِمَا جَاءَ بِهِ جَبْرَيْلُ ﷺ؛ بحار الأنوار ج: ٢١ ص: ٣٢٤

﴿١٤٧٩﴾ الهادي ﷺ: وَإِنَّ عَلَيْنَا لَحَسْرَةً عَلَى الْكَافِرِينَ. وَإِنَّ وَلَايَتَهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ. فَسَبِّحْ يَا مُحَمَّدُ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ يَقُولُ اشْكُرْ رَبَّكَ الْعَظِيمَ الَّذِي أَعْطَاكَ هَذَا الْفَضْلَ؛ الكافي ج: ١ ص: ٤٣٢

﴿١٤٨٠﴾ الرضا ﷺ: وَاشْكُرُوا اللَّهَ عَلَى فَضْلِهِ عَلَيْكُمْ؛ دلائل الإمامة ص: ١٩٥

﴿١٤٨١﴾ الرسول ﷺ: يَا رَسُولَ اللَّهِ رَأَيْنَا مِنْكَ الْيَوْمَ مَا لَمْ نَرَهُ قَبْلَ ذَلِكَ فَقَالَ ﷺ إِنِّي لَمَّا أَكَلْتُ مَعَكُمْ فَرِحْتُ وَسُرَرْتُ بِسَلَامَتِكُمْ وَاجْتِمَاعِكُمْ فَسَجَدْتُ لِلَّهِ تَعَالَى شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٩٨ ص: ٤٤

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

خدا و رسولش در یاری ولی و امامشان در آن روز، صادق بودند و مانند کسی خواهد بود که همراه پیامبر خدا ﷺ و امیرالمؤمنین و حسن و حسین علیهما السلام را به شهادت رسیده و مانند بزرگان و فرماندهان خواهد بود که زیر پرچم قائم الله ﷺ و در خیمه‌ی آن حضرت هستند.

﴿۱۴۷۷﴾ من از کسانی بودم که در یمن نزد علی علیهما السلام ماندم و همراهی علی علیهما السلام را بر بازگشت با خالد ترجیح دادم، پس خالد با گروهی بازگشت و ما ماندیم، و با امیرالمؤمنین علیهما السلام برای دعوت مردم یمن به اسلام به نزد آنان رفتیم چون نزد آن‌ها رسیدیم و از آمدن علی علیهما السلام باخبر شدند نزد ما آمدند، علی بن ابی طالب علیهما السلام نماز صبح را با ما خواند سپس برخاست و خدا را ستود و ثنا کرد و پس از آن نامه (ای که) پیامبر خدا ﷺ به آن مردم نوشته بود برای آن‌ها خواند (و به این وسیله‌ی آنان را به دین اسلام دعوت کرد) پس قبیله‌ی همدان همگی در همان روز ایمان آوردند و مسلمان شدند، و علی علیهما السلام نیز جریان اسلام آوردن قبیله‌ی همدان را برای پیامبر ﷺ نوشت، چون پیامبر خدا ﷺ نامه‌ی علی علیهما السلام را خواند خرسند و شکفته شد و برای شکرگزاری خداوند به سجده افتاد.

﴿۱۴۷۸﴾ جبرئیل بر او فرود آمد و گفت: ای محمد ﷺ خداوند عزیز و جلیل بر تو درود می‌فرستد و به تو می‌گوید: بنده‌ام موسی علیهما السلام همراه برادرش هارون و فرزندانش با قارون مباحله کردند من نیز قارون و خانواده و اموال و یاری‌کنندگان را در زمین فرو بردم. به عزت و جلالم سوگند ای احمد، که اگر تو همراه آن افرادی از اهل بیت که زیر کساء بودند با تمام اهل زمین مباحله کنیدی آسمان‌ها و کوه‌ها را تکه تکه می‌کنم و زمین را آن چنان فرو می‌برم که هرگز آرام نشود مگر آنکه بخواهم. پس پیامبر ﷺ سجده کردند و صورتشان را بر زمین گذاشتند و سپس دستانشان را بلند کردند به نحوی که گودی زیر بغلشان آشکار شد و فرمودند: "نعمت‌دهنده را بسیار شکر می‌کنم" و این عبارت را سه بار تکرار نمودند. از پیامبر خدا ﷺ درباره‌ی علت سجده و شادی چهره‌شان پرسیدند فرمودند: به خاطر شکر خدا بر کرامتی که به من درباره‌ی اهل بیتم کرد. بعد آنچه را که جبرئیل علیهما السلام گفته بود برای آن‌ها بازگو کردند.

﴿۱۴۷۹﴾ و به راستی که (علی ع) مایه‌ی حسرت کافران است بر؛ و به راستی که (ولایت او) حق‌الیقین است؛ پس (ای محمد) به نام پروردگارت که بزرگ است تسبیح بگو و می‌فرماید: "برای پروردگارت شکر کن که این فضل را به تو داده است".

﴿۱۴۸۰﴾ خدایا به خاطر لطفش به شما شکر کنید.

﴿۱۴۸۱﴾ ای پیامبر خدا ﷺ ما امروز از شما چیزی را دیدیم که پیش از آن ندیده بودیم؟ پیامبر ﷺ فرمود: هنگامی که من به همراه شما غذا می‌خوردم، به علت سلامتی شما و اینکه با یکدیگر جمع و در کنار هم هستید، شاد و خوشحال شدم پس برای خدای تعالی به عنوان شکرگزاری سجده کردم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٤٨٢﴾ الصادق عليه السلام: يَا عَبْدَ اللَّهِ بْنَ الْفَضْلِ وَلَوْ شِئْتُ لَأَرَيْتُكَ اسْمَكَ فِي صَحِيفَتِنَا قَالَ ثُمَّ دَعَا بِصَحِيفَةٍ فَنَشَرَهَا فَوَجَدْتُهَا بَيِّضَاءَ لَيْسَ فِيهَا أَثَرُ الْكِتَابَةِ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا أَرَى فِيهَا أَثَرَ الْكِتَابَةِ قَالَ فَمَسَحَ يَدَهُ عَلَيْهَا فَوَجَدْتُهَا مَكْتُوبَةً وَ وَجَدْتُ فِي أَسْفَلِهَا اسْمِي فَسَجَدْتُ لِلَّهِ شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٢٦ ص: ١٣١

﴿١٤٨٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: يَوْمَ التَّاسِعِ مِنْ رَبِيعِ الْأَوَّلِ... يَوْمَ الشُّكْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٣٥٤
 ﴿١٤٨٤﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: يَا عَلِيُّ إِنَّهُ لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ وَمِنْهَا إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى وَمِنْهَا إِلَى حُجُبِ النُّورِ وَ أَكْرَمَنِي رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ بِمُنَاجَاتِهِ قَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ قُلْتُ لَبَّيْكَ رَبِّي وَ سَعْدَيْكَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ قَالَ إِنَّ عَلِيًّا إِمَامٌ أَوْلِيَّائِي وَ نُورٌ لِمَنْ أَطَاعَنِي وَ هُوَ الْكَلِمَةُ الَّتِي أَلَزَمْتُهَا الْمُتَّقِينَ مَنْ أَطَاعَهُ أَطَاعَنِي وَ مَنْ عَصَاهُ عَصَانِي فَبَشِّرْهُ بِذَلِكَ فَقَالَ عَلِيُّ عليه السلام يَا رَسُولَ اللَّهِ بَلَغَ مِنْ قُدْرِي حَتَّى إِنِّي أَذْكَرُ هُنَاكَ فَقَالَ نَعَمْ يَا عَلِيُّ فَاشْكُرْ رَبَّكَ فَخَرَّ عَلِيُّ عليه السلام سَاجِدًا شُكْرًا لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ بِهِ عَلَيْهِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله ارْفَعْ رَأْسَكَ يَا عَلِيُّ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ بَاهَى بِكَ مَلَائِكَتَهُ؛ بحار الأنوار ج: ١٨ ص: ٣٣٧

١٠٠-٢-١-الفقه

﴿١٤٨٥﴾ السجاد عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمَدُكَ عَلَى أَنْ أَكْرَمْتَنَا بِالنُّبُوَّةِ وَ عَلَّمْتَنَا الْقُرْآنَ وَ فَهَّمْتَنَا فِي الدِّينِ وَ جَعَلْتَ لَنَا أَسْمَاعًا وَ أَبْصَارًا وَ أَفئِدَةً فَاجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٤٤ ص: ٣٩٢
 ١٠١-٢-١-الفؤاد راجع: البصر و الفؤاد

١٠٢-٢-١-القبول

﴿١٤٨٦﴾ الصادق عليه السلام: فَإِنْ خَالَفُوهُ وَ جَفَوْهُ صَبَرَ وَ إِنْ وَافَقُوهُ وَ قَبِلُوا مِنْهُ شُكْرَ مُفَوَّضٍ أَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ نَاطِرًا إِلَى عَيْبِهِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٢١٤
 ١٠٣-٢-١-التقدير و راجع: القضاء

﴿١٤٨٧﴾ الصادق عليه السلام: فَلَكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا وَ لَكَ الشُّكْرُ وَ الْمِنَّةُ عَلَى مَا قَدَّرْتَ وَ وَفَّقْتَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٩ ص: ٢٠٧

١٠٤-٢-١-القدرة

﴿١٤٨٨﴾ إِذَا قَدَّرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ؛ شرح نهج البلاغة ج: ١٨ ص: ١٠٩

١٠٥-٢-١-القرآن

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٤٨٩﴾ الصادق عليه السلام: فَمَا ذَلِكَ الْقُرْآنُ عَلَيْهِ مِنْ صِفَتِهِ فَاتَّبِعْهُ لِيُوصِلَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مَعْرِفَتِهِ وَ أَتَمَّ بِهِ وَاسْتَضَى بِنُورِ هِدَايَتِهِ فَإِنَّهَا نِعْمَةٌ وَ حِكْمَةٌ أُوتِيَتْهُمَا فَخُذْ مَا أُوتِيتَ وَ كُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٤ ص: ٢٧٦

﴿١٤٩٠﴾ الصادق عليه السلام: الْحَوَامِيمُ رِيحَانُ الْقُرْآنِ فَإِذَا قَرَأْتُمُوهَا فَاحْمَدُوا اللَّهَ وَ اشْكُرُوهُ كَثِيرًا بِحِفْظِهَا وَ تِلَاوَتِهَا؛ وسائل الشيعة ج: ٦ ص: ١٤٦
١٠٦-٢-١-القضاء

﴿١٤٩١﴾ الرضا عليه السلام: فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى تَقْدِيرِكَ الْحَسَنَ الْجَمِيلَ وَ لَكَ الشُّكْرُ عَلَى قَضَائِكَ الْمُعَلَّلِ بِأَكْمَلِ التَّعْلِيلِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٩ ص: ١١٥
١٠٧-٢-١-قضاء الحاجه

﴿١٤٩٢﴾ فَإِذَا قَضَيْتَ حَاجَتَكَ فَصَلِّ صَلَاةَ الشُّكْرِ؛ مكارم الأخلاق ص: ٣٢٧
﴿١٤٩٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: كُنْتُ أَنَا وَ قَنْبَرُ وَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَبَيْنَا نَحْنُ فُعُودٌ إِذْ هَدَفَ إِلَيْنَا أَغْرَابِي فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ يَا أَخَا الْعَرَبِ فَقَالَ الْأَغْرَابِيُّ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي لِي إِلَيْكَ حَاجَةٌ قَدْ رَفَعْتُهَا إِلَى اللَّهِ قَبْلَ أَنْ أَرْفَعَهَا إِلَيْكَ فَإِنْ أَذْنَتْ بِقَضَائِهَا حَمِدْنَا اللَّهَ وَ شَكَرْنَاكَ وَ إِنْ لَمْ تَقْضِهَا شَكَرْنَا اللَّهَ وَ عَذَرْنَاكَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٧ ص: ١٧٦

١٠٨-٢-١-القناعة

﴿١٤٩٤﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: يَا أَبَا هَاشِمٍ أَيُّ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكَ تُرِيدُ أَنْ تُؤَدِّيَ شُكْرَهَا قَالَ أَبُو هَاشِمٍ فَوَجَّهْتُ فَلَمْ أَذَرْ مَا أَقُولُ لَهُ فَابْتَدَأَنِي عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ رَزَقَكَ الْإِيمَانَ فَحَرِّمْ بِهِ بَدَنَكَ عَلَى النَّارِ وَ رَزَقَكَ الْعَافِيَةَ فَأَعَانِكَ عَلَى الطَّاعَةِ وَ رَزَقَكَ الْقُنُوعَ فَصَانِكَ عَنِ التَّبَدُّلِ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٤ ص: ٤٠١

١٠٩-٢-١-القوة

﴿١٤٩٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَ أَمَّا حَقُّ رِعْيَتِكَ بِالسُّلْطَانِ فَإِنْ تَعَلَّمَ أَنَّهُمْ صَارُوا رِعْيَتِكَ لِضَعْفِهِمْ وَ قُوَّتِكَ فَيَجِبُ أَنْ تَعْدِلَ فِيهِمْ وَ تَكُونَ لَهُمْ كَالْوَالِدِ الرَّحِيمِ وَ تَغْفِرَ لَهُمْ جَهْلَهُمْ وَ لَا تُعَاجِلَهُمْ بِالْعُقُوبَةِ وَ تَشْكُرَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى مَا آتَاكَ مِنَ الْقُوَّةِ عَلَيْهِمْ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٢ ص: ٦٢١

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۴۸۹﴾ آنچه را که قرآن از توصیف خداوند ما را بدان راهنمایی نمود، پیروی کن تا بین تو و بین معرفت او پیوند برقرار کند و او را پیشوای خود قرار ده و از نور هدایتش روشنی بجوی که آن نعمت و حکمت است که به تو داده شده است پس آنچه را که به تو داده شد بگیر و از شاکران باش.

﴿۱۴۹۰﴾ سوره‌هایی را که با " حم " شروع می‌شوند گل‌های خوشبوی قرآن هستند پس آنگاه که آن‌ها را قرائت نمودید خدا را ستایش کرده و بسیار شکر کنید.

﴿۱۰۶-۲-۱-۱ حکم قطعی الهی﴾

﴿۱۴۹۱﴾ پس به خاطر تقدیر نیکو و زیبایی حمد سزاوارتوست؛ و به خاطر قضای متکی بر علل و اسباب تو که کامل‌ترین وسیله‌ها داراست شکر سزاوارتوست.

﴿۱۰۷-۲-۱-۱ برآورده شدن حاجت﴾

﴿۱۴۹۲﴾ هنگامی که حاجتت روا شد نماز شکر به جای آور.

﴿۱۴۹۳﴾ درحالی که من و قنبر و علی علیهم‌السلام نشسته بودیم عرب بیابان‌نشینی نزد ما آمد و گفت: سلام بر شما ای امیرالمؤمنین و رحمت خدا و برکاتش بر شما باد، علی علیه‌السلام فرمود: سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو باد ای برادر عرب. عرب بیابان‌نشین گفت: یا امیرالمؤمنین حاجتی دارم که قبل از آنکه آن را به تو عرض کنم به خداوند گفته‌ام پس اگر تو آن را برآوری خدا را سپاس می‌گویم و تو شکر می‌گزارم و اگر آن را برآورده نسازی خدا را شکر و عذر تو را می‌پذیریم.

﴿۱۰۸-۲-۱-۱ راضی بودن به قسمت خود﴾

﴿۱۴۹۴﴾ ای اباهاشم، می‌خواهی کدام نعمت از نعمت‌هایی را که خدا به تو بخشیده است شکر گویی؟ در این حال من سر به زیر افکندم و خاموش ماندم، زیرا نمی‌دانستم که در جواب آن امام چه بگویم، پس او خود سخن را آغاز کرد و فرمود: خداوند عزیز و جلیل ایمان را نصیب تو کرد، از این رو بدنت را بر دوزخ حرام ساخت، و سلامت را روزی‌ات کرد، از این رو تو را در طاعت خود یاری فرمود، و قناعت را نصیب تو فرمود و از این رو تو را از بی‌آبرویی مصون داشت.

﴿۱۰۹-۲-۱-۱ نیرو﴾

﴿۱۴۹۵﴾ حق رعیت تو، در محدوده‌ی قدرت تو این است که بدانی آن‌ها به سبب ناتوانی آنان و توانایی تو رعیت تو شدند و لازم است با آن‌ها عادلانه رفتار کنی و چون پدر برای آن‌ها مهربان باشی و از نادانی آن‌ها بگذری و در تنبیه آن‌ها شتاب نکنی و بر این قدرتی که به تو عطا فرموده است خدا را شکر کنی.

﴿شَكَرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٤٩٦﴾ اللَّهُمَّ وَأَنَا الدَّاعِي الَّذِي أَجَبْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنَا السَّائِلُ الَّذِي أَعْطَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنَا الضَّالُّ الَّذِي هَدَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنَا الضَّعِيفُ الَّذِي قَوَّيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنَا الْفَقِيرُ الَّذِي أَغْنَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنَا الْعَارِي الَّذِي كَسَوْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنَا السَّقِيمُ الَّذِي شَفَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ أَجَلٌ وَعِزَّتِكَ لَقَدْ فَعَلْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛

بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٢٨

﴿١٤٩٧﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): إِنَّ دَاوُدَ النَّبِيَّ (عليه السلام) قَالَ: يَا رَبِّ أَخْبِرْنِي بِقَرِينِي فِي الْجَنَّةِ وَنَظِيرِي فِي مَنَازِلِي فَأَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَيْهِ أَنْ ذَلِكَ مَتَّى أَبَا يُونُسَ قَالَ فَاسْتَأْذَنَ اللَّهُ فِي زِيَارَتِهِ فَأَذِنَ لَهُ فَخَرَجَ هُوَ وَسُلَيْمَانُ ابْنُهُ (عليه السلام): حَتَّى أَتَيَا مَوْضِعَهُ فَإِذَا هُمَا بَيْتٌ مِنْ سَعَفٍ فَقِيلَ لَهُمَا هُوَ فِي السُّوقِ فَسَالَا عَنْهُ فَقِيلَ لَهُمَا اطْلُبَاهُ فِي الْحِطَّابِينَ فَسَالَا عَنْهُ فَقَالَ لَهُمَا جَمَاعَةٌ مِنَ النَّاسِ نَحْنُ نَنْتَظِرُهُ الْآنَ يَجِيءُ فَجَلَسَا يَنْتَظِرَانِهِ إِذَا أَقْبَلَ وَعَلَى رَأْسِهِ وَفَرُّ مِنْ حَطَبٍ فَقَامَ إِلَيْهِ النَّاسُ فَأَلْقَى عَنْهُ الْحَطَبَ وَحَمِدَ اللَّهُ وَقَالَ مَنْ يَشْتَرِي طَبِيبًا بِطَبِيبٍ فَسَاوَمَهُ وَاحِدٌ وَزَادَهُ آخَرَ حَتَّى بَاعَهُ مِنْ بَعْضِهِمْ قَالَ فَسَلَّمَا عَلَيْهِ فَقَالَ انْطَلِقَا بِنَا إِلَى الْمَنْزِلِ وَاشْتَرِ طَعَامًا بِمَا كَانَ مَعَهُ ثُمَّ طَحَنَهُ وَعَجَنَهُ فِي نَقِيرٍ لَهُ ثُمَّ أَجَّجَ نَارًا وَأَوْقَدَهَا ثُمَّ جَعَلَ الْعَجِينَ فِي تِلْكَ النَّارِ وَجَلَسَ مَعَهُمَا يَتَحَدَّثُ ثُمَّ قَامَ وَقَدْ نَضِجَتْ خُبِيرَتُهُ فَوَضَعَهَا فِي النَّقِيرِ وَفَلَقَهَا وَذَرَّ عَلَيْهَا مِلْحًا وَوَضَعَ إِلَى جَنْبِهِ مِطْهَرَةً مَلَأَ [مِلْتًا] مَاءً وَجَلَسَ عَلَى رُكْبَتَيْهِ وَأَخَذَ لُقْمَةً فَلَمَّا رَفَعَهَا إِلَى فِيهِ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ فَلَمَّا ازْدَرَدَهَا قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ ثُمَّ فَعَلَ ذَلِكَ بِأُخْرَى وَأُخْرَى ثُمَّ أَخَذَ الْمَاءَ فَشَرِبَ مِنْهُ فَذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ فَلَمَّا وَضَعَهُ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ يَا رَبِّ مَنْ ذَا الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَأَوْلَيْتَهُ مِثْلَ مَا أَوْلَيْتَنِي قَدْ صَحَّحْتَ بَصَرِي وَسَمِعِي وَبَدَنِي وَقَوَّيْتَنِي حَتَّى ذَهَبْتُ إِلَى الشَّجَرِ لَمْ أَغْرُسْهُ وَلَمْ أَهْنَمْ لِحِفْظِهِ جَعَلْتَهُ لِي رِزْقًا وَسُقَّتْ لِي مِنَ اشْتِرَائِهِ مِنِّي فَاشْتَرَيْتُ بِثَمَنِهِ طَعَامًا لَمْ أَزْرَعْهُ وَسَخَّرْتَ لِي النَّارَ فَأَنْضَجْتَهُ وَجَعَلْتَنِي أَكُلُهُ بِشَهْوَةٍ أَقْوَى بِهِ عَلَى طَاعَتِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ قَالَ ثُمَّ بَكَى دَاوُدُ يَا بَنِيَّ قُمْ فَأَنْصَرِفْ بِنَا فَإِنِّي لَمْ أَرِ عَبْدًا قَطُّ أَشَكَرَ لِلَّهِ مِنْ هَذَا؛ بحار الأنوار ج: ١٤ ص: ٤٠٢

﴿١٤٩٨﴾ السَّجَّادُ (عليه السلام): فَأَمَّا حُقُوقُ رِعْيَتِكَ بِالسُّلْطَانِ فَإِنْ تَعَلَّمَ أَنَّكَ إِنَّمَا اسْتَرْعَيْتَهُمْ بِفَضْلِ قُوَّتِكَ عَلَيْهِمْ فَإِنَّهُ إِنَّمَا أَحْلَاهُمْ مَحَلَّ الرِّعْيَةِ لَكَ ضَعْفُهُمْ وَذُلُّهُمْ فَمَا أَوْلَى مَنْ كَفَاكَهُ ضَعْفُهُ وَذُلُّهُ حَتَّى صَيَّرَهُ لَكَ رِعْيَةً وَصَيَّرَ حُكْمَكَ عَلَيْهِ نَافِذًا لَا يَمْنَعُ مِنْكَ بَعْزَةً وَلَا قُوَّةً وَلَا يَسْتَنْصِرُ فِيمَا تَعَاظَمَهُ مِنْكَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۴۹۶﴾ خدایا، من همانم که دعا کردم و تو اجابت نمودی، پس حمد سزاوار توست؛ و من همانم که از تو درخواست نمودم و تو عطا کردی، پس حمد سزاوار توست؛ و من همان گمراهی هستم که هدایتش کردی، پس حمد سزاوار توست؛ و من آن ضعیفم که به او توان دادی، پس حمد سزاوار توست؛ و من آن فقیری هستم که توانگرش نمودی، پس حمد سزاوار توست؛ و من آن عریانی هستم که بر او لباس پوشاندی، پس حمد سزاوار توست؛ و من آن بیماری هستم که شفایش دادی، پس حمد سزاوار توست؛ آری به عزت سوگند که این لطفها را تو درحق من رواداشته‌ای، پس حمد سزاوار توست؛ بر محمد و آلش درود فرست و مرا از قدرشناسان و شکرگزاران خودت قرار ده.

﴿۱۴۹۷﴾ حضرت داود علیه السلام به درگاه الهی عرض نمود: پروردگارا، هم‌نشین من در بهشت را که از نظر درجه و منزلت مانند من است به من نشان بده، خداوند به او وحی کرد: او متی پدر یونس است، داود گفت: به من اجازه بده او را ملاقات کنم، و خداوند به او اجازه داد، سپس داود با پسرش سلیمان به راه افتادند تا به مکانی رسیدند که در آنجا خانه‌ای ساخته شده از شاخه و برگ درخت خرما وجود داشت، در آنجا سراغ متی را گرفتند، گفتند: او در بازار است، سرانجام او را در بازار هیزم‌فروشان درحالی که پشته‌ای هیزم بر پشت داشت یافتند، درحالی که جماعتی از مردم منتظر او بودند، او هیزم را بر زمین نهاد و شکر الهی را به جای آورد و گفت: چه کسی کالای نیکوی مرا با کالای نیکوی دیگر معاوضه می‌کند؟ سرانجام هیزم‌ها را فروخت و به جای آن مقداری گندم تهیه کرد، آنگاه داود و سلیمان نزد او آمدند و بر او سلام کردند، متی پاسخ آن‌ها را داد و آن‌ها را به منزل خود دعوت کرد و طعامی خرید و آتش برافروخت و طعام را روی آن قرار داد و همراه آن دو مشغول صحبت شد، و هنگام غذاخوردن در شروع هر لقمه "بسم الله" می‌گفت و بعد از خوردن آن "الحمد لله" بر زبان می‌آورد، بعد از اتمام غذا گفت: پروردگارا، کیست که به او به اندازه‌ی من نعمت داده باشی؟ چشمم را بینا کردی و گوشم را شنوا قرار دادی و بدنم را سلامتی و توان بخشیدی و خار و شاخه‌ی درختان را وسیله‌ی تأمین رزق من قرار دادی و کسانی را فرمان دادی که آن هیزم را از من خریداری کنند تا با پول آن طعامی را تهیه کردم که خودم آن را نکشته‌ام و آتش را مسخر من گردانیدی تا آن طعام را بپزم و به من اشتهایی دادی تا آن را با یاد و شکر تو تناول کنم و بدنم بر طاعت و عبادت قوت گیرد، پس حمد و سپاس شایسته‌ی توست و آنگاه گریست، سپس داود به سلیمان گفت: پسر، برخیز تا برویم من تا امروز بنده‌ای که تا این حد شاکر باشد ندیده بودم.

﴿۱۴۹۸﴾ اما حقوق رعیت تحت سلطهات این است که بدانی آنان را به خاطر توان بیشتر رعیت خود ساخته‌ای، و ایشان نیز به جهت ضعف و زبونی، زیردست و رعیت تو شده‌اند، پس چه خوب است کسی که ناتوانی و خواری‌اش تو را از صدمه دیدن از دشمنی او حفظ کرده و او را زیردست تو قرار داده، و دستورات را در آنان نافذ ساخته که قادر به سرپیچی از آن نیستند، و هر جا که از تو

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

إِلَّا بِاللَّهِ بِالرَّحْمَةِ وَالْحَيَاةِ وَالْأَنَاءِ وَمَا أَوْلَاكَ إِذَا عَرَفْتَ مَا أَعْطَاكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِ هَذِهِ الْعِزَّةِ وَالْقُوَّةِ الَّتِي قَهَرْتَ بِهَا أَنْ تَكُونَ لِلَّهِ شَاكِرًا وَمَنْ شَكَرَ اللَّهُ أَعْطَاهُ فِيمَا أَنْعَمَ عَلَيْهِ؛ تحف العقول ص: ٢٦١

﴿١٤٩٩﴾ فَمَا أَذْرَى، يَا إِلَهِي، أَيُّ الْحَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ، وَ أَيْ الْوَقْتَيْنِ أَوْلَى بِالْحَمْدِ لَكَ، أَوْ قَتُّ الصَّحَّةِ الَّتِي هَنَأْتَنِي فِيهَا طَيِّبَاتِ رَزَقِكَ، وَ نَشَطَّتَنِي بِهَا لِاتِّغَاءِ مَرْضَاتِكَ وَ فَضْلِكَ، وَ قَوَّيْتَنِي مَعَهَا عَلَى مَا وَقَفْتَنِي لَهُ مِنْ طَاعَتِكَ، أَمْ وَقَتُ الْعِلَّةِ الَّتِي مَحَصَّنَتْنِي بِهَا، وَ النِّعَمِ الَّتِي أَتَحَفَّتْنِي بِهَا، تَخْفِيفًا لِمَا ثَقُلَ بِهِ عَلَى ظَهْرِي مِنَ الْخَطِيئَاتِ، وَ تَطْهِيرًا لِمَا أَنْعَمَسْتُ فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَ تَنْبِيهًا لِنَنَاوِلِ التَّوْبَةِ، وَ تَذْكِيرًا لِمَحْوِ الْحَوْبَةِ بِقَدِيمِ النُّعْمَةِ؛ الصحيفة السجادية (عليه السلام) ص: ٧٦

﴿١٥٠٠﴾ السَّجَاد (عليه السلام): إِذَا عَرَفْتَ مَا أَعْطَاكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِ هَذِهِ الْعِزَّةِ وَالْقُوَّةِ الَّتِي قَهَرْتَ بِهَا أَنْ تَكُونَ لِلَّهِ شَاكِرًا؛ بحار الأنوار ج: ٧١ ص: ١٤

١١٠-٢-٢-١-تَقْوِيَةُ الْإِسْلَامِ

﴿١٥٠١﴾ الصَّادِق (عليه السلام): قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): لَأَيَّ عِلَّةٍ يُكَبِّرُ الْمُصَلِّي بَعْدَ التَّسْلِيمِ ثَلَاثًا يَرْفَعُ بِهَا يَدَيْهِ فَقَالَ لَأَنَّ النَّبِيَّ (صلى الله عليه وآله) لَمَّا فَتَحَ مَكَّةَ صَلَّى بِأَصْحَابِهِ الظُّهَرَ عِنْدَ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ فَلَمَّا سَلَّمَ رَفَعَ يَدَيْهِ وَ كَبَّرَ ثَلَاثًا وَ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ أَعَزَّ جُنْدَهُ وَ غَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ لَا تَدْعُوا هَذَا التَّكْبِيرَ وَ هَذَا الْقَوْلَ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ فَإِنَّ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ بَعْدَ التَّسْلِيمِ وَ قَالَ هَذَا الْقَوْلَ كَانَ قَدْ آدَى مَا يَجِبُ عَلَيْهِ مِنْ شُكْرِ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى تَقْوِيَةِ الْإِسْلَامِ وَ جُنْدِهِ؛ وسائل الشيعة ج: ٦ ص: ٤٥٢

١١١-٢-٢-١-الْإِقَالَةُ

﴿١٥٠٢﴾ الْمُجْتَبَى (عليه السلام): الْخَيْرُ الَّذِي لَا شَرَّ فِيهِ الشُّكْرُ مَعَ النُّعْمَةِ وَ الصَّبْرُ عَلَى النَّازِلَةِ وَ قَالَ (عليه السلام): لِرَجُلٍ أَبْلَ مِنْ عِلَّةٍ إِنَّ اللَّهَ قَدْ ذَكَرَكَ فَادْكُرْهُ وَ أَقَالَكَ فَاشْكُرْهُ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ١٠٦

﴿١٥٠٣﴾ السَّجَاد (عليه السلام): رَأَى (عليه السلام) عَلِيًّا قَدْ بَرَأَ فَقَالَ (عليه السلام) لَهُ: يَهْنُوكَ الطُّهُورُ مِنَ الذُّنُوبِ إِنَّ اللَّهَ قَدْ ذَكَرَكَ فَادْكُرْهُ وَ أَقَالَكَ فَاشْكُرْهُ؛ تحف العقول ص: ٢٨٠

١١٢-٢-٢-١-فِيَامُ الْحُجَّةِ (عليه السلام)

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

به ستوه آیند فریادرسی جز رحمت و حمایت خداوند، و صبر و تحمل نمی‌یابند، و چقدر خوب است که این برتری خداداده را شکرگزار باشی. و هر کس که شکر خدا را به جای آورد خداوند بر نعمتی که او را بهره‌مند ساخته می‌افزاید.

﴿۱۴۹۹﴾ خدایا، نمی‌دانم، کدامیک از این دو حالت (تندرستی و بیماری) به سپاسگزاری نزد تو نزدیک‌تر و شایسته‌تر است و کدامیک از این دو زمان برای ستایش تو سزاوارتر است؛ آیا هنگام تندرستی که در آن روزی‌های پاکیزه‌ات را به من گوارا ساخته و برای درخواست رضایت و لطف تو به من نشاط بخشیدی و با آن مرا بر فرمان‌برداری خویش توفیق و توانایی دادی؟ یا هنگام بیماری که مرا با آن (از گناهان) رهانیدی و نعمت بیماری که به من هدیه کردی تا گناهانی را که پشت مرا سنگین کرده بود سبک نماید، و از بدی‌هایی که در آن فرو رفته‌ام پاکم سازد، و برای فراگرفتن توبه بیدارم کند و با یادآوری نعمت‌هایی که از قبل به من داده شده گناهانم را فروریزد؟

﴿۱۵۰۰﴾ هنگامی که فضل و احسان خدا را در عزت و قدرتی که به تو داده بشناسی، سزاوار است که به درگاهش شکرگزار باشی.

۱۱۰-۲-۱- نیرومند کردن اسلام

﴿۱۵۰۱﴾ به ابی‌عبدالله علیه السلام عرض کردم: برای چه نمازگزار بعد از سلام سه مرتبه تکبیر گفته و دست‌هایش را بلند می‌کند؟ حضرت فرمودند: زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وقتی مکه را فتح نمودند، با اصحابشان نزدیک حجر الاسود نماز ظهر را خواندند و وقتی سلام دادند دو دست را بلند کرده و سه مرتبه تکبیر گفتند، بعد از آن فرمودند: " لا اله الا الله وحده وحده، انجز وعده و نصر عبده و اعز جنده و غلب الاحزاب وحده، فله الملك و له الحمد، یحیی و یمیت و یحیی و هو علی کل شیء قدیر ". سپس رو به اصحابشان کردند و فرمودند: این تکبیر را ترک نکنید و این دعا را بعد از هر نماز واجبی بخوانید زیرا کسی که بعد از سلام چنین کند و این دعا را بخواند در مقابل شکر واجب این نعمت خدای عزیز و جلیل را که اسلام و لشکریان مسلمین را تقویت کرده است ادا کرده است.

۱۱۱-۲-۱- فسخ یا قرارداد

﴿۱۵۰۲﴾ خیری که شر با آن آمیخته نیست، شکر بر نعمت و صبر بر ناگواری‌هاست. و به مردی که از بیماری بهبود یافته بود فرمود: همانا خدایت تو را یاد کرد تو نیز خدا را یاد کن و از تو گذشت نمود تو نیز سپاسگزارش باش.

﴿۱۵۰۳﴾ امام علیه السلام بیماری را که خوب شده بود ملاقات کرده و به او فرمود مبارک باشد پاک شدند از گناه، پس خدا به یاد توست تو هم او را یاد کن و بخشید تو را پس از او سپاسگزاری کن.

۱۱۲-۲-۱- قیام حضرت حجة بجاء النبی و آله

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٥٠٤﴾ الصادق عليه السلام: كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَنَحْنُ نُرِيدُ زِيَارَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَلَمَّا صِرْنَا إِلَى الثُّنْيَةِ نَزَلَ فَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ فَقُلْتُ يَا سَيِّدِي مَا هَذِهِ الصَّلَاةُ قَالَ هَذَا مَوْضِعُ مَنِيرِ الْقَائِمِ أَحَبُّتُ أَنْ أَشْكُرَ اللَّهَ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ؛ دلائل الإمامة ص: ٢٤٤

١١٣-٢-١-الإكرام

﴿١٥٠٥﴾ اللَّهُمَّ وَآنَا الدَّلِيلُ الَّذِي أَغْرَزْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَآنَا الْمَخْذُولُ الَّذِي كَفَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَآنَا الْمُبْعِيُّ عَلَيْهِ الَّذِي نَصَرْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَآنَا الْوَضِيعُ الَّذِي رَفَعْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَآنَا الْهَالِكُ الَّذِي خَلَصْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَآنَا الْغَرِيقُ الَّذِي نَجَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَآنَا الْمُهَانُ الَّذِي أَكْرَمْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَآنَا الرَّاجِلُ الَّذِي حَمَلْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ أَجَلٌ وَعِزَّتِكَ لَقَدْ فَعَلْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٢٨ ص:

﴿١٥٠٦﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ وَمَا أَعْطَيْتَنَا مِنْ عَطَاءٍ أَوْ فَضَّلْتَنَا بِهِ مِنْ فَضِيلَةٍ أَوْ أَكْرَمْتَنَا بِهِ مِنْ كَرَامَةٍ فَأَعْظِنَا مَعَهُ شُكْرًا يَقْهَرُهُ وَيَذْمَعُهُ؛ تهذيب الأحكام ج: ٣ ص: ٩٣

﴿١٥٠٧﴾ الصادق عليه السلام: فَشَكَرْتُكَ بِإِذْخَالِي فِي كَرَمِكَ وَلِتَطْهِيرِ قَلْبِي مِنْ أَوْسَاحِ الْغَفْلَةِ عَنْكَ؛ إقبال الأعمال ص: ٦٨٥

﴿١٥٠٨﴾ الصادق عليه السلام: فَكَلَّمَا فَرَعْتُ وَرَأَيْتُ هَؤُلَاءِ سَأَلْتُ جَبْرِئِيلَ فَقَالَ أَبَشِّرْ يَا مُحَمَّدُ وَاشْكُرْ كَرَامَةَ رَبِّكَ؛ بحار الأنوار ج: ١٨ ص: ٣٢٥

١١٤-٢-١-الإكساء

﴿١٥٠٩﴾ اللَّهُمَّ وَآنَا الدَّاعِي الَّذِي أَحْبَبْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ وَآنَا السَّائِلُ الَّذِي أَعْطَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَآنَا الضَّالُّ الَّذِي هَدَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَآنَا الضَّعِيفُ الَّذِي قَوَّيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَآنَا الْفَقِيرُ الَّذِي أَغْنَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَآنَا الْعَارِي الَّذِي كَسَوْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَآنَا السَّقِيمُ الَّذِي شَفَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ أَجَلٌ وَعِزَّتِكَ لَقَدْ فَعَلْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛

بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٢٨

﴿١٥١٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: يَا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضًا فَشَفَانِي وَغُرْبَانَا فَكَسَانِي وَجَائِعًا فَأَشْبَعَنِي وَعَطْشَانًا فَأَرْوَانِي وَذَلِيلًا فَأَعَزَّنِي وَجَاهِلًا فَعَرَّفَنِي وَوَحِيدًا فَكَثَّرَنِي وَغَائِبًا فَרَدَّنِي وَمَقِيلًا فَأَغْنَانِي وَمُنْتَصِرًا فَنَصَرَنِي وَغَنِيًّا فَلَمْ يَسْلُنِي وَأَمْسَكَتْ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَابْتَدَأَنِي فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ؛ البلد الأمين ص: ٢٥٥

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۵۰۴﴾ همراه با ابی عبدالله علیه السلام بودم و می‌خواستیم به زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام برویم. هنگامی که "ثویه" رسیدیم، پیاده شدند و دو رکعت نماز خواندند و گفتیم: ای آقای من این چه نمازی است؟ فرمودند: اینجا محل منبر حضرت قائم علیه السلام است دوست داشتم که خدا را در این مکان شکر کنم.

۱۱۳-۲-۱- بزرگداشت و گرامی شمردن

﴿۱۵۰۵﴾ خداوندا، من همان شخص ذلیل و خواری هستم که تو او را عزت و بزرگی بخشیدی، پس حمد و سپاس برای توست؛ و من همان شخص بیچاره‌ای هستم که تو او را کفایت فرمودی، پس حمد و ستایش مخصوص توست؛ و من همان درهم‌شکسته‌ای هستم که تو او را یاری نمودی پس به‌این جهت ستایش مخصوص توست؛ و من همان فروافتاده‌ای هستم که تو او را بالا بردی، پس ستایش مخصوص توست؛ و من همان هلاک و نابود شده‌ای هستم که تو او را از نابودی خلاصی و رهایی بخشیدی، پس حمد و ستایش برای توست؛ و من آن غرق شده (فرورفته در گناهان و غفلت) که تو او را نجات بخشیدی پس حمد و ستایش شایسته‌ی توست؛ و من همان دردمند و غم‌زده‌ای هستم که تو او را اکرام نمودی پس حمد و سپاس از آن توست؛ و من همان تنهامانده‌ای هستم که تو به او مهلت دادی پس حمد و مخصوص توست؛ سوگند به عزت و بزرگی‌ات که همه‌ی آن نیکویی‌ها را تو در حق من انجام دادی پس حمد و ستایش مخصوص توست. پس درود فرست بر محمد و خاندانش و مرا از زمره‌ی شکرگزاران به درگاهت قرار بده.

﴿۱۵۰۶﴾ پروردگار! (قسم به) آنچه از بخشش‌هایت که به ما عطا کردی و لطف‌هایی که به ما روا داشتی، و یا تکریم‌هایی که از ما کردی پس به ما توفیق شکری بده که با آن بر شیطان چیره شوم و بینی او را به خاک بمالیم.

﴿۱۵۰۷﴾ پس تو را سپاس می‌گویم که مرا در کرم خویش داخل کرده، و دلم را از آلودگی‌های غفلت و بی‌خبری پاکیزه ساخته‌ای.

﴿۱۵۰۸﴾ پس آنگاه که آن‌ها را دیدم و ناراحت شدم از جبرئیل سؤال کردم. گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله بشارت باد بر تو و از لطف پروردگارت سپاسگزاری کن.

۱۱۴-۲-۱- لباس پوشاندن

﴿۱۵۰۹﴾ خدایا، من همانم که دعا کردم و تو اجابت نمودی، پس حمد سزاوار توست؛ و من همانم که از تو درخواست نمودم و تو عطا کردی، پس حمد سزاوار توست؛ و من همان گمراهی هستم که هدایتش کردی، پس حمد سزاوار توست؛ و من آن ضعیفم که به او توان دادی، پس حمد سزاوار توست؛ و من آن فقیری هستم که توانگرش نمودی، پس حمد سزاوار توست؛ و من آن عریانی هستم که بر او لباس پوشاندی، پس حمد سزاوار توست؛ و من آن بیماری هستم که شفایش دادی، پس حمد سزاوار توست؛ آری به عزتت سوگند که این لطف‌ها را تو در حق من روا داشته‌ای، پس حمد سزاوار توست؛ بر محمد و آلش درود فرست و مرا از قدرشناسان و شکرگزاران خودت قرار ده.

﴿۱۵۱۰﴾ ای کسی که در حال بیماری او را خواندم مرا شفا داد، در حال برهنگی او را خواندم، مرا پوشاند، در گرسنگی صدایش کردم، سیرم کرد، در حال تشنگی خواندمش، سیرابم نمود؛ در حال خواری صدایش کردم، عزیزم کرد؛ در حالی که نادان بودم صدایش زدم مرا دانا کرد؛ در حال تنهایی او را خواندم، مرا از تنهایی درآورد؛ در دوری از دوستان صدایش کردم مرا به دوستان بازگرداند؛ در حال احتیاج خواندمش، مرا بی‌نیاز کرد؛ یاری خواستم یاری‌ام کرد و آنگاه که بی‌نیاز شدم از من بازنگرفت؛ و از همه‌ی آن‌ها دست برداشتم و هیچ کاری نکردم ولی او دوباره نعمت‌دادنش را بر من آغاز نمود پس حمد و شکر سزاوار توست.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١١٥-٢-١-الكشف

﴿١٥١١﴾ الرضا عليه السلام: أَشْكُرُهُ عَلَى مَا جَلَى مِنْ مُظْلَمٍ ظَلَمَ جَهْلٍ وَ كَشَى مِنْ كَشَفٍ رَكَّامٍ كَرَبٍ؛

المصباح للكفعمي ص: ٧٢٣

١١٦-٢-١-الكفارة

﴿١٥١٢﴾ لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَ احْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ المائدة:

الآية ٨٩

١١٧-٢-١-الكفاية

﴿١٥١٣﴾ اللَّهُمَّ وَ أَنَا الدَّلِيلُ الَّذِي أَغْرَزْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْمَحْذُولُ الَّذِي كَفَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْمُبْغِيُّ عَلَيْهِ الَّذِي نَصَرْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْوَضِيعُ الَّذِي رَفَعْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْهَالِكُ الَّذِي خَلَصْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْغَرِيقُ الَّذِي نَجَّيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْمُهَانُ الَّذِي أَكْرَمْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الرَّاجِلُ الَّذِي حَمَلْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ أَجَلٌ وَ عِزَّتِكَ لَقَدْ فَعَلْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٢٨

١١٨-٢-١-الإلهام

﴿١٥١٤﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ وَ لَهُ الشُّكْرُ بِمَا أَلْهَمَ؛ شرح نهج البلاغة ج: ١٦ ص: ٢١١
﴿١٥١٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَحَدِ الْمُحْمُودِ الَّذِي تَوَحَّدَ بِمُلْكِهِ وَ عَلَا بِقُدْرَتِهِ أَحْمَدُهُ عَلَى مَا عَرَفَ مِنْ سَبِيلِهِ وَ أَلْهَمَ مِنْ طَاعَتِهِ وَ عَلَّمَ مِنْ مَكْنُونِ حِكْمَتِهِ فَإِنَّهُ مُحْمُودٌ بِكُلِّ مَا يُؤَلَى مَشْكُورٌ بِكُلِّ مَا يُثَلَى؛ بحار الأنوار ج: ٥٣ ص: ٧٧
﴿١٥١٦﴾ السجاد عليه السلام: وَهَبْتَ لِي مِنْ خُلُوصِ مَعْرِفَتِكَ حَقِيقَةً أَنْتَ الْمَشْكُورُ عَلَى إِلْهَامِهَا؛

بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٦٥

١١٩-٢-١-التمحيص

﴿١٥١٧﴾ فَمَا أَذْرِي، يَا إِلَهِي، أَيُّ الْحَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ، وَ أَيُّ الْوَقْتَيْنِ أَوْلَى بِالْحَمْدِ لَكَ، أَوْ قَتُّ الصَّحَّةِ الَّتِي هَنَأْتَنِي فِيهَا طَيِّبَاتِ رَزْقِكَ، وَ نَشَطَّتَنِي بِهَا لَائِنَايَ مَرْضَاتِكَ وَ فَضْلِكَ، وَ قَوَّيْتَنِي مَعَهَا عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ مِنْ طَاعَتِكَ، أَمْ وَقْتُ الْعِلَّةِ الَّتِي مَحَصَّنِي بِهَا، وَ النَّعْمَ الَّتِي أَتَحَفَّنِي بِهَا، تَخْفِيفًا لِمَا

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۱۱۵-۲-۱-۱ آشکار کردن

﴿۱۵۱۱﴾ به خاطر زدودن تاریکی‌های نادانی و برطرف کردن گرفتاری‌های متراکم شکر او را به‌جا می‌آورم.

۱۱۶-۲-۱-۱ آنچه که گناه را بپوشاند

﴿۱۵۱۲﴾ خداوند شما را به خاطر سوگندهای بیهوده (و خالی از اراده)، مؤاخذه نمی‌کند ولی در برابر سوگندهایی که (از روی اراده) محکم کرده‌اید، مؤاخذه می‌نماید. کفاره‌ی این‌گونه قسم‌ها، غذا دادن به ده نفر فقیر، از غذاهای معمولی که به خانواده‌ی خود می‌دهید یا لباس پوشاندن بر آن ده نفر و یا آزاد کردن یک برده و کسی که بر هیچ‌کدام از این‌ها قدرت نداشته باشد، سه روز، روزی بگیرد این، کفاره‌ی سوگندهای شماس است به‌هنگامی که سوگند یاد می‌کنید و آن را می‌شکنید پس سوگندهای خود را حفظ کنید (و نشکنید)، خداوند آیات خود را این چنین برای شما بیان می‌کند، باشد که شکر او را به‌جا آورید!

۱۱۷-۲-۱-۱ بی‌نیاز کردن

﴿۱۵۱۳﴾ خداوند، من همان شخص ذلیل و خواری هستم که تو او را عزت و بزرگی بخشیدی، پس حمد و سپاس برای توست؛ و من همان شخص بیچاره‌ای هستم که تو او را کفایت فرمودی، پس حمد و ستایش مخصوص توست؛ و من همان درهم‌شکسته‌ای هستم که تو او را یاری نمودی پس به‌این‌جهت ستایش مخصوص توست؛ و من همان فرو افتاده‌ای هستم که تو او را بالا بردی، پس ستایش مخصوص توست؛ و من همان هلاک و نابود شده‌ای هستم که تو او را از نابودی خلاصی و رهایی بخشیدی، پس حمد و ستایش برای توست؛ و من آن غرق شده (فرورفته در گناهان و غفلت) که تو او را نجات بخشیدی پس حمد و ستایش شایسته‌ی توست؛ و من همان دردمند و غم‌زده‌ای هستم که تو او را اکرام نمودی پس حمد و سپاس از آن توست؛ و من همان تنهامانده‌ای هستم که تو به او مهلت دادی پس حمد و مخصوص توست؛ سوگند به عزت و بزرگی‌ات که همه‌ی آن نیکویی‌ها را تو در حق من انجام دادی پس حمد و ستایش مخصوص توست. پس درود فرست بر محمد و خاندانش و مرا از زمره‌ی شکرگزاران به درگاهت قرار بده.

۱۱۸-۲-۱-۱ الهام

﴿۱۵۱۴﴾ حمد مخصوص خداست در برابر نعمت‌هایی که عطا کرد و شکر متعلق به اوست در برابر آنچه الهام کرد.

﴿۱۵۱۵﴾ حمد و ستایش (مخصوص) پروردگاری است که تنهای بی‌شریک و ستایش شده است؛ او که در پادشاهی‌اش واحد است و یگانه و او که در قدرت‌ش بلندمرتبه است و او را می‌ستایم به این دلیل که راهش را به من شناساند و اطاعتش را به من الهام کرد و از حکمت‌های نهانی‌اش به من آموخت. که همانا او در هر نعمتی که می‌دهد، مورد شکر و در بلایی که بفرستد سزاوار ستایش است.

﴿۱۵۱۶﴾ از معرفت خالصت، حقیقتی را به من بخشیدی که برای الهام آن بر من باید تو را سپاس گویم.

۱۱۹-۲-۱-۱ خالص کردن چیزی

﴿۱۵۱۷﴾ خدایا، نمی‌دانم، کدامیک از این دو حالت (تندرستی و بیماری) به سپاسگزاری نزد تو نزدیک‌تر و شایسته‌تر است و کدامیک از این دو زمان برای ستایش تو سزاوارتر است؛ آیا هنگام تندرستی که در آن روزی‌های پاکیزه‌ات را به من گوارا ساخته و برای درخواست رضایت و لطف تو به من نشاط بخشیدی و با آن مرا بر فرمان‌برداری خویش توفیق و توانایی دادی،؟ یا هنگام

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

ثَقُلَ بِهِ عَلَى ظَهْرِي مِنَ الْخَطِيئَاتِ، وَتَطْهِيراً لِمَا أَنْعَمْتَ فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَتَنْبِيهاً لِتَنَاوُلِ التَّوْبَةِ، وَتَذْكِيراً لِمَحْوِ الْحَوْبَةِ بِقَدِيمِ النُّعْمَةِ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٧٦
١٢٠-١٢-١-المَطَرُ

﴿١٥١٨﴾ الرسول عليه السلام: قَرَأَ عَلَى الْوَاقِعَةِ فِي الْفَجْرِ فَقَالَ وَتَجْعَلُونَ شُكْرَكُمْ أَنْكُمْ تُكَذِّبُونَ فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ إِنِّي قَدْ عَرَفْتُ أَنَّهُ سَيَقُولُ قَائِلٌ لِمَ قَرَأَهَا هَكَذَا إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ عليه السلام يَقْرُؤُهَا كَذَلِكَ كَانُوا إِذَا امْطَرُوا قَالُوا مُطَرْنَا بَنُو كَذَا وَكَذَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ وَتَجْعَلُونَ شُكْرَكُمْ أَنْكُمْ إِذَا مُطَرْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ؛ بحار الأنوار ج: ٥٥ ص: ٣٢٨
١٢١-١٢-٢-التَّمَكُّنُ

﴿١٥١٩﴾ وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ؛ الأعراف: الآية ١٠
١٢٢-١٢-٢-الْمِنْحَةُ

﴿١٥٢٠﴾ اللَّهُمَّ مَنَّا حُكَّ مُتَّابَعَةٌ وَآيَادِيكَ مُتَوَالِيَةٌ وَنِعْمُكَ سَابِغَةٌ وَشُكْرُنَا قَصِيرٌ وَحَمْدُنَا يَسِيرٌ وَأَنْتَ بِالْتَّعَطُّفِ عَلَى مَنْ اعْتَرَفَ جَدِيرٌ؛ بحار الأنوار ج: ٨٢ ص: ٢٢٥
﴿١٥٢١﴾ الرضا عليه السلام: عُوذُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ بَعْدَ انْقِضَاءِ مَجْمَعِكُمْ بِالتَّوَسُّعَةِ عَلَى عِيَالِكُمْ وَالْبِرِّ بِأَخْوَانِكُمْ وَالشُّكْرِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى مَا مَنَحَكُمْ؛ المصباح للكنعني ص: ٧٠٠
﴿١٥٢٢﴾ الصادق عليه السلام: فَلَهُ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَلْهَمَنَا وَلَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا مَنَحَنَا وَقَدْ خَصَّنَا مِنَ الْعُلُومِ بِأَغْلَاهَا وَمِنَ الْمَعَالِي بِأَسْنَاهَا وَاصْطَفَانَا عَلَى جَمِيعِ الْخَلْقِ بِعِلْمِهِ وَجَعَلَنَا مُهْتَمِّينَ عَلَيْهِمْ بِحِكْمِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٣ ص: ٥٩

١٢٣-١٢-٢-الْمَنْعُ
﴿١٥٢٣﴾ عَنِ الْفُتُوَّةِ فَقَالَ مَا تَقُولُ أَنْتَ قَالَ إِنْ أُعْطِينَا شُكْرُنَا وَإِنْ مُنِعْنَا صَبْرُنَا قَالَ إِنْ الْكِلَابَ عِنْدَنَا بِالْمَدِينَةِ هَذَا شَأْنُهَا وَلَكِنْ قُلْ إِنْ أُعْطِينَا أَثَرْنَا وَإِنْ مُنِعْنَا شُكْرُنَا؛ شرح نهج البلاغة ج: ١١ ص: ٢١٧

﴿١٥٢٤﴾ الصادق عليه السلام: كَيْفَ أَنْتُمْ فِي بِلَادِكُمْ فَقَالَ بَخِيرٌ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنْ أُعْطِينَا شُكْرُنَا وَإِنْ مُنِعْنَا صَبْرُنَا فَقَالَ لَهُ هَكَذَا كِلَابٌ حِجَارَانَا يَا شَفِيقُ فَقَالَ لَهُ كَيْفَ أَقُولُ قَالَ لَهُ هَلَّا كُنْتُمْ إِذَا أُعْطِيتُمْ أَثَرْتُمْ وَإِذَا مُنِعْتُمْ شُكْرْتُمْ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ١٢٣
١٢٤-١٢-٢-الْمِنَّةُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

بیماری که مرا با آن (از گناهان) رهانیدی و نعمت بیماری که به من هدیه کردی تا گناهی را که پشت مرا سنگین کرده بود سبک نماید، و از بدی‌هایی که در آن فرو رفته‌ام پاکم سازد، و برای فراگرفتن توبه بیدارم کند و با یادآوری نعمت‌هایی که از قبل به من داده شده گناهانم را فروریزد؟

۱۲۰-۲-۱-۲-باران

﴿۱۵۱۸﴾ علی علیه السلام در نماز بامداد، سوره‌ی واقعه را خواند و آیه را این‌چنین قرائت کرد: "و تجعلون شکرکم انکم تکذبون" و چون نماز را تمام کرد فرمود: من می‌دانم یکی خواهد گفت: چرا چنین خواند؟ من شنیدم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آن را چنین می‌خواند، وقتی باران می‌آمد مردم می‌گفتند: باران ما از نوء فلانی است، و خدا فرو فرستاد "شما قدردانی خود را در برابر باران چنین ادا می‌کنید که با آن خدا را تکذیب می‌کنید".

۱۲۱-۲-۱-۲-توانایی

﴿۱۵۱۹﴾ و همانا ما شما فرزندان آدم را در زمین تمکین و اقتدار بخشیدیم و لوازم گذران زندگی دراختیارتان گذاردیم لیکن تعداد کمی از شما، شکر نعمت‌های خداوند را به‌جا می‌آورید.

۱۲۲-۲-۱-۲-عطا و بخشش

﴿۱۵۲۰﴾ خدایا، بخشش‌های تو پی‌درپی و نعمت‌های تو پیاپی و عطیه‌های تو کامل است و در مقابل شکر ما کوتاه و ستایش ما اندک است و تو به مهربانی نمودن بر کسی که اقرار نموده است سزاواری.

﴿۱۵۲۱﴾ خدا شما را رحمت کند پس از تمام‌شدن این مجلس به‌سوی عیالات خود بر گردید و در امور آن‌ها توسعه دهید و به برادران خود نیکی کنید و به آنچه خدا به شما بخشیده شکر به‌جای آرید.

﴿۱۵۲۲﴾ ستایش متعلق به اوست که به ما الهام کرد و شکر سزاوار اوست که به ما عطا فرمود و برترین و والاترین دانش‌ها و برتری‌ها را به‌صورت ویژه نصیب ما نمود. با علم خود ما را بر جمیع آفرینش برگزید و با حکمت خویش ما را امین و گواه بر آنان قرار داد.

۱۲۳-۲-۱-۲-محرومیت

﴿۱۵۲۳﴾ از جوانمردی پرسیده شد که پس تو چه می‌گویی گفت: اگر به ما نعمتی عطا شود شکر و سپاس می‌گوییم و اگر منع شود و به ما نرسد صبر پیشه می‌سازیم پس گفت: این روش سگ‌های شهرماست اما خود ما این‌گونه هستیم که؛ اگر به ما نعمتی عطا شود، گذشت و ایشار کرده و می‌بخشیم و اگر هم از ما منع شود شکر به‌جای می‌آوریم.

﴿۱۵۲۴﴾ در شهر و دیارتان چگونه زندگی می‌کنید؟ گفتند: ای فرزند پیامبر خدا، به خوبی؛ اگر نعمت دریافت کنیم شکر می‌کنیم و اگر دریافت نکنیم صبر می‌کنیم. فرمود: ای شفیق، سگ‌های حجاز نیز این چنینند. گفت: پس چه بگوییم؟ حضرت فرمود: چرا چنین نباشید که اگر به شما چیزی دادند شما انفاق کنید و اگر ندادند سپاسگزاری نمایید.

۱۲۴-۲-۱-۲-نعمت

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٥٢٥﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَثْنِي عَلَيْكَ بِأَحْسَنِ مَا أَقْدِرُ عَلَيْهِ وَأَشْكُرُكَ بِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ أَشْكُرُكَ وَأَعْتَرِفُ لَكَ بِذُنُوبِي وَأَذْكُرُ حَاجَتِي؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٢٢

﴿١٥٢٦﴾ السجاد عليه السلام: اللَّهُمَّ فَلكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعَمَائِكَ كُلِّهَا وَلَكَ الشُّكْرُ عَلَى مَنِّكَ كُلِّهَا؛

بحار الأنوار ج: ٩٨ ص: ١٩٧

﴿١٥٢٧﴾ أَمَرَنِي بِمَسْأَلَتِهِ وَدَعَانِي إِلَى عِبَادَتِهِ وَرَغَّبَنِي فِيْمَا عِنْدَهُ وَحَثَّنِي عَلَى طَاعَتِهِ وَزَهَّدَنِي فِي مَعْصِيَتِهِ وَشَوَّقَنِي إِلَى جَنَّتِهِ وَحَذَّرَنِي عِقَابَهُ رَحْمَةً مِنْهُ لِي وَمِنَّةً وَاجِبُ شُكْرُهَا؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٢٢٣

﴿١٥٢٨﴾ الباقر عليه السلام: أَنَّ ثُمَامَةَ بْنَ أَنَالٍ أَسْرَتْهُ خَبِلُ النَّبِيِّ ﷺ وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَالَ اللَّهُمَّ أَمْكِنِّي مِنْ ثُمَامَةَ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِنِّي مُخَيَّرُكَ وَاحِدَةً مِنْ ثَلَاثٍ أَقْتُلُكَ قَالَ إِذَا تَقَتَّلَ عَظِيمًا أَوْ أَفَادِيكَ قَالَ إِذَا تَجَدَّنِي غَالِيًا أَوْ أَمُنْتُ عَلَيْكَ قَالَ إِذَا تَجَدَّنِي شَاكِرًا قَالَ فَإِنِّي قَدْ مَنَنْتُ عَلَيْكَ قَالَ فَإِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّكَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَقَدْ وَاللَّهِ عَلِمْتُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ حَيْثُ رَأَيْتُكَ وَمَا كُنْتُ لِأَشْهَدَ بِهَا وَأَنَا فِي الْوُثَاقِ؛ الكافي ج: ٨ ص: ٢٩٩

﴿١٥٢٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: تَسْتَحِقُّ عَلَيْنَا بَعْدَ الْيَأْسِ شُكْرًا مِنَّةً مِنْ مَنِّكَ مُجَلَّلَةً وَنِعْمَةً مِنْ نِعَمِكَ مُفْضَلَةً عَلَى بَرِيَّتِكَ الْمُرْمِلَةِ وَبِلَادِكَ الْمُغْرِبَةِ وَبِهَائِمِكَ الْمُعْمَلَةِ وَوَحْشِكَ الْمُهْمَلَةِ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٥٢٧

﴿١٥٣٠﴾ اسْبَغْتَ عَلَى النِّعْمَةِ وَأَوْجَبْتَ عَلَى الْمِنَّةِ وَبَلَّغْتَنِي فَوْقَ الْأُمْنِيَّةِ لِتَبْلُونِي فَتَعْرِفَ شُكْرِي؛ بحار الأنوار ج: ٩٩ ص: ٢٢٢

﴿١٥٣١﴾ فَحَمِدْتُ اللَّهَ وَشَكَرْتُهُ عَلَى مَا مَنَّ بِهِ عَلَيَّ مِنْ إِزَالَةِ الشَّكِّ عَنْ قَلْبِي؛ بحار الأنوار ج: ٥١ ص: ٣٠٢

﴿١٥٣٢﴾ الصادق عليه السلام: فَقَدْ اسْتَشْفَعْتُ بِهِمْ إِلَيْكَ وَقَدَّمْتُهُمْ أَمَامِي وَبَيَّنَّ يَدَيَّ حَوَائِجِي وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ كِفَايَتِكَ فِي حَرِّ حَرِيرٍ وَمِنْ كَلَاءَتِكَ تَحْتَ عِزِّ عَزِيزٍ وَتُوزِعَنِي شُكْرَ آلائِكَ وَمِنْ نِعَمِكَ؛ مفتاح الفلاح ص: ٢١٦

﴿١٥٣٣﴾ فَلَهُ الشُّكْرُ عَلَى إِنْعَامِهِ وَجُودِهِ وَامْتِنَانِهِ؛ الأمان ص: ٦١

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۵۲۵﴾ خداوند، به خاطر نیکوترین مقرراتی که بر من مقرر فرمودی ثنای تو را می‌گویم و به واسطه‌ی آنچه بر من منت نهادی تو را شکر می‌کنم و سپاسگزار تو هستم و به گناهانم به درگاهت اعتراف می‌کنم و حاجتم را ذکر می‌کنم (و از تو آن را می‌طلبم).

﴿۱۵۲۶﴾ پروردگارا، ستایش مخصوص توست به واسطه‌ی تمامی نعمت‌هایت (که عطا فرمودی) و شکر مخصوص توست بر همه‌ی آنچه به من منت نهادی.

﴿۱۵۲۷﴾ مرا به درخواست از خودش امر کرد و به عبادتش دعوت کرد و به آنچه نزد خودش می‌باشد تشویق کرد و به طاعتش وادار کرد و از گناهانش پاک کرد و به بهشتش مشتاق کرد و از عقابش دور کرد، همه‌ی این‌ها رحمت و لطفی از طرف او بر من است که شکر آن واجب و ضروری است.

﴿۱۵۲۸﴾ ثمامه فرزند اثال را سواران پیامبر ﷺ به اسیری گرفتند و پیش از آن پیامبر اکرم ﷺ دعا کرده بود که خدایا، مرا بر ثمامه چیره گردان. پس پیامبر اکرم ﷺ به او فرمود: من تو را به گزینش یکی از این سه مخیر می‌سازم: اینکه تو را بکشم. ثمامه گفت: در این صورت مرد بزرگی را کشته‌ای. پیامبر فرمود: دیگر آنکه از تو فدیة بستانم. ثمامه گفت: در این صورت مرا ارزشمند و گران‌بها خواهی یافت. پیامبر فرمود: سوم آنکه بر تو منت نهم و آزادت سازم. ثمامه گفت: در این صورت مرا قدردان خود خواهی یافت. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: پس من بر تو منت می‌نهم و آزادت می‌کنم. ثمامه گفت: من گواهی می‌دهم که خدایی جز الله نیست و محمد فرستاده‌ی اوست، به خدا سوگند آن‌هنگام که تو را دیدم در بند بودم دانستم که تو پیامبر خدایی. ﴿۱۵۲۹﴾ و تو ای خداوند بخشنده، پس از آن دوران نومیدی که بر ما گذشته است با احسانی از انواع احسان فراگیر تو و نعمتی از نعمت‌های از سر لطف تو بر مخلوقات نیازمند بینوایت و بر سرزمین‌های دورافتاده‌ات و جانوران به کار گرفته‌ی تو، و حیوانات وحشی رها شده‌ات، سزاوار شکر و ستایشی.

﴿۱۵۳۰﴾ نعمت را بر من کامل کرده و مرا سزاوار دریافت نعمت قرار داده‌ای و مرا به نهایت آرزوهایم رسانیدی تا مرا بیازمایی و بدانی که تا چه حد شکرگزارم.

﴿۱۵۳۱﴾ خدا را ستودم و او را به خاطر لطفش نسبت به خودم و اینکه شک و تردیدم را برطرف کرد شکر کردم.

﴿۱۵۳۲﴾ من به واسطه‌ی ایشان از تو شفاعت خواستم، و آنان را پیشاپیش خود و نیازهایم واداشتم، و اینکه در دژ محکمی از مراقبت و بی‌نیاز کردن خویش، و در زیر سایه‌ی محکمی تحت حفظ و حمایت خود قرارم دهی، و سپاس نعمت‌ها و بخشش‌هایت را به من ارزانی داری.

﴿۱۵۳۳﴾ به خاطر نعمتی که داده و بخششی که نموده و لطفی که نسبت به من روا داشته است، او را می‌ستایم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٥٣٤﴾ الصادق عليه السلام: فَهَذِهِ الْمَعْرِفَةُ الْبَاطِنَةُ الثَّابِتَةُ بِعَيْنِهَا الْمَوْجِبَةُ حَقَّهَا الْمُسْتَوْجِبُ أَهْلِهَا عَلَيْهَا الشُّكْرُ لِلَّهِ الَّتِي مَنْ عَلَيْهِمْ بِهَا مَنْ مِنَ اللَّهِ يَمُنُّ بِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مَعَ الْمَعْرِفَةِ الظَّاهِرَةِ وَ مَعْرِفَةُ فِي الظَّاهِرِ؛ بحار الأنوار ج: ٢٤ ص: ٢٩٠

﴿١٥٣٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: يَا مَنْ هَدَانِي بِالْإِيمَانِ قَبْلَ أَنْ أَعْرِفَ الشُّكْرَ الْإِمْتِنَانِ؛ البلد الأمين ص: ٢٥٥

﴿١٥٣٦﴾ الصادق عليه السلام: أَشْكُرُكَ بِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ وَ عَلَّمْتَنِي مِنْ شُكْرِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٤٢

١٢٥-٢-١-المال

﴿١٥٣٧﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: اقْنَعْ بِمَا عِنْدَكَ فَإِنَّ الشَّاكِرَ أَحْسَنُ مِمَّنْ لَهُ مَالٌ كَثِيرٌ لَا يَشْكُرُهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٣ ص: ٢٥٦

﴿١٥٣٨﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ الَّذِينَ أُعْطُوا الْمَالَ ثُمَّ لَمْ يَشْكُرُوا لَا مَالَ لَهُمْ؛ الكافي ج: ٥ ص: ٨١
﴿١٥٣٩﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: وَأَمَّا الْمَالُ فَإِنَّ الْمَخْرَجَ مِنْهُ شُكْرُ النِّعْمَةِ وَ آدَاءُ حَقِّهِ؛ بحار الأنوار ج: ٢ ص: ٢٢

﴿١٥٤٠﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: يَا أَخِي إِيَّاكَ أَنْ تَجْمَعَ مِنَ الدُّنْيَا مَا لَا تُؤَدِّي شُكْرَهُ؛ مجموعة ورام ج: ١ ص: ١٥٦

١٢٦-٢-١-الماء

﴿١٥٤١﴾ ﴿لَوْ شَاءَ جَعَلْنَاهُ أَجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ﴾؛ الواقعة: الآية ٧٠

١٢٧-٢-١-النَّبأ بِسَلَامِهِ عَلَى السَّالِئِ

﴿١٥٤٢﴾ الباقر عليه السلام: أَنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ دَخَلَ الْحِصْنَ فَأَقْبَلَ رَسُولُ اللَّهِ فَخَرَجَ عَلَى السَّالِئِ يَتَلَقَّاهُ فَقَالَ لِيُغْنِيَ نَبُوكَ الْمَشْكُورُ؛ بحار الأنوار ج: ٢١ ص: ٢٢

١٢٨-٢-١-التَّنبِيه

﴿١٥٤٣﴾ ﴿فَمَا أَذْرَى، يَا إِلَهِي، أَيُّ الْحَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ، وَ أَيُّ الْوَقْتَيْنِ أَوْلَى بِالْحَمْدِ لَكَ، أَوْ قَتُّ الصِّحَّةِ الَّتِي هَنَأْتَنِي فِيهَا طَيِّبَاتِ رِزْقِكَ، وَ نَشَطَّتَنِي بِهَا لَائِنُغَايَ مَرْضَاتِكَ وَ فَضْلِكَ، وَ قَوَّيْتَنِي مَعَهَا عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ مِنْ طَاعَتِكَ، أَمْ وَقْتُ الْعِلَّةِ الَّتِي مَحَصَّنْتَنِي بِهَا، وَ النِّعَمِ الَّتِي أَتَّحَفْتَنِي بِهَا، تَخْفِيفًا لِمَا ثَقُلَ بِهِ عَلَيَّ ظَهْرِي مِنَ الْخَطِيئَاتِ، وَ تَطْهِيرًا لِمَا أَنْغَمَسْتُ فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَ تَنْبِيهًا لِتَنَاوُلِ التَّوْبَةِ، وَ تَذْكِيرًا لِمَحْوِ الْحَوَاثِ بِقَدِيمِ النِّعْمَةِ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٧٦

١٢٩-٢-١-الْإِنْجَازُ لِمَا وَعَدَ اللَّهُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۵۳۴﴾ نوع اول شناخت باطنی و ثابتی است که بر اهل خود شکر پروردگار را بخاطر لطفی که به آنان کرده، واجب می‌کند. لطفی که خدا به هر که بخواهد همراه به شناخت ظاهری ارزانی می‌دارد.

﴿۱۵۳۵﴾ ای کسی که مرا به ایمان هدایت فرمود، پیش از آنکه، حق شکر این لطف و منتش را بشناسم.

﴿۱۵۳۶﴾ تو را به واسطه‌ی منتی که بر من نهادی و شکرت را به من آموختی شکر و سپاس می‌گویم.

۱۲۵-۲-۱- مال

﴿۱۵۳۷﴾ به آنچه داری قانع و راضی باش، که همانا انسان شکور از کسی که مال بسیار دارد و شکر نمی‌کند بهتر است.

﴿۱۵۳۸﴾ کسانی که به آنان مالی داده شود و سپاسگزاری نکنند، [عاقبت آن مال از آنان گرفته می‌شود] آن چنان که گویا اصلاً مالی ندارند.

﴿۱۵۳۹﴾ و اما مال و دارایی پس راه بیرون رفتن از آن به‌جا آوردن شکر نعمت و ادای حق آن است.

﴿۱۵۴۰﴾ ای برادر، مبدا مال دنیا را آن قدر جمع کنی که از عهده‌ی شکرش بر نیایی.

۱۲۶-۲-۱- آب

﴿۱۵۴۱﴾ هرگاه بخواهیم، این آب گوارا را تلخ و شور قرار می‌دهیم پس چرا شکر نمی‌کنید؟!

۱۲۷-۲-۱- خبر به سلامتی علی علیه السلام

﴿۱۵۴۲﴾ علی بن ابی طالب علیه السلام قلعه‌های یهودیان را گشود در این هنگام حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه و آله به طرف حصار تشریف فرما شدند علی بن ابی طالب علیه السلام از آن جناب استقبال کرد، پیامبر فرمود: اخبار موفقیت به من رسید و من قدردان هستم.

۱۲۸-۲-۱- بیدار کردن

﴿۱۵۴۳﴾ خدایا، نمی‌دانم، کدامیک از این دو حالت (تندرستی و بیماری) به سپاسگزاری نزد تو نزدیک‌تر و شایسته‌تر است و کدامیک از این دو زمان برای ستایش تو سزاوارتر است؛ آیا هنگام تندرستی که در آن روزی‌های پاکیزه‌ات را به من گوارا ساخته و برای درخواست رضایت و لطف تو به من نشاط بخشیدی و با آن مرا بر فرمان‌برداری خویش توفیق و توانایی دادی؟ یا هنگام بیماری که مرا با آن (از گناهان) رهانیدی و نعمت بیماری که به من هدیه کردی تا گناهانی را که پشت مرا سنگین کرده بود سبک نماید، و از بدی‌هایی که در آن فرو رفته‌ام پاکم سازد، و برای فراگرفتن توبه بیدارم کند و با یادآوری نعمت‌هایی که از قبل به من داده شده گناهانم را فروریزد؟

۱۲۹-۲-۱- برآورده شدن وعده‌ی خداوند

﴿۵۰۳﴾

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٥٤٤﴾ قَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وَهُمْ مُصْرَعُونَ جَعَلَ أَبُو بَكْرٍ يُخْبِرُهُ بِهِمْ رَجُلًا رَجُلًا وَرَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَحْمَدُ اللَّهَ وَيشْكُرُهُ وَيَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْجَزَ لِي مَا وَعَدَنِي؛

شرح نهج البلاغة ج: ١٤ ص: ١٧٨

١٣٠-١٢-١-النجاة

﴿١٥٤٥﴾ قُلْ مَنْ يُجَبِّتُكُمْ مِنْ ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَسْنَا أَنْجَاكُمْ مِنْ هَذِهِ

لَنُكَوِّنَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ الأنعام: الآية ٦٣

﴿١٥٤٦﴾ هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّى إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَجَرَيْنَ بِهِمْ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُوا أَنْتَهُمْ أُحْيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ

الدِّينَ لَسْنَا أَنْجَبِيْنَا مِنْ هَذِهِ لَنُكَوِّنَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ يونس: الآية ٢٢

﴿١٥٤٧﴾ اللَّهُمَّ وَآنَا الذَّلِيلُ الَّذِي أَغْرَزْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَآنَا الْمَخْذُولُ الَّذِي كَفَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَآنَا الْمُبْغِيُّ عَلَيْهِ الَّذِي نَصَرْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَآنَا الْوَضِيعُ الَّذِي رَفَعْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَآنَا الْهَالِكُ الَّذِي خَلَصْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَآنَا الْغَرِيقُ الَّذِي نَجَّيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَآنَا الْمُهَانُ الَّذِي أَكْرَمْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَآنَا الرَّاجِلُ الَّذِي حَمَلْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ أَجَلٌ وَ عِزَّتِكَ لَقَدْ فَعَلْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلَى

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٢٢٨

﴿١٥٤٨﴾ الصَّادِقُ ﷺ: فَمَا نَدْرِي مَا نَشْكُرُ أَمْ جَمِيلٌ مَا تَنْشُرُ أَمْ قَبِيحٌ مَا تَسْتُرُ أَمْ عَظِيمٌ مَا أَتَيْتَ

وَأَوَّلَيْتَ أَمْ كَثِيرٌ مَا مِنْهُ نَجَّيْتَ وَ عَافَيْتَ؛ البلد الأمين ص: ٢٠٦

﴿١٥٤٩﴾ الرَّسُولُ ﷺ: وَفِي رَجَبِ حَمَلِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ نُوحًا فِي السَّفِينَةِ فَصَامَ رَجَبًا وَأَمَرَ مَنْ مَعَهُ أَنْ يَصُومُوا فَجَرَتْ بِهِمُ السَّفِينَةُ سِتَّةَ أَشْهُرٍ آخِرُ ذَلِكَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ هَبَطَ عَلَى الْجُودَى

فَصَامَ نُوحٌ وَمَنْ مَعَهُ وَالْوَحْشُ: شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ؛ فضائل شهر رجب ص: ٢٩٨

﴿١٥٥٠﴾ الْكَاسِمُ ﷺ: يَوْمَ تُوُفِّيَ مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ دَارَ أَبِي الْحَسَنِ ﷺ وَ قَدْ بُسِطَ لَهُ فِي صَحْنِ دَارِهِ وَ النَّاسُ جُلُوسٌ حَوْلَهُ فَقَالُوا قَدَرْنَا أَنْ يَكُونَ حَوْلَهُ مِنْ آلِ أَبِي طَالِبٍ وَ بَنِي الْعَبَّاسِ وَ قُرَيْشٍ مِائَةٌ وَ خَمْسُونَ رَجُلًا سِوَى مَوَالِيهِ وَ سَائِرِ النَّاسِ إِذْ نَظَرَ إِلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ قَدْ جَاءَ مَشْفُوقُ الْجَيْبِ حَتَّى جَاءَ عَنْ يَمِينِهِ وَ نَحْنُ لَا نَعْرِفُهُ فَنَظَرَ إِلَيْهِ أَبُو الْحَسَنِ ﷺ بَعْدَ سَاعَةٍ مِنْ قِيَامِهِ ثُمَّ قَالَ يَا

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۵۴۴﴾ پیامبر خدا ﷺ در میان آنان می‌گشت و آن‌ها روی زمین افتاده بودند و ابوبکر ایشان را از احوال یک‌یک آن‌ها، با خبر می‌ساخت و پیامبر خدا ﷺ خدا را حمد می‌کرد و شکر می‌نمود و می‌گفت: حمد خدایی راست که به آنچه بر من وعده داده بود وفا کرد.

۱۳۰-۲-۱-نجات

﴿۱۵۴۵﴾ بگو: "چه کسی شما را از تاریکی‌های خشکی و دریا رهایی می‌بخشد؟ درحالی‌که او را با حالت تضرع (و آشکارا) و در پنهانی می‌خوانید (و می‌گویید): اگر از این (خطرات و ظلمت‌ها) ما را رهایی می‌بخشد، از شکرگزاران خواهیم بود."

﴿۱۵۴۶﴾ او کسی است که شما را در خشکی و دریا سیر می‌دهد زمانی که در کشتی قرار می‌گیرید، و بادهای موافق آنان را (به‌سوی مقصد) حرکت می‌دهد و خوشحال می‌شوند، ناگهان طوفان شدیدی می‌وزد و امواج از هر سو به سراغ آن‌ها می‌آید و گمان می‌کنند هلاک خواهند شد، در آن هنگام، خدا را از روی اخلاص می‌خوانند که: "اگر ما را از این گرفتاری نجات دهی، حتماً از سپاسگزاران خواهیم بود."

﴿۱۵۴۷﴾ خداوند، من همان شخص ذلیل و خواری هستم که تو او را عزت و بزرگی بخشیدی، پس حمد و سپاس برای توست؛ و من همان شخص بیچاره‌ای هستم که تو او را کفایت فرمودی، پس حمد و ستایش مخصوص توست؛ و من همان درهم‌شکسته‌ای هستم که تو او را یاری نمودی پس به این جهت ستایش مخصوص توست؛ و من همان فروافتاده‌ای هستم که تو او را بالا بردی، پس ستایش مخصوص توست؛ و من همان هلاک و نابود شده‌ای هستم که تو او را از نابودی خلاصی و رهایی بخشیدی، پس حمد و ستایش برای توست؛ و من آن غرق شده (فرورفته در گناهان و غفلت) که تو او را نجات بخشیدی پس حمد و ستایش شایسته‌ی توست؛ و من همان دردمند و غم‌زده‌ای هستم که تو او را اکرام نمودی پس حمد و سپاس از آن توست؛ و من همان تنهامانده‌ای هستم که تو به او مهلت دادی پس حمد و مخصوص توست؛ سوگند به عزت و بزرگی‌ات که همه‌ی آن نیکویی‌ها را تو در حق من انجام دادی پس حمد و ستایش مخصوص توست. پس درود فرست بر محمد و خاندانش و مرا از زمره‌ی شکرگزاران به درگاهت قرار بده.

﴿۱۵۴۸﴾ نمی‌دانیم که کدام را شکر کنیم؟ زیبایی‌هایی که منتشر کردی و یا زشتی‌هایی را که پوشاندی یا امتحانات بزرگی که به عمل آوردی و بخشش‌های بزرگی که نمودی و یا موارد فراوانی که از آن‌ها نجاتمان دادی و عافیتمان بخشیدی.

﴿۱۵۴۹﴾ خداوند نوح را در ماه رجب، بر کشتی سوار کرد و او رجب را روزه گرفت و به همراهانش دستور داد که روزه بگیرند پس کشتی آن‌ها را مدت شش ماه با خود می‌برد که روز آخر که روز عاشورا بود کشتی بر کوه جودی فرود آمد و نوح و همراهانش و حیوانات برای شکر خداوند متعال روزه گرفتند.

﴿۱۵۵۰﴾ فرشی گسترده بودند و گروهی از بنی‌هاشم و بنی‌عباس که به غیر از غلامان و سایر مردم در حدود صد و پنجاه نفر می‌شدند، اطراف امام نشسته بودند. در این موقع حضرت هادی چشمش به حضرت امام حسن عسکری افتاد که با گریبان چاک و اشک جاری وارد شد، ما ایشان را نمی‌شناختیم. امام هادی پس از مدتی که او ایستاده بود روی به او کرده فرمود: فرزندم

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

بُنِيَ أَحَدُ ثَلَاثِ شُكْرٍ فَقَدْ أَحْدَثَ فِيكَ أَمْرًا فَبَكَى الْحَسَنُ عليه السلام وَاسْتَرْجَعَ وَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَإِيَّاهُ أَشْكُرُ تَمَامَ نِعَمِهِ عَلَيْنَا؛ بحار الأنوار ج: ٥٠ ص: ٢٤٥

﴿١٥٥١﴾ الصادق عليه السلام: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ زُفَّتْ أَرْبَعَةُ أَيَّامٍ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كَمَا تُزَفُّ الْعُرُوسُ إِلَى خُدْرَتِهَا يَوْمَ الْفِطْرِ وَيَوْمَ الْأَضْحَى وَيَوْمَ الْجُمُعَةِ وَيَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ وَإِنَّ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ بَيْنَ الْفِطْرِ وَالْأَضْحَى وَالْجُمُعَةِ كَالْقَمَرِ بَيْنَ الْكَوَاكِبِ وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيُوكِّلُ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ مَلَائِكَتَهُ الْمُقَرَّبِينَ وَسَيِّدَهُمْ جَبْرَائِيلَ عليه السلام وَأَنْبِيََاءَهُ الْمُرْسَلِينَ وَسَيِّدَهُمْ مُحَمَّدًا عليه السلام وَأَوْصِيَاءَ اللَّهِ الْمُتَنَجِّبِينَ وَسَيِّدَهُمْ يَوْمَئِذٍ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَعِبَادَ اللَّهِ الصَّالِحِينَ وَسَيِّدَهُمْ يَوْمَئِذٍ سَلْمَانَ وَأَبُو ذَرٍّ وَالْمِقْدَادُ وَعِمَارٌ حَتَّى يُذَادُوا بِهَا الْجَنَانَ كَمَا يُذَادُ الرَّاعِي بَغَنِمِهِ أَلْمَاءَ وَالْكَلَاءَ قَالَ الْمُفَضَّلُ قُلْتُ يَا سَيِّدِي تَأْمُرُنِي بِصِيَامِهِ قَالَ إِي وَ اللَّهِ إِي وَ اللَّهِ إِنَّهُ الْيَوْمَ الَّذِي نَجَّى اللَّهُ فِيهِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام مِنَ النَّارِ فَصَامَ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٣٢٣

١٣١-١٢-٢-النَّشْرُ

﴿١٥٥٢﴾ الصادق عليه السلام: فَمَا نَدْرِي مَا نَشْكُرُ أَمْ جَمِيلٌ مَا تَنْشُرُ أَمْ قَبِيحٌ مَا تَسْتُرُ أَمْ عَظِيمٌ مَا أَكْبَلَتْ وَأَوْثَلَتْ أَمْ كَثِيرٌ مَا مِنْهُ نَجَّيْتَ وَعَافَيْتَ؛ البلد الأمين ص: ٢٠٦

﴿١٥٥٣﴾ الرسول عليه السلام: يَا مَنْ اسْتَوْجَبَ الشُّكْرَ بِنَشْرِ سَحَابٍ نِعَمِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٤٠٢

١٣٢-١٢-٢-النَّصْرُ

﴿١٥٥٤﴾ وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ وَآتَمَّ أَذْلَهُ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ آل عمران: الآية ١٢٣

﴿١٥٥٥﴾ اللَّهُمَّ وَ أَنَا الذَّلِيلُ الَّذِي أَغْزَمْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْمَخْذُولُ الَّذِي كَفَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْمُبْعِيُّ عَلَيْهِ الَّذِي نَصَرْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْوَضِيعُ الَّذِي رَفَعْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْهَالِكُ الَّذِي خَلَصْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْغَرِيقُ الَّذِي نَجَّيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْمُهَانُ الَّذِي أَكْرَمْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الرَّاجِلُ الَّذِي حَمَلْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ أَجَلٌ وَ عِزَّتِكَ لَقَدْ فَعَلْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٢٨ ص:

﴿١٥٥٦﴾ الكاظم عليه السلام: يَا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضًا فَشَفَانِي وَ غُرِيَانًا فَكَسَانِي وَ جَائِعًا فَاشْبَعَنِي وَ عَطْشَانًا فَارْوَانِي وَ ذَلِيلًا فَأَعَزَّنِي وَ جَاهِلًا فَعَرَفَنِي وَ وَحِيدًا فَكَثَّرَنِي وَ غَائِبًا فَوَدَّعَنِي وَ مَقِيلًا فَأَغْنَانِي وَ مُنْتَصِرًا فَنَصَرَنِي وَ غَنِيًّا فَلَمْ يَسْلُبْنِي وَ أَمْسَكَتْ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَابْتَدَأَنِي فَلَكَ الْحَمْدُ وَ الشُّكْرُ؛ البلد الأمين ص: ٢٥٥

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

سپاس خدا را بگزار که وظیفه‌ی جدیدی برای دو در نظر گرفته شده است. امام حسن عسکری گریه کرده و بر زبان آورد گفت: "الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ" او را بر تکمیل کردن نعمتش بر ما سپاسگزارم. ﴿۱۵۵۱﴾ هنگامی که روز قیامت برپا شود، چهار روز مانند عروس آذین‌بندی شده در محضر حق تعالی محشور می‌شوند و آن چهارروز عید فطر و عید غدیر و جمعه و عید قربان هستند. و همانا عید غدیر خم در میان فطر و قربان و جمعه مانند ماه در میان ستارگان خواهد بود و به‌درستی که خدای تعالی با روز غدیر خم فرشتگان مقربش را همراه می‌کند درحالی که بزرگ و سرور ایشان جبرئیل علیه السلام است و نیز پیامبران مرسل خود را با آن همراه می‌کند درحالی که که سید و سرور ایشان حضرت محمد صلی الله علیه و آله است، و جانشینان برگزیده پیامبران نیز با او همراه خواهند شد، درحالی که آقا و سرورشان در آن هنگام امیرالمؤمنین علیه السلام است و بندگان صالح خدای تعالی نیز با او همراهی خواهند کرد درحالی که سرور و آقایان سلمان و ابوذر و مقداد و عمار هستند؛ تا اینکه همگان به بهشت دعوت می‌شوند، آن‌چنان که رعیت به آب و غذای میزبان دعوت می‌شوند، مفضل گفت: گفتیم: ای آقای من، آیا مرا به روزه گرفتن در این روز امر می‌کنید؟ امام علیه السلام فرمود: آری، به خدا سوگند، به خدا سوگند که همانا این روز همان روزی است که خدای سبحان در آن ابراهیم را از آتش نجات داد، و او نیز به‌عنوان شکرگزاری این روز را برای خدای تعالی روزه گرفت.

۱۳۱-۲-۱- بخش کردن

﴿۱۵۵۲﴾ نمی‌دانیم که کدام را شکر کنیم؟ زیبایی‌هایی که منتشر کردی و یا زشتی‌هایی را که پوشاندی یا امتحانات بزرگی که به عمل آوردی و بخشش‌های بزرگی که نمودی و یا موارد فراوانی که از آن‌ها نجاتمان دادی و عافیتمان بخشیدی. ﴿۱۵۵۳﴾ ای کسی که به علت گستردن ابرها نعمت خود سزاوار شکر کرده است.

۱۳۲-۲-۱- یاری

﴿۱۵۵۴﴾ خداوند شما را در بدر یاری کرد (و بر دشمنان خطرناک، پیروز ساخت) درحالی که شما (نسبت به آن‌ها)، ناتوان بودید. پس، از خدا بپرهیزید (و در برابر دشمن، مخالفت فرمان پیامبر نکنید)، تا شکر نعمت او را به‌جا آورده باشید

﴿۱۵۵۵﴾ خداوند، من همان شخص ذلیل و خواری هستم که تو او را عزت و بزرگی بخشیدی، پس حمد و سپاس برای توست؛ و من همان شخص بیچاره‌ای هستم که تو او را کفایت فرمودی، پس حمد و ستایش مخصوص توست؛ و من همان درهم‌شکسته‌ای هستم که تو او را یاری نمودی پس به‌این‌جهت ستایش مخصوص توست؛ و من همان فروافتاده‌ای هستم که تو او را بالا بردی، پس ستایش مخصوص توست؛ و من همان هلاک و نابود شده‌ای هستم که تو او را از نابودی خلاصی و رهایی بخشیدی، پس حمد و ستایش برای توست؛ و من آن غرق شده (فرورفته در گناهان و غفلت) که تو او را نجات بخشیدی پس حمد و ستایش شایسته‌ی توست؛ و من همان دردمند و غم‌زده‌ای هستم که تو او را اکرام نمودی پس حمد و سپاس از آن توست؛ و من همان تنهامانده‌ای هستم که تو به او مهلت دادی پس حمد و مخصوص توست؛ سوگند به عزت و بزرگی‌ات که همه‌ی آن نیکویی‌ها را تو در حق من انجام دادی پس حمد و ستایش مخصوص توست. پس درود فرست بر محمد و خاندانش و مرا از زمره‌ی شکرگزاران به درگاهت قرار بده.

﴿۱۵۵۶﴾ ای کسی که در حال بیماری او را خواندم مرا شفا داد، در حال برهنگی او را خواندم، مرا پوشاند، در گرسنگی صدایش کردم، سیرم کرد، در حال تشنگی خواندمش، سیرابم نمود؛ در حال خواری صدایش کردم، عزیزم کرد؛ درحالی که نادان بودم صدایش زدم مرا دانا کرد؛ در حال تنهایی او را خواندم، مرا از تنهایی درآورد؛ در دوری از دوستان صدایش کردم مرا به دوستان بازگرداند؛ در حال احتیاج خواندمش، مرا بی‌نیاز کرد؛ یاری خواستم یاری‌ام کرد و آنگاه که بی‌نیاز شدم از من بازنگرفت؛ و از همه‌ی آن‌ها دست برداشتم و هیچ کاری نکردم ولی او دوباره نعمت‌دادنش را بر من آغاز نمود پس حمد و شکر سزاوار توست.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١٣٣-٢-١-النُّطْقُ

﴿١٥٥٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَرَغَبُ إِلَيْكَ اللَّهُمَّ فِي شُكْرِ مَا أَنْطَقْتَنِي بِهِ مِنْ حَمْدِكَ فَمَا أَيْسَرَ مَا كَلَّفْتَنِي مِنْ ذَلِكَ وَاعْظُمَ مَا وَعَدْتَنِي عَلَى شُكْرِكَ ابْتَدَأْتَنِي بِالنَّعَمِ فَضْلاً وَطَوَّلاً وَآمَرْتَنِي بِالشُّكْرِ حَقّاً وَعَدّاً وَوَعَدْتَنِي عَلَيْهِ أَضْعَافاً وَمَزِيداً؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٢٦٣

١٣٤-٢-١-النَّعْشُ

﴿١٥٥٨﴾ اللَّهُمَّ وَآنا الْمَرِيضُ الَّذِي نَعَشْتَهُ فَلكَ الْحَمْدُ وَآنا الْمُتَبَلَّى الَّذِي عَافَيْتَهُ فَلكَ الْحَمْدُ وَآنا الْمَسْجُونُ الَّذِي أَخْرَجْتَهُ فَلكَ الْحَمْدُ وَآنا الْأَسِيرُ الَّذِي فَكَّكْتَهُ فَلكَ الْحَمْدُ وَآنا الْأَغْزَبُ الَّذِي زَوَّجْتَهُ فَلكَ الْحَمْدُ وَآنا الَّذِي لَمْ أَكُ شَيْئاً حَتَّى جَعَلْتَهُ فَلكَ الْحَمْدُ أَجَلٌ وَعِزَّتِكَ لَقَدْ فَعَلْتَ فَلكَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٣٠

١٣٥-٢-١-النَّعْمَةُ

﴿١٥٥٩﴾ أَتَمُّ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ وَأَوْزَعُنَا أَنْ نَشْكُرَ نِعْمَتَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ١٥٩
﴿١٥٦٠﴾ الرسول ﷺ: اجْعَلْ ذَلِكَ فِي يُسْرِ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ وَأَوْزِعْنِي شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ؛ المصباح للكفعمي ص: ٦١٦

﴿١٥٦١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اجْعَلْنَا لِأَنْعَمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ البلد الأمين ص: ٢٦١
﴿١٥٦٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَحَبُّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ الْعَامِلُ فِيمَا أَنْعَمَ بِهِ عَلَيْهِ بِالشُّكْرِ وَاتَّبَعَهُمْ إِلَيْهِ الْعَامِلُ فِي نِعَمِهِ بِالْكَفْرِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ٣٥٣
﴿١٥٦٣﴾ أَحْسَنُ النَّاسِ حَالاً فِي النَّعَمِ مَنْ اسْتَدَامَ حَاضِرَهَا بِالشُّكْرِ وَارْتَجَعَ فَائِتَهَا بِالصَّبْرِ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٨

﴿١٥٦٤﴾ أَحْسَنُ شُكْرِ النَّعَمِ الْإِنْعَامُ بِهَا؛ غرر الحكم ص: ٢٧٩
﴿١٥٦٥﴾ الصادق عليه السلام: أَحْسِنُوا جِوَارَ النَّعَمِ قُلْتُ وَمَا حُسْنُ جِوَارِ النَّعَمِ قَالَ الشُّكْرُ لِمَنْ أَنْعَمَ بِهَا وَآدَاءُ حَقُوقِهَا؛ الكافي ج: ٤ ص: ٣٨

﴿١٥٦٦﴾ الرسول ﷺ: أَحْسِنُوا مُجَاوِرَةَ النَّعَمِ بِشُكْرِهَا؛ أعلام الدين ص: ١٥٢
﴿١٥٦٧﴾ أَحْمَدُهُ شُكْرًا لِإِنْعَامِهِ وَاسْتَعِينَهُ عَلَى وَطَائِفِ حَقُوقِهِ؛ شرح نهج البلاغة ج: ١٣ ص: ١١٠
﴿١٥٦٨﴾ إِذَا وَصَلْتَ إِلَيْكُمْ أَطْرَافُ النَّعَمِ فَلَا تُنْفِرُوا أَقْصَاهَا بِقِلَّةِ الشُّكْرِ؛ شرح نهج البلاغة ج: ١٨ ص: ١١٦

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۱۳۳-۲-۱-۱ گفتن

﴿۱۵۵۷﴾ پروردگارا، من مایل و علاقمندم که در آنچه به لطف تو بر زبانم بر ستایش و سپاسگزاری اش گویا شده است، ادای شکر کرده باشم پس چه آسان است تکلیف تو به من، و چه بزرگ است آنچه در ازای ادای شکر به من وعده داده‌ای از سر لطف شروع به نعمت دادن به من کرده و بر مبنای عدالت درخواست شکر داشته‌ای و آنگاه بر همین شکر (که وظیفه بوده است) وعده‌ی چند برابر شدن نعمت داده‌ای.

۱۳۴-۲-۱-۱ طراوت

﴿۱۵۵۸﴾ خدایا، و من آن مریضم که او را از نابودی نجات دادی پس حمد سزاوار توست؛ و من آن مبتلا شده‌ای هستم که تو او را عافیت دادی پس حمد سزاوار توست؛ و من آن زندانی هستم که تو او را از زندان خارج کردی پس حمد سزاوار توست؛ و من آنم که هیچ نبودم تا اینکه تو او را خلق کردی پس حمد سزاوار توست؛ آری به عزتت سوگند که تو کرده‌ای؛ پس حمد سزاوار توست؛ بر محمد و خاندانش درود فرست و من را از شاکران خودت قرار ده.

۱۳۵-۲-۱-۱ نعمت

﴿۱۵۵۹﴾ خدایا نعمتت را بر ما تمام کن و به ما الهام کن که شکر نعمتت را به‌جا آوریم.
﴿۱۵۶۰﴾ خداوندا، آن را از طرف خودت آسان کن و به ما عافیت و خیر دنیا و آخرت عطا کن و به ما امکان شکر شایسته در مقابل نعمت‌هایی که به ما بخشیدی، مرحمت فرما.
﴿۱۵۶۱﴾ ما را برای نعمت‌هایت از زمره‌ی شکرگزاران قرار بده.
﴿۱۵۶۲﴾ دوست داشتنی‌ترین مردم نزد خدای سبحان، کسی است که در آنچه حق تعالی به او عطا کرده است به ادای شکر آن نعمت می‌پردازد، و منفورترین مردم نزد خدا کسی است که در مقابل نعمت‌ها ناسپاسی کند.
﴿۱۵۶۳﴾ بهترین مردم نسبت به نوع عملکردشان درباره‌ی نعمت‌ها، کسی است که با شکر کردن به نعمت‌ها استمرار و تداوم ببخشد، و نعمت‌های ازدست‌رفته را نیز با شکیبایی برگرداند.
﴿۱۵۶۴﴾ بهترین شکر برای هر نعمتی آن است که با همان نعمت‌ها به دیگران خیر برسانی.
﴿۱۵۶۵﴾ از حریم نعمت‌های الهی پاسداری کنید. گفتیم: پاسداری از حریم نعمت در چیست؟ ابوعبدالله گفت: سپاس از بخشنده‌ی نعمت و ادای حق آن.
﴿۱۵۶۶﴾ با ادای شکر، نعمت‌ها را به‌خوبی همراهی کنید.
﴿۱۵۶۷﴾ او را سپاس می‌گوییم تا شکری باشد بر نعمتی که از او دریافت کرده‌ام، و از او طلب یاری می‌کنم که در انجام آنچه از حق و وظایف بندگی برعهده‌ام می‌باشد موفق شوم.
﴿۱۵۶۸﴾ هنگامی که ابتدای نعمت به شما رسید شما با کوتاهی در شکرگزاری دنباله و ادامه‌ی آن را فراری ندهید.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٥٦٩﴾ الصادق عليه السلام: أَسْأَلُكَ... تَمَامَ نِعْمَتِكَ فِي جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ وَ الشُّكْرَ لَكَ عَلَيْهَا لِكَيْ تَرْضَى وَ بَعْدَ الرِّضَا؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٩٢

﴿١٥٧٠﴾ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ يَا رَبِّ شُكْرَ نِعْمَتِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٣٣٢

﴿١٥٧١﴾ الصادق عليه السلام: أَسْأَلُكَ أَنْ تَرْزُقَنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ؛ مهج الدعوات ص: ٩٩

﴿١٥٧٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَلَّمَ أَنْ تَمَنَّ عَلَى بَوَاجِبِ شُكْرِي نِعْمَتِكَ؛

مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ١١٠

﴿١٥٧٣﴾ الصادق عليه السلام: أَسْأَلُكَ بِكَرَمِكَ وَ مَجْدِكَ وَ جُودِكَ وَ فَضْلِكَ وَ مَنِّكَ وَ رَأْفَتِكَ وَ مَغْفِرَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ جَمَالِكَ وَ جَلَالِكَ وَ عِزَّتِكَ وَ جَبَرُوتِكَ وَ عَظَمَتِكَ لَمَّا أَوْجَبْتَ عَلَى نَفْسِكَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا الرَّحْمَةَ أَنْ تَقُولَ قَدْ آتَيْتُكَ عَبْدِي مَا سَأَلْتَنِي فِيهِ فِي عَافِيَةٍ وَ آدَيْتُهَا لَكَ مَا أَحْبَبْتُكَ حَتَّى أَتَوْفَّاكَ فِي عَافِيَةٍ وَ رِضْوَانٍ وَ أَنْتَ لِنِعْمَتِي مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٢٠٥

﴿١٥٧٤﴾ أَسْأَلُكَ بِمَكَانِهِمْ عِنْدَكَ وَ أَسْتَشْفِعُ بِهِمْ إِلَيْكَ وَ أَقْدِمُهُمْ أَمَامِي وَ بَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي وَ أَنْ تُوْزَعَنِي شُكْرَ مَا أَوْلَيْتَنِي بِنِعْمِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٣٤٥

﴿١٥٧٥﴾ أَسْأَلُكَ شُكْرَ نِعْمَتِكَ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٦ ص: ١٩٥

﴿١٥٧٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَسْبَغْتَ عَلَيَّ مِنْ نِعْمَتِكَ فَقَدْ اصْطَنَعْتُ يَا مَوْلَايَ مَا يَحِقُّ لَكَ بِهِ حَمْدِي وَ شُكْرِي بِحُسْنِ عَفْوِكَ وَ بِلَاءَتِكَ الْقَدِيمِ عِنْدِي وَ تَظَاهُرِ نِعْمَائِكَ عَلَيَّ وَ تَتَابُعِ أَيَادِيكَ لَدَيَّ؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ١١٠

﴿١٥٧٧﴾ أَسْبَغْتَ عَلَيَّ مِنْ نِعْمَتِكَ، فَقَدْ اصْطَنَعْتُ عِنْدِي مَا يَعْجِزُ عَنْهُ شُكْرِي؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٢٥٠

﴿١٥٧٨﴾ الرضا عليه السلام: اِسْتَدِيمُوا نِعَمَ اللَّهِ بِالشُّكْرِ فَإِنَّ الشُّكْرَ عَقَالُهَا؛ المصباح للكفعمي ص: ٧١١

﴿١٥٧٩﴾ اِسْتَغْلِ بِشُكْرِ النِّعْمَةِ عَنِ التَّطَرُّبِ بِهَا؛ غرر الحكم ص: ٢٧٧

﴿١٥٨٠﴾ اِشْكُرْ لِمَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ وَ أَنْعِمْ عَلَيَّ مَنْ شَكَرَكَ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٨ ص: ٢٨٥

﴿١٥٨١﴾ النبي عليه السلام: وَاشْكُرْ لِي نِعْمَتِي أَزِدْكَ مِنْهَا؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٥٤ ص: من صحيفة

إدريس

﴿١٥٨٢﴾ العسكري عليه السلام: أَشْهَدُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّ الشَّاكَ فَيْكَ مَا آمَنَ بِالرُّسُولِ الْأَمِينِ وَ أَنَّ الْعَادِلَ بَكَ غَيْرَكَ عَانِدٌ عَنِ الدِّينِ الْقَوِيمِ الَّذِي ارْتَضَاهُ لَنَا رَبُّ الْعَالَمِينَ وَ أَكْمَلَهُ بِوَلَايَتِكَ يَوْمَ الْغَدِيرِ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ الْمَعْنَى بِقَوْلِ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ وَ أَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۵۶۹﴾ از تو درخواست می‌کنم... همه‌ی نعمت‌هایت را بر من کامل کنی و توفیق دهی که تا جلب رضایت تو و حتی بعد از آن مشغول شکر باشم.

﴿۱۵۷۰﴾ خداوند، از تو توفیق شکر نعمت درخواست می‌کنم؛ ای پروردگار من.

﴿۱۵۷۱﴾ از تو درخواست می‌کنم شکر بر نعمتت را روزی‌ام کنی.

﴿۱۵۷۲﴾ از تو به حق آن نامت که بلندمرتبه است درخواست می‌کنم، که با ادا نمودن شکرواجب نعمتت بر من منت گذاری.

﴿۱۵۷۳﴾ خداوند، از تو به حق کرم و بزرگی و بخشش و فضل و امتنان و مهربانی و آمرزندگی و رحمت و زیبایی و ابهت عزت و جبروت و عظمتت که بر خودت واجب کرده‌ای، به این صورت که بر آن واجب بودن رحمتت را ثبت کردی؛ می‌خواهم که در حق من چنین مقرر کنی و بگویی: "سجده‌ی من، آنچه در مورد سلامت و عافیت از من خواستی به سوی تو فرستاده شد و مادامی که زنده‌ای برای تو مقرر خواهد بود، تا اینکه در عافیت و رضایت جان تو را بگیرم و تو برای نعمت من از شاکرین و اهل سپاسگزاری باشی.

﴿۱۵۷۴﴾ خدایا به مقام و منزلتشان در پیشگاهت، خدایا درخواست می‌کنم، و آنان را به درگاه تو شفیع می‌آورم، و ایشان را برای عرضه کردن نیازهای خویش پیش می‌فرستم و می‌خواهم که توفیق شکر نعمت‌هایی را که به من ارزانی داشته‌ای به من عطا فرمایی.

﴿۱۵۷۵﴾ پروردگارا، از تو، توفیق شکرگزاری بر نعمتت را می‌خواهم.

﴿۱۵۷۶﴾ نعمتت را بر من کامل نمودی و ای آقای من، به من آن چنان لطفی کرده‌ای، که به خاطر آن گذشت و تکالیف نیکوی دیرینه‌ات، و نیز به خاطر پیوسته رسیدن نعمت‌هایت و پی‌درپی آمدن لطف و کرمات بر من سزاوار و شایسته است که تو را سپاس بگویم و ادای شکر کنم.

﴿۱۵۷۷﴾ نعمتت را بر من تمام گردانیدی، درباره‌ی من آن چنان لطف و احسان کرده‌ای که در ادای شکر و سپاس آن عاجز و ناتوانم.

﴿۱۵۷۸﴾ به شکر خود تداوم ببخشید زیرا شکر، نگهدارنده‌ی نعمت است.

﴿۱۵۷۹﴾ به جای شادمانی از دریافت نعمت، به شکر آن مشغول شو.

﴿۱۵۸۰﴾ کسی را که به تو نعمت عطا می‌کند شکرگزار باش و کسی را که از تو تشکر می‌کند از الطاف خود بهره‌مند ساز.

﴿۱۵۸۱﴾ شکر نعمتم را به جا بیاور تا آن را بیافزایم.

﴿۱۵۸۲﴾ گواهی می‌دهم ای امیرالمؤمنین، کسی که به تو شک داشته باشد به پیامبر امین ایمان نیاورده است و کسی که از تو عدول کند و منحرف شود از دین استواری که پروردگار عالمیان آن را برگزید و با ولایت تو در روز غدیر آن را کامل کرده بیرون رفته است. و شهادت می‌دهم همانا تو معنا و مفهوم کلام خدای عزیز و مهربانی: "و همانا این راه مستقیم است پس پیروی کنید از

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ضَلَّ وَاللَّهُ وَ أَضَلَّ مَنْ اتَّبَعَ سِوَاكَ وَ عَنَدَ عَنِ الْحَقِّ مَنْ عَادَاكَ اللَّهُمَّ سَمِعْنَا لَأَمْرِكَ وَ أَطَعْنَا وَ اتَّبَعْنَا صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ فَاهْدِنَا رَبَّنَا وَ لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا إِلَى طَاعَتِكَ وَ اجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ لِنَنْعِمَ بِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٧ ص: ٣٦١

﴿١٥٨٣﴾ الكاظم (عليه السلام): أَعْرِهُ مِنْ نِعْمَتِكَ الَّتِي لَا يُقَابَلُهَا بِالشُّكْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٢ ص: ٢٢٢

﴿١٥٨٤﴾ الرسول (صلى الله عليه وآله): إِغْفِرْ لَنَا وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ أَوْزِعْهُمْ أَنْ يَشْكُرُوا نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ؛ مصباح المتعبد ص: ١٣٤

﴿١٥٨٥﴾ الصادق (عليه السلام): أَكْتُبُهَا فِي دِيْوَانِ الْحِكْمَةِ فَإِنِّي رَأَيْتُ قَطَعَ الْأَوَاخِرَ يَمْنَعُ شُكْرَ الْأَوَائِلِ؛

أعلام الدين ص: ٢٨٤

﴿١٥٨٦﴾ وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كُرْهًا وَ حَمَلَهُ وَ فِصَالَهُ ثَلَاثُ سَنَ شَهْرًا حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَى وَالِدَيَّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَ أَصْلَحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ؛ الأحقاف:

الآية ١٥

﴿١٥٨٧﴾ الْحَازِمُ مَنْ شَكَرَ النِّعْمَةَ مُقْبِلَةً وَ صَبَرَ عَلَيْهَا وَ سَلَاهَا مُؤَلِيَةً مُدْبِرَةً [مُدْبِرَةٌ مُؤَلِيَةٌ]؛

غرر الحكم ص: ٤٧٥

﴿١٥٨٨﴾ السَّجَاد (عليه السلام): الْحَمْدُ لَكَ عَلَى بَلَائِكَ وَ الشُّكْرُ لَكَ عَلَى نِعْمَائِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧

ص: ٨٠

﴿١٥٨٩﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي غَذَانِي بِنِعْمَتِهِ وَ أَسْبَغَ عَلَيَّ فَضْلَهُ وَ ابْتَدَأَنِي بِرِزْقِهِ الطَّيِّبِ مِنْ غَيْرِ أَنْ أَسْأَلَهُ وَ لَا بَعْمَلٍ صَالِحٍ اسْتَوْجِبْتُ مَا ابْتَدَأَنِي بِهِ إِلَهِي وَ أَوْجِبَ عَلَيَّ مِنْ شُكْرِهِ كَمَا لَا أَسْتَحِقُّ بِهِ الْمَزِيدَ مِنْ لَدَيْهِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٢٣

﴿١٥٩٠﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاصِلِ الْحَمْدُ بِالنِّعَمِ وَ النِّعَمَ بِالشُّكْرِ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٧ ص: ٢٥٠

﴿١٥٩١﴾ الْعَسْكَرِيُّ (عليه السلام): الْحَمْدُ لِلَّهِ شَاكِرًا لِنِعْمَائِهِ وَ اسْتِدْعَاءً لِمَزِيدِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٢ ص: ٢٢٨

﴿١٥٩٢﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا عَلَى نِعْمَائِهِ وَ صَبْرًا عَلَى بَلَائِهِ؛ كتاب سليم بن قيس

ص: ٥٦٩

﴿١٥٩٣﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا لِنِعْمِهِ وَ آيَادِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٤٣ ص: ١٢٨

﴿١٥٩٤﴾ الْمُجْتَبَى (عليه السلام): الْحَمْدُ لِلَّهِ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَ حُدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ثُمَّ إِنَّ مِمَّا عَظَّمَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ مِنْ حَقِّهِ وَ أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِهِ مَا لَا يُحْصَى ذِكْرُهُ وَ لَا يُؤَدَّى شُكْرُهُ... فَإِنَّهُ مَنْ عَلَيْنَا بِمَا هُوَ أَهْلُهُ أَنْ نَشْكُرَ فِيهِ آلاءَهُ وَ بَلَاءَهُ وَ نَعْمَاءَهُ؛ بحار الأنوار ج: ٣٢ ص: ٤٠٣

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

آن و پیروی نکنید از راه‌های متفرقه که همانا چنانچه از راهش پراکنده شدید گمراه خواهید شد "، پس به خدا سوگند، حتماً کسی که از غیر تو پیروی کرد گمراه شد و کسی که با تو دشمنی ورزید از حق منحرف شده است، پروردگارا، فرمان تو را شنیدیم و اطاعت کردیم و از صراط مستقیم پیروی کردیم، پس اکنون، ما را هدایت کن، پروردگارا، بعد از آنکه به طاعت و بندگی تو هدایت شدیم قلب‌های ما را از حق منحرف مساز و ما را از زمره‌ی شکرگزارندگان بر نعمت (ولایت) قرار بده.

﴿۱۵۸۳﴾ او را از توفیق بهره‌مندی نعمت دورساز زیرا در مقابل نعمت شکر نمی‌کند.

﴿۱۵۸۴﴾ پروردگارا، ما و مردان و زنان مؤمن را بیامرز و ایشان را بر شکرگزاری نعمتی که به ایشان بخشیدی موفق بدار.

﴿۱۵۸۵﴾ در لوح حکمت چنین بنویسید که من علت قطع نعمت را در ناسپاسی کردن نعمت‌های دریافت‌شده می‌دانم.

﴿۱۵۸۶﴾ و ما انسان را به احسان درحق پدر و مادر خویش سفارش کردیم زیرا مادر با رنج و زحمت، حمل او را به عهده گرفت و با درد و مشقت وضع حمل نمود و سی ماه تمام مدت حمل و شیرخواری او بود تا وقتی که آدمی به حدّ رشد رسید و آنگاه که چهل ساله شد (و عقل و کمال یافت) (آنگاه سزاوار است که) عرض کند: "بارخدا، مرا بر نعمتی که به من و پدر و مادرم عطا فرمودی شکر بیاموز و به کار شایسته‌ای که رضا و خشنودی تو در آن است موفق بدار و فرزندان مرا صالح گردان، من به درگاه تو بازآمدم و از تسلیم شدگان فرمان تو گشتم."

﴿۱۵۸۷﴾ دور اندیش کسی است که نعمتی را که روکرده است شکر بگزارد و قبل از رسیدن آن شکیباً باشد و با نعمتی که پشت کرده و از دست رفته است صبور و خویش‌دار باشد.

﴿۱۵۸۸﴾ به خاطر بلاها و آزمایش‌های حمد و سپاس و به خاطر نعمت‌های شکر لازم است.

﴿۱۵۸۹﴾ سپاس‌گذاری را سزااست که با نعمت‌هایش به من غذا داد و فضلش را بر من تمام کرد و بدون اینکه از او درخواست کرده باشم و یا به واسطه‌ی انجام عمل نیکی مستوجب آن شده باشم به من روزی پاکیزه داد و شکرش را بر من واجب نمود درحالی که استحقاق فزونی نعمتش را نداشتیم.

﴿۱۵۹۰﴾ حمد و سپاس سزای خداوندی است که حمد را به نعمت‌ها و نعمت‌ها را به شکر پیوند داده است

﴿۱۵۹۱﴾ خدا را می‌ستاییم برای اینکه شکرگزار نعمت‌هایش باشیم و فزونی آن‌ها را بطلبیم.

﴿۱۵۹۲﴾ سپاس‌گذاری را، شکر بر نعمت‌هایش و صبر بر آزمایش‌هایش.

﴿۱۵۹۳﴾ ستایش مخصوص خداست به خاطر شکر نعمت‌هایش و الطافش.

﴿۱۵۹۴﴾ ستایش مخصوص خداوندی است که جز او خدایی نیست، یکتاست و شریکی ندارد و همانا از حقوق بزرگی که خداوند بر شما تمام کرده و از نعمت‌های کاملی که به شما ارزانی داشته است؛ نعمت‌هایی که به‌شمار در نیاید و سپاسش گزارده نشود... پس او آن‌چنان که سزاوارش است بر ما منت گذارد که نعمت‌ها و آزمایش‌هایش را سپاس گزاریم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٥٩٥﴾ الرسول ﷺ: الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ شُكْرًا عَلَى نِعَمَائِهِ وَ صَبْرًا عَلَى بَلَائِهِ؛ إرشاد القلوب ج: ٢ ص: ٤٢٠

﴿١٥٩٦﴾ المجتبى ﷺ: الْخَيْرُ الَّذِي لَا شَرَّ فِيهِ الشُّكْرُ مَعَ النُّعْمَةِ وَ الصَّبْرُ عَلَى النَّازِلَةِ وَ قَالَ ﷺ: لِرَجُلٍ أَتَى مِنْ عِلَّةٍ إِنَّ اللَّهَ قَدْ ذَكَرَكَ فَادْكُرْهُ وَ أَقَالَكَ فَاشْكُرْهُ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ١٠٦
﴿١٥٩٧﴾ أمير المؤمنين ﷺ: الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا قَصْرُ الْأَمَلِ وَ شُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ وَ الْوَرَعُ عَنْ كُلِّ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ؛ الكافي ج: ٥ ص: ٧١

﴿١٥٩٨﴾ السَّلامُ عَلَى مَنْ شَكَرَ النُّعْمَةَ وَ وَفَى بِالْبَيْعَةِ؛ شرح نهج البلاغة ج: ١٤ ص: ١٠
﴿١٥٩٩﴾ الشَّاكِرُ شَاكِرًا لِأَنْعُمِهِ؛ بحار الأنوار ج: ١٦ ص: ١٠١
﴿١٦٠٠﴾ الهادي ﷺ: الشَّاكِرُ أَسْعَدُ بِالشُّكْرِ مِنْهُ بِالنُّعْمَةِ الَّتِي أُوجِبَتْ الشُّكْرَ لِأَنَّ النِّعَمَ مَتَاعٌ وَ الشُّكْرَ نِعَمٌ وَ عَقَبَى؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٣٦٥

﴿١٦٠١﴾ الشُّكْرُ زِينَةٌ لِلنُّعْمَاءِ [زَيْنُ النُّعْمَاءِ]؛ غرر الحكم ص: ٢٧٧
﴿١٦٠٢﴾ الشُّكْرُ عَلَى النُّعْمَةِ جَزَاءٌ لِمَا ضِيحَتْهَا وَ اجْتَنَابُ لَاتِيهَا؛ غرر الحكم ص: ٢٧٨
﴿١٦٠٣﴾ الصادق ﷺ: الشُّكْرُ لِلنِّعَمِ اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ٢٧٨
﴿١٦٠٤﴾ الشُّكْرُ مَا خُوذَ عَلَى أَهْلِ النِّعَمِ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٧
﴿١٦٠٥﴾ الرسول ﷺ: الصَّوْمُ لِي وَ أَنَا أُجْزَى بِهِ فَالصَّوْمُ يُمِيتُ مُرَادَ النَّفْسِ وَ شَهْوَةَ الطَّبْعِ الْحَيَوَانِيِّ وَ فِيهِ صِفَاءُ الْقَلْبِ وَ طَهَارَةُ الْجَوَارِحِ وَ عِمَارَةُ الظَّاهِرِ وَ الْبَاطِنِ وَ الشُّكْرُ عَلَى النِّعَمِ؛ مستدرک الوسائل ج: ٧ ص: ٥٠٠

﴿١٦٠٦﴾ الصادق ﷺ: الْعَجَبُ مِنْ أَنَاسٍ جَعَلُوا مَكَانَ الشُّكْرِ عَلَى النُّعْمَةِ جُحُودَ الْمُنْعَمِ بِهَا؛ بحار الأنوار ج: ٣ ص: ١٣١

﴿١٦٠٧﴾ الْعِلَّةُ فِي الصَّلَاةِ الْاسْتِعْبَادُ وَ الْإِقْرَارُ بِرُبُوبِيَّتِهِ وَ خَلْعُ الْأَنْدَادِ مُكْرَرًا ذَلِكَ عَلَيْهِمْ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ وَ لَيْلًا يَنْسَوْنَ خَالَقَهُمْ وَ رَازِقَهُمْ وَ لَا يَغْفُلُوا عَنْ طَاعَتِهِ وَ يَكُونُوا ذَاكِرِينَ حَامِدِينَ شَاكِرِينَ لِنِعْمِهِ وَ تَفْضِيلِهِ عَلَيْهِمْ؛ بحار الأنوار ج: ٧٩ ص: ٢٧٥

﴿١٦٠٨﴾ نِعْمَةٌ مِنْ عِنْدِنَا كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ شَكَرَ الْقَمَرُ: الْآيَةُ ٣٥
﴿١٦٠٩﴾ الهادي ﷺ: اِلْقُوا النِّعَمَ بِحُسْنِ مُجَاوَرَتِهَا وَ التَّمَسُّوْا الزِّيَادَةَ فِيهَا بِالشُّكْرِ عَلَيْهَا؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٦٩

﴿١٦١٠﴾ المجتبى ﷺ: اللُّؤْمُ أَنْ لَا تَشْكُرَ النُّعْمَةَ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ١٠٥

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

- ﴿۱۵۹۵﴾ سپاس خدا را و شکر بر نعمت‌های او و صبر بر بلایش.
- ﴿۱۵۹۶﴾ خیری که شر با آن آمیخته نیست، شکر بر نعمت و صبر بر ناگواری‌هاست. و به مردی که از بیماری بهبود یافته بود فرمود: همانا خدایت تو را یاد کرد تو نیز خدا را یاد کن و از تو گذشت نمود تو نیز سپاسگزارش باش.
- ﴿۱۵۹۷﴾ زهد در دنیا عبارت است از: کوتاه کردن آرزو، به جای آوردن شکر هر نعمتی و خودداری از هر آنچه خداوند حرام کرده است.
- ﴿۱۵۹۸﴾ درود بر آنان که شکر نعمت کنند و وفای به بیعت.
- ﴿۱۵۹۹﴾ از نام‌های مبارک پیامبر در قرآن کریم "شاکر" می‌باشد آنجا که می‌فرماید: "او شاکر نعمت‌هایش بود".
- ﴿۱۶۰۰﴾ شکرگزار از خود شکر بیشتر بهره می‌برد تا از نعمتی که موجب شکرگزاری او شده است؛ زیرا نعمت‌ها کالای دنیایند ولی شکر، هم نعمت دنیاست و هم آخرت.
- ﴿۱۶۰۱﴾ شکر زینت نعمت است.
- ﴿۱۶۰۲﴾ شکر نعمت، جزای نعمت دریافت‌شده است و باعث جلب نعمت جدید می‌شود.
- ﴿۱۶۰۳﴾ شکر نعمت، دوری گزیدن از حرام‌هاست.
- ﴿۱۶۰۴﴾ از اهل نعمت‌ها پیمان شکر گرفته شده است.
- ﴿۱۶۰۵﴾ روزه برای من است و من به آن پاداش می‌دهم پس روزه خواسته‌ی نفس و شهوت حیوانی طبع را می‌کشد و صفای قلب و پاکی اعضا و آبادی ظاهر و باطن و شکر بر نعمت‌ها در آن است.
- ﴿۱۶۰۶﴾ شگفتا از مردمی که به جای سپاس بر نعمت، انکار منعم می‌کنند.
- ﴿۱۶۰۷﴾ علت نماز خواندن بندگی و اقرار به ربوبیت است و کنار گذاشتن آنچه که شریک خدا می‌پندارند، این کار در هر روز و شب پنج بار بر آنان واجب است و نیز برای اینکه خالق و رازقشان را فراموش نکنند و از طاعتش غفلت ننمایند و ذاکر و سپاسگزار نعمت‌ها و نیکی‌هایش بر آنان باشند.
- ﴿۱۶۰۸﴾ این نعمتی بود از ناحیه‌ی ما، این گونه هر کسی را که شکر کند پاداش می‌دهیم
- ﴿۱۶۰۹﴾ با همراهی خوب با نعمت‌ها به سوی آن‌ها بروید و با سپاسگزاری کردن بر آن‌ها افزایش نعمت را بجوید.
- ﴿۱۶۱۰﴾ نهایت پستی این است؛ که انسان سپاسگزار نعمت نباشد.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٦١﴾ اللَّهُمَّ اجْزِهِمْ بِشُكْرِ نِعْمَتِكَ وَ تَعْظِيمِ حُرْمَتِكَ جَزَاءً لَا جَزَاءَ فَوْقَهُ وَ عَطَاءً لَا عَطَاءَ مِثْلُهُ وَ خُلُوداً لَا خُلُودَ يُشَاكِلُهُ وَ لَا يَطْمَعُ أَحَدٌ فِي مِثْلِهِ وَ لَا يَقْدِرُ أَحَدٌ قُدْرَهُ وَ لَا تَهْتَدِي الْأَلْبَابُ إِلَى طَلَبِهِ نِعْمَةً لِمَا شَكَرُوا مِنْ أَيْادِيكَ وَ إِرْصَاداً لِمَا صَبَرُوا عَلَى الْأَذَى فِيكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٦ ص: ٣٣٨

﴿١٦٢﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا زَاداً تُقَوِّينَا بِهِ فِي الْمَوْقِفِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ طَرِيقاً وَاضِحاً نَسْلُكُ بِهِ إِلَيْكَ وَ عِلْماً نَافِعاً نَشْكُرُ بِهِ نِعْمَاءَكَ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٧٣

﴿١٦٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا نِعْمَةً مَشْكُورَةً تَصِلُ بِهَا نِعْمَةُ الْجَنَّةِ؛ بحار الأنوار ج: ٦٣ ص: ٣٨٠

﴿١٦٤﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الشُّكْرَ عِنْدَ كُلِّ نِعْمَةٍ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٢٨٦

﴿١٦٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ اللَّهُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى زَادَهُمْ وَ الْإِيمَانَ وَ الْحِكْمَةَ فِي قُلُوبِهِمْ وَ أَوْزِعْهُمْ أَنْ يَشْكُرُوا نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٤٣٢

﴿١٦٦﴾ اللَّهُمَّ إِنَّهُ يَحْجُبُنِي عَنْ مَسَائِلِكَ خِلَالُ ثَلَاثٍ، وَ تَحْدُونِي عَلَيْهَا خَلَّةٌ وَاحِدَةٌ، يَحْجُبُنِي أَمْرٌ أَمَرْتُ بِهِ فَأَبْطَأْتُ عَنْهُ، وَ نَهْيٌ نَهَيْتَنِي عَنْهُ فَأَسْرَعْتُ إِلَيْهِ، وَ نِعْمَةٌ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ فَقَصَصْتُ فِي شُكْرِهَا؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٦٤

﴿١٦٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الثَّبَاتَ فِي الْأَمْرِ وَ الْعَزِيمَةَ فِي الرُّشْدِ وَ الْإِهَامَ الشُّكْرَ عَلَى نِعْمَتِكَ؛ مهج الدعوات ص: ١٣١

﴿١٦٨﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الصَّبْرَ عَلَى طَاعَتِكَ وَ الصَّبْرَ عَنْ مَعْصِيَتِكَ وَ الصَّبْرَ لِحُكْمِكَ وَ الصَّدْقَ فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَ الشُّكْرَ لِنِعْمَتِكَ؛ البلد الأمين ص: ١٥

﴿١٦٩﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَجْعَلَ شَيْئاً مِنْ شُكْرِي فِيمَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ لِغَيْرِكَ أَطْلُبُ بِهِ رِضَا خَلْقِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٣٢٦

﴿١٦٢٠﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَكَ وَ أَشْكُرَ نِعْمَتِكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَى وَالِدِي؛ إقبال الأعمال ص: ٣٧٤

﴿١٦٢١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اللَّهُمَّ رَبَّ الْبَهَاءِ وَ الْعِظَمَةِ وَ الْكِبَرِيَاءِ وَ السُّلْطَانِ أَظْهَرْتَ الْقُدْرَةَ كَيْفَ شِئْتَ وَ مَنَنْتَ عَلَى عِبَادِكَ بِمَعْرِفَتِكَ وَ تَسَلَّطْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبْرُوتِكَ وَ عَلَّمْتَهُمْ شُكْرَ نِعْمَتِكَ؛ مصباح المتعبد ص: ٥١٢

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۶۱۱﴾ خدایا، به خاطر شکر نعمت‌ها و بزرگداشت حرمت‌هایت به آن‌ها پاداشی ده که بالاتر از آن پاداشی نبوده و عطایی که مثل آن عطایی نباشد و بقایی به آن‌ها ده که هیچ بقایی نظیر آن نباشد و هیچ کس حتی به چیزی شبیه آن نیز طمع نکند و اندازه‌اش را کسی نداند و اندیشه به خواستش راه نبرد؛ نعمتی به خاطر آنکه الطاف تو را شکر کردند و انتظار آمدن نعمتی به خاطر آنکه در راه تو اذیت را تحمل کنند.

﴿۱۶۱۲﴾ خدایا، آن را برای ما توشه‌ای قرار ده که به وسیله‌ی آن ما را برای ایستادن در برابر تو توانمند کنی و آن را راهی واضح قرار ده که به وسیله‌ی آن به سوی تو سیر کنیم و آن را علم نافی قرار ده که به وسیله‌ی آن شکر نعمت‌هایت را ادا کنیم.

﴿۱۶۱۳﴾ خداوند، مرا شاکر نعمت این سفره قرار ده به گونه‌ای که به نعمت بهشت وصل شود.

﴿۱۶۱۴﴾ خدایا، همراه هر نعمتی شکر روزی‌ام کن.

﴿۱۶۱۵﴾ خدایا، مردان و زنان با ایمان، و مردان و زنان مسلمان را بیامرز، خداوند تقوی را توشه‌ی راه آنان ساز، و ایمان و حکمت را در دل‌هایشان قرار ده، و ایشان را بر آن دار که در برابر نعمت‌هایی که به آنان عطا فرموده‌ای شکرگزاری کنند.

﴿۱۶۱۶﴾ خدایا، سه خصلت مرا از درخواست نمودن از پیشگاه تو باز می‌دارد و یک خصلت مرا بر آن می‌دارد تا از تو طلب کنم؛ آنچه مرا باز می‌دارد امری است که به آن فرمان دادی و من در به‌جا آوردن آن درنگ کردم، و آنچه از آن جلوگیری کردی ولی من به سوی آن شتافتم، و نعمتی که به من بخشیدی و من در سپاسگزاری‌اش کوتاهی نمودم.

﴿۱۶۱۷﴾ خدایا، به من ایستادگی در اجرای فرمان تو را و اراده‌ی راسخ در یافتن راه راست و الهام شدن شکرگزاری بر نعمت‌های تو را خواستارم.

﴿۱۶۱۸﴾ خداوند، از تو شکیبایی بر طاعتت، و خویشنداری از ارتکاب معصیتت، و بردباری در پذیرفتن حکم تو و صدق و راستی در هر مکان و موضعی و شکر بر نعمت را خواستارم.

﴿۱۶۱۹﴾ خداوند، به تو پناه می‌برم از آیین که ذره‌ای از شکرگزاری‌ام در مقابل نعمتی را که به من عطا کردی، به دیگری متوجه کنم و با آن در پی جلب رضایت بندگان باشم دادی.

﴿۱۶۲۰﴾ خدایا، به من الهام کن که تو را سپاس گویم و نعمتی را که به من و به پدرم عطا کردی شکرگزار باشم.

﴿۱۶۲۱﴾ خداوند، ای پروردگار مالک نیکی و بزرگی و بزرگ‌منشی و شکوه و جلالت؛ ای آنکه قدرت را آشکار کردی، چگونه خواهی بود و چگونه برای شناساندن خود بر بندگان بر ما منت خواهی گذارد؟ (زیرا عظمت تو خارج از توان درک بندگان می‌باشد) و چگونه سیطره خواهی داد برایشان عظمت و جبروت را و چگونه به ایشان یاد خواهی داد که شکر نعمت را به‌جا آورند (حال آنکه گستره‌ی نعمات بی‌نهایت است و ایشان محدودند).

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٦٢٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا كَمَا يَحْمَدُكَ مَنْ بِالْحَمْدِ رَضِيَتْ عَنْهُ لَشُكْرَ مَا بِهِ مِنْ نِعَمِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٣١٨

﴿١٦٢٣﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ كَمَا جَعَلْتَ رِضَاكَ عَمَّنْ بِالْحَمْدِ رَضِيَتْ عَنْهُ لِيَشْكُرَ مَا بِهِ مِنْ نِعَمَتِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٤ ص: ٥٥

﴿١٦٢٤﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْهُ أَفْضَلَ يَوْمَ عَهْدِنَاهُ وَآمِنَ صَاحِبَ صَحْبِنَاهُ وَخَيْرَ وَقْتٍ ظَلَلْنَا فِيهِ وَاجْعَلْنَا أَرْضِي مَنْ مَرَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ مِنْ جُمْلَةِ خَلْقِكَ وَاشْكُرْ لِمَا أَبْلَيْتَ مِنْ نِعَمِكَ وَأَقُومَ بِمَا شَرَعْتَ مِنْ شَرَائِعِكَ وَأَوْبِقَهُ عَمَّا حَذَرْتَ مِنْ نَهْيِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٣٠٦

﴿١٦٢٥﴾ الكاظم عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنَا ذِكْرَكَ عِنْدَ كُلِّ غَفْلَةٍ وَشُكْرَكَ عِنْدَ كُلِّ نِعْمَةٍ؛ المصباح للكفعمي ص: ١٠٧

﴿١٦٢٦﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلِّمْ لِي دِينِي وَزِدْ فِي أَجَلِي وَأَصِحِّ لِي جِسْمِي وَأَقِرَّ بِشُكْرِ نِعْمَتِكَ عَنِّي؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٤١

﴿١٦٢٧﴾ السجاد عليه السلام: اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي... شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ نِعَمَاتِكَ ذَاكِرَةً لِسَائِغِ آلَائِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٧ ص: ٢٦٦

﴿١٦٢٨﴾ الرسول عليه السلام: اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ هَذِهِ الْأَرْضَ مِنْ جُمْلَةِ شُهُودِنَا يَوْمَ مَوْعُودِنَا إِنَّكَ ارْتَضَيْتَنَا فِيهَا لِعِبَادَتِكَ وَأَهْلَتَنَا لِلتَّشْرِيفِ بِطَاعَتِكَ وَوَقَّعْتَنَا لِلشُّكْرِ لِنِعْمَتِكَ؛ الأمان ص: ١٤١

﴿١٦٢٩﴾ اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لَوْلِيكَ شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِ، وَأَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٢١٦

﴿١٦٣٠﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ قَدْ غَرَقْتَنِي الذُّنُوبَ وَغَمَرْتَنِي النُّعْمَ وَقَلَّ شُكْرِي؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٥٧

﴿١٦٣١﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ لَا تَشْغَلْنِي فِي الدُّنْيَا عَنْ شُكْرِ نِعَمَتِكَ وَلَا بِإِكْتَارِ فِيهَا فَتُلْهِمَنِي عَجَانِبَ بَهْجَتِهَا وَتَفْتِنَنِي زَهْرَتِهَا وَلَا بِإِقْلَالٍ يُضِرُّ بِعَمَلِي ضَرُّهُ وَيَمَلَأُ صَدْرِي هَمُّهُ؛

من لا يحضره الفقيه ج: ٢ ص: ٥٩٧

﴿١٦٣٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ الْعَظِيمُ وَالْمَنْ الْقَدِيمُ وَالسُّلْطَانُ الشَّامِخُ وَالْحَوْلُ الْوَاسِعُ وَالْقُدْرَةُ الْمُقْتَدِرَةُ وَالْحَمْدُ الْمُتَّبَاعُ الَّذِي لَا يَنْفَدُ بِالشُّكْرِ سَرْمَدًا وَلَا يَنْقُضِي أَبَدًا إِذْ جَعَلْتَنِي مِنْ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۶۲۲﴾ خداوند! ای پروردگار ما، حمد و ستایش مخصوص توست حمد و ستایشی که با ادای آن بتوان آن چنان شکر تو را انجام داد که رضایت تو جلب شود.

﴿۱۶۲۳﴾ خداوند، پروردگارا، تو را ستایش می‌کنم، چنان که ستایش را مایه‌ی خشنودی خود از کسانی قراردادی که تو را ستایش می‌کنند و به واسطه‌ی آن از آنان خرسند گردیدی، تا بدین وسیله شکر نعمت را به‌جا آورند.

﴿۱۶۲۴﴾ خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و این روز را بهترین روزی که گذرانیدیم و با برکت‌ترین همشینی که با او بودیم و بهترین وقتی که به‌سر آوردیم قرار ده و ما را در بین کسانی که این شب‌ها و روزها بر آنان می‌گذرد در جلب رضایت تو موفق‌ترین و در برابر نعمت‌هایی که عطا کرده‌ای سپاسگزارترین و در رهسپاری بر وقف آیینت پایدارترین و در برابر آنچه که از آن نهی کرده‌ای گریزان‌ترین قرار بده.

﴿۱۶۲۵﴾ خداوند، درود فرست بر محمد و خاندانش ﷺ و در کنار هر غفلت، یاد خود را و در کنار هر نعمت شکر خود را برای ما حاضر و به ما الهام کن.

﴿۱۶۲۶﴾ پروردگارا، بر محمد و خاندانش درود فرست و دینم را برایم سالم بدار و مدت زندگانی‌ام را طولانی نما و جسمم را تندرست بدار و دیدگانم را به وسیله‌ی شکر نعمت روشن فرما.

﴿۱۶۲۷﴾ پروردگارا، نفسم را... در مقابل نعمت‌های بزرگت شاکر و نسبت به نعمت‌های کاملت ذاکر و متوجه قرار بده.

﴿۱۶۲۸﴾ خدایا، این زمین را از زمره‌ی گواهان ما در روز قیامت قرار ده؛ زیرا راضی شدی که در آن عبادت را به‌جا آوریم و لیاقت مفتخر شدن به عبادت و بندگی‌ات را به ما داده‌ای و برای سپاسگزاری نعمت ما را موفق ساخته‌ای.

﴿۱۶۲۹﴾ خدایا، پس به دوست و ولیّ خود شکر و سپاس آنچه را که بر او نعمت داده‌ای الهام نما و مانند آن شکر و سپاس را به ما نیز الهام فرما.

﴿۱۶۳۰﴾ پروردگارا، گناهان، مرا دربرگرفته حال آنکه نعمت‌هایت مرا احاطه کرده است و شکرم به درگاهت ناچیز است.

﴿۱۶۳۱﴾ خدایا، مرا سرگرم دنیا نساز تا از شکر نعمت‌هایت بازمانم و مبادا توجه بیش‌ازحد به شگفتی‌ها و زیبایی‌های آن مرا غافل سازد و درخشنده‌گی‌های آن مرا به‌سوی خود کشد و نیز مرا به‌قصور در آنچه کمبود آن به ضررم می‌باشد و حزن دست‌نیافتن به آن قلبم را فرامی‌گیرد گرفتار نکن.

﴿۱۶۳۲﴾ خداوند، ستایش عظیم مخصوص توست، و نعمت دیرینه، و پادشاهی بلند، و کرامت گسترده، و نیروی ثابت و محکم، و سپاسگزاری بادوام و همیشگی که پایان نپذیرد، و هیچ‌گاه

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

أَفْاضِلَ بَنِي آدَمَ وَجَعَلْتَنِي سَمِيعاً بَصِيراً صَحِيحاً سَوِيّاً مُعَافًى لَمْ تَشْغَلْنِي بِنَقْصَانٍ فِي بَدَنِي وَلَا بِآفَةٍ فِي جَوَارِحِي وَلَا عَاهَةٍ فِي نَفْسِي وَلَا فِي عَقْلِي وَلَمْ يَمْنَعْكَ كَرَامَتُكَ إِيَّايَ وَحُسْنُ صُنْعِكَ عِنْدِي وَفَضْلُ نِعْمَاتِكَ عَلَيَّ إِذْ وَسَّعْتَ عَلَيَّ فِي الدُّنْيَا وَفَضَّلْتَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِنْ أَهْلِهَا تَفْضِيلاً وَجَعَلْتَنِي سَمِيعاً أَعْيَ مَا كَلَّفْتَنِي بَصِيراً أَرَى قُدْرَتَكَ فِيمَا ظَهَرَ لِي وَاسْتُرْغَيْتَنِي وَاسْتَوْدَعْتَنِي قَلْباً يَشْهَدُ لِعَظَمَتِكَ وَلِسَاناً نَاطِقاً بِتَوْحِيدِكَ فَإِنِّي لَفَضْلِكَ عَلَى حَامِدٍ وَلِتَوْفِيقِكَ إِيَّايَ بِحَمْدِكَ شَاكِرٌ وَبِحَقِّكَ شَاهِدٌ وَإِلَيْكَ فِي مُلَمِّي وَمُهْمِي ضَارِعٌ؛ مهج الدعوات ص: ١٣١

﴿١٦٣٣﴾ الْبَاقِرُ عليه السلام: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ بِجَمِيعِ مَحَامِدِكَ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نِعْمَاتِكَ كُلِّهَا حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٧٦

﴿١٦٣٤﴾ اللَّهُمَّ مَنَائِحُكَ مُتَّابِعَةٌ وَأَيَادِيكَ مُتَوَالِيَةٌ وَنِعْمُكَ سَابِغَةٌ وَشُكْرُنَا قَصِيرٌ وَحَمْدُنَا يَسِيرٌ وَأَنْتَ بِالْتَّعَطُّفِ عَلَيَّ مَنْ اعْتَرَفَ جَدِيرٌ؛ بحار الأنوار ج: ٨٢ ص: ٢٢٥ ص:

﴿١٦٣٥﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: اللَّهُمَّ مِنْكَ النُّعْمَةُ وَأَنْتَ تَرْزُقُ شُكْرَهَا؛ الكافي ج: ٣ ص: ٣٢٧

﴿١٦٣٦﴾ اللَّهُمَّ وَأَنَا الدَّاعِي الَّذِي أَجَبْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنَا السَّائِلُ الَّذِي أَعْطَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنَا الضَّالُّ الَّذِي هَدَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنَا الضَّعِيفُ الَّذِي قَوَّيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنَا الْفَقِيرُ الَّذِي أَغْنَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنَا الْغَارِي الَّذِي كَسَوْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنَا السَّقِيمُ الَّذِي شَفَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ أَجَلٌ وَعِزَّتِكَ لَقَدْ فَعَلْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛

بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٢٨

﴿١٦٣٧﴾ اللَّهُمَّ وَأَنَا الدَّلِيلُ الَّذِي أَغْرَزْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنَا الْمَخْذُولُ الَّذِي كَفَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنَا الْمُبْغِيُّ عَلَيْهِ الَّذِي نَصَرْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنَا الْوَضِيعُ الَّذِي رَفَعْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنَا الْهَالِكُ الَّذِي خَلَصْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنَا الْغَرِيقُ الَّذِي نَجَّيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنَا الْمُهَانُ الَّذِي أَكْرَمْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنَا الرَّاجِلُ الَّذِي حَمَلْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ أَجَلٌ وَعِزَّتِكَ لَقَدْ فَعَلْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلَى

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٢٨

﴿١٦٣٨﴾ اللَّهُمَّ وَأَنَا الطَّرِيدُ الَّذِي رَدَدْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنَا الْمُسَافِرُ الَّذِي صَحَبْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنَا الْمُسِيءُ الَّذِي أَحْسَنْتَ إِلَيْهِ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنَا الْمَهْمُومُ الَّذِي فَرَّجْتَ هَمَّهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنَا الْمَكْرُوبُ الَّذِي نَفَسْتَ كَرْبَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ أَجَلٌ وَعِزَّتِكَ لَقَدْ فَعَلْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلَى

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٢٨

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

سپری نشود، به خاطر آنکه مرا از برترین فرزندان آدم قرار دادی، و شنوا و بینا و سالم و درست و تندرستم ساختی، مرا نه به نقصانی در بدن و نه به آفتی در اعضا و جوارح و نه به دردی در جان و عقل دچار نمودی، و بزرگواری و خوشرفتاری و فزون بخشی نعمت‌هایت بر من مانع از آن نشد که (بازهم) نعمت‌های دنیا بر من توسعه دهی، و مرا بر بسیاری از مردم دنیا، برتری دهی، و شنوایم سازی که آنچه را بدان مکلفم ساختی بشنوم، و بینایم کردی که قدرتت را در آنچه که بر من آشکار گشته بینم، و مرا تحت سرپرستی خود گرفتی و قلبی در بدنم به ودیعت نهادی که به بزرگی‌ات گواهی دهد، و زبانی که بر یکتایی‌ات گویا باشد، پس من کرم و فضل تو را ستایش کنم، و توفیقی را که به من عنایت فرمودی تا به حمد و ستایش مشغول باشم سپاسگزارم و به حق تو گواهی می‌دهم، و در پیشامدهای سخت و مهمات کار خود به درگاه تو زاری می‌کنم.

﴿۱۶۳۳﴾ پروردگارا، تو سزاوار حمد و سپاس هستی به تمامی صفات پسندیده و ستوده‌شده و به خاطر تمامی نعمت‌هایت، تا آن زمان که این ستایش به آنچه که تو دوست داری و با آن راضی می‌شوی منجر شود.

﴿۱۶۳۴﴾ خدایا، بخشش‌های تو پی‌درپی و نعمت‌های تو بی‌پای و عطیه‌های تو کامل است و در مقابل شکر ما کوتاه و ستایش ما اندک است و تو به مهربانی نمودن بر کسی که اقرار نموده است سزاواری.

﴿۱۶۳۵﴾ پروردگارا، نعمت از سوی توست و تو شکرکردن را به ما روزی می‌کنی.

﴿۱۶۳۶﴾ خدایا، من همانم که دعا کردم و تو اجابت نمودی، پس حمد سزاوار توست؛ و من همانم که از تو درخواست نمودم و تو عطا کردی، پس حمد سزاوار توست؛ و من همان گمراهی هستم که هدایتت کردی، پس حمد سزاوار توست؛ و من آن ضعیفم که به او توان دادی، پس حمد سزاوار توست؛ و من آن فقیری هستم که توانگرش نمودی، پس حمد سزاوار توست؛ و من آن بی‌ماری هستم که شفایت دادی، پس حمد سزاوار توست؛ و من آنی که به عزتت سوگند که این لطف‌ها را تو در حق من روا داشته‌ای، پس حمد سزاوار توست؛ بر محمد و آلش درود فرست و مرا از قدرشناسان و شکرگزاران خودت قرار ده.

﴿۱۶۳۷﴾ خداوند، من همان شخص ذلیل و خواری هستم که تو او را عزت و بزرگی بخشیدی، پس حمد و سپاس برای توست؛ و من همان شخص بیچاره‌ای هستم که تو او را کفایت فرمودی، پس حمد و ستایش مخصوص توست؛ و من همان درهم‌شکسته‌ای هستم که تو او را یاری نمودی پس به این جهت ستایش مخصوص توست؛ و من همان فروافتاده‌ای هستم که تو او را بالا بردی، پس ستایش مخصوص توست؛ و من همان هلاک و نابود شده‌ای هستم که تو او را از نابودی خلاصی و رهایی بخشیدی، پس حمد و ستایش برای توست؛ و من آن غرق شده (فرورفته در گناهان و غفلتم) که تو او را نجات بخشیدی پس حمد و ستایش شایسته‌ی توست؛ و من همان دردمند و غم‌زده‌ای هستم که تو او را اکرام نمودی پس حمد و سپاس از آن توست؛ و من همان تنهامانده‌ای هستم که تو به او مهلت دادی پس حمد و مخصوص توست؛ سوگند به عزت و بزرگی‌ات که همه‌ی آن نیکویی‌ها را تو در حق من انجام دادی پس حمد و ستایش مخصوص توست. پس درود فرست بر محمد و خاندانش و مرا از زمره‌ی شکرگزاران به درگاهت قرار ده.

﴿۱۶۳۸﴾ خدایا، و من آن رانده شده‌ای هستم که تو او را بازگرداندی، پس حمد سزاوار توست؛ و من آن مسافری هستم که تو همنشین او شدی، پس حمد سزاوار توست؛ و من آنم که بد کردم و تو به او نیکی کردی، پس حمد سزاوار توست؛ و من آن غمگینم که تو اندوهش را برطرف کردی، پس حمد سزاوار توست؛ و من آن اندوهگینم که تو حزنش را زدودی، پس حمد سزاوار توست؛ آری به عزتت سوگند که این لطف‌ها را تو در حق من روا داشته‌ای پس حمد سزاوار توست؛ بر محمد و آلش درود فرست و مرا از قدرشناسان و شکرگزاران خودت قرار ده.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٦٣٩﴾ اللَّهُمَّ وَأَنَا الْمَرِيضُ الَّذِي نَعَشْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنَا الْمُبْتَلَى الَّذِي عَافَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنَا الْمَسْجُونُ الَّذِي أَخْرَجْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنَا الْأَسِيرُ الَّذِي فَكَّكْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنَا الْأَعْزَبُ الَّذِي زَوَّجْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنَا الَّذِي لَمْ أَكُ شَيْئاً حَتَّى جَعَلْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ أَجَلَ وَعِزَّتِكَ لَقَدْ فَعَلْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٣٠

﴿١٦٤٠﴾ اللَّهُمَّ وَلَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ بِجَمِيعِ مَحَامِدِكَ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نِعَمَائِكَ كُلِّهَا حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا تُحِبُّ رَبَّنَا؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٢٧١

﴿١٦٤١﴾ الْمُؤْمِنُ بَيْنَ نِعْمَةٍ وَخَطِيئَةٍ لَا يُصْلِحُهُمَا إِلَّا الشُّكْرُ وَالِاسْتِغْفَارُ؛ غرر الحكم ص: ٩٠

﴿١٦٤٢﴾ الْمُؤْمِنُ دَائِمُ الذِّكْرِ كَثِيرُ الْفِكْرِ عَلَى النِّعْمَةِ شَاكِرٌ وَفِي الْبَلَاءِ صَابِرٌ؛ غرر الحكم ص: ٩٠

﴿١٦٤٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُباً فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيداً طَيِّباً فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُنِيمَ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ المائدة: الآية ٦

﴿١٦٤٤﴾ شَاكِرٌ لَا نِعْمَةَ اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ؛ النحل: الآية ١٢١

﴿١٦٤٥﴾ النُّعْمَةُ إِذَا خَلَتْ مِنَ الشُّكْرِ كَانَتْ مِخْنَةً لَازِمَةً؛ شرح نهج البلاغة ج: ١ ص: ٣٢٣

﴿١٦٤٦﴾ الْمَجْتَبَى عليه السلام: النُّعْمَةُ مِخْنَةٌ فَإِنْ شَكَرْتَ كَانَتْ نِعْمَةً فَإِنْ كَفَرْتَ صَارَتْ نِقْمَةً؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ١١٣

﴿١٦٤٧﴾ النُّعْمَةُ مَوْصُولَةٌ بِالشُّكْرِ وَ الشُّكْرُ مَوْصُولٌ بِالْمَزِيدِ وَهُمَا مَقْرُونَانِ فِي قَرْنٍ فَلَنْ يَنْقَطَعَ الْمَزِيدُ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ حَتَّى يَنْقَطَعَ الشُّكْرُ مِنَ الشَّاكِرِ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٩

﴿١٦٤٨﴾ الصَّادِق عليه السلام: النُّعْمَةُ وَخَشْيَةُ فَاشْكُلُوهَا بِالشُّكْرِ؛ روضة الواعظين ج: ٢ ص: ٤٧٣

﴿١٦٤٩﴾ فَتَبَسَّمَ ضَاحِكاً مِنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحاً تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ؛ النمل: الآية ١٩

﴿١٦٥٠﴾ الرضا عليه السلام: أَلْهَمْنَا شُكْرَكَ لِمَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْنَا؛ بحار الأنوار ج: ٩٩ ص: ١٨٩

﴿١٦٥١﴾ السَّجَاد عليه السلام: إِلَهِي أَذْهَلْنِي عَنْ إِقَامَةِ شُكْرِكَ تَتَانُعُ طَوْلِكَ وَأَعْجَزَنِي عَنْ إِحْصَاءِ ثَنَائِكَ فَيُضْ فَضْلِكَ وَ شَغَلَنِي عَنْ ذِكْرِ مَحَامِدِكَ تَرَادَفُ عَوَائِدِكَ وَأَغْيَانِي عَنْ نَشْرِ عَوَارِفِكَ تَوَالِي

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۶۳۹﴾ خدایا، و من آن مریضم که او را از نابودی نجات دادی پس حمد سزاوار توست؛ و من آن مبتلا شده‌ای هستم که تو او را عافیت دادی پس حمد سزاوار توست؛ و من آن زندانی هستم که تو او را از زندان خارج کردی پس حمد سزاوار توست؛ و من آنم که هیچ نبودم تا اینکه تو او را خلق کردی پس حمد سزاوار توست؛ آری به عزت سوگند که تو کرده‌ای؛ پس حمد سزاوار توست؛ بر محمد و خاندانش درود فرست و من را از شاكران خودت قرار ده.

﴿۱۶۴۰﴾ خدایا، و حمد برای توست و شکر برای توست، تمامی حمد برای همه‌ی نعمت‌هایت تا اینکه حمد منتهی شود به آنچه که تو دوست می‌داری.

﴿۱۶۴۱﴾ مؤمن، مابین نعمت و خطاست که این دو سامان نمی‌گیرند، مگر با شکر و استغفار.

﴿۱۶۴۲﴾ مؤمن دائماً مشغول به یاد خداست و بسیار اندیشه می‌کند، بر نعمت شکرکننده است، و در بلا صبرکننده.

﴿۱۶۴۳﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که به نماز می‌ایستید، صورت و دست‌ها را تا آرنج بشوید و سر و پاها را تا مفصل [برآمدگی پشت پا] مسح کنید و اگر جنب باشید، خود را بشوید (و غسل کنید) و اگر بیمار یا مسافر باشید، یا یکی از شما از محل پستی آمده [قضای حاجت کرده]، یا با آنان تماس گرفته (و آمیزش جنسی کرده‌اید) و آب (برای غسل یا وضو) نیابید، با خاک پاکی تیمم کنید و از آن، بر صورت [پیشانی] و دست‌ها بکشید؛ خداوند نمی‌خواهد مشکلی برای شما ایجاد کند بلکه می‌خواهد شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام نماید شاید شکر او را به‌جا آورید

﴿۱۶۴۴﴾ شکرگزار نعمت‌های پروردگار بود خدا او را برگزید و به راهی راست هدایت کرد.

﴿۱۶۴۵﴾ نعمتی که با شکر همراه نشود رنجی دائمی خواهد بود.

﴿۱۶۴۶﴾ نعمت، در واقع ابزار امتحان و آزمایش است؛ وقتی سیاس آن را به‌جا آوری و شکرگزار باشی تبدیل به نعمت می‌شود و اگر کفران کردی؛ به نعمت و بلا تبدیل می‌شود.

﴿۱۶۴۷﴾ نعمت به شکر و شکر به افزایش نعمت پیوند خورده است و هردو همراه و از یک شاخه و به‌هم نزدیکند پس قطع نمی‌شود افزایش نعمت مگر آنکه شکر و سپاس از شکرگزار قطع شود.

﴿۱۶۴۸﴾ نعمت، گریز یا و رمنده است. با سپاسگزاری، بند بر پایش نهید تا ماندگار شود.

﴿۱۶۴۹﴾ سلیمان از سخن مور تبسمی کرد و خندید و گفت: " پروردگارا، شکر نعمت‌هایی را که بر من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای به من الهام کن، و توفیق ده تا عمل صالحی که موجب رضای توست انجام دهم، و مرا به رحمت خود در زمره‌ی بندگان صالحت وارد کن."

﴿۱۶۵۰﴾ چگونگی شکرگزاری‌ات را بر نعمت‌هایی که به ما بخشیدی به ما الهام کن.

﴿۱۶۵۱﴾ خدایا، پیایی‌بودن بخشش‌هایت مرا در ادای شکرت سرگردان نموده و فراوانی فضلت از شمارش ستودنی‌هایت عاجزم کرده است و پی‌درپی‌بودن احسانت مرا از یاد حمدت بازداشته و

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

أَيَادِيكَ وَ هَذَا مَقَامٌ مِّنْ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النِّعْمَاءِ وَ قَابَلَهَا بِالتَّقْصِيرِ وَ شَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْإِهْمَالِ وَ التَّضْيِيعِ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٤٦

﴿١٦٥٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إلهي فَأَيُّ نِعَمِكَ أَشْكُرُ مَا ابْتَدَأْتَنِي مِنْهَا بَلَا اسْتِحْقَاقٍ أَوْ حِلْمِكَ عَنِّي بِإِدَامَةِ النِّعَمِ وَ زِيَادَتِكَ إِيَّايَ كَأَنِّي مِنَ الْمُحْسِنِينَ الشَّاكِرِينَ وَ لَسْتُ مِنْهُمْ؛ بحار الأنوار ج: ٩٧ ص: ٤٢٠

﴿١٦٥٣﴾ إلهي فَمَا أَحْسَنَ بِلَاءِكَ عِنْدِي وَ أَظْهَرَ نِعْمَائِكَ عَلَيَّ وَ أَكْثَرَ أَيَادِيكَ لَدَيَّ إِنْ شَكَرْتَهَا عَرَفْتُ وَ أَحَبَّ حَقَّهَا؛ إقبال الأعمال ص: ١٣٣

﴿١٦٥٤﴾ الصادق عليه السلام: إلهي قَدْ أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَمْ أَشْكُرْ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٣٦٤
 ﴿١٦٥٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إلهي كُلَّمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ مِنْ نِعْمَةٍ قَلَّ عِنْدَهَا شُكْرِي وَ كُلَّمَا ابْتَلَيْتَنِي بِبَلِيَّةٍ قَلَّ عِنْدَهَا صَبْرِي فَيَا مَنْ قَلَّ شُكْرِي عِنْدَ نِعْمَتِهِ فَلَمْ يَخْرُفْنِي؛ مستدرک الوسائل ج: ٢ ص: ٩٠
 ﴿١٦٥٦﴾ موسى بن عمران عليه السلام: إلهي كَيْفَ اسْتَطَاعَ آدَمُ أَنْ يُؤَدِّيَ شُكْرَ مَا أُجْرِيَتْ عَلَيْهِ مِنْ نِعْمَتِكَ خَلَقْتَهُ بِيَدَيْكَ وَ أَ سَجَدْتَ لَهُ مَلَائِكَتِكَ وَ أَسْكَنْتَهُ جَنَّتِكَ فَأَوْحَى إِلَيْهِ أَنْ آدَمُ عِلِمَ أَنَّ ذَلِكَ كُلُّهُ مِنِّي وَ مِنْ عِنْدِي فَذَلِكَ شُكْرُهُ؛ جامع الأخبار ص: ١٢٧

﴿١٦٥٧﴾ السجاد عليه السلام: إلهي نَظَرْتُ إِلَى عَمَلِي فَوَجَدْتُهُ ضَعِيفاً وَ حَاسَبْتُ نَفْسِي فَوَجَدْتُهَا لَا تَقْوَى عَلَى شُكْرِ نِعْمَةٍ وَاحِدَةٍ أَنْعَمْتَهَا عَلَيَّ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٢١
 ﴿١٦٥٨﴾ إلهي وَ سَيِّدِي هَا أَنَا ذَا عَبْدِكَ طَرِيحُ بَيْنَ يَدَيْكَ مُعْتَذِرٌ مِمَّا جَنَيْتُ شَاكِرٌ لِمَا أَنْعَمْتَ وَ أَوْثَيْتُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٢٧٠

﴿١٦٥٩﴾ العسكري عليه السلام: أَمَّا أَحْسَنُ مِنَ الْأَوَّلِ حَالًا فَرَجُلٌ اعْتَقَدَ صِدْقًا بِمُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ وَ صِدْقًا بِأَعْظَامِ عَلِيٍّ أَخِي رَسُولِ اللَّهِ وَ وَلِيِّهِ وَ ثَمَرَةَ قَلْبِهِ وَ مَحْضَ طَاعَتِهِ فَشَكَرَ لَهُ رَبَّهُ وَ نَبِيَّهُ وَ وَصِيَّ نَبِيِّهِ فَجَمَعَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ بِذَلِكَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَزَقَهُ لِسَانًا لَّا لَاءَ إِلَّا لِلَّهِ تَعَالَى ذَاكِرًا وَ قَلْبًا لَّنِعْمَائِهِ شَاكِرًا وَ بِأَحْكَامِهِ رَاضِيًا وَ عَلَى احْتِمَالِ مَكَارِهِ أَعْدَاءِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ نَفْسَهُ مُوْطِنًا لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى سَمَاءَهُ عَظِيمًا فِي مَلَكُوتِ أَرْضِهِ وَ سَمَاوَاتِهِ وَ حَبَاهُ بِرِضْوَانِهِ وَ كَرَامَاتِهِ فَكَانَتْ تِجَارَةً هَذَا أَرْبَحَ وَ غَنِيمَتُهُ أَكْثَرَ وَ أَعْظَمُ؛ بحار الأنوار ج: ٦٥ ص: ١٠٦

﴿١٦٦٠﴾ الصادق عليه السلام: أَمَّا الصَّالِحُونَ فَإِنَّ الَّذِي يُصِيبُهُمْ مِنْ هَذَا يَرُدُّهُمْ [يَزِدُّهُمْ] نِعَمَ رَبِّهِمْ عِنْدَهُمْ فِي سَالِفِ أَيَّامِهِمْ فَيَحْدُوهُمْ ذَلِكَ عَلَى الشُّكْرِ وَ الصَّبْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٣ ص: ١٣٩

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

پیوستگی الطافت از بازگویی نیکویی‌هایت درمانده‌ام کرده‌است و این مقام کسی است که اعتراف می‌کند که تو نعمت‌های او را کامل کرده‌ای و او با سستی و اهمال با آن‌ها مقابله کرده است و خود به بی‌توجهی و سستی خودش گواه است.

﴿۱۶۵۲﴾ خدایا، کدام‌یک از نعمت‌هایت را شکر گوئیم؟ آن را که بدون آنکه استحقاقش را داشته باشیم از ابتدای خلقت به من بخشیدی و یا بردباری تو در تداوم و فزونی نعمت‌ها بر من چنان است که گویا من از نیکوکاران شکرگزارم؟ درحالی که از آنان نیستم.

﴿۱۶۵۳﴾ پروردگارا، چه نیکوست تکالیفی که از من خواسته‌ای و چه آشکار است نعمت‌های تو بر من و چه بسیار است خوبی‌هایت بر من، که اگر آن نعمت را شکر کنم در واقع حق واجب نعمت را شناخته‌ام.

﴿۱۶۵۴﴾ پروردگارا، به من نعمت دادی و من شکر نکردم.

﴿۱۶۵۵﴾ پروردگارا، هر چه به من نعمت دادی شکر در مقابل آن ناچیز و بی‌مقدار بود و هر چه مرا گرفتار کردی صبرم در مقابل آن کم بود، ای کسی که شکر من در مقابل نعمتش اندک است ولی مرا محروم نکرد.

﴿۱۶۵۶﴾ پروردگارا، آدم علیه السلام چگونه توانسته است حق نعمت تو را سپاسگزاری کند؟ حال آنکه خود به دست خویش او را آفریدی و فرشتگان خود را به سجده کردن بر او واداشتی و در بهشت خویش او را جای دادی؟ خداوند به موسی علیه السلام وحی فرمود که آدم علیه السلام می‌دانست همه‌ی این‌ها از من و به اراده‌ی من است و همین شکر او بود.

﴿۱۶۵۷﴾ پروردگارا، به عملم نگاه کردم و آن را ضعیف یافتم و به حساب نفسم رسیدم و دیدم که توان سپاسگزاری از یکی از نعمت‌هایی را که به او داده‌ای ندارد.

﴿۱۶۵۸﴾ ای پروردگار و ای آقای من، این منم بنده‌ی بی‌مقدار و بی‌ارزش تو که در برابر تو به بیان عذرخواهی‌اش از گناهایی که از او سرزده ایستاده است، و بر آنچه از نعمت‌هایت که به او عطا فرمودی شکرگزار است.

﴿۱۶۵۹﴾ آن کس که حالش از اوّلی بهتر است، مردی است که به‌راستی به محمد عقیده دارد و او را پیامبر خدا می‌داند و حق علی علیه السلام را بزرگ می‌شمارد و او را برادر پیامبر خدا و ولیّ او و میوه‌ی دل او و فرمان‌بر خالص او می‌داند، (در عوض) پروردگارش و پیامبر و وصی پیامبر از او قدردانی می‌نمایند و خداوند به همین جهت خیر دنیا و آخرت را برای او فراهم می‌آورد و به او زبانی عنایت می‌کند تا همیشه به یاد نعمت‌های خدا باشد و قلبی عطا می‌کند که سپاسگزار او باشد و به قوانین الهی خشنود و بر تحمل ناملایمات از دشمنان محمد صلی الله علیه و آله و خاندانش اراده‌ی محکم و تصمیم جدی داشته باشد، بدیهی است خداوند چنین کسی را در ملکوت زمین و آسمان‌هایش به بزرگی نام می‌برد، و خشنودی و عنایات خاصّه‌ی خویش را به او پیشکش می‌نماید، تجارت چنین کسی سودمندتر و سود او از هر کسی و هر تجارتی بزرگ‌تر و بیشتر است. ﴿۱۶۶۰﴾ و اما صالحان هنگامی که گرفتار می‌شوند به یاد نیکي‌ها و نعمات گذشته‌ی خداوند و پروردگار خویش می‌افتند و این یادآوری آنان را به شکرگزاری و شکیبایی می‌کشاند.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٦٦١﴾ الصادق عليه السلام: أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ نَوْرَ الْبَصِيرَةِ رُوحَ الْحَيَاةِ الَّذِي لَا يَنْفَعُ إِيْمَانُ إِلَّا بِهِ مَعَ اتِّبَاعِ كَلِمَةِ اللَّهِ وَالتَّصَدِيقِ بِهَا، فَالْكَلِمَةُ مِنَ الرُّوحِ، وَالرُّوحُ مِنَ النُّورِ، وَالنُّورُ نَوْرُ السَّمَاوَاتِ وَالأَرْضِ، فَبِأَيْدِيكُمْ سَبَبُ وَصَلِ إِلَيْكُمْ مِنَّا نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ لَا تَعْقِلُونَ شُكْرَهَا، خَصَّكُمْ بِهَا وَاسْتَخْلَصَكُمْ لَهَا وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ؛ بحار الأنوار ج: ٣٠ ص: ٣٧

﴿١٦٦٢﴾ أَمَّا وَاللَّهِ لَهْدُمُ النِّعْمَةِ آيَسَرُ مِنْ بِنَائِهَا وَمَا الزِّيَادَةُ إِلَيْكُمْ بِالشُّكْرِ أَسْرَعَ مِنْ زَوَالِ النِّعْمَةِ عَنْكُمْ بِالْكَفْرِ؛ بلاغات النساء ص: ٢٠

﴿١٦٦٣﴾ إِنْ آتَاكُمْ اللَّهُ نِعْمَةً فَاشْكُرُوا؛ غرر الحكم ص: ٢٧٧

﴿١٦٦٤﴾ العسكरी عليه السلام: إِنْ الْبُكَاءُ مِنَ السُّرُورِ يَنْعَمُ اللَّهُ مِثْلَ الشُّكْرِ لَهَا؛ مستدرک الوسائل ج: ٢

ص: ٢٥٦

﴿١٦٦٥﴾ إِنْ الزَّهَادَةَ قَصُرُ الْأَمَلِ وَ الشُّكْرَ عَلَى النِّعَمِ وَ الْوَرَعَ عَنِ الْمَحَارِمِ فَإِنْ عَزَبَ [غَرَبَ] ذَلِكَ عَنْكُمْ فَلَا يَغْلِبُ الْحَرَامُ صَبْرَكُمْ وَ لَا تَنْسَوُا عِنْدَ النِّعَمِ شُكْرَكُمْ فَقَدْ أَغْدَرَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ إِلَيْكُمْ بِحُجَجٍ مُسْفَرَةٍ ظَاهِرَةٍ وَ كُتُبٍ بَارِزَةٍ الْعُذْرَ وَاضِحَةٍ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٦

﴿١٦٦٦﴾ إِنْ الْعَبْدَ بَيْنَ نِعْمَةٍ وَ ذَنْبٍ لَا يُصْلِحُهُمَا إِلَّا الْإِسْتِغْفَارُ وَ الشُّكْرُ؛ غرر الحكم ص: ١٩٥

﴿١٦٦٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنْ اللَّهَ تَعَالَى يُعْطِي النِّعَمَ بِشَرْطِ الشُّكْرِ لَهَا وَ الْقِيَامَ فِيهَا بِحُقُوقِهَا فَإِذَا أَخْلَ الْأَمُكَلَّفُ بِذَلِكَ كَانَ لِلَّهِ التَّغْيِيرُ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ١٤٩

﴿١٦٦٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنْ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا أَكْرَمَ وَلِيَّهُ وَ أَحَبَّهُ أَكْرَمَهُ بِمَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَ لَا أذنٌ سَمِعَتْ فَحَبَّاهَا اللَّهُ لَكَ يَا عَلِيُّ فَقَالَ عَلِيُّ عليه السلام رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ؛ بحار الأنوار ج: ٤٣ ص: ١٠١

﴿١٦٦٩﴾ الرسول الله صلى الله عليه وآله: إِنْ اللَّهَ لَمْ يُعْطِ لِيَأْخُذْ وَ لَوْ أَنْعَمَ عَلَى قَوْمٍ مَا أَنْعَمَ وَ بَقُوا مَا بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ مَا سَلَبَهُمْ تِلْكَ النِّعَمَ وَ هُمْ لَهُ شَاكِرُونَ إِلَّا أَنْ يَتَحَوَّلُوا مِنْ شُكْرِ إِلَى كُفْرٍ وَ مِنْ طَاعَةٍ إِلَى مَعْصِيَةٍ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ٣١

﴿١٦٧٠﴾ الصادق عليه السلام: أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فَقَدْ اسْتَشْفَعْتَ بِهِمْ إِلَيْكَ وَ قَدَّمْتَهُمْ أَمَامِي وَ بَيْنَ يَدَيِ حَوَائِجِي وَ أَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ فِي التَّوْفِيقِ لِمَعْرِفَتِهِ وَ الْهِدَايَةِ إِلَى طَاعَتِهِ؛ مفتاح الفلاح ص: ٢١٦

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۶۶۱﴾ تردیدی نیست که " نور بصیرت " مایه‌ی زندگی و اصل حیات است و ایمان جز با آن و پیروی از کلمه‌ی الله و راست دانستن آن سودی ندارد. پس، کلمه از روح است و روح از نور است و نور؛ نور آسمان‌ها و زمین است. پس در دست‌تان چیزی دارید که از ما به شما رسیده است و نعمتی است که خدای تعالی شما را به آن اختصاص داده است و آن را مخصوص شما قرار داده است پس میداد که از شکرگزاری آن غفلت کنید.

﴿۱۶۶۲﴾ قسم به خدا، از بین بردن نعمت آسان‌تر از درست کردن نعمت است و آنچه نعمت را زیاد می‌کند شکر بر نعمت است و آنچه با سرعت نعمت را از بین می‌برد کفران نعمت است.

﴿۱۶۶۳﴾ اگر خداوند نعمتی را به شما عطا فرمود، پس شکر آن را به جا آورید.

﴿۱۶۶۴﴾ همانا گریه از خوشحالی دریافت نعمت خداوند. مانند شکر بر آن نعمت است.

﴿۱۶۶۵﴾ که زهد و پارسایی همان کوتاه کردن آرزوهای دنیایی و شکر کردن بر نعمت‌ها و بازایستادن از حرام‌ها است، پس اگر آن از دست شما برود، مراقب باشید که حرام بر صبر شما غلبه نکند، و در کنار نعمت‌ها شکر خود را فراموش نکنید، زیرا خدای سبحان راه بهانه آوردن را با دلایل آشکار، و کتاب‌های ظاهر و واضح بر شما بسته است.

﴿۱۶۶۶﴾ به درستی که بنده در میانه‌ی نعمتی است و گناهی و آن دورا به صلاح نمی‌آورد مگر طلب آمرزش و شکر.

﴿۱۶۶۷﴾ همانا خدای تعالی نعمت‌ها را به بندگان عطا می‌کند، به شرط اینکه سپاسگزاری کنند و برای ادای حقوق الهی به‌پاخیزند سپس هرگاه بنده در وظیفه کوتاهی کرد بر خداست که نعمتش را تغییر دهد.

﴿۱۶۶۸﴾ خدای تعالی با نعمت‌هایی ولی و دوست خویش را اکرام کرد و احترام نموده‌است که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده، و ای علی علیه السلام خدا آن‌ها را به تو نیز بخشیده‌است. علی علیه السلام گفت: خدایا، به من توفیق ده که شکر این نعمتی را که به من عطا کرده‌ای به‌جا آورم.

﴿۱۶۶۹﴾ خداوند نعمتی به مردم نداده که از آنان بازپس بگیرد پس نعمت‌هایش، تا زمانی که شب و روز باقی است باقی می‌ماند، مگر اینکه کفران نعمت کنند و از اطاعت خدا روی بگردانند. و آیه‌ی شریفه به همین مفهوم اشاره دارد: " خدای مهربان حال و نعمت مردم را دگرگون نخواهد کرد، مگر اینکه خود آن مردم حالشان را تغییر دهند.

﴿۱۶۷۰﴾ از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی، و من به‌واسطه‌ی آنان به درگاه تو شفاعت جسته و آنان را پیشاپیش خود و نیازهایم به درگاهت عرضه می‌کنم، و نیز می‌خواهم که شکر نعمت را در توفیق‌یافتن به شناخت او امام زمان علیه السلام و هدایت شدن به فرمان برداریش را به من ارزانی داری.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٦٧١﴾ الصادق عليه السلام: عَلَيْكَ يَا عَبْدَ اللَّهِ بِمَا دَلَّكَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ مِنْ صِفَتِهِ وَتَقَدَّمَكَ فِيهِ الرَّسُولُ مِنْ مَعْرِفَتِهِ فَاتَّمَّ بِهِ وَاسْتَضِئْ بِنُورِ هِدَايَتِهِ فَإِنَّمَا هِيَ نِعْمَةٌ وَحِكْمَةٌ أُوتِيَتْهَا فَخُذْ مَا أُوتِيتَ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٢٤٧

﴿١٦٧٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا رُفِعَتِ الْمَائِدَةُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ قَالَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا نِعْمَةً مَحْضُورَةً مَشْكُورَةً مَوْصُولَةً بِالْجَنَّةِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٦ ص: ٢٧٨

﴿١٦٧٣﴾ الباقر عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ لَمَّا فَتَحَ مَكَّةَ أَتَعَبَ نَفْسَهُ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ

الشُّكْرَ لِنِعْمِهِ فِي الطَّوَافِ بِالْبَيْتِ؛ بحار الأنوار ج: ٣٩ ص: ١٢٤

﴿١٦٧٤﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى عَلَى نِعْمِهِ حَقًّا وَهُوَ شُكْرُهُ فَمَنْ آدَاهُ زَادَهُ وَمَنْ قَصَرَ فِيهِ سَلَبَهُ مِنْهُ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ٣٨

﴿١٦٧٥﴾ السجاد عليه السلام: أَنَا الَّذِي لَمْ أَشْكُرْ نِعْمَكَ عِنْدَ مَعَاصِي إِيَّاكَ وَلَمْ أَدْعُهَا عِنْدَ حُلُولِ الْبَلِيَّةِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٣٦

﴿١٦٧٦﴾ الصادق عليه السلام: أَنَا عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ وَنَاصِيَتِي بِيَدِكَ شَاكِرًا لِنِعْمَتِكَ ذَاكِرًا لِفَضْلِكَ وَكَرَمِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٢٤٨

﴿١٦٧٧﴾ الرسول ﷺ: إِنَّا لَنَشْكُرُ لِلنِّعْمَاءِ وَقَدْ كُفِّرَتْ وَعِنْدَنَا بَعْدَ هَذَا الْيَوْمِ مُدْخَرٌ بحار الأنوار ج: ٢١ ص: ١٣

﴿١٦٧٨﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّا نَجِدُ فِي الْإِنْجِيلِ أَنَّ مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَلْيَشْكُرِ اللَّهَ؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ٣٠١

﴿١٦٧٩﴾ السجاد عليه السلام: أَنْتَ الْإِمَامُ بَعْدِي وَوَارَثُ عِلْمِي وَأَفْضَلُ مَنْ أَتْرَكَ بَعْدِي وَخَيْرُ مَنْ أَخْلَفَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي وَأَخُوكَ ابْنُ أُمِّكَ بَشَرَكُمَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِالْبُشْرَى فَأَبْشَرَا بِمَا بَشَرَكُمَا وَاعْمَلَا لِلَّهِ بِالطَّاعَةِ فَاشْكُرَاهُ عَلَى النِّعْمَةِ؛ دعائم الإسلام ج: ٢ ص: ٣٥٣

﴿١٦٨٠﴾ أَنْعِمْ تُشْكِرْ وَارْهَبْ تُحْذَرُ وَلَا تُتَمَارَحْ فَتُحَقَّرَ؛ غرر الحكم ص: ٣٨٠

﴿١٦٨١﴾ الباقر عليه السلام: انْقَلَبْتُ يَا سَيِّدِي عَنْكُمْ تَائِبًا حَامِدًا لِلَّهِ شَاكِرًا؛ البلد الأمين ص: ٢٧٢

﴿١٦٨٢﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّمَا كَانَتْ بَلِيَّةُ أَيُّوبَ الَّتِي ابْتُلِيَ بِهَا فِي الدُّنْيَا لِنِعْمَةِ أَنْعَمَ اللَّهُ بِهَا عَلَيْهِ فَادَّيْ شُكْرَهَا وَكَانَ إِبْلِيسُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ لَا يُحْجَبُ دُونَ الْعَرْشِ فَلَمَّا صَعِدَ عَمَلُ أَيُّوبَ بَادَأَ شُكْرَ النِّعْمَةِ حَسَدَهُ إِبْلِيسُ فَقَالَ يَا رَبِّ إِنَّ أَيُّوبَ لَمْ يُؤَدِّ شُكْرَ هَذِهِ النِّعْمَةِ إِلَّا بِمَا أَعْطَيْتَهُ مِنَ الدُّنْيَا فَلَوْ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۶۷۱﴾ ای بنده‌ی خدا، ملاحظه کن که قرآن به چه صفاتی از خداوند تو را، راهنمایی کرده است و پیامبر خدا ﷺ چه چیزی از شناخت خدا را پیش روی تو گزارده است پس از آن پیروی کن و از نور هدایت آن روشنایی بگیر که آن همان نعمت و حکمت است که به تو داده شده است پس آنچه که به تو داده شده را بگیر و از شاکران باش.

﴿۱۶۷۲﴾ پیامبر خدا ﷺ چون سفره را برمی‌چیدند چنین دعا می‌کرد: پروردگارا، قرار بده آن را نعمتی آماده، پذیرفته شده و رساننده به بهشت قرارده.

﴿۱۶۷۳﴾ هنگامی که مکه را فتح نمودند پیامبر خدا ﷺ نفس شریف خود را در عبادت خداوند و شکر نعمت‌هایش با طواف کردن بیت به رنج و سختی انداختند.

﴿۱۶۷۴﴾ همانا برای خدای تعالی در هر نعمتی حقی است، که آن سپاسگزاری خداست، آن کس که سپاسگزاری کند نعمتش زیاد می‌شود و آن کس که در سپاسگزاری کوتاهی کند نعمت از او گرفته می‌شود.

﴿۱۶۷۵﴾ من کسی هستم که هنگام مواجهه با گناهان و آمدن بلاها شکر نعمت تو را ادا نکردم.

﴿۱۶۷۶﴾ من بنده‌ی توام و در مُشت تو و در دست قدرت تو هستم و اختیارم به دست توست، شکرگزار نعمت هستم و ذکرکننده‌ی فضل و کرم.

﴿۱۶۷۷﴾ ما در آن هنگام که نعمت‌ها، کفران شود شکرگزاری می‌کنیم و این شکر برای فردای ما ذخیره می‌شود.

﴿۱۶۷۸﴾ ما در انجیل چنین یافتیم: کسی که خداوند به او نعمت دهد باید خدا را شکر کند.

﴿۱۶۷۹﴾ تو امام بعد از من و وارث علم من و با فضیلت‌ترین بازمانده‌ی من و بهترین کسی از خاندان من هستی که به جانشینی برمی‌گزینم؛ و برادرت که زاده‌ی مادرت است، پیامبر خدا ﷺ شما دو نفر را بشارت داد؛ پس به آن بشارت شادمان باشید و به انجام دستورات خدا بپردازید و او را به خاطر نعمت‌هایش شکر کنید.

﴿۱۶۸۰﴾ به مردم نعمت بده تا مورد قدردانی قرارگیری، و از خدا بترس تا از گناهان دوری کنی، و مزاح و شوخ طبعی مکن که در این صورت حقیر و کوچک شمرده می‌شوی.

﴿۱۶۸۱﴾ ای دو سرور و آقای من (حضرت امیرالمؤمنین و امام حسین علیهما السلام) از نزد شما توبه‌کننده و سپاسگزار و شکرگزار خدا باز می‌گردم.

﴿۱۶۸۲﴾ همانا آزمایشی که ایوب در این جهان به آن گرفتار شد، در واقع به خاطر نعمتی بود که خدا به او داد و او هم شکر آن را ادا کرد. ابلیس در آن زمان تا زیر عرش بر او پوشیده نبود و از اینکه شکر نعمت ایوب بالا می‌رفت حسادت می‌ورزید پس به خدا گفت: پروردگارا، ایوب این شکر را در برابر نعمت دنیا که به او داده‌ای انجام می‌دهد و اگر دنیا را از او بگیری شکر نعمت

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

حُلَّتْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ دُنْيَاهُ مَا آدَى إِلَيْكَ شُكْرَ نِعْمَةٍ فَسَلَّطَنِي عَلَى دُنْيَاهُ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يُؤَدِّي شُكْرَ نِعْمَةٍ فَقَالَ قَدْ سَلَّطْتُكَ عَلَى دُنْيَاهُ فَلَمْ يَدَعْ لَهُ دُنْيَا وَلَا وَلَدًا إِلَّا أَهْلَكَ كُلَّ ذَلِكَ وَ هُوَ يَحْمَدُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ ثُمَّ رَجَعَ إِلَيْهِ فَقَالَ يَا رَبِّ إِنَّ أَيُّوبَ يَعْلَمُ أَنَّكَ سَرَدُ إِلَيْهِ دُنْيَاهُ الَّتِي أَخَذَتْهَا مِنْهُ فَسَلَّطَنِي عَلَى بَدَنِهِ حَتَّى تَعْلَمَ أَنَّهُ لَا يُؤَدِّي شُكْرَ نِعْمَةٍ قَالَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ سَلَّطْتُكَ عَلَى بَدَنِهِ مَا عَدَا عَيْنَيْهِ وَ قَلْبَهُ وَ لِسَانَهُ وَ سَمِعَهُ؛ بحار الأنوار ج: ١٢ ص: ٣٤٤

﴿١٦٨٣﴾ أَنَّهُ خَطَبَ رَاحِيلُ فِي النَّبْتِ الْمَعْمُورِ فِي جَمْعٍ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ السَّعِ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ قَبْلَ أَوَّلِيَةِ الْأَوَّلِينَ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ الْبَاقِينَ نَحْمَدُهُ إِذْ جَعَلَنَا مَلَائِكَةً رُوحَانِيَّينَ وَ بَرُوبِيَّينَ مُذْنَعِينَ وَ لَهُ عَلَى مَا أَنْعَمَ عَلَيْنَا شَاكِرِينَ؛ مستدرک الوسائل ص: ١٤ ص: ٢٠٨

﴿١٦٨٤﴾ الْكَاطِمُ عليه السلام: أَنَّهُمْ حَضَرُوا يَوْمَ تُوُفِّيَ مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ دَارَ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام وَ قَدْ بُسِطَ لَهُ فِي صَحْنِ دَارِهِ وَ النَّاسُ جُلُوسٌ حَوْلَهُ فَقَالُوا قَدَرْنَا أَنْ يَكُونَ حَوْلَهُ مِنْ آلِ أَبِي طَالِبٍ وَ بَنِي الْعَبَّاسِ وَ قُرَيْشٍ مَائَةٌ وَ خَمْسُونَ رَجُلًا سِوَى مَوَالِيهِ وَ سَائِرِ النَّاسِ إِذْ نَظَرَ إِلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ قَدْ جَاءَ مَشْقُوقُ الْحَبِّبِ حَتَّى جَاءَ عَنْ يَمِينِهِ وَ نَحْنُ لَا نَعْرِفُهُ فَنَظَرَ إِلَيْهِ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام بَعْدَ سَاعَةٍ مِنْ قِيَامِهِ ثُمَّ قَالَ يَا بُنَيَّ أَخَذْتُ لِلَّهِ شُكْرًا فَقَدْ أَحْدَثَ فِيكَ أَمْرًا فَبَكَى الْحَسَنُ عليه السلام وَ اسْتَرْجَعَ وَ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ إِيَّاهُ أَشْكُرُ تَمَامَ نِعَمِهِ عَلَيْنَا وَ إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ؛ الإرشاد ج: ٢ ص: ٣١٧

﴿١٦٨٥﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: إِنِّي لَمَّا شَرَبْتُ الْمَاءَ قَالَ لِي جَبْرِئِيلُ وَ الْمَلَائِكَةُ مَعَهُ هَنِيئًا مَرِيئًا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ لَمَّا شَرَبَ الْحَسَنُ قَالُوا لَهُ كَذَلِكَ وَ لَمَّا شَرَبَ الْحُسَيْنُ وَ فَاطِمَةُ قَالَ جَبْرِئِيلُ وَ الْمَلَائِكَةُ هَنِيئًا مَرِيئًا فَقُلْتُ كَمَا قَالُوا وَ لَمَّا شَرَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ اللَّهُ لَهُ هَنِيئًا مَرِيئًا يَا وَلِيِّي وَ حُجَّتِي عَلَى خَلْقِي فَسَجَدْتُ لِلَّهِ شُكْرًا عَلَى مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيَّ فِي أَهْلِ بَيْتِي؛ بحار الأنوار ج: ٧٣ ص: ٥٧

﴿١٦٨٦﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: أَهْلُ الْخَيْرِ وَ أَهْلُ الْآخِرَةِ رَقِيقَةٌ وَ جُوهُهُمْ كَثِيرٌ حَيَاؤُهُمْ قَلِيلٌ حَقِيقُهُمْ كَثِيرٌ نَفْعُهُمْ قَلِيلٌ مَكْرُهُمْ النَّاسُ مِنْهُمْ فِي رَاحَةٍ أَنْفُسُهُمْ مِنْهُمْ فِي تَعَبٍ كَلَامُهُمْ مَوْزُونٌ مُحَاسِنِينَ لِأَنْفُسِهِمْ مُتَعَبِّينَ لَهَا تَنَامُ أَعْيُنُهُمْ وَ لَا تَنَامُ قُلُوبُهُمْ أَعْيُنُهُمْ بَاكِئَةٌ وَ قُلُوبُهُمْ ذَاكِرَةٌ إِذَا كَتَبَ النَّاسُ مِنَ الْغَافِلِينَ كَتَبُوا مِنَ الذَّاكِرِينَ فِي أَوَّلِ النُّعْمَةِ يَحْمَدُونَ وَ فِي آخِرِهَا يَشْكُرُونَ؛ بحار الأنوار ج: ٧٤ ص: ٢٤

﴿١٦٨٧﴾ الْبَاقِرُ عليه السلام: أَوْزَعْنَا شُكْرَ النُّعْمَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٣٤٤

﴿١٦٨٨﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: أَوْزَعْنَا شُكْرًا مَا تُنْعِمُ بِهِ عَلَيْنَا؛ الأمان ص: ١٤٥

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

نمی‌کند، مرا بر دنیای او مسلط کن و ببین که شکر نمی‌کند. خداوند فرمود: من تو را به دنیای او مسلط کردم و او از دنیا و فرزندان ایوب چیزی را باقی نگذاشت و همه را نابود کرد و ایوب در همه حال سپاس خدا را می‌گفت، آنگاه ابلیس نزد خدا برگشت و گفت: پروردگارا، ایوب می‌داند دنیایی که از او گرفتی به او برمی‌گردانی پس مرا بر بدنش نیز مسلط کن تا بدانی که شکر نمی‌کند، خدای عزیز و جلیل فرمود: تو را بر تنش مسلط کردم، به جز دو چشم و دل و زبان و گوش‌هایش.

﴿۱۶۸۳﴾ که راحیل - از فرشتگان مقرب الهی - خطبه را در آسمان هفتم در جمعی از اهل آسمان‌ها خواند و گفت: حمد خدایی را که ازلی است و قبل از هر موجودی وجود داشته، و باقی است بعد از آنکه همه‌ی موجودات فانی می‌شوند، حمد و سپاس می‌گوییم او را که ما را فرشتگان روحانی آفرید و ما را اقرار کننده به ربوبیت و مقام الهی‌اش قرار داد و او را به دلیل نعمت‌هایی که به ما عطا فرموده شکر می‌کنیم.

﴿۱۶۸۴﴾ روز فوت محمد بن علی بن محمد علیه السلام جمع شدند؛ در آن روز برای حضرت هادی علیه السلام فرشی گسترده بودند و گروهی از بنی‌هاشم و بنی‌عباس که - به غیر از غلامان و سایر مردم - در حدود صد و پنجاه نفر می‌شدند، اطراف امام نشست‌ه بودند. در این موقع حضرت ابوالحسن چشمش به حضرت امام حسن عسکری علیه السلام افتاد که با گریبان چاک و اشک جاری آمد ما ایشان را نمی‌شناختیم. امام هادی پس از لحظاتی که او ایستاده بود، روی به سویش نمود و فرمود: فرزندم، سپاس خدا را به جای آور که دستور جدیدی درباره‌ی تو صادر کرده است. امام حسن عسکری گریه کرد و آیه‌ی استرجاع [إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ] را بر زبان آورد و گفت: "الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ".

﴿۱۶۸۵﴾ چون آب نوشیدم جبرئیل و فرشته‌ها به من گفتند: گوارا باد بر تو ای پیامبر خدا، و چون حسن نوشید به او نیز چنین گفتند و به حسین و فاطمه علیهما السلام نیز چنین گفتند و من هم همان را گفتم، و چون امیر مؤمنان علیه السلام نوشید خدا به او فرمود: ای ولی و حجت من بر خلقم پس آنگاه من در برابر نعمتی که درمورد خاندانم به من داد برای خدا سجده‌ی شکر کردم.

﴿۱۶۸۶﴾ از صفات اهل خیر و اهل آخرت، صورت‌هایشان لاغر، و شرمشان (از خدا) بسیار، و حماقت و نفهمی ایشان در کارها اندک و نفعشان (برای مردم) زیاد، و مکر و حيله و تزویر نمی‌کنند، و مردم از (دست و زبان) ایشان در کمال آرامشند با اینکه ایشان از مردم صدمه و اذیت می‌بینند، و همواره با ادب سخن می‌گویند، و به حساب اعمال خود کامل و دقیق رسیدگی می‌نمایند (که میباید گناهی نموده باشند و اگر مرتکب شده باشند توبه می‌کنند و لغزش‌های خود را جبران و اصلاح می‌نمایند)، چشمانشان به خواب می‌رود و لکن دل‌هایشان به خواب نمی‌رود (که از خدا غافل شوند) و نیز چشمانشان (از خوف خدا) گریان و دل‌هایشان ذاکر، و زمانی که مردمان را غافل (از یاد خدا) می‌نویسند ایشان را از زمره‌ی اهل ذکر می‌نویسند، ایشان کسانی هستند که در ابتدای نعمت حمد می‌کنند و در آخر آن شکر می‌نمایند.

﴿۱۶۸۷﴾ بر ما نعمت عطا فرما تا (به لطف و بخشش) شکر نعمت را به جای آوریم.

﴿۱۶۸۸﴾ توفیق سپاسگزاری نعمت‌هایت را به ما عطا کن.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٦٨٩﴾ أَوْزَعْنَا فِيهِ شُكْرَ نِعْمَتِكَ، وَالْبَسْنَا فِيهِ جُنْنَ الْعَافِيَةِ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ١٨٢
 ﴿١٦٩٠﴾ أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَلَمْ تُعْطِهَا لِأَحَدٍ إِلَّا وَاتَّمَمْتُهَا عَلَيْه؛
 بحار الأنوار ج: ٤١ ص: ٣٠٢

﴿١٦٩١﴾ الصادق عليه السلام: أَوْزَعْنِي شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ؛ مستدرک الوسائل ج: ٨ ص: ٥٧
 ﴿١٦٩٢﴾ أَوْزَعْنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ فَقَدْ أَنْعَمْتَ عَلَيَّ نِعْمًا لَا
 أُخْصِيهَا؛ إقبال الأعمال ص: ٤٠٦

﴿١٦٩٣﴾ موسى بن عمران عليه السلام: أَيُّ رَبِّ أَيُّ خَلْقِكَ أَعْظَمُ ذَنْبًا قَالَ الَّذِي يَتَّهِنُنِي قَالَ يَا رَبُّ وَ
 هَلْ يَتَّهَمُكَ أَحَدٌ قَالَ نَعَمْ يَا مُوسَى الَّذِي يَسْتَخِيرُنِي وَلَا يَرْضَى بِقَضَائِي وَلَا يَشْكُرُ نِعْمَائِي وَلَا
 يَصْبِرُ عَلَيَّ بَلَاءِي؛ مجموعة ورام ج: ٢ ص: ٢٣١

﴿١٦٩٤﴾ العسكري عليه السلام: أَيُّ عَفْوْنَا عَنْ أَوَائِلِكُمْ عِبَادَتِهِمْ الْعِجْلَ لَعَلَّكُمْ يَا أَيُّهَا الْكَائِنُونَ فِي عَصْرِ
 مُحَمَّدٍ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ تَشْكُرُونَ تِلْكَ النُّعْمَةَ عَلَى أَسْلَافِكُمْ وَعَلَيْكُمْ بَعْدَهُمْ؛ بحار الأنوار ج: ١٣
 ص: ٢٣٢

﴿١٦٩٥﴾ الرسول عليه السلام: أَيُّمَا عَبْدٍ جَاءَتْهُ مَوْعِظَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي دِينِهِ فَإِنَّهَا نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ
 سَبَقَتْ إِلَيْهِ فَإِنْ قَبِلَهَا يَشْكُرُ وَإِلَّا كَانَتْ حُجَّةً مِنَ اللَّهِ عَلَيْهِ لِيَزِدَّادَ بِهَا إِيْمًا وَيَزِدَّادَ اللَّهُ بِهَا
 سَخَطًا؛ مجموعة ورام ج: ٢ ص: ٢٧٤

﴿١٦٩٦﴾ الصادق عليه السلام: أَيُّمَا مُؤْمِنٍ سَجَدَ سَجْدَةً لِشُكْرِ نِعْمَةٍ فِي غَيْرِ صَلَاةٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا عَشْرَ
 حَسَنَاتٍ وَمَحَا عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ وَرَفَعَ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ فِي الْجَنَانِ؛ وسائل الشيعة ج: ٧ ص: ٢٠
 ﴿١٦٩٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنْ قُلُوبُكُمْ خَانَتْ بَشْمَانَ خِصَالٍ... السَّادِسَةُ أَنْكُمْ أَكَلْتُمْ نِعْمَةَ الْمَوْلَى
 وَلَمْ تَشْكُرُوا عَلَيْهَا؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ٢٦٨

﴿١٦٩٨﴾ السجاد عليه السلام: بُنِيَ إِيَّيَّ جَعَلْتِكَ خَلِيفَتِي مِنْ بَعْدِي لَا يَدْعِي فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَحَدٌ إِلَّا
 قَلَدَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ طَوْفًا مِنْ نَارٍ فَاحْمَدِ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ وَاشْكُرْهُ يَا بُنَيَّ أَشْكُرُ لِمَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ
 وَأَنْعَمَ عَلَيَّ مَنْ شَكَرَكَ فَإِنَّهُ لَا تَزُولُ نِعْمَتُهُ إِذَا شَكَرْتَ وَلَا بَقَاءُ لَهَا إِذَا كَفَرْتَ وَالشَّاكِرُ بِشُكْرِهِ
 أَسْعَدُ مِنْهُ بِالنُّعْمَةِ الَّتِي وَجَبَ عَلَيْهِ بِهَا الشُّكْرُ وَتَلَا عَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام: لَمَّا شَكَرْتُمْ لَا زَيْدَ لَكُمْ
 وَلَمَّا كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ؛ بحار الأنوار ج: ٤٦ ص: ٢٣١

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۶۸۹﴾ سپاسگزاری از نعمت و بخشش خود را به ما الهام کن، و لباس عافیت را به ما بپوشان.
﴿۱۶۹۰﴾ شکر نعمتی را که بر من ارزانی داشته‌ای به من الهام کن و این نعمت را بر کسی
ارزانی نکرده‌ای مگر اینکه آن را به‌طور کامل به او بخشیده‌ای.
﴿۱۶۹۱﴾ توفیق سپاسگزاری به ما عطا فرما تا شکرگزار آنچه که از نعمت‌هایت به ما بخشیده‌ای
باشیم.

﴿۱۶۹۲﴾ پروردگارا، توفیق سپاسگزاری بر نعمت را به من عطا فرما، نعمتی که آن را به من و
بر پدر و مادرم عطا فرمودی به تحقیق که تو به من، آن‌چنان روزی داده‌ای که نتوان آن را به
شمارش درآورد.

﴿۱۶۹۳﴾ ای پروردگرم کدام‌یک از بندگان بزرگ‌ترین گناه را انجام داده است؟ فرمود: کسی که
مرا متهم می‌کند. گفت: پروردگارا آیا کسی هم تو را متهم می‌کند؟ فرمود: آری ای موسی،
کسی که از من طلب خیر می‌کند ولی نه به حکم من راضی می‌شود و نه نعمت‌هایم را شکر
می‌کند و نه در بلایم صبر می‌کند.

﴿۱۶۹۴﴾ یعنی از پیشینیان شما به خاطر گوساله‌پرستی آن‌ها گذشتیم تا شمایی که از قوم
بنی‌اسرائیل الا سن در زمان (حضرت) محمد ﷺ هستید شکر این نعمت را که به پیشینیانتان
دادیم بکنید.

﴿۱۶۹۵﴾ اگر موعظه‌ای از جانب خداوند عزیز و گرامی به بنده‌ای برسد، نعمتی است که به‌سوی
او شتافته است؛ اگر آن را قبول کند شکر کرده است و در غیر این صورت خداوند بر او حجت
دارد تا به خاطر آن، گناهانش را بیافزاید و بر او بسیار غضب کند.

﴿۱۶۹۶﴾ هرکس از مؤمنان که برای شکرگزاری نعمت در غیر از نماز سجده کند، خداوند برای
او ده حسنه ثبت می‌کند و ده گناه از پرونده‌اش محو می‌کند و او ده درجه در بهشت بالا می‌برد.
﴿۱۶۹۷﴾ دل‌های شما هشت گونه خیانت کرده‌اند... ششم آنکه نعمت مولایتان را می‌خورید ولی
او را سپاس نمی‌گذارید

﴿۱۶۹۸﴾ ای فرزندم تو را جانشین خود قرار می‌دهم و بین من و تو هیچ‌کس ادعای جانشینی
نمی‌کند مگر اینکه خداوند روز قیامت گردن‌بندی از آتش بر گردنش می‌اندازد؛ پس خدا را بر این
نعمت سپاس بگو و او را شکر کن. ای فرزند عزیزم، آن را که به تو نعمت داده شکر کن و به
آن که از تو شکر کرده نیکی کن که اگر شکر نعمت شود، نعمت از بین نمی‌رود و چنانچه نعمت
مورد کفران قرار گیرد باقی نخواهد ماند و شاکر به خاطر شکری که توفیق آن به او داده شده
بهره‌ی بیشتری دریافت می‌کند در مقایسه با نعمتی که توفیق آن به او داده شده و شکر آن بر او
واجب شده است و علی بن‌الحسین (علیه السلام) این آیه را تلاوت نمود. "اگر شکرگزاری کنید (نعمت
خود را) بر شما خواهم افزود و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است."

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٦٩٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: تَسَحَّقْ عَلَيْنَا بَعْدَ الْيَأْسِ شُكْرًا مِنَّةً مِنْ مَنَّكَ مُجَلَّةً وَ نِعْمَةً مِنْ نِعَمِكَ مُفَضَّلَةً عَلَى بَرِيَّتِكَ الْمُرْمَلَةِ وَ بِلَادِكَ الْمُغْرَبَةِ وَ بِهَائِمِكَ الْمُعْمَلَةِ وَ وَحْشِكَ الْمُهْمَلَةِ؛
من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٥٢٧

﴿١٧٠٠﴾ الصادق عليه السلام: تَلَقَّوْا النِّعَمَ يَا سَدِيرُ بَحْسُنْ مُجَاوِرَتَهَا وَ اشْكُرُوا مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكُمْ وَ انْعَمُوا عَلَى مَنْ شَكَرَكُمْ فَإِنَّكُمْ إِذَا كُنْتُمْ كَذَلِكَ اسْتَوْجِبْتُمْ مِنَ اللَّهِ الزِّيَادَةَ وَ مِنْ إِخْوَانِكُمُ الْمُنَاصَحَةَ ثُمَّ تَلَا لَتَيْنِ شُكْرُكُمْ لَا زِيَادَتَكُمْ؛ وسائل الشيعة ج: ١٦ ص: ٣٢٨
﴿١٧٠١﴾ الصادق عليه السلام: أَسْأَلُكَ... تَمَامَ نِعْمَتِكَ فِي جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ وَ الشُّكْرَ لَكَ عَلَيْهَا لِكَيْ تَرْضَى وَ بَعْدَ الرِّضَا؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٩٢

﴿١٧٠٢﴾ الرسول ﷺ: ثَلَاثُ خِصَالٍ يُدْرِكُ بِهَا خَيْرُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ الشُّكْرُ عِنْدَ النَّعْمَاءِ وَ الصَّبْرُ عِنْدَ الضَّرَاءِ وَ الدُّعَاءُ عِنْدَ الْبَلَاءِ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ١٤٩
﴿١٧٠٣﴾ الصادق عليه السلام: ثَلَاثٌ لَا يَضُرُّ مَعَهُنَّ شَيْءٌ الدُّعَاءُ عِنْدَ الْكَرْبِ وَ الْاسْتِغْفَارُ عِنْدَ الذَّنْبِ وَ الشُّكْرُ عِنْدَ النِّعْمَةِ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٥

﴿١٧٠٤﴾ الرسول ﷺ: دَخَلَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ آدَهَمَ الْبَصْرَةَ فَاجْتَمَعَ النَّاسُ إِلَيْهِ وَ قَالُوا يَا أَبَا إِسْحَاقَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى اذْغُونِي اسْتَجِبْ لَكُمْ وَ نَحْنُ نَدْعُو فَلَا يُسْتَجَابُ لَنَا قَالَ يَا أَهْلَ الْبَصْرَةِ لَأَنَّ قُلُوبَكُمْ قَدْ صَارَتْ فِي عَشْرَةِ أَوَّلِهَا عَرَفْتُمْ اللَّهَ فَلَمْ تُؤَدُّوا حَقَّهُ الثَّانِي قَرَأْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ فَلَمْ تَعْمَلُوا بِهِ الثَّالِثُ قُلْتُمْ نَحِبُ رَسُولَ اللَّهِ وَ تَرَكْتُمْ سُنَّتَهُ الرَّابِعُ قُلْتُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ لَنَا عَدُوٌّ فَوَاقَفْتُمُوهُ الْخَامِسُ قُلْتُمْ نَحِبُ الْجَنَّةِ وَ لَمْ تَعْمَلُوا لَهَا السَّادِسُ قُلْتُمْ إِنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَ لَمْ تَتَّهَيَّأُوا لَهُ السَّابِعُ انْتَبَهْتُمْ مِنَ النَّوْمِ فَاسْتَغْلَتُمْ بِاِغْتِيَابِ إِخْوَانِكُمُ الثَّامِنُ أَكَلْتُمْ نِعْمَتَ اللَّهِ فَلَمْ تُؤَدُّوا شُكْرَهَا التَّاسِعُ قُلْتُمْ نَخَافُ مِنَ النَّارِ وَ لَمْ تَهَرَّبُوا مِنْهَا الْعَاشِرُ دَفَنْتُمْ مَوْتَكُمْ فَلَمْ تَتَّعَبُوا بِهِمْ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ١٩٦
﴿١٧٠٥﴾ الصادق عليه السلام: ذَكَرَ أَيُّوبُ عليه السلام فَقَالَ قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ إِنَّ عَبْدِي أَيُّوبَ مَا أَنْعَمَ عَلَيْهِ

بِنِعْمَةٍ إِلَّا أَزْدَادَ شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ١٢ ص: ٣٥٠
﴿١٧٠٦﴾ السجاد عليه السلام: رَبِّ إِنَّكَ عَوَّدْتَنِي عَافِيَتَكَ وَ عَدَوْتَنِي بِنِعْمَتِكَ وَ تَعَمَّدْتَنِي بِرَحْمَتِكَ تَعْدُو وَ تَرُوحُ بِفَضْلِ ابْتِدَائِكَ لَا أَعْرِفُ غَيْرَهَا وَ رَضِيتَ مِنِّي بِمَا أَسْدَيْتَ إِلَيَّ أَنْ أَحْمَدَكَ بِهَا شُكْرًا مِنِّي عَلَيْهَا فَضَعُفَ شُكْرِي لِقِلَّةِ جُهْدِي فَاْمُنَّنْ عَلَيَّ بِحَمْدِكَ كَمَا ابْتَدَأْتَنِي بِنِعْمَتِكَ؛
بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٢٩٨

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۶۹۹﴾ و تو ای خداوند بخشنده، پس از آن دوران نومییدی که بر ما گذشته است با احسانی از انواع احسان فراگیر تو و نعمتی از نعمت‌های از سر لطف تو بر مخلوقات نیازمند بینوایت و بر سرزمین‌های دورافتاده‌ات و جانوران به‌کار گرفته‌ی تو، و حیوانات وحشی رها شده‌ات، سزاوار شکر و ستایشی.

﴿۱۷۰۰﴾ ای سدید، با نعمت‌ها خوب همراهی کنید و از کسی که به شما لطف می‌کند سپاسگزاری کنید و به کسی که از شما تشکر می‌کند ببخشید، که اگر چنین کنید سزاوار زیاد شدن نعمت از طرف خدا و خیر خواهی از طرف دوستان هستید؛ سپس امام علیه السلام این آیه را تلاوت فرمود: "اگر شکر کنید نعمتان را زیاد می‌کنم".

﴿۱۷۰۱﴾ خدایا، تکمیل نعمت را در همه چیز و توفیق ادای شکر آن را خواستارم تا خشنود شوی و شکر پس از خشنودی تو را نیز خواهانم.

﴿۱۷۰۲﴾ سه خصلت است که به آن سه خصلت خیر دنیا و آخرت به دست می‌آید، سپاسگزاری در برابر نعمت‌های پروردگار، شکیبایی هنگام سختی‌ها و دعا هنگام رسیدن بلا.

﴿۱۷۰۳﴾ سه چیز است که با وجود آن‌ها هیچ چیز دیگری زیان نمی‌زند: دعا درموقع گرفتاری، و طلب آمرزش هنگام گناه، و شکرگزاری هنگام نعمت.

﴿۱۷۰۴﴾ ابراهیم ادهم وارد شهر بصره شد مردم دورش جمع شدند و به وی گفتند: ای اباسحاق خدای تعالی فرموده است بخوانید مرا تا شما را اجابت کنم و حال اینکه ما خدا را می‌خوانیم و ما را جواب نمی‌دهد، ابراهیم گفت ای مردم بصره به این جهت دعای شما اجابت نمی‌شود. که ده چیز در دل‌های شماست که مانع از استجاب دعاست. اول آن‌ها این است که خدا را شناختید حقش را ادا نکردید، دوم اینکه قرآن را خواندید ولی عمل نکردید. سوم اینکه گفتید که دوست می‌دارید پیامبر خدا را ولی سنت او را رها کردید. چهارم اینکه گفتید که شیطان را دشمن می‌داریم ولی موافق خواسته‌ی او عمل کردید، پنجم گفتید بهشت را دوست داریم ولی کاری برای بهشت نکردید. ششم گفتید مرگ حق است ولی مهربانی مردن نشدید. هفتم از خواب بیدار شدید ولی سرگرم غیبت برادرانتان شدید، هشتم نعمت‌های خدا را خوردید و سپاسگزاری نکردید. نهم گفتید از آتش دوزخ می‌ترسید ولی از آن فرار نکردید و دهم مردگانتان را دفن کردید ولی از آن‌ها عبرت نگرفتید.

﴿۱۷۰۵﴾ ایوب علیه السلام را یاد کرد و فرمود: خداوند باجلالت فرمود: به بندهام ایوب هیچ نعمتی نمی‌دهم مگر اینکه او شکرگزاری‌اش را بیشتر می‌کند.

﴿۱۷۰۶﴾ خدایا، مرا به عافیت عادت داده‌ای و به نعمت پروراندی و در پوشش رحمت خود قرار دادی، رحمتی که شب و روز از ابتدای خلقت به فضل و کرم به‌سوی ما روانه می‌شود، رحمتی که من جز آن رحمتی نمی‌شناسم. و تو در مقابل نیکی‌هایی که درحق من کردی چنین پسندیدی که من تو را برای آن نعمت‌ها شاکرانه سپاس گویم؛ اما به علت کم‌کاری و قصور شکر ناقابل است ولی تو بر من منت بگذار و همان‌گونه که از ابتدای خلقت به من نعمت داده‌ای توفیق شکرگزاری را هم تو به من بده.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٧٠٧﴾ السَّجَادَ الرَّابِعُ: رَبِّ كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ قَلَّ لَكَ عِنْدَهَا شُكْرِي؛ بحار الأنوار

ج: ٤٦ ص: ١٢٢

﴿١٧٠٨﴾ الكَاسِمَ الرَّابِعُ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْمَاضِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ بَلِيَّةِ أَيُّوبَ الَّتِي ابْتَلَى بِهَا فِي الدُّنْيَا لَأَيَّةٍ عِلَّةٍ كَانَتْ قَالَ لِنِعْمَةٍ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا فِي الدُّنْيَا فَادَى شُكْرَهَا وَكَانَ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ لَا يُحْجَبُ إِلَّا بِسُوءِ دُونَ الْعَرْشِ فَلَمَّا صَعِدَ آدَاءُ شُكْرِ نِعْمَةِ أَيُّوبَ حَسَدَهُ إِبْلِيسُ فَقَالَ يَا رَبِّ إِنَّ أَيُّوبَ لَمْ يُؤَدِّ إِلَيْكَ شُكْرَ هَذِهِ النِّعْمَةِ إِلَّا بِمَا أُعْطِيَتْهُ مِنَ الدُّنْيَا وَلَوْ حَرَمْتُهُ دُنْيَاهُ مَا آدَى إِلَيْكَ شُكْرَ نِعْمَةٍ أَبَدًا قَالَ فَقِيلَ لَهُ إِنِّي قَدْ سَلَّطْتُكَ عَلَى مَالِهِ وَوَلَدِهِ قَالَ فَانْحَدَرَ إِبْلِيسُ فَلَمْ يَبْقَ لَهُ مَالٌ وَلَا وَلَدٌ إِلَّا أُعْطِيَهُ فَلَمَّا رَأَى إِبْلِيسُ أَنَّهُ لَا يَصِلُ إِلَى شَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ قَالَ يَا رَبِّ إِنَّ أَيُّوبَ يَعْلَمُ أَنَّكَ سَتَرْدُ عَلَيْهِ دُنْيَاهُ الَّتِي أَخَذَتْهَا مِنْهُ فَسَلَّطْنِي عَلَى بَدَنِهِ قَالَ فَقِيلَ لَهُ إِنِّي قَدْ سَلَّطْتُكَ عَلَى بَدَنِهِ مَا خَلَا قَلْبَهُ وَلِسَانَهُ وَغَيْنِيهِ وَسَمِعَهُ قَالَ فَانْحَدَرَ إِبْلِيسُ مُسْتَعْجِلًا مَخَافَةَ أَنْ تَذُرَكَ رَحْمَةُ الرَّبِّ عَزَّ وَجَلَّ فَتَحُولَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَيُّوبَ فَلَمَّا اشْتَدَّ بِهِ الْبَلَاءُ وَكَانَ فِي آخِرِ بَلِيَّتِهِ جَاءَهُ أَصْحَابُهُ فَقَالُوا لَهُ يَا أَيُّوبُ مَا نَعْلَمُ أَحَدًا ابْتُلِيَ بِمِثْلِ هَذِهِ الْبَلِيَّةِ إِلَّا لِسَرِيرَةٍ سُوءٍ فَلَعَلَّكَ أَسْرَرْتَ سُوءًا فِي الَّذِي تُبْدِي لَنَا قَالَ فَعِنْدَ ذَلِكَ نَاجَى أَيُّوبُ رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ رَبِّ ابْتَلْنِي بِهَذِهِ الْبَلِيَّةِ وَأَنْتَ أَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَعْزُضْ لِي أَمْرَانِ قَطُّ إِلَّا أَلْزَمْتُ [لَزِمْتُ] أَحْسَنَهُمَا عَلَى بَدَنِي وَلَمْ أَكُلْ أَكْلَةً قَطُّ إِلَّا وَ عَلَى خَوَانِي يَتِيمٌ فَلَوْ أَنَّ لِي مِنْكَ مَقْعَدُ الْخِصْمِ لَأَذَلَّيْتُ بِحُجَّتِي قَالَ فَعَرَضْتَ لَهُ سَحَابَةً فَتَنَّقَطُ فِيهَا نَاطِقٌ فَقَالَ يَا أَيُّوبُ أَذَلَّ بِحُجَّتِكَ قَالَ فَشَدَّ عَلَيْهِ مِئْزَرَهُ وَجِئَا عَلَى رُكْبَتَيْهِ فَقَالَ ابْتَلْنِي بِهَذِهِ الْبَلِيَّةِ وَأَنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَعْزُضْ لِي أَمْرَانِ قَطُّ إِلَّا أَلْزَمْتُ [لَزِمْتُ] أَحْسَنَهُمَا عَلَى بَدَنِي وَلَمْ أَكُلْ أَكْلَةً مِنْ طَعَامٍ إِلَّا وَ عَلَى خَوَانِي يَتِيمٌ قَالَ فَقِيلَ لَهُ يَا أَيُّوبُ مَنْ حَبَّبَ إِلَيْكَ الطَّاعَةَ قَالَ فَأَخَذَ كَفًّا مِنْ تُرَابٍ فَوَضَعَهُ فِي فِيهِ ثُمَّ قَالَ أَنْتَ يَا رَبِّ؛ بحار الأنوار ج: ١٢ ص: ٣٤٥

﴿١٧٠٩﴾ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: سَأَلْتُهُ عَنْ سَجْدَةِ الشُّكْرِ فَقَالَ أَيُّ شَيْءٍ سَجْدَةُ الشُّكْرِ فَقُلْتُ لَهُ إِنَّ أَصْحَابَنَا يَسْجُدُونَ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ سَجْدَةً وَاحِدَةً وَيَقُولُونَ هِيَ سَجْدَةُ الشُّكْرِ فَقَالَ إِنَّمَا الشُّكْرُ إِذَا أَنْعَمَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى عَبْدِهِ النِّعْمَةَ أَنْ يَقُولَ سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ تهذيب الأحكام ج: ٢ ص: ١٠٩

﴿١٧١٠﴾ أَسْبَغْتَ عَلَى النِّعْمَةِ وَأَوْجَبْتَ عَلَى الْمِنَّةِ وَبَلَّغْتَنِي فَوْقَ الْأُمْنِيَّةِ لِتَبْلُوَنِي فَتَعْرِفَ شُكْرِي؛

بحار الأنوار ج: ٩٩ ص: ٢٤٢

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۷۰۷﴾ پروردگارا، چه بسیار نعمتی که به من ارزانی داشتی و سپاسگزاری من برای تو در برابر آن اندک بود.

﴿۱۷۰۸﴾ از حضرت امام کاظم علیه السلام پرسیدم: بلیّه و گرفتاری ایوب در دنیا به چه علتی بود؟ امام علیه السلام فرمودند: علتش نعمتی بود که خداوند متعال در دنیا به ایوب عنایت کرد و وی شکرش را به جا آورد و در آن زمان ابلیس از اطراف و نزدیک عرش ممنوع نبود و وقتی ادای شکر ایوب را بالا بردند، ابلیس حسد برد و به درگاه پروردگار عرضه داشت: ایوب شکر آنچه را که به او داده‌ای ادا نموده حال آنکه اگر از نعمت دنیا محروم می‌شدی هرگز شکر هیچ نعمتی را به جا نخواهد آورد. امام علیه السلام فرمودند: به ابلیس گفته شد: من تو را بر مال و فرزند او مسلط کردم، ابلیس از بالا به زمین فرود آمد و هیچ مال و فرزندی برای ایوب باقی نگذارد ولی به مقصود خود نرسید، زیرا ایوب در این حال نیز شکر الهی را به جا می‌آورد، ابلیس وقتی دید به مقصودش نرسیده به درگاه الهی عرض کرد: پروردگارا، ایوب می‌داند که آنچه که از وی گرفته‌ای به زودی به او بازمی‌گردانی بنابراین شکر تو را ادا می‌کند، مرا بر بدن او مسلط کن تا اثبات کنم که او شکرگزار نیست. به او گفته شد: تو را بر بدن ایوب به استثنای قلب و زبان و دو چشم و گوشش مسلط کردیم ابلیس به خاطر ترسی که از رسیدن رحمت الهی به ایوب داشت با عجله به زمین آمد و بین او و پروردگارش حائل شد، هنگامی که بلا و گرفتاری بر او شدید شد در پایان بلایا و سختی‌ها اصحابش نزدش آمده و گفتند: ما احدی را سراغ نداریم که به این گرفتاری مبتلا شده باشد مگر به خاطر باطن خبیث و بدی که داشته، شاید تو نیز که در ظاهر، خود را خوب نشان می‌دادی باطنی بد و خبیث داشتی و ما اطلاع نداشتیم، امام علیه السلام فرمودند: امر که به اینجا منتهی شد ایوب علیه السلام به درگاه خدای عزیز و جلیل نالید و عرض کرد: پروردگارا، مرا به این بلیه مبتلا ساختی، تو می‌دانی هرگز دو امری برای من پیش نیامد مگر آنکه موردی را که خشن‌تر بر بدنم بود اختیار کردم و هیچ‌گاه لقمه‌ای نخوردم مگر آنکه بر سر سفره‌ام یتیمی بود، حال اگر از ناحیه‌ی تو دشمن بخواهد مرا شماتت کند حجج و براهین خود را بیاورم که استحقاق آن را ندارم، امام علیه السلام فرمودند: ابری ظاهر شد و گوینده‌ای در آن به سخن آمد و گفت: ای ایوب برهان و حجت خود را بیاور. امام علیه السلام فرمودند: ایوب لنگ را بر کمر خود محکم کرد و سپس روی دو کنده‌ی زانو قرار گرفت و عرض کرد: خدایا، مرا به این بلیه مبتلا ساختی درحالی‌که می‌دانی هرگز دو امری برای من پیش نیامد مگر آن موردی را که بر بدنم خشن‌تر بود اختیار کردم و از طعامی لقمه‌ای نخوردم مگر آنکه بر سر سفره‌ام یتیمی بود. امام علیه السلام فرمودند: به ایوب خطاب شد: ای ایوب چه کسی طاعت و بندگی را محبوب تو قرار داد؟ امام علیه السلام فرمودند: ایوب مشتی از خاک برداشت و در دهان خویش ریخت سپس گفت: پروردگارا، تو بندگی را نزد من محبوب قرار دادی (و من از خود هیچ ندارم جز آنچه که تو به من عطا فرمودی).

﴿۱۷۰۹﴾ درباره‌ی سجده‌ی شکر از ایشان پرسیدم فرمودند: سجده‌ی شکر چیست؟ گفتم بعضی از دوستان ما بعد از نماز واجب یک سجده می‌کنند و می‌گویند که این سجده‌ی شکر است. فرمودند: شکر آن است که هرگاه خداوند متعال به بنده‌ای نعمتی دهد بنده بگوید: "پاک و منزّه کسی که این را مسخر ما ساخت و درغیراین صورت ما توانایی تسخیر آن را نداشتیم و ما به‌سوی پروردگارمان بازمی‌گردیم و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است."

﴿۱۷۱۰﴾ نعمت را بر من کامل کرده و مرا سزاوار دریافت نعمت قرار داده‌ای و مرا به نهایت آرزوهایم رسانیدی تا مرا بیازمایی و بدانی که تا چه حد شکرگزارم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٧١١﴾ الصادق عليه السلام: شَاكِرٌ لِّمَا أَنْعَمْتَ وَأَوْلَيْتَ حَامِداً لِّمَا مَنَنْتَ وَ عَافِيَتٌ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٢٧٠

﴿١٧١٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: شُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ الْوَرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٥٦

﴿١٧١٣﴾ الرضا عليه السلام: شُكْرًا عَلَى مَا أَنْعَمَ بِهِ عَلَى مَنْ مَعْرِفَتُهُ؛ بحار الأنوار ج: ٤٨ ص: ٢٢٢

﴿١٧١٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: شُكْرًا لِلَّهِ عَلَى نِعَمَائِهِ وَ صَبْرًا عَلَى بَلَائِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٣٣ ص: ١٥٣

﴿١٧١٥﴾ الرضا عليه السلام: طُوبَى لِمَنْ شَغَلَ قَلْبُهُ بِشُكْرِ النِّعْمَةِ؛ العدد القوية ص: ٢٩٦

﴿١٧١٦﴾ عَزَمَ اللَّهُ لَكَ عَلَى الصَّبْرِ فِي الْبُلُوِّ وَ الشُّكْرِ فِي النِّعْمَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٤٢ ص: ٧٦

﴿١٧١٧﴾ الصادق عليه السلام: عَظُمَ يَا مُحَمَّدُ أَسْمَائِي وَ أَشْكُرُ نِعْمَائِي وَ لَا تَجْحَدُ آلَائِي؛ الكافي ج: ١ ص: ٥٢٧

﴿١٧١٨﴾ الرضا عليه السلام: فَاشْهَدْ بَأَنَّا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ مُؤْمِنُونَ مُصَدِّقُونَ غَيْرُ مُكَذِّبِينَ مُقِرُّونَ غَيْرِ جَاحِدِينَ وَ لِأَمْرِكَ مُسْلِمُونَ وَ بِحَيْثُكَ مُعْتَصِمُونَ وَ لِإِثْمِنَا طَائِعُونَ وَ لِأَمْرِهِمْ وَ حُكْمِهِمْ خَاضِعُونَ لَا مُسْتَكْبِرِينَ وَ لَا مُتَكَبِّرِينَ وَ بِمَا رَضِيتَ لَنَا رَاضُونَ وَ لِمَا أَعْطَيْتَنَا آخِذُونَ وَ لِأَنْعَمِكَ شَاكِرُونَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٩ ص: ١٨٩

﴿١٧١٩﴾ الصادق عليه السلام: فَانْصَرَفْتُ مِنْ عِنْدِهِ مَسْرُوراً بِمَا عَرَفْتُهُ مُبْتَهِجاً بِمَا أُوتِيتُهُ حَامِداً لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ بِهِ عَلَى شَاكِرٍ لَا تُنْعِمُهُ عَلَى مَا مَنَحَنِي بِمَا عَرَفْنِيهِ مَوْلَايَ وَ تَفَضَّلَ بِهِ عَلَيَّ؛ بحار الأنوار ج: ٣ ص: ٨٩

﴿١٧٢٠﴾ الصادق عليه السلام: فَإِنِّي لِبَابِكَ قَاصِدٌ وَ عَلَيْكَ عَاقِدٌ وَ لَكَ رَاكِعٌ وَ سَاجِدٌ وَ لِمَا أَوْلَيْتَ وَ أَنْعَمْتَ مِنْ مَعْرُوفِكَ شَاكِرٌ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٢٦٢

﴿١٧٢١﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيَّ يَا مُحَمَّدُ اخْتَرْتُكَ مِنْ خَلْقِي وَ اخْتَرْتُ لَكَ وَصِيّاً مِنْ بَعْدِكَ وَ جَعَلْتُهُ مِنْكَ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدَكَ وَ أَلْقَيْتَ مَحَبَّةً فِي قَلْبِكَ وَ جَعَلْتُهُ أَبَا وَ لَدِكَ فَحَقُّهُ بَعْدَكَ عَلَى أُمَّتِكَ كَحَقِّكَ عَلَيْهِمْ فِي حَيَاتِكَ فَمَنْ جَحَدَ حَقَّهُ جَحَدَ حَقِّكَ وَ مَنْ أَبَى أَنْ يُؤَالِيَهُ فَقَدْ أَبَى أَنْ يُؤَالِيَكَ وَ مَنْ أَبَى أَنْ يُؤَالِيَكَ فَقَدْ أَبَى أَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ فَخَرَرْتُ لِلَّهِ سَاجِداً شُكْراً لِمَا أَنْعَمَ إِلَيَّ؛ بحار الأنوار ج: ٥١ ص: ٦٨

﴿١٧٢٢﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: فَأَيُّ النُّعْمَتَيْنِ أَعْمُ شُكْراً وَ أَجْزَلُ فِي عَوَاقِبِهَا إِيَابَا

بحار الأنوار ج: ٧٩ ص: ٨٩

﴿١٧٢٣﴾ الصادق عليه السلام: فَبِمَاذَا شَكَرْتَ نِعْمَاءَهُ قَالَ نَظَرْتُ إِلَى بَلَاءٍ قَدْ صَرَفَهُ عَنِّي وَ أَبْلَى بِهِ غَيْرِي فَعَلِمْتُ أَنَّهُ قَدْ أَنْعَمَ عَلَيَّ فَشَكَرْتُهُ؛ بحار الأنوار ج: ٣ ص: ٤٢

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۷۱۱﴾ من شاکر نعمت‌های تو (نیکی‌های تو) هستم و بخشش‌ها و عافیت را سپاسگزارم.

﴿۱۷۱۲﴾ شکر هر نعمتی پرهیز از محرّمات الهی است.

﴿۱۷۱۳﴾ به شکرانه‌ی نعمت معرفت امام، به سجده افتادم.

﴿۱۷۱۴﴾ خدا را شکر بر نعمت‌هایش و صبر بر بلایش.

﴿۱۷۱۵﴾ خوشا به حال آن کس که قلب خود را با شکرگزاری از نعمت‌های خداوند مشغول

بسازد.

﴿۱۷۱۶﴾ قصد و اراده نموده است خدای متعال درباره‌ی تو که درهنگام بلا صبر پیشه سازی و

درهنگام دریافت نعمت سپاسگزار و شکرگویان باشی.

﴿۱۷۱۷﴾ ای محمد، اسامی مرا بزرگ بدار و بر نعمت‌هایم سپاسگزار باش، و آن‌ها را انکار مکن.

﴿۱۷۱۸﴾ گواهی ده که ما می‌شنویم و اطاعت می‌کنیم و ایمان داریم و تصدیق می‌کنیم و

تکذیب نمی‌کنیم و اقرار می‌کنیم و انکار نمی‌کنیم و تسلیم امر توایم و ریسمان تو را گرفته‌ایم و

از امامانمان اطاعت می‌کنیم و در برابر امر و حکم آن‌ها خاضعیم و خودبزرگ‌بین و متکبر نیستیم

و به آنچه تو برای ما پسندیده‌ای راضی هستیم و آنچه را به ما عطا کرده‌ای می‌گیریم و شاکر

نعمت‌هایت هستیم.

﴿۱۷۱۹﴾ من نیز شاد و سرحال از آنچه فراگرفتم و به من داده شد و با ستایش خدا بر نعمت

عظیم شناخت و اینکه به من توفیق فراگیری سخنان مولایم ﷺ را داد و به این وسیله مرا

مورد لطف و عنایت خویش قرار داد از نزدش بازگشتم.

﴿۱۷۲۰﴾ من قصد کوی تو کرده و با تو پیمان بسته‌ام و برای تو رکوع و سجود می‌کنم و در

برابر عطاها و نعمت‌های نیکی که به من داده‌ای شکرگزارم.

﴿۱۷۲۱﴾ ندا رسید: ای محمد، من تو را از میان بندگانم برگزیدم و وزیری بعد از تو برایت

انتخاب کردم تا مانند هارون باشد که وزیر موسی بود، با این تفاوت که بعد از تو پیامبری نیست،

محبت او را در دل تو جای دادم و او را پدر فرزندان تو گردانیدم، حقی که او بر امت تو دارد مثل

حقی است که تو در زمان حیات خود بر بندگان من داری. پس هرکس حق او را پایمال کند حق

تو را ضایع کرده است، و هرکس از دوستی وی سر باز زند از دوستی تو سر باز زده و هرکس از

دوستی تو سر باز زند، از آمدن به بهشت سر باز زده است. پس من به خاک افتادم و به خاطر این

نعمت که خدا به من موهبت فرموده سجده‌ی شکر به جا آوردم.

﴿۱۷۲۲﴾ شکر کدام‌یک از این دو نعمت، فراگیرتر است؟ و پاداش کدام یک بزرگتر؟

﴿۱۷۲۳﴾ برای کدام نعمت او را شکر کردی؟ فرمود: به گرفتاری و بلایی که از من دور شده و

دیگران درگیر آن هستند توجه کردم؛ دانستم که او مرا مورد لطف قرار داده است. پس او را شکر

کردم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٧٢٤﴾ الرضا عليه السلام: فَتَحَمَدُكَ نَفْسِي بِحُسْنِ الْفِعَالِ فِي الْمَنَازِلِ كُلِّهَا عَلَى خَلْقِي وَصُورَتِي وَ هِدَايَتِي وَ رَفْعِكَ إِيَّايَ مُنْزَلَةً حَتَّى بَلَغْتَ بِي هَذَا الْيَوْمَ مِنَ الْعُمْرِ مَا بَلَغْتَ مَعَ جَمِيعِ نِعَمِكَ وَ الْأَرْزَاقِ الَّتِي أَنْتَ عِنْدِي بِهَا مَحْمُودٌ مَشْكُورٌ؛ البلد الأمين ص: ٨٣

﴿١٧٢٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَتَعَالَيْتَ رَبَّنَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ حَتَّى إِذَا اسْتَهْلَيْتُ بِالْكَلَامِ أَتَمَمْتَ عَلَى بِالْإِنْعَامِ وَ رَبَّيْتَنِي مُتَزَايِدًا فِي كُلِّ عَامٍ حَتَّى إِذَا أَكْمَلْتَ فِطْرَتِي وَ اعْتَدَلْتَ قُوَّتِي أَوْجَبْتَ عَلَيَّ حُجَّتَكَ بِأَنْ أَلْهَمْتَنِي مَعْرِفَتَكَ وَ رَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ رَحْمَتِكَ وَ أَيقَظْتَنِي بِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَائِكَ وَ أَرْضِكَ فِي بَدَائِعِ خَلْقِكَ وَ نَبَّهْتَنِي لَشُكْرِكَ وَ ذِكْرِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٣١٤

﴿١٧٢٦﴾ الصادق عليه السلام: فَقَالَ يَا سَحَابَةُ تَعَالَى فَبَاءَ تَهْ فَقَالَ آئِن تُرِيدِينَ قَالَتْ أُرِيدُ أَرْضَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فَقَالَ احْمِلِي هَذَا حَمْلَ رَفِيقٍ وَ ضَعِيهِ فِي أَرْضِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ وَضَعَا رَفِيقًا قَالَ فَلَمَّا بَلَغَ مُوسَى بِلَادَهُ قَالَ يَا رَبِّ بِمَا بَلَغْتَ هَذَا مَا أَرَى قَالَ إِنْ عَبْدِي هَذَا يَصْبِرُ عَلَى بَلَائِي وَ يَرْضَى بِقَضَائِي وَ يَشْكُرُ نِعْمَائِي؛ مستدرک الوسائل ج: ١٥ ص: ٤٨٤

﴿١٧٢٧﴾ الصادق عليه السلام: فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَلَا أَقْصُ عَلَيْكَ دِينِي فَقَالَ بَلَى قُلْتُ أَدِينُ اللَّهَ بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَ إِقَامَ الصَّلَاةَ وَ آيَتَاءَ الزَّكَاةِ وَ صَوْمَ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ حَجَّ الْبَيْتِ وَ الْوَلَايَةَ لِعَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ الْوَلَايَةَ لِلْحُسَيْنِ وَ الْوَلَايَةَ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ الْوَلَايَةَ لِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ لَكَ مِنْ بَعْدِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَ أَنْكُمْ أَتَمْتُمْ عَلَيْهِ أَحْيَا وَ عَلَيْهِ أَمُوتُ وَ أَدِينُ اللَّهَ بِهِ فَقَالَ يَا عَمْرُو هَذَا وَ اللَّهِ دِينُ اللَّهِ وَ دِينُ آبَائِي الَّذِي أَدِينُ اللَّهَ بِهِ فِي السِّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ فَاتَّقِ اللَّهَ وَ كَفِّ لِسَانَكَ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ وَ لَا تَقُلْ إِنِّي هَدَيْتُ نَفْسِي بَلِ اللَّهُ هَدَاكَ فَادِّ شُكْرَ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ عَلَيْكَ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٢٣

﴿١٧٢٨﴾ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى ابْتِدَائِكَ بِالنِّعَمِ الْجِسَامِ، وَ الْإِهَامِكَ الشُّكْرَ عَلَى الْإِحْسَانِ وَ الْإِنْعَامِ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ١٥٢

﴿١٧٢٩﴾ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَقَّيْتَنَا مِنَ الْبَلَاءِ، وَ لَكَ الشُّكْرُ عَلَى مَا خَوَّلْتَنَا مِنَ النِّعْمَاءِ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ١٦٠

﴿١٧٣٠﴾ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ الْمَنْ وَ الشُّكْرُ عَلَى نِعَمَائِكَ وَ آيَادِيكَ؛ إقبال الأعمال ص: ٥١٥

﴿١٧٣١﴾ فَلَهُ الشُّكْرُ عَلَى إِنْعَامِهِ وَ جُودِهِ وَ آمِنَانِهِ؛ الأمان ص: ٤١

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۷۲۴﴾ من در تمام احوال تو را به خاطر نیکی‌هایی که به من کرده‌ای شکر می‌کنم؛ بر خلقتم، تصویرم، هدایتم و اینکه تو مرا به‌درجه‌ای رفیع رسانده‌ی تا اینکه امروز به این جایگاه از عمر خود رسیدم و همراه همه‌ی نعمت‌ها و روزی‌هایی که دریافت کردم تو به خاطر همه‌ی آن‌ها نزد من شایسته ستایش و سپاسگزاری هستی.

﴿۱۷۲۵﴾ ای مهربان‌ترین مهربانان و ای پروردگار ما، بلند مرتبه‌ای. آنگاه که سخن گفتن آغاز کردم، نعمت را بر من تمام کردی و هر سال مرا بیش از پیش پرورش دادی؛ تا آنگاه که خلقتم تمام شد و توانایی‌ام استوار گشت، با الهام معرفت بر من محبت را بر من تمام کردی و مرا با عجایب رحمت شگفت‌زده نمودی و با پدیده‌های خلقت که در آسمان و زمین آن‌ها را آفریده‌ای مرا بیدار نمودی و مرا بر شکر و ذکر خود آگاه نمودی.

﴿۱۷۲۶﴾ گفت: ای ابر بیا و آمد، به او گفت: قصد کجا داری؟ گفت فلان زمین، گفت: برو، پاره‌ی ابر دیگری آمد و او را پیش خواند و گفت: به کجا می‌روی؟ گفت: به سرزمین موسی بن‌عمران، گوید، به او گفت: این را با آرامش ببر و با نرمی در زمین موسی بن‌عمران قرار بده. چون موسی به سرزمین خود رسید گفت: پروردگارا، به‌واسطه‌ی چه عملی او را به این مقام رساندی که می‌بینم؟ خدا فرمود: این بنده‌ی من بر بلایم شکوبا و به قضایم راضی است، و شکر نعمت‌هایم را به‌جا می‌آورد.

﴿۱۷۲۷﴾ عرض کردم: قربانت گردم، دینم را برای شما بازگو نکنم؟ فرمود: آری، عرض کردم: من این چنین راه خدا را می‌پیمایم؛ با شهادت‌دادن به اینکه شایسته‌ی پرستشی جز خدای یگانه‌ی بی‌همتا نیست؛ و اینکه محمد بنده و فرستاده‌ی اوست و روز قیامت محقق خواهد شد و شکی در آن نیست، و اینکه خدا مردگان را برانگیزاند. و گزاردن نماز و دادن زکات و روزه‌ی ماه رمضان و حج خانه‌ی کعبه لازم و واجب است و ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام بعد از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و ولایت حسن و حسین و ولایت علی بن‌الحسین و ولایت محمد بن‌علی و شما علیهم السلام پس از او و اینکه شما امامان من هستید. و بر ما پذیرش شما لازم است، پس آیا اگر من بر این روش زندگی کنم و بر این روش بمیرم و خدا را با آن دینداری کنم (صحیح است). فرمود: ای عمر، به خدا سوگند این دین من و دین پدرانم است که خدا را در پنهان و آشکار با همین اعتقادات دینداری می‌کنم؛ پس از خدا پروا کن و زیانت را جز از سخن خیر نگهدار و نگو من از جانب خود هدایت یافته‌ام، بلکه خدا تو را هدایت فرموده، پس شکر نعمت‌هایی را که خدای عزیز و جلیل به تو عطا فرموده، به‌جا آور.

﴿۱۷۲۸﴾ پس ستایش سزاوار توست، بخاطر شروع به دادن نعمت‌های بزرگ (بدون آنکه بنده‌ات شایسته‌ی دریافت آن باشد)؛ و نیز بخاطر آنکه شکر بر لطف و احسان را به ما الهام کردی.

﴿۱۷۲۹﴾ ستایش مخصوص توست به خاطر آنکه ما را از بلا و آسیب نگاه داشتی، و شکر مخصوص توست به خاطر نعمت‌هایی که به ما مرحمت فرمودی.

﴿۱۷۳۰﴾ ستایش و لطف و شکر به خاطر نعمت‌ها و لطف‌هایت، سزاوار توست.

﴿۱۷۳۱﴾ به خاطر نعمتی که داده و بخششی که نموده و لطفی که نسبت به من روا داشته است، او را می‌ستایم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٧٣٢﴾ الصادق عليه السلام: فَمَا ذَلِكَ الْقُرْآنُ عَلَيْهِ مِنْ صِفَتِهِ فَاتَّبِعْهُ لِيُوصِلَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مَعْرِفَتِهِ وَ أَنْتَمَّ بِهِ وَ اسْتَضَى بِنُورِ هِدَايَتِهِ فَإِنَّهَا نِعْمَةٌ وَ حِكْمَةٌ أُوتِيَتْهُمَا فَخُذْ مَا أُوتِيتَ وَ كُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٤ ص: ٢٧٦

﴿١٧٣٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَنِعْمَ الْآخُ أَنْتَ وَ نِعْمَ الْخَتَنُ أَنْتَ وَ نِعْمَ الصَّاحِبُ أَنْتَ وَ كَفَاكَ بَرَضِي اللَّهِ رَضَى فَخَرًا عَلَيَّ سَاجِدًا شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى وَ هُوَ يَقُولُ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ؛ روضة الواعظين ج: ١ ص: ١٤٤

﴿١٧٣٤﴾ الصادق عليه السلام: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَ خَرُّوا لَهُ سُجَّدًا قَالَ قِيلَ إِنَّ السُّجُودَ كَانَ لِلَّهِ شُكْرًا لَهُ كَمَا يَفْعَلُ الصَّالِحُونَ عِنْدَ تَجَدُّدِ النِّعَمِ؛ وسائل الشيعة ج: ٦ ص: ٣٨٧

﴿١٧٣٥﴾ الصادق عليه السلام: قَالَتْ يَا أَيُّوبُ مَا دَهَكَ فَنَادَاهَا أَيُّوبُ، فَأَقْبَلَتْ فَلَمَّا رَأَتْهُ وَقَدْ رَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِ بَدَنَهُ وَ نِعْمَتَهُ سَجَدَتْ لِلَّهِ شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ١٢ ص: ٣٤١

﴿١٧٣٦﴾ الصادق عليه السلام: قَدْ عَجَزَ مَنْ لَمْ يَعُدَّ لِكُلِّ بَلَاءٍ صَبْرًا وَ لِكُلِّ نِعْمَةٍ شُكْرًا وَ لِكُلِّ غُصْرٍ يُسْرًا اصْبِرْ نَفْسَكَ عِنْدَ كُلِّ بَلِيَّةٍ وَ رَزِيَّةٍ فِي وَلَدٍ أَوْ فِي مَالٍ فَإِنَّ اللَّهَ إِنَّمَا يَقْبِضُ عَارِيَتَهُ وَ هِبَتَهُ لِيُبْلُو شُكْرَكَ وَ صَبْرَكَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٢ ص: ٤٢٣

﴿١٧٣٧﴾ الصادق عليه السلام: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَرَأَيْتَ هَذِهِ النُّعْمَةَ الظَّاهِرَةَ عَلَيْنَا مِنَ اللَّهِ أَ لَيْسَ إِنْ شَكَرْنَاهُ عَلَيْهَا وَ حَمِدْنَاهُ زَادَنَا كَمَا قَالَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ لَمَنْ شَكَرْتُمْ أَزِيدَنَّكُمْ فَقَالَ نِعَمَ مَنْ حَمِدَ اللَّهَ عَلَى نِعْمِهِ وَ شَكَرَهُ وَ عَلِمَ أَنَّ ذَلِكَ مِنْهُ لَا مِنْ غَيْرِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٥٣

﴿١٧٣٨﴾ السجاد عليه السلام: كِتَابُهُ عليه السلام إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ الزُّهْرِيِّ يَعْظُمُ كِفَانَا اللَّهُ وَ إِيَّاكَ مِنْ الْفِتَنِ وَ رَحِمَكَ مِنَ النَّارِ فَقَدْ أَصْبَحْتَ بِحَالٍ يَنْبَغِي لِمَنْ عَرَفَكَ بِهَا أَنْ يَرْحَمَكَ فَقَدْ أَثْقَلْتُكَ نِعَمَ اللَّهِ بِمَا أَصَحَّ مِنْ بَدَنِكَ وَ أَطَالَ مِنْ عُمْرِكَ وَ قَامَتْ عَلَيْكَ حُجُجُ اللَّهِ بِمَا حَمَلَكَ مِنْ كِتَابِهِ وَ فَقَّهَكَ فِيهِ مِنْ دِينِهِ وَ عَرَفَكَ مِنْ سُنَّةِ نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ ﷺ فَرَضَ لَكَ فِي كُلِّ نِعْمَةٍ أَنْعَمَ بِمَا عَلَيْكَ وَ فِي كُلِّ حُجَّةٍ احْتَجَّ بِهَا عَلَيْكَ الْفَرَضَ فَمَا قَضَى إِلَّا ابْتَلَى شُكْرَكَ فِي ذَلِكَ وَ أَبْدَى فِيهِ فَضْلَهُ عَلَيْكَ فَقَالَ لَمَنْ شَكَرْتُمْ أَزِيدَنَّكُمْ وَ لَمَنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ١٣١

﴿١٧٣٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: كَثُرَ حَمْدُهُمْ لِلَّهِ وَ شُكْرُهُمْ عَلَى النُّعْمَةِ الَّتِي أَنْعَمَ بِهَا عَلَيْهِمْ فِي مَعْرِفَتِهِمْ بِحَقِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع؛ بحار الأنوار ج: ٤١ ص: ٢٦٠

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۷۳۲﴾ آنچه را که قرآن از توصیف خداوند ما را بدان راهنمایی نمود، پیروی کن تا بین تو و بین معرفت او پیوند برقرار کند و او را پیشوای خود قرار ده و از نور هدایتش روشنی بجوی که آن نعمت و حکمت است که به تو داده شده است پس آنچه را که به تو داده شد بگیر و از شاکران باش.

﴿۱۷۳۳﴾ چه خوب برادری و چه خوب دامادی و چه خوب رفیق و همراهی هستی. همین بس که خدا از تو راضی است؛ و تو از هر رضایت دیگری بی‌نیازی. پس علی علیه السلام برای خدای تعالی به خاک افتاد و سجده‌ی شکر نمود و چنین گفت: "پروردگارا، شکر نعمتی را که به من عطا کرده‌ای، روزی‌ام کن.

﴿۱۷۳۴﴾ درباره کلام خدای تعالی است؛ "درحالی که برای او به خاک افتادند و سجده نمودند " فرمود: گفته شده است که سجده کردن ایشان به جهت شکرگزاری و برای خدای متعال بوده است. همچنان که انسان‌های صالح آن را به هنگام تجدید نعمت به جا می‌آورند.

﴿۱۷۳۵﴾ همسر ایوب فریاد زد: ای ایوب چه بر سرت آمده؟ آن وقت ایوب او را صدا زد، وقتی جلوتر رفت و ایوب را سالم مشاهده کرد، سجده‌ی شکر به جا آورد.

﴿۱۷۳۶﴾ آن کس که در برابر گرفتاری صبری و برای هر نعمتی شکری و برای هر گونه دشواری آرامشی آماده کرده باشد چنین کسی فردی عاجز و ناتوان است. پس در مقابل هر بلا و گرفتاری در مال و اولاد به شکیبایی وادار کن. که خداوند امانت‌ها و بخشش‌های خود را بازپس می‌گیرد تا اینکه صبر و شکر تو را بیازماید.

﴿۱۷۳۷﴾ به حضرت صادق علیه السلام گفتیم: این نعمت ظاهری را که خدا عنایت فرموده ملاحظه می‌فرمایید؟ آیا چنین نیست که اگر ما شکر خدا را در برابر این نعمت انجام داده و حمد و سپاس او را به جا آوریم خداوند، همچنان که خود فرموده "لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ" نعمت را بر ما می‌افزاید؟ حضرت فرمود: آری، مطلب همین‌طور است، هر کس خداوند را در برابر نعمتش حمد و سپاس نماید و بداند که این نعمت و یا این توفیق فقط از اوست نه غیر او، خداوند نعمت را زیاد می‌کند.

﴿۱۷۳۸﴾ نامه‌ی ایشان علیه السلام به محمد بن مسلم زهری که در آن او را موعظه کردند: "خداوند ما و تو را از فتنه‌ها در امان دارد و با نجات تو از آتش بر تو رحم کند. حال تو این‌گونه است که سزاوار است هر که تو را با این اوصاف بشناسد به تو رحم کند زیرا که نعمت‌های خداوند در سلامتی بدنت و طولانی‌شدن عمرت بر تو سنگین شده است و همچنین با اقامه‌ی حجت‌هایش بر تو به واسطه‌ی آموختن کتابش بر تو و دانا کردن تو در دینش و شناساندن سنت پیامبرش به تو. بر تو در هر نعمتی که داده و در هر حاجتی که عطا کرده حقی واجب است. هیچ‌چیزی را امر نکرده مگر آنکه خواسته است شکر تو را بیازماید و لطف و احسانش بر تو آشکار شود؛ خداوند فرمود: اگر سپاسگزاری کنی [نعمت] شما را افزون خواهیم کرد، و اگر ناسپاسی نمایی قطعاً عذاب من سخت خواهد بود.

﴿۱۷۳۹﴾ حمد و ستایش ایشان برای خدای تعالی و شکر و قدردانی‌شان در مقابل نعمتی که در باب معرفت و حصول شناخت درباره‌ی مقام و حقانیت امیرالمؤمنین علیه السلام به ایشان بخشیده شد فراوان شد.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٧٤٠﴾ الكاظم عليه السلام: كُنْتُ أُسِيرُ مَعَ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام فِي بَعْضِ أَطْرَافِ الْمَدِينَةِ إِذْ ثَنَى رَجُلُهُ عَنْ دَابَّتِهِ فَخَرَّ سَاجِداً فَأَطَالَ وَأَطَالَ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَرَكِبَ دَابَّتَهُ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَدْ أَطَلْتَ السُّجُودَ فَقَالَ إِنِّي ذَكَرْتُ نِعْمَةً أَنْعَمَ اللَّهُ بِهَا عَلَيَّ فَأَحْبَبْتُ أَنْ أَشْكُرَ رَبِّي؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٨

﴿١٧٤١﴾ الباقر عليه السلام: كُنْتُ مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي طَرِيقِ الْمَدِينَةِ فَوَقَعَ سَاجِداً لِلَّهِ فَقَالَ لِي حِينَ اسْتَمْتُمْ قَائِماً يَا زِيَادُ أَنْكَرْتَ عَلَيَّ حِينَ رَأَيْتَنِي سَاجِداً فَقُلْتُ بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ ذَكَرْتُ نِعْمَةً أَنْعَمَهَا [اللَّهُ] عَلَيَّ فَكَرِهْتُ أَنْ أَجُوزَ حَتَّى أُؤَدِّيَ شُكْرَهَا؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ١٥١

﴿١٧٤٢﴾ لَا تَوَسَّلْ إِلَيْكَ بِإِحْسَانٍ وَلَا فِي جَنْبِكَ سَفِكَ دَمِي وَلَمْ يُنَحِّلِ الصِّيَامُ وَالْقِيَامُ جِسْمِي فَبَاءَى ذَلِكَ أَرْكَى نَفْسِي وَأَشْكُرُهَا عَلَيْهِ وَأَحْمَدُهَا بِهِ بَلِ الشُّكْرُ لَكَ اللَّهُمَّ لِسْتَرْكِ عَلَيَّ مَا فِي قَلْبِي وَتَمَامِ النِّعْمَةِ عَلَيَّ فِي دِينِي؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٦٨؛ علي بن الحسين

﴿١٧٤٣﴾ الرضا عليه السلام: لَا أَدْرِي أَى نِعْمِكَ أَشْكُرُ أ حِينَ تَطَوَّلْتَ عَلَيَّ بِالرِّضَا وَتَفَضَّلْتَ بِالْعَفْوِ عَمَّا مَضَى أَمْ حِينَ زِدْتَ عَلَيَّ الْعَفْوَ وَالْغُفْرَانَ بِاسْتِثْنَائِ الْكَرَمِ وَالْإِحْسَانِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٤ ص: ٢٨٠

﴿١٧٤٤﴾ الصادق عليه السلام: لَا تَقُلْ إِنِّي هَدَيْتُ نَفْسِي بَلْ هَدَاكَ اللَّهُ فَاشْكُرْ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْكَ؛ بحار الأنوار ج: ٦٦ ص: ٥

﴿١٧٤٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا تَنْسُوا عِنْدَ النِّعَمِ شُكْرَكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ أَعْذَرَ عَلَيْكُمْ بِحُجَجٍ ظَاهِرَةٍ مُسْتَقَرَّةٍ وَكُتِبَ بَارِزَةً ظَاهِرَةً؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ١٩

﴿١٧٤٦﴾ ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلُوكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللَّهِ لِيُرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ﴾ لقمان: الآية ٣١

﴿١٧٤٧﴾ الصادق عليه السلام: لَكَ الْحَمْدُ مَا أَظْهَرَ نِعْمَاءَكَ وَ لَكَ الشُّكْرُ مَا أَكْبَرَ عَظَمَتِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٨ ص: ١٧٥

﴿١٧٤٨﴾ الصادق عليه السلام: لِكُلِّ نِعْمَةٍ شُكْراً؛ مستدرک الوسائل ج: ٢ ص: ٤٢٣

﴿١٧٤٩﴾ الصادق عليه السلام: لَمَّا اشْتَدَّ الْبَلَاءُ عَلَيَّ أَيُّوبَ عليه السلام قَالَتْ امْرَأَتُهُ أ لَا تَدْعُو رَبَّكَ فَيَكْشِفَ مَا بَكَ فَقَالَ لَهَا يَا امْرَأَةُ إِنِّي عِشْتُ فِي الْمُلْكِ وَالرَّخَاءِ سَبْعِينَ سَنَةً فَأَنَا أُرِيدُ أَنْ أَعِيشَ مِثْلَهَا فِي الْبَلَاءِ لَعَلِّي كُنْتُ أَدَيْتُ شُكْرَ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيَّ وَأَوَّلَى بِي الصَّبْرُ عَلَيَّ مَا أَهْلَى؛ مسكن الفؤاد ص: ٩٥

﴿١٧٥٠﴾ الصادق عليه السلام: لَمَّا قَدِمَ جَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ مِنَ الْحَبَشَةِ قَالَ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَحَدْتُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ دَخَلْتُ عَلَى النَّجَاشِيِّ يَوْماً مِنْ الْأَيَّامِ وَهُوَ فِي غَيْرِ مَجْلِسِ الْمُلْكِ وَفِي غَيْرِ رِيَاشِهِ وَفِي

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۷۴۰﴾ با حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در اطراف مدینه حرکت می کردیم ناگهان امام از مرکب خود فرود آمد و سر به سجده گذاشته، سجده ای طولانی انجام داد؛ آنگاه سر برداشت و سوار شد. عرض کردم: فدایت شوم سجده ای طولانی کردی؟ فرمود: به یاد یکی از نعمت های خدا بر خود افتادم خواستم خدایم را شکر کنم.

﴿۱۷۴۱﴾ با حضرت باقر علیه السلام در اطراف مدینه حرکت می کردیم، او ناگهان سر به سجده نهاد پس از اینکه سر خود را از زمین برداشت گفت: از سجده ای ناگهانی من در شگفت شدی؟ گفتم: آری قربانت گردم، فرمود: خداوند به یاد نعمتی افتادم که خدا به من ارزانی داشته است؛ کرامت داشتیم از محل یادآوری بگذرم مگر اینکه شکر آن را به جای آورم.

﴿۱۷۴۲﴾ من نه با کار نیکی به درگاهت توسل جستم و نه در راه تو خونم ریخته شد و نه روزه و نماز جسمم را نحیف کرد پس به کدامیک از آن ها خود را پاک و شایسته بدانم کنم و از خویش قدردانی کرده و بستایم؟ بلکه بخاطر پوشاندن آنچه در دل دارم و بدین خاطر که نعمت مرا در امر دین کامل کرده ای، تو را شایسته ی شکر می دانم.

﴿۱۷۴۳﴾ نمی دانم کدام نعمت تو را شکر گویم، آن نعمتی را که بر من احسان کردی و از من راضی شدی و یا آنکه لطف نموده و اعمال گذشته ام را بخشیدی؟ و یا با شروع کرم و احسانت بر عفو و آمرزشت افزودی؟

﴿۱۷۴۴﴾ شما نگویید من خود راه هدایت را به دست آوردم، بلکه خداوند شما را هدایت کرد، و خداوند را در برابر نعمت هایی که به شما داد شاکر باشید.

﴿۱۷۴۵﴾ در کنار نعمت ها شکر را فراموش نکنید. به درستی که خداوند متعال با فرستادن حجت های ظاهر و استوار به سوی شما عذری برای شما نگذاشته است.

﴿۱۷۴۶﴾ آیا ندیدی کشتی ها بر (صفحه ی) دریاها به فرمان خدا، و به (برکت) نعمت او حرکت می کنند تا بخشی از نشانه هایش را به شما نشان دهد؟ در این ها نشانه هایی است برای کسانی که شکبیا و شکر گزارند.

﴿۱۷۴۷﴾ حمد و سپاس برای توست، و چه آشکار است نعمت های تو، و شکر مخصوص توست و چه بزرگ است عظمت تو.

﴿۱۷۴۸﴾ برای هر نعمتی شکری است.

﴿۱۷۴۹﴾ وقتی که بلا و گرفتاری حضرت ایوب علیه السلام شدت یافت همسر آن حضرت به او گفت: آیا دعا نمی کنی که خداوند بلا را از تو برطرف کند؟ حضرت ایوب فرمود: ای زن، من هفتادسال در حال رفاه و آسایش زندگی کردم، حال مایلم که هفتادسال در بلا و گرفتاری باشم تا شاید بتوانم شکر نعمت های گذشته را ادا کنم؛ و صبر کردن در برابر بلا برای من سزاوارتر است.

﴿۱۷۵۰﴾ چون جعفر بن ابی طالب از حبشه باز گشت، به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گفت: ای پیامبر خدا، مطلبی برایتان بازگو کنم: یک روز نزد نجاشی رفتم و در مجلس شاهانه نبود و لباس و وضع شاهانه نداشت به او درود شاهانه دادم و گفتم: چه شده که تو را در وضع شاهانه و جامه ی

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

غَيْرَ زِيٍّ قَالَ فَحَيَّيْتُهُ بِتَحِيَّةِ الْمَلِكِ وَقُلْتُ لَهُ يَا أَيُّهَا الْمَلِكُ مَا لِي أَرَاكَ فِي غَيْرِ مَجْلِسِ الْمُلِكِ وَفِي غَيْرِ رِيَاشِهِ وَفِي غَيْرِ زِيٍّ فَقَالَ إِنَّا نَجِدُ فِي الْإِنْجِيلِ أَنَّ مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَلْيَشْكُرِ اللَّهَ وَنَجِدُ فِي الْإِنْجِيلِ أَنَّ لَيْسَ مِنَ الشُّكْرِ لِلَّهِ شَيْءٌ يَعْدِلُهُ مِثْلُ التَّوَاضُّعِ وَأَنَّهُ وَرَدَ عَلَىَّ فِي لَيْلَتِي هَذِهِ أَنَّ ابْنَ عَمِّكَ مُحَمَّدًا عليه السلام قَدْ أَظْفَرَهُ اللَّهُ بِمُشْرِكِي أَهْلِ بَدْرٍ فَأَخْبَيْتُ أَنْ أَشْكُرَ اللَّهَ تَعَالَى

بِمَا تَرَى؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ٣٠١

﴿١٧٥١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَوْ لَمْ يَتَوَعَّدِ اللَّهُ عَلَى مَعْصِيَتِهِ لَكَانَ يَجِبُ أَنْ لَا يُعْصَى شُكْرًا لِنِعْمِهِ؛

وسائل الشيعة ج: ١٥ ص: ٣٠٨

﴿١٧٥٢﴾ العسكري عليه السلام: لَيْسَ مِنْ نِعْمَةٍ وَ إِنْ جَلَّ أَمْرُهَا وَ عَظُمَ خَطَرُهَا إِلَّا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ عَلَيْهَا مُؤَدَّ شُكْرُهَا وَ أَنَا أَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ مَا حَمِدَ اللَّهُ بِهِ حَامِدٌ إِلَى أَبَدِ الْأَبَدِ

بِمَا مِنْ بِهِ عَلَيْكَ مِنْ نِعْمَةٍ وَ نَجَّاهُ مِنْ الْهَلَكَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٥٠ ص: ٣١٩

﴿١٧٥٣﴾ الباقر عليه السلام: مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً فَشَكَرَهَا بِقَلْبِهِ إِلَّا اسْتَوْجِبَ الْمَزِيدَ قَبْلَ أَنْ

يُظْهِرَ شُكْرَهُ عَلَى لِسَانِهِ؛ وسائل الشيعة ج: ١٦ ص: ٣١١

﴿١٧٥٤﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ آدَى مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَقَدْ قَضَى مَا عَلَيْهِ وَ آدَى شُكْرَ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ

عَلَيْهِ فِي مَالِهِ إِذَا هُوَ حَمِدَهُ عَلَى مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِيهِ مِمَّا فَضَّلَهُ بِهِ مِنَ السَّعَةِ عَلَى غَيْرِهِ وَ لِمَا

وَقَفَّهَ لِأَدَاءِ مَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ وَ آعَانَهُ عَلَيْهِ؛ الكافي ج: ٣ ص: ٤٩٨

﴿١٧٥٥﴾ مَنْ أُوتِيَ [أُولَى] نِعْمَةً فَقَدْ اسْتَعْبَدَ بِهَا حَتَّى يُعْتِقَهُ الْقِيَامَ بِشُكْرِهَا؛ غرر الحكم ص: ٢٧٨

﴿١٧٥٦﴾ الرضا عليه السلام: مَنْ حَمِدَ اللَّهَ عَلَى النُّعْمَةِ فَقَدْ شَكَرَهُ وَ كَانَ الْحَمْدُ أَفْضَلَ مِنْ تِلْكَ النُّعْمَةِ؛

مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ٣١٢

﴿١٧٥٧﴾ السجاد عليه السلام: مَنْ شَكَرَ اللَّهَ أَعْطَاهُ فِيمَا أَنْعَمَ عَلَيْهِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ١٦٠

﴿١٧٥٨﴾ مَنْ شَكَرَ مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْهِ فَقَدْ كَفَّاهُ؛ غرر الحكم ص: ٢٨٠

﴿١٧٥٩﴾ الرضا عليه السلام: مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعِمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ؛ وسائل الشيعة

ج: ١٦ ص: ٣١٣

﴿١٧٦٠﴾ نَشْكُرُ إِلَيْكَ النُّعْمَةَ بِوَلِيِّنَا وَ إِمَامِنَا وَ ابْنِ نَبِيِّنَا؛ دعائم الإسلام ج: ١ ص: ٢٠٥

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

شاهانه نمی‌بینم؟ گفت ما در انجیل یافتیم که خدا به هر که نعمتی داد باید او را شکر کند، و باز در انجیل است که هیچ شکری برای خدا به اندازه‌ی تواضع نیست، و امشب به من خبر رسید که عموزاده‌ات محمد علیه السلام را خدا به مشرکان اهل بدر پیروز ساخته، و خواستم که به این وضع که می‌بینی خدا را شکر کنم.

﴿۱۷۵۱﴾ اگر خداوند به گنهکاران وعده‌ی عذاب هم نداده بود باز هم واجب بود که برای ادای شکر نعمت‌هایش (بندگان) او را معصیت نکنند.

﴿۱۷۵۲﴾ هر نعمتی هر چند بزرگ‌ترین و با ارزش‌ترین لغت باشد، همین که بگویی: "الحمد لله"، شکر و سپاس آن را ادا کنی، من نیز می‌گویم: "الحمد لله" به اندازه‌ی حمد و ستایش هر ستایش‌کننده‌ای تا ابد بر آن نعمتی که خداوند به تو ارزانی داشته و از هلاکت نجات بخشیده است.

﴿۱۷۵۳﴾ خداوند هیچ نعمتی را بر بنده‌ای ارزانی نداشته مگر آنکه بنده با شکر آن در دل، پیش از آشکارکردن آن به زبان، شایسته افزایش آن نعمت شده است.

﴿۱۷۵۴﴾ هر کس که آنچه را خدا بر او واجب کرده است ادا کند، وظیفه‌ی خویش را به انجام رسانیده است، و هر که خدا را بر نعمتی که به او عطا کرده و فضیلتی که به او بیش از بر دیگران داده است و اینکه او را موفق داشته و کمک کرده است تا بتواند وظیفه‌ی خویش را ادا کند بستاید شکر نعمت مالی را که خداوند از به او ارزانی داشته به‌جا آورده است.

﴿۱۷۵۵﴾ به هر کس نعمتی عطا شود، به یقین عبد و بنده‌ی نعمت دهنده می‌شود تا آن زمان که با اقدام به شکر آن خود را آزاد کند.

﴿۱۷۵۶﴾ هر کس خداوند را به خاطر نعمتش سپاسگزاری کند؛ او را شکر نموده است و این سپاس از آن نعمت (برای او) بهتر است.

﴿۱۷۵۷﴾ هر که شکر کند خداوند از آنچه بر او بخشیده، عطا میکند.

﴿۱۷۵۸﴾ هر که احسان کننده را شکر کند، درواقع پاداش متناسب او را داده است.

﴿۱۷۵۹﴾ کسی که از احسان مردم تشکر نکند، شکر خدا را به‌جا نیاورده است.

﴿۱۷۶۰﴾ نعمت ولایت و امام و سرپرستمان، فرزند پیامبرمان را شکر می‌کنیم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٧٦١﴾ الصادق عليه السلام: هَبْ لِي أَنْسًا وَعَاقِبَةً صِدْقَ ذُكُورًا وَإِنَانًا أَسْكُنُ إِلَيْهِمْ مِنَ الْوَحْشَةِ وَ أَنْسُ بِهِمْ مِنَ الْوَحْدَةِ وَأَشْكُرُكَ عَلَى تَمَامِ النُّعْمَةِ؛ الكافي ج: ٦ ص: ٩٠

﴿١٧٦٢﴾ الصادق عليه السلام: هَبْ لِي عَاقِبَةً صِدْقَ ذُكُورًا وَإِنَانًا أَنْسُ بِهِمْ مِنَ الْوَحْشَةِ وَأَسْكُنُ إِلَيْهِمْ مِنَ الْوَحْدَةِ وَأَشْكُرُكَ عِنْدَ تَمَامِ النُّعْمَةِ؛ الكافي ج: ٦ ص: ٧٠

﴿١٧٦٣﴾ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَرْضِي مَنْ مَرَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ مِنْ جُمْلَةِ خَلْقِكَ، أَشْكُرْهُمْ لِمَا أَوْثِقَ مِنْ نَعْمِكَ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٤٨

﴿١٧٦٤﴾ وَارْزُقْنِي الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِيرِي فِي الشُّكْرِ لَكَ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فِي الْيُسْرِ وَالْعُسْرِ وَالصَّحَّةِ وَالسَّقَمِ، حَتَّى أَتَعَرَّفَ مِنْ نَفْسِي رَوْحَ الرِّضَا وَطُمَأْنِينَةَ النَّفْسِ مِنِّي بِمَا يَجِبُ لَكَ فِيَمَا يَخْدُثُ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ١٠٦

﴿١٧٦٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَارْزُقْنِي شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ؛ مهج الدعوات ص: ١٣١

﴿١٧٦٦﴾ الرضا عليه السلام: وَاعْلَمْ أَنَّ عَلَّةَ الْعَطَاسِ هِيَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدٍ بِنِعْمَةٍ فَنَسِيَ أَنْ يَشْكُرَ عَلَيْهَا سَلَطَ عَلَيْهِ رِيحًا تَدُورُ فِي بَدَنِهِ فَتَخْرُجُ مِنْ خِيَاشِيمِهِ فَيَحْمَدُ اللَّهَ عَلَى تِلْكَ الْعَطْسَةِ فَيَجْعَلُ ذَلِكَ الْحَمْدَ شُكْرًا لِتِلْكَ النُّعْمَةِ وَمَا عَطَسَ عَاطِسٌ إِلَّا هُضِمَ لَهُ طَعَامُهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ٨ ص: ٣٨٤

﴿١٧٦٧﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: وَأَمَّا الْمَالُ فَإِنَّ الْمَخْرَجَ مِنْهُ شُكْرُ النُّعْمَةِ وَآدَاءُ حَقِّهِ؛ بحار الأنوار ج: ٢ ص: ٤٢

﴿١٧٦٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَأَمَّا حَقُّ أَبِيكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهُ أَصْلُكَ فَإِنَّكَ لَوَلَّاهُ لَمْ تَكُنْ فَمَهْمَا رَأَيْتَ مِنْ نَفْسِكَ مَا يُعْجِبُكَ فَاغْلَمْ أَنَّ أَبَاكَ أَصْلُ النُّعْمَةِ عَلَيْكَ فِيهِ فَاحْمَدِ اللَّهَ وَاشْكُرْهُ عَلَى قَدْرِ ذَلِكَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٢ ص: ٦٢١

﴿١٧٦٩﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: وَأَمَّا عَلَامَةُ الشَّاكِرِ فَأَرْبَعَةُ الشُّكْرِ فِي النِّعْمَاءِ وَالصَّبْرِ فِي الْبَلَاءِ وَالْقَنُوعِ بِقَسَمِ اللَّهِ وَلَا يَحْمَدُ وَلَا يَعْظُمُ إِلَّا اللَّهَ؛ بحار الأنوار ج: ١ ص: ١١٩

﴿١٧٧٠﴾ السجاد عليه السلام: وَانْظُرْ كَيْفَ شُكْرُكَ لِمَنْ غَذَاكَ بِنِعْمِهِ صَغِيرًا وَكَبِيرًا؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ١٣١

﴿١٧٧١﴾ العسكري عليه السلام: وَانْظُرُوا كَيْفَ وَسَّعَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ حَيْثُ أَوْضَحَ لَكُمْ الْحُجَّةَ لِيَسْهَلَ عَلَيْكُمْ مَعْرِفَةُ الْحَقِّ ثُمَّ وَسَّعَ لَكُمْ فِي التَّقِيَّةِ لِتَسْلَمُوا مِنْ شُرُورِ الْخَلْقِ ثُمَّ إِنْ بَدَلْتُمْ وَغَيَّرْتُمْ عَرْضَ عَلَيْكُمْ التَّوْبَةَ وَقَبِلَهَا مِنْكُمْ فَكُونُوا لِنِعْمَاءِ اللَّهِ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ١٣ ص: ١٨٢

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۷۶۱﴾ خدایا، فرزندان پسر و دختری به من ببخش که مایه‌ی انس و جانشینان شایسته‌ای باشند تا به وسیله‌ی آن‌ها از وحشت آرامش یابم و در گریز از تنهایی، با آن‌ها انس گیرم و بر کامل شدن نعمت، تو را شکر کنم.

﴿۱۷۶۲﴾ خدایا، فرزندان پسر و دختری به من ببخش که جانشینان شایسته‌ای باشند تا به وسیله‌ی آن‌ها از وحشت آرامش یابم و در گریز از تنهایی، با آن‌ها آرام گیرم و بر کامل شدن نعمت، تو را شکر کنم.

﴿۱۷۶۳﴾ خدایا، در میان همه‌ی آفریدگانت که شب روز بر آنان می‌گذرد ما را از راضی کننده ترین بندگان و شکرگزارترینشان در نعمت‌هایی که به آنان داده‌ای قرار بده.

﴿۱۷۶۴﴾ خدایا، با وجود کوتاهی‌ام در شکر تو در مقابل نعمت‌هایی که در آسانی و سختی و سلامتی و بیماری به من ارزانی داشته‌ای، حق را روزی‌ام کن، تا اینکه از طرف من نسیم رضایت و اطمینان نفس را در پذیرش آنچه برای تو واجب است، ببینی، و بشناسی.

﴿۱۷۶۵﴾ سپاسگزاری آن نعمت‌هایی را که به من داده‌ای روزی‌ام فرما.

﴿۱۷۶۶﴾ بدان که سبب عطسه این است که چون خداوند تبارک و تعالی نعمتی به بنده دهد و او شکر آن را فراموش کند، خدا نسیمی بر تنش مسلط میکند تا در آن بچرخد و از سوراخ‌های بینی او بیرون آید تا بنده‌ی خدا به دنبال آن حمد گوید و خدا آن حمد را به عنوان شکر آن نعمت می‌پذیرد، و کسی عطسه نمی‌زند مگر آنکه غذایش هضم شود.

﴿۱۷۶۷﴾ و اما مال و دارایی پس راه بیرون رفتن از آن به جا آوردن شکر نعمت و ادای حق آن است.

﴿۱۷۶۸﴾ حق پدرت، آن است که بدانی او اصل وجود توست، که اگر نمی‌بود، تو هم نبودی. پس هر نیکی در خودت دیدی که از آن شگفت‌زده شدی، بدان که پدرت، در آن خیر اصل آن نعمت بر تو بوده است. پس خدا را به اندازه‌ی آن حمد و شکر کن. و نیرویی جز با تکیه بر خدا نیست.

﴿۱۷۶۹﴾ علامت شخص سپاسگزار چهار چیز است: شکر در نعمت، صبر در بلا، قناعت به قسمت، کسی را جز خدا نستاید و کسی را جز خدا تعظیم نکند.

﴿۱۷۷۰﴾ دقت کن چگونه شکر کسی را ادا می‌کنی که از کوچکی تا بزرگی تو را با نعمت‌هایش تربیت و تغذیه‌ات نموده است.

﴿۱۷۷۱﴾ و بنگرید که خداوند با آشکار کردن حجت بر شما چگونه بر شما وسعت داد تا شناخت حق را برایتان آسان کند و سپس با دادن اجازه‌ی تقیه، دین را بر شما قابل انعطاف‌تر و گسترده‌تر کرد تا از شر مردم بد در امان باشید و اگر در دین خدا تغییر و تبدیلی ایجاد کردید راه توبه را به شما نشان داد و توبه را از شما پذیرفت.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٧٧٢﴾ الكاظم (عليه السلام): وَجَدْتُ عِلْمَ النَّاسِ فِي أَرْبَعٍ... الثَّانِيَةُ أَنْ تَعْرِفَ مَا صَنَعَ بِكَ... مَعْنَى هَذِهِ الْأَرْبَعِ... الثَّانِيَةُ مَعْرِفَةُ مَا صَنَعَ بِكَ مِنَ النِّعَمِ الَّتِي يَتَعَيَّنُ عَلَيْكَ لِإِجْلَائِهَا الشُّكْرُ وَ الْعِبَادَةُ؛
بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٣٢٨

﴿١٧٧٣﴾ الصادق عليه السلام: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا عَرَفْتَ رَبِّكَ قَالَ بَفْسَخَ الْعَزَمَ وَ نَقَضَ الِهِمَمَ لِمَا هَمَمْتُ فَحَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَ هَمِّي وَ عَزَمْتُ فَخَالَفَ الْقَضَاءُ عَزَمِي عَلِمَ أَنَّ الْمُدَبِّرَ لِي غَيْرِي قَالَ فِيمَا ذَا شَكَرْتُ نِعْمَاهُ قَالَ نَظَرْتُ إِلَى بَلَاءٍ قَدْ صَرَفَهُ عَنِّي وَ أَجْلَى بِهِ غَيْرِي وَ إِحْسَانَ شَمَلَنِي بِهِ فَعَلِمْتُ أَنَّهُ قَدْ أَحْسَنَ إِلَيَّ وَ أَنْعَمَ عَلَيَّ فَشَكَرْتُهُ قَالَ فَمَا ذَا أَحْبَبْتَ لِقَاءَهُ قَالَ رَأَيْتُهُ قَدْ اخْتَارَ لِي دِينَ مَلَائِكَتِهِ وَ رُسُلِهِ فَعَلِمْتُ أَنَّهُ قَدْ أَكْرَمَنِي وَ اخْتَارَ لِي دَارَ كَرَامَتِهِ فَاشْتَقْتُ إِلَى لِقَائِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٣ ص: ٤٢

﴿١٧٧٤﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): يَا صَعْصَعَةُ لَا تَجْعَلَنَّ عِيَادَتِي إِلَيْكَ أَتْبَهَةً عَلَى قَوْمِكَ. فَقَالَ لَا وَاللَّهِ
يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَلَكِنَّ نِعْمَةً وَشُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٣٤ ص: ٣٢٤

﴿١٧٧٥﴾ الرسول ﷺ: يَا مَنْ اسْتَوْجِبَ الشُّكْرَ بِنَشْرِ سَحَائِبِ نِعَمِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٤٠٢

﴿١٧٧٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَسْأَلُكَ بِتَمْجِيدِكَ وَتَحْمِيدِكَ وَتَوْحِيدِكَ وَتَعْظِيمِكَ وَ تَفْصِيلِكَ وَ تَكْوِينِكَ وَ تَهْلِيلِكَ وَ إِلَّا فِي تَقْدِيرِكَ خَلَقِي حِينَ صَوَّرْتَنِي فَأَحْسَنْتَ صُورَتِي وَإِلَّا فِي قِسْمَةِ الْأَرْزَاقِ حِينَ قَدَّرْتَهَا لِي لَكَانَ فِي ذَلِكَ مَا يَشْغَلُ شُكْرِي عَنْ جَهْدِي فَكَيْفَ إِذَا فَكَّرْتُ فِي النِّعَمِ الْعِظَامِ الَّتِي أَتَقَلَّبُ فِيهَا أَوْ لَا أَبْلُغُ شُكْرَ شَيْءٍ مِنْهَا فَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا حَفِظَهُ عِلْمُكَ وَ عَدَدَ مَا وَسِعَتْهُ رَحْمَتُكَ وَ عَدَدَ مَا أَحَاطَتْ بِهِ قُدْرَتُكَ وَ أَضْعَافَ مَا تَسْتَوْجِبُهُ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٢٥٧

﴿١٧٧٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اِبْتَدَأْتَنِي بِالنِّعَمِ فَضِلَّا وَ طَوَّلَا وَ اَمَرْتَنِي بِالشُّكْرِ حَقًّا وَ عَدْلًا وَ وَعَدْتَنِي عَلَيْهِ اَصْعَافًا وَ مَزِيدًا؛ مهج الدعوات ص: ١٢٩

﴿١٧٧٨﴾ الرضا عليه السلام: فَتَحَمَّذْكَ نَفْسِي بِحُسْنِ الْفِعَالِ فِي الْمَنَازِلِ كُلِّهَا عَلَى خَلْقِي وَ صُورَتِي وَ هِدَايَتِي وَ رَفْعِكَ إِيَّايَ مُنْزَلَةً حَتَّى بَلَغْتَ بِي هَذَا الْيَوْمَ مِنَ الْعُمُرِ مَا بَلَغْتَ مَعَ جَمِيعِ نِعَمِكَ وَ الْأَرْزَاقِ الَّتِي أَنْتَ عِنْدِي بِهَا مَحْمُودٌ مَشْكُورٌ؛ البلد الأمين ص: ٨٣

﴿١٧٧٩﴾ أَحْسَنْ النَّاسِ حَالًا فِي النَّعْمِ مَنْ اسْتَدَامَ حَاضِرَهَا بِالشُّكْرِ وَ ارْتَجَعَ فَائِثَتَهَا بِالصَّبْرِ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٨

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۷۷۲﴾ علم مردم را در چهار چیز دیدم: ۱ - بفهمی چه لطفی به تو انجام داده است... یعنی: شناخت نعمتهایی که به تو ارزانی داشته و شکر و سپاسگزاری تو در مقابل آن‌ها لازم است.

﴿۱۷۷۳﴾ یا علی، پروردگارت را به چه شناختی؟ فرمود به فسخ تصمیم‌ها و اراده‌ها و به درهم‌شکنی همت‌ها و فعالیت‌ها؛ هرگاه بر کاری تصمیم گرفتم و همت گماشتم بین من و هدفم، فاصله شد، آماده‌ی کاری شدم، قضای الهی با اراده‌ی من مخالفت کرد، آنجا فهمیدم آن که مدبر است غیر من است. ذغلب عرض کرد: پس نعمت‌های خدا را چگونه سپاسگزاری می‌کنی؟ فرمود: من به بلایی نگاه می‌کنم که از من دور کرده و دیگری را گرفتار آن کرده است و می‌بینم اوست که مرا مشمول احسان و بخشش خود کرده است پس می‌دانم که به من خوبی کرده و نعمتش را ارزانی داشته پس از او سپاسگزاری می‌کنم. ذغلب عرض کرد: دیدار او را دوست داری؟ فرمود: هرگاه می‌بینم که او دین فرشتگان و پیامبران را برای من انتخاب کرده، می‌فهمم که مرا گرامی داشته و چون برای من بهشت را اختیار کرده اشتیاق دیدارش را پیدا می‌کنم.

﴿۱۷۷۴﴾ ای صعصعه، مبدا با عیادت من از تو بر خود بیالی و بر قومت تفاخر کنی؛ گفت: نه به خدا، یا امیرالمؤمنین، بلکه آن را نعمتی شایسته‌ی سپاس به حساب می‌آورم.

﴿۱۷۷۵﴾ ای کسی که به علت گستردن ابرها نعمت خود سزاوار شکر کرده است.

﴿۱۷۷۶﴾ پروردگارا، از تو به حق مجد و عظمت، به حمد و سپاست، به وحدانیت و بزرگواری و فضیلت و بزرگی و یکتاییات درخواست می‌کنم مگر نه اینکه در تقدیر تو بود که مرا بیافزینی و به نیکوترین حالت آفریدی، و مگر نه اینکه در تقسیم روزی و رزق آن قدر برای من روزی مقدر کردی که از شکر باز نمانم؛ پس چگونه است هنگامی که در نعمات بزرگ و با عظمت تو می‌اندیشم متوجه می‌شوم که موفق به ادای اندکی از شکر آن هم نمی‌شوم. پس حمد و ستایش مخصوص توست به آن تعداد که در علم و دانش تو محفوظ است و به آن تعداد که در گستره‌ی رحمت توست و به آن تعداد که قدرت و توانایی تو بر آن احاطه دارد و بیش از آنچه از طرف همه‌ی مخلوقات ادا شود.

﴿۱۷۷۷﴾ تو از روی فضل و توانایی خویش (بدون آنکه من از تو طلب و درخواستی نموده باشم) به من نعمت عطا فرمودی، و از روی حق و عدالت به من دستور سپاسگزاری دادی، و در برابر سپاسگزاری من وعده‌ی چند برابرکردن نعمت را دادی.

﴿۱۷۷۸﴾ من در تمام احوال تو را به خاطر نیکی‌هایی که به من کرده‌ای شکر می‌کنم؛ بر خلقتم، تصویرم، هدایتم و اینکه تو مرا به درجه‌ای رفیع رسانده‌ی تا اینکه امروز به این جایگاه از عمر خود رسیدم و همراه همه‌ی نعمت‌ها و روزی‌هایی که دریافت کردم تو به خاطر همه‌ی آن‌ها نزد من شایسته ستایش و سپاسگزاری هستی.

﴿۱۷۷۹﴾ بهترین مردم نسبت به نوع عملکردشان درباره‌ی نعمت‌ها، کسی است که با شکرکردن به نعمت‌ها استمرار و تداوم ببخشد، و نعمت‌های ازدست‌رفته را نیز با شکیبایی برگرداند.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٧٨٠﴾ أَحْمَدُكَ اللَّهُمَّ وَأَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ وَأَشْكُرُكَ وَأَنْتَ لِلشُّكْرِ أَهْلٌ عَنْ حُسْنِ صَنِيعِكَ إِلَى وَسَوَائِغِ نِعَمِكَ عَلَى وَجَزِيلِ عَطَائِكَ لَدَيَّ وَعَلَى كُلِّ مَا فَضَّلْتَنِي بِهِ مِنْ رَحْمَتِكَ وَأَسْبَغْتَ عَلَيَّ مِنْ نِعْمَتِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٢١

﴿١٧٨١﴾ أَحْمَدُكَ اللَّهُمَّ وَأَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ وَأَشْكُرُكَ وَأَنْتَ لِلشُّكْرِ أَهْلٌ عَنْ حُسْنِ صَنِيعِكَ إِلَى وَسَوَائِغِ نِعَمِكَ عَلَى وَجَزِيلِ عَطَائِكَ لَدَيَّ وَعَلَى كُلِّ مَا فَضَّلْتَنِي بِهِ مِنْ رَحْمَتِكَ وَأَسْبَغْتَ عَلَيَّ مِنْ نِعْمَتِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٢١

﴿١٧٨٢﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): أَحْسِنُوا جِوَارَ نِعَمِ الدِّينِ وَالدُّنْيَا بِالشُّكْرِ لِمَنْ دَلَّكُمْ عَلَيْهَا؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٧٠

﴿١٧٨٣﴾ فَإِنَّكَ اللَّهُ عَلَى نِعَمَائِكَ وَجَزِيلِ عَطَائِكَ مَشْكُورٌ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٣٨٢
﴿١٧٨٤﴾ السَّجَادُ (عليه السلام): الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَحْمُودِ عَلَى نِعَمَائِهِ الْمَشْكُورِ عَلَى آلَائِهِ؛ إقبال الأعمال ص: ٢٤٣

﴿١٧٨٥﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): أَذْكُرُوا اللَّهَ عَلَى الطَّعَامِ وَلَا تَلْغَطُوا فَإِنَّهُ نِعْمَةٌ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ وَرِزْقٌ مِنْ رِزْقِهِ يَجِبُ عَلَيْكُمْ فِيهِ شُكْرُهُ وَذِكْرُهُ وَحَمْدُهُ؛ وسائل الشيعة ج: ٢٤ ص: ٣٥٠
﴿١٧٨٦﴾ الصادق (عليه السلام): إِذَا أَصْبَحْتَ وَأَمْسَيْتَ فَقُلْ عَشْرَ مَرَّاتٍ اللَّهُمَّ مَا أَصْبَحْتُ بِى مِنْ نِعْمَةٍ أَوْ عَافِيَةٍ مِنْ دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَمِنْكَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ بِهَا عَلَى يَا رَبِّ حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَا فَإِنَّكَ إِذَا قُلْتَ ذَلِكَ كُنْتَ قَدْ أَدَيْتَ شُكْرَ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ بِهِ عَلَيْكَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ وَفِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٩

﴿١٧٨٧﴾ العسكري (عليه السلام): اتَّقُوا اللَّهَ فِي نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تُنْفِرُوهَا عَنْكُمْ بِمَعَاصِيهِ بَلِ اسْتَدِيمُوهَا بِطَاعَتِهِ وَشُكْرِهِ عَلَى نِعَمِهِ وَأَبَادِيهِ؛ بحار الأنوار ج: ٤٩ ص: ١٨٢
﴿١٧٨٨﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): إِذَا كُتِبَ النَّاسُ مِنَ الْغَافِلِينَ كُتِبُوا مِنَ الذَّاكِرِينَ فِي أَوَّلِ النِّعْمَةِ يَحْمَدُونَ وَفِي آخِرِهَا يَشْكُرُونَ؛ بحار الأنوار ج: ٧٤ ص: ٢٤

﴿١٧٨٩﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): أَكْثِرُوا ذِكْرَ اللَّهِ عَلَى الطَّعَامِ وَلَا تَطْغَوْا فَإِنَّهَا نِعْمَةٌ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ وَرِزْقٌ مِنْ رِزْقِهِ يَجِبُ عَلَيْكُمْ فِيهِ شُكْرُهُ وَحَمْدُهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٦ ص: ٢٧٣
﴿١٧٩٠﴾ أَشْكُرُ لِمَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ وَأَنْعِمَ عَلَيَّ مَنْ شَكَرَكَ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٨ ص: ٢٨٥

١٣٦-٢-٢-١-النفس

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۷۸۰﴾ پروردگارا، تو را، حمد و سپاس می‌گویم در حالی که تو سزاوارستایشی و تو را شکر می‌کنم به سبب آنکه تو لایق شکرگزاری هستی؛ زیرا تو بهترین نعمت‌های خود را به من ارزانی داشتی و لطف و احسانت را در اختیار من قرار دادی و به خاطر همه‌ی فضائل و نیکی‌ها و برجسته‌ترین نعمت‌هایت که از رحمت خود بر من مرحمت نمودی.

﴿۱۷۸۱﴾ پروردگارا، تو را، حمد و سپاس می‌گویم در حالی که تو سزاوارستایشی و تو را شکر می‌کنم به سبب آنکه تو لایق شکرگزاری هستی؛ زیرا تو بهترین نعمت‌های خود را به من ارزانی داشتی و لطف و احسانت را در اختیار من قرار دادی و به خاطر همه‌ی فضائل و نیکی‌ها و برجسته‌ترین نعمت‌هایت که از رحمت خود بر من مرحمت نمودی.

﴿۱۷۸۲﴾ در اختیار داشتن نعمت‌های دنیا و آخرت را با شکرکردن از کسی که واسطه‌ی رسیدن این نعمت به شما بوده است، به خوبی همراهی کنید.

﴿۱۷۸۳﴾ که تو خدایی هستی که در برابر نعمت‌ها و فراوانی عطایت، مورد شکرگزاری قرار گرفته‌ای.

﴿۱۷۸۴﴾ حمد خدایی را که به سبب نعمت‌هایش ستوده و مورد شکر قرار گرفته است.

﴿۱۷۸۵﴾ به هنگام غذاخوردن خدای تعالی را یاد کنید و حرف‌های نامربوط و ناسپاسانه نگویند، زیرا غذا نعمتی از نعمت‌های الهی و رزقی از رزق‌های خداوندی است و بر شما واجب است که آن نعمت را شکر و خدا را یاد کنید و سپاسگزار و ستایشگر حق تعالی باشید.

﴿۱۷۸۶﴾ صبحگاهان و شامگاهان ده مرتبه چنین بگو: پروردگارا، آنچه من در صبحگاه از صحت و سلامت و از نعمت‌های دینی و دنیوی در خود می‌بینم، فقط و فقط از جانب توست و نه از ناحیه‌ی غیر تو. و حمد و ستایش تو در برابر این نعمت‌ها بر من لازم است تا راضی و خشنود شوی و حتی بعد از خشنودی‌ات اگر انسان این دعا را در هر روز ده بار بگوید شکر نعمت‌هایی که خداوند در آن روز و در آن شب به او عنایت فرموده به‌جای آورده است.

﴿۱۷۸۷﴾ از شکستن حریم خدا بپرهیزید و قدر نعمت او را بدانید، مبادا با انجام معصیت، نعمت را از خود دور کنید، بلکه به‌وسیله‌ی اطاعت و بندگی و شکر و سپاسگزاری آن نعمت‌ها را برای خود دوام ببخشید و پایدار کنید.

﴿۱۷۸۸﴾ زمانی که مردمان غافلند ایشان به یاد خدایند زیرا اینان در ابتدای هر نعمت حمد و سپاس حق تعالی می‌کنند و در آخر آن شکر نعمت به جای می‌آورند.

﴿۱۷۸۹﴾ در هنگام غذاخوردن بسیار یاد خدا کنید و گردنکشی و ناسپاسی نکنید، زیرا آن نعمتی از نعمت‌های الهی و رزقی از رزق‌های او و شکر سپاس بر آن واجب است.

﴿۱۷۹۰﴾ کسی را که به تو نعمت عطا می‌کند شکرگزار باش و کسی را که از تو تشکر می‌کند از الطاف خود بهره‌مند ساز.

۱۳۶-۲-۱-نفس

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٧٩١﴾ الصادق عليه السلام: في كلِّ نفسٍ من أنفاسِك شُكْرٌ لازِمٌ لكَ بلْ ألفٌ و أكثرُ و أدنى الشُّكْرِ رُؤيةُ النُّعمةِ مِنَ اللَّهِ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ يَتَعَلَّقُ الْقَلْبُ بِهَا دُونَ اللَّهِ وَ الرِّضَا بِمَا أَعْطَاهُ وَ أَنْ لَا تَعْصِيَهُ بِنِعْمَتِهِ وَ تُخَالِفَهُ بِشَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ بِسَبَبِ نِعْمَتِهِ وَ كُنْ لِلَّهِ عَبْدًا شَاكِرًا عَلَى كُلِّ حَالٍ تَجِدَ اللَّهَ رَبًّا كَرِيمًا عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ لَوْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عِبَادَةٌ تُعْبَدُ بِهَا عِبَادَةُ الْمُخْلِصِينَ أَفْضَلُ مِنَ الشُّكْرِ عَلَى كُلِّ حَالٍ لَا طُلُقَ لَفْظُهُ فِيهِمْ مِنْ جَمِيعِ الْخَلْقِ بِهَا فَلَمَّا لَمْ يَكُنْ أَفْضَلُ مِنْهَا خَصَّهَا مِنْ بَيْنِ الْعِبَادَاتِ وَ خَصَّ أَرْبَابَهَا فَقَالَ وَ قَلِيلٌ مِنَ عِبَادِي الشَّاكِرُونَ؛ بحار الأنوار ج: ٤٨ ص: ٥٢

١٣٧-٢-١-التنقيس

﴿١٧٩٢﴾ اللَّهُمَّ وَ أَنَا الطَّرِيدُ الَّذِي رَدَدْتَهُ فَلكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْمُسَافِرُ الَّذِي صَحَبْتَهُ فَلكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْمُسِيءُ الَّذِي أَحْسَنْتَ إِلَيْهِ فَلكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْمَهْمُومُ الَّذِي فَرَجْتَ هَمَّهُ فَلكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْمَكْرُوبُ الَّذِي نَفَسْتَ كَرْبَهُ فَلكَ الْحَمْدُ أَجَلٌ وَ عِزَّتِكَ لَقَدْ فَعَلْتَ فَلكَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٢٨

١٣٨-٢-١-المنافع

﴿١٧٩٣﴾ وَ هُمْ فِيهَا مَنَافِعٌ وَ مَشَارِبٌ أَفَلَا يَشْكُرُونَ؛ يس: الآية ٧٣

١٣٩-٢-١-الهداية

﴿١٧٩٤﴾ إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا؛ الإنسان: الآية ٣

﴿١٧٩٥﴾ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَ الْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَ مَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرٍ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَ لِيَتَكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَ لِيَتَذَكَّرُوا اللَّهُ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ البقرة: الآية ١٨٥

﴿١٧٩٦﴾ إِذَا كُسِيَ اللَّحْمُ ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ قَالَ أَتَيْتَ لَهُ الشَّعْرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ فَأَنْبَأَهُ اللَّهُ مِمَّا خَلَقَهُ وَ أَبْنَاهُ إِنَّمَا بَيَّنَّ ذَلِكَ لِيُبَيِّنَ لَهُ بِذَلِكَ لِيَعْلَمَ كَيْفَ شُكْرُهُ وَ مَعْرِفَتُهُ لِحَقِّهِ فَبَيَّنَ اللَّهُ لَهُ مَا أَحَلَّ لَهُ وَ مَا حَرَّمَ عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا بِهَا؛

بحار الأنوار ج: ٥٧ ص: ٣٨٥

﴿١٧٩٧﴾ الصادق عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا هَدَانَا وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَوْلَانَا؛ البلد الأمين ص: ٢٣٦

﴿١٧٩٨﴾ اللَّهُمَّ أَلْسِنِي التَّقْوَى وَ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي فِي الْآخِرَةِ وَ الْأُولَى الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا هَدَانَا وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَوْلَانَا؛ بحار الأنوار ج: ٩٧ ص: ٢٦٣

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۷۹۱﴾ برای هر نفسی شکری بلکه هزار شکر یا بیشتر لازم است. و کمترین درجه‌ی شکر این است که نعمت را فقط از خدا بدانی و اسباب و علت دیگری جز خدا در دل تو جای نداشته باشد؛ برای هر نفسی شکری بلکه هزار شکر یا بیشتر لازم است. و کمترین درجه‌ی شکر این است که نعمت را فقط از خدا بدانی و اسباب و علت دیگری جز خدا در دل تو جای نداشته باشد. و نیز راضی بودن از آنچه خدا به او بخشیده و اینکه با نعمت خدا او را نافرمانی نکند و با امر و نهی او از در مخالفت برنخیزد. برای خدا در همه‌ی حالات بنده‌ی شکرگزار باش تا خدا را پروردگاری سخاوتمند بیابی. و اگر برای خدا عبادتی بهتر از شکر می‌بود که بندگان خالصش، بتوانند در تمام حالات او را با آن بپرستند، خداوند در بین آفریدگان از آن نام می‌برد. ولی چون خداوند در میان عبادات بهتر از آن نیافت که صاحبانش را بر آن ممتاز کند چنین فرمود: "و اندکی از بندگان من سپاسگزارند."

۱۳۷-۱-۲-۲- برطرف کردن اندوه

﴿۱۷۹۲﴾ خدایا، و من آن رانده شده‌ای هستم که تو او را بازگرداندی، پس حمد سزاوار توست؛ و من آن مسافری هستم که تو همنشین او شدی، پس حمد سزاوار توست؛ و من آنم که بد کردم و تو به او نیکی کردی، پس حمد سزاوار توست؛ و من آن غمگینم که تو اندوهش را برطرف کردی، پس حمد سزاوار توست؛ و من آن اندوهگینم که تو حزنش را زدودی، پس حمد سزاوار توست؛ آری به عزت سوگند که این لطف‌ها را تو در حق من روا داشته‌ای پس حمد سزاوار توست؛ بر محمد و آلش درود فرست و مرا از قدرشناسان و شکرگزاران خودت قرار ده.

۱۳۸-۱-۲-۲- منافع

﴿۱۷۹۳﴾ و برای آنان بهره‌های دیگری در آن (حیوانات) است و نوشیدنی‌هایی گوارا، آیا با این حال شکرگزاری نمی‌کنند؟

۱۳۹-۱-۲-۲- هدایت

﴿۱۷۹۴﴾ ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد و بپذیرد خواه ناسپاس. ﴿۱۷۹۵﴾ ماه رمضان ماهی است که قرآن در آن، برای راهنمایی مردم و نشانه‌های هدایت و فرق میان حق و باطل نازل شده است. پس آن کس از شما که در ماه رمضان در وطن خود باشد، روزه بگیرد و آن کس که بیمار یا در سفر است، روزهای دیگری را به جای آن، روزه بگیرد؛ خداوند، راحتی شما را می‌خواهد، نه زحمت شما را، هدف این است که این روزها را تکمیل کنید و خدا را بر اینکه شما را هدایت کرده، بزرگ بشمرید؛ باشد که شکرگزاری کنید. ﴿۱۷۹۶﴾ آنگاه که گوشت برآرد، موجود دیگری می‌شود و مو برایش رویانده می‌شود؛ پس آفرین بر بهترین خلق کنندگان، خدا از آنچه آفریده شده است؛ او را آگاه کرد، و به او اطلاع داد که او را آفریده تا آزمایش کند، و بداند چگونه او را شکر می‌کند و چقدر حق شناس است، و برایش حلال و حرام را بیان کرد، سپس فرمود: "ما راهنمایی‌اش کردیم خواه شاکر نعمت‌های خداوند باشد و خواه ناسپاسی کند."

﴿۱۷۹۷﴾ حمد مخصوص خداست به خاطر آنکه ما را هدایت کرد و شکر متعلق به اوست به خاطر آنچه به ما عطا فرمود.

﴿۱۷۹۸﴾ پروردگارا، بر من لباس تقوی بپوشان و مرا بیامرز و در دنیا و آخرت به من رحم کن و ستایش مخصوص خداوند است بر آنچه که ما را هدایت فرموده و شکر مخصوص اوست بر آنچه به ما نعمت عطا کرده است.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٧٩٩﴾ اللَّهُمَّ وَأَنَا الدَّاعِي الَّذِي أَحْبَبْتُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنَا السَّائِلُ الَّذِي أَعْطَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنَا الضَّالُّ الَّذِي هَدَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنَا الضَّعِيفُ الَّذِي قَوَّيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنَا الْفَقِيرُ الَّذِي أَغْنَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنَا الْعَارِي الَّذِي كَسَوْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنَا السَّقِيمُ الَّذِي شَفَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ أَجَلٌ وَعِزَّتِكَ لَقَدْ فَعَلْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛

بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٢٨

﴿١٨٠٠﴾ الكاظم (عليه السلام): فَلَكَ الشُّكْرُ يَا رَبِّ وَلَكَ الْمَنْ حَيْثُ هَدَيْتَنِي وَارْشَدْتَنِي؛ البلد الأمين

ص: ٢٤٥

﴿١٨٠١﴾ الباقر (عليه السلام): فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا قَالَ عَرَفْنَاهُ إِمَّا

آخِذًا وَإِمَّا تَارِكًا؛ بحار الأنوار ج: ٥ ص: ١٩٦

﴿١٨٠٢﴾ الصادق (عليه السلام): فَيَحِقُّ عَلَى مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِمَعْرِفَتِهِ وَهَدَاهُ لِدِينِهِ وَوَقَّعَهُ لِتَأْمُلِ التَّدْبِيرَ فِي صُنْعَةِ الْخَلَائِقِ وَالْوُفُوفِ عَلَى مَا خَلَقُوا لَهُ مِنْ لَطِيفِ التَّدْبِيرِ وَصَوَابِ التَّعْيِيرِ بِالذَّلَالَةِ الْقَائِمَةِ الدَّالَّةِ عَلَى صَانِعِهَا أَنْ يُكْثَرَ حَمْدُ اللَّهِ مَوْلَاهُ عَلَى ذَلِكَ وَيَرْغَبَ إِلَيْهِ فِي الثَّبَاتِ عَلَيْهِ وَ الزِّيَادَةِ مِنْهُ فَإِنَّهُ جَلَّ اسْمُهُ يَقُولُ لَتَيْنِ شَكَرْتُمْ لَا زَيْدَنَّكُمْ وَلَتَيْنِ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ؛ بحار الأنوار

ج: ٣ ص: ٥٩

﴿١٨٠٣﴾ الصادق (عليه السلام): وَالْوَاجِبُ عَلَى مَنْ وَهَبَ اللَّهُ لَهُ الْهُدَى وَ أَكْرَمَهُ بِالْإِيمَانِ وَ أَهْمَهُ رُشْدَهُ وَ رَكَّبَ فِيهِ عَقْلًا يَتَعَرَّفُ بِهِ نِعْمَهُ وَ آتَاهُ عِلْمًا وَ حُكْمًا يَدَّبُرُ بِهِ أَمْرَ دِينِهِ وَ ذُنْيَاهُ أَنْ يُوجِبَ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَشْكُرَ اللَّهَ وَ لَا يَكْفُرَهُ؛ تحف العقول ص: ٣٠٥

﴿١٨٠٤﴾ الرضا (عليه السلام): فَتَحَمْدُكَ نَفْسِي بِحُسْنِ الْفِعَالِ فِي الْمَنَازِلِ كُلِّهَا عَلَى خَلْقِي وَ صُورَتِي وَ هِدَايَتِي وَ رَفْعِكَ إِيَّايَ مُنْزَلَةً حَتَّى بَلَغْتَ بِي هَذَا الْيَوْمَ مِنَ الْعُمُرِ مَا بَلَغْتَ مَعَ جَمِيعِ نِعَمِكَ وَ الْأَرْزَاقِ الَّتِي أَنْتَ عِنْدِي بِهَا مَحْمُودٌ مَشْكُورٌ؛ البلد الأمين ص: ٨٣

١٤٠-١-٢-٢-هلاكة العدو

﴿١٨٠٥﴾ الرسول (صلى الله عليه وآله): عَنْهُ (صلى الله عليه وآله) لَمَّا أَتَى بِرَأْسِ أَبِي جَهْلٍ سَجَدَ شُكْرًا لِلَّهِ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥

ص: ١٥٤

﴿١٨٠٦﴾ الكاظم (عليه السلام): قَدْ أَهْلَكَ اللَّهُ أَنْفًا عَدُوًّا فَلْيُحْسِنِ لِلَّهِ شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٩١

ص: ٣١٩

١٤١-١-٢-٢-هوى الناس

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۷۹۹﴾ خدایا، من همانم که دعا کردم و تو اجابت نمودی، پس حمد سزاوار توست؛ و من همانم که از تو درخواست نمودم و تو عطا کردی، پس حمد سزاوار توست؛ و من همان گمراهی هستم که هدایتش کردی، پس حمد سزاوار توست؛ و من آن ضعیفم که به او توان دادی، پس حمد سزاوار توست؛ و من آن فقیری هستم که توانگرش نمودی، پس حمد سزاوار توست؛ و من آن عریانی هستم که بر او لباس پوشاندی، پس حمد سزاوار توست؛ و من آن بیماری هستم که شفایش دادی، پس حمد سزاوار توست؛ آری به عزت سوگند که این لطفها را تو درحق من روا داشته‌ای، پس حمد سزاوار توست؛ بر محمد و آلش درود فرست و مرا از قدرشناسان و شکرگزاران خودت قرار ده.

﴿۱۸۰۰﴾ پروردگارا، شکر و منت از آن توست که مرا هدایت و راهنمایی کردی.

﴿۱۸۰۱﴾ درباره آیه‌ی: "ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس"، فرمود: راه را به او شناسانیدیم خواه بگیرد یا واگذارد.

﴿۱۸۰۲﴾ پس بر کسی که خداوند معرفت خود را به او تنضّل کرده و او را به دین خود هدایت کرده و به او توفیق داده باشد لازم است که در مدیریت که در خلقت خلایق به کار رفته تأمل کند و دریابد که برای چه آفریده شد و با براهینی که بر صانع ایشان دلالت می‌کند بداند که تدبیر پروردگارش لطیف و تعابیر او درست و بجاست و خدا و مولای خود را بر این نعمت بزرگ بسیار حمد کند و به درگاه خدا زاری کند که او را بر این موهبت عظیم ثابت بدارد، و هدایت او را بیافزاید زیرا که حق تعالی می‌فرماید: "اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهیم افزود و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است".

﴿۱۸۰۳﴾ لازم است کسی که خداوند او را هدایت فرموده و به ایمان گرامی داشته و ارشادش کرده و به او بینشی عطا کرده که نعمت‌های پروردگار را درمی‌یابد و به او علم و حکمتی بخشیده که امر دنیا و آخرت خود را تدبیر می‌کند و شکر این نعمت‌ها را به جا آورد و کفران ننماید.

﴿۱۸۰۴﴾ من در تمام احوال تو را به خاطر نیکی‌هایی که به من کرده‌ای شکر می‌کنم؛ بر خلقتم، تصویرم، هدایتم و اینکه تو مرا به درجه‌ای رفیع رسانده‌ی تا اینکه امروز به این جایگاه از عمر خود رسیدم و همراه همه‌ی نعمت‌ها و روزی‌هایی که دریافت کردم تو به خاطر همه‌ی آن‌ها نزد من شایسته ستایش و سپاسگزاری هستی.

۱۴۰-۲-۲-۱ نابودی دشمن

﴿۱۸۰۵﴾ و آن هنگامی که سرابی جهل را برای حضرتش ﷺ آوردند شکر خدا به جا آورد.

﴿۱۸۰۶﴾ هم‌اکنون خداوند دشمنت را هلاک کرد پس به نیکویی شکر خدا را به جای آور.

۱۴۱-۲-۲-۱ خواهش نفس مردم

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٨٠٧﴾ رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْتِدَاءَ مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ؛ إبراهيم: الآية ٣٧
١٤٢-٢-١-الموافقة

﴿١٨٠٨﴾ الصادق عليه السلام: فَإِنْ خَالَفُوهُ وَجَفَوْهُ صَبَرَ وَإِنْ وَاَقَفُوهُ وَقَبَلُوا مِنْهُ شَكَرَ مَفُوضًا أَمْرَهُ إِلَى اللَّهِ نَاطِرًا إِلَى عَيْبِهِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٢١٤
١٤٣-٢-١-التوفيق

﴿١٨٠٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَإِنِّي لِفَضْلِكَ عَلَى حَامِدٍ وَ لِتَوْفِيقِكَ إِيَّايَ بِحَمْدِكَ شَاكِرٌ؛ مهج الدعوات ص: ١٣١

﴿١٨١٠﴾ الصادق عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا وَ وَقَّعَنَا لِعِبَادَتِهِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ وَ جَنَّبَنَا عِبَادَةَ الْأَوْثَانِ حَمْدًا سَرْمَدًا وَ شُكْرًا وَاصِبًا؛ بحار الأنوار ج: ٣ ص: ٢٢٤

﴿١٨١١﴾ الرضا عليه السلام: السَّجْدَةُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى مَا وَفَّقَ لَهُ الْعَبْدَ مِنْ آدَاءِ فَرَضِهِ وَ أَذْنَى مَا يُجْزَى فِيهَا مِنَ الْقَوْلِ أَنْ يُقَالَ شُكْرًا لِلَّهِ شُكْرًا لِلَّهِ شُكْرًا لِلَّهِ؛ وسائل الشيعة ج: ٧ ص: ٥

﴿١٨١٢﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ خَلَقْتَ الْقُلُوبَ عَلَى إِرَادَتِكَ وَ فَطَرْتَ الْعُقُولَ عَلَى مَعْرِفَتِكَ فَمَمْلَكْتَ الْأَفْتِدَاءَ مِنْ مَخَافَتِكَ وَ صَرَخْتَ الْقُلُوبُ بِالْوَلَهِ وَ تَقَاصَرَ وَ سَعَى قَدْرَ الْعُقُولِ عَنِ الثَّنَاءِ عَلَيْكَ وَ انْقَطَعَتْ الْأَلْفَافُ عَنْ مِقْدَارِ مَحَاسِنِكَ وَ كَلَّتِ الْأَلْسُنُ عَنْ إِحْصَاءِ نِعَمِكَ وَ إِذَا وَلَجْتَ بِطُرُقِ الْبَحْثِ عَنْ نِعَمِكَ بَهَرْتَهَا حَيْرَةُ الْعَجْزِ عَنْ إِدْرَاكِ وَصْفِكَ فَهِيَ تَتَرَدَّدُ فِي التَّقْصِيرِ عَنْ مُجَاوِزَةِ مَا حَدَدَتْ لَهَا إِذْ لَيْسَ لَهَا أَنْ تَتَجَاوَزَ مَا أَمَرْتَهَا فَهِيَ بِالْإِفْتِدَارِ عَلَى مَا مَكَّنْتَهَا تَحْمَدُكَ بِمَا أَنْهَيْتَ إِلَيْهَا وَ الْأَلْسُنُ مُنْبَسِطَةٌ بِمَا تُمْلِي عَلَيْهَا وَ لَكَ عَلَى كُلِّ مَنْ اسْتَعْبَدْتَ مِنْ خَلْقِكَ إِلَّا يَمْلُؤُوا مِنْ حَمْدِكَ وَ إِنْ قَصُرَتْ الْمَحَامِدُ عَنْ شُكْرِكَ عَلَى مَا أَسَدَيْتَ إِلَيْهَا مِنْ نِعَمِكَ فَحَمْدُكَ بِمَبْلَغِ طَاقَةِ حَمْدِهِمُ الْحَامِدُونَ وَ اغْتَصَمَ بَرَجَاءُ عَفْوِكَ الْمُقْصِرُونَ وَ أَوْجَسَ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ الْخَائِفُونَ وَ قَصَدَ بِالرَّغْبَةِ إِلَيْكَ الطَّالِبُونَ وَ انْتَسَبَ إِلَى فَضْلِكَ الْمُحْسِنُونَ وَ كُلُّ يَتَفَيَّأُ فِي ظِلَالِ تَأْمِيلِ عَفْوِكَ وَ يَتَضَاءَلُ بِالذُّلِّ لَخَوْفِكَ وَ يَعْتَرِفُ بِالتَّقْصِيرِ فِي شُكْرِكَ فَلَمْ يَمْنَعَكَ صُدُوفُ مَنْ صَدَفَ عَنْ طَاعَتِكَ وَ لَا عُكُوفُ مَنْ عَكَفَ عَلَى مَعْصِيَتِكَ أَنْ أَسْبَغْتَ عَلَيْهِمُ النِّعَمَ وَ أَجْزَلْتَ لَهُمُ الْقِسْمَ وَ صَرَفْتَ عَنْهُمْ النِّقَمَ وَ خَوَّفْتَهُمْ عَوَاقِبَ النَّدَمِ وَ ضَاعَفْتَ لِمَنْ أَحْسَنَ وَ أَوْجَبْتَ عَلَى الْمُحْسِنِينَ شُكْرَ تَوْفِيقِكَ لِلْإِحْسَانِ وَ عَلَى الْمُسِيءِ شُكْرَ تَعْطُفِكَ بِالْإِثْمَانِ وَ وَعَدْتَ مُحْسِنَهُمْ بِالزِّيَادَةِ فِي الْإِحْسَانِ مِنْكَ؛ البلد الأمين ص: ٣٧٨

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۸۰۷﴾ پروردگارا، من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی آب و علف، در کنار خانه‌ای که حرم توست، سکونت دادم تا نماز را برپا دارند؛ پس تو دل‌های گروهی از مردم را متوجه آن‌ها ساز و از میوه‌ها و گیاهان به آن‌ها روزی ده، باشد که آنان شکر تو را به جای آورند.

۱۴۲-۲-۱- موافقت

﴿۱۸۰۸﴾ اگر با او (مؤمن) مخالفت نمایند و جفا کنند، صبر کند. و اگر همراهی نمایند و گفته‌ی او را قبول کنند، شکر کند. و در همه حال کار خود را به خدا واگذارد و از عیب خود غافل نباشد.

۱۴۳-۲-۱- توفیق

﴿۱۸۰۹﴾ همانا به سبب لطف و رحمت بر من، لازم است که سپاسگزار تو باشم و به سبب توفیقی که عطایم کردی که تو را بستایم، باید شکرگزار تو باشم.

﴿۱۸۱۰﴾ ستایش مخصوص خدایی است که بر ما منت نهاد و ما را برای پرستیدنش توفیق داد، یکتا و یگانه و بی‌نیازی که همه‌ی نیازمندان قصد او می‌کنند او که نژاد و زاده نشد و برای او هیچگاه شبیه و مانندی نبوده است و ما را از پرستش بتان دور گردانید؛ حمدی همیشگی و شکری دائمی.

﴿۱۸۱۱﴾ سجده‌ی بعد از نماز واجب، شکر به درگاه خداوند است به خاطر توفیقی که به بنده‌اش برای ادای نماز واجب داده است، و کمترین ذکر در سجده‌ی شکر این است که سه بار بگوید: "شکرا لله" "شکر مخصوص خداست".

﴿۱۸۱۲﴾ خداوند، تو دل‌ها را به گونه‌ای که اراده کرده‌ای آفریده‌ای و تو عقل‌ها را برای آنکه تو را بشناسند خلق کرده‌ای پس دل‌ها از ترس تو مضطرب گشتند و به سرگردانی و حیرانی فریاد برآوردند، پس گنجایش و عقل‌ها از ستایش کردن تو ناچیز و بی‌مقدار است و سخنان از وصف نمودن مقدار نیکویی‌های تو بریده و نارساست. و زبان‌ها از شمردن نعمت‌های تو کند و عاجز است. پس هرگاه که آن‌ها بخواهند درباره‌ی صفات تو گفتگو و تفحص کنند حیرت و ناتوانی از رسیدن به تعریف تو بر آنان غلبه می‌کند، پس این دل‌ها از تجاوز کردن از آنچه برایشان تعیین کرده‌ای به قصور باز می‌گردند، زیرا مجاز نیستند که از آنچه تو به آن‌ها فرموده‌ای جلوتر روند پس آن‌ها در آن حد توانایی دارند که تو ایشان را توانا ساخته، و تعیین مرز کرده‌ای. و زبان‌ها گویانند به آنچه تو به زبان آنها انداخته‌ای و وظیفه‌ی همه‌ی آنان که به بندگی انتخاب کرده‌ای این است که از ستایش تو خسته نشوند، هرچند که تمام ستایش‌های بندگان در مقابل حق شکرگزاری تو قاصر و ناچیزند و آنچه تو از نعمت‌های خود به ایشان عطا کرده‌ای. ستایش کنندگان تو را ستایش می‌کنند به قدر طاقت و توان خود و تقصیر کاران به امید گذشت و بخشش تو چنگ می‌زنند؛ و ترسندگان در خاطر خود اقرار به پروردگاری تو را برانگیختند و طلب کنندگان تو را می‌جویند، نیکوکاران لطف تو را می‌خواهند و هرکسی به امید سایه‌ی عفو و مهربانی تو به سایه‌ای می‌گریزد و به سبب بی‌مقداری و ذلت ناشی از ترس از تو ضعیف و نحیف می‌شود. و به کوتاهی در شکرگزاری تو اقرار می‌کند، پس بازایستادن کسی که از طاعت تو روگردانده است و مرتکب شدن کسی که به نافرمانی از او امرت اقدام نموده است مانع نمی‌شود که نعمت‌های خود را بر بندگان تمام نکنی و کامل نسازی لطف را و عقوبت‌های خود را از ایشان برنگردانی، حال آنکه تو ایشان را از بدی عاقبت کارهایی که پشیمانی به همراه دارد، و احسان و نیکویی را برای کسی که نیکویی نموده است افزون نموده‌ای و بر نیکوکاران لازم ساخته‌ای، که توفیق احسان و نیکی را که تو به ایشان داده‌ای شکر و سپاس گویند و همچنین شکرگزاری را بر گناهکاران واجب کردی به سبب آنکه از روی مهر و عطوفت بر ایشان منت نهادی و نعمت بخشیدی و بندگان نیکوکار را به احسان بیشتر از جانب خودت وعده داده‌ای.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٨١٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ الْعَظِيمُ وَالْمَنْ الْقَدِيمُ وَالسُّلْطَانُ الشَّامِخُ وَالْحَوْلُ الْوَاسِعُ وَالْقُدْرَةُ الْمُقْتَدِرَةُ وَالْحَمْدُ الْمُتَتَابِعُ الَّذِي لَا يَنْفَدُ بِالشُّكْرِ سَرْمَدًا وَلَا يَنْقُضِي أَبَدًا؛ مهج الدعوات ص: ١٣١

﴿١٨١٤﴾ الرضا عليه السلام: أَنْ قَوْلَهُ تَعَالَى الْحَمْدُ لِلَّهِ إِنَّمَا هُوَ آدَاءٌ لِمَا أَوْجَبَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ مِنَ الشُّكْرِ وَشُكْرُهُ لِمَا وَفَّقَ عَبْدَهُ لِلْخَيْرِ؛ عيون أخبار الرضا عليه السلام ج: ٢ ص: ١٠٧

﴿١٨١٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَإِنْ ذَكَرَ أَنَّهُ جَرَى مِنْهُ خَيْرٌ حَمِدَ اللَّهُ تَعَالَى وَشَكَرَهُ عَلَى تَوْفِيقِهِ؛

تأويل الآيات الظاهرة

﴿١٨١٦﴾ الصادق عليه السلام: فَانْظُرْ أَيُّهَا الْمُؤْمِنُ فَإِنْ كَانَتْ حَالَتُكَ حَالَةً تَرْضَاهَا لِحُلُولِ الْمَوْتِ فَاشْكُرِ اللَّهَ تَعَالَى عَلَى تَوْفِيقِهِ وَ عِصْمَتِهِ وَإِنْ تَكُنِ الْآخِرَى فَانْتَقِلْ عَنْهَا بِصِحَّةِ الْعَزِيمَةِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ١٦٨

﴿١٨١٧﴾ الصادق عليه السلام: فَلَكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا وَ لَكَ الشُّكْرُ وَ الْمِنَّةُ عَلَى مَا قَدَّرْتَ وَ وَفَّقْتَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٩ ص: ٢٠٧

﴿١٨١٨﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: مَا أَقُولُ لَهُ فَايْتَدَأْنِي عليه السلام فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ رَزَقَكَ الْإِيمَانَ فَحَرِّمْ بِهِ بَدَنَكَ عَلَى النَّارِ وَ رَزَقَكَ الْعَافِيَةَ فَأَعَانِكَ عَلَى الطَّاعَةِ وَ رَزَقَكَ الْقُنُوعَ فَصَانِكَ عَنِ التَّبَدُّلِ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٤ ص: ٤٠١

﴿١٨١٩﴾ السجاد عليه السلام: أَنْ عَلَى بَنِ الْحُسَيْنِ دَعَا اللَّهَ بِثَلَاثِ دَعَوَاتٍ فَاجَابَهُ اللَّهُ فِيهَا عَلَى يَدَيِ ثُمَّ تَسَأَلُنِي الْأَكْلَ عِنْدَكَ هَذَا يَوْمَ صَوْمٍ شُكْرًا لِلَّهِ عَلَى مَا وَفَّقَنِي لَهُ؛ بحار الأنوار ج: ٤٦ ص: ٥٣

١٤٤-٢-٢-١-الوكد الصالح

﴿١٨٢٠﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْنَا صَالِحًا لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ الأعراف: الآية ١٨٩

﴿١٨٢١﴾ الرضا عليه السلام: إِنَّ حَوَاءَ وَلَدَتْ لِأَدَمَ خَمْسِمِائَةَ بَطْنٍ فِي كُلِّ بَطْنٍ ذَكَرًا وَ أُنْثَى وَ إِنْ آدَمَ وَ حَوَاءَ عَاهَدَا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ دَعَوَاهُ وَ قَالَا لَئِنْ آتَيْنَا صَالِحًا لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ١١ ص: ٧٨

﴿١٨٢٢﴾ الصادق عليه السلام: وَ لِدَى غُلَامٍ فَقَالَ رَزَقَكَ اللَّهُ شُكْرَ الْوَاهِبِ وَ بَارَكَ لَكَ فِي الْمَوْهُوبِ وَ بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ رَزَقَكَ اللَّهُ بِرَّهُ؛ الكافي ج: ٦ ص: ١٧

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۸۱۳﴾ خداوند، ستایش بزرگ و نعمت‌دادن دائمی و پادشاهی بلندمرتبه و قدرت وسیع و توانایی با اقتدار و ستایش پیوسته‌ای که پایان نپذیرد و شکر بی‌پایانی که هرگز به پایان نرسد متعلق به توست.

﴿۱۸۱۴﴾ همانا کلام خدای تعالی: " الحمد لله "؛ ادای آن چیزی است که حق تعالی از سپاس و شکر بر بندگان واجب ساخته و سپاس او بر توفیقی که بر انجام کار خیر دریافت کرده است.

﴿۱۸۱۵﴾ پس؛ اگر به یادش آید که از او خیری سر زده، به حمد و ستایش خدای عزیز و جلیل بپردازد و بر این توفیق، خدا را شکر کند.

﴿۱۸۱۶﴾ پس ای مؤمن به خود بنگر! اگر حالت تو حالتی است که برای لحظه‌ی مرگ را می‌پسندی خدا را شکر کن که به تو توفیق داده و از گناه دورت کرده است و اگر حالتت غیر از این بود، با عزمی صحیح از آن حال خارج شو.

﴿۱۸۱۷﴾ پس حمد و ستایش سزاوار توست ای پروردگار ما، و به خاطر آنچه که برای ما مقدر فرمودی و به خاطر توفیقی که عطا فرمودی شکر و سپاس شایسته‌ی توست.

﴿۱۸۱۸﴾ خداوند عزیز و جلیل ایمان را نصیب تو کرد، از این رو بدنت را بر دوزخ حرام ساخت، و سلامتی را روزی‌ات کرد، از این رو تو را در طاعت خود یاری فرمود؛ و قناعت را نصیب تو کرد و تو را از بی‌آبرویی محفوظ داشت.

﴿۱۸۱۹﴾ مختار گفت: علی بن الحسین علیه السلام سه دعا کرد خدا دعایش را به دست من مستجاب نمود، حال باز تقاضا می‌کنی که غذا بخورم در صورتی که امروز باید به شکرانه‌ی این نعمت روزه بگیرم.

۱۴۴-۲-۲-۱- فرزند صالح

﴿۱۸۲۰﴾ او خدایی است که (همه‌ی) شما را از یک فرد آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد تا در کنار او بیاساید. سپس هنگامی که با او آمیزش کرد، حملی سبک برداشت، که با وجود آن، به کارهای خود ادامه می‌داد و چون سنگین شد، هردو از خداوند و پروردگار خود خواستند: " اگر فرزند صالحی به ما دهی، از شاکران خواهیم بود ".

﴿۱۸۲۱﴾ حوّا برای آدم پانصد شکم زایید؛ در هر مرتبه یک پسر و یک دختر، و آدم علیه السلام و حوّا با خداوند چنین عهد کردند: اگر خداوند فرزند سالمی به ما بدهی، شکرگزار خواهیم بود.

﴿۱۸۲۲﴾ پسر به دنیا آمد، ایشان به من فرمودند: خداوند شکر عطاکننده را به تو روزی کند و در آنچه به تو عطا کرده به تو برکت دهد تا به رشد کامل برسد و خیرش نصیب تو شود.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١٤٥-٢-١- ولادة الحسنين (عليه السلام)

﴿١٨٢٣﴾ الصادق (عليه السلام): إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْزَلَ عَلَى نَبِيِّهِ (عليه السلام) كُلَّ صَلَاةٍ رُكْعَتَيْنِ فَأَضَافَ إِلَيْهَا رَسُولُ اللَّهِ (عليه السلام) لِكُلِّ صَلَاةٍ رُكْعَتَيْنِ فِي الْحَضَرِ وَقَصَرَ فِيهَا فِي السَّفَرِ إِلَّا الْمَغْرِبَ وَالْغَدَاةَ فَلَمَّا صَلَّى (عليه السلام) الْمَغْرِبَ بَلَغَهُ مَوْلِدُ فَاطِمَةَ (عليه السلام) فَأَضَافَ إِلَيْهَا رُكْعَةً شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَلَمَّا أَنْ وُلِدَ الْحَسَنُ (عليه السلام) أَضَافَ إِلَيْهَا رُكْعَتَيْنِ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَلَمَّا أَنْ وُلِدَ الْحُسَيْنُ (عليه السلام) أَضَافَ إِلَيْهَا رُكْعَتَيْنِ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ لِلذَّكْرِ مِثْلَ حَظِّ الْأُنثَيْنِ فتركها على حالها في الحضر و السَّفَرِ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٤٥٤

﴿١٨٢٤﴾ الصادق (عليه السلام): أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (عليه السلام) بَشَّرَ بِالْحَسَنِ (عليه السلام) وَهُوَ فِي آخِرِ تَسْبِيحِ الْمَغْرِبِ قَبْلَ الدُّعَاءِ فَقَامَ مِنْ وَقْتِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَتَكَلَّمَ أَوْ يَصْنَعَ شَيْئًا فَصَلَّى رُكْعَتَيْنِ جَعَلَهُمَا شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى عَلَى سَلَامَةِ فَاطِمَةَ (عليه السلام) وَوَلادَتِهَا الْحَسَنُ (عليه السلام) ثُمَّ دَعَا بَعْدَ الرُّكْعَتَيْنِ وَعَقَّبَ بِسُجْدَتَي الشُّكْرِ وَالتَّعْفِيرِ بَيْنَهُمَا وَكَانَ ذَلِكَ سَنَةً حَتَّى وُلِدَ الْحُسَيْنُ (عليه السلام) فَجَاءَ الْبَشِيرُ بِهِ وَقَدْ صَلَّى هَاتَيْنِ الرُّكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ وَهُوَ فِي آخِرِ تَسْبِيحِهِ فَقَامَ مِنْ غَيْرِ تَعْقِيبٍ فَصَلَّى رُكْعَتَيْنِ جَعَلَهُمَا شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى ثُمَّ عَقَّبَ بِالْدُّعَاءِ بَعْدَهُمَا وَسَجَدَ؛ المقنعة ص: ١١٧

١٤٦-٢-١- الولاية

﴿١٨٢٥﴾ نَشْكُرُ إِلَيْكَ النِّعْمَةَ يَوْكُنَا وَإِمَامِنَا وَابْنَ نَبِينَا؛ دعائم الإسلام ج: ١ ص: ٢٠٥

﴿١٨٢٦﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): كَثُرَ حَمْدُهُمْ لِلَّهِ وَشُكْرُهُمْ عَلَى النِّعْمَةِ الَّتِي أَنْعَمَ بِهَا عَلَيْهِمْ فِي مَعْرِفَتِهِمْ بِحَقِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع؛ بحار الأنوار ج: ٤١ ص: ٢٦٠

﴿١٨٢٧﴾ الباقر (عليه السلام): صَبَّارٌ عَلَى مَوَدَّتِنَا وَعَلَى مَا نَزَلَ بِهِ مِنْ شِدَّةٍ أَوْ رَخَاءٍ صَبُورٌ عَلَى الْآذَى فِينَا شُكُورٌ لِلَّهِ عَلَى وَلَائَتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ؛ تأويل الآيات الظاهرة ص: ٤٦٣

﴿١٨٢٨﴾ أَنَّ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ شَكَاَ إِلَيْهِ مَا يَلْقَوْنَ مِنَ النَّاسِ فَقَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَاذَا نَحْنُ فِيهِ مِنْ آذَى النَّاسِ وَمُطَالِبَتِهِمْ لَنَا وَبُغْضِهِمْ إِيَّانَا وَطَغْنِهِمْ عَلَيْنَا كَأَنَّا لَسْنَا عَنْدهُمْ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ أَوْ مَا تَحْمَدُونَ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ وَتَشْكُرُونَهُ؛ دعائم الإسلام ج: ١ ص: ٤٧

﴿١٨٢٩﴾ الصادق (عليه السلام): حَامِدٌ لِلرَّبِّ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى مَا أَوْزَعَنِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ شَاكِرٌ لَهُ عَلَى مَا طَوَّقَنِي مِنْ اخْتِمَالِ فَضْلِكَ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٧ ص: ٣٥١

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۱۴۵-۲-۱- ولادت امام حسن و امام حسین علیهما السلام

﴿۱۸۲۳﴾ همانا خداوند تبارک و تعالی همه‌ی نمازها را بر پیامبر خود دو رکعتی فرو فرستاد، و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به هر نماز در حضر دو رکعت افزود و در سفر آن دو رکعت را حذف کرده و نماز را به صورت اولیه باقی گذاشت، مگر نماز مغرب و نماز صبح را، خبر ولادت حضرت فاطمه علیها السلام را برای پیامبر صلی الله علیه و آله آوردند پس از شکرگزاری به پیشگاه خداوند عزیز و جلیل به پاس مولود به دنیا آمده یک رکعت به نماز مغرب افزود، زمانی که حضرت امام حسن علیه السلام به دنیا آمد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای شکرگزاری به درگاه خداوند متعال دو رکعت نافله‌ی مغرب را افزود، و زمانی که امام حسین علیه السلام متولد شد باز به عنوان شکرگزاری دو رکعت دیگر به نافله‌ی شام افزود و این آیه را تلاوت فرمود: " برای هر پسر برابر بهره و نصیب دو دختر است "، پس این نمازها را در وطن و در سفر همچنان به حال خود باقی گذاشت.

﴿۱۸۲۴﴾ بشارت تولد امام حسن علیه السلام را به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دادند و ایشان در آخرین تسبیح نماز مغرب قبل از دعا بودند، حضرت بدون آنکه صحبتی کنند و یا کاری انجام دهند برخاستند و دو رکعت نماز به شکرانه‌ی سلامتی حضرت فاطمه علیها السلام و به دنیا آوردن امام حسن علیه السلام خواندند و سپس دعا نمودند و دو سجده‌ی شکر به جای آوردند و بین دو سجده، گونه بر خاک نهادند و این کار سنت بود تا اینکه حسین علیه السلام به دنیا آمد و پیک خبر را درحالی به پیامبر داد که آن حضرت دو رکعت نماز را بعد از نماز مغرب خوانده بودند و در آخرین تسبیح بودند؛ پس بدون آنکه تعقیبی انجام دهند برخاستند و دو رکعت نماز برای سپاس از خدا به جای آوردند و سپس دعا نمودند و سجده کردند.

۱۴۶-۲-۱- ولایت

﴿۱۸۲۵﴾ نعمت ولایت و امام و سرپرستمان، فرزند پیامبرمان را شکر می‌کنیم.

﴿۱۸۲۶﴾ حمد و ستایش ایشان برای خدای تعالی و شکر و قدردانی‌شان در مقابل نعمتی که در باب معرفت و حصول شناخت درباره‌ی مقام و حقانیت امیرالمؤمنین علیه السلام به ایشان بخشیده شد فراوان شد.

﴿۱۸۲۷﴾ در راه دوستی ما و در هنگام سختی و آسایش بسیار شکیبا، و بر اذیت‌شدن در راه ما صبور و بر ولایت ما اهل بیت بسیار شکرگزار خداست.

﴿۱۸۲۸﴾ یکی از اصحاب امام علیه السلام از برخوردهای مردم به ایشان شکوه کرد و گفت: ای پسر پیامبر خدا، این چه وضعی است که ما داریم؟ مردم ما را اذیت می‌کنند و از ما چیزهایی می‌خواهند و فقط بر ما کینه می‌ورزند و دشمنی می‌کنند و بر ما طعنه می‌زنند گویا ما را مسلمان نمی‌دانند اباعبدالله علیه السلام به او فرمودند: آیا خدا را بر این امر حمد نمی‌کنید و او را شکر نمی‌نمایید؟

﴿۱۸۲۹﴾ خدای عزیز و جلیل را به خاطر اینکه معرفت تو را به من الهام نموده حمد می‌کنم و شکرگزار اویم که پذیرش فضل تو را برگردنم آویخته است. پدر و مادرم فدایت یا امیرالمؤمنین.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١٤٧-٢-٢-١- ما أولانا

﴿١٨٣٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَشْكُرُ اللَّهَ عَلَى مَا أَوْلَاكَ وَ أَحْمَدُهُ عَلَى مَا أَبْلَاكَ؛

مستدرک الوسائل ج: ١٤ ص: ٩٠

﴿١٨٣١﴾ اَعْدِلْ فِيمَا وُئيتَ أَشْكُرُ لِلَّهِ [اللَّهُ] فِيمَا أُوليتَ؛ غرر الحكم ص: ٤٤٦

﴿١٨٣٢﴾ الصادق عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا هَدَانَا وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَوْلَانَا؛ البلد الأمين ص: ٢٣٦

﴿١٨٣٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا وَ لَهُ الشُّكْرُ فِيمَا أَوْلَانَا؛ من لا يحضره الفقيه

ج: ١ ص: ٥١٧

﴿١٨٣٤﴾ اللَّهُمَّ أَلْسِنِي التَّقْوَى وَ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي فِي الْآخِرَةِ وَ الْأُولَى الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا هَدَانَا

وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَوْلَانَا؛ بحار الأنوار ج: ٩٧ ص: ٢٦٣

﴿١٨٣٥﴾ الصادق عليه السلام: إِلَهِي وَ سَيِّدِي هَا أَنَا ذَا عَبْدِكَ طَرِيحُ بَيْنَ يَدَيْكَ مُعْتَذِرٌ مِمَّا جَنَيْتُ

شَاكِرٌ لِمَا أَنْعَمْتَ وَ أُوليتَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٢٧٠

﴿١٨٣٦﴾ الصادق عليه السلام: لَا شُكْرَ عِنْدِي إِنْ أَبْلَيْتَ وَ أُوليتَ إِنْ لَمْ تُعِنِّي عَلَى شُكْرِ مَا أُوليتَ؛

مصباح المتعجد ص: ٢٧٦

﴿١٨٣٧﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: أَيُّكُمْ الشَّاكِرُ لِمَا أَوْلَاهُ الْمَنَانُ أَيُّكُمْ الضَّارِبُ يَوْمَ الضَّرْبِ وَ الطَّعَانُ؛

بحار الأنوار ج: ٣٩ ص: ١٨٦

﴿١٨٣٨﴾ الصادق عليه السلام: رَبِّ لَا حُجَّةَ لِي إِنْ اخْتَجَجْتُ وَ لَا عُذْرَ لِي إِنْ اعْتَذَرْتُ وَ لَا شُكْرَ عِنْدِي

إِنْ ابْتُلَيْتَ وَ أُوليتَ إِنْ لَمْ تُعِنِّي عَلَى شُكْرِ مَا أُوليتَ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٩٠

﴿١٨٣٩﴾ الصادق عليه السلام: رَبِّ مَا أَحْسَنَ بَلَاءِكَ عِنْدِي وَ أَظْهَرَ نِعْمَاءِكَ عَلَيَّ كَثُرَتْ مِنْكَ عَلَيَّ

النَّعْمُ فَمَا أَحْصَاهَا وَ قَلَّ مِنِّي الشُّكْرُ فِيمَا أُولَيْتَنِيهِ فَبَطَرْتُ بِالنَّعْمِ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٩٠

﴿١٨٤٠﴾ الصادق عليه السلام: فَإِنِّي لِبَابِكَ قَاصِدٌ وَ عَلَيْكَ عَاقِدٌ وَ لَكَ رَاكِعٌ وَ سَاجِدٌ وَ لِمَا أُوليتَ وَ

أَنْعَمْتَ مِنِّ مَعْرُوفٌ شَاكِرٌ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٢٦٢

﴿١٨٤١﴾ الصادق عليه السلام: فَمَا نَدْرِي مَا نَشْكُرُ أَمْ جَمِيلٌ مَا تَنْشُرُ أَمْ قَبِيحٌ مَا تَسْتُرُ أَمْ عَظِيمٌ مَا أَبْلَيْتَ

وَ أُوليتَ أَمْ كَثِيرٌ مَا مِنْهُ نَجِيَّتَ وَ عَاقِبَتَ؛ البلد الأمين ص: ٢٠٦

﴿١٨٤٢﴾ قَلَّ مِنِّي الشُّكْرُ فِيمَا أُوليتَ فَبَطَرْتُ بِالنَّعْمِ؛ جمال الأسبوع ص: ٢١٤

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۱۴۷-۲-۱- آنچه عطایمان کرد

﴿۱۸۳۰﴾ بر نعمت‌هایی که خداوند به تو ارزانی داشته شکر کن و بر آزمایش‌های ناگواری که از تو می‌گیرد شکبیا باش.

﴿۱۸۳۱﴾ در مورد زیردستان با عدالت رفتار کن و در نعمت‌هایی که دریافت می‌کنی شکرگزار باش.

﴿۱۸۳۲﴾ حمد مخصوص خداست به خاطر آنکه ما را هدایت کرد و شکر متعلق به اوست به خاطر آنچه به ما عطا فرمود.

﴿۱۸۳۳﴾ خدا را به بزرگی یاد می‌کنیم به پاس آنکه ما را به راه راست هدایت فرمود، و او را سپاس می‌گوییم در مقابل نعمت‌هایی که به ما عطا فرمود.

﴿۱۸۳۴﴾ پروردگارا، بر من لباس تقوی بپوشان و مرا بیامرز و در دنیا و آخرت به من رحم کن و ستایش مخصوص خداوند است بر آنچه که ما را هدایت فرموده و شکر مخصوص اوست بر آنچه به ما نعمت عطا کرده است.

﴿۱۸۳۵﴾ ای پروردگار و ای آقای من، این منم بنده‌ی بی‌مقدار و بی‌ارزش تو که در برابر تو به بیان عذرخواهی‌اش از گناهانی که از او سرزده ایستاده است، و بر آنچه از نعمت‌هایت که به او عطا فرمودی شکرگزار است.

﴿۱۸۳۶﴾ اگر تو مرا بر شکرگزاری خویش یاری نکنی چه هنگامی که مرا مبتلا می‌سازی و یا آن زمان که نعمت می‌بخشی توان شکرگزاری ندارم.

﴿۱۸۳۷﴾ کدام‌یک از شما در برابر نعمتی که خداوند بسیار بخشش‌کننده به او داده شاکر است؟ کدام‌یک از شما در روز حمله و ستیز حمله کرد؟

﴿۱۸۳۸﴾ پروردگارا، حجتی ندارم که بیاورم و عذری ندارم که بر آن درآویزم و اگر آزموده شوم، و قدردانی و شکری ندارم مگر تو، خودت مرا به شکرانه‌ی نعمت یاری فرمایی.

﴿۱۸۳۹﴾ پروردگارا، چقدر تکالیف نزد من نیکوست و چقدر نعمت‌هایت بر من زیاد و بی‌شمار است؛ و شکر من در برابر آنچه به من عطا کرده‌ای کم است و من فقط با نعمت‌ها سرمستی کرده‌ام.

﴿۱۸۴۰﴾ من قصد کوی تو کرده و با تو پیمان بسته‌ام و برای تو رکوع و سجود می‌کنم و در برابر عطاها و نعمت‌های نیکی که به من داده‌ای شکرگزارم.

﴿۱۸۴۱﴾ نمی‌دانیم که کدام را شکر کنیم؟ زیبایی‌هایی که منتشر کردی و یا زشتی‌هایی را که پوشاندی یا امتحانات بزرگی که به عمل آوردی و بخشش‌های بزرگی که نمودی و یا موارد فراوانی که از آن‌ها نجاتمان دادی و عافیتمان بخشیدی.

﴿۱۸۴۲﴾ در آنچه به من نعمت دادی شکر اندکی کردم و فقط به داشتن نعمت‌ها سرمستی کردم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٨٤٣﴾ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَرْضِي مَنْ مَرَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ مِنْ جُمْلَةِ خَلْقِكَ، أَشْكُرْهُمْ لِمَا أَوْلَيْتَ مِنْ نِعَمِكَ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٤٨

﴿١٨٤٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَحَدِ الْمُخْمُودِ الَّذِي تَوَحَّدَ بِمُلْكِهِ وَ عَلَا بِقُدْرَتِهِ أَحْمَدُهُ عَلَى مَا عَرَفَ مِنْ سَبِيلِهِ وَ أَلْهَمَ مِنْ طَاعَتِهِ وَ عَلَّمَ مِنْ مَكْنُونِ حِكْمَتِهِ فَإِنَّهُ مُحْمُودٌ بِكُلِّ مَا يُؤْلَى مَشْكُورٌ بِكُلِّ مَا يُؤْلَى؛ بحار الأنوار ج: ٥٣ ص: ٧٧

﴿١٨٤٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ أَشْكُرُ اللَّهَ كَثِيرًا عَلَى مَا أَوْلَاكَ وَ أَحْمَدُهُ عَلَى مَا أَبْلَاكَ؛ دعائم الإسلام ج: ٢ ص: ٤٨٧

﴿١٨٤٦﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الْمَكْنُونَةِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَنِي فِي هَذَا الْيَوْمِ مِنَ الشَّاكِرِينَ لِمَا أَوْلَيْتَنِيهِ وَ الصَّابِرِينَ عَلَى مَا بَلَيْتَ وَ الْحَامِدِينَ عَلَى مَا أَعْطَيْتَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٢٦٨

١٤٨-٢-١-المواهب

﴿١٨٤٧﴾ الدعاء فِي أَوَّلِ يَوْمٍ مِنْ رَجَبٍ: أَوْزِعْنِي شُكْرَكَ عَلَى مَوَاهِبِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٣٨٣

﴿١٨٤٨﴾ الصادق عليه السلام: إِنْ اللَّهَ أَنْعَمَ عَلَى قَوْمٍ بِالْمَوَاهِبِ فَلَمْ يَشْكُرُوهُ فَصَارَتْ عَلَيْهِمْ وَبَالًا وَ ابْتَلَى قَوْمًا بِالْمَصَائِبِ فَصَبَرُوا فَكَانَتْ عَلَيْهِمْ نِعْمَةً؛ تحف العقول ص: ٣٥٩

١٤٩-٢-١-الأيادي

﴿١٨٤٩﴾ الرسول عليه السلام: أَشْكُرُكَ شُكْرَ مُقَرَّرٍ بِأَيَادِيكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٢٨٠

﴿١٨٥٠﴾ الرسول عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمَدُكَ بِجَمِيعِ مَحَامِدِكَ كُلِّهَا وَ أَشْكُرُكَ شُكْرَ مُقَرَّرٍ بِأَيَادِيكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٢٨٠

﴿١٨٥١﴾ اللَّهُمَّ مَنَائِحُكَ مُتَابَعَةٌ وَ أَيَادِيكَ مُتَوَالِيَةٌ وَ نِعَمُكَ سَابِغَةٌ وَ شُكْرُنَا قَصِيرٌ وَ حَمْدُنَا يَسِيرٌ وَ أَنْتَ بِالتَّعَطُّفِ عَلَى مَنْ اعْتَرَفَ جَدِيرٌ؛ بحار الأنوار ج: ٨٢ ص: ٢٢٥

﴿١٨٥٢﴾ إِلَهِي فَمَا أَحْسَنَ بِلَائِكَ عِنْدِي وَ أَظْهَرَ نِعْمَاتِكَ عَلَيَّ وَ أَكْثَرَ أَيَادِيكَ لَدَيَّ إِنْ شَكَرْتَهَا عَرَفْتُ وَ أَجَبَ حَقُّهَا؛ إقبال الأعمال ص: ١٣٣

﴿١٨٥٣﴾ أَوَّلُ مَا يَجِبُ عَلَيْكُمْ لِلَّهِ سُبْحَانَهُ شُكْرُ أَيَادِيهِ وَ ائْتِغَاءُ مَرَاضِيهِ؛ غرر الحكم ص: ١٨١

﴿١٨٥٤﴾ أَيَادِيكَ عِنْدِي مُعْظَمَاتُ جَلَائِلِ طَوَالِ الْمَدَى شُكْرِي لَهْنٌ قَصِيرٌ

بحار الأنوار ج: ٦٦ ص: ٧٠

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۸۴۳﴾ خدایا، در میان همه‌ی آفریدگانت که شب روز بر آنان می‌گذرد ما را از راضی کننده ترین بندگان و شکرگزارترینشان در نعمت‌هایی که به آنان داده‌ای قرار بده.

﴿۱۸۴۴﴾ حمد و ستایش (مخصوص) پروردگاری است که تنهای بی‌شریک و ستایش شده است؛ او که در پادشاهی‌اش واحد است و یگانه و او که در قدرتش بلندمرتبه است و او را می‌ستایم به این دلیل که راهش را به من شناساند و اطاعتش را به من الهام کرد و از حکمت‌های نهانی‌اش به من آموخت. که همانا او در هر نعمتی که می‌دهد، مورد شکر و در بلایی که بفرستد سزاوار ستایش است.

﴿۱۸۴۵﴾ بر نعمت‌هایی که خداوند به تو ارزانی داشته بسیار شکر کن و بر آزمایش‌های ناگواری که از تو می‌گیرد شکیبیا باش.

﴿۱۸۴۶﴾ خداوند، به اسمای پنهانی‌ات از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و در این روز مرا از شاکران نیکی‌هایی که به من ارزانی داشتی و از صابران در بلاهایت و سپاسگزاران بر آنچه عطا نمودی قرار دهی.

۱۴۸-۲-۱-عطا

﴿۱۸۴۷﴾ پروردگارا، شکر بخشش‌هایت را به من الهام کن.

﴿۱۸۴۸﴾ خداوند گروهی را مشمول نعمت خویش قرار داد، پس سپاسگزاری او را نکردند، آن نعمت بر آن‌ها تبدیل به عذاب و گروهی دچار مصیبت شدند بر آن مصیبت صبر کردند. مصیبت برای آن‌ها تبدیل به نعمت شد.

۱۴۹-۲-۱-نعمت‌ها

﴿۱۸۴۹﴾ تو را شکر می‌کنم، شکر کسی که به دریافت نعمت‌ها و کمک‌های تو اقرار دارد.

﴿۱۸۵۰﴾ پروردگارا، همانا من ستایش می‌کنم تو را به خاطر همه‌ی صفات پسندیده و ستوده شده‌ات، و تو را بر نعمت‌هایت شکر می‌کنم.

﴿۱۸۵۱﴾ خدایا، بخشش‌های تو پی‌درپی و نعمت‌های تو پیاپی و عطیه‌های تو کامل است و در مقابل شکر ما کوتاه و ستایش ما اندک است و تو به مهربانی نمودن بر کسی که اقرار نموده است سزاواری.

﴿۱۸۵۲﴾ پروردگارا، چه نیکوست تکالیفی که از من خواسته‌ای و چه آشکار است نعمت‌های تو بر من و چه بسیار است خوبی‌هایت بر من، که اگر آن نعمت را شکر کنم در واقع حق واجب نعمت را شناخته‌ام.

﴿۱۸۵۳﴾ اولین چیزی که از خدای سبحان بر شما واجب می‌شود شکر نعمت‌های اوست و طلب خشنودی او.

﴿۱۸۵۴﴾ نعمت‌هایت نزد من بسیار عظیم و بزرگ و مداوم ولی شکر من کم است.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٨٥٥﴾ فَلَكَ الْحَمْدُ وَالْمَنْ وَالشُّكْرُ عَلَى نِعْمَائِكَ وَإِيَادِيكَ: إقبال الأعمال ص: ٥١٥
 ﴿١٨٥٦﴾ العسكرى عليه السلام: كَثُرَتْ أَيْدِيكَ عِنْدِي فَعَجَزْتُ عَنْ إِحْصَائِهَا وَضِيقْتُ ذَرْعاً فِي شُكْرِي
 لَكَ بِجَزَائِهَا: بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٠٧

﴿١٨٥٧﴾ العسكرى عليه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ فِي نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تُنْفَرُوهَا عَنْكُمْ بِمَعَاصِيهِ بَلْ
 اسْتَدِيمُوهَا بِطَاعَتِهِ وَشُكْرِهِ عَلَى نِعَمِهِ وَإِيَادِيهِ: بحار الأنوار ج: ٤٩ ص: ١٨٢
 ١٥٠-١٢-٢-١-اليسير

﴿١٨٥٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الزَّاهِدُ عِنْدَنَا مَنْ عَلِمَ فَعَمِلَ وَمَنْ آيَقَنَ فَحَذَرَ وَإِنْ أَمْسَى عَلَى عُسْرِ
 حَمِدَ اللَّهَ وَإِنْ أَصْبَحَ عَلَى يُسْرِ شَكَرَ اللَّهَ فَهُوَ الزَّاهِدُ: مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٢٤٤
 ﴿١٨٥٩﴾ الرسول ﷺ: إِنْ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا جَاءَهُ أَمْرٌ يُسْرُهُ أَوْ سُرَّ بِهِ خَرَّ سَاجِداً شُكْراً لِلَّهِ تَعَالَى؛
 عوالي اللآلي ج: ١ ص: ١٩٩

١٥١-١٢-٢-١-اليسير
 ﴿١٨٦٠﴾ الرسول ﷺ: فَمَا تَفْسِيرُ الْقَنَاعَةِ قَالَ يَقْنَعُ بِمَا يُصِيبُ مِنَ الدُّنْيَا يَقْنَعُ بِالْقَلِيلِ وَيَشْكُرُ
 الْيَسِيرَ: وسائل الشيعة ج: ١٥ ص: ١٩٤

﴿١٨٦١﴾ الرسول ﷺ: مَنْ لَمْ يَشْكُرْ عَلَى الْيَسِيرِ لَمْ يَشْكُرْ عَلَى الْكَثِيرِ: مستدرک الوسائل ج: ١٢
 ص: ٣٥٨
 ﴿١٨٦٢﴾ الرسول ﷺ: مَا تَفْسِيرُ الْقَنَاعَةِ قَالَ يَقْنَعُ بِمَا تُصِيبُ مِنَ الدُّنْيَا يَقْنَعُ بِالْقَلِيلِ وَتَشْكُرُ
 الْيَسِيرَ: بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٣٤٦

١٥٢-١٢-٢-١-أيام الله
 ﴿١٨٦٣﴾ الصادق عليه السلام: سَيِّدِي تَأْمُرُنِي بِصِيَامِهِ قَالَ إِي وَاللَّهُ إِي وَاللَّهُ إِي وَاللَّهُ إِنَّهُ الْيَوْمُ الَّذِي
 تَابَ اللَّهُ فِيهِ عَلَى آدَمَ عليه السلام فَصَامَ شُكْراً لِلَّهِ تَعَالَى ذَلِكَ الْيَوْمَ وَإِنَّهُ الْيَوْمُ الَّذِي نَجَّى اللَّهُ تَعَالَى
 فِيهِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام مِنَ النَّارِ فَصَامَ شُكْراً لِلَّهِ تَعَالَى عَلَى ذَلِكَ وَإِنَّهُ الْيَوْمُ الَّذِي أَقَامَ مُوسَى هَارُونَ
عليه السلام عَلَمًا فَصَامَ شُكْراً لِلَّهِ تَعَالَى ذَلِكَ الْيَوْمَ وَإِنَّهُ الْيَوْمُ الَّذِي أَظْهَرَ عِيسَى وَصِيَّهُ شَمْعُونَ الصِّفَا
 فَصَامَ شُكْراً لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ وَإِنَّهُ الْيَوْمُ الَّذِي أَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلِيًّا عليه السلام: لِلنَّاسِ
 عَلَمًا وَآبَانَ فِيهِ فَضْلُهُ وَوَصِيَّتُهُ فَصَامَ شُكْراً لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ وَإِنَّهُ لِيَوْمٌ صِيَامٍ وَفِيَامٍ وَ
 إِطْعَامٍ وَصِلَةِ الْإِخْوَانِ وَفِيهِ مَرْضَاةُ الرَّحْمَنِ وَمَرْغَمَةُ الشَّيْطَانِ: وسائل الشيعة ج: ١٠ ص: ٢٤٥

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿ ۱۸۵۵ ﴾ ستایش و لطف و شکر به خاطر نعمت‌ها و لطف‌هایت، سزاوار توست.

﴿۱۸۵۶﴾ خدایا، نعمت‌های تو بر من بسیار است و من از شمارش آن‌ها ناتوان و در به‌جا آوردن شکر شایسته‌ی تو در مقابل آنچه به من عطا فرموده‌ای دستم کوتاه است.

﴿۱۸۵۷﴾ از شکستن حریم خدا بهره‌یزید و قدر نعمت او را بدانید، مبدا با انجام معصیت، نعمت را از خود دور کنید، بلکه به‌وسیله‌ی اطاعت و بندگی و شکر و سپاسگزاری آن نعمت‌ها را برای خود دوام ببخشید و پایدار کنید.

١٥٠-٢-٢-١-آسانی

﴿۱۸۵۸﴾ زاهد نزد ما کسی است که بداند و عمل کند و با آنکه یقین دارد احتیاط کند؛ اگر در شب به او سختی رسید، خدا را ستایش کند و اگر صبح به او راحتی رسید خدا را شکر کند پس چنین کسی زاهد است.

﴿۱۸۵۹﴾ هنگامی که برای پیامبر ﷺ مطلب ناخوشایند یا مسأله‌ی خوشحال‌کننده‌ای پیش می‌آمد برای ادای شکر به پیشگاه خداوند متعال به حالت سجده به زمین می‌افتاد.

۱۵۱-۲-۲-۱-اندک

﴿ ۱۸۶ 〉 سؤال کردم که تفسیر قناعت چیست؟ فرمود: به آنچه از دنیا برایش می‌رسد بسنده کند، و با اندک بسازد و برای روزی اندک نیز سیاسگزار باشد.

﴿۱۸۶﴾ هر که بر لطف کوچک شکر نکند بر لطف بزرگ هم شکر نمی‌کند.

﴿۱۸۶۲﴾ جبرئیل امین قناعت را این چنین تفسیر کرده است: درباره‌ی آنچه از دنیا به تو رسیده است قانع بوده و در مقابل نعمت اندک سپاسگزار باش و به آن بسنده کن.

۱۵۲-۲-۲-۱-روزهای خدا

﴿۱۸۶﴾ ای آقای من! آیا مرا امر به روزه گرفتن در این روز می‌فرمایید؟ فرمود: آری به خدا، آری به خدا، آری به خدا. این همان روزی است که خداوند در آن توبه‌ی آدم علیه السلام را پذیرفت و او آن روز را به‌عنوان سپاسگزاری از خداوند متعال روزه گرفت و این همان روزی است که خداوند متعال در آن ابراهیم علیه السلام را از آتش نجات داد و او به‌عنوان سپاسگزاری از خداوند متعال بر آن امر، روزه گرفت و این همان روزی است که موسی علیه السلام هارون علیه السلام را به‌عنوان جانشین تعیین کرد و او آن روز را به‌عنوان سپاسگزاری از خداوند متعال روزه گرفت و این همان روزی است که عیسی، وصیش شمعون الصفا را معرفی کرد و آن روز را به‌عنوان سپاسگزاری از خداوند عزیز و جلیل روزه گرفت و این همان روزی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را به‌عنوان جانشین برای مردم معرفی کرد و فضیلت‌ها و جانشینی‌اش را در آن روز آشکار کرد. پس آن روز را به‌عنوان سپاسگزاری از خداوند عزیز و جلیل روزه گرفت و این روز، روز روزه و نماز و غذا دادن و رابطه با برادران است و در این روز خشنودی خداوند است و خوار شدن شیطان.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٨٦٤﴾ فِي خَبَرِ الْمُبَاهِلَةِ وَهِيَ يَوْمُ أَرْبَعٍ وَعِشْرِينَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ وَقَدْ قِيلَ يَوْمُ أَحَدٍ وَعِشْرِينَ وَقِيلَ يَوْمُ سَبْعٍ وَعِشْرِينَ وَأَصَحُّ الرِّوَايَاتِ يَوْمُ أَرْبَعٍ وَعِشْرِينَ وَالزِّيَارَةُ فِيهِ قَالَ إِذَا أَرَدْتَ ذَلِكَ فَأَبْدَأْ بِصَوْمِ ذَلِكَ الْيَوْمِ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى؛ مستدرك الوسائل ج: ٦ ص: ٣٥١

﴿١٨٦٥﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): فِي فَضْلِ يَوْمِ الْغَدِيرِ قَالَ قُلْتُ فَمَا يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَعْمَلَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ قَالَ

هُوَ يَوْمُ عِبَادَةِ وَصَلَاةٍ وَشُكْرِ اللَّهِ وَحَمْدِهِ لَهُ؛ وسائل الشيعة ج: ١٠ ص: ٤٤٦

﴿١٨٦٦﴾ الرَّسُولُ (صلى الله عليه وآله): وَفِي رَجَبٍ حَمَلَ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ نُوحًا فِي السَّفِينَةِ فَصَامَ رَجَبًا وَأَمَرَ مَنْ مَعَهُ أَنْ يَصُومُوا فَجَرَتْ بِهِمُ السَّفِينَةُ سِتَّةَ أَشْهُرٍ آخِرُ ذَلِكَ يَوْمُ عَاشُورَاءَ هَبَطَ عَلَى الْجُودِيِّ فَصَامَ نُوحٌ وَمَنْ مَعَهُ وَالْوَحْشُ: شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ؛ فضائل شهر رجب ص: ٤٩٨

١-٢-٣-١- بَأَى وَسَيْلَةَ وَادَاةٌ يُمَكِّنُ أَنْ نَشْكُرَ اللَّهَ بِهَا؟

١-٢-٣-١- الْبَدَنُ وَأَعْضَاؤُهُ

١-٢-٣-١- الْجِسْمُ

﴿١٨٦٧﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ سَلَامَةً قُلُوبِنَا فِي ذِكْرِ عَظَمَتِكَ، وَفَرَاغِ أَبْدَانِنَا

فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ، وَانْطَلِقِ أَلْسِنَتِنَا فِي وَصْفِ مَنِّكَ؛ الصحيفة السجادية (عليه السلام) ص: ٢٤

﴿١٨٦٨﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): إِنَّ اللِّسَانَ يَنْزَحُ مِنَ الْقَلْبِ وَالْقَلْبُ يَقُومُ بِالْغِذَاءِ فَانْظُرْ فِيمَا تُغْذِي قَلْبَكَ وَجِسْمَكَ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ حَلَالًا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ تَعَالَى تَسْبِيحَكَ وَلَا شُكْرَكَ؛

مستدرك الوسائل ج: ٥ ص: ٢١٧

﴿١٨٦٩﴾ السَّجَادُ (عليه السلام): ذَلِكَ مَا تَكِلُ الْأَلْسُنُ عَنْ صِفَتِهِ وَتَعْجِزُ الْأَبْدَانُ عَنْ آدَاءِ شُكْرِهِ؛

بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٨٠

﴿١٨٧٠﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): فَأَنَا مُقَرَّبُ بَأْنِي لَا أَلْبُغُ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنْ تَعْظِيمِ جَلَالِكَ وَتَقْدِيسِ مَجْدِكَ وَتَمْجِيدِكَ وَكَرَمِكَ وَالثَّنَاءِ عَلَيْكَ وَالْمَدْحِ لَكَ وَالدُّكْرِ لِأَلَائِكَ وَالْحَمْدُ لَكَ عَلَى بَلَائِكَ وَالشُّكْرُ لَكَ عَلَى نِعْمَائِكَ وَذَلِكَ مَا تَكِلُ الْأَلْسُنُ عَنْ صِفَتِهِ وَتَعْجِزُ الْأَبْدَانُ عَنْ آدَاءِ

شُكْرِهِ؛ البلد الأمين ص: ٧٧

﴿١٨٧١﴾ لِأَنَّ الْأَلْسُنَ تَكِلُ عَنْ وَصْفِكَ وَتَعْجِزُ الْأَبْدَانُ عَنْ آدَاءِ شُكْرِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢

ص: ٤٢١

١-٢-٣-١- الْجَنَانُ رَاجِعُ الْقَلْبِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۸۶۴﴾ در اخبار مباحله آمده است که آن روز بیست و چهارم ماه ذی حجه بوده و گفته شده روز بیست و یکم و برخی گفته‌اند بیست و هفتم، اما صحیح‌ترین روایات همان بیست و چهارم ماه ذی حجه است هرگاه اراده‌ی زیارت کردی برای سپاسگزاری از خداوند آن روز را با روزه آغاز کن. در آن روز به زیارت سفارش شده است؛

﴿۱۸۶۵﴾ درباره‌ی فضیلت روز غدیر پرسیدم درباره‌ی اعمال آن روز چه می‌فرمایید؟ فرمود: آن روز، روز عبادت و نماز و شکر و حمد و سپاس برای خدای تعالی است.

﴿۱۸۶۶﴾ خداوند نوح را در ماه رجب، بر کشتی سوار کرد و او رجب را روزه گرفت و به همراهانش دستور داد که روزه بگیرند پس کشتی آن‌ها را مدت شش ماه با خود می‌برد که روز آخر که روز عاشورا بود کشتی بر کوه جودی فرود آمد و نوح و همراهانش و حیوانات برای شکر خداوند متعال روزه گرفتند.

۳-۲-۱- به کدام وسیله و ابزار می‌توان خدا را شکر کرد

۱-۲-۳-۱- بدن و اعضایش

۱-۲-۳-۱-۱- بدن، جسم

﴿۱۸۶۷﴾ خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست، و سلامتی دل‌های ما را در یاد عظمت و بزرگی خود، و آسایش تن‌های ما را در سپاسگزاری نعمت خود، و شیرینی زبان‌های ما را در بیان و توصیف نعمت خود قرارده.

﴿۱۸۶۸﴾ همانا زبان از قلب تغذیه می‌کند و قلب با غذا برپا می‌ایستد پس بین قلب و جسمت با چه چیزی تغذیه می‌شود، پس اگر آن حلال نباشد خداوند تعالی تسبیح و شکر را قبول نمی‌کند.

﴿۱۸۶۹﴾ و این همان است که زبان‌ها در وصف آن از توان افتاده و بدن‌ها از ادای شکرش عاجزند.

﴿۱۸۷۰﴾ من اقرار می‌کنم که نمی‌توانم آن‌گونه که شایسته‌ی توست است جلالت تو را بزرگ شمارم و مجد و کرم تو را بستایم و ثنایت گویم و مدحت کنم و نعمت‌هایت را یاد کنم؛ ستایش سزاوار توست به خاطر امتحانت و شکر مخصوص توست به خاطر نعمت‌هایت و این همان است که زبان‌ها از وصفش ناتوانند و بدن‌ها از ادای شکرش عاجزند.

﴿۱۸۷۱﴾ همانا زبان‌ها از وصف (جود و سخاوت) تو قاصر و ناتوانند و بدن‌ها از ادای شکر نعمات عاجز.

۲-۱-۲-۳-۱- قلب ر.به: دل

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۳-۱-۲-۳-۱-۳-چهره

﴿۱۸۷۲﴾ هرگاه یکی از شما نعمت خدای عزیز و جلیل را به یاد آورد، باید برای شکر خدا، چهره روی خاک بگذارد و اگر سواره‌است باید پیاده شود و چهره روی خاک گذارد و اگر از بیم شهرت و ریا نتواند پیاده شود چهره روی برآمدگی زین بگذارد، و اگر نتواند، چهره بر کف دست بگذارد، سپس خدا را بر نعمتی که به او داده ستایش کرده و سپاس گوید.

۴-۱-۲-۳-۱-۴-چشم

﴿۱۸۷۳﴾ آنگاه که پیامبر ﷺ از گفتن این کلام فارغ شد، به درگاه خدا به سجده افتاد و به خاطر شکر خداوند متعال از شنیدن این حدیث گریستم.

﴿۱۸۷۴﴾ جبرئیل علیہ السلام نازل شد و گفت: ای محمد ﷺ خداوند عزیز و جلیل دعای تو را مستجاب نمود و پیامبر خدا ﷺ دو زانو نشست و دستانش را باز کرد و از چشمانش اشک جاری شد و سپس چنین گفت: "شکر خدا را، شکر خدا را که مرا و همراهان مرا پناه داد.

۱-۴-۱-۲-۳-۱-۴-۱-ناسپاس‌ترین

﴿۱۸۷۵﴾ به چشم هرچه می‌خواهد نده؛ چون ناسپاس‌ترین عضو است.
﴿۱۸۷۶﴾ چشم را عادت به پرخواهی مده که ناسپاس‌ترین اندام تن است.
﴿۱۸۷۷﴾ هیچ عضوی در بدن ناسپاس‌تر از چشم نیست، خواسته‌هایش را به او ندهید که شما را از یاد خدا باز می‌دارد.

۵-۱-۲-۳-۱-۵-قلب

﴿۱۸۷۸﴾ چهار چیز است که اگر به هرکسی عطا شده باشد خیر دنیا و آخرت به او عطا شده است، و آن چهار چیز عبارت است از: "بدنی صابر، زبانی گویا به ذکر خدا، قلبی شکرکننده و همسری صالح".

﴿۱۸۷۹﴾ فرستاده‌ی خدا پیامبر درس‌ناخوانده و صاحب خلق عظیم و دین استوار و راه مستقیم و قرآن حکیم و رکن و حطیم؛ صاحب دین و اطاعت و فصاحت و بلاغت حمله‌های مکرر و شجاعت و توکل و قناعت و حوض کوثر و شفاعت و صاحب دین پیروز و حق درخشان و زمان نورانی و زبان گویا و بدن کشیبا و قلب شاکر و نسب پاک و بهترین پدران و مادران پاک، نور و برکت و نعمت و یمن و سرور و صاحب زبانی بسیار یادکننده و بدنی بسیار شکیبا و قلبی بسیار شکرگزار است.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٨٨٠﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيْمَانًا ثَابِتًا وَ عَمَلًا مَقْبُولًا وَ دُعَاءً مُسْتَجَابًا وَ يَقِينًا صَادِقًا وَ قَوْلًا طَيِّبًا وَ قَلْبًا شَاكِرًا؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٣٧٠

﴿١٨٨١﴾ الصّادق عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ لِسَانًا ذَاكِرًا وَ قَلْبًا شَاكِرًا؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٢٣٧
﴿١٨٨٢﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْتَحْ مَسَامِعَ قَلْبِي لِذِكْرِكَ وَ شُكْرِكَ؛ مكارم الأخلاق ص: ٢٩٨

﴿١٨٨٣﴾ العسكري عليه السلام: أَمَّا أَحْسَنُ مِنَ الْأَوَّلِ حَالًا فَرَجُلٌ اعْتَقَدَ صِدْقًا بِمُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ وَ صِدْقًا بِأَعْظَامٍ عَلَى أَخِي رَسُولِ اللَّهِ وَ وَلِيِّهِ وَ ثَمَرَةَ قَلْبِهِ وَ مَحْضَ طَاعَتِهِ فَشَكَرَ لَهُ رَبَّهُ وَ نَبِيَّهُ وَ وَصِيَّ نَبِيِّهِ فَجَمَعَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ بِذَلِكَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَزَقَهُ لِسَانًا لِآلَاءِ اللَّهِ تَعَالَى ذَاكِرًا وَ قَلْبًا لِنِعْمَاتِهِ شَاكِرًا وَ بِأَحْكَامِهِ رَاضِيًا وَ عَلَى احْتِمَالِ مَكَارِهِ أَعْدَاءِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ نَفْسَهُ مُوْطِنًا لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى سَمَاهُ عَظِيمًا فِي مَلَكُوتِ أَرْضِهِ وَ سَمَواتِهِ وَ حَبَاهُ بِرِضْوَانِهِ وَ كَرَامَاتِهِ فَكَانَتْ تِجَارَةٌ هَذَا أَرْبَحَ وَ غَنِيمَتُهُ أَكْثَرَ وَ أَعْظَمُ؛ بحار الأنوار ج: ٦٥ ص: ١٠٦

﴿١٨٨٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ اللِّسَانَ يَنْزَحُ مِنَ الْقَلْبِ وَ الْقَلْبُ يَقُومُ بِالْغِذَاءِ فَانْظُرْ فِيمَا تُغْذِي قَلْبَكَ وَ جِسْمَكَ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ حَالًا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ تَعَالَى تَسْبِيحَكَ وَ لَا شُكْرَكَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ٢١٧

﴿١٨٨٥﴾ الأئمة عليهم السلام: أَنَّى وَ لَكُمْ الْقُلُوبُ الَّتِي تَوَلَّى اللَّهُ رِيَاضَتَهَا بِالْخَوْفِ وَ الرَّجَاءِ وَ جَعَلَهَا أَوْعِيَةً لِلشُّكْرِ وَ الثَّنَاءِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٩ ص: ١٦٢

﴿١٨٨٦﴾ العسكري عليه السلام: سَأَلْتُهُ بِهِمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَنْ يَهَبَ لِي لِسَانًا لَتَحْمِيدِهِ وَ ثَنَائِهِ ذَاكِرًا وَ قَلْبًا لِآلَائِهِ شَاكِرًا وَ عَلَى الدَّوَاهِي الدَّاهِيَةِ لِي صَابِرًا؛ بحار الأنوار ج: ٢٢ ص: ٣٦٩

﴿١٨٨٧﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: سَأَلْتُهُ بِهِمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَنْ يَهَبَ لِي لِسَانًا ذَاكِرًا لِحَمِيدِهِ وَ ثَنَائِهِ وَ قَلْبًا شَاكِرًا لِآلَائِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٢٢

﴿١٨٨٨﴾ الرضا عليه السلام: طُوبَى لِمَنْ شُغِلَ قَلْبُهُ بِشُكْرِ النِّعْمَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٣٥٣

﴿١٨٨٩﴾ الصّادق عليه السلام: فِي كُلِّ نَفْسٍ مِنْ أَنْفَاسِكَ شُكْرٌ لَازِمٌ لَكَ بَلْ أَلْفٌ وَ أَكْثَرُ وَ أَذْنَى الشُّكْرِ رُؤْيَا النِّعْمَةِ مِنَ اللَّهِ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ يَتَعَلَّقُ الْقَلْبُ بِهَا دُونَ اللَّهِ وَ الرِّضَا بِمَا أَعْطَاهُ وَ أَنْ لَا تَعْصِيَهُ بِنِعْمَتِهِ وَ تُخَالِفَهُ بِشَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ بِسَبَبِ نِعْمَتِهِ وَ كُنْ لِلَّهِ عَبْدًا شَاكِرًا عَلَى كُلِّ حَالٍ تَجِدَ اللَّهَ رَبًّا كَرِيمًا عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ لَوْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عِبَادَةٌ تُعْبَدُ بِهَا عِبَادَةُ الْمُخْلِصِينَ أَفْضَلَ مِنْ الشُّكْرِ عَلَى كُلِّ حَالٍ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۸۸۰﴾ پروردگارا، از تو ایمانی راسخ و عملی مورد قبول و دعایی مستجاب و یقینی صادق و سخنی پاک و قلبی شکرگزار درخواست می‌کنم.

﴿۱۸۸۱﴾ خداوندا از تو؛ زبانی گویا به ذکر، و قلبی سرشار از سپاسگزاری درخواست می‌کنم.

﴿۱۸۸۲﴾ خداوندا بر محمد و آلش درود فرست، و گوش‌های دلم را برای یاد و شکر خودت بازکن.

﴿۱۸۸۳﴾ آن‌کس که حالش از اولی بهتر است، مردی است که به‌راستی به محمد عقیده دارد و او را پیامبر خدا می‌داند و حق علی علیه السلام را بزرگ می‌شمارد و او را برادر پیامبر خدا و ولی او و میوه‌ی دل او و فرمان‌بر خالص او می‌داند، (در عوض) پروردگارش و پیامبر و وصی پیامبر از او قدردانی می‌نمایند و خداوند به همین جهت خیر دنیا و آخرت را برای او فراهم می‌آورد و به او زبانی عنایت می‌کند تا همیشه به یاد نعمت‌های خدا باشد و قلبی عطا می‌کند که سپاسگزار او باشد و به قوانین الهی خشنود و بر تحمل ناملایمات از دشمنان محمد صلی الله علیه و آله و خاندانش اراده‌ی محکم و تصمیم جدی داشته باشد، بدیهی است خداوند چنین کسی را در ملکوت زمین و آسمان‌هایش به بزرگی نام می‌برد، و خشنودی و عنایات خاصه‌ی خویش را به او پیشکش می‌نماید، تجارت چنین کسی سودمندتر و سود او از هرکسی و هر تجارتی بزرگ‌تر و بیشتر است.

﴿۱۸۸۴﴾ همانا زبان از قلب تغذیه می‌کند و قلب با غذا برپا می‌ایستد پس بین قلب و جسمت با چه چیزی تغذیه می‌شود، پس اگر آن حلال نباشد خداوند تعالی تسبیح و شکر را قبول نمی‌کند.

﴿۱۸۸۵﴾ چرا این‌گونه نباشد که خداوند عهده‌دار تهذیب دل‌های شما به‌وسیله‌ی ترس و امید شده است و دل‌هایتان را ظرف شکر و ثنای خود قرار داده است.

﴿۱۸۸۶﴾ از خدا خواستم تا به خاطر آن‌ها علیهم السلام به من زبانی گویا به تمجید و ثنایش ببخشد و قلبی شاکر نعمت‌ها و صبور در مصیبت‌های بزرگش عطا کند.

﴿۱۸۸۷﴾ سؤال کردم آن را از ایشان علیهم السلام که بخشید برای من زبانی گویای ذکر برای حمد و ثنای الهی و قلبی که خاضع و شاکر است در برابر نعمت‌هایش.

﴿۱۸۸۸﴾ خوشا به حال آن‌کس که قلب خود را با شکرگزاری از نعمت‌های خداوند مشغول بسازد.

﴿۱۸۸۹﴾ برای هر نفسی شکری بلکه هزار شکر یا بیشتر لازم است. و کمترین درجه‌ی شکر این است که نعمت را فقط از خدا بدانی و اسباب و علت دیگری جز خدا در دل تو جای نداشته باشد؛ برای هر نفسی شکری بلکه هزار شکر یا بیشتر لازم است. و کمترین درجه‌ی شکر این است که نعمت را فقط از خدا بدانی و اسباب و علت دیگری جز خدا در دل تو جای نداشته باشد. و نیز راضی بودن از آنچه خدا به او بخشیده و اینکه با نعمت خدا او را نافرمانی نکند و با امر و نهی او از در مخالفت برنخیزد. برای خدا در همه‌ی حالات بنده‌ی شکرگزار باش تا خدا را پروردگاری سخاوتمند بیابی. و اگر برای خدا عبادتی بهتر از شکر می‌بود که بندگان خالصش،

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

لَأُطْلَقَ لَفْظُهُ فِيهِمْ مِنْ جَمِيعِ الْخَلْقِ بِهَا فَلَمَّا لَمْ يَكُنْ أَفْضَلَ مِنْهَا خَصَّهَا مِنْ بَيْنِ الْعِبَادَاتِ وَ خَصَّ
 أَرْبَابَهَا فَقَالَ وَقَلِيلٌ مِنْ عِبَادِي الشَّاكِرُونَ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٥٢

﴿١٨٩٠﴾ الباقر عليه السلام: مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً فَشَكَرَهَا بِقَلْبِهِ إِلَّا اسْتَوْجَبَ الْمَزِيدَ قَبْلَ أَنْ يُظْهَرَ شُكْرُهُ عَلَى لِسَانِهِ؛ وسائل الشيعة ج: ١٦ ص: ٣١١

﴿١٨٩﴾ الرسول ﷺ: مَنْ أُوتِيَ قَلْبًا شَاكِرًا وَزَوْجَةً صَالِحَةً تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ دُنْيَاهُ وَآخِرَتِهِ فَقَدْ أُوتِيَ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقُيَ عَذَابُ النَّارِ؛ فقه القرآن ج: ١ ص: ٢٩٩

﴿١٨٩٢﴾ الرسول ﷺ: مَنْ دَاوَمَ عَلَى آيَةِ الْكُرْسِيِّ عَقِيبَ كُلِّ صَلَاةٍ آغَاظَهُ اللَّهُ تَعَالَى قَلْبَ الشَّاكِرِينَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ٦٧

﴿١٨٩٣﴾ مَنْ شَكَرَ النُّعْمَ بِجَنَانِهِ اسْتَحَقَّ الْمَزِيدَ قَبْلَ أَنْ يُظْهَرَ عَلَى لِسَانِهِ؛ غررالحكم ص: ٢٨٠
 ﴿١٨٩٤﴾ الصادق عليه السلام: وَإِذَا تَذَنُّ رَبُّكُمْ لَتَنِي شَكَرْتُمْ لِأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ
 فَهَذَا كُفْرُ النُّعْمِ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَيُّمَا عَبْدٍ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ وَحَمِدَ
 اللَّهَ عَلَيْهَا بِلِسَانِهِ لَمْ تَنْفُذْ حَتَّى يَأْمُرَ اللَّهُ لَهُ بِالزِّيَادَةِ وَهُوَ قَوْلُهُ لَتَنِي شَكَرْتُمْ لِأَزِيدَنَّكُمْ؛ تفسير القمي
 ج: ١ ص: ٣٦٧

﴿١٨٩٥﴾ يَنْصُرُنِي رَبِّي خَيْرُ نَاصِرٍ آمَنْتُ بِاللَّهِ بِقَلْبٍ شَاكِرٍ

ص: ۲۱۹ علیہ السلام دیوان الإمام علی

١-٢-٣-٤-٥-٦ اللسان

﴿١٨٩٦﴾ الرضا عليه السلام: أَسْأَلُ النَّارَ عَلَى وَجْهِ خَرَّتْ لِعِظَمَتِكَ سَاجِدَةً وَعَلَى أَلْسِنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً وَبَشْكُرِكَ مَادِحَةً؛ المصباح للكنعني ص: ٥٥٧

﴿١٨٩٧﴾ امیر المؤمنین علیہ السلام: إِذَا قَصُرَتْ يَدُكَ عَلَى الْمُكَافَاةِ فَاطْلُ لِسَانِكَ بِالشُّكْرِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٥٦

﴿١٨٩٨﴾ أَطْلُقْ أَلَسْتَنَا بِشُكْرٍ آلَايَكَ وَالتَّحَدَّثُ بِنِعْمَائِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١١٢

﴿١٨٩٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَطْلَقْتَ لِسَانِي بِشُكْرِكَ؛ مهج الدعوات ص: ١١١

﴿١٩٠﴾ اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقَى الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنَ التَّمَنَّى وَالتَّظَنِّي وَالْحَسَدِ ذِكْرًا لِعَظَمَتِكَ، وَتَفَكُّرًا فِي قُدْرَتِكَ، وَتَدْبِيرًا عَلَى عَدُوِّكَ، وَمَا أَجْرَى عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظَةٍ فُحْشٍ أَوْ هُجْرٍ أَوْ شَتْمٍ عَرَضَ أَوْ شَهَادَةٍ بَاطِلٍ أَوْ اغْتِيَابٍ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ أَوْ سَبِّ حَاضِرٍ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ نَطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ، وَ إِغْرَاقًا فِي الثَّنَاءِ عَلَيْكَ، وَ ذَهَابًا فِي تَمَجِّيدِكَ، وَ شُكْرًا لِنِعْمَتِكَ؛ الصَّحِيفَةُ السَّجَادِيَّةُ

الصلوة ص: ٩٢

العليه ص: ٩٢

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

بتوانند در تمام حالات او را با آن بپرستند، خداوند در بین آفریدگان از آن نام می‌برد. ولی چون خداوند در میان عبادات بهتر از آن نیافت که صاحبانش را بر آن ممتاز کند چنین فرمود: "و اندکی از بندگان من سپاسگزارند".

﴿۱۸۹۰﴾ خداوند هیچ نعمتی را بر بنده‌ای ارزانی نداشته مگر آنکه بنده با شکر آن در دل، پیش از آشکارکردن آن به زبان، شایسته افزایش آن نعمت شده است.

﴿۱۸۹۱﴾ هرکس که به او قلبی سرشار از شکرگزاری و همسری صالح و درست کار عطا شود که در امور دنیا و آخرت یاورش باشد، به تحقیق به او در دنیا و آخرت حسنه و نیکویی بخشیده شده است و همچنین از عذاب آتش دور نگاه داشته می‌شود.

﴿۱۸۹۲﴾ هرکس بر خواندن آیه‌الکرسی در عقب نمازهای واجب مداومت نماید، خدای تعالی به او قلب شکرگزاران را عطا می‌فرماید.

﴿۱۸۹۳﴾ هر که نعمت‌ها را در دل خود شکر کند، پیش از اینکه آن شکر بر زبان او جاری شود سزاوار دریافت نعمت بیشتر خواهد شد.

﴿۱۸۹۴﴾ و (همچنین به خاطر بیاورید) هنگامی که پروردگارتان اعلام داشت: "اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهیم افزود و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است." و این کفر نعمت است پس امام صادق علیه السلام فرمود: هر بنده‌ای که خداوند نعمتی به او داده و آن بنده به آن نعمت معرفت قلبی داشته باشد و با زبان نیز حمد و سپاس الهی را به‌جا آورد؛ هنوز حمد و سپاسش تمام نشده باشد که خداوند دستور افزایش نعمت را صادر می‌کند. و این است معنای آیه "لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ".

﴿۱۸۹۵﴾ پروردگارم به من یاری می‌رساند که نیکو یاری‌دهنده‌ای است، به خدای تعالی با قلبی سرشار از شکر و سپاس ایمان دارم.

۱-۲-۳-۴-۵-۶- زبان

﴿۱۸۹۶﴾ آیا آتش دوزخ را بر چهره‌هایی مسلط می‌کند که برای اعتراف به عظمت تو به سجده افتاده و بر زبان‌هایی که صادقانه به یگانگی تو گویا شده، و سپاسگزارانه برای شکر تو گشوده شده است؟ (نه هرگز چنین نخواهد بود).

﴿۱۸۹۷﴾ هنگامی که دستت از پاسخ دادن به محبت‌های دیگران کوتاه است، حداقل زبان خود را برای تشکر از او حرکت بده.

﴿۱۸۹۸﴾ زبانمان را بر شکر نعمت‌هایت و صحبت درباره آنها باز کن.

﴿۱۸۹۹﴾ زبان مرا برای شکرگزاری‌ات گویا ساخته‌ای.

﴿۱۹۰۰﴾ خدایا، هر آرزو و گمان و حسد که شیطان در دل من افکند تو آن را به ذکر عظمت و تفکر در قدرت و تدبیر بر ضد دشمنی بدل نمای و هر ناسزا و سخن زشت و ریختن آبرو، یا شهادت باطل، یا غیبت مؤمن غایب یا ناسزا به حاضران و از این گونه که شیطان بر زبان من می‌افکند تو آن را به حمد و سپاس خود و اغراق در ثنا و بیان مجد و عظمت و شکر نعمت خود بدل فرما.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٩٠١﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ أَطْلِقْ أَلْسِنَتَنَا بِذِكْرِكَ وَ لَا تُنْسِنَا شُكْرَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٢٦٢

﴿١٩٠٢﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ فَلكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا نَقَّيْتَ مِنَ الشُّرْكِ قَلْبِي وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى بَسْطِ لِسَانِي أ فَيْلَسَانِي هَذَا الْكَلَّ أَشْكُرُكَ أَمْ بِغَايَةِ جُهْدِي فِي عَمَلِي أَرْضِيكَ وَ مَا قَدَّرُ لِسَانِي يَا رَبِّ فِي جَنْبِ شُكْرِكَ وَ قَدَّرُ عَمَلِي فِي جَنْبِ نِعَمِكَ وَ إِحْسَانِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٢٦٢

﴿١٩٠٣﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ لَقْنِي حُجَّتِي يَوْمَ الْآثَاكِ وَ أَطْلِقْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ وَ شُكْرِكَ؛

من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٤١

﴿١٩٠٤﴾ الرضا عليه السلام: إِلَهِي وَ مَوْلَايَ أ تَسْلُطُ النَّارُ عَلَى وَجْهِ خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً وَ عَلَى أَلْسُنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً وَ بِشُكْرِكَ مَادِحَةً؛ المصباح للكفعمي ص: ٥٥٧

﴿١٩٠٥﴾ الصادق عليه السلام: إِنْ مَنْ عَرَفَ نِعْمَةَ اللَّهِ بِقَلْبِهِ اسْتَوْجَبَ الْمَزِيدَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَبْلَ أَنْ يُظْهَرَ شُكْرُهَا عَلَى لِسَانِهِ؛ الكافي ج: ٨ ص: ١٢٨

﴿١٩٠٦﴾ أَنْطِقْ بِحَمْدِكَ وَ شُكْرِكَ وَ ذِكْرِكَ وَ حُسْنِ الثَّنَاءِ عَلَيْكَ لِسَانِي؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ١١٢

﴿١٩٠٧﴾ الصادق عليه السلام: دَعَوْتُكَ بِلِسَانِ نِعْمَانِهِ لِشُكْرِكَ وَ أَصِفَةٍ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٦٨

﴿١٩٠٨﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: لَمَّا نَزَلَ قَوْلُهُ تَعَالَى وَ الَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ الْآيَةَ قَالَ تَبَّأَ لِلذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ قَالَهَا ثَلَاثًا فَقَالُوا أَيْ الْمَالِ تَتَّخِذُ فَقَالَ لِسَانًا شَاكِراً وَ قَلْبًا خَاشِعاً وَ زَوْجَةً تُعِينُ أَحَدَكُمْ عَلَى دِينِهِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٤ ص: ١٧١

﴿١٩٠٩﴾ مَنْ شَكَرَ النِّعَمَ بِجَنَانِهِ اسْتَحَقَّ الْمَزِيدَ قَبْلَ أَنْ يُظْهَرَ عَلَى لِسَانِهِ؛ غرر الحكم ص: ٢٨٠

﴿١٩١٠﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ قَصُرَتْ يَدُهُ بِالْمُكَافَاةِ فَلْيُطِلْ لِسَانَهُ بِالشُّكْرِ؛ وسائل الشيعة ج: ١٦ ص: ٣١١

﴿١٩١١﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: وَ اجْعَلْ مِنْ لِسَانِ حَالِنَا مِنْ يَحْمَدُكَ إِنْ غَفَلْنَا وَ يَشْكُرُكَ إِنْ جَهِلْنَا وَ يُثْنِي عَلَيْكَ إِنْ أَهْمَلْنَا؛ الأمان ص: ١٤٦

﴿١٩١٢﴾ الصادق عليه السلام: وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ فَهَذَا كُفْرُ النِّعَمِ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَيُّمَا عَبْدٍ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ وَ حَمِدَ اللَّهَ عَلَيْهَا بِلِسَانِهِ لَمْ تَنْفُذْ حَتَّى يَأْمُرَ اللَّهُ لَهُ بِالزِّيَادَةِ - وَ هُوَ قَوْلُهُ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ؛ تفسير القمي ج: ١ ص: ٣٦٧

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

- ﴿۱۹۰۱﴾ پروردگارا، زبانمان را به یاد تو گویا فرما و شکر تو را از خاطرمان میر.
- ﴿۱۹۰۲﴾ حمد مخصوص توست به خاطر آنکه قلبم را از شرک پاک کردی و زبانم را باز کردی، آیا با این زبان لال تو را شکر گویم و یا با نهایت کوشش در عملم می توانم تو را راضی نمایم؟ زبانم چه توانی دارد؟ عمل من در برابر نعمت‌ها و احسان تو چه ارزشی دارد؟
- ﴿۱۹۰۳﴾ خدایا، در روزی که تو را ملاقات می کنم، دلایلم را به من تلقین فرما و زبانم را فقط به یاد خودت و شکر و سپاسگزاری از خودت گویا کن.
- ﴿۱۹۰۴﴾ ای خدا و ای مولای من، آیا آتش دوزخ را بر چهره‌هایی که برای عظمت به سجده افتاده و بر زبان‌هایی که صادقانه به یگانگی‌ات گویا شده، و سپاسگزارانه به شکرگزاری تو باز شده است چیره می کنی؟
- ﴿۱۹۰۵﴾ کسی که نعمت خدا را بشناسد موجب افزایش نعمت از جانب خدا می شود حتی پیش از آنکه با زبان شکرگزاری کند.
- ﴿۱۹۰۶﴾ زبانم را با حمد و سپاس و یاد و ستایش نیک خود گویا فرما.
- ﴿۱۹۰۷﴾ دعا می کنم (به پیشگاه) تو و با زبانهای گوناگون برای شکر نمودن تو که در آن وصف توست.
- ﴿۱۹۰۸﴾ آنگاه که این کلام خداوند متعال نازل شد: "و کسانی که زر و سیم می اندوزند تا انتهای آیه " فرمود: " نابود باد زر و سیم " و این را سه بار فرمود. مردم گفتند: پس کدام مال را برگیریم؟ فرمودند: زبانی شاکر و قلبی خاشع و همسری که شما را بر دین خدا، یاری نماید.
- ﴿۱۹۰۹﴾ هر که نعمت‌ها را در دل خود شکر کند، پیش از اینکه آن شکر بر زبان او جاری شود سزاوار دریافت نعمت بیشتر خواهد شد.
- ﴿۱۹۱۰﴾ هر که دستش از دادن پاسخ برابر به لطفی که به او شده کوتاه است، باید زبانش را در سپاسگزاری بگشاید.
- ﴿۱۹۱۱﴾ خدایا، زبان حالمان را چنین قرار ده که اگر غفلت ورزیدیم، تو را ستایش کند، و اگر نافرمانی کردیم، تو را سپاس گزارد و اگر سهل انگاری کردیم، تو را ثنا گوید.
- ﴿۱۹۱۲﴾ و (همچنین به خاطر بیاورید) هنگامی که پروردگارتان اعلام داشت: " اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است. " و این کفر نعمت است پس امام صادق علیه السلام فرمود: هر بنده‌ای که خداوند نعمتی به او داده و آن بنده به آن نعمت معرفت قلبی داشته باشد و با زبان نیز حمد و سپاس الهی را به جا آورد؛ هنوز حمد و سپاسش تمام نشده باشد که خداوند دستور افزایش نعمت را صادر می کند. و این است معنای آیه " لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ ".

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٩١﴾ وَإِنْ أَوْلَاكَ ذُو كَرَمٍ جَمِيلًا فَكُنْ بِالشُّكْرِ مُنْطَلِقَ اللِّسَانِ

دیوان الإمام علی (ع) ص: ۴۴۵

﴿١٩١٤﴾ الرَّسُولُ ﷺ: يَا حُذَيْفَةُ انْطَلِقْ إِلَى حُجْرَةِ كَاشِفِ الْكُرُوبِ وَعَبْدِ عِلَّامِ الْغُيُوبِ وَاللَّيْثِ

الْهَـصُورَ وَاللِّسَانَ الشَّكُورَ... علي بن أبي طالب؛ بحار الأنوار ج: ٣٩ ص: ١٨٦

﴿١٩١٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَلَيْسَ شُكْرِي وَإِنْ دَأَبْتُ مِنْهُ فِي الْمَقَالِ وَبَالَغْتُ مِنْهُ فِي الْفَعَالِ

بِبَالِغِ أَدَاءِ حَقِّكَ وَلَا مُكَافَافِ فَضْلِكَ؛ مهج الدعوات ص: ١٢٩

١-٦-١-٢-٣-١- لسان الحال

﴿١٩١٦﴾ الرِّسُولُ ﷺ وَاجْعَلْ مِنْ لِسَانِ حَالِنَا مِنْ يَحْمَدُكَ إِنْ غَفَلْنَا وَ يَشْكُرُكَ إِنْ جَهَلْنَا وَ

يُشْنِي عَلَيْكَ إِنَّ أَهْمَلْنَا؛ الأمان ص: ١٤٦

١-٧-٣-١- الوَحْه

﴿١٩١٧﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): فَسَجَدَ عَلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَجَعَلَ يُقَلِّبُ وَجْهَهُ عَلَى الْأَرْضِ

شُكْرًا؛ وسائل الشيعة ج: ٧ ص: ٢٠

٨-١-٣-٢-١-البَدِين

﴿١٩١٨﴾ الرِّسُولُ ﷺ: فَنَزَلَ جُبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ اسْتَجَابَ دَعْوَتَكَ

فَجَاءَنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَى رُكْبَتَيْهِ وَبَسَطَ يَدَيْهِ وَأَرْسَلَ بِالْذُّمُّوعِ عَيْنِيهِ ثُمَّ نَادَى شُكْرًا شُكْرًا كَمَا

أَوَيْتَنِي وَآوَيْتَ مَنْ مَعِيَ؛ القصص للراوندي ص: ٣٤٥

٢-٣-١- تحققُ الشُّكْرُ بالعبادات

١-٢-٣-٢-١ الدعاء و راجع: الأدعية في السجدة الشكر

١-١-٢-٣-١-الدُّعَاءُ ١

﴿١٩١٩﴾ السَّجَادَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا مُحَمَّدٌ قُلْ لِلَّذِينَ يَرِيدُونَ التَّقَرُّبَ إِلَيَّ اعْلَمُوا عِلْمًا يَقِينًا أَنَّ هَذَا الْكَلَامَ

أَفْضَلُ مَا أَنْتُمْ مُتَقَرِّبُونَ بِهِ إِلَى بَعْدِ الْفَرَائِضِ وَذَلِكَ أَنْ يَقُولَ اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَمْ يُمَسَّ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ

أَنْتَ إِلَيْهِ أَحْسَنُ صَنِيعًا وَلَا لَهُ أَذْوَمُ كَرَامَةً وَلَا عَلَيْهِ أَكْبَنُ فَضْلًا وَلَا بِهِ أَشَدُّ تَرْفَقًا وَلَا عَلَيْهِ أَشَدُّ

حَيْطَةً وَلَا عَلَيْهِ أَشَدُّ تَعَطُّفًا مِنْكَ عَلَىٰ وَ إِنْ كَانَ جَمِيعُ الْمَخْلُوقِينَ يُعَدِّدُونَ مِنْ ذَلِكَ مِثْلَ

تَعْدِيدِي فَاشْهَدْ يَا كَافِيَ الشَّهَادَةِ بَانِي أَشْهَدُكَ بِنِيَّةٍ صِدْقٍ بَانَ لَكَ الْفَضْلَ وَالطَّوْلَ فِي إِنْعَامِكَ

عَلَىٰ وَفِيهِ شُكْرٌ لِّكَ فِيهَا يَا فَاعِلٌ كُلَّ إِرَادَةٍ صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَطُوفَنِي أَمَانًا مِنْ حُلُولِ

السَّحْطِ لِفِيهِ الشُّكْرِ وَ أَوْجِبِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۹۱۳﴾ و اگر صاحب کرم، به تو بخششی زیبا عطا کرد زبانت را به شکر و سپاس باز کن.
﴿۱۹۱۴﴾ ای حذیفه، به حجره‌ی علی بن ابی طالب برطرف‌کننده‌ی سختی‌ها و بنده‌ی داننده‌ی غیب‌ها و شیر درنده و زبان بسیار شکرکننده روانه شو.
﴿۱۹۱۵﴾ شکر و سپاسگزاری من به هراندازه‌ای که با زبان برای ادای آن بکوشم، و به هر مقدار که در عمل برای تحقق آن تلاش کنم، حق تو را ادا نمی‌کند و لطف تو را پاسخ نمی‌دهد.

۱-۶-۱-۳-۲-۱- زبان حال

﴿۱۹۱۶﴾ خدایا، زبان حالمان را چنین قرار ده که اگر غفلت ورزیدیم، تو را ستایش کند، و اگر نافرمانی کردیم، تو را سپاس گزارد و اگر سهل‌انگاری کردیم، تو را ثنا گوید.

۱-۷-۱-۳-۲-۱- چهره

﴿۱۹۱۷﴾ پس امیرالمؤمنین علیه السلام برای خدا سجده کرد و برای ادای شکر پروردگار صورت بر زمین نهاد.

۱-۸-۱-۳-۲-۱- داستان

﴿۱۹۱۸﴾ جبرئیل علیه السلام نازل شد و گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله خداوند عزیز و جلیل دعای تو را مستجاب نمود و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دو زانو نشست و دستانش را باز کرد و از چشمانش اشک جاری شد و سپس چنین گفت: "شکر خدا را، شکر خدا را که مرا و همراهان مرا پناه داد.

۲-۳-۱-۲- محقق‌شدن شکر به واسطه‌ی عبادت

۱-۲-۳-۲-۱- دعا و ر.به: دعا‌های سجده‌ی شکر

۱-۱-۲-۳-۲-۱- دعا ۱

﴿۱۹۱۹﴾ ای محمد صلی الله علیه و آله به آنان که خواهان تقرب به سوی من هستند بگو: یقین بدانید این کلام بعد از ادای واجبات بالاترین درجه‌ی نزدیکی به من را برایتان به ارمغان می‌آورد و آن این است که بگویید: "خدایا، هیچ بنده‌ای نیست که تو بر او بیش از من احسان کرده باشی و کرامت تو بر او دائمی‌تر از کرامت بر من بوده و لطف تو بر او آشکارتر از لطف تو بر من باشد و با او مهربان‌تر از من باشی و حجت تو بر او بیش از من باشد و یا با او مهربان‌تر از من باشی؛ و اگر تمامی خلائق نیز همین را بگویند ای کسی که شهادت تو کافی است، خود شهادت بده و من تو را با نیت صحیح به شهادت می‌گیرم که لطف و بخشش در نعمت‌دادن به من از آن توسست و کم شکر کردن من در مقابل آن‌ها از آن من است. ای به‌وجودآورنده‌ی همه‌ی اراده‌ها، بر محمد و خاندانش درود فرست و گردنبند ایمن بودن از خشم خود را که به خاطر قصور ما در شکر برافروخته شده بر گردن من بینداز. و با رحمت و آمرزش گسترده‌ات فزونی نعمت را بر من

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

لِي زِيَادَةٍ مِنْ إِيْتِمَامِ النُّعْمَةِ بِسَعَةِ الرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ أَنْظِرْنِي خَيْرَكَ وَلَا تُقَاسِنِي بِسُوءِ سَرِيرَتِي وَامْتَحِنْ قَلْبِي لِرِضَاكَ وَاجْعَلْ مَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ فِي دِينِكَ خَالِصًا وَلَا تَجْعَلْهُ لِلزُّومِ شُبْهَةً وَلَا فَخْرًا وَلَا رِيَاءً يَا كَرِيمُ فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِكَ أَحَبَّهُ أَهْلُ سَمَاوَاتِي وَسَمَوُهُ الشُّكُورُ؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٢٧٨

٢-١-٢-٣-١-٢-١-٢-٢ الدعاء ٢

﴿١٩٢٠﴾ الرضا عليه السلام: الْمُنَاجَاةُ بِالشُّكْرِ لِلَّهِ تَعَالَى بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَرَدِّ نَوَازِلِ الْبَلَاءِ وَمُلِمَاتِ الضَّرَاءِ وَكَشْفِ نَوَائِبِ الْأَوَاءِ وَتَوَالِي سُبُوحِ النُّعْمَاءِ وَ لَكَ الْحَمْدُ رَبِّ عَلَى هِنِيءِ عَطَائِكَ وَمَحْمُودِ بِلَائِكَ وَجَلِيلِ آلَائِكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى إِحْسَانِكَ الْكَثِيرِ وَخَيْرِكَ الْغَزِيرِ وَتَكْلِيفِكَ الْيُسِيرِ وَدَفْعِكَ الْعُسِيرِ وَ لَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ عَلَى تَشْمِيرِكَ قَلِيلِ الشُّكْرِ وَإِعْطَائِكَ وَافِرِ الْأَجْرِ وَحَطِّكَ مُثْقَلِ الْوِزْرِ وَقَبُولِكَ ضَيْقَ الْعُذْرِ وَوَضْعِكَ بَاهِظِ الْأَصْرِ وَتَسْهِيلِكَ مَوْضِعِ الْوُغْرِ وَمَنْعِكَ مُفْطِغِ الْأَمْرِ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى الْبَلَاءِ الْمَصْرُوفِ وَوَافِرِ الْمَعْرُوفِ وَدَفْعِ الْمَخُوفِ وَإِذْلالِ الْعُسُوفِ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى قَلَّةِ التَّكْلِيفِ وَكَثْرَةِ التَّخْفِيفِ وَتَقْوِيَةِ الضَّعِيفِ وَإِغَاثَةِ الْهَلِيفِ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى سَعَةِ إِمْهَالِكَ وَدَوَامِ إِفْضَالِكَ وَصَرْفِ مِحَالِكَ وَحَمِيدِ فِعَالِكَ وَتَوَالِي نَوَالِكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى تَأْخِيرِ مُعَاجَلَةِ الْعِقَابِ وَتَرْكِ مُغَافَصَةِ الْعَذَابِ وَتَسْهِيلِ طُرُقِ الْمَابِ وَإِنْزَالِ غَيْثِ السَّحَابِ إِنَّكَ الْمَنَّانُ الْوَهَّابُ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١١٩

٣-١-٢-٣-١-٢-١-٢-٣ الدعاء ٣

﴿١٩٢١﴾ السجاد عليه السلام: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِلَهِي أَذْهَلَنِي عَنْ إِقَامَةِ شُكْرِكَ تَتَابِعْ طَوْلَكَ وَاعْجِزْنِي عَنْ إِحْصَاءِ ثَنَائِكَ فَيُضْ فَضْلُكَ وَشَغَلْنِي عَنْ ذِكْرِ مَحَامِدِكَ تَرَادُفْ عَوَائِدِكَ وَاعْيَانِي عَنْ نَشْرِ عَوَارِفِكَ تَوَالِي أَيَادِيكَ وَهَذَا مَقَامٌ مِنْ اعْتَرَفَ بِسُبُوحِ النُّعْمَاءِ وَقَابَلَهَا بِالتَّقْصِيرِ وَشَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْإِهْمَالِ وَالتَّضْيِيعِ... إِلَهِي تَصَاغَرَ عِنْدَ تَعَاظُمِ آلَائِكَ شُكْرِي وَتَضَاعَلَ فِي جَنْبِ إِكْرَامِكَ إِيَّايَ ثَنَائِي وَنَشْرِي... فَكَيْفَ لِي بِتَحْصِيلِ الشُّكْرِ وَشُكْرِي إِيَّاكَ يَفْتَقِرُ إِلَى شُكْرِ فَكَلَّمَا قُلْتُ لَكَ الْحَمْدُ وَجَبَ عَلَيَّ لِذَلِكَ أَنْ أَقُولَ لَكَ الْحَمْدُ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٤٦

٤-١-٢-٣-١-٢-١-٢-٤ الدعاء ٤

﴿١٩٢٢﴾ اللَّهُمَّ إِنْ أَحَدًا لَا يَبْلُغُ مِنْ شُكْرِكَ غَايَةَ إِلَّا حَصَلَ عَلَيْهِ مِنْ إِحْسَانِكَ مَا يُلْزِمُهُ شُكْرًا. وَ لَا يَبْلُغُ مَبْلَغًا مِنْ طَاعَتِكَ وَ إِنْ اجْتَهَدَ إِلَّا كَانَ مُقْصِرًا دُونَ اسْتِحْقَاقِكَ بِفَضْلِكَ فَاشْكُرْ عِبَادَكَ عَاجِزٌ عَنْ شُكْرِكَ، وَاعْبُدْهُمْ مُقْصِرٌ عَنْ طَاعَتِكَ لَا يَجِبُ لِأَحَدٍ أَنْ تَغْفِرَ لَهُ بِاسْتِحْقَاقِهِ، وَ لَا أَنْ تَرْضَى عَنْهُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

واجب کن و با خیرخواهی به من مهلت ده و مرا با بدی نیتم مقایسه نکن و قلبم را با رضای خودت امتحان کن و آنچه را که خواستم با آن به تو نزدیک شوم خالص کن و مبادا که آن‌ها را برای فریب دیگران و یا فخرفروشی و یا ریا انجام دهم ای بزرگوار، " پس هرگاه که بنده‌ای این دعا را بگوید اهل آسمان‌هایم او را دوست خواهند داشت و او را " بسیار شکرکننده " می‌نامند.

۲-۱-۲-۲-۳-۱-۲-دعای ۲

﴿۱۹۲۰﴾ نجوای با خدای تعالی برای بیان شکر و سپاس، به نام خداوند بخشنده و مهربان، خداوند، سزوار توسست ستایش به سبب برگرداندن بلاهای نازل شده و گرفتاری‌های زیان زننده و برطرف نمودن سختی‌ها و بر پی‌درپی وارد شدن نعمت‌های کامل و ستایش مخصوص توسست، ای پروردگار من، به خاطر عطا‌های گوارایت و بر امتحان مورد ستایش و بر بزرگ‌ترین نعمت‌هایت و ستایش مخصوص توسست بر احسان فراوانت و خیر روشنی بخشش و بر تکلیف‌های آسانت و بر دفع کردن دشواری‌ها. و ستایش مخصوص توسست ای پروردگار من، به سبب رشد دادن شکرگزاری ناچیز و اندک من، و عطا کردن پاداش فراوان و بر برطرف نمودن گناهان سنگین و عذرهای کم‌ارزش و بر درگذشتن تو از گناهان بزرگ و هموار نمودن مکان ناهموار و مانع شدن تو از رسوایی بزرگ. و ستایش مخصوص توسست به سبب بلایی که برگردانیده‌ای و بر بسیاری احسان و بر دفع کردن بلاهای ترسناک و بر دلیل کردن شخص گردنکش و زودگو. و ستایش مخصوص توسست بر تکلیف کم و بر تخفیف فراوان و بر تقویت ناتوانان به فریاد رسیدن ستم‌دیده‌گان و ستایش مخصوص توسست، به سبب مهلت دادن فراوانت و بر دائمی بودن الطافت و برگردانیدن عذابت و بر ستوده بودن کارهایت و بر پی‌درپی بودن بخشش‌هایت و ستایش مخصوص توسست، بر عقب‌انداختن و عجله نکردن در عقوبت و کنار گذاشتن عذاب‌های تلخ و سخت و بر هموار کردن راه بازگشت و بر فروفرستادن باران از ابر؛ به درستی که تو منت‌گذارنده‌ای (با عطا نمودن نعمت‌های بی‌پایان و بی‌مثالت) و بسیار بخشنده.

۳-۱-۲-۳-۲-۱-۳ دعای

﴿۱۹۲﴾ خدایا، پیاپی بودن بخشش هایت مرا در ادای شکر تو سرگردان نموده و فراوانی فضیلت از شمارش ستودنی هایت عاجز کرده است و پی در پی بودن احسانت مرا از یاد حمدت بازداشته و پیوستگی الطافت از بازگویی نیکویی هایت درمانده ام کرده است و این مقام کسی است که اعتراف می کند که تو نعمت های او را کامل کرده ای و او با سستی و اهمال با آن ها مقابله کرده است و خود به بی توجهی و سستی خودش گواه است... پروردگارا، شکرم در برابر بزرگی نعمت های تو کوچک و مدح و ثنایم در مقابل بزرگواری تو حقیر است... پس چگونه می توانم به شکر تو دست یابم در حالی که شکر من نیازمند شکر دیگری است، پس هر چه حمد و سپاست بگویم، به خاطر آن حمد دیگری بر من واجب می شود.

۴-۱-۲-۳-۲-۱-۴-دعای ۴

﴿۱۹۲۲﴾ خدایا، هنوز بنده سپاس نعمت را آن چنان که باید به جا نیاورده که نعمت دیگری نصیبش می شود و شکری دیگر بر او واجب می گردد؛ و هرچه بکوشد باز در ادای حق فرمان برداریات آن چنان که شایسته ی لطف توست کوتاهی کرده است. پس سپاسگزارترین بندگان از سپاسگاری تو عاجز است و آن که بیشترین عبادت را انجام می دهد از

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

التَّوْفِيقُ فِي عَمَلِي، إِنَّكَ مَنَّانٌ كَرِيمٌ؛ الصحيفة السجادية (عليه السلام) ص: ١٦٢

٥-١-٢-٣-٢-١-الدُّعَاءُ ٥

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

فرمان برداریات ناتوان است. هیچ کس سزاوار آن نیست که او را بیامری یا از او راضی باشی. پس هرکه را بیامری از احسان توست و از هرکه راضی شوی از لطف تو؛ عمل ناچیز را قدر می دانی و فرمان برداری اندک را پاداش می دهی، تا آنجا که گویی سپاسگزاری بندگان که در برابر آن اعطای پاداشی بزرگ را بر خود واجب کرده ای کاری بوده است که توان خودداری از انجام آن داشته اند که پاداشش را به ایشان می دهی؛ یا گویی علت اصلی آن به دست خودت نبوده که اجر و مزدش را به آنان عطا می کنی. بلکه ای خدای من، پیش از آنکه ایشان را توان عبادتشان باشد زمام کارشان در دست تو بوده و پیش از آنکه به فرمانت گردن نهند پاداششان را آماده کرده بودی، زیرا روش تو نیکوکاری و عادت تو احسان و راه و آیین تو گذشت است. پس همه ی آفریدگان معترفند که تو هرکه را کیفر کنی ستم نکرده ای و گواهند که تو هرکه را بخشی لطف کرده ای و همه درباره ی خویش به کوتاهی از آنچه شایسته ی توست معترفند؛ پس اگر آدمیان را شیطان نفریفته و از فرمان برداریات باز نداشته بود، هیچ کس سرکشی نمی کرد و اگر او باطل را برای ایشان به صورت حق جلوه نمی داد، هیچ کس از راه تو گم نمی شد. تو از هر نسبت ناشایست پاکی، چه آشکار است بزرگواری تو در معامله با بندگان! خواه آن که تو را فرمان برده یا آن که مرتکب نافرمانیات شده باشد؛ فرمان بردار را در برابر آنچه خود برایش فراهم ساخته ای پاداش می دهی و نافرمان را بر آنچه شتاب در بازخواستش به دست توست مهلت عطا می کنی. هردو را آن می دهی که سزاوارش نبوده اند و به هردو با وجود کوتاهی در ادای وظیفه لطف نثارشان می کنی. و اگر می خواستی به فرمان بردار بر آنچه توفیق عملش را خود عطا کرده بودی پاداش عادلانه ای بدهی بیم آن بود کمترین پاداشی به او تعلق نگیرد بلکه نعمت نیز از او بازپس گرفته شود؛ ولی تو به او سخاوتمندانه پاداش می دهی، در برابر اندک زمانی عبادت در این دنیای فانی، پاداشی طولانی و جاویدان عطایش می کنی و در برابر اعمالی زودگذر، ثوابی بی پایان و نابودناشدنی می بخشی. فراتر از این، به خاطر آنچه از روزی تو خورده و با آن بر فرمان برداریات نیرو گرفته، عوض مطالبه نکرده و از او درباره ی ابزاری که آن ها را وسیله ی رسیدن به آمرزش قرار داده سخت گیری و حساب کشی دقیق نکردی، که اگر چنین می کردی حاصل همه ی دسترنج و تلاش او در برابر کوچک ترین نعمت ها و بخشش های از دست می رفت و او در پیشگاهت برای دیگر نعمت ها بدهکار باقی می ماند، پس با این شرایط چنین بنده ای کی شایسته ی دریافت پاداش خواهد بود؟ هیچ گاه. خدای من، این حال کسی است که تو را فرمان برده و راه کسی که تو را عبادت کرده است؛ و اما آن که از فرمانت سرپیچیده و ناپایداری تو را مرتکب شده است، در کیفر او شتاب نکردی تا شاید به جای نافرمانی، بازگشت به فرمان برداری برگزیند؛ درحالی که او در اولین لحظه ای که بر نافرمانی تو همت گماشت، سزاوار تمام کیفرهایی شد که برای همه ی بندگان آماده کرده بودی. پس هر غذایی که از او به تأخیر افکنده ای و هر قهر و عتاب و کیفر که در انجامش درنگ کرده ای، درواقع گذشت از حق خودت و راضی شدن به کمتر از حق واجب بوده است. با این اوصاف چه کسی بزرگوارتر از توست ای خدای من؟ و چه کسی بدبخت تر از آن است که به خاطر مخالفت با تو هلاک شود؟ هیچ کس! والا تر از آنی که جز به احسان توصیف شوی و بزرگوارتر از آنی که جز از عدل تو بهر اسند، حتی بر کسی که نافرمانی کرده بیم ستم تو نمی رود؛ و کسی که رضایت تو را به دست آورده از آن بیم ندارد که پاداش خود را از تو دریافت نکند، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و آرزویم را برآور و هدایت را چندان بر من بیافزا که با آن به توفیق در کار خویش دست یابم، تو نعمت دهنده ای بزرگواری.

۵-۱-۲-۳-۲-۱- دعای ۵

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٩٢٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إلهي فأني نعيمك أشكر ما ابتدأتني منها بلا استحقاق أو حلمك عني بإدامة النعم وزيادتك إياي كآني من المحسنين الشاكرين ولست منهم؛ بحار الأنوار ج: ٩٧ ص: ٢٢٠

١-٢-٣-٢-١-٦- الدعاء ٦

﴿١٩٢٤﴾ الرسول ﷺ: في شكر النعمة اللهم لك الحمد لا إله إلا أنت قلت في كتابك وإذا أنعمنا على الإنسان أغرض ونأى بجانبه وإذا مسه الشر فذو دعاء عريض وها أنا ذا خاضع لنعمتك مستجير مستكين حين نأى بجانبه الكافر إغراضاً عنها وإني أتضرع إليك سيدي لئتمها علي فإنك وليها فاحفظها علي فلا حافظ لها إلا أنت فلك الحمد يا حي يا قيوم؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٣٠٢

١-٢-٣-٢-١-٧- الدعاء ٧

﴿١٩٢٥﴾ الرسول ﷺ: ما يدعي به في شكر النعمة: اللهم لك الحمد لا إله إلا أنت قلت في كتابك ذلك بأن الله لم يك مغيراً نعمة أنعمها على قوم حتى يغيروا ما بأنفسهم فبك آمنت وصدقت فمن ذا الذي يحفظ ما بنفسه ويمنع من التغيير بحوله وقوته إن أنت لم تعصمه فصل حبل عصمتي بكرمك حتى لا أغير ما بنفسى من طاعتك فيغير ما بي من نعمتك فلك الحمد يا حي يا قيوم وصل على سيدنا محمد النبي وعترته وسلم تسليمًا؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٣٠٨

١-٢-٣-٢-١-٨- الدعاء ٨

﴿١٩٢٦﴾ الرسول ﷺ: في شكر النعمة اللهم لك الحمد لا إله إلا أنت قلت في كتابك ضرب الله مثلاً قرية كانت آمنة مطمينة يأتيها رزقها رغداً من كل مكان فكفرت بأنعم الله فأذاقها الله لباس الجوع والخوف بما كانوا يصنعون فبك آمنت وصدقت فلا تجعل هذا مثلي في نعمتك يا سيدي ولا تجعلني مغتراً بالطمأنينة إلى رغد العيش آمناً من مكرك لأنك قلت في كتابك فلا يأمن مكر الله إلا القوم الخاسرون وأنا أبرأ إليك من الحول والقوة معترف بإحسانك مستجير بكرمك من أن تديقني لباس الجوع والخوف بعد الأمن والنعمة وصل على محمد وآله واجبرني ولا تحذلني واستغفر لي وَاغْفِرْ لِي وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ سَبَقَتْ لَهُ مِنْكَ الْحُسْنَى فَاسْعِدْهُ فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى وَأَسْأَلُكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَسْتَجِيبَ دُعَائِي وَتَحَقِّقَ بَفَضْلِكَ أَمَلِي وَرَجَائِي يَا اللَّهُ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٣١٨

١-٢-٣-٢-١-٩- الدعاء ٩

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۹۲۳﴾ خدایا، کدامیک از نعمت‌هایت را شکر گویم؟ آن را که بدون آنکه استحقاقش را داشته باشم از ابتدای خلقتم به من بخشیدی و یا بر دباری تو در تداوم و فزونی نعمت‌ها بر من چنان است که گویا من از نیکوکاران شکر گزارم؟ درحالی که از آنان نیستم.

۶-۱-۲-۳-۲-۱-۶ دعای ۶

﴿۱۹۲۴﴾ درهنگام شکر نعمت گفته شود: "خدایا، حمد از آن توست، خدایی جز تو نیست؛ در کتابت گفتی: "و هنگامی که به انسان نعمت می‌دهیم روی برمی‌گرداند و خود را کنار می‌کشد؛ و چون آسیبی به او برسد، زیاد دعا می‌کند." و آری من همانم که؛ وقتی کافر از نعمت روی برتابد و کنار کشد در برابر نعمت تو خاضع به تو پناه آورده‌ام و فروتن درگاهت گشته‌ام و ای آقای من، به درگاهت زاری می‌کنم و از تو می‌خواهم که نعمت را بر من تمام کنی که تو صاحب آنی پس آن را برایم حفظ کن که جز تو نگهدارنده‌ای برای آن متصور نیست. پس حمد سزاوارتوست ای زنده‌ای که همه‌ی خلائق قائم به ذات اویند و او قائم به ذات خویش است.

۷-۱-۲-۳-۲-۱-۷-۷

﴿۱۹۲۵﴾ دعا در شکر نعمت: "خداندا، حمد برای توست و خدایی جز تو نیست. در کتابت این چنین فرمودی: "این بدان سبب است که خداوند نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در دل دارند تغییر دهند". به تو ایمان آوردم و تو را تصدیق کردم؛ اگر تو محافظت نکنی کیست که بتواند خودش حفظ کند و به نیرو و قدرت خودش، مانع تغییر شود؟ پس ریسمان محافظت از مرا به عطا و بخشش خودت پیوند ده تا چیزی از طاعت تو را در وجودم تغییر ندهم، و نعمت‌های تو از من باز پس گرفته نشود؛ پس حمد برای توست ای یگانه‌ی زنده‌ای که همگان قائم به اویند و او قائم به ذات خویش است؛ و بر آقای ما محمد پیامبرت و خاندانش درود فرست و بر او سلامی برجسته روانه کن.

۸-۱-۲-۳-۲-۱-۸ دعای ۸

﴿۱۹۲۶﴾ در هنگام شکر نعمت گفته شود: "خدایا، حمد سزاوار توست در کتابت گفتی: "و خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود و روزی‌اش از هرسو فراوان می‌رسید، ساکنانش نعمت‌های خدا را ناسپاسی کردند و خدا هم به سزای آنچه انجام دادند، طعم گرسنگی و هراس را به آنها چشانید." پس به تو ایمان آوردم و تو را تصدیق کردم؛ و ای آقای من، مرا مانند اینان در مواجهه با نعمت‌هایت قرار نده، و مبادا فریب آرامش و فراخی زندگی را بخورم و از مکر تو خود را در امان بدانم، زیرا تو در کتابت گفته‌ای: "جز مردم زیانکار (کسی) خود را از مکر خدا ایمن نمی‌داند." و من بیزاری می‌جویم از اینکه بر قدرت و توان خود تکیه کنم؛ به احسانت اعتراف می‌کنم به کرم‌ت پناه آورده‌ام تا لباس گرسنگی و ترس را بعد از امنیت و نعمت بر من نپوشانی و بر محمد و آلش درود فرست و کاستی‌های مرا جبران کن و خوارم نما؛ و از گناهم از تو طلب مغفرت می‌کنم پس مرا بیامرز و مرا از آنان قرار ده که نیکی‌ها از جانب تو به سوی‌شان سبقت گرفته و در آخرت و دنیا سعادت‌مندشان کرده‌ای؛ و از تو می‌خواهم ای آقای من که بر محمد و خاندانش درود فرستی و دعایم را مستجاب کنی و به لطف خود آرزو و امیدم را برآورده کنی؛ ای خدایی که حمد سزاوار توست، ای زنده‌ای که قائم به ذات خویش هستی و همه‌ی مخلوقات قائم به ذات تو هستند.

۹-۱-۲-۳-۱-۲-دعای ۹

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٩٢٧﴾ الرسول ﷺ: فِي شُكْرِ النِّعْمَةِ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ قُلْتَ فِي كِتَابِ [كِتَابِكَ] مَنْ يُهِنُ اللَّهَ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرَمٍ فَبِكَ آمَنْتُ وَصَدَّقْتُ وَلَمْ تُهْنِي يَا سَيِّدِي إِذْ ابْتَدَأْتَنِي بِكَرَمِكَ وَغَدَوْتَنِي بِنِعْمَتِكَ مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقَاقٍ مِنِّي لَهَا وَلَا مُهِينَ لِي وَأَنْتَ تُكْرِمُنِي فَبِكَ أَعْتَزُّ فَأَعِزَّنِي وَبِكَرَمِكَ أَلُوذُ فَلَا تُهْنِي فَلَكَ الْحَمْدُ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٢٩٦

١٠-١-٢-٣-١٠-الدُّعَاءُ

﴿١٩٢٨﴾ الرسول ﷺ: فِي شُكْرِ النِّعْمَةِ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمْ الضُّرُّ فَالْيَهْ تَجْتَرُونَ فَبِكَ آمَنْتُ وَصَدَّقْتُ وَإِلَيْكَ سَيِّدِي جَارْتُ وَأَنَا مُتَقَلِّبٌ فِيمَا لَا أَحْصِيهِ مِنْ نِعَمِكَ مُسْتَجِيرٌ بِكَ مِنْ أَنْ يَمَسَّنِي ضُرُّ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٢٨٨

١١-١-٢-٣-١١-الدُّعَاءُ

﴿١٩٢٩﴾ من دعاء السر: لَمْ يُمَسَّ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ أَنْتَ إِلَيْهِ أَحْسَنُ صَنِيعاً وَلَا لَهُ أَذْوَمُ كَرَامَةً وَلَا عَلَيْهِ أَبْيَنُ فَضْلاً وَلَا بِهِ أَشَدُّ تَرْقُفًا وَلَا عَلَيْهِ أَشَدُّ حَيَاطَةً وَلَا عَلَيْهِ أَشَدُّ تَعَطُّفاً مِنْكَ عَلَيَّ وَإِنْ كَانَ جَمِيعُ الْمَخْلُوقِينَ يُعَدُّونَ مِنْ ذَلِكَ مِثْلَ تَعْدِيدِي فَاشْهَدْ يَا كَافِي الشَّهَادَةِ بَأَنِّي أَشْهَدُكَ بِنَيْتِهِ صِدْقُ بَأَنِّ لَكَ الْفَضْلَ وَالطُّوْلَ فِي إِنْعَامِكَ عَلَيَّ مَعَ قَلَّةِ شُكْرِي لَكَ فِيهَا يَا فَاعِلَ كُلِّ إِرَادَةٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَطَوِّقْنِي أَمَاناً مِنْ حُلُولِ السَّخَطِ لِقِلَّةِ الشُّكْرِ وَأَوْجِبْ لِي زِيَادَةً مِنْ إِتِمَامِ النِّعْمَةِ بِسَعَةِ الْمَغْفِرَةِ لِنَظَرِي أَمْطَرْنِي خَيْرَكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا تُقَاسِنِي بِسُوءِ سَرِيرَتِي وَامْتَحِنْ قَلْبِي لِرِضَاكَ وَاجْعَلْ مَا يُتَقَرَّبُ بِهِ إِلَيْكَ فِي دِينِكَ خَالِصاً وَلَا تَجْعَلْهُ لِلزُّومِ شُبْهَةً أَوْ فَخْرًا أَوْ رِيَاءً يَا كَرِيمُ؛ مصباح المتعبد ص: ٩٦

١٢-١-٢-٣-١٢-الدُّعَاءُ

﴿١٩٣٠﴾ الرسول ﷺ: مَا يُدْعَى بِهِ بَعْدَ ذَلِكَ فِي شُكْرِ النِّعْمَةِ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَبِكَ آمَنْتُ وَصَدَّقْتُ وَأَشْهَدُ أَنَّهُ لَا مُمْسِكَ لِمَا تَفْتَحُهُ مِنْ رَحْمَتِكَ فَاسْأَلْكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَنْ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۹۲۷﴾ هنگام شکر نعمت گفته شود: "خدایا، حمد سزاوار توست خدایی جز تو نیست در کتاب گفתי: "هر که را خدا خوار کند، کسی نمی‌تواند او را گرامی بدارد. پس به تو ایمان آوردم و تو را تصدیق کردم؛ پس ای آقای من حال که از ابتدای خلقتم بر من کرم نمودی و با نعمتت بدون آنکه من استحقاق آن را داشته باشم به من غذا دادی؛ مرا خوار نگردان و اگر تو مرا اکرام نمایی هیچ کسی نمی‌تواند مرا خوار کند. پس حال که با تکیه بر تو عزیز و گرامی شدم، عزیزم بدار؛ و حال که به کرم تو پناه آوردم، خوادم مکن؛ ای زنده‌ای که قائم به ذات خویش هستی و همه‌ی مخلوقات قائم به ذات تواند.

۱۰-۱-۲-۳-۱۰ دعای ۱۰

﴿۱۹۲۸﴾ هنگام شکر نعمت گفته شود: خداوند، حمد سزاوار توست خدایی جز تو نیست؛ در کتابت گفתי: "و هر نعمتی که دارید از خداست، ولی آنگاه که آسیبی به شما می‌رسد به او رو می‌کنید"، پس به تو ایمان آوردم و تو را تصدیق کردم و به‌سوی تو زاری کردم و دائماً در نعمت‌های بی‌شمار تو به‌سر می‌برم، از اینکه ضرری به من برسد به تو پناه آورده‌ام پس حمد سزاوار توست ای زنده‌ای که قائم به ذات خویشی و خلاق همگی قائم به ذات تواند.

۱۱-۱-۲-۳-۱۱ دعای ۱۱

﴿۱۹۲۹﴾ هیچ کدام از بندگان نیست که تو بر او بیش از آنکه بر من نیکی کردی نیکی کرده باشی و یا بخششی دائمی‌تر و یا فضلی آشکارتر و مهربانی و محافظت و عطوفتی بیشتر از آنچه به من می‌نمایی به او کرده باشی؛ و اگر همه‌ی آفریدگان این چیزهایی را که من در حق خودم شمردم در حق خودشان بگویند؛ ای کسی که شهادتش کافی است تو شهادت بده که من تو را با نبیتی درست به شهادت گرفتم که فضل و بخشش در نعمت‌دادن به من از آن توست با آنکه من تو را در این مورد کم شکر کرده‌ام؛ ای آنکه هر چه اراده کنی انجام می‌دهی بر محمد و آلش درود فرست و بر گردن من با وجود ناچیز بودن شکر، گردنبد ایمن‌بودن از خشم را و به‌واسطه‌ی آمرزش گسترده‌ات، نعمت‌های خود را بر من بیشتر کن و به خاطر این عقیده‌ام باران خیرت را بر من بباران؛ سپس بر محمد و آلش درود فرست و مرا با بدی باطنم مقایسه نکن و قلبم را با رضای خودت بیازمای و آنچه را که به‌وسیله‌ی آن در دینت به‌سوی تقرب می‌جویم برایم خالص گردان و آن را آمیخته شبیه و فخر و ریا قرار نده ای بزرگوار.

۱۲-۱-۲-۳-۱۲ دعای ۱۲

﴿۱۹۳۰﴾ آنچه در شکر نعمت باید با آن الفاظ خدا را خواند: "خدایا، حمد سزاوار توست، خدایی جز تو نیست؛ در کتابت گفתי: "هر رحمتی را که خدا برای مردم گشاید، بازدارنده‌ای برای آن نیست و آنچه را که او بازدارد، پس از بازگرفتن گشاینده‌ای نیست، و اوست همان شکست‌ناپذیر صاحب حکمت؛ به تو ایمان آوردم و تو را تصدیق کردم و شهادت می‌دهم که آنچه تو از رحمت بگشایی، بازدارنده‌ای برای آن نیست؛ پس ای آقای من، از تو می‌خواهم که بر محمد و آلش

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

تُمْسِكْ لِي وَ مَعِيَ مَا ابْتَدَأْتَنِي بِهِ مِنْ نِعْمَتِكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي تُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا فَإِنَّكَ وَلِيُّ تَوْفِيقِي وَ بِيَدِكَ أَمْرِي وَ نَاصِيَتِي يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٢٨٣

١٣-١-٢-٣-٢-١-١٣ الدُّعَاءُ ١٣

﴿١٩٣١﴾ الرضا عليه السلام: مَرَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام بِرَجُلٍ وَهُوَ يَدْعُو اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَهُ الصَّبْرَ فَقَالَ أَلَا لَا تَقُلْ هَذَا وَلَكِنْ سَلِ اللَّهَ الْعَافِيَةَ وَالشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ فَإِنَّ الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ خَيْرٌ مِنَ الصَّبْرِ عَلَى الْبَلَاءِ كَانَ مِنْ دُعَاءِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ وَالشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ وَتَمَامَ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٢٩٢

١٤-١-٢-٣-٢-١-١٤ الدُّعَاءُ ١٤

﴿١٩٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اَسْأَلُكَ بِتَمَجِيدِكَ وَتَحْمِيدِكَ وَتَوْحِيدِكَ وَتَعْظِيمِكَ وَتَفْضِيلِكَ وَتَكْبِيرِكَ وَتَهْلِيلِكَ وَإِلَّا فِي تَقْدِيرِكَ خَلَقِي حِينَ صَوَّرْتَنِي فَأَحْسَنْتَ صُورَتِي وَإِلَّا فِي قِسْمَةِ الْأَرْزَاقِ حِينَ قَدَرْتَهَا لِي لَكَ مَا يَشْغُلُ شُكْرِي عَنْ جَهْدِي فَكَيْفَ إِذَا فَكَّرْتُ فِي النِّعَمِ الْعِظَامِ الَّتِي أَنْقَلَبَ فِيهَا أَوْ لَا أُبْلُغُ شُكْرَ شَيْءٍ مِنْهَا فَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا حَفِظَهُ عِلْمُكَ وَعَدَدَ مَا وَسِعَتْهُ رَحْمَتُكَ وَعَدَدَ مَا أَحَاطَتْ بِهِ قُدْرَتُكَ وَأَضْعَافَ مَا تَسْتَوْجِبُهُ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٢٥٧

١٥-١-٢-٣-٢-١-الدُّعَاءُ ١٥

﴿١٩٣﴾ الصادق عليه السلام: قُلْتُ لَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: لَأَيَّ عِلَّةٍ يُكَبِّرُ الْمُصَلِّي بَعْدَ التَّسْلِيمِ ثَلَاثًا يَرْفَعُ بِهَا يَدَيْهِ فَقَالَ لَأَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله لَمَّا فَتَحَ مَكَّةَ صَلَّى بِأَصْحَابِهِ الظُّهْرَ عِنْدَ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ فَلَمَّا سَلَّمَ رَفَعَ يَدَيْهِ وَكَبَّرَ ثَلَاثًا وَقَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَأَعَزَّ جُنْدَهُ وَغَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ لَا تَدْعُوا هَذَا التَّكْبِيرَ وَهَذَا الْقَوْلَ فِي ذُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْنُوبَةٍ فَإِنَّ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ بَعْدَ التَّسْلِيمِ وَقَالَ هَذَا الْقَوْلَ كَانَ قَدْ آدَى مَا يَجِبُ عَلَيْهِ مِنْ شُكْرِ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى تَقْوِيَةِ الْإِسْلَامِ وَخُدُّهُ؛ وسائل الشيعة ج: ٤ ص: ٤٥٢

٢-٢-٣-١- الذكر و راجع: الأذكارُ في السَّجْدَةِ الشُّكْرِ

١-٢-٢-٣-٢-١- الحَمْدُ لِلّٰه...

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

درود فرستی و نعمت‌هایی را که از آغاز خلقت به من داده‌ای با همان قدرتی که آسمان‌ها و زمین را نگه داشته‌ای تا نیفتند، برای من و همراه من نگاه داری زیرا تو صاحب اصلی توفیقات منی و کار من به دست توست. ای زنده‌ای که به ذات خویش قائم هستی و همه‌ی خلائق قائم به ذات توآند.

۱۳-۱-۲-۳-۲-۱-۱۳ دعای ۱۳

﴿۱۹۳۱﴾ حضرت سجاد علیه السلام به مردی که از خداوند می‌خواست به او صبر بدهد، فرمود: ای مرد، این چنین نگو بلکه از خداوند عافیت بخواه و هرگاه عافیت داد، سپاسگزار باش زیرا شکر بر عافیت از صبر بهتر است. حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمود: "خدایا، از تو عافیت و شکر بر عافیت را در دنیا و آخرت خواستارم."

۱۴-۱-۲-۳-۲-۱-۱۴ دعای ۱۴

﴿۱۹۳۲﴾ پروردگارا، از تو به حق مجد و عظمت، به حمد و سپاست، به وحدانیت و بزرگواری و فضیلت و بزرگی و یکتاییات درخواست می‌کنم مگر نه اینکه در تقدیر تو بود که مرا بیافرینی و به نیکوترین حالت آفریدی، و مگر نه اینکه در تقسیم روزی و رزق آن قدر برای من روزی مقدّر کردی که از شکر باز نمانم؛ پس چگونه است هنگامی که در نعمات بزرگ و با عظمت تو می‌اندیشم متوجه می‌شوم که موفق به ادای اندکی از شکر آن هم نمی‌شوم. پس حمد و ستایش مخصوص توست به آن تعداد که در علم و دانش تو محفوظ است و به آن تعداد که در گستره‌ی رحمت توست و به آن تعداد که قدرت و توانایی تو بر آن احاطه دارد و بیش از آنچه از طرف همه‌ی مخلوقات ادا شود.

۱۵-۱-۲-۳-۲-۱-۱۵ دعای ۱۵

﴿۱۹۳۳﴾ به ابی‌عبدالله علیه السلام عرض کردم: برای چه نمازگزار بعد از سلام سه مرتبه تکبیر گفته و دست‌هایش را بلند می‌کند؟ حضرت فرمودند: زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وقتی مکه را فتح نمودند، با اصحابشان نزدیک حجر الاسود نماز ظهر را خواندند و وقتی سلام دادند دو دست را بلند کرده و سه مرتبه تکبیر گفتند، بعد از آن فرمودند: "لا اله الا الله وحده وحده، انجز وعده و نصر عبده و اعز جنده و غلب الاحزاب وحده، فله الملك و له الحمد، یحیی و یمیت و یمیت و یحیی و هو علی کل شیء قدیر". سپس رو به اصحابشان کردند و فرمودند: این تکبیر را ترک نکنید و این دعا را بعد از هر نماز واجبی بخوانید زیرا کسی که بعد از سلام چنین کند و این دعا را بخواند در مقابل شکر واجب این نعمت خدای عزیز و جلیل را که اسلام و لشکریان مسلمین را تقویت کرده است ادا کرده است.

۲-۱-۲-۳-۲-۱-۲ ذکر و.ر.به: ذکرهای سجده‌ی شکر

۱-۲-۳-۲-۲-۱-۲ ستایش مخصوص خداست

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۱-۱-۲-۲-۳-۱- ستایش مخصوص خداست

﴿۱۹۳۴﴾ هیچ سوره‌ای از سوره‌های قرآن مثل سوره‌ی حمد مشتمل بر جوامع خیر و حکمت نیست و از جمله آنجا که می‌فرماید: "الْحَمْدُ لِلَّهِ"، با این عبارت بنده آنچه حق تعالی از خیر بر او واجب کرده یعنی شکر توفیقی را که برای اعمال خیر نصیب او کرده است، ادا می‌کند.

﴿۱۹۳۵﴾ هر کس بگوید: "الحمد لله" شکر همه‌ی نعمت‌های خداوند را به‌جای آورده است.

﴿۱۹۳۶﴾ همانا کلام خدای عز و جل: "الحمد لله"؛ ادای آن چیزی است که خدای عز و جل از سپاس و شکر بر بندگان واجب ساخته است.

﴿۱۹۳۷﴾ امام صادق علیه السلام از مسجد بیرون شد، درحالی که مرکب سواری آن حضرت گم شده بود، فرمود: اگر خداوند آن را برگرداند حق شکرش را ادا می‌کنم، راوی گوید: بعد از چندی آن مرکب پیدا شد و آن را نزد آن جناب آوردند. امام علیه السلام خداوند را سپاس گفتند و شکر به‌جای آوردند، راوی گوید: عرض کردم: قربانت گردم شما فرمودید حق شکرش را به‌جای می‌آورم، امام فرمود مگر نشنیدی که من گفتم: "الحمد لله".

﴿۱۹۳۸﴾ پس چون - از خوردن غذا - فارغ شوند و بگویند: "ستایش مخصوص خداست"، فرشتگان گویند: این‌ها گروهی بودند که خداوند به آن‌ها نعمت داد و آن‌ها شکر پروردگارشان را ادا کردند و آنگاه که بنده بگوید: "ستایش مخصوص خداست"، کفه‌ی ترازویش سنگین‌تر از هفت آسمان و هفت زمین می‌شود و آنگاه که بخورد و بیاشامد و لباسی بپوشد و بگوید: "ستایش مخصوص خداست"، خداوند گوید: او بنده‌ای بسیار شاکر است.

﴿۱۹۳۹﴾ وقتی سفره گسترده شود، چهار فرشته اطراف آن می‌نشینند، پس وقتی بنده‌ی خدا "بسم الله" بگوید، فرشتگان به شیطان می‌گویند: دور شو ای فاسق، که دیگر کاری نمی‌توانی انجام دهی، و اگر پس از غذا "الحمد لله" بگویند، فرشتگان گویند: "این بنده شکر نعمت خدا را به‌جا آورد".

﴿۱۹۴۰﴾ هر نعمتی هرچند بزرگ‌ترین و با ارزش‌ترین لغت باشد، همین که بگویی: "الحمد لله"، شکر و سپاس آن را ادا کنی، من نیز می‌گویم: "الحمد لله" به اندازه‌ی حمد و ستایش هر ستایش‌کننده‌ای تا ابد بر آن نعمتی که خداوند به تو ارزانی داشته و از هلاکت نجات بخشیده است.

۲-۱-۲-۲-۳-۱- ستایش مخصوص خدایی است که به آنچه به من وعده داده وفا

کرد

﴿۱۹۴۱﴾ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در میان آنان می‌گشت و آن‌ها روی زمین افتاده بودند و ابوبکر ایشان را از احوال یک‌یک آن‌ها، با خبر می‌ساخت و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خدا را حمد می‌کرد و شکر می‌نمود و می‌گفت: حمد خدایی راست که به آنچه بر من وعده داده بود وفا کرد.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١-٢-٣-٢-٢-١-٣- الحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي ذَهَبَ بِاللَّيْلِ وَجَاءَ بِالنَّهَارِ سَكَنًا نِعْمَةً مِنْهُ وَفَضَّلَا اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَافَانِي فِي لَيْلِي هَذَا قُرْبٌ مُبْتَلَى قَدْ ابْتَلَى فِيمَا مَضَى اللَّهُمَّ عَافِنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْهُ وَفِي الْآخِرَةِ وَفِي عَذَابِ النَّارِ وَإِذَا أَصْبَحَ

﴿١٩٤٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: كَانَ يَقُولُ إِذَا أَمْسَى الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي ذَهَبَ بِالنَّهَارِ وَجَاءَ بِاللَّيْلِ سَكَنًا نِعْمَةً مِنْهُ وَفَضَّلَا اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَافَانِي فِي لَيْلِي هَذَا قُرْبٌ مُبْتَلَى قَدْ ابْتَلَى فِيمَا مَضَى اللَّهُمَّ عَافِنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْهُ وَفِي الْآخِرَةِ وَفِي عَذَابِ النَّارِ وَإِذَا أَصْبَحَ قَالَ مِثْلَ ذَلِكَ إِلَّا أَنَّهُ يَقُولُ وَجَاءَ بِالنَّهَارِ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٢٨٠

١-٢-٣-٢-٢-١-٤- الحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي ذَهَبَ بِالنَّهَارِ وَجَاءَ بِاللَّيْلِ سَكَنًا نِعْمَةً مِنْهُ وَفَضَّلَا اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَافَانِي فِي لَيْلِي هَذَا قُرْبٌ مُبْتَلَى قَدْ ابْتَلَى فِيمَا مَضَى اللَّهُمَّ عَافِنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْهُ وَفِي الْآخِرَةِ وَفِي عَذَابِ النَّارِ وَإِذَا أَصْبَحَ

﴿١٩٤٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: كَانَ يَقُولُ إِذَا أَمْسَى الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي ذَهَبَ بِالنَّهَارِ وَجَاءَ بِاللَّيْلِ سَكَنًا نِعْمَةً مِنْهُ وَفَضَّلَا اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَافَانِي فِي لَيْلِي هَذَا قُرْبٌ مُبْتَلَى قَدْ ابْتَلَى فِيمَا مَضَى اللَّهُمَّ عَافِنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْهُ وَفِي الْآخِرَةِ وَفِي عَذَابِ النَّارِ وَإِذَا أَصْبَحَ قَالَ مِثْلَ ذَلِكَ إِلَّا أَنَّهُ يَقُولُ وَجَاءَ بِالنَّهَارِ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٢٨٠

١-٢-٣-٢-٢-١-٥- الحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا

﴿١٩٤٤﴾ الصادق عليه السلام: قُلْتُ لَهُ لِلشُّكْرِ حَدًّا إِذَا فَعَلَهُ الرَّجُلُ كَانَ شَاكِرًا قَالَ نَعَمْ قُلْتُ مَا هُوَ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ أَنْعَمَهَا عَلَيَّ وَإِنْ كَانَ لَكُمْ فِيمَا أَنْعَمَ عَلَيْهِ حَقٌّ آدَاهُ، قَالَ وَمِنْهُ قَوْلُ اللَّهِ « الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا » حَتَّى عَدَّ آيَاتٍ؛ تفسير العياشي ج: ١ ص: ٦٧

١-٢-٣-٢-٢-١-٦- الحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَافَانِي مِمَّا ابْتَلَاهُ وَفَضَّلَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقَ تَفْضِيلًا ﴿١٩٤٥﴾ الرسول ﷺ: أَنَّهُ إِذَا رَأَى مِنْ أَصْحَابِهِ الْمُبْتَلَى قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَافَانِي مِمَّا ابْتَلَاهُ وَفَضَّلَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقَ تَفْضِيلًا وَقَالَ مَنْ قَالَ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ فِي تِلْكَ الْحَالِ فَقَدْ أَدَّى شُكْرَ الْعَافِيَةِ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ٣١٥

١-٢-٣-٢-٢-١-٧- الحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَضَى حَاجَتِي وَأَعْطَانِي سُؤْلِي وَمَسْأَلَتِي ﴿١٩٤٦﴾ الرضا عليه السلام: فَإِذَا فَرَّغْتَ مِنْهَا حَمِدْتَ اللَّهَ كَثِيرًا وَصَلَّيْتَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَسَأَلْتَ رَبَّكَ حَاجَتَكَ لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَإِذَا تَفَضَّلَ اللَّهُ عَلَيْكَ بِقَضَائِهَا فَصَلِّ رُكْعَتَيْنِ شُكْرًا لِذَلِكَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۳-۱-۲-۲-۳-۱- ستایش مخصوص خدایی است که شب را برد و روز را آورد...

﴿۱۹۴۲﴾ در آغاز شب چنین می‌گفت: "سپاس مخصوص خدایی است که روز را برد و شب را آورد و آن را مایه‌ی آرامش و نعمت و لطفی از جانب خودش قرار داد. خدایا، ما را از سپاسگزاران قرار ده؛ سپاس خدایی راست که مرا در این شب عافیت داد؛ چه بسیار کسانی که به آنچه من از آن عافیت یافتم گرفتار باشند. خدایا، در باقی‌مانده‌ی آن و در آخرت نیز مرا عافیت ده و مرا از عذاب جهنم نگهدار؛ و آن‌هنگام که صبح می‌شد مثل همین را می‌گفت با این تفاوت که می‌فرمود: "روز را آورد".

۴-۱-۲-۲-۳-۱- ستایش مخصوص خدایی است که روز را برد و شب را آورد...

﴿۱۹۴۳﴾ در آغاز که شب چنین می‌گفت: "سپاس مخصوص خدایی است که روز را برد و شب را آورد و آن را مایه‌ی آرامش و نعمت و لطفی از جانب خودش قرار داد. خدایا، ما را از سپاسگزاران قرار ده؛ سپاس خدایی راست که مرا در این شب عافیت داد؛ چه بسیار کسانی که به آنچه من از آن عافیت یافتم گرفتار باشند. خدایا، در باقی‌مانده‌ی آن و در آخرت نیز مرا عافیت ده و مرا از عذاب جهنم نگهدار؛ و آن‌هنگام که صبح می‌شد مثل همین را می‌گفت با این تفاوت که می‌فرمود: "روز را آورد".

۵-۱-۲-۳-۲-۲-۱- ستایش مخصوص خدایی است که این را رام ما کرد

﴿۱۹۴۴﴾ به ایشان گفتم: آیا برای شکر حدی هست که چون کسی آن را انجام داد، شاکر باشد؟ فرمود: آری. گفتم: آن چیست؟ فرمود: بگویند "سپاس خدا را به خاطر تمام نعمت‌هایی که به من داده است". و نیز اگر در نعمت‌هایی که به شما داده حقی بر گردن شما باشد، ادا کند. و به‌عنوان نمونه چند آیه را ذکر فرمود.

۶-۱-۲-۳-۲-۲-۱- ستایش مخصوص خدایی است که مرا از گرفتاری دور کرد و بر

بسیاری از خلق مرا برتری‌مان داد

﴿۱۹۴۵﴾ هرگاه که می‌دیدند یکی از اصحابشان دچار بلایی شده است می‌فرمودند: حمد خدا را که مرا از بلایی که او را به آن دچار کرده عافیت داد و بر بسیاری از خلائق برتری بخشید و نیز فرمودند: هر که این عبارات را در چنین حالی بگوید، شکر عافیت را به‌جا آورده است.

۷-۱-۲-۳-۲-۲-۱- ستایش مخصوص خدایی است که حاجتم را برآورده کرد و

درخواستم را عطا کرد

﴿۱۹۴۶﴾ پس هرگاه از آن فارغ شدی و حمد و سپاس خدای تعالی را بسیار زیاد به‌جای آوردی و بر محمد و آلش درود فرستادی و از پروردگارت حاجات دنیوی و اخروی‌ات را درخواست کردی

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

تَقْرَأُ الْحَمْدَ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَفِي الثَّانِيَةِ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَتَقُولُ فِي رُكُوعِكَ الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا وَفِي سُجُودِكَ شُكْرًا لِلَّهِ وَحَمْدًا وَتَقُولُ فِي الرَّكْعَةِ الثَّانِيَةِ فِي الرُّكُوعِ وَفِي السُّجُودِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَضَى حَاجَتِي وَأَعْطَانِي سُؤْلِي وَمَسْأَلَتِي؛ مستدرک الوسائل ج: ٦ ص: ٥٦

١-٢-٣-٢-٢-١-٨ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَضَى لِي حَاجَتِي وَاسْتَجَابَ دُعَائِي وَأَعْطَانِي مَسْأَلَتِي
﴿١٩٤٧﴾ صَلَاةُ الشُّكْرِ لَمَّا آدَيْتَ الْفَرِيضَةَ فَصَلِّ صَلَاةَ الشُّكْرِ تُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ تَقْرَأُ فِي الرَّكْعَةِ الْأُولَى الْحَمْدَ وَ سُورَةَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ مَرَّةً وَفِي الرَّكْعَةِ الثَّانِيَةِ الْحَمْدَ وَ سُورَةَ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ مَرَّةً وَقُلْ فِي الرُّكُوعِ وَفِي كُلِّ وَاحِدٍ مِنْ سَجْدَتَيِ الرَّكْعَةِ الْأُولَى الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا شُكْرًا لِلَّهِ وَحَمْدًا وَقُلْ فِي الرُّكُوعِ وَفِي كُلِّ وَاحِدٍ مِنْ سَجْدَتَيِ الرَّكْعَةِ الثَّانِيَةِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَضَى لِي حَاجَتِي وَاسْتَجَابَ دُعَائِي وَأَعْطَانِي مَسْأَلَتِي؛ مستدرک الوسائل ج: ٦ ص: ٣٢٥

١-٢-٣-٢-٢-١-٩ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
﴿١٩٤٨﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): شُكْرُ النِّعْمَةِ اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ وَتَمَامُ الشُّكْرِ قَوْلُ الرَّجُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٥
﴿١٩٤٩﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): الشُّكْرُ لِلنِّعَمِ اجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ وَتَمَامُ الشُّكْرِ قَوْلُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٠ ص: ٢١٤

﴿١٩٥٠﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ سَمٌّ بِاسْمِي فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ جُعِلَ بِسْمُ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فِي أَوَّلِ السُّورَةِ ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنْ اْحْمَدْنِي فَلَمَّا قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ قَالَ النَّبِيُّ فِي نَفْسِهِ شُكْرًا فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ قَطَعْتَ حَمْدِي فَسَمِّ بِاسْمِي فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ جُعِلَ فِي الْحَمْدِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَرَّتَيْنِ فَلَمَّا بَلَغَ وَ لَا الضَّالِّينَ قَالَ النَّبِيُّ (عليه السلام) الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ شُكْرًا فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ قَطَعْتَ ذِكْرِي فَسَمِّ بِاسْمِي فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ جُعِلَ بِسْمُ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فِي أَوَّلِ السُّورَةِ؛ الكافي ج: ٣ ص: ٤٨٤

١-٢-٣-٢-٢-١-١٠ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ
﴿١٩٥١﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): نَفَرْتُ بَعْلَةً لِأَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) فِيمَا بَيْنَ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةِ فَقَالَ لَتُنْ رَدَّهَا اللَّهُ عَلَيَّ لَا شُكْرَنَّهُ حَقَّ الشُّكْرِ فَلَمَّا أَخَذَهَا قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ قَالَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ شُكْرًا لِلَّهِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٠ ص: ٢١٥
١-٢-٣-٢-٢-١-١١ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ أَرْبَعَ مَرَّاتٍ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

پس هرگاه خدای متعال از سر لطف و عنایتش آن‌ها را برای تو اجابت فرمود، پس برای شکر دو رکعت نماز بگزار به گونه‌ای که در رکعت اول "حمد" و "قل هو الله احد" را و در رکعت دوم حمد و سوره‌ی کافرون را بخوانی و در رکوع نمازت بگویی، "الحمد لله شکراً" برای شکر خدا را می‌ستاییم" و در سجده‌ی نمازت شکر و حمد الهی را می‌گویی و در رکوع و در سجود رکعت دوم حمد خدای متعال را بسیار بر زبان می‌آوری و در رکوع و سجده‌ی رکعت دوم چنینی می‌گویی: ستایش مخصوص خدایی است که نیازم را برطرف و خواسته‌ام را عطا کرد.

۱-۲-۳-۲-۲-۱-۸- ستایش مخصوص خدایی است که حاجتم را برآورده کرد و دعایم را مستجاب کرد و درخواستم را عطا کرد

﴿۱۹۴۷﴾ نماز شکر: آنگاه که نماز واجب را ادا کردی نماز شکر بخوان. دو رکعت نماز می‌خوانی در رکعت اول حمد و سوره‌ی " قل هو الله احد " یک بار و در رکعت دوم سوره‌ی " قل یا ایها الکافرون " را یک بار می‌خوانی و در رکوع و هر سجده‌ی رکعت اول بگو: ستایش مخصوص خداست، شکر، شکر مخصوص خداست، ستایش مخصوص خداست، و در رکوع و هر سجده‌ی رکعت دوم بگو: ستایش مخصوص خدایی است که نیازم را برآورده ساخت و دعایم را مستجاب نمود و درخواستم را به من عطا کرد.

۹-۱-۲-۳-۲-۲-۱-ستایش خدا را که پرودگار جهانیان است

(۱۹۴۸) حقیقت شکر نعمت، دوری کردن از گناهان و محرمات است و تمام و کامل شدن شک آن است که مرد بگوید: "الحمد لله رب العالمین".

(۱۹۴۹) شکر نعمت دوری گزیدن از حرام‌هاست و نه‌ایت شکر، گفتن "الحمد لله رب العالمین" است.

﴿۱۹۵۰﴾ خداوند به او وحی کرد که مرا با نام خودم بخوان، به همین دلیل "بسم الله الرحمن الرحيم"، "به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان، در ابتدای سوره گذاشته شد، سپس خداوند وحی کرد که مرا حمد کن. آنگاه که فرمود: "ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است". پیامبر با خودش گفت: "شکر خدا را". پس خداوند به او وحی کرد: "حمدم را قطع کردی؛ پس دوباره مرا به نامم، صدا کن"، به همین خاطر در سوره‌ی حمد، "بخشنده‌ی بخشایشگر" دو بار گذاشته شد پس آنگاه که به عبارت "و نه گمراهان" رسید، پیامبر ﷺ برای شکر گفت: ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است. پس خداوند به او وحی کرد: "ذکر مرا قطع کردی" پس دوباره مرا به اسمم، صدا بزن. پس به همین دلیل "بسم الله الرحمن الرحيم" در ابتدای هر سوره گذاشته شد.

۱۰-۱-۲-۳-۲-۲-۱-۱- سستایش خدا را که پروردگار جهانیان است (سه بار)

(۱۹۵۱) استر امام باقر (علیه السلام) در بین راه مکه و مدینه فرار کرد، امام فرمود: اگر خدا استرم را بازگرداند او را چنان که سزاوار است شکر گویم؛ چون استر به او رسید سه بار فرمود: "الحمد لله رب العالمین" و سه بار فرمود: "شکر الله".

۱-۱-۲-۳-۲-۲-۱-۱-ستایش خدا را که پرودگار جهانیان است (چهار بار)

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٩٥٢﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ قَالَ إِذَا أَصْبَحَ أَرْبَعَ مَرَّاتِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ فَقَدْ آدَى شُكْرَ يَوْمِهِ وَمَنْ قَالَهَا إِذَا أَمْسَى أَرْبَعًا فَقَدْ آدَى شُكْرَ لَيْلَتِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ١٦٢

﴿١٩٥﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ قَالَ أَرْبَعَ مَرَّاتٍ إِذَا أَصْبَحَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ فَقَدْ آدَى شُكْرَ يَوْمِهِ وَمَنْ قَالَهَا إِذَا أَمْسَى فَقَدْ آدَى شُكْرَ لَيْلَتِهِ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٠٣

١٢-٢-٢-٣-١- الحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا نِعْمَةً مَشْكُورَةً
 ﴿١٩٥٤﴾ الرسول ﷺ: إِذَا رُفِعَتِ الْمَائِدَةُ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا نِعْمَةً
 مَشْكُورَةً؛ مستدرک الوسائل ج: ١٦ ص: ٢٧٩

﴿١٩٥٥﴾ الصادق (عليه السلام): فقال النبي ﷺ أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ شُكْرًا؛ وسائل الشيعة ج: ٥

ص: ٤٦٥

١٤-٢-٣-١-٢-١-١٤- الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَثِيرًا طَيِّبًا عَلَى كُلِّ حَالٍ
 (١٩٥٦) الصادق عليه السلام: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ فِي كُلِّ يَوْمٍ إِذَا أَصْبَحَ وَطَلَعَتِ الشَّمْسُ يَقُولُ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَثِيرًا طَيِّبًا عَلَى كُلِّ حَالٍ يَقُولُهَا ثَلَاثًا مِائَةً وَ سِتِّينَ مَرَّةً شُكْرًا؛ وسائل الشيعة
 ج: ٧، ص: ٢٢٤

١٥-٢-٣-٤-١-الحمد لله رب العالمين وإياه أشكر تمام نعمه علينا
 ﴿١٩٥﴾ الكاظم (عليه السلام) أنهم حضروا يوم توفي محمد بن علي بن محمد دار أبي الحسن (عليه السلام) وقد بسط له في صحن داره والناس جلوس حولَه فقالوا قدرنا أن يكون حوله من آل أبي طالب وبنو العباس وقريش مائة وخمسون رجلاً سوى مواليه وسائر الناس إذ نظر إلى الحسن بن علي وقد جاء مشقوق الجيب حتى جاء عن يمينه ونحن لا نعرفه فنظر إليه أبو الحسن (عليه السلام) بعد ساعة من قيامه ثم قال يا بني أحدث لي شكراً فقد أحدث فيك أمراً فبكى الحسن (عليه السلام) واسترجع وقال الحمد لله رب العالمين وإياه أشكر تمام نعمه علينا وإنا لله وإنا إليه راجعون؛

بحار الأنوار ج: ٥٠ ص: ٢٤٥

١٦-٢-٣-٢-١-١٦-١ الحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا
 ﴿١٩٥﴾ السَّجَادَ ^{السَّجْدَةَ}: أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ مِائَةً مَرَّةً الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا وَكَلَّمَا قَالَهُ
 عَشْرَ مَرَّاتٍ قَالَ شُكْرًا لِلْمُجِيبِ ثُمَّ يَقُولُ يَا ذَا الْمَنِّ الَّذِي لَا يَنْقُطِعُ أَبَدًا وَلَا يُحْصِيهِ غَيْرُهُ عَدَدًا وَيَا
 ذَا

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۹۵۲﴾ هر کس به هنگام صبح، چهار بار " الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ " بگوید، از عهده‌ی شکر (نعمت‌های) آن روز برآمده است؛ و هر کس همین ذکر را در شب چهار بار بگوید، شکر (نعمت‌های) آن شب را به جا آورده است.

﴿۱۹۵۳﴾ هر کس به هنگام صبح، چهار بار " الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ " بگوید، از عهده‌ی شکر (نعمت‌های) آن روز برآمده است؛ و هر کس همین ذکر را در شب بگوید، شکر (نعمت‌های) آن شب را به جا آورده است.

۱۲-۱-۲-۳-۲-۲-۱-۱ ستایش مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است، خدایا توفیق شکر آن را نیز به من عطا کن

﴿۱۹۵۴﴾ چون سفره را برچینند بگو: " سپاس آفریدگار عالمیان را، خدایا، این سفره را برای من نعمت قرار ده که شکرش را ادا کرده باشم ".

۱۳-۱-۲-۳-۲-۲-۱-۱ ستایش خدا را که پروردگار جهانیان است و او را می‌ستایم
﴿۱۹۵۵﴾ پیامبر اکرم ﷺ در مقام شکر این عبارت را فرمود: " الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ شُكْرًا "، " حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که پروردگار عالمیان است و شکر برای اوست ".

۱۴-۱-۲-۳-۲-۲-۱-۱ در همه‌ی حالات خدایی را که پروردگار جهانیان است به پاکی و بسیار می‌ستایم

﴿۱۹۵۶﴾ پیامبر خدا ﷺ هر روز در آغاز روز آنگاه که خورشید طلوع می‌کرد چنین می‌فرمود " ستایش مخصوص خداست، پروردگار عالمیان، ستایشی فراوان و پاک "، و آن را سیصد و شصت بار به عنوان ادای شکر تکرار می‌کرد.

۱۵-۱-۲-۳-۲-۲-۱-۱ ستایش خدا را که پروردگار جهانیان است و بر همه‌ی نعمت‌هایش فقط او را شکر می‌گذارم

﴿۱۹۵۷﴾ روز فوت محمد بن علی بن محمد علیه السلام جمع شدند؛ در آن روز برای حضرت هادی علیه السلام فرشی گسترده بودند و گروهی از بنی‌هاشم و بنی‌عباس که - به غیر از غلامان و سایر مردم - در حدود صد و پنجاه نفر می‌شدند، اطراف امام نشست‌ه بودند. در این موقع حضرت ابوالحسن چشمش به حضرت امام حسن عسکری علیه السلام افتاد که با گریبان چاک و اشک جاری آمد ما ایشان را نمی‌شناختیم. امام هادی پس از لحظاتی که او ایستاده بود، روی به سویش نمود و فرمود: فرزندم، سپاس خدا را به جای آور که دستور جدیدی درباره‌ی تو صادر کرده است. امام حسن عسکری گریه کرد و آیه‌ی استرجاع [إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ] را بر زبان آورد و گفت: " الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ".

۱۶-۱-۲-۳-۲-۲-۱-۱ شاکرانه خدا را می‌ستایم
﴿۱۹۵۸﴾ در سجده‌ی شکر صد مرتبه می‌گفتند: " برای شکر خدا او را می‌ستایم "، و بعد از هر ده بار در ادامه می‌افزودند: " شکر می‌کنم کسی را که پاسخ می‌دهد " و سپس ادامه می‌دادند: "

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْفَدُ أَبَدًا يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ ثُمَّ يَدْعُو وَ يَتَضَرَّعُ وَ يَذْكُرُ حَاجَتَهُ؛

وسائل الشيعة ج: ٧ ص: ١٧

(١٩٥٩) الرضا عليه السلام: فَإِذَا فَرَغْتَ مِنْهَا حَمِدْتَ اللَّهَ كَثِيرًا وَصَلَّيْتَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَ سَأَلْتَ رَبَّكَ حَاجَتَكَ لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَإِذَا تَفَضَّلَ اللَّهُ عَلَيْكَ بِقَضَائِهَا فَصَلِّ رُغَمَتَيْنِ شُكْرًا لِذَلِكَ تَقْرَأُ الْحَمْدَ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ فِي الثَّانِيَةِ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَ تَقُولُ فِي رُكُوعِ الْحَمْدِ لِلَّهِ شُكْرًا وَ فِي سُجُودِكَ شُكْرًا لِلَّهِ وَ حَمْدًا وَ تَقُولُ فِي الرُّكُوعَةِ الثَّانِيَةِ فِي الرُّكُوعِ وَ فِي السُّجُودِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَضَى حَاجَتِي وَأَعْطَانِي سُؤْلِي وَمَسْأَلَتِي؛ مستدرک الوسائل ج: ٦ ص: ٥٦

١٧-١-٢-٢-٣-١-الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا شُكْرًا

﴿١٩٦﴾ الْكَافِرُ: يَقُولُ فِي سَجْدَتَيْ الشُّكْرِ عَقِيبَ الْعَصْرِ مَا تَقَدَّمَ وَإِنْ شِئْتَ قُلْتَ مَا رَوَى أَنَّ السَّجَّادَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ فِيهِمَا وَهُوَ الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا شُكْرًا مِائَةَ مَرَّةٍ وَكَلَّمَا قَالَ عَشْرَ مَرَّاتٍ قَالَ شُكْرًا لِلْمُحِبِّ؛ الْمَصَابِيحُ لِلْكَفَعِيِّ ص: ٢٧

قَالَ شُكْرًا لِلْمُجِيبِ؛ المصباح للكفعمي ص: ٢٧

١٨-١-٢-٢-٣-٢-١-الحمد لله شكرًا شكرًا لله وحَمْدًا

﴿١٩٦﴾ صَلَاةَ الشُّكْرِ لَمَّا آدَيْتَ الْفَرِيضَةَ فَصَلِّ صَلَاةَ الشُّكْرِ تُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ تَقْرَأُ فِي الرُّكْعَةِ الْأُولَى الْحَمْدَ وَ سُورَةَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ مَرَّةً وَ فِي الرُّكْعَةِ الثَّانِيَةِ الْحَمْدَ وَ سُورَةَ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ مَرَّةً وَقُلْ فِي الرُّكُوعِ وَ فِي كُلِّ وَاحِدٍ مِنْ سَجْدَتَيِ الرُّكْعَةِ الْأُولَى الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا شُكْرًا لِلَّهِ وَ حَمْدًا وَقُلْ فِي الرُّكُوعِ وَ فِي كُلِّ وَاحِدٍ مِنْ سَجْدَتَيِ الرُّكْعَةِ الثَّانِيَةِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَضَى لِي حَاجَتِي وَ اسْتَجَابَ دُعَائِي وَ آعْطَانِي مَسْأَلَتِي؛ مستدرک الوسائل ج: ٦ ص: ٣٢٥

قَضَى لِي حَاجَتِي وَاسْتَجَابَ دُعَائِي وَاعْطَانِي مَسْأَلَتِي؛ مستدرك الوسائل ج: ٦ ص: ٣٢٥

١٩-١-٢-٢-٣-٢-١-الحمد لله شكراً شكراً وحمداً حمداً

﴿١٩٦﴾ الرسول ﷺ: تَقُولُ فِي الرَّكْعَةِ الْأُولَى فِي رُكُوعِكَ وَسُجُودِكَ الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا شُكْرًا

وَحَمْدًا حَمْدًا سَبْعَ مَرَّاتٍ؛ مستدرک الوسائل ج: ۶ ص: ۳۲۴

٢٠-١-٢-٢-٣-١-٢-١ الحمد لله شكر النعمائه واستدعاء لمزيد

﴿١٩٦﴾ الصادقين عليهم السلام يُسْتَحَبُّ أَنْ يُزَادَ هَذَا الدُّعَاءُ فِي الْوُتْرِ الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا لِنِعْمَائِهِ وَ

استدعاءً لمزده؛ مصباح المتعجب ص: ١٥٦

٢١-١-٢-٢-٣-٢-١ الحمد لله على سابع نعم الله

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

ای صاحب نعمتی که هرگز نعمت‌دادن را قطع نمی‌کند و کسی جز او نمی‌تواند نعمت‌ها را بشمرد و ای صاحب نیکی‌ها که نیکی‌هایش هرگز تمام نگردد؛ ای بزرگوار، ای بزرگوار، ای بزرگوار سپس دعا می‌نمود و التماس می‌کرد و حاجتش را ذکر می‌کرد.

﴿۱۹۵۹﴾ پس هرگاه از آن فارغ شدی و حمد و سپاس خدای تعالی را بسیار زیاد به جای آوردی و بر محمد و آتش درود فرستادی و از پروردگارت حاجات دنیوی و اخرویات را درخواست کردی پس هرگاه خدای متعال از سر لطف و عنایتش آن‌ها را برای تو اجابت فرمود، پس برای شکر دو رکعت نماز بگزار به گونه‌ای که در رکعت اول "حمد" و "قل هو الله احد" را و در رکعت دوم حمد و سوره‌ی کافرون را بخوانی و در رکوع نمازت بگویی، "الحمد لله شکراً" برای شکر خدا را می‌ستاییم" و در سجده‌ی نمازت شکر و حمد الهی را می‌گویی و در رکوع و در سجود رکعت دوم حمد خدای متعال را بسیار بر زبان می‌آوری و در رکوع و سجده‌ی رکعت دوم چنینی می‌گویی: ستایش مخصوص خدای است که نیازم را برطرف و خواسته‌ام را عطا کرد.

۱۷-۱-۲-۲-۳-۱- شاکرانه خدا را می ستایم

﴿۱۹۶۰﴾ در دوسجده‌ی شکر تعقیب نماز عصر آنچه (از اذکار که) گذشت می‌گویی و اگر خواستی بگو آنچه از حضرت سجاد علیه السلام روایت شده است که صد مرتبه می‌فرمود: "شکراً شکراً و بعد از هر ده مرتبه می‌فرمود: "پاسخ دهنده را شکر می‌کنم و سیاست‌گزارم."

۱۸-۱-۲-۲-۳-۱-سیاس و ستایش مخصوص خداست

﴿۱۹۶﴾ نماز شکر: آنگاه که نماز واجب را ادا کردی نماز شکر بخوان. دو رکعت نماز می‌خوانی در رکعت اول حمد و سوره‌ی " قل هو الله احد " یک بار و در رکعت دوم سوره‌ی " قل یا ایها الکافرون " را یک بار می‌خوانی و در رکوع و هر سجده‌ی رکعت اول بگو: ستایش مخصوص خداست، شکر، شکر مخصوص خداست، ستایش مخصوص خداست، و در رکوع و هر سجده‌ی رکعت دوم بگو: ستایش مخصوص خدایی است که نیازم را برآورده ساخت و دعایم را مستجاب نمود و درخواستم را به من عطا کرد.

۱۹-۱-۲-۲-۳-۱- سیاست و ستایش مخصوص خداست

﴿۱۹۶۲﴾ در رکوع و سجده رکعت اول هفت بار بگو: "الحمد لله شكراً شكراً و حمداً حمداً".

۲۰-۱-۲-۲-۳-۲-۱-۱ ستایش مخصوص خداست شکر بر نعمت‌هایش و درخواست

فزونی اش

﴿۱۹۶۳﴾ مستحب است که این دعا در نماز وتر افزوده شود: " حمد خدا را به خاطر شکر نعمتهایش و نیز طلب فروزی نعمتهای بیشتر... تا آخر دعا ".

۲۱-۱-۲-۲-۳-۲-۱- خدا را بر نعمت‌های گوناگونش می‌ستایم

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٩٦﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ سَرِيَّةً فَقَالَ اللَّهُمَّ إِنَّ لَكَ عَلَىٰ إِنْ رَدَدْتَهُمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ أَنْ أَشْكُرَكَ حَقَّ الشُّكْرِ قَالَ فَمَا لَبِثُوا أَنْ جَاءُوا كَذَلِكَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ سَابِغِ نِعَمِ اللَّهِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٠ ص: ٢١٤

٢٢-١-٢-٢-٣-٢-١-الحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ أَنْعَمَهَا عَلَيَّ

﴿١٩٦﴾ الصادق عليه السلام: قُلْتُ لَهُ لِلشُّكْرِ حَدًّا إِذَا فَعَلَهُ الرَّجُلُ كَانَ شَاكِرًا قَالَ نَعَمْ قُلْتُ مَا هُوَ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ أَنْعَمَهَا عَلَيَّ وَإِنْ كَانَ لَكُمْ فِيهَا أَنْعَمَ عَلَيْهِ حَقُّ أَدَاءِهِ، قَالَ وَمِنْهُ قَوْلُ اللَّهِ «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا» حَتَّى عَدَّ آيَاتٍ؛ تَفْسِيرُ الْعِيَاشِيِّ ج: ١ ص: ٦٧

٢٣-١-٢-٢-٣-١-الحمد لله على كل نعمة كانت أو هي كائنة

﴿١٩٦﴾ الصادق (عليه السلام): مَنْ قَالَ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعَ مَرَّاتِ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ كَانَتْ أَوْ هِيَ كَائِنَةٌ فَقَدْ آدَى شُكْرَ مَا مَضَى وَشُكْرَ مَا بَقِيَ؛ وسائل الشيعة ج: ٧ ص: ٢٢٣

۲۴-۱-۲-۲-۳-۲-۱-الحمد لله كما أصبحنا لك مسلمين سآلمين

٢٥-٢-٢-٣-١- الْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ مَا حَمِدَ اللَّهُ بِهِ حَامِدٌ إِلَى أَبَدِ الْأَبَدِ بِمَا مَنَّ بِهِ عَلَيْكَ مِنْ نِعْمَةٍ وَنَجَاكَ
بِهِ مِنَ الْهَلَكَةِ

﴿١٩٦٧﴾ العسكرى ﷺ: لَيْسَ مِنْ نِعْمَةٍ وَإِنْ جَلَّ أَمْرُهَا وَ عَظُمَ خَطَرُهَا إِلَّا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ عَلَيْهَا مُوَدُّ شُكْرُهَا وَ أَنَا أَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ مَا حَمِدَ اللَّهُ بِهِ حَامِدٌ إِلَى أَبَدِ الْأَبَدِ بِمَا مَنَّ بِهِ عَلَيْكَ مِنْ نِعْمَةٍ وَ نَجَّاكَ بِهِ مِنَ الْهَلَكَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٥٠ ص: ٣١٩

٢-٢-٣-١-أَصْبَحْتُ، أَصْبَحْنَا...

١-٢-٣-٢-٢-٢-١ أَصْبَحْتُ وَرَبِّي مَحْمُودٌ أَصْبَحْتُ لَا أَشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا أَدْعُو مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا أَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ وَلِكَلَّا

﴿١٩٦﴾ الصادق عليه السلام: فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى قَالَ إِنَّهُ كَانَ يَقُولُ إِذَا أَصْبَحَ وَ أَمْسَى أَصْبَحْتُ وَ رَبِّي مَحْمُودٌ أَصْبَحْتُ لَا أَشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئاً وَ لَا أَدْعُو مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَ لَا أَخْذُ مِنْ دُونِهِ وَلَكِنِّي عَبْدٌ شَكُورًا؛ وسائل الشيعة ج: ٧ ص: ٢٢٦

۲-۲-۲-۳-۱. أَصْبَحْتُ أَشْهَدُكَ مَا أَصْبَحْتَ بِي مِنْ نِعْمَةٍ أَوْ عَافِيَةٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَإِنَّهَا مِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ فَالْحَمْدُ عَلَى ذَلِكَ وَلَكَ الشُّكْرُ كَثِيرًا

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۹۶۴﴾ پیامبر خدا ﷺ گروهی را برای جهاد فرستادند و گفتند: خدایا، آن‌ها را سالم و با داشتن غنیمت به منزلشان برگردان و من شکر تو را به‌جای خواهم آورد، پس آن‌ها بعد از چندی مراجعت کردند و پیامبر اکرم ﷺ شکر خدا را به‌جا آوردند.

۱-۲-۳-۲-۲-۱-۲۲ خدا را بر هر نعمتی که بر من نعمت داد می‌ستایم

﴿۱۹۶۵﴾ به ایشان گفتم: آیا برای شکر حدی هست که چون کسی آن را انجام داد، شاکر باشد؟ فرمود: آری. گفتم: آن چیست؟ فرمود: بگویند "سپاس خدا را به خاطر تمام نعمت‌هایی که به من داده است". و نیز اگر در نعمت‌هایی که به شما داده حق بر گردن شما باشد، ادا کند. و به‌عنوان نمونه چند آیه را ذکر فرمود.

۱-۲-۳-۲-۲-۱-۲۳ خدا را بر هر نعمتی که بوده یا هست می‌ستایم

﴿۱۹۶۶﴾ کسی که هفت مرتبه در هر روز، ذکر "به خاطر هر نعمتی تا بوده و هست ستایش مخصوص خداست" را بگوید، از عهده‌ی شکر نعمت‌های گذشته و آینده (خدای تعالی) برآمده است.

۱-۲-۳-۲-۲-۱-۲۴ خدا را همچنان که فرمان‌بردار و تسلیم‌اوییم می‌ستایم

۱-۲-۳-۲-۲-۱-۲۵ ستایش مخصوص خداست به اندازه‌ی ستایش همه‌ی ستایشگران تا ابد...

﴿۱۹۶۷﴾ هر نعمتی هرچند بزرگ‌ترین و با ارزش‌ترین لغت باشد، همین که بگویی: "الحمد لله"، شکر و سپاس آن را ادا کنی، من نیز می‌گویم: "الحمد لله" به اندازه‌ی حمد و ستایش هر ستایش‌کننده‌ای تا ابد بر آن نعمتی که خداوند به تو ارزانی داشته و از هلاکت نجات بخشیده است.

۱-۲-۳-۲-۲-۱-۲۶ صبح را آغاز کردم، صبح را آغاز کردیم...

۱-۲-۳-۲-۲-۱-۲۷ صبح را آغاز کردم و پروردگارم ستوده است، صبح را آغاز کردم و چیزی را شریک او نمی‌دانم و به همراهش معبودی نمی‌خوانم و در برابرش سرپرستی نمی‌گیرم

﴿۱۹۶۸﴾ درباره‌ی کلام خداوند عزیز و جلیل که فرمود: او هنگامی که صبح و شب را آغاز می‌کرد چنین می‌گفت: "صبح را آغاز کردم و پروردگارم ستوده شده است و برایش شریکی نمی‌گیرم و همراه با او خدای دیگری را نمی‌خوانم و غیر از او سرپرست دیگری را نمی‌گیرم". به همین دلیل او بنده‌ی بسیار شکرگزار نامیده شد.

۱-۲-۳-۲-۲-۱-۲۸ صبح را آغاز کردم و تو را گواه می‌گیرم بدان‌چه از نعمت و عافیت در دین یا دنیا به من دادی که همه از توست. یکتا و بی‌همتایی، شریک‌نداری، ستایش شکر فراوان مخصوص توست

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٩٦٩﴾ الباقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَلِمَاتٍ بَالِغٍ فِيهِنَّ قُلْتُ وَ مَا هُنَّ قَالَ كَانَ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ أَصْبَحْتُ أَشْهَدُ مَا أَصْبَحْتُ بِى مِنْ نِعْمَةٍ أَوْ عَافِيَةٍ فِى دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَإِنَّهَا مِنْكَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ فَالِكَ الْحَمْدُ عَلَى ذَلِكَ وَ لَكَ الشُّكْرُ كَثِيرًا كَانَ يَقُولُهَا إِذَا أَصْبَحَ ثَلَاثًا وَ إِذَا أَمْسَى ثَلَاثًا؛ الكافى ج: ٢ ص: ٥٣٤

١-٢-٣-٢-٢-٢-٣-١-٢-٣-٢-٢-٢-٣-١-٢-٣-٢-٢-٢-٣
 ﴿١٩٧٠﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): كَانَ يَقُولُ (عليه السلام) إِذَا أَمْسَى أَصْبَحْنَا لِلَّهِ شَاكِرِينَ وَ أَمْسَيْنَا لِلَّهِ حَامِدِينَ فَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا أَمْسَيْنَا لَكَ مُسْلِمِينَ سَالِمِينَ وَأَصْبَحْنَا لِلَّهِ شَاكِرِينَ وَإِذَا أَصْبَحَ قَالَ وَ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ أَمْسَيْنَا لِلَّهِ شَاكِرِينَ وَ أَمْسَيْنَا لِلَّهِ حَامِدِينَ فَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا أَصْبَحْنَا لَكَ مُسْلِمِينَ سَالِمِينَ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٢٥

١-٢-٣-٢-٢-٣-١- اللَّهُمَّ أَنْتَ أَنْتَ انْقُطِعِ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ
 (١٩٧١) الكاظم (عليه السلام): تَقُولُ فِي سَجْدَتِي الشُّكْرَ عَقِيبَ الْعِشَاءِ مَا تَقَدَّمَ وَ إِن شِئْتَ قُلْتَ اللَّهُمَّ
 أَنْتَ أَنْتَ انْقُطِعِ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ ثُمَّ قُلْ يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ ثَلَاثًا: المصباح للكفعمي ص: ٢٧
 ١-٢-٣-٢-٢-٣-٢- اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنَّهُ مَا أَصْبَحَ وَأَمْسَى بِي مِنْ نِعْمَةٍ وَعَافِيَةٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَمِنْكَ
 وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ بِهَا عَلَى حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَا
 (١٩٧٢) الصادق (عليه السلام): اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنَّهُ مَا أَصْبَحَ وَأَمْسَى بِي مِنْ نِعْمَةٍ وَعَافِيَةٍ فِي دِينٍ أَوْ
 دُنْيَا فَمِنْكَ وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ بِهَا عَلَى حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَا
 يَقُولُهَا إِذَا أَصْبَحَ عَشْرًا وَ إِذَا أَمْسَى عَشْرًا فَسَمِّيَ بِذَلِكَ عَبْدًا شَكُورًا؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١
 ص: ٣٣٥

وَحَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ بِهَا عَلَى حَتَّى تَرْضَى إِلَهَنَا
 ﴿١٩٧٣﴾ الباقِر (عليه السلام): إِنَّ نُوْحًا إِنَّمَا سَمَّى عَبْدًا شَكُورًا لِأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ إِذَا أَمْسَى وَ أَصْبَحَ اللَّهُمَّ
 إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنَّهُ مَا أَمْسَى وَ أَصْبَحَ بِي مِنْ نِعْمَةٍ أَوْ عَافِيَةٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَمِنْكَ وَحَدِّكَ لَا
 شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ بِهَا عَلَى حَتَّى تَرْضَى إِلَهَنَا؛ وسائل الشيعة ج: ٧ ص: ٢٢٦
 ﴿١٩٧٤﴾ الصادق (عليه السلام): إِنَّمَا سَمَّى نُوْحٌ عَبْدًا شَكُورًا لِأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ هَذَا عِنْدَ كُلِّ صَبَاحٍ وَ
 مَسَاءٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنَّهُ مَا أَمْسَى وَ أَصْبَحَ بِي مِنْ نِعْمَةٍ أَوْ عَافِيَةٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَمِنْكَ
 وَحَدِّكَ لَا

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۹۶۹﴾ کلماتی بود که (نوح) در گفتن آن‌ها مبالغه می‌کرد، عرض کردم: آن‌ها چه بود؟ فرمود: چون در آغاز صبح می‌گفت: "خدایا، صبح را آغاز کردم و تو را گواه می‌گیرم تو را بر آنکه نعمتی یا عافیتی در دین و دنیا برای من صبح را آغاز کرد متعلق به توست، یگانه‌ای تو و همتایی برای تو نیست، پس حمد مخصوص توست و شکر فراوان سزاوار توست " و هرگاه صبح می‌کرد سه بار آن را می‌گفت، و چون شام می‌کرد نیز سه بار می‌گفت.

۱-۲-۳-۲-۲-۲-۳ صبح را با شکر خداوند و شب را با سپاسگزاری خدا آغاز کردیم... ﴿۱۹۷۰﴾ امیرالمؤمنین (علیه السلام) در آغاز شب می‌فرمود: "روز را با شکر خدا و شب را با سپاس او آغاز می‌کنیم." و نیز نقل شده است که در آغاز روز می‌فرمود: "شب را با شکر خدا و روز را با سپاس او آغاز می‌کنیم هم‌چنان که تسلیم او بوده و روزمان را به دور از آفات شروع کردیم."

۱-۲-۳-۲-۲-۲-۳ خدایا تو تنها امید منی

۱-۲-۳-۲-۲-۲-۳ خدایا تنها تو، امیدم جز از تو قطع شده است

﴿۱۹۷۱﴾ در سجده‌ی شکر در تعقیب نماز عشا آنچه گفتیم می‌گویی و اگر خواستی بگو: خداوند، هرامیدی باطل است مگر به تو سپس بگو: ای یگانه‌ای که کسی برای او نیست (سه مرتبه).

۱-۲-۳-۲-۲-۲-۳ خدایا... ستایش و شکر از آن توست و بر این نعمت‌ها ستایش و شکر بر من واجب است چنان‌که خشنود شوی و حتی بعد از خشنودی

﴿۱۹۷۲﴾ پروردگارا، من تو را گواه می‌گیرم که همانا شک ندارم هرآنچه از نعمت و سلامتی که در هر صبح و شام با من همراه است - چه در دین و چه در دنیای من - همه از جانب توست، بی‌همتایی، شریک‌نداری، سپاس و شکر مخصوص توست چنان‌که خشنود شوی و بلکه بیش از آن. این دعا را ده بار هر بامداد می‌خواند، و چون روز به پایان می‌رسید نیز ده بار دیگر، و از این‌رو، او را بنده‌ی بسیار شکرگزار نامیدند.

۱-۲-۳-۲-۲-۲-۳ خدایا... ستایش و شکر از آن توست و بر این نعمت‌ها ستایش و شکر بر من واجب شد تا آنجا که خشنود شوی ای خدای ما

﴿۱۹۷۳﴾ به این جهت حضرت نوح (علیه السلام) را بنده‌ی بسیار شکرگزار نامیدند که هرگاه شب و صبح را آغاز می‌کرد به درگاه خداوند عزیز و جلیل عرض می‌کرد: "خدایا، تو را شاهد قرار می‌دهم که هر نعمت یا عافیتی در دین یا دنیا، شب یا روز به من می‌رسد فقط از ناحیه‌ی توست که شریکی نداری، و در مقابل این نعمت و عافیت که به من داده‌ای سپاس و شکر را به‌جا می‌آورم تا از من راضی شوی و حتی بعد از آن نیز پروردگارا، باز تو را می‌ستایم و شکر می‌نمایم.

۱-۲-۳-۲-۲-۲-۴ خدایا... ستایش و شکر در هر حال از آن توست

﴿۱۹۷۴﴾ حضرت نوح (علیه السلام) از آن جهت بنده‌ی بسیار سپاسگزار نامیده شد، که پیوسته در هر صبح و شام می‌فرمود: "خدایا، تو را گواه می‌گیرم که روز و شبم را با هیچ عافیت یا نعمتی دینی و دنیوی آغاز نکردم مگر اینکه همه آنها از ناحیه‌ی توست و شریکی برای تو وجود ندارد، ستایش

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

شَرِيكَ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَزَادَ جَدِّي أَبُو جَعْفَرٍ الطُّوسِيُّ فِي رِوَايَتِهِ
بَعْدَ قَوْلِهِ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَا؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٢٦٩
٥-٣-٢-٢-١-اللَّهُمَّ مَا أَصْبَحَ بِي مِنْ نِعْمَةٍ أَوْ بِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فَمِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ
الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ

﴿١٩٧٥﴾ الرسول ﷺ: مَنْ قَالَ حِينَ يُصْبِحُ اللَّهُمَّ مَا أَصْبَحَ بِي مِنْ نِعْمَةٍ أَوْ بِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ
فَمِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ آدَى شُكْرَ ذَلِكَ الْيَوْمِ؛
مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ٣٩٣

﴿١٩٧٦﴾ الصادق عليه السلام: إِذَا أَصْبَحْتَ وَآمَسَيْتَ فَقُلْ عَشْرَ مَرَّاتٍ اللَّهُمَّ مَا أَصْبَحْتُ بِي مِنْ نِعْمَةٍ
أَوْ عَافِيَةٍ مِنْ دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَمِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ بِهَا عَلَى يَا
رَبِّ حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَا فَإِنَّكَ إِذَا قُلْتَ ذَلِكَ كُنْتَ قَدْ آدَيْتَ شُكْرَ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ بِهِ عَلَيْكَ
فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ وَفِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٩

﴿١٩٧٧﴾ الباقر عليه السلام: أَنْ نُوْحًا كَانَ إِذَا أَصْبَحَ وَآمَسَى قَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنْ مَا أَصْبَحَ أَوْ
آمَسَى بِي مِنْ نِعْمَةٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَمِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ بِهَا
عَلَى حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَى فَهَذَا كَانَ شُكْرُهُ؛ بحار الأنوار ج: ١١ ص: ٢٩٠
٤-٢-٣-٢-١-آمَسَيْتُ، آمَسَيْنَا...

١-٢-٣-٢-٤-آمَسَيْتُ أَشْهَدُ أَنَّهُ مَا آمَسَيْتُ بِهِ مِنْ نِعْمَةٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَإِنَّهَا مِنَ اللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ
لَهُ الْحَمْدُ بِهَا وَالشُّكْرُ كَثِيرًا

﴿١٩٧٨﴾ الباقر عليه السلام: كَانَ نُوحٌ إِذَا آمَسَى وَآصْبَحَ يَقُولُ آمَسَيْتُ أَشْهَدُ أَنَّهُ مَا آمَسَى بِي مِنْ نِعْمَةٍ
فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَإِنَّهَا مِنَ اللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْحَمْدُ بِهَا عَلَى وَالشُّكْرُ كَثِيرًا فَأَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْهِ
كَانَ عَبْدًا شَكُورًا؛ بحار الأنوار ج: ١١ ص: ٢٩١

﴿١٩٧٩﴾ الباقر عليه السلام: إِذَا كَانَ آمَسَى وَآصْبَحَ يَقُولُ آمَسَيْتُ أَشْهَدُ أَنَّهُ مَا آمَسَيْتُ بِهِ مِنْ نِعْمَةٍ فِي
دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَإِنَّهَا مِنَ اللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْحَمْدُ بِهَا وَالشُّكْرُ كَثِيرًا؛ مستدرک الوسائل ج: ٥
ص: ٣٨٨

٢-٢-٣-٢-١-آمَسَيْنَا لِلَّهِ شَاكِرِينَ وَأَصْبَحْنَا لِلَّهِ حَامِدِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا أَصْبَحْنَا لَكَ مُسْلِمِينَ
سَالِمِينَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

و سپاسگزاری در هر حالتی مخصوص توست. و در نسخه‌ای افزوده شده است: تا اینکه خشنود گردی، و حتی بعد از خرسندی‌ات.

۱-۲-۳-۲-۲-۳-۵- خدایا در این صبحگاه هر آنچه نعمت بر من یا به یکی از مخلوقات می‌رسد از جانب توست، یکتایی، شریکی نداری ستایش و شکر از آن توست

﴿۱۹۷۵﴾ هر کس هنگامی که صبح را آغاز می‌کند بگوید: خداوند، به سبب آنچه که از نعمت‌های تو در (این) صبح بر من وارد شد یا از طریق یکی از (بندگان) از طرف تو به من رسید (من تو را حمد و سپاس گفته) و چنین می‌گویم: "تو یگانه‌ای و همتایی نداری، حمد و سپاس مخصوص توست و شکر و قدردانی مخصوص توست". در این صورت شکر آن روز را به‌جا آورده است.

﴿۱۹۷۶﴾ صبحگاهان و شامگاهان ده مرتبه چنین بگو: پروردگارا، آنچه من در صبحگاه از صحت و سلامت و از نعمت‌های دینی و دنیوی در خود می‌بینم، فقط و فقط از جانب توست و نه از ناحیه‌ی غیر تو. و حمد و ستایش تو در برابر این نعمت‌ها بر من لازم است تا راضی و خشنود شوی و حتی بعد از خشنودی‌ات اگر انسان این دعا را در هر روز ده بار بگوید شکر نعمت‌هایی که خداوند در آن روز و در آن شب به او عنایت فرموده به‌جای آورده است.

﴿۱۹۷۷﴾ نوح در هر صبح و شام می‌گفت: ("خداوند! تو را گواه می‌گیرم که در هر صبح و شام هر نعمتی که در دین یا دنیای من وجود دارد، از ناحیه‌ی توست، تو یگانه‌ای و شریکی نداری، حمد و سپاس از آن توست، تا آنجا که از من راضی شوی) و حتی بعد از رضایت، و این کلام شکر نوح بود.

۱-۲-۳-۲-۲-۴- شب را آغاز کردم، شب را آغاز کردیم

۱-۲-۳-۲-۲-۴-۱- شب را آغاز کردم و گواهی می‌دهم که آنچه از نعمت‌های دین یا دنیا که با آن شب را آغاز کردم از جانب خداست، او که یکتاست و شریکی ندارد و ستایش و شکر بسیار از آن اوست

﴿۱۹۷۸﴾ نوح علیه السلام در ابتدای شب و در آغاز صبح چنین می‌گفت: شهادت می‌دهم که همه‌ی نعمت‌هایی که از دین و دنیا همراه من بوده از طرف خداست، یکتایی که شریک ندارد و شکر فراوانش بر من واجب است پس خداوند چنین نازل کرد: "او بنده‌ای بسیار شکرگزار بود".

﴿۱۹۷۹﴾ در آغاز هر شب و روز چنین بگو: گواهی می‌دهم که از هر نعمتی برخوردار شده‌ام از طرف خدای تعالی است که شریکی ندارد و واحد است و حمد و سپاس و شکر بسیار از آن اوست.

۱-۲-۳-۲-۲-۴-۲- شب را با شکر خدا و روز را با ستایش از او آغاز کردیم و ستایش مخصوص اوست به خاطر آنکه با تسلیم و در حال سلامت صبح را آغاز کردیم

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٩٨٠﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): كَانَ يَقُولُ (عليه السلام) إِذَا أَمْسَى أَصْبَحْنَا لِلَّهِ شَاكِرِينَ وَ أَمْسَيْنَا لِلَّهِ حَامِدِينَ فَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا أَمْسَيْنَا لَكَ مُسْلِمِينَ سَالِمِينَ قَالَ وَ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ أَمْسَيْنَا لِلَّهِ شَاكِرِينَ وَ أَصْبَحْنَا لِلَّهِ حَامِدِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا أَصْبَحْنَا لَكَ مُسْلِمِينَ سَالِمِينَ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٢٥

۵-۲-۲-۳-۱- اللّٰهُمَّ اِنَّهُ لَمْ يُمْسِ اَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ

﴿١٩٨١﴾ السَّجْدَةُ: يَا مُحَمَّدُ قُلْ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ الْقُرْبَ إِلَيَّ اعْلَمُوا عِلْمًا يَقِينًا أَنَّ هَذَا الْكَلَامَ أَفْضَلُ مَا أَنْتُمْ مُتَقَرَّبُونَ بِهِ إِلَيَّ بَعْدَ الْفَرَائِضِ وَ ذَلِكَ أَنْ يَقُولَ اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَمْ يُمْسَ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ أَنْتَ إِلَيْهِ أَحْسَنَ صَنِيعًا وَ لَا لَهُ أَذْوَمَ كَرَامَةً وَ لَا عَلَيْهِ أَتَيْنَ فَضْلًا وَ لَا بِهِ أَشَدُّ تَرْفُّقًا وَ لَا عَلَيْهِ أَشَدُّ حَيْطَةً وَ لَا عَلَيْهِ أَشَدُّ تَعَطُّفًا مِنْكَ عَلَيَّ وَ إِنْ كَانَ جَمِيعُ الْمَخْلُوقِينَ يُعَدُّونَ مِنْ ذَلِكَ مِثْلَ تَعْدِيدِي فَاشْهَدْ يَا كَافِي الشَّهَادَةِ بَأَنِّي أَشْهَدُكَ بِنَبِيِّهِ صِدْقَ بَأَنِّ لَكَ الْفَضْلَ وَ الطَّوْلَ فِي إِنْعَامِكَ عَلَيَّ وَ قِلَّةَ شُكْرِي لَكَ فِيهَا يَا فَاعِلَ كُلِّ إِرَادَةٍ صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ طَوَّقْنِي أَمَانًا مِنْ حُلُولِ السَّخَطِ لِقِلَّةِ الشُّكْرِ وَ أَوْجِبْ لِي زِيَادَةً مِنْ إِيْتِمَامِ النُّعْمَةِ بِسَعَةِ الرَّحْمَةِ وَ الْمَغْفِرَةِ أَنْظِرْنِي خَيْرِكَ وَ لَا تَقْيَاسُنِي بِسُوءِ سَرِيرَتِي وَ امْتَحِنْ قَلْبِي لِرِضَاكَ وَ اجْعَلْ مَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ فِي دِينِكَ خَالِصًا وَ لَا تَجْعَلْهُ لِلزُّومِ شُبْهَةً وَ لَا فَخْرًا وَ لَا رِيَاءً يَا كَرِيمُ فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِكَ أَحَبَّهُ أَهْلُ سَمَاوَاتِي وَ سَمَوَاتِي الشُّكُورُ؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٢٧٨

۱-۲-۳-۲-۲-۶ بِسْمِ اللّٰهِ

۱-۶-۲-۲-۳-۲-۱ بِسْمِ اللّٰهِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الشُّكْرُ لِلّٰهِ

﴿١٩٨٢﴾ الكاظم عليه السلام: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام يَقُولُ إِذَا شَرِبَ مِنْ زَمْزَمَ بِسْمِ اللَّهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الشُّكْرُ لِلَّهِ؛ وسائل الشيعة ج: ١٣ ص: ٢٤٧

بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ إِيْمَانًا بِاللَّهِ وَتَنَاءً عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ
الْعِصْمَةِ لِأَمْرِهِ وَالشُّكْرَ لِرِزْقِهِ

﴿١٩٨٣﴾ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا دَخَلْتَ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ إِيْمَانًا بِاللَّهِ وَ ثَنَاءً عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ الْعِصْمَةَ لِأَمْرِهِ وَ الشُّكْرَ لِرِزْقِهِ؛ الكافي ج: ٦ ص: ٣٠

٧-٢-٢-٣-١- سُبْحَانَ اللَّهِ

١-٢-٣-٢-٢-٧-١- سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۹۸۰﴾ امیرالمؤمنین علیه السلام در آغاز شب می فرمود: "روز را با شکر خدا و شب را با سپاس او آغاز می کنیم." و نیز نقل شده است که در آغاز روز می فرمود: "شب را با شکر خدا و روز را با سپاس او آغاز می کنیم هم چنان که تسلیم او بوده و روزمان را به دور از آفات شروع کردیم."

۵-۲-۲-۳-۱- خدا یا احدی از آفریدگانت شب را آغاز نکرد مگر...

﴿۱۹۸۱﴾ ای محمد صلی الله علیه و آله به آنان که خواهان تقرب به سوی من هستند بگو: یقین بدانید این کلام بعد از ادای واجبات بالاترین درجه‌ی نزدیکی به من را برایتان به ارمغان می آورد و آن این است که بگویید: "خدایا، هیچ بنده‌ای نیست که تو بر او بیش از من احسان کرده باشی و کرامت تو بر او دائمی تر از کرامت بر من بوده و لطف تو بر او آشکارتر از لطف تو بر من باشد و با او مهربان تر از من باشی و حجت تو بر او بیش از من باشد و یا با او مهربان تر از من باشی؛ و اگر تمامی خلائق نیز همین را بگویند ای کسی که شهادت تو کافی است، خود شهادت بده و من تو را با نیت صحیح به شهادت می گیرم که لطف و بخشش در نعمت دادن به من از آن توسست و کم شکر کردن من در مقابل آن‌ها از آن من است. ای به وجود آورنده‌ی همه‌ی اراده‌ها، بر محمد و خاندانش درود فرست و گردن بند ایمن بودن از خشم خود را که به خاطر قصور ما در شکر برافروخته شده بر گردن من بینداز. و با رحمت و آمرزش گسترده‌ات فزونی نعمت را بر من واجب کن و با خیرخواهی به من مهلت ده و مرا با بدی نیتم مقایسه نکن و قلمیم را با رضای خودت امتحان کن و آنچه را که خواستم با آن به تو نزدیک شوم خالص کن و مبادا که آن‌ها را برای فریب دیگران و یا فخرفروشی و یا ریا انجام دهم ای بزرگوار،" پس هرگاه که بنده‌ای این دعا را بگوید اهل آسمان‌هایم او را دوست خواهند داشت و او را "بسیار شکرکننده" می نامند.

۶-۲-۲-۳-۱- به نام خدا...

۱-۶-۲-۲-۳-۱- به نام خدا، ستایش و شکر از آن خداست

﴿۱۹۸۲﴾ ابوالحسن علیه السلام هنگام نوشیدن از آب زمزم می فرمود: به نام خدا و حمد و سپاس برای خداست و شکر و قدردانی مخصوص خدای یگانه است.

۲-۶-۲-۲-۳-۱- به نام خدا و به یاری خدا و ستایش خدا را...

﴿۱۹۸۳﴾ زمانی که حیوانی را ذبح کردی این چنین بگو: با نام خدا و با استعانت از خدای تعالی و با سپاس و حمد مخصوص برای حق تعالی که همانا اوست خدایی که بزرگ تر از آنست که در حد معرفت خلق بگنجد، به او ایمان دارم و درود بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله؛ دورماندن از گناه و حرام نشدن این حیوان در دست اوست و بر این روزی حلال او را شکر می کنم.

۷-۲-۲-۳-۱- پاک و منزّه است خدا

۱-۷-۲-۲-۳-۱- منزّه است خدایی که او را رام کرد و ما بر آن توانا نبودیم و ما به سوی پروردگارمان باز می گردیم و ستایش خدا را که پروردگار جهانیان است

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٩٨٤﴾ الرضا عليه السلام: إِنَّمَا الشُّكْرُ إِذَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدِهِ أَنْ يَقُولَ سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٣٣٢

١-٢-٣-٢-٧-٢- سُبْحَانَ رَبِّ النَّبِيِّينَ وَإِلَهُ الْمُرْسَلِينَ وَرَبِّ الْمُسْتَضْعَفِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

﴿١٩٨٥﴾ الصادق عليه السلام: إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ مِنَ اللَّيْلِ فَلْيَقُلْ سُبْحَانَ رَبِّ النَّبِيِّينَ وَإِلَهُ الْمُرْسَلِينَ وَرَبِّ الْمُسْتَضْعَفِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ صَدَقَ عَبْدِي وَشَكَرَ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٣٨

١-٢-٣-٢-٨-١- شُكْرًا...

١-٢-٣-٢-٨-١- شُكْرًا

﴿١٩٨٦﴾ الصادق عليه السلام: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْآنَ وَصَلْتَ إِلَيَّ فَسَمِّ بِاسْمِي فَقَالَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ جُعِلَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فِي أَوَّلِ السُّورَةِ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَحْمَدْنِي فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ فِي نَفْسِهِ شُكْرًا فَقَالَ اللَّهُ يَا مُحَمَّدُ قَطَعْتَ حَمْدِي فَسَمِّ بِاسْمِي فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ جُعِلَ فِي الْحَمْدِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَرَّتَيْنِ فَلَمَّا بَلَغَ وَ لَا الضَّالِّينَ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ شُكْرًا فَقَالَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ قَطَعْتَ ذِكْرِي فَسَمِّ بِاسْمِي فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ جُعِلَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بَعْدَ الْحَمْدِ فِي اسْتِقْبَالِ السُّورَةِ الْآخَرَى؛ وسائل الشيعة ج: ٥ ص: ٤٦٥

﴿١٩٨٧﴾ الصادق عليه السلام: أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ سَمِّ بِاسْمِي فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ جُعِلَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فِي أَوَّلِ السُّورَةِ ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنْ أَحْمَدْنِي فَلَمَّا قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ فِي نَفْسِهِ شُكْرًا فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ قَطَعْتَ حَمْدِي فَسَمِّ بِاسْمِي فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ جُعِلَ فِي الْحَمْدِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَرَّتَيْنِ فَلَمَّا بَلَغَ وَ لَا الضَّالِّينَ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ شُكْرًا فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ قَطَعْتَ ذِكْرِي فَسَمِّ بِاسْمِي فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ جُعِلَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فِي أَوَّلِ السُّورَةِ؛ الكافي ج: ٣ ص: ٤٨٤

١-٢-٣-٢-٨-٢- شُكْرًا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ

﴿١٩٨٨﴾ الرسول ﷺ: فَسَجَدَ النَّبِيُّ ﷺ وَوَضَعَ عَلَى الْأَرْضِ وَجْهَهُ ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ حَتَّى تَبَيَّنَ لِلنَّاسِ عُفْرَةُ إِبْطَيْهِ فَقَالَ شُكْرًا قَالَهَا ثَلَاثًا؛ إقبال الأعمال ص: ٥١٢

١-٢-٣-٢-٨-٣- شُكْرًا شُكْرًا كَمَا أَوْثَقْنِي وَ أَوْثَقَ مَنْ مَعِيَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۹۸۴﴾ همانا شکر آن است که هرگاه خداوند به بنده‌اش نعمتی عطا کند بگوید: منزّه است آن کس که این را برای ما مسخّر و مطیع ساخت و ما توان آن نداشتیم که در برابر آن مقاومت کنیم و ما به‌سوی پروردگارمان بازگشت‌کننده‌ایم و ستایش مخصوص معبودی است که پروردگار عالمیان است.

۱-۲-۳-۲-۲-۷-۲-۲ منزّه است خدایی که پروردگار پیامبران و معبود فرستادگان و پروردگار مستضعفین است، ستایش خدایی را که مرده را زنده می‌کند و او بر هر چیز تواناست

﴿۱۹۸۵﴾ زمانی که یکی از شما، شب از خواب برخیزد چنین بگوید: "پاک و منزّه است پروردگار پیامبران و خداوندگار فرستادگان و پروردگار مستضعفین؛ و سپاس خدایی را که زنده می‌کند مرده را و او بر هر چیزی تواناست"، خدای عزیز و جلیل در مقابل می‌فرماید: بنده‌ی من راست گفت و شکر را به‌جای آورد.

۱-۲-۳-۲-۲-۸-۱ شکر

۱-۲-۳-۲-۲-۸-۱ شکر

﴿۱۹۸۶﴾ خداوند عزیز و جلیل فرمود: حال که به من رسیدی، مرا نام ببر؛ حضرت فرمود: "بسم الله الرحمن الرحيم" و به همین خاطر در اول هر سوره "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ" قرار گرفت. سپس حق تعالی به آن حضرت فرمود: مرا ستایش کن. حضرت عرضه داشت: "الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ" پیامبر اکرم ﷺ در نفس خود پس از تحمید عرضه داشت: "شکرا". بلافاصله حق تعالی فرمود: ای محمد، حمد و ستایش مرا با گفتن "شکرا" قطع کردی پس دوباره نام مرا تکرار کن و به همین خاطر در سوره‌ی حمد عبارت "الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ" دو مرتبه گفته می‌شود و وقتی به "و لا الضّالّین" رسید پیامبر اکرم ﷺ فرمود: "الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ شُكْرًا" (یعنی در مقام شکر این عبارت را فرمود) خدای عزیز جبار فرمود: ذکر مرا قطع کردی پس اسمم را یاد کن. پیامبر ﷺ فرمودند: "بسم الله الرحمن الرحيم" و به همین خاطر بعد از حمد در ابتدای هر سوره "بسم الله الرحمن الرحيم" قرار گرفت.

﴿۱۹۸۷﴾ خداوند به او وحی کرد که مرا با نام خودم بخوان، به همین دلیل "بسم الله الرحمن الرحيم"، "به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان، در ابتدای سوره گذاشته شد، سپس خداوند وحی کرد که مرا حمد کن. آنگاه که فرمود: "ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است". پیامبر با خودش گفت: "شکر خدا را". پس خداوند به او وحی کرد: "حمدم را قطع کردی؛ پس دوباره مرا به نامم، صدا کن"، به همین خاطر در سوره‌ی حمد، "بخشنده‌ی بخشایشگر" دو بار گذاشته شد پس آنگاه که به عبارت "و نه گمراهان" رسید، پیامبر ﷺ برای شکر گفت: ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است. پس خداوند به او وحی کرد: "ذکر مرا قطع کردی" پس دوباره مرا به اسم، صدا بزن. پس به همین دلیل "بسم الله الرحمن الرحيم" در ابتدای هر سوره گذاشته شد.

۱-۲-۳-۲-۲-۸-۲ شکر سه مرتبه

﴿۱۹۸۸﴾ پس پیامبر ﷺ سجده کردند و صورتشان را بر زمین قرار دادند و دستانشان را به‌قدری بالا بردند که گودی زیر بغلشان برای مردم آشکار شد و فرمودند: شکر خدا را. و این عبارت را سه بار گفتند.

۱-۲-۳-۲-۲-۸-۳ سپاس گزارم سپاس گزارم که مرا و یارانم را جا و مکان دادی

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿١٩٨٩﴾ الرسول ﷺ: فَنَزَلَ جِبْرِيلُ ﷺ وَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ اسْتَجَابَ دَعْوَتَكَ فَجَاءَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَى رُكْبَتَيْهِ وَبَسَطَ يَدَيْهِ وَأَرْسَلَ بِالْذُّمِّ عَيْنَيْهِ ثُمَّ نَادَى شُكْرًا شُكْرًا كَمَا أَوْثَقْنِي وَأَوْثَقَ مَنْ مَعِيَ؛ القصص للراوندي ص: ٣٤٥

١-٢-٣-٢-٢-٨-٤ شُكْرًا شُكْرًا مِائَةَ مَرَّةٍ

﴿١٩٩٠﴾ امير المؤمنين ﷺ: قُلْ شُكْرًا شُكْرًا مِائَةَ مَرَّةٍ؛ بحار الأنوار ج: ٩٧ ص: ٣٢٠

﴿١٩٩١﴾ الرضا ﷺ: سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ يَقُولُ فِيهَا مِائَةَ مَرَّةٍ شُكْرًا لِلَّهِ؛ وسائل الشيعة ج: ٤

ص: ٥٥

﴿١٩٩٢﴾ الصادق ﷺ: تَأْتِي بِالسَّجْدَةِ الثَّانِيَةِ فَتَقُولُ فِيهَا مِائَةَ مَرَّةٍ شُكْرًا شُكْرًا؛ مفتاح الفلاح

ص: ١٤٣

﴿١٩٩٣﴾ الكاظم ﷺ: تَعُودُ إِلَى السُّجُودِ فَتَضَعُ جَبْهَتَكَ عَلَى الْأَرْضِ وَتَقُولُ شُكْرًا شُكْرًا مِائَةَ

مَرَّةٍ؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٢٣٥

١-٢-٣-٢-٢-٨-٥ شُكْرًا شُكْرًا وَحَمْدًا حَمْدًا سَبْعَ مَرَّاتٍ

١-٢-٣-٢-٢-٨-٦ شُكْرًا لِلْمُجِيبِ

﴿١٩٩٤﴾ السجاد ﷺ: أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ مِائَةَ مَرَّةٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا وَكُلَّمَا قَالَهُ

عَشْرَ مَرَّاتٍ قَالَ شُكْرًا لِلْمُجِيبِ ثُمَّ يَقُولُ يَا ذَا الْمَنِّ الَّذِي لَا يَنْقُطُ أَبَدًا وَلَا يُخْصِيهِ غَيْرُهُ عَدَدًا وَيَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْفَدُ أَبَدًا يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ ثُمَّ يَدْعُو وَيَتَضَرَّعُ وَيَذْكُرُ حَاجَتَهُ؛

وسائل الشيعة ج: ٧ ص: ١٧

﴿١٩٩٥﴾ الكاظم ﷺ: تَقُولُ فِي سَجْدَتِي الشُّكْرِ عَقِيبَ الْعَصْرِ مَا تَقَدَّمَ وَإِنْ شِئْتَ قُلْتَ مَا رَوَى

أَنَّ السَّجَادَ ﷺ كَانَ يَقُولُ فِيهِمَا وَهُوَ الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا شُكْرًا مِائَةَ مَرَّةٍ وَكُلَّمَا قَالَ عَشْرَ مَرَّاتٍ

قَالَ شُكْرًا لِلْمُجِيبِ؛ المصباح للكفعمي ص: ٢٧

﴿١٩٩٦﴾ الرسول ﷺ: اللَّهُمَّ فَرِّجْ هَمِّي وَبَرِّدْ كَبْدِي بِخَلِيلِي عَلَى بَنِ أَبِي طَالِبٍ حَتَّى قَالَهَا ثَلَاثًا

قَالَتْ لَهُ خَدِيجَةُ قَدْ اسْتَجَابَ اللَّهُ دَعْوَتَكَ فَاسْتَقِلَّ قَائِمًا رَافِعًا يَدَيْهِ وَيَقُولُ شُكْرًا لِلْمُجِيبِ قَالَهُ

إِخْدَى عَشْرَةَ مَرَّةٍ؛ بحار الأنوار ج: ٤٠ ص: ٦٤

١-٢-٣-٢-٢-٨-٧ شُكْرًا لِلْمُنْعِمِ شُكْرًا لِلْمُنْعِمِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ

﴿١٩٩٧﴾ امير المؤمنين ﷺ: هَبِطَ عَلَيْهِ جِبْرِيلُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُقْرُئُكَ السَّلَامَ

وَيَقُولُ لَكَ إِنَّ عَبْدِي مُوسَى ﷺ بَاهِلَ عَدُوِّهِ قَارُونَ بِأَخِيهِ هَارُونَ وَبَيْنَهُ فَخَسَفَتْ بِقَارُونَ وَ

أَهْلُهُ وَمَالُهُ وَبِمَنْ أَرَزَهُ مِنْ قَوْمِهِ وَبِعِزَّتِي أَقْسِمُ وَبِجَلَالِي يَا أَحْمَدُ لَوْ بَاهَلْتَ بِكَ وَبِمَنْ تَحْتَ

الْكِسَاءِ مِنْ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۱۹۸۹﴾ جبرئیل علیه السلام نازل شد و گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله خداوند عزیز و جلیل دعای تو را مستجاب نمود و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دو زانو نشست و دستانش را باز کرد و از چشمانش اشک جاری شد و سپس چنین گفت: "شکر خدا را، شکر خدا را که مرا و همراهان مرا پناه داد.

۴-۸-۲-۲-۳-۱- سپاسگزارم سپاسگزارم صد مرتبه

﴿۱۹۹۰﴾ صد مرتبه بگو "شکراً شکراً"

﴿۱۹۹۱﴾ سجده‌ی شکر می‌رفت و صد مرتبه در سجده‌ی شکر می‌گفت: "شکرا لله".

﴿۱۹۹۲﴾ بعد از آن باید که سجده‌ی دوم را به‌جای آری و صد مرتبه "شکرا شکرا" بگویی.

﴿۱۹۹۳﴾ به حالت سجده برگردید پیشانی خود را بر زمین بگذارید و صد مرتبه بگویید "شکراً شکراً".

۵-۸-۲-۲-۳-۱- شکر شکر، سپاس سپاس هفت مرتبه

۶-۸-۲-۲-۳-۱- سپاس می‌گزارم خداوندی را که اجابت می‌کند

﴿۱۹۹۴﴾ در سجده‌ی شکر صد مرتبه می‌گفتند: "برای شکر خدا او را می‌ستایم"، و بعد از هر ده بار در ادامه می‌افزودند: "شکر می‌کنم کسی را که پاسخ می‌دهد" و سپس ادامه می‌دادند: "ای صاحب نعمتی که هرگز نعمت‌دادن را قطع نمی‌کند و کسی جز او نمی‌تواند نعمت‌ها را بشمرد و ای صاحب نیکی‌ها که نیکی‌هایش هرگز تمام نگردد؛ ای بزرگوار، ای بزرگوار، ای بزرگوار سپس دعا می‌نمود و التماس می‌کرد و حاجتش را ذکر می‌کرد.

﴿۱۹۹۵﴾ در دو سجده‌ی شکر تعقیب نماز عصر آنچه (از اذکار که) گذشت می‌گویی و اگر خواستی بگو آنچه از حضرت سجاد علیه السلام روایت شده است که صد مرتبه می‌فرمود: "شکراً شکراً و بعد از هر ده مرتبه می‌فرمود: "پاسخ دهنده را شکر می‌کنم و سپاسگزارم".

﴿۱۹۹۶﴾ پروردگارا، بر اندوهم گشایشی عنایت فرما و جگرم را به‌واسطه‌ی دوستی‌ام با علی بن ابی‌طالب علیه السلام خنک کن تا اینکه آن را سه بار گفت. خدیجه به او گفت: خداوند دعوت تو را اجابت کرد، پس ایستاد و دستانش را بالا برد و یازده مرتبه گفت: به درگاه اجابت‌کننده شکر می‌کنم.

۷-۸-۲-۲-۳-۱- سپاس می‌گزارم خداوندی را که نعمت می‌دهد سه مرتبه

﴿۱۹۹۷﴾ جبرئیل بر او فرود آمد و گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله خداوند عزیز و جلیل بر تو درود می‌فرستد و به تو می‌گوید: بنده‌ام موسی علیه السلام همراه برادرش هارون و فرزندانش با قارون مباحله کردند من نیز قارون و خانواده و اموال و یاری‌کنندگان را در زمین فرو بردم. به عزت و جلالم سوگند ای احمد، که اگر تو همراه آن افرادی از اهل بیت که زیر کساء بودند با تمام اهل زمین

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

أَهْلِكَ أَهْلَ الْأَرْضِ وَالْخَلَائِقَ جَمِيعاً لَتَقَطَّعْتَ السَّمَاءَ كِسَافاً وَالْجِبَالَ رُيْبَرًا وَلَسَاخَتِ الْأَرْضُ فَلَمْ تَسْتَقِرَّ أَبَدًا إِلَّا أَنْ أَشَاءَ ذَلِكَ فَسَجَدَ النَّبِيُّ ﷺ وَوَضَعَ عَلَى الْأَرْضِ وَجْهَهُ ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ حَتَّى تَبَيَّنَ لِلنَّاسِ غُفْرَةُ إِبْطِيهِ فَقَالَ شُكْرًا لِلْمُنْعِمِ شُكْرًا لِلْمُنْعِمِ قَالَهَا ثَلَاثًا فَسَيَّلَ نَبِيُّ اللَّهِ ﷺ عَنْ سَجْدَتِهِ وَعَمَّا رَأَى مِنْ تَبَاشِيرِ السُّرُورِ فِي وَجْهِهِ فَقَالَ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِمَا أَبْلَانِي مِنَ الْكَرَامَةِ فِي أَهْلِ بَيْتِي ثُمَّ حَدَّثَهُمْ بِمَا جَاءَ بِهِ جَبْرِئِيلُ ﷺ؛ بحار الأنوار ج: ٢١ ص: ٣٢٤

٨-٢-٢-٢-١- شُكْرًا لِلَّهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ

﴿١٩٩٨﴾ الصادق ﷺ: إِنَّمَا يَسْجُدُ الْمُصَلِّي سَجْدَةً بَعْدَ الْفَرِيضَةِ لِيَشْكُرَ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرُهُ فِيهَا عَلَى مَا مِنْ بِهِ عَلَيْهِ مِنْ آدَاءِ فَرَضِهِ وَأَدْنَى مَا يُجْزَى فِيهَا شُكْرًا لِلَّهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١

ص: ٣٣٣

﴿١٩٩٩﴾ الرضا ﷺ: السَّجْدَةُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى مَا وَفَّقَ لَهُ الْعَبْدَ مِنْ آدَاءِ فَرَضِهِ وَأَدْنَى مَا يُجْزَى فِيهَا مِنَ الْقَوْلِ أَنْ يَقَالَ شُكْرًا لِلَّهِ شُكْرًا لِلَّهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ قُلْتُ فَمَا مَعْنَى قَوْلِهِ شُكْرًا لِلَّهِ قَالَ يَقُولُ هَذِهِ السَّجْدَةُ مِنِّي شُكْرًا لِلَّهِ عَلَى مَا وَفَّقَنِي لَهُ مِنْ خِدْمَتِهِ وَآدَاءِ فَرَضِهِ وَالشُّكْرُ مُوجِبٌ لِلزِّيَادَةِ فَإِنْ كَانَ فِي الصَّلَاةِ تَقْصِيرٌ لَمْ يَتِمَّ بِالنَّوَافِلِ تَمَّ بِهِدِهِ السَّجْدَةُ؛

وسائل الشيعة ج: ٧ ص: ٥

﴿٢٠٠٠﴾ الصادق ﷺ: نَفَرَتْ بَعْلَةُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ﷺ فِيمَا بَيْنَ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةِ فَقَالَ لَئِنْ رَدَّهَا اللَّهُ عَلَيَّ لَأَشْكُرَنَّهُ حَقَّ الشُّكْرِ فَلَمَّا أَخَذَهَا قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ قَالَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ شُكْرًا لِلَّهِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٠ ص: ٢١٥

٨-٢-٢-٢-١- شُكْرًا لِلَّهِ مِائَةَ مَرَّةٍ

١٠-٢-٢-٢-١- شُكْرًا لِلَّهِ جَلَّتْ عَظَمَتُهُ

﴿٢٠٠١﴾ الكاظم ﷺ: فَسَمِعْنَاهُ وَهُوَ يَقُولُ فِي دُعَائِهِ شُكْرًا لِلَّهِ جَلَّتْ عَظَمَتُهُ؛ بحار الأنوار ج: ٩١

ص: ٣١٩

١١-٢-٢-٢-١- شُكْرًا لِلَّهِ وَحَمْدًا

﴿٢٠٠٢﴾ الرضا ﷺ: فَإِذَا فَرَغْتَ مِنْهَا حَمِدْتَ اللَّهَ كَثِيرًا وَصَلَّيْتَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَسَأَلْتَ رَبَّكَ حَاجَتَكَ لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَإِذَا تَفَضَّلَ اللَّهُ عَلَيْكَ بِقَضَائِهَا فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ شُكْرًا لِذَلِكَ تَقْرَأُ الْحَمْدَ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَفِي الثَّانِيَةِ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَتَقُولُ فِي رُكُوعِكَ الْحَمْدُ لِلَّهِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

مباهله کنید آسمان‌ها و کوه‌ها را تکه تکه می‌کنم و زمین را آن چنان فرو می‌برم که هرگز آرام نشود مگر آنکه بخواهم. پس پیامبر ﷺ سجده کردند و صورتشان را بر زمین گذاشتند و سپس دستانشان را بلند کردند به نحوی که گودی زیر بغلشان آشکار شد و فرمودند: "نعمت‌دهنده را بسیار شکر می‌کنم" و این عبارت را سه بار تکرار نمودند. از پیامبر خدا ﷺ درباره‌ی علت سجده و شادی چهره‌شان پرسیدند فرمودند: به خاطر شکر خدا بر کرامتی که به من درباره‌ی اهل بیتم کرد. بعد آنچه را که جبرئیل علیه السلام گفته بود برای آن‌ها بازگو کردند.

۸-۲-۲-۳-۱- سپاس خدا را سه مرتبه

﴿۱۹۹۸﴾ نمازگزار پس از انجام فریضه به سجده می‌رود تا سپاس خداوند متعال را بر نعمتی که به او عطا کرده و او را به انجام وظیفه موفق ساخته است به‌جا آورد، و کمترین ذکر که در آن باید گفته شود سه بار گفتن "شکراً لله" "همه‌ی شکر متعلق به خداست"، می‌باشد. ﴿۱۹۹۹﴾ سجده‌ی بعد از نماز واجب، شکر به درگاه خداوند است به خاطر توفیقی که به بنده‌اش برای ادای نماز واجب داده است، و کمترین ذکر در سجده‌ی شکر این است که سه بار بگوید: "شکراً لله" "شکر مخصوص خداست". گفتیم: معنی این ذکر چیست؟ فرمود: "یعنی: این سجده به عنوان سپاسگزاری بر توفیقی است که بر خدمت و ادای واجبش به ما عطا کرد". شکر موجب افزونی نعمت می‌شود؛ اگر در نماز کوتاهی شده باشد که حتی با نوافل جبران نشود با این سجده برطرف می‌شود.

﴿۲۰۰۰﴾ استر امام باقر علیه السلام در بین راه مکه و مدینه فرار کرد، امام فرمود: اگر خدا استرم را بازگرداند او را چنان که سزاوار است شکر گویم؛ چون استر به او رسید سه بار فرمود: "الحمد لله رب العالمین" و سه بار فرمود: "شکر الله".

۹-۲-۲-۳-۱- سپاس خدا را صد مرتبه

۱۰-۲-۲-۳-۱- سپاس خدا را که بزرگ است عظمت او

﴿۲۰۰۱﴾ آنچه ما از آن حضرت در مقام شکرگزاری شنیدیم، این دعا بود. ایشان در دعای خود می‌فرمودند: "شکر مخصوص خداست؛ خدایی که عظمت او با جلالت است.

۱۱-۲-۲-۳-۱- شکر خدا را و ستایش خدا را

﴿۲۰۰۲﴾ پس هرگاه از آن فارغ شدی و حمد و سپاس خدای تعالی را بسیار زیاد به‌جای آوردی و بر محمد و آلش درود فرستادی و از پروردگارت حاجات دنیوی و اخروی‌ات را درخواست کردی پس هرگاه خدای متعال از سر لطف و عنایتش آن‌ها را برای تو اجابت فرمود، پس برای شکر دو رکعت نماز بگزار به گونه‌ای که در رکعت اول "حمد" و "قل هو الله احد" را و در رکعت دوم حمد و سوره‌ی کافرون را بخوانی و در رکوع نمازت بگویی، "الحمد لله شکراً" برای شکر خدا

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

شُكْرًا وَفِي سُجُودِكَ شُكْرًا لِلَّهِ وَحَمْدًا وَتَقُولُ فِي الرَّكْعَةِ الثَّانِيَةِ فِي الرُّكُوعِ وَفِي السُّجُودِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَضَى حَاجَتِي وَاعْطَانِي سُؤْلِي وَمَسْأَلَتِي؛ مستدرک الوسائل ج: ٦ ص: ٥٦
 ١-٢-٣-٢-٢-٩-١ من قال "لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ..." "فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ...أَدَّى مَا يَجِبُ عَلَيْهِ مِنْ شُكْرِ اللَّهِ تَعَالَى

﴿٢٠٠٣﴾ الصادق عليه السلام: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: لَا يَأْتِي عِلَّةَ يُكَبِّرُ الْمُصَلِّي بَعْدَ التَّسْلِيمِ ثَلَاثًا يَرْفَعُ بِهَا يَدَيْهِ فَقَالَ لَأَنَّ النَّبِيَّ ﷺ لَمَّا فَتَحَ مَكَّةَ صَلَّى بِأَصْحَابِهِ الظُّهْرَ عِنْدَ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ فَلَمَّا سَلَّمَ رَفَعَ يَدَيْهِ وَكَبَّرَ ثَلَاثًا وَقَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَأَعَزَّ جُنْدَهُ وَغَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ لَا تَدْعُوا هَذَا التَّكْبِيرَ وَهَذَا الْقَوْلَ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ فَإِنَّ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ بَعْدَ التَّسْلِيمِ وَقَالَ هَذَا الْقَوْلَ كَانَ قَدْ أَدَّى مَا يَجِبُ عَلَيْهِ مِنْ شُكْرِ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى تَقْوِيَةِ الْإِسْلَامِ وَجُنْدِهِ؛ وسائل الشيعة ج: ٦ ص: ٤٥٢

١-٢-٣-٢-٢-١٠-١ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ

﴿٢٠٠٤﴾ الجواد عليه السلام: فِي شُكْرِ النِّعْمَةِ يُقَالُ غُدُوَّةٌ وَعَشِيَّةٌ...؛ البلد الأمين ص: ٢٨

١-٢-٣-٢-٢-١١-١ لَكَ الْحَمْدُ...

١-٢-٣-٢-٢-١١-١ لَكَ الْحَمْدُ شُكْرًا

﴿٢٠٠٥﴾ الصادق عليه السلام: لَكَ الْحَمْدُ شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ١٥٦

١-٢-٣-٢-٢-١١-٢ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ

﴿٢٠٠٦﴾ الصادق عليه السلام: لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٩

١-٢-٣-٢-٢-١٢-١ يَا...

١-٢-٣-٢-٢-١٢-١ يَا أَحَدُ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ ثَلَاثًا

﴿٢٠٠٧﴾ الكاظم عليه السلام: تَقُولُ فِي سَجْدَتِي الشُّكْرَ عَقِيبَ الْعِشَاءِ مَا تَقَدَّمَ وَإِنْ شِئْتَ قُلْتَ اللَّهُمَّ

أَنْتَ أَنْتَ أَنْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ ثُمَّ قُلْ يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ ثَلَاثًا؛ المصباح للكفعمي ص: ٢٧

١-٢-٣-٢-٢-١٢-٢ يَا ذَا الْمَنِّ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا وَلَا يُحْصِيهِ غَيْرُهُ عَدَدًا وَيَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْفَدُ أَبَدًا يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

را می‌ستاییم " و در سجده‌ی نمازت شکر و حمد الهی را می‌گویی و در رکوع و در سجود رکعت دوم حمد خدای متعال را بسیار بر زبان می‌آوری و در رکوع و سجده‌ی رکعت دوم چنینی می‌گویی: ستایش مخصوص خدایی است که نیازم را برطرف و خواسته‌ام را عطا کرد.

۹-۲-۲-۳-۱- هر کس این دعا را بعد از هر نماز واجب بخواند شکر واجب بر تقویت اسلام را ادا کرده است، "هیچ خدایی جز خدای یکتا نیست، یگانه و تنهاست وعده‌ی خود را به جای آورده است..."

﴿۲۰۳﴾ به ابی‌عبدالله علیه السلام عرض کردم: برای چه نماز گزار بعد از سلام سه مرتبه تکبیر گفته و دست‌هایش را بلند می‌کند؟ حضرت فرمودند: زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وقتی مکه را فتح نمودند، با اصحابشان نزدیک حجر الاسود نماز ظهر را خواندند و وقتی سلام دادند دو دست را بلند کرده و سه مرتبه تکبیر گفتند، بعد از آن فرمودند: "لا اله الا الله وحده وحده، انجز وعده و نصر عبده و اعز جنده و غلب الاحزاب وحده، فله الملك و له الحمد، یحیی و یمیت و یمیت و یحیی و هو علی کل شیء قدیر". سپس رو به اصحابشان کردند و فرمودند: این تکبیر را ترک نکنید و این دعا را بعد از هر نماز واجبی بخوانید زیرا کسی که بعد از سلام چنین کند و این دعا را بخواند در مقابل شکر واجب این نعمت خدای عزیز و جلیل را که اسلام و لشکریان مسلمین را تقویت کرده است ادا کرده است.

۱۰-۲-۲-۳-۱- هیچ نیرویی جز به اراده‌ی خداوند عمل نمی‌کند، درخواست آمرزش می‌کنم و بازگشت همه‌چیز به سوی اوست

﴿۲۰۴﴾ برای شکر نعمت هر صبح و شام چنین گفته شده است.

۱۱-۲-۲-۳-۱- ستایش از آن توست

۱-۱۱-۲-۲-۳-۱- ستایش از آن توست و تو را سپاس می‌گزارم

﴿۲۰۵﴾ از روی سپاسگزاری تو را ستایش کنم.

۲-۱۱-۲-۲-۳-۱- ستایش و سپاس از آن توست

﴿۲۰۶﴾ حمد و ستایش و شکر و سپاس تنها سزاوار توست.

۱۲-۲-۲-۳-۱- ای...

۱-۱۲-۲-۲-۳-۱- ای بی‌همتایی که همتایی برای او نیست سه بار

﴿۲۰۷﴾ در سجده‌ی شکر در تعقیب نماز عشا آنچه گفتیم می‌گویی و اگر خواستی بگو: خداوند، هرامیدی باطل است مگر به تو سپس بگو: ای یگانه‌ای که کسی برای او نیست (سه مرتبه).

۲-۱۲-۲-۲-۳-۱- ای صاحب نعمتی که هرگز بخششت پایان نمی‌پذیرد و هیچ‌گاه نعمت به شمار در نمی‌آید، ای صاحب خیر که هرگز نیکی‌ات گسسته نمی‌شود، ای بزرگوار، ای بزرگوار، ای بزرگوار

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٠٨﴾ السَّجَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ مِائَةَ مَرَّةٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا وَكَلِمًا قَالَهُ عَشْرَ مَرَّاتٍ قَالَ شُكْرًا لِلْمُجِيبِ ثُمَّ يَقُولُ يَا ذَا الْمَنِّ الَّذِي لَا يَنْقُطِعُ أَبَدًا وَلَا يُحْصِيهِ غَيْرُهُ عَدَدًا وَيَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْفَدُ أَبَدًا يَا كَرِيمَ يَا كَرِيمَ ثُمَّ يَدْعُو وَيَتَضَرَّعُ وَيَذْكُرُ حَاجَتَهُ؛
وسائل الشيعة ج: ٧ ص: ١٧

[illegible]

٥-١٢-٢-٣-١- يا مُدِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ وَيَا مُعِزَّ كُلِّ ذَلِيلٍ قَدْ وَعِزَّتِكَ بَلَغَ بِي مَجْهُودِي ثَلَاثًا
 ﴿٢٠١﴾ الكاظم (عليه السلام): ثُمَّ تَضَعُ خَدَّكَ الْأَيْسَرَ عَلَى الْأَرْضِ وَتَقُولُ يَا مُدِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ وَيَا مُعِزَّ
 كُلِّ ذَلِيلٍ قَدْ وَعِزَّتِكَ بَلَغَ بِي مَجْهُودِي ثَلَاثًا ثُمَّ تَعُودُ لِلسُّجُودِ وَتَقُولُ مِائَةَ مَرَّةٍ شُكْرًا شُكْرًا ثُمَّ
 تَسْأَلُ حَاجَتَكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٣٢٩
 ٣-٢-٣-١- الدَّبِيعُ

﴿٢٠١٢﴾ الباقِرُ الرَّحْمٰنُ: إِذَا ذَبَحْتَ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللّهِ وَ الْحَمْدُ لِلّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ إِيْمَانًا بِاللّهِ وَ ثَنَاءً عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ الْعِصْمَةَ لِأَمْرِهِ وَ الشُّكْرَ لِرِزْقِهِ؛ الكافي ج:٦ ص:٣٠

﴿٢٠١٣﴾ تَصَوَّرْ لِعَبْدِ الْمُطَلِّبِ أَنْ ذُبِحَ الْوَلَدُ أَفْضَلَ قُرْبَةً لِمَا عَلِمَ مِنْ حَالِ إِسْمَاعِيلَ فَنَذَرَ أَنَّهُ مَتَى رَزَقَ عَشْرَةَ أَوْلَادٍ ذَكَورٌ أَنْ يَنْحَرَ أَحَدَهُمْ فِي الْكَعْبَةِ شُكْرًا لِلَّهِ فَلَمَّا وَجَدَهُمْ عَشْرَةَ قَالَ لَهُمْ يَا بَنِي مَا تَقُولُونَ فِي نَذْرِي فَقَالُوا الْأَمْرُ إِلَيْكَ وَ نَحْنُ بَيْنَ يَدَيْكَ؛ مستدرک الوسائل ج:١٦ ص:٩٨

٢-٤-١-٢-٣-٤-الركوع و راجع: السجدة

﴿٢٠١٤﴾ الباقِرُ السَّنَةِ: يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي شُكْرًا لِلَّهِ؛ بحار الأنوار ج: ١٤
ص: ١٩٢

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۰۸﴾ در سجده‌ی شکر صد مرتبه می‌گفتند: "برای شکر خدا او را می‌ستایم"، و بعد از هر ده بار در ادامه می‌افزودند: "شکر می‌کنم کسی را که پاسخ می‌دهد" و سپس ادامه می‌دادند: "ای صاحب نعمتی که هرگز نعمت‌دادن را قطع نمی‌کند و کسی جز او نمی‌تواند نعمت‌ها را بشمرد و ای صاحب نیکی‌ها که نیکی‌هایش هرگز تمام نگردد؛ ای بزرگوار، ای بزرگوار، ای بزرگوار سپس دعا می‌نمود و التماس می‌کرد و حاجتش را ذکر می‌کرد.

۱-۲-۳-۲-۲-۱۲-۳ ای پناه من آن‌گاه که گوناگونی راه‌ها مرا در انتخاب بهترین به عجز می‌اندازند... سه بار

﴿۲۰۹﴾ آنگاه گونه‌ی راست خود را بر زمین نهاده و سه بار بگو: "ای پناه من آن‌گاه که گوناگونی راه‌ها مرا در انتخاب بهترین به عجز می‌اندازند، زمین با همه‌ی گستردگی‌اش بر من تنگ می‌شود؛ ای آن که بی‌نیاز از آفریدن من بودی و مرا از سر لطف و رحمت آفریدی، بر محمد و خاندان پاک و محافظت‌شده‌اش درود فرست.

۱-۲-۳-۲-۲-۱۲-۴ ای آغازکننده به عطای نعمت قبل از سزاواری من به آن‌ها
﴿۲۱۰﴾ آن‌هنگام که بگوید: "ای آغازکننده به عطای نعمت پیش از آنکه بنده شایستگی آن را داشته باشد؛" خدای تعالی به تعداد کسانی که نعمت‌های او را شکر می‌کنند به او اجر عطا کند.

۱-۲-۳-۲-۲-۱۲-۵ ای خوارکننده‌ی هر ستمگر زورگو و ای عزیزکننده‌ی هر خوار، به عزت سوگند که رنج و مشقت مرا از پای درآورده است... ۳ بار

﴿۲۱۱﴾ آنگاه گونه‌ی چپ خود را بر زمین نهاده و بگو: "ای خوارکننده‌ی هر سرکش، و ای عزیزکننده‌ی هر ذلیل، آری، تو را به عزت سوگند می‌دهم که آرزویم را برآوری و بارم را که طاقتم را برده به منزل برسانی" - سه بار - سپس به سجده بازگشته و صد بار "شکرا شکرا" می‌گویی. آنگاه حاجت خویش را می‌طلبی، ان‌شاءالله که روا خواهد شد.

۱-۲-۳-۲-۳-۱۲-۳ هنگام قربانی

﴿۲۱۲﴾ زمانی که حیوانی را ذبح کردی این چنین بگو: با نام خدا و با استعانت از خدای تعالی و با سپاس و حمد مخصوص برای حق تعالی که همانا اوست خدایی که بزرگ‌تر از آنست که در حد معرفت خلق بگنجد، به او ایمان دارم و درود بر پیامبر خدا ﷺ؛ دورماندن از گناه و حرام نشدن این حیوان در دست اوست و بر این روزی حلال او را شکر می‌کنم.

﴿۲۱۳﴾ برای عبدالمطلب ﷺ با توجه به چیزی که از حال اسماعیل علیهما السلام می‌دانست، این گونه متصور شده بود که قربانی کردن پسر بیشترین نزدیکی را نزد خدا دارد پس نذر کرد که آنگاه که خداوند به او ده فرزند پسر عطا نماید یکی را در کعبه برای شکر خدایش قربانی کند آنگاه که دید ده پسر دارد به آن‌ها گفت: ای پسرانم، نظر شما درباره‌ی نذر چیست؟ گفتند: اختیار کار با توسل و ما در اختیار تو هستیم.

۱-۲-۳-۲-۴ رکوع و ربه: سجده

﴿۲۱۴﴾ ای مریم، برای شکر خدا فرمان بر پروردگار خود باش و و برای خدا رکوع و سجود کن.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٠١٥﴾ الرسول ﷺ: فَقَالَ لَهُ جُوَيْرٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ دَخَلْتُ بَيْتًا وَاسِعًا وَرَأَيْتُ فِرَاشًا وَمَتَاعًا وَفَتَاةً حَسَنَاءَ عَطِوَةً وَذَكَرْتُ حَالِي الَّتِي كُنْتُ عَلَيْهَا وَغُرْبَتِي وَحَاجَتِي وَضِيعَتِي وَكِسْوَتِي مَعَ الْغُرَبَاءِ وَالْمَسَاكِينِ فَأَخْبَبْتُ إِذْ أَوْلَانِي اللَّهَ ذَلِكَ أَنْ أَشْكُرَهُ عَلَى مَا أَعْطَانِي وَاتَّقَرُّبُ إِلَيْهِ بِحَقِيقَةِ الشُّكْرِ فَتَهَضُّتُ إِلَى جَانِبِ الْبَيْتِ فَلَمْ أَزَلْ فِي صَلَاتِي تَالِيًا لِلْقُرْآنِ رَاكِعًا وَسَاجِدًا أَشْكُرُ اللَّهَ؛ الْكَافِي ج: ٥ ص: ٣٤٢

٥-٢-٣-١- الزَّكَاةُ

﴿٢٠١٦﴾ الرضا ﷺ: أَنَّ عِلَّةَ الزَّكَاةِ مِنْ أَجْلِ قُوَّةِ الْفُقَرَاءِ وَتَحْصِينِ أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ كَلَّفَ أَهْلَ الصَّحَّةِ الْقِيَامَ بِشَأْنِ أَهْلِ الزَّمَانَةِ وَالْبُلُوَى كَمَا قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَتُبْلَوُنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فِي أَمْوَالِكُمْ إِخْرَاجَ الزَّكَاةِ وَفِي أَنْفُسِكُمْ تَوْطِينَ الْأَنْفُسِ عَلَى الصَّبْرِ مَعَ مَا فِي ذَلِكَ مِنْ آدَاءِ شُكْرِ نِعَمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ مِنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه ج: ٢ ص: ٨

٦-٢-٣-١- السَّجْدَةُ، سَجْدَةُ الشُّكْرِ

١-٢-٣-٢-٦-١- التَّعْرِيفُ، الْعَلَامَاتُ وَ الْكَيْفِيَّةُ

١-٢-٣-٢-٦-١-١- سَجْدَةُ الشُّكْرِ سَجْدَةٌ وَاحِدَةٌ

﴿٢٠١٧﴾ الرضا ﷺ: سَأَلْتُهُ عَنْ سَجْدَةِ الشُّكْرِ فَقَالَ أَيُّ شَيْءٍ سَجْدَةُ الشُّكْرِ فَقُلْتُ لَهُ إِنَّ أَصْحَابَنَا يَسْجُدُونَ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ سَجْدَةً وَاحِدَةً وَيَقُولُونَ هِيَ سَجْدَةُ الشُّكْرِ فَقَالَ إِنَّمَا الشُّكْرُ إِذَا أَنْعَمَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى عَبْدِهِ النِّعْمَةَ أَنْ يَقُولَ سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ تَهْذِيبُ الْأَحْكَام ج: ٢ ص: ١٠٩

٢-٢-٣-٢-٦-١- طُولُهُ

﴿٢٠١٨﴾ الْبَاقِرُ ﷺ: بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَعَ أَصْحَابِهِ رَاكِبًا عَلَى دَابَّتِهِ إِذْ نَزَلَ فَخَرَّ سَاجِدًا فَقِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ رَأَيْنَاكَ صَنَعْتَ شَيْئًا لَمْ تَكُ تَصْنَعُهُ قَبْلَ الْيَوْمِ فَقَالَ أَتَانِي مَلَكٌ مِنْ عِنْدِ رَبِّي فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّكَ يُفَرِّتُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَسْرُكَ فِي أَمَّتِكَ فَلَمْ يَكُنْ عِنْدِي مَالٌ أَصَدَّقُ وَلَا عَبْدٌ أَعْتَقُهُ فَسَجَدْتُ لِلَّهِ شُكْرًا؛ مُسْتَدْرَكُ الْوَسَائِل ج: ٥ ص: ١٥٢

﴿٢٠١٩﴾ دَخَلْتُ الْعِرَاقَ فَرَأَيْتُ وَاحِدًا يُعَاتِبُ صَاحِبَهُ وَيَقُولُ لَهُ أَنْتَ رَجُلٌ عَلَيْكَ عِيَالٌ وَ تَحْتَاجُ أَنْ تَكْسِبَ عَلَيْهِمْ وَمَا أَمِنُ أَنْ تَذْهَبَ عَيْنَاكَ بِطُولِ سُجُودِكَ قَالَ فَلَمَّا أَكْثَرَ عَلَيْهِ قَالَ أَكْثَرْتُ عَلَى

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۰۱۵﴾ پس جویبر گفت: ای پیامبر خدا، وارد خانه‌ای بزرگ شدم و فرش و وسایلی دیدم و دختری جوان و زیبا و خوشبو. به یاد حال خودم قبل از این افتادم که غریب و نیازمند بودم و در لباس غریبان و بیچارگان. پس دوست داشتم حال که خداوند این نعمت را به من بخشیده به خاطر عطایش او را شکر کنم و با حقیقت شکر به او تقرب بجویم پس به گوشه‌ای از خانه رفتم و پیوسته در حال خواندن نماز و قرآن بودم و در رکوع و سجود خدا را شکر می‌کردم.

۵-۲-۳-۱- زکات

﴿۲۰۱۶﴾ علت تشریح زکات به جهت تأمین مایحتاج فقرا بوده است، اگر توانگران از مال خود، حق فقرا را ندهند اموال آن‌ها در معرض تلف و نابودی قرار خواهد گرفت. خداوند متعال مردمان سالم را مکلف کرده که به بیماران و معلولان و ناتوانان و گرفتاران رسیدگی کنند و در قرآن مجید فرموده است: "با مال‌ها و جان‌هایتان آزمایش می‌شوید". خداوند متعال در اموال آن‌ها حقوقی برای فقرا معین کرده و فرموده است باید زکات مال خود را بپردازند، و در مورد نفس نیز باید در مشکلات صابر و شکیبا باشند، و همواره بردبار و حلیم بوده و شکر و سپاس پروردگار را به جای آورند.

۶-۲-۳-۱- سجده، سجده‌ی شکر

۱-۲-۳-۲-۶-۱- تعریف، نشانه‌ها و چگونگی آن

۱-۱-۲-۳-۲-۶-۱- سجده‌ی شکر، یک سجده است

﴿۲۰۱۷﴾ درباره‌ی سجده‌ی شکر از ایشان پرسیدم فرمودند: سجده‌ی شکر چیست؟ گفتم بعضی از دوستان ما بعد از نماز واجب یک سجده می‌کنند و می‌گویند که این سجده‌ی شکر است. فرمودند: شکر آن است که هرگاه خداوند متعال به بنده‌ای نعمتی دهد بنده بگوید: "پاک و منزّه کسی که این را مسخّر ما ساخت و درغیراین‌صورت ما توانایی تسخیر آن را نداشتیم و ما به‌سوی پروردگارمان بازمی‌گردیم و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است".

۲-۱-۲-۳-۲-۶-۱- طولانی کردن آن

﴿۲۰۱۸﴾ پیامبر خدا ﷺ سوار مرکبشان همراه اصحاب بودند که پیاده شدند و به درگاه خداوند سجده کردند. به ایشان گفته شد: ای پیامبر خدا دیدیم که شما عملی انجام دادید که تا حالا چنین نکرده بودید. فرمودند: فرشته‌ای از جانب پروردگارم آمد و گفت: یا محمد ﷺ پروردگارت به تو سلام می‌رساند و می‌گوید: من تو را درباره‌ی امت شاد می‌کنم. نه مالی داشتم که آن را صدقه دهم و نه بنده‌ای داشتم که آزادش کنم پس سجده‌ی شکر به جا آوردم.

﴿۲۰۱۹﴾ وارد عراق شدم و دیدم کسی دوستش را ملامت می‌کند و به او می‌گوید: تو زن و فرزند داری و نیاز داری که برای آن‌ها کسب درآمدی داشته باشی و ممکن است که با طولانی بودن سجده‌هایت چشمانت را از دست بدهی. وقتی که خیلی او را ملامت کرد گفت:

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

وَيَحْكُ لَوْ ذَهَبَتْ عَيْنُ أَحَدٍ مِنَ السُّجُودِ لَذَهَبَتْ عَيْنُ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ مَا ظَنُّكَ بِرَجُلٍ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ فَلَا يَرْفَعُ رَأْسَهُ إِلَّا عِنْدَ الزَّوَالِ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ١٢٩

﴿٢٠٢٠﴾ الرضا عليه السلام: دَخَلْنَا عَلَيْهِ وَهُوَ سَاجِدٌ فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ فَأَطَالَ فِي سُجُودِهِ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقُلْنَا لَهُ أَطَلْتَ السُّجُودَ فَقَالَ مَنْ دَعَا فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ بِهَذَا الدُّعَاءِ كَانَ كَالرَّامِي مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَوْمَ بَدْرٍ قَالَا قُلْنَا فَنَكْتُبُهُ قَالَ أَكْتُبَا إِذَا أَنْتَ سَجَدْتَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ فَقُلِ اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ بَدَّلَا دِينَكَ وَغَيَّرُوا نِعْمَتَكَ وَاتَّهَمَا رَسُولَكَ ﷺ وَخَالَفَا مِلَّتَكَ وَصَدَّاهُ عَنْ سَبِيلِكَ وَكَفَرَا إِلَّا بِكَ وَرَدَّاهُ عَلَيْكَ كَلَامَكَ وَاسْتَهْزَءَا بِرَسُولِكَ وَقَتَلَا ابْنَ نَبِيِّكَ وَحَرَّفَا كِتَابَكَ وَجَحَدَا آيَاتِكَ وَسَخَرَا بِآيَاتِكَ وَاسْتَكْبَرَا عَنْ عِبَادَتِكَ وَقَتَلَا أَوْلِيَاءَكَ وَجَلَسَا فِي مَجْلِسٍ لَمْ يَكُنْ لَهُمَا بِحَقٍّ وَحَمَلَا النَّاسَ عَلَى أَكْثَافِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ الصَّلَوَاتُ وَالسَّلَامُ اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْنَا يَتْلُو بَعْضُهُمَا بَعْضًا وَاحْشُرْهُمَا وَاتَّبَعْهُمَا إِلَى جَهَنَّمَ زُرْقًا اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَقَرَّبُ عَلَيْكَ [إِلَيْكَ] بِاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمَا وَالْبِرَاءَةِ مِنْهُمَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَقَتْلَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ابْنِ بَنَتِ رَسُولِكَ اللَّهُمَّ زِدْهُمَا عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ وَهَوَانًا فَوْقَ هَوَانٍ وَذُلًّا فَوْقَ ذُلٍّ وَخِزْيًا فَوْقَ خِزْيٍ اللَّهُمَّ دَعَّاهُمَا فِي النَّارِ دَعَاً وَارْكُسْهُمَا فِي أَلِيمِ عَذَابِكَ رُكْسًا اللَّهُمَّ احْشُرْهُمَا وَاتَّبَعْهُمَا إِلَى جَهَنَّمَ زَمْرًا اللَّهُمَّ فَرِّقْ جَمْعَهُمْ وَشَتِّتْ أَمْرَهُمْ وَخَالَفْ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ وَبَدِّدْ جَمَاعَتَهُمْ وَالْعَنْ أَيْمَتَهُمْ وَاقْتُلْ قَادَتَهُمْ وَسَادَتَهُمْ وَكِبْرَاءَهُمْ وَالْعَنْ رُؤُسَاءَهُمْ وَأكْسِرْ رَأْيَتَهُمْ وَأَلْقِ الْبَاسَ بَيْنَهُمْ وَلَا تَبْقِ مِنْهُمْ دِيَارًا اللَّهُمَّ الْعَنْ أَبَا جَهْلٍ وَالْوَلِيدَ لَعْنَا يَتْلُو بَعْضُهُ بَعْضًا وَيَتَّبِعُ بَعْضُهُ بَعْضًا اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْنَا يَلْعَنُهُمَا بِهِ كُلُّ مَلِكٍ مُقَرَّبٍ وَكُلُّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ وَكُلُّ مُؤْمِنٍ امْتَحَنَتْ قَلْبَهُ لِلإِيمَانِ اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْنَا يَتَعَوَّذُ مِنْهُ أَهْلُ النَّارِ وَمِنْ عَذَابِهِمَا اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْنَا لَا يَخْطُرُ لِأَحَدٍ بِبَالِ اللَّهِ الْعَنْهُمَا فِي مُسْتَسِرِّ سِرِّكَ وَظَاهِرِ عَلَانِيَتِكَ وَعَذْبُهُمَا عَذَابًا فِي التَّقْدِيرِ وَفَوْقَ التَّقْدِيرِ وَشَارَكَ مَعَهُمَا ابْنَتَيْهِمَا وَأَشْيَاءَهُمَا وَمُحِبَّيَهُمَا وَمَنْ شَاءَ يَعْهَدُ إِلَيْكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٢٢٣

﴿٢٠٢١﴾ الرسول ﷺ: سَجَدَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَأَطَالَ السُّجُودَ فَقُلْنَا لَهُ سَجَدْتَ فَأَطَلْتَ السُّجُودَ فَقَالَ نَعَمْ أَتَانِي جِبْرِئِيلُ فَقَالَ مَنْ صَلَّى عَلَيْكَ مَرَّةً صَلَّى اللَّهُ بِهَا عَلَيْهِ عَشْرًا فَسَجَدْتُ لِلَّهِ شُكْرًا؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ١٥٤

﴿٢٠٢٢﴾ الرضا عليه السلام: سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ حَتَّى يَتَعَالَى النَّهَارُ؛ عيون أخبار الرضا عليه السلام ج: ٢ ص: ١٨٢

١-٣-٢-٢-١-الأذكارُ والأدعيةُ في سَجْدَةِ الشُّكْرِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

خیلی ملامت کردی، وای بر تو؛ اگر قرار باشد چشم کسی به خاطر سجده از دست برود، آن چشمان ابن‌ابی‌عمیر خواهد بود نظرت درباره‌ی مردی که بعد از نماز صبح سجده‌ی شکر می‌نماید و سرش را از سجده بر نمی‌دارد مگر هنگام ظهر چیست؟

﴿۲۰۲۰﴾ ما بر آن حضرت داخل شدیم و حال آنکه ایشان در سجده‌ی شکر بودند. پس سجده‌ی خود را طول دادند و چون سر مبارک از سجده برداشتند، ما گفتیم که: چه بسیار سجده‌ی خود را طولانی نمودید. پس فرمودند که: هرکس این دعا را در سجده‌ی شکر بخواند، مثل کسی خواهد بود که در خدمت پیامبر خدا به جهاد رفته باشد و بر روی دشمنان خدا در روز جنگ بدر تیر انداخته باشد. اسماعیل بن بزیع و سلیمان گویند که ما گفتیم: پس این دعا را بنویسیم. فرمودند که: آری این دعا را بنویسید و هرگاه تو سجده کنی سجده‌ی شکر را، پس تو این دعا را بخوان و دعا این است: خداوند نفرین کن بر آن دو شخص که تغییر دادند دین تو را و تغییر دادند نعمت تو را و بر پیامبر تو تهمت زدند و مخالفت ورزیدند ملت تو را و اعراض کردند از راه و طریقه‌ی حق تو و انکار نمودند نعمت‌های تو را و رد کردند بر تو سخن و قرأت را و استهزا نمودند پیامبر تو را و کشتند پسر پیامبر تو را و تغییر دادند قرآن تو را (در عمل و انجام به دستوراتش) و انکار نمودند آیه‌های تو را و استهزا نمودند روز معاد و حشر تو را و سرپیچیدند از بندگی و فرمان‌برداری تو و کشتند دوستان تو را و نشستند در مجلس خلافت، در حالی که ایشان را بر آن نه شایستگی و نه حقی بود و سوار کردند مردمان را بر دوش‌های خاندان محمد ﷺ، خداوند نفرین کن آن دو شخص را، نفرینی که پی‌درپی آید بعضی از آن بعضی را و محشور گردان آن‌ها را و تابعان آن‌ها را به‌سوی جهنم در حالی که از نابینایان (و گمراهان) باشند، خداوند به‌درستی که ما نزدیکی می‌جوئیم به‌سوی تو به سبب نفرین کردن بر این دو شخص و به سبب بیزاری‌بودن از این هردو در دنیا و در آخرت خداوند نفرین کن بر کشنده‌ی امیرالمؤمنین و بر کشنده‌ی امام حسین پسر علی و پسر [فاطمه] دختر پیامبر خدا که رحمت فرستد خدا بر او و بر خاندان او، خداوند زیاد گردان عقوبت آن دو شخص را به بالاترین عقوبت‌ها و زیاد گردان خواری و خفت آن‌ها را به بالاترین خفت‌ها و خوار گردان آن‌ها را به بالاترین خواری‌ها و رسوا کن آن‌ها را به شدیدترین رسوایی‌ها، خداوند بینداز هردوی ایشان را در آتش جهنم؛ انداختنی شدید و سرنگون نما هردو را در عذاب دردناک از جانب خود، سرنگون کردنی شدید خداوند محشور کن آن دو را و تابعان آن‌ها را به‌سوی جهنم در حالی که همگی یکجا جمع باشند. خداوند پراکنده کن اجتماع آن‌ها را و متفرق ساز امر آن‌ها را و تفرقه و اختلاف انداز میان اتفاق آن‌ها و جدا ساز جمعیت آن‌ها را و نفرین کن بر پیشوای آن‌ها و بکش سرکرده‌های آن‌ها را و برگزیده‌ها و بزرگان آن‌ها را و نفرین کن بر سرکرده‌های آن‌ها و بشکن علم و نشانه‌ی بزرگی آن‌ها را و بینداز شدت عقوبت را میان آن‌ها و باقی مگذار از آن‌ها احدی را، خداوند نفرین کن بر ابوجهل و بر ولید، نفرینی را که مداوم باشد برخی، بعض دیگر را و تابع شود بعضی بعضی را، خداوند نفرین کن هردو را، نفرینی که نفرین کند آن‌ها را به آن نفرین هر فرشته‌ی مقرب و هر پیامبر فرستاده‌شده‌ای و هر شخص مؤمنی که خالص کرده باشی تو دل او را برای ایمان، خداوند نفرین کن آن هردو را نفرینی که پناه گیرند از آن اهل آتش از عذاب آن، خداوند نفرین کن آن هردو را نفرینی که نرسیده باشد به ذهن کسی، خداوند نفرین کن آن هردو را در پنهان از نهانی خود و در ظاهر از آشکار خود و عذاب کن هردوی آن‌ها را عذابی که باشد در تقدیر تو و بالاتر از آنچه تقدیر نموده‌ای آن را و شریک گردان با این دو، دو دختر آن‌ها را و پیروان آن‌ها را و دوستداران آن‌ها را و کسی را که متابعت نماید از ایشان به‌درستی که تو شنونده‌ی هر داعی.

﴿۲۰۲۱﴾ سجده فرمود پیامبر خدا ﷺ پس سجده‌اش طولانی شد، پس آنگاه ما گفتیم به ایشان: که سجده فرمودید و سجده‌تان طولانی شد، پس گفت: جبرئیل به نزد آمد پس گفت: کسی که صد مرتبه درود بر تو فرستد خدای تعالی به سبب آن ده مرتبه به او درود می‌فرستد پس من سجده‌ی شکر به‌جای آوردم

﴿۲۰۲۲﴾ سجده نمود سجده‌ی شکر تا اینکه روز بلند شد. (یعنی سجده‌اش بسیار طولانی بود).

۱-۳-۲-۳-۲-۱- ذکرها و دعا‌های سجده‌ی شکر

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١-٣-١-٤-٢-٣-١-الأذكار

﴿٢٠٢٣﴾ الرسول ﷺ: إِذَا سَجَدَ يَقُولُ مِائَةَ مَرَّةٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا وَكَلَّمَا قَالَ عَشْرَ مَرَّاتٍ قَالَ شُكْرًا لِلْمُجِيبِ؛ فلاح السائل ص: ٢٠٨

﴿٢٠٢٤﴾ الصادق عليه السلام: إِذَا قَامَ الْعَبْدُ نِصْفَ اللَّيْلِ بَيْنَ يَدَيِ رَبِّهِ جَلَّ جَلَالُهُ فَصَلَّى لَهُ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ ثُمَّ يَسْجُدُ سَجْدَةَ الشُّكْرِ بَعْدَ فَرَاحِهِ فَقَالَ مَا شَاءَ اللَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ مِائَةَ مَرَّةٍ نَادَاهُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ مِنْ فَوْقِهِ عَبْدِي إِلَى كَمْ تَقُولُ مَا شَاءَ اللَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنَا رَبُّكَ وَإِلَى الْمَشِيَّةِ وَقَدْ شِئْتُ قَضَاءَ حَاجَتِكَ فَسَلْنِي مَا شِئْتُ؛ بحار الأنوار ج: ٨٨ ص: ٣٤١

﴿٢٠٢٥﴾ الرضا عليه السلام: السَّجْدَةُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى مَا وَقَّعَ لَهُ الْعَبْدُ مِنْ آدَاءِ فَرَضِهِ وَأَدْنَى مَا يُجْزَى فِيهَا مِنَ الْقَوْلِ أَنْ يُقَالَ شُكْرًا لِلَّهِ شُكْرًا لِلَّهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ قُلْتُ فَمَا مَعْنَى قَوْلِهِ شُكْرًا لِلَّهِ قَالَ يَقُولُ هَذِهِ السَّجْدَةُ مِنِّي شُكْرًا لِلَّهِ عَلَى مَا وَقَّعَنِي لَهُ مِنْ خِدْمَتِهِ وَآدَاءِ فَرَضِهِ وَالشُّكْرُ مُوجِبٌ لِلزِّيَادَةِ فَإِنْ كَانَ فِي الصَّلَاةِ تَقْصِيرٌ لَمْ يَتِمَّ بِالنَّوَافِلِ تَمَّ بِهِذِهِ السَّجْدَةُ؛

وسائل الشيعة ج: ٧ ص: ٥

﴿٢٠٢٦﴾ الرضا عليه السلام: أَنَّ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَسْجُدُ بَعْدَ الْفَرَاحِ مِنْ تَعْقِيبِ الظُّهْرِ سَجْدَةً يَقُولُ فِيهَا مِائَةَ مَرَّةٍ شُكْرًا لِلَّهِ وَبَعْدَ الْفَرَاحِ مِنْ تَعْقِيبِ الْعَصْرِ سَجْدَةً يَقُولُ فِيهَا مِائَةَ مَرَّةٍ حَمْدًا لِلَّهِ؛

بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٢١٩

﴿٢٠٢٧﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّمَا يَسْجُدُ الْمُصَلِّيُ سَجْدَةً بَعْدَ الْفَرِيضَةِ لِيشْكُرَ اللَّهَ تَعَالَى ذِكْرُهُ فِيهَا عَلَى مَا مَنَّ بِهِ عَلَيْهِ مِنْ آدَاءِ فَرَضِهِ وَأَدْنَى مَا يُجْزَى فِيهَا شُكْرًا لِلَّهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٣٣٣

﴿٢٠٢٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ إِذَا سَجَدَ سَجْدَتِي الشُّكْرِ وَعَظَّمْتَنِي فَلَمْ أَتَعْظُ وَزَجَرْتَنِي عَنْ مَحَارِمِكَ فَلَمْ أَنْزَجِرْ وَغَمَرْتَنِي أَيَادِيكَ فَمَا شَكَرْتُ عَفْوَكَ يَا كَرِيمَ؛

مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ١٣٥

﴿٢٠٢٩﴾ الباقر عليه السلام: تَسْجُدُ سَجْدَةَ الشُّكْرِ وَتَقُولُ أَلْفَ مَرَّةٍ شُكْرًا؛ مستدرک الوسائل ج: ١٠ ص: ٣٣٨

﴿٢٠٣٠﴾ الصادق عليه السلام: ثُمَّ اسْجُدْ سَجْدَتِي الشُّكْرِ وَقُلْ فِيهِمَا مِائَةَ مَرَّةٍ شُكْرًا شُكْرًا وَإِنْ قُلْتَ ثَلَاثًا شُكْرًا لِلَّهِ أَجْزَأُكَ؛ البلد الأمين ص: ١٥

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۱-۳-۱-۶-۲-۳-۱- ذکرها

﴿۲۰۲۳﴾ علی بن الحسین علیه السلام همواره در سجده صد بار می‌فرمود: از روی سپاسگزاری خدا را ستایش می‌کنم. و پس از هر ده بار گفتن آن، می‌فرمود: خداوندی را که اجابت می‌کند، شکر می‌کنم.

﴿۲۰۲۴﴾ چون بنده‌ای نیمه‌شب در برابر پروردگار باجلالت به‌پاخیزد و در دل شب تار چهار رکعت نماز بخواند و پس از آن سجده‌ی شکر کند و صد بار بگوید "ماشاءالله" خداوند از فراز او را این چنین ندا می‌دهد: ای بنده‌ی من، تا کی می‌خواهی "ماشاءالله، ماشاءالله، ماشاءالله" بگویی؟ منم پروردگارت و اراده با من است، پس اراده‌ی من به برآمدن حاجت تو تعلق گرفت، هرچه می‌خواهی از من درخواست کن.

﴿۲۰۲۵﴾ سجده‌ی بعد از نماز واجب، شکر به درگاه خداوند است به خاطر توفیقی که به بنده‌اش برای ادای نماز واجب داده است، و کمترین ذکر در سجده‌ی شکر این است که سه بار بگوید: "شکراً لله" "شکر مخصوص خداست". گفتیم: معنی این ذکر چیست؟ فرمود: "یعنی: این سجده به عنوان سپاسگزاری بر توفیقی است که بر خدمت و ادای واجبش به ما عطا کرد". شکر موجب افزونی نعمت می‌شود؛ اگر در نماز کوتاهی شده باشد که حتی با نوافل جبران نشود با این سجده برطرف می‌شود.

﴿۲۰۲۶﴾ امام رضا علیه السلام بعد از تعقیبات نماز ظهر به سجده می‌رفت و در آن صد مرتبه ذکر "شکراً لله" می‌گفت؛ و بعد از تعقیبات نماز عصر به سجده می‌رفت و در آن صد مرتبه ذکر "حمداً لله" می‌گفت.

﴿۲۰۲۷﴾ نماز گزار پس از انجام فریضه به سجده می‌رود تا سپاس خداوند متعال را بر نعمتی که به او عطا کرده و او را به انجام وظیفه موفق ساخته است به‌جا آورد، و کمترین ذکر که در آن باید گفته شود سه بار گفتن "شکراً لله" "همه‌ی شکر متعلق به خداست"، می‌باشد.

﴿۲۰۲۸﴾ آنگاه که دو سجده‌ی شکر به‌جای می‌آوردند می‌فرمودند: "خدایا، موعظه‌ام کردی اما نپذیرفتم و از حرام‌های منعم نمودی اما دوری نکردم و مرا در نعمت‌هایت فرو بردی اما شکرت را ننمودم خواستار عفو تو هستم، عفو را خواهانم ای بزرگوار".

﴿۲۰۲۹﴾ سجده‌ی شکر انجام‌ده و در آن و هزار مرتبه (شکراً) بگو.

﴿۲۰۳۰﴾ سپس دو سجده‌ی شکر به‌جا بیاور و در آن صد بار بگو: "شکراً شکراً"؛ و اگر سه مرتبه بگوید: "شکراً لله" نیز کفایت می‌کند.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٠٣١﴾ الصادق عليه السلام: ثُمَّ تَسْجُدُ وَ تَحْمَدُ اللَّهَ مِائَةَ مَرَّةٍ وَ تَشْكُرُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ مِائَةَ مَرَّةٍ وَ أَنْتَ سَاجِدٌ فَإِنَّهُ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ كَمَنْ حَضَرَ ذَلِكَ الْيَوْمَ وَ بَايَعَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَلَى ذَلِكَ وَ كَانَتْ دَرَجَتُهُ مَعَ دَرَجَةِ الصَّادِقِينَ الَّذِينَ صَدَقُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فِي مَوَالَاةِ مَوَالِهِمْ ذَلِكَ الْيَوْمَ وَ كَانَ كَمَنْ شَهِدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ مَعَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عليهما السلام وَ كَمَنْ يَكُونُ تَحْتَ رَايَةِ الْقَائِمِ عليه السلام وَ فِي فُسْطَاطِهِ مِنَ النُّجَبَاءِ وَ النُّقَبَاءِ؛ مستدرک الوسائل ج: ٦ ص: ٢٧٥

ص: ۲۷۵

﴿٢٠٣٢﴾ الرضا (عليه السلام): ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ يَقُولُ فِيهَا مِائَةَ مَرَّةٍ شُكْرًا لِلَّهِ؛ وسائل الشيعة ج: ٤

ص: ۵۵

﴿٢٠٣﴾ ثُمَّ يَسْجُدُ سَجْدَتَى الشُّكْرِ فَيَقُولُ فِيهَا مِائَةَ مَرَّةٍ مَا شَاءَ اللَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ؛ بحار الأنوار

ج: ۱۴ ص: ۲۴۹

﴿٢٠٣٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: عُدْ إِلَى السُّجُودِ وَ قُلْ شُكْرًا شُكْرًا مِائَةَ مَرَّةٍ؛ بحار الأنوار ج: ٩٧

ص: ۳۲۰

﴿٢٠٣٥﴾ الصادق عليه السلام: عُدْ إِلَى السُّخُودِ وَفُلْ شُكْرًا مِائَةَ مَرَّةٍ؛ كتاب المزار ص: ١١٧

﴿٢٠٣٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَسَجَدَ اَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ سَمِعَ مِنْهُ يَقُولُ شُكْرًا لِلْمُنْعِمِ شُكْرًا

عَشْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٣٨ ص: ٤٩

﴿٢٠٣٧﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَدِمَ الرَّجُلُ مِنَ السَّفَرِ وَ دَخَلَ مَنْزِلَهُ يُنَبِّغِي أَنْ لَا يَشْتَغِلَ بِشَيْءٍ حَتَّى

نَصَبَ عَلَى نَفْسِهِ الْمَاءَ وَ يُصَلِّي رُكْعَتَيْنِ وَيَسْجُدُ وَيَشْكُرُ اللَّهَ مِائَةَ مَرَّةٍ؛ بحار الأنوار ج: ٧٣ ص: ٢٨٢

﴿٢٠٣٨﴾ قُلْ فِي سُجُودِكُمْ أَلْفَ مَرَّةٍ شُكْرًا شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٩٨ ص: ١٣٧

(٢٠٣٩) الكاظم عليه السلام: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ فَكَتَبَ

إِلَى مِائَةِ مَرَّةٍ شُكْرًا شُكْرًا وَإِنْ شِئْتَ عَفْوًا عَفْوًا؛ الكافي ج: ٣ ص: ٣٢٦

﴿٢٠٤﴾ يَسْجُدُ سَجْدَةَ الشُّكْرِ فَيَقُولُ فِيهَا اَنْتَى عَشْرَةَ مَرَّةَ الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا ثُمَّ يَقُولُ اللَّهُمَّ صَلِّ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلَّى عَلَى عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالحَسَنَ وَالحُسَيْنَ وَعَلَى بْنِ الحُسَيْنِ وَمُحَمَّدٍ

وَجَعْفَرٌ وَمُوسَى وَعَلِيٌّ وَمُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُجَّةُ السَّيِّدُ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا

مَنْتَ بِهِ عَلَىٰ مَن مَّعْرِفَتِهِمْ وَ عَرَفْتَنِيهِ مِنْ حَقِّهِمْ فَاقْضِ بِهِمْ حَوَائِجِي وَ يَذْكُرْهَا ثُمَّ يَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ

لِلّٰهِ شُكْرًا سَبْعَ مَرَّاتٍ؛ بحار الأنوار ج: ٨٤ ص: ٢٥١

(٢٠٤١) الرضا عليه السلام: يُصَلِّي الظُّهْرَ فَإِذَا سَلَّمَ سَبَّحَ اللَّهَ وَحَمَّدَهُ وَكَبَّرَهُ وَهَلَّلَهُ مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ

سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ يَقُولُ فِيهَا مِائَةً مَرَّةً شُكْرًا لِلَّهِ؛ وسائل الشيعة ج: ٤ ص: ٥٥

٢-٣-١-٦-٢-٣-١-الأدعية

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٠٤٢﴾ الرسول ﷺ: يَقُولُ فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا رَحْمَانَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا إِلَهَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَتَقَبَّلْ صَوْمِي وَصَلَاتِي لَمْ يَرْفَعْ رَأْسَهُ مِنَ السُّجُودِ حَتَّى يَغْفِرَ لَهُ وَتَقَبَّلَ مِنْهُ صَوْمُهُ وَتَجَاوَزَ عَنْ ذُنُوبِهِ؛

إقبال الأعمال ص: ٢٧٢

﴿٢٠٤٣﴾ الكاظم ﷺ: يَقُولُ فِي سَجْدَتِي الشُّكْرِ عَقِيبَ الْمَغْرَبِ مَا تَقَدَّمَ وَإِنْ شِئْتَ قُلْتَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِنَّا بَدَلْتُ سَيِّئَاتِي حَسَنَاتٍ وَحَاسِبَتَنِي حِسَابًا سَيِّئًا؛ المصباح للكفعمي ص: ٢٧

﴿٢٠٤٤﴾ الصادق ﷺ: وَاسْجُدْ عَقِيبَهُمَا سَجْدَتِي الشُّكْرِ وَتَدْعُو فِيهَا لِإِخْوَانِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٤ ص: ٣٣٩

﴿٢٠٤٥﴾ وَقَالُوا فِي تَعْقِيبِ الْعِشَاءِ ثُمَّ اسْجُدْ سَجْدَةَ الشُّكْرِ وَقُلِ اللَّهُمَّ أَنْتَ أَنْتَ أَنْتَ أَنْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ مِنْكَ مِنْكَ يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ غَيْرُكَ يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ كَثْرَةُ الدُّعَاءِ إِلَّا كَرَمًا وَجُودًا يَا مَنْ لَا يَزْدَادُ عَلَى كَثْرَةِ الدُّعَاءِ إِلَّا كَرَمًا وَجُودًا يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ كَثْرَةُ الدُّعَاءِ إِلَّا كَرَمًا وَجُودًا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهِلِ بَيْتِهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهِلِ بَيْتِهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهِلِ بَيْتِهِ وَتَسْأَلُ حَاجَتَكَ ثُمَّ تَضَعُ خَدَّكَ الْأَيْمَنَ عَلَى الْأَرْضِ فَتَقُولُ مِثْلَ ذَلِكَ وَتَضَعُ خَدَّكَ الْأَيْسَرَ وَتَقُولُ مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ تُعِيدُ جَبْهَتَكَ إِلَى الْأَرْضِ وَتَسْجُدُ وَتَقُولُ مِثْلَ ذَلِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٢٣١

﴿٢٠٤٦﴾ الكاظم ﷺ: كُنْتُ أَرَى الدُّعَاءَ الَّذِي كَانَ يَقُولُهُ أَبُو الْحَسَنِ ﷺ فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ وَهُوَ رَبِّ عَصِيَّتِكَ بِلِسَانِي وَلَوْ شِئْتَ وَعِزَّتِكَ لَأَخْرَسْتَنِي وَعَصِيَّتِكَ بَبَصَرِي وَلَوْ شِئْتَ وَعِزَّتِكَ لَأَكْمَهْتَنِي وَعَصِيَّتِكَ بِسَمْعِي وَلَوْ شِئْتَ وَعِزَّتِكَ لَأَصْمَمْتَنِي وَعَصِيَّتِكَ بِيَدَيَّ وَلَوْ شِئْتَ وَعِزَّتِكَ لَكَنَعْتَنِي وَعَصِيَّتِكَ بِفَرْجِي وَلَوْ شِئْتَ وَعِزَّتِكَ لَأَغْمَمْتَنِي وَعَصِيَّتِكَ بِرِجْلِي وَلَوْ شِئْتَ وَعِزَّتِكَ لَجَذَمْتَنِي وَعَصِيَّتِكَ بِجَمِيعِ جَوَارِحِي الَّتِي أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ وَلَمْ يَكُنْ هَذَا جَزَاكَ مِنِّي؛ بحار الأنوار ج: ٢٥ ص: ٢٠٣

﴿٢٠٤٧﴾ الصادق ﷺ: لَمَّا طَلَبَ الْمُنْصُورُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ تَوَضَّأَ وَصَلَّى رُكْعَتَيْنِ ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ وَقَالَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ وَعَدْتَنَا عَلَى لِسَانِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ ﷺ وَوَعْدُكَ الْحَقُّ أَنَّكَ تُبَدِّلُنَا مِنْ بَعْدِ خَوْفِنَا أَمْنًا اللَّهُمَّ فَانْجِزْ لَنَا مَا وَعَدْتَنَا إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ قَالَ قُلْتُ لَهُ يَا سَيِّدِي فَأَيْنَ وَعْدُ اللَّهِ لَكُمْ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۰۴۲﴾ در سجده‌ی شکر بگویند: "ای زنده‌ای که قائم به ذات خویش هستی و موجودات دیگر قائم به توّاند، ای باشکوه و ای ارجمند، ای بخشنده در دنیا و آخرت و مهربان در هردو، ای مهربان‌ترین مهربانان، ای معبود اولین و آخرین؛ گناهانم را ببخش و روزه و نمازم را بپذیر." سرش را از سجده بر نمی‌دارد مگر اینکه خدا او را بخشیده و روزه‌اش را قبول نموده و از گناهانش در گذشته است.

﴿۲۰۴۳﴾ بعد از نماز مغرب در دو سجده‌ی شکر آنچه را که قبلاً گفته شد بگو و اگر خواستی این دعا را بگو: "به حق حبیب محمد ﷺ از تو می‌خواهم که بدی‌هایم را به نیکی تبدیل کنی و محاسبه‌ای راحت از من به عمل آوری."

﴿۲۰۴۴﴾ به دنبال آن دو سجده‌ی شکر به جا آور و در آن برای برادرانت دعا کن.

﴿۲۰۴۵﴾ و در تعقیب نماز عشا چنین گفتند: سپس سجده‌ی شکر به جا بیاور، و بگو: "خدایا، تو، تو، امیدم را جز از خودت قطع فرما (سه مرتبه)، ای یگانه‌ای که کسی برای او و همتای او نیست، (سه مرتبه) ای کسی که زیادی حاجت و دعا کردن بندگان جز بر جود و بخشش و کرمش نمی‌افزاید؛ پس بر محمد و خاندانش درود فرست (سه مرتبه) پس از آن حاجت را درخواست کن سپس گونه‌ی راست را بر زمین بگذار و مثل آن را بگو و سپس گونه‌ی چپ را و مثل آن را بگو؛ آنگاه پیشانی‌ات را بر زمین بگذار و سجده کن و مثل آن را (که گفتی) بگو.

﴿۲۰۴۶﴾ من دعایی را که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در سجده‌ی شکر می‌کرد دیدم و دعا این است. "پروردگارا، با زبان نافرمانی‌ات کردم حال آنکه به عزت قسم اگر می‌خواستی لالم می‌کردی، با چشم نافرمانی‌ات کردم حال آنکه به عزت قسم اگر می‌خواستی کورم می‌کردی، با گوش نافرمانی‌ات کردم حال آنکه به عزت قسم اگر می‌خواستی مرا کر می‌کردی، با دست نافرمانی‌ات کردم حال آنکه به عزت قسم اگر می‌خواستی شلم می‌کردی، با شرمگاهم نافرمانی‌ات کردم حال آنکه به عزت قسم اگر می‌خواستی عقیمم می‌کردی، با پا نافرمانی‌ات کردم حال آنکه به عزت قسم اگر می‌خواستی چاقم می‌کردی، با همه‌ی اعضا نافرمانی‌ات کردم و سزاوار نبود که چنین پاسخ دهم.

﴿۲۰۴۷﴾ چون منصور خلیفه‌ی عباسی امام جعفر صادق علیه السلام را خواست، حضرت وضو گرفت و دو رکعت نماز گزارد، سپس سجده‌ی شکر نمود و فرمود: پروردگارا، بر زبان پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله به ما اهل بیت وعده دادی که هراس ما را به امنیت بدل کنی، و وعده‌ات حق است. پروردگارا، آنچه به ما وعده کرده‌ای وفا کن، چون می‌دانیم وعده‌ات خلاف‌پذیر نیست. صفوان می‌گوید عرض کردم: آقای من، خداوند کجا به شما وعده داده است؟ فرمود: این آیه‌ی شریفه: "خداوند

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

فَقَالَ ﷺ: قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمُ الْآيَةُ؛

بحار الأنوار ج: ٥١ ص: ٦٤

﴿٢٠٤٨﴾ مِمَّا يَخْتَصُّ بِسَجْدَةِ الشُّكْرِ عَقِيبَ الصُّبْحِ أَنْ يَقُولَ يَا مَاجِدُ يَا جَوَادُ يَا حَيَّ حِينَ لَا حَيَّ يَا فَرْدُ يَا مُنْفَرِدًا بِالْوَحْدَانِيَّةِ يَا مَنْ لَا يَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ اللُّغَاتُ يَا مَنْ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أَنْثَى وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ يَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ يَا مَنْ هُوَ أَعْلَمُ بِسِرِّ رَتِي مِنْهُ بِهَا يَا مَالِكَ الْأَشْيَاءِ قَبْلَ تَكْوِينِهَا أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ الَّذِي هُوَ نُورٌ مِنْ نُورٍ وَأَسْأَلُكَ بِنُورِكَ السَّاطِعِ فِي الظُّلُمَاتِ وَسُطْرَانِكَ الْغَالِبِ وَمُلْكِكَ الْقَاهِرِ لِمَنْ دُونِكَ وَبِقُدْرَتِكَ الَّتِي بِهَا تَذِلُّ كُلَّ شَيْءٍ وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهِلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تُعِيدَنِي مِنْ جَمِيعِ مَضَلَّاتِ الْفِتَنِ وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا يَخَافُ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ؛

بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٢٢٠

﴿٢٠٤٩﴾ الرضا ﷺ: عَنْ سَجْدَةِ الشُّكْرِ فَقَالَ أَرَى أَصْحَابَنَا يَسْجُدُونَ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ سَجْدَةً وَاحِدَةً وَيَقُولُونَ هِيَ سَجْدَةُ الشُّكْرِ فَقَالَ إِنَّمَا الشُّكْرُ إِذَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدِهِ أَنْ يَقُولَ سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ مِنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه

ج: ١ ص: ٣٣٢

﴿٢٠٥٠﴾ الْحُجَّةُ ﷺ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ يَقُولُ فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ الْإِلْحَاحُ الْمُلِحِّينَ إِلَّا جُودًا وَكَرَمًا يَا مَنْ لَهُ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا مَنْ لَهُ مَا دَقَّ وَجَلَّ لَا تَمْنَعُكَ إِسَاءَتِي مِنْ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ أَسْأَلُكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَأَنْتَ أَهْلُ الْجُودِ وَالْكَرَمِ وَالْعَفْوِ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ أَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَأَنْتَ قَادِرٌ عَلَى الْعُقُوبَةِ وَقَدْ اسْتَحَقَّقْتُهَا لَا حُجَّةَ لِي عِنْدَكَ وَلَا عَذْرَ لِي عِنْدَكَ أَبُوءُ إِلَيْكَ بِذُنُوبِي كُلِّهَا وَأَعْتَرَفُ بِهَا كَيْ تَعْفُو عَنِّي وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهَا مِنْنِي بُوْتُ إِلَيْكَ بِكُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَكُلِّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا وَكُلِّ سَيِّئَةٍ عَمِلْتُهَا يَا رَبِّ اغْفِرْ وَأَرْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمُ؛ مُسْتَدْرَكُ الْوَسَائِلِ ج: ٥ ص: ١٣٢

﴿٢٠٥١﴾ الْكَاظمُ ﷺ: كَانَ الْكَاظمُ ﷺ يَقُولُ فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ رَبِّ عَصِيَّتِكَ بِلِسَانِي وَلَوْ شِئْتَ وَعِزَّتِكَ لَأَخْرَسْتَنِي وَعَصِيَّتِكَ بِبَصَرِي وَلَوْ شِئْتَ وَعِزَّتِكَ لَأَكْمَهْتَنِي وَعَصِيَّتِكَ بِسَمْعِي وَلَوْ شِئْتَ وَعِزَّتِكَ لَأَصَمَّمْتَنِي وَعَصِيَّتِكَ بِيَدِي وَلَوْ شِئْتَ وَعِزَّتِكَ لَكَنَعْتَنِي وَعَصِيَّتِكَ بِفَرْجِي وَلَوْ شِئْتَ وَعِزَّتِكَ لَعَقَمْتَنِي وَعَصِيَّتِكَ بِرِجْلِي وَلَوْ شِئْتَ وَعِزَّتِكَ لَجَذَمْتَنِي وَعَصِيَّتِكَ بِجَمِيعِ جَوَارِحِي الَّتِي

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد."

﴿۲۰۴۸﴾ آنچه مختص به سجده‌ی شکر بعد از نماز صبح است، چنین بگوید: "ای بزرگوار، ای سخاوتمند، ای آنکه وقتی حیاتی نمود، زنده بودی؛ ای یکتا، ای بی‌همتا در وحدانیت، ای آن که صداها تورابه اشتباه نیندازد، ای که لغات برایش نا آشنا نیست، ای آن که می‌داند آنچه را که هر ماده‌ای [در رحم] بار می‌گیرد و [نیز] آنچه را رحم‌ها می‌کاهند و آنچه را می‌افزایند، ای کسی که نگاه‌های پنهانی و آنچه را که دل‌ها در نهان دارند، می‌داند، ای کسی که بر رازهای پنهانی من، از من آگاه‌تر است، ای مالک موجودات قبل از ایجاد آن‌ها، از تو به حق اسم پنهان و در خزانه‌ات که زنده و قائم به ذات خود است درخواست می‌کنم همان که نور است و از نور؛ و از تو به حق نور درخشنده‌ات در تاریکی‌ها و توانایی غلبه کننده‌ات بر همه و به حق قدرتت که با آن همه چیز را خوار کردی و به حق رحمتت که بر همه چیز شامل می‌شود، می‌خواهم که بر محمد و اهل بیتش درود فرستی و مرا از فتنه‌های گمراهی و از شر آنچه مخلوقات از آن می‌ترسند پناهم دهی که تو شنونده‌ی دعایی و تو مهربان‌ترین مهربانانی.

﴿۲۰۴۹﴾ در مورد سجده‌ی شکر پرسید و گفت: می‌بینم هم‌کیشان ما پس از نماز واجب یک سجده به‌جا می‌آورند و می‌گویند آن سجده‌ی شکر است، فرمود: جز این نیست که شکر آن است که هرگاه خداوند به بنده‌اش نعمتی عطا فرمود بگوید: "پاک و منزّه است کسی که این را مسخر ما ساخت، و گرنه ما توانایی تسخیر آن را نداشتیم و ما به‌سوی پروردگارمان باز می‌گردیم". و ستایش مخصوص خداوند، پروردگار جهانیان است.

﴿۲۰۵۰﴾ امیرالمؤمنین علیه السلام در سجده‌ی شکر این دعا را می‌خواند: "ای که پافشاری پافشاری کنندگان جز بر بخشندگی و کرمش نمی‌افزاید؛ ای که گنجینه‌های آسمان‌ها و زمین متعلق به اوست، ای که هرچه ریز است و بزرگ متعلق به اوست، مبادا بدکاری من مانع احسان تو گردد، از تو می‌خواهم که درباره‌ی من آنچه را سزاوار توست انجام دهی، زیرا تو شایسته‌ی بخشندگی و بزرگواری و گذشتی ای پروردگار من، و تو بر کیفر من توانایی داری ای پروردگار من، و من نیز استحقاق کیفر دارم و هیچ‌گونه دلیل و عذری در پیشگاه تو ندارم، تمام کارهایم را به تو وامی‌گذارم، و من به بدی‌های خود اعتراف می‌کنم تا از من درگذری، و تو خود از من به آن‌ها داناتری، با هر گناهی که کرده و هر خطایی که از من سرزده، و هر کار بدی که انجام داده‌ام، به درگاهت باز می‌گردم؛ پس مرا بیامرز و ترحم کن و از آنچه می‌دانی درگذر که تو به‌راستی از آنچه توصیفت کنند عزیزتر و بزرگوارتر هستی.

﴿۲۰۵۱﴾ امام کاظم علیه السلام در سجده‌ی شکر می‌گفتند: خدایا، با زبانم نافرمانی‌ات کردم و به عزتت سوگند اگر می‌خواستی که لالم می‌کردی و با چشم نافرمانی‌ات کردم و به عزتت سوگند اگر می‌خواستی نابینا می‌نمودی و با گوشم نافرمانی‌ات کردم و به عزتت سوگند که اگر می‌خواستی کرم می‌کردی و با دستم نافرمانی‌ات کردم و به عزتت سوگند که اگر می‌خواستی فلجم می‌کردی و با دامن خود نافرمانی‌ات کردم و به عزتت سوگند اگر می‌خواستی نازایم می‌کردی و با پایم نافرمانی‌ات کردم و به عزتت سوگند اگر می‌خواستی که پایم را قطع می‌کردی و با تمام اعضا می‌که تو آن‌ها را به عنوان نعمت به من داده بودی نافرمانی‌ات کردم و این پاسخ

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ وَلَمْ يَكُنْ هَذَا جَزَاءَكَ مِنِّي ثُمَّ كَانَ ﷺ يَقُولُ أَلْفَ مَرَّةٍ الْعَفْوُ الْعَفْوُ؛
البلد الأمين ص: ١٦

﴿٢٠٥٢﴾ الكاظم ﷺ: كَانَ عَلَيَّ ﷺ يَقُولُ فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ وَعَظَمْتَنِي فَلَمْ أَتَعْظُ وَ زَجَرْتَنِي عَنْ مَحَارِمِكَ فَلَمْ أَنْزَجِرْ وَ غَمَرْتَنِي أَيَادِيكَ فَمَا شَكَرْتُ عَفْوَكَ عَفْوَكَ يَا كَرِيمُ؛
المصباح للكفعمي ص: ٢٩

﴿٢٠٥٣﴾ السجاد ﷺ: كَانَ يَقُولُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ ﷺ عِنْدَ فَرَغِهِ مِنْ صَلَاتِهِ فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ يَا كَرِيمُ مَسْكِينِكَ بِفَنَائِكَ يَا كَرِيمُ فَقِيرِكَ بِفَنَائِكَ زَائِرُكَ حَقِيرِكَ بِبَابِكَ يَا كَرِيمُ؛
مستدرک الوسائل ج: ٩ ص: ٤١٩

﴿٢٠٥٤﴾ أمير المؤمنين ﷺ: فَقَالَ أَ تَذَرُونَ مَا كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ يَقُولُ فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ فَقُلْتُ وَ مَا كَانَ يَقُولُ قَالَ كَانَ يَقُولُ يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطَاءِ إِلَّا سَعَةً وَ عَطَاءٌ يَا مَنْ لَا يَنْفَدُ خَزَائِنُهُ يَا مَنْ لَهُ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يَا مَنْ لَهُ خَزَائِنُ مَا دَقَّ وَ جَلَّ لَا يَمْنَعُكَ إِسَاءَتِي مِنْ إِحْسَانِكَ أَنْتَ تَفْعَلُ بِي الَّذِي أَنْتَ أَهْلُهُ فَأَنْتَ أَهْلُ الْجُودِ وَ الْكَرَمِ وَ الْعَفْوِ؛ بحار الأنوار ج: ٥٢ ص: ٦

﴿٢٠٥٥﴾ الرضا ﷺ: ثُمَّ يَسْجُدُ سَجْدَتِي الشُّكْرِ وَ يَقُولُ فِيهِمَا يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ يَا ذُخْرَ لَا ذُخْرَ لَهُ يَا سَدَّ مَنْ لَا سَدَّ لَهُ يَا مَلَأَ مَنْ لَا مَلَأَ لَهُ يَا كَهْفَ مَنْ لَا كَهْفَ لَهُ يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ يَا جَارَ مَنْ لَا جَارَ لَهُ يَا حَرَزَ مَنْ لَا حَرَزَ لَهُ يَا حِرَزَ الضُّعْفَاءِ يَا كَنْزَ الْفُقَرَاءِ يَا عَوْنَ أَهْلِ الْبَلَاءِ يَا أَكْرَمَ مَنْ عَفَا يَا مُنْقِذَ الْغَرْقَى يَا مُنْجِيَ الْهَلَكَى يَا كَاشِفَ الْبَلَوَى يَا مُحْسِنَ يَا مُجْمِلَ يَا مُنْعِمَ يَا مُفْضِلَ أَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَكَ سَوَادُ اللَّيْلِ وَ نُورُ النَّهَارِ وَ ضَوْءُ الْقَمَرِ وَ شُعَاعُ الشَّمْسِ وَ دَوَى الْمَاءِ وَ حَفِيفُ الشَّجَرِ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَا شَرِيكَ لَكَ وَ لَا وَزِيرَ وَ لَا عَضُدَ وَ لَا نَصِيرَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعْطِيَنِي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ سَأَلْتُكَ مِنْهُ سَائِلٌ وَ أَنْ تُجِيرَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ اسْتَجَارَ بِكَ مِنْهُ مُسْتَجِيرٌ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ ذَلِكَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ؛ بحار الأنوار ج: ٨٤ ص: ٢٥٧

﴿٢٠٥٦﴾ الرضا ﷺ: دَخَلْنَا عَلَيْهِ وَ هُوَ سَاجِدٌ فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ فَأَطَالَ فِي سُجُودِهِ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقُلْنَا لَهُ أَطَلْتَ السُّجُودَ فَقَالَ مَنْ دَعَا فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ بِهَذَا الدُّعَاءِ كَانَ كَالرَّامِي مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَوْمَ بَدْرَ قَالَا قُلْنَا فَنَكْتُبُهُ قَالَ أَكْتُبَا إِذَا أَنْتَ سَجَدْتَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ فَقُلِ اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ بَدَّلَا دِينَكَ وَ غَيَّرَا نِعْمَتَكَ وَ أَتَاهُمَا رَسُولُكَ ﷺ وَ خَالَفَا مِلَّتَكَ وَ صَدَّ عَنْ سَبِيلِكَ وَ كَفَرُوا آلَاءَكَ وَ رَدَّ عَلَيْكَ كَلَامَكَ وَ اسْتَهْزَأَ بِرَسُولِكَ وَ قَتَلَا ابْنَ نَبِيِّكَ وَ حَرَفَا كِتَابَكَ وَ جَحَدَا آيَاتِكَ وَ سَخَرَا بِآيَاتِكَ وَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

مناسبی برای تو از جانب من نبود. سپس ایشان علیهم السلام هزار مرتبه می گفتند: " العفو "، " بخشش "

﴿۲۰۵۲﴾ علی علیه السلام در سجده‌ی شکر بعد از نماز واجب می گفتند: " موعظه‌ام کردی اما نپذیرفتم و از حرام‌های منعم کردی اما دوری نکردم و مرا در نعمت‌های فرو بردی اما شکر نکردم؛ خواستار عفو توأم، خواستار عفو توأم ای بزرگوار.

﴿۲۰۵۳﴾ حضرت زین‌العابدین علیه السلام بعد از فارغ شدن از نمازشان در سجده‌ی شکر می گفتند: ای بزرگوار، نیازمندت به درگاهت آمده، ای بزرگوار، فقیرت به درگاهت آمده، زائر حقیرت به درگاهت آمده ای بزرگوار

﴿۲۰۵۴﴾ آیا می دانید امیرالمؤمنین علیه السلام در سجده‌ی شکر چه می فرمود؟ گفتیم: نه، چه می فرمود؟ گفت: حضرت می فرمود: " ای کسی که بسیار عطا کردنش جز بر وسعت عطای او نمی افزاید، ای کسی که خزائنش تمام نمی شود، ای آن که خزائن آسمان‌ها و زمین از آن اوست، ای آن که همه‌ی خزائن کوچک و بزرگ، متعلق به اوست، بدی کردن من مانع احسان تو نمی شود، تو با من همان می کنی که تو اهل آنی که تو اهل سخاوت و کرم و عفو.

﴿۲۰۵۵﴾ سپس دو سجده‌ی شکر به جا آورد و در آن‌ها بگوید: " ای پشتیبان کسی که پشتیبان ندارد، ای اندوخته‌ی آن که اندوخته‌ای ندارد، ای تکیه‌گاه کسی که تکیه‌گاه ندارد، ای پناهگاه کسی که پناهگاه ندارد، ای پناه کسی که پناه ندارد، ای کمک کسی که کمک ندارد، ای فریادرس کسی که فریادرس ندارد، ای ملجأ کسی که ملجأ ندارد، ای پناهگاه ضعیفان، ای گنج فقرا، ای کمک بلادیدگان، ای بزرگوارترین عفوکننده، ای نجات‌دهنده‌ی غرق‌شدگان، ای نجات‌دهنده‌ی هلاک‌شدگان، ای برطرف‌کننده‌ی بلا، ای نیکوکار، ای آن که کارها را در نهایت لطف به انجام می رسانی، ای نعمت‌دهنده، ای پرلطف؛ تویی که برای تو سیاهی شب و نور روز و روشنایی ماه و پرتو خورشید و صدای آب و خش خش درخت سجده کردند: یا الله یا الله یا الله، شریک و وزیر کمک و یاور نداری از تو می خواهیم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و از هر چیزی که هر درخواست‌کننده‌ای از تو درخواست کرده به من بدهی و از هر بدی که پناه‌خواهنده‌ای از آن به تو پناه آورده است مرا پناه دهی که تو بر هر چیز توانایی و این برای تو آسان و راحت است.

﴿۲۰۵۶﴾ ما بر آن حضرت داخل شدیم و حال آنکه ایشان در سجده‌ی شکر بودند. پس سجده‌ی خود را طول دادند و چون سر مبارک از سجده برداشتند، ما گفتیم که: چه بسیار سجده‌ی خود را طولانی نمودید. پس فرمودند که: هر کس این دعا را در سجده‌ی شکر بخواند، مثل کسی خواهد بود که در خدمت پیامبر خدا به جهاد رفته باشد و بر روی دشمنان خدا در روز جنگ بدر تیر انداخته باشد. اسماعیل بن یزید و سلیمان گویند که ما گفتیم: پس این دعا را بنویسیم. فرمودند که: آری این دعا را بنویسید و هرگاه تو سجده کنی سجده‌ی شکر را، پس تو این دعا را بخوان و دعا این است: خداوند! نفرین کن بر آن دو شخص که تغییر دادند دین تو را و تغییر دادند نعمت تو را و بر پیامبر تو تهمت زدند و مخالفت ورزیدند ملت تو را و اعراض کردند از راه و طریقه‌ی حق تو و انکار نمودند نعمت‌های تو را و رد کردند بر تو سخن و قرآنت را و استهزا نمودند پیامبر تو را و کشتند پسر پیامبر تو را و تغییر دادند قرآن تو را (در عمل و انجام به دستوراتش) و انکار نمودند آیه‌های تو را و استهزا نمودند روز معاد و حشر تو را و سرپیچیدند از بندگی و فرمان‌برداری

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

اسْتَكْبَرَا عَنْ عِبَادَتِكَ وَقَتَلَا أَوْلِيَاءَكَ وَجَلَسَا فِي مَجْلِسٍ لَمْ يَكُنْ لَهُمَا بَحَقٌّ وَحَمَلَا النَّاسَ عَلَى أَكْثَافِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ الصَّلَوَاتُ وَالسَّلَامُ اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْنًا يَتَلَوُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَاحْشُرْهُمَا وَاتَّبَاعَهُمَا إِلَى جَهَنَّمَ زُرْفًا اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَقَرَّبُ عَلَيْكَ [إِلَيْكَ] بِاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمَا وَالْبَرَاءَةِ مِنْهُمَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَقَتْلَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ابْنِ بِنْتِ رَسُولِكَ اللَّهُمَّ رَذِّهِمَا عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ وَهَوَانًا فَوْقَ هَوَانٍ وَذُلًّا فَوْقَ ذُلٍّ وَخِزْيًا فَوْقَ خِزْيٍ اللَّهُمَّ دُعُهُمَا فِي النَّارِ دَعَاً وَارْكُسُهُمَا فِي أَلِيمٍ عَذَابِكَ رَكْسًا اللَّهُمَّ احْشُرْهُمَا وَاتَّبَاعَهُمَا إِلَى جَهَنَّمَ زُمْرًا اللَّهُمَّ فَرِّقْ جَمْعَهُمْ وَشَتِّتْ أَمْرَهُمْ وَخَالَفْ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ وَبَدِّدْ جَمَاعَتَهُمْ وَالْعَنْ أَيْمَتَهُمْ وَاقْتُلْ قَادَتَهُمْ وَسَادَتَهُمْ وَكِبَرَاءَهُمْ وَالْعَنْ رُؤَسَاءَهُمْ وَاكْسِرْ رَايَتَهُمْ وَأَلْقِ الْبَاسَ بَيْنَهُمْ وَلَا تُبْقِ مِنْهُمْ دَيَّارًا اللَّهُمَّ الْعَنْ أَبَا جَهْلٍ وَالْوَلِيدَ لَعْنًا يَتَلَوُ بَعْضُهُ بَعْضًا وَيَتَّبِعُ بَعْضُهُ بَعْضًا اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْنًا يَلْعَنُهُمَا بِهِ كُلُّ مَلِكٍ مُقَرَّبٍ وَكُلُّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ وَكُلُّ مُؤْمِنٍ امْتَحَنَتْ قَلْبُهُ لِلْإِيمَانِ اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْنًا يَتَعَوَّذُ مِنْهُ أَهْلُ النَّارِ وَمِنْ عَذَابِهِمَا اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْنًا لَا يَخْطُرُ لِأَحَدٍ بِيَالِ اللَّهِ الْعَنْهُمَا فِي مُسْتَسِرٍّ سِرِّكَ وَظَاهِرٍ عَلَانِيَتِكَ وَعَذِّبُهُمَا عَذَابًا فِي التَّقْدِيرِ وَفَوْقَ التَّقْدِيرِ وَشَارِكٍ مَعَهُمَا ابْتِغَاءً وَأَشْيَاءَهُمَا وَمُحِبِّهِمَا وَمَنْ شَايَعَهُمَا إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٢٢٣

﴿٢٠٥٧﴾ دُعَاءُ فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ لَطَلَبِ الرِّزْقِ يَا مَنْ لَا تَزِيدُ مُلْكَهُ حَسَنَاتِي وَلَا تَشِينُهُ سَيِّئَاتِي وَلَا يَنْقُصُ خَزَائِنُهُ غِنَايَ وَلَا يَزِيدُ فِيهَا فَقْرِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْتَبْتَ رَجَاءَكَ فِي قَلْبِي وَافْطَعْ رَجَائِي عَمَّنْ سِوَاكَ حَتَّى لَا أَرْجُو إِلَّا إِيَّاكَ وَلَا أَخَافُ إِلَّا مِنْكَ وَلَا أَتَقَى إِلَّا بِكَ وَلَا أَتَكِلُ إِلَّا عَلَيْكَ وَاجْرُنِي مِنْ تَحْوِيلٍ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ فِي الدِّينِ وَالْدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَيَّامَ الدُّنْيَا بِرَحْمَتِكَ يَا كَرِيمَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٢١٦

﴿٢٠٥٨﴾ الكَاظِمُ عليه السلام: تَقُولُ فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ وَأَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ وَأَنْبِيََاءَكَ وَرُسُلَكَ وَجَمِيعَ خَلْقِكَ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ رَبِّي وَالْإِسْلَامُ دِينِي وَمُحَمَّدٌ نَبِيِّ وَعَلِيٌّ وَالحَسَنُ وَالحُسَيْنُ وَعَلِيٌّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ وَجَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ وَعَلِيٌّ بْنُ مُوسَى وَمُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ وَعَلِيٌّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَالحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَالحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ أَتَمَّتِي بِهِمْ أَتَوَلَّى وَمِنْ أَغْدَائِهِمْ أَتَبَرَأُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ دَمَ الْمَظْلُومِ ثَلَاثًا اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ بِأَيَوَائِكَ عَلَى نَفْسِكَ لِأَغْدَائِكَ لِتَهْلِكَنَّهُمْ بِأَيْدِينَا وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ بِأَيَوَائِكَ عَلَى نَفْسِكَ لِأَوْلِيَائِكَ لِتُظْفِرَنَّهُمْ بَعْدُوكَ وَعَدُوَّهُمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ثَلَاثًا وَتَقُولَ اللَّهُمَّ إِنِّي

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

تو و کشتند دوستان تو را و نشستند در مجلس خلافت، درحالی که ایشان را بر آن نه شایستگی و نه حقی بود و سوار کردند مردمان را بر دوش های خاندان محمد ﷺ، خداوند نفرین کن آن دو شخص را، نفرینی که پی در پی آید بعضی از آن بعضی را و محشور گردان آن ها را و تابعان آن ها را به سوی جهنم درحالی که از نابینایان (و گمراهان) باشند، خداوند به درستی که ما نزدیکی می جویم به سوی تو به سبب نفرین کردن بر این دو شخص و به سبب بیزاربودن از این هردو در دنیا و در آخرت خداوند نفرین کن بر کشنده ای امیرالمؤمنین و بر کشنده ای امام حسین پسر علی و پسر [فاطمه] دختر پیامبر خدا که رحمت فرستد خدا بر او و بر خاندان او، خداوند زیاد گردان عقوبت آن دو شخص را به بالاترین عقوبت ها و زیاد گردان خواری و خفت آن ها را به بالاترین خفت ها و خوار گردان آن ها را به بالاترین خواری ها و رسوا کن آن ها را به شدیدترین رسوایی ها، خداوند بینداز هردوی ایشان را در آتش جهنم؛ انداختنی شدید و سرنگون نما هردو را در عذاب دردناک از جانب خود، سرنگون کردنی شدید خداوند محشور کن آن دو را و تابعان آن ها را به سوی جهنم درحالی که همگی یکجا جمع باشند. خداوند پراکنده کن اجتماع آن ها را و متفرق ساز امر آن ها را و تفرقه و اختلاف انداز میان اتفاق آن ها و جدا ساز جمعیت آن ها را و نفرین کن بر پیشوای آن ها و بکش سرکرده های آن ها را و برگزیده ها و بزرگان آن ها را و نفرین کن بر سرکرده های آن ها و بشکن علم و نشانه ی بزرگی آن ها را و بینداز شدت عقوبت را میان آن ها و باقی مگذار از آن ها احدی را، خداوند نفرین کن بر ابوجهل و بر ولید، نفرینی را که مداوم باشد برخی، بعض دیگر را و تابع شود بعضی بعضی را، خداوند نفرین کن هردو را، نفرینی که نفرین کند آن ها را به آن نفرین هر فرشته ی مقربی و هر پیامبر فرستاده شده ای و هر شخص مؤمنی که خالص کرده باشی تو دل او را برای ایمان، خداوند نفرین کن آن هردو را نفرینی که پناه گیرند از آن اهل آتش از عذاب آن، خداوند نفرین کن آن هردو را نفرینی که نرسیده باشد به ذهن کسی، خداوند نفرین کن آن هردو را در پنهان از نهانی خود و در ظاهر از آشکار خود و عذاب کن هردوی آن ها را عذابی که باشد در تقدیر تو و بالاتر از آنچه تقدیر نموده ای آن را و شریک گردان با این دو، دو دختر آن ها را و پیروان آن ها را و دوستان آن ها را و کسی را که متابعت نماید از ایشان به درستی که تو شنونده ی هر دعایی.

﴿۲۰۵۷﴾ دعا برای طلب روزی در سجده ی شکر: "ای کسی که حسنات من بر دارایی او نمی افزاید و گناهانم او را عیناک و بدنام نمی کند و توانگری من چیزی از خزائن او کم نکند و فقرم بر آن ها نیفزاید؛ بر محمد و خاندانش درود فرست و امید به خودت را در قلمب تثبیت، و امیدم را از غیر خودت قطع کن تا هرگز امید نداشته باشم مگر به تو؛ و نترسم مگر از تو، و اطمینان نکنم مگر به تو و تکیه نکنم مگر بر تو؛ و از اینکه نعمت های دینی و دنیایی و آخرتی که به من بخشیده ای تا پایان عمر از من بگیری، به خودت پناه می برم. نگاهم به رحمت است ای صاحب کرامت.

﴿۲۰۵۸﴾ در سجده ی شکر می گویی: "خدایا، من تو را گواه می گیرم، و فرشتگان و پیامبران و فرستادگان را و تمامی مخلوقات و بندگانت را گواه می گیرم به اینکه تو خود یکتا معبود و پروردگار منی، و اسلام دین من است، و محمد ﷺ پیامبر من و علی و حسن بن علی و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی، و علی بن محمد و حسن بن علی و حجة بن الحسن بن علی امامان و پیشوایان دین من هستند که با آن ها دوستی دارم و از دشمنانشان بیزارم؛ خدایا، تو را به خون ریخته شده ی مظلوم سوگند می دهم - سه بار - پروردگارا، تو را سوگند می دهم به آن سوگندی که بر خودت یاد کرده و وعده داده ای که دشمنان خود را به دست های ما و به دست های مؤمنین هلاک سازی، خدایا، به آن سوگندی که بر خودت یاد کرده و گفته و وعده فرموده ای تا یاران و دوستان را بر دشمنان خود و دشمنان خودشان پیروز سازی، سوگندت می دهم که بر محمد و حافظان دین و معصومین از خاندان او درود فرستی " - سه بار - سپس می گویی: "

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

أَسْأَلُكَ الْيُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ ثَلَاثًا ثُمَّ تَضَعُ خَدَّكَ الْأَيْمَنَ عَلَى الْأَرْضِ وَتَقُولُ يَا كَهْفِي حِينَ تَعِينِي الْمَذَاهِبَ وَتَضِيقُ عَلَى الْأَرْضِ بِمَا رَحِبْتُ وَ يَا بَارِئِ خَلْقِي رَحْمَةً بِي وَ كُنْتَ عَنْ خَلْقِي غَنِيًّا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ثَلَاثًا ثُمَّ تَضَعُ خَدَّكَ الْأَيْسَرَ عَلَى الْأَرْضِ وَ تَقُولُ يَا مُدِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ وَ يَا مُعِزَّ كُلِّ ذَلِيلٍ قَدْ وَ عَزَّتْكَ بِلَغِ بِي مَجْهُودِي ثَلَاثًا ثُمَّ تَعُودُ لِلسُّجُودِ وَ تَقُولُ مِائَةَ مَرَّةٍ شُكْرًا شُكْرًا ثُمَّ تَسْأَلُ حَاجَتَكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ: مِنْ لَاحِظِهِ الْفَقِيهَ ج: ١

ص: ۳۲۹

﴿٢٠٥٩﴾ الصادقين عليه السلام: ثُمَّ يَسْجُدُ سَجْدَةً الشُّكْرِ فَيَقُولُ فِيهَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْحَمْ ذُلِّي بَيْنَ يَدَيْكَ وَتَضَرَّعِي إِلَيْكَ وَيَأْسِي مِنَ النَّاسِ وَأَنْسِي بِكَ وَإِلَيْكَ أَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ أَتَقَلَّبُ فِي قُبُصَتِكَ يَا ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ وَالْجُودِ وَالنِّعْمَاءِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ ضَعْفِي وَنَجِّنِي مِنَ النَّارِ يَا رَبِّ يَا رَبِّ حَتَّى يَنْقُطَ النَّفْسُ إِنَّهُ لَيْسَ يَرُدُّ غَضَبَكَ إِلَّا حِلْمُكَ وَلَا يَرُدُّ سَخَطَكَ إِلَّا عَفْوُكَ وَلَا يُجِيرُ مِنْ عِقَابِكَ إِلَّا رَحْمَتُكَ وَلَا يُنْجِي مِنْكَ إِلَّا التَّضَرُّعُ إِلَيْكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَهَبْ لِي يَا إِلَهِي مِنْكَ فَرَجًا قَرِيبًا بِالْقُدْرَةِ الَّتِي تُخَيِّ بِهَا أَمْوَاتَ الْعِبَادِ وَبِهَا تَنْشُرُ مَيِّتَ الْبِلَادِ وَلَا تُهْلِكْنِي يَا إِلَهِي غَمًّا حَتَّى تَسْتَجِيبَ لِي وَتُعْرِفَنِي الْجِابَةَ فِي دُعَائِي وَأَذْفِي طَعْمَ الْعَافِيَةِ إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي وَلَا تُشْمِتْ بِي عَدُوِّي وَلَا تُسَلِّطْهُ عَلَيَّ وَلَا تُمَكِّنْهُ مِنْ غُنْفِي إِلَهِي إِنْ رَفَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَضَعُنِي وَإِنْ وَضَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْفَعُنِي وَإِنْ أَهَنْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يُكْرِمُنِي وَإِنْ أَكْرَمْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يُهِنُّنِي وَإِنْ رَحِمْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يُعَذِّبُنِي وَإِنْ عَذَّبْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْحَمُنِي وَإِنْ أَهْلَكْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَعْزُضُ لَكَ فِي عَبْدِكَ أَوْ يَسْأَلُكَ عَنْ أَمْرِهِ وَقَدْ عَلِمْتَ يَا إِلَهِي أَنَّهُ لَيْسَ فِي نِقْمَتِكَ عَجَلَةٌ وَلَا فِي حُكْمِكَ ظُلْمٌ وَإِنَّمَا يَعْجَلُ مَنْ يَخَافُ الْقُوَّةَ وَإِنَّمَا يَحْتَاجُ إِلَى الظُّلْمِ الضَّعِيفُ وَقَدْ تَعَالَيْتَ يَا إِلَهِي عَنْ ذَلِكَ غُلُوءًا كَبِيرًا؛

مصباح المتعجد ص: ١٩٥

﴿٢٠٦﴾ ثُمَّ اسْجُدْ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانِي لِمَعْرِفَتِهِ وَخَصَّنِي بَوَالِيَّتِهِ وَوَفَّقَنِي لِطَاعَتِهِ شُكْرًا

شُكْرًا مِائَةً مَرَّةً؛ إقبال الأعمال ص: ٦٧٩

﴿٢٠٦﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: ثُمَّ تَسْجُدُ سَجْدَتِي الشُّكْرَ وَتَقُولُ فِي الْأُولَى اللَّهُمَّ أَنْتَ أَنْتَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ يَا أَحَدُ يَا مَنْ [يَا مَنْ] لَا أَحَدَ لَهُ يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ غَيْرُكَ يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطَاءِ إِلَّا كَرَمًا وَجُودًا يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطَاءِ إِلَّا كَرَمًا وَجُودًا يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطَاءِ إِلَّا كَرَمًا وَجُودًا صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَفْعَلْ بِي كَذَا كَذَا؛ مفتاح الفلاح ص: ٢٦٧

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

پروردگارا، من از تو پس از فشار زندگی فراخی روزی می‌خواهم " - سه بار - آنگاه گونه‌ی راست خود را بر زمین نهاده و می‌گویی: " ای پناه من آنگاه که روش‌های گوناگون و راه‌های پرپیچ‌وخم زندگی مرا خسته و عاجز ساخته است، و زمین با همه‌ی فراخی‌اش بر من تنگ گشته، ای آن که از روی مهر مرا آفریدی و حال آنکه از خلقت من بی‌نیاز بودی، بر محمد و خاندانش و نیز بر حافظان آیینت از خاندان محمد درود فرست " - سه بار - سپس گونه‌ی چپ خود را بر خاک می‌نهد و می‌گویی: " ای خوارکننده‌ی هر سرکش، و ای عزیزکننده‌ی هر ذلیل، تو را به عزتت سوگند می‌دهم که آرزویم را برآوری و خواسته‌ام که طاقتم را برده برآورده سازی " - سه بار - سپس به سجده بازگشته و صد بار " شکر شکر " می‌گویی. آنگاه حاجت خویش را می‌طلبی، (ان شاء الله که روا خواهد شد).

﴿۲۰۵۹﴾ ای خداوند، غضب تو را جز حلم تو فرو نمی‌نشاند و خشم تو را جز عفو تو باز نمی‌گرداند و در برابر عقاب تو جز رحمت پناهگاهی نیست. و مرا جز تضرع به درگاه تو و زاری در برابر تو هیچ‌چیز از عذابت نمی‌رهاند. پس بر محمد و خاندانش درود بفرست و ای خدای من، بدان قدرت که در اختیار توست و مردگان را بدان حیات می‌بخشی و سرزمین‌های مرده را زنده می‌کنی، در کار من گشایشی پدید آور. ای خدای من، قبل از اینکه دعایم را اجابت کنی و آگاهم سازی که دعایم را اجابت کرده‌ای مرا به اندوه هلاک مکن، و تا زنده‌ام طعم عافیت را به من بچشان و مرا دشمنکام مگردان و دشمن مرا بر گردن من سوارمکن و بر من مسلطش منماید. خدایا، اگر توام برفرازی، چه کسی را یاراست که به پستم آورد و اگر به پستم آوری، چه کسی را توان برافراختن من باشد. اگر گرامی‌ام داری، چه کسی خوارم تواند ساخت و اگر خوارم داری، چه کسی گرامی‌ام تواند داشت. اگر بر من رحمت آوری چه کسی می‌تواند عذابم کند و اگر عذابم کنی چه کسی بر من رحمت آورد؛ اگر هلاکم کنی، چه کسی به دفاع از بنده‌ات در برابر تو یارای ایستادنش باشد، یا از تو درباره‌ی او می‌پرسد. دانسته‌ام که در حکم ستم روا نداری و در انتقام شتاب نکنی. زیرا کسی در کاری شتاب می‌کند که می‌ترسد از دستش برود و کسی ستم می‌کند که ضعیف و ناتوان باشد. و تو ای خدای من، بس برتر از این‌هایی، برتری‌ای بس عظیم.

﴿۲۰۶۰﴾ سپس سجده‌کن و صد مرتبه بگو: " سپاس خدای را که مرا به شناخت خود ره نمود و ولایت خود را به من اختصاص داد و به فرمان‌برداری خود موفقم کرد شکر شکر ".

﴿۲۰۶۱﴾ پس از آن دو سجده‌ی شکر به‌جا آور و در سجده‌ی اول بگو: خداوند! تویی تو، امیدم جز از تو بریده شده، ای یگانه، ای آن که همتایی ندارد، ای یگانه، ای آن که همتایی ندارد، ای یگانه، آن کس که جز خودش کسی ندارد، ای آن که بخشش فراوان جز بر کرم و جودش نمی‌افزاید (سه بار) بر محمد و خاندانش درود فرست (سه بار) و برایم چنین و چنان کن.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٠٦٢﴾ تَسْجُدُ سَجْدَةَ الشُّكْرِ وَتَقُولُ فِيهَا اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ الْخَالِقُ الرَّازِقُ الْمُحْيِي الْمُمِيتُ الْبَدِيُّ الْبَدِيعُ لَكَ الْكَرَمُ وَ لَكَ الْجُودُ وَ لَكَ الْمَنُّ وَ لَكَ الْأَمْرُ وَخَدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ يَا خَالِقُ يَا رَازِقُ يَا مُحْيِي يَا مُمِيتُ يَا بَدِيُّ يَا بَدِيعُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَرْحَمَ ذُلِّي بَيْنَ يَدَيْكَ وَ تَضَرَّعِي إِلَيْكَ وَ وَحْشَتِي مِنَ النَّاسِ وَ أَنْسَى بِكَ وَ إِلَيْكَ ثُمَّ تَقُولُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ عَشْرَ مَرَّاتٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي وَ ثَبِّتْنِي عَلَى دِينِكَ وَ دِينَ نَبِيِّكَ وَ لَا تُزِعْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ثُمَّ تَدْعُو بَعْدَ ذَلِكَ بِمَا شِئْتَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٤ ص: ٢٢٧

﴿٢٠٦٣﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): تَهْدِي الْأَرْبَعَ رُكْعَاتِ الْأَخْرِ إِلَى آدَمَ وَ نُوحٍ ثُمَّ تَسْجُدُ سَجْدَةَ الشُّكْرِ وَ قُلْ فِيهِمَا اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَ بِكَ اعْتَصَمْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ اللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِي وَ رَجَائِي فَكَفِّنِي مَا أَهَمَّنِي وَ مَا لَا يَهْمُنِي وَ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي عَزَّ جَارُكَ وَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ قَرِّبْ فَرَجَهُمْ ثُمَّ ضَعْ خَدَّكَ الْأَيْمَنَ عَلَى الْأَرْضِ وَ قُلْ ارْحَمْ ذُلِّي بَيْنَ يَدَيْكَ وَ تَضَرَّعِي إِلَيْكَ وَ وَحْشَتِي مِنَ النَّاسِ وَ أَنْسَى بِكَ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٧ ص: ٢٨٧

﴿٢٠٦٤﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): ثُمَّ اسْجُدْ سَجْدَةَ الشُّكْرِ إِنْ شِئْتَ الْآنَ وَ إِنْ شِئْتَ بَعْدَ صَلَاةِ الْوُثْيَةِ وَ بَعْدَ تَعْقِيْبِهَا بِحَسَبِ مَا يَفْتَحُهُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ عَلَيْكَ مِنَ الْإِمْكَانِ وَ قُلْ اللَّهُمَّ أَنْتَ أَنْتَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ مِنْكَ يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ غَيْرُكَ يَا مَنْ لَا تَزِيدُهُ كَثْرَةُ الدُّعَاءِ إِلَّا كَرَمًا وَ جُودًا يَا مَنْ لَا تَزِيدُهُ كَثْرَةُ الدُّعَاءِ إِلَّا كَرَمًا وَ جُودًا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ سَلِّ حَاجَتَكَ ثُمَّ تَضَعْ خَدَّكَ الْأَيْمَنَ عَلَى الْأَرْضِ فَتَقُولُ مِثْلَ ذَلِكَ وَ تَقُولُ مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ تُعِيدُ جَهَنَّتَكَ إِلَى الْأَرْضِ وَ تَسْجُدُ وَ تَقُولُ مِثْلَ ذَلِكَ؛ فلاح السائل ص: ٢٥٦

﴿٢٠٦٥﴾ ثُمَّ اسْجُدْ سَجْدَةَ الشُّكْرِ وَ قُلْ اللَّهُمَّ أَنْتَ أَنْتَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ ثُمَّ قُلْ يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ غَيْرُكَ ثُمَّ قُلْ ثَلَاثًا يَا مَنْ لَا تَزِيدُهُ كَثْرَةُ الدُّعَاءِ إِلَّا كَرَمًا وَ جُودًا وَ ثَلَاثًا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ؛ البلد الأمين ص: ٣١

﴿٢٠٦٦﴾ السَّجَّادُ (عليه السلام): أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ مِائَةَ مَرَّةٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا وَ كَلَّمَا قَالَهُ عَشْرَ مَرَّاتٍ قَالَ شُكْرًا لِلْمُجِيبِ ثُمَّ يَقُولُ يَا ذَا الْمَنِّ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا وَ لَا يُحْصِيهِ غَيْرُهُ عَدَدًا وَ يَا ذَا

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۰۶۲﴾ ... سجده‌ی شکر به جا بیاور و در آن بگو: خداوندا تو زنده و پاینده و بلندمرتبه و بزرگ و خالق و روزی‌دهنده [و ایجادکننده] زنده‌کننده و میراننده و آفریننده و نوبه‌نو ایجادکننده‌ای، و کرم و جود و بخشش و امر همه از آن توسست، یگانه‌ای و شریک نداری، ای خالق و ای روزی‌دهنده، ای زنده‌کننده و ای میراننده، ای نو آور، ای بلندپایه؛ از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش علیهم‌السلام درود فرستی، و به این زبونی و بیچارگی و زاری‌ام در پیشگاه تو و وحشتم از مردم و انسم به تو رحمت آوری... سپس بگو "یا الله و یا الله" تا ده مرتبه، بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا بیامرز و به من رحم کن و مرا در دینت و دین پیامبرت ثابت و محکم بدار و قلبم را پس از آنکه به لطف خویش هدایتش فرمودی دچار آلودگی و گمراهی مفرما و به من رحم کن همانا تو بسیار بخشنده‌ای سپس بعد از آن با هر دعایی که می‌خواهی دعا کن.

﴿۲۰۶۳﴾ چهار رکعت دیگر به آدم و نوح هدیه می‌کنی و سپس سجده‌ی شکر انجام می‌دهی و در آن‌ها می‌گویی: "به‌سوی تو آمدم و به تو چنگ زدم و بر تو توکل کردم؛ خدایا، تو مایه‌ی اطمینان و تو امید من هستی در آنچه که مرا به خود مشغول کرده و حتی آنچه مرا مشغول نکرده و در آنچه که تو بهتر از من آن را می‌دانی مرا کفایت کن. پناه تو محکم و ثنایت عظیم است و خدایی جز تو نیست؛ بر محمد و خاندانش درود فرست و فرجشان را نزدیک کن. سپس گونه‌ی راستت را بر زمین بگذار و بگو: "بر خواری‌ام در مقابلت رحم کن و نیز بر تضرعم در برابرت و وحشتم از مردم و انسم به تو. ای بزرگوار، ای بزرگوار، ای بزرگوار.

﴿۲۰۶۴﴾ اگر خواستی، می‌توانی بعد از انجام تعقیبات نماز عشا سجده‌ی شکر را به‌جا آوری، و یا بعد از نماز وتیره و نافله‌ی نماز عشا، بسته به اینکه در کدام وقت خداوند امکانش را برای فراهم کند. و در سجده بگو: "خداوندا، تنها تو و تنها تو [امید منی]، امیدم جز از تو، جز از تو، و جز از تو بریده شده، ای بی‌همتا، ای بی‌همتایی که همتایی برای تو نیست، ای بی‌همتایی که همتایی برای تو نیست، ای بی‌همتایی که همتایی غیر از خودت برای خودت نیست؟ ای خدایی که فراوانی دعا جز بر بزرگواری و سخاوت تو نمی‌افزاید، ای کسی که زیادی درخواست و دعا، جز به بزرگواری و بخشش تو نمی‌افزاید، [ای کسی که بسیار دعا کردن، جز به کرم و بخشش تو نمی‌افزاید]، بر محمد و اهل‌بیت او درود فرست، بر محمد و اهل‌بیت او درود فرست، [بر محمد و اهل‌بیت او درود فرست]. سپس حاجت خویش را بخواه، بعد طرف راست صورت خود را بر زمین نهاده و مانند گفتار گذشته را بگو، بعد طرف چپ را بر زمین نهاده و مانند آن را بگو، سپس پیشانی را بر زمین گذارده و سجده به‌جا آور و مانند آن را تکرار کن.

﴿۲۰۶۵﴾ سپس سجده‌ی شکر به جا بیاور و بگو: "خداوندا، تو، تو امید منی و امیدم از غیر تو ناامید گشته، سپس بگو: ای یگانه و ای بی‌همتایی که همتایی غیر تو برای خودت نیست؛" سپس سه مرتبه بگو: "ای کسی که فراوانی دعا جز بر عطا و سخاوتش نمی‌افزاید" و سه مرتبه بگو: "خداوندا، بر محمد و خاندانش درود فرست."

﴿۲۰۶۶﴾ در سجده‌ی شکر صد مرتبه می‌گفتند: "برای شکر خدا او را می‌ستایم"، و بعد از هر ده بار در ادامه می‌افزودند: "شکر می‌کنم کسی‌را که پاسخم می‌دهد" و سپس ادامه می‌دادند: "ای صاحب نعمتی که هرگز نعمت‌دادن را قطع نمی‌کند و کسی جز او نمی‌تواند نعمت‌ها را بشمرد

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْفَدُ أَبَدًا يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ ثُمَّ يَدْعُو وَ يَتَضَرَّعُ وَ يَذْكُرُ حَاجَتَهُ؛
وسائل الشيعة ج: ٧ ص: ١٧

﴿٢٠٦٧﴾ الصادق عليه السلام: أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ فِي سَجْدَتِي [سَجْدَةِ] الشُّكْرِ بِصَوْتِ حَزِينٍ وَ دُمُوعُهُ تَجْرِي عَصِيَّتَكَ رَبِّ بِلِسَانِي وَ لَوْ شِئْتَ وَ عِزَّتِكَ لَأَخْرَسْتَنِي وَ عَصِيَّتَكَ بِسَمْعِي وَ لَوْ شِئْتَ وَ عِزَّتِكَ لَأَصَمَّمْتَنِي وَ عَصِيَّتَكَ بِيَدِي وَ لَوْ شِئْتَ وَ عِزَّتِكَ لَكَنَنْعَتَنِي وَ عَصِيَّتَكَ بِرِجْلِي وَ لَوْ شِئْتَ وَ عِزَّتِكَ لَجَذَمْتَنِي وَ عَصِيَّتَكَ بِفَرْجِي وَ لَوْ شِئْتَ وَ عِزَّتِكَ لَعَقَمْتَنِي وَ عَصِيَّتَكَ بِجَمِيعِ جَوَارِحِي الَّتِي أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ وَ لَيْسَ هَذَا جَزَاؤُكَ مِنِّي ثُمَّ يَقُولُ فَاعْفِرْ لِي ذُنُوبِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ غَيْرُكَ مَوْلَايَ؛ مفتاح الفلاح ص: ١٤٥

﴿٢٠٦٨﴾ السجاد عليه السلام: تَسْجُدُ سَجْدَةَ الشُّكْرِ وَ تَدْعُو فِيهَا بِمَا شِئْتَ؛ المصباح للكفعمي ص: ٥٠
﴿٢٠٦٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَ اسْجُدْ لِلَّهِ شُكْرًا وَ قُلْ فِي سُجُودِكَ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَ بَكَ اعْتَصَمْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ اللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِي وَ رَجَائِي فَكُفِّنِي مَا أَهَمَّنِي وَ مَا لَا يَهْمُنِي وَ مَا أَنْتَ أَغْلَمُ بِهِ مِنِّي عِزَّ جَارِكَ وَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ قَرِّبْ فَرَجَهُمْ؛ بحار الأنوار ج: ٩٧ ص: ٣٢٠

﴿٢٠٧٠﴾ ثُمَّ... اسْجُدْ سَجْدَةَ الشُّكْرِ وَ قُلْ مَا تَقَدَّمَ ذِكْرُهُ وَ إِنْ شِئْتَ قُلْتَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِلَّا بَدَّلْتَ سَيِّئَاتِي حَسَنَاتٍ وَ حَاسِبْتَنِي حِسَابًا يَسِيرًا ثُمَّ تَضَعُ خَدَّكَ الْأَيْمَنَ عَلَى الْأَرْضِ وَ تَقُولُ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِلَّا كَفَيْتَنِي مَثْوَنَةَ الدُّنْيَا وَ كُلِّ هَوٍّ دُونَ الْجَنَّةِ؛ مصباح المتعبد ص: ١٠٥

﴿٢٠٧١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَ تَدْرُونَ مَا كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ أَفْضَلُ السَّلَامِ يَقُولُ فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ فَقُلْنَا وَ مَا كَانَ يَقُولُ قَالَ كَانَ يَقُولُ يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ كَثْرَةُ الدُّعَاءِ إِلَّا سَعَةً وَ عَطَاءً يَا مَنْ لَا تَنْفَدُ خَزَائِنُهُ يَا مَنْ لَهُ خَزَائِنُ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ يَا مَنْ لَهُ خَزَائِنُ مَا دَقَّ وَ جَلَّ لَا تَمْنَعُكَ إِسَاءَتِي مِنْ إِحْسَانِكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي الَّذِي أَنْتَ أَهْلُهُ فَأَنْتَ أَهْلُ الْجُودِ وَ الْكَرَمِ وَ الْعَفْوِ وَ التَّجَاوُزِ يَا رَبِّ يَا اللَّهُ لَا تَفْعَلْ بِي الَّذِي أَنَا أَهْلُهُ فَإِنِّي أَهْلُ الْعُقُوبَةِ وَ قَدْ اسْتَحَقَقْتُهَا لَا حُجَّةَ لِي وَ لَا عُذْرَ لِي عِنْدَكَ أَبُوءُ لَكَ بِذُنُوبِي كُلِّهَا وَ اعْتَرِفُ بِهَا كَيْ تَعْفُو عَنِّي وَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

و ای صاحب نیکی‌ها که نیکی‌هایش هرگز تمام نگردد؛ ای بزرگوار، ای بزرگوار، ای بزرگوار سپس دعا می‌نمود و التماس می‌کرد و حاجتش را ذکر می‌کرد.

﴿۲۰۶۷﴾ آن حضرت در سجده‌ی شکر به آواز حزین و دل‌اندوهگین و چشم‌گریان و اشک ریزان می‌فرمودند: "پروردگارا، من با زبانم تو را نافرمانی کردم و به عزت سوگند اگر می‌خواستی لالم می‌ساختم، با چشمم معصیت تو را نمودم حال آنکه به عزت سوگند اگر می‌خواستی کورم می‌کردی، با گوشم تو را معصیت نمودم و به عزت سوگند اگر می‌خواستی مرا کر می‌کردی، با دستم نافرمانی کردم و به عزت سوگند اگر می‌خواستی مرا بدون انگشتانم می‌ساختم، با پایم عصیان تو نمودم درحالی که به عزت سوگند اگر می‌خواستی قدمم را می‌شکستی، با شرمگاهم تو را معصیت نمودم و به عزت سوگند اگر می‌خواستی مرا عقیم می‌ساختم، و با تمام اعضا و جوارحی که به من بخشیده‌ای تو را نافرمانی کردم و این عکس‌العمل شایسته‌ای از من در برابر نعمت‌های بی‌پایان تو نبود. بعد از آن هزار مرتبه می‌گفتند: "العفو، العفو"، بعد از آن سمت راست رخساره‌ی مبارک خود را بر زمین گذاشته سه مرتبه به آواز حزین این کلمات را زمزمه می‌فرمودند که: "در پیشگاه تو به گناهم معترفم، بد کردم و به خودم ستم نمودم، پس گناهانم را ببخش که کسی جز تو گناهان را نمی‌بخشد، ای مولای من".

﴿۲۰۶۸﴾ سجده‌ی شکر بگذار و در آن (سجده) به آنچه که می‌خواهی دعا کن.

﴿۲۰۶۹﴾ و در سجدهات بگو: "خداوندا به‌سوی تو روی کرده و به‌واسطه‌ی تو از گناهان دوری گزیده‌ام و اعتماد به‌توست، پروردگارا، تو محلّ اعتماد و یقین و امید من هستی، پس کفایت کن از آنچه برای من مهم است و حتی آنچه که توجه مرا به خود جلب نکرده است و آنچه که تو بهتر از من می‌دانی، پناه‌دادنت بی‌نظیر و یادت بزرگ است و خدایی جز تو نیست، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و گشایش امور ایشان را با ظهور حضرت مهدی علیه السلام نزدیک کن.

﴿۲۰۷۰﴾ سجده کن، سجده‌ی شکر و بگو آنچه را که قبلاً ذکر شد و اگر خواستی بگو: "پروردگارا، از تو درخواست می‌کنم به حق حبیب و دوست محمد که درود خدا بر او و بر خاندانش باد، که گناهانم را به خوبی‌ها و خیرات تبدیل و حسابم را آسان بگیری". آنگاه قرار بدهی سمت راست صورتت را به روی زمین و بگویی: "پروردگارا، به حق حبیب محمد صلی الله علیه و آله از تو تقاضا می‌کنم که گذراندن سختی‌های دنیا و مراحل هول‌انگیز و ترسناک قیامت را برای رسیدن به بهشت برایم به عهده بگیری".

﴿۲۰۷۱﴾ آیا می‌دانید که امیرالمؤمنین علیه السلام در سجده‌ی شکر چه می‌فرمود؟ عرض کردیم: چه می‌فرمود؟ فرمود: آن بزرگوار چنین دعا می‌کرد: ای خدایی که بسیار دعا کردن جز بر وسعت لطف و عطای او نمی‌افزاید؛ ای آن که گنجینه‌هایش تمام‌نشدنی است، ای کسی که گنجینه‌های آسمان و زمین از آن اوست، ای خدایی که گنجینه‌های تمام امور کوچک و بزرگ متعلق به اوست؛ بدی من، مانع از احسان و نیکی تو نگردد تا آنچه را که تو شایسته‌ی آن هستی، به من روا نداری، زیرا تو اهل بخشش و کرامت و عفو و گذشت هستی. ای پروردگار من، ای خدا، با من آن چنان که سزاوارم رفتار مکن زیرا من اهل عذاب هستم و مستحق عقوبت و دلیل و عذری در مقابل تو ندارم، به همه‌ی گناهانم نزد تو اقرار و اعتراف می‌کنم تا از من درگذری. حال آنکه تو نسبت به من از خودم آگاه‌تری، در پیشگاه تو به هر گناه و خطا و بدی که مرتکب شدم اقرار می‌نمایم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

أَنْتَ أَعْلَمُ بِهَا مِنْى أَبِوْءُ لَكَ بِكُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَكُلِّ خَطِيئَةٍ اخْتَمَلْتُهَا وَكُلِّ سَيِّئَةٍ عَمِلْتُهَا رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ؛ فلاح السائل ص: ١٧٩

٢-٦-٢-٣-١- الفضيلة والأهمية

١-٢-٣-٢-٦-٢-١ من ألزم السنن وأوجبها

﴿٢٠٧٢﴾ الحجة عليه السلام: سَجْدَةُ الشُّكْرِ مِنْ أَلْزَمِ السُّنَنِ وَأَوْجِبِهَا وَلَمْ يَقُلْ إِنَّ هَذِهِ السَّجْدَةُ بِدْعَةٌ

إِلَّا مَنْ أَرَادَ أَنْ يُحْدِثَ بِدْعَةً فِي دِينِ اللَّهِ؛ وسائل الشيعية ج: ٦ ص: ٤٩٠

﴿٢٠٧٣﴾ الصادق عليه السلام: سَجْدَةُ الشُّكْرِ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ تُتِمُّ بِهَا صَلَاتَكَ وَتُرْضَى بِهَا رَبِّكَ وَتُعْجِبُ الْمَلَائِكَةَ مِنْكَ وَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا صَلَّى ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ فَفَتَحَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْحِجَابَ بَيْنَ الْعَبْدِ وَبَيْنَ الْمَلَائِكَةِ فَيَقُولُ يَا مَلَائِكَتِي انظُرُوا إِلَى عَبْدِي أَدَّى فَرَضِي وَآتَمَّ عَهْدِي ثُمَّ سَجَدَ لِي شُكْرًا عَلَى مَا أَنْعَمْتُ بِهِ عَلَيْهِ مَلَائِكَتِي مَاذَا لَهُ عِنْدِي قَالَ فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا رَحِمْتُكَ ثُمَّ يَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ثُمَّ مَاذَا لَهُ عِنْدِي قَالَ فَيَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا جَنَّتْكَ ثُمَّ يَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ثُمَّ مَاذَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا كِفَايَةُ مُهِمِّهِ فَيَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ثُمَّ مَاذَا قَالَ وَلَا يَبْقَى شَيْءٌ مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا قَالَتْهُ الْمَلَائِكَةُ فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَا مَلَائِكَتِي ثُمَّ مَاذَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ رَبَّنَا لَا عِلْمَ لَنَا قَالَ فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَشْكُرُ لَهُ كَمَا شَكَرَ لِي وَأَقْبَلُ

إِلَيْهِ بِفَضْلِي وَأُرِيهِ وَجْهِي؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٣٣٣

﴿٢٠٧٤﴾ الصادق عليه السلام: أَنَّهُ قَالَ سَجْدَةُ الشُّكْرِ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ تُتِمُّ بِهَا صَلَاتَكَ وَتُرْضَى بِهَا رَبِّكَ وَتُعْجِبُ الْمَلَائِكَةَ مِنْكَ وَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا صَلَّى ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ فَفَتَحَ الرَّبُّ

الْحِجَابَ بَيْنَ الْمَلَائِكَةِ وَبَيْنَ الْعَبْدِ؛ عوالي اللآلي ج: ١ ص: ٣٣٤

﴿٢٠٧٥﴾ الحجة عليه السلام: أَنَّهُ كَتَبَ إِلَيْهِ يَسْأَلُهُ عَنْ سَجْدَةِ الشُّكْرِ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ فَإِنْ بَعْضُ أَصْحَابِنَا ذَكَرَ أَنَّهَا بِدْعَةٌ فَهَلْ يَجُوزُ أَنْ يَسْجُدَهَا الرَّجُلُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ وَإِنْ جَازَ فَفِي صَلَاةِ الْمَغْرَبِ هِيَ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ أَوْ بَعْدَ الرَّابِعِ رَكَعَاتِ النَّافِلَةِ فَأَجَابَ عليه السلام سَجْدَةُ الشُّكْرِ مِنْ أَلْزَمِ السُّنَنِ وَأَوْجِبِهَا وَلَمْ يَقُلْ إِنَّ هَذِهِ السَّجْدَةُ بِدْعَةٌ إِلَّا مَنْ أَرَادَ أَنْ يُحْدِثَ فِي دِينِ اللَّهِ بِدْعَةً؛ وسائل الشيعية ج: ٦ ص: ٤٩٠

٢-٦-٢-٣-١- الأمر بسجدة الشكر

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

پروردگارا، بیامرز و رحم کن، و از تمام آنچه می‌دانی در گذر، که تو سرافرازترین و بزرگوارترین هستی.

۲-۶-۲-۳-۱- فضیلت و اهمیت

۲-۱-۲-۶-۲-۳-۱- از لازم‌ترین و واجب‌ترین‌هاست

﴿۲۰۷۲﴾ سجده‌ی شکر لازم‌ترین سنت پیامبر است و هیچ احدی از ارباب فضل و فراست قائل به بدعت سجده‌ی شکر نمی‌باشد مگر آنکه اراده‌ی بدعت در دین خداوند نماید.

﴿۲۰۷۳﴾ سجده‌ی شکر بر هر مسلمانی واجب است، به گونه‌ای که نمازت را با آن کامل و رضای پروردگارت را حاصل می‌سازی، و فرشتگان آن را از تو می‌پسندند، و بدون شک‌هرگاه بنده نماز بگذارد و پس از فراغ در پی آن به سجده‌ی شکر رود، پروردگار متعال حجاب از میان او و فرشتگان برگیرد، و به آنان خطاب کند: بنگرید به‌سوی بنده‌ی من که وظیفه‌ی واجب خویش را انجام داده و به پیمان من وفا نموده، و به شکرانه‌ی برخورداری از انعام من برایم به سجده افتاده، اکنون بگویند نزد من پاداش او چه خواهد بود؟ فرشتگان گویند: ای پروردگار ما پاداش او رحمت توست، خداوند متعال فرماید: دیگر چه؟ گویند: خداوند بهشت تو، بازمی‌پرسد دیگر چه پاداشی دارد؟ گویند: آنکه گرفتاری‌های او را برطرف سازی، باز خداوند بپرسد: دیگر چه؟ امام العلیه‌ السلام فرمود: چیزی باقی نماند مگر آنکه فرشتگان آن را نام برند، باز خداوند تکرار فرماید: دیگر چه؟ آن‌ها گویند: خدایا، ما را فهم آن نیست، آنگاه خداوند متعال گوید: آنکه من از او تشکر نمایم همان‌طور که او مرا شکر نمود، و با فضل خود به او رو کنم، و از دیدار وجه خویش برخوردارش سازم.

﴿۲۰۷۴﴾ سجده‌ی شکر بر هر مسلمانی واجب است و نماز با آن تکمیل می‌شود، و پروردگار عزیز به سبب آن راضی می‌گردد، و فرشتگان از اعمال آن شخص در شگفت خواهند شد. و هرگاه بنده‌ی مؤمن نماز به‌جای آورد و بعد از آن سر به سجده نهد، پروردگار درهای آسمان را می‌گشاید، و حجاب را از میان بنده و فرشتگان برمی‌دارد.

﴿۲۰۷۵﴾ برای ایشان نامه‌ای نوشت و درباره‌ی سجده‌ی شکر بعد از نماز واجب سؤال کرد و گفت: یکی دوستان ما گفته است که سجده‌ی شکر بدعت است، آیا می‌توان بعد از نماز این سجده را انجام داد؟ اگر می‌شود انجام داد، در نماز مغرب باید بعد از نماز انجام داد یا بعد از چهار رکعت نافله‌ی نماز مغرب؟ جواب دادند: سجده‌ی شکر از ضروری‌ترین سنت‌ها و واجب‌ترین آن‌هاست و هیچ‌کس نمی‌گوید که این سجده بدعت است مگر آنکه می‌خواهد در دین خدا بدعت گذارد.

۲-۲-۶-۲-۳-۱- فرمان به سجده شکر

﴿۶۴۳﴾

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٠٧٤﴾ الصادق عليه السلام: ثُمَّ اسْجُدْ سَجْدَةَ الشُّكْرِ إِنْ شِئْتَ الْآنَ وَ إِنْ شِئْتَ بَعْدَ صَلَاةِ الْوُثْبَةِ وَ بَعْدَ تَعْقِيبِهَا بِحَسَبِ مَا يَفْتَحُهُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ عَلَيْكَ مِنَ الْإِمْكَانِ وَ قُلِ اللَّهُمَّ أَنْتَ أَنْتَ أَنْقِطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ مِنْكَ مِنْكَ يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ غَيْرُكَ يَا مَنْ لَا تَزِيدُهُ كَثْرَةُ الدُّعَاءِ إِلَّا كَرَمًا وَ جُودًا يَا مَنْ لَا تَزِيدُهُ كَثْرَةُ الدُّعَاءِ إِلَّا كَرَمًا وَ جُودًا يَا مَنْ لَا تَزِيدُهُ كَثْرَةُ الدُّعَاءِ إِلَّا كَرَمًا وَ جُودًا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ ثُمَّ تَضَعُ خَدَّكَ الْأَيْمَنَ عَلَى الْأَرْضِ فَتَقُولُ مِثْلَ ذَلِكَ وَ تَضَعُ خَدَّكَ الْأَيْسَرَ عَلَى الْأَرْضِ وَ تَقُولُ مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ تُعِيدُ جِهَتَكَ إِلَى الْأَرْضِ وَ تَسْجُدُ وَ تَقُولُ مِثْلَ ذَلِكَ؛ فلاح السائل ص: ٢٥٤

﴿٢٠٧٧﴾ الباقِر (عليه السلام): يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي شُكْرًا لِلَّهِ؛ تَفْسِيرُ الْعِيَاشِيِّ ج: ١

ص: ۱۷۳

٢٠٧٨) الصادق عليه السلام: كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَنَحْنُ نُرِيدُ زِيَارَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَلَمَّا صِرْنَا إِلَى الثَّوِيَّةِ نَزَلَ فَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ فَقُلْتُ يَا سَيِّدِي مَا هَذِهِ الصَّلَاةُ قَالَ هَذَا مَوْضِعُ مَنِيرِ الْقَائِمِ أَحْبَبْتُ أَنْ أَشْكُرَ اللَّهَ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ؛ دلائل الإمامة ص: ٢٤٤

﴿٢٠٧٩﴾ السَّجَادَ الْعَلِيِّ: ثُمَّ اسْجُدْ سَجْدَةَ الشُّكْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٦٨

﴿٢٠٨﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): وَاسْجُدْ لِلَّهِ شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٩٧ ص: ٣٢٠

٣-٢-٦-٢-٣-١ من علامات الشيعة

﴿٢٠٨١﴾ الرَّسُولُ ﷺ إِلَهُي وَبِمَا يُعْرِفُونَ شَيْعَتَهُمْ وَ مُحِبِّيهِمْ قَالَ بِصَلَاةِ الْإِخْدَى وَالْخَمْسِينَ وَ الْجَهْرِ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ الْقَنُوتِ قَبْلَ الرُّكُوعِ وَ سَجْدَةِ الشُّكْرِ وَ التَّخْتُمِ بِالْيَمِينِ؛
بحار الأنوار ج: ٣٦ ص: ٢١٣

۴-۲-۶-۲-۳-۱- کَالرَّامِي مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

﴿٢٠٨٢﴾ الرضا عليه السلام: دَخَلْنَا عَلَيْهِ وَهُوَ سَاجِدٌ فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ فَأَطَالَ فِي سُجُودِهِ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقُلْنَا لَهُ أَطَلْتَ السُّجُودَ فَقَالَ مَنْ دَعَا فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ بِهَذَا الدُّعَاءِ كَانَ كَالرَّامِي مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَوْمَ بَدْرٍ قَالَا قُلْنَا فَكَتَبْهُ قَالَ أَكْتُبَا إِذَا أَنْتَ سَجَدْتَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ فَقُلِ اللَّهُمَّ اعْنِ الَّذِينَ بَدَلَا دِينَكَ وَغَيَّرَا نِعْمَتَكَ وَاتَّهَمَا رَسُولَكَ ﷺ وَخَالَفَا مِلَّتَكَ وَصَدَّاهُ عَنْ سَبِيلِكَ وَكَفَرَا آيَاتَكَ وَرَدَّاهُ عَلَيْكَ كَلَامَكَ وَاسْتَهْزَءَا بِرَسُولِكَ وَقَتَلَا ابْنَ نَبِيِّكَ وَحَرَّفَا كِتَابَكَ وَجَحَدَا آيَاتَكَ وَسَخَّرَا بِآيَاتِكَ وَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۰۷۶﴾ اگر خواستی، می‌توانی بعد از انجام تعقیبات نماز عشا سجده‌ی شکر را به‌جا آوری، و یا بعد از نماز وتیره و نافله‌ی نماز عشا، بسته به اینکه در کدام وقت خداوند امکانش را برایت فراهم کند. و در سجده بگو: "خداوندا، تنها تو و تنها تو [امید منی]، امیدم جز از تو، جز از تو، و جز از تو بریده شده، ای بی‌همتا، ای بی‌همتایی که همتایی برای تو نیست، ای بی‌همتایی که همتایی برای تو نیست، ای بی‌همتایی که همتایی غیر از خودت برای خودت نیست؟ ای خدایی که فراوانی دعا جز بر بزرگواری و سخاوت تو نمی‌افزاید، ای کسی که زیادی درخواست و دعا، جز به بزرگواری و بخشش تو نمی‌افزاید، [ای کسی که بسیار دعا کردن، جز به کرم و بخشش تو نمی‌افزاید]، بر محمد و اهل بیت او درود فرست، بر محمد و اهل بیت او درود فرست، [بر محمد و اهل بیت او درود فرست]. سپس حاجت خویش را بخواه، بعد طرف راست صورت خود را بر زمین نهاده و مانند گفتار گذشته را بگو، بعد طرف چپ را بر زمین نهاده و مانند آن را بگو، سپس پیشانی را بر زمین گذارده و سجده به‌جا آور و مانند آن را تکرار کن.

﴿۲۰۷۷﴾ ای مریم، برای شکر خدا فرمان بر پروردگار خود باش و و برای خدا رکوع و سجود کن. ﴿۲۰۷۸﴾ همراه با ابی‌عبدالله علیه السلام بودم و می‌خواستیم به زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام برویم. هنگامی که "ثویه" رسیدیم، پیاده شدند و دو رکعت نماز خواندند و گفتیم: ای آقای من این چه نمازی است؟ فرمودند: اینجا محل منبر حضرت قائم علیه السلام است دوست داشتم که خدا را در این مکان شکر کنم.

﴿۲۰۷۹﴾ سجده کن، سجده‌ی شکر.

﴿۲۰۸۰﴾ برای ادای شکر، سجده کن.

۳-۲-۶-۲-۳-۱- از نشانه‌های شیعه

﴿۲۰۸۱﴾ پروردگارا، شیعیان و محبین ایشان با چه علایمی شناخته می‌شوند، خداوند فرمود: به گزاردن پنجاه و یک رکعت نماز و بلندگفتن "بسم الله الرحمن الرحيم" و قنوت قبل از رکوع و سجده‌ی شکر به‌جا آوردن و به‌دست کردن انگشت در دست راست.

۴-۲-۶-۲-۳-۱- همانند کسی است که در خدمت رسول خدا به جهاد رفته باشد و به‌سوی دشمنان خدا تیر انداخته باشد

﴿۲۰۸۲﴾ ما بر آن حضرت داخل شدیم و حال آنکه ایشان در سجده‌ی شکر بودند. پس سجده‌ی خود را طول دادند و چون سر مبارک از سجده برداشتند، ما گفتیم که: چه بسیار سجده‌ی خود را طولانی نمودید. پس فرمودند که: هرکس این دعا را در سجده‌ی شکر بخواند، مثل کسی خواهد بود که در خدمت پیامبر خدا به جهاد رفته باشد و بر روی دشمنان خدا در روز جنگ بدر تیر انداخته باشد. اسماعیل بن یزید و سلیمان گویند که ما گفتیم: پس این دعا را بنویسیم. فرمودند که: آری این دعا را بنویسید و هرگاه تو سجده کنی سجده‌ی شکر را، پس تو این دعا را بخوان و دعا این است: خداوند نفرین کن بر آن دو شخص که تغییر دادند دین تو را و تغییر دادند نعمت تو را و بر پیامبر تو تهمت زدند و مخالفت ورزیدند ملت تو را و اعراض کردند از راه و طریقه‌ی حق تو و انکار نمودند نعمت‌های تو را و رد کردند بر تو سخن و قرأت را و استهزا نمودند پیامبر تو را و کشتند پسر پیامبر تو را و تغییر دادند قرآن تو را (در عمل و انجام به دستوراتش) و انکار نمودند آیه‌های تو را و استهزا نمودند روز معاد و حشر تو را و سرپیچیدند از بندگی و فرمان‌برداری

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

اسْتَكْبَرًا عَنْ عِبَادَتِكَ وَ قَتَلَا أَوْلِيَاءَكَ وَ جَلَسَا فِي مَجْلِسٍ لَمْ يَكُنْ لَهُمَا بَحَقٌّ وَ حَمَلَا النَّاسَ عَلَى أَكْتَافِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ الصَّلَوَاتُ وَ السَّلَامُ اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْنًا يَتْلُو بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَ اخْشَرُهُمَا وَ اتَّبَاعَهُمَا إِلَى جَهَنَّمَ زُرْقَا اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَقَرَّبُ عَلَيْكَ [إِلَيْكَ] بِاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمَا وَ الْبَرَاءَةِ مِنْهُمَا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ قَتْلَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ابْنِ بِنْتِ رَسُولِكَ اللَّهُمَّ زِدْهُمَا عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ وَ هَوَانًا فَوْقَ هَوَانٍ وَ ذُلًّا فَوْقَ ذُلٍّ وَ خِزْيًا فَوْقَ خِزْيٍ اللَّهُمَّ دَعِّعْهُمَا فِي النَّارِ دَعَاً وَ أَرْكِسْهُمَا فِي أَلِيمِ عَذَابِكَ رَكْسًا اللَّهُمَّ اخْشَرْهُمَا وَ اتَّبَاعَهُمَا إِلَى جَهَنَّمَ زُمْرًا اللَّهُمَّ فَرِّقْ جَمْعَهُمْ وَ شَتِّتْ أَمْرَهُمْ وَ خَالَفْ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ وَ بَدِّدْ جَمَاعَتَهُمْ وَ الْعَنْ أَيْمَنَتَهُمْ وَ أَقْتُلْ قَادَتَهُمْ وَ سَادَتَهُمْ وَ كِبَرَاءَهُمْ وَ الْعَنْ رُؤْسَاءَهُمْ وَ أَكْسِرْ رَايَتَهُمْ وَ أَلْقِ الْبَاسَ بَيْنَهُمْ وَ لَا تُقِمْ مِنْهُمْ دِيَارًا اللَّهُمَّ الْعَنْ أَبَا جَهْلٍ وَ الْوَلِيدَ لَعْنًا يَتْلُو بَعْضُهُ بَعْضًا وَ يَتَّبِعُ بَعْضُهُ بَعْضًا اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْنًا يَلْعَنُهُمَا بِهِ كُلُّ مَلِكٍ مُقَرَّبٍ وَ كُلِّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ وَ كُلِّ مُؤْمِنٍ امْتَحَنَتْ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْنًا يَتَعَوَّذُ مِنْهُ أَهْلُ النَّارِ وَ مِنْ عَذَابِهِمَا اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْنًا لَا يَحْطُرُ لِأَحَدٍ بِبَالٍ اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا فِي مُسْتَسِرِّ سِرِّكَ وَ ظَاهِرِ عَلَانِيَتِكَ وَ عَذِّبْهُمَا عَذَابًا فِي التَّقْدِيرِ وَ فَوْقَ التَّقْدِيرِ وَ شَارِكْ مَعَهُمَا ابْتِئَاهُمَا وَ أَشْيَاعَهُمَا وَ مُحِيطَهُمَا وَ مَنْ شَايَعَهُمَا إِنَّكَ سَمِيعُ الدَّعَاءِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٢٢٣

٣-٦-٢-٣-١-٢-٣-١ مَنْ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ؟

۱-۳-۶-۲-۳-۱- رَسُوْلُ اللهِ ﷺ

﴿٢٠٨٣﴾ الرّسول ﷺ: إِنَّ النَّبِيَّ ﷺ إِذَا جَاءَهُ أَمْرٌ يُسِرُّهُ أَوْ سَرَّ بِهِ خَرَّ سَاجِدًا شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى؛

عوالی اللالی ج: ۱ ص: ۱۹۹

﴿٢٠٨٤﴾ الصادق (عليه السلام): إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ فِي سَفَرٍ يَسِيرُ عَلَى نَاقَةٍ لَهُ إِذَا نَزَلَ فَسَجَدَ خُمْسَ سَجَدَاتٍ فَلَمَّا أَنْ رَكِبَ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّا رَأَيْنَاكَ صَنَعْتَ شَيْئًا لَمْ تَصْنَعْهُ فَقَالَ نَعَمْ اسْتَقْبَلَنِي جَبْرِئِيلُ (عليه السلام) فَبَشَّرَنِي بِبَشَارَاتٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَسَجَدْتُ لِلَّهِ شُكْرًا لِكُلِّ بُشْرَى سَجْدَةً؛ الْكَافِي

ج: ۲ ص: ۹۸

﴿٢٠٨٥﴾ الرسول ﷺ: أَنَّهُ دَخَلَ النَّبِيُّ ﷺ يَوْمًا إِلَى فَاطِمَةَ ؓ فَهَيَّاتْ لَهُ طَعَامًا مِنْ تَمْرٍ وَ قُرْصٍ وَ سَمْنٍ فَاجْتَمَعُوا عَلَى الْأَكْلِ هُوَ وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ؓ فَلَمَّا أَكَلُوا سَجَدَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ أَطَالَ سُجُودَهُ ثُمَّ بَكَى ثُمَّ ضَحِكَ وَ جَلَسَ وَ كَانَ أَجْرَاهُمْ فِي الْكَلَامِ عَلَى ؓ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ رَأَيْنَا فِيكَ الْيَوْمَ مَا لَمْ نَرَهُ قَبْلَ ذَلِكَ فَقَالَ إِنِّي لَمَّا أَكَلْتُ مَعَكُمْ فَرَحْتُ وَ سُرَرْتُ بِسَلَامَتِكُمْ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

تو که کشتند دوستان تو را و نشستند در مجلس خلافت، درحالی که ایشان را بر آن نه شایستگی و نه حقی بود و سوار کردند مردمان را بر دوش‌های خاندان محمد صلی الله علیه و آله، خداوند نفیرین کن آن دو شخص را، نفیرینی که پی‌درپی آید بعضی از آن بعضی را و محشور گردان آن‌ها را و تابعان آن‌ها را به‌سوی جهنم درحالی که از ناینیان (و گمراهان) باشند، خداوند به‌درستی که ما نزدیکی می‌جوییم به‌سوی تو به سبب نفیرین کردن بر این دو شخص و به سبب بیزاربودن از این هردو در دنیا و در آخرت خداوند نفیرین کن بر کشنده‌ی امیرالمؤمنین و بر کشنده‌ی امام حسین پسر علی و پسر [فاطمه] دختر پیامبر خدا که رحمت فرستد خدا بر او و بر خاندان او، خداوند زیاد گردان عقوبت آن دو شخص را به بالاترین عقوبت‌ها و زیاد گردان خواری و خفت آن‌ها را به بالاترین خفت‌ها و خوار گردان آن‌ها را به بالاترین خواری‌ها و رسوا کن آن‌ها را به شدیدترین رسوایی‌ها، خداوند بینداز هردوی ایشان را در آتش جهنم؛ انداختنی شدید و سرنگون نما هردو را در عذاب دردناک از جانب خود، سرنگون کردنی شدید خداوند محشور کن آن دو را و تابعان آن‌ها را به‌سوی جهنم درحالی که همگی یکجا جمع باشند. خداوند پراکنده کن اجتماع آن‌ها را و متفرق ساز امر آن‌ها را و تفرقه و اختلاف انداز میان اتفاق آن‌ها و جدا ساز جمعیت آن‌ها را و نفیرین کن بر پیشوای آن‌ها و بکش سرکرده‌های آن‌ها را و برگزیده‌ها و بزرگان آن‌ها را و نفیرین کن بر سرکرده‌های آن‌ها و بشکن علم و نشانه‌ی بزرگی آن‌ها را و بینداز شدت عقوبت را میان آن‌ها و باقی مگذار از آن‌ها احدی را، خداوند نفیرین کن بر ابوجهل و بر ولید، نفیرینی را که مداوم باشد برخی، بعض دیگر را و تابع شود بعضی بعضی را، خداوند نفیرین کن هردو را، نفیرینی که نفیرین کند آن‌ها را به آن نفیرین هر فرشته‌ی مقرب و هر پیامبر فرستاده‌شده‌ای و هر شخص مؤمنی که خالص کرده باشی تو دل او را برای ایمان، خداوند نفیرین کن آن هردو را نفیرینی که پناه گیرند از آن اهل آتش از عذاب آن، خداوند نفیرین کن آن هردو را نفیرینی که نرسیده باشد به ذهن کسی، خداوند نفیرین کن آن هردو را در پنهان از نهانی خود و در ظاهر از آشکار خود و عذاب کن هردوی آن‌ها را عذابی که باشد در تقدیر تو و بالاتر از آنچه تقدیر نموده‌ای آن را و شریک گردان با این دو، دو دختر آن‌ها را و پیروان آن‌ها را و دوستداران آن‌ها را و کسی را که متابعت نماید از ایشان به‌درستی که تو شنونده‌ی هر دعایی.

۳-۶-۲-۳-۲-۱- کسانی که سجده‌ی شکر به جای آورده‌اند

۱-۳-۶-۲-۳-۱- رسول خدا ﷺ

﴿۲۰۸۳﴾ هنگامی که برای پیامبر ﷺ مطلب ناخوشایند یا مسأله‌ی خوشحال‌کننده‌ای پیش می‌آمد برای ادای شکر به پیشگاه خداوند متعال به حالت سجده به زمین می‌افتاد.

﴿۲۰۸۴﴾ پیامبر خدا ﷺ برای سفر کوتاهی بر شتر ماده‌ی خویش سوار بود [در سفری بر شتر ماده‌ی خویش نشسته راه می‌پیمود] ناگاه فرود آمد و پنج سجده کرد، چون سوار شد، اصحاب عرض کردند: ای پیامبر خدا، از شما عملی دیدیم که تاکنون انجام نداده بودید؟ پیامبر ﷺ فرمود: آری، جبرئیل علیہ السلام نزد من آمد و از جانب خدای عزیز و جلیل به من مژده‌هایی داد، من برای هر مژده یک سجده‌ی شکر برای خدا به جا آوردم.

﴿۲۰۸۵﴾ داخل شد روزی پیامبر خدا ﷺ به خانه‌ی فاطمه علیها السلام وارد شد و حضرت زهرا علیها السلام برای هر مرده یک سجده‌ی سر برای خدا به جا آورد.

برای پیامبر صلی الله علیه و آله غذایی از خرما و نان و روغن درست کرد و اهل خانه که شامل پیامبر صلی الله علیه و آله و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام بود برای صرف غذا جمع شدند، پس از آنکه غذا را خوردند، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سجده کردند و سجده را طولانی نمودند، سپس گریستند و بعد از آن خندید و نشست آنگاه علی علیه السلام آغاز به سخن نمود که: ای پیامبر خدا، امروز از شما حالتی و کاری را دیدیم که بیش از آن ندیده بودیم، پس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانا من هنگامی که به همراه

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

فَسَجَدْتُ لِلَّهِ تَعَالَى شُكْرًا فَهَبَطَ جَبْرَائِيلُ يَقُولُ سَجَدْتَ شُكْرًا لِفِرْحِكَ بِأَهْلِكَ فَقُلْتُ نَعَمْ؛

مستدرک الوسائل ج: ١٠ ص: ٢٧٥

﴿٢٠٨٦﴾ الرسول ﷺ: إِنِّي لَمَّا شَرَبْتُ الْمَاءَ قَالَ لِي جَبْرَائِيلُ وَالْمَلَائِكَةُ مَعَهُ هَنِيئًا مَرِيئًا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَلَمَّا شَرَبَ الْحَسَنُ قَالُوا لَهُ كَذَلِكَ وَلَمَّا شَرَبَ الْحُسَيْنُ وَفَاطِمَةُ قَالَ جَبْرَائِيلُ وَالْمَلَائِكَةُ هَنِيئًا مَرِيئًا فَقُلْتُ كَمَا قَالُوا وَلَمَّا شَرَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ اللَّهُ لَهُ هَنِيئًا مَرِيئًا يَا وَلِيِّي وَحُجَّتِي عَلَى خَلْقِي فَسَجَدْتُ لِلَّهِ شُكْرًا عَلَى مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيَّ فِي أَهْلِ بَيْتِي؛ بحار الأنوار ج: ٧٣ ص: ٥٧

﴿٢٠٨٧﴾ الصادق ﷺ: بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي سَفَرٍ إِذْ نَزَلَ فَسَجَدَ خَمْسَ سَجَدَاتٍ فَلَمَّا رَكِبَ قَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ رَأَيْنَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَنَعْتَ مَا لَمْ تَكُنْ تَصْنَعُهُ قَالَ نَعَمْ أَتَانِي جَبْرَائِيلُ ﷺ فَبَشَّرَنِي أَنَّ عَلِيًّا فِي الْجَنَّةِ فَسَجَدْتُ شُكْرًا لِلَّهِ فَلَمَّا رَفَعْتُ رَأْسِي قَالَ وَفَاطِمَةُ فِي الْجَنَّةِ فَسَجَدْتُ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى فَلَمَّا رَفَعْتُ رَأْسِي قَالَ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَسَجَدْتُ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى فَلَمَّا رَفَعْتُ رَأْسِي قَالَ وَمَنْ يُحِبُّهُمْ فِي الْجَنَّةِ فَسَجَدْتُ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى فَلَمَّا رَفَعْتُ رَأْسِي قَالَ وَمَنْ يُحِبُّ مَنْ يُحِبُّهُمْ فِي الْجَنَّةِ فَسَجَدْتُ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى؛ بحار الأنوار

ج: ٦٥ ص: ١١١

﴿٢٠٨٨﴾ الصادق ﷺ: بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَسِيرُ مَعَ بَعْضِ أَصْحَابِهِ فِي بَعْضِ طُرُقِ الْمَدِينَةِ إِذْ ثَنَّى رِجْلَهُ عَنْ دَابَّتِهِ ثُمَّ خَرَّ سَاجِدًا فَأَطَالَ فِي سُجُودِهِ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَعَادَ ثُمَّ رَكِبَ فَقَالَ لَهُ أَصْحَابُهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ رَأَيْنَاكَ تَنَبَّيْتَ رَجُلَكَ عَنْ دَابَّتِكَ ثُمَّ سَجَدْتَ فَأَطَلْتَ السُّجُودَ فَقَالَ إِنَّ جَبْرَائِيلَ ﷺ أَتَانِي فَأَقْرَأَنِي السَّلَامَ مِنْ رَبِّي وَبَشَّرَنِي أَنَّهُ لَنْ يُخْزِنَنِي فِي أُمَّتِي فَلَمْ يَكُنْ لِي مَالٌ فَاتَّصَدَّقَ بِهِ وَلَا مَمْلُوكٌ فَأَغْنَيْتُهُ أَنْ أَشْكُرَ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٢١

﴿٢٠٨٩﴾ الصادق ﷺ: بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَعَ أَصْحَابِهِ إِذْ سَجَدَ فَأَطَالَ السُّجُودَ حَتَّى ظَنُّوا أَنَّهُ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَقَدْ أَطَلْتَ السُّجُودَ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّكَ مِمَّا ذَاكَ فَقَالَ ﷺ أَتَانِي جَبْرَائِيلُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّكَ يُفَرِّقُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ إِنِّي لَنْ أَسْوءَكَ فِيمَنْ وَالَاكَ مِنْ أُمَّتِكَ وَلَنْ أَقْضِيَ عَلَى مُؤْمِنٍ قَضَاءَ سَاءَةٍ أَوْ سَرَّ ذَلِكَ إِلَّا وَهُوَ خَيْرٌ لَهُ قَالَ ﷺ فَلَمْ يَكُنْ عِنْدِي مَالٌ فَاتَّصَدَّقَ بِهِ وَلَا مَمْلُوكٌ فَأَغْنَيْتُهُ فَسَجَدْتُ لِلَّهِ وَشَكَرْتُهُ وَ

حَمِدْتُهُ عَلَى ذَلِكَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ١٥١

﴿٢٠٩٠﴾ الباقر ﷺ: بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَعَ أَصْحَابِهِ رَاكِبًا عَلَى دَابَّتِهِ إِذْ نَزَلَ فَخَرَّ سَاجِدًا فَقِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ رَأَيْنَاكَ صَنَعْتَ شَيْئًا لَمْ تَكُنْ تَصْنَعُهُ قَبْلَ الْيَوْمِ فَقَالَ أَتَانِي مَلَكٌ مِنْ عِنْدِ رَبِّي فَقَالَ يَا

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

شما غذا خوردم، شاد و از سلامتی شما خشنود گشتم پس از بابت شکرگزاری به پیشگاه خدای تعالی سجده کردم، پس آنگاه جبرئیل نازل شد و گفت: به جهت شکر و خوشحالی برای سلامت خانوادهات سجده کردی؟ من پاسخ دادم: آری.

﴿۲۰۸۶﴾ چون آب نوشیدم جبرئیل و فرشته‌ها به من گفتند: گوارا باد بر تو ای پیامبر خدا، و چون حسن نوشید به او نیز چنین گفتند و به حسین و فاطمه علیهم‌السلام نیز چنین گفتند و من هم همان را گفتم، و چون امیر مؤمنان علیه‌السلام نوشید خدا به او فرمود: ای ولی و حجت من بر خلقم پس آنگاه من در برابر نعمتی که درمورد خاندانم به من داد برای خدا سجده‌ی شکر کردم.

﴿۲۰۸۷﴾ پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در سفری، از مرکب خود پیاده شد و پنج مرتبه به سجده افتاد. چون سوار مرکب شد یکی از یارانش عرض کرد: ما کاری از شما دیدیم که تاکنون مثل آن را از شما ندیده بودیم فرمود: آری، جبرئیل علیه‌السلام نزد من آمده و مرا بشارت داد که علی اهل بهشت است، من به شکرانه‌ی این نعمت به پیشگاه خدای متعال سجده آوردم، چون سر برداشتم گفت: فاطمه هم اهل بهشت است، من به شکرانه‌ی آن نیز سجده آوردم، چون سر برداشتم گفت: حسن و حسین دو سرور جوانان بهشتی‌اند. باز هم به شکرانه‌ی آن سجده کردم، چون سر برداشتم گفت: هر که ایشان را دوست بدارد نیز اهل بهشت است، من به شکرانه‌ی آن سجده کردم، چون سر برداشتم گفت: هر که دوست دوستان ایشان باشد اهل بهشت است، و من به شکرانه‌ی آن نیز سجده نمودم.

﴿۲۰۸۸﴾ در این میان که پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با برخی اصحابش در یکی از کوچه‌های مدینه می‌رفت ناگهان پا از رکاب خالی کرد و روی زمین به سجده افتاد و سجده‌ای طولانی کرد و سر برداشت و باز سوار شد اصحابش سبب پرسیدند، فرمود: جبرئیل نزد من آمد و از پروردگارم به من سلام رسانید و به من مژده داد که خدا مرا در امتم رسوا نمی‌کند مالی نداشتم به شکرانه‌ی آن صدقه دهم و بنده‌ای نداشتم آزاد کنم و خواستم شکر پروردگار عزیز و جلیل را کرده باشم.

﴿۲۰۸۹﴾ پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با اصحابشان بودند که به سجده رفتند سجودشان طولانی شد به حدی که گمان کردند ایشان به رحمت خدا رفته‌اند... سپس سرشان را بلند کردند. از ایشان پرسیدند: ای پیامبر خدا، سجدهات را طولانی نمودی به حدی که ما گمان کردیم که از دنیا رفته‌ای. فرمود: جبرئیل از نزد خداوند تبارک و تعالی بر من نازل شد و گفت: ای محمد! پروردگارت تو را سلام می‌رساند و به تو می‌فرماید، من هرگز در مورد بنده‌ای از امتت که تو را دوست دارد امر ناراحت کننده‌ای نفرستاده‌ام، و بر هر مؤمنی امری را که در ظاهر او را ناراحت کند یا او را شادمان کند انجام ندادم مگر اینکه آن کار برای او خیر بود. پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: نه مالی نزد من بود که آن را صدقه دهم و نه بنده‌ای که او را آزاد سازم، پس به شکرانه برای خدا به سجده افتادم و او را شکر کردم و بر این امر او را ستایش کردم.

﴿۲۰۹۰﴾ پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سوار مرکبشان همراه اصحاب بودند که پیاده شدند و به درگاه خداوند سجده کردند. به ایشان گفته شد: ای پیامبر خدا دیدیم که شما عملی انجام دادید که تا حالا چنین نکرده بودید. فرمودند: فرشته‌ای از جانب پروردگارم آمد و گفت: یا محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پروردگارت

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

مُحَمَّدٌ إِنْ رَبِّكَ يُقْرُئُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَسْرُكَ فِي أُمَّتِكَ فَلَمْ يَكُنْ عِنْدِي مَالٌ أَصَدَّقُ وَلَا عَبْدٌ أُعْتِقَهُ فَسَجَدْتُ لِلَّهِ شُكْرًا؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ١٥٢

﴿٢٠٩١﴾ الرسول ﷺ: زَارَ فَاطِمَةَ السَّخَّيَّةَ يَوْمًا فَصَنَعَتْ لَهُ عَصِيدَةً مِنْ تَمَرٍ فَقَدَمَتْهَا بَيْنَ يَدَيْهِ فَأَكَلَ هُوَ وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنَانِ السَّخَّيَّةَ فَلَمَّا فَرَّغُوا مِنَ الْأَكْلِ سَجَدَ النَّبِيُّ ﷺ فَأَطَالَ السُّجُودَ ثُمَّ بَكَى فِي سُجُودِهِ ثُمَّ ضَحِكَ ثُمَّ جَلَسَ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ يَا رَسُولَ اللَّهِ لِمَ سَجَدْتَ وَ بَكَيتَ وَ ضَحِيتَ فَقَالَ ﷺ لَمَّا رَأَيْتُكُمْ مُجْتَمِعِينَ سُرِرْتُ بِذَلِكَ فَسَجَدْتُ لِلَّهِ شُكْرًا؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ١٥٤

﴿٢٠٩٢﴾ الرسول ﷺ: سَجَدَ النَّبِيُّ ﷺ شُكْرًا لَمَّا اجْتَمَعَ عَلِيُّ بِفَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَيْنِ؛ الصراط

المستقيم ج: ٣ ص: ٢٠١

﴿٢٠٩٣﴾ الرسول ﷺ: سَجَدَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَأَطَالَ السُّجُودَ فَقُلْنَا لَهُ سَجَدْتَ فَأَطَلْتَ السُّجُودَ فَقَالَ نَعَمْ أَتَانِي جِبْرِيلُ فَقَالَ مَنْ صَلَّى عَلَيْكَ مَرَّةً صَلَّى اللَّهُ بِهَا عَلَيْهِ عَشْرًا فَسَجَدْتُ لِلَّهِ شُكْرًا؛

مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ١٥٤

﴿٢٠٩٤﴾ الرسول ﷺ: لَمَّا أَتَى بِرَأْسِ أَبِي جَهْلٍ سَجَدَ (رَسُولُ اللَّهِ ﷺ) شُكْرًا لِلَّهِ؛

مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ١٥٤

﴿٢٠٩٥﴾ الرسول ﷺ: فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيَّ يَا مُحَمَّدُ اخْتَرْتُكَ مِنْ خَلْقِي وَ اخْتَرْتُ لَكَ وَصِيًّا مِنْ بَعْدِكَ وَ جَعَلْتُهُ مِنْكَ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدَكَ وَ أَلْقَيْتُ مَحَبَّةً فِي قَلْبِكَ وَ جَعَلْتُهُ أَبَا وَلَدِكَ فَحَقَّهُ بَعْدَكَ عَلَى أُمَّتِكَ كَحَقِّكَ عَلَيْهِمْ فِي حَيَاتِكَ فَمَنْ جَحَدَ حَقَّهُ جَحَدَ حَقِّكَ وَ مَنْ أَبِي أَنْ يُوَالِيَهُ فَقَدْ أَبِي أَنْ يُوَالِيَكَ وَ مَنْ أَبِي أَنْ يُوَالِيَكَ فَقَدْ أَبِي أَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ فَخَرَرْتُ لِلَّهِ سَاجِدًا شُكْرًا لِمَا أَنْعَمَ إِلَيَّ؛ بحار الأنوار ج: ٥١ ص: ٦٨

﴿٢٠٩٦﴾ الرسول ﷺ: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا بُشِّرَ بِشَيْءٍ سَجَدَ شُكْرًا لِلَّهِ؛ الصراط المستقيم ج: ٣

ص: ٢٠١

﴿٢٠٩٧﴾ الرسول ﷺ: مَا الَّذِي تُرِيدُونَ فَقَالُوا إِنْ يَكُنْ لَكَ عِنْدَ رَبِّكَ قَدَرٌ فَأَمْرُ الْقَمَرِ أَنْ يَنْقَطَعَ قِطْعَتَيْنِ فَهَبَطَ جِبْرِيلُ السَّخَّيَّةَ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ اللَّهُ يُقْرُئُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ إِنِّي قَدْ أَمَرْتُ كُلَّ شَيْءٍ بِطَاعَتِكَ فَرَفَعَ رَأْسَهُ فَأَمَرَ الْقَمَرَ أَنْ يَنْقَطَعَ قِطْعَتَيْنِ فَانْقَطَعَ قِطْعَتَيْنِ فَسَجَدَ النَّبِيُّ ﷺ شُكْرًا لِلَّهِ وَ سَجَدَ شَيْعَتُنَا ثُمَّ رَفَعَ النَّبِيُّ ﷺ رَأْسَهُ وَ رَفَعُوا رُءُوسَهُمْ فَقَالُوا يَعُودُ كَمَا كَانَ فَعَادَ كَمَا كَانَ ثُمَّ قَالُوا يَنْشَقُّ رَأْسُهُ فَأَمَرَهُ فَاَنْشَقَّ فَسَجَدَ النَّبِيُّ ﷺ شُكْرًا لِلَّهِ وَ سَجَدَ شَيْعَتُنَا؛ بحار الأنوار

ج: ١٧ ص: ٣٥١

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

به تو سلام می‌رساند و می‌گوید: من تو را درباره‌ی امت شاد می‌کنم. نه مالی داشتم که آن را صدقه دهم و نه بنده‌ای داشتم که آزادش کنم پس سجده‌ی شکر به جا آوردم.

﴿۲۰۹۱﴾ پیامبر ﷺ به دیدار فاطمه علیها السلام رفت و حضرت فاطمه علیها السلام برای ایشان، حلوائی از خرما درست کردند و به ایشان تقدیم کردند پیامبر و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام خوردند و آنگاه که از خوردن آن فارغ شدند پیامبر ﷺ سجده کردند و سجده را طولانی کردند و سپس در سجده گریه کردند و سپس نشستند؛ امیرالمؤمنین علی علیه السلام عرض کرد: ای پیامبر خدا سجده کردید و گریستید و خندیدید؟ فرمودند: آنگاه که دیدم شما همگی جمع هستید شاد شدم و برای خدا سجده‌ی شکر کردم.

﴿۲۰۹۲﴾ پیامبر خدا به خاطر جمع شدن علی و فاطمه و حسنین به عنوان شکرگزاری سجده کرد

﴿۲۰۹۳﴾ سجده فرمود پیامبر خدا ﷺ پس سجده‌اش طولانی شد، پس آنگاه ما گفتیم به ایشان: که سجده فرمودید و سجده‌تان طولانی شد، پس گفت: جبرئیل به نزد آمد پس گفت: کسی که صد مرتبه درود بر تو فرستد خدای تعالی به سبب آن ده مرتبه به او درود می‌فرستد پس من سجده‌ی شکر به جای آوردم

﴿۲۰۹۴﴾ هنگامی که سرابی چهل را برای پیامبر خدا ﷺ آوردند شکر خدا به جا آورد.

﴿۲۰۹۵﴾ ندا رسید: ای محمد، من تو را از میان بندگانم برگزیدم و وزیری بعد از تو برایت انتخاب کردم تا مانند هارون باشد که وزیر موسی بود، با این تفاوت که بعد از تو پیامبری نیست، محبت او را در دل تو جای دادم و او را پدر فرزندان تو گردانیدم، حقی که او بر امت تو دارد مثل حقی است که تو در زمان حیات خود بر بندگان من داری. پس هرکس حق او را پایمال کند حق تو را ضایع کرده است، و هرکس از دوستی وی سر باز زند از دوستی تو سر باز زده و هرکس از دوستی تو سر باز زند، از آمدن به بهشت سر باز زده است. پس من به خاک افتادم و به خاطر این نعمت که خدا به من موهبت فرموده سجده‌ی شکر به جا آوردم.

﴿۲۰۹۶﴾ پیامبر اکرم اسلام آن هنگام که به خبر خوشی بشارت داده می‌شد برای شکر از خدای متعال سجده می‌کرد.

﴿۲۰۹۷﴾ پیامبر ﷺ فرمود: چه می‌خواهید؟ گفتند: اگر تو نزد پروردگارت منزلتی داری به ماه امر کن تا به دو قسمت تقسیم شود. پس جبرئیل علیهم السلام نازل شد و گفت: ای محمد ﷺ، خداوند بر تو درود می‌فرستد و می‌گوید من همه چیز را به اطاعت کردن از تو امر کردم. پس پیامبر ﷺ سرشان را بلند کردند و به ماه امر کردند که به دو قسمت تقسیم شود و ماه به دو قسمت تقسیم شد؛ پس پیامبر ﷺ برای شکر خداوند سجده کردند و شیعیان ما هم سجده کردند؛ سپس پیامبر ﷺ سرشان را برداشتند و آن‌ها هم سرشان را برداشتند. پس منکران گفتند: بخواه که به حال اول بازگردد؛ پس به حال اول بازگشت سپس گفتند: بشکافد پس پیامبر ﷺ به ماه امر کردند و شکافته شد پس پیامبر ﷺ برای شکر خداوند سجده کردند و شیعیان ما هم سجده کردند.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٠٩٨﴾ الرسول ﷺ: مِنْ فَضَائِلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ مَا أَجْمَعَ عَلَيْهِ أَهْلُ السَّيْرَةِ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ بَعَثَ خَالِدَ بْنَ الْوَلِيدِ إِلَى أَهْلِ الْيَمَنِ يَدْعُوهُمْ إِلَى الْإِسْلَامِ وَانْفَذَ مَعَهُ جَمَاعَةٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فِيهِمْ الْبَرَاءُ بْنُ عَازِبٍ رَحِمَهُ اللَّهُ وَاقَامَ خَالِدٌ عَلَى الْقَوْمِ سِتَّةَ أَشْهُرٍ يَدْعُوهُمْ فَلَمْ يُجِبْهُ أَحَدٌ مِنْهُمْ فَسَاءَ ذَلِكَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَدَعَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ وَآمَرَ أَنْ يُقْفَلَ خَالِدًا وَمَنْ مَعَهُ وَقَالَ لَهُ إِنْ أَرَادَ أَحَدٌ مِمَّنْ مَعَ خَالِدٍ أَنْ يُعَذِّبَ مَعَكَ فَاتْرُكْهُ قَالَ الْبَرَاءُ فَكُنْتُ مِمَّنْ عَقِبَ مَعَهُ فَلَمَّا انْتَهَيْنَا إِلَى أَوَائِلِ أَهْلِ الْيَمَنِ وَبَلَغَ الْقَوْمَ الْخَبْرَ فَجَمَعُوا لَهُ فَصَلَّى بِنَا عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ الْفَجْرَ ثُمَّ تَقَدَّمَ بَيْنَ أَيْدِينَا فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَرَأَ عَلَى الْقَوْمِ كِتَابَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَاسْلَمَتِ هَمْدَانُ كُلُّهَا فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ وَكَتَبَ بِذَلِكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَلَمَّا قَرَأَ كِتَابَهُ اسْتَبَشَرَ وَابْتَهَجَ وَخَرَّ سَاجِدًا شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى؛ بحار الأنوار ج: ٢١ ص: ٣٤٣

﴿٢٠٩٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: هَبَطَ عَلَيْهِ جَبْرَائِيلُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُقْرُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ إِنَّ عَبْدِي مُوسَى عليه السلام بَاهَلَ عَدُوَّهُ قَارُونَ بِأَخِيهِ هَارُونَ وَبَيْنَهُ فَخَسَفَتْ بِقَارُونَ وَ أَهْلُهُ وَمَالُهُ وَبِمَنْ أَرْزَهُ مِنْ قَوْمِهِ وَبِعِزَّتِي أَقْسِمُ وَبِجَلَالِي يَا أَحْمَدُ لَوْ بَاهَلْتَ بَكَ وَبِمَنْ تَحْتَ الْكِسَاءِ مِنْ أَهْلِكَ أَهْلَ الْأَرْضِ وَالْخَالِئِ جَمِيعًا لَتَقَطَّعْتَ السَّمَاءَ كِسْفًا وَ الْجِبَالَ رُجْرًا وَ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ فَلَمْ تَسْقَرَّ أَبَدًا إِلَّا أَنْ أَشَاءَ ذَلِكَ فَسَجَدَ النَّبِيُّ ﷺ وَوَضَعَ عَلَى الْأَرْضِ وَجْهَهُ ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ حَتَّى تَبَيَّنَ لِلنَّاسِ عُفْرَةٌ يُطِيقُهُ فَقَالَ شُكْرًا لِلْمُنْعِمِ شُكْرًا لِلْمُنْعِمِ قَالَهَا ثَلَاثًا فَسُئِلَ نَبِيُّ اللَّهِ ﷺ عَنْ سَجْدَتِهِ وَعَمَّا رَأَى مِنْ تَبَاشِيرِ السُّرُورِ فِي وَجْهِهِ فَقَالَ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِمَا أَوْلَانِي مِنَ الْكِرَامَةِ فِي أَهْلِ بَيْتِي ثُمَّ حَدَّثَهُمْ بِمَا جَاءَ بِهِ جَبْرَائِيلُ عليه السلام: بحار الأنوار ج: ٢١ ص: ٣٢٤

٣-٢-٢٠٩٩-١-أهل البيت عليهم السلام

﴿٢١٠﴾ الرسول ﷺ: ثُمَّ قَالَ لِي الْجَلِيلُ جَلَّ جَلَالُهُ يَا مُحَمَّدٌ مَنْ نُحِبُّ مِنْ خَلْقِي قُلْتُ أَحِبُّ
الَّذِي نُحِبُّهُ أَنْتَ يَا رَبِّي فَقَالَ لِي جَلَّ جَلَالُهُ فَأَحِبَّ عَلَيًّا فَإِنِّي أَحِبُّهُ وَأَحِبُّ مَنْ يُحِبُّهُ وَأَحِبُّ مَنْ
أَحَبَّ مَنْ يُحِبُّهُ فَخَرَرْتُ لِلَّهِ سَاجِدًا مُسَبِّحًا شَاكِرًا لِرَبِّي تَبَارَكَ وَتَعَالَى؛ بحار الأنوار ج: ١٨
ص: ٣٩٧

﴿٢١١﴾ الصادق عليه السلام: اجتمعت الملائكة فقالوا للنبي صلى الله عليه وآله أين تركت أحاك وكيف هو فقال لهم أتعرفونه فقالوا نعم نعرفه وشيعته وهو نور حول عرش الله وإن في البيت المعمور لرقاً من نور فيه كتاب من نور فيه اسم محمد وعلى والحسن والحسين والأئمة عليهم السلام وشيعتهم لا يزيد فيهم

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۰۹۸﴾ من از کسانی بودم که در یمن نزد علی علیه السلام ماندم و همراهی علی علیه السلام را بر بازگشت با خالد ترجیح دادم، پس خالد با گروهی بازگشت و ما ماندیم، و با امیرالمؤمنین علیه السلام برای دعوت مردم یمن به اسلام به نزد آنان رفتیم) چون نزد آن‌ها رسیدیم و از آمدن علی علیه السلام باخبر شدند نزد ما آمدند، علی بن ابی طالب علیه السلام نماز صبح را با ما خواند سپس برخاست و خدا را ستود و ثنا کرد و پس از آن نامه (ای که) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به آن مردم نوشته بود برای آن‌ها خواند (و به این وسیله آنان را به دین اسلام دعوت کرد) پس قبیله‌ی همدان همگی در همان روز ایمان آوردند و مسلمان شدند، و علی علیه السلام نیز جریان اسلام آوردن قبیله‌ی همدان را برای پیامبر صلی الله علیه و آله نوشت، چون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نامه‌ی علی علیه السلام را خواند خرسند و شکفته شد و برای شکرگزاری خداوند به سجده افتاد.

﴿۲۰۹۹﴾ جبرئیل بر او فرود آمد و گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله خداوند عزیز و جلیل بر تو درود می‌فرستد و به تو می‌گوید: بندهام موسی علیه السلام همراه برادرش هارون و فرزندانش با قارون مباحله کردند من نیز قارون و خانواده و اموال و یاری‌کنندگان را در زمین فرو بردم. به عزت و جلالم سوگند ای احمد، که اگر تو همراه آن افرادی از اهل بیت که زیر کساء بودند با تمام اهل زمین مباحله کنیدی آسمان‌ها و کوه‌ها را تکه تکه می‌کنم و زمین را آن چنان فرو می‌برم که هرگز آرام نشود مگر آنکه بخواهم. پس پیامبر صلی الله علیه و آله سجده کردند و صورتشان را بر زمین گذاشتند و سپس دستانشان را بلند کردند به نحوی که گودی زیر بغلشان آشکار شد و فرمودند: "نعمت‌دهنده را بسیار شکر می‌کنم" و این عبارت را سه بار تکرار نمودند. از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره‌ی علت سجده و شادی چهره‌شان پرسیدند فرمودند: به خاطر شکر خدا بر کرامتی که به من درباره‌ی اهل بیتم کرد. بعد آنچه را که جبرئیل علیه السلام گفته بود برای آن‌ها بازگو کردند.

۲-۳-۲-۳-۲-۱- اهل بیت علیهم السلام

﴿۲۱۰۰﴾ سپس خداوند جلیل و با جلالت به من فرمود: ای محمد صلی الله علیه و آله، از میان بندگانم چه کسی را دوست می‌داری؟ گفتم: او را که تو او را دوست می‌داری ای پروردگارم. پس خدای باجلالت به من فرمود: علی علیه السلام را دوست بدار که من او را دوست دارم و آن‌که او را دوست بدارد، دوست می‌دارم و دوست می‌دارم آن‌که دوستدار او را دوست بدارد؛ پس به درگاه خداوند سجده کردم و تسبیح کردم و شکر پروردگار تبارک و تعالی را به جا آوردم.

﴿۲۱۰۱﴾ فرشتگان جمع شدند و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کردند: برادرت را در کجا ترک کردی و حال او چگونه است؟ حضرت به ایشان فرمود: مگر شما هم او را می‌شناسید؟ عرضه داشتند: آری، او و شیعیانش را می‌شناسیم، او (یعنی علی علیه السلام) نوری است که اطراف عرش خداست و در بیت المعمور پارچه و جلد نازکی از نور هست که با خط نور در آن، نام محمد و علی و حسن و حسین علیهم السلام و امامان و شیعیانشان، بدون اینکه نام یکی از ایشان کم یا زیاد شده باشد

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

رَجُلٌ وَلَا يَنْتَقِصُ مِنْهُمْ رَجُلٌ إِنَّهُ لَمِثَاقُنَا الَّذِي أَخَذَ عَلَيْنَا وَ إِنَّهُ لَيَقْرَأُ عَلَيْنَا فِي كُلِّ يَوْمٍ جُمُعَةٍ فَسَجَدْتُ لِلَّهِ شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ١٨ ص: ٣٥٧

٣-٣-٦-٢-٣-١- أمير المؤمنين (عليه السلام) أول من سجد سجدة الشكر

(٢١٠٢) أمير المؤمنين عليه السلام: فَكَانَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوَّلَ مَنْ سَجَدَ لِلَّهِ شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ١٩

ص: ٦٠

﴿٢١٠٣﴾ الرسول ﷺ: أَبُو رَافِعٍ وَ عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ يُحَدِّثُونَ عَنْ هِجْرَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام وَ سَاقَ الْحَدِيثَ إِلَى أَنْ قَالَ قَالَ لَهُ النَّبِيُّ ﷺ وَ إِنَّهُ تَعَالَى أَمَرَنِي أَنْ أَمُرَكَ بِالْمَيِّتِ عَلَى ضِجَاعِي أَوْ قَالَ مَضْجَعِي لِتُخْفِيَ بِمَيِّتِكَ عَلَيْهِمْ أَثَرِي فَمَا أَنْتَ قَائِلٌ وَ صَانِعٌ فَقَالَ عَلِيُّ عليه السلام أَوْ تَسْلَمَنَّ بِمَيِّتِي هُنَاكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ قَالَ نَعَمْ فَتَسَمَّ عَلِيُّ عليه السلام ضَاحِكًا وَ أَهْوَى إِلَى الْأَرْضِ سَاجِدًا (شَاكِرًا لِمَا أَنْبَأَهُ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنْ سَلَامَتِهِ فَكَانَ عَلِيُّ عليه السلام أَوَّلَ مَنْ سَجَدَ لِلَّهِ شُكْرًا وَ أَوَّلَ مَنْ وَضَعَ وَجْهَهُ عَلَى الْأَرْضِ بَعْدَ سَجْدَتِهِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ ص؛

مستدرک الوسائل ج: ۵ ص: ۱۵۵

﴿٢١٠٤﴾ الصادق عليه السلام: سَأَلْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام عَنْ سَجْدَةِ الشُّكْرِ الَّتِي سَجَدَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام مَا كَانَ سَبَبُهَا فَذَكَرَ حَدِيثًا طَوِيلًا فِي آخِرِهِ أَنَّ جَبْرِئِيلَ عليه السلام نَزَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ هَذَا ابْنُ عَمِّكَ عَلِيٌّ إِلَى أَنْ قَالَ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَكَ سَيِّدَ الْأَنْبِيَاءِ وَجَعَلَ عَلِيًّا سَيِّدَ الْأَوْصِيَاءِ وَخَيْرَهُمْ وَجَعَلَ الْأَئِمَّةَ مِنْ ذُرِّيَّتِكَمَا قَالَ فَأَخْبَرَ عَلِيًّا عليه السلام بِذَلِكَ فَسَجَدَ عَلِيٌّ عليه السلام لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَحَلَّ قَلْبُ وَحُجَّتْهُ عَلَى الْأَرْضِ شُكْرًا؛ وسائل الشريعة ج: ٧ ص: ٢٠

﴿٢١٠﴾ الصادق عليه السلام: سَأَلْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَنْ سَجْدَةِ الشُّكْرِ الَّتِي سَجَدَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام مَا كَانَ سَبَبُهَا فَحَدَّثَنِي عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَجَّهَهُ فِي أَمْرٍ مِنْ أُمُورِهِ فَحَسَنَ فِيهِ بَلَاؤُهُ وَعَظُمَ عَنَّاؤُهُ فَلَمَّا قَدِمَ مِنْ وَجَّهِهِ ذَلِكَ أَقْبَلَ إِلَى الْمَسْجِدِ وَرَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَدْ خَرَجَ يُصَلِّي الصَّلَاةَ فَصَلَّى مَعَهُ فَلَمَّا انْصَرَفَ مِنَ الصَّلَاةِ أَقْبَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَاعْتَنَقَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ثُمَّ سَأَلَهُ عَنْ مَسِيرِهِ ذَلِكَ وَمَا صَنَعَ فِيهِ فَجَعَلَ عَلَى عليه السلام يُحَدِّثُهُ وَأَسَارِيرُ وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ تَلْمَعُ سُرُورًا [بِمَا حَدَّثَهُ] فَلَمَّا أَتَى عليه السلام عَلَى حَدِيثِهِ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَلَا أَبْشُرُكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ (فَقَالَ بَلَى) فَذَاكَ أَبِي وَ أُمِّي فَكَمْ مِنْ خَيْرٍ بَشَّرْتُ [به] قَالَ إِنْ جَبْرِئِيلُ هَبَطَ إِلَيَّ فِي وَقْتِ الزَّوَالِ فَقَالَ [لِي] يَا مُحَمَّدُ هَذَا ابْنُ عَمِّكَ عَلِيُّ وَارِدٌ عَلَيْكَ إِلَيَّ أَنْ قَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنْ اللَّهُ جَعَلَكَ سَيِّدَ الْأَنْبِيَاءِ وَ جَعَلَ عَلِيًّا سَيِّدَ الْأَوْصِيَاءِ وَ خَيْرَهُمْ وَ جَعَلَ الْأَئِمَّةَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

نوشته شده است، همانا از ما بر پذیرش ولایت او پیمان گرفته‌اند و در هر جمعه آن را برای ما مجدداً می‌خوانند، و من (از شنیدن این خبر) سجده‌ی شکر کردم.

۳-۶-۲-۳-۱- امیرالمؤمنین (علیه السلام)، اولین کسی بود که سجده‌ی شکر به جای آورد

﴿۲۱۰۲﴾ همانا علی (علیه السلام) اولین کسی بود که برای خدای تعالی سجده‌ی شکر به جا آورد.

﴿۲۱۰۳﴾ ابورافع و عمار یاسر این چنین نقل کردند در ارتباط با هجرت امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب (علیه السلام) پیامبر فرمود: همانا خدای تعالی به من امر کرد تا به تو دستور دهم (ای علی) تا بر سر جای من بخوابی؛ تا مهاجرت کردن من از دشمنان مخفی بماند. پس آیا تو انجام این مأموریت را می‌پذیری و به آن اقدام می‌کنی؟ پس علی (علیه السلام) عرضه کرد: ای پیامبر خدا، آیا چنانچه من در بستر شما بخوابم، شما به سلامت خواهید بود؟ حضرت فرمود: آری؛ پس امیرالمؤمنین، (علیه السلام) لبخندی (از سر رضایتمندی) زد و خندید، و به شکرانه‌ی دریافت خبر سلامتی پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای انجام سجده‌ی شکر به زمین افتاد. پس علی (علیه السلام) اولین کسی بود که برای شکرگزاری، سجده به جا آورد و او بعد پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) اولین شخصی از این امت بود که بعد از سجده صورت به روی خاک گذاشت.

﴿۲۱۰۴﴾ از جعفر بن محمد (علیه السلام) درباره‌ی سبب سجده‌ی شکری که امیرالمؤمنین (علیه السلام) انجام داد پرسیدم، حدیثی طولانی ذکر نمود و در انتها فرمود: جبرئیل (علیه السلام) بر پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) نازل شد و گفت: ای محمد (صلی الله علیه و آله) این پسر عمویت علی (علیه السلام) است تا جایی که گفت: ای محمد خداوند تو را آقای پیامبران قرار داد و علی را آقای جانشینان و بهترین آنها قرار داد و امامان را از نسل شما قرار داد پس امیرالمؤمنین (علیه السلام) برای خدا سجده کرد و برای ادای شکر پروردگار صورت بر زمین نهاد.

﴿۲۱۰۵﴾ از امام صادق (علیه السلام) درباره‌ی سبب سجده‌ی شکری که امیرالمؤمنین (علیه السلام) انجام دادند پرسیدم، ایشان از قول پدرشان محمد بن علی (علیه السلام) برایم گفتند که پدرشان علی بن الحسین (علیه السلام) از پدرشان حسین (علیه السلام) از پدرشان علی بن ابی طالب (علیه السلام) نقل کردند که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) حضرت علی (علیه السلام) را برای انجام مأموریتی فرستادند حضرت علی با همه‌ی سختی تکلیف را به‌خوبی ادا کردند و هنگامی که از مأموریت بازگشتند پیامبر خدا برای نماز به مسجد رفته بودند؛ پس به مسجد رفته به سجده رفته با ایشان نماز خواندند و آنگاه که نماز تمام شد رو به پیامبر خدا کردند و پیامبر خدا ایشان را در آغوش گرفتند و درباره‌ی چگونگی انجام مأموریت پرسیدند و علی شروع به صحبت کرد و چهره‌ی پیامبر خدا از کلام حضرت علی از شادی می‌درخشید؛ هنگامی که کلام حضرت علی تمام شد پیامبر خدا به ایشان فرمودند: ای ابالحسن آیا به تو بشارت بدهم؟ گفت: پدر و مادرم فدایت آری؛ و چه بسیار بشارت‌ها که تو به ما داده‌ای. پیامبر فرمودند: جبرئیل هنگام ظهر بر من فرود آمد و به من گفت: ای محمد، خداوند تو را آقای پیامبران قرار داد و علی را آقای جانشینان و بهترین آنها قرار داد و امامان را از نسل شما قرار

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

مِنْ ذُرِّيَّتِكُمَا إِلَى أَنْ يَرِثَ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا فَسَجَدَ عَلَى السَّجْدَةِ وَجَعَلَ يَقْبَلُ الْأَرْضَ شُكْرًا لِلَّهِ
تَعَالَى؛ بحار الأنوار ج: ٣٥ ص: ٢٦

﴿٢١٠٦﴾ الرسول ﷺ: فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ عَلِيًّا إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَقَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَيَعْسُوبُ
الْمُؤْمِنِينَ فَبَشَّرَهُ بِذَلِكَ فَبَشَّرَهُ النَّبِيُّ ﷺ بِذَلِكَ فَخَرَّ عَلَى السَّجْدَةِ سَاجِدًا شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛
بحار الأنوار ج: ١٨ ص: ٣٤٣

﴿٢١٠٧﴾ أمير المؤمنين ﷺ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ السَّجْدَةَ يَدْعُو بَعْدَ الثَّمَانِي رَكَعَاتٍ يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ مَنْ عَازَبَكَ إِلَى قَوْلِهِ وَاسْجُدْ سَجْدَتِي الشُّكْرَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٤ ص: ٢٥٧
﴿٢١٠٨﴾ أمير المؤمنين ﷺ: كَانَ عَلَى السَّجْدَةِ يَقُولُ فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ وَعَظْمَتِي فَلَمْ
أَتَعْظُ وَزَجَرْتَنِي عَنْ مَحَارِمِكَ فَلَمْ أَنْزَجِرْ وَغَمَرْتَنِي أَيَادِيكَ فَمَا شَكَرْتُ عَفْوَكَ عَفْوَكَ يَا
كَرِيمُ؛ المصباح للكفعمي ص: ٢٩

﴿٢١٠٩﴾ الكاظم ﷺ: كُنْتُ أَسِيرُ مَعَ أَبِي الْحَسَنِ ﷺ فِي بَعْضِ أَطْرَافِ الْمَدِينَةِ إِذْ ثَنَى رَجُلُهُ
عَنْ دَائِيهِ فَخَرَّ سَاجِدًا فَأَطَالَ وَأَطَالَ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَرَكِبَ دَائِيَهُ فَقُلْتُ جُعَلْتُ فِدَاكَ قَدْ أَطَلْتَ
السُّجُودَ فَقَالَ إِنِّي ذَكَرْتُ نِعْمَةً أَنْعَمَ اللَّهُ بِهَا عَلَيَّ فَأَحْبَبْتُ أَنْ أَشْكُرَ رَبِّي؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٨
﴿٢١١٠﴾ الرسول ﷺ: أَبُو رَافِعٍ وَ عَمَارُ بْنُ يَاسِرٍ يُحَدِّثُونَ عَنْ هِجْرَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي
طَالِبٍ ﷺ وَ سَاقَ الْحَدِيثَ إِلَى أَنْ قَالَ قَالَ لَهُ النَّبِيُّ ﷺ وَ إِنَّهُ تَعَالَى أَمَرَنِي أَنْ أَمُرَكَ بِالْمَيْتِ
عَلَى ضِجَاعِي أَوْ قَالَ مَضْجَعِي لَتُخْفِيَ بِمَيْتِكَ عَلَيْهِمْ أَثَرِي فَمَا أَنْتَ قَائِلٌ وَ صَانِعٌ فَقَالَ عَلَى السَّجْدَةِ
أَوْ تَسْلَمَنَّ بِمَيْتِي هُنَاكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ قَالَ نَعَمْ فَتَبَسَّمَ عَلَى السَّجْدَةِ ضَاحِكًا وَ أَهْوَى إِلَى الْأَرْضِ
سَاجِدًا (شَاكِرًا لِمَا أَنْبَأَهُ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنْ سَلَامَتِهِ فَكَانَ عَلَى السَّجْدَةِ أَوَّلَ مَنْ سَجَدَ لِلَّهِ شُكْرًا
وَ أَوَّلَ مَنْ وَضَعَ وَجْهَهُ عَلَى الْأَرْضِ بَعْدَ سَجْدَتِهِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ ص؛
مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ١٥٥

١-٢-٣-٤-٥-٦-٧-٨-٩-١٠-١١-١٢-١٣-١٤-١٥-١٦-١٧-١٨-١٩-٢٠-٢١-٢٢-٢٣-٢٤-٢٥-٢٦-٢٧-٢٨-٢٩-٣٠-٣١-٣٢-٣٣-٣٤-٣٥-٣٦-٣٧-٣٨-٣٩-٤٠-٤١-٤٢-٤٣-٤٤-٤٥-٤٦-٤٧-٤٨-٤٩-٥٠-٥١-٥٢-٥٣-٥٤-٥٥-٥٦-٥٧-٥٨-٥٩-٦٠-٦١-٦٢-٦٣-٦٤-٦٥-٦٦-٦٧-٦٨-٦٩-٧٠-٧١-٧٢-٧٣-٧٤-٧٥-٧٦-٧٧-٧٨-٧٩-٨٠-٨١-٨٢-٨٣-٨٤-٨٥-٨٦-٨٧-٨٨-٨٩-٩٠-٩١-٩٢-٩٣-٩٤-٩٥-٩٦-٩٧-٩٨-٩٩-١٠٠-١٠١-١٠٢-١٠٣-١٠٤-١٠٥-١٠٦-١٠٧-١٠٨-١٠٩-١١٠-١١١-١١٢-١١٣-١١٤-١١٥-١١٦-١١٧-١١٨-١١٩-١٢٠-١٢١-١٢٢-١٢٣-١٢٤-١٢٥-١٢٦-١٢٧-١٢٨-١٢٩-١٣٠-١٣١-١٣٢-١٣٣-١٣٤-١٣٥-١٣٦-١٣٧-١٣٨-١٣٩-١٤٠-١٤١-١٤٢-١٤٣-١٤٤-١٤٥-١٤٦-١٤٧-١٤٨-١٤٩-١٥٠-١٥١-١٥٢-١٥٣-١٥٤-١٥٥-١٥٦-١٥٧-١٥٨-١٥٩-١٦٠-١٦١-١٦٢-١٦٣-١٦٤-١٦٥-١٦٦-١٦٧-١٦٨-١٦٩-١٧٠-١٧١-١٧٢-١٧٣-١٧٤-١٧٥-١٧٦-١٧٧-١٧٨-١٧٩-١٨٠-١٨١-١٨٢-١٨٣-١٨٤-١٨٥-١٨٦-١٨٧-١٨٨-١٨٩-١٩٠-١٩١-١٩٢-١٩٣-١٩٤-١٩٥-١٩٦-١٩٧-١٩٨-١٩٩-٢٠٠-٢٠١-٢٠٢-٢٠٣-٢٠٤-٢٠٥-٢٠٦-٢٠٧-٢٠٨-٢٠٩-٢١٠-٢١١-٢١٢-٢١٣-٢١٤-٢١٥-٢١٦-٢١٧-٢١٨-٢١٩-٢٢٠-٢٢١-٢٢٢-٢٢٣-٢٢٤-٢٢٥-٢٢٦-٢٢٧-٢٢٨-٢٢٩-٢٣٠-٢٣١-٢٣٢-٢٣٣-٢٣٤-٢٣٥-٢٣٦-٢٣٧-٢٣٨-٢٣٩-٢٤٠-٢٤١-٢٤٢-٢٤٣-٢٤٤-٢٤٥-٢٤٦-٢٤٧-٢٤٨-٢٤٩-٢٥٠-٢٥١-٢٥٢-٢٥٣-٢٥٤-٢٥٥-٢٥٦-٢٥٧-٢٥٨-٢٥٩-٢٦٠-٢٦١-٢٦٢-٢٦٣-٢٦٤-٢٦٥-٢٦٦-٢٦٧-٢٦٨-٢٦٩-٢٧٠-٢٧١-٢٧٢-٢٧٣-٢٧٤-٢٧٥-٢٧٦-٢٧٧-٢٧٨-٢٧٩-٢٨٠-٢٨١-٢٨٢-٢٨٣-٢٨٤-٢٨٥-٢٨٦-٢٨٧-٢٨٨-٢٨٩-٢٩٠-٢٩١-٢٩٢-٢٩٣-٢٩٤-٢٩٥-٢٩٦-٢٩٧-٢٩٨-٢٩٩-٣٠٠-٣٠١-٣٠٢-٣٠٣-٣٠٤-٣٠٥-٣٠٦-٣٠٧-٣٠٨-٣٠٩-٣١٠-٣١١-٣١٢-٣١٣-٣١٤-٣١٥-٣١٦-٣١٧-٣١٨-٣١٩-٣٢٠-٣٢١-٣٢٢-٣٢٣-٣٢٤-٣٢٥-٣٢٦-٣٢٧-٣٢٨-٣٢٩-٣٣٠-٣٣١-٣٣٢-٣٣٣-٣٣٤-٣٣٥-٣٣٦-٣٣٧-٣٣٨-٣٣٩-٣٤٠-٣٤١-٣٤٢-٣٤٣-٣٤٤-٣٤٥-٣٤٦-٣٤٧-٣٤٨-٣٤٩-٣٥٠-٣٥١-٣٥٢-٣٥٣-٣٥٤-٣٥٥-٣٥٦-٣٥٧-٣٥٨-٣٥٩-٣٦٠-٣٦١-٣٦٢-٣٦٣-٣٦٤-٣٦٥-٣٦٦-٣٦٧-٣٦٨-٣٦٩-٣٧٠-٣٧١-٣٧٢-٣٧٣-٣٧٤-٣٧٥-٣٧٦-٣٧٧-٣٧٨-٣٧٩-٣٨٠-٣٨١-٣٨٢-٣٨٣-٣٨٤-٣٨٥-٣٨٦-٣٨٧-٣٨٨-٣٨٩-٣٩٠-٣٩١-٣٩٢-٣٩٣-٣٩٤-٣٩٥-٣٩٦-٣٩٧-٣٩٨-٣٩٩-٤٠٠-٤٠١-٤٠٢-٤٠٣-٤٠٤-٤٠٥-٤٠٦-٤٠٧-٤٠٨-٤٠٩-٤١٠-٤١١-٤١٢-٤١٣-٤١٤-٤١٥-٤١٦-٤١٧-٤١٨-٤١٩-٤٢٠-٤٢١-٤٢٢-٤٢٣-٤٢٤-٤٢٥-٤٢٦-٤٢٧-٤٢٨-٤٢٩-٤٣٠-٤٣١-٤٣٢-٤٣٣-٤٣٤-٤٣٥-٤٣٦-٤٣٧-٤٣٨-٤٣٩-٤٤٠-٤٤١-٤٤٢-٤٤٣-٤٤٤-٤٤٥-٤٤٦-٤٤٧-٤٤٨-٤٤٩-٤٥٠-٤٥١-٤٥٢-٤٥٣-٤٥٤-٤٥٥-٤٥٦-٤٥٧-٤٥٨-٤٥٩-٤٦٠-٤٦١-٤٦٢-٤٦٣-٤٦٤-٤٦٥-٤٦٦-٤٦٧-٤٦٨-٤٦٩-٤٧٠-٤٧١-٤٧٢-٤٧٣-٤٧٤-٤٧٥-٤٧٦-٤٧٧-٤٧٨-٤٧٩-٤٨٠-٤٨١-٤٨٢-٤٨٣-٤٨٤-٤٨٥-٤٨٦-٤٨٧-٤٨٨-٤٨٩-٤٩٠-٤٩١-٤٩٢-٤٩٣-٤٩٤-٤٩٥-٤٩٦-٤٩٧-٤٩٨-٤٩٩-٥٠٠-٥٠١-٥٠٢-٥٠٣-٥٠٤-٥٠٥-٥٠٦-٥٠٧-٥٠٨-٥٠٩-٥١٠-٥١١-٥١٢-٥١٣-٥١٤-٥١٥-٥١٦-٥١٧-٥١٨-٥١٩-٥٢٠-٥٢١-٥٢٢-٥٢٣-٥٢٤-٥٢٥-٥٢٦-٥٢٧-٥٢٨-٥٢٩-٥٣٠-٥٣١-٥٣٢-٥٣٣-٥٣٤-٥٣٥-٥٣٦-٥٣٧-٥٣٨-٥٣٩-٥٤٠-٥٤١-٥٤٢-٥٤٣-٥٤٤-٥٤٥-٥٤٦-٥٤٧-٥٤٨-٥٤٩-٥٥٠-٥٥١-٥٥٢-٥٥٣-٥٥٤-٥٥٥-٥٥٦-٥٥٧-٥٥٨-٥٥٩-٥٦٠-٥٦١-٥٦٢-٥٦٣-٥٦٤-٥٦٥-٥٦٦-٥٦٧-٥٦٨-٥٦٩-٥٧٠-٥٧١-٥٧٢-٥٧٣-٥٧٤-٥٧٥-٥٧٦-٥٧٧-٥٧٨-٥٧٩-٥٨٠-٥٨١-٥٨٢-٥٨٣-٥٨٤-٥٨٥-٥٨٦-٥٨٧-٥٨٨-٥٨٩-٥٩٠-٥٩١-٥٩٢-٥٩٣-٥٩٤-٥٩٥-٥٩٦-٥٩٧-٥٩٨-٥٩٩-٦٠٠-٦٠١-٦٠٢-٦٠٣-٦٠٤-٦٠٥-٦٠٦-٦٠٧-٦٠٨-٦٠٩-٦١٠-٦١١-٦١٢-٦١٣-٦١٤-٦١٥-٦١٦-٦١٧-٦١٨-٦١٩-٦٢٠-٦٢١-٦٢٢-٦٢٣-٦٢٤-٦٢٥-٦٢٦-٦٢٧-٦٢٨-٦٢٩-٦٣٠-٦٣١-٦٣٢-٦٣٣-٦٣٤-٦٣٥-٦٣٦-٦٣٧-٦٣٨-٦٣٩-٦٤٠-٦٤١-٦٤٢-٦٤٣-٦٤٤-٦٤٥-٦٤٦-٦٤٧-٦٤٨-٦٤٩-٦٥٠-٦٥١-٦٥٢-٦٥٣-٦٥٤-٦٥٥-٦٥٦-٦٥٧-٦٥٨-٦٥٩-٦٦٠-٦٦١-٦٦٢-٦٦٣-٦٦٤-٦٦٥-٦٦٦-٦٦٧-٦٦٨-٦٦٩-٦٧٠-٦٧١-٦٧٢-٦٧٣-٦٧٤-٦٧٥-٦٧٦-٦٧٧-٦٧٨-٦٧٩-٦٨٠-٦٨١-٦٨٢-٦٨٣-٦٨٤-٦٨٥-٦٨٦-٦٨٧-٦٨٨-٦٨٩-٦٩٠-٦٩١-٦٩٢-٦٩٣-٦٩٤-٦٩٥-٦٩٦-٦٩٧-٦٩٨-٦٩٩-٧٠٠-٧٠١-٧٠٢-٧٠٣-٧٠٤-٧٠٥-٧٠٦-٧٠٧-٧٠٨-٧٠٩-٧١٠-٧١١-٧١٢-٧١٣-٧١٤-٧١٥-٧١٦-٧١٧-٧١٨-٧١٩-٧٢٠-٧٢١-٧٢٢-٧٢٣-٧٢٤-٧٢٥-٧٢٦-٧٢٧-٧٢٨-٧٢٩-٧٣٠-٧٣١-٧٣٢-٧٣٣-٧٣٤-٧٣٥-٧٣٦-٧٣٧-٧٣٨-٧٣٩-٧٤٠-٧٤١-٧٤٢-٧٤٣-٧٤٤-٧٤٥-٧٤٦-٧٤٧-٧٤٨-٧٤٩-٧٥٠-٧٥١-٧٥٢-٧٥٣-٧٥٤-٧٥٥-٧٥٦-٧٥٧-٧٥٨-٧٥٩-٧٦٠-٧٦١-٧٦٢-٧٦٣-٧٦٤-٧٦٥-٧٦٦-٧٦٧-٧٦٨-٧٦٩-٧٧٠-٧٧١-٧٧٢-٧٧٣-٧٧٤-٧٧٥-٧٧٦-٧٧٧-٧٧٨-٧٧٩-٧٨٠-٧٨١-٧٨٢-٧٨٣-٧٨٤-٧٨٥-٧٨٦-٧٨٧-٧٨٨-٧٨٩-٧٩٠-٧٩١-٧٩٢-٧٩٣-٧٩٤-٧٩٥-٧٩٦-٧٩٧-٧٩٨-٧٩٩-٨٠٠-٨٠١-٨٠٢-٨٠٣-٨٠٤-٨٠٥-٨٠٦-٨٠٧-٨٠٨-٨٠٩-٨١٠-٨١١-٨١٢-٨١٣-٨١٤-٨١٥-٨١٦-٨١٧-٨١٨-٨١٩-٨٢٠-٨٢١-٨٢٢-٨٢٣-٨٢٤-٨٢٥-٨٢٦-٨٢٧-٨٢٨-٨٢٩-٨٣٠-٨٣١-٨٣٢-٨٣٣-٨٣٤-٨٣٥-٨٣٦-٨٣٧-٨٣٨-٨٣٩-٨٤٠-٨٤١-٨٤٢-٨٤٣-٨٤٤-٨٤٥-٨٤٦-٨٤٧-٨٤٨-٨٤٩-٨٥٠-٨٥١-٨٥٢-٨٥٣-٨٥٤-٨٥٥-٨٥٦-٨٥٧-٨٥٨-٨٥٩-٨٦٠-٨٦١-٨٦٢-٨٦٣-٨٦٤-٨٦٥-٨٦٦-٨٦٧-٨٦٨-٨٦٩-٨٧٠-٨٧١-٨٧٢-٨٧٣-٨٧٤-٨٧٥-٨٧٦-٨٧٧-٨٧٨-٨٧٩-٨٨٠-٨٨١-٨٨٢-٨٨٣-٨٨٤-٨٨٥-٨٨٦-٨٨٧-٨٨٨-٨٨٩-٨٩٠-٨٩١-٨٩٢-٨٩٣-٨٩٤-٨٩٥-٨٩٦-٨٩٧-٨٩٨-٨٩٩-٩٠٠-٩٠١-٩٠٢-٩٠٣-٩٠٤-٩٠٥-٩٠٦-٩٠٧-٩٠٨-٩٠٩-٩١٠-٩١١-٩١٢-٩١٣-٩١٤-٩١٥-٩١٦-٩١٧-٩١٨-٩١٩-٩٢٠-٩٢١-٩٢٢-٩٢٣-٩٢٤-٩٢٥-٩٢٦-٩٢٧-٩٢٨-٩٢٩-٩٣٠-٩٣١-٩٣٢-٩٣٣-٩٣٤-٩٣٥-٩٣٦-٩٣٧-٩٣٨-٩٣٩-٩٤٠-٩٤١-٩٤٢-٩٤٣-٩٤٤-٩٤٥-٩٤٦-٩٤٧-٩٤٨-٩٤٩-٩٥٠-٩٥١-٩٥٢-٩٥٣-٩٥٤-٩٥٥-٩٥٦-٩٥٧-٩٥٨-٩٥٩-٩٦٠-٩٦١-٩٦٢-٩٦٣-٩٦٤-٩٦٥-٩٦٦-٩٦٧-٩٦٨-٩٦٩-٩٧٠-٩٧١-٩٧٢-٩٧٣-٩٧٤-٩٧٥-٩٧٦-٩٧٧-٩٧٨-٩٧٩-٩٨٠-٩٨١-٩٨٢-٩٨٣-٩٨٤-٩٨٥-٩٨٦-٩٨٧-٩٨٨-٩٨٩-٩٩٠-٩٩١-٩٩٢-٩٩٣-٩٩٤-٩٩٥-٩٩٦-٩٩٧-٩٩٨-٩٩٩-١٠٠٠-١٠٠١-١٠٠٢-١٠٠٣-١٠٠٤-١٠٠٥-١٠٠٦-١٠٠٧-١٠٠٨-١٠٠٩-١٠١٠-١٠١١-١٠١٢-١٠١٣-١٠١٤-١٠١٥-١٠١٦-١٠١٧-١٠١٨-١٠١٩-١٠٢٠-١٠٢١-١٠٢٢-١٠٢٣-١٠٢٤-١٠٢٥-١٠٢٦-١٠٢٧-١٠٢٨-١٠٢٩-١٠٣٠-١٠٣١-١٠٣٢-١٠٣٣-١٠٣٤-١٠٣٥-١٠٣٦-١٠٣٧-١٠٣٨-١٠٣٩-١٠٤٠-١٠٤١-١٠٤٢-١٠٤٣-١٠٤٤-١٠٤٥-١٠٤٦-١٠٤٧-١٠٤٨-١٠٤٩-١٠٥٠-١٠٥١-١٠٥٢-١٠٥٣-١٠٥٤-١٠٥٥-١٠٥٦-١٠٥٧-١٠٥٨-١٠٥٩-١٠٦٠-١٠٦١-١٠٦٢-١٠٦٣-١٠٦٤-١٠٦٥-١٠٦٦-١٠٦٧-١٠٦٨-١٠٦٩-١٠٧٠-١٠٧١-١٠٧٢-١٠٧٣-١٠٧٤-١٠٧٥-١٠٧٦-١٠٧٧-١٠٧٨-١٠٧٩-١٠٨٠-١٠٨١-١٠٨٢-١٠٨٣-١٠٨٤-١٠٨٥-١٠٨٦-١٠٨٧-١٠٨٨-١٠٨٩-١٠٩٠-١٠٩١-١٠٩٢-١٠٩٣-١٠٩٤-١٠٩٥-١٠٩٦-١٠٩٧-١٠٩٨-١٠٩٩-١١٠٠-١١٠١-١١٠٢-١١٠٣-١١٠٤-١١٠٥-١١٠٦-١١٠٧-١١٠٨-١١٠٩-١١١٠-١١١١-١١١٢-١١١٣-١١١٤-١١١٥-١١١٦-١١١٧-١١١٨-١١١٩-١١٢٠-١١٢١-١١٢٢-١١٢٣-١١٢٤-١١٢٥-١١٢٦-١١٢٧-١١٢٨-١١٢٩-١١٣٠-١١٣١-١١٣٢-١١٣٣-١١٣٤-١١٣٥-١١٣٦-١١٣٧-١١٣٨-١١٣٩-١١٤٠-١١٤١-١١٤٢-١١٤٣-١١٤٤-١١٤٥-١١٤٦-١١٤٧-١١٤٨-١١٤٩-١١٥٠-١١٥١-١١٥٢-١١٥٣-١١٥٤-١١٥٥-١١٥٦-١١٥٧-١١٥٨-١١٥٩-١١٦٠-١١٦١-١١٦٢-١١٦٣-١١٦٤-١١٦٥-١١٦٦-١١٦٧-١١٦٨-١١٦٩-١١٧٠-١١٧١-١١٧٢-١١٧٣-١١٧٤-١١٧٥-١١٧٦-١١٧٧-١١٧٨-١١٧٩-١١٨٠-١١٨١-١١٨٢-١١٨٣-١١٨٤-١١٨٥-١١٨٦-١١٨٧-١١٨٨-١١٨٩-١١٩٠-١١٩١-١١٩٢-١١٩٣-١١٩٤-١١٩٥-١١٩٦-١١٩٧-١١٩٨-١١٩٩-١٢٠٠-١٢٠١-١٢٠٢-١٢٠٣-١٢٠٤-١٢٠٥-١٢٠٦-١٢٠٧-١٢٠٨-١٢٠٩-١٢١٠-١٢١١-١٢١٢-١٢١٣-١٢١٤-١٢١٥-١٢١٦-١٢١٧-١٢١٨-١٢١٩-١٢٢٠-١٢٢١-١٢٢٢-١٢٢٣-١٢٢٤-١٢٢٥-١٢٢٦-١٢٢٧-١٢٢٨-١٢٢٩-١٢٣٠-١٢٣١-١٢٣٢-١٢٣٣-١٢٣٤-١٢٣٥-١٢٣٦-١٢٣٧-١٢٣٨-١٢٣٩-١٢٤٠-١٢٤١-١٢٤٢-١٢٤٣-١٢٤٤-١٢٤٥-١٢٤٦-١٢٤٧-١٢٤٨-١٢٤٩-١٢٥٠-١٢٥١-١٢٥٢-١٢٥٣-١٢٥٤-١٢٥٥-١٢٥٦-١٢٥٧-١٢٥٨-١٢٥٩-١٢٦٠-١٢٦١-١٢٦٢-١٢٦٣-١٢٦٤-١٢٦٥-١٢٦٦-١٢٦٧-١٢٦٨-١٢٦٩-١٢٧٠-١٢٧١-١٢٧٢-١٢٧٣-١٢٧٤-١٢٧٥-١٢٧٦-١٢٧٧-١٢٧٨-١٢٧٩-١٢٨٠-١٢٨١-١٢٨٢-١٢٨٣-١٢٨٤-١٢٨٥-١٢٨٦-١٢٨٧-١٢٨٨-١٢٨٩-١٢٩٠-١٢٩١-١٢٩٢-١٢٩٣-١٢٩٤-١٢٩٥-١٢٩٦-١٢٩٧-١٢٩٨-١٢٩٩-١٣٠٠-١٣٠١-١٣٠٢-١٣٠٣-١٣٠٤-١٣٠٥-١٣٠٦-١٣٠٧-١٣٠٨-١٣٠٩-١٣١٠-١٣١١-١٣١٢-١٣١٣-١٣١٤-١٣١٥-١٣١٦-١٣١٧-١٣١٨-١٣١٩-١٣٢٠-١٣٢١-١٣٢٢-١٣٢٣-١٣٢٤-١٣٢٥-١٣٢٦-١٣٢٧-١٣٢٨-١٣٢٩-١٣٣٠-١٣٣١-١٣٣٢-١٣٣٣-١٣٣٤-١٣٣٥-١٣٣٦-١٣٣٧-١٣٣٨-١٣٣٩-١٣٤٠-١٣٤١-١٣٤٢-١٣٤٣-١٣٤٤-١٣٤٥-١٣٤٦-١٣٤٧-١٣٤٨-١٣٤٩-١٣٥٠-١٣٥١-١٣٥٢-١٣٥٣-١٣٥٤-١٣٥٥-١٣٥٦-١٣٥٧-١٣٥٨-١٣٥٩-١٣٦٠-١٣٦١-١٣٦٢-١٣٦٣-١٣٦٤-١٣٦٥-١٣٦٦-١٣٦٧-١٣٦٨-١٣٦٩-١٣٧٠-١٣٧١-١٣٧٢-١٣٧٣-١٣٧٤-١٣٧٥-١٣٧٦-١٣٧٧-١٣٧٨-١٣٧٩-١٣٨٠-١٣٨١-١٣٨٢-١٣٨٣-١٣٨٤-١٣٨٥-١٣٨٦-١٣٨٧-١٣٨٨-١٣٨٩-١٣٩٠-١٣٩١-١٣٩٢-١٣٩٣-١٣٩٤-١٣٩٥-١٣٩٦-١٣٩٧-١٣٩٨-١٣٩٩-١٤٠٠-١٤٠١-١٤٠٢-١٤٠٣-١٤٠٤-١٤٠٥-١٤٠٦-١٤٠٧-١٤٠٨-١٤٠٩-١٤١٠-١٤١١-١٤١٢-١٤١٣-١٤١٤-١٤١٥-١٤١٦-١٤١٧-١٤١٨-١٤١٩-١٤٢٠-١٤٢١-١٤٢٢-١٤٢٣-١٤٢٤-١٤٢٥-١٤٢٦-١٤٢٧-١٤٢٨-١٤٢٩-١٤٣٠-١٤٣١-١٤٣٢-١٤٣٣-١٤٣٤-١٤٣٥-١٤٣٦-١٤٣٧-١٤٣٨-١٤٣٩-١٤٤٠-١٤٤١-١٤٤٢-١٤٤٣-١٤٤٤-١٤٤٥-١٤٤٦-١٤٤٧-١٤٤٨-١٤٤٩-١٤٥٠-١٤٥١-١٤٥٢-١٤٥٣-١٤٥٤-١٤٥٥-١٤٥٦-١٤٥٧-١٤٥٨-١٤٥٩-١٤٦٠-١٤٦١-١٤٦٢-١٤٦٣-١٤٦٤-١٤٦٥-١٤٦٦-١٤٦٧-١٤٦٨-١٤٦٩-١٤٧٠-١٤٧١-١٤٧٢-١٤٧٣-١٤٧٤-١٤٧٥-١٤٧٦-١٤٧٧-١٤٧٨-١٤٧٩-١٤٨٠-١٤٨١-١٤٨٢-١٤٨٣-١٤٨٤-١٤٨٥-١٤٨٦-

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

داد تا اینکه زمین و آنچه را بر آن است ارث برید پس علی سجده کرد و برای شکر خداوند تعالی شروع به بوسیدن زمین کرد.

﴿۲۱۰۶﴾ خدای عزیز و جلیل فرمود علی امام پرهیزگاران و پیشوای رو سفیدان و سرور مؤمنان است، او را به این مقام بشارت بده، پیامبر این مژده را به او داد و علی برای ادای شکر خدای عزیز و جلیل، خود را به زمین انداخت و سجده کرد.

﴿۲۱۰۷﴾ امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از هشت رکعت چنین دعا می کرد: "خدایا، به حرمت آن که به تو پناه برد..." و در پایان دو سجده‌ی شکر به جا می آورد.

﴿۲۱۰۸﴾ علی علیه السلام در سجده‌ی شکر بعد از نماز واجب می گفتند: "موعظه‌ام کردی اما نپذیرفتم و از حرام‌های منعم کردی اما دوری نکردم و مرا در نعمت‌های فرو بردی اما شکر نکردم؛ خواستار عفو توأم، خواستار عفو توأم ای بزرگوار.

﴿۲۱۰۹﴾ با حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در اطراف مدینه حرکت می کردیم ناگهان امام از مرکب خود فرود آمد و سر به سجده گذاشته، سجده‌ای طولانی انجام داد؛ آنگاه سر برداشت و سوار شد. عرض کردم: فدایت شوم سجده‌ای طولانی کردی؟ فرمود: به یاد یکی از نعمت‌های خدا بر خود افتادم خواستم خدایم را شکر کنم.

﴿۲۱۱۰﴾ ابورافع و عمار یاسر این چنین نقل کردند در ارتباط با هجرت امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام پیامبر فرمود: همانا خدای تعالی به من امر کرد تا به تو دستور دهم (ای علی) تا بر سر جای من بخوابی؛ تا مهاجرت کردن من از دشمنان مخفی بماند. پس آیا تو انجام این مأموریت را می پذیری و به آن اقدام می کنی؟ پس علی علیه السلام عرضه کرد: ای پیامبر خدا، آیا چنانچه من در بستر شما بخوابم، شما به سلامت خواهید بود؟ حضرت فرمود: آری؛ پس امیرالمؤمنین، علیه السلام لبخندی (از سر رضایتمندی) زد و خندید، و به شکرانه‌ی دریافت خبر سلامتی پیامبر صلی الله علیه و آله برای انجام سجده‌ی شکر به زمین افتاد. پس علی علیه السلام اولین کسی بود که برای شکرگزاری، سجده به جا آورد و او بعد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله اولین شخصی از این امت بود که بعد از سجده صورت به روی خاک گذاشت.

۴-۳-۲-۳-۱- امام سجاد علیه السلام

﴿۲۱۱۱﴾ به مسجد رفتم، و داخل شدم، در آنجا جز آقا و مولایم علی بن الحسین علیه السلام را نیافتم در حالی که به تنهایی به انجام نماز صبح مشغول بود پس نمازم را با او به جماعت خواندم و مشاهده کردم که پس از آنکه نماز را به پایان برد، سجده کرد؛ سجده‌ی شکر، و پس از آن نشست و مشغول خواندن دعا شد.

۵-۳-۲-۳-۱- امام باقر علیه السلام

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢١١٢﴾ الباقِرُ (عليه السلام): كُنْتُ مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) فِي طَرِيقِ الْمَدِينَةِ فَوَقَعَ سَاجِدًا لِلَّهِ فَقَالَ لِي حِينَ اسْتَمْتُمْ فَإِنَّمَا يَا زِيَادُ أَنْكَرْتُ عَلَى حِينَ رَأَيْتُنِي سَاجِدًا فَقُلْتُ بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ ذَكَرْتُ نِعْمَةً أَنْعَمَهَا [اللَّهُ] عَلَى فِكْرِهِ أَنْ أَجُوزَ حَتَّى أُوَدِّي شُكْرَهَا؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ١٥١

١-٢-٣-٤-٥-٦ الصادق عليه السلام

﴿٢١١٣﴾ الصادق عليه السلام: لَمَّا طَلَبَ الْمَنْصُورُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام تَوَضَّأَ وَصَلَّى رُكْعَتَيْنِ ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ وَقَالَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ وَعَدْتَنَا عَلَى لِسَانِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عليه السلام وَعَدُّكَ الْحَقُّ أَنَّكَ تَبْدُلُنَا مِنْ بَعْدِ خَوْفِنَا أَمْنًا اللَّهُمَّ فَانْجِزْ لَنَا مَا وَعَدْتَنَا إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ قَالَ قُلْتُ لَهُ يَا سَيِّدِي فَأَيْنَ وَعْدُ اللَّهِ لَكُمْ فَقَالَ عليه السلام: قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَسَيُخْلِفُهُمْ آيَةً: بحار الأنوار ج: ٥١ ص: ٦٤

۷-۳-۶-۲-۳-۱- الرضا عليه السلام

﴿٢١١٤﴾ الرضا عليه السلام: كَانَ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طَرِيقِ خُرَّاسَانَ إِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ يُعْنِي مِنْ سَجْدَةِ الشُّكْرِ بَعْدَ صَلَاةِ الظُّهْرِ قَامَ فَصَلَّى سِتَّ رَكَعَاتٍ؛ بحار الأنوار ج: ٨٤ ص: ٨٥

﴿٢١١﴾ الرضا عليه السلام: كَانَ الرضا عليه السلام فِي طَرِيقِ خُرَاسَانَ إِذَا فَرَّغَ مِنْ تَعْقِيبِ الْعِشَاءِ وَ سَجَدَ سَجْدَتَيِ الشُّكْرِ أَوْى إِلَى فِرَاشِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٤ ص: ٢٣١

۱-۳-۶-۲-۲-۱-مریم علیہا السلام

﴿٢١١٦﴾ الباقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا مَرْيَمُ اُنْفِثِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي شُكْرًا لِلَّهِ؛ تَفْسِيرُ الْعِيَاشِيِّ ج: ١

ص: ۱۷۳

٩-٣-٦-٢-٣-١- يَعْقُوبُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَلَدَهُ

﴿٢١١٧﴾ الباقِرُ الرَّحْمٰنُ: فَأَقْبَلَ وَوَلَدَ يَعْقُوبَ يُحْتَوِنَ السَّيْرَ بِالْقَمِيصِ فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالَ لَهُمْ مَا فَعَلْتُمْ ابْنُ يَامِينَ قَالُوا خَلَقْنَاهُ عِنْدَ أَخِيهِ صَالِحًا فَحَمِدَ اللَّهُ عِنْدَ ذَلِكَ يَعْقُوبُ وَسَجَدَ لِرَبِّهِ سَجْدَةَ الشُّكْرِ وَاعْتَذَلَ ظَهْرُهُ وَقَالَ لَوْلِيْدِهِ تَحَمَّلُوا إِلَى يُوسُفَ مِنْ يَوْمِكُمْ فَسَارُوا فِي تِسْعَةِ أَيَّامٍ إِلَى مِصْرَ فَلَمَّا دَخَلُوا اعْتَنَقَ يُوسُفُ أَبَاهُ وَرَفَعَ خَالَتَهُ ثُمَّ دَخَلَ مَنْزِلَهُ وَادَّهَنَ وَلَبِسَ ثِيَابَ الْمُلْكِ فَلَمَّا رَأَوْهُ سَجَدُوا شُكْرًا لِلَّهِ: بحار الأنوار ج: ١٢: ص: ٢٨٧

سَجِدُوا شُكْرًا لِلَّهِ؛ بحار الأنوار ج: ١٢ ص: ٢٨٧

﴿٢١٨﴾ الرضا عليه السلام: أَمَّا سُجُودُ يَعْقُوبَ وَ وُلْدِهِ لِيُوسُفَ فَإِنَّهُ لَمْ يَكُنْ لِيُوسُفَ وَ إِنَّمَا كَانَ ذَلِكَ مِنْ يَعْقُوبَ وَ وُلْدِهِ طَاعَةً لِلَّهِ وَ تَحِيَّةً لِيُوسُفَ كَمَا كَانَ السُّجُودُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ لِآدَمَ وَ لَمْ يَكُنْ لِآدَمَ إِنَّمَا كَانَ

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

ذَٰلِكَ مِنْهُمْ طَاعَةٌ لِلَّهِ وَ تَحِيَّةٌ لِأَدَمَ فَسَجَدَ يَعْقُوبُ وَ وَٰلِدُهُ وَ سَجَدَ يُوسُفُ مَعَهُمْ شُكْرًا لِلَّهِ لِاجْتِمَاعِ شَمْلِهِمْ أَلَمْ تَرَ أَنَّهُ يُقُولُ فِي شُكْرِهِ ذَٰلِكَ الْوَقْتُ رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَ عَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَ اَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ فَنَزَلَ جِبْرِيلُ فَقَالَ لَهُ يَا يُوسُفُ أَخْرِجْ يَدَكَ فَأَخْرَجَهَا فَخَرَجَ مِنْ بَيْنِ أَصَابِعِهِ نُورٌ فَقَالَ مَا هَٰذَا النُّورُ يَا جِبْرِيلُ فَقَالَ هَٰذِهِ النُّبُوَّةُ أَخْرَجَهَا اللَّهُ مِنْ صُلْبِكَ لِأَنَّكَ لَمْ تَقُمْ لِأَيِّكَ؛

تفسير القمي ج: ١ ص: ٣٥٦

﴿٢١١﴾ الباقِرُ عليه السلام: فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَى الْقِمِصَ عَلَى وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا وَقَالَ لَهُمْ مَا فَعَلَ ابْنُ يَامِيلَ [يَامِينَ] قَالُوا خَلَفْنَاهُ عِنْدَ أَخِيهِ صَالِحًا قَالَ فَحَمِدَ اللَّهُ يَعْقُوبُ عِنْدَ ذَلِكَ وَسَجَدَ لِرَبِّهِ سَجْدَةَ الشُّكْرِ وَرَجَعَ إِلَيْهِ بَصَرُهُ وَتَقَوَّمَ لَهُ ظَهْرُهُ: بحار الأنوار ج: ١٢ ص: ٣١٧

۱۰-۳-۶-۲-۳-۱- لقمان رضی اللہ عنہ

﴿٢١٢٠﴾ وَلَقُمَانُ فِي سَجْدَتِهِ يَشْكُرُ الْمَصْبَاحَ لِلْكَفْعَمَى ص: ٧٦٠

۱۱-۳-۶-۲-۳-۱- ابن أبي عمير

﴿٢١٢﴾ دَخَلْتُ الْعِرَاقَ فَرَأَيْتُ وَاحِدًا يُعَاتِبُ صَاحِبَهُ وَ يَقُولُ لَهُ أَنْتَ رَجُلٌ عَلَيْكَ عِيَالٌ وَ تَحْتَاجُ أَنْ تَكْسِبَ عَلَيْهِمْ وَ مَا أَمِنْ أَنْ تَذْهَبَ عَيْنَاكَ بِطُلُوعِ سُجُودِكَ قَالَ فَلَمَّا أَكْثَرَ عَلَيْهِ قَالَ أَكْثَرْتُ عَلَى وَبِحَكِّ لَوْ ذَهَبَتْ عَيْنُ أَحَدٍ مِنَ السُّجُودِ لَذَهَبَتْ عَيْنُ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ مَا ظَنَنْكَ بِرَجُلٍ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ فَلَا يَرْفَعُ رَأْسَهُ إِلَّا عِنْدَ الزَّوَالِ؛ مستدرک الوسائل؛ ج: ٥

ص: ۱۲۹

١٢-٣-٦-٢-٣-١- الصَّالِحُونَ

﴿٢١٢﴾ الصادق (عليه السلام): فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَخَرُّوْا لَهُ سُجْدًا قَالَ قِيلَ إِنَّ السُّجُودَ كَانَ لِلَّهِ شُكْرًا لَهُ
كَمَا يَفْعَلُ الصَّالِحُونَ عِنْدَ تَجَدُّدِ النِّعَمِ؛ وسائل الشيعة ج: ٦ ص: ٣٨٧

٤-٦-٢-٣-٢-١-الأوقات

١-٤-٦-٢-٣-٢-١- جَوْفُ اللَّيْلِ

﴿٢١٢٣﴾ الصادق عليه السلام: إِذَا قَامَ الْعَبْدُ نِصْفَ اللَّيْلِ بَيْنَ يَدَي رَّبِّهِ جَلَّ جَلَالُهُ فَصَلَّى لَهُ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ ثُمَّ يَسْجُدُ سَجْدَةَ الشُّكْرِ بَعْدَ فِرَاقِهِ فَقَالَ مَا شَاءَ اللَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ مِائَةَ مَرَّةٍ نَادَاهُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ مِنْ فَوْقِهِ عَبْدِي إِلَى كَمْ تَقُولُ مَا شَاءَ اللَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنَا رُبُّكَ وَإِلَى الْمَشِيئَةِ

وَقَدْ شِئْتُ قَضَاءَ حَاجَتِكَ فَسَلِّنِي مَا شِئْتُ؛ بحار الأنوار ج: ٨٨ ص: ٣٤١

٢-٤-٦-٢-٣-١- بَعْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

برای اطاعت امر الهی بود و درودی بر آدم علیه السلام بود. پس یعقوب و فرزندانش سجده کردند و یوسف نیز همراه ایشان برای اینکه خداوند دوباره جمع ایشان را گرد هم آورد به عنوان شکر سجده کرد. آیا ندیدی که همانا او به عنوان شکر چنین گفت: پروردگارا آن وقت که به من حکومت و علم تفسیر و تأویل احادیث را عطا کردی، ای شکافندهی آسمانها و زمین تو ولی و سرپرست من هستی در دنیا و آخرت، پس جان مرا درحالی بگیر که تسلیم تو هستم و مرا به زمره‌ی صالحین ملحق فرما. پس دراین هنگام فرشته‌ی وحی (جبرئیل) نازل شد و به او گفت: ای یوسف، دستت را بیرون بیاور، و او دستش را بیرون آورد، در آن هنگام از بین انگشتانش نوری خارج شد، یوسف پرسید: این نور چه بود ای جبرئیل؟ گفت: این نور نبوت بود که خداوند آن را از نسل تو خارج کرد به سبب آنکه ادب را رعایت نموده و در برابر پای پدرت قیام نکردی.

﴿۲۱۱۹﴾ آنگاه که بشارت‌دهنده آمد و پیراهن را روی چهره‌ی او انداخت، او بینا شد و به آن‌ها گفت: ابن‌یامین چه شد؟ گفتند او با احترام نزد برادرش مانده است. پس آنگاه یعقوب خدا را ستایش کرد و برای پروردگارش سجده‌ی شکر به جای آورد و چشمش بینا و پشتش راست شد.

۱۰-۳-۲-۳-۱-۲-۱ لقمان (ره)

﴿۲۱۲۰﴾ و لقمان در سجده‌اش شکر می‌کرد.

۱۱-۳-۲-۳-۱-۲-۱ ابن ابی بصیر

﴿۲۱۲۱﴾ وارد عراق شدم و دیدم کسی دوستش را ملامت می‌کند و به او می‌گوید: تو زن و فرزند داری و نیاز داری که برای آن‌ها کسب درآمدی داشته باشی و ممکن است که با طولانی‌بودن سجده‌هایت چشمانت را از دست بدهی. وقتی که خیلی او را ملامت کرد گفت: خیلی ملامتم کردی، وای بر تو؛ اگر قرار باشد چشم کسی به خاطر سجده از دست برود، آن چشمان ابن‌ابی‌عمیر خواهد بود نظرت درباره‌ی مردی که بعد از نماز صبح سجده‌ی شکر می‌نماید و سرش را از سجده بر نمی‌دارد مگر هنگام ظهر چیست؟

۱۲-۳-۲-۳-۱-۲-۱ نیکان

﴿۲۱۲۲﴾ درباره کلام خدای تعالی است؛ "درحالی که برای او به خاک افتادند و سجده نمودند" فرمود: گفته شده است که سجده کردن ایشان به جهت شکرگزاری و برای خدای متعال بوده است. همچنان که انسان‌های صالح آن را به هنگام تجدید نعمت به جا می‌آورند.

۴-۳-۲-۳-۱-۲-۱ زمان‌ها

۱-۴-۳-۲-۳-۱-۲ نیمه شب

﴿۲۱۲۳﴾ چون بنده‌ای نیمه‌شب در برابر پروردگار باجلالت به‌پاخیزد و در دل شب تار چهار رکعت نماز بخواند و پس از آن سجده‌ی شکر کند و صد بار بگوید "ماشاءالله" خداوند از فراز او را این چنین ندا می‌دهد: ای بنده‌ی من، تا کی می‌خواهی "ماشاءالله، ماشاءالله، ماشاءالله" بگویی؟ منم پروردگارت و اراده با من است، پس اراده‌ی من به برآمدن حاجت تو تعلق گرفت، هرچه می‌خواهی از من درخواست کن.

۲-۴-۳-۲-۳-۱-۲ بعد از طلوع خورشید

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢١٢﴾ الرضا عليه السلام: فَإِذَا سَلَّمَ جَلَسَ فِي التَّعْقِيبِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَتِي الشُّكْرِ؛
بحار الأنوار ج: ٤٩ ص: ٩٣

[illegible]

﴿٢١٢٦﴾ الْحِجَّةُ الحج والعمرة: إِذَا كَانَ لَيْلَةُ الْجُمُعَةِ فَأَغْتَسِلْ وَصَلِّ صَلَاةَ اللَّيْلِ فَإِذَا سَجَدْتَ سَجْدَةً الشُّكْرِ دَعَوْتَ بِهَذَا الدُّعَاءِ وَأَنْتَ بَارِكُ عَلَى رُكْبَتَيْكَ فَذَكَرَ لِي دُعَاءُ؛ بحار الأنوار ج: ٥٣ ص: ٢٢٧
٤-٤-٢-١- يَوْمَ الْجُمُعَةِ

﴿٢١٢٧﴾ الصادق عليه السلام: اجتمعت الملائكة فقالوا للنبي صلى الله عليه وآله أين تركت أخاك وكيف هو فقال لهم أتعرفونه فقالوا نعم نعرفه وشيعته وهو نور حول عرش الله وإن في البيت المعمور لرقفاً من نور فيه كتاب من نور فيه اسم محمد وعلى والحسن والحسين والأئمة عليهم السلام وشيعتهم لا يزيد فيهم رجل ولا ينقص منهم رجل إنه لميتافنا الذي أخذ علينا وإنه ليقرأ علينا في كل يوم جمعة فسجدت لله شكراً؛ بحار الأنوار ج: ١٨ ص: ٣٥٧

﴿٢١٢٨﴾ الصادق (عليه السلام): إِنَّ فِي أَيْتِ الْمَعْمُورِ لَرَقًّا مِنْ نُورٍ فِيهِ كِتَابٌ مِنْ نُورٍ فِيهِ اسْمُ مُحَمَّدٍ وَ
عَلَى وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ الْأَئِمَّةِ وَ شِيعَتِهِمْ لَا يَزِيدُ فِيهِمْ رَجُلٌ وَ لَا يَنْقُصُ مِنْهُمْ رَجُلٌ إِنَّهُ لَمِثْقَانَا
الَّذِي أَخَذَ عَلَيْنَا وَ إِنَّهُ لَيُقْرَأُ عَلَيْنَا فِي كُلِّ يَوْمٍ جُمُعَةٍ فَسَجَدْتُ لِلَّهِ شُكْرًا؛ الكافي ج: ٣ ص: ٤٨٤
١-٢-٣-٤-٥-٦-٧-٨-٩-١٠-١١-١٢-١٣-١٤-١٥-١٦-١٧-١٨-١٩-٢٠-٢١-٢٢-٢٣-٢٤-٢٥-٢٦-٢٧-٢٨-٢٩-٣٠-٣١-٣٢-٣٣-٣٤-٣٥-٣٦-٣٧-٣٨-٣٩-٤٠-٤١-٤٢-٤٣-٤٤-٤٥-٤٦-٤٧-٤٨-٤٩-٥٠-٥١-٥٢-٥٣-٥٤-٥٥-٥٦-٥٧-٥٨-٥٩-٦٠-٦١-٦٢-٦٣-٦٤-٦٥-٦٦-٦٧-٦٨-٦٩-٧٠-٧١-٧٢-٧٣-٧٤-٧٥-٧٦-٧٧-٧٨-٧٩-٨٠-٨١-٨٢-٨٣-٨٤-٨٥-٨٦-٨٧-٨٨-٨٩-٩٠-٩١-٩٢-٩٣-٩٤-٩٥-٩٦-٩٧-٩٨-٩٩-١٠٠-١٠١-١٠٢-١٠٣-١٠٤-١٠٥-١٠٦-١٠٧-١٠٨-١٠٩-١١٠-١١١-١١٢-١١٣-١١٤-١١٥-١١٦-١١٧-١١٨-١١٩-١٢٠-١٢١-١٢٢-١٢٣-١٢٤-١٢٥-١٢٦-١٢٧-١٢٨-١٢٩-١٣٠-١٣١-١٣٢-١٣٣-١٣٤-١٣٥-١٣٦-١٣٧-١٣٨-١٣٩-١٤٠-١٤١-١٤٢-١٤٣-١٤٤-١٤٥-١٤٦-١٤٧-١٤٨-١٤٩-١٥٠-١٥١-١٥٢-١٥٣-١٥٤-١٥٥-١٥٦-١٥٧-١٥٨-١٥٩-١٦٠-١٦١-١٦٢-١٦٣-١٦٤-١٦٥-١٦٦-١٦٧-١٦٨-١٦٩-١٧٠-١٧١-١٧٢-١٧٣-١٧٤-١٧٥-١٧٦-١٧٧-١٧٨-١٧٩-١٨٠-١٨١-١٨٢-١٨٣-١٨٤-١٨٥-١٨٦-١٨٧-١٨٨-١٨٩-١٩٠-١٩١-١٩٢-١٩٣-١٩٤-١٩٥-١٩٦-١٩٧-١٩٨-١٩٩-٢٠٠-٢٠١-٢٠٢-٢٠٣-٢٠٤-٢٠٥-٢٠٦-٢٠٧-٢٠٨-٢٠٩-٢١٠-٢١١-٢١٢-٢١٣-٢١٤-٢١٥-٢١٦-٢١٧-٢١٨-٢١٩-٢٢٠-٢٢١-٢٢٢-٢٢٣-٢٢٤-٢٢٥-٢٢٦-٢٢٧-٢٢٨-٢٢٩-٢٣٠-٢٣١-٢٣٢-٢٣٣-٢٣٤-٢٣٥-٢٣٦-٢٣٧-٢٣٨-٢٣٩-٢٤٠-٢٤١-٢٤٢-٢٤٣-٢٤٤-٢٤٥-٢٤٦-٢٤٧-٢٤٨-٢٤٩-٢٥٠-٢٥١-٢٥٢-٢٥٣-٢٥٤-٢٥٥-٢٥٦-٢٥٧-٢٥٨-٢٥٩-٢٦٠-٢٦١-٢٦٢-٢٦٣-٢٦٤-٢٦٥-٢٦٦-٢٦٧-٢٦٨-٢٦٩-٢٧٠-٢٧١-٢٧٢-٢٧٣-٢٧٤-٢٧٥-٢٧٦-٢٧٧-٢٧٨-٢٧٩-٢٨٠-٢٨١-٢٨٢-٢٨٣-٢٨٤-٢٨٥-٢٨٦-٢٨٧-٢٨٨-٢٨٩-٢٩٠-٢٩١-٢٩٢-٢٩٣-٢٩٤-٢٩٥-٢٩٦-٢٩٧-٢٩٨-٢٩٩-٣٠٠-٣٠١-٣٠٢-٣٠٣-٣٠٤-٣٠٥-٣٠٦-٣٠٧-٣٠٨-٣٠٩-٣١٠-٣١١-٣١٢-٣١٣-٣١٤-٣١٥-٣١٦-٣١٧-٣١٨-٣١٩-٣٢٠-٣٢١-٣٢٢-٣٢٣-٣٢٤-٣٢٥-٣٢٦-٣٢٧-٣٢٨-٣٢٩-٣٣٠-٣٣١-٣٣٢-٣٣٣-٣٣٤-٣٣٥-٣٣٦-٣٣٧-٣٣٨-٣٣٩-٣٤٠-٣٤١-٣٤٢-٣٤٣-٣٤٤-٣٤٥-٣٤٦-٣٤٧-٣٤٨-٣٤٩-٣٥٠-٣٥١-٣٥٢-٣٥٣-٣٥٤-٣٥٥-٣٥٦-٣٥٧-٣٥٨-٣٥٩-٣٦٠-٣٦١-٣٦٢-٣٦٣-٣٦٤-٣٦٥-٣٦٦-٣٦٧-٣٦٨-٣٦٩-٣٧٠-٣٧١-٣٧٢-٣٧٣-٣٧٤-٣٧٥-٣٧٦-٣٧٧-٣٧٨-٣٧٩-٣٨٠-٣٨١-٣٨٢-٣٨٣-٣٨٤-٣٨٥-٣٨٦-٣٨٧-٣٨٨-٣٨٩-٣٩٠-٣٩١-٣٩٢-٣٩٣-٣٩٤-٣٩٥-٣٩٦-٣٩٧-٣٩٨-٣٩٩-٤٠٠-٤٠١-٤٠٢-٤٠٣-٤٠٤-٤٠٥-٤٠٦-٤٠٧-٤٠٨-٤٠٩-٤١٠-٤١١-٤١٢-٤١٣-٤١٤-٤١٥-٤١٦-٤١٧-٤١٨-٤١٩-٤٢٠-٤٢١-٤٢٢-٤٢٣-٤٢٤-٤٢٥-٤٢٦-٤٢٧-٤٢٨-٤٢٩-٤٣٠-٤٣١-٤٣٢-٤٣٣-٤٣٤-٤٣٥-٤٣٦-٤٣٧-٤٣٨-٤٣٩-٤٤٠-٤٤١-٤٤٢-٤٤٣-٤٤٤-٤٤٥-٤٤٦-٤٤٧-٤٤٨-٤٤٩-٤٥٠-٤٥١-٤٥٢-٤٥٣-٤٥٤-٤٥٥-٤٥٦-٤٥٧-٤٥٨-٤٥٩-٤٦٠-٤٦١-٤٦٢-٤٦٣-٤٦٤-٤٦٥-٤٦٦-٤٦٧-٤٦٨-٤٦٩-٤٧٠-٤٧١-٤٧٢-٤٧٣-٤٧٤-٤٧٥-٤٧٦-٤٧٧-٤٧٨-٤٧٩-٤٨٠-٤٨١-٤٨٢-٤٨٣-٤٨٤-٤٨٥-٤٨٦-٤٨٧-٤٨٨-٤٨٩-٤٩٠-٤٩١-٤٩٢-٤٩٣-٤٩٤-٤٩٥-٤٩٦-٤٩٧-٤٩٨-٤٩٩-٥٠٠-٥٠١-٥٠٢-٥٠٣-٥٠٤-٥٠٥-٥٠٦-٥٠٧-٥٠٨-٥٠٩-٥١٠-٥١١-٥١٢-٥١٣-٥١٤-٥١٥-٥١٦-٥١٧-٥١٨-٥١٩-٥٢٠-٥٢١-٥٢٢-٥٢٣-٥٢٤-٥٢٥-٥٢٦-٥٢٧-٥٢٨-٥٢٩-٥٣٠-٥٣١-٥٣٢-٥٣٣-٥٣٤-٥٣٥-٥٣٦-٥٣٧-٥٣٨-٥٣٩-٥٤٠-٥٤١-٥٤٢-٥٤٣-٥٤٤-٥٤٥-٥٤٦-٥٤٧-٥٤٨-٥٤٩-٥٥٠-٥٥١-٥٥٢-٥٥٣-٥٥٤-٥٥٥-٥٥٦-٥٥٧-٥٥٨-٥٥٩-٥٦٠-٥٦١-٥٦٢-٥٦٣-٥٦٤-٥٦٥-٥٦٦-٥٦٧-٥٦٨-٥٦٩-٥٧٠-٥٧١-٥٧٢-٥٧٣-٥٧٤-٥٧٥-٥٧٦-٥٧٧-٥٧٨-٥٧٩-٥٨٠-٥٨١-٥٨٢-٥٨٣-٥٨٤-٥٨٥-٥٨٦-٥٨٧-٥٨٨-٥٨٩-٥

﴿٢١٢٩﴾ الصادق عليه السلام: إِذَا كَانَ يَوْمُ النَّيِّرُوزِ فَاغْتَسِلْ وَابْسُ أَنْظِفْ ثِيَابَكَ وَتَطَيَّبْ بِأَطْيَبِ طَبِيكِ وَتَكُونُ ذَلِكَ الْيَوْمَ صَائِمًا فَإِذَا صَلَّيْتَ النَّوَائِلَ وَالظُّهْرَ وَالْعَصْرَ فَصَلِّ بَعْدَ ذَلِكَ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ تَقْرَأُ فِي أَوَّلِ كُلِّ رَكَعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَعَشْرَ مَرَّاتٍ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَفِي الثَّانِيَةِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَعَشْرَ مَرَّاتٍ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَفِي الثَّالِثَةِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَعَشْرَ مَرَّاتٍ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَفِي الرَّابِعَةِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَعَشْرَ مَرَّاتٍ الْمُعَوِّذَتَيْنِ وَتَسْجُدُ بَعْدَ فَرَغِكَ مِنَ الرُّكَعَاتِ سَجْدَةَ الشُّكْرِ وَتَدْعُو فِيهَا يُغْفَرُ لَكَ ذُنُوبُ خَمْسِينَ سَنَةً؛ وسائل الشيعة ج: ٨ ص: ١٧٢

٥-٦-٢-٣-١-المَوَاضِعُ

١-٥-٦-٢-٣-٢-١- بَعْدَ الرُّجُوعِ مِنَ السَّفَرِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۱۲۴﴾ بعد از سلام مشغول تعقیب می‌شد تا خورشید طلوع می‌کرد، بعد به سجده‌ی شکر می‌رفت.

﴿۲۱۲۵﴾ پس از طلوع فجر اذان و اقامه می‌گفت و دو رکعت نماز صبح را می‌خواند بعد از سلام مشغول تعقیب می‌شد تا خورشید طلوع می‌کرد، بعد به سجده‌ی شکر می‌رفت تا خورشید بر می‌آمد.

۳-۴-۶-۲-۳-۱- شب جمعه

﴿۲۱۲۶﴾ هرگاه شب جمعه شود، غسل کن و بعد از فراغت از نماز شب، سجده‌ی شکر به جای آور، پس چون سر از سجده برداشتی بر دو زانوی خود بنشین و این دعا را بخوان.

۴-۴-۶-۲-۳-۱- روز جمعه

﴿۲۱۲۷﴾ فرشتگان جمع شدند و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کردند: برادرت را در کجا ترک کردی و حال او چگونه است؟ حضرت به ایشان فرمود: مگر شما هم او را می‌شناسید؟ عرضه داشتند: آری، او و شیعیانش را می‌شناسیم، او (یعنی علی علیه السلام) نوری است که اطراف عرش خداست و در بیت المعمور پارچه و جلد نازکی از نور هست که با خط نور در آن، نام محمد و علی و حسن و حسین علیهم السلام و امامان و شیعیانشان، بدون اینکه نام یکی از ایشان کم یا زیاد شده باشد نوشته شده است، همانا از ما بر پذیرش ولایت او پیمان گرفته‌اند و در هر جمعه آن را برای ما مجدداً می‌خوانند، و من (از شنیدن این خبر) سجده‌ی شکر کردم.

﴿۲۱۲۸﴾ در بیت المعمور لایه‌ی نازکی از نور هست که با خط نور در آن نام محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و امامان و شیعیانشان بدون اینکه نام یکی از ایشان کم یا زیاد شده باشد نوشته شده است، این میثاق و پیمانی است که از ما گرفته‌اند و در هر روز جمعه بر ما قرائت می‌نمایند. پس من به سجده‌ی شکر افتادم.

۵-۴-۶-۲-۳-۱- نوروز

﴿۲۱۲۹﴾ در عید نوروز غسل کن و پاکیزه‌ترین لباس‌های خودت را بپوش و خوشبوترین عطر خود را استفاده کن و در آن روز روزه بگیر، پس هنگامی که نمازهای نافله و نماز واجب ظهر و عصر را خواندی، بعد از آن چهار رکعت نماز بخوان؛ "در اول هر رکعت سوره‌ی حمد و در رکعت اول پس از آن، ده مرتبه سوره‌ی قدر و در رکعت دوم بعد از حمد، ده مرتبه سوره‌ی کافرون و در رکعت سوم پس از حمد، ده مرتبه سوره‌ی توحید و در رکعت چهارم بعد از سوره‌ی حمد، ده مرتبه معوذتین (فلق و ناس) را بخوان، پس بعد از فراغت از انجام نماز سجده‌ی شکر کن و در آن دعا بخوان، که به سبب این نماز در این روز گناهان پنجاه سال تو بخشیده می‌شود.

۵-۴-۶-۲-۳-۱- مکان‌ها

۱-۵-۴-۶-۲-۳-۱- پس از بازگشت از سفر

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢١٣٠﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَدِمَ الرَّجُلُ مِنَ السَّفَرِ وَ دَخَلَ مَنْزِلَهُ يَبْغِي أَنْ لَا يَشْتَغَلَ بِشَيْءٍ حَتَّى يَصُبَّ عَلَى نَفْسِهِ الْمَاءَ وَيُصَلِّيَ رَكْعَتَيْنِ وَيَسْجُدَ وَيَشْكُرَ اللَّهَ مِائَةَ مَرَّةٍ، بحار الأنوار ج: ٧٣ ص: ٢٨٢

٢-٥-١-٢-٣-٤-٥-٦-٧-٨-٩-١٠-١١-١٢-١٣-١٤-١٥-١٦-١٧-١٨-١٩-٢٠-٢١-٢٢-٢٣-٢٤-٢٥-٢٦-٢٧-٢٨-٢٩-٣٠-٣١-٣٢-٣٣-٣٤-٣٥-٣٦-٣٧-٣٨-٣٩-٤٠-٤١-٤٢-٤٣-٤٤-٤٥-٤٦-٤٧-٤٨-٤٩-٥٠-٥١-٥٢-٥٣-٥٤-٥٥-٥٦-٥٧-٥٨-٥٩-٦٠-٦١-٦٢-٦٣-٦٤-٦٥-٦٦-٦٧-٦٨-٦٩-٧٠-٧١-٧٢-٧٣-٧٤-٧٥-٧٦-٧٧-٧٨-٧٩-٨٠-٨١-٨٢-٨٣-٨٤-٨٥-٨٦-٨٧-٨٨-٨٩-٩٠-٩١-٩٢-٩٣-٩٤-٩٥-٩٦-٩٧-٩٨-٩٩-١٠٠-١٠١-١٠٢-١٠٣-١٠٤-١٠٥-١٠٦-١٠٧-١٠٨-١٠٩-١١٠-١١١-١١٢-١١٣-١١٤-١١٥-١١٦-١١٧-١١٨-١١٩-١٢٠-١٢١-١٢٢-١٢٣-١٢٤-١٢٥-١٢٦-١٢٧-١٢٨-١٢٩-١٣٠-١٣١-١٣٢-١٣٣-١٣٤-١٣٥-١٣٦-١٣٧-١٣٨-١٣٩-١٤٠-١٤١-١٤٢-١٤٣-١٤٤-١٤٥-١٤٦-١٤٧-١٤٨-١٤٩-١٥٠-١٥١-١٥٢-١٥٣-١٥٤-١٥٥-١٥٦-١٥٧-١٥٨-١٥٩-١٦٠-١٦١-١٦٢-١٦٣-١٦٤-١٦٥-١٦٦-١٦٧-١٦٨-١٦٩-١٧٠-١٧١-١٧٢-١٧٣-١٧٤-١٧٥-١٧٦-١٧٧-١٧٨-١٧٩-١٨٠-١٨١-١٨٢-١٨٣-١٨٤-١٨٥-١٨٦-١٨٧-١٨٨-١٨٩-١٩٠-١٩١-١٩٢-١٩٣-١٩٤-١٩٥-١٩٦-١٩٧-١٩٨-١٩٩-٢٠٠-٢٠١-٢٠٢-٢٠٣-٢٠٤-٢٠٥-٢٠٦-٢٠٧-٢٠٨-٢٠٩-٢١٠-٢١١-٢١٢-٢١٣-٢١٤-٢١٥-٢١٦-٢١٧-٢١٨-٢١٩-٢٢٠-٢٢١-٢٢٢-٢٢٣-٢٢٤-٢٢٥-٢٢٦-٢٢٧-٢٢٨-٢٢٩-٢٣٠-٢٣١-٢٣٢-٢٣٣-٢٣٤-٢٣٥-٢٣٦-٢٣٧-٢٣٨-٢٣٩-٢٤٠-٢٤١-٢٤٢-٢٤٣-٢٤٤-٢٤٥-٢٤٦-٢٤٧-٢٤٨-٢٤٩-٢٥٠-٢٥١-٢٥٢-٢٥٣-٢٥٤-٢٥٥-٢٥٦-٢٥٧-٢٥٨-٢٥٩-٢٦٠-٢٦١-٢٦٢-٢٦٣-٢٦٤-٢٦٥-٢٦٦-٢٦٧-٢٦٨-٢٦٩-٢٧٠-٢٧١-٢٧٢-٢٧٣-٢٧٤-٢٧٥-٢٧٦-٢٧٧-٢٧٨-٢٧٩-٢٨٠-٢٨١-٢٨٢-٢٨٣-٢٨٤-٢٨٥-٢٨٦-٢٨٧-٢٨٨-٢٨٩-٢٩٠-٢٩١-٢٩٢-٢٩٣-٢٩٤-٢٩٥-٢٩٦-٢٩٧-٢٩٨-٢٩٩-٣٠٠-٣٠١-٣٠٢-٣٠٣-٣٠٤-٣٠٥-٣٠٦-٣٠٧-٣٠٨-٣٠٩-٣١٠-٣١١-٣١٢-٣١٣-٣١٤-٣١٥-٣١٦-٣١٧-٣١٨-٣١٩-٣٢٠-٣٢١-٣٢٢-٣٢٣-٣٢٤-٣٢٥-٣٢٦-٣٢٧-٣٢٨-٣٢٩-٣٣٠-٣٣١-٣٣٢-٣٣٣-٣٣٤-٣٣٥-٣٣٦-٣٣٧-٣٣٨-٣٣٩-٣٤٠-٣٤١-٣٤٢-٣٤٣-٣٤٤-٣٤٥-٣٤٦-٣٤٧-٣٤٨-٣٤٩-٣٥٠-٣٥١-٣٥٢-٣٥٣-٣٥٤-٣٥٥-٣٥٦-٣٥٧-٣٥٨-٣٥٩-٣٦٠-٣٦١-٣٦٢-٣٦٣-٣٦٤-٣٦٥-٣٦٦-٣٦٧-٣٦٨-٣٦٩-٣٧٠-٣٧١-٣٧٢-٣٧٣-٣٧٤-٣٧٥-٣٧٦-٣٧٧-٣٧٨-٣٧٩-٣٨٠-٣٨١-٣٨٢-٣٨٣-٣٨٤-٣٨٥-٣٨٦-٣٨٧-٣٨٨-٣٨٩-٣٩٠-٣٩١-٣٩٢-٣٩٣-٣٩٤-٣٩٥-٣٩٦-٣٩٧-٣٩٨-٣٩٩-٤٠٠-٤٠١-٤٠٢-٤٠٣-٤٠٤-٤٠٥-٤٠٦-٤٠٧-٤٠٨-٤٠٩-٤١٠-٤١١-٤١٢-٤١٣-٤١٤-٤١٥-٤١٦-٤١٧-٤١٨-٤١٩-٤٢٠-٤٢١-٤٢٢-٤٢٣-٤٢٤-٤٢٥-٤٢٦-٤٢٧-٤٢٨-٤٢٩-٤٣٠-٤٣١-٤٣٢-٤٣٣-٤٣٤-٤٣٥-٤٣٦-٤٣٧-٤٣٨-٤٣٩-٤٤٠-٤٤١-٤٤٢-٤٤٣-٤٤٤-٤٤٥-٤٤٦-٤٤٧-٤٤٨-٤٤٩-٤٥٠-٤٥١-٤٥٢-٤٥٣-٤٥٤-٤٥٥-٤٥٦-٤٥٧-٤٥٨-٤٥٩-٤٦٠-٤٦١-٤٦٢-٤٦٣-٤٦٤-٤٦٥-٤٦٦-٤٦٧-٤٦٨-٤٦٩-٤٧٠-٤٧١-٤٧٢-٤٧٣-٤٧٤-٤٧٥-٤٧٦-٤٧٧-٤٧٨-٤٧٩-٤٨٠-٤٨١-٤٨٢-٤٨٣-٤٨٤-٤٨٥-٤٨٦-٤٨٧-٤٨٨-٤٨٩-٤٩٠-٤٩١-٤٩٢-٤٩٣-٤٩٤-٤٩٥-٤٩٦-٤٩٧-٤٩٨-٤٩٩-٥٠٠-٥٠١-٥٠٢-٥٠٣-٥٠٤-٥٠٥-٥٠٦-٥٠٧-٥٠٨-٥٠٩-٥١٠-٥١١-٥١٢-٥١٣-٥١٤-٥١٥-٥١٦-٥١٧-٥١٨-٥١٩-٥٢٠-٥٢١-٥٢٢-٥٢٣-٥٢٤-٥٢٥-٥٢٦-٥٢٧-٥٢٨-٥٢٩-٥٣٠-٥٣١-٥٣٢-٥٣٣-٥٣٤-٥٣٥-٥٣٦-٥٣٧-٥٣٨-٥٣٩-٥٤٠-٥٤١-٥٤٢-٥٤٣-٥٤٤-٥٤٥-٥٤٦-٥٤٧-٥٤٨-٥٤٩-٥٥٠-٥٥١-٥٥٢-٥٥٣-٥٥٤-٥٥٥-٥٥٦-٥٥٧-٥٥٨-٥٥٩-٥٦٠-٥٦١-٥٦٢-٥٦٣-٥٦٤-٥٦٥-٥٦٦-٥٦٧-٥٦٨-٥٦٩-٥٧٠-٥٧١-٥٧٢-٥٧٣-٥٧٤-٥٧٥-٥٧٦-٥٧٧-٥٧٨-٥٧٩-٥٨٠-٥٨١-٥٨٢-٥٨٣-٥٨٤-٥٨٥-٥٨٦-٥٨٧-٥٨٨-٥٨٩-٥٩٠-٥٩١-٥٩٢-٥٩٣-٥٩٤-٥٩٥-٥٩

﴿٢١٣﴾ الصادق (عليه السلام): مَا قَامَ مِنَ النَّوْمِ إِلَّا خَرَّ سَاجِدًا شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ بحار الأنوار ج: ٧٣ ص: ٢١٩

۳-۵-۶-۲-۳-۱- عند تَذَكُّرِ النِّعْمَةِ

﴿٢١٣٢﴾ الكاظم عليه السلام: كُنْتُ أَسِيرُ مَعَ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام فِي بَعْضِ أَطْرَافِ الْمَدِينَةِ إِذْ ثَنَى رَجُلُهُ عَنْ دَابَّتِهِ فَخَرَّ سَاجِدًا فَأَطَالَ وَ أَطَالَ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَ رَكِبَ دَابَّتَهُ فَقُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ قَدْ أَطَلْتَ السُّجُودَ فَقَالَ إِنِّي ذَكَرْتُ نِعْمَةً أَنْعَمَ اللَّهُ بِهَا عَلَيَّ فَأَحْبَبْتُ أَنْ أَشْكُرَ رَبِّي؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٨

﴿٢١٣٣﴾ الباقر عليه السلام: كُنْتُ مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي طَرِيقِ الْمَدِينَةِ فَوَقَعَ سَاجِدًا لِلَّهِ فَقَالَ لِي حِينَ اسْتَمْتُمْ فَإِنَّمَا يَا زِيَادُ أَنْكَرْتُ عَلَى حِينٍ رَأَيْتُنِي سَاجِدًا فَقُلْتُ بَلَى جُعِلَتْ فِدَاكَ قَالَ ذَكَرْتُ نِعْمَةً أَنْعَمَهَا [اللَّهُ] عَلَى فِكْرِهِ أَنْ أَجُوزَ حَتَّى أُوَدِّي شُكْرَهَا؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ١٥١

﴿٢١٣٤﴾ الصادق عليه السلام: يَا إِسْحَاقُ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدِهِ بِنِعْمَةٍ فَشَكَرَهَا بِسَجْدَةٍ يَحْمَدُ اللَّهَ فِيهَا فَفَرَّغَ مِنْهَا حَتَّى يُؤْمِنَ لَهُ بِالْمَزِيدِ مِنَ الدَّارَيْنِ؛ مكارم الأخلاق ص: ٢٦٥

﴿٢١٣٥﴾ الصادق عليه السلام: إِذَا ذَكَرَ أَحَدُكُمْ نِعْمَةَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَلْيَصْغُ خَدَّهُ عَلَى التُّرَابِ شُكْرًا لِلَّهِ فَإِنْ كَانَ رَاكِبًا فَلْيَنْزِلْ فَلْيَصْغُ خَدَّهُ عَلَى التُّرَابِ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ يَقْدِرْ عَلَى النُّزُولِ لِلشَّهْرَةِ فَلْيَصْغُ خَدَّهُ عَلَى قَرْبُوسِهِ وَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ فَلْيَصْغُ خَدَّهُ عَلَى كَفِّهِ ثُمَّ لِيُحْمَدِ اللَّهَ عَلَى مَا أُنْعَمَ عَلَيْهِ؛ الْكَافِي

ج: ٢: ص: ٩٨

٤-٥-٦-٢-٣-١-عند الخوف

﴿٢١٣٦﴾ الصادق عليه السلام: لَمَّا طَلَبَ الْمَنْصُورُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام تَوَضَّأَ وَصَلَّى رُكْعَتَيْنِ ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ وَقَالَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ وَعَدْتَنَا عَلَى لِسَانِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عليه السلام وَوَعَدُكَ الْحَقُّ أَنَّكَ تُبَدِّلُنَا مِنْ بَعْدِ خَوْفِنَا أَمْنًا اللَّهُمَّ فَأَنْجِزْ لَنَا مَا وَعَدْتَنَا إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ قَالَ قُلْتُ لَهُ يَا سَيِّدِي فَإِنَّ وَعْدَ اللَّهِ لَكُمْ فَقَالَ عليه السلام: قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمُ الْآيَةُ: بحار الأنوار ج: ٥١ ص: ٦٤

٥-٥-٦-٢-٣-١- بَعْدَ سَمْعِ الْحَدِيثِ

﴿٢١٣٧﴾ سلمان رضي الله عنه: فَلَمَّا فَرَغَ النَّبِيُّ ﷺ مِنَ الْحَدِيثِ خَرَرْتُ سَاجِدًا أَبْكِي شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى لِمَا سَمِعْتُ مِنْ هَذَا الْحَدِيثِ؛ إقبال الأعمال ص: ٦٨٢

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۱۳۰﴾ چون کسی از سفر آید و وارد منزل خود شود آید سزاوار است که به کاری مشغول نشود تا خود را با آب بشوید و دو رکعت نماز بخواند و سجده کند و صد بار خدا را شکر کند.

۱-۲-۳-۲-۶-۵-۲-۲ پس از بیدار شدن از خواب

﴿۲۱۳۱﴾ هیچگاه پیامبر خدا ﷺ از خواب بیدار نشد جز اینکه برای خدا به سجده افتاد.

۱-۲-۳-۲-۶-۵-۳ هنگام یادآوری نعمت

﴿۲۱۳۲﴾ با حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در اطراف مدینه حرکت می کردیم ناگهان امام از مرکب خود فرود آمد و سر به سجده گذاشته، سجده ای طولانی انجام داد؛ آنگاه سر برداشت و سوار شد. عرض کردم: فدایت شوم سجده ای طولانی کردی؟ فرمود: به یاد یکی از نعمت های خدا بر خود افتادم خواستم خدایم را شکر کنم.

﴿۲۱۳۳﴾ با حضرت باقر علیه السلام در اطراف مدینه حرکت می کردیم، او ناگهان سر به سجده نهاد پس از اینکه سر خود را از زمین برداشت گفت: از سجده ای ناگهانی من در شگفت شدی؟ گفتم: آری قربانت گردم، فرمود: خداوند به یاد نعمتی افتادم که خدا به من ارزانی داشته است؛ کرامت داشتیم از محل یادآوری بگذرم مگر اینکه شکر آن را به جای آورم.

﴿۲۱۳۴﴾ ای اسحاق، اگر خداوند به بنده ای نعمتی بدهد و او آن را شکر گزارد، به محض اینکه از سجده فارغ شود خداوند، به فرشتگان امر می کند که در دو جهان بر نعمت او افزوده شود.

﴿۲۱۳۵﴾ هرگاه یکی از شما نعمت خدای عزیز و جلیل را به یاد آورد، باید برای شکر خدا، چهره روی خاک بگذارد و اگر سواره است باید پیاده شود و چهره روی خاک گذارد و اگر از بیم شهرت و ریا نتواند پیاده شود چهره روی برآمدگی زین بگذارد، و اگر نتواند، چهره بر کف دست بگذارد، سپس خدا را بر نعمتی که به او داده ستایش کرده و سپاس گوید.

۱-۲-۳-۲-۶-۵-۴ هنگام ترس از خدا

﴿۲۱۳۶﴾ چون منصور خلیفه ی عباسی امام جعفر صادق علیه السلام را خواست، حضرت وضو گرفت و دو رکعت نماز گزارد، سپس سجده ای شکر نمود و فرمود: پروردگارا، بر زبان پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله به ما اهل بیت وعده دادی که هراس ما را به امنیت بدل کنی، و وعده ات حق است. پروردگارا، آنچه به ما وعده کرده ای وفا کن، چون می دانیم وعده ات خلاف پذیر نیست. صفوان می گوید عرض کردم: آقای من، خداوند کجا به شما وعده داده است؟ فرمود: این آیه ی شریفه: "خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند وعده می دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد".

۱-۲-۳-۲-۶-۵-۵ بعد از شنیدن حدیث

﴿۲۱۳۷﴾ آنگاه که پیامبر صلی الله علیه و آله از گفتن این کلام فارغ شد، به درگاه خدا به سجده افتادم و به خاطر شکر خداوند متعال از شنیدن این حدیث گریستم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١-٢-٣-٤-٥-٦- بعد الصلاة

﴿٢١٣٨﴾ الصادق عليه السلام: أَنَّهُ قَالَ سَجْدَةُ الشُّكْرِ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ تُمُّ بِهَا صَلَاتُكَ وَ تَرْضَى بِهَا رَبَّكَ وَ تَعْجِبُ الْمَلَائِكَةُ مِنْكَ وَ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا صَلَّى ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ فَتَحَّ الرَّبُّ الْحِجَابَ بَيْنَ الْمَلَائِكَةِ وَ بَيْنَ الْعَبْدِ؛ عوَالِي اللَّالِي ج: ١ ص: ٣٣٤

﴿٢١٣٩﴾ الصادق عليه السلام: سَجْدَةُ الشُّكْرِ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ تُمُّ بِهَا صَلَاتُكَ وَ تَرْضَى بِهَا رَبَّكَ وَ تَعْجِبُ الْمَلَائِكَةُ مِنْكَ وَ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا صَلَّى ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ فَتَحَّ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الْحِجَابَ بَيْنَ الْعَبْدِ وَ بَيْنَ الْمَلَائِكَةِ فَيَقُولُ يَا مَلَائِكَتِي انظُرُوا إِلَى عَبْدِي أَدَّى فَرَضِي وَ أَتَمَّ عَهْدِي ثُمَّ سَجَدَ لِي شُكْرًا عَلَى مَا أَنْعَمْتُ بِهِ عَلَيْهِ مَلَائِكَتِي مَا ذَا لَهُ عِنْدِي قَالَ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا رَحِمَتُكَ ثُمَّ يَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ثُمَّ مَا ذَا لَهُ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا جَسَّتْكَ ثُمَّ يَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ثُمَّ مَا ذَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا كِفَايَةُ مُهِمِّهِ فَيَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ثُمَّ مَا ذَا قَالَ وَ لَا يَبْقَى شَيْءٌ مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا قَالَتْهُ الْمَلَائِكَةُ فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَا مَلَائِكَتِي ثُمَّ مَا ذَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ رَبَّنَا لَا عِلْمَ لَنَا قَالَ فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَشْكُرُ لَهُ كَمَا شَكَرَ لِي وَ أَقْبِلْ إِلَيْهِ بِفَضْلِي وَ أَرِيهِ وَجْهِي؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٣٣٣

﴿٢١٤٠﴾ السجاد عليه السلام: فَلَمَّا صِرْنَا بِالسَّقِيَا نَزَلَ فَصَلَّى وَ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ١٤٧

١-٢-٣-٤-٥-٦- بعد صلاة يوم النبروز

﴿٢١٤١﴾ الصادق عليه السلام: إِذَا كَانَ يَوْمُ النَّبَرِ فَاغْتَسِلْ وَ الْبَسْ أَنْظِفَ ثِيَابَكَ وَ تَطَيَّبْ بِأَطْيَبِ طَبِيبِكَ وَ تَكُونُ ذَلِكَ الْيَوْمَ صَائِمًا فَإِذَا صَلَّيْتَ النَّوَافِلَ وَ الظُّهْرَ وَ الْعَصْرَ فَصَلِّ بَعْدَ ذَلِكَ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ تَقْرَأُ فِي أَوَّلِ كُلِّ رَكَعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ عَشْرَ مَرَّاتٍ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ فِي الثَّانِيَةِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ عَشْرَ مَرَّاتٍ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَ فِي الثَّالِثَةِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ عَشْرَ مَرَّاتٍ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ فِي الرَّابِعَةِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ عَشْرَ مَرَّاتٍ الْمُعَوِّذَتَيْنِ وَ تَسْجُدُ بَعْدَ فَرَاعِكَ مِنَ الرَّكَعَاتِ سَجْدَةَ الشُّكْرِ وَ تَدْعُو فِيهَا يُغْفَرُ لَكَ ذُنُوبُ خَمْسِينَ سَنَةً؛ وسائل الشيعة ج: ٨ ص: ١٧٢

١-٢-٣-٤-٥-٦- بعد صلاة الفريضة

﴿٢١٤٢﴾ الرضا عليه السلام: السَّجْدَةُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى مَا وَفَّقَ لَهُ الْعَبْدَ مِنْ آدَاءِ فَرَضِهِ وَ أَذْنَى مَا يُجْزَى فِيهَا مِنَ الْقَوْلِ أَنْ يَقَالَ شُكْرًا لِلَّهِ شُكْرًا لِلَّهِ شُكْرًا لِلَّهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ قُلْتُ فَمَا مَعْنَى

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۶-۵-۲-۳-۲-۱- بعد از نماز

﴿۲۱۳۸﴾ سجده‌ی شکر بر هر مسلمانی واجب است و نماز با آن تکمیل می‌شود، و پروردگار عزیز به سبب آن راضی می‌گردد، و فرشتگان از اعمال آن شخص در شگفت خواهند شد. و هرگاه بنده‌ی مؤمن نماز به‌جای آورد و بعد از آن سر به سجده نهد، پروردگار درهای آسمان را می‌گشاید، و حجاب را از میان بنده و فرشتگان برمی‌دارد.

﴿۲۱۳۹﴾ سجده‌ی شکر بر هر مسلمانی واجب است، به گونه‌ای که نمازت را با آن کامل و رضای پروردگارت را حاصل می‌سازی، و فرشتگان آن را از تو می‌پسندند، و بدون شک هرگاه بنده نماز بگذارد و پس از فراغ در پی آن به سجده‌ی شکر رود، پروردگار متعال حجاب از میان او و فرشتگان برگیرد، و به آنان خطاب کند: بنگرید به‌سوی بنده‌ی من که وظیفه‌ی واجب خویش را انجام داده و به پیمان من وفا نموده، و به شکرانه‌ی برخورداری از انعام من برایم به سجده افتاده، اکنون بگویند نزد من پاداش او چه خواهد بود؟ فرشتگان گویند: ای پروردگار ما پاداش او رحمت توست، خداوند متعال فرماید: دیگر چه؟ گویند: خداوند! بهشت تو، باز می‌پرسد دیگر چه پاداشی دارد؟ گویند: آنکه گرفتاری‌های او را برطرف سازی، باز خداوند بپرسد: دیگر چه؟ امام علیه السلام فرمود: چیزی باقی نماند مگر آنکه فرشتگان آن را نام برند، باز خداوند تکرار فرماید: دیگر چه؟ آن‌ها گویند: خدایا، ما را فهم آن نیست، آنگاه خداوند متعال گوید: آنکه من از او تشکر نمایم همان‌طور که او مرا شکر نمود، و با فضل خود به او رو کنم، و از دیدار وجه خویش برخوردارش سازم.

﴿۲۱۴۰﴾ همین‌که به منزلی به نام سقیاء رسیدیم فرود آمد و نماز خواند و سجده‌ی شکر به‌جای آورد.

۱-۶-۵-۲-۳-۲- بعد از نماز نوروز

﴿۲۱۴۱﴾ در عید نوروز غسل کن و پاکیزه‌ترین لباس‌های خودت را بپوش و خوشبوترین عطر خود را استفاده کن و در آن روز روزه بگیر، پس هنگامی که نمازهای نافله و نماز واجب ظهر و عصر را خواندی، بعد از آن چهار رکعت نماز بخوان؛ " در اول هر رکعت سوره‌ی حمد و در رکعت اول پس از آن، ده مرتبه سوره‌ی قدر و در رکعت دوم بعد از حمد، ده مرتبه سوره‌ی کافرون و در رکعت سوم پس از حمد، ده مرتبه سوره‌ی توحید و در رکعت چهارم بعد از سوره‌ی حمد، ده مرتبه معوذتین (فلق و ناس) را بخوان، پس بعد از فراغت از انجام نماز سجده‌ی شکر کن و در آن دعا بخوان، که به سبب این نماز در این روز گناهان پنجاه سال تو بخشیده می‌شود.

۲-۶-۵-۲-۳-۲- بعد از نماز واجب

﴿۲۱۴۲﴾ سجده‌ی بعد از نماز واجب، شکر به درگاه خداوند است به خاطر توفیقی که به بنده‌اش برای ادای نماز واجب داده است، و کمترین ذکر در سجده‌ی شکر این است که سه بار بگوید: " شکر الله " " شکر مخصوص خداست ". گفتیم: معنی این ذکر چیست؟ فرمود: " یعنی: این

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

قَوْلُهُ شُكْرًا لِلَّهِ قَالَ يَقُولُ هَذِهِ السَّجْدَةُ مِنِّي شُكْرًا لِلَّهِ عَلَى مَا وَفَّقَنِي لَهُ مِنْ خِدْمَتِهِ وَآدَاءِ فَرَضِهِ وَالشُّكْرُ مُوجِبٌ لِلزِّيَادَةِ فَإِنْ كَانَ فِي الصَّلَاةِ تَقْصِيرٌ لَمْ يَتِمَّ بِالنَّوَافِلِ تَمَّ بِهِذِهِ السَّجْدَةُ؛ وسائل الشريعة ج: ٧ ص: ٥

﴿٢١٤٣﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّمَا يَسْجُدُ الْمُصَلِّي سَجْدَةً بَعْدَ الْفَرِيضَةِ لِشُكْرِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ فِيهَا عَلَى مَا مَنَّ بِهِ عَلَيْهِ مِنْ آدَاءِ فَرَضِهِ وَآذَنِي مَا يُجْزَى فِيهَا شُكْرًا لِلَّهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٣٣٣

﴿٢١٤٤﴾ الرضا عليه السلام: سَأَلْتُهُ عَنْ سَجْدَةِ الشُّكْرِ فَقَالَ أَيُّ شَيْءٍ سَجْدَةُ الشُّكْرِ فَقُلْتُ لَهُ إِنَّ أَصْحَابَنَا يَسْجُدُونَ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ سَجْدَةً وَاحِدَةً وَيَقُولُونَ هِيَ سَجْدَةُ الشُّكْرِ فَقَالَ إِنَّمَا الشُّكْرُ إِذَا أَنْعَمَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى عَبْدِهِ النِّعْمَةَ أَنْ يَقُولَ سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ تهذيب الأحكام ج: ٢ ص: ١٠٩

﴿٢١٤٥﴾ الكاظم عليه السلام: كَانَ عَلَى النَّبِيِّ يَقُولُ فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ وَعَظَّتْنِي فَلَمْ أَتَعْظُ وَ زَجَرْتَنِي عَنْ مَحَارِمِكَ فَلَمْ أَنْزَجِرْ وَ غَمَرْتَنِي أَبْيَادِيكَ فَمَا شَكَرْتُ عَفْوَكَ عَفْوَكَ يَا كَرِيمُ؛ المصباح للكفعمي ص: ٢٩

٣-٥-٦-٢-١- بَعْدَ التَّعْقِيبِ لِصَلَاةِ الْفَرِيضَةِ

﴿٢١٤٦﴾ الرضا عليه السلام: يَسْجُدُ بَعْدَ التَّعْقِيبِ سَجْدَةً الشُّكْرِ؛ وسائل الشريعة ج: ٤ ص: ٥٥

٤-٥-٦-٢-١- بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ

﴿٢١٤٧﴾ دَخَلْتُ الْعِرَاقَ فَرَأَيْتُ وَاحِدًا يُعَاتِبُ صَاحِبَهُ وَيَقُولُ لَهُ أَنْتَ رَجُلٌ عَلَيْكَ عِيَالٌ وَ تَحْتَاجُ أَنْ تَكْسِبَ عَلَيْهِمْ وَ مَا أَمْنُ أَنْ تَذْهَبَ عَيْنَاكَ بِطُولِ سُجُودِكَ قَالَ فَلَمَّا أَكْثَرَ عَلَيْهِ قَالَ أَكْثَرْتَ عَلَيَّ وَيَحْكُ لَوْ ذَهَبَتْ عَيْنُ أَحَدٍ مِنَ السُّجُودِ لَذَهَبَتْ عَيْنُ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ مَا ظَنَنْكَ بِرَجُلٍ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ فَلَا يَرْفَعُ رَأْسَهُ إِلَّا عِنْدَ الزَّوَالِ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ١٢٩

﴿٢١٤٨﴾ مِمَّا يَخْتَصُّ بِسَجْدَةِ الشُّكْرِ عَقِيبَ الصُّبْحِ أَنْ يَقُولَ يَا مَاجِدُ يَا جَوَادُ يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيَّ يَا فَرْدُ يَا مُنْفَرِدًا بِالْوَحْدَانِيَّةِ لَا يَشْتَبَهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ اللُّغَاتُ يَا مَنْ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أَنْثَى وَ مَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَ مَا تَزْدَادُ يَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ يَا مَنْ هُوَ أَعْلَمُ بِسِرِّرَتِي مِنِّي بِهَا يَا مَالِكَ الْأَشْيَاءِ قَبْلَ تَكْوِينِهَا أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ الَّذِي هُوَ نُورٌ مِنْ نُورٍ وَ أَسْأَلُكَ بِنُورِكَ السَّاطِعِ فِي الظُّلُمَاتِ وَ سُلْطَانِكَ الْغَالِبِ وَ مُلْكِكَ الْقَاهِرِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

سجده به عنوان سپاسگزاری بر توفیقی است که بر خدمت و ادای واجبش به ما عطا کرد ". شکر موجب افزونی نعمت می‌شود؛ اگر در نماز کوتاهی شده باشد که حتی با نوافل جبران نشود با این سجده برطرف می‌شود.

﴿۲۱۴۳﴾ نماز گزار پس از انجام فریضه به سجده می‌رود تا سپاس خداوند متعال را بر نعمتی که به او عطا کرده و او را به انجام وظیفه موفق ساخته است به جا آورد، و کمترین ذکر که در آن باید گفته شود سه بار گفتن " شکر الله " " همه‌ی شکر متعلق به خداست "، می‌باشد.

﴿۲۱۴۴﴾ درباره‌ی سجده‌ی شکر از ایشان پرسیدم فرمودند: سجده‌ی شکر چیست؟ گفتم بعضی از دوستان ما بعد از نماز واجب یک سجده می‌کنند و می‌گویند که این سجده‌ی شکر است. فرمودند: شکر آن است که هرگاه خداوند متعال به بنده‌ای نعمتی دهد بنده بگوید: " پاک و منزّه کسی که این را مستخرّ ما ساخت و درغیراین صورت ما توانایی تسخیر آن را نداشتیم و ما به‌سوی پروردگارمان باز می‌گردیم و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است ".

﴿۲۱۴۵﴾ علی (علیه السلام) در سجده‌ی شکر بعد از نماز واجب می‌گفتند: " موعظه‌ام کردی اما نپذیرفتم و از حرام‌های منعم کردی اما دوری نکردم و مرا در نعمت‌های فرو بردی اما شکر نکردم؛ خواستار عفو توأم، خواستار عفو توأم ای بزرگوار.

۳-۶-۵-۲-۳-۱- بعد از تعقیب نماز واجب

﴿۲۱۴۶﴾ پس از تعقیبات نماز سجده‌ی شکر می‌کرد.

۴-۶-۵-۲-۳-۱- بعد از نماز صبح

﴿۲۱۴۷﴾ وارد عراق شدم و دیدم کسی دوستش را ملامت می‌کند و به او می‌گوید: تو زن و فرزند داری و نیاز داری که برای آن‌ها کسب درآمدی داشته باشی و ممکن است که با طولانی‌بودن سجده‌های چشم‌مانت را از دست بدهی. وقتی که خیلی او را ملامت کرد گفت: خیلی ملامتم کردی، وای بر تو؛ اگر قرار باشد چشم کسی به خاطر سجده از دست برود، آن چشمان ابن‌ابی‌عمیر خواهد بود نظرت درباره‌ی مردی که بعد از نماز صبح سجده‌ی شکر می‌نماید و سرش را از سجده بر نمی‌دارد مگر هنگام ظهر چیست؟

﴿۲۱۴۸﴾ آنچه مختص به سجده‌ی شکر بعد از نماز صبح است، چنین بگوید: " ای بزرگوار، ای سخاوتمند، ای آنکه وقتی حیاتی نمود، زنده بودی؛ ای یکتا، ای بی‌همتا در وحدانیت، ای آن که صداها تورابه اشتباه نیندازد، ای که لغات برایش نا آشنا نیست، ای آن که می‌داند آنچه را که هر ماده‌ای [در رحم] بار می‌گیرد و [نیز] آنچه را رحم‌ها می‌کاهند و آنچه را می‌افزایند، ای کسی که نگاه‌های پنهانی و آنچه را که دل‌ها در نهان دارند، می‌داند، ای کسی که بر رازهای پنهانی من، از من آگاه‌تر است، ای مالک موجودات قبل از ایجاد آن‌ها، از تو به حق اسم پنهان و در خزانه‌ات که زنده و قائم به ذات خود است درخواست می‌کنم همان که نور است و از نور؛ و از تو به حق نور درخشنده‌ات در تاریکی‌ها و توانایی غلبه کننده‌ات بر همه و به حق قدرتت که با آن همه چیز را

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

لِمَنْ دُونَكَ وَبَقْدَرِكَ الَّتِي بِهَا تُذِلُّ كُلَّ شَيْءٍ وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسَّعَتْ كُلَّ شَيْءٍ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تُعِيدَنِي مِنْ جَمِيعِ مَضَلَّاتِ الْفِتَنِ وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا يَخَافُ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٢٢٠

﴿٢١٤٩﴾ السَّجَادَ الطَّيِّبَ: أَتَيْتُ الْمَسْجِدَ فَدَخَلْتُهُ فَمَا وَجَدْتُ فِيهِ إِلَّا سَيِّدِي عَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ الطَّيِّبَ قَائِمًا يُصَلِّيُ صَلَاةَ الْفَجْرِ وَحَدَّهُ فَوَقَّفْتُ وَصَلَّيْتُ بِصَلَاتِهِ فَلَمَّا أَنْ فَرَغَ مِنْ صَلَاتِهِ سَجَدَ سَجْدَةً الشُّكْرِ ثُمَّ إِنَّهُ جَلَسَ يَدْعُو؛ مستدرک الوسائل ج: ٦ ص: ١٥٣

٥-٦-٢-٣-١- بعد صلاة الظهر

﴿٢١٥٠﴾ السَّجَادَ الطَّيِّبَ: ثُمَّ اسْجُدْ سَجْدَةَ الشُّكْرِ الَّتِي بَعْدَ الظُّهْرِ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَقُلْ فِيهَا مَا تَقَدَّمَ ذِكْرُهُ مِنَ الدُّعَاءِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٦٨

﴿٢١٥١﴾ الرِّضَا الطَّيِّبَ: كَانَ الرِّضَا الطَّيِّبَ فِي طَرِيقِ خُرَّاسَانَ إِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ يَعْنِي مِنْ سَجْدَةِ الشُّكْرِ بَعْدَ صَلَاةِ الظُّهْرِ قَامَ فَصَلَّى سِتَّ رَكَعَاتٍ؛ بحار الأنوار ج: ٨٤ ص: ٨٥

﴿٢١٥٢﴾ الرِّضَا الطَّيِّبَ: يُصَلِّيُ الظُّهْرَ فَإِذَا سَلَّمَ سَجَّ اللَّهُ وَحَمَّدَهُ وَكَبَّرَهُ وَهَلَّلَهُ مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ يَقُولُ فِيهَا مِائَةَ مَرَّةٍ شُكْرًا لِلَّهِ؛ وسائل الشيعة ج: ٤ ص: ٥٥

٦-٥-٦-٢-٣-١- بعد تعقيب صلاة الظهر

﴿٢١٥٣﴾ الرِّضَا الطَّيِّبَ: أَنَّ الرِّضَا الطَّيِّبَ كَانَ يَسْجُدُ بَعْدَ الْفَرَاغِ مِنَ تَعْقِيبِ الظُّهْرِ سَجْدَةً يَقُولُ فِيهَا مِائَةَ مَرَّةٍ شُكْرًا لِلَّهِ وَبَعْدَ الْفَرَاغِ مِنَ تَعْقِيبِ الْعَصْرِ سَجْدَةً يَقُولُ فِيهَا مِائَةَ مَرَّةٍ حَمْدًا لِلَّهِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٢١٩

٧-٥-٦-٢-٣-١- بعد صلاة المغرب

﴿٢١٥٤﴾ الرِّضَا الطَّيِّبَ: أَنَّ الرِّضَا الطَّيِّبَ كَانَ إِذَا سَلَّمَ عَنِ الْمَغْرِبِ جَلَسَ فِي مُصَلَّاهُ يُسَبِّحُ اللَّهَ وَ يُحَمِّدُهُ وَيُكَبِّرُهُ وَيُهَلِّلُهُ مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَلَمْ يَتَكَلَّمْ حَتَّى يَقُومَ فَيُصَلِّيَ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ ثُمَّ يَجْلِسُ بَعْدَ التَّسْلِيمِ فِي التَّعْقِيبِ مَا شَاءَ اللَّهُ؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ١٠٠

﴿٢١٥٥﴾ الرِّضَا الطَّيِّبَ: صَلَّى الْمَغْرِبَ ثَلَاثًا بِأَذَانٍ وَإِقَامَةٍ وَفَنَتْ فِي الثَّانِيَةِ قَبْلَ الرُّكُوعِ وَبَعْدَ الْقِرَاءَةِ فَإِذَا سَلَّمَ جَلَسَ فِي مُصَلَّاهُ يُسَبِّحُ اللَّهَ وَيُحَمِّدُهُ وَيُكَبِّرُهُ وَيُهَلِّلُهُ مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ يَسْجُدُ سَجْدَةَ الشُّكْرِ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَلَمْ يَتَكَلَّمْ حَتَّى يَقُومَ وَيُصَلِّيَ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ بِتَسْلِيمَتَيْنِ؛ وسائل الشيعة ج: ٤ ص: ٥٥

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

خوار کردی و به حق رحمت که بر همه چیز شامل می شود، می خواهم که بر محمد و اهل بیتش درود فرستی و مرا از فتنه های گمراهی و از شر آنچه مخلوقات از آن می ترسند پناهم دهی که تو شنونده ی دعایی و تو مهربان ترین مهربانانی.

﴿۲۱۴۹﴾ به مسجد رفتم، و داخل شدم، در آنجا جز آقا و مولایم علی بن الحسین (علیه السلام) را نیافتم در حالی که به تنهایی به انجام نماز صبح مشغول بود پس نمازم را با او به جماعت خواندم و مشاهده کردم که پس از آنکه نماز را به پایان برد، سجده کرد؛ سجده ی شکر، و پس از آن نشست و مشغول خواندن دعا شد.

۵-۶-۵-۲-۳-۱- بعد از نماز ظهر

﴿۲۱۵۰﴾ سپس سجده ی شکری را که هر روز بعد از نماز ظهر است انجام بده و در آن ها، آن دعایی را که پیش از این ذکر شد بگو.

﴿۲۱۵۱﴾ امام رضا (علیه السلام) در راه سفر خراسان هرگاه سرش را از سجده ی شکر بعد از نماز ظهر بر می داشت، می ایستاد و شش رکعت نماز می خواند.

﴿۲۱۵۲﴾ بعد از سلام نماز ظهر وقتی خدا می خواست مشغول تسبیح و تکبیر و تهلیل می شد، تا، بعد به سجده ی شکر می رفت و صد مرتبه در سجده ی شکر می گفت: "شکرا لله".

۶-۶-۵-۲-۳-۱- بعد از تعقیب نماز ظهر

﴿۲۱۵۳﴾ امام رضا (علیه السلام) بعد از تعقیبات نماز ظهر به سجده می رفت و در آن صد مرتبه ذکر "شکراً لله" می گفت؛ و بعد از تعقیبات نماز عصر به سجده می رفت و در آن صد مرتبه ذکر "حمداً لله" می گفت.

۷-۶-۵-۲-۳-۱- بعد از نماز مغرب

﴿۲۱۵۴﴾ امام رضا (علیه السلام) در وقت مغرب بعد از سلام نماز در محل نماز خود نشسته و هر چه می توانست تسبیح و تحمید و تکبیر و تهلیل خدا می گفت، پس از آن سجده ی شکر به جا می آورد و با کسی سخن نمی گفت تا اینکه از جای خویش بلند می شد و چهار رکعت نافله ی نماز مغرب می گزارد سپس بعد از سلام می نشست و در تعقیب نماز تا جایی که می توانست ذکر و تسبیح می گفت.

﴿۲۱۵۵﴾ سه رکعت نماز مغرب به جای می آورد با یک اذان و یک اقامه و قنوت در رکعت دوم قبل از رفتن به رکوع و بعد از تمام شدن قراءت سوره، و چون سلام نماز را می داد، پس در همان جا می نشست و تسبیحات مذکور را به جای می آورد، و بعد به سجده ی شکر می رفت، و بعد سر بر می داشت ولی با کسی سخن نمی گفت تا اینکه چهار رکعت نافله ی مغرب را به جای می آورد، هر دو رکعت را به یک سلام.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢١٥٦﴾ الصادق عليه السلام: فَإِذَا فَرَغْتَ مِنْ تَعْقِيبِ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ فَإِنْ شِئْتَ أَنْ تَسْجُدَ سَجْدَتِي الشُّكْرَ أَلَّا نَفَسْجُدَهُمَا كَمَا نَذَكُرُهُ وَإِنْ شِئْتَ تَوَخَّرْ سَجْدَةَ الشُّكْرِ إِلَى مَا بَعْدَ الْفَرَاغِ مِنْ كُلِّ مَا تَعْمَلُهُ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَبَيْنَ عِشَاءِ الْآخِرَةِ مِنْ صَلَوَاتٍ وَدَعَوَاتٍ وَتَكُونُ سَجْدَةُ الشُّكْرِ فِي آخِرِ مَا تَعْمَلُ فَأَفْعَلْ؛ فلاح السائل ص: ٢٤٣

١-٢-٣-٤-٥-٦-٧-٨- بَعْدَ النَّافِلَةِ لِصَلَاةِ الْمَغْرِبِ

﴿٢١٥٧﴾ الهادي عليه السلام: صَلَّى بِنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلَيَّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ صَلَاةُ الْمَغْرِبِ فَسَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ بَعْدَ السَّابِعَةِ فَقُلْتُ لَهُ كَانَ أَبَاؤُكَ يَسْجُدُونَ بَعْدَ الثَّلَاثَةِ فَقَالَ مَا كَانَ أَحَدٌ مِنْ آبَائِي يَسْجُدُ إِلَّا بَعْدَ السَّابِعَةِ؛ تهذيب الأحكام ج: ٢ ص: ١١٤

﴿٢١٥٨﴾ الصادق عليه السلام: فَإِذَا فَرَغْتَ مِنْ تَعْقِيبِ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ فَإِنْ شِئْتَ أَنْ تَسْجُدَ سَجْدَتِي الشُّكْرَ أَلَّا نَفَسْجُدَهُمَا كَمَا نَذَكُرُهُ وَإِنْ شِئْتَ تَوَخَّرْ سَجْدَةَ الشُّكْرِ إِلَى مَا بَعْدَ الْفَرَاغِ مِنْ كُلِّ مَا تَعْمَلُهُ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَبَيْنَ عِشَاءِ الْآخِرَةِ مِنْ صَلَوَاتٍ وَدَعَوَاتٍ وَتَكُونُ سَجْدَةُ الشُّكْرِ فِي آخِرِ مَا تَعْمَلُ فَأَفْعَلْ؛ فلاح السائل ص: ٢٤٣

﴿٢١٥٩﴾ الجواد عليه السلام: فَصَلَّى النَّوَافِلَ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ وَعَقَّبَ بَعْدَهَا وَسَجَدَ سَجْدَتِي الشُّكْرِ؛ وسائل الشيعة ج: ٦ ص: ٤٩٠

١-٢-٣-٤-٥-٦-٧-٨- بَعْدَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ

﴿٢١٦٠﴾ الباقر عليه السلام: فَصَلَّى بِالنَّاسِ الْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ الْآخِرَةَ وَسَجَدَ سَجْدَتِي الشُّكْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٥٠ ص: ٥٧

١-٢-٣-٤-٥-٦-٧-٨- بَعْدَ تَعْقِيبِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ

﴿٢١٦١﴾ الرضا عليه السلام: كَانَ الرِّضَا عَلَيْهِ فِي طَرِيقِ خُرَاسَانَ إِذَا فَرَغَ مِنْ تَعْقِيبِ الْعِشَاءِ وَسَجَدَ سَجْدَتِي الشُّكْرَ أَوْ إِلَى فِرَاشِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٤ ص: ٢٣١

﴿٢١٦٢﴾ وَقَالُوا فِي تَعْقِيبِ الْعِشَاءِ ثُمَّ اسْجُدْ سَجْدَةَ الشُّكْرِ وَقُلِ اللَّهُمَّ أَنْتَ أَنْتَ أَنْتَ أَنْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ مِنْكَ يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ غَيْرُكَ يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ كَثْرَةُ الدُّعَاءِ إِلَّا كَرَمًا وَجُودًا يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ كَثْرَةُ الدُّعَاءِ إِلَّا كَرَمًا وَجُودًا يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ كَثْرَةُ الدُّعَاءِ إِلَّا كَرَمًا وَجُودًا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهِلِ بَيْتِهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهِلِ بَيْتِهِ وَتَسْأَلُ حَاجَتَكَ ثُمَّ تَضَعُ خَدَّكَ الْأَيْمَنَ عَلَى الْأَرْضِ فَتَقُولُ مِثْلَ ذَلِكَ وَتَضَعُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۱۵۶﴾ هنگامی که تعقیب نماز را به پایان بردی، اگر خواستی می‌توانی بلافاصله بعد از آن سجده‌ی شکر را به کیفیتی که ذکر خواهیم نمود، به‌جای آوری، و نیز می‌توانی آن را به بعد از فراغت از تمام‌شدن اعمال و نمازها و دعاها بین نماز مغرب و عشا به تأخیر بیندازی، به گونه‌ای که سجده‌ی شکر آخرین عمل تو بین نماز مغرب و عشا باشد، پس اگر خواستی به این صورت انجام بده.

۸-۶-۵-۲-۳-۱- بعد از نافله‌ی نماز مغرب

﴿۲۱۵۷﴾ ابوالحسن علی بن محمد علیه السلام برای ما نماز مغرب را خواندند و ما به ایشان اقتدا کردیم و بعد از نماز مغرب، چهار رکعت نافله خواندند و بعد سجده‌ی شکر به‌جا آوردند به ایشان عرض کردم: پدران‌تان بعد از نماز مغرب سجده‌ی شکر به‌جا می‌آوردند؛ فرمودند: هیچ‌یک از پدران‌م سجده‌ی شکر به‌جا نمی‌آوردند مگر بعد از ادای نماز مغرب و نافله‌ی آن.

﴿۲۱۵۸﴾ هنگامی که تعقیب نماز را به پایان بردی، اگر خواستی می‌توانی بلافاصله بعد از آن سجده‌ی شکر را به کیفیتی که ذکر خواهیم نمود، به‌جای آوری، و نیز می‌توانی آن را به بعد از فراغت از تمام‌شدن اعمال و نمازها و دعاها بین نماز مغرب و عشا به تأخیر بیندازی، به گونه‌ای که سجده‌ی شکر آخرین عمل تو بین نماز مغرب و عشا باشد، پس اگر خواستی به این صورت انجام بده.

﴿۲۱۵۹﴾ چهار رکعت نافله و پس از آن تعقیب نماز مغرب را خواند و دو سجده‌ی شکر به‌جا آورد.

۹-۶-۵-۲-۳-۱- بعد از نماز عشا

﴿۲۱۶۰﴾ نماز مغرب و عشا را با مردم خواند و دو سجده‌ی شکر به‌جا آورد.

۱۰-۶-۵-۲-۳-۱- بعد از تعقیب نماز عشاء

﴿۲۱۶۱﴾ حضرت رضا علیه السلام در مسیر حرکت به خراسان بعد از فراغت از تعقیبات نماز عشا و بعد از انجام سجده‌ی شکر به بستر می‌رفتند.

﴿۲۱۶۲﴾ و در تعقیب نماز عشا چنین گفتند: سپس سجده‌ی شکر به‌جا بیاور، و بگو: "خدایا، تو، تو، تو، امیدم را جز از خودت قطع فرما (سه مرتبه)، ای یگانه‌ای که کسی برای او و همتای او نیست، (سه مرتبه) ای کسی که زیادی حاجت و دعا کردن بندگان جز بر جود و بخشش و کرمش نمی‌افزاید؛ پس بر محمد و خاندانش درود فرست (سه مرتبه) پس از آن حاجت را درخواست کن

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

خَذَكَ الْإِسْرَ وَ تَقُولُ مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ تُعِيدُ جَهْتَكَ إِلَى الْأَرْضِ وَ تَسْجُدُ وَ تَقُولُ مِثْلَ ذَلِكَ؛
بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٢٣١

١١-٥-٦-٢-٣-١- بَعْدَ صَلَاةِ الْوُتِيرَةِ

﴿٢١٦٣﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: ثُمَّ اسْجُدْ سَجْدَةَ الشُّكْرِ إِنْ شِئْتَ الْآنَ وَ إِنْ شِئْتَ بَعْدَ صَلَاةِ الْوُتِيرَةِ وَ بَعْدَ تَعْقِيهِمَا بِحَسَبِ مَا يَفْتَحُهُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ عَلَيْكَ مِنَ الْإِمْكَانِ؛ فَلَاحِ السَّائِلِ ص: ٢٥٦
﴿٢١٦٤﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: ثُمَّ اسْجُدْ سَجْدَةَ الشُّكْرِ إِنْ شِئْتَ الْآنَ وَ إِنْ شِئْتَ بَعْدَ صَلَاةِ الْوُتِيرَةِ وَ بَعْدَ تَعْقِيهِمَا بِحَسَبِ مَا يَفْتَحُهُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ عَلَيْكَ مِنَ الْإِمْكَانِ وَ قُلِ اللَّهُمَّ أَنْتَ أَنْتَ أَنْتَقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ مِنْكَ يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ غَيْرُكَ يَا مَنْ لَا تَزِيدُهُ كَثْرَةُ الدُّعَاءِ إِلَّا كَرَمًا وَ جُودًا يَا مَنْ لَا تَزِيدُهُ كَثْرَةُ الدُّعَاءِ إِلَّا كَرَمًا وَ جُودًا يَا مَنْ لَا تَزِيدُهُ كَثْرَةُ الدُّعَاءِ إِلَّا كَرَمًا وَ جُودًا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ ثُمَّ تَضَعُ خَدَّكَ الْأَيْمَنَ عَلَى الْأَرْضِ فَتَقُولُ مِثْلَ ذَلِكَ وَ تَضَعُ خَدَّكَ الْإِسْرَ عَلَى الْأَرْضِ وَ تَقُولُ مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ تُعِيدُ جَهْتَكَ إِلَى الْأَرْضِ وَ تَسْجُدُ وَ تَقُولُ مِثْلَ ذَلِكَ؛ فَلَاحِ السَّائِلِ ص: ٢٥٦

١٢-٥-٦-٢-٣-١- بَعْدَ أَرْبَعِ رَكَعَاتٍ

﴿٢١٦٥﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: إِذَا قَامَ الْعَبْدُ يَصِفُ اللَّيْلَ بَيْنَ يَدَيْ رَبِّهِ جَلَّ جَلَالُهُ فَصَلَّى لَهُ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ ثُمَّ يَسْجُدُ سَجْدَةَ الشُّكْرِ بَعْدَ فَرَاغِهِ فَقَالَ مَا شَاءَ اللَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ مِائَةَ مَرَّةٍ نَادَاهُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ مِنْ فَوْقِهِ عَبْدِي إِلَى كَمْ تَقُولُ مَا شَاءَ اللَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنَا رَبُّكَ وَ إِلَيَّ الْمَشِيَّةُ وَ قَدْ شِئْتُ قَضَاءَ حَاجَتِكَ فَسَلِّني مَا شِئْتَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٨ ص: ٣٤١

١٣-٥-٦-٢-٣-١- بَعْدَ الثَّمَانِي رَكَعَاتٍ

﴿٢١٦٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَدْعُو بَعْدَ الثَّمَانِي رَكَعَاتٍ فَيَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ مَنْ عَاذَ بِكَ إِلَى قَوْلِهِ وَ اسْجُدْ سَجْدَتِي الشُّكْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٤ ص: ٢٥٧

١٤-٥-٦-٢-٣-١- بَعْدَ صَلَاةِ اللَّيْلِ

﴿٢١٦٧﴾ إِذَا كَانَ لَيْلَةُ الْجُمُعَةِ فَاغْتَسِلْ وَ صَلِّ صَلَاةَ اللَّيْلِ فَإِذَا سَجَدْتَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ دَعَوْتُ بِهَذَا الدُّعَاءِ وَ أَنْتَ بَارِكْ عَلَى رُكْبَتَيْكَ فَذَكَرَ لِي دُعَاءٌ؛ بحار الأنوار ج: ٥١ ص: ٣٠٧

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

سپس گونه‌ی راست را بر زمین بگزارو مثل آن را بگو و سپس گونه‌ی چپ را و مثل آن را بگو؛
آنگاه پیشانی‌ات را بر زمین بگذار و سجده کن و مثل آن را (که گفتی) بگو.

۱۱-۵-۶-۲-۳-۱- بعد از نماز وتیره

﴿۲۱۶۳﴾ سجده کن، سجده‌ی شکر؛ اگر خواستی همین الان و اگر خواستی بعد از نماز وتیره و بعد از تعقیبات، هر دو نماز بسته به اینکه خداوند با جلال در کدام یک از دو مورد امکانش را برایت فراهم می‌کند.

﴿۲۱۶۴﴾ اگر خواستی، می‌توانی بعد از انجام تعقیبات نماز عشا سجده‌ی شکر را به‌جا آوری، و یا بعد از نماز وتیره و نافله‌ی نماز عشا، بسته به اینکه در کدام وقت خداوند امکانش را برایت فراهم کند. و در سجده بگو: "خداوندا، تنها تو و تنها تو [امید منی]، امیدم جز از تو، جز از تو، و جز از تو بریده شده، ای بی‌همتا، ای بی‌همتایی که همتایی برای تو نیست، ای بی‌همتایی که همتایی برای تو نیست، ای بی‌همتایی که همتایی غیر از خودت برای خودت نیست؟ ای خدایی که فراوانی دعا جز بر بزرگواری و سخاوت تو نمی‌افزاید، ای کسی که زیادی درخواست و دعا، جز به بزرگواری و بخشش تو نمی‌افزاید، [ای کسی که بسیار دعاکردن، جز به کرم و بخشش تو نمی‌افزاید]، بر محمد و اهل‌بیت او درود فرست، بر محمد و اهل‌بیت او درود فرست، [بر محمد و اهل‌بیت او درود فرست]. سپس حاجت خویش را بخواه، بعد طرف راست صورت خود را بر زمین نهاده و مانند گفتار گذشته را بگو، بعد طرف چپ را بر زمین نهاده و مانند آن را بگو، سپس پیشانی را بر زمین گذارده و سجده به‌جا آور و مانند آن را تکرار کن.

۱۲-۵-۶-۲-۳-۱- بعد از چهار رکعت

﴿۲۱۶۵﴾ چون بنده‌ای نیمه‌شب در برابر پروردگار باجلالت به‌پاخیزد و در دل شب تار چهار رکعت نماز بخواند و پس از آن سجده‌ی شکر کند و صد بار بگوید "ماشاءالله" خداوند از فراز او را این چنین ندا می‌دهد: ای بنده‌ی من، تا کی می‌خواهی "ماشاءالله، ماشاءالله، ماشاءالله" بگویی؟ منم پروردگارت و اراده با من است، پس اراده‌ی من به برآمدن حاجت تو تعلق گرفت، هرچه می‌خواهی از من درخواست کن.

۱۳-۵-۶-۲-۳-۱- بعد از هشت رکعت

﴿۲۱۶۶﴾ امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از هشت رکعت چنین دعا می‌کرد: "خدایا، به حرمت آن که به تو پناه برد... " و در پایان دو سجده‌ی شکر به‌جا می‌آورد.

۱۴-۵-۶-۲-۳-۱- بعد از نماز شب

﴿۲۱۶۷﴾ هرگاه شب جمعه شود، غسل کن و بعد از فراغت از نماز شب، سجده‌ی شکر به‌جای آور، پس چون سر از سجده برداشتی بر دو زانوی خود بنشین و این دعا را بخوان.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢١٦٨﴾ صَلَّيْتُ صَلَاةَ اللَّيْلِ وَ سَجَدْتُ سَجْدَةَ الشُّكْرِ وَ جَثَوْتُ عَلَى رُكْبَتَيَّ وَ دَعَوْتُ اللَّهَ جَلَّ وَ تَعَالَى بِهَذَا الدُّعَاءِ؛ بحار الأنوار ج: ٥١ ص: ٣٠٧

١-٢-٣-٤-٥-٦-٧ في غير الصلاة

﴿٢١٦٩﴾ الصادق عليه السلام: أَيُّمَا مُؤْمِنٍ سَجَدَ سَجْدَةً لِشُكْرِ نِعْمَةٍ فِي غَيْرِ صَلَاةٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَ مَحَا عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ وَ رَفَعَ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ فِي الْجَنَّةِ؛ وسائل الشيعة ج: ٧ ص: ٢٠

١-٢-٣-٤-٥-٦-٧ لِمَاذَا؟

١-٢-٣-٤-٥-٦-٧ لِلسَّلَامَةِ

﴿٢١٧٠﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: سَجْدَةُ الشُّكْرِ عَلَى سَلَامَتِكَ فِي نَوْمِكَ وَ يَفْطَنَتِكَ؛ الأمان ص: ١٤٤

١-٢-٣-٤-٥-٦-٧ لِتَجْدِيدِ النِّعَمَةِ

﴿٢١٧١﴾ الصادق عليه السلام: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَ خَرُّوا لَهُ سُجَّدًا قَالَ قِيلَ إِنَّ السُّجُودَ كَانَ لِلَّهِ شُكْرًا لَهُ كَمَا يَفْعَلُ الصَّالِحُونَ عِنْدَ تَجْدِيدِ النِّعَمِ؛ وسائل الشيعة ج: ٦ ص: ٣٨٧

١-٢-٣-٤-٥-٦-٧ لِجَمْعِ الشَّمْلِ

﴿٢١٧٢﴾ الرضا عليه السلام: أَمَّا سُجُودُ يَعْقُوبَ وَ وَلَدِهِ لِيُوسُفَ فَإِنَّهُ لَمْ يَكُنْ لِيُوسُفَ وَ إِنَّمَا كَانَ ذَلِكَ مِنْ يَعْقُوبَ وَ وَلَدِهِ طَاعَةً لِلَّهِ وَ تَحِيَّةً لِيُوسُفَ كَمَا كَانَ السُّجُودُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ لِآدَمَ وَ لَمْ يَكُنْ لِآدَمَ إِنَّمَا كَانَ ذَلِكَ مِنْهُمْ طَاعَةً لِلَّهِ وَ تَحِيَّةً لِآدَمَ فَسَجَدَ يَعْقُوبُ وَ وَلَدُهُ وَ سَجَدَ يُوسُفُ مَعَهُمْ شُكْرًا لِلَّهِ لِاجْتِمَاعِ شَمْلِهِمْ أَلَمْ تَرَ أَنَّهُ يَقُولُ فِي شُكْرِهِ ذَلِكَ الْوَقْتُ رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَ عَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَ آخِزْنِي بِالصَّالِحِينَ فَنَزَلَ جِبْرِيلُ فَقَالَ لَهُ يَا يُوسُفُ أَخْرِجْ يَدَكَ فَأَخْرَجَهَا فَخَرَجَ مِنْ بَيْنِ أَصَابِعِهِ نُورٌ فَقَالَ مَا هَذَا النُّورُ يَا جِبْرِيلُ فَقَالَ هَذِهِ النُّبُوءَةُ أَخْرَجَهَا اللَّهُ مِنْ صُلْبِكَ لِأَنَّكَ لَمْ تَقُمْ لِأَبِيكَ؛ تفسير القمي ج: ١ ص: ٣٥٦

١-٢-٣-٤-٥-٦-٧ لِلْبَشَارَةِ

﴿٢١٧٣﴾ الباقر عليه السلام: فَأَقْبَلَ وَلَدُ يَعْقُوبَ يُحْثُونَ السَّيْرَ بِالْقَمِيصِ فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالَ لَهُمْ مَا فَعَلَ ابْنُ يَامِينَ قَالُوا خَلَفْنَاهُ عِنْدَ أَخِيهِ صَالِحًا فَحَمِدَ اللَّهُ عِنْدَ ذَلِكَ يَعْقُوبُ وَ سَجَدَ لِرَبِّهِ سَجْدَةَ الشُّكْرِ وَ اعْتَدَلَ ظَهْرُهُ وَ قَالَ لَوْلَدِهِ تَحَمَّلُوا إِلَى يُوسُفَ مِنْ يَوْمِكُمْ فَسَارُوا فِي تِسْعَةِ أَيَّامٍ إِلَى مِصْرَ فَلَمَّا دَخَلُوا اعْتَنَقَ يُوسُفُ أَبَاهُ وَ رَفَعَ خَالَتَهُ ثُمَّ دَخَلَ مَنْزِلَهُ وَ ادَّهَنَ وَ لَبَسَ ثِيَابَ الْمُلْكِ فَلَمَّا رَأَوْهُ سَجَدُوا شُكْرًا لِلَّهِ؛ بحار الأنوار ج: ١٢ ص: ٢٨٧

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۱۶۸﴾ نماز شب گزاردم، سپس سجده‌ی شکر نموده و بعد نشستم و با آن دعا، خدا را خواندم.

۷-۵-۶-۲-۳-۱-در غیر نماز

﴿۲۱۶۹﴾ هرکس از مؤمنان که برای شکرگزاری نعمت در غیر از نماز سجده کند، خداوند برای او ده حسنه ثبت می‌کند و ده گناه از پرونده‌اش محو می‌کند و او ده درجه در بهشت بالا می‌برد.

۶-۶-۲-۳-۱-چه نعمتی را شکر گزاریم؟

۱-۶-۶-۲-۳-سلامتی

﴿۲۱۷۰﴾ سجده‌ی شکر برای سالم نگاه‌داشتن در خواب و بیداری.

۲-۶-۶-۲-۳-تجدید نعمت

﴿۲۱۷۱﴾ درباره کلام خدای تعالی است؛ "درحالی که برای او به خاک افتادند و سجده نمودند" فرمود: گفته شده است که سجده کردن ایشان به جهت شکرگزاری و برای خدای متعال بوده است. همچنان که انسان‌های صالح آن را به هنگام تجدید نعمت به جا می‌آورند.

۳-۶-۶-۲-۳-جمع شدن دوستان یا خانواده

﴿۲۱۷۲﴾ اما سجده کردن یعقوب و فرزندان بر یوسف، در واقع آن سجده برای یوسف نبود بلکه از طرف یعقوب و فرزندان برای طاعت الهی و تحیت و بزرگداشت یوسف بود، همچنان که سجده‌ی فرشتگان نیز برای تحیت برای آدم علیه السلام بود، و همان سجده هم برای آدم نبود بلکه برای اطاعت امر الهی بود و درودی بر آدم علیه السلام بود. پس یعقوب و فرزندان سجده کردند و یوسف نیز همراه ایشان برای اینکه خداوند دوباره جمع ایشان را گرد هم آورد به عنوان شکر سجده کرد. آیا ندیدی که همانا او به عنوان شکر چنین گفت: پروردگارا آن وقت که به من حکومت و علم تفسیر و تأویل احادیث را عطا کردی، ای شکافنده‌ی آسمان‌ها و زمین تو ولی و سرپرست من هستی در دنیا و آخرت، پس جان مرا درحالی بگیر که تسلیم تو هستم و مرا به زمره‌ی صالحین ملحق فرما. پس دراین هنگام فرشته‌ی وحی (جبرئیل) نازل شد و به او گفت: ای یوسف، دستت را بیرون بیاور، و او دستش را بیرون آورد، درآن هنگام از بین انگشتانش نوری خارج شد، یوسف پرسید: این نور چه بود ای جبرئیل؟ گفت: این نور نبوت بود که خداوند آن را از نسل تو خارج کرد به سبب آنکه ادب را رعایت ننموده و در برابر پای پدرت قیام نکردی.

۴-۶-۶-۲-۳-بشارت و نوید دادن

﴿۲۱۷۳﴾ پسران یعقوب به سرعت پیراهن را آوردند و آنگاه که نزد او وارد شدند یعقوب به آن‌ها گفت: ابن‌یامین چه شد؟ گفتند: او با احترام نزد برادرش مانده است پس یعقوب آن هنگام خدا را ستایش کرد و برای پروردگارش سجده‌ی شکر به جا آورد و پشتش راست شد و به پسرانش گفت: امروز به‌سوی یوسف بروید و نه روزه به مصر رفتند و آنگاه که وارد شدند یوسف پدرش را در آغوش گرفت و خاله‌اش را اکرام کرد بعد وارد اطاق خود شد و روغن مالید و لباس پادشاهی پوشید و آنگاه که او را در لباس پادشاهی دیدند به شکرانه سجده‌ی شکر نمودند.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢١٧٤﴾ الباقِرُ عليه السلام: فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَى الْقَمِيصَ عَلَى وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا وَقَالَ لَهُمْ مَا فَعَلَ ابْنُ يَامِيلَ [يَامِينَ] قَالُوا خَلَفْنَاهُ عِنْدَ أَخِيهِ صَالِحًا قَالَ فَحَمِدَ اللَّهُ يَعْقُوبُ عِنْدَ ذَلِكَ وَسَجَدَ لِرَبِّهِ سَجْدَةَ الشُّكْرِ وَرَجَعَ إِلَيْهِ بَصَرُهُ وَتَقَوَّمَ لَهُ ظَهْرُهُ؛ بحار الأنوار ج: ١٢ ص: ٣١٧

٥-٦-٢-٣-١- لُبَّسُ وَالشُّرُورُ

﴿٢١٧٥﴾ الرسول عليه السلام: إِنَّ النَّبِيَّ عليه السلام إِذَا جَاءَهُ أَمْرٌ يَسْرُهُ أَوْ سَرٌّ بِهِ خَرَّ سَاجِدًا شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى؛ عوالي اللآلي ج: ١ ص: ١٩٩

﴿٢١٧٦﴾ الصادق عليه السلام: بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام مَعَ أَصْحَابِهِ إِذْ سَجَدَ فَاطَالَ السُّجُودَ حَتَّى ظَنُّوا أَنَّهُ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَقَدْ أَطَلْتَ السُّجُودَ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّكَ مِمَّا ذَاكَ فَقَالَ عليه السلام أَتَانِي جَبْرِئِيلُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْرُتُكَ السَّلَامُ وَيَقُولُ لَكَ إِنِّي لَنْ أَسُوءَكَ فِيمَنْ وَالَاكَ مِنْ أُمَّتِكَ وَلَنْ أَقْضِيَ عَلَى مُؤْمِنٍ قَضَاءً سَاءَهُ أَوْ سَرَّ ذَلِكَ إِلَّا وَهُوَ خَيْرٌ لَهُ قَالَ عليه السلام فَلَمْ يَكُنْ عِنْدِي مَالٌ فَاتَّصَدَّقْتُ بِهِ وَ لَا مَمْلُوكٌ فَأَغْتَقَهُ فَسَجَدْتُ لِلَّهِ وَ شَكَرْتُهُ وَ حَمِدْتُهُ عَلَى ذَلِكَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ١٥١

٦-٦-٢-٣-١- لُبَّسُ وَالْفَضْلُ وَ التَّفْضِيلُ لِلنَّبِيِّ عليه السلام وَ أَهْلِ الْبَيْتِ عليهم السلام

﴿٢١٧٧﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ عليه السلام كَانَ فِي سَفَرٍ يَسِيرُ عَلَى نَاقَةٍ لَهُ إِذَا نَزَلَ فَسَجَدَ خَمْسَ سَجَدَاتٍ فَلَمَّا أَنْ رَكِبَ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّا رَأَيْنَاكَ صَنَعْتَ شَيْئًا لَمْ تَصْنَعْهُ فَقَالَ نَعَمْ اسْتَقْبَلَنِي جَبْرِئِيلُ عليه السلام فَبَشَّرَنِي بِبَشَارَاتٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَسَجَدْتُ لِلَّهِ شُكْرًا لِكُلِّ بَشْرٍ سَجْدَةً؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٨

﴿٢١٧٨﴾ الصادق عليه السلام: بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام يَسِيرُ مَعَ بَعْضِ أَصْحَابِهِ فِي بَعْضِ طُرُقِ الْمَدِينَةِ إِذْ ثَنَّى رِجْلَهُ عَنْ دَائِيَّتِهِ ثُمَّ خَرَّ سَاجِدًا فَاطَالَ فِي سُجُودِهِ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَعَادَ ثُمَّ رَكِبَ فَقَالَ لَهُ أَصْحَابُهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ رَأَيْنَاكَ ثَنَيْتَ رِجْلَكَ عَنْ دَائِيَّتِكَ ثُمَّ سَجَدْتَ فَاطَلْتَ السُّجُودَ فَقَالَ إِنَّ جَبْرِئِيلَ عليه السلام أَتَانِي فَأَقْرَأَنِي السَّلَامَ مِنْ رَبِّي وَ بَشَّرَنِي أَنَّهُ لَنْ يُخْزِنِي فِي أُمَّتِي فَلَمْ يَكُنْ لِي مَالٌ فَاتَّصَدَّقْتُ بِهِ وَ لَا مَمْلُوكٌ فَأَغْتَقَهُ فَأَحْبَبْتُ أَنْ أَشْكُرَ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٢١

﴿٢١٧٩﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ فِي الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ لَرَفًّا مِنْ نُورٍ فِيهِ كِتَابٌ مِنْ نُورٍ فِيهِ اسْمُ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ الْأَئِمَّةِ وَ شِيعَتِهِمْ لَا يَزِيدُ فِيهِمْ رَجُلٌ وَ لَا يَنْقُصُ مِنْهُمْ رَجُلٌ إِنَّهُ لَمِثَاقُنَا الَّذِي أَخَذَ عَلَيْنَا وَ إِنَّهُ لَيُفْرَأُ عَلَيْنَا فِي كُلِّ يَوْمٍ جُمُعَةٍ فَسَجَدْتُ لِلَّهِ شُكْرًا؛ الكافي ج: ٣ ص: ٢٨٤

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۱۷۴﴾ آنگاه که بشارت‌دهنده آمد و پیراهن را روی چهره‌ی او انداخت، او بینا شد و به آن‌ها گفت: ابن‌یامین چه شد؟ گفتند او با احترام نزد برادرش مانده است. پس آنگاه یعقوب خدا را ستایش کرد و برای پروردگارش سجده‌ی شکر به‌جای آورد و چشمش بینا و پشتش راست شد.

۵-۶-۲-۳-۱- آسانی و شادی

﴿۲۱۷۵﴾ هنگامی که برای پیامبر ﷺ مطلب ناخوشایند یا مسأله‌ی خوشحال‌کننده‌ی پیش می‌آمد برای ادای شکر به پیشگاه خداوند متعال به حالت سجده به زمین می‌افتاد.

﴿۲۱۷۶﴾ پیامبر خدا ﷺ با اصحابشان بودند که به سجده‌رفتند سجودشان طولانی شد به حدی که گمان کردند ایشان به رحمت خدا رفته‌اند... سپس سرشان را بلند کردند. از ایشان پرسیدند: ای پیامبر خدا، سجده‌ات را طولانی نمودی به حدی که ما گمان کردیم که از دنیا رفته‌ای. فرمود: جبرئیل از نزد خداوند تبارک و تعالی بر من نازل شد و گفت: ای محمد! پروردگارت تو را سلام می‌رساند و به تو می‌فرماید، من هرگز در مورد بنده‌ای از امت که تو را دوست دارد امر ناراحت‌کننده‌ای نفرستاده‌ام، و بر هر مؤمنی امری را که در ظاهر او را ناراحت کند یا او را شادمان کند انجام ندادم مگر اینکه آن کار برای او خیر بود. پیامبر خدا ﷺ فرمود: نه مالی نزد من بود که آن را صدقه دهم و نه بنده‌ای که او را آزاد سازم، پس به شکرانه برای خدا به سجده افتادم و او را شکر کردم و بر این امر او را ستایش کردم.

۶-۶-۲-۳-۱- بشارت و فضل و برتری پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ

﴿۲۱۷۷﴾ پیامبر خدا ﷺ برای سفر کوتاهی بر شتر ماده‌ی خویش سوار بود [در سفری بر شتر ماده‌ی خویش نشسته راه می‌پیمود] ناگاه فرود آمد و پنج سجده کرد، چون سوارشد، اصحاب عرض کردند: ای پیامبر خدا، از شما عملی دیدیم که تاکنون انجام نداده بودید؟ پیامبر ﷺ فرمود: آری، جبرئیل ﷺ نزد من آمد و از جانب خدای عزیز و جلیل به من مژده‌هایی داد، من برای هر مژده یک سجده‌ی شکر برای خدا به جا آوردم.

﴿۲۱۷۸﴾ در این میان که پیامبر خدا ﷺ با برخی اصحابش در یکی از کوچه‌های مدینه می‌رفت ناگهان پا از رکاب خالی کرد و روی زمین به سجده افتاد و سجده‌ای طولانی کرد و سر برداشت و باز سوارشد اصحابش سبب پرسیدند، فرمود: جبرئیل نزد من آمد و از پروردگارم به من سلام رسانید و به من مژده داد که خدا مرا در امتم رسوا نمی‌کند مالی نداشتم به شکرانه‌ی آن صدقه دهم و بنده‌ای نداشتم آزاد کنم و خواستم شکر پروردگار عزیز و جلیل را کرده باشم.

﴿۲۱۷۹﴾ در بیت‌المعمور لایه‌ی نازکی از نور هست که با خط نور در آن نام محمد ﷺ و علی ﷺ و حسن ﷺ و حسین ﷺ و امامان و شیعیانشان بدون اینکه نام یکی از ایشان کم یا زیاد شده باشد نوشته شده است، این میثاق و پیمانی است که از ما گرفته‌اند و در هر روز جمعه بر ما قرائت می‌نمایند. پس من به سجده‌ی شکر افتادم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢١٨٠﴾ الرسول ﷺ: أَنَّهُ دَخَلَ النَّبِيُّ ﷺ يَوْمًا إِلَى فَاطِمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا فَهَيَّاتْ لَهُ طَعَامًا مِنْ تَمْرٍ وَ قُرْصٍ وَ سَمْنٍ فَاجْتَمَعُوا عَلَى الْأَكْلِ هُوَ وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ فَلَمَّا أَكَلُوا سَجَدَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ أَطَالَ سُجُودَهُ ثُمَّ بَكَى ثُمَّ ضَحِكَ وَ جَلَسَ وَ كَانَ أَجْرَاهُمْ فِي الْكَلَامِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ رَأَيْنَا فِيكَ الْيَوْمَ مَا لَمْ نَرَهُ قَبْلَ ذَلِكَ فَقَالَ إِنِّي لَمَّا أَكَلْتُ مَعَكُمْ فَرَحْتُ وَ سُرَرْتُ بِسَلَامَتِكُمْ فَسَجَدْتُ لِلَّهِ تَعَالَى شُكْرًا فَهَبَطَ جِبْرِيلُ يَقُولُ سَجَدْتُ شُكْرًا لِفِرْحِكَ بِأَهْلِكَ فَقُلْتُ نَعَمْ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٠ ص: ٢٧٥

﴿٢١٨١﴾ الرسول ﷺ: إِنِّي لَمَّا شَرِبْتُ الْمَاءَ قَالَ لِي جِبْرِيلُ وَ الْمَلَائِكَةُ مَعَهُ هَنِيئًا مَرِيئًا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ لَمَّا شَرِبَ الْحَسَنُ قَالُوا لَهُ كَذَلِكَ وَ لَمَّا شَرِبَ الْحُسَيْنُ وَ فَاطِمَةُ قَالَ جِبْرِيلُ وَ الْمَلَائِكَةُ هَنِيئًا مَرِيئًا فَقُلْتُ كَمَا قَالُوا وَ لَمَّا شَرِبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ اللَّهُ لَهُ هَنِيئًا مَرِيئًا يَا وَلِيِّ وَ حُجَّتِي عَلَى خَلْقِي فَسَجَدْتُ لِلَّهِ شُكْرًا عَلَى مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيَّ فِي أَهْلِ بَيْتِي؛ بحار الأنوار ج: ٧٣ ص: ٥٧

﴿٢١٨٢﴾ الصادق ﷺ: بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي سَفَرٍ إِذْ نَزَلَ فَسَجَدَ خَمْسَ سَجَدَاتٍ فَلَمَّا رَكِبَ قَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ رَأَيْنَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَنَعْتَ مَا لَمْ تَكُنْ تَصْنَعُهُ قَالَ نَعَمْ أَتَانِي جِبْرِيلُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَبَشَّرَنِي أَنَّ عَلِيًّا فِي الْجَنَّةِ فَسَجَدْتُ شُكْرًا لِلَّهِ فَلَمَّا رَفَعْتُ رَأْسِي قَالَ وَ فَاطِمَةُ فِي الْجَنَّةِ فَسَجَدْتُ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى فَلَمَّا رَفَعْتُ رَأْسِي قَالَ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَسَجَدْتُ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى فَلَمَّا رَفَعْتُ رَأْسِي قَالَ وَ مَنْ يُحِبُّهُمْ فِي الْجَنَّةِ فَسَجَدْتُ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى فَلَمَّا رَفَعْتُ رَأْسِي قَالَ وَ مَنْ يُحِبُّ مَنْ يُحِبُّهُمْ فِي الْجَنَّةِ فَسَجَدْتُ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى؛ بحار الأنوار ج: ٦٥ ص: ١١١

﴿٢١٨٣﴾ الصادق ﷺ: بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَعَ أَصْحَابِهِ إِذْ سَجَدَ فَاطَالَ السُّجُودَ حَتَّى ظَنُّوا أَنَّهُ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَقَدْ أَطَلْتَ السُّجُودَ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّكَ مِمَّا ذَاكَ فَقَالَ ﷺ أَتَانِي جِبْرِيلُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْرُئُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ إِنِّي لَنْ أَسْوءَكَ فِيمَنْ وَالَاكَ مِنْ أُمَّتِكَ وَ لَنْ أَقْضِيَ عَلَى مُؤْمِنٍ قَضَاءَ سَاءَةٍ أَوْ سَرَّ ذَلِكَ إِلَّا وَ هُوَ خَيْرٌ لَهُ قَالَ ﷺ فَلَمْ يَكُنْ عِنْدِي مَالٌ فَأَتَصَدَّقَ بِهِ وَ لَا مَمْلُوكٌ فَأَعْتِقَهُ فَسَجَدْتُ لِلَّهِ وَ شَكَرْتُهُ وَ حَمِدْتُهُ عَلَى ذَلِكَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ١٥١

﴿٢١٨٤﴾ الرضا ﷺ: دَخَلْنَا عَلَيْهِ وَ هُوَ سَاجِدٌ فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ فَاطَالَ فِي سُجُودِهِ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقُلْنَا لَهُ أَطَلْتَ السُّجُودَ فَقَالَ مَنْ دَعَا فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ بِهَذَا الدُّعَاءِ كَانَ كَالرَّامِي مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَوْمَ بَدْرٍ قَالَا قُلْنَا فَنَكْتُبُهُ قَالَ أَكْتُبَا إِذَا أَنْتَ سَجَدْتَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ فَقُلِ اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ بَدَّلَا دِينَكَ وَ غَيْرًا

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۱۸۰﴾ داخل شد روزی پیامبر خدا ﷺ به خانه‌ی فاطمه علیها السلام وارد شد و حضرت زهرا علیها السلام برای پیامبر صلی الله علیه و آله غذایی از خرما و نان و روغن درست کرد و اهل خانه که شامل پیامبر صلی الله علیه و آله و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام بود برای صرف غذا جمع شدند، پس از آنکه غذا را خوردند، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سجده کردند و سجده را طولانی نمودند، سپس گریستند و بعد از آن خندید و نشست آنگاه علی علیه السلام آغاز به سخن نمود که: ای پیامبر خدا، امروز از شما حالتی و کاری را دیدیم که پیش از آن ندیده بودیم، پس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانا من هنگامی که به همراه شما غذا خوردم، شاد و از سلامتی شما خشنود گشتم پس از بابت شکرگزاری به پیشگاه خدای تعالی سجده کردم، پس آنگاه جبرئیل نازل شد و گفت: به جهت شکر و خوشحالی برای سلامت خانواده‌ات سجده کردی؟ من پاسخ دادم: آری.

﴿۲۱۸۱﴾ چون آب نوشیدم جبرئیل و فرشته‌ها به من گفتند: گوارا باد بر تو ای پیامبر خدا، و چون حسن نوشید به او نیز چنین گفتند و به حسین و فاطمه علیهم السلام نیز چنین گفتند و من هم همان را گفتم، و چون امیر مؤمنان علیه السلام نوشید خدا به او فرمود: ای ولی و حجت من بر خلقم پس آنگاه من در برابر نعمتی که درمورد خاندانم به من داد برای خدا سجده‌ی شکر کردم.

﴿۲۱۸۲﴾ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفری، از مرکب خود پیاده شد و پنج مرتبه به سجده افتاد. چون سوار مرکب شد یکی از یارانش عرض کرد: ما کاری از شما دیدیم که تاکنون مثل آن را از شما ندیده بودیم فرمود: آری، جبرئیل علیه السلام نزد من آمده و مرا بشارت داد که علی اهل بهشت است، من به شکرانه‌ی این نعمت به پیشگاه خدای متعال سجده آوردم، چون سر برداشتم گفت: فاطمه هم اهل بهشت است، من به شکرانه‌ی آن نیز سجده آوردم، چون سر برداشتم گفت: حسن و حسین دو سرور جوانان بهشتی‌اند. باز هم به شکرانه‌ی آن سجده کردم، چون سر برداشتم گفت: هر که ایشان را دوست بدارد نیز اهل بهشت است، من به شکرانه‌ی آن سجده کردم، چون سر برداشتم گفت: هر که دوست دوستان ایشان باشد اهل بهشت است، و من به شکرانه‌ی آن نیز سجده نمودم.

﴿۲۱۸۳﴾ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با اصحابشان بودند که به سجده رفتند سجودشان طولانی شد به حدی که گمان کردند ایشان به رحمت خدا رفته‌اند... سپس سرشان را بلند کردند. از ایشان پرسیدند: ای پیامبر خدا، سجده‌ات را طولانی نمودی به حدی که ما گمان کردیم که از دنیا رفته‌ای. فرمود: جبرئیل از نزد خداوند تبارک و تعالی بر من نازل شد و گفت: ای محمد! پروردگارت تو را سلام می‌رساند و به تو می‌فرماید، من هرگز در مورد بنده‌ای از امت که تو را دوست دارد امر ناراحت کننده‌ای نفرستاده‌ام، و بر هر مؤمنی امری را که در ظاهر او را ناراحت کند یا او را شادمان کند انجام ندادم مگر اینکه آن کار برای او خیر بود. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: نه مالی نزد من بود که آن را صدقه دهم و نه بنده‌ای که او را آزاد سازم، پس به شکرانه برای خدا به سجده افتادم و او را شکر کردم و بر این امر او را ستایش کردم.

﴿۲۱۸۴﴾ ما بر آن حضرت داخل شدیم و حال آنکه ایشان در سجده‌ی شکر بودند. پس سجده‌ی خود را طول دادند و چون سر مبارک از سجده برداشتند، ما گفتیم که: چه بسیار سجده‌ی خود را طولانی نمودید. پس فرمودند که: هرکس این دعا را در سجده‌ی شکر بخواند، مثل کسی خواهد بود که در خدمت پیامبر خدا به جهاد رفته باشد و بر روی دشمنان خدا در روز جنگ بدر تیر انداخته باشد. اسماعیل بن یزید و سلیمان گویند که ما گفتیم: پس این دعا را بنویسیم. فرمودند که: آری این دعا را بنویسید و هرگاه تو سجده کنی سجده‌ی شکر را، پس تو این دعا را بخوان و

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

نِعْمَتِكَ وَآتَيْتَهُمَا رَسُولَكَ ﷺ وَخَالَفَا مِلَّتَكَ وَصَدَّكَ عَنْ سَبِيلِكَ وَكَفَرَا بِآيَاتِكَ وَرَدَّكَ عَلَيْكَ
كَلَامَكَ وَاسْتَهْزَأَ بِرَسُولِكَ وَقَتَلَا ابْنَ نَبِيِّكَ وَحَرَّفَا كِتَابَكَ وَجَحَدَا آيَاتِكَ وَسَخَرَا
بِآيَاتِكَ وَاسْتَكْبَرَا عَنْ عِبَادَتِكَ وَقَتَلَا أَوْلِيَاءَكَ وَجَلَسَا فِي مَجْلِسٍ لَمْ يَكُنْ لَهُمَا بَحَقٌّ وَحَمَلَا
النَّاسَ عَلَى أَكْثَافِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ الصَّلَوَاتُ وَالسَّلَامُ اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْنَا يَتْلُو بَعْضُهُمَا بَعْضًا وَ
أَحْشَرُهُمَا وَاتَّبَاعَهُمَا إِلَى جَهَنَّمَ زُرْقًا اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَقَرَّبُ عَلَيْكَ [إِلَيْكَ] بِاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمَا وَالْبِرَاءَةِ
مِنْهُمَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَقَتْلَةَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ابْنِ بَنَتِ رَسُولِكَ
اللَّهُمَّ رَذِّهِمَا عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ وَهَوَانًا فَوْقَ هَوَانٍ وَذُلًّا فَوْقَ ذُلٍّ وَخِزْيًا فَوْقَ خِزْيٍ اللَّهُمَّ دَعِّهِمَا
فِي النَّارِ دَعَاً وَارْكِسْهُمَا فِي أَلِيمِ عَذَابِكَ رُكْسًا اللَّهُمَّ أَحْشَرُهُمَا وَاتَّبَاعَهُمَا إِلَى جَهَنَّمَ زُمْرًا اللَّهُمَّ
فَرِّقْ جَمْعَهُمْ وَشَتِّتْ أَمْرَهُمْ وَخَالَفْ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ وَبَدِّدْ جَمَاعَتَهُمْ وَالْعَنْ أَيْمَنَتَهُمْ وَاقْتُلْ قَادَتَهُمْ وَ
سَادَتَهُمْ وَكِبَرَاءَهُمْ وَالْعَنْ رُؤُسَاءَهُمْ وَأكْسِرْ رَأْيَتَهُمْ وَآلِقِ الْبَاسَ بَيْنَهُمْ وَلَا تَبْقِ مِنْهُمْ دِيَارًا اللَّهُمَّ
الْعَنْ أَبَا جَهْلٍ وَالْوَلِيدَ لَعْنَا يَتْلُو بَعْضُهُ بَعْضًا وَيَتَّبِعُ بَعْضُهُ بَعْضًا اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْنَا يَلْعَنُهُمَا بِهِ كُلُّ
مَلَكٍ مُقَرَّبٍ وَكُلُّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ وَكُلُّ مُؤْمِنٍ اِمْتَحَنَتْ قَلْبُهُ لِلْإِيمَانِ اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْنَا يَتَعَوَّذُ مِنْهُ
أَهْلُ النَّارِ وَمِنْ عَذَابِهِمَا اللَّهُمَّ الْعَنْهُمَا لَعْنَا لَا يَخْطُرُ لِأَحَدٍ بِيَالِ اللَّهِ الْعَنْهُمَا فِي مُسْتَسِرِّ سِرِّكَ وَ
ظَاهِرِ عَلَانِيَتِكَ وَعَذِّبْهُمَا عَذَابًا فِي التَّقْدِيرِ وَفَوْقَ التَّقْدِيرِ وَشَارِكْ مَعَهُمَا ابْنَتَيْهِمَا وَأَشْيَاعَهُمَا وَ
مُحِبِّيهِمَا وَمَنْ شَآءَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٢٢٣

﴿٢١٨٥﴾ زَارَ فَاطِمَةَ ﷺ لِمَ يَوْمًا فَصَنَعَتْ لَهُ عَصِيدَةً مِنْ تَمْرٍ فَقَدَمَتْهَا بَيْنَ يَدَيْهِ فَآكَلَ هُوَ وَ
عَلِيُّ وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنَانِ ﷺ فَلَمَّا فَرَّغُوا مِنَ الْأَكْلِ سَجَدَ النَّبِيُّ ﷺ فَاطَالَ السُّجُودُ ثُمَّ بَكَى فِي
سُجُودِهِ ثُمَّ ضَحِكَ ثُمَّ جَلَسَ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ يَا رَسُولَ اللَّهِ لِمَ سَجَدْتُ وَبَكَيتُ وَضَحِكْتُ
فَقَالَ ﷺ لَمَّا رَأَيْتُكُمْ مُجْتَمِعِينَ سُرَرْتُ بِذَلِكَ فَسَجَدْتُ لِلَّهِ شُكْرًا؛ مستدرک الوسائل ج: ٥

ص: ١٥٤

﴿٢١٨٦﴾ الرُّسُولُ ﷺ: سَجَدَ النَّبِيُّ ﷺ شُكْرًا لَمَّا اجْتَمَعَ عَلَى بِفَاطِمَةَ وَالْحُسَيْنَيْنِ؛ الصراط

المستقيم ج: ٣ ص: ٢٠١

﴿٢١٨٧﴾ الرُّسُولُ ﷺ: سَجَدَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَاطَالَ السُّجُودُ فَقُلْنَا لَهُ سَجَدْتَ فَاطَلْتَ السُّجُودَ
فَقَالَ نَعَمْ أَتَانِي جَبْرِئِيلُ فَقَالَ مَنْ صَلَّى عَلَيْكَ مَرَّةً صَلَّى اللَّهُ بِهَا عَلَيْهِ عَشْرًا فَسَجَدْتُ لِلَّهِ شُكْرًا؛

مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ١٥٤

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

دعا این است: خداوند نفرین کن بر آن دو شخص که تغییر دادند دین تو را و تغییر دادند نعمت تو را و بر پیامبر تو تهمت زدند و مخالفت ورزیدند ملت تو را و اعراض کردند از راه و طریقه‌ی حق تو و انکار نمودند نعمت‌های تو را و رد کردند بر تو سخن و قرأت را و استهزا نمودند پیامبر تو را و استهزا نمودند روز معاد و حشر تو را و سرپیچیدند از بندگی و فرمان‌برداری تو و کشتند دوستان تو را و نشستند در مجلس خلافت، درحالی که ایشان را بر آن نه شایستگی و نه حقی بود و سوار کردند مردمان را بر دوش‌های خاندان محمد ﷺ، خداوند نفرین کن آن دو شخص را، نفرینی که پی‌درپی آید بعضی از آن بعضی را و محشور گردان آن‌ها را و تابعان آن‌ها را به‌سوی جهنم درحالی که از نابینایان (و گمراهان) باشند، خداوند به‌درستی که ما نزدیکی می‌جوییم به‌سوی تو به سبب نفرین کردن بر این دو شخص و به سبب بیزاربودن از این هردو در دنیا و در آخرت خداوند نفرین کن بر کشنده‌ی امیرالمؤمنین و بر کشنده‌ی امام حسین پسر علی و پسر [فاطمه] دختر پیامبر خدا که رحمت فرستد خدا بر او و بر خاندان او، خداوند زیاد گردان عقوبت آن دو شخص را به بالاترین عقوبت‌ها و زیاد گردان خواری و خفت آن‌ها را به بالاترین خفت‌ها و خوار گردان آن‌ها را به بالاترین خواری‌ها و رسوا کن آن‌ها را به شدیدترین رسوایی‌ها، خداوند بینداز هردوی ایشان را در آتش جهنم؛ انداختنی شدید و سرنگون نما هردو را در عذاب دردناک از جانب خود، سرنگون کردنی شدید خداوند محشور کن آن دو را و تابعان آن‌ها را به‌سوی جهنم درحالی که همگی یکجا جمع باشند. خداوند پراکنده کن اجتماع آن‌ها را و متفرق ساز امر آن‌ها را و تفرقه و اختلاف انداز میان اتفاق آن‌ها و جدا ساز جمعیت آن‌ها را و نفرین کن بر پیشوای آن‌ها و بکش سرکرده‌های آن‌ها را و برگزیده‌ها و بزرگان آن‌ها را و نفرین کن بر سرکرده‌های آن‌ها و بشکن علم و نشانه‌ی بزرگی آن‌ها را و بینداز شدت عقوبت را میان آن‌ها و باقی مگذار از آن‌ها احدی را، خداوند نفرین کن بر ابوچهل و بر ولید، نفرینی را که مداوم باشد برخی، بعضی دیگر را و تابع شود بعضی بعضی را، خداوند نفرین کن هردو را، نفرینی که نفرین کند آن‌ها را به آن نفرین هر فرشته‌ی مقرب‌ی و هر پیامبر فرستاده‌شده‌ای و هر شخص مؤمنی که خالص کرده باشی تو دل او را برای ایمان، خداوند نفرین کن آن هردو را نفرینی که پناه گیرند از آن اهل آتش از عذاب آن، خداوند نفرین کن آن هردو را نفرینی که نرسیده باشد به ذهن کسی، خداوند نفرین کن آن هردو را در پنهان از نهانی خود و در ظاهر از آشکار خود و عذاب کن هردوی آن‌ها را عذابی که باشد در تقدیر تو و بالاتر از آنچه تقدیر نموده‌ای آن را و شریک گردان با این دو، دو دختر آن‌ها را و پیروان آن‌ها را و دوستداران آن‌ها را و کسی را که متابعت نماید از ایشان به‌درستی که تو شنونده‌ی هر دعایی.

﴿۲۱۸۵﴾ پیامبر ﷺ به دیدار فاطمه ﷺ رفت و حضرت فاطمه ﷺ برای ایشان، حلوایی از خرما درست کردند و به ایشان تقدیم کردند پیامبر و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام خوردند و آنگاه که از خوردن آن فارغ شدند پیامبر ﷺ سجده کردند و سجده را طولانی کردند و سپس در سجده گریه کردند و سپس نشستند؛ امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام عرض کرد: ای پیامبر خدا سجده کردید و گریستید و خندیدید؟ فرمودند: آنگاه که دیدم شما همگی جمع هستید شاد شدم و برای خدا سجده‌ی شکر کردم.

﴿۲۱۸۶﴾ پیامبر خدا به خاطر جمع شدن علی و فاطمه و حسنین به عنوان شکرگزاری سجده کرد
﴿۲۱۸۷﴾ سجده فرمود پیامبر خدا ﷺ پس سجده‌اش طولانی شد، پس آنگاه ما گفتیم به ایشان: که سجده فرمودید و سجده‌تان طولانی شد، پس گفت: جبرئیل به نزد آمد پس گفت: کسی که صد مرتبه درود بر تو فرستد خدای تعالی به سبب آن ده مرتبه به او درود می‌فرستد پس من سجده‌ی شکر به جای آوردم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢١٨٨﴾ الصادق عليه السلام: سَأَلْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَنْ سَجْدَةِ الشُّكْرِ الَّتِي سَجَدَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا كَانَ سَبَبَهَا فَحَدَّثَنِي عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَجَّهَهُ فِي أَمْرٍ مِنْ أُمُورِهِ فَحَسَنَ فِيهِ بَلَاؤُهُ وَعَظَّمَ عَنَاؤُهُ فَلَمَّا قَدِمَ مِنْ وَجْهِهِ ذَلِكَ أَقْبَلَ إِلَى الْمَسْجِدِ وَرَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَدْ خَرَجَ يُصَلِّي الصَّلَاةَ فَصَلَّى مَعَهُ فَلَمَّا انْصَرَفَ مِنَ الصَّلَاةِ أَقْبَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَاعْتَنَقَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ثُمَّ سَأَلَهُ عَنْ مَسِيرِهِ ذَلِكَ وَمَا صَنَعَ فِيهِ فَجَعَلَ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ يُحَدِّثُهُ وَآسَارِيرُ وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ تَلْمَعُ سُرُورًا [بِمَا حَدَّثَهُ] فَلَمَّا أَتَى عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى حَدِيثِهِ قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَلَا تَأْتِيكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ [فَقَالَ بَلَى] فَذَاكَ أَبِي وَأُمِّي فَكَمْ مِنْ خَيْرٍ بَشَرْتُ [بِهِ] قَالَ إِنَّ جَبْرِئِيلَ هَبِطَ إِلَيَّ فِي وَقْتِ الزَّوَالِ فَقَالَ [لِي] يَا مُحَمَّدُ هَذَا ابْنُ عَمِّكَ عَلِيُّ وَارِدُ عَلَيْكَ إِلَيَّ أَنْ قَالَ قَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَكَ سَيِّدَ الْأَنْبِيَاءِ وَجَعَلَ عَلِيًّا سَيِّدَ الْأَوْصِيَاءِ وَخَيْرَهُمْ وَجَعَلَ الْأَئِمَّةَ مِنْ ذُرِّيَّتِكَمَا إِلَى أَنْ يَرِثَ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا فَسَجَدَ عَلِيُّ ﷺ وَجَعَلَ يُقْبِلُ الْأَرْضَ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى؛

بحار الأنوار ج: ٣٥ ص: ٢٦

﴿٢١٨٩﴾ الرسول ﷺ: فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيَّ يَا مُحَمَّدُ اخْتَرْتُكَ مِنْ خَلْقِي وَاخْتَرْتُ لَكَ وَصِيًّا مِنْ بَعْدِكَ وَجَعَلْتُهُ مِنْكَ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدَكَ وَالْقِيَتْ مَحَبَّةً فِي قَلْبِكَ وَجَعَلْتُهُ أَبَا وَلَدِكَ فَحَقَّهُ بَعْدَكَ عَلَى أُمَّتِكَ كَحَقِّكَ عَلَيْهِمْ فِي حَيَاتِكَ فَمَنْ جَحَدَ حَقَّهُ جَحَدَ حَقِّكَ وَمَنْ أَبَى أَنْ يُؤَالِيَهُ فَقَدْ أَبَى أَنْ يُؤَالِيَكَ وَمَنْ أَبَى أَنْ يُؤَالِيَكَ فَقَدْ أَبَى أَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ فَخَرَرْتُ لِلَّهِ سَاجِدًا شُكْرًا لِمَا أَنْعَمَ إِلَيَّ؛ بحار الأنوار ج: ٥١ ص: ٦٨

﴿٢١٩٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ عَلِيًّا إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَقَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَيَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ فَبَشَّرَهُ بِذَلِكَ فَبَشَّرَهُ النَّبِيُّ ﷺ بِذَلِكَ فَخَرَّ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ سَاجِدًا شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَ

جَلْ؛ بحار الأنوار ج: ٤٧ ص: ١٦٨

﴿٢١٩١﴾ الرسول ﷺ: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا بَشَّرَ بِشَيْءٍ سَجَدَ شُكْرًا لِلَّهِ؛ الصراط المستقيم ج: ٣

ص: ٢٠١

﴿٢١٩٢﴾ الرسول ﷺ: مَا الَّذِي تُرِيدُونَ فَقَالُوا إِنْ يَكُنْ لَكَ عِنْدَ رَبِّكَ قَدْرٌ فَأَمْرِ الْقَمَرَ أَنْ يَنْقَطَعَ قِطْعَتَيْنِ فَهَبِطَ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ اللَّهُ يُفْرُئُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ إِنِّي قَدْ أَمَرْتُ كُلَّ شَيْءٍ بِطَاعَتِكَ فَرَفَعَ رَأْسَهُ فَأَمَرَ الْقَمَرَ أَنْ يَنْقَطَعَ قِطْعَتَيْنِ فَانْقَطَعَ قِطْعَتَيْنِ فَسَجَدَ النَّبِيُّ ﷺ شُكْرًا لِلَّهِ وَسَجَدَ شَيْعَتُنَا ثُمَّ رَفَعَ النَّبِيُّ ﷺ رَأْسَهُ وَرَفَعُوا رُءُوسَهُمْ فَقَالُوا يَعُودُ كَمَا كَانَ فَعَادَ كَمَا كَانَ ثُمَّ قَالُوا يَنْشَقُّ رَأْسُهُ فَأَمَرَهُ فَانْشَقَّ فَسَجَدَ النَّبِيُّ ﷺ شُكْرًا لِلَّهِ وَسَجَدَ شَيْعَتُنَا؛ بحار الأنوار

ج: ١٧ ص: ٣٥١

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۱۸۸﴾ از امام صادق علیه السلام درباره‌ی سبب سجده‌ی شکری که امیرالمؤمنین علیه السلام انجام دادند پرسیدم، ایشان از قول پدرشان محمدبن علی علیه السلام برایم گفتند که پدرشان علی بن الحسین علیه السلام از پدرشان حسین علیه السلام از پدرشان علی بن ابی طالب علیه السلام نقل کردند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام را برای انجام مأموریتی فرستادند حضرت علی با همه‌ی سختی تکلیف را به‌خوبی ادا کردند و هنگامی که از مأموریت بازگشتند پیامبر خدا برای نماز به مسجد رفته بودند؛ پس به مسجد رفته به‌سجده رفته با ایشان نماز خواندند و آنگاه که نماز تمام شد رو به پیامبر خدا کردند و پیامبر خدا ایشان را در آغوش گرفتند و درباره‌ی چگونگی انجام مأموریت پرسیدند و علی شروع به صحبت کرد و چهره‌ی پیامبر خدا از کلام حضرت علی از شادی می‌درخشید؛ هنگامی که کلام حضرت علی تمام شد پیامبر خدا به ایشان فرمودند: ای ابالحسن آیا به تو بشارت بدهم؟ گفت: پدر و مادرم فدایت آری؛ و چه بسیار بشارت‌ها که تو به ما داده‌ای. پیامبر فرمودند: جبرئیل هنگام ظهر بر من فرود آمد و به من گفت: ای محمد، خداوند تو را آقای پیامبران قرار داد و علی را آقای جانشینان و بهترین آن‌ها قرار داد و امامان را از نسل شما قرار داد تا اینکه زمین و آنچه را بر آن است ارث برید پس علی سجده کرد و برای شکر خداوند تعالی شروع به بوسیدن زمین کرد.

﴿۲۱۸۹﴾ ندا رسید: ای محمد، من تو را از میان بندگانم برگزیدم و وزیری بعد از تو برایت انتخاب کردم تا مانند هارون باشد که وزیر موسی بود، با این تفاوت که بعد از تو پیامبری نیست، محبت او را در دل تو جای دادم و او را پدر فرزندان تو گردانیدم، حقی که او بر امت تو دارد مثل حقی است که تو در زمان حیات خود بر بندگان من داری. پس هرکس حق او را پایمال کند حق تو را ضایع کرده است، و هرکس از دوستی وی سر باز زند از دوستی تو سر باز زده و هرکس از دوستی تو سر باز زند، از آمدن به بهشت سر باز زده است. پس من به خاک افتادم و به خاطر این نعمت که خدا به من موهبت فرموده سجده‌ی شکر به جا آوردم.

﴿۲۱۹۰﴾ خدای عزیز و جلیل فرمود علی امام پرهیزگاران و پیشوای رو سفیدان و سرور مؤمنان است، او را به این مقام بشارت بده، پیامبر این مژده را به او داد و علی برای ادای شکر خدای عزیز و جلیل، خود را به زمین انداخت و سجده کرد.

﴿۲۱۹۱﴾ پیامبر اکرم اسلام آن‌هنگام که به خبر خوشی بشارت داده می‌شد برای شکر از خدای متعال سجده می‌کرد.

﴿۲۱۹۲﴾ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: چه می‌خواهید؟ گفتند: اگر تو نزد پروردگارت منزلتی داری به ماه امر کن تا به دو قسمت تقسیم شود. پس جبرئیل علیه السلام نازل شد و گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله، خداوند بر تو درود می‌فرستد و می‌گوید من همه‌چیز را به اطاعت کردن از تو امر کردم. پس پیامبر صلی الله علیه و آله سرشان را بلند کردند و به ماه امر کردند که به دو قسمت تقسیم شود و ماه به دو قسمت تقسیم شد؛ پس پیامبر صلی الله علیه و آله برای شکر خداوند سجده کردند و شیعیان ما هم سجده کردند؛ سپس پیامبر صلی الله علیه و آله سرشان را برداشتند و آن‌ها هم سرشان را برداشتند. پس منکران گفتند: بخواه که به حال اول بازگردد؛ پس به حال اول بازگشت سپس گفتند: بشکافد پس پیامبر صلی الله علیه و آله به ماه امر کردند و شکافته شد پس پیامبر صلی الله علیه و آله برای شکر خداوند سجده کردند و شیعیان ما هم سجده کردند.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢١٩٣﴾ الرسول ﷺ: مِنْ فَضَائِلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ مَا أَجْمَعَ عَلَيْهِ أَهْلُ السَّيْرِ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ بَعَثَ خَالِدَ بْنَ الْوَلِيدِ إِلَى أَهْلِ الْيَمَنِ يَدْعُوهُمْ إِلَى الْإِسْلَامِ وَأَنْفَذَ مَعَهُ جَمَاعَةً مِنَ الْمُسْلِمِينَ فِيهِمْ الْبَرَاءُ بْنُ عَازِبٍ رَحِمَهُ اللَّهُ وَأَقَامَ خَالِدٌ عَلَى الْقَوْمِ سِتَّةَ أَشْهُرٍ يَدْعُوهُمْ فَلَمْ يُجِبْهُ أَحَدٌ مِنْهُمْ فَسَاءَ ذَلِكَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَدَعَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ وَأَمَرَهُ أَنْ يَقُولَ خَالِدًا وَمَنْ مَعَهُ وَقَالَ لَهُ إِنْ أَرَادَ أَحَدٌ مِمَّنْ مَعَ خَالِدٍ أَنْ يُعَقِّبَ مَعَكَ فَاتْرُكْهُ قَالَ الْبَرَاءُ فَكُنْتُ مِمَّنْ عَقَّبَ مَعَهُ فَلَمَّا انْتَهَيْنَا إِلَى أَوَائِلِ أَهْلِ الْيَمَنِ وَبَلَغَ الْقَوْمَ الْخَبْرَ فَجَمَعُوا لَهُ فَصَلَّى بِنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ﷺ الْفَجْرَ ثُمَّ تَقَدَّمَ بَيْنَ أَيْدِينَا فَحَمِدَ اللَّهَ وَاتْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَرَأَ عَلَى الْقَوْمِ كِتَابَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَاسْلَمَتْ هَمْدَانُ كُلُّهُمَا فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ وَكَتَبَ بِذَلِكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَلَمَّا قَرَأَ كِتَابَهُ اسْتَبْشَرَ وَابْتَهَجَ وَخَرَّ سَاجِدًا شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى؛ بحار الأنوار ج: ٢١، ص: ٣٦٣

﴿٢١٩٤﴾ أمير المؤمنين ﷺ: هَبَطَ عَلَيْهِ جِبْرِئِيلُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُفَرِّقُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ إِنَّ عَبْدِي مُوسَى ﷺ بَاهِلَ عَدُوِّهِ قَارُونَ بِأَخِيهِ هَارُونَ وَبَيْنِهِ فَخَسَفَتْ بِقَارُونَ وَ أَهْلُهُ وَمَالُهُ وَبِمَنْ أَرَزَهُ مِنْ قَوْمِهِ وَبِعِزَّتِي أَقْسَمُ وَبِجَلَالِي يَا أَحْمَدُ لَوْ بَاهَلْتَ بَكَ وَبِمَنْ تَحْتَ الْكِسَاءِ مِنْ أَهْلِكَ أَهْلُ الْأَرْضِ وَالْخَلَائِقُ جَمِيعًا لَتَقَطَّعْتَ السَّمَاءُ كِسْفًا وَ الْجِبَالُ زُبْرًا وَ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ فَلَمْ تَسْتَقِرَّ أَبَدًا إِلَّا أَنْ أَشَاءَ ذَلِكَ فَسَجَدَ النَّبِيُّ ﷺ وَ وَضَعَ عَلَى الْأَرْضِ وَجْهَهُ ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ حَتَّى تَبَيَّنَ لِلنَّاسِ غُفْرَةُ إِبْطِيهِ فَقَالَ شُكْرًا لِلْمُنْعِمِ شُكْرًا لِلْمُنْعِمِ قَالَهَا ثَلَاثًا فَسُئِلَ نَبِيُّ اللَّهِ ﷺ عَنْ سَجْدَتِهِ وَ عَمَّا رَأَى مِنْ تَبَاشِيرِ السُّرُورِ فِي وَجْهِهِ فَقَالَ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِمَا أَبْلَانِي مِنَ الْكَرَامَةِ فِي أَهْلِ بَيْتِي ثُمَّ حَدَّثَهُمْ بِمَا جَاءَ بِهِ جِبْرِئِيلُ ﷺ؛ بحار الأنوار ج: ٢١، ص: ٣٢٤

﴿٢١٩٥﴾ الرسول ﷺ: أَبُو رَافِعٍ وَ عَمَارُ بْنُ يَاسِرٍ يُحَدِّثُونَ عَنْ هِجْرَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ وَ سَاقَ الْحَدِيثَ إِلَى أَنْ قَالَ قَالَ لَهُ النَّبِيُّ ﷺ وَإِنَّهُ تَعَالَى أَمَرَنِي أَنْ أَمُرَكَ بِالْمِيَّتِ عَلَى ضِجَاعِي أَوْ قَالَ مَضْجَعِي لِتُخْفِيَ بِمِيَّتِكَ عَلَيْهِمْ أَثْرِي فَمَا أَنْتَ قَائِلٌ وَ صَانِعٌ فَقَالَ عَلَى ﷺ أ وَ تَسْلَمَنَّ بِمِيَّتِي هُنَاكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ قَالَ نَعَمْ فَتَبَسَّمَ عَلَى ﷺ ضَاحِكًا وَ أَهْوَى إِلَى الْأَرْضِ سَاجِدًا (شَاكِرًا لِمَا أَنْبَأَهُ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ) مِنْ سَلَامَتِهِ فَكَانَ عَلَى ﷺ أَوَّلَ مَنْ سَجَدَ لِلَّهِ شُكْرًا وَ أَوَّلَ مَنْ وَضَعَ وَجْهَهُ عَلَى الْأَرْضِ بَعْدَ سَجْدَتِهِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ ص؛ مستدرک الوسائل ج: ٥، ص: ١٥٥

﴿٢١٩٦﴾ الصادق ﷺ: اجْتَمَعَتِ الْمَلَائِكَةُ فَقَالُوا لِلنَّبِيِّ ﷺ أَتَيْنَ تَرَكْتَ آخَاكَ وَ كَيْفَ هُوَ فَقَالَ لَهُمْ أَا تَعْرِفُونَهُ فَقَالُوا نَعَمْ نَعْرِفُهُ وَ شِيعَتَهُ وَ هُوَ نُورٌ حَوْلَ عَرْشِ اللَّهِ وَ إِنْ فِي الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ لِرَقَا مِنْ نُورٍ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۱۹۳﴾ من از کسانی بودم که در یمن نزد علی علیه السلام ماندم و همراهی علی علیه السلام را بر بازگشت با خالد ترجیح دادم، پس خالد با گروهی بازگشت و ما ماندیم، و با امیرالمؤمنین علیه السلام برای دعوت مردم یمن به اسلام به نزد آنان رفتیم) چون نزد آن‌ها رسیدیم و از آمدن علی علیه السلام باخبر شدند نزد ما آمدند، علی بن ابی طالب علیه السلام نماز صبح را با ما خواند سپس برخاست و خدا را ستود و ثنا کرد و پس از آن نامه (ای که) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به آن مردم نوشته بود برای آن‌ها خواند (و به این وسیله آنان را به دین اسلام دعوت کرد) پس قبیله‌ی همدان همگی در همان روز ایمان آوردند و مسلمان شدند، و علی علیه السلام نیز جریان اسلام آوردن قبیله‌ی همدان را برای پیامبر صلی الله علیه و آله نوشت، چون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نامه‌ی علی علیه السلام را خواند خرسند و شکفته شد و برای شکرگزاری خداوند به سجده افتاد.

﴿۲۱۹۴﴾ جبرئیل بر او فرود آمد و گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله خداوند عزیز و جلیل بر تو درود می‌فرستد و به تو می‌گوید: بندهام موسی علیه السلام همراه برادرش هارون و فرزندانش با قارون مباحله کردند من نیز قارون و خانواده و اموال و یاری‌کنندگان را در زمین فرو بردم. به عزت و جلالم سوگند ای احمد، که اگر تو همراه آن افرادی از اهل بیت که زیر کساء بودند با تمام اهل زمین مباحله کنیدی آسمان‌ها و کوه‌ها را تکه تکه می‌کنم و زمین را آن چنان فرو می‌برم که هرگز آرام نشود مگر آنکه بخواهم. پس پیامبر صلی الله علیه و آله سجده کردند و صورتشان را بر زمین گذاشتند و سپس دستانشان را بلند کردند به نحوی که گودی زیر بغلشان آشکار شد و فرمودند: "نعمت‌دهنده را بسیار شکر می‌کنم" و این عبارت را سه بار تکرار نمودند. از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره‌ی علت سجده و شادی چهره‌شان پرسیدند فرمودند: به خاطر شکر خدا بر کرامتی که به من درباره‌ی اهل بیتم کرد. بعد آنچه را که جبرئیل علیه السلام گفته بود برای آن‌ها بازگو کردند.

﴿۲۱۹۵﴾ ابورافع و عمار یاسر این‌چنین نقل کردند در ارتباط با هجرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام پیامبر فرمود: همانا خدای تعالی به من امر کرد تا به تو دستور دهم (ای علی) تا بر سر جای من بخوابی؛ تا مهاجرت کردن من از دشمنان مخفی بماند. پس آیا تو انجام این مأموریت را می‌پذیری و به آن اقدام می‌کنی؟ پس علی علیه السلام عرضه کرد: ای پیامبر خدا، آیا چنانچه من در بستر شما بخوابم، شما به سلامت خواهید بود؟ حضرت فرمود: آری؛ پس امیرالمؤمنین، علیه السلام لبخندی (از سر رضایتمندی) زد و خندید، و به شکرانه‌ی دریافت خبر سلامتی پیامبر صلی الله علیه و آله برای انجام سجده‌ی شکر به زمین افتاد. پس علی علیه السلام اولین کسی بود که برای شکرگزاری، سجده به جا آورد و او بعد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله اولین شخصی از این امت بود که بعد از سجده صورت به روی خاک گذاشت.

﴿۲۱۹۶﴾ فرشتگان جمع شدند و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کردند: برادرت را در کجا ترک کردی و حال او چگونه است؟ حضرت به ایشان فرمود: مگر شما هم او را می‌شناسید؟ عرضه داشتند: آری، او و شیعیانش را می‌شناسیم، او (یعنی علی علیه السلام) نوری است که اطراف عرش خداست و در بیت المعمور پارچه و جلد نازکی از نور هست که با خط نور در آن، نام محمد و علی

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

فِيهِ كِتَابٌ مِنْ نُورٍ فِيهِ اسْمُ مُحَمَّدٍ وَعَلَى وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ الْأَئِمَّةِ الْعَلِيِّينَ وَ شِيعَتِهِمْ لَا يَزِيدُ فِيهِمْ رَجُلٌ وَ لَا يَنْقُصُ مِنْهُمْ رَجُلٌ إِنَّهُ لِمِثْقَالُ الذِّرَى أَخَذَ عَلَيْنَا وَ إِنَّهُ لَيَقْرَأُ عَلَيْنَا فِي كُلِّ يَوْمٍ جُمُعَةٍ فَسَجَدْتُ لِلَّهِ شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ١٨ ص: ٣٥٧

٥٥٧-٥٥٦-٥٥٣-٥٥٢-٥٥١-٥٥٠-٥٤٩-٥٤٨-٥٤٧-٥٤٦-٥٤٥-٥٤٤-٥٤٣-٥٤٢-٥٤١-٥٤٠-٥٣٩-٥٣٨-٥٣٧-٥٣٦-٥٣٥-٥٣٤-٥٣٣-٥٣٢-٥٣١-٥٣٠-٥٢٩-٥٢٨-٥٢٧-٥٢٦-٥٢٥-٥٢٤-٥٢٣-٥٢٢-٥٢١-٥٢٠-٥١٩-٥١٨-٥١٧-٥١٦-٥١٥-٥١٤-٥١٣-٥١٢-٥١١-٥١٠-٥٠٩-٥٠٨-٥٠٧-٥٠٦-٥٠٥-٥٠٤-٥٠٣-٥٠٢-٥٠١-٥٠٠-٤٩٩-٤٩٨-٤٩٧-٤٩٦-٤٩٥-٤٩٤-٤٩٣-٤٩٢-٤٩١-٤٩٠-٤٨٩-٤٨٨-٤٨٧-٤٨٦-٤٨٥-٤٨٤-٤٨٣-٤٨٢-٤٨١-٤٨٠-٤٧٩-٤٧٨-٤٧٧-٤٧٦-٤٧٥-٤٧٤-٤٧٣-٤٧٢-٤٧١-٤٧٠-٤٦٩-٤٦٨-٤٦٧-٤٦٦-٤٦٥-٤٦٤-٤٦٣-٤٦٢-٤٦١-٤٦٠-٤٥٩-٤٥٨-٤٥٧-٤٥٦-٤٥٥-٤٥٤-٤٥٣-٤٥٢-٤٥١-٤٥٠-٤٤٩-٤٤٨-٤٤٧-٤٤٦-٤٤٥-٤٤٤-٤٤٣-٤٤٢-٤٤١-٤٤٠-٤٣٩-٤٣٨-٤٣٧-٤٣٦-٤٣٥-٤٣٤-٤٣٣-٤٣٢-٤٣١-٤٣٠-٤٢٩-٤٢٨-٤٢٧-٤٢٦-٤٢٥-٤٢٤-٤٢٣-٤٢٢-٤٢١-٤٢٠-٤١٩-٤١٨-٤١٧-٤١٦-٤١٥-٤١٤-٤١٣-٤١٢-٤١١-٤١٠-٤٠٩-٤٠٨-٤٠٧-٤٠٦-٤٠٥-٤٠٤-٤٠٣-٤٠٢-٤٠١-٤٠٠-٣٩٩-٣٩٨-٣٩٧-٣٩٦-٣٩٥-٣٩٤-٣٩٣-٣٩٢-٣٩١-٣٩٠-٣٨٩-٣٨٨-٣٨٧-٣٨٦-٣٨٥-٣٨٤-٣٨٣-٣٨٢-٣٨١-٣٨٠-٣٧٩-٣٧٨-٣٧٧-٣٧٦-٣٧٥-٣٧٤-٣٧٣-٣٧٢-٣٧١-٣٧٠-٣٦٩-٣٦٨-٣٦٧-٣٦٦-٣٦٥-٣٦٤-٣٦٣-٣٦٢-٣٦١-٣٦٠-٣٥٩-٣٥٨-٣٥٧-٣٥٦-٣٥٥-٣٥٤-٣٥٣-٣٥٢-٣٥١-٣٥٠-٣٤٩-٣٤٨-٣٤٧-٣٤٦-٣٤٥-٣٤٤-٣٤٣-٣٤٢-٣٤١-٣٤٠-٣٣٩-٣٣٨-٣٣٧-٣٣٦-٣٣٥-٣٣٤-٣٣٣-٣٣٢-٣٣١-٣٣٠-٣٢٩-٣٢٨-٣٢٧-٣٢٦-٣٢٥-٣٢٤-٣٢٣-٣٢٢-٣٢١-٣٢٠-٣١٩-٣١٨-٣١٧-٣١٦-٣١٥-٣١٤-٣١٣-٣١٢-٣١١-٣١٠-٣٠٩-٣٠٨-٣٠٧-٣٠٦-٣٠٥-٣٠٤-٣٠٣-٣٠٢-٣٠١-٣٠٠-٢٩٩-٢٩٨-٢٩٧-٢٩٦-٢٩٥-٢٩٤-٢٩٣-٢٩٢-٢٩١-٢٩٠-٢٨٩-٢٨٨-٢٨٧-٢٨٦-٢٨٥-٢٨٤-٢٨٣-٢٨٢-٢٨١-٢٨٠-٢٧٩-٢٧٨-٢٧٧-٢٧٦-٢٧٥-٢٧٤-٢٧٣-٢٧٢-٢٧١-٢٧٠-٢٦٩-٢٦٨-٢٦٧-٢٦٦-٢٦٥-٢٦٤-٢٦٣-٢٦٢-٢٦١-٢٦٠-٢٥٩-٢٥٨-٢٥٧-٢٥٦-٢٥٥-٢٥٤-٢٥٣-٢٥٢-٢٥١-٢٥٠-٢٤٩-٢٤٨-٢٤٧-٢٤٦-٢٤٥-٢٤٤-٢٤٣-٢٤٢-٢٤١-٢٤٠-٢٣٩-٢٣٨-٢٣٧-٢٣٦-٢٣٥-٢٣٤-٢٣٣-٢٣٢-٢٣١-٢٣٠-٢٢٩-٢٢٨-٢٢٧-٢٢٦-٢٢٥-٢٢٤-٢٢٣-٢٢٢-٢٢١-٢٢٠-٢١٩-٢١٨-٢١٧-٢١٦-٢١٥-٢١٤-٢١٣-٢١٢-٢١١-٢١٠-٢٠٩-٢٠٨-٢٠٧-٢٠٦-٢٠٥-٢٠٤-٢٠٣-٢٠٢-٢٠١-٢٠٠-١٩٩-١٩٨-١٩٧-١٩٦-١٩٥-١٩٤-١٩٣-١٩٢-١٩١-١٩٠-١٨٩-١٨٨-١٨٧-١٨٦-١٨٥-١٨٤-١٨٣-١٨٢-١٨١-١٨٠-١٧٩-١٧٨-١٧٧-١٧٦-١٧٥-١٧٤-١٧٣-١٧٢-١٧١-١٧٠-١٦٩-١٦٨-١٦٧-١٦٦-١٦٥-١٦٤-١٦٣-١٦٢-١٦١-١٦٠-١٥٩-١٥٨-١٥٧-١٥٦-١٥٥-١٥٤-١٥٣-١٥٢-١٥١-١٥٠-١٤٩-١٤٨-١٤٧-١٤٦-١٤٥-١٤٤-١٤٣-١٤٢-١٤١-١٤٠-١٣٩-١٣٨-١٣٧-١٣٦-١٣٥-١٣٤-١٣٣-١٣٢-١٣١-١٣٠-١٢٩-١٢٨-١٢٧-١٢٦-١٢٥-١٢٤-١٢٣-١٢٢-١٢١-١٢٠-١١٩-١١٨-١١٧-١١٦-١١٥-١١٤-١١٣-١١٢-١١١-١١٠-١٠٩-١٠٨-١٠٧-١٠٦-١٠٥-١٠٤-١٠٣-١٠٢-١٠١-١٠٠-٩٩-٩٨-٩٧-٩٦-٩٥-٩٤-٩٣-٩٢-٩١-٩٠-٨٩-٨٨-٨٧-٨٦-٨٥-٨٤-٨٣-٨٢-٨١-٨٠-٧٩-٧٨-٧٧-٧٦-٧٥-٧٤-٧٣-٧٢-٧١-٧٠-٦٩-٦٨-٦٧-٦٦-٦٥-٦٤-٦٣-٦٢-٦١-٦٠-٥٩-٥٨-٥٧-٥٦-٥٥-٥٤-٥٣-٥٢-٥١-٥٠-٤٩-٤٨-٤٧-٤٦-٤٥-٤٤-٤٣-٤٢-٤١-٤٠-٣٩-٣٨-٣٧-٣٦-٣٥-٣٤-٣٣-٣٢-٣١-٣٠-٢٩-٢٨-٢٧-٢٦-٢٥-٢٤-٢٣-٢٢-٢١-٢٠-١٩-١٨-١٧-١٦-١٥-١٤-١٣-١٢-١١-١٠-٩-٨-٧-٦-٥-٤-٣-٢-١-٠

﴿٢١٩٧﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّمَا يَسْجُدُ الْمُصَلِّي سَجْدَةً بَعْدَ الْفَرِيضَةِ لِيَشْكُرَ اللَّهَ تَعَالَى ذِكْرُهُ فِيهَا عَلَى مَا مَنَّ بِهِ عَلَيْهِ مِنْ آدَاءِ قَرْضِهِ وَأَذْنَى مَا يُجْزَى فِيهَا شُكْرًا لِلَّهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ؛ مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه ج: ١
ص: ٣٣٣

٨-٦-٢-٣-١- لِبَشَارَةِ الْفَتْحِ وَ قَتْلِ الْعَدُوِّ

﴿٢١٩﴾ الرسول ﷺ: مِنْ فَضَائِلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ مَا أَجْمَعَ عَلَيْهِ أَهْلُ السَّيْرَةِ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ بَعَثَ خَالِدَ بْنَ الْوَلِيدِ إِلَى أَهْلِ الْيَمَنِ يَدْعُوهُمْ إِلَى الْإِسْلَامِ وَانْفَذَ مَعَهُ جَمَاعَةٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فِيهِمْ الْبَرَاءُ بْنُ عَازِبٍ رَحِمَهُ اللَّهُ وَاقَامَ خَالِدٌ عَلَى الْقَوْمِ سِتَّةَ أَشْهُرٍ يَدْعُوهُمْ فَلَمْ يُجِبْهُ أَحَدٌ مِنْهُمْ فَسَاءَ ذَلِكَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَدَعَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ وَآمَرَهُ أَنْ يُفْعِلَ خَالِدًا وَمَنْ مَعَهُ وَقَالَ لَهُ إِنْ أَرَادَ أَحَدٌ مِمَّنْ مَعَ خَالِدٍ أَنْ يُعَقِّبَ مَعَكَ فَاتْرُكْهُ قَالَ الْبَرَاءُ فَكُنْتُ مِمَّنْ عَقَّبَ مَعَهُ فَلَمَّا انْتَهَيْنَا إِلَى أَوَائِلِ أَهْلِ الْيَمَنِ وَبَلَغَ الْقَوْمَ الْخَبَرَ فَجَمَعُوا لَهُ فَصَلَّى بِنَا عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ الْفَجْرَ ثُمَّ تَقَدَّمَ بَيْنَ أَيْدِينَا فَحَمِدَ اللَّهَ وَآثَنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَرَأَ عَلَى الْقَوْمِ كِتَابَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَاسْلَمَتْ هَمْدَانُ كُلُّهَا فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ وَكَتَبَ بِذَلِكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَلَمَّا قَرَأَ كِتَابَهُ اسْتَبَشَرَ وَابْتَهَجَ وَخَرَّ سَاجِدًا شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى؛ بحار الأنوار ج: ٢١ ص: ٣٤٣

﴿٢١٩٩﴾ الرسول ﷺ: عَنْهُ ﷺ لَمَّا أَتَى بِرَأْسِ أَبِي جَهْلٍ سَجَدَ شُكْرًا لِلَّهِ، مُسْتَدْرِكِ الْوَسَائِلِ ج: ٥

ص: ۱۵۴

٩-٦-٦-٢-٣-٢-١- لِلْيُسْرِ بَعْدَ الْعُسْرِ

﴿٢٢٠﴾ الرسول ﷺ: قَالَ لَهُ جَوَيْبُرُ يَا رَسُولَ اللَّهِ دَخَلْتُ بَيْتًا وَاسِعًا وَرَأَيْتُ فِرَاشًا وَمَتَاعًا وَفَتَاةً حَسَنَاءَ عَطِرَةً وَذَكَرْتُ حَالِي الَّتِي كُنْتُ عَلَيْهَا وَغُرَّتِي وَحَاجَّتِي وَوَضِيعَتِي وَكِسْوَتِي مَعَ الْغُرَبَاءِ وَالْمَسَاكِينِ فَأَحْبَبْتُ إِذْ أَوْلَانِي اللَّهُ ذَلِكَ أَنْ أَشْكُرَهُ عَلَى مَا أَعْطَانِي وَاتَّقَرُّبُ إِلَيْهِ بِحَقِيقَةِ الشُّكْرِ فَهَضَمْتُ إِلَى جَانِبِ الْبَيْتِ فَلَمْ أَزَلْ فِي صَلَاتِي تَالِيًا لِلْقُرْآنِ رَاكِعًا وَسَاجِدًا أَشْكُرُ اللَّهَ؛ الْكَافِي ج: ٥ ص: ٣٤٢

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

و حسن و حسین علیهما السلام و امامان و شیعیانشان، بدون اینکه نام یکی از ایشان کم یا زیاد شده باشد نوشته شده است، همانا از ما بر پذیرش ولایت او پیمان گرفته‌اند و در هر جمعه آن را برای ما مجدداً می‌خوانند، و من (از شنیدن این خبر) سجده‌ی شکر کردم.

۷-۶-۲-۳-۱- موفق شدن بر انجام واجبات

﴿۲۱۹۷﴾ نمازگزار پس از انجام فریضه به سجده می‌رود تا سپاس خداوند متعال را بر نعمتی که به او عطا کرده و او را به انجام وظیفه موفق ساخته است به‌جا آورد، و کمترین ذکر که در آن باید گفته شود سه بار گفتن "شکراً لله" "همه‌ی شکر متعلق به خداست"، می‌باشد.

۸-۶-۲-۳-۱- نوید پیروزی و کشته شدن دشمن

﴿۲۱۹۸﴾ من از کسانی بودم که در یمن نزد علی علیه السلام ماندم و همراهی علی علیه السلام را بر بازگشت با خالد ترجیح دادم، پس خالد با گروهی بازگشت و ما ماندیم، و با امیرالمؤمنین علیه السلام برای دعوت مردم یمن به اسلام به نزد آنان رفتیم) چون نزد آن‌ها رسیدیم و از آمدن علی علیه السلام باخبر شدند نزد ما آمدند، علی بن ابی‌طالب علیه السلام نماز صبح را با ما خواند سپس برخاست و خدا را ستود و ثنا کرد و پس از آن نامه (ای که) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به آن مردم نوشته بود برای آن‌ها خواند (و به این وسیله‌ی آنان را به دین اسلام دعوت کرد) پس قبیله‌ی همدان همگی در همان روز ایمان آوردند و مسلمان شدند، و علی علیه السلام نیز جریان اسلام آوردن قبیله‌ی همدان را برای پیامبر صلی الله علیه و آله نوشت، چون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نامه‌ی علی علیه السلام را خواند خرسند و شگفته شد و برای شکرگزاری خداوند به سجده افتاد.

﴿۲۱۹۹﴾ و آن هنگامی که سرابی جهل را برای حضرتش صلی الله علیه و آله آوردند شکر خدا به جا آورد.

۹-۶-۲-۳-۱- آسانی بعد از سختی

﴿۲۲۰۰﴾ پس جویر گفت: ای پیامبر خدا، وارد خانه‌ای بزرگ شدم و فرش و وسایلی دیدم و دختری جوان و زیبا و خوشبو. به یاد حال خودم قبل از این افتادم که غریب و نیازمند بودم و در لباس غریبان و بیچارگان. پس دوست داشتم حال که خداوند این نعمت را به من بخشیده به خاطر عطایش او را شکر کنم و با حقیقت شکر به او تقرب بجویم پس به گوشه‌ای از خانه رفتم و پیوسته در حال خواندن نماز و قرآن بودم و در رکوع و سجود خدا را شکر می‌کردم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

٧-٦-٣-٢-١- حالات السَّاجِدِ فِي السَّجْدَةِ الشُّكْرِ

﴿٢٢٠١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَنَّهُ كَانَ إِذَا سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ غُشِيَ عَلَيْهِ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥

ص: ١٥٧

﴿٢٢٠٢﴾ الصادق عليه السلام: إِذَا ذَكَرَ أَحَدُكُمْ نِعْمَةَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَلْيَضَعْ خَدَّهُ عَلَى التُّرَابِ شُكْرًا لِلَّهِ فَإِنْ كَانَ رَاكِبًا فَلْيَنْزِلْ فَلْيَضَعْ خَدَّهُ عَلَى التُّرَابِ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ يَقْدِرُ عَلَى النُّزُولِ لِلشُّهْرَةِ فَلْيَضَعْ خَدَّهُ عَلَى قُرْبُوسِهِ وَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ فَلْيَضَعْ خَدَّهُ عَلَى كَفِّهِ ثُمَّ لِيُحْمَدِ اللَّهُ عَلَى مَا أَنْعَمَ عَلَيْهِ؛ الكافي

ج: ٢ ص: ٩٨

﴿٢٢٠٣﴾ الهادي عليه السلام: رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ الثَّالِثَ عليه السلام سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ فَافْتَرَشَ ذِرَاعَيْهِ فَأَلْصَقَ جُجُوهُهُ وَطَنَهُ بِالْأَرْضِ فَسَأَلْتُهُ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ كَذَا نُحِبُّ؛ الكافي ج: ٣ ص: ٣٢٤

﴿٢٢٠٤﴾ الصادق عليه السلام: سَأَلْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام عَنْ سَجْدَةِ الشُّكْرِ الَّتِي سَجَدَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام مَا كَانَ سَبَبُهَا فَذَكَرَ حَدِيثًا طَوِيلًا فِي آخِرِهِ أَنَّ جَبْرِئِيلَ عليه السلام نَزَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ هَذَا ابْنُ عَمِّكَ عَلِيٌّ إِلَى أَنْ قَالَ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَكَ سَيِّدَ الْأَنْبِيَاءِ وَجَعَلَ عَلِيًّا سَيِّدَ الْأَوْصِيَاءِ وَخَيْرَهُمْ وَجَعَلَ الْأَئِمَّةَ مِنْ ذُرِّيَّتِكُمَا قَالَ فَأَخْبَرَ عَلِيًّا عليه السلام بِذَلِكَ فَسَجَدَ عَلَى عليه السلام لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَجَعَلَ يَقْلَبُ وَجْهَهُ عَلَى الْأَرْضِ شُكْرًا؛ وسائل الشيعة ج: ٧ ص: ٢٠

﴿٢٢٠٥﴾ الرسول ﷺ: فَنَزَلَ جَبْرِئِيلُ عليه السلام وَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ اسْتَجَابَ دَعْوَتَكَ فَجَاءَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَى رُكْبَتَيْهِ وَبَسَطَ يَدَيْهِ وَأَرْسَلَ بِالْذُّمِّ عَيْنَيْهِ ثُمَّ نَادَى شُكْرًا شُكْرًا كَمَا أَوْثَقْنِي وَأَوْثَقَ مِنْ مَعِيَ؛ القصص للراوندي ص: ٣٤٥

١-٧-٦-٢-٣-٢-١- مُتَوَضِّئُ

﴿٢٢٠٦﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ وَهُوَ مُتَوَضِّئٌ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا عَشْرَ صَلَوَاتٍ وَ مَحَا عَنْهُ عَشْرَ خَطَايَا عِظَامٍ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٣٣٢

﴿٢٢٠٧﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ سَجَدَ سَجْدَةَ لِشُكْرِ نِعْمَةٍ وَهُوَ مُتَوَضِّئٌ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَ مَحَا عَنْهُ عَشْرَ خَطِيئَاتٍ عِظَامٍ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ١٢٧

٨-٦-٣-٢-١- ثَمَرَاتُ سَجْدَةِ الشُّكْرِ

﴿٢٢٠٨﴾ الصادق عليه السلام: أَيُّمَا مُؤْمِنٍ سَجَدَ سَجْدَةَ لِشُكْرِ نِعْمَةٍ فِي غَيْرِ صَلَاةٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَ مَحَا عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ وَ رَفَعَ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ فِي الْجَنَانِ؛ وسائل الشيعة ج: ٧ ص: ٢٠

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۷-۶-۲-۳-۱- حالات سجده کننده در سجده‌ی شکر

﴿۲۲۰۱﴾ آنگاه که سجده‌ی شکر می‌نمودند، مدهوش می‌شدند.

﴿۲۲۰۲﴾ هرگاه یکی از شما نعمت خدای عزیز و جلیل را به یاد آورد، باید برای شکر خدا، چهره روی خاک بگذارد و اگر سواره‌است باید پیاده شود و چهره روی خاک گذارد و اگر از بیم شهرت و ریا نتواند پیاده شود چهره روی برآمدگی زین بگذارد، و اگر نتواند، چهره بر کف دست بگذارد، سپس خدا را بر نعمتی که به او داده ستایش کرده و سپاس گوید.

﴿۲۲۰۳﴾ ابوالحسن امام هادی را در سجده‌ی شکر دیدم که ساعد خود را روی زمین پهن کرده و سینه و شکم را بر خاک نهاده است. من از علت آن سؤال کردم و ابوالحسن علیه السلام گفت: ما خانواده این گونه سجده را دوست داریم.

﴿۲۲۰۴﴾ از جعفر بن محمد علیه السلام درباره‌ی سبب سجده‌ی شکری که امیرالمؤمنین علیه السلام انجام داد پرسیدم، حدیثی طولانی ذکر نمود و در انتها فرمود: جبرئیل علیه السلام بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نازل شد و گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله این پسر عمویت علی علیه السلام است تا جایی که گفت: ای محمد خداوند تو را آقای پیامبران قرار داد و علی را آقای جانشینان و بهترین آن‌ها قرار داد و امامان را از نسل شما قرار داد پس امیرالمؤمنین علیه السلام برای خدا سجده کرد و برای ادای شکر پروردگار صورت بر زمین نهاد.

﴿۲۲۰۵﴾ جبرئیل علیه السلام نازل شد و گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله خداوند عزیز و جلیل دعای تو را مستجاب نمود و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دو زانو نشست و دستانش را باز کرد و از چشمانش اشک جاری شد و سپس چنین گفت: "شکر خدا را، شکر خدا را که مرا و همراهان مرا پناه داد.

۱-۷-۶-۲-۳-۱- طهارت و وضو

﴿۲۲۰۶﴾ هرکس با داشتن وضو سجده‌ی شکر به‌جا آورد خداوند برای او ثواب ده نماز بنویسد، و از نامه‌ی عمل او ده گناه بزرگ را محو میکند.

﴿۲۲۰۷﴾ هرکس با داشتن وضو سجده‌ی شکر به‌جا آورد خداوند برای او ثواب ده نماز بنویسد، و از نامه‌ی عمل او ده گناه بزرگ را محو میکند.

۸-۶-۲-۳-۱- ثمرات سجده‌ی شکر

﴿۲۲۰۸﴾ هرکس از مؤمنان که برای شکرگزاری نعمت در غیر از نماز سجده کند، خداوند برای او ده حسنه ثبت می‌کند و ده گناه از پرونده‌اش محو می‌کند و او ده درجه در بهشت بالا می‌برد.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٢٠٩﴾ الرضا عليه السلام: دَخَلْنَا عَلَيْهِ وَهُوَ سَاجِدٌ فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ فَأَطَالَ فِي سُجُودِهِ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقُلْنَا لَهُ أَطَلْتَ السُّجُودَ فَقَالَ مَنْ دَعَا فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ بِهَذَا الدُّعَاءِ كَانَ كَالرَّامِي مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَوْمَ بَدْرٍ قَالَا قُلْنَا فَكَتَبْتُهُ قَالَ أَكْتُبَا إِذَا أَنْتَ سَجَدْتَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ فَقُلِ اللَّهُمَّ ائْزِلْ عَنِ الَّذِينَ بَدَلَا دِينَكَ وَغَيَّرَ نِعْمَتَكَ وَاتَّهَمَا رَسُولَكَ ﷺ وَخَالَفَا مِلَّتَكَ وَصَدَّا عَنْ سَبِيلِكَ وَكَفَرَا آلَاءَكَ وَرَدَا عَلَيْكَ كَلَامَكَ وَاسْتَهْزَءَا بِرَسُولِكَ وَقَتَلَا ابْنَ نَبِيِّكَ وَحَرَفَا كِتَابَكَ وَجَحَدَا آيَاتِكَ وَسَحَرَا بِآيَاتِكَ وَاسْتَكْبَرَا عَنْ عِبَادَتِكَ وَقَتَلَا أَوْلِيَاءَكَ وَجَلَسَا فِي مَجْلِسٍ لَمْ يَكُنْ لَهُمَا بَحَقٌّ وَحَمَلَا النَّاسَ عَلَى أَكْثَافِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ الصَّلَوَاتُ وَالسَّلَامُ اللَّهُمَّ ائْزِلْ عَنْهُمَا لَعْنًا يَتَلَوْنَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَاحْشُرْهُمَا وَاتَّبِعْهُمَا إِلَى جَهَنَّمَ زُرْقًا اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَقَرَّبُ عَلَيْكَ [إِلَيْكَ] بِاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمَا وَالْبَرَاءَةِ مِنْهُمَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ ائْزِلْ عَنْ قَتْلَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَقَتْلَةِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ابْنِ بَنَتِ رَسُولِكَ اللَّهُمَّ زِدْهُمَا عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ وَهَوَانًا فَوْقَ هَوَانٍ وَذُلًّا فَوْقَ ذُلٍّ وَخِزْيًا فَوْقَ خِزْيٍ اللَّهُمَّ دَعِّهِمَا فِي النَّارِ دَعَاً وَارْكُسْهُمَا فِي أَلِيمِ عَذَابِكَ رَكْسًا اللَّهُمَّ احْشُرْهُمَا وَاتَّبِعْهُمَا إِلَى جَهَنَّمَ زَمْرًا اللَّهُمَّ فَرِّقْ جَمْعَهُمْ وَشَتِّ امْرُؤَهُمْ وَخَالَفْ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ وَبَدِّدْ جَمَاعَتَهُمْ وَاعْنِ ائِمَّتَهُمْ وَاقْتُلْ قَادَتَهُمْ وَسَادَتَهُمْ وَكِبَرَاءَهُمْ وَاعْنِ رُؤُسَاءَهُمْ وَاكْسِرْ رَأْيَتَهُمْ وَآلِقِ الْبَاسَ بَيْنَهُمْ وَلَا تُثِقِ مِنْهُمْ دِيَارًا اللَّهُمَّ ائْزِلْ عَنْ آبَا جَهْلٍ وَالْوَلِيدَ لَعْنًا يَتَلَوْنَ بَعْضُهُ بَعْضًا وَيَتَّبِعُ بَعْضُهُ بَعْضًا اللَّهُمَّ ائْزِلْ عَنْهُمَا لَعْنًا يَلْعَنُهُمَا بِهِ كُلُّ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ وَكُلُّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ وَكُلُّ مُؤْمِنٍ امْتَحَنَتْ قَلْبُهُ لِلَّيْمَانِ اللَّهُمَّ ائْزِلْ عَنْهُمَا لَعْنًا يَتَعَوَّذُ مِنْهُ أَهْلُ النَّارِ وَمِنْ عَذَابِهِمَا اللَّهُمَّ ائْزِلْ عَنْهُمَا لَعْنًا لَا يَخْطُرُ لِأَحَدٍ بِيَالِ اللَّهِ ائْزِلْ عَنْهُمَا فِي مُسْتَسِرِّ سِرِّكَ وَظَاهِرِ عَلَانِيَتِكَ وَعَذِّبْهُمَا عَذَابًا فِي التَّقْدِيرِ وَفَوْقَ التَّقْدِيرِ وَشَارِكْ مَعَهُمَا ابْتِغَاءً وَأَشْيَاءَهُمَا وَمُحِبَّةً وَمَنْ شَاقَّعَهُمَا إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٢٢٣

﴿٢٢١٠﴾ الصادق عليه السلام: سَجْدَةُ الشُّكْرِ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ تُتِمُّ بِهَا صَلَاتُكَ وَتَرْضَى بِهَا رَبِّكَ وَتَعْجَبُ الْمَلَائِكَةُ مِنْكَ وَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا صَلَّى ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ فَفَتَحَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْحِجَابَ بَيْنَ الْعَبْدِ وَبَيْنَ الْمَلَائِكَةِ فَيَقُولُ يَا مَلَائِكَتِي انظُرُوا إِلَى عَبْدِي أَدَّى فَرَضِي وَاتَّمَّ عَهْدِي ثُمَّ سَجَدَ لِي شُكْرًا عَلَى مَا أَنْعَمْتُ بِهِ عَلَيْهِ مَلَائِكَتِي مَاذَا لَهُ عِنْدِي قَالَ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا رَحِمْتَهُ ثُمَّ يَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ثُمَّ مَاذَا لَهُ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا جَنَّتَكَ ثُمَّ يَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ثُمَّ مَاذَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا كَفَايَهُ مُهِمَّةً فَيَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ثُمَّ مَاذَا قَالَ وَلَا يَبْقَى شَيْءٌ مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا قَالَتْهُ الْمَلَائِكَةُ فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَا مَلَائِكَتِي ثُمَّ مَاذَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ رَبَّنَا

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۲۰۹﴾ ما بر آن حضرت داخل شدیم و حال آنکه ایشان در سجده‌ی شکر بودند. پس سجده‌ی خود را طول دادند و چون سر مبارک از سجده برداشتند، ما گفتیم که: چه بسیار سجده‌ی خود را طولانی نمودید. پس فرمودند که: هر کس این دعا را در سجده‌ی شکر بخواند، مثل کسی خواهد بود که در خدمت پیامبر خدا به جهاد رفته باشد و بر روی دشمنان خدا در روز جنگ بدر تیر انداخته باشد. اسماعیل بن یزید و سلیمان گویند که ما گفتیم: پس این دعا را بنویسیم. فرمودند که: آری این دعا را بنویسید و هرگاه تو سجده کنی سجده‌ی شکر را، پس تو این دعا را بخوان و دعا این است: خداوند نفرین کن بر آن دو شخص که تغییر دادند دین تو را و تغییر دادند نعمت تو را و بر پیامبر تو تهمت زدند و مخالفت ورزیدند ملت تو را و اعراض کردند از راه و طریقه‌ی حق تو و انکار نمودند نعمت‌های تو را و رد کردند بر تو سخن و قرأت را و استهزا نمودند پیامبر تو را و کشتند پسر پیامبر تو را و تغییر دادند قرآن تو را (در عمل و انجام به دستوراتش) و انکار نمودند آیات‌های تو را و استهزا نمودند روز معاد و حشر تو را و سرپیچیدند از بندگی و فرمان‌برداری تو و کشتند دوستان تو را و نشستند در مجلس خلافت، درحالی که ایشان را بر آن نه شایستگی و نه حقی بود و سوار کردند مردمان را بر دوش‌های خاندان محمد ﷺ، خداوند نفرین کن آن دو شخص را، نفرینی که پی‌درپی آید بعضی از آن بعضی را و محشور گردان آن‌ها را و تابعان آن‌ها را به‌سوی جهنم درحالی که از نابینایان (و گمراهان) باشند، خداوند به‌درستی که ما نزدیکی می‌جوییم به‌سوی تو به سبب نفرین کردن بر این دو شخص و به سبب بیزاربودن از این هردو در دنیا و در آخرت خداوند نفرین کن بر کشنده‌ی امیرالمؤمنین و بر کشنده‌ی امام حسین پسر علی و پسر [فاطمه] دختر پیامبر خدا که رحمت فرستد خدا بر او و بر خاندان او، خداوند زیاد گردان عقوبت آن دو شخص را به بالاترین عقوبت‌ها و زیاد گردان خواری و خفت آن‌ها را به بالاترین خفت‌ها و خوار گردان آن‌ها را به بالاترین خواری‌ها و رسوا کن آن‌ها را به شدیدترین رسوایی‌ها، خداوند بینداز هردوی ایشان را در آتش جهنم؛ انداختنی شدید و سرنگون نما هردو را در عذاب دردناک از جانب خود، سرنگون کردنی شدید خداوند محشور کن آن دو را و تابعان آن‌ها را به‌سوی جهنم درحالی که همگی یکجا جمع باشند. خداوند پراکنده کن اجتماع آن‌ها را و متفرق ساز امر آن‌ها را و تفرقه و اختلاف انداز میان اتفاق آن‌ها و جدا ساز جمعیت آن‌ها را و نفرین کن بر پیشوای آن‌ها و بکش سرکرده‌های آن‌ها را و برگزیده‌ها و بزرگان آن‌ها را و نفرین کن بر سرکرده‌های آن‌ها و بشکن علم و نشانه‌ی بزرگی آن‌ها را و بینداز شدت عقوبت را میان آن‌ها و باقی مگذار از آن‌ها احدی را، خداوند نفرین کن بر ابوجهل و بر ولید، نفرینی را که مداوم باشد برخی، بعض دیگر را و تابع شود بعضی بعضی را، خداوند نفرین کن هردو را، نفرینی که نفرین کند آن‌ها را به آن نفرین هر فرشته‌ی مقربی و هر پیامبر فرستاده‌شده‌ای و هر شخص مؤمنی که خالص کرده باشی تو دل او را برای ایمان، خداوند نفرین کن آن هردو را نفرینی که پناه گیرند از آن اهل آتش از عذاب آن، خداوند نفرین کن آن هردو را نفرینی که نرسیده باشد به ذهن کسی، خداوند نفرین کن آن هردو را در پنهان از پنهانی خود و در ظاهر از آشکار خود و عذاب کن هردوی آن‌ها را عذابی که باشد در تقدیر تو و بالاتر از آنچه تقدیر نموده‌ای آن را و شریک گردان با این دو، دو دختر آن‌ها را و پیروان آن‌ها را و دوستداران آن‌ها را و کسی را که متابعت نماید از ایشان به‌درستی که تو شنونده‌ی هر دعایی.

﴿۲۲۱۰﴾ سجده‌ی شکر بر هر مسلمانی واجب است، به گونه‌ای که نمازت را با آن کامل و رضای پروردگارت را حاصل می‌سازی، و فرشتگان آن را از تو می‌پسندند، و بدون شک هرگاه بنده نماز بگذارد و پس از فراغ در پی آن به سجده‌ی شکر رود، پروردگار متعال حجاب از میان او و فرشتگان برگیرد، و به آنان خطاب کند: بنگرید به‌سوی بنده‌ی من که وظیفه‌ی واجب خویش را انجام داده و به پیمان من وفا نموده، و به شکرانه‌ی برخورداری از انعام من برایم به سجده افتاده، اکنون بگویند نزد من پاداش او چه خواهد بود؟ فرشتگان گویند: ای پروردگار ما پاداش او رحمت توست، خداوند متعال فرماید: دیگر چه؟ گویند: خداوند بهشت تو، بازمی‌پرسد دیگر چه پاداشی دارد؟ گویند: آنکه گرفتاری‌های او را برطرف سازی، باز خداوند بپرسد: دیگر چه؟ امام علیؑ فرمود: چیزی باقی نماند مگر آنکه فرشتگان آن را نام برند، باز خداوند تکرار فرماید: دیگر چه؟ آن‌ها گویند: خدایا، ما را فهم آن نیست، آنگاه خداوند متعال

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

لَا عِلْمَ لَنَا قَالٍ فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَشْكُرُ لَهُ كَمَا شَكَرَ لِي وَأَقْبِلُ إِلَيْهِ بِفَضْلِي وَأَرِيهِ وَجْهِي؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٣٣٣

﴿٢٢١﴾ الصادق (عليه السلام): مَنْ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ وَهُوَ مُتَوَضِّئٌ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا عَشْرَ صَلَوَاتٍ وَ مَحَا عَنْهُ عَشْرَ خَطَايَا عِظَامٍ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٣٣٢

﴿٢٢١٢﴾ الصادق (عليه السلام): مَنْ سَجَدَ سَجْدَةً لِيَشْكُرَ نِعْمَةً وَهُوَ مُتَوَصِّئٌ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَ مَحَا عَنْهُ عَشْرَ خَطِيئَاتٍ عَظَامٍ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ١٢٧

﴿٢٢١٣﴾ الصادق (عليه السلام): يَا إِسْحَاقُ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدِهِ بِنِعْمَةٍ فَشَكَرَهَا بِسَجْدَةٍ يَحْمَدُ اللَّهَ فِيهَا فَفَرَّغَ مِنْهَا حَتَّى يُؤْمِنَ لَهُ بِالْمَزِيدِ مِنَ الدَّارَيْنِ؛ مكارم الأخلاق ص: ٢٦٥

٩-٦-٢-٣-٢-١- بَعْدَ سَجْدَةِ الشُّكْرِ

﴿٢٢١٤﴾ الرسول ﷺ: أَبُو رَافِعٍ وَعَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ يُحَدِّثُونَ عَنْ هِجْرَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَسَاقَ الْحَدِيثَ إِلَى أَنْ قَالَ قَالَ لَهُ النَّبِيُّ ﷺ وَإِنَّهُ تَعَالَى أَمَرَنِي أَنْ أُمَرَكَ بِالْمَيِّتِ عَلَى ضِجَاعِي أَوْ قَالَ مَضْجَعِي لِتُخْفِيَ بِمَيِّتِكَ عَلَيْهِمْ أَثَرِي فَمَا أَنْتَ قَائِلٌ وَصَانِعٌ فَقَالَ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوْ تَسْلَمَنَّ بِمَيِّتِي هُنَاكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ قَالَ نَعَمْ فَتَبَسَّمَ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ ضَاحِكًا وَ أَهْوَى إِلَى الْأَرْضِ سَاجِدًا (شَاكِرًا لِمَا أَنْبَأَهُ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنْ سَلَامَتِهِ فَكَانَ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوَّلَ مَنْ سَجَدَ لِلَّهِ شُكْرًا وَ أَوَّلَ مَنْ وَضَعَ وَجْهَهُ عَلَى الْأَرْضِ بَعْدَ سَجْدَتِهِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ ص؛

مستدرک الوسائل ج: ۵ ص: ۱۵۵

٧-٢-٣-١- الصدّاق

﴿٢٢١﴾ الصادق عليه السلام: فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى هَذِهِ أُمَّتِي حَوًّا، قَالَ يَا رَبِّ لِمَنْ خَلَقْتَهَا قَالَ لِمَنْ أَخَذَ بِهَا
الْأَمَانَةَ وَاصْدَقَهَا الشُّكْرَ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٥ ص: ٩٩

٨-٢-٣-٢-١- الصَّلَاةُ

١-٨-٢-٣-١- الأَمْرُ بِصَلَاةِ الشُّكْرِ

﴿٢٢١٦﴾ الْبَاقِرُ (عليه السلام): يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي شُكْرًا لِلَّهِ؛ تَفْسِيرُ الْعِيَاشِي ج: ١ ص: ١٧٣

٢-٨-٢-٣-١- صَلَاةُ الشُّكْرِ لِلرَّسُولِ ﷺ

﴿٢٢١٧﴾ السَّجَادُ الْعَلِيَّةُ: دَخَلْتُ مَعَ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ الْعَلِيِّ عَلَى عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ: فَاسْتَعْظَمَ عَبْدُ الْمَلِكِ مَا رَأَى مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ بَيْنَ عَيْنَيْ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ الْعَلِيِّ فَقَالَ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ لَقَدْ بَنَى عَلَيْكَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

گوید: آنکه من از او تشکر نمایم همان طور که او مرا شکر نمود، و با فضل خود به او رو کنم، و از دیدار وجه خویش برخوردارش سازم.

﴿۲۲۱۱﴾ هرکس با داشتن وضو سجده‌ی شکر به‌جا آورد خداوند برای او ثواب ده نماز بنویسد، و از نامه‌ی عمل او ده گناه بزرگ را محو میکند.

﴿۲۲۱۲﴾ هرکس با داشتن وضو سجده‌ی شکر به‌جا آورد خداوند برای او ثواب ده نماز بنویسد، و از نامه‌ی عمل او ده گناه بزرگ را محو میکند.

﴿۲۲۱۳﴾ ای اسحاق، اگر خداوند به بنده‌ای نعمتی بدهد و او آن را شکر گزارد، به محض اینکه از سجده فارغ شود خداوند، به فرشتگان امر می‌کند که در دو جهان بر نعمت او افزوده شود.

۹-۶-۲-۳-۱- بعد از سجده‌ی شکر

﴿۲۲۱۴﴾ ابورافع و عمار یاسر این‌چنین نقل کردند در ارتباط با هجرت امیرالمؤمنین علی ابن‌ابی طالب علیه السلام پیامبر فرمود: همانا خدای تعالی به من امر کرد تا به تو دستور دهم (ای علی) تا بر سر جای من بخوابی؛ تا مهاجرت کردن من از دشمنان مخفی بماند. پس آیا تو انجام این مأموریت را می‌پذیری و به آن اقدام می‌کنی؟ پس علی علیه السلام عرضه کرد: ای پیامبر خدا، آیا چنانچه من در بستر شما بخوابم، شما به سلامت خواهید بود؟ حضرت فرمود: آری؛ پس امیرالمؤمنین، علیه السلام لبخندی (از سر رضایتمندی) زد و خندید، و به شکرانه‌ی دریافت خبرسلامتی پیامبر صلی الله علیه و آله برای انجام سجده‌ی شکر به زمین افتاد. پس علی علیه السلام اولین کسی بود که برای شکرگزاری، سجده به‌جا آورد و او بعد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله اولین شخصی از این امت بود که بعد از سجده صورت به روی خاک گذاشت.

۷-۲-۳-۱- مهریه

﴿۲۲۱۵﴾ خدای متعال فرمود: که این کنیز من حواست گفت: ای پروردگار من، او را برای که خلق کردی؟ فرمود: برای آن کسی که او را به عنوان امانت بگیرد و شکر و سپاسگزاری‌اش را مهریه‌ی او قرار دهد.

۸-۲-۳-۱- نماز

۱-۲-۳-۲-۸- فرمان به نماز شکر

﴿۲۲۱۶﴾ ای مریم، برای شکر خدا فرمان بر پروردگار خود باش و و برای خدا رکوع و سجود کن.

۲-۲-۳-۱-۲- نماز شکر برای پیامبر صلی الله علیه و آله

﴿۲۲۱۷﴾ با حضرت زین‌العابدین رفتم پیش عبدالملک بن مروان اثر سجده‌ای که در پیشانی علی بن‌الحسین دید خیلی بزرگ شمرده، عرض کرد: واقعا در راه عبادت خدا کوشش می‌کنی، خداوند به تو عنایت فراوان دارد پاره‌ی تن پیامبری قرابت نزدیک و نسبت زیاد تو مقامی ارجمند بین

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

الاجْتِهَادُ وَلَقَدْ سَبَقَ لَكَ مِنَ اللَّهِ الْحُسْنَى وَأَنْتَ بَضْعَةٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَرِيبُ النَّسَبِ وَكَيْدُ السَّبَبِ وَإِنْكَ لَذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ وَذَوَى عَصْرِكَ وَلَقَدْ أُوتِيتَ مِنَ الْفَضْلِ وَالْعِلْمِ وَالِدَيْنِ وَالْوَرَعِ مَا لَمْ يُؤْتَهُ أَحَدٌ مِثْلَكَ وَلَا قَبْلَكَ إِلَّا مِنْ مَضَى مِنْ سَلَفِكَ وَأَقْبَلَ يَتْنِي عَلَيْهِ وَ يُطْرِبُهُ قَالَ فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ﷺ كُلُّ مَا ذَكَرْتَهُ وَصَفْتَهُ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَأْيِيدِهِ وَ تَوْفِيقِهِ فَأَيْنَ شُكْرُهُ عَلَى مَا أَنْعَمَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَقِفُ فِي الصَّلَاةِ حَتَّى تَرَمَ قَدَمَاهُ وَيُظْمَأُ فِي الصَّيَامِ حَتَّى يُعْصَبَ فُوهُ فَقِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَمْ يَغْفِرِ اللَّهُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ فَيَقُولُ ﷺ أَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَوْلَى وَأَبْلَى وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى وَاللَّهُ لَوْ تَقَطَّعَتْ أَعْضَائِي وَسَالَتْ مُقْلَتَايَ عَلَى صَدْرِي لَنْ أَقُومَ لِلَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ بِشُكْرِ عَشْرِ الْعَشِيرِ مِنْ نِعْمَةٍ وَاحِدَةٍ مِنْ جَمِيعِ نِعَمِهِ الَّتِي لَا يُحْصِيهَا الْعَادُّونَ وَلَا يَبْلُغُ حَدَّ نِعْمَةٍ مِنْهَا عَلَى جَمِيعِ حَمْدِ الْحَامِدِينَ لَا وَاللَّهِ أَوْ يَرَانِي اللَّهُ لَا يَشْغَلْنِي شَيْءٌ عَنْ شُكْرِهِ وَذِكْرِهِ فِي لَيْلٍ وَلَا نَهَارٍ وَلَا سِرٍّ وَلَا عَلَانِيَةٍ وَلَوْ لَا أَنَّ لِلْأَهْلِ عَلَى حَقٍّ وَلِسَائِرِ النَّاسِ مِنْ خَاصِهِمْ وَعَامِهِمْ عَلَى حَقُّوْقًا لَا يَسْعُنِي إِلَّا الْقِيَامُ بِهَا حَسَبِ الْوُسْعِ وَالطَّاقَةِ حَتَّى أُوَدِّيَهَا إِلَيْهِمْ لَرَمَيْتُ بِطَرْفِي إِلَى السَّمَاءِ وَبَقَلْبِي إِلَى اللَّهِ ثُمَّ لَمْ أَرُدْهُمَا حَتَّى يَقْضِيَ اللَّهُ عَلَى نَفْسِي وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ وَ بَكَى ﷺ وَبَكَى عَبْدُ الْمَلِكِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١ ص: ١٢٥

١-٢-٣-٢-٨-٣ كُلُّ الصَّلَوَاتِ لِشُكْرِ النَّعْمِ

﴿٢٢١٨﴾ فِي الصَّلَاةِ عِلَّةُ الاسْتِعْبَادِ وَ عِلَّةُ نَجَاةِ نَفْسِهِ وَ عِلَّةُ شُكْرِ نِعَمِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٧٩

ص: ٢٧٥

١-٢-٣-٢-٨-٤ كَرَاهَةُ الْإِيجَابِ لِصَلَاةِ الشُّكْرِ

﴿٢٢١٩﴾ الصَّادِقُ ﷺ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: إِنِّي جَعَلْتُ عَلَى نَفْسِي شُكْرًا لِلَّهِ رَكْعَتَيْنِ أَصَلِيَهُمَا فِي الْحَضَرِ وَالسَّفَرِ فَأَصَلِيَهُمَا فِي السَّفَرِ بِالنَّهَارِ فَقَالَ نَعَمْ ثُمَّ قَالَ إِنِّي أَكْرَهُ الْإِيجَابَ أَنْ يُوجِبَ الرَّجُلُ عَلَى نَفْسِهِ قُلْتُ إِنِّي لَمْ أَجْعَلْهُمَا لِلَّهِ عَلَى إِنَّمَا جَعَلْتُ ذَلِكَ عَلَى نَفْسِي أَصَلِيَهُمَا شُكْرًا لِلَّهِ وَلَمْ أَوْجِبْهُمَا عَلَى نَفْسِي فَأَدَعُهُمَا إِذَا شِئْتُ قَالَ نَعَمْ؛ الكافي ج: ٧ ص: ٤٥٥

١-٢-٣-٢-٨-٥ صَلَاةُ الشَّاكِرِينَ

﴿٢٢٢٠﴾ الرِّضَا ﷺ: رَكْعَتَانِ بَعْدَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ مِنْ جُلُوسٍ تُحْسَبُ رَكْعَةً مِنْ قِيَامٍ وَ هِيَ صَلَاةُ

الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٧٩ ص: ٣٠١

١-٢-٣-٢-٨-٦ وَضْعُ الْإِضَافَاتِ عَلَى الرَّكْعَتَيْنِ لِوِلَادَةِ أَهْلِ الْبَيْتِ ﷺ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

خانواده‌ی خود و اهل زمان داری، دارای علم و فضل و دین و ورعی هستی که احدی پیش از تو و بعد از تو دارای این مقام نبوده‌اند جز اجداد طاهرینت شروع کرد به تعریف و ستایش آن مولا. علی بن الحسین فرمود: آنچه ذکر کردی از لطف خدا و تأیید و توفیقش می‌باشد. پس کجا می‌توان شکر و سپاس نعمت او را نمود. آن قدر پیامبر در نماز ایستاد تا قدم‌هایش ورم کرد، چنان در روزه‌داری تشنه می‌شد آب دهانش خشک می‌گردید، گفتند ای پیامبر خدا، مگر خداوند وعده‌ی مغفرت به تو نداده؟ می‌فرمود بنده‌ی شکرگزار خدا نباشم؟ خدای را سپاس بر نعمت و آزمایشش و او را ستایش از ابتدا تا انتهای روزگار به خدا سوگند اگر اعضايم قطع شود و چشمانم بر روی سینه‌ام بیفتد هنوز سپاس یک‌دهم از یک نعمت از نعمت‌های بی‌شمارش را نکرده‌ام ستایش تمام ستایشگران به پایه‌ی یک نعمت او نمی‌رسد. به خدا سوگند از کوشش در شکرگزاری فروگذار نخواهم بود تا او ببیند که پیوسته در ستایش اویم در شب و روز آشکارا و پنهان اگر خانواده‌ام و مردم بر من حقوقی نداشتند که به ناچار باید آن حقوق را مراعات نمود پیوسته چشم به آسمان می‌دوختم و دل در گرو او می‌نهادم تا جان در بدن دارم، در این موقع اشک از دیدگان فرو ریخت و عبدالملک نیز گریه کرد.

۳-۸-۲-۳-۱- همه‌ی نمازها برای شکر و سپاسگزاری از نعمت‌هاست

﴿۲۲۱۸﴾ پس دلیل وجوب نماز دعوت به بندگی و راهی برای رهایی و نجات نفس و نیز ادای شکر نعمت‌های اوست.

۴-۸-۲-۳-۱- کراهت لازم‌ندانستن نماز شکر

﴿۲۲۱۹﴾ به اباعبدالله علیه السلام گفتم: من با خودم قرار گذاشته‌ام چه در شهر خودم باشم و چه در سفر به‌عنوان شکر دو رکعت نماز بخوانم. آیا در سفر این نماز را در روز بخوانم؟ فرمودند: آری؛ سپس امام علیه السلام فرمودند: من دوست ندارم که بنده غیر از واجبات چیز دیگری را بر خودش واجب کند. گفتم: من نذر نکرده‌ام بلکه با خودم قرار گذاشته‌ام تا به‌عنوان شکر خدا این دو رکعت را بخوانم و بر خودم واجب نکرده‌ام. آیا هرگاه خواستم می‌توانم آن را به‌جا نیاورم؟ فرمودند: آری.

۵-۸-۲-۳-۱- نماز شکرگزاران

﴿۲۲۲۰﴾ دو رکعت نماز نشسته بعد از نماز عشا به‌عنوان یک رکعت ایستاده حساب می‌شود و این نماز شاکران است.

۶-۸-۲-۳-۱- اضافه‌کردن بر دو رکعت برای ولادت اهل بیت علیهم السلام

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٢٢١﴾ الباقِر الطَّلَبِيُّ: لَمَّا عُرِجَ بِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ نَزَلَ بِالصَّلَاةِ عَشْرَ رَكَعَاتٍ رُكْعَتَيْنِ رُكْعَتَيْنِ فَلَمَّا وُلِدَ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ زَادَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ سَبْعَ رَكَعَاتٍ شُكْرًا لِلَّهِ فَأَجَازَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ وَتَرَكَ الْفَجْرَ لَمْ يَزِدْ فِيهَا لَضِيقٍ وَفَتْهَا لِأَنَّهُ تَحَضَّرُهَا مَلَائِكَةُ اللَّيْلِ وَمَلَائِكَةُ النَّهَارِ؛ الكافي ج: ٣ ص: ٤٨٧

﴿٢٢٢٢﴾ الصادق الطَّلَبِيُّ: إِنْ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْزَلَ عَلَى نَبِيِّهِ ﷺ كُلَّ صَلَاةٍ رُكْعَتَيْنِ فَأَضَافَ إِلَيْهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِكُلِّ صَلَاةٍ رُكْعَتَيْنِ فِي الْحَضَرِ وَقَصَرَ فِيهَا فِي السَّفَرِ إِلَّا الْمَغْرِبَ وَالْغَدَاةَ فَلَمَّا صَلَّى الطَّلَبِيُّ الْمَغْرِبَ بَلَغَهُ مَوْلِدُ فَاطِمَةَ الطَّلَبِيُّ فَأَضَافَ إِلَيْهَا رُكْعَةً شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَلَمَّا أَنْ وُلِدَ الْحَسَنُ الطَّلَبِيُّ أَضَافَ إِلَيْهَا رُكْعَتَيْنِ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَلَمَّا أَنْ وُلِدَ الْحُسَيْنُ الطَّلَبِيُّ أَضَافَ إِلَيْهَا رُكْعَتَيْنِ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ لِلذَّكَرِ مِثْلَ حَظِّ الْأُنثَيْنِ فَتَرَكَهَا عَلَى حَالِهَا فِي الْحَضَرِ وَ السَّفَرِ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٤٥٤

١-٢-٣-٢-٨-٧- صلاة الشكر لسلامه أهل البيت الطَّلَبِيُّ

﴿٢٢٢٣﴾ الصادق الطَّلَبِيُّ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ بَشَّرَ بِالْحَسَنِ الطَّلَبِيُّ وَهُوَ فِي آخِرِ تَسْبِيحِ الْمَغْرِبِ قَبْلَ الدُّعَاءِ فَقَامَ مِنْ وَقْتِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَتَكَلَّمَ أَوْ يَصْنَعَ شَيْئًا فَصَلَّى رُكْعَتَيْنِ جَعَلَهُمَا شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى عَلَى سَلَامَةِ فَاطِمَةَ الطَّلَبِيُّ وَوَلادَتِهَا الْحَسَنُ الطَّلَبِيُّ ثُمَّ دَعَا بَعْدَ الرُّكْعَتَيْنِ وَعَقَّبَ بِسُجْدَتَيِ الشُّكْرِ وَالتَّعْفِيرِ بَيْنَهُمَا وَكَانَ ذَلِكَ سَنَةً حَتَّى وُلِدَ الْحُسَيْنُ الطَّلَبِيُّ فَجَاءَ الْبَشِيرُ بِهِ وَقَدْ صَلَّى هَاتَيْنِ الرُّكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ وَهُوَ فِي آخِرِ تَسْبِيحِهِ فَقَامَ مِنْ غَيْرِ تَعْفِيرٍ فَصَلَّى رُكْعَتَيْنِ جَعَلَهُمَا شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى ثُمَّ عَقَّبَ بِالْدُّعَاءِ بَعْدَهُمَا وَسَجَدَ؛ المقنعة ص: ١١٧

١-٢-٣-٢-٨-٨- صلاة الشكر في يوم الغدير

﴿٢٢٢٤﴾ الصادق الطَّلَبِيُّ: (فِي يَوْمِ الْغَدِيرِ) مَنْ صَلَّى رُكْعَتَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَزُولَ الشَّمْسُ بِنِصْفِ سَاعَةِ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَيَقْرَأُ فِي كُلِّ رُكْعَةٍ سُورَةَ الْحَمْدِ عَشْرًا وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ عَشْرًا وَإِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ عَشْرًا وَآيَةَ الْكُرْسِيِّ عَشْرًا عَدَلْتُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِائَةَ آلْفِ حَجَّةٍ وَ مِائَةَ آلْفِ عُمْرَةٍ وَمَا سَأَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ كَائِنَةً مَا كَانَ إِلَّا أَتَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى قَضَائِهَا فِي يُسْرٍ وَعَافِيَةٍ وَمَنْ أَفْطَرَ مُؤْمِنًا كَانَ لَهُ ثَوَابُ مَنْ أَطْعَمَ فِتْنَامًا وَ فِتْنَامًا فَلَمْ يَزَلْ يَعُدُّ حَتَّى عَقَدَ عَشْرَةَ ثُمَّ قَالَ أَتَذَرِي مَا الْفِتْنَامُ قُلْتُ لَا قَالَ مِائَةُ آلْفٍ وَكَانَ لَهُ ثَوَابُ مَنْ أَطْعَمَ بَعْدَهُمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ فِي حَرَمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ سَقَاهُمْ فِي يَوْمِ ذِي مَسْعَبَةٍ وَالدَّرْهَمُ فِيهِ بِمِائَةِ آلْفِ دِرْهَمٍ ثُمَّ قَالَ لَعَلَّكَ تَرَى أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ يَوْمًا أَعْظَمَ حُرْمَةً مِنْهُ لَا وَاللَّهِ لَا وَاللَّهِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۲۲۱﴾ هنگامی که پیامبر اسلام به معراج برده شد نمازهای واجب ده رکعت بودند، هر کدام دو رکعت. وقتی امام حسن و امام حسین متولد شدند پیامبر اسلام ﷺ برای شکرگزاری خدا هفت رکعت دیگر به آن‌ها اضافه کرد و خدا هم اجازه داد و به نماز صبح چیزی نیفزود زیرا وقت آن به علت حضور هم‌زمان فرشتگان آسمان و زمین محدود است.

﴿۲۲۲۲﴾ همانا خداوند تبارک و تعالی همه‌ی نمازها را بر پیامبر خود دو رکعتی فرو فرستاد، و پیامبر خدا ﷺ به هر نماز در حضر دو رکعت افزود و در سفر آن دو رکعت را حذف کرده و نماز را به صورت اولیه باقی گذاشت، مگر نماز مغرب و نماز صبح را، خبر ولادت حضرت فاطمه علیها السلام را برای پیامبر ﷺ آوردند پس از شکرگزاری به پیشگاه خداوند عزیز و جلیل به پاس مولود به دنیا آمده یک رکعت به نماز مغرب افزود، زمانی که حضرت امام حسن علیهما السلام به دنیا آمد پیامبر خدا ﷺ برای شکرگزاری به درگاه خداوند متعال دو رکعت نافله‌ی مغرب را افزود، و زمانی که امام حسین علیهما السلام متولد شد باز به عنوان شکرگزاری دو رکعت دیگر به نافله‌ی شام افزود و این آیه را تلاوت فرمود: " برای هر پسر برابر بهره و نصیب دو دختر است "، پس این نمازها را در وطن و در سفر همچنان به حال خود باقی گذاشت.

۸-۲-۳-۱- نماز شکر برای سلامتی ائمه علیهم السلام

﴿۲۲۲۳﴾ بشارت تولد امام حسن علیهما السلام را به پیامبر خدا ﷺ دادند و ایشان در آخرین تسبیح نماز مغرب قبل از دعا بودند، حضرت بدون آنکه صحبتی کنند و یا کاری انجام دهند برخاستند و دو رکعت نماز به شکرانه‌ی سلامتی حضرت فاطمه علیها السلام و به دنیا آوردن امام حسن علیهما السلام خواندند و سپس دعا نمودند و دو سجده‌ی شکر به جای آوردند و بین دو سجده، گونه بر خاک نهادند و این کار سنت بود تا اینکه حسین علیهما السلام به دنیا آمد و پیک خبر را درحالی به پیامبر داد که آن حضرت دو رکعت نماز را بعد از نماز مغرب خوانده بودند و در آخرین تسبیح بودند؛ پس بدون آنکه تعقیبی انجام دهند برخاستند و دو رکعت نماز برای سپاس از خدا به جای آوردند و سپس دعا نمودند و سجده کردند.

۸-۲-۳-۱- نماز شکر در روز غدیر

﴿۲۲۲۴﴾ هر کس روز عید غدیر نیم ساعت مانده به ظهر برای شکر خداوند عزیز و جلیل دو رکعت نماز بخواند و در هر رکعت، سوره‌ی حمد را ده مرتبه و سوره‌ی توحید را ده مرتبه و سوره‌ی قدر را ده مرتبه و آیه‌الکرسی را ده مرتبه بخواند، گویا نزد خداوند عزیز و جلیل صد حج و صد عمره انجام داده و هیچ حاجتی از نیازهای دنیا و آخرت را از خدا نمی‌خواهد مگر آنکه آن حاجت هر چه باشد خداوند عزیز و جلیل آن را همراه با راحتی و عافیت برای او برآورده می‌کند و هر که در این روز به مؤمنی افطار دهد ثواب کسی را دارد که به گروهی و بلکه به چند گروه غذا داده است و همچنان تعداد گروه‌ها را تا ده بار تکرار کردند. سپس فرمودند: آیا می‌دانی منظور از گروه چقدر است؟ گفتیم: نه. فرمودند: صد هزار، و برایش ثواب کسی باشد که به این تعداد از پیامبران و صدیقین و شهدای صالح در حرم خداوند عزیز و جلیل غذا داده و در هنگام قحطی به آن‌ها آب داده باشد؛ و یک درهم صدقه در آن روز مانند صد هزار درهم صدقه در روزهای دیگر

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

لَا وَاللَّهِ ثُمَّ قَالَ وَلْيَكُنْ مِنْ قَوْلِكَ إِذَا لَقِيتَ أَخَاكَ الْمُؤْمِنَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِهَذَا الْيَوْمِ وَ جَعَلَنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤَقِنِينَ وَ جَعَلَنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدَهُ الَّذِي عَاهَدَهُ إِلَيْنَا وَ مِيثَاقَهُ الَّذِي وَاتَّقْنَا بِهِ مِنْ وَلَايَةِ وَلَاةِ أَمْرِهِ وَ الْقَوَامِ بِقِسْطِهِ وَ لَمْ يَجْعَلْنَا مِنَ الْجَا حِدِينَ وَ الْمُكْذِبِينَ يَوْمَ الدِّينِ؛
مستدرک الوسائل ج: ٦ ص: ٢٧٣

﴿٢٢٢٥﴾ الصادق عليه السلام: صَلَاةُ يَوْمِ الْغَدِيرِ عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام رَكْعَتَانِ قَبْلَ الزَّوَالِ يَنْصُفُ سَاعَةَ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى عَلَى مَا مَنَّ سُبْحَانَهُ عَلَى عَلِيِّ عليه السلام وَ خَصَّهُ بِهِ وَ تَصَلَّى جَمَاعَةً فِي الصَّخْرَاءِ بَعْدَ أَنْ يَخْطُبَ الْإِمَامُ بِهِمْ وَ يُعَرِّفَهُمْ فَضْلَ الْيَوْمِ فَإِذَا انْقَضَتِ الْخُطْبَةُ تَصَافَحُوا وَ تَهَانَوْا؛
المصباح للكنعنى ص: ٤١٢

﴿٢٢٢٦﴾ الصادق عليه السلام: صِيَامُ يَوْمِ غَدِيرِ خُمٍّ يَعْدِلُ صِيَامَ عُمْرِ الدُّنْيَا لَوْ عَاشَ إِنْسَانٌ ثُمَّ صَامَ مَا عُمِّرَتِ الدُّنْيَا لَكَانَ لَهُ ثَوَابُ ذَلِكَ وَ صِيَامُهُ يَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ مِائَةَ حَجَّةٍ وَ مِائَةَ عُمْرَةٍ فِي كُلِّ عَامٍ مَبْرُورَاتٍ مُتَقَبَّلَاتٍ وَ هُوَ عِيدُ اللَّهِ جَلَّ اسْمُهُ الْأَكْبَرُ وَ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا وَ تَعِيدُ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ عَرَفَهُ حُرْمَتُهُ وَ اسْمُهُ فِي السَّمَاءِ يَوْمَ الْعِيدِ الْمُعْهُودِ وَ فِي الْأَرْضِ يَوْمَ الْمِيثَاقِ الْمَأْخُودِ وَ الْجَمْعِ الْمَشْهُودِ وَ مَنْ صَلَّى فِيهِ رَكْعَتَيْنِ يَغْتَسِلَ لُهُمَا قَبْلَ الزَّوَالِ يَنْصُفُ سَاعَةً ثُمَّ يُصَلِّيهِمَا مَعَ الزَّوَالِ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ مِنْهُمَا فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ سُورَةَ الْإِخْلَاصِ عَشْرَ مَرَّاتٍ وَ سُورَةَ الْقَدْرِ عَشْرَ مَرَّاتٍ وَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ عَشْرَ مَرَّاتٍ هِيَ تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ مِائَةَ أَلْفِ عُمْرَةٍ وَ لَمْ يَسْأَلِ اللَّهُ تَعَالَى حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ إِلَّا قَضَاهَا؛ تهذيب الأحكام ج: ٣ ص: ١٤٣

﴿٢٢٢٧﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ صَلَّى فِيهِ رَكْعَتَيْنِ أَى وَقْتٍ شَاءَ وَ أَفْضَلُ ذَلِكَ قُرْبُ الزَّوَالِ وَ هِيَ السَّاعَةُ الَّتِي أُقِيمَ فِيهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام بِغَدِيرِ خُمٍّ عَلَمًا لِلنَّاسِ وَ ذَلِكَ أَنَّهُمْ كَانُوا قَرُبُوا مِنَ الْمَنْزِلِ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ فَمَنْ صَلَّى فِيهِ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ سَجَدَ وَ شَكَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِائَةَ مَرَّةٍ وَ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ بَعْدَ رَفْعِ رَأْسِهِ مِنَ السُّجُودِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ إِلَى آخِرِهِ ثُمَّ تَسْجُدُ وَ تَحْمَدُ اللَّهُ مِائَةَ مَرَّةٍ وَ تَشْكُرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِائَةَ مَرَّةٍ وَ أَنْتَ سَاجِدٌ فَإِنَّهُ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ كَمَنْ حَضَرَ ذَلِكَ الْيَوْمَ وَ بَايَعَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَلَى ذَلِكَ وَ كَانَتْ دَرَجَتُهُ مَعَ دَرَجَةِ الصَّادِقِينَ الَّذِينَ صَدَقُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فِي مَوَالَاةِ مَوَالِهِمْ ذَلِكَ الْيَوْمَ وَ كَانَ كَمَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَعَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ ﷺ وَ كَمَنْ يَكُونُ تَحْتَ رَايَةِ الْقَائِمِ عليه السلام وَ فِي فُسْطَاطِهِ مِنَ النُّجَبَاءِ وَ النُّقَبَاءِ؛ مستدرک الوسائل ج: ٦ ص: ٢٧٥

٩-٢-٢-١- صلاة الشُّكْرِ فِي مَوْضِعِ مِنْبَرِ الْقَائِمِ ﷺ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

است. سپس فرمودند: گویا تو فکر می‌کنی که خداوند عزیز و جلیل روزی با حرمت‌تر از این روز هم خلق کرده است؛ به خدا سوگند نه، به خدا سوگند نه، به خدا سوگند نه. سپس فرمودند: آنگاه که برادر مؤمنت را دیدی باید بگویی: "حمد خدایی را که به‌وسیله‌ی این روز ما را گرمی داشت و ما را از مؤمنان و اهل یقین و از وفاکنندگان به عهد و پیمانی که خدا با ما درباره‌ی ولایت صاحبان امرش و قیام‌کنندگان به عدلش بسته قرار داد و ما را از منکران و تکذیب‌کنندگان روز قیامت قرار نداد.

﴿۲۲۲۵﴾ نماز روز عید غدیر از امام صادق علیه السلام: دو رکعت نماز نیم‌ساعت قبل از ظهر به‌عنوان شکر خداوند متعال بر نعمت بزرگی که بر علی علیه السلام بخشید و فقط او را مختص به آن نمود. این نماز در صحرا بعد از آنکه امام برای مردم خطبه بخواند و فضیلت این روز را به مردم بگوید خوانده می‌شود و پس از اتمام خطبه با یکدیگر دست دهید و تبریک بگویید.

﴿۲۲۲۶﴾ روزه روز غدیر خم برابر روزه‌داشتن عمر دنیا باشد اگر زندگانی کند آدمی و نماز آن نزد خدای تعالی سبحانه برابر صد حج و صد عمره‌ی نیکوی مقبول باشد و آن روز عید اکبر و بزرگ‌ترین عیدهاست و برانگیخته نشد هیچ پیامبری مگر آنکه آن روز را عید قرار داده و حرمت و احترامش را شناخته و نام روز غدیر خم در آسمان‌ها عیدالمعهود و در زمین روز میثاق‌الماخوذ است و جمع‌المشهود. و هرکس که در آن روز دو رکعت نماز بگذارد و غسل نماید برای دو رکعت قبل از زوال در نصف ساعت سپس در هنگام زوال نماز (دورکعتی) را بخواند شکر نموده خدای متعال را و بخواند در هر رکعتی از آن دو سوره‌ی فاتحة‌الکتاب را و سوره‌ی اخلاص را ده مرتبه و سوره‌ی قدر را نیز ده مرتبه و آیه‌الکرسی را هم ده مرتبه این نماز که می‌خواند در نزد خدای متعال معادل صد هزار حج عمره است و درخواستی از خدای متعال از نیازهای دنیا و آخرتش نمی‌خواهد مگر آنکه خدای تعالی آن را برایش بر می‌آورد.

﴿۲۲۲۷﴾ هرکه در این روز هروقت که بخواند، دو رکعت نماز بخواند - اما زمان بهتر نزدیک ظهر است - که همان ساعتی است که امیرالمؤمنین علیه السلام به‌عنوان جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله در غدیر خم به مردم معرفی شد و جمعیت در آن وقت نزدیک آن محل بودند. پس هرکه در آن روز، دو رکعت نماز بخواند بعد سجده کند و خداوند عزیز و جلیل را صد مرتبه شکر کند و بعد از بلندکردن سر از سجده این دعا را بخواند: "خدایا، من از تو می‌خواهم حمد سزاوارتوست... تا آخر دعا " و سپس سجده کند و در حال سجده خدا را صد مرتبه حمد و صد مرتبه شکر خدای عزیز و جلیل را به جا آورد هرکه این کار را انجام دهد، مانند کسی خواهد بود که در آن روز حضور داشته و با پیامبر صلی الله علیه و آله در این امر بیعت کرده و هم‌درجه‌ی راستگویان خواهد بود؛ همان‌ها که با خدا و رسولش در یاری ولی و امامشان در آن روز، صادق بودند و مانند کسی خواهد بود که همراه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین و حسن و حسین علیه السلام را به شهادت رسیده و مانند بزرگان و فرماندهان خواهد بود که زیر پرچم قائم علیه السلام و در خیمه‌ی آن حضرت هستند.

۹-۸-۲-۳-۱- نماز شکر در محل منبر حضرت قائم علیه السلام

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٢٢٨﴾ الصادق عليه السلام: كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَنَحْنُ نُرِيدُ زِيَارَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَلَمَّا صِرْنَا إِلَى الثُّنْيَةِ نَزَلَ فَصَلَّى رُكْعَتَيْنِ فَقُلْتُ يَا سَيِّدِي مَا هَذِهِ الصَّلَاةُ قَالَ هَذَا مَوْضِعُ مَنِيرِ الْقَائِمِ أَحَبُّتُ أَنْ أَشْكُرَ اللَّهَ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ؛ دلائل الإمامة ص: ٢٤٤

١٠-١-٢-٣-٢-٨-١٠ صَلَاةُ الشُّكْرِ فِي الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ لَيْلَةَ الْأَضْحَى

﴿٢٢٢٩﴾ السجاد عليه السلام: قَالَ السَّجَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَرَرْتُ بِالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ قَالَ نَعَمْ قَالَ فَحِينَ صَلَّيْتُ رُكْعَتَيْنِ نَوَيْتُ أَنَّهَا صَلَاةُ شُكْرٍ فِي لَيْلَةِ عَشْرِ تَنْفَى كُلِّ عُسْرٍ وَ تُيسِّرُ كُلَّ يُسْرٍ قَالَ لَا؛ مستدرک الوسائل ج: ١٠ ص: ١٧٠

١١-١-٢-٣-٢-٨-١١ صَلَاةُ الشُّكْرِ فِي الرَّابِعِ وَالْعِشْرِينَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ

﴿٢٢٣٠﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ صَلَّى فِي هَذَا الْيَوْمِ يَغْنَى الرَّابِعَ وَالْعِشْرِينَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ رُكْعَتَيْنِ قَبْلَ الزَّوَالِ يَنْصُفُ سَاعَةَ شُكْرًا لِلَّهِ عَلَى مَا مِنْ بِهِ عَلَيْهِ وَ خَصَّهُ بِهِ يَقْرَأُ فِي كُلِّ رُكْعَةٍ أَمَّ الْكِتَابِ مَرَّةً وَاحِدَةً وَ عَشْرَ مَرَّاتٍ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ عَشْرَ مَرَّاتٍ آيَةَ الْكُرْسِيِّ إِلَى قَوْلِهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ وَ عَشْرَ مَرَّاتٍ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ عَدَلَتْ عِنْدَ اللَّهِ مِائَةُ أَلْفِ حَجَّةٍ وَ مِائَةُ أَلْفِ عُمْرَةٍ وَ لَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ إِلَّا قَضَاهَا لَهُ كَأَنَّهُ مَا كَانَتْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ وسائل الشريعة ج: ٨ ص: ١٧١

١٢-١-٢-٣-٢-٨-١٢ صَلَاةُ الشُّكْرِ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَرِيضَةِ

﴿٢٢٣١﴾ صَلَاةُ الشُّكْرِ لَمَّا آدَيْتَ الْفَرِيضَةَ فَصَلِّ صَلَاةَ الشُّكْرِ تُصَلِّي رُكْعَتَيْنِ تَقْرَأُ فِي الرُّكْعَةِ الْأُولَى الْحَمْدَ وَ سُورَةَ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ مَرَّةً وَ قُلْ فِي الرُّكُوعِ وَ فِي كُلِّ وَاحِدٍ مِنْ سَجْدَتَيِ الرُّكْعَةِ الْأُولَى الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا شُكْرًا لِلَّهِ وَ حَمْدًا وَ قُلْ فِي الرُّكُوعِ وَ فِي كُلِّ وَاحِدٍ مِنْ سَجْدَتَيِ الرُّكْعَةِ الثَّانِيَةِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَضَى لِي حَاجَتِي وَ اسْتَجَابَ دُعَائِي وَ أَعْطَانِي مَسْأَلَتِي؛ مستدرک الوسائل ج: ٦ ص: ٣٢٥

١٣-١-٢-٣-٢-٨-١٣ صَلَاةُ الشُّكْرِ عِنْدَ اسْتِجَابَةِ الدُّعَاءِ

﴿٢٢٣٢﴾ السجاد عليه السلام: أَنَّهُ يُسْتَحَبُّ أَنْ يُصَلَّى صَلَاةَ الشُّكْرِ عِنْدَ اسْتِجَابَةِ الدُّعَاءِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٥١

١٤-١-٢-٣-٢-٨-١٤ صَلَاةُ الشُّكْرِ إِذَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْكَ بِنِعْمَةٍ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۲۲۸﴾ همراه با ابی‌عبدالله علیه السلام بودم و می‌خواستیم به زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام برویم. هنگامی که "ثویه" رسیدیم، پیاده شدند و دو رکعت نماز خواندند و گفتیم: ای آقای من این چه نمازی است؟ فرمودند: اینجا محل منبر حضرت قائم علیه السلام است دوست داشتم که خدا را در این مکان شکر کنم.

۱۰-۸-۲-۳-۱- نماز شکر در مشعرالحرام روز عید قربان

﴿۲۲۲۹﴾ امام سجاد علیه السلام به شبلی فرمود: آیا از مشعرالحرام عبور کردی؟ گفت: آری. فرمود: آیا آنگاه که دو رکعت نماز خواندی نیت کردی که این نماز شکر در شب دهم است که هر سختی را دور و هر آسانی را فراهم می‌کند؟ گفت: نه.

۱۱-۸-۲-۳-۱- نماز شکر در بیست و چهارم ذی‌حجه

﴿۲۲۳۰﴾ هر که در این روز یعنی بیست و چهارم ذی‌حجه به خاطر نعمتی که به او داده نیم ساعت مانده به ظهر دو رکعت نماز برای ادای شکر خداوند بخواند و در هر رکعت یک بار حمد و ده بار "قل هو الله احد" و ده مرتبه آیه‌الکرسی تا "هم فیها خالدون" و ده مرتبه "انا انزلناه فی لیلة القدر" بخواند، نزد خداوند مانند کسی خواهد بود که صد هزار حج و صد هزار عمره انجام داده است و هیچ حاجتی از نیازهای دنیا و آخرت را از خداوند نمی‌خواهد مگر آنکه آن حاجت هر چه باشد خدا برایش برآورده می‌سازد ان شاء الله.

۱۲-۸-۲-۳-۱- نماز شکر بعد از نماز واجب

﴿۲۲۳۱﴾ نماز شکر: آنگاه که نماز واجب را ادا کردی نماز شکر بخوان. دو رکعت نماز می‌خوانی در رکعت اول حمد و سوره‌ی "قل هو الله احد" یک بار و در رکعت دوم سوره‌ی "قل یا ایها الکافرون" را یک بار می‌خوانی و در رکوع و هر سجده‌ی رکعت اول بگو: ستایش مخصوص خداست، شکر، شکر مخصوص خداست، ستایش مخصوص خداست، و در رکوع و هر سجده‌ی رکعت دوم بگو: ستایش مخصوص خدایی است که نیازم را برآورده ساخت و دعایم را مستجاب نمود و درخواستم را به من عطا کرد.

۱۳-۸-۲-۳-۱- نماز شکر هنگام استجابت دعا

﴿۲۲۳۲﴾ مستحب است که هنگام استجابت دعا نماز شکر خوانده شود.

۱۴-۸-۲-۳-۱- نماز شکر هنگامی که خداوند نعمتی به تو ارزانی کرد

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٢٣٣﴾ الصادق عليه السلام: فِي صَلَاةِ الشُّكْرِ إِذَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْكَ بِنِعْمَةٍ فَصَلِّ رُكْعَتَيْنِ تَقْرَأُ فِي الْأُولَى بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَتَقْرَأُ فِي الثَّانِيَةِ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَقُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَتَقُولُ فِي الرُّكْعَةِ الْأُولَى فِي رُكُوعِكَ وَسُجُودِكَ الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا شُكْرًا وَحَمْدًا وَتَقُولُ فِي الرُّكْعَةِ الثَّانِيَةِ فِي رُكُوعِكَ وَسُجُودِكَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَجَابَ دُعَائِي وَأَعْطَانِي مَسْأَلَتِي؛

الكافي ج: ٣ ص: ٤٨١

١٥-٨-٢-٣-١- صَلَاةُ الشُّكْرِ لِلْيُسْرِ بَعْدَ الْعُسْرِ

﴿٢٢٣٤﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: فَقَالَ لَهُ جُوَيْرٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ دَخَلْتُ بَيْتًا وَاسِعًا وَرَأَيْتُ فِرَاشًا وَمَتَاعًا وَفَنَاءَ حَسَنَاءٍ عَطِرَةٍ وَذَكَرْتُ حَالِي الَّتِي كُنْتُ عَلَيْهَا وَغُرْبَتِي وَحَاجَتِي وَضِيعَتِي وَكِسُوتِي مَعَ الْغُرَبَاءِ وَالْمَسَاكِينِ فَأَحْبَبْتُ إِذْ أَوْلَانِي اللَّهُ ذَلِكَ أَنْ أَشْكُرَهُ عَلَى مَا أَعْطَانِي وَاتَّقَرُّبُ إِلَيْهِ بِحَقِيقَةِ الشُّكْرِ فَتَهَضُّتُ إِلَى جَانِبِ الْبَيْتِ فَلَمْ أَزَلْ فِي صَلَاتِي تَالِيًا لِلْقُرْآنِ رَاكِعًا وَسَاجِدًا أَشْكُرُ اللَّهَ؛ الكافي ج: ٥ ص: ٣٤٢

١٦-٨-٢-٣-١- صَلَاةُ الشُّكْرِ بَعْدَ قَضَاءِ الْحَاجَةِ

﴿٢٢٣٥﴾ الرضا عليه السلام: فَإِذَا فَرَغْتَ مِنْهَا حَمِدْتَ اللَّهَ كَثِيرًا وَصَلَّيْتَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَسَأَلْتَ رَبَّكَ حَاجَتَكَ لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَإِذَا تَفَضَّلَ اللَّهُ عَلَيْكَ بِقَضَائِهَا فَصَلِّ رُكْعَتَيْنِ شُكْرًا لِذَلِكَ تَقْرَأُ الْحَمْدَ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَفِي الثَّانِيَةِ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَتَقُولُ فِي رُكُوعِكَ الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا وَفِي سُجُودِكَ شُكْرًا لِلَّهِ وَحَمْدًا وَتَقُولُ فِي الرُّكْعَةِ الثَّانِيَةِ فِي الرُّكُوعِ وَفِي السُّجُودِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَضَى حَاجَتِي وَأَعْطَانِي سُؤْلِي وَمَسْأَلَتِي؛ مستدرک الوسائل ج: ٦ ص: ٥٦

﴿٢٢٣٦﴾ فَإِذَا قَضَيْتَ حَاجَتَكَ فَصَلِّ صَلَاةَ الشُّكْرِ؛ مكارم الأخلاق ص: ٣٢٧

١٧-٨-٢-٣-١- صَلَاةُ الشُّكْرِ إِذَا قَدِمَ الرَّجُلُ مِنَ السَّفَرِ

﴿٢٢٣٧﴾ الصادق عليه السلام: قَدِمَ الرَّجُلُ مِنَ السَّفَرِ وَدَخَلَ مَنْزِلَهُ يَنْبَغِي أَنْ لَا يَشْتَغَلَ بِشَيْءٍ حَتَّى يَصُبَّ عَلَى نَفْسِهِ الْمَاءَ وَيُصَلِّيَ رُكْعَتَيْنِ وَيَسْجُدَ وَيَشْكُرَ اللَّهَ مِائَةَ مَرَّةٍ؛ بحار الأنوار ج: ٧٣ ص: ٢٨٢

١٨-٨-٢-٣-١- صَلَاةُ الشُّكْرِ بَعْدَ الْخُرُوجِ مِنَ الْحَمَامِ

﴿٢٢٣٨﴾ الصادق عليه السلام: إِذَا خَرَجَ أَحَدُكُمْ مِنَ الْحَمَامِ وَقَدْ سَلِمَ فَلْيُصَلِّ رُكْعَتَيْنِ شُكْرًا؛ وسائل الشيعة ج: ٢ ص: ٧٦

٩-٢-٣-١- الصَّلَاةُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

﴿٢٢٣٩﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً دَائِمَةً تَكُونُ لَكَ شُكْرًا وَلَنَا ذُخْرًا؛ البلد الأمين ص: ١٨٤

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۲۳۳﴾ درباره نماز شکر: هرگاه خداوند تعالی نعمتی به تو ارزانی داشت، دو رکعت نماز بخوان؛ رکعت اول سوره‌ی حمد با " قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ " و رکعت دوم سوره‌ی حمد با " قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ". در رکوع و سجده‌های رکعت اول بگو: " الحمد لله شکرا، شکرا و حمدا "، یعنی " ستایش مخصوص خداست و من به خاطر شکرگزاری و سپاس او به خاک افتاده‌ام ". و در رکوع و سجده‌های رکعت دوم بگو: سپاس متعلق به خدایی است که دعایم را مستجاب و خواسته‌ام را برآورد.

۱۵-۸-۲-۳-۱- نماز شکر برای آسانی پس از سختی

﴿۲۲۳۴﴾ پس جویبر گفت: ای پیامبر خدا، وارد خانه‌ای بزرگ شدم و فرش و وسایلی دیدم و دختری جوان و زیبا و خوشبو. به یاد حال خودم قبل از این افتادم که غریب و نیازمند بودم و در لباس غریبان و بیچارگان. پس دوست داشتم حال که خداوند این نعمت را به من بخشیده به خاطر عطایش او را شکر کنم و با حقیقت شکر به او تقرب بجویم پس به گوشه‌ای از خانه رفتم و پیوسته در حال خواندن نماز و قرآن بودم و در رکوع و سجود خدا را شکر می‌کردم.

۱۶-۸-۲-۳-۱- بعد از برآورده شدن حاجت

﴿۲۲۳۵﴾ پس هرگاه از آن فارغ شدی و حمد و سپاس خدای تعالی را بسیار زیاد به جای آوردی و بر محمد و آلش درود فرستادی و از پروردگارت حاجات دنیوی و اخروی‌ات را درخواست کردی پس هرگاه خدای متعال از سر لطف و عنایتش آن‌ها را برای تو اجابت فرمود، پس برای شکر دو رکعت نماز بگذار به گونه‌ای که در رکعت اول " حمد " و " قل هو الله احد " را و در رکعت دوم حمد و سوره‌ی کافرون را بخوانی و در رکوع نمازت بگویی، " الحمد لله شکراً " برای شکر خدا را می‌ستاییم " و در سجده‌ی نمازت شکر و حمد الهی را می‌گویی و در رکوع و در سجود رکعت دوم حمد خدای متعال را بسیار بر زبان می‌آوری و در رکوع و سجده‌ی رکعت دوم چینی می‌گویی: ستایش مخصوص خدایی است که نیازم را برطرف و خواسته‌ام را عطا کرد.

﴿۲۲۳۶﴾ هنگامی که حاجت روا شد نماز شکر به جای آور.

۱۷-۸-۲-۳-۱- نماز شکر هنگامی که مردی از سفر آید

﴿۲۲۳۷﴾ چون کسی از سفر آید و وارد منزل خود شود آید سزاوار است که به کاری مشغول نشود تا خود را با آب بشوید و دو رکعت نماز بخواند و سجده کند و صد بار خدا را شکر کند.

۱۸-۸-۲-۳-۱- نماز شکر پس از خروج از حمام

﴿۲۲۳۸﴾ هرگاه یکی از شما به سلامت از گرمابه خارج شود، دو رکعت نماز شکر بخواند.

۹-۲-۳-۱- صلوات بر پیامبر ﷺ

﴿۲۲۳۹﴾ پروردگارا، پیوسته بر او درود فرست، تا شکری به درگاهت باشد و ذخیره و پشتوانه‌ای برای ما.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١٠-٢-٣-١- الصَّوْمُ

١-١٠-٢-٣-١- الشُّكْرُ عَلَيَّ وَضَعَ الصَّوْمُ

﴿٢٢٤٠﴾ الرسول ﷺ: الصَّوْمُ لِي وَ أَنَا أُجْزَى بِهِ فَالصَّوْمُ يُمِيتُ مُرَادَ النَّفْسِ وَ شَهْوَةَ الطَّبْعِ الْحَيَوَانِيِّ وَ فِيهِ صِفَاءُ الْقَلْبِ وَ طَهَارَةُ الْجَوَارِحِ وَ عِمَارَةُ الظَّاهِرِ وَ الْبَاطِنِ وَ الشُّكْرُ عَلَى النُّعَمِ؛

مستدرک الوسائل ج: ٧ ص: ٥٠٠

٢-١٠-٢-٣-١- صَوْمُ الشُّكْرِ لِاسْتِجَابَةِ الدُّعَاءِ

﴿٢٢٤١﴾ السَّجَادُ ﷺ: أَنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ دَعَا اللَّهَ بِنِثَالٍ دَعَوَاتٍ فَأَجَابَهُ اللَّهُ فِيهَا عَلَى يَدِي ثُمَّ

تَسَاءَلْنِي الْأَكْلَ عِنْدَكَ هَذَا يَوْمَ صَوْمِ شُكْرًا لِلَّهِ عَلَى مَا وَقَفَنِي لَهُ؛ بحار الأنوار ج: ٤٦ ص: ٥٣

﴿٢٢٤٢﴾ السَّجَادُ ﷺ: أَنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ دَعَا بِأَرْبَعِ دَعَوَاتٍ فَأَجَابَهُ اللَّهُ عَلَى يَدِي ثُمَّ تَأْمُرُنِي

أَنْ أَكْلَ هَذَا يَوْمَ صَوْمِ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى مَا فَعَلْتُهُ بِتَوْفِيقِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٤٥ ص: ٣٣٢

٣-١٠-٢-٣-١- صَوْمُ الشُّكْرِ لِلسَّلَامَةِ

﴿٢٢٤٣﴾ الصَّادِقُ ﷺ: إِنْ الصَّوْمُ لَا يَكُونُ لِلْمُصِيبَةِ وَلَا يَكُونُ إِلَّا شُكْرًا لِلسَّلَامَةِ وَإِنَّ الْحُسَيْنَ

ﷺ أَصِيبَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ فَإِنْ كُنْتَ فِيمَنْ أَصِيبَ بِهِ فَلَا تَصُمْ وَإِنْ كُنْتَ شَامِتًا مِمَّنْ سَرَّهُ سَلَامَةٌ

بَنَى أُمِّيَّةً فَصُمْ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى؛ وسائل الشيعة ج: ١٠ ص: ٤٦٢

﴿٢٢٤٤﴾ الزَّهْرَاءُ ﷺ: إِنْ بَرَأَ وَلَدَايَ مِمَّا بِهِمَا صُمْتُ لِلَّهِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ شُكْرًا وَ ذَكَرَ عَنْ فَاطِمَةَ وَ

فَضَّةً نَحْنُ ذَلِكَ فَبَرَاءً؛ بناء المقالة ص: ٢٣٥

﴿٢٢٤٥﴾ امير المؤمنين ﷺ: فَقَالُوا يَا أَبَا الْحَسَنِ لَوْ نَذَرْتَ لَوْلَدَيْكَ نَذْرًا فَقَالَ ﷺ: إِنْ بَرِئَ

وَلَدَايَ مِمَّا بِهِمَا صُمْتُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى وَ قَالَتْ فَاطِمَةُ مِثْلَ ذَلِكَ وَ قَالَتْ جَارِيَتُهَا فَضَّةُ

إِنْ بَرِئَ سَيِّدَايَ مِمَّا بِهِمَا صُمْتُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى عَزَّ وَ جَلَّ فَالْبَيْسَ الْعَافِيَةَ؛ إرشاد القلوب

ج: ٢ ص: ٢٢٢

﴿٢٢٤٦﴾ الزَّهْرَاءُ ﷺ: مَرَضَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ فَعَادَهُمَا جَدُّهُمَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ مَعَهُ أَبُو بَكْرٍ

وَ عُمَرُ وَ عَادَهُمَا عَامَّةُ الْعَرَبِ فَقَالُوا يَا أَبَا الْحَسَنِ لَوْ نَذَرْتَ عَلَى وَلَدَيْكَ نَذْرًا وَ كُلُّ نَذْرٍ لَا

يَكُونُ لَهُ وَقَاءٌ فَلَيْسَ بِشَيْءٍ فَقَالَ عَلِيُّ ﷺ: إِنْ بَرَأَ وَلَدَايَ مِمَّا بِهِمَا صُمْتُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ شُكْرًا وَ

قَالَتْ فَاطِمَةُ ﷺ: إِنْ بَرَأَ وَلَدَايَ مِمَّا بِهِمَا صُمْتُ لِلَّهِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ شُكْرًا وَ قَالَتْ جَارِيَةُ يُقَالُ لَهَا

فَضَّةُ إِنْ بَرَأَ سَيِّدَايَ مِمَّا بِهِمَا صُمْتُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ شُكْرًا فَالْبَيْسَ الْغُلَامَانِ الْعَافِيَةَ وَ لَيْسَ عِنْدَ آلِ

مُحَمَّدٍ قَلِيلٌ وَ لَا كَثِيرٌ؛ بحار الأنوار ج: ٣٥ ص: ٢٤٥

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۱۰-۲-۳-۱-روزه

۱-۱۰-۲-۳-۱-شکر، علت واجب شدن روزه

﴿۲۲۴۰﴾ روزه برای من است و من به آن پاداش می‌دهم پس روزه خواسته‌ی نفس و شهوت حیوانی طبع را می‌کشد و صفای قلب و پاکی اعضا و آبادی ظاهر و باطن و شکر بر نعمت‌ها در آن است.

۲-۱۰-۲-۳-۱-روزه‌ی شکر برای استحابت دعا

﴿۲۲۴۱﴾ مختار گفت: علی بن الحسین علیه السلام سه دعا کرد خدا دعایش را به دست من مستجاب نمود، حال باز تقاضا می‌کنی که غذا بخورم در صورتی که امروز باید به شکرانه‌ی این نعمت روزه بگیرم.

﴿۲۲۴۲﴾ مختار گفت: امام زین العابدین علیه السلام چهار دعا کرد که خدا آن‌ها را به دست من اجرا کرد. پس به من می‌گویی: غذا بخورم؟! حال آنکه امروز روز روزه گرفتن است، به عنوان سپاسگزاری از خداوند به خاطر آنچه به توفیق او انجام دادم.

۳-۱۰-۲-۳-۱-روزه‌ی شکر برای سلامتی

﴿۲۲۴۳﴾ روزه برای سختی کشیدن نیست بلکه تنها شکرانه‌ی سلامتی است. و همانا بر امام حسین علیه السلام در روز عاشورا مصیبتی وارد شد پس اگر تو هم خود را مصیبت دیده می‌دانی پس آن روز را روزه بگیر ولی اگر ملامتگر امامی و از سلامتی بنی‌امیه شادمانی، آن روز را به شکرانه روزه بگیر.

﴿۲۲۴۴﴾ برای اینکه فرزندانم از بیماری رها شوند من نذر کردم که به شکرانه‌ی آن سه روز روزه بگیرم. و فاطمه‌ی زهرا علیها السلام نیز به همین طریق نذر کرد. و خدمتکار ایشان را که فضا نامیده می‌شد، او نیز این چنین نذر کرد.

﴿۲۲۴۵﴾ ای ابالحسن خوب است برای بهبودی فرزندان نذری کنی، سپس حضرت فرمود: (نذر می‌کنم که) اگر بیماری فرزندانم برطرف شد به عنوان سپاسگزاری از خدای تعالی سه روز روزه بگیرم، فاطمه علیها السلام فرمود: من هم سه روز روزه می‌گیرم؛ کنیز خانه؛ فضا هم نذر کرد که اگر دو فرزند مولایش حسن و حسین از آن بیماری نجات پیدا کنند، سه روز روزه بگیرد. حسن و حسین از آن بیماری بهبودی یافتند و ایشان نذر را ادا کردند.

﴿۲۲۴۶﴾ امام حسن و امام حسین علیهما السلام بیمار شدند و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به همراه ابوبکر و عمر و گروهی از مردم به عیادت ایشان رفتند، و به علی علیه السلام گفتند: ای ابالحسن، اگر نذری را برای سلامتی فرزندانم بر خود لازم گردانی و به آن وفا نمایی. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که: چون ایشان این دو سلامتی‌شان را بازبند من نذر کردم شکرانه‌ی آن سه روز روزه بگیرم. و فاطمه‌ی زهرا علیها السلام نیز به همین طریق نذر کرد. و خدمتکار ایشان را که فضا می‌گفتند او نیز این چنین نذر کرد. بعد از آنکه آن دو لباس عافیت پوشیدند در خانه‌شان چیزی - نه کم و نه زیاد - یافت نمی‌شد.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١٠-٢-٣-١-٤- صَوْمُ الشُّكْرِ لِلنَّجَاةِ

﴿٢٢٤٧﴾ الرضا عليه السلام: إِنَّ يَوْمَ الْغَدِيرِ بَيْنَ الْأَصْحَى وَالْفِطْرِ وَالْجُمُعَةِ كَالْقَمَرِ بَيْنَ الْكَوَاكِبِ وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي نَجَا فِيهِ إِبْرَاهِيمُ الْخَلِيلُ مِنَ النَّارِ فَصَامَهُ شُكْرًا لِلَّهِ؛ إقبال الأعمال ص: ٤٦٤

﴿٢٢٤٨﴾ الصادق عليه السلام: سَيِّدِي تَأْمُرُنِي بِصِيَامِهِ قَالَ إِي وَ اللَّهِ إِي وَ اللَّهِ إِي وَ اللَّهِ... إِنَّهُ الْيَوْمُ الَّذِي نَجَّى اللَّهُ تَعَالَى فِيهِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ النَّارِ فَصَامَ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى عَلَى ذَلِكَ... وَ إِنَّهُ الْيَوْمُ الَّذِي أَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِلنَّاسِ عِلْمًا وَأَبَانَ فِيهِ فَضْلُهُ وَ وَصِيَّتُهُ فَصَامَ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمُ وَ إِنَّهُ لَيَوْمُ صِيَامٍ وَ قِيَامٍ وَ إِطْعَامٍ وَ صِلَةِ الْإِخْوَانِ وَ فِيهِ مَرْضَاةُ الرَّحْمَنِ وَ مَرْغَمَةُ الشَّيْطَانِ؛ وسائل الشيعة ج: ١٠ ص: ٤٤٥

١٠-٢-٣-٢-١-٥- صَوْمُ الشُّكْرِ لِقَبُولِ التَّوْبَةِ

﴿٢٢٤٩﴾ الصادق عليه السلام: سَيِّدِي تَأْمُرُنِي بِصِيَامِهِ قَالَ إِي وَ اللَّهِ إِي وَ اللَّهِ إِي وَ اللَّهِ... إِنَّهُ الْيَوْمُ الَّذِي تَابَ اللَّهُ فِيهِ عَلَى آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَصَامَ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى ذَلِكَ الْيَوْمُ... وَ إِنَّهُ الْيَوْمُ الَّذِي أَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِلنَّاسِ عِلْمًا وَأَبَانَ فِيهِ فَضْلُهُ وَ وَصِيَّتُهُ فَصَامَ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمُ وَ إِنَّهُ لَيَوْمُ صِيَامٍ وَ قِيَامٍ وَ إِطْعَامٍ وَ صِلَةِ الْإِخْوَانِ وَ فِيهِ مَرْضَاةُ الرَّحْمَنِ وَ مَرْغَمَةُ الشَّيْطَانِ؛ وسائل الشيعة ج: ١٠ ص: ٤٤٥

١٠-٢-٣-٢-١-٦- صَوْمُ الشُّكْرِ لِنُصَبِ الْوَصِيِّ

﴿٢٢٥٠﴾ الصادق عليه السلام: يَوْمُ الثَّامِنِ عَشَرَ مِنْ شَهْرِ ذِي الْحِجَّةِ وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَقَامَ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ نَصَبَهُ لِلنَّاسِ عِلْمًا قَالَ قُلْتُ مَا يَجِبُ عَلَيْنَا فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ قَالَ يَجِبُ عَلَيْكُمْ صِيَامُهُ شُكْرًا لِلَّهِ وَ حَمْدًا لَهُ مَعَ أَنَّهُ أَهْلُ أَنْ يُشْكَرَ كُلَّ سَاعَةٍ وَ كَذَلِكَ أَمَرَتْ الْأَنْبِيَاءُ أَوْصِيَاءَهَا أَنْ يَصُومُوا الْيَوْمَ الَّذِي يُقَامُ فِيهِ الْوَصِيُّ يَتَّخِذُونَهُ عِيدًا وَ مَنْ صَامَهُ كَانَ أَفْضَلَ مِنْ عَمَلِ سِتِينَ سَنَةً؛ وسائل الشيعة ج: ١٠ ص: ٤٤٣

﴿٢٢٥١﴾ الصادق عليه السلام: سَيِّدِي تَأْمُرُنِي بِصِيَامِهِ قَالَ إِي وَ اللَّهِ إِي وَ اللَّهِ إِي وَ اللَّهِ... إِنَّهُ الْيَوْمُ الَّذِي تَابَ اللَّهُ فِيهِ عَلَى آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَصَامَ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى ذَلِكَ الْيَوْمُ وَ إِنَّهُ الْيَوْمُ الَّذِي نَجَّى اللَّهُ تَعَالَى فِيهِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ النَّارِ فَصَامَ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى عَلَى ذَلِكَ وَ إِنَّهُ الْيَوْمُ الَّذِي أَقَامَ مُوسَى هَارُونَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِلْمًا فَصَامَ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى ذَلِكَ الْيَوْمُ وَ إِنَّهُ الْيَوْمُ الَّذِي أَظْهَرَ عِيسَى وَصِيَّتَهُ شَمْعُونُ الصَّفَّا فَصَامَ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمُ وَ إِنَّهُ الْيَوْمُ الَّذِي أَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِلنَّاسِ عِلْمًا وَأَبَانَ فِيهِ فَضْلُهُ وَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۴-۱۰-۲-۳-۱-روزه‌ی شکر برای نجات

﴿۲۲۴۷﴾ اما روز غدیر در مقابل عید قربان و فطر و جمعه مانند ماه در بین ستارگان است، و آن روزی است که ابراهیم علیه السلام از آتش نجات پیدا کرد و برای شکرگزاری، آن روز را روزه گرفت.

﴿۲۲۴۸﴾ آقای من، من آنم که تو می‌دانی و برآنچه دارم آگاهی که اگر توفیق ندهی برادای بندگی تو ناتوانم و آگاهی که بدون کمک تو از انجام شکر دستم کوتاه است. ای آقای من! آیا مرا امر به روزه گرفتن در این روز می‌فرمایید؟ فرمود: آری به خدا، آری به خدا... این همان روزی است که خداوند متعال در آن ابراهیم علیه السلام را از آتش نجات داد و او به‌عنوان سپاسگزاری از خداوند متعال بر آن امر، روزه گرفت... و این همان روزی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را به‌عنوان جانشین برای مردم معرفی کرد و فضیلت‌ها و جانشینی‌اش را در آن روز آشکار کرد. پس آن روز را به‌عنوان سپاسگزاری از خداوند عزیز و جلیل روزه گرفت و این روز، روز روزه و نماز و غذادادن و رابطه با برادران است و در این روز خشنودی خداوند است و خوارشدن شیطان.

۵-۱۰-۲-۳-۱-روزه‌ی شکر برای قبول توبه

﴿۲۲۴۹﴾ آقای من، من آنم که تو می‌دانی و برآنچه دارم آگاهی که اگر توفیق ندهی برادای بندگی تو ناتوانم و آگاهی که بدون کمک تو از انجام شکر دستم کوتاه است. ای آقای من! آیا مرا امر به روزه گرفتن در این روز می‌فرمایید؟ فرمود: آری به خدا، آری به خدا، آری به خدا. این همان روزی است که خداوند در آن توبه‌ی آدم علیه السلام را پذیرفت و او آن روز را به‌عنوان سپاسگزاری از خداوند متعال روزه گرفت... و این همان روزی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را به‌عنوان جانشین برای مردم معرفی کرد و فضیلت‌ها و جانشینی‌اش را در آن روز آشکار کرد. پس آن روز را به‌عنوان سپاسگزاری از خداوند عزیز و جلیل روزه گرفت و این روز، روز روزه و نماز و غذادادن و رابطه با برادران است و در این روز خشنودی خداوند است و خوارشدن شیطان.

۶-۱۰-۲-۳-۱-روزه‌ی شکر برای انتصاب جانشین

﴿۲۲۵۰﴾ روز هجدهم ماه ذی‌حجه‌ی همان روزی که پیامبر خدا در آن روز امیرالمؤمنین را برپا داشت و او را رهبر و راهنمای مردم قرار داد، گوید: عرض کردم در چنین روزی وظیفه‌ی ما چیست؟ فرمود: بر شما لازم است که آن روز را برای تشکر از خدا و ستایش او روزه بگیرید هرچند خداوند همه‌وقت شایسته‌ی سپاسگزاری است؛ زیرا همه‌ی پیامبران به جانشینان خود دستور دادند روزی را که جانشینشان رسماً معرفی می‌شود روزه بدارند و آن را عید بگیرند و هرکس این روز را روزه بدارد ثوابش از عبادت شصت سال برتر است.

﴿۲۲۵۱﴾ آقای من، من آنم که تو می‌دانی و برآنچه دارم آگاهی که اگر توفیق ندهی برادای بندگی تو ناتوانم و آگاهی که بدون کمک تو از انجام شکر دستم کوتاه است. ای آقای من! آیا مرا امر به روزه گرفتن در این روز می‌فرمایید؟ فرمود: آری به خدا، آری به خدا، آری به خدا. این همان روزی است که خداوند در آن توبه‌ی آدم علیه السلام را پذیرفت و او آن روز را به‌عنوان سپاسگزاری از خداوند متعال روزه گرفت و این همان روزی است که خداوند متعال در آن ابراهیم علیه السلام را از آتش نجات داد و او به‌عنوان سپاسگزاری از خداوند متعال بر آن امر، روزه گرفت و این همان روزی است که موسی علیه السلام هارون علیه السلام را به‌عنوان جانشین تعیین کرد و او آن روز را به‌عنوان سپاسگزاری از خداوند متعال روزه گرفت و این همان روزی است که عیسی، وصیش شمعون الصفا را معرفی کرد و آن روز را به‌عنوان سپاسگزاری از خداوند عزیز و جلیل روزه گرفت و این همان روزی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را به‌عنوان

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

وَصِيَّتُهُ فَصَامَ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ وَإِنَّهُ لَيَوْمٌ صِيَامٍ وَقِيَامٍ وَإِطْعَامٍ وَصِلَةِ الْإِخْوَانِ وَفِيهِ مَرَضَاةُ الرَّحْمَنِ وَمَرْغَمَةُ الشَّيْطَانِ؛ وسائل الشيعة ج: ١٠ ص: ٤٤٥

٧-١٠-٢-٣-١-صَوْمُ الشُّكْرِ فِي يَوْمِ الْمُبَاهَلَةِ

﴿٢٢٥٢﴾ فِي خَبَرِ الْمُبَاهَلَةِ وَهِيَ يَوْمٌ أَرْبَعٌ وَعَشْرِينَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ وَقَدْ قِيلَ يَوْمٌ أَحَدٍ وَعَشْرِينَ وَقِيلَ يَوْمٌ سَبْعٌ وَعَشْرِينَ وَأَصَحُّ الرِّوَايَاتِ يَوْمٌ أَرْبَعٌ وَعَشْرِينَ وَالزِّيَارَةُ فِيهِ قَالَ إِذَا أَرَدْتَ ذَلِكَ فَابْدَأْ بِصَوْمِ ذَلِكَ الْيَوْمِ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى؛ مستدرک الوسائل ج: ٦ ص: ٣٥١

٨-١٠-٢-٣-١-صَوْمُ الشُّكْرِ فِي يَوْمِ تَزْوِيجِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَفَاطِمَةَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ

﴿٢٢٥٣﴾ لَيْلَةٌ إِحْدَى وَعَشْرِينَ مِنَ الْمُحَرَّمِ وَكَانَتْ لَيْلَةً خَمِيسَ سَنَةِ ثَلَاثٍ مِنَ الْهَجْرَةِ كَانَ زَفَافُ فَاطِمَةَ ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِلَى مَنْزِلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يُسْتَحَبُّ صَوْمُهُ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى لَمَّا وَفَّقَ مِنْ جَمْعِ حُجَّتِهِ وَصَفْوَتِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٤٣ ص: ٩٢

٩-١٠-٢-٣-١-صَوْمُ الشُّكْرِ فِي يَوْمِ الْغَدِيرِ

﴿٢٢٥٤﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَوْمُ الثَّامِنِ عَشَرَ مِنْ شَهْرِ ذِي الْحِجَّةِ وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَقَامَ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَنَصَبَهُ لِلنَّاسِ عَلَمًا قَالَ قُلْتُ مَا يَجِبُ عَلَيْنَا فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ قَالَ يَجِبُ عَلَيْكُمْ صِيَامُهُ شُكْرًا لِلَّهِ وَحَمْدًا لَهُ مَعَ أَنَّهُ أَهْلُ أَنْ يُشْكَرَ كُلَّ سَاعَةٍ وَكَذَلِكَ أَمَرَتِ الْأَنْبِيَاءُ أَوْصِيَاءَهُمَا أَنْ يَصُومُوا الْيَوْمَ الَّذِي يُقَامُ فِيهِ الْوَصِيُّ يَتَخَذُونَهُ عِيدًا وَمَنْ صَامَهُ كَانَ أَفْضَلَ مِنْ عَمَلِ سِتِينَ سَنَةً؛ وسائل الشيعة ج: ١٠ ص: ٤٤٣

﴿٢٢٥٥﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سَيِّدِي تَأْمُرُنِي بِصِيَامِهِ قَالَ إِي وَاللَّهِ إِي وَاللَّهِ إِي وَاللَّهِ إِنَّهُ الْيَوْمُ الَّذِي تَابَ اللَّهُ فِيهِ عَلَى آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَصَامَ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى ذَلِكَ الْيَوْمَ وَإِنَّهُ الْيَوْمُ الَّذِي نَجَّى اللَّهُ تَعَالَى فِيهِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ النَّارِ فَصَامَ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى عَلَى ذَلِكَ وَإِنَّهُ الْيَوْمُ الَّذِي أَقَامَ مُوسَى هَارُونَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَلَمًا فَصَامَ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى ذَلِكَ الْيَوْمَ وَإِنَّهُ الْيَوْمُ الَّذِي أَظْهَرَ عِيسَى وَصِيَّهُ شَمْعُونَ الصَّقَا فَصَامَ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ وَإِنَّهُ الْيَوْمُ الَّذِي أَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَيَّاهُمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ لِلنَّاسِ عَلَمًا وَأَبَانَ فِيهِ فَضْلَهُ وَوَصِيَّتُهُ فَصَامَ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ وَإِنَّهُ لَيَوْمٌ صِيَامٍ وَقِيَامٍ وَإِطْعَامٍ وَصِلَةِ الْإِخْوَانِ وَفِيهِ مَرَضَاةُ الرَّحْمَنِ وَمَرْغَمَةُ الشَّيْطَانِ؛ وسائل الشيعة ج: ١٠ ص: ٤٤٥

﴿٢٢٥٦﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّهُ يَوْمٌ عِيدٍ وَفَرَحٍ وَسُرُورٍ وَصَوْمُ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَإِنْ صَوْمَهُ يَعْدِلُ سِتِينَ شَهْرًا مِنَ الْأَشْهُرِ الْحُرُمِ؛ مستدرک الوسائل ج: ٧ ص: ٥١٧

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

جانشین برای مردم معرفی کرد و فضیلت‌ها و جانشینی‌اش را در آن روز آشکار کرد. پس آن روز را به‌عنوان سپاسگزاری از خداوند عزیز و جلیل روزه گرفت و این روز، روز روزه و نماز و غذا دادن و رابطه با برادران است و در این روز خشنودی خداوند است و خوار شدن شیطان.

۷-۱۰-۲-۳-۱- روزه‌ی شکر در روز مباحله

﴿۲۲۵۲﴾ در اخبار مباحله آمده است که آن روز بیست و چهارم ماه ذی‌حجه بوده و گفته شده روز بیست و یکم و برخی گفته‌اند بیست و هفتم، اما صحیح‌ترین روایات همان بیست و چهارم ماه ذی‌حجه است هرگاه اراده‌ی زیارت کردی برای سپاسگزاری از خداوند آن روز را با روزه آغاز کن. در آن روز به زیارت سفارش شده است؛

۸-۱۰-۲-۳-۱- روزه‌ی شکر در روز ازدواج امیرالمؤمنین و فاطمه علیهم‌السلام

﴿۲۲۵۳﴾ ازدواج و عروسی فاطمه‌ی زهرا علیها‌السلام دختر حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با حضرت علی بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام در شب پنجشنبه ۲۱ ماه محرم سال سوم هجری واقع شد. روزه گرفتن آن روز به‌عنوان شکر جمع شدن دو حجت و دو برگزیده‌ی خداوند مستحب است.

۹-۱۰-۲-۳-۱- روزه‌ی شکر در روز غدیر

﴿۲۲۵۴﴾ روز هجدهم ماه ذی‌حجه‌ی همان روزی که پیامبر خدا در آن روز امیرالمؤمنین را برپا داشت و او را رهبر و راهنمای مردم قرار داد، گوید: عرض کردم در چنین روزی وظیفه‌ی ما چیست؟ فرمود: بر شما لازم است که آن روز را برای تشکر از خدا و ستایش او روزه بگیرید هرچند خداوند همه‌وقت شایسته‌ی سپاسگزاری است؛ زیرا همه‌ی پیامبران به جانشینان خود دستور دادند روزی را که جانشینان رسماً معرفی می‌شود روزه بدارند و آن را عید بگیرند و هر کس این روز را روزه بدارد ثوابش از عبادت شصت سال برتر است.

﴿۲۲۵۵﴾ آقای من، من آنم که تو می‌دانی و برآنچه دارم آگاهی که اگر توفیق ندهی برادای بندگی تو ناتوانم و آگاهی که بدون کمک تو از انجام شکر دستم کوتاه است. ای آقای من! آیا مرا امر به روزه گرفتن در این روز می‌فرمایید؟ فرمود: آری به خدا، آری به خدا، آری به خدا. این همان روزی است که خداوند در آن توبه‌ی آدم علیه‌السلام را پذیرفت و او آن روز را به‌عنوان سپاسگزاری از خداوند متعال روزه گرفت و این همان روزی است که خداوند متعال در آن ابراهیم علیه‌السلام را از آتش نجات داد و او به‌عنوان سپاسگزاری از خداوند متعال بر آن امر، روزه گرفت و این همان روزی است که موسی علیه‌السلام هارون علیه‌السلام را به‌عنوان جانشین تعیین کرد و او آن روز را به‌عنوان سپاسگزاری از خداوند متعال روزه گرفت و این همان روزی است که عیسی، وصیش شمعون الصفا را معرفی کرد و آن روز را به‌عنوان سپاسگزاری از خداوند عزیز و جلیل روزه گرفت و این همان روزی است که پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم علی علیه‌السلام را به‌عنوان جانشین برای مردم معرفی کرد و فضیلت‌ها و جانشینی‌اش را در آن روز آشکار کرد. پس آن روز را به‌عنوان سپاسگزاری از خداوند عزیز و جلیل روزه گرفت و این روز، روز روزه و نماز و غذا دادن و رابطه با برادران است و در این روز خشنودی خداوند است و خوار شدن شیطان.

﴿۲۲۵۶﴾ همانا آن روز، روز عید و شادی و سرور است و روزی است که روزه‌ی آن برای شکرگزاری حق تعالی توصیه شده، پس همانا روزه‌ی آن روز معادل شصت ماه از ماه‌های حرام است.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٢٥٧﴾ الصادق عليه السلام: هَذَا يَوْمٌ عَظِيمٌ عَظَّمَ اللَّهُ حُرْمَتَهُ إِلَيَّ أَنْ قَالَ فَقِيلَ لَهُ مَا ثَوَابُ صَوْمِ هَذَا الْيَوْمِ قَالَ إِنَّهُ يَوْمٌ عِيدٌ وَفَرَحٌ وَسُرُورٌ وَ يَوْمٌ صَوْمٍ شُكْرًا لِلَّهِ وَإِنْ صَوْمَهُ يَعْدِلُ سِتِينَ شَهْرًا مِنْ أَشْهُرِ الْحَرَمِ؛ وسائل الشيعة ج: ١٠ ص: ٤٤٤

﴿٢٢٥٨﴾ الرضا عليه السلام: إِنَّ يَوْمَ الْغَدِيرِ بَيْنَ الْأَضْحَى وَالْفِطْرِ وَالْجُمُعَةِ كَالْقَمَرِ بَيْنَ الْكَوَاكِبِ وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي نَجَا فِيهِ إِبْرَاهِيمُ الْخَلِيلُ مِنَ النَّارِ فَصَامَهُ شُكْرًا لِلَّهِ؛ إقبال الأعمال ص: ٤٦٤

﴿٢٢٥٩﴾ الصادق عليه السلام: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ زُفَّتْ أَرْبَعَةُ أَيَّامٍ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كَمَا تُزَفُّ الْعُرُوسُ إِلَى خِدْرَهَا يَوْمَ الْفِطْرِ وَ يَوْمَ الْأَضْحَى وَ يَوْمُ الْجُمُعَةِ وَ يَوْمُ غَدِيرِ خُمٍّ وَ إِنَّ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ بَيْنَ الْفِطْرِ وَالْأَضْحَى وَالْجُمُعَةِ كَالْقَمَرِ بَيْنَ الْكَوَاكِبِ وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيُوكِّلُ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ مَلَائِكَتَهُ الْمُقَرَّبِينَ وَ سَيِّدَهُمْ جَبْرَائِيلَ عليه السلام وَ أَنْبِيََاءَهُ الْمُرْسَلِينَ وَ سَيِّدَهُمْ مُحَمَّدًا ﷺ وَ أَوْصِيَاءَ اللَّهِ الْمُتَجَبِّينَ وَ سَيِّدَهُمْ يَوْمئِذٍ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ عِبَادَ اللَّهِ الصَّالِحِينَ وَ سَيِّدَهُمْ يَوْمئِذٍ سَلْمَانَ وَ أَبُو ذَرٍّ وَ الْمُقْدَادُ وَ عَمَارٌ حَتَّى يُنَادُوا بِهَا الْجَنَانَ كَمَا يُنَادُوا الرَّاعِيَ بِغَنَمِهِ الْمَاءُ وَ الْكَلَاءُ قَالَ الْمُفْضَلُ قُلْتُ يَا سَيِّدِي تَأْمُرُنِي بِصِيَامِهِ قَالَ إِي وَ اللَّهُ إِي وَ اللَّهُ إِنَّهُ الْيَوْمُ الَّذِي نَجَّى اللَّهُ فِيهِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام مِنَ النَّارِ فَصَامَ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٢٣

١٠-١-٢-٣-١- صَوْمُ بَنِي أُمَيَّةَ يَوْمَ عَاشُورَاءِ

﴿٢٢٦٠﴾ الصادق عليه السلام: سَأَلْتُهُ عَنْ صَوْمِ يَوْمِ عَاشُورَاءِ فَقَالَ ذَاكَ يَوْمٌ قُتِلَ الْحُسَيْنُ عليه السلام فَإِنْ كُنْتَ شَامِتًا فَصُمْ ثُمَّ قَالَ إِنْ آَلَ أُمَيَّةَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَ مَنْ أَعَانَهُمْ عَلَى قَتْلِ الْحُسَيْنِ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ نَذَرُوا نَذْرًا إِنْ قُتِلَ الْحُسَيْنُ عليه السلام وَ سَلِمَ مَنْ خَرَجَ إِلَى الْحُسَيْنِ وَ صَارَتْ الْخِلَافَةُ فِي آلِ أَبِي سَفْيَانَ أَنْ يَتَّخِذُوا ذَلِكَ الْيَوْمَ عِيدًا لَهُمْ يَصُومُونَ فِيهِ شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٤٥ ص: ٩٥

١١-٢-٣-١- طَوَافُ الشُّكْرِ

﴿٢٢٦١﴾ الباقر عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ لَمَّا فَتَحَ مَكَّةَ أَتَعَبَ نَفْسَهُ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ الشُّكْرِ لِنِعْمِهِ فِي الطَّوَافِ بِالْبَيْتِ؛ بحار الأنوار ج: ٣٩ ص: ١٢٤

١٢-٢-٣-١- الْقُرْآنُ

١-٢-٣-١- حِفْظُهُ

﴿٢٢٦٢﴾ الصادق عليه السلام: الْحَوَامِيمُ رِيحَانُ الْقُرْآنِ فَإِذَا قَرَأْتُمُوهَا فَاحْمَدُوا اللَّهَ وَ اشْكُرُوهُ كَثِيرًا بِحِفْظِهَا وَ تِلَاوَتِهَا؛ وسائل الشيعة ج: ٦ ص: ١٤٦

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۲۵۷﴾ این روز بزرگی است؛ خداوند حرمت آن را بزرگ داشته است... شد: ثواب روزه ی این روز چیست؟ فرمود: آن روز عید است و روز شادی و سرور؛ و روزه ی این روز به عنوان سپاس گزاری خداوند و معادل روزه ی شصت ماه از ماه های حرام است.

﴿۲۲۵۸﴾ اما روز غدیر در مقابل عید قربان و فطر و جمعه مانند ماه در بین ستارگان است، و آن روزی است که ابراهیم علیه السلام از آتش نجات پیدا کرد و برای شکرگزاری، آن روز را روزه گرفت.

﴿۲۲۵۹﴾ هنگامی که روز قیامت برپا شود، چهار روز مانند عروس آذین بندی شده در محضر حق تعالی محشور می شوند و آن چهارروز عید فطر و عید غدیر و جمعه و عید قربان هستند. و همانا عید غدیر خم در میان فطر و قربان و جمعه مانند ماه در میان ستارگان خواهد بود و به درستی که خدای تعالی با روز غدیر خم فرشتگان مقربش را همراه می کند درحالی که بزرگ و سرور ایشان جبرئیل علیه السلام است و نیز پیامبران مرسل خود را با آن همراه می کند درحالی که که سید و سرور ایشان حضرت محمد صلی الله علیه و آله است، و جانشینان برگزیده پیامبران نیز با او همراه خواهند شد، درحالی که آقا و سرورشان در آن هنگام امیرالمؤمنین علیه السلام است و بندگان صالح خدای تعالی نیز با او همراهی خواهند کرد درحالی که سرور و آقایشان سلمان و ابوذر و مقداد و عمار هستند؛ تا اینکه همگان به بهشت دعوت می شوند، آن چنان که رعیت به آب و غذای میزبان دعوت می شوند، مفضل گفت: گفتم: ای آقای من، آیا مرا به روزه گرفتن در این روز امر می کنید؟ امام علیه السلام فرمود: آری، به خدا سوگند، به خدا سوگند که همانا این روز همان روزی است که خدای سبحان در آن ابراهیم را از آتش نجات داد، و او نیز به عنوان شکرگزاری این روز را برای خدای تعالی روزه گرفت.

۱۰-۱-۲-۳-۲-۱- روزی بنی امیه در روز عاشورا

﴿۲۲۶۰﴾ از امام جعفر صادق علیه السلام راجع به روزه گرفتن روز عاشورا جویا شدم. فرمود: روز عاشورا روز قتل امام حسین علیه السلام است. اگر می خواهی در قتل حسین شادمانی کنی در روز عاشورا روزه بگیر. سپس فرمود: بنی امیه - نفرین خدا بر آنان باد - و آن افرادی از اهل شام که آنان را در قتل حسین یاری نمودند نذر کردند که اگر حسین کشته شود و لشکر آنان که به جنگ حسین علیه السلام رفته اند سالم بمانند و مقام خلافت نصیب خاندان ابوسفیان شود روز عاشورا را برای خود عید قرار دهند و آن روز را برای شکرگزاری روزه بگیرند.

۱۱-۲-۳-۲-۱- طواف شکر

﴿۲۲۶۱﴾ هنگامی که مکه را فتح نمودند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نفس شریف خود را در عبادت خداوند و شکر نعمت هایش با طواف کردن بیت به رنج و سختی انداختند.

۱۲-۲-۳-۲-۱- قرآن

۱-۱۲-۲-۳-۲-۱- حفظ آن

﴿۲۲۶۲﴾ سوره هایی را که با " حم " شروع می شوند گل های خوشبوی قرآن هستند پس آنگاه که آن ها را قرائت نمودید خدا را ستایش کرده و بسیار شکر کنید.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

٢-١٢-٢-٣-١-قراءة

﴿٢٢٦٣﴾ الرسول ﷺ: أَنَّ عُمَرَ دَخَلَ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ وَهُوَ مَوْقُودٌ أَوْ قَالَ مَحْمُومٌ فَقَالَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَشَدَّ وَعَكَكَ أَوْ حُمَاكَ فَقَالَ لَهُ مَا مَنَعَنِي ذَلِكَ أَنْ قَرَأْتُ اللَّيْلَةَ ثَلَاثِينَ سُورَةً فِيهِنَّ السَّبْعُ الطُّوَلُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ وَأَنْتَ تَجْتَهِدُ هَذَا لِاجْتِهَادٍ فَقَالَ أَفَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا؛ وسائل الشيعة ج: ٦ ص: ١٩١

﴿٢٢٦٤﴾ الرسول ﷺ: فَقَالَ لَهُ جُوَيْرٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ دَخَلْتُ بَيْتًا وَاسِعًا وَرَأَيْتُ فِرَاشًا وَمَتَاعًا وَفَنَاءَ حَسَنَاءَ عَطِرَةٍ وَ ذَكَرْتُ حَالِي الَّتِي كُنْتُ عَلَيْهَا وَ غُرْبَتِي وَ حَاجَتِي وَ وَضِيعَتِي وَ كِسْوَتِي مَعَ الْغُرَبَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ فَأَحْبَبْتُ إِذْ أَوْلَانِي اللَّهُ ذَلِكَ أَنْ أَشْكُرَهُ عَلَى مَا أَعْطَانِي وَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْهِ بِحَقِيقَةِ الشُّكْرِ فَتَهَضُّتُ إِلَى جَانِبِ الْبَيْتِ فَلَمْ أَزَلْ فِي صَلَاتِي تَالِيًا لِلْقُرْآنِ رَاكِعًا وَ سَاجِدًا أَشْكُرُ اللَّهَ؛ الكافي ج: ٥ ص: ٣٤٢

١-٢-٢-٣-١-قراءة أم القرآن

﴿٢٢٦٥﴾ الكاظم ﷺ: سَمِعَ بَعْضُ آبَائِي رَجُلًا يَقْرَأُ أُمَّ الْقُرْآنِ فَقَالَ شُكْرٌ وَ أَجْرٌ؛ مستدرک الوسائل ج: ٤ ص: ٣٣٢

٢-١٢-٢-٣-١-قراءة سورة الرحمن

﴿٢٢٦٦﴾ الرسول ﷺ: مَنْ قَرَأَ سُورَةَ الرَّحْمَنِ رَحِمَ اللَّهُ ضَعْفَهُ وَ آدَى شُكْرَ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ؛ مستدرک الوسائل ج: ٤ ص: ٣٥٠

١٣-٢-٣-١-النذر للشكر

١-١٣-٢-٣-النذر للتحج شكرًا

﴿٢٢٦٧﴾ الباقر ﷺ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ﷺ عَنْ رَجُلٍ... نَذَرَ نَذْرًا فِي شُكْرٍ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٢ ص: ٤٢٨

﴿٢٢٦٨﴾ الصادق ﷺ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ عَنْ رَجُلٍ جَعَلَ لِلَّهِ عَلَيْهِ شُكْرًا أَنْ يُحْرِمَ مِنَ الْكُوفَةِ قَالَ فَلْيُحْرِمْ مِنَ الْكُوفَةِ وَ لَيْفَ لِلَّهِ بِمَا قَالَ؛ تهذيب الأحكام ج: ٥ ص: ٥٣

٢-١٣-٢-٣-النذر للصدقة شكرًا

﴿٢٢٦٩﴾ الصادق ﷺ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ فَسَأَلَهُ رَجُلٌ عَنْ رَجُلٍ مَرَضَ فَنَذَرَ لِلَّهِ شُكْرًا إِنْ عَافَاهُ اللَّهُ أَنْ يَصَّدَّقَ مِنْ مَالِهِ بِشَيْءٍ كَثِيرٍ وَ لَمْ يُسَمِّ شَيْئًا فَقَالَ يَتَصَدَّقُ بِشَمَانِينَ دِرْهَمًا فَإِنَّهُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۲-۱۲-۲-۳-۱- خواندنش

﴿۲۲۶۳﴾ عمر نزد پیامبر ﷺ رفت و پیامبر خدا شدیداً بیمار بودند یا راوی گفت تب داشتند؛ عمر گفت: ای پیامبر خدا چه سخت بیماری! یا چه سخت تب داری! پیامبر ﷺ فرمودند: چرا این گونه نباشم که امشب سی سوره خواندم که هفت سوره‌ی طولانی قرآن نیز در بین آنها بود؛ عمر گفت: ای پیامبر خدا، تو این گونه تلاش می‌کنی درحالی که خداوند گناهان گذشته و آینده‌ات را بخشیده است حضرت فرمودند: آیا بنده‌ی شاکری نباشم؟

﴿۲۲۶۴﴾ پس جویبر گفت: ای پیامبر خدا، وارد خانه‌ای بزرگ شدم و فرش و وسایلی دیدم و دختری جوان و زیبا و خوشبو. به یاد حال خودم قبل از این افتادم که غریب و نیازمند بودم و در لباس غریبان و بیچارگان. پس دوست داشتم حال که خداوند این نعمت را به من بخشیده به خاطر عطایش او را شکر کنم و با حقیقت شکر به او تقرب بجویم پس به گوشه‌ای از خانه رفتم و پیوسته در حال خواندن نماز و قرآن بودم و در رکوع و سجود خدا را شکر می‌کردم.

۱-۲-۳-۲-۱۲-۲-۱- خواندن سوره‌ی حمد

﴿۲۲۶۵﴾ یکی از پدرانم مردی سوره‌ی حمد را می‌خواند در این مورد فرمودند: شکر است و بر آن پاداش می‌برد.

۲-۱۲-۲-۳-۱-۲-۲- خواندن سوره‌ی الرحمن

﴿۲۲۶۶﴾ هرکس سوره‌ی الرحمن را قرائت کند خدای تعالی بر ضعف و ناتوانی‌اش رحم میکند و ادا نموده شکر خداوند را درمقابل نعمتی که خداوند به او بخشیده ادا کرده است.

۱۳-۲-۳-۱-۲- نذر شکر

۱-۱۳-۲-۳-۱-۲- نذر حج به عنوان شکر

﴿۲۲۶۷﴾ از امام ابو جعفر علیه السلام درباره‌ی مردی سؤال کردم که... نذر می‌کند تا به شکرانه کاری را انجام دهد.

﴿۲۲۶۸﴾ از ابوالحسن علیه السلام درباره‌ی مردی پرسیدم که نذر کرده است به شکرانه از کوفه محرم شود فرمودند: باید از کوفه محرم شود و به آنچه گفته وفا کند.

۲-۱۳-۲-۳-۱-۲- نذر صدقه به عنوان شکر

﴿۲۲۶۹﴾ نزد ابی‌عبدالله علیه السلام بودم که مردی از ایشان سؤال کرد که مردی مریض بوده نذر کرده که اگر خداوند به او عافیت دهد به شکرانه‌ی عافیت بخش چیز زیادی از مالش را صدقه دهد و مقدار را ذکر نکرده است، بفرمایید باید چه مقدار صدقه بدهد؟ فرمودند: باید هشتاد درهم

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

يُجْزِيهِ وَ ذَلِكَ بَيِّنٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِذْ يَقُولُ لِنَبِيِّهِ ﷺ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَالْكَثِيرُ فِي كِتَابِ اللَّهِ ثَمَانُونَ؛ تهذيب الأحكام ج: ٨ ص: ٣١٧

١-٢-٣-٢-١٣-٣- النَّذْرُ لِلصَّوْمِ شُكْرًا

﴿٢٢٧٠﴾ الصادق عليه السلام: أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ قَالَ لِلَّهِ عَلَى أَنْ أَصُومَ حِينًا وَ ذَلِكَ فِي شُكْرِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَدْ أَتَى عَلَى الْعَلِيُّ عليه السلام فِي مِثْلِ هَذَا فَقَالَ صُمْ سِتَّةَ أَشْهُرٍ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا بَعْنَى سِتَّةَ أَشْهُرٍ؛ الكافي ج: ٤ ص: ١٤٢

﴿٢٢٧١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَقَالُوا يَا أَبَا الْحَسَنِ لَوْ نَذَرْتَ لَوَدَّيْكَ نَذْرًا فَقَالَ عليه السلام: إِنْ بَرِئَ وَلَدَايَ مِمَّا بِهِمَا صُمْتُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى وَ قَالَتْ فَاطِمَةُ مِثْلَ ذَلِكَ وَ قَالَتْ جَارِيَتُهَا فَضَّةُ إِنْ بَرِئَ سَيِّدَايَ مِمَّا بِهِمَا صُمْتُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى عَزَّ وَ جَلَّ فَالْبَسَا الْعَافِيَةَ؛ إرشاد القلوب ج: ٢ ص: ٢٢٢

﴿٢٢٧٢﴾ الزهراء عليها السلام: مَرَضَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ فَعَادَهُمَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ مَعَهُ أَبُو بَكْرٍ وَ عُمرُ وَ عَادَهُمَا عَامَّةُ الْعَرَبِ فَقَالُوا يَا أَبَا الْحَسَنِ لَوْ نَذَرْتَ عَلَى وَلَدَيْكَ نَذْرًا وَ كُلُّ نَذْرٍ لَا يَكُونُ لَهُ وَفَاءٌ فَلَيْسَ بِشَيْءٍ فَقَالَ عليه السلام: إِنْ بَرَأَ وَلَدَايَ مِمَّا بِهِمَا صُمْتُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ شُكْرًا وَ قَالَتْ فَاطِمَةُ عليه السلام: إِنْ بَرَأَ وَلَدَايَ مِمَّا بِهِمَا صُمْتُ لِلَّهِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ شُكْرًا وَ قَالَتْ جَارِيَةُ يُقَالُ لَهَا فَضَّةُ إِنْ بَرَأَ سَيِّدَايَ مِمَّا بِهِمَا صُمْتُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ شُكْرًا فَالْبَسَا الْعَافِيَةَ وَ لَيْسَ عِنْدَ آلِ مُحَمَّدٍ قَلِيلٌ وَ لَا كَثِيرٌ؛ بحار الأنوار ج: ٣٥ ص: ٢٤٥

﴿٢٢٧٣﴾ الصادق عليه السلام: أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ قَالَ لِلَّهِ عَلَى أَنْ أَصُومَ حِينًا وَ ذَلِكَ فِي شُكْرِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَدْ أَتَى عَلَى الْعَلِيُّ عليه السلام فِي مِثْلِ هَذَا فَقَالَ صُمْ سِتَّةَ أَشْهُرٍ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا بَعْنَى سِتَّةَ أَشْهُرٍ؛ الكافي ج: ٤ ص: ١٤٢

١-٢-٣-٢-١٣-٤- النَّذْرُ لِلنَّحْرِ شُكْرًا

﴿٢٢٧٤﴾ الكاظم عليه السلام: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ جَعَلَ لِلَّهِ عَلَيْهِ بَدَنَةً يَنْحَرُهَا بِالْكَوْفَةِ فِي شُكْرِ فَقَالَ لِي عَلَيْهِ أَنْ يَنْحَرَهَا حَيْثُ جَعَلَ لِلَّهِ عَلَيْهِ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ سَمَى بِلَدٍّ فَإِنَّهُ يَنْحَرُهَا قُبَالَةِ الْكَعْبَةِ مَنْحَرِ الْبُذْنِ؛ تهذيب الأحكام ج: ٥ ص: ٢٣٩

﴿٢٢٧٥﴾ الكاظم عليه السلام: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ جَعَلَ لِلَّهِ عَلَيْهِ شُكْرًا مِنْ بَلَاءٍ ابْتُلِيَ بِهِ إِنْ عَافَاهُ اللَّهُ أَنْ يُحْرِمَ مِنَ الْكَوْفَةِ قَالَ فَلْيُحْرِمْ مِنَ الْكَوْفَةِ؛ تهذيب الأحكام ج: ٨ ص: ٣١٤

١-٢-٣-٣- سَائِرُ الْوَسَائِلِ وَ الْوَسَائِلِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

صدقه بدهد و این مسأله در کتاب خدا آشکار است، آنجا که به پیامبرش می‌فرماید: "قطعا خداوند شما را در مواضع بسیاری یاری کرده است." و بسیار در کتاب خدا هشتاد است.

۳-۱۳-۲-۱- نذر روزه به عنوان شکر

﴿۲۲۷۰﴾ اگر کسی بگوید: "برعهده می‌گیرم که برای رضای خداوند، یک دوره، روزه بگیرم" و این تعهد را به خاطر شکر نعمت قبول کند، تکلیف او چیست؟ ابوعبدالله علیه السلام فرمود: شخصی همین مسأله را از علی علیه السلام پرسید و علی علیه السلام به او گفت: شش ماه روزه بگیر، زیرا خداوند عزیز و جلیل می‌گوید: "نخل خرما ظرف هر دوره‌ای میوه‌ی خود را به ثمر می‌رساند." میوه‌ی نخل خرما از ابتدای باروی ظرف شش ماه به ثمر می‌رسد.

﴿۲۲۷۱﴾ ای ابالحسن خوب است برای بهبودی فرزندان نذری کنی، سپس حضرت فرمود: (نذر می‌کنم که) اگر بیماری فرزندانم برطرف شد به عنوان سپاسگزاری از خدای تعالی سه روز روزه بگیرم، فاطمه علیها السلام فرمود: من هم سه روز روزه می‌گیرم؛ کنیز خانه؛ فضا هم نذر کرد که اگر دو فرزند مولایش حسن و حسین از آن بیماری نجات پیدا کنند، سه روز روزه بگیرد. حسن و حسین از آن بیماری بهبودی یافتند و ایشان نذر را ادا کردند.

﴿۲۲۷۲﴾ امام حسن و امام حسین علیهما السلام بیمار شدند و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با بعضی اصحاب و بیشتر مردم به عیادت ایشان رفتند، و به علی علیه السلام گفتند: ای ابالحسن، اگر نذری را برای سلامتی فرزندان بر خود لازم گردانی و به آن وفا نمایی. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که: چون ایشان این دو سلامتی‌شان را باز یابند من نذر کردم شکرانه‌ی آن سه روز روزه بگیرم. و فاطمه‌ی زهرا علیها السلام نیز به همین طریق نذر کرد. و خدمتکار ایشان را که فضا می‌گفتند او نیز این چنین نذر کرد. بعد از آنکه آن دو لباس عافیت پوشیدند در خانه شان چیزی - نه کم و نه زیاد - یافت نمی‌شد.

﴿۲۲۷۳﴾ اگر کسی بگوید: "برعهده می‌گیرم که برای رضای خداوند، یک دوره، روزه بگیرم" و این تعهد را به خاطر شکر نعمت قبول کند، تکلیف او چیست؟ ابوعبدالله علیه السلام فرمود: شخصی همین مسأله را از علی علیه السلام پرسید و علی علیه السلام به او گفت: شش ماه روزه بگیر، زیرا خداوند عزیز و جلیل می‌گوید: "نخل خرما ظرف هر دوره‌ای میوه‌ی خود را به ثمر می‌رساند." میوه‌ی نخل خرما از ابتدای باروی ظرف شش ماه به ثمر می‌رسد.

۴-۱۳-۲-۱- نذر قربانی به عنوان شکر

﴿۲۲۷۴﴾ از ابوالحسن علیه السلام درباره‌ی مردی پرسیدم که نذر کرده است که شتر چاقی را در کوفه به شکرانه قربانی کند به من فرمودند: واجب است آن را در آنجا که در نذرش گفته قربانی کند و اگر شهری را ذکر نکرده است باید مقابل کعبه در جایگاه قربانی شتران، قربانی کند.

﴿۲۲۷۵﴾ از ابوالحسن علیه السلام درباره‌ی مردی پرسیدم که نذر کرده است که چنانچه خدا او را از بلایی که به آن مبتلا شده است عافیت دهد به شکرانه از کوفه محرم شود، فرمودند: باید از کوفه محرم شود.

۳-۱-۲-۳- سایر وسیله‌ها و واسطه‌ها

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١-٢-٣-٣-١- العلم

﴿٢٢٧٦﴾ الرسول ﷺ: إِذَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً فَعَلِمَ أَنَّهَا مِنَ اللَّهِ فَقَدْ آدَى شُكْرَهَا مِنْ قَبْلِ

أَنْ يَحْمَدَهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ٣١٤

﴿٢٢٧٧﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا زَادًا تُقَوِّنَا بِهِ فِي الْمَوْقِفِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَطَرِيفًا وَاضِحًا

نَسْئَلُكَ بِهِ إِلَيْكَ وَ عِلْمًا نَافِعًا نَشْكُرُ بِهِ نِعْمَاءَكَ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٧٣

١-٢-٣-٣-٢- الفعل والعمل

﴿٢٢٧٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَلَيْسَ شُكْرِي وَإِنْ دَأَبْتُ مِنْهُ فِي الْمَقَالِ وَبَالَعْتُ مِنْهُ فِي الْفَعَالِ

بِبَالِغِ آدَاءِ حَقِّكَ وَلَا مُكَافِ فَضْلِكَ؛ مهج الدعوات ص: ١٢٩

﴿٢٢٧٩﴾ الصادق عليه السلام: لَا تَصِفُ الْأَلْسُنُ جَلَالَكَ وَلَا تَهْتَدِي الْقُلُوبُ لِعَظَمَتِكَ وَلَا تَبْلُغُ

الْأَعْمَالُ شُكْرَكَ؛ مصباح المتعبد ص: ١٨٤

١-٢-٣-٣-٣- المال

﴿٢٢٨٠﴾ الرسول ﷺ: أَنْ أَبَا لُبَابَةَ وَصَاحِبَهُ لَمَّا بَشَّرَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِقَبُولِ اللَّهِ تَوْبَتَهُمْ وَ

مَغْفِرَتِهِ لَهُمْ قَالُوا نَتَقَرَّبُ بِجَمِيعِ أَمْوَالِنَا شُكْرًا لِمَا أَنْعَمَ اللَّهُ بِهِ عَلَيْنَا مِنْ قَبُولِ تَوْبَتِنَا؛ فقه القرآن

ج: ١ ص: ٢٢٢

١-٢-٣-٣-٤- المقال راجع: اللسان

١-٢-٣-٣-٥- النعمة والمنة

﴿٢٢٨١﴾ النبي ﷺ: بِنِعْمَتِهِ آدَى الشَّاكِرُونَ حَقَّ نِعْمَتِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٥٣

﴿٢٢٨٢﴾ الصادق عليه السلام: أَشْكُرُكَ بِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ وَ عَلَّمْتَنِي مِنْ شُكْرِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥

ص: ٢٤٢

١-٢-٤- الأماكن التي يوصى فيها على الشكر

١-٢-٤-١- موضع منبر رسول الله ﷺ

﴿٢٢٨٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ أَشْكُرُهُ عَلَى ذَلِكَ، فَإِنَّهُ مَنْ رَقِيَ مِنْبَرَ رَسُولِ اللَّهِ كَانَ حَقِيقًا

عَلَيْهِ أَنْ يُحْدِثَ لِلَّهِ شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٢٩ ص: ١٤٠

١-٢-٤-٢- موضع منبر القائم عليه السلام

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۱-۲-۳-۳-۱- علم

﴿۲۲۷۶﴾ هنگامی که خدای تعالی به بنده‌ای نعمتی عطا کند، پس اگر آن بنده بداند که این نعمت از جانب حق تعالی است، به تحقیق قبل از آنکه حمد و ثنای خدا را بگوید شکر آن نعمت را به جا آورده است.

﴿۲۲۷۷﴾ خدایا، آن را برای ما توشه‌ای قرارده که به وسیله‌ی آن ما را برای ایستادن در برابر تو توانمند کنی و آن را راهی واضح قرارده که به وسیله‌ی آن به سوی تو سیر کنیم و آن را علم نافع قرار ده که به وسیله‌ی آن شکر نعمت‌هایت را ادا کنیم.

۱-۲-۳-۳-۲- عمل

﴿۲۲۷۸﴾ شکر و سپاسگزاری من به هر اندازه‌ای که با زبان برای ادای آن بکوشم، و به هر مقدار که در عمل برای تحقق آن تلاش کنم، حق تو را ادا نمی‌کند و لطف تو را پاسخ نمی‌دهد.

﴿۲۲۷۹﴾ پروردگارا، زبان‌ها از وصف جلالت و بزرگی تو قاصرند و قلب‌ها از دستیابی به نهایت عظمت حیران و سرگردانند و هیچ عملی لایق آن نیست که بتواند شکر تو را ادا کند.

۱-۲-۳-۳-۳- مال

﴿۲۲۸۰﴾ هنگامی که پیامبر خدا ﷺ به ابولبابه و دوستش بشارت داد که خداوند توبه‌شان را قبول کرده و ایشان را بخشیده است، گفتند: با بخشیدن تمام داراییمان شاکریم به عنوان شکر بر نعمت قبول توبه‌مان به خدا قصد تقرب و نزدیک شدن می‌کنیم.

۱-۲-۳-۳-۴- گفتار ر.به: زبان

۱-۲-۳-۳-۵- نعمت

﴿۲۲۸۱﴾ با نعمت اوست که، شاکرین می‌توانند حق نعمتش را به جا آوردند.

﴿۲۲۸۲﴾ تو را به واسطه‌ی منتی که بر من نهادی و شکرت را به من آموختی شکر و سپاس می‌گویم.

۱-۲-۴- مکان‌هایی که شکر در آن‌ها سفارش شده است

۱-۲-۴-۱- محل منبر رسول خدا ﷺ

﴿۲۲۸۳﴾ خدا را بر این نعمت شکر کن، و هر که از منبر پیامبر خدا بالا رود شایسته است که زبان به شکر بگشاید.

۱-۲-۴-۲- محل منبر حضرت قائم ﷺ

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٢٨٤﴾ الصادق عليه السلام: كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَنَحْنُ نُرِيدُ زِيَارَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَلَمَّا صِرْنَا إِلَى الثُّبَيَّةِ نَزَلَ فَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ فَقُلْتُ يَا سَيِّدِي مَا هَذِهِ الصَّلَاةُ قَالَ هَذَا مَوْضِعُ مَنِيرِ الْقَائِمِ أَحَبُّتُ أَنْ أَشْكُرَ اللَّهَ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ؛ دلائل الإمامة ص: ٢٤٤

١-٢-٤-٣- المشعر الحرام

﴿٢٢٨٥﴾ السجاد عليه السلام: قَالَ السَّجَادُ عليه السلام مَرَرْتُ بِالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ قَالَ نَعَمْ قَالَ فَحِينَ صَلَّيْتَ رَكَعَتَيْنِ نَوَيْتَ أَنَّهَا صَلَاةُ شُكْرِ فِي لَيْلَةٍ عَشْرٍ تَنْفِي كُلَّ عُسْرٍ وَ تُيسِّرُ كُلَّ يُسْرٍ قَالَ لَا؛ مستدرک الوسائل ج: ١٠ ص: ١٧٠

١-٢-٥- الأوقات التي شدد فيها على الشكر

١-٢-٥-١- أبداً

﴿٢٢٨٦﴾ الصادق عليه السلام: لَا تَغْتَرَّ بِنِعْمَتِهِ وَاشْكُرْهُ أَبَدًا؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٢٠٠

١-٢-٥-٢- كل صباح ومساءً

﴿٢٢٨٧﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّمَا سُمِّيَ نُوحٌ عَبْدًا شَكُورًا لِأَنَّهُ كَانَ عليه السلام يَقُولُ هَذَا عِنْدَ كُلِّ صَبَاحٍ وَ مَسَاءٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنَّهُ مَا أَمْسَى وَ أَصْبَحَ بِي مِنْ عَافِيَةٍ أَوْ نِعْمَةٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَمِنْكَ وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ زَادَ جَدِّي أَبُو جَعْفَرٍ الطُّوسِيُّ فِي رَوَاتِهِ بَعْدَ قَوْلِهِ لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ حَتَّى تَرْضَى وَ بَعْدَ الرُّضَا؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٢٦٩

﴿٢٢٨٨﴾ الصادق عليه السلام: إِذَا أَصْبَحْتَ وَ أَمْسَيْتَ فَقُلْ عَشْرَ مَرَّاتٍ اللَّهُمَّ مَا أَصْبَحْتَ بِي مِنْ نِعْمَةٍ أَوْ عَافِيَةٍ مِنْ دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَمِنْكَ وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ بِهَا عَلَى يَا رَبِّ حَتَّى تَرْضَى وَ بَعْدَ الرُّضَا فَإِنَّكَ إِذَا قُلْتَ ذَلِكَ كُنْتَ قَدْ أَدَيْتَ شُكْرَ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ بِهِ عَلَيْكَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ وَ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٩

﴿٢٢٨٩﴾ الباقر عليه السلام: إِذَا كَانَ أَمْسَى وَ أَصْبَحَ يَقُولُ أَمْسَيْتُ أَشْهَدُ أَنَّهُ مَا أَمْسَيْتُ بِهِ مِنْ نِعْمَةٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَإِنَّهَا مِنَ اللَّهِ وَحَدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْحَمْدُ بِهَا وَ الشُّكْرُ كَثِيرًا؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ٣٨٨

﴿٢٢٩٠﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ ارْزُقْنَا حُسْنَ مُصَاحَبَتِهِ، وَ اعْصِمْنَا مِنْ سُوءِ مُفَارَقَتِهِ بَارِتْكَابِ جَرِيرَةٍ، أَوْ اقْتِرَافِ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ، وَ أَجْزِلْ لَنَا فِيهِ مِنَ الْحَسَنَاتِ، وَ أَخْلِنَا فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَ أَمْلَأْ لَنَا مَا بَيْنَ طَرَفَيْهِ حَمْدًا وَ شُكْرًا وَ أَجْرًا وَ ذُخْرًا وَ فَضْلًا وَ إِحْسَانًا؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٤٨

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۲۸۴﴾ همراه با ابی عبدالله علیه السلام بودم و می‌خواستیم به زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام برویم. هنگامی که "ثویه" رسیدیم، پیاده شدند و دو رکعت نماز خواندند و گفتیم: ای آقای من این چه نمازی است؟ فرمودند: اینجا محل منبر حضرت قائم علیه السلام است دوست داشتم که خدا را در این مکان شکر کنم.

۳-۴-۱- در مشعرالحرام

﴿۲۲۸۵﴾ امام سجاد علیه السلام به شبلی فرمود: آیا از مشعرالحرام عبور کردی؟ گفت: آری. فرمود: آیا آنگاه که دو رکعت نماز خواندی نیت کردی که این نماز شکر در شب دهم است که هر سختی را دور و هر آسانی را فراهم می‌کند؟ گفت: نه.

۵-۲-۱- زمان‌هایی که شکر در آن‌ها سفارش شده است

۱-۲-۵-۱- همیشه

﴿۲۲۸۶﴾ مبدا فریب فراوانی نعمت را بخوری، پیوسته شکرگزارش باش.

۲-۲-۵-۲- هر صبح و عصر

﴿۲۲۸۷﴾ حضرت نوح علیه السلام از آن جهت بنده‌ی بسیار سپاسگزار نامیده شد، که پیوسته در هر صبح و شام می‌فرمود: "خدایا، تو را گواه می‌گیرم که روز و شبم را با هیچ عافیت یا نعمتی دینی و دنیوی آغاز نکردم مگر اینکه همه آنها از ناحیه‌ی توست و شریکی برای تو وجود ندارد، ستایش و سپاسگزاری در هر حالتی مخصوص توست. و در نسخه‌ای افزوده شده است: تا اینکه خشنود گردی، و حتی بعد از خرسندی‌ات.

﴿۲۲۸۸﴾ صبحگاهان و شامگاهان ده مرتبه چنین بگو: پروردگارا، آنچه من در صبحگاه از صحت و سلامت و از نعمت‌های دینی و دنیوی در خود می‌بینم، فقط و فقط از جانب توست و نه از ناحیه‌ی غیر تو. و حمد و ستایش تو در برابر این نعمت‌ها بر من لازم است تا راضی و خشنود شوی و حتی بعد از خشنودی‌ات اگر انسان این دعا را در هر روز ده بار بگوید شکر نعمت‌هایی که خداوند در آن روز و در آن شب به او عنایت فرموده به جای آورده است.

﴿۲۲۸۹﴾ در آغاز هر شب و روز چنین بگو: گواهی می‌دهم که از هر نعمتی برخوردار شده‌ام از طرف خدای تعالی است که شریکی ندارد و واحد است و حمد و سپاس و شکر بسیار از آن اوست.

﴿۲۲۹۰﴾ خدایا، بر محمد صلی الله علیه و آله و خاندانش درود فرست، و همراه خوبی بودن با این روز را نصیب ما گردان، و ما را از بدجدا شدن از آن بر اثر نافرمانی یا به‌جا آوردن گناه کوچک یا بزرگ، مصون نگهدار. و در این روز بر نیکی‌های ما بیافزا، و از بدی‌ها تهی‌مان ساز، و دو طرف (اول تا آخر) آن را برای ما از ستایش و سپاس و پاداش و اندوخته (برای آخرت) و بخشش و نیکی لبریز کن.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

٣-٢-٥-١- كُلُّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ

﴿٢٢٩١﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَوَقِّفْنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَلَيْلَتِنَا هَذِهِ وَفِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ، وَهَجْرَانِ الشَّرِّ، وَشُكْرِ النِّعَمِ؛ الصَّحِيفَةُ السَّجَّادِيَّةُ ٤٨:ص

﴿٢٢٩٢﴾ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِهِ حَظًّا مِنْ عِبَادَتِكَ، وَنَصِيبًا مِنْ شُكْرِكَ وَشَاهِدَ صِدْقٍ مِنْ مَلَائِكَتِكَ؛ الصَّحِيفَةُ السَّجَّادِيَّةُ ٤٨:ص

٤-٢-٥-١- فِي أَحَبِّ الْأَوْقَاتِ مِنَ اللَّيْلِ

﴿٢٢٩٣﴾ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ وَآتِقِظْنِي مِنْ رَفْدَتِي وَسَهْلِ الْقِيَامِ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي أَحَبِّ الْأَوْقَاتِ إِلَيْكَ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَالصَّلَاةَ وَالشُّكْرَ وَالِدُّعَاءَ؛ فَلَاحِ السَّائِلِ ص: ٢٧٨

٥-٢-٥-١- الْيَوْمُ التَّاسِعُ وَالْعِشْرِينَ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ

﴿٢٢٩٤﴾ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِهِ حَظًّا مِنْ عِبَادَتِكَ، وَنَصِيبًا مِنْ شُكْرِكَ وَشَاهِدَ صِدْقٍ مِنْ مَلَائِكَتِكَ؛ الصَّحِيفَةُ السَّجَّادِيَّةُ ٤٨:ص

﴿٢٢٩٥﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنَا حُسْنَ مُصَاحَبَتِهِ، وَاعْصِمْنَا مِنْ سُوءِ مُفَارَقَتِهِ بَارْتِكَابِ جَرِيرَةٍ، أَوْ اقْتِرَافِ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ، وَاجْزُلْ لَنَا فِيهِ مِنَ الْحَسَنَاتِ، وَاخْلُنا فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَامْلَأْ لَنَا مَا بَيْنَ طَرَفَيْهِ حَمْدًا وَشُكْرًا وَاجْرَأْ وَذُخْرًا وَفَضْلًا وَإِحْسَانًا؛ الصَّحِيفَةُ السَّجَّادِيَّةُ ٤٨:ص

٦-٢-٥-١- الْيَوْمُ الثَّلَاثِينَ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ

﴿٢٢٩٦﴾ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): أَنْ تَرَزُقَنِي فِي هَذَا الْيَوْمِ الْعَظِيمِ وَفِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ الشَّرِيفَةِ ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ؛ إِقْبَالُ الْأَعْمَالِ ص: ٢٦٤

٧-٢-٥-١- لَيْلَةُ الْجُمُعَةِ

﴿٢٢٩٧﴾ الْحُجَّةُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): إِذَا كَانَ لَيْلَةُ الْجُمُعَةِ فَاغْتَسِلْ وَصَلِّ صَلَاةَ اللَّيْلِ فَإِذَا سَجَدْتَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ دَعَوْتَ بِهَذَا الدُّعَاءِ وَأَنْتَ بَارِكُ عَلَى رُكْبَتَيْكَ فَذَكَرْ لِي دُعَاءَ؛ بَحَارُ الْأَنْوَارِ ج: ٥٣ ص: ٢٢٧

٨-٢-٥-١- يَوْمُ الْجُمُعَةِ

﴿٢٢٩٨﴾ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): إِنَّ فِي النَّبِيِّ الْمَعْمُورِ لَرَفًّا مِنْ نُورٍ فِيهِ كِتَابٌ مِنْ نُورٍ فِيهِ اسْمُ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَالْأَئِمَّةِ وَشَبِيعَتِهِمْ لَا يَزِيدُ فِيهِمْ رَجُلٌ وَلَا يَنْقُصُ مِنْهُمْ رَجُلٌ إِنَّهُ لَمِثَاقُنَا الَّذِي أَخَذَ عَلَيْنَا وَإِنَّهُ لَيُفْرَأُ عَلَيْنَا فِي كُلِّ يَوْمٍ جُمُعَةٍ فَسَجَدْتُ لِلَّهِ شُكْرًا؛ الْكَافِي ج: ٣ ص: ٤٨٤

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۳-۵-۱-۲- هر روز و شب

﴿۲۲۹۱﴾ خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست، و ما را در این روز و این شب و همه‌ی روزهایمان برای انجام نیکی و دوری از بدی و سپاسگزاری از نعمت‌ها توفیق عطا فرما.

﴿۲۲۹۲﴾ خداوند! در هر ساعتی از ساعات این روز بهره‌ای از عبادت، و نصیبی از سپاسگزاری‌ات، و گواه صادقی از فرشتگانت برای ما قرار ده

۴-۵-۱-۲- در بهترین لحظه‌های شب

﴿۲۲۹۳﴾ خدایا از غافلان قرارم مده، از خواب بیدارم کن، و بیدارشدن در این شب را در بهترین اوقات در نزد تو برایم آسان گردان، و در آن لحظات، نماز و شکر و دعا را روزی‌ام کن.

۵-۵-۱-۲- روز بیست و هفتم از هر ماه

﴿۲۲۹۴﴾ خداوند! در هر ساعتی از ساعات این روز بهره‌ای از عبادت، و نصیبی از سپاسگزاری‌ات، و گواه صادقی از فرشتگانت برای ما قرار ده

﴿۲۲۹۵﴾ خدایا، بر محمد ﷺ و خاندانش درود فرست، و همراه خوبی بودن با این روز را نصیب ما گردان، و ما را از بدجداشدن از آن بر اثر نافرمانی یا به‌جا آوردن گناه کوچک یا بزرگ، مصون نگهدار. و در این روز بر نیکی‌های ما بیافزا، و از بدی‌ها تهی‌مان ساز، و دو طرف (اول تا آخر) آن را برای ما از ستایش و سپاس و پاداش و اندوخته (برای آخرت) و بخشش و نیکی لبریز کن.

۶-۵-۱-۲- روز سی‌ام هر ماه

﴿۲۲۹۶﴾ از تو می‌خواهم که در این روز بزرگ و شریف یاد و شکر تو را روزی‌ام کنی.

۷-۵-۱-۲- شب جمعه

﴿۲۲۹۷﴾ هرگاه شب جمعه شود، غسل کن و بعد از فراغت از نماز شب، سجده‌ی شکر به‌جای آور، پس چون سر از سجده برداشتی بر دو زانوی خود بنشین و این دعا را بخوان.

۸-۵-۱-۲- روز جمعه

﴿۲۲۹۸﴾ در بیت‌المعمور لایه‌ی نازکی از نور هست که با خط نور در آن نام محمد ﷺ و علی ﷺ و حسن ﷺ و حسین ﷺ و امامان و شیعیانشان بدون اینکه نام یکی از ایشان کم یا زیاد شده باشد نوشته شده است، این میثاق و پیمانی است که از ما گرفته‌اند و در هر روز جمعه بر ما قرائت می‌نمایند. پس من به سجده‌ی شکر افتادم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

٩-٢-١- شَهْرُ رَمَضَانَ

﴿٢٢٩٩﴾ إَعْطِنِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْمُكْرَمِ وَارْزُقْنِي فِيهِ شُكْرًا؛ إقبال الأعمال ص: ١٤٩

﴿٢٣٠٠﴾ الرسول ﷺ: اللَّهُمَّ أَعِنِّي فِيهِ عَلَى صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ وَاجْتِنَائِهِ فِيهِ مِنْ هَفَوَاتِهِ وَآثَامِهِ وَارْزُقْنِي فِيهِ ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ بِدَوَامِهِ بِتَوْفِيقِكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٧

٩-٢-١- الْعَشْرُ الْآخِرُ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ

﴿٢٣٠١﴾ الرسول ﷺ: أَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٧ ص: ٤٦٧

٩-٢-١- لَيْلَةُ الْقَدْرِ

﴿٢٣٠٢﴾ الصادق ﷺ: أَنْ تَجْعَلَني بِرَحْمَتِكَ مِمَّنْ خُزْتُ لَهُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَجَعَلْتُهَا لَهُ خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ فِي أَعْظَمِ الْأَجْرِ وَكَرَائِمِ الذُّخْرِ وَطُولِ الْعُمْرِ وَحُسْنِ الشُّكْرِ؛ تهذيب الأحكام ج: ٣ ص: ١٢٢

﴿٢٣٠٣﴾ الصادق ﷺ: أَنْ تَجْعَلَني بِرَحْمَتِكَ مِمَّنْ خُزْتُ لَهُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَجَعَلْتُهَا لَهُ خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ فِي أَعْظَمِ الْأَجْرِ وَكَرَائِمِ الذُّخْرِ وَحُسْنِ الشُّكْرِ؛ الكافي ج: ٤ ص: ١٦٥

١٠-٢-١- يَوْمُ عَرَفَةِ

﴿٢٣٠٤﴾ الحسين ﷺ: اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ فَأَعْطَيْتَهُ وَشَكَرَكَ فَزِدْتَهُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٢٤

١١-٢-١- لَيْلَةُ الْأَضْحَى

﴿٢٣٠٥﴾ السجاد ﷺ: قَالَ السَّجَادُ ﷺ: مَرَرْتُ بِالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ قَالَ نَعَمْ قَالَ فَحِينَ صَلَّيْتُ رَكَعَتَيْنِ نَوَيْتُ أَنَّهَا صَلَاةُ شُكْرٍ فِي لَيْلَةِ عَشْرِ تَنْفَى كُلِّ عُسْرٍ وَتُسْرٍ كُلِّ يُسْرٍ قَالَ لَا؛ مستدرک الوسائل ج: ١٠ ص: ١٧٠

١٢-٢-١- يَوْمُ غَدِيرِ خُمٍّ

﴿٢٣٠٦﴾ الصادق ﷺ: فِي فَضْلِ يَوْمِ الْغَدِيرِ قَالَ قُلْتُ فَمَا يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَعْمَلَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ قَالَ هُوَ يَوْمُ عِبَادَةٍ وَصَلَاةٍ وَشُكْرِ اللَّهِ وَحَمْدِهِ؛ وسائل الشيعة ج: ١٠ ص: ٤٤٦

﴿٢٣٠٧﴾ الصادق ﷺ: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ زُفَّتْ أَرْبَعَةُ أَيَّامٍ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كَمَا تُزَفُّ الْعُرُوسُ إِلَى خُدْرِهَا يَوْمَ الْفِطْرِ وَ يَوْمُ الْأَضْحَى وَ يَوْمُ الْجُمُعَةِ وَ يَوْمُ غَدِيرِ خُمٍّ وَ إِنَّ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ بَيْنَ الْفِطْرِ وَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۹-۵-۲-۱- ماه رمضان

﴿۲۲۹۹﴾ پروردگارا، در این ماه با کرامت خیر و برکت دنیا و آخرت را، به من ببخش و چنان روزی‌ام کن که در این ماه شکرگزار باشم.

﴿۲۳۰۰﴾ خدایا، در این روز به من برای روزه گرفتن و برپاداشتن (امرت) کمک کن و مرا از لغزش‌ها و گناهان دور و ذکر و شکر را در تمام این روز به تداوم توفیقت روزی‌ام کن ای سرپرست مؤمنان.

۱-۹-۵-۲- دهه‌ی آخر از ماه رمضان

﴿۲۳۰۱﴾ از تو می‌خواهم که نام مرا در این شب از زمره‌ی سعادت‌مندان قرار دهی و روحم را با شهدا محشور فرمایی و در این شب یاد و شکر را نصیبم گردانی.

۲-۹-۵-۲- شب قدر

﴿۲۳۰۲﴾ از تو می‌خواهم که مرا با لطف و مرحمت خود در ردیف آن بندگان قرار دهی که در شب قدر برای آنان خیر و صلاح فراهم می‌آوری و برکت آن شب را از نظر پاداش‌های عظیم و ذخیره‌های کریمانه و طول عمر و سپاسگزاری برای او از هزار ماه بهتر قرار دادی.

﴿۲۳۰۳﴾ از تو درخواست می‌کنم که مرا با لطف و مرحمت خود در ردیف آن بندگان قرار دهی که در شب قدر، خیر و صلاح آنان را مقدر کرده و برکت آن شب را از حیث پاداش فراوان و ذخیره‌های کریمانه و طول عمر و سپاس‌گزاری به‌نحو احسن، از برکات هزار ماه بیشتر ساخته باشی.

۱۰-۵-۲-۱- روز عرفة

﴿۲۳۰۴﴾ خدایا، در این وقت ما را از کسانی قرار ده که از تو درخواست کردند و تو به آن‌ها عطا نمودی و تو را شکر کردند و بر نعمت آنان افزودی.

۱۱-۵-۲-۱- روز عید قربان

﴿۲۳۰۵﴾ امام سجاد علیه السلام به شبلی فرمود: آیا از مشعرالحرام عبور کردی؟ گفت: آری. فرمود: آیا آنگاه که دو رکعت نماز خواندی نیت کردی که این نماز شکر در شب دهم است که هر سختی را دور و هر آسانی را فراهم می‌کند؟ گفت: نه.

۱۲-۵-۲-۱- روز غدیر خم

﴿۲۳۰۶﴾ درباره‌ی فضیلت روز غدیر پرسیدم درباره‌ی اعمال آن روز چه می‌فرمایید؟ فرمود: آن روز، روز عبادت و نماز و شکر و حمد و سپاس برای خدای تعالی است.

﴿۲۳۰۷﴾ هنگامی که روز قیامت برپا شود، چهار روز مانند عروس آذین‌بندی‌شده در محضر حق تعالی محشور می‌شوند و آن چهارروز عید فطر و عید غدیر و جمعه و عید قربان هستند. و همانا عید غدیر خم در میان فطر و قربان و جمعه مانند ماه در میان ستارگان خواهد بود و به‌درستی که

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

الْأَضْحَى وَالْجُمُعَةَ كَالْقَمَرِ بَيْنَ الْكَوَاكِبِ وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيُؤْكَلُ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ مَلَائِكَتُهُ الْمُقَرَّبِينَ وَسَيِّدُهُمْ جَبْرَائِيلُ عليه السلام وَ أَنْبِيَآءَهُ الْمُرْسَلِينَ وَ سَيِّدُهُمْ مُحَمَّدٌ عليه السلام وَ أَوْصِيَآءَ اللَّهِ الْمُتَنَجِّبِينَ وَ سَيِّدُهُمْ يَوْمُنَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ عِبَادَ اللَّهِ الصَّالِحِينَ وَ سَيِّدُهُمْ يَوْمُنَا سَلْمَانَ وَ أَبُو ذَرٍّ وَ الْمُقْدَادُ وَ عَمَّارٌ حَتَّى يُذَادُوا بِهَا الْجَنَانَ كَمَا يُذَادُ الرَّاعِي بَغَنِمِهِ الْمَاءَ وَ الْكَلَاءَ قَالَ الْمُفَضَّلُ قُلْتُ يَا سَيِّدِي تَأْمُرُنِي بِصِيَامِهِ قَالَ إِي وَ اللَّهِ إِي وَ اللَّهِ إِنَّهُ الْيَوْمُ الَّذِي نَجَّى اللَّهُ فِيهِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام مِنَ النَّارِ فَصَامَ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٣٢٣

﴿٢٣٠٨﴾ الصَّادِق عليه السلام: إِنَّهُ يَوْمٌ عِيدٌ وَ فَرَحٌ وَ سُرُورٌ وَ صَوْمٌ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَإِنَّ صَوْمَهُ يَعْدِلُ سِتِينَ شَهْرًا مِنَ الْأَشْهُرِ الْحُرُمِ؛ مستدرک الوسائل ج: ٧ ص: ٥١٧

﴿٢٣٠٩﴾ الصَّادِق عليه السلام: سَيِّدِي تَأْمُرُنِي بِصِيَامِهِ قَالَ إِي وَ اللَّهِ إِي وَ اللَّهِ إِنَّهُ الْيَوْمُ الَّذِي تَابَ اللَّهُ فِيهِ عَلَى آدَمَ عليه السلام فَصَامَ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى ذَلِكَ الْيَوْمُ وَ إِنَّهُ الْيَوْمُ الَّذِي نَجَّى اللَّهُ تَعَالَى فِيهِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام مِنَ النَّارِ فَصَامَ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى عَلَى ذَلِكَ وَ إِنَّهُ الْيَوْمُ الَّذِي أَقَامَ مُوسَى هَارُونَ عليه السلام عَلَمًا فَصَامَ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى ذَلِكَ الْيَوْمُ وَ إِنَّهُ الْيَوْمُ الَّذِي أَظْهَرَ عِيسَى وَصِيَّهُ شَمْعُونَ الصَّقَا فَصَامَ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمُ وَ إِنَّهُ الْيَوْمُ الَّذِي أَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام عَلِيًّا عليه السلام لِلنَّاسِ عَلَمًا وَ أَبَانَ فِيهِ فَضْلَهُ وَ وَصِيَّتَهُ فَصَامَ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمُ وَ إِنَّهُ لِيَوْمٌ صِيَامٌ وَ قِيَامٌ وَ إِطْعَامٌ وَ صِلَةٌ الْإِخْوَانِ وَ فِيهِ مَرْضَاةُ الرَّحْمَنِ وَ مَرْغَمَةُ الشَّيْطَانِ؛ وسائل الشيعة ج: ١٠ ص: ٤٢٥

﴿٢٣١٠﴾ الصَّادِق عليه السلام: صَلَاةُ يَوْمِ الْغَدِيرِ عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام رَكْعَتَانِ قَبْلَ الزَّوَالِ يَنْصُفُ سَاعَةَ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى عَلَى مَا مَنَّ سُبْحَانَهُ عَلَى عَلِيِّ عليه السلام وَ خَصَّهُ بِهِ وَ تُصَلَّى جَمَاعَةً فِي الصَّخْرَاءِ بَعْدَ أَنْ يَخْطُبَ الْإِمَامُ بِهِمْ وَ يُعَرِّفُهُمْ فَضْلَ الْيَوْمِ فَإِذَا انْقَضَتِ الْخُطْبَةُ تَصَافَحُوا وَ تَهَانَوْا؛ المصباح للكفعمي ص: ٤١٢

﴿٢٣١١﴾ الصَّادِق عليه السلام: صِيَامُ يَوْمِ غَدِيرِ خُمٍّ يَعْدِلُ صِيَامَ عُمْرِ الدُّنْيَا لَوْ عَاشَ إِنْسَانٌ ثُمَّ صَامَ مَا عُمِّرَتِ الدُّنْيَا لَكَانَ لَهُ ثَوَابُ ذَلِكَ وَ صِيَامُهُ يَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ مِائَةَ حَجَّةٍ وَ مِائَةَ عُمْرَةٍ فِي كُلِّ عَامٍ مَبْرُورَاتٍ مُتَقَبَّلَاتٍ وَ هُوَ عِيدُ اللَّهِ جَلَّ اسْمُهُ الْأَكْبَرُ وَ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا وَ تَعِيدُ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ عَرَفَهُ حُرْمَتُهُ وَ اسْمُهُ فِي السَّمَاءِ يَوْمُ الْعِيدِ الْمَعْهُودِ وَ فِي الْأَرْضِ يَوْمُ الْمِيثَاقِ الْمَأْخُودِ وَ الْجَمْعِ الْمَشْهُودِ وَ مَنْ صَلَّى فِيهِ رَكْعَتَيْنِ يَغْتَسِلُ لَهُمَا قَبْلَ الزَّوَالِ يَنْصُفُ سَاعَةً ثُمَّ يُصَلِّيهِمَا مَعَ الزَّوَالِ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ مِنْهُمَا فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ سُورَةَ الْإِخْلَاصِ عَشْرَ مَرَّاتٍ وَ سُورَةَ الْقَدْرِ عَشْرَ مَرَّاتٍ وَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

خدای تعالی با روز غدیر خم فرشتگان مقربش را همراه می‌کند درحالی که بزرگ و سرور ایشان جبرئیل علیه السلام است و نیز پیامبران مرسل خود را با آن همراه می‌کند درحالی که که سید و سرور ایشان حضرت محمد صلی الله علیه و آله است، و جانشینان برگزیده پیامبران نیز با او همراه خواهند شد، درحالی که آقا و سرورشان در آن هنگام امیرالمؤمنین علیه السلام است و بندگان صالح خدای تعالی نیز با او همراهی خواهند کرد درحالی که سرور و آقایان سلمان و ابوذر و مقداد و عمار هستند؛ تا اینکه همگان به بهشت دعوت می‌شوند، آن چنان که رعیت به آب و غذای میزبان دعوت می‌شوند، مفضل گفت: گفتم: ای آقای من، آیا مرا به روزه گرفتن در این روز امر می‌کنید؟ امام علیه السلام فرمود: آری، به خدا سوگند، به خدا سوگند که همانا این روز همان روزی است که خدای سبحان در آن ابراهیم را از آتش نجات داد، و او نیز به عنوان شکرگزاری این روز را برای خدای تعالی روزه گرفت.

﴿۲۳۰۸﴾ همانا آن روز، روز عید و شادی و سرور است و روزی است که روزه‌ی آن برای شکرگزاری حق تعالی توصیه شده، پس همانا روزه‌ی آن روز معادل شصت ماه از ماه‌های حرام است.

﴿۲۳۰۹﴾ آقای من، من آنم که تو می‌دانی و برآنچه دارم آگاهی که اگر توفیق ندهی برادای بندگی تو ناتوانم و آگاهی که بدون کمک تو از انجام شکر دستم کوتاه است. ای آقای من! آیا مرا امر به روزه گرفتن در این روز می‌فرمایید؟ فرمود: آری به خدا، آری به خدا، آری به خدا. این همان روزی است که خداوند در آن توبه‌ی آدم علیه السلام را پذیرفت و او آن روز را به عنوان سپاسگزاری از خداوند متعال روزه گرفت و این همان روزی است که خداوند متعال در آن ابراهیم علیه السلام را از آتش نجات داد و او به عنوان سپاسگزاری از خداوند متعال بر آن امر، روزه گرفت و این همان روزی است که موسی علیه السلام هارون علیه السلام را به عنوان جانشین تعیین کرد و او آن روز را به عنوان سپاسگزاری از خداوند متعال روزه گرفت و این همان روزی است که عیسی، وصیش شمعون الصفا را معرفی کرد و آن روز را به عنوان سپاسگزاری از خداوند عزیز و جلیل روزه گرفت و این همان روزی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را به عنوان جانشین برای مردم معرفی کرد و فضیلت‌ها و جانشینی‌اش را در آن روز آشکار کرد. پس آن روز را به عنوان سپاسگزاری از خداوند عزیز و جلیل روزه گرفت و این روز، روز روزه و نماز و غذا دادن و رابطه با برادران است و در این روز خشنودی خداوند است و خوارشدن شیطان.

﴿۲۳۱۰﴾ نماز روز عید غدیر از امام صادق علیه السلام: دو رکعت نماز نیم ساعت قبل از ظهر به عنوان شکر خداوند متعال بر نعمت بزرگی که بر علی علیه السلام بخشید و فقط او را مختص به آن نمود. این نماز در صحرا بعد از آنکه امام برای مردم خطبه بخواند و فضیلت این روز را به مردم بگوید خوانده می‌شود و پس از اتمام خطبه با یکدیگر دست دهید و تبریک بگویید.

﴿۲۳۱۱﴾ روزه روز غدیر خم برابر روزه داشتن عمر دنیا باشد اگر زندگانی کند آدمی و نماز آن نزد خدای تعالی سبحانه برابر صد حج و صد عمره‌ی نیکوی مقبول باشد و آن روز عید اکبر و بزرگ‌ترین عیده‌است و برانگیخته نشد هیچ پیامبری مگر آنکه آن روز را عید قرار داده و حرمت و احترامش را شناخته و نام روز غدیر خم در آسمان‌ها عیدالمعهود و در زمین روز میثاق‌الماخوذ است و جمع‌المشهود. و هر کس که در آن روز دو رکعت نماز بگذارد و غسل نماید برای دو رکعت قبل از زوال در نصف ساعت سپس در هنگام زوال نماز (دورکعتی) را بخواند شکر نموده خدای متعال را و بخواند در هر رکعتی از آن دو سوره‌ی فاتحة‌الکتاب را و سوره‌ی اخلاص را ده مرتبه و سوره‌ی قدر را نیز ده مرتبه و آیه‌الکرسی را هم ده مرتبه این نماز که می‌خواند در نزد خدای

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

عَشْرَ مَرَّاتٍ هِيَ تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ مِائَةَ أَلْفِ غُفْرَةٍ وَلَمْ يَسْأَلِ اللَّهُ تَعَالَى حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا قَضَاهَا؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٣٢١

﴿٢٣١٢﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ صَلَّى فِيهِ رَكْعَتَيْنِ أَىَّ وَقْتٍ شَاءَ وَ أَفْضَلَ ذَلِكَ قُرْبُ الزَّوَالِ وَ هِيَ السَّاعَةُ الَّتِي أُقِيمَ فِيهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام بِغَيْرِ خُمْ عَلَمًا لِلنَّاسِ وَ ذَلِكَ أَنَّهُمْ كَانُوا قَرُبُوا مِنَ الْمَنْزِلِ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ فَمَنْ صَلَّى فِيهِ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ سَجَدَ وَ شَكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ مِائَةَ مَرَّةٍ وَ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ بَعْدَ رَفْعِ رَأْسِهِ مِنَ السُّجُودِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ إِلَى آخِرِهِ ثُمَّ تَسْجُدُ وَ تَحْمَدُ اللَّهَ مِائَةَ مَرَّةٍ وَ تَشْكُرُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ مِائَةَ مَرَّةٍ وَ أَنْتَ سَاجِدٌ فَإِنَّهُ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ كَمَنْ حَضَرَ ذَلِكَ الْيَوْمَ وَ بَايَعَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَلَى ذَلِكَ وَ كَانَتْ دَرَجَتُهُ مَعَ دَرَجَةِ الصَّادِقِينَ الَّذِينَ صَدَقُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فِي مَوَالَاةِ مَوَالِهِمْ ذَلِكَ الْيَوْمَ وَ كَانَ كَمَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَعَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عليه السلام ج وَ كَمَنْ يَكُونُ تَحْتَ رَايَةِ الْقَائِمِ عليه السلام وَ فِي فُسْطَاطِهِ مِنَ النَّجَبَاءِ وَ النُّقَبَاءِ؛ مستدرک الوسائل ج: ٦ ص: ٢٧٥

﴿٢٣١٣﴾ الصادق عليه السلام: وَ مَنْ صَلَّى فِيهِ رَكْعَتَيْنِ أَىَّ وَقْتٍ شَاءَ وَ أَفْضَلُهُ قُرْبُ الزَّوَالِ وَ هِيَ السَّاعَةُ الَّتِي أُقِيمَ فِيهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ بِغَيْرِ خُمْ عَلَمًا لِلنَّاسِ وَ ذَلِكَ أَنَّهُمْ كَانُوا قَرُبُوا مِنَ الْمَنْزِلِ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ فَمَنْ صَلَّى فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ يَسْجُدُ وَ يَقُولُ شُكْرًا لِلَّهِ مِائَةَ مَرَّةٍ وَ دَعَا بِعَقَبِ الصَّلَاةِ بِالدُّعَاءِ الَّذِي جَاءَ بِهِ؛ وسائل الشيعة ج: ٨ ص: ٩٠

١٣-٥-٢-١- يَوْمُ النَّاسِعِ مِنْ رَبِيعِ الْأَوَّلِ

﴿٢٣١٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: يَوْمُ النَّاسِعِ مِنْ رَبِيعِ الْأَوَّلِ... يَوْمُ الشُّكْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٣٥٤
 ﴿٢٣١٥﴾ أَنَّهُ مَنْ أَنْفَقَ فِي الْيَوْمِ النَّاسِعِ مِنْهُ شَيْئًا غُفِرَ لَهُ، وَ يُسْتَحَبُّ فِيهِ إِطْعَامُ الْإِخْوَانِ وَ تَطْيِيبُهُمْ وَ التَّوَسُّعُ فِي النِّفْقَةِ، وَ لُبْسُ الْجَدِيدِ، وَ الشُّكْرُ وَ الْعِبَادَةُ؛ بحار الأنوار ج: ٣١ ص: ١١٩
 ١٤-٥-٢-١- يَوْمُ النَّيْرُوزِ

﴿٢٣١٦﴾ الصادق عليه السلام: إِذَا كَانَ يَوْمُ النَّيْرُوزِ فَاغْتَسِلْ وَ الْبَسْ أَنْظَفَ ثِيَابِكَ وَ تَطَيَّبْ بِأَطْيَبِ طَبِيبِكَ وَ تَكُونُ ذَلِكَ الْيَوْمَ صَائِمًا فَإِذَا صَلَّيْتَ النَّوَافِلَ وَ الظُّهْرَ وَ الْعَصْرَ فَصَلِّ بَعْدَ ذَلِكَ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ تَقْرَأُ فِي أَوَّلِ كُلِّ رَكَعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ عَشْرَ مَرَّاتٍ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ فِي الثَّانِيَةِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ عَشْرَ مَرَّاتٍ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَ فِي الثَّالِثَةِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ عَشْرَ مَرَّاتٍ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ فِي

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

متعال معادل صد هزار حج عمره است و درخواستی از خدای متعال از نیازهای دنیا و آخرتش نمی‌خواهد مگر آنکه خدای تعالی آن را برایش بر می‌آورد.

﴿۲۳۱۲﴾ هر که در این روز هروقت که بخواند، دو رکعت نماز بخواند - اما زمان بهتر نزدیک ظهر است - که همان ساعتی است که امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله در غدیر خم به مردم معرفی شد و جمعیت در آن وقت نزدیک آن محل بودند. پس هر که در آن روز، دو رکعت نماز بخواند بعد سجده کند و خداوند عزیز و جلیل را صد مرتبه شکر کند و بعد از بلند کردن سر از سجده این دعا را بخواند؛ "خدایا، من از تو می‌خواهم حمد سزاوارتوست... تا آخر دعا" و سپس سجده کند و در حال سجده خدا را صد مرتبه حمد و صد مرتبه شکر خدای عزیز و جلیل را به جا آورد هر که این کار را انجام دهد، مانند کسی خواهد بود که در آن روز حضور داشته و با پیامبر صلی الله علیه و آله در این امر بیعت کرده و هم‌درجه‌ی راستگویان خواهد بود؛ همان‌ها که با خدا و رسولش در یاری ولی و امامشان در آن روز، صادق بودند و مانند کسی خواهد بود که همراه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین و حسن و حسین علیهما السلام را به شهادت رسیده و مانند بزرگان و فرماندهان خواهد بود که زیر پرچم قائم علیه السلام و در خیمه‌ی آن حضرت هستند.

﴿۲۳۱۳﴾ و هر که در آن روز دو رکعت نماز در هر وقت که بخواند بخواند که البته بهترین وقت، نزدیک ظهر است؛ و این همان وقتی است که امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله در غدیر خم به مردم معرفی شد و در آن زمان مردم به آن مکان نزدیک بودند، بعد سجده کند و صد مرتبه بگوید: شکر الله و بعد از نماز دعایی را که آورده شد بخواند...

۱۳-۵-۲-۱- روز نهم از ماه ربیع‌الاول

﴿۲۳۱۴﴾ روز نهم ماه ربیع‌الاول روز شکرگزاری است.

﴿۲۳۱۵﴾ هر کس در روز نهم این ماه چیزی اتفاق کند آمرزیده می‌شود؛ غذا دادن به برادران دینی و معطر کردن ایشان و دست‌ودل‌بازی در مخارج منزل و پوشیدن لباس نو و شکرگزاری و عبادت در این روز مستحب است

۱۴-۵-۲-۱- روز نوروز

﴿۲۳۱۶﴾ در عید نوروز غسل کن و پاکیزه‌ترین لباس‌های خود را بپوش و خوشبوترین عطر خود را استفاده کن و در آن روز روزه بگیر، پس هنگامی که نمازهای نافله و نماز واجب ظهر و عصر را خواندی، بعد از آن چهار رکعت نماز بخوان؛ "در اول هر رکعت سوره‌ی حمد و در رکعت اول پس از آن، ده مرتبه سوره‌ی قدر و در رکعت دوم بعد از حمد، ده مرتبه سوره‌ی کافرون و در رکعت سوم پس از حمد، ده مرتبه سوره‌ی توحید و در رکعت چهارم بعد از سوره‌ی حمد، ده مرتبه

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

الرَّابِعَةُ فَاتِحَةُ الْكِتَابِ وَعَشْرَ مَرَّاتِ الْمُعَوِّذَيْنِ وَتَسْجُدُ بَعْدَ فَرَاعِكَ مِنَ الرُّكْعَاتِ سَجْدَةً الشُّكْرَ وَتَدْعُو فِيهَا يُغْفَرُ لَكَ ذُنُوبُ خَمْسِينَ سَنَةً؛ وسائل الشيعة ج: ٨ ص: ١٧٢

٦-٢-١- المَوَاقِعُ الَّتِي يُوصَى فِيهَا بِالشُّكْرِ

١-٦-٢-١- في كُلِّ حَالٍ

﴿٢٣١٧﴾ الصَّادِقُ ^{الْمُتَّقِي} وَ ارْزُقْنِي شُكْرَكَ وَ ذِكْرَكَ فِي كُلِّ حَالٍ أَبَدًا؛ بحار الأنوار ج: ٩٤

ص: ۲۴۴

﴿٢٣١٨﴾ فَمَا أَذْرَى، يَا إِلَهِي، أَيُّ الْحَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ، وَ أَيْ الْوَقْتَيْنِ أَوْلَى بِالْحَمْدِ لَكَ، أَوْ قُتِ الصَّحَّةُ الَّتِي هَنَاتْنِي فِيهَا طَيِّبَاتِ رِزْقِكَ، وَ نَشَطَّتْنِي بِهَا لِلتَّيَّغِ مَرْضَاتِكَ وَ فَضْلِكَ، وَ قَوَّيْتَنِي مَعَهَا عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ مِنْ طَاعَتِكَ، أَمْ وَقُتِ الْعِلَّةُ الَّتِي مَحَصَّنْتَنِي بِهَا، وَ النِّعَمَ الَّتِي أَتَّخَفْتَنِي بِهَا، تَخْفِيفًا لِمَا ثَقُلَ بِهِ عَلَى ظَهْرِي مِنَ الْخَطِيئَاتِ، وَ تَطْهِيرًا لِمَا أَنْعَمَسْتُ فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَ تَنْبِيهًا لِنَاوِلِ التَّوْبَةِ، وَ تَذَكِيرًا لِمَحْوِ الْحُوبَةِ بِقَدِيمِ النُّعْمَةِ؛ الصَّحِيفَةُ السَّجَادِيَّةُ الْقَلْبِيَّةُ

ص: ٧٦

﴿٢٣١٩﴾ وَاجْعَلْ شُكْرِي لَكَ عَلَى مَا زَوَيْتَ عَنِّي أَوْفَرَ مِنْ شُكْرِي إِيَّاكَ عَلَى مَا خَوَّلْتَنِي؛

الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ١٥٨

﴿٢٣٢﴾ موسى بن عمران عليه السلام: يَا رَبَّ لَا مَرَضٌ يُضْنِينِي وَلَا صِحَّةٌ تُنْسِينِي وَلَكِنْ بَيْنَ ذَلِكَ
أَمْرٌ نَارَةٌ فَاشْكُرْكَ وَاصْبِرْ نَارَةً فَاشْكُرْكَ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ٤٢

١-١-٦-٢-١- في السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ

﴿٢٣٢﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): إِنِّي أُوصِيكَ بِوَصِيَّةٍ فَاحْفَظْهَا وَاتَّقِ اللَّهَ وَلْيَكُنْ أَوَّلَى الْأَمْرِ بِكَ الشُّكْرَ لِلَّهِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ فَإِنَّ الشُّكْرَ خَيْرُ زَادٍ؛ بحار الأنوار ج: ٣٢ ص: ٦٠٥

٢-١-٦-٢-١ في السَّراءِ وَالضَّرَاءِ

﴿٢٣٢٢﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ مَنْ خَلَقَ أَنْ يَشْكُرَهُ وَيَحْمَدَهُ عَلَى السَّرِّ وَالنَّجْوَى وَ

الشِّدَّةَ وَالرَّخَاءَ؛ بحار الأنوار ج: ٣٧ ص: ٢٠٦

﴿٢٣٢٣﴾ عَلَيْنِكَ بِالشُّكْرِ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٧

﴿٢٣٢٤﴾ الباقِرُ الْمَلِكُ: أَحْمَدُهُ وَاشْكُرْهُ عَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ؛ رَوْضَةُ الْوَاعِظِينَ

ج: ۱ ص: ۹۲

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

معوذتین (فلق و ناس) را بخوان، پس بعد از فراغت از انجام نماز سجده‌ی شکر کن و در آن دعا بخوان، که به سبب این نماز در این روز گناهان پنجاه سال تو بخشیده می‌شود.

۱-۲-۶-۱-۲-۶ موعیت‌هایی که در آن به شکرگزاری سفارش شده است

۱-۲-۶-۱-۲-۶ در هر حال

﴿۲۳۱۷﴾ خداوند، شکر و سپاست را و در تمامی حالات و برای همیشه یاد خودت را روزی ام کن.

﴿۲۳۱۸﴾ خدایا، نمی‌دانم، کدام یک از این دو حالت (تندرستی و بیماری) به سپاسگزاری نزد تو نزدیک‌تر و شایسته‌تر است و کدام یک از این دو زمان برای ستایش تو سزاوارتر است؛ آیا هنگام تندرستی که در آن روزی‌های پاکیزه‌ات را به من گوارا ساخته و برای درخواست رضایت و لطف تو به من نشاط بخشیدی و با آن مرا بر فرمان‌برداری خویش توفیق و توانایی دادی؟ یا هنگام بیماری که مرا با آن (از گناهان) رهانیدی و نعمت بیماری که به من هدیه کردی تا گناهانی را که پشت مرا سنگین کرده بود سبک نماید، و از بدی‌هایی که در آن فرو رفته‌ام پاکم سازد، و برای فراگرفتن توبه بیدارم کند و با یادآوری نعمت‌هایی که از قبل به من داده شده گناهانم را فروریزد؟

﴿۲۳۱۹﴾ و خدایا، شکر و سپاس مرا به خاطر بدی‌هایی که از من بازداشته‌ای بیش از شکرم بر نعمت‌هایی که به من بخشیده‌ای قرار بده.

﴿۲۳۲۰﴾ پروردگارا، دوست ندارم مرضی را که به واسطه‌ی ناتوانی ناشی از آن به عبادت بی‌میل شوم و آن تندرستی را که خدا را از یاد من ببرد نیز دوست نمی‌دارم، ولی دوست دارم که بین این دو باشم؛ گاهی مریض و گاهی تندرست یک مرتبه مریض شوم که به یاد تو باشم و تندرست باشم تا تو را سپاس بگذارم.

۱-۲-۶-۱-۲-۶ در خلوت و جلوت

﴿۲۳۲۱﴾ همانا من تو را به وصیتی مهم سفارش می‌کنم، پس آن را حفظ کن و پرهیز کاری و تقوا پیشه کن تا از جمله صاحبان و مجریان امور الهی باشی، شکر و آن سفارش حق تعالی در نهان و آشکاراست، زیرا شکرگزاری حق تعالی بهترین زاد و توشه است.

۱-۲-۶-۱-۲-۶ در شادمانی و سختی

﴿۲۳۲۲﴾ سزوار است که همه‌ی آفریدگان در همه‌ی حالات اعم از شادمانی و گرفتاری و سختی و آسانی شکر او را به جا آورند.

﴿۲۳۲۳﴾ بر تو باد به شکرگزاری در شادی و سختی، زیرا که شکر در نعمت باعث افزونی آن شود و در بلا باعث رفع آن.

﴿۲۳۲۴﴾ خداوند را در همه‌حال ستایش می‌کنم و در سختی و راحتی و شدت و آسایش، شکرگزار اویم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٣٢٥﴾ الرسول ﷺ: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ وَغُرِضَتِ الْخَلَائِقُ فِي الْمَوْقِفِ يُنَادِي مُنَادٍ مِنْ قَبْلِ رَبِّ الْعِزَّةِ نِدَاءً يَسْمَعُهُ أَهْلُ الْجَمْعِ كُلُّهُمْ لِيَقُمَ الَّذِينَ كَانَتْ تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنْ الْمَصَاحِعِ فَتَقُومُ شِرْذِمَةٌ قَلِيلَةٌ ثُمَّ يُنَادِي الْمُنَادِي لِيَقُمَ الَّذِينَ كَانُوا يَشْكُرُونَ اللَّهُ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ فَتَقُومُ شِرْذِمَةٌ قَلِيلَةٌ فَيَذْهَبُ بِالْفَرِيقَيْنِ إِلَى الْجَنَّةِ ثُمَّ يَأْمُرُ اللَّهُ تَعَالَى بِحِسَابِ الْخَلَائِقِ؛ مستدرک الوسائل ج: ٦ ص: ٣٣٩

١-٢-٦-٢- عِنْدَ الْأَعْمَالِ الْيَوْمِيَّةِ

١-٢-٦-٢-١- الْأَكْلُ وَالشُّرْبُ

١-٢-٦-٢-١-١- إِذَا أَرَدْتَ أَكَلَ الطَّعَامِ

﴿٢٣٢٦﴾ الرسول ﷺ: إِذَا أَرَدْتَ أَكَلَ الطَّعَامِ فِي الْمَنْزِلِ الثَّلَاثِ فَقُلِ اللَّهُمَّ قَدْ كُنْتُ تَصَيِّفْتُ عَلَى مَوَائِدِ رَحْمَتِكَ وَتَوَلَّيْتُ يَا رَبَّ تَسْيِيرَهُ فِي أَعْضَائِي عَلَى جَمِيلِ عَادَتِكَ وَلَمْ تُعَاجِلْنِي بِعُقُوبَةٍ عَلَى إِهْمَالِ لَشُكْرِ نِعْمَتِكَ؛ الأمان ص: ١٤٣

١-٢-٦-٢-١-٢- إِذَا وَضَعَ الطَّعَامُ

﴿٢٣٢٧﴾ الصادق ﷺ: كَانَ عَلَى بَنِي الْحُسَيْنِ ﷺ إِذَا وَضَعَ الطَّعَامُ بَيْنَ يَدَيْهِ قَالَ اللَّهُمَّ هَذَا مِنْ مَنِّكَ وَفَضْلِكَ وَعَطَائِكَ فَبَارِكْ لَنَا فِيهِ وَسَوِّغْنَا وَارْزُقْنَا خَلْفًا إِذَا أَكَلْنَاهُ وَرُبَّ مُحْتَاجٍ إِلَيْهِ رَزَقْتَ فَأَحْسَنْتَ اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ فَإِذَا رَفَعَ الْخِوَانُ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي حَمَلَنَا فِي الْأَبْرِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقَنَا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِهِ تَفْضِيلًا؛ الكافي ج: ٦ ص: ٢٩٤

١-٢-٦-٢-١-٣- عَلَى الطَّعَامِ

﴿٢٣٢٨﴾ أمير المؤمنين ﷺ: أَذْكُرُوا اللَّهَ عَلَى الطَّعَامِ وَ لَا تَلْغَطُوا فَإِنَّهُ نِعْمَةٌ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ وَ رِزْقٌ مِنْ رِزْقِهِ يَجِبُ عَلَيْكُمْ فِيهِ شُكْرُهُ وَ ذِكْرُهُ وَ حَمْدُهُ؛ وسائل الشيعة ج: ٢٤ ص: ٣٥٠

﴿٢٣٢٩﴾ أمير المؤمنين ﷺ: أَكْثِرُوا ذِكْرَ اللَّهِ عَلَى الطَّعَامِ وَ لَا تَطْغَوْا فَإِنَّهَا نِعْمَةٌ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ وَ رِزْقٌ مِنْ رِزْقِهِ يَجِبُ عَلَيْكُمْ فِيهِ شُكْرُهُ وَ حَمْدُهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٦ ص: ٢٧٣

﴿٢٣٣٠﴾ المجتبی ﷺ: فِي الْمَائِدَةِ اثْنَتَا عَشْرَةَ خَصْلَةً يَجِبُ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَعْرِفَهَا أَرْبَعٌ مِنْهَا فَرَضُ وَ أَرْبَعُ سُنَّةٌ وَ أَرْبَعُ تَأْدِيبٌ فَأَمَّا الْفَرَضُ فَالْمَعْرِفَةُ وَ الرِّضَا وَ التَّسْمِيَةُ وَ الشُّكْرُ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٣ ص: ٣٥٩

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٣٣١﴾ الرّسول ﷺ: فِي قَوْلِ الْعَبْدِ الْحَمْدُ لِلَّهِ ارْجَحُ فِي مِيزَانِهِ مِنْ سَبْعِ سَمَاوَاتٍ وَ سَبْعِ أَرْضِينَ
وَ إِذَا أَكَلَ أَوْ شَرِبَ أَوْ لَيْسَ ثَوْبًا قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ فَقَالَ اللَّهُ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا؛ مستدرک الوسائل
ج: ٣ ص: ٢٤٩

٤-١-٢-٦-١- إذا رُفِعَت الْمَائِدَةُ

﴿٢٣٣﴾ الرسول ﷺ: إِذَا رَفَعْتَ الْمَائِدَةَ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا نِعْمَةً مَشْكُورَةً؛ مستدرک الوسائل ج: ١٦ ص: ٢٧٩

(٢٣٣٣) ﴿امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ﴾ : أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا رُفِعَتِ الْمَائِدَةُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ قَالَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا نِعْمَةً مَحْضُورَةٌ مُشْكُورَةٌ مَوْصُولَةٌ بِالْجَنَّةِ؛ مستدرک الوسائل ج: ۱۶ ص: ۲۷۸

(٢٣٣٤) الرسول ﷺ : إِذَا وُضِعَتْ الْمَائِدَةُ حَفِيًّا أَرْبَعَةَ أَهْلًا فَإِذَا قَالَ الْعَبْدُ بِسْمِ اللَّهِ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ لِلشَّيْطَانِ اخْرُجْ يَا فَاسِقُ فَلَا سُلْطَانَ لَكَ عَلَيْهِمْ وَإِذَا فَرَعُوا فَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ قَوْمٌ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ فَأَذَوُّ الشُّكْرِ لِرَبِّهِمْ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ۳ ص: ۳۵۵
۱-۵-۲-۲-۶-۱-۲ إذا شيع

﴿٢٣٣٥﴾ طُوبَى لِعَبْدٍ جَاعَ وَصَبَرَ وَشَبِعَ فَشَكَرَ كَيْفَ يَنْغِمِسُ فِي الْجَنَّةِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٦ ص: ٢١٨

﴿٢٣٣٦﴾ الرسول ﷺ: عَرَضْتُ عَلَى بَطْحَاءِ مَكَّةَ ذَهَبًا فَقُلْتُ يَا رَبِّ لَا وَلَكِنْ أَشْبِعُ يَوْمًا وَأَجُوعُ يَوْمًا فَإِذَا شَبِعْتُ حَمِدْتُكَ وَ شَكَرْتُكَ وَإِذَا جُعْتُ دَعَوْتُكَ وَ ذَكَرْتُكَ؛ الكافي ج: ٨ ص: ١٣١

﴿٢٣٣٧﴾ الرسول ﷺ: فَقَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ هَذِهِ خَزَائِنُ الدُّنْيَا وَ لَا يَنْفُضُكَ مِنْ حَظِّكَ عِنْدَ رَبِّكَ فَقُلْتُ يَا حَبِيبِي جَبْرِئِيلُ لَا حَاجَةَ لِي فِيهَا إِذَا شَبِعْتُ شَكَرْتُ رَبِّي وَإِذَا جُعْتُ سَأَلْتُهُ؛ بحار الأنوار ج: ٧٤ ص: ٨٢

﴿٢٣٣٨﴾ الرُّسُولُ ﷺ: الطَّاعِمُ الشَّاكِرُ أَفْضَلُ مِنَ الصَّائِمِ الصَّامِتِ؛ وسائل الشيعة ج: ٢٥ ص: ٢٥٢
 ﴿٢٣٣٩﴾ الصادق عليه السلام: الطَّاعِمُ الشَّاكِرُ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الصَّائِمِ الْمُحْسِبِ وَ الْمُعَايِ الشَّاكِرُ لَهُ مِثْلُ
 أَجْرِ الْمُتَنَبِّلِ الصَّابِرِ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٢٤٦

﴿٢٣٤٠﴾ الرِّسُولُ ﷺ: الطَّاعِمُ الشَّاكِرُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الصَّائِمِ الْمُتَسَحِّرِ؛ مستدرک الوسائل ج: ٧ ص: ٣٥٦
١-٢-٣-٤-٥-٦-٧-٨-٩-١٠-١١-١٢-١٣-١٤-١٥-١٦-١٧-١٨-١٩-٢٠-٢١-٢٢-٢٣-٢٤-٢٥-٢٦-٢٧-٢٨-٢٩-٣٠-٣١-٣٢-٣٣-٣٤-٣٥-٣٦-٣٧-٣٨-٣٩-٤٠-٤١-٤٢-٤٣-٤٤-٤٥-٤٦-٤٧-٤٨-٤٩-٥٠-٥١-٥٢-٥٣-٥٤-٥٥-٥٦-٥٧-٥٨-٥٩-٦٠-٦١-٦٢-٦٣-٦٤-٦٥-٦٦-٦٧-٦٨-٦٩-٧٠-٧١-٧٢-٧٣-٧٤-٧٥-٧٦-٧٧-٧٨-٧٩-٨٠-٨١-٨٢-٨٣-٨٤-٨٥-٨٦-٨٧-٨٨-٨٩-٩٠-٩١-٩٢-٩٣-٩٤-٩٥-٩٦-٩٧-٩٨-٩٩-١٠٠-١٠١-١٠٢-١٠٣-١٠٤-١٠٥-١٠٦-١٠٧-١٠٨-١٠٩-١١٠-١١١-١١٢-١١٣-١١٤-١١٥-١١٦-١١٧-١١٨-١١٩-١٢٠-١٢١-١٢٢-١٢٣-١٢٤-١٢٥-١٢٦-١٢٧-١٢٨-١٢٩-١٣٠-١٣١-١٣٢-١٣٣-١٣٤-١٣٥-١٣٦-١٣٧-١٣٨-١٣٩-١٤٠-١٤١-١٤٢-١٤٣-١٤٤-١٤٥-١٤٦-١٤٧-١٤٨-١٤٩-١٥٠-١٥١-١٥٢-١٥٣-١٥٤-١٥٥-١٥٦-١٥٧-١٥٨-١٥٩-١٦٠-١٦١-١٦٢-١٦٣-١٦٤-١٦٥-١٦٦-١٦٧-١٦٨-١٦٩-١٧٠-١٧١-١٧٢-١٧٣-١٧٤-١٧٥-١٧٦-١٧٧-١٧٨-١٧٩-١٨٠-١٨١-١٨٢-١٨٣-١٨٤-١٨٥-١٨٦-١٨٧-١٨٨-١٨٩-١٩٠-١٩١-١٩٢-١٩٣-١٩٤-١٩٥-١٩٦-١٩٧-١٩٨-١٩٩-٢٠٠-٢٠١-٢٠٢-٢٠٣-٢٠٤-٢٠٥-٢٠٦-٢٠٧-٢٠٨-٢٠٩-٢١٠-٢١١-٢١٢-٢١٣-٢١٤-٢١٥-٢١٦-٢١٧-٢١٨-٢١٩-٢٢٠-٢٢١-٢٢٢-٢٢٣-٢٢٤-٢٢٥-٢٢٦-٢٢٧-٢٢٨-٢٢٩-٢٣٠-٢٣١-٢٣٢-٢٣٣-٢٣٤-٢٣٥-٢٣٦-٢٣٧-٢٣٨-٢٣٩-٢٤٠-٢٤١-٢٤٢-٢٤٣-٢٤٤-٢٤٥-٢٤٦-٢٤٧-٢٤٨-٢٤٩-٢٥٠-٢٥١-٢٥٢-٢٥٣-٢٥٤-٢٥٥-٢٥٦-٢٥٧-٢٥٨-٢٥٩-٢٦٠-٢٦١-٢٦٢-٢٦٣-٢٦٤-٢٦٥-٢٦٦-٢٦٧-٢٦٨-٢٦٩-٢٧٠-٢٧١-٢٧٢-٢٧٣-٢٧٤-٢٧٥-٢٧٦-٢٧٧-٢٧٨-٢٧٩-٢٨٠-٢٨١-٢٨٢-٢٨٣-٢٨٤-٢٨٥-٢٨٦-٢٨٧-٢٨٨-٢٨٩-٢٩٠-٢٩١-٢٩٢-٢٩٣-٢٩٤-٢٩٥-٢٩٦-٢٩٧-٢٩٨-٢٩٩-٣٠٠-٣٠١-٣٠٢-٣٠٣-٣٠٤-٣٠٥-٣٠٦-٣٠٧-٣٠٨-٣٠٩-٣١٠-٣١١-٣١٢-٣١٣-٣١٤-٣١٥-٣١٦-٣١٧-٣١٨-٣١٩-٣٢٠-٣٢١-٣٢٢-٣٢٣-٣٢٤-٣٢٥-٣٢٦-٣٢٧-٣٢٨-٣٢٩-٣٣٠-٣٣١-٣٣٢-٣٣٣-٣٣٤-٣٣٥-٣٣٦-٣٣٧-٣٣٨-٣٣٩-٣٤٠-٣٤١-٣٤٢-٣٤٣-٣٤٤-٣٤٥-٣٤٦-٣٤٧-٣٤٨-٣٤٩-٣٥٠-٣٥١-٣٥٢-٣٥٣-٣٥٤-٣٥٥-٣٥٦-٣٥٧-٣٥٨-٣٥٩-٣٦٠-٣٦١-٣٦٢-٣٦٣-٣٦٤-٣٦٥-٣٦٦-٣٦٧-٣٦٨-٣٦٩-٣٧٠-٣٧١-٣٧٢-٣٧٣-٣٧٤-٣٧٥-٣٧٦-٣٧٧-٣٧٨-٣٧٩-٣٨٠-٣٨١-٣٨٢-٣٨٣-٣٨٤-٣٨٥-٣٨٦-٣٨٧-٣٨٨-٣٨٩-٣٩٠-٣٩١-٣٩٢-٣٩٣-٣٩٤-٣٩٥-٣٩٦-٣٩٧-٣٩٨-٣٩٩-٤٠٠-٤٠١-٤٠٢-٤٠٣-٤٠٤-٤٠٥-٤٠٦-٤٠٧-٤٠٨-٤٠٩-٤١٠-٤١١-٤١٢-٤١٣-٤١٤-٤١٥-٤١٦-٤١٧-٤١٨-٤١٩-٤٢٠-٤٢١-٤٢٢-٤٢٣-٤٢٤-٤٢٥-٤٢٦-٤٢٧-٤٢٨-٤٢٩-٤٣٠-٤٣١-٤٣٢-٤٣٣-٤٣٤-٤٣٥-٤٣٦-٤٣٧-٤٣٨-٤٣٩-٤٤٠-٤٤١-٤٤٢-٤٤٣-٤٤٤-٤٤٥-٤٤٦-٤٤٧-٤٤٨-٤٤٩-٤٥٠-٤٥١-٤٥٢-٤٥٣-٤٥٤-٤٥٥-٤٥٦-٤٥٧-٤٥٨-٤٥٩-٤٦٠-٤٦١-٤٦٢-٤٦٣-٤٦٤-٤٦٥-٤٦٦-٤٦٧-٤٦٨-٤٦٩-٤٧٠-٤٧١-٤٧٢-٤٧٣-٤٧٤-٤٧٥-٤٧٦-٤٧٧-٤٧٨-٤٧٩-٤٨٠-٤٨١-٤٨٢-٤٨٣-٤٨٤-٤٨٥-٤٨٦-٤٨٧-٤٨٨-٤٨٩-٤٩٠-٤٩١-٤٩٢-٤٩٣-٤٩٤-٤٩٥-٤٩٦-٤٩٧-٤٩٨-٤٩٩-٥٠٠-٥٠١-٥٠٢-٥٠٣-٥٠٤-٥٠٥-٥٠٦-٥٠٧-٥٠٨-٥٠٩-٥١٠-٥١١-٥١٢-٥١٣-٥١٤-٥١٥-٥١٦-٥١٧-٥١٨-٥١٩-٥٢٠-٥٢١-٥٢٢-٥٢٣-٥٢٤-٥٢٥-٥٢٦-٥٢٧-٥٢٨-٥٢٩-٥٣٠-٥٣١-٥٣٢-٥٣٣-٥٣٤-٥٣٥-٥٣٦-٥٣٧-٥٣٨-٥٣٩-٥٤٠-٥٤١-٥٤٢-٥٤٣-٥٤٤-٥٤٥-٥٤٦-٥٤٧-٥٤٨-٥٤٩-٥٥٠-٥٥١-٥٥٢-٥٥٣-٥٥٤-٥٥٥-٥٥٦-٥٥٧-٥٥٨-٥٥٩-٥٦٠-٥٦١-٥٦٢-٥٦٣-٥٦٤-٥٦٥-٥٦٦-٥٦٧-٥٦٨-٥٦٩-٥٧٠-٥٧١-٥٧٢-٥٧٣-٥٧٤-٥٧٥-٥٧٦-٥٧٧-٥٧٨-٥٧٩-٥٨٠-٥٨١-٥٨٢-٥٨٣-٥٨٤-٥٨٥-٥٨٦-٥٨٧-٥٨٨-٥٨٩-٥٩٠-٥٩١-٥٩٢-٥٩٣-٥٩٤-٥٩٥-٥٩٦-٥٩٧-٥٩٨-٥٩٩-٦٠٠-٦٠١-٦٠٢-٦٠٣-٦٠٤-٦٠٥-٦٠

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۳۳۱﴾ در بیان بنده که می‌گوید "الحمد لله"، فرمود: این ذکر در میزان عمل بنده از هفت آسمان و هفت طبقه‌ی زمین برتر است و آن هنگامی که بنده چیزی بخورد یا بنوشد یا بپوشد و؛ "الحمد لله" بگوید، خدای تعالی در پاسخ فرماید: همانا او بنده‌ای شکرگزار و سپاسگزار است.

۴-۱-۲-۶-۲-۱-هنگامی که سفره را برچینند

﴿۲۳۳۲﴾ چون سفره را برچینند بگو: "سپاس آفریدگار عالمیان را، خدایا، این سفره را برای من نعمت قرار ده که شکرش را ادا کرده باشم".

﴿۲۳۳۳﴾ پیامبر خدا ﷺ چون سفره را برمی‌چیدند چنین دعا می‌کرد: پروردگارا، قرار بده آن را نعمتی آماده، پذیرفته شده و رساننده به بهشت قرار ده.

﴿۲۳۳۴﴾ وقتی سفره گسترده شود، چهار فرشته اطراف آن می‌نشینند، پس وقتی بنده‌ی خدا " بسم الله " بگوید، فرشتگان به شیطان می‌گویند: دور شو ای فاسق، که دیگر کاری نمی‌توانی انجام دهی، و اگر پس از غذا " الحمد لله " بگویند، فرشتگان گویند: " این بنده شکر نعمت خدا را به‌جا آورد ".

۵-۱-۲-۶-۲-۱-هنگام سیری

﴿۲۳۳۵﴾ خوشا به حال بنده‌ای که اگر گرسنه بماند صبر پیشه کند و اگر سیر شود شکر کند. باید دید چگونه در نعمات بهشتی غوطه‌ور خواهد بود.

﴿۲۳۳۶﴾ دره‌ی بطحای مکه را پر از طلا به من عرضه کردند اما من گفتم: پروردگارا، نه، چنانچه من روزی سیر باشم و روزی گرسنه (برایم بهتر است) تا چون سیر شوم تو را سپاس گویم و هنگامی که گرسنه شوم تو را بخوانم و یادت کنم.

﴿۲۳۳۷﴾ جبرئیل به من گفت: "ای محمد، این گنج‌های دنیاست و از پاداش اخرویات در پیشگاه پروردگار چیزی کاسته نمی‌شود." گفتم: ای دوست من، ای جبرئیل، من به این‌ها نیازی ندارم. برای من بهتر است که گاهی سیر باشم تا پروردگارم را سپاسگزاری کنم و گاهی گرسنه باشم از تا تا از او بخواهم که مرا سیر کند.

﴿۲۳۳۸﴾ آنکه می خورد و سیاسگزار است، برتر از روزه دار ناسیاس است.

﴿۲۳۳۹﴾. اجر آن که غذا می خورد و شکر می کند، چون کسی است که روزه گیرد و اجر طلبد، و پاداش تندرست شاکر همانند گرفتار صابر است.

﴿۲۳۴۰﴾ پاداش آنکه می خورد و شکر می کند همانند پاداش روزه دار سحرخیز است.

۶-۱-۲-۶-۲-۱- هنگامی که یکی از شما آب بنوشد

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٣٤١﴾ الرسول ﷺ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَتَنَفَّسُ فِي الْإِنَاءِ ثَلَاثَةَ أَنْفَاسٍ يُسَمِّي عِنْدَ كُلِّ نَفَسٍ وَ يَشْكُرُ اللَّهَ فِي آخِرِهَا؛ مستدرک الوسائل ج: ١٧ ص: ١٠

﴿٢٣٤٢﴾ الصادق عليه السلام: إِذَا شَرِبَ أَحَدُكُمْ فَلْيَشْرَبْ فِي ثَلَاثَةِ أَنْفَاسٍ يَحْمَدُ اللَّهَ فِي كُلِّ مِنْهَا أَوَّلَهُ شُكْرُ الشَّرْبَةِ وَ الثَّانِي مَطْرَدَةُ الشَّيْطَانِ وَ الثَّالِثُ شِفَاءٌ لِمَا فِي جَوْفِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٦٣ ص: ٤٧٥

﴿٢٣٤٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: تَفَقَّدْتُ النَّبِيَّ ﷺ غَيْرَ مَرَّةٍ وَ هُوَ إِذَا شَرِبَ تَنَفَّسَ ثَلَاثًا مَعَ كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهَا تَسْمِيَةً إِذَا شَرِبَ وَ تَحْمِيدٌ إِذَا انْقَطَعَ فَسَأَلْتُهُ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ يَا عَلِيُّ شُكْرُ اللَّهِ تَعَالَى بِالْحَمْدِ وَ تَسْمِيَةٌ مِنَ الدَّاءِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٧ ص: ١١

﴿٢٣٤٤﴾ الرسول ﷺ: فِي قَوْلِ الْعَبْدِ الْحَمْدُ لِلَّهِ أَرْجَحُ فِي مِيزَانِهِ مِنْ سَبْعِ سَمَاوَاتٍ وَ سَبْعِ أَرْضِينَ وَ إِذَا أَكَلَ أَوْ شَرِبَ أَوْ لَبَسَ ثَوْبًا قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ فَقَالَ اللَّهُ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا؛ مستدرک الوسائل ج: ٣ ص: ٢٦٩

١-٢-٢-١-٧ إِذَا شَرِبَ مِنْ زَمْزَمَ

﴿٢٣٤٥﴾ الكاظم عليه السلام: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام يَقُولُ إِذَا شَرِبَ مِنْ زَمْزَمَ بِسْمِ اللَّهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الشُّكْرُ لِلَّهِ؛ وسائل الشيعة ج: ١٣ ص: ٢٤٧

١-٢-٢-٢-٢ لَبَسَ الثَّوْبَ

﴿٢٣٤٦﴾ الرسول ﷺ: فِي قَوْلِ الْعَبْدِ الْحَمْدُ لِلَّهِ أَرْجَحُ فِي مِيزَانِهِ مِنْ سَبْعِ سَمَاوَاتٍ وَ سَبْعِ أَرْضِينَ وَ إِذَا أَكَلَ أَوْ شَرِبَ أَوْ لَبَسَ ثَوْبًا قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ فَقَالَ اللَّهُ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا؛ مستدرک الوسائل ج: ٣ ص: ٢٦٩

١-٢-٢-٢-٣ الْخُرُوجُ مِنَ الْبَيْتِ

﴿٢٣٤٧﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ أَبِي عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليه السلام كَانَ إِذَا أَرَادَ الْخُرُوجَ إِلَى بَعْضِ أَمْوَالِهِ اشْتَرَى سَلَامَتَهُ مِنَ اللَّهِ بِمَا تَيْسَّرَ وَ يَكُونُ ذَلِكَ إِذَا وَضَعَ رِجْلَهُ فِي الرِّكَابِ فَإِذَا سَلَّمَهُ اللَّهُ وَ انْصَرَفَ شَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى وَ تَصَدَّقَ بِمَا تَيْسَّرَ فَوَدَّعَهُ الرَّجُلُ وَ مَضَى وَ لَمْ يَفْعَلْ مِنْ ذَلِكَ شَيْئًا فَعَطِبَ فِي الطَّرِيقِ فَبَلَغَ ذَلِكَ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام فَقَالَ: كَانَ الرَّجُلُ وَعَظَ لَوْ اتَّعَظَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٨ ص: ١٢٥

﴿٢٣٤٨﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ سِرْتُ فِي سَفَرِي هَذَا بَلَا ثِقَةٍ مِنِّي لِغَيْرِكَ وَ لَا رَجَاءٍ لِسِوَاكَ فَارْزُقْنِي مِنْ ذَلِكَ شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٧٣ ص: ٢٥٤

١-٢-٢-٢-٤ الْخُرُوجُ مِنَ الْحَمَامِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۳۴﴾ پیامبر ﷺ در نوشیدن از ظرف آب، سه نوبت نفس می کشید و در آغاز هر کدام نام خدای تعالی را می برد و در پایان خدا را شکر می کرد.

﴿۲۳۴۲﴾ چون یکی از شما آب بنوشد جرعه جرعه در سه نفس بنوشد و در هر نفس حمد و سپاس خدا را با گفتن " الحمد لله " بر زبان جاری کند که اولی شکر آن نوشیدنی است و دومی دورکنندهی شیطان و سومی درمان هر دردی که درون بدنش باشد.

﴿۲۳۴﴾ چند بار تجربه کرده، دیدم پیامبر خدا ﷺ هنگام نوشیدن آب، آن را با سه نفس می‌آشامید. و در هربار "بسم الله" می‌گفت. و در آخر "الحمد لله" می‌گفت. از سبب آن پرسیدم. فرمود: یا علی، حمد به منظور ادای شکر خدا، و "بسم الله" برای ایمنی از دردهاست.

﴿۳۳۴﴾ در بیان بنده که می‌گوید "الحمد لله"، فرمود: این ذکر در میزان عمل بنده از هفت آسمان و هفت طبقه‌ی زمین برتر است و آن هنگامی که بنده چیزی بخورد یا بنوشد یا بپوشد و؛ "الحمد لله" بگوید، خدای تعالی، در پاسخ فرماید: همانا او بنده‌ای شکرگزار و سیاست‌گزار است.

۷-۱-۲-۶-۲-۱-هنگامی که آب زمزم بنوشد

﴿۲۳۴۵﴾ ابوالحسن علیه السلام هنگام نوشیدن از آب زمزم می‌فرمود: به نام خدا و حمد و سپاس برای خداست و شکر و قدردانی، مخصوص، خدای یگانه است.

۲-۲-۶-۱- هنگام پوشیدن لباس

﴿۲۳۴۶﴾ در بیان بنده که می‌گوید "الحمد لله"، فرمود: این ذکر در میزان عمل بنده از هفت آسمان و هفت طبقه‌ی زمین برتر است و آن هنگامی که بنده چیزی بخورد یا بنوشد یا بپوشد و؛ "الحمد لله" بگوید، خدای تعالی در پاسخ فرماید: همانا او بنده‌ای شکرگزار و سپاسگزار است.

۳-۲-۶-۱-۲-۳- هنگام خروج از خانه

﴿۲۳۴۷﴾ شیوهی علی بن الحسین علیه السلام این بود که چون به‌سوی یکی از املاکش روانه می‌شد، سلامت خود را با صدقه‌ای در حد امکان از خدای عزیز و جلیل می‌خرید، و این عمل را آنگاه که پا در رکاب می‌نهاد انجام می‌داد و چون خدای تعالی او را سالم به منزل برمی‌گرداند خدا را شکر می‌کرد و تا حد امکان صدقه می‌داد مردی با او خداحافظی کرد و روانه‌ی سفر شد و هیچ یک از این اعمال را انجام نداد و در راه مصیبتی به او وارد شد، خبر به امام باقر علیه السلام رسید و فرمود با عمل خود آن مرد را درس داده بودیم، ای کاش درس را فرا می‌گرفت.

﴿۲۳۴۸﴾ پروردگارا، این سفرم را بدون اتکا و امید به غیر تو، می‌پیمایم. پس در این سفر توفیق شکرگزاری به من عنایت فرما.

۴-۲-۶-۱-۲-هنگام خروج از حمام

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٣٤٩﴾ الصادق عليه السلام: إِذَا خَرَجَ أَحَدُكُمْ مِنَ الْحَمَامِ وَ قَدْ سَلِمَ فَلْيُصَلِّ رُكْعَتَيْنِ شُكْرًا؛

وسائل الشيعة ج: ٢ ص: ٧٦

٥-٢-٦-٢-١- عند العطاس

﴿٢٣٥﴾ الرضا عليه السلام: وَاعْلَمْ أَنَّ عِلَّةَ الْعُطَاسِ هِيَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً فَتَسَى أَنْ يَشْكُرَ عَلَيْهَا سَلَطَ عَلَيْهِ رِيحًا تَدُورُ فِي بَدَنِهِ فَتَخْرُجُ مِنْ خِيَاشِيمِهِ فَيَحْمَدُ اللَّهَ عَلَى تِلْكَ الْعُطْسَةِ فَيَجْعَلُ ذَلِكَ الْحَمْدَ شُكْرًا لِتِلْكَ النِّعْمَةِ وَمَا عَطَسَ عَاطِسٌ إِلَّا هُضُمَ لَهُ طَعَامُهُ؛

مستدرک الوسائل ج: ۸ ص: ۳۸۴

﴿٢٣٥١﴾ الكاظم عليه السلام: سَأَلْتُ الْعَالِمَ عليه السلام عَنِ الْعُطْسَةِ وَمَا الْعِلَّةُ فِي الْحَمْدِ لِلَّهِ عَلَيْهَا فَقَالَ إِنَّ لِلَّهِ نِعْمًا عَلَى عَبْدِهِ فِي صِحَّةِ بَدَنِهِ وَسَلَامَةِ جَوَارِحِهِ وَإِنَّ الْعَبْدَ يَنْسَى ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى ذَلِكَ وَإِذَا نَسِيَ أَمَرَ اللَّهُ الرِّيحَ فَتَجَاوَزَ فِي بَدَنِهِ ثُمَّ يُخْرِجُهَا مِنْ أَنْفِهِ فَيُحْمَدُ اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ فَيَكُونُ حَمْدُهُ عِنْدَ ذَلِكَ شُكْرًا لِمَا نَسِيَ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٦٥٤

٢-٦-١-٢-٦ عند التفكر

﴿٢٣٥٢﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): اللَّهُمَّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَحِيدًا وَحَشًا فَيَقْصُرَ شُكْرِي عَنْ تَفَكُّرِي؛ الْكَافِي ج:

٩٠٦

٣-٦-٢-١- عِنْدَ الْعِبَادَةِ

١-٣-٦-٢-١ الدعاء

١-١-٣-٦-٢-١- قَبْلَ الدُّعَاءِ

﴿٢٣٥﴾ الرسول ﷺ: إِنِّي لَأَجِدُ آيَتَيْنِ فِي كِتَابِ اللَّهِ أَطْلُبُهُمَا فَلَا أَجِدُهُمَا قَالَ فَقَالَ ﷺ: وَمَا هُمَا قُلْتُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ فَدَعَوْهُ فَلَا نَرَى إِجَابَةَ قَالَ أَ فَتَرَى اللَّهَ أَخْلَفَ وَعَدَهُ قُلْتُ لَا قَالَ فَمَهْ قُلْتُ لَا أَذْرَى قَالَ لَكِنِّي أَخْبَرْتُكَ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ فِيمَا أَمَرَ بِهِ ثُمَّ دَعَاهُ مِنْ جِهَةِ الدُّعَاءِ أَجَابَهُ قُلْتُ وَمَا جِهَةُ الدُّعَاءِ قَالَ تَبَدُّا فَتَحْمَدُ اللَّهَ وَتُجَمِّدُهُ وَتَذْكُرُ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ فَتَشْكُرُهُ ثُمَّ تُصَلِّيَ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ ثُمَّ تَذْكُرُ ذُنُوبَكَ فَتَقِرُّ بِهَا ثُمَّ تَسْتَغْفِرُ مِنْهَا فَهَذِهِ جِهَةُ الدُّعَاءِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٠

ص: ۳۱۷

﴿٢٣٥٤﴾ الصادق (عليه السلام): قُلْتُ آتَيْنِي كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَطْلُبُهُمَا فَلَا أَجِدُهُمَا قَالَ وَمَا هُمَا قُلْتُ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ فَندَعُوهُ وَلَا نَرَىٰ إِجَابَةَ قَالَ أَفْتَرَىٰ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَخْلَفَ وَعَدَهُ قُلْتُ لَا قَالَ فَمِمَّ ذَلِكَ قُلْتُ لَا أَدْرِي قَالَ لَكِنِّي أَخْبِرُكَ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِيمَا أَمَرَهُ ثُمَّ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۳۴۹﴾ هرگاه یکی از شما به سلامت از گرمابه خارج شود، دو رکعت نماز شکر بخواند.

۵-۲-۶-۱- هنگام عطسه کردن

﴿۲۳۵۰﴾ بدان که سبب عطسه این است که چون خداوند تبارک و تعالی نعمتی به بنده دهد و او شکر آن را فراموش کند، خدا نسیمی بر تنش مسلط میکند تا در آن بچرخد و از سوراخ‌های بینی او بیرون آید تا بنده‌ی خدا به دنبال آن حمد گوید و خدا آن حمد را به عنوان شکر آن نعمت می‌پذیرد، و کسی عطسه نمیزند مگر آنکه غذایش هضم شود.

﴿۲۳۵۱﴾ از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام درباره‌ی عطسه و سرّ اینکه به دنبالش حمد خدا را باید کرد پرسیدم؟ فرمود: همانا برای خدا بر بنده‌اش نعمتهایی است از سلامتی بدن و اعضای او و تندرستی‌اش، و به‌درستی که بنده، خدای عزیز و جلیل را از یاد ببرد و درباره‌ی این نعمت‌ها فراموشش کند، و چون خدا را فراموش کند خداوند به باد دستور دهد که در تنش بگذرد و از بینی او بیرون آید تا خدا را بر آن حمد کند، پس حمد او در آن هنگام شکری است برای آنچه فراموش کرده است (و خدا به یادش آورده است).

۶-۲-۶-۱- هنگام تفکر

﴿۲۳۵۲﴾ خدایا، مرا تک‌وتنها و ترسان رها نکن که هنگام تفکر، کم شکر کنم.

۳-۲-۶-۱- هنگام عبادت

۱-۳-۲-۶-۱- هنگام دعا

۱-۱-۳-۲-۶-۱- قبل از دعا

﴿۲۳۵۳﴾ دو آیه را در کتاب خدا یافته‌ام، طالب آن‌ها هستم ولی آن‌ها را پیدا نمی‌کنم؛ امام علیه السلام فرمودند: آن دو آیه کدام است؟ عرض کردم: "آیه‌ی مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم." او را خواندیم اما اجابتی نمی‌بینیم. امام فرمود: آیا فکر می‌کنی که خداوند خلف وعده می‌کند؟ عرض کردم: نه، فرمود: پس ساکت باش (و مبادا به خدا اتهام بزنی). گفتم: نمی‌دانم. فرمود: اما من آگاهی می‌کنم، هر که امر خداوند را اطاعت کند سپس او را از راهش بخواند، خداوند او را اجابت می‌کند. عرض کردم راه دعا چیست؟ فرمود: دعا را با حمد خدا آغاز می‌کنی و او را تمجید می‌نمایی و نعمتهایی را که به تو داده یاد می‌کنی و او را شکر می‌کنی سپس بر پیامبر و خاندانش درود می‌فرستی سپس گناهانت را به یاد می‌آوری و به آن‌ها اقرار می‌کنی سپس از آن‌ها استغفار می‌نمایی. این راه دعاست.

﴿۲۳۵۴﴾ دو آیه در کتاب خدا (قرآن) است که آن دو را می‌جویم و نمی‌یابیم، فرمود: آن دو آیه کدام است؟ عرض کردم: گفتار خدای عزیز و جلیل: "مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم"، و ما او را می‌خوانیم ولی اجابتی نمی‌بینیم. امام علیه السلام فرمود: آیا می‌پنداری که خداوند خلاف وعده‌ی خود عمل کرده است؟ عرض کردم: نه، فرمود: پس علت این (به اجابت نرسیدن دعاها) چیست؟

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

دَعَا مِنْ جِهَةِ الدُّعَاءِ أَجَابَهُ قُلْتُ وَمَا جِهَةُ الدُّعَاءِ قَالَ تَبَدُّأَ فَتَحَمَدُ اللَّهُ وَتَذْكُرُ نِعَمَهُ عِنْدَكَ ثُمَّ تَشْكُرُهُ ثُمَّ تَصَلِّي عَلَى النَّبِيِّ ﷺ ثُمَّ تَذْكُرُ ذُنُوبَكَ فَتَقْرَأُ بِهَا ثُمَّ تَسْتَعِيدُ مِنْهَا فَهَذَا جِهَةُ الدُّعَاءِ؛
الكافي ج: ٢، ص: ٤٨٦

﴿٢٣٥٥﴾ الصادق عليه السلام: قُلْتُ لَهُ آيَتَانِ فِي كِتَابِ اللَّهِ لَا أَذْرِي مَا تَأْوِيلُهُمَا فَقَالَ وَمَا هُمَا قَالَ قُلْتُ قَوْلُهُ تَعَالَى ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ ثُمَّ ادْعُوا فَلَا أَرَى الْإِجَابَةَ قَالَ فَقَالَ لِي أَفَتَرَى اللَّهَ تَعَالَى أَخْلَفَ وَعْدَهُ قَالَ قُلْتُ لَا فَقَالَ الْآيَةُ الْأُخْرَى قَالَ قُلْتُ قَوْلُهُ تَعَالَى وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ فَأَنْفَقُ فَلَا أَرَى خَلْفًا قَالَ أَفَتَرَى اللَّهَ أَخْلَفَ وَعْدَهُ قَالَ قُلْتُ لَا قَالَ فَمَهْ قُلْتُ لَا أَذْرِي قَالَ لَكِنِّي أَخْبَرُكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى أَمَا إِنَّكُمْ لَوْ أَطَعْتُمُوهُ فِيمَا أَمَرَ بِهِ ثُمَّ دَعَوْتُمُوهُ لَأَجَابَكُمْ وَلَكِنْ تُخَالِفُونَهُ وَتَعْصُونَهُ فَلَا يُجِيبُكُمْ وَأَمَّا قَوْلُكَ تُنْفِقُونَ فَلَا تَرَوْنَ خَلْفًا أَمَا إِنَّكُمْ لَوْ كَسَبْتُمْ أَمْثَالَ مِنْ حِلِّهِ ثُمَّ أَنْفَقْتُمُوهُ فِي حَقِّهِ لَمْ يُنْفِقْ رَجُلٌ دِرْهَمًا إِلَّا أَخْلَفَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَوْ دَعَوْتُمُوهُ مِنْ جِهَةِ الدُّعَاءِ لَأَجَابَكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ عَاصِينَ قَالَ قُلْتُ وَمَا جِهَةُ الدُّعَاءِ قَالَ إِذَا آدَيْتَ الْفَرِيضَةَ مَجَدَّتْ اللَّهُ وَعَظُمَتِ وَتَمَدَّحُهُ بِكُلِّ مَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ وَتَصَلِّي عَلَى النَّبِيِّ وَتَجْتَهِدُ فِي الصَّلَاةِ عَلَيْهِ وَتَشْهَدُ لَهُ بِتَبْلِيغِ الرِّسَالَةِ وَتَصَلِّي عَلَى أَيْمَةِ الْهُدَى عليه السلام ثُمَّ تَذْكُرُ بَعْدَ التَّحْمِيدِ لِلَّهِ وَالتَّنَاءِ عَلَيْهِ وَالصَّلَاةَ عَلَى النَّبِيِّ مَا أَتَاكَ وَأَوَّلَاكَ وَتَذْكُرُ نِعَمَهُ عِنْدَكَ وَعَلَيْكَ وَمَا صَنَعَ بِكَ فَتَحَمَدُهُ وَتَشْكُرُهُ عَلَى ذَلِكَ ثُمَّ تَعْتَرِفُ بِذُنُوبِكَ ذَنْبَ ذَنْبٍ وَتَقْرَأُ بِهَا أَوْ بِمَا ذَكَرْتَ مِنْهَا وَتُجَمِّلُ مَا خَفِيَ عَلَيْكَ مِنْهَا فَتَتَوَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ جَمِيعِ مَعَاصِيكَ وَأَنْتَ تَتَوَى أَنْ لَا تَعُودَ وَتَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِنْهَا بِدَامَةٍ وَصِدْقِ نِيَّةٍ وَخَوْفٍ وَرَجَاءٍ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥، ص: ٢١٢

﴿٢٣٥٦﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَثْنِي عَلَيْكَ بِأَحْسَنِ مَا أَقْدِرُ عَلَيْهِ وَأَشْكُرُكَ بِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ أَشْكُرُكَ وَأَعْتَرِفُ لَكَ بِذُنُوبِي وَأَذْكُرُ حَاجَتِي؛ مستدرک الوسائل ج: ٥، ص: ٢١٢
١-٢-٣-٤-٥-٦-٧-٨-٩-١٠-١١-١٢-١٣-١٤-١٥-١٦-١٧-١٨-١٩-٢٠-٢١-٢٢-٢٣-٢٤-٢٥-٢٦-٢٧-٢٨-٢٩-٣٠-٣١-٣٢-٣٣-٣٤-٣٥-٣٦-٣٧-٣٨-٣٩-٤٠-٤١-٤٢-٤٣-٤٤-٤٥-٤٦-٤٧-٤٨-٤٩-٥٠-٥١-٥٢-٥٣-٥٤-٥٥-٥٦-٥٧-٥٨-٥٩-٦٠-٦١-٦٢-٦٣-٦٤-٦٥-٦٦-٦٧-٦٨-٦٩-٧٠-٧١-٧٢-٧٣-٧٤-٧٥-٧٦-٧٧-٧٨-٧٩-٨٠-٨١-٨٢-٨٣-٨٤-٨٥-٨٦-٨٧-٨٨-٨٩-٩٠-٩١-٩٢-٩٣-٩٤-٩٥-٩٦-٩٧-٩٨-٩٩-١٠٠-١٠١-١٠٢-١٠٣-١٠٤-١٠٥-١٠٦-١٠٧-١٠٨-١٠٩-١١٠-١١١-١١٢-١١٣-١١٤-١١٥-١١٦-١١٧-١١٨-١١٩-١٢٠-١٢١-١٢٢-١٢٣-١٢٤-١٢٥-١٢٦-١٢٧-١٢٨-١٢٩-١٣٠-١٣١-١٣٢-١٣٣-١٣٤-١٣٥-١٣٦-١٣٧-١٣٨-١٣٩-١٤٠-١٤١-١٤٢-١٤٣-١٤٤-١٤٥-١٤٦-١٤٧-١٤٨-١٤٩-١٥٠-١٥١-١٥٢-١٥٣-١٥٤-١٥٥-١٥٦-١٥٧-١٥٨-١٥٩-١٦٠-١٦١-١٦٢-١٦٣-١٦٤-١٦٥-١٦٦-١٦٧-١٦٨-١٦٩-١٧٠-١٧١-١٧٢-١٧٣-١٧٤-١٧٥-١٧٦-١٧٧-١٧٨-١٧٩-١٨٠-١٨١-١٨٢-١٨٣-١٨٤-١٨٥-١٨٦-١٨٧-١٨٨-١٨٩-١٩٠-١٩١-١٩٢-١٩٣-١٩٤-١٩٥-١٩٦-١٩٧-١٩٨-١٩٩-٢٠٠-٢٠١-٢٠٢-٢٠٣-٢٠٤-٢٠٥-٢٠٦-٢٠٧-٢٠٨-٢٠٩-٢١٠-٢١١-٢١٢-٢١٣-٢١٤-٢١٥-٢١٦-٢١٧-٢١٨-٢١٩-٢٢٠-٢٢١-٢٢٢-٢٢٣-٢٢٤-٢٢٥-٢٢٦-٢٢٧-٢٢٨-٢٢٩-٢٣٠-٢٣١-٢٣٢-٢٣٣-٢٣٤-٢٣٥-٢٣٦-٢٣٧-٢٣٨-٢٣٩-٢٤٠-٢٤١-٢٤٢-٢٤٣-٢٤٤-٢٤٥-٢٤٦-٢٤٧-٢٤٨-٢٤٩-٢٥٠-٢٥١-٢٥٢-٢٥٣-٢٥٤-٢٥٥-٢٥٦-٢٥٧-٢٥٨-٢٥٩-٢٦٠-٢٦١-٢٦٢-٢٦٣-٢٦٤-٢٦٥-٢٦٦-٢٦٧-٢٦٨-٢٦٩-٢٧٠-٢٧١-٢٧٢-٢٧٣-٢٧٤-٢٧٥-٢٧٦-٢٧٧-٢٧٨-٢٧٩-٢٨٠-٢٨١-٢٨٢-٢٨٣-٢٨٤-٢٨٥-٢٨٦-٢٨٧-٢٨٨-٢٨٩-٢٩٠-٢٩١-٢٩٢-٢٩٣-٢٩٤-٢٩٥-٢٩٦-٢٩٧-٢٩٨-٢٩٩-٣٠٠-٣٠١-٣٠٢-٣٠٣-٣٠٤-٣٠٥-٣٠٦-٣٠٧-٣٠٨-٣٠٩-٣١٠-٣١١-٣١٢-٣١٣-٣١٤-٣١٥-٣١٦-٣١٧-٣١٨-٣١٩-٣٢٠-٣٢١-٣٢٢-٣٢٣-٣٢٤-٣٢٥-٣٢٦-٣٢٧-٣٢٨-٣٢٩-٣٣٠-٣٣١-٣٣٢-٣٣٣-٣٣٤-٣٣٥-٣٣٦-٣٣٧-٣٣٨-٣٣٩-٣٤٠-٣٤١-٣٤٢-٣٤٣-٣٤٤-٣٤٥-٣٤٦-٣٤٧-٣٤٨-٣٤٩-٣٥٠-٣٥١-٣٥٢-٣٥٣-٣٥٤-٣٥٥-٣٥٦-٣٥٧-٣٥٨-٣٥٩-٣٦٠-٣٦١-٣٦٢-٣٦٣-٣٦٤-٣٦٥-٣٦٦-٣٦٧-٣٦٨-٣٦٩-٣٧٠-٣٧١-٣٧٢-٣٧٣-٣٧٤-٣٧٥-٣٧٦-٣٧٧-٣٧٨-٣٧٩-٣٨٠-٣٨١-٣٨٢-٣٨٣-٣٨٤-٣٨٥-٣٨٦-٣٨٧-٣٨٨-٣٨٩-٣٩٠-٣٩١-٣٩٢-٣٩٣-٣٩٤-٣٩٥-٣٩٦-٣٩٧-٣٩٨-٣٩٩-٤٠٠-٤٠١-٤٠٢-٤٠٣-٤٠٤-٤٠٥-٤٠٦-٤٠٧-٤٠٨-٤٠٩-٤١٠-٤١١-٤١٢-٤١٣-٤١٤-٤١٥-٤١٦-٤١٧-٤١٨-٤١٩-٤٢٠-٤٢١-٤٢٢-٤٢٣-٤٢٤-٤٢٥-٤٢٦-٤٢٧-٤٢٨-٤٢٩-٤٣٠-٤٣١-٤٣٢-٤٣٣-٤٣٤-٤٣٥-٤٣٦-٤٣٧-٤٣٨-٤٣٩-٤٤٠-٤٤١-٤٤٢-٤٤٣-٤٤٤-٤٤٥-٤٤٦-٤٤٧-٤٤٨-٤٤٩-٤٥٠-٤٥١-٤٥٢-٤٥٣-٤٥٤-٤٥٥-٤٥٦-٤٥٧-٤٥٨-٤٥٩-٤٦٠-٤٦١-٤٦٢-٤٦٣-٤٦٤-٤٦٥-٤٦٦-٤٦٧-٤٦٨-٤٦٩-٤٧٠-٤٧١-٤٧٢-٤٧٣-٤٧٤-٤٧٥-٤٧٦-٤٧٧-٤٧٨-٤٧٩-٤٨٠-٤٨١-٤٨٢-٤٨٣-٤٨٤-٤٨٥-٤٨٦-٤٨٧-٤٨٨-٤٨٩-٤٩٠-٤٩١-٤٩٢-٤٩٣-٤٩٤-٤٩٥-٤٩٦-٤٩٧-٤٩٨-٤٩٩-٥٠٠-٥٠١-٥٠٢-٥٠٣-٥٠٤-٥٠٥-٥٠٦-٥٠٧-٥٠٨-٥٠٩-٥١٠-٥١١-٥١٢-٥١٣-٥١٤-٥١٥-٥١٦-٥١٧-٥١٨-٥١٩-٥٢٠-٥٢١-٥٢٢-٥٢٣-٥٢٤-٥٢٥-٥٢٦-٥٢٧-٥٢٨-٥٢٩-٥٣٠-٥٣١-٥٣٢-٥٣٣-٥٣٤-٥٣٥-٥٣٦-٥٣٧-٥٣٨-٥٣٩-٥٤٠-٥٤١-٥٤٢-٥٤٣-٥٤٤-٥٤٥-٥٤٦-٥٤٧-٥٤٨-٥٤٩-٥٥٠-٥٥١-٥٥٢-٥٥٣-٥٥٤-٥٥٥-٥٥٦-٥٥٧-٥٥٨-٥٥٩-٥٦٠-٥٦١-٥٦٢-٥٦٣-٥٦٤-٥٦٥-٥٦٦-٥٦٧-٥٦٨-٥٦٩-٥٧٠-٥٧١-٥٧٢-٥٧٣-٥٧٤-٥٧٥-٥٧٦-٥٧٧-٥٧٨-٥٧٩-٥٨٠-٥٨١-٥٨٢-٥٨٣-٥٨٤-٥٨٥-٥٨٦-٥٨٧-٥٨٨-٥٨٩-٥٩٠-٥٩١-٥٩٢-٥٩٣-٥٩٤-٥٩٥-٥٩٦-٥٩٧-٥٩٨-٥٩٩-٦٠٠-٦٠١-٦٠٢-٦٠٣-٦٠٤-٦٠٥-٦٠٦-٦٠٧-٦٠٨-٦٠٩-٦١٠-٦١١-٦١٢-٦١٣-٦١٤-٦١٥-٦١٦-٦١٧-٦١٨-٦١٩-٦٢٠-٦٢١-٦٢٢-٦٢٣-٦٢٤-٦٢٥-٦٢٦-٦٢٧-٦٢٨-٦٢٩-٦٣٠-٦٣١-٦٣٢-٦٣٣-٦٣٤-٦٣٥-٦٣٦-٦٣٧-٦٣٨-٦٣٩-٦٤٠-٦٤١-٦٤٢-٦٤٣-٦٤٤-٦٤٥-٦٤٦-٦٤٧-٦٤٨-٦٤٩-٦٥٠-٦٥١-٦٥٢-٦٥٣-٦٥٤-٦٥٥-٦٥٦-٦٥٧-٦٥٨-٦٥٩-٦٦٠-٦٦١-٦٦٢-٦٦٣-٦٦٤-٦٦٥-٦٦٦-٦٦٧-٦٦٨-٦٦٩-٦٧٠-٦٧١-٦٧٢-٦٧٣-٦٧٤-٦٧٥-٦٧٦-٦٧٧-٦٧٨-٦٧٩-٦٨٠-٦٨١-٦٨٢-٦٨٣-٦٨٤-٦٨٥-٦٨٦-٦٨٧-٦٨٨-٦٨٩-٦٩٠-٦٩١-٦٩٢-٦٩٣-٦٩٤-٦٩٥-٦٩٦-٦٩٧-٦٩٨-٦٩٩-٧٠٠-٧٠١-٧٠٢-٧٠٣-٧٠٤-٧٠٥-٧٠٦-٧٠٧-٧٠٨-٧٠٩-٧١٠-٧١١-٧١٢-٧١٣-٧١٤-٧١٥-٧١٦-٧١٧-٧١٨-٧١٩-٧٢٠-٧٢١-٧٢٢-٧٢٣-٧٢٤-٧٢٥-٧٢٦-٧٢٧-٧٢٨-٧٢٩-٧٣٠-٧٣١-٧٣٢-٧٣٣-٧٣٤-٧٣٥-٧٣٦-٧٣٧-٧٣٨-٧٣٩-٧٤٠-٧٤١-٧٤٢-٧٤٣-٧٤٤-٧٤٥-٧٤٦-٧٤٧-٧٤٨-٧٤٩-٧٥٠-٧٥١-٧٥٢-٧٥٣-٧٥٤-٧٥٥-٧٥٦-٧٥٧-٧٥٨-٧٥٩-٧٦٠-٧٦١-٧٦٢-٧٦٣-٧٦٤-٧٦٥-٧٦٦-٧٦٧-٧٦٨-٧٦٩-٧٧٠-٧٧١-٧٧٢-٧٧٣-٧٧٤-٧٧٥-٧٧٦-٧٧٧-٧٧٨-٧٧٩-٧٨٠-٧٨١-٧٨٢-٧٨٣-٧٨٤-٧٨٥-٧٨٦-٧٨٧-٧٨٨-٧٨٩-٧٩٠-٧٩١-٧٩٢-٧٩٣-٧٩٤-٧٩٥-٧٩٦-٧٩٧-٧٩٨-٧٩٩-٨٠٠-٨٠١-٨٠٢-٨٠٣-٨٠٤-٨٠٥-٨٠٦-٨٠٧-٨٠٨-٨٠٩-٨١٠-٨١١-٨١٢-٨١٣-٨١٤-٨١٥-٨١٦-٨١٧-٨١٨-٨١٩-٨٢٠-٨٢١-٨٢٢-٨٢٣-٨٢٤-٨٢٥-٨٢٦-٨٢٧-٨٢٨-٨٢٩-٨٣٠-٨٣١-٨٣٢-٨٣٣-٨٣٤-٨٣٥-٨٣٦-٨٣٧-٨٣٨-٨٣٩-٨٤٠-٨٤١-٨٤٢-٨٤٣-٨٤٤-٨٤٥-٨٤٦-٨٤٧-٨٤٨-٨٤٩-٨٥٠-٨٥١-٨٥٢-٨٥٣-٨٥٤-٨٥٥-٨٥٦-٨٥٧-٨٥٨-٨٥٩-٨٦٠-٨٦١-٨٦٢-٨٦٣-٨٦٤-٨٦٥-٨٦٦-٨٦٧-٨٦٨-٨٦٩-٨٧٠-٨٧١-٨٧٢-٨٧٣-٨٧٤-٨٧٥-٨٧٦-٨٧٧-٨٧٨-٨٧٩-٨٨٠-٨٨١-٨٨٢-٨٨٣-٨٨٤-٨٨٥-٨٨٦-٨٨٧-٨٨٨-٨٨٩-٨٩٠-٨٩١-٨٩٢-٨٩٣-٨٩٤-٨٩٥-٨٩٦-٨٩٧-٨٩٨-٨٩٩-٩٠٠-٩٠١-٩٠٢-٩٠٣-٩٠٤-٩٠٥-٩٠٦-٩٠٧-٩٠٨-٩٠٩-٩١٠-٩١١-٩١٢-٩١٣-٩١٤-٩١٥-٩١٦-٩١٧-٩١٨-٩١٩-٩٢٠-٩٢١-٩٢٢-٩٢٣-٩٢٤-٩٢٥-٩٢٦-٩٢٧-٩٢٨-٩٢٩-٩٣٠-٩٣١-٩٣٢-٩٣٣-٩٣٤-٩٣٥-٩٣٦-٩٣٧-٩٣٨-٩٣٩-٩٤٠-٩٤١-٩٤٢-٩٤٣-٩٤٤-٩٤٥-٩٤٦-٩٤٧-٩٤٨-٩٤٩-٩٥٠-٩٥١-٩٥٢-٩٥٣-٩٥٤-٩٥٥-٩٥٦-٩٥٧-٩٥٨-٩٥٩-٩٦٠-٩٦١-٩٦٢-٩٦٣-٩٦٤-٩٦٥-٩٦٦-٩٦٧-٩٦٨-٩٦٩-٩٧٠-٩٧١-٩٧٢-٩٧٣-٩٧٤-٩٧٥-٩٧٦-٩٧٧-٩٧٨-٩٧٩-٩٨٠-٩٨١-٩٨٢-٩٨٣-٩٨٤-٩٨٥-٩٨٦-٩٨٧-٩٨٨-٩٨٩-٩٩٠-٩٩١-٩٩٢-٩٩٣-٩٩٤-٩٩٥-٩٩٦-٩٩٧-٩٩٨-٩٩٩-١٠٠٠-١٠٠١-١٠٠٢-١٠٠٣-١٠٠٤-١٠٠٥-١٠٠٦-١٠٠٧-١٠٠٨-١٠٠٩-١٠١٠-١٠١١-١٠١٢-١٠١٣-١٠١٤-١٠١٥-١٠١٦-١٠١٧-١٠١٨-١٠١٩-١٠٢٠-١٠٢١-١٠٢٢-١٠٢٣-١٠٢٤-١٠٢٥-١٠٢٦-١٠٢٧-١٠٢٨-١٠٢٩-١٠٣٠-١٠٣١-١٠٣٢-١٠٣٣-١٠٣٤-١٠٣٥-١٠٣٦-١٠٣٧-١٠٣٨-١٠٣٩-١٠٤٠-١٠٤١-١٠٤٢-١٠٤٣-١٠٤٤-١٠٤٥-١٠٤٦-١٠٤٧-١٠٤٨-١٠٤٩-١٠٥٠-١٠٥١-١٠٥٢-١٠٥٣-١٠٥٤-١٠٥٥-١٠٥٦-١٠٥٧-١٠٥٨-١٠٥٩-١٠٦٠-١٠٦١-١٠٦٢-١٠٦٣-١٠٦٤-١٠٦٥-١٠٦٦-١٠٦٧-١٠٦٨-١٠٦٩-١٠٧٠-١٠٧١-١٠٧٢-١٠٧٣-١٠٧٤-١٠٧٥-١٠٧٦-١٠٧٧-١٠٧٨-١٠٧٩-١٠٨٠-١٠٨١-١٠٨٢-١٠٨٣-١٠٨٤-١٠٨٥-١٠٨٦-١٠٨٧-١٠٨٨-١٠٨٩-١٠٩٠-١٠٩١-١٠٩٢-١٠٩٣-١٠٩٤-١٠٩٥-١٠٩٦-١٠٩٧-١٠٩٨-١٠٩٩-١١٠٠-١١٠١-١١٠٢-١١٠٣-١١٠٤-١١٠٥-١١٠٦-١١٠٧-١١٠٨-١١٠٩-١١١٠-١١١١-١١١٢-١١١٣-١١١٤-١١١٥-١١١٦-١١١٧-١١١٨-١١١٩-١١٢٠-١١٢١-١١٢٢-١١٢٣-١١٢٤-١١٢٥-١١٢٦-١١٢٧-١١٢٨-١١٢٩-١١٣٠-١١٣١-١١٣٢-١١٣٣-١١٣٤-١١٣٥-١١٣٦-١١٣٧-١١٣٨-١١٣٩-١١٤٠-١١٤١-١١٤٢-١١٤٣-١١٤٤-١١٤٥-١١٤٦-١١٤٧-١١٤٨-١١٤٩-١١٥٠-١١٥١-١١٥٢-١١٥٣-١١٥٤-١١٥٥-١١٥٦-١١٥٧-١١٥٨-١١٥٩-١١٦٠-١١٦١-١١٦٢-١١٦٣-١١٦٤-١١٦٥-١١٦٦-١١٦٧-١١٦٨-١١٦٩-١١٧٠-١١٧١-١١٧٢-١١٧٣-١١٧٤-١١٧٥-١١٧٦-١١٧٧-١١٧٨-١١٧٩-١١٨٠-١١٨١-١١٨٢-١١٨٣-١١٨٤-١١٨٥-١١٨٦-١١٨٧-١١٨٨-١١٨٩-١١٩٠-١١٩١-١١٩٢-١١٩٣-١١٩٤-١١٩٥-١١٩٦-١١٩٧-١١٩٨-١١٩٩-١٢٠٠-١٢٠١-١٢٠٢-١٢٠٣-١٢٠٤-١٢٠٥-١٢٠٦-١٢٠٧-١٢٠٨-١٢٠٩-١٢١٠-١٢١١-١٢١٢-١٢١٣-١٢١٤-١٢١٥-١٢١٦-١٢١٧-١٢١٨-١٢١٩-١٢٢٠-١٢٢١-١٢٢٢-١٢٢٣-١٢٢٤-١٢٢٥-١٢٢٦-١٢٢٧-١٢٢٨-١٢٢٩-١٢٣٠-١٢٣١-١٢٣٢-١٢٣٣-١٢٣٤-١٢٣٥-١٢٣٦-١٢٣٧-١٢٣٨-١٢٣٩-١٢٤٠-١٢٤١-١٢٤٢-١٢٤٣-١٢٤٤-١٢٤٥-١٢٤٦-١٢٤٧-١٢٤٨-١٢٤٩-١٢٥٠-١٢٥١-١٢٥٢-١٢٥٣-١٢٥٤-١٢٥٥-١٢٥٦-١٢٥٧-١٢٥٨-١٢٥٩-١٢٦٠-١٢٦١-١٢٦٢-١٢٦٣-١٢٦٤-١٢٦٥-١٢٦٦-١٢٦٧-١٢٦٨-١٢٦٩-١٢٧٠-١٢٧١-١٢٧٢-١٢٧٣-١٢٧٤-١٢٧٥-١٢٧٦-١٢٧٧-١٢٧٨-١٢٧٩-١٢٨٠-١٢٨١-١٢٨٢-١٢٨٣-١٢٨٤-١٢٨٥-١٢٨٦-١٢٨٧-١٢٨٨-١٢٨٩-١٢٩٠-١٢٩١-١٢٩٢-١٢٩٣-١٢٩٤-١٢٩٥-١٢٩٦-١٢٩٧-١٢٩٨-١٢٩٩-١٣٠٠-١٣٠١-١٣٠٢-١٣٠٣-١٣٠٤-١٣٠٥-١٣٠٦-١٣٠٧-١٣٠٨-١٣٠٩-١٣١٠-١٣١١-١٣١٢-١٣١٣-١٣١٤-١٣١٥-١٣١٦-١٣١٧-١٣١٨-١٣١٩-١٣٢٠-١٣٢١-١٣٢٢-١٣٢٣-١٣٢٤-١٣٢٥-١٣٢٦-١٣٢٧-١٣٢٨-١٣٢٩-١٣٣٠-١٣٣١-١٣٣٢-١٣٣٣-١٣٣٤-١٣٣٥-١٣٣٦-١٣٣٧-١٣٣٨-١٣٣٩-١٣٤٠-١٣٤١-١٣٤٢-١٣٤٣-١٣٤٤-١٣٤٥-١٣٤٦-١٣٤٧-١٣٤٨-١٣٤٩-١٣٥٠-١٣٥١-١٣٥٢-١٣٥٣-١٣٥٤-١٣٥٥-١٣٥٦-١٣٥٧-١٣٥٨-١٣٥٩-١٣٦٠-١٣٦١-١٣٦٢-١٣٦٣-١٣٦٤-١٣٦٥-١٣٦٦-١٣٦٧-١٣٦٨-١٣٦٩-١٣٧٠-١٣٧١-١٣٧٢-١٣٧٣-١٣٧٤-١٣٧٥-١٣٧٦-١٣٧٧-١٣٧٨-١٣٧٩-١٣٨٠-١٣٨١-١٣٨٢-١٣٨٣-١٣٨٤-١٣٨٥-١٣٨٦-١٣٨٧-١٣٨٨-١٣٨٩-١٣٩٠-١٣٩١-١٣٩٢-١٣٩٣-١٣٩٤-١٣٩٥-١٣٩٦-١٣٩٧-١٣٩٨-١٣٩٩-١٤٠٠-١٤٠١-١٤٠٢-١٤٠٣-١٤٠٤-١٤٠٥-١٤٠٦-١٤٠٧-١٤٠٨-١٤٠٩-١٤١٠-١٤١١-١٤١٢-١٤١٣-١٤١٤-١٤١٥-١٤١٦-١٤١٧-١٤١٨-١٤١٩-١٤٢٠-١٤٢١-١٤٢٢-١٤٢٣-١٤٢٤-١٤٢٥-١٤٢٦-١٤٢٧-١٤٢٨-١٤٢٩-١٤٣٠-١٤٣١-١٤٣٢-١٤٣٣-١٤٣٤-١٤٣٥-١٤٣٦-١٤٣٧-١٤٣٨-١٤٣٩-١٤٤٠-١٤٤١-١٤٤٢-١٤٤٣-١٤٤٤-١٤٤٥-١٤٤٦-١٤٤٧-١٤٤٨-١٤٤٩-١٤٥٠-١٤٥١-١٤٥٢-١٤٥٣-١٤٥٤-١٤٥٥-١٤٥٦-١٤٥٧-١٤٥٨-١٤٥٩-١٤٦٠-١٤٦١-١٤٦٢-١٤٦٣-١٤٦٤-١٤٦٥-١٤٦٦-١٤٦٧-١٤٦٨-١٤٦٩-١٤٧٠-١٤٧١-١٤٧٢-١٤٧٣-١٤٧٤-١٤٧٥-١٤٧٦-١٤٧٧-١٤٧٨-١٤٧٩-١٤٨٠-١٤٨١-١٤٨٢-١٤٨٣-١٤٨٤-١٤٨٥-١٤٨٦-١٤٨٧-١٤٨٨-١٤٨٩-١٤٩٠-١٤٩١-١٤٩٢-١٤٩٣-١٤٩٤-١٤

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

عرض کردم: نمی‌دانم، فرمود: ولی من تو را آگاه می‌کنم؛ هر که خدای عزیز و جلیل را در آنچه که به آن فرمان داده اطاعت کند سپس او را از راه دعا بخواند خدا او را اجابت می‌کند.

﴿۲۳۵۵﴾ عرض کردم: دو آیه در کتاب خدا هست که من تأویل آن‌ها را نمی‌دانم. حضرت فرمود: آن دو کدامند؟ عرض کردم: فرمایش خداوند متعال که می‌فرماید: "مرا بخوانید، تا دعائتان را اجابت کنم". ولی من دعا می‌کنم و مستجاب نمی‌گردد. حضرت فرمود: آیا مقصودت این است که خداوند تبارک و تعالی به وعده‌اش عمل نکرده است؟ عرض کردم: خیر. فرمود: آیه‌ی دیگر کدام است. عرض کردم: گفتار خداوند متعال که می‌فرماید: "و هر چه انفاق کنید، خداوند عوض آن را [به شما] برمی‌گرداند، و او بهترین روزی دهندگان است". اما من انفاق می‌کنم و عوض آن را نمی‌بینم. حضرت فرمود: آیا منظورت این است که خداوند به وعده‌اش عمل نکرده است؟ عرض کردم: خیر. فرمود: پس چه؟ عرض کردم: نمی‌دانم. فرمود: ان شاء الله من برای تو بیان می‌کنم. توجه داشته باش که اگر شما از دستورات خداوند اطاعت می‌کردید و بعد از آن دعا می‌کردید، مسلماً خداوند دعای شما را مستجاب می‌کرد، ولی چون با خدا مخالفت و او را نافرمانی می‌کنید بنابراین او دعائتان را مستجاب نمی‌کند. و اما اینکه گفتی: انفاق می‌کنید و عوض آن را نمی‌بینید، بدان که اگر شما مال را از راه حلال به دست آورده و سپس در راه حق و موارد درست انفاق می‌کردید، هر کس حتی اگر یک درهم انفاق می‌کرد خداوند عوض آن را به او پس می‌داد. و اگر دعا را از راهش انجام می‌دادید، حتماً دعای شما را اجابت می‌کرد، اگر چه نافرمان و گناهکار باشید. راوی می‌گوید: عرض کردم: راه دعا کردن کدام است؟ حضرت فرمود: هنگامی که نماز واجب را به‌جا آوردی، ستایش خدا را نموده و او را به بزرگی یاد کن و با تمام توان مدح و ثنایش را بگو، و بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درود فرست و در درود بر او نهایت کوشش را بکن، و گواهی بده که حضرتش، رسالت خویش را به‌خوبی تبلیغ نموده، و بر امامان هدایت علیهم السلام درود فرست، بعد از ستایش و ثنای خداوند و درود بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عطایا و الطاف خداوند نسبت به خود را یادآور شده و نعمت‌های او را به یادآور، آن‌گاه خدا را ستایش نموده و او را بر تمام این امور شکرگزاری کن، و بعد به تک‌تک گناهانت اعتراف نموده و به همه‌ی آن‌ها و یا به هر کدام که به یاد می‌آوری اقرار کن و به گناهانی که از یادت رفته و بر تو پوشیده است به‌صورت اجمالی اقرار کرده و از تمامی گناهانت به درگاه خداوند توبه کن، و تصمیم بگیر که هرگز به‌سوی آن‌ها بازنگردی، و با حالت پشیمانی و نیت صادق و احساس بیم و امید، از تمامی گناهانت طلب آمرزش کن (آن‌گاه حاجت خوش را بطلب).

﴿۲۳۵۶﴾ خداوند، به خاطر نیکوترین مقدراتی که بر من مقرر فرمودی شای تو را می‌گویم و به‌واسطه‌ی آنچه بر من منت نهادی تو را شکر می‌کنم و سپاسگزار تو هستم و به گناهانم به درگاهت اعتراف می‌کنم و حاجتم را ذکر می‌کنم (و از تو آن را می‌طلبم).

۱-۲-۳-۶-۲-۱- حین دعا

﴿۲۳۵۷﴾ و باید درخواست کردن شما از خدا از روی ذلت و خضوع و شکر باشد

﴿۲۳۵۸﴾ دعا می‌کنم (به پیشگاه) تو و با زبانهای گوناگون برای شکر نمودن تو که در آن وصف
توست.

﴿۲۳۵۹﴾ پروردگارا، از تو می‌خواهم که سخنم را با یاد تو آغاز کنم و درخواست‌هایم را با شکرگزاری تو قرین کامیابی کنم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

٢-٣-١-٢-١- الصلاة

١-٢-٣-٢-١- بعد أربع ركعات في جوف الليل

﴿٢٣٦٠﴾ الصادق عليه السلام: إذا قام العبد نصف الليل بين يدي ربه جلّ جلاله فصلّى له أربع ركعات في جوف الليل المظلم ثم يسجد سجدة الشكر بعد فراغه فقال ما شاء الله ما شاء الله مائة مرة ناداه الله جلّ جلاله من فوقه عبدي إلى كم تقول ما شاء الله ما شاء الله أنا ربك وإلى المسية وقد شئت قضاء حاجتك فسلني ما شئت؛ بحار الأنوار ج: ٨٨ ص: ٣٤١

٢-٣-٢-٢- بعد صلاة الليل

﴿٢٣٦١﴾ الحجة عليه السلام: إذا كان ليلة الجمعة فاعتسل و صل صلاة الليل فإذا سجدت سجدة الشكر دعوت بهذا الدعاء وأنت بارك على ركبتيك فذكر لي دعاء؛ بحار الأنوار ج: ٥٣ ص: ٢٢٧
﴿٢٣٦٢﴾ الحجة عليه السلام: صليت صلاة الليل وسجدت سجدة الشكر وجنوت على ركبتي ودعوت الله جلّ وتعالى بهذا الدعاء؛ بحار الأنوار ج: ٥٣ ص: ٢٢٧

٢-٣-٣-١- بعد الزيارة

﴿٢٣٦٣﴾ الباقر عليه السلام: إنقلب يا سيدي عنكما تائباً حامداً لله شاكراً؛ البلد الأمين ص: ٢٧٢

٢-٣-٤-١- حين الذبح

﴿٢٣٦٤﴾ الباقر عليه السلام: إذا ذبحت فقل بسم الله والله والحمد لله والله أكبر إيماناً بالله وثناءً على رسول الله ﷺ والعصمة لأمره والشكر لرحمته؛ الكافي ج: ٦ ص: ٣٠

٢-٣-٤-٢- في الرخاء

١-٢-٤-١- عند استجابة الدعاء

﴿٢٣٦٥﴾ السجاد عليه السلام: أنه يستحب أن يصلي صلاة الشكر عند استجابة الدعاء؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٥١

٢-٣-٤-٢- في الرخاء

﴿٢٣٦٦﴾ المجتبي عليه السلام: إجعلني من المنيبين إليك التابعين لأمرك المخبتين إليك الذين إذا ذكرت وجلت قلوبهم والمستكملين مناسكهم والصابرين في البلاء والشاكرين في الرخاء؛ بحار الأنوار ج: ٨٤ ص: ٦٤

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٣٦٧﴾ الرسول ﷺ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الصَّبْرَ عِنْدَ الْبَلَاءِ وَ الشُّكْرَ عِنْدَ الرَّخَاءِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٣٢٣

﴿٢٣٦٨﴾ الصادق عليه السلام: الْمُؤْمِنُ لَهُ قُوَّةٌ فِي دِينٍ وَ حَزْمٌ فِي لَيْنٍ... فِي الْمَكَارِهِ صَبُورٌ وَ فِي الرَّخَاءِ شُكُورٌ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٢٣١

﴿٢٣٦٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْمُؤْمِنُ يُرْغَبُ فِيْمَا يَبْقَى وَ يَزْهَدُ فِيْمَا يَفْنَى... فِي الْمَكَارِهِ صَبُورٌ وَ فِي الرَّخَاءِ شُكُورٌ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٢٦٠

﴿٢٣٧٠﴾ الْمُتَّقَى مَيِّتَةُ شَهْوَتِهِ مَكْظُومٌ غَيْظُهُ فِي الرَّخَاءِ شُكُورٌ وَ فِي الْمَكَارِهِ صَبُورٌ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٣

﴿٢٣٧١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ أَهْلَ الدُّنْيَا لَا يَشْكُرُونَ عِنْدَ الرَّخَاءِ وَ لَا يَصْبِرُونَ عِنْدَ الْبَلَاءِ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ٢٠٠

﴿٢٣٧٢﴾ إِنَّكُمْ إِنْ صَبَرْتُمْ عَلَى الْبَلَاءِ وَ شَكَرْتُمْ فِي الرَّخَاءِ وَ رَضِيتُمْ بِالْقَضَاءِ كَانَ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ الرِّضَا؛ غرر الحكم ص: ٢٨٢

﴿٢٣٧٣﴾ فِي الرَّخَاءِ تَكُونُ فَضِيلَةُ الشُّكْرِ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٧

﴿٢٣٧٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا يَشْكُرُونَ عِنْدَ الرَّخَاءِ وَ لَا يَصْبِرُونَ عِنْدَ الْبَلَاءِ؛ بحار الأنوار ج: ٧٤ ص: ٢٤

﴿٢٣٧٥﴾ الرسول ﷺ: لِكُلِّ نِعْمَةٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لِكُلِّ رَخَاءٍ الشُّكْرُ لِلَّهِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٤ ص: ٥

﴿٢٣٧٦﴾ الرسول ﷺ: لَمَّا دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَى الْأَنْصَارِ فَقَالَ أَمْؤِمْنُونَ أَنْتُمْ فَسَكَنُوا فَقَالَ رَجُلٌ نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ وَ مَا عَلَامَةُ إِيْمَانِكُمْ فَقَالُوا نَشْكُرُ عَلَى الرَّخَاءِ وَ نَصْبِرُ عَلَى الْبَلَاءِ وَ نَرْضَى بِالْقَضَاءِ فَقَالَ مُؤْمِنُونَ وَ رَبُّ الْكَعْبَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٧٩ ص: ١٣٧

﴿٢٣٧٧﴾ الرسول ﷺ: وَ مِنَ الْفُقَرَاءِ قَالَ الَّذِينَ رَضُوا بِالْقَلِيلِ وَ صَبَرُوا عَلَى الْجُوعِ وَ شَكَرُوا عَلَى الرَّخَاءِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٢٣٧

٣-٤-٢-١- فِي الرَّغْبَةِ

﴿٢٣٧٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاعْمَلُوا فِي الرَّغْبَةِ وَ الرَّهْبَةِ فَإِنْ نَزَلَتْ بِكُمْ رَغْبَةٌ فَاشْكُرُوا وَ

اجْمَعُوا مَعَهَا رَغْبَةً؛ تحف العقول ص: ١٥٢

٤-٤-٢-١- فِي السَّرَاءِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۳۶۷﴾ خداوند، از تو، شکیبایی به هنگام بلا و شکرگزاری به هنگام آسایش و فراخی را خواستارم.

﴿۲۳۶۸﴾ مؤمن در امور دین نیرومند و با نشاط است، و در هنگام نرمی و راحتی با احتیاط رفتار می کند... در سختی ها و پیش آمدهای ناگوار صبر پیشه می کند و در هنگام رسیدن به توسعهی روزی دنیا شکر خدا را به جا می آورد.

﴿۲۳۶۹﴾ مؤمن علاقه به چیزی دارد که ماندنی است و به دنیای ناپایدار بی میل است... در گرفتاری ها شکیبیا، و در نعمت و فراوانی شکرگزار است.

﴿۲۳۷۰﴾ پرهیزکار کسی است که؛ شهوات (حیوانی اش) مرده است، غیظ و غضبش کنترل شده و فروخورده شده است و در دوران فراوانی نعمت بسیار شکرگزار است و در ناخوشی ها بسیار صبرکننده و شکیبیاست.

﴿۲۳۷۱﴾ همانا اهل دنیا بر رفاه و نعمت ها شکر نمی کنند، و در بلاها صبر ندارند.

﴿۲۳۷۲﴾ اگر بر بلا صبر کنید، و در دوران نعمت شکر کنید، و به تقدیر خدا راضی شوید، خدای سبحان از شما راضی خواهد بود.

﴿۲۳۷۳﴾ شکر برتر، شکر در دوران فراوانی نعمت است.

﴿۲۳۷۴﴾ بر نعمت ها شکر نمی کنند، بر بلاها صبر ندارند.

﴿۲۳۷۵﴾ برای هر نعمتی حمد و ستایش الهی لازم است و برای هر راحتی و آسایش شکر خداوند لازم است.

﴿۲۳۷۶﴾ هنگامی که پیامبر اکرم بر انصار وارد شد، از ایشان سؤال کرد: آیا شما مؤمن هستید؟ همه ساکت شدند. مردی از ایشان عرض کرد: آری ای پیامبر خدا، مؤمن هستیم. حضرت سؤال کرد: نشانهی ایمان شما چیست؟ عرض کرد: در دوران آسایش سپاسگزاریم و و بر بلا صبر می کنیم و به قضای الهی راضی هستیم. حضرت فرمود: قسم به خدای کعبه شما مؤمن هستید. ﴿۲۳۷۷﴾ فقیران کیانند؟ امام علیه السلام فرمود: آنان که به اندک خرسندند، و بر گرسنگی شکیبیا، و به هنگام فراخی زندگی سپاسگزار.

۳-۴-۲-۱- هنگام اشتیاق و میل

﴿۲۳۷۸﴾ در میان بیم و امید (به طاعت خدا) عمل کنید. اگر خوشایندی به شما رسید سپاسگزار باشید و با این شکرگزاری خوشایندهای دیگری را جلب کنید.

۴-۴-۲-۱- هنگام شادمانی

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٣٧٩﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ اللَّيْلَةَ أَفْضَلَ النَّصِيبِ فِي الْأَنْصِبَاءِ وَاتِّمَّ النِّعْمَةَ فِي النِّعْمَاءِ وَأَفْضَلَ الشُّكْرِ فِي السَّرَّاءِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ١٨٣

﴿٢٣٨٠﴾ الْمُؤْمِنُ شَاكِرٌ فِي السَّرَّاءِ صَابِرٌ فِي الْبَلَاءِ خَائِفٌ فِي الرَّخَاءِ؛ غرر الحكم ص: ٨٩

﴿٢٣٨١﴾ الرسول ﷺ: عَجَبًا لِأَمْرِ الْمُؤْمِنِ إِنَّ أَمْرَهُ كُلَّهُ لَهُ خَيْرٌ وَلَيْسَ ذَلِكَ لِأَحَدٍ إِلَّا لِلْمُؤْمِنِ إِنْ أَصَابَتْهُ سَرَاءٌ شَكَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ وَإِنْ أَصَابَتْهُ ضَرَاءٌ صَبَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ٢ ص: ٤٢٦

﴿٢٣٨٢﴾ كُنْ فِي السَّرَّاءِ عَبْدًا شُكُورًا وَفِي الضَّرَّاءِ عَبْدًا صَبُورًا؛ غرر الحكم ص: ٢٧٧

١-٢-٤-٥-٦ في السَّلَامَةِ وَالْعِصْمَةِ

﴿٢٣٨٣﴾ إِنَّمَا يَنْبَغِي لِأَهْلِ الْعِصْمَةِ وَالْمَصْنُوعِ إِلَيْهِمْ فِي السَّلَامَةِ أَنْ يَرْحَمُوا أَهْلَ الذُّنُوبِ وَالْمَعْصِيَةِ وَيَكُونَ الشُّكْرُ هُوَ الْغَالِبَ عَلَيْهِمْ وَالْحَاجِزَ لَهُمْ عَنْهُمْ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٩ ص: ٥٩

١-٢-٤-٥-٦ في الصَّحَّةِ وَالْقُوَّةِ

﴿٢٣٨٤﴾ فَمَا أَدْرَى، يَا إِلَهِي، أَيُّ الْحَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ، وَ أَيْ الْوَقْتَيْنِ أَوْلَى بِالْحَمْدِ لَكَ، أَوْ قَتُّ الصَّحَّةِ الَّتِي هَنَأْتَنِي فِيهَا طَيِّبَاتِ رِزْقِكَ، وَ نَشَطَّتَنِي بِهَا لِابْتِغَاءِ مَرْضَاتِكَ وَ فَضْلِكَ، وَ قَوَّيْتَنِي مَعَهَا عَلَى مَا وَقَفْتَنِي لَهُ مِنْ طَاعَتِكَ، أَمْ وَقَتُ الْعِلَّةِ الَّتِي مَحَصَّنْتَنِي بِهَا، وَ النِّعَمِ الَّتِي أَتَحَفَّتَنِي بِهَا، تَخْفِيفًا لِمَا ثَقُلَ بِهِ عَلَى ظَهْرِي مِنَ الْخَطِيئَاتِ، وَ تَطْهِيرًا لِمَا أَنْعَمْتَ فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَ تَنْبِيهًا لِتَنَاوُلِ التَّوْبَةِ، وَ تَذْكِيرًا لِمَحْوِ الْحَوَاثِلِ بِقَدِيمِ النِّعْمَةِ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٧٦

﴿٢٣٨٥﴾ موسى بن عمران عليه السلام: يَا رَبِّ لَا مَرَضٌ يُضْنِيْنِي وَ لَا صِحَّةٌ تُنْسِينِي وَ لَكِنْ بَيْنَ ذَلِكَ أَمْرٌ نَارَةٌ فَاشْكُرْكَ وَ أَصِحْ نَارَةً فَاشْكُرْكَ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ٤٢

١-٢-٤-٥-٦ في الْعَافِيَةِ وَالْغَلَبَةِ عَلَى الْأَعْدَاءِ

﴿٢٣٨٦﴾ الرسول ﷺ: أَنَّهُ إِذَا رَأَى مِنْ أَصْحَابِهِ الْمُتَبَلِّىَ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَافَانِي مِمَّا ابْتَلَاهُ وَ فَضَّلَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقَ تَفْضِيلًا وَ قَالَ مَنْ قَالَ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ فِي تِلْكَ الْحَالِ فَقَدْ أَدَّى شُكْرَ الْعَافِيَةِ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ٣١٥

﴿٢٣٨٧﴾ الْحِجَّةُ عليه السلام: لَكِنَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ أَحْوَالَهُمْ فِي ذَلِكَ كَأَحْوَالِ غَيْرِهِمْ لِيَكُونُوا فِي حَالِ الْمُخْنَةِ وَ الْبُلُوِّ صَابِرِينَ وَ فِي حَالِ الْعَافِيَةِ وَ الظُّهُورِ عَلَى الْأَعْدَاءِ شَاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٤٤ ص: ٢٧٣

﴿٢٣٨٨﴾ إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدْوِكَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ؛ شرح نهج البلاغة ج: ١٨ ص: ١٠٩

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۳۷۹﴾ خدایا، امشب از تو بهترین سهم در سهم‌ها و کامل‌ترین نعمت در نعمت‌ها و برترین شکر در هنگام راحتی و فراوانی نعمت را خواهانم.

﴿۲۳۸۰﴾ مؤمن در شادمانی و راحتی سپاسگزار و شاکر و در در بلا صبرکننده و در رفاه و آسودگی بیمناک است.

﴿۲۳۸۱﴾ شگفتا از کار مؤمن، همه‌ی کارش خیر است، این [ویژگی] جز برای مؤمن حاصل نمی‌شود: اگر خوشی به او برسد، شکر می‌کند، که برایش خیر است و اگر سختی به او برسد، بردباری می‌کند و [این نیز] برایش خیر است.

﴿۲۳۸۲﴾ در شادی بنده‌ای بسیار شکرگزار، و در سختی بنده‌ای بسیار صبور و شکیبا باش.

۵-۴-۲-۱- هنگام سلامتی و پاکی از گناه

﴿۲۳۸۳﴾ همانا برای کسانی که از معصیت و نافرمانی (خداوند به سبب توفیقی که به ایشان عطا فرموده) محفوظ مانده‌اند و سالم ماندن (از عیوب) به آنان احسان شده سزاوارتر است که بر گناهکاران ترحم نمایند و شکر و سپاسگزاری (پروردگار بر نعمت توفیق پرهیز از گناهان) بر ایشان مسلط و غالب باشد و ایشان را از عیب‌جویی آنان بازدارد.

۶-۴-۲-۱- هنگام تندرستی و نیرومندی

﴿۲۳۸۴﴾ خدایا، نمی‌دانم، کدام‌یک از این دو حالت (تندرستی و بیماری) به سپاسگزاری نزد تو نزدیک‌تر و شایسته‌تر است و کدام‌یک از این دو زمان برای ستایش تو سزاوارتر است؛ آیا هنگام تندرستی که در آن روزی‌های پاکیزه‌ات را به من گوارا ساخته و برای درخواست رضایت و لطف تو به من نشاط بخشیدی و با آن مرا بر فرمان‌برداری خویش توفیق و توانایی دادی؟ یا هنگام بیماری که مرا با آن (از گناهان) رهانیدی و نعمت بیماری که به من هدیه کردی تا گناهانی را که پشت مرا سنگین کرده بود سبک نماید، و از بدی‌هایی که در آن فرو رفته‌ام پاکم سازد، و برای فراگرفتن توبه بیدارم کند و با یادآوری نعمت‌هایی که از قبل به من داده شده گناهانم را فروریزد؟

﴿۲۳۸۵﴾ پروردگارا، دوست ندارم مرضی را که به واسطه‌ی ناتوانی ناشی از آن به عبادت بی‌میل شوم و آن تندرستی را که خدا را از یاد من ببرد نیز دوست نمی‌دارم، ولی دوست دارم که بین این دو باشم؛ گاهی مریض و گاهی تندرست یک مرتبه مریض شوم که به یاد تو باشم و تندرست باشم تا تو را سپاس بگذارم.

۷-۴-۲-۱- هنگام دوری از گرفتاری و غلبه بر دشمنان

﴿۲۳۸۶﴾ هرگاه که می‌دیدند یکی از اصحابشان دچار بلایی شده است می‌فرمودند: حمد خدا را که مرا از بلایی که او را به آن دچار کرده عافیت داد و بر بسیاری از خلائق برتری بخشید و نیز فرمودند: هر که این عبارات را در چنین حالی بگوید، شکر عافیت را به‌جا آورده است.

﴿۲۳۸۷﴾ خدای سبحان حال پیامبران را از این لحاظ نظیر حال غیر آنان قرارداد تا در موقع محنت و بلا صبور و در هنگام عافیت و غلبه بر دشمنان سپاسگزار باشند.

﴿۲۳۸۸﴾ هرگاه بر دشمنت پیروز شدی، به عنوان ادای شکر پیروزی، او را مورد بخشش قرار بده.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

٨-٤-٢-١- في الغناء

﴿٢٣٨٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: العَفَافُ زِينَةُ الْفَقْرِ وَالشُّكْرُ زِينَةُ الْغِنَاءِ؛ بحار الأنوار ج: ١٠٠ ص: ٢٠
 ﴿٢٣٩٠﴾ لقمان عليه السلام: اللَّهُمَّ ارْحَمْ الْفُقَرَاءَ لِقَلَّةِ صَبْرِهِمْ وَارْحَمْ الْأَغْنِيَاءَ لِقَلَّةِ شُكْرِهِمْ وَارْحَمْ الْجَمِيعَ لَطُولِ غَفْلَتِهِمْ؛ مجموعة ورام ج: ٢ ص: ١٩٩
 ﴿٢٣٩١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا نَظَرَ اعْتَبَرَ وَإِذَا سَكَتَ تَفَكَّرَ وَإِذَا تَكَلَّمَ ذَكَرَ وَإِذَا اسْتَغْنَى شَكَرَ وَإِذَا أَصَابَتْهُ شِدَّةٌ صَبَرَ؛ تحف العقول ص: ٢١٢
 ﴿٢٣٩٢﴾ الصادق عليه السلام: فَبِمَاذَا اسْتَحَقَّ الَّذِينَ أَغْنَاهُمْ وَأَوْسَعَ عَلَيْهِمْ مِنْ رِزْقِهِ الْغِنَى وَالسَّعَةَ وَبِمَاذَا اسْتَحَقَّ الْفُقَرَاءُ التَّفْتِيرَ وَالضِّيقَ قَالَ اخْتَبَرَ الْأَغْنِيَاءَ بِمَا أَعْطَاهُمْ لِيَنْظُرَ كَيْفَ شُكْرُهُمْ وَالْفُقَرَاءَ إِنَّمَا مَنَعَهُمْ لِيَنْظُرَ كَيْفَ صَبْرُهُمْ؛ بحار الأنوار ج: ١٠ ص: ١٧٠

٨-٤-٢-١- إِذَا نَظَرَ الْغَنَى إِلَى الْفَقِيرِ

﴿٢٣٩٣﴾ الباقر عليه السلام: إِنَّمَا خَلَقْتُكَ وَخَلَقْتَهُمْ لِأَبْلُوكَ وَأَبْلُوهُمْ أَيْكُمُ أَحْسَنُ عَمَلًا فِي دَارِ الدُّنْيَا فِي حَيَاتِكُمْ وَ قَبْلَ مَمَاتِكُمْ فَلِذَلِكَ خَلَقْتُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ وَالْحَيَاةَ وَالْمَوْتَ وَالطَّاعَةَ وَالْمَعْصِيَةَ وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ وَكَذَلِكَ أَرَدْتُ فِي تَقْدِيرِي وَتَدْبِيرِي وَبِعِلْمِي النَّافِذِ فِيهِمْ خَالَفْتُ بَيْنَ صَوْرِهِمْ وَأَجْسَامِهِمْ وَأَلْوَانِهِمْ وَأَعْمَارِهِمْ وَأَرْزَاقِهِمْ وَطَاعَتِهِمْ وَمَعْصِيَتِهِمْ فَجَعَلْتُ مِنْهُمْ الشَّقِيَّ وَالسَّعِيدَ وَالْبَصِيرَ وَالْأَعْمَى وَالْقَصِيرَ وَالطَّوِيلَ وَالْجَمِيلَ وَالْدَمِيمَ وَالْعَالِمَ وَالْجَاهِلَ وَالْغَنَى وَالْفَقِيرَ وَالْمُطِيعَ وَالْعَاصِيَ وَالصَّحِيحَ وَالسَّقِيمَ وَمَنْ بِهِ الزَّمَانَةُ وَمَنْ لَا عَاهَةَ بِهِ فَيَنْظُرُ الصَّحِيحُ إِلَى الَّذِي بِهِ الْعَاهَةُ فَيَحْمَدُنِي عَلَى عَافِيَتِهِ وَيَنْظُرُ الَّذِي بِهِ الْعَاهَةُ إِلَى الصَّحِيحِ فَيَدْعُونِي وَيَسْأَلْنِي أَنْ أُعَافِيَهُ وَيَصْبِرُ عَلَى بَلَائِي فَأُثْبِتُهُ جَزِيلَ عَطَائِي وَيَنْظُرُ الْغَنَى إِلَى الْفَقِيرِ فَيَحْمَدُنِي وَيَشْكُرُنِي وَيَنْظُرُ الْفَقِيرُ إِلَى الْغَنَى فَيَدْعُونِي وَيَسْأَلْنِي وَيَنْظُرُ الْمُؤْمِنُ إِلَى الْكَافِرِ فَيَحْمَدُنِي عَلَى مَا هَدَيْتُهُ فَلِذَلِكَ خَلَقْتَهُمْ لِأَبْلُوهُمْ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَفِيمَا أَعَافِيهِمْ وَفِيمَا أُبْلِيهِمْ وَفِيمَا أُعْطِيهِمْ وَفِيمَا أَمْنَعُهُمْ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٨

﴿٢٣٩٤﴾ الباقر عليه السلام: يَنْظُرُ الْغَنَى إِلَى الْفَقِيرِ فَيَحْمَدُنِي وَيَشْكُرُنِي؛ الكافي ج: ٢ ص: ٨

٩-٤-٢-١- فِي النِّعَمَةِ

﴿٢٣٩٥﴾ إِذَا نَزَلَتْ بِكَ النِّعْمَةُ فَاجْعَلْ قَرَاهَا الشُّكْرَ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٢٠ ص: ٣٢٧
 ﴿٢٣٩٦﴾ إِذَا وَصَلَتْ إِلَيْكُمْ أَطْرَافُ النِّعَمِ فَلَا تُنْفَرُوا أَقْصَاهَا بِقَلَّةِ الشُّكْرِ؛ شرح نهج البلاغة ج: ١٨ ص: ١١٦

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۸-۴-۲-۱- هنگام توانگری

﴿۲۳۸۹﴾ عفت طبع و پارسایی زینت فقر است و شکر زیور توانگری.
﴿۲۳۹۰﴾ خدایا، بر فقرا به خاطر کمی صبرشان رحم کن و بر توانگران به خاطر کمی شکرشان و بر همگان به سبب طولانی بودن غفلتشان.
﴿۲۳۹۱﴾ فرمود مؤمن نگاهش پند است و سکوتش فکر و سخنش ذکر و بی‌نیازی‌اش شکر و در هنگام گرفتاری شکیباست.
﴿۲۳۹۲﴾ چه چیز موجب شده که گروهی فقیر و تنگدست باشند؟ فرمود: ثروتمندان را با ثروتی که به آن‌ها می‌دهد آزمایش می‌کند تا ببیند چگونه شکرمی‌کنند و فقیران را می‌آزماید تا ببیند چگونه شکیبایی می‌ورزند.

۱-۸-۴-۲-۱- هنگامی که توانگر به فقیر نگاه کند

﴿۲۳۹۳﴾ من تو را و فرزندان را خلق کردم تا آن‌ها را بیازمایم و معلوم گردد کدام‌یک از شما در زندگی بهتر کار می‌کنید و به همین جهت نیز دنیا و آخرت را آفریدم و مرگ و زندگی را خلق نمودم و طاعت و معصیت را پدید آوردم و بهشت و دوزخ را ایجاد نمودم. و این چنین اراده کردم و برای آن‌ها تقدیر و سرنوشت قرار دادم، و با علمی که از حالات آن‌ها داشتم صورت‌ها و بدن‌ها و رنگ‌های آنان را مختلف قرار دادم و مدت زندگی و روزی آن‌ها و درجه فرمان برداری و نافرمانی‌شان در دنیا را متفاوت کردم، و دسته‌ای از آن‌ها بدبخت و جمعی خوشبخت می‌شوند، بعضی بی‌نا و گروهی کور هستند، عده‌ای کوتاه و دسته‌ای بلند قامت می‌باشند، پاره‌ای از مردم زیبا و دسته‌ای زشت آفریده شده‌اند، گروهی دانشمند و گروهی جاهل هستند، بعضی ثروتمند و بعضی دیگر فقیر و تهیدست می‌باشند. گروهی از آن‌ها فرمان‌بردار و جماعتی نافرمان هستند، دسته‌ای سالم و تندرست و دسته‌ای بیمار و ناتوان می‌باشند. آن‌کس که تندرست می‌باشد و به بیمار نگاه می‌کند مرا سپاس می‌گوید که بدنش سالم و تندرست می‌باشد. آن‌کس که بیمار و ناتوان است به سالم نگاه می‌کند و از من درخواست می‌کند تا او را عافیت دهم و او در برابر مصیبت صبر می‌کند و من هم به او پاداش می‌دهم، دارا به فقیر نگاه می‌کند و مرا شکر می‌کند، فقیر به غنی می‌نگرد، مرا می‌خواند، مؤمن به کافر نگاه می‌کند و از اینکه هدایت شده است مرا سپاس می‌گوید، من برای این آنان را مختلف کردم تا در گرفتاری‌ها و مشکلات آنان را بیازمایم، و افراد گرفتار و یا آن‌ها که در آسایش و رفاه هستند از هم تمیز داده شوند.
﴿۲۳۹۴﴾ دارا به فقیر نگاه می‌کند و مرا سپاس می‌گوید و شکر می‌کند.

۹-۴-۲-۱- در نعمت

﴿۲۳۹۵﴾ هرگاه برای تو نعمتی فرود آمد، پس شکر خود را با آن همراه کن تا برکت یافته و ادای حق کرده باشی.
﴿۲۳۹۶﴾ هنگامی که ابتدای نعمت به شما رسید شما با کوتاهی در شکرگزاری دنباله و ادامه‌ی آن را فراری ندهید.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٣٩٧﴾ إِنْ آتَاكُمْ اللَّهُ بِنِعْمَةٍ فَاشْكُرُوا؛ غررالحكم ص: ٢٧٧
 ﴿٢٣٩٨﴾ الرسول ﷺ: إِفْتَرَضَ عَلَيْنَا الشُّكْرَ إِذَا أَعْطَانَا وَ الصَّبْرَ إِذَا ابْتَلَى؛ مستدرک الوسائل ج: ٢
 ص: ٣٥٣

﴿٢٣٩٩﴾ الرسول ﷺ: مَنْ تَظَاهَرَتْ نِعَمُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَلْيَكْثِرِ الشُّكْرَ وَ مَنْ أَلْهِمَ الشُّكْرَ لَمْ يُحْرَمِ
 الْمَزِيدَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ١٩٤

﴿٢٤٠٠﴾ الشُّكْرُ مَا خُذُ عَلَى أَهْلِ النِّعَمِ؛ غررالحكم ص: ٢٧٧
 ﴿٢٤٠١﴾ إِنَّمَا يَنْبَغِي لِأَهْلِ الْعِصْمَةِ وَ الْمَصْنُوعِ إِلَيْهِمْ فِي السَّلَامَةِ أَنْ يَرْحَمُوا أَهْلَ الذُّنُوبِ وَ
 الْمَعْصِيَةِ وَ يَكُونَ الشُّكْرُ هُوَ الْغَالِبُ عَلَيْهِمْ وَ الْحَاجِزُ لَهُمْ عَنْهُمْ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٩ ص: ٥٩
 ﴿٢٤٠٢﴾ وَ اجْعَلْ شُكْرِي لَكَ عَلَى مَا زَوَيْتَ عَنِّي أَوْفَرَ مِنْ شُكْرِي إِيَّاكَ عَلَى مَا خَوَّلْتَنِي؛
 الصحيفة السجادية ﷺ ص: ١٥٨

﴿٢٤٠٣﴾ أمير المؤمنين ﷺ: يَا مُفَضِّلُنَا بِالْأَرْزَاقِ بَعْضَنَا عَلَى بَعْضٍ سُنِّي وَ وَجَّهْنِي فِي تِجَارَتِي
 هَذِهِ إِلَى وَجْهِ غَنِي عَاصِمٍ شُكُورٍ آخِذُهُ بِحُسْنِ شُكْرِ لِنَنْفَعَنِي بِهِ وَ نَنْفَعُ بِهِ مِنِّي؛ بحار الأنوار ج: ٩٢
 ص: ٣٢٢

١-٩-٤-٢-١- عِنْدَ ذِكْرِ النِّعْمَةِ

﴿٢٤٠٤﴾ الرسول ﷺ: تَذَكَّرْ نِعْمَةَ عَلَيْهِ فَتَشْكُرْهُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٠ ص: ٣١٧
 ﴿٢٤٠٥﴾ الصادق ﷺ: إِذَا ذَكَرَ أَحَدُكُمْ نِعْمَةَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَلْيَضَعْ خَدَّهُ عَلَى التُّرَابِ شُكْرًا لِلَّهِ
 فَإِنْ كَانَ رَاكِبًا فَلْيَنْزِلْ فَلْيَضَعْ خَدَّهُ عَلَى التُّرَابِ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ يَقْدِرْ عَلَى النُّزُولِ لِلشُّهْرَةِ فَلْيَضَعْ
 خَدَّهُ عَلَى قَرْبُوسِهِ وَ إِنْ لَمْ يَقْدِرْ فَلْيَضَعْ خَدَّهُ عَلَى كَفِّهِ ثُمَّ لِيُحْمَدِ اللَّهُ عَلَى مَا أَنْعَمَ عَلَيْهِ؛ الكافي
 ج: ٢ ص: ٩٨

﴿٢٤٠٦﴾ الرسول ﷺ: ذَلِكَ يَوْمُ التَّعَابِنِ وَ قَدْ رَوَى عَنِ النَّبِيِّ ﷺ فِي تَفْسِيرِهِ وَ هَذَا قَوْلُهُ مَا مِنْ
 عَبْدٍ مُؤْمِنٍ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا أَرَى مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ لَوْ أَسَاءَ لِيَزْدَادَ شُكْرًا وَ مَا مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ يَدْخُلُ
 النَّارَ إِلَّا أَرَى مَقْعَدَهُ فِي الْجَنَّةِ لَوْ أَحْسَنَ لِيَزْدَادَ حَسْرَةً؛ جامع الأخبار ص: ١٨٣

١٠-١-٢-٤-٢-١- فِي بَدْءِ الْإِمَامَةِ

﴿٢٤٠٧﴾ الكاظم ﷺ: أَنَّهُمْ حَضَرُوا يَوْمَ تُوُفِّيَ مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ دَارَ أَبِي الْحَسَنِ ﷺ وَ
 قَدْ بُسِطَ لَهُ فِي صَحْنِ دَارِهِ وَ النَّاسُ جُلُوسٌ حَوْلَهُ فَقَالُوا قَدَرْنَا أَنْ يَكُونَ حَوْلَهُ مِنْ آلِ أَبِي طَالِبٍ
 وَ بَنِي الْعَبَّاسِ وَ قُرَيْشٍ مِائَةٌ وَ خَمْسُونَ رَجُلًا سِوَى مَوَالِيهِ وَ سَائِرِ النَّاسِ إِذْ نَظَرَ إِلَى الْحَسَنِ بْنِ
 عَلِيٍّ وَ قَدْ جَاءَ مَشْقُوقَ الْجَيْبِ حَتَّى جَاءَ عَنْ يَمِينِهِ وَ نَحْنُ لَا نَعْرِفُهُ فَنَظَرَ إِلَيْهِ أَبُو الْحَسَنِ ﷺ
 بَعْدَ سَاعَةٍ مِنْ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۳۹۷﴾ اگر خداوند نعمتی را به شما عطا فرمود، پس شکر آن را به جا آورید.

﴿۲۳۹۸﴾ خداوند در مقابل نعمت، شکر؛ و در مقابل بلا، صبر را بر ما واجب کرد.

﴿۲۳۹۹﴾ بر هر کس نعمت‌های خداوند آشکار شود واجب است که بسیار شکر کند و بر هر کس که شکر الهام شود، از فزونی محروم نخواهد شد.

﴿۲۴۰۰﴾ از اهل نعمت‌ها پیمان شکر گرفته شده است.

﴿۲۴۰۱﴾ همانا برای کسانی که از معصیت و نافرمانی (خداوند به سبب توفیقی که به ایشان عطا فرموده) محفوظ مانده‌اند و سالم ماندن (از عیوب) به آنان احسان شده سزاوار است که بر گناهکاران ترحم نمایند و شکر و سپاسگزاری (پروردگار بر نعمت توفیق پرهیز از گناهان) بر ایشان مسلط و غالب باشد و ایشان را از عیب‌جویی آنان بازدارد.

﴿۲۴۰۲﴾ و خدایا، شکر و سپاس مرا به خاطر بدی‌هایی که از من بازداشته‌ای بیش از شکر مرا بر نعمت‌هایی که به من بخشیده‌ای قرار بده.

﴿۲۴۰۳﴾ ای کسی که روزی بعضی از ما را بیش از دیگران تقسیم کردی، در این تجارت مرا به‌سوی بی‌نیازی و دوری از اشتباه و شکر بسیار سوق ده تا با شکری زیبا آن را بگیرم که موجب شود تو به خاطر آن به من سود رسانی و از جانب من به تو خیر رسد.

۱-۴-۲-۱- هنگام یادآوری نعمت

﴿۲۴۰۴﴾ نعمت‌هایش به یاد بیاور و شکر کن.

﴿۲۴۰۵﴾ هرگاه یکی از شما نعمت خدای عزیز و جلیل را به یاد آورد، باید برای شکر خدا، چهره روی خاک بگذارد و اگر سواره‌است باید پیاده شود و چهره روی خاک گذارد و اگر از بیم شهرت و ریا نتواند پیاده شود چهره روی برآمدگی زین بگذارد، و اگر نتواند، چهره بر کف دست بگذارد، سپس خدا را بر نعمتی که به او داده ستایش کرده و سپاس گوید.

﴿۲۴۰۶﴾ "آن، روز حسرت است" و از پیامبر ﷺ در تفسیر آن روایت شده و این کلام ایشان است که "هیچ بنده‌ی مؤمنی نیست که داخل بهشت می‌شود مگر آنکه به او نشان داده می‌شود که اگر بدی کرده بود جایگاهش از آتش بود تا بر شکرش بیافزاید و هیچ بنده‌ی مؤمنی نیست که وارد جهنم شود مگر آنکه جایگاهش در بهشت در صورت نیکوکاربودنش به او نشان داده می‌شود تا بر حسرتش بیافزاید.

۱۰-۴-۲-۱- در آغاز امامت

﴿۲۴۰۷﴾ روز فوت محمد بن علی بن محمد ﷺ جمع شدند؛ در آن روز برای حضرت هادی ﷺ فرشی گسترده بودند و گروهی از بنی‌هاشم و بنی‌عباس که - به غیر از غلامان و سایر مردم - در حدود صد و پنجاه نفر می‌شدند، اطراف امام نشست‌ه بودند. در این موقع حضرت ابوالحسن چشمش به حضرت امام حسن عسکری ﷺ افتاد که با گریبان چاک و اشک جاری آمد ما ایشان را نمی‌شناختیم. امام هادی پس از لحظاتی که او ایستاده بود، روی به سویش نمود

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

قِيَامِهِ ثُمَّ قَالَ يَا بُنَيَّ أَحَدِثْ لِلَّهِ شُكْرًا فَقَدْ أَحَدَثَ فِيكَ أَمْرًا فَبَكَى الْحَسَنُ عليه السلام وَاسْتَرْجَعَ وَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَإِيَّاهُ أَشْكُرُ تَمَامَ نِعَمِهِ عَلَيْنَا وَإِنَّا لِلَّهِ وَإِلَيْهِ رَاجِعُونَ؛ بحار الأنوار ج: ٥٠، ص: ٢٤٥

١١-٤-٢-١- عِنْدَ قَضَاءِ اللَّهِ

﴿٢٤٠٨﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: فَمَا قَضَى اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ فَأَقْبَلُوا مِنَ اللَّهِ بِالشُّكْرِ وَمَا زُوِيَ عَنْكُمْ مِنْهَا فَأَقْبَلُوهُ عَنِ اللَّهِ بِالرِّضَا وَالتَّسْلِيمِ وَالصَّبْرِ فَعَسَى أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ خَيْرًا لَكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ أَعْلَمُ بِمَا يُصْلِحُكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ تحف العقول ص: ٣٦٥

١٢-٤-٢-١- فِي الْإِنْتِفَاعِ

﴿٢٤٠٩﴾ فَرَدَّ آيَهَا الْمُسْتَنْفَعُ فِي شُكْرِكَ؛ نهج البلاغة ص: ٥٢٣

١٣-٤-٢-١- فِي الْيُسْرِ

﴿٢٤١٠﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: إِنَّ النَّبِيَّ عليه السلام إِذَا جَاءَهُ أَمْرٌ يُسْرُهُ أَوْ سُرَّ بِهِ خَرَّ سَاجِدًا شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى؛ عوالي اللآلي ج: ١، ص: ١٩٩

﴿٢٤١١﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: الزَّاهِدُ عِنْدَنَا مَنْ عِلِمَ فَعَمِلَ وَمَنْ أَتَقَنَ فَحَذَرَ وَإِنْ أَمْسَى عَلَى عُسْرِ حَمِدَ اللَّهَ وَإِنْ أَصْبَحَ عَلَى يُسْرِ شَكَرَ اللَّهَ فَهُوَ الزَّاهِدُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢، ص: ٤٤
﴿٢٤١٢﴾ حَقَّ اللَّهُ سُبْحَانَهُ عَلَيْكُمْ فِي الْيُسْرِ الْبَرِّ وَالشُّكْرِ وَفِي الْعُسْرِ الرِّضَا وَالصَّبْرُ؛ غرر الحكم ص: ٣٧١

﴿٢٤١٣﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: حَقَّ اللَّهُ فِي الْعُسْرِ الرِّضَى وَالصَّبْرُ وَحَقَّهُ فِي الْيُسْرِ الْحَمْدُ وَ الشُّكْرُ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥، ص: ٤٥

﴿٢٤١٤﴾ خَيْرُ النَّاسِ مَنْ كَانَ فِي يُسْرِهِ سَخِيًّا شُكُورًا؛ غرر الحكم ص: ٣٧٦
﴿٢٤١٥﴾ الرِّضَا عليه السلام: فَمَنْ أَيْسَرَ مِنْكُمْ فَلْيَشْكُرِ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ لَكُنْ شُكْرُكُمْ لَا زَيْدَ لَكُمْ؛ الكافي ج: ٨، ص: ٣٤٦

١٤-٤-٢-١- بَعْدَ الْيَأْسِ

﴿٢٤١٦﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: تَسْتَحِقُّ عَلَيْنَا بَعْدَ الْيَأْسِ شُكْرًا مِنَّةً مِنْ مَنِّكَ مُجَلَّلَةً وَ نِعْمَةً مِنْ نِعَمِكَ مُفْضَلَةً عَلَى بَرِيَّتِكَ الْمُرْمَلَةِ وَ بِلَادِكَ الْمُغْرِبَةِ وَ بَهَائِمِكَ الْمُعْمَلَةِ وَ وَحْشِكَ الْمُهْمَلَةِ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١، ص: ٥٢٧

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

و فرمود: فرزندم، سپاس خدا را به جای آور که دستور جدیدی درباره‌ی تو صادر کرده است. امام حسن عسکری گریه کرد و آیه‌ی استرجا "إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ" را بر زبان آورد و گفت: "الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ".

۱۱-۴-۶-۱-۲-۱- هنگام حکم قطعی الهی

﴿۲۴۰۸﴾ هر حاجتی را که خدا برآورد با شکر کردن بپذیرید و هر حاجتی را برنیآورد با رضا و تسلیم نسبت به آن برخورد کنید، شاید برنیآوردن آن به صلاح شما باشد، زیرا خداوند بهتری می‌داند که چه چیز به خیر صلاح شماست ولی خودتان خبر ندارید.

۱۲-۴-۶-۱-۲-۱- هنگام سود بردن

﴿۲۴۰۹﴾ پس ای کسی که از این گفتار یا از نعمت‌های پروردگارم بهره‌مند می‌شوی، بر شکرگزاری بیافزای.

۱۳-۴-۶-۱-۲-۱- در آسانی

﴿۲۴۱۰﴾ هنگامی که برای پیامبر ﷺ مطلب ناخوشایند یا مسأله‌ی خوشحال‌کننده‌ای پیش می‌آمد برای ادای شکر به پیشگاه خداوند متعال به حالت سجده به زمین می‌افتاد.

﴿۲۴۱۱﴾ زاهد نزد ما کسی است که بداند و عمل کند و با آنکه یقین دارد احتیاط کند؛ اگر در شب به او سختی رسید، خدا را ستایش کند و اگر صبح به او راحتی رسید خدا را شکر کند پس چنین کسی زاهد است.

﴿۲۴۱۲﴾ حقّ خدای سبحانه بر شما در فراخی و توانگری، احسان کردن و شکرست، و در عسرت و تنگی، حق خدای تعالی بر شما راضی بودن و صبر کردن بر آن است.

﴿۲۴۱۳﴾ حق خدا در حالت تنگدستی، رضایت و خشنودی و صبر و شکیبایی است و حق خدا در هنگام فراخی نعمت، حمد و سپاس اوست.

﴿۲۴۱۴﴾ بهترین مردم کسی است که در توانگری خود بخشنده و شکرگزار باشد.

﴿۲۴۱۵﴾ هرکس از شما توانگر است باید سپاس بگزارد زیرا خدای عزیز و جلیل می‌فرماید: "اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهیم افزود".

۱۴-۴-۶-۱-۲-۱- پس از ناامیدی

﴿۲۴۱۶﴾ و تو ای خداوند بخشنده، پس از آن دوران نومیدی که بر ما گذشته است با احسانی از انواع احسان فراگیر تو و نعمتی از نعمت‌های از سر لطف تو بر مخلوقات نیازمند بینوایت و بر سرزمین‌های دورافتاده‌ات و جانوران به کار گرفته‌ی تو، و حیوانات وحشی رها شده‌ات، سزاوار شکر و ستایشی.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

٥-٢-١- في البلاءِ والمُكْرِهِ

١-٢-٥-١- في البلاءِ

﴿٢٤١٧﴾ إِذَا رَأَيْتَ رَبَّكَ يُوَالِي عَلَيْكَ الْبَلَاءَ فَاشْكُرْهُ؛ غررالحكم ص: ٩٩

﴿٢٤١٨﴾ الرُّسُولُ ﷺ: بَيْنَا أَنَا جَالِسٌ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِذَا قَصَدَ لَهُ رَجُلٌ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ الْمَمْلُوكُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ابْتُلِيَ بِكَ وَنُيِّتَ بِهِ لِيَنْظُرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ كَيْفَ تَشْكُرُ وَيَنْظُرَ كَيْفَ يَصْبِرُ؛ بحار الأنوار ج: ٦ ص: ١١٣

١-٢-٥-٢- عِنْدَ اللَّأْوَاءِ وَالْكَرْبِ

﴿٢٤١٩﴾ أَنَّهُ بَلَغَهُ أَنَّ زَاعِمًا يَزْعُمُ أَنَّهُ يُنْقِصُ عَلَيَّاهُ فَقَامَ فِي أَصْحَابِهِ يَوْمًا فَقَالَ لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَغْلِقَ بَابِي ثُمَّ لَا أَخْرُجَ مِنْ بَيْتِي حَتَّى يَأْتِيَنِي أَحَدِي بَلَّغِي أَنَّ زَاعِمًا مِنْكُمْ يَزْعُمُ أَنِّي أَنْتَقِصُ خَيْرَ النَّاسِ بَعْدَ نَبِيِّنَا ﷺ وَأَنِّي سَهُ وَجَلِيْسَهُ وَالْمُفْرَجَ لِلْكَرْبِ عَنْهُ عِنْدَ الزَّلَازِلِ وَالْقَاتِلَ لِلْأَقْرَانِ يَوْمَ التَّنَازُلِ لَقَدْ فَارَقَكُمْ رَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَوْقَهُ وَأَخَذَ الْعِلْمَ فَوْقَهُ وَحَازَ الْبَأْسَ فَاسْتَعْمَلَهُ فِي طَاعَةِ رَبِّهِ صَابِرًا عَلَى مَضَضِ الْحَرْبِ شَاكِرًا عِنْدَ اللَّأْوَاءِ وَالْكَرْبِ؛ بحار الأنوار ج: ٤٠ ص: ١١٧

١-٢-٥-٣- عِنْدَ الْمُنْعِ

﴿٢٤٢٠﴾ وَاجْعَلْ شُكْرِي لَكَ عَلَى مَا زَوَيْتَ عَنِّي أَوْفَرَ مِنْ شُكْرِي إِيَّاكَ عَلَى مَا خَوَّلْتَنِي؛

الصحيفة السجادية ﷺ ص: ١٥٨

١-٢-٥-٤- عِنْدَ الْمَرَضِ، الْعِلَّةِ، الْحُمَى

﴿٢٤٢١﴾ الْبَاقِرُ ﷺ: مَنْ مَرَضَ لَيْلَةً فَقَبِلَهَا بِقَبُولِهَا وَأَدَّى شُكْرَهَا إِلَى اللَّهِ كَانَتْ كَعِبَادَةِ سِتِّينَ سَنَةٍ؛ مشكاة الأنوار ص: ٢٨١

﴿٢٤٢٢﴾ الْكَاسِمُ ﷺ: حُمَى يَوْمَ كَفَّارَةٍ سِتِّينَ سَنَةٍ إِذَا قَبِلَهَا بِقَبُولِهَا قِيلَ وَمَا قَبُولُهَا قَالَ أَنْ يَحْمَدَ اللَّهَ وَيَشْكُرَهُ وَيَشْكُوَ إِلَيْهِ وَلَا يَشْكُوهُ وَإِذَا سُئِلَ عَنْ خَبَرِهِ قَالَ خَيْرًا؛ مستدرک الوسائل ج: ٢ ص: ٦٩

﴿٢٤٢٣﴾ فَمَا أَدْرَى، يَا إِلَهِي، أَيُّ الْحَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ، وَآيُ الْوَقْتَيْنِ أَوْلَى بِالْحَمْدِ لَكَ، أَوْ قَتُّ الصِّحَّةِ الَّتِي هَنَاتَنِي فِيهَا طَيِّبَاتِ رِزْقِكَ، وَنَشَطَّتَنِي بِهَا لَائِغَاءُ مَرْضَاتِكَ وَفَضْلِكَ، وَقَوَّيْتَنِي مَعَهَا عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ مِنْ طَاعَتِكَ، أَمْ وَقَتُّ الْعِلَّةِ الَّتِي مَحَصَّنَتَنِي بِهَا، وَالنَّعْمَ الَّتِي أَتَحَفَّتَنِي بِهَا، تَخْفِيفًا لِمَا ثَقُلَ بِهِ عَلَى ظَهْرِي مِنَ الْخَطِيئَاتِ، وَتَطْهِيرًا لِمَا أَنْعَمَسْتُ فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَتَنْبِيْهَا لِتَنَاوُلِ التَّوْبَةِ، وَتَذْكِيرًا لِمَحْوِ الْحَوْبَةِ بِقَدِيمِ النُّعْمَةِ؛ الصحيفة السجادية ﷺ ص: ٧٦

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۵-۶-۱-۲-در بلا و آزمایش و آنچه ناپسند است

۱-۵-۶-۱-۲-در بلا و آزمایش

﴿۲۴۱۷﴾ هرگاه دیدی که پروردگارت پی در پی بر تو بلا می فرستد او را شکر کن.
﴿۲۴۱۸﴾ نزد پیامبر خدا ﷺ نشسته بودم که مردی نزد آن حضرت آمد و گفت: ای پیامبر خدا، وای از مملوک، آن حضرت به او فرمود: او به تو گرفتار شده و تو نیز گرفتار اوئی، تا خدا ببیند، تو چگونه شکر می گزاری و او چگونه شکیبایی می ورزد؟

۲-۱-۵-۶-۱-۲-هنگام سختی

﴿۲۴۱۹﴾ به حسن بصری خبر رسید؛ که کسی گمان برده است که او علی علیه السلام را تحقیر کرده است؛ روزی میان اصحابش برخاست و گفت قصد داشتم در خانه ام را به روی خود بیندم و تا آخر عمر از خانه ام بیرون نیایم، به من خبر رسیده که یکی از شماها مرا متهم نموده اید که من علی علیه السلام را تحقیر کرده ام حال آنکه او بهترین مردم پس از پیامبر ماست و انیس و جلیس او بوده است، در هر شدت و سختی و در واقع گرفتاری از پیامبر رفع گرفتاری و ناراحتی می کرد. اوست کشنده ای مبارزان در روزهای جنگ، به تحقیق مردی از شما جدا شده که قرآن را به حد کمال می دانست و علم فراوان داشت و صاحب شجاعت بی مثال بود که آن را در طاعت پروردگارش به کار بست، بر سختی های نبرد شکیبا بود و در هنگام سختی ها و ناخوشی ها شکرگزار کامل است.

۳-۱-۵-۶-۱-۲-هنگام محرومیت

﴿۲۴۲۰﴾ و خدایا، شکر و سپاس مرا به خاطر بدی هایی که از من بازداشته ای بیش از شکرم بر نعمت هایی که به من بخشیده ای قرار بده.

۴-۱-۵-۶-۱-۲-هنگام بیماری، هنگام تب

﴿۲۴۲۱﴾ هرکس بیمار شود و از مرض خود شکایت نکند و صبر پیشه نماید، خداوند عبادت شصت سال را برای او می نویسد.

﴿۲۴۲۲﴾ یک روز تب کفاره ای شصت سال است به شرط آنکه آن را بپذیرد. گفته شد: پذیرش آن چیست؟ امام علیه السلام فرمود: اینکه خدا را بستاید و شکر کند؛ به خدا شکایت کند و از او شکوه نکند و آنگاه که حالش را پرسیدند بگوید: خوب است.

﴿۲۴۲۳﴾ خدایا، نمی دانم، کدام یک از این دو حالت (تندرستی و بیماری) به سپاسگزاری نزد تو نزدیک تر و شایسته تر است و کدام یک از این دو زمان برای ستایش تو سزاوارتر است؛ آیا هنگام تندرستی که در آن روزی های پاکیزه ها را به من گوارا ساخته و برای درخواست رضایت و لطف تو به من نشاط بخشیدی و با آن مرا بر فرمان برداری خویش توفیق و توانایی دادی؟ یا هنگام بیماری که مرا با آن (از گناهان) رهانیدی و نعمت بیماری که به من هدیه کردی تا گناهانی را که پشت مرا سنگین کرده بود سبک نماید، و از بدی هایی که در آن فرو رفته ام پاکم سازد، و برای فراگرفتن توبه بیدارم کند و با یادآوری نعمت هایی که از قبل به من داده شده گناهانم را فروریزد؟

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٤٢٤﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ اشْتَكَى لَيْلَةً فَقَبِلَهَا بِقَبُولِهَا وَادَّى إِلَى اللَّهِ شُكْرَهَا كَانَتْ عِبَادَةً سِتِّينَ سَنَةً؛ الكافي ج: ٣ ص: ١١٦

﴿٢٤٢٥﴾ موسى بن عمران عليه السلام: يَا رَبَّ لَا مَرَضٌ يُضِنِّي وَلَا صِحَّةٌ تُسِينِي وَ لَكِنْ بَيْنَ ذَلِكَ
أَمْرٌ تَارَةً فَأَشْكُرُ وَأَصْبَحُ تَارَةً فَأَشْكُرُ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ٤٢
٥٥-٥٦-١٢- عند الشهادة

﴿٢٤٢٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: قُلْتُ لِي اُبَشِّرْ فَاِنَّ الشَّهَادَةَ مِنْ وَرَائِكَ فَقَالَ لِي اِنَّ ذَلِكَ لَكَدَّيْكَ فَكَيْفَ صَبْرُكَ اِذَنْ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَيْسَ هَذَا مِنْ مَوَاطِنِ الصَّبْرِ وَ لَكِنْ مِنْ مَوَاطِنِ الْبُشْرَى وَ الشُّكْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٤١ ص: ٧

﴿٢٤٢٧﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): فَكَيْفَ صَبْرُكَ إِذَا فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَيْسَ هَذَا بِمَوْطِنٍ صَبْرٍ هَذَا مَوْطِنُ شُكْرٍ؛ بحار الأنوار ج: ٣٢، ص: ٢٤٣

(۲۴۲۸) امیر المؤمنین (علیہ السلام): لَمَّا قَالَ لَهُ ابْنُ عَمِّهِ وَ أَخُوهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كَيْفَ صَبِرْتُ إِذَا ضَرَبْتَ عَلَى قَرْنِكَ وَ اخْتَضَبَ شَيْبَكَ بِدِمِكَ وَ أَنْتَ فِي مِحْرَابٍ صَلَاتِكَ سَاجِدًا لِلرَّبِّ فَقَالَ (علیہ السلام): ذَلِكَ مَقَامُ الشُّكْرِ لَا مُقَامَ الصَّبْرِ؛ قصص الأنبياء للجزائري ص: ۳۵۱

۵-۶-۱-۲-۳-۴-۵-۶ إِذَا فَقَدْنا

﴿٢٤٢٩﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): أَنَّهُ رَأَى يَوْمًا جَمَاعَةً فَقَالَ مَنْ أَنْتُمْ قَالُوا نَحْنُ قَوْمٌ مُتَوَكِّلُونَ فَقَالَ مَا بَلَغَ بَكُمْ تَوَكُّلَكُمْ قَالُوا إِذَا وَجَدْنَا أَكْلَنَا وَإِذَا فَقَدْنَا صَبَرْنَا فَقَالَ (عليه السلام): هَكَذَا يَفْعَلُ الْكِلَابُ عِنْدَنَا فَقَالُوا كَيْفَ نَفْعَلُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ كَمَا نَفَعَلُهُ إِذَا فَقَدْنَا شَكَرْنَا وَإِذَا وَجَدْنَا أَثَرْنَا؛ مستدرک الوسائل ج: ٧ ص: ٢١٧

مستدرک الوسائل ج: ۷ ص: ۲۱۷

٣-١- الفضل والأهمية

١-٣-١- فَضِيلَةُ الشُّكْرِ وَالشَّاكِرِ

١٠١-١-٣-١- (آخِرَةٌ)، الشَّاكِرُ أَهْلُ الْآخِرَةِ

﴿٢٤٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَهْلُ الْخَيْرِ وَ أَهْلُ الْآخِرَةِ رَقِيقَةٌ وَجُوهُهُمْ كَثِيرٌ حَيَاؤُهُمْ قَلِيلٌ حُمْقُهُمْ كَثِيرٌ نَفْعُهُمْ قَلِيلٌ مَكْرُهُمْ النَّاسُ مِنْهُمْ فِي رَاحَةِ أَنْفُسِهِمْ مِنْهُمْ فِي تَعَبِ كَلَامِهِمْ مَوْزُونٌ مُحَاسِبِينَ لَأَنْفُسِهِمْ مُتَعَبِينَ لَهَا تَنَامُ أَغْنِيَهُمْ وَ لَا تَنَامُ قُلُوبُهُمْ أَغْنِيَهُمْ بَاكِيَةٌ وَ قُلُوبُهُمْ ذَاكِرَةٌ إِذَا كُتِبَ النَّاسُ مِنَ الْغَافِلِينَ كُتِبُوا مِنَ الذَّاكِرِينَ فِي أَوَّلِ النِّعْمَةِ يَحْمَدُونَ وَ فِي آخِرِهَا يَشْكُرُونَ؛

بحار الأنوار ج: ٧٤ ص: ٢٤

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۴۲۴﴾ هرکس شبی دچار بیماری شود و آن را به درستی قبول کند و شکر خدا را به جای آورد گویا شصت سال عبادت انجام داده است.

﴿۲۴۲۵﴾ پروردگارا، دوست ندارم مرضی را که به واسطه‌ی ناتوانی ناشی از آن به عبادت بی میل شوم و آن تندرستی را که خدا را از یاد من ببرد نیز دوست نمی‌دارم، ولی دوست دارم که بین این دو باشم؛ گاهی مریض و گاهی تندرست یک مرتبه مریض شوم که به یاد تو باشم و تندرست باشم تا تو را سپاس بگذارم.

۵-۶-۲-۱- هنگام گواهی دادن

﴿۲۴۲۶﴾ گفتی: ای علی، مژده باد تو را که شهادت به دنبال خواهد بود. گفت: "اگر چنان شود، در آن هنگام شکیبایی تو چگونه خواهد بود؟" گفتم: ای پیامبر خدا چنین روزی نه جای شکیبایی کردن بلکه جای خوشحالی و بشارت شنیدن و شکرگزاردن است.

﴿۲۴۲۷﴾ آن هنگام صبرت چگونه است؟ گفتم: این از موارد صبر نیست، بلکه جای مژده و شکرگزاری است.

﴿۲۴۲۸﴾ وقتی که پیامبر خدا ﷺ به او خبر داد: یا علی، چگونه صبر می‌کنی، درحالی که در محراب عبادت به نماز ایستاده‌ای و موی سر و رویت با خون سرت رنگین می‌شود؟ علی علیه السلام در جواب فرمود: چنین موقعیتی مقام شکر و سپاس است نه مقام صبر،

۶-۵-۲-۱- هنگام نداری

﴿۲۴۲۹﴾ همانا علی علیه السلام روزی جماعتی را دید، رو به آنان گفت: شما کیستید؟ گفتند: ما گروه توکل کنندگانیم. پس فرمود: چگونه به این باور رسیده‌اید که توکل کنندگانید. گفتند: هنگامی که بیاییم (نعمت حق تعالی را) می‌خوریم (و سپاس می‌گوییم) و هنگامی که از دست داده و واجد نعمت نباشیم صبر پیشه می‌سازیم. پس حضرت فرمود: این رفتار شما نزد ما همانند رفتار سگان است پس آن‌ها گفتند: ای امیرالمؤمنین (شما بفرمایید که) چگونه عمل کنیم. ایشان فرمودند: همان‌طور که ما رفتار می‌کنیم؛ به هنگامی که از دست بدهیم شکر می‌کنیم و هنگامی که بیاییم (می‌بخشیم).

۳-۱- فضیلت و اهمیت

۱-۳-۱- فضیلت شکرگزاری و شکرگزار

۱-۳-۱-۰۱- (آخرت)، شکرگزار اهل آخرت است

﴿۲۴۳۰﴾ از صفات اهل خیر و اهل آخرت، صورت‌هایشان لاغر، و شرمشان (از خدا) بسیار، و حماقت و نفهمی ایشان در کارها اندک و نفعشان (برای مردم) زیاد، و مکر و حيله و تزویر نمی‌کنند، و مردم از (دست و زبان) ایشان در کمال آرامشند با اینکه ایشان از مردم صدمه و اذیت می‌بینند، و همواره با ادب سخن می‌گویند، و به حساب اعمال خود کامل و دقیق رسیدگی می‌نمایند (که مبادا گناهی نموده باشند و اگر مرتکب شده باشند توبه می‌کنند و لغزش‌های خود را جبران و اصلاح می‌نمایند)، چشمانشان به خواب می‌رود و لکن دل‌هایشان به خواب نمی‌رود (که از خدا غافل شوند) و نیز چشمانشان (از خوف خدا) گریان و دل‌هایشان ذاکر، و زمانی که مردمان را غافل (از یاد خدا) می‌نویسند ایشان را از زمره‌ی اهل ذکر می‌نویسند، ایشان کسانی هستند که در ابتدای نعمت حمد می‌کنند و در آخر آن شکر می‌نمایند.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١-٣-١-٠٢ (أداء)، الشُّكْرُ أَدَاءُ الْحَقِّ

﴿٢٤٣١﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بِمَحَامِدِكَ كُلِّهَا أَوَّلُهَا وَآخِرُهَا مَا قُلْتَ لِنَفْسِكَ مِنْهَا وَمَا قَالَ الْخَلَائِقُ الْحَامِدُونَ الْمُجْتَهِدُونَ الْمَعْدُودُونَ الْمُوقَّرُونَ ذِكْرَكَ وَ الشُّكْرَ لَكَ الَّذِينَ أَعْنَتْهُمْ عَلَى آدَاءِ حَقِّكَ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ أَصْنَافِ النَّاطِقِينَ وَ الْمُسَبِّحِينَ لَكَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ؛ الكافي ج: ٤ ص: ١٦٥

١-٣-١-٠٣ (أصل)، الشُّكْرُ أَصْلٌ مِنْ أَصُولٍ مُعَامَلَةٍ اللَّهُ

﴿٢٤٣٢﴾ الصادق عليه السلام: أَمَّا أَصُولُ مُعَامَلَةِ اللَّهِ تَعَالَى فَسَبْعَةُ أَشْيَاءٍ آدَاءُ حَقِّهِ وَ حِفْظُ حَدِّهِ وَ شُكْرُ عَطَائِهِ وَ الرِّضَا بِقَضَائِهِ وَ الصَّبْرُ عَلَى بَلَائِهِ وَ تَعْظِيمُ حُرْمَتِهِ وَ الشَّوْقُ إِلَيْهِ؛ مصباح الشريعة ص: ٥

١-٣-١-٠٤ (الله)، إِنَّ اللَّهَ أَعْلَمُ بِالشَّاكِرِينَ، إِنَّ اللَّهَ هَادِيًا إِلَى شُكْرِهِ

﴿٢٤٣٣﴾ وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لِيَقُولُوا أَهَؤُلَاءِ مِثْلُ مَا كَانُوا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ؛ الأنعام: الآية ٥٣

﴿٢٤٣٤﴾ الباقر عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ مُتِمُّ النِّعَمِ بِرَحْمَتِهِ وَ الْهَادِي إِلَى شُكْرِهِ بِمَنِّهِ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٣ ص: ٣٩٨

١-٣-١-٠٥ (اولوية)، الشُّكْرُ أَوَّلَى الْأَمْرِ

﴿٢٤٣٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنِّي أَوْصِيكَ بِوَصِيَّةٍ فَاحْفَظْهَا وَ اتَّقِ اللَّهَ وَ لِيَكُنْ أَوَّلَى الْأَمْرِ بِكَ الشُّكْرُ لِلَّهِ فِي السِّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ فَإِنَّ الشُّكْرَ خَيْرٌ زَادٍ بِحَارِ الْأَنْوَارِ ج: ٣٢ ص: ٦٠٥

١-٣-١-٠٦ (إيمان)، الشُّكْرُ مِنْ عِلَامَاتِ الْمُؤْمِنِ وَ رَاجِعٌ: ١-٤-٦-١- الشُّكْرُ وَ الْإِيمَانُ

﴿٢٤٣٦﴾ الْمُؤْمِنُ بَشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَ حُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ أَوْسَعُ شَيْءٍ صَدْرًا وَ أَذْلُ شَيْءٍ نَفْسًا يَكْرَهُ الرِّفْعَةَ وَ يَشْنَأُ السَّمْعَةَ طَوِيلُ غَمِّهِ بَعِيدُ هَمِّهِ كَثِيرُ صَمْتِهِ مَشْغُولُ وَقْتِهِ شَكُورٌ صَبُورٌ؛ شرح نهج البلاغة ج: ١٩ ص: ٢٤٥

﴿٢٤٣٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْمُؤْمِنُ يَرْغَبُ فِي مَا يَبْقَى وَ يَزْهَدُ فِي مَا يَفْنَى... فِي الْمَكَارِهِ صَبُورٌ وَ فِي الرِّخَاءِ شَكُورٌ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٢٦

﴿٢٤٣٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْمُؤْمِنُ يَكُونُ صَادِقًا فِي الدُّنْيَا... وَ الشُّكْرُ مَرْكَبُهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ١٧٤

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٤٣٩﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَحْسَنَ اسْتَبْشَرَ وَإِذَا أَسَاءَ اسْتَغْفَرَ وَإِذَا ابْتُلِيَ صَبَرَ وَإِذَا أُعْطِيَ شَكَرَ؛ عوَالِي اللَّالِي ج: ١ ص: ٤٣٧

﴿٢٤٤٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا نَظَرَ اعْتَبَرَ وَإِذَا سَكَتَ تَفَكَّرَ وَإِذَا تَكَلَّمَ ذَكَرَ وَإِذَا اسْتَعْنَى شَكَرَ وَإِذَا أَصَابَتْهُ شِدَّةٌ صَبَرَ؛ تحف العقول ص: ٢١٢

﴿٢٤٤١﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَشْبَعُ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ فَيَحْمَدُ اللَّهَ فَيُعْطِيهِ اللَّهُ مِنْ الْآجِرِ مَا لَا يُعْطَى الصَّائِمُ إِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ يُحِبُّ أَنْ يُحْمَدَ؛ وسائل الشريعة ج: ٢٥ ص: ٢٥٢

﴿٢٤٤٢﴾ الرسول ﷺ: أَنَّهُ مَرَّ عَلَى قَوْمٍ مِنَ الْأَنْصَارِ فِي بَيْتٍ فَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ وَوَقَفَ فَقَالَ كَيْفَ أَنْتُمْ قَالُوا مُؤْمِنُونَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَمْعَكُمْ بُرْهَانُ ذَلِكَ قَالُوا نَعَمْ قَالَ هَاتُوا قَالُوا نَشْكُرُ اللَّهَ فِي

الرِّخَاءِ وَنَصْبِرُ عَلَى الْبَلَاءِ وَنَرْضَى بِالْقَضَاءِ قَالَ أَنْتُمْ إِذَا أَنْتُمْ؛ مستدرک الوسائل ج: ٢ ص: ٤٢١

﴿٢٤٤٣﴾ الكاظم عليه السلام: رَفَعَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَوْمٌ فِي بَعْضِ غَزَوَاتِهِ فَقَالَ مَنْ الْقَوْمُ فَقَالُوا مُؤْمِنُونَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ وَمَا بَلَغَ مِنْ إِيْمَانِكُمْ قَالُوا الصَّبْرُ عِنْدَ الْبَلَاءِ وَالشُّكْرُ عِنْدَ الرِّخَاءِ وَ

الرِّضَا بِالْقَضَاءِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حُلَمَاءُ عُلَمَاءُ كَادُوا مِنَ الْفَقْهِ أَنْ يَكُونُوا أَنْبِيَاءَ إِنْ كُنْتُمْ كَمَا تَصِفُونَ فَلَا تَبْنُوا مَا لَا تَسْكُنُونَ وَلَا تَجْمَعُوا مَا لَا تَأْكُلُونَ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٤٨

﴿٢٤٤٤﴾ الرسول ﷺ: عَجَبًا لِلْمُؤْمِنِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَقْضِي لَهُ قَضَاءً إِلَّا كَانَ لَهُ خَيْرًا إِنْ ابْتُلِيَ صَبَرَ وَإِنْ أُعْطِيَ شَكَرَ؛ بحار الأنوار ج: ٦٧ ص: ١٨٤

﴿٢٤٤٥﴾ الرسول ﷺ: لَا يَكْمُلُ الْمُؤْمِنُ إِيْمَانُهُ حَتَّى يَحْتَوِيَ عَلَى مِائَةِ وَثَلَاثِ خِصَالٍ فَعِلْ وَعَمَلْ وَنِيَّةً وَظَاهِرًا وَبَاطِنًا فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا يَكُونُ الْمِائَةُ وَثَلَاثُ خِصَالٍ فَقَالَ يَا عَلِيُّ مِنْ صِفَاتِ الْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ جَوَّالَ الْفِكْرِ... وَفُورًا صَبُورًا رَضِيًّا شُكُورًا... قَلِيلًا حَقْدَةً

كَثِيرًا شُكْرُهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ١٧٨

﴿٢٤٤٦﴾ الرسول ﷺ: لَمَّا دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَى الْأَنْصَارِ فَقَالَ أَمْؤِمْنُونَ أَنْتُمْ فَسَكَنُوا فَقَالَ رَجُلٌ نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ وَمَا عَلَامَةُ إِيْمَانِكُمْ فَقَالُوا نَشْكُرُ عَلَى الرِّخَاءِ وَنَصْبِرُ عَلَى الْبَلَاءِ وَ

نَرْضَى بِالْقَضَاءِ فَقَالَ مُؤْمِنُونَ وَرَبُّ الْكَعْبَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٧٩ ص: ١٣٧

﴿٢٤٤٧﴾ الباقر عليه السلام: مِنْ آدَابِ الْمُؤْمِنِ حِفْظُ الْأَمَانَةِ وَ... الشُّكْرُ؛ أعلام الدين ص: ١١٨

﴿٢٤٤٨﴾ الباقر عليه السلام: وَ أَمَّا الْأَزْهَرُ فَقَلْبُ الْمُؤْمِنِ إِنْ أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ شُكْرًا وَإِنْ ابْتَلَاهُ صَبْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٦٧ ص: ٥١

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۴۳۹﴾ هنگامی که از مؤمن احسان و نیکویی سر بزند خوشحال می‌شود و هنگامی که خطایی مرتکب شود، استغفار و طلب آمرزش می‌کند و هنگامی که به بلایی مبتلا شود شکیبایی می‌ورزد و هنگامی که نعمتی به او عطا شود شکر نعمت را به جا می‌آورد.

﴿۲۴۴۰﴾ فرمود مؤمن نگاهش پند است و سکوتش فکر و سخنش ذکر و بی‌نیازی‌اش شکر و در هنگام گرفتاری شکیباست.

﴿۲۴۴۱﴾ مؤمن هروقت که از خوردن غذا و آشامیدن سیر شود حمد خدا می‌گوید و خداوند به او اجر و پاداشی می‌دهد که به شخص روزه‌دار عطا نمی‌کند، خداوند سپاسگزار و آگاه است و دوست دارد که ستایش شود.

﴿۲۴۴۲﴾ همانا پیامبر خدا ﷺ در حال عبور بر گروهی از مردم انصار که در خانه (خدا) جمع شده بودند. به ایشان سلام کردند و نزد ایشان توقف کردند و گفتند: حال شما چگونه است؟ گفتند: از زمره‌ی مؤمنان هستیم ای پیامبر خدا ﷺ؛ حضرت فرمودند: آیا برهان و دلیلی برای صحت ادعای خود دارید؟ گفتند: آری، حضرت فرمود: بگویید گفتند: ما در حالت راحتی و رفاه و آسایش شکرگزار نعمت‌های خداوند هستیم و در هنگام سختی و بلا صبر و شکیبایی پیشه می‌کنیم و بر قضای الهی راضی هستیم و گلايه نمی‌کنیم حضرت فرمود: شما همان گونه هستید که گفتید.

﴿۲۴۴۳﴾ در یکی از جنگ‌ها جماعتی را نزد پیامبر خدا ﷺ بردند، حضرت فرمود: این مردم چه کسانی هستند؟ گفتند: ای پیامبر خدا، مؤمنینند، فرمود: ایمان شما در چه پایه است؟ گفتند: بردباری هنگام بلا و سپاسگزاری زمان نعمت و رضای به قضای الهی پیامبر خدا ﷺ فرمود: این‌ها صفات خویشان‌داران و دانشمندانی است که از کثرت دانش به پیامبران نزدیک شده‌اند، اگر چنان که گفتید هستید، پس ساختمانی را که در آن سکونت نمی‌کنید نسازید و چیزی را که نمی‌خورید گرد نیاورید، و از خدایی که به سویش بازگشت می‌کنید پروا نمایید.

﴿۲۴۴۴﴾ در شگفتم از مؤمن که خداوند هرچه برای او مقدر کند خیر می‌باشد، اگر گرفتار شود صبر می‌کند، و اگر نعمتی به او برسد شکر می‌نماید.

﴿۲۴۴۵﴾ ایمان مؤمن کامل نیست تا صد و سه خصلت را در کار و کردار و نیت و درون و برون دارا باشد. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: ای پیامبر خدا، آن صد و سه خصلت کدامند؟ فرمود: ای علی مؤمن کسی است که اندیشه‌اش پویا باشد... باوقار، صبور، خشنود، و بسیار شکرگزار... کینه‌اش اندک، شکرش بسیار باشد.

﴿۲۴۴۶﴾ هنگامی که پیامبر اکرم بر انصار وارد شد، از ایشان سؤال کرد: آیا شما مؤمن هستید؟ همه ساکت شدند. مردی از ایشان عرض کرد: آری ای پیامبر خدا، مؤمن هستیم. حضرت سؤال کرد: نشانه‌ی ایمان شما چیست؟ عرض کرد: در دوران آسایش سپاسگزاریم و و بر بلا صبر می‌کنیم و به قضای الهی راضی هستیم. حضرت فرمود: قسم به خدای کعبه شما مؤمن هستید.

﴿۲۴۴۷﴾ از صفات مؤمن آن است که در حفظ امانت کوشا باشد... و شکرگزار (نعمت) باشد.

﴿۲۴۴۸﴾ قلب مؤمن درخشنده است که اگر خداوند چیزی به او بدهد سپاسگزاری می‌کند و اگر گرفتارش کند صبر می‌نماید.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٤٤٩﴾ الصادق عليه السلام: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صِفْ لَنَا صِفَةَ الْمُؤْمِنِ كَأَنَّا نَنْظُرُ إِلَيْهِ فَقَالَ يَا هَمَّامُ الْمُؤْمِنُ هُوَ الْكَيْسُ الْفَطِنُ... صَبُورُ شُكُورٍ؛ الكافي ج: ٢، ص: ٢٢٦
 ﴿٢٤٥٠﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: يَا عَلِيُّ يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ فِي الْمُؤْمِنِ ثَمَانُ خِصَالٍ وَقَارٌ عِنْدَ الْهَزَازِ وَصَبْرٌ عِنْدَ الْبَلَاءِ وَشُكْرٌ عِنْدَ الرَّخَاءِ و...؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٤، ص: ٣٥٢

﴿٢٤٥١﴾ الصادق عليه السلام: يَا مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ مَا خَلَقْتُ خَلْقًا أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ فَإِنِّي إِنَّمَا أَتَّبِعُهُ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَعَافِيهِ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَزْوَى عَنْهُ مَا هُوَ شَرٌّ لَهُ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنَا أَغْلَمُ بِمَا يَصْلُحُ عَلَيْهِ عَبْدِي فَلْيَصْبِرْ عَلَى بَلَائِي وَلْيَشْكُرْ نِعْمَائِي وَلْيَرْضَ بِقَضَائِي أَكْتُبُهُ فِي الصَّدَائِقِ عِنْدِي إِذَا عَمِلَ بِرَضَائِي وَأَطَاعَ أَمْرِي؛ الكافي ج: ٢، ص: ٤١
 ﴿٢٤٥٢﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: عَجَبًا لِلْمُؤْمِنِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَقْضِي لَهُ قَضَاءً إِلَّا كَانَ لَهُ خَيْرًا إِنْ أَتْبَلَى صَبْرًا وَإِنْ أُعْطِيَ شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٤٧، ص: ١٨٤

﴿٢٤٥٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: يُصْبِحُ وَشُغْلُهُ الذِّكْرُ وَ يُنْسِي وَ هَمُّهُ الشُّكْرُ؛ بحار الأنوار ج: ٤٥، ص: ١٩٤

﴿٢٤٥٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: يُنْسِي وَ هَمُّهُ الشُّكْرُ وَ يُصْبِحُ وَ شُغْلُهُ الْفِكْرُ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥، ص: ٧٣

١-٣-١-٧- (أَوَّلُ)، الشُّكْرُ أَوَّلُ مَا يَجِبُ عَلَيْكُمْ
 ﴿٢٤٥٥﴾ أَوَّلُ مَا يَجِبُ عَلَيْكُمْ لِلَّهِ سُبْحَانَهُ شُكْرُ أَيَادِيهِ وَإِتِّغَاءُ مَرَاضِيهِ؛ غرر الحكم ص: ١٨١
 ١-٣-١-٨- (مَبْدَلُ)، الشُّكْرُ مُبْدَلُ الْمِحْنَةِ النَّعْمَةِ
 ﴿٢٤٥٦﴾ المجتبی عليه السلام: النَّعْمَةُ مِحْنَةٌ فَإِنْ شَكَرْتَ كَانَتْ نِعْمَةً فَإِنْ كَفَرْتَ صَارَتْ نِقْمَةً؛ بحار الأنوار ج: ٧٥، ص: ١١٣

١-٣-١-٩- (بَقَاءُ)، الشُّكْرُ يَبْقَى
 ﴿٢٤٥٧﴾ الشُّكْرُ أَعْظَمُ قَدْرًا مِنَ الْمَعْرُوفِ لِأَنَّ الشُّكْرَ يَبْقَى وَالْمَعْرُوفَ يَفْنَى؛ غرر الحكم ص: ٢٧٧

١-٣-١-١٠- (ثَرَوَةٌ)، الشُّكْرُ ثَرَوَةٌ
 ﴿٢٤٥٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الشُّكْرُ ثَرَوَةٌ؛ تحف العقول ص: ٢٠١
 ١-٣-١-١١- (جُودُ)، الشَّاكِرُ جَوَادُ

﴿٢٤٥٩﴾ الصادق عليه السلام: لَا يَكُونُ الْجَوَادُ جَوَادًا إِلَّا بِثَلَاثَةِ يَكُونُ سَخِيًّا بِمَا لَهُ عَلَى حَالِ الْبُسْرِ وَالْعُسْرِ وَأَنْ يَبْذُلَهُ لِلْمُسْتَحِقِّ وَيَرَى أَنَّ الَّذِي أَخَذَهُ مِنْ شُكْرِ الَّذِي أَسَدَى إِلَيْهِ أَكْثَرُ مِمَّا أَعْطَاهُ؛ تحف العقول ص: ٣١٥

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۴۴۹﴾ یا امیرالمؤمنین صفات مؤمن را برای من بیان فرمایید. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ای همام مؤمن زرنگ و باهوش است... شکیبا و سپاسگزار است.

﴿۲۴۵۰﴾ ای علی، سزاوار است که در مؤمن هشت خصلت باشد؛ وقار در برابر سختی‌ها و فتنه‌ها، بردباری در بلا، سپاسگزاری در آسایش و...

﴿۲۴۵۱﴾ ای موسی، من مخلوقی گرامی‌تر از مؤمن خلق نکرده‌ام، اگر برای او گرفتاری پیش آورم برایش بهتر است و او باید شکیبایی داشته باشد. اگر او را عافیت دهم باز خیر او می‌باشد و اگر او را از چیزهایی محروم می‌کنم خیر او در آن است و من می‌دانم بنده‌ام چگونه باید اصلاح گردد، او باید در گرفتاری‌ها صبر کند و از نعمت‌ها سپاس گوید و به حکم من راضی گردد و هرگاه از من اطاعت کرد و راضی شد او را از صدیقان به حساب خواهم آورد.

﴿۲۴۵۲﴾ درشگفتم از مؤمن که خداوند هرچه برای او مقدر کند خیر می‌باشد، اگر گرفتار شود صبر می‌کند، و اگر نعمتی به او برسد شکر می‌نماید.

﴿۲۴۵۳﴾ صبح را با ذکر و یاد خدا آغاز می‌کند، و در حالی شب را آغاز می‌کند که تلاش و همتش سپاسگزاری است.

﴿۲۴۵۴﴾ شب را در حالی آغاز می‌کند که همتش ادای شکر است و صبح را در حالی آغاز می‌کند که کارش فکر و اندیشه است.

۱-۳-۱-۰۷ (اول)، شکر، اول چیزی که بر شما واجب است

﴿۲۴۵۵﴾ اولین چیزی که از خدای سبحان بر شما واجب می‌شود شکر نعمت‌های اوست و طلب خشنودی او.

۱-۳-۱-۰۸ (تبدیل‌کننده) شکر، تبدیل‌کننده‌ی بلا به نعمت

﴿۲۴۵۶﴾ نعمت، در واقع ابزار امتحان و آزمایش است؛ وقتی سپاس آن را به‌جا آوری و شکرگزار باشی تبدیل به نعمت می‌شود و اگر کفران کردی؛ به نعمت و بلا تبدیل می‌شود.

۱-۳-۱-۰۹ (باقی‌ماندن)، شکر باقی می‌ماند

﴿۲۴۵۷﴾ ارزش شکر بیش از ارزش کار نیک است؛ زیرا که شکر باقی می‌ماند و کار نیک از بین می‌رود.

۱-۳-۱-۱۰ (ثروت) شکرگزاری ثروت است

﴿۲۴۵۸﴾ شکر ثروت است

۱-۳-۱-۱۱ (بخشش) شکرگزار بخشنده است

﴿۲۴۵۹﴾ بخشنده، بخشنده نیست مگر به سه خصلت. ۱ - مال خود را در حال توانگری و تنگدستی ببخشد. ۲ - آن را به مستحق و نیازمند ببخشد. ۳ - و معتقد باشد به اینکه تشکری که شخص از او می‌نماید ارزشش بیشتر از مالی است که به او بخشیده است.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١٢-١-٣-١- حُبُّ اللَّهِ

١-١٢-١-٣-١- أَحَبُّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ الشَّاكِرُ

﴿٢٤٦٠﴾ أَحَبُّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ الْعَامِلُ فِيمَا أَنْعَمَ بِهِ عَلَيْهِ بِالشُّكْرِ وَابْتِغَاؤُهُمْ إِلَيْهِ الْعَامِلُ

فِي نِعَمِهِ بِالْكَفْرِ؛ غررالحكم ص: ٢٧٧

﴿٢٤٦١﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): يَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ مَا خَلَقْتُ خَلْقًا أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ فَإِنِّي إِنَّمَا أُبْتَلِيهِ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَعَافِيهِ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَزْوَى عَنْهُ مَا هُوَ شَرٌّ لَهُ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا يَصْلُحُ عَلَيْهِ عَبْدِي فَلْيَصْبِرْ عَلَى بِلَائِي وَلْيَشْكُرْ نِعْمَائِي وَلْيَرْضَ بِقَضَائِي أَكْتُبُهُ فِي الصَّدِيقِينَ عِنْدِي إِذَا عَمِلَ بِرِضَائِي وَأَطَاعَ أَمْرِي؛ الكافي ج: ٢ ص: ٤١

٢-١٢-١-٣-١- إِنْ اللَّهُ يُحِبُّ الشَّاكِرِينَ

﴿٢٤٦٢﴾ (عليه السلام) الرسول: قَدْ سَمِعَ رَسُولُ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ اغْتَرَفُوا بِنِعْمَةِ اللَّهِ رَبِّكُمْ عَزَّ وَجَلَّ وَتَوَبُّوا إِلَيْهِ مِنْ جَمِيعِ ذُنُوبِكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الشَّاكِرِينَ مِنْ عِبَادِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٤٨ ص: ١٥٢

٣-١٢-١-٣-١- إِنْ اللَّهُ يُحِبُّ أَنْ تَشْكُرَهُ

﴿٢٤٦٣﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): فَأَحْمَدُ اللَّهِ عَلَى ذَلِكَ فَإِنَّهُ يُحِبُّ أَنْ تَحْمَدَهُ وَتَشْكُرَهُ لِيَزِيدَكَ إِلَى مَا أَعْطَاكَ خَيْرًا فَإِنَّهُ يُحِبُّ أَنْ يُحْمَدَ وَيَزِيدَ مَنْ شَكَرَ؛ بحار الأنوار ج: ٢٢ ص: ٥٣٢

﴿٢٤٦٤﴾ الرسول (عليه السلام): إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَشْبَعُ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ فَيَحْمَدُ اللَّهَ فَيُعْطِيهِ اللَّهُ مِنَ الْأَجْرِ مَا يُعْطِي الصَّائِمَ إِنْ اللَّهَ شَاكِرٌ يُحِبُّ أَنْ يُحْمَدَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ٣١٠

١٣-١-٣-١- (الْحُرِّيَّةُ)، عِبَادَةُ الشَّاكِرِينَ عِبَادَةُ الْأَخْوَارِ

﴿٢٤٦٥﴾ إِنْ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ التُّجَّارِ وَإِنْ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَإِنْ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَخْوَارِ؛ شرح نهج البلاغة ج: ١٩ ص: ٤٨

١٤-١-٣-١- الْحُسْنُ

١-١٤-١-٣-١- الشَّاكِرُ أَحْسَنُ النَّاسِ

﴿٢٤٦٦﴾ أَحْسَنُ النَّاسِ حَالًا فِي النَّعْمِ مَنْ اسْتَدَامَ حَاضِرَهَا بِالشُّكْرِ وَارْتَجَعَ فَائِتَهَا بِالصَّبْرِ؛

غررالحكم ص: ٢٧٨

٢-١٤-١-٣-١- الشُّكْرُ أَحْسَنُ مِنَ الْمَالِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۱۲-۱-۳-۱ (دوست داشتن خدا)

۱۲-۱-۳-۱-۱ دوست داشتنی ترین مردم نزد خدا، شکرگزار است

﴿۲۴۶۰﴾ دوست داشتنی ترین مردم نزد خدای سبحان، کسی است که در آنچه حق تعالی به او عطا کرده است به ادای شکر آن نعمت می پردازد، و منفورترین مردم نزد خدا کسی است که در مقابل نعمت ها ناسپاسی کند.

﴿۲۴۶۱﴾ ای موسی، من مخلوقی گرامی تر از مؤمن خلق نکرده ام، اگر برای او گرفتاری پیش آورم برایش بهتر است و او باید شکیبایی داشته باشد. اگر او را عافیت دهم باز خیر او می باشد و اگر او را از چیزهایی محروم می کنم خیر او در آن است و من می دانم بنده ام چگونه باید اصلاح گردد، او باید در گرفتاری ها صبر کند و از نعمت ها سپاس گوید و به حکم من راضی گردد و هرگاه از من اطاعت کرد و راضی شد او را از صدیقان به حساب خواهیم آورد.

۱۲-۱-۳-۲ خداوند شکرگزاران را دوست دارد

﴿۲۴۶۲﴾ از پیامبر اکرم شنیده شد که فرمود: به نعمت پروردگارتان اعتراف کنید و از تمام گناهانتان توبه کنید، زیرا خداوند بندگان شکرگزار خود را دوست می دارد.

۱۲-۱-۳-۳ خداوند دوست دارد که او را شکر کنی

﴿۲۴۶۳﴾ پس خدا را بر این امر ستایش کن زیرا خداوند دوست می دارد که تو او را بستایی و شکر او را به جا آوری تا عطایایش را بر تو بیافزاید و بهتر از آن به تو عطا فرماید و نیز دوست دارد که ستوده شود و نعمت شکرگزار را بیافزاید.

﴿۲۴۶۴﴾ مؤمن هروقت که از خوردن غذا و آشامیدن سیر شود و خدا را سپاس گوید خداوند به او اجر و پاداش شخص روزه دار را عطا می فرماید، خداوند سپاسگزار است و دوست دارد که ستایش شود.

۱۳-۱-۳-۱ (آزادی)، عبادت شکرگزاران، عبادت آزادگان است

﴿۲۴۶۵﴾ گروهی در عبادت و اطاعت انگیزه رغبت و میل دارند و برای دستیابی به منافع اخروی خدا را عبادت می نمایند که این نوع عبادت، عبادت تاجران و بازرگانان است که با هدف سودجویی است. گروهی دیگر با انگیزه ترس از عذاب، خدا را عبادت می کنند و این هم عبادت بردگان است. گروهی هم با هدف شکر و انگیزه سپاس از نعمت های فراوان خداوندی عبادت خود را انجام می دهند و این عبادت آزادگان است.

۱۴-۱-۳-۱ (نیکو)

۱۴-۱-۳-۱-۱ شکرگزار، بهترین مردم است

﴿۲۴۶۶﴾ بهترین مردم نسبت به نوع عملکردشان درباره ی نعمت ها، کسی است که با شکر کردن به نعمت ها استمرار و تداوم ببخشد، و نعمت های از دست رفته را نیز با شکیبایی برگرداند.

۱۴-۱-۳-۲ شکرگزاری بهتر از ثروت است

﴿۷۶۵﴾

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٤٦٧﴾ الرسول ﷺ: إقْنَعْ بِمَا عِنْدَكَ فَإِنَّ الشَّاكِرَ أَحْسَنُ مِمَّنْ لَهُ مَالٌ كَثِيرٌ لَا يَشْكُرُهُ؛

مستدرک الوسائل ج: ١٣ ص: ٢٥٦

﴿٢٤٦٨﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ ثَعْلَبَةَ بْنَ حَاطِبٍ الْأَنْصَارِيَّ أَتَى رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَدْعُ اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَنِي مَالًا فَقَالَ الرَّسُولُ ﷺ وَيَحْكُ يَا ثَعْلَبَةُ أَذْهَبَ وَأَقْنَعُ بِمَا عِنْدَكَ فَإِنَّ الشَّاكِرَ أَحْسَنُ مِمَّنْ لَهُ مَالٌ كَثِيرٌ لَا يَشْكُرُهُ فَذَهَبَ وَرَجَعَ بَعْدَ أَيَّامٍ وَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَدْعُ اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يُعْطِيَنِي مَالًا فَقَالَ الرَّسُولُ ﷺ أَلَيْسَ لَكَ بِي أَسْوَةٌ فَإِنِّي بَعِزَّةُ عَرْشِ اللَّهِ لَوْ شِئْتُ لَصَارْتُ جِبَالُ الْأَرْضِ لِي ذَهَبًا وَفِضَّةً فَذَهَبَ ثُمَّ رَجَعَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ سَلِ اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يُعْطِيَنِي مَالًا فَإِنِّي أُوَدِّي حَقَّ اللَّهِ وَأُوَدِّي حُقُوقًا وَأَصِلُ بِهِ الرَّحِمَ فَقَالَ الرَّسُولُ ﷺ اللَّهُمَّ آعْطِ ثَعْلَبَةَ مَالًا وَكَانَ لثَعْلَبَةَ غَنِيمَاتٌ فَبَارَكَ اللَّهُ فِيهَا حَتَّى تَتَزَايَدَ كَمَا تَزَايَدُ النَّمْلُ فَلَمَّا كَثُرَ مَالُهُ كَانَ يَتَعَاهَدُهُ بِنَفْسِهِ وَكَانَ قَبْلَهُ يُصَلِّي الصَّلَوَاتِ الْخَمْسَ فِي الْمَسْجِدِ مَعَ الرَّسُولِ ﷺ فَبَنَى مَكَانًا خَارِجَ الْمَدِينَةِ لِأَغْنَامِهِ فَصَارَ يُصَلِّي الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ مَعَ الرَّسُولِ ﷺ وَصَلَاةَ الصُّبْحِ وَالْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ ثُمَّ زَادَتْ الْأَغْنَامُ فَخَرَجَ إِلَى دَارٍ كَبِيرٍ بَعِيدٍ عَنِ الْمَدِينَةِ فَبَنَى مَكَانًا فَذَهَبَ مِنْهُ الصَّلَوَاتُ الْخَمْسُ وَالصَّلَاةُ فِي الْمَسْجِدِ وَالْجَمَاعَةِ وَالْإِقْتِدَاءُ بِالرَّسُولِ ﷺ وَكَانَ يَأْتِي الْمَسْجِدَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ لَصَلَاةِ الْجُمُعَةِ فَلَمَّا كَثُرَ مَالُهُ ذَهَبَ مِنْهُ صَلَاةُ الْجُمُعَةِ فَكَانَ يَسْأَلُ عَنْ أَحْوَالِ الْمَدِينَةِ مِمَّنْ يَمُرُّ عَلَيْهِ فَقَالَ الرَّسُولُ ﷺ مَا صَنَعَ ثَعْلَبَةُ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ لَهُ أَغْنَامًا لَا يَسَعُهَا وَاذِ فَذَهَبَ إِلَى الْوَادِي الْفُلَانِيِّ وَبَنَى فِيهِ مَنْزِلًا وَأَقَامَ فِيهِ فَقَالَ الرَّسُولُ ﷺ يَا وَيْحَ ثَعْلَبَةَ يَا وَيْحَ ثَعْلَبَةَ ثَلَاثًا؛

مستدرک الوسائل ج: ١٣ ص: ٢٥٦

١-٣-١٤-٣- الشُّكْرُ حَسَنَةٌ

﴿٢٤٦٩﴾ الرسول ﷺ: مَنْ أُوتِيَ قَلْبًا شَاكِرًا وَزَوْجَةً صَالِحَةً تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ دُنْيَاهُ وَآخِرَتِهِ فَقَدْ

أُوتِيَ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَوُفِيَ عَذَابُ النَّارِ؛ ففقه القرآن ج: ١ ص: ٢٩٩

١-٣-١٥- الشُّكْرُ حَقٌّ

﴿٢٤٧٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَرْغَبُ إِلَيْكَ اللَّهُمَّ فِي شُكْرِ مَا أَنْطَقْتَنِي بِهِ مِنْ حَمْدِكَ فَمَا أَيْسَرَ

مَا كَلَّفْتَنِي مِنْ ذَلِكَ وَأَعْظَمَ مَا وَعَدْتَنِي عَلَى شُكْرِكَ ابْتَدَأْتَنِي بِالنَّعَمِ فَضْلًا وَطَوْلًا وَأَمَرْتَنِي

بِالشُّكْرِ حَقًّا وَعَدَلًا وَوَعَدْتَنِي عَلَيْهِ أَضْعَافًا وَمَزِيدًا؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٢٦٣

١-٣-١٦- الْخَيْرُ

١-٣-١٦-١- الشُّكْرُ خَيْرٌ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۴۶۷﴾ به آنچه داری قانع و راضی باش، که همانا انسان شکور از کسی که مال بسیار دارد و شکر نمی‌کند بهتر است.

﴿۲۴۶۸﴾ ثعلبه فرزند حاطب انصاری نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای پیامبر خدا ﷺ در پیشگاه خدا برای من دعا کن تا مالی به من عنایت فرماید؛ پیامبر ﷺ فرمود: ای ثعلبه، وای بر تو، برو و به آنچه داری قناعت کن، زیرا انسان سپاسگزار بهتر از انسان ثروتمند ناسپاس است. ثعلبه رفت و پس از چند روز بازگشت و گفت: ای پیامبر خدا ﷺ از خدا بخواه که مالی به من عطا کند! پیامبر ﷺ فرمود: آیا من الگوی تو نیستم؟ به عزت عرش خداوند سوگند که اگر من می‌خواستم، کوه‌های زمین برایم طلا و نقره می‌شدند؛ ثعلبه رفت، سپس بازگشت و گفت: ای پیامبر خدا ﷺ، از خدا بخواه که مالی به من دهد؛ که در این صورت من حق خدا و حقوق دیگران را پرداخت و پیوندهای خویشاوندی‌ام را برقرار خواهم نمود. پیامبر ﷺ فرمود: خدایا، به ثعلبه مال فراوانی عنایت کن. ثعلبه تعداد اندکی گوسفند داشت. با دعای پیامبر ﷺ خداوند به آن‌ها برکت داد و همانند مورچه شروع به زیاد شدن کردند. ثعلبه پیش از افزایش اموالش، نمازهای پنجگانه را همراه پیامبر اکرم ﷺ در مسجد آن حضرت به‌جا می‌آورد. با افزایش گوسفندان ثعلبه، وی ناچار شد محلی خارج از مدینه برای آن‌ها بسازد و چون شخصاً کارهای گوسفندانش را انجام می‌داد، از آن پس در نماز ظهر و عصر پیامبر ﷺ شرکت می‌کرد و نماز صبح و مغرب و عشا را در همان محل به‌جا می‌آورد. سپس با افزایش گوسفندانش از آنجا به خانه‌ی بزرگ‌تری دور از مدینه منتقل شد و از آن پس حضور در نمازهای جماعت برای خواندن نمازهای روزانه و نیز حضور در مسجد و جماعت و اقتدا به پیامبر را از دست داد و فقط جمعه‌ها برای شرکت در نماز جمعه به مسجد می‌آمد. کم‌کم با افزایش اموالش، از نماز جمعه نیز محروم گردید و از رهگذران از حوادث مدینه سؤال می‌کرد. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: ثعلبه چه می‌کند؟ گفتند: ای پیامبر خدا ﷺ! وی به قدری گوسفند دارد که هیچ‌یک از دره‌ها گنجایش آن‌ها را ندارد؛ از این رو به فلان دره رفته، در آنجا منزلی ساخته و اقامت کرده است؛ پیامبر ﷺ سه مرتبه فرمود: افسوس بر ثعلبه.

۳-۱۴-۱-۳-۱- شکرگزاری، کار نیک است

﴿۲۴۶۹﴾ هرکس که به او قلبی سرشار از شکرگزاری و همسری صالح و درست کار عطا شود که در امور دنیا و آخرت یاورش باشد، به تحقیق به او در دنیا و آخرت حسنه و نیکویی بخشیده شده است و همچنین از عذاب آتش دور نگاه داشته می‌شود.

۱۵-۱-۳-۱- شکرگزاری، حق است

﴿۲۴۷۰﴾ پروردگارا، من مایل و علاقمندم که در آنچه به لطف تو بر زبانم بر ستایش و سپاسگزاری‌اش گویا شده است، ادای شکر کرده باشم پس چه آسان است تکلیف تو به من، و چه بزرگ است آنچه در ازای ادای شکر به من وعده داده‌ای از سر لطف شروع به نعمت دادن به من کرده و بر مبنای عدالت درخواست شکر داشته‌ای و آنگاه بر همین شکر (که وظیفه بوده است) وعده‌ی چند برابر شدن نعمت داده‌ای.

۱۶-۱-۳-۱- خیر

۱-۱۶-۱-۳-۱- شکرگزاری بهتر است

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

- ﴿٢٤٧١﴾ مَنْ كَثَرَ شُكْرُهُ كَثُرَ خَيْرُهُ؛ غررالحكم ص: ٢٨٠
- ﴿٢٤٧٢﴾ الرسول ﷺ: قَلِيلٌ تُودَى شُكْرُهُ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرٍ لَا تُطِيقُهُ؛ مجموعة ورام ج: ٢ ص: ٢٨٢
- ﴿٢٤٧٣﴾ الرسول ﷺ: عَجَبًا لِلْمُؤْمِنِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَقْضِي لَهُ قَضَاءً إِلَّا كَانَ لَهُ خَيْرًا إِنْ ابْتُلِيَ صَبْرًا وَإِنْ أُعْطِيَ شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٦٧ ص: ١٨٤
- ١-٣-١٦-٢ الشُّكْرُ الْخَيْرُ الَّذِي لَا شَرَّ فِيهِ
- ﴿٢٤٧٤﴾ المجتبي عليه السلام: الْخَيْرُ الَّذِي لَا شَرَّ فِيهِ الشُّكْرُ مَعَ النُّعْمَةِ وَالصَّبْرُ عَلَى النَّازِلَةِ وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِرَجُلٍ أَبْلَى مِنْ عِلَّةٍ إِنَّ اللَّهَ قَدْ ذَكَرَكَ فَادْكُرْهُ وَأَقَالِكَ فَاشْكُرْهُ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ١٠٦
- ١-٣-١٦-٣ الشُّكْرُ خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
- ﴿٢٤٧٥﴾ الرسول ﷺ: خَصَلَتَانِ مَنْ رَزَقَهُمَا قَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مِنْ إِذَا ابْتُلِيَ صَبْرًا وَإِذَا أُعْطِيَ شُكْرًا؛ مجموعة ورام ج: ٢ ص: ٢٤٧
- ﴿٢٤٧٦﴾ ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَقَدْ رَزِقَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ هُنَّ الرِّضَا بِالْقَضَاءِ وَالصَّبْرُ عَلَى الْبَلَاءِ وَالشُّكْرُ فِي الرَّخَاءِ؛ غررالحكم ص: ٢٨٢
- ﴿٢٤٧٧﴾ الرسول ﷺ: أَرْبَعٌ مَنْ أُعْطِيَهُنَّ فَقَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ بَدَنًا صَابِرًا وَلِسَانًا ذَاكِرًا وَقَلْبًا شَاكِرًا وَزَوْجَةً صَالِحَةً؛ مستدرک الوسائل ج: ٢ ص: ٤١٤
- ﴿٢٤٧٨﴾ الباقر عليه السلام: مَا مِنْ عَبْدٍ أُعْطِيَ قَلْبًا شَاكِرًا وَلِسَانًا ذَاكِرًا وَجَسَدًا عَلَى الْبَلَاءِ صَابِرًا وَزَوْجَةً صَالِحَةً إِلَّا وَقَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ مستدرک الوسائل ج: ٢ ص: ٤٢١
- ١-٣-١٦-٤ الشُّكْرُ خَيْرٌ مِنْ كُنُوزِ الْأَرْضِ وَخَزَائِنِ الدُّنْيَا
- ﴿٢٤٧٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَنَّ جِبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَزَلَ إِلَيْهِ وَمَعَهُ مِفْتَاحُ كُنُوزِ الْأَرْضِ وَقَالَ يَا مُحَمَّدُ السَّلَامُ يُقْرُوكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ إِنَّ شَيْئًا صِيرْتَ مَعَكَ جِبَالَ تِهَامَةٍ ذَهَبًا وَفِضَّةً وَخَذُ هَذِهِ مِفْتَاحُ كُنُوزِ الْأَرْضِ وَلَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ حِطِّكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَالَ يَا جِبْرِئِيلُ وَمَا يَكُونُ بَعْدَ ذَلِكَ قَالَ أَلَمَوْتُ فَقَالَ إِذَا لَا حَاجَةَ لِي فِي الدُّنْيَا دَعْنِي أَجُوعُ يَوْمًا وَأَشْبَعُ يَوْمًا فَالْيَوْمَ الَّذِي أَجُوعُ فِيهِ أَنْتَضِرُ إِلَى رَبِّي وَأَسْأَلُهُ وَالْيَوْمَ الَّذِي أَشْبَعُ فِيهِ أَشْكُرُ رَبِّي وَأَحْمَدُهُ فَقَالَ لَهُ جِبْرِئِيلُ وَقَفْتُ لِكُلِّ خَيْرٍ يَا مُحَمَّدُ؛ بحار الأنوار ج: ٤٢ ص: ٢٧٥

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۴۷۱﴾ هر که شکرش زیاد باشد، خیرش زیاد است.
﴿۲۴۷۲﴾ نعمت اندکی که سپاس آن را به جا آوری بهتر از نعمت فراوانی است که توان ادای شکر آن را نداری.
﴿۲۴۷۳﴾ در شگفتم از مؤمن که خداوند هر چه برای او مقدر کند خیر می باشد، اگر گرفتار شود صبر می کند، و اگر نعمتی به او برسد شکر می نماید.

۲-۱۶-۱-۳-۱- شکرگزاری خیری است که شری در آن نیست

﴿۲۴۷۴﴾ خیری که شر با آن آمیخته نیست، شکر بر نعمت و صبر بر ناگواری هاست. و به مردی که از بیماری بهبود یافته بود فرمود: همانا خدایت تو را یاد کرد تو نیز خدا را یاد کن و از تو گذشت نمود تو نیز سپاسگزارش باش.

۳-۱۶-۱-۳-۱- شکرگزاری خیر دنیا و آخرت است

﴿۲۴۷۵﴾ دو خصلت است که به هر کس داده شود به تحقیق خیر دنیا و آخرت نصیب او خواهد شد؛ آن دو خصلت عبارتند از اینکه هرگاه مبتلا به بلایی شد صبر پیشه کند و هرگاه نعمتی به او عطا شود شکر و سپاس گوید.

﴿۲۴۷۶﴾ سه صفت است که در هر کسی بوده است، پس به یقین خدای تعالی خیر دنیا و آخرت را روزی او کرده است و آن سه صفت عبارتند از؛ خشنودی به قضا و قدر خدا، صبر کردن بر بلا، و شکر کردن در دوران خوشی است.

﴿۲۴۷۷﴾ چهار چیز است که اگر به هر کسی عطا شده باشد خیر دنیا و آخرت به او عطا شده است، و آن چهار چیز عبارت است از: " بدنی صابر، زبانی گویا به ذکر خدا، قلبی شکرکننده و همسری صالح "

﴿۲۴۷۸﴾ هر بنده ای که دلی شکرگزار و زبانی ذاکر داشته باشد و در هنگام گرفتاری و بیماری صبر کند و زنی صالح و پارسا داشته باشد، خیر دنیا و آخرت را جمع کرده است.

۴-۱۶-۱-۳-۱- شکرگزاری برتر از گنج های زمین و خزائن دنیاست

﴿۲۴۷۹﴾ همانا جبرئیل علیه السلام بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نازل شد در حالی که کلیدهای گنج های زمین همراه او بود، و گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله، خدایی که خود سلام است بر تو سلام فرستاده و به تو می گوید: اگر بخواهی کوه های تهامه را به طلا و نقره تبدیل می کنم. پس کلیدهای گنجینه های زمین را بگیر و از بهره های تو در روز قیامت هم چیزی کم نخواهد شد. پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: ای جبرئیل بعد از آن چه می شود؟ جبرئیل گفت: پایان دنیا مرگ است. پس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: در این صورت حاجتی به دنیا ندارم زیرا خداوند روزی گرسنه ام می دارد و روزی سیرم می کند پس من روزی را که گرسنه ام می دارد به سوی پروردگارم زاری می کنم و از او درخواست می کنم و روزی که مرا سیر می کند او را شکر می گویم و می ستایم پس به او جبرئیل گفت: ای محمد به همه خیر موفق شدی.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٤٨٠﴾ الرسول ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ جَبْرِئِيلَ ﷺ آتَانِي بِخَزَائِنِ الدُّنْيَا عَلَى بَغْلَةٍ شَهْبَاءَ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ هَذِهِ خَزَائِنُ الدُّنْيَا وَلَا يَنْقُصُكَ مِنْ حَظِّكَ شَيْئًا عِنْدَهُ قَالَ فَقُلْتُ حَبِيبِي جَبْرِئِيلُ لَا حَاجَةَ لِي فِيهَا إِذَا جُعْتُ سَأَلْتُ رَبِّي وَإِذَا شَبِعْتُ شَكَرْتُهُ؛ أعلام الدين ص: ١٩٤

١-٣-١٦-٥- الشُّكْرُ خَيْرٌ لِتَحْصِينِ النِّعَمِ

﴿٢٤٨١﴾ لَنْ يَقْدِرَ أَحَدٌ أَنْ يُحْصِيَ النِّعَمَ بِمِثْلِ شُكْرِهَا؛ غررالحكم ص: ٢٧٨

١-٣-١٦-٦- الشُّكْرُ خَيْرٌ لِإِسْتِدَامَةِ النِّعَمِ

﴿٢٤٨٢﴾ امير المؤمنين ﷺ: لَنْ يَقْدِرَ أَحَدٌ أَنْ يَسْتَدِيمَ النِّعْمَةَ بِمِثْلِ شُكْرِهَا؛ مستدرک الوسائل

ج: ١٢ ص: ٣٧٠

١-٣-١٦-٧- الشَّاكِرُ أَهْلُ الْخَيْرِ

﴿٢٤٨٣﴾ امير المؤمنين ﷺ: أَهْلُ الْخَيْرِ وَ أَهْلُ الْآخِرَةِ رَقِيقَةٌ وَجُوهُهُمْ كَثِيرٌ حَيَاؤُهُمْ قَلِيلٌ حَقْمُهُمْ كَثِيرٌ نَفْعُهُمْ قَلِيلٌ مَكْرُهُمْ النَّاسُ مِنْهُمْ فِي رَاحَةِ أَنْفُسِهِمْ مِنْهُمْ فِي تَعَبِ كَلَامِهِمْ مُوزُونٌ مُحَاسِبِينَ لَأَنْفُسِهِمْ مُتَعَبِّينَ لَهَا تَنَامُ أَعْيُنُهُمْ وَ لَا تَنَامُ قُلُوبُهُمْ أَعْيُنُهُمْ بَاكِئَةٌ وَ قُلُوبُهُمْ ذَاكِرَةٌ إِذَا كَتَبَ النَّاسُ مِنَ الْغَافِلِينَ كُتِبُوا مِنَ الذَّاكِرِينَ فِي أَوَّلِ النِّعْمَةِ يَحْمَدُونَ وَ فِي آخِرِهَا يَشْكُرُونَ؛

بحار الأنوار ج: ٧٤ ص: ٢٤

١-٣-١٦-٨- الشَّاكِرُ خَيْرُ الْعِبَادِ

﴿٢٤٨٤﴾ الصادق ﷺ: إِنْ خَيْرَ الْعِبَادِ مَنْ يَجْتَمِعُ فِيهِ خَمْسُ خِصَالٍ إِذَا أَحْسَنَ اسْتَبْشَرَ وَ إِذَا

أَسَاءَ اسْتَغْفَرَ وَ إِذَا أُعْطِيَ شَكَرَ وَ إِذَا ابْتُلِيَ صَبَرَ وَ إِذَا ظَلِمَ غَفَرَ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٢٠٦

﴿٢٤٨٥﴾ الكاظم ﷺ: سُئِلَ الْعَالَمُ ﷺ عَنْ خِيَارِ الْعِبَادِ فَقَالَ الَّذِينَ إِذَا أَحْسَنُوا اسْتَبْشَرُوا وَ إِذَا

أَسَاءُوا اسْتَغْفَرُوا وَ إِذَا أُعْطُوا شَكَرُوا وَ إِذَا ابْتُلُوا صَبَرُوا؛ بحار الأنوار ج: ٦٦ ص: ٣٩٤

١-٣-١٦-٩- الشَّاكِرُ خَيْرُ النَّاسِ

﴿٢٤٨٦﴾ خَيْرُ النَّاسِ مَنْ إِذَا أُعْطِيَ شَكَرَ وَ إِذَا ابْتُلِيَ صَبَرَ وَ إِذَا ظَلِمَ غَفَرَ؛ غررالحكم ص: ٢٧٧

﴿٢٤٨٧﴾ خَيْرُ النَّاسِ مَنْ كَانَ فِي يُسْرِهِ سَخِيًّا شُكُورًا؛ غررالحكم ص: ٣٧٦

١-٣-١٦-١٠- خَيْرُ اللَّبَاسِ مَا يُقَرِّبُكَ مِنْ شُكْرِهِ

﴿٢٤٨٨﴾ الصادق ﷺ: خَيْرُ لِبَاسِكَ مَا لَا يَشْغَلُكَ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بَلْ يُقَرِّبُكَ مِنْ ذِكْرِهِ وَ

شُكْرِهِ؛ مستدرک الوسائل ج: ٣ ص: ٣٢٤

١-٣-١٦-١١- خَيْرُ الْمَالِ مَا كَسَبَ شُكْرًا

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۴۸۰﴾ ای اباذر، جبرئیل درحالی که بر قاطری که رنگش سیاه و سفید بود سوار بود و گنجینه‌های دنیا را آورد و به من گفت: ای محمد، این گنج‌های دنیاست و از سهم و پاداش تو در پیشگاه پروردگارت نیز چیزی کاسته نمی‌شود. گفتم: ای دوست من، ای جبرئیل، مرا نیازی به این‌ها نیست هرگاه گرسنه شوم از او درخواست می‌کنم و هرگاه سیر شوم پروردگارم را شکر می‌کنم.

۵-۱۶-۱-۳-۱ شکر بهترین وسیله برای حفظ نعمت است

﴿۲۴۸۱﴾ هرگز کسی نمی‌تواند با وسیله‌ای بهتر از شکر نعمت‌ها را حفظ کند.

۶-۱۶-۱-۳-۱ شکر بهترین وسیله برای تداوم نعمت است

﴿۲۴۸۲﴾ هرگز کسی نمی‌تواند با وسیله‌ای بهتر از شکر نعمت‌ها را دوام بخشد.

۷-۱۶-۱-۳-۱ شکر گزار، اهل خیر است

﴿۲۴۸۳﴾ از صفات اهل خیر و اهل آخرت، صورت‌هایشان لاغر، و شرمشان (از خدا) بسیار، و حماقت و نفهمی ایشان در کارها اندک و نفعشان (برای مردم) زیاد، و مکر و حيله و تزویر نمی‌کنند، و مردم از (دست و زبان) ایشان در کمال آرامشند با اینکه ایشان از مردم صدمه و اذیت می‌بینند، و همواره با ادب سخن می‌گویند، و به حساب اعمال خود کامل و دقیق رسیدگی می‌نمایند (که مبدا گناهی نموده باشند و اگر مرتکب شده باشند توبه می‌کنند و لغزش‌های خود را جبران و اصلاح می‌نمایند)، چشمانشان به خواب می‌رود و لکن دل‌هایشان به خواب نمی‌رود (که از خدا غافل شوند) و نیز چشمانشان (از خوف خدا) گریان و دل‌هایشان ذاکر، و زمانی که مردمان را غافل (از یاد خدا) می‌نویسند ایشان را از زمره‌ی اهل ذکر می‌نویسند، ایشان کسانی هستند که در ابتدای نعمت حمد می‌کنند و در آخر آن شکر می‌نمایند.

۸-۱۶-۱-۳-۱ شکر گزار، بهترین بندگان است

﴿۲۴۸۴﴾ بهترین مردم کسی است که در او پنج خصلت جمع شود وقتی کار نیک می‌کند شاد است و وقتی کار بد انجام می‌دهد استغفار می‌کند، وقتی به‌او چیزی بدهند سپاسگزار است و وقتی گرفتار شود صبر می‌کند و وقتی باو ستم شود می‌بخشد.

﴿۲۴۸۵﴾ از پیامبر خدا ﷺ درباره‌ی بهترین بندگان خدا سؤال شد، فرمود: آن‌ها اینند که چون خوش‌رفتاری کنند خرم گردند و چون بد کرداری کنند آمرزش جویند و چون عطا دریابند شکر گزارند و چون گرفتار شوند شکایا باشند.

۹-۱۶-۱-۳-۱ شکر گزار، بهترین مردم است

﴿۲۴۸۶﴾ بهترین مردم کسی است که هرگاه نعمتی به او عطا شود، شکر کند، و هرگاه به بلایی گرفتار شود صبر کند، و هرگاه به او ستمی روا شود بیخشايد.

﴿۲۴۸۷﴾ بهترین مردم کسی است که در توانگری خود بخشنده و شکرگزار باشد.

۱۰-۱۶-۱-۳-۱ بهترین لباس آن است که تو را به شکر خدا نزدیک کند

﴿۲۴۸۸﴾ و بهترین لباس تو، آن لباسی است که تو را از یاد خدا و از انجام وظائف لازم مانع نشود، و بلکه تو را به یاد و سپاسگزاری پروردگار متعال نزدیک کند.

۱۱-۱۶-۱-۳-۱ بهترین مال آن است که باعث شکرگزاری شود

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٤٨٩﴾ إِنَّ خَيْرَ الْمَالِ مَا كَسَبَ [اَكْسَبَ] ثَنَاءً وَ شُكْرًا وَ اَوْجَبَ ثَوَابًا وَ اَجْرًا؛ غررالحكم ص: ٣٦٧

١٧-١-٣-١-الدين

١٧-١-٣-١-دين الله الذي ارتضاه للصالحين

﴿٢٤٩٠﴾ الصادق عليه السلام: أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّ خَلَادَةَ بِنْتِ أَوْسَ بَشَرَهَا بِالْجَنَّةِ وَ أَعْلَمَهَا أَنَّهَا قَرِينَتُكَ فِي الْجَنَّةِ فَانْطَلَقَ إِلَيْهَا فَفَرَعَ الْبَابَ عَلَيْهَا فَخَرَجَتْ وَ قَالَتْ هَلْ نَزَلَ فِي شَيْءٍ قَالَ نَعَمْ قَالَتْ وَ مَا هُوَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَيَّ وَ أَخْبَرَنِي أَنَّكَ قَرِينَتِي فِي الْجَنَّةِ وَ أَنَّ أُبَشِّرَكَ بِالْجَنَّةِ قَالَتْ أَوْ يَكُونُ اسْمُ وَ أَفَقَ اسْمِي قَالَ إِنَّكَ لَأَنْتِ هِيَ قَالَتْ يَا نَبِيَّ اللَّهِ مَا أَكْذَبَكَ وَ لَا وَاللَّهِ مَا أَعْرِفُ مِنْ نَفْسِي مَا وَصَفْتَنِي بِهِ قَالَ دَاوُدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَخْبَرَنِي عَنْ ضَمِيرِكَ وَ سَرِيرَتِكَ مَا هُوَ قَالَتْ أَمَّا هَذَا فَسَأُخْبِرُكَ بِهِ أَخْبَرْتُكَ أَنَّهُ لَمْ يُصْنَبِي وَجَعُ قَطُّ نَزَلَ بِي كَائِنًا مَا كَانَ وَ مَا نَزَلَ ضَرْبِي حَاجَةً وَ جُوعٌ كَائِنًا مَا كَانَ إِلَّا صَبَرْتُ عَلَيْهِ وَ لَمْ أَسْأَلِ اللَّهَ كَشْفَهُ عَنِّي حَتَّى يُحَوِّلَهُ اللَّهُ عَنِّي إِلَى الْعَافِيَةِ وَ السَّعَةِ وَ لَمْ أَطْلُبْ بِهَا بَدَلًا وَ شَكَرْتُ اللَّهَ عَلَيْهَا وَ حَمِدْتُهُ فَقَالَ دَاوُدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِيهِذَا بَلَغْتَ مَا بَلَغْتَ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ هَذَا دِينَ اللَّهِ الَّذِي ارْتَضَاهُ لِلصَّالِحِينَ؛ بحار الأنوار ج: ١٤ ص: ٣٨

١٧-١-٣-٢-دين الله الذي

﴿٢٤٩١﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: إِنْ مِنْ دِعَامَةٍ أَلْبَيْتَ آسَاسَهُ وَ دِعَامَةٍ الدِّينَ الْمَعْرِفَةَ بِاللَّهِ تَعَالَى وَ الْيَقِينَ بِنُوحِيهِ وَ أَعْمَلُ الْقَامِعُ فَقَالُوا وَ مَا الْقَامِعُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ الْكَفُّ عَنِ الْمَعَاصِي وَ الْحِرْصُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَ الشُّكْرِ عَلَى جَمِيلِ إِحْسَانِهِ وَ إِنْعَامِهِ وَ حُسْنِ بِلَائِهِ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ١٦٩

١٨-١-٣-١-الرفعة، لا تترفع عن شكر أحد وإن قل

﴿٢٤٩٢﴾ الرضا عليه السلام: أَنَّ الْمَأْمُونِ أَمَرَنِي بِقَتْلِ رَجُلٍ فَقَالَ اسْتَبْقِنِي فَإِنِّي لِي شُكْرًا فَقَالَ وَ مَنْ أَنْتَ وَ مَا شُكْرُكَ فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْشُدْكَ اللَّهَ أَنْ تَتَرَفَّعَ عَنْ شُكْرِ أَحَدٍ وَ إِنْ قَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَمَرَ عِبَادَهُ بِشُكْرِهِ فَشَكَرُوهُ فَعَفَا عَنْهُمْ؛ بحار الأنوار ج: ٤٩ ص: ١٨٥

١٩-١-٣-١-السعادة، الشاكر أسعد

﴿٢٤٩٣﴾ السجاد عليه السلام: وَ الشَّاكِرُ بِشُكْرِهِ أَسْعَدُ مِنْهُ بِالنِّعْمَةِ الَّتِي وَجَبَ عَلَيْهِ بِهَا الشُّكْرُ وَ تَلَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَمَّا شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَمَّا كَفَرْتُمْ إِنِّي عَذَابِي لَشَدِيدٌ؛ بحار الأنوار ج: ٤٦

ص: ٢٣١

٢٠-١-٣-١-السلاح، الشكر سلاح الموقن

﴿٢٤٩٤﴾ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ الصَّبْرُ عَلَى الْبَلَاءِ وَ الشُّكْرُ فِي الرَّخَاءِ؛ غررالحكم ص: ٢٨٢

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۴۸۹﴾ به درستی که بهترین مال آن است که با خود تشکر دیگران را جلب کند، و پاداش خیر و را واجب سازد.

۱۷-۱-۳-۱-۱۷ دین

۱-۱۷-۱-۳-۱-۱۷ دین الهی که خداوند آن را برای صالحان پسندیده است

﴿۲۴۹۰﴾ خدای متعال به حضرت داود علیه السلام وحی فرمود: "به خالده دختر اوس، بشارت و مزدگانی بهشت را اعلام کن و اینکه او در بهشت قرین و هم‌نشین توست". حضرت داود به دنبال این وحی به سوی خانه‌ی او روان شد و در زد آن زن به طرف در آمد و سؤال نمود آیا چیزی درباره‌ی من نازل شده است؟ داود پاسخ مثبت داد و جریان وحی را شرح داد، زن گفت: شاید درباره‌ی کسی که همانم من باشد نازل شده باشد داود گفت: درباره‌ی غیر تو نیست، زن گفت: البته من شما را تکذیب نمی‌کنم ولی به خدا سوگند در خودم صفتی که شایسته‌ی این مقام باشد نمی‌بینم. داود گفت ضمیر و حالت درونی و روحی خود را برای من توضیح بده، زن گفت: مانعی ندارد. آنچه در اندیشه و قلب دارم این است که؛ هرگونه درد و رنجی که به من رسیده و هرگونه مشکل و ناراحتی و نیازمندی و گرسنگی که به من وارد شده درکمال صبر استقبال نموده و حتی از خداوند درخواست برطرف شدن آن را نکرده‌ام تا وقتی که خود خداوند مرا از آن حالت به حالت عافیت و سلامت و توسعه در زندگی منتقل فرمود و فکر نکردم که این لطف و مرحمت الهی پاداش صبر من است، بلکه خداوند را در مقابل این همه نعمت شاکر و سپاسگزار بودم. داود فرمود: "به همین دلیل به این مقام و مرتبه نائل شده‌ای". سپس حضرت صادق علیه السلام فرمود. این همان دین الهی است که برای صالحین و بندگان شایسته‌ی خود پسندیده است.

۲-۱۷-۱-۳-۱-۱۷ پایه و ستون دین

﴿۲۴۹۱﴾ استواری خانه از پایه‌های آن است و ستون و پایه‌ی دین، خداشناسی و یقین به توحید و عقل قانع است، پرسیدند: عقل قانع چیست؟ فرمود: خویشتنی‌داری از گناهان و حرص به طاعت خدا و شکر بر احسان‌ها و تکالیف نیکوی اوست.

۱۸-۱-۳-۱-۱۸ (بزرگی)، چیزی را از شکرگزاری بالاتر ندان حتی اگر کم باشد

﴿۲۴۹۲﴾ مأمون به من دستور داد مردی را بکشم، آن مرد گفت: مهلت بده زیرا شکری بر عهده‌ی من است که می‌خواهم، آن را انجام دهم. مأمون گفت تو که هستی و شکر تو چه ارزشی دارد؟ حضرت رضا علیه السلام فرمود یا امیرالمؤمنین تو را به خدا قسم می‌دهم از اینکه مانع شکرکردن دیگری شوی اگر چه کم باشد، زیرا خداوند به بندگان دستور می‌دهد که سپاس او را به جای آورند، پس آن‌ها سپاسگزاری می‌کنند و خداوند نیز ایشان را می‌بخشد.

۱۹-۱-۳-۱-۱۹ (خوشبختی)، شکرگزار خوشبخت‌ترین افراد است.

﴿۲۴۹۳﴾ سپاسگزار نعمت، بهره‌اش از شکر بیشتر از بهره و استفاده از خود آن نعمتی است که شکر آن واجب شده است، سپس امام علیه السلام این آیه را تلاوت فرمود: "اگر نعمت‌های مرا سپاسگزاری نمایم البته نعمت‌ها را بر شما افزایش می‌دهم، و اگر کفران و ناسپاسی کنید همانا عذاب و شکنجه‌ی من سخت است".

۲۰-۱-۳-۱-۲۰ (سلاح)، شکر سلاح صاحب یقین است

﴿۲۴۹۴﴾ سلاح صاحب یقین صبر بر بلاست و شکر در وسعت و فراخی.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

٢١-١-٣-١- السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الشُّكْرِ

﴿٢٤٩٥﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الشُّكْرِ وَالرِّضَا؛ إقبال الأعمال ص: ٧١٣

﴿٢٤٩٦﴾ السَّلَامُ عَلَى مَنْ شَكَرَ النُّعْمَةَ وَوَفَّى بِالْبَيْعَةِ؛ شرح نهج البلاغة ج: ١٤ ص: ١٠.

۲۲-۱-۳-۱ (الشُّكْرُ)، الشَّاكِرُ يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ

﴿٢٤٩٧﴾ الصادق عليه السلام: وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٣٨٩

﴿٢٤٩٨﴾ وَوَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ

غَنِيٌّ، حَمِيدٌ؛ لقمان: الآية ١٢

٢٣-١-٣-١. (الشَّيْعَة)، الشُّكْرُ مِنْ عِلَامَاتِ الشَّيْعَة

﴿٢٤٩٩﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): أَلَا مَنْ سَأَلَ عَنْ شِيعَةِ أَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ

طَهَّرَهُمْ فِي كِتَابِهِ مَعَ نَبِيِّهِ تَطْهِيراً فَهُمْ الْعَارِفُونَ بِاللَّهِ الْعَامِلُونَ بِأَمْرِ اللَّهِ أَهْلُ الْفَضَائِلِ وَالْفَوَاضِلِ

مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ... فِي الْمَكَارِهِ صَبُورٌ وَفِي الرِّخَاءِ شَكُورٌ؛ بحار الأنوار ج: ٦٥ ص: ١٩٢

﴿٢٥٠﴾ الرسول ﷺ: إِلَهِي وَبِمَا يُعْرِفُونَ شَيْعَتَهُمْ وَمُحِبِّيهِمْ قَالَ بَصَلَاةَ الْإِحْدَى وَالْخَمْسِينَ وَ

الْجَهْرَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ الْقُنُوتَ قَبْلَ الرُّكُوعِ وَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ وَ التَّخَنُّمَ بِالْيَمِينِ؛

بحار الأنوار ج: ٣٦ ص: ٢١٣

﴿٢٥٠﴾ الباقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سَأَلَ النَّبِيَّ ﷺ عَنْ خِيَارِ الْعِبَادِ فَقَالَ الَّذِينَ إِذَا أَحْسَنُوا اسْتَبَشَرُوا وَإِذَا

اَسْأَلُوا اسْتَغْفِرُوا وَإِذَا أُعْطُوا شَكَرُوا وَإِذَا ابْتُلُوا صَبَرُوا وَإِذَا غَضِبُوا غَفَرُوا؛ روضة الواعظين ج: ٢

ص: ٢٩٥

﴿٢٥٠٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: **نُصَحَ وَ شَغِلَهُ الذِّكْرُ وَ تَمْسَى وَ هَمُّهُ الشُّكْرُ** بحار الأنوار ج: ٤٥

194: 5

﴿٢٥٠٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يُمَسِّسُ وَهَمُّهُ الشُّكُّ وَنُصْرُهُ وَشَغْلُهُ الْفَكْرُ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥

۷۳.

٢٤١ (٣) (الصَّائِغَةُ) الشَّائِغَةُ مِنْ الصَّائِغَةِ

٢٤:٤ وَاللَّهُ يَخْتَارُ مَا يَشَاءُ وَمَنْ يُشِئِ اللَّهُ فَيَعْلَمْ مَنْ يُنَالِ

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ كَثِيرٌ

فَلَمْ يَكُنْ لَهُ مَالٌ فَجُوعًا ۚ

أَكْتَنَّهُ يَا مُحَمَّدٌ مِنَ الصَّدِّيقِينَ عِنْدَهُ ؛ بَعْدَ الْأَنْبَاءِ : ج ٤٨ ص : ١٥٨

١٢٥١ (الاصطفا)، الشُّكُّ، مِنْ عَمَّا الْمُصْطَفِينَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۲۱-۱-۳-۱- سلام و درود بر شکرگزاران

﴿۲۴۹۵﴾ درود بر شما ای اهل شکر و رضا.

﴿۲۴۹۶﴾ درود بر آنان که شکر نعمت کنند و وفای به بیعت.

۲۲-۱-۳-۱- (شکر)، شکرگزار، به نفع خودش شکر می کند

﴿۲۴۹۷﴾ و هرکس شکر کند، به نفع خود شکر می کند (زیرا از پس آن، زیادتی نعمت نصیبش خواهد شد).

﴿۲۴۹۸﴾ ما به لقمان حکمت دادیم (و به او گفتیم:) شکر خدا را به جای آور؛ هرکس شکرگزاری کند، تنها به سود خویش شکر کرده و آن کس که کفران کند، (زیانی به خدا نمی رساند) زیرا خداوند بی نیاز و ستوده است.

۲۳-۱-۳-۱- (شیعه)، شکر، از نشانه های شیعه

﴿۲۴۹۹﴾ آگاه باشید کسی که درباره پیرو اهل بیت سؤال می کند، آن کسانی که خدا در کتابش آلودگی و ناپاکی را از ایشان برد و آنان را به پاکیزگی خاصی پاک کرد، پس ایشان عارف و اهل شناخت به حق خداوند و انجام دهنده ی دستورات حق تعالی اهل تمامی فضیلت ها هستند سخنشان درست... در سختی ها شکبیا و در دوران آسایش و بهره مندی شکرگزارند.

﴿۲۵۰۰﴾ پروردگارا، شیعیان و محبین ایشان با چه علایمی شناخته می شوند، خداوند فرمود: به گزاردن پنجاه و یک رکعت نماز و بلندگفتن " بسم الله الرحمن الرحيم " و قنوت قبل از رکوع و سجده ی شکر به جا آوردن و به دست کردن انگشتر در دست راست.

﴿۲۵۰۱﴾ از پیامبر خدا ﷺ درباره ی بهترین بندگان خدا سؤال شد، فرمود: آن هاینکه که چون خوش رفتاری کنند خرم گردند و چون بد کرداری کنند آمرزش جویند و چون عطا دریابند شکر گزارند و چون گرفتار شوند شکبیا باشند و چون خشمناک شوند ببخشند.

﴿۲۵۰۲﴾ صبح را با ذکر و یاد خدا آغاز می کند، و در حالی شب را آغاز می کند که تلاش و همتش سپاسگزاری است.

﴿۲۵۰۳﴾ شب را در حالی آغاز می کند که همتش ادای شکر است و صبح را در حالی آغاز می کند که کارش فکر و اندیشه است.

۲۴-۱-۳-۱- (راستی)، شکرگزار از صدیقین و بسیار راستگویان است

﴿۲۵۰۴﴾ خداوند متعال فرمود: سوگند به عزت و جلال خودم، مخلوقی محبوب تر از بنده ی مؤمن نیافریدم، و از این رو وی را به نام خود " مؤمن " نام نهادم، اگر بین مشرق و مغرب را به او حرام کنم برایش خیر است. و اگر همه ی آنچه بین مشرق و مغرب وجود دارد در اختیار او قرار دهم باز هم برای او خیر است. او باید به سرنوشتی که برایش معین کرده ام راضی باشد و در گرفتاری ها صبر کند، و از نعمت های من سپاسگزاری نماید، ای محمد، در این صورت او را از صدیقان قرار خواهیم داد.

۲۵-۱-۳-۱- (انتخاب)، شکر، از عمل انتخاب شدگان

﴿۷۷۵﴾

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٥٠٥﴾ الصادق عليه السلام: قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَوْلَ التَّوَّابِينَ وَعَمَلَهُمْ وَنُورَ الْأَنْبِيَاءِ وَصِدْقَهُمْ وَ نَجَاةَ الْمُجَاهِدِينَ وَثَوَابَهُمْ وَشُكْرَ الْمُصْطَفَيْنِ وَنَصِيحَتَهُمْ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٩٣
٢٦-١-٣-١- (الصلح)، الشاكر من الصالحين

﴿٢٥٠٦﴾ الصادق عليه السلام: أَمَّا الصَّالِحُونَ فَإِنَّ الَّذِي يُصِيبُهُمْ مِنْ هَذَا يَرُدُّهُمْ [يَزِدُّهُمْ] نِعَمَ رَبِّهِمْ عِنْدَهُمْ فِي سَالِفِ أَيَّامِهِمْ فَيَخْذُوهُمْ ذَلِكَ عَلَى الشُّكْرِ وَالصَّبْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٣ ص: ١٣٩
﴿٢٥٠٧﴾ الصادق عليه السلام: أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنْ خَلَاةَ بِنْتُ أَوْسَ بَشَرَهَا بِالْجَنَّةِ وَ أَعْلَمَهَا أَنَّهَا قَرِينَتُكَ فِي الْجَنَّةِ فَانْطَلَقَ إِلَيْهَا فَفَرَعَ الْبَابَ عَلَيْهَا فَخَرَجَتْ وَقَالَتْ هَلْ نَزَلَ فِي شَيْءٍ قَالَ نَعَمْ قَالَتْ وَمَا هُوَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَيَّ وَأَخْبَرَنِي أَنَّكَ قَرِينَتِي فِي الْجَنَّةِ وَأَنْ أُبَشِّرَكَ بِالْجَنَّةِ قَالَتْ أَوَيْكَ أَسْمُ وَأَقْفُ اسْمِي قَالَ إِنَّكَ لَأَنْتِ هِيَ قَالَتْ يَا نَبِيَّ اللَّهِ مَا أَكْذَبَكَ وَلَا وَاللَّهِ مَا أَغْرَفُ مِنْ نَفْسِي مَا وَصَفْتَنِي بِهِ قَالَ دَاوُدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَخْبَرَنِي عَنْ صَمِيرِكَ وَ سَرِيرَتِكَ مَا هُوَ قَالَتْ أَمَّا هَذَا فَسَأُخْبِرُكَ بِهِ أَخْبَرْتُكَ أَنَّهُ لَمْ يُصِيبْنِي وَجَعٌ قَطُّ نَزَلَ بِي كَأَنَّمَا مَا كَانَ وَمَا نَزَلَ ضَرْبِي حَاجَةً وَ جُوعٌ كَأَنَّمَا مَا كَانَ إِلَّا صَبَرْتُ عَلَيْهِ وَلَمْ أَسْأَلِ اللَّهَ كَشْفَهُ عَنِّي حَتَّى يُحَوِّلَهُ اللَّهُ عَنِّي إِلَى الْعَافِيَةِ وَالسَّعَةِ وَلَمْ أَطْلُبْ بِهَا بَدَلًا وَ شَكَرْتُ اللَّهَ عَلَيْهَا وَ حَمِدْتُهُ فَقَالَ دَاوُدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَبِهَذَا بَلَغْتَ مَا بَلَغْتَ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ هَذَا دِينُ اللَّهِ الَّذِي ارْتَضَاهُ لِلصَّالِحِينَ؛ بحار الأنوار ج: ١٤ ص: ٣٨٠

﴿٢٥٠٨﴾ الصادق عليه السلام: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا قَالَ قِيلَ إِنَّ السُّجُودَ كَانَ لِلَّهِ شُكْرًا لَهُ كَمَا يَفْعَلُ الصَّالِحُونَ عِنْدَ تَجَدُّدِ النِّعَمِ؛ وسائل الشيعة ج: ٦ ص: ٣٨٧
﴿٢٥٠٩﴾ لقمان عليه السلام: يَا بُنَيَّ النِّسَاءُ أَرْبَعُ ثِنْتَانِ صَالِحَتَانِ وَ ثِنْتَانِ مَلْعُونَتَانِ فَأَمَّا إِحْدَى الصَّالِحَتَيْنِ فَهِيَ الشَّرِيفَةُ فِي قَوْمِهَا الدَّلِيلَةُ فِي نَفْسِهَا الَّتِي إِنْ أُعْطِيَتْ شَكَرَتْ؛ بحار الأنوار ج: ١٣ ص: ٤٢٩
﴿٢٥١٠﴾ إِنْ الْعَبْدُ بَيَّنَّ نِعْمَةً وَ ذَنْبًا لَا يُصْلِحُهُمَا إِلَّا الْإِسْتِغْفَارُ وَ الشُّكْرُ؛ غرر الحكم ص: ١٩٥

٢٧-١-٣-١- (الإصطناع)، الشاكر أولى الناس بالإصطناع
﴿٢٥١١﴾ أولى الناس بالإصطناع مَنْ إِذَا مُطِّلَ صَبَرَ وَ إِذَا مُنِعَ عَذَرَ وَ إِذَا أُعْطِيَ شَكَرَ؛ غرر الحكم ص: ٣٨٧

٢٨-١-٣-١- لَا يَضُرُّ مَعَهُ
﴿٢٥١٢﴾ الصادق عليه السلام: ثَلَاثٌ لَا يَضُرُّ مَعَهُنَّ شَيْءٌ الدُّعَاءُ عِنْدَ الْكَرْبِ وَ الْإِسْتِغْفَارُ عِنْدَ الذَّنْبِ وَ الشُّكْرُ عِنْدَ النِّعْمَةِ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٥

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۵۰۵﴾ بخوان: "خدایا، از تو درخواست می‌کنم گفتار توبه‌کنندگان و کردارشان را و (نیز از تو می‌خواهم) نور پیامبران و صداقت آن‌ها را، و رستگاری مجاهدان و پاداششان را، و شکرگزاری برگزیدگان و اخلاصشان را".

﴿۲۶-۱-۳-۱﴾ (آشتی)، شکرگزار از نیکان است

﴿۲۵۰۶﴾ و اما صالحان هنگامی که گرفتار می‌شوند به یاد نیکی‌ها و نعمات گذشته‌ی خداوند و پروردگار خویش می‌افتند و این یادآوری آنان را به شکرگزاری و شکیبایی می‌کشاند.

﴿۲۵۰۷﴾ خدای متعال به حضرت داود علیه السلام وحی فرمود: "به خالده دختر اوس، بشارت و مژدگانی بهشت را اعلام کن و اینکه او در بهشت قرین و هم‌نشین توست". حضرت داود به دنبال این وحی به سوی خانه‌ی او روان شد و در زد آن زن به طرف در آمد و سؤال نمود آیا چیزی درباره‌ی من نازل شده است؟ داود پاسخ مثبت داد و جریان وحی را شرح داد، زن گفت: شاید درباره‌ی کسی که همانم من باشد نازل شده باشد داود گفت: درباره‌ی غیر تو نیست، زن گفت: البته من شما را تکذیب نمی‌کنم ولی به خدا سوگند در خودم صفتی که شایسته‌ی این مقام باشد نمی‌بینم. داود گفت ضمیر و حالت درونی و روحی خود را برای من توضیح بده، زن گفت: مانعی ندارد. آنچه در اندیشه و قلب دارم این است که؛ هرگونه درد و رنجی که به من رسیده و هرگونه مشکل و ناراحتی و نیازمندی و گرسنگی که به من وارد شده در کمال صبر استقبال نموده و حتی از خداوند درخواست برطرف شدن آن را نکرده‌ام تا وقتی که خود خداوند مرا از آن حالت به حالت عافیت و سلامت و توسعه در زندگی منتقل فرمود و فکر نکردم که این لطف و مرحمت الهی پاداش صبر من است، بلکه خداوند را در مقابل این همه نعمت شاکر و سپاسگزار بودم. داود فرمود: "به همین دلیل به این مقام و مرتبه نائل شده‌ای". سپس حضرت صادق علیه السلام فرمود. این همان دین الهی است که برای صالحین و بندگان شایسته‌ی خود پسندیده است.

﴿۲۵۰۸﴾ درباره کلام خدای تعالی است؛ "درحالی که برای او به خاک افتادند و سجده نمودند " فرمود: گفته شده است که سجده کردن ایشان به جهت شکرگزاری و برای خدای متعال بوده است. همچنان که انسان‌های صالح آن را به هنگام تجدید نعمت به جا می‌آورند.

﴿۲۵۰۹﴾ ای فرزندم، زنان چهاردسته‌اند دو دسته صالحند و دو دسته ملعون؛ اما یکی از آن‌ها که صالح است کسی است که در میان مردم شریف است اما در نزد خود، ذلیل و خوار اگر به او عطا کنی، از تو سپاسگزاری می‌کند.

﴿۲۵۱۰﴾ به درستی که بنده در میانه‌ی نعمتی است و گناهی و آن دورا به صلاح نمی‌آورد مگر طلب آمرزش و شکر.

﴿۲۷-۱-۳-۱﴾ (عطا و بخشش)، شکرگزار سزاوارترین مردم به احسان است

﴿۲۵۱۱﴾ سزاوارترین مردم به احسان به او کسی است که هرگاه در وعده‌ای که به او شده تاخیر شود، صبر کند، و هرگاه، چیزی به او ندهند معذور دارد، و هرگاه به او عطا شود شکر کند.

﴿۲۸-۱-۳-۱﴾ به همراه آن زیانی نیست

﴿۲۵۱۲﴾ سه چیز است که با وجود آن‌ها هیچ چیز دیگری زیان نمی‌زند: دعا در موقع گرفتاری، و طلب آمرزش هنگام گناه، و شکرگزاری هنگام نعمت.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

٢٩-١-٣-١- طُوبَى لِلشَّاكِرِينَ

﴿٢٥١٣﴾ طُوبَى لِعَبْدٍ جَاعَ وَصَبَرَ وَشَبِعَ فَشَكَرَ كَيْفَ يَنْغَمِسُ فِي الْجَنَّةِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٦

ص: ٢١٨

﴿٢٥١٤﴾ الرضا عليه السلام: طُوبَى لِمَنْ شَغِلَ قَلْبُهُ بِشُكْرِ النِّعْمَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٣٥٣

٣٠-١-٣-١- الْعَجَبُ

١-٣-٣٠-١- أَشْكُرُ تَرَى الْعَجَبُ

﴿٢٥١٥﴾ الصادق عليه السلام: وَ تَمَامُ الشُّكْرِ اعْتِرَافُ لِسَانِ السَّرِّ خَاضِعاً لِلَّهِ تَعَالَى بِالْعَجْزِ عَنْ بُلُوغِ أَذْنَى شُكْرِهِ لِأَنَّ التَّوْفِيقَ لِلشُّكْرِ نِعْمَةٌ حَادِثَةٌ يَجِبُ الشُّكْرُ عَلَيْهَا وَ هِيَ أَعْظَمُ قَدْرًا وَ أَعَزُّ وَجُودًا مِنَ النِّعْمَةِ الَّتِي مِنْ أَجْلِهَا وَفَّقَتْ لَهُ فَيَلْزَمُكَ عَلَى كُلِّ شُكْرٍ شُكْرٌ أَعْظَمُ مِنْهُ إِلَى مَا لَا نِهَايَةَ لَهُ مُسْتَعْرِقًا فِي نِعْمَتِهِ قَاصِرًا عَاجِزًا عَنْ دَرْكِ غَايَةِ شُكْرِهِ وَ أَنَّى يَلْحَقُ الْعَبْدُ شُكْرَ نِعْمَةِ اللَّهِ وَ مَتَى يَلْحَقُ صَنِيعُهُ بِصَنِيعِهِ وَ الْعَبْدُ ضَعِيفٌ لَا قُوَّةَ لَهُ أَبَدًا إِلَّا بِاللَّهِ وَ اللَّهُ غَنِيٌّ عَنْ طَاعَةِ الْعَبْدِ قَوِيٌّ عَلَى مَزِيدِ النِّعَمِ عَلَى الْأَبَدِ فَكُنْ لِلَّهِ عَبْدًا شَاكِرًا عَلَى هَذَا الْأَصْلِ تَرَى الْعَجَبُ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٥٢

٢-٣-٣٠-١- الْعَجَبُ لِمَنْ لَمْ يَشْكُرْ

﴿٢٥١٦﴾ الصادق عليه السلام: الْعَجَبُ مِنْ أَنَاسٍ جَعَلُوا مَكَانَ الشُّكْرِ عَلَى النِّعْمَةِ جُحُودَ الْمُنْعَمِ بِهَا؛

بحار الأنوار ج: ٣ ص: ١٣١

٣١-١-٣-١- الشُّكْرُ عَدْلٌ

﴿٢٥١٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَرْغَبُ إِلَيْكَ اللَّهُمَّ فِي شُكْرٍ مَا أَنْطَقْتَنِي بِهِ مِنْ حَمْدِكَ فَمَا أَيْسَرَ مَا كَلَّفْتَنِي مِنْ ذَلِكَ وَ أَعْظَمَ مَا وَعَدْتَنِي عَلَى شُكْرِكَ ابْتَدَأْتَنِي بِالنِّعَمِ فَضْلاً وَ طَوْلاً وَ أَمَرْتَنِي بِالشُّكْرِ حَقًّا وَ عَدْلًا وَ وَعَدْتَنِي عَلَيْهِ أَضْعَافًا وَ مَزِيدًا؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٢٦٣

٣٢-١-٣-١- (المعرفة)، لَا يَشْكُرُ النِّعْمَةَ إِلَّا الْعَارِفُ

﴿٢٥١٨﴾ العسكري عليه السلام: لَا يَعْرِفُ النِّعْمَةَ إِلَّا الشَّاكِرُ وَ لَا يَشْكُرُ النِّعْمَةَ إِلَّا الْعَارِفُ؛ بحار الأنوار

ج: ٧٥ ص: ٣٧٨

٣٣-١-٣-١- (العظمة)

١-٣-٣٣-١- فَمَا أَعْظَمَ مَا وَعَدْتَنِي عَلَى الشُّكْرِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۲۹-۱-۳-۱- خوشا به حال شکرگزاران

﴿۲۵۱۳﴾ خوشا به حال بنده‌ای که اگر گرسنه بماند صبر پیشه کند و اگر سیر شود شکر کند. باید دید چگونه در نعمات بهشتی غوطه‌ور خواهد بود.

﴿۲۵۱۴﴾ خوشا به حال آن کس که قلب خود را با شکرگزاری از نعمت‌های خداوند مشغول بسازد.

۳۰-۱-۳-۱- شگفتی

۱-۳۰-۱-۳- شکر کن شگفتی‌هایی از فضل خدا ببینی

﴿۲۵۱۵﴾ همه‌ی شکر آن است که با زبان دل اعتراف کند و نزد خداوند با خشوع و عجز اقرار نماید که هرگز توان شکر ندارد، زیرا ادای شکر خداوند هم، توفیقی است که او عطا می‌کند که خود موجب شکر می‌گردد و این خود بزرگ‌ترین و عزیزترین مقام در نزد خداوند است که نصیب آدمی می‌شود. اینک لازم می‌آید که برای هر شکری شکر دیگری به‌جای آوری و این پایان ندارد، آدمیان در نعمت‌های خداوند غرق و از شکر او عاجز و ناتوان هستند، چگونه انسان می‌تواند شکر نعمت‌های او را بکند و چگونه می‌تواند جبران کارهای خدا را بنماید، بندگان ضعیفند و نیرویی ندارند و این خداوند است که به آن‌ها نیرو می‌دهد و قدرت می‌بخشد. خداوند متعال از عبادت و طاعت بندگان بی‌نیاز است و همواره می‌تواند به آن‌ها نعمت عطا کند، اینک بنده‌ی شاکر و سپاسگزاری باش و خداوند را ثنا گوی، و به این اصل پایبند باش و آن را مورد عمل قرار ده تا شگفتی‌هایی را ببینی.

۲-۳۰-۱-۳- عجب از کسی که شکر نمی‌کند

﴿۲۵۱۶﴾ شگفتا از مردمی که به‌جای سپاس بر نعمت، انکار منعم می‌کنند.

۳۱-۱-۳-۱- شکر عدل است

﴿۲۵۱۷﴾ پروردگارا، من مایل و علاقمندم که در آنچه به لطف تو بر زبانم بر ستایش و سپاسگزاری‌اش گویا شده است، ادای شکر کرده باشم پس چه آسان است تکلیف تو به من، و چه بزرگ است آنچه در ازای ادای شکر به من وعده داده‌ای از سر لطف شروع به نعمت دادن به من کرده و بر مبنای عدالت درخواست شکر داشته‌ای و آنگاه بر همین شکر (که وظیفه بوده است) وعده‌ی چند برابر شدن نعمت داده‌ای.

۲-۳۱-۱-۳- (شناخت)، نعمت را جز کسی که می‌شناسد سپاس نمی‌گزارد.

﴿۲۵۱۸﴾ نعمت را جز سپاسگزار نمی‌شناسد، و جز عارف و آن که نعمت را می‌شناسد سپاسگزاری نمی‌کند.

۳۳-۱-۳-۱- (بزرگی)

۱-۳۳-۱-۳- چه وعده‌ی بزرگی در برابر سپاسگزاری‌ات به من دادی

﴿۷۷۹﴾

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٥١٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَرْغَبُ إِلَيْكَ اللَّهُمَّ فِي شُكْرِ مَا أَنْطَقْتَنِي بِهِ مِنْ حَمْدِكَ فَمَا أَيْسَرَ مَا كَلَّفْتَنِي مِنْ ذَلِكَ وَأَعْظَمَ مَا وَعَدْتَنِي عَلَى شُكْرِكَ ابْتَدَأْتَنِي بِالنَّعَمِ فَضْلاً وَطَوْلاً وَأَمَرْتَنِي بِالشُّكْرِ حَقّاً وَعَدّاً وَوَعَدْتَنِي عَلَيْهِ أَضْعَافاً وَمَزِيداً؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٢٦٣

١-٣-١-٣٣-٢ الشُّكْرُ أَكْثَرُ قَدَرًا مِنَ الْمَعْرُوفِ

﴿٢٥٢٠﴾ الشُّكْرُ أَكْثَرُ قَدَرًا مِنَ الْمَعْرُوفِ لِأَنَّ الشُّكْرَ يَبْقَى وَالْمَعْرُوفَ يَفْنَى؛ غرر الحكم

ص: ٢٧٧

١-٣-١-٣٤ (العقبي)

١-٣-١-٣٤-١ الشُّكْرُ عُقْبَى

﴿٢٥٢١﴾ الهادي عليه السلام: الشَّاكِرُ أَسْعَدُ بِالشُّكْرِ مِنْهُ بِالنَّعْمَةِ الَّتِي أَوْجَبَتْ الشُّكْرَ لِأَنَّ النَّعْمَ مَتَاعٌ وَ

الشُّكْرَ نِعْمٌ وَعُقْبَى؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٣٦٥

١-٣-١-٣٥ (التعليق)، الشَّاكِرُ تَعَلَّقَ بِغُضَنِ مِنْ أَغْصَانِ شَجَرَةٍ طُوبَى

﴿٢٥٢٢﴾ العسكري عليه السلام: مَنْ قَعَدَ يَذْكُرُ اللَّهَ وَنِعْمَاءَهُ وَيَشْكُرُهُ عَلَيْهَا فَقَدْ تَعَلَّقَ مِنْهُ بِغُضَنِ مِنْ

أَغْصَانِ شَجَرَةٍ طُوبَى؛ مستدرک الوسائل ج: ٧ ص: ٥٤٤

١-٣-١-٣٦ الْعَقْلُ

١-٣-١-٣٦-١ الشَّاكِرُ عَاقِلٌ

﴿٢٥٢٣﴾ الكاظم عليه السلام: يَا هِشَامُ إِنَّ الْعَاقِلَ الَّذِي لَا يَشْغَلُ الْحَالُ شُكْرَهُ وَلَا يَغْلِبُ الْحَرَامُ صَبْرَهُ؛

الكافي ج: ١ ص: ١٥

١-٣-١-٣٦-٢ الشُّكْرُ مِنْ جُنُودِ الْعَقْلِ

﴿٢٥٢٤﴾ الصادق عليه السلام: اِغْرِفُوا الْعَقْلَ وَجُنْدَهُ وَالْجَهْلَ وَجُنْدَهُ تَهْتَدُوا... ثُمَّ جَعَلَ لِلْعَقْلِ خَمْسَةَ

وَسَبْعِينَ جُنْدًا... وَالشُّكْرُ وَضِدَّةُ الْكُفْرَانِ؛ الكافي ج: ١ ص: ٢٠

﴿٢٥٢٥﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْعَقْلَ مِنْ نُورٍ مَخْزُونٍ مَكْنُونٍ فِي سَابِقِ عِلْمِهِ... ثُمَّ حَشَاهُ وَ

قَوَاهُ بِعَشْرَةِ أَشْيَاءَ بِالْيَقِينِ وَالْإِيمَانِ وَالصَّدْقِ وَالسَّكِينَةِ وَالْإِخْلَاصِ وَالرَّفْقِ وَالْعَطِيَّةِ وَالْفُنُوعِ وَ

التَّسْلِيمِ وَالشُّكْرِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ٢٠٣

١-٣-١-٣٦-٣ الشُّكْرُ مِنْ عِلَامَاتِ الْعَقْلِ الْقَامِعِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۵۱۹﴾ پروردگارا، من مایل و علاقمندم که در آنچه به لطف تو بر زبانم بر ستایش و سپاسگزاری اش گویا شده است، ادای شکر کرده باشم پس چه آسان است تکلیف تو به من، و چه بزرگ است آنچه در ازای ادای شکر به من وعده داده‌ای از سر لطف شروع به نعمت دادن به من کرده و بر مبنای عدالت درخواست شکر داشته‌ای و آنگاه بر همین شکر (که وظیفه بوده است) وعده‌ی چند برابر شدن نعمت داده‌ای.

۲-۳۳-۱-۳-۱ شکر از احسان با ارزش تر است.

﴿۲۵۲۰﴾ ارزش شکر بیش از ارزش کار نیک است؛ زیرا که شکر باقی می‌ماند و کار نیک از بین می‌رود.

۴-۱-۳-۱ ذخیره‌ی آخرت

۱-۳۴-۱-۳-۱ شکر ذخیره‌ی آخرت است

﴿۲۵۲۱﴾ شکرگزار از خود شکر بیشتر بهره می‌برد تا از نعمتی که موجب شکرگزاری او شده است؛ زیرا نعمت‌ها کالای دنیایند ولی شکر، هم نعمت دنیاست و هم آخرت.

۵-۱-۳-۱ (آویختن)، شکرگزار به شاخه‌ای از شاخه‌های درخت طوبی می‌آویزد

﴿۲۵۲۲﴾ هر که بنشیند و نعمت‌های خدا را یاد کند و از او به خاطر آن‌ها سپاسگزاری کند به شاخه‌ای از شاخه‌های درخت طوبی آویزان شده است.

۶-۱-۳-۱ عقل و خرد

۱-۳۶-۱-۳-۱ شکرگزار عاقل است

﴿۲۵۲۳﴾ ای هشام، عاقل آن است که حلال او را از شکر باز ندارد، و حرام صبرش را نرباید.

۲-۳۶-۱-۳-۱ شکر از سربازان عقل است

﴿۲۵۲۴﴾ عقل و جهل و لشکریان‌شان را بشناسید تا هدایت شوید... سپس برای هریک از عقل و جهل هفتاد و پنج لشکر قرار داد... از جمله شکر و ضد آن ناسپاسی.

﴿۲۵۲۵﴾ همانا خدای تعالی عقل را از نوری که در خزانه‌ی غیب پنهان خویش خلق کرد که در سابقه‌ی علم و دانایی خویش بر آن آگاهی داشته است؛ سپس آن را به وسیله‌ی ده چیز پرکرد و قدرت داد؛ یقین و ایمان و راستی و آرامش و اخلاص و نرمی و مدارا و بخشش و رضایت و تسلیم و شکر.

۳-۳۶-۱-۳-۱ شکر از نشانه‌های عقل بازدارنده است

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٥٢٦﴾ الرسول ﷺ: إِنْ مِنْ دِعَامَةِ النَّبِيِّ أَسَاسُهُ وَدِعَامَةُ الدِّينِ الْمَعْرِفَةُ بِاللَّهِ تَعَالَى وَالْيَقِينُ بِتَوْحِيدِهِ وَالْعَقْلُ الْقَامِعُ فَقَالُوا وَمَا الْقَامِعُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ الْكَفُّ عَنِ الْمَعَاصِي وَالْحِرْصُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَالشُّكْرُ عَلَى جَمِيلِ إِحْسَانِهِ وَإِنْعَامِهِ وَحُسْنِ بَلَائِهِ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ١٦٩

١-٣-١-٣٦-٤ الشُّكْرُ تَمَامُ الْعَقْلِ

﴿٢٥٢٧﴾ عَقْلُ الْمَرْءِ نِظَامُهُ وَآدَبُهُ قَوَامُهُ وَصِدْقُهُ إِمَامُهُ وَشُكْرُهُ تَمَامُهُ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٧

١-٣-١-٣٧ الشُّكْرُ عِلَّةٌ أَل...

١-٣-١-٣٧-١ تَمَنَّى الْحَيَاةَ لِلشُّكْرِ

﴿٢٥٢٨﴾ أَنْ سَبَبَ رَفْعِ إِدْرِيسَ إِلَى السَّمَاءِ أَنْ مَلَكَأَ بَشَرَهُ بِالْقَبُولِ وَالْمَغْفِرَةِ فَتَمَنَّى الْحَيَاةَ فَقَالَ لَهُ الْمَلِكُ لِمَ تَمَنَيْتَ الْحَيَاةَ قَالَ لِأَشْكُرَ اللَّهَ تَعَالَى فَقَدْ كَانَتْ حَيَاتِي لِطَلَبِ الْقَبُولِ وَهِيَ الْآنَ لِبُلُوغِ الْمَأْمُولِ قَالَ فَبَسَطَ الْمَلِكُ جَنَاحَهُ وَرَفَعَهُ إِلَى السَّمَاءِ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ١٢٣

١-٣-١-٣٧-٢ جَعَلَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فِتْنَةً لِشُكْرِ أُولَى الْأَلْبَابِ

﴿٢٥٢٩﴾ الْكَاسِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جَعَلَ عِيسَى عِبْرَةً لِلْعَالَمِينَ وَفِتْنَةً لِشُكْرِ أُولَى الْأَلْبَابِ؛ الْكَافِي ج: ١

ص: ٤٨١

١-٣-١-٣٧-٣ جَعَلَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ شُكُورًا

﴿٢٥٣٠﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذْكُرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا؛ الْفَرْقَانِ: الْآيَةُ ٦٢

﴿٢٥٣١﴾ قَوْلُهُ تَعَالَى وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذْكُرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا يَعْنِي هَذَا يُخْلَفُ هَذَا لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذْكُرَ فَرَضًا أَوْ نَامَ عَلَيْهِ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا؛ بَحَارُ الْأَنْوَارِ ج: ٤١ ص: ١٧٣

١-٣-١-٣٧-٤ إِرَائَةُ مَقْعَدِ النَّاسِ فِي النَّارِ لِإِزْدِيَادِ الشُّكْرِ

﴿٢٥٣٢﴾ الرسول ﷺ: ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ وَقَدْ رَوَى عَنِ النَّبِيِّ ﷺ فِي تَفْسِيرِهِ وَهَذَا قَوْلُهُ مَا مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا أَرَى مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ لَوْ أَسَاءَ لِيَزْدَادَ شُكْرًا وَمَا مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا أَرَى مَقْعَدَهُ فِي الْجَنَّةِ لَوْ أَحْسَنَ لِيَزْدَادَ حَسْرَةً؛ جَامِعُ الْأَخْبَارِ ص: ١٨٣

١-٣-١-٣٧-٥ التَّسْبِيحُ لِلشُّكْرِ

﴿٢٥٣٣﴾ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَإِنْ قَالَ فَلِمَ جُعِلَ التَّسْبِيحُ فِي الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ قِيلَ لِإِلَلٍ مِنْهَا أَنْ يَكُونَ الْعَبْدُ مَعَ خُضُوعِهِ وَخُسُوعِهِ وَتَعَبُّدِهِ وَتَوَرُّعِهِ وَاسْتِكَانَتِهِ وَتَذَلُّلِهِ وَتَوَاضُّعِهِ وَتَقَرُّبِهِ إِلَى رَبِّهِ مُقَدِّسًا لَهُ مُمَجِّدًا مُسَبِّحًا مُعْظَمًا شَاكِرًا؛ بَحَارُ الْأَنْوَارِ ج: ٨٢ ص: ١٠١

١-٣-١-٣٧-٦ السُّجُودُ لِلشُّكْرِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۵۲۶﴾ استواری خانه از پایه‌های آن است و ستون و پایه‌ی دین، خداشناسی و یقین به توحید و عقل قانع است، پرسیدند: عقل قانع چیست؟ فرمود: خویشی‌داری از گناهان و حرص به طاعت خدا و شکر بر احسان‌ها و تکالیف نیکوی اوست.

۱-۳-۱-۳۶-۴ شکر تمام عقل است

﴿۲۵۲۷﴾ عقل مرد نظام اوست، و ادب او قوام اوست، و راستی او امام اوست، و شکر او تمام اوست.

۱-۳-۱-۳۷ شکر علت... است

۱-۳-۱-۳۷-۱ آرزوی زندگی برای شکر

﴿۲۵۲۸﴾ سبب بالا بردن ادب به آسمان این بود که: فرشته‌ای به او بشارت قبولی اعمال و آمرزش لغزش‌هایش را داد، او نیز آرزو کرد زنده بماند، فرشته پرسید: برای چه آرزوی حیات داری؟ گفت: برای اینکه سپاس خدا را به‌جای آورم، زیرا در مدت حیات، دعا می‌کردم اعمالم قبول شود، حال که به مقصود خود نایل گشته‌ام، می‌خواهم شکر خدا را به‌جای آورم؛ آن فرشته بال خود را گشود و او را در بر گرفت و به آسمان‌ها برد.

۱-۳-۱-۳۷-۲ عیسی را آزمایشی برای سپاسگزاری خردمندان قرار داد

﴿۲۵۲۹﴾ و آفرینش عیسی را عبرتی برای جهانیان و آزمایشی برای سپاسگزاری خردمندان قرار داد.

۱-۳-۱-۳۷-۳ شب و روز را دنبال هم نهاد برای هر کس بخواهد سپاس بگزارد

﴿۲۵۳۰﴾ و او همان کسی است که شب و روز را جانشین یکدیگر قرار داد برای کسی که بخواهد متذکر شود یا شکرگزاری کند (و آنچه را در روز کوتاهی کرده در شب انجام دهد و به‌عکس). ﴿۲۵۳۱﴾ درباره‌ی آیه‌ی "و او همان کسی است که شب و روز را جانشین یکدیگر قرار داد برای کسی که بخواهد متذکر شود یا شکرگزاری کند (و آنچه را در روز کوتاهی کرده در شب انجام دهد و به‌عکس)" منظور این است که شب و روز جایگزین یکدیگر می‌شوند برای کسی که بخواهد امر واجب را به یاد آورد، آنچه را به‌جای انجام آن خوابیده است و یا بخواهد که شکر گزار باشد.

۱-۳-۱-۳۷-۴ نشان دادن جایگاه مردم در آتش برای افزایش شکر

﴿۲۵۳۲﴾ "آن، روز حسرت است" و از پیامبر ﷺ در تفسیر آن روایت شده و این کلام ایشان است که "هیچ بنده‌ی مؤمنی نیست که داخل بهشت می‌شود مگر آنکه به او نشان داده می‌شود که اگر بدی کرده بود جایگاهش از آتش بود تا بر شکرش بیافزاید و هیچ بنده‌ی مؤمنی نیست که وارد جهنم شود مگر آنکه جایگاهش در بهشت در صورت نیکوکاربودنش به او نشان داده می‌شود تا بر حسرتش بیافزاید.

۱-۳-۱-۳۷-۵ پاک و منزه شمردن برای شکرگزاری

﴿۲۵۳۳﴾ پس اگر بگوید: چرا در رکوع و سجود ذکر تسبیح آمده است؟ گوئیم: به دلایل علل گوناگون و از آن جمله اینکه بنده با کمال خضوع و خشوع و بندگی و پارسایی و بینوایی و کوچکی و فروتنی و نزدیکی جستن به‌سوی پروردگار خود، تقدیس‌کننده و تمجیدکننده و تسبیح‌کننده و، و بزرگ‌دارنده و سپاسگزار او باشد.

۱-۳-۱-۳۷-۶ سجده کردن برای شکرگزاری

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٥٣٤﴾ الصادق عليه السلام: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا قَالَ قِيلَ إِنَّ السُّجُودَ كَانَ لِلَّهِ شُكْرًا لَهُ
كَمَا يَفْعَلُ الصَّالِحُونَ عِنْدَ تَجَدُّدِ النِّعَمِ؛ وسائل الشريعة ج: ٦ ص: ٣٨٧

١-٣-١-٣٧-٧- الصَّدَاقُ لِلشُّكْرِ

﴿٢٥٣٥﴾ الصادق عليه السلام: فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى هَذِهِ أُمَّتِي حَوَاءُ قَالَ يَا رَبِّ لِمَنْ خَلَقْتَهَا قَالَ لِمَنْ أَخَذَ بِهَا
الْأَمَانَةَ وَاصْدَقَهَا الشُّكْرُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٥ ص: ٩٩

١-٣-١-٣٧-٨- الصَّلَاةُ لِلشُّكْرِ

﴿٢٥٣٦﴾ فِي الصَّلَاةِ عِلَّةُ الْاسْتِعْبَادِ وَ عِلَّةُ نَجَاةِ نَفْسِهِ وَ عِلَّةُ شُكْرِ نِعَمِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٧٩

ص: ٢٧٥

١-٣-١-٣٧-٩- الْعَطْسَةُ لِلشُّكْرِ

﴿٢٥٣٧﴾ الكاظم عليه السلام: سَأَلْتُ الْعَالِمَ عليه السلام عَنِ الْعَطْسَةِ وَمَا الْعِلَّةُ فِي الْحَمْدِ لِلَّهِ عَلَيْهَا فَقَالَ إِنَّ
لِلَّهِ نِعْمًا عَلَى عَبْدِهِ فِي صِحَّةِ بَدَنِهِ وَ سَلَامَةِ جَوَارِحِهِ وَ إِنَّ الْعَبْدَ يَنْسَى ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى
ذَلِكَ وَ إِذَا نَسِيَ أَمَرَ اللَّهُ الرِّيحَ فَتَجَاوَزَ فِي بَدَنِهِ ثُمَّ يُخْرِجُهَا مِنْ أَنْفِهِ فَيَحْمَدُ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ
فَيَكُونُ حَمْدُهُ عِنْدَ ذَلِكَ شُكْرًا لِمَا نَسِيَ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٦٥٤

١-٣-١-٣٧-١٠- قَبْضُ الْعَارِيَةِ لِابْتِلَاءِ الشُّكْرِ

﴿٢٥٣٨﴾ الصادق عليه السلام: قَدْ عَجَزَ مَنْ لَمْ يَعُدَّ لِكُلِّ بَلَاءٍ صَبْرًا وَ لِكُلِّ نِعْمَةٍ شُكْرًا وَ لِكُلِّ غُصْرٍ يُسْرًا
اصْبِرْ نَفْسَكَ عِنْدَ كُلِّ بَلِيَّةٍ وَ رَزِيَّةٍ فِي وَلَدٍ أَوْ فِي مَالٍ فَإِنَّ اللَّهَ إِنَّمَا يَقْبِضُ عَارِيَتَهُ وَ هِبَتَهُ لِيَبْلُوَ
شُكْرَكَ وَ صَبْرَكَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٢ ص: ٤٢٣

١-٣-١-٣٧-١١- النِّعْمَةُ لِابْتِلَاءِ الشُّكْرِ

﴿٢٥٣٩﴾ فَإِنَّا نَحْمَدُ اللَّهَ رَبَّنَا وَ إِلَهَنَا وَ وَلِيَّنَا وَ وَلِيَّ النِّعَمِ عَلَيْنَا الَّذِي أَصْبَحَتْ نِعْمُهُ عَلَيْنَا ظَاهِرَةً
وَ بَاطِنَةً ائْتِنَاناً مِنْهُ بِغَيْرِ حَوْلٍ مِنَّا وَ لَا قُوَّةٍ لِيَبْلُوَنَا أَوْ نَشْكُرُ أَمْ نَكْفُرُ فَمَنْ شَكَرَ زَادَهُ وَ مَنْ كَفَرَ
عَذَّبَهُ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٧ ص: ٣٩

١-٣-١-٣٧-١٢- هِدَايَةُ النَّاسِ لِلشُّكْرِ

﴿٢٥٤٠﴾ الصادق عليه السلام: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ إِنَّهَا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا
كَفُورًا قَالَ عَلَّمَهُ السَّبِيلَ فَاِذَا أَخَذَ فَهُوَ شَاكِرٌ وَ إِمَّا تَارِكٌ فَهُوَ كَافِرٌ؛ بحار الأنوار ج: ٥ ص: ٣٠٢

﴿٢٥٤١﴾ الكاظم عليه السلام: سَأَلْتُ الْعَالِمَ عليه السلام عَنِ الْعَطْسَةِ وَمَا الْعِلَّةُ فِي الْحَمْدِ لِلَّهِ عَلَيْهَا فَقَالَ إِنَّ
لِلَّهِ نِعْمًا عَلَى عَبْدِهِ فِي صِحَّةِ بَدَنِهِ وَ سَلَامَةِ جَوَارِحِهِ وَ إِنَّ الْعَبْدَ يَنْسَى ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى
ذَلِكَ وَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۵۳۴﴾ درباره کلام خدای تعالی است؛ " درحالی که برای او به خاک افتادند و سجده نمودند " فرمود: گفته شده است که سجده کردن ایشان به جهت شکرگزاری و برای خدای متعال بوده است. همچنان که انسان های صالح آن را به هنگام تجدید نعمت به جا می آورند.

۷-۳۷-۱-۳-۱- مهریه برای شکرگزاری

﴿۲۵۳۵﴾ خدای متعال فرمود: که این کنیز من حواست گفت: ای پروردگار من، او را برای که خلق کردی؟ فرمود: برای آن کسی که او را به عنوان امانت بگیرد و شکر و سپاسگزاری اش را مهریه ی او قرار دهد.

۸-۳۷-۱-۳-۱- نماز برای شکرگزاری

﴿۲۵۳۶﴾ پس دلیل وجوب نماز دعوت به بندگی و راهی برای رهایی و نجات نفس و نیز ادای شکر نعمت های اوست.

۹-۳۷-۱-۳-۱- عطسه برای شکر

﴿۲۵۳۷﴾ از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام درباره ی عطسه و سر اینکه به دنبالش حمد خدا را باید کرد پرسیدم؟ فرمود: همانا برای خدا بر بنده اش نعمتهایی است از سلامتی بدن و اعضای او و تندرستی اش، و به درستی که بنده، خدای عزیز و جلیل را از یاد ببرد و درباره ی این نعمت ها فراموشش کند، و چون خدا را فراموش کند خداوند به باد دستور دهد که در تنش بگذرد و از بینی او بیرون آید تا خدا را بر آن حمد کند، پس حمد او در آن هنگام شکری است برای آنچه فراموش کرده است (و خدا به یادش آورده است).

۱۰-۳۷-۱-۳-۱- پس گرفتن امانت برای امتحان شکرگزاری

﴿۲۵۳۸﴾ آن کس که در برابر گرفتاری صبری و برای هر نعمتی شکری و برای هرگونه دشواری آرامشی آماده کرده باشد چنین کسی فردی عاجز و ناتوان است. پس در مقابل هر بلا و گرفتاری در مال و اولاد به شکیبایی وادار کن. که خداوند امانت ها و بخشش های خود را بازپس می گیرد تا اینکه صبر و شکر تو را بیازماید.

۱۱-۳۷-۱-۳-۱- عطای نعمت برای آزمایش شکرگزاری

﴿۲۵۳۹﴾ خداوند را سپاس می گزاریم که پروردگار و مولا و ولی نعمت ماست، او که نعمت هایش را آشکار و پنهان بر ما ارزانی داشته تا بر ما احسان نماید بدون آنکه سخنی بر زبان رانده باشیم (و از او درخواست کرده باشیم) و یا قدرتی از خود بر شکرگزاری یا کفران نعمتش داشته باشیم. پس که شکر او را به جای آرد فزونی دهد و آن را که کفران کند عذاب نماید.

۱۲-۳۷-۱-۳-۱- هدایت مردم برای شکرگزاری

﴿۲۵۴۰﴾ از امام صادق علیه السلام درباره ی کلام خداوند که می فرماید: " ما راه را به او نمودیم، یا سپاسگزار خواهد بود و یا ناسپاس " فرمود: راه را به او تعلیم کرد، اگر آن را بگیرد شاکر است و اگر ترک کند کافر است.

﴿۲۵۴۱﴾ از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام درباره ی عطسه و سر اینکه به دنبالش حمد خدا را باید کرد پرسیدم؟ فرمود: همانا برای خدا بر بنده اش نعمتهایی است از سلامتی بدن و اعضای او و تندرستی اش، و به درستی که بنده، خدای عزیز و جلیل را از یاد ببرد و درباره ی این نعمت ها

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

إِذَا نَسِيَ أَمَرَ اللَّهُ الرِّيحَ فَتَجَاوَزَ فِي بَدَنِهِ ثُمَّ يُخْرِجُهَا مِنْ أَنْفِهِ فَيَحْمَدُ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ فَيَكُونُ حَمْدُهُ عِنْدَ ذَلِكَ شُكْرًا لِمَا نَسِيَ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٦٥٤

١-٣-١-٣٨- الشُّكْرُ مِيعَارُ

١-٣-١-٣٨-١- ثَوَابُ الشَّاكِرِينَ مِيعَارُ الثَّوَابِ

﴿٢٥٤٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَلَا وَ مَنْ صَبَرَ عَلَى خُلُقِ امْرَأَةٍ سَيِّئَةِ الْخُلُقِ وَ احْتَسَبَ فِي ذَلِكَ الْأَجْرَ آعَظَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ الشَّاكِرِينَ فِي الْآخِرَةِ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٤ ص: ١٥

﴿٢٥٤٣﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ ثَوَابَ الشَّاكِرِينَ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٩٣

﴿٢٥٤٤﴾ الكاظم عليه السلام: فِي الثَّامِنِ عَشْرِينَ بِالْحَمْدِ مَرَّةً وَ الْقَلَائِلِ ثَلَاثًا ثَلَاثًا آعَظَاهُ اللَّهُ تَعَالَى ثَوَابَ الشَّاكِرِينَ؛ البلد الأمين ص: ١٦٧

﴿٢٥٤٥﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: مَنْ شَغِلَ بِقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ عَنْ دُعَائِي وَ مَسَائِلِي آعَظِيْتُهُ أَفْضَلَ ثَوَابِ الشَّاكِرِينَ؛ وسائل الشيعة ج: ٦ ص: ١٩٢

﴿٢٥٤٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ صَبَرَ عَلَى خُلُقِ امْرَأَةٍ سَيِّئَةِ الْخُلُقِ وَ احْتَسَبَ فِي ذَلِكَ الْأَجْرَ آعَظَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ الشَّاكِرِينَ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٤ ص: ١٥

﴿٢٥٤٧﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: مَنْ صَلَّى فِي اللَّيْلَةِ الثَّامِنَةِ مِنْ رَجَبٍ عَشْرِينَ رُكْعَةً بِالْحَمْدِ مَرَّةً وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَ الْفَلَقِ وَ النَّاسِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ آعَظَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ الشَّاكِرِينَ؛ إقبال الأعمال ص: ٦٥٢

﴿٢٥٤٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ صَلَّى لَيْلَةَ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ ثَمَانَ رُكْعَاتٍ يَقْرَأُ فِي كُلِّ رُكْعَةٍ الْحَمْدَ مَرَّةً وَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ثَلَاثِينَ مَرَّةً آعَظَاهُ اللَّهُ تَعَالَى ثَوَابَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٣٨٣

﴿٢٥٤٩﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: مَنْ صَلَّى لَيْلَةَ الْآحَدِ سِتَّ رُكْعَاتٍ يَقْرَأُ فِي كُلِّ رُكْعَةٍ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ مَرَّةً وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ سَبْعَ مَرَّاتٍ آعَظَاهُ اللَّهُ تَعَالَى ثَوَابَ الشَّاكِرِينَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٦ ص: ٣٥٨

﴿٢٥٥٠﴾ وَ جَزَاكُمْ اللَّهُ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ عَنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ أَحْسَنَ مَا يَجْزِي الْعَامِلِينَ بِطَاعَتِهِ وَ الشَّاكِرِينَ لِنِعْمَتِهِ فَقَدْ سَمِعْتُمْ وَ أَطَعْتُمْ وَ دُعِيتُمْ فَأَجَبْتُمْ؛ شرح نهج البلاغة ج: ١٤ ص: ٢٦

﴿٢٥٥١﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: وَ فِي الثَّامِنَةِ عَشْرِينَ بِالْحَمْدِ وَ الْقَلَائِلِ ثَلَاثًا ثَلَاثًا آعَظَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ الشَّاكِرِينَ؛ وسائل الشيعة ج: ٨ ص: ٩١

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

فراموشش کند، و چون خدا را فراموش کند خداوند به باد دستور دهد که در تنش بگذرد و از بینی او بیرون آید تا خدا را بر آن حمد کند، پس حمد او در آن هنگام شکری است برای آنچه فراموش کرده است (و خدا به یادش آورده است).

۳۸-۱-۳-۱- شکر، معیار و سنجش است

۱-۳۸-۱-۳- ثواب شکرگزاران، معیار ثواب است

﴿۲۵۴۲﴾ آگاه باشید که هرکس بر بدرفتاری زن بداخلاقش شکیبایی ورزد و به حساب بگذارد خداوند در آخرت به او پاداش شکرگزاران را می‌دهد.

﴿۲۵۴۳﴾ خدایا، از تو ثواب و پاداش شکرگزاران و سپاسگزاران به درگاهت را درخواست می‌کنم.

﴿۲۵۴۴﴾ و در روز بیست و هشتم نمازی با یک مرتبه حمد و سوره‌هایی را که با " قل " شروع می‌شود هر کدام سه مرتبه بخواند که در آن صورت خداوند ثواب شاکران را به او عطا می‌کند.

﴿۲۵۴۵﴾ هرکس که قرائت قرآن او را از دعا کردن ارائه درخواست باز دارد، خدای تعالی به او بالاترین و با فضیلت‌ترین ثواب شکرگزاران را عطا می‌فرماید.

﴿۲۵۴۶﴾ هر که بر بداخلاقی زنی صبر کند و ثواب خواهد، خدا در آخرت ثواب شاکران را به او عطا می‌فرماید.

﴿۲۵۴۷﴾ هرکس که در شب هشتم ماه رجب بیست رکعت نماز به یک حمد و سه مرتبه از سوره‌های توحید و کافرون و فلق و ناس به جا آورد، خدای تعالی به او ثواب شاکرین را عطا می‌فرماید.

﴿۲۵۴۸﴾ هرکس در شب دوازدهم از ماه رمضان هشت رکعت نماز بخواند که در هر رکعت از آن سوره‌ی حمد را یک بار و سوره‌ی قدر را سی مرتبه بخواند حق تعالی به او ثواب شاکرین را عطا می‌فرماید.

﴿۲۵۴۹﴾ هرکس شب یازدهم چهار رکعت نماز بخواند که در هر رکعت سوره‌ی حمد یک مرتبه و سوره‌ی توحید را هفت مرتبه بخواند حق تعالی به او ثواب شاکرین را عطا می‌فرماید.

﴿۲۵۵۰﴾ و خدا شما مردم شهر را از سوی خاندان پیامبرتان (که درود خدا بر او باد) پاداش دهد نیکوترین پاداشی که به فرمانبران خود عطا می‌فرماید و به سپاسگزاران نعمتش می‌دهد؛ زیرا شما باید که شنیدید و فرمان بردید و خوانده شدید و پاسخ گفتید.

﴿۲۵۵۱﴾ هر که در شب هشتم رجب بیست رکعت نماز، در هر رکعت حمد و سوره‌هایی را که با " قل " شروع می‌شوند سه مرتبه بخواند، خداوند پاداش شاکران را به او می‌دهد.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٥٥٢﴾ الرسول ﷺ: وَ فِي الثَّانِي عَشْرَةَ ثَمَانٍ بِالْحَمْدِ وَ الْقَدْرِ ثَلَاثِينَ مَرَّةً أُعْطِيَ ثَوَابُ الشَّاكِرِينَ؛ البلد الأمين ص: ١٧٥

﴿٢٥٥٣﴾ الرسول ﷺ: وَ فِي لَيْلَةِ الثَّانِيَةِ عَشْرَةَ ثَمَانٍ بِالْحَمْدِ وَ الْقَدْرِ ثَلَاثِينَ أُعْطِيَ ثَوَابُ الشَّاكِرِينَ؛ المصباح للكفعمي ص: ٥٦٢

١-٣-٣٨-٢- سُؤَالُ الشَّاكِرِينَ
﴿٢٥٥٤﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): وَ لَتَكُنْ مَسْأَلَتُكُمْ مَسْأَلَةً ذُلًّا وَ خُضُوعًا وَ شُكْرًا؛ المصباح للكفعمي ص: ٧٤١

١-٣-٣٨-٣- صَبْرُ الشَّاكِرِينَ
﴿٢٥٥٥﴾ الرسول ﷺ: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ صَبْرَ الشَّاكِرِیْنَ لَكَ؛ البلد الأمين ص: ١٧٨

١-٣-٣٨-٤- عِبَادَةُ الشَّاكِرِينَ
﴿٢٥٥٦﴾ الرسول ﷺ: فِي سَابِعٍ وَ عَشْرِينَ مِنْ رَجَبٍ بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا ﷺ فَمَنْ صَامَ ذَلِكَ الْيَوْمَ كَانَ كَفَّارَةً سِتِّينَ وَ يَعْصِمُهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ إِبْلِيسَ وَ جُنُودِهِ فَإِنْ مَاتَ فِي يَوْمِهِ أَوْ فِي لَيْلَتِهِ مَاتَ شَهِيدًا وَ يَجْعَلُ اللَّهُ تَعَالَى رُوحَهُ فِي حَوَاصِلِ طَيْرٍ أَخْضَرَ يَسْرُحُ فِي الْجَنَّةِ حَيْثُ شَاءَ وَ يَجْعَلُ اللَّهُ لَهُ نَصِيبًا فِي عِبَادَةِ الْعَابِدِينَ وَ الْمُجَاهِدِينَ وَ الشَّاكِرِينَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٧ ص: ٥١٨

١-٣-٣٨-٥- قَلْبُ الشَّاكِرِينَ
﴿٢٥٥٧﴾ الرسول ﷺ: مَنْ دَاوَمَ عَلَى آيَةِ الْكُرْسِيِّ عَقِيبَ كُلِّ صَلَاةٍ آغَطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى قَلْبَ الشَّاكِرِينَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ٦٧

١-٣-٣٨-٦- الْقِسْمُ بِشَيْنِ الشُّكْرِ
﴿٢٥٥٨﴾ الصادق (عليه السلام): بِشَيْنِ الشُّكْرِ؛ المصباح للكفعمي ص: ٦٧

١-٣-٣٩- الشُّكْرُ مَغْنَمٌ
﴿٢٥٥٩﴾ الشُّكْرُ مَغْنَمٌ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٧

١-٣-٤٠- الشُّكْرُ قُوَّةٌ
﴿٢٥٦٠﴾ عَنْ الْفُتُوَّةِ فَقَالَ مَا تَقُولُ أَنْتَ قَالَ إِنْ أُعْطِينَا شُكْرُنَا وَ إِنْ مُنِعْنَا صَبْرُنَا قَالَ إِنْ الْكِلَابَ عِنْدَنَا بِالْمَدِينَةِ هَذَا شَأْنُهَا وَ لَكِنْ قُلْ إِنْ أُعْطِينَا آثَرُنَا وَ إِنْ مُنِعْنَا شُكْرُنَا؛ شرح نهج البلاغة ج: ١١ ص: ٢١٧

١-٣-٤١- الْفَضْلُ
١-٣-٤١-١- لَيْسَ عِبَادَةُ أَفْضَلُ مِنَ الشُّكْرِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۵۵۲﴾ هر که در شب دوازدهم ماه مبارک رمضان هشت رکعت نماز اقامه کند، و در هر رکعت یک حمد و سی مرتبه سوره‌ی قدر بخواند، پاداش شاکران به او عطا شود.

﴿۲۵۵۳﴾ هر که در شب دوازدهم ماه مبارک رمضان هشت رکعت نماز بخواند در هر رکعت یک حمد و سه مرتبه قدر، پاداش شاکران به او عطا خواهد شد.

۲-۳۸-۱-۳-۱- در خواست شکر گزاران

﴿۲۵۵۴﴾ و باید درخواست کردن شما از خدا از روی ذلت و خضوع و شکر باشد

۳-۳۸-۱-۳-۱- صبر شکر گزاران

﴿۲۵۵۵﴾ پروردگارا، از تو صبر شکر کنندگان به درگاہت را می‌خواهم.

۴-۳۸-۱-۳-۱- عبادت شکر گزاران

﴿۲۵۵۶﴾ در بیست و هفتم رجب خداوند محمد ﷺ را مبعوث نمود هر که این روز را روزه بگیرد برایش کفاره‌ی شصت سال است و خداوند متعال او را از ابلیس و لشکریانش ننگه می‌دارد و اگر در این روز یا شیش بمیرد شهید مرده است و خداوند روح او را همراه پرندگان سبزرنگ قرار می‌دهد و در بهشت هرجا که بخواهد روانه می‌شود و خداوند از عبادت عابدان و مجاهدان و شاکران سهمی برای او در نظر می‌گیرد.

۵-۳۸-۱-۳-۱- قلب شکر گزاران

﴿۲۵۵۷﴾ هر کس بر خواندن آیه‌الکرسی در عقب نمازهای واجب مداومت نماید، خدای تعالی به او قلب شکر گزاران را عطا می‌فرماید.

۶-۳۸-۱-۳-۱- سوگند به شین شکر

﴿۲۵۵۸﴾ سوگند به حق " شین " شکر.

۹-۳۸-۱-۳-۱- شکر غنیمت است

﴿۲۵۵۹﴾ شکر نعمت غنیمت و نفع محض است.

۱۰-۳۸-۱-۳-۱- شکر جوانمردی است

﴿۲۵۶۰﴾ از جوانمردی پرسیده شد که پس تو چه می‌گویی گفت: اگر به ما نعمتی عطا شود شکر و سپاس می‌گوییم و اگر منع شود و به ما نرسد صبر پیشه می‌سازیم پس گفت: این روش سگ‌های شهرماست اما خود ما این‌گونه هستیم که؛ اگر به ما نعمتی عطا شود، گذشت و ایشار کرده و می‌بخشیم و اگر هم از ما منع شود شکر به‌جای می‌آوریم.

۱۱-۳۸-۱-۳-۱- شکر برتری است

۱-۴۱-۱-۳-۱- عبادتی برتر از شکر نیست

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٥٦١﴾ الصادق عليه السلام: فِي كُلِّ نَفْسٍ مِنْ أَنْفَاسِكَ شُكْرٌ لَازِمٌ لَكَ بَلْ أَلْفٌ وَ أَكْثَرُ وَ أَذْنَى الشُّكْرِ رُؤْيَةُ النُّعْمَةِ مِنَ اللَّهِ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ يَتَعَلَّقُ الْقَلْبُ بِهَا دُونَ اللَّهِ وَ الرِّضَا بِمَا أَعْطَاهُ وَ أَنْ لَا تَعْصِيَهُ بِنِعْمَتِهِ وَ تُخَالِفَهُ بِشَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ بِسَبَبِ نِعْمَتِهِ وَ كُنْ لِلَّهِ عَبْدًا شَاكِرًا عَلَى كُلِّ حَالٍ تَجِدَ اللَّهَ رَبًّا كَرِيمًا عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ لَوْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عِبَادَةٌ تُعْبَدُ بِهَا عِبَادَةُ الْمُخْلِصِينَ أَفْضَلُ مِنَ الشُّكْرِ عَلَى كُلِّ حَالٍ لَا طُلُقَ لَفْظُهُ فِيهِمْ مِنْ جَمِيعِ الْخَلْقِ بِهَا فَلَمَّا لَمْ يَكُنْ أَفْضَلُ مِنْهَا خَصَّهَا مِنْ بَيْنِ الْعِبَادَاتِ وَ خَصَّ أَرْبَابَهَا فَقَالَ وَ قَلِيلٌ مِنَ عِبَادِي الشَّاكِرُونَ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٥٢

١-٣-١-٤١-٢- حال الشُّكْرِ أَفْضَلُ مِنْ حَالِ الصَّبْرِ

﴿٢٥٦٢﴾ الصادق عليه السلام: الْحَالُ الَّتِي تُوجِبُ الشُّكْرَ أَفْضَلُ مِنَ الْحَالِ الَّتِي تُوجِبُ الصَّبْرَ؛

مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ٢٨٧

١-٣-١-٤١-٣- الشُّكْرُ أَفْضَلُ مِنَ النُّعْمَةِ

﴿٢٥٦٣﴾ الكاظم عليه السلام: مَنْ حَمِدَ اللَّهَ عَلَى النُّعْمَةِ فَقَدْ شَكَرَهُ وَ كَانَ الْحَمْدُ أَفْضَلَ مِنْ تِلْكَ

النُّعْمَةِ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٦

﴿٢٥٦٤﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ وَ مَا أَعْطَيْتَنَا مِنْ عَطَاءٍ أَوْ فَضَّلْتَنَا بِهِ مِنْ فَضِيلَةٍ أَوْ أَكْرَمْتَنَا بِهِ مِنْ

كَرَامَةٍ فَأَعْظِنَا مَعَهُ شُكْرًا يَقْهَرُهُ وَ يَذْمُغُهُ؛ تهذيب الأحكام ج: ٣ ص: ٩٣

١-٣-١-٤١-٤- جَزَاءُ الشُّكْرِ أَفْضَلُ مِنْ أَنْ يُعَلِّمَهُ الْمَلَائِكَةُ

﴿٢٥٦٥﴾ الصادق عليه السلام: سَجْدَةُ الشُّكْرِ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ تُتِمُّ بِهَا صَلَاتُكَ وَ تُرْضَى بِهَا رَبِّكَ

وَ تَعْجَبُ الْمَلَائِكَةُ مِنْكَ وَ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا صَلَّى ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ فَفَتَحَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى

الْحِجَابَ بَيْنَ الْعَبْدِ وَ بَيْنَ الْمَلَائِكَةِ فَيَقُولُ يَا مَلَائِكَتِي انْظُرُوا إِلَى عَبْدِي أَدَّى فَرَضِي وَ أَتَمَّ عَهْدِي

ثُمَّ سَجَدَ لِي شُكْرًا عَلَى مَا أَنْعَمْتُ بِهِ عَلَيْهِ مَلَائِكَتِي مَاذَا لَهُ عِنْدِي قَالَ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا

رَحِمْتَكَ ثُمَّ يَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ثُمَّ مَاذَا لَهُ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا جَنَّكَ ثُمَّ يَقُولُ

الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ثُمَّ مَاذَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا كِفَايَةُ مُهِمِّهِ فَيَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى

ثُمَّ مَاذَا قَالَ وَ لَا يَبْقَى شَيْءٌ مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا قَالَتْهُ الْمَلَائِكَةُ فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَا مَلَائِكَتِي ثُمَّ

مَاذَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ رَبَّنَا لَا عِلْمَ لَنَا قَالَ فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَشْكُرُ لَهُ كَمَا شَكَرْتُ لِي وَ أَقْبَلُ

إِلَيْهِ بِفَضْلِي وَ أَرِيهِ وَ جَهِي؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٣٣٣

١-٣-١-٤١-٥- الشَّاكِرُ مِنْ أَفْضَلِ عِبَادِ اللَّهِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۵۶۱﴾ برای هر نفسی شکری بلکه هزار شکر یا بیشتر لازم است. و کمترین درجه‌ی شکر این است که نعمت را فقط از خدا بدانی و اسباب و علت دیگری جز خدا در دل تو جای نداشته باشد؛ برای هر نفسی شکری بلکه هزار شکر یا بیشتر لازم است. و کمترین درجه‌ی شکر این است که نعمت را فقط از خدا بدانی و اسباب و علت دیگری جز خدا در دل تو جای نداشته باشد. و نیز راضی بودن از آنچه خدا به او بخشیده و اینکه با نعمت خدا او را نافرمانی نکند و با امر و نهی او از در مخالفت برنخیزد. برای خدا در همه‌ی حالات بنده‌ی شکرگزار باش تا خدا را پروردگاری سخاوتمند بیایی. و اگر برای خدا عبادتی بهتر از شکر می‌بود که بندگان خالصش، بتوانند در تمام حالات او را با آن پپرستند، خداوند در بین آفریدگان از آن نام می‌برد. ولی چون خداوند در میان عبادات بهتر از آن نیافت که صاحبانش را بر آن ممتاز کند چنین فرمود: "و اندکی از بندگان من سپاسگزارند".

۲-۴۱-۱-۳-۱- حال شکرگزاری برتر از حال صبر است

﴿۲۵۶۲﴾ موقعیتی که موجب شکر شود بسیار نیکوتر و با فضیلت‌تر است از موقعیتی که موجب صبر و شکیبایی شود.

۳-۴۱-۱-۳-۱- شکر نعمت برتر از خود نعمت است

﴿۲۵۶۳﴾ هر کس خداوند را به خاطر نعمتش سپاسگزاری کند؛ او را شکر نموده‌است و این سپاس از آن نعمت (برای او) بهتر است.

﴿۲۵۶۴﴾ پروردگار! (قسم به) آنچه از بخشش‌هایت که به ما عطا کردی و لطف‌هایی که به ما روا داشتی، و یا تکریم‌هایی که از ما کردی پس به ما توفیق شکری بده که با آن بر شیطان چیره شوم و بینی او را به خاک بمالیم.

۴-۴۱-۱-۳-۱- پاداش شکرگزاری بیشتر از آن است که ملائکه می‌دانند

﴿۲۵۶۵﴾ سجده‌ی شکر بر هر مسلمانی واجب است، به گونه‌ای که نمازت را با آن کامل و رضای پروردگارت را حاصل می‌سازی، و فرشتگان آن را از تو می‌پسندند، و بدون شک هرگاه بنده نماز بگزارد و پس از فراغ در پی آن به سجده‌ی شکر رود، پروردگار متعال حجاب از میان او و فرشتگان برگیرد، و به آنان خطاب کند: بنگرید به‌سوی بنده‌ی من که وظیفه‌ی واجب خویش را انجام داده و به پیمان من وفا نموده، و به شکرانه‌ی برخورداری از انعام من برایم به سجده افتاده، اکنون بگویید نزد من پاداش او چه خواهد بود؟ فرشتگان گویند: ای پروردگار ما پاداش او رحمت توست، خداوند متعال فرماید: دیگر چه؟ گویند: خداوند بهشت تو، باز می‌پرسد دیگر چه پاداشی دارد؟ گویند: آنکه گرفتاری‌های او را برطرف سازی، باز خداوند بپرسد: دیگر چه؟ امام علیه السلام فرمود: چیزی باقی نماند مگر آنکه فرشتگان آن را نام برند، باز خداوند تکرار فرماید: دیگر چه؟ آن‌ها گویند: خدایا، ما را فهم آن نیست، آنگاه خداوند متعال گوید: آنکه من از او تشکر نمایم همان‌طور که او مرا شکر نمود، و با فضل خود به او رو کنم، و از دیدار وجه خویش برخوردارش سازم.

۵-۴۱-۱-۳-۱- شکرگزار از برترین بندگان است

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٥٦٦﴾ السَّجَادُ عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْهَجْتَ سَبِيلَ الدَّلَالَةِ عَلَيْكَ بِأَعْلَامِ الْهُدَايَةِ بِمَنِّكَ عَلَى خَلْقِكَ وَاقَمْتَ لَهُمْ مَنَارَ الْقَصْدِ إِلَى طَرِيقِ أَمْرِكَ بِمَعَادِنِ لُطْفِكَ وَتَوَلَّيْتَ أَسْبَابَ الْإِنَابَةِ إِلَيْكَ بِمُسْتَوْضَحَاتٍ مِنْ حُجَجِكَ قُدْرَةً مِنْكَ عَلَى اسْتِخْلَاصِ أَفَاضِلِ عِبَادِكَ وَحَصًّا لَهُمْ عَلَى آدَاءٍ مَضْمُونِ شُكْرِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٧٨

﴿٢٥٦٧﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: الطَّاعِمُ الشَّاكِرُ أَفْضَلُ مِنَ الصَّائِمِ الصَّامِتِ؛ وسائل الشيعة ج: ٢٥ ص: ٢٥٢
١-٣-١-٤١-٦ الشُّكْرُ بِفَضْلِ اللَّهِ

﴿٢٥٦٨﴾ الرِّضَا عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَوْجَبَ الشُّكْرَ عَلَى بَفْضِهِ وَإِنْ كُنْتُ قَلِيلًا شُكْرِي؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٢٨٣

١-٣-١-٤٢ الشُّكْرُ قَوْزُ

﴿٢٥٦٩﴾ يَا مَنْ شُكْرُهُ قَوْزُ لِلشَّاكِرِينَ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٦٢

١-٣-١-٤٣ الشُّكْرُ قُرَّةُ الْعَيْنِ

﴿٢٥٧٠﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلِّمْ لِي دِينِي وَزِدْ فِي أَجَلِي وَأَصِحِّ لِي جِسْمِي وَأَقْرِ بِشُكْرِ نِعْمَتِكَ عَنِّي؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٦١

١-٣-١-٤٤ (القسم)، الْقِسْمُ بِكُلِّ مَا سَأَلَكَ بِهِ شَاكِرٌ

﴿٢٥٧١﴾ سَأَلَكَ بِأَمْرِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَبِاسْمِكَ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَبِكُلِّ مَا سَأَلَكَ بِهِ دَاعٍ شَاكِرٌ وَمُسَبِّحٌ ذَاكِرٌ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٦٩

١-٣-١-٤٥ (القسم)، لَمْ يُقَسِّمْ بَيْنَ الْعِبَادِ أَقْلٌ مِنَ الشُّكْرِ

﴿٢٥٧٢﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: لَمْ يُقَسِّمْ بَيْنَ الْعِبَادِ أَقْلٌ مِنْ خَمْسِ الْيَقِينِ وَالْقُنُوعِ وَالصَّبْرِ وَالشُّكْرِ وَالَّذِي يَكْمُلُ بِهِ هَذَا كُلُّهُ الْعَقْلُ؛ بحار الأنوار ج: ١ ص: ٨٦

١-٣-١-٤٦ (القضاء)، الشُّكْرُ قَضَاءُ الْحَقِّ

﴿٢٥٧٣﴾ مَنْ شَكَرَ الْمَعْرُوفَ فَقَدْ قَضَى حَقَّهُ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٨

١-٣-١-٤٧ (الكثرة)، جَزَاءُ الشُّكْرِ أَكْثَرُ مِنْ...

١-٣-١-٤٧-١ جَزَاءُ الشُّكْرِ أَكْثَرُ مِنْهُ

﴿٢٥٧٤﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: كَفَرُ النِّعْمَةِ دَاعِيَةُ الْمَقْتِ وَمَنْ جَازَاكَ بِالشُّكْرِ فَقَدْ أَعْطَاكَ أَكْثَرَ مِمَّا أَخَذَ مِنْكَ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٨٢

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۵۶۶﴾ خدایا، تو راه هدایت شدن به سوی خودت را به وسیله‌ی نشانه‌های هدایت بر مردم آشکار کرده‌ای و با لطف بی حد خود برای آن‌ها نشانه‌های توجه به امرت را برپا نمودی و با دلایل روشن اسباب توبه‌ی بندگان را به سوی خودت برعهده گرفتی و این به خاطر قدرت تو در برگزیدن برترین بندگان و دادن بهره به آن‌ها در ادای شکرست می‌باشد.

﴿۲۵۶۷﴾ آنکه می‌خورد و سپاسگزار است، برتر از روزه‌دار ناسپاس است.

۱-۳-۱-۴۱-۶ شکرگزاری به فضل خداست

﴿۲۵۶۸﴾ حمد و ستایش مخصوص خدایی است که تشکر و قدردانی از من را بر خود لازم دانسته است، هرچند من بسیار کم شکر او را به جا آوردم.

۱-۳-۱-۴۲ شکرگزاری رستگاری است

﴿۲۵۶۹﴾ ای آن که سپاسگزاری به درگاه تو، پیروزی و اجرای عظیم برای سپاسگزاران و شاکران است.

۱-۳-۱-۴۳ شکرگزاری روشنایی چشم است

﴿۲۵۷۰﴾ پروردگارا، بر محمد و خاندانش درود فرست و دینم را برایم سالم بدار و مدت زندگانی‌ام را طولانی نما و جسمم را تندرست بدار و دیدگانم را به وسیله‌ی شکر نعمت روشن فرما.

۱-۳-۱-۴۴ (سوگند) تو را به آنچه شاکران سوگند داده‌اند سوگند می‌دهم

﴿۲۵۷۱﴾ پروردگارا، از تو به واسطه‌ی حکم تو بر مخلوقات و به آن نامت که بسیار بلندمرتبه و با عظمت است و به تمامی آنچه که به حق آن هر دعا کننده‌ی شکرگزار و هر تسبیح گوی ذکرکننده درخواست می‌کنند درخواست می‌نمایم.

۱-۳-۱-۴۵ (قسمت)، بین بندگان کمتر از شکرگزاری تقسیم نمی‌شود

﴿۲۵۷۲﴾ بین مردم کمتر از پنج چیز تقسیم نشده است و آن‌ها عبارتند از: یقین، قناعت، صبر، شکر، و همه‌ی این‌ها را عقل کامل می‌کند.

۱-۳-۱-۴۶ (اجرا)، شکرگزاری به جای آوردن حق الهی است

﴿۲۵۷۳﴾ هر که لطف و احسانی را شکر کند، حق آن را به جا آورده است.

۱-۳-۱-۴۷ (بسیاری) پاداش شکرگزاری بیشتر است از...

۱-۳-۱-۴۷-۱ پاداش شکرگزاری بیشتر از خود آن شکر است

﴿۲۵۷۴﴾ ناسپاسی نعمت موجب خشم است، هر که نیکی تو را با شکر پاسخ دهد بیش از آنچه دریافت کرده به تو داده است.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

٢-٤٧-١-٣-١ جزاءُ الشُّكْرِ أَكْثَرُ مِمَّا أَضَاعَ الْكَافِرُ
 ﴿٢٥٧٥﴾ لَا يُزْهَدَنَّكَ فِي الْمَعْرُوفِ مَنْ لَا يَشْكُرُهُ لَكَ فَقَدْ يَشْكُرُكَ عَلَيْهِ مَنْ لَا يَسْتَمْتِعُ بِشَيْءٍ مِنْهُ وَقَدْ يَذْكُرُكَ مِنْ شُكْرِ الشَّاكِرِ أَكْثَرُ مِمَّا أَضَاعَ الْكَافِرُ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛ شرح نهج البلاغة ج: ١٩ ص: ٢٤

١-٤٨-١-٣-١ الكرامة، الشُّكْرُ مِنْ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ وَالشَّاكِرُ أَكْرَمُ الْخَلْقِ
 ١-٤٨-١-٣-١ الشَّاكِرُ أَكْرَمُ الْخَلْقِ
 ﴿٢٥٧٦﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): فَمَنْ أَكْرَمُ الْخَلْقِ عَلَى اللَّهِ قَالَ (عليه السلام): مَنْ إِذَا أُعْطِيَ شَكَرَ وَإِذَا ابْتُلِيَ صَبَرَ؛ تحف العقول ص: ٣٦٤

١-٤٨-١-٣-١ الشُّكْرُ مِنْ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ
 ﴿٢٥٧٧﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَصَّ رَسُولَهُ (عليه السلام) بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَامْتَحِنُوا أَنْفُسَكُمْ فَإِنْ كَانَتْ فِيكُمْ فَاحْمَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَارْغَبُوا إِلَيْهِ فِي الزِّيَادَةِ مِنْهَا فَذَكَرَهَا عَشْرَةَ الْيَقِينِ وَالْقَنَاعَةِ وَالصَّبْرِ وَالشُّكْرِ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٣ ص: ٥٥٤
 ﴿٢٥٧٨﴾ الرسول (عليه السلام): أَنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ خَصَّ رَسُولَهُ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَامْتَحِنُوا أَنْفُسَكُمْ فَإِنْ كَانَتْ فِيكُمْ فَاحْمَدُوا اللَّهَ وَإِلَّا فَاسْأَلُوهُ وَارْغَبُوا إِلَيْهِ فِيهَا فَقَالَ وَذَكَرَهَا عَشْرَةَ الْيَقِينِ وَالْقَنَاعَةِ وَالْبَصِيرَةِ وَالشُّكْرِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ١٩١

﴿٢٥٧٩﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَصَّ الْأَنْبِيَاءَ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَمَنْ كَانَتْ فِيهِ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ وَمَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ فَلْيَتَضَرَّعْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلْيَسْأَلْهُ إِيَّاهَا قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَمَا هُنَّ قَالَ هُنَّ الْوَرَعُ وَالْقَنَاعَةُ وَالصَّبْرُ وَالشُّكْرُ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٦

﴿٢٥٨٠﴾ أَنَّهُ قَالَ لِأَنِيهِ يَا بُنَيَّ أَفْتَنَ مِنْ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ خَمْسًا وَارْفُضْ سِتًّا وَاطْلُبْ الْعِزَّ بِسَبْعٍ وَاحْرُصْ عَلَى ثَمَانٍ... فَأَمَّا الْخَمْسُ الْمُقْتَنَاءُ فَخَفِضِ الْجَانِبَ وَبَذِلِ الْمَعْرُوفَ وَإِعْطَاءِ النِّصْفِ مِنْ نَفْسِكَ وَتَجَنَّبِ الْأَذَى وَتَوَقَّى الذِّمَّ وَأَمَّا السِّتَةُ الْمَرْفُوضَةُ فَطَاعَةُ الْهَوَى وَارْتِكَابُ الْبَغْيِ وَسُلُوكُ التَّطَاوُلِ وَقِسَاوَةِ الْقُلُوبِ وَفُظَاظَةِ الْقَوْلِ وَكَثْرَةُ التَّهَاوُنِ وَأَمَّا السَّبْعَةُ الَّتِي يُنَالُ بِهَا الْعِزُّ فَادَاءُ الْأَمَانَةِ وَكِتْمَانُ السِّرِّ وَتَأْلِيفُ الْمُجَانِبِ وَحِفْظُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۲-۴۷-۱-۳-۱- پاداش سپاسگزاری خدا بیش از ناسپاسی کافر است

﴿۲۵۷۵﴾ مبدا ناسپاسی دیگران تو را به احسان کردن بی‌میل کند؛ زیرا کسی از تو قدردانی خواهد کرد که اصلاً از لطف تو بهره‌ای نبرده است، و آنچه از قدردانی این سپاسگزاری (خدا) به دست می‌آوری، بسیار بیشتر است از آنچه آن ناسپاس از حق تو ضایع کرده باشد. و خداوند نیکوکاران را دوست دارد.

۲-۴۸-۱-۳-۱- بزرگواری، شکرگزاری از اخلاق بزرگواران است و شکرگزار بزرگوارترین آفریده است

۱-۴۸-۱-۳-۱- شکرگزار بزرگوارترین مخلوقات است

﴿۲۵۷۶﴾ چه کسی گرامی‌ترین خلق نزد خداست؟ فرمود: کسی که وقتی به او عطا شود شکر کند و اگر گرفتارشود صبر کند.

۲-۴۸-۱-۳-۱- شکر، از اخلاق پسندیده است

﴿۲۵۷۷﴾ همانا خداوند پیامبرش را به مکارم اخلاق اختصاص داد، پس خودتان را بیازمایید، اگر آن‌ها در شما باشد خدا را سپاس گویند و از او بخواهید در شما افزون کند، پس ده تا از آن‌ها را بیان کرد: یقین و قناعت و صبر و شکر...

﴿۲۵۷۸﴾ خداوند پیامبران خود را به مکارم اخلاق مبعوث فرموده است، اینک خود را بیازمایید اگر یکی از آن اخلاق در شما هست خداوند را سپاس گویند در غیر این صورت از او بخواهید تا به شما عطا کند. مکارم اخلاق ده صفت است: از جمله: یقین، قناعت، بصیرت، شکر...

﴿۲۵۷۹﴾ خداوند متعال پیامبران را به مکارم اخلاق اختصاص داده و هرکس دارای آن صفات باشد باید خدا را سپاس گوید و هرکس آن صفات را نداشته باشد باید از خداوند بخواهد که آن صفات را به او عطا فرماید، راوی می‌گوید عرض کردم، قربانت کردم آن صفات را بیان فرمایید، امام علیه السلام فرمودند ورع، قناعت، صبر، شکر و...

﴿۲۵۸۰﴾ ایشان به فرزندشان فرمودند: ای فرزند عزیزم، از نیکی‌های اخلاق پنج چیز را کسب کن و از شش چیز دوری کن؛ به‌وسیله‌ی هفت چیز عزت را طلب کن و بر هشت چیز حریص باش... اما پنج چیزی که باید کسب شود؛ فروتنی و نیکی‌کردن و دیگران را با خود برابر دانستن و اذیت‌نکردن و بدگویی‌نکردن و اما شش چیزی که باید از آن‌ها دوری کرد: اطاعت از هوی و ظلم‌کردن و تکبر و سخت‌دلی و بدزبانی و زیاد تحقیرکردن، اما هفت چیزی که به‌وسیله‌ی آن‌ها به عزت می‌توان رسید: ادای امانت و رازداری و خوش‌برخوردی و نگهداری برادری و گذشت از لغزش‌ها و تلاش در برطرف کردن نیازهای مردم و قبول کردن پوزش و اما هشت چیزی که باید

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

الإِخَاءِ وَإِقَالَةَ الْعَثْرَةِ وَالسَّعْيُ فِي حَوَائِجِ النَّاسِ وَالصَّفْحُ عَنِ الْإِعْتِدَارِ وَأَمَّا الثَّمَانُ الَّتِي يُحْرَصُ عَلَيْهَا فَتَعْظِيمُ أَهْلِ الْفَضْلِ وَسُلُوكُ طُرُقِ الْكَرَمِ وَالْمُوَاسَاةُ بِمِلْكِ الْيَدِ وَحِفْظُ النِّعَمِ بِالشُّكْرِ؛
أعلام الدين ص: ١٥٨

﴿٢٥٨١﴾ الصادق عليه السلام: مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ عَشْرَةٌ الْيَقِينُ وَالْقَنَاعَةُ وَالصَّبْرُ وَالشُّكْرُ وَ...؛ أعلام الدين
ص: ١١٨

٣-٤٨-١-٣-١- الشَّاكِرُ كَرِيمٌ
﴿٢٥٨٢﴾ الباقر عليه السلام: مَنْ صَنَعَ مِثْلَ مَا صُنِعَ إِلَيْهِ فَإِنَّمَا كَافِيَ وَمَنْ أضعِفَ كَانَ شَاكِرًا وَمَنْ شَكَرَ
كَانَ كَرِيمًا وَمَنْ عَلِمَ أَنَّ مَا صُنِعَ إِلَيْهِ إِنَّمَا يُصْنَعُ إِلَى نَفْسِهِ لَمْ يَسْتَبْطِ النَّاسَ فِي شُكْرِهِمْ وَلَمْ
يَسْتَزِدْهُمْ فِي مَوَدَّتِهِمْ؛ بحار الأنوار ج: ٤٨ ص: ٥٠
٣-٤٩-١-٣-١- لَا يَنْبَغِي أَنْ يَغْفَلَ عَنِ الشُّكْرِ

﴿٢٥٨٣﴾ السَّجَاد عليه السلام: نَسَأُكَ يَا وَاسِعَ الْبَرَكَاتِ وَيَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ وَيَا مُنْجِحَ الطَّلِبَاتِ أَنْ
تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَرْزُقَنَا خَوْفًا وَحُزْنًا تَشْغَلُنَا بِهِمَا عَنْ لَذَاتِ الدُّنْيَا وَشَهَوَاتِهَا
وَمَا يَغْتَرِضُ لَنَا فِيهَا عَنِ الْعَمَلِ بِطَاعَتِكَ إِنَّهُ لَا يَنْبَغِي لِمَنْ حَمَلْتَهُ مِنْ نِعَمِكَ مَا حَمَلْتَنَا أَنْ يَغْفَلَ
عَنْ شُكْرِكَ وَأَنْ يَتَشَاغَلَ بِشَيْءٍ غَيْرِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٢٤
٣-٥٠-١-٣-١- (لَهُ لَا عَلَيْهِ)، الشُّكْرُ لِلْمَرْءِ لَا عَلَيْهِ

﴿٢٥٨٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَرْبَعٌ لِلْمَرْءِ لَا عَلَيْهِ الْإِيمَانُ وَالشُّكْرُ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ مَا يَفْعَلُ
اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ وَالْإِسْتِغْفَارُ فَإِنَّهُ قَالَ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا
كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ وَالْدُّعَاءُ فَإِنَّهُ قَالَ تَعَالَى قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْ لَا دُعَاؤُكُمْ؛
بحار الأنوار ج: ٤٨ ص: ٤٩

٣-٥١-١-٣-١- (الْمَرْوَةُ)، الشَّاكِرُ ذُو الْمَرْوَةِ الْكَامِلَةِ
﴿٢٥٨٥﴾ ذُو الْمَرْوَةِ الْكَامِلَةِ مَنْ اجْتَمَعَ فِيهِ سَبْعُ خِصَالٍ إِذَا ذُكِرَ ذَكَرَ وَإِذَا أُعْطِيَ شَكَرَ وَإِذَا
ابْتُلِيَ صَبَرَ وَإِذَا عُصِيَ غَفَرَ وَإِذَا أَحْسَنَ اسْتَبْشَرَ وَإِذَا أَسَاءَ اسْتَغْفَرَ وَإِذَا وَعَدَ أَنْجَزَ وَيَسَّرَ؛
أعلام الدين ص: ١٥٥

٣-٥٢-١-٣-١- (مِثْلُ)، ثَوَابُ الشُّكْرِ مِثْلُ ثَوَابِ
١-٥٢-١-٣-١- الشَّاكِرُ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الْمُتَبَلِّ الصَّابِرِ وَالْمَحْرُومِ الْقَانِعِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

بر آن‌ها حرص داشت: بزرگداشت صاحبان فضل و پیروی از راه‌های کرم و بخشش از دارایی‌ها و اموال خود و حفظ نعمت‌ها با سپاسگزاری و....

﴿۲۵۸۱﴾ مکارم اخلاق بر ده قسمند که از آن جمله هستند؛ یقین، قناعت، صبر و شکر و...

۳-۴۸-۱-۳-۱- شکرگزار، بزرگوار است

﴿۲۵۸۲﴾ هرکس همان‌گونه که به او نیکی شده، نیکی کند همسان با نیکی‌کننده است؛ و هرکه کمتر پاسخ دهد، شکرگزار محسوب می‌شود و هرکه شکر کند، بزرگوار است و هرکه بداند که هر عمل نیکی که انجام می‌دهد به سود خودش است، از مردم توقع نخواهد داشت که از وی تشکر کنند و به خاطر کار نیکی که برایشان انجام داده از آن‌ها طلب محبت بیشتر نمی‌کند.

۴۹-۱-۳-۱- سزاوار نیست که از شکر غفلت شود

﴿۲۵۸۳﴾ ای صاحب برکت‌های فراوان و ای رواکننده و برآورنده‌ی نیازها، از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش علیهم‌السلام درود فرستی و وا همه و اندوهی به ما روزی کن تا به وسیله‌ی آن‌ها به لذات دنیا و هوس‌ها و چیزهایی که ما را از اطاعت تو بازمی‌دارد مشغول نشویم زیرا به هرکه نعمت‌هایی را که به ما داده‌ای داده باشی، شایسته نیست که از شکر غفلت کند و به چیزی غیر از تو مشغول شود.

۵۰-۱-۳-۱- (به سود او و نه زیان او)، شکرگزاری به سود انسان است نه به زیان او

﴿۲۵۸۴﴾ چهار چیز است که به سود انسان و نه به ضرر اوست ۱- ایمان ۲- شکر و سپاس، که خداوند متعال می‌فرماید: خداوند اگر سپاسگزاری کرده و ایمان بیاورید شما را معذب نمی‌کند ۳- استغفار، که خداوند متعال فرموده‌است: خداوند، مادامی که تو در میان آنان هستی هرگز این مردم را مشمول عذاب خویش نمی‌کند و درحالی که آنان استغفار می‌نمایند نیز آنان را عذاب نخواهد کرد ۴- دعا و تضرع، که فرموده: " بگو که اگر دعا نکنید خداوند به شما اعتنایی نخواهد کرد "

۵۱-۱-۳-۱- (جوانمردی)، شکرگزار صاحب نهایت جوانمردی است

﴿۲۵۸۵﴾ مردانگی کامل در هفت خصلت است: چون یادش آرند یادآور شود، چون نعمت به او عطا شود شکر گزارد، و چون بلا دید شکبیا باشد، و چون عصیان و گناه شد، درگذرد، و چون نیکی کرد شاد باشد، و چون بدی کرد آمرزش خواهد و چون وعده داد انجام دهد و وعده‌اش را عملی سازد.

۵۲-۱-۳-۱- (همانند)، ثواب شکر همانند ثواب... است

۱-۵۲-۱-۳-۱- اجر شکرگزار مانند اجر و پاداش گرفتار شکبیا و محروم قانع است.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٥٨٦﴾ الصادق عليه السلام: الطَّاعِمُ الشَّاكِرُ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الصَّائِمِ الْمُحْتَسِبِ وَالْمُعَافِي الشَّاكِرُ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الْمُتَبَلِّ الصَّابِرِ؛ تحف العقول ص: ٣٦٤

﴿٢٥٨٧﴾ الصادق عليه السلام: الْمُعَافِي الشَّاكِرُ لَهُ مِنْ الْأَجْرِ مَا لِلْمُتَبَلِّ الصَّابِرِ وَالْمُعْطَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنْ الْأَجْرِ كَالْمَخْرُومِ الْقَانِعِ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٤

١-٣-١-٥٢-٢ الشَّاكِرُ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الصَّائِمِ الْمُتَسَحَّرِ

﴿٢٥٨٨﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: الطَّاعِمُ الشَّاكِرُ لَهُ مِنْ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الصَّائِمِ الْمُتَسَحَّرِ؛ مستدرک الوسائل ج: ٧ ص: ٣٥٦

١-٣-١-٥٢-٣ الشَّاكِرُ مِثْلُ الصَّابِرِ

﴿٢٥٨٩﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: قُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَنْ الصَّابِرُونَ قَالَ ﷺ الَّذِينَ إِذَا ابْتُلُوا صَبَرُوا وَإِذَا أُعْطُوا شَكَرُوا؛ مكارم الأخلاق ص: ٤٤٦

﴿٢٥٩٠﴾ مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْهِ فَشَكَرَ كَمَنْ ابْتُلِيَ فَصَبَرَ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٨

١-٣-١-٥٢-٤ أَدَاءُ الشُّكْرِ كِعِبَادَةِ سِتِّينَ سَنَةً

﴿٢٥٩١﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ اشْتَكَى لَيْلَةً فَقَبِلَهَا بِقَبُولِهَا وَآدَى إِلَى اللَّهِ شُكْرَهَا كَانَتْ كِعِبَادَةِ سِتِّينَ سَنَةً؛ الكافي ج: ٣ ص: ١١٦

١-٣-١-٥٣ (الْمَنَّةُ)، الشُّكْرُ مِنْ مَنِ اللَّهِ

﴿٢٥٩٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَلَّمَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ بِوَأَجِبَ شُكْرِي نِعْمَتَكَ؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ١١٠

١-٣-١-٥٤ (الْمَالُ)، الشُّكْرُ مَالُ

﴿٢٥٩٣﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: لَمَّا نَزَلَ قَوْلُهُ تَعَالَى وَالَّذِينَ يَكْنُزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ الْآيَةَ قَالَ تَبًّا لِلذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ قَالَهَا ثَلَاثًا فَقَالُوا أَيْ الْمَالِ نَتَّخِذُ فَقَالَ لِسَانًا شَاكِرًا وَقَلْبًا خَاشِعًا وَزَوْجَةً تُعِينُ أَحَدَكُمْ

عَلَى دِينِهِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٤ ص: ١٧١

١-٣-١-٥٥ (النَّبُوَّةُ)، الشُّكْرُ مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَقْرَانِهِمْ فِي الْجَنَّةِ

١-٣-١-٥٥-١ الشُّكْرُ مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۵۸۶﴾ . اجر آن که غذا می‌خورد و شکر می‌کند، چون کسی است که روزه گیرد و اجر طلبد، و پاداش تندرست شاکر همانند گرفتار صابر است.

﴿۲۵۸۷﴾ شخصی که صحیح و سالم باشد و شکرگزار، مانند شخص مریض شکیبا، اجر و پاداش دارد و ثروتمند سپاسگزار در اجر و پاداش همانند مستمند قانع است.

۲-۵۲-۱-۳-۱- اجر شکرگزار مثل اجر روزه دار سحرخیز است

﴿۲۵۸۸﴾ پاداش آنکه می‌خورد و شکر می‌کند همانند پاداش روزه‌دار سحرخیز است.

۳-۵۲-۱-۳-۱- شکرگزار مانند شکیباست

﴿۲۵۸۹﴾ گفتیم: ای پیامبر خدا، صابر به چه کسانی گفته می‌شود؟ فرمود... آنان که به هنگام گرفتاری شکیبایی می‌ورزند و هنگامی که نعمتی به ایشان عطا می‌شود شکر و سپاس به جا می‌آورند.

﴿۲۵۹۰﴾ به هر کس که نعمت عطا شود و او شکر کند اجراو مثل کسی است که به بلایی مبتلا شود به و در برابر آن صبر کند.

۴-۵۲-۱-۳-۱- به جای آوردن شکر، مانند عبادت شصت ساله است

﴿۲۵۹۱﴾ هر کس شبی دچار بیماری شود و آن را به درستی قبول کند و شکر خدا را به جای آورد گویا شصت سال عبادت انجام داده است.

۳-۵۳-۱-۳-۱- (نعمت)، شکرگزاری از نعمت‌های الهی است

﴿۲۵۹۲﴾ از تو به حق آن نامت که بلندمرتبه است درخواست می‌کنم، که با ادا نمودن شکرواجب نعمت بر من منت گذاری.

۴-۵۴-۱-۳-۱- (مال)، شکر ثروت است

﴿۲۵۹۳﴾ آنگاه که این کلام خداوند متعال نازل شد: "و کسانی که زر و سیم می‌اندوزند تا انتهای آیه " فرمود: " نابود باد زر و سیم " و این را سه بار فرمود. مردم گفتند: پس کدام مال را برگیریم؟ فرمودند: زبانی شاکر و قلبی خاشع و همسری که شما را بر دین خدا، یاری نماید.

۵۵-۱-۳-۱- (پیامبری)، شکرگزاری از اخلاق پیامبران و همنشینان آنان در بهشت است

۱-۵۵-۱-۳-۱- شکرگزاری از اخلاق پیامبران است

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٥٩٤﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَصَّ الْأَنْبِيَاءَ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَمَنْ كَانَتْ فِيهِ فَلَاحِدٍ اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ وَمَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ فَلْيَتَضَرَّعْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلْيَسْأَلْهُ إِيَّاهَا قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَمَا هُنَّ الْقُرْعُ وَالْقَنَاعَةُ وَالصَّبْرُ وَالشُّكْرُ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٦

١-٣-٥٥-٢- الشُّكْرُ مِنْ أَخْلَاقِ قَرَيْنِ دَاوُدَ النَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

﴿٢٥٩٥﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ دَاوُدَ النَّبِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَا رَبِّ أَخْبِرْنِي بِقَرِينِي فِي الْجَنَّةِ وَنَظِيرِي فِي مَنَازِلِي فَأَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَيْهِ أَنْ ذَلِكَ مَتَى أَبَا يُونُسَ قَالَ فَاسْتَأْذَنَ اللَّهُ فِي زِيَارَتِهِ فَأَذِنَ لَهُ فَخَرَجَ هُوَ وَسُلَيْمَانُ ابْنُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: حَتَّى أَتَيَا مَوْضِعَهُ فَإِذَا هُمَا بَيْتٌ مِنْ سَعَفٍ فَقِيلَ لَهُمَا هُوَ فِي السُّوقِ فَسَالَا عَنْهُ فَقِيلَ لَهُمَا اطْلُبَاهُ فِي الْحَطَّائِينَ فَسَالَا عَنْهُ فَقَالَ لَهُمَا جَمَاعَةٌ مِنَ النَّاسِ نَحْنُ نَنْتَظِرُهُ الْآنَ يَجِيءُ فَجَلَسَا يَنْتَظِرَانِهِ إِذَا أَقْبَلَ وَ عَلَى رَأْسِهِ وَفُرْ مِنْ حَطَبٍ فَقَامَ إِلَيْهِ النَّاسُ فَأَلْقَى عَنْهُ الْحَطَبَ وَحَمِدَ اللَّهَ وَقَالَ مَنْ يَشْتَرِي طَبِيبًا فَسَاوَمَهُ وَاحِدٌ وَزَادَهُ آخَرَ حَتَّى بَاعَهُ مِنْ بَعْضِهِمْ قَالَ فَسَلِمَا عَلَيْهِ فَقَالَ انْطَلِقَا بِنَا إِلَى الْمَنْزِلِ وَاشْتَرِ طَعَامًا بِمَا كَانَ مَعَهُ ثُمَّ طَحَنَهُ وَعَجَنَهُ فِي نَقِيرٍ لَهُ ثُمَّ أَجَّجَ نَارًا وَأَوْقَدَهَا ثُمَّ جَعَلَ الْعَجِينَ فِي تِلْكَ النَّارِ وَجَلَسَ مَعَهُمَا يَتَحَدَّثُ ثُمَّ قَامَ وَقَدْ نَضِجَتْ خُبِيزَتُهُ فَوَضَعَهَا فِي النَّقِيرِ وَفَلَقَهَا وَذَرَّ عَلَيْهَا مِلْحًا وَوَضَعَ إِلَى جَنْبِهِ مِطْهَرَةً مَلَأَ [مِلْتًا] مَاءً وَجَلَسَ عَلَى رُكْبَتَيْهِ وَأَخَذَ لُقْمَةً فَلَمَّا رَفَعَهَا إِلَى فِيهِ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ فَلَمَّا أَرْدَدَهَا قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ ثُمَّ فَعَلَ ذَلِكَ بِأُخْرَى وَأُخْرَى ثُمَّ أَخَذَ الْمَاءَ فَشَرِبَ مِنْهُ فَذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ فَلَمَّا وَضَعَهُ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ يَا رَبِّ مَنْ ذَا الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَأَوْلَيْتَهُ مِثْلَ مَا أَوْلَيْتَنِي قَدْ صَحَحْتَ بَصْرِي وَ سَمِعِي وَبَدَنِي وَ قَوَّيْتَنِي حَتَّى ذَهَبْتُ إِلَى الشَّجَرِ لَمْ أَغْرُسْهُ وَلَمْ أَهْتَمَّ لِحِفْظِهِ جَعَلْتَهُ لِي رِزْقًا وَ سُقْتُ إِلَيَّ مَنْ اشْتَرَاهُ مِنِّي فَاشْتَرَيْتُ بِثَمَنِهِ طَعَامًا لَمْ أَرْزَعْهُ وَ سَخَرْتَ لِي النَّارَ فَأَنْضَجْتَهُ وَ جَعَلْتَنِي أَكُلُهُ بِشَهْوَةٍ أَقْوَى بِهِ عَلَى طَاعَتِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ قَالَ ثُمَّ بَكَى قَالَ دَاوُدُ يَا بُنَيَّ قُمْ فَانْصَرِفْ بِنَا فَإِنِّي لَمْ أَرْ عَبْدًا قَطُّ أَشْكُرُ لِلَّهِ مِنْ هَذَا؛ بحار الأنوار ج: ١٤ ص: ٤٠٢

١-٣-٥٦- (النَّفْعُ)، أَذْنَى نَفْعِ الشُّكْرِ الزِّيَادَةُ

﴿٢٥٩٦﴾ إِيْتَنِمُوا الشُّكْرَ فَأَذْنَى نَفْعِهِ الزِّيَادَةُ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٩

١-٣-٥٧- (الهِدَايَةُ)، الشَّاكِرُ مِنَ الْمُهْتَدِينَ

﴿٢٥٩٧﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: مَنْ أَتْبَلَى فَصَبَرَ وَ أُعْطِيَ فَشَكَرَ وَ ظَلَمَ فَغَفَرَ وَ ظَلَمَ فَاسْتَغْفَرَ قَالُوا مَا بَالُهُ قَالَ أَوْلَيْكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ؛ بحار الأنوار ج: ٤٤ ص: ٢٣٦

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۵۹۴﴾ خداوند متعال پیامبران را به مکارم اخلاق اختصاص داده و هرکس دارای آن صفات باشد باید خدا را سپاس گوید و هرکس آن صفات را نداشته باشد باید از خداوند بخواهد که آن صفات را به او عطا فرماید، راوی می گوید عرض کردم، قربانت کردم آن صفات را بیان فرمایید، امام علیه السلام فرمودند ورع، قناعت، صبر، شکر و...

۲-۵۵-۱-۳-۱- شکرگزاری از همنشین داود نبی علیه السلام است

﴿۲۵۹۵﴾ حضرت داود علیه السلام به درگاه الهی عرض نمود: پروردگارا، همنشین من در بهشت را که از نظر درجه و منزلت مانند من است به من نشان بده، خداوند به او وحی کرد: او متی پدر یونس است، داود گفت: به من اجازه بده او را ملاقات کنم، و خداوند به او اجازه داد، سپس داود با پسرش سلیمان به راه افتادند تا به مکانی رسیدند که در آنجا خانه‌ای ساخته شده از شاخه و برگ درخت خرما وجود داشت، در آنجا سراغ متی را گرفتند، گفتند: او در بازار است، سرانجام او را در بازار هیزم‌فروشان درحالی که پشته‌ای هیزم بر پشت داشت یافتند، درحالی که جماعتی از مردم منتظر او بودند، او هیزم را بر زمین نهاد و شکر الهی را به جای آورد و گفت: چه کسی کالای نیکوی مرا با کالای نیکوی دیگر معاوضه می‌کند؟ سرانجام هیزم‌ها را فروخت و به جای آن مقداری گندم تهیه کرد، آنگاه داود و سلیمان نزد او آمدند و بر او سلام کردند، متی پاسخ آن‌ها را داد و آن‌ها را به منزل خود دعوت کرد و طعامی خرید و آتش برافروخت و طعام را روی آن قرار داد و همراه آن دو مشغول صحبت شد، و هنگام غذاخوردن در شروع هر لقمه "بسم الله" می‌گفت و بعد از خوردن آن "الحمد لله" بر زبان می‌آورد، بعد از اتمام غذا گفت: پروردگارا، کیست که به او به اندازه‌ی من نعمت داده باشی؟ چشمم را بینا کردی و گوشم را شنوا قرار دادی و بدنم را سلامتی و توان بخشیدی و خار و شاخه‌ی درختان را وسیله‌ی تأمین رزق من قرار دادی و کسانی را فرمان دادی که آن هیزم را از من خریداری کنند تا با پول آن طعامی را تهیه کردم که خودم آن را نکشتم و آتش را مسخر من گردانیدی تا آن طعام را پیزم و به من اشتهایی دادی تا آن را با یاد و شکر تو تناول کنم و بدنم بر طاعت و عبادت قوت گیرد، پس حمد و سپاس شایسته‌ی توست و آنگاه گریست، سپس داود به سلیمان گفت: پسر، برخیز تا برویم من تا امروز بنده‌ای که تا این حد شاکر باشد ندیده بودم.

۵۶-۱-۳-۱- (سود) کمترین نفع و بهره شکرگزاری، زیاد شدن نعمت است

﴿۲۵۹۶﴾ شکر را غنیمت بدانید که، کمترین فایده‌ی آن زیاد شدن نعمت است.

۵۷-۱-۳-۱- (هدایت) شکرگزار از هدایت‌شدگان است

﴿۲۵۹۷﴾ هر که بلا دید و صبر کرد، نعمت یافت و شکر کرد، مورد ستم واقع شد و گذشت کرد، ستم کرد و آمرزش خواست، گفتند با او چه معامله‌ای شود؟ فرمود: آنانند که آسوده‌اند و رمیافته.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١-٣-١-٥٨- (التَّقْوَى)، الشُّكْرُ مِنْ عِلَامَاتِ الْمُتَّقِينَ

﴿٢٥٩٨﴾ الصادق عليه السلام: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ قَالَ

يُطَاعُ فَلَا يُعْصَى وَ يُذَكَّرُ فَلَا يُنْسَى وَ يُشْكَرُ فَلَا يُكْفَرُ؛ تحف العقول ص: ٣٦٢

﴿٢٥٩٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: سَأَلْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ قَالَ وَ اللَّهُ مَا عَمِلَ بِهَذَا غَيْرُ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ نَحْنُ ذَكَرْنَا اللَّهَ فَلَا نَنْسَاهُ وَ

نَحْنُ شُكْرُنَاهُ فَلَا نَكْفُرُهُ؛ المناقب ج: ٢ ص: ١٧٧

﴿٢٦٠٠﴾ يَا عِبَادَ اللَّهِ إِنْ اتَّقَيْتُمُ اللَّهَ وَ حَفِظْتُمْ نَبِيَّكُمْ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ فَقَدْ عَبْدْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا عَبْدَ وَ

ذَكَرْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا ذَكَرَ وَ شَكَرْتُمُوهُ بِأَفْضَلِ مَا شَكَرَ وَ أَخَذْتُمْ بِأَفْضَلِ الصَّبْرِ وَ الشُّكْرِ وَ

اجْتَهَدْتُمْ أَفْضَلَ الْجَاهِدِ وَ إِنْ كَانَ غَيْرُكُمْ أَطْوَلَ مِنْكُمْ صَلَاةً وَ أَكْثَرَ مِنْكُمْ صِيَامًا فَانْتُمْ أَتَقَى لِلَّهِ

مِنْهُ وَ أَنْصَحَ لِأَوْلَى الْأَمْرِ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٦ ص: ٦٧

﴿٢٦٠١﴾ الْمُتَّقَى مِثَّةُ شَهْوَتِهِ مَكْظُومٌ غَيْظُهُ فِي الرَّخَاءِ شُكُورٌ وَ فِي الْمَكَارِهِ صَبُورٌ؛ غرر الحكم

ص: ٢٧٣

﴿٢٦٠٢﴾ فَالْمُتَّقُونَ فِيهَا هُمْ أَهْلُ الْفَضَائِلِ... فِي الْمَكَارِهِ صَبُورٌ وَ فِي الرَّخَاءِ شُكُورٌ؛ نهج البلاغة

ص: ٣٠٣

١-٣-١-٥٩- (الْوَلَايَةُ)، إِنْ أَوْلِيََاءَ اللَّهِ لَأَدُومَ النَّاسُ لَهُ شُكْرًا

١-٣-١-٥٩-١- إِنْ أَوْلِيََاءَ اللَّهِ لَأَدُومَ النَّاسُ لَهُ شُكْرًا

﴿٢٦٠٣﴾ إِنْ أَوْلِيََاءَ اللَّهِ لَأَكْثَرَ النَّاسِ لَهُ ذِكْرًا وَ أَدُومُهُمْ لَهُ شُكْرًا وَ أَعْظَمُهُمْ عَلَى بَلَاءِهِ صَبْرًا؛

غرر الحكم ص: ١٨٨

١-٣-١-٦٠- (الْيَاقُوتُ)، بَابُ الشُّكْرِ مِنْ يَاقُوتَةَ بَيْضَاءَ

﴿٢٦٠٤﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: وَ أَمَّا بَابُ الشُّكْرِ فَإِنَّهُ مِنْ يَاقُوتَةَ بَيْضَاءَ لَهَا مِصْرَاعَانِ مَسِيرَةٌ مَا بَيْنَهُمَا

مَسِيرَةٌ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ لَهُ ضَجِيجٌ وَ حَنِينٌ يَقُولُ اللَّهُمَّ جَنِّبِ بَاهِلِي قَالَ قُلْتُ هَلْ يَتَكَلَّمُ الْبَابُ قَالَ

نَعَمْ يُنْطِقُهُ اللَّهُ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٢٩٥

١-٣-١-٦١- (الْيَقِينُ)، الشُّكْرُ سِلَاحُ الْمُوقِنِ

﴿٢٦٠٥﴾ سِلَاحُ الْمُوقِنِ الصَّبْرُ عَلَى الْبَلَاءِ وَ الشُّكْرُ فِي الرَّخَاءِ؛ غرر الحكم ص: ٢٨٢

١-٣-٢- الشُّكْرُ غَايَةُ لِلْخَلْقِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۵۸-۱-۳-۱- (تقوی)، شکر، از نشانه‌های پرهیزگاران است

﴿۲۵۹۸﴾ از امام صادق علیه السلام در مورد آیه‌ی شریفه: "آن گونه که حق تقوا و پرهیزکاری است، از خدا بپرهیزید" فرمود: یعنی همواره مطیع اوامر الهی بودن و هرگز گناه نکردن، پیوسته به یاد خدا بودن و هیچ‌گاه او را فراموش نکردن، همه‌ی نعمت‌های خدای را سپاسگزار بودن و هرگز ناسپاسی نکردن.

﴿۲۵۹۹﴾ سؤال کردم از حضرت علی بن ابی‌طالب علیه السلام درباره‌ی کلام خدای تعالی که فرموده است: ای کسانی که ایمان آوردید تقوا پیشه کنید آن‌چنان که حق تقوا و پرهیزکاری است. حضرت فرمود: به خدا سوگند جز اهل بیت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله عمل نکرد کسی به این آیه، ما یاد کردیم و ذکر الهی داشتیم و هرگز دچار غفلت و فراموشی نشدیم، و همچنین ما شکر و سپاس خدای تعالی را به جای آوردیم و کفران نورزیدیم.

﴿۲۶۰۰﴾ بندگان خدا، اگر پروای الهی پیش گیرید، و حق پیامبران را درباره‌ی خاندانش محفوظ دارید، هرآینه خدا را به بهترین وجه پرستش نموده‌اید، و به بهترین صورت یاد کرده، و به نیکوترین روش سپاس گفته، و به بالاترین درجات صبر و شکر دست یافته‌اید، و به برترین درجه‌ی تلاش، سعی و کوشش نموده‌اید، هرچند که دیگران نمازشان از شما طولانی‌تر، و روزه‌داری‌شان از شما بیشتر باشد، زیرا که شما از آنان پرهیزکارتر، و نسبت به اولی الامر و امامان خود، خیرخواه‌ترید.

﴿۲۶۰۱﴾ پرهیزکار کسی است که؛ شهوات (حیوانی‌اش) مرده است، غیظ و غضبش کنترل شده و فروخورده شده است و در دوران فراوانی نعمت بسیار شکرگزار است و در ناخوشی‌ها بسیار صبرکننده و شکیباست.

﴿۲۶۰۲﴾ پرهیزگاران، صاحبان فضیلتند... در ناگواری‌ها بردبار و در خوشی‌ها سپاسگزارند.

۵۹-۱-۳-۱- (ولایت)، اولیای خدا پایدارترین مردم در شکرگزاری‌اند

۵۹-۱-۳-۱- اولیای خدا پایدارترین مردم در شکرگزاری‌اند

﴿۲۶۰۳﴾ به‌درستی که دوستان خدا ذکر و یادشان از خداوند بیشترین، شکرشان پردوام‌ترین و صبرشان بر بلا بزرگ‌ترین است.

۶۰-۱-۳-۱- (یاقوت)، باب شکر از یاقوت سفید رنگ است

﴿۲۶۰۴﴾ اما دروازه‌ی شکر از یاقوت سفید است، دو لنگه دارد و میان آن‌ها پانصدسال راه است و غوغا و ناله‌ای دارد و چنین می‌گوید: خدایا، اهل مرا برابیم بیاور، گفتم: مگر دروازه هم می‌تواند سخن بگوید؟ فرمود: آری خدای صاحب جلالت او را به سخن می‌آورد.

۶۱-۱-۳-۱- (یقین)، شکر، سلاح صاحب یقین است

﴿۲۶۰۵﴾ سلاح صاحب یقین صبر بر بلاست و شکر در وسعت و فراخی.

۲-۱-۳- شکر هدف خلقت است

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١-٣-٢-١- إِبْتِلَانًا لِيَعْلَمَ أَوْ لِيُبْلُو كَيْفَ شُكْرُنَا، (الإِبْتِلَاءُ وَالْإِمْتِحَانُ لِلشُّكْرِ)

﴿٢٦٠٦﴾ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ؛ النمل: الآية ٤٠

﴿٢٦٠٧﴾ الباقِر الطَّلَبَةُ: قَوْلُ سُلَيْمَانَ لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ؛ تفسیر القمی ج: ٢ ص: ١٢٩

﴿٢٦٠٨﴾ الصادق الطَّلَبَةُ: فَبِمَاذَا اسْتَحَقَّ الَّذِينَ أَغْنَاهُمْ وَأَوْسَعَ عَلَيْهِمْ مِنْ رِزْقِهِ الْغِنَى وَالسَّعَةَ وَبِمَاذَا اسْتَحَقَّ الْفُقَرَاءُ التَّقْتِيرَ وَالضَّيْقَ قَالَ اخْتَبَرَ الْأَغْنِيَاءَ بِمَا أَعْطَاهُمْ لِيَنْظُرَ كَيْفَ شُكْرُهُمْ وَالْفُقَرَاءَ إِنَّمَا مَنَعَهُمْ لِيَنْظُرَ كَيْفَ صَبْرُهُمْ؛ بحار الأنوار ج: ١٠ ص: ١٧٠

﴿٢٦٠٩﴾ الباقِر الطَّلَبَةُ: إِنَّمَا خَلَقْتُكَ وَخَلَقْتَهُمْ لِأَبْلُوكَ وَأَبْلُوهُمْ أَتَيْكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا فِي دَارِ الدُّنْيَا فِي حَيَاتِكُمْ وَقَبْلَ مَمَاتِكُمْ فَلِذَلِكَ خَلَقْتُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ وَالْحَيَاةَ وَالْمَوْتَ وَالطَّاعَةَ وَالْأَمْعِيَّةَ وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ وَكَذَلِكَ أَرَدْتُ فِي تَقْدِيرِي وَتَدْبِيرِي وَبِعِلْمِي النَّافِذِ فِيهِمْ خَالَفْتُ بَيْنَ صُورِهِمْ وَأَجْسَامِهِمْ وَأَلْوَانِهِمْ وَأَعْمَارِهِمْ وَأَرْزَاقِهِمْ وَطَاعَتِهِمْ وَمَعْصِيَتِهِمْ فَجَعَلْتُ مِنْهُمْ الشَّقِيَّ وَالسَّعِيدَ وَالْبَصِيرَ وَالْأَعْمَى وَالْقَصِيرَ وَالطَّوِيلَ وَالْجَمِيلَ وَالْدَمِيمَ وَالْعَالِمَ وَالْجَاهِلَ وَالْغَنَى وَالْفَقِيرَ وَالْمُطِيعَ وَالْعَاصِيَ وَالصَّحِيحَ وَالسَّقِيمَ وَمَنْ بِهِ الزَّمَانَةُ وَمَنْ لَا عَاهَةَ بِهِ فَيَنْظُرُ الصَّحِيحُ إِلَى الَّذِي بِهِ الْعَاهَةُ فَيَحْمَدُنِي عَلَى عَافِيَتِهِ وَيَنْظُرُ الَّذِي بِهِ الْعَاهَةُ إِلَى الصَّحِيحِ فَيَدْعُونِي وَيَسْأَلُنِي أَنْ أُعَافِيَهُ وَيَصْبِرُ عَلَى بَلَاءِي فَاتَّبِعُهُ جَزِيلَ عَطَائِي وَيَنْظُرُ الْغَنَى إِلَى الْفَقِيرِ فَيَحْمَدُنِي وَيَشْكُرُنِي وَيَنْظُرُ الْفَقِيرُ إِلَى الْغَنَى فَيَدْعُونِي وَيَسْأَلُنِي وَيَنْظُرُ الْمُؤْمِنُ إِلَى الْكَافِرِ فَيَحْمَدُنِي عَلَى مَا هَدَيْتُهُ فَلِذَلِكَ خَلَقْتَهُمْ لِأَبْلُوهُمْ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَفِيمَا أَعَافَيْهِمْ وَفِيمَا أَتَّبَلَيْهِمْ وَفِيمَا أَعْطَيْهِمْ وَفِيمَا أَمْنَعُهُمْ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٨

﴿٢٦١٠﴾ العسكري الطَّلَبَةُ: وَلَرَبَّمَا تَرَكَ بَعْضُ شِيعَتِنَا فِي افْتِتَاحِ أَمْرِهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَيَمْتَحِنُهُ اللَّهُ بِمَكْرُوهِ لِيُنَبِّهَ عَلَى شُكْرِ اللَّهِ وَالثَّنَاءِ عَلَيْهِ وَيُحَقِّقَ وَصَمَةً تَقْصِيرِهِ عِنْدَ تَرْكِهِ قَوْلَ بِسْمِ اللَّهِ؛ وسائل الشيعة ج: ٧ ص: ١٦٩

﴿٢٦١١﴾ الرسول ﷺ: بَيْنَا أَنَا جَالِسٌ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِذَا قَصَدَ لَهُ رَجُلٌ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ الْمَمْلُوكُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ابْتُلَى بِكَ وَبُلِيتَ بِهِ لِيَنْظُرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ كَيْفَ تَشْكُرُ وَيَنْظُرَ كَيْفَ يَصْبِرُ؛ بحار الأنوار ج: ٦ ص: ١١٣

﴿٢٦١٢﴾ الصادق الطَّلَبَةُ: لِيُبْلُوَ فِيهِمَا صَبْرَكَ وَشُكْرَكَ؛ تحف العقول ص: ٣٠٣

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۱-۳-۲-۱- ما را می‌آزماید که بداند شکر ما چگونه است، آزمایش و امتحان برای شکرگزاری

﴿۲۶۰۶﴾ سلیمان گفت: " این از فضل پروردگار من است، تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را به‌جا می‌آورم یا کفران می‌کنم."

﴿۲۶۰۷﴾ کلام سلیمان: " خواست مرا امتحان کند که آیا شکر می‌کنم؟"

﴿۲۶۰۸﴾ چه چیز موجب شده که گروهی فقیر و تنگدست باشند؟ فرمود: ثروتمندان را با ثروتی که به آن‌ها می‌دهد آزمایش می‌کند تا ببیند چگونه شکر می‌کنند و فقیران را می‌آزماید تا ببیند چگونه شکیبایی می‌ورزند.

﴿۲۶۰۹﴾ من تو را و فرزندان را خلق کردم تا آن‌ها را بیازمایم و معلوم گردد کدام‌یک از شما در زندگی بهتر کار می‌کنید و به همین جهت نیز دنیا و آخرت را آفریدم و مرگ و زندگی را خلق نمودم و طاعت و معصیت را پدید آوردم و بهشت و دوزخ را ایجاد نمودم. و این چنین اراده کردم و برای آن‌ها تقدیر و سرنوشت قرار دادم، و با علمی که از حالات آن‌ها داشتم صورت‌ها و بدن‌ها و رنگ‌های آنان را مختلف قرار دادم و مدت زندگی و روزی آن‌ها و درجه فرمان برداری و نافرمانی‌شان در دنیا را متفاوت کردم، و دسته‌ای از آن‌ها بدبخت و جمعی خوشبخت می‌شوند، بعضی بی‌نا و گروهی کور هستند، عده‌ای کوتاه و دسته‌ای بلند قامت می‌باشند، پاره‌ای از مردم زیبا و دسته‌ای زشت آفریده شده‌اند، گروهی دانشمند و گروهی جاهل هستند، بعضی ثروتمند و بعضی دیگر فقیر و تهیدست می‌باشند. گروهی از آن‌ها فرمان‌بردار و جماعتی نافرمان هستند، دسته‌ای سالم و تندرست و دسته‌ای بیمار و ناتوان می‌باشند. آن‌کس که تندرست می‌باشد و به بیمار نگاه می‌کند مرا سپاس می‌گوید که بدنش سالم و تندرست می‌باشد. آن‌کس که بیمار و ناتوان است به سالم نگاه می‌کند و از من درخواست می‌کند تا او را عافیت دهم و او در برابر مصیبت صبر می‌کند و من هم به او پاداش می‌دهم، دارا به فقیر نگاه می‌کند و مرا شکر می‌کند، فقیر به غنی می‌نگرد، مرا می‌خواند، مؤمن به کافر نگاه می‌کند و از اینکه هدایت شده است مرا سپاس می‌گوید، من برای این آنان را مختلف کردم تا در گرفتاری‌ها و مشکلات آنان را بیازمایم، و افراد گرفتار و یا آن‌ها که در آسایش و رفاه هستند از هم تمیز داده شوند.

﴿۲۶۱۰﴾ چه‌بسا بعضی از شیعیان ما در ابتدای کار خویش " بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ " را ترک کند و خدای عزیز و جلیل او را به مکروه و ناخوشی مبتلا می‌کند تا او را بر شکر خدای تبارک و تعالی و ثنای او تحریک کند و عیب و تقصیری را که از ترک بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ نصیب او شده است از او بکاهد و از بین ببرد.

﴿۲۶۱۱﴾ نزد پیامبر خدا ﷺ نشسته بودم که مردی نزد آن حضرت آمد و گفت: ای پیامبر خدا، وای از مملوک، آن حضرت به او فرمود: او به تو گرفتار شده و تو نیز گرفتار اوئی، تا خدا ببیند، تو چگونه شکر می‌گزاری و او چگونه شکیبایی می‌ورزد؟

﴿۲۶۱۲﴾ خواست با آن دو میزان شکر و صبر تو را بیازماید.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٦١٣﴾ الصادق عليه السلام: قَدْ عَجَزَ مَنْ لَمْ يَعُدَّ لِكُلِّ بَلَاءٍ صَبْرًا وَ لِكُلِّ نِعْمَةٍ شُكْرًا وَ لِكُلِّ عُسْرٍ يُسْرًا
اصْبِرْ نَفْسَكَ عِنْدَ كُلِّ بَلِيَّةٍ وَ رَزِيَّةٍ فِي وَلَدٍ أَوْ فِي مَالٍ فَإِنَّ اللَّهَ إِنَّمَا يَقْبِضُ عَارِيَّتَهُ وَ هِبَتَهُ لِيُبْلُوَ
شُكْرَكَ وَ صَبْرَكَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٢ ص: ٤٢٣

﴿٢٦١٤﴾ الصادق عليه السلام: وَ اعْلَمْ أَنَّ الْخَلْقَ بَيْنَ فِتْنٍ وَ مِحْنٍ فِي الدُّنْيَا إِمَّا مُبْتَلَىٰ بِالنَّعْمَةِ لِيُظْهَرَ
شُكْرُهُ وَ إِمَّا مُبْتَلَىٰ بِالشَّدَةِ لِيُظْهَرَ صَبْرُهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ٢٥
﴿٢٦١٥﴾ وَ قَدَّرَ الْأَرْزَاقَ فَكَثَّرَهَا وَ قَلَّلَهَا وَ قَسَمَهَا عَلَى الضِّيقِ وَ السَّعَةِ فَعَدَلَ فِيهَا لِيُبْتَلَىٰ مَنْ أَرَادَ
بِمُسْوَرِّهَا وَ مَعْسُورِهَا وَ لِيُخْتَبَرَ بِذَلِكَ الشُّكْرُ وَ الصَّبْرُ مِنْ غَنِيِّهَا وَ فَقِيرِهَا؛ شرح نهج البلاغة ج: ٧
ص: ٢١

٢-٣-١- أَحْيَانًا لِشُكْرِهِ، تَمَنَّى الْحَيَاةَ لِلشُّكْرِ

﴿٢٦١٦﴾ الرضا عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانًا بَعْدَ مَمَاتِنَا وَ إِلَيْهِ النُّشُورُ لِأَعْبَدِهِ وَ أَحَمَدُهُ وَ
أَشْكُرُهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ٤ ص: ١٤٦

﴿٢٦١٧﴾ أَنَّ سَبَبَ رُفْعِ إِدْرِيسَ إِلَى السَّمَاءِ أَنَّ مَلَكًا بَشَرَهُ بِالْقَبُولِ وَ الْمَغْفِرَةِ فَتَمَنَّى الْحَيَاةَ فَقَالَ
لَهُ الْمَلِكُ لَمْ تَمْنُنِ بِالْحَيَاةِ قَالَ لِأَشْكُرَ اللَّهَ تَعَالَى فَقَدْ كَانَتْ حَيَاتِي لِطَلْبِ الْقَبُولِ وَ هِيَ الْآنَ
لِبُلُوغِ الْمَأْمُولِ قَالَ فَبَسَطَ الْمَلِكُ جَنَاحَهُ وَ رَفَعَهُ إِلَى السَّمَاءِ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ١٢٣
﴿٢٦١٨﴾ الرسول ﷺ: يَقُولُ مَنْ أَرَادَ الْإِنْتِبَاهَ اللَّهُمَّ ابْعَثْنِي مِنْ مَضْجَعِي لِذِكْرِكَ وَ شُكْرِكَ وَ
صَلَوَاتِكَ وَ اسْتِغْفَارِكَ وَ تِلَاوَةِ كِتَابِكَ وَ حُسْنِ عِبَادَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٤
ص: ١٧٣

٣-٢-١- خَلَقْنَا لِيَعْلَمَ أَوْ لِيُبْلُوَ كَيْفَ شُكْرُنَا

﴿٢٦١٩﴾ إِذَا كُسِيَ اللَّحْمُ ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ قَالَ أَتَيْتَ لَهُ الشَّعْرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ
فَأَنْبَأَهُ اللَّهُ مِمَّا خَلَقَهُ وَ أَبْنَاهُ إِنَّمَا بَيَّنَّ ذَلِكَ لِيُبْتَلِيَ بِهِ ذَلِكَ لِيَعْلَمَ كَيْفَ شُكْرُهُ وَ مَعْرِفَتُهُ لِحَقِّهِ فَبَيَّنَّ
اللَّهُ لَهُ مَا أَحَلَّ لَهُ وَ مَا حَرَّمَ عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا بِهَا؛
بحار الأنوار ج: ٥٧ ص: ٣٨٥

﴿٢٦٢٠﴾ الصادق عليه السلام: أَنْتَ خَلَقْتَ هَذَا فَأَحْسَنْتَ وَ سَوَّيْتَ فَأَحْكَمْتَ وَ نَبَّهْتَ عَلَى الطَّاعَةِ
فَأَنَعَمْتَ فَلَمْ يَبْقَ إِلَّا شُكْرِي وَ الْإِنْقِيَادُ لِطَاعَتِكَ وَ ذِكْرُ مَحَامِدِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٣١٦

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۶۱۳﴾ آن کس که در برابر گرفتاری صبری و برای هر نعمتی شکری و برای هرگونه دشواری آرامشی آماده کرده باشد چنین کسی فردی عاجز و ناتوان است. پس در مقابل هر بلا و گرفتاری در مال و اولاد به شکیبایی وادار کن. که خداوند امانت‌ها و بخشش‌های خود را بازپس می‌گیرد تا اینکه صبر و شکر تو را بیازماید.

﴿۲۶۱۴﴾ بدان که خداوند عالم، بندگان خود را هرگز از امتحان و فتنه خالی نمی‌گذارد؛ یا مبتلا به نعمت می‌کند، تا امتحان کند که آیا شکر نعمت او به‌جا می‌آورند یا نه؟ یا بندگان خود را به سختی‌ها مبتلا می‌کند که تا درجه‌ی صبر و شکیبایی‌شان آشکار شود.

﴿۲۶۱۵﴾ خدا روزی‌ها را اندازه گرفت، بیش و کم داشت؛ و با تنگی و فراوانی پخش کرد، و دادگری نمود، به خاطر اینکه هرکه را خواهد به فراوانی یا سختی معیشت بیازماید، و بر شکر و شکیبایی ثروتمند و بینوا آگاهی یابد.

۲-۳-۱- زندگی می‌کنیم برای اینکه شکر او را به جا آوریم، آرزوی زندگی برای شکرگزاری

﴿۲۶۱۶﴾ حمد و سپاس خدای تعالی را که پس از مردن، ما را زنده کرد و ما را به سوی خود از خاک برآورد تا او را بپرستیم، سپاس گوئیم و شکر گزار باشیم.

﴿۲۶۱۷﴾ سبب بالا بردن ادريس به آسمان این بود که: فرشته‌ای به او بشارت قبولی اعمال و آمرزش لغزش‌هایش را داد، او نیز آرزو کرد زنده بماند، فرشته پرسید: برای چه آرزوی حیات داری؟ گفت: برای اینکه سپاس خدا را به‌جا آورم، زیرا در مدت حیات، دعا می‌کردم اعمالم قبول شود، حال که به مقصود خود نایل گشته‌ام، می‌خواهم شکر خدا را به‌جا آورم؛ آن فرشته بال خود را گشود و او را در بر گرفت و به آسمان‌ها برد.

﴿۲۶۱۸﴾ برای بیدار شدن چنین بگوید: خدایا، مرا از بستر مرگ برانگیز تا ذکر گویم و سپاس و نماز و استغفارت را به‌جا آورم و قرآن را تلاوت کنم و به نیکی تو را بندگی نمایم، ای ارحم الراحمین.

۳-۲-۱- ما را خلق کرد برای اینکه بداند یا آزمایش کند که شکرگزاری ما چگونه است

﴿۲۶۱۹﴾ آنگاه که گوشت برآرد، موجود دیگری می‌شود و مو برایش رویانده می‌شود؛ پس آفرین بر بهترین خلق‌کنندگان، خدا از آنچه آفریده شده‌است؛ او را آگاه کرد، و به او اطلاع داد که او را آفریده تا آزمایش کند، و بداند چگونه او را شکر می‌کند و چقدر حق‌شناس است، و برایش حلال و حرام را بیان کرد، سپس فرمود: "ما راهنمایی‌اش کردیم خواه شاکر نعمت‌های خداوند باشد و خواه ناسپاسی کند."

﴿۲۶۲۰﴾ تو این را خلق کردی، پس آفرین باد بر تو؛ و آن را متناسب و با استفهام آفریدی و او را برای اطاعت هشیار ساختی و به او نعمت بخشیدی، پس چیزی باقی نماند مگر شکر من و گردن نهادن به طاعت و ذکر و صفات پسندیده‌ی تو.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٦٢١﴾ الباقر عليه السلام: إِنَّمَا خَلَقْتُكَ وَخَلَقْتَهُمْ لِأَبْلُوكَ وَأَبْلُوهُمْ أَتَيْكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا فِي دَارِ الدُّنْيَا فِي حَيَاتِكُمْ وَقَبْلَ مَمَاتِكُمْ فَلِذَلِكَ خَلَقْتُ... الصَّحِيحَ وَالسَّقِيمَ وَمَنْ بِهِ الزَّمَانَةُ وَمَنْ لَا عَاهَةَ بِهِ فَيَنْظُرُ الصَّحِيحُ إِلَى الَّذِي بِهِ الْعَاهَةُ فَيَحْمَدُنِي عَلَى عَافِيَتِهِ وَيَنْظُرُ الَّذِي بِهِ الْعَاهَةُ إِلَى الصَّحِيحِ فَيَدْعُونِي وَيَسْأَلُنِي أَنْ أَعَافِيَهُ وَيَصْبِرُ عَلَى بَلَائِي فَأَتِيْبُهُ جَزِيلَ عَطَائِي وَيَنْظُرُ الْغَنِيُّ إِلَى الْفَقِيرِ فَيَحْمَدُنِي وَيَشْكُرُنِي وَيَنْظُرُ الْفَقِيرُ إِلَى الْغَنِيِّ فَيَدْعُونِي وَيَسْأَلُنِي وَيَنْظُرُ الْمُؤْمِنُ إِلَى الْكَافِرِ فَيَحْمَدُنِي عَلَى مَا هَدَيْتُهُ فَلِذَلِكَ خَلَقْتَهُمْ لِأَبْلُوهُمْ فِي السَّرِّ وَالضَّرِّ وَفِيمَا أَعَافِيَهُمْ وَفِيمَا أَتْلِيَهُمْ وَفِيمَا أُعْطِيَهُمْ وَفِيمَا أَمْنَعُهُمْ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٨٠

﴿٢٦٢٢﴾ الصادق عليه السلام: كُلُّ مَا فَاتَكَ مِنْ صَلَاةِ اللَّيْلِ فَاقْضِهِ بِالنَّهَارِ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذْكُرَ أَوْ أَرَادَ شُكْرًا؛ وسائل الشيعة ج: ٤ ص: ٢٧٥

﴿٢٦٢٣﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذْكُرَ أَوْ أَرَادَ شُكْرًا؛ الفرقان: الآية ٦٢

﴿٢٦٢٤﴾ يَا مَنْ جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذْكُرَ أَوْ أَرَادَ شُكْرًا؛ إقبال الأعمال ص: ٢٠٢

٢-٣-٤-١- أَنْعَمْنَا وَتَفَضَّلَ عَلَيْنَا لِنَعْلَمَ أَوْ لِيَبْلُوَ كَيْفَ شُكْرُنَا

﴿٢٦٢٥﴾ قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَآهُ مُسْتَقَرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ؛ النمل: الآية ٢٠

﴿٢٦٢٦﴾ الباقر عليه السلام: قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَآهُ مُسْتَقَرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ إِلَى آخِرِ الْآيَةِ فَأَيُّمَا أَكْرَمَ عَلَى اللَّهِ نَبِيُّكُمْ أَمْ سُلَيْمَانُ عليه السلام فَقَالُوا بَلْ نَبِيُّنَا عليه السلام أَكْرَمُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ فَوَصَّى نَبِيَّكُمْ أَكْرَمَ مَنْ وَصَّى سُلَيْمَانُ وَإِنَّمَا كَانَ عِنْدَ وَصِيِّ سُلَيْمَانَ عليه السلام مِنْ اسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ حَرْفٌ وَاحِدٌ فَسَأَلَ اللَّهُ جَلَّ اسْمُهُ فَخَسَفَ لَهُ الْأَرْضُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ سَرِيرِ بَلْقَيْسَ فَتَنَاولَهُ فِي أَقْلٍ مِنْ طَرْفِ الْعَيْنِ وَعِنْدَنَا مِنْ اسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ اثْنَانِ وَ سَبْعُونَ حَرْفًا وَ حَرْفٌ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى اسْتَأْثَرَ بِهِ دُونَ خَلْقِهِ؛ خصائص الأئمة عليهم السلام ص: ٤٦

﴿٢٦٢٧﴾ اسْبَغْتَ عَلَى النِّعْمَةِ وَأَوْجَبْتَ عَلَى الْمِنَّةِ وَبَلَّغْتَنِي فَوْقَ الْأُمْنِيَّةِ لَتَبْلُوَنِي فَتَعْرِفَ شُكْرِي؛

بحار الأنوار ج: ٩٩ ص: ٢٤٢

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۶۲۱﴾ من تو را و فرزندان را خلق کردم تا آن‌ها را بیازمایم و معلوم گردد کدامیک از شما در زندگی بهتر کار می‌کنید و به همین جهت نیز... دسته‌ای سالم و تندرست و دسته‌ای بیمار و ناتوان می‌باشند. آن کس که تندرست می‌باشد و به بیمار نگاه می‌کند مرا سپاس می‌گوید که بدنش سالم و تندرست می‌باشد. آن کس که بیمار و ناتوان است به سالم نگاه می‌کند و از من درخواست می‌کند تا او را عافیت دهم و او در برابر مصیبت صبر می‌کند و من هم به او پاداش می‌دهم، دارا به فقیر نگاه می‌کند و مرا شکر می‌کند، فقیر به غنی می‌نگرد، مرا می‌خواند، مؤمن به کافر نگاه می‌کند و از اینکه هدایت شده است مرا سپاس می‌گوید، من برای این آنان را مختلف کردم تا در گرفتاری‌ها و مشکلات آنان را بیازمایم، و افراد گرفتار و یا آن‌ها که در آسایش و رفاه هستند از هم تمیز داده شوند.

﴿۲۶۲۲﴾ هر نمازی که در شب از تو فوت شده آن را در روز قضا کن، خداوند تبارک و تعالی فرموده است: و اوست کسی که برای کسی که بخواند عبرت گیرد یا بخواند سپاسگزاری نماید، شب و روز را جانشین یکدیگر قرار داد.

﴿۲۶۲۳﴾ و او همان کسی است که شب و روز را جانشین یکدیگر قرار داد برای کسی که بخواند متذکر شود یا شکرگزاری کند (و آنچه را در روز کوتاهی کرده در شب انجام دهد و به عکس).

﴿۲۶۲۴﴾ ای کسی که برای هر کس که بخواند عبرت گیرد یا بخواند سپاسگزاری نماید، شب و روز را جانشین یکدیگر قرار دادی.

۴-۳-۱- به ما نعمت داد و بر ما احسان کرد برای اینکه بداند یا آزمایش کند که شکرگزاری ما چگونه است

﴿۲۶۲۵﴾ اما کسی که دانشی از کتاب (آسمانی) داشت گفت: "پیش از آنکه چشم‌برهم زنی، آن را نزد تو خواهم آورد؛" و هنگامی که (سلیمان) آن (تخت) را نزد خود ثابت و پابرجا دید گفت: "این از فضل پروردگار من است تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را به‌جا می‌آورم یا کفران می‌کنم؟ و هر کس شکر کند، به نفع خود شکر می‌کند و هر کس کفران نماید (به زیان خویش نموده است زیرا که) پروردگار من بی‌نیاز و کریم است."

﴿۲۶۲۶﴾ اما کسی که دانشی از کتاب (آسمانی) داشت گفت: "پیش از آنکه چشم‌برهم زنی، آن را نزد تو خواهم آورد." و هنگامی که (سلیمان) آن (تخت) را نزد خود ثابت و پابرجا دید گفت: "این از فضل پروردگار من است، تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را به‌جا می‌آورم یا کفران می‌کنم." امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: از سلیمان و پیامبر شما کدامیک نزد خدا گرامی‌ترند؟ گفتند: البته پیامبر ما گرامی‌تر است ای امیرالمؤمنین، حضرت فرمود: پس جانشین پیامبر شما نیز گرامی‌تر از جانشین سلیمان است؛ نزد جانشین سلیمان یک حرف از اسم اعظم خدا بود و به‌وسیله‌ی آن خدا را خواند و زمین در فاصله‌ی او و تخت بلقیس در نور دیده شد و در زمانی کمتر از یک چشم‌برهم‌زدن به آن رسید، حال آنکه هفتاد و دو حرف از اسم اعظم خدا نزد ماست و فقط یک حرف می‌ماند که خدا به هیچ مخلوقی نمی‌دهد.

﴿۲۶۲۷﴾ نعمت را بر من کامل کرده و مرا سزاوار دریافت نعمت قرار داده‌ای و مرا به نهایت آرزوهایم رسانیدی تا مرا بیازمایی و بدانی که تا چه حد شکر گزارم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٦٢٨﴾ فَإِنَّا نَحْمَدُ اللَّهَ رَبَّنَا وَإِلَيْهَا وَكَلَيْتَا وَلِيَّ النِّعَمِ عَلَيْنَا الَّذِي أَصْبَحَتْ نِعْمُهُ عَلَيْنَا ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً اٰمِنَتَانَا مِنْهُ بِغَيْرِ حَوْلٍ مِنَّا وَلَا قُوَّةَ لِيَبْلُوتَنَا اَمْ نَشْكُرْ اَمْ نَكْفُرُ فَمَنْ شَكَرَ زَادَهُ وَمَنْ كَفَرَ عَذَّبَهُ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٧ ص: ٣٩

﴿٢٦٢٩﴾ الصادق عليه السلام: اَنْتَ خَلَقْتَ هَذَا فَاَحْسَنْتَ وَ سَوَّيْتَ فَاَحْكَمْتَ وَ نَهَيْتَ عَلَى الطَّاعَةِ فَانْعَمْتَ فَلَمْ يَبْقَ اِلَّا شُكْرِي وَ الْاِنْقِيَادُ لِطَاعَتِكَ وَ ذِكْرُ مَحَامِدِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٣١٦

﴿٢٦٣٠﴾ الباقر عليه السلام: كَانَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ رَجُلٌ عَابِدٌ وَ كَانَ مُحَارِفًا لَا يَتَوَجَّهُ فِي شَيْءٍ فَيُصِيبُ فِيهِ شَيْئًا فَانْفَقَتْ عَلَيْهِ امْرَأَتُهُ حَتَّى لَمْ يَبْقَ عِنْدَهَا شَيْءٌ فَجَاعُوا يَوْمًا مِنْ الْأَيَّامِ فَدَفَعَتْ إِلَيْهِ نَضْلًا مِنْ غَزَلٍ وَ قَالَتْ لَهُ مَا عِنْدِي غَيْرُهُ انْطَلِقْ فَبِعْهُ وَ اشْتَرِ لَنَا شَيْئًا نَأْكُلُهُ فَانْطَلَقَ بِالنَّضْلِ الْغَزْلَ لِيَبِيعَهُ فَوَجَدَ السُّوقَ قَدْ غُلِقَتْ وَ وَجَدَ الْمُشْتَرِينَ قَدْ قَامُوا وَ انْصَرَفُوا فَقَالَ لَوْ أَتَيْتُ هَذَا الْمَاءَ فَتَوَضَّأْتُ مِنْهُ وَ صَبَبْتُ عَلَى مَنْهُ وَ انْصَرَفْتُ فَجَاءَ إِلَى الْبَحْرِ وَ إِذَا هُوَ بِصَيَّادٍ قَدْ أَلْقَى شَبَكَتَهُ فَأَخْرَجَهَا وَ لَيْسَ فِيهَا إِلَّا سَمَكَةٌ رَدِيَّةٌ قَدْ مَكَتَتْ عِنْدَهُ حَتَّى صَارَتْ رَخْوَةً مُثْنِنَةً فَقَالَ لَهُ بَعْنِي هَذِهِ السَّمَكَةَ وَ أُعْطِيكَ هَذَا الْغَزْلَ تَنْتَفِعُ بِهِ فِي شَبَكَتِكَ قَالَ نَعَمْ فَآخَذَ السَّمَكَةَ وَ دَفَعَ إِلَيْهِ الْغَزْلَ وَ انْصَرَفَ بِالسَّمَكَةِ إِلَى مَنْزِلِهِ فَأَخْبَرَ زَوْجَتَهُ الْخَبَرَ فَآخَذَتِ السَّمَكَةَ لِتُصْلِحَهَا فَلَمَّا شَقَّتْهَا بَدَتْ مِنْ جَوْفِهَا لُؤْلُؤَةٌ فَدَعَتْ زَوْجَهَا فَأَرَتْهُ إِيَّاهَا فَآخَذَهَا فَانْطَلَقَ بِهَا إِلَى السُّوقِ فَبَاعَهَا بِعِشْرِينَ أَلْفَ دِرْهَمٍ وَ انْصَرَفَ إِلَى مَنْزِلِهِ بِالْمَالِ فَوَضَعَهُ فَإِذَا سَائِلٌ يَدُقُّ الْأَبَابَ وَ يَقُولُ يَا أَهْلَ الدَّارِ تَصَدَّقُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ عَلَى الْمُسْكِينِ فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ ادْخُلْ فَدَخَلَ فَقَالَ لَهُ خُذْ إِحْدَى الْكَيْسَيْنِ فَآخَذَ إِحْدَاهُمَا وَ انْطَلَقَ فَقَالَتْ لَهُ امْرَأَتُهُ سُبْحَانَ اللَّهِ بَيْنَمَا نَحْنُ مَيَّاسِيرُ إِذْ ذَهَبَتْ يَنْصَفُ يَسَارَنَا فَلَمْ يَكُنْ ذَلِكَ بِأَسْرَعَ مِنْ أَنْ دَقَّ السَّائِلُ الْأَبَابَ فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ ادْخُلْ فَدَخَلَ فَوَضَعَ الْكَيْسَ فِي مَكَانِهِ ثُمَّ قَالَ كُلْ هَنِيئًا مَرِيئًا إِنَّمَا أَنَا مَلَكٌ مِنْ مَلَائِكَةِ رَبِّكَ إِنَّمَا أَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُوكَ فَوَجَدَكَ شَاكِرًا ثُمَّ ذَهَبَ؛ الكافي ج: ٨ ص: ٣٨٥

﴿٢٦٣١﴾ وَ قَدَّرَ الْأَرْزَاقَ فَكَثَّرَهَا وَ قَلَّلَهَا وَ قَسَمَهَا عَلَى الضِّيقِ وَ السَّعَةِ فَعَدَلَ فِيهَا لِيَبْتَلِيَ مَنْ أَرَادَ بِمَيْسُورِهَا وَ مَعْسُورِهَا وَ لِيَخْتَبِرَ بِذَلِكَ الشُّكْرَ وَ الصَّبْرَ مِنْ غَنِيِّهَا وَ فَقِيرِهَا؛ شرح نهج البلاغة ج: ٧ ص: ٢١

١-٣-٢-٥- هَدَانَا لِيَعْلَمَ أَوْ لِيَبْلُوَ كَيْفَ شُكْرُنَا، الْهَدَايَةُ لِلتَّخَضُّصِ إِلَى الشُّكْرِ
﴿٢٦٣٢﴾ إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا؛ الإنسان: الآية ٣

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۶۲۸﴾ خداوند را سپاس می‌گزاریم که پروردگار و مولا و ولی نعمت ماست، او که نعمت‌هایش را آشکار و پنهان بر ما ارزانی داشته تا بر ما احسان نماید بدون آنکه سخنی بر زبان رانده باشیم (و از او درخواست کرده باشیم) و یا قدرتی از خود بر شکرگزاری یا کفران نعمتش داشته باشیم. پس که شکر او را به‌جای آرد فزونی دهد و آن را که کفران کند عذاب نماید.

﴿۲۶۲۹﴾ تو این را خلق کردی، پس آفرین باد بر تو؛ و آن را متناسب و با استفهام آفریدی و او را برای اطاعتت هشیار ساختی و به او نعمت بخشیدی، پس چیزی باقی نماند مگر شکر من و گردن‌نهادن به طاعتت و ذکر و صفات پسندیده‌ی تو.

﴿۲۶۳۰﴾ در میان بنی‌اسرائیل مرد عابدی بود که از رزق و روزی بی‌بهره بود و به چیزی روی نمی‌آورد که بهره‌ای از آن نصیبش گردد. زنی داشت که خرجی او را می‌پرداخت تا اینکه نزد آن زن نیز مالی نماند، و روزی رسید که هردو گرسنه ماندند. آن زن رفت و یک دوک نخ ریسیده شده به او داد و به او گفت: جز این چیزی ندارم، این را بفروش و چیزی بخر تا بخوریم. آن مرد دوک نخ را برداشت و برای فروش به بازار برد. بازار را تعطیل یافت و خریدارها بساط خود را برچیده و رفته بودند. با خود گفت: خوب است کنار آب بروم. وضویی بگیرم و قدری آب به سر و صورتم بزنم و بازگردم. در این اندیشه بود که کنار دریا آمد. در آنجا ماهیگیری را دید که تور خود را به دریا انداخته و در آن جز یک ماهی نا مرغوب نمانده بود. عابد به او گفت: این ماهی را به من بفروش و من در عوض این دوک نخ را به تو می‌دهم تا برای مرمت تور خود از آن استفاده کنی. ماهیگیر پذیرفت و عابد ماهی را گرفت و دوک را تحویل او داد. او ماهی را به خانه آورد و جریان را برای همسرش تعریف کرد. زن آن ماهی را گرفت تا آماده کند. همین‌که شکمش را درید مروارید گران‌بهایی در شکمش یافت، شوهر را خبر کرد و آن مروارید را به او نشان داد. عابد آن مروارید را برداشت و به بازار برد و به بیست‌هزار درهم فروخت و به خانه برگشت و پول‌ها را در منزل نهاد. در این‌هنگام گدایی به درب خانه آمد و در زد و گفت: ای اهل خانه، خدا شما را رحمت کند، به این مسکین بینوا هم صدقه‌ای بدهید. مرد عابد به فقیر گفت: به درون خانه بیا. فقیر وارد خانه شد و عابد به او گفت: یکی از این دو کیسه را بردار. فقیر یکی را برداشت و رفت. زنش گفت: سبحان الله، از لحظه‌ای که ثروتمند شدیم نیمی از ثروتمان رفت. طولی نکشید که فقیر بازگشت و در زد، مرد عابد گفت: بفرمایید. فقیر وارد شد و کیسه را به‌جای خود نهاد و گفت: بخور که گوارای تو باد، من فرشته‌ای از فرشتگان پروردگار تو بودم و پروردگارت اراده کرده بود که تو را بیازماید پس تو را مرد سپاسگزاری یافت، و از نزد عابد رفت.

﴿۲۶۳۱﴾ خدا روزی‌ها را اندازه گرفت، بیش و کم داشت؛ و با تنگی و فراوانی پخش کرد، و دادگری نمود، به خاطر اینکه هرکه را خواهد به فراوانی یا سختی معیشت بیازماید، و بر شکر و شکیبایی ثروتمند و بینوا آگاهی یابد.

۵-۳-۱- ما را هدایت کرد برای آنکه بدانند یا امتحان کند که شکرگزاری ما چگونه است، هدایت برای ترغیب به شکر کردن

﴿۲۶۳۲﴾ ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد و بپذیرد خواه ناسپاس.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٦٣٣﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا قَالَ عَرَفْنَاهُ إِمَّا آخِذٌ وَإِمَّا تَارِكٌ؛

الكافي ج: ١ ص: ١٦٣

﴿٢٦٣٤﴾ الصادق عليه السلام: فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا قَالَ عَرَفْنَاهُ إِمَّا

آخِذًا وَإِمَّا تَارِكًا؛ بحار الأنوار ج: ٥ ص: ١٩٦

﴿٢٦٣٥﴾ الباقر عليه السلام: إِنَّمَا خَلَقْتِكَ وَخَلَقْتَهُمْ لِأَبْلُوكَ وَأَبْلُوهُمْ أَتَيْكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا فِي دَارِ الدُّنْيَا فِي حَيَاتِكُمْ وَقَبْلَ مَمَاتِكُمْ... يَنْظُرُ الْمُؤْمِنُ إِلَى الْكَافِرِ فَيَحْمَدُنِي عَلَى مَا هَدَيْتُهُ فَلِذَلِكَ خَلَقْتَهُمْ لِأَبْلُوهُمْ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٨٠

﴿٢٦٣٦﴾ السجاد عليه السلام: كِتَابُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ الزُّهْرِيِّ يَعِظُهُ كَفَانَا اللَّهُ وَإِيَّاكَ مِنَ الْفِتَنِ وَرَحِمَكَ مِنَ النَّارِ فَقَدْ أَصْبَحْتَ بِحَالٍ يَنْبَغِي لِمَنْ عَرَفَكَ بِهَا أَنْ يَرْحَمَكَ فَقَدْ أَثَقَلْتِكَ نِعْمَ اللَّهُ بِمَا أَصَحَّ مِنْ بَدَنِكَ وَأَطَالَ مِنْ عُمُرِكَ وَقَامَتْ عَلَيْكَ حُجَجُ اللَّهِ بِمَا حَمَلَكَ مِنْ كِتَابِهِ وَفَقَّهَكَ فِيهِ مِنْ دِينِهِ وَعَرَفَكَ مِنْ سُنَّةِ نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ ﷺ فَرَضَ لَكَ فِي كُلِّ نِعْمَةٍ أَنْعَمَ بِمَا عَلَيْكَ وَفِي كُلِّ حُجَّةٍ اخْتَجَّ بِهَا عَلَيْكَ الْفَرَضَ فَمَا قَضَى إِلَّا ابْتَلَى شُكْرَكَ فِي ذَلِكَ وَأَبْدَى فِيهِ فَضْلَهُ عَلَيْكَ فَقَالَ لَتُنَّ شُكْرُكُمْ لَا زَيْدُكُمْ وَلَتُنَّ كَفَرُكُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ١٣١

﴿٢٦٣٧﴾ السجاد عليه السلام: اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَنْهَجْتَ سَبِيلَ الدَّلَالَةِ عَلَيَّكَ بِاَعْلَامِ الْهُدَايَةِ بِمَنْكَ عَلَى خَلْقِكَ وَاقَمْتَ لَهُمْ مَنَارَ الْقَصْدِ اِلَى طَرِيقِ اَمْرِكَ بِمَعَادِنِ لُطْفِكَ وَتَوَلَّيْتَ اَسْبَابَ الْاِنَابَةِ اِلَيْكَ بِمُسْتَوْضَحَاتٍ مِنْ حُجَجِكَ قُدْرَةً مِنْكَ عَلَى اسْتِخْلَاصِ اَفْاضِلِ عِبَادِكَ وَحَصًّا لَهُمْ عَلَى اَدَاءِ مَضْمُونِ شُكْرِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٧٨

١-٣-٢-٦- نَهَانَا لِيَعْلَمَ أَوْ لِيَبْلُوَ كَيْفَ شُكْرُنَا

﴿٢٦٣٨﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَكَّبَ فِيْنَا آلَاتِ الْبَسْطِ، وَجَعَلَ لَنَا اَدَوَاتِ الْقَبْضِ، وَمَتَّعَنَا بِأَرْوَاحِ الْحَيَاةِ، وَاثْبَتَ فِيْنَا جَوَارِحَ الْأَعْمَالِ، وَغَذَّنَا بِطَيِّبَاتِ الرِّزْقِ، وَاغْنَانَا بِفَضْلِهِ، وَاقْنَانَا بِمَنِّهِ. ثُمَّ أَمَرَنَا لِيَخْتَبِرَ طَاعَتَنَا، وَنَهَانَا لِيَبْتَلِيَ شُكْرَنَا؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٢٨

١-٣-٢-٧- وَضَعَ الْعِبَادَاتِ لِتَرْغِبِنَا لِأَدَاءِ الشُّكْرِ

١-٣-٢-٧-١- الْعِلَّةُ فِي الصَّلَاةِ، الْإِقْرَارُ بِرُبُوبِيَّتِهِ مُكَرَّرًا وَأَنْ يَكُونُوا شَاكِرِينَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۶۳﴾ همانا او را (انسان را) به راه (راست) هدایت کردیم، خواه شکرگزار باشد (و در راه قرار گیرد) یا کفران نموده (به بی‌راهه برود) گفت: یعنی شناسانیدیم آن را، خواه بگیرد که چه گفتیم و خواه گفتار ما را ترک کند.

(۲۶۳۴) درباره‌ی قول خدای تعالی "و راهدایت کردیم می‌خواهد شکر گزار باشد و می‌خواهد ناسپاس" فرمود: می‌خواهد از راهنمایی بهره بگیرد یا از آن استفاده نکند.

﴿٢٤٣﴾ من تو را و فرزندان را خلق کردم تا آن‌ها را ببازمایم و معلوم گردد کدام‌یک از شما در زندگی بهتر کار می‌کنید و به همین جهت نیز دنیا و آخرت را آفریدم و مرگ و زندگی را خلق نمودم و طاعت و معصیت را پدید آوردم و بهشت و دوزخ را ایجاد نمودم. و این چنین اراده کردم و برای آن‌ها تقدیر و سرنوشت قرار دادم، و با علمی که از حالات آن‌ها داشتم صورت‌ها و بدن‌ها و رنگ‌های آنان را مختلف قرار دادم و مدت زندگی و روزی آن‌ها و درجه فرمان برداری و نافرمانی‌شان در دنیا را متفاوت کردم، و دسته‌ای از آن‌ها بدبخت و جمعی خوشبخت می‌شوند، بعضی بی‌نا و گروهی کور هستند، عده‌ای کوتاه و دسته‌ای بلند قامت می‌باشند، پاره‌ای از مردم زیبا و دسته‌ای زشت آفریده شده‌اند، گروهی دانشمند و گروهی جاهل هستند، بعضی ثروتمند و بعضی دیگر فقیر و تهیدست می‌باشند. گروهی از آن‌ها فرمان‌بردار و جماعتی نافرمان هستند، دسته‌ای سالم و تندرست و دسته‌ای بیمار و ناتوان می‌باشند. آن‌کس که تندرست می‌باشد و به بیمار نگاه می‌کند مرا سپاس می‌گوید که بدنش سالم و تندرست می‌باشد. آن‌کس که بیمار و ناتوان است به سالم نگاه می‌کند و از من درخواست می‌کند تا او را عافیت دهم و او در برابر مصیبت صبر می‌کند و من هم به او پاداش می‌دهم، دارا به فقیر نگاه می‌کند و مرا شکر می‌کند، فقیر به غنی می‌نگرد، مرا می‌خواند، مؤمن به کافر نگاه می‌کند و از اینکه هدایت شده است مرا سپاس می‌گوید، من برای این آنان را مختلف کردم تا در گرفتاری‌ها و مشکلات آنان را ببازمایم، و افراد گرفتار و یا آن‌ها که در آسایش و رفاه هستند از هم تمیز داده شوند.

﴿۲۶۳﴾ نام‌های ایشان علیهم‌السلام به محمد بن مسلم زهری که در آن او را موعظه کردند: "خداوند ما و تو را از فتنه‌ها در امان دارد و با نجات تو از آتش بر تو رحم کند. حال تو این‌گونه است که سزاوار است هر که تو را با این اوصاف بشناسد به تو رحم کند زیرا که نعمت‌های خداوند در سلامتی بدنت و طولانی شدن عمرت بر تو سنگین شده است و همچنین با اقامه‌ی حجت‌هایش بر تو به واسطه‌ی آموختن کتابش بر تو و داناکردن تو در دینش و شناساندن سنت پیامبرش به تو. بر تو در هر نعمتی که داده و در هر حجتی که عطا کرده حقی واجب است. هیچ‌چیزی را امر نکرده مگر آنکه خواسته است شکر تو را بیازماید و لطف و احسانش بر تو آشکار شود؛ خداوند فرمود: اگر سپاسگزاری کنی [نعمت] شما را افزون خواهد کرد، و اگر ناسپاسی نمایید قطعاً عذاب من سخت خواهد بود.

(۲۶۳۷) خدایا، تو راه هدایت‌شدن به‌سوی خودت را به‌وسیله‌ی نشانه‌های هدایت بر مردم آشکار کرده‌ای و با لطف بی‌حد خودت برای آن‌ها نشانه‌های توجه به امرت را برپا نمودی و با دلایل روشن اسباب توبه‌ی بندگان را به سوی خودت برعهده گرفتی و این به خاطر قدرت تو در برگزیدن برترین بندگان و دادن بهره به آن‌ها در ادای شکرست می‌باشد.

۱-۳-۲-۶- ما را از منکر نهی کرد برای اینکه بدانند یا امتحان کند که شکرگزاری ما چگونه است

(۲۶۳۸) و ستایش مخصوص خدایی است که ابزار گستردن و جمع کردن را در اختیار ما قرار داد و ما را از روح زندگی بهره‌مند ساخت و برای فعالیت در وجودمان اقدام‌هایی قرار داد و غذای پاک روزی‌مان کرد و به لطف خویش از غیر بی‌نیازمان ساخت و با نعمت خویش سرمایه‌مان بخشید. سپس به ما دستوراتی داد تا درجه‌ی فرمان‌برداری‌مان بیازماید و از کارهایی بازمان داشت تا اندازه‌ی سپاسگزاری‌مان امتحان کند.

۷-۲-۳-۱. عبادات را وضع کرد برای اینکه ما را به ادای شکر ترغیب و تشویق کند
۷-۲-۳-۱. حکمت نماز؛ اقرار کردن بیایی به ربوبیت خداوند و شکرگزاری است

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٦٣٩﴾ الْعِلَّةُ فِي الصَّلَاةِ الْاسْتِعْبَادُ وَالْإِقْرَارُ بِرُبُوبِيَّتِهِ وَخَلْعُ الْأَنْدَادِ مُكَرَّرًا ذَلِكَ عَلَيْهِمْ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ وَ لَيْلًا يَنْسَوْنَ خَالِقَهُمْ وَ رَازِقَهُمْ وَ لَا يَغْفُلُوا عَنْ طَاعَتِهِ وَ يَكُونُوا ذَاكِرِينَ حَامِدِينَ شَاكِرِينَ لِنِعْمِهِ وَ تَفَضُّلِهِ عَلَيْهِمْ؛ بحار الأنوار ج: ٧٩ ص: ٢٧٥

﴿٢٦٤٠﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنْزَلَ عَلَى نَبِيِّهِ (عليه السلام) كُلَّ صَلَاةٍ رَكْعَتَيْنِ فَأَضَافَ إِلَيْهَا رَسُولُ اللَّهِ (عليه السلام) لِكُلِّ صَلَاةٍ رَكْعَتَيْنِ فِي الْحَضَرِ وَ قَصَرَ فِيهَا فِي السَّفَرِ إِلَّا الْمَغْرِبَ وَ الْغَدَاةَ فَلَمَّا صَلَّى (عليه السلام) الْمَغْرِبَ بَلَغَهُ مَوْلِدُ فَاطِمَةَ (عليها السلام) فَأَضَافَ إِلَيْهَا رَكْعَةً شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَلَمَّا أَنْ وُلِدَ الْحَسَنُ (عليه السلام) أَضَافَ إِلَيْهَا رَكْعَتَيْنِ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَلَمَّا أَنْ وُلِدَ الْحُسَيْنُ (عليه السلام) أَضَافَ إِلَيْهَا رَكْعَتَيْنِ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَالَ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيْنِ فَتَرَكَهَا عَلَى حَالِهَا فِي الْحَضَرِ وَ السَّفَرِ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٤٥٤

١-٣-٢-٧-٢- السُّؤَالُ وَ الدُّعَاءُ لِلشُّكْرِ

﴿٢٦٤١﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): وَ لَتَكُنْ مَسْأَلَتُكُمْ مَسْأَلَةً ذُلٍّ وَ خُضُوعٍ وَ شُكْرٍ؛ المصباح للكفعمي

ص: ٧٤١

١-٣-٣- الأمرُ وَ التَّحْرِيزُ بِالشُّكْرِ

١-٣-٣-١- اجْعَلْ قِرَى النِّعْمَةِ الشُّكْرَ

﴿٢٦٤٢﴾ إِذَا نَزَلَتْ بِكَ النِّعْمَةُ فَاجْعَلْ قِرَاهَا الشُّكْرَ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٢٠ ص: ٣٢٧

١-٣-٣-٢- أَحَدَثَنِي لِلَّهِ شُكْرًا

﴿٢٦٤٣﴾ الْحُسَيْنُ (عليه السلام): أَحَدَثَنِي لِلَّهِ شُكْرًا فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ أَذْهَبَهُ عَنْكَ؛ دلائل الإمامة ص: ٧٧

١-٣-٣-٣- أَحْسِنُوا جَوَارِ النِّعَمِ بِالشُّكْرِ

﴿٢٦٤٤﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): أَحْسِنُوا جَوَارِ النِّعَمِ قُلْتُ وَ مَا حُسْنُ جَوَارِ النِّعَمِ قَالَ الشُّكْرُ لِمَنْ أَنْعَمَ

بِهَا وَ أَدَاءُ حَقَّقِهَا؛ الكافي ج: ٤ ص: ٣٨

﴿٢٦٤٥﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): أَحْسِنُوا جَوَارِ نِعَمِ الدِّينِ وَ الدُّنْيَا بِالشُّكْرِ لِمَنْ دَلَّكُمْ عَلَيْهَا؛

مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٧٠

﴿٢٦٤٦﴾ الرَّسُولُ (عليه السلام): أَحْسِنُوا مُجَاوِرَةَ النِّعَمِ بِشُكْرِهَا؛ أعلام الدين ص: ١٥٢

١-٣-٣-٤- أَذْ شُكْرَ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ

﴿٢٦٤٧﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): فَأَذْ شُكْرَ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ عَلَيْكَ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٢٣

١-٣-٣-٥- ارْتَبِطُوا النِّعَمَ بِالشُّكْرِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۶۳۹﴾ علت نمازخواندن بندگی و اقرار به ربوبیت است و کنارگذاشتن آنچه که شریک خدا می‌پندارند، این کار در هر روز و شب پنج بار بر آنان واجب است و نیز برای اینکه خالق و رازقشان را فراموش نکنند و از طاعتش غفلت ننمایند و ذاکر و سپاسگزار نعمت‌ها و نیکی‌هایش بر آنان باشند.

﴿۲۶۴۰﴾ همانا خداوند تبارک و تعالی همه‌ی نمازها را بر پیامبر خود دو رکعتی فرو فرستاد، و پیامبر خدا ﷺ به هر نماز در حضر دو رکعت افزود و در سفر آن دو رکعت را حذف کرده و نماز را به صورت اولیه باقی گذاشت، مگر نماز مغرب و نماز صبح را، خبر ولادت حضرت فاطمه علیها السلام را برای پیامبر صلی الله علیه و آله آوردند پس از شکرگزاری به پیشگاه خداوند عزیز و جلیل به پاس مولود به دنیا آمده یک رکعت به نماز مغرب افزود، زمانی که حضرت امام حسن علیه السلام به دنیا آمد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای شکرگزاری به درگاه خداوند متعال دو رکعت نافله‌ی مغرب را افزود، و زمانی که امام حسین علیه السلام متولد شد باز به عنوان شکرگزاری دو رکعت دیگر به نافله‌ی شام افزود و این آیه را تلاوت فرمود: " برای هر پسر برابر بهره و نصیب دو دختر است "، پس این نمازها را در وطن و در سفر همچنان به حال خود باقی گذاشت.

۲-۷-۱-۳-۱ درخواست کردن و دعا کردن برای شکر

﴿۲۶۴۱﴾ و باید درخواست کردن شما از خدا از روی ذلت و خضوع و شکر باشد

۳-۳-۱-۳ فرمان و تشویق به شکرگزاری

۱-۳-۳-۱ نعمت را با شکر پذیرایی کن

﴿۲۶۴۲﴾ هرگاه برای تو نعمتی فرود آمد، پس شکر خود را با آن همراه کن تا برکت یافته و ادای حق کرده باشی.

۲-۳-۳-۱ خدای را شکر کن

﴿۲۶۴۳﴾ شکر خدا را به جا بیاور تا گرفتاری تو را برطرف کند.

۳-۳-۳-۱ با ادای شکرگزاری با نعمت‌ها به خوبی رفتار کنید

﴿۲۶۴۴﴾ از حریم نعمت‌های الهی پاسداری کنید. گفتیم: پاسداری از حریم نعمت در چیست؟ ابوعبدالله گفت: سپاس از بخشنده‌ی نعمت و ادای حق آن.

﴿۲۶۴۵﴾ در اختیار داشتن نعمت‌های دنیا و آخرت را با شکر کردن از کسی که واسطه‌ی رسیدن این نعمت به شما بوده است، به خوبی همراهی کنید.

﴿۲۶۴۶﴾ با ادای شکر، نعمت‌ها را به خوبی همراهی کنید.

۴-۳-۳-۱ شکر آنچه را خداوند به تو ارزانی کرده ادا کن

﴿۲۶۴۷﴾ شکر آنچه خدا به تو بخشیده است را ادا کن.

۵-۳-۳-۱ نعمت را به شکر پیوند دهید

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٦٤٨﴾ الكاظم عليه السلام: التَّحَدُّثُ بِنِعَمِ اللَّهِ شُكْرٌ وَ تَرَكُ ذَلِكَ كُفْرٌ فَارْتَبِطُوا نِعَمَ رَبِّكُمْ تَعَالَى
بالشُّكْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٣١٧

١-٣-٣-٦- إِسْتَدْعَى الشُّكُورُ

﴿٢٦٤٩﴾ الزهراء عليها السلام: اسْتَدْعَى الشُّكُورُ بِإِفْضَالِهَا وَ إِسْتَحْمَدَ إِلَى الْخَلَائِقِ بِإِجْزَالِهَا؛ دلائل الإمامة
ص: ٣٠

١-٣-٣-٧- إِسْتَدِيمُوا النِّعْمَةَ بِشُكْرِهِ

﴿٢٦٥٠﴾ العسكري عليه السلام: إِتَّقُوا اللَّهَ فِي نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تُنْفِرُوهَا عَنْكُمْ بِمَعَاصِيهِ بَلْ
اسْتَدِيمُوهَا بِطَاعَتِهِ وَ شُكْرِهِ عَلَى نِعَمِهِ وَ آيَادِيهِ؛ بحار الأنوار ج: ٤٩ ص: ١٨٢

﴿٢٦٥١﴾ إِسْتَدِمِ الشُّكْرَ تَدْمٌ عَلَيْكَ النِّعْمَةُ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٨

﴿٢٦٥٢﴾ الرضا عليه السلام: إِسْتَدِيمُوا نِعَمَ اللَّهِ بِالشُّكْرِ فَإِنَّ الشُّكْرَ عَقَالُهَا؛ المصباح للكفعمي ص: ٧١١
١-٣-٣-٨- أُسْجِدْ لِلَّهِ شُكْرًا

﴿٢٦٥٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِسْجُدْ لِلَّهِ شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٩٧ ص: ٣٢٠

﴿٢٦٥٤﴾ الصادق عليه السلام: ثُمَّ اسْجُدْ سَجْدَةَ الشُّكْرِ إِنْ شِئْتَ الْآنَ وَ إِنْ شِئْتَ بَعْدَ صَلَاةِ الْوُتَيْرَةِ وَ
بَعْدَ تَعْقِيْبِهَا بِحَسَبِ مَا يَفْتَحُهُ اللَّهُ جَلَّ جَلَّالُهُ عَلَيْكَ مِنَ الْإِمْكَانِ؛ فلاح السائل ص: ٢٥٦
﴿٢٦٥٥﴾ الرسول ﷺ: فَاسْجُدْ سَجْدَةَ الشُّكْرِ عَلَى السَّلَامَةِ وَ الْعَافِيَةِ؛ الأمان ص: ١٤٣

١-٣-٣-٩- اِسْتَعْلِ بِشُكْرِ النِّعْمَةِ

﴿٢٦٥٦﴾ اِسْتَعْلِ بِشُكْرِ النِّعْمَةِ عَنِ التَّطَرُّبِ بِهَا؛ غرر الحكم ص: ٢٧٧

١-٣-٣-١٠- أَشْكُرُ

﴿٢٦٥٧﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ
حَمِيدٌ؛ لقمان: الآية ١٢

﴿٢٦٥٨﴾ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَ
لِوَالِدَيْكَ إِلَى الْمَصِيرِ؛ لقمان: الآية ١٤

﴿٢٦٥٩﴾ وَ اشْكُرِ الَّذِي بَسَطَ رِزْقَهُ عَلَيْكَ وَ أَجَلَكَ؛ المصباح للكفعمي ص: ٧٤٤

﴿٢٦٦٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ اشْكُرِ اللَّهَ عَلَى مَا أَوْثَاكَ وَ اَحْمَدْهُ عَلَى مَا أَوْثَاكَ؛
مستدرک الوسائل ج: ١٤ ص: ٩

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۶۴۸﴾ صحبت کردن درباره نعمت‌های الهی نوعی شکر و سپاسگزاری و ترک آن کفران نعمت است پس نعمت‌های پروردگارتان را به شکر پیوند بزنید.

۱-۳-۳-۶- خداوند از آفریدگان شکر می‌خواهد

﴿۲۶۴۹﴾ خداوند از آفریدگان شکر می‌خواهد که نعمت بیشتری بدهد و حمد و سپاس می‌طلبد تا نعمت‌های بزرگ عطا کند.

۱-۳-۳-۷- از طریق شکر، نعمت را دوام بخشید

﴿۲۶۵۰﴾ از شکستن حریم خدا بهره‌ییزد و قدر نعمت او را بدانید، مبدا با انجام معصیت، نعمت را از خود دور کنید، بلکه به‌وسیله‌ی اطاعت و بندگی و شکر و سپاسگزاری آن نعمت‌ها را برای خود دوام ببخشید و پایدار کنید.

﴿۲۶۵۱﴾ به شکر خود تداوم ببخش تا آمدن نعمت نیز تداوم داشته باشد.

﴿۲۶۵۲﴾ به شکر خود تداوم ببخشید زیرا شکر، نگهدارنده‌ی نعمت است.

۱-۳-۳-۸- خدا را برای شکرگزاری سجده کن

﴿۲۶۵۳﴾ سجده‌ی شکر کن.

﴿۲۶۵۴﴾ سجده کن، سجده‌ی شکر؛ اگر خواستی همین الان و اگر خواستی بعد از نماز و تیره و بعد از تعقیبات، هر دو نماز بسته به اینکه خداوند با جلالت در کدام یک از دو مورد امکانش را برایت فراهم می‌کند.

﴿۲۶۵۵﴾ برای امنیت و تندرستی سجده‌ی شکر به‌جای آور.

۱-۳-۳-۹- به شکر نعمت مشغول شو

﴿۲۶۵۶﴾ به جای شادمانی از دریافت نعمت، به شکر آن مشغول شو.

۱-۳-۳-۱۰- شکر کن

﴿۲۶۵۷﴾ ما به لقمان حکمت دادیم (و به او گفتیم:) شکر خدا را به‌جای آور؛ هرکس شکرگزاری کند، تنها به سود خویش شکر کرده و آن‌کس که کفران کند، (زیانی به خدا نمی‌رساند) زیرا خداوند بی‌نیاز و ستوده است.

﴿۲۶۵۸﴾ و ما به انسان درباره‌ی پدر و مادرش سفارش کردیم مادرش او را با ناتوانی بعد از ناتوانی حمل کرد (به‌هنگام بارداری هر روز رنج و ناراحتی تازه‌ای را متحمل می‌شد)، و دوران شیرخوارگی او در دو سال پایان می‌یابد (آری به او توصیه کردم) که برای من و برای پدر و مادرت شکر به‌جا آور که بازگشت (همه‌ی شما) به‌سوی من است.

﴿۲۶۵۹﴾ سپاسگزار کسی باش که روزی‌اش را بر تو گسترده کرده و تو را زنده نگاه داشته است.

﴿۲۶۶۰﴾ بر نعمت‌هایی که خداوند به تو ارزانی داشته شکر کن و بر آزمایش‌های ناگواری که از تو می‌گیرد شکبیا باش.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٦٦١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَاشْكُرِ اللَّهَ كَثِيرًا عَلَى مَا أَوْلاَكَ وَاحْمَدُهُ عَلَى مَا أَوْلَاكَ؛ دعائم الإسلام ص: ٤٨٧ ص: ٢

﴿٢٦٦٢﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: أَشْكُرُ تَرْزُقُ وَلَا تَكْفُرُ فَتُعَذِّبُ؛ بحار الأنوار ج: ٣٥ ص: ١٥١

﴿٢٦٦٣﴾ أَشْكُرُ تَزِدُ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٩

﴿٢٦٦٤﴾ أَشْكُرُ لِمَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ وَأَنْعِمَ عَلَى مَنْ شَكَرَكَ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٨ ص: ٢٨٥

﴿٢٦٦٥﴾ النبی صلى الله عليه وآله: وَاشْكُرْ لِي نِعْمَتِي أَزِدْكَ مِنْهَا؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٥٤

﴿٢٦٦٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَاشْكُرْ مَا أَوْلَيْتُكَ مِنْ نِعْمَةٍ؛ بحار الأنوار ج: ٥٤ ص: ٣٤٤

﴿٢٦٦٧﴾ أَشْكُرُ لِلَّهِ [اللَّهُ] فِيمَا أَوْلَيْتَ؛ غرر الحكم ص: ٤٤٦

﴿٢٦٦٨﴾ أَنْ أَشْكُرَ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ؛ لقمان: الآية ١٤

﴿٢٦٦٩﴾ الباقر عليه السلام: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ فَقَالَ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ عَلِيًّا أَحَدُ الْوَالِدَيْنِ اللَّذَيْنِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ؛ بحار الأنوار ج: ٣٦ ص: ١٢

﴿٢٦٧٠﴾ الصادق عليه السلام: وَاشْكُرْ نِعْمَتِي وَلَا تَجْحَدْ آيَاتِي؛ الكافي ج: ١ ص: ٥٢٧

﴿٢٦٧١﴾ الصادق عليه السلام: فَانْظُرْ أَيُّهَا الْمُؤْمِنُ فَإِنْ كَانَتْ حَالَتُكَ حَالَةً تَرْضَاهَا لِحُلُولِ الْمَوْتِ فَاشْكُرِ اللَّهَ تَعَالَى عَلَى تَوْفِيقِهِ وَعِصْمَتِهِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ١٦٨

﴿٢٦٧٢﴾ الصادق عليه السلام: أَبَشِّرْ يَا مُحَمَّدُ وَاشْكُرْ كَرَامَةَ رَبِّكَ؛ بحار الأنوار ج: ١٨ ص: ٣٢٥

﴿٢٦٧٣﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: كَانَ فِيمَا أَعْطَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْأَلْوَابِ الْأُولَى أَشْكُرُ لِي وَلِوَالِدَيْكَ أَقِيكَ الْمَتَالِفَ وَأَنْسَى لَكَ فِي عُمْرِكَ وَأُخِيكَ حَيَاةً طَيِّبَةً وَأَقْلِبُكَ إِلَيَّ خَيْرَ مِنْهَا؛ بحار الأنوار ج: ١٣ ص: ٣٥٨

﴿٢٦٧٤﴾ الصادق عليه السلام: فَاشْكُرْ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَلَا تَكُنْ مِمَّنْ إِذَا أَقْبَلَ طُعْنٌ فِي عَيْنَيْهِ وَإِذَا أَذْبَرَ طُعْنٌ فِي قَفَاهُ؛ بحار الأنوار ج: ٦٦ ص: ٥

﴿٢٦٧٥﴾ الصادق عليه السلام: مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ أَشْكُرُ مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٤

﴿٢٦٧٦﴾ الباقر عليه السلام: وَجِدَ مَكْتُوبًا فِي حِكْمَةِ آلِ دَاوُدَ وَاشْكُرْ لِمَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٥٩

﴿٢٦٧٧﴾ الصادق عليه السلام: يَا مُحَمَّدُ... وَاشْكُرِ اللَّهَ بِمَا صَنَعَ إِلَيْكَ؛ بحار الأنوار ج: ١٨ ص: ٣٢٥

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۶۶۱﴾ بر نعمت‌هایی که خداوند به تو ارزانی داشته بسیار شکر کن و بر آزمایش‌های ناگواری که از تو می‌گیرد شکبیا باش.

﴿۲۶۶۲﴾ سپاسگزار باش تا روزی داده شوی و کفران نعمت نکن که در این صورت عذاب خواهی شد

﴿۲۶۶۳﴾ شکر نعمت کن تا نعمت تو زیاد شود.

﴿۲۶۶۴﴾ کسی را که به تو نعمت عطا می‌کند شکرگزار باش و کسی را که از تو تشکر می‌کند از الطاف خود بهره‌مند ساز.

﴿۲۶۶۵﴾ شکر نعمتم را به‌جا بیاور تا آن را بیافزایم.

﴿۲۶۶۶﴾ شکر نعمتم را به‌جا بیاور.

﴿۲۶۶۷﴾ در مقابل نعمت‌هایی که خداوند به تو داده است شکرگزار او باش.

﴿۲۶۶۸﴾ برای من و برای پدر و مادرت شکر به‌جا آور که بازگشت (همه‌ی شما) به‌سوی من است.

﴿۲۶۶۹﴾ وارد شدم بر امام پنجم علیه السلام و فرمود: آیا نمی‌دانی که علی علیه السلام یکی از والدین است که خدا عزیز و جلیل فرموده: برای من و برای پدر و مادرت شکر به‌جا آور.

﴿۲۶۷۰﴾ نعمت‌هایم را شکر کن، و آن‌ها را انکار مکن.

﴿۲۶۷۱﴾ پس ای مؤمن به خود بنگر! اگر حالت تو حالتی است که برای لحظه‌ی مرگ را می‌پسندی خدا را شکر کن که به تو توفیق داده و از گناه دورت کرده است.

﴿۲۶۷۲﴾ بشارت باد بر تو ای محمد، بر الطاف پروردگارت شکر کن.

﴿۲۶۷۳﴾ در اولین الواحی که خداوند به موسی علیه السلام عطا کرد این بود: "از من و پدر و مادرت سپاسگزاری کن تا تو را از هلاکت نگاه دارم و عمرت را طولانی کنم و زندگی پاک به تو عطا کنم و تو را به بهتر از آن باز گردانم."

﴿۲۶۷۴﴾ نعمت‌هایی را که خداوند به تو داده شکر کن و از آنانی مباش که با آمدنشان فقط زیان‌های ناشی از چشم‌زخم‌زدن به همراه می‌آورند و چون برمی‌گردند زیان‌های ناشی از بی‌توجهی‌شان می‌ماند.

﴿۲۶۷۵﴾ در تورات نوشته شده است: از کسی که به تو نعمت داده است سپاسگزاری کن.

﴿۲۶۷۶﴾ دست‌خط و نوشته‌ای در حکمت خاندان داود علیه السلام پیدا شد در آن چنین نوشته بود: "شکرگزار کسی باش که به تو نعمتی می‌بخشد."

﴿۲۶۷۷﴾ ای محمد، به خاطر لطف‌هایی که خدا به تو کرده است سپاسگزار باش.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٦٧٨﴾ الصادق عليه السلام: يَا مُوسَى اشْكُرْنِي حَقَّ شُكْرِي فَقَالَ يَا رَبَّ كَيْفَ أَشْكُرُكَ حَقَّ شُكْرِكَ
وَلَيْسَ مِنِّي شُكْرٌ أَشْكُرُكَ بِهِ إِلَّا وَأَنْتَ أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ فَقَالَ يَا مُوسَى شَكَرْتَنِي حَقَّ شُكْرِي حِينَ
عَلِمْتَ أَنَّ ذَلِكَ مِنِّي؛ بحار الأنوار ج: ١٣ ص: ٣٥١
١١-٣-١-أشكره

﴿٢٦٧٩﴾ السجاد عليه السلام: أَمَّا حَقُّ أَبِيكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهُ أَصْلُكَ وَأَنَّهُ لَوْلَاهُ لَمْ تَكُنْ فَهَهُمَا رَأَيْتَ فِي
نَفْسِكَ مِمَّا يُعْجِبُكَ فَاعْلَمْ أَنَّ أَبَاكَ أَصْلُ النُّعْمَةِ عَلَيْكَ فِيهِ فَاحْمَدِ اللَّهَ وَ اشْكُرْهُ عَلَى قَدْرِ
ذَلِكَ؛ مكارم الأخلاق ص: ٢٢١

﴿٢٦٨٠﴾ السجاد عليه السلام: بُنِيَ إِنِّي جَعَلْتُكَ خَلِيفَتِي مِنْ بَعْدِي لَا يَدْعِي فِيمَا بَيْنِي وَ بَيْنَكَ أَحَدٌ إِلَّا
قَلَّدَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ طَوْفًا مِنْ نَارٍ فَاحْمَدِ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ وَ اشْكُرْهُ؛ بحار الأنوار ج: ٤٦ ص: ٢٣١

﴿٢٦٨١﴾ الصادق عليه السلام: لَا تَغْتَرَّ بِنِعْمَتِهِ وَ اشْكُرْهُ أَبَدًا؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٢٠٠
﴿٢٦٨٢﴾ الصادق عليه السلام: وَ اشْكُرْهُ عَلَى مَا عَصَمَكَ مِنَ الشَّهَوَاتِ وَ جَنَّبَكَ مِنْ قَبِيحِ أَفْعَالِ
الْمُجْرِمِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٧٣ ص: ١٦٧

﴿٢٦٨٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَ أَمَّا حَقُّ أَبِيكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهُ أَصْلُكَ فَإِنَّكَ لَوْلَاهُ لَمْ تَكُنْ فَهَهُمَا
رَأَيْتَ مِنْ نَفْسِكَ مَا يُعْجِبُكَ فَاعْلَمْ أَنَّ أَبَاكَ أَصْلُ النُّعْمَةِ عَلَيْكَ فِيهِ فَاحْمَدِ اللَّهَ وَ اشْكُرْهُ عَلَى
قَدْرِ ذَلِكَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٢ ص: ٦٢١
١٢-٣-١-فاشكراه

﴿٢٦٨٤﴾ السجاد عليه السلام: أَنْتَ الْإِمَامُ بَعْدِي وَ وَارِثُ عِلْمِي وَ أَفْضَلُ مِنْ أَتْرَكَ بَعْدِي وَ خَيْرُ مَنْ
أَخْلَفَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي وَ أَخُوكَ ابْنُ أُمِّكَ بَشَرَكُمَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِالْبُشْرَى فَأُبَشِّرْ بِمَا بَشَرَكُمَا
وَ اْعْمَلْ لِلَّهِ بِالطَّاعَةِ فَاشْكُرْهُ عَلَى النُّعْمَةِ؛ دعائم الإسلام ج: ٢ ص: ٣٥٣
١٣-٣-١-أشكروا

﴿٢٦٨٥﴾ فَادْكُرُونِي أَدْكُرْكُمْ وَ اشْكُرُوا لِي وَ لَا تَكْفُرُونِ؛ البقرة: الآية ١٥٢
﴿٢٦٨٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ اشْكُرُوا لِلَّهِ إِنَّ كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ؛ البقرة:
الآية ١٧٢

﴿٢٦٨٧﴾ إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَ تَخْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ
لَكُمْ رِزْقًا فَاتَّبِعُوا عِنْدَ اللَّهِ الزَّرْقَ وَ اعْبُدُوهُ وَ اشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ؛ العنكبوت: الآية ١٧

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۶۷۸﴾ ای موسی حق شکر مرا ادا کن. موسی علیه السلام عرض کرد: خداوند، من چگونه می‌توانم حق شکر تو را ادا کنم با اینکه هر شکری که به‌جا آورم آن خود نعمتی است که تو به من عنایت فرموده‌ای؟ خطاب رسید: ای موسی، حال که دانستی این توفیق هم از من است، شکر مرا ادا کردی.

۱۱-۳-۱- او را شکر کن

﴿۲۶۷۹﴾ حق پدرت این است که بدانی او ریشه و اصل توست و اگر او نبود تو نبودی و هرچه را که در خودت می‌بینی که از آن خوشت می‌آید بدان که اصل آن نعمت، از پدر توست، پس خدا را حمد کن و او را براین نعمت شکرگزار باش.

﴿۲۶۸۰﴾ ای فرزندم تو را جانشین خود قرار می‌دهم و بین من و تو هیچ‌کس ادعای جانشینی نمی‌کند مگر اینکه خداوند روز قیامت گردنبندی از آتش بر گردنش می‌اندازد؛ پس خدا را بر این نعمت سپاس بگو و او را شکر کن.

﴿۲۶۸۱﴾ مبدا فریب فراوانی نعمت را بخوری، پیوسته شکرگزارش باش.

﴿۲۶۸۲﴾ خدا را بخاطر آنکه تو را از شهوات محفوظ داشته و از کارهای زشت مجرمان دور ساخته است شکر کن.

﴿۲۶۸۳﴾ حق پدرت، آن است که بدانی او اصل وجود توست، که اگر نمی‌بود، تو هم نبودی. پس هر نیکی در خودت دیدی که از آن شگفت‌زده شدی، بدان که پدرت، در آن خیر اصل آن نعمت بر تو بوده است. پس خدا را به اندازه‌ی آن حمد و شکر کن. و نیرویی جز با تکیه بر خدا نیست.

۱۲-۳-۱- پس شما دو نفر او را شکر کنید

﴿۲۶۸۴﴾ تو امام بعد از من و وارث علم من و با فضیلت‌ترین بازمانده‌ی من و بهترین کسی از خاندان من هستی که به جانشینی برمی‌گزینم؛ و برادرت که زاده‌ی مادرت است، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شما دو نفر را بشارت داد؛ پس به آن بشارت شادمان باشید و به انجام دستورات خدا بپردازید و او را به خاطر نعمت‌هایش شکر کنید.

۱۳-۳-۱- شکر کنید

﴿۲۶۸۵﴾ پس به یاد من باشید، تا به یاد شما باشم؛ و شکر مرا ادا کنید و (در برابر نعمت‌هایم) کفران نکنید.

﴿۲۶۸۶﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از نعمت‌های پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم بخورید و شکر خدا را به‌جا آورید اگر او را پرستش می‌کنید.

﴿۲۶۸۷﴾ شما غیر از خدا فقط بت‌هایی (از سنگ و چوب) را می‌پرستید و دروغی به‌هم می‌بافید؛ آن‌هایی را که غیر از خدا پرستش می‌کنید، مالک هیچ رزقی برای شما نیستند؛ روزی را تنها نزد خدا بطلبید و او را پرستش کنید و شکر او را به‌جا آورید که به‌سوی او بازگشت داده می‌شوید

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٦٨٨﴾ فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنَّ كُفْرَكُمْ إِلَيْهِ تَعْبُدُونَ؛ النحل: الآية

١١٤

﴿٢٦٨٩﴾ لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبِّ غَفُورٌ سَبَأُ: الآية ١٥

﴿٢٦٩٠﴾ إِنْ آتَاكُمُ اللَّهُ نِعْمَةً فَاشْكُرُوا؛ غررالحكم ص: ٢٧٧

﴿٢٦٩١﴾ الصادق عليه السلام: تَلَقَّوْا النِّعَمَ يَا سَدِيرُ بِحُسْنِ مُجَاوَرَتِهَا وَاشْكُرُوا مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكُمْ وَاتَّعِمُوا عَلَى مَنْ شَكَرَكُمْ؛ وسائل الشيعة ج: ١٦ ص: ٣٢٨

﴿٢٦٩٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاعْمَلُوا فِي الرِّغْبَةِ وَالرَّهْبَةِ فَإِنْ نَزَلَتْ بِكُمْ رَغْبَةٌ فَاشْكُرُوا وَاجْمَعُوا مَعَهَا رَغْبَةً؛ تحف العقول ص: ١٥٢

﴿٢٦٩٣﴾ العسكري عليه السلام: فَمَا زَالَ حَتَّى جَاءَتْ عَشْرُ سَحَابَاتٍ وَعَبَّرَتْ وَ يَقُولُ عَلَى بْنُ مُوسَى الرُّضَا عليه السلام: فِي كُلِّ وَاحِدَةٍ عَلَى رَسُولِكُمْ لَيْسَتْ هَذِهِ لَكُمْ إِنَّمَا هِيَ لِأَهْلِ بَلَدٍ كَذَا ثُمَّ أَقْبَلَتْ سَحَابَةٌ حَادِيَةَ عَشْرٍ فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ هَذِهِ بَعَثَهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَكُمْ فَاشْكُرُوا اللَّهَ تَعَالَى عَلَى تَفْضِيلِهِ عَلَيْكُمْ؛ بحار الأنوار ج: ٤٩ ص: ١٨٠

﴿٢٦٩٤﴾ العسكري عليه السلام: كُلُّوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ عَلَى مَا رَزَقَكُمْ مِنْهَا بِالْمَقَامِ عَلَى وَلَايَةِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى لِيَقِيَكُمْ اللَّهُ بِذَلِكَ شُرُورَ الشَّيَاطِينِ الْمَرْدَةِ عَلَى رَبِّهِمَا عَزَّ وَ جَلَّ فَإِنَّكُمْ كَلَّمَا جَدَّدْتُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ وَلَايَةَ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى تَجَدُّدٍ عَلَى مَرْدَةِ الشَّيَاطِينِ لَعَائِنُ اللَّهِ وَ آعَازِكُمْ اللَّهُ مِنْ نَفَخَاتِهِمْ وَ نَفَاثَتِهِمْ؛ بحار الأنوار ج: ٢٦ ص: ٢٣٢

﴿٢٦٩٥﴾ العسكري عليه السلام: كُلُّوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ اشْكُرُوا نِعْمَتِي؛ بحار الأنوار ج: ١٣ ص: ١٨٢

﴿٢٦٩٦﴾ الرضا عليه السلام: وَ اشْكُرُوا اللَّهَ عَلَى فَضْلِهِ عَلَيْكُمْ؛ دلائل الإمامة ص: ١٩٥

﴿٢٦٩٧﴾ العسكري عليه السلام: وَ اشْكُرُوا لِلَّهِ عَلَى مَا رَزَقَكُمْ مِنْهَا بِالْمَقَامِ عَلَى وَلَايَةِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى لِيَقِيَكُمْ اللَّهُ بِذَلِكَ شُرُورَ الشَّيَاطِينِ الْمُتَمَرِّدَةِ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛ بحار الأنوار ج: ٢٦ ص: ٢٣٢

﴿٢٦٩٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: يَا قَوْمَ فَاشْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ لَا تَوَلَّوْا مُذْبِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٣٤ ص: ١٥٦

١٤-٣-١- أَشْكُرُوهُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۶۸۸﴾ پس، از آنچه خدا روزی تان کرده است، حلال و پاکیزه بخورید و شکر نعمت خدا را به جا آورید اگر او را می‌پرستید.

﴿۲۶۸۹﴾ برای قوم سبا در محل سکونتشان نشانه‌ای (از قدرت الهی) بود: دو باغ (بزرگ و گسترده) از راست و چپ (رودخانه‌ی عظیم با میوه‌های فراوان و به آن‌ها گفتیم: از روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را به جا آورید شهری است پاک و پاکیزه، و پروردگاری آمرزنده (و مهربان)!

﴿۲۶۹۰﴾ اگر خداوند نعمتی را به شما عطا فرمود، پس شکر آن را به جا آورید.

﴿۲۶۹۱﴾ ای سدید، نعمت‌های الهی را با همراهی شایسته و سپاسگزاری فراگیرید و از کسی که به شما احسان نموده تشکر کنید و به کسی که از احسان شما تشکر می‌کند بخشش کنید.

﴿۲۶۹۲﴾ در میان بیم و امید (به طاعت خدا) عمل کنید. اگر خوشایندی به شما رسید سپاسگزار باشید و با این شکرگزاری خوشایندهای دیگری را جلب کنید.

﴿۲۶۹۳﴾ تا ده ابر آمد و رد شد، حضرت رضا علیه السلام می‌فرمود: صبر کنید، این ابر مربوط به شما نیست برای فلان ناحیه است تا ابر یازدهم آمد فرمود: این یکی را خدا برای شما فرستاده بر لطف و نعمت خدا شکر کنید.

﴿۲۶۹۴﴾ از هر چیز پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم بخورید و بر این نعمت‌ها به پایداری بر ولایت و دوستی محمد و علی سپاسگزاری کنید تا بدین وسیله خدا شما را از شر شیاطین سرکش نگاه دارد. هرزمان که شما بر ولایت محمد و علی بر خود تجدید بیعت می‌کنید بر شیطان‌های سرکش نفرین خدا تجدید می‌شود و خداوند شما را از وسوسه‌ها و حربه‌های شیطانی آن‌ها نگه‌میدارد.

﴿۲۶۹۵﴾ از روزی‌های پاک و حلالی که به شما دادیم بخورید و نعمتم را شکر کنید.

﴿۲۶۹۶﴾ خدا را به خاطر لطفش به شما شکر کنید.

﴿۲۶۹۷﴾ خدا را به خاطر اینکه نعمت ولایت محمد و علی را به شما روزی کرده و با آن شما را از شر شیاطینی سرکش حفظ می‌کند سپاسگزار باشید.

﴿۲۶۹۸﴾ ای قوم، نعمت خدا را سپاس گزارید، و رو برنتابید.

۱۴-۳-۱- او را شکر کنید

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٦٩٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: نَحْنُ بَنُو هَاشِمٍ كُنُجُومُ السَّمَاءِ كُلَّمَا غَابَ نَجْمٌ بَدَأَ نَجْمٌ حَتَّى إِذَا أَشْرْتُمْ إِلَيْهِ بِأَيْدِيكُمْ وَأَوْمَأْتُمْ بِحَوَاجِبِكُمْ وَمَدَدْتُمْ إِلَيْهِ رِقَابَكُمْ جَاءَ مَلَكُ الْمَوْتِ فَيَغِيبُ مِنْ بَيْنِ أَظْهَرِكُمْ... وَكَانُوا كَأَسْنَانِ الْمُشْطِ فَإِذَا أَطْلَعَ اللَّهُ لَكُمْ فَاحْمَدُوا اللَّهَ وَاشْكُرُوهُ؛ دلائل الإمامة ص: ٢٩١

١٥-٣-١- فاشكروا

﴿٢٧٠٠﴾ العسكري عليه السلام: فاشكروا نِعَمَ اللَّهِ الْجَلِيلَةَ عَلَيْكُمْ؛ تفسير الإمام عليه السلام ص: ٥٦٩

١٦-٣-١- أَشْكُلُوا النِّعْمَةَ بِالشُّكْرِ

﴿٢٧٠١﴾ الصادق عليه السلام: النِّعْمَةُ وَخَشْيَةُ فَاشْكُلُوهَا بِالشُّكْرِ؛ روضة الواعظين ج: ٢ ص: ٤٧٣

١٧-٣-١- اصْحَبِ النِّعَمَ بِالشُّكْرِ

﴿٢٧٠٢﴾ اشْحَنِ الْخُلُوةَ بِالذِّكْرِ وَاصْحَبِ النِّعَمَ بِالشُّكْرِ؛ غرر الحكم ص: ١٨٨

١٨-٣-١- اِعْمَلُوا شُكْرًا

﴿٢٧٠٣﴾ اِعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشُّكُورِ؛ سبأ: الآية ١٣

١٩-٣-١- اِغْتَنِمُوا الشُّكْرَ

﴿٢٧٠٤﴾ اِغْتَنِمُوا الشُّكْرَ فَأَدْنَى نَفْعِهِ الزِّيَادَةُ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٩

٢٠-٣-١- أَ فَلَا يَشْكُرُونَ

﴿٢٧٠٥﴾ لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَ فَلَا يَشْكُرُونَ؛ يس: الآية ٣٥

٢١-٣-١- اِلْقُوا النِّعَمَ بِالشُّكْرِ عَلَيْهَا

﴿٢٧٠٦﴾ الهادي عليه السلام: اِلْقُوا النِّعَمَ بِحُسْنِ مُجَاوَرَتِهَا وَاتِمِسُوا الزِّيَادَةَ فِيهَا بِالشُّكْرِ عَلَيْهَا؛

مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٦٩

٢٢-٣-١- أَنْظِرْ كَيْفَ شُكْرُكَ

﴿٢٧٠٧﴾ السجاد عليه السلام: فَأَنْظِرْ كَيْفَ شُكْرُكَ لِمَنْ غَذَّاكَ بِنِعْمِهِ صَغِيرًا وَكَبِيرًا؛ تحف العقول

ص: ٢٧٧

٢٣-٣-١- أُوصِيكَ بِالشُّكْرِ

﴿٢٧٠٨﴾ الرسول ﷺ: يَا عَلِيُّ أُوصِيكَ بِالدُّعَاءِ فَإِنَّ مَعَهُ الْإِجَابَةَ وَبِالشُّكْرِ فَإِنَّ مَعَهُ الْمَزِيدَ؛

وسائل الشيعة ج: ٧ ص: ٢٩

٢٤-٣-١- أَمْرٌ بِالشُّكْرِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۶۹۹﴾ ما بنی‌هاشم مانند ستارگان آسمانیم هرگاه ستاره‌ای پنهان شود، ستاره‌ای دیگر آشکار می‌شود تا اینکه با دستان و ابروهایتان به آن اشاره می‌کنید و گردن‌هایتان را به‌سوی او می‌کشید، تا فرشته‌ی مرگ درآید و از مقابل شما پنهان شود؛ و آن‌ها مانند دندان‌های شانه هستند پس آنگاه که خداوند نورتان را برایتان نمایان کرد خدا را حمد کنید و سپاسش گزاریید.

۱۵-۳-۱- پس مرا شکر کن

﴿۲۷۰۰﴾ نعمت‌های بزرگی را که خداوند به تو ارزانی داشته است شکر کن.

۱۶-۳-۱- نعمت را با شکرگزاری، در بند کنید

﴿۲۷۰۱﴾ نعمت، گریزپا و رمنده است. با سپاسگزاری، بند بر پایش نهید تا ماندگار شود.

۱۷-۳-۱- نعمت‌ها را با شکرگزاری همراه کن

﴿۲۷۰۲﴾ تنهایی و خلوت خود را با یاد خداوند پر و نعمت‌ها را با شکرگزاری همراه کن.

۱۸-۳-۱- شکر کنید

﴿۲۷۰۳﴾ ای خاندان داود، شکر (این همه نعمت را) به‌جا آورید ولی عده‌ی کمی از بندگان من شکر گزارند!

۱۹-۳-۱- شکر را غنیمت بدانید

﴿۲۷۰۴﴾ شکر را غنیمت بدانید که، کمترین فایده‌ی آن زیاد شدن نعمت است.

۲۰-۳-۱- آیا شکر نمی‌گزارید؟

﴿۲۷۰۵﴾ تا از میوه‌ی آن بخورند درحالی که دست آنان هیچ دخالتی در پدیدآوردن آن نداشته است، آیا شکر خدا را به‌جا نمی‌آورند؟

۲۱-۳-۱- با شکر با نعمت‌ها ملاقات کنید

﴿۲۷۰۶﴾ با همراهی خوب با نعمت‌ها به‌سوی آن‌ها بروید و با سپاسگزاری کردن بر آن‌ها افزایش نعمت را بجویید.

۲۲-۳-۱- بنگر که شکرت چگونه است

﴿۲۷۰۷﴾ دقت کن چگونه سپاسگزار کسی هستی که تو را با نعمت‌های کوچک و بزرگ خویش تغذیه می‌کند.

۲۳-۳-۱- تو را به شکرگزاری سفارش می‌کنم

﴿۲۷۰۸﴾ ای علی، تو را به دعاکردن وصیت می‌کنم، اجابت همراه آن است و تو را به شکر توصیه می‌کنم که همراه آن فزونی و زیادتی است.

۲۴-۳-۱- به شکرگزاری فرمان داد

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٧٠٩﴾ الرضا عليه السلام: أَمَرَ بِالشُّكْرِ لَهُ وَ لِلْوَالِدَيْنِ فَمَنْ لَمْ يَشْكُرْ وَالِدَيْهِ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ؛ وسائل الشيعة ج: ٩ ص: ٢٥

﴿٢٧١٠﴾ الرضا عليه السلام: فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَمَرَ عِبَادَهُ بِشُكْرِهِ فَشُكْرُوهُ فَعَفَا عَنْهُمْ؛ بحار الأنوار ج: ٤٩ ص: ١٨٥

﴿٢٧١١﴾ الصادق عليه السلام: تَفْسِيرُ الْحَمْدِ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ يَعْنِي الشُّكْرَ لِلَّهِ وَ هُوَ أَمْرٌ وَ لَفْظُهُ خَبَرٌ وَ الْأَمْرُ مُضْمَرٌ فِيهِ وَ مَعْنَاهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٢ ص: ٥١
٢٥-٣-١-أمرتني بالشُّكر

﴿٢٧١٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَمَا أَيْسَرَ مَا كَلَّفْتَنِي بِهِ مِنْ حَقِّكَ وَ أَعْظَمَ مَا وَعَدْتَنِي عَلَى شُكْرِكَ ابْتِدَأْتَنِي بِالنَّعَمِ فَضْلاً وَ طَوْلاً وَ أَمَرْتَنِي بِالشُّكْرِ حَقًّا وَ عَدْلًا وَ وَعَدْتَنِي عَلَيْهِ أَضْعَافاً وَ مَزِيداً؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٢٤٣

﴿٢٧١٣﴾ السجاد عليه السلام: فَيَحُولُ ذَلِكَ (حَالُ الْغَفْلَةِ) بَيْنِي وَ بَيْنَ التَّضَرُّعِ إِلَيْكَ فِي دَوَامِ ذَلِكَ لِي مَعَ مَا أَمَرْتَنِي بِهِ مِنْ شُكْرِكَ وَ وَعَدْتَنِي عَلَيْهِ مِنَ الْمَزِيدِ مِنْ لَدَيْكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٣٦
٢٦-٣-١-أَنْ تَشْكُرَ

﴿٢٧١٤﴾ الحسين عليه السلام: مَنْ حَفِظَ مِنْ أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا يَطْلُبُ بِذَلِكَ وَجْهَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ حَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنَ أَوْلِيكَ رَفِيقًا فَقَالَ عَلَى عليه السلام يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخْبَرْنِي مَا هَذِهِ الْأَحَادِيثُ فَقَالَ أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ تَعْبُدَهُ وَ لَا تَعْبُدَ غَيْرَهُ وَ... أَنْ تَشْكُرَ نِعَمَ اللَّهِ الَّتِي أَنْعَمَ بِهَا عَلَيْكَ؛ بحار الأنوار ج: ٢ ص: ١٥٤

٢٧-٣-١-أَنْ تَكُونَ لِلَّهِ شَاكِرًا
﴿٢٧١٥﴾ السجاد عليه السلام: إِذَا عَرَفْتَ مَا أَعْطَاكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِ هَذِهِ الْعِزَّةِ وَ الْقُوَّةِ الَّتِي فَهَرَتْ بِهَا أَنْ تَكُونَ لِلَّهِ شَاكِرًا؛ تحف العقول ص: ٢٦١

٢٨-٣-١-أَنْ يَشْكُرَ
﴿٢٧١٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: عَلَى مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْهِ أَنْ يَشْكُرَ النِّعْمَةَ لِمُنْعِمِهَا فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ فَقَدْ كَفَرَهَا؛ دعائم الإسلام ج: ٢ ص: ٣٢٠

﴿٢٧١٧﴾ الصادق عليه السلام: وَ مِنْ حَقِّ شُكْرِ نِعْمَةِ اللَّهِ أَنْ يَشْكُرَ بَعْدَ شُكْرِهِ مَنْ جَرَتْ تِلْكَ النِّعْمَةُ عَلَى يَدِهِ؛ بشارة المصطفى ص: ٢٢٢

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۷۰۹﴾ خداوند به شکر خودش به همراه شکر پدر و مادر امر کرده است؛ پس هر که شکر پدر و مادرش را به جا نیاورد در حقیقت شکر خدا را نکرده است.

﴿۲۷۱۰﴾ خداوند دستور می دهد تا بندگان شکر سپاس او را به جای آرند، آن ها سپاسگزاری می کنند، در نتیجه خداوند نیز ایشان را می بخشد.

﴿۲۷۱۱﴾ شرح و تفسیر آیهی شریفه " الحمد لله رب العالمین " یعنی شکر و سپاس تنها مخصوص خداوند است و آن دستور است و لفظش خبر است و امر در آن پوشیده است و معنای آن این است که: بگو: " الحمد لله رب العالمین ".

﴿۲۷۱۲﴾ ۱-۳-۳-۲۵ مرا به شکرگزاری فرمان داد

﴿۲۷۱۲﴾ چقدر تکالیف آسانی از حقوق خود بر ما واجب کرده ای، و چقدر آنچه در مقابل شکر و سپاسگزاریات وعده داده ای عظیم و بزرگ است؛ پیش از داشتن شایستگی برای دریافت نعمت از روی لطف و مهربانی به من نعمت دادی؛ و سزاوارانه و عادلانه مرا به شکر کردن امر فرمودی، و به خاطر آن به من وعده دادی که نعمتم را بیافزایی و چند برابر کنی.

﴿۲۷۱۳﴾ تداوم حال غفلت و بی توجهی مانع زاری می شود، با اینکه تو مرا به شکر امر کردی و از جانب خودت به من وعده ای افزایش نعمت دادی.

﴿۲۷۱۴﴾ ۱-۳-۳-۲۶ شکر کن

﴿۲۷۱۴﴾ هر کس از امت من چهل حدیث برای رضای خدا و پاداش آخرت حفظ کند، خداوند او را در روز رستاخیز به همراه پیامبران، صدیقان، شهیدان و شایستگان محشور می نماید، و اینان رفیقان خوبی هستند. علی علیه السلام عرض کرد: ای پیامبر خدا، این احادیث کدامند؟ فرمود: اینکه به خدای یگانه ای که شریکی ندارد ایمان بیاوری، تنها او را پرستی و غیر او را پرستی و نعمت های خداوند را که به تو از آن نعمت ها عطا فرموده است سپاس بگزاری.

﴿۲۷۱۵﴾ ۱-۳-۳-۲۷ باید شکر گزار خدا باشی

﴿۲۷۱۵﴾ هنگامی که فضل و احسان خدا را در عزت و قدرتی که به تو داده بشناسی، سزاوار است که به درگاهش شکر گزار باشی.

﴿۲۷۱۶﴾ ۱-۳-۳-۲۸ باید شکر کند

﴿۲۷۱۶﴾ بر کسی که نعمتی داده شده واجب است که شکر نعمت دهنده را بکند در غیر این صورت کفران نعمت کرده است.

﴿۲۷۱۷﴾ و از حق شکر نعمت خدای تعالی برای کسی که این نعمت در اختیارش قرار گرفته است آن است که بعد از شکر نیز شکر کند.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١-٣-٣-٢٩- إِيَّاكَ أَنْ لَا تُؤَدِّيَ شُكْرَهُ

﴿٢٧١٨﴾ الرسول ﷺ: يَا أَخِي إِيَّاكَ أَنْ تَجْمَعَ مِنَ الدُّنْيَا مَا لَا تُؤَدِّي شُكْرَهُ؛ مجموعة ورام ج: ١

ص: ١٥٦

١-٣-٣-٣٠- حَتَّكُمُ عَلَى الشُّكْرِ

﴿٢٧١٩﴾ المجتبى ﷺ: حَتَّكُمُ عَلَى الشُّكْرِ وَافْتَرَضَ عَلَيْكُمُ الذِّكْرَ؛ تحف العقول ص: ٢٣٢

﴿٢٧٢٠﴾ الصادق ﷺ: يَا حَاشَ عِبَادِهِ عَلَى شُكْرِهِ؛ المصباح للكفعمي ص: ٣٥١

١-٣-٣-٣١- رَاعِ مَا يَجِبُ عَلَيْكَ مِنَ الشُّكْرِ

﴿٢٧٢١﴾ الصادق ﷺ: رَاعِ أَوْقَاتَ فَرَائِضِ اللَّهِ وَسُنَنِ نَبِيِّهِ ﷺ وَمَا يَجِبُ عَلَيْكَ مِنَ الْأَدَبِ وَالْإِحْتِمَالِ وَالصَّبْرِ وَالشُّكْرِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٠ ص: ١٧٢

١-٣-٣-٣٢- رِزْدٌ فِي شُكْرِكَ

﴿٢٧٢٢﴾ رَبُّ مَنْعَمٍ عَلَيْهِ مُسْتَدْرِجٌ بِالنَّعْمَى وَرَبُّ مُبْتَلَى مَصْنُوعٌ لَهُ بِالْبُلُوَى فِزْدٌ أَهْيَا الْمُسْتَمْعُ فِي

شُكْرِكَ؛ شرح نهج البلاغة ج: ١٩ ص: ١٦٢

﴿٢٧٢٣﴾ فِزْدٌ أَهْيَا الْمُسْتَنْفَعُ فِي شُكْرِكَ؛ نهج البلاغة ص: ٥٢٣

١-٣-٣-٣٣- سَأَلْتَنِي شُكْرًا

﴿٢٧٢٤﴾ أمير المؤمنين ﷺ: أَعْطَيْتَنِي مِنْ رِزْقِكَ وَاسِعًا اخْتِيَارًا وَرِضًا وَسَأَلْتَنِي مِنْهُ شُكْرًا

يَسِيرًا صَغِيرًا؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٢٥٥

١-٣-٣-٣٤- صَبِرَ الشُّكْرَ حِرْزَ نِعْمَتِكَ

﴿٢٧٢٥﴾ صَبِرَ الدِّينَ حِصْنَ دَوْلَتِكَ وَالشُّكْرَ حِرْزَ نِعْمَتِكَ فَكُلَّ دَوْلَةٍ يَحُوطُهَا الدِّينُ لَا تُغْلَبُ وَ

كُلَّ نِعْمَةٍ يَحْرُزُهَا الشُّكْرُ لَا تُسَلَبُ؛ غرر الحكم ص: ٣٤٣

﴿٢٧٢٦﴾ اشْحَنَ الْخُلُوةَ بِالذِّكْرِ وَاصْحَبَ النِّعَمَ بِالشُّكْرِ؛ غرر الحكم ص: ١٨٨

١-٣-٣-٣٥- عَلَيْكَ بِالشُّكْرِ

﴿٢٧٢٧﴾ الرسول ﷺ: عَلَيْكَ بِالشُّكْرِ فَإِنَّ مَعَهُ الزِّيَادَةَ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ لَمَّا شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ

وَلَمَّا كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٥٨

﴿٢٧٢٨﴾ الرسول ﷺ: عَلَيْكَ بِالشُّكْرِ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي النِّعْمَةِ؛ تحف العقول ص: ٣٥

﴿٢٧٢٩﴾ عَلَيْكَ بِالشُّكْرِ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٧

﴿٢٧٣٠﴾ الرسول ﷺ: عَلَيْكَ بِالشُّكْرِ يَزِيدُ فِي النِّعْمَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٧٤ ص: ١٣٩

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۲۹-۳-۱- مبدا از عهده‌ی شکرش بر نیایی

﴿۲۷۱۸﴾ ای برادر، مبدا مال دنیا را آن قدر جمع کنی که از عهده‌ی شکرش بر نیایی.

۳۰-۳-۱- به شکرگزاری وادارتان کرد

﴿۲۷۱۹﴾ شما را بر سپاسگزاری تشویق کرده و ذکر را بر شما لازم و واجب کرده است.

﴿۲۷۲۰﴾ ای که بندگان را بر شکرکردن تشویق می‌کند.

۳۱-۳-۱- آنچه از شکر بر تو واجب شده رعایت کن

﴿۲۷۲۱﴾ پیوسته مراعات و مراقبت کن تا وظائف واجبه و آداب و سنن پیامبر اکرم ﷺ در اوقات مخصوص آن‌ها را به جای آوری، و در این راه آداب عرفی را رعایت کن، و در مقابل پیشامدها، بر ناگواری‌ها و سختی‌ها تحمل داشته باش، و در مقابل ناراحتی‌ها بردباری کن، و پیوسته به خاطر نعمت‌ها و خوشی‌ها سپاسگزار باش.

۳۲-۳-۱- بر شکرگزاریات بیافزا

﴿۲۷۲۲﴾ چه بسا کسی که مشمول نعمت حق است ولی به سبب آن به کیفر حق نزدیک می‌گردد، و چه بسا فرد گرفتاری که گرفتاری‌اش درواقع احسان به اوست. ای شنونده بر شکرگزاریات بیافزا.

﴿۲۷۲۳﴾ پس ای کسی که از این گفتار یا از نعمت‌های پروردگارم بهره‌مند می‌شوی، بر شکرگزاری بیافزای.

۳۳-۳-۱- از من شکر خواسته‌ای

﴿۲۷۲۴﴾ از روی رضایت و خرسندی از روزی گسترده و انتخاب شده‌ات به من بخشیدی و در مقابل از من شکر اندک و آسانی خواستی.

۳۴-۳-۱- شکر را نگبان نعمت بگردان

﴿۲۷۲۵﴾ بگردان دینداری را پناهگاه امن دولت خود، و شکر را (نگهدارنده) پشتیبان معنوی نعمت خود، پس هر دولتی که حفظ کند آن را (دینداری)، مغلوب نمی‌شود، و هر نعمتی را که نگهداری از آن کند به وسیله‌ی شکر، ربوده نمی‌شود.

﴿۲۷۲۶﴾ تنهایی و خلوت خود را با یاد خداوند پر و نعمت‌ها را با شکرگزاری همراه کن.

۳۵-۳-۱- بر تو باد به شکرگزاری

﴿۲۷۲۷﴾ شکرکردن بر تو واجب است زیرا که همراه آن، فزونی است و خداوند بلندمرتبه فرمود: "اگر سپاسگزاری کنید، [نعمت] شما را افزون خواهیم کرد، و اگر ناسپاسی نمایید، قطعاً عذاب من سخت خواهد بود."

﴿۲۷۲۸﴾ شکر خدا کن تا بر نعمت بیافزاید.

﴿۲۷۲۹﴾ بر تو باد به شکرگزاری در شادی و سختی، زیرا که شکر در نعمت باعث افزونی آن شود و در بلا باعث رفع آن.

﴿۲۷۳۰﴾ بر تو باد به سپاسگزاری که نعمت را زیاد می‌کند.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١-٣-٣٦-٣٦-١- عَلَيْنَا بِالشُّكْرِ

﴿٢٧٣١﴾ الرضا عليه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ وَ عَلَيْنَا بِالتَّوَّاضُعِ وَ الشُّكْرِ وَ الْحَمْدِ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٥٤
 ﴿٢٧٣٢﴾ عَلَيْنَا بِدَوَامِ الشُّكْرِ وَ لَزُومِ الصَّبْرِ فَإِنَّهُمَا يَزِيدَانِ النِّعْمَةَ وَ يُزِيلَانِ الْبُخْلَ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٨

١-٣-٣٧-٣٧-١- عُدُّوا بِالشُّكْرِ

﴿٢٧٣٣﴾ الرضا عليه السلام: عُدُّوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ بَعْدَ انْقِضَاءِ مَجْمَعِكُمْ بِالتَّوَسُّعَةِ عَلَى عِيَالِكُمْ وَ الْبِرِّ بِإِخْوَانِكُمْ وَ الشُّكْرِ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى مَا مَنَحَكُمْ؛ المصباح للكفعمي ص: ٧٠٠

١-٣-٣٨-٣٨-١- قَابِلِ النِّعْمَةِ بِالشُّكْرِ

﴿٢٧٣٤﴾ العسكري عليه السلام: يَا يَهُودِيَّ اتَّقِ اللَّهَ وَ تَهَنَّا بِعَافِيَةِ اللَّهِ إِيَّاكَ وَ لَا تَتَعَرَّضْ لِلْبَلَاءِ وَ لِمَا لَا تُطِيقُهُ وَ قَابِلِ النِّعْمَةَ بِالشُّكْرِ فَإِنَّ مَنْ كَفَرَهَا سَلَبَهَا وَ مَنْ شَكَرَهَا أَمْتَرَى مَزِيدَهَا؛ بحار الأنوار ج: ٩ ص: ٣٢٣

﴿٢٧٣٥﴾ الرسول عليه السلام: يَا مُحَمَّدُ قَابِلِ نِعْمَائِي عَلَيْكَ بِشُكْرِ الْمُتَمَتِّرِ لِلْمَزِيدِ؛ بحار الأنوار ج: ٢٤ ص: ٣٧٩

١-٣-٣٩-٣٩-١- كُنْ بِالشُّكْرِ مُنْطَلِقَ اللِّسَانِ

﴿٢٧٣٦﴾ وَ إِنْ أَوْلَاكَ ذُو كَرَمٍ جَمِيلًا فَكُنْ بِالشُّكْرِ مُنْطَلِقَ اللِّسَانِ
 ديوان الإمام علي (ع) ص: ٤٤٥

١-٣-٤٠-٤٠-١- كُنْ شَاكِرًا

﴿٢٧٣٧﴾ الصادق عليه السلام: فَكُنْ لَهُ عَبْدًا شَاكِرًا؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ١٧
 ﴿٢٧٣٨﴾ الصادق عليه السلام: كُنْ لِلَّهِ عَبْدًا شَاكِرًا عَلَى كُلِّ حَالٍ تَجِدِ اللَّهَ رَبًّا كَرِيمًا عَلَى كُلِّ حَالٍ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٥٢

﴿٢٧٣٩﴾ الصادق عليه السلام: وَ تَمَامُ الشُّكْرِ اعْتِرَافُ لِسَانِ السَّرِّ خَاضِعًا لِلَّهِ تَعَالَى بِالْعَجْزِ عَنْ بُلُوغِ أَذْنَى شُكْرِهِ... فَكُنْ لِلَّهِ عَبْدًا شَاكِرًا عَلَى هَذَا الْأَصْلِ تَرَى الْعَجَبَ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٥٢
 ﴿٢٧٤٠﴾ وَ كُنْ شَاكِرًا لِلَّهِ فِي كُلِّ نِعْمَةٍ يُشَبِّكَ عَلَى النُّعْمَى جَزِيلَ الْمَوَاهِبِ
 ديوان الإمام علي (ع) ص: ٥٦

١-٣-٤١-٤١-١- كُنْ شَاكِرًا

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۳۶-۳-۱- بر شما باد به شکرگزاری

﴿۲۷۳۱﴾ از معصیت خداوند بپرهیزید و فروتن باشید و شکر و سپاس او را به جای آورید.

﴿۲۷۳۲﴾ بر شما باد به سخاوت و نیکویی خوی، پس به درستی که این ها زیاد می کنند نعمت را و زایل می کنند (رنج) محنت را.

۳۷-۳-۱- به شکرگزاری بازگردید

﴿۲۷۳۳﴾ خدا شما را رحمت کند پس از تمام شدن این مجلس به سوی عیالات خود برگردید و در امور آنها توسعه دهید و به برادران خود نیکی کنید و به آنچه خدا به شما بخشیده شکر به جای آرید.

۳۸-۳-۱- نعمت را با سپاسگزاری پاسخ بده

﴿۲۷۳۴﴾ ای یهودی، از خدا بپرهیز و قدر عافیت و سلامتی را بدان؛ مبدا خود را دچار بلا کنی و به استقبال بلا و گرفتاری بروی، این نعمت را با تشکر و سپاسگزاری پاسخ بده، هر که کفران نعمت کند از او گرفته می شود و هر کس سپاسگزار باشد نعمتش را می افزایند.

﴿۲۷۳۵﴾ ای محمد، در مقابل نعمت های من شکر و سپاسی بگذار که موجب افزایش نعمت شود.

۳۹-۳-۱- با زبان گشاده شکر کن

﴿۲۷۳۶﴾ و اگر صاحب کرم، به تو بخششی زیبا عطا کرد زبانت را به شکر و سپاس باز کن.

۴۰-۳-۱- شکرگزار باش

﴿۲۷۳۷﴾ پس برای پروردگارت بنده ی سپاسگزاری باش.

﴿۲۷۳۸﴾ همواره بنده ی شاکر خداوند باش تا پروردگار را در همه احوال کریم و بخشنده ببایی.

﴿۲۷۳۹﴾ و کمال شکر این است که به زبان حال و قلب و با خلوص نیت اعتراف کند که از به جا آوردن کمترین مرتبه ی شکر پروردگار عاجز است... پس تو باید بر این روش بنده ی شکرگزاری باشی، که در این صورت عجایی از فضل خدا خواهی دید.

﴿۲۷۴۰﴾ و در هر نعمتی شکرگزار خداوند باش... که در آن صورت بعد از هر نعمتی بخشش های بزرگی نیز به تو داده خواهد شد.

۴۱-۳-۱- بسیار شکرگزار باش

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٧٤١﴾ الرسول ﷺ: كُنْ سَهْلًا لِّينَا عَفِيفًا مُسْلِمًا تَقِيًّا نَقِيًّا بَارًّا طَاهِرًا مُطَهَّرًا صَادِقًا خَالِصًا سَلِيمًا صَاحِحًا لَيِّبًا صَالِحًا صَبُورًا شُكُورًا؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ١٧١
 ﴿٢٧٤٢﴾ كُنْ فِي السَّرَّاءِ عَبْدًا شُكُورًا وَفِي الضَّرَّاءِ عَبْدًا صَبُورًا؛ غرر الحكم ص: ٢٧٧
 ﴿٢٧٤٣﴾ الرسول ﷺ: يَا ابْنَ مَسْعُودٍ عَلَيْكَ بِالسَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ وَكُنْ سَهْلًا لِّينَا عَفِيفًا مُسْلِمًا تَقِيًّا نَقِيًّا بَارًّا طَاهِرًا مُطَهَّرًا صَادِقًا خَالِصًا سَلِيمًا صَاحِحًا لَيِّبًا صَالِحًا صَبُورًا شُكُورًا؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ١٧١

٢٢-٣-١- كُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ

﴿٢٧٤٤﴾ قَالَ يَا مُوسَى إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَاتِي وَبِكَلَامِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ الأعراف: الآية ١٤٤

﴿٢٧٤٥﴾ بَلِ اللَّهُ فَاعْبُدْ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ الزمر: الآية ٦٦
 ﴿٢٧٤٦﴾ الصادق عليه السلام: عَلَيْكَ يَا عَبْدَ اللَّهِ بِمَا دَلَّكَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ مِنْ صِفَتِهِ وَتَقَدَّمَكَ فِيهِ الرَّسُولُ مِنْ مَعْرِفَتِهِ فَاتَّمِّمْ بِهِ وَاسْتَضِئْ بِنُورِ هِدَايَتِهِ فَإِنَّمَا هِيَ نِعْمَةٌ وَحِكْمَةٌ أُوتِيَتْهَا فَخُذْ مَا أُوتِيتَ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٢٤٧
 ﴿٢٧٤٧﴾ العسكري عليه السلام: إِنَّهُ سَمَّى رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَكُنِيَ مِثْلَهُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ كَالْخَضِرِ وَذِي الْقُرْنَيْنِ لِيُعَبِّينَ غَيْبَهُ لَا يَنْجُو مِنَ الْهَلَكَةِ فِيهَا إِلَّا مَنْ ثَبَّتَهُ اللَّهُ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَوَقَّعَهُ الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ وَيَرْجِعُ مِنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرَ الْقَائِلِينَ بِهِ هَذَا سِرُّ اللَّهِ فَخُذْ وَاكْتُمْهُ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ تَكُنْ مَعَنَا فِي عِلِّيِّينَ؛ الصراط المستقيم ج: ٢ ص: ٢٣١

﴿٢٧٤٨﴾ بَلِ اللَّهُ فَاعْبُدْ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ الزمر: الآية ٦٦
 ﴿٢٧٤٩﴾ الصادق عليه السلام: فَمَا دَلَّكَ الْقُرْآنُ عَلَيْهِ مِنْ صِفَتِهِ فَاتَّبِعْهُ لِيُوصِلَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مَعْرِفَتِهِ وَاتَّمِّمْ بِهِ وَاسْتَضِئْ بِنُورِ هِدَايَتِهِ فَإِنَّمَا نِعْمَةٌ وَحِكْمَةٌ أُوتِيَتْهُمَا فَخُذْ مَا أُوتِيتَ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٤ ص: ٢٧٦

﴿٢٧٥٠﴾ الصادق عليه السلام: يَا مُفَضَّلُ خُذْ مَا آتَيْتُكَ وَاحْفَظْ مَا مَنَحْتُكَ وَكُنْ لِرَبِّكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا لَئِنَّهُ مِنَ الْحَامِدِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٣ ص: ١٥٠
 ﴿٢٧٥١﴾ الصادق عليه السلام: يَعْنِي بَلِ اللَّهُ فَاعْبُدْ بِالطَّاعَةِ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ أَنْ عَصَدْتُكَ بِأَخِيكَ وَابْنِ عَمِّكَ؛ الكافي ج: ١ ص: ٤٢٧

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۷۴۱﴾ پاک‌دامن، پرهیزکار، پاکیزه و مسلمان، نیکوکار، پاک و پاک‌کننده، راست و خالص، تسلیم و درست، خردمند و شایسته، شکیبا و سپاسگزار باش.

﴿۲۷۴۲﴾ در شادی بنده‌ای بسیار شکرگزار، و در سختی بنده‌ای بسیار صبور و شکیبا باش.

﴿۲۷۴۳﴾ ای پسر مسعود، بر تو باد به سنگینی و وقار و نرمی و آسان‌گیری، پاک‌دامنی، پرهیزکاری، پاکیزگی و مسلمانی، نیکوکاری، پاکی و پاکیزگی، راستی و خلوص، تسلیم و درستی، خردمندی و شایستگی، شکیبایی و سپاسگزاری.

﴿۴۲-۳-۱- از شکرگزاران باش﴾

﴿۲۷۴۴﴾ خداوند فرمود: ای موسی من تو را به مقام پیام‌رسان خود و هم‌صحبتی با خویش، بر سایر مردم برگزیدم، پس آنچه که به تو دادم کاملاً فراگیر و از شکرگزاران باش.

﴿۲۷۴۵﴾ بلکه تنها خداوند را عبادت کن و از شکرگزاران باش.

﴿۲۷۴۶﴾ ای بنده‌ی خدا، ملاحظه کن که قرآن به چه صفاتی از خداوند تو را، راهنمایی کرده است و پیامبر خدا ﷺ چه چیزی از شناخت خدا را پیش روی تو گزارده است پس از آن پیروی کن و از نور هدایت آن روشنایی بگیر که آن همان نعمت و حکمت است که به تو داده شده است پس آنچه که به تو داده شده را بگیر و از شاکران باش.

﴿۲۷۴۷﴾ او همانم پیامبر خدا ﷺ است و هم‌کنیه‌ی ایشان. در این امت همانند خضر و ذی‌القرنین می‌باشد، غیبتی خواهد داشت که در آن غیبت هیچ‌کس از هلاکت نجات نمی‌یابد مگر آن کسی که خداوند او را در قائل‌بودن به امامتش ثابت‌قدم و در دعا به تعجیل فرجش موفق داشته است و بسیاری از آن‌ها که به این امر معتقدند، از اعتقاد خود باز می‌گردند، این راز خداوند است آن را بگیر و آن را حفظ کن و از شاکران باش که در این صورت در برترین جای بهشت با ما خواهی بود.

﴿۲۷۴۸﴾ بلکه تنها خداوند را عبادت کن و از شکرگزاران باش.

﴿۲۷۴۹﴾ آنچه را که قرآن از توصیف خداوند ما را بدان راهنمایی نمود، پیروی کن تا بین تو و بین معرفت او پیوند برقرار کند و او را پیشوای خود قرار ده و از نور هدایتش روشنی بجوی که آن نعمت و حکمت است که به تو داده شده است پس آنچه را که به تو داده شد بگیر و از شاکران باش.

﴿۲۷۵۰﴾ ای مفضل، آنچه به تو دادم بگیر، و آنچه به تو بخشیدم حفظ کن، و برای پروردگار خود از شکرگزاران و در مقابل نعمت‌های او از سپاسگزاران باش.

﴿۲۷۵۱﴾ یعنی خدا را با فرمان‌برداری بپرست و از شکرگزاران باش به خاطر اینکه برادر و پسرعمویت را یار تو قرار دادم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١-٣-٣-٤٢- كُونُوا مِنَ الشَّاكِرِينَ

﴿٢٧٥٢﴾ العسكري عليه السلام: وَانْظُرُوا كَيْفَ وَسَّعَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ حَيْثُ أَوْضَحَ لَكُمْ الْحُجَّةَ لِيَسْهَلَ عَلَيْكُمْ مَعْرِفَةُ الْحَقِّ ثُمَّ وَسَّعَ لَكُمْ فِي التَّقِيَّةِ لِتَسْلَمُوا مِنْ شُرُورِ الْخَلْقِ ثُمَّ إِنَّ بَدَلْتُمْ وَغَيَّرْتُمْ عَرْضَ عَلَيْكُمْ التَّوْبَةَ وَ قَبَلَهَا مِنْكُمْ فَكُونُوا لِنِعْمَاءِ اللَّهِ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ١٣ ص: ١٨٢

١-٣-٣-٤٤- لَا تَبْعُدُونَ مِنْ شُكْرٍ

﴿٢٧٥٣﴾ الصادق عليه السلام: فَإِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الْعَطَاءَ مَحَبَّةً وَ الْمَنَعَ مَبْغَضَةً فَأَنْتُمْ وَاللَّهُ إِنْ تَسْأَلُونِي أُعْطِيَكُمْ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ لَا تَسْأَلُونِي فَلَا أُعْطِيكُمْ فَتَبْغِضُونِي وَ مَهْمَا أَجْرَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَكُمْ مِنْ شَيْءٍ عَلَى يَدَيَّ فَالْمَحْمُودُ اللَّهُ تَعَالَى وَ لَا تَبْعُدُونَ مِنْ شُكْرِ مَا أَجْرَى اللَّهُ لَكُمْ عَلَى يَدَيَّ؛

بحار الأنوار ج: ٤٨ ص: ٤٨

١-٣-٣-٤٥- لَا تَخُلْ مِنْ شُكْرِهِ

﴿٢٧٥٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّهُ لَا تَخْلُو مِنْ نِعْمَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عِنْدَكَ وَ عَافِيَتِهِ فَلَا تَخُلْ مِنْ تَحْمِيدِهِ وَ تَمْجِيدِهِ وَ تَسْبِيحِهِ وَ تَقْدِيسِهِ وَ شُكْرِهِ وَ ذِكْرِهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ؛ مستدرک الوسائل ج: ١

ص: ١٢١

١-٣-٣-٤٦- لَا تَشْغَلْنِي عَنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ

﴿٢٧٥٥﴾ الصادق عليه السلام: لَا تَشْغَلْنِي عَنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ بِإِكْتَارِ مِنْهَا تَلْهِينِي بِهِجَتِهِ وَ تَفْتِنِي زَهْرَاتِ زَهْوَتِهِ وَ لَا بِإِقْلَالِ عَلَى مِنْهَا يَقْصُرُ بِعَمَلِي كَدَّهُ وَ يَمَلَأُ صَدْرِي هَمُّهُ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٥٣

١-٣-٣-٤٦-١- لَا تَغْفُلُوا عَنِ الشُّكْرِ

﴿٢٧٥٦﴾ لَا تَغْفُلُوا عَنِ الشُّكْرِ فَيُنَازِعَكُمْ الذَّلُّ؛ أعلام الدين ص: ٣٢٧

١-٣-٣-٤٧- لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَعْجُزُ عَنْ شُكْرِ مَا أُوتِيَ

﴿٢٧٥٧﴾ لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُو الْآخِرَةَ بِغَيْرِ عَمَلٍ وَ يُؤَخِّرُ التَّوْبَةَ لِطُولِ الْأَمَلِ وَ يَقُولُ فِي الدُّنْيَا قَوْلَ الزَّاهِدِينَ وَ يَعْمَلُ فِيهَا عَمَلَ الرَّاعِبِينَ إِنْ أُعْطِيَ مِنْهَا لَمْ يَشْبَعْ وَ إِنْ مَنَعَ مِنْهَا لَمْ يَقْنَعْ يَعْجُزُ عَنْ شُكْرِ مَا أُوتِيَ وَ يَنْبَغِي الزِّيَادَةُ فِيمَا بَقِيَ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٤٤٨

١-٣-٣-٤٨- لَا تَنْسُوا عِنْدَ النَّعَمِ شُكْرَكُمْ

﴿٢٧٥٨﴾ لَا تَنْسُوا عِنْدَ النَّعَمِ شُكْرَكُمْ فَقَدْ أَعْذَرَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ بِحُجَجٍ مُسْفِرَةٍ ظَاهِرَةٍ وَ كُتِبَ بَارِزَةً الْعُذْرُ وَاضِحَةً؛ شرح نهج البلاغة ج: ٦ ص: ٢٣٠

١-٣-٣-٤٩- لَا يَنْبَغِي أَنْ يَغْفَلَ عَنْ شُكْرِكَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۴۲-۳-۱- از شکرگزاران باشید

﴿۲۷۵۲﴾ و بنگرید که خداوند با آشکار کردن حجت بر شما چگونه بر شما وسعت داد تا شناخت حق را برایتان آسان کند و سپس با دادن اجازه‌ی تقیه، دین را بر شما قابل انعطاف‌تر و گسترده‌تر کرد تا از شر مردم بد در امان باشید و اگر در دین خدا تغییر و تبدیلی ایجاد کردید راه توبه را به شما نشان داد و توبه را از شما پذیرفت.

۴۴-۳-۱- از شکرگزاری دور نباشید

﴿۲۷۵۳﴾ خداوند عطا و بخشش را عامل جلب محبت و امساک و بخل را عامل جلب بغض و کینه قرار داده است؛ به خدا سوگند، اگر شما از من چیزی بخواهید به شما می‌دهم، و این عمل نزد من محبوب‌تر است از اینکه شما چیزی درخواست کنید و من ندهم و نبخشم و در نتیجه‌ی بغض و بی‌مهری شما را جلب کنم. و هر وقت که خداوند متعال با دست من چیزی به شما برساند، آن که واقعاً شایسته‌ی ستایش است خدای بلندمرتبه است. و شما هرگز از شکر نعمتی که خداوند به دست من جاری ساخته سرباز نزنید.

۴۵-۳-۱- خود را از شکرگزاری او خالی نکن

﴿۲۷۵۴﴾ ای کمیل! همانا تو از نعمت‌های خدای عزیز و جلیل بی‌بهره نیستی، بنابر این در تمام حالات از ستایش و ثناء، تسبیح و تقدیس، سپاسگزاری و یادآوری غافل مباش.

۴۶-۳-۱- مرا از شکرگزاری نعمت غافل مساز

﴿۲۷۵۵﴾ به واسطه‌ی زیادی نعمت مرا از شکر آن بازدار، و مبادا زیبایی‌های آن مرا به خود سرگرم سازد، و درخشندگی شکوفه‌هایش مرا فریب دهد (یا گمراه سازد) و نیز مرا به کمی نعمت دچار مساز که رنج به دست آوردن آن مرا از اعمال و عباداتم بازدارد و اندوه به‌دست‌آوردنش سینه‌ام را فراگیرد و بفشارد.

۴۶-۱-۳-۱- از شکرگزاری غافل مباشید

﴿۲۷۵۶﴾ نعمت، شما را از سپاسگزاری غافل نکند که در این صورت ذلت شما را درهم می‌کوبد.

۴۷-۳-۱- از کسانی مباش که از شکرگزاری آنچه به ایشان داده شده عاجز می‌شوند

﴿۲۷۵۷﴾ از آنان مباش که بدون هیچ عمل خیری به آخرت طمع دارد، و به خاطر آرزوهای دراز توبه را به تأخیر می‌اندازد، در دنیا مانند پارسایان سخن می‌گوید، ولی پیوسته راه علاقمندان به این سرا را پوید، اگر همه‌ی دنیا را به وی دهند سیر نمی‌شود، و چون از چیزی بازش بدارند قناعت نمی‌کند، از سپاسگزاری آنچه به او داده شده فرو می‌ماند، ولی هنوز باقی‌مانده‌ی آن را درخواست می‌کند.

۴۸-۳-۱- در برابر نعمت‌ها، شکر یادتان نرود

﴿۲۷۵۸﴾ و شکر نعمت موجود را فراموش نکنید. که با بودن حجت‌های روشن و آشکار، و کتاب‌های آسمانی و دلیل‌های واضح راه عذر بر شما بسته است.

۴۹-۳-۱- سزاوار نیست که از شکرگزاری ات غافل شوی

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٧٥٩﴾ السَّجْدَةُ: نَسَأُكَ يَا وَاسِعَ الْبَرَكَاتِ وَيَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ وَيَا مُنْجِحَ الطَّلِبَاتِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَرْزُقَنَا خَوْفًا وَحُزْنًا تَشْغَلُنَا بِهِمَا عَنْ لَذَاتِ الدُّنْيَا وَشَهَوَاتِهَا وَمَا يَعْتَرِضُ لَنَا فِيهَا عَنِ الْعَمَلِ بِطَاعَتِكَ إِنَّهُ لَا يَنْبَغِي لِمَنْ حَمَلْتَهُ مِنْ نِعَمِكَ مَا حَمَلْتَنَا أَنْ يَغْفَلَ عَنْ شُكْرِكَ وَأَنْ يَتَشَاغَلَ بِشَيْءٍ غَيْرِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٢٤

٥٠-٣-١- لَنْ يَكُونُوا شَاكِرِينَ

﴿٢٧٦٠﴾ الْعَلَّةُ فِي الصَّلَاةِ الْاسْتِعْبَادُ وَالْإِقْرَارُ بِرُبُوبِيَّتِهِ وَخَلْعُ الْأَنْدَادِ مُكَرَّرًا ذَلِكَ عَلَيْهِمْ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ وَلَيْلًا يَنْسَوْنَ خَالَقَهُمْ وَرَازِقَهُمْ وَلَا يَغْفُلُوا عَنْ طَاعَتِهِ وَيَكُونُوا ذَاكِرِينَ حَامِدِينَ شَاكِرِينَ لِنِعْمِهِ وَتَفْضِيلِهِ عَلَيْهِمْ؛ بحار الأنوار ج: ٧٩ ص: ٢٧٥ ص:

٥١-٣-١- لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ، لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

﴿٢٧٦١﴾ رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ دُورَتِي بَوَادِ عَيْرٍ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْتِدَاءَ مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ؛ إبراهيم: الآية ٣٧

﴿٢٧٦٢﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ المائدة: الآية ٦

﴿٢٧٦٣﴾ وَادْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ الأنفال: الآية ٢٦

﴿٢٧٦٤﴾ شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْقُرْآنَ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ البقرة: الآية ١٨٥

﴿٢٧٦٥﴾ ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ البقرة: الآية ٥٢

﴿٢٧٦٦﴾ ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ البقرة: الآية ٥٦

﴿٢٧٦٧﴾ اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛

الجاثية: الآية ١٢

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۷۵۹﴾ ای صاحب برکت‌های فراوان و ای رواکننده و برآورنده‌ی نیازها، از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش علیهم‌السلام درود فرستی و واهمه و اندوهی به ما روزی کن تا به‌وسیله‌ی آن‌ها به لذات دنیا و هوس‌ها و چیزهایی که ما را از اطاعت تو بازمی‌دارد مشغول نشویم زیرا به هر که نعمت‌هایی را که به ما داده‌ای داده باشی، شایسته نیست که از شکر غفلت کند و به چیزی غیر از تو مشغول شود.

۵۰-۳-۱- باید شکرگزار باشند

﴿۲۷۶۰﴾ علت نماز خواندن بندگی و اقرار به ربوبیت است و کنار گذاشتن آنچه که شریک خدا می‌پندارند، این کار در هر روز و شب پنج بار بر آنان واجب است و نیز برای اینکه خالق و رازقشان را فراموش نکنند و از طاعتش غفلت ننمایند و ذاکر و سپاسگزار نعمت‌ها و نیکی‌هایش بر آنان باشند.

۵۱-۳-۱- شاید که ایشان شکر کنند، شاید شما شکر کنید

﴿۲۷۶۱﴾ پروردگارا، من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی‌آب و علف، در کنار خانه‌ای که حرم توست، سکونت دادم تا نماز را برپا دارند؛ پس تو دل‌های گروهی از مردم را متوجه آن‌ها ساز و از میوه‌ها و گیاهان به آن‌ها روزی ده، باشد که آنان شکر تو را به‌جای آورند.

﴿۲۷۶۲﴾ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که به نماز می‌ایستید، صورت و دست‌ها را تا آرنج بشوید و سر و پاها را تا مفصل [برآمدگی پشت] پا مسح کنید و اگر جنب باشید، خود را بشوید (و غسل کنید) و اگر بیمار یا مسافر باشید، یا یکی از شما از محل پستی آمده [قضای حاجت کرده]، یا با آنان تماس گرفته (و آمیزش جنسی کرده‌اید) و آب (برای غسل یا وضو) نیابید، با خاک پاکی تیمم کنید و از آن، بر صورت [پیشانی] و دست‌ها بکشید؛ خداوند نمی‌خواهد مشکلی برای شما ایجاد کند بلکه می‌خواهد شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام نماید شاید شکر او را به‌جا آورید.

﴿۲۷۶۳﴾ و به خاطر بیاورید هنگامی را که شما در روی زمین، گروهی کوچک و اندک و زبون بودید آن‌چنان که می‌ترسیدید مردم شما را بربایند؛ ولی او شما را پناه داد و با یاری خود تقویت کرد و از روزی‌های پاکیزه بهره‌مند ساخت؛ باشد که شکر نعمتش را به‌جا آورید.

﴿۲۷۶۴﴾ ماه رمضان ماهی است که قرآن در آن، برای راهنمایی مردم و نشانه‌های هدایت و فرق میان حق و باطل نازل شده است. پس آن‌کس از شما که در ماه رمضان در وطن خود باشد، روزه بگیرد و آن‌کس که بیمار یا در سفر است، روزهای دیگری را به‌جای آن، روزه بگیرد؛ خداوند، راحتی شما را می‌خواهد، نه زحمت شما را، هدف این است که این روزها را تکمیل کنید و خدا را بر اینکه شما را هدایت کرده، بزرگ بشمرید؛ باشد که شکرگزاری کنید.

﴿۲۷۶۵﴾ بعد از آن شما را بخشیدیم شاید شکر (این نعمت را) به‌جا آورید.

﴿۲۷۶۶﴾ سپس پس از مرگتان به شما، حیات بخشیدیم شاید شکر (نعمت او را) به‌جا آورید.

﴿۲۷۶۷﴾ خداوند همان کسی است که دریا را مسخر شما کرد تا کشتی‌ها به فرمانش در آن حرکت کنند و بتوانید از فضل او بهره گیرید باشد که شکر نعمت‌هایش را به‌جا آورید.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٧٤٨﴾ وَالْبَدَنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِيعُوا الْقَانِعَ وَالْمَعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ الحج:

الآية ٣٦

﴿٢٧٤٩﴾ الْعَسْكَرُ ^{الْمُحَارِبِينَ} أَي لَعَلَّ اسْتَأْذَنَ لَكُمْ يَشْكُرُونَ الْحَيَاةَ؛ بحار الأنوار ج: ١٣ ص: ٢٣٥
 ﴿٢٧٧٠﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيَذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ الروم: الآية ٤٦

﴿٢٧٧١﴾ وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِيَدِهِ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ آل عمران: الآية ١٢٣
 ﴿٢٧٧٢﴾ وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛

القصص: الآية ٧٣

﴿٢٧٧٣﴾ لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسْكِينٍ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ المائدة:

الآية ٨٩

﴿٢٧٧٤﴾ وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لَكُمْ لَتَكُلُوا مِنْهُ حَمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَبْلَةً حَلِيقَةً تَلْبِسُونَهَا وَتَرَى الْفُلُكَ مَوَاحِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ النحل: الآية ١٤
 ﴿٢٧٧٥﴾ وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ النحل: الآية ٧٨

﴿٢٧٧٦﴾ وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمِنْ كُلٍّ تَأْكُلُونَ حَمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حَبْلَةً تَلْبِسُونَهَا وَتَرَى الْفُلُكَ فِيهِ مَوَاحِرَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ فاطر: الآية ١٢

٥٢-٣-١- لَكُمْ يَشْكُرُوا

﴿٢٧٧٧﴾ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ يَعْنِي لَكُمْ يَشْكُرُوا؛ بحار الأنوار ج: ١٢ ص: ٩٢

٥٣-٣-١- لَوْ لَا تَشْكُرُونَ

﴿٢٧٧٨﴾ لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا فَلَوْ لَا تَشْكُرُونَ؛ الواقعة: الآية ٧٠

٥٤-٣-١- لَيْسَ الشُّكْرُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۷۶۸﴾ و شترهای چاق و فربه را (در مراسم حج) برای شما از شعایر الهی قرار دادیم؛ در آن‌ها برای شما خیر و برکت است. (هنگام قربانی کردن) درحالی که به صف ایستاده‌اند و هنگامی که پهلوهایشان آرام گرفت (و جان دادند) نام خدا را بر آنها ببرید، از گوشت آن‌ها بخورید، و مستمندان قانع و فقیران را نیز از آن اطعام کنید؛ این گونه ما آن‌ها را مسخرتان ساختیم، تا شکر خدا را به‌جا آورید.

﴿۲۷۶۹﴾ کاش پیشینیان شما شکر نعمت زندگی را می‌کردند.

﴿۲۷۷۰﴾ و از آیات عظمت خدا این است که بادها را به عنوان بشارت دهندگانی می‌فرستد تا شما را از رحمتش بچشانند (و سیراب کند) و کشتی‌ها به فرمانش حرکت کنند و از فضل او بهره گیرید باشد که شکرگزاری کنید.

﴿۲۷۷۱﴾ خداوند شما را در بدر یاری کرد (و بر دشمنان خطرناک، پیروز ساخت) درحالی که شما (نسبت به آن‌ها)، ناتوان بودید. پس، از خدا بهره‌یزید (و در برابر دشمن، مخالفت فرمان پیامبر نکنید)، تا شکر نعمت او را به‌جا آورده باشید.

﴿۲۷۷۲﴾ و از رحمت اوست که برای شما شب و روز قرار داد تا هم در آن آرامش داشته باشید و هم برای بهره‌گیری از فضل خدا تلاش کنید، و شاید شکر نعمت او را به‌جا آورید.

﴿۲۷۷۳﴾ خداوند شما را به خاطر سوگندهای بیهوده (و خالی از اراده)، مؤاخذه نمی‌کند ولی در برابر سوگندهایی که (از روی اراده) محکم کرده‌اید، مؤاخذه می‌نماید. کفاره‌ی این گونه قسم‌ها، اطعام ده نفر مستمند، از غذاهای معمولی است که به خانواده‌ی خود می‌دهید یا لباس پوشاندن بر آن ده نفر و یا آزادکردن یک برده و کسی که هیچ کدام از این‌ها را نیابد، سه روز روزه می‌گیرد این، کفاره‌ی سوگندهای شماست به‌هنگامی که سوگند یاد می‌کنید (می‌شکنید). و سوگندهای خود را حفظ کنید (و نشکنید)، خداوند آیات خود را این چنین برای شما بیان می‌کند، شاید شکر او را به‌جا آورید.

﴿۲۷۷۴﴾ او کسی است که دریا را مسخر (شما) ساخت تا از آن، گوشت تازه بخورید و زیوری برای پوشیدن (مانند مروارید) از آن استخراج کنید و کشتی‌ها را می‌بینی که سینه‌ی دریا را می‌شکافند تا شما (به تجارت پردازید و) از فضل خدا بهره‌گیرید شاید شکر نعمت‌های او را به‌جا آورید.

﴿۲۷۷۵﴾ و خداوند شما را از شکم مادرانتان خارج نمود درحالی که هیچ چیز نمی‌دانستید و برای شما، گوش و چشم و عقل قرار داد، تا شکر نعمت او را به‌جا آورید.

﴿۲۷۷۶﴾ دو دریا یکسان نیستند: این یکی دریایی است که آبش گوارا و شیرین و نوشیدنش خوشگوار است، و آن یکی شور و تلخ و گلوگیر (اما) از هردو گوشتی تازه می‌خورید و وسایل زینتی استخراج کرده می‌پوشید و کشتی‌ها را در آن می‌بینی که آن‌ها را می‌شکافند (و به‌سوی مقصد پیش می‌روند) تا از فضل خداوند بهره‌گیرید، و شاید شکر (نعمت‌های او را) به‌جا آورید.

۵۲-۳-۱- تا اینکه شکر کنند

﴿۲۷۷۷﴾ "شاید شکر کنند" یعنی: تا اینکه شکر کنند.

۵۳-۳-۱- چرا شکر نمی‌کنید

﴿۲۷۷۸﴾ هرگاه بخواهیم، این آب گوارا را تلخ و شور قرار می‌دهیم پس چرا شکر نمی‌کنید؟!

۵۴-۳-۱- باید شکر را بخواهد

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٧٧٩﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَصَّ الْأَنْبِيَاءَ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَمَنْ كَانَتْ فِيهِ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ وَمَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ فَلْيَتَضَرَّعْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلْيَسْأَلْهُ إِيَّاهَا قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَمَا هُنَّ الْوَرَعُ وَالْقَنَاعَةُ وَالصَّبْرُ وَالشُّكْرُ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٦

١-٣-٥٥- لِيَشْكُرَ

﴿٢٧٨٠﴾ الصادق عليه السلام: عَبْدِي الْمُؤْمِنَ لَا أَصْرِفُهُ فِي شَيْءٍ إِلَّا جَعَلْتُهُ خَيْرًا لَهُ فَلْيَرْضَ بِقَضَائِي وَ لْيَصْبِرْ عَلَى بَلَائِي وَ لْيَشْكُرْ نِعْمَائِي أَكْتُبُهُ يَا مُحَمَّدُ مِنَ الصَّادِقِينَ عِنْدِي؛ الكافي ج: ٢ ص: ٦١

﴿٢٧٨١﴾ الرضا عليه السلام: فَمَنْ أَيْسَرَ مِنْكُمْ فَلْيَشْكُرِ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ لَكُنْ شَكَرْتُمْ لَا زِيَادَتَكُمْ؛ الكافي ج: ٨ ص: ٣٤٦

﴿٢٧٨٢﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّا نَجِدُ فِي الْإِنْجِيلِ أَنَّ مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ نِعْمَةً فَلْيَشْكُرِ اللَّهَ؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ٣٠١

﴿٢٧٨٣﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ لَا أَصْرِفُ عَبْدِي الْمُؤْمِنَ عَنْ شَيْءٍ إِلَّا جَعَلْتُ ذَلِكَ خَيْرًا لَهُ فَلْيَرْضَ بِقَضَائِي وَ لْيَصْبِرْ عَلَى بَلَائِي وَ لْيَشْكُرْ نِعْمَائِي أَكْتُبُهُ فِي الصَّادِقِينَ عِنْدِي؛ أعلام الدين ص: ٤٣٦

١-٣-٥٦- لِيَكْثِرَ الشُّكْرُ

﴿٢٧٨٤﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: مَنْ تَظَاهَرَتْ نِعَمُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَلْيَكْثِرِ الشُّكْرَ وَ مَنْ أَتَاهُمُ الشُّكْرَ لَمْ يُحْرَمِ الْمَزِيدَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ١٩٤

١-٣-٥٧- لِيَكُنْ أَوَّلَى الْأَمْرِ بِكَ الشُّكْرُ

﴿٢٧٨٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنِّي أُوصِيكَ بِوَصِيَّةٍ فَاحْفَظْهَا وَ اتَّقِ اللَّهَ وَ لِيَكُنْ أَوَّلَى الْأَمْرِ بِكَ الشُّكْرُ لِلَّهِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ فَإِنَّ الشُّكْرَ خَيْرٌ زَادٍ؛ بحار الأنوار ج: ٣٢ ص: ٦٠٥

١-٣-٥٧- لِيَكُنِ الشُّكْرُ شَاغِلًا لَكَ

﴿٢٧٨٦﴾ لِيَكُنِ الشُّكْرُ شَاغِلًا لَكَ عَلَى مُعَافَاتِكَ مِمَّا ابْتُلِيَ بِهِ غَيْرُكَ؛ غرر الحكم ص: ٢٨٠

﴿٢٧٨٧﴾ فَلْيَكْفُفْ مَنْ عِلِمَ مِنْكُمْ عَيْبَ غَيْرِهِ لِمَا يَعْلَمُ مِنْ عَيْبِ نَفْسِهِ وَ لِيَكُنِ الشُّكْرُ شَاغِلًا لَهُ عَلَى مُعَافَاتِهِ مِمَّا ابْتُلِيَ بِهِ غَيْرُهُ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٩ ص: ٥٩

١-٣-٥٩- لِيَكُونَ شَاكِرًا

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۷۷۹﴾ خداوند متعال پیامبران را به مکارم اخلاق اختصاص داده و هرکس دارای آن صفات باشد باید خدا را سپاس گوید و هرکس آن صفات را نداشته باشد باید از خداوند بخواهد که آن صفات را به او عطا فرماید، راوی می گوید عرض کردم، قربانت کردم آن صفات را بیان فرمایید، امام علیه السلام فرمودند ورع، قناعت، صبر، شکر و...

۵۵-۳-۱- باید شکرگزاری کند

﴿۲۷۸۰﴾ برای بنده‌ی مؤمن هرچه پیش آید برایش خیر است، او باید از مقدرات من راضی باشد و در گرفتاری‌ها صبر کند و از نعمت‌ها سپاسگزاری نماید، ای محمد، دراین صورت من او را از صدیقان به حساب خواهم آورد.

﴿۲۷۸۱﴾ هرکس از شما توانگر است باید سپاس بگذارد زیرا خدای عزیز و جلیل می فرماید: "اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود".

﴿۲۷۸۲﴾ ما در انجیل چنین یافتیم: کسی که خداوند به او نعمت دهد باید خدا را شکر کند. ﴿۲۷۸۳﴾ همانا خدای متعال می فرماید: بنده‌ی مؤمنم را از چیزی منصرف نکردم مگر آنکه آن را برایش خیر و خوبی قرار دادم، پس باید که بنده‌ی مؤمن من به تقدیر و مشیت من راضی شود و در بلا و سختی صبر پیشه کند و بر نعمت‌هایم شکر می کند، در چنین شرایطی من نام او را نزد خودم در زمره‌ی صدیقین و راست کرداران ثبت می کنم.

۵۶-۳-۱- باید بسیار شکر کند

﴿۲۷۸۴﴾ بر هرکس نعمت‌های خداوند آشکار شود واجب است که بسیار شکر کند و بر هرکس که شکر الهام شود، از فزونی محروم نخواهد شد.

۵۷-۳-۱- باید صاحبان خرد به واسطه‌ی توفیق تو شکر کنند

﴿۲۷۸۵﴾ همانا من تو را به وصیتی مهم سفارش می کنم، پس آن را حفظ کن و پرهیز کاری و تقوا پیشه کن تا از جمله صاحبان و مجریان امور الهی باشی، شکر و آن سفارش حق تعالی در نهان و آشکاراست، زیرا شکرگزاری حق تعالی بهترین زاد و توشه است.

۵۷-۳-۱- باید شکرگزاری تو را مشغول کند

﴿۲۷۸۶﴾ باید که توجه به عافیت خود و نیز گرفتاری دیگران باید تو را به شکر وا دارد. ﴿۲۷۸۷﴾ پس اگر از شما کسی عیب دیگری را دانست به خاطر عیبی که در خود می داند، عیب او را بر زبان نراند (فاش نکند). و شکر دور ماندن از آن گناه، او را از آنکه دیگری را که به گناه گرفتار است بیازارد و رسوا نماید بازدارد.

۵۹-۳-۱- باید شکر گزار باشد

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٧٨٨﴾ الصادق عليه السلام: وَأَمَّا إِقَامَةُ الْجِدَارِ مِنْ غَيْرِ أَجْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ ذَكَرَهُ بِذَلِكَ فَضَّلَهُ فِيمَا آتَاهُ فِي ابْتِنَى شُعَيْبٍ حِينَ سَقَى لَهُمَا وَهُوَ جَائِعٌ وَلَمْ يَبْنَعْ عَلَى ذَلِكَ أَجْرًا مَعَ حَاجَتِهِ إِلَى الطَّعَامِ فَبَنَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى ذَلِكَ لِيَكُونَ شَاكِرًا مُسْرُورًا؛ قصص الأنبياء للجزائري ص: ٢٩٤

١
٦٠-٣-١- ينْبَغِي أَنْ يَكُونَ الشُّكْرُ هُوَ الْغَالِبَ عَلَيْهِمْ، يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ شُكْرًا

﴿٢٧٨٩﴾ إِنَّمَا يَنْبَغِي لِأَهْلِ الْعِصْمَةِ وَالْمَصْنُوعِ إِلَيْهِمْ فِي السَّلَامَةِ أَنْ يَرْحَمُوا أَهْلَ الذُّنُوبِ وَالْمَعْصِيَةِ وَيَكُونَ الشُّكْرُ هُوَ الْعَالِبَ عَلَيْهِمْ وَالْحَاجِزَ لَهُمْ عَنْهُمْ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٩ ص: ٥٩

﴿٢٧٩﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ صَدُوقًا لِيُؤْمَنَ عَلَى حَدِيثِهِ وَشَكُورًا لِيَسْتَوْجِبَ الزَّيَادَةَ؛ تحف العقول ص: ٣٦٤

الزَّادَةُ؛ تحف العقول ص: ٣٦٤

﴿٢٧٩١﴾ الصادق عليه السلام: يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ فِيهِ ثَمَانُ خِصَالٍ وَقُورٌ عِنْدَ الْهَزَاجِ صَبُورٌ عِنْدَ الْبَلَاءِ شُكُورٌ عِنْدَ الرِّخَاءِ قَانِعٌ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ لَا يَظْلِمُ الْأَعْدَاءَ وَلَا يَتَحَامَلُ لِلْأَصْدِقَاءِ بَدَنُهُ مِنْهُ فِي تَعَبٍ وَ النَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٢٣٠

تَعَبَ وَ النَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةِ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٢٣٠

٤-٣-١- وَجُوبُ وَلزُومُ وَضَرُورَةُ الشُّكْرِ

۱-۴-۳-۱- إِنْ اللّٰهَ أَهْلٌ أَنْ تَشْكُرَ

﴿٢٧٩٢﴾ الصادق عليه السلام: أَنْتَ أَهْلُ أَنْ تُحَمَّدَ وَ تُعْبَدَ وَ تُشْكَرَ يَا حَيَّرَ الْمُحْمُودِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ١٩٥

ج: ۹۴ ص: ۱۹۵

﴿٢٧٩٣﴾ الصادق عليه السلام: وَ لِمَوْلَايَ الْحَمْدُ وَ الشُّكْرُ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَ مُسْتَحَقُّهُ؛ بحار الأنوار ج: ٣

ص: ۱۵۰

٢-٣-١- الشُّكْرُ حَقٌّ

١-٢-٣-٤-١-إِسْتَحَقَّ أَنْ يَشْكُرَهُ

﴿٢٧٩٤﴾ الصادق عليه السلام: اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ مَنْ خَلَقَ أَنْ يَشْكُرَهُ وَيَحْمَدَهُ عَلَى السَّرِّ وَالنَّجْوَى وَالشَّهَادَةِ وَالرَّخَاءِ وَبَحَارِ الْأَنْوَارِ ج: ٣٧ ص: ٢٠٦

الشِّدَّةَ وَالرَّخَاءَ؛ بحار الأنوار ج: ٣٧ ص: ٢٠٦

﴿٢٧٩٥﴾ الْبَاقِرُ السَّيِّئُ: الَّذِي اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ خَلْقٍ أَنْ يَشْكُرَهُ وَيَحْمَدَهُ عَلَى كُلِّ حَالٍ؛

روضة الواعظين ج: ١ ص: ٩٢

٢-٢-٤-٣-١- تَسْتَحِقُّ عَلَيْنَا الشُّكْرَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۷۸۸﴾ و اما تعمیر دیوار بدون اخذ اجرت؛ خداوند عزیز و جلیل به واسطه‌ی این کار خضر، فضیلت عملی که جناب موسی علیه السلام قبلاً انجام داده بود را متذکر شد و آن این بود که؛ آن حضرت با اینکه خودش گرسنه بود برای دو دختر شعیب از چاه آب کشید بدون اینکه در قبال آن اجرتی طلب کند، پس خداوند با فعل خضر حضرتش را متنبّه ساخت و او را به یاد عمل خویش آورد تا بدین وسیله سپاسگزار و شادمان شود.

۶۰-۳-۱- سزاوار است که شکرگزاری بر آن‌ها غالب باشد، سزاوار است که بسیار شکرگزار باشند

﴿۲۷۸۹﴾ همانا برای کسانی که از معصیت و نافرمانی (خداوند به سبب توفیقی که به ایشان عطا فرموده) محفوظ مانده‌اند و سالم ماندن (از عیوب) به آنان احسان شده سزاوار است که بر گناهکاران ترحم نمایند و شکر و سپاسگزاری (پروردگار بر نعمت توفیق پرهیز از گناهان) بر ایشان مسلط و غالب باشد و ایشان را از عیب‌جویی آنان بازدارد.

﴿۲۷۹۰﴾ لازم است که عاقل راست‌گو باشد تا به گفتارش اعتماد حاصل شود و شکرگزار باشد تا موجب افزایش نعمتش بشود.

﴿۲۷۹۱﴾ شایسته است که مؤمن هشت خصلت داشته باشد، در پیشامدهای تکان دهنده آرام باشد، در بلا شکیب، در دوران نعمت قانع به آنچه خدا روزی‌اش کرده‌است، به دشمنان هم ستم نکند، چیزی را بر دوستان تحمیل ننماید، تنش را رنج دهد تا مردم از او در آسایش باشند.

۴-۳-۱- وجوب و لزوم و ضرورت شکرگزاری

۱-۳-۴-۱- خداوند شایسته‌ی آن است که شکر گزارده شود

﴿۲۷۹۲﴾ تو شایسته‌ای که مورد ستایش و فرمان برداری و شکر قرارگیری، ای بهترین ستایش‌شدگان.

﴿۲۷۹۳﴾ ستایش و سپاس متعلق به مولا و سرورم است آن‌چنان که او شایسته‌ی آن است و استحقاق آن را دارد.

۲-۳-۴-۱- شکرگزاری حق است

۱-۳-۴-۲-۱- سزاوار است که او را شکر کنی

﴿۲۷۹۴﴾ سزاوار است که همه‌ی آفریدگان در همه‌ی حالات اعم از شادمانی و گرفتاری و سختی و آسانی شکر او را به جا آورند.

﴿۲۷۹۵﴾ اوست که شایسته است همه‌ی خلق فقط او را سپاسگزار باشند و در هر حال او را ستایش کنند.

۲-۳-۴-۲-۲- سزاوار است که او را شکر کنیم

﴿۸۴۳﴾

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٧٩٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: تَسْتَحِقُّ عَلَيْنَا بَعْدَ الْيَأْسِ شُكْرًا مِنَّةً مِنْ مَنَّكَ مُجَلَّلَةً وَنِعْمَةً مِنْ نِعَمِكَ مُفَضَّلَةً عَلَى بَرِيَّتِكَ الْمُرْمَلَةِ وَبِلَادِكَ الْمُغْرِبَةِ وَبِهَائِمِكَ الْمُعْمَلَةِ وَوَحْشِكَ الْمُهْمَلَةِ؛
من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٥٢٧

١-٣-٤-٢-٣- الشُّكْرُ حَقُّ اللَّهِ

﴿٢٧٩٧﴾ السجادة عليها السلام: أَمَّا حَقُّ الْمَسْئُولِ فَحَقُّهُ إِنْ أُعْطِيَ قَبْلَ مِنْهُ مَا أُعْطِيَ بِالشُّكْرِ لَهُ؛
تحف العقول ص: ٢٦٩

﴿٢٧٩٨﴾ السجادة عليها السلام: أَمَّا حَقُّ ذِي الْمَعْرُوفِ عَلَيْكَ فَإِنْ تَشْكُرُهُ وَتَذْكُرُ مَعْرُوفَهُ وَتَكْسِبُهُ أَمَقَالَةَ الْحَسَنَةِ وَتُخْلِصَ لَهُ الدُّعَاءَ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ كُنْتَ قَدْ شَكَرْتَهُ سِرًّا وَعَلَانِيَةً ثُمَّ إِنْ قَدَرْتَ عَلَى مُكَافَأَتِهِ يَوْمًا كَأَفَاتِهِ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٢ ص: ٦٢١
﴿٢٧٩٩﴾ الرضا عليه السلام: أَنْ حَقَّ الْمَعْرِفَةِ أَنْ يُطِيعَ وَلَا يَعْصَى وَيَشْكُرَ وَلَا يَكْفُرَ؛ فقه الرضا عليه السلام
ص: ٦٥

﴿٢٨٠٠﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: إِنْ لِلَّهِ تَعَالَى عَلَى نِعَمِهِ حَقًّا وَهُوَ شُكْرُهُ فَمَنْ آدَاهُ زَادَهُ وَمَنْ قَصَرَ فِيهِ سَلَبَهُ مِنْهُ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ٣٨
﴿٢٨٠١﴾ حَقُّ اللَّهِ سُبْحَانَهُ عَلَيْكُمْ فِي الْيُسْرِ الْبَرِّ وَالشُّكْرُ فِي الْعُسْرِ الرِّضَا وَالصَّبْرُ؛ غرر الحكم
ص: ٧١

﴿٢٨٠٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: حَقُّ اللَّهِ فِي الْعُسْرِ الرِّضَى وَالصَّبْرُ وَحَقُّهُ فِي الْيُسْرِ الْحَمْدُ وَ الشُّكْرُ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٤٥
﴿٢٨٠٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِبْدَأْتَنِي بِالنِّعَمِ فَضَلًّا وَطَوَّلَا وَأَمَرْتَنِي بِالشُّكْرِ حَقًّا وَعَدْتَلَا وَ وَعَدْتَنِي عَلَيْهِ أَضْعَافًا وَمَزِيدًا؛ مهج الدعوات ص: ١٠٨
١-٣-٤-٢-٤- مُسْتَحَقُّ لِلشُّكْرِ

﴿٢٨٠٤﴾ سُبْحَانَ الْجَمِيلِ الْعَادَةِ وَالْبَلَاءِ مُسْتَحَقُّ الشُّكْرِ وَالثَّنَاءِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤١٨
﴿٢٨٠٥﴾ أَنْتَ جَمِيلُ الْعَادَةِ وَالْبَلَاءِ مُسْتَحَقُّ لِلشُّكْرِ وَالثَّنَاءِ؛ المقنعة ص: ١٢٤
﴿٢٨٠٦﴾ الصادق عليه السلام: وَلِمَوْلَايَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ كَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَ مُسْتَحَقُّهُ؛ بحار الأنوار ج: ٣
ص: ١٥٠

١-٣-٤-٢-٥- يَحِقُّ بِي لَكَ الشُّكْرُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۷۹۶﴾ و تو ای خداوند بخشنده، پس از آن دوران نومیدی که بر ما گذشته است با احسانی از انواع احسان فراگیر تو و نعمتی از نعمت‌های از سر لطف تو بر مخلوقات نیازمند بینوایت و بر سرزمین‌های دورافتاده‌ات و جانوران به‌کار گرفته‌ی تو، و حیوانات وحشی رها شده‌ات، سزاوار شکر و ستایشی.

۳-۲-۴-۱- شکرگزاری حق خداست

﴿۲۷۹۷﴾ اما حق کسی که از او چیزی بخواهند این است که اگر عطا کرد با تشکر و قدردانی از او بپذیرد.

﴿۲۷۹۸﴾ حق کسی که به تو احسان کند این است که احسانش را، قدردانی کنی و خوبی او را بگویی و دعای میان خود و خدا را برای او مخلصانه کنی، چون چنین کردی شکر او را در نهان و آشکار ادا نموده‌ای و اگر روزی توانستی به او عوض دهی نیز این کار را بکن.

﴿۲۷۹۹﴾ حق معرفت این است که آدمی اطاعت کند و معصیت نکند و شکر کند و کفران نعمت نکند.

﴿۲۸۰۰﴾ همانا برای خدای تعالی در هر نعمتی حقی است، که آن سپاسگزاری خداست، آن کس که سپاسگزاری کند نعمتش زیاد می‌شود و آن کس که در سپاسگزاری کوتاهی کند نعمت از او گرفته می‌شود.

﴿۲۸۰۱﴾ حق خدای سبحانه بر شما در فراخی و توانگری، احسان کردن و شکرست، و در عسرت و تنگی، حق خدای تعالی بر شما راضی‌بودن و صبرکردن بر آن است.

﴿۲۸۰۲﴾ حق خدا در حالت تنگدستی، رضایت و خشنودی و صبر و شکیبایی است و حق خدا در هنگام فراخی نعمت، حمد و سپاس اوست.

﴿۲۸۰۳﴾ تو از روی فضل و توانایی خویش (بدون آنکه من از تو طلب و درخواستی نموده باشم) به من نعمت عطا فرمودی، و از روی حق و عدالت به من دستور سپاسگزاری دادی، و در برابر سپاسگزاری من وعده‌ی چند برابرکردن نعمت را دادی.

۴-۲-۴-۱- برای شکرگزاری لایق و شایسته است

﴿۲۸۰۴﴾ پاک و منزّه است خدایی که عاداتش زیبا و تکالیفش مناسب و شایسته‌ی شکر و ستایش است.

﴿۲۸۰۵﴾ تو دارای زیباترین عادت‌ها تکالیف هستی، و شایسته‌ی؛ شکر و ثنا.

﴿۲۸۰۶﴾ ستایش و سپاس متعلق به مولا و سرورم است آن‌چنان که او شایسته‌ی آن است و استحقاق آن را دارد.

۵-۲-۴-۱- بر من حق است که شکر تو گزارم

﴿۸۴۵﴾

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٨٠٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَسْبَغْتَ عَلَىَّ مِنْ نِعْمَتِكَ فَقَدْ اصْطَنَعْتَ يَا مَوْلَايَ مَا يَحِقُّ لَكَ بِهِ حَمْدِي وَ شُكْرِي بِحُسْنِ عَمَلِكِ وَ بِلَائِكَ الْقَدِيمِ عِنْدِي وَ تَظَاهِرِ نِعْمَاتِكَ عَلَىَّ وَ تَتَابَعِ أَيَادِيكَ لَدَيَّ؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ١١٠

﴿٢٨٠٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمَدُكَ وَ أَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ عَلَى حُسْنِ صُنْعِكَ إِلَيَّ وَ تَعَطُّفِكَ عَلَيَّ وَ عَلَى مَا وَصَلْتَنِي بِهِ مِنْ نُورِكَ وَ تَدَارَكْتَنِي بِهِ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ أَسْبَغْتَ عَلَيَّ مِنْ نِعْمَتِكَ فَقَدْ اصْطَنَعْتَ عِنْدِي يَا مَوْلَايَ مَا يَحِقُّ لَكَ بِهِ جُهْدِي وَ شُكْرِي؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ١١٠

﴿٢٨٠٩﴾ الرسول ﷺ: فَأَشْكُو إِلَيْكَ يَا رَبِّ قَسْوَةَ قَلْبِي وَ تَقْصِيرِي وَ إِبْطَائِي وَ قِلَّةَ شُكْرِ رَبِّي رَبِّ جَعَلْتَ لِي جَوَارِحَ لِاسْتِنْبَاهِ النَّعْمِ مِنْكَ يَحِقُّ بِي لَكَ الشُّكْرُ عَلَى جَوَارِحِي وَ أَعْضَائِي وَ أَوْصَالِي بِالَّذِي يَحِقُّ لَكَ عَلَيْهَا مِنَ الْعِبَادَةِ بِخُشُوعِ نَفْسِي وَ بَصَرِي وَ جَمِيعِ أَرْكَانِي فِيهِنَّ عَصِيَّتُكَ رَبِّي وَ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ جَزَاءً لَكَ وَ لَا شُكْرَكَ مِنِّي؛ مهج الدعوات ص: ٣١٥

﴿٢٨١٠﴾ الصادق عليه السلام: فَيَحِقُّ عَلَى مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِمَعْرِفَتِهِ وَ هِدَاةِ لَدِينِهِ وَ وَقْفِهِ لِتَأْمُلَ التَّدْبِيرَ فِي صَنْعَةِ الْخَلَائِقِ وَ الْوُفُوفَ عَلَى مَا خَلَقُوا لَهُ مِنْ لَطِيفِ التَّدْبِيرِ وَ صَوَابِ التَّغْيِيرِ بِالْدَّلَالَةِ الْقَائِمَةِ الدَّالَّةِ عَلَى صَانِعِهَا أَنْ يُكْثَرَ حَمْدُ اللَّهِ مَوْلَاهُ عَلَى ذَلِكَ وَ يَرْغَبَ إِلَيْهِ فِي الثَّنَاتِ عَلَيْهِ وَ الزِّيَادَةِ مِنْهُ فَإِنَّهُ جَلَّ اسْمُهُ يَقُولُ لَتُنْ شَكَرْتُمْ لَا زَيْدَتُكُمْ وَ لَتُنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ؛ توحيد المفضل ص: ٤٤

٣-٤-١- يعطى النعم بشرط الشكر

﴿٢٨١١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُعْطِي النَّعْمَ بِشَرْطِ الشُّكْرِ لَهَا وَ الْقِيَامِ فِيهَا بِحُقُوقِهَا فَإِذَا أَخْلَ الْمُكَلَّفُ بِذَلِكَ كَانَ لِلَّهِ التَّغْيِيرُ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ١٤٩

٣-٤-١- الفرض

١-٣-٤-١- افتراض علينا الشكر

﴿٢٨١٢﴾ الرسول ﷺ: أَنَّهُ تُوْفِيَ لِمُعَاذٍ وَلَدٌ فَاشْتَدَّ وَجْدُهُ عَلَيْهِ فَبَلَغَ ذَلِكَ النَّبِيَّ ﷺ فَكَتَبَ إِلَيْهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنْ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ إِلَى مُعَاذٍ سَلَامٌ عَلَيْكَ فَإِنِّي أَحْمَدُ إِلَيْكَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ أَمَّا بَعْدُ أَغْظَمَ اللَّهُ جَلَّ اسْمُهُ لَكَ الْأَجْرَ وَ أَلْهَمَكَ الصَّبْرَ وَ رَزَقَنَا وَإِيَّاكَ الشُّكْرَ إِنَّ أَنْفُسَنَا وَ أَهْلِيْنَا وَ أَمْوَالَنَا وَ أَوْلَادَنَا مِنْ مَوَاهِبِ اللَّهِ الْهَنِيئَةِ وَ عَوَارِيهَا الْمُسْتَوْدَعَةِ يُمْتَعُ بِهَا إِلَى أَجَلٍ مَعْلُومٍ وَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۸۰۷﴾ نعمت را بر من کامل نمودی و ای آقای من، به من آن چنان لطفی کرده‌ای، که به خاطر آن گذشت و تکالیف نیکوی دیرینه‌ات، و نیز به خاطر پیوسته‌رسیدن نعمت‌هایت و پی‌درپی آمدن لطف و کرم بر من سزاوار و شایسته است که تو را سپاس بگویم و ادای شکر کنم.

﴿۲۸۰۸﴾ خداوند! به‌درستی که من ستایش می‌کنم تو را درحالی که تو از هرکس دیگری برای ستایش سزاوارتری، بر نیکویی احسان تو به‌سوی من و بر شفقت تو بر من بر اینکه مرا به نور خودت متصل کردی و رحمت را برایم آماده و نعمت را بر من تمام، ای مولای من تو آن قدر به من لطف کرده‌ای که سزاواری در راه تو بکوشم و شکرگزار تو باشم.

﴿۲۸۰۹﴾ پروردگارا، از قساوت قلبم و از کوتاهی و سستی و کاهلی‌ام در فرمان‌برداری و از ناچیز بودن شکرگزاری‌ام به تو شکایت می‌آورم. ای پروردگار من، تو به من برای استفاده از نعمت‌هایت اعضایی داده‌ای، که بر من لازم است از تو بخاطر اعضا و مفاصل به شکل شایسته‌ای سپاسگزاری کنم. با عبادت همراه با خضوع و فروتنی نفس و چشم و همه‌ی اعضای بدنم. در صورتی که من با این اعضا تو را نافرمانی کردم ای پروردگار من و این کار من پاداش مناسبی برای تو و در شأن تو نبود و نه شکری مناست برای نعمت تو از طرف من.

﴿۲۸۱۰﴾ پس بر کسی که خداوند معرفت خود را به او تنضّل کرده و او را به دین خود هدایت کرده و به او توفیق داده باشد لازم است که در مدیریتی که در خلقت خلایق به‌کار رفته تأمل کند و دریابد که برای چه آفریده شد و با براهینی که بر صانع ایشان دلالت می‌کند بداند که تدبیر پروردگارش لطیف و تعابیر او درست و بجاست و خدا و مولای خود را بر این نعمت بزرگ بسیار حمد کند و به درگاه خدا زاری کند که او را بر این موهبت عظیم ثابت بدارد، و هدایت او را بیافزاید زیرا که حق تعالی می‌فرماید: "اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهیم افزود و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است."

۳-۴-۱- به شرط شکر کردن نعمت عطا می‌کند

﴿۲۸۱۱﴾ همانا خدای تعالی نعمت‌ها را به بندگان عطا می‌کند، به شرط اینکه سپاسگزاری کنند و برای ادای حقوق الهی به‌پاخیزند سپس هرگاه بنده در وظیفه کوتاهی کرد بر خداست که نعمتش را تغییر دهد.

۴-۳-۱- واجب

۱-۴-۳-۱- شکرگزاری بر ما واجب است

﴿۲۸۱۲﴾ در روایت است که چون فرزند معاذ وفات یافت، به‌شدت متأثر و ناراحت شد. وقتی که خبر ناراحتی او به پیامبر ﷺ رسید حضرت نامه‌ای به وی نوشتند. مضمون آن نامه چنین است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، از محمد ﷺ پیامبر خدا به معاذ، سلام بر تو ای معاذ، حمد و ستایش می‌کنم خدایی را که جز او معبودی نیست. اما بعد از حمد و ستایش. ای معاذ، خداوند اجر تو را در مصیبت مرگ فرزندت بزرگ و عظیم قرار دهد و به تو صبر و بردباری الهام کند و شکر و سپاسگزاری را نصیب ما و تو بفرماید. زیرا وجود ما و اهل و عیال و دوستان و اولاد ما همه و

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

يَقْبِضُهَا لَوْ قَتَ مَعْدُودٍ ثُمَّ افْتَرَضَ عَلَيْنَا الشُّكْرَ إِذَا أَعْطَانَا وَ الصَّبْرَ إِذَا ابْتَلَى؛ مستدرک الوسائل ج: ٢
ص: ٣٥٣

٢-٤-٣-١- فَرَضَ الشُّكْرَ

﴿٢٨١٣﴾ النبی ﷺ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي ابْتَدَأَ خَلْقَهُ بِنِعْمَتِهِ وَ اسْتَبْعَ عَلَيْهِمْ ظِلَالَ رَحْمَتِهِ ثُمَّ فَرَضَ عَلَيْهِمْ شُكْرَ مَا آدَى إِلَيْهِمْ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٥٣

٣-٤-٣-١- الشُّكْرُ فَرَضُ

﴿٢٨١٤﴾ المجتبى ﷺ: فِي الْمَائِدَةِ اثْنَتَا عَشْرَةَ خَصْلَةً يَجِبُ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَعْرِفَهَا أَرْبَعٌ مِنْهَا فَرَضُ وَ أَرْبَعٌ سُنَّةٌ وَ أَرْبَعٌ تَأْدِيبٌ فَأَمَّا الْفَرَضُ فَالْمَعْرِفَةُ وَ الرِّضَا وَ التَّسْمِيَةُ وَ الشُّكْرُ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٣ ص: ٣٥٩

٤-٣-١- الشُّكْرُ فَرِيضَةٌ

﴿٢٨١٥﴾ الصادق ﷺ: الْعَبْدُ بَيْنَ ثَلَاثِ بَلَاءٍ وَ قَضَاءٍ وَ نِعْمَةٍ فَعَلَيْهِ لِلْبَلَاءِ مِنَ اللَّهِ الصَّبْرُ فَرِيضَةٌ وَ عَلَيْهِ لِلْقَضَاءِ مِنَ اللَّهِ التَّسْلِيمُ فَرِيضَةٌ وَ عَلَيْهِ لِلنِّعْمَةِ مِنَ اللَّهِ الشُّكْرُ فَرِيضَةٌ؛ وسائل الشيعة ج: ٣ ص: ٢٦٠

﴿٢٨١٦﴾ الرسول ﷺ: يَا عَلِيُّ اثْنَتَا عَشْرَةَ خَصْلَةً يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَتَعَلَّمَهَا عَلَى الْمَائِدَةِ أَرْبَعٌ مِنْهَا فَرِيضَةٌ وَ أَرْبَعٌ مِنْهَا سُنَّةٌ وَ أَرْبَعٌ مِنْهَا آدَبٌ فَأَمَّا الْفَرِيضَةُ فَالْمَعْرِفَةُ بِمَا يَأْكُلُ وَ التَّسْمِيَةُ وَ الشُّكْرُ وَ الرِّضَا؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٤ ص: ٣٥٢

٥-٣-١- الشُّكْرُ مَقْرُوضٌ

﴿٢٨١٧﴾ أمير المؤمنين ﷺ: الْمَعْرُوفُ فُرُوضُ الشُّكْرِ مَقْرُوضٌ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٥٦

٥-٣-١- التَّكْلِيفُ

﴿٢٨١٨﴾ إِنَّ اللَّهَ أَنْعَمَ عَلَى الْعِبَادِ بِقَدْرِ قُدْرَتِهِ وَ كَلَّفَهُمْ مِنَ الشُّكْرِ بِقَدْرِ قُدْرَتِهِمْ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٢٠ ص: ٣٠٤

﴿٢٨١٩﴾ أمير المؤمنين ﷺ: فَمَا أَيْسَرَ مَا كَلَّفْتَنِي بِهِ مِنْ حَقِّكَ وَ أَعْظَمَ مَا وَعَدْتَنِي عَلَى شُكْرِكَ ابْتَدَأْتَنِي بِالنِّعَمِ فَضْلاً وَ طَوْلاً وَ أَمَرْتَنِي بِالشُّكْرِ حَقّاً وَ عَدَلًا وَ وَعَدْتَنِي عَلَيْهِ أَضْعَافاً وَ مَزِيداً؛ مهج الدعوات ص: ١٠٨

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

همه از بخشش‌های خداوند عزیز و جلیل و از امانت‌هایی است که مدت معین و محدودی در اختیار ماست و ما از آن‌ها بهره‌مند می‌شویم (هروقت مدت امانتداری به پایان رسد، صاحب امانت امانت را می‌برد) سپس بر ما واجب کرده است که در برابر نعمت‌ها شکر کنیم و در برابر بلاها صبر نماییم.

۲-۴-۳-۱- شکرگزاری واجب است

﴿۲۸۱۳﴾ حمد و ستایش (مخصوص) خدای تعالی است، او رفتار با آفریدگانش را با دادن نعمت می‌آغازد و سایه‌های نعمتش را بر ایشان می‌گستراند؛ سپس شکر آنچه را به ایشان داده است بر آنها واجب کرد.

۳-۴-۳-۱- شکرگزاری واجب است

﴿۲۸۱۴﴾ در سفره‌ی غذا دوازده خصلت را باید هر مسلمانی رعایت کند که چهارتای آن‌ها واجب است و چهارتای آن سنت و چهار مورد ادب است، واجب آن‌ها: شناخت و رضایت و شروع با بسم الله و شکرند.

۴-۴-۳-۱- شکرگزاری واجب است

﴿۲۸۱۵﴾ بنده با سه چیز روبروست: بلا و قضا و نعمت؛ در بالای الهی صبر بر او لازم است و در قضای الهی تسلیم بر او واجب و در نعمتی که از خداوند به او می‌رسد وظیفه‌اش شکرگزاری است.

﴿۲۸۱۶﴾ ای علی، دوازده خصلت است که سزاوار است مسلمان آن‌ها را یاد بگیرد؛ هنگامی که سر سفره می‌نشیند چهار مورد واجب است، چهار مورد مستحب، چهار مورد ادب، اما آن چهار واجب: شناختن غذا و "بسم الله" گفتن، شکر، خشنودشدن به امر خدا.

۵-۴-۳-۱- شکرگزاری واجب است

﴿۲۸۱۷﴾ کار خیر و نیکی کردن، یک بخشش و لطف است ولی شکر بر آن واجب است.

۵-۴-۳-۱- تکلیف

﴿۲۸۱۸﴾ همانا خداوند بر بندگان خود به اندازه‌ی توانش نعمت عطا فرموده است ولی آن‌ها را در شکرگزاری به اندازه‌ی توانشان تکلیف فرموده است.

﴿۲۸۱۹﴾ چقدر تکالیف آسانی از حقوق خود بر ما واجب کرده‌ای، و چقدر آنچه در مقابل شکر و سپاسگزاری ات وعده داده‌ای عظیم و بزرگ است؛ پیش از داشتن شایستگی برای دریافت نعمت از روی لطف و مهربانی به من نعمت دادی؛ و سزاوارانه و عادلانه مرا به شکر کردن امر فرمودی، و به خاطر آن به من وعده دادی که نعمتم را بیافزایی و چند برابر کنی.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٨٢٠﴾ الرضا عليه السلام: كَلَّفَ أَهْلَ الصَّحَّةِ الْقِيَامَ بِشَأْنِ أَهْلِ الزَّمَانَةِ وَالْبَلَاةِ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لَتُبْلَوُنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي أَمْوَالِكُمْ بِإِخْرَاجِ الزَّكَاةِ وَفِي أَنْفُسِكُمْ بِتَوَطُّينِ الْأَنْفُسِ عَلَى الصَّبْرِ مَعَ مَا فِي ذَلِكَ مِنْ آدَاءِ شُكْرِ نِعَمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ مِنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه ج: ٢ ص: ٨٠

﴿٢٨٢١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنْ اللَّهُ تَعَالَى يُعْطِي النِّعَمَ بِشَرْطِ الشُّكْرِ لَهَا وَالْقِيَامَ فِيهَا بِحَقُوقِهَا فَإِذَا أَخْلَى الْمُكَلَّفُ بِذَلِكَ كَانَ لِلَّهِ التَّغْيِيرُ؛ إِرْشَادُ الْقُلُوب ج: ١ ص: ١٤٩

١-٣-٤-٦- كَيْفَ لَا أَشْكُرُكَ

﴿٢٨٢٢﴾ السجاد عليه السلام: وَ كَيْفَ لَا أَشْكُرُكَ يَا إِلَهِي أَطْلَقْتَ لِسَانِي بِذِكْرِكَ رَحْمَةً لِي مِنْكَ وَ أَضَاتَ لِي بَصْرِي بِطُفُوكَ حُجَّةً مِنْكَ عَلَيَّ وَ سَمِعْتَ أَذْنَائِي بِقُدْرَتِكَ نَظْرًا مِنْكَ وَ دَلَلْتَ عَقْلِي عَلَى تَوْبِيخِ نَفْسِي؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٣٦

١-٣-٤-٧- اللُّزُومُ

﴿٢٨٢٣﴾ السجاد عليه السلام: سَيِّدِي تَتَابَعَ مِنْكَ الْبَرُّ وَ الْعَطَاءُ فَلَزِمَنِي الشُّكْرُ وَ الثَّنَاءُ فَمَا مِنْ شَيْءٍ أَنْشُرُهُ وَ أَطْوِيهِ مِنْ شُكْرِكَ وَ لَا قَوْلَ أَعِيدُهُ وَ أُنْذِيهِ فِي ذِكْرِكَ إِلَّا كُنْتُ لَهُ أَهْلًا وَ مَحَلًّا وَ كَانَ فِي جَنْبِ مَعْرُوفِكَ مُسْتَضْعَرًّا مُسْتَقِيلًا؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٧١

﴿٢٨٢٤﴾ الصادق عليه السلام: فِي كُلِّ نَفْسٍ مِنْ أَنْفَاسِكَ شُكْرٌ لَازِمٌ لَكَ بَلْ أَلْفٌ وَ أَكْثَرُ وَ أَذْنِي الشُّكْرِ رُؤْيُ النِّعْمَةِ مِنَ اللَّهِ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ يَتَعَلَّقُ الْقَلْبُ بِهَا دُونَ اللَّهِ وَ الرِّضَا بِمَا أَعْطَاهُ وَ أَنْ لَا تَعْصِيَهُ نِعْمَتِهِ وَ تُخَالِفَهُ بِشَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ بِسَبَبِ نِعْمَتِهِ وَ كُنْ لِلَّهِ عَبْدًا شَاكِرًا عَلَى كُلِّ حَالٍ تَجِدِ اللَّهَ رَبًّا كَرِيمًا عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ لَوْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عِبَادَةٌ تُعْبَدُ بِهَا عِبَادَةُ الْمُخْلِصِينَ أَفْضَلُ مِنَ الشُّكْرِ عَلَى كُلِّ حَالٍ لَا أُطْلَقَ لَفْظُهُ فِيهِمْ مِنْ جَمِيعِ الْخَلْقِ بِهَا فَلَمَّا لَمْ يَكُنْ أَفْضَلُ مِنْهَا خَصَّهَا مِنْ بَيْنِ الْعِبَادَاتِ وَ خَصَّ أَرْبَابَهَا فَقَالَ وَقَلِيلٌ مِنْ عِبَادِي الشُّكُورُ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٥٢

﴿٢٨٢٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَاللَّهِ لَوْ أَنَّ الدُّنْيَا كَانَتْ مَنْ أَرَادَ مِنْهَا شَيْئًا وَجَدَهُ حَيْثُ تَنَالُ يَدُهُ مِنْ غَيْرِ طَلَبٍ وَ لَا تَعَبٍ وَ لَا مَثُونَةٍ وَ لَا نَصَبٍ وَ لَا طَعْنٍ وَ لَا دَابَّ غَيْرَ أَنْ مَا أَخَذَ مِنْهَا مِنْ شَيْءٍ لَزِمَهُ حَقُّ اللَّهِ فِيهِ وَ الشُّكْرُ عَلَيْهِ وَ كَانَ مَسْئُولًا عَنْهُ مُحَاسَبًا بِهِ لِكَانِ يَحِقُّ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ لَا يَتَنَاوَلَ مِنْهَا إِلَّا قُوَّتَهُ وَ بُلْغَةَ يَوْمِهِ حَذَرًا مِنَ السُّؤَالِ وَ خَوْفًا مِنَ الْحِسَابِ وَ إِشْفَاقًا مِنَ الْعَجْزِ عَنِ الشُّكْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٧٠ ص: ١١٠

١-٣-٤-٨- لَمْ يَبْقَ إِلَّا الشُّكْرُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۸۲۰﴾ اهل صحت و سلامت را به رسیدگی به امور افراد زمین گیر و گرفتار مکلف ساخته است چنانچه خداوند فرموده است: " در مقام به مال ها و جان های خود امتحان می شوید؛ در مال های خود به زکات دادن و در جان های خود به آماده کردن خود برای شکیبایی بر گرفتاری ها به همراه ادای شکر نعمت های خداوند عزیز و جلیل "

﴿۲۸۲۱﴾ همانا خدای تعالی نعمت ها را به بندگان عطا می کند، به شرط اینکه سپاسگزاری کنند و برای ادای حقوق الهی به پاخیزند سپس هرگاه بنده در وظیفه کوتاهی کرد بر خداست که نعمتش را تغییر دهد.

۶-۴-۱- چگونه شکر نکند

﴿۲۸۲۲﴾ ای خدای من، چگونه تو را شکر نکنم که تو از سر رحمت زبانم را به ذکر تو گویا نمودی، و از سر لطف چشمم را بینا کردی که حجت تو بر من است؛ و نیز از سر مهربانی گوش هایم را به قدرت خود شنوا کردی و نیز عقلم را بر توبیخ خودم راهنمایی کردی.

۷-۴-۱- ضرورت، نیاز

﴿۲۸۲۳﴾ آقای من، خیر و لطف از طرف تو پیایی بر من می بارد و شکر و ستایش را بر من واجب می کند. پس هیچ چیزی از شکر تو انجام نداده و هیچ کلامی در ثنای تو گفته نشده ام مگر اینکه سزاوار آن بوده ای و با این وجود، همه ی این ها در مقابل نعمت های تو کوچک و کم هستند.

﴿۲۸۲۴﴾ برای هر نفسی شکری بلکه هزار شکر یا بیشتر لازم است. و کمترین درجه ی شکر این است که نعمت را فقط از خدا بدانی و اسباب و علت دیگری جز خدا در دل تو جای نداشته باشد؛ برای هر نفسی شکری بلکه هزار شکر یا بیشتر لازم است. و کمترین درجه ی شکر این است که نعمت را فقط از خدا بدانی و اسباب و علت دیگری جز خدا در دل تو جای نداشته باشد. و نیز راضی بودن از آنچه خدا به او بخشیده و اینکه با نعمت خدا او را نافرمانی نکند و با امر و نهی او از در مخالفت برنخیزد. برای خدا در همه ی حالات بنده ی شکر گزار باش تا خدا را پروردگاری سخاوتمند بیایی. و اگر برای خدا عبادتی بهتر از شکر می بود که بندگان خالصش، بتوانند در تمام حالات او را با آن پپرستند، خداوند در بین آفریدگان از آن نام می برد. ولی چون خداوند در میان عبادات بهتر از آن نیافت که صاحبانش را بر آن ممتاز کند چنین فرمود: " و اندکی از بندگان من سپاسگزارند "

﴿۲۸۲۵﴾ به خداوند سوگند اگر دنیا طوری بود که هر کس اراده می کرد به آن می رسید و بدون طلب و فعالیت و خستگی به آن دست می یافت و مسافرت و زحمت لازم نداشت. اگر در آنچه به دست می آوردن حقی واجب نبود و سپاس از خداوند و نعمت از او خواسته نمی شد و مال دنیا هم مورد محاسبه قرار نمی گرفت و مسؤولیتی هم برای او وجود نداشت، باز هم لازم بود که انسان از دنیا جز به اندازه ی گذران زندگی بر ندارد و بیش از احتیاج و نیاز تصرف نکند. او باید بترسد که روزی از وی سؤال می شود؛ این مال ها را از کجا آوردی؟ و او باید از حساب بترسد که روزی از آن حساب خواهند کشید، او باید توجه کند که از شکر این همه نعمت ها عاجز می باشد و توان سپاس ندارد.

۸-۴-۱- جز شکرگزاری چیزی باقی نمی ماند

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٨٢٦﴾ الرسول ﷺ: أَنْتَ خَلَقْتَ هَذَا فَأَحْسَنْتَ وَسَوَّيْتَ فَأَحْكَمْتَ وَنَبَّهْتَ عَلَى الطَّاعَةِ فَاتَّعَمْتَ فَلَمْ يَبْقَ إِلَّا شُكْرِي وَالْإِنْفِادُ لِبَطَاعَتِكَ وَذِكْرُ مَحَامِدِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٣١٦
١-٣-٤-٩- الشُّكْرُ مَا خُوذُ

﴿٢٨٢٧﴾ الشُّكْرُ مَا خُوذُ عَلَى أَهْلِ النِّعَمِ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٧
١-٣-٤-١٠- الشُّكْرُ مَضْمُونُ

﴿٢٨٢٨﴾ السَّجَادُ ﷺ: اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْهَجْتَ سَبِيلَ الدَّلَالَةِ عَلَيْكَ بِأَعْلَامِ الْهُدَايَةِ بِمَنِّكَ عَلَى خَلْقِكَ وَأَقَمْتَ لَهُمْ مَنَارَ الْقَصْدِ إِلَى طَرِيقِ أَمْرِكَ بِمَعَادِنِ لُطْفِكَ وَتَوَكَّلْتَ أَسْبَابَ الْإِنَابَةِ إِلَيْكَ بِمُسْتَوْضَحَاتٍ مِنْ حُجَجِكَ قُدْرَةً مِنْكَ عَلَى اسْتِخْلَاصِ أَفَاضِلِ عِبَادِكَ وَحَصًّا لَهُمْ عَلَى آدَاءٍ مَضْمُونِ شُكْرِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٧٨

١-٣-٤-١١- وَجُوبُ الشُّكْرِ

١-٣-٤-١١-١- أَوَّلُ مَا يَجِبُ عَلَيْكُمْ

﴿٢٨٢٩﴾ أَوَّلُ مَا يَجِبُ عَلَيْكُمْ لِلَّهِ سُبْحَانَهُ شُكْرُ آيَاتِهِ وَابْتِغَاءُ مَرَاضِيهِ؛ غرر الحكم ص: ١٨١
١-٣-٤-١١-٢- أَوْجِبَ اللَّهُ الشُّكْرَ

﴿٢٨٣٠﴾ أَوْجِبَ عَلَى مَنْ شَكَرَهُ كَمَا لَا اسْتِحْقَاقَ بِهِ الْمَزِيدَ مِنْ لَدَيْهِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٢٣

﴿٢٨٣١﴾ الرضا ﷺ: أَنْ قَوْلَهُ تَعَالَى الْحَمْدُ لِلَّهِ إِنَّمَا هُوَ آدَاءٌ لِمَا أَوْجِبَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ مِنَ الشُّكْرِ وَشُكْرُهُ لِمَا وَفَّقَ عَبْدَهُ لِلْخَيْرِ؛ عيون أخبار الرضا ﷺ ج: ٢ ص: ١٠٧

﴿٢٨٣٢﴾ الرضا ﷺ: أَنْ قَوْلَهُ عَزَّ وَجَلَّ الْحَمْدُ لِلَّهِ إِنَّمَا هُوَ آدَاءٌ لِمَا أَوْجِبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى خَلْقِهِ مِنَ الشُّكْرِ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٣١٠

١-٣-٤-١١-٣- أَوْجِبَتِ الشُّكْرَ

﴿٢٨٣٣﴾ الهادي ﷺ: الشَّاكِرُ أَسْعَدُ بِالشُّكْرِ مِنْهُ بِالنُّعْمَةِ الَّتِي أَوْجِبَتِ الشُّكْرَ لِأَنَّ النُّعْمَ مَتَاعٌ وَ الشُّكْرَ نِعْمٌ وَعُقْبَى؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٣٦٥

﴿٢٨٣٤﴾ الصادق ﷺ: الْحَمْدُ لَكَ بِمَا أَوْجِبْتَ عَلَى مَنْ شَكَرَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٤٣
١-٣-٤-١١-٤- اسْتَوْجِبَ الشُّكْرَ

﴿٢٨٣٥﴾ الرسول ﷺ: يَا مَنْ اسْتَوْجِبَ الشُّكْرَ بِنَشْرِ سَحَائِبِ نِعَمِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٤٠٢

﴿٢٨٣٦﴾ الباقر ﷺ: فَاسْتَوْجِبَ بِجَمِيلِ صَنِيعِهِ الشُّكْرَ؛ تحف العقول ص: ٢٩١

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۸۲۶﴾ تو این را خلق کردی، پس آفرین باد بر تو؛ و آن را متناسب و با استفهام آفریدی و او را برای اطاعتت هشیار ساختی و به او نعمت بخشیدی، پس چیزی باقی نماند مگر شکر من و گردن نهادن به طاعتت و ذکر و صفات پسندیده‌ی تو.

۹-۴-۳-۱- شکر واجب شده است

﴿۲۸۲۷﴾ از اهل نعمت‌ها پیمان شکر گرفته شده است.

۱۰-۴-۳-۱- شکر ضمانت شده است

﴿۲۸۲۸﴾ خدایا، تو راه هدایت شدن به سوی خود را به وسیله‌ی نشانه‌های هدایت بر مردم آشکار کرده‌ای و با لطف بی‌حد خود برای آن‌ها نشانه‌های توجه به امرت را برپا نمودی و با دلایل روشن اسباب توبه‌ی بندگان را به سوی خود برعهده گرفتی و این به خاطر قدرت تو در برگزیدن برترین بندگان و دادن بهره به آن‌ها در ادای شکر می‌باشد.

۱۱-۴-۳-۱- واجب بودن شکر

۱-۱۱-۴-۳-۱- اولین چیزی که بر شما واجب شده است

﴿۲۸۲۹﴾ اولین چیزی که از خدای سبحان بر شما واجب می‌شود شکر نعمت‌های اوست و طلب خشنودی او.

۲-۱۱-۴-۳-۱- خداوند شکرگزاری را واجب کرد

﴿۲۸۳۰﴾ شکرش را بر من واجب نمود درحالی که استحقاق فزونی نعمتش را نداشتیم.
﴿۲۸۳۱﴾ همانا کلام خدای تعالی: "الحمد لله"؛ ادای آن چیزی است که حق تعالی از سپاس و شکر بر بندگان واجب ساخته و سپاس او بر توفیقی که بر انجام کار خیر دریافت کرده است.
﴿۲۸۳۲﴾ همانا کلام خدای عز و جل: "الحمد لله"؛ ادای آن چیزی است که خدای عز و جل از سپاس و شکر بر بندگان واجب ساخته است.

۳-۱۱-۴-۳-۱- شکرگزاری را بر تو واجب کرد

﴿۲۸۳۳﴾ شکرگزار از خود شکر بیشتر بهره می‌برد تا از نعمتی که موجب شکرگزاری او شده است؛ زیرا نعمت‌ها کالای دنیایند ولی شکر، هم نعمت دنیاست و هم آخرت.

﴿۲۸۳۴﴾ به خاطر نعمت‌هایی که شکرش را بر من واجب کردی، حمد و سپاس مخصوص توست؛

۴-۱۱-۴-۳-۱- سزاوار شکرگزاری است

﴿۲۸۳۵﴾ ای کسی که به علت گستردن ابرها نعمت خود سزاوار شکر کرده است.
﴿۲۸۳۶﴾ خداوند به خاطر لطف‌های زیبا و مناسبی که به تو داشته است سزاوار سپاسگزاری است.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٨٣٧﴾ الرضا عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَوْجَبَ الشُّكْرَ عَلَى بِفَضْلِهِ وَإِنْ كُنْتُ قَلِيلًا شُكْرِي؛

بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٢٨٣

١١-٥-١-٣-٤-١-أَيُّ الشُّكْرِ لَمْ تَسْتَوْجِبْ مِنِّي

﴿٢٨٣٨﴾ العسكري عليه السلام: فَأَيَّ النِّعَمِ يَا رَبَّ لَمْ تَتَّخِذْ عِنْدِي وَ أَيْ الشُّكْرِ لَمْ تَسْتَوْجِبْ مِنِّي؛

بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٤٨

١١-٦-١-٣-٤-١-مُسْتَوْجِبُ الشُّكْرِ

﴿٢٨٣٩﴾ الصادق عليه السلام: يَا مُسْتَوْجِبَ الشُّكْرِ؛ الْمَقَامُ الْأُسْنَى ص: ٩٧

﴿٢٨٤٠﴾ الصادق عليه السلام: فَهَذِهِ الْمَعْرِفَةُ الْبَاطِنَةُ... الْمُسْتَوْجِبُ أَهْلُهَا عَلَيْهَا الشُّكْرُ لِلَّهِ؛ بحار الأنوار

ج: ٢٤ ص: ٢٩٠

١١-٧-١-٣-٤-١-الْمُوجِبُ، الْمُوجِبَةُ

﴿٢٨٤١﴾ الحسين عليه السلام: أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ وَ اجْتَنَهَدْتُ مَدَى الْأَغْصَارِ وَ الْأَحْقَابِ لَوْ عُمِّرْتُهَا أَنْ

أَوْدَى شُكْرَ وَاحِدَةٍ مِنْ أَنْعَمِكَ مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ إِلَّا بِمَنْكَ الْمُوجِبِ عَلَى شُكْرٍ أَنْفَاءً جَدِيداً وَ

ثَنَاءً طَارِفاً عَتِيداً؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢١٨

﴿٢٨٤٢﴾ الصادق عليه السلام: فَهَذِهِ الْمَعْرِفَةُ الْبَاطِنَةُ الثَّابِتَةُ بِعَيْنِهَا الْمُوجِبَةُ حَقَّهَا الْمُسْتَوْجِبُ أَهْلُهَا

عَلَيْهَا الشُّكْرُ لِلَّهِ الَّتِي مَنْ عَلَيْهِمْ بِهَا مَنْ مِنْ اللَّهِ يَمُنُّ بِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مَعَ الْمَعْرِفَةِ الظَّاهِرَةِ وَ

مَعْرِفَةِ فِي الظَّاهِرِ؛ بحار الأنوار ج: ٢٤ ص: ٢٩٠

١١-٨-١-٣-٤-١-وَاجِبُ

﴿٢٨٤٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَلَّمَ أَنْ تَمُنَّ عَلَى بَوَاجِبِ شُكْرِي نِعْمَتِكَ؛

مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ١١٠

﴿٢٨٤٤﴾ إِلَهِي فَمَا أَحْسَنَ بَلَاءِكَ عِنْدِي وَ أَظْهَرَ نِعْمَائِكَ عَلَيَّ وَ أَكْثَرَ أَيَادِيكَ لَدَيَّ إِنْ شَكَرْتُهَا

عَرَفْتُ وَ أَجَبَ حَقَّهَا؛ إقبال الأعمال ص: ١٣٣

﴿٢٨٤٥﴾ أَمَرَنِي بِمَسْأَلَتِهِ وَ دَعَانِي إِلَى عِبَادَتِهِ وَ رَغَّبَنِي فِيمَا عِنْدَهُ وَ حَثَّنِي عَلَى طَاعَتِهِ وَ زَهَّدَنِي

فِي مَعْصِيَتِهِ وَ شَوَّقَنِي إِلَى جَنَّتِهِ وَ حَذَرَنِي عِقَابَهُ رَحْمَةً مِنْهُ لِي وَ مِنَّةً وَاجِبُ شُكْرُهَا؛ بحار الأنوار

ج: ٩٢ ص: ٤٢٣

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۸۳۷﴾ حمد و ستایش مخصوص خدایی است که تشکر و قدردانی از من را بر خود لازم دانسته است، هرچند من بسیار کم شکر او را به جا آوردم.

۵-۱۱-۴-۱- من سزاوار کدام شکرگزاری نیستم

﴿۲۸۳۸﴾ پروردگارا، کدام نعمت است که تو آن را نزد من قرار نداده‌ای و کدام شکر است از جانب من سزاوار آن نبوده‌ای؟

۶-۱۱-۴-۱- سزاوار شکرگزاری

﴿۲۸۳۹﴾ ای سزاوار شکر و سپاس.

﴿۲۸۴۰﴾ پس این شناخت باطنی است که... بر اهل خود شکر پروردگار را واجب می‌کند.

۷-۱۱-۴-۱- موجب، آنچه واجب شده است

﴿۲۸۴۱﴾ اگر در طول اعصار و دوران‌ها زنده باشم و سعی و تلاش نمایم تا شکر یکی از نعمت‌های را به جا آورم نمی‌توانم؛ مگر آنکه تو بر من منت‌گذاری تا بتوانم ادا کنم؛ که در این صورت شکری جدید و دوباره بر من واجب می‌شود و ستایشی تازه و آماده.

﴿۲۸۴۲﴾ نوع اول شناخت باطنی و ثابتی است که بر اهل خود شکر پروردگار را بخاطر لطفی که به آنان کرده، واجب می‌کند. لطفی که خدا به هر که بخواهد همراه به شناخت ظاهری ارزانی می‌دارد.

۸-۱۱-۴-۱- واجب

﴿۲۸۴۳﴾ از تو به حق آن نامت که بلندمرتبه است درخواست می‌کنم، که با ادا نمودن شکرواجب نعمت بر من منت‌گذاری.

﴿۲۸۴۴﴾ پروردگارا، چه نیکوست تکالیفی که از من خواسته‌ای و چه آشکار است نعمت‌های تو بر من و چه بسیار است خوبی‌های تو بر من، که اگر آن نعمت را شکر کنم در واقع حق واجب نعمت را شناخته‌ام.

﴿۲۸۴۵﴾ مرا به درخواست از خودش امر کرد و به عبادتش دعوت کرد و به آنچه نزد خودش می‌باشد تشویق کرد و به طاعتش وادار کرد و از گناهانش پاک کرد و به بهشتش مشتاق کرد و از عقابش دور کرد، همه‌ی این‌ها رحمت و لطفی از طرف او بر من است که شکر آن واجب و ضروری است.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٨٤٦﴾ الصادق عليه السلام: وَالْوَاجِبُ عَلَى مَنْ وَهَبَ اللَّهُ لَهُ الْهُدَى وَ أَكْرَمَهُ بِالْإِيمَانِ وَ آلِهَمَهُ رُشْدَهُ وَ رَكَّبَ فِيهِ عَقْلاً يَتَعَرَّفُ بِهِ نِعَمَهُ وَ آتَاهُ عِلْماً وَ حُكْماً يُدَبِّرُ بِهِ أَمْرَ دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ أَنْ يُوجِبَ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَشْكُرَ اللَّهَ وَ لَا يَكْفُرَهُ؛ تحف العقول ص: ٣٠٥

١-٣-٤-١١-٩- سَجْدَةُ الشُّكْرِ وَاجِبَةٌ

﴿٢٨٤٧﴾ الصادق عليه السلام: سَجْدَةُ الشُّكْرِ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ تَمُّ بِهَا صَلَاتُكَ وَ تُرْضَى بِهَا رَبُّكَ وَ تَعَجَّبُ الْمَلَائِكَةُ مِنْكَ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٣٣٣

١-٣-٤-١١-١٠- وَجِبَ الشُّكْرُ

﴿٢٨٤٨﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: طَلَعَ الْبَدْرُ عَلَيْنَا مِنْ ثَنِيَّاتِ الْوُدَاعِ وَجَبَ الشُّكْرُ عَلَيْنَا مَا دَعَا لِلَّهِ دَاعٍ

الصراط المستقيم ج: ١ ص: ١٥٨

﴿٢٨٤٩﴾ مَنْ شَكَرَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَجَبَ عَلَيْهِ شُكْرُ ثَانٍ إِذْ [إِذَا] وَفَّقَهُ لِشُكْرِهِ وَ هُوَ شُكْرُ الشُّكْرِ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٨

﴿٢٨٥٠﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: يَا اللَّهُ يَا مَنْ وَجَبَ شُكْرُهُ عَلَى أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ؛ البلد الأمين ص: ٤٢٠

﴿٢٨٥١﴾ الصادق عليه السلام: يَا بَنِيَّ اشْكُرْ مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ وَ أَنْعِمَ عَلَى مَنْ شَكَرَكَ فَإِنَّهُ لَا زَوَالَ لِلنِّعْمَاءِ إِذَا شُكِرَتْ وَ لَا بَقَاءَ لَهَا إِذَا كُفِرَتْ وَ الشَّاكِرُ بِشُكْرِهِ أَسْعَدُ مِنْهُ بِالنِّعْمَةِ الَّتِي وَجَبَ عَلَيْهَا الشُّكْرُ وَ تَلَاثَيْنِ شُكْرُكُمْ لَا زَيْدَ نَكْمَ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ؛ وسائل الشيعة ج: ١٦ ص: ٣١٣

١-٣-٤-١١-١١- وَجُوبِ شُكْرِكَ

﴿٢٨٥٢﴾ السجاد عليه السلام: إِنَّكَ وَلِيُّ مَنْ اغْتَصَمَ بِنَصْرِكَ وَ مُجَازِي مَنْ أَدْعَنَ بِوُجُوبِ شُكْرِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٧٣

١-٣-٤-١١-١٢- يَجِبُ الشُّكْرُ

﴿٢٨٥٣﴾ الصادق عليه السلام: وَ تَمَامُ الشُّكْرِ اعْتِرَافُ لِسَانِ السِّرِّ خَاضِعاً لِلَّهِ تَعَالَى بِالْعَجْزِ عَنْ بُلُوغِ أَذْنَى شُكْرِهِ لِأَنَّ التَّوْفِيقَ لِلشُّكْرِ نِعْمَةٌ حَادِثَةٌ يَجِبُ الشُّكْرُ عَلَيْهَا؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٥٢

﴿٢٨٥٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَذْكُرُوا اللَّهَ عَلَى الطَّعَامِ وَ لَا تَلْغَطُوا فَإِنَّهُ نِعْمَةٌ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ وَ رِزْقُ مَنْ رَزَقَهُ يَجِبُ عَلَيْكُمْ فِيهِ شُكْرُهُ وَ ذِكْرُهُ وَ حَمْدُهُ؛ وسائل الشيعة ج: ٢٤ ص: ٣٥٠

﴿٢٨٥٥﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: أَقْصَرُ فِي حَقِّكَ وَ أَعْرِضْ عَنِ ذِكْرِكَ وَ أَخْلُ بِمَا يَجِبُ عَلَى مَنْ حَمِدَكَ وَ شُكْرَكَ؛ البلد الأمين ص: ٤٢٨

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۸۴۶﴾ لازم است کسی که خداوند او را هدایت فرموده و به ایمان گرامی داشته و ارشادش کرده و به او بینشی عطا کرده که نعمت‌های پروردگار را درمی‌یابد و به او علم و حکمتی بخشیده که امر دنیا و آخرت خود را تدبیر می‌کند و شکر این نعمت‌ها را به‌جا آورد و کفران ننماید.

۹-۱۱-۳-۴-۱ سجده‌ی شکر واجب است

﴿۲۸۴۷﴾ سجده‌ی شکر واجبست بر تمامی مسلمانان، نماز به آن خاتمه می‌یابد، و پروردگار متعال به سبب آن راضی می‌گردد، و فرشتگان آن کس را دوست می‌دارند (که ملتزم به سجده‌ی شکر باشد).

۱۰-۱۱-۳-۴-۱ شکر واجب شد

﴿۲۸۴۸﴾ قرص ماه از تپه‌های وداع بر ما طلوع کرد و تا آن زمان که کسی خدا را بخواند شکر بر ما واجب است.

﴿۲۸۴۹﴾ هر که خدا ی سبحان را شکر کند، بر او شکر دومی واجب میشود، زیرا توفیق شکرگزاری از جانب حق تعالی نصیب او شده است و این شکر بر شکر است.

﴿۲۸۵۰﴾ ای خدا، ای کسی که شکرش را بر اهل آسمان و زمین واجب است.

﴿۲۸۵۱﴾ ای فرزند من، شکر کن کسی را که بر تو لطفی کرده، و لطف کن بر کسی که سپاسگزار توست، زیرا هر نعمتی که سپاس آن به‌جا آورده شود از بین نمی‌رود، و هر نعمتی که کفران شود باقی نماند، و سپاسگزار نعمت، سعادت‌مندی و بهره‌اش به خاطر شکر او بیشتر از بهره و استفاده‌اش از خود آن نعمتی است که شکر آن واجب شده است، سپس این آیه را تلاوت فرمود: " اگر نعمت‌های مرا سپاسگزاری نمایی البته نعمت‌ها را بر شما افزایش می‌دهم، و اگر کفران و ناسپاسی کنید همانا عذاب و شکنجه‌ی من سخت است."

۱۱-۱۱-۳-۴-۱ واجب‌بودن شکر

﴿۲۸۵۲﴾ تو ولی آن کسی هستی که به ریسمان کمک تو چنگ زند و به کسی که به وجوب شکر تو اعتراف کند پاداش می‌دهی.

۱۲-۱۱-۳-۴-۱ شکرگزاری واجب می‌شود

﴿۲۸۵۳﴾ و کمال شکر این است که به زبان حال و قلب و با خلوص نیت اعتراف کند که از به‌جا آوردن کمترین مرتبه‌ی شکر پروردگار عاجز است که همانا توفیق شکر نعمت جدید، شکر جدیدی بر تو واجب می‌کند.

﴿۲۸۵۴﴾ به هنگام غذا خوردن خدای تعالی را یاد کنید و حرف‌های نامربوط و ناسپاسانه نگویند، زیرا غذا نعمتی از نعمت‌های الهی و رزقی از رزق‌های خداوندی است و بر شما واجب است که آن نعمت را شکر و خدا را یاد کنید و سپاسگزار و ستایشگر حق تعالی باشید.

﴿۲۸۵۵﴾ پروردگارا، در رعایت حق تو کوتاهی کردم، و از یاد تو روگرداندم و شکر و ستایش واجبیت را ادا نکردم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٨٥٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ عَلَى الطَّعَامِ وَلَا تَطْغَوْا فَإِنَّهَا نِعْمَةٌ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ وَ رَزَقٌ مِنْ رِزْقِهِ يَجِبُ عَلَيْكُمْ فِيهِ شُكْرُهُ وَ حَمْدُهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٦ ص: ٢٧٣

﴿٢٨٥٧﴾ الصادق عليه السلام: رَاعِ أَوْقَاتَ فَرَائِضِ اللَّهِ وَ سُنَنِ نَبِيِّهِ صلى الله عليه وآله وَ مَا يَجِبُ عَلَيْكَ مِنَ الْأَدَبِ وَ الْإِحْتِمَالِ وَ الصَّبْرِ وَ الشُّكْرِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٠ ص: ١٧٢

﴿٢٨٥٨﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ وَ هُوَ عِلْمُ الْإِنْفُسِ فَيَجِبُ أَنْ يَكُونَ نَفْسُ الْمُؤْمِنِ عَلَى كُلِّ حَالٍ فِي شُكْرِ أَوْ عُذْرٍ عَلَى مَعْنَى إِنْ قَبِلَ فَفَضْلٌ وَ إِنْ رُدَّ فَعَدْلٌ؛ بحار الأنوار ج: ٦٧ ص: ٦٨

﴿٢٨٥٩﴾ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ اصْطَنَعَ عِنْدَنَا وَ عِنْدَكُمْ مَا يَجِبُ عَلَيْنَا أَنْ نَشْكُرَهُ بِجَهْدِنَا وَ أَنْ نَنْصُرَهُ مَا بَلَغَتْ قُوَّتُنَا؛ شرح نهج البلاغة ج: ٣ ص: ١٩٤

﴿٢٨٦٠﴾ المجتبی عليه السلام: فِي الْمَائِدَةِ اثْنَتَا عَشْرَةَ خَصْلَةً يَجِبُ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَعْرِفَهَا أَرْبَعٌ مِنْهَا فَرَضٌ وَ أَرْبَعٌ سُنَّةٌ وَ أَرْبَعٌ تَأْدِيبٌ فَأَمَّا الْفَرَضُ فَالْمَعْرِفَةُ وَ الرِّضَا وَ التَّسْمِيَةُ وَ الشُّكْرُ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٣ ص: ٣٥٩

﴿٢٨٦١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَوْ لَمْ يَتَوَعَّدِ اللَّهُ عَلَى مَعْصِيَتِهِ لَكَانَ يَجِبُ أَنْ لَا يُعْصَى شُكْرًا لِنِعْمِهِ؛ وسائل الشيعة ج: ١٥ ص: ٣٠٨

١٣-١١-٤-١-يُوجِبُ

﴿٢٨٦٢﴾ الصادق عليه السلام: وَ الْوَاجِبُ عَلَى مَنْ وَهَبَ اللَّهُ لَهُ الْهُدَى وَ أَكْرَمَهُ بِالْإِيمَانِ وَ آلَهِمَّهُ رُشْدَهُ وَ رَكَّبَ فِيهِ عَقْلًا يَتَعَرَّفُ بِهِ نِعْمَهُ وَ آتَاهُ عِلْمًا وَ حُكْمًا يُدَبِّرُ بِهِ أَمْرَ دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ أَنْ يُوجِبَ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَشْكُرَ اللَّهَ وَ لَا يَكْفُرَهُ؛ تحف العقول ص: ٣٠٥

١٢-٤-١-النَّعْمَةُ مَوْصُولَةٌ بِالشُّكْرِ

﴿٢٨٦٣﴾ النَّعْمَةُ مَوْصُولَةٌ بِالشُّكْرِ وَ الشُّكْرُ مَوْصُولٌ بِالْمَزِيدِ وَ هُمَا مَقْرُونَانِ فِي قَرْنٍ فَلَنْ يَنْقَطَعَ الْمَزِيدُ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ حَتَّى يَنْقَطَعَ الشُّكْرُ مِنَ الشَّاكِرِ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٩

١٣-٤-١-إِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْ شُكْرِنَا

﴿٢٨٦٤﴾ إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَ لَا يَرْضَى لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَ إِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ وَ لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ثُمَّ إِلَى رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ؛ الزمر:

الآية ٧

﴿٢٨٦٥﴾ فَإِنْ كُنْتَ عَنْ شُكْرِي غَنِيًّا فَإِنِّي إِلَى شُكْرِ مَا أَوْلَيْتَنِي لَفَقِيرٍ

الأمالى للطوسي ص: ٤٥٠

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۸۵۶﴾ در هنگام غذاخوردن بسیار یاد خدا کنید و گردنکشی و ناسپاسی نکنید، زیرا آن نعمتی از نعمت‌های الهی و رزقی از رزق‌های او و شکر سپاس بر آن واجب است.

﴿۲۸۵۷﴾ پیوسته مراعات و مراقبت کن تا وظائف واجبه و آداب و سنن پیامبر اکرم ﷺ در اوقات مخصوص آن‌ها را به‌جای آوری، و در این راه آداب عرفی را رعایت کن، و در مقابل پیشامدها، بر ناگواری‌ها و سختی‌ها تحمل داشته باش، و در مقابل ناراحتی‌ها بردباری کن، و پیوسته به خاطر نعمت‌ها و خوشی‌ها سپاسگزار باش.

﴿۲۸۵۸﴾ طلب علم بر هر زن مسلمان و مرد مسلمان واجب می‌باشد و آن علم نفس می‌باشد، لازم است نفس مؤمن در هر حال یا شاکر باشد یا عذرخواه، به این معنی که اگر مورد قبول قرار گرفت برای آن فضیلتی هم داشته باشد و اگر رد شد در آن باره با او به عدالت رفتار شود.

﴿۲۸۵۹﴾ خداوند آن قدر به ما و شما لطف کرده است که برما واجب است تا سرحدّ توانمان در ادای شکر او بکوشیم و او را یاری کنیم.

﴿۲۸۶۰﴾ در سفره‌ی غذا دوازده خصلت را باید هر مسلمانی رعایت کند که چهارتای آن‌ها واجب است و چهارتای آن سنت و چهار مورد ادب است، واجب آن‌ها: شناخت و رضایت و شروع با بسم الله و شکرند.

﴿۲۸۶۱﴾ اگر خداوند به گنهکاران وعده‌ی عذاب هم نداده بود باز هم واجب بود که برای ادای شکر نعمت‌هایش (بندگان) او را معصیت نکنند.

۱۳-۱۱-۴-۱- واجب می شود

﴿۲۸۶۲﴾ لازم است کسی که خداوند او را هدایت فرموده و به ایمان گرامی داشته و ارشادش کرده و به او بینشی عطا کرده که نعمت‌های پروردگار را درمی‌یابد و به او علم و حکمتی بخشیده که امر دنیا و آخرت خود را تدبیر می‌کند و شکر این نعمت‌ها را به‌جا آورد و کفران ننماید.

۱۲-۱۳-۴-۱- نعمت به شکر پیوسته است

﴿۲۸۶۳﴾ نعمت به شکر و شکر به افزایش نعمت پیوند خورده است و هردو همراه و از یک شاخه و به‌هم نزدیکند پس قطع نمی‌شود افزایش نعمت مگر آنکه شکر و سپاس از شکرگزار قطع شود.

۱۳-۱۳-۴-۱- خداوند از شکرگزاری ما بی‌نیاز است

﴿۲۸۶۴﴾ اگر کفران کنید، خداوند از شما بی‌نیاز است و هرگز کفران را برای بندگان نمی‌پسندد و اگر شکر او را به‌جا آورید آن را برای شما می‌پسندد؛ و هیچ گنهکاری گناه فرد دیگری را بر دوش نمی‌کشد؛ سپس بازگشت همه‌ی شما به‌سوی پروردگارتان است، و شما را از آنچه انجام می‌دادید آگاه می‌سازد زیرا او به آنچه در سینه‌هاست آگاه است.

﴿۲۸۶۵﴾ اگر تو از شکر من بی‌نیازی ولی من به شکر نعمت‌هایی که تو بر من داده‌ای نیازمندم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٨٦٦﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ

حَمِيدٌ؛ لقمان: الآية ١٢

١-٣-٥- طلبُ الشُّكرِ، الإِسْتِعَاذَةُ وَالْإِعْتِدَارُ مِنَ التَّقْصِيرِ فِيهِ

١-٣-٥-١- سُؤَالُ الشُّكْرِ

١-٣-٥-١-١- (بعث)، إِبْعَثْنِي لِشُكْرِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَبْعَثَنِي مِنَ الشَّاكِرِينَ

﴿٢٨٦٧﴾ يَقُولُ مَنْ أَرَادَ الْإِنْتِبَاهَ اللَّهُمَّ ابْعَثْنِي مِنْ مَضْجَعِي لِذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ وَصَلَوَاتِكَ وَ

اسْتِغْفَارِكَ وَتِلَاوَةِ كِتَابِكَ وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٤ ص: ١٧٣

﴿٢٨٦٨﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَسْأَلُكَ يَا كَرِيمٌ... أَنْ تَبْعَثَنِي مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ١٥٩

﴿٢٨٦٩﴾ امير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي يَرَى وَ لَا يُرَى وَ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى أَنْ يَجْعَلَنَا وَ

إِيَّاكَ مِمَّنْ يُحِبُّهُ اللَّهُ وَ يَرْضَاهُ حَتَّى يَبْعَثَنَا عَلَى شُكْرِهِ وَ ذِكْرِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٣٣ ص: ٥٤٩

١-٣-٥-١-٢- (بقي)، أَتُبْقِي قَائِمًا بِشُكْرِكَ

﴿٢٨٧٠﴾ الْأَيْمَةُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَتُبْقِي بَعْدَهُ سَوِيًّا قَائِمًا بِشُكْرِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ١٥

١-٣-٥-١-٣- (جعل)

١-٣-٥-١-٣-١- إَجْعَلْ

﴿٢٨٧١﴾ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِهِ حَظًّا مِنْ عِبَادَتِكَ، وَ نَصِيبًا مِنْ شُكْرِكَ وَ

شَاهِدَ صِدْقٍ مِنْ مَلَائِكَتِكَ؛ الصحيفة السَّجَّادِيَّة عَلَيْهِ السَّلَامُ ص: ٤٨

﴿٢٨٧٢﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْ سَلَامَةَ قُلُوبِنَا فِي ذِكْرِ عَظَمَتِكَ، وَ فَرَاغَ أَبْدَانِنَا

فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ، وَ انْطِلَاقَ أَلْسِنَتِنَا فِي وَصْفِ مِثَّتِكَ؛ الصحيفة السَّجَّادِيَّة عَلَيْهِ السَّلَامُ ص: ٤٤

﴿٢٨٧٣﴾ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي... شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ نِعْمَاتِكَ ذَاكِرَةً لِسَائِغِ آلَائِكَ؛

بحار الأنوار ج: ٩٧ ص: ٢٦٦

﴿٢٨٧٤﴾ الرَّسُولُ ﷺ: اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ هَذِهِ الْأَرْضَ مِنْ جُمْلَةِ شُهُودِنَا يَوْمَ مَوْعُودِنَا إِنَّكَ ارْتَضَيْتَنَا

فِيهَا لِعِبَادَتِكَ وَ أَهْلَتَنَا لِلتَّشْرِيفِ بِطَاعَتِكَ وَ وَفَّقْتَنَا لِلشُّكْرِ لِنِعْمَتِكَ؛ الأمان ص: ١٤١

﴿٢٨٧٥﴾ الرَّسُولُ ﷺ: فَاجْعَلْ لَنَا مِنَ الْإِقْتِدَارِ وَ الْأَنْوَارِ وَ طَهَارَةِ الْأَسْرَارِ مَا نَكُونُ مِنْ أَسْعَدِ

السَّائِرِينَ وَ أَحْمَدِ الشَّاكِرِينَ؛ الأمان ص: ١٥٠

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۸۶۶﴾ ما به لقمان حکمت دادیم (و به او گفتیم: شکر خدا را به جای آور؛ هر کس شکرگزاری کند، تنها به سود خویش شکر کرده و آن کس که کفران کند، (زیانی به خدا نمی‌رساند) زیرا خداوند بی‌نیاز و ستوده است.

۵-۳-۱- درخواست شکر، پناه‌بردن و عذرخواهی کردن از کوتاهی در آن

۱-۳-۵-۱- درخواست شکر

۱-۳-۵-۱-۱ (برانگیخته‌شدن) مرا برای شکر برانگیختی، از تو می‌خواهم که مرا در میان شکرگزارانت برانگیزی

﴿۲۸۶۷﴾ برای بیدارشدن چنین بگوید: خدایا، مرا از بستر برانگیز تا ذکر گویم و سپاس و نماز و استغفارت را به جای آرم و قرآن را تلاوت کنم و به نیکی تو را بندگی نمایم، ای ارحم الراحمین.

﴿۲۸۶۸﴾ ای صاحب کرامت از تو درخواست می‌کنم... که مرا در زمره‌ی شاکرین برانگیزی.
﴿۲۸۶۹﴾ از خدایی که می‌بیند و دیده نمی‌شود و در موقعیت عالی قرار دارد، درخواست می‌کنم که ما و تو را از جمله کسانی قرار دهد که دوستشان دارد و از آنان خرسند و راضی است، تا اینکه ما را بر شکرگزاری و یاد خویش برانگیزد.

۲-۳-۵-۱-۲ (باقی‌ماند) مرا استوار بر شکر باقی‌بدار

﴿۲۸۷۰﴾ پس از آن هم، مرا نیرومند و سالم نگاهم دار تا به ادای شکر قیام کنم.

۳-۳-۵-۱-۳ (قراردادن)

۱-۳-۵-۱-۳-۱ قرار ده

﴿۲۸۷۱﴾ خداوند در هر ساعتی از ساعات این روز بهره‌ای از عبادت، و نصیبی از سپاسگزاری‌ات، و گواه صادقی از فرشتگانت برای ما قرار ده
﴿۲۸۷۲﴾ خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست، و سلامتی دل‌های ما را در یاد عظمت و بزرگی خود، و آسایش تن‌های ما را در سپاسگزاری نعمت خود، و شیرینی زبان‌های ما را در بیان و توصیف نعمت خود قرار ده.
﴿۲۸۷۳﴾ پروردگارا، نفسم را... در مقابل نعمت‌های بزرگت شاکر و نسبت به نعمت‌های کاملت ذاکر و متوجه قرار بده.

﴿۲۸۷۴﴾ خدایا، این زمین را از زمره‌ی گواهان ما در روز قیامت قرار ده؛ زیرا راضی شدی که در آن عبادت را به‌جا آوریم و لیاقت مفتخرشدن به عبادت و بندگی‌ات را به ما داده‌ای و برای سپاسگزاری نعمت ما را موفق ساخته‌ای.

﴿۲۸۷۵﴾ پس چنان توان و روشنی و باطن پاکی به ما مرحمت فرما که از زمره‌ی خوشبخت‌ترین سیرکنندگان و سپاسگزارترین ثناگویان باشیم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٨٧٦﴾ الرسول ﷺ: وَاجْعَلْ مِنْ لِسَانِ حَالِنَا مِنْ يَحْمَدُكَ إِنْ غَفَلْنَا وَ يَشْكُرُكَ إِنْ جَهِلْنَا وَ يُثْنِي عَلَيْكَ إِنْ أَهْمَلْنَا؛ الأمان ص: ١٤٦

﴿٢٨٧٧﴾ الرسول ﷺ: اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ هَذِهِ الْأَرْضَ مِنْ جُمْلَةِ شُهُودِنَا يَوْمَ مَوْعِدِنَا إِنَّكَ ارْتَضَيْتَنَا فِيهَا لِعِبَادَتِكَ وَ أَهْلَتَنَا لِلتَّشْرِيفِ بِطَاعَتِكَ وَ وَفَّقْتَنَا لِلشُّكْرِ لِنِعْمَتِكَ؛ الأمان ص: ١٤١
٢-٣-٥-١-٣-١-٣-١-٣-٢ اجْعَلْنِي

﴿٢٨٧٨﴾ الباقر ﷺ: فَجِدْ عَلَيَّ بِكَرَمِكَ وَ اجْعَلْنِي شَاكِرًا لِأَنْعَامِكَ؛ إقبال الأعمال ص: ٥٢٢
﴿٢٨٧٩﴾ الصادق ﷺ: اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْنِي لَكَ شَاكِرًا فَإِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤
ص: ٢٧٣

﴿٢٨٨٠﴾ الجواد ﷺ: اجْعَلْنِي سَالِمًا مِنْ كُلِّ سُوءٍ مُعَافًا مِنَ الضَّرُورَةِ فِي مُنْتَهَى الشُّكْرِ وَ الْعَافِيَةِ؛
المصباح للكفعمي ص: ٣٣

﴿٢٨٨١﴾ الرسول ﷺ: اجْعَلْنِي عَبْدًا شَكُورًا؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٥٧
﴿٢٨٨٢﴾ الصادق ﷺ: اجْعَلْنِي لَأَلَّا تَكْ شَاكِرًا وَ حَامِدًا؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٦٦

﴿٢٨٨٣﴾ اجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٢٨
﴿٢٨٨٤﴾ المجتبى ﷺ: اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَبِيعِينَ إِلَيْكَ التَّابِعِينَ لِأَمْرِكَ الْمُخْبِتِينَ إِلَيْكَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرْتَ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَ الْمُسْتَكْمِلِينَ مَنَاسِكُهُمْ وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَلَاءِ وَ الشَّاكِرِينَ فِي الرِّخَاءِ؛
بحار الأنوار ج: ٨٤ ص: ٦٤

﴿٢٨٨٥﴾ اللَّهُمَّ وَ أَنَا الدَّاعِي الَّذِي أَحْبَبْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا السَّائِلُ الَّذِي أَعْطَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الضَّالُّ الَّذِي هَدَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الضَّعِيفُ الَّذِي قَوَّيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْفَقِيرُ الَّذِي أَغْنَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْغَارِي الَّذِي كَسَوْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا السَّقِيمُ الَّذِي شَفَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ أَجَلٌ وَ عِزَّتِكَ لَقَدْ فَعَلْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِهِ وَ اجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛
بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٢٨

﴿٢٨٨٦﴾ اللَّهُمَّ وَ أَنَا الدَّلِيلُ الَّذِي أَغْرَزْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْمَخْذُولُ الَّذِي كَفَيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْمُبْعِيُّ عَلَيْهِ الَّذِي نَصَرْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْوَضِيعُ الَّذِي رَفَعْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْهَالِكُ الَّذِي خَلَصْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْغَرِيقُ الَّذِي نَجَّيْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الْمُهَانُ الَّذِي أَكْرَمْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنَا الرَّاجِلُ الَّذِي حَمَلْتَهُ فَلَكَ الْحَمْدُ أَجَلٌ وَ عِزَّتِكَ لَقَدْ فَعَلْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٢٨

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٨٨٧﴾ الصادق عليه السلام: أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَرْزُقَنِي رِزْقًا حَلَالًا طَيِّبًا وَاسِعًا يَكُونُ لِي غِنًى عَنْ خَلْقِكَ وَيَكُونُ لَكَ الْمَنُّ عَلَيَّ فِيهِ خَالِصًا وَاجْعَلْنِي فِيهِ لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ إقبال الأعمال ص: ١٥٤

﴿٢٨٨٨﴾ الصادق (عليه السلام): اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي صَبُورًا وَاجْعَلْنِي شَكُورًا؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٢١١

﴿٢٨٨٩﴾ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عَبْدًا شَكُورًا وَ لِيَّالِيكَ ذُكُورًا؛ بحار الأنوار ج: ٩٧ ص: ٢٦٣

﴿٢٨٩٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي لَكَ ذَاكِرًا لَكَ شَاكِرًا؛ مستدرک الوسائل ج: ١١

ص: ۱۰۹

﴿٢٨٩﴾ الكاظم عليه السلام: اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي لَكَ شَاكِرًا؛ البلد الأمين ص: ١١٧

﴿٢٨٩٢﴾ الرَّسُولُ ﷺ: اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يُكْثِرُ ذِكْرَكَ وَيَتَابِعُ شُكْرَكَ؛ فلاح السائل ص: ٢٤٩

﴿٢٨٩٣﴾ الْكَافِرُ: صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي لِأَنْعُمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا إِلَٰهَ إِلَّا

مِنَ الذَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٣١٩

﴿٢٨٩٤﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَاجْعَلْنِي شَاكِرًا لِنِعْمَتِكَ؛ الْبَلَدُ الْأَمِينُ ص: ٦٤

﴿٢٨٩٥﴾ الصادق عليه السلام: وَاجْعَلْنِي لِإِلَائِكَ شَاكِرًا وَحَامِدًا؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٦٦

﴿٢٨٩٦﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): يَا مُنْعِمُ تَمِّمْ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ وَانْسِنِي بِهَا وَاجْعَلْنِي مِنَ الشَّاكِرِينَ لَكَ

عَلَيْهَا؛ إقبال الأعمال ص: ٥٢١

١-٣-٥-١-٣-٣-إِجْعَلْنَا

﴿٢٨٩٧﴾ الْعَسْكَرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ لَأَنْعُمَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٧ ص: ٣٦١

﴿٢٨٩٨﴾ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ فَأَعْطَيْتَهُ وَشَكَرَكَ فَزِدْتَهُ؛

بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٢٤

﴿٢٨٩٩﴾ الرَّسُولُ ﷺ: اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مَشْغُولِينَ بِأَمْرِكَ آمَنِينَ بِوَعْدِكَ آيِسِينَ مِنْ خَلْقِكَ آنْسِينَ

بِكَ مُسْتَوْحِشِينَ مِنْ غَيْرِكَ رَاضِينَ بِقَضَائِكَ صَابِرِينَ عَلَى بَلَائِكَ شَاكِرِينَ عَلَى نِعْمَائِكَ؛

بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٣٦٠

﴿٢٩٠﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اللَّهُمَّ آمِنُنِي عَلَى بِالرِّزْقِ الْوَاسِعِ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ بِرَحْمَتِكَ تَكُونُ لَكَ الْمُنَّةُ

عَلَىٰ وَ تَكُونُ لِي غَنًى عَنْ خَلْقِكَ خَالِصًا لِّسَّ لَا أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ مِنْهُ مِنْ غَيْرِكَ وَ اجْعَلْنَا فِيهِ مِنْ

الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٤٢

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٩٠﴾ السَّجَادَ ﷺ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمَدُكَ عَلَى أَنْ أَكْرَمْتَنَا بِالنُّبُوَّةِ وَعَلَّمْتَنَا الْقُرْآنَ وَفَقَّهْتَنَا فِي الدِّينِ وَجَعَلْتَ لَنَا أَسْمَاعًا وَأَبْصَارًا وَأَفئِدَةً فَاجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٤٤ ص: ٣٩٢

﴿٢٩٠٢﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْهُ أَفْضَلَ يَوْمِ عَهْدِنَا وَآمِنَ صَاحِبِ صَحْبِنَا وَخَيْرِ وَقْتِ ظِلْمِنَا فِيهِ وَاجْعَلْنَا أَرْضَى مَنْ مَرَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ مِنْ جُمْلَةِ خَلْقِكَ وَ أَشْكُرَ لِمَا أَبْلَيْتَ مِنْ نِعَمِكَ وَأَقْوَمَ بِمَا شَرَعْتَ مِنْ شَرَائِعِكَ وَأَوْبَقَهُ عَمَّا حَذَرْتَ مِنْ نَهْيِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٣٠٦

﴿٢٩٠﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا مِنْ عَطَائِكَ فَبَارِكْ لَنَا فِيهِ وَ سَوِّغْنَا وَ أَخْلِفْ لَنَا خَلْفًا لِمَا أَكَلْنَاهُ أَوْ شَرَبْنَاهُ مِنْ غَيْرِ حَوْلٍ مِنَّا وَ لَا قُوَّةَ رَزَقْتَ فَأَحْسَنْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ رَبِّ اجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٦ ص: ٢٨٠

﴿٢٩٠٤﴾ الصادق عليه السلام: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا وَضَعَ الطَّعَامَ بَيْنَ يَدَيْهِ قَالَ اللَّهُمَّ هَذَا مِنْ مَنِّكَ وَفَضْلِكَ وَعَطَائِكَ فَبَارِكْ لَنَا فِيهِ وَسَوِّغْنَا وَارْزُقْنَا خَلْفًا إِذَا أَكَلْنَاهُ وَرَبُّ مُحْتَاجٍ إِلَيْهِ رَزَقْتُ فَأَحْسَنْتُ اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ الكافي ج: ٦ ص: ٢٩٤

﴿٢٩٠٥﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): كَانَ يَقُولُ إِذَا أَمْسَى الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي ذَهَبَ بِالنَّهَارِ وَجَاءَ بِاللَّيْلِ سَكَنًا نِعْمَةً مِنْهُ وَ فَضْلًا اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَافَانِي فِي لَيْلِي هَذَا قُرْبٌ مُبْتَلَى قَدْ ابْتُلِيَ فِيمَا مَضَى اللَّهُمَّ عَافِنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْهُ وَ فِي الْآخِرَةِ وَ فَنِي عَذَابَ النَّارِ وَإِذَا أَصْبَحَ قَالَ مِثْلَ ذَلِكَ إِلَّا أَنَّهُ يَقُولُ وَجَاءَ بِالنَّهَارِ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٢٨٠

﴿٢٩٠٦﴾ السَّجَادَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِلَهِي فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ... اللَّهُمَّ ذِكْرَكَ وَأَوْزَعْتَ شُكْرَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٤٨

﴿٢٩٠٧﴾ الرضا عليه السلام: وَاجْعَلْنَا لِنَعْمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ٣٠٦
 ﴿٢٩٠٨﴾ الحسين عليه السلام: وَاجْعَلْنَا لَكَ شَاكِرِينَ وَلِلَّائِكَ ذَاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٢٢
 ﴿٢٩٠٩﴾ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَرْضِي مَنْ مَرَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ مِنْ جُمْلَةِ خَلْقِكَ، أَشْكُرْهُمْ لِمَا أَوْلَيْتَ
 مِنْ نَعْمِكَ؛ الصحيفة السجادة عليه السلام ص: ٤٨

﴿٢٩١٠﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا زَادًا تُقْوِينَا بِهِ فِي الْمَوْقِفِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَطَرِيقًا وَاصِحًا نَسْلُكُ بِهِ إِلَيْكَ وَعِلْمًا نَافِعًا تَشْكُرُ بِهِ نِعْمًاكَ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٧٣

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۹۰۱﴾ خدايا، تو را سپاس می‌گویم بر اینکه ما را به داشتن پیامبرگرامی داشتی و قرآن را به ما آموختی و در فهم دین ما را دانا ساختی، و گوش‌های شنوا و دیده‌های بینا و دل‌های آگاه به ما ارزانی داشتی، پس ما را از سپاسگزاران قرار ده.

﴿۲۹۰۲﴾ خدايا، بر محمد و خاندانش درود فرست و این روز را بهترین روزی که گذرانیدیم و با برکت‌ترین همنشینی که با او بودیم و بهترین وقتی که به‌سر آوردیم قرار ده و ما را در بین کسانی که این شب‌ها و روزها بر آنان می‌گذرد در جلب رضایت تو موفق‌ترین و در برابر نعمت‌هایی که عطا کرده‌ای سپاسگزارترین و در رهسپاری بر وقف آیینت پایدارترین و در برابر آنچه که از آن نهی کرده‌ای گریزان‌ترین قرار بده.

﴿۲۹۰۳﴾ امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمود: خدايا، این از عطا و بخشش تو برماست، به آن برکت ده و آن را بر ما گوارا و لذت‌بخش کن و جایگزین آنچه را خوردیم و یا نوشیدیم بده، که این امر در توان ما نیست روزی دادی و به ما احسان کردی؛ سپاس و ستایش مخصوص توست، پروردگارا، ما را از شاکران قرار بده.

﴿۲۹۰۴﴾ هنگامی که غذا را نزد حضرت سجاد علیه السلام می‌نهادند چنین می‌گفت: "خدايا، این از منت و فضل و بخشش توست، آن را برکت ده و بر ما گوارا کن و چون آن را خوردیم عوضش را نیز به ما بده، چه بسیار نیازمندی که تو به آنان روزی می‌دهی. خدايا، ما را از شکرگزاران قرار ده." ﴿۲۹۰۵﴾ در آغاز که شب چنین می‌گفت: "سپاس مخصوص خدایی است که روز را برد و شب را آورد و آن را مایه‌ی آرامش و نعمت و لطفی از جانب خودش قرار داد. خدايا، ما را از سپاسگزاران قرار ده؛ سپاس خدایی راست که مرا در این شب عافیت داد؛ چه بسیار کسانی که به آنچه من از آن عافیت یافتم گرفتار باشد. خدايا، در باقی‌مانده‌ی آن و در آخرت نیز مرا عافیت ده و مرا از عذاب جهنم نگهدار؛ و آن‌هنگام که صبح می‌شد مثل همین را می‌گفت با این تفاوت که می‌فرمود: "روز را آورد."

﴿۲۹۰۶﴾ پروردگارا، ما را از زمره‌ی کسانی قرار بده که... یادت را در دلشان قرار دادی و شکرگزاری را به ایشان الهام کردی.

﴿۲۹۰۷﴾ ما را شکرگزار نعمت‌هایت قرار ده.

﴿۲۹۰۸﴾ خدايا، ما را به درگاهت از زمره‌ی شکرکنندگان و بر نعمت‌هایت از جمله و یادکنندگان قرار ده.

﴿۲۹۰۹﴾ خدايا، در میان همه‌ی آفریدگانت که شب روز برآنان می‌گذرد ما را از راضی‌کننده ترین بندگان و شکرگزارترینشان در نعمت‌هایی که به آنان داده‌ای قرار بده.

۴-۳-۱-۵-۳-۱- او را قرار ده

﴿۲۹۱۰﴾ خدايا، آن را برای ما توشه‌ای قرار ده که به‌وسیله‌ی آن ما را برای ایستادن در برابر تو توانمند کنی و آن را راهی واضح قرار ده که به‌وسیله‌ی آن به‌سوی تو سیر کنیم و آن را علم نافع قرار ده که به‌وسیله‌ی آن شکر نعمت‌هایت را ادا کنیم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٩١﴾ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ... لَا وَبَيْتًا وَلَا دَوِيًّا وَابْقِنِي بَعْدَهُ سَوِيًّا قَائِمًا بِشُكْرِكَ؛ الْأَمَانُ ص: ٦١

۵-۳-۱-۵-۳-۱ - اجعلها نعمة مشكورة

﴿٢٩١٢﴾ الرَّسُولُ ﷺ: إِذَا رُفِعَتِ الْمَائِدَةُ فَقُلْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا نِعْمَةً

مَشْكُورَةٌ تَصِلُ بِهَا نِعْمَةُ الْجَنَّةِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٦ ص: ٢٧٩

﴿٢٩١٣﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): اَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا رُفِعَتِ الْمَائِدَةُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ قَالَ اللَّهُمَّ

اجْعَلْهَا نِعْمَةً مَّحْضُورَةً مَشْكُورَةً مَوْصُولَةً بِالْجَنَّةِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٦ ص: ٢٧٨

١-٣-٥-١-٣-٦- أَنْ تَجْعَلَ

﴿٢٩١٤﴾ الرِّسُولُ ﷺ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

مُحَمَّدٌ وَأَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصَرِي وَ... الشُّكْرَ لَكَ أَبَدًا مَا أَقْبَيْتَنِي؛ بحار الأنوار ج: ٧٣ ص: ٩٦

١-٣-٥-١-٣-٧- أَنْ تَجْعَلَنِي

﴿٢٩١٥﴾ عَنْهُمْ الْبُيُوتُ: أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُثَبِّتَ قَلْبِي لَهُ وَأَنْ

تَجْعَلَنِي لَكَ عَبْدًا شَاكِرًا؛ تهذيب الأحكام ج: ٣ ص: ٩٦

﴿٢٩١٦﴾ الصادق عليه السلام: أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُدِيمُ

ذِكْرَكَ وَلَا يَنْقُضُ عَهْدَكَ وَلَا يَغْفُلُ عَنْ شُكْرِكَ؛ إقبال الأعمال ص: ٦٨٧

﴿٢٩١٧﴾ الصادق عليه السلام: أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَنْ... تَجْعَلَنِي

لَا نَعُوكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ مصباح المتعجب ص: ٧١

(٢٩١٨) ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الْمَكْنُونَةِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وَأَنْ تَجْعَلَنِي فِي هَذَا الْيَوْمِ مِنَ الشَّاكِرِينَ لِمَا أَوْلَيْتَنِيهِ وَالصَّابِرِينَ عَلَى مَا بَلَّيْتَ وَالْحَامِدِينَ عَلَى

مَا أَعْطَيْتْ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٢٦٨

﴿٢٩١٩﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنْ تَتَعَطَّفَ عَلَى بَرِّكَاتِكَ وَتَوْسَعَ عَلَى مِنْ رِزْقِكَ وَفَضْلِكَ وَتَتِمَّ عَلَى

نِعْمَتِكَ وَ تَهْنِئَتِي بِكَرَامَتِكَ وَ تَجْعَلَنِي مِنَ الشَّاكِرِينَ لَكَ؛ إقبال الأعمال ص: ٢٢٤

﴿٢٩٢﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: أَنْ تَجْعَلَنِي بِرَحْمَتِكَ مِمَّنْ حُزْتُ لَهُ لَيْلَةُ الْقَدْرِ وَجَعَلْتَهَا لَهُ خَيْرًا مِنْ

ألف شهر في أعظم الأجر و كرائم الذخر و طول العمر و حسن الشكر؛ تهذيب الأحكام ج: ٣

ص: ۱۱۱

الصادق عليه السلام: ان تجعلني برحمتك ممن خرت له ليلة القدر وجعلتها له خيرا من

الف شهر في اعظم الاجر و درائم الدحر و حسن الشكر: الكافي ج ٢: ص ١٦٥

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۹۱۱﴾ پروردگارا، این غذا را بر من گوارا گردان؛ نه ناگوار و بیماری‌زا، و پس از آن هم مرا نیرومند و سپاسگزار قرار ده.

﴿۵-۳-۱-۳-۱- آن را نعمتی قرار ده که شکرش به جا آورده شود﴾

﴿۲۹۱۲﴾ چون سفره را برچینند بگو: "سپاس آفریدگار عالمیان را، خدایا، این سفره را برای من نعمت قرار ده که شکرش را ادا کرده باشم و مرا به بهشت برساند."

﴿۲۹۱۳﴾ پیامبر خدا ﷺ چون سفره را برمی‌چیدند چنین دعا می‌کرد: پروردگارا، قرار بده آن را نعمتی آماده، پذیرفته شده و رساننده به بهشت قرار ده.

﴿۶-۳-۵-۱-۳- باید قرار دهی﴾

﴿۲۹۱۴﴾ خدایا، از تو می‌خواهم به حق محمد و خاندانش ﷺ که بر محمد و خاندانش ﷺ رحمت فرستی، و نور (بصیرت را) در دیدگانم قرار دهی و شکر و سپاسگزاری‌ات را تا ابد و تا آن زمان که مرا باقی داری بر من ارزانی داری.

﴿۷-۳-۵-۱-۳- باید برایم قرار دهی﴾

﴿۲۹۱۵﴾ از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و دلم را محکم کنی و مرا بنده‌ی سپاسگزار خود گردانی.

﴿۲۹۱۶﴾ از تو خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی، و مرا از کسانی قرار دهی که پیوسته به یاد تو هستند و پیمانت را نمی‌شکنند، و از شکر تو غافل نمی‌شوند.

﴿۲۹۱۷﴾ به حق روی باکرامت، از تو درخواست می‌کنم؛ که بر محمد و خاندانش درود فرستی و مرا... از سپاسگزاران نعمت‌هایت قرار دهی.

﴿۲۹۱۸﴾ خداوند، به اسمای پنهانی‌ات از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و در این روز مرا از شاكران نیکی‌هایی که به من ارزانی داشتی و از صابران در بلاهیت و سپاسگزاران بر آنچه عطا نمودی قرار دهی.

﴿۲۹۱۹﴾ از تو می‌خواهم که بر من با برکاتت مهربانی کنی و روزی‌ات را بر من وسعت دهی و بخشش و نعمت را بر من تمام کنی و مرا با کرامتت شاد کنی و مرا از شکرکنندگان به درگاهت قرار دهی.

﴿۲۹۲۰﴾ از تو می‌خواهم که مرا با لطف و مرحمت خود در ردیف آن بندگان قرار دهی که در شب قدر برای آنان خیر و صلاح فراهم می‌آوری و برکت آن شب را از نظر پاداش‌های عظیم و ذخیره‌های کریمانه و طول عمر و سپاسگزاری برای او از هزار ماه بهتر قرار دادی.

﴿۲۹۲۱﴾ از تو درخواست می‌کنم که مرا با لطف و مرحمت خود در ردیف آن بندگان قرار دهی که در شب قدر، خیر و صلاح آنان را مقدر کرده و برکت آن شب را از حیث پاداش فراوان و ذخیره‌های کریمانه و طول عمر و سپاس‌گزاری به‌نحو احسن، از برکات هزار ماه بیشتر ساخته باشی.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٩٢٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُذَكِّرُ وَلَا يَنْقُضُ عَهْدَكَ وَلَا يَغْفُلُ عَنْ شُكْرِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٩٨

﴿٢٩٢٣﴾ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ عَنْ أَعْيُنِ النَّاطِرِينَ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أَجَبْتَ وَإِذَا سُئِلَ بِهِ أَعْطَيْتَ أَسْأَلُكَ بِهَذَا كُلِّهِ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ عليهم السلام أَنْ تَجْعَلَنِي مِنَ الَّذِينَ إِذَا حَدَّثُوا صَدَقُوا وَإِذَا حَلَفُوا بَرُّوا وَإِذَا أُعْطُوا شَكَرُوا وَإِذَا أُقْلُوا صَبَرُوا؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٢٥٠
١-٣-٥-١-٤ (حضر) أَخْضَرْنَا شُكْرَكَ

﴿٢٩٢٤﴾ الرضا عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَخْضِرْنَا ذِكْرَكَ عِنْدَ كُلِّ غَفْلَةٍ وَ شُكْرَكَ عِنْدَ كُلِّ نِعْمَةٍ؛ البلد الأمين ص: ١٠٤

١-٣-٥-١-٥ (رزق)

١-٣-٥-١-٥-١ أَرْزُقْنِي

﴿٢٩٢٥﴾ الباقر عليه السلام: اللَّهُمَّ أَرْزُقْنِي فِيهِ حُسْنَ عِبَادَتِكَ وَ عَمَلًا بِطَاعَتِكَ وَ آدَاءَ شُكْرِ نِعْمَتِكَ؛ مفتاح الفلاح ص: ١٦٧

﴿٢٩٢٦﴾ اللَّهُمَّ سِرْتُ فِي سَفَرِي هَذَا بِلَا ثِقَةٍ مِنِّي لِغَيْرِكَ وَلَا رَجَاءٍ لِسِوَاكَ فَارْزُقْنِي فِي ذَلِكَ شُكْرَكَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٨ ص: ١٣٩

﴿٢٩٢٧﴾ الصادق عليه السلام: آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ الْحَرِيقِ وَ ارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ؛ الكافي ج: ٤ ص: ١٦٠

﴿٢٩٢٨﴾ الصادق عليه السلام: آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَ ارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ؛ تهذيب الأحكام ج: ٣ ص: ١٠١

﴿٢٩٢٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَرْزُقْنِي السَّعَةَ وَ الدَّعَةَ وَ الْأَمْنَ وَ الْقَنَاعَةَ وَ الْعِصْمَةَ وَ التَّوْفِيقَ فِي جَمِيعِ أُمُورِي وَ الْعَفْوَ وَ الْعَافِيَةَ وَ الْمَغْفِرَةَ وَ الشُّكْرَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٢٨٤

﴿٢٩٣٠﴾ أَرْزُقْنِي الْقُوَّةَ مَا أَبْقَيْتَنِي وَ الْإِصْلَاحَ مَا أَحْيَيْتَنِي وَ الْعَوْنَ عَلَى مَا حَمَلْتَنِي وَ الصَّبْرَ عَلَى مَا أَبْلَيْتَنِي وَ الشُّكْرَ فِيمَا آتَيْتَنِي؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ١٩١

﴿٢٩٣١﴾ أَرْزُقْنِي بَرْدَ عَفْوِكَ وَ حُلَاوَةَ ذِكْرِكَ وَ شُكْرَكَ؛ إقبال الأعمال ص: ٧١٦

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۹۲۲﴾ از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش علیهم‌السلام درود فرستی، و مرا از زمره‌ی کسانی قرار دهی که پیوسته به یاد تو هستند و پیمانت را نمی‌شکنند و از شکر تو غافل نمی‌شوند.

﴿۲۹۲۳﴾ به نام تو که نامی است بزرگ و پوشیده شده از چشم‌های ناظران، آن نامی که هرگاه به آن خوانده شوی پاسخ می‌گویی، هرگاه مورد درخواست قرار گیری به او عطا می‌نمایی، (از تو به این نام‌ها و به حق حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و خاندان طاهرینش از تو درخواست می‌کنم، که مرا از زمره‌ی آنانی قرار دهی که هرگاه سخن گفتند راست گفتند، هرگاه سوگند یاد کردند اجرا کردند و هرگاه عطا به ایشان ببخشی شکر نمودند و هرگاه کمبود و سختی برای ایشان حاصل شد صبر و بردباری ورزیدند.

۴-۱-۵-۱- (حاضر کردن) شکرت را برای ما حاضر کن

﴿۲۹۲۴﴾ خداوند، درود فرست بر محمد و خاندانش علیهم‌السلام و در کنار هر غفلت، یاد خود را و در کنار هر نعمت شکر خود را برای ما حاضر و به ما الهام کن.

۵-۱-۵-۱- (روزی کردن)

۱-۵-۱-۵-۱- روزی‌ام کن

﴿۲۹۲۵﴾ خداوند، به من در این (لباس) عبادت نیکو و عمل به فرمانت و ادای شکر نعمت را روزی کن.

﴿۲۹۲۶﴾ پروردگارا، این سفرم را بدون اتکا و امید به غیر تو، می‌پیمایم. پس در این سفر توفیق شکرگزاری به من عنایت فرما.

﴿۲۹۲۷﴾ پروردگارا، به ما در دنیا نیکی عطا کن، و در آخرت نیز نیکی مرحمت فرما، و ما را از عذاب آتش حفظ فرما و در مقابل عطایای خویش یاد و ادای شکر نسبت به خودت را روزی‌ام گردان.

﴿۲۹۲۸﴾ پروردگارا، به ما در دنیا نیکی عطا کن، و در آخرت نیز نیکی مرحمت فرما، و ما را از عذاب آتش حفظ فرما و در مقابل عطایای خویش یاد و ادای شکر نسبت به خودت را روزی‌ام گردان.

﴿۲۹۲۹﴾ پروردگارا، روزی من گردان؛ وسعت رزق و آرامش و امنیت و قناعت و پاکدامنی و جلب توفیق در تمامی کارهایم و گذشت و سلامت و بخشش و نیز شکر در برابر هرچه عطا می‌فرمایی.

﴿۲۹۳۰﴾ پروردگارا، تا آن زمان که مرا زنده نگاه می‌داری به من توانایی و توفیق انجام کار شایسته روزی کن، بر انجام تکالیفم یاری‌ام و مرا بر بلاها به صبر و در نعمت‌ها به شکر موفق کن.

﴿۲۹۳۱﴾ پروردگارا، خنکای بخششت را روزی‌ام فرما و شیرینی یاد و شکر و سپاست را به من بچشان.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٩٣٢﴾ الصادق عليه السلام: ارزقني تمام العافية ودوام العافية والشكر على العافية؛

المصباح للكفعمي ص: ٤٢

﴿٢٩٣٣﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: وارزقني ذكرَكَ وشُكْرَكَ؛ المصباح للكفعمي ص: ٤١٢

﴿٢٩٣٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: ارزقني شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ؛ مهج الدعوات ص: ١٣١

﴿٢٩٣٥﴾ الصادق عليه السلام: وارزقني شُكْرًا؛ إقبال الأعمال ص: ٣٧٧

﴿٢٩٣٦﴾ الصادق عليه السلام: وارزقني شُكْرَكَ وَذِكْرَكَ فِي كُلِّ حَالٍ أَبَدًا؛ بحار الأنوار ج: ٩٤

ص: ١٦٠

﴿٢٩٣٧﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: ثُمَّ ارزقني شُكْرَكَ وَذِكْرَكَ وَطَاعَتَكَ وَعِبَادَتَكَ حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ

الرِّضَا؛ المقنعة ص: ٣٩١

﴿٢٩٣٨﴾ الباقر عليه السلام: وارزقني شُكْرَكَ وَعَافِيَتَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٧٤

﴿٢٩٣٩﴾ وارزقني مِنْ حَيْثُ أَرْجُو وَمِنْ حَيْثُ لَا أَرْجُو وَاسْتَرْنِي وَوَلَدِي وَوَالِدِي وَإِخْوَانِي

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فِي دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي بِالْغِنَى وَالْعَافِيَةِ وَالشُّكْرِ عَلَيْهَا حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ

الرِّضَى؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٣٩

﴿٢٩٤٠﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: أَسْأَلُكَ أَنْ تُخْلِفَنِي فِي أَهْلِي وَوَلَدِي وَصُرُوفِ حُزَانَتِي بِأَحْسَنِ مَا

خَلَقْتَ بِهِ غَائِبًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَحْصِينِ كُلِّ عَوْرَةٍ وَ سِتْرِ كُلِّ سَيِّئَةٍ وَ حِطِّ كُلِّ مَعْصِيَةٍ وَ كِفَايَةِ

كُلِّ مَكْرُوهِ وَ ارزقني عَلَى ذَلِكَ شُكْرَكَ وَ ذِكْرَكَ؛ مهج الدعوات ص: ٩٤

﴿٢٩٤١﴾ إعطني خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْمُكْرَمِ وَ ارزقني فِيهِ شُكْرًا؛ إقبال الأعمال

ص: ١٤٩

﴿٢٩٤٢﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ ارزقني التَّقْوَى مَا أَبْقَيْتَنِي وَ الصَّلَاحَ مَا أَحْيَيْتَنِي وَ الصَّبْرَ عَلَى مَا

أَبْلَيْتَنِي وَ الشُّكْرَ عَلَى مَا آتَيْتَنِي؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٣٠٤

﴿٢٩٤٣﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ ارزقني الشُّكْرَ عِنْدَ كُلِّ نِعْمَةٍ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٢٨٤

﴿٢٩٤٤﴾ اللَّهُمَّ ارزقني شُكْرَ نِعْمَتِكَ عَلَى وَزْدٍ فِي إِحْسَانِكَ وَ كَرَمِكَ إِلَيَّ؛ بحار الأنوار ج: ٩٨

ص: ٣٢٤

﴿٢٩٤٥﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ أَعْنِي فِيهِ عَلَى صِيَامِهِ وَ قِيَامِهِ وَ اجْتِنَائِي فِيهِ مِنْ هَفَوَاتِهِ وَ آثَامِهِ وَ

ارزقني فِيهِ ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ بِدَوَامِهِ بِتَوْفِيقِكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٧

﴿٢٩٤٦﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ أَلْبِسْنِي الْعَافِيَةَ وَ ارزقني عَلَيْهَا الشُّكْرَ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٢٤

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

- ﴿۲۹۳۲﴾ پروردگارا، عافیت کامل و دائم و ادای شکر بر عافیت و سلامتی را روزی‌ام فرما.
- ﴿۲۹۳۳﴾ پروردگارا، از تو می‌خواهم که یاد و شکر را نصیبم سازی.
- ﴿۲۹۳۴﴾ پروردگارا، شکرکردن در برابر آنچه از نعمت‌ها به من عطا فرموده‌ای روزی‌ام کن.
- ﴿۲۹۳۵﴾ خدایا، شکرگزاری را روزی‌ام کن.
- ﴿۲۹۳۶﴾ خداوند، شکر و سپاست را و در تمامی حالات و برای همیشه یاد خودت را روزی‌ام کن.
- ﴿۲۹۳۷﴾ پروردگارا، شکر، یاد و فرمان برداری از خودت را تا جایی که از من راضی شوی و حتی بعد از رضایت نیز روزی‌ام کن.
- ﴿۲۹۳۸﴾ پروردگارا، شکر نعمت و رها شدن از گرفتاری‌ها را روزی‌ام کن.
- ﴿۲۹۳۹﴾ پروردگارا، از جایی که امید دارم و حتی از جایی که امید ندارم به من روزی برسان و مرا و فرزندان و والدینم و برادران و خواهران دینی‌ام را در دنیا و آخرت با ثروت و بی‌نیازی و سلامتی و شکر بر آنها پوشش بده تا جایی که تو راضی شوی از من و حتی بعد از رضایت.
- ﴿۲۹۴۰﴾ پروردگارا، از تو می‌خواهم بعد از من درباره‌ی خانواده و فرزندان و برطرف کنندگان گرفتاری‌ام به بهترین شکلی که فردی می‌تواند برای افراد غایب مؤمن درخواست کند و تو انجام دهی، در محافظت کردن از حریم‌هایشان و پوشاندن همه‌ی بدی‌ها و درگذشتن از همه گناهان و برطرف کردن همه‌ی ناخوشی‌هایشان و بر من نعمت شکرگزاری را و یاد خودت را نیز روزی کن.
- ﴿۲۹۴۱﴾ پروردگارا، در این ماه با کرامت خیر و برکت دنیا و آخرت را، به من ببخش و چنان روزی‌ام کن که در این ماه شکرگزار باشم.
- ﴿۲۹۴۲﴾ خدایا، مادامی که مرا زنده می‌داری به من تقوی عطا کن و تا آن زمان که به من حیات می‌دهی نیکی؛ و صبر بر آنچه مرا به آن می‌آزمایی و شکر بر آنچه به من می‌دهی.
- ﴿۲۹۴۳﴾ خدایا، همراه هر نعمتی شکر روزی‌ام کن.
- ﴿۲۹۴۴﴾ پروردگارا، شکر نعمت را روزی‌ام گردان و احسان و کرم را بر من فزونی بخش.
- ﴿۲۹۴۵﴾ خدایا، در این روز به من برای روزه گرفتن و برپاداشتن (امرت) کمک کن و مرا از لغزش‌ها و گناهان دور و ذکر و شکر را در تمام این روز به تداوم توفیقت روزی‌ام کن ای سرپرست مؤمنان.
- ﴿۲۹۴۶﴾ پروردگارا، بر من لباس عافیت بپوشان و شکر بر آن را روزی‌ام گردان.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٩٤٧﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ أَصْبَحْتُ فِي نِعْمَتِكَ وَ عَافِيَتِكَ فَتَمِّمْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَ عَافِيَتَكَ وَ ارْزُقْنِي شُكْرَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٢٤٠

﴿٢٩٤٨﴾ الكاظم عليه السلام: اللَّهُمَّ كَرِّمْنِي بِالتَّقْوَى وَ جَمِّلْنِي بِالنَّعَمِ وَ اغْمُرْنِي بِالْعَافِيَةِ وَ ارْزُقْنِي شُكْرَ الْعَافِيَةِ؛ الكافي ج: ٤ ص: ٥٥١

﴿٢٩٤٩﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: أَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَ رُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَ ارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٧ ص: ٤٦٧

﴿٢٩٥٠﴾ الصادق عليه السلام: لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ وَ أَتَقِظْنِي مِنْ رَفْدَتِي وَ سَهِّلْ الْقِيَامَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي أَحَبِّ الْأَوْقَاتِ إِلَيْكَ وَ ارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَ الصَّلَاةَ وَ الشُّكْرَ وَ الدُّعَاءَ؛ فلاح السائل ص: ٢٧٨

﴿٢٩٥١﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: وَ ارْزُقْنِي ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ بِدَوَامِ هِدَايَتِكَ يَا هَادِيَ الْمُؤْمِنِينَ؛ المصباح للكفعمي ص: ٦١٢

﴿٢٩٥٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَ ارْزُقْنِي شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ؛ مهج الدعوات ص: ١٣١

﴿٢٩٥٣﴾ الباقر عليه السلام: وَ ارْزُقْنِي شُكْرَكَ وَ عَافِيَتَكَ وَ فَضْلَكَ وَ كَرَامَتَكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي؛

بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٧٤

﴿٢٩٥٤﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: وَ ارْزُقْنِي يَا رَبِّ فِيهَا ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٦٠

٢-٥-١-٣-١-أَرْزُقْنَا

﴿٢٩٥٥﴾ الصادق عليه السلام: وَ ارْزُقْنَا الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٣٣٨

﴿٢٩٥٦﴾ الرضا عليه السلام: صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ وَ دَوَامَ الْعَافِيَةِ وَ تَمَامَ الْعَافِيَةِ وَ شُكْرَ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ؛ وسائل الشيعة ج: ١٣ ص: ٣٣٥

﴿٢٩٥٧﴾ وَ ارْزُقْنَا اللَّهُمَّ دِينًا قَيِّمًا وَ شُكْرًا دَائِمًا؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ١٨٧

﴿٢٩٥٨﴾ الصادق عليه السلام: وَ ارْزُقْنَا فِيهَا ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ وَ الرَّغْبَةَ إِلَيْكَ؛ الكافي ج: ٤ ص: ١٦٠

﴿٢٩٥٩﴾ الزهراء عليها السلام: وَ ارْزُقْنَا مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ رِزْقًا حَلَالًا طَيِّبًا وَ لَا تَحْجُجْنَا وَ لَا تُفْقِرْنَا إِلَى أَحَدٍ سِوَاكَ وَ زِدْنَا لَكَ شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٣٣٨

٢-٥-١-٣-١-تَرْزُقْنِي، أَسْأَلُكَ أَنْ تَرْزُقْنِي

﴿٢٩٦٠﴾ الصادق عليه السلام: يَا إِلَهِي وَ تَرْزُقْنِي الشُّكْرَ عَلَى مَا أَبْلَيْتَنِي وَ تَجْعَلَ ذَلِكَ تَامًا أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي حَتَّى تَصِلَ ذَلِكَ بِنَعِيمِ الْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٤٠

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۹۴۷﴾ پروردگارا، صبح را آغاز کردم درحالی که غرق در نعمت و عافیت و سلامتی عطا شده‌ی تو بودم، پس نعمت و عافیت را بر من تمام، و شکر را به من روزی کن.

﴿۲۹۴۸﴾ پروردگارا، مرا به وسیله‌ی تقوی تکریم کن و مرا با نعمت‌ها بیار، و لباس عافیت بپوشان و شکر بر عافیت را روزی‌ام کن.

﴿۲۹۴۹﴾ از تو می‌خواهم که نام مرا در این شب از زمره‌ی سعادتمندان قرار دهی و روحم را با شهدا محشور فرمایی و در این شب یاد و شکر را نصیبم گردانی.

﴿۲۹۵۰﴾ خدایا از غافلان قرارم مده، از خواب بیدارم کن، و بیدارشدن در این شب را در بهترین اوقات در نزد تو برایم آسان گردان، و در آن لحظات، نماز و شکر و دعا را روزی‌ام کن.

﴿۲۹۵۱﴾ خدایا، یاد و شکر را همراه با هدایت دائم روزی‌ام کن، ای هدایت کننده مومنین.

﴿۲۹۵۲﴾ سپاسگزاری آن نعمت‌هایی را که به من داده‌ای روزی‌ام فرما.

﴿۲۹۵۳﴾ خدایا، شکر و عافیت و لطف و کرامت را همواره تا زمانی که زنده‌ام میداری، روزی فرما.

﴿۲۹۵۴﴾ خدایا، در این شب، یاد و شکر را روزی‌ام گردان.

۲-۵-۱-۳-۱- روزی‌مان کن

﴿۲۹۵۵﴾ پروردگارا، توفیق شکر بر عافیت را روزی ما گردان.

﴿۲۹۵۶﴾ پروردگارا، درود فرست بر محمد و خاندانش و روزی ما قراربده عافیت و سلامتی را و تداوم آن را و تمام و کمال بودن عافیت را و یاری فرما به ما در به‌جای آوردن شکر و سپاس عافیت (که بر ما عطا نمودی) در دنیا و آخرت.

﴿۲۹۵۷﴾ پروردگارا، دینی پایدار و شکری دائم روزی‌مان کن.

﴿۲۹۵۸﴾ پروردگارا، در این ماه رمضان یاد خود، سپاسگزاری خود و تمایل به خود را روزی‌مان کن.

﴿۲۹۵۹﴾ خدایا، از فضل گسترده‌ات ما را روزی پاک و حلال روزی کن، و ما را محتاج و نیازمند و کسی غیر از خودت قرار مده، و بر شکرگزاری ما به درگاهت بیافزا.

۳-۵-۱-۳-۱- باید روزی‌ام کنی، از تو درخواست می‌کنم که روزی‌ام کنی

﴿۲۹۶۰﴾ خدایا، به من در برابر آزمایش‌هایی که از من به‌عمل می‌آوری شکر عطا کن و آن را کامل و همیشگی تا زمانی که مرا زنده می‌داری برقرار بدار، تا جایی که آن را به نعمت‌های آخرت پیوند دهی.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٩٦١﴾ الصادق عليه السلام: يَا إِلَهِي وَتَرْزُقَنِي الشُّكْرَ عَلَى مَا آتَيْتَنِي؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ١٨٦

﴿٢٩٦٢﴾ الصادق عليه السلام: أَسْأَلُكَ أَنْ تَرْزُقَنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٢٣٩

﴿٢٩٦٣﴾ الصادق عليه السلام: أَسْأَلُكَ بِأَحَبِّ وَسَائِلِكَ إِلَيْكَ وَاعْظِمَهَا وَأَقْرَبَهَا مِنْكَ أَنْ تَرْزُقَنِي قَبُولَ التَّوَّابِينَ وَتَوْبَةَ الْأَنْبِيَاءِ وَصِدْقَهُمْ وَنِيَّةَ الْمُجَاهِدِينَ وَتَوَابَهُمْ وَشُكْرَ الْمُصْطَفَيْنِ وَنُصْحَهُمْ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٢٥٥

﴿٢٩٦٤﴾ الكاظم عليه السلام: أَنْ تَرْزُقَنِي الشُّكْرَ عِنْدَ النِّعَمَاءِ وَالصَّبْرَ عِنْدَ الْبَلَاءِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٤٨

﴿٢٩٦٥﴾ السجاد عليه السلام: أَنْ تَرْزُقَنِي فِي هَذَا الْيَوْمِ الْعَظِيمِ وَفِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ الشَّرِيفَةِ ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ؛ إقبال الأعمال ص: ٢٦٤

١-٣-٥-١-٦ (رغب)، ارْغَبُوا إِلَى الشُّكْرِ

﴿٢٩٦٦﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَصَّ رَسُولَهُ ﷺ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَاْمْتَحِنُوا أَنْفُسَكُمْ فَإِنْ كَانَتْ فِيكُمْ فَاحْمَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَارْغَبُوا إِلَيْهِ فِي الزِّيَادَةِ مِنْهَا فَذَكَرَهَا عَشْرَةَ الْيَقِينِ وَالْقَنَاعَةِ وَالصَّبْرَ وَ الشُّكْرَ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٣ ص: ٥٥٤

﴿٢٩٦٧﴾ الرسول ﷺ: أَنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ خَصَّ رَسُولَهُ ﷺ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَاْمْتَحِنُوا أَنْفُسَكُمْ فَإِنْ كَانَتْ فِيكُمْ فَاحْمَدُوا اللَّهَ وَإِلَّا فَاسْأَلُوهُ وَارْغَبُوا إِلَيْهِ فِيهَا فَقَالَ وَذَكَرَهَا عَشْرَةَ الْيَقِينِ وَالْقَنَاعَةِ وَ الْبَصِيرَةِ وَ الشُّكْرَ و...؛ بحار الأنوار ج: ٦٦ ص: ٣٩٤

١-٣-٥-١-٧ (زيد)، زِدْنِي مِنْ شُكْرِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَزِيدَنِي شُكْرًا

﴿٢٩٦٨﴾ الصادق عليه السلام: أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَرْزُقَنِي رِزْقًا حَلَالًا طَيِّبًا مِنْ سَعَةِ فَضْلِكَ تَزِيدَنِي بِذَلِكَ شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٣١

﴿٢٩٦٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَزِدْنِي خَيْرًا بِمَا أَلْهِمْتَنِيهِ وَمِنْ شُكْرِكَ بِصِيرَةٍ يَا خَيْرُ؛ إقبال الأعمال ص: ٥٢٤

١-٣-٥-١-٨ (سأل)

١-٣-٥-١-٨-١ أَسْأَلُ اللَّهَ الشُّكْرَ

﴿٢٩٧٠﴾ الصادق عليه السلام: أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي بِيَدِهِ مَا دَقَّ وَجَلَّ وَبِيَدِهِ أَقْوَاتُ الْمَلَائِكَةِ أَنْ يَهَبَ لَنَا فِي سَفَرِنَا أَمْنَةً وَإِيمَانًا وَسَلَامَةً وَإِسْلَامًا وَفِقْهًا وَتَوْفِيقًا وَبَرَكَهً وَهُدًى وَشُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٧٣ ص: ٢٥٠

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۹۶۱﴾ خدایا، در برابر آنچه به من عطا کردی، شکر را روزی ام کن.

﴿۲۹۶۲﴾ از تو درخواست می‌کنم شکر بر نعمت را روزی ام کنی.

﴿۲۹۶۳﴾ پروردگارا، از تو درخواست می‌کنم به حق محبوب‌ترین اسباب و وسایلی که نزد تو عزیزند و بزرگ‌ترین و با عظمت‌ترین و نزدیک‌ترین آن‌ها به تو، که توبه‌ی پذیرفته شده‌ی توبه‌کنندگان و توبه‌ی پیامبران و صداقت راستی‌شان و انگیزه و نیت مجاهدین و ثواب جهاد ایشان و شکر برگزیدگان خاص و دلسوزی ایشان را روزی ام کنی.

﴿۲۹۶۴﴾ از تو می‌خواهم که در مقابل نعمت‌های شکرگزاری و در مقابل بلایت، صبر نصیب من فرمایی.

﴿۲۹۶۵﴾ از تو می‌خواهم که در این روز بزرگ و شریف یاد و شکر را روزی ام کنی.

۱-۳-۵-۱-۶- (میل و اشتیاق) به شکرگزاری مشتاقم کن

﴿۲۹۶۶﴾ همانا خداوند پیامبرش را به مکارم اخلاق اختصاص داد، پس خودتان را بیازمایید، اگر آن‌ها در شما باشد خدا را سپاس گوئید و از او بخواهید در شما افزون کند، پس ده تا از آن‌ها را بیان کرد: یقین و قناعت و صبر و شکر...

﴿۲۹۶۷﴾ خداوند پیامبران خود را به مکارم اخلاق مبعوث فرموده است، اینک خود را بیازمایید اگر یکی از آن اخلاق در شما هست خداوند را سپاس گوئید در غیر این صورت از او بخواهید تا به شما عطا کند. مکارم اخلاق ده صفت است: از جمله: یقین، قناعت، بصیرت، شکر...

۱-۳-۵-۱-۷- (زیاد شدن) شکرگزاری‌ات را بر من بیافزا، از تو درخواست می‌کنم که شکرم را بیافزایی

﴿۲۹۶۸﴾ از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و از فضل گسترده‌ات بر من روزی حلال و پاک بدهی به گونه‌ای که به واسطه‌ی آن بر شکرکردن من بیافزایی.

﴿۲۹۶۹﴾ با آنچه به من الهام می‌کنی بر خیری که بر من ارزانی می‌داری بیافزای، و با قدردانی‌ات بصیرتم را افزون کن.

۱-۳-۵-۱-۸- (درخواست کردن)

۱-۳-۵-۱-۸-۱- شکرگزاری را از خداوند درخواست می‌کنم

﴿۲۹۷۰﴾ از خدایی درخواست می‌کنم که هر ریزودرشتی به دست اوست و، روزی فرشته‌ها نیز در دست قدرتمند اوست، از او می‌خواهم که در سفر به من آسودگی و ایمان و سلامت و اسلام و فهم و توفیق و برکت و هدایت و شکر را عطا فرماید.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٩٧١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي يَرَى وَ لَا يُرَى وَ هُوَ بِالْمُنْظَرِ الْأَعْلَى أَنْ يَجْعَلَنَا وَ إِيَّاكَ مِمَّنْ يُحِبُّهُ اللَّهُ وَ يَرْضَاهُ حَتَّى يَبْعَثَنَا عَلَى شُكْرِهِ وَ ذِكْرِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٣٣ ص: ٥٤٩

١-٨-٣-١- أسألك الشُّكْرَ

﴿٢٩٧٢﴾ الصادق عليه السلام: أَسْأَلُكَ... تَمَامَ نِعْمَتِكَ فِي جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ وَ الشُّكْرَ لَكَ عَلَيْهَا لِكَيْ تَرْضَى وَ بَعْدَ الرِّضَا؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٩٢

﴿٢٩٧٣﴾ الصادق عليه السلام: أَسْأَلُكَ أَكْثَرَ الْحَمْدِ عِنْدَ الرَّخَاءِ وَ أَجْمَلَ الصَّبْرِ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَ أَفْضَلَ الشُّكْرِ عِنْدَ مَوْضِعِ الشَّكِّ؛ مصباح المتعجب ص: ٢٧٣

﴿٢٩٧٤﴾ الصادق عليه السلام: أَسْأَلُكَ الْأَمْنَ وَ الْإِيمَانَ وَ السَّلَامَةَ وَ الْإِسْلَامَ وَ الْيَقِينَ وَ الشُّكْرَ؛ إقبال الأعمال ص: ٤٤٥

﴿٢٩٧٥﴾ الرسول عليه السلام: أَسْأَلُكَ الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ١٩٨

﴿٢٩٧٦﴾ أَسْأَلُكَ الشُّكْرَ وَ الْمُعَافَاةَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ١٩٩

﴿٢٩٧٧﴾ الصادق عليه السلام: أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ حَقَائِقَ الْإِيمَانِ وَ الصِّدْقِ فِي الْمَوَاطِنِ كُلِّهَا وَ الْعَقْوَ وَ الْمُعَافَاةَ وَ الْيَقِينَ وَ الْكَرَامَةَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ الشُّكْرَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٦٠

﴿٢٩٧٨﴾ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ يَا رَبَّ شُكْرَ نِعْمَتِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٣٣٢

﴿٢٩٧٩﴾ الصادق عليه السلام: أَسْأَلُكَ الْمَزِيدَ مِنْ فَضْلِكَ وَ الْإِيزَاعَ لِشُكْرِكَ وَ الْإِعْتِدَادَ بِنِعْمَتِكَ؛ البلد الأمين ص: ٣٨٥

﴿٢٩٨٠﴾ الصادق عليه السلام: أَسْأَلُكَ أَنْ تَرْزُقَنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٢٣٩

﴿٢٩٨١﴾ السجاد عليه السلام: أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ أَنْ تُوزِعَنِي مِنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ مَا يَبْلُغُنِي فِي غَايَةِ رِضَاكَ؛ البلد الأمين ص: ١٠٠

﴿٢٩٨٢﴾ عَنْهُمْ عليهم السلام: أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُثَبِّتَ قَلْبِي لَهُ وَ أَنْ تَجْعَلَنِي لَكَ عَبْدًا شَاكِرًا؛ تهذيب الأحكام ج: ٣ ص: ٩٦

﴿٢٩٨٣﴾ الصادق عليه السلام: أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُدِيمُ ذِكْرَكَ وَ لَا يَنْقُضُ عَهْدَكَ وَ لَا يَغْفُلُ عَنْ شُكْرِكَ؛ إقبال الأعمال ص: ٦٨٧

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۹۷۱﴾ از خدایی که می‌بیند و دیده نمی‌شود و در موقعیت عالی قرار دارد، درخواست می‌کنم که ما و تو را از جمله کسانی قرار دهد که دوستشان دارد و از آنان خرسند و راضی است، تا اینکه ما را بر شکرگزاری و یاد خویش برانگیزد.

﴿۱-۸-۵-۳-۱﴾ از تو شکر را می‌خواهم

﴿۲۹۷۲﴾ از تو درخواست می‌کنم... همه‌ی نعمت‌هایت را بر من کامل کنی و توفیق دهی که تا جلب رضایت تو و حتی بعد از آن مشغول شکر باشم.

﴿۲۹۷۳﴾ پروردگارا، از تو درخواست می‌کنم، بیشترین حمد و سپاس را درهنگام آسایش و زیباترین صبر را درهنگام بلا و مصیبت و با فضیلت‌ترین نوع شکرگزاری را درهنگام قرار گرفتن در موقعیت و شک و تردید.

﴿۲۹۷۴﴾ خداوند، از تو امنیت، ایمان، سلامت، تسلیم، یقین، و شکر را خواستارم.

﴿۲۹۷۵﴾ خداوند، از تو شکر بر سلامت را خواستارم.

﴿۲۹۷۶﴾ خداوند، از تو سپاسگزاری و شکر و سلامت در دنیا و آخرت را خواستارم.

﴿۲۹۷۷﴾ خداوند در تمامی موقعیت‌ها از تو حقیقت ایمان و راستی را درخواست می‌کنم و از تو گذشت و سلامتی و مرتبه‌ی یقین و بزرگواری در دنیا و آخرت را می‌خواهم و اینکه مرا شکرگزار قرار دهی.

﴿۲۹۷۸﴾ خداوند، از تو توفیق شکر نعمت درخواست می‌کنم؛ ای پروردگار من.

﴿۲۹۷۹﴾ فضل بیشتر، توفیق شکر و آمادگی و لیاقت برای دریافت نعمت‌هایت را خواستارم.

﴿۲۹۸۰﴾ از تو درخواست می‌کنم شکر بر نعمت را روزی‌ام کنی.

﴿۲۹۸۱﴾ از تو درخواست می‌کنم که بر محمد ﷺ، بنده و فرستاده‌ات درود فرستی و شکر نعمت‌هایت را به من به‌گونه‌ای الهام کنی که با آن به نهایت رضایت تو دست یابم.

﴿۲۹۸۲﴾ از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و دلم را محکم کنی و مرا بنده‌ی سپاسگزار خود گردانی.

﴿۲۹۸۳﴾ از تو خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی، و مرا از کسانی قرار دهی که پیوسته به یاد تو هستند و پیمان‌ت را نمی‌شکنند، و از شکر تو غافل نمی‌شوند.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٩٨٤﴾ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ... تُلْهِمَنِي شُكْرَكَ وَذِكْرَكَ؛

بحار الأنوار ج: ٩٧ ص: ١٦٦

﴿٢٩٨٥﴾ السَّجَادُ الطَّيِّبُ: أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَرْزُقَنِي رِزْقًا حَلَالًا طَيِّبًا

مِنْ سَعَةِ فَضْلِكَ تَزِيدُنِي بِذَلِكَ شُكْرًا؛ إقبال الأعمال ص: ٢٣٢

﴿٢٩٨٦﴾ الصَّادِقُ الطَّيِّبُ: أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَرْزُقَنِي رِزْقًا حَلَالًا طَيِّبًا

وَأَسْعَا يَكُونُ لِي غِنًى عَنْ خَلْقِكَ وَيَكُونُ لَكَ الْمَنُّ عَلَيَّ فِيهِ خَالِصًا وَاجْعَلْنِي فِيهِ لَكَ مِنَ

الشَّاكِرِينَ؛ إقبال الأعمال ص: ١٥٤

﴿٢٩٨٧﴾ الصَّادِقُ الطَّيِّبُ: أَسْأَلُكَ بِأَحَبِّ وَسَائِلِكَ إِلَيْكَ وَأَعْظَمِهَا وَأَقْرَبِهَا مِنْكَ أَنْ تَرْزُقَنِي

قَبُولَ التَّوَابِينَ وَتَوْبَةَ الْأَنْبِيَاءِ وَصِدْقَهُمْ وَنِيَّةَ الْمُجَاهِدِينَ وَتَوَابَهُمْ وَشُكْرَ الْمُصْطَفِينَ وَنُصْحَهُمْ؛

بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٢٥٥

﴿٢٩٨٨﴾ امير المؤمنين الطَّيِّبُ: أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَلَا أَنْ تُثَمَّنَ عَلَيَّ بِوَجِبِ شُكْرِي نِعْمَتِكَ؛

مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ١١٠

﴿٢٩٨٩﴾ الصَّادِقُ الطَّيِّبُ: أَسْأَلُكَ بِجُودِكَ أَنْ تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ وَأَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ؛

البلد الأمين ص: ١٨٨

﴿٢٩٩٠﴾ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْإِمَامِ... الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ وَالنِّعْمَاءِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٨ ص: ٣٢٦

﴿٢٩٩١﴾ امير المؤمنين الطَّيِّبُ: أَسْأَلُكَ بِكَرَمِكَ وَمَجْدِكَ وَجُودِكَ وَفَضْلِكَ وَمَنْكَ وَرَأْفَتِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَجَمَالِكَ وَجَلَالِكَ وَعِزَّتِكَ وَجَبْرُوتِكَ وَعَظَمَتِكَ لَمَّا

أَوْجَبْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ الَّتِي كَتَبْتَ عَلَيْهَا الرَّحْمَةَ أَنْ تَقُولَ قَدْ آتَيْتُكَ عَبْدِي مَا سَأَلْتَنِي فِيهِ فِي

عَافِيَةٍ وَأَدَيْتُهَا لَكَ مَا أَحْيَيْتُكَ حَتَّى أَتَوْفَاكَ فِي عَافِيَةٍ وَرِضْوَانٍ وَأَنْتَ لِنِعْمَتِي مِنَ الشَّاكِرِينَ؛

بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٢٠٥

﴿٢٩٩٢﴾ الْبَاقِرُ الطَّيِّبُ: أَسْأَلُكَ بِمَكَانِهِمْ عِنْدَكَ وَاسْتَشْفَعُ بِهِمْ إِلَيْكَ وَأُقَدِّمُهُمْ أَمَامِي وَبَيْنَ

يَدَيَّ حَوَائِجِي وَأَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَ مَا أَوْلَيْتَنِي بِنِعْمِكَ؛ المصباح للكفعمي ص: ١٣٨

﴿٢٩٩٣﴾ الرَّسُولُ الطَّيِّبُ: أَسْأَلُكَ تَمَامَ الْعَافِيَةِ وَأَسْأَلُكَ دَوَامَ الْعَافِيَةِ وَأَسْأَلُكَ الشُّكْرَ عَلَى

الْعَافِيَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ١٩٨

﴿٢٩٩٤﴾ أَسْأَلُكَ شُكْرَ نِعْمَتِكَ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٦ ص: ١٩٥

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۹۸۴﴾ از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و شکر و یاد خودت را به من
الهام کنی

﴿۲۹۸۵﴾ از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و از فضل گسترده‌ات بر من
روزی حلال و پاک بدهی به گونه‌ای که به واسطه‌ی آن بر شکرکردن من بیافزایی.

﴿۲۹۸۶﴾ پروردگارا، از تو درخواست می‌کنم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و رزق حلال و
پاک و طیب و گسترده را روزی‌ام کنی، سبب بی‌نیازی‌ام از خلق تو شود و در آن منتی خالصانه و
بی‌شریک بر من داشته باشی. و مرا در آن نعمت از شکرگزاران قراربده.

﴿۲۹۸۷﴾ پروردگارا، از تو درخواست می‌کنم به حق محبوب‌ترین اسباب و وسایلی که نزد تو
عزیزند و بزرگ‌ترین و با عظمت‌ترین و نزدیک‌ترین آن‌ها به تو، که توبه‌ی پذیرفته شده‌ی
توبه‌کنندگان و توبه‌ی پیامبران و صداقت راستی‌شان و انگیزه و نیت مجاهدین و ثواب جهاد
ایشان و شکر برگزیدگان خاص و دلسوزی ایشان را روزی‌ام کنی.

﴿۲۹۸۸﴾ از تو به حق آن نامت که بلندمرتبه است درخواست می‌کنم، که با ادا نمودن شکرواجب
نعمت بر من منت گذاری.

﴿۲۹۸۹﴾ پروردگارا، از توبه حق جود و بخشش و کرم تقاضا می‌کنم، که مرا به خود نزدیک
سازی شکر و سپاسگزاری را بر من الهام کنی.

﴿۲۹۹۰﴾ پروردگارا، به حق این امام... سپاسگزاری و شکر بر عافیت و سلامتی و نعمت‌هایت را
از تو می‌خواهم.

﴿۲۹۹۱﴾ خداوند، از تو به حق کرم و بزرگی و بخشش و فضل و امتنان و مهربانی و آمرزندگی
و رحمت و زیبایی و ابهت عزت و جبروت و عظمت که بر خودت واجب کرده‌ای، به این صورت
که بر آن واجب بودن رحمت را ثبت کردی؛ می‌خواهم که در حق من چنین مقرر کنی و بگویی:
"سجده‌ی من، آنچه در مورد سلامت و عافیت از من خواستی به سوی تو فرستاده شد و مادامی
که زنده‌ای برای تو مقرر خواهد بود، تا اینکه در عافیت و رضایت جان تورا بگیرم و تو برای
نعمت من از شاکرین و اهل سپاسگزاری باشی.

﴿۲۹۹۲﴾ خدایا به مقام و منزلتشان در پیشگاهت، خدایا درخواست می‌کنم، و آنان را به درگاه تو
شفیع می‌آورم، و ایشان را برای عرضه کردن نیازهای خویش پیش می‌فرستم و می‌خواهم که
توفیق شکر نعمت‌هایی را که به من ارزانی داشته‌ای به من عطا فرمایی.

﴿۲۹۹۳﴾ پروردگارا، از تو درخواست می‌نمایم که عافیتی تام و تمام عطا فرمایی و نیز پیوستگی
و دوام عافیت را می‌خواهم و همچنین از تو خواستارم که به من توفیق شکر بر عافیت را ارزانی
کنی.

﴿۲۹۹۴﴾ پروردگارا، از تو، توفیق شکرگزاری بر نعمت را می‌خواهم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٢٩٩٥﴾ الصادق عليه السلام: أَسْأَلُكَ عِلْمَ الْخَائِفِينَ وَ إِبَابَةَ الْمُخْشِينَ وَ يَقِينَ الْمُتَوَكِّلِينَ وَ تَوَكُّلَ الْمُؤَقِنِينَ بِكَ وَ خَوْفَ الْعَالَمِينَ وَ إِخْبَاتَ الْمُنِيِّينَ وَ شُكْرَ الصَّابِرِينَ وَ صَبْرَ الشَّاكِرِينَ؛ مصباح المتهجد ص: ٢٧١

﴿٢٩٩٦﴾ الصادق عليه السلام: أَسْأَلُكَ فَرْجًا عَاجِلًا وَ صَبْرًا جَمِيلًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ الْعَافِيَةَ مِنْ جَمِيعِ الْبَلَاءِ وَ الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٢٨٦

﴿٢٩٩٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَسْأَلُكَ فِي أَكْلِي وَ شُرْبِي السَّلَامَةَ مِنْ وَعْكِهِ وَ الْقُوَّةَ بِهِ عَلَى طَاعَتِكَ وَ ذِكْرِكَ وَ شُكْرِكَ فِيمَا بَقِيَّتُهُ فِي بَدَنِي؛ مستدرک الوسائل ج: ١٦ ص: ٢٨١

﴿٢٩٩٨﴾ أَسْأَلُكَ لِي فَرْجًا قَرِيبًا وَ صَبْرًا جَمِيلًا وَ الْعَافِيَةَ مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَ شُكْرَ الْعَافِيَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٣١٣

﴿٢٩٩٩﴾ الصادق عليه السلام: أَسْأَلُكَ يَا كَرِيمُ... أَنْ تَبْعَنِي مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ١٥٩

﴿٣٠٠٠﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصَرِي وَ... الشُّكْرَ لَكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي؛ بحار الأنوار ج: ٧٣ ص: ٩٦

﴿٣٠٠١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الثَّبَاتَ فِي الْأَمْرِ وَ الْعَزِيمَةَ عَلَى الرُّشْدِ وَ الشُّكْرَ عَلَى نِعَمِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٢٥٥

﴿٣٠٠٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الثَّبَاتَ فِي الْأَمْرِ وَ الْعَزِيمَةَ فِي الرُّشْدِ وَ الْإِهَامَ الشُّكْرَ عَلَى نِعَمَتِكَ؛ مهج الدعوات ص: ١٣١

﴿٣٠٠٣﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الصَّبْرَ عَلَى طَاعَتِكَ وَ الصَّبْرَ عَنْ مَعْصِيَتِكَ وَ الصَّبْرَ لِحُكْمِكَ وَ الصَّدْقَ فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَ الشُّكْرَ لِنِعْمَتِكَ؛ مصباح المتهجد ص: ١٧٢

﴿٣٠٠٤﴾ الرضا عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الصَّبْرَ عِنْدَ الْبَلَاءِ وَ الشُّكْرَ عِنْدَ الرَّخَاءِ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٤٨

﴿٣٠٠٥﴾ الكاظم عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ وَ أَسْأَلُكَ جَمِيلَ الْعَافِيَةِ وَ أَسْأَلُكَ شُكْرَ الْعَافِيَةِ وَ أَسْأَلُكَ شُكْرَ شُكْرِ الْعَافِيَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٣٦٢

﴿٣٠٠٦﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ اللَّيْلَةَ أَفْضَلَ النَّصِيبِ فِي الْأَنْصِبَاءِ وَ أَتَمَّ النِّعْمَةِ فِي النَّعْمَاءِ وَ أَفْضَلَ الشُّكْرِ فِي السَّرَّاءِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٣٠٠

﴿٣٠٠٧﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْمُعَافَاةَ فِي الشُّكْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٦ ص: ٣٤٢

﴿٣٠٠٨﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا ثَابِتًا وَ عَمَلًا مَقْبُولًا وَ دُعَاءً مُسْتَجَابًا وَ يَقِينًا صَادِقًا وَ قَوْلًا طَيِّبًا وَ قَلْبًا شَاكِرًا؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٣٧٠

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۲۹۹۵﴾ خداوند، از تو درخواست می‌کنم، دانش آنان را که نگران و ترسان از مخالفت با امر تو هستند؛ و نیز ناله و توسل اهل خشوع و یقین اهل توکل و اعتماد و ترس و بیمناکی اهل علم و دانایی و خضوع اهل انابه و ناله؛ و شکر و سپاسگزاری صابران و بردباران و صبر و بردباری اهل شکرگزاران را به من عطا فرمایی.

﴿۲۹۹۶﴾ پروردگارا، از تو، گشایشی که به سرعت حاصل شود و صبری زیبا و روزی گسترده و دور ماندن از همه‌ی بلاها را و شکرگزاری بر عافیت و سلامتی را درخواست می‌کنم.

﴿۲۹۹۷﴾ پروردگارا، از تو می‌خواهم از بیماری‌هایی که از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها پدید می‌آید سالم بمانم و به واسطه‌ی آنچه از خوردنی‌ها که در بدنم باقی می‌گذارد بر انجام طاعت و یاد و شکر تو طلب نیرو می‌کنم.

﴿۲۹۹۸﴾ ای خدای من، از تو درخواست دارم تا بر من گشایشی زود هنگام و نزدیک و صبری زیبا و عافیت و سلامتی از هر گونه بلا و مصیبت و توفیق شکر بر عافیت ارزانی داری.

﴿۲۹۹۹﴾ ای صاحب کرامت از تو درخواست می‌کنم... که مرا در زمره‌ی شاکرین برانگیزی.

﴿۳۰۰۰﴾ خدایا، از تو می‌خواهم به حق محمد و خاندانش ﷺ که بر محمد و خاندانش ﷺ رحمت فرستی، و نور (بصیرت را) در دیدگانم قرار دهی و شکر و سپاسگزاری‌ات را تا ابد و تا آن زمان که مرا باقی داری بر من ارزانی داری.

﴿۳۰۰۱﴾ خدایا، به من ایستادگی در اجرای فرمان تو را و اراده‌ی راسخ در یافتن راه راست و شکرگزاری بر نعمت‌های تو را خواستارم.

﴿۳۰۰۲﴾ خدایا، به من ایستادگی در اجرای فرمان تو را و اراده‌ی راسخ در یافتن راه راست و الهام شدن شکرگزاری بر نعمت‌های تو را خواستارم.

﴿۳۰۰۳﴾ خداوند، از تو شکیبایی بر طاعتت، و خویش‌داری از ارتکاب معصیت، و بردباری در پذیرفتن حکم تو و صدق و راستی در هر مکان و موضعی و شکر بر نعمت را خواستارم.

﴿۳۰۰۴﴾ خداوند، از تو، شکیبایی به هنگام بلا و شکرگزاری به هنگام آسایش و فراخی را خواستارم.

﴿۳۰۰۵﴾ خداوند، از تو، عافیت می‌خواهم و تقاضا می‌کنم که به من زیباترین نوع عافیت را عطا فرمایی و از تو شکر بر نعمت عافیت را درخواست می‌کنم و نیز شکر بر عافیت را.

﴿۳۰۰۶﴾ خدایا، از تو می‌خواهم که در این شب از بهره‌ها بهترین بهره و از نعمت‌ها کامل‌ترین نعمت و بهترین شکر در دوران آسودگی را نصیبم کنی.

﴿۳۰۰۷﴾ پروردگارا، از تو می‌خواهم که شکرگزاری‌ام بدون نقص برگزار شود.

﴿۳۰۰۸﴾ پروردگارا، از تو ایمانی راسخ و عملی مورد قبول و دعایی مستجاب و یقینی صادق و سخنی پاک و قلبی شکرگزار درخواست می‌کنم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٠٠٩﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الْمَكْنُونَةِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَنِي فِي هَذَا الْيَوْمِ مِنَ الشَّاكِرِينَ لِمَا أَوْلَيْتَنِيهِ وَالصَّابِرِينَ عَلَى مَا بَلَّيْتَ وَالْحَامِدِينَ عَلَى مَا أَعْطَيْتَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٢٦٨

﴿٣٠١٠﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صَبْرَ الشَّاكِرِينَ لَكَ؛ البلد الأمين ص: ١٧٨
 ﴿٣٠١١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي أَكْلِي وَشُرْبِي السَّلَامَةَ مِنْ وَعْكِهِ وَالْقُوَّةَ بِهِ عَلَى طَاعَتِكَ وَذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ فِيمَا بَقِيَتْهُ فِي بَدَنِي وَأَنْ تُشَجِّعَنِي بِقُوَّتِهِ عَلَى عِبَادَتِكَ وَأَنْ تُلْهِمَنِي حُسْنَ التَّحَرُّزِ مِنْ مَعْصِيَتِكَ فَإِنَّكَ إِنْ فَعَلْتَ ذَلِكَ أَمِنْتَ وَعَثْتَ وَغَائِلْتَهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٦ ص: ٢٨١

﴿٣٠١٢﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَوْلَ التَّوَّابِينَ وَعَمَلَهُمْ وَنُورَ الْأَنْبِيَاءِ وَصِدْقِهِمْ وَنَجَاةَ الْمُجَاهِدِينَ وَثَوَابَهُمْ وَشُكْرَ الْمُصْطَفَيْنِ وَنَصِيحَتَهُمْ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٩٣
 ﴿٣٠١٣﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ لِسَانًا ذَاكِرًا وَقَلْبًا شَاكِرًا؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٢٣٧
 ﴿٣٠١٤﴾ المجتبی عليه السلام: اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ السَّعَةَ وَالِدَّةَ وَالْأَمْنَ وَالْكَفَايَةَ وَالسَّلَامَةَ وَالصَّحَّةَ وَالْقُنُوعَ وَالْعِصْمَةَ وَالْهُدَى وَالرَّحْمَةَ وَالْعَافِيَةَ وَالْيَقِينَ وَالْمَغْفِرَةَ وَالشُّكْرَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٤ ص: ٦٤

﴿٣٠١٥﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّكَ رَبُّ وَهَّابٌ أَسْأَلُكَ فَرَجًا قَرِيبًا وَصَبْرًا جَمِيلًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَ أَلْعَافِيَةَ مِنَ الْبَلَاءِ وَشُكْرَ الْعَافِيَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٣١٥
 ﴿٣٠١٦﴾ الصادق عليه السلام: إِنِّي أَسْأَلُكَ قَوْلَ التَّوَّابِينَ وَعَمَلَهُمْ وَنُورَ الْأَنْبِيَاءِ وَصِدْقِهِمْ وَنَجَاةَ الْمُجَاهِدِينَ وَثَوَابَهُمْ وَشُكْرَ الْمُصْطَفَيْنِ وَنَصِيحَتَهُمْ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٩٣
 ﴿٣٠١٧﴾ أَسْأَلُكَ... أَنْ تَجْعَلَنِي مِنَ الَّذِينَ إِذَا... إِذَا أُعْطُوا شَكَرُوا؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٢٥٠
 ﴿٣٠١٨﴾ سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْأَلُكَ إِجَابَةَ الدُّعَاءِ وَالشُّكْرَ فِي الرَّخَاءِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ١٥٠

﴿٣٠١٩﴾ الصادق عليه السلام: مَا هَذَا الدُّعَاءُ الَّذِي تَدْعُو بِهِ فَقَدْ أَخْبَرَنِي جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ لَكَ دُعَاءً تَدْعُو بِهِ مَعْرُوفًا فِي السَّمَاءِ فَقَالَ نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْأَمْنَ وَالْإِيمَانَ بِكَ وَالتَّصَدِيقَ بِنَبِيِّكَ وَالْعَافِيَةَ مِنْ جَمِيعِ الْبَلَاءِ وَالشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ وَالْغِنَى عَنْ شِرَارِ النَّاسِ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٨٧

﴿٣٠٢٠﴾ الرضا عليه السلام: مَرَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِرَجُلٍ وَهُوَ يَدْعُو اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَهُ الصَّبْرَ فَقَالَ أَلَا لَا تَقُلْ هَذَا وَلَكِنْ سَلِ اللَّهَ الْعَافِيَةَ وَالشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ فَإِنَّ الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ خَيْرٌ مِنَ الصَّبْرِ عَلَى

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۰۰۹﴾ خداوند، به اسمای پنهانی‌ات از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و در این روز مرا از شاكران نیکی‌هایی که به من ارزانی داشتی و از صابران در بلاهیت و سپاسگزاران بر آنچه عطا نمودی قرار دهی.

﴿۳۰۱۰﴾ پروردگارا، از تو صبر شکرکنندگان به درگاهت را می‌خواهم.

﴿۳۰۱۱﴾ خداوند، در خوردن و آشامیدنم از تو، سلامت و دوری از درد و بیماری آن را درخواست می‌کنم، و از آنچه از غذا در بدنم باقی می‌ماند بر انجام طاعت و ذکر و شکر نیر و قدرت و توان می‌طلبم، و از تو می‌خواهم که مرا بر انجام عبادت و بندگی‌ات تحریک کنی و پرهیز و دوری از گناهانت را در دلم قرار دهی که چون چنین کنی مرا از گرفتاری و دردش ایمن و آسوده سازی.

﴿۳۰۱۲﴾ خدایا، از تو گفتار توبه‌کنندگان و کردارشان را و نور (هدایت) پیامبران و راستی آن‌ها را، و رستگاری مجاهدان و پاداششان را، و شکرگزاری برگزیدگان و نصیحت آن‌ها را درخواست می‌کنم.

﴿۳۰۱۳﴾ خداوند از تو؛ زبانی گویا به ذکر، و قلبی سرشار از سپاسگزاری درخواست می‌کنم.

﴿۳۰۱۴﴾ خداوند، از تو وسعت و آرامش و امنیت و ایمنی و کفایت و سلامتی و بهبودی و قناعت و عصمت و هدایت و رحمت و عفو و گذشت و عافیت و یقین و مغفرت و شکر را درخواست می‌کنم.

﴿۳۰۱۵﴾ تو پروردگار بخشنده‌ای، از تو گشایشی نزدیک، و صبری نیکو، و رزقی وسیع طلب می‌کنم، و عافیت از همه‌ی بلاها، و همچنین شکر در برابر عافیت را از تو خواهانم.

﴿۳۰۱۶﴾ خدایا، گفتار توبه‌کنندگان و کردارشان را، نور پیامبران و راستی آن‌ها را، رستگاری مجاهدان و پاداش ایشان را، و شکرگزاری برگزیدگان از بندگان را و پندپذیری ایشان را از تو درخواست می‌کنم.

﴿۳۰۱۷﴾ از تو درخواست میکنم مرا از کسانی قرار دهی که در مقابل بخشش سپاسگزاری میکنند

﴿۳۰۱۸﴾ پاک و منزهی تو ای خداوند نیست جز تو پروردگاری، درخواست می‌کنم از تو اجابت دعایم را و فزونی و خیر و برکت را در آسانی.

﴿۳۰۱۹﴾ جبرئیل به من خبر داد که تو دعایی داری که آن را می‌خوانی و در آسمان معروف است؛ عرض کرد: آری ای پیامبر خدا ﷺ چنین می‌گوییم؛ خداوند، همانا من از تو درخواست می‌کنم که به من پناه و امنیت و ایمان به خودت عطا فرمایی و اینکه پیامبرت را تصدیق کنم و نیز میخواهم که عافیت و سلامت از تمامی بلاها به من عطا کنی و اینکه به من توفیق شکر بر عافیت و بی‌نیازی از مردم به بدکار را به من بدهی.

﴿۳۰۲۰﴾ حضرت سجاد علیه السلام به مردی که از خداوند می‌خواست به او صبر بدهد، فرمود: ای مرد، این چنین نگو بلکه از خداوند عافیت بخواه و هرگاه عافیت داد، سپاسگزار باش زیرا شکر بر

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

الْبَلَاءِ كَانَ مِنْ دُعَاءِ النَّبِيِّ ﷺ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ وَ الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ وَ تَمَامَ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٢٩٢

﴿٣٠٢١﴾ الصادق عليه السلام: يَا أَبَا ذَرٍّ كَلِمَاتُ تَقُولُهُنَّ إِذَا أَصْبَحْتَ فَمَا هُنَّ قَالَ أَقُولُ يَا رَسُولَ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْإِيمَانَ بِكَ وَ التَّصَدِيقَ بِنَبِيِّكَ وَ الْعَافِيَةَ مِنْ جَمِيعِ الْبَلَاءِ وَ الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ وَ الْغِنَى عَنِ النَّاسِ؛ بحار الأنوار ج: ٢٢ ص: ٤٠٧

﴿٣٠٢٢﴾ أَسْأَلُكَ... حَتَّى أَكُونَ لَكَ فِي جَمِيعِ مَا أَمَرْتَنِي بِهِ تَابِعاً وَ لَكَ سَامِعاً مُطِيعاً وَ عَنْ كُلِّ مَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ مُنْتَهِيّاً وَ بِكُلِّ مَا قَضَيْتَ عَلَيَّ رَاضِياً وَ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ لَكَ شَاكِراً؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٣٧

١-٣-٥-٨-٨-٣- سَأَلْتُهُ الشُّكْرَ

﴿٣٠٢٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَرَحَباً بِسَيِّدِ الْمُسْلِمِينَ وَ إِمَامِ الْمُتَّقِينَ فَقِيلَ لِعَلِيِّ عليه السلام فَأَيَّ شَيْءٍ كَانَ مِنْ شُكْرِكَ قَالَ حَمِدْتُ اللَّهَ عَلَى مَا آتَانِي وَ سَأَلْتُهُ الشُّكْرَ عَلَى مَا أَوْلَانِي وَ أَنْ يَزِيدَ فِيمَا أَعْطَانِي؛ بحار الأنوار ج: ٤٠ ص: ٢٢

١-٣-٥-٨-٨-٣- نَسَأْتُكَ الشُّكْرَ

﴿٣٠٢٤﴾ الرسول ﷺ: نَسَأْتُكَ بِتِلْكَ الْمَرَاحِمِ وَ الْمَكَارِمِ أَنْ تَتَوَلَّانَا فِي هَذَا الْمَنَامِ وَ تَجْرِيَنَا عَلَى مَا عَوَّدْتَنَا مِنَ الْإِنْعَامِ وَ الْإِكْرَامِ وَ الْكَرَامَةِ مِنَ الْأَسْقَامِ وَ الْأَلَامِ وَ آذَى الْأَنَامِ وَ الْأَثَامِ وَ تَوَطَّنَا بِقَفْظَةِ الْحَافِظِينَ لِأَدَابِ الْإِسْلَامِ وَ شُكْرَ مَا أَوْكَلْتَنَا مِنَ النِّعَمِ الْجِسَامِ؛ الأمان ص: ١٤٧

١-٣-٥-٨-٨-٣- الْأَمْرُ بِالسُّؤَالِ (فَاسْأَلُوا اللَّهَ الشُّكْرَ وَ لَيْسَ لَهُ الشُّكْرُ)

﴿٣٠٢٥﴾ الرسول ﷺ: أَنْ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ خَصَّ رُسُلَهُ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَامْتَحِنُوا أَنْفُسَكُمْ فَإِنْ كَانَتْ فِيكُمْ فَاحْمَدُوا اللَّهَ وَ إِلَّا فَاسْأَلُوهُ وَ ارْغُبُوا إِلَيْهِ فِيهَا فَقَالَ وَ ذَكَرَهَا عَشْرَةَ الْيَقِينِ وَ الْقَنَاعَةِ وَ الْبَصِيرَةِ وَ الشُّكْرَ و...؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ١٩١

﴿٣٠٢٦﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَصَّ الْأَنْبِيَاءَ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَمَنْ كَانَتْ فِيهِ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ وَ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ فَلْيَتَضَرَّعْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَيْسَ لَهُ إِلَّاهَا قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ مَا هُنَّ الْوَرَعُ وَ الْقَنَاعَةُ وَ الصَّبْرُ وَ الشُّكْرُ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٦

١-٣-٥-٨-٨-٣- (سدد)، سَدَّدَنِي لِأَنْ أَشْكُرَ الْحَسَنَةَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

عافیت از صبر بهتر است. حضرت پیامبر ﷺ می فرمود: "خدا، از تو عافیت و شکر بر عافیت را در دنیا و آخرت خواستارم."

﴿۳۰۲۱﴾ ای ابودر، صبحگاهان چه عبارتی را می گویی؟ گفت: ای پیامبر خدا ﷺ می گویم: خدا، من ایمان به تو و تصدیق پیامبرت و عافیت از تمامی بلاها و سپاسگزاری در برابر عافیت و بی نیازی از مردم را می خواهم.

﴿۳۰۲۲﴾ پروردگارا، از تو درخواست می کنم... در تمام آنچه مرا به آن فرمان می دهی تابع و مطیع و برای تو گوش به فرمان و آماده به خدمت باشم و از هر آنچه که مرا نهی کردی دوری کنم و به هر آنچه که برای من مقدر فرمودی راضی و خشنود بوده و در برابر هر نعمتی که عطا فرمودی شکرگزار باشم.

۳-۸-۱-۵-۱- از او شکر را خواهانم

﴿۳۰۲۳﴾ آفرین بر آقای مسلمانان و پیشوای پرهیزگاران، یکی از حاضران گفت: یا علی، در برابر این نعمتی که به تو ارزانی شده است، چگونه خدا را شکر می کنی؟ علی ﷺ فرمود: خدا را ستایش می کنم از اینکه چنین نعمتی را به من ارزانی داشته است و از وی سپاسگزارم و از خداوند می خواهم که بیش از این نیز به من عطا فرماید.

۴-۸-۱-۵-۱- از تو شکر را درخواست می کنیم

﴿۳۰۲۴﴾ به حق این لطف ها و بزرگواری ها، از تو می خواهم در این خواب سرپرستمان باشی نعمت هایی را که به بهره مندی از آن عادتمان داده ای اعم از لطف ها و گرامی داشت ها و دور کردن از دردها و بیماری ها و در دسرهای خواب و گناهان را بر ما روانه ساز؛ و آن چنان که نگهبانان آداب اسلام را بیدار کردی، بیدارمان کن و توافیق شکر بر نعمت های بزرگی که به ما داده ای نصیبمان کن.

۵-۸-۱-۵-۱- فرمان به درخواست کردن (از خداوند شکر را درخواست کنید، باید از او شکر را بخواهد)

﴿۳۰۲۵﴾ خداوند پیامبران خود را به مکارم اخلاق مبعوث فرموده است، اینک خود را بیازمایید اگر یکی از آن اخلاق در شما هست خداوند را سپاس گوئید در غیر این صورت از او بخواهید تا به شما عطا کند. مکارم اخلاق ده صفت است: از جمله: یقین، قناعت، بصیرت، شکر...

﴿۳۰۲۶﴾ خداوند متعال پیامبران را به مکارم اخلاق اختصاص داده و هرکس دارای آن صفات باشد باید خدا را سپاس گوید و هرکس آن صفات را نداشته باشد باید از خداوند بخواهد که آن صفات را به او عطا فرماید، راوی می گوید عرض کردم، قربانت کردم آن صفات را بیان فرمایید، امام ﷺ فرمودند ورع، قناعت، صبر، شکر و...

۹-۱-۵-۱- (استوار کردن)، مرا استوار کن که به خوبی شکر کنم

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٠٢٧﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَ سَدِّدْنِي لِأَنْ أَعَارِضَ مَنْ غَشَّيَ بِالنُّصْحِ، وَ أَجْزَى مَنْ هَجَرَنِي بِالْبُرِّ، وَ أَثِيبَ مَنْ حَرَمَنِي بِالْبَذْلِ، وَ أَكْفِيْ مَنْ قَطَعَنِي بِالصَّلَةِ، وَ أَخَالَفَ مَنْ اغْتَابَنِي إِلَى حُسْنِ الذِّكْرِ، وَ أَنْ أَشْكُرَ الْحَسَنَةَ، وَ أَغْضِيَّ عَنِ السَّيِّئَةِ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٩٢

١٠-١-٣-٥-١-١٠ (سعد)، أَسْعِدْنَا بِالشُّكْرِ

﴿٣٠٢٨﴾ الرضا عليه السلام: اللَّهُمَّ أَسْعِدْنَا بِالشُّكْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٢ ص: ٢٢٦

١١-١-٣-٥-١-١١ (سوق)، سَقْنِي بِحُسْنِ شُكْرِ

﴿٣٠٢٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: يَا مُفْضِلُنَا بِالْأَرْزَاقِ بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ سُقْنِي وَ وَجَّهْنِي فِي تِجَارَتِي هَذِهِ إِلَى وَجْهِ غَنَى عَاصِمٍ شُكُورٍ آخِذُهُ بِحُسْنِ شُكْرِ لِنَنْفَعَنِي بِهِ وَ نَنْفَعَهُ بِهِ مِنِّي؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٣٢٢

١٢-١-٣-٥-١-١٢ (شغل)، اشْغَلِ السَّنَتَيْنَا بِشُكْرِكَ

﴿٣٠٣٠﴾ وَ اشْغَلِ قُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ عَنْ كُلِّ ذِكْرٍ، وَ أَلْسِنَتَنَا بِشُكْرِكَ عَنْ كُلِّ شُكْرٍ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٦٢

١٣-١-٣-٥-١-١٣ (طلق)، أَطْلُقِ السَّنَتَيْنَا بِشُكْرِ آلَائِكَ

﴿٣٠٣١﴾ أَطْلُقِ السَّنَتَيْنَا بِشُكْرِ آلَائِكَ وَ التَّحَدُّثِ بِنِعَمَائِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١١٢

١٤-١-٣-٥-١-١٤ (عزم)، عَزَمَ اللَّهُ لَكَ عَلَى الشُّكْرِ

﴿٣٠٣٢﴾ عَزَمَ اللَّهُ لَكَ عَلَى الصَّبْرِ فِي الْبُلُوِّ وَ الشُّكْرِ فِي النِّعَمَاءِ؛ بحار الأنوار ج: ٤٢ ص: ٧٦

١٥-١-٣-٥-١-١٥ (عطو)

١-١٥-١-٣-٥-١-١٥ (أعطني)

﴿٣٠٣٣﴾ الكاظم عليه السلام: أَعْطِنِي السَّعَةَ وَ الدَّعَةَ وَ الْأَمْنَ وَ الصِّحَّةَ وَ الْبُخُوعَ وَ الشُّكْرَ وَ الْمُعَافَاةَ وَ التَّقْوَى وَ الصَّبْرَ وَ الصَّدْقَ عَلَيْكَ وَ عَلَى أَوْلِيَائِكَ وَ الْيُسْرَ وَ الشُّكْرَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٣٨١

﴿٣٠٣٤﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَعْطِنِي السَّعَةَ وَ الدَّعَةَ وَ الْأَمْنَ وَ الصِّحَّةَ وَ الْفُنُوعَ وَ الْعِصْمَةَ وَ الْيَقِينَ وَ الْعَفْوَ وَ الْعَافِيَةَ وَ الْمُعَافَاةَ وَ الْمَغْفِرَةَ وَ الشُّكْرَ وَ الرِّضَا؛ مصباح المتعبد ص: ١٧٢

﴿٣٠٣٥﴾ الصادق عليه السلام: أَعْطِنِي فِي كُلِّ عَافِيَةٍ شُكْرًا حَتَّى تُبَلِّغَنِي مِنْهَا رِضْوَانَكَ؛ الكافي ج: ٦ ص: ٧

﴿٣٠٣٦﴾ يَا عَظِيمُ أَعْطِنِي فِي كُلِّ عَافِيَةٍ مَنَّا مِنْكَ وَ ارْزُقْنِي خَيْرًا حَتَّى أَنَالَ مُنْتَهَى رِضَاكَ عَنِّي فِي صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ شُكْرِ النِّعْمَةِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٥ ص: ١١٩

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۰۲۷﴾ خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست، و مرا توفیق ده تا با کسی که با من ناراستی نموده، از روی اخلاص (درستی) رفتار کنم، و کسی را که از من دوری کرده به نیکویی پاداش دهم، و کسی که مرا نومید گردانیده به عفو و بخشش عوض دهم، و کسی را که از من بریده به با پیوستن جبران نمایم، و از آن که از من غیبت نموده (پشت سرم بدگویی کرده) به نیکی یاد کنم، و نیکی را سپاس گزارده از بدی چشم بپوشم.

۱۰-۱-۳-۵-۱-۱۰ (کامیاب شدن)، ما را به شکر کامیاب و موفق کن

﴿۳۰۲۸﴾ خدایا مرا به شکرگزاری موفق و کامیاب کن.

۱۱-۱-۳-۵-۱-۱۱ (سوق دادن)، مرا به شکرگزاری نیکو سوق ده

﴿۳۰۲۹﴾ ای کسی که روزی بعضی از ما را بیش از دیگران تقسیم کردی، در این تجارت مرا به سوی بی نیازی و دوری از اشتباه و شکر بسیار سوق ده تا با شکری زیبا آن را بگیرم که موجب شود تو به خاطر آن به من سود رسانی و از جانب من به تو خیر رسد.

۱۲-۱-۳-۵-۱-۱۲ (مشغول شدن)، زبان ما را به شکر مشغول کن

﴿۳۰۳۰﴾ دل های ما را به یاد خود از هر یادی و زبانهایمان را به سپاس خود از هر سپاسی مشغول کن.

۱۳-۱-۳-۵-۱-۱۳ (رها کردن)، زبان های ما را به شکر نعمت های باز کن

﴿۳۰۳۱﴾ زبانمان را بر شکر نعمت های و صحبت درباره آنها باز کن.

۱۴-۱-۳-۵-۱-۱۴ (اراده کردن)، خداوند برای تو شکر را اراده کرد

﴿۳۰۳۲﴾ قصد و اراده نموده است خدای متعال درباره ی تو که در هنگام بلا صبر پیشه سازی و در هنگام دریافت نعمت سپاسگزار و شکرگویان باشی.

۱۵-۱-۳-۵-۱-۱۵ (عطا کردن)

۱-۱۵-۱-۳-۵-۱-۱۵ به من عطا کن

﴿۳۰۳۳﴾ پروردگارا، وسعت در روزی و آرامش و امنیت و سلامتی و حرص در انجام طاعات و سپاسگزاری و عافیت و پرهیزکاری و صبر و تصدیق کردن تو و اولیایت و نیز آسانی و شکر را به من عطا فرما.

﴿۳۰۳۴﴾ پروردگارا، بر محمد و خاندانش ﷺ درود فرست و به من گشایش و راحتی و امنیت و سلامتی و میانه روی و پاکی و یقین و بخشش و عافیت و آموزش و شکر و رضایتمندی را عطا فرما.

﴿۳۰۳۵﴾ پروردگارا، در هر عافیتی به من شکر عطا فرما تا اینکه مرا به بهشت رضوانت برساند.

﴿۳۰۳۶﴾ ای خداوند عظیم، در هر عافیتی، لطفی از جانب خود بر من عطا کن و خیری روزی ام

نما تا به خاطر راستی گفتار و شکر نعمت به نهایت رضایت دست یابم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١٥-١-٣-٥-١-١٥-٢-أَعْطَانَا

﴿٣٠٣٧﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: اللَّهُمَّ وَمَا أَعْطَيْتَنَا مِنْ عَطَاءٍ أَوْ فَضَّلْتَنَا بِهِ مِنْ فَضِيلَةٍ أَوْ أَكْرَمْتَنَا بِهِ مِنْ كَرَامَةٍ فَأَعْطِنَا مَعَهُ شُكْرًا يَفْهَرُهُ وَيَذْمَعُهُ؛ تهذيب الأحكام ج: ٣ ص: ٩٣

١٥-١-٣-٥-١-١٥-٣-ذَلَّلْنِي بِإِعْطَاءِ الشُّكْرِ

﴿٣٠٣٨﴾ السَّجَّادُ عليه السلام: ذَلَّلْنِي بِإِعْطَاءِ النَّصَفِ مِنْ نَفْسِي فِي جَمِيعِ الْمَوَاطِنِ فِي الرِّضَا وَالسَّخَطِ وَالتَّوَاضُّعِ وَالْفَضْلِ وَتَرْكِ قَلِيلِ الْبُغْيِ وَكَثِيرِهِ فِي الْقَوْلِ مِنْهُ وَالْفِعْلِ وَتَمَامِ النِّعْمَةِ فِي جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ وَالشُّكْرِ بِهَا عَلَى حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَا؛ تهذيب الأحكام ج: ٣ ص: ٨٢

١٦-١-٣-٥-١-١٦-١-عُون)

١٦-١-٣-٥-١-١٦-١-أَعْنَى الشُّكْرَ

﴿٣٠٣٩﴾ الرُّسُولُ عليه السلام: أَعْنَى عَلَى شُكْرِ نِعْمَتِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٥٧
 ﴿٣٠٤٠﴾ الْحُسَيْنُ عليه السلام: أَعْنَى بِانْقِطَاعِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ وَتَفَرُّدِي بِالتَّهَجُّدِ لَكَ وَتَجَرُّدِي [وَتَجَرُّدِي بِسُكُونِي إِلَيْكَ] عِنْدَ شُكْرِي لَكَ؛ إقبال الأعمال ص: ٣٥٧
 ﴿٣٠٤١﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: اللَّهُمَّ أَعْنَى عَلَى ذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ؛ فلاح السائل ص: ٩١

١٦-١-٣-٥-١-١٦-٢-أَعْنَا عَلَى شُكْرِكَ

﴿٣٠٤٢﴾ الزَّهْرَاءُ عليها السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعْنَا عَلَى شُكْرِكَ وَذِكْرِكَ وَطَاعَتِكَ وَعِبَادَتِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٣٣٨

١٦-١-٣-٥-١-١٦-٣-أَعَانَا اللَّهُ وَإِيَّاكَ عَلَى شُكْرِهِ

﴿٣٠٤٣﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: أَعَانَا اللَّهُ وَإِيَّاكَ عَلَى شُكْرِهِ وَذِكْرِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٣٣ ص: ٥٤٩

١٦-١-٣-٥-١-١٦-٤-حَتَّى يُعِينَنَا وَإِيَّاكَ عَلَى شُكْرِهِ

﴿٣٠٤٤﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: حَتَّى يُعِينَنَا وَإِيَّاكَ عَلَى شُكْرِهِ وَذِكْرِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٧٤ ص: ٣٩٢

١٧-١-٣-٥-١-١٧-إِفْتَحْ مَسَامِعَ قَلْبِي لِشُكْرِكَ

﴿٣٠٤٥﴾ الرُّسُولُ عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْتَحْ مَسَامِعَ قَلْبِي لِذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ؛ مكارم الأخلاق ص: ٢٩٨

١٨-١-٣-٥-١-١٨-أَقِرَّ بِشُكْرِ نِعْمَتِكَ عَنِّي

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۲-۱۵-۱-۳-۱- به ما عطا کن

﴿۳۰۳۷﴾ پروردگار! (قسم به) آنچه از بخشش‌هایت که به ما عطا کردی و لطف‌هایی که به ما روا داشتی، و یا تکریم‌هایی که از ما کردی پس به ما توفیق شکری بده که با آن بر شیطان چیره شوم و بینی او را به خاک بمالم.

۳-۱۵-۱-۳-۱- مرا با توفیق شکر رام کن

﴿۳۰۳۸﴾ در تمام زمینه‌های رضایت و خشم و پایین‌تر از دیگران یا داشتن برتری و ترک ظلم، چه کم و چه زیاد، در کلام باشد یا در عمل و همچنین با تمام کردن نعمت بر من در همه‌چیز و شکر آن، تا اینکه کاملاً راضی شوی و حتی بعد از خشنودیات به من توفیق انصاف بده و به این وسیله رامم کن.

۱۶-۱-۳-۵-۱- (یاری)

۱-۱۶-۱-۳-۵-۱- بر شکرگزاری یاری‌ام کن

﴿۳۰۳۹﴾ مرا بر شکر نعمت یاری کن.

﴿۳۰۴۰﴾ مرا در آن به بریدن از دیگران برای بندگی‌ات و خلوت‌گزینی برای شب‌زنده‌داری و تنهایی برای آرامش همراه با سپاسگزاری یاری کن.

﴿۳۰۴۱﴾ خداوند، مرا بر یاد و شکرگزاری‌ات یاری فرما.

۲-۱۶-۱-۳-۵-۱- بر شکرگزاری‌ات یاری‌مان نما

﴿۳۰۴۲﴾ خداوند، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و ما را بر شکر، ذکر، اطاعت و عبادت خودت یاری کن.

۳-۱۶-۱-۳-۵-۱- خداوند ما و تو را به شکر خود یاری دهد

﴿۳۰۴۳﴾ خداوند، ما و تو را به شکر و ذکر خود یاری دهد.

۴-۱۶-۱-۳-۵-۱- تا خدا ما و شما را بر سپاسگزاری یاری کند

﴿۳۰۴۴﴾ تا ما و شما را بر سپاسگزاری و یاد خود یاری کند.

۱۷-۱-۳-۵-۱- (گشایش)، گوش دلم را برای شکر بگشا

﴿۳۰۴۵﴾ خداوند، بر محمد و آلش درود فرست، و گوش‌های دلم را برای یاد و شکر خودت باز کن.

۱۸-۱-۳-۵-۱- (روشن کردن)، چشمم را به شکر نعمت روشن کن

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٠٤﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلِّمْ إِلَى دِينِي وَزِدْ فِي أَجَلِي وَأَصِحِّ لِي جِسْمِي وَاقْرَأْ بِشُكْرِ نِعْمَتِكَ عَيْنِي؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٦١
١٩-١-٣-٥- (قول)، أَنْ تَقُولَ: أَنْتَ لِنِعْمَتِي مِنَ الشَّاكِرِينَ

﴿٣٠٤٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَسْأَلُكَ بِكَرَمِكَ وَمَجْدِكَ وَجُودِكَ وَفَضْلِكَ وَمَنْكَ وَرَأْفَتِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَجَمَالِكَ وَجَلَالِكَ وَعِزَّتِكَ وَجَبْرُوتِكَ وَعَظَمَتِكَ لَمَّا أَوْجَبْتَ عَلَيَّ نَفْسَكَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا الرَّحْمَةُ أَنْ تَقُولَ قَدْ آتَيْتُكَ عَبْدِي مَا سَأَلْتَنِي فِيهِ فِي عَافِيَةٍ وَأَدَيْتَهَا لَكَ مَا أَحْيَيْتُكَ حَتَّى أَتَوْفَاكَ فِي عَافِيَةٍ وَرِضْوَانٍ وَأَنْتَ لِنِعْمَتِي مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٢٠٥

٢٠-١-٣-٥- (كتب)، أَكْتُبُنَا لَكَ شَاكِرِينَ

﴿٣٠٤٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَأَكْتُبُنَا لَكَ شَاكِرِينَ وَلَا لَأَنَّكَ ذَاكِرِينَ؛ البلد الأمين ص: ٢٥٦

٢١-١-٣-٥- (لحق)، أَلْحَقْنَا بِهِمْ شَاكِرِينَ

﴿٣٠٤٩﴾ السجاد عليه السلام: اللَّهُمَّ أَلْحَقْ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ وَذُرِّيَّتَهُمْ وَشِعَتَهُمْ بِنَبِيِّكَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَأَلْحَقْنَا بِهِمْ مُؤْمِنِينَ مُخْتَبِينَ فَائِزِينَ مُتَّقِينَ صَالِحِينَ خَاشِعِينَ عَابِدِينَ مُوقِّعِينَ مُسَدِّدِينَ عَامِلِينَ زَاكِينَ مُزَكِّينَ تَائِبِينَ سَاجِدِينَ رَاكِعِينَ شَاكِرِينَ حَامِدِينَ؛ مهج الدعوات ص: ١٦٧

٢٢-١-٣-٥- (لهم)

١-٢٢-١-٣-٥- أَسْأَلُكَ إِلَهَامَ الشُّكْرِ

﴿٣٠٥٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الثَّبَاتَ فِي الْأَمْرِ وَالْعَزِيمَةَ فِي الرُّشْدِ وَإِلَهَامَ الشُّكْرِ عَلَى نِعْمَتِكَ؛ مهج الدعوات ص: ١٣١

٢-١-٢٢-١-٣-٥- أَسْأَلُكَ أَنْ تُلْهِمَنِي شُكْرَكَ

﴿٣٠٥١﴾ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ... تُلْهِمَنِي شُكْرَكَ وَذِكْرَكَ؛

بحار الأنوار ج: ٩٧ ص: ١٦٦

٣-١-٢٢-١-٣-٥- أَلْهِمَنِي الشُّكْرَ

﴿٣٠٥٢﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ أَلْهِمَنِي شُكْرَكَ؛ إقبال الأعمال ص: ٤٤٤

﴿٣٠٥٣﴾ الرضا عليه السلام: اللَّهُمَّ أَلْهِمَنِي الشُّكْرَ عَلَى مَا أَعْطَيْتَنِي؛ إقبال الأعمال ص: ١٨٠

﴿٣٠٥٤﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ بَرِّدْ مَضْجَعِي وَآمِنْ رَوْعَتِي وَضَاعِفْ حَسَنَاتِي وَارْحَمْنِي عَلَى

طُولِ الدَّهْرِ وَلَا تُدْفِنِي مَرَارَةَ الْفَقْرِ وَالْهَمِّ لَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٢٧٠

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۰۴۶﴾ پروردگارا، بر محمد و خاندانش درود فرست و دینم را برایم سالم بدار و مدت زندگانی‌ام را طولانی نما و جسمم را تندرست بدار و دیدگانم را به وسیله‌ی شکر نعمت روشن فرما.

۱۹-۱-۳-۵-۱- (سخن)، اینکه بگویی تو از شکرگزاران نعمت من هستی
﴿۳۰۴۷﴾ خداوند، از تو به حق کرم و بزرگی و بخشش و فضل و امتنان و مهربانی و آمرزندی و رحمت و زیبایی و ابهت عزت و جبروت و عظمت که بر خودت واجب کرده‌ای، به این صورت که بر آن واجب بودن رحمت را ثبت کردی؛ می‌خواهم که در حق من چنین مقرر کنی و بگویی: "سجده‌ی من، آنچه در مورد سلامت و عافیت از من خواستی به سوی تو فرستاده شد و مادامی که زنده‌ای برای تو مقرر خواهد بود، تا اینکه در عافیت و رضایت جان تورا بگیرم و تو برای نعمت من از شاکرین و اهل سپاسگزاری باشی.

۲۰-۱-۳-۵-۱- (نوشتن)، ما را از شکرگزاران درگاهت بنویس
﴿۳۰۴۸﴾ خدایا، ما را در زمره‌ی شکرگزاران و یاد کنندگان نعمت هایت ثبت کن.

۲۱-۱-۳-۵-۱- (ملحق شدن)، ما را به شکرگزاران ملحق کن
﴿۳۰۴۹﴾ خداوند، اهل بیت پیامبر خود و اولاد و پیروان ایشان را به پیامبرت، که بزرگ و برگزیده‌ی پیامبران است ملحق فرما و ما را به ایشان ملحق فرما درحالی که از زمره‌ی مؤمنان و تواضع کنندگان و بهره‌یافتگان و پرهیزگاران و نیکوکاران و فروتنی کنندگان و عبادت کنندگان و توفیق‌یافتگان و محکم‌کاران و به‌جای‌آوردندگان فرمان خدا و پاکیزگان و پاک‌شدگان و توبه‌کنندگان و سجده‌کنندگان و رکوع‌کنندگان و سپاسگزاران و ستایش‌کنندگان باشیم.

۲۲-۱-۳-۵-۱- (الهام کردن)

۱-۲۲-۱-۳-۵-۱- از تو الهام شکر را درخواست می‌کنم
﴿۳۰۵۰﴾ خدایا، به من ایستادگی در اجرای فرمان تو را و اراده‌ی راسخ در یافتن راه راست و الهام شدن شکرگزاری بر نعمت‌های تو را خواستارم.

۲-۲۲-۱-۳-۵-۱- از تو درخواست می‌کنم که شکرت را به من الهام کنی
﴿۳۰۵۱﴾ از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و شکر و یاد خودت را به من الهام کنی

۳-۲۲-۱-۳-۵-۱- به من شکرگزاری را الهام کن

﴿۳۰۵۲﴾ پروردگارا، شکرت را به من الهام کن.
﴿۳۰۵۳﴾ پروردگارا، شکر بر نعمتی را که به من عطا فرمودی به من الهام کن.
﴿۳۰۵۴﴾ پروردگارا،... گورم را خنک و (دور از حرارت عذاب) ترسم را به امنیت بدل کن و حرارت فقر را به (کام) من نچشان و ستایش و شکر به درگاهت را به من الهام کن.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٠٥٥﴾ عَنْهُمْ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلْهِمْنِي الشُّكْرَ عَلَى مَا أَعْطَيْتَنِي؛ تهذيب الأحكام ج: ٣ ص: ٩٦

﴿٣٠٥٦﴾ الصادق عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلْهِمْنِي لَكَ الْحَمْدَ وَالشُّكْرَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٢٧٠

﴿٣٠٥٧﴾ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَةِ أَوْلِيَائِكَ وَ

الْإِلْمَامِ بِمَشَاهِدِ حُجَجِكَ وَأَصْفِيَائِكَ وَأَلْهِمْنِي بِهَا شُكْرَ آلَائِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٩ ص: ٢٠٤

﴿٣٠٥٨﴾ الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَا عَبْدُكَ خَوَّلْتَنِي حِينَ رَزَقْتَنِي اللَّهُمَّ فَأَلْهِمْنِي شُكْرَكَ فِيهِ؛

مستدرک الوسائل ج: ١٣ ص: ٢٦٦

﴿٣٠٥٩﴾ أمير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا مُحِبِّي أَحْيِي حَيَاةَ طَيِّبَةٍ بِجُودِكَ وَأَلْهِمْنِي شُكْرَكَ وَذِكْرَكَ

أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي؛ إقبال الأعمال ص: ٥٢١

١-٣-٥-١-٢٢-٤- أَلْهِمْنَا الشُّكْرَ

﴿٣٠٦٠﴾ الرسول ﷺ: أَلْهِمْنَا زِيَادَةَ الشُّكْرِ وَالنَّائِةَ وَتَفَضُّلَ عَلَيْنَا بِإِنْجَازِ وَعْدِكَ لِمَنْ شَكَرَكَ

مِنْ زِيَادَةِ النِّعَمَاءِ وَبُلُوغِ الرَّجَاءِ؛ الأمان ص: ١٤٩

﴿٣٠٦١﴾ الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلْهِمْنَا شُكْرَكَ لِمَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْنَا؛ بحار الأنوار ج: ٩٩ ص: ١٨٩

١-٣-٥-١-٢٢-٥- أَلْهِمْنَا عَلَى شُكْرِهِ

﴿٣٠٦٢﴾ الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنْ نَطْقَهَا بِتَحْمِيدِهِ وَأَلْهِمْنَا عَلَى شُكْرِهِ وَتَمْجِيدِهِ؛ إقبال الأعمال ص: ٤٦٢

١-٣-٥-١-٢٣- (ملا)، امْلَأْ لَنَا مَا بَيْنَ طَرَفَيْهِ حَمْدًا وَشُكْرًا

﴿٣٠٦٣﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنَا حُسْنَ مُصَاحَبَتِهِ، وَاعْصِمْنَا مِنْ سُوءِ مُفَارَقَتِهِ

بَارِئِكَابِ جَرِيرَةٍ، أَوْ اقْتِرَافِ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ، وَاجْزِلْ لَنَا فِيهِ مِنَ الْحَسَنَاتِ، وَاخْلِنَا فِيهِ مِنَ

السَّيِّئَاتِ، وَامْلَأْ لَنَا مَا بَيْنَ طَرَفَيْهِ حَمْدًا وَشُكْرًا وَاجْرَأْ وَذُخْرًا وَفَضْلًا وَإِحْسَانًا؛ الصحيفة

السجادية عَلَيْهِ السَّلَامُ ص: ٤٨

١-٣-٥-١-٢٤- (منن)

١-٣-٥-١-٢٤-١- أَسْأَلُكَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ بِالشُّكْرِ

﴿٣٠٦٤﴾ أمير المؤمنين عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَلَّمَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ بِوَجِبِ شُكْرِي نِعْمَتَكَ؛

مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ١١٠

١-٣-٥-١-٢٤-٢- مَنْ عَلَى بِشُكْرِكَ

﴿٣٠٦٥﴾ مَنْ عَلَى أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي بِذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٧٠

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۰۵۵﴾ شکر بر آنچه را که به من عطا کردی را به من الهام کن.

﴿۳۰۵۶﴾ شکر و ستایش را به من الهام کن.

﴿۳۰۵۷﴾ بر محمد و خاندانش درود فرست و این زیارت را آخرین زیارت من از اولیاء و...

برگزیدگانت قرار نده و به من با این زیارت شکر نعمت‌هایت را الهام کن.

﴿۳۰۵۸﴾ من آن بنده‌ی تو هستم در روزی دادن به من مرا تکریم کرده‌ای پس خدایا، شکرش را نیز به من الهام فرما.

﴿۳۰۵۹﴾ ای زنده‌کننده، مرا به واسطه‌ی سخاوت زندگانی پاک عطاکن و شکر و ذکر را مادام که زنده‌ام به من الهام کن.

۴-۲۲-۱-۳-۵-۱- شکر را به من الهام کن

﴿۳۰۶۰﴾ خداوند، سپاسگزاری و ثناگویی بیشتر را به ما الهام فرما و با وفاکردن به وعده‌هایی که به سپاسگزارانت داده‌ای، مانند دادن نعمت بیشتر و رساندن به آرزوها، در حقّ ما بزرگواری فرما.

﴿۳۰۶۱﴾ چگونگی شکرگزاری‌ات را بر نعمت‌هایی که به ما بخشیدی به ما الهام کن.

۵-۲۲-۱-۳-۵-۱- به ا و شکرش را الهام کرد

﴿۳۰۶۲﴾ به او قدرت گویش و نطق بخشید و حمد و ستایشش را برای شکر و بزرگداشت خدا به او الهام نمود.

۳-۲۳-۱-۳-۵-۱- (پر کردن)، سراسر روز ما را برایمان از حمد و شکر پر کن

﴿۳۰۶۳﴾ خدایا، بر محمد ﷺ و خاندانش درود فرست، و همراه خوبی بودن با این روز را نصیب ما گردان، و ما را از بدجداشدن از آن بر اثر نافرمانی یا به‌جاآوردن گناه کوچک یا بزرگ، مصون نگهدار. و در این روز بر نیکی‌های ما بیافزا، و از بدی‌ها تهی‌مان ساز، و دو طرف (اول تا آخر) آن را برای ما از ستایش و سپاس و پاداش و اندوخته (برای آخرت) و بخشش و نیکی لبریز کن.

۴-۲۴-۱-۳-۵-۱- (نعمت بخشیدن، منت‌گذارن)

۱-۲۴-۱-۳-۵-۱- از تو درخواست می‌کنم که با شکرگزاری بر من منت‌گذاری

﴿۳۰۶۴﴾ از تو به حقّ آن نامت که بلندمرتبه است درخواست می‌کنم، که با ادا نمودن شکرواجب نعمت بر من منت‌گذاری.

۲-۲۴-۱-۳-۵-۱- بر من با شکرگزاری‌ات منت‌گذار

﴿۳۰۶۵﴾ تا زنده‌ام مرا از یاد و شکر خود بهره‌مند کن.

﴿۸۹۵﴾

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

٢٥-١-٣-١- (وجه)، وَجَّهْنِي إِلَى الشُّكْرِ

﴿٣٠٦٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: يَا مُفَضِّلُنَا بِالْأَرْزَاقِ بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ سَفِينِي وَ وَجَّهْنِي فِي تِجَارَتِي هَذِهِ إِلَى وَجْهِ غِنَى عَاصِمٍ شُكُورٍ آخِذُهُ بِحُسْنِ شُكْرِ لِنَنْفَعَنِي بِهِ وَ تَنْفَعَ بِهِ مِنِّي؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٣٢٢

٢٦-١-٣-١- (وزع)

١-٢٦-١-٣-١- أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ

﴿٣٠٦٧﴾ وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كُرْهًا وَ حَمَلَهُ وَ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَىٰ وَالِدَيَّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَ أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ؛ الأحقاف: الآية ١٥

﴿٣٠٦٨﴾ فَتَسَبَّحْ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا وَ قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَىٰ وَالِدَيَّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَ أَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ؛ النمل: الآية ١٩
﴿٣٠٦٩﴾ الصَّادِق عليه السلام: وَ اجْعَلْ ذَلِكَ فِي يُسْرِ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ وَ أَوْزِعْنِي شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ؛ مستدرک الوسائل ج: ٨ ص: ٥٧

﴿٣٠٧٠﴾ الرُّسُول عليه السلام: اللَّهُمَّ قَوِّنِي فِيهِ عَلَىٰ إِقَامَةِ أَمْرِكَ وَ ارْزُقْنِي فِيهِ حَلَاوَةَ ذِكْرِكَ وَ أَوْزِعْنِي فِيهِ أَدَاءَ شُكْرِكَ يَا خَيْرَ النَّاصِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٢
﴿٣٠٧١﴾ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ لَمْ تُعْطِنِي لِأَحَدٍ إِلَّا وَ أَتَمَّمْتَهَا عَلَيْهِ؛ بحار الأنوار ج: ٤١ ص: ٣٠٢

﴿٣٠٧٢﴾ الصَّادِق عليه السلام: أَوْزِعْنِي شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ؛ مستدرک الوسائل ج: ٨ ص: ٥٧
﴿٣٠٧٣﴾ السَّجَّاد عليه السلام: أَوْزِعْنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٣٢
﴿٣٠٧٤﴾ أَوْزِعْنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ وَ عَلَىٰ وَالِدَيَّ فَقَدْ أَنْعَمْتَ عَلَيَّ نِعْمًا لَا أُحْصِيهَا؛ إقبال الأعمال ص: ٤٠٦

﴿٣٠٧٥﴾ أَوْزِعْنِي شُكْرَكَ عَلَىٰ مَوَاهِبِكَ؛ إقبال الأعمال ص: ٦٣٨
﴿٣٠٧٦﴾ الصَّادِقِينَ عليهم السلام: أَوْزِعْنِي شُكْرَكَ وَ أَوْجِبْ لِي الْمَزِيدَ مِنْ لَدُنْكَ؛ مصباح المتعجد ص: ٢٠٨

﴿٣٠٧٧﴾ الرُّسُول عليه السلام: أَوْزِعْنِي لِأَدَاءِ شُكْرِكَ بِكَرَمِكَ؛ المصباح للكفعمي ص: ٦١٢

﴿٣٠٧٨﴾ فَأَوْزِعْنِي شُكْرَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١١١

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۲۵-۱-۳-۵- (روبه‌رو شدن)، مرا با شکرت روبه‌رو کن

﴿۳۰۶۶﴾ ای کسی که روزی بعضی از ما را بیش از دیگران تقسیم کردی، در این تجارت مرا به‌سوی بی‌نیازی و دوری از اشتباه و شکر بسیار سوق ده تا با شکری زیبا آن را بگیرم که موجب شود تو به خاطر آن به من سود رسانی و از جانب من به تو خیر رسد.

۲۶-۱-۳-۵- (الهام کردن)

۱-۲۶-۱-۳-۵- به من الهام کن که شکر نعمت را به‌جای آورم

﴿۳۰۶۷﴾ و ما انسان را به احسان درحق پدر و مادر خویش سفارش کردیم زیرا مادر با رنج و زحمت، حمل او را به عهده گرفت و با درد و مشقت وضع حمل نمود و سی ماه تمام مدت حمل و شیرخواری او بود تا وقتی که آدمی به حدّ رشد رسید و آنگاه که چهل‌ساله شد (و عقل و کمال یافت) (آنگاه سزاوار است که) عرض کند: "بارخدا، مرا بر نعمتی که به من و پدر و مادرم عطا فرمودی شکر بیاموز و به کار شایسته‌ای که رضا و خشنودی تو در آن است موفق بدار و فرزندان مرا صالح گردان، من به درگاه تو بازآمدم و از تسلیم شدگان فرمان تو گشته‌ام".

﴿۳۰۶۸﴾ سلیمان از سخن مور تبسمی کرد و خندید و گفت: "پروردگارا، شکر نعمت‌هایی را که بر من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای به من الهام کن، و توفیق ده تا عمل صالحی که موجب رضای توست انجام دهم، و مرا به رحمت خود در زمره‌ی بندگان صالحت وارد کن".

﴿۳۰۶۹﴾ خداوند، آن را از طرف خودت آسان کن و به ما عافیت و خیر دنیا و آخرت عطا کن و به ما امکان شکر شایسته در مقابل نعمت‌هایی که به ما بخشیدی، مرحمت فرما.

﴿۳۰۷۰﴾ پروردگارا، مرا در اجرای دستورات محکم و استوار ساز و در آن شیرینی یادت را روزی‌ام گردان و مرا بر ادای شکرت توفیق بده ای بهترین یاری‌کنندگان.

﴿۳۰۷۱﴾ شکر نعمتی را که بر من ارزانی داشته‌ای به من الهام کن و این نعمت را بر کسی ارزانی نکرده‌ای مگر اینکه آن را به‌طور کامل به او بخشیده‌ای.

﴿۳۰۷۲﴾ توفیق سپاسگزاری به ما عطا فرما تا شکرگزار آنچه که از نعمت‌هایت به ما بخشیده‌ای باشیم.

﴿۳۰۷۳﴾ پروردگارا، شکر نعمت را به من الهام کن.

﴿۳۰۷۴﴾ پروردگارا، توفیق سپاسگزاری بر نعمت را به من عطا فرما، نعمتی که آن را به من و بر پدر و مادرم عطا فرمودی به تحقیق که تو به من، آن‌چنان روزی داده‌ای که نتوان آن را به شمارش درآورد.

﴿۳۰۷۵﴾ پروردگارا، شکر بخشش‌هایت را به من الهام کن.

﴿۳۰۷۶﴾ پروردگارا، توفیق شکر نعمت‌هایت را به من الهام کن فرما و مرا مستوجب دریافت نعمت بیشتر کن.

﴿۳۰۷۷﴾ پروردگارا، به لطف و کرمات به من توفیق ادای شکر و سپاس به درگاهت را عنایت فرما.

﴿۳۰۷۸﴾ مرا توفیق شکرگزاری‌ات عطا فرما.

﴿۸۹۷﴾

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٠٧٩﴾ الصادق عليه السلام: وَاجْعَلْ ذَلِكَ فِي يُسْرٍ وَيسَارٍ وَعَافِيَةٍ وَأَوْزِغْنِي شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ؛ الكافي ج: ٤ ص: ٧٤

٢-٢٦-١-٣-١-أَوْزِغْنَا أَنْ نَشْكُرَ نِعْمَتَكَ

﴿٣٠٨٠﴾ أَتَمِّمْ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ وَأَوْزِغْنَا أَنْ نَشْكُرَ نِعْمَتَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ١٥٩

﴿٣٠٨١﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ احْمِلْ عَنَّا ثِقَلَهُ وَأَوْجِبْ لَنَا أَجْرَهُ وَأَوْزِغْنَا شُكْرَهُ وَاجْعَلْنَا نُرَاعِيهِ وَنَحْفَظْهُ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٧٣

﴿٣٠٨٢﴾ اللَّهُمَّ فَأَوْزِغْ لَوْلِيكَ شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، وَأَوْزِغْنَا مِثْلَهُ فِيهِ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٢١٦

﴿٣٠٨٣﴾ الرضا عليه السلام: أَوْزِغْنَا أَنْ نَشْكُرَ رَحْمَتَكَ؛ البلد الأمين ص: ١٠٤

﴿٣٠٨٤﴾ الباقر عليه السلام: أَوْزِغْنَا شُكْرَ النِّعْمَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٣٤٤

﴿٣٠٨٥﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: أَوْزِغْنَا شُكْرَ مَا تُنْعِمُ بِهِ عَلَيْنَا؛ الأمان ص: ١٤٥

﴿٣٠٨٦﴾ السجاد عليه السلام: أَوْزِغْنَا شُكْرَكَ وَأَدِّمْ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ وَعَافِيَتَكَ؛ إقبال الأعمال ص: ٢٤٧

﴿٣٠٨٧﴾ أَوْزِغْنَا فِيهِ شُكْرَ نِعْمَتِكَ، وَالْبَسْنَا فِيهِ جُنَّ الْعَافِيَةِ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ١٨٢

﴿٣٠٨٨﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَرِّفْنَا قَدْرَ رَحْمَتِكَ وَنِعْمَتِكَ وَأَوْزِغْنَا شُكْرَهَا بِعِنَايَتِكَ؛ الأمان ص: ١٤٢

﴿٣٠٨٩﴾ الباقر عليه السلام: عَرِّفْنَا قَدْرَ النِّعْمَةِ عَلَيْنَا بِتَعْجِيلِ إِجَابَتِكَ وَتَكْمِيلِ رَحْمَتِكَ وَأَوْزِغْنَا شُكْرَ ذَلِكَ بِحَوْلِكَ وَفُوتِكَ يَا خَيْرَ النَّاصِرِينَ؛ مهج الدعوات ص: ٣٥٤

﴿٣٠٩٠﴾ الكاظم عليه السلام: وَقَفْنَا اللَّهُمَّ فِيهِ لِلطَّاعَةِ وَالتَّوْبَةِ وَاعْصِمْنَا مِنَ الْآثَامِ وَأَوْزِغْنَا فِيهِ شُكْرَ النِّعْمَةِ؛ مستدرك الوسائل ج: ٧ ص: ٤٤٠

٢-٢٦-١-٣-١-أَوْزِغْهُمْ أَنْ يَشْكُرُوا نِعْمَتَكَ

﴿٣٠٩١﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: إِغْفِرْ لَنَا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَأَوْزِغْهُمْ أَنْ يَشْكُرُوا نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ؛ مصباح المتعبد ص: ١٣٤

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۰۷۹﴾ خدایا، آن را در راحتی و توانگری و عافیت قرار بده و به من شکر آنچه را که به من بخشیده‌ای الهام کن.

۲-۲۶-۱-۵-۳-۱- به ما الهام کن که نعمت را شکر گزاریم

﴿۳۰۸۰﴾ خدایا نعمت را بر ما تمام کن و به ما الهام کن که شکر نعمت را به جا آوریم.

﴿۳۰۸۱﴾ خدایا، سنگینی آن را از ما بردار و پاداش آن را بر ما واجب و شکرش را بر ما الهام کن و ما را مراعات کننده و حفظ کننده‌ی آن قرار ده.

﴿۳۰۸۲﴾ خدایا، پس به دوست و ولیّ خود شکر و سپاس آنچه را که بر او نعمت داده‌ای الهام نما و مانند آن شکر و سپاس را به ما نیز الهام فرما.

﴿۳۰۸۳﴾ خدایا، به ما الهام کن تا مهربانی تو را شکر گزار باشیم.

﴿۳۰۸۴﴾ بر ما نعمت عطا فرما تا (به لطف و بخشش) شکر نعمت را به جای آوریم.

﴿۳۰۸۵﴾ توفیق سپاسگزاری نعمت‌هایت را به ما عطا کن.

﴿۳۰۸۶﴾ شکر را به ما الهام کن و نعمت‌ها و عافیت را پیوسته بر ما ارزانی دار.

﴿۳۰۸۷﴾ سپاسگزاری از نعمت و بخشش خود را به ما الهام کن، و لباس عافیت را به ما بپوشان.

﴿۳۰۸۸﴾ بر محمد و خاندانش درود فرست و ارزش رحمت و نعمت خود را به ما بشناسان و به عنایت توفیق سپاسگزاری از آن را به ما الهام فرما.

﴿۳۰۸۹﴾ بشناسان به ما قدر نعمت خود را بر ما به شتاب نمودن در اجابت و تمام کردن رحمت

خود و الهام کن به ما شکرگزاری این را به قدرت و قوّت ای بهترین یاری کنندگان.

﴿۳۰۹۰﴾ خداوند، ما را در آن برای انجام اوامرت و توبه و دوری و طهارت از گناهان موفق بدار

و در آن شکر نعمت را نصیبمان گردان.

۳-۲۶-۱-۵-۳-۱- به آن‌ها الهام کن که نعمت را شکر گزارند

﴿۳۰۹۱﴾ پروردگارا، ما و مردان و زنان مؤمن را بیمارز و ایشان را بر شکرگزاری نعمتی که به

ایشان بخشیدی موفق بدار.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٠٩٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ اللَّهُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى زَادَهُمْ وَالْإِيمَانَ وَالْحِكْمَةَ فِي قُلُوبِهِمْ وَأَوْزِعْهُمْ أَنْ يَشْكُرُوا نِعْمَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٤٣٢

۴-۲۶-۱-۵-۳-۱-۱ جَعَلْنَا مِمَّنْ أَوْزَعْتَهُ شُرَكَ

﴿٣٠٩٣﴾ السَّجَادَ (عليه السلام): إِلَهِي فَاجْعَلْنَا مِنْ أَصْطَفَيْتَهُ لِقُرْبِكَ وَوَلَايَتِكَ وَ... أَلْهَمْتَهُ ذِكْرَكَ وَ
أَوْزَعْتَهُ شُكْرَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٤٨

٥-٢٦-١-٣-٥-١ أسألكَ الِإِيزَاءَ لَشُكْرِي

﴿٣٠٩﴾ الرسول ﷺ: أَسْأَلُكَ الْمَزِيدَ مِنْ فَضْلِكَ وَ الْإِيزَاعَ لَشُكْرِكَ وَ الْاِعْتِدَادَ بِنِعْمَائِكَ؛
البلد الأمين ص: ٣٨٥

۶-۲۶-۱-۵-۳-۱- اَسْأَلُكَ اَنْ تُوزِعَنِي مِنْ شُكْرِ نِعَمَائِكَ

﴿٣٠٩﴾ الرضا (عليه السلام): أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَأَنْ تُوزِعَنِي مِنْ شُكْرِ نِعَمَائِكَ مَا يَلُغُنِي فِي غَاةِ رِضَاكَ؛ الْبُلْدُ الْأَمِينُ ص: ١٠٠

﴿٣٠٩٦﴾ الصادق (عليه السلام): أَسْأَلُكَ بِجُودِكَ أَنْ تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ وَأَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ؛
البلد الأمين ص: ١٨٨

﴿٣٠٩٧﴾ الْبَاقِرُ (الرَّكْعَةُ): أَسْأَلُكَ بِمَكَانِهِمْ عِنْدَكَ وَاسْتَشْفِعُ بِهِمْ إِلَيْكَ وَاقْدُمُهُمْ أَمَامِي وَبَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي وَأَنْ تُزَوِّجَنِي شُكْرَ مَا أَوْلَيْتَنِي بِنِعْمِكَ؛ المصباح للكفعمي ص: ١٣٨

﴿٣٠٩﴾ الصادق (عليه السلام): أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَقَدْ اسْتَشْفَعْتَ بِهِمْ إِلَيْكَ وَقَدَّمْتَهُمْ أَمَامِي وَبَيْنَ يَدَيِ حَوَائِجِي وَأَنْ تُزْعِنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ فِي التَّوْفِيقِ لِمَعْرِفَتِهِ وَالْهُدَايَةِ إِلَى طَاعَتِهِ؛

مفتاح الفلاح ص: ٢٢٦

﴿٣٠٩﴾ الصادق عليه السلام: فَقَدْ اسْتَشْفَعْتُ بِهِمْ إِلَيْكَ وَ قَدَّمْتُهُمْ أَمَامِي وَ بَيَّنَّ يَدَيَّ حَوَائِجِي وَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ كِفَايَتِكَ فِي حِرْزِ حَرِيزٍ وَ مِنْ كَلَاءِ تَكْتَحْتُ عِزَّ عَزِيزٍ وَ تُوزَعْنِي شُكْرَ الْأَلَائِكَ وَ

مِنْكَ؛ مفتاح الفلاح ص: ٢١٦

٢٧-١-٥-٣-١-(وفق)

١-٢٧-١-٥-٣-١- وَقَفَنِي لِلشُّكْرِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۰۹۲﴾ خدایا، مردان و زنان با ایمان، و مردان و زنان مسلمان را بیامرز، خداوند تقوی را توشه‌ی راه آنان ساز، و ایمان و حکمت را در دل‌هایشان قرار ده، و ایشان را بر آن دار که در برابر نعمت‌هایی که به آنان عطا فرموده‌ای شکرگزاری کنند.

۴-۲۶-۱-۵-۳-۱- ما را از کسانی قرار ده که شکر را به آنها الهام کردی

﴿۳۰۹۳﴾ پروردگارا، ما را از زمره‌ی کسانی قراربده که آنان را برای نزدیکی به خود و به ولایت برگزیده‌ای... یادت را در دلشان قراردادی و شکرگزاری را به ایشان الهام کردی.

۵-۲۶-۱-۵-۳-۱- از تو الهام کردن شکر را درخواست می‌کنم

﴿۳۰۹۴﴾ فضل بیشتر، توفیق شکر و آمادگی و لیاقت برای دریافت نعمت‌هایت را خواستارم.

ع-۲۶-۱-۵-۳-۱- از تو درخواست می‌کنم که شکر نعمت‌هایت را به من الهام کنی

﴿۳۰۹۵﴾ از تو درخواست می‌کنم که بر محمد ﷺ، بنده و فرستاده‌ات درود فرستی و شکر نعمت‌هایت را به من به‌گونه‌ای الهام کنی که با آن به نهایت رضایت تو دست یابم.

﴿۳۰۹﴾ پروردگارا، از توبه حق جود و بخشش و کرمیت تقاضا می‌کنم، که مرا به خود نزدیک سازی شکر و سپاسگزاری را بر من الهام کنی.

﴿۳۰۹۷﴾ خدایا به مقام و منزلتشان در پیشگاهت، خدایا درخواست می‌کنم، و آنان را به درگاه تو شفیع می‌آورم، و ایشان را برای عرضه کردن نیازهای خویش پیش می‌فرستم و می‌خواهم که توفیق شکر نعمت‌هایی را که به من ارزانی داشته‌ای به من عطا فرمایی.

﴿۳۰۹۸﴾ از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی، و من به‌واسطه‌ی آنان به درگاه تو شفاعت جسته و آنان را پیشاپیش خود و نیازهایم به درگاهت عرضه می‌کنم، و نیز می‌خواهم که شکر نعمت را در توفیق‌یافتن به شناخت او امام زمان علیه السلام و هدایت‌شدن به فرمان‌پرداریش را به من ارزانی داری.

﴿۳۰۹۹﴾ من به واسطه‌ی ایشان از تو شفاعت خواستم، و آنان را پیشاپیش خود و نیازهایم واداشتم، و اینکه در دژ محکمی از مراقبت و بی‌نیاز کردن خویش، و در زیر سایه‌ی محکمی تحت حفظ و حمایت خود قرارم دهی، و سیاس نعمت‌ها و بخشش‌هایت را به من ارزانی داری.

۲۷-۱-۵-۳-۱- موفق شدن

۱-۲۷-۱-۵-۳-۱- برای شکرگزاری توفیقم ده

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣١٠٠﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَوَقِّنِي لِلْحَمْدِ عَلَى نِعْمَتِكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ وَ الشُّكْرِ لِإِحْسَانِكَ الَّذِي أَسَدَيْتَ إِلَيَّ؛ بحار الأنوار ج: ٨٦ ص: ٣٧٩

١-٣-٥-١-٢٧-٢ وَوَقِّنَا لَشُكْرِ النِّعَمِ

﴿٣١٠١﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَوَقِّنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَ لَيْلَتِنَا هَذِهِ وَ فِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ، وَ هِجْرَانِ الشَّرِّ، وَ شُكْرِ النِّعَمِ؛ الصحيفة السجادية (عليه السلام) ص: ٤٨

١-٣-٥-١-٢٧-٣ أَرْزُقْنِي شُكْرَكَ بِدَوَامِهِ بِتَوْفِيقِكَ

﴿٣١٠٢﴾ الرسول (ﷺ): اللَّهُمَّ أَعِنِّي فِيهِ عَلَى صِيَامِهِ وَ قِيَامِهِ وَ اجْنُبْنِي فِيهِ مِنْ هَفَوَاتِهِ وَ آثَامِهِ وَ ارْزُقْنِي فِيهِ ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ بِدَوَامِهِ بِتَوْفِيقِكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٧

١-٣-٥-١-٢٧-٤ إِنَّكَ وَوَقَّقْتَنَا لِلشُّكْرِ

﴿٣١٠٣﴾ الرسول (ﷺ): اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ هَذِهِ الْأَرْضَ مِنْ جُمْلَةِ شُهُودِنَا يَوْمَ مَوْعُودِنَا إِنَّكَ ارْتَضَيْتَنَا فِيهَا لِعِبَادَتِكَ وَ أَهْلَتَنَا لِلتَّشْرِيفِ بِطَاعَتِكَ وَ وَوَقَّقْتَنَا لِلشُّكْرِ لِنِعْمَتِكَ؛ الأمان ص: ١٤١

١-٣-٥-١-٢٨ (وقف)، وَوَقُّوْنَا عَلَيْهِ مِنْ شُكْرِ آلَائِكَ

﴿٣١٠٤﴾ الكاظم (عليه السلام): اللَّهُمَّ ارْحَمْنَا بِحَقِّهِمْ وَ أَجِرْنَا مِنْ مَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ بِوَلَايَتِهِمْ وَ أَوْزِدْنَا مَوَارِدَ الْأَمْنِ مِنْ أَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ بِحُبِّهِمْ وَ إِفْرَارِنَا بِفَضْلِهِمْ وَ اتِّبَاعِنَا آثَارَهُمْ وَ اهْتِدَائِنَا بِهُدَاهُمْ وَ اعْتِقَادِنَا مَا عَرَفُونَاهُ مِنْ تَوْحِيدِكَ وَ وَوَقُّوْنَا عَلَيْهِ مِنْ تَعْظِيمِ شَانِكَ وَ تَقْدِيرِ أَسْمَائِكَ وَ شُكْرِ آلَائِكَ؛ المصباح للكفعمي ص: ٦٩٠

١-٣-٥-١-٢٩ (وهب)

١-٣-٥-١-٢٩-١ هَبْ لِي شُكْرًا

﴿٣١٠٥﴾ الباقر (عليه السلام): هَبْ لِي شُكْرًا تَرْضَى بِهِ عَنِّي وَ حَمْدًا عَلَيَّ مَا أَلْهِمْتَنِي؛ جمال الأسبوع ص: ٣٩٦

﴿٣١٠٦﴾ الصادق (عليه السلام): هَبْ لِي أَنْسًا وَ عَاقِبَةً صِدْقِ ذُكُورًا وَ إِنَانًا أَسْكُنُ إِلَيْهِمْ مِنَ الْوَحْشَةِ وَ أَنْسُ بِهِمْ مِنَ الْوَحْدَةِ وَ أَشْكُرُكَ عَلَى تَمَامِ النِّعَمِ؛ الكافي ج: ٦ ص: ٩

﴿٣١٠٧﴾ الصادق (عليه السلام): هَبْ لِي عَاقِبَةً صِدْقِ ذُكُورًا وَ إِنَانًا أَنْسُ بِهِمْ مِنَ الْوَحْشَةِ وَ أَسْكُنُ إِلَيْهِمْ مِنَ الْوَحْدَةِ وَ أَشْكُرُكَ عِنْدَ تَمَامِ النِّعْمَةِ؛ الكافي ج: ٦ ص: ٧

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣١٠٨﴾ الصادق (عليه السلام): هَبْ لِي فِيهِ أَمْنًا وَ إِيْمَانًا وَ عَافِيَةً وَ يُسْرًا وَ صَبْرًا وَ شُكْرًا؛

المصباح للكفعمي ص: ٢٣٥

﴿٣١٠٩﴾ الباقِرُ الرَّحْمَنُ: وَهَبْ لِي شُكْرًا تَرْضَى بِهِ عَنِّي وَحَمْدًا عَلَيَّ مَا أَهْمَمْتَنِي؛ جَمَالُ الْأُسْبُوعِ

ص: ۳۹۶

٢-٢٩-١-٥-٣-١. أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يَهَبَ لَنَا شُكْرًا

﴿٣١٠﴾ الصادق عليه السلام: أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي بِيَدِهِ مَا دَقَّ وَحَلَّ وَبِيَدِهِ أَقْوَاتُ الْمَلَائِكَةِ أَنْ يَهَبَ لَنَا

فِي سَفَرِنَا أَمْنَةً وَ إِيْمَانًا وَ سَلَامَةً وَ إِسْلَامًا وَ فِيْهَا وَ تَوْفِيقًا وَ بَرَكَهً وَ هُدًى وَ شُكْرًا؛ بحار الأنوار

ج: ۷۳ ص: ۲۵۰

٣-٢٩-١-٥-٣-١ سَأَلْتُهُ أَنْ يَهَبَ لِي قَلْبًا شَاكِرًا

﴿٣١١﴾ الْعَسْكَرُ الْعَسْكَرُ: سَأَلَتْهُ بِهِمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَنْ يَهَبَ لِي لِسَانًا لَتَمَجِّدِيهِ وَتَنَائِيهِ ذَاكِرًا وَ

قَلْبًا لِلَّهِ شَاكِرًا وَعَلَى الدَّوَاهِي الدَّاهِيَةِ لِي صَابِرًا؛ بحار الأنوار ج: ٢٢ ص: ٣٦٩

﴿٣١١٢﴾ الرسول ﷺ: سَأَلْتُهُ بِهِمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَنْ يَهَبَ لِي لِسَانًا ذَاكِرًا لِتَحْمِيدِهِ وَثَنًا لَهُ وَقَلْبًا

شَاكِرًا لِّلَّآلِهَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٢٢

١٠٣-١-٥-٣-١ (يقظ)

١-٣٠-١-٥-٣-١- نَسْأَلُكَ أَنْ تُوَقِّظَنَا لِلشُّكْرِ

﴿٣١٣﴾ الرسول ﷺ: نَسْأَلُكَ بِتِلْكَ الْمَرَاحِمِ وَالْمَكَارِمِ أَنْ تَتَوَلَّائَنَا فِي هَذَا الْمَنَامِ وَتَجْزِيَنَا

عَلَى مَا عَوَّدْتَنَا مِنَ الْإِنْعَامِ وَالْإِكْرَامِ وَالْكَرَامَةِ مِنَ الْأَسْقَامِ وَالْأَلَامِ وَأَذَى الْأَنَامِ وَالْأَثَامِ وَتَوَضُّأِ

يَقْظَةُ الْحَافِظِينَ لِأَدَابِ الْإِسْلَامِ وَشُكْرَ مَا أَوْكَيْتَنَا مِنَ النِّعَمِ الْجَسَامِ؛ الْأَمَانُ ص: ١٤٧

٢-٥-٣-١- طَلَبُ عَدَمِ سَلْبِ الشُّكْرِ

۱-۲-۵-۳-۱۔ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ عَنْ شُكْرِكَ

﴿٣١١٤﴾ الصادق (عليه السلام): لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ عَنْ ذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ؛ إقبال الأعمال ص: ٤٤٣

۲-۲-۵-۱- لَا تَذْهَبْ عَنِّي شُكْرُكَ

﴿٣١١٥﴾ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ، وَلَا تَذْهَبْ عَنِّي شُكْرَكَ، بَلِّ الْأَرْمَنِ فِي أَحْوَالِ السَّهْوِ عِنْدَ غَفَلَاتِ

الْجَاهِلِينَ لِأَلَّا تَكُ، وَأَوْزَعْنِي أَنْ أَتْنِي بِمَا أَوْلَيْتَنِيهِ، وَاعْتَرَفَ بِمَا أَسْدَيْتَهُ إِلَيَّ؛ الصَّحِيفَةُ السَّجَادِيَّةُ

العليه ص: ٢٢٨

۱-۳-۵-۲-۳- لَا تَشْغَلْنِي عَنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۱۰۸﴾ به من در این سفر امنیت و ایمان و سلامتی و آسانی در کارها و صبر در بلاها را و شکرگزاری در نعمتها را ببخش.

﴿۳۱۰۹﴾ خدایا، به من شکری عطا فرما که تو با آن از من راضی شوی و ستایشی به خاطر آنچه به من الهام کرده‌ای.

۲-۲۹-۱-۳-۵-۱- از خداوند می‌خواهم که به ما توفیق شکرگزاری عطا کند.

﴿۳۱۱۰﴾ از خدایی درخواست می‌کنم که هر ریزودرشتی به دست اوست و، روزی فرشته‌ها نیز در دست قدرتمند اوست، از او می‌خواهم که در سفر به من آسودگی و ایمان و سلامت و اسلام و فهم و توفیق و برکت و هدایت و شکر را عطا فرماید.

۳-۲۹-۱-۳-۵-۱- از او می‌خواهم که قلبی شکرگزار به من ببخشد

﴿۳۱۱۱﴾ از خدا خواستم تا به خاطر آن‌ها علیهم‌السلام به من زبانی گویا به تمجید و ثنایش ببخشد و قلبی شاکر نعمتها و صبور در مصیبت‌های بزرگش عطا کند.

﴿۳۱۱۲﴾ سؤال کردم آن را از ایشان علیهم‌السلام که بخشید برای من زبانی گویای ذکر برای حمد و ثنای الهی و قلبی که خاضع و شاکر است در برابر نعمت‌هایش.

۳۰-۱-۳-۵-۱- (بیدارشدن)

۱-۳۰-۱-۳-۵-۱- از تو درخواست می‌کنم که ما را برای شکرگزاری بیدار کنی

﴿۳۱۱۳﴾ به حق این لطف‌ها و بزرگواری‌ها، از تو می‌خواهم در این خواب سرپرستمان باشی نعمت‌هایی را که به بهره‌مندی از آن عادت‌مان داده‌ای اعم از لطف‌ها و گرمی داشت‌ها و دور کردن از دردها و بیماری‌ها و دردسرهای خواب و گناهان را بر ما روانه ساز؛ و آن‌چنان که نگهبانان آداب اسلام را بیدار کردی، بیدارمان کن و توفیق شکر بر نعمت‌های بزرگی که به ما داده‌ای نصیبمان کن.

۲-۱-۳-۵-۱- درخواست بازپس گرفته‌نشدن توفیق شکر

۱-۲-۱-۳-۵-۱- مرا از غافلان و افراد بی‌توجه به شکرگزاری‌ات قرار مده

﴿۳۱۱۴﴾ پروردگارا، مرا از زمره‌ی غافلین از یاد و شکر قرار نده.

۲-۲-۱-۳-۵-۱- شکر و سپاست را از من زایل نکن

﴿۳۱۱۵﴾ پروردگارا، یاد خود را از یادم مبر و شکر و سپاس خود را از من زایل مکن، بلکه آن را در حالات غفلت، هنگام فراموشی‌های نادانان نسبت به نعمت‌هایت، همیشه همراه من قرار ده، و به من الهام کن که آنچه را به من عطا کرده‌ای ستایش کنم، و به آنچه به من لطف کرده‌ای اقرار کنم.

۳-۲-۱-۳-۵-۱- مرا از سپاسگزاری نعمت غافل مساز

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣١١٦﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ لَا تَشْغَلْنِي فِي الدُّنْيَا عَنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ وَلَا بِكَثَارِ فِيهَا فَتُلْهِبَنِي عَجَائِبُ بَهْجَتِهَا وَتَفْتِنَنِي زَهْرَتِهَا وَلَا بِإِقْلَالٍ يُضِرُّ بِعَمَلِي ضَرُّهُ وَ يَمَلَأُ صَدْرِي هَمُّهُ؛
من لا يحضره الفقيه ج: ٢ ص: ٥٩٧

﴿٣١١٧﴾ الصادق عليه السلام: لَا تَشْغَلْنِي فِيهَا عَنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ بِكَثَارِ مِنْهَا فَتُلْهِبَنِي عَجَائِبُ بَهْجَتِهِ وَتَفْتِنَنِي زَهْرَاتُ زِينَتِهِ وَلَا بِإِقْلَالٍ مِنْهَا فَيَقْصُرَ بِعَمَلِي كَدُّهُ وَ يَمَلَأُ صَدْرِي هَمُّهُ بَلْ أَعْطِنِي مِنْ ذَلِكَ غَنًى مِنْ شِرَارِ خَلْقِكَ وَ بَلَاغًا أَنَالُ بِهِ رِضْوَانَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٣٣٨

﴿٣١١٨﴾ الكاظم عليه السلام: لَا تَشْغَلْنِي مِنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٤٥

١-٣-٥-٢-٤ لَا تُنْسِنَا شُكْرَكَ

﴿٣١١٩﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ أَطْلِقِ أَلْسِنَتَنَا بِذِكْرِكَ وَلَا تُنْسِنَا شُكْرَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٢٦٢

١-٣-٥-٢-٥ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا فَيَقْصُرُ شُكْرِي

﴿٣١٢٠﴾ اللَّهُمَّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَحِيدًا مُسْتَوْحِشًا فَيَقْصُرُ شُكْرِي عِنْدَ تَفَكُّرِي؛ مستدرک الوسائل ج: ١٥ ص: ١١٩

﴿٣١٢١﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَحِيدًا وَخَشًا فَيَقْصُرُ شُكْرِي عَنْ تَفَكُّرِي؛ الكافي ج: ٦ ص: ٩

١-٣-٥-٣ الإِعْتِدَارُ مِنْ عَدَمِ الشُّكْرِ

١-٣-٥-٣-١ أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ مِنْ مَعْرُوفٍ لَمْ أَشْكُرْهُ

﴿٣١٢٢﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ مِنْ مَظْلُومٍ ظَلِمَ بِحَضْرَتِي فَلَمْ أَنْصُرْهُ، وَمِنْ مَعْرُوفٍ أُسَدِي إِلَيَّ فَلَمْ أَشْكُرْهُ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ١٦٦

١-٣-٥-٤ الإِسْتِعَاذَةُ مِنْ عَدَمِ الشُّكْرِ

١-٣-٥-٤-١ أَعُوذُ بِكَ مِنْ تَرْكِ الشُّكْرِ، أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَجْعَلَ شَيْئًا مِنْ شُكْرِي لِغَيْرِكَ

﴿٣١٢٣﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيْجَانِ الْجِرْصِ... وَ تَرْكِ الشُّكْرِ لِمَنْ اصْطَنَعَ الْعَارِفَةُ عِنْدَنَا؛
الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٥٦

﴿٣١٢٤﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَجْعَلَ شَيْئًا مِنْ شُكْرِي فِيمَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ لِغَيْرِكَ أَطْلُبُ بِهِ رِضَا خَلْقِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٣٢٦

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۱۱۶﴾ خدایا، مرا سرگرم دنیا نساز زیاده‌خواهی در دنیا نکن تا از شکر نعمت‌هایت بازمانم و مبادا شگفتی‌های زیبای آن مرا غافل نسازد و درخشندگی‌های آن مرا به‌سوی خود کشد و مبادا کمبودهایی داشته باشم که فقدايش به عملم ضرر می‌رساند و حزن آن قلبم را فراگیرد.

﴿۳۱۱۷﴾ به‌واسطه‌ی زیادی نعمت مرا از شکر آن بازدار، و مبادا زیبایی‌های آن مرا به خود سرگرم سازد، و درخشندگی شکوفه‌هایش مرا فریب دهد (یا گمراه سازد) و نیز مرا به کمی نعمت دچار مساز که رنج به‌دست‌آوردن آن مرا از اعمال و عباداتم بازدارد و اندوه به‌دست‌آوردنش سینهام را فراگیرد و بفشارد، بلکه به من بی‌نیازی به بندگان بدکارت ببخش و مرا به رضایت و خرسندی‌ات برسان.

﴿۳۱۱۸﴾ مرا از شکر نعمتت، بازدار.

۴-۲-۵-۳-۱- شکرگزاری را فراموشمان مساز

﴿۳۱۱۹﴾ پروردگارا، زبانمان را به یادت گویا فرما و شکر را از خاطرم مان مبر.

۵-۲-۵-۳-۱- تنها رهایم مساز تا در شکرگزاری‌ام کوتاهی نشود

﴿۳۱۲۰﴾ خدایا، مرا تک‌وتنها و ترسان رها نکن که هنگام تفکر، کم شکر کنم.

﴿۳۱۲۱﴾ خدایا، مرا تک‌وتنها و ترسان رها نکن که هنگام تفکر، کم شکر کنم.

۳-۵-۳-۱- عذرخواهی از شکرگزاری نکردن

۱-۳-۵-۳-۱- بابت لطفی که شکرش را به‌جای نیاوردم از تو پوزش می‌خواهم

﴿۳۱۲۲﴾ خدایا، من به درگاه تو عذر می‌خواهم از اینکه ستم‌کشیده‌ای که در برابر من به او ستم رسیده و من او را یاری نکرده باشم و از لطف‌هایی که به من شده باشد و سپاس آن را به‌جا نیاورده باشم.

۴-۲-۵-۳-۱- پناه‌بردن به خدا از عدم شکرگزاری

۱-۳-۵-۴-۱- از ترک شکر به تو پناه می‌آورم، به تو پناه می‌برم از اینکه

شکرگزاری‌ام را برای غیر تو به‌جای آورم

﴿۳۱۲۳﴾ خدایا، از حرص و آز... و ناسپاسی از کسی که به ما نیکویی کرده است به تو پناه می‌برم.

﴿۳۱۲۴﴾ خداوندا، به تو پناه می‌برم از این که ذره‌ای از شکرگزاری‌ام در مقابل نعمتی را که به من عطا کردی، به دیگری متوجه کنم و با آن در پی جلب رضایت بندگان باشم دادی.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣١٢٥﴾ الصادق عليه السلام: أَعُوذُ بِجَلَالِ وَجْهِكَ وَكَرَمِ جَلَالِكَ مِنْ خِزْيِكَ وَكَشْفِ سِتْرِكَ وَ نِسْيَانِ ذِكْرِكَ وَالْإِضْرَابِ عَنْ شُكْرِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٣٠٩
 ﴿٣١٢٦﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: أَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِكَ وَمِنْ كَشْفِ سِتْرِكَ وَمِنْ نِسْيَانِ ذِكْرِكَ وَ الْإِنْصِرَافِ مِنْ شُكْرِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٢١٢

١-٣-٤-٦- مَصَادِيقُ الشَّاكِرِ وَالشَّكُورِ

١-٣-٤-١- اللهُ جَلَّ جَلَالُهُ وَ رَاجِعُ: الْفَصْلُ الثَّالِثُ

﴿٣١٢٧﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: يَا خَيْرَ الشَّاكِرِينَ: الْبِلْدَ الْأَمِينِ ص: ٢٢١

١-٣-٤-٢- آدَمُ وَ حَوَاءُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ

﴿٣١٢٨﴾ الرضا عليه السلام: فَلَمَّا آتَاهُمَا صَالِحًا مِنَ النَّسْلِ خَلَقًا سَوِيًّا بَرِيئًا مِنَ الزَّمَانَةِ وَالْعَاهَةِ كَانَ مَا آتَاهُمَا صِنْفَيْنِ صِنْفًا ذُكْرَانًا وَ صِنْفًا إِنَاثًا فَجَعَلَ الصَّنَفَانِ لِلَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ شُرَكَاءَ فِيمَا آتَاهُمَا وَ لَمْ يَشْكُرَاهُ كَشُكْرِ آبَوَيْهِمَا لَهُ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ؛ بحار الأنوار ج: ١١ ص: ٧٨

﴿٣١٢٩﴾ الرضا عليه السلام: إِنَّ حَوَاءَ وَلَدَتْ لِآدَمَ خَمْسِمِائَةَ بَطْنٍ فِي كُلِّ بَطْنٍ ذَكَرًا وَ أُنْثَى وَ إِنْ آدَمَ وَ حَوَاءَ عَاهَدَا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ دَعَوَاهُ وَ قَالَا لَئِنْ آتَيْنَا صَالِحًا لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ١١ ص: ٧٨

١-٣-٤-٣- آلُ دَاوُدَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ

﴿٣١٣٠﴾ الرضا عليه السلام: إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ وَرَثْنَا الْعَفْوَ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَ وَرَثْنَا الشُّكْرَ مِنْ آلِ دَاوُدَ؛ الكافي ج: ٨ ص: ٣٠٨

١-٣-٤-٤- إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

﴿٣١٣١﴾ شَاكِرًا لِأَنْعَمِهِ / جَتْبَاهُ وَ هَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ؛ النحل: الآية ١٢١
 ﴿٣١٣٢﴾ الصادق عليه السلام: فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى قَالَ إِنَّهُ كَانَ يَقُولُ إِذَا أَصْبَحَ وَ أَمْسَى أَصْبَحْتُ وَ رَبِّي مَحْمُودٌ أَصْبَحْتُ لَا أَشْكُرُ بِاللَّهِ شَيْئًا وَ لَا أَدْعُو مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَ لَا أَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ وَلِيًّا فَسُمِّيَ بِذَلِكَ عَبْدًا شَكُورًا؛ وسائل الشيعة ج: ٧ ص: ٢٢٦
 ﴿٣١٣٣﴾ الصادق عليه السلام: فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ سَلِّ مِنْ زِيَادَةِ الْعُمُرِ مَا أَحْبَبْتَ تُعْطَهُ قَالَ فَأَخْبَرَ إِبْرَاهِيمُ سَارَةَ بِذَلِكَ فَقَالَتْ لَهُ سَلِّ اللَّهُ أَنْ لَا يُمِيتَكَ حَتَّى تَكُونَ أَنْتَ الَّذِي تَسْأَلُهُ الْمَوْتُ قَالَ فَسَأَلَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۱۲۵﴾ پروردگارا، از ذلت و خواری به روی کریمانه و کرامت شکوهمند تو پناه می‌برم و از اینکه پرده‌ی من کنار رود و نیز از فراموشی و غفلت از یاد تو و از روگرداندن از ادای شکر تو. ﴿۳۱۲۶﴾ پروردگارا، از ذلت و خواری به تو پناه می‌برم و از آنکه پرده‌ی من کنار رود و نیز از فراموشی و غفلت از یاد تو و از روگرداندن از ادای شکر تو.

۶-۳-۱- مصادیق شکر گزار و سپاسگزار

۱-۳-۶-۱ خداوند و.ر.به: کتاب سوم

﴿۳۱۲۷﴾ ای بهترین شکرگزاران و قدردانی‌کنندگان.

۲-۳-۶-۱- آدم و حوا علیهما السلام

﴿۳۱۲۸﴾ وقتی خداوند نسلی صحیح و سالم، بدون هیچ‌گونه بیماری و آفتی به آنان داد، و آنچه خدا به آنان داده بود، دو دسته کردند، گروهی مذکر و گروهی مؤنث، و در انتساب آن دو گروه به خدا برای او شریکانی در نظر گرفتند و مانند پدر و مادرشان خدا را شکر نکردند و خداوند می‌فرماید: "خداوند برتر است از آنچه همتای او قرار می‌دهند".

﴿۳۱۲۹﴾ حوا برای آدم پانصد شکم زایید؛ در هر مرتبه یک پسر و یک دختر، و آدم علیه السلام و حوا با خداوند چنین عهد کردند: اگر خداوند فرزند سالمی به ما بدهی، شکر گزار خواهیم بود.

۳-۳-۶-۱- آل داود علیهم السلام

﴿۳۱۳۰﴾ ما خاندانی هستیم که گذشت را از خاندان یعقوب و شکر و سپاسگزاری را از خاندان داود به ارث برده‌ایم.

۴-۳-۶-۱- ابراهیم علیه السلام

﴿۳۱۳۱﴾ شکرگزار نعمت‌های پروردگار بود خدا او را برگزید و به راهی راست هدایت کرد. ﴿۳۱۳۲﴾ درباره‌ی کلام خداوند عزیز و جلیل که فرمود: او هنگامی که صبح و شب را آغاز می‌کرد چنین می‌گفت: "صبح را آغاز کردم و پروردگارم ستوده شده است و برایش شریکی نمی‌گیرم و همراه با او خدای دیگری را نمی‌خوانم و غیر از او سرپرست دیگری را نمی‌گیرم". به همین دلیل او بنده‌ی بسیار شکرگزار نامیده شد.

﴿۳۱۳۳﴾ خداوند به او وحی کرد که هرچه عمر طولانی بخواهی می‌دهم. آن حضرت به ساره خبر داد که خدا چنین فرموده است. ساره گفت: از خدا بخواه که تو را نمیراند تا زمانی که تو از او بخواهی. آن حضرت آنچه را که ساره گفته بود از خداوند درخواست کرد، و خدای تعالی پذیرفت.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

إِبْرَاهِيمُ رَبَّهُ ذَلِكَ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ ذَلِكَ لَكَ قَالَ فَأَخْبَرَ إِبْرَاهِيمُ سَارَةَ بِمَا أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ فِي ذَلِكَ فَقَالَتْ سَارَةُ لِإِبْرَاهِيمَ اشْكُرْ لِلَّهِ وَاعْمَلْ طَعَامًا وَادْعُ عَلَيْهِ الْفُقَرَاءَ وَ أَهْلَ الْحَاجَةِ؛ بحار الأنوار ج: ١٢ ص: ٧٩

٥-٣-١- أبودرّ عليه السلام

﴿٣١٣٤﴾ قَالَ أَبُو ذَرٍّ أَصْبَحْتُ أَشْكُرُ رَبِّي وَأَشْكُو نَفْسِي؛ بحار الأنوار ج: ٧١ ص: ٣٠٧

٦-٣-١- إدريس عليه السلام

﴿٣١٣٥﴾ أَنْ سَبَّ رَفْعُ إِدْرِيسَ إِلَى السَّمَاءِ أَنْ مَلَكًا بَشَرَهُ بِالْقَبُولِ وَالْمَغْفِرَةِ فَتَمَنَّى الْحَيَاةَ فَقَالَ لَهُ الْمَلَكُ لَمْ تَمْنَنْتِ الْحَيَاةَ قَالَ لِأَشْكُرَ اللَّهَ تَعَالَى فَقَدْ كَانَتْ حَيَاتِي لِطَلَبِ الْقَبُولِ وَ هِيَ الْآنَ لِبُلُوغِ الْمَأْمُولِ قَالَ فَبَسَطَ الْمَلَكُ جَنَاحَهُ وَ رَفَعَهُ إِلَى السَّمَاءِ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ١٢٣

٧-٣-١- أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام

﴿٣١٣٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَكَانَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوَّلَ مَنْ سَجَدَ لِلَّهِ شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ١٩

ص: ٦٠

﴿٣١٣٧﴾ الصادق عليه السلام: آلاَ وَ إِنَّ عَلِيًّا هُوَ الْمَوْصُوفُ بِالصَّبْرِ وَ الشُّكْرِ ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ وَ لَدَى مَنْ

صُلبه؛ بحار الأنوار ج: ٣٧ ص: ٢١١

﴿٣١٣٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا أَكْرَمَ وَلِيَّهُ وَ أَحَبَّهُ أَكْرَمَهُ بِمَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَ لَا أذنٌ سَمِعَتْ فَحَبَّاهَا اللَّهُ لَكَ يَا عَلِيُّ فَقَالَ عَلِيُّ عليه السلام رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ؛ بحار الأنوار ج: ٤٣ ص: ١٠١

﴿٣١٣٩﴾ العسكري عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مِنَ الْحِسَابِ مَا لَا يَبْلُغُهُ عَقُولُ الْخَلْقِ إِنَّهُ يَضْرِبُ أَلْفًا وَ سَبْعِمِائَةً فِي أَلْفٍ وَ سَبْعِمِائَةً ثُمَّ مَا ارْتَفَعَ مِنْ ذَلِكَ فِي مِثْلِهِ إِلَى أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ أَلْفَ مَرَّةٍ ثُمَّ آخِرُ مَا يَرْتَفِعُ مِنْ ذَلِكَ عَدَدُ مَا يَهْبُهُ اللَّهُ لَكَ يَا عَلِيُّ فِي الْجَنَّةِ مِنَ الْقُصُورِ قَصْرٌ مِنْ ذَهَبٍ وَ قَصْرٌ مِنْ فِضَّةٍ وَ قَصْرٌ مِنْ لَوْلُؤٍ وَ قَصْرٌ مِنْ زَبَرَجَدٍ وَ قَصْرٌ مِنْ جَوْهَرٍ وَ قَصْرٌ مِنْ نُورٍ رَبِّ الْعِزَّةِ وَ أَضْعَافِ ذَلِكَ مِنَ الْعَبِيدِ وَ الْخَدَمِ وَ الْخَيْلِ وَ النَّجَبِ تَطِيرُ بَيْنَ سَمَاءِ الْجَنَّةِ وَ أَرْضِهَا فَقَالَ عَلِيُّ عليه السلام

حَمْدًا لِرَبِّي وَ شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٨ ص: ١٦٥

﴿٣١٤٠﴾ أَنَّهُ بَلَغَهُ أَنَّ زَاعِمًا يَزْعُمُ أَنَّهُ يُنْقِصُ عَلِيًّا فَقَامَ فِي أَصْحَابِهِ يَوْمًا فَقَالَ لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أُغْلِقَ بَابِي ثُمَّ لَا أَخْرُجَ مِنْ بَيْتِي حَتَّى يَأْتِيَنِي أَجَلِي بَلْغَنِي أَنْ زَاعِمًا مِنْكُمْ يَزْعُمُ أَنِّي أَنْتَقِصُ خَيْرَ النَّاسِ بَعْدَ نَبِيِّنا عليه السلام وَ أُنَيْسَهُ وَ جَلِيسَهُ وَ الْمَفْرَجَ لِلْكَرْبِ عَنْهُ عِنْدَ الزَّلَازِلِ وَ الْقَاتِلَ لِلْأَقْرَانِ يَوْمَ التَّنَازُلِ لَقَدْ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

آن حضرت ساره را از پاسخ مطلع نمود، ساره گفت برای شکرانه‌ی این نعمت که خدا به تو عنایت کرده، غذایی آماده کن و فقرا و نیازمندان را دعوت کن که بر سر سفره‌ی تو حاضر شوند.

۵-۳-۱- ابوذر رضی الله عنه

﴿۳۱۳۴﴾ ابوذر گفت: در حالی صبح را آغاز می‌کنم که از پروردگارم سپاسگزار و از خودم شاکی‌ام.

۶-۳-۱- ادریس

﴿۳۱۳۵﴾ سبب بالا بردن ادریس به آسمان این بود که: فرشته‌ای به او بشارت قبولی اعمال و آمرزش لغزش‌هایش را داد، او نیز آرزو کرد زنده بماند، فرشته پرسید: برای چه آرزوی حیات داری؟ گفت: برای اینکه سپاس خدا را به‌جای آورم، زیرا در مدت حیات، دعا می‌کردم اعمالم قبول شود، حال که به مقصود خود نایل گشته‌ام، می‌خواهم شکر خدا را به‌جای آورم؛ آن فرشته بال خود را گشود و او را در بر گرفت و به آسمان‌ها برد.

۷-۳-۱- امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب رضی الله عنه

﴿۳۱۳۶﴾ همانا علی رضی الله عنه اولین کسی بود که برای خدای تعالی سجده‌ی شکر به جا آورد.
﴿۳۱۳۷﴾ آگاه باشید، که همانا علی رضی الله عنه؛ شناخته شده به صفت شکیبایی و شکر است، و بعد از او فرزندان‌ش که از صلب او هستند به این صفات آراسته‌اند.

﴿۳۱۳۸﴾ خدای تعالی با نعمت‌هایی ولی و دوست خویش را اکرام کرد و احترام نموده‌است که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده، و ای علی رضی الله عنه خدا آن‌ها را به تو نیز بخشیده‌است. علی رضی الله عنه گفت: خدایا، به من توفیق ده که شکر این نعمتی را که به من عطا کرده‌ای به‌جا آورم.

﴿۳۱۳۹﴾ یا علی رضی الله عنه خداوند آن قدر حساب می‌داند که عقل مخلوقات به آن نمی‌رسد هزار و هفتصد را در هزار و هفتصد ضرب می‌کند سپس این کار را آن قدر انجام می‌دهد تا هزار بار بشود و نهایت آن تعداد قصرهایی می‌شود که خداوند به تو در بهشت می‌بخشد قصری از طلا و قصری از نقره و قصری از مروارید و قصری از زبرجد و قصری از گوهر و قصری از نور. پروردگارت و چندین برابر آن غلام و خدم و حشم و ندیم که بین آسمان و زمین بهشت پرواز می‌کنند، همه را به تو عطا می‌نماید پس علی رضی الله عنه گفت: حمد و شکر پروردگارم را سزااست.

﴿۳۱۴۰﴾ به حسن بصری خبر رسید؛ که کسی گمان برده است که او علی رضی الله عنه را تحقیر کرده است؛ روزی میان اصحابش برخاست و گفت قصد داشتم در خانه‌ام را به روی خود بیندم و تا آخر عمر از خانه‌ام بیرون نیایم، به من خبر رسیده که یکی از شماها مرا متهم نموده‌اید که من علی رضی الله عنه را تحقیر کرده‌ام حال آنکه او بهترین مردم پس از پیامبر ماست و انیس و جلیس او بوده است، در هر شدت و سختی و در واقع گرفتاری از پیامبر رفع گرفتاری و ناراحتی می‌کرد. اوست

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

فَارَقَكُمْ رَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَوَقَّرَهُ وَ أَخَذَ الْعِلْمَ فَوَقَّرَهُ وَ حَازَ الْبَاسَ فَاسْتَعْمَلَهُ فِي طَاعَةِ رَبِّهِ صَابِرًا عَلَى مَضَضِ الْحَرْبِ شَاكِرًا عِنْدَ اللَّأْوَاءِ وَ الْكَرْبِ؛ بحار الأنوار ج: ٤٠ ص: ١١٧

﴿٣١٤١﴾ أَنَّهُ بَلَغَهُ أَنَّ زَاعِمًا يَزْعُمُ أَنَّهُ يُنْقِصُ عَلِيًّا فَقَامَ فِي أَصْحَابِهِ يَوْمًا فَقَالَ لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أُغْلِقَ بَابِي ثُمَّ لَا أَخْرُجَ مِنْ بَيْتِي حَتَّى يَأْتِيَنِي أَجَلِي بَلْغَنِي أَنَّ زَاعِمًا مِنْكُمْ يَزْعُمُ أَنِّي أَنْتَقِصُ خَيْرَ النَّاسِ بَعْدَ نَبِيِّنَا ﷺ وَ أَنَيْسَهُ وَ جَلِيسَهُ وَ الْمُفَرِّجَ لِلْكَرْبِ عَنْهُ عِنْدَ الزَّلَازِلِ وَ الْقَاتِلَ لِلْقُرْآنِ يَوْمَ التَّنَازُلِ لَقَدْ فَارَقَكُمْ رَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَوَقَّرَهُ وَ أَخَذَ الْعِلْمَ فَوَقَّرَهُ وَ حَازَ الْبَاسَ فَاسْتَعْمَلَهُ فِي طَاعَةِ رَبِّهِ صَابِرًا عَلَى مَضَضِ الْحَرْبِ شَاكِرًا عِنْدَ اللَّأْوَاءِ وَ الْكَرْبِ؛ بحار الأنوار ج: ٤٠ ص: ١١٧

﴿٣١٤٢﴾ بِحَقِّ الصَّابِرِ عَلَى الشُّكُورِ مِنَ الصَّابِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٨ ص: ٣٧١

﴿٣١٤٣﴾ الصَّادِقُ ﷺ: بِحَقِّ... أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِي أَوْلَيْتُهُ فَأَلْفَيْتُهُ شَاكِرًا وَ أَلْبَيْتُهُ فَوَجَدْتُهُ صَابِرًا؛

مفتاح الفلاح ص: ٢١٣

﴿٣١٤٤﴾ الرُّسُولُ ﷺ: فَنِعْمَ الْآخُ أَنْتَ وَ نِعْمَ الْخَنَ أَنْتَ وَ نِعْمَ الصَّاحِبُ أَنْتَ وَ كَفَاكَ بَرَضِي اللَّهُ رَضَى فَخَرَّ عَلَى سَاجِدٍ شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى وَ هُوَ يَقُولُ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ؛ بحار الأنوار ج: ٤٣ ص: ١١٢

﴿٣١٤٥﴾ أمير المؤمنين ﷺ: لَمَّا قَالَ لَهُ ابْنُ عَمِّهِ وَ أَخُوهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ كَيْفَ صَبْرُكَ إِذَا ضَرَبْتَ عَلَى قَرْنِكَ وَ اخْتَضَبَ شَيْبُكَ بِدَمِكَ وَ أَنْتَ فِي مِحْرَابٍ صَلَاتِكَ سَاجِدًا لِرَبِّكَ فَقَالَ ﷺ: ذَلِكَ مَقَامُ الشُّكْرِ لَا مَقَامُ الصَّبْرِ؛ قصص الأنبياء للجزائري ص: ٣٥١

﴿٣١٤٦﴾ الرُّسُولُ ﷺ: يَا حُذَيْفَةُ انْطَلِقْ إِلَى حُجْرَةِ كَاشِفِ الْكُرُوبِ وَ عَبْدِ عِلَّامِ الْغُيُوبِ وَ اللَّيْثِ الْهَضُورِ وَ اللَّسَانِ الشُّكُورِ... عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ؛ بحار الأنوار ج: ٣٩ ص: ١٨٦

﴿٣١٤٧﴾ ابن عباس ﷺ: يَعْنِي بِالشَّاكِرِينَ صَاحِبَكَ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ وَ الْمُتَرَدِّينَ عَلَى أَعْقَابِهِمُ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَنْهُ؛ بحار الأنوار ج: ٤١ ص: ٣

﴿٣١٤٨﴾ الرُّسُولُ ﷺ: أَبُو رَافِعٍ وَ عَمَارُ بْنُ يَاسِرٍ يُحَدِّثُونَ عَنْ هِجْرَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ وَ سَاقَ الْحَدِيثَ إِلَى أَنْ قَالَ قَالَ لَهُ النَّبِيُّ ﷺ وَ إِنَّهُ تَعَالَى أَمَرَنِي أَنْ أَمُرَكَ بِالْمَيْبِيتِ عَلَى ضِبْجَاعِي أَوْ قَالَ مَضْجَعِي لَتُخْفِيَ بِمَيْبِيتِكَ عَلَيْهِمْ أَثَرِي فَمَا أَنْتَ قَائِلٌ وَ صَانِعٌ فَقَالَ عَلَى ﷺ: أَوْ تَسْلَمَنَّ بِمَيْبِيتِي هُنَاكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ قَالَ نَعَمْ فَتَبَسَّمَ عَلَى ﷺ ضَاحِكًا وَ أَهْوَى إِلَى الْأَرْضِ سَاجِدًا (شَاكِرًا)

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

کشنده‌ی مبارزان در روزهای جنگ، به تحقیق مردی از شما جدا شده که قرآن را به حدّ کمال می‌دانست و علم فراوان داشت و صاحب شجاعت بی‌مثال بود که آن را در طاعت پروردگارش به کار بست، بر سختی‌های نبرد شکبیا بود و در هنگام سختی‌ها و ناخوشی‌ها شکرگزار کامل است.

﴿۳۱۴۱﴾ به حسن بصری خبر رسید؛ که کسی گمان برده است که او علی علیه السلام را تحقیر کرده است؛ روزی میان اصحابش برخاست و گفت قصد داشتم در خانه‌ام را به روی خود ببندم و تا آخر عمر از خانه‌ام بیرون نیایم، به من خبر رسیده که یکی از شماها مرا متهم نموده‌اید که من علی علیه السلام را تحقیر کرده‌ام حال آنکه او بهترین مردم پس از پیامبر ماست و انیس و جلیس او بوده است، در هر شدت و سختی و در واقع گرفتاری از پیامبر رفع گرفتاری و ناراحتی می‌کرد. اوست کشنده‌ی مبارزان در روزهای جنگ، به تحقیق مردی از شما جدا شده که قرآن را به حدّ کمال می‌دانست و علم فراوان داشت و صاحب شجاعت بی‌مثال بود که آن را در طاعت پروردگارش به کار بست، بر سختی‌های نبرد شکبیا بود و در هنگام سختی‌ها و ناخوشی‌ها شکرگزار کامل است.

﴿۳۱۴۲﴾ تو را به حق امام هادی علیه السلام آن شکیبایی که در میان شکیبایان بسیار شکرگزار است سوگند می‌دهم

﴿۳۱۴۳﴾ تو را به حق... امیرالمؤمنین علیه السلام سوگند می‌دهم او که نعمتش دادی و سپاسگزارش یافتی، بلا بر او نازل کردی و صبور و شکیبایش یافتی

﴿۳۱۴۴﴾ چه خوب برادری و چه خوب دامادی و چه خوب رفیق و همراهی هستی. همین بس که خدا از تو راضی است؛ و تو از هر رضایت دیگری بی‌نیازی. پس علی علیه السلام برای خدای تعالی به خاک افتاد و سجده‌ی شکر نمود و چنین گفت: "پروردگارا، شکر نعمتی را که به من عطا کرده‌ای، روزی ام کن.

﴿۳۱۴۵﴾ وقتی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به او خبر داد: یا علی، چگونه صبر می‌کنی، درحالی که در محراب عبادت به نماز ایستاده‌ای و موی سر و رویت با خون سرت رنگین می‌شود؟ علی علیه السلام در جواب فرمود: چنین موقعیتی مقام شکر و سپاس است نه مقام صبر،

﴿۳۱۴۶﴾ ای حذیفه، به حجره‌ی علی بن ابی طالب برطرف‌کننده‌ی سختی‌ها و بنده‌ی داننده‌ی غیب‌ها و شیر درنده و زبان بسیار شکرکننده روانه شو.

﴿۳۱۴۷﴾ ای محمد، منظور از "شاکرین" در آیه ۱۴۴ آل عمران، دوست تو، علی بن ابی طالب علیه السلام است و منظور از بازگشت کنندگان به روش پیشینیان در آیه ۱۴۹ کسانی هستند که از او روی برگردانند.

﴿۳۱۴۸﴾ ابورافع و عمار یاسر این‌چنین نقل کردند در ارتباط با هجرت امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام پیامبر فرمود: همانا خدای تعالی به من امر کرد تا به تو دستور دهم (ای علی) تا بر سر جای من بخوابی؛ تا مهاجرت کردن من از دشمنان مخفی بماند. پس آیا تو انجام این مأمریت را می‌پذیری و به آن اقدام می‌کنی؟ پس علی علیه السلام عرضه کرد: ای پیامبر خدا، آیا چنانچه من در بستر شما بخوابم، شما به سلامت خواهید بود؟ حضرت فرمود: آری؛ پس امیرالمؤمنین، علیه السلام لبخندی (از سر رضایتمندی) زد و خندید، و به شکرانه‌ی دریافت خبر سلامتی

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

لَمَّا أَنْبَأَهُ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنْ سَلَامَتِهِ فَكَانَ عَلَى السَّلَاطَةِ أَوَّلَ مَنْ سَجَدَ لِلَّهِ شُكْرًا وَ أَوَّلَ مَنْ وَضَعَ وَجْهَهُ عَلَى الْأَرْضِ بَعْدَ سَجْدَتِهِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ١٥٥

﴿٣١٤٩﴾ العسکری ﷺ: يَا عِبَادَ اللَّهِ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ فِي جَلَالَتِهِ وَ إِلَى شَيْثٍ فِي حِكْمَتِهِ وَ إِلَى إِدْرِيسَ فِي نَبَاهَتِهِ وَ مَهَابَتِهِ وَ إِلَى نُوحٍ فِي شُكْرِهِ لِرَبِّهِ وَ عِبَادَتِهِ وَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ فِي وَقَائِهِ وَ خُلَّتِهِ وَ إِلَى مُوسَى فِي بُغْضِ كُلِّ عَدُوٍّ لِلَّهِ وَ مُنَابَذَتِهِ وَ إِلَى عِيسَى فِي حُبِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُعَاشَرَتِهِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؛ بحار الأنوار ج: ١٧ ص: ٤١٨
١-٣-٤-٨- أَهْلُ الْبَيْتِ ﷺ

﴿٣١٥٠﴾ الرضا ﷺ: إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ وَرَثْنَا الْعُفُوفَ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَ وَرَثْنَا الشُّكْرَ مِنْ آلِ دَاوُدَ؛ الكافي ج: ٨ ص: ٣٠٨

﴿٣١٥١﴾ الصادق ﷺ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الشُّكْرِ وَ الرِّضَا؛ إقبال الأعمال ص: ٧١٣
﴿٣١٥٢﴾ اللَّهُمَّ اجْزِهِمْ بِشُكْرِ نِعْمَتِكَ وَ تَعْظِيمِ حُرْمَتِكَ جَزَاءً لَا جَزَاءَ فَوْقَهُ وَ عَطَاءً لَا عَطَاءَ مِثْلُهُ وَ خُلُودًا لَا خُلُودَ يُشَاكِلُهُ وَ لَا يَطْمَعُ أَحَدٌ فِي مِثْلِهِ وَ لَا يَقْدِرُ أَحَدٌ قُدْرَهُ وَ لَا تَهْتَدِي الْأَلْبَابُ إِلَى طَلِبِهِ نِعْمَةً لِمَا شَكَرُوا مِنْ آيَادِيكَ وَ إِرْصَادًا لِمَا صَبَرُوا عَلَى الْأَذَى فِيكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٦ ص: ٣٣٨

﴿٣١٥٣﴾ الصادق ﷺ: دَخَلَ عَلَى فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ ﷺ وَ رَدَّهَ فِي أَيْدِيهِمْ فَتَحِيَّوْا بِهِ وَ قَبِّلُوهُ وَ أَكْثَرُوا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ حَمْدِهِ وَ شُكْرِهِ وَ الثَّنَاءِ عَلَيْهِ؛ إرشاد القلوب ج: ٢ ص: ٢٨٦
﴿٣١٥٤﴾ أمير المؤمنين ﷺ: سَأَلْتُ عَلَى بْنَ أَبِي طَالِبٍ ﷺ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَتَّى يُتَقَىٰ لَهُ الْوَلَدُ فَالَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَتَّى يُتَقَىٰ لَهُ الْوَلَدُ مَا عَمِلَ بِهِذَا غَيْرُ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ نَحْنُ ذَكَرْنَا اللَّهَ فَلَا نَنْسَاهُ وَ نَحْنُ شَكَرْنَاهُ فَلَا نَكْفُرُهُ؛ بحار الأنوار ج: ٣٨ ص: ٦٣
١-٣-٤-٩- أَيُّوبُ ﷺ

﴿٣١٥٥﴾ الصادق ﷺ: إِنَّمَا كَانَتْ بَلِيَّةُ أَيُّوبَ الَّتِي انْتَبَلَىٰ بِهَا فِي الدُّنْيَا لِنِعْمَةِ أَنْعَمَ اللَّهُ بِهَا عَلَيْهِ فَأَدَّى شُكْرَهَا وَ كَانَ إِبْلِيسُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ لَا يُحْجَبُ دُونَ الْعَرْشِ فَلَمَّا صَعِدَ عَمَلُ أَيُّوبَ بَادَأَ شُكْرَ النُّعْمَةِ حَسَدَهُ إِبْلِيسُ فَقَالَ يَا رَبِّ إِنَّ أَيُّوبَ لَمْ يُؤَدِّ شُكْرَ هَذِهِ النُّعْمَةِ إِلَّا بِمَا أَعْطَيْتَهُ مِنَ الدُّنْيَا فَلَوْ حُلَّتْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ دُنْيَاهُ مَا آدَىٰ إِلَيْكَ شُكْرُ نِعْمَةِ فَسَلَّطَنِي عَلَىٰ دُنْيَاهُ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يُؤَدِّي شُكْرَ نِعْمَةٍ فَقَالَ قَدْ سَلَّطْتُكَ عَلَىٰ دُنْيَاهُ فَلَمْ يَدَعْ لَهُ دُنْيَا وَ لَا وَلَدًا إِلَّا أَهْلَكَ كُلَّ ذَلِكَ وَ هُوَ يَحْمَدُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ ثُمَّ رَجَعَ إِلَيْهِ فَقَالَ يَا رَبِّ إِنَّ أَيُّوبَ يَعْلَمُ أَنَّكَ سَتَرْدُ إِلَيْهِ دُنْيَاهُ الَّتِي أَخَذَتْهَا مِنْهُ فَسَلَّطَنِي عَلَىٰ بَدَنِهِ حَتَّىٰ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

پیامبر ﷺ برای انجام سجده‌ی شکر به زمین افتاد. پس علی علیه السلام اولین کسی بود که برای شکرگزاری، سجده به جا آورد و او بعد پیامبر خدا ﷺ اولین شخصی از این امت بود که بعد از سجده صورت به روی خاک گذاشت.

﴿۳۱۴۹﴾ ای بندگان خدا، هر که می‌خواهد به جلالت آدم و به حکمت شیث و به شرافت ادریس و به شکر نوح و به وفاداری و دوستی ابراهیم در با خدا و به غضب و دشمنی موسی با دشمنان خدا و به محبت عیسی به تمام مؤمنان و به معاشرتش با آنان بنگرد باید به علی بن ابی طالب علیه السلام نگاه کند.

۸-۳-۱- اهل بیت علیهم السلام

﴿۳۱۵۰﴾ ما خاندانی هستیم که گذشت را از خاندان یعقوب و شکر و سپاسگزاری را از خاندان داود به ارث برده‌ایم.

﴿۳۱۵۱﴾ درود بر شما ای اهل شکر و رضا.

﴿۳۱۵۲﴾ خدایا، به خاطر شکر نعمت‌ها و بزرگداشت حرمت‌هایت به آن‌ها پاداشی ده که بالاتر از آن پاداشی نبوده و عطایی که مثل آن عطایی نباشد و بقایی به آن‌ها ده که هیچ بقایی نظیر آن نباشد و هیچ کس حتی به چیزی شبیه آن نیز طمع نکند و اندازه‌اش را کسی نداند و اندیشه به خواستش راه نبرد؛ نعمتی به خاطر آنکه الطاف تو را شکر کردند و انتظار آمدن نعمتی به خاطر آنکه در راه تو اذیت را تحمل کنند.

﴿۳۱۵۳﴾ نزد فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام آمد و آن جام را به آنان داد پس آن دو به او تحیت گفتند و او را بوسیدند و خدا را بسیار یاد کردند حمد و شکر و ثنای او را بسیار به جا آوردند.

﴿۳۱۵۴﴾ سؤال کردم از حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام درباره‌ی کلام خدای تعالی که فرموده است: ای کسانی که ایمان آوردید تقوا پیشه کنید آن‌چنان که حق تقوا و پرهیزکاری است. حضرت فرمود: به خدا سوگند جز اهل بیت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله عمل نکرد کسی به این آیه، ما یاد کردیم و ذکر الهی داشتیم و هرگز دچار غفلت و فراموشی نشدیم، و همچنین ما شکر و سپاس خدای تعالی را به جای آوردیم و کفران نورزیدیم.

۹-۳-۱- ایوب علیه السلام

﴿۳۱۵۵﴾ همانا آزمایشی که ایوب در این جهان به آن گرفتار شد، در واقع به خاطر نعمتی بود که خدا به او داد و او هم شکر آن را ادا کرد. ابلیس در آن زمان تا زیر عرش بر او پوشیده نبود و از اینکه شکر نعمت ایوب بالا می‌رفت حسادت می‌ورزید پس به خدا گفت: پروردگارا، ایوب این شکر را در برابر نعمت دنیا که به او داده‌ای انجام می‌دهد و اگر دنیا را از او بگیری شکر نعمت نمی‌کند، مرا بر دنیای او مسلط کن و ببین که شکر نمی‌کند. خداوند فرمود: من تو را به دنیای او مسلط کردم و او از دنیا و فرزندان ایوب چیزی را باقی نگذاشت و همه را نابود کرد و ایوب در همه حال سپاس خدا را می‌گفت، آنگاه ابلیس نزد خدا برگشت و گفت: پروردگارا، ایوب می‌داند دنیایی که از او گرفتی به او برمی‌گردانی پس مرا بر بدنش نیز مسلط کن تا بدانی که شکر

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

تَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يُؤَدِّي شُكْرَ نِعْمَةٍ قَالَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ سَلَّطْتُكَ عَلَىٰ بَدَنِهِ مَا عَدَا عَيْنَيْهِ وَقَلْبَهُ وَلِسَانَهُ وَ سَمِعَهُ؛ بحار الأنوار ج: ١٢ ص: ٣٤٤

﴿٣١٥٦﴾ الصادق عليه السلام: ذَكَرَ أَيُّوبُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ إِنَّ عَبْدِي أَيُّوبَ مَا أَنْعِمُ عَلَيْهِ نِعْمَةً إِلَّا أَزْدَادَ شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ١٢ ص: ٣٥٠

﴿٣١٥٧﴾ الهادي عليه السلام: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْمَاضِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ بَلِيَّةِ أَيُّوبَ الَّتِي ابْتُلِيَ بِهَا فِي الدُّنْيَا لِيَأْتِيَ عِلَّةَ كَانَتْ قَالَ لِنِعْمَةٍ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا فِي الدُّنْيَا فَادَّى شُكْرَهَا وَكَانَ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ لَا يُحِبُّ إِبْلِيسُ دُونَ الْعَرْشِ فَلَمَّا صَعِدَ آدَاءُ شُكْرِ نِعْمَةِ أَيُّوبَ حَسَدَهُ إِبْلِيسُ فَقَالَ يَا رَبِّ إِنَّ أَيُّوبَ لَمْ يُؤَدِّ إِلَيْكَ شُكْرَ هَذِهِ النِّعْمَةِ إِلَّا بِمَا أُعْطِيَتْهُ مِنَ الدُّنْيَا وَلَوْ حَرَمْتُهُ دُنْيَاهُ مَا آدَى إِلَيْكَ شُكْرَ نِعْمَةٍ أَبَدًا قَالَ فَقِيلَ لَهُ إِنِّي قَدْ سَلَّطْتُكَ عَلَىٰ مَالِهِ وَوَلَدِهِ قَالَ فَانْحَدَرَ إِبْلِيسُ فَلَمْ يَبْقَ لَهُ مَالٌ وَلَا وَلَدٌ إِلَّا أُعْطِيَهُ فَلَمَّا رَأَى إِبْلِيسُ أَنَّهُ لَا يَصِلُ إِلَى شَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ قَالَ يَا رَبِّ إِنَّ أَيُّوبَ يَعْلَمُ أَنَّكَ سَتَرْدُ عَلَيْهِ دُنْيَاهُ الَّتِي أَخَذَتْهَا مِنْهُ فَسَلَّطْنِي عَلَىٰ بَدَنِهِ قَالَ فَقِيلَ لَهُ إِنِّي قَدْ سَلَّطْتُكَ عَلَىٰ بَدَنِهِ مَا خَلَا قَلْبَهُ وَلِسَانَهُ وَعَيْنَيْهِ وَ سَمِعَهُ قَالَ فَانْحَدَرَ إِبْلِيسُ مُسْتَعْجِلًا مَخَافَةَ أَنْ تُدْرِكَهُ رَحْمَةُ الرَّبِّ عَزَّ وَجَلَّ فَتَحُولَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَيُّوبَ فَلَمَّا اشْتَدَّ بِهِ الْبَلَاءُ وَكَانَ فِي آخِرِ بَلِيَّتِهِ جَاءَهُ أَصْحَابُهُ فَقَالُوا لَهُ يَا أَيُّوبُ مَا نَعْلَمُ أَحَدًا ابْتُلِيَ بِمِثْلِ هَذِهِ الْبَلِيَّةِ إِلَّا لِسَرِيرَةٍ سُوِّ فَلَعَلَّكَ أَسْرَرْتَ سُوءًا فِي الَّذِي تُبْدِي لَنَا قَالَ فَعِنْدَ ذَلِكَ نَاجَى أَيُّوبُ رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ رَبِّ ابْتَلَيْتَنِي بِهَذِهِ الْبَلِيَّةِ وَأَنْتَ أَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَعْزُضْ لِي أَمْرَانِ قَطُّ إِلَّا الْزِمْتُ [لَزِمْتُ] أَحْسَنَهُمَا عَلَىٰ بَدَنِي وَلَمْ أَكُلْ أَكْلَةً قَطُّ إِلَّا وَ عَلَىٰ خَوَانِي يَتِيمٌ فَلَوْ أَنَّ لِي مِنْكَ مَقْعَدُ الْخَضَمِ لَأَدْبَيْتُ بِحُجَّتِي قَالَ فَعَرَضَتْ لَهُ سَحَابَةٌ فَنَطَقَ فِيهَا نَاطِقٌ فَقَالَ يَا أَيُّوبُ أَذِلَّ بِحُجَّتِكَ قَالَ فَشَدَّ عَلَيْهِ مِئْزَرَهُ وَجِئَا عَلَىٰ رُكْبَتَيْهِ فَقَالَ ابْتَلَيْتَنِي بِهَذِهِ الْبَلِيَّةِ وَأَنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَعْزُضْ لِي أَمْرَانِ قَطُّ إِلَّا الْزِمْتُ [لَزِمْتُ] أَحْسَنَهُمَا عَلَىٰ بَدَنِي وَلَمْ أَكُلْ أَكْلَةً مِنْ طَعَامٍ إِلَّا وَ عَلَىٰ خَوَانِي يَتِيمٌ قَالَ فَقِيلَ لَهُ يَا أَيُّوبُ مَنْ حَبَّبَ إِلَيْكَ الطَّاعَةَ قَالَ فَآخَذَ كَفًّا مِنْ تُرَابٍ فَوَضَعَهُ فِي فِيهِ ثُمَّ قَالَ أَنْتَ يَا رَبِّ؛ بحار الأنوار ج: ١٢ ص: ٣٤٥

١٠-٣-١- الباقر عليه السلام

﴿٣١٥٨﴾ اسْمُهُ مُحَمَّدٌ وَكُنْيَتُهُ أَبُو جَعْفَرٍ وَ لَهُ ثَلَاثَةُ أَلْقَابٍ بَاقِرُ الْعِلْمِ وَ الشَّكِرُ؛ بحار الأنوار

ج: ٤٦ ص: ٢٢٢

١١-٣-١- الْحُجَّةُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

نمی‌کند، خدای عزیز و جلیل فرمود: تو را بر تنش مسلط کردم، به‌جز دو چشم و دل و زبان و گوش‌هایش.

﴿۳۱۵۶﴾ ایوب علیه السلام را یاد کرد و فرمود: خداوند باجلالت فرمود: به بندهام ایوب هیچ نعمتی نمی‌دهم مگر اینکه او شکرگزاری‌اش را بیشتر می‌کند.

﴿۳۱۵۷﴾ از حضرت امام کاظم علیه السلام پرسیدم: بلیه و گرفتاری ایوب در دنیا به چه علتی بود؟ امام علیه السلام فرمودند: علتش نعمتی بود که خداوند متعال در دنیا به ایوب عنایت کرد و وی شکرش را به‌جا آورد و در آن زمان ابلیس از اطراف و نزدیک عرش ممنوع نبود و وقتی ادای شکر ایوب را بالا بردند، ابلیس حسد برد و به درگاه پروردگار عرضه داشت: ایوب شکر آنچه را که به او داده‌ای ادا نموده حال آنکه اگر از نعمت دنیا محروم‌ش کنی هرگز شکر هیچ نعمتی را به‌جا نخواهد آورد. امام علیه السلام فرمودند: به ابلیس گفته شد: من تو را بر مال و فرزند او مسلط کردم، ابلیس از بالا به زمین فرود آمد و هیچ مال و فرزندی برای ایوب باقی نگذارد ولی به مقصود خود نرسید، زیرا ایوب در این حال نیز شکر الهی را به‌جا می‌آورد، ابلیس وقتی دید به مقصودش نرسیده به درگاه الهی عرض کرد: پروردگارا، ایوب می‌داند که آنچه که از وی گرفته‌ای به‌زودی به او بازمی‌گردانی بنابراین شکر را ادا می‌کند، مرا بر بدن او مسلط کن تا اثبات کنم که او شکرگزار نیست. به او گفته شد: تو را بر بدن ایوب به استثنای قلب و زبان و دو چشم و گوشش مسلط کردیم ابلیس به خاطر ترسی که از رسیدن رحمت الهی به ایوب داشت با عجله به زمین آمد و بین او و پروردگارش حائل شد، هنگامی که بلا و گرفتاری بر او شدید شد در پایان بلایا و سختی‌ها اصحابش نزدش آمده و گفتند: ما احدی را سراغ نداریم که به این گرفتاری مبتلا شده باشد مگر به خاطر باطن خبیث و بدی که داشته، شاید تو نیز که در ظاهر، خود را خوب نشان می‌دادی باطنی بد و خبیث داشتی و ما اطلاع نداشتیم، امام علیه السلام فرمودند: امر که به اینجا منتهی شد ایوب علیه السلام به درگاه خدای عزیز و جلیل نالید و عرض کرد: پروردگارا، مرا به این بلیه مبتلا ساختی، تو می‌دانی هرگز دو امری برای من پیش نیامد مگر آنکه موردی را که خشن‌تر بر بدنم بود اختیار کردم و هیچ‌گاه لقمه‌ای نخوردم مگر آنکه بر سر سفرهام یتیمی بود، حال اگر از ناحیه‌ی تو دشمن بخواهد مرا شماتت کند حجج و براهین خود را بیاورم که استحقاق آن را ندارم، امام علیه السلام فرمودند: ابری ظاهر شد و گوینده‌ای در آن به سخن آمد و گفت: ای ایوب برهان و حجت خود را بیاور. امام علیه السلام فرمودند: ایوب لنگ را بر کمر خود محکم کرد و سپس روی دو کنده‌ی زانو قرار گرفت و عرض کرد: خدایا، مرا به این بلیه مبتلا ساختی درحالی‌که می‌دانی هرگز دو امری برای من پیش نیامد مگر آن موردی را که بر بدنم خشن‌تر بود اختیار کردم و از طعامی لقمه‌ای نخوردم مگر آنکه بر سر سفرهام یتیمی بود. امام علیه السلام فرمودند: به ایوب خطاب شد: ای ایوب چه کسی طاعت و بندگی را محبوب تو قرار داد؟ امام علیه السلام فرمودند: ایوب مشتکی از خاک برداشت و در دهان خویش ریخت سپس گفت: پروردگارا، تو بندگی را نزد من محبوب قرار دادی (و من از خود هیچ ندارم جز آنچه که تو به من عطا فرمودی).

۱۰-۳-۱ اما باقر علیه السلام

﴿۳۱۵۸﴾ نامش محمد و کنیه‌ی آن حضرت ابوجعفر بود القاب ایشان باقرالعلم و شاکر.

۱۱-۳-۱ امام زمان علیه السلام

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣١٥٩﴾ الْحَجَّةُ الْكَبْرَى: اللَّهُمَّ وَ مَدِّ فِي عُمْرِهِ وَ زِدْ فِي أَجَلِهِ وَ أَعِنِّهِ عَلَى مَا أَوْلَيْتَهُ وَ اسْتَرْعَيْتَهُ وَ زِدْ فِي كَرَامَتِكَ لَهُ فَإِنَّهُ الْهَادِي الْمَهْدِي الْقَائِمُ الْمُهْتَدِي الطَّاهِرُ النَّقِيُّ الزَّكِيُّ الرَّضِيُّ الْمَرْضِيُّ الصَّابِرُ الْمُجْتَهِدُ الشَّكُورُ؛ بحار الأنوار ج: ٥٣ ص: ١٨٧

١٢-٣-١- خَلَادَةُ بِنْتُ أَوْس

﴿٣١٦٠﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّ خَلَادَةَ بِنْتَ أَوْسَ بَشَّرَهَا بِالْجَنَّةِ وَ أَعْلَمَهَا أَنَّهَا قَرِينَتُكَ فِي الْجَنَّةِ فَانْطَلَقَ إِلَيْهَا فَفَرَّغَ الْبَابَ عَلَيْهَا فَخَرَجَتْ وَ قَالَتْ هَلْ نَزَلَ فِي شَيْءٍ قَالَ نَعَمْ قَالَتْ وَ مَا هُوَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَيَّ وَ أَخْبَرَنِي أَنَّكَ قَرِينَتِي فِي الْجَنَّةِ وَ أَنَّ أُبَشِّرَكَ بِالْجَنَّةِ قَالَتْ أَوْ يَكُونُ اسْمُ وَاقِفٍ اسْمِي قَالَ إِنَّكَ لَأَنْتِ هِيَ قَالَتْ يَا نَبِيَّ اللَّهِ مَا أَكْذَبَكَ وَ لَا وَاللَّهِ مَا أَغْرَفُ مِنْ نَفْسِي مَا وَصَفْتَنِي بِهِ قَالَ دَاوُدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَخْبَرَنِي عَنْ صَمِيرِكَ وَ سَرِيرَتِكَ مَا هُوَ قَالَتْ أَمَّا هَذَا فَسَأُخْبِرُكَ بِهِ أَخْبِرُكَ أَنَّهُ لَمْ يُصْنَبِ وَ جَعَّ قَطُّ نَزَلَ بِي كَأَنَّمَا مَا كَانَ وَ مَا نَزَلَ ضَرْبِي حَاجَةً وَ جُوعٌ كَأَنَّمَا مَا كَانَ إِلَّا صَبْرْتُ عَلَيْهِ وَ لَمْ أَسْأَلِ اللَّهَ كَشْفَهُ عَنِّي حَتَّى يُحَوِّلَهُ اللَّهُ عَنِّي إِلَى الْعَافِيَةِ وَ السَّعَةِ وَ لَمْ أَطْلُبْ بِهَا بَدَلًا وَ شَكَرْتُ اللَّهَ عَلَيْهَا وَ حَمَدْتُهُ فَقَالَ دَاوُدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِيهِذَا بَلَغْتَ مَا بَلَغْتَ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ هَذَا دِينَ اللَّهِ الَّذِي ارْتَضَاهُ لِلصَّالِحِينَ؛ بحار الأنوار ج: ١٤ ص: ٣٨٠

١٣-٣-١- دَاوُدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

﴿٣١٦١﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَعْطَى دَاوُدَ فَشَكَرَ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٦٢

﴿٣١٦٢﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَعْطَى فَشَكَرَ؛ الكافي ج: ٨ ص: ٣٠٨

﴿٣١٦٣﴾ أَوْحَى اللَّهُ إِلَى دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَشْكُرْنِي حَقَّ شُكْرِي قَالَ إِلَهِي أَشْكُرُكَ حَقَّ شُكْرِكَ وَ شُكْرِي إِيَّاكَ نِعْمَةً مِنْكَ فَقَالَ الْآنَ شَكَرْتَنِي وَ قَالَ دَاوُدُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا رَبِّ وَ كَيْفَ كَانَ آدَمُ يَشْكُرُكَ حَقَّ شُكْرِكَ وَ قَدْ جَعَلْتَهُ أَبَ أَنْبِيَائِكَ وَ صَفْوَتِكَ وَ أَسْجَدْتَ لَهُ مُلَائِكُتَكَ فَقَالَ إِنَّهُ عَرَفَ أَنَّ ذَلِكَ مِنْ عِنْدِي فَكَانَ اعْتِرَافُهُ بِذَلِكَ حَقَّ شُكْرِي؛ بحار الأنوار ج: ١٤ ص: ٤٠

﴿٣١٦٤﴾ الرَّسُولُ ﷺ: أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَى دَاوُدَ أَنَّ أَشْكُرْنِي يَا دَاوُدَ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنِّي لِي يَا رَبِّ بِشُكْرِكَ وَ حَمْدِكَ وَ شُكْرِي وَ حَمْدِي إِيَّاكَ مِنْ نِعْمِكَ فَقَالَ يَا دَاوُدَ كَفَى لَكَ بِذَلِكَ شُكْرًا إِذَا اعْتَرَفْتَ بِأَنْ شُكْرَكَ لِي مِنْ نِعْمِي؛ عوالي اللآلي ج: ٤ ص: ٩٨

﴿٣١٦٥﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ دَاوُدَ النَّبِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَا رَبِّ أَخْبَرَنِي بِقَرِينِي فِي الْجَنَّةِ وَ نَظِيرِي فِي مَنَازِلِي فَأَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَيْهِ أَنَّ ذَلِكَ مَتَّى أَبَا يُونُسَ قَالَ فَاسْتَأْذَنَ اللَّهَ فِي زِيَارَتِهِ فَأَذِنَ لَهُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۱۵۹﴾ خدایا، عمر امام زمان علیه السلام را طولانی فرما و بر فرصت زندگانی او بیافزا و او را در اجرای وظائفش یاری رسان و کرامت را بر وی بیافزا که او هدایتگر و هدایتجو و قیامکننده و هدایتشده و پاک و پرهیزکار و منزّه و خرسند و راضی کننده و شکیبیا و تلاشگر و شکرگزار است.

۱۲-۳-۶-۱- خلاصه‌ی دختر اوسی

﴿۳۱۶۰﴾ خدای متعال به حضرت داود علیه السلام وحی فرمود: "به خلاصه دختر اوسی، بشارت و مزدگانی بهشت را اعلام کن و اینکه او در بهشت قرین و هم‌نشین توست". حضرت داود به دنبال این وحی به سوی خانه‌ی او روان شد و در زد آن زن به طرف در آمد و سؤال نمود آیا چیزی درباره‌ی من نازل شده است؟ داود پاسخ مثبت داد و جریان وحی را شرح داد، زن گفت: شاید درباره‌ی کسی که همانم من باشد نازل شده باشد داود گفت: درباره‌ی غیر تو نیست، زن گفت: البته من شما را تکذیب نمی‌کنم ولی به خدا سوگند در خودم صفتی که شایسته‌ی این مقام باشد نمی‌بینم. داود گفت ضمیر و حالت درونی و روحی خود را برای من توضیح بده، زن گفت: مانعی ندارد، آنچه در اندیشه و قلب دارم این است که؛ هرگونه درد و رنجی که به من رسیده و هرگونه مشکل و ناراحتی و نیازمندی و گرسنگی که به من وارد شده در کمال صبر استقبال نموده و حتی از خداوند درخواست برطرف شدن آن را نکرده‌ام تا وقتی که خود خداوند مرا از آن حالت به حالت عافیت و سلامت و توسعه در زندگی منتقل فرمود و فکر نکردم که این لطف و مرحمت الهی پاداش صبر من است، بلکه خداوند را در مقابل این همه نعمت شاکر و سپاسگزار بودم. داود فرمود: "به همین دلیل به این مقام و مرتبه نائل شده‌ای". سپس حضرت صادق علیه السلام فرمود. این همان دین الهی است که برای صالحین و بندگان شایسته‌ی خود پسندیده است.

۱۳-۳-۶-۱- حضرت داود علیه السلام

﴿۳۱۶۱﴾ خداوند به داود پیامبر علیه السلام، نعمت داد و او شکرگزاری کرد.

﴿۳۱۶۲﴾ همانا به داود علیه السلام نعمت داده شد و او سپاس گزارد.

﴿۳۱۶۳﴾ خدای تعالی به داود علیه السلام وحی نمود که: (ای داود) مرا آن چنان که شایسته است شکر کن. داود گفت: پروردگارا، چگونه حق شکر تو را به جای آورم، حال آنکه من خوب می‌دانم شکرگزاری من نیز نعمتی از سوی توست (که به من ارزانی داشته‌ای) پس حق تعالی فرمود: الآن شکر مرا به جای آوردی. (اینکه دانستی همه چیز، حتی شکر تو از جانب من است همان حق شکرگزاری خداوندی من است). داود گفت: ای پروردگارم، حضرت آدم چگونه توانست شکر تو را به جا آورد، درحالی که تو او را پدر پیامبرانت قرار دادی و او را ریشه و اصل تمام خوبان نمودی و به تمام فرشتگان امر کردی در برابرش سجده نمایند؟ پس حق تعالی فرمود: همانا (آدم) می‌دانست که (همه‌ی آن نعمت‌ها که ذکر کردی) از جانب من است پس (این را بدان که) اعترافش به این مطلب، همان به جا آوردن حق شکر من است.

﴿۳۱۶۴﴾ خداوند به حضرت داود علیه السلام وحی کرد: ای داود، مرا شکر کن. داود علیه السلام گفت: پروردگارا، من چگونه می‌توانم شکر و سپاس را به جا آورم در صورتی که همین شکر و سپاس از نعمت‌های تو هستند پس حق تعالی فرمود: ای داود، همین اعتراف به اینکه شکر تو هم از نعمت‌های من است برای شکرگزاری کفایت می‌کند.

﴿۳۱۶۵﴾ حضرت داود علیه السلام به درگاه الهی عرض نمود: پروردگارا، هم‌نشین من در بهشت را که از نظر درجه و منزلت مانند من است به من نشان بده، خداوند به او وحی کرد: او متی پدر یونس است، داود گفت: به من اجازه بده او را ملاقات کنم، و خداوند به او اجازه داد، سپس داود با

﴿شَكَرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

فَخَرَجَ هُوَ وَ سُلَيْمَانُ ابْنُهُ عليه السلام: حَتَّى آتَا مَوْضِعَهُ فَإِذَا هُمَا بَيْتٌ مِنْ سَعَفٍ فَقِيلَ لَهُمَا هُوَ فِي السُّوقِ فَسَالَا عَنْهُ فَقِيلَ لَهُمَا اطْلُبَاهُ فِي الْحَطَّائِينَ فَسَالَا عَنْهُ فَقَالَ لَهُمَا جَمَاعَةٌ مِنَ النَّاسِ نَحْنُ نَنْتَظِرُهُ الْآنَ يَجِيءُ فَجَلَسَا يَنْتَظِرَانِهِ إِذَا أَقْبَلَ وَ عَلَى رَأْسِهِ وَفَرٌ مِنْ حَطَبٍ فَقَامَ إِلَيْهِ النَّاسُ فَأَلْقَى عَنْهُ الْحَطَبَ وَ حَمِدَ اللَّهُ وَ قَالَ مَنْ يَشْتَرِي طَبِيبًا بِطَيْبٍ فَسَاوَمَهُ وَاحِدٌ وَ زَادَهُ آخَرُ حَتَّى بَاعَهُ مِنْ بَعْضِهِمْ قَالَ فَسَلَّمَا عَلَيْهِ فَقَالَ انْطَلِقَا بِنَا إِلَى الْمَنْزِلِ وَ اشْتَرِ طَعَامًا بِمَا كَانَ مَعَهُ ثُمَّ طَحَنَهُ وَ عَجَنَهُ فِي نَقِيرٍ لَهُ ثُمَّ أَجَّجَ نَارًا وَ أَوْقَدَهَا ثُمَّ جَعَلَ الْعَجِينَ فِي تِلْكَ النَّارِ وَ جَلَسَ مَعَهُمَا يَتَحَدَّثُ ثُمَّ قَامَ وَ قَدْ نَضَجَتْ خَبِيزَتُهُ فَوَضَعَهَا فِي النَقِيرِ وَ فَلَقَهَا وَ ذَرَّ عَلَيْهَا مِلْحًا وَ وَضَعَ إِلَى جَنْبِهِ مِطْهَرَةً مَلَأَ [مِلْتًا] مَاءً وَ جَلَسَ عَلَى رُكْبَتَيْهِ وَ أَخَذَ لُقْمَةً فَلَمَّا رَفَعَهَا إِلَى فِيهِ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ فَلَمَّا ارْزَدَرَدَهَا قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ ثُمَّ فَعَلَ ذَلِكَ بِأُخْرَى وَ أُخْرَى ثُمَّ أَخَذَ الْمَاءَ فَشَرِبَ مِنْهُ فَذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ فَلَمَّا وَضَعَهُ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ يَا رَبِّ مَنْ ذَا الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَ أَوْلَيْتَهُ مِثْلَ مَا أَوْلَيْتَنِي قَدْ صَحَحْتَ بَصْرِي وَ سَمِعِي وَ بَدَنِي وَ قَوَّيْتَنِي حَتَّى ذَهَبْتُ إِلَى الشَّجَرِ لَمْ أَغْرُسْهُ وَ لَمْ أَهْتِمَّ لِحِفْظِهِ جَعَلْتَهُ لِي رِزْقًا وَ سَقْتَنِي إِلَى مَنْ اشْتَرَاهُ مِنِّي فَاشْتَرَيْتُ بِثَمَنِهِ طَعَامًا لَمْ أَرْزَعْهُ وَ سَخَّرْتَ لِي النَّارَ فَأَنْضَجْتَهُ وَ جَعَلْتَنِي أَكُلُهُ بِشَهْوَةٍ أَقْوَى بِهِ عَلَى طَاعَتِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ قَالَ ثُمَّ بَكَى دَاوُدُ يَا بُنَيَّ قُمْ فَانْصَرِفْ بِنَا فَإِنِّي لَمْ أَرِ عَبْدًا قَطُّ أَشْكَرَ لِلَّهِ مِنْ هَذَا؛ بحار الأنوار ج: ١٤ ص: ٤٠٢

١٤-٣-١- راحيل

﴿٣١٦٦﴾ أَنَّهُ خَطَبَ رَاحِيلَ فِي الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ فِي جَمْعٍ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ قَبْلَ أَوَّلِيَةِ الْأَوَّلِينَ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ الْبَاقِينَ نَحْمَدُهُ إِذْ جَعَلَنَا مَلَائِكَةً رُوحَانِيِّينَ وَ بَرُوبِيَّةً مُذْعَنِينَ وَ لَهُ عَلَى مَا أَنْعَمَ عَلَيْنَا شَاكِرِينَ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٤ ص: ٢٠٨

١٥-٣-١- السَّجَّادُ عليه السلام

﴿٣١٦٧﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: إِنْ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام كَانَ إِذَا أَرَادَ الْخُرُوجَ إِلَى بَعْضِ أُمُورِهِ اشْتَرَى سَلَامَتَهُ مِنَ اللَّهِ بِمَا تيسَّرَ وَ يَكُونُ ذَلِكَ إِذَا وَضَعَ رِجْلَهُ فِي الرِّكَابِ فَإِذَا سَلَّمَهُ اللَّهُ وَ انْصَرَفَ شَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى وَ تَصَدَّقَ بِمَا تيسَّرَ فَوَدَّعَهُ الرَّجُلُ وَ مَضَى وَ لَمْ يَفْعَلْ مِنْ ذَلِكَ شَيْئًا فَعَطِبَ فِي الطَّرِيقِ فَبَلَغَ ذَلِكَ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام فَقَالَ: كَانَ الرَّجُلُ وَعَظَ لَوْ اتَّعَظَ؛ مستدرک الوسائل

ج: ٨ ص: ١٢٥

١٦-٣-١- سلمان رضي الله عنه

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

پسرش سلیمان به راه افتادند تا به مکانی رسیدند که در آنجا خانه‌ای ساخته شده از شاخه و برگ درخت خرما وجود داشت، در آنجا سراغ متی را گرفتند، گفتند: او در بازار است، سرانجام او را در بازار هیزم‌فروشان درحالی که پشته‌ای هیزم بر پشت داشت یافتند، درحالی که جماعتی از مردم منتظر او بودند، او هیزم را بر زمین نهاد و شکر الهی را به جای آورد و گفت: چه کسی کالای نیکوی مرا با کالای نیکوی دیگر معاوضه می‌کند؟ سرانجام هیزم‌ها را فروخت و به جای آن مقداری گندم تهیه کرد، آنگاه داود و سلیمان نزد او آمدند و بر او سلام کردند، متی پاسخ آن‌ها را داد و آن‌ها را به منزل خود دعوت کرد و طعامی خرید و آتش برافروخت و طعام را روی آن قرار داد و همراه آن دو مشغول صحبت شد، و هنگام غذاخوردن در شروع هر لقمه "بسم الله" می‌گفت و بعد از خوردن آن "الحمد لله" بر زبان می‌آورد، بعد از اتمام غذا گفت: پروردگارا، کیست که به او به اندازه‌ی من نعمت داده باشی؟ چشمم را بینا کردی و گوشتم را شنوا قرار دادی و بدنم را سلامتی و توان بخشیدی و خار و شاخه‌ی درختان را وسیله‌ی تأمین رزق من قرار دادی و کسانی را فرمان دادی که آن هیزم را از من خریداری کنند تا با پول آن طعامی را تهیه کردم که خودم آن را نکشتم و آتش را مسخّر من گردانیدی تا آن طعام را پیزم و به من اشتهایی دادی تا آن را با یاد و شکر تو تناول کنم و بدنم بر طاعت و عبادت قوت گیرد، پس حمد و سپاس شایسته‌ی توست و آنگاه گریست، سپس داود به سلیمان گفت: پسر، برخیز تا برویم من تا امروز بنده‌ای که تا این حد شاکر باشد ندیده بودم.

۱۴-۱-۳-۶-۱۴-۱ راحیل

﴿۳۱۶۶﴾ که راحیل - از فرشتگان مقرب الهی - خطبه را در آسمان هفتم در جمعی از اهل آسمان‌ها خواند و گفت: حمد خدایی را که ازلی است و قبل از هر موجودی وجود داشته، و باقی است بعد از آنکه همه‌ی موجودات فانی می‌شوند، حمد و سپاس می‌گوییم او را که ما را فرشتگان روحانی آفرید و ما را اقرار کننده به ربوبیت و مقام الهی‌اش قرار داد و او را به دلیل نعمت‌هایی که به ما عطا فرموده شکر می‌کنیم.

۱۵-۱-۳-۶-۱۵-۱ امام سجاد علیه السلام

﴿۳۱۶۷﴾ شیوه‌ی علی بن الحسین علیه السلام این بود که چون به‌سوی یکی از املاکش روانه می‌شد، سلامت خود را با صدقه‌ای در حد امکان از خدای عزیز و جلیل می‌خرید، و این عمل را آنگاه که پا در رکاب می‌نهاد انجام می‌داد و چون خدای تعالی او را سالم به منزل برمی‌گرداند خدا را شکر می‌کرد و تا حد امکان صدقه می‌داد مردی با او خداحافظی کرد و روانه‌ی سفر شد و هیچ یک از این اعمال را انجام نداد و در راه مصیبتی به او وارد شد، خبر به امام باقر علیه السلام رسید و فرمود با عمل خود آن مرد را درس داده بودیم، ای کاش درس را فرا می‌گرفت.

۱۶-۱-۳-۶-۱۶-۱ سلمان (ره)

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣١٦٨﴾ الرسول ﷺ: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيَّ قَالَ يَا سَلْمَانُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا وَلَا رَسُولًا إِلَّا جَعَلَ لَهُ اثْنَيْ عَشَرَ نَفِيبًا قَالَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ عَرَفْتُ هَذَا مِنَ الْكِتَابَيْنِ قَالَ يَا سَلْمَانُ فَهَلْ عَلِمْتَ نَفِيبَانِي الْإِثْنَيْنِ عَشَرَ الَّذِينَ اخْتَارَهُمُ اللَّهُ لِلْإِمَامَةِ مِنْ بَعْدِي فَقُلْتُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ يَا سَلْمَانُ خَلَقَنِي اللَّهُ مِنْ صَفَاءِ نُورِهِ فَدَعَانِي فَأَطَعْتُهُ وَخَلَقَ مِنْ نُورِي عَلِيًّا فَدَعَاهُ إِلَى طَاعَتِهِ فَأَطَاعَهُ وَخَلَقَ مِنْ نُورِي وَنُورَ عَلِيِّ ﷺ فَاطِمَةَ فَدَعَاها فَأَطَاعَتْهُ وَخَلَقَ مِنِّي وَمِنْ عَلِيٍّ وَمِنْ فَاطِمَةَ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ فَدَعَاها فَأَطَاعَاهُ فَسَمَانَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِخَمْسَةِ أَسْمَاءٍ مِنْ أَسْمَائِهِ فَاللَّهُ الْمَحْمُودُ وَآنَا مُحَمَّدٌ وَاللَّهُ الْعَلِيُّ وَهَذَا عَلِيُّ وَاللَّهُ فَاطِرُ وَهَذِهِ فَاطِمَةُ وَاللَّهُ الْإِحْسَانُ وَهَذَا الْحَسَنُ وَاللَّهُ الْمُحْسِنُ وَهَذَا الْحُسَيْنُ ثُمَّ خَلَقَ مِنْ نُورِ الْحُسَيْنِ تِسْعَةَ أَلِئِمَّةٍ فَدَعَاهُمْ فَأَطَاعُوهُ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ سَمَاءً مَبْنِيَّةً أَوْ أَرْضًا مَدْحِيَّةً أَوْ هَوَاءً أَوْ مَاءً أَوْ مَلَكًا أَوْ بَشَرًا وَكُنَّا بَعْلِمِهِ أَنْوَارًا نُسَبِّحُهُ وَنَسْمَعُ لَهُ وَنُطِيعُ فَقَالَ سَلْمَانُ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ بَابِي أَنْتَ وَآمِي مَا لِمَنْ عَرَفَ هَؤُلَاءِ فَقَالَ يَا سَلْمَانُ مَنْ عَرَفَهُمْ حَقَّ مَعْرِفَتِهِمْ وَافْتَدَى بِهِمْ فَوَالِي وَلِيَّهِمْ وَتَبَرَّأَ مِنْ عَدُوِّهِمْ فَهُوَ وَاللَّهُ مِنَّا يَرُدُّ حَيْثُ نَرُدُّ وَيَسْكُنُ حَيْثُ نَسْكُنُ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ يَكُونُ إِيْمَانُ بِهِمْ بِغَيْرِ مَعْرِفَتِهِمْ وَأَسْمَائِهِمْ وَأَنْسَابِهِمْ فَقَالَ لَا يَا سَلْمَانُ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَأَنَّى لِي بِهِمْ قَالَ قَدْ عَرَفْتُ إِلَى الْحُسَيْنِ ثُمَّ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ثُمَّ ابْنُهُ مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ بَاقِرُ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ ثُمَّ ابْنُهُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ لِسَانُ اللَّهِ الصَّادِقُ ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ الْكَاطِمُ غَيْظُهُ صَبْرًا فِي اللَّهِ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا لِأَمْرِ اللَّهِ ثُمَّ مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ الْجَوَادُ الْمُخْتَارُ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْهَادِي إِلَى اللَّهِ ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الصَّامِتُ الْأَمِينُ الْعَسْكَرِيُّ ثُمَّ ابْنُهُ حُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ الْمُهْدِي النَّاظِقُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ اللَّهِ قَالَ سَلْمَانُ فَسَكَتُ ثُمَّ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ادْعُ اللَّهَ لِي بِإِذْرَاكِهِمْ قَالَ يَا سَلْمَانُ إِنَّكَ مُدْرِكُهُمْ وَأَمْثَالُكَ وَمَنْ تَوَلَّاهُمْ بِحَقِيقَةِ الْمَعْرِفَةِ قَالَ سَلْمَانُ فَشَكَرْتُ اللَّهَ كَثِيرًا؛ بحار الأنوار ج: ٢٥ ص: ٦٠

﴿٣١٦٩﴾ الرسول ﷺ: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي آخِرِ يَوْمٍ مِنْ جُمَادَى الْآخِرَةِ فِي وَفْتٍ لَمْ أَدْخُلْ عَلَيْهِ فِيهِ قَبْلَهُ قَالَ يَا سَلْمَانُ أَنْتَ مِنَّا أَهْلُ النَّبِيِّتِ أَفَلَا أَحَدْتُكَ قُلْتُ بَلَى فَدَاكَ أَبِي وَآمِي يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ يَا سَلْمَانُ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ صَلَّى فِي هَذَا الشَّهْرِ ثَلَاثِينَ رُكْعَةً وَهُوَ شَهْرُ رَجَبٍ يَقْرَأُ فِي كُلِّ رُكْعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ مَرَّةً وَقُلَّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَقُلَّ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ إِلَّا مَحَا اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ كُلَّ ذَنْبٍ عَمِلَهُ فِي صِغَرِهِ وَكِبَرِهِ وَأَعْطَاهُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَمَنْ صَامَ ذَلِكَ الشَّهْرَ كُلَّهُ وَكُتِبَ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْمُصَلِّينَ إِلَى السَّنَةِ الْمُقْبِلَةِ وَرُفِعَ لَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ عَمَلٌ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۱۶۸﴾ خدمت پیامبر اکرم ﷺ رسیدم همین که چشمش به من افتاد فرمود: خداوند هیچ پیامبر و یا رسولی را نفرستاد مگر اینکه برای او دوازده نقیب قرار داد، عرض کردم من این مطلب را در تورات و انجیل نیز دیده‌ام. فرمود: سلمان آیا نقیبان دوازده‌گانه‌ی مرا که برای امامت و رهبری بعد از من برگزیده شده‌اند می‌شناسی عرض کردم: خدا و پیامبرش بهتر می‌دانند، فرمود سلمان! خداوند مرا از صفای نور خود آفرید، دعوتم کرد اطاعت نمودم، از نور من علی را آفرید او را دعوت به اطاعت خود کرد پذیرفت، از نور من و علی فاطمه را آفرید او را نیز دعوت کرد اطاعت نمود از من و علی و فاطمه حسن و حسین را آفرید آن دو را خواند هر دو اجابت کردند ما را به پنج اسم از اسم‌های خود نامید خداوند محمود است و من محمد او علی و این هم علی او فاطر است و این فاطمه خداوند صاحب احسان است و این حسن او محسن است و این حسین. آنگاه از نور حسین نه نفر امام آفرید آن‌ها را دعوت کرد پذیرفتند، این‌ها قبل از آن بود که آسمان افراشته و زمین گسترده یا هوا و یا آب و ملک یا بشری را بیافریند ما در علم خدا انواری بودیم که او را تسبیح می‌کردیم و شنوا بودیم و اطاعت می‌کردیم. سلمان گفت عرض کردم: پدر و مادرم فدایت چه امتیازی دارند کسانی که این‌ها را بشناسند فرمود: هرکس آن‌ها را به حقیقت معرفت بشناسد و پیرو ایشان باشد و دوستدار دوست آن‌ها و دشمن دشمنشان به خدا قسم او از ماست و به هرجا که وارد شویم وارد خواهد شد و هرجا منزل بگیریم او نیز منزل بگیرد. عرض کردم: آیا ممکن است ایمان به آن‌ها داشته باشیم بدون شناختن ایشان و نام و نژادشان، فرمود: نه، عرض کردم: ای پیامبر خدا، پس من آن‌ها را چگونه بشناسم فرمود: حسین علیه السلام را شناخته‌ای پس از او زین العابدین علی بن الحسین آنگاه پسرش محمد بن علی باقر و شکافنده‌ی علم پیشینیان و دیگران از پیامبران و مرسلین، پس از او جعفر بن محمد زبان راستین خدا سپس موسی بن جعفر که خشم خود را فرو می‌برد در راه خدا، آنگاه علی بن موسی الرضا که راضی است بامر خدا سپس محمد بن علی جواد که برگزیده‌ی خلق خدا است، بعد علی بن محمد راهنما و هادی به سوی خدا پس از او حسن بن علی خاموش امین عسکری، سپس فرزندش حجة بن الحسن المهدی گوینده قائم به امر خدا، سلمان گفت: دیگر چیزی نگفتم. آنگاه عرض کردم: ای پیامبر خدا، دعا بفرمایید آن‌ها را درک کنم. فرمود: سلمان تو آن‌ها را درک خواهی کرد و کسانی که مثل تو باشند و هرکس آن‌ها را دوست بدارد پس به حقیقت معرفت خدا را بر این نعمت بسیار سپاسگزاری کردم.

﴿۳۱۶۹﴾ سلمان فارسی (ره) گفت: روز آخر ماه جمادی‌الآخر نزد پیامبر خدا ﷺ رفتم و تا آن زمان در چنین موقعیتی نزد ایشان نرفته بودم. فرمودند: سلمان، تو از ما اهل بیت هستی آیا مایلی به تو سخن جدیدی بگویم؟ گفتم: آری پدر و مادرم فدایت ای پیامبر خدا. فرمودند: ای سلمان هیچ مرد و زن مؤمنی نیست که در ماه رجب سی رکعت نماز بخواند و در هر رکعت یک مرتبه فاتحة‌الکتاب و سه مرتبه " قل هو الله احد " و سه مرتبه " قل يا ايها الكافرون " بخواند مگر اینکه خداوند متعال تمام گناهانی را که در کودکی و بزرگی انجام داده است از او محو می‌کند و به او اجر کسی را می‌دهد که تمام آن ماه را روزه گرفته است و نامش نزد خداوند تا سال آینده

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ كُتِبَ لَهُ بِصَوْمِ كُلِّ يَوْمٍ يَصُومُهُ مِنْهُ عِبَادَةٌ سَنَةً وَ رَفَعَ لَهُ أَلْفُ دَرَجَةٍ فَإِنْ صَامَ الشَّهْرَ كُلَّهُ أَنْجَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ النَّارِ وَ أَوْجِبَ لَهُ الْجَنَّةُ يَا سَلْمَانَ أَخْبَرَنِي بِذَلِكَ جَبْرِئِيلُ عَ وَ قَالَ يَا مُحَمَّدُ هَذِهِ عَلَامَةٌ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ الْمُنَافِقِينَ لِأَنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يُصَلُّونَ ذَلِكَ قَالَ سَلْمَانُ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخْبَرَنِي كَيْفَ أَصَلَّى هَذِهِ الثَّلَاثِينَ رُكْعَةً وَ مَتَى أَصَلَّيْهَا قَالَ يَا سَلْمَانُ تُصَلِّي فِي أَوَّلِهِ عَشْرَ رُكْعَاتٍ تَقْرَأُ فِي كُلِّ رُكْعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ مَرَّةً وَاحِدَةً وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَإِذَا سَلَّمْتَ رَفَعْتَ يَدَيْكَ وَ قُلْتَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ- لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ وَ لَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ وَ لَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ ثُمَّ امْسَحْ بِهَا وَجْهَكَ وَ صَلِّ فِي وَسْطِ الشَّهْرِ عَشْرَ رُكْعَاتٍ تَقْرَأُ فِي كُلِّ رُكْعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ مَرَّةً وَاحِدَةً «٦٨» وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَإِذَا سَلَّمْتَ فَارْفَعْ يَدَيْكَ إِلَى السَّمَاءِ وَ قُلْ- لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ- لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ- يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ- إِلَهًا وَاحِدًا أَحَدًا فَرْدًا صَمَدًا لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَ لَا وَلَدًا ثُمَّ امْسَحْ بِهَا وَجْهَكَ وَ صَلِّ فِي آخِرِ الشَّهْرِ عَشْرَ رُكْعَاتٍ تَقْرَأُ فِي كُلِّ رُكْعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ مَرَّةً وَاحِدَةً وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَإِذَا سَلَّمْتَ فَارْفَعْ يَدَيْكَ إِلَى السَّمَاءِ وَ قُلْ- لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ- لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ثُمَّ امْسَحْ بِهَا وَجْهَكَ وَ سَلِّ حَاجَتَكَ فَإِنَّهُ يُسْتَجَابُ لَكَ دُعَاؤُكَ وَ يَجْعَلُ اللَّهُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ جَهَنَّمَ سَبْعَةَ خَنَاقٍ كُلَّ خَنَاقٍ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ يَكْتُبُ لَكَ بِكُلِّ رُكْعَةٍ أَلْفَ أَلْفِ رُكْعَةٍ وَ يَكْتُبُ لَكَ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ وَ جَوَازًا عَلَى الصَّرَاطِ قَالَ سَلْمَانُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَلَمَّا فَرَغَ النَّبِيُّ عَ مِنَ الْحَدِيثِ خَرَرْتُ سَاجِدًا أَبْكِي شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى لِمَا سَمِعْتُ هَذَا الْحَدِيثَ؛ مصباح المتعجد ص: ٨١٧

١٧-٣-١- سُلَيْمَانُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

﴿٣١٧٠﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَعْطَى سُلَيْمَانَ فَشَكَرَ؛ الإِرشَاد ج: ٢ ص: ١٨٢

﴿٣١٧١﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنْ سُلَيْمَانَ أَعْطَى فَشَكَرَ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٥ ص: ٢٤٢

﴿٣١٧٢﴾ الْعَسْكَرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَوْلُ سُلَيْمَانَ لِيُبَلِّغْنِي أَ أَشْكُرُ الَّذِي آتَانِي مِنَ الْمُلْكِ أَمْ أَكْفُرُ إِذَا رَأَيْتُ

مَنْ هُوَ دُونِي أَفْضَلَ مِنِّي عِلْمًا فَعَزَمَ اللَّهُ لَهُ عَلَى الشُّكْرِ؛ بحار الأنوار ج: ١٤ ص: ١١٢

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

در فهرست نمازگزاران نوشته می‌شود و هر روز برایش عملی چون عمل شهدای بدر بالا برده می‌شود و در عوض روزه‌ی هر روزی که از این ماه بگیرد عبادت یک‌سال برایش نوشته می‌شود و برایش هزار درجه بالا برده می‌شود و اگر تمام این ماه را روزه بگیرد خداوند عزیز و جلیل او را از آتش نجات می‌دهد و بهشت را بر او واجب می‌کند. ای سلمان، جبرئیل علیه السلام این خبر را به من داد و گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله این، نشانه بین شما و بین منافقین است، زیرا که منافقان این نماز را نمی‌خوانند. سلمان گفت: گفتم: ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، به من بفرمایید این سی رکعت نماز را چگونه بخوانم و کی بخوانم؟ فرمودند: ای سلمان، در اول این ماه ده رکعت می‌خوانی و در هر رکعت یک مرتبه فاتحه‌الکتاب و سه مرتبه " قل هو الله احد " و سه مرتبه " قل یا ایها الکافرون " را می‌خوانی آنگاه که سلام دادی دستانت را بلند کن و بگو: " خدایی جز الله نیست یکتاست و شریک ندارد، پادشاهی و ستایش از آن اوست؟ زنده می‌کند و می‌میراند و او زنده‌ای است که هرگز نمی‌میرد و خیر به دست اوست و او بر هرچیز تواناست و از خداوند می‌خواهم بر محمد و خاندان پاکش درود فرستد و هیچ نیرو و قدرتی نیست مگر به واسطه‌ی خداوند بلندمرتبه و بزرگ. سپس دستان خود را بر صورت بکش و حاجتت را بخواه که دعایت مستجاب است و خداوند بین تو و جهنم هفت گودال پهن و عمیق قرار می‌دهد که هر خندق به اندازه‌ی فاصله‌ی آسمان و زمین است؛ به ازای هر رکعت یک میلیون رکعت برایت می‌نویسد و برایت خلاصی از آتش نوشته می‌شود و برگه‌ی عبور از صراط. سلمان (ره) گفت: آنگاه که پیامبر صلی الله علیه و آله از ذکر این کلام فارغ شدند به خاطر شنیدن این کلام به درگاه خداوند سجده کردم و به شکرانه‌ی آن گریستم.

۱۷-۶-۳-۱- حضرت سلیمان علیه السلام

﴿۳۱۷۰﴾ به سلیمان نعمت داده شد، و او شکرگزاری کرد.

﴿۳۱۷۱﴾ به سلیمان مکنّت و قدرت داده شد، و او شکر کرد.

﴿۳۱۷۲﴾ درباره کلام سلیمان در قرآن چنین گفت: " آنگاه که می‌بینم یکی از زیردستان من داناتر از من است؛ متوجه می‌شوم خداوند می‌خواهد مرا بیازماید که آیا در مقابل نعمت پادشاهی که به من داده است شکرگزار هستم یا کفران‌کننده‌ام، پس خداوند اراده کرد که او سپاسگزار باشد.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١٨-١٣-١- الشَّيْبَعَةُ

﴿٣١٧٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَلَا مَنْ سَأَلَ عَنْ شَيْعَةِ أَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرَهُمْ فِي كِتَابِهِ مَعَ نَبِيِّهِ تَطْهِيراً فَهُمْ الْعَارِفُونَ بِاللَّهِ الْعَامِلُونَ بِأَمْرِ اللَّهِ أَهْلُ الْفَضَائِلِ وَالْفَوَاضِلِ مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ... فِي الْمَكَارِهِ صَبُورٌ وَ فِي الرَّخَاءِ شُكُورٌ؛ بحار الأنوار ج: ٦٥ ص: ١٩٢

١٩-١٣-١- فاطمة عليها السلام

﴿٣١٧٤﴾ الصادق عليه السلام: رَأَى النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله فَاطِمَةَ وَ عَلَيْهَا كِسَاءٌ مِنْ أَجَلَةِ الْإِبِلِ وَ هِيَ تَطْحَنُ بِيَدَيْهَا وَ تُرْضِعُ وَلَدَهَا فَدَمَعَتْ عَيْنَا رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَقَالَ يَا بِنْتَاهُ تَعَجَّلِي مَرَارَةَ الدُّنْيَا بِحُلَاوَةِ الْآخِرَةِ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى نِعْمَائِهِ وَ الشُّكْرُ لِلَّهِ عَلَى آلَائِهِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى؛ بحار الأنوار ج: ٤٣ ص: ٨٥

٢٠-١٣-١- لقمان عليه السلام

﴿٣١٧٥﴾ وَ لُقْمَانُ فِي سَجْدَتِهِ يَشْكُرُ؛ المصباح للكفعمي ص: ٧٦٠

٢١-١٣-١- مَتَّى عليه السلام

﴿٣١٧٦﴾ داود عليه السلام: يَا رَبِّ أَخْبِرْنِي بِقَرِينِي فِي الْجَنَّةِ فِي قَصْرِي فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنْ ذَلِكَ مَتَّى أَبُو يُوسُفَ فَاسْتَأْذَنَ اللَّهَ تَعَالَى فِي زيارَتِهِ فَأَذِنَ لَهُ فَأَخَذَ بِيَدِهِ وَلَدَهُ سُلَيْمَانَ حَتَّى آتَا مَوْضِعَهُ فَإِذَا هُوَ بَيْتٌ مِنْ سَعَفٍ فَسَأَلَ عَنْهُ فَقِيلَ إِنَّهُ فِي الْحَطَّابِينَ يَقْطَعُ الْحَطَبَ وَ يَبِيعُهُ فَجَلَسَا يَنْتَظِرَانِهِ إِذْ أَقْبَلَ وَ عَلَى رَأْسِهِ حُرْمَةٌ مِنْ حَطَبٍ فَأَلْقَاهَا عَنْهُ ثُمَّ حَمِدَ اللَّهَ وَ قَالَ مَنْ يَشْتَرِي مِنِّي طَيْبًا بِطَيْبٍ فَسَاوَمَهُ وَاحِدٌ وَ اشْتَرَاهُ آخَرُ فَدَنِيَا مِنْهُ وَ سَلَّمَ عَلَيْهِ فَقَالَ انْطَلِقَا بِنَا إِلَى الْمَنْزِلِ وَ ابْتَاعَ بِمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ طَعَامٍ ثُمَّ وَضَعَهُ بَيْنَ حَجَرَيْنِ قَدْ أَعَدَّهُمَا لِذَلِكَ وَ طَحَنَهُ ثُمَّ عَجَنَهُ فِي نَقِيرٍ لَهُ ثُمَّ أَجَجَ نَاراً وَ أَوْقَدَهَا بِالْحَطَبِ ثُمَّ وَضَعَ الْعَجِينَ عَلَيْهَا ثُمَّ جَلَسَ يَتَحَدَّثُ مَعَهُمْ هُنَيْهَةً ثُمَّ نَهَضَ وَ قَدْ نَضِجَتْ خُبْزَتُهُ فَوَضَعَهَا فِي النَّقِيرِ وَ فَلَقَهَا وَ وَضَعَ عَلَيْهَا مِلْحاً وَ وَضَعَ إِلَى جَانِبِهِ مِطْهَرَةً فِيهَا مَاءٌ وَ جَلَسَ عَلَى رُكْبَتَيْهِ وَ أَخَذَ لُقْمَةً وَ كَسَرَهَا وَ وَضَعَهَا فِي فِيهِ وَ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ* فَلَمَّا اذْدَرَدَهَا قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ* ثُمَّ فَعَلَ ذَلِكَ بِأُخْرَى فَأُخْرَى ثُمَّ أَخَذَ الْمَاءَ فَشَرَبَ مِنْهُ وَ حَمِدَ اللَّهَ تَعَالَى وَ قَالَ لَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مَنْ ذَا الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَ أَوْثَيْتَهُ مِثْلَ مَا أَوْثَيْتَنِي إِذْ صَحَّحْتَ بَدَنِي وَ سَمِعِي وَ بَصَرِي وَ جَوَارِحِي وَ قَوَّيْتَنِي حَتَّى ذَهَبْتُ إِلَى شَجَرٍ لَمْ أَغْرُسْهُ بِيَدِي وَ لَا زَرَعْتُهُ بِقُوَّتِي وَ لَمْ أَهْتَمَّ بِحِفْظِهِ فَجَعَلْتَهُ لِي رِزْقاً وَ أَعْنَتَنِي عَلَى قَطْعِهِ وَ حَمَلَهُ وَ سَقَّتْ إِلَيَّ مَنْ اشْتَرَاهُ مِنِّي وَ اشْتَرَيْتُ بِثَمَنِهِ طَعَاماً لَمْ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۱۸-۳-۶-۱ شیعه

﴿۳۱۷۳﴾ آگاه باشید کسی که درباره پیرو اهل بیت سؤال می کند، آن کسانی که خدا در کتابش آلودگی و ناپاکی را از ایشان برد و آنان را به پاکیزگی خاصی پاک کرد، پس ایشان عارف و اهل شناخت به حق خداوند و انجام دهنده ی دستورات حق تعالی اهل تمامی فضیلت ها هستند سخنشان درست... در سختی ها شکبیا و در دوران آسایش و بهره مندی شکر گزارند.

۱۹-۳-۶-۱ حضرت فاطمه علیها السلام

﴿۳۱۷۴﴾ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فاطمه را در حالی دید که عبایی از پوست شتر پوشیده و با یک دست مشغول آسیاکردن و به کمک دست دیگر مشغول شیردادن به فرزندش می باشد. چشمان پیامبر خدا از مشاهده ی این امر پر از اشک شد و به فاطمه فرمود: دخترم! سختی ها و تلخی های دنیا را در مقابل حلاوت و شیرینی آخرت قرار بده. فاطمه گفت: ای پیامبر خدا، خدا را سپاس می گویم به سبب نعمت های فراوانی که به من عطا فرموده، و او را در مقابل محبت هایش شکر می گزارم. و نقل کرده اند که در این هنگام آیه " و به زودی پروردگارت آن قدر به تو عطا خواهد کرد که خشنود شوی " بر پیامبر نازل گردید.

۲۰-۳-۶-۱ لقمان (ره)

﴿۳۱۷۵﴾ و لقمان در سجده اش شکر می کرد.

۲۱-۳-۶-۱ متی (ره)

﴿۳۱۷۶﴾ خدایا، به من خبر بده که همسایه ی من در بهشت کیست؟ وحی رسید که او متی پدر حضرت یونس علیه السلام است، آن حضرت از خدای تعالی اجازه گرفت که به دیدارش برود، چون اجازه یافت دست فرزند خود حضرت سلیمان را گرفت و به منزل متی شتافت؛ پس از ورود مشاهده کرد که خانه ی او از حصیر ساخته شده است، از خانواده اش جو بای حال متی شد؟ گفت برای کندن هیزم به بیابان رفته است. بدین جهت به بازار هیزم فروشان رفتند و صبر کردند تا او آمد، دیدند پشته ای از هیزم به دوش دارد و آنگاه که آن ها را بر زمین نهاد حمد خدای را به جا آورد، و گفت کیست که این مال حلال را به درهم حلال از من خریداری کند؟ مردی پیش آمد و خریداری نمود. پس حضرت داود و سلیمان به نزدش آمدند و بر او سلام کردند، متی جواب آن ها را گفت و ایشان را به خانه ی خود دعوت کرد و به راه افتادند و در بین راه مقداری گندم خریداری نمود، چون به خانه آمدند گندم را آسیا کرد و در میان گودالی از سنگ، خمیر نمود و آتش روشن کرد و خمیر را روی آن گذاشت و نزد حضرت داود و سلیمان نشست و با ایشان سخن گفت تا آنکه فهمید خمیر پخته شده و نان آماده است، پس از جای برخاست و نان ها را با قدری نمک و ظرف آبی به حضور ایشان آورد و با کمال ادب دوزانو نشست و " بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ " گفت و لقمه ی نانی با نمک در دهان گذاشت و چون فرو برد گفت: " الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ "، و به همین حالت بود تا سیر شد و سپس قدری آب آشامید و گفت: الحمد لله، خدایا ستایش مخصوص توست، به چه کسی نعمت دادی و دوست خود گردانیدی که همانند من باشد؟ سلامتی چشم و گوش و اعضا و جوارح به من عطا فرموده ای و مرا قوت دادی که رفتم هیزمی را کندم که خودم نکاشته بودم و نه آن را آبیاری اش کرده بودم و نه حفظ و حراستش کرده بودم و آن را رزق من قرار دادی و به من کمک کردی تا اینکه آن را کندم و به دوش گرفتم و به شهر

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

أَزْرَعُهُ وَلَمْ أَتَعْبُ فِيهِ وَ سَخَّرْتَ لِي حَجَرًا طَحْنْتُهُ وَ نَارًا أَنْضَجْتُهُ وَ جَعَلْتَ لِي شَهْوَةً قَابِلَةً
لِذَلِكَ فَصِرْتُ أَكُلُهُ بِشَهْوَةٍ وَ أَقْوَى بِذَلِكَ عَلَى طَاعَتِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ حَتَّى تَرْضَى وَ بَعْدَ الرِّضَا
ثُمَّ بَكَى بُكَاءً عَالِيًا فَقَالَ دَاوُدُ لَأَنِّيهِ سُلَيْمَانُ يَا بُنَيَّ يَحِقُّ لِمِثْلِ هَذَا الْعَبْدِ الشَّاكِرِ أَنْ يَكُونَ صَاحِبَ
الْمَنْزِلَةِ الْكُبْرَى فِي الْجَنَّةِ فَلَمْ أَرْ عَبْدًا أَشْكُرُ مِنْ هَذَا؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ١١٩

﴿٣١٧٧﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): قَالَ دَاوُدُ (عليه السلام): يَا بُنَيَّ قُمْ فَانصَرِفْ بِنَا فَإِنِّي لَمْ أَرْ عَبْدًا قَطُّ أَشْكُرُ مِنْ

هَذَا؛ قصص الأنبياء للجزائري ص: ٤٣٩

٢٢-٣-١- مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام)

﴿٣١٧٨﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): أَمَا مَا عَلِمْتَ أَنَّ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ قَدْ غَفَرَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا
تَأَخَّرَ فَلَمْ يَدَعْ الْجَاهِدَ وَ قَدْ تَعَبَّدَ بِأَبِي هُوَ وَ أُمِّي حَتَّى انْتَفَخَ السَّاقُ وَ وَرَمَ الْقَدَمُ فَقِيلَ لَهُ أ تَفْعَلُ
هَذَا وَ قَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ فَقَالَ أ فَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا؛ بحار الأنوار

ج: ٤٨ ص: ١٨٥

﴿٣١٧٩﴾ الرَّسُولُ النَّبِيُّ الْأُمِّيُّ صَاحِبُ الْخُلُقِ الْعَظِيمِ وَ الدِّينِ الْقَوِيمِ وَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ وَ الذِّكْرِ
الْحَكِيمِ وَ الرُّكْنِ وَ الْحَظِيمِ صَاحِبُ الدِّينِ وَ الطَّاعَةِ وَ الْفَصَاحَةِ وَ الْبِرَاعَةِ وَ الْكُرِّ وَ الشَّجَاعَةِ وَ
التَّوَكُّلِ وَ الْقَنَاعَةِ وَ الْحَوْضِ وَ الشَّفَاعَةِ صَاحِبُ الدِّينِ الطَّاهِرِ وَ الْحَقِّ الزَّاهِرِ وَ الزَّمَانِ الْبَاهِرِ وَ
اللِّسَانِ الذَّاكِرِ وَ الْبَدَنِ الصَّابِرِ وَ الْقَلْبِ الشَّاكِرِ وَ الْأَصْلِ الطَّاهِرِ وَ الْأَبَاءِ الْأَخَايِرِ وَ الْأُمَمَاتِ
الطَّوَاهِرِ صَاحِبُ الضِّيَاءِ وَ النُّورِ وَ الْبَرَكَةِ وَ الْخُبُورِ وَ الْيَمْنِ وَ السُّرُورِ وَ اللِّسَانِ الذَّكُورِ وَ الْبَدَنِ
الصَّبُورِ وَ الْقَلْبِ الشَّكُورِ؛ المناقب ج: ١ ص: ١٥٢

﴿٣١٨٠﴾ اللَّهُمَّ ارْفَعْ مُحَمَّدًا فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ فَوْقَ مَنَازِلِ الْمُرْسَلِينَ وَ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ جَمِيعِ
النَّبِيِّينَ وَ صَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ اجْزِهِمْ بِشُكْرِ
نِعْمَتِكَ وَ تَعْظِيمِ حُرْمَتِكَ جَزَاءً لَا جَزَاءَ فَوْقَهُ وَ عَطَاءً لَا عَطَاءَ مِثْلُهُ وَ خُلُودًا لَا خُلُودَ يُشَاكِلُهُ
وَ لَا يَطْمَعُ أَحَدٌ فِي مِثْلِهِ وَ لَا يَقْدِرُ أَحَدٌ قُدْرَهُ وَ لَا تَهْتَدِي الْأَلْبَابُ إِلَى طَلَبِهِ نِعْمَةً لِمَا شَكُرُوا مِنْ
أَيَادِيكَ وَ إِرْصَادًا لِمَا صَبَرُوا عَلَى الْآذَى فِيكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٦ ص: ٣٣٨

﴿٣١٨١﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَصَّ رَسُولَهُ (عليه السلام) بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَامْتَحِنُوا
أَنْفُسَكُمْ فَإِنْ كَانَتْ فِيكُمْ فَاحْمَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ ارْغَبُوا إِلَيْهِ فِي الزِّيَادَةِ مِنْهَا فَذَكَرَهَا عَشْرَةَ
الْيَقِينِ وَ الْقَنَاعَةِ وَ الصَّبْرِ وَ الشُّكْرِ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٣ ص: ٥٥٤

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

آورد، و کسی را فرستادی که از من خریداری کرد، و سنگ را مسخر من کردی، تا گندم را آسیا نمودم و آتش را مسخر من گردانیدی که با آن نان خود را پختم، و اشتهایی به من عنایت فرمودی که آن نان را خوردم تا به وسیله‌ی آن بر طاعت تو قوت بگیرم. پس خدایا، ستایش مخصوص توست سپس گریه سختی نمود، حضرت داود به سلیمان فرمود: ای پسر برای مثل چنین بنده‌ی شاکری مقامات و صاحب منزلت بزرگ در بهشت سزاواراست، و من هیچ بنده‌ی شاکری همانند این بنده‌ی شاکر ندیده‌ام.

﴿۳۱۷۷﴾ داود به سلیمان گفت: پسر، برخیز تا برویم، من تا امروز بنده‌ای که تا این حد شکرگزار باشد ندیده بودم.

۲۲-۳-۱- حضرت محمد ﷺ

﴿۳۱۷۸﴾ آیا نمی‌دانی همانا خدای تعالی گناهان قبل و بعد جدّ من پیامبر خدا ﷺ را آمرزید با این اوصاف او هرگز از تلاش برای عبادت فروگذار نکرد و پدر و مادرم فدای او که آن قدر عبادت کرد تا اینکه ساق و کف دو پای مبارکش متورّم شد. به پیامبر خدا ﷺ عرض شد: چرا شما این قدر زیاد خدا را عبادت می‌کنید، درحالی‌که خدای تعالی گناهان گذشته و آینده‌تان را آمرزیده است؟ پیامبر خدا ﷺ فرمود: درست است، ولی آیا من نباید بنده‌ی شاکری باشم (به سبب مرحمتی که حق تعالی در این آمرزش به من روا داشته است؟).

﴿۳۱۷۹﴾ فرستاده‌ی خدا پیامبر درس‌ناخوانده و صاحب خلق عظیم و دین استوار و راه مستقیم و قرآن حکیم و رکن و حطیم؛ صاحب دین و اطاعت و فصاحت و بلاغت حمله‌های مکرر و شجاعت و توکل و قناعت و حوض کوثر و شفاعت و صاحب دین پیروز و حق درخشان و زمان نورانی و زبان گویا و بدن کشیبا و قلب شاکر و نسب پاک و بهترین پدران و مادران پاک، نور و برکت و نعمت و یمن و سرور و صاحب زبانی بسیار یاد کننده و بدنی بسیار شکیبا و قلبی بسیار شکرگزار است.

﴿۳۱۸۰﴾ بار خدایا، با رحمت محمد ﷺ را در بهترین جایگاه‌ها قرار ده در مقامی برتر از مقام پیامبران و فرشتگان مقرب و برتر از مقام پیامبران و آفریدگان برگزیده‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان، خدایا، به خاطر شکر نعمت‌ها و بزرگداشت حرمت‌هایت به آنان پاداشی ده که بالاتر از آن پاداشی نبوده و عطایی که مثل آن عطایی نباشد و بقایی به آنان ده که هیچ بقایی نظیر آن نباشد و هیچ کس حتی به چیزی شبیه آن هم طمع نکند و اندازه‌اش را کسی نداند و خرده‌ها به طلب و درخواست آن راه نبرد، نعمتی به خاطر شکری که در مقابل نعمت‌های تو به‌جا آوردند و نیز به خاطر اینکه منتظر بودند که در راه تو آزارها را تحمل کنند.

﴿۳۱۸۱﴾ همانا خداوند پیامبرش را به مکارم اخلاق اختصاص داد، پس خودتان را بیازمایید، اگر آن‌ها در شما باشد خدا را سپاس گویند و از او بخواهید در شما افزون کند، پس ده تا از آن‌ها را بیان کرد: یقین و قناعت و صبر و شکر...

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣١٨٢﴾ الرضا عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى اخْتَصَّ لِنَفْسِهِ بَعْدَ نَبِيِّهِ ﷺ مِنْ بَرِيَّتِهِ خَاصَّةً عَلَّاهُمْ بِتَعْلِيَّتِهِ وَ سَمَا بِهِمْ إِلَى رُثْيَتِهِ وَ جَعَلَهُمُ الدُّعَاءَ بِالْحَقِّ إِلَيْهِ وَ الْأَدْلَاءَ بِالْإِرْشَادِ عَلَيْهِ لِقَرْنٍ وَ زَمَنٍ وَ زَمَنٍ أَنْشَأَهُمْ فِي الْقِدَمِ قَبْلَ كُلِّ مَذْرُوءٍ وَ مَبْرُوءٍ أَنْوَارًا أَنْطَقَهَا بِتَحْمِيدِهِ وَ آلَهِمَهَا بِشُكْرِهِ؛ المصباح للكفعمي ص: ٦٩٥

﴿٣١٨٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَنَّ جَبْرِئِيلَ عليه السلام نَزَلَ إِلَيْهِ وَ مَعَهُ مَفَاتِيحُ كُنُوزِ الْأَرْضِ وَ قَالَ يَا مُحَمَّدُ السَّلَامُ بِقُرْنِكَ السَّلَامُ وَ يَقُولُ لَكَ إِنْ شِئْتَ صَيَّرْتُ مَعَكَ جِبَالَ تِهَامَةٍ ذَهَبًا وَ فِضَّةً وَ خُذْ هَذِهِ مَفَاتِيحَ كُنُوزِ الْأَرْضِ وَ لَا يَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ حِطِّكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَالَ يَا جَبْرِئِيلُ وَ مَا يَكُونُ بَعْدَ ذَلِكَ قَالَ أَلَمَوْتُ فَقَالَ إِذَا لَا حَاجَةَ لِي فِي الدُّنْيَا دَعْنِي أَجُوعُ يَوْمًا وَ أَشْبِعُ يَوْمًا فَالْيَوْمَ الَّذِي أَجُوعُ فِيهِ أَتَضَرَّعُ إِلَى رَبِّي وَ أَسْأَلُهُ وَ الْيَوْمَ الَّذِي أَشْبِعُ فِيهِ أَشْكُرُ رَبِّي وَ أَحْمَدُهُ فَقَالَ لَهُ جَبْرِئِيلُ وَفَقْتُ لِكُلِّ خَيْرٍ يَا مُحَمَّدُ؛ بحار الأنوار ج: ٤٢ ص: ٢٧٥

﴿٣١٨٤﴾ الصادق عليه السلام: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ بَشَّرَ بِالْحَسَنِ عليه السلام وَ هُوَ فِي آخِرِ تَسْبِيحِ الْمَغْرَبِ قَبْلَ الدُّعَاءِ فَقَامَ مِنْ وَقْتِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَتَكَلَّمَ أَوْ يَصْنَعَ شَيْئًا فَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ جَعَلَهُمَا شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى عَلَى سَلَامَةِ فَاطِمَةَ عليها السلام وَ وَلادَتِهَا الْحَسَنُ عليه السلام ثُمَّ دَعَا بَعْدَ الرُّكْعَتَيْنِ وَ عَقَّبَ بِسُجْدَتِي الشُّكْرِ وَ التَّعْفِيرِ بَيْنَهُمَا وَ كَانَ ذَلِكَ سَنَةً حَتَّى وُلِدَ الْحُسَيْنُ عليه السلام فَجَاءَ الْبَشِيرُ بِهِ وَ قَدْ صَلَّى هَاتَيْنِ الرُّكْعَتَيْنِ بَعْدَ الْمَغْرَبِ وَ هُوَ فِي آخِرِ تَسْبِيحِهِ فَقَامَ مِنْ غَيْرِ تَعْفِيرٍ فَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ جَعَلَهُمَا شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى ثُمَّ عَقَّبَ بِالدُّعَاءِ بَعْدَهُمَا وَ سَجَدَ؛ المقنعة ص: ١١٧

﴿٣١٨٥﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ فِي سَفَرٍ يَسِيرُ عَلَى نَاقَةٍ لَهُ إِذَا نَزَلَ فَسَجَدَ خَمْسَ سَجَدَاتٍ فَلَمَّا أَنْ رَكِبَ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّا رَأَيْنَاكَ صَنَعْتَ شَيْئًا لَمْ تَصْنَعْهُ فَقَالَ نَعَمْ اسْتَقْبَلَنِي جَبْرِئِيلُ عليه السلام فَبَشَّرَنِي بِبِشَارَاتٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَسَجَدْتُ لِلَّهِ شُكْرًا لِكُلِّ بُشْرَى سَجْدَةً؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٨

﴿٣١٨٦﴾ الباقر عليه السلام: أَنَّ عَلِيًّا عليه السلام دَخَلَ الْحِصْنَ فَأَقْبَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَخَرَجَ عَلَى ﷺ يَتَلَقَّاهُ فَقَالَ ﷺ بَلَّغْنِي نَبُوءَكَ الْمَشْكُورُ؛ بحار الأنوار ج: ٢١ ص: ٢٢

﴿٣١٨٧﴾ الرسول ﷺ: أَنَّ عُمَرَ دَخَلَ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ وَ هُوَ مَوْفُودٌ أَوْ قَالَ مَحْمُومٌ فَقَالَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَشَدَّ وَعَكَّكَ أَوْ حُمَاكَ فَقَالَ لَهُ مَا مَنَعَنِي ذَلِكَ أَنْ قَرَأْتُ اللَّيْلَةَ ثَلَاثِينَ سُورَةً فِيهِنَّ السَّبْعُ الطُّوَلُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ أَنْتَ تَجْتَنِّهُ هَذَا الْجَاهِلِيَّةُ فَقَالَ أَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا؛ وسائل الشيعة ج: ٦ ص: ١٩١

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۱۸۲﴾ خداوند بلندمرتبه پس از پیامبر اکرم برگزیدگانی از خلق را به خود اختصاص داد و به بلندمرتبگی خود آن‌ها را برتر ساخت و به رتبه‌ی خود آن‌ها را بالا برد و آن‌ها را دعوت‌کننده‌ی به حق به‌سوی خود قرار دارد و آن‌ها را راهنما برای هدایت به‌سوی خویش کرد برای هر دوره و هر زمانی قبل از هر آفریده و مخلوقی آن‌ها را به‌صورت نورهایی خلق کرد و زبان آن‌ها را به حمدش گشود و شکرش را به آن‌ها الهام کرد.

﴿۳۱۸۳﴾ همانا جبرئیل علیه السلام بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نازل شد درحالی که کلیدهای گنج‌های زمین همراه او بود، و گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله، خدایی که خود سلام است بر تو سلام فرستاده و به تو می‌گوید: اگر بخواهی کوه‌های تهامه را به طلا و نقره تبدیل می‌کنم. پس کلیدهای گنجینه‌های زمین را بگیر و از بهره‌های تو در روز قیامت هم چیزی کم نخواهد شد. پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: ای جبرئیل بعد از آن چه می‌شود؟ جبرئیل گفت: پایان دنیا مرگ است. پس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: در این صورت حاجتی به دنیا ندارم زیرا خداوند روزی گرسنه‌ام می‌دارد و روزی سیرم می‌کند پس من روزی را که گرسنه‌ام می‌دارد به‌سوی پروردگارم زاری می‌کنم و از او درخواست می‌کنم و روزی که مرا سیر می‌کند او را شکر می‌گویم و می‌ستایم پس به او جبرئیل گفت: ای محمد به همه خیر موفق شدی.

﴿۳۱۸۴﴾ بشارت تولد امام حسن علیه السلام را به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دادند و ایشان در آخرین تسبیح نماز مغرب قبل از دعا بودند، حضرت بدون آنکه صحبتی کنند و یا کاری انجام دهند برخاستند و دو رکعت نماز به شکرانه‌ی سلامتی حضرت فاطمه علیها السلام و به دنیا آوردن امام حسن علیه السلام خواندند و سپس دعا نمودند و دو سجده‌ی شکر به‌جای آوردند و بین دو سجده، گونه بر خاک نهادند و این کار سنت بود تا اینکه حسین علیه السلام به دنیا آمد و پیک خبر را درحالی به پیامبر داد که آن حضرت دو رکعت نماز را بعد از نماز مغرب خوانده بودند و در آخرین تسبیح بودند؛ پس بدون آنکه تعقیبی انجام دهند برخاستند و دو رکعت نماز برای سپاس از خدا به‌جای آوردند و سپس دعا نمودند و سجده کردند.

﴿۳۱۸۵﴾ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای سفر کوتاهی بر شتر ماده‌ی خویش سوار بود [در سفری بر شتر ماده‌ی خویش نشسته راه می‌پیمود] ناگاه فرود آمد و پنج سجده کرد، چون سوار شد، اصحاب عرض کردند: ای پیامبر خدا، از شما عملی دیدیم که تاکنون انجام نداده بودید؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آری، جبرئیل علیه السلام نزد من آمد و از جانب خدای عزیز و جلیل به من مژده‌هایی داد، من برای هر مژده یک سجده‌ی شکر برای خدا به جا آوردم.

﴿۳۱۸۶﴾ علی بن ابی‌طالب علیه السلام قلعه‌های یهودیان را گشود دراین‌هنگام حضرت خاتم‌النبین صلی الله علیه و آله به‌طرف حصار تشریف فرما شدند علی بن ابی‌طالب علیه السلام از آن جناب استقبال کرد، پیامبر فرمود: اخبار موفقیت به من رسید و من قدردان هستم.

﴿۳۱۸۷﴾ عمر نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و پیامبر خدا شدیداً بیمار بودند یا راوی گفت تب داشتند؛ عمر گفت: ای پیامبر خدا چه سخت بیماری! یا چه سخت تب داری! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: چرا این‌گونه نباشم که امشب سی سوره خواندم که هفت سوره‌ی طولانی قرآن نیز در بین آن‌ها بود؛ عمر گفت: ای پیامبر خدا، تو این‌گونه تلاش می‌کنی درحالی که خداوند گناهان گذشته و آینده‌ات را بخشیده است حضرت فرمودند: آیا بنده‌ی شاکری نباشم؟

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣١٨٨﴾ الرسول ﷺ: أَنَّهُ كَانَ إِذَا جَاءَهُ أَمْرٌ سُرُورٍ أَوْ بَشَرٍ بِهِ خَرَّ سَاجِدًا شَاكِرًا لِلَّهِ؛ الطرائف

ج: ٢، ص: ٥٤٢

﴿٣١٨٩﴾ الصادق عليه السلام: بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَسِيرُ مَعَ بَعْضِ أَصْحَابِهِ فِي بَعْضِ طُرُقِ الْمَدِينَةِ إِذْ ثَنَى رِجْلَهُ عَنْ دَائِيهِ ثُمَّ خَرَّ سَاجِدًا فَأَطَالَ فِي سُجُودِهِ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَعَادَ ثُمَّ رَكِبَ فَقَالَ لَهُ أَصْحَابُهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ رَأَيْنَاكَ ثَنَيْتَ رِجْلَكَ عَنْ دَائِيكَ ثُمَّ سَجَدْتَ فَأَطَلْتَ السُّجُودَ فَقَالَ إِنَّ جَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَتَانِي فَأَقْرَأَنِي السَّلَامَ مِنْ رَبِّي وَبَشَّرَنِي أَنَّهُ لَنْ يُخْزِنِي فِي أُمَّتِي فَلَمْ يَكُنْ لِي مَالٌ فَاتَّصَدَّقَ بِهِ وَلَا مَمْلُوكٌ فَأَعْطَنِيهِ فَأَحْبَبْتُ أَنْ أَشْكُرَ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ؛ بحار الأنوار ج: ٤٨، ص: ٢١

﴿٣١٩٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: تَفَقَّدْتُ النَّبِيَّ ﷺ غَيْرَ مَرَّةٍ وَهُوَ إِذَا شَرِبَ تَنَفَّسَ ثَلَاثًا مَعَ كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهَا تَسْمِيَةً إِذَا شَرِبَ وَتَحْمِيدًا إِذَا انْقَطَعَ فَسَأَلْتُهُ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ يَا عَلِيُّ شُكْرُ اللَّهِ تَعَالَى بِالْحَمْدِ وَتَسْمِيَةٍ مِنَ الدَّاءِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٧، ص: ١١

﴿٣١٩١﴾ الصادق عليه السلام: رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَكْثُرُ مِنْ حَمْدِ اللَّهِ وَشُكْرِهِ؛ إرشاد القلوب ج: ٢، ص: ٢٨٦

﴿٣١٩٢﴾ الرسول ﷺ: سَمَّاهُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ مُحَمَّدًا وَ أَحْمَدَ فَمِنْ خَصَائِصِهِ تَعَالَى لَهُ أَنْ ضَمَّنَ أَسْمَاءَهُ ثَنَاءً وَ طَوَى أَثْنَاءَ ذِكْرٍ [ذَكَرَهُ] عَظِيمَ شُكْرِهِ؛ بحار الأنوار ج: ١٦، ص: ١٢٩

﴿٣١٩٣﴾ الرسول ﷺ: قَامَ عَلَى أَطْرَافِ أَصَابِعِ رِجْلَيْهِ عَشْرَ سِنِينَ حَتَّى تَوَرَّمَتْ قَدَمَاهُ وَ اصْفَرَّ وَجْهُهُ مِنْ قِيَامِ اللَّيْلِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ طَهُ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْفَى وَ كَانَ يَبْكِي حَتَّى يُغْشَى عَلَيْهِ فَقِيلَ لَهُ أَلَيْسَ قَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ فَقَالَ أَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا؛

بحار الأنوار ج: ١٧، ص: ٢٥٧

﴿٣١٩٤﴾ الباقر عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عِنْدَ عَائِشَةَ لَيْلَتَهَا فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ لِمَ تَتَعَبُ نَفْسَكَ وَ قَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ فَقَالَ يَا عَائِشَةُ أَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا قَالَ وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَقُومُ عَلَى أَطْرَافِ أَصَابِعِ رِجْلَيْهِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى طَهُ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْفَى؛ الكافي ج: ٢، ص: ٩٥

﴿٣١٩٥﴾ الصادق عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُصَلِّي حَتَّى يَتَوَرَّمَ قَدَمَاهُ وَ يَقُولُ أَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا أَرَادَ أَنْ يُعْتَبَرَ بِهِ أُمَّتُهُ؛ بحار الأنوار ج: ٤٧، ص: ٦٩

﴿٣١٩٦﴾ وَ قَدْ عَلِمَ أَنَّ نَبِيَّهُ ﷺ يَعْبُدُهُ وَ يَشْكُرُهُ وَ لَكِنْ اسْتَعْبَدَ نَبِيَّهُ ﷺ بِالِدُعَاءِ إِلَيْهِ تَأْدِيبًا لِأُمَّتِهِ؛ بحار الأنوار ج: ١٧، ص: ٨٣

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۱۸۸﴾ اگر به ایشان امر خوشحال کننده یا مژده‌ای می‌رسید به درگاه خداوند سجده‌ی شکر می‌نمود.

﴿۳۱۸۹﴾ در این میان که پیامبر خدا ﷺ با برخی اصحابش در یکی از کوچه‌های مدینه می‌رفت ناگهان پا از رکاب خالی کرد و روی زمین به سجده افتاد و سجده‌ای طولانی کرد و سر برداشت و باز سوار شد اصحابش سبب پرسیدند، فرمود: جبرئیل نزد من آمد و از پروردگارم به من سلام رسانید و به من مژده داد که خدا مرا در اتم رسوا نمی‌کند مالی نداشتم به شکرانه‌ی آن صدقه دهم و بنده‌ای نداشتم آزاد کنم و خواستم شکر پروردگار عزیز و جلیل را کرده باشم.

﴿۳۱۹۰﴾ چند بار تجربه کرده، دیدم پیامبر خدا ﷺ هنگام نوشیدن آب، آن را با سه نفس می‌آشامید. و در هر بار "بسم الله" می‌گفت. و در آخر "الحمد لله" می‌گفت. از سبب آن پرسیدم. فرمود: یا علی، حمد به منظور ادای شکر خدا، و "بسم الله" برای ایمنی از دردهاست.

﴿۳۱۹۱﴾ پیامبر ﷺ متوالیا سپاس و شکر خدا را بر زبان داشت.

﴿۳۱۹۲﴾ خداوند در کتابش او را محمد و احمد ﷺ نامید؛ پس از ویژگی‌هایی که خداوند متعال برای او قرار داده آن است که در ضمن نام‌های پیامبر ﷺ، ثنای خود را قرار داده است [و در خلال یاد پیامبر ﷺ، شکر عظیم خود را پیچیده است].

﴿۳۱۹۳﴾ بر کنار انگشتان پاهایشان ده سال ایستادند تا اینکه به خاطر نماز شب پاهایشان ورم کرد و صورتشان زرد شد؛ پس خداوند نازل کرد: "طه، ما قرآن را بر تو فرو نفرستادیم که خود را هلاک کنی". و پیامبر ﷺ گریه می‌کردند تا اینکه مدهوش می‌شدند؛ به ایشان عرض شد: آیا خداوند از گناه گذشته و آینده‌ی تو درنگ‌ذشت؟ پس فرمودند: حال که چنین است آیا بنده‌ی شکرگزاری نباشم؟

﴿۳۱۹۴﴾ پیامبر خدا ﷺ شبی که نوبت عایشه بود نزد او بود. او، به پیامبر ﷺ گفت: ای پیامبر خدا، با آنکه خدا گناه گذشته و آینده‌ی تو را آمرزیده است چرا خودت را به رنج می‌اندازی؟ فرمود: ای عایشه، آیا من بنده‌ی سپاسگزار خدا نباشم؟ و عایشه گفت: پیامبر خدا ﷺ روی کناره‌های انگشتان پایش می‌ایستاد تا اینکه خدای سبحانه و تعالی چنین نازل فرمود: "طه ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که به زحمت افتی".

﴿۳۱۹۵﴾ پیامبر اکرم ﷺ به حدی در عبادت کوشا بود و به قدری نماز می‌خواند که پاهای مبارکش ورم می‌کرد و در پاسخ اصحاب می‌فرمود: آیا نباید بنده‌ی سپاسگزاری باشم؟

﴿۳۱۹۶﴾ خداوند قطعاً می‌دانست که پیامبرش ﷺ او را می‌پرستد و از او سپاسگزاری می‌کند اما برای تربیت کردن امتش، از پیامبرش ﷺ خواست که او را عبادت کند.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣١٩٧﴾ الرسول ﷺ: أَنَّ عُمَرَ دَخَلَ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ وَهُوَ مَوْقُودٌ أَوْ قَالَ مَحْمُومٌ فَقَالَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَشَدَّ وَعَكَّكَ أَوْ حُمَّاكَ فَقَالَ لَهُ مَا مَنَعَنِي ذَلِكَ أَنْ قَرَأْتُ اللَّيْلَةَ ثَلَاثِينَ سُورَةَ فِيهِنَّ السَّبْعُ الطُّوْلُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَأَنْتَ تَجْتَهِدُ هَذَا الْجَاهِدَ فَقَالَ أَفَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا؛ وسائل الشريعة ج: ٦ ص: ١٩١

﴿٣١٩٨﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِكَ أَحَبَّهُ أَهْلُ سَمَاوَاتِي وَ سَمَوُهُ الشُّكُورُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٣٢٢

٢٣-١-٣-١- الملائكة

﴿٣١٩٩﴾ ابن عباس (رضي الله عنه): فَيَرْفَعُونَ مَلَائِكَةَ السَّمَاءِ أَصْوَاتَهُمْ بِالتَّسْبِيحِ وَ التَّهْلِيلِ وَ التَّنَائِي عَلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ شُكْرِهِ بِمَا فَعَلَ بِأَمَّةٍ مُحَمَّدٍ ص؛ مستدرک الوسائل ج: ٧ ص: ٤٦٠

٢٤-١-٣-١- المؤمن و راجع: ١-١-٤-١- الشُّكْرُ وَ الْإِيمَانُ

﴿٣٢٠٠﴾ الرسول ﷺ: أَلَا أَعْجَبُكُمْ أَنْ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَصَابَ خَيْرًا حَمِدَ اللَّهَ وَ شَكَرَ وَ إِذَا أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ حَمِدَ اللَّهَ وَ صَبَرَ فَالْمُؤْمِنُ يُوجَرُ فِي كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى اللَّقْمَةَ يَرْفَعُهَا إِلَى فِيهِ؛ مسکن الفؤاد ص: ٢٥

٢٥-١-٣-١- النَّجَاشِيُّ (عليه السلام)

﴿٣٢٠١﴾ الصادق (عليه السلام): لَمَّا قَدِمَ جَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ مِنَ الْحَبَشَةِ قَالَ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَحَدُكُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ دَخَلْتُ عَلَى النَّجَاشِيِّ يَوْمًا مِنَ الْأَيَّامِ وَ هُوَ فِي غَيْرِ مَجْلِسِ الْمُلْكِ وَ فِي غَيْرِ رِيَاشِهِ وَ فِي غَيْرِ زِيَّهِ قَالَ فَحَيَّيْنَاهُ بِتَحِيَّةِ الْمُلْكِ وَ قُلْتُ لَهُ يَا أَيُّهَا الْمَلِكُ مَا لِي أَرَاكَ فِي غَيْرِ مَجْلِسِ الْمُلْكِ وَ فِي غَيْرِ رِيَاشِهِ وَ فِي غَيْرِ زِيَّهِ فَقَالَ إِنَّا نَجِدُ فِي الْإِنْجِيلِ أَنَّ مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَلْيَشْكُرِ اللَّهَ وَ نَجِدُ فِي الْإِنْجِيلِ أَنَّ لَيْسَ مِنَ الشُّكْرِ لِلَّهِ شَيْءٌ يَعْدِلُهُ مِثْلُ التَّوَاضُعِ وَ أَنَّهُ وَرَدَ عَلَى فِي لَيْلَتِي هَذِهِ أَنَّ ابْنَ عَمِّكَ مُحَمَّدًا (عليه السلام) قَدْ أَظْفَرَهُ اللَّهُ بِمُشْرِكِي أَهْلِ بَدْرٍ فَأَحْبَبْتُ أَنْ أَشْكُرَ اللَّهَ تَعَالَى بِمَا تَرَى؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ٣٠١

﴿٣٢٠٢﴾ الصادق (عليه السلام): نَهْ وَرَدَ عَلَى فِي لَيْلَتِي هَذِهِ أَنَّ ابْنَ عَمِّكَ مُحَمَّدًا (عليه السلام) قَدْ أَظْفَرَهُ اللَّهُ بِمُشْرِكِي أَهْلِ بَدْرٍ فَأَحْبَبْتُ أَنْ أَشْكُرَ اللَّهَ تَعَالَى بِمَا تَرَى؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ٣٠١

٢٦-١-٣-١- نُوحٌ (عليه السلام)

﴿٣٢٠٣﴾ ذُرِّيَّةٌ مِّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا؛ الإسراء: الآية ٣

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۱۹۷﴾ عمر نزد پیامبر ﷺ رفت و پیامبر خدا شدیداً بیمار بودند یا راوی گفت تب داشتند؛ عمر گفت: ای پیامبر خدا چه سخت بیماری! یا چه سخت تب داری! پیامبر ﷺ فرمودند: چرا این گونه نباشم که امشب سی سوره خواندم که هفت سوره‌ی طولانی قرآن نیز در بین آن‌ها بود؛ عمر گفت: ای پیامبر خدا، تو این گونه تلاش می‌کنی درحالی که خداوند گناهان گذشته و آینده‌ات را بخشیده است حضرت فرمودند: آیا بنده‌ی شاکری نباشم؟

﴿۳۱۹۸﴾ وقتی که بنده‌ام خالصانه این سخنان را بگوید و از من عنایت و لطف درخواست کند، من او را در نظر همه‌ی اهل آسمان‌هایم محبوب می‌سازم، و او را شکور یعنی بنده‌ای بسیار شکرگزار می‌نامند.

۲۳-۳-۱- فرشتگان

﴿۳۱۹۹﴾ پس فرشتگان آسمان‌ها صدای خویش را به تسبیح " سبحان الله " و تهلیل " لا اله الا الله " و ثنای الهی برای خدای متعال بلند می‌کنند و به سبب (خدای متعال) آن را برای امت محمد ﷺ انجام داد. به درگاه او شکر می‌گزارند.

۲۴-۳-۱- مؤمن و ر. به: شکر و ایمان

﴿۳۲۰۰﴾ پیامبر اکرم ﷺ فرمود: آیا روش پسندیده‌ی مؤمن شما را شگفت‌زده نمی‌کند؟ هرگاه خیر و نعمتی به مؤمن برسد خدا را می‌ستاید و شکر می‌کند و هرگاه مصیبتی به او برسد در مقابل مصیبت هم خدا را ستایش می‌کند و صبر و شکیبایی پیشه می‌کند، مؤمن در تمام کارهایش اجر و ثواب می‌برد، حتی در لقمه‌ای که به‌طرف دهانش بالا می‌برد.

۲۵-۳-۱- نجاشی (ره)

﴿۳۲۰۱﴾ چون جعفر بن ابی‌طالب از حبشه باز گشت، به پیامبر خدا ﷺ گفت: ای پیامبر خدا، مطلبی برایتان بازگو کنم: یک روز نزد نجاشی رفتم و در مجلس شاهانه نبود و لباس و وضع شاهانه نداشت به او درود شاهانه دادم و گفتم: چه شده که تو را در وضع شاهانه و جامه‌ی شاهانه نمی‌بینم؟ گفت ما در انجیل یافتیم که خدا به هر که نعمتی داد باید او را شکر کند، و باز در انجیل است که هیچ شکری برای خدا به اندازه‌ی تواضع نیست، و امشب به من خبر رسید که عموزاده‌ات محمد ﷺ را خدا به مشرکان اهل بدر پیروز ساخته، و خواستم که به این وضع که می‌بینی خدا را شکر کنم.

﴿۳۲۰۲﴾ امشب به من خبر رسید که عموزاده‌ات محمد ﷺ را خدا بر مشرکان اهل بدر پیروز ساخته است، و خواستم که به این وضع که می‌بینی خدا را شکر کنم.

۲۶-۳-۱- حضرت نوح علی‌ه السلام

﴿۳۲۰۳﴾ ای فرزندان کسانی که به کشتی نوحشان بردیم او بنده‌ی بسیار شکرگزاری بود.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٢٠٤﴾ السَّجَادُ عليه السلام: أَخَذَ النَّاسُ ثَلَاثَةً مِنْ ثَلَاثَةِ أَخَذُوا الصَّبْرَ عَنْ أَيُّوبَ وَالشُّكْرَ عَنْ نُوحٍ وَالْحَسَدَ عَنْ بَنِي يَعْقُوبَ؛ بحار الأنوار ج: ١١ ص: ٢٩١

﴿٣٢٠٥﴾ الرسول عليه السلام: أَطُولُ الْأَنْبِيَاءِ عُمرًا وَأَكْثَرُهُمْ لِرَبِّهِ شُكْرًا وَأَعْظَمُهُمْ أَجْرًا ذَاكَ أَبُوكَ نُوحٌ؛ بحار الأنوار ج: ٣٨ ص: ٥٥

﴿٣٢٠٦﴾ الباقر عليه السلام: إِنْ نُوحًا إِنَّمَا سُمِّيَ عَبْدًا شُكُورًا لِأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ إِذَا أَمْسَى وَاصْبَحَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنَّهُ مَا أَمْسَى وَاصْبَحَ بِي مِنْ نِعْمَةٍ أَوْ عَافِيَةٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَمِنْكَ وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ بِهَا عَلَى حَتَّى تَرْضَى إِلَيْنَا؛ وسائل الشيعة ج: ٧ ص: ٢٢٦

﴿٣٢٠٧﴾ الباقر عليه السلام: أَنْ نُوحًا كَانَ إِذَا أَصْبَحَ وَآمَسَى قَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنَّ مَا أَصْبَحَ أَوْ آمَسَى بِي مِنْ نِعْمَةٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَمِنْكَ وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ بِهَا عَلَى حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَى فَهَذَا كَانَ شُكْرُهُ؛ بحار الأنوار ج: ١١ ص: ٢٩٠

﴿٣٢٠٨﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّمَا سُمِّيَ نُوحٌ عَبْدًا شُكُورًا لِأَنَّهُ كَانَ عليه السلام يَقُولُ هَذَا عِنْدَ كُلِّ صَبَاحٍ وَمَسَاءٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنَّهُ مَا أَمْسَى وَاصْبَحَ بِي مِنْ عَافِيَةٍ أَوْ نِعْمَةٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَمِنْكَ وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَزَادَ جَدِّي أَبُو جَعْفَرٍ الطُّوسِيُّ فِي رَوَايَتِهِ بَعْدَ قَوْلِهِ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَا؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٢٦٩

﴿٣٢٠٩﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّمَا سُمِّيَ نُوحٌ عَبْدًا شُكُورًا لِأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ إِذَا أَصْبَحَ وَآمَسَى اللَّهُمَّ إِنَّهُ مَا أَصْبَحَ وَآمَسَى بِي مِنْ نِعْمَةٍ أَوْ عَافِيَةٍ مِنْ دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَمِنْكَ وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ بِهِ عَلَى يَا رَبِّ حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَا يَقُولُهَا إِذَا أَصْبَحَ عَشْرًا وَإِذَا أَمْسَى عَشْرًا (فَسُمِّيَ بِذَلِكَ عَبْدًا شُكُورًا)؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ٣٨٧

﴿٣٢١٠﴾ الباقر عليه السلام: كَانَ نُوحٌ إِذَا أَمْسَى وَاصْبَحَ يَقُولُ أَمْسَيْتُ أَشْهَدُ أَنَّهُ مَا أَمْسَى بِي مِنْ نِعْمَةٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَإِنَّهَا مِنَ اللَّهِ وَحَدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْحَمْدُ بِهَا عَلَى وَالشُّكْرُ كَثِيرًا فَأَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْهِ كَانَ عَبْدًا شُكُورًا؛ بحار الأنوار ج: ١١ ص: ٢٩١

﴿٣٢١١﴾ الباقر عليه السلام: وَقَدْ أَتَنَى اللَّهُ عَلَيْهِمْ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ فَقَالَ لِنُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شُكُورًا؛ بحار الأنوار ج: ٧٤ ص: ٩٧

﴿٣٢١٢﴾ العسكري عليه السلام: يَا عِبَادَ اللَّهِ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ فِي جَلَالَتِهِ وَإِلَى شَيْثَ فِي حُكْمَتِهِ وَإِلَى إِدْرِيسَ فِي نَبَاهَتِهِ وَمِهَابَتِهِ وَإِلَى نُوحٍ فِي شُكْرِهِ لِرَبِّهِ وَعِبَادَتِهِ وَإِلَى إِبْرَاهِيمَ فِي وَفَائِهِ وَخُلَّتِهِ وَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۲۰۴﴾ مردم سه چیز را از سه کس آموختند؛ صبر را از ایوب، شکر را از نوح، و حسد را از فرزندان یعقوب.

﴿۳۲۰۵﴾ از میان پیامبران آن که عمرش طولانی‌تر و شکرگزاری‌اش نسبت به پروردگار بیشتر و پاداش بزرگ‌تری داشت حضرت نوح بود.

﴿۳۲۰۶﴾ به این جهت حضرت نوح علیه السلام را بنده‌ی بسیار شکرگزار نامیدند که هرگاه شب و صبح را آغاز می‌کرد به درگاه خداوند عزیز و جلیل عرض می‌کرد: "خدایا، تو را شاهد قرار می‌دهم که هر نعمت یا عافیتی در دین یا دنیا، شب یا روز به من می‌رسد فقط از ناحیه‌ی توست که شریکی نداری، و در مقابل این نعمت و عافیت که به من داده‌ای سپاس و شکر را به‌جا می‌آورم تا از من راضی شوی و حتی بعد از آن نیز پروردگارا، باز تو را می‌ستایم و شکر می‌نمایم.

﴿۳۲۰۷﴾ نوح در هر صبح و شام می‌گفت: ("خداوندا؛ تو را گواه می‌گیرم که در هر صبح و شام هر نعمتی که در دین یا دنیای من وجود دارد، از ناحیه‌ی توست، تو یگانه‌ای و شریکی نداری، حمد و سپاس از آن توست، تا آنجا که از من راضی شوی) و حتی بعد از رضایت، و این کلام شکر نوح بود.

﴿۳۲۰۸﴾ حضرت نوح علیه السلام از آن جهت بنده‌ی بسیار سپاسگزار نامیده شد، که پیوسته در هر صبح و شام می‌فرمود: "خدایا، تو را گواه می‌گیرم که روز و شبم را با هیچ عافیت یا نعمتی دینی و دنیوی آغاز نکردم مگر اینکه همه آنها از ناحیه‌ی توست و شریکی برای تو وجود ندارد، ستایش و سپاسگزاری در هر حالتی مخصوص توست. و در نسخه‌ای افزوده شده‌است: تا اینکه خشنود گردی، و حتی بعد از خرسندی‌ات.

﴿۳۲۰۹﴾ حضرت نوح علیه السلام از آن جهت بنده‌ی بسیار سپاسگزار نامیده شد، که پیوسته در هر صبح و شام می‌فرمود: "خدایا، تو را گواه می‌گیرم که روز و شبم را با هیچ عافیت یا نعمتی دینی و دنیوی آغاز نکردم مگر اینکه همه آنها از ناحیه‌ی توست و شریکی برای تو وجود ندارد، ستایش و سپاسگزاری مخصوص توست تا اینکه خشنود گردی، و حتی بعد از خوشنودی‌ات.

﴿۳۲۱۰﴾ نوح علیه السلام در ابتدای شب و در آغاز صبح چنین می‌گفت: شهادت می‌دهم که همه‌ی نعمت‌هایی که از دین و دنیا همراه من بوده از طرف خداست، یکتایی که شریک ندارد و شکر فراوانش بر من واجب است پس خداوند چنین نازل کرد: "او بنده‌ای بسیار شکرگزار بود."

﴿۳۲۱۱﴾ و خدا ایشان را در کتاب محکمش ستایش می‌کند. سپس درباره‌ی نوح فرمود: "همانا نوح بنده‌ای بسیار سپاسگزار بود."

﴿۳۲۱۲﴾ ای بندگان خدا، هر که می‌خواهد به جلالت آدم و به حکمت شیث و به شرافت ادريس و به شکر نوح و به وفاداری و دوستی ابراهیم در با خدا و به غضب و دشمنی موسی با دشمنان

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

إِلَى مُوسَى فِي بُغْضِ كُلِّ عَدُوٍّ لِلَّهِ وَ مُنَابَذَتِهِ وَإِلَى عِيسَى فِي حُبِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُعَاشَرَتِهِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؛ بحار الأنوار ج: ١٧ ص: ٤١٨

﴿٣٢١٣﴾ العسكري عليه السلام: يَا عِبَادَ اللَّهِ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ فِي جَلَالَتِهِ وَإِلَى شَيْثٍ فِي حِكْمَتِهِ وَإِلَى إِدْرِيسَ فِي نَبَاهَتِهِ وَمِهَاتِهِ وَإِلَى نُوحٍ فِي شُكْرِهِ لِرَبِّهِ وَعِبَادَتِهِ وَإِلَى إِبْرَاهِيمَ فِي وَفَائِهِ وَخُلَّتِهِ وَإِلَى مُوسَى فِي بُغْضِ كُلِّ عَدُوٍّ لِلَّهِ وَ مُنَابَذَتِهِ وَإِلَى عِيسَى فِي حُبِّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُعَاشَرَتِهِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؛ بحار الأنوار ج: ١٧ ص: ٤١٨

٢٧-٣-١- يَعْقُوبُ عليه السلام

﴿٣٢١٤﴾ فَأَخْبَرْنَا عَمَّا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَنْزِلَ التَّوْرَةُ قَالَ أَنْشِدْكُمْ بِاللَّهِ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ أَحَبَّ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ إِلَيْهِ لُحُومُ الْإِبِلِ وَ الْبَاقِهَا فَاشْتَكَى شَكْوَى فَلَمَّا عَافَاهُ اللَّهُ مِنْهَا حَرَّمَهَا عَلَى نَفْسِهِ لِيَشْكُرَ اللَّهُ بِهِ قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ؛ بحار الأنوار ج: ٩ ص: ٣٠٧

﴿٣٢١٥﴾ الصادق عليه السلام: فَسَجَدَ يَعْقُوبُ وَ وَلَدُهُ وَ يُوسُفُ مَعَهُمْ شُكْرًا لِلَّهِ لِاجْتِمَاعِ شَمْلِهِمْ أَلَا تَرَى أَنَّهُ يَقُولُ فِي شُكْرِهِ ذَلِكَ الْوَقْتُ رَبِّ قَدْ أَتَيْتَنِي مِنَ الْمَلِكِ الْآيَةُ؛ وسائل الشيعة ج: ٦ ص: ٣٨٧

﴿٣٢١٦﴾ الباقر عليه السلام: فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَى الْقَمِيصَ عَلَى وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا وَقَالَ لَهُمْ مَا فَعَلَ ابْنُ يَامِيلَ [يَامِينَ] قَالُوا خَلَفْنَاهُ عِنْدَ أَخِيهِ صَالِحًا قَالَ فَحَمِدَ اللَّهُ يَعْقُوبُ عِنْدَ ذَلِكَ وَ سَجَدَ لِرَبِّهِ سَجْدَةَ الشُّكْرِ وَ رَجَعَ إِلَيْهِ بَصَرُهُ وَ تَقَوَّمَ لَهُ ظَهْرُهُ؛ بحار الأنوار ج: ١٢ ص: ٣١٧

٢٨-٣-١- يُوسُفُ عليه السلام

﴿٣٢١٧﴾ الصادق عليه السلام: فَسَجَدَ يَعْقُوبُ وَ وَلَدُهُ وَ يُوسُفُ مَعَهُمْ شُكْرًا لِلَّهِ لِاجْتِمَاعِ شَمْلِهِمْ أَلَا تَرَى أَنَّهُ يَقُولُ فِي شُكْرِهِ ذَلِكَ الْوَقْتُ رَبِّ قَدْ أَتَيْتَنِي مِنَ الْمَلِكِ الْآيَةُ؛ وسائل الشيعة ج: ٦ ص: ٣٨٧

٢٩-٣-١- يُونُسُ عليه السلام

﴿٣٢١٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَثْبَتَ اللَّهُ عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَفُطِينَ وَ هِيَ الدُّبَابُ فَظَلَّتْهُ مِنَ الشَّمْسِ فَشَكَرَ؛ تفسير القمي ج: ١ ص: ٣١٨

٧-٣-١- فَلَّةُ الشَّاكِرِ وَ الشُّكُورِ

١-٣-٧-١- قَلِيلٌ مِنْ عِبَادِي الشُّكُورُ

﴿٣٢١٩﴾ أَعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشُّكُورُ؛ سبأ: الآية ١٣

﴿٣٢٢٠﴾ الكاظم عليه السلام: يَا هِشَامُ ثُمَّ مَدَحَ الْقِلَّةَ فَقَالَ وَ قَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشُّكُورُ؛ الكافي ج: ١

ص: ١٥

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

خدا و به محبت عیسی به تمام مؤمنان و به معاشرتش با آنان بنگرد باید به علی بن ابی طالب علیه السلام نگاه کند.

﴿۳۲۱۳﴾ ای بندگان خدا، هر که می‌خواهد به جلالت آدم و به حکمت شیث و به شرافت ادریس و به شکر نوح و به وفاداری و دوستی ابراهیم در با خدا و به غضب و دشمنی موسی با دشمنان خدا و به محبت عیسی به تمام مؤمنان و به معاشرتش با آنان بنگرد باید به علی بن ابی طالب علیه السلام نگاه کند.

۲۷-۳-۱- حضرت یعقوب علیه السلام

﴿۳۲۱۴﴾ به ما خبر بده اسرائیل قبل از نازل شدن تورات چه چیز را بر خود حرام نمود فرمود: تورا به خدا مگر محبوب‌ترین غذاها نزد یعقوب گوشت و نیز شتر و نبود؟ او بیمار شد و همین که خداوند او را شفا بخشید به عنوان شکر گزاری آن گوشت را بر خود حرام کرد. گفتند: بلی، این چنین بود.

﴿۳۲۱۵﴾ یوسف همراه یعقوب و فرزندان به خاطر برقرارشدن اتحادشان به درگاه خداوند سجده‌ی شکر کردند. آیا نمی‌بینی که او هنگام شکرش در آن وقت چنین گفت: "پروردگارا، تو به من دولت دادی... تا آخر آیه"

﴿۳۲۱۶﴾ آنگاه که بشارت‌دهنده آمد و پیراهن را روی چهره‌ی او انداخت، او بینا شد و به آن‌ها گفت: ابن‌یامین چه شد؟ گفتند او با احترام نزد برادرش مانده است. پس آنگاه یعقوب خدا را ستایش کرد و برای پروردگارش سجده‌ی شکر به جای آورد و چشمش بینا و پشتش راست شد.

۲۸-۳-۱- حضرت یوسف علیه السلام

﴿۳۲۱۷﴾ یوسف همراه یعقوب و فرزندان به خاطر برقرارشدن اتحادشان به درگاه خداوند سجده‌ی شکر کردند. آیا نمی‌بینی که او هنگام شکرش در آن وقت چنین گفت: "پروردگارا، تو به من دولت دادی... تا آخر آیه"

۲۹-۳-۱- حضرت یونس علیه السلام

﴿۳۲۱۸﴾ خداوند بالای سر او درخت کدو رویانید، تا او را از نور خورشید در امان نگاه دارد، و او شکر کرد.

۷-۳-۱- کم‌بودن تعداد شکرگزاران و بسیار سپاسگزاران

۱-۳-۷-۱- بندگان بسیار سپاسگزار من اندکند

﴿۳۲۱۹﴾ ای خاندان داود، شکر (این همه نعمت را) به‌جا آورید ولی عده‌ی کمی از بندگان من شکر گزارند!

﴿۳۲۲۰﴾ ای هشام، سپس خداوند گروه اقلیت را ستوده و چنین فرموده است: "اندکی از بندگان من سپاسگزارند."

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٢٢١﴾ الكاظم عليه السلام: قَلِيلٌ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ الشَّاكِرُونَ؛ بحار الأنوار ج: ١٧ ص: ٢٢٥

﴿٣٢٢٢﴾ الصادق عليه السلام: فِي كُلِّ نَفْسٍ مِنْ أَنْفَاسِكَ شُكْرٌ لَازِمٌ لَكَ بَلْ أَلْفٌ وَ أَكْثَرُ وَ أَذْنَى الشُّكْرِ رُؤْيَةُ النُّعْمَةِ مِنَ اللَّهِ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ يَتَعَلَّقُ الْقَلْبُ بِهَا دُونَ اللَّهِ وَ الرِّضَا بِمَا أَعْطَاهُ وَ أَنْ لَا تَعْصِيَهُ بِنِعْمَتِهِ وَ تُخَالِفَهُ بِشَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ بِسَبَبِ نِعْمَتِهِ وَ كُنْ لِلَّهِ عَبْدًا شَاكِرًا عَلَى كُلِّ حَالٍ تَجِدِ اللَّهَ رَبًّا كَرِيمًا عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ لَوْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عِبَادَةٌ تُعْبَدُ بِهَا عِبَادَةُ الْمُخْلِصِينَ أَفْضَلَ مِنْ الشُّكْرِ عَلَى كُلِّ حَالٍ لَا طُلُقَ لَفْظُهُ فِيهِمْ مِنْ جَمِيعِ الْخَلْقِ بِهَا فَلَمَّا لَمْ يَكُنْ أَفْضَلَ مِنْهَا خَصَهَا مِنْ بَيْنِ الْعِبَادَاتِ وَ خَصَّ أَرْبَابَهَا فَقَالَ وَ قَلِيلٌ مِنْ عِبَادِي الشَّاكِرُونَ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٥٢

١-٣-٧-٢- الشَّاكِرُونَ شِرْذِمَةٌ قَلِيلَةٌ

﴿٣٢٢٣﴾ الرسول عليه السلام: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ وَ عُرِضَتِ الْخَلَائِقُ فِي الْمَوْقِفِ يَنَادِي مُنَادٍ مِنْ قَبْلِ رَبِّ الْعِزَّةِ نِدَاءً يَسْمَعُهُ أَهْلُ الْجَنَّةِ كُلُّهُمْ لِيَقُمَ الَّذِينَ كَانَتْ تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنْ الْمَضَاجِعِ فَتَقُومُ شِرْذِمَةٌ قَلِيلَةٌ ثُمَّ يَنَادِي الْمُنَادِي لِيَقُمَ الَّذِينَ كَانُوا يَشْكُرُونَ اللَّهُ فِي السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ فَتَقُومُ شِرْذِمَةٌ قَلِيلَةٌ فَيَذْهَبُ بِالْفَرِيقَيْنِ إِلَى الْجَنَّةِ ثُمَّ يَأْمُرُ اللَّهُ تَعَالَى بِحِسَابِ الْخَلَائِقِ؛ مستدرک الوسائل ج: ٦ ص: ٣٣٩

١-٣-٧-٣- قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ

﴿٣٢٢٤﴾ وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ؛ الأعراف: الآية ١٠

﴿٣٢٢٥﴾ وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ لَكُمْ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ؛ المؤمنون: الآية ٧٨

﴿٣٢٢٦﴾ قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَ جَعَلَ لَكُمْ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ؛ الملك: الآية ٢٣

﴿٣٢٢٧﴾ ثُمَّ سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَ جَعَلَ لَكُمْ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ؛ السجدة: الآية ٩

١-٣-٧-٤- مَا أَقَلَّ مَنْ شَكَرَ الْمَعْرُوفَ

﴿٣٢٢٨﴾ الصادق عليه السلام: مَا أَقَلَّ مَنْ شَكَرَ الْمَعْرُوفَ؛ الكافي ج: ٤ ص: ٣٣

﴿٣٢٢٩﴾ الصادق عليه السلام: لَا تَصْلُحُ الصَّنِيعَةُ إِلَّا عِنْدَ ذِي حَسَبٍ أَوْ دِينٍ وَ مَا أَقَلَّ مَنْ يَشْكُرُ الْمَعْرُوفَ؛ تحف العقول ص: ٣٥٨

١-٣-٧-٥- لَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۲۲۱﴾ بندگان شاکر خدا، کم هستند.

﴿۳۲۲۲﴾ برای هر نفسی شکری بلکه هزار شکر یا بیشتر لازم است. و کمترین درجه‌ی شکر این است که نعمت را فقط از خدا بدانی و اسباب و علت دیگری جز خدا در دل تو جای نداشته باشد؛ برای هر نفسی شکری بلکه هزار شکر یا بیشتر لازم است. و کمترین درجه‌ی شکر این است که نعمت را فقط از خدا بدانی و اسباب و علت دیگری جز خدا در دل تو جای نداشته باشد. و نیز راضی بودن از آنچه خدا به او بخشیده و اینکه با نعمت خدا او را نافرمانی نکند و با امر و نهی او از در مخالفت برنخیزد. برای خدا در همه‌ی حالات بنده‌ی شکرگزار باش تا خدا را پروردگاری سخاوتمند بیایی. و اگر برای خدا عبادتی بهتر از شکر می‌بود که بندگان خالصش، بتوانند در تمام حالات او را با آن پپرستند، خداوند در بین آفریدگان از آن نام می‌برد. ولی چون خداوند در میان عبادات بهتر از آن نیافت که صاحبانش را بر آن ممتاز کند چنین فرمود: "و اندکی از بندگان من سپاسگزارند".

۲-۷-۳-۱- شکرگزاران طایفه‌ی بسیار کوچکی هستند

﴿۳۲۲۳﴾ هنگامی که روز قیامت برپا شود و تمامی آفریدگان در جایگاه حساب قرار گیرند، منادی از جانب پروردگار عزیز شکست‌ناپذیر ندا خواهد داد، با صدایی که همه‌ی اهل محشر آن را می‌شنوند: "کسانی که برای اقامه‌ی نماز شب و عبادت در دل شب از خواب راحت جدا شده‌اند برخیزند." گروه اندکی به پا می‌خیزند؛ سپس منادی ندا می‌دهد: "کسانی که شکر خدا را در آسانی و سختی ادا کردند برخیزند: "گروه اندکی بر می‌خیزند؛ این دو گروه به‌سوی بهشت می‌روند و بعد از آن خدای تعالی امر می‌فرماید تا به حساب بقیه رسیدگی و محاسبه آغاز شود.

۳-۷-۳-۱- شکرگزاری شما اندک است

﴿۳۲۲۴﴾ و همانا ما شما فرزندان آدم را در زمین تمکین و اقتدار بخشیدیم و لوازم گذران زندگی در اختیارتان گذاردیم لیکن تعداد کمی از شما، شکر نعمت‌های خداوند را به‌جا می‌آورید. ﴿۳۲۲۵﴾ و او کسی است که برای شما گوش و چشم و قلب [عقل] ایجاد کرد اما کمتر شکر او را به‌جا می‌آورید.

﴿۳۲۲۶﴾ بگو: "او کسی است که شما را آفرید و برای شما گوش و چشم و قلب قرار داد اما کمتر سپاسگزاری می‌کنید".

﴿۳۲۲۷﴾ سپس (اندام) او را موزون ساخت و از روح خویش در وی دمید و برای شما گوش و چشم و دل قرار داد اما کمتر شکر نعمت‌های او را به‌جا می‌آورید.

۴-۷-۳-۱- چه کمند کسانی که شکر نیکی را به‌جای آورند

﴿۳۲۲۸﴾ چقدر اندکند کسانی که نعمت‌ها شکر می‌کنند.

﴿۳۲۲۹﴾ کار نیک امید نمی‌رود مگر از انسان شریف و یا دیندار، و چقدر اندکند کسانی که از کار نیک سپاسگزاری کنند.

۵-۷-۳-۱- بیشترشان را شکرگزار نخواهی یافت

﴿۹۴۱﴾

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٢٣٠﴾ لَا تَعْدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ثُمَّ لَا تَنْهَيْهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ؛ الأعراف: الآية ١٧

﴿٣٢٣١﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: فَيَقُولُ لَهُ إِيْلَيْسُ وَيُلْ لَكَ أَوْ ثُبُورُ لَكَ، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِالسُّجُودِ لِأَدَمَ فَعَصَيْتُهُ وَسَأَلْتُهُ أَنْ يَجْعَلَ لِي سُلْطَانًا عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهْلِ بَيْتِهِ وَشِيعَتِهِ فَلَمْ يُجِبْنِي إِلَى ذَلِكَ، وَقَالَ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ وَمَا عَرَفْتَهُمْ حِينَ اسْتَشْنَاهُمْ إِذْ قُلْتُ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٣٠ ص: ٢٣٢

١-٣-٧-٦- أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ

﴿٣٢٣٢﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ؛ البقرة: الآية ٢٤٣

﴿٣٢٣٣﴾ وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ؛ يونس: الآية ٦٠

﴿٣٢٣٤﴾ وَاتَّبَعَتْ مَلَائِكَةُ آدَمَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ؛ يوسف: الآية ٣٨

﴿٣٢٣٥﴾ وَإِنْ رَبُّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ؛ النمل: الآية ٧٣

﴿٣٢٣٦﴾ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لَتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ؛ غافر: الآية ٦١

١-٣-٧-٧- كَمْ رَأَيْنَا غَيْرُ شَاكِرٍ

﴿٣٢٣٧﴾ وَكَمْ رَأَيْنَا مِنْ ذَوِي ثَرَوَةٍ لَمْ يَقْبَلُوا بِالشُّكْرِ إِقْبَالَهَا

ديوان الإمام علي (ع) ص: ٣١٨

١-٣-٨- الإِعْتِرَافُ بِقِلَّةِ الشُّكْرِ، صِغَرُهُ وَضَعْفُهُ وَالْإِخْلَالُ وَالْإِهْمَالُ وَالتَّقْصِيرُ فِيهِ

١-٣-٨-١- الإِخْلَالُ

١-٣-٨-١-١- إِخْلَالِي بِالشُّكْرِ

﴿٣٢٣٨﴾ لَمْ يَمْنَعْكَ إِخْلَالِي بِالشُّكْرِ مِنْ إِتِمَامِ إِحْسَانِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٢٨

١-٣-٨-٢- الصَّغَرُ

١-٣-٨-٢-١- صَغُرَ شُكْرِي

﴿٣٢٣٩﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: كَبُرَتْ نِعْمَتُكَ عَلَيَّ وَصَغُرَ فِي جَنْبِهَا شُكْرِي؛ مفتاح الفلاح ص: ١٥٣

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۲۳۰﴾ شیطان گفت: چون تو مرا از گمراه شدگان قرار دادی پس من نیز در کمین بندگان و بر سر راه راست تو می‌نشینم و آنگاه از پیش رو و از پشت سر و از طرف راست و چپ آنان در می‌آیم و بیشتر آنان را شکرگزار نعمت نخواهی یافت.

﴿۳۲۳۱﴾ ابلیس به او می‌گوید: وای بر تو یا هلاکت بر تو، آیا نمیدانی که خداوند مرا به سجود در برابر آدم امر کرد و نافرمانی‌اش کردم و از او خواستم که مرا بر محمد و اهل بیتش علیهم‌السلام و شیعیانش مسلط کند؛ اما در این امر، به من پاسخ مثبت نداد و گفت: "در حقیقت تو را بر بندگان تسلطی نیست مگر گمراهانی که از تو پیروی کنند" و آنگاه که خدا آن‌ها را استشنا کرد آن‌ها را شناختم، و آنگاه که گفتم: "بیشترشان را شکرگزار نخواهی یافت".

۶-۷-۳-۱- اکثر مردم شکر نمی‌گذارند

﴿۳۲۳۲﴾ آیا ندیدی جمعیتی را که از ترس مرگ، از خانه‌های خود فرار کردند؟ و آنان، هزارها نفر بودند (که به بهانه‌ی بیماری طاعون، از شرکت در میدان جهاد خودداری نمودند). خداوند به آن‌ها گفت: بمیرید؛ (و به همان بیماری، که آن را بهانه قرار داده بودند، مردند). سپس خدا آن‌ها را زنده کرد (و ماجرای زندگی آن‌ها را درس عبرتی برای آیندگان قرار داد). خداوند نسبت به بندگان خود احسان می‌کند ولی بیشتر مردم، شکر (او را) به جا نمی‌آورند.

﴿۳۲۳۳﴾ آن‌ها که بر خدا افترا می‌بندند، درباره‌ی (مجازات) روز رستاخیز، چه می‌اندیشند؟ خداوند نسبت به همه‌ی مردم فضل (و بخشش) دارد، اما اکثر آن‌ها سپاسگزاری نمی‌کنند.

﴿۳۲۳۴﴾ من از آیین پدرانم ابراهیم و اسحاق و یعقوب پیروی کردم، سزاوار نبود که ما چیزی را همتای خدا قرار دهیم، این از فضل خدا بر ما و بر مردم است ولی بیشتر مردم شکرگزاری نمی‌کنند.

﴿۳۲۳۵﴾ مسلماً پروردگار تو نسبت به مردم، فضل (و رحمت) دارد ولی بیشترشان شکرگزار نیستند.

﴿۳۲۳۶﴾ خداوند کسی است که شب را برای شما آفرید تا در آن بیاسایید، و روز را روشنی‌بخش قرار داد خداوند نسبت به مردم صاحب فضل و کرم است ولی بیشتر مردم شکرگزاری نمی‌کنند!

۷-۷-۳-۱- چه بسا افرادی را غیر شکرگزار دیدیم

﴿۳۲۳۷﴾ و چه بسیار صاحبان ثروتی که آن‌گونه که باید و شاید حق شکر را به‌جای نیاوردند.

۸-۳-۱- اعتراف به اندک بودن شکرگزاری، کمی و ناتوانی و ضایع کردن و سستی و کوتاهی در شکر

۱-۳-۸-۱- ضایع کردن

۱-۳-۸-۱-۱- ضایع کردن و ترک کردن شکرگزاری

﴿۳۲۳۸﴾ خدایا، کوتاهی من در شکر تو مانع نشد که تو نعمت را بر من تمام کنی.

۲-۳-۸-۱- کوچکی

۱-۳-۸-۲-۱- شکرم ناچیز است

﴿۳۲۳۹﴾ نعمت تو بر من بسی بزرگ بوده، و سپاس من در کنار آن بسیار کوچک و ناچیز است.

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۱-۳-۸-۲-۲-۲ شکر مناجیز است

﴿۳۲۴۰﴾ پروردگارا، شکر من در برابر بزرگی نعمت‌های تو کوچک و مدح و ثنایم در مقابل بزرگواری تو حقیر است.

۱-۳-۸-۲-۳-۳ شکر مناجیز است

﴿۳۲۴۱﴾ آقای من، خیر و لطف از طرف تو پیاپی بر من می‌بارد و شکر و ستایش را بر من واجب می‌کند. پس هیچ‌چیزی از شکر تو انجام نداده و هیچ کلامی در ثنای تو گفته نشده‌ام مگر اینکه سزاوار آن بوده‌ای و با این وجود، همه‌ی این‌ها در مقابل نعمت‌های تو کوچک و کم هستند.

۱-۳-۸-۳-۳-۳ ناتوانی

۱-۳-۸-۳-۳-۱ این جایگاه کسی است که شکرگزاری‌اش ضعیف است

﴿۳۲۴۲﴾ اینجا جایگاه کسی است که نیکی‌هایش نعمتی از سوی توست، و در سپاسگزاری کم‌توان است.

۱-۳-۸-۳-۳-۲ شکرگزاری من اندک است

﴿۳۲۴۳﴾ پس در برابر نعمت‌های تو چه ضعیف است شکر و سپاسگزاری من.

﴿۳۲۴۴﴾ خدایا، مرا به عافیت عادت داده‌ای و به نعمت پروراندی و در پوشش رحمت خود قرار دادی، رحمتی که شب و روز از ابتدای خلقت به فضل و کرم به‌سوی ما روانه می‌شود، رحمتی که من جز آن رحمتی نمی‌شناسم. و تو در مقابل نیکی‌هایی که در حق من کردی چنین پسندیدی که من تو را برای آن نعمت‌ها شاکرانه سپاس گویم؛ اما به علت کم‌کاری و قصور شکر من ناقابل است ولی تو بر من منت بگذار و همان‌گونه که از ابتدای خلقت به من نعمت داده‌ای توفیق شکرگزاری را هم به من بده.

﴿۳۲۴۵﴾ نعمت‌های بسیار به من دادی و من با گناهان بار سنگینی بر خویش گذاشتم. خطاهایم زیاد و جرم عظیم است و شهواتم اطراف مرا گرفته است از آن‌ها ناراحت‌م و عملم از ادای حق آن‌ها ناتوان است و شکر من در برابر آن‌ها ضعیف است.

۱-۳-۸-۳-۳-۳ ناتوانی شکرگزاری من

﴿۳۲۴۶﴾ تا اینکه مرا در حال اخلاص بمیرانی و در حالی که مستوجب رضای تو باشم برانگیزی و حال که آن را نور و حجت و حفاظی قرار داده‌ای به خاطر کوتاهی و ناتوانی‌ام در شکر، آن را برایم و بال و مایه‌ی سختی قرار نداده‌ای که در آن صورت من و آن کسی که تو را نافرمانی کرده و با امرت مخالفت کند و انکار تو را نماید در برابر غضب تو یکسان خواهیم بود.

۱-۳-۸-۳-۳-۴ ناتوانی من از شکرگزاری نعمت تو

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٢٤٧﴾ السَّجَادُ عليه السلام: اللَّهُمَّ فَكَمَا حَلُمْتَ عَنِّي فِيمَا اجْتَرَأْتُ عَلَيْهِ مِنْ مَعَاصِيكَ وَ عَرَفْتَ تَضْيِيعِي حَقَّكَ وَ ضَعْفِي عَنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ وَ رُكُوبِي مَعْصِيَتِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي لَسْتُ ذَا عُدْرٍ فَأَعْتَذِرُ وَ لَا ذَا حِيلَةٍ فَاتَّقَصِرْ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٣٦

١-٣-٨-٤- إسْتِغْرَاقُ الشُّكْرِ فِي النِّعَمِ

﴿٣٢٤٨﴾ السَّجَادُ عليه السلام: سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي مَا أَحْلَمَكَ وَ أَعْظَمَكَ وَ أَعَزَّكَ وَ أَكْرَمَكَ وَ أَغْلَاكَ وَ أَقْدَمَكَ وَ أَحْكَمَكَ وَ أَغْلَمَكَ وَ سَعَ عِلْمُكَ تَهْدُدُ الْمُتَكَبِّرِينَ وَ اسْتَغْرَقَتْ نِعْمَتُكَ شُكْرَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٢٤

١-٣-٨-٥- تَفْضِيلُ النِّعْمَةِ عَلَى شُكْرِنَا

﴿٣٢٤٩﴾ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبَّنَا الَّذِي نِعْمَتُهُ أَفْضَلُ مِنْ شُكْرِنَا؛ البلد الأمين ص: ١٣٧

١-٣-٨-٦- التَّقْصِيرُ

١-٣-٨-٦-١- التَّقْصِيرُ فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ

﴿٣٢٥٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا يَنْقُصُ جُودُكَ التَّقْصِيرُ فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢

ص: ٢٥١

١-٣-٨-٦-٢- بِالتَّقْصِيرِ

﴿٣٢٥١﴾ السَّجَادُ عليه السلام: إِلَهِي أَذْهَلَنِي عَنْ إِقَامَةِ شُكْرِكَ تَتَانِجُ طَوْلِكَ وَ أَعْجَزَنِي عَنْ إِحْصَاءِ ثَنَائِكَ فَضِيضُ فَضْلِكَ وَ شَغَلَنِي عَنْ ذِكْرِ مَحَامِدِكَ تَرَادُفُ عَوَائِدِكَ وَ أَغْيَانِي عَنْ نَشْرِ عَوَارِفِكَ تَوَالِي آيَادِيكَ وَ هَذَا مَقَامٌ مَنِ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النِّعْمَاءِ وَ قَابَلَهَا بِالتَّقْصِيرِ وَ شَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْإِهْمَالِ وَ التَّضْيِيعِ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٤٦

﴿٣٢٥٢﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: اللَّهُمَّ خَلَقْتَ الْقُلُوبَ عَلَى إِرَادَتِكَ وَ فَطَرْتَ الْعُقُولَ عَلَى مَعْرِفَتِكَ فَتَمَلَّمْتَ الْإِفْئِدَةَ مِنْ مَخَافَتِكَ وَ صَرَخْتَ الْقُلُوبُ بِالْوَلَهِ وَ تَقَاصَرَ وَسْعُ قَدْرِ الْعُقُولِ عَنِ الثَّنَاءِ عَلَيْكَ وَ انْقَطَعَتْ الْأَلْفَاظُ عَنْ مِقْدَارِ مَحَاسِنِكَ وَ كَلَّتِ الْأَلْسُنُ عَنْ إِحْصَاءِ نِعَمِكَ... وَ كُلُّ يَتَفَيَّأُ فِي ظِلَالٍ تَأْمِيلِ عَفْوِكَ وَ يَتَضَاءَلُ بِالذُّلِّ لِخَوْفِكَ وَ يَعْتَرِفُ بِالتَّقْصِيرِ فِي شُكْرِكَ؛ البلد الأمين ص: ٣٧٨

١-٣-٨-٦-٣- تَقْصِيرِي

﴿٣٢٥٣﴾ وَ ارْزُقْنِي الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِيرِي فِي الشُّكْرِ لَكَ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فِي الْيُسْرِ وَ الْعُسْرِ وَ الصِّحَّةِ وَ السَّقَمِ، حَتَّى أَتَعَرَّفَ مِنْ نَفْسِي رَوْحَ الرِّضَا وَ طُمَأْنِينَةَ النَّفْسِ مِنِّي بِمَا يَجِبُ لَكَ فِيمَا يَحْدُثُ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ١٠٦

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۲۴۷﴾ پروردگارا، همان طور که درباره‌ی من در مورد گناهانی که به انجام آن جسارت کردم، بردباری کردی. و می‌دانی حقت را ضایع کردم و در شکر نعمت کوتاهی نمودم و تو را نافرمانی کردم. پروردگارا، عذری ندارم پس مرا ببخش و برای من هیچ چاره‌ای نیست، پس مرا یاری کن (که تنها چاره‌ی من تو هستی).

۱-۳-۸-۴- غرق شدن شکر در نعمت‌ها

﴿۳۲۴۸﴾ پاک و منزهی ای خدای من، چقدر حلیم و بزرگ و عزیز و بزرگوار و بلندمرتبه و قدیم و حکیم و دانایی. علم تو بر تهدیدهای متکبران احاطه دارد و نعمت شکر شاکران را فراگرفته است.

۱-۳-۸-۵- برتری نعمت بر شکرگزاری ما

﴿۳۲۴۹﴾ پاک و منزّه است خداوند، پروردگار ما که نعمت‌های او با فضیلت‌تر است از شکرها (و شکر و ثناگویی ما هرگز به حدّ لطف و منت خداوند نمی‌رسد).

۱-۳-۸-۶- کوتاهی

۱-۳-۸-۶-۱- کوتاهی در به‌جای آوردن شکر نعمت

﴿۳۲۵۰﴾ کوتاهی بندگان در شکر نعمت تو ارزش بخشش تو را نمی‌کاهد.

۱-۳-۸-۶-۲- با کوتاهی

﴿۳۲۵۱﴾ خدایا، پیاپی بودن بخشش‌هایت مرا در ادای شکرت سرگردان نموده و فراوانی فضیلت از شمارش ستودنی‌هایت عاجز کرده است و پی‌درپی بودن احسانت مرا از یاد حمدت بازداشته و پیوستگی الطافت از بازگویی نیکویی‌هایت درمانده‌ام کرده‌است و این مقام کسی است که اعتراف می‌کند که تو نعمت‌های او را کامل کرده‌ای و او با سستی و اهمال با آن‌ها مقابله کرده است و خود به بی‌توجهی و سستی خودش گواه است.

﴿۳۲۵۲﴾ خدایا، تو درون‌مایه‌ی دل‌ها را در میل و رغبت به خودت خلق کردی و خمیرمایه‌ی عقول را معرفت خودت قراردادی و دل‌ها از ترس تو آرام ندارند و دل‌ها از شیدایی تو فریاد سرمی‌دهند و گسترده‌ی توان عقول در مدح تو رو به افول نهاده و الفاظ از محاسبه‌ی الطاف تو ناتوان شده و زبان‌ها از شمارش نعمت‌های تو قاصر گشته‌اند... و همگی در پی سایه‌ی امید به عفو تو هستند و از ترس تو خود را خوار می‌دانند و به کوتاهی‌ورزیدن در شکر تو معترف هستند.

۱-۳-۸-۶-۳- کوتاهی من

﴿۳۲۵۳﴾ خدایا، با وجود کوتاهی‌ام در شکر تو درمقابل نعمت‌هایی که درآسانی و سختی و سلامتی و بیماری به من ارزانی داشته‌ای، حق را روزی‌ام کن، تا اینکه از طرف من نسیم رضایت و اطمینان نفس را در پذیرش آنچه برای تو واجب است، ببینی، و بشناسی.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٢٥٤﴾ الباقر عليه السلام: إِنَّكَ جَلَّ جَلَالُكَ أَوْجَدْتَنِي جُوداً وَكَرَمًا وَأَحْيَيْتَنِي مُتَفَضِّلًا وَمُنْعِمًا وَعَافَيْتَنِي ابْتِدَاءً فِي الْإِنشَاءِ وَعَافَيْتَنِي مِمَّا اسْتَحَقُّهُ مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ وَالْإِثْلَاءِ بِتَقْصِيرِي فِي شُكْرِ مَا وَهَبْتَنِي مِنَ النِّعَمَاءِ؛ مهج الدعوات ص: ٣٣٧

﴿٣٢٥٥﴾ سَيِّدِي أَنَا مَنْ قَدْ عَلِمْتَ وَفِيَّ مَا عَرَفْتَ مِنْ ضَعْفِي عَنْ عِبَادَتِكَ إِلَّا بِتَوْفِيقِكَ وَتَقْصِيرِي عَنْ شُكْرِكَ إِلَّا بِعَوْنِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٩ ص: ٢٤٠

﴿٣٢٥٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَا يَنْقُصُ جُودُكَ التَّقْصِيرُ فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ؛ مهج الدعوات ص: ١٣١

١-٣-٨٤-٤- فَيَقْصُرُ شُكْرِي

﴿٣٢٥٧﴾ اللَّهُمَّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَحِيدًا مُسْتَوْحِشًا فَيَقْصُرُ شُكْرِي عِنْدَ تَفَكُّرِي؛ مستدرک الوسائل ج:

١٥ ص: ١١٩

﴿٣٢٥٨﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَحِيدًا وَخَشًا فَيَقْصُرُ شُكْرِي عَنْ تَفَكُّرِي؛ الكافي ج:

٩ ص: ٩٠

١-٣-٨٤-٥- قَاصِرًا عَاجِزًا عَنْ دَرْكِ غَايَةِ شُكْرِهِ

﴿٣٢٥٩﴾ الصادق عليه السلام: وَتَمَامُ الشُّكْرِ اعْتِرَافُ لِسَانِ السَّرِّ خَاضِعًا لِلَّهِ تَعَالَى بِالْعَجْزِ عَنْ بُلُوغِ أَذْنَى شُكْرِهِ لِأَنَّ التَّوْفِيقَ لِلشُّكْرِ نِعْمَةٌ حَادِثَةٌ يَجِبُ الشُّكْرُ عَلَيْهَا وَهِيَ أَعْظَمُ قَدْرًا وَأَعَزُّ وَجُودًا مِنَ النِّعْمَةِ الَّتِي مِنْ أَجْلِهَا وَفَّقْتَ لَهُ فَيَلْزِمُكَ عَلَى كُلِّ شُكْرٍ أَعْظَمُ مِنْهُ إِلَى مَا لَا نِهَايَةَ لَهُ مُسْتَعْرِقًا فِي نِعْمَتِهِ قَاصِرًا عَاجِزًا عَنْ دَرْكِ غَايَةِ شُكْرِهِ وَأَنْتَ يَلْحَقُ الْعَبْدُ شُكْرَ نِعْمَةِ اللَّهِ وَنَمَتِي يَلْحَقُ صَنِيعُهُ بِصَنِيعِهِ وَالْعَبْدُ ضَعِيفٌ لَا قُوَّةَ لَهُ أَبَدًا إِلَّا بِاللَّهِ وَاللَّهُ غَنِيٌّ عَنْ طَاعَةِ الْعَبْدِ قَوِيٌّ عَلَى مَزِيدِ النِّعَمِ عَلَى الْآبِدِ فَكُنْ لِلَّهِ عَبْدًا شَاكِرًا عَلَى هَذَا الْأَصْلِ تُرَى الْعَجَبُ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٥٢

١-٣-٨٤-٦- قَصُرَ شُكْرُنَا

﴿٣٢٦٠﴾ السجاد عليه السلام: فَالْأَوَّلُ كَجَمَّةٍ ضَعْفَ لِسَانِي عَنْ إِحْصَائِهَا وَنِعْمَاؤُكَ كَثِيرَةٌ قَصُرَ فَهْمِي

عَنْ إِدْرَاكِهَا فَضَّلْنَا عَنْ اسْتِفْصَائِهَا؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٤٦

﴿٣٢٦١﴾ الصادق عليه السلام: فَإِنَّكَ اتَّخَذْتَ بِهِ عَلَيْنَا حُجَّةً قَطَعْتَ بِهِ عُذْرَنَا وَاصْطَنَعْتَ بِهِ عِنْدَنَا

نِعْمَةً قَصَرَ عَنْهَا شُكْرُنَا؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٧٣

﴿٣٢٦٢﴾ الصادق عليه السلام: مَا مِنْ عَبْدٍ إِلَّا وَ لِلَّهِ عَلَيْهِ حُجَّةٌ إِمَّا فِي ذَنْبٍ اقْتَرَفَهُ وَإِمَّا فِي نِعْمَةٍ قَصَرَ

عَنْ شُكْرِهَا؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٤٦

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۲۵۴﴾ تو که جلالت بزرگ است، مرا از روی بخشش و کرم ایجاد کرده‌ای و مرا از روی احسان و لطف زنده کرده‌ای و سلامت داشته‌ای مرا در اول خلقتم به من عافیت و سلامت عطا کردی و مرا از گرفتاری‌هایی که سزاوار دریافت آن بودم و آنچه به واسطه‌ی کوتاهی در ادای شکر نعمت‌هایی که به من عطا کردی لایق آن بودم، معاف کردی.

﴿۳۲۵۵﴾ آقای من، من آنم که تو می‌دانی و برآنچه دارم آگاهی که اگر توفیق ندهی برادای بندگی تو ناتوانم و آگاهی که بدون کمک تو از انجام شکر دستم کوتاه است.

﴿۳۲۵۶﴾ کوتاهی بندگان در شکر نعمت تو ارزش بخشش تو را نمی‌کاهد.

۴-۶-۸-۳-۱- در شکرگزاری کوتاهی کرده‌ام

﴿۳۲۵۷﴾ خدایا، مرا تک‌وتنها و ترسان رها نکن که هنگام تفکر، کم شکر کنم.

﴿۳۲۵۸﴾ خدایا، مرا تک‌وتنها و ترسان رها نکن که هنگام تفکر، کم شکر کنم.

۵-۶-۸-۳-۱- مقصر و ناتوان از درک نهایت شکرگزاری

﴿۳۲۵۹﴾ و کمال شکر این است که به زبان حال و قلب و با خلوص نیت اعتراف کند که از به‌جا آوردن کمترین مرتبه‌ی شکر پروردگار عاجز است که همانا توفیق شکر نعمت جدید، شکر جدیدی بر تو واجب می‌کند؛ و ارزش این شکر بیشتر و وجودش ارجمندتر از نعمتی است که به دریافت آن موفق شده‌ای؛ پس برهر شکری شکر دیگری واجب می‌شود که از اولی بزرگ‌تر است و این افزایش و گسترده‌گی تا بی‌نهایت ادامه پیدا می‌کند، تو غرق نعمتی و دستت از درک حق آن کوتاه. و چگونه ممکن است بنده‌ای شکر نعمت پروردگارش را به‌جا آورد؟ و چگونه ممکن است پاسخ خوبی‌های او را بدهد. بنده از بنیان ناتوان است مگر با تکیه بر خدا؛ و خدا بی‌نیاز از فرمان‌برداری بنده و توانا بر افزایش نعمت؛ پس تو باید بر این روش بنده‌ی شکرگزاری باشی، که در این صورت عجایی از فضل خدا خواهی دید.

۶-۶-۸-۳-۱- شکر ما در ادای حقش ناتوان است

﴿۳۲۶۰﴾ نعمت‌های تو آن قدر زیاد است که زبانم از شمارش آن بر نمی‌آید و آن قدر فراوان است که فهم من از درک آن ناتوان است تا چه رسد به آنکه بخواهم حق بایسته‌ی آن‌ها را ادا کنم.

﴿۳۲۶۱﴾ پس همانا تو بر ما حجتی آوردی که راه هرگونه عذر را بر ما بستی و نعمتی به ما ارزانی داشتی که زبان شکر ما از آن کوتاه است.

﴿۳۲۶۲﴾ هیچ بنده‌ای نیست مگر اینکه خداوند بر او حجتی دارد و این حجت و سند محکومیت یا مربوط به گناهی است که مرتکب شده و یا مربوط به نعمتی است که از شکر آن کوتاهی کرده است.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

٧-٦-٣-١- قَصَّرْتُ فِي شُكْرِهَا

﴿٣٢٦٣﴾ اللَّهُمَّ إِنَّهُ يَحْجُبُنِي عَنْ مَسْأَلَتِكَ خِلَالُ ثَلَاثٍ، وَتَحْدُونِي عَلَيْهَا خَلَّةٌ وَاحِدَةٌ، يَحْجُبُنِي أَمْرٌ أَمَرْتُ بِهِ فَأَبْطَأْتُ عَنْهُ، وَنَهَى نَهَيْتَنِي عَنْهُ فَأَسْرَعْتُ إِلَيْهِ، وَنِعْمَةٌ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ فَقَصَّرْتُ فِي شُكْرِهَا؛ الصَّحِيفَةُ السَّجَادِيَّةُ الطَّبَاتُ ص: ٦٤

٨-٦-٣-١- قَصَّرْتُ الْمَحَامِدُ عَنْ شُكْرِكَ

﴿٣٢٦٤﴾ الرَّسُولُ ﷺ: اللَّهُمَّ خَلَقْتَ الْقُلُوبَ عَلَى إِرَادَتِكَ... وَلَكَ عَلَى كُلِّ مَنْ اسْتَعْبَدْتَ مِنْ خَلْقِكَ أَلَّا يَمْلُؤُوا مِنْ حَمْدِكَ وَإِنْ قَصَّرْتَ الْمَحَامِدُ عَنْ شُكْرِكَ عَلَى مَا أَسَدَيْتَ إِلَيْهَا مِنْ نِعَمِكَ؛ الْبُلْدُ الْأَمِينُ ص: ٣٧٨

٩-٦-٣-١- شُكْرُنَا قَصِيرٌ

﴿٣٢٦٥﴾ اللَّهُمَّ مَنَّا حُكَّ مُتَتَابَعَةٌ وَآيَادِيكَ مُتَوَالِيَةٌ وَنِعْمُكَ سَابِعَةٌ وَشُكْرُنَا قَصِيرٌ وَحَمْدُنَا يَسِيرٌ وَأَنْتَ بِالتَّعَطُّفِ عَلَيَّ مِنْ اغْتَرَفَ جَدِيرٌ؛ بَحَارُ الْأَنْوَارِ ج: ٨٢ ص: ٢٢٥

﴿٣٢٦٦﴾ آيَادِيكَ عِنْدِي مُعْظَمَاتُ جَلَائِلُ طَوَالَ الْمَدَى شُكْرِي لَهْنٌ قَصِيرٌ

بَحَارُ الْأَنْوَارِ ج: ٦٦ ص: ٧٠

١٠-٦-٣-١- مُقْصَرًّا عَنِ الشُّكْرِ

﴿٣٢٦٧﴾ السَّجَادُ ﷺ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ ﷺ يَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ إِلَهِي وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ وَعَظَمَتِكَ لَوْ أَنِّي مِنْذُ بَدَعْتُ فِطْرَتِي مِنْ أَوَّلِ الدَّهْرِ عَبْدُكَ دَوَامَ خُلُودِ رَبُّوبِيَّتِكَ بِكُلِّ شَعْرَةٍ فِي كُلِّ طَرْفَةِ عَيْنٍ سَرْمَدَ الْأَبَدِ بِحَمْدِ الْخَلَائِقِ وَشُكْرِهِمْ أَجْمَعِينَ لَكُنْتُ مُقْصَرًّا فِي بُلُوغِ آدَاءِ شُكْرِ أَخْفَى نِعْمَةٍ مِنْ نِعْمَتِكَ [نِعْمِكَ] عَلَيَّ؛ بَحَارُ الْأَنْوَارِ ج: ٩١ ص: ٩٠

﴿٣٢٦٨﴾ الرَّسُولُ ﷺ: لَوْ أَنِّي مِنْذُ بَدَعْتُ فِطْرَتِي مِنْ أَوَّلِ الدَّهْرِ عَبْدُكَ دَوَامَ خُلُودِ رَبُّوبِيَّتِكَ بِكُلِّ شَعْرَةٍ فِي كُلِّ طَرْفَةِ عَيْنٍ سَرْمَدَ الْأَبَدِ بِحَمْدِ الْخَلَائِقِ وَشُكْرِهِمْ أَجْمَعِينَ لَكُنْتُ مُقْصَرًّا فِي بُلُوغِ آدَاءِ شُكْرِ خَفِيِّ [حَقٍّ] نِعْمَةٍ مِنْ نِعْمِكَ؛ مِفْتَاحُ الْفَلَاحِ ص: ٣١٥

﴿٣٢٦٩﴾ الرَّسُولُ ﷺ: مَا كَانَ لِلَّهِ حَقٌّ فَإِنَّمَا هُوَ لَوْلِيهِ وَإِنَّمَا جَعَلَ الْمُؤْمِنِينَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ سُلَمًا وَمُرْتَفَعًا وَدَرَجَةً فَإِنَّ اللَّهَ وَفَى لِمَنْ وَفَى لَهُ زَائِدًا لِمَنْ شُكِرَ؛ إِرْشَادُ الْقُلُوبِ ج: ١ ص: ٣٨

﴿٣٢٧٠﴾ الْبَاقِرُ ﷺ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي دَنَا فِي غُلُوبِهِ وَعَلَا فِي دُنُوبِهِ وَتَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِجَلَالِهِ وَاسْتَسْلَمَ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ وَخَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ أَحْمَدُهُ مُقْصَرًّا عَنْ كُنْهِ شُكْرِهِ؛

مُسْتَدْرَكُ الْوَسَائِلِ ج: ٦ ص: ٢٨

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۷-۱-۳-۸-۶- در شکرگزاری اش ناتوانم

﴿۳۲۶۳﴾ خدایا، سه خصلت مرا از درخواست نمودن از پیشگاه تو بازمی دارد و یک خصلت مرا بر آن می دارد تا از تو طلب کنم؛ آنچه مرا بازمی دارد امری است که به آن فرمان دادی و من در به جا آوردن آن درنگ کردم، و آنچه از آن جلوگیری کردی ولی من به سوی آن شتافتم، و نعمتی که به من بخشیدی و من در سپاسگزاری اش کوتاهی نمودم.

۸-۱-۳-۸-۶- ستایش های شکرگزاران از شکر تو کوتاه است

﴿۳۲۶۴﴾ خداوند، تو دل ها را بر آن طریق که داده کردی آفریدی... و وظیفه ی همه ی آنان که به بندگی انتخاب کردی این است که از ستایش تو خسته نشوند هرچند تمام ستایش ها شکرگزاران در مقابل آنچه از نعمت های خود به آنان عطا کرده ای بی مقدار است.

۹-۱-۳-۸-۶- شکر ما کوتاه است

﴿۳۲۶۵﴾ خدایا، بخشش های تو پی در پی و نعمت های تو پیاپی و عطیه های تو کامل است و در مقابل شکر ما کوتاه و ستایش ما اندک است و تو به مهربانی نمودن بر کسی که اقرار نموده است سزاواری.

﴿۳۲۶۶﴾ نعمت های نزد من بسیار عظیم و بزرگ و مداوم ولی شکر من کم است.

۱۰-۱-۳-۸-۶- در شکرگزاری ات کوتاهی دارم

﴿۳۲۶۷﴾ علی بن الحسین سرور عابدان این دعا را می خواند: خدایا، قسم به عزت و جلال و بزرگی ات، اگر من از آغاز فطرتم که از اول روزگار تا پایان جاودانگی پروردگاری ات با یک یک موهایم بدون هر چشم برهم زدن تا پایان ابدیت با ستایش و شکر همه ی آفریدگان تو را عبادت کنم در رسیدن به ادای شکر پنهانی ترین نعمت تو برخودم مقصر و ناتوانم.

﴿۳۲۶۸﴾ اگر از ابتدای آفرینش و آغاز روزگار تا پایان آن، در هر چشم به هم زدن، با تمامی موهای بدنم، آن چنان که همه ی آفریدگان تو را می ستایند و سپاس می گویند، پیوسته بندگی ات کنم، باز هم در ادای حق شکر ناپیدترین نعمت تو مقصر و ناتوانم.

﴿۳۲۶۹﴾ بنده ای از بندگان خدا نیست مگر اینکه خدا حجتی و دلیلی برای غلبه کردن بر او دارد، یا در اطاعت خدا سهل انگاری کرده و یا مرتکب گناهی شده و یا اینکه در سپاسگزاری کوتاهی کرده است.

﴿۳۲۷۰﴾ ستایش مخصوص خدایی است که در کمال بلندمرتبه ی بسیار نزدیک است، و در کمال نزدیکی بسیار بلندمرتبه؛ همه چیز در مقابل جلالت او فروتنند و در مقابل عزتش تسلیم و در مقابل قدرتش خاضع و سربه زیر و با اعتراف به عدم توانایی از ادای نهایت شکرش او را می ستایم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١-٣-٨-٧- قِلَّةُ الشُّكْرِ

١-٣-٨-٧-١- لَا تَحْرِمْنِي لِقَلَّةِ شُكْرِي

﴿٣٢٧١﴾ الرسول ﷺ: اللَّهُمَّ فَلَا تَحْرِمْنِي لِقَلَّةِ شُكْرِي؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٣٨١

﴿٣٢٧٢﴾ الرسول ﷺ: فَلَا تَحْرِمْنَا فَضْلَكَ لِقَلَّةِ شُكْرِنَا؛ مصباح المتعبد ص: ١٣٤

﴿٣٢٧٣﴾ إِلَهِي فَلَا تَحْرِمْنِي خَيْرَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى لِقَلَّةِ شُكْرِي؛ الصحيفة السجادية ﷺ ص: ٢٥٠

﴿٣٢٧٤﴾ الجواد ﷺ: يَا فَاعِلَ كُلِّ إِرَادَةٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَطَوِّقْنِي أَمَانًا مِنْ حُلُولِ السَّخَطِ

لِقَلَّةِ الشُّكْرِ؛ البلد الأمين ص: ٢٨

﴿٣٢٧٥﴾ أمير المؤمنين ﷺ: طَوِّقْنِي أَمَانًا مِنْ حُلُولِ السَّخَطِ فِيهِ لِقَلَّةِ الشُّكْرِ وَأَوْجِبْ لِي زِيَادَةَ

مِنْ إِتِمَامِ النِّعْمَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٣٢٠

﴿٣٢٧٦﴾ الصادقين ﷺ: صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَطَوِّقْنِي أَمَانًا مِنْ حُلُولِ سَخَطِكَ بِقِلَّةِ الشُّكْرِ؛

مصباح المتعبد ص: ٢٣٨

١-٣-٨-٧-٢- أَبُو عَلِيٍّ عَلَى نَفْسِي بِقِلَّةِ الشُّكْرِ

﴿٣٢٧٧﴾ الجواد ﷺ: أَشْهَدُ اللَّهَ عَلَى نَفْسِي بِالْعُبُودِيَّةِ وَالذَّلَّةِ وَالصَّغَارِ وَأَعْتَرِفُ بِحُسْنِ صَنَائِعِ

اللَّهِ إِلَيَّ وَأَبُوءُ عَلَى نَفْسِي بِقِلَّةِ الشُّكْرِ؛ البلد الأمين ص: ٢٨

١-٣-٨-٧-٣- أَشْكُو قِلَّةَ شُكْرِي

﴿٣٢٧٨﴾ الأئمة ﷺ: فَاشْكُو إِلَيْكَ يَا رَبِّ قَسْوَةَ قَلْبِي وَتَقْصِيرِي وَإِبْطَانِي وَقِلَّةَ شُكْرِ رَبِّي رَبِّ

جَعَلْتَ لِي جَوَارِحَ لِسْتِنْبَاهِ النِّعَمِ مِنْكَ يَحِقُّ بِي لَكَ الشُّكْرُ عَلَى جَوَارِحِي وَأَعْضَائِي وَأَوْصَالِي

بِالَّذِي يَحِقُّ لَكَ عَلَيْهَا مِنَ الْعِبَادَةِ بِخُشُوعِ نَفْسِي وَبَصَرِي وَجَمِيعِ أَرْكَانِي فِيْهِنَّ عَصِيَّتُكَ رَبِّي وَ

لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ جَزَاءً كَ وَلَا شُكْرَكَ مِنِّي؛ مهج الدعوات ص: ٣١٥

١-٣-٨-٧-٤- أَشْهَدُ بِقِلَّةِ شُكْرِي

﴿٣٢٧٩﴾ أمير المؤمنين ﷺ: فَاشْهَدْ يَا كَافِيَ الشَّهَادَةِ بَأَنِّي أَشْهَدُكَ بَيْنِيَّةٍ صِدْقٍ بَأَنَّ لَكَ الْفَضْلَ وَ

الطَّوْلَ فِي إِنْعَامِكَ عَلَيَّ وَقِلَّةِ شُكْرِي لَكَ فِيْهَا؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٣٢٠

١-٣-٨-٧-٥- يَا مَنْ قَلَّ عِنْدَ نِعْمَائِهِ شُكْرِي

﴿٣٢٨٠﴾ الرسول ﷺ: يَا مَنْ قَلَّ عِنْدَ بِلَائِهِ صَبْرِي فَعَاثَانِي وَ عِنْدَ نِعْمَائِهِ شُكْرِي فَأَعْطَانِي؛

البلد الأمين ص: ٣٨٥

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۱-۳-۸-۷-۱ اندکی شکر

۱-۳-۸-۷-۱-۱ مرا به خاطر اندک بودن ناسپاسی ام محروم مکن

﴿۳۲۷۱﴾ خداوندا به سبب ناچیزی شکرگزاری ام مرا محروم مکن.

﴿۳۲۷۲﴾ خدایا، به علت اندک بودن سپاسگزاری من، مرا از لطف خود دور نکن.

﴿۳۲۷۳﴾ ای خدای من، مرا به سبب ناچیز بودن شکرگزاری ام از خیر و نیکی آخرت و دنیا نومیدم مگردان.

﴿۳۲۷۴﴾ ای به وجود آورنده‌ی همه‌ی اراده‌ها، بر محمد و خاندانش درود فرست و گردنبند

ایمن بودن از خشم خود را که به خاطر قصور ما در سپاسگزاری برافروخته شده، گردن من بینداز.

﴿۳۲۷۵﴾ با وجود اندک بودن شکرم بر گردن من گردنبند ایمن بودن از خشم را بینداز و نعمت‌های خود را بر من بیشتر کن.

﴿۳۲۷۶﴾ بر محمد و خاندانش درود فرست و با وجود ناچیز بودن شکرم بر گردن من گردنبند ایمن بودن از خشم را بینداز.

۱-۳-۸-۷-۲ اندک سپاسگزاری کردم

﴿۳۲۷۷﴾ خدا را شاهد می‌گیرم که من بنده‌ی او هستم، بنده‌ای بسیار ذلیل و حقیر؛ و من به

لطف خداوند نسبت به خود معترفم و من در قبال این همه عنایت او شکر اندکی به جا می‌آورم.

۱-۳-۸-۷-۳ از اندک بودن سپاسگزاری ام شکایت می‌کنم

﴿۳۲۷۸﴾ پروردگارا، از قساوت قلبم و از کوتاهی و سستی و کاهلی ام در فرمان برداری و از ناچیز

بودن شکرگزاری ام به تو شکایت می‌آورم. ای پروردگار من، تو به من برای استفاده از نعمت‌های

اعضایی داده‌ای، که بر من لازم است از تو بخاطر اعضا و مفاصل به شکل شایسته‌ای

سپاسگزاری کنم. با عبادت همراه با خضوع و فروتنی نفس و چشم و همه‌ی اعضای بدنم. در

صورتی که من با این اعضا تو را نافرمانی کردم ای پروردگار من و این کار من پاداش مناسبی

برای تو و در شأن تو نبود و نه شکری مناست برای نعمت تو از طرف من.

۱-۳-۸-۷-۴ به کم بودن سپاسگزاری ام گواهی می‌دهم

﴿۳۲۷۹﴾ پس گواه باش ای آن که برای گواهی دادن به تنهایی کافی هستی، همانا من تو را با

نیت صادقانه گواه می‌گیرم که تو صاحب لطف و بخشش بر من بوده‌ای ولی شکر من در مقابل

آن بسیار اندک است.

۱-۳-۸-۷-۵ ای کسی که شکرگزاری من در برابر نعمت‌هایش اندک است

﴿۳۲۸۰﴾ پس ای کسی که صبر و شکیبایی من در برابر نعمتش ناچیز است ولی مرا عافیت عطا

می‌کند و در مقابل نعمت‌هایش شکر من ناچیز است ولی باز هم به من می‌بخشی.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٢٨١﴾ الصادق عليه السلام: يَا مَنْ قَلَّ عِنْدَ بَلَاءِهِ صَبْرِي فَعَافَانِي وَ عِنْدَ نِعْمَائِهِ شُكْرِي فَأَعْطَانِي؛

بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٢٧٦

﴿٣٢٨٢﴾ السجاد عليه السلام: يَا مَنْ قَلَّ شُكْرِي عِنْدَ نِعْمَةٍ فَلَمْ يَحْرِمْنِي؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٦٩

﴿٣٢٨٣﴾ السجاد عليه السلام: يَا مَنْ قَلَّ عِنْدَ نِعْمَتِهِ شُكْرِي؛ بحار الأنوار ج: ٤٦ ص: ١٢٢

﴿٣٢٨٤﴾ الصادق عليه السلام: يَا مَنْ قَلَّ شُكْرِي لَهُ فَلَمْ يَحْرِمْنِي؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٩٣

١-٣-٨٧-٦- قَلَّ شُكْرِي

﴿٣٢٨٥﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ قَدْ غَرَقْتَنِي الذُّنُوبَ وَ غَمَرْتَنِي النُّعْمَ وَ قَلَّ شُكْرِي؛ بحار الأنوار ج: ٩٥

ص: ٢٥٧

﴿٣٢٨٦﴾ الصادق عليه السلام: إِلَهِي قَلَّ شُكْرِي سَيِّدِي فَلَمْ تَحْرِمْنِي؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٣٣٣

﴿٣٢٨٧﴾ السجاد عليه السلام: رَبِّ كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ قَلَّ لَكَ عِنْدَهَا شُكْرِي؛ بحار الأنوار

ج: ٤٦ ص: ١٢٢

﴿٣٢٨٨﴾ الصادق عليه السلام: فَكَمْ مِنْ نِعْمَةٍ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ قَلَّ لَكَ بِهَا شُكْرِي؛ بحار الأنوار ج: ٩١

ص: ٣١٥

﴿٣٢٨٩﴾ السجاد عليه السلام: سَيِّدِي كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ لَكَ عَلَيَّ قَلَّ لَكَ عِنْدَهَا شُكْرِي؛ بحار الأنوار ج: ٩١

ص: ١٦٧

﴿٣٢٩٠﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: قَلَّ عِنْدَ بَلَاءِهِ صَبْرِي فَعَافَانِي وَ عِنْدَ نِعْمَائِهِ شُكْرِي فَأَعْطَانِي؛ البلد الأمين

ص: ٣٨٥

١-٣-٨٧-٧- قَلَّ مِنِّي الشُّكْرُ

﴿٣٢٩١﴾ الصادق عليه السلام: رَبِّ مَا أَحْسَنَ بَلَاءَكَ عِنْدِي وَ أَظْهَرَ نِعْمَاءَكَ عَلَيَّ كَثُرَتْ مِنْكَ عَلَيَّ

النِّعْمُ فَمَا أَحْصَاهَا وَ قَلَّ مِنِّي الشُّكْرُ فِيمَا أَوْلَيْتَنِيهِ فَبَطِرْتُ بِالنِّعْمِ؛ مصباح المتعجب ص: ٢٧٣

﴿٣٢٩٢﴾ قَلَّ مِنِّي الشُّكْرُ فِيمَا أَوْلَيْتَ فَبَطِرْتُ بِالنِّعْمِ؛ جمال الأسبوع ص: ٢١٤

١-٣-٨٧-٨- قَلَّةُ شُكْرِي

﴿٣٢٩٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَيْتَ شِعْرِي فِي طُولِ مَنَامِي وَ قَلَّةِ شُكْرِي فِي نِعَمِكَ عَلَيَّ مَا حَالِي؛

مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ٢٠٩

﴿٣٢٩٤﴾ الصادق عليه السلام: فَإِنِّي أَشْهَدُكَ بِنِيَّةِ صِدْقِي بَأَنَّ لَكَ الْفَضْلَ وَ الطَّوْلَ فِي إِنْعَامِكَ عَلَيَّ وَ

قَلَّةِ شُكْرِي لَكَ؛ مصباح المتعجب ص: ٢٣٨

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۲۸۱﴾ پس ای کسی که صبر و شکیبایی من در برابرش ناچیز است ولی مرا عافیت عطا می کند و در مقابل نعمت هایش شکر من ناچیز است ولی باز هم به من می بخشی.
﴿۳۲۸۲﴾ ای آن که سپاسگزاری من در مقابل نعمتش اندک است ولی مرا محروم نمی کند.
﴿۳۲۸۳﴾ ای آن که سپاسگزاری من در مقابل نعمتش اندک است.
﴿۳۲۸۴﴾ ای کسی که تو را اندک شکر گزاردم ولی باز هم فیض و رحمت را از من دریغ نکردی.

﴿۶-۷-۸-۳-۱- شکرگزاری ام اندک است﴾

﴿۳۲۸۵﴾ پروردگارا، گناهان، مرا دربر گرفته حال آنکه نعمت هایت مرا احاطه کرده است و شکر من به درگاهت ناچیز است.
﴿۳۲۸۶﴾ پروردگارا، شکر من ناچیز است. ای سرور من، و با این وجود تو مرا از نعمت محروم نکردی.
﴿۳۲۸۷﴾ پروردگارا، چه بسیار نعمتی که به من ارزانی داشتی و سپاسگزاری من برای تو در برابر آن اندک بود.
﴿۳۲۸۸﴾ چه بسیار نعمت هایی به من کرامت فرمودی و من در برابرش شکرگزاری مناسبی نکردم.

﴿۳۲۸۹﴾ ای آقای من چه بسیار نعمت هایی که تو به من عطا فرمودی که شکر و سپاسگزاری من بر تو نزد آن نعمت بسیار و ناچیز و اندک بوده است.
﴿۳۲۹۰﴾ در مقابل بلایش صبر و شکیبایی من اندک است، با این وصف مرا به سلامتی و عافیت می نوازد، و در مقابل نعمت هایش شکر و سپاس من بی مقدار است با این حال باز هم به من می بخشد.

﴿۷-۷-۸-۳-۱- شکرگزاری ام اندک است﴾

﴿۳۲۹۱﴾ پروردگارا، چقدر تکالیف نزد من نیکوست و چقدر نعمت هایت بر من زیاد و بی شمار است؛ و شکر من در برابر آنچه به من عطا کرده ای کم است و من فقط با نعمت ها سرمستی کرده ام.
﴿۳۲۹۲﴾ در آنچه به من نعمت دادی شکر اندکی کردم و فقط به داشتن نعمت ها سرمستی کردم.

﴿۸-۷-۸-۳-۱- اندک بودن سپاسگزاری ام﴾

﴿۳۲۹۳﴾ ای کاش می دانستم که با وجود خواب طولانی (سرشار از غفلت) و شکر و سپاس اندکم در برابر نعمت هایت، نزد تو چه جایگاهی دارم؟
﴿۳۲۹۴﴾ من نیت صادقانه شهادت می دهم که تو از سر لطف و رحمت به من نعمت دادی و شکر من در برابر نعمت ناچیز و بی مقدار بود.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٢٩٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَتَظَاهَرَتْ نِعْمُكَ عَلَيَّ وَتَمَّ إِحْسَانُكَ إِلَيَّ وَكَمَلَ مَعْرُوفُكَ لَدَيَّ بَلَوْتُ خَبْرِي فَظَهَرَ لَكَ قَلَّةُ شُكْرِي؛ بحار الأنوار ج: ٩٧ ص: ٤٢٠

﴿٣٢٩٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَأَلَوَيْلُ لِي مِنْكَ ثُمَّ الْوَيْلُ أَكْثَرُ ذِكْرِكَ فِي الضَّرَاءِ وَأَغْفُلُ عَنْهُ فِي السَّرَّاءِ وَأَخِفُ فِي مَعْصِيَتِكَ وَأَثْقَلُ عَنْ طَاعَتِكَ مَعَ سُبُوغِ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَحُسْنِ بَلَاءِكَ لَدَيَّ وَقَلَّةِ شُكْرِي بَلْ لَا صَبْرَ لِي عَلَى بَلَاءٍ وَلَا شُكْرَ لِي عَلَى نِعْمَاءٍ؛ بحار الأنوار ج: ٩٧ ص: ٤٢٠

٩-٧-٨-١-٣-١- قليلاً شُكْرِي

﴿٣٢٩٧﴾ الصادق عليه السلام: وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَسْأَلُهُ فَيُعْطِينِي وَإِنْ كُنْتُ بِخَيْلًا حِينَ يَسْتَقْرِضُنِي وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَوْجَبَ الشُّكْرَ عَلَيَّ بِفَضْلِهِ وَإِنْ كُنْتُ قَلِيلًا شُكْرِي؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٢١٣

١٠-٧-٨-١-٣-١- شُكْرِي قَلِيلٌ

﴿٣٢٩٨﴾ الصادق عليه السلام: هَذَا مَقَامٌ مِنْ حَسَنَاتِهِ نِعْمَةٌ مِنْكَ وَسَيِّئَاتِهِ بِعَمَلِهِ وَذَنْبُهُ عَظِيمٌ وَشُكْرُهُ قَلِيلٌ؛ مصباح المتعبد ص: ١٥٥

١١-٧-٨-١-٣-١- أَقَلَّتْ لَكَ مِنَ الشُّكْرِ

﴿٣٢٩٩﴾ السجاد عليه السلام: سَيِّدِي أَكْثَرْتَ عَلَيَّ مِنَ النِّعَمِ وَأَقَلَّتْ لَكَ مِنَ الشُّكْرِ فَكَمْ لَكَ عِنْدِي مِنْ نِعْمَةٍ لَا يُحْصِيهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ مَا أَحْسَنَ بَلَاءَكَ عِنْدِي وَأَحْسَنَ فِعَالِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٣٦

١٢-٧-٨-١-٣-١- كَانَ شُكْرِي مُسْتَقِيلًا

﴿٣٣٠٠﴾ السجاد عليه السلام: سَيِّدِي تَتَابَعَ مِنْكَ الْبِرُّ وَالْعَطَاءُ فَلَزِمَنِي الشُّكْرُ وَالثَّنَاءُ فَمَا مِنْ شَيْءٍ أَنْشُرُهُ وَأَطْوِيهِ مِنْ شُكْرِكَ وَلَا قَوْلٍ أَعِيدُهُ وَأُبْدِيهِ فِي ذِكْرِكَ إِلَّا كُنْتُ لَهُ أَهْلًا وَمَحَلًّا وَكَانَ فِي جَنْبِ مَعْرُوفِكَ مُسْتَصْغَرًا مُسْتَقِيلًا؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٧١

٨-٧-٨-١-٣-١- الإِهْمَالُ

١-٧-٨-١-٣-١- شَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْإِهْمَالِ

﴿٣٣٠١﴾ السجاد عليه السلام: إِلَهِي أَذْهَلَنِي عَنْ إِقَامَةِ شُكْرِكَ تَتَابَعُ طَوْلِكَ وَاعْجَزَنِي عَنْ إِحْصَاءِ ثَنَائِكَ فَيُضْ فَضْلِكَ وَشَغَلَنِي عَنْ ذِكْرِ مَحَامِدِكَ تَرَادَفُ عَوَائِدِكَ وَأَغْيَانِي عَنْ نَشْرِ عَوَارِفِكَ تَوَالِي آيَادِيكَ وَهَذَا مَقَامٌ مِنْ اعْتِرَافِ بِسُبُوغِ النِّعْمَاءِ وَقَابَلَهَا بِالتَّقْصِيرِ وَشَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْإِهْمَالِ وَالتَّضْيِيعِ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٤٦

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۲۹۵﴾ نعمت‌هایت بر من آشکار، احسانت بر من تمام، و نیکی‌ات بر من کامل است، مرا امتحان کردی و ناچیز بودن شکر من برای تو آشکار شد.

﴿۳۲۹۶﴾ وای بر من، وای بر من، در سختی‌ها بسیار یاد تو می‌کنم و در راحتی از آن غفلت می‌کنم، گناهانت را سبک می‌شمارم و اطاعتت برایم سنگین است با اینکه نعمت‌هایت را بر من تمام کرده‌ای و امتحان خوبی از من گرفته‌ای ولی کم شکر کرده‌ام، و در برابر بلایت شکیبایی نورزیده و در برابر نعمت‌هایت شکر نکرده‌ام.

۹-۷-۳-۱- شکرگزاری‌ام ناچیز است

﴿۳۲۹۷﴾ ستایش مخصوص خدایی است که از او درخواست می‌کنم و او به من پاسخ می‌دهد، هرچند که من هنگامی که او از من قرض می‌خواهد قرض دادن به او بخل می‌ورزم، همه‌ی ستایش مخصوص خدایی است که مرا مستوجب قدردانی می‌داند هرچند شکر و سپاسگزاری‌ام ناچیز بوده است.

۱۰-۷-۳-۱- شکرگزاری‌ام اندک است

﴿۳۲۹۸﴾ اینجا جایگاه کسی است که نیکی‌هایش نعمتی از سوی توست، و گناهانش مربوط به اعمال خود اوست، گنااهش بزرگ و سپاسش اندک است.

۱۱-۷-۳-۱- شکرگزاری‌ام را اندک می‌دانم

﴿۳۲۹۹﴾ ای آقای من، به من بسیار نعمت دادی و من کم شکر کردم و چه بسیار نعمت‌هایی که تو بر من عطا کردی که هیچ‌کس غیر از تو نمی‌تواند آن‌ها را بشمارد، چقدر تکالیف پسندیده و زیباست و چقدر کارهایت نیکو.

۱۲-۷-۳-۱- شکرگزاری‌ام اندک است

﴿۳۳۰۰﴾ آقای من، خیر و لطف از طرف تو پیاپی بر من می‌بارد و شکر و ستایش را بر من واجب می‌کند. پس هیچ‌چیزی از شکر تو انجام نداده و هیچ کلامی در ثنای تو گفته نشده‌ام مگر اینکه سزاوار آن بوده‌ای و با این وجود، همه‌ی این‌ها در مقابل نعمت‌های تو کوچک و کم هستند.

۸-۳-۱- تنبلی و سستی

۱-۸-۳-۱- گواهی می‌دهد که سستی کرده است

﴿۳۳۰۱﴾ خدایا، پیاپی بودن بخشش‌هایت مرا در ادای شکرت سرگردان نموده و فراوانی فضلت از شمارش ستودنی‌هایت عاجزم کرده است و پی‌درپی بودن احسانت مرا از یاد حمدت بازداشته و پیوستگی الطافت از بازگویی نیکویی‌هایت درمانده‌ام کرده‌است و این مقام کسی است که اعتراف می‌کند که تو نعمت‌های او را کامل کرده‌ای و او با سستی و اهمال با آن‌ها مقابله کرده است و خود به بی‌توجهی و سستی خودش گواه است.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٣٠٢﴾ الرسول ﷺ: إِذَا أَرَدْتَ أَكْلَ الطَّعَامِ فِي الْمَنْزِلِ الثَّالِثِ فَقُلِ اللَّهُمَّ فَذْ كُنْتُ تَضَيِّقْتُ عَلَى مَوَائِدِ رَحْمَتِكَ وَتَوَلَّيْتُ يَا رَبَّ تَسْيِيرَهُ فِي أَعْصَائِي عَلَى جَمِيلِ عَادَتِكَ وَلَمْ تُعَاجِلْنِي بِعُقُوبَةٍ عَلَى إِهْمَالِ لَشُكْرِ نِعْمَتِكَ؛ الْأَمَانُ ص: ١٤٣

١-٣-٩- العجزُ وِعدمُ الاستِطاعةِ لِإِداءِ الشُّكْرِ

١-٣-٩-١- أَفِيلَسَانِي هَذَا الْكَالَ أَشْكُرُ؟

﴿٣٣٠٣﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ فَلِكِ الْحَمْدُ عَلَى مَا نَقَيْتَ مِنَ الشُّرْكِ قَلْبِي وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى بَسْطِ لِسَانِي أَفِيلَسَانِي هَذَا الْكَالَ أَشْكُرُكَ أَمْ بِغَايَةِ جُهْدِي فِي عَمَلِي أَرْضِيكَ وَ مَا قَدَّرُ لِسَانِي يَا رَبِّ فِي جَنْبِ شُكْرِكَ وَ قَدَّرُ عَمَلِي فِي جَنْبِ نِعْمِكَ وَ إِحْسَانِكَ؛ الْبُلْدُ الْأَمِينُ ص: ٢١٠

١-٣-٩-٢- أَيُّ نِعْمِكَ أَشْكُرُ، أَيُّ شُكْرٍ يَقُومُ عِنْدَكَ بِنِعْمَةٍ مِنْ نِعْمِكَ، فَبِأَيِّ شَيْءٍ أَشْكُرُ النِّعَمَ

﴿٣٣٠٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِلَهِي فَأَيُّ نِعْمِكَ أَشْكُرُ مَا ابْتَدَأْتَنِي مِنْهَا بِلَا اسْتِحْقَاقٍ أَوْ حِلْمِكَ عَنِّي بِإِدَامَةِ النِّعَمِ وَ زِيَادَتِكَ إِيَّايَ كَأَنِّي مِنَ الْمُحْسِنِينَ الشَّاكِرِينَ وَ لَسْتُ مِنْهُمْ؛ بحار الأنوار ج: ٩٧ ص: ٤٢٠

﴿٣٣٠٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَأَيُّ نِعْمِكَ يَا مَوْلَايَ وَ يَا إِلَهِي أَحْصِي عَدَدَهَا أَوْ ذَكَرَهَا أَمْ أَيُّ عَطَائِكَ أَقُومُ بِهَا شُكْرًا وَ هِيَ يَا رَبَّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَ الْعَادُونَ أَوْ يُبْلَغَ عِلْمًا بِهَا الْحَافِظُونَ؛

بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٣١٦

﴿٣٣٠٦﴾ الرسول ﷺ: اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ رَصَدَنِي فِيهِ أَعْدَائِي لِهَيْكَلِي فَصَرَفْتَ كَيْدَهُمْ عَنِّي وَ لَمْ تُعْنِهِمْ عَلَى فَضِيحَتِي كَأَنِّي لَكَ وَلِيٌّ فَنَصَرْتَنِي وَ إِلَى مَتَى يَا رَبَّ أَعْصِي فِتْنَهُنِي وَ طَالَ مَا عَصَيْتُكَ فَلَمْ تُؤَاخِذْنِي وَ سَأَلْتُكَ عَلَى سُوءٍ فَعَلِي فَأَعْطَيْتَنِي فَأَيُّ شُكْرٍ يَقُومُ عِنْدَكَ بِنِعْمَةٍ مِنْ نِعْمِكَ عَلَى فَضْلٍ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ؛ الْبُلْدُ الْأَمِينُ ص: ٣٨

﴿٣٣٠٧﴾ السَّجَّاد عليه السلام: لَا أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِإِحْسَانٍ وَ لَا فِي جَنْبِكَ سَفِكَ دَمِي وَ لَمْ يُنْحَلِ الصِّيَامُ وَ الْقِيَامُ جِسْمِي فَبِأَيِّ ذَلِكَ أَرْزُقِي نَفْسِي وَ أَشْكُرُهَا عَلَيْهٍ وَ أَحْمَدُهَا بِهِ بَلِ الشُّكْرُ لَكَ اللَّهُمَّ لِسْتَرْكَ عَلَى مَا فِي قَلْبِي وَ تَمَامِ النِّعْمَةِ عَلَى فِي دِينِي؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٦٨

﴿٣٣٠٨﴾ الرسول ﷺ: يَا أَبَا هَاشِمٍ أَيُّ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكَ تُرِيدُ أَنْ تُؤَدِّيَ شُكْرَهَا قَالَ أَبُو هَاشِمٍ فَوَجَّهْتُ فَلَمْ أَدْرِ مَا أَقُولُ لَهُ فَأَبْتَدَأَنِي عليه السلام فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ رَزَقَكَ الْإِيمَانَ فَحَرَّمَ بِهِ بَدَنَكَ عَلَى النَّارِ وَ رَزَقَكَ الْعَافِيَةَ فَأَعَانَكَ عَلَى الطَّاعَةِ وَ رَزَقَكَ الْقُنُوعَ فَصَانَكَ عَنِ التَّبَدُّلِ؛

من لا يحضره الفقيه ج: ٤ ص: ٤٠١

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۳۰۲﴾ زمانی که خواستی در منزل سوم غذا بخوری بگو: پروردگارا، من بر سفره‌های رحمت مهمان شده‌ام و تو مطابق سنت و روش نیکویت، هضم و جذب غذا در اعضايم را به عهده گرفته‌ای و به واسطه‌ی کوتاهی‌ام در سپاسگزاری نعمت، در کیفرم شتاب نمی‌کنی.

۹-۳-۱- ناتوانی و عدم امکان به‌جای آوردن شکر

۹-۳-۱-۱- آیا با این زبان ناتوانم شکرت را به‌جای آورم؟

﴿۳۳۰۳﴾ حمد مخصوص توست به خاطر آنکه قلبم را از شرک پاک کردی و زبانم را باز کردی، آیا با این زبان لال تو را شکر گویم و یا با نهایت کوشش در عملم می‌توانم تو را راضی نمایم؟ زبانم چه توانی دارد؟ عمل من در برابر نعمت‌ها و احسان تو چه ارزشی دارد؟

۹-۳-۱-۲- کدام نعمت را شکر گزارم؟ کدام شکر می‌تواند حق نعمت را ادا کند، با چه چیز نعمت‌های را شکر گزارم؟

﴿۳۳۰۴﴾ خدایا، کدامیک از نعمت‌های را شکر گویم؟ آن را که بدون آنکه استحقاقش را داشته باشم از ابتدای خلقتم به من بخشیدی و یا بردباری تو در تداوم و فزونی نعمت‌ها بر من چنان است که گویا من از نیکوکاران شکر گزارم؟ درحالی که از آنان نیستم.

﴿۳۳۰۵﴾ ای مولا و ای آقا و ای خدای من، کدامیک از نعمت‌های را بشمارم یا به یاد آورم و یا ادای شکر کدامیک از عطاها را بنمایم درحالی که آن‌ها بیش از آنند که شماره‌کنندگان، آن‌ها را بشمارند و یا دانش فرشتگان نگهبان به آن برسد.

﴿۳۳۰۶﴾ خدایا، و من از تمامی گناهانم که دشمنانم در آن هنگام که من آن‌ها را انجام می‌دادم در کمین من بودند تا آبرویم را ببرند اما تو مکر آن‌ها را از من بازداشتی و بر آشکارشدن عیب من آن‌ها را یاری ننمودی، گویا که من ولی تو هستم که یاری‌ام می‌کنی، از تو طلب آمرزش می‌کنم. خدایا، تا کی نافرمانی‌ات کنم و تو مهلتم دهی؟ چه بسیار که نافرمانی‌ات کنم و مؤاخذه‌ام ننمایی و با اینکه عمل زشت مرتکب می‌شوم، از تو درخواست می‌کنم و تو به من عطا می‌کنی؛ پس کدام شکر است که با یکی از نعمت‌هایی که به من داده‌ای برابری کند؟ پس بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا پیامرز، ای بهترین آمرزندگان.

﴿۳۳۰۷﴾ من نه با کار نیکی به درگاهت توسل جستم و نه در راه تو خونم ریخته شد و نه روزه و نماز جسمم را نحیف کرد پس به کدامیک از آن‌ها خود را پاک و شایسته بدانم کنم و از خویش قدردانی کرده و بستایم؟ بلکه بخاطر پوشاندن آنچه در دل دارم و بدین خاطر که نعمت مرا در امر دین کامل کرده‌ای، تو را شایسته‌ی شکر می‌دانم.

﴿۳۳۰۸﴾ ای اباهاشم، می‌خواهی کدام نعمت از نعمت‌هایی را که خدا به تو بخشیده است شکر گویی؟ در این حال من سر به زیر افکندم و خاموش ماندم، زیرا نمی‌دانستم که در جواب آن امام چه بگویم، پس او خود سخن را آغاز کرد و فرمود: خداوند عزیز و جلیل ایمان را نصیب تو کرد، از این رو بدنت را بر دوزخ حرام ساخت، و سلامت را روزی‌ات کرد، از این رو تو را در طاعت خود یاری فرمود، و قناعت را نصیب تو فرمود و از این رو تو را از بی‌آبرویی مصون داشت.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

٣-٩-١- أَيْنَ شُكْرُهُ عَلَى مَا أَنْعَمَ؟

﴿٣٣٠٩﴾ السَّجَادُ عليه السلام: دَخَلْتُ مَعَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام عَلَى عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ فَاسْتَعْظَمَ عَبْدُ الْمَلِكِ مَا رَأَى مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ بَيْنَ عَيْنَيْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام فَقَالَ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ لَقَدْ بَيَّنَّ عَلَيْكَ الْإِجْتِهَادُ وَلَقَدْ سَبَقَ لَكَ مِنَ اللَّهِ الْحُسْنَى وَأَنْتَ بَضْعَةٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَرِيبُ النَّسَبِ وَكَيْدُ السَّبَبِ وَإِنَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ وَذَوَى عَصْرِكَ وَلَقَدْ أُوتِيتَ مِنَ الْفَضْلِ وَالْعِلْمِ وَالِدِّينِ وَالْوَرَعِ مَا لَمْ يُؤْتَهُ أَحَدٌ مِثْلَكَ وَلَا قَبْلَكَ إِلَّا مِنْ مَضَى مِنْ سَلَفِكَ وَأَقْبَلَ يَنْتَبِئُ عَلَيْهِ وَيُطْرِبُهُ قَالَ فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام كُلُّ مَا ذَكَرْتَهُ وَصَفْتَهُ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَأْيِيدِهِ وَتَوْفِيقِهِ فَأَيْنَ شُكْرُهُ عَلَى مَا أَنْعَمَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَقِفُ فِي الصَّلَاةِ حَتَّى تَرْمَ قَدَمَاهُ وَيَظْمَأُ فِي الصَّيَامِ حَتَّى يُعْصَبَ فُوهُ فَقِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَمْ يَغْفِرِ اللَّهُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ فَيَقُولُ ﷺ أَفَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَوْلَى وَأَبْلَى وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى وَاللَّهُ لَوْ تَقَطَّعَتْ أَعْضَائِي وَسَالَتْ مُقْلَتَايَ عَلَى صَدْرِي لَنْ أَقُومَ لِلَّهِ جَلًّا لَهُ بِشُكْرِ عَشْرِ الْعَشِيرِ مِنْ نِعْمَةٍ وَاحِدَةٍ مِنْ جَمِيعِ نِعَمِهِ الَّتِي لَا يُحْصِيهَا الْعَادُونَ وَلَا يَبْلُغُ حَدَّ نِعْمَةٍ مِنْهَا عَلَى جَمِيعِ حَمْدِ الْحَامِدِينَ لَا وَاللَّهِ أَوْ يَرَانِي اللَّهُ لَا يَسْغُلْنِي شَيْءٌ عَنْ شُكْرِهِ وَذِكْرِهِ فِي لَيْلٍ وَلَا نَهَارٍ وَلَا سِرٍّ وَلَا عَلَانِيَةٍ وَلَا لَوْ لَا أَنَّ لَاهِلِي عَلَى حَقًّا وَلِسَائِرِ النَّاسِ مِنْ خَاصَّتِهِمْ وَعَامَّتِهِمْ عَلَى حَقُّوْقًا لَا يَسْعُنِي إِلَّا الْقِيَامُ بِهَا حَسَبَ الْوُسْعِ وَالطَّاقَةِ حَتَّى أُوَدِّيَهَا إِلَيْهِمْ لَرَمَيْتُ بِطَرْفِي إِلَى السَّمَاءِ وَبِقَلْبِي إِلَى اللَّهِ ثُمَّ لَمْ أَرُدْهُمَا حَتَّى يَقْضِيَ اللَّهُ عَلَى نَفْسِي وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ وَبَكَى ﷺ وَبَكَى عَبْدُ الْمَلِكِ: مستدرک الوسائل ج: ١ ص: ١٢٥

٣-٩-١- أَنَّى يَلْحَقُ الْعَبْدُ شُكْرَ نِعْمَةِ اللَّهِ، أَنَّى لِي يَا رَبِّ بِشُكْرِكَ؟

﴿٣٣١٠﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: وَتَمَامُ الشُّكْرِ اعْتِرَافُ لِسَانِ السَّرِّ خَاضِعًا لِلَّهِ تَعَالَى بِالْعَجْزِ عَنْ بُلُوغِ أَدْنَى شُكْرِهِ لِأَنَّ التَّوْفِيقَ لِلشُّكْرِ نِعْمَةٌ حَادِثَةٌ يَجِبُ الشُّكْرُ عَلَيْهَا وَهِيَ أَعْظَمُ قَدْرًا وَأَعَزُّ وَجُودًا مِنَ النِّعْمَةِ الَّتِي مِنْ أَجْلِهَا وَفَّقْتَ لَهُ فَيَلْزِمَكَ عَلَى كُلِّ شُكْرٍ أَعْظَمُ مِنْهُ إِلَى مَا لَا نِهَايَةَ لَهُ مُسْتَعْرِقًا فِي نِعْمَتِهِ قَاصِرًا عَاجِزًا عَنْ دَرْكِ غَايَةِ شُكْرِهِ وَأَنَّى يَلْحَقُ الْعَبْدُ شُكْرَ نِعْمَةِ اللَّهِ وَمتى يَلْحَقُ صَنِيعُهُ بِصَنِيعِهِ وَالْعَبْدُ ضَعِيفٌ لَا قُوَّةَ لَهُ أَبَدًا إِلَّا بِاللَّهِ وَاللَّهُ غَنِيٌّ عَنْ طَاعَةِ الْعَبْدِ قَوِيٌّ عَلَى مَزِيدِ النِّعَمِ عَلَى الْأَبَدِ فَكُنْ لِلَّهِ عَبْدًا شَاكِرًا عَلَى هَذَا الْأَصْلِ تَرَى الْعَجَبَ: بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٥٢

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۳-۹-۱- کجا می توان شکر نعمت‌های او را کرد؟

﴿۳۳۰۹﴾ با حضرت زین‌العابدین رفته‌ام پیش عبدالملک بن مروان اثر سجده‌ای که در پیشانی علی بن‌الحسین دید خیلی بزرگ شمرده، عرض کرد: واقعا در راه عبادت خدا کوشش می‌کنی، خداوند به تو عنایت فراوان دارد پاره‌ی تن پیامبری قرابت نزدیک و نسبت زیاد تو مقامی ارجمند بین خانواده‌ی خود و اهل زمان داری، دارای علم و فضل و دین و ورعی هستی که احدی پیش از تو و بعد از تو دارای این مقام نبوده‌اند جز اجداد طاهرینت شروع کرد به تعریف و ستایش آن مولا. علی بن‌الحسین فرمود: آنچه ذکر کردی از لطف خدا و تأیید و توفیقش می‌باشد. پس کجا می‌توان شکر و سپاس نعمت او را نمود. آن قدر پیامبر در نماز ایستاد تا قدم‌هایش ورم کرد، چنان در روزه‌داری تشنه می‌شد آب دهانش خشک می‌گردید، گفتند ای پیامبر خدا، مگر خداوند وعده‌ی مغفرت به تو نداده؟ می‌فرمود بنده‌ی شکرگزار خدا نباشم؟ خدای را سپاس بر نعمت و آزمایشش و او را ستایش از ابتدا تا انتهای روزگار به خدا سوگند اگر اعضايم قطع شود و چشمانم بر روی سینه‌ام بیفتد هنوز سپاس یک‌دهم از یک نعمت از نعمت‌های بی‌شمارش را نکرده‌ام ستایش تمام ستایشگران به پایه‌ی یک نعمت او نمی‌رسد. به خدا سوگند از کوشش در شکرگزاری فروگذار نخواهم بود تا او ببیند که پیوسته در ستایش اویم در شب و روز آشکارا و پنهان اگر خانواده‌ام و مردم بر من حقوقی نداشتند که به ناچار باید آن حقوق را مراعات نمود پیوسته چشم به آسمان می‌دوختم و دل در گرو او می‌نهادم تا جان در بدن دارم، در این موقع اشک از دیدگان فرو ریخت و عبدالملک نیز گریه کرد.

۴-۹-۱- کجا انسان می تواند شکر نعمت‌های او را بکند؟ ای پروردگار چگونه می‌توانم شکرت را به جای آورم؟

﴿۳۳۱۰﴾ و کمال شکر این است که به زبان حال و قلب و با خلوص نیت اعتراف کند که از به‌جا آوردن کمترین مرتبه‌ی شکر پروردگار عاجز است که همانا توفیق شکر نعمت جدید، شکر جدیدی بر تو واجب می‌کند؛ و ارزش این شکر بیشتر و وجودش ارجمندتر از نعمتی است که به دریافت آن موفق شده‌ای؛ پس بر هر شکری شکر دیگری واجب می‌شود که از اولی بزرگ‌تر است و این افزایش و گستردگی تا بی‌نهایت ادامه پیدا می‌کند، تو غرق نعمتی و دستت از درک حق آن کوتاه. و چگونه ممکن است بنده‌ای شکر نعمت پروردگارش را به جا آورد؟ و چگونه ممکن است پاسخ خوبی‌های او را بدهد. بنده از بنیان ناتوان است مگر با تکیه بر خدا؛ و خدا بی‌نیاز از فرمان‌برداری بنده و توانا بر افزایش نعمت؛ پس تو باید بر این روش بنده‌ی شکرگزاری باشی، که در این صورت عجایبی از فضل خدا خواهی دید.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٣١١﴾ الرسول ﷺ: أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَى دَاوُدَ أَنْ اشْكُرْنِي يَا دَاوُدَ فَقَالَ ﷺ: أَنَّى لِي يَا رَبِّ بِشُكْرِكَ وَحَمْدِكَ وَشُكْرِي وَحَمْدِي إِيَّاكَ مِنْ نِعَمِكَ فَقَالَ يَا دَاوُدُ كَفَى لَكَ بِذَلِكَ شُكْرًا إِذَا اعْتَرَفْتَ بِأَنْ شُكْرَكَ لِي مِنْ نِعَمِي؛ عوالم اللّٰلّٰى ج: ٤ ص: ٩٨

٩-٣-١- التُّرَابُ فِي فَمٍ مُدْعَى الشُّكْرِ

﴿٣٣١٢﴾ الصادق ﷺ: يَا أَيُّوبُ أَذَلَّنِي بِحُجَّتِكَ فَقَدْ أَقْعَدْتُكَ مَقْعَدَ الْحَكَمِ وَهَا أَنَا ذَا قَرِيبٍ وَلَمْ أَرْزَلْ فَقَالَ يَا رَبِّ إِنَّكَ لَتَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَعْزُضْ لِي أَمْرَانِ قَطُّ كِلَاهُمَا لَكَ طَاعَةٌ إِلَّا أَخَذْتُ بِأَشَدِّهِمَا عَلَى نَفْسِي أَلَمْ أَحْمَدِكَ أَلَمْ أَشْكُرْكَ أَلَمْ أُسَبِّحْكَ قَالَ فَنُودِيَ مِنَ الْعِمَامَةِ بِعَشْرَةِ آلَافٍ لِسَانَ يَا أَيُّوبُ مَنْ صَيَّرَكَ تَعْبُدُ اللَّهَ وَالنَّاسُ عَنْهُ غَافِلُونَ وَتُحَمِّدُهُ وَتُسَبِّحُهُ وَتُكَبِّرُهُ وَالنَّاسُ عَنْهُ غَافِلُونَ أَتَمَنَّ عَلَى اللَّهِ بِمَا لِلَّهِ الْمَنُّ فِيهِ عَلَيْكَ قَالَ فَأَخَذَ أَيُّوبُ التُّرَابَ فَوَضَعَهُ فِي فِيهِ ثُمَّ قَالَ لَكَ الْعُنْتِي يَا رَبِّ أَنْتَ الَّذِي فَعَلْتَ ذَلِكَ بِي قَالَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ مَلَكًا فَرَكَّضَ بِرِجْلِهِ فَخَرَجَ الْمَاءُ فَغَسَلَهُ بِذَلِكَ الْمَاءِ فَعَادَ أَحْسَنَ مَا كَانَ؛ بحار الأنوار ج: ١٢ ص: ٣٤١

﴿٣٣١٣﴾ الكاظم ﷺ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْمَاضِيَّ ﷺ عَنْ بَلِيَّةِ أَيُّوبَ الَّتِي ابْتُلِيَ بِهَا فِي الدُّنْيَا لِيَأْتِيَ عِلَّةً كَانَتْ قَالَتْ لِنِعْمَةِ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا فِي الدُّنْيَا فَأَدَّى شُكْرَهَا وَكَانَ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ لَا يُحْجَبُ إِبْلِيسُ دُونَ الْعَرْشِ فَلَمَّا صَعِدَ آدَاءُ شُكْرِ نِعْمَةِ أَيُّوبَ حَسَدَهُ إِبْلِيسُ فَقَالَ يَا رَبِّ إِنَّ أَيُّوبَ لَمْ يُؤَدِّ إِلَيْكَ شُكْرَ هَذِهِ النِّعْمَةِ إِلَّا بِمَا أُعْطِيَتْهُ مِنَ الدُّنْيَا وَلَوْ حَرَمْتُهُ دُنْيَاهُ مَا آدَى إِلَيْكَ شُكْرَ نِعْمَةٍ أَبَدًا قَالَ فَقِيلَ لَهُ إِنِّي قَدْ سَلَطْتُكَ عَلَى مَالِهِ وَوَلَدِهِ قَالَ فَانْحَدَرَ إِبْلِيسُ فَلَمْ يَبْقَ لَهُ مَالٌ وَلَا نِعْمَةٌ إِلَّا أُعْطِيَتْهُ فَلَمَّا رَأَى إِبْلِيسُ أَنَّهُ لَا يَصِلُ إِلَى شَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ قَالَ يَا رَبِّ إِنَّ أَيُّوبَ يَعْلَمُ أَنَّكَ سَتَرْدُ عَلَيْهِ دُنْيَاهُ الَّتِي أَخَذَتْهَا مِنْهُ فَسَلَطْنِي عَلَى بَدَنِهِ قَالَ فَقِيلَ لَهُ إِنِّي قَدْ سَلَطْتُكَ عَلَى بَدَنِهِ مَا خَلَا قَلْبَهُ وَلِسَانَهُ وَعَيْنَيْهِ وَسَمْعَهُ قَالَ فَانْحَدَرَ إِبْلِيسُ مُسْتَعْجِلًا مَخَافَةَ أَنْ تُدْرِكَهُ رَحْمَةُ الرَّبِّ عَزَّ وَجَلَّ فَتَحُولَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَيُّوبَ فَلَمَّا اشْتَدَّ بِهِ الْبَلَاءُ وَكَانَ فِي آخِرِ بَلِيَّتِهِ جَاءَهُ أَصْحَابُهُ فَقَالُوا لَهُ يَا أَيُّوبُ مَا نَعْلَمُ أَحَدًا ابْتُلِيَ بِمِثْلِ هَذِهِ الْبَلِيَّةِ إِلَّا لِسَرِيرَةٍ سَوْءٍ فَلَعَلَّكَ أَسْرَرْتَ سُوءًا فِي الَّذِي تُبْدِي لَنَا قَالَ فَعِنْدَ ذَلِكَ نَاجَى أَيُّوبُ رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ رَبِّ ابْتَلَيْتَنِي بِهَذِهِ الْبَلِيَّةِ وَأَنْتَ أَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَعْزُضْ لِي أَمْرَانِ قَطُّ إِلَّا الْزِمْتُ [الزِمْتُ] أَحْسَنَهُمَا عَلَى بَدَنِي وَلَمْ أَكُلْ أَكْلَةً قَطُّ إِلَّا وَ عَلَى خَوَانِي يَتِيمٌ فَلَوْ أَنَّ لِي مِنْكَ مَقْعَدَ الْخَضَمِ لَأَذَلَّيْتُ بِحُجَّتِي قَالَ فَعَرَضْتَ لَهُ سَحَابَةً فَنَطَقَ فِيهَا نَاطِقٌ فَقَالَ يَا أَيُّوبُ أَذَلَّ بِحُجَّتِكَ قَالَ فَشَدَّ عَلَيْهِ مِئْزَرَهُ وَجِئَا عَلَى رُكْبَتَيْهِ فَقَالَ ابْتَلَيْتَنِي بِهَذِهِ الْبَلِيَّةِ وَأَنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَعْزُضْ لِي أَمْرَانِ قَطُّ إِلَّا الْزِمْتُ [الزِمْتُ]

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۳۱۱﴾ خداوند به حضرت داود علیه السلام وحی کرد: ای داود، مرا شکر کن. داود علیه السلام گفت: پروردگارا، من چگونه می‌توانم شکر و سپاس را به‌جا آورم در صورتی که همین شکر و سپاس از نعمت‌های تو هستند پس حق تعالی فرمود: ای داود، همین اعتراف به اینکه شکر تو هم از نعمت‌های من است برای شکرگزاری کفایت می‌کند.

۵-۹-۳-۱- خاک در دهان کسی که ادعا کند بر شکر تواناست

﴿۳۳۱۲﴾ ای ایوب برای ادعای خود دلیل بیاور که من تو را به مسند قضاوت نشانده‌ام و خود نیز همچنان نزدیکم. ایوب گفت: پروردگار، تو می‌دانی که من هرگاه در برابر دو کار قرار گرفتم و هر دو در اجرای فرمان تو بود، آن را انتخاب کردم که برایم سخت‌تر بوده است. آیا حمد تو را نکردم؟ آیا شکر تو نکردم؟ آیا تسبیح تو ننمودم؟ از ابر صدایی با ده هزار زبان برآمد که: ای ایوب چه کسی تو را بر آن داشت تا در هنگامی که مردم از او غافل بودند خدا را پرستی و او را بستایی و تسبیحش نمایی و بزرگش بداری؟ آیا در چیزی که خدا بر تو منت نهاده بر خدا منت می‌نهی؟ پس ایوب خاک برداشت و در دهانش گذاشت و گفت: ای پروردگار، از تو پوزش می‌خواهم. تویی که این لطف را در حقم کردی. پس خداوند فرشته‌ای را به‌سوی او فرستاد و او پیش را تکان داد و چشمه‌ای جوشید و آن فرشته او را با آن آب شست و بهتر از آنچه که قبلاً بود شد.

﴿۳۳۱۳﴾ از حضرت امام کاظم علیه السلام پرسیدم: بلیّه و گرفتاری ایوب در دنیا به چه علتی بود؟ امام علیه السلام فرمودند: علتش نعمتی بود که خداوند متعال در دنیا به ایوب عنایت کرد و وی شکرش را به‌جا آورد و در آن زمان ابلیس از اطراف و نزدیک عرش ممنوع نبود و وقتی ادای شکر ایوب را بالا بردند، ابلیس حسد برد و به درگاه پروردگار عرضه داشت: ایوب شکر آنچه را که به او داده‌ای ادا نموده حال آنکه اگر از نعمت دنیا محروم می‌شدی هرگز شکر هیچ نعمتی را به‌جا نخواهد آورد. امام علیه السلام فرمودند: به ابلیس گفته شد: من تو را بر مال و فرزند او مسلط کردم، ابلیس از بالا به زمین فرود آمد و هیچ مال و فرزندی برای ایوب باقی نگذاشت ولی به مقصود خود نرسید، زیرا ایوب در این حال نیز شکر الهی را به‌جا می‌آورد، ابلیس وقتی دید به مقصودش نرسیده به درگاه الهی عرض کرد: پروردگارا، ایوب می‌داند که آنچه که از وی گرفته‌ای به‌زودی به او بازمی‌گردانی بنابراین شکر تو را ادا می‌کند، مرا بر بدن او مسلط کن تا اثبات کنم که او شکرگزار نیست. به او گفته شد: تو را بر بدن ایوب به استثنای قلب و زبان و دو چشم و گوشش مسلط کردیم ابلیس به خاطر ترسی که از رسیدن رحمت الهی به ایوب داشت با عجله به زمین آمد و بین او و پروردگارش حائل شد، هنگامی که بلا و گرفتاری بر او شدید شد در پایان بلایا و سختی‌ها اصحابش نزدش آمده و گفتند: ما احدی را سراغ نداریم که به این گرفتاری مبتلا شده باشد مگر به خاطر باطن خبیث و بدی که داشته، شاید تو نیز که در ظاهر، خود را خوب نشان می‌دادی باطنی بد و خبیث داشتی و ما اطلاع نداشتیم، امام علیه السلام فرمودند: امر که به اینجا منتهی شد ایوب علیه السلام به درگاه خدای عزیز و جلیل نالید و عرض کرد: پروردگارا، مرا به این بلیه مبتلا ساختی، تو می‌دانی هرگز دو امری برای من پیش نیامد مگر آنکه موردی را که خشن‌تر بر بدنم بود اختیار کردم و هیچ‌گاه لقمه‌ای نخوردم مگر آنکه بر سر سفره‌ام یتیمی بود، حال اگر از ناحیه‌ی تو دشمن بخواهد مرا شماتت کند حجج و براهین خود را بیاورم که استحقاق آن را ندارم، امام علیه السلام فرمودند: ابری ظاهر شد و گوینده‌ای در آن به سخن آمد و گفت: ای ایوب برهان و حجت خود را بیاور. امام علیه السلام فرمودند: ایوب لنگ را بر کمر خود محکم کرد و سپس روی دو کنده‌ی زانو قرار گرفت و عرض کرد: خدایا، مرا به این بلیه مبتلا ساختی درحالی که می‌دانی هرگز دو امری برای من پیش نیامد مگر آن موردی را که بر بدنم خشن‌تر بود اختیار کردم و از طعامی لقمه‌ای نخوردم مگر آنکه بر سر سفره‌ام یتیمی بود. امام علیه السلام فرمودند: به ایوب خطاب

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

أَخْشَنَهُمَا عَلَى بَدَنِي وَلَمْ أَكُلْ أَكْلَةً مِنْ طَعَامِ إِلَّا وَ عَلَى خَوَانِي يَتِيمٌ قَالَ فَقِيلَ لَهُ يَا أَيُّوبُ مَنْ حَبَّبَ إِلَيْكَ الطَّاعَةَ قَالَ فَأَخَذَ كَفًّا مِنْ تُرَابٍ فَوَضَعَهُ فِي فِيهِ ثُمَّ قَالَ أَنْتَ يَا رَبُّ؛ بحار الأنوار ج: ١٢ ص: ٣٤٥

١-٣-٩-٦- جَلَّتْ نِعْمَتُكَ عَنْ شُكْرِي

﴿٣٣١٤﴾ السَّجَادَ ﷺ: يَا مَنْ جَعَلَ الصَّبْرَ عَوْنًا عَلَى بَلَائِهِ وَ جَعَلَ الشُّكْرَ مَادَّةَ لِنِعْمَائِهِ قَدْ جَلَّتْ نِعْمَتُكَ عَنْ شُكْرِي فَتَفَضَّلْ عَلَى إِقْرَارِي بِعَجْزِي بِعَفْوٍ أَنْتَ أَقْدَرُ عَلَيْهِ وَأَوْسَعُ لَهُ مِنِّي؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٣١

١-٣-٩-٧- أَخْلُ بِمَا يَجِبُ عَلَى مَنْ شَكَرَكَ

﴿٣٣١٥﴾ الرَّسُولَ ﷺ: أَقْصِرْ فِي حَقِّكَ وَ أَعْرِضْ عَنْ ذِكْرِكَ وَ أَخْلُ بِمَا يَجِبُ عَلَى مَنْ حَمْدِكَ وَ شُكْرِكَ؛ البلد الأمين ص: ٤٢٨

١-٣-٩-٨- مَا نَدْرِي مَا نَشْكُرُ

﴿٣٣١٦﴾ الصَّادِقَ ﷺ: فَمَا نَدْرِي مَا نَشْكُرُ أَ جَمِيلٌ مَا تَنْشُرُ أَمْ قَبِيحٌ مَا تَسْتُرُ أَمْ عَظِيمٌ مَا أَبْلَيْتَ وَ أَوَلَيْتَ أَمْ كَثِيرٌ مَا مِنْهُ نَجَّيْتَ وَ عَافَيْتَ؛ البلد الأمين ص: ٢٠٦

﴿٣٣١٧﴾ امير المؤمنين ﷺ: لَقِيتُ عَلِيًّا يَوْمًا فَقُلْتُ كَيْفَ أَصْبَحْتَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ أَصْبَحْنَا وَ بَنًا مِنْ نِعَمِ اللَّهِ وَ فَضْلِهِ مَا لَا نُحْصِيهِ مَعَ كَثِيرٍ مَا نُحْصِيهِ فَمَا نَدْرِي أَى نِعْمَةٍ نَشْكُرُ أَ جَمِيلًا مَا يَنْشُرُ أَمْ قَبِيحًا مَا يَسْتُرُ؛ بحار الأنوار ج: ٤١ ص: ١٦٣

﴿٣٣١٨﴾ امير المؤمنين ﷺ: كَيْفَ أَصْبَحْتَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ ﷺ: وَ بَنًا مِنْ نِعَمِ اللَّهِ رَبَّنَا مَا لَا نُحْصِيهِ مَعَ كَثَرَةٍ مَا نُحْصِيهِ فَلَا نَدْرِي مَا نَشْكُرُ أَ جَمِيلًا مَا يَنْشُرُ أَمْ قَبِيحًا مَا يَسْتُرُ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٤٨

﴿٣٣١٩﴾ لَا أَدْرِي أَى نِعَمِكَ أَشْكُرُ أَ حِينَ تَطَوَّلْتَ عَلَى بِالرِّضَا وَ تَفَضَّلْتَ بِالْعَفْوِ عَمَّا مَضَى أَمْ حِينَ زِدْتَ عَلَى الْعَفْوِ وَ الْغُفْرَانِ بِاسْتِثْنَائِ الْكَرَمِ وَ الْإِحْسَانِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٤ ص: ٢٨٠

١-٣-٩-٩- لَا يَجْزِي بِاللَّائِهِ الشَّاكِرُونَ

﴿٣٣٢٠﴾ الرَّسُولَ ﷺ: سُبْحَانَ الَّذِي لَا يُخْصِي مِدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ وَ لَا يَجْزِي بِاللَّائِهِ الشَّاكِرُونَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٦٥

١-٣-٩-١٠- الإِذْهَالُ عَنْ إِقَامَةِ شُكْرِ اللَّهِ وَ الشَّهَادَةِ بِتَضْيِيعِهِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

شد: ای ایوب چه کسی طاعت و بندگی را محبوب تو قرار داد؟ امام علیه السلام فرمودند: ایوب مشتی از خاک برداشت و در دهان خویش ریخت سپس گفت: پروردگارا، تو بندگی را نزد من محبوب قرار دادی (و من از خود هیچ ندارم جز آنچه که تو به من عطا فرمودی).

۹-۳-۱-۶- نعمت از شکر من بزرگ است

﴿۳۳۱۴﴾ ای آن که صبر را یاور دوران بلا و شکر را مایه‌ی جلب نعمت‌هایش قرار داد. نعمت بسیار بیشتر از شکر من است؛ پس در مقابل اقرار من به عجز خود با عفو‌ی که تو بر آن توانا تر و از من بر آن مسلط تری بر من لطف کن.

۹-۳-۱-۷- به آنچه از شکرت بر من واجب شد کوتاهی کردم

﴿۳۳۱۵﴾ پروردگارا، در رعایت حق تو کوتاهی کردم، و از یاد تو روگرداندم و شکر و ستایش واجب را ادا نکردم.

۹-۳-۱-۸- ما نمی‌دانیم چه شکر کنیم

﴿۳۳۱۶﴾ نمی‌دانیم که کدام را شکر کنیم؟ زیبایی‌هایی که منتشر کردی و یا زشتی‌هایی را که پوشاندی یا امتحانات بزرگی که به عمل آوردی و بخشش‌های بزرگی که نمودی و یا موارد فراوانی که از آن‌ها نجاتمان دادی و عافیتمان بخشیدی.

﴿۳۳۱۷﴾ آیا ندیدی کشتی‌ها بر (صفحه‌ی) دریاها به فرمان خدا، و به (برکت) نعمت او حرکت می‌کنند تا بخشی از نشانه‌هایش را به شما نشان دهد؟ در این‌ها نشانه‌هایی است برای کسانی که شکریا و شکر گزارند. سبط علیه السلام روزی به علی علیه السلام برخورد و گفت: ای امیر مؤمنان صبح را چگونه آغاز کردی؟ فرمود: درحالی که آن قدر نعمت و فضل خدا دریافت کرده‌ایم که نمی‌توانیم بشماریم با آنکه بسیاری را می‌شماریم، نمی‌دانیم کدام را شکر گزاریم، زیبایی‌هایی که فاش می‌شوند یا زشتی‌ها که نهان می‌مانند.

﴿۳۳۱۸﴾ چگونه صبح را آغاز کردی یا امیرالمؤمنین؟ فرمود: آن قدر غرق در نعمت خدایم که شماره نمی‌شود با وجود گناهان زیادی که داریم. نمی‌دانم کدام یک را سپاسگزاری کنم؟ آیا این همه نعمت را که ارزانی داشته سپاسگزاری کنیم و یا سپاس پوششی را که بر کارهای زشتمان نهاده است؟

﴿۳۳۱۹﴾ نمی‌دانم کدام نعمت تو را شکر گویم، آن نعمتی را که بر من احسان کردی و از من راضی شدی و یا آنکه لطف نموده و اعمال گذشته‌ام را بخشیدی؟ و یا با شروع کرم و احسانت بر عفو و آمرزش افزودی؟

۹-۳-۱-۹- شکر گزاران نمی‌توانند نعمت‌هایش را پاداش دهند

﴿۳۳۲۰﴾ منزّه است پروردگاری که گویندگان موارد قابل ستایش او را نمی‌توانند بشمارند و شکرکنندگان نیز نمی‌توانند نعمت‌های او را پاسخ دهند.

۱۰-۳-۹-۱- سرگردانی از به‌جای آوردن شکر خداوند و گواهی دادن به ضایع کردن آن

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٣٢١﴾ السَّجَادُ عليه السلام: إِلَهِي أَذْهَلَنِي عَنْ إِقَامَةِ شُكْرِكَ تَتَانُجُ طَوْلِكَ وَاعْجَزَنِي عَنْ إِحْصَاءِ ثَنَائِكَ فَيُضْ فَضْلِكَ وَشَغَلَنِي عَنْ ذِكْرِ مَحَامِدِكَ تَرَادُفُ عَوَائِدِكَ وَأَعْيَانِي عَنْ نَشْرِ عَوَارِفِكَ تَوَالِي أَبْيَادِكَ وَهَذَا مَقَامٌ مَنِ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النِّعْمَاءِ وَقَابَلَهَا بِالتَّقْصِيرِ وَشَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْإِهْمَالِ وَالتَّضْيِيعِ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٤٦

١١-٩-١- لا شُكْرُ لِي

﴿٣٣٢٢﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: رَبِّ لَا حُجَّةَ لِي إِنْ اخْتَجَجْتُ وَلَا عُذْرَ لِي إِنْ اعْتَذَرْتُ وَلَا شُكْرَ عِنْدِي إِنْ ابْتَلَيْتُ وَأَوْلَيْتُ إِنْ لَمْ تُعْنِ عَلَى شُكْرِي مَا أَوْلَيْتَ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٩٠

﴿٣٣٢٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَأَلْوَيْلُ لِي مِنْكَ ثُمَّ الْوَيْلُ أَكْثَرُ ذِكْرِكَ فِي الضَّرَاءِ وَأَغْفَلُ عَنْهُ فِي السَّرَّاءِ وَأَخَفُ فِي مَعْصِيَتِكَ وَأَثْقَلُ عَنْ طَاعَتِكَ مَعَ سُوءِ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَحُسْنِ بَلَائِكَ لَدَيَّ وَقِلَّةِ شُكْرِي بَلَّ لَا صَبْرَ لِي عَلَى بَلَاءٍ وَلَا شُكْرَ لِي عَلَى نِعْمَاءٍ؛ بحار الأنوار ج: ٩٧ ص: ٢٢٠

﴿٣٣٢٤﴾ الباقر عليه السلام: أَيُّ رَبِّ أَلَمْ تَخْلُقْنِي فَقَالَ اللَّهُ قَدْ فَعَلْتُ فَقَالَ أَلَمْ تَنْفُخْ فِيَّ مِنْ رُوحِكَ قَالَ قَدْ فَعَلْتُ قَالَ أَلَمْ تُسَكِّنِي جَنَّتِكَ قَالَ قَدْ فَعَلْتُ قَالَ أَلَمْ تَسْقِ لِي رَحْمَتَكَ غَضَبَكَ قَالَ اللَّهُ قَدْ فَعَلْتُ فَهَلْ صَبَرْتُ أَوْ شَكَرْتُ قَالَ آدَمُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ فَرَحِمَهُ اللَّهُ بِذَلِكَ وَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ؛ بحار الأنوار ج: ١١ ص: ٢١٢

﴿٣٣٢٥﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: لَا شُكْرَ عِنْدِي إِنْ ابْتَلَيْتَ وَأَوْلَيْتَ إِنْ لَمْ تُعْنِ عَلَى شُكْرِي مَا أَوْلَيْتَ؛ مصباح المتعجب ص: ٢٧٦

١٢-٩-١- لَا تَشْكُرُ

﴿٣٣٢٦﴾ الجَوَادُ عليه السلام: يَا مَنْ جَلَّ عَنْ أَدَوَاتِ لِحَظَاتِ الْبَشَرِ وَلَطَفَ عَنْ دَقَائِقِ خَطَرَاتِ الْفِكْرِ لَا تُحْمَدُ يَا سَيِّدِي إِلَّا بِتَوْفِيقِ مَنْكَ يَقْتَضِي حَمْدًا وَلَا تَشْكُرُ عَلَيَّ أَصْغَرَ مِنْهُ إِلَّا اسْتَوْجَبْتَ بِهَا شُكْرًا فَمَتَى تُحْصِي نِعْمَاؤُكَ يَا إِلَهِي وَتُجَازِي آلَاؤُكَ يَا مَوْلَايَ وَتُكَافِي صِنَائِعُكَ يَا سَيِّدِي وَمِنْ نِعَمِكَ يَحْمَدُ الْحَامِدُونَ وَمِنْ شُكْرِكَ يَشْكُرُ الشَّاكِرُونَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٩ ص: ٥٥

١٣-٩-١- لَا يُشْكِرُ أَحَدٌ

﴿٣٣٢٧﴾ لَا يُشْكِرُ أَحَدٌ حَقَّ شُكْرِكَ؛ البلد الأمين ص: ١٢٨

﴿٣٣٢٨﴾ اللَّهُمَّ لَا يَقْدِرُ أَحَدٌ قَدْرَكَ وَلَا يَشْكُرُ أَحَدٌ حَقَّ شُكْرِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ١٩٥

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۳۲۱﴾ خدایا، پیاپی بودن بخشش‌هایت مرا در ادای شکرت سرگردان نموده و فراوانی فضلت از شمارش ستودنی‌هایت عاجزم کرده است و پی‌درپی بودن احسانت مرا از یاد حمدت بازداشته و پیوستگی الطافت از بازگویی نیکویی‌هایت درمانده‌ام کرده‌است و این مقام کسی است که اعتراف می‌کند که تو نعمت‌های او را کامل کرده‌ای و او با سستی و اهمال با آن‌ها مقابله کرده است و خود به بی‌توجهی و سستی خودش گواه است.

۱۱-۹-۳-۱- هیچ شکری به جای نیاورده‌ام

﴿۳۳۲۲﴾ پروردگارا، حجتی ندارم که بیاورم و عذری ندارم که بر آن درآورم و اگر آزموده شوم، و قدردانی و شکری ندارم مگر تو، خودت مرا به شکرانه‌ی نعمت یاری فرمایی.

﴿۳۳۲۳﴾ وای بر من، وای بر من، در سختی‌ها بسیار یاد تو می‌کنم و در راحتی از آن غفلت می‌کنم، گناهانت را سبک می‌شمارم و اطاعتت برایت سنگین است با اینکه نعمت‌هایت را بر من تمام کرده‌ای و امتحان خوبی از من گرفته‌ای ولی کم شکر کرده‌ام، و در برابر بلایت شکیبایی نورزیده و در برابر نعمت‌هایت شکر نکرده‌ام.

﴿۳۳۲۴﴾ پروردگارا، آیا مرا خلق نکردی؟ فرمود: خلق کرده‌ام پس گفت: آیا از روح در من ندیدید؟ فرمود: دیدم. گفت: آیا مرا در بهشت ساکن نکردی؟ فرمود: ساکن کرده‌ام. گفت: آیا درباره‌ی من رحمت بر غضبت پیشی نگرفت؟ فرمود: این چنین کردم؛ اما آیا صبر کردی؟ آیا تو شکر کردی؟ آدم گفت: خدایی جز تو نیست پاک و منزهی، من به خودم ظلم کردم پس مرا بیخش که تو بسیار آمرزنده و مهربانی. پس به همین خاطر خداوند او را بخشید که او بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

﴿۳۳۲۵﴾ اگر تو مرا بر شکرگزاری خویش یاری نکنی چه هنگامی که مرا مبتلا می‌سازی و یا آن زمان که نعمت می‌بخشی توان شکرگزاری ندارم.

۱۲-۹-۳-۱- شکر و سپاس نگویم

﴿۳۳۲۶﴾ ای آن که از ابزار نگاه بشر بزرگ‌تر و از ظرافت‌های آنچه به فکر خطور کند لطیف‌تری، ای آقای من، تو ستایش نمی‌شوی مگر آنکه خودت توفیق دهی که در آن صورت بر آن ستایش، ستایش دیگری واجب می‌شود و بر کوچک‌ترین نعمت‌ها شکر نمی‌شوی مگر آنکه برای آن نیز مستوجب شکر می‌شوی. پس کجا نعمت‌هایت را بشمارم ای خدای من، و چگونه عطا‌هایت را پاداش دهم، ای مالک من، چگونه نیکی‌هایت را پاسخ متناسب دهم ای آقای من؟ در حالی که حمد ستایش‌کنندگان خود نعمتی از نعمت‌های توست و شکر شکرکنندگان نیز از قدردانی توست.

۱۳-۹-۳-۱- احدی تو را شکر نمی‌گوید

﴿۳۳۲۷﴾ کسی تو را آن‌چنان که شایسته‌ی سپاسگزاری هستی شکر نمی‌کند.

﴿۳۳۲۸﴾ پروردگارا، احدی قدر تو را نمی‌داند و احدی آن‌گونه که حق شکر توست تو را شکر نمی‌کند.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٣٢٩﴾ لَا يَشْكُرُهُ أَحَدٌ حَقَّ شُكْرِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٢٢٤

١٤-٩-١-٣-١- لَمْ أَشْكُرْ، لَمْ يَشْكُرْ

﴿٣٣٣٠﴾ الصّادق عليه السلام: إِلَهِي قَدْ أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَمْ أَشْكُرْ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٣٦٤

﴿٣٣٣١﴾ السّجاد عليه السلام: أَنَا الَّذِي لَمْ أَشْكُرْ نِعْمَكَ عِنْدَ مَعَاصِي إِيَّاكَ وَلَمْ أَدْعُهَا عِنْدَ حُلُولِ

الْبَلِيَّةِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٣٦

﴿٣٣٣٢﴾ السّجاد عليه السلام: فَكَفَرْتُ وَلَمْ أَشْكُرْ بِلَاءَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٣٦

﴿٣٣٣٣﴾ السّجاد عليه السلام: لَمْ أَشْكُرْ نِعْمَتَكَ وَلَمْ أَقْبَلْ نَصِيحَتَكَ وَلَمْ أُؤَدِّ حَقَّكَ وَلَمْ أَتْرُكْ

مَعَاصِيكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٣٠

﴿٣٣٣٤﴾ الصّادق عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَمْ أَشْكُرْهُ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٢٧٦

﴿٣٣٣٥﴾ الرّسول الله ﷺ: مَنْ لَمْ يَشْكُرْ عَلَى الْيَسِيرِ لَمْ يَشْكُرْ عَلَى الْكَثِيرِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢

ص: ٣٥٨

١٥-٣-١-٣-١- مَا شَكَرْتُ

﴿٣٣٣٦﴾ الصّادق عليه السلام: عَمَّرْتَنِي أَيَادِيكَ فَمَا شَكَرْتُ؛ الكافي ج: ٣ ص: ٣٢٧

﴿٣٣٣٧﴾ الرّسول الله ﷺ: اللَّهُمَّ أَنَا الذَّلِيلُ الَّذِي أَعَزَّزْتَ وَأَنَا الضَّعِيفُ الَّذِي قَوَّيْتَ وَأَنَا الْمَقْرُ الَّذِي

سَتَرْتَ فَمَا شَكَرْتُ نِعْمَتَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٦

﴿٣٣٣٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ إِذَا سَجَدَ سَجْدَتِي الشُّكْرَ وَعَظَّمْتَنِي فَلَمْ أَتَّعِظْ وَ

زَجَرْتَنِي عَنْ مَحَارِمِكَ فَلَمْ أَنْزَجِرْ وَغَمَّرْتَنِي أَيَادِيكَ فَمَا شَكَرْتُ عَفْوَكَ يَا كَرِيم؛

مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ١٣٥

١٦-٣-١-٣-١- ضِيقْتُ ذُرْعًا فِي شُكْرِي

﴿٣٣٣٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: يَا أَفْضَلَ الْمُنْعِمِينَ فِي آلَائِهِ وَأَنْعَمَ الْمُفْضِلِينَ فِي نِعْمَائِهِ كَثُرَتْ

أَيَادِيكَ فَعَجَزْتُ عَنْ إِحْصَائِهَا وَضِيقْتُ ذُرْعًا فِي شُكْرِي لَكَ بِجَزَائِهَا؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٠٧

١٧-٣-١-٣-١- عَدِمُ الْإِسْتِطَاعَةَ لِأَدَاءِ الشُّكْرِ

١-٣-١-٣-١-١- مَا اسْتَطَعْتُ أَنْ أُؤَدِّيَ شُكْرَ وَاحِدَةٍ مِنْ أَنْعَمِكَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۳۲۹﴾ هیچ کس آن چنان که حق شکر او باشد او را شکر نمی کند.

۱۴-۹-۳-۱- هرگز شکر نمی گویم، هرگز شکر نمی گوید

﴿۳۳۳۰﴾ پروردگارا، به من نعمت دادی و من شکر نکردم.

﴿۳۳۳۱﴾ من کسی هستم که هنگام مواجهه با گناهان و آمدن بلاها شکر نعمت تو را ادا نکردم.

﴿۳۳۳۲﴾ خدایا، تو راناسپاسی کردم و بر امتحانی که از من گرفتی قدرشناس نبودم.

﴿۳۳۳۳﴾ نعمت را شکر نکردم و نصیحتت را نپذیرفتم و حقت را ادا نکردم و معصیتت را ترک

نمودم.

﴿۳۳۳۴﴾ خداوندا، به درستی که تو به من نعمت داده ای، پس من آن چنان که سزاوار تو بود تو را

شکرگزاری نکردم.

﴿۳۳۳۵﴾ هر که بر لطف کوچک شکر نکند بر لطف بزرگ هم شکر نمی کند.

۱۵-۹-۳-۱- شکرگزاری نکردم

﴿۳۳۳۶﴾ در تمام طول زندگی به من نعمت دادی اما من شکر نکردم.

﴿۳۳۳۷﴾ پروردگارا، من همان (شخص) ذلیل و بی مقداری هستم که تو به او عزت دادی و من

همان شخص ضعیف و ناتوانی هستم که تو به او قوت و قدرت دادی و من همان اقرارکننده (به ضعف و گناه) خویش هستم که تو (عیوب و ضعفش را) پوشاندی؛ نعمت هایت را شکر می کنم.

﴿۳۳۳۸﴾ آنگاه که دو سجده ی شکر به جای می آوردند می فرمودند: " خدایا، موعظه ام کردی اما

نپذیرفتم و از حرام هایت منعم نمودی اما دوری نکردم و مرا در نعمت هایت فرو بردی اما شکرت را ننمودم خواستار عفو تو هستم، عفو تو را خواهانم ای بزرگوار "

۱۶-۹-۳-۱- در شکر کردن عاجز شدم

﴿۳۳۳۹﴾ ای که در نعمت بخشی از همگان بخشنده تر، و بخشش الطافش (به بندگان) از همه

بیشتر است. خدایا، نعمت هایی که به من دادی (آن قدر) بسیار شد که از شمردنش عاجز گشته و توان سپاسگزاری و عوض مناسب را ندارم.

۱۷-۹-۳-۱- عدم توانایی در ادا کردن شکر

۱-۱۷-۹-۳-۱- نمی توانم حتی شکر یکی از نعمت هایت را به جای آورم

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٣٤٠﴾ الحسين عليه السلام: لَوْ حَاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصَارِ وَالْأَحْقَابِ لَوْ غَمَرْتُهَا أَنْ أُؤَدِّيَ شُكْرَ وَاحِدَةٍ مِنْ أَنْعَمِكَ مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ إِلَّا بِمَنْكَ الْمَوْجِبِ عَلَى شُكْرٍ أَنْفَاءً جَدِيداً وَثَنَاءً طَارِفاً عَتِيداً؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢١٨

١٧-٩-١-٣-١- لَا اسْتَطِيعُ أَنْ أَشْكُرَكَ

﴿٣٣٤١﴾ داود عليه السلام: يَا رَبِّ كَيْفَ أَشْكُرُكَ وَ أَنَا لَا اسْتَطِيعُ أَنْ أَشْكُرَكَ إِلَّا بِنِعْمَةٍ ثَانِيَةٍ مِنْ نِعَمِكَ فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ إِذَا عَرَفْتَ هَذَا فَقَدْ شَكَرْتَنِي؛ بحار الأنوار ج: ٩٨ ص: ٣٦

﴿٣٣٤٢﴾ الصادق عليه السلام: يَا مُوسَى اشْكُرْنِي حَقَّ شُكْرِي فَقَالَ يَا رَبِّ وَ كَيْفَ أَشْكُرُكَ حَقَّ شُكْرِكَ وَ لَيْسَ مِنْ شُكْرٍ أَشْكُرُكَ بِهِ إِلَّا وَ أَنْتَ أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ قَالَ يَا مُوسَى الْآنَ شَكَرْتَنِي حِينَ عَلِمْتَ أَنَّ ذَلِكَ مِنِّي؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٨

١٨-٩-١-٣-١- عَدَمُ الطَّاقَةِ

١٨-٩-١-٣-١- لَا تُطِيقُ شُكْرَهَا

﴿٣٣٤٣﴾ السجاد عليه السلام: وَ أَمَّا حَقُّ أَمِّكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهَا حَمَلَتْكَ حَيْثُ لَا يَحْتَمِلُ أَحَدٌ أَحَدًا وَ أَعْطَتْكَ مِنْ ثَمَرَةِ قَلْبِهَا مَا لَا يُعْطَى أَحَدٌ أَحَدًا وَ وَفَّتَكَ بِجَمِيعِ جَوَارِحِهَا وَ لَمْ تُبَالِ أَنْ تَجُوعَ وَ تُطْعَمَكَ وَ تَعْطَشَ وَ تَسْقِيكَ وَ تَعْرَى وَ تَكْسُوكَ وَ تَضْحَى وَ تَظْلِكَ وَ تَهْجُرَ النَّوْمَ لِأَجْلِكَ وَ وَفَّتَكَ الْحَرَّ وَ الْبَرْدَ لِتَكُونَ لَهَا فَإِنَّكَ لَا تُطِيقُ شُكْرَهَا إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ وَ تَوْفِيقِهِ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٢ ص: ٦٢١

١٩-٩-١-٣-١- الْعَجْزُ

١٩-٩-١-٣-١- الْإِعْتِرَافُ بِالْعَجْزِ

﴿٣٣٤٤﴾ السجاد عليه السلام: سُبْحَانَ مَنْ جَعَلَ الْإِعْتِرَافَ بِالنِّعْمَةِ لَهُ حَمْدًا سُبْحَانَ مَنْ جَعَلَ الْإِعْتِرَافَ بِالْعَجْزِ عَنِ الشُّكْرِ شُكْرًا؛ تحف العقول ص: ٢٨٣

﴿٣٣٤٥﴾ الصادق عليه السلام: وَ تَمَامُ الشُّكْرِ اعْتِرَافُ لِسَانِ السَّرِّ خَاضِعاً لِلَّهِ تَعَالَى بِالْعَجْزِ عَنْ بُلُوغِ أَذْنَى شُكْرِهِ لِأَنَّ التَّوْفِيقَ لِلشُّكْرِ نِعْمَةٌ حَادِثَةٌ يَجِبُ الشُّكْرُ عَلَيْهَا وَ هِيَ أَعْظَمُ قَدْرًا وَ أَعَزُّ وَجُوداً مِنَ النِّعْمَةِ الَّتِي مِنْ أَجْلِهَا وَفَّتَ لَهُ فَيُلْزِمُكَ عَلَى كُلِّ شُكْرٍ أَكْبَرُ مِنْهُ إِلَى مَا لَا نِهَايَةَ لَهُ مُسْتَعْرِقاً فِي نِعْمَتِهِ قَاصِراً عَاجِزاً عَنْ دَرْكِ غَايَةِ شُكْرِهِ وَ أَنَّى يَلْحَقُ الْعَبْدُ شُكْرَ نِعْمَةِ اللَّهِ وَ مَتَى يَلْحَقُ صَنِيعُهُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۳۴۰﴾ اگر در طول دوران و سالیان طولانی تا زمانی که زنده باشیم که سعی و تلاش کنم بتوانم شکر یکی از نعمت‌های را ادا کنم نمی‌توانم مگر اینکه تو بر من منت گذاری و توفیق شکر بدهی؛ که در آن صورت شکری دوباره و مدحی و نو بر من واجب می‌شود.

۲-۱۷-۹-۱- نمی‌توانم شکرگزاری ات کنم

﴿۳۳۴۱﴾ پروردگارا، چگونه می‌توانم تو را سپاس بگذارم با اینکه مرا توانایی و امکان سپاسگزاری نیست مگر به وسیله‌ی نعمت دیگری که به من عنایت فرمایی. خداوند متعال وحی فرمود: اکنون که چنین معرفتی یافتی و اعتراف داری که موفقیت به شکر و سپاس نیز نعمت تازه‌ی دیگری است، شکر و سپاس مرا ادا کردی.

﴿۳۳۴۲﴾ ای موسی حق شکر مرا ادا کن. موسی علیه السلام عرض کرد: خداوند، من چگونه می‌توانم حق شکر تو را ادا کنم با اینکه هر شکری که به‌جا آورم آن خود نعمتی است که تو به من عنایت فرموده‌ای؟ خطاب رسید: ای موسی، اکنون که دانستی این توفیق هم از من است، شکر مرا ادا کردی.

۱۸-۹-۳-۱- عدم تحمل

۱-۱۸-۹-۳- قدرت شکر و سپاس او را نداری

﴿۳۳۴۳﴾ حق مادرت، این است که بدانی، او تو را در شکم خود حمل کرد، به گونه‌ای که هیچ‌کس بار دیگری را نکشید. از ثمره‌ی قلب خود، به تو غذایی داد که هیچ‌کس به کسی ندهد. با تمام اعضای خود، در نگهداری تو کوشید، اگر تو سیر و سیراب شوی نگران نیست که گرسنه و تشنه بماند. بی‌لباس می‌ماند تا تو را بپوشاند؛ در آفتاب می‌ماند تا تو در سایه باشی، از خواب خود چشم می‌پوشد تا تو راحت بخوابی. از گرما و سرما تو را نگاه داشته، تا برای او باشی. پس نمی‌توانی او را شکرگزاری، مگر به توفیق و یاری و کمک خداوند.

۱۹-۹-۳-۱- ناتوانی

۱-۱۹-۹-۳- اقرار به ناتوانی

﴿۳۳۴۴﴾ منزّه است خداوندی که اعتراف به نعمت را به‌عنوان سپاس قرار داد و منزّه است خدایی که اعتراف به ناتوانی از شکر را شکر قرار داد.

﴿۳۳۴۵﴾ و کمال شکر این است که به زبان حال و قلب و با خلوص نیت اعتراف کند که از به‌جا آوردن کمترین مرتبه‌ی شکر پروردگار عاجز است که همانا توفیق شکر نعمت جدید، شکر جدیدی بر تو واجب می‌کند؛ و ارزش این شکر بیشتر و وجودش ارجمندتر از نعمتی است که به دریافت آن موفق شده‌ای؛ پس بر هر شکری شکر دیگری واجب می‌شود که از اولی بزرگ‌تر است و این افزایش و گستردگی تا بی‌نهایت ادامه پیدا می‌کند، تو غرق نعمتی و دستت از درک حق آن کوتاه. و چگونه ممکن است بنده‌ای شکر نعمت پروردگارش را به‌جا آورد؟ و چگونه ممکن است پاسخ خوبی‌های او را بدهد. بنده از بنیان ناتوان است مگر با تکیه بر خدا؛ و خدا بی‌نیاز از

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

بَصْنِيْعِهِ وَ الْعَبْدُ ضَعِيفٌ لَا قُوَّةَ لَهُ أَبَدًا إِلَّا بِاللَّهِ وَاللَّهُ غَنِيٌّ عَنْ طَاعَةِ الْعَبْدِ قَوِيٌّ عَلَى مَزِيدِ النِّعَمِ عَلَى الْأَبَدِ فَكُنْ لِلَّهِ عَبْدًا شَاكِرًا عَلَى هَذَا الْأَصْلِ تَرَى الْعَجَبَ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٥٢

١-٣-٩-١٩-٢- الإِشْفَاقُ مِنَ الْعَجْزِ عَنِ الشُّكْرِ

﴿٣٣٤٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَاللَّهُ لَوْ أَنَّ الدُّنْيَا كَانَتْ مَنْ أَرَادَ مِنْهَا شَيْئًا وَجَدَهُ حَيْثُ تَنَالُ يَدُهُ مِنْ غَيْرِ طَلَبٍ وَلَا تَعَبٍ وَلَا مَثُونَةٍ وَلَا نَصَبٍ وَلَا ظَعْنٍ وَلَا دَأْبٍ غَيْرَ أَنْ مَا أَخَذَ مِنْهَا مِنْ شَيْءٍ لَزِمَهُ حَقُّ اللَّهِ فِيهِ وَالشُّكْرُ عَلَيْهِ وَكَانَ مَسْئُولًا عَنْهُ مُحَاسَبًا بِهِ لَكَانَ يَحِقُّ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ لَا يَتَنَاوَلَ مِنْهَا إِلَّا قُوَّتَهُ وَبُلْغَةَ يَوْمِهِ حَذَرًا مِنَ السُّؤَالِ وَخَوْفًا مِنَ الْحِسَابِ وَإِشْفَاقًا مِنَ الْعَجْزِ عَنِ الشُّكْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٧٠ ص: ١١٠

١-٣-٩-١٩-٣- تَعَجُّزُ الْأَبْدَانِ عَنْ آدَاءِ شُكْرِهِ

﴿٣٣٤٧﴾ لَإِنَّ الْأَلْسُنَ تَكِلُ عَنْ وَصْفِكَ وَتَعَجُّزُ الْأَبْدَانِ عَنْ آدَاءِ شُكْرِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٢١

﴿٣٣٤٨﴾ السَّجَادُ عليه السلام: ذَلِكَ مَا تَكِلُ الْأَلْسُنُ عَنْ صِفَتِهِ وَتَعَجُّزُ الْأَبْدَانِ عَنْ آدَاءِ شُكْرِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٨٠

١-٣-٩-١٩-٤- تَعَجُّزُ الْأَلْسُنِ عَنْ وَصْفِ الشُّكْرِ

﴿٣٣٤٩﴾ الرضا عليه السلام: مَا أَنْصَفُوا نَبِيَّ اللَّهِ فِي حَيْطَتِهِ وَرَأْفَتِهِ وَمَا مَنَّ اللَّهُ بِهِ عَلَى أُمَّتِهِ مِمَّا تَعَجُّزُ الْأَلْسُنُ عَنْ وَصْفِ الشُّكْرِ عَلَيْهِ أَنْ لَا يُؤَدُّهُ فِي ذُرِّيَّتِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٢٥ ص: ٢٢٧

١-٣-٩-١٩-٥- أَشْكُرُ عِبَادِكَ عَاجِزٌ عَنِ الشُّكْرِ

﴿٣٣٥٠﴾ اللَّهُمَّ إِنْ أَحَدًا لَا يَبْلُغُ مِنْ شُكْرِكَ غَايَةَ إِلَّا حَصَلَ عَلَيْهِ مِنْ إِحْسَانِكَ مَا يُلْزِمُهُ شُكْرًا. وَلَا يَبْلُغُ مَبْلَغًا مِنْ طَاعَتِكَ وَإِنْ اجْتَهَدَ إِلَّا كَانَ مُقْصِرًا دُونَ اسْتِحْقَاقِكَ بِفَضْلِكَ، فَاشْكُرْ عِبَادَكَ عَاجِزٌ عَنْ شُكْرِكَ، وَأَعْبُدْهُمْ مُقْصِرٌ عَنْ طَاعَتِكَ، لَا يَجِبُ لِأَحَدٍ أَنْ تَغْفِرَ لَهُ بِاسْتِحْقَاقِهِ، وَلَا أَنْ تَرْضَى عَنْهُ بِاسْتِجَابِهِ، فَمَنْ غَفَرْتَ لَهُ فَبَطُولِكَ، وَمَنْ رَضِيتَ عَنْهُ فَبِفَضْلِكَ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ١٦٢

١-٣-٩-١٩-٦- عَجَزَ شُكْرِي، عَجَزَ عَنْ شُكْرِهِ شُكْرُ الشَّاكِرِينَ

﴿٣٣٥١﴾ السَّجَادُ عليه السلام: وَكَمْ قَلَّدْتَنِي مِنْ مِنَّةٍ ضَعُفَتْ قَوَايَ عَنْ حَمْلِهَا وَذَهَلَتْ فِطْنَتِي عَنْ ذِكْرِ فَضْلِهَا وَعَجَزَ شُكْرِي عَنْ جَزَائِهَا وَضِيقَتْ ذُرْعًا بِإِحْصَائِهَا قَابِلَتَكَ فِيهَا بِالْعِصْيَانِ وَنَسِيتُ شُكْرَ مَا أَوْلَيْتَنِي

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

فرمان برداری بنده و توانا بر افزایش نعمت؛ پس تو باید بر این روش بنده‌ی شکرگزاری باشی، که در این صورت عجایبی از فضل خدا خواهی دید.

۲-۱۹-۹-۳-۱- ترس از ناتوانی از شکر

﴿۳۳۴۶﴾ به خداوند سوگند اگر دنیا طوری بود که هر کس اراده می‌کرد به آن می‌رسید و بدون طلب و فعالیت و خستگی به آن دست می‌یافت و مسافرت و زحمت لازم نداشت. اگر در آنچه به دست می‌آورند حقی واجب نبود و سپاس از خداوند و نعمت از او خواسته نمی‌شد و مال دنیا هم مورد محاسبه قرار نمی‌گرفت و مسؤولیتی هم برای او وجود نداشت، باز هم لازم بود که انسان از دنیا جز به اندازه‌ی گذران زندگی بر ندارد و بیش از احتیاج و نیاز تصرف نکند. او باید بترسد که روزی از وی سؤال می‌شود؛ این مال‌ها را از کجا آوردی؟ و او باید از حساب بترسد که روزی از آن حساب خواهند کشید، او باید توجه کند که از شکر این همه نعمت‌ها عاجز می‌باشد و توان سپاس ندارد.

۳-۱۹-۹-۳-۱- بدن‌ها از ادای شکرش ناتوانند

﴿۳۳۴۷﴾ همانا زبان‌ها از وصف (جود و سخاوت) تو قاصر و ناتوانند و بدن‌ها از ادای شکر نعمات عاجز.

﴿۳۳۴۸﴾ و این همان است که زبان‌ها در وصف آن از توان افتاده و بدن‌ها از ادای شکرش عاجزند.

۴-۱۹-۹-۳-۱- زبان‌ها از وصف شکرش ناتوانند

﴿۳۳۴۹﴾ در مورد پیامبر ﷺ به انصاف رفتار نکردند با وجود تمام موقعیت آن جناب و رأفتش و نعمت‌هایی که زبان از شکر آن عاجز است و خداوند به خاطر او بر امتش ارزانی داشت، لکن حق دوستی و محبت لازم را با خاندان و فرزندان او آن‌چنان که شایسته‌ی آن بودند به‌جا نیاوردند.

۵-۱۹-۹-۳-۱- شکرگزارترین بندگان از به‌جای آوردن شکرش ناتوانند

﴿۳۳۵۰﴾ خدایا، هنوز بنده سپاس نعمت را آن‌چنان که باید به‌جا نیاورده که نعمت دیگری نصیبش می‌شود و شکری دیگر بر او واجب می‌گردد؛ و هرچه بکوشد باز در ادای حق فرمان برداری آن‌چنان که شایسته‌ی لطف توست کوتاهی کرده است. پس سپاسگزارترین بندگان از سپاسگزاری تو عاجز است و آن‌که بیشترین عبادت را انجام می‌دهد از فرمان برداری ات ناتوان است. هیچ‌کس سزاوار آن نیست که او را بیمارزی یا از او راضی باشی. پس هر که را بیمارزی از احسان توست و از هر که راضی شوی از لطف تو.

۶-۱۹-۹-۳-۱- در شکر ناتوانم، شکرگزاران از شکرش ناتوانند

﴿۳۳۵۱﴾ و چه بسیار نعمتی که بر گردن من آویختی اما من از حمل آن ناتوان بودم و دانش من از ذکر فضیلت‌های آن حیران شد و از شکر آن عاجز شدم و از شمارش آن ناتوان گشتم و در برابر آن‌ها نافرمانی‌ات کردم و شکر احسانی که بر من نمودی را فراموش کردم. ولی اگر تو

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

فِيهَا مِنَ الْإِحْسَانِ فَمَنْ أَسْوَأَ حَالًا مِنِّي إِنْ لَمْ تَتَدَارَكْنِي بِالْغُفْرَانِ وَتُوزِعْنِي شُكْرَ مَا اصْطَنَعْتَ عِنْدِي مِنْ فَوَائِدِ الْإِمْتِنَانِ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٥٩
﴿٣٣٥٢﴾ السَّجَادُ عليه السلام: يَا مَنْ فَضَّلَ إِنْْعَامَهُ إِنْْعَامَ الْمُتَنَعِمِينَ وَعَجَزَ عَنْ شُكْرِهِ شُكْرُ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٣١

١٩-٩-١-٣-١-٧- عَجَزَى عَنْ الشُّكْرِ

﴿٣٣٥٣﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَمْ أَشْكُرْهُ وَابْتَلَيْتَنِي فَلَمْ أَصْبِرْ فَلَمْ يُوجِبْ عَجَزَى عَنْ شُكْرِكَ مَنَعَ الْمُؤَمِّلُ مِنْ فَضْلِكَ وَ أَوْجَبَ عَجَزَى عَنْ الصَّبْرِ عَلَى بَلَائِكَ كَشَفَ ضُرَّكَ وَ إِنْزَالَ رَحْمَتَكَ فَيَا مَنْ قَلَّ عِنْدَ بَلَائِهِ صَبْرِي فَعَافَانِي وَ عِنْدَ نِعْمَائِهِ شُكْرِي فَأَعْطَانِي أَسْأَلُكَ الْمَزِيدَ مِنْ فَضْلِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٢٧٦

١٩-٩-١-٣-١-٨- يَعْجَزُ شُكْرِي

﴿٣٣٥٤﴾ أَسْبَغْتَ عَلَيَّ مِنْ نِعْمَتِكَ فَقَدْ اصْطَنَعْتَ عِنْدِي مَا يَعْجَزُ عَنْهُ شُكْرِي؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٢٥٠

﴿٣٣٥٥﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: الْعَافِيَةُ نِعْمَةٌ يَعْجَزُ الشُّكْرُ عَنْهَا؛ بحار الأنوار ج: ٧٨ ص: ١٧٢

﴿٣٣٥٦﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: الْعَافِيَةُ نِعْمَةٌ خَفِيَّةٌ إِذَا وَجِدَتْ نُسَيْتَ وَإِذَا فَقِدَتْ ذِكْرَتْ وَ الْعَافِيَةُ نِعْمَةٌ يَعْجَزُ عَنْهَا الشُّكْرُ؛ مكارم الأخلاق ص: ٣٢٧

﴿٣٣٥٧﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُو الْآخِرَةَ بَغَيْرِ عَمَلٍ وَ يُؤَخِّرُ التَّوْبَةَ لَطُولِ الْأَمَلِ وَ يَقُولُ فِي الدُّنْيَا قَوْلَ الزَّاهِدِينَ وَ يَعْمَلُ فِيهَا عَمَلَ الرَّاعِيَيْنِ إِنْ أُعْطِيَ مِنْهَا لَمْ يَشْبَعْ وَ إِنْ مَنَعَ مِنْهَا لَمْ يَقْنَعْ يَعْجَزُ عَنْ شُكْرِ مَا أُوتِيَ وَ يَبْغِي الزِّيَادَةَ فِيمَا بَقِيَ؛ مجموعة ورام ج: ٢ ص: ١٨١

٢٠-٩-٣-١-١- عَدَمُ الْبُلُوغِ

١-٢٠-٩-٣-١- لَيْسَ شُكْرِي بِبَالِغِ أَدَاءِ حَقِّكَ وَ لَا مُكَافِئًا لِفَضْلِكَ وَ لَا مُوَازِيًا لِنِعْمِكَ

﴿٣٣٥٨﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: فَلَيْسَ شُكْرِي وَ إِنْ دَأْبْتُ مِنْهُ فِي الْمَقَالِ وَ بَالَعْتُ مِنْهُ فِي الْفَعَالِ بِبَالِغِ أَدَاءِ حَقِّكَ وَ لَا مُكَافِئٍ فَضْلِكَ؛ مهج الدعوات ص: ١٢٩

﴿٣٣٥٩﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: لَيْسَ شُكْرِي وَ إِنْ بَالَعْتُ فِي الْمَقَالِ وَ بَالَعْتُ فِي الْفَعَالِ بِبَالِغِ أَدَاءِ حَقِّكَ وَ لَا مُكَافِئًا لِفَضْلِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٢٤٣

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

آمرزشت را برایم مهیا نکنی و در مقابل نیکی‌هایی که به من نمودی شکرگزاری را به من الهام نکنی، چه کسی از من بدتر خواهد بود.

﴿۳۳۵۲﴾ ای کسی که نعمت‌دادنش از بخشش هر بخشنده‌ای بیشتر است و شکر شاکران از ادای شکرش عاجز.

۱۹-۹-۱-۳-۱ ناتوانی‌ام از شکرگزاری

﴿۳۳۵۳﴾ خداوند، به‌درستی که تو به من نعمت عطا کردی، ولی من آن‌چنان که شایسته‌ی آن بود شکرگزاری نکردم، مرا با بلا آزمودی، ولی صبر نکردم، پس ضعف من در ادای شکر تو، مانع دریافت الطاف مورد آرزویم نشد، و علیرغم ضعف من در شکیبایی کردن بر بالای تو همچنان به برطرف کردن گرفتاری‌های من و ارسال مهر و رحمت مشغولی؛ پس ای کسی که صبر من در مقابل بالای او ناچیز است، ولی او مرا از گرفتاری رها کرد و شکر من در مقابل نعمت‌های او کم بود ولی او به من نعمت عطا کرد، از تو افزایش الطافت را خواهانم.

۱۹-۹-۱-۳-۸ از شکرگزاری ناتوانم

﴿۳۳۵۴﴾ نعمت را بر من تمام گردانیدی، درباره‌ی من آن‌چنان لطف و احسان کرده‌ای که در ادای شکر و سپاس آن عاجز و ناتوانم.

﴿۳۳۵۵﴾ عافیت نعمتی است که شکر آن نتوان کرد.

﴿۳۳۵۶﴾ عافیت نعمتی است پنهان که چون یافت شود فراموش شود و چون ازدست برود به یاد آید، عافیت نعمتی است که شکر آن نتوان کرد.

﴿۳۳۵۷﴾ از آنان مباش که بدون هیچ عمل خیری به آخرت طمع دارد، و به خاطر آرزوهای دراز توبه را به تأخیر می‌اندازد، در دنیا مانند پارسایان سخن می‌گوید، ولی پیوسته راه علاقمندان به این سرا را پوید، اگر همه‌ی دنیا را به وی دهند سیر نمی‌شود، و چون از چیزی بازش بدارند قناعت نمی‌کند، از سپاسگزاری آنچه به او داده شده فرو می‌ماند، ولی هنوز باقی‌مانده‌ی آن را درخواست می‌کند.

۲۰-۹-۱-۳-۱ نرسیدن

۱-۲۰-۹-۱-۳-۱ شکر من ادای حق تو را نمی‌کند و نیز نمی‌تواند فضل و کرم تو را تلافی کند و یا با نعمت برابری کند

﴿۳۳۵۸﴾ شکر و سپاسگزاری من به هراندازه‌ای که با زبان برای ادای آن بکوشم، و به هر مقدار که در عمل برای تحقق آن تلاش کنم، حق تو را ادا نمی‌کند و لطف تو را پاسخ نمی‌دهد.

﴿۳۳۵۹﴾ حتی اگر در گفتار و کردارم بسیار بکوشم، شکر من نمی‌تواند حق تو را ادا کند و با لطف تو برابری کند.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٣٦٠﴾ فَلَيْسَ شُكْرِي وَإِنْ دَأَبْتُ مِنْهُ فِي الْمَقَالِ وَبَالَغْتُ فِي الْفِعَالِ مُؤَدِّيًا لِشُكْرِكَ وَلَا مُكَافِيًا لِفَضْلِكَ وَلَا مُوَازِيًا لِنِعَمِكَ؛ البلداأمين ص: ٣٤٥
٢-٢٠-٩-١-٣- لا أَبْلُغُ الشُّكْرَ

﴿٣٣٦١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَسْأَلُكَ بِتَمَجِيدِكَ وَتَحْمِيدِكَ وَتَوْحِيدِكَ وَتَعْظِيمِكَ وَتَفْضِيلِكَ وَتَكْبِيرِكَ وَتَهْلِيلِكَ وَإِلَّا فِي تَقْدِيرِكَ خَلَقِي حِينَ صَوَّرْتَنِي فَأَحْسَنْتَ صُورَتِي وَإِلَّا فِي قِسْمَةِ الْأَرْزَاقِ حِينَ قَدَرْتَنِي لِي لَكَانَ فِي ذَلِكَ مَا يَشْغُلُ شُكْرِي عَنْ جَهْدِي فَكَيْفَ إِذَا فَكَّرْتُ فِي النِّعَمِ الْعِظَامِ الَّتِي أَتَقَلَّبُ فِيهَا أَوْ لَا أَبْلُغُ شُكْرَ شَيْءٍ مِنْهَا فَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا حَفَظَهُ عِلْمُكَ وَعَدَدَ مَا وَسِعَتْهُ رَحْمَتُكَ وَعَدَدَ مَا أَحَاطَتْ بِهِ قُدْرَتُكَ وَأَضْعَافَ مَا تَسْتَوْجِبُهُ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٢٥٧

٢-٢٠-٩-١-٣- لا تَبْلُغُوا شُكْرَهَا
﴿٣٣٦٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَبِأَيْدِيكُمْ سَبَبُ وَصَلِ إِلَيْكُمْ مِنْهُ إِثْنَارٌ وَاخْتِيَارُ نِعْمَةِ اللَّهِ لَا تَبْلُغُوا شُكْرَهَا خَصَصَكُمْ بِهَا وَاخْتَصَّكُمْ لَهَا؛ بحار الأنوار ج: ٥٣ ص: ٧٧
٢-٢٠-٩-١-٣- لا يَبْلُغُ أَذْنَى النِّعْمَةِ شُكْرِي، لَا يَبْلُغُ الْأَعْمَالُ شُكْرَهُ
﴿٣٣٦٣﴾ كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ لَكَ عَلَى يَقْصُرٍ عَنْ أَيْسَرِهَا حَمْدِي وَلَا يَبْلُغُ أَذْنَاهَا شُكْرِي؛ بحار الأنوار ج: ٩٧ ص: ١٦٥

﴿٣٣٦٤﴾ اللَّهُمَّ إِنْ أَحَدًا لَا يَبْلُغُ مِنْ شُكْرِكَ غَايَةَ إِلَّا حَصَلَ عَلَيْهِ مِنْ إِحْسَانِكَ مَا يُلْزِمُهُ شُكْرًا؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ١٦٢

﴿٣٣٦٥﴾ سُبْحَانَ الَّذِي لَا يَبْلُغُ الْأَعْمَالُ شُكْرَهُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٢١٨
﴿٣٣٦٦﴾ لَا تَبْلُغُ الْأَعْمَالُ شُكْرَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٤ ص: ٣١٨
٢-٢٠-٩-١-٣- لَمْ يَبْلُغْ مَدَى شُكْرِهِ

﴿٣٣٦٧﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: مَنْ مَلَكَهُ الْحَوْلُ إِلَّا مَنْ أَلْزَمَهُ الْحُجَّةَ مَنْ يَكْفِيهِ مَا لَا تَبْلُغُهُ حِيلَتُهُ إِلَّا مَنْ لَمْ يَبْلُغْ مَدَى شُكْرِهِ فَكَّرَ وَتَدَبَّرَ مَا وَصَفْتُهُ هَلْ تَجِدُ الْإِهْمَالَ عَلَى هَذَا النِّظَامِ وَالتَّرْتِيبِ تَبَارَكَ اللَّهُ عَمَّا يَصِفُونَ؛ توحيد المفضل ص: ٦٧

٢-٢٠-٩-١-٣- لا تَبْلُغُ الْخَلَائِقُ شُكْرَهُ
﴿٣٣٦٨﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: يَا مَنْ لَا تَبْلُغُ الْخَلَائِقُ شُكْرَهُ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٣٩١

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۳۶۰﴾ حتی اگر دائماً با زبان تو را شکر کنم و در اعمالم تلاش بسیار نمایم، نمی‌توانم حق شکر تو را ادا و الطاف تو را پاسخ دهم، و شکر من هم طراز نعمت‌های تو نیست.

۲-۲۰-۹-۳-۱- به شکر نمی‌رسم

﴿۳۳۶۱﴾ پروردگارا، از تو به حق مجد و عظمت، به حمد و سپاست، به وحدانیت و بزرگواری و فضیلت و بزرگی و یکتایی‌ات درخواست می‌کنم مگر نه اینکه در تقدیر تو بود که مرا بیافرینی و به نیکوترین حالت آفریدی، و مگر نه اینکه در تقسیم روزی و رزق آن قدر برای من روزی مقدر کردی که از شکر باز نمانم؛ پس چگونه است هنگامی که در نعمات بزرگ و با عظمت تو می‌اندیشم متوجه می‌شوم که موفق به ادای اندکی از شکر آن هم نمی‌شوم. پس حمد و ستایش مخصوص توست به آن تعداد که در علم و دانش تو محفوظ است و به آن تعداد که در گستره‌ی رحمت توست و به آن تعداد که قدرت و توانایی تو بر آن احاطه دارد و بیش از آنچه از طرف همه‌ی مخلوقات ادا شود.

۳-۲۰-۹-۳-۱- به شکرش نمی‌رسند

﴿۳۳۶۲﴾ در دستان شما، سببی است که از جانب آن به شما ایثار و اختیار می‌رسد که نعمتی از جانب خداست، نمی‌توانید شکر آن را ادا کنید، آن را مخصوص شما قرار داد و آن را برای شما برگزید.

۴-۲۰-۹-۳-۱- شکر من از عهده‌ی کمترین نعمت بر نمی‌آید، اعمال شکرش را به جای نمی‌آورند

﴿۳۳۶۳﴾ چه بسیار نعمتی که تو بر من عطا فرمودی حال آنکه ستایش من از ساده‌ترین آن‌ها ناتوان است و شکر من به کوچک‌ترین آن نعمت‌ها نیز نمی‌رسد.

﴿۳۳۶۴﴾ خدایا، هنوز بنده سپاس نعمت را آن چنان که باید به جا نیاورده که نعمت دیگری نصیبش می‌شود و شکری دیگر بر او واجب می‌گردد.

﴿۳۳۶۵﴾ پاک و منزّه است پروردگاری که نمی‌رساند اعمال و کارها شکرش را. (یعنی هیچ مقداری از عمل‌های ثواب حق شکرش را نمی‌تواند که به جای آورد).

﴿۳۳۶۶﴾ هیچ عملی حق شکر تو را ادا نمی‌کند.

۵-۲۰-۹-۳-۱- کسی به غایت شکر او نمی‌رسد

﴿۳۳۶۷﴾ به هر که توان داده‌ی حجت بر او تمام کرده و هر که را در آنچه چاره‌جویی‌اش به موفقیت نیاانجامیده باشد بی‌نیازش کرده باشی نمی‌تواند شکر تو را به شکل شایسته ادا کند، بیاندیش و تدبیر کن آنچه را که برایت وصف نمودم، آیا این نظم و ترتیب بیهوده و بی‌هدف به نظر می‌رسد، خدا فراتر از آن است که به وصف درآید.

۶-۲۰-۹-۳-۱- خلاق به شکر واقعی او نمی‌رسند

﴿۳۳۶۸﴾ ای کسی که مخلوقات به ادای شکرش دست نمی‌یابند.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

٢١-٩-١-١- عدم التأديبه

١-٢١-٩-١- لا يُؤَدَّى شُكْرُهُ

﴿٣٣٦٩﴾ المجتبى عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ثُمَّ إِنَّ مِمَّا عَظَّمَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ

مِنْ حَقِّهِ وَاسْتَنْعَى عَلَيْكُمْ مِنْ نِعْمِهِ مَا لَا يُحْصَى ذِكْرُهُ وَلَا يُؤَدَّى شُكْرُهُ؛ بحار الأنوار ج: ٣٢ ص: ٤٠٣

﴿٣٣٧٠﴾ الرسول ﷺ: يَا اللَّهُ يَا مَنْ لَا يُؤَدَّى شُكْرَهُ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؛ البلد الأمين ص: ٤٢٠

﴿٣٣٧١﴾ لَا تُحْصَى نِعْمَاؤُكَ وَلَا يُؤَدَّى شُكْرُكَ؛ مصباح المتعبد ص: ١٨٤

﴿٣٣٧٢﴾ المجتبى عليه السلام: وَأَمَّا قَوْلُهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ فَإِنَّهُ عِلْمٌ أَنَّ الْعِبَادَ لَا يُؤَدُّونَ شُكْرَ نِعْمَتِهِ فَحَمِدَ

نَفْسَهُ قَبْلَ أَنْ يَحْمَدُوهُ وَهُوَ أَوَّلُ الْكَلَامِ لَوْ لَا ذَلِكَ لَمَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ بِنِعْمَتِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٩

ص: ٢٩٤

﴿٣٣٧٣﴾ السجاد عليه السلام: كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ اسْتَبَغَتْهَا عَلَى لَمْ أُؤَدِّ شُكْرَهَا؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٧٨

﴿٣٣٧٤﴾ فَلَيْسَ شُكْرِي وَإِنْ دَأَبْتُ مِنْهُ فِي الْمَقَالِ وَبَالَغْتُ فِي الْفِعَالِ مُؤَدِّيًا لِشُكْرِكَ؛

البلد الأمين ص: ٣٤٥

٢٢-٩-١- لا تَعْقِلُونَ شُكْرَ النِّعْمَةِ

﴿٣٣٧٥﴾ الصادق عليه السلام: أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ نُورَ الْبَصِيرَةِ رُوحُ الْحَيَاةِ الَّذِي لَا يَنْفَعُ إِيْمَانُ إِلَّا بِهِ مَعَ اتِّبَاعِ

كَلِمَةِ اللَّهِ وَالتَّصَدِيقِ بِهَا، فَالْكَلِمَةُ مِنَ الرُّوحِ، وَالرُّوحُ مِنَ النُّورِ، وَالنُّورُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ،

فَبِأَيْدِيكُمْ سَبَبُ وَصَلِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَا تَعْقِلُونَ شُكْرَهَا، خَصَّكُمْ بِهَا وَاسْتَخْلَصَكُمْ لَهَا وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ؛ بحار الأنوار ج: ٣٠ ص: ٣٧

٢٣-٩-١- اسْتَغْرَقَتْ نِعْمَتُكَ شُكْرَ الشَّاكِرِينَ

﴿٣٣٧٦﴾ السجاد عليه السلام: سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي مَا أَحْلَمَكَ وَأَعْظَمَكَ وَأَعَزَّكَ وَأَكْرَمَكَ وَأَعْلَاكَ وَأَقْدَمَكَ وَأَحْكَمَكَ وَأَعْلَمَكَ وَسِعَ عِلْمُكَ تَهْدُدُ الْمُتَكَبِّرِينَ وَاسْتَغْرَقَتْ نِعْمَتُكَ

شُكْرَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٢٤

٢٤-٩-١- غَيْرُ شَاكِرٍ

﴿٣٣٧٧﴾ الصادق عليه السلام: لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي غَيْرَ شَاكِرٍ لِنِعْمَائِكَ فَحَرَمْتَنِي؛ البلد الأمين ص: ٢٠٨

٢٥-٩-١- فَقِيرٌ إِلَى الشُّكْرِ، شُكْرِي إِيَّاكَ يَفْتَقِرُ إِلَى شُكْرٍ

﴿٣٣٧٨﴾ فَإِنْ كُنْتُ عَنْ شُكْرِي غَنِيًّا فَإِنِّي إِلَى شُكْرِ مَا أَوْلَيْتَنِي لِفَقِيرٍ

بحار الأنوار ج: ٦٦ ص: ٧٠

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۲۱-۹-۳-۱-۱-۱ ادانکردن

۱-۲۱-۹-۳-۱-۱-۱ حق شکرش را ادا نمی‌کند

﴿۳۳۶۹﴾ ستایش مخصوص خداوندی است که جز او خدایی نیست، یکتاست و شریکی ندارد و همانا از حقوق بزرگی که خداوند بر شما تمام کرده و از نعمت‌های کاملی که به شما ارزانی داشته است؛ نعمت‌هایی که به‌شمار در نیاید و سپاسش گزارده نشود.

﴿۳۳۷۰﴾ ای خدا، ای که اهل آسمان‌ها و زمین نمی‌توانند شکر او را ادا کنند.

﴿۳۳۷۱﴾ نعمت‌های تو به‌شمارش در نمی‌آید و حق شکر تو آن‌چنان که شایسته است ادا نمی‌شود.

﴿۳۳۷۲﴾ و اما کلام پروردگار " الحمد لله " برای آن است که می‌داند بندگان نمی‌توانند، شکر نعمتش را ادا کنند و خود را ستود پیش از آنکه او را بستایید، آن اول کلام است و اگر آن نباشد خدا به کسی نعمت نمی‌دهد.

﴿۳۳۷۳﴾ چه نعمت‌هایی را که بر من تمام کردی اما من شکر آن را به جا نیاوردم.

﴿۳۳۷۴﴾ حتی اگر دائماً با زبان تو را شکر کنم و در اعمالم تلاش بسیار نمایم، نمی‌توانم حق شکر تو را ادا کنم.

۲۲-۹-۳-۱-۱-۱ حق شکر نعمت را در نمی‌یابند

﴿۳۳۷۵﴾ تردیدی نیست که " نور بصیرت " مایه‌ی زندگی و اصل حیات است و ایمان جز با آن و پیروی از کلمه‌ی الله و راست دانستن آن سودی ندارد. پس، کلمه از روح است و روح از نور است و نور؛ نور آسمان‌ها و زمین است. پس در دست‌تان چیزی دارید که از ما به شما رسیده است و نعمتی است که خدای تعالی شما را به آن اختصاص داده است و آن را مخصوص شما قرار داده است پس مبدا که از شکرگزاری آن غفلت کنید.

۲۳-۹-۳-۱-۱-۱ نعمت سپاسگزاران را در خویش غرق کرده است

﴿۳۳۷۶﴾ پاک و منزهی ای خدای من، چقدر حلیم و بزرگ و عزیز و بزرگوار و بلندمرتبه و قدیم و حکیم و دانایی. علم تو بر تهدیدهای متکبران احاطه دارد و نعمت شکر شاکران را فراگرفته است.

۲۴-۹-۳-۱-۱-۱ ناسپاس

﴿۳۳۷۷﴾ پروردگارا، شاید تو مرا ناسپاس دیدی و نعمت‌هایت را از من دریغ نمودی و مرا محروم ساختی؟

۲۵-۹-۳-۱-۱-۱ نیازمند شکرگزاری هستم، هر شکر من نیازمند شکر دیگری است

﴿۳۳۷۸﴾ اگر تو از شکر من بی‌نیازی ولی من به شکر نعمت‌هایی که تو بر من داده‌ای نیازمندم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٣٧٩﴾ السَّجَادُ عليه السلام: فَكَيْفَ لِي بِتَحْصِيلِ الشُّكْرِ وَشُكْرِي إِيَّاكَ يَفْتَقِرُ إِلَى شُكْرٍ فَكَلَّمَا قُلْتُ لَكَ الْحَمْدُ وَجَبَ عَلَيَّ لِذَلِكَ أَنْ أَقُولَ لَكَ الْحَمْدُ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٤٦

١-٣-٩-٢٦- مَا قَدَرُ لِسَانِي يَا رَبِّ فِي جَنْبِ شُكْرِكَ

﴿٣٣٨٠﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا نَقَّيْتَ مِنَ الشُّرْكِ قَلْبِي وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى بَسْطِ لِسَانِي أَوْ فِيلِسَانِي هَذَا الْكَالِ أَشْكُرُكَ أَمْ بِغَايَةِ جُهْدِي فِي عَمَلِي أَرْضِيكَ وَ مَا قَدَرُ لِسَانِي يَا رَبِّ فِي جَنْبِ شُكْرِكَ وَ قَدَرُ عَمَلِي فِي جَنْبِ نِعَمِكَ وَ إِحْسَانِكَ؛ المصباح للكفعمي ص: ٥٩٥

١-٣-٩-٢٧- شُكْرُهُ لَا يُسْتَقْصَى

﴿٣٣٨١﴾ الدُّعَاءُ عِنْدَ اسْتِهْلَالِ الْمُحْرَمِ: يَا مَنْ نِعْمُهُ لَا تُجَارَى وَ شُكْرُهُ لَا يُسْتَقْصَى؛ إقبال الأعمال

ص: ٥٤٦

١-٣-٩-٢٨- شُكْرُهُ لَا يُقْضَى

﴿٣٣٨٢﴾ الدُّعَاءُ عِنْدَ اسْتِهْلَالِ الْمُحْرَمِ: يَا مَنْ نِعْمُهُ لَا تُجَارَى وَ شُكْرُهُ لَا يُقْضَى؛ بحار الأنوار ج: ٩٥

ص: ٣٢٥

١-٣-٩-٢٩- لَا تَقْوَى عَلَى شُكْرِ نِعْمَةٍ وَاحِدَةٍ

﴿٣٣٨٣﴾ السَّجَادُ عليه السلام: إِلَهِي نَظَرْتُ إِلَى عَمَلِي فَوَجَدْتُهُ ضَعِيفاً وَ حَاسَبْتُ نَفْسِي فَوَجَدْتُهَا لَا تَقْوَى عَلَى شُكْرِ نِعْمَةٍ وَاحِدَةٍ أَنْعَمْتَهَا عَلَيَّ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٢١

١-٣-٩-٣٠- لَنْ أَقُومَ لِلَّهِ بِشُكْرِ النِّعْمَةِ، أَخَافُ عَلَيْكُمْ أَنْ لَا تَقُومُوا بِشُكْرِهِ

﴿٣٣٨٤﴾ السَّجَادُ عليه السلام: وَ اللَّهُ لَوْ تَقَطَّعَتْ أَعْضَائِي وَ سَالَتْ مُقَلَّتَايَ عَلَى صَدْرِي لَنْ أَقُومَ لِلَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ بِشُكْرِ عَشْرِ الْعَشِيرِ مِنْ نِعْمَةٍ وَاحِدَةٍ مِنْ جَمِيعِ نِعَمِهِ الَّتِي لَا يُحْصِيهَا الْعَادُونَ وَ لَا يَبْلُغُ حَدَّ نِعْمَةٍ مِنْهَا عَلَى جَمِيعِ حَمْدِ الْحَامِدِينَ؛ مستدرک الوسائل ج: ١ ص: ١٢٥

﴿٣٣٨٥﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَيْكُمْ بِالْبَقْلِ الْبَرِّ وَ خُبْرِ الشَّعِيرِ وَ إِيَّاكُمْ وَ خُبْرَ الْبُرِّ فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ أَنْ لَا تَقُومُوا بِشُكْرِهِ؛ قصص الأنبياء للجزائري ص: ٤١٦

١-٣-٩-٣١- إِحْسَانُكَ أَكْبَرُ مِنْ أَنْ يُشْكَرَ

﴿٣٣٨٦﴾ إِحْسَانُكَ أَكْبَرُ مِنْ أَنْ يُشْكَرَ عَلَى أَقْلِهِ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٦ ص: ١٧٨

١-٣-٩-٣٢- نِعَمُ اللَّهِ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُشْكَرَ، إِحْسَانُكَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُشْكَرَ عَلَى أَقْلِهِ، نِعَمُ اللَّهِ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُثْنَى بِشُكْرِهِ الْعَامِلُونَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۳۷۹﴾ پس چگونه می‌توانم به شکر تو دست یابم درحالی که شکر من نیازمند شکر دیگری است، پس هرچه حمد و سپاست بگویم، به خاطر آن حمد دیگری بر من واجب می‌شود.

۱-۳-۹-۲۶- زبان من در شکرگزاری ات چه توانی دارد

﴿۳۳۸۰﴾ حمد مخصوص توست به خاطر آنکه قلبم را از شرک پاک کردی و زبانم را بازکردی، آیا با این زبان لال تو را شکر گویم و یا با نهایت کوشش در عملم می‌توانم تو را راضی نمایم؟ زبانم چه توانی دارد؟ عمل من در برابر نعمت‌ها و احسان تو چه ارزشی دارد؟

۱-۳-۹-۲۷- شکرش نهایت ندارد

﴿۳۳۸۱﴾ ای کسی که نعمت‌هایش را نمی‌توان جزا داد و شکرش را حد و نهایتی نیست.

۱-۳-۹-۲۸- حق شکرش ادا نمی‌شود

﴿۳۳۸۲﴾ ای کسی که نعمت‌هایش را نمی‌توان جزا داد و شکرش را نمی‌توان ادا کرد.

۱-۳-۹-۲۹- حتی یک نعمت او را نمی‌توان شکر کرد

﴿۳۳۸۳﴾ پروردگارا، به عملم نگاه کردم و آن را ضعیف یافتم و به حساب نفسم رسیدم و دیدم که توان سپاسگزاری از یکی از نعمت‌هایی را که به او داده‌ای ندارد.

۱-۳-۹-۳۰- هرگز سپاس یک نعمت از خدا را نکردم، می‌ترسم که نتوانید از عهده‌ی شکرش به درآیید

﴿۳۳۸۴﴾ به خدا سوگند اگر اعضایم قطع شود و چشمانم بر روی سینه‌ام بیفتد، هنوز سپاس یک‌دهم از یک نعمت از نعمت‌های بی‌شمارش را نکرده‌ام، ستایش تمام ستایشگران حق یک نعمت او را ادا نمی‌کند.

﴿۳۳۸۵﴾ ای بنی‌اسرائیل، بر شماست که تریه‌ی صحرایی و نان جوین بخورید و از نان گندم بهره‌یزید زیرا از اینکه نتوانید از عهده‌ی شکرش به درآیید بر شما نگرانم.

۱-۳-۹-۳۱- فضل و احسان تو بزرگ‌تر از آن است که شکرش ادا شود

﴿۳۳۸۶﴾ احسان و نیکی تو بزرگ‌تر از آن است که بتوان بر کوچک‌ترین آن‌ها ادای شکر کرد.

۱-۳-۹-۳۲- نعمت‌های خداوند بیشتر از آن است که شکرش ادا شود، احسان تو افزون‌تر از آن است که کمترین آن را شکر توان گفت، نعمت‌های خداوند بیش از آن است که عمل‌کنندگان با شکرش حمد و ثنای او را به جا آورند

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٣٨٧﴾ نِعَمُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُشْكِرَ إِلَّا مَا أَعَانَ اللَّهُ عَلَيْهِ؛ غررالحكم ص: ١٩٤

﴿٣٣٨٨﴾ إِحْسَانُكَ أَكْبَرُ مِنْ أَنْ يَشْكُرَ عَلَى أَقْلِهِ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٢٠٤

﴿٣٣٨٩﴾ السَّجَادُ عليه السلام؛ وَقَدْ أَسْبَغْتَ عَلَى مَلَابِسِ الْإِنْعَامِ ثُمَّ رَزَقْتَنِي مِنَ الطَّافِ الْمَعَاشِ وَأَصْنَفِ الرِّيَاشِ وَكَفَفْتَنِي بِالرَّعَايَةِ فِي جَمِيعِ مَذَاهِبِي وَبَلَّغْتَنِي مَا أَحَاوُلُ مِنْ سَائِرِ مَطَالِبِي إِتِمَامًا لِنِعْمَتِكَ لَدَيَّ وَإِيجَابًا لِحُجَّتِكَ عَلَيَّ وَذَلِكَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُخَصِّبَهُ الْقَائِلُونَ أَوْ يُثْنِيَ بِشُكْرِهِ الْعَامِلُونَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٦٩

٣٣-٩-١- كَيْفَ أَشْكُرُكَ، فَكَيْفَ لَكَ أَنْ تَقُومَ بِهَذَا الشُّكْرِ، فَكَيْفَ لِي بِتَحْصِيلِ الشُّكْرِ، كَيْفَ يَسْتَطِيعُ أَنْ يُؤَدِيَ الشُّكْرَ، كَيْفَ يَسْتَطَاعُ أَنْ يُؤَدِيَ الشُّكْرَ

﴿٣٣٩٠﴾ دَاوُدُ عليه السلام؛ يَا رَبِّ كَيْفَ أَشْكُرُكَ وَ أَنَا لَا أَسْتَطِيعُ أَنْ أَشْكُرَكَ إِلَّا بِنِعْمَةٍ ثَانِيَةٍ مِنْ نِعَمِكَ فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ إِذَا عَرَفْتَ هَذَا فَقَدْ شَكَرْتَنِي؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٣٦

﴿٣٣٩١﴾ الصَّادِقُ عليه السلام؛ يَا مُوسَى أَشْكُرْنِي حَقَّ شُكْرِي فَقَالَ يَا رَبِّ وَ كَيْفَ أَشْكُرُكَ حَقَّ شُكْرِكَ وَ لَيْسَ مِنْ شُكْرٍ أَشْكُرُكَ بِهِ إِلَّا وَ أَنْتَ أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ قَالَ يَا مُوسَى الْآنَ شَكَرْتَنِي حِينَ عَلِمْتَ أَنَّ ذَلِكَ مِنِّي؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٨

﴿٣٣٩٢﴾ دَاوُدُ عليه السلام؛ قَالَ دَاوُدُ عليه السلام؛ يَا رَبِّ كَيْفَ أَشْكُرُكَ وَ الشُّكْرُ نِعْمَةٌ مِنْكَ عَلَيَّ فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ الْآنَ شَكَرْتَنِي؛ مجموعة ورام ج: ٢ ص: ١٧

﴿٣٣٩٣﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام؛ أَوْحَى اللَّهُ إِلَى دَاوُدَ يَا دَاوُدُ أَشْكُرْنِي قَالَ وَ كَيْفَ أَشْكُرُكَ يَا رَبِّ وَ الشُّكْرُ مِنْ نِعَمِكَ تَسْتَحِقُّ عَلَيْهِ شُكْرًا قَالَ يَا دَاوُدُ رَضِيتُ بِهَذَا الْإِعْتِرَافِ مِنْكَ شُكْرًا؛ عدة الداعي ص: ٢٣٩

﴿٣٣٩٤﴾ الصَّادِقُ عليه السلام؛ دَعَا سَلْمَانَ أَبَا ذَرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِمَا إِلَى مَنْزِلِهِ فَقَدَّمَ إِلَيْهِ رَغِيفَيْنِ فَأَخَذَ أَبُو ذَرٍّ الرَّغِيفَيْنِ فَقَالَ سَلْمَانُ يَا أَبَا ذَرٍّ لَأَيَّ شَيْءٍ تَقْلِبُ هَذَيْنِ الرَّغِيفَيْنِ قَالَ خِفْتُ أَلَّا يَكُونَا نَضِيجَيْنِ فَغَضِبَ سَلْمَانُ مِنْ ذَلِكَ غَضَبًا شَدِيدًا ثُمَّ قَالَ مَا أَجْرَاكَ حَيْثُ تَقْلِبُ الرَّغِيفَيْنِ فَوَ اللَّهُ لَقَدْ عَمِلَ فِي هَذَا الْخُبْزِ الْمَاءُ الَّذِي تَحْتَ الْعَرْشِ وَ عَمِلَتْ فِيهِ الْمَلَائِكَةُ حَتَّى الْقُوَّةُ إِلَى الرِّيحِ وَ عَمِلَتْ فِيهِ الرِّيحُ حَتَّى أَلْقَاهُ إِلَى السَّحَابِ وَ عَمِلَ فِيهِ السَّحَابُ حَتَّى أَمْطَرَهُ إِلَى الْأَرْضِ وَ عَمِلَ فِيهِ الرَّعْدُ وَ الْمَلَائِكَةُ حَتَّى وَضَعُوهُ مَوَاضِعَهُ وَ عَمِلَتْ فِيهِ الْأَرْضُ وَ الْخَشَبُ وَ الْحَدِيدُ وَ النَّبَاهِئُ وَ النَّارُ وَ الْحَطَبُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۳۸۷﴾ نعمت‌های خدای سبحان بیش از آن است که بتوان شکر آن را انجام داد مگر آنچه را که خدا ما را برآن یاری دهد.

﴿۳۳۸۸﴾ احسان و نیکی تو بیش از آن است که بتوان بر کمترین آن‌ها ادای شکر کرد.

﴿۳۳۸۹﴾ و لباس‌های لطف و بخشش را به‌طور کامل بر من پوشاندی سپس از نیکویی‌های زندگی و انواع لوازم گذران زندگانی به من روزی دادی و در تمام امور مرا تحت نظر خود محافظت کردی و مرا به هر خواسته‌ای که می‌خواستم به آن برسم رساندی و این‌ها به خاطر کامل کردن نعمت‌هایت و تمام کردن حجت بر من بود. و نعمت‌هایت خیلی بیش‌تر از آن است که گویندگان آن را بشمارند و یا عمل کنندگان، بتوانند با شکر تو را بستانند.

۳۳-۹-۱- چگونه شکر را بکارم؟ چگونه می‌توانی از عهده‌ی شکر این همه نعمت برآیی؟ پس چگونه می‌توانم شکر را به‌جای آورم؟

﴿۳۳۹۰﴾ پروردگارا، چگونه می‌توانم تو را سپاس بگزارم با اینکه مرا توانایی و امکان سپاسگزاری نیست مگر به‌وسیله‌ی نعمت دیگری که به من عنایت فرمایی. خداوند متعال وحی فرمود: اکنون که چنین معرفتی یافتی و اعتراف داری که موفقیت به شکر و سپاس نیز نعمت تازه‌ی دیگری است، شکر و سپاس مرا ادا کردی.

﴿۳۳۹۱﴾ ای موسی حق شکر مرا ادا کن. موسی علیه السلام عرض کرد: خداوند، من چگونه می‌توانم حق شکر تو را ادا کنم با اینکه هر شکری که به‌جا آورم آن خود نعمتی است که تو به من عنایت فرموده‌ای؟ خطاب رسید: ای موسی، اکنون که دانستی این توفیق هم از من است، حق شکر مرا ادا کردی.

﴿۳۳۹۲﴾ داوود علیه السلام گفت: پروردگارا، چگونه شکر تو را به‌جای آورم حال آنکه خود شکر، نعمتی از جانب توست، پس از جانب خدای تعالی به او وحی شد حالا که این را فهمیدی شکر مرا به جای آوردی.

﴿۳۳۹۳﴾ خدای تعالی به داود وحی فرمود: ای داود خدا را شکر کن داود گفت: پروردگارا، چگونه تو را شکر کنم درحالی که توفیق شکرگزاری، خودش از نعمت‌های توست که باید برآن هم شکر کرد خداوند فرمود: ای داود به این اقرار به ناتوانی از ادای شکر، بسنده می‌کنم (و آن را به عنوان شکر از تو می‌پذیرم).

﴿۳۳۹۴﴾ سلمان فارسی، ابوذر غفاری (ره) را به مهمانی دعوت نمود. پس از ورود ابوذر به منزل، سلمان دو قرص نان بر سر سفره نهاد. ابوذر آن دو قرص نان را به دست گرفت و به این‌طرف و آن‌طرف نان نگاهی کرد. سلمان گفت: ای ابوذر، برای چه این نان‌ها را مورد دقت قرار می‌دهی؟ ابوذر، گفت: چون احتمال دادم خوب پخته شده نباشند، ناگهان سلمان خشمگین شد و خیلی ناراحت گردید و گفت: ای ابوذر خیلی جرأت داری که این نان‌ها را به این‌طرف و آن‌طرف می‌گردانی و دقت می‌کنی. به خدا سوگند در راه تهیه‌ی این نان، آب زیر عرش فعالیت کرده و فرشتگان مأموریت یافته که آب را در اختیار باد قرار دهد و باد هم به نوبه‌ی خود او را به ابر تحویل دهد و ابر هم او را به‌صورت باران به زمین برساند و رعد و برق و فرشتگان در این راه انجام وظیفه نموده تا مراحل بسیاری طی شود و در راه تهیه‌ی این نان نیز زمین و چوب و آهن و حیوان و آتش و هیزم و نمک و چیزهای دیگری که نمی‌شود احصا کرد به‌کار گمارده شده

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

وَالْمِلْحُ وَمَا لَا أَحْصِيهِ أَكْثَرُ فَكَيْفَ لَكَ أَنْ تَقُومَ بِهَذَا الشُّكْرِ فَقَالَ أَبُو ذَرٍّ إِلَى اللَّهِ أَتُوبُ وَ
أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِمَّا أَحْدَثْتُ وَإِلَيْكَ أَعْتَذِرُ مِمَّا كَرِهْتُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٦ ص: ٢٩٤
﴿٣٣٩٥﴾ السجادة الطاهرة: فَكَيْفَ لِي بِحَصِيلِ الشُّكْرِ وَشُكْرِ إِيَّاكَ يَفْتَقِرُ إِلَى شُكْرِ فَكُلَّمَا قُلْتُ
لَكَ الْحَمْدُ وَجَبَ عَلَيَّ لِذَلِكَ أَنْ أَقُولَ لَكَ الْحَمْدُ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٤٦

﴿٣٣٩٦﴾ موسى بن عمران عليه السلام: يَا رَبِّ كَيْفَ يَسْتَطِيعُ آدَمُ أَنْ يُؤَدِّيَ شُكْرَ مَا صَنَعْتَ إِلَيْهِ خَلَقْتَهُ
بِيَدِكَ وَنَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِكَ وَأَسْكَنْتَهُ جَنَّاتٍ وَأَمَرْتَ الْمَلَائِكَةَ فَسَجَدُوا لَهُ فَقَالَ يَا مُوسَى
عَلِمَ أَنَّ ذَلِكَ مِنِّي فَحَمِدَنِي عَلَيْهِ وَكَانَ ذَلِكَ شُكْرًا مَا صَنَعْتُ إِلَيْهِ؛ مجموعة ورام ج: ١ ص: ٨
﴿٣٣٩٧﴾ موسى بن عمران عليه السلام: إِلَهِي كَيْفَ اسْتَطَاعَ آدَمُ أَنْ يُؤَدِّيَ شُكْرَ مَا أَجْرَيْتَ عَلَيْهِ مِنْ
نِعْمَتِكَ خَلَقْتَهُ بِيَدَيْكَ وَأَسْجَدْتَ لَهُ مَلَائِكَتَكَ وَأَسْكَنْتَهُ جَنَّاتٍ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنْ آدَمُ
عَلِمَ أَنَّ ذَلِكَ كُلُّهُ مِنِّي وَمِنْ عِنْدِي فَذَلِكَ شُكْرُهُ؛ روضة الواعظين ج: ٢ ص: ٤٧٣
١-٣-٩-٣٤- مَتَى نُؤَدِّي شُكْرَهُ

﴿٣٣٩٨﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَغْلَقَ عَنَّا بَابَ الْحَاجَةِ إِلَّا إِلَهِي، فَكَيْفَ نُنْطِيقُ حَمْدَهُ أَمْ مَتَى نُؤَدِّي
شُكْرَهُ لَ، مَتَى؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٢٨
١-٣-٩-٣٥- نَسِيتُ شُكْرَ مَا أَوْلَيْتَنِي

﴿٣٣٩٩﴾ السجادة الطاهرة: وَكَمْ قَلَدْتَنِي مِنْ مِنَّةٍ ضَعُفَتْ قُوَايَ عَنْ حَمْلِهَا وَذَهَلَتْ فِطْنَتِي عَنْ ذِكْرِ
فَضْلِهَا وَعَجَزَ شُكْرِي عَنْ جَزَائِهَا وَضِيقَتْ ذُرْعًا بِأَحْصَائِهَا قَابِلَتُكَ فِيهَا بِالْعَصِيانِ وَنَسِيتُ شُكْرَ
مَا أَوْلَيْتَنِي فِيهَا مِنَ الْإِحْسَانِ فَمَنْ أَسْوَأَ حَالًا مِنِّي إِنْ لَمْ تَتَذَكَّرْنِي بِالْغُفْرَانِ وَتُوزِعْنِي شُكْرَ مَا
اصْطَنَعْتَ عِنْدِي مِنْ فَوَائِدِ الْإِيمَانِ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٥٩
١-٣-٩-٣٦- لَمْ أَجِدْ أَنْ أَقُومَ بِالشُّكْرِ، فَلَمْ تَجِدْنِي شَاكِرًا
﴿٣٤٠٠﴾ السجادة الطاهرة: يَا مَوْلَايَ وَحَاسَبْتُ نَفْسِي فَلَمْ أَجِدْنِي أَقُومُ بِشُكْرِ مَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ؛
بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٣٥

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

است. ای ابوذر چگونه می‌توانی شکر و سپاس این‌همه را به‌جا آوری؟ ابوذر متنبه شده و گفت: توبه می‌نمایم و به‌سوی خدا بازگشت می‌کنم و از این غفلتی که از من واقع شده استغفار می‌نمایم و از تو هم معذرت می‌خواهم چون عملی که تو را ناراحت کرده انجام دادم.

﴿۳۳۹۵﴾ پس چگونه می‌توانم به شکر تو دست یابم درحالی که شکر من نیازمند شکر دیگری است، پس هرچه حمد و سپاست بگویم، به خاطر آن حمد دیگری بر من واجب می‌شود.

﴿۳۳۹۶﴾ خدایا، آدم چگونه می‌توانست که حق شکر نعمت تو را به‌جا آورد؟ او را به قدرت خود آفریدی و از روح خود بر او دمیدی، و در بهشت خود جا دادی و به فرشتگان دستور دادی تا او را سجده کردند؟ خداوند فرمود: " ای موسی، همین قدر که او فهمید همه‌ی این‌ها از جانب من است، و مرا سپاس گفت، این خود شکر نعمت من بود ".

﴿۳۳۹۷﴾ پروردگارا، آدم عَلَيْهِ السَّلَام چگونه توانسته است حق نعمت تو را سپاسگزاری کند؟ حال آنکه خود به دست خویش او را آفریدی و فرشتگان خود را به سجده کردن بر او واداشتی و در بهشت خویش او را جای دادی؟ خداوند به موسی عَلَيْهِ السَّلَام وحی فرمود که آدم عَلَيْهِ السَّلَام می‌دانست همه‌ی این‌ها از من و به اراده‌ی من است و همین شکر او بود.

۳۴-۹-۳-۱- چه وقت می‌توانیم او را سپاس گزاریم؟

﴿۳۳۹۸﴾ سپاس خدای را که در نیامندی به غیر خودش را به روی ما بست. ما چگونه می‌توانیم از عهده‌ی شکرش به درآییم؟ یا چه وقت می‌توانیم او را سپاسگزارییم؟ هرگز.

۳۵-۹-۳-۱- شکر نعمت‌هایی را که به من ارزانی داشتی فراموش کردم

﴿۳۳۹۹﴾ و چه بسیار نعمتی که بر گردن من آویختی اما من از حمل آن ناتوان بودم و دانش من از ذکر فضیلت‌های آن حیران شد و از شکر آن عاجز شدم و از شمارش آن ناتوان گشتم و در برابر آن‌ها نافرمانی‌ات کردم و شکر احسانی که بر من نمودی را فراموش کردم. ولی اگر تو آمرزش را برایم مهیا نکنی و در مقابل نیکی‌هایی که به من نمودی شکرگزاری را به من الهام نکنی، چه کسی از من بدتر خواهد بود.

۳۶-۹-۳-۱- هرگز خود را شاکر نیافتیم، هرگز مرا شکرگزار نیابی

﴿۳۴۰۰﴾ ای مالک من، حسابرسی کردم اما خود را برپادارنده‌ی شکر نعمت‌هایت نیافتیم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٤٠١﴾ المجتبى عليه السلام: إِنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ اُتْنِمَ الرُّكْنُ فَقَالَ إِلَهِي اَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَمْ تَجِدْنِي شَاكِرًا وَ اُبْلَيْتَنِي فَلَمْ تَجِدْنِي صَابِرًا فَلَا اَنْتَ سَلَبْتَ النُّعْمَةَ بِتَرْكِ الشُّكْرِ وَلَا اَنْتَ اَدَمْتَ الشَّدَّةَ بِتَرْكِ الصَّبْرِ إِلَهِي مَا يَكُونُ مِنَ الْكَرِيمِ إِلَّا الْكَرَمُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٦ ص: ١٩٧

١٠-٣-٩٧-١- لَوْ اجْتَمَعَ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَا وَفَوْا عَنِ الْقِيَامِ بِالشُّكْرِ
﴿٣٤٠٢﴾ لَوْ لَا ضَعْفُ الْيَقِينِ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نَشْكُو مِخْنَةَ يَسِيرَةٍ نَرْجُو فِي الْعَاجِلِ سُرْعَةَ زَوَالِهَا وَ فِي الْآجِلِ عَظِيمَ ثَوَابِهَا بَيْنَ أَضْعَافٍ نَعَمَ لَوْ اجْتَمَعَ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَلَى إِحْصَائِهَا مَا وَفَوْا بِهَا فَضْلًا عَنِ الْقِيَامِ بِشُكْرِهَا؛ شرح نهج البلاغة ج: ٢٠ ص: ٢٥٥
١٠-٣-١- في مَذْمَمَةِ فَقْدَانِ الشُّكْرِ وَ نَقْصِهِ

١٠-٣-١-١- أَعْظَمُ الذُّنُوبِ وَ إِتْهَامُ بِاللَّهِ

﴿٣٤٠٣﴾ موسى بن عمران عليه السلام: أَيُّ رَبِّ أَيُّ خَلْقِكَ أَعْظَمُ ذَنْبًا قَالَ الَّذِي يَتَّهَمُنِي قَالَ يَا رَبِّ وَ هَلْ يَتَّهَمُكَ أَحَدٌ قَالَ نَعَمْ يَا مُوسَى الَّذِي يَسْتَخِيرُنِي وَ لَا يَرْضَى بِقَضَائِي وَ لَا يَشْكُرُ نِعْمَائِي وَ لَا يَصْبِرُ عَلَيَّ بَلَائِي؛ مجموعة ورام ج: ٢ ص: ٢٣١

١٠-٣-١-٢- حَدُّ لِلْخُرُوجِ مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَدِّ الْبَهِيمِيَّةِ

﴿٣٤٠٤﴾ مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْإِنْعَامَ فَلْيَعُدْ مِنَ الْإِنْعَامِ؛ غرر الحكم ص: ٢٨٠

﴿٣٤٠٥﴾ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَةَ حَمْدِهِ عَلَى مَا أَبْلَاهُمْ مِنْ مَنَنِهِ الْمُتَتَابِعَةِ، وَ أَسْبَغَ عَلَيْهِمْ مِنْ نِعَمِهِ الْمُتَطَاهِرَةِ، لَتَصَرَّفُوا فِي مَنَنِهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ، وَ تَوَسَّعُوا فِي رِزْقِهِ فَلَمْ يَشْكُرُوهُ. وَ لَوْ كَانُوا كَذَلِكَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ إِلَى حَدِّ الْبَهِيمِيَّةِ فَكَانُوا كَمَا وَصَفَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ إِنَّهُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٢٨

١٠-٣-١-٣- حَرَمَةُ اللَّهِ

﴿٣٤٠٦﴾ الرضا عليه السلام: حَرَّمَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عُقُوقَ الْوَالِدَيْنِ لِمَا فِيهِ مِنَ الْخُرُوجِ مِنَ التَّوْقِيرِ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ التَّوْقِيرِ لِلْوَالِدَيْنِ وَ كُفْرَانَ النُّعْمَةِ وَ إِبْطَالَ الشُّكْرِ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٣ ص: ٥٦٥

١٠-٣-١-٤- خَطِيئَةُ

﴿٣٤٠٧﴾ الرسول عليه السلام: نِعْمَةٌ لَا تُشْكُرُ خَطِيئَةٌ لَا تُغْفَرُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٦٩

١٠-٣-١-٥- خِيَانَةُ الْقَلْبِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۴۰۱﴾ همانا حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام... در خانه‌ی خدا به مقام رکن چسبیده بود و می‌فرمود: پروردگارا، به من نعمت دادی و مرا شاکر نیافتی و مرا امتحان کردی (مبتلا کردی) و صبورم نیافتی، ولی به خاطر شکر نکردن من نعمت را از من سلب نکردی و به خاطر صبر نکردنم، مرا به زمین نزدی. پروردگارا، از شخص کریم و بزرگوار جز کرامت توقع دیگری نمی‌رود.

۳۷-۹-۳-۱- اگر اهل آسمان‌ها و زمین جمع شوند بر ادای شکر ناتوانند

﴿۳۴۰۲﴾ اگر ضعف یقین ما نبود از هر گرفتاری اندکی شکایت نمی‌کردیم امید داریم که در دنیا با سرعت این گرفتاری برطرف شود و در آخرت پاداش عظیمی به خاطر آن دریافت کنیم. آری، ما در میان نعمت‌های بسیاری هستیم که اگر اهل آسمان‌ها و زمین برای شمردن آن‌ها جمع شوند نمی‌توانند آن را تمام و کمال بشمارند چه رسد به اینکه بخواهند شکرگزاری آن را بکنند.

۱۰-۳-۱- در مذمت ناسپاسی و ناقص بودن شکر

۱-۳-۱۰-۱- عظیم‌ترین گناهان و تهمت‌زدن به خداست

﴿۳۴۰۳﴾ ای پروردگarm کدام‌یک از بندگان بزرگ‌ترین گناه را انجام داده است؟ فرمود: کسی که مرا متهم می‌کند. گفت: پروردگارا آیا کسی هم تو را متهم می‌کند؟ فرمود: آری ای موسی، کسی که از من طلب خیر می‌کند ولی نه به حکم من راضی می‌شود و نه نعمت‌هایم را شکر می‌کند و نه در بلایم صبر می‌کند.

۲-۱۰-۳-۱- حد خروج از حدود انسانیت به سوی حیوانیت

﴿۳۴۰۴﴾ هر که نعمت‌ها را شکر نکند باید که از چهارپایان شمرده شود.

﴿۳۴۰۵﴾ ستایش مخصوص خدایی است که اگر بندگان را از شناختن سپاسگزاری خود بر نعمت‌های پی‌درپی که به ایشان داده و بخشش‌های پیوسته که برای آن‌ها به حد کمال رسانیده بود باز می‌داشت، نعمت‌هایش را مصرف نموده و او را سپاس نمی‌گزارند، و در روزی او غوطه‌ور می‌شدند و شکرش را به‌جا نمی‌آوردند و اگر چنین می‌بودند (شکر نمی‌کردند) از حدود انسانیت بیرون رفته و در رتبه‌ی چارپایان قرار می‌گرفتند، و چنان می‌شدند که در کتاب محکم و استوار خود وصف فرموده: "ایشان (ناسپاسان) جز مانند چارپایان نیستند بلکه همراه‌ترند".

۳-۱۰-۳-۱- خداوند آن را حرام کرده است

﴿۳۴۰۶﴾ خدای تعالی ناراضی کردن پدر و مادر را حرام فرموده است؛ زیرا در عقوب و ناراضی کردن پدر و مادر، خارج شدن از بزرگداشت خدا و نیز کفران نعمت و باطل شدن شکر و سپاسگزاری نهفته است.

۴-۱۰-۳-۱- خطاست

﴿۳۴۰۷﴾ نعمتی که شکرش ادا نمی‌شود مانند گناهی است که بخشیده نمی‌شود.

۵-۱۰-۳-۱- پیمان شکنی قلب است

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٤٠٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: نَسَأَلُكَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ فَمَا بَالُنَا نَدْعُو فَلَا يُجَابُ قَالَ إِنَّ قُلُوبَكُمْ خَانَتْ بَشَمَانَ خِصَالِ أَوَّلِهَا أَنْكُمْ عَرَفْتُمْ اللَّهَ فَلَمْ تُؤَدُّوا حَقَّهُ كَمَا أَوْجَبَ عَلَيْكُمْ فَمَا أَغْنَتْ عَنْكُمْ مَعْرِفَتُكُمْ شَيْئًا... السَّادِسَةُ أَنْكُمْ أَكَلْتُمْ نِعْمَةَ الْمَوْلَى وَلَمْ تَشْكُرُوا عَلَيْهَا؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ٢٦٨

١٠-٣-١-٦- السَّيِّئَةُ

﴿٣٤٠٩﴾ الجواد عليه السلام: نِعْمَةٌ لَا تُشْكُرُ كَسَيِّئَةٍ لَا تُغْفَرُ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٥٣

﴿٣٤١٠﴾ الكاظم عليه السلام: يَا هِشَامُ إِنَّ كُلَّ نِعْمَةٍ عَجَزَتْ عَنْ شُكْرِهَا بِمَنْزِلَةِ سَيِّئَةٍ تُؤَاخَذُ بِهَا؛

تحف العقول ص: ٣٩٢

١٠-٣-١-٧- مَنْ لَمْ يَشْكُرْ يَكُونُ أَسْوَأَ حَالًا

﴿٣٤١١﴾ السجاد عليه السلام: وَكَمْ قَلَّدْتَنِي مِنْ مِنَّةٍ ضَعَفَتْ قُوَايَ عَنْ حَمْلِهَا وَذَهَلَتْ فِطْنَتِي عَنْ ذِكْرِ فَضْلِهَا وَعَجَزَ شُكْرِي عَنْ جَزَائِهَا وَضِيقْتُ ذَرْعًا بِإِحْصَائِهَا قَابِلَتَكَ فِيهَا بِالْعَصِيَانِ وَنَسِيتُ شُكْرَ مَا أَوْلَيْتَنِي فِيهَا مِنَ الْإِحْسَانِ فَمَنْ أَسْوَأَ حَالًا مِنِّي إِنْ لَمْ تَتَذَكَّرْنِي بِالْغُفْرَانِ وَتُوزِغْنِي شُكْرَ مَا اصْطَنَعْتَ عِنْدِي مِنْ فَوَائِدِ الْإِمْتِنَانِ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٥٩

١٠-٣-١-٨- شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَشْكُرُ النِّعْمَةَ

﴿٣٤١٢﴾ شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَشْكُرُ النِّعْمَةَ وَلَا يَرَعَى الْحُرْمَةَ؛ غرر الحكم ص: ٣٢٢

١٠-٣-١-٩- شَرُّ مِنَ الْمُصِيبَةِ

﴿٣٤١٣﴾ مُصِيبَةٌ يُرْجَى خَيْرُهَا [أَجْرُهَا] خَيْرٌ مِنْ نِعْمَةٍ لَا يُودَى شُكْرُهَا؛ غرر الحكم ص: ٢٨٠

١٠-٣-١-١٠- فَلْيَطْلُبْ رَبًّا سِوَى اللَّهِ

﴿٣٤١٤﴾ الرسول ﷺ: يَا دَاوُدُ قُلْ لِعِبَادِي يَا عِبَادِي مَنْ لَمْ يَرْضَ بِقَضَائِي وَلَمْ يَشْكُرْ نِعْمَائِي وَلَمْ يَصْبِرْ عَلَى بَلَائِي فَلْيَطْلُبْ رَبًّا سِوَائِي؛ بحار الأنوار ج: ٦٤ ص: ٢٣٦

١٠-٣-١-١١- صَدُّ عَنِ الْحَقِّ

﴿٣٤١٥﴾ النبي ﷺ: أَوْرَثْتُ مَا حَازَ مِنَ الْبَاطِلِ وَجَمَعَ وَصَدَّ عَنِ الْحَقِّ مَنْ لَمْ يَشْكُرْهُ عَلَى مَا

صَنَعَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٥٩

١٠-٣-١-١٢- لَا يَنْبَغِي أَنْ يَفْعَلَ عَنْ شُكْرِكَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۴۰۸﴾ از شما درباره‌ی کلام خداوند متعال که فرموده: " مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم " می‌پرسم. چرا ما دعا می‌کنیم ولی جواب داده نمی‌شود؟ فرمودند: دل‌های شما در هشت ویژگی خیانت می‌کنند، اول اینکه خدا را می‌شناسید اما آن‌گونه که بر شما واجب کرده است حقش را ادا نمی‌کنید، به همین دلیل خداشناسی‌تان سودی به حال شما ندارد... ششم اینکه شما نعمت صاحب نعمت را می‌خورید اما بر آن نعمت‌ها خدا را شکر نمی‌کنید.

۶-۱۰-۳-۱- گناه است

﴿۳۴۰۹﴾ نعمتی که شکرش ادا نمی‌شود مانند گناهی است که بخشیده نمی‌شود.
﴿۳۴۱۰﴾ ای هشام، هر نعمتی که به شکرش موفق نشوی، چون گناهی است که بر آن بازخواست شوی.

۷-۱۰-۳-۱- کسی که شکر نگذارد، بدترین حال را دارد

﴿۳۴۱۱﴾ و چه بسیار نعمتی که بر گردن من آویختی اما من از حمل آن ناتوان بودم و دانش من از ذکر فضیلت‌های آن حیران شد و از شکر آن عاجز شدم و از شمارش آن ناتوان گشتم و در برابر آن‌ها نافرمانی‌ات کردم و شکر احسانی که بر من نمودی را فراموش کردم. ولی اگر تو آمرزش را برایم مهیا نکنی و در مقابل نیکی‌هایی که به من نمودی شکرگزاری را به من الهام نکنی، چه کسی از من بدتر خواهد بود.

۸-۱۰-۳-۱- بدترین مردم، کسی است که نعمت را شکر نکند

﴿۳۴۱۲﴾ بدترین مردم کسی است که شکر نعمت را به‌جا نیاورد، و رعایت نکند حرمت را، یعنی احترام مردم را به‌جا نیاورد.

۹-۱۰-۳-۱- بدتر از مصیبت است

﴿۳۴۱۳﴾ مصیبتی را که به آن امید خیر برود از نعمتی که شکر آن ادا نشود بهتر است.

۱۰-۱۰-۳-۱- پس باید خدایی جز الله طلب کند

﴿۳۴۱۴﴾ ای داود، به بندگان من بگوئید: ای بندگان، هرکس به قضای من راضی نگردد و از نعمت‌های من سپاسگزاری نکند، و در گرفتاری‌ها صبر نداشته باشد، باید خدایی جز من طلب کند.

۱۱-۱۰-۳-۱- بازداشتن از حق

﴿۳۴۱۵﴾ آن‌که در اعمالش شکر خالق را به‌جا نیاورد، آنچه را که از راه باطل به دست آورد و جمع کرد و آنچه را با مانع‌شدن از حق پدید آورد، برای من به ارث گذاشت.

۱۲-۱۰-۳-۱- سزاوار نیست که به شکرگزاری‌ات بی‌توجهی شود

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٤١٤﴾ السَّجَّادُ ﷺ إِنَّهُ لَا يَنْبَغِي لِمَنْ حَمَلَتْهُ مِنْ نِعْمِكَ مَا حَمَلْنَا أَنْ يَغْفُلَ عَنْ شُكْرِكَ وَ
أَنْ يَتَشَاغَلَ بِشَيْءٍ غَيْرِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٢٤
١٣-١٠-١-٣- مِنْ لَمْ يَشْكُرْ مَقْصُرٌ

﴿٣٤١٧﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): مَوْعِظَتُهُ (عليه السلام): وَصَفُهُ الْمُقْصِرِينَ لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُو الْآخِرَةَ بغير عَمَلٍ وَ يَرْجُو التَّوْبَةَ بِطُولِ الْأَمَلِ يَقُولُ فِي الدُّنْيَا قَوْلَ الرَّاهِدِينَ وَ يَعْمَلُ فِيهَا عَمَلَ الرَّاهِئِينَ إِنْ أُعْطِيَ مِنْهَا لَمْ يَشْبَعْ وَ إِنْ مُنِعَ لَمْ يَقْنَعْ يَعْجُزُ عَنْ شُكْرِ مَا أُوتِيَ وَ يَبْتَغِي الزِّيَادَةَ فِيمَا بَقِيَ... وَ لَا يَشْكُرُ... وَ لَا يَحْمَدُ رَبَّهُ عَلَى نِعَمِهِ وَ لَا يَشْكُرُهُ عَلَى مَزِيدِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٧٤ ص: ٤١٢

٤-١- سُبُلُ الْوُصُولِ إِلَى الشُّكْرِ

١-٤-١- الْمُقَدَّمَاتُ الْإِجَابِيَّةُ لِنَيْلِ الشُّكْرِ

١-١-٤-١- من الله

۱-۱-۱-۴-۱- الشُّكْرُ لِلَّهِ وَمِنْ نِعَمِ اللَّهِ

﴿٣٤١٨﴾ السَّجْدَةُ: لَا أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِإِحْسَانٍ وَلَا فِي جَنْبِكَ سَفِيكَ دَمِي وَلَمْ يُنْجِلِ الصَّيَّامُ
وَالْفِيَّامُ جَسَمِي فَبَاءَ ذَلِكَ أَرْكَى نَفْسِي وَأَشْكُرُهَا عَلَيْهِ وَأَحْمَدُهَا بِهِ بَلِ الشُّكْرُ لَكَ اللَّهُمَّ
لَسْتُ رَكَّ عَلَى مَا فِي قَلْبِي وَتَمَامَ النُّعْمَةِ عَلَى فِي دِينِي، بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٤٨

﴿٣١٩﴾ الرّسول ﷺ: أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَى دَاوُدَ أَنْ اشْكُرْنِي يَا دَاوُدَ فَقَالَ ﷺ: أَنَّى لِي يَا رَبِّ بِشُكْرِكَ وَحَمْدِكَ وَشُكْرِي وَحَمْدِي إِيَّاكَ مِنْ نِعْمِكَ فَقَالَ يَا دَاوُدَ كَفَى لَكَ بِذَلِكَ شُكْرًا إِذَا اعْتَرَفْتَ بِأَنْ شُكْرَكَ لِي مِنْ نِعْمِي؛ عوالى اللّٰلى ج: ٤ ص: ٩٨

٢-١-١-٤-١-الاقتداء

﴿٣٤٢﴾ الباقِرُ (عليه السلام): إِنَّمَا خَلَقْتُكَ وَخَلَقْتَهُمْ لِابْلُوكَ وَابْلَوْهُمْ أَتُكْمُ أَحْسَنُ عَمَلًا فِي دَارِ الدُّنْيَا فِي حَيَاتِكُمْ وَ قَبْلَ مَمَاتِكُمْ... وَ يَنْظُرُ الْغَنِيُّ إِلَى الْفَقِيرِ فَيَحْمَدُنِي وَ يَشْكُرُنِي، الكافي ج: ٢ ص: ٨

٣-١-١-٤- إطلاق اللسان

﴿۳۴۲﴾ امیر المؤمنین (علیہ السلام): أَطْلَقْتَ لِسَانِي بِشُكْرِكَ؛ بحار الأنوار ج: ۹۱ ص: ۲۳۱

٤-١-١-٤-١ الإعطاء

﴿٣٤٢﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): مَنْ أُعْطِيَ الشُّكْرَ لَمْ يُحْرَمِ الزِّيَادَةَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لَنْ يَشْكُرُنَّكُمْ
لَا زِيَادَتُكُمْ؛ روضة الواعظين ج: ٢ ص: ٤٧٣

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۴۱۶﴾ اگر نعمتهایی را که به ما داده‌ای به هر کس دیگری می‌دادی، سزاوار بود که از شکر غفلت نوزد و به چیزی غیر تو مشغول نگردد.

۱۳-۱۰-۱- کسی که شکر نگذارد کوتاهی کرده است

﴿۳۴۱۷﴾ موعظه‌ی آن حضرت در وصف اهل تقصیر و کوتاهی: "از کسانی مباش که بدون عمل امیدوار به آخرتند، با وجود آرزوی دراز در دنیا به توبه امید بستند، سخن از ترک دنیا گویند، ولی کردارشان کردار دنیا دوستان است که اگر همه‌ی دنیا به او داده شود سیر نمی‌شود. اگر به او داده نشود قناعت نمی‌کند، از سپاسگزاری آنچه که داده شد ناتوان ولی به دنبال احسان بیشتر است... سپاسگزار نیست... پروردگارش را بر نعمتش ستایش نمی‌کند و بر زیادی نعمت پروردگار نیز شکر نمی‌کند.

۱۴-۱- راه‌های رسیدن به شکر

۱-۴-۱- مقدمات ایجابی برای رسیدن به شکر

۱-۴-۱-۱- از طرف خدا

۱-۴-۱-۱-۱- شکر از خداست و از نعمت‌های او

﴿۳۴۱۸﴾ من نه با کار نیکی به درگاهت توسل جستم و نه در راه تو خونم ریخته شد و نه روزه و نماز جسمم را نحیف کرد پس به کدامیک از آن‌ها خود را پاک و شایسته بدانم کنم و از خویش قدردانی کرده و بستایم؟ بلکه بخاطر پوشاندن آنچه در دل دارم و بدین خاطر که نعمت مرا در امر دین کامل کرده‌ای، تو را شایسته‌ی شکر می‌دانم.

﴿۳۴۱۹﴾ خداوند به حضرت داود علیه السلام وحی کرد: ای داود، مرا شکر کن. داود علیه السلام گفت: پروردگارا، من چگونه می‌توانم شکر و سپاس را به‌جا آورم در صورتی که همین شکر و سپاس از نعمت‌های تو هستند پس حق تعالی فرمود: ای داود، همین اعتراف به اینکه شکر تو هم از نعمت‌های من است برای شکرگزاری کفایت می‌کند.

۱-۴-۱-۱-۲- آزمایش

﴿۳۴۲۰﴾ من تو را و فرزندان را خلق کردم تا آن‌ها را بیازمایم و معلوم گردد کدامیک از شما در زندگی بهتر کار می‌کنید... تا اینکه دارا به فقیر نگاه می‌کند و مرا سپاس می‌گذارد.

۱-۴-۱-۱-۳- گشودن زبان

﴿۳۴۲۱﴾ زبان مرا برای شکرگزاری‌ات گویا ساخته‌ای.

۱-۴-۱-۱-۴- بخشش

﴿۳۴۲۲﴾ هر کس سپاسگزاری کرد، بر نعمت او افزوده می‌گردد، خداوند متعال در قرآن فرمود: اگر سپاسگزاری کنید بر نعمت‌های شما خواهم افزود.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١-١-٤-١-٥-الإلزام

﴿٣٤٢٣﴾ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ، وَلَا تُذْهِبْ عَنِّي شُكْرَكَ، بَلْ الزَّمْنِيهِ فِي أَحْوَالِ السَّهْوِ عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِينَ لِأَلَّا تَكْ، وَأَوْزِعْنِي أَنْ أَتْنِي بِمَا أَوْلَيْتَنِيهِ، وَأَعْتَرِفَ بِمَا أَسَدَيْتَهُ إِلَيَّ؛ الصحيفة السجادية
العليه: ص: ٢٢٨

١-١-٤-١-٦-الإلهام

١-١-٤-١-٦-١-أسألك إلهام الشكر

﴿٣٤٢٤﴾ أمير المؤمنين عليه: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الثَّبَاتَ فِي الْأَمْرِ وَالْعَزِيمَةَ فِي الرُّشْدِ وَإِلْهَامَ الشُّكْرِ عَلَى نِعْمَتِكَ؛ مهج الدعوات ص: ١٣١

١-١-٤-١-٦-٢-ألهم الشكر

﴿٣٤٢٥﴾ مَنْ أَلْهَمَ الشُّكْرَ لَمْ يَغْدَمْ الزِّيَادَةَ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٩
﴿٣٤٢٦﴾ الرسول عليه: مَنْ تَظَاهَرَتْ نِعَمُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَلْيَكْثِرِ الشُّكْرَ وَمَنْ أَلْهَمَ الشُّكْرَ لَمْ يُحْرَمِ الْمَزِيدَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ١٩٤

١-١-٤-١-٦-٣-له الشكر بما ألهم

﴿٣٤٢٧﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ وَلَهُ الشُّكْرُ بِمَا أَلْهَمَ؛ شرح نهج البلاغة ج: ١٦ ص: ٢١١

١-١-٤-١-٦-٤-أنت ألهمته شكرَكَ

﴿٣٤٢٨﴾ تَشْكُرُ مَنْ شَكَرَكَ وَأَنْتَ أَلْهَمْتَهُ شُكْرَكَ وَتَكْفِي مَنْ حَمَدَكَ وَأَنْتَ عَلَّمْتَهُ حَمْدَكَ؛ الصحيفة السجادية عليه: ص: ١٩٢

١-١-٤-١-٦-٥-ألهمتني من شكرَكَ

﴿٣٤٢٩﴾ الصديق عليه: اللَّهُمَّ كَمَا كَانَ مِنْ شَانِكَ مَا أَرَدْتَنِي بِهِ مِنْ ذِكْرِكَ وَأَلْهَمْتَنِيهِ مِنْ شُكْرِكَ وَدُعَائِكَ فَلْيَكُنْ مِنْ شَانِكَ الْإِجَابَةُ لِي فِيمَا دَعَوْتُكَ وَالنَّجَاةُ فِيمَا فَرَعْتُ إِلَيْكَ مِنْهُ؛ البلد الأمين ص: ٦٣

١-١-٤-١-٦-٦-ألهمك الشكر

﴿٣٤٣٠﴾ فَوَ اللَّهُ مَا يَرْفَعُكَ الْقَوْلَ وَلَا يَضِيعُكَ وَإِنْ قَرِيشًا لَتَعْلَمَنَّ أَنَّكَ عَابِدُهَا وَشُجَاعُهَا وَلِسَانُهَا حَاطَ اللَّهُ دُنْيَاكَ وَعَصَمَ أَخْرَاكَ وَأَلْهَمَكَ شُكْرَ مَا أَوْلَاكَ؛ بلاغات النساء ص: ٦١
١-١-٤-١-٦-٧-ألهمنا من شكره

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۵-۱-۱-۴-۱- ضروری کردن

﴿۳۴۲۳﴾ پروردگارا، یاد خود را از یادم مبر و شکر و سپاس خود را از من زایل مکن، بلکه آن را در حالات غفلت، هنگام فراموشی‌های نادانان نسبت به نعمت‌هایت، همیشه همراه من قرار ده، و به من الهام کن که آنچه را به من عطا کرده‌ای ستایش کنم، و به آنچه به من لطف کرده‌ای اقرار کنم.

۶-۱-۱-۴-۱- الهام

۱-۶-۱-۴-۱- از تو درخواست می‌کنم که شکرگزاری را به من الهام کنی

﴿۳۴۲۴﴾ خدایا، به من ایستادگی در اجرای فرمان تو را و اراده‌ی راسخ در یافتن راه راست و الهام‌شدن شکرگزاری بر نعمت‌های تو را خواستارم.

۲-۶-۱-۴-۱- شکر الهام شود

﴿۳۴۲۵﴾ به هرکس شکر الهام شود، افزایش نعمت را از دست نخواهد داد.

﴿۳۴۲۶﴾ بر هرکس نعمت‌های خداوند آشکار شود واجب است که بسیار شکر کند و بر هرکس که شکر الهام شود، از فزونی محروم نخواهد شد.

۳-۶-۱-۴-۱- شکر از آن اوست به خاطر آنچه الهام کرد

﴿۳۴۲۷﴾ حمد مخصوص خداست در برابر نعمت‌هایی که عطا کرد و شکر متعلق به اوست در برابر آنچه الهام کرد.

۴-۶-۱-۴-۱- تو سپاسگزاری را به او الهام کردی

﴿۳۴۲۸﴾ هرکه تو را سپاس گزارد پاداش می‌دهی، حال آنکه تو خود سپاسگزاری را به او الهام کرده‌ای و هرکه تو را بستاید جزا می‌دهی، حال آنکه تو ستودن را به او آموخته‌ای.

۵-۶-۱-۴-۱- شکر خویش را به من الهام کردی

﴿۳۴۲۹﴾ خداوند، هم چنان که اراده کرده‌ای یادت کنم و شکر و دعای خویش را به من الهام کرده‌ای، پس اجابت دعای من، و نجات از آنچه را که از آن به‌سوی تو پناه آورده‌ام نیز بخواه زیرا تنها تویی که قدرت بر نجات بندگان و اجابت دعای ایشان را داری.

۶-۶-۱-۴-۱- به تو شکرگزاری را الهام کرد

﴿۳۴۳۰﴾ به خدا سوگند که این کلام نه تو را بالا می‌برد و نه تو را خوار می‌کند و قریشیان می‌دانند که تو عابد و شجاع و زبان قریش هستی؛ خداوند دنیای تو را حفظ کند و آخرت را نگه دارد و شکر آنچه را به تو بخشیده است به تو الهام نماید.

۷-۶-۱-۴-۱- شکر خود را به ما الهام کرد

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٤٣١﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا عَرَفْنَا مِنْ نَفْسِهِ، وَالْهَمْنَا مِنْ شُكْرِهِ؛ الصَّحِيفَةُ السَّجَّادِيَّةُ الطَّيِّبَةُ

ص: ٢٨

٨-٦-١-١-٤-١- أَلْهَمَهَا بِشُكْرِهٖ

﴿٣٤٣٢﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى اخْتَصَّ لِنَفْسِهِ بَعْدَ نَبِيِّهِ (عليه السلام) مِنْ بَرِيَّتِهِ خَاصَّةً عَلَاهُمْ بِتَبَعِيَّتِهِ وَ سَمَّا بِهِمْ إِلَى رُتَبِهِ وَ جَعَلَهُمُ الدُّعَا بِالْحَقِّ إِلَيْهِ وَ الْإِدْلَاءَ بِالْإِشَادِ عَلَيْهِ لِقَرْنِ قَرْنٍ وَ زَمَنِ زَمَنِ أَتَشَاهُمْ فِي الْقَدَمِ قَبْلَ كُلِّ مَذْرُوءٍ وَ مَبْرُوءٍ أَتَوَارَأَ أَنْطَقَهَا بِتَحْيِيدِهِ وَ أَلْهَمَهَا بِشُكْرِهِ؛

بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ١١٢

﴿٣٤٣﴾ الرضا (عليه السلام): أَ نَطَقَهَا بِتَحْمِيدِهِ وَ أَلْهَمَهَا عَلَى شُكْرِهِ وَ تَمْجِيدِهِ؛ إقبال الأعمال ص: ٤٦٢

۹-۶-۱-۱-۴-۱- اَسْأَلُكَ اَنْ تُلْهِمَنِي شُكْرَكَ

﴿٣٤٣﴾ اَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ... تُلْهِمَنِي شُكْرَكَ وَ ذِكْرَكَ؛

بحار الأنوار ج: ٩٧ ص: ١٦٦

﴿٣٤٣٥﴾ تُلْهَمْنِي ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ؛ البلد الأمين ص: ٤٣٠

۱۰-۶-۱-۱-۴-۱- الهمنی شکرک

﴿٣٤٣﴾ الصادق عليه السلام: اللهم ألهمني شكرَك؛ إقبال الأعمال ص: ٤٤٤

﴿٣٤٣٧﴾ امیر المؤمنین (علیہ السلام): یَا مُحِبِّیْ اَحْبِنِیْ حَیَاةً طَیِّبَةً بِجُودٍ وَ اَلْهَمْنِیْ شُکْرَکَ وَ ذِکْرَکَ

أَدَا مَا أَتَقَتَنِي؛ إقبال الأعمال ص: ٥٢١

﴿٣٤٣٨﴾ أمير المؤمنين (عليه السلام): اللَّهُمَّ اَلْهِنِي الشُّكْرَ عَلَى مَا اَعْطَيْتَنِي؛ إقبال الأعمال ص: ٥٢١

﴿٣٤٣٩﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): اللَّهُمَّ بَرِّدْ مَضْجِعِي وَآمِنْ رَوْعَتِي وَضَاعِفْ حَسَنَاتِي وَارْحَمْنِي عَلَى

طُولَ الدَّهْرِ وَلَا تُذِفْنِي مِرَارَةَ الْفَقْرِ وَالْأَلْهَمْنِي لَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٢٧٠

﴿٣٤٤﴾ الرضا عليه السلام: أَلْهَمْنِي الشُّكْرَ عَلَى مَا أَعْطَيْتَنِي؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ١٣٧

﴿٣٤٤١﴾ الصادق عليه السلام: أَلْهَمْنِي لَكَ الْحَمْدَ وَ الشُّكْرَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٢٧٠

﴿٣٤٤٢﴾ اَنْ نُّصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ لَا تَجْعَلْهُ اَخِرَ الْعَهْدِ مِنِّيْ لِزِيَارَةِ اَوْلِيَائِكَ وَ

إِلِّمَامَ بِمَشَاهِدِ حُجَجِكَ وَ أَصْفِيَايِكَ وَ أَلْهَمْنِي بِهَا شُكْرَ آلَائِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٩ ص: ٢٠٤

﴿٣٤٤٣﴾ الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَا عَبْدُكَ خَوْلَتْنِي حِينَ رَزَقَنِي اللَّهُمَّ فَالْتَمِئْنِي شُكْرَكَ فِيهِ؛

مستدرک الوسائل ج: ۱۳ ص: ۲۶۶

۱۱-۶-۱-۱-۴-۱- اَلْهُمَّنَا شُكْرَكَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۴۳۱﴾ و سپاس خدای را که خویشتن را به ما شناساند و شکر و سپاس نعمت‌های خود را به ما الهام نمود.

۸-۱-۶-۱-۴-۱- شکر و تمجید خود را به آن دو الهام کرد

﴿۳۴۳۲﴾ خداوند بلندمرتبه پس از پیامبر اکرم برگزیدگانی از خلق را به خود اختصاص داد و به بلندمرتبگی خود آن‌ها را برتر ساخت و به رتبه‌ی خود آن‌ها را بالا برد و آن‌ها را دعوت‌کننده‌ی به حق به‌سوی خود قرار دارد و آن‌ها را راهنما برای هدایت به‌سوی خویش کرد برای هر دوره و هر زمانی قبل از هر آفریده و مخلوقی آن‌ها را به‌صورت نورهایی خلق کرد و زبان آن‌ها را به حمدش گشود و شکرش را به آن‌ها الهام کرد.

﴿۳۴۳۳﴾ به او قدرت گویش و نطق بخشید و حمد و ستایشش را برای شکر و بزرگداشت خدا به او الهام نمود.

۹-۱-۶-۱-۴-۱- از تو درخواست می‌کنم که شکر خود را به من الهام کنی

﴿۳۴۳۴﴾ از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و شکر و یاد خودت را به من الهام کنی

﴿۳۴۳۵﴾ خدایا، تو یاد و فکرت را به من الهام کردی.

۱۰-۱-۶-۱-۴-۱- شکر خودت را به من الهام کن

﴿۳۴۳۶﴾ پروردگارا، شکرت را به من الهام کن.

﴿۳۴۳۷﴾ ای زنده‌کننده، مرا به‌واسطه‌ی سخاوت زندگانی پاک عطاکن و شکر و ذکر را مادام که زنده‌ام به من الهام کن.

﴿۳۴۳۸﴾ پروردگارا، شکر بر نعمتی را که به من عطا فرمودی به من الهام کن.

﴿۳۴۳۹﴾ پروردگارا،... گورم را خنک و (دور از حرارت عذاب) ترسم را به امنیت بدل کن و حرارت فقر را به (کام) من نچشان و ستایش و شکر به درگاهت را به من الهام کن.

﴿۳۴۴۰﴾ شکر بر آنچه را که به من عطا کردی را به من الهام کن.

﴿۳۴۴۱﴾ شکر و ستایش را به من الهام کن.

﴿۳۴۴۲﴾ بر محمد و خاندانش درود فرست و این زیارت را آخرین زیارت من از اولیاء و... برگزیدگانت قرار نده و به من با این زیارت شکر نعمت‌هایت را الهام کن.

﴿۳۴۴۳﴾ من آن بنده‌ی تو هستم در روزی دادن به من مرا تکریم کرده‌ای پس خدایا، شکرش را نیز به من الهام فرما.

۱۱-۱-۶-۱-۴-۱- شکر خودت را به ما الهام کن

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٤٤٤﴾ الرسول ﷺ: أَلْهَمْنَا زِيَادَةَ الشُّكْرِ وَالثَّنَاءِ وَتَفَضَّلْ عَلَيْنَا بِإِنْجَازِ وَعْدِكَ لِمَنْ شَكَرَكَ مِنْ زِيَادَةِ النِّعَمَاءِ وَبُلُوغِ الرَّجَاءِ؛ الأمان ص: ١٤٩

﴿٣٤٤٥﴾ الرضا عليه السلام: أَلْهَمْنَا شُكْرَكَ لِمَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْنَا؛ بحار الأنوار ج: ٩٩ ص: ١٨٩

١-١-٧-١-٤-١-الإيزاغ

١-٧-١-١-٤-١-أَوْزَعُ لَوْلِيكَ الشُّكْرَ

﴿٣٤٤٦﴾ اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لَوْلِيكَ شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، وَ أَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ؛ الصحيفة السجادية

عليه السلام ص: ٢١٦

١-٧-١-١-٤-١-أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ، أَوْزِعْنِي أَدَاءَ شُكْرِكَ

﴿٣٤٤٧﴾ فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى

وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ؛ النمل: الآية ١٩

﴿٣٤٤٨﴾ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ

شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى

وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ؛ الأحقاف:

الآية ١٥

﴿٣٤٤٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَنِعْمَ الْأَخُ أَنْتَ وَ نِعْمَ الْخَتَنُ أَنْتَ وَ نِعْمَ الصَّاحِبُ أَنْتَ وَ كَفَاكَ

بِرَضَى اللَّهِ رَضَى فخرَ عَلَى سَاجِدًا شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى وَ هُوَ يَقُولُ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ

الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ؛ بحار الأنوار ج: ٤٣ ص: ١٠١

﴿٣٤٥٠﴾ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ لَمْ تُعْطِنَا لِأَحَدٍ إِلَّا وَ أَتَمَّمْتَهَا عَلَيَّ؛

بحار الأنوار ج: ٤١ ص: ٣٠٢

﴿٣٤٥١﴾ الصادق عليه السلام: أَوْزِعْنِي شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ؛ مستدرک الوسائل ج: ٨ ص: ٥٧

﴿٣٤٥٢﴾ السجاد عليه السلام: أَوْزِعْنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٣٢

﴿٣٤٥٣﴾ أَوْزِعْنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ وَ عَلَى وَالِدَيَّ فَقَدْ أَنْعَمْتَ عَلَيَّ نِعْمًا لَا

أَخْصِيهَا؛ إقبال الأعمال ص: ٤٠٦

﴿٣٤٥٤﴾ أَوْزِعْنِي شُكْرَكَ عَلَى مَوَاهِبِكَ؛ إقبال الأعمال ص: ٦٣٨

﴿٣٤٥٥﴾ السجاد عليه السلام: أَوْزِعْنِي شُكْرَكَ وَ أَوْجِبْ لِي الْمَزِيدَ مِنْ لَدُنْكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢

ص: ٢٩٨

﴿٣٤٥٦﴾ الرسول ﷺ: أَوْزِعْنِي لِأَدَاءِ شُكْرِكَ بِكَرَمِكَ؛ المصباح للكفعمي ص: ٦١٢

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۴۴۴﴾ خداوند، سپاسگزاری و ثناگویی بیشتر را به ما الهام فرما و با وفاکردن به وعده‌هایی که به سپاسگزارانت داده‌ای، مانند دادن نعمت بیشتر و رساندن به آرزوها، در حق ما بزرگواری فرما.

﴿۳۴۴۵﴾ چگونگی شکرگزاری‌ات را برنعمت‌هایی که به ما بخشیدی به ما الهام کن.

۷-۱-۱-۴-۱- الهام کردن

۱-۷-۱-۴-۱- شکرگزاری را به ولی خود الهام کن

﴿۳۴۴۶﴾ خدایا، پس به دوست و ولی خود شکر و سپاس آنچه را که بر او نعمت داده‌ای الهام نما و مانند آن شکر و سپاس را به ما نیز الهام فرما.

۲-۷-۱-۴-۱- به من الهام کن که نعمت را سپاس گزارم، به من الهام کن که حق شکرت را ادا کنم

﴿۳۴۴۷﴾ سلیمان از سخن مور تبسمی کرد و خندید و گفت: "پروردگارا، شکر نعمت‌هایی را که بر من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای به من الهام کن، و توفیق ده تا عمل صالحی که موجب رضای توست انجام دهم، و مرا به رحمت خود در زمره‌ی بندگان صالحت وارد کن."

﴿۳۴۴۸﴾ و ما انسان را به احسان درحق پدر و مادر خویش سفارش کردیم زیرا مادر با رنج و زحمت، حمل او را به عهده گرفت و با درد و مشقت وضع حمل نمود و سی ماه تمام مدت حمل و شیرخواری او بود تا وقتی که آدمی به حدّ رشد رسید و آنگاه که چهل ساله شد (و عقل و کمال یافت) (آنگاه سزاوار است که) عرض کند: "بارخدایا، مرا بر نعمتی که به من و پدر و مادرم عطا فرمودی شکر بیاموز و به کار شایسته‌ای که رضا و خشنودی تو در آن است موفق بدار و فرزندان مرا صالح گردان، من به درگاه تو بازآمدم و از تسلیم شدگان فرمان تو گشته‌ام."

﴿۳۴۴۹﴾ چه خوب برادری و چه خوب دامادی و چه خوب رفیق و همراهی هستی. همین بس که خدا از تو راضی است؛ و تو از هر رضایت دیگری بی‌نیازی. پس علی علیه السلام برای خدای تعالی به خاک افتاد و سجده‌ی شکر نمود و چنین گفت: "پروردگارا، شکر نعمتی را که به من عطا کرده‌ای، روزی‌ام کن.

﴿۳۴۵۰﴾ شکر نعمتی را که بر من ارزانی داشته‌ای به من الهام کن و این نعمت را بر کسی ارزانی نکرده‌ای مگر اینکه آن را به‌طور کامل به او بخشیده‌ای.

﴿۳۴۵۱﴾ توفیق سپاسگزاری به ما عطا فرما تا شکرگزار آنچه که از نعمت‌هایت به ما بخشیده‌ای باشیم.

﴿۳۴۵۲﴾ پروردگارا، شکر نعمت را به من الهام کن.

﴿۳۴۵۳﴾ پروردگارا، توفیق سپاسگزاری بر نعمت را به من عطا فرما، نعمتی که آن را به من و بر پدر و مادرم عطا فرمودی به تحقیق که تو به من، آن چنان روزی داده‌ای که نتوان آن را به شمارش درآورد.

﴿۳۴۵۴﴾ پروردگارا، شکر بخشش‌هایت را به من الهام کن.

﴿۳۴۵۵﴾ پروردگارا، توفیق شکر نعمت‌هایت را به من الهام کن فرما و مرا مستوجب دریافت نعمت بیشتر کن.

﴿۳۴۵۶﴾ پروردگارا، به لطف و کرمات به من توفیق ادای شکر و سپاس به درگاهت را عنایت فرما.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٤٥٧﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَكَ وَأَشْكُرَ نِعْمَتِكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى
وَالِدِي؛ إقبال الأعمال ص: ٣٧٤

﴿٣٤٥٨﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ قَوِّنِي فِيهِ عَلَى إِقَامَةِ أَمْرِكَ وَارْزُقْنِي فِيهِ حَلَاوَةَ ذِكْرِكَ وَأَوْزِعْنِي
فِيهِ أَدَاءَ شُكْرِكَ يَا خَيْرَ النَّاصِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٢

﴿٣٤٥٩﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: أَوْزِعْنِي لِأَدَاءِ شُكْرِكَ بِكَرَمِكَ؛ المصباح للكفعمي ص: ٦١٢
١-٧-١-١-٤-١-١-٧-٣ أَوْزِعْنَا أَنْ نَشْكُرَ نِعْمَتَكَ، أَوْزِعْنَا شُكْرَهُ

﴿٣٤٦٠﴾ أَتِمِّمْ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ وَأَوْزِعْنَا أَنْ نَشْكُرَ نِعْمَتَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ١٥٩
﴿٣٤٦١﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ احْمِلْ عَنَّا ثِقْلَهُ وَأَوْجِبْ لَنَا أَجْرَهُ وَأَوْزِعْنَا شُكْرَهُ وَاجْعَلْنَا
نُرَاعِيهِ وَنَحْفَظْهُ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٧٣

﴿٣٤٦٢﴾ اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لَوْلِيكَ شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، وَأَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ؛ الصحيفة السجادية
عليه السلام ص: ٢١٦

﴿٣٤٦٣﴾ الكاظم عليه السلام: أَوْزِعْنَا أَنْ نَشْكُرَ رَحْمَتَكَ؛ المصباح للكفعمي ص: ١٠٧

﴿٣٤٦٤﴾ الباقر عليه السلام: أَوْزِعْنَا شُكْرَ النِّعْمَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٣٤٤

﴿٣٤٦٥﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: أَوْزِعْنَا شُكْرَ مَا تُنْعِمُ بِهِ عَلَيْنَا؛ الأمان ص: ١٤٥

﴿٣٤٦٦﴾ السجاد عليه السلام: أَوْزِعْنَا شُكْرَكَ وَأَدِّمْ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ وَعَافِيَتَكَ؛ إقبال الأعمال ص: ٢٤٧

﴿٣٤٦٧﴾ أَوْزِعْنَا فِيهِ شُكْرَ نِعْمَتِكَ، وَالْبَسْنَا فِيهِ جُنْنَ الْعَافِيَةِ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ١٨٢

﴿٣٤٦٨﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَرِّفْنَا قَدْرَ رَحْمَتِكَ وَنِعْمَتِكَ وَأَوْزِعْنَا
شُكْرَهَا بِعِنَايَتِكَ؛ الأمان ص: ١٤٢

﴿٣٤٦٩﴾ عَرِّفْنَا قَدْرَ النِّعْمَةِ عَلَيْنَا بِتَعْجِيلِ إِجَابَتِكَ وَتَكْمِيلِ رَحْمَتِكَ وَأَوْزِعْنَا شُكْرَ ذَلِكَ
بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ يَا خَيْرَ النَّاصِرِينَ؛ مهج الدعوات ص: ٣٥٤

١-٧-١-١-٤-١-١-٧-٤ أَوْزِعْنَا الشُّكْرَ

﴿٣٤٧٠﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ صَبْرًا لِمَا أَلْهَمْنَا عَلَيْهِ صَبْرًا وَشُكْرًا لِمَا أَوْزِعْنَا عَلَيْهِ شُكْرًا؛ المصباح للكفعمي
ص: ٧٦١

١-٧-١-١-٤-١-١-٧-٥ أَوْزِعْهُمْ أَنْ يَشْكُرُوا نِعْمَتَكَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۴۵۷﴾ خدایا، به من الهام کن که تو را سپاس گویم و نعمتی را که به من و به پدرم عطا کردی شکرگزار باشم.

﴿۳۴۵۸﴾ پروردگارا، مرا در اجرای دستورات محکم و استوار ساز و در آن شیرینی یادت را روزی ام گردان و مرا بر ادای شکر توفیق بده ای بهترین یاری کنندگان.

﴿۳۴۵۹﴾ پروردگارا، به لطف و کرم ت به من توفیق ادای شکر و سپاس به درگاهت را عنایت فرما.

۳-۷-۱-۱-۴-۱- به ما الهام کن که نعمت را سپاس گزاریم، شکر و قدردانی از آن را بر ما الهام کن

﴿۳۴۶۰﴾ خدایا نعمت را بر ما تمام کن و به ما الهام کن که شکر نعمت را به جا آوریم.

﴿۳۴۶۱﴾ خدایا، سنگینی آن را از ما بردار و پاداش آن را بر ما واجب و شکرش را بر ما الهام کن و ما را مراعات کننده و حفظ کننده آن قرار ده.

﴿۳۴۶۲﴾ خدایا، پس به دوست و ولی خود شکر و سپاس آنچه را که بر او نعمت داده ای الهام نما و مانند آن شکر و سپاس را به ما نیز الهام فرما.

﴿۳۴۶۳﴾ خدایا، به ما الهام کن تا مهربانی تو را شکر گزار باشیم.

﴿۳۴۶۴﴾ بر ما نعمت عطا فرما تا (به لطف و بخشش) شکر نعمت را به جای آوریم.

﴿۳۴۶۵﴾ توفیق سپاسگزاری نعمت هایت را به ما عطا کن.

﴿۳۴۶۶﴾ شکر را به ما الهام کن و نعمت ها و عافیت را پیوسته بر ما ارزانی دار.

﴿۳۴۶۷﴾ سپاسگزاری از نعمت و بخشش خود را به ما الهام کن، و لباس عافیت را به ما بپوشان.

﴿۳۴۶۸﴾ بر محمد و خاندانش درود فرست و ارزش رحمت و نعمت خود را به ما بشناسان و به عنایت توفیق سپاسگزاری از آن را به ما الهام فرما.

﴿۳۴۶۹﴾ بشناسان به ما قدر نعمت خود را بر ما به شتاب نمودن در اجابت و تمام کردن رحمت

خود و الهام کن به ما شکرگزاری این را به قدرت و قوت ای بهترین یاری کنندگان.

۴-۷-۱-۱-۴-۱- شکر و قدردانی را به ما الهام کن

﴿۳۴۷۰﴾ خدا را صبورانه سپاس می گوئیم به خاطر آنکه پایداری را به ما الهام کرد و خدا را شاکرانه سپاس گوئیم که شکر را به ما الهام نمود.

۵-۷-۱-۱-۴-۱- به آنان الهام کن که نعمت را شکر گزارند

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٤٧﴾ الرَّسُولُ ﷺ: اِغْفِرْ لَنَا وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ اَوْزِعْهُمْ اَنْ يَشْكُرُوا نِعْمَتَكَ الَّتِي
اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ؛ مصباح المتهجد ص: ١٣٤

﴿٣٤٧٢﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِيْنَ وَ الْمُسْلِمَاتِ... وَ
اَوْزِعُهُمْ اَنْ يَشْكُرُوْا نِعْمَتَكَ الَّتِيْ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٤٣٢

٦-١-١٧-١٠-١٤-١١-١٥-١٦-١٧-١٨-١٩-٢٠-٢١-٢٢-٢٣-٢٤-٢٥-٢٦-٢٧-٢٨-٢٩-٣٠-٣١-٣٢-٣٣-٣٤-٣٥-٣٦-٣٧-٣٨-٣٩-٤٠-٤١-٤٢-٤٣-٤٤-٤٥-٤٦-٤٧-٤٨-٤٩-٥٠-٥١-٥٢-٥٣-٥٤-٥٥-٥٦-٥٧-٥٨-٥٩-٦٠-٦١-٦٢-٦٣-٦٤-٦٥-٦٦-٦٧-٦٨-٦٩-٧٠-٧١-٧٢-٧٣-٧٤-٧٥-٧٦-٧٧-٧٨-٧٩-٨٠-٨١-٨٢-٨٣-٨٤-٨٥-٨٦-٨٧-٨٨-٨٩-٩٠-٩١-٩٢-٩٣-٩٤-٩٥-٩٦-٩٧-٩٨-٩٩-١٠٠-١٠١-١٠٢-١٠٣-١٠٤-١٠٥-١٠٦-١٠٧-١٠٨-١٠٩-١١٠-١١١-١١٢-١١٣-١١٤-١١٥-١١٦-١١٧-١١٨-١١٩-١٢٠-١٢١-١٢٢-١٢٣-١٢٤-١٢٥-١٢٦-١٢٧-١٢٨-١٢٩-١٣٠-١٣١-١٣٢-١٣٣-١٣٤-١٣٥-١٣٦-١٣٧-١٣٨-١٣٩-١٤٠-١٤١-١٤٢-١٤٣-١٤٤-١٤٥-١٤٦-١٤٧-١٤٨-١٤٩-١٥٠-١٥١-١٥٢-١٥٣-١٥٤-١٥٥-١٥٦-١٥٧-١٥٨-١٥٩-١٦٠-١٦١-١٦٢-١٦٣-١٦٤-١٦٥-١٦٦-١٦٧-١٦٨-١٦٩-١٧٠-١٧١-١٧٢-١٧٣-١٧٤-١٧٥-١٧٦-١٧٧-١٧٨-١٧٩-١٨٠-١٨١-١٨٢-١٨٣-١٨٤-١٨٥-١٨٦-١٨٧-١٨٨-١٨٩-١٩٠-١٩١-١٩٢-١٩٣-١٩٤-١٩٥-١٩٦-١٩٧-١٩٨-١٩٩-٢٠٠-٢٠١-٢٠٢-٢٠٣-٢٠٤-٢٠٥-٢٠٦-٢٠٧-٢٠٨-٢٠٩-٢١٠-٢١١-٢١٢-٢١٣-٢١٤-٢١٥-٢١٦-٢١٧-٢١٨-٢١٩-٢٢٠-٢٢١-٢٢٢-٢٢٣-٢٢٤-٢٢٥-٢٢٦-٢٢٧-٢٢٨-٢٢٩-٢٣٠-٢٣١-٢٣٢-٢٣٣-٢٣٤-٢٣٥-٢٣٦-٢٣٧-٢٣٨-٢٣٩-٢٤٠-٢٤١-٢٤٢-٢٤٣-٢٤٤-٢٤٥-٢٤٦-٢٤٧-٢٤٨-٢٤٩-٢٥٠-٢٥١-٢٥٢-٢٥٣-٢٥٤-٢٥٥-٢٥٦-٢٥٧-٢٥٨-٢٥٩-٢٦٠-٢٦١-٢٦٢-٢٦٣-٢٦٤-٢٦٥-٢٦٦-٢٦٧-٢٦٨-٢٦٩-٢٧٠-٢٧١-٢٧٢-٢٧٣-٢٧٤-٢٧٥-٢٧٦-٢٧٧-٢٧٨-٢٧٩-٢٨٠-٢٨١-٢٨٢-٢٨٣-٢٨٤-٢٨٥-٢٨٦-٢٨٧-٢٨٨-٢٨٩-٢٩٠-٢٩١-٢٩٢-٢٩٣-٢٩٤-٢٩٥-٢٩٦-٢٩٧-٢٩٨-٢٩٩-٣٠٠-٣٠١-٣٠٢-٣٠٣-٣٠٤-٣٠٥-٣٠٦-٣٠٧-٣٠٨-٣٠٩-٣١٠-٣١١-٣١٢-٣١٣-٣١٤-٣١٥-٣١٦-٣١٧-٣١٨-٣١٩-٣٢٠-٣٢١-٣٢٢-٣٢٣-٣٢٤-٣٢٥-٣٢٦-٣٢٧-٣٢٨-٣٢٩-٣٣٠-٣٣١-٣٣٢-٣٣٣-٣٣٤-٣٣٥-٣٣٦-٣٣٧-٣٣٨-٣٣٩-٣٤٠-٣٤١-٣٤٢-٣٤٣-٣٤٤-٣٤٥-٣٤٦-٣٤٧-٣٤٨-٣٤٩-٣٥٠-٣٥١-٣٥٢-٣٥٣-٣٥٤-٣٥٥-٣٥٦-٣٥٧-٣٥٨-٣٥٩-٣٦٠-٣٦١-٣٦٢-٣٦٣-٣٦٤-٣٦٥-٣٦٦-٣٦٧-٣٦٨-٣٦٩-٣٧٠-٣٧١-٣٧٢-٣٧٣-٣٧٤-٣٧٥-٣٧٦-٣٧٧-٣٧٨-٣٧٩-٣٨٠-٣٨١-٣٨٢-٣٨٣-٣٨٤-٣٨٥-٣٨٦-٣٨٧-٣٨٨-٣٨٩-٣٩٠-٣٩١-٣٩٢-٣٩٣-٣٩٤-٣٩٥-٣٩٦-٣٩٧-٣٩٨-٣٩٩-٤٠٠-٤٠١-٤٠٢-٤٠٣-٤٠٤-٤٠٥-٤٠٦-٤٠٧-٤٠٨-٤٠٩-٤١٠-٤١١-٤١٢-٤١٣-٤١٤-٤١٥-٤١٦-٤١٧-٤١٨-٤١٩-٤٢٠-٤٢١-٤٢٢-٤٢٣-٤٢٤-٤٢٥-٤٢٦-٤٢٧-٤٢٨-٤٢٩-٤٣٠-٤٣١-٤٣٢-٤٣٣-٤٣٤-٤٣٥-٤٣٦-٤٣٧-٤٣٨-٤٣٩-٤٤٠-٤٤١-٤٤٢-٤٤٣-٤٤٤-٤٤٥-٤٤٦-٤٤٧-٤٤٨-٤٤٩-٤٥٠-٤٥١-٤٥٢-٤٥٣-٤٥٤-٤٥٥-٤٥٦-٤٥٧-٤٥٨-٤٥٩-٤٦٠-٤٦١-٤٦٢-٤٦٣-٤٦٤-٤٦٥-٤٦٦-٤٦٧-٤٦٨-٤٦٩-٤٧٠-٤٧١-٤٧٢-٤٧٣-٤٧٤-٤٧٥-٤٧٦-٤٧٧-٤٧٨-٤٧٩-٤٨٠-٤٨١-٤٨٢-٤٨٣-٤٨٤-٤٨٥-٤٨٦-٤٨٧-٤٨٨-٤٨٩-٤٩٠-٤٩١-٤٩٢-٤٩٣-٤٩٤-٤٩٥-٤٩٦-٤٩٧-٤٩٨-٤٩٩-٥٠٠-٥٠١-٥٠٢-٥٠٣-٥٠٤-٥٠٥-٥٠٦-٥٠٧-٥٠٨-٥٠٩-٥١٠-٥١١-٥١٢-٥١٣-٥١٤-٥١٥-٥١٦-٥١٧-٥١٨-٥١٩-٥٢٠-٥٢١-٥٢٢-٥٢٣-٥٢٤-٥٢٥-٥٢٦-٥٢٧-٥٢٨-٥٢٩-٥٣٠-٥٣١-٥٣٢-٥٣٣-٥٣٤-٥٣٥-٥٣٦-٥٣٧-٥٣٨-٥٣٩-٥٤٠-٥٤١-٥٤٢-٥٤٣-٥٤٤-٥٤٥-٥٤٦-٥٤٧-٥٤٨-٥٤٩-٥٥٠-٥٥١-٥٥٢-٥٥٣-٥٥٤-٥٥٥-٥٥٦-٥٥٧-٥٥٨-٥٥٩-٥٦٠-٥٦١-٥٦٢-٥٦٣-٥٦٤-٥٦٥-٥٦٦-٥٦٧-٥٦٨-٥٦٩-٥٧٠-٥٧١-٥٧٢-٥٧٣-٥٧٤-٥٧٥-٥٧٦-٥٧٧-٥٧٨-٥٧٩-٥٨٠-٥٨١-٥٨٢-٥٨٣-٥٨٤-٥٨٥-٥٨٦-٥٨٧-٥٨٨-٥٨٩-٥٩٠-٥٩١-٥٩٢-٥٩٣-٥٩٤-٥٩٥-٥٩٦-٥٩٧-٥٩٨-٥٩٩-٦٠٠-٦٠

﴿٣٤٧٣﴾ السَّجَادَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِلَهِي فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ اصْطَفَيْتَهُ لِقُرْبِكَ وَوَلَّيْتِكَ وَ... أَلْهَمْتَهُ ذِكْرَكَ وَ
أَوْزَعْتَهُ شُكْرَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٤٨

٧-١-١-٤-١ أسألكَ الْإِيزَاعَ لِشُكْرِكَ

﴿٣٤٧٤﴾ الرسول ﷺ: أَسْأَلُكَ الْمَزِيدَ مِنْ فَضْلِكَ وَالْإِيزَاعَ لَشُكْرِكَ وَالْإِعْتِدَادَ بِنِعْمَاتِكَ؛
البلد الأمين ص: ٣٨٥

۸-۷-۱-۱-۴-۱- اَسْأَلُكَ اَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ

﴿٣٤٧﴾ السَّجَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَأَنْ تُوزِعَنِي مِنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ مَا يُلْغُنِي فِي غَايَةِ رِضَاكَ؛ الْبَلَدُ الْأَمِينُ ص: ١٠٠

﴿٣٤٧٤﴾ الصادق عليه السلام: أَنْ تَصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَقَدْ اسْتَشْفَعْتَ بِهِمْ إِلَيْكَ وَقَدَّمْتَهُمْ
أَمَامِي وَبَيْنَ يَدَيَّ حَوَاجِي وَ أَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ فِي التَّوْفِيقِ لِمَعْرِفَتِهِ وَالْهِدَايَةِ إِلَى طَاعَتِهِ؛
مفتاح الفلاح ص: ٢١٦

الصادق (عليه السلام): أَسَأَلْتُكَ بِجُودِكَ أَنْ تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ وَأَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ؛
البلد الأمين ص: ١٨٨

﴿٣٤٧٨﴾ أَسْأَلُكَ بِمَكَانِهِمْ عِنْدَكَ وَأَسْتَغْفِرُ بِهِمْ إِلَيْكَ وَ أُقَدِّمُهُمْ أَمَامِي وَ بَيْنَ يَدَي حَوَائِجِي
وَ أَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَ مَا أَوْلَيْتَنِي نِعَمَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٣٤٥

﴿٣٤٧٩﴾ السَّجَادَةُ: وَكَمْ قَلَّدْتَنِي مِنْ مِنَّةٍ ضَعُفَتْ قُوَايَ عَنْ حَمْلِهَا وَذَهَلَتْ فِطْنَتِي عَنْ ذِكْرِ فَضْلِهَا وَعَجَزَ شُكْرِي عَنْ جَزَائِهَا وَضُفَّتْ ذُرْعًا بِإِحْصَائِهَا قَابَلْتُكَ فِيهَا بِالْعِصْيَانِ وَنَسِيتُ شُكْرَ مَا أَوْلَيْتَنِي فِيهَا مِنَ الْإِحْسَانِ فَمَنْ أَسْوَأَ حَالًا مِنِّي إِنْ لَمْ تَتَذَكَّرْنِي بِالْغُفْرَانِ وَتُوزِعْنِي شُكْرَ مَا اصْطَنَعْتَ عِنْدِي مِنْ فَوَائِدِ الْإِيمَانِ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٥٩

٩-١٧-١-٤-١ يا مُوزِعَ الشُّكْرِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۴۷۱﴾ پروردگارا، ما و مردان و زنان مؤمن را پیامرز و ایشان را بر شکرگزاری نعمتی که به ایشان بخشیدی موفق بدا.

﴿۳۴۷۲﴾ خدایا، مردان و زنان با ایمان، و مردان و زنان مسلمان را پیامرز... و به ایشان الهام کن تا در برابر آن نعمتهایی که به آنان عطا فرموده‌ای شکرگزاری کنند.

۶-۷-۱-۱-۴-۱- ما را از کسانی قرار ده که شکر خویش را به او الهام کردی

﴿۳۴۷۳﴾ پروردگارا، ما را از زمره‌ی کسانی قرار بده که آنان را برای نزدیکی به خود و به ولایت برگزیده‌ای... یادت را در دلشان قراردادی و شکرگزاری را به ایشان الهام کردی.

۷-۷-۱-۱-۴-۱- از تو الهام شکرت را درخواست می‌کنم

﴿۳۴۷۴﴾ فضل بیشتر، توفیق شکر و آمادگی و لیاقت برای دریافت نعمت‌هایت را خواستارم.

۸-۷-۱-۱-۴-۱- از تو درخواست می‌کنم که شکر خویش را به من الهام کنی

﴿۳۴۷۵﴾ از تو درخواست می‌کنم که بر محمد ﷺ، بنده و فرستاده‌ات درود فرستی و شکر نعمت‌هایت را به من به‌گونه‌ای الهام کنی که با آن به نهایت رضایت تو دست یابم.

﴿۳۴۷۶﴾ از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی، و من به‌واسطه‌ی آنان به درگاه تو شفاعت جسته و آنان را پیشاپیش خود و نیازهایم به درگاهت عرضه می‌کنم، و نیز می‌خواهم که شکر نعمتت را در توفیق‌یافتن به شناخت او امام زمان ﷺ و هدایت‌شدن به فرمان‌برداریش را به من ارزانی داری.

﴿۳۴۷۷﴾ پروردگارا، از توبه حق جود و بخشش و کرمیت تقاضا می‌کنم، که مرا به خود نزدیک سازی شکر و سپاسگزاری را بر من الهام کنی.

﴿۳۴۷۸﴾ خدایا به مقام و منزلتشان در پیشگاهت، خدایا درخواست می‌کنم، و آنان را به درگاه تو شفیع می‌آورم، و ایشان را برای عرضه کردن نیازهای خویش پیش می‌فرستم و می‌خواهم که توفیق شکر نعمت‌هایی را که به من ارزانی داشته‌ای به من عطا فرمایی.

﴿۳۴۷۹﴾ و چه بسیار نعمتی که بر گردن من آویختی اما من از حمل آن ناتوان بودم و دانش من از ذکر فضیلت‌های آن حیران شد و از شکر آن عاجز شدم و از شمارش آن ناتوان گشتم و در برابر آن‌ها نافرمانی‌ات کردم و شکر احسانی که بر من نمودی را فراموش کردم. ولی اگر تو آمرزش را برایم مهیا نکنی و در مقابل نیکی‌هایی که به من نمودی شکرگزاری را به من الهام نکنی، چه کسی از من بدتر خواهد بود.

۹-۷-۱-۱-۴-۱- ای الهام‌کننده‌ی شکر

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٤٨٠﴾ الصادق عليه السلام: يَا مُوزَّعَ الشُّكْرِ؛ الْمَقَامُ الْأَسْنَى ص: ٩٧

٨-١-١-١-٤-١-البعث

٨-١-١-١-٤-١-أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يَبْعَثَنَا عَلَى شُكْرِهِ

﴿٣٤٨١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي يَرَى وَلَا يُرَى وَهُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى أَنْ يَجْعَلَنَا وَ

إِيَّاكَ مِمَّنْ يُحِبُّهُ اللَّهُ وَيَرْضَاهُ حَتَّى يَبْعَثَنَا عَلَى شُكْرِهِ وَذِكْرِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٣٣ ص: ٥٤٩

﴿٣٤٨٢﴾ الصادق عليه السلام: أَسْأَلُكَ يَا كَرِيمُ... أَنْ تَبْعَثَنِي مِنَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ١٥٩

٩-١-١-١-٤-١-التَّعْرِيفُ

﴿٣٤٨٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَمَنْ عَمِلَ بِرِضَايَ الْأَزْمَةِ ثَلَاثَ خِصَالٍ أَعْرِفُهُ شُكْرًا لَا يُخَالِطُهُ

الْجَهْلُ وَذِكْرًا لَا يُخَالِطُهُ النِّسْيَانُ وَمَحَبَّةً لَا يُؤْثِرُ عَلَى مَحَبَّتِي مَحَبَّةَ الْمَخْلُوقِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٧٤

ص: ٢٨

١٠-١-١-١-٤-١-التَّغْلِيمُ

١-١-١-١-٤-١-أَشْكُرُكَ بِمَا عَلَّمْتَنِي مِنْ شُكْرِكَ

﴿٣٤٨٤﴾ الصادق عليه السلام: أَشْكُرُكَ بِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ وَ عَلَّمْتَنِي مِنْ شُكْرِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥

ص: ٢٤٢

٢-١-١-١-٤-١-إِجْعَلْهُ لَنَا عِلْمًا نَشْكُرُ بِهِ

﴿٣٤٨٥﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا زَادًا تَقْوِينَا بِهِ فِي الْمَوْقِفِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ طَرِيقًا وَاضِحًا

نَسْأَلُكَ بِهِ إِلَيْكَ وَ عِلْمًا نَافِعًا نَشْكُرُ بِهِ نِعْمَاءَكَ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٧٣

٣-١-١-١-٤-١-عَلَّمْتَهُمْ شُكْرَ نِعْمَتِكَ

﴿٣٤٨٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اللَّهُمَّ رَبَّ الْبَهَائِ وَالْعِظَمَةِ وَالْكَبَرِيَاءِ وَالسُّلْطَانَ أَظْهَرْتَ الْقُدْرَةَ

كَيْفَ شِئْتَ وَ مَنَنْتَ عَلَى عِبَادِكَ بِمَعْرِفَتِكَ وَ تَسَلَّطْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبْرُوتِكَ وَ عَلَّمْتَهُمْ شُكْرَ

نِعْمَتِكَ؛ مصباح المتعجب ص: ٥١٢

١١-١-١-١-٤-١-التَّطْوِيقُ

﴿٣٤٨٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِكَ أَلْهَمْتُهُ الصَّبْرَ وَ طَوَّقْتُهُ الشُّكْرَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢

ص: ٣١٠

﴿٣٤٨٨﴾ الصادق عليه السلام: حَامِدُ لِرَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى مَا أَوْزَعَنِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ شَاكِرٌ لَهُ عَلَى مَا

طَوَّقَنِي مِنْ احْتِمَالِ فَضْلِكَ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٧ ص: ٣٥١

١٢-١-١-١-٤-١-التَّنْبِيهُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۴۸۰﴾ ای الهام کننده‌ی شکر.

۸-۱-۱-۴-۱- برانگیختن

۸-۱-۱-۴-۱- از خدا درخواست می‌کنم که مرا بر شکرگزاری‌اش برانگیزاند

﴿۳۴۸۱﴾ از خدایی که می‌بیند و دیده نمی‌شود و در موقعیت عالی قرار دارد، درخواست می‌کنم که ما و تو را از جمله کسانی قرار دهد که دوستان دارند و از آنان خرسند و راضی است، تا اینکه ما را بر شکرگزاری و یاد خویش برانگیزد.

﴿۳۴۸۲﴾ ای صاحب کرامت از تو درخواست می‌کنم... که مرا در زمره‌ی شاکرین برانگیزی.

۹-۱-۱-۴-۱- تعریف

﴿۳۴۸۳﴾ آن کس که مطابق خشنودی من رفتار کند، سه خصلت را همراه او می‌کنم؛ شکری به او می‌آموزم که آمیخته به نادانی نباشد و ذکر به او می‌آموزم که توأم با فراموشی نباشد، و محبت را آن چنان در دل او قرار می‌دهم که دوستی احدی را بر آن ترجیح ندهد.

۱۰-۱-۱-۴-۱- تعلیم

۱۰-۱-۱-۴-۱- به آنچه از شکر خود به من تعلیم داده‌ای شکر می‌کنم

﴿۳۴۸۴﴾ تو را به واسطه‌ی منتی که بر من نهادی و شکر را به من آموختی شکر و سپاس می‌گویم.

۲-۱۰-۱-۱-۴-۱- آن را برای ما علمی قرار ده که به واسطه‌ی آن شکر کنیم

﴿۳۴۸۵﴾ خدایا، آن را برای ما توشه‌ای قرار ده که به وسیله‌ی آن ما را برای ایستادن در برابر تو توانمند کنی و آن را راهی واضح قرار ده که به وسیله‌ی آن به سوی تو سیر کنیم و آن را علم نافی قرار ده که به وسیله‌ی آن شکر نعمت‌های را ادا کنیم.

۳-۱۰-۱-۱-۴-۱- شکر نعمت خویش را به ایشان می‌آموزی

﴿۳۴۸۶﴾ خداوند، ای پروردگار مالک نیکی و بزرگی و بزرگ‌منشی و شکوه و جلال؛ ای آنکه قدرت را آشکار کردی، چگونه خواهی بود و چگونه برای شناساندن خود بر بندگان بر ما منت خواهی گذارد؟ (زیرا عظمت تو خارج از توان درک بندگان می‌باشد) و چگونه سیطره خواهی داد بر ایشان عظمت و جبروت را و چگونه به ایشان یاد خواهی داد که شکر نعمت را به جا آورند (حال آنکه گستره‌ی نعمات بی‌نهایت است و ایشان محدودند).

۱۱-۱-۱-۴-۱- احاطه

﴿۳۴۸۷﴾ اگر آن شخص این عبادت را بگوید، صبر و شکیبایی را به او الهام می‌کنم و گردنبد شکر را به گردنش می‌آویزم.

﴿۳۴۸۸﴾ خدای عزیز و جلیل را به خاطر اینکه معرفت تو را به من الهام نموده حمد می‌کنم و شکرگزار اویم که پذیرش فضل تو را بر گردنم آویخته است. پدر و مادرم فدایت یا امیرالمؤمنین.

۱۲-۱-۱-۴-۱- بیدار کردن

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١-١٢-١-١-٤-١- نَبَّهْتَنِي لِشُكْرِكَ، نَبَّهَهُ اللَّهُ لِيَكُونَ شَاكِرًا، يُنَبِّهُهُ عَلَى شُكْرِ اللَّهِ
 ﴿٣٤٨٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَتَعَالَيْتَ رَبَّنَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ حَتَّى إِذَا اسْتَهْلَيْتُ بِالْكَلامِ أَتَمَمْتَ
 عَلَيَّ بِالْإِنْعَامِ وَرَبَّيْتَنِي مُتَزَايِدًا فِي كُلِّ عَامٍ حَتَّى إِذَا أَكْمَلْتَ فِطْرَتِي وَاعْتَدَلْتَ قُوَّتِي أَوْجَبْتَ عَلَيَّ
 حُجَّتَكَ بِأَنَّ أَلْهَمْتَنِي مَعْرِفَتَكَ وَرَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ رَحْمَتِكَ وَأَيَّقَطْتَنِي بِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَائِكَ
 وَأَرْضِكَ فِي بَدَائِعِ خَلْقِكَ وَنَبَّهْتَنِي لِشُكْرِكَ وَذَكَرَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٣١٤
 ﴿٣٤٩٠﴾ الصادق عليه السلام: وَأَمَّا إِقَامَةُ الْجِدَارِ مِنْ غَيْرِ أَجْرِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ ذَكَرَهُ بِذَلِكَ فَضْلَهُ
 فِيمَا آتَاهُ فِي ابْتِنَى شُعَيْبٍ حِينَ سَقَى لَهُمَا وَهُوَ جَائِعٌ وَلَمْ يَتَّبِعْ عَلَى ذَلِكَ أَجْرًا مَعَ حَاجَتِهِ إِلَى
 الطَّعَامِ فَنَبَّهَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى ذَلِكَ لِيَكُونَ شَاكِرًا مَسْرُورًا؛ قصص الأنبياء للجزائري ص: ٢٩٤
 ﴿٣٤٩١﴾ العسكري عليه السلام: وَرَبَّمَا تَرَكَ بَعْضُ شَيْعَتِنَا فِي افْتِتَاحِ أَمْرِهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 فَيَمْتَحِنُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِمَكْرُوهِ لِيُنَبِّهَهُ عَلَى شُكْرِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَالثَّنَاءِ عَلَيْهِ وَيُمَحِّقَ عَنْهُ
 وَصْمَةَ تَقْصِيرِهِ عِنْدَ تَرْكِهِ قَوْلَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٩ ص: ٢٣٢
 ﴿٣٤٩٢﴾ العسكري عليه السلام: وَلَرَبَّمَا تَرَكَ بَعْضُ شَيْعَتِنَا فِي افْتِتَاحِ أَمْرِهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 فَيَمْتَحِنُهُ اللَّهُ بِمَكْرُوهِ لِيُنَبِّهَهُ عَلَى شُكْرِ اللَّهِ وَالثَّنَاءِ عَلَيْهِ وَيُمَحِّقَ وَصْمَةَ تَقْصِيرِهِ عِنْدَ تَرْكِهِ قَوْلَ
 بِسْمِ اللَّهِ؛ وسائل الشيعة ج: ٧ ص: ١٦٩

١-١٣-١-١-٤-١- التَّوْفِيقُ

١-١٣-١-١-٤-١- التَّوْفِيقُ لِشُكْرِ نِعْمَةٍ حَادِثَةٍ
 ﴿٣٤٩٣﴾ الصادق عليه السلام: وَتَمَامُ الشُّكْرِ اعْتِرَافُ لِسَانِ السَّرِّ خَاضِعًا لِلَّهِ تَعَالَى بِالْعَجْزِ عَنْ بُلُوغِ
 أَذْنَى شُكْرِهِ لِأَنَّ التَّوْفِيقَ لِلشُّكْرِ نِعْمَةٌ حَادِثَةٌ يَجِبُ الشُّكْرُ عَلَيْهَا وَهِيَ أَعْظَمُ قَدْرًا وَأَعَزُّ وَجُودًا
 مِنَ النِّعْمَةِ الَّتِي مِنْ أَجْلِهَا وَقُفَّتْ لَهُ فِيلَزِمَكَ عَلَى كُلِّ شُكْرٍ شُكْرٌ أَعْظَمُ مِنْهُ إِلَى مَا لَا نِهَايَةَ لَهُ
 مُسْتَعْرِقًا فِي نِعْمَتِهِ قَاصِرًا عَاجِزًا عَنْ دَرْكِ غَايَةِ شُكْرِهِ وَأَنْتَى يَلْحَقُ الْعَبْدُ شُكْرَ نِعْمَةِ اللَّهِ وَنَتَى
 يَلْحَقُ صَنِيعُهُ بِصَنِيعِهِ وَالْعَبْدُ ضَعِيفٌ لَا قُوَّةَ لَهُ أَبَدًا إِلَّا بِاللَّهِ وَاللَّهُ غَنِيٌّ عَنْ طَاعَةِ الْعَبْدِ قَوِيٌّ عَلَى
 مَزِيدِ النِّعَمِ عَلَى الْأَبَدِ فَكُنْ لِلَّهِ عَبْدًا شَاكِرًا عَلَى هَذَا الْأَصْلِ تَرَى الْعَجَبَ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٥٢
 ١-١٣-١-١-٤-١- وَقَفَّتْنَا لِلشُّكْرِ
 ﴿٣٤٩٤﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ هَذِهِ الْأَرْضَ مِنْ جُمْلَةِ شُهُودِنَا يَوْمَ مَوْعُودِنَا إِنَّكَ ارْتَضَيْتَنَا
 فِيهَا لِعِبَادَتِكَ وَأَهْلَتَنَا لِلتَّشْرِيفِ بِطَاعَتِكَ وَوَقَفَّتْنَا لِلشُّكْرِ لِنِعْمَتِكَ؛ الأمان ص: ١٤١

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۱-۱۲-۱-۱-۴-۱-۱ مرا برای شکرت بیدارم کن، خداوند او را بیدار کرد برای آنکه شکر گزار اشد، او را بر شکرگزاری خدا بیدار کند

﴿۳۴۸۹﴾ ای مهربان‌ترین مهربانان و ای پروردگار ما، بلند مرتبه‌ای. آنگاه که سخن گفتن آغاز کردم، نعمت را بر من تمام کردی و هر سال مرا بیش از پیش پرورش دادی؛ تا آنگاه که خلقتم تمام شد و توانایی‌ام استوار گشت، با الهام معرفت بر من محبت را بر من تمام کردی و مرا با عجایب رحمت شگفت‌زده نمودی و با پدیده‌های خلقت که در آسمان و زمین آن‌ها را آفریده‌ای مرا بیدار نمودی و مرا بر شکر و ذکر خود آگاه نمودی.

﴿۳۴۹۰﴾ و اما تعمیر دیوار بدون اخذ اجرت؛ خداوند عزیز و جلیل به واسطه‌ی این کار خضر، فضیلت عملی که جناب موسی علیه السلام قبلاً انجام داده بود را متذکر شد و آن این بود که؛ آن حضرت با اینکه خودش گرسنه بود برای دو دختر شعیب از چاه آب کشید بدون اینکه در قبال آن اجرتی طلب کند، پس خداوند با فعل خضر حضرتش را متنبه ساخت و او را به یاد عمل خویش آورد تا بدین وسیله سپاسگزار و شادمان شود.

﴿۳۴۹۱﴾ و چه بسا بعضی از شیعیان ما در ابتدای کارشان "بسم الله الرحمن الرحيم" را ترک می‌کنند و خداوند آن‌ها را به آنچه برایشان ناگوار است مبتلا می‌کند تا به او هشدار دهد که شکر خدای تبارک و تعالی را به جای آورد و عوارض کوتاهی کردنش در ترک عبارت "بسم الله الرحمن الرحيم" را پاک کند.

﴿۳۴۹۲﴾ چه بسا بعضی از شیعیان ما در ابتدای کار خویش "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ" را ترک کند و خدای عزیز و جلیل او را به مکروه و ناخوشی مبتلا می‌کند تا او را بر شکر خدای تبارک و تعالی و ثنای او تحریک کند و عیب و تقصیری را که از ترک بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ نصیب او شده است از او بکاهد و از بین ببرد.

۱-۱۳-۱-۱-۴-۱-۱ توفیق

۱-۱۳-۱-۱-۴-۱-۱ موفق شدن به شکرگزاری، خود نعمت جدیدی است

﴿۳۴۹۳﴾ و کمال شکر این است که به زبان حال و قلب و با خلوص نیت اعتراف کند که از به جا آوردن کمترین مرتبه‌ی شکر پروردگار عاجز است که همانا توفیق شکر نعمت جدید، شکر جدیدی بر تو واجب می‌کند؛ و ارزش این شکر بیشتر و وجودش ارجمندتر از نعمتی است که به دریافت آن موفق شده‌ای؛ پس بر هر شکری شکر دیگری واجب می‌شود که از اولی بزرگ‌تر است و این افزایش و گستردگی تا بی‌نهایت ادامه پیدا می‌کند، تو غرق نعمتی و دستت از درک حق آن کوتاه. و چگونه ممکن است بنده‌ای شکر نعمت پروردگارش را به جا آورد؟ و چگونه ممکن است پاسخ خوبی‌های او را بدهد. بنده از بنیان ناتوان است مگر با تکیه بر خدا؛ و خدا بی‌نیاز از فرمان‌برداری بنده و توانا بر افزایش نعمت؛ پس تو باید بر این روش بنده‌ی شکرگزاری باشی، که در این صورت عجایی از فضل خدا خواهی دید.

۱-۱۳-۱-۱-۴-۱-۱ ما را به شکرگزاری موفق کن

﴿۳۴۹۴﴾ خدایا، این زمین را از زمره‌ی گواهان ما در روز قیامت قرار ده؛ زیرا راضی شدی که در آن عبادت را به جا آوریم و لیاقت مفتخر شدن به عبادت و بندگی‌ات را به ما داده‌ای و برای سپاسگزاری نعمت ما را موفق ساخته‌ای.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

٣-١٣-١-١-٤-١- وَقَفَهُ لِشُكْرِهِ

﴿٣٤٩٥﴾ مَنْ شَكَرَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَجَبَ عَلَيْهِ شُكْرُ تَانٍ إِذْ [إِذَا] وَقَفَهُ لِشُكْرِهِ وَهُوَ شُكْرُ الشُّكْرِ؛

غررالحكم ص: ٢٧٨

٤-١٣-١-١-٤-١- لَا تُطِيقُ شُكْرَهَا إِلَّا بِتَوْفِيقِهِ

﴿٣٤٩٦﴾ السَّجَادُ ﷺ: وَآمَّا حَقُّ أُمِّكَ فَإِنْ تَعْلَمَ أَنَّهَا حَمَلَتْكَ حَيْثُ لَا يَحْتَمِلُ أَحَدٌ أَحَدًا وَ أَعْطَتْكَ مِنْ ثَمَرَةِ قَلْبِهَا مَا لَا يُعْطَى أَحَدٌ أَحَدًا وَ وَقَّتْكَ بِجَمِيعِ جَوَارِحِهَا وَلَمْ تُبَالِ أَنْ تَجُوعَ وَ تَطْعِمَكَ وَ تَعْطَشَ وَ تَسْقِيكَ وَ تَعْرِى وَ تَكْسُوكَ وَ تَضْحَى وَ تَظْلِكَ وَ تَهْجُرَ النَّوْمَ لِأَجْلِكَ وَ وَقَّتْكَ الْحَرَّ وَ الْبَرْدَ لِتَكُونَ لَهَا فَإِنَّكَ لَا تُطِيقُ شُكْرَهَا إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ وَ تَوْفِيقِهِ؛ مِنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه

ج: ٢ ص: ٦٢١

٥-١٣-١-١-٤-١- أَحْمَدُهُ شَاكِرًا حَمْدًا مُوقِفًا لِرُشْدِهِ

﴿٣٤٩٧﴾ السَّجَادُ ﷺ: أَحْمَدُهُ جَاهِرًا بِحَمْدِهِ شَاكِرًا لِرِفْدِهِ حَمْدًا مُوقِفًا لِرُشْدِهِ وَآتِقَ بَعْدْلِهِ؛

بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٥٣

٦-١٣-١-١-٤-١- دَوَامُ التَّوْفِيقِ

١-١٣-١-١-٤-١- أَرْزُقْنِي شُكْرَكَ بِدَوَامِهِ بِتَوْفِيقِكَ

﴿٣٤٩٨﴾ الرَّسُولُ ﷺ: اللَّهُمَّ أَعْنِي فِيهِ عَلَى صِيَامِهِ وَ قِيَامِهِ وَ اجْنُبْنِي فِيهِ مِنْ هَفَوَاتِهِ وَ آثَامِهِ وَ أَرْزُقْنِي فِيهِ ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ بِدَوَامِهِ بِتَوْفِيقِكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٧

١٤-١-١-٤-١- الْجَعْلُ

١-١٤-١-١-٤-١- جَعَلَنِي مِمَّنْ يَشْكُرُهُ

﴿٣٤٩٩﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِمَّنْ يَحْمَدُهُ وَ يَشْكُرُهُ؛ إقبال الأعمال ص: ٤٠٦

٢-١٤-١-١-٤-١- إِجْعَلْنَا مِمَّنْ أَوْزَعَتْهُ شُكْرَكَ

﴿٣٥٠٠﴾ السَّجَادُ ﷺ: إِلَهِي فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ اصْطَفَيْتَهُ لِقُرْبِكَ وَ وَلَايَتِكَ... وَ أَلْهَمْتَهُ ذِكْرَكَ وَ

أَوْزَعَتْهُ شُكْرَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٤٨

٣-١٤-١-١-٤-١- إِجْعَلِ الْإِقْتِدَارَ وَ الْأَنْوَارَ وَ طَهَارَةَ الْأَسْرَارِ لِتَكُونَ مِنَ الشَّاكِرِينَ

﴿٣٥٠١﴾ الرَّسُولُ ﷺ: فَاجْعَلْ لَنَا مِنَ الْإِقْتِدَارِ وَ الْأَنْوَارِ وَ طَهَارَةِ الْأَسْرَارِ مَا نَكُونُ مِنْ أَسْعَدِ

السَّائِرِينَ وَ أَحْمَدِ الشَّاكِرِينَ؛ الْأَمَانُ ص: ١٥٠

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۳-۱۳-۱-۱-۴-۱- او را به شکرگزاری خود موفق کرد

﴿۳۴۹۵﴾ هر که خدا ی سبحان را شکر کند، بر او شکر دومی واجب میشود، زیرا توفیق شکرگزاری از جانب حق تعالی نصیب او شده است و این شکر بر شکر است.

۴-۱۳-۱-۱-۴-۱- توان ادای شکرش را نداری مگر به توفیق خودش

﴿۳۴۹۶﴾ حق مادرت، این است که بدانی، او تو را در شکم خود حمل کرد، به گونه‌ای که هیچ کس بار دیگری را نکشید. از ثمره‌ی قلب خود، به تو غذایی داد که هیچ کس به کسی ندهد. با تمام اعضای خود، در نگهداری تو کوشید، اگر تو سیر و سیراب شوی نگران نیست که گرسنه و تشنه بماند. بی لباس می ماند تا تو را بپوشاند؛ در آفتاب می ماند تا تو در سایه باشی، از خواب خود چشم می پوشد تا تو راحت بخوابی. از گرما و سرما تو را نگاه داشته، تا برای او باشی. پس نمی توانی او را شکرگزاری، مگر به توفیق و یاری و کمک خداوند.

۵-۱۳-۱-۱-۴-۱- او را می ستایم در حالی که شکر گزارم، حمدی که موفق به دریافت کمال آن شوم

﴿۳۴۹۷﴾ او را آشکارا حمد و سپاس می گویم با سپاسی که همراه شکر باشد، تا به واسطه‌ی حمد و با اعتماد به عدل او، توفیق تعالی و رشد برایم حاصل شود.

۶-۱۳-۱-۱-۴-۱- دوام و استمرار توفیق

۱-۶-۱۳-۱-۱-۴-۱- شکر خود با توفیق مداومت روزی ام کن

﴿۳۴۹۸﴾ خدایا، در این روز به من برای روزه گرفتن و برپاداشتن (امرت) کمک کن و مرا از لغزش ها و گناهان دور و ذکر و شکر را در تمام این روز به تداوم توفیقت روزی ام کن ای سرپرست مؤمنان.

۱۴-۱-۱-۴-۱- قرارداد

۱-۱۴-۱-۱-۴-۱- مرا از کسی که شکر و سپاسش می کند قرار داد

﴿۳۴۹۹﴾ حمد و ستایش مخصوص خدایی است که مرا از زمره‌ی کسانی که او را حمد و ستایش می کنند و سپاسگزار و شاکر او هستند قرارداد.

۲-۱۴-۱-۱-۴-۱- ما را از کسانی قرار ده که شکر خویش را به او الهام کردی

﴿۳۵۰۰﴾ پروردگارا، ما را از زمره‌ی کسانی قرار بده که آنان را برای نزدیکی به خود و به ولایت برگزیده‌ای... یادت را در دلشان قراردادی و شکرگزاری را به ایشان الهام کردی.

۳-۱۴-۱-۱-۴-۱- توانایی و روشنی و پاک باطنی به ما مرحمت کن که از زمره شکر گزاران باشیم

﴿۳۵۰۱﴾ پس چنان توان و روشنی و باطن پاکي به ما مرحمت فرما که از زمره‌ی خوشبخت ترین سیر کنندگان و سپاسگزارترین ثناگویان باشیم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

٤-١٤-١-١-٤-١- إجْعَلْ سَلَامَةً فَرَاغَ أَبْدَانِنَا فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ

﴿٣٥٠٢﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ سَلَامَةَ قُلُوبِنَا فِي ذِكْرِ عَظَمَتِكَ، وَفِرَاحِ أَبْدَانِنَا

فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ، وَانْطِلَاقَ أَلْسِنَتِنَا فِي وَصْفِ مِتِّكَ؛ الصَّحِيفَةُ السَّجَادِيَّةُ الْعَلِيَّةُ ص: ٤٤

١٥-١-١-٤- الجود والرحمة

۱-۱۵-۱-۱-۴-۱- شکرُها مَنْسُوباً إلی رَحْمَتِکَ وَ جُودِکَ

﴿٣٥٠٣﴾ وَ اكْسَهُ مِنْ خَلَعِ الْعَفْوَ وَالْغُفْرَانَ وَالْأَمَانَ وَالرِّضْوَانَ مَا يَكُونُ ذِكْرُهَا وَشُكْرُهَا وَ

نَشْرُهَا مَنْسُوبًا إِلَى مُجَرَّدِ رَحْمَتِكَ وَجُودِكَ؛ إقبال الأعمال ص: ٢٧٨

١٦-١-١-٤-الرزق

۱-۱۶-۱-۱-۴-۱- أَنْتَ تَرْزُقُ شُكْرَهَا

﴿٣٥٠٤﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): اللَّهُمَّ مِنْكَ النِّعْمَةُ وَأَنْتَ تَرْزُقُ شُكْرَهَا؛ الكافي ج: ٣ ص: ٣٢٧

٢-١٦-١-١-٤-١ رَزَقْنَا وَإِيَّاكَ الشُّكْرَ

﴿٣٥٠٥﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): أَنَّهُ تُوُفِّيَ لِمُعَاذٍ وَلَكَ فَاشْتَدَّ وَجْدُهُ عَلَيْهِ فَبَلَغَ ذَلِكَ النَّبِيَّ (صلى الله عليه وآله وسلم)

فَكُتِبَ إِلَيْهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنْ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ إِلَى مُعَاذِ سَلَامٍ عَلَيْكَ فَإِنِّي أَخْشُو

إِلَيْكَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ أَمَّا بَعْدُ أَعْظَمَ اللَّهُ جَلَّ اسْمُهُ لَكَ الْأَجْرَ وَالْهَمَكَ الصَّبْرَ وَرَزَقَنَا

وَإِيَّاكَ الشُّكْرَ إِنَّ أَنْفُسَنَا وَ أَهْلَانَا وَ أَمْوَالَنَا وَ أَوْلَادَنَا مِنْ مَوَاهِبِ اللَّهِ الْهِبَةِ وَ عَوَارِيهَا

الْمُسْتَوْدَعَةُ يُمَتِّعُ بِهَا إِلَى أَجَلٍ مَعْلُومٍ وَيَقْبِضُهَا لَوْفَتٍ مَعْدُودٍ ثُمَّ افْتَرَضَ عَلَيْنَا الشُّكْرَ إِذَا أَعْطَانَا وَ

الصَّبْرُ إِذَا ابْتُلِيَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٢ ص: ٣٥٣

٣-١٦-١-١-٤-١- رَزَقَهُ قُلُوبًا لِنِعْمَائِهِ شَاكِرًا

﴿٣٥٠٦﴾ العسكري (عليه السلام): أَمَّا أَحْسَنُ مِنَ الْأَوَّلِ حَالًا فَرَجُلٌ اعْتَقَدَ صِدْقًا بِمُحَمَّدٍ رَسُولَ اللَّهِ وَ

صِدْقًا بِأَعْظَامٍ عَلَىٰ أَحَى رَسُولِ اللَّهِ وَوَلِيِّهِ وَثَمَرَةً قَلْبِهِ وَمَحْضَ طَاعَتِهِ فَشَكَرَ لَهُ رَبَّهُ وَنَبِيَّهُ وَ

وَصِيَّ نَبِيِّهِ فُجِّمَعَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ بِذَلِكَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَزَقَهُ لِسَانًا لَالًا اللَّهُ تَعَالَى ذَاكِرًا وَ

قَلْبًا لِلنَّعْمَائِهِ شَاكِرًا وَبِأَحْكَامِهِ رَاضِيًا وَعَلَى اخْتِمَالِ مَكَارِهِ أَعْدَاءِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ نَفْسُهُ مُوَطَّنًا؛

بحار الأنوار ج: ٦٥ ص: ١٠٦

٤-١٦-١-١-٤-١- رُزْقَ الصَّبْرُ وَ الشُّكْرُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۴-۱۴-۱-۱-۱-۱ سلامتی دل‌های ما و آسایش تن‌های ما را در سپاسگزاری نعمت خود قرار ده

﴿۳۵۰۲﴾ خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست، و سلامتی دل‌های ما را در یاد عظمت و بزرگی خود، و آسایش تن‌های ما را در سپاسگزاری نعمت خود، و شیرینی زبان‌های ما را در بیان و توصیف نعمت خود قرار ده.

۱۵-۱-۱-۱-۴ بخشش و رحمت

۱-۱۵-۱-۱-۴ شکر به رحمت و بخشش تو مرتبط است

﴿۳۵۰۳﴾ و او را از جامه‌های عفو و آمرزش و امن و رضایت جامه‌ای بپوشان آن‌گونه که یاد و سپاس و گستردن آن فقط مناسب رحمت و سخاوت تو باشد.

۱۶-۱-۱-۱-۴ روزی

۱-۱۶-۱-۱-۴ تو شکر و سپاس را روزی می‌کنی

﴿۳۵۰۴﴾ پروردگارا، نعمت ازسوی توست و تو شکر کردن را به ما روزی می‌کنی.

۲-۱۶-۱-۱-۴ شکر و سپاسگزاری را روزی ما و تو بکن

﴿۳۵۰۵﴾ در روایت است که چون فرزند معاذ وفات یافت، به شدت متأثر و ناراحت شد. وقتی که خبر ناراحتی او به پیامبر ﷺ رسید حضرت نامه‌ای به وی نوشتند. مضمون آن نامه چنین است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، از محمد ﷺ پیامبر خدا به معاذ، سلام بر تو ای معاذ، حمد و ستایش می‌کنم خدایی را که جز او معبودی نیست. اما بعد از حمد و ستایش. ای معاذ، خداوند اجر تو را در مصیبت مرگ فرزندت بزرگ و عظیم قرار دهد و به تو صبر و بردباری الهام کند و شکر و سپاسگزاری را نصیب ما و تو بفرماید. زیرا وجود ما و اهل و عیال و دوستان و اولاد ما همه و همه از بخشش‌های خداوند عزیز و جلیل و از امانت‌هایی است که مدت معین و محدودی در اختیار ماست و ما از آن‌ها بهره‌مند می‌شویم (هروقت مدت امانتداری به پایان رسد، صاحب امانت امانت را می‌برد) سپس بر ما واجب کرده است که در برابر نعمت‌ها شکر کنیم و در برابر بلاها صبر نماییم.

۳-۱۶-۱-۱-۴ قلبی شاکر برای نعمت‌هایش به او روزی کرد

﴿۳۵۰۶﴾ اما آن‌کس که حالش از اوّلی بهتر است مردی است که به‌راستی به محمد عقیده دارد و او را پیامبر خدا می‌داند و به‌راستی علی ﷺ را بزرگ می‌شمارد و او را برادر پیامبر خدا و ولیّ او و میوه‌ی دل او و فرمان‌بر خالص او می‌داند، (درمقابل) پروردگارش و پیامبر و وصی پیامبر از او قدردانی می‌نمایند و خداوند به‌این‌جهت خیر دنیا و آخرت را برای او گرد می‌آورد و به‌او زبانی عنایت می‌کند که همیشه متذکر نعمت‌های خدا باشد و قلبی عطا می‌کند که سپاسگزار باشد و به قوانین الهی خشنود و بر تحمل ناملازمات از دشمنان محمد ﷺ و خاندانش اراده‌ی محکم و تصمیم جدی داشته باشد.

۴-۱۶-۱-۱-۴ روزی شدن صبر و شکر

﴿۱۰۰۹﴾

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٥٠٧﴾ الرسول ﷺ: خَصَلْتَانِ مَنْ رَزَقَهُمَا قَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مِنْ إِذَا ابْتُلِيَ صَبَرَ وَ إِذَا أُعْطِيَ شَكَرَ؛ مجموعة ورام ج: ٢ ص: ٢٤٧

٥-١٦-١-١-٤-١-أَرْزُقْنِي شُكْرَكَ

﴿٣٥٠٨﴾ الرسول ﷺ: أَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ وَ رُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَ أَرْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٧ ص: ٤٦٧

﴿٣٥٠٩﴾ الصادق عليه السلام: آتَيْنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقَيْنَا عَذَابَ الْحَرِيقِ وَ أَرْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ؛ الكافي ج: ٤ ص: ١٦٠

﴿٣٥١٠﴾ إَعْطِنِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْمُكْرَمِ وَ أَرْزُقْنِي فِيهِ شُكْرًا؛ إقبال الأعمال ص: ١٤٩

﴿٣٥١١﴾ اللَّهُمَّ أَرْزُقْنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَ زِدْ فِي إِحْسَانِكَ وَ كَرَمِكَ إِلَيَّ؛ بحار الأنوار ج: ٩٨ ص: ٣٢٤

﴿٣٥١٢﴾ الرسول ﷺ: وَ أَرْزُقْنِي ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ بِدَوَامِ هِدَايَتِكَ يَا هَادِيَ الْمُؤْمِنِينَ؛ المصباح للكفعمي ص: ٦١٢

﴿٣٥١٣﴾ الرسول ﷺ: اللَّهُمَّ أَعِنِّي فِيهِ عَلَى صِيَامِهِ وَ قِيَامِهِ وَ اجْنُبْنِي فِيهِ مِنْ هَفَوَاتِهِ وَ آثَامِهِ وَ أَرْزُقْنِي فِيهِ ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ بِدَوَامِهِ بِتَوْفِيقِكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٧٠-١٦-١-٤-١-أَسْأَلُكَ أَنْ تَرْزُقَنِي الشُّكْرَ

﴿٣٥١٤﴾ الصادق عليه السلام: أَسْأَلُكَ أَنْ تَرْزُقَنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٢٣٩ ١٧-١-٤-١-الرُّشْدُ

﴿٣٥١٥﴾ السجادة الطاهرة: أَحْمَدُهُ جَاهِرًا بِحَمْدِهِ شَاكِرًا لِرَفْدِهِ حَمْدًا مُوَقَّعًا لِرُشْدِهِ وَآتِيًا بِعَدْلِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٥٣

١٨-١-٤-١-الرِّضَا

١-١٨-١-٤-١-أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يَجْعَلَ لَنَا مِمَّنْ يَرْضَاهُ حَتَّى يَبْعَثَنَا عَلَى شُكْرِهِ

﴿٣٥١٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي يَرَى وَ لَا يُرَى وَ هُوَ بِالْمُنْظَرِ الْأَعْلَى أَنْ يَجْعَلَ لَنَا وَ إِيَّاكَ مِمَّنْ يُحِبُّهُ اللَّهُ وَ يَرْضَاهُ حَتَّى يَبْعَثَنَا عَلَى شُكْرِهِ وَ ذِكْرِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٣٣ ص: ٥٤٩

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۵۰۷﴾ دو خصلت است که به هر کس داده شود به تحقیق خیر دنیا و آخرت نصیب او خواهد شد؛ آن دو خصلت عبارتند از اینکه هرگاه مبتلا به بلایی شد صبر پیشه کند و هرگاه نعمتی به او عطا شود شکر و سپاس گوید.

۵-۱۶-۱-۱-۴-۱- شکر خود را روزی ام کن

﴿۳۵۰۸﴾ از تو می‌خواهم که نام مرا در این شب از زمره‌ی سعادتمندان قرار دهی و روحم را با شهید محشور فرمایی و در این شب یاد و شکر را نصیبم گردانی.

﴿۳۵۰۹﴾ پروردگارا، به ما در دنیا نیکی عطا کن، و در آخرت نیز نیکی مرحمت فرما، و ما را از عذاب آتش حفظ فرما و در مقابل عطایای خویش یاد و ادای شکر نسبت به خودت را روزی ام گردان.

﴿۳۵۱۰﴾ پروردگارا، در این ماه با کرامت خیر و برکت دنیا و آخرت را، به من ببخش و چنان روزی ام کن که در این ماه شکرگزار باشم.

﴿۳۵۱۱﴾ پروردگارا، شکر نعمت را روزی ام گردان و احسان و کرم را بر من فزونی بخش.

﴿۳۵۱۲﴾ خدایا، یاد و شکر را همراه با هدایت دائم روزی ام کن، ای هدایت کننده مومنین.

﴿۳۵۱۳﴾ خدایا، در این روز به من برای روزه گرفتن و برپاداشتن (امرت) کمک کن و مرا از لغزش‌ها و گناهان دور و ذکر و شکر را در تمام این روز به تداوم توفیق روزی ام کن ای سرپرست مؤمنان.

۶-۱۶-۱-۱-۴-۱- از تو درخواست می‌کنم که شکر و سپاس را روزی ام کنی

﴿۳۵۱۴﴾ از تو درخواست می‌کنم شکر بر نعمت را روزی ام کنی.

۱۷-۱-۱-۴-۱- هدایت

﴿۳۵۱۵﴾ او را آشکارا حمد و سپاس می‌گویم با سپاسی که همراه شکر باشد، تا به واسطه‌ی حمد و با اعتماد به عدل او، توفیق تعالی و رشد برایم حاصل شود.

۱۸-۱-۱-۴-۱- رضایت

۱-۱۸-۱-۱-۴-۱- از خدا می‌خواهم ما را از کسانی قرار دهد که از آن‌ها راضی است

تا اینکه ما را بر شکرش برانگیزد

﴿۳۵۱۶﴾ از خدایی که می‌بیند و دیده نمی‌شود و در موقعیت عالی قرار دارد، درخواست می‌کنم که ما و تو را از جمله کسانی قرار دهد که دوستشان دارد و از آنان خرسند و راضی است، تا اینکه ما را بر شکرگزاری و یاد خویش برانگیزد.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٥١٧﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ كَمَا جَعَلْتَ رِضَاكَ عَمَّنْ بِالْحَمْدِ رَضِيتَ عَنْهُ

لِيَشْكُرَ مَا بِهِ مِنْ نِعْمَتِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٤ ص: ٥٥

۱۹-۱-۱-۴-۱-شکرُ اللہ

١٩-١-١-٤-١- من شَكَرَكَ يَشْكُرُ الشَّاكِرُونَ

﴿٣٥١٨﴾ الجواد (عليه السلام): يَا مَنْ جَلَّ عَنْ أَدَوَاتِ لِحَظَاتِ الْبَشَرِ وَ لَطْفَ عَنْ دَقَائِقِ خَطَرَاتِ الْفِكْرِ لَا

تُحْمَدُ يَا سَيِّدِي إِلَّا بِتَوْفِيقٍ مِنْكَ يَقْتَضِي حَمْدًا وَلَا تُشْكُرُ عَلَيَّ أَصْغَرَ مِنْهُ إِلَّا اسْتَوْجِبْتَ بِهَا شُكْرًا

فَمَتَى تَخْصِي نَعْمَاؤُكَ يَا إِلَهِي وَتُجَازِي آلَاؤُكَ يَا مَوْلَايَ وَتُكَافِي صَنَائِعُكَ يَا سَيِّدِي وَمِنْ

نَعِمَكَ يَحْمَدُ الْحَامِدُونَ وَ مِنْ شُكْرِكَ يَشْكُرُ الشَّاكِرُونَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٩ ص: ٥٥

٢٠-١-١-٤- عَدَمُ الْإِذْهَابِ بِالشُّكْرِ

﴿٣٥١٩﴾ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ، وَلَا تَذْهَبْ عَنِّي شُكْرَكَ، بَلِّ الْأَرْزَمِيهِ فِي أَحْوَالِ السَّهْوِ عِنْدَ غَفَلَاتِ

الْجَاهِلِينَ لِلْآثَانِكِ، وَ أَوْزَعْنِي أَنْ أَتُنْبِي بِمَا أَوْلَيْتَنِيهِ، وَ اعْتَرَفَ بِمَا أَسْدَيْتَهُ إِلَيَّ؛ الصَّحِيفَةُ السَّجَادِيَّةُ

السيرة العلية ص: ٢٢٨

٢١-١-١-٤-١- عَدَمُ إِخْلَاءِ الْقُلُوبِ مِنْ شُكْرِهِ

﴿٣٥٢﴾ الْجَوَادِ ^{الْعَالِي}: يَا مَنْ دَعَاهُ الْمُضْطَرُونَ فَأَجَابَهُمْ وَ التَّجَأَ إِلَيْهِ الْخَائِفُونَ فَأَمَنَهُمْ وَ عَبْدَهُ

الطَّائِعُونَ فَشَكَرَهُمْ وَ شَكَرَهُ الْمُؤْمِنُونَ فَجَبَّاهُمْ وَ أَطَاعُوهُ فَعَصَمَهُمْ وَ سَأَلُوهُ فَأَعْطَاهُمْ وَ نَسُوا

نِعْمَتُهُ فَلَمْ يُخَلِّ شُكْرَهُ مِنْ قُلُوبِهِمْ وَآمَنَ عَلَيْهِمْ فَلَمْ يَجْعَلْ اسْمَهُ مَنَسِيًّا عِنْدَهُمْ؛ المصباح للكفعمي

ص: ١٤٢

٢٢-١-١-٤-١ العناية

﴿٣٥٢١﴾ الرّسول ﷺ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَرَّفْنَا قَدْرَ رَحْمَتِكَ وَنِعْمَتِكَ وَأَوْزَعْنَا

شُكْرَهَا بِعَنَائِكَ؛ الأمان ص: ١٤٢

٢٣-١-١-٤-العون

۱-۲۳-۱-۴-۱- اَعَانَنَا اللّٰهُ عَلٰی شُكْرِهِ

﴿٣٥٢٢﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): اَعَانَنَا اللَّهُ وَ إِيَّاكَ عَلَى شُكْرِهِ وَ ذِكْرِهِ؛ تحف العقول ص: ١٧٩

۲-۲۳-۱-۱-۴-۱- اَعَانَ اللّٰهُ عَلٰی شُكْرِهِ

﴿٣٥٢٣﴾ الرضا عليه السلام: يَا مَنْ أَعَانَ أَهْلَ مَحَبَّتِهِ عَلَى شُكْرِهِ؛ الْبُلْدَ الْأُمِينَ ص: ١٤٥

﴿٣٥٢٤﴾ نِعَمَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُشْكَرَ إِلَّا مَا أَعَانَ اللَّهُ عَلَيْهِ؛ غرر الحكم ص: ١٩٤

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۵۱۷﴾ خداوند، پروردگارا، تو را ستایش می‌کنم، چنان که ستایش را مایه‌ی خشنودی خود از کسانی قرار دادی که تو را ستایش می‌کنند و به واسطه‌ی آن از آنان خرسند گردیدی، تا بدین وسیله شکر نعمت را به جا آورند.

۱۹-۱-۱-۴-۱- شکر خداوند

۱۹-۱-۱-۴-۱- از شکر توسست که شکرگزاران شکر می‌کنند

﴿۳۵۱۸﴾ ای آن که از ابزار نگاه بشر بزرگ‌تر و از ظرافت‌های آنچه به فکر خطور کند لطیف‌تری، ای آقای من، تو ستایش نمی‌شوی مگر آنکه خودت توفیق دهی که در آن صورت بر آن ستایش، ستایش دیگری واجب می‌شود و بر کوچک‌ترین نعمت‌ها شکر نمی‌شوی مگر آنکه برای آن نیز مستوجب شکر می‌شوی. پس کجا نعمت‌های را بشمارم ای خدای من، و چگونه عطا‌هایت را پاداش دهم، ای مالک من، چگونه نیکی‌هایت را پاسخ متناسب دهم ای آقای من؟ در حالی که حمد ستایش‌کنندگان خود نعمتی از نعمت‌های توسست و شکر شکرکنندگان نیز از قدردانی توسست.

۲۰-۱-۱-۴-۱- نبردن شکر

﴿۳۵۱۹﴾ پروردگارا، یاد خود را از یادم مبر و شکر و سپاس خود را از من زایل مکن، بلکه آن را در حالات غفلت، هنگام فراموشی‌های نادانان نسبت به نعمت‌هایت، همیشه همراه من قرار ده، و به من الهام کن که آنچه را به من عطا کرده‌ای ستایش کنم، و به آنچه به من لطف کرده‌ای اقرار کنم.

۲۱-۱-۱-۴-۱- خالی نکردن قلب از شکر

﴿۳۵۲۰﴾ ای کسی که بیچارگان او را صدا زدند و او پاسخشان داد و بیمناکان به او پناه بردند و او امانشان داد و فرمان‌برداران او را پرستیدند و او از آن‌ها سپاسگزاری کرد و مؤمنان او را شکر کردند و او به آن‌ها بخشید، او را اطاعت کردند و او آن‌ها را محافظت نمود و از او درخواست کردند و او به آن‌ها عطا کرد و نعمت‌هایش را فراموش کردند و او دل‌های آن‌ها را از شکرش بی‌بهره نمود و بر آن‌ها منت گذاشت و نامش را نزد آن‌ها به فراموشی نسپرد.

۲۲-۱-۱-۴-۱- توجه و لطف

﴿۳۵۲۱﴾ بر محمد و خاندانش درود فرست و ارزش رحمت و نعمت خود را به ما بشناسان و به عنایت توفیق سپاسگزاری از آن را به ما الهام فرما.

۲۳-۱-۱-۴-۱- یاری

۲۳-۱-۱-۴-۱- خداوند ما را بر شکر خود یاری کرد

﴿۳۵۲۲﴾ خداوند، ما و تو را به شکر و ذکر خود یاری دهد.

۲-۲۳-۱-۱-۴-۱- خداوند بر شکر خود یاری کرد

﴿۳۵۲۳﴾ ای کسی که دوستاران خود را بر شکرگزاری‌اش کمک می‌کند.

﴿۳۵۲۴﴾ نعمت‌های خدای سبحان بیش از آن است که بتوان شکر آن را انجام داد مگر آنچه را که خدا ما را بر آن یاری دهد.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

٣-٢٣-١-١-٤-١-أَعِنِّي عَلَى شُكْرِكَ، أَعِنِّي حَتَّى أَبْلُغَ شَاكِرًا
 ﴿٣٥٢٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى ذِكْرِكَ وَ شُكْرِكَ؛ فلاح السائل ص: ٩١
 ﴿٣٥٢٦﴾ الكاظم عليه السلام: أَعِنِّي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي حَتَّى أَبْلُغَ شَاكِرًا ذَاكِرًا فِيهِ مَا رَبِّي؛ مصباح المتعبد
 ص: ٥٠٦

٤-٢٣-١-١-٤-١-أَعِنَّا عَلَى شُكْرِكَ
 ﴿٣٥٢٧﴾ الزهراء عليها السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعِنَّا عَلَى شُكْرِكَ وَ ذِكْرِكَ وَ طَاعَتِكَ وَ عِبَادَتِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٣٣٨
 ٥-٢٣-١-١-٤-١-الَّذِينَ أَعْتَنَتْهُمْ، إِنْ لَمْ تُعِنِّي عَلَى الشُّكْرِ
 ﴿٣٥٢٨﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بِمَحَامِدِكَ كُلِّهَا أَوَّلُهَا وَ آخِرُهَا مَا قُلْتُ لِنَفْسِكَ مِنْهَا وَ مَا قَالَ الْخَلَائِقُ الْحَامِدُونَ الْمُجْتَهِدُونَ الْمَعْدُودُونَ الْمُؤَقَّرُونَ ذِكْرَكَ وَ الشُّكْرَ لَكَ الَّذِينَ أَعْتَنَهُمْ عَلَى آدَاءِ حَقِّكَ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ أَصْنَافِ النَّاطِقِينَ وَ الْمُسَبِّحِينَ لَكَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ؛ الكافي ج: ٤ ص: ١٦٥
 ﴿٣٥٢٩﴾ الصادق عليه السلام: لَا شُكْرَ عِنْدِي إِنْ أَبْلَيْتَ وَ أَوَّلَيْتَ إِنْ لَمْ تُعِنِّي عَلَى شُكْرِ مَا أَوَّلَيْتَ؛ مصباح المتعبد ص: ٢٧٦

٦-٢٣-١-١-٤-١-بِعَوْنِ اللَّهِ، لَا تُطِيقُ شُكْرَهَا إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ
 ﴿٣٥٣٠﴾ سَيِّدِي أَنَا مَنْ قَدْ عَلِمْتَ وَ فِيَّ مَا عَرَفْتَ مِنْ ضَعْفِي عَنْ عِبَادَتِكَ إِلَّا بِتَوْفِيقِكَ وَ تَقْصِيرِي عَنْ شُكْرِكَ إِلَّا بِعَوْنِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٩ ص: ٢٤٠
 ﴿٣٥٣١﴾ السجاد عليه السلام: وَ أَمَّا حَقُّ أُمِّكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهَا حَمَلَتْكَ حَيْثُ لَا يَحْتَمِلُ أَحَدٌ أَحَدًا وَ أَعْطَتْكَ مِنْ ثَمَرَةِ قَلْبِهَا مَا لَا يُعْطَى أَحَدٌ أَحَدًا وَ وَفَّتَكَ بِجَمِيعِ جَوَارِحِهَا وَ لَمْ تُبَالِ أَنْ تَجُوعَ وَ تُطْعِمَكَ وَ تَعْطَشَ وَ تَسْقِيكَ وَ تَعْرِى وَ تَكْسُوكَ وَ تَضْحَى وَ تَظْلِكَ وَ تَهْجُرُ النَّوْمَ لِأَجْلِكَ وَ وَفَّتَكَ الْحَرَّ وَ الْبَرْدَ لِتَكُونَ لَهَا فَإِنَّكَ لَا تُطِيقُ شُكْرَهَا إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ وَ تَوْفِيقِهِ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٢ ص: ٦٢١

٧-٢٣-١-١-٤-١-الْمُسْتَعَانُ عَلَى آدَاءِ الشُّكْرِ
 ﴿٣٥٣٢﴾ الحسين عليه السلام: فَنَحْمَدُ اللَّهَ عَلَى نِعْمَائِهِ وَ هُوَ الْمُسْتَعَانُ عَلَى آدَاءِ الشُّكْرِ؛ الإرشاد ج: ٢ ص: ٦٦

٨-٢٣-١-١-٤-١-يُعِينَنَا عَلَى شُكْرِهِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۳-۲۳-۱-۱-۴-۱- بر شکرگزاریات یاری‌ام کن، یاری‌ام کن تا به شکرگزاری برسم

﴿۳۵۲۵﴾ خداوند، مرا بر یاد و شکرگزاریات یاری فرما.

﴿۳۵۲۶﴾ در مقابل آنکه به من ظلم می‌کند مرا یاری کن تا بتوانم نیازهایم را با یاد تو و همراه با سپاسگزاری از تو برطرف کنم.

۴-۲۳-۱-۱-۴-۱- بر شکرگزاریات یاری‌مان کن

﴿۳۵۲۷﴾ خداوند، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و ما را بر شکر، ذکر، اطاعت و عبادت خودت یاری کن.

۵-۲۳-۱-۱-۴-۱- آنان که تو خود یارشان بودی، اگر برای شکرگزاری یاری‌ام نکنی

﴿۳۵۲۸﴾ خدایا، تو را به همه‌ی ستایش‌ها می‌ستایم، از اولین ستایش تا آخرین ستایش با همه‌ی آن ستایش‌ها که خود در کتابت آورده‌ای و همه‌ی آن ستایش‌ها که آفریدگانت انجام داده‌اند، همان ستایشگران پرتلاش، آنان که یاد تو و شکر تو را بزرگ داشتند آنان که تو خود یارشان بودی تا حق تو را ادا نمودند؛ از فرشتگان مقرب تا پیامبران و فرستادگانت و گروه‌های مختلفی از همه‌ی جهانیان که گویانید و تسبیح کننده.

﴿۳۵۲۹﴾ اگر تو مرا بر شکرگزاری خویش یاری نکنی چه هنگامی که مرا مبتلا می‌سازی و یا آن زمان که نعمت می‌بخشی توان شکرگزاری ندارم.

۶-۲۳-۱-۱-۴-۱- به یاری خدا، جز به یاری خداوند قدرت و توان شکرش را نداری

﴿۳۵۳۰﴾ آقای من، من آنم که تو می‌دانی و برآنچه دارم آگاهی که اگر توفیق ندهی برادای بندگی تو ناتوانم و آگاهی که بدون کمک تو از انجام شکر دستم کوتاه است.

﴿۳۵۳۱﴾ حق مادرت، این است که بدانی، او تو را در شکم خود حمل کرد، به گونه‌ای که هیچ‌کس بار دیگری را نکشید. از ثمره‌ی قلب خود، به تو غذایی داد که هیچ‌کس به کسی ندهد. با تمام اعضای خود، در نگهداری تو کوشید، اگر تو سیر و سیراب شوی نگران نیست که گرسنه و تشنه بماند. بی‌لباس می‌ماند تا تو را بپوشاند؛ در آفتاب می‌ماند تا تو در سایه باشی، از خواب خود چشم می‌پوشد تا تو راحت بخوابی. از گرما و سرما تو را نگاه داشته، تا برای او باشی. پس نمی‌توانی او را شکرگزاری، مگر به توفیق و یاری و کمک خداوند.

۷-۲۳-۱-۱-۴-۱- یاری‌کننده بر ادای شکر

﴿۳۵۳۲﴾ پس در مقابل نعمت‌های حق تعالی سپاسگزاریم و خدا بر ادای شکر یاور ماست.

۸-۲۳-۱-۱-۴-۱- ما را بر شکر خود یاری می‌کند

﴿۱۰۱۵﴾

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٥٣﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): حَتَّى يُعِينَنَا وَ إِيَّاكَ عَلَى شُكْرِهِ وَ ذِكْرِهِ؛ الأُمَالِي للطوسي ص: ٢٩

٢٤-١-١-٤-الفضل

۱-۲۴-۱-۱-۴-۱- شکر و بفضلک

﴿٣٥٣٤﴾ فَذَكِّرُوا بِمَنِّكَ، وَشَكْرُوكَ بِفَضْلِكَ؛ الصحيفة السجادية الطَّيِّبَةُ ص: ١٩٢

٢٥-١-١-٤-١-الكَرَمُ

﴿٣٥٣٥﴾ الرسول ﷺ: أَوْزَعْنِي لِإِدَاءِ شُكْرِكَ بِكَرَمِكَ؛ المصباح للكفعمي ص: ٦١٢

٢٦-١-١-٤-١ المَحَبَّةُ مِنَ اللَّهِ

﴿٣٥٣٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي يَرَى وَ لَا يَرَى وَ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى أَنْ يَجْعَلَنَا وَ

يَاكَ مِمَّنْ يُحِبُّهُ اللَّهُ وَ يَرْضَاهُ حَتَّى يَبْعَثَنَا عَلَى شُكْرِهِ وَ ذِكْرِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٣٣ ص: ٥٤٩

٢٧-١-١-٤-المُعَاْفَةُ

﴿٣٥٣٧﴾ الرسول ﷺ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْمَعَاوَةَ فِي الشُّكْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٦ ص: ٣٤٢

٢٨-١-١-٤-١-الْمَنُ

١-٢٨-١-١-٤-١- مَنْ عَلَيْنَا أَنْ نَشْكُرَ، لِلَّهِ الْمَنْ فِي الشُّكْرِ

﴿٣٥٣٨﴾ المجتبیٰ ﷺ: الْحَمْدُ لِلَّهِ... فَإِنَّهُ مَنْ عَلَّمَنَا بِمَا هُوَ أَهْلُهُ أَنْ نَشْكُرَ فِيهِ الْآلَاءَ وَبَلَاءَهُ وَ

نَعْمَاءٌ؛ بحار الأنوار ج: ٣٢ ص: ٤٠٣

﴿٣٥٣٩﴾ الصادق (عليه السلام): يَا أَيُّوبُ أَذَلَّنِي بِحُجَّتِكَ فَقَدْ أَفْعَدْتُكَ مَقْعَدَ الْحَكَمِ وَهَا أَنَا ذَا قَرِيبٍ وَ

لَمْ أَزَلْ فَقَالَ يَا رَبِّ إِنَّكَ لَتَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَعْضُ لِي أَمْرَانِ قَطُّ كِلَاهُمَا لَكَ طَاعَةٌ إِلَّا أَخَذْتُ

بِأَشَدِّهِمَا عَلَى نَفْسِي أَلَمْ أَحْمَدَكَ أَلَمْ أَشْكُرْكَ أَلَمْ أُسَبِّحْكَ قَالَ فَنُودِيَ مِنَ الْغَمَامَةِ بِعَشْرَةِ

أَلْفَ لِسَانٍ يَا أَيُّوبُ مَنْ صَيَّرَكَ تَعْبُدُ اللَّهَ وَالنَّاسُ عَنْهُ غَافِلُونَ وَتَحْمَدُهُ وَتُسَبِّحُهُ وَتُكَبِّرُهُ وَ

النَّاسُ عَنْهُ غَافِلُونَ أَمْ تَمُنُّ عَلَى اللَّهِ بِمَا لِلَّهِ الْأَمْنُ فِيهِ عَلَيْكَ قَالَ فَاخْذِ أَيُّوبُ التُّرَابَ فَوَضِعَهُ فِي فِيهِ

ثُمَّ قَالَ لَكَ الْعُتْبِيُّ يَا رَبِّ أَنْتَ الَّذِي فَعَلْتَ ذَلِكَ بِي قَالَ فَانْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ مَلَكًا فَرَكَّضَ بَرَجْلَهُ

فَخَرَجَ الْمَاءُ فَغَسَلَهُ بِذَلِكَ الْمَاءِ فَعَادَ أَحْسَنَ مَا كَانَ؛ بحار الأنوار ج: ١٢ ص: ٣٤١

﴿٣٥٤﴾ الصَادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُنِي عَلَيْكَ بِأَحْسَنَ مَا أَقْدِرُ عَلَيْهِ وَ أَشْكُرُكَ بِمَا مَنَنْتَ بِهِ

عَلَيَّ وَ عَلَّمْتَنِي مِنْ شُكْرِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٤٢

٢٩-١-١-٤-النعم

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۵۳۳﴾ تا ما و شما را بر سپاسگزاری و یاد خود یاری کند.

۱-۲۴-۱-۴-۱-۱ لطف

۱-۲۴-۱-۴-۱-۱ به لطف و احسانت تو را سپاس می گزارند

﴿۳۵۳۴﴾ تو را به خاطر نعمت‌هایت یاد و به خاطر الطافت شکر کردند.

۱-۲۵-۱-۴-۱-۱ بزرگواری، بخشندگی

﴿۳۵۳۵﴾ پروردگارا، به لطف و کرم‌ت به من توفیق ادای شکر و سپاس به درگاهت را عنایت فرما.

۱-۲۶-۱-۴-۱-۱ محبت خدا

﴿۳۵۳۶﴾ از خدایی که می‌بیند و دیده نمی‌شود و در موقعیت عالی قرار دارد، درخواست می‌کنم که ما و تو را از جمله کسانی قرار دهد که دوستشان دارد و از آنان خرسند و راضی است، تا اینکه ما را بر شکرگزاری و یاد خویش برانگیزد.

۱-۲۷-۱-۴-۱-۱ دوری از گرفتاری

﴿۳۵۳۷﴾ پروردگارا، از تو می‌خواهم که شکرگزاری‌ام بدون نقص برگزار شود.

۱-۲۸-۱-۴-۱-۱ منت، نعمت

۱-۲۸-۱-۴-۱-۱ بر ما منت گزارد که شکر بگزاریم، نعمت شکرگزاری از جانب خداست

﴿۳۵۳۸﴾ ستایش مخصوص خداوندی است که... آن‌چنان که سزاوارش است بر ما منت گذارد که نعمت‌ها و آزمایش‌هایش را سپاس گزاریم.

﴿۳۵۳۹﴾ ای ایوب برای ادعای خود دلیل بیاور که من تو را به مسند قضاوت نشانده‌ام و خود نیز همچنان نزدیکم. ایوب گفت: پروردگار، تو می‌دانی که من هرگاه در برابر دو کار قرار گرفتم و هر دو در اجرای فرمان تو بود، آن را انتخاب کردم که برایم سخت‌تر بوده است. آیا حمد تو را نکردم؟ آیا شکر نکردم؟ آیا تسبیح ننمودم؟ از ابر صدایی با ده هزار زبان برآمد که: ای ایوب چه کسی تو را بر آن داشت تا در هنگامی که مردم از او غافل بودند خدا را بپرستی و او را بستایی و تسبیحش نمایی و بزرگش بداری؟ آیا در چیزی که خدا بر تو منت نهاده بر خدا منت می‌نهی؟ پس ایوب خاک برداشت و در دهانش گذاشت و گفت: ای پروردگار، از تو پوزش می‌خواهم. تویی که این لطف را درحکم کردی. پس خداوند فرشته‌ای را به‌سوی او فرستاد و او پایش را تکان داد و چشمه‌ای جوشید و آن فرشته او را با آن آب شست و بهتر از آنچه که قبلاً بود شد.

﴿۳۵۴۰﴾ خدایا، تو را ستایش می‌کنم به بهترین نحوی که بر آن توانایی دارم و تو را به خاطر نعمت‌هایی که به من دادی و اینکه شکرکردن از خودت را به من آموختی شکر می‌کنم.

۱-۲۹-۱-۴-۱-۱ نعمت‌ها

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٥٤١﴾ الرسول ﷺ: أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَى دَاوُدَ أَنْ اشْكُرْنِي يَا دَاوُدَ فَقَالَ ﷺ: أَنَّى لِي يَا رَبِّ بِشُكْرِكَ وَحَمْدِكَ وَشُكْرِي وَحَمْدِي إِيَّاكَ مِنْ نِعَمِكَ فَقَالَ يَا دَاوُدُ كَفَى لَكَ بِذَلِكَ شُكْرًا إِذَا اعْتَرَفْتَ بِأَنْ شُكْرَكَ لِي مِنْ نِعَمِي؛ عوَالِي اللَّالِي ج: ٤ ص: ٩٨

﴿٣٥٤٢﴾ الصَّادِق ﷺ: أَمَّا الصَّالِحُونَ فَإِنَّ الَّذِي يُصِيبُهُمْ مِنْ هَذَا يَرُدُّهُمْ [يَزِدُّهُمْ] نِعَمَ رَبِّهِمْ عِنْدَهُمْ فِي سَالِفِ أَيَّامِهِمْ فَيُخَذُّوهُمْ ذَلِكَ عَلَى الشُّكْرِ وَالصَّبْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٣ ص: ١٣٩
١-٤-١-٣٠-الهبة

﴿٣٥٤٣﴾ الباقر ﷺ: هَبْ لِي شُكْرًا تَرْضَى بِهِ عَنِّي وَحَمْدًا عَلَى مَا أَلْهَمْتَنِي؛ جمال الأسبوع
ص: ٣٩٦

١-٤-١-٣١-الهداية

﴿٣٥٤٤﴾ الباقر ﷺ: الْحَمْدُ لِلَّهِ مُتِمُّ النِّعَمِ بِرَحْمَتِهِ وَالْهَادِي إِلَى شُكْرِهِ بِمَنِّهِ؛ من لا يحضره الفقيه
ج: ٣ ص: ٣٩٨

﴿٣٥٤٥﴾ الرسول ﷺ: مَنْ ابْتُلِيَ فَصَبَرَ وَأُعْطِيَ فَشَكَرَ وَظَلَمَ فَغَفَرَ وَظَلَمَ فَاسْتَغْفَرَ قَالُوا مَا بَالُهُ قَالَ أَوْلَيْكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ؛ بحار الأنوار ج: ٦٤ ص: ٢٣٦

١-٤-١-٢-الصفات والأعمال الداعية إلى الشُّكْرِ وراجع: حقيقة الشُّكْرِ، علامة الشُّكْرِ والشَّاكِر
١-٤-١-٢-١-أداء، مَا فَرَضَ اللَّهُ

﴿٣٥٤٦﴾ الصَّادِق ﷺ: مَنْ آدَى مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَقَدْ قَضَى مَا عَلَيْهِ وَآدَى شُكْرًا مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي مَالِهِ إِذَا هُوَ حَمِيدُهُ عَلَى مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِيهِ مِمَّا فَضَّلَهُ بِهِ مِنَ السَّعَةِ عَلَى غَيْرِهِ وَلِمَا وَفَّقَهُ لِإِدَاءِ مَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ؛ الكافي ج: ٣ ص: ٤٩٨

١-٤-١-٢-٢-إِسْتِكْثَارُ قَلِيلِ الرِّزْقِ وَاسْتِقْلَالُ كَثِيرِ الطَّاعَةِ

﴿٣٥٤٧﴾ الباقر ﷺ: تَخَلَّصْ إِلَى عَظِيمِ الشُّكْرِ بِاسْتِكْثَارِ قَلِيلِ الرِّزْقِ وَاسْتِقْلَالِ كَثِيرِ الطَّاعَةِ وَاسْتَجْلِبْ زِيَادَةَ النِّعَمِ بِعَظِيمِ الشُّكْرِ وَتَوَسَّلْ إِلَى عَظِيمِ الشُّكْرِ بِخَوْفِ زَوَالِ النِّعَمِ؛ تحف العقول
ص: ٢٨٤

١-٤-١-٢-٣-الاقتدار

﴿٣٥٤٨﴾ الرسول ﷺ: فَاجْعَلْ لَنَا مِنَ الْاِقْتِدَارِ وَالْأَنْوَارِ وَطَهَارَةِ الْأَسْرَارِ مَا نَكُونُ مِنْ أَسْعَدِ السَّائِرِينَ وَأَحْمَدِ الشَّاكِرِينَ؛ الأمان ص: ١٥٠

١-٤-١-٢-٤-إِنْكَارُ الْجَفْوَةِ

﴿٣٥٤٩﴾ الصَّادِق ﷺ: مَنْ لَمْ يُنْكِرِ الْجَفْوَةَ لَمْ يَشْكُرِ النِّعْمَةَ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٤٢

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۵۴۱﴾ خداوند به حضرت داود علیه السلام وحی کرد: ای داود، مرا شکر کن. داود علیه السلام گفت: پروردگارا، من چگونه می‌توانم شکر و سپاس را به‌جا آورم در صورتی که همین شکر و سپاس از نعمت‌های تو هستند پس حق تعالی فرمود: ای داود، همین اعتراف به اینکه شکر تو هم از نعمت‌های من است برای شکرگزاری کفایت می‌کند.

﴿۳۵۴۲﴾ و اما صالحان هنگامی که گرفتار می‌شوند به یاد نیکی‌ها و نعمات گذشته‌ی خداوند و پروردگار خویش می‌افتند و این یادآوری آنان را به شکرگزاری و شکیبایی می‌کشاند.

۳۰-۱-۱-۴-۱- بخشش، هدیه

﴿۳۵۴۳﴾ شکری به من ببخش که از من با ادای آن راضی شوی و به خاطر آنچه به من الهام کردی، سپاسی به من هدیه کن.

۳۱-۱-۱-۴-۱- هدایت

﴿۳۵۴۴﴾ سپاس خدای را که از سر رحمت و مهر، نعمت خود را تمام کرده‌است، و از روی فضل و کرم به شکر نعمتش راهنماست.

﴿۳۵۴۵﴾ هر که بلا دید و صبر کرد، نعمت یافت و شکر کرد، مورد ستم‌واقع شد و گذشت کرد، ستم کرد و آمرزش خواست، گفتند با او چه معامله‌ای شود؟ فرمود: آنانند که آسوده‌اند و رهیافته.

۲-۱-۴-۱- صفات و اعمال دعوت‌کننده به شکر و ر.به: حقیقت شکر، علامت شکر و شکر‌گزار

۱-۲-۱-۴-۱- به‌جای آوردن آنچه خدا واجب کرده است

﴿۳۵۴۶﴾ هر کس که آنچه را خدا بر او واجب کرده است ادا کند، وظیفه‌ی خویش را به انجام رسانیده است، و هر که خدا را بر نعمتی که به او عطا کرده و فضیلتی که به او بیش از بر دیگران داده است و اینکه او را موفق داشته و کمک کرده است تا بتواند وظیفه‌ی خویش را ادا کند بستاند شکر نعمت مالی را که خداوند از به او ارزانی داشته به‌جا آورده است.

۲-۲-۱-۴-۱- زیادشمردن رزق اندک و کم‌شمردن طاعت بسیار

﴿۳۵۴۷﴾ شکر بزرگ را با بسیارشمردن روزی اندک، و کم‌شمردن طاعت فراوان به دست آور، و نعمت فراوان را با شکر بسیار کسب کن، و با هراس از زوال نعمت یا برای نجات از زوال نعمت به شکر بسیار پناه ببر.

۳-۲-۱-۴-۱- توانایی

﴿۳۵۴۸﴾ پس چنان توان و روشنی و باطن پاکی به ما مرحمت فرما که از زمره‌ی خوشبخت‌ترین سیرکنندگان و سپاسگزارترین ثناگویان باشیم.

۴-۲-۱-۴-۱- انکار ظلم و ستم و خشونت

﴿۳۵۴۹﴾ کسی که بدخویی را زشت نداند از نعمت سپاسگزاری نخواهد کرد.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

٥-٢-١-٤-١-الإيمانُ و راجع: ٤-١-١-٤-١-الشُّكْرُ وَالْإِيمَانُ

﴿٣٥٥٠﴾ الْمُؤْمِنُ... شُكْرُ صَبُورٍ؛ شرح نهج البلاغة ج: ١٩ ص: ٢٤٥

﴿٣٥٥١﴾ الْجَوَادُ عليه السلام: يَا مَنْ دَعَا الْمُضْطَرُّونَ فَأَجَابَهُمْ وَ التَّجَا إِلَيْهِ الْخَائِفُونَ فَأَمَنَهُمْ وَ عَبْدَهُ الطَّائِعُونَ فَشَكَرَهُمْ وَ شَكَرَهُ الْمُؤْمِنُونَ فَحَبَّاهُمْ وَ أَطَاعُوهُ فَعَصَمَهُمْ وَ سَأَلُوهُ فَأَعْطَاهُمْ وَ نَسُوا نِعْمَتَهُ فَلَمْ يُخَلِّ شُكْرَهُ مِنْ قُلُوبِهِمْ وَ آمَنَّا عَلَيْهِمْ فَلَمْ يَجْعَلِ اسْمَهُ مَنَسِيًّا عِنْدَهُمْ؛ المصباح للكفعمي ص: ١٤٢

٦-٢-١-٤-١-تَغْذِيَةُ الْقَلْبِ وَ الْجِسْمِ مِنَ الْحَلَالِ

﴿٣٥٥٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَأَنْظِرْ فِيمَا تُغْذِي قَلْبَكَ وَ جِسْمَكَ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ حَلَالًا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ تَعَالَى تَسْبِيحَكَ وَ لَا شُكْرَكَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ٢١٧

٧-٢-١-٤-١-الْحَزْمُ

﴿٣٥٥٣﴾ الْحَازِمُ مَنْ شَكَرَ النِّعْمَةَ مُقْبِلَةً وَ صَبَرَ عَلَيْهَا وَ سَلَاها مُؤَلِيَةً مُدْبِرَةً [مُدْبِرَةٌ مُؤَلِيَةٌ]؛ غرر الحكم ص: ٤٧٥

٨-٢-١-٤-١-الْحَمْدُ

١-٨-١-٤-١-حَمْدًا يَبْلُغُ حَقِيقَةَ الشُّكْرِ، حَمْدًا يَبْلُغُ أَوَّلَهُ شُكْرَكَ

﴿٣٥٥٤﴾ تَحْمَدُكَ نَفْسِي وَ لِسَانِي وَ عَقْلِي، حَمْدًا يَبْلُغُ الْوَفَاءَ وَ حَقِيقَةَ الشُّكْرِ، حَمْدًا يَكُونُ مَبْلَغَ رِضَاكَ عَنِّي؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٢٥٠

﴿٣٥٥٥﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَبْلُغُ أَوَّلَهُ شُكْرَكَ وَ عَاقِبَتُهُ رِضْوَانُكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ١٩١

﴿٣٥٥٦﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: مَنْ آدَى مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَقَدْ قَضَى مَا عَلَيْهِ وَ آدَى شُكْرَ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي مَالِهِ إِذَا هُوَ حَمْدُهُ عَلَى مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِيهِ مِمَّا فَضَّلَهُ بِهِ مِنَ السَّعَةِ عَلَى غَيْرِهِ وَ لِمَا وَفَّقَهُ لِإِدَاءِ مَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ وَ آعَانَهُ عَلَيْهِ؛ الكافي ج: ٣ ص: ٤٩٨

﴿٣٥٥٧﴾ السَّجَادُ عليه السلام: أَحْمَدُهُ جَاهِرًا بِحَمْدِهِ شَاكِرًا لِرِفْدِهِ حَمْدَ مُوَفَّقٍ لِرُشْدِهِ وَ اتَّقِ بَعْدْلَهُ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٥٣

﴿٣٥٥٨﴾ الْحَاجَةُ مَسْأَلَةٌ وَ الدُّعَاءُ زِيَادَةٌ وَ الْحَمْدُ شُكْرٌ وَ النَّدَمُ تَوْبَةٌ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٢٠ ص: ٢٤١

﴿٣٥٥٩﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاصِلِ الْحَمْدُ بِالنِّعَمِ وَ النَّعَمُ بِالشُّكْرِ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٧ ص: ٢٥٠

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۵-۲-۱-۴-۱- ایمان و ربه: شکر و ایمان

﴿۳۵۵۰﴾ مؤمن... شکرگزار و صبور است.

﴿۳۵۵۱﴾ ای کسی که بیچارگان او را صدا زدند و او پاسخشان داد و بیمناکان به او پناه بردند و او امانشان داد و فرمانبرداران او را پرستیدند و او از آن‌ها سپاسگزاری کرد و مؤمنان او را شکر کردند و او به آن‌ها بخشید، او را اطاعت کردند و او آن‌ها را محافظت نمود و از او درخواست کردند و او به آن‌ها عطا کرد و نعمت‌هایش را فراموش کردند و او دل‌های آن‌ها را از شکرش بی‌بهره نمود و بر آن‌ها منت گذاشت و نامش را نزد آن‌ها به فراموشی نسپرد.

۶-۲-۱-۴-۱- تغذیه قلب و بدن از حلال

﴿۳۵۵۲﴾ بنگر دل و تن را از چه تغذیه می‌کنی؛ اگر حلال نباشد خدا تسبیح و شکر تو را قبول نفرماید.

۷-۲-۱-۴-۱- دوراندیشی

﴿۳۵۵۳﴾ دور اندیش کسی است که نعمتی را که روکرده است شکر بگذارد و قبل از رسیدن آن شکمیا باشد و با نعمتی که پشت کرده و از دست رفته است صبور و خوشتن دار باشد.

۸-۲-۱-۴-۱- ستایش

۱-۸-۲-۱-۴-۱- حمد و سپاسی که به حقیقت شکر برسد، حمدی که آغازش به سپاسگزاری تو برسد

﴿۳۵۵۴﴾ جان من، زبان من و عقل من تو را می‌ستایند ستایشی که تمام و کامل باشد و به درجات عمیق و اصل شکر برسد سپاسی که به خشنودی تو منجر شود.
﴿۳۵۵۵﴾ تو را می‌ستایم، ستایشی که آغاز آن به شکر و سپاس تو بینجامد و پایان و آن به رضایت تو.

﴿۳۵۵۶﴾ هرکس که آنچه را خدا بر او واجب کرده است ادا کند، وظیفه‌ی خویش را به انجام رسانیده است، و هر که خدا را بر نعمتی که به او عطا کرده و فضیلتی که به او بیش از بر دیگران داده است و اینکه او را موفق داشته و کمک کرده است تا بتواند وظیفه‌ی خویش را ادا کند بستايد شکر نعمت مالی را که خداوند از به او ارزانی داشته به‌جا آورده است.

﴿۳۵۵۷﴾ او را آشکارا حمد و سپاس می‌گویم با سپاسی که همراه شکر باشد، تا به واسطه‌ی حمد و با اعتماد به عدل او، توفیق تعالی و رشد برایم حاصل شود.

﴿۳۵۵۸﴾ نیازمندی موجب درخواست است؛ دعا موجب زیادت، حمد و ستایش موجب قدردانی؛ و پشیمانی موجب توبه و بازگشت.

﴿۳۵۵۹﴾ حمد و سپاس سزای خداوندی است که حمد را به نعمت‌ها و نعمت‌ها را به شکر پیوند داده است

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۵۶۰﴾ خداوند، پروردگارا، تو را ستایش می‌کنم، چنان که ستایش را مایه‌ی خشنودی خود از کسانی قراردادی که تو را ستایش می‌کنند و به واسطه‌ی آن از آنان خرسند گردیدی، تا بدین وسیله شکر نعمت را به جا آورند.

۹-۲-۱-۴-۱- ترس از نابودی و از بین رفتن نعمت

﴿۳۵۶۱﴾ شکر بزرگ را با بسیار شمردن روزی اندک، و کم شمردن طاعت فراوان به دست آور، و نعمت فراوان را با شکر بسیار کسب کن، و با هراس از زوال نعمت یا برای نجات از زوال نعمت به شکر بسیار پناه ببر.

۱۰-۲-۱-۴-۱- دعای در خلوت

﴿۳۵۶۲﴾ اگر آن شخص این (سخنان) را بگوید، صبر و شکیبایی را به وی الهام می‌کنم و گردنبد شکر را به گردنش می‌آویزم.

۱۱-۲-۱-۴-۱- مداومت بر آیه‌الکرسی پس از هر نماز

﴿۳۵۶۳﴾ هر کس بر خواندن آیه‌الکرسی در عقب نمازهای واجب مداومت نماید، خدای تعالی به او قلب شکرگزاران را عطا می‌فرماید.

۱۲-۲-۱-۴-۱- یاد

﴿۳۵۶۴﴾ هر کس خدا را یاد کند، مانند این است که او را شکر کرده است؛ و هر کس که او را یاد نکند به یقین او را ناسپاسی کرده است.

﴿۳۵۶۵﴾ بنده‌ای را در روز قیامت می‌آورند و می‌گویند: این چیز به وسیله‌ی فلانی به تو داده شد می‌گوید: آری و همه‌ی شکر آن را نسبت به خدا انجام دادم. به او گفته می‌شود: اگر از کسی که به وسیله‌ی او نعمت به تو رسیده است تشکر نکنی از خدا نیز تشکر نکرده‌ای؛ سپس پیامبر خدا ﷺ فرمود: اگر به کسی از طریقی برادرش خیری برسد یا کسی به او نیکی کند باید که او را یاد کند، آنگاه که او را یاد کند خدا را شکر کرده و اگر آن را انکار کند کفران کرده است.

۱۳-۲-۱-۴-۱- بی‌رغبتی به دنیا

﴿۳۵۶۶﴾ ای مردم، معنای زهد کوتاه‌شدن آرزوها و سپاسگزاری در هنگام رسیدن به نعمت و پرهیز از محرمات می‌باشد، پس اگر (مقام زهد) برای شما شناخته شد، در هنگام مشاهده‌ی حرام صبر کنید، و در وقت رسیدن به نعمت شاکر باشید، خداوند با برهان‌های روشن راه بهانه‌جویی را بر شما بسته است.

﴿۳۵۶۷﴾ که زهد و پارسایی همان کوتاه‌کردن آرزوهای دنیایی و شکرکردن بر نعمت‌ها و بازایستادن از حرام‌ها است، پس اگر آن از دست شما برود، مراقب باشید که حرام بر صبر شما غلبه نکند، و در کنار نعمت‌ها شکر خود را فراموش نکنید، زیرا خدای سبحان راه بهانه آوردن را با دلایل آشکار، و کتاب‌های ظاهر و واضح بر شما بسته است.

۱۴-۲-۱-۴-۱- شکر مردم

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٥٦٨﴾ الرسول ﷺ: لَا يَشْكُرُ اللَّهَ مَنْ لَا يَشْكُرُ النَّاسَ؛ وسائل الشيعة ج: ١٦ ص: ٣١٣

١٥-٢-١-١-٤-١-شُكْرُ الْوَالِدَيْنِ

﴿٣٥٦٩﴾ الرضا ﷺ: إِنَّ اللَّهَ أَمَرَ بِثَلَاثَةِ مَقْرُونٍ بَهَا ثَلَاثَةُ أُخْرَى أَمَرَ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ فَمَنْ صَلَّى وَلَمْ يُزَكَّ لَمْ تُقَبَلْ مِنْهُ صَلَاتُهُ وَأَمَرَ بِالشُّكْرِ لَهُ وَلِلْوَالِدَيْنِ فَمَنْ لَمْ يَشْكُرْ وَالِدَيْهِ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ وَأَمَرَ بِاتِّقَاءِ اللَّهِ وَصَلَةِ الرَّحِمِ فَمَنْ لَمْ يَصِلْ رَحِمَهُ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ؛ وسائل الشيعة ج: ٩ ص: ٢٥

١٦-٢-١-١-٤-١-شُكْرُ مَنْ أَجْرَى النِّعْمَةَ عَلَى يَدِهِ، شُكْرُ الْمُنْعَمِ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ

﴿٣٥٧٠﴾ الصادق ﷺ: مِنْ حَقِّ الشُّكْرِ لِلَّهِ أَنْ تَشْكُرَ مَنْ أَجْرَى تِلْكَ النِّعْمَةَ عَلَى يَدِهِ؛

وسائل الشيعة ج: ١٦ ص: ٣١١

﴿٣٥٧١﴾ الرسول ﷺ: إِنَّهُ لَيُؤْتَى بِعَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيَقَالُ لَهُ أُوتِيتَ ذَلِكَ عَلَى يَدَيْهِ فَيَقُولُ بَلْ يَكُونُ جَعَلْتُ شُكْرَ ذَلِكَ كُلِّهِ لِلَّهِ فَيَقَالُ لَهُ لَمْ تَشْكُرِ اللَّهَ إِذْ لَمْ تَشْكُرْ مَنْ أَجْرَى اللَّهَ ذَلِكَ عَلَى يَدَيْهِ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَمَنْ أُوتِيَ خَيْرًا عَلَى يَدَيْ أَخِيهِ أَوْ صَنَعَ إِلَيْهِ صَانِعٌ مَعْرُوفًا فَلْيَذْكُرْهُ فَإِذَا ذَكَرَهُ فَقَدْ شَكَرَهُ وَإِذَا كَتَمَهُ فَقَدْ كَفَرَهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٥٧

﴿٣٥٧٢﴾ الرسول ﷺ: يُؤْتَى بِعَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيُوقَفُ بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَيَأْمُرُ بِهِ إِلَى النَّارِ فَيَقُولُ أَيْ رَبِّ أَمَرْتُ بِإِلَى النَّارِ وَقَدْ قَرَأْتُ الْقُرْآنَ فَيَقُولُ اللَّهُ أَيْ عَبْدِي إِنِّي أَنْعَمْتُ عَلَيْكَ فَلَمْ تَشْكُرْ نِعْمَتِي فَيَقُولُ أَيْ رَبِّ أَنْعَمْتَ عَلَيَّ بِكَذَا فَشَكَرْتُكَ بِكَذَا وَ أَنْعَمْتَ عَلَيَّ بِكَذَا وَ شَكَرْتُكَ بِكَذَا فَلَا يَزَالُ يُحْصِي النِّعَمَ وَيُعَدُّ الشُّكْرَ فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى صَدَقْتَ عَبْدِي إِلَّا أَنَّكَ لَمْ تَشْكُرْ مَنْ أَجْرَيْتُ لَكَ نِعْمَتِي عَلَى يَدَيْهِ وَإِنِّي قَدْ آتَيْتُ عَلَى نَفْسِي أَنْ لَا أَقْبَلَ شُكْرَ عَبْدٍ لِنِعْمَةٍ أَنْعَمْتُهَا عَلَيْهِ حَتَّى يَشْكُرَ سَائِقَهَا مِنْ خَلْقِي إِلَيْهِ؛ بحار الأنوار ج: ٧ ص: ٢٢٣

﴿٣٥٧٣﴾ الرضا ﷺ: مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعَمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ؛ وسائل الشيعة

ج: ١٦ ص: ٣١٣

١٧-٢-١-١-٤-١-الصَّلَاحُ

﴿٣٥٧٤﴾ الصادق ﷺ: أَمَّا الصَّالِحُونَ فَإِنَّ الَّذِي يُصِيبُهُمْ مِنْ هَذَا يَرُدُّهُمْ [يَزِدُّهُمْ] نِعَمَ رَبِّهِمْ عِنْدَهُمْ فِي سَائِلِ أَيَّامِهِمْ فَيُخَذُّوهُمْ ذَلِكَ عَلَى الشُّكْرِ وَالصَّبْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٣ ص: ١٣٩

١٨-٢-١-١-٤-١-الصَّلَاةُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۵۶۸﴾ کسی که از مردم قدرشناسی نمی‌کند، خدای را نیز سپاس نمی‌گوید.

۱۵-۲-۱-۴-۱- شکر پدر و مادر

﴿۳۵۶۹﴾ خداوند امر کرد که به سه چیز دیگر که پیوسته‌اند به نماز و زکات باهم امر کرد پس هرکس نماز بخواند و زکات ندهد نمازش پذیرفته نیست و به شکر بر خودش و بر پدر و مادر باهم امر کرد پس هرکس از پدر و مادر قدردانی نکند خداوند را شکر نکرده‌است و به ترسیدن از خدا و صله‌ی رحم با هم امر کرد پس اگر کسی صله‌ی رحم نکند، از خداوند متعال نترسیده و بیمناک نبوده است.

۱۶-۲-۱-۴-۱- شکر کسی که نعمت به واسطه‌ی او ما می‌رسد، تشکر از آفریدگان

﴿۳۵۷۰﴾ نشانه‌ی کمال شکرگزاری خداوند، سپاسگزاری کردن از کسی است که نعمت خداوند به‌وسیله‌ی او به بنده رسیده باشد.

﴿۳۵۷۱﴾ بنده‌ای را در روز قیامت می‌آورند و می‌گویند: این چیز به‌وسیله‌ی فلانی به تو داده شد می‌گوید: آری و همه‌ی شکر آن را نسبت به خدا انجام دادم. به او گفته می‌شود: اگر از کسی که به‌وسیله‌ی او نعمت به تو رسیده است تشکر نکنی از خدا نیز تشکر نکرده‌ای؛ سپس پیامبر خدا ﷺ فرمود: اگر به کسی از طریقی برادرش خیری برسد یا کسی به او نیکی کند باید که او را یاد کند، آنگاه که او را یاد کند خدا را شکر کرده و اگر آن را انکار کند کفران کرده است.

﴿۳۵۷۲﴾ روز قیامت بنده‌ای را می‌آورند و در پیشگاه عدل پروردگار قرار می‌دهند، خداوند امر می‌کند او را به طرف دوزخ ببرند. آن مرد می‌گوید خدایا، امر می‌کنی که مرا به دوزخ ببرند؟ من قرآن تلاوت می‌کردم، خداوند می‌فرماید: من به تو نعمت دادم ولی تو شکر آن را به‌جای نیاوردی، او می‌گوید: خدایا، تو نعمت عطا کردی و من هم شکر نمودم و او همچنین نعمت‌ها و شکر خود را برمی‌شمرد. خداوند هم در پاسخ اومی فرماید: تو راست می‌گویی ولی شکر آن کسی را که نعمت من توسط او به شما رسید ادا نکردی و من با خود عهد کرده‌ام، شکر کسانی را که از واسطه‌ی نعمت شکر نکنند نپذیرم.

﴿۳۵۷۳﴾ کسی که از احسان مردم تشکر نکند، شکر خدا را به‌جا نیاورده است.

۱۷-۲-۱-۴-۱- شایستگی

﴿۳۵۷۴﴾ و اما صالحان هنگامی که گرفتار می‌شوند به یاد نیکی‌ها و نعمات گذشته‌ی خداوند و پروردگار خویش می‌افتند و این یادآوری آنان را به شکرگزاری و شکیبایی می‌کشانند.

۱۸-۲-۱-۴-۱- نماز

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٥٧٥﴾ الْعِلَّةُ فِي الصَّلَاةِ الْاسْتِعْبَادُ وَالْإِقْرَارُ بِرُبُوبِيَّتِهِ وَخَلْعُ الْأَنْدَادِ مُكَرَّرًا ذَلِكَ عَلَيْهِمْ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ وَلَيْلًا يَنْسَوْنَ خَالِقَهُمْ وَرَازِقَهُمْ وَلَا يَغْفُلُوا عَنْ طَاعَتِهِ وَيَكُونُوا ذَاكِرِينَ حَامِدِينَ شَاكِرِينَ لِنِعْمِهِ وَتَفَضُّلِهِ عَلَيْهِمْ؛ بحار الأنوار ج: ٧٩ ص: ٢٧٥

١٩-٢-١-٤-١- طهارة الأسرار

﴿٣٥٧٦﴾ الرُّسُولُ ﷺ: فَاجْعَلْ لَنَا مِنَ الْإِقْتِدَارِ وَالْأَنْوَارِ وَطَهَارَةِ الْأَسْرَارِ مَا نَكُونُ مِنْ أَسْعَدِ السَّائِرِينَ وَآخِمْدِ الشَّاكِرِينَ؛ الأمان ص: ١٥٠

٢٠-٢-١-٤-١- العلم

١-٢-٢-٠-١- العلم بالله

﴿٣٥٧٧﴾ أَلْعِلْمُ بِاللَّهِ جَمَاعُ الشُّكْرِ وَالْجَهْلُ بِاللَّهِ جَمَاعُ الْكُفْرِ

ديوان الإمام علي (ع) ص: ١٧٩

٢-٢-٠-١-٤-١- العلم النافع

﴿٣٥٧٨﴾ الصَّادِقُ ﷺ: اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا زَادًا تُقَوِّينَا بِهِ فِي الْمَوْقِفِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَطَرِيفًا وَاضِحًا نَسْأَلُكَ بِهِ إِلَيْكَ وَعِلْمًا نَافِعًا نَشْكُرُ بِهِ نِعْمَاءَكَ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٧٣

٢١-٢-١-٤-١- العمل برضى الله

﴿٣٥٧٩﴾ امير المؤمنين ﷺ: فَمَنْ عَمِلَ بِرِضَايَ الزَّمَهُ ثَلَاثَ خِصَالٍ أَعْرَفَهُ شُكْرًا لَا يُخَالِطُهُ الْجَهْلُ وَذِكْرًا لَا يُخَالِطُهُ النِّسْيَانُ وَمَحَبَّةً لَا يُؤْثِرُ عَلَى مَحَبَّتِي مَحَبَّةَ الْمَخْلُوقِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٧٤ ص: ٢٨

﴿٣٥٨٠﴾ امير المؤمنين ﷺ: أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي يَرَى وَلَا يُرَى وَهُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى أَنْ يَجْعَلَنَا وَإِيَّاكَ مِمَّنْ يُحِبُّهُ اللَّهُ وَيَرْضَاهُ حَتَّى يَبْعَثَنَا عَلَى شُكْرِهِ وَذِكْرِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٣٣ ص: ٥٤٩

٢٢-٢-١-٤-١- العقل

﴿٣٥٨١﴾ الرُّسُولُ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْعَقْلَ مِنْ نُورٍ مَخْزُونٍ مَكْنُونٍ فِي سَابِقِ عِلْمِهِ... ثُمَّ حَشَاهُ وَقَوَاهُ بِعَشْرَةِ أَشْيَاءَ بِالْيَقِينِ وَالْإِيمَانِ وَالصَّدْقِ وَالسَّكِينَةِ وَالْإِخْلَاصِ وَالرَّفْقِ وَالْعَطِيَّةِ وَالْقُنُوعِ وَالتَّسْلِيمِ وَالشُّكْرِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ٢٠٣

﴿٣٥٨٢﴾ الصَّادِقُ ﷺ: يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ صَدُوقًا لِيُؤْمَنَ عَلَى حَدِيثِهِ وَشُكُورًا لِيَسْتَوْجِبَ الزِّيَادَةَ؛ تحف العقول ص: ٣٦٤

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۵۷۵﴾ علت نمازخواندن بندگی و اقرار به ربوبیت است و کنار گذاشتن آنچه که شریک خدا می‌پندارند، این کار در هر روز و شب پنج بار بر آنان واجب است و نیز برای اینکه خالق و رازقشان را فراموش نکنند و از طاعتش غفلت ننمایند و ذاکر و سپاسگزار نعمت‌ها و نیکی‌هایش بر آنان باشند.

۱۹-۲-۱-۴-۱- پاک‌ی باطن

﴿۳۵۷۶﴾ پس چنان توان و روشنی و باطن پاک‌ی به ما مرحمت فرما که از زمره‌ی خوشبخت‌ترین سیرکنندگان و سپاسگزارترین ثناگویان باشیم.

۲۰-۲-۱-۴-۱- علم

۱-۲۰-۲-۱-۴-۱- علم به خدا

﴿۳۵۷۷﴾ شناخت خدا جمع‌کننده‌ی شکر است و عدم شناخت جمع‌کننده‌ی کفر.

۲-۲۰-۲-۱-۴-۱- علم مفید

﴿۳۵۷۸﴾ خدایا، آن را برای ما توشه‌ای قرارده که به‌وسیله‌ی آن ما را برای ایستادن در برابرت توانمند کنی و آن را راهی واضح قرارده که به‌وسیله‌ی آن به‌سوی تو سیر کنیم و آن را علم نافی قرار ده که به‌وسیله‌ی آن شکر نعمت‌هایت را ادا کنیم.

۲۱-۲-۱-۴-۱- عمل برای رضای خدا

﴿۳۵۷۹﴾ آن کس که مطابق خشنودی من رفتار کند، سه خصلت را همراه او می‌کنم؛ شکر، به او می‌آموزم که آمیخته به نادانی نباشد و ذکر، به او می‌آموزم که توأم با فراموشی نباشد، و محبت را آن چنان در دل او قرار می‌دهم که دوستی احدی را بر آن ترجیح ندهد.

﴿۳۵۸۰﴾ از خدایی که می‌بیند و دیده نمی‌شود و در موقعیت عالی قرار دارد، درخواست می‌کنم که ما و تو را از جمله کسانی قرار دهد که دوستشان دارد و از آنان خرسند و راضی است، تا اینکه ما را بر شکرگزاری و یاد خویش برانگیزد.

۲۲-۲-۱-۴-۱- خرد

﴿۳۵۸۱﴾ همانا خدای تعالی عقل را از نوری که در خزانه‌ی غیب پنهان خویش خلق کرد که در سابقه‌ی علم و دانایی خویش بر آن آگاهی داشته است؛ سپس آن را به‌وسیله‌ی ده چیز پرکرد و قدرت داد؛ یقین و ایمان و راستی و آرامش و اخلاص و نرمی و مدارا و بخشش و رضایت و تسلیم و شکر.

﴿۳۵۸۲﴾ لازم است که عاقل راست‌گو باشد تا به گفتارش اعتماد حاصل شود و شکرگزار باشد تا موجب افزایش نعمتش بشود.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٥٨٣﴾ الرسول ﷺ: إِنْ مِنْ دِعَامَةِ النَّبِيِّتِ أَسَاسُهُ وَدِعَامَةُ الدِّينِ الْمَعْرِفَةُ بِاللَّهِ تَعَالَى وَالْيَقِينُ بِتَوْحِيدِهِ وَالْعَقْلُ الْقَامِعُ فَقَالُوا وَمَا الْقَامِعُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ الْكَفُّ عَنِ الْمَعَاصِي وَالْحِرْصُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَالشُّكْرُ عَلَى جَمِيلِ إِحْسَانِهِ وَإِنْعَامِهِ وَحُسْنِ بَلَائِهِ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ١٦٩

١-٢-٢٣-١-٤- الغضب في الجفوة

﴿٣٥٨٤﴾ الكاظم ﷺ: مَنْ لَمْ يَغْضَبْ فِي الْجَفْوَةِ لَمْ يَشْكُرْ فِي النِّعْمَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٧٠ ص: ٢٦٤

١-٢-٢٤-١-٤- فراغ الأبدان، المعافاة

﴿٣٥٨٥﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ سَلَامَةَ قُلُوبِنَا فِي ذِكْرِ عَظَمَتِكَ، وَفَرَاغَ أَبْدَانِنَا فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ، وَانْطِلَاقَ أَلْسِنَتِنَا فِي وَصْفِ مِثَّتِكَ؛ الصحيفة السجادية ﷺ ص: ٤٤

﴿٣٥٨٦﴾ الرسول ﷺ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْمُعَافَاةَ فِي الشُّكْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٦ ص: ٣٤٢

١-٢-٢٥-١-٤- قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ، قِرَاءَةُ آيَةِ الْكُرْسِيِّ عَقِيبَ كُلِّ صَلَاةٍ

﴿٣٥٨٧﴾ الرسول ﷺ: مَنْ شَغَلَهُ قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ عَنْ دُعَائِي وَمَسْأَلَتِي أَغْطَيْتُهُ أَفْضَلَ ثَوَابِ

الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٩ ص: ٢٠٠

﴿٣٥٨٨﴾ الرسول ﷺ: مَنْ دَاوَمَ عَلَى آيَةِ الْكُرْسِيِّ عَقِيبَ كُلِّ صَلَاةٍ أَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى قَلْبَ

الشَّاكِرِينَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ٦٧

١-٢-٢٦-١-٤- القناعة

﴿٣٥٨٩﴾ كُنْ وَرِعًا تَكُنْ أَغْبَدُ النَّاسَ وَكُنْ قُتُوعًا تَكُنْ أَشْكُرُ النَّاسَ؛ شرح نهج البلاغة ج: ١١

ص: ١٩٩

١-٢-٢٧-١-٤- الكرامة

﴿٣٥٩٠﴾ الْكَرِيمُ يَشْكُرُ الْقَلِيلَ وَاللَّيِّمُ يُكْفِرُ الْجَزِيلَ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٧

﴿٣٥٩١﴾ أمير المؤمنين ﷺ: مَنْ صَنَعَ بِمِثْلِ مَا صُنِعَ إِلَيْهِ فَإِنَّمَا كَافَأَهُ وَمَنْ أَضْعَفَهُ كَانَ شُكُورًا وَ

مَنْ شَكَرَ كَانَ كَرِيمًا وَمَنْ عَلِمَ أَنَّ مَا صَنَعَ إِنَّمَا صَنَعَ إِلَى نَفْسِهِ لَمْ يَسْتَبِطِ النَّاسَ فِي شُكْرِهِمْ وَلَمْ

يَسْتَزِدَّهُمْ فِي مَوَدَّتِهِمْ فَلَا تَلْتَمِسْ مِنْ غَيْرِكَ شُكْرَ مَا أَتَيْتَ إِلَى نَفْسِكَ وَوَقِيتَ بِهِ عَرْضَكَ وَ

أَعْلَمَ أَنَّ الطَّالِبَ إِلَيْكَ الْحَاجَةُ لَمْ يُكْرِمْ وَجْهَهُ عَنْ وَجْهِكَ فَأَكْرِمْ وَجْهَكَ عَنْ رَدِّهِ؛ الكافي ج: ٤

ص: ٢٨

١-٢-٢٨-١-٤- مُجَالَسَةُ الْفُقَرَاءِ

﴿٣٥٩٢﴾ جَالِسُ الْفُقَرَاءِ تَزْدَدُ شُكْرًا؛ غرر الحكم ص: ٤٣٠

١-٢-٢٩-١-٤- المحبة

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۵۸۳﴾ استواری خانه از پایه‌های آن است و ستون و پایه‌ی دین، خداشناسی و یقین به توحید و عقل قانع است، پرسیدند: عقل قانع چیست؟ فرمود: خویشی‌داری از گناهان و حرص به طاعت خدا و شکر بر احسان‌ها و تکالیف نیکوی اوست.

۲۳-۲-۱-۴-۱- خشم در مقابل ستم

﴿۳۵۸۴﴾ هرکس به هنگام جفای دیگران خشم نگیرد شکر نعمت را به جای نمی‌آورد.

۲۴-۲-۱-۴-۱- آسایش بدن‌ها، دوری از گرفتاری

﴿۳۵۸۵﴾ خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست، و سلامتی دل‌های ما را در یاد عظمت و بزرگی خود، و آسایش تن‌های ما را در سپاسگزاری نعمت خود، و شیرینی زبان‌های ما را در بیان و توصیف نعمت خود قرارده.

﴿۳۵۸۶﴾ پروردگارا، از تو می‌خواهم که شکرگزاری‌ام بدون نقص برگزار شود.

۲۵-۲-۱-۴-۱- خواندن قرآن، خواندن آیه‌الکرسی پس از هر نماز

﴿۳۵۸۷﴾ هرکس که قرائت قرآن او را از دعاکردن ارائه درخواست باز دارد، خدای تعالی به او بالاترین و با فضیلت‌ترین ثواب شکرگزاران را عطا می‌فرماید.

﴿۳۵۸۸﴾ هرکس بر خواندن آیه‌الکرسی در عقب نمازهای واجب مداومت نماید، خدای تعالی به او قلب شکرگزاران را عطا می‌فرماید.

۲۶-۲-۱-۴-۱- قناعت

﴿۳۵۸۹﴾ پرهیزگار باش تا عابدترین مردم باشی، و قانع باش تا سپاسگزارترین مردم باشی.

۲۷-۲-۱-۴-۱- بزرگواری

﴿۳۵۹۰﴾ کریم و بزرگوار اندک را شکر می‌کند و پست‌مرتبه حتی لطف بزرگ را کفران می‌کند. ﴿۳۵۹۱﴾ هرکس همان‌گونه که به او نیکی شده، نیکی کند همسان با نیکی‌کننده است؛ و هرکه کمتر پاسخ دهد، شکرگزار محسوب می‌شود و هرکه شکر کند، بزرگوار است و هرکه بداند که هر عمل نیکی که انجام می‌دهد به سود خودش است، از مردم توقع نخواهد داشت که از وی تشکر کنند و به خاطر کار نیکی که برایشان انجام داده از آن‌ها طلب محبت بیشتر نمی‌کند. پس از دیگران شکر آنچه را که برای خودت انجام داده‌ای و آبرویت را با آن حفظ کرده‌ای درخواست نکن و بدان که هرکه از تو درخواستی کند در صورت اجابت نکردن آبروی تو بیش از او در معرض سقوط است، پس با رد نکردن او آبروی خودت را حفظ کن.

۲۸-۲-۱-۴-۱- همنشینی با فقرا

﴿۳۵۹۲﴾ با تهیدستان همنشینی کن تا بر سپاسگزاری‌ات (از خداوند) افزوده شود.

۲۹-۲-۱-۴-۱- محبت

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٥٩٣﴾ يَا مَنْ أَعَانَ أَهْلَ مَحَبَّتِهِ عَلَى شُكْرِهِ؛ الْبَلَدُ الْأَمِينُ ص: ١٤٥

٣٠-٢-١-٤-١-المعرفة

﴿٣٥٩٤﴾ الْعَسْكَرِيُّ عليه السلام: لَا يَعْرِفُ النُّعْمَةَ إِلَّا الشَّاكِرُ وَلَا يَشْكُرُ النُّعْمَةَ إِلَّا الْعَارِفُ؛ بحار الأنوار

ج: ٧٥ ص: ٣٧٨

﴿٣٥٩٥﴾ الْحَسَنِ عليه السلام: يَا مَنْ هَدَانِي بِالْإِيمَانِ قَبْلَ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ الْمُثْنَيْنِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥

ص: ٢٢٠

﴿٣٥٩٦﴾ السَّجَادُ عليه السلام: إِذَا عَرَفْتَ مَا أَعْطَاكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِ هَذِهِ الْعِزَّةِ وَالْقُوَّةِ الَّتِي فَهَرَتْ بِهَا أَنْ

تَكُونَ لِلَّهِ شَاكِرًا؛ تحف العقول ص: ٢٤١

٣١-٢-١-٤-١-النظر

١-٣١-٢-١-٤-١-النظر إلى مَنْ هُوَ دُونَكَ

﴿٣٥٩٧﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: إِيَّاكُمْ أَنْ تَمْدُّوا أَطْرَافَكُمْ إِلَى مَا فِي أَيْدِي أَثْنَاءِ الدُّنْيَا فَمَنْ مَدَّ طَرْفَهُ إِلَى

ذَلِكَ طَالَ حَزْنُهُ وَلَمْ يُشَفَّ غَيْظُهُ وَاسْتَصْغَرَ نِعْمَةً اللَّهُ عِنْدَهُ فَيَقِلُّ شُكْرُهُ لِلَّهِ وَانْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ

دُونَكَ فَتَكُونَ لِلنَّعْمِ اللَّهُ شَاكِرًا وَلِلْمَزِيدِ مُسْتَوْجِبًا وَلِلْجُودِ سَاكِنًا؛ مستدرک الوسائل ج: ٨

ص: ٣٣٧

٢-٣١-٢-١-٤-١-نظر الغنى إلى الفقير

﴿٣٥٩٨﴾ الْبَاقِرُ عليه السلام: إِنَّمَا خَلَقْتُكَ وَخَلَقْتَهُمْ لِأَبْلُوكَ وَأَبْلُوهُمْ أَيْكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا فِي دَارِ الدُّنْيَا

فِي حَيَاتِكُمْ وَقَبْلَ مَمَاتِكُمْ... وَيَنْظُرُ الْغَنِيُّ إِلَى الْفَقِيرِ فَيَحْمَدُنِي وَيَشْكُرُنِي؛ الكافي ج: ٢ ص: ٨

٣-٣١-٢-١-٤-١-النظر إلى مَنْ فَضَّلَتْ عَلَيْهِ

﴿٣٥٩٩﴾ أَكْثَرَ أَنْ تَنْظُرَ إِلَى مَنْ فَضَّلْتَ عَلَيْهِ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ أَبْوَابِ الشُّكْرِ؛ شرح نهج البلاغة ج: ١٨

ص: ٤١

٤-٣١-٢-١-٤-١-النظر إلى البلاء قد صرفه عني

﴿٣٦٠٠﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: فَبِمَاذَا شَكَرْتَ نِعْمَاءَهُ قَالَ نَظَرْتُ إِلَى بَلَاءٍ قَدْ صَرَفَهُ عَنِّي وَأَبْلَى بِهِ

غَيْرِي فَعَلِمْتُ أَنَّهُ قَدْ أَنْعَمَ عَلَيَّ فَشَكَرْتُهُ؛ بحار الأنوار ج: ٣ ص: ٤٢

﴿٣٦٠١﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا عَرَفْتَ رَبَّكَ قَالَ بَفَسَخِ الْعَزْمَ وَنَقْضِ الْهَمَمَ

لَمَّا هَمَمْتُ فَحَالَ بَيْنِي وَبَيْنَ هَمِّي وَعَزَمْتُ فَخَالَفَ الْقَضَاءُ عَزْمِي عَلِمْتُ أَنَّ الْمُدَبِّرَ لِي غَيْرِي قَالَ

فَبِمَاذَا شَكَرْتَ نِعْمَاءَهُ قَالَ نَظَرْتُ إِلَى بَلَاءٍ قَدْ صَرَفَهُ عَنِّي وَأَبْلَى بِهِ غَيْرِي وَإِحْسَانِ شِمْلِي بِهِ

فَعَلِمْتُ أَنَّهُ قَدْ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۵۹۳﴾ ای کسی که دوستاران خود را بر شکرگزاری اش کمک می کند.

۳۰-۲-۱-۴-۱- شناخت

﴿۳۵۹۴﴾ نعمت را جز سپاسگزار نمی شناسد، و جز عارف و آن که نعمت را می شناسد سپاسگزاری نمی کند.

﴿۳۵۹۵﴾ ای کسی که مرا به ایمان هدایت فرمود، پیش از آنکه، حق شکر این لطف و منتش را بشناسم.

﴿۳۵۹۶﴾ هنگامی که فضل و احسان خدا را در عزت و قدرتی که به تو داده بشناسی، سزاوارست که به درگاهش شکرگزار باشی.

۳۱-۲-۱-۴-۱- نگاه

۱-۳۱-۲-۱-۴-۱- نگاه به زیردست

﴿۳۵۹۷﴾ از چشم داشت به آنچه دنیا داران دارند بپرهیزید، که هر که چنین کند اندوهش زیاد شود و خشمش فروکش نکند و نعمت خدا در برابرش ناچیز به شمار آید و شکرش برای خدا کم شود، (در امور دنیا) به زیردستان بنگر تا قدر نعمت خدا را بشناسی و (با شکرگزاری) موجب افزون شدن آن (نعمت) شوی، و دریافت کننده عطا یای الهی شوی.

۲-۳۱-۲-۱-۴-۱- توجه و نگاه توانگر به فقیر

﴿۳۵۹۸﴾ من تو را و فرزندان را خلق کردم تا آن ها را بیازمایم و معلوم گردد کدام یک از شما در زندگی بهتر کار می کنید... تا اینکه دارا به فقیر نگاه می کند و مرا سپاس می گزارد.

۳-۳۱-۲-۱-۴-۱- توجه و نگاه به کسی که تو بر او برتری و فضل داری

﴿۳۵۹۹﴾ به کسی که از او بیشتر نعمت دریافت کرده ای بسیار نگاه کن و ببیندیش که این عمل از دروازه های شکر است.

۴-۳۱-۲-۱-۴-۱- توجه و نگاه به بلایی که از من رو برگردانده

﴿۳۶۰۰﴾ برای کدام نعمت او را شکر کردی؟ فرمود: به گرفتاری و بلایی که از من دور شده و دیگران درگیر آن هستند توجه کردم؛ دانستم که او مرا مورد لطف قرار داده است. پس او را شکر کردم.

﴿۳۶۰۱﴾ یا علی، پروردگارت را به چه شناختی؟ فرمود به فسخ تصمیم ها و اراده ها و به درهم شکنی همت ها و فعالیت ها؛ هرگاه بر کاری تصمیم گرفتم و همت گماشتم بین من و هدفم، فاصله شد، آماده ی کاری شدم، قضای الهی با اراده ی من مخالفت کرد، آنجا فهمیدم آن که مدبر است غیر من است. ذعلب عرض کرد: پس نعمت های خدا را چگونه سپاسگزاری می کنی؟ فرمود: من به بلایی نگاه می کنم که از من دور کرده و دیگری را گرفتار آن کرده است و می بینم اوست که مرا مشمول احسان و بخشش خود کرده است پس می دانم که به من خوبی کرده و نعمتش را

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

أَحْسَنَ إِلَيَّ وَ أَنْعَمَ عَلَيَّ فَشَكَرْتُهُ قَالَ فَمَاذَا أَحْبَبْتَ لِقَاءِهِ قَالَ رَأَيْتُهُ قَدْ اخْتَارَ لِي دِينَ مَلَائِكَتِهِ وَ رُسُلِهِ فَعَلِمْتُ أَنَّهُ قَدْ أَكْرَمَنِي وَ اخْتَارَ لِي دَارَ كَرَامَتِهِ فَاشْتَقْتُ إِلَيَّ لِقَائِهِ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ١٦٨

١-٢-٣٢-١-٤- النِّبْيَةُ

﴿٣٦٠٢﴾ الشُّكْرُ تَرْجُمَانُ النَّبِيِّ وَ لِسَانُ الطَّوْبَةِ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٧

١-٢-٣٣-١-٤- الْهِدَايَةُ

﴿٣٦٠٣﴾ الرَّسُولُ ﷺ: مَنْ ابْتُلِيَ فَصَبَرَ وَ أُعْطِيَ فَشَكَرَ وَ ظَلَمَ فَغَفَرَ وَ ظَلَمَ فَاسْتَغْفَرَ قَالُوا مَا بَالُهُ قَالَ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ؛ بحار الأنوار ج: ٦٤ ص: ٢٣٦

١-٢-٣٤-١-٤- الْوُثُوقُ يُعَدِّلُ اللَّهَ

﴿٣٦٠٤﴾ السَّجَادُ ﷺ: أَحْمَدُهُ جَاهِرًا بِحَمْدِهِ شَاكِرًا لِرِفْدِهِ حَمْدَ مُوقِّ لِرُشْدِهِ وَ اتَّقِ بَعْدْلَهُ؛

بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٥٣

١-٢-٣٥-١-٤- الْيَقِينُ

﴿٣٦٠٥﴾ سِلَاحُ الْمُوقِنِ الصَّبْرُ عَلَى الْبَلَاءِ وَ الشُّكْرُ فِي الرَّخَاءِ؛ غرر الحكم ص: ٢٨٢

﴿٣٦٠٦﴾ فَأَنَا لِفَضْلِكَ عَلَى حَامِدٍ وَ بِجَهْدِ يَقِينِي لَكَ شَاكِرٌ؛ البلد الأمين ص: ٣٤٧

١-٢-٤-١-٤- مَوَانِعُ الْوُصُولِ إِلَى الشُّكْرِ

١-٢-٤-١-٤- عَقِبَاتُ خَارِجِيَّةٍ

١-٢-٤-١-٤- الْإِسْتِذْرَاجُ

﴿٣٦٠٧﴾ الْحَسِينُ ﷺ: الْإِسْتِذْرَاجُ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ لِعَبْدِهِ أَنْ يُسْبَغَ عَلَيْهِ النِّعَمَ وَ يَسْلُبَهُ الشُّكْرَ؛

بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ١١٧

١-٢-٤-١-٤- إِقَاءُ الشَّيْطَانِ

﴿٣٦٠٨﴾ اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقَى الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنَ التَّمَنَّى وَ التَّظَنِّي وَ الْحَسَدِ ذِكْرًا لِعِظَمَتِكَ، وَ تَفَكُّرًا فِي قُدْرَتِكَ، وَ تَدْبِيرًا عَلَى عَدُوِّكَ، وَ مَا أَجْرَى عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظَةٍ فُحْشٍ أَوْ هُجْرٍ أَوْ شَتْمٍ عَرَضٍ أَوْ شَهَادَةٍ بَاطِلٍ أَوْ اغْتِيَابٍ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ أَوْ سَبٍّ حَاضِرٍ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ نَظْفًا بِالْحَمْدِ لَكَ، وَ إِغْرَاقًا فِي الثَّنَاءِ عَلَيْكَ، وَ ذَهَابًا فِي تَمْجِيدِكَ، وَ شُكْرًا لِنِعْمَتِكَ؛ الصحيفة السجادية

الصلوة ص: ٩٢

١-٢-٤-١-٣- تَتَابُعُ الطَّوْلِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

ارزانی داشته پس از او سپاسگزاری می‌کنم. ذعلب عرض کرد: دیدار او را دوست داری؟ فرمود: هرگاه می‌بینم که او دین فرشتگان و پیامبران را برای من انتخاب کرده، می‌فهمم که مرا گرامی داشته و چون برای من بهشت را اختیار کرده اشتیاق دیدارش را پیدا می‌کنم.

۳۲-۱-۲-۱-۴-۱ نیت

﴿۳۶۰۲﴾ شکر بازگوکننده‌ی نیت زبان درون است.

۳۳-۱-۲-۱-۴-۱ هدایت

﴿۳۶۰۳﴾ هر که بلا دید و صبر کرد، نعمت یافت و شکر کرد، مورد ستم‌واقع شد و گذشت کرد، ستم کرد و آمرزش خواست، گفتند با او چه معامله‌ای شود؟ فرمود: آنانند که آسوده‌اند و ره‌یافته.

۳۴-۱-۲-۱-۴-۱ اعتماد به عدل خداوند

﴿۳۶۰۴﴾ او را آشکارا حمد و سپاس می‌گویم با سپاسی که همراه شکر باشد، تا به واسطه‌ی حمد و با اعتماد به عدل او، توفیق تعالی و رشد برایم حاصل شود.

۳۵-۱-۲-۱-۴-۱ یقین

﴿۳۶۰۵﴾ سلاح صاحب یقین صبر بر بلاست و شکر در وسعت و فراخی.

﴿۳۶۰۶﴾ من فضل تو را بر خود سپاسگزارم و در نهایت یقینم شکرگزار تو هستم.

۲-۱-۴-۱ موانع رسیدن به شکرگزاری

۱-۲-۱-۴-۱ موانع بیرون از خود

۱-۱-۲-۱-۴-۱ به تدریج از رحمت خدا دور شدن

﴿۳۶۰۷﴾ استدراج و سقوط پله‌پله آن است که خداوند سبحان بر بنده‌ای پی‌درپی نعمت بفرستد و او شکر نکند.

۲-۱-۲-۱-۴-۱ به دل‌انداختن شیطان

﴿۳۶۰۸﴾ خدایا، هر آرزو و گمان و حسد که شیطان در دل من افکند تو آن را به ذکر عظمت و تفکر در قدرت و تدبیر بر ضد دشمنیت بدل نمای و هر ناسزا و سخن زشت و ریختن آبرو، یا شهادت باطل، یا غیبت مؤمن غایب یا ناسزا به حاضران و از این‌گونه که شیطان بر زبان من می‌افکند تو آن را به حمد و سپاس خود و اغراق در ثنا و بیان مجد و عظمت و شکر نعمت خود بدل فرما.

۳-۱-۲-۱-۴-۱ پی‌درپی بودن بخشنده‌گی

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٦٠٩﴾ السَّجَادُ الْقَلْبِيُّ: إِلَهِي أَذْهَلَنِي عَنْ إِقَامَةِ شُكْرِكَ تَتَابَعُ طَوْلُكَ وَأَعْجَزَنِي عَنْ إِحْصَاءِ ثَنَائِكَ فَيُضْ فَضْلُكَ وَشَغَلَنِي عَنْ ذِكْرِ مَحَامِدِكَ تَرَادَفُ عَوَائِدِكَ وَأَغْيَانِي عَنْ نَشْرِ عَوَارِفِكَ تَوَالِي آيَادِيكَ وَهَذَا مَقَامٌ مَنِ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النِّعْمَاءِ وَقَابَلَهَا بِالتَّقْصِيرِ وَشَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْإِهْمَالِ وَالتَّضْيِيعِ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٤٦

١-٢-٢-٤-١- المال راجع: حُبُّ الدُّنْيَا

١-٢-٢-٢-١- عَقِبَاتُ دَاخِلِيَّةٍ

١-٢-٢-٢-١- الأَشْرُ

﴿٣٦١٠﴾ السَّجَادُ الْقَلْبِيُّ: فَيَحُولُ ذَلِكَ (حَالُ الْغَفْلَةِ) بَيْنِي وَبَيْنَ التَّضَرُّعِ إِلَيْكَ فِي دَوَامِ ذَلِكَ لِي مَعَ مَا أَمَرْتَنِي بِهِ مِنْ شُكْرِكَ وَعَدَّتَنِي عَلَيْهِ مِنَ الْمَزِيدِ مِنْ لَدَيْكَ فَسَهْوْتُ وَلَهَوْتُ وَغَفَلْتُ وَأَمِنْتُ وَأَشْرْتُ وَبَطَرْتُ وَتَهَاوَنْتُ حَتَّى جَاءَ التَّغْيِيرُ مَكَانَ الْعَافِيَةِ بِحُلُولِ الْبَلَاءِ وَنَزَلَ الضَّرُّ بِمَنْزِلَةِ الصَّحَّةِ وَبِأَنْوَاعِ السُّقْمِ وَالْأَذَى وَأَقْبَلَ الْفَقْرُ يَارَاءِ الْغِنَى؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٣٦

١-٢-٢-٢-٢- الإِهْمَالُ

﴿٣٦١١﴾ السَّجَادُ الْقَلْبِيُّ: إِلَهِي أَذْهَلَنِي عَنْ إِقَامَةِ شُكْرِكَ تَتَابَعُ طَوْلُكَ وَأَعْجَزَنِي عَنْ إِحْصَاءِ ثَنَائِكَ فَيُضْ فَضْلُكَ وَشَغَلَنِي عَنْ ذِكْرِ مَحَامِدِكَ تَرَادَفُ عَوَائِدِكَ وَأَغْيَانِي عَنْ نَشْرِ عَوَارِفِكَ تَوَالِي آيَادِيكَ وَهَذَا مَقَامٌ مَنِ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النِّعْمَاءِ وَقَابَلَهَا بِالتَّقْصِيرِ وَشَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ بِالْإِهْمَالِ وَالتَّضْيِيعِ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٤٦

١-٢-٢-٢-٣- البَطَرُ

﴿٣٦١٢﴾ الصَّادِقُ الْقَلْبِيُّ: رَبِّ مَا أَحْسَنَ بَلَاءَكَ عِنْدِي وَأَظْهَرَ نِعْمَاءَكَ عَلَيَّ كَثُرَتْ مِنْكَ عَلَيَّ النِّعَمُ فَمَا أَحْصَاهَا وَقَلَّ مِنِّي الشُّكْرُ فِيمَا أَوْلَيْتَنِيهِ فَبَطَرْتُ بِالنِّعَمِ؛ مصباح المتعجب ص: ٢٧٣

﴿٣٦١٣﴾ قَلَّ مِنِّي الشُّكْرُ فِيمَا أَوْلَيْتَ فَبَطَرْتُ بِالنِّعَمِ؛ جمال الأسبوع ص: ٢١٤

﴿٣٦١٤﴾ السَّجَادُ الْقَلْبِيُّ: فَيَحُولُ ذَلِكَ (حَالُ الْغَفْلَةِ) بَيْنِي وَبَيْنَ التَّضَرُّعِ إِلَيْكَ فِي دَوَامِ ذَلِكَ لِي مَعَ مَا أَمَرْتَنِي بِهِ مِنْ شُكْرِكَ وَعَدَّتَنِي عَلَيْهِ مِنَ الْمَزِيدِ مِنْ لَدَيْكَ فَسَهْوْتُ وَلَهَوْتُ وَغَفَلْتُ وَأَمِنْتُ وَأَشْرْتُ وَبَطَرْتُ وَتَهَاوَنْتُ حَتَّى جَاءَ التَّغْيِيرُ مَكَانَ الْعَافِيَةِ بِحُلُولِ الْبَلَاءِ وَنَزَلَ الضَّرُّ بِمَنْزِلَةِ الصَّحَّةِ وَبِأَنْوَاعِ السُّقْمِ وَالْأَذَى وَأَقْبَلَ الْفَقْرُ يَارَاءِ الْغِنَى؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٣٦

١-٢-٢-٢-٤- التَّطَرُّبُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۶۰۹﴾ خدایا، پیاپی بودن بخشش‌هایت مرا در ادای شکرست سرگردان نموده و فراوانی فضلت از شمارش ستودنی‌هایت عاجزم کرده است و پی‌درپی بودن احسانت مرا از یاد حمدت بازداشته و پیوستگی الطافت از بازگویی نیکویی‌هایت درمانده‌ام کرده‌است و این مقام کسی است که اعتراف می‌کند که تو نعمت‌های او را کامل کرده‌ای و او با سستی و اهمال با آن‌ها مقابله کرده است و خود به بی‌توجهی و سستی خودش گواه است.

۱-۴-۲-۱-۴ مال ر.به: دوستی دنیا

۱-۴-۲-۲-۱ موانع داخلی

۱-۴-۲-۲-۱ سرمستی

﴿۳۶۱۰﴾ تداوم حال غفلت و بی‌توجهی مانع زاری می‌شود، با اینکه تو مرا به شکرست امر کردی و از جانب خودت به من وعده‌ی افزایش نعمت دادی، ولی من بی‌توجهی و بازیگوشی و غفلت و سرمستی و سستی کردم تا اینکه با ورود گرفتاری‌ها نعمت از دستم گرفته شد، بیماری و درد جای سلامتی و نداری جای بی‌نیازی را گرفت.

۱-۴-۲-۲-۲ سستی

﴿۳۶۱۱﴾ خدایا، پیاپی بودن بخشش‌هایت مرا در ادای شکرست سرگردان نموده و فراوانی فضلت از شمارش ستودنی‌هایت عاجزم کرده است و پی‌درپی بودن احسانت مرا از یاد حمدت بازداشته و پیوستگی الطافت از بازگویی نیکویی‌هایت درمانده‌ام کرده‌است و این مقام کسی است که اعتراف می‌کند که تو نعمت‌های او را کامل کرده‌ای و او با سستی و اهمال با آن‌ها مقابله کرده است و خود به بی‌توجهی و سستی خودش گواه است.

۱-۴-۲-۲-۳ سرمستی

﴿۳۶۱۲﴾ پروردگارا، چقدر تکالیف نزد من نیکوست و چقدر نعمت‌هایت بر من زیاد و بی‌شمار است؛ و شکر من در برابر آنچه به من عطا کرده‌ای کم است و من فقط با نعمت‌ها سرمستی کرده‌ام.

﴿۳۶۱۳﴾ در آنچه به من نعمت دادی شکر اندکی کردم و فقط به داشتن نعمت‌ها سرمستی کردم.

﴿۳۶۱۴﴾ تداوم حال غفلت و بی‌توجهی مانع زاری می‌شود، با اینکه تو مرا به شکرست امر کردی و از جانب خودت به من وعده‌ی افزایش نعمت دادی، ولی من بی‌توجهی و بازیگوشی و غفلت و سرمستی و سستی کردم تا اینکه با ورود گرفتاری‌ها نعمت از دستم گرفته شد، بیماری و درد جای سلامتی و نداری جای بی‌نیازی را گرفت.

۱-۴-۲-۲-۴ شادمانی

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٦١٥﴾ اِسْتَعْلُ بِشُكْرِ النِّعْمَةِ عَنِ التَّطَرُّبِ بِهَا؛ غررالحكم ص: ٢٧٧

١-٤-٢-٢-٥- التَّقْصِيرُ

﴿٣٦١٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَوْعِظَتُهُ عليه السلام وَ وَصْفُهُ الْمُقَصِّرِينَ لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُو الْآخِرَةَ بغيرِ عَمَلٍ وَ يَرْجُو التَّوْبَةَ بِطُولِ الْأَمَلِ يَقُولُ فِي الدُّنْيَا قَوْلَ الزَّاهِدِينَ وَ يَعْمَلُ فِيهَا عَمَلَ الرَّاغِبِينَ إِنْ أُعْطِيَ مِنْهَا لَمْ يَشْبَعْ وَ إِنْ مُنِعَ لَمْ يَقْنَعْ يَعْجُزُ عَنْ شُكْرِ مَا أُوتِيَ وَ يَتَّبِعِي الزِّيَادَةَ فِيمَا بَقِيَ... وَ لَا يَشْكُرُ... وَ لَا يَحْمَدُ رَبَّهُ عَلَى نِعَمِهِ وَ لَا يَشْكُرُهُ عَلَى مَزِيدٍ؛ بحار الأنوار ج: ٧٤ ص: ٤١٢

١-٤-٢-٢-٦- التَّكْذِيبُ

﴿٣٦١٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَنْ عَلِيًّا عليه السلام قَرَأَ بِهِمُ الْوَاقِعَةَ وَ تَجْعَلُونَ شُكْرَكُمْ أَنْكُمْ تُكْذِبُونَ فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ إِنِّي قَدْ عَرَفْتُ أَنَّهُ سَيَقُولُ قَائِلٌ لَمْ قَرَأَ هَكَذَا إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَقْرَأُهَا هَكَذَا وَ كَانُوا إِذَا مَطَرُوا قَالَ مَطَرْنَا بَنُو كَذَا وَ كَذَا فَانْزَلَ اللَّهُ وَ تَجْعَلُونَ شُكْرَكُمْ أَنْكُمْ تُكْذِبُونَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٦ ص: ١٩٥

١-٤-٢-٢-٧- التَّغْنَى وَ التَّنْظِي

﴿٣٦١٨﴾ اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقَى الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنَ التَّمَنَّى وَ التَّنْظِي وَ الْحَسَدِ ذِكْرًا لِعَظَمَتِكَ، وَ تَفَكُّرًا فِي قُدْرَتِكَ، وَ تَذْيِيرًا عَلَى عَدُوِّكَ، وَ مَا أَجْرَى عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظَةٍ فَحُشٍّ أَوْ هُجْرٍ أَوْ شَتْمٍ عَرَضٍ أَوْ شَهَادَةٍ بَاطِلٍ أَوْ اغْتِيَابٍ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ أَوْ سَبٍّ حَاضِرٍ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ نَظْفًا بِالْحَمْدِ لَكَ، وَ إِغْرَاقًا فِي الثَّنَاءِ عَلَيْكَ، وَ ذَهَابًا فِي تَمْجِيدِكَ، وَ شُكْرًا لِنِعْمَتِكَ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٩٢

١-٤-٢-٢-٨- التَّهَافُوتُ

﴿٣٦١٩﴾ السَّجَادُ عليه السلام: فَيَحُولُ ذَلِكَ (حَالِ الْغَفْلَةِ) بَيْنِي وَ بَيْنَ النَّضْرُ إِلَىكَ فِي دَوَامِ ذَلِكَ لِي مَعَ مَا أَمَرْتَنِي بِهِ مِنْ شُكْرِكَ وَ وَعَدْتَنِي عَلَيْهِ مِنَ الْمَزِيدِ مِنْ لَدَيْكَ فَسَهَوْتُ وَ لَهَوْتُ وَ غَفَلْتُ وَ أَمِنْتُ وَ أَشَرْتُ وَ بَطَرْتُ وَ تَهَاوَنْتُ حَتَّى جَاءَ التَّغْيِيرُ مَكَانَ الْعَافِيَةِ بِحُلُولِ الْبَلَاءِ وَ نَزَلَ الضَّرُّ بِمَنْزِلَةِ الصَّحَّةِ وَ بِأَنْوَاعِ السُّقْمِ وَ الْأَذَى وَ أَقْبَلَ الْفَقْرُ بِإِزَاءِ الْغِنَى؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٣٦

١-٤-٢-٢-٩- الْجَهْلُ

﴿٣٦٢٠﴾ أَمَّا الْجَاهِلُ فَلَا يَعْرِفُ الْمَعْرُوفَ وَ لَا يَشْكُرُ عَلَيْهِ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٢٠ ص: ٣٠١

﴿٣٦٢١﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: وَ اجْعَلْ مِنْ لِسَانِ حَالِنَا مِنْ يَحْمَدُكَ إِنْ غَفَلْنَا وَ يَشْكُرُكَ إِنْ جَهِلْنَا وَ يُثْنِي عَلَيْكَ إِنْ أَهْمَلْنَا؛ الأمان ص: ١٤٦

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۶۱۵﴾ به جای شادمانی از دریافت نعمت، به شکر آن مشغول شو.

۵-۲-۲-۴-۱- کوتاهی

﴿۳۶۱۶﴾ موعظه‌ی آن حضرت در وصف اهل تقصیر و کوتاهی: "از کسانی مباش که بدون عمل امیدوار به آخرتند، با وجود آرزوی دراز در دنیا به توبه امید بستند، سخن از ترک دنیا گویند، ولی کردارشان کردار دنیا دوستان است که اگر همه‌ی دنیا به او داده شود سیر نمی‌شود. اگر به او داده نشود قناعت نمی‌کند، از سپاسگزاری آنچه که داده شد ناتوان ولی به دنبال احسان بیشتر است... سپاسگزار نیست... پروردگارش را بر نعمتش ستایش نمی‌کند و بر زیادی نعمت پروردگار نیز شکر نمی‌کند.

۶-۲-۲-۴-۱- انکار

﴿۳۶۱۷﴾ علی علیه السلام آیه‌ی سوره‌ی واقعه را برای آن‌ها این‌چنین قرائت کرد: "وَتَجْعَلُونَ شُكْرَكُمْ أَنْكُمُ تُكْذِبُونَ" وقتی به پایان رسانید فرمود: می‌دانستم که یکی خواهد گفت چرا این‌طور خواندی؛ من از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم همین‌طور می‌خواند. وقتی باران می‌بارید مشرکان می‌گفتند: فلان ستاره و فلان چیز باران را فرستاد، و به‌جای سپاس و شکر تکذیب می‌کنید.

۷-۲-۲-۴-۱- با آرزو و توهّم زندگی کردن

﴿۳۶۱۸﴾ خدایا، هر آرزو و گمان و حسد که شیطان در دل من افکند تو آن را به ذکر عظمت و تفکر در قدرت و تدبیر بر ضد دشمنیت بدل نمای و هر ناسزا و سخن زشت و ریختن آبرو، یا شهادت باطل، یا غیبت مؤمن غایب یا ناسزا به حاضران و از این‌گونه که شیطان بر زبان من می‌افکند تو آن را به حمد و سپاس خود و اغراق در ثنا و بیان مجد و عظمت و شکر نعمت خود بدل فرما.

۸-۲-۲-۴-۱- تحقیر و سبک شمردن

﴿۳۶۱۹﴾ تداوم حال غفلت و بی‌توجهی مانع زاری می‌شود، با اینکه تو مرا به شکر امر کردی و از جانب خودت به من وعده‌ی افزایش نعمت دادی، ولی من بی‌توجهی و بازیگوشی و غفلت و سرمستی و سستی کردم تا اینکه با ورود گرفتاری‌ها نعمت از دستم گرفته شد، بیماری و درد جای سلامتی و نداری جای بی‌نیازی را گرفت.

۹-۲-۲-۴-۱- نادانی

﴿۳۶۲۰﴾ از صفات جاهل آن است که قدر خوبی را نمی‌شناسد و بر آن شکر نمی‌کند. ﴿۳۶۲۱﴾ خدایا، زبان حالم را چنین قرار ده که اگر غفلت ورزیدیم، تو را ستایش کند، و اگر نافرمانی کردیم، تو را سپاس گزارد و اگر سهل‌انگاری کردیم، تو را ثنا گوید.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١٠-٢-٢-١- حُبُّ الدُّنْيَا

﴿٣٦٢٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ أَهْلَ الدُّنْيَا لَا يَشْكُرُونَ عِنْدَ الرَّخَاءِ وَلَا يَصْبِرُونَ عِنْدَ الْبَلَاءِ؛

إرشاد القلوب ج: ١ ص: ٢٠٠

﴿٣٦٢٣﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ ثَعْلَبَةَ بْنَ حَاطِبٍ الْأَنْصَارِيَّ أَتَى رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ادْعُ اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَنِي مَالًا فَقَالَ الرَّسُولُ ﷺ وَيَحْكُ يَا ثَعْلَبَةُ اذْهَبْ وَاقْنَعْ بِمَا عِنْدَكَ فَإِنَّ الشَّاكِرَ أَحْسَنُ مِمَّنْ لَهُ مَالٌ كَثِيرٌ لَا يَشْكُرُهُ فَذَهَبَ وَرَجَعَ بَعْدَ أَيَّامٍ وَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ادْعُ اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يُعْطِيَنِي مَالًا فَقَالَ الرَّسُولُ ﷺ أَلَيْسَ لَكَ بِي أَسْوَةٌ فَإِنِّي بَعِزَّةٌ عَرْشِ اللَّهِ لَوْ شِئْتُ لَصَارَتْ جِبَالُ الْأَرْضِ لِي ذَهَبًا وَفِضَّةً فَذَهَبَ ثُمَّ رَجَعَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ سَلِ اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يُعْطِيَنِي مَالًا فَإِنِّي أُوْدِي حَقَّ اللَّهِ وَأُوْدِي حُقُوقًا وَأَصِلُ بِهِ الرَّحِمَ فَقَالَ الرَّسُولُ ﷺ اللَّهُمَّ آعِظْ ثَعْلَبَةَ مَالًا وَكَانَ لثَعْلَبَةَ غَنِيمَاتُ فَبَارَكَ اللَّهُ فِيهَا حَتَّى تَتَزَايَدَ كَمَا تَزَايَدُ النَّمْلُ فَلَمَّا كَثُرَ مَالُهُ كَانَ يَتَعَاهَدُهُ بِنَفْسِهِ وَكَانَ قَبْلَهُ يُصَلِّي الصَّلَوَاتِ الْخَمْسَ فِي الْمَسْجِدِ مَعَ الرَّسُولِ ﷺ فَبَنَى مَكَانًا خَارِجَ الْمَدِينَةِ لِأَغْنَامِهِ فَصَارَ يُصَلِّي الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ مَعَ الرَّسُولِ ﷺ وَصَلَاةَ الصُّبْحِ وَالْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ ثُمَّ زَادَتْ الْأَغْنَامُ فَخَرَجَ إِلَى دَارٍ كَبِيرٍ بَعِيدٍ عَنِ الْمَدِينَةِ فَبَنَى مَكَانًا فَذَهَبَ مِنْهُ الصَّلَوَاتُ الْخَمْسُ وَ الصَّلَاةُ فِي الْمَسْجِدِ وَالْجَمَاعَةِ وَالْإِفْتِدَاءُ بِالرَّسُولِ ﷺ وَكَانَ يَأْتِي الْمَسْجِدَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ لَصَلَاةِ الْجُمُعَةِ فَلَمَّا كَثُرَ مَالُهُ ذَهَبَ مِنْهُ صَلَاةُ الْجُمُعَةِ فَكَانَ يَسْأَلُ عَنْ أَحْوَالِ الْمَدِينَةِ مِمَّنْ يَمُرُّ عَلَيْهِ فَقَالَ الرَّسُولُ ﷺ مَا صَنَعَ ثَعْلَبَةُ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ لَهُ أَغْنَامًا لَا يَسَعُهَا وَادٍ فَذَهَبَ إِلَى الْوَادِي الْفُلَانِيِّ وَبَنَى فِيهِ مَنْزِلًا وَأَقَامَ فِيهِ فَقَالَ الرَّسُولُ ﷺ يَا وَيْحَ ثَعْلَبَةَ يَا وَيْحَ ثَعْلَبَةَ ثَلَاثًا؛

مستدرک الوسائل ج: ١٣ ص: ٢٥٦

١١-٢-٢-١- الْحِرْصُ

﴿٣٦٢٤﴾ العسكري عليه السلام: الْحِرْصُ أَقْلُ رِضًا وَأَفْحَشُ غَضَبًا وَالْغَضَبُ أَجْوَرُ سُلْطَانًا وَأَقْلُ شُكْرًا وَ أَكْثَبُ لِلْبَعْضَاءِ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٢٢١

١٢-٢-٢-١- الْحَسَدُ

﴿٣٦٢٥﴾ اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي مِنَ التَّمَنَّى وَ النَّظْنَى وَ الْحَسَدِ ذِكْرًا لِعِظَمَتِكَ، وَ تَفَكُّرًا فِي قُدْرَتِكَ، وَ تَدْبِيرًا عَلَى عَدُوِّكَ، وَ مَا أَجْرَى عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظَةٍ فُحْشٍ أَوْ هُجْرٍ أَوْ شَتْمٍ عَرَضَ أَوْ شَهَادَةٍ بَاطِلٍ أَوْ اغْتِيَابٍ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ أَوْ سَبِّ حَاضِرٍ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ نَظْفًا بِالْحَمْدِ لَكَ، وَ إِغْرَاقًا فِي الثَّنَاءِ عَلَيْكَ، وَ ذَهَابًا فِي تَمْجِيدِكَ، وَ شُكْرًا لِنِعْمَتِكَ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٩٢

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۱۰-۲-۲-۴-۱- دوستی دنیا

﴿۳۶۲۲﴾ همانا اهل دنیا بر رفاه و نعمت‌ها شکر نمی‌کنند، و در بلاها صبر ندارند.

﴿۳۶۲۳﴾ ثعلبه فرزند حاطب انصاری نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای پیامبر خدا ﷺ در پیشگاه خدا برای من دعا کن تا مالی به من عنایت فرماید؛ پیامبر ﷺ فرمود: ای ثعلبه، وای بر تو، برو و به آنچه داری قناعت کن، زیرا انسان سپاسگزار بهتر از انسان ثروتمند ناسپاس است. ثعلبه رفت و پس از چند روز بازگشت و گفت: ای پیامبر خدا ﷺ از خدا بخواه که مالی به من عطا کند! پیامبر ﷺ فرمود: آیا من الگوی تو نیستم؟ به عزت عرش خداوند سوگند که اگر من می‌خواستم، کوه‌های زمین برایم طلا و نقره می‌شدند؛ ثعلبه رفت، سپس بازگشت و گفت: ای پیامبر خدا ﷺ، از خدا بخواه که مالی به من دهد؛ که در این صورت من حق خدا و حقوق دیگران را پرداخت و پیوندهای خویشاوندی‌ام را برقرار خواهم نمود. پیامبر ﷺ فرمود: خدایا، به ثعلبه مال فراوانی عنایت کن. ثعلبه تعداد اندکی گوسفند داشت. با دعای پیامبر ﷺ خداوند به آن‌ها برکت داد و همانند مورچه شروع به زیادشدن کردند. ثعلبه پیش از افزایش اموالش، نمازهای پنجگانه را همراه پیامبر اکرم ﷺ در مسجد آن حضرت به‌جا می‌آورد. با افزایش گوسفندان ثعلبه، وی ناچار شد محلی خارج از مدینه برای آن‌ها بسازد و چون شخصاً کارهای گوسفندانش را انجام می‌داد، از آن پس در نماز ظهر و عصر پیامبر ﷺ شرکت می‌کرد و نماز صبح و مغرب و عشا را در همان محل به‌جا می‌آورد. سپس با افزایش گوسفندانش از آنجا به خانه‌ی بزرگ‌تری دور از مدینه منتقل شد و از آن پس حضور در نمازهای جماعت برای خواندن نمازهای روزانه و نیز حضور در مسجد و جماعت و اقتدا به پیامبر را از دست داد و فقط جمعه‌ها برای شرکت در نماز جمعه به مسجد می‌آمد. کم‌کم با افزایش اموالش، از نماز جمعه نیز محروم گردید و از رهگذران از حوادث مدینه سؤال می‌کرد. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: ثعلبه چه می‌کند؟ گفتند: ای پیامبر خدا ﷺ! وی به‌قدری گوسفند دارد که هیچ‌یک از دره‌ها گنجایش آن‌ها را ندارد؛ از این‌رو به فلان دره رفته، در آنجا منزلی ساخته و اقامت کرده است؛ پیامبر ﷺ سه مرتبه فرمود: افسوس بر ثعلبه.

۱۱-۲-۲-۴-۱- زیاده‌خواهی

﴿۳۶۲۴﴾ حرص موجب کم شدن رضایت و اوج گرفتن عصبانیت و خشم است. و خشم ظالم‌ترین سلطان و موجب ناسپاسی و جلب کینه هاست.

۱۲-۲-۲-۴-۱- حسد

﴿۳۶۲۵﴾ خدایا، هر آرزو و گمان و حسد که شیطان در دل من افکند تو آن را به ذکر عظمت و تفکر در قدرت و تدبیر بر ضد دشمن بدل نمای و هر ناسزا و سخن زشت و ریختن آبرو، یا شهادت باطل، یا غیبت مؤمن غایب یا ناسزا به حاضران و از این‌گونه که شیطان بر زبان من می‌افکند تو آن را به حمد و سپاس خود و اغراق در ثنا و بیان مجد و عظمت و شکر نعمت خود بدل فرما.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١٣-٢-٢-١٤- السَّهْوُ

﴿٣٦٢٦﴾ السَّجَادُ عليه السلام: فَيَحُولُ ذَلِكَ (حال الغفلة) بَيْنِي وَبَيْنَ النَّصْرِ إِلَيْكَ فِي دَوَامِ ذَلِكَ إِلَى مَعَ مَا أَمَرْتَنِي بِهِ مِنْ شُكْرِكَ وَوَعَدْتَنِي عَلَيْهِ مِنَ الْمَزِيدِ مِنْ لَدَيْكَ فَسَهْوْتُ وَلَهَوْتُ وَغَفَلْتُ وَآمَنْتُ وَأَشْرْتُ وَبَطَرْتُ وَتَهَاوَنْتُ حَتَّى جَاءَ التَّغْيِيرُ مَكَانَ الْعَافِيَةِ بِحُلُولِ الْبَلَاءِ وَنَزَلَ الضَّرُّ بِمَنْزِلَةِ الصَّحَّةِ وَبِأَنْوَاعِ السُّقْمِ وَالْآذَى وَأَقْبَلَ الْفَقْرُ بِإِزَاءِ الْغِنَى؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٣٦

﴿٣٦٢٧﴾ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ، وَلَا تُذْهِبْ عَنِّي شُكْرَكَ، بَلِ الزَّمْنِيهِ فِي أَحْوَالِ السَّهْوِ عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِينَ لِأَلَّا تُنْسِنِي أَنْ أَتَى بِمَا أَوْلَيْتَنِيهِ، وَأَعْتَرَفَ بِمَا أَسَدَيْتَنِيهِ إِلَيَّ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٢٢٨

١٤-٢-٢-١٤- الشُّغْلُ بِغَيْرِ اللَّهِ، الشُّغْلُ عَنْ اللَّهِ

﴿٣٦٢٨﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: اللَّهُمَّ لَا تَشْغَلْنِي فِي الدُّنْيَا عَنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ وَلَا بِإِكْثَارِ فِيهَا فَتُلْهِمَنِي عَجَائِبَ بَهْجَتِهَا وَتَفْتِنَنِي زَهْرَتِهَا وَلَا بِإِقْلَالِ يُضِرُّ بِعَمَلِي؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٢ ص: ٥٩٧

﴿٣٦٢٩﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: لَا تَشْغَلْنِي عَنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ بِإِكْثَارِ مِنْهَا تُلْهِمَنِي بَهْجَتَهُ وَتَفْتِنَنِي زَهْرَاتِ زَهْوَتِهِ وَلَا بِإِقْلَالِ عَلَى مِنْهَا يَقْصُرُ بِعَمَلِي كَدُّهُ وَيَمْلَأُ صَدْرِي هَمُّهُ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٥٣

﴿٣٦٣٠﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: الزَّاهِدُ فِي الدُّنْيَا مَنْ لَمْ يَغْلِبِ الْحَرَامُ صَبْرَهُ وَلَمْ يَشْغَلِ الْحَلَالُ شُكْرَهُ؛ تحف العقول ص: ٢٠٠

﴿٣٦٣١﴾ الْكَاسِمُ عليه السلام: يَا هِشَامُ إِنَّ الْعَاقِلَ الَّذِي لَا يَشْغَلُ الْحَلَالُ شُكْرَهُ وَلَا يَغْلِبُ الْحَرَامُ صَبْرَهُ؛ الكافي ج: ١ ص: ١٥

﴿٣٦٣٢﴾ السَّجَادُ عليه السلام: نَسَأْتُكَ يَا وَاسِعَ الْبَرَكَاتِ وَيَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ وَيَا مُنْجِيَ الطَّلِبَاتِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَرْزُقَنَا خَوْفًا وَحُزْنًا تَشْغَلُنَا بِهِمَا عَنْ لَذَاتِ الدُّنْيَا وَشَهَوَاتِهَا وَمَا يَعْتَرِضُ لَنَا فِيهَا عَنِ الْعَمَلِ بِطَاعَتِكَ إِنَّهُ لَا يَنْبَغِي لِمَنْ حَمَلَتْهُ مِنْ نِعَمِكَ مَا حَمَلْتَنَا أَنْ يَغْفَلَ عَنْ شُكْرِكَ وَأَنْ يَتَشَاغَلَ بِشَيْءٍ غَيْرِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٢٤

﴿٣٦٣٣﴾ وَاشْغَلْ قُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ عَنْ كُلِّ ذِكْرٍ، وَالْسِّنْتَنَا بِشُكْرِكَ عَنْ كُلِّ شُكْرٍ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٦٢

﴿٣٦٣٤﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: خَيْرُ لِبَاسِكَ مَا لَا يَشْغَلُكَ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بَلْ يُقَرِّبُكَ مِنْ ذِكْرِهِ وَ شُكْرِهِ؛ مستدرک الوسائل ج: ٣ ص: ٣٢٤

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۱۳-۲-۲-۱-۴-بی توجهی

﴿۳۶۲۶﴾ تداوم حال غفلت و بی توجهی مانع زاری می‌شود، با اینکه تو مرا به شکر امر کردی و از جانب خودت به من وعده‌ی افزایش نعمت دادی، ولی من بی توجهی و بازیگوشی و غفلت و سرمستی و سستی کردم تا اینکه با ورود گرفتاری‌ها نعمت از دستم گرفته شد، بیماری و درد جای سلامتی و نداری جای بی‌نیازی را گرفت.

﴿۳۶۲۷﴾ پروردگارا، یاد خود را از یادم مبر و شکر و سپاس خود را از من زایل مکن، بلکه آن را در حالات غفلت، هنگام فراموشی‌های نادانان نسبت به نعمت‌هایت، همیشه همراه من قرار ده، و به من الهام کن که آنچه را به من عطا کرده‌ای ستایش کنم، و به آنچه به من لطف کرده‌ای اقرار کنم.

۱۴-۲-۲-۱-۴-مشغولیت به غیر خدا

﴿۳۶۲۸﴾ خدایا، مرا سرگرم دنیا نساز تا از شکر نعمت‌هایت بازمانم و مبدا توجه بیش‌ازحد به شگفتی‌ها و زیبایی‌های آن مرا غافل سازد و درخشندگی‌های آن مرا به‌سوی خود کشد و نیز مرا به قصور در آنچه کمبود آن به ضررم می‌باشد گرفتار نکن.

﴿۳۶۲۹﴾ به‌واسطه‌ی زیادی نعمت مرا از شکر آن بازدار، و مبدا زیبایی‌های آن مرا به خود سرگرم سازد، و درخشندگی شکوفه‌هایش مرا فریب دهد (یا گمراه سازد) و نیز مرا به کمی نعمت دچار مساز که رنج به‌دست‌آوردن آن مرا از اعمال و عباداتم بازدارد و اندوه به‌دست‌آوردنش سینه‌ام را فراگیرد و بفشارد.

﴿۳۶۳۰﴾ پارسا (و از دنیا گذشته) کسی است که حرام، صبر از کفش نرباید، و حلال از شکر بازش ندارد.

﴿۳۶۳۱﴾ ای هشام، عاقل آن است که حلال او را از شکر باز ندارد، و حرام صبرش را نرباید.

﴿۳۶۳۲﴾ ای صاحب برکت‌های فراوان و ای رواکننده و برآورنده‌ی نیازها، از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش علیهم‌السلام درود فرستی و واهمه و اندوهی به ما روزی کن تا به‌وسیله‌ی آن‌ها به لذات دنیا و هوس‌ها و چیزهایی که ما را از اطاعت تو بازمی‌دارد مشغول نشویم زیرا به هرکه نعمت‌هایی را که به ما داده‌ای داده باشی، شایسته نیست که از شکر غفلت کند و به چیزی غیر از تو مشغول شود.

﴿۳۶۳۳﴾ دل‌های ما را به یاد خود از هر یادی و زبان‌هایمان را به سپاس خود از هر سپاسی مشغول کن.

﴿۳۶۳۴﴾ و بهترین لباس تو، آن لباسی است که تو را از یاد خدا و از انجام وظائف لازم مانع نشود، و بلکه تو را به یاد و سپاسگزاری پروردگار متعال نزدیک کند.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١٥-٢-٢-١- الضَّجَرُ

﴿٣٦٣٥﴾ الرسول ﷺ: عَلَامَةُ الصَّابِرِ فِي ثَلَاثٍ أَوَّلُهَا أَنْ لَا يَكْسَلَ وَالثَّانِيَةُ أَنْ لَا يَضْجَرَ وَالثَّالِثَةُ أَنْ لَا يَشْكُوَ مِنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِأَنَّهُ إِذَا كَسِلَ فَقَدْ ضَيَعَ الْحُقُوقَ وَإِذَا ضَجَرَ لَمْ يُؤَدِّ الشُّكْرَ وَإِذَا شَكَاهُ مِنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَقَدْ عَصَاهُ؛ وسائل الشيعة ج: ١٦ ص: ٢٣

١٦-٢-٢-١- عَدَمُ إِحْتِمَالِ الْجَفَاءِ

﴿٣٦٣٦﴾ الصادق ﷺ: مَنْ لَمْ يَحْتَمِلِ الْجَفَاءَ لَمْ يَشْكُرِ النِّعْمَةَ مِنْ غَيْرِهِ؛ مشكاة الأنوار ص: ٢٨٥

١٧-٢-٢-١- عَدَمُ إِنكَارِ الْجَفْوَةِ

﴿٣٦٣٧﴾ الصادق ﷺ: مَنْ لَمْ يَنْكَرِ الْجَفْوَةَ لَمْ يَشْكُرِ النِّعْمَةَ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٤٢

١٨-٢-٢-١- عَدَمُ الْغَضَبِ فِي الْجَفْوَةِ

﴿٣٦٣٨﴾ الكاظم ﷺ: مَنْ لَمْ يَغْضَبْ فِي الْجَفْوَةِ لَمْ يَشْكُرْ فِي النِّعْمَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٧٠ ص: ٢٦٤

١٩-٢-٢-١- عُقُوقَ الْوَالِدَيْنِ

﴿٣٦٣٩﴾ الرضا ﷺ: حَرَّمَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عُقُوقَ الْوَالِدَيْنِ لِمَا فِيهِ مِنَ الْخُرُوجِ مِنَ التَّوْقِيرِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالتَّوْقِيرِ لِلْوَالِدَيْنِ وَكَفْرَانَ النِّعْمَةِ وَإِبْطَالَ الشُّكْرِ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٣ ص: ٥٦٥

٢٠-٢-٢-١- التَّغْدَى مِنَ الْحَرَامِ

﴿٣٦٤٠﴾ أمير المؤمنين ﷺ: فَانْظُرْ فِيمَا تُغْدِي قَلْبَكَ وَجِسْمَكَ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ حَلَالًا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ تَعَالَى تَسْبِيحَكَ وَ لَا شُكْرَكَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ٢١٧

٢١-٢-٢-١- الْغُرُورُ

﴿٣٦٤١﴾ الصادق ﷺ: لَا تَغْتَرَّ بِنِعْمَتِهِ وَاشْكُرْهُ أَبَدًا؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٢٠٠

٢٢-٢-٢-١- الْغَفْلَةُ

﴿٣٦٤٢﴾ الصادق ﷺ: أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُدِيمُ ذِكْرَكَ وَ لَا يَنْقُضُ عَهْدَكَ وَ لَا يَغْفُلُ عَنْ شُكْرِكَ؛ إقبال الأعمال ص: ٦٨٧

﴿٣٦٤٣﴾ السجاد ﷺ: فَيَحُولُ ذَلِكَ (حال الغفلة) بَيْنِي وَ بَيْنَ النَّصْرَةِ إِلَيْكَ فِي دَوَامِ ذَلِكَ لِي مَعَ مَا أَمَرْتَنِي بِهِ مِنْ شُكْرِكَ وَ وَعَدْتَنِي عَلَيْهِ مِنَ الْمَزِيدِ مِنْ لَدَيْكَ فَسَهْوَتُ وَ لَهْوَتُ وَ غَفَلْتُ وَ أَمِنْتُ وَ أَشْرْتُ وَ بَطَرْتُ وَ تَهَاوَنْتُ حَتَّى جَاءَ التَّغْيِيرُ مَكَانَ الْعَافِيَةِ بِحُلُولِ الْبَلَاءِ وَ نَزَلَ الضَّرُّ بِمَنْزِلَةِ الصَّحَّةِ وَ بِأَنْوَاعِ السُّقْمِ وَ الْأَذَى وَ أَقْبَلَ الْفَقْرُ بِإِزَاءِ الْغِنَى؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٣٦

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۱۵-۲-۲-۱-۴-۱- تنگدلی، اندوه

﴿۳۶۳۵﴾ علامت و نشانه‌ی صابر و شکيبا در سه چيز است ۱ - هيچ وقت كسل و بي حال و حوصله نمي شود ۲ - هيچ وقت احساس خستگي نمي كند ۳ - هيچ گاه از خدای متعال شكوه و شكایت ندارد. زیرا اگر كسالت و تبلي كند حق از دست مي رود و اگر احساس خستگي كند شكر نعمت را ننموده و اگر از خداوند متعال شكوه و شكایت داشته باشد حتما معصيت و نافرمانی او را نموده و خواهد نمود.

۱۶-۲-۲-۱-۴-۱- عدم تحمل ظلم و ستم

﴿۳۶۳۶﴾ هر كس تحمل بدگویی مردم را نداشته باشد، در برابر نعمت دیگران شكر گزار نيست.

۱۷-۲-۲-۱-۴-۱- عدم انكار ظلم

﴿۳۶۳۷﴾ کسی که بدخویی را زشت نداند از نعمت سپاسگزاری نخواهد كرد.

۱۸-۲-۲-۱-۴-۱- عدم خشم در مقابل ظلم

﴿۳۶۳۸﴾ هر كس به هنگام جفای دیگران خشم نگیرد شكر نعمت را به جای نمی آورد.

۱۹-۲-۲-۱-۴-۱- ناراضایتی پدر و مادر

﴿۳۶۳۹﴾ خدای تعالی ناراضی كردن پدر و مادر را حرام فرموده است؛ زیرا در عقوق و ناراضی كردن پدر و مادر، خارج شدن از بزرگداشت خدا و نیز كفران نعمت و باطل شدن شكرو سپاسگزاری نهفته است.

۲۰-۲-۲-۱-۴-۱- حرام خواری

﴿۳۶۴۰﴾ بنگر دل و تن را از چه تغذیه می کنی؛ اگر حلال نباشد خدا تسبیح و شكر تو را قبول نفرماید.

۲۱-۲-۲-۱-۴-۱- فریب

﴿۳۶۴۱﴾ مبدا فریب فراوانی نعمت را بخوری، پیوسته شكر گزارش باش.

۲۲-۲-۲-۱-۴-۱- بی توجهی

﴿۳۶۴۲﴾ از تو خواهیم كه بر محمد و خاندانش درود فرستی، و مرا از كسانی قرار دهی كه پیوسته به یاد تو هستند و پیمانت را نمی شكند، و از شكر تو غافل نمی شوند.

﴿۳۶۴۳﴾ تداوم حال غفلت و بی توجهی مانع زاری می شود، با اینکه تو مرا به شكرت امر كردی و از جانب خودت به من وعده‌ی افزایش نعمت دادی، ولی من بی توجهی و بازیگوشی و غفلت و سرمستی و سستی كردم تا اینکه با ورود گرفتاری ها نعمت از دستم گرفته شد، بیماری و درد جای سلامتی و نداری جای بی نیازی را گرفت.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٦٤٤﴾ الصادق عليه السلام: لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ عَنْ ذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ؛ إقبال الأعمال ص: ٤٤٣

﴿٣٦٤٥﴾ لَا تَغْفُلُوا عَنِ الشُّكْرِ فَيَنَازِعَكُمُ الذُّلُّ؛ أعلام الدين ص: ٣٢٧

﴿٣٦٤٦﴾ يَا مُوسَى قُلْ لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَبْطِرَنَّكُمْ النِّعْمَةُ فَيُعَاجِلَكُمُ السَّلْبَ وَ لَا تَغْفُلُوا عَنِ الشُّكْرِ فَيُقَارِعَكُمُ الذُّلُّ؛ بحار الأنوار ج: ٧٤ ص: ٤٢

﴿٣٦٤٧﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: وَ اجْعَلْ مِنْ لِسَانِ حَالِنَا مِنْ يَحْمَدُكَ إِنْ غَفَلْنَا وَ يَشْكُرُكَ إِنْ جَهِلْنَا وَ يُثْنِي عَلَيْكَ إِنْ أَهْمَلْنَا؛ الأمان ص: ١٤٦

﴿٣٦٤٨﴾ السجاد عليه السلام: نَسْأَلُكَ يَا وَاسِعَ الْبَرَكَاتِ وَ يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ وَ يَا مُنْجِي الطَّلِبَاتِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَرْزُقَنَا خَوْفًا وَ حُزْنًا تَشْغَلُنَا بِهِمَا عَنْ لَذَاتِ الدُّنْيَا وَ شَهَوَاتِهَا وَ مَا يَفْتَرِضُ لَنَا فِيهَا عَنِ الْعَمَلِ بِطَاعَتِكَ إِنَّهُ لَا يَنْبَغِي لِمَنْ حَمَلَتْهُ مِنْ نِعْمِكَ مَا حَمَلْتَنَا أَنْ يَغْفَلَ عَنْ شُكْرِكَ وَ أَنْ يَتَشَاغَلَ بِشَيْءٍ غَيْرِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٢٤

٢٣-٢-٢-١- الغنى

﴿٣٦٤٩﴾ لقمان عليه السلام: اللَّهُمَّ ارْحَمْ الْفُقَرَاءَ لِقَلَّةِ صَبْرِهِمْ وَ ارْحَمْ الْأَغْنِيَاءَ لِقَلَّةِ شُكْرِهِمْ وَ ارْحَمْ الْجَمِيعَ لِطُولِ غَفْلَتِهِمْ؛ مجموعة ورام ج: ٢ ص: ١٩٩

٢٤-٢-٢-١- الكتمان

﴿٣٦٥٠﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: مَنْ ذَكَرَهُ فَقَدْ شَكَرَهُ وَ مَنْ كَتَمَهُ فَقَدْ كَفَرَهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ٢٩٦

ص: ٥

٢٥-٢-٢-١- اللوم

﴿٣٦٥١﴾ الكريم عليه السلام: يَشْكُرُ الْقَلِيلَ وَ اللَّيْمُ يُكْفِّرُ الْجَزِيلَ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٧

﴿٣٦٥٢﴾ المجتبى عليه السلام: اللُّومُ أَنْ لَا تَشْكُرَ النِّعْمَةَ؛ تحف العقول ص: ٢٣٣

٢٦-٢-٢-١- اللهو والتفتين

﴿٣٦٥٣﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ لَا تَشْغَلْنِي فِي الدُّنْيَا عَنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ وَ لَا بِإِكْثَارِ فِيهَا فَتُلْهِينِي

عِبَادَتُكَ بِهَجَّتِهَا وَ تَفْتِنَنِي زَهْرَتِهَا وَ لَا بِإِقْلَالِ يُضِرُّ بِعَمَلِي؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٢ ص: ٥٩٧

﴿٣٦٥٤﴾ الصادق عليه السلام: لَا تَشْغَلْنِي عَنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ بِإِكْثَارِ مِنْهَا تُلْهِينِي بِهَجَّتِهَا وَ تَفْتِنَنِي زَهْرَاتُ

زَهْوَتِهَا وَ لَا بِإِقْلَالِ عَلَى مِنْهَا يَقْصُرُ بِعَمَلِي كَدُّهُ وَ يَمْلَأُ صَدْرِي هَمُّهُ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٥٣

﴿٣٦٥٥﴾ السجاد عليه السلام: فَيَحُولُ ذَلِكَ (حَالِ الْغَفْلَةِ) بَيْنِي وَ بَيْنَ النَّضْرُ إِلَىكَ فِي دَوَامِ ذَلِكَ لِي

مَعَ مَا أَمَرْتَنِي بِهِ مِنْ شُكْرِكَ وَ وَعَدْتَنِي عَلَيْهِ مِنَ الْمَزِيدِ مِنْ لَدَيْكَ فَسَهَوْتُ وَ لَهَوْتُ وَ غَفَلْتُ وَ أَمِنْتُ وَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۶۴۴﴾ پروردگارا، مرا از زمره‌ی غافلین از یاد و شکر تو قرار نده.
﴿۳۶۴۵﴾ نعمت، شما را از سپاسگزاری غافل نکند که در این صورت ذلت شما را درهم می‌کوبد.
﴿۳۶۴۶﴾ ای موسی، به بنی‌اسرائیل بگو: نعمت‌ها شما را به سرخوشی نیندازد، که در این صورت در گرفتن آن‌ها شتاب می‌شود و شما را از سپاسگزاری غافل نکند که ذلت شما را درهم می‌کوبد.
﴿۳۶۴۷﴾ خدایا، زبان حالم را چنین قرار ده که اگر غفلت ورزیدیم، تو را ستایش کند، و اگر نافرمانی کردیم، تو را سپاس گزارد و اگر سهل‌انگاری کردیم، تو را ثنا گوید.
﴿۳۶۴۸﴾ ای صاحب برکت‌های فراوان و ای رواکننده و برآورنده‌ی نیازها، از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش ﷺ درود فرستی و واهمه و اندوهی به ما روزی کن تا به وسیله‌ی آن‌ها به لذات دنیا و هوس‌ها و چیزهایی که ما را از اطاعت تو بازمی‌دارد مشغول نشویم زیرا به هر که نعمت‌هایی را که به ما داده‌ای داده باشی، شایسته نیست که از شکر تو غفلت کند و به چیزی غیر از تو مشغول شود.

۲۳-۲-۴-۱- بی‌نیازی

﴿۳۶۴۹﴾ خدایا، بر فقرا به خاطر کمی صبرشان رحم کن و بر توانگران به خاطر کمی شکرشان و بر همگان به سبب طولانی‌بودن غفلتشان.

۲۴-۲-۴-۱- پوشاندن

﴿۳۶۵۰﴾ هر کس خدا را یاد کند، مانند این است که او را شکر کرده است؛ و هر کس که او را یاد نکند به یقین او را ناسپاسی کرده است.

۲۵-۲-۴-۱- پستی و خساست

﴿۳۶۵۱﴾ کریم و بزرگوار اندک را شکر می‌کند و پست‌مرتبه حتی لطف بزرگ را کفران می‌کند.

﴿۳۶۵۲﴾ نهایت پستی این است؛ که انسان سپاسگزار نعمت نباشد.

۲۶-۲-۴-۱- بی‌توجهی و به‌فتنه‌افتادن

﴿۳۶۵۳﴾ خدایا، مرا سرگرم دنیا نساز تا از شکر نعمت‌هایت بازمانم و مبادا توجه بیش‌ازحد به شگفتی‌ها و زیبایی‌های آن مرا غافل سازد و درخشندگی‌های آن مرا به‌سوی خود کشد و نیز مرا به قصور در آنچه کمبود آن به ضررم می‌باشد گرفتار نکن.

﴿۳۶۵۴﴾ به‌واسطه‌ی زیادی نعمت مرا از شکر آن بازدار، و مبادا زیبایی‌های آن مرا به خود سرگرم سازد، و درخشندگی شکوفه‌هایش مرا فریب دهد (یا گمراه سازد) و نیز مرا به کمی نعمت دچار مساز که رنج به‌دست‌آوردن آن مرا از اعمال و عباداتم بازدارد و اندوه به‌دست‌آوردنش سینه‌ام را فراگیرد و بفشارد.

﴿۳۶۵۵﴾ تداوم حال غفلت و بی‌توجهی مانع زاری می‌شود، با اینکه تو مرا به شکر امر کردی و از جانب خودت به من وعده‌ی افزایش نعمت دادی، ولی من بی‌توجهی و بازیگوشی و غفلت و

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

أَشْرَتْ وَبَطَرَتْ وَتَهَاوَنْتُ حَتَّى جَاءَ التَّغْيِيرُ مَكَانَ الْعَافِيَةِ بِحُلُولِ الْبَلَاءِ وَنَزَلَ الضُّرُّ بِمَنْزِلَةِ الصَّحَّةِ وَبِأَنْوَاعِ السُّقْمِ وَالْأَذَى وَاقْبَلَ الْفَقْرُ بِلِزَاءِ الْغِنَى؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٣٦
٢٧-٢-٢-١-٤-مدُّ الطَّرْفِ إِلَى مَا فِي أَيْدِي أَتْبَاءِ الدُّنْيَا

﴿٣٦٥٦﴾ الصادق عليه السلام: إِيَّاكُمْ أَنْ تَمْدُوا أَطْرَافَكُمْ إِلَى مَا فِي أَيْدِي أَتْبَاءِ الدُّنْيَا فَمَنْ مَدَّ طَرْفَهُ إِلَى ذَلِكَ طَالَ حَزَنُهُ وَلَمْ يُشَفَّ غَيْظُهُ وَاسْتَصْغَرَ نِعْمَةُ اللَّهِ عِنْدَهُ فَيَقِلُّ شُكْرُهُ لِلَّهِ وَانْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَكَ فَتَكُونَ لَانْعَمَ اللَّهُ شَاكِرًا وَلِمَزِيدِهِ مُسْتَوْجِبًا وَلِجُودِهِ سَاكِنًا؛ مستدرک الوسائل ج: ٨ ص: ٣٣٧

٢٨-٢-٢-١-٤-المَعْصِيَةُ

﴿٣٦٥٧﴾ السَّجَادُ عليه السلام: أَنَا الَّذِي لَمْ أَشْكُرْ نِعْمَكَ عِنْدَ مَعَاصِي إِيَّاكَ وَلَمْ أَدْعُهَا عِنْدَ حُلُولِ الْبَلَاءِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٣٦

٢٩-٢-٢-١-٤-الْمُنَى

﴿٣٦٥٨﴾ تَجَنَّبُوا الْمُنَى فَإِنَّهَا تَذْهَبُ بِبَهْجَةِ نِعَمِ اللَّهِ عِنْدَكُمْ وَتُلْزِمُ اسْتِصْعَارَهَا لَدَيْكُمْ وَعَلَى قَلَّةِ الشُّكْرِ مِنْكُمْ؛ غرر الحكم ص: ٣١٤
٣٠-٢-٢-١-٤-النَّسِيَانُ

﴿٣٦٥٩﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ أَطْلِقِ أَلْسِنَتَنَا بِذِكْرِكَ وَ لَا تُنْسِنَا شُكْرَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٢٦٢

﴿٣٦٦٠﴾ لَا تَسْأُوا عِنْدَ النِّعَمِ شُكْرَكُمْ فَقَدْ أَغْدَرَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ بِحُجَجٍ مُسْفِرَةٍ ظَاهِرَةٍ وَكُتُبٍ بَارِزَةٍ الْعُذْرَ وَأُضِحَّةً؛ شرح نهج البلاغة ج: ٦ ص: ٢٣٠

﴿٣٦٦١﴾ الرِّضَا عليه السلام: وَاعْلَمْ أَنَّ عِلَّةَ الْعَطَاسِ هِيَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدٍ بِنِعْمَةٍ فَنَسِيَ أَنْ يَشْكُرَ عَلَيْهَا سَلَطَ عَلَيْهِ رِيحًا تَدْوُرُ فِي بَدَنِهِ فَتَخْرُجُ مِنْ خِيَاشِيمِهِ فَيَحْمَدُ اللَّهُ عَلَى تِلْكَ الْعَطْسَةِ فَيَجْعَلُ ذَلِكَ الْحَمْدَ شُكْرًا لِتِلْكَ النِّعْمَةِ وَ مَا عَطَسَ عَاطِسٌ إِلَّا هَضِمَ لَهُ طَعَامُهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ٨ ص: ٣٨٤

﴿٣٦٦٢﴾ السَّجَادُ عليه السلام: وَكَمْ قَلَّدَنِي مِنْ مَنَّةٍ ضَعَفَتْ قُوَايَ عَنْ حَمْلِهَا وَ ذَهَلَتْ فِطْنَتِي عَنْ ذِكْرِ فَضْلِهَا وَ عَجَزَ شُكْرِي عَنْ جَزَائِهَا وَ ضِيقَتْ ذُرْعًا بِإِحْصَائِهَا قَابِلَتُكَ فِيهَا بِالْعَصِيَانِ وَ نَسِيتُ شُكْرَ مَا أَوْلَيْتَنِي فِيهَا مِنَ الْإِحْسَانِ فَمَنْ أَسْوَأَ حَالًا مِنِّي إِنْ لَمْ تَتَذَكَّرْنِي بِالْغُفْرَانِ وَ تُوَزِعْنِي شُكْرَ مَا اصْطَنَعْتَ عِنْدِي مِنْ فَوَائِدِ الْإِمْتِنَانِ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٥٩
٥-١-ثِمَارُ الشُّكْرِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

سرمستی و سستی کردم تا اینکه با ورود گرفتاری‌ها نعمت از دستم گرفته شد، بیماری و درد جای سلامتی و نداری جای بی‌نیازی را گرفت.

۲۷-۲-۲-۱-۴ چشم‌داشت به آنچه دنیا داران دارند

﴿۳۶۵۶﴾ از چشم‌داشت به آنچه دنیا داران دارند بپرهیزید، که هر که چنین کند اندوهش زیاد شود و خشمش فروکش نکند و نعمت خدا در برابرش ناچیز به‌شمار آید و شکرش برای خدا کم شود، (در امور دنیا) به زیردستان بنگر تا قدر نعمت خدا را بشناسی و (با شکرگزاری) موجب افزون‌شدن آن (نعمت) شوی، و دریافت کننده‌ی عطایای الهی شوی.

۲۸-۲-۲-۱-۴ گناه

﴿۳۶۵۷﴾ من کسی هستم که هنگام مواجهه با گناهان و آمدن بلاها شکر نعمت تو را ادا نکردم.

۲۹-۲-۲-۱-۴ آرزو

﴿۳۶۵۸﴾ از آرزوها دوری کنید زیرا آن‌ها شادی و خوشی نعمت‌های خدا را از پیش شما می‌برند (و زایل می‌کنند) و موجب کوچک‌شمردن نعمات الهی پیش چشم شما می‌شود و باعث کم‌شدن شکر و سپاس شما به درگاه الهی می‌شود.

۳۰-۲-۲-۱-۴ فراموشی

﴿۳۶۵۹﴾ پروردگارا، زبانمان را به یادت گویا فرما و شکر تو را از خاطرمาน مبر. ﴿۳۶۶۰﴾ و شکر نعمت موجود را فراموش نکنید. که با بودن حجت‌های روشن و آشکار، و کتاب‌های آسمانی و دلیل‌های واضح راه عذر بر شما بسته است. ﴿۳۶۶۱﴾ بدان که سبب عطسه این است که چون خداوند تبارک و تعالی نعمتی به بنده دهد و او شکر آن را فراموش کند، خدا نسیمی بر تنش مسلط میکند تا در آن بچرخد و از سوراخ‌های بینی او بیرون آید تا بنده‌ی خدا به دنبال آن حمد گوید و خدا آن حمد را به عنوان شکر آن نعمت می‌پذیرد، و کسی عطسه نمیزند مگر آنکه غذایش هضم شود.

﴿۳۶۶۲﴾ و چه بسیار نعمتی که بر گردن من آویختی اما من از حمل آن ناتوان بودم و دانش من از ذکر فضیلت‌های آن حیران شد و از شکر آن عاجز شدم و از شمارش آن ناتوان گشتم و در برابر آن‌ها نافرمانی‌ات کردم و شکر احسانی که بر من نمودی را فراموش کردم. ولی اگر تو آمرزشت را برایم مهیا نکنی و در مقابل نیکی‌هایی که به من نمودی شکرگزاری را به من الهام نکنی، چه کسی از من بدتر خواهد بود.

۵-۱- نتایج شکر

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١-٥-١- ما يُثْمِرُ الشُّكْرُ مِنَ الصِّفَاتِ

١-٥-١-١- الإسلامُ (كَمَالُ الْإِسْلَامِ)

﴿٣٦٦٣﴾ أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَمَلُ إِسْلَامِهِ وَلَوْ كَانَ مِنْ قَرْنِهِ إِلَى قَدَمِهِ خَطَايَا لَمْ تَنْقُصْهُ الصَّدَقُ وَالْحَيَاءُ وَحُسْنُ الْخُلُقِ وَالشُّكْرُ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٦: عَنْ رَجُلٍ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ

١-٥-١-٢- الإيمانُ (كَمَالُ الْإِيمَانِ)

﴿٣٦٦٤﴾ الرُّسُولُ ﷺ: لَا يَكْمُلُ الْمُؤْمِنُ إِيمَانُهُ حَتَّى يَخْتَوِيَ عَلَى مِائَةِ وَثَلَاثَ خِصَالٍ فِعْلٌ وَعَمَلٌ وَنَبِيَّةٌ وَظَاهِرٌ وَبَاطِنٌ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا يَكُونُ الْمِائَةُ وَثَلَاثُ خِصَالٍ فَقَالَ يَا عَلِيُّ مِنْ صِفَاتِ الْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ جَوَّالَ الْفِكْرِ... وَقَوْرًا صَبُورًا رَضِيًّا شَكُورًا... قَلِيلًا حَفِيظًا كَثِيرًا شَكْرًا؛ مستدرک الوسائل ج: ٨ ص: ٤٦٠

١-٥-١-٣- تَقْوِيَةُ الْعَقْلِ

﴿٣٦٦٥﴾ الرُّسُولُ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْعَقْلَ مِنْ نُورٍ مَخْزُونٍ مَكْنُونٍ فِي سَابِقِ عِلْمِهِ... ثُمَّ حَشَاهُ وَقَوَّاهُ بِعَشْرَةِ أَشْيَاءَ بِالْيَقِينِ وَالْإِيمَانِ وَالصَّدَقِ وَالسَّكِينَةِ وَالْإِخْلَاصِ وَالرَّفَقِ وَالْعَطِيَّةِ وَالْقَنُوعِ وَالتَّسْلِيمِ وَالشُّكْرِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ٢٠٣

١-٥-١-٤- التَّنَبُّهُ بِالْآيَاتِ

﴿٣٦٦٦﴾ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ؛ إِبْرَاهِيمُ الْآيَةُ ٥

١-٥-١-٥- الْخُلَاصُ مِنَ الرِّيَاءِ وَالنَّفَاقِ

﴿٣٦٦٧﴾ الصَّادِقُ ﷺ: مَنْ أَخْلَصَ بَاطِنُهُ لِلَّهِ وَخَشَعَ لَهُ بَقْلُهُ وَرَأَى نَفْسَهُ مُقْصَرًّا بَعْدَ بَذْلِ كُلِّ مَجْهُودٍ وَجَدَ الشُّكْرَ عَلَيْهِ حَاصِلًا فَيَكُونُ مِمَّنْ يُرْجَى لَهُ الْخُلَاصُ مِنَ الرِّيَاءِ وَالنَّفَاقِ إِذَا اسْتَقَامَ عَلَى ذَلِكَ فِي كُلِّ حَالٍ؛ مستدرک الوسائل ج: ١ ص: ١٠٧

١-٥-١-٦- لِسَانًا ذَاكِرًا

﴿٣٦٦٨﴾ الْعَسْكَرِيُّ ﷺ: أَمَّا أَحْسَنُ مِنَ الْأَوَّلِ حَالًا فَرَجُلٌ اعْتَقَدَ صِدْقًا بِمُحَمَّدٍ رَسُولَ اللَّهِ وَصِدْقًا بِأَعْظَامِ عَلِيٍّ أَخِي رَسُولِ اللَّهِ وَوَلِيٍّ وَثَمَرَةَ قَلْبِهِ وَمَحْضَ طَاعَتِهِ فَشَكَرَ لَهُ رَبَّهُ وَنَبِيَّهُ وَوَصِيَّ نَبِيِّهِ فَجَمَعَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ بِذَلِكَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَزَقَهُ لِسَانًا لَا لَأَاءَ اللَّهُ تَعَالَى ذَاكِرًا وَقَلْبًا لِنِعْمَاتِهِ شَاكِرًا وَبِأَحْكَامِهِ رَاضِيًا وَعَلَى اخْتِمَالِ مَكَارِهِ أَعْدَاءِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ نَفْسَهُ مُوْطِنًا لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۱-۵-۱- صفاتی که ثمره‌ی شکر است

۱-۵-۱-۱- تسلیم (کمال تسلیم)

﴿۳۶۶۳﴾ چهار چیز است که اگر در هرکسی باشد مسلمانی‌اش کامل است. و حتی اگر در گناه غرق باشد او را زیان نمی‌رساند (بالاخره این صفات باعث می‌شوند از گناه دست بردارد)، و آن‌ها عبارتند از: "راست‌گویی، حیا، حسن خلق و شکر".

۱-۵-۱-۲- ایمان، (کمال ایمان)

﴿۳۶۶۴﴾ ایمان مؤمن کامل نیست تا صد و سه خصلت را در کار و کردار و نیت و درون و برون دارا باشد. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: ای پیامبر خدا، آن صد و سه خصلت کدامند؟ فرمود: ای علی مؤمن کسی است که اندیشه‌اش پویا باشد... باوقار، صبور، خشنود، و بسیارشکرگزار... کینه‌اش اندک، شکرش بسیار باشد.

۱-۵-۱-۳- تقویت عقل

﴿۳۶۶۵﴾ همانا خدای تعالی عقل را از نوری که در خزانه‌ی غیب پنهان خویش خلق کرد که در سابقه‌ی علم و دانایی خویش بر آن آگاهی داشته است؛ سپس آن را به‌وسیله‌ی ده چیز پرکرد و قدرت داد؛ یقین و ایمان و راستی و آرامش و اخلاص و نرمی و مدارا و بخشش و رضایت و تسلیم و شکر.

۱-۵-۱-۴- بیدارشدن با آیات

﴿۳۶۶۶﴾ در این، نشانه‌هایی است برای هر صبرکننده‌ی شکرگزار.

۱-۵-۱-۵- رهایی از ریا و دورویی

﴿۳۶۶۷﴾ اما کسی که باطنش را برای خداوند خالص کند و دلش خاشع گردد و خود را مقصر و ذلیل بداند و کوشش کند و همواره شکرگزار باشد، این چنین اشخاصی امید خلاصی دارند و در صورت تداوم امید می‌رود از ریا و نفاق دور بمانند.

۱-۵-۱-۶- زبان یادکننده‌ی خدا

﴿۳۶۶۸﴾ آن‌کس که حالش از اولی بهتر است، مردی است که به‌راستی به محمد عقیده دارد و او را پیامبر خدا می‌داند و حق علی علیه السلام را بزرگ می‌شمارد و او را برادر پیامبر خدا و ولیّ او و میوه‌ی دل او و فرمان‌بر خالص او می‌داند، (در عوض) پروردگارش و پیامبر و وصی پیامبر از او قدردانی می‌نمایند و خداوند به همین جهت خیر دنیا و آخرت را برای او فراهم می‌آورد و به او زبانی عنایت می‌کند تا همیشه به یاد نعمت‌های خدا باشد و قلبی عطا می‌کند که سپاسگزار او باشد و به قوانین الهی خشنود و بر تحمل ناملازمات از دشمنان محمد صلی الله علیه و آله و خاندانش اراده‌ی محکم و تصمیم جدی داشته باشد، بدیهی است خداوند چنین کسی را در ملکوت زمین و

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

سَمَاءٌ عَظِيمًا فِي مَلَكُوتِ أَرْضِهِ وَ سَمَواتِهِ وَ حَبَاهُ بِرِضْوَانِهِ وَ كَرَامَاتِهِ فَكَانَتْ تِجَارَةٌ هَذَا أَرْبَحَ وَ غَنِيمَتُهُ أَكْثَرَ وَ أَعْظَمَ؛ بحار الأنوار ج: ٦٥ ص: ١٠٦
١-٥-٢-١- ثَمَارُ الشُّكْرِ

١-٥-٢-٠١- إِمَامُ الصَّلَاةِ

﴿٣٦٦٩﴾ الصادق عليه السلام: سَجْدَةُ الشُّكْرِ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ تُمُّ بِهَا صَلَاتُكَ وَ تُرْضَى بِهَا رَبِّكَ وَ تَعْجِبُ الْمَلَائِكَةُ مِنْكَ وَ إِنْ الْعَبْدَ إِذَا صَلَّى ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ فَفَتَحَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الْحِجَابَ بَيْنَ الْعَبْدِ وَ بَيْنَ الْمَلَائِكَةِ فَيَقُولُ يَا مَلَائِكَتِي انْظُرُوا إِلَى عَبْدِي أَدَّى فَرِيضَتِي وَ أَتَمَّ عَهْدِي ثُمَّ سَجَدَ لِي شُكْرًا عَلَى مَا أَنْعَمْتُ بِهِ عَلَيْهِ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٣٣٣

﴿٣٦٧٠﴾ الرضا عليه السلام: السَّجْدَةُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى مَا وَفَّقَ لَهُ الْعَبْدَ مِنْ آدَاءِ فَرِيضَتِهِ وَ أَذْنَى مَا يُجْزَى فِيهَا مِنَ الْقَوْلِ أَنْ يَقَالَ شُكْرًا لِلَّهِ شُكْرًا لِلَّهِ شُكْرًا لِلَّهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ قُلْتُ فَمَا مَعْنَى قَوْلِهِ شُكْرًا لِلَّهِ قَالَ يَقُولُ هَذِهِ السَّجْدَةُ مِنِّي شُكْرًا لِلَّهِ عَلَى مَا وَفَّقَنِي لَهُ مِنْ خِدْمَتِهِ وَ آدَاءِ فَرِيضَتِهِ وَ الشُّكْرُ مُوجِبٌ لِلزِّيَادَةِ فَإِنْ كَانَ فِي الصَّلَاةِ تَقْصِيرٌ لَمْ يَتِمَّ بِالنَّوَافِلِ تَمَّ بِهِذِهِ السَّجْدَةُ؛ وسائل الشيعة ج: ٧ ص: ٥

١-٥-٢-٠٢- إِجَابَةُ الدُّعَاءِ

﴿٣٦٧١﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: إِنِّي لَأَجِدُ آيَتَيْنِ فِي كِتَابِ اللَّهِ أَطْلُبُهُمَا فَلَا أَجِدُهُمَا قَالَ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ مَا هُمَا قُلْتُ أَذْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ فَندَعُوهُ فَلَا نَرَى إِجَابَةً قَالَ أَ فَتَرَى اللَّهَ أَخْلَفَ وَعْدَهُ قُلْتُ لَا قَالَ فَمَهْ قُلْتُ لَا أَذْرَى قَالَ لَكِنِّي أَخْبَرُكَ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ فِيمَا أَمَرَ بِهِ ثُمَّ دَعَاهُ مِنْ جِهَةِ الدُّعَاءِ أَجَابَهُ قُلْتُ وَ مَا جِهَةُ الدُّعَاءِ قَالَ تَبَدُّا فَتَحَمَدُ اللَّهَ وَ تُمَجِّدُهُ وَ تَذْكُرُ نِعَمَهُ عَلَيْكَ فَتَشْكُرُهُ ثُمَّ تَصَلِّيَ عَلَى النَّبِيِّ وَ آلِهِ ثُمَّ تَذْكُرُ ذُنُوبَكَ فَتَقْرُبُ بِهَا ثُمَّ تَسْتَغْفِرُ مِنْهَا فَهَذِهِ جِهَةُ الدُّعَاءِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٠ ص: ٣١٧

﴿٣٦٧٢﴾ الصادق عليه السلام: قُلْتُ آيَتَانِ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَطْلُبُهُمَا فَلَا أَجِدُهُمَا قَالَ وَ مَا هُمَا قُلْتُ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَذْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ فَندَعُوهُ وَ لَا نَرَى إِجَابَةً قَالَ أَ فَتَرَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَخْلَفَ وَعْدَهُ قُلْتُ لَا قَالَ فَمِمَّ ذَلِكَ قُلْتُ لَا أَذْرَى قَالَ لَكِنِّي أَخْبَرُكَ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِيمَا أَمَرَهُ ثُمَّ دَعَاهُ مِنْ جِهَةِ الدُّعَاءِ أَجَابَهُ قُلْتُ وَ مَا جِهَةُ الدُّعَاءِ قَالَ تَبَدُّا فَتَحَمَدُ اللَّهَ وَ تَذْكُرُ نِعَمَهُ عِنْدَكَ ثُمَّ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

آسمان‌هایش به بزرگی نام می‌برد، و خشنودی و عنایات خاصه‌ی خویش را به او پیشکش می‌نماید، تجارت چنین کسی سودمندتر و سود او از هرکسی و هر تجارتی بزرگ‌تر و بیشتر است.

۲-۵-۱- ثمرات دیگر شکر

۱-۵-۲-۰۱ کامل شدن نماز

﴿۳۶۹﴾ سجده‌ی شکر بر هر مسلمانی واجب است، به گونه‌ای که نماز را با آن کامل و رضایت پروردگارت را به دست می‌آوری، و فرشتگان را به شگفتی وامی‌داری، و بدون شک هرگاه بنده نماز بگذارد و پس از فراغ در پی آن به سجده‌ی شکر رود، پروردگار متعال حجاب میان او و فرشتگان را برمی‌دارد، و به آنان خطاب کند: بنگرید به‌سوی بنده‌ی من که وظیفه‌ی واجب خویش را انجام داده و به پیمان من وفا نموده، و به شکرانه‌ی برخورداری از لطف من در مقابل به سجده افتاده است.

﴿۳۶۰﴾ سجده‌ی بعد از نماز واجب، شکر به درگاه خداوند است به خاطر توفیقی که به بنده‌اش برای ادای نماز واجب داده است، و کمترین ذکر در سجده‌ی شکر این است که سه بار بگوید: "شکرا لله" "شکر مخصوص خداست". گفتیم: معنی این ذکر چیست؟ فرمود: "یعنی: این سجده به عنوان سپاسگزاری بر توفیقی است که بر خدمت و ادای واجبش به ما عطا کرد". شکر موجب افزونی نعمت می‌شود؛ اگر در نماز کوتاهی شده باشد که حتی با نوافل جبران نشود با این سجده برطرف می‌شود.

۲-۵-۲-۰۲ اجابت دعا

﴿۳۶۷﴾ دو آیه را در کتاب خدا یافته‌ام، طالب آن‌ها هستم ولی آن‌ها را پیدا نمی‌کنم؛ امام علیه السلام فرمودند: آن دو آیه کدام است؟ عرض کردم: "آیه‌ی مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم." او را خواندیم اما اجابتی نمی‌بینیم. امام فرمود: آیا فکر می‌کنی که خداوند خلف وعده می‌کند؟ عرض کردم: نه. فرمود: پس ساکت باش (و مبدا به خدا اتهام بزن). گفتیم: نمی‌دانم. فرمود: اما من آگاهت می‌کنم، هر که امر خداوند را اطاعت کند سپس او را از راهش بخواند، خداوند او را اجابت می‌کند. عرض کردم راه دعا چیست؟ فرمود: دعا را با حمد خدا آغاز می‌کنی و او را تمجید می‌نمایی و نعمت‌هایی را که به تو داده یاد می‌کنی و او را شکر می‌کنی سپس بر پیامبر و خاندانش درود می‌فرستی سپس گناهانت را به یاد می‌آوری و به آن‌ها اقرار می‌کنی سپس از آن‌ها استغفار می‌نمایی. این راه دعاست.

﴿۳۶۷﴾ دو آیه در کتاب خدا (قرآن) است که آن دو را می‌جویم و نمی‌یابیم، فرمود: آن دو آیه کدام است؟ عرض کردم: گفتار خدای عزیز و جلیل: "مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم"، و ما او را می‌خوانیم ولی اجابتی نمی‌بینیم. امام علیه السلام فرمود: آیا می‌پنداری که خداوند خلاف وعده‌ی خود عمل کرده است؟ عرض کردم: نه، فرمود: پس علت این (به اجابت نرسیدن دعاها) چیست؟

﴿شَكَرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

تَشْكُرُهُ ثُمَّ تَصَلِّي عَلَى النَّبِيِّ ﷺ ثُمَّ تَذْكُرُ ذُنُوبَكَ فَتَقْرَأُ بِهَا ثُمَّ تَسْتَغِيثُ مِنْهَا فَهَذَا جِهَةُ الدُّعَاءِ؛
الكافي ج: ٢، ص: ٤٨٦

﴿٣٦٧٣﴾ الصادق عليه السلام: قُلْتُ لَهُ آيَتَانِ فِي كِتَابِ اللَّهِ لَا أَدْرِي مَا تَأْوِيلُهُمَا فَقَالَ وَمَا هُمَا قَالَ قُلْتُ قَوْلُهُ تَعَالَى ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ ثُمَّ ادْعُوا فَلَا أَرَى الْإِجَابَةَ قَالَ فَقَالَ لِي أَفَتَرَى اللَّهَ تَعَالَى أَخْلَفَ وَعْدَهُ قَالَ قُلْتُ لَا فَقَالَ الْآيَةُ الْأُخْرَى قَالَ قُلْتُ قَوْلُهُ تَعَالَى وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ فَانْفَقُ فَلَا أَرَى خَلْفًا قَالَ أَفَتَرَى اللَّهَ أَخْلَفَ وَعْدَهُ قَالَ قُلْتُ لَا قَالَ فَمَهْ قُلْتُ لَا أَدْرِي قَالَ لَكِنِّي أَخْبَرُكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى أَمَّا إِنَّكُمْ لَوْ أَطَعْتُمُوهُ فِيمَا أَمَرَ بِهِ ثُمَّ دَعَوْتُمُوهُ لَأَجَابَكُمْ وَلَكِنْ تَخَالَفُونَهُ وَتَعْصُونَهُ فَلَا يُجِيبُكُمْ وَأَمَّا قَوْلُكَ تَنْفِقُونَ فَلَا تَرَوْنَ خَلْفًا أَمَّا إِنَّكُمْ لَوْ كَسَبْتُمْ أَلْمَالَ مِنْ حِلِّهِ ثُمَّ أَنْفَقْتُمُوهُ فِي حَقِّهِ لَمْ يُنْفِقْ رَجُلٌ دَرَاهِمًا إِلَّا أَخْلَفَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَوْ دَعَوْتُمُوهُ مِنْ جِهَةِ الدُّعَاءِ لَأَجَابَكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ عَاصِينَ قَالَ قُلْتُ وَمَا جِهَةُ الدُّعَاءِ قَالَ إِذَا أَدَّيْتَ الْفَرِيضَةَ مَجَّدْتَ اللَّهَ وَعَظَّمْتَهُ وَتَمَدَّحْتَهُ بِكُلِّ مَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ وَتَصَلَّى عَلَى النَّبِيِّ وَتَجْتَهَدَ فِي الصَّلَاةِ عَلَيْهِ وَتَشْهَدُ لَهُ بِتَلْيِيقِ الرِّسَالَةِ وَتَصَلَّى عَلَى أَيْمَةِ الْهُدَى عليه السلام ثُمَّ تَذْكُرُ بَعْدَ التَّحْمِيدِ لِلَّهِ وَالثَّنَاءَ عَلَيْهِ وَالصَّلَاةَ عَلَى النَّبِيِّ مَا أَتَلَكَ وَأَوَّلَاكَ وَتَذْكُرُ نِعَمَهُ عِنْدَكَ وَعَلَيْكَ وَمَا صَنَعَ بِكَ فَتُحَمِّدُهُ وَتَشْكُرُهُ عَلَى ذَلِكَ ثُمَّ تَعْتَرِفُ بِذُنُوبِكَ ذَنْبَ ذَنْبٍ وَتَقْرَأُ بِهَا أَوْ بِمَا ذَكَرْتَ مِنْهَا وَتُجِئِلُ مَا خَفِيَ عَلَيْكَ مِنْهَا فَتَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مِنْ جَمِيعِ مَعَاصِيكَ وَأَنْتَ تَنْوِي أَنْ لَا تَعُودَ وَتَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِنْهَا بِدَامَةِ وَصِدْقِ نِيَّةٍ وَخَوْفٍ وَرَجَاءٍ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥، ص: ٢١٢

١-٥-٢-٠٣- إجْتِلَابُ النِّعَمِ رَاجِعُ: النِّعْمَةُ

١-٥-٢-٠٤- الْأَجْرُ وَالْجَزَاءُ وَالثَّوَابُ

١-٥-٢-٠٤-١- الْأَجْرُ

﴿٣٦٧٤﴾ الرسول ﷺ: أَلَا أَعْجَبُكُمْ أَنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَصَابَ خَيْرًا حَمِدَ اللَّهَ وَشَكَرَ وَإِذَا أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ حَمِدَ اللَّهَ وَصَبَرَ فَالْمُؤْمِنُ يُوجَرُ فِي كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى اللَّقْمَةَ يَرْفَعُهَا إِلَى فِيهِ؛ مسکن الفؤاد ص: ٢٥

﴿٣٦٧٥﴾ الرسول ﷺ: إِذَا قَالَ يَا مُبْتَدِئًا بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا أَعْطَاهُ اللَّهُ مِنَ الْأَجْرِ بَعْدَ مَنْ شَكَرَ نِعْمَاءَهُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢، ص: ١٩٨

﴿٣٦٧٦﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنَا حُسْنَ مُصَاحَبَتِهِ، وَاعْصِمْنَا مِنْ سُوءِ مُفَارَقَتِهِ بَارِكْتَكَابَ جَرِيرَةٍ، أَوْ اقْتَرَأَ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ، وَاجْزَلْ لَنَا فِيهِ مِنَ الْحَسَنَاتِ، وَاخْلِنَا فِيهِ مِنْ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

عرض کردم: نمی‌دانم، فرمود: ولی من تو را آگاه می‌کنم؛ هر که خدای عزیز و جلیل را در آنچه که به آن فرمان داده اطاعت کند سپس او را از راه دعا بخواند خدا او را اجابت می‌کند.

﴿۳۶۷۳﴾ عرض کردم: دو آیه در کتاب خدا هست که من تأویل آن‌ها را نمی‌دانم. حضرت فرمود: آن دو کدامند؟ عرض کردم: فرمایش خداوند متعال که می‌فرماید: "مرا بخوانید، تا دعایتان را اجابت کنم". ولی من دعا می‌کنم و مستجاب نمی‌گردد. حضرت فرمود: آیا مقصودت این است که خداوند تبارک و تعالی به وعده‌اش عمل نکرده است؟ عرض کردم: خیر. فرمود: آیه‌ی دیگر کدام است. عرض کردم: گفتار خداوند متعال که می‌فرماید: "و هر چه انفاق کنید، خداوند عوض آن را [به شما] برمی‌گرداند، و او بهترین روزی دهندگان است". اما من انفاق می‌کنم و عوض آن را نمی‌بینم. حضرت فرمود: آیا منظورت این است که خداوند به وعده‌اش عمل نکرده است؟ عرض کردم: خیر. فرمود: پس چه؟ عرض کردم: نمی‌دانم. فرمود: ان شاء الله من برای تو بیان می‌کنم. توجه داشته باش که اگر شما از دستورات خداوند اطاعت می‌کردید و بعد از آن دعا می‌کردید، مسلماً خداوند دعای شما را مستجاب می‌کرد، ولی چون با خدا مخالفت و او را نافرمانی می‌کنید بنابراین او دعایتان را مستجاب نمی‌کند. و اما اینکه گفتی: انفاق می‌کنید و عوض آن را نمی‌بینید، بدان که اگر شما مال را از راه حلال به دست آورده و سپس در راه حق و موارد درست انفاق می‌کردید، هر کس حتی اگر یک درهم انفاق می‌کرد خداوند عوض آن را به او پس می‌داد. و اگر دعا را از راهش انجام می‌دادید، حتماً دعای شما را اجابت می‌کرد، اگر چه نافرمان و گناهکار باشید. را وی می‌گوید: عرض کردم: راه دعا کردن کدام است؟ حضرت فرمود: هنگامی که نماز واجب را به‌جا آوردی، ستایش خدا را نموده و او را به بزرگی یاد کن و با تمام توان مدح و ثنایش را بگو، و بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درود فرست و در درود بر او نهایت کوشش را بکن، و گواهی بده که حضرتش، رسالت خویش را به‌خوبی تبلیغ نموده، و بر امامان هدایت علیهم السلام درود فرست، بعد از ستایش و ثنای خداوند و درود بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عطایا و الطاف خداوند نسبت به خود را یادآور شده و نعمت‌های او را به یادآور، آن‌گاه خدا را ستایش نموده و او را بر تمام این امور شکرگزاری کن، و بعد به تک‌تک گناهانت اعتراف نموده و به همه‌ی آن‌ها و یا به هر کدام که به یاد می‌آوری اقرار کن و به گناهای که از یادت رفته و بر تو پوشیده است به‌صورت اجمالی اقرار کرده و از تمامی گناهانت به درگاه خداوند توبه کن، و تصمیم بگیر که هرگز به‌سوی آن‌ها بازنگردی، و با حالت پشیمانی و نیت صادق و احساس بیم و امید، از تمامی گناهانت طلب آمرزش کن (آن‌گاه حاجت خویش را بطلب).

۱-۵-۲-۰۳- به دست آوردن نعمت ر.به: نعمت

۱-۵-۲-۰۴- اجر و ثواب و پاداش و...

۱-۵-۲-۰۴-۱- اجر

﴿۳۶۷۴﴾ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: آیا روش پسندیده‌ی مؤمن شما را شگفت‌زده نمی‌کند؟ هرگاه خیر و نعمتی به مؤمن برسد خدا را می‌ستاید و شکر می‌کند و هرگاه مصیبتی به او برسد در مقابل مصیبت هم خدا را ستایش می‌کند و صبر و شکیبایی پیشه می‌کند، مؤمن در تمام کارهایش اجر و ثواب می‌برد، حتی در لقمه‌ای که به‌طرف دهانش بالا می‌برد.

﴿۳۶۷۵﴾ آن‌هنگام که بگوید: "ای آغازکننده به عطای نعمت پیش از آنکه بنده شایستگی آن را داشته باشد؛ خدای تعالی به تعداد کسانی که نعمت‌های او را شکر می‌کنند به او اجر عطا کند.

﴿۳۶۷۶﴾ خدایا، بر محمد صلی الله علیه و آله و خاندانش درود فرست، و همراه خوبی بودن با این روز را نصیب ما گردان، و ما را از بدجداشدن از آن بر اثر نافرمانی یا به‌جا آوردن گناه کوچک یا بزرگ، مصون

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

السَّيِّئَاتِ، وَ اَمَلًا لَنَا مَا بَيْنَ طَرَفَيْهِ حَمْدًا وَ شُكْرًا وَ أَجْرًا وَ ذُخْرًا وَ فَضْلًا وَ إِحْسَانًا؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٤٨

﴿٣٦٧٧﴾ الصادق عليه السلام: الْمُعَاغَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنْ الْأَجْرِ مَا لِلْمُتَبَلِّ الصَّابِرِ وَ الْمُعْطَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنْ الْأَجْرِ كَالْمَحْرُومِ الْقَانِعِ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٤

﴿٣٦٧٨﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَشْبَعُ مِنَ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ فَيَحْمَدُ اللَّهَ فَيُعْطِيهِ اللَّهُ مِنْ الْأَجْرِ مَا يُعْطَى الصَّائِمِ إِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ يُحِبُّ أَنْ يُحْمَدَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ٣١٠
﴿٣٦٧٩﴾ إِنَّ خَيْرَ أَمَالٍ مَا كَسَبَ [اَكْسَبَ] ثَنَاءً وَ شُكْرًا وَ أَوْجَبَ ثَوَابًا وَ أَجْرًا؛ غررالحكم ص: ٣٦٧

﴿٣٦٨٠﴾ الرسول ﷺ: لِلطَّاعِمِ الشَّاكِرِ كَأَجْرِ الصَّائِمِ الْمُحْتَسِبِ وَ لِلْعَاغَى الشَّاكِرِ كَأَجْرِ الْمُتَبَلِّ الصَّابِرِ وَ لِلْمُعْطَى الشَّاكِرِ كَأَجْرِ الْمَحْرُومِ الْقَانِعِ؛ روضة الواعظين ج: ٢ ص: ٤٧٣
﴿٣٦٨١﴾ الصادق عليه السلام: الطَّاعِمُ الشَّاكِرُ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الصَّائِمِ الْمُحْتَسِبِ وَ الْمُعَاغَى الشَّاكِرُ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الْمُتَبَلِّ الصَّابِرِ؛ تحف العقول ص: ٣٦٤

﴿٣٦٨٢﴾ الرسول ﷺ: الطَّاعِمُ الشَّاكِرُ لَهُ مِنْ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الصَّائِمِ الْمُتَسَحِّرِ؛ مستدرک الوسائل ج: ٧ ص: ٣٥٦
﴿٣٦٨٣﴾ الرسول ﷺ: الطَّاعِمُ الشَّاكِرُ لَهُ مِنْ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الصَّائِمِ الْمُحْتَسِبِ وَ الْمُعَاغَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنْ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الْمُتَبَلِّ الصَّابِرِ وَ الْمُعْطَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنْ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الْمَحْرُومِ الْقَانِعِ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٤

﴿٣٦٨٤﴾ الرسول ﷺ: الشَّاكِرُ لَهُ مِنْ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الْمُتَبَلِّ الصَّابِرِ وَ الْمُعْطَى الشَّاكِرُ لَهُ مِنْ الْأَجْرِ كَأَجْرِ الْمُحْتَرَفِ الْقَانِعِ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٥٦
٢-٤-٠١-٥-١- الثَّوَابُ

﴿٣٦٨٥﴾ الهادي عليه السلام: يَا مَنْ دَعَاهُ الْمُضْطَرُّونَ فَأَجَابَهُمْ وَ لَجَأَ إِلَيْهِ الْخَائِفُونَ فَأَمَنَهُمْ وَ عَبْدَهُ الطَّائِعُونَ فَشَكَرَهُمْ وَ حَمِدَهُ الشَّاكِرُونَ فَأَتَانَهُمْ؛ بحار الأنوار ج: ٨٢ ص: ٢٢٦
﴿٣٦٨٦﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ مِنْكَ النِّعْمَةُ وَ أَنْتَ تَرْزُقُ شُكْرَهَا وَ ثَوَابَ مَا تَفَضَّلْتَ بِهِ مِنْهَا؛ مصباح المتعبد ص: ١٧٢

﴿٣٦٨٧﴾ وَ كُنْ شَاكِرًا لِلَّهِ فِي كُلِّ نِعْمَةٍ يُثَبِّكَ عَلَى النُّعْمَى جَزِيلَ الْمَوَاهِبِ ديوان الإمام علي (ع) ص: ٥٦

١-٢-٠٤-٢-٥-١- ثَوَابُ الشَّاكِرِينَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

نگهدار. و در این روز بر نیکی‌های ما بیافزا، و از بدی‌ها تهی‌مان ساز، و دو طرف (اول تا آخر) آن را برای ما از ستایش و سپاس و پاداش و اندوخته (برای آخرت) و بخشش و نیکی لبریز کن.

﴿۳۶۷۷﴾ شخصی که صحیح و سالم باشد و شکرگزار، مانند شخص مریض شکمیا، اجر و پاداش دارد و ثروتمند سپاسگزار در اجر و پاداش همانند مستمند قانع است.

﴿۳۶۷۸﴾ مؤمن هروقت که از خوردن غذا و آشامیدن سیر شود و خدا را سپاس گوید خداوند به او اجر و پاداش شخص روزه‌دار را عطا می‌فرماید، خداوند سپاسگزار است و دوست دارد که ستایش شود.

﴿۳۶۷۹﴾ به‌درستی که بهترین مال آن است که با خود تشکر دیگران را جلب کند، و پاداش خیر و را واجب سازد.

﴿۳۶۸۰﴾ برای کسی که می‌خورد و سپاسگزار است، همانند اجر و پاداش روزه‌داری است که به قصد قربت روزه می‌گیرد؛ و برای تندرست سپاسگزار، همان پاداش گرفتار شکمیاست، و برای عطاکننده‌ی سپاسگزار، همان پاداش محروم قانع است.

﴿۳۶۸۱﴾. اجر آن که غذا می‌خورد و شکر می‌کند، چون کسی است که روزه گیرد و اجر طلبد، و پاداش تندرست شاکر همانند گرفتار صابر است.

﴿۳۶۸۲﴾ پاداش آنکه می‌خورد و شکر می‌کند همانند پاداش روزه‌دار سحرخیز است.

﴿۳۶۸۳﴾ آنکه می‌خورد سپاسگزار است، اجرش مانند روزه‌داری است که با خدا معامله کرده است و تندرست شکرگزار اجرش مانند اجر گرفتار صابر است و عطاگرفته‌ی سپاسگزار اجرش مانند اجر محروم قانع است.

﴿۳۶۸۴﴾ کسی که شکر خدا را می‌گوید مانند گرفتار صابر پاداش دارد، و کسی که نعمت به او داده شود و سپاسگزاری کند مانند کاسب قانع پاداش می‌گیرد.

۲-۴-۲-۱-۵-۱ ثواب

﴿۳۶۸۵﴾ ای آن که او را بیچارگان خوانده‌اند، و او ایشان را اجابت نمود، و ترسندگان به‌سوی او پناه برده‌اند، پس ایشان را ایمن گردانید، و او را اطاعت‌کنندگان بندگی نموده‌اند و او به ایشان جزا داده است و شکرکنندگان او را سپاس گزارده‌اند و او به ایشان پاداش داده است.

﴿۳۶۸۶﴾ پروردگارا، نعمت از جانب توست و تو شکر آن و نیز پاداش آن شکر را به ما روزی می‌کنی.

﴿۳۶۸۷﴾ و در هر نعمتی شکرگزار خداوند باش... که در آن صورت بعد از هر نعمتی بخشش‌های بزرگی نیز به تو داده خواهد شد.

۱-۲-۴-۲-۱-۵-۱ پاداش شکرگزاران

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

- ﴿٣٦٨٨﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ ثَوَابَ الشَّاكِرِينَ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٩٣
- ﴿٣٦٨٩﴾ الكاظم عليه السلام: فِي الثَّامِنِ عَشْرِينَ بِالْحَمْدِ مَرَّةً وَ الْقَلَائِلِ ثَلَاثًا ثَلَاثًا أَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى ثَوَابَ الشَّاكِرِينَ؛ البلد الأمين ص: ١٦٧
- ﴿٣٦٩٠﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: مَنْ شَغَلَهُ قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ عَنْ دُعَائِي وَ مَسْأَلَتِي أَعْطَيْتُهُ أَفْضَلَ ثَوَابِ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٩ ص: ٢٠٠
- ﴿٣٦٩١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ صَبَرَ عَلَى خُلُقِ امْرَأَةٍ سَيِّئَةِ الْخُلُقِ وَ اخْتَسَبَ فِي ذَلِكَ الْأَجْرَ أَعْطَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ الشَّاكِرِينَ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٤ ص: ١٥
- ﴿٣٦٩٢﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: مَنْ صَلَّى فِي اللَّيْلَةِ الثَّامِنَةِ مِنْ رَجَبٍ عَشْرِينَ رُكْعَةً بِالْحَمْدِ مَرَّةً وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَقُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَ الْفَلَقِ وَ النَّاسِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ أَعْطَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ الشَّاكِرِينَ؛ إقبال الأعمال ص: ٦٥٢
- ﴿٣٦٩٣﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: وَ فِي الثَّامِنَةِ عَشْرِينَ بِالْحَمْدِ وَ الْقَلَائِلِ ثَلَاثًا ثَلَاثًا أَعْطَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ الشَّاكِرِينَ؛ وسائل الشيعة ج: ٨ ص: ٩١
- ﴿٣٦٩٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ صَلَّى لَيْلَةَ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ ثَمَانَ رُكْعَاتٍ يَقْرَأُ فِي كُلِّ رُكْعَةٍ الْحَمْدَ مَرَّةً وَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ثَلَاثِينَ مَرَّةً أَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى ثَوَابَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٣٨٣
- ﴿٣٦٩٥﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: وَ فِي لَيْلَةِ الثَّانِيَةِ عَشْرَةَ ثَمَانَ بِالْحَمْدِ وَ الْقَدْرِ ثَلَاثِينَ أَعْطِيَ ثَوَابَ الشَّاكِرِينَ؛ المصباح للكفعمي ص: ٥٦٢
- ﴿٣٦٩٦﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: وَ فِي الثَّانِي عَشْرَةَ ثَمَانَ بِالْحَمْدِ وَ الْقَدْرِ ثَلَاثِينَ مَرَّةً أَعْطِيَ ثَوَابَ الشَّاكِرِينَ؛ البلد الأمين ص: ١٧٥
- ﴿٣٦٩٧﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: مَنْ صَلَّى لَيْلَةَ الْأَحَدِ سِتَّ رُكْعَاتٍ يَقْرَأُ فِي كُلِّ رُكْعَةٍ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ مَرَّةً وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ سَبْعَ مَرَّاتٍ أَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى ثَوَابَ الشَّاكِرِينَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٦ ص: ٣٥٨
- ﴿٣٦٩٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَلَا وَ مَنْ صَبَرَ عَلَى خُلُقِ امْرَأَةٍ سَيِّئَةِ الْخُلُقِ وَ اخْتَسَبَ فِي ذَلِكَ الْأَجْرَ أَعْطَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ الشَّاكِرِينَ فِي الْآخِرَةِ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٤ ص: ١٥
- ٢-٢-٢٠٤-١-٥-١- ثَوَابُ الرَّامِي مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۶۸۸﴾ خدایا، از تو ثواب و پاداش شکرگزاران و سپاسگزاران به درگاهت را درخواست می‌کنم.
﴿۳۶۸۹﴾ و در روز بیست و هشتم نمازی با یک مرتبه حمد و سوره‌هایی را که با " قل " شروع می‌شود هر کدام سه مرتبه بخواند که در آن صورت خداوند ثواب شاکران را به او عطا می‌کند.

﴿۳۶۹۰﴾ هر کس که قرائت قرآن او را از دعا کردن ارائه درخواست باز دارد، خدای تعالی به او بالاترین و با فضیلت‌ترین ثواب شکرگزاران را عطا می‌فرماید.

﴿۳۶۹۱﴾ هر که بر بداخلاقی زنی صبر کند و ثواب خواهد، خدا در آخرت ثواب شاکران را به او عطا می‌فرماید.

﴿۳۶۹۲﴾ هر کس که در شب هشتم ماه رجب بیست رکعت نماز به یک حمد و سه مرتبه از سوره‌های توحید و کافرون و فلق و ناس به جا آورد، خدای تعالی به او ثواب شاکرین را عطا می‌فرماید.

﴿۳۶۹۳﴾ هر که در شب هشتم رجب بیست رکعت نماز، در هر رکعت حمد و سوره‌هایی را که با " قل " شروع می‌شوند سه مرتبه بخواند، خداوند پاداش شاکران را به او می‌دهد.

﴿۳۶۹۴﴾ هر کس در شب دوازدهم از ماه رمضان هشت رکعت نماز بخواند که در هر رکعت از آن سوره‌ی حمد را یک بار و سوره‌ی قدر را سی مرتبه بخواند حق تعالی به او ثواب شاکرین را عطا می‌فرماید.

﴿۳۶۹۵﴾ هر که در شب دوازدهم ماه مبارک رمضان هشت رکعت نماز بخواند در هر رکعت یک حمد و سه مرتبه قدر، پاداش شاکران به او عطا خواهد شد.

﴿۳۶۹۶﴾ هر که در شب دوازدهم ماه مبارک رمضان هشت رکعت نماز اقامه کند، و در هر رکعت یک حمد و سی مرتبه سوره‌ی قدر بخواند، پاداش شاکران به او عطا شود.

﴿۳۶۹۷﴾ هر کس شب یازدهم چهار رکعت نماز بخواند که در هر رکعت سوره‌ی حمد یک مرتبه و سوره‌ی توحید را هفت مرتبه بخواند حق تعالی به او ثواب شاکرین را عطا می‌فرماید.

﴿۳۶۹۸﴾ آگاه باشید که هر کس بر بدرفتاری زن بداخلاقی شکیبایی ورزد و به حساب بگذارد خداوند در آخرت به او پاداش شکرگزاران را می‌دهد.

۲-۲-۴-۰-۲-۵-۱- پاداش رزمنده‌ی همراه رسول خدا ﷺ

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٦٩٩﴾ الرضا عليه السلام: دَخَلْنَا عَلَيْهِ وَهُوَ سَاجِدٌ فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ فَأَطَالَ فِي سُجُودِهِ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقُلْنَا لَهُ أَطَلْتَ السُّجُودَ فَقَالَ مَنْ دَعَا فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ بِهَذَا الدُّعَاءِ كَانَ كَالرَّامِي مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَوْمَ بَدْرٍ قَالَا قُلْنَا فَكُتِبَ لَهُ قَالَ أَكْتُبَا إِذَا أَنْتَ سَجَدْتَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ فَقُلْ...؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٢٢٣

٣-٢-٢٠٤-١-٥-١- ثوابُ عبادةِ ستينِ سنةً

﴿٣٧٠٠﴾ الباقر عليه السلام: مَنْ مَرَضَ لَيْلَةً فَقَبِلَهَا بِقَبُولِهَا وَآدَى شُكْرَهَا إِلَى اللَّهِ كَانَتْ كَعِبَادَةِ سِتِّينَ سَنَةً؛ مشكاة الأنوار ص: ٢٨١

﴿٣٧٠١﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ اشْتَكَى لَيْلَةً فَقَبِلَهَا بِقَبُولِهَا وَآدَى إِلَى اللَّهِ شُكْرَهَا كَانَتْ كَعِبَادَةِ سِتِّينَ سَنَةً؛ الكافي ج: ٣ ص: ١١٦

٣-٢-٢٠٤-١-٥-١- الجزاءُ

﴿٣٧٠٢﴾ وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يُمَسِّرَ اللَّهُ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ؛ آل عمران: الآية ١٤٤

﴿٣٧٠٣﴾ ابن عباس رضي الله عنهما: وَلَقَدْ شَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى فَعَالَ عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ فِي مَوْضِعَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ؛ شواهد التنزيل ج: ١ ص: ١٧٦

﴿٣٧٠٤﴾ وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُؤَجَّلًا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ؛ آل عمران: الآية ١٤٥

﴿٣٧٠٥﴾ نِعْمَةٌ مِنْ عِبَادِنَا كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ شَكَرَ؛ القمر: الآية ٣٥

﴿٣٧٠٦﴾ لَوْ شَكَرُوا النِّعْمَةَ جَازَاهُمْ مَقَالَةَ الشُّكْرِ الَّذِي قَالَهَا

ديوان الإمام علي (ع) ص: ٣١٨

﴿٣٧٠٧﴾ الصادق عليه السلام: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ إِنِّي شَيْخٌ كَثِيرُ الْعِيَالِ ضَعِيفُ الرُّكْنِ قَلِيلُ الشَّيْءِ فَهَلْ مِنْ مَعُونَةٍ عَلَى زَمَانِي فَنَظَرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِلَى أَصْحَابِهِ وَنَظَرَ إِلَيْهِ أَصْحَابُهُ وَقَالَ قَدْ أَسْمَعْنَا الْقَوْلَ وَ أَسْمَعُكُمْ فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ كُنْتُ مِثْلَكَ بِالْأَمْسِ فَذَهَبَ بِهِ إِلَى مَنْزِلِهِ فَأَعْطَاهُ مِرْوَدًا مِنْ تَبَرٍ وَكَانُوا يَتَبَايَعُونَ بِالتَّبَرِ وَهُوَ الذَّهَبُ وَالْفِضَّةُ فَقَالَ الشَّيْخُ هَذَا كُلُّهُ قَالَ نَعَمْ فَقَالَ الشَّيْخُ أَقْبَلُ تَبَرَكَ فَإِنِّي لَسْتُ بِجَنَىٍّ وَلَا إِنْسِيٍّ وَ لَكِنِّي رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ لِأَبْلُوكَ فَوَجَدْتُكَ شَاكِرًا فَجَزَاكَ اللَّهُ خَيْرًا؛ الكافي ج: ٤ ص: ٤٨

﴿٣٧٠٨﴾ مَنْ شَكَرَهُ جَزَاهُ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٦ ص: ٣٩٥

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۶۹۹﴾ ما بر آن حضرت داخل شدیم و حال آنکه ایشان در سجده‌ی شکر بودند. پس سجده‌ی ایشان طولانی شد و چون سر مبارک از سجده برداشتند، ما گفتیم که: چه بسیار سجده‌ی خود را طول دادید. پس فرمودند که: هرکس این دعا را در سجده‌ی شکر بخواند، مثل کسی خواهد بود که در خدمت پیامبر خدا به جهاد رفته باشد و به طرف دشمنان خدا در روز جنگ بدر تیر انداخته باشد. گفتیم: اجازه می‌دهید این دعا را بنویسیم. فرمودند: آری این دعا را بنویسید و هرگاه سجده‌ی شکر کردی چنین بگو.

﴿۳۶۹۹-۱-۵-۲-۰۴-۲-۳- ثواب عبادت شصت سال﴾

﴿۳۷۰۰﴾ هرکس بیمار شود و از مرض خود شکایت نکند و صبر پیشه نماید، خداوند عبادت شصت سال را برای او می‌نویسد.

﴿۳۷۰۱﴾ هرکس شبی دچار بیماری شود و آن را به‌درستی قبول کند و شکر خدا را به‌جای آورد گویا شصت سال عبادت انجام داده است.

﴿۳۶۹۹-۱-۵-۲-۰۴-۳- پاداش﴾

﴿۳۷۰۲﴾ محمد ﷺ فقط فرستاده‌ی خداست و پیش از او، فرستادگان دیگری نیز بودند آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود، شما به عقب برمی‌گردید؟ (و اسلام را رها کرده به دوران جاهلیت و کفر بازگشت خواهید نمود؟) و هرکس به عقب بازگردد، هرگز به خدا ضرری نمی‌زند و خداوند به‌زودی شاکران (و استقامت‌کنندگان) را پاداش خواهد داد.

﴿۳۷۰۳﴾ خداوند در دو آیه‌ی قرآن از کارهای علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) تشکر کرده است یک مورد: "و خداوند به‌زودی شاکران را پاداش خواهد داد".

﴿۳۷۰۴﴾ هیچ‌کس، جز به فرمان خدا، نمی‌میرد سرنوشتی است تعیین شده (بنابراین، مرگ پیامبر یا دیگران، یک سنت الهی است). هرکس پاداش دنیا را بخواهد (و در زندگی خود، در این راه گام بردارد)، چیزی از آن به او خواهیم داد و هرکس پاداش آخرت را بخواهد، از آن به او می‌دهیم و به‌زودی سپاسگزاران را پاداش خواهیم داد.

﴿۳۷۰۵﴾ این نعمتی بود از ناحیه‌ی ما، این‌گونه هرکسی را که شکر کند پاداش می‌دهیم

﴿۳۷۰۶﴾ اگر شکر نعمت را می‌کردند خداوند با کلامی که درباره‌ی شکر بیان کرده است به آن‌ها پاسخ می‌داد.

﴿۳۷۰۷﴾ مردی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: من پیری هستم که زن و فرزند فراوانی دارم کم‌توان و ندارم آیا در این گرفتاری کمکی برای من هست؟ پیامبر خدا ﷺ به اصحابشان نگاه کردند و اصحابشان هم به ایشان نگریستند و فرمودند: به گوش ما و شما رسید. مردی برخاست و به‌سوی پیرمرد رفت و گفت: من نیز قبلاً مانند تو بودم و او را با خود به منزلش برد و به او میله‌ای از طلا داد، و آن‌ها با همین میله‌های طلا و نقره داد و ستد می‌کردند. پیرمرد گفت: این، همه‌ی دارایی‌ات است؟ گفت: آری: پیرمرد گفت: آن را از تو می‌پذیرم؛ من نه از طایقه‌ی جنم و نه از انس بلکه فرستاده‌ی خدایم تا تو را امتحان نمایم و دریافتم که تو شاکری پس خداوند به تو پاداش دهد.

﴿۳۷۰۸﴾ هر که او را شکر کند، در واقع پاداش داده است.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٧٠٩﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِحَمْدِهِ، وَجَعَلَنَا مِنْ أَهْلِهِ لِنَكُونَ لِلْإِحْسَانِ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَ لِيَجْزِيَنَا عَلَى ذَلِكَ جَزَاءَ الْمُحْسِنِينَ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ١٨٦
﴿٣٧١٠﴾ السَّجَاد عليه السلام: إِنَّكَ وَلِيُّ مَنْ اعْتَصَمَ بِنَصْرِكَ وَ مُجَازِي مَنْ أَدْعَنَ بِوُجُوبِ شُكْرِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٧٣

﴿٣٧١١﴾ وَ جَزَاكُمُ اللَّهُ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ عَنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ أَحْسَنَ مَا يَجْزِي الْعَامِلِينَ بِطَاعَتِهِ وَ الشَّاكِرِينَ لِنِعْمَتِهِ فَقَدْ سَمِعْتُمْ وَأَطَعْتُمْ وَ دُعِيتُمْ فَأَجَبْتُمْ؛ شرح نهج البلاغة ج: ١٤ ص: ٢٦
﴿٣٧١٢﴾ يَا مَنْ نَجَّى آلَ لُوطٍ بِسَحْرِ نِعْمَةٍ مِنْ عِنْدِهِ كَذَلِكَ يُجْزَى مَنْ شُكِرَ؛ إقبال الأعمال ص: ٢٢٩

١-٣-٤-٥-١- جَزَاءٌ لَا جَزَاءَ فَوْقَهُ

﴿٣٧١٣﴾ اللَّهُمَّ ارْفَعْ مُحَمَّدًا فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ فَوْقَ مَنَازِلِ الْمُرْسَلِينَ وَ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَ صَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ اجْزِهِمْ بِشُكْرِ نِعْمَتِكَ وَ تَعْظِيمِ حُرْمَتِكَ جَزَاءً لَا جَزَاءَ فَوْقَهُ وَ عَطَاءً لَا عَطَاءَ مِثْلُهُ وَ خُلُودًا لَا خُلُودَ يُشَاكِلُهُ وَ لَا يَطْمَعُ أَحَدٌ فِي مِثْلِهِ وَ لَا يَقْدِرُ أَحَدٌ قُدْرَهُ وَ لَا تَهْتَدِي الْأَلْبَابُ إِلَى طَلَبِهِ نِعْمَةً لِمَا شَكَرُوا مِنْ أَيَادِيكَ وَ إِرْصَادًا لِمَا صَبَرُوا عَلَى الْأَذَى فَيْكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٦ ص: ٣٣٨

١-٣-٤-٥-١- الدُّخْرُ

﴿٣٧١٤﴾ الرَّسُول عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً دَائِمَةً تَكُونُ لَكَ شُكْرًا وَ لَنَا ذُخْرًا؛ البلد الأمين ص: ١٨٤

﴿٣٧١٥﴾ الصَّادِق عليه السلام: اللَّهُمَّ مَا آتَيْتَنِي مِنْ خَيْرٍ فَأَتِنِي مَعَهُ شُكْرًا تُحْدِثُ بِهِ لِي ذِكْرًا وَ أَحْسِنُ لِي بِهِ ذُخْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٢٣٩

﴿٣٧١٦﴾ الرَّسُول عليه السلام: إِنَّا لَنَشْكُرُ لِلنَّعْمَاءِ وَ قَدْ كُفِّرَتْ وَ عِنْدَنَا بَعْدَ هَذَا الْيَوْمِ مُدْخَرٌ

بحار الأنوار ج: ٢١ ص: ١٣

١-٣-٤-٥-١- إحاطة النعمة راجع: النعمة

١-٣-٤-٥-١- الإحسان راجع: النعمة

١-٣-٤-٥-١- إدراك النعم راجع: النعمة

١-٣-٤-٥-١- إرائة وجه الله إليه

﴿٣٧١٧﴾ الصَّادِق عليه السلام: سَجْدَةُ الشُّكْرِ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ تُتِمُّ بِهَا صَلَاتَكَ وَ تُرْضِي بِهَا رَبَّكَ وَ تَعْجِبُ الْمَلَائِكَةَ مِنْكَ وَ إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا صَلَّى ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ فَفَتَحَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۷۰۹﴾ حمد و سپاس خداوندی را که ما را به حمد و سپاس خویش هدایت نمود و از جمله‌ی ستایشگران خود قرار داد، تا شکرگزار احسان او باشیم و به ما در برابرشکرمان پاداش نیکوکاران را عطا نماید.

﴿۳۷۱۰﴾ تو ولی آن کسی هستی که به ریسمان کمک تو چنگ زند و به کسی که به وجوب شکر تو اعتراف کند پاداش می‌دهی.

﴿۳۷۱۱﴾ و خدا شما مردم شهر را از سوی خاندان پیامبرتان (که درود خدا بر او باد) پاداش دهد نیکوترین پاداشی که به فرمانبران خود عطا می‌فرماید و به سپاسگزاران نعمتش می‌دهد؛ زیرا شما باید که شنیدید و فرمان بردید و خوانده شدید و پاسخ گفتید.

﴿۳۷۱۲﴾ ای کسی که خاندان لوط را سحرگاهان نجات داد و این نعمتی از جانب او بود و او این‌گونه شکرگزاران را پاداش می‌دهد.

۱-۵-۲-۰۴-۳-۱ پاداشی برتر و بالاتر از آن نیست

﴿۳۷۱۳﴾ بارخدا یا، با رحمت محمد ﷺ را در بهترین جایگاه‌ها قرار ده در مقامی برتر از مقام پیامبران و فرشتگان مقرب و برتر از مقام پیامبران و آفریدگان برگزیده‌ای مهربان‌ترین مهربانان، خدا یا، به خاطر شکر نعمت‌ها و بزرگداشت حرمت‌هایت به آنان پاداشی ده که بالاتر از آن پاداشی نبوده و عطایی که مثل آن عطایی نباشد و بقایی به آنان ده که هیچ بقایی نظیر آن نباشد و هیچ کس حتی به چیزی شبیه آن هم طمع نکند و اندازه‌اش را کسی نداند و خرده‌ها به طلب و درخواست آن راه نبرد، نعمتی به خاطر شکری که در مقابل نعمت‌های تو به‌جا آوردند و نیز به خاطر اینکه منتظر بودند که در راه تو آزارها را تحمل کنند.

۱-۵-۲-۰۴-۴ ذخیره

﴿۳۷۱۴﴾ پروردگارا، پیوسته بر او درود فرست، تا شکری به درگاهت باشد و ذخیره و پشتوانه‌ای برای ما.

﴿۳۷۱۵﴾ خداوند، (به همراه) آنچه از خیر و نیکی به من عطا فرموده‌ای، شکری به من مرحمت فرما تا با شکر نعمت‌های بی‌پایان تو، ذکر و یاد تو همواره برای من ظهور و بروز یابد و به سبب آن (شکر و یاد) ذخیره‌ای را (برای حسن عاقبتم) برایم در نظر بگیر.

﴿۳۷۱۶﴾ ما در آن هنگام که نعمت‌ها، کفران شود شکرگزاری می‌کنیم و این شکر برای فردای ما ذخیره می‌شود.

۱-۵-۲-۰۵-۱ دربرگرفتن نعمت ر.به: نعمت

۱-۵-۲-۰۶-۱ احسان ر.به: نعمت

۱-۵-۲-۰۷-۱ ریزش نعمت ر.به: نعمت

۱-۵-۲-۰۸-۱ دیدن وجه خدا

﴿۳۷۱۷﴾ سجده‌ی شکر بر هر مسلمانی واجب است، به گونه‌ای که نمازت را با آن کامل و رضایت پروردگارت را به دست می‌آوری، و فرشتگان را به شگفتی وامی‌داری، و بدون شک هرگاه بنده نماز بگذارد و پس از فراغ در پی آن به سجده‌ی شکر رود، پروردگار متعال حجاب

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

الْحِجَابَ بَيْنَ الْعَبْدِ وَبَيْنَ الْمَلَائِكَةِ فَيَقُولُ يَا مَلَائِكَتِي انظُرُوا إِلَى عَبْدِي أَدَّى فَرَضِي وَآتَمَّ عَهْدِي ثُمَّ سَجَدَ لِي شُكْرًا عَلَى مَا أَنْعَمْتُ بِهِ عَلَيْهِ مَلَائِكَتِي مَاذَا لَهُ عِنْدِي قَالَ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا رَحِمَتُكَ ثُمَّ يَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ثُمَّ مَاذَا لَهُ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا جَنَّتِكَ ثُمَّ يَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ثُمَّ مَاذَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا كِفَايَةُ مُهِمِّهِ فَيَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ثُمَّ مَاذَا قَالَ وَلَا يَبْقَى شَيْءٌ مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا قَالَتْهُ الْمَلَائِكَةُ فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَا مَلَائِكَتِي ثُمَّ مَاذَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ رَبَّنَا لَا عِلْمَ لَنَا قَالَ فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَشْكُرُ لَهُ كَمَا شَكَرَ لِي وَأَقْبِلْ إِلَيْهِ بِفَضْلِي وَأَرِيهِ وَجْهِي؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٣٣٣

١-٥-٢-٩- الإزدياد في النعمة راجع: النعمة

١-٥-٢-١٠- الإصطناع راجع: النعمة

١-٥-٢-١١- أعظم ما وعد الله

﴿٣٧١٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَمَا أَيْسَرَ مَا كَلَّفْتَنِي بِهِ مِنْ حَقِّكَ وَأَعْظَمَ مَا وَعَدْتَنِي بِهِ عَلَى

شُكْرِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٢٥٥

١-٥-٢-١٢- إقبال الله بفضله

﴿٣٧١٩﴾ الصادق عليه السلام: سَجْدَةُ الشُّكْرِ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ تَتِمُّ بِهَا صَلَاتُكَ وَتَرْضَى بِهَا رَبِّكَ وَتَعْجَبُ الْمَلَائِكَةُ مِنْكَ وَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا صَلَّى ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ فَتَحَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْحِجَابَ بَيْنَ الْعَبْدِ وَبَيْنَ الْمَلَائِكَةِ فَيَقُولُ يَا مَلَائِكَتِي انظُرُوا إِلَى عَبْدِي أَدَّى فَرَضِي وَآتَمَّ عَهْدِي ثُمَّ سَجَدَ لِي شُكْرًا عَلَى مَا أَنْعَمْتُ بِهِ عَلَيْهِ مَلَائِكَتِي مَاذَا لَهُ عِنْدِي قَالَ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا رَحِمَتُكَ ثُمَّ يَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ثُمَّ مَاذَا لَهُ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا جَنَّتِكَ ثُمَّ يَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ثُمَّ مَاذَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا كِفَايَةُ مُهِمِّهِ فَيَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ثُمَّ مَاذَا قَالَ وَلَا يَبْقَى شَيْءٌ مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا قَالَتْهُ الْمَلَائِكَةُ فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَا مَلَائِكَتِي ثُمَّ مَاذَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ رَبَّنَا لَا عِلْمَ لَنَا قَالَ فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَشْكُرُ لَهُ كَمَا شَكَرَ لِي وَأَقْبِلْ

إِلَيْهِ بِفَضْلِي وَأَرِيهِ وَجْهِي؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٣٣٣

١-٥-٢-١٣- الأَمْنُ وَالْأَمَانُ، الْعَقْوُ وَالْعَافِيَةُ وَالْغُفْرَانُ، الْعِصْمَةُ وَالْوَقَايَةُ

١-٥-٢-١٣-١- الأَمْنُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

میان او و فرشتگان را برمی دارد، و به آنان خطاب کند: بنگرید به سویی بنده‌ی من که وظیفه‌ی واجب خویش را انجام داده و به پیمان من وفا نموده، و به شکرانه‌ی برخوردارگی از لطف من در مقابل به سجده افتاده است، اکنون بگویید چه پاداشی به او بدهم؟ فرشتگان گویند: ای پروردگار ما، پاداش او رحمت توست، خداوند متعال فرماید: دیگر چه؟ گویند: خداوند، بهشت تو، باز خداوند می پرسد دیگر چه پاداشی دارد؟ گویند: آنکه گرفتاری‌های او را برطرف سازی، باز خداوند می پرسد: دیگر چه؟ امام علیه السلام فرمود: چیزی باقی نماند مگر آنکه فرشتگان آن را نام می‌برند، باز خداوند تکرار فرماید: دیگر چه؟ آن‌ها گویند: خدایا، فهم ما بیشتر از این نیست، آنگاه خداوند متعال گوید: آنکه من از او تشکر می‌کنم همان‌طور که او مرا شکر نمود، و با فضل خود به او رو کنم، و از رحمت خویش برخوردارش سازم.

۹-۲-۱- افزایش نعمت ر.به: نعمت

۱۰-۲-۱- احسان ر.به: نعمت

۱۱-۲-۱- بزرگترین چیزی که خداوند وعده داده است

﴿۳۷۱۸﴾ آنچه را از حق خودت بر من واجب نمودی چه آسان است و آنچه در برابر شکرت به من وعده داده‌ای چه بزرگ است.

۱۲-۲-۱- روی آوردن خداوند با احسانش

﴿۳۷۱۹﴾ سجده‌ی شکر بر هر مسلمانی واجب است، به گونه‌ای که نمازت را با آن کامل و رضایت پروردگارت را به دست می‌آوری، و فرشتگان را به شگفتی وامی‌داری، و بدون شک هرگاه بنده نماز بگذارد و پس از فراغ در پی آن به سجده‌ی شکر رود، پروردگار متعال حجاب میان او و فرشتگان را برمی‌دارد، و به آنان خطاب کند: بنگرید به سویی بنده‌ی من که وظیفه‌ی واجب خویش را انجام داده و به پیمان من وفا نموده، و به شکرانه‌ی برخوردارگی از لطف من در مقابل به سجده افتاده است، اکنون بگویید چه پاداشی به او بدهم؟ فرشتگان گویند: ای پروردگار ما، پاداش او رحمت توست، خداوند متعال فرماید: دیگر چه؟ گویند: خداوند، بهشت تو، باز خداوند می پرسد دیگر چه پاداشی دارد؟ گویند: آنکه گرفتاری‌های او را برطرف سازی، باز خداوند می پرسد: دیگر چه؟ امام علیه السلام فرمود: چیزی باقی نماند مگر آنکه فرشتگان آن را نام می‌برند، باز خداوند تکرار فرماید: دیگر چه؟ آن‌ها گویند: خدایا، فهم ما بیشتر از این نیست، آنگاه خداوند متعال گوید: آنکه من از او تشکر می‌کنم همان‌طور که او مرا شکر نمود، و با فضل خود به او رو کنم، و از رحمت خویش برخوردارش سازم.

۱۳-۲-۱- امن و امان، بخشش و عافیت و آمرزش، پاکی و نگهداشتن

۱-۱۳-۲-۱- امن

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٧٢٠﴾ الرسول ﷺ: مَنْ ابْتُلِيَ فَصَبَرَ وَاعْطِيَ فَشَكَرَ وَظَلَمَ فَغَفَرَ وَظَلَمَ فَاسْتَغْفَرَ قَالُوا مَا بَالُهُ قَالَ أَوْلَيْكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ؛ بحار الأنوار ج: ٤٤ ص: ٢٣٦
١-٥-٢-١٣-٢-٢ الأمان

١-٥-٢-١٣-٢-١ الأمان مِنْ تَحْوِيلِ النِّعْمَةِ

﴿٣٧٢١﴾ شُكْرُ النِّعْمَةِ أَمَانٌ مِنْ تَحْوِيلِهَا وَكَفِيلٌ بِتَأْيِيدِهَا؛ غرر الحكم ص: ٢٨٠

١-٥-٢-١٣-٢-٢ الأمان مِنْ حُلُولِ النِّقْمَةِ

﴿٣٧٢٢﴾ شُكْرُ النِّعْمَةِ أَمَانٌ مِنْ حُلُولِ النِّقْمَةِ؛ غرر الحكم ص: ٢٨٠

١-٥-٢-١٣-٢-٣ الأمان مِنَ الْغَيْرِ

﴿٣٧٢٣﴾ الباقر ﷺ: وَجَدَ مَكْتُوباً فِي حِكْمَةِ آلِ دَاوُدَ وَاشْكُرْ لِمَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ وَأَنْعِمَ عَلَى مَنْ شَكَرَكَ فَإِنَّهُ لَا زَوَالَ لِلنِّعَمِ إِذَا شُكِرَتْ وَلَا إِقَامَةَ إِذَا كُفِّرَتْ وَالشُّكْرُ زِيَادَةٌ لِلنِّعَمِ وَأَمَانٌ مِنَ الْغَيْرِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٥٩

١-٥-٢-١٣-٢-٤ الأمان مِنَ الْفَقْرِ

﴿٣٧٢٤﴾ الصادق ﷺ: أَشْكُرُ مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ وَأَنْعِمَ عَلَى مَنْ شَكَرَكَ فَإِنَّهُ لَا إِزَالَهَ لِلنِّعَمِ إِذَا شُكِرَتْ وَلَا إِقَامَةَ لَهَا إِذَا كُفِّرَتْ وَالشُّكْرُ زِيَادَةٌ فِي النِّعَمِ وَأَمَانٌ مِنَ الْفَقْرِ؛ تحف العقول ص: ٣٥٩
١-٥-٢-١٣-٣ العفو

﴿٣٧٢٥﴾ الرضا ﷺ: أَنَّ الْمَأْمُونِ أَمَرَنِي بِقَتْلِ رَجُلٍ فَقَالَ اسْتَبْقِنِي فَإِنِّي لِي شُكْرًا فَقَالَ وَمَنْ أَنْتَ وَمَا شُكْرُكَ فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى ﷺ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْشُدَكَ اللَّهَ أَنْ تَتَرَفَّعَ عَنْ شُكْرِ أَحَدٍ وَإِنْ قُلَّ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَ عِبَادَهُ بِشُكْرِهِ فَشَكَرُوهُ فَعَفَا عَنْهُمْ؛ بحار الأنوار ج: ٤٩ ص: ١٨٥
﴿٣٧٢٦﴾ الصادق ﷺ: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا أَبْلَغُ بِهِ رِضَاكَ وَأُودِي بِهِ شُكْرَكَ وَاسْتَوْجِبْ بِهِ الْعَفْوَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ وَالرَّحْمَةَ عِنْدَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ١٤٥

١-٥-٢-١٣-٤ العافية

﴿٣٧٢٧﴾ السجاد ﷺ: أَوْزَعْنَا شُكْرَكَ وَأَدِمْنَا نِعْمَتَكَ وَعَافَيْتَكَ؛ إقبال الأعمال ص: ٢٤٧

١-٥-٢-١٣-٥ الغفران

﴿٣٧٢٨﴾ الصادق ﷺ: أَرْبَعُ مَنْ كُنَّ فِيهِ وَكَانَ مِنْ فَرْقِهِ إِلَى قَدَمِهِ ذُنُوبٌ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَبَدَّلَهَا حَسَنَاتٍ الصَّدَقَةِ وَالْحَيَاءِ وَحُسْنِ الْخُلُقِ وَالشُّكْرِ؛ مستدرک الوسائل ج: ٧ ص: ١٥٦

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۷۲۰﴾ هر که بلا دید و صبر کرد، نعمت یافت و شکر کرد، مورد ستم واقع شد و گذشت کرد، ستم کرد و آمرزش خواست، گفتند با او چه معامله‌ای شود؟ فرمود: آنانند که آسوده‌اند و ره‌یافته.

۱-۵-۲-۱۳-۲-۲ ایمنی

۱-۵-۲-۱۳-۲-۱ ایمنی از گرفته شدن نعمت

﴿۳۷۲۱﴾ شکر نعمت ایمنی است از تغییر دادن آن، و عهده‌دار دوام و ماندگاری آن است.

۱-۵-۲-۱۳-۲-۲ ایمنی از فرود آمدن عقوبت و انتقام

﴿۳۷۲۲﴾ شکر نعمت ایمنی است از فرود آمدن عقوبت و انتقام.

۱-۵-۲-۱۳-۲-۳ ایمنی از تغییرات

﴿۳۷۲۳﴾ دست خط و نوشته‌ای در حکمت خاندان داود عليه السلام پیدا شد در آن چنین نوشته بود: "شکرگزار کسی باش که به تو نعمتی می‌بخشد و به شاکر و قدرشناس نعمت بده؛ زیرا نعمت اگر شکرش به‌جا آورده شود از بین نمی‌رود و اگر مورد ناسپاسی قرار گیرد باقی نمی‌ماند. شکر موجب افزونی نعمت و محافظ آن از دگرگونی است."

۱-۵-۲-۱۳-۲-۴ ایمنی از فقر

﴿۳۷۲۴﴾ سپاسگزار کسی باش که به تو نعمت بخشیده و نعمت عطا کن به آن کسی که قدرشناس توست و تشکر می‌کند. زیرا وقتی که شکرگزاری می‌کنی نعمت از بین نمی‌رود، وقتی کفران کنی پایدار نخواهد بود؛ شکر موجب افزایش نعمت و امان از فقر و تنگدستی است.

۱-۵-۲-۱۳-۳ بخشش

﴿۳۷۲۵﴾ مأمون به من دستور داد مردی را بکشم، آن مرد گفت: مهلت بده زیرا شکری بر عهده‌ی من است که می‌خواهم، آن را انجام دهم. مأمون گفت تو که هستی و شکرت چه ارزشی دارد؟ حضرت رضا عليه السلام فرمود یا امیرالمؤمنین تو را به خدا قسم می‌دهم از اینکه مانع شکر کردن دیگری شوی اگر چه کم باشد، زیرا خداوند به بندگان دستور می‌دهد که سپاس او را به‌جای آورند، پس آن‌ها سپاسگزاری می‌کنند و خداوند نیز ایشان را می‌بخشد.

﴿۳۷۲۶﴾ خدایا، حمد سزای توست، حمدی که به‌وسیله‌ی آن به خشنودی تو دست یابم و ادای شکر تو را نمایم و مستوجب عفو تو شوم درحالی که تو قدرت بر عقوبت داری و سزاوار رحمت نزد تو گردم.

۱-۵-۲-۱۳-۴ دوری از گرفتاری

﴿۳۷۲۷﴾ شکرت را به ما الهام کن و نعمت‌ها و عافیت را پیوسته بر ما ارزانی دار.

۱-۵-۲-۱۳-۵ آمرزش

﴿۳۷۲۸﴾ چهار چیز است که اگر در هرکسی باشد مسلمانی‌اش کامل است. و حتی اگر در گناه غرق باشد او را زیان نمی‌رساند (بالاخره این صفات باعث می‌شوند از گناه دست بردارد)، و آن‌ها عبارتند از: "راست‌گویی، حیا، حسن خلق و شکر."

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٧٢٩﴾ الصادق عليه السلام: إِذَا كَانَ يَوْمُ النَّيْرُوزِ فَاغْتَسِلْ وَالْبَسْ اَنْظِفَ ثِيَابَكَ وَتَطَيَّبْ بِأَطْيَبِ طَبِيبِكَ وَتَكُونُ ذَلِكَ الْيَوْمَ صَائِمًا فَإِذَا صَلَّيْتَ النَّوَافِلَ وَالظُّهْرَ وَالْعَصْرَ فَصَلِّ بَعْدَ ذَلِكَ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ تَقْرَأُ فِي أَوَّلِ كُلِّ رَكَعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَعَشْرَ مَرَّاتٍ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَفِي الثَّانِيَةِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَعَشْرَ مَرَّاتٍ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ وَفِي الثَّلَاثَةِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَعَشْرَ مَرَّاتٍ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَفِي الرَّابِعَةِ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَعَشْرَ مَرَّاتٍ الْمُعَوِّذَتَيْنِ وَتَسْجُدُ بَعْدَ فَرَاغِكَ مِنَ الرُّكَعَاتِ سَجْدَةَ الشُّكْرِ وَتَدْعُو فِيهَا يُغْفِرُ لَكَ ذُنُوبُ خَمْسِينَ سَنَةً؛ وسائل الشيعة ج: ٨، ص: ١٧٢

١٣-٥-٢-١-العصمة

﴿٣٧٣٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الشُّكْرُ عِصْمَةٌ مِنَ الْفِتْنَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥، ص: ٥٣

﴿٣٧٣١﴾ شُكْرُ النِّعَمِ عِصْمَةٌ مِنَ النِّقَمِ؛ غرر الحكم ص: ٢٨٠

١٣-٥-٢-١-الوقاية

﴿٣٧٣٢﴾ العسكري عليه السلام: كُلُّوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ عَلَى مَا رَزَقَكُمْ مِنْهَا بِالْمَقَامِ عَلَى وَلَايَةِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى لِقَائِكُمُ اللَّهَ بِذَلِكَ شُرُورَ الشَّيَاطِينِ الْمَرْدَةِ عَلَى رَبِّهِمَا عَزَّ وَجَلَّ فَإِنَّكُمْ كَلِمًا جَدَدْتُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ وَلَايَةَ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى تَجَدُّدٍ عَلَى مَرْدَةِ الشَّيَاطِينِ لِعَائِنِ اللَّهِ وَ أَعَاذَكُمْ اللَّهُ مِنْ نَفَخَاتِهِمْ وَ نَفَثَاتِهِمْ؛ بحار الأنوار ج: ٢٦، ص: ٢٣٢

﴿٣٧٣٣﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: مَنْ أُوتِيَ قَلْبًا شَاكِرًا وَ زَوْجَةً صَالِحَةً تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ دُنْيَاهُ وَ آخِرَتِهِ فَقَدْ أُوتِيَ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَفِي عَذَابِ النَّارِ؛ فقه القرآن ج: ١، ص: ٢٩٩

﴿٣٧٣٤﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: كَانَ فِيمَا أَعْطَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْأَلْوَابِ الْأُولَى اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ أَقْبِكَ الْمَتَالِفَ وَ أَنْسَى لَكَ فِي عُمْرِكَ وَ أَحْيِكَ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ أَقْبَلْبِكَ إِلَى خَيْرٍ مِنْهَا؛ بحار الأنوار ج: ١٣، ص: ٣٥٨

١٣-٥-٢-١-وقاية العرض

﴿٣٧٣٥﴾ الباقر عليه السلام: مَنْ صَنَعَ مِثْلَ مَا صُنِعَ إِلَيْهِ فَقَدْ كَافَاهُ وَ مَنْ أَضْعَفَ كَانَ شُكُورًا وَ مَنْ شَكَرَ كَانَ كَرِيمًا وَ مَنْ عَلِمَ أَنَّهُ مَا صَنَعَ كَانَ إِلَى نَفْسِهِ لَمْ يَسْتَبْطِئِ النَّاسُ فِي شُكْرِهِمْ وَ لَمْ يَسْتَزِدْهُمْ فِي مَوَدَّتِهِمْ فَلَا تَلْتَمِسْ مِنْ غَيْرِكَ شُكْرَ مَا آتَيْتَهُ إِلَى نَفْسِكَ وَ وَقَّيْتُ بِهِ عِرْضَكَ وَ اعْلَمْ أَنَّ طَالِبَ الْحَاجَةِ لَمْ يُكْرِمْ وَجْهَهُ عَنْ مَسْأَلَتِكَ فَأَكْرِمْ وَجْهَكَ عَنْ رَدِّهِ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥، ص: ١٨٠

١٣-٥-٢-١-إمتداد النعمة و راجع: النعمة

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۷۲۹﴾ در عید نوروز غسل کن و پاکیزه‌ترین لباس‌های خودت را بپوش و خوشبوترین عطر خود را استفاده کن و در آن روز روزه بگیر، پس هنگامی که نمازهای نافله و نماز واجب ظهر و عصر را خواندی، بعد از آن چهار رکعت نماز بخوان؛ " در اول هر رکعت سوره‌ی حمد و در رکعت اول پس از آن، ده مرتبه سوره‌ی قدر و در رکعت دوم بعد از حمد، ده مرتبه سوره‌ی کافرون و در رکعت سوم پس از حمد، ده مرتبه سوره‌ی توحید و در رکعت چهارم بعد از سوره‌ی حمد، ده مرتبه معوذتین (فلق و ناس) را بخوان، پس بعد از فراغت از انجام نماز سجده‌ی شکر کن و در آن دعا بخوان، که به سبب این نماز در این روز گناهان پنجاه سال تو بخشیده می‌شود.

۶-۱۳-۲-۱-۵- پاک‌ی

﴿۳۷۳۰﴾ شکر مانع فتنه است.

﴿۳۷۳۱﴾ شکر بر نعمت‌ها نگاهدارنده است از عقوبت‌ها.

۷-۱۳-۲-۱-۵- نگهداشتن

﴿۳۷۳۲﴾ از هر چیز پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم بخورید و بر این نعمت‌ها به پایداری بر ولایت و دوستی محمد و علی سپاسگزاری کنید تا بدین وسیله خدا شما را از شر شیاطین سرکش نگاه دارد. هر زمان که شما بر ولایت محمد و علی بر خود تجدید بیعت می‌کنید بر شیطان‌های سرکش نفرین خدا تجدید می‌شود و خداوند شما را از وسوسه‌ها و حربه‌های شیطانی آن‌ها نگاه میدارد.

﴿۳۷۳۳﴾ هر کس که به او قلبی سرشار از شکرگزاری و همسری صالح و درست کار عطا شود که در امور دنیا و آخرت یاورش باشد، به تحقیق به او در دنیا و آخرت حسنه و نیکویی بخشیده شده است و همچنین از عذاب آتش دور نگاه داشته می‌شود.

﴿۳۷۳۴﴾ در اولین الواحی که خداوند به موسی علیه السلام عطا کرد این بود؛ " از من و پدر و مادرت سپاسگزاری کن تا تو را از هلاکت نگاه دارم و عمرت را طولانی کنم و زندگی پاک به تو عطا کنم و تو را به بهتر از آن باز گردانم "

۱-۷-۱۳-۲-۱-۵- حفظ آبرو

﴿۳۷۳۵﴾ هر کس همان گونه که به او نیکی شده، نیکی کند همسان با نیکی کننده است؛ و هر که کمتر پاسخ دهد، شکرگزار محسوب می‌شود و هر که شکر کند، بزرگوار است و هر که بداند که هر عمل نیکی که انجام می‌دهد به سود خودش است، از مردم توقع نخواهد داشت که از وی تشکر کنند و به خاطر کار نیکی که برایشان انجام داده از آن‌ها طلب محبت بیشتر نمی‌کند. پس از دیگران شکر آنچه را که برای خودت انجام داده‌ای و آبرویت را با آن حفظ کرده‌ای درخواست نکن و بدان که هر که از تو درخواستی کند در صورت اجابت نکردن آبروی تو بیش از او در معرض سقوط است، پس با رد نکردن او آبروی خودت را حفظ کن.

۴-۱۴-۲-۱-۵- گسترده شدن نعمت و ر.به: نعمت

﴿۱۰۶۷﴾

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١٥-٢-١٥- الإنسانُ في الأجلِ راجع: طولُ العمرِ

١٦-٢-١٥- الإيمانُ و راجع: الصفاتُ و راجع: ١-١-٤-٦- الشُّكْرُ و الإيمانُ

١٧-٢-١٥- البرُّ راجع: النِّعْمَةُ

١٨-٢-١٥- البَقَاءُ

﴿٣٧٣٦﴾ الشُّكْرُ أَكْثَرُ قَدْرًا مِنَ الْمَعْرُوفِ لِأَنَّ الشُّكْرَ يَبْقَى وَالْمَعْرُوفَ يَفْنَى؛ غررالحكم

ص: ٢٧٧

١-١٨-٢-١٥- بَقَاءُ النِّعْمَةِ راجع: النِّعْمَةُ

١٩-٢-١٥- بُلُوغُ الرَّجَاءِ

﴿٣٧٣٧﴾ الرسول ﷺ: أَلْهَمْنَا زِيَادَةَ الشُّكْرِ وَ الثَّنَاءِ وَ تَفَضَّلَ عَلَيْنَا بِإِنْجَازِ وَعْدِكَ لِمَنْ شَكَرَكَ

مِنْ زِيَادَةِ النِّعْمَاءِ وَ بُلُوغِ الرَّجَاءِ؛ الأمان ص: ١٤٩

٢٠-٢-١٥- تَأْيِيدُ النِّعْمَةِ راجع: النِّعْمَةُ

٢١-٢-١٥- التَّيْدِيلُ

١-٢١-٢-١٥- تَبْدِيلُ الذُّنُوبِ بِالْحَسَنَاتِ

﴿٣٧٣٨﴾ الصادق ﷺ: أَرْبَعُ مَنْ كُنَّ فِيهِ وَ كَانَ مِنْ فَرْقِهِ إِلَى قَدَمِهِ ذُنُوبٌ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ بَدَّلَهَا

حَسَنَاتٍ الصَّدَقَةِ وَ الْحَيَاءِ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ الشُّكْرِ؛ مستدرک الوسائل ج: ٧ ص: ١٥٦

٢-٢١-٢-١٥- تَبْدِيلُ الْمِحْنَةِ بِالنِّعْمَةِ

﴿٣٧٣٩﴾ المجتبی ﷺ: النِّعْمَةُ مِحْنَةٌ فَإِنْ شَكَرْتَ كَانَتْ نِعْمَةً فَإِنْ كَفَرْتَ صَارَتْ نِقْمَةً؛

العدد القوية ص: ٣٧

٢-٢٢-١٥- التَّمَامُ وَ التَّتْمِيمُ راجع: النِّعْمَةُ

٢٣-٢-١٥- التَّثْمِيرُ راجع: النِّعْمَةُ

٢٤-٢-١٥- تَجْدِيدُ النِّعْمَةِ راجع: النِّعْمَةُ

٢٥-٢-١٥- التَّسْمِيَةُ بِالْعَظِيمِ (إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى سَمَاءُهُ عَظِيمًا)

﴿٣٧٤٠﴾ العسكري ﷺ: أَمَّا أَحْسَنُ مِنَ الْأَوَّلِ حَالًا فَرَجُلٌ اغْتَقَدَ صِدْقًا بِمُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ وَ

صِدْقًا بِأَعْظَامِ عَلَى أَخِي رَسُولِ اللَّهِ وَ وَلِيِّهِ وَ ثَمَرَةَ قَلْبِهِ وَ مَحْضَ طَاعَتِهِ فَشَكَرَ لَهُ رَبَّهُ وَ نَبِيَّهُ وَ

وَصِيَّ نَبِيِّهِ فَجَمَعَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ بِذَلِكَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَزَقَهُ لِسَانًا لَا لَأَاءِ اللَّهُ تَعَالَى ذَاكِرًا وَ

قَلْبًا لِنِعْمَائِهِ شَاكِرًا وَ بِأَحْكَامِهِ رَاضِيًا وَ عَلَى اخْتِمَالِ مَكَارِهِ أَعْدَاءِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ نَفْسَهُ مُوَطَّنًا لَا

جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۱۵-۲-۱- به تأخیر انداختن اجل ر.به: طول عمر

۱۶-۲-۱- ایمان و ر.به: صفات و ر.به: شکر و ایمان

۱۷-۲-۱- نیکی و ر.به: نعمت

۱۸-۲-۱- ثابت ماندن

﴿۳۷۳۶﴾ ارزش شکر بیش از ارزش کار نیک است؛ زیرا که شکر باقی می ماند و کار نیک از بین

می رود.

۱-۱۸-۲-۱- برقرار بودن نعمت ر.به: نعمت

۱۹-۲-۱- رسیدن به امید و آرزو

﴿۳۷۳۷﴾ خداوند، سپاسگزاری و ثناگویی بیشتر را به ما الهام فرما و با وفا کردن به وعده هایی

که به سپاسگزارانت داده ای، مانند دادن نعمت بیشتر و رساندن به آرزوها، در حق ما بزرگواری فرما.

۲۰-۲-۱- استوار ساختن نعمت و.ر.به: نعمت

۲۱-۲-۱- تبدیل

۱-۲۱-۲-۱- تبدیل گناهان به نیکی ها

﴿۳۷۳۸﴾ چهار چیز است که اگر در هر کسی باشد مسلمانی اش کامل است. و حتی اگر در گناه

غرق باشد او را زیان نمی رساند (بالاخره این صفات باعث می شوند از گناه دست بردارد)، و آن ها عبارتند از: " راست گویی، حیا، حسن خلق و شکر "

۲-۲۱-۲-۱- تبدیل سختی به نعمت

﴿۳۷۳۹﴾ نعمت، در واقع ابزار امتحان و آزمایش است؛ وقتی سپاس آن را به جا آوری و شکر گزار

باشی تبدیل به نعمت می شود و اگر کفران کردی؛ به نعمت و بلا تبدیل می شود.

۲۲-۲-۱- تمام و کامل کردن و.ر.به: نعمت

۲۳-۲-۱- نتیجه دادن ر. به نعمت

۲۴-۲-۱- تکرار نعمت ر.به: نعمت

۲۵-۲-۱- خدا را با عظمت نام بردن، (خداوند او را به بزرگی یاد می کند)

﴿۳۷۴۰﴾ آن کس که حالش از اولی بهتر است، مردی است که به راستی به محمد عقیده دارد و

او را پیامبر خدا می داند و حق علی علیه السلام را بزرگ می شمارد و او را برادر پیامبر خدا و ولی او و

میوه دل او و فرمان بر خالص او می داند، (در عوض) پروردگارش و پیامبر و وصی پیامبر از او

قدردانی می نمایند و خداوند به همین جهت خیر دنیا و آخرت را برای او فراهم می آورد و به او

زبانی عنایت می کند تا همیشه به یاد نعمت های خدا باشد و قلبی عطا می کند که سپاسگزار او

باشد و به قوانین الهی خشنود و بر تحمل ناملایمات از دشمنان محمد صلی الله علیه و آله و خاندانش اراده ای

محکم و تصمیم جدی داشته باشد، بدیهی است خداوند چنین کسی را در ملکوت زمین و

﴿۱۰۶۹﴾

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

سَمَاءٌ عَظِيمًا فِي مَلَكُوتِ أَرْضِهِ وَ سَمَاوَاتِهِ وَ حَبَاهُ بِرِضْوَانِهِ وَ كَرَامَاتِهِ فَكَانَتْ تِجَارَةٌ هَذَا أَرْبَحَ وَ غَنِيمَتُهُ أَكْثَرَ وَ أَعْظَمَ؛ بحار الأنوار ج: ٦٥ ص: ١٠٦

١-٥-٢-٢٦- التَّعَطُّفُ

﴿٣٧٤﴾ شُكْرُكَ لِلْسَّاحِطِ عَلَيْكَ يُوجِبُ لَكَ مِنْهُ صَلَاحًا وَ تَعَطُّفًا؛ غرر الحكم ص: ٢٨٠

١-٥-٢-٢٧- التَّعَلُّقُ بِغُضْنٍ مِنْ أَغْصَانِ شَجَرَةٍ طُوبَى

﴿٣٧٤﴾ الْعَسْكَرِيُّ عليه السلام: تَعَلَّمَنْ قَعْدَ يَذْكُرُ اللَّهَ وَ نِعْمَاءَهُ وَ يَشْكُرُهُ عَلَيْهَا فَقَدْ قِ مِنْهُ بِغُضْنٍ مِنْ

أَغْصَانِ شَجَرَةٍ طُوبَى؛ مستدرک الوسائل ج: ٧ ص: ٥٤٤

١-٥-٢-٢٨- التَّقْلِيلُ إِلَى الْخَيْرِ رَاجِعُ: الْخَيْرُ

١-٥-٢-٢٩- تَقْوِيَةُ الْعَقْلِ رَاجِعُ: الصِّفَاتُ

١-٥-٢-٣٠- تَقْيِيدُ النِّعْمَةِ رَاجِعُ: النِّعْمَةُ

١-٥-٢-٣١- التَّنْبِيهُ بِالْأَيَاتِ رَاجِعُ: الصِّفَاتُ

١-٥-٢-٣٢- الثَّوَابُ رَاجِعُ: الْأَجْرُ

١-٥-٢-٣٣- الْجَزَاءُ رَاجِعُ: الْأَجْرُ

١-٥-٢-٣٤- جَلْبُ النِّعْمَةِ وَ اجْتِلَابُهَا رَاجِعُ: النِّعْمَةُ

١-٥-٢-٣٥- الْجَنَّةُ رَاجِعُ: النَّعْمُ الْآخِرِيُّ

١-٥-٢-٣٦- جُودُ اللَّهِ رَاجِعُ: النِّعْمَةُ

١-٥-٢-٣٧- الْحُبُّ رَاجِعُ: مَحَبَّةُ اللَّهِ

١-٥-٢-٣٨- الْحَبَاءُ رَاجِعُ: النِّعْمَةُ

١-٥-٢-٣٩- حَرَّاسَةُ النِّعْمَةِ رَاجِعُ: النِّعْمَةُ

١-٥-٢-٤٠- حِرْزُ النِّعْمَةِ رَاجِعُ: النِّعْمَةُ

١-٥-٢-٤١- الْحَسَنَةُ

١-٥-٢-٤١-١- حَسَنَةُ الدُّنْيَا رَاجِعُ: النِّعْمَةُ

١-٥-٢-٤١-٢- حَسَنَةُ الْآخِرَةِ رَاجِعُ: نِعَمُ الْآخِرِيِّ

١-٥-٢-٤٢- حِصْنُ النِّعْمَةِ رَاجِعُ: النِّعْمَةُ

١-٥-٢-٤٣- حِفْظُ النِّعْمَةِ رَاجِعُ: النِّعْمَةُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

آسمان‌هایش به بزرگی نام می‌برد، و خشنودی و عنایات خاصه‌ی خویش را به او پیشکش می‌نماید، تجارت چنین کسی سودمندتر و سود او از هرکسی و هر تجارتی بزرگ‌تر و بیشتر است.

۱-۵-۲-۲۶-مهربانی

﴿۳۷۴۱﴾ شکرکردن تو کسی را که خشمناک باشد بر تو واجب می‌شود تا از جانب او برایت صلاح و مهربانی روا گردد.

۱-۵-۲-۲۷-آویختن به شاخه‌ای از شاخه‌های درخت طوبی

﴿۳۷۴۲﴾ هر که بنشیند و نعمت‌های خدا را یاد کند و از او به خاطر آن‌ها سپاسگزاری کند به شاخه‌ای از شاخه‌های درخت طوبی آویزان شده است.

۱-۵-۲-۲۸-برگرداندن به سوی خیر ر.به: خیر

۱-۵-۲-۲۹-قوی کردن عقل ر.به: صفات

۱-۵-۲-۳۰-ماندگار کردن نعمت ر.به: نعمت

۱-۵-۲-۳۱-بیدارشدن با آیات ر.به: صفات

۱-۵-۲-۳۲-ثواب ر.به: اجر

۱-۵-۲-۳۳-پاداش ر.به: اجر

۱-۵-۲-۳۴-جلب کردن نعمت ر.به: نعمت

۱-۵-۲-۳۵-بهشت ر.به: نعمت‌های اخروی

۱-۵-۲-۳۶-بخشندگی خدا ر.به: نعمت

۱-۵-۲-۳۷-دوست‌داشتن ر.به: محبت خدا

۱-۵-۲-۳۸-عطا ر.به: نعمت

۱-۵-۲-۳۹-محافظت از نعمت ر.به: نعمت

۱-۵-۲-۴۰-قلعه و حصار نعمت ر.به: نعمت

۱-۵-۲-۴۱-نیکی

۱-۵-۲-۴۱-۱-نعمت دنیا ر.به: نعمت

۱-۵-۲-۴۱-۲-نعمت آخرت ر.به: نعمت‌های اخروی

۱-۵-۲-۴۲-نگهداشتن نعمت ر.به: نعمت

۱-۵-۲-۴۳-حفظ نعمت ر.به: نعمت

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

٣٤-٢-١- حَيَاةٌ طَيِّبَةٌ

﴿٣٧٤٣﴾ الرسول ﷺ: كَانَ فِيمَا أَعْطَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْأَلْوَابِ الْأُولَى اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ أَقِيكَ الْمَتَالِفَ وَأَنْسِيَ لَكَ فِي عُمْرِكَ وَأُحِيكَ حَيَاةً طَيِّبَةً وَأَقْلِبْكَ إِلَيَّ خَيْرٍ مِنْهَا؛ بحار الأنوار ج: ١٣ ص: ٣٥٨

٣٥-٢-١- الْخُرُوجُ مِنْ حَقِّ الْمَالِ

﴿٣٧٤٤﴾ الرسول ﷺ: وَأَمَّا الْمَالُ فَإِنَّ الْمَخْرَجَ مِنْهُ شُكْرُ النِّعْمَةِ وَآدَاءُ حَقِّهِ؛ بحار الأنوار ج: ٢ ص: ٤٢

٣٦-٢-١- الْخَلَاصُ مِنَ الرِّيَاءِ وَالنَّفَاقِ رَاجِعُ: الصِّفَاتُ

٣٧-٢-١- الْخُلُودُ رَاجِعُ: النَّعْمُ الْآخَرُ

٣٨-٢-١- الْخَيْرُ، النَّفْعُ، الْغَنِيمَةُ

٣٨-٢-١- الْخَيْرُ

﴿٣٧٤٥﴾ مَنْ كَثَرَ شُكْرُهُ كَثُرَ خَيْرُهُ؛ غرر الحكم ص: ٢٨٠

﴿٣٧٤٦﴾ الرسول ﷺ: عَجَبًا لِأَمْرِ الْمُؤْمِنِ إِنْ أَمَرَهُ كُلُّهُ لَهُ خَيْرٌ وَلَيْسَ ذَلِكَ لِأَحَدٍ إِلَّا لِلْمُؤْمِنِ إِنْ أَصَابَتْهُ سَرَاءٌ شُكْرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ وَإِنْ أَصَابَتْهُ ضَرَاءٌ صَبَرَ فَكَانَ خَيْرًا لَهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ٢ ص: ٤٢٦

﴿٣٧٤٧﴾ الصادق عليه السلام: فَمَا قَضَى اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ فَاقْبَلُوا مِنَ اللَّهِ بِالشُّكْرِ وَمَا زَوَى عَنْكُمْ مِنْهَا فَاقْبَلُوهُ عَنِ اللَّهِ بِالرِّضَا وَالتَّسْلِيمِ وَالصَّبْرِ فَعَسَى أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ خَيْرًا لَكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ أَعْلَمُ بِمَا يُصْلِحُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ تحف العقول ص: ٣٦٥

﴿٣٧٤٨﴾ الرسول ﷺ: كَانَ فِيمَا أَعْطَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْأَلْوَابِ الْأُولَى اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ أَقِيكَ الْمَتَالِفَ وَأَنْسِيَ لَكَ فِي عُمْرِكَ وَأُحِيكَ حَيَاةً طَيِّبَةً وَأَقْلِبْكَ إِلَيَّ خَيْرٍ مِنْهَا؛ بحار الأنوار ج: ١٣ ص: ٣٥٨

﴿٣٧٤٩﴾ الصادق عليه السلام: سَجْدَةُ الشُّكْرِ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ تُتِمُّ بِهَا صَلَاتُكَ وَتَرْضَى بِهَا رَبَّكَ وَتَعْجَبُ الْمَلَائِكَةُ مِنْكَ وَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا صَلَّى ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ فَتَحَّ الرَّبُّ تَعَالَى الْحِجَابَ بَيْنَ الْعَبْدِ وَبَيْنَ الْمَلَائِكَةِ فَيَقُولُ يَا مَلَائِكَتِي انْظُرُوا إِلَى عَبْدِي أَدَى قُرْبَتِي وَأَتَمَّ عَهْدِي ثُمَّ سَجَدَ لِي شُكْرًا عَلَى مَا أَنْعَمْتُ بِهِ عَلَيْهِ مَلَائِكَتِي مَا ذَا لَهُ قَالَ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا رَحِمْتَكَ ثُمَّ يَقُولُ الرَّبُّ تَعَالَى ثُمَّ مَا ذَا لَهُ قَالَ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا جَنَّكَ فَيَقُولُ الرَّبُّ تَعَالَى ثُمَّ مَا ذَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا كَفَايَهُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۴۴-۲-۵-۱- زندگی پاک

﴿۳۷۴۳﴾ در اولین الواحی که خداوند به موسی علیه السلام عطا کرد این بود: "از من و پدر و مادرت سپاسگزاری کن تا تو را از هلاکت نگاه دارم و عمرت را طولانی کنم و زندگی پاک به تو عطا کنم و تو را به بهتر از آن باز گردانم."

۴۵-۲-۵-۱- خارج شدن از حق مال

﴿۳۷۴۴﴾ و اما مال و دارایی پس راه بیرون رفتن از آن به جا آوردن شکر نعمت و ادای حق آن است.

۴۶-۲-۵-۱- رهایی از خودنمایی و دورویی ر.به: صفات

۴۷-۲-۵-۱- جاودان بودن ر.به: نعمت های اخروی

۴۸-۲-۵-۱- خیر، نفع، سود

۱-۴۸-۲-۵-۱- خیر

﴿۳۷۴۵﴾ هر که شکرش زیاد باشد، خیرش زیاد است.

﴿۳۷۴۶﴾ شگفتا از کار مؤمن، همه ی کارش خیر است، این [ویژگی] جز برای مؤمن حاصل نمی شود: اگر خوشی به او برسد، شکر می کند، که برایش خیر است و اگر سختی به او برسد، بردباری می کند و [این نیز] برایش خیر است.

﴿۳۷۴۷﴾ هر حاجتی را که خدا برآورد با شکر کردن بپذیرید و هر حاجتی را برنیآورد با رضا و تسلیم نسبت به آن برخورد کنید، شاید برنیآوردن آن به صلاح شما باشد، زیرا خداوند بهتری داند که چه چیز به خیر صلاح شماست ولی خودتان خبر ندارید.

﴿۳۷۴۸﴾ در اولین الواحی که خداوند به موسی علیه السلام عطا کرد این بود: "از من و پدر و مادرت سپاسگزاری کن تا تو را از هلاکت نگاه دارم و عمرت را طولانی کنم و زندگی پاک به تو عطا کنم و تو را به بهتر از آن باز گردانم."

﴿۳۷۴۹﴾ سجده ی شکر بر هر مسلمانی واجب است، به گونه ای که نمازت را با آن کامل و رضایت پروردگارت را به دست می آوری، و فرشتگان را به شگفتی وامی داری، و بدون شک هرگاه بنده نماز بگزارد و پس از فراغ در پی آن به سجده ی شکر رود، پروردگار متعال حجاب میان او و فرشتگان را برمی دارد، و به آنان خطاب کند: بنگرید به سوی بنده ی من که وظیفه ی واجب خویش را انجام داده و به پیمان من وفا نموده، و به شکرانه ی برخورداری از لطف من در مقابل به سجده افتاده است، اکنون بگویید چه پاداشی به او بدهم؟ فرشتگان گویند: ای پروردگار ما، پاداش او رحمت توست، خداوند متعال فرماید: دیگر چه؟ گویند: خداوند، بهشت تو، باز خداوند می پرسد دیگر چه پاداشی دارد؟ گویند: آنکه گرفتاری های او را برطرف سازی، باز خداوند می پرسد: دیگر چه؟ امام علیه السلام فرمود: چیزی باقی نماند مگر آنکه فرشتگان آن را نام می برند، باز

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

مُهِمَّةٍ فَيَقُولُ الرَّبُّ ثُمَّ مَاذَا فَلَا يَبْقَى شَيْءٌ مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا قَالَتْهُ الْمَلَائِكَةُ فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى يَا مَلَائِكَتِي ثُمَّ مَاذَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا لَا عِلْمَ لَنَا فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى لَا شُكْرَ لَهُ كَمَا شُكِرْنِي وَأَقْبِلْ إِلَيْهِ بِفَضْلِي وَأَرِيهِ رَحْمَتِي؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٣٣٣

١-١-٤٨-٢-٥-١- خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

﴿٣٧٥٠﴾ الرسول ﷺ: أَرْبَعُ مَنْ أُعْطِيَهُنَّ فَقَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ بَدَنًا صَابِرًا وَلِسَانًا ذَاكِرًا وَقَلْبًا شَاكِرًا وَزَوْجَةً صَالِحَةً؛ مستدرک الوسائل ج: ٢ ص: ٤١٤
﴿٣٧٥١﴾ ثَلَاثُ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَقَدْ رَزِقَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ هُنَّ الرِّضَا بِالْقَضَاءِ وَالصَّبْرُ عَلَى الْبَلَاءِ وَ الشُّكْرُ فِي الرَّخَاءِ؛ غرر الحكم ص: ٢٨٢

﴿٣٧٥٢﴾ العسكري ﷺ: أَمَّا أَحْسَنُ مِنَ الْأَوَّلِ حَالًا فَرَجُلٌ اعْتَقَدَ صِدْقًا بِمُحَمَّدٍ رَسُولَ اللَّهِ وَ صِدْقًا بِأَعْظَامٍ عَلَى أَخِي رَسُولِ اللَّهِ وَ وَلِيِّهِ وَ ثَمَرَةَ قَلْبِهِ وَ مَحْضَ طَاعَتِهِ فَشَكَرَ لَهُ رَبَّهُ وَ نَبِيَّهُ وَ وَصِيَّ نَبِيِّهِ فَجَمَعَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ بِذَلِكَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ رَزَقَهُ لِسَانًا لَا لَاءَ إِلَّا اللَّهُ تَعَالَى ذَاكِرًا وَ قَلْبًا لِنِعْمَائِهِ شَاكِرًا وَ بِأَحْكَامِهِ رَاضِيًا وَ عَلَى اخْتِمَالِ مَكَارِهِ أَعْدَاءِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ نَفْسَهُ مُوْطِنًا لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى سَمَاءَهُ عَظِيمًا فِي مَلَكُوتِ أَرْضِهِ وَ سَمَاوَاتِهِ وَ حَبَاهُ بِرِضْوَانِهِ وَ كَرَامَاتِهِ فَكَانَتْ تِجَارَةً هَذَا أَرْبَعٌ وَ غَنِيمَتُهُ أَكْثَرُ وَ أَعْظَمُ؛ بحار الأنوار ج: ٦٥ ص: ١٠٦

﴿٣٧٥٣﴾ الرسول ﷺ: ثَلَاثُ خِصَالٍ يُدْرِكُ بِهَا خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ الشُّكْرُ عِنْدَ النِّعْمَاءِ وَ الصَّبْرُ عِنْدَ الضَّرَاءِ وَ الدُّعَاءُ عِنْدَ الْبَلَاءِ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ١٤٩

﴿٣٧٥٤﴾ الرسول ﷺ: أَرْبَعُ مَنْ أُعْطِيَهُنَّ فَقَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ بَدَنًا صَابِرًا وَلِسَانًا ذَاكِرًا وَقَلْبًا شَاكِرًا وَ زَوْجَةً صَالِحَةً؛ مستدرک الوسائل ج: ٢ ص: ٤١٤

﴿٣٧٥٥﴾ إِلَهِي فَلَا تَحْرِمْنِي خَيْرَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى لِقَلَّةِ شُكْرِي؛ الصحيفة السجادية ﷺ ص: ٢٥٠
١-١-٤٨-٢-٥-١- التَّقْلِيلُ إِلَى الْخَيْرِ

﴿٣٧٥٦﴾ الرسول ﷺ: كَانَ فِيمَا أَعْطَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْأَلْوَابِ الْأُولَى اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ أَقِيكَ الْمَتَالِفَ وَ انْسِيَ لَكَ فِي عُمْرِكَ وَ أَحْيِكَ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ أَقْبَلْكَ إِلَى خَيْرٍ مِنْهَا؛ بحار الأنوار ج: ١٣ ص: ٣٥٨

١-١-٤٨-٢-٥-١- النَّفْعُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

خداوند تکرار فرماید: دیگر چه؟ آن‌ها گویند: خدایا، فهم ما بیشتر از این نیست، آنگاه خداوند متعال گوید: آنکه من از او تشکر می‌کنم همان‌طور که او مرا شکر نمود، و با فضل خود به او رو کنم، و از رحمت خویش برخوردارش سازم.

۱-۴۸-۲-۵-۱- خیر دنیا و آخرت

﴿۳۷۵۰﴾ چهار چیز است که اگر به هرکسی عطا شده باشد خیر دنیا و آخرت به او عطا شده است، و آن چهار چیز عبارت است از: "بدنی صابر، زبانی گویا به ذکر خدا، قلبی شکرکننده و همسری صالح".

﴿۳۷۵۱﴾ سه صفت است که در هرکسی بوده است، پس به یقین خدای تعالی خیر دنیا و آخرت را روزی او کرده است و آن سه صفت عبارتند از: خشنودی به قضا و قدر خدا، صبر کردن بر بلا، و شکر کردن در دوران خوشی است.

﴿۳۷۵۲﴾ آن کس که حالش از اولی بهتر است، مردی است که به راستی به محمد عقیده دارد و او را پیامبر خدا می‌داند و حق علی علیه السلام را بزرگ می‌شمارد و او را برادر پیامبر خدا و ولی او و میوه‌ی دل او و فرمان‌بر خالص او می‌داند، (در عوض) پروردگارش و پیامبر و وصی پیامبر از او قدردانی می‌نمایند و خداوند به همین جهت خیر دنیا و آخرت را برای او فراهم می‌آورد و به او زبانی عنایت می‌کند تا همیشه به یاد نعمت‌های خدا باشد و قلبی عطا می‌کند که سپاسگزار او باشد و به قوانین الهی خشنود و بر تحمل ناملازمات از دشمنان محمد صلی الله علیه و آله و خاندانش اراده‌ی محکم و تصمیم جدی داشته باشد، بدیهی است خداوند چنین کسی را در ملکوت زمین و آسمان‌هایش به بزرگی نام می‌برد، و خشنودی و عنایات خاصه‌ی خویش را به او پیشکش می‌نماید، تجارت چنین کسی سودمندتر و سود او از هرکسی و هر تجارتی بزرگ‌تر و بیشتر است. ﴿۳۷۵۳﴾ سه خصلت است که به آن سه خصلت خیر دنیا و آخرت به دست می‌آید، سپاسگزاری در برابر نعمت‌های پروردگار، شکیبایی هنگام سختی‌ها و دعا هنگام رسیدن بلا.

﴿۳۷۵۴﴾ چهار چیز است که اگر به هرکسی عطا شده باشد خیر دنیا و آخرت به او عطا شده است، و آن چهار چیز عبارت است از: "بدنی صابر، زبانی گویا به ذکر خدا، قلبی شکرکننده و همسری صالح".

﴿۳۷۵۵﴾ ای خدای من، مرا به سبب ناچیز بودن شکرگزاری‌ام از خیر و نیکی آخرت و دنیا نومیدم مگردان.

۲-۴۸-۲-۵-۱- برگرداندن به سوی خیر و خوبی

﴿۳۷۵۶﴾ در اولین الواحی که خداوند به موسی علیه السلام عطا کرد این بود: "از من و پدر و مادرت سپاسگزاری کن تا تو را از هلاکت نگاه دارم و عمرت را طولانی کنم و زندگی پاک به تو عطا کنم و تو را به بهتر از آن باز گردانم".

۲-۴۸-۲-۵- بهره

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٧٥٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَا مُفَضَّلُنَا بِالْأَرْزَاقِ بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ سُفْنِي وَ وَجَّهْنِي فِي تِجَارَتِي هَذِهِ إِلَى وَجْهِ غَنِي عَاصِمٍ شُكُورٍ آخِذُهُ بِحُسْنِ شُكْرِ لِنَنْفَعَنِي بِهِ وَ تَنْفَعُ بِهِ مِنِّي؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٣٢٢

٣-٤٨-١-٥-٢-المنع من الضرر
﴿٣٧٥٨﴾ الصادق عليه السلام: ثَلَاثٌ لَا يَضُرُّ مَعَهُنَّ شَيْءٌ الدُّعَاءُ عِنْدَ الْكَرْبِ وَالِاسْتِغْفَارُ عِنْدَ الذَّنْبِ وَ الشُّكْرُ عِنْدَ النِّعْمَةِ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٥

٤-٤٨-١-٥-٢-الغنيمة
﴿٣٧٥٩﴾ الشُّكْرُ مَغْنَمٌ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٧

٩-٤٨-١-٥-٢-دوام النعمة راجع: النعمة
٥-٤٨-١-٥-٢-دين الله الذي ارتضاه للصالحين

﴿٣٧٦٠﴾ الصادق عليه السلام: أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى دَاوُدَ عليه السلام: أَنَّ خَلَادَةَ بِنْتِ أَوْسَ بِشَرِّهَا بِالْجَنَّةِ وَ أَعْلَمَهَا أَنَّهَا قَرِينَتُكَ فِي الْجَنَّةِ فَانْطَلِقْ إِلَيْهَا فَفَرِّقِ الْبَابَ عَلَيْهَا فَخَرَجَتْ وَ قَالَتْ هَلْ نَزَلَ فِي شَيْءٍ قَالَ نَعَمْ قَالَتْ وَ مَا هُوَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَيَّ وَ أَخْبَرَنِي أَنَّكَ قَرِينَتِي فِي الْجَنَّةِ وَ أَنَّ أُبَشِّرَكَ بِالْجَنَّةِ قَالَتْ أ وَ يَكُونُ اسْمُ وَافِقٍ اسْمِي قَالَ إِنَّكَ لَأَنْتِ هِيَ قَالَتْ يَا نَبِيَّ اللَّهِ مَا أَكْذَبَكَ وَ لَا وَاللَّهِ مَا أَعْرِفُ مِنْ نَفْسِي مَا وَصَفْتَنِي بِهِ قَالَ دَاوُدُ عليه السلام: أَخْبَرَنِي عَنْ ضَمِيرِكَ وَ سَرِيرَتِكَ مَا هُوَ قَالَتْ أَمَّا هَذَا فَسَأُخْبِرُكَ بِهِ أَخْبَرَكَ أَنَّهُ لَمْ يُصْنِئْ وَ جَعَلَ قَطْرَ نَزْلِ بِي كَأَنَّ مَا كَانَ وَ مَا نَزَلَ ضَرْبُ حَاجَةٍ وَ جُوعٍ كَأَنَّ مَا كَانَ إِلَّا صَبَرْتُ عَلَيْهِ وَ لَمْ أَسْأَلِ اللَّهَ كَشْفَهُ عَنِّي حَتَّى يُحَوِّلَهُ اللَّهُ عَنِّي إِلَى الْعَافِيَةِ وَ السَّعَةِ وَ لَمْ أَطْلُبْ بِهَا بَدَلًا وَ شَكَرْتُ اللَّهَ عَلَيْهَا وَ حَمِدْتُهُ فَقَالَ دَاوُدُ عليه السلام: فَبِهَذَا بَلَغْتَ مَا بَلَغْتَ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: وَ هَذَا دِينَ اللَّهِ الَّذِي ارْتَضَاهُ لِلصَّالِحِينَ؛ بحار الأنوار ج: ١٤ ص: ٣٨

١-٥-٢-٥١-الذخر راجع: الأجر

٢-٥-٢-٥٢-إرتباط النعم راجع: النعمة

٣-٥-٢-٥٣-الرحمة راجع: النعمة

٤-٥-٢-٥٤-الرزق راجع: النعمة

٥-٥-٢-٥٥-الرضا، الرضوان

﴿٣٧٦١﴾ إِنَّ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِي عَنْكُمْ وَ لَا يَرْضَى لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَ إِن تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ وَ لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ثُمَّ إِلَى رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ؛ الزمر: الآية ٧

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۷۵۷﴾ ای کسی که روزی بعضی از ما را بیش از دیگران تقسیم کردی، در این تجارت مرا به‌سوی بی‌نیازی و دوری از اشتباه و شکر بسیار سوق ده تا با شکری زیبا آن را بگیرم که موجب شود تو به خاطر آن به من سود رسانی و از جانب من به تو خیر رسد.

۳-۴۸-۲-۵-۱- جلوگیری از ضرر

﴿۳۷۵۸﴾ سه چیز است که با وجود آن‌ها هیچ چیز دیگری زیان نمی‌زند: دعا درموقع گرفتاری، و طلب آمرزش هنگام گناه، و شکرگزاری هنگام نعمت.

۴-۴۸-۲-۵-۱- بهره

﴿۳۷۵۹﴾ شکر نعمت غنیمت و نفع محض است.

۴۹-۲-۵-۱- استمرار نعمت ر.به: نعمت

۵۰-۲-۵-۱- دینی که خداوند برای بندگان شایسته خود پسندیده است

﴿۳۷۶۰﴾ خدای متعال به حضرت داود علیه السلام وحی فرمود: "به خالده دختر اوس، بشارت و مژدگانی بهشت را اعلام کن و اینکه او در بهشت قرین و هم‌نشین توست". حضرت داود به‌دنبال این وحی به‌سوی خانه‌ی او روان شد و در زد آن زن به‌طرف در آمد و سؤال نمود آیا چیزی درباره‌ی من نازل شده است؟ داود پاسخ مثبت داد و جریان وحی را شرح داد، زن گفت: شاید درباره‌ی کسی که همانم من باشد نازل شده باشد داود گفت: درباره‌ی غیر تو نیست، زن گفت: البته من شما را تکذیب نمی‌کنم ولی به خدا سوگند در خودم صفتی که شایسته‌ی این مقام باشد نمی‌بینم. داود گفت ضمیر و حالت درونی و روحی خود را برای من توضیح بده، زن گفت: مانعی ندارد، آنچه در اندیشه و قلب دارم این است که؛ هرگونه درد و رنجی که به من رسیده و هرگونه مشکل و ناراحتی و نیازمندی و گرسنگی که به من وارد شده درکمال صبر استقبال نموده و حتی از خداوند درخواست برطرف‌شدن آن را نکرده‌ام تا وقتی که خود خداوند مرا از آن حالت به حالت عافیت و سلامت و توسعه در زندگی منتقل فرمود و فکر نکردم که این لطف و مرحمت الهی پاداش صبر من است، بلکه خداوند را در مقابل این همه نعمت شاکر و سپاسگزار بودم. داود فرمود: "به همین دلیل به این مقام و مرتبه نائل‌شده‌ای". سپس حضرت صادق علیه السلام فرمود. این همان دین الهی است که برای صالحین و بندگان شایسته‌ی خود پسندیده است.

۱-۵۰-۲-۵- ذخیره ر.به: پاداش

۲-۵۰-۲-۵- بستن و حفظ نعمت‌ها ر.به: نعمت

۳-۵۰-۲-۵- رحمت ر.به: نعمت

۴-۵۰-۲-۵- روزی ر.به: نعمت

۵-۵۰-۲-۵- رضایت، خشنودی

﴿۳۷۶۱﴾ اگر کفران کنید، خداوند از شما بی‌نیاز است و هرگز کفران را برای بندگان نمی‌پسندد و اگر شکر او را به‌جا آورید آن را برای شما می‌پسندد؛ و هیچ گنهکاری گناه فرد دیگری را بر دوش نمی‌کشد؛ سپس بازگشت همه‌ی شما به‌سوی پروردگارتان است، و شما را از آنچه انجام می‌دادید آگاه می‌سازد زیرا او به آنچه در سینه‌هاست آگاه است.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٧٦٢﴾ الرسول ﷺ: أَرْزُقْنِي شُكْرَكَ وَذِكْرَكَ وَطَاعَتَكَ وَعِبَادَتَكَ حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَا؛ المقنعة ص: ٣٩١

﴿٣٧٦٣﴾ أَرْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَرْجُو وَمِنْ حَيْثُ لَا أَرْجُو وَاسْتُرْنِي وَوَلَدِي وَوَالِدِي وَإِخْوَانِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي بِالْغِنَى وَالْعَافِيَةِ وَالشُّكْرِ عَلَيْهَا حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَى؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٣٩

﴿٣٧٦٤﴾ الصادق عليه السلام: أَسْأَلُكَ... تَمَامَ نِعْمَتِكَ فِي جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ وَالشُّكْرَ لَكَ عَلَيْهَا لِكَيْ تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَا؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٩٢

﴿٣٧٦٥﴾ الصادق عليه السلام: أَعْطِنِي فِي كُلِّ عَافِيَةٍ شُكْرًا حَتَّى تُبَلِّغَنِي مِنْهَا رِضْوَانَكَ؛ الكافي ج: ٦ ص: ٧

﴿٣٧٦٦﴾ الشُّكْرُ الْمَعْرِفَةُ وَفِي قَوْلِهِ وَلَا يَرْضَى لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ فَقَالَ الْكُفْرُ هَاهُنَا الْخِلَافُ وَالشُّكْرُ الْوَلَايَةُ وَالْمَعْرِفَةُ؛ بحار الأنوار ج: ٢٤ ص: ٦٠

﴿٣٧٦٧﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنَّهُ مَا أَصْبَحَ وَأَمْسَى بِي مِنْ نِعْمَةٍ وَعَافِيَةٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَمِنْكَ وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ بِهَا عَلَيَّ حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَا يَقُولُهَا إِذَا أَصْبَحَ عَشْرًا وَإِذَا أَمْسَى عَشْرًا فَسُمِّيَ بِذَلِكَ عَبْدًا شَكُورًا؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٣٣٥

﴿٣٧٦٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا كَمَا يَحْمَدُكَ مَنْ بِالْحَمْدِ رَضِيَتْ عَنْهُ لَشُكْرٍ مَا بِهِ مِنْ نِعْمِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٣١٨

﴿٣٧٦٩﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ كَمَا جَعَلْتَ رِضَاكَ عَمَّنْ بِالْحَمْدِ رَضِيَتْ عَنْهُ لِيَشْكُرَ مَا بِهِ مِنْ نِعْمَتِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٤ ص: ٥٥

﴿٣٧٧٠﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا أَتْلُغُ بِهِ رِضَاكَ وَأُودِي بِهِ شُكْرَكَ وَاسْتَوْجِبُ بِهِ الْعَفْوَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ وَالرَّحْمَةَ عِنْدَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ١٤٥

﴿٣٧٧١﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا أَتْلُغُ بِهِ رِضَاكَ وَأُودِي بِهِ شُكْرَكَ وَاسْتَوْجِبُ بِهِ الْمَزِيدَ مِنْ عِنْدِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ١٩٢

﴿٣٧٧٢﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا أَنَالُ بِهِ رِضَاكَ وَأُودِي بِهِ شُكْرَكَ وَاسْتَوْجِبُ بِهِ الْمَزِيدَ مِنْ قَضَائِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ١٤٣

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۷۶۲﴾ پروردگارا، شکر، یاد و فرمان برداری از خودت را تا جایی که از من راضی شوی و حتی بعد از رضایت نیز روزی ام کن.

﴿۳۷۶۳﴾ پروردگارا، از جایی که امید دارم و حتی از جایی که امید ندارم به من روزی برسان و مرا و فرزندان و والدینم و برادران و خواهران دینی ام را در دنیا و آخرت با ثروت و بی نیازی و سلامتی و شکر بر آنها پوشش بده تا جایی که تو راضی شوی از من و حتی بعد از رضایت.

﴿۳۷۶۴﴾ از تو درخواست می کنم... همه ی نعمت های را بر من کامل کنی و توفیق دهی که تا جلب رضایت تو و حتی بعد از آن مشغول شکر باشم.

﴿۳۷۶۵﴾ پروردگارا، در هر عافیتی به من شکر عطا فرما تا اینکه مرا به بهشت رضوانت برسانی.

﴿۳۷۶۶﴾ شکر معرفت است و در باره ی این آیه "و بر بندگان نمی پسندد که کفران کنند و اگر سپاسگزاری کنید از شما خشنود می شود" فرمود: کفر در این آیه (رفتار برخلاف امامان است) و شکر، ولایت و معرفت امام است.

﴿۳۷۶۷﴾ پروردگارا، من تو را گواه می گیرم که همانا شک ندارم هر آنچه از نعمت و سلامتی که در هر صبح و شام با من همراه است - چه در دین و چه در دنیای من - همه از جانب توست، بی همتایی، شریک نداری، سپاس و شکر مخصوص توست چندان که خشنود شوی و بلکه بیش از آن. این دعا را ده بار هر بامداد می خواند، و چون روز به پایان می رسید نیز ده بار دیگر، و از این رو، او را بنده ی بسیار شکر گزار نامیدند.

﴿۳۷۶۸﴾ خداوند! ای پروردگار ما، حمد و ستایش مخصوص توست حمد و ستایشی که با ادای آن بتوان آن چنان شکر تو را انجام داد که رضایت تو جلب شود.

﴿۳۷۶۹﴾ خداوند، پروردگارا، تو را ستایش می کنم، چنان که ستایش را مایه ی خشنودی خود از کسانی قراردادی که تو را ستایش می کنند و به واسطه ی آن از آنان خرسند گردیدی، تا بدین وسیله شکر نعمت را به جا آورند.

﴿۳۷۷۰﴾ خدایا، حمد سزای توست، حمدی که به وسیله ی آن به خشنودی تو دست یابم و ادای شکر تو را نمایم و مستوجب عفو تو شوم در حالی که تو قدرت بر عقوبت داری و سزاوار رحمت نزد تو گردم.

﴿۳۷۷۱﴾ خداوند، حمد و ستایش مخصوص و شایسته ی توست ستایشی که به وسیله ی آن به خشنودی ات برسم، و شکر تو را به جای آورده باشم، و سزاوار افزونی نعمت شوم.

﴿۳۷۷۲﴾ خداوند، حمد و ستایش مخصوص و شایسته ی توست ستایشی که به وسیله ی آن به خشنودی ات برسم، و شکر تو را به جای آورده باشم، و سزاوار افزونی داده های شوم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٧٧٣﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ مَا أَصْبَحْتَ بِي مِنْ نِعْمَةٍ أَوْ عَافِيَةٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَمِنْكَ وَخَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ بِهَا عَلَى يَا رَبِّ حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَا؛ وسائل الشيعة ج: ٧ ص: ٢٢٩

﴿٣٧٧٤﴾ الباقر عليه السلام: إِنَّ نَوْحًا إِنَّمَا سُمِّيَ عَبْدًا شُكُورًا لِأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ إِذَا أَمْسَى وَ أَصْبَحَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنَّهُ مَا أَمْسَى وَ أَصْبَحَ بِي مِنْ نِعْمَةٍ أَوْ عَافِيَةٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَمِنْكَ وَخَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ بِهَا عَلَى حَتَّى تَرْضَى إِلَهَنَا؛ وسائل الشيعة ج: ٧ ص: ٢٢٦

﴿٣٧٧٥﴾ إِنَّكُمْ إِنْ صَبَرْتُمْ عَلَى الْبَلَاءِ وَ شَكَرْتُمْ فِي الرَّخَاءِ وَ رَضِيتُمْ بِالْقَضَاءِ كَانَ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ الرِّضَا؛ غرر الحكم ص: ٢٨٢

﴿٣٧٧٦﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّمَا سُمِّيَ نُوحٌ عَبْدًا شُكُورًا لِأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ إِذَا أَصْبَحَ وَ أَمْسَى اللَّهُمَّ إِنَّهُ مَا أَصْبَحَ وَ أَمْسَى بِي مِنْ نِعْمَةٍ أَوْ عَافِيَةٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا مِنْكَ وَخَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ بِهِ عَلَى يَا رَبِّ حَتَّى تَرْضَى وَ بَعْدَ الرِّضَا يَقُولُهَا إِذَا أَصْبَحَ عَشْرًا وَ إِذَا أَمْسَى عَشْرًا؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ٣٨٧

﴿٣٧٧٧﴾ الصادق عليه السلام: بَارِكْ لِي فِي جَمِيعِ مَا أَنَا فِيهِ بِرَكَّةٍ تَرْحِمُ بِهَا شُكْرِي وَ تَرْحِمُنِي وَ تَرْضَى عَنِّي؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ١٣٥

﴿٣٧٧٨﴾ السجاد عليه السلام: ذَلَّلْنِي بِإِعْطَاءِ النَّصَفِ مِنْ نَفْسِي فِي جَمِيعِ الْمَوَاطِنِ فِي الرِّضَا وَ السَّخَطِ وَ التَّوَاضُعِ وَ الْفَضْلِ وَ تَرْكِ قَلِيلِ الْبَغْيِ وَ كَثِيرِهِ فِي الْقَوْلِ مِنِّي وَ الْفِعْلِ وَ تَمَامِ النُّعْمَةِ فِي جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ وَ الشُّكْرِ بِهَا عَلَى حَتَّى تَرْضَى وَ بَعْدَ الرِّضَا؛ تهذيب الأحكام ج: ٣ ص: ٨٢

﴿٣٧٧٩﴾ شُكْرُكَ لِلرَّاضِي [الراضي] عَنْكَ يَزِيدُهُ رِضًا وَ وِفَاءً؛ غرر الحكم ص: ٢٧٩

﴿٣٧٨٠﴾ الصادق عليه السلام: فَلَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ بِهِ عَلَى حَتَّى تَرْضَى وَ بَعْدَ الرِّضَا؛ مكارم الأخلاق ص: ٢٧٧

﴿٣٧٨١﴾ الصادق عليه السلام: لَا تَشْغَلْنِي فِيهَا عَنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ عَلَى يَا كُنْثَارَ مِنْهَا فَتُلْهِمَنِي عَجَائِبُ بَهْجَتِهِ وَ تَفْتِنَنِي زَهْرَاتُ زِينَتِهِ وَ لَا بِأَفْئَالٍ مِنْهَا فَيَقْصُرَ بَعْمَلِي كَدُّهُ وَ يَمَلَأَ صَدْرِي هَمُّهُ بَلْ أَعْطِنِي مِنْ ذَلِكَ غَنًى مِنْ شِرَارِ خَلْقِكَ وَ بَلَاغًا أَنَالُ بِهِ رِضْوَانَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٣٣٨

﴿٣٧٨٢﴾ الصادق عليه السلام: لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَبْلُغُ أَوَّلُهُ شُكْرَكَ وَ عَاقِبَتُهُ رِضْوَانَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ١٤٢

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۷۷۳﴾ خدایا، آن هنگام که صبح مرا آغاز می‌کنی هر نعمتی را که مربوط به دین و دنیایم باشد به من عطا می‌کنی (نیک می‌دانم که) همه از ناحیه‌ی تو می‌رسد، خداوند، تو یگانه هستی و شریکی نداری، سپاس و شکر مخصوص توست، خداوند، همواره تو را سپاس می‌گویم تا اینکه از من راضی شوی.

﴿۳۷۷۴﴾ به این جهت حضرت نوح علیه السلام را بنده‌ی بسیار شکرگزار نامیدند که هرگاه شب و صبح را آغاز می‌کرد به درگاه خداوند عزیز و جلیل عرض می‌کرد: "خدایا، تو را شاهد قرار می‌دهم که هر نعمت یا عافیتی در دین یا دنیا، شب یا روز به من می‌رسد فقط از ناحیه‌ی توست که شریکی نداری، و در مقابل این نعمت و عافیت که به من داده‌ای سپاس و شکر را به‌جا می‌آورم تا از من راضی شوی و حتی بعد از آن نیز پروردگارا، باز تو را می‌ستایم و شکر می‌نمایم. ﴿۳۷۷۵﴾ اگر بر بلا صبر کنی، و در دوران نعمت شکر کنی، و به تقدیر خدا راضی شوی، خدای سبحان از شما راضی خواهد بود.

﴿۳۷۷۶﴾ حضرت نوح علیه السلام از آن جهت بنده‌ی بسیار سپاسگزار نامیده شد، که پیوسته در هر صبح و شام می‌فرمود: "خدایا، تو را گواه می‌گیرم که روز و شبم را با هیچ عافیت یا نعمتی دینی و دنیوی آغاز نکردم مگر اینکه همه آنها از ناحیه‌ی توست و شریکی برای تو وجود ندارد، ستایش و سپاسگزاری مخصوص توست تا اینکه خشنود گردی، و حتی بعد از خوشنودی‌ات.

﴿۳۷۷۷﴾ در همه‌ی کارهایم بر من برکت نازل کن، برکتی که با آن سپاسگزاری‌ام را با مهربانی بپذیری، به من رحم کنی و از من راضی شوی

﴿۳۷۷۸﴾ در تمام زمینه‌های رضایت و خشم و پایین‌تر از دیگران یا داشتن برتری و ترک ظلم، چه کم و چه زیاد، در کلام باشد یا در عمل و همچنین با تمام کردن نعمت بر من در همه‌چیز و شکر آن، تا اینکه کاملاً راضی شوی و حتی بعد از خشنودی‌ات به من توفیق انصاف بده و به این وسیله راضی کن.

﴿۳۷۷۹﴾ شکرکردن تو کسی را که راضی و خشنود باشد از تو، زیاد می‌کند خشنودی و وفاداری او را نسبت به تو.

﴿۳۷۸۰﴾ حمد و سپاس این نعمت‌ها بر گردن من است تا آنجا که از من خشنود و راضی گردی و حتی پس از رضایت تو.

﴿۳۷۸۱﴾ به واسطه‌ی زیادی نعمت مرا از شکر آن بازدار، و مبادا زیبایی‌های آن مرا به خود سرگرم سازد، و درخشندگی شکوفه‌هایش مرا فریب دهد (یا گمراه سازد) و نیز مرا به کمی نعمت دچار مساز که رنج به‌دست آوردن آن مرا از اعمال و عباداتم بازدارد و اندوه به‌دست آوردنش سینه‌ام را فراگیرد و بفشارد، بلکه به من بی‌نیازی به بندگان بدکارت ببخش و مرا به رضایت و خرسندی‌ات برسان.

﴿۳۷۸۲﴾ تو را می‌ستایم، ستایشی که آغاز آن به شکر و سپاس تو بینجامد و پایان و آن به رضایت تو.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٧٨٣﴾ الباقِر الرَّحْمَنُ: هَبْ لِي شُكْرًا تَرْضَى بِهِ عَنِّي وَ حَمْدًا عَلَى مَا أَلْهَمْتَنِي؛ جمال الأسبوع
ص: ٣٩٦

١-٥٥-٢-٥٥-١- غَايَةُ رِضَاكَ

﴿٣٧٨٤﴾ الرضا الرَّحْمَنُ: أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ أَنْ تُوزِعَنِي مِنْ شُكْرِ
نِعْمَاتِكَ مَا يَبْلُغُنِي فِي غَايَةِ رِضَاكَ؛ البلد الأمين ص: ١٠٠

١-٥٥-٢-٥٥-٢- غَايَةُ رِضَا اللَّهِ

﴿٣٧٨٥﴾ العسكري الرَّحْمَنُ: أَمَّا أَحْسَنُ مِنْ الْأَوَّلِ حَالًا فَرَجُلٌ اعْتَقَدَ صِدْقًا بِمُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ وَ
صِدْقًا بِأَعْظَامِ عَلِيٍّ أَخِي رَسُولِ اللَّهِ وَ وَلِيِّهِ وَ ثَمَرَةً قَلْبِهِ وَ مَحْضَ طَاعَتِهِ فَشَكَرَ لَهُ رَبَّهُ وَ نَبِيَّهُ وَ
وَصِيَّ نَبِيِّهِ فَجَمَعَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ بِذَلِكَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَزَقَهُ لِسَانًا لَا لَأَاءِ اللَّهِ تَعَالَى ذَاكِرًا وَ
قَلْبًا لِنِعْمَاتِهِ شَاكِرًا وَ بِأَحْكَامِهِ رَاضِيًا وَ عَلَى اخْتِمَالِ مَكَارِهِ أَعْدَاءِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ نَفْسُهُ مُوْطِنًا لَا
جَرَمَ أَنْ اللَّهُ تَعَالَى سَمَاهُ عَظِيمًا فِي مَلَكُوتِ أَرْضِهِ وَ سَمَواتِهِ وَ حَبَاهُ بِرِضْوَانِهِ وَ كَرَامَاتِهِ
فَكَانَتْ تِجَارَةً هَذَا أَرْبَحَ وَ غَنِيمَتُهُ أَكْثَرَ وَ أَعْظَمَ؛ بحار الأنوار ج: ٦٥ ص: ١٠٦

١-٥٥-٢-٥٦- الرِّقْعَةُ

﴿٣٧٨٦﴾ الصادق الرَّحْمَنُ: أَيُّمَا مُؤْمِنٍ سَجَدَ سَجْدَةً لِشُكْرِ نِعْمَةٍ فِي غَيْرِ صَلَاةٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا عَشْرَ
حَسَنَاتٍ وَ مَحَا عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ وَ رَفَعَ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ فِي الْجَنَّةِ؛ وسائل الشيعة ج: ٧ ص: ٢٠
١-٥٥-٢-٥٧- رَفَعُ النَّقْصِ

﴿٣٧٨٧﴾ السجاد الرَّحْمَنُ: لَا يَنْقُصُ مِنْ شُكْرِهِ؛ المصباح للكفعمي ص: ٩٦

﴿٣٧٨٨﴾ أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَمَلُ إِسْلَامِهِ وَ لَوْ كَانَ مِنْ قَرْنِهِ إِلَى قَدَمِهِ خَطِيئًا لَمْ تَنْقُصْهُ الصَّدَقُ وَ
الْحَيَاءُ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ الشُّكْرُ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٦

١-٥٥-٢-٥٨- السَّعَادَةُ

﴿٣٧٨٩﴾ الهادي الرَّحْمَنُ: الشَّاكِرُ أَسْعَدُ بِالشُّكْرِ مِنْهُ بِالنَّعْمَةِ الَّتِي أَوْجَبَتْ الشُّكْرَ لِأَنَّ النَّعْمَ مَتَاعٌ وَ
الشُّكْرَ نِعْمٌ وَ عَقْبَى؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٣٦٥

﴿٣٧٩٠﴾ الرسول ﷺ: فَاجْعَلْ لَنَا مِنَ الْإِقْتِدَارِ وَ الْأَنْوَارِ وَ طَهَارَةِ الْأَسْرَارِ مَا نَكُونُ مِنْ أَسْعَدِ
السَّائِرِينَ وَ أَحْمَدِ الشَّاكِرِينَ؛ الأمان ص: ١٥٠

﴿٣٧٩١﴾ الرضا الرَّحْمَنُ: اللَّهُمَّ أَسْعِدْنَا بِالشُّكْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٢ ص: ٢٢٦

١-٥٥-٢-٥٩- السَّلَامُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۷۸۳﴾ شکری به من ببخش که از من با ادای آن راضی شوی و به خاطر آنچه به من الهام کردی، سپاسی به من هدیه کن.

۱-۵-۲-۵۵-۱-نهایت رضایت

﴿۳۷۸۴﴾ از تو درخواست می‌کنم که بر محمد ﷺ، بنده و فرستاده‌ات درود فرستی و شکر نعمت‌هایت را به من به‌گونه‌ای الهام کنی که با آن به نهایت رضایت تو دست یابم.

۲-۵۵-۲-۱-نهایت رضایت خدا

﴿۳۷۸۵﴾ آن‌کس که حالش از اولی بهتر است، مردی است که به‌راستی به محمد عقیده دارد و او را پیامبر خدا می‌داند و حق علی علیه السلام را بزرگ می‌شمارد و او را برادر پیامبر خدا و ولی او و میوه‌ی دل او و فرمان‌بر خالص او می‌داند، (در عوض) پروردگارش و پیامبر و وصی پیامبر از او قدردانی می‌نمایند و خداوند به همین جهت خیر دنیا و آخرت را برای او فراهم می‌آورد و به او زبانی عنایت می‌کند تا همیشه به یاد نعمت‌های خدا باشد و قلبی عطا می‌کند که سپاسگزار او باشد و به قوانین الهی خشنود و بر تحمل ناملازمات از دشمنان محمد ﷺ و خاندانش اراده‌ی محکم و تصمیم جدی داشته باشد، بدیهی است خداوند چنین کسی را در ملکوت زمین و آسمان‌هایش به بزرگی نام می‌برد، و خشنودی و عنایات خاصه‌ی خویش را به او پیشکش می‌نماید، تجارت چنین کسی سودمندتر و سود او از هرکسی و هر تجارتی بزرگ‌تر و بیشتر است.

۶-۵۲-۱-بلندی درجه و مقام

﴿۳۷۸۶﴾ هرکس از مؤمنان که برای شکرگزاری نعمت در غیر از نماز سجده کند، خداوند برای او ده حسنه ثبت می‌کند و ده گناه از پرونده‌اش محو می‌کند و او ده درجه در بهشت بالا می‌برد.

۷-۵۲-۱-برطرف کردن نقص

﴿۳۷۸۷﴾ از آن‌که شکر او را کند چیزی کم نکند.

﴿۳۷۸۸﴾ چهار چیز است که اگر در هرکسی باشد مسلمانی‌اش کامل است. و حتی اگر در گناه غرق باشد او را زیان نمی‌رساند (بالاخره این صفات باعث می‌شوند از گناه دست بردارد)، و آن‌ها عبارتند از: "راست‌گویی، حیا، حسن خلق و شکر".

۸-۵۲-۱-خوشبختی

﴿۳۷۸۹﴾ شکرگزار از خود شکر بیشتر بهره می‌برد تا از نعمتی که موجب شکرگزاری او شده است؛ زیرا نعمت‌ها کالای دنیایند ولی شکر، هم نعمت دنیاست و هم آخرت.

﴿۳۷۹۰﴾ پس چنان‌توان و روشنی و باطن پاکی به ما مرحمت فرما که از زمره‌ی خوشبخت‌ترین سیرکنندگان و سپاسگزارترین ثناگویان باشیم.

﴿۳۷۹۱﴾ خدایا مرا به شکرگزاری موفق و کامیاب کن.

۹-۵۲-۱-صلح و آشتی

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٧٩٢﴾ الصادق عليه السلام: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الشُّكْرِ وَالرِّضَا؛ إقبال الأعمال ص: ٧١٣

﴿٣٧٩٣﴾ السَّلَامُ عَلَى مَنْ شَكَرَ النِّعْمَةَ وَوَفَّى بِالْبَيْعَةِ؛ شرح نهج البلاغة ج: ١٤ ص: ١٠
١-٥-٢-٦٠- الشُّكْرُ

١-٥-٢-٦٠-١- شُكْرُ اللَّهِ

﴿٣٧٩٤﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: شُكُورٌ إِذَا شُكِرْتَ؛ إقبال الأعمال ص: ٦٩٠

﴿٣٧٩٥﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: اللَّهُمَّ أَنْتَ الذَّاكِرُ لِمَنْ ذَكَرَكَ الشَّاكِرُ لِمَنْ شَكَرَكَ؛ البلد الأمين ص: ٤٢١

﴿٣٧٩٦﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: مَنْ ذَكَرَهُ فِي مَلَأٍ ذَكَرَهُ فِي مَلَأٍ أَشْرَفَ وَمَنْ شَكَرَهُ شَكَرَهُ فِي مَقَامٍ أَسْنَى؛

مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ٢٩٧

﴿٣٧٩٧﴾ إِنَّكَ الْمَنَّانُ بِجَسِيمِ الْمُنَنِ، الْوَهَّابُ لِعَظِيمِ النِّعَمِ، الْقَابِلُ يَسِيرَ الْحَمْدِ، الشَّاكِرُ قَلِيلِ

الشُّكْرِ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ١٦٠

﴿٣٧٩٨﴾ الصادق عليه السلام: وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَوْجَبَ مِنِّي الشُّكْرَ وَإِنْ كُنْتُ قَلِيلًا شُكْرِي؛

بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٢٨٦

١-٥-٢-٦٠-٢- شُكْرُ لِنَفْسِهِ

﴿٣٧٩٩﴾ قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَآهُ مُسْتَقِرًّا

عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنِّي يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي

غَنِيٌّ كَرِيمٌ؛ التمل: الآية ٤٠

﴿٣٨٠٠﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنِّي يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ

حَمِيدٌ؛ لقمان: الآية ١٢

﴿٣٨٠١﴾ الصادق عليه السلام: أَمَرْتَنِي بِهِ مِنْ شُكْرِكَ وَوَعَدْتَنِي عَلَيْهِ مِنْ شُكْرِكَ وَوَعَدْتَنِي عَلَيْهِ مِنْ

الْمَزِيدِ مِنْ لَدُنْكَ؛ الدعوات ص: ١٧٥

﴿٣٨٠٢﴾ الصادق عليه السلام: سَجْدَةُ الشُّكْرِ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ تُتِمُّ بِهَا صَلَاتُكَ وَتُرْضَى بِهَا رَبِّكَ

وَتَعْجَبُ الْمَلَائِكَةُ مِنْكَ وَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا صَلَّى ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ فَفَتَحَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى

الْحِجَابَ بَيْنَ الْعَبْدِ وَبَيْنَ الْمَلَائِكَةِ فَيَقُولُ يَا مَلَائِكَتِي انظُرُوا إِلَى عَبْدِي أَدَّى فَرَضِي وَآتَمَّ عَهْدِي

ثُمَّ سَجَدَ لِي شُكْرًا عَلَى مَا أَنْعَمْتُ بِهِ عَلَيْهِ مَلَائِكَتِي مَا ذَا لَهُ عِنْدِي قَالَ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا

رَحِمْتَكَ ثُمَّ يَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ثُمَّ مَا ذَا لَهُ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا جَنَّتَكَ ثُمَّ يَقُولُ

الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۷۹۲﴾ درود بر شما ای اهل شکر و رضا.

﴿۳۷۹۳﴾ درود بر آنان که شکر نعمت کنند و وفای به بیعت.

۶۰-۲-۵-۱- شکر

۱-۶۰-۲-۵-۱- شکر خدا

﴿۳۷۹۴﴾ شکر گزار (افزایش دهنده‌ی نعمت و جزا دهنده است) هنگامی که سپاس گزارده شود.

﴿۳۷۹۵﴾ پروردگارا، تو از کسی که تو را یاد می‌کند یاد می‌کنی و کسی را که تو را شکر کند سپاس می‌گویی.

﴿۳۷۹۶﴾ هر کس خدا را در بین مردم یاد کند، خدا او را در گروهی شریف‌تر یاد خواهد کرد، و هر که او را شکر کند، خدا او را در جایی والاتر سپاسگزاری خواهد کرد.

﴿۳۷۹۷﴾ زیرا تویی بسیار نعمت‌دهنده و بسیار بخشاینده‌ی نعمت‌های بزرگ، پذیرنده‌ی هر ستایش اندک، قدردان سپاس ناچیز.

﴿۳۷۹۸﴾ همه‌ی ستایش مخصوص خدایی است که مرا مستوجب قدردانی می‌داند هر چند شکر و سپاسگزاری‌ام ناچیز بوده‌است.

۲-۶۰-۲-۵-۱- سپاس از نفس خود

﴿۳۷۹۹﴾ اما کسی که دانشی از کتاب (آسمانی) داشت گفت: "پیش از آنکه چشم‌برهم زنی، آن را نزد تو خواهم آورد!" و هنگامی که (سلیمان) آن (تخت) را نزد خود ثابت و پابرجا دید گفت: "این از فضل پروردگار من است تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را به‌جا می‌آورم یا کفران می‌کنم؟ و هر کس شکر کند، به نفع خود شکر می‌کند و هر کس کفران نماید (به زیان خویش نموده است زیرا که) پروردگار من بی‌نیاز و کریم است."

﴿۳۸۰۰﴾ ما به لقمان حکمت دادیم (و به او گفتیم): شکر خدا را به‌جا آور؛ هر کس شکرگزاری کند، تنها به سود خویش شکر کرده و آن کس که کفران کند، (زیانی به خدا نمی‌رساند) زیرا خداوند بی‌نیاز و ستوده است.

﴿۳۸۰۱﴾ تو مرا به شکر امر کرده‌ای و در برابر شکرت به من وعده‌ی قدردانی و نیز وعده‌ی فزونی از جانب خویش را داده‌ای.

﴿۳۸۰۲﴾ سجده‌ی شکر بر هر مسلمانی واجب است، به گونه‌ای که نمازت را با آن کامل و رضایت پروردگارت را به دست می‌آوری، و فرشتگان را به شگفتی وامی‌داری، و بدون شک هرگاه بنده نماز بگزارد و پس از فراغ در پی آن به سجده‌ی شکر رود، پروردگار متعال حجاب میان او و فرشتگان را برمی‌دارد، و به آنان خطاب کند: بنگرید به‌سوی بنده‌ی من که وظیفه‌ی واجب خویش را انجام داده و به پیمان من وفا نموده، و به شکرانه‌ی برخورداری از لطف من در مقابل به سجده افتاده است، اکنون بگویید چه پاداشی به او بدهم؟ فرشتگان گویند: ای پروردگار ما، پاداش او رحمت توست، خداوند متعال فرماید: دیگر چه؟ گویند: خداوند، بهشت تو، باز خداوند

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

تَعَالَى ثُمَّ مَاذَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا كِفَايَةُ مُهِمَّةٍ فَيَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ثُمَّ مَاذَا قَالَ وَلَا يَبْقَى شَيْءٌ مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا قَالَتْهُ الْمَلَائِكَةُ فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَا مَلَائِكَتِي ثُمَّ مَاذَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ رَبَّنَا لَا عِلْمَ لَنَا قَالَ فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَشْكُرُ لَهُ كَمَا شَكَرَ لِي وَأَقْبِلْ إِلَيْهِ بِفَضْلِي وَأُريهِ وَجْهِي؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٣٣٣

١-٥-٢-٤١- شُكْلُ النِّعْمَةِ راجع: النِّعْمَةُ

١-٥-٢-٤٢- الصَّلَاحُ وَالْإِصْلَاحُ

﴿٣٨٠٣﴾ الْمُؤْمِنُ بَيْنَ نِعْمَةٍ وَخَطِيئَةٍ لَا يُصْلِحُهُمَا إِلَّا الشُّكْرُ وَالِاسْتِغْفَارُ؛ غررالحكم ص: ٩٠

﴿٣٨٠٤﴾ إِنْ الْعَبْدُ بَيْنَ نِعْمَةٍ وَذَنْبٍ لَا يُصْلِحُهُمَا إِلَّا الْإِسْتِغْفَارُ وَالشُّكْرُ؛ غررالحكم ص: ١٩٥

﴿٣٨٠٥﴾ شُكْرُكَ لِلْسَّاحِطِ عَلَيْكَ يُوجِبُ لَكَ مِنْهُ صَلَاحًا وَتَعَطُّفًا؛ غررالحكم ص: ٢٨٠

١-٥-٢-٤٢-١- دِينَ اللَّهِ الَّذِي ارْتَضَاهُ لِلصَّالِحِينَ

﴿٣٨٠٦﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى دَاوُدَ عليه السلام: أَنْ خَلَادَةَ بِنْتُ أَوْسَ بَشَرُهَا بِالْجَنَّةِ وَاعْلُمَهَا أَنَّهَا قَرِينَتُكَ فِي الْجَنَّةِ فَانْطَلَقَ إِلَيْهَا فَفَرَعَ الْبَابَ عَلَيْهَا فَخَرَجَتْ وَقَالَتْ هَلْ نَزَلَ فِي شَيْءٍ قَالَ نَعَمْ قَالَتْ وَمَا هُوَ قَالَ إِنْ اللَّهُ تَعَالَى أَوْحَى إِلَيَّ وَأَخْبَرَنِي أَنَّكَ قَرِينَتِي فِي الْجَنَّةِ وَأَنْ أُبَشِّرَكَ بِالْجَنَّةِ قَالَتْ أَوْ يَكُونُ اسْمُ وَافَقَ اسْمِي قَالَ إِنَّكَ لَأَنْتِ هِيَ قَالَتْ يَا نَبِيَّ اللَّهِ مَا أَكْذَبَكَ وَلَا وَاللَّهِ مَا أَغْرَفُ مِنْ نَفْسِي مَا وَصَفْتَنِي بِهِ قَالَ دَاوُدُ عليه السلام: أَخْبَرَنِي عَنْ ضَمِيرِكَ وَسَرِيرَتِكَ مَا هُوَ قَالَتْ أَمَّا هَذَا فَسَأُخْبِرُكَ بِهِ أَخْبَرُكَ أَنَّهُ لَمْ يُصْنِئِي وَجَعُ قَطْرٍ نَزَلَ بِي كَأَنَّمَا مَا كَانَ وَمَا نَزَلَ ضَرْبِي حَاجَةً وَجُوعٌ كَأَنَّمَا مَا كَانَ إِلَّا صَبَرْتُ عَلَيْهِ وَلَمْ أَسْأَلِ اللَّهَ كَشْفَهُ عَنِّي حَتَّى يُحَوِّلَهُ اللَّهُ عَنِّي إِلَى الْعَافِيَةِ وَالسَّعَةِ وَلَمْ أَطْلُبْ بِهَا بَدَلًا وَشَكَرْتُ اللَّهَ عَلَيْهَا وَحَمِدْتُهُ فَقَالَ دَاوُدُ عليه السلام: فِيهِذَا بَلَغْتَ مَا بَلَغْتَ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: وَهَذَا دِينَ اللَّهِ الَّذِي ارْتَضَاهُ

لِلصَّالِحِينَ؛ بحار الأنوار ج: ١٤ ص: ٣٨٠

١-٥-٢-٤٣- صَلَوَاتُ اللَّهِ

﴿٣٨٠٧﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: مَنْ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ وَهُوَ مُتَوَضِّئٌ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا عَشْرَ صَلَوَاتٍ وَ

مَحَا عَنْهُ عَشْرَ خَطَايَا عِظَامٍ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٣٣٢

١-٥-٢-٤٤- تَضَاعَفُ النِّعْمَةُ راجع: النِّعْمَةُ

١-٥-٢-٤٥- طُولُ الْعُمْرِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

می پرسد دیگر چه پاداشی دارد؟ گویند: آنکه گرفتاری های او را برطرف سازی، باز خداوند می پرسد: دیگر چه؟ امام علیه السلام فرمود: چیزی باقی نماند مگر آنکه فرشتگان آن را نام می برند، باز خداوند تکرار فرماید: دیگر چه؟ آن ها گویند: خدایا، فهم ما بیشتر از این نیست، آنگاه خداوند متعال گوید: آنکه من از او تشکر می کنم همان طور که او مرا شکر نمود، و با فضل خود به او رو کنم، و از رحمت خویش برخوردارش سازم.

۱-۵-۲-۶۱- بستن نعمت ر.به: نعمت

۱-۵-۲-۶۲- شایستگی و اصلاح

﴿۳۸۰۳﴾ مؤمن، مابین نعمت و خطاست که این دو سامان نمی گیرند، مگر با شکر و استغفار.
﴿۳۸۰۴﴾ به درستی که بنده در میانه ی نعمتی است و گناهی و آن دورا به صلاح نمی آورد مگر طلب آمرزش و شکر.

﴿۳۸۰۵﴾ شکر کردن تو کسی را که خشناک باشد بر تو واجب می شود تا از جانب او برای تو صلاح و مهربانی روا گردد.

۱-۵-۲-۶۲-۱- دینی که خداوند برای بندگان شایسته ی خود پسندیده است.

﴿۳۸۰۶﴾ خدای متعال به حضرت داود علیه السلام وحی فرمود: " به خالده دختر اوس، بشارت و مزدگانی بهشت را اعلام کن و اینکه او در بهشت قرین و هم نشین توست ". حضرت داود به دنبال این وحی به سوی خانه ی او روان شد و در زد آن زن به طرف در آمد و سؤال نمود آیا چیزی درباره ی من نازل شده است؟ داود پاسخ مثبت داد و جریان وحی را شرح داد، زن گفت: شاید درباره ی کسی که همانام من باشد نازل شده باشد داود گفت: درباره ی غیر تو نیست، زن گفت: البته من شما را تکذیب نمی کنم ولی به خدا سوگند در خودم صفتی که شایسته ی این مقام باشد نمی بینم. داود گفت ضمیر و حالت درونی و روحی خود را برای من توضیح بده، زن گفت: مانعی ندارد. آنچه در اندیشه و قلب دارم این است که؛ هرگونه درد و رنجی که به من رسیده و هرگونه مشکل و ناراحتی و نیازمندی و گرسنگی که به من وارد شده درکمال صبر استقبال نموده و حتی از خداوند درخواست برطرف شدن آن را نکرده ام تا وقتی که خود خداوند مرا از آن حالت به حالت عافیت و سلامت و توسعه در زندگی منتقل فرمود و فکر نکردم که این لطف و مرحمت الهی پاداش صبر من است، بلکه خداوند را در مقابل این همه نعمت شاکر و سپاسگزار بودم. داود فرمود: " به همین دلیل به این مقام و مرتبه نائل شده ای ". سپس حضرت صادق علیه السلام فرمود. این همان دین الهی است که برای صالحین و بندگان شایسته ی خود پسندیده است.

۱-۵-۲-۶۳- سلام و درود خداوند

﴿۳۸۰۷﴾ هرکس با داشتن وضو سجده ی شکر به جا آورد خداوند برای او ثواب ده نماز بنویسد، و از نامه ی عمل او ده گناه بزرگ را محو میکند.

۱-۵-۲-۶۴- دوبرابر شدن نعمت ر.به: نعمت

۱-۵-۲-۶۵- طول عمر

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٨٠٨﴾ الرسول ﷺ: كَانَ فِيمَا أَعْطَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْأَلْوَابِ الْأُولَى اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ أَقِيكَ الْمَتَالِفَ وَأَنْسِيَ لَكَ فِي عُمْرِكَ وَأُحْيِكَ حَيَاةً طَيِّبَةً وَأَقْلِبَكَ إِلَيَّ خَيْرٍ مِنْهَا؛ بحار الأنوار ج: ١٣ ص: ٣٥٨

﴿٣٨٠٩﴾ الرضا عليه السلام: إِنَّهُ كَانَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ رَجُلٌ فَاتَاهُ فِي مَنَامِهِ مَنْ قَالَ لَهُ إِنَّ لَكَ نِصْفَ عُمْرِكَ سَعَةً فَاخْتَرِ أَيْ النِّصْفَيْنِ شِئْتَ فَقَالَ إِنَّ لِي شَرِيكًا فَلَمَّا أَصْبَحَ الرَّجُلُ قَالَ لِزَوْجَتِهِ قَدْ أَتَانِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ رَجُلٌ فَأَخْبَرَنِي أَنَّ نِصْفَ عُمْرِي لِي سَعَةً فَاخْتَرِ أَيْ النِّصْفَيْنِ شِئْتَ فَقَالَتْ لَهُ زَوْجَتُهُ اخْتَرِ النِّصْفَ الْأَوَّلَ فَقَالَ لَكَ ذَاكَ فَأَقْبَلْتَ عَلَيْهِ الدُّنْيَا فَكَانَ كُلَّمَا كَانَتْ نِعْمَةٌ قَالَتْ زَوْجَتُهُ جَارِكَ فَلَمَّا مُخْتِاجُ فَضْلِهِ وَتَقُولُ قَرَابَتِكَ فَلَمَّا فَتَعُطِيهِ وَكَانُوا كَذَلِكَ كُلَّمَا جَاءَتْهُمْ نِعْمَةٌ أَعْطَوْا وَتَصَدَّقُوا وَشَكَرُوا فَلَمَّا كَانَ لَيْلَةٌ مِنَ اللَّيَالِي أَتَاهُ الرَّجُلُ فَقَالَ يَا هَذَا إِنَّ النِّصْفَ قَدْ انْقَضَى فَمَا رَأَيْكَ قَالَ لِي شَرِيكٌ فَلَمَّا أَصْبَحَ قَالَ لِزَوْجَتِهِ أَتَانِي الرَّجُلُ فَأَعْلَمَنِي أَنَّ النِّصْفَ قَدْ انْقَضَى فَقَالَتْ لَهُ زَوْجَتُهُ قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْنَا فَشَكَرْنَا وَاللَّهِ أَوْلَى بِالْوَفَاءِ قَالَ فَإِنَّ لَكَ تَمَامَ عُمْرِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٥٤

﴿٣٨١٠﴾ زِيَادَةُ الشُّكْرِ وَصِلَةُ الرَّحِمِ تَزِيدَانِ النِّعَمَ وَتَفْسَحَانِ فِي الْأَجَلِ؛ غرر الحكم ص: ٤٠٦

١-٥-٢-٦٦- العافية راجع: الأمن

١-٥-٢-٦٧- العتق من ربك النعمة راجع: النعمة

١-٥-٢-٦٨- العجب والعجب

١-٥-٢-٦٨- رؤية العجب

﴿٣٨١١﴾ الصادق عليه السلام: وَتَمَامُ الشُّكْرِ اعْتِرَافُ لِسَانِ السَّرِّ خَاضِعًا لِلَّهِ تَعَالَى بِالْعَجْزِ عَنْ بُلُوغِ أَدْنَى شُكْرِهِ لِأَنَّ التَّوْفِيقَ لِلشُّكْرِ نِعْمَةٌ حَادِثَةٌ يَجِبُ الشُّكْرُ عَلَيْهَا وَهِيَ أَعْظَمُ قَدْرًا وَأَعَزُّ وَجُودًا مِنَ النِّعْمَةِ الَّتِي مِنْ أَجْلِهَا وَقُفَّتْ لَهُ فَيَلْزَمُكَ عَلَى كُلِّ شُكْرٍ أَكْبَرُ شُكْرٍ أَكْبَرُ مِنْهُ إِلَى مَا لَا نِهَايَةَ لَهُ مُسْتَعْرِقًا فِي نِعْمَتِهِ قَاصِرًا عَاجِزًا عَنْ دَرْكِ غَايَةِ شُكْرِهِ وَأَتَى يَلْحَقُ الْعَبْدُ شُكْرَ نِعْمَةِ اللَّهِ وَتَمَى يَلْحَقُ صَنِيعُهُ بِصَنِيعِهِ وَالْعَبْدُ ضَعِيفٌ لَا قُوَّةَ لَهُ أَبَدًا إِلَّا بِاللَّهِ وَاللَّهُ غَنِيٌّ عَنْ طَاعَةِ الْعَبْدِ قَوِيٌّ عَلَى مَزِيدِ النِّعَمِ عَلَى الْأَبَدِ فَكُنْ لِلَّهِ عَبْدًا شَاكِرًا عَلَى هَذَا الْأَصْلِ تَرَى الْعَجَبَ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٥٢

١-٥-٢-٦٨- العجب من الملائكة

﴿٣٨١٢﴾ الصادق عليه السلام: سَجْدَةُ الشُّكْرِ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ تُتِمُّ بِهَا صَلَاتَكَ وَتَرْضَى بِهَا رَبَّكَ وَتَعْجَبُ الْمَلَائِكَةُ مِنْكَ وَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا صَلَّى ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ فَفَتَحَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۸۰۸﴾ در اولین الواحی که خداوند به موسی علیه السلام عطا کرد این بود: "از من و پدر و مادرت سپاسگزاری کن تا تو را از هلاکت نگاه دارم و عمرت را طولانی کنم و زندگی پاک به تو عطا کنم و تو را به بهتر از آن باز گردانم."

﴿۳۸۰۹﴾ در قوم بنی اسرائیل مردی بود که شبی در خواب به او خبر دادند که قرار است نصف عمر خود را در وسعت و رفاه به سر ببرد (و نیمی را در مشقت و نیازمندی)، و به گفته شد اینک هر کدام را که می خواهی طلب کن که اول با آن شروع شود. او در جواب گفت: من یک شریک دارم، اجازه بدهید تا با او صحبت کنم و بعد پاسخ دهم، این جریان را به همسرش گفت، او هم در جواب شوهر اظهار داشت، بگو نصف اول را می خواهم در رفاه باشم، شوهر گفت: باشد همین را خواهم گفت. پس از آن، دنیا به او روی آورد، هرگاه نعمتی به او می رسید، زنش می گفت: فلان همسایه ی ما نیازمند است، چیزی هم به او بده و فلان فرد از خانواده محتاج است به او هم رسیدگی کن، و آن ها به این روش ادامه دادند و هر نعمتی که به آن ها رسید به همسایگان و خویشان و ندان نیز می بخشیدند. مدتی گذشت بار دیگر آن شخص به خواب او آمد و گفت: نصف عمرت گذشت، اکنون چه می گویی گفت: من با شریک خود در این باره صحبت می کنم و جواب می دهم، صبح هنگام جریان را به زنش اطلاع داد، زن گفت: ما به نعمت رسیدیم و شکرگزاری نمودیم، خداوند هم روزی ما را می رساند، او هم جریان را به آن مرد در خواب گفت، آنگاه او در جواب اظهار داشت، پس تمام عمر را در رفاه خواهی بود.

﴿۳۸۱۰﴾ بسیار سپاسگزاری نمودن و شکرانه ی نعمات الهی را به جای آوردن به همراه صله رحم موجب افزایش نعمت ها هستند و طول عمر را افزایش می دهند.

۶۶-۲-۵-۱- دوری از گرفتاری ربه: امن و...

۶۷-۲-۵-۱- آزادی از بند نعمت ربه: نعمت

۶۸-۲-۵-۱- شگفتی و تعجب

۱-۶۸-۲-۵-۱- دیدن شگفتی

﴿۳۸۱۱﴾ و کمال شکر این است که به زبان حال و قلب و با خلوص نیت اعتراف کند که از به جا آوردن کمترین مرتبه ی شکر پروردگار عاجز است که همانا توفیق شکر نعمت جدید، شکر جدیدی بر تو واجب می کند؛ و ارزش این شکر بیشتر و وجودش ارجمندتر از نعمتی است که به دریافت آن موفق شده ای؛ پس بر هر شکری شکر دیگری واجب می شود که از اولی بزرگ تر است و این افزایش و گسترده گی تا بی نهایت ادامه پیدا می کند، تو غرق نعمتی و دست از درک حق آن کوتاه. و چگونه ممکن است بنده ای شکر نعمت پروردگارش را به جا آورد؟ و چگونه ممکن است پاسخ خوبی های او را بدهد. بنده از بنیان ناتوان است مگر با تکیه بر خدا؛ و خدا بی نیاز از فرمان برداری بنده و توانا بر افزایش نعمت؛ پس تو باید بر این روش بنده ی شکرگزاری باشی، که در این صورت عجایی از فضل خدا خواهی دید.

۲-۶۸-۲-۵-۱- شگفتی فرشتگان

﴿۳۸۱۲﴾ سجده ی شکر بر هر مسلمانی واجب است، به گونه ای که نمازت را با آن کامل و رضایت پروردگارت را به دست می آوری، و فرشتگان را به شگفتی وامی داری، و بدون شک هرگاه بنده نماز بگذارد و پس از فراغ در پی آن به سجده ی شکر رود، پروردگار متعال حجاب

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

الْحِجَابَ بَيْنَ الْعَبْدِ وَبَيْنَ الْمَلَائِكَةِ فَيَقُولُ يَا مَلَائِكَتِي انظُرُوا إِلَى عَبْدِي أَدَّى فَرَضِي وَآتَمَّ عَهْدِي ثُمَّ سَجَدَ لِي شُكْرًا عَلَى مَا أَنْعَمْتُ بِهِ عَلَيْهِ مَلَائِكَتِي مَاذَا لَهُ عِنْدِي قَالَ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا رَحِمَتُكَ ثُمَّ يَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ثُمَّ مَاذَا لَهُ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا جَنَّتِكَ ثُمَّ يَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ثُمَّ مَاذَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا كِفَايَةُ مُهِمَّةٍ فَيَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ثُمَّ مَاذَا قَالَ وَ لَا يَبْقَى شَيْءٌ مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا قَالَتْهُ الْمَلَائِكَةُ فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَا مَلَائِكَتِي ثُمَّ مَاذَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ رَبَّنَا لَا عِلْمَ لَنَا قَالَ فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَشْكُرُ لَهُ كَمَا شَكَرَ لِي وَأَقْبِلْ إِلَيْهِ بِفَضْلِي وَأُرِيهِ وَجْهِي؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٣٣٣

١-٥-٢-٦٩- العِصْمَةُ راجع: الأَمْنُ

١-٥-٢-٧٠- العَطَاءُ راجع: النِّعْمَةُ

١-٥-٢-٧١- العَقْوُ راجع: الأَمْنُ

١-٥-٢-٧٢- الغُفْرَانُ راجع: الأَمْنُ

١-٥-٢-٧٣- العَقْبَى راجع: النِّعْمُ الْآخِرَوِي

١-٥-٢-٧٤- الغِنَى راجع: النِّعْمَةُ

١-٥-٢-٧٥- الغَنِيمَةُ راجع: النِّعْمَةُ

١-٥-٢-٧٦- فَتَحَ الْحِجَابَ

﴿٣٨١٣﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سَجْدَةُ الشُّكْرِ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ تَتِمُّ بِهَا صَلَاتُكَ وَتَرْضَى بِهَا رَبِّكَ وَتَعْجَبُ الْمَلَائِكَةُ مِنْكَ وَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا صَلَّى ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ فَتَحَ الرَّبُّ تَعَالَى الْحِجَابَ بَيْنَ الْعَبْدِ وَبَيْنَ الْمَلَائِكَةِ فَيَقُولُ يَا مَلَائِكَتِي انظُرُوا إِلَى عَبْدِي أَدَّى قُرْبِي وَآتَمَّ عَهْدِي ثُمَّ سَجَدَ لِي شُكْرًا عَلَى مَا أَنْعَمْتُ بِهِ عَلَيْهِ مَلَائِكَتِي مَاذَا لَهُ قَالَ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا رَحِمَتُكَ ثُمَّ يَقُولُ الرَّبُّ تَعَالَى ثُمَّ مَاذَا لَهُ قَالَ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا جَنَّتِكَ فَيَقُولُ الرَّبُّ تَعَالَى ثُمَّ مَاذَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا كِفَايَةُ مُهِمَّةٍ فَيَقُولُ الرَّبُّ تَعَالَى ثُمَّ مَاذَا فَلَا يَبْقَى شَيْءٌ مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا قَالَتْهُ الْمَلَائِكَةُ فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى يَا مَلَائِكَتِي ثُمَّ مَاذَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا لَا عِلْمَ لَنَا فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى لَا شُكْرَنَّهُ كَمَا شَكَرَنِي وَأَقْبِلْ إِلَيْهِ بِفَضْلِي وَأُرِيهِ رَحِمَتِي؛ تهذيب الأحكام ج: ٢ ص: ١١٠

١-٥-٢-٧٧- الفُسْحَةُ فِي الْأَجَلِ راجع: طُولُ الْعُمُرِ

١-٥-٢-٧٨- الْفَضْلُ وَالتَّفَضُّلُ راجع: النِّعْمَةُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

میان او و فرشتگان را برمی دارد، و به آنان خطاب کند: بنگرید به سوی بنده‌ی من که وظیفه‌ی واجب خویش را انجام داده و به پیمان من وفا نموده، و به شکرانه‌ی برخورداری از لطف من در مقابل به سجده افتاده است، اکنون بگویید چه پاداشی به او بدهم؟ فرشتگان گویند: ای پروردگار ما، پاداش او رحمت توست، خداوند متعال فرماید: دیگر چه؟ گویند: خداوند، بهشت تو، باز خداوند می‌پرسد دیگر چه پاداشی دارد؟ گویند: آنکه گرفتاری‌های او را برطرف سازی، باز خداوند می‌پرسد: دیگر چه؟ امام علیه السلام فرمود: چیزی باقی نماند مگر آنکه فرشتگان آن را نام می‌برند، باز خداوند تکرار فرماید: دیگر چه؟ آن‌ها گویند: خدایا، فهم ما بیشتر از این نیست، آنگاه خداوند متعال گوید: آنکه من از او تشکر می‌کنم همان‌طور که او مرا شکر نمود، و با فضل خود به او رو کنم، و از رحمت خویش برخوردارش سازم.

۶۹-۲-۵-۱- پاکي ر.به: امن و...

۷۰-۲-۵-۱- عطا ر.به: نعمت

۷۱-۲-۵-۱- بخشودگی ر.به: امن و...

۷۲-۲-۵-۱- آمرزش ر.به: امن و...

۷۳-۲-۵-۱- آخرت ر.به: نعمت‌های اخروی

۷۴-۲-۵-۱- توانگری ر.به: نعمت

۷۵-۲-۵-۱- بهره ر.به: نعمت

۷۶-۲-۵-۱- گشودن حجاب

﴿۳۸۱۳﴾ سجده‌ی شکر بر هر مسلمانی واجب است، به گونه‌ای که نمازت را با آن کامل و رضایت پروردگارت را به دست می‌آوری، و فرشتگان را به شگفتی وامی‌داری، و بدون شک هرگاه بنده نماز بگذارد و پس از فراغ در پی آن به سجده‌ی شکر رود، پروردگار متعال حجاب میان او و فرشتگان را برمی‌دارد، و به آنان خطاب کند: بنگرید به سوی بنده‌ی من که وظیفه‌ی واجب خویش را انجام داده و به پیمان من وفا نموده، و به شکرانه‌ی برخورداری از لطف من در مقابل به سجده افتاده است، اکنون بگویید چه پاداشی به او بدهم؟ فرشتگان گویند: ای پروردگار ما، پاداش او رحمت توست، خداوند متعال فرماید: دیگر چه؟ گویند: خداوند، بهشت تو، باز خداوند می‌پرسد دیگر چه پاداشی دارد؟ گویند: آنکه گرفتاری‌های او را برطرف سازی، باز خداوند می‌پرسد: دیگر چه؟ امام علیه السلام فرمود: چیزی باقی نماند مگر آنکه فرشتگان آن را نام می‌برند، باز خداوند تکرار فرماید: دیگر چه؟ آن‌ها گویند: خدایا، فهم ما بیشتر از این نیست، آنگاه خداوند متعال گوید: آنکه من از او تشکر می‌کنم همان‌طور که او مرا شکر نمود، و با فضل خود به او رو کنم، و از رحمت خویش برخوردارش سازم.

۷۷-۲-۵-۱- طولانی شدن اجل ر.به: طول عمر

۷۸-۲-۵-۱- لطف و احسان کردن ر.به: نعمت

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١-٥-٢-٧٩- الفضائل راجع: ١-٥-١- (ما يُثْمِرُ الشُّكْرُ مِنَ الصِّفَاتِ)

١-٥-٢-٨٠- الْفَوْزُ

﴿٣٨١٤﴾ يَا مَنْ شُكْرُهُ فَوْزٌ لِلشَّاكِرِينَ؛ الصحيفة السجادية الطوسي: ص: ٦٢

١-٥-٢-٨١- الْقَبُولُ

﴿٣٨١٥﴾ السَّجَادُ الطُّوسِي: أَنْ تَقْبَلَ صَوْمَنَا وَصَلَاتَنَا وَقِيَامَنَا وَعِبَادَتَنَا وَشُكْرَنَا؛ إقبال الأعمال

ص: ٢٣٦

١-٥-٢-٨١-١- أَحْسَنُ الْقَبُولِ

﴿٣٨١٦﴾ الصَّادِقُ الطُّوسِي: مَا كَانَ مِنَّا فِيهِ مِنْ بَرٍّ أَوْ شُكْرٍ أَوْ ذِكْرِ اللَّهِ فَتَقَبَّلَهُ مِنَّا بِأَحْسَنِ قَبُولِكَ؛

الكافي ج: ٤ ص: ١٦٥

١-٥-٢-٨٢- قَرَّةُ الْعَيْنِ

﴿٣٨١٧﴾ الصَّادِقُ الطُّوسِي: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلِّمْ لِي دِينِي وَزِدْ فِي أَجَلِي وَأَصِحِّ لِي

جَسْمِي وَأَقِرَّ بِشُكْرِ نِعْمَتِكَ عَنِّي؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٦١

١-٥-٢-٨٣- الْقُرْآنُ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَنْبِيَاءِ راجع: النعم الأخرى

١-٥-٢-٨٤- قَهْرُ النِّعْمَةِ وَدَمْعُهَا لِإِدَاءِ حَقِّهَا راجع: النعمة

١-٥-٢-٨٥- كُتِبَ مِنَ الصَّدِيقِينَ

﴿٣٨١٨﴾ الرَّسُولُ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ يَقُولُ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي مَا خَلَقْتُ مِنْ خَلْقِي خَلْقًا أَحَبَّ

إِلَيَّ مِنْ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ وَلِذَلِكَ سَمَّيْتُهُ بِاسْمِي مُؤْمِنًا لِأَحْرَمُهُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَهِيَ

خَيْرَةٌ لَهُ مِنِّي وَإِنِّي لَأَمْلِكُهُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَهِيَ خَيْرَةٌ لَهُ مِنِّي فَلْيَرْضَ بِقَضَائِي وَ

لْيَصْبِرْ عَلَى بَلَائِي وَلْيَشْكُرْ نِعْمَائِي أَكْتُبُهُ يَا مُحَمَّدُ مِنَ الصَّدِيقِينَ عِنْدِي؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ١٥٨

﴿٣٨١٩﴾ الصَّادِقُ الطُّوسِي: إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ لَا أَصْرِفُ عَبْدِي الْمُؤْمِنَ عَنْ شَيْءٍ إِلَّا جَعَلْتُ ذَلِكَ خَيْرًا

لَهُ فَلْيَرْضَ بِقَضَائِي وَلْيَصْبِرْ عَلَى بَلَائِي وَلْيَشْكُرْ نِعْمَائِي أَكْتُبُهُ فِي الصَّدِيقِينَ عِنْدِي؛ أعلام الدين

ص: ٤٣٦

﴿٣٨٢٠﴾ الصَّادِقُ الطُّوسِي: عَبْدِي الْمُؤْمِنُ لَا أَصْرِفُهُ فِي شَيْءٍ إِلَّا جَعَلْتُ ذَلِكَ خَيْرًا لَهُ فَلْيَرْضَ

بِقَضَائِي وَلْيَصْبِرْ عَلَى بَلَائِي وَلْيَشْكُرْ عَلَى نِعْمَائِي أَكْتُبُهُ فِي الصَّدِيقِينَ عِنْدِي؛ مستدرک الوسائل

ج: ٢ ص: ٤١٠

﴿٣٨٢١﴾ الصَّادِقُ الطُّوسِي: مَنْ لَمْ يَرْضَ بِقَضَائِي وَيَشْكُرْ نِعْمَائِي وَيَصْبِرْ عَلَى بَلَائِي فَلْيَطْلُبْ رَبًّا

سِوَايَ غَيْرِي وَمَنْ رَضِيَ بِقَضَائِي وَشَكَرَ نِعْمَائِي وَصَبَرَ عَلَى بَلَائِي كَتَبْتُهُ فِي الصَّدِيقِينَ عِنْدِي؛

بحار الأنوار ج: ٨٨ ص: ٢٢٥

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۷۹-۲-۵-۱- صفات برتر ر.به: (آن صفاتی که ثمره‌ی شکر است)

۸۰-۲-۵-۱- کامیابی

﴿۳۸۱۴﴾ ای آن که سپاسگزاری به درگاه تو، پیروزی و اجری عظیم برای سپاسگزاران و شاکران است.

۸۱-۲-۵-۱- پذیرش

﴿۳۸۱۵﴾ پروردگارا، از تو درخواست می‌کنم که از ما روزه و نماز و قیام و عبادت و شکرمان را بپذیری.

۱-۲-۵-۸۱- بهترین پذیرش

﴿۳۸۱۶﴾ خدایا، هر کار نیک یا شکر یا ذکر یا انجام دادیم از ما به بهترین شکل بپذیر.

۸۲-۲-۵-۱- نور چشم

﴿۳۸۱۷﴾ پروردگارا، بر محمد و خاندانش درود فرست و دینم را برایم سالم بدار و مدت زندگانی‌ام را طولانی نما و جسمم را تندرست بدار و دیدگانم را به وسیله‌ی شکر نعمت روشن فرما.

۸۳-۲-۵-۱- همراهی با پیامبران و امامان علیهم‌السلام ر.به: نعمت‌های الهی

۸۴-۲-۵-۱- غلبه بر نعمت و چیره‌شدن بر آن برای اداکردن حق آن ر.به: نعمت

۸۵-۲-۵-۱- از شمار صدیقین نوشته می‌شود

﴿۳۸۱۸﴾ خداوند متعال فرمود: سوگند به عزت و جلال خودم، مخلوقی محبوب‌تر از بنده‌ی مؤمن نیافریدم، و از این رو وی را به نام خود "مؤمن" نام نهادم، اگر بین مشرق و مغرب را به او حرام کنم برایش خیر است. و اگر همه‌ی آنچه بین مشرق و مغرب وجود دارد در اختیار او قرار دهم باز هم برای او خیر است. او باید به سرنوشتی که برایش معین کرده‌ام راضی باشد و در گرفتاری‌ها صبر کند، و از نعمت‌های من سپاسگزاری نماید، ای محمد، در این صورت او را از صدیقان قرار خواهم داد.

﴿۳۸۱۹﴾ همانا خدای متعال می‌فرماید: بنده‌ی مؤمنم را از چیزی منصرف نکردم مگر آنکه آن را برایش خیر و خوبی قرار دادم، پس باید که بنده‌ی مؤمن من به تقدیر و مشیتم راضی شود و در بلا و سختی صبر پیشه کند و بر نعمت‌هایم شکر می‌کند، در چنین شرایطی من نام او را نزد خودم در زمره‌ی صدیقین و راست‌کرداران ثبت می‌کنم.

﴿۳۸۲۰﴾ برای بنده‌ی مؤمن هرچه پیش آید برایش خیر است، او باید از مقدرات من راضی باشد و در گرفتاری‌ها صبر کند و از نعمت‌ها سپاسگزاری نماید، ای محمد، در این صورت من او را از صدیقان به حساب خواهم آورد.

﴿۳۸۲۱﴾ هرکس به قضای من راضی نباشد و شکر نعمت‌هایم را به‌جا نیاورد و بر بالای من صبر نکند، باید که خدایی غیر از من بجوید، و هرکس به قضای من راضی شود و نعمت‌هایم را سپاس بگذارد و بر گرفتاری و بالای من صبر نماید او را در نزد خودم در زمره‌ی صدیقین می‌نویسم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

٨٦-٢-١-الكرامة

﴿٣٨٢٢﴾ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَزِدْ فِي إِحْسَانِكَ وَكَرَمِكَ إِلَيَّ؛ بحار الأنوار ج: ٩٨

ص: ٣٢٤

﴿٣٨٢٣﴾ العسكرى (عليه السلام): أَمَّا أَحْسَنُ مِنَ الْأَوَّلِ حَالًا فَرَجُلٌ اعْتَقَدَ صِدْقًا بِمُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ وَ صِدْقًا بِإِعْظَامِ عَلِيِّ أَخِي رَسُولِ اللَّهِ وَ وَلِيِّهِ وَ ثَمَرَةَ قَلْبِهِ وَ مَحْضَ طَاعَتِهِ فَشَكَرَ لَهُ رَبَّهُ وَ نَبِيَّهُ وَ وَصِيَّ نَبِيِّهِ فَجَمَعَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ بِذَلِكَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَزَقَهُ لِسَانًا لَا لَاءَ لِلَّهِ تَعَالَى ذَاكِرًا وَ قَلْبًا لِنِعْمَائِهِ شَاكِرًا وَ بِأَحْكَامِهِ رَاضِيًا وَ عَلَى اخْتِمَالِ مَكَارِهِ أَعْدَاءِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ نَفْسَهُ مُوْطِنًا لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى سَمَاءُهُ عَظِيمًا فِي مَلَكُوتِ أَرْضِهِ وَ سَمَاوَاتِهِ وَ حَبَاهُ بِرِضْوَانِهِ وَ كَرَامَاتِهِ فَكَانَتْ تِجَارَةً هَذَا أَرْبَحَ وَ غَنِيمَتُهُ أَكْثَرَ وَ أَعْظَمَ؛ بحار الأنوار ج: ٦٥ ص: ١٠٦

﴿٣٨٢٤﴾ الصادق (عليه السلام): فَقَالَتْ أَنَا أَرْضُ اللَّهِ الْمُقَدَّسَةِ الْمُبَارَكَةِ الشَّافِئُ فِي تَرْبَتِي وَ مَائِي وَ لَا فَخْرَ بَلْ خَاضِعَةٌ ذَلِيلَةٌ لِمَنْ فَعَلَ بِي ذَلِكَ وَ لَا فَخْرَ عَلَيَّ مِنْ دُونِي بَلْ شُكْرًا لِلَّهِ فَأَكْرَمَهَا وَ زَادَهَا بِنَوَاضِعِهَا وَ شُكْرَهَا لِلَّهِ بِالْحُسَيْنِ وَ أَصْحَابِهِ؛ وسائل الشيعة ج: ١٤ ص: ٥١٥

﴿٣٨٢٥﴾ العسكرى (عليه السلام): أَمَّا أَحْسَنُ مِنَ الْأَوَّلِ حَالًا فَرَجُلٌ اعْتَقَدَ صِدْقًا بِمُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ وَ صِدْقًا بِإِعْظَامِ عَلِيِّ أَخِي رَسُولِ اللَّهِ وَ وَلِيِّهِ وَ ثَمَرَةَ قَلْبِهِ وَ مَحْضَ طَاعَتِهِ فَشَكَرَ لَهُ رَبَّهُ وَ نَبِيَّهُ وَ وَصِيَّ نَبِيِّهِ فَجَمَعَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ بِذَلِكَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَزَقَهُ لِسَانًا لَا لَاءَ لِلَّهِ تَعَالَى ذَاكِرًا وَ قَلْبًا لِنِعْمَائِهِ شَاكِرًا وَ بِأَحْكَامِهِ رَاضِيًا وَ عَلَى اخْتِمَالِ مَكَارِهِ أَعْدَاءِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ نَفْسَهُ مُوْطِنًا لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى سَمَاءُهُ عَظِيمًا فِي مَلَكُوتِ أَرْضِهِ وَ سَمَاوَاتِهِ وَ حَبَاهُ بِرِضْوَانِهِ وَ كَرَامَاتِهِ فَكَانَتْ تِجَارَةً هَذَا أَرْبَحَ وَ غَنِيمَتُهُ أَكْثَرَ وَ أَعْظَمَ؛ بحار الأنوار ج: ٦٥ ص: ١٠٦

﴿٣٨٢٦﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): مَنْ صَنَعَ بِمِثْلِ مَا صُنِعَ إِلَيْهِ فَإِنَّمَا كَافَأَهُ وَ مَنْ أَضْعَفَهُ كَانَ شُكُورًا وَ مَنْ شَكَرَ كَانَ كَرِيمًا وَ مَنْ عَلِمَ أَنَّ مَا صَنَعَ إِنَّمَا صَنَعَ إِلَى نَفْسِهِ لَمْ يَسْتَبِطِ النَّاسَ فِي شُكْرِهِمْ وَ لَمْ يَسْتَزِدْهُمْ فِي مَوَدَّتِهِمْ فَلَا تَلْتَمِسْ مِنْ غَيْرِكَ شُكْرًا مَا أَتَيْتَ إِلَى نَفْسِكَ وَ وَقَيْتَ بِهِ عِرْضَكَ وَ اعْلَمْ أَنَّ الطَّالِبَ إِلَيْكَ الْحَاجَةَ لَمْ يُكْرِمْ وَجْهَهُ عَنْ وَجْهِكَ فَأَكْرِمْ وَجْهَكَ عَنْ رَدِّهِ؛ الكافي ج: ٤ ص: ٢٨

٨٧-٢-١-الكفاية

﴿٣٨٢٧﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِكَ كَفَيْتُهُ كُلَّ الَّذِي أَكْفَى عِبَادِيَ الصَّالِحِينَ

الْحَامِدِينَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٣١٨

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۸۶-۲-۵-۱- بزرگواری

﴿۳۸۲۲﴾ پروردگارا، شکر نعمت را روزی ام گردان و احسان و کرم را بر من فزونی بخش.
 ﴿۳۸۲۳﴾ آن کس که حالش از اولی بهتر است، مردی است که به راستی به محمد عقیده دارد و او را پیامبر خدا می داند و حق علی علیه السلام را بزرگ می شمارد و او را برادر پیامبر خدا و ولی او و میوه دل او و فرمان بر خالص او می داند، (در عوض) پروردگارش و پیامبر و وصی پیامبر از او قدردانی می نمایند و خداوند به همین جهت خیر دنیا و آخرت را برای او فراهم می آورد و به او زبانی عنایت می کند تا همیشه به یاد نعمت های خدا باشد و قلبی عطا می کند که سپاسگزار او باشد و به قوانین الهی خشنود و بر تحمل ناملایمات از دشمنان محمد صلی الله علیه و آله و خاندانش اراده می دهد و محکم و تصمیم جدی داشته باشد، بدیهی است خداوند چنین کسی را در ملکوت زمین و آسمان هایش به بزرگی نام می برد، و خشنودی و عنایات خاصه ی خویش را به او پیشکش می نماید، تجارت چنین کسی سودمندتر و سود او از هر کسی و هر تجارتی بزرگ تر و بیشتر است.
 ﴿۳۸۲۴﴾ گفت من زمین مقدس و مبارک خدایم در خاک و آبم شفاست و این سخن را به خاطر تفاخر نمی گویم بلکه من خاضع و ذلیل به درگاه کسی هستم که این - فضل - را به من عطا کرد و بر هیچ کس دیگر هم هیچ فخری نیست بلکه شکر مخصوص خداست. پس خداوند هم او را به خاطر امام حسین علیه السلام و اصحابش اکرام نمود و به خاطر تواضع و شکرگزاری اش بر گرامی داشت او افزود.

﴿۳۸۲۵﴾ آن کس که حالش از اولی بهتر است، مردی است که به راستی به محمد عقیده دارد و او را پیامبر خدا می داند و حق علی علیه السلام را بزرگ می شمارد و او را برادر پیامبر خدا و ولی او و میوه دل او و فرمان بر خالص او می داند، (در عوض) پروردگارش و پیامبر و وصی پیامبر از او قدردانی می نمایند و خداوند به همین جهت خیر دنیا و آخرت را برای او فراهم می آورد و به او زبانی عنایت می کند تا همیشه به یاد نعمت های خدا باشد و قلبی عطا می کند که سپاسگزار او باشد و به قوانین الهی خشنود و بر تحمل ناملایمات از دشمنان محمد صلی الله علیه و آله و خاندانش اراده می دهد و محکم و تصمیم جدی داشته باشد، بدیهی است خداوند چنین کسی را در ملکوت زمین و آسمان هایش به بزرگی نام می برد، و خشنودی و عنایات خاصه ی خویش را به او پیشکش می نماید، تجارت چنین کسی سودمندتر و سود او از هر کسی و هر تجارتی بزرگ تر و بیشتر است.
 ﴿۳۸۲۶﴾ هر کس همان گونه که به او نیکی شده، نیکی کند همسان با نیکی کننده است؛ و هر که کمتر پاسخ دهد، شکرگزار محسوب می شود و هر که شکر کند، بزرگوار است و هر که بداند که هر عمل نیکی که انجام می دهد به سود خودش است، از مردم توقع نخواهد داشت که از وی تشکر کنند و به خاطر کار نیکی که برایشان انجام داده از آنها طلب محبت بیشتر نمی کند. پس از دیگران شکر آنچه را که برای خودت انجام داده ای و آبرویت را با آن حفظ کرده ای درخواست نکن و بدان که هر که از تو درخواستی کند در صورت اجابت نکردن آبروی تو بیش از او در معرض سقوط است، پس با رد نکردن او آبروی خودت را حفظ کن.

۸۷-۲-۵-۱- بی نیاز کردن

﴿۳۸۲۷﴾ وقتی که بنده ام این را بگوید، همان گونه که بندگان صالح و ستایش کننده ی شاکرم را بی نیاز می کنم، او را نیز می نمایم.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٨٢٨﴾ الصادق عليه السلام: سَجْدَةُ الشُّكْرِ واجبةٌ على كلِّ مُسْلِمٍ تُتِمُّ بِهَا صَلَاتَكَ وَتَرْضَى بِهَا رَبُّكَ وَتَعْجَبُ الْمَلَائِكَةُ مِنْكَ وَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا صَلَّى ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ فَتَحَ الرَّبُّ تَعَالَى الْحِجَابَ بَيْنَ الْعَبْدِ وَبَيْنَ الْمَلَائِكَةِ فَيَقُولُ يَا مَلَأَيْكِي انْظُرُوا إِلَى عَبْدِي آدَى قُرْبَتِي وَأَنَّمْ عَهْدِي ثُمَّ سَجَدَ لِي شُكْرًا عَلَى مَا أَنْعَمْتُ بِهِ عَلَيْهِ مَلَائِكَتِي مَاذَا لَهُ قَالَ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا رَحِمْتَكَ ثُمَّ يَقُولُ الرَّبُّ تَعَالَى ثُمَّ مَاذَا لَهُ قَالَ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا جَنَّتَكَ فَيَقُولُ الرَّبُّ تَعَالَى ثُمَّ مَاذَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا كَفَايَةُ مُهِمَّةٍ فَيَقُولُ الرَّبُّ ثُمَّ مَاذَا فَلَا يَبْقَى شَيْءٌ مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا قَالَتْهُ الْمَلَائِكَةُ فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى يَا مَلَائِكَتِي ثُمَّ مَاذَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا لَا عِلْمَ لَنَا فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى لَا شُكْرَنَّهُ كَمَا شَكَرْنِي وَأَقْبَلُ إِلَيْهِ بِفَضْلِي وَأُرِيهِ رَحْمَتِي؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٣٣٣

١-٥-٢-٨٨- الكمال راجع: الصفات

١-٥-٢-٨٩- للمرء لا عليه

﴿٣٨٢٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَرْبَعٌ لِلْمَرْءِ لَا عَلَيْهِ الْإِيمَانُ وَالشُّكْرُ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ وَالْإِسْتِغْفَارُ فَإِنَّهُ قَالَ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ وَالدُّعَاءُ فَإِنَّهُ قَالَ تَعَالَى قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْ لَا دُعَاؤُكُمْ؛ بحار الأنوار ج: ٤٨ ص: ٤٩

١-٥-٢-٩٠- اللّٰهَاقُ بَاهِلِ الْبَيْتِ عَلَيْهِ السلام و راجع: النعم الأخرى

١-٥-٢-٩١- اللسان الذّاكر راجع: الصفات

١-٥-٢-٩١- ما تُحِبُّ وَتَرْضَى

﴿٣٨٣٠﴾ الباقر عليه السلام: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ بِجَمِيعِ مَحَامِدِكَ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نِعَمَائِكَ كُلِّهَا حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٧٦

﴿٣٨٣١﴾ الجواد عليه السلام: اللَّهُمَّ وَلَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ بِجَمِيعِ مَحَامِدِكَ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نِعَمَائِكَ كُلِّهَا حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا تُحِبُّ رَبَّنَا؛ البلد الأمين ص: ٢٤

١-٥-٢-٩٣- مُحَبَّةُ اللَّهِ وَ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ

﴿٣٨٣٢﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: إِعْتَرِفُوا بِنِعَمِ اللَّهِ رَبِّكُمْ وَتَوَبُّوا إِلَى اللَّهِ مِنْ جَمِيعِ ذُنُوبِكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الشَّاكِرِينَ مِنْ عِبَادِهِ؛ وسائل الشيعة ج: ١٦ ص: ٧٦

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۸۲۸﴾ سجده‌ی شکر بر هر مسلمانی واجب است، به گونه‌ای که نمازت را با آن کامل و رضایت پروردگارت را به دست می‌آوری، و فرشتگان را به شگفتی وامی‌داری، و بدون شک هرگاه بنده نماز بگزارد و پس از فراغ در پی آن به سجده‌ی شکر رود، پروردگار متعال حجاب میان او و فرشتگان را برمی‌دارد، و به آنان خطاب کند: بنگرید به‌سوی بنده‌ی من که وظیفه‌ی واجب خویش را انجام داده و به پیمان من وفا نموده، و به شکرانه‌ی برخورداری از لطف من در مقابل به سجده افتاده است، اکنون بگویید چه پاداشی به او بدهم؟ فرشتگان گویند: ای پروردگار ما، پاداش او رحمت توست، خداوند متعال فرماید: دیگر چه؟ گویند: خداوند! بهشت تو، باز خداوند می‌پرسد دیگر چه پاداشی دارد؟ گویند: آنکه گرفتاری‌های او را برطرف سازی، باز خداوند می‌پرسد: دیگر چه؟ امام علیه السلام فرمود: چیزی باقی نماند مگر آنکه فرشتگان آن را نام می‌برند، باز خداوند تکرار فرماید: دیگر چه؟ آن‌ها گویند: خدایا، فهم ما بیشتر از این نیست، آنگاه خداوند متعال گوید: آنکه من از او تشکر می‌کنم همان‌طور که او مرا شکر نمود، و با فضل خود به او رو کنم، و از رحمت خویش برخوردارش سازم.

۸۸-۲-۵-۱- کمال ر.به: صفات

۸۹-۲-۵-۱- به سود انسان است نه به زیان او

﴿۳۸۲۹﴾ چهار چیز است که به سود انسان و نه به ضرراوست ۱- ایمان ۲- شکر و سپاس، که خداوند متعال می‌فرماید: خداوند اگر سپاسگزاری کرده و ایمان بیاورید شما را معذب نمی‌کند ۳- استغفار، که خداوند متعال فرموده‌است: خداوند، مادامی که تو در میان آنان هستی هرگز این مردم را مشمول عذاب خویش نمی‌کند و درحالی که آنان استغفار می‌نمایند نیز آنان را عذاب نخواهد کرد ۴- دعا و تضرع، که فرموده: " بگو که اگر دعا نکنید خداوند به شما اعتنایی نخواهد کرد ".

۹۰-۲-۵-۱- رسیدن به اهل بیت علیهم السلام و ر.به: نعمت‌های اخروی

۹۱-۲-۵-۱- زبان یادکننده خدا ر.به: صفات

۹۱-۲-۵-۱- آنچه دوست داری و راضی می‌شوی

﴿۳۸۳۰﴾ پروردگارا، تو سزاوار حمد و سپاس هستی به تمامی صفات پسندیده و ستوده‌شده و به خاطر تمامی نعمت‌هایت، تا آن زمان که این ستایش به آنچه که تو دوست داری و با آن راضی می‌شوی منجر شود.

﴿۳۸۳۱﴾ خدایا، و حمد برای توست و شکر برای توست، تمامی حمد برای همه‌ی نعمت‌هایت تا اینکه حمد منتهی شود به آنچه که تو دوست می‌داری.

۹۳-۲-۵-۱- محبت خدا و اهل آسمان‌ها

﴿۳۸۳۲﴾ به نعمت‌های خدایی که پروردگار شماست اعتراف کنید و از تمامی گناهی که مرتکب شده‌اید به‌سوی خدای تعالی بازگشت کنید؛ که همانا خداوند دوستدار بنده‌های شکرگزارش می‌باشد.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

- ﴿٣٨٣٣﴾ الباقِر (عليه السلام): اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ بِجَمِيعِ مَحَامِدِكَ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نِعَمَائِكَ كُلِّهَا حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٧٦
- ﴿٣٨٣٤﴾ الجواد (عليه السلام): اللَّهُمَّ وَ لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ بِجَمِيعِ مَحَامِدِكَ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نِعَمَائِكَ كُلِّهَا حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا تُحِبُّ رَبَّنَا؛ البلد الأمين ص: ٢٤
- ﴿٣٨٣٥﴾ السجاد (عليه السلام): إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ كُلَّ قَلْبٍ حَزِينٍ وَ يُحِبُّ كُلَّ عَبْدٍ شَكُورٍ يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِعَبْدٍ مِنْ عِبِيدِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَ شَكَرْتَ فَلَنَّا فَيَقُولُ بَلْ شَكَرْتُكَ يَا رَبِّ فَيَقُولُ لَمْ تَشْكُرْنِي إِذْ لَمْ تَشْكُرْهُ ثُمَّ قَالَ أَشْكُرْكُمْ لِلَّهِ أَشْكُرْكُمْ لِلنَّاسِ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٩
- ﴿٣٨٣٦﴾ الرسول (صلى الله عليه وآله): إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَشْبَعُ مِنَ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ فَيُحْمَدُ اللَّهُ فَيُعْطِيهِ اللَّهُ مِنْ الْأَجْرِ مَا يُعْطِي الصَّائِمَ إِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ يُحِبُّ أَنْ يُحْمَدَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ٣١٠
- ﴿٣٨٣٧﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): فَأَحْمَدِ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ فَإِنَّهُ يُحِبُّ أَنْ تَحْمَدَهُ وَ تَشْكُرَهُ لِيَزِيدَكَ إِلَى مَا أَعْطَاكَ خَيْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٢٢ ص: ٥٣٢
- ﴿٣٨٣٨﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): فَأَحْمَدِ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ فَإِنَّهُ يُحِبُّ أَنْ تَحْمَدَهُ وَ تَشْكُرَهُ لِيَزِيدَكَ إِلَى مَا أَعْطَاكَ خَيْرًا فَإِنَّهُ يُحِبُّ أَنْ يُحْمَدَ وَ يَزِيدَ مِنْ شُكْرٍ؛ بحار الأنوار ج: ٢٢ ص: ٥٣٢
- ﴿٣٨٣٩﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِكَ أَحَبَّهُ أَهْلُ سَمَاوَاتِي وَ سَمَوُهُ الشُّكُورُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٣٢٢
- ٩٤-٥-١- مدَّ النِّعْمَةِ راجع: النِّعْمَةُ
- ٩٥-٥-١- مَحَقُّ التَّقْصِيرِ وَ راجع: تَبْدِيلُ الْحَسَنَاتِ بِالسَّيِّئَاتِ
- ﴿٣٨٤٠﴾ العسكري (عليه السلام): وَ رَبِّمَا تَرَكَ بَعْضُ شَيْعَتِنَا فِي افْتِتَاحِ أَمْرِهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَيَمْتَحِنُهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِمَكْرُوهِ لِيُنَبِّهَهُ عَلَى شُكْرِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ الثَّنَاءِ عَلَيْهِ وَ يَمَحَقَّ عَنْهُ وَ صِمَةً تَقْصِيرِهِ عِنْدَ تَرْكِهِ قَوْلَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٩ ص: ٢٣٢
- ٩٦-٥-١- مَحَوُّ السَّيِّئَاتِ وَ راجع: تَبْدِيلُ الْحَسَنَاتِ بِالسَّيِّئَاتِ
- ﴿٣٨٤١﴾ الصادق (عليه السلام): أَيُّمَا مُؤْمِنٍ سَجَدَ سَجْدَةً لِشُكْرِ نِعْمَةٍ فِي غَيْرِ صَلَاةٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَ مَحَا عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ وَ رَفَعَ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ فِي الْجَنَانِ؛ وسائل الشيعة ج: ٧ ص: ٢٠
- ﴿٣٨٤٢﴾ الصادق (عليه السلام): مَنْ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ وَ هُوَ مُتَوَضِّئٌ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا عَشْرَ صَلَوَاتٍ وَ مَحَا عَنْهُ عَشْرَ خَطَايَا عِظَامٍ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٣٣٢

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۸۳۳﴾ پروردگارا، تو سزاوار حمد و سپاس هستی به تمامی صفات پسندیده و ستوده شده و به خاطر تمامی نعمت‌هایت، تا آن زمان که این ستایش به آنچه که تو دوست داری و با آن راضی می‌شوی منجر شود.

﴿۳۸۳۴﴾ خدایا، و حمد برای توست و شکر برای توست، تمامی حمد برای همه‌ی نعمت‌هایت تا اینکه حمد منتهی شود به آنچه که تو دوست می‌داری.

﴿۳۸۳۵﴾ خداوند همه‌ی دل‌های اندوهگین را دوست می‌دارد، و هر بنده‌ی شکرگزاری را نیز دوست دارد، خداوند روز قیامت به یکی از بندگان خود می‌گوید: آیا از فلان شخص تشکر کردی، می‌گوید: خدایا، تو را شکر گفتم، خداوند می‌فرماید: هرگاه او را سپاس نگویی مرا هم سپاس نگفته‌ای، و سپس امام علیه السلام فرمود: سپاسگزارترین شما نسبت به خدا کسی است که نسبت به مردم سپاگزار باشد.

﴿۳۸۳۶﴾ مؤمن هر وقت که از خوردن غذا و آشامیدن سیر شود و خدا را سپاس گوید خداوند به او اجر و پاداش شخص روزه‌دار را عطا می‌فرماید، خداوند سپاسگزار است و دوست دارد که ستایش شود.

﴿۳۸۳۷﴾ خدا را ستایش کن و شکر بگزار که او دوست دارد که او را بستایی و شکر کنی تا آنچه به تو عطا فرموده بیافزاید و بهتر از آن را به تو عطا فرماید.

﴿۳۸۳۸﴾ پس خدا را بر این امر ستایش کن زیرا خداوند دوست می‌دارد که تو او را بستایی و شکر او را به‌جا آوری تا عطایایش را بر تو بیافزاید و بهتر از آن به تو عطا فرماید و نیز دوست دارد که ستوده شود و نعمت شکرگزار را بیافزاید.

﴿۳۸۳۹﴾ وقتی که بنده‌ام خالصانه این سخنان را بگوید و از من عنایت و لطف درخواست کند، من او را در نظر همه‌ی اهل آسمان‌هایم محبوب می‌سازم، و او را شکور یعنی بنده‌ای بسیار شکرگزار می‌نامند.

۹۴-۲-۵-۱- گسترده شدن نعمت ر.به: نعمت

۹۵-۲-۵-۱- از بین رفتن کوتاهی و.ر.به: تبدیل نیکی‌ها به بدی‌ها

﴿۳۸۴۰﴾ و چه بسا بعضی از شیعیان ما در ابتدای کارشان "بسم الله الرحمن الرحيم" را ترک می‌کنند و خداوند آن‌ها را به آنچه برایشان ناگوار است مبتلا می‌کند تا به او هشدار دهد که شکر خدای تبارک و تعالی را به‌جای آورد و عوارض کوتاهی‌کردنش در ترک عبارت "بسم الله الرحمن الرحيم" را پاک کند.

۹۶-۲-۵-۱- پاک شدن گناهان و.ر.به: تبدیل نیکی‌ها به بدی‌ها

﴿۳۸۴۱﴾ هر کس از مؤمنان که برای شکرگزاری نعمت در غیر از نماز سجده کند، خداوند برای او ده حسنه ثبت می‌کند و ده گناه از پرونده‌اش محو می‌کند و او ده درجه در بهشت بالا می‌برد. ﴿۳۸۴۲﴾ هر کس با داشتن وضو سجده‌ی شکر به‌جا آورد خداوند برای او ثواب ده نماز بنویسد، و از نامه‌ی عمل او ده گناه بزرگ را محو میکند.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٨٤٣﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ سَجَدَ سَجْدَةً لِيَشْكُرَ نِعْمَةً وَهُوَ مُتَوَضِّئٌ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَمَحَا عَنْهُ عَشْرَ خَطِيئَاتٍ عَظَامٍ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ١٢٧

٩٧-١-٥-٢-١- المَطَرُ راجع: النِّعْمَةُ

٩٨-١-٥-٢-١- المَنْزِلَةُ الْكُبْرَى راجع: النِّعْمُ الْآخَرُ

٩٩-١-٥-٢- المَنْعُ مِنْ تَسَلُّطِ النَّارِ راجع: النِّعْمُ الْآخَرُ

١٠٠-١-٥-٢- المَنْعُ مِنْ تَغْيِيرِ النِّعْمَةِ راجع: النِّعْمَةُ

١٠١-١-٥-٢- المَنْعُ مِنْ زَوَالِ النِّعْمَةِ راجع: النِّعْمَةُ

١٠٢-١-٥-٢- المَنْعُ مِنْ سَلْبِ النِّعْمَةِ راجع: النِّعْمَةُ

١٠٣-١-٥-٢- المَنْعُ مِنَ الضَّرَرِ راجع: الْخَيْرُ

١٠٤-١-٥-٢- المَنْعُ مِنَ الْعَذَابِ راجع: النِّعْمُ الْآخَرُ

١٠٥-١-٥-٢- النِّعْمَةُ، الْعَطَاءُ، الْإِحْسَانُ وَالرَّحْمَةُ

١-١٠٥-٢-١-٥- النِّعْمَةُ

﴿٣٨٤٤﴾ الهادي عليه السلام: الشُّكْرُ نِعْمٌ وَغُفْيٌ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٣٦٥

﴿٣٨٤٥﴾ السَّجَادُ عليه السلام: سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي مَا أَحْلَمَكَ وَاعْظَمَكَ وَاعَزَّكَ وَأكْرَمَكَ وَأَعْلَاكَ وَأَقْدَمَكَ وَأَحْكَمَكَ وَأَعْلَمَكَ وَسِعَ عِلْمُكَ تَهْدُدُ الْمُتَكَبِّرِينَ وَاسْتَعْرَقَتْ نِعْمَتُكَ شُكْرَ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٢٤

١-١٠٥-٢-١-٥- إِتْمَامُ النِّعْمَةِ

﴿٣٨٤٦﴾ إِيَّاهُ أَشْكُرُ وَلَهُ أَعْبُدُ وَمِنْهُ أَرْجُو النَّمَامَ وَالْمَزِيدَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٥٥

١-١٠٥-٢-١-٥- تَتِمُّ بِهِ الصَّلَاةُ

﴿٣٨٤٧﴾ الصادق عليه السلام: سَجْدَةُ الشُّكْرِ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ تَتِمُّ بِهَا صَلَاتُكَ وَتَرْضَى بِهَا رَبُّكَ وَتَعْجَبُ الْمَلَائِكَةُ مِنْكَ وَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا صَلَّى ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ فَتَحَّ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْحِجَابَ بَيْنَ الْعَبْدِ وَبَيْنَ الْمَلَائِكَةِ فَيَقُولُ يَا مَلَائِكَتِي انظُرُوا إِلَى عَبْدِي أَدَّى فَرَضِي وَآتَمَّ عَهْدِي ثُمَّ سَجَدَ لِي شُكْرًا عَلَى مَا أَنْعَمْتُ بِهِ عَلَيْهِ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٣٣٣

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۸۴۳﴾ هرکس با داشتن وضو سجده‌ی شکر به‌جا آورد خداوند برای او ثواب ده نماز بنویسد، و از نامه‌ی عمل او ده گناه بزرگ را محو میکند.

۹۷-۲-۱-۵- باران ر.به: نعمت

۹۸-۲-۱-۵- مقام عظیم ر.به: نعمت‌های اخروی

۹۹-۲-۱-۵- جلوگیری از چیره‌شدن آتش ر.به: نعمت‌های اخروی

۱۰۰-۲-۱-۵- جلوگیری از تغییر نعمت ر.به: نعمت

۱۰۱-۲-۱-۵- جلوگیری از نابودی نعمت ر.به: نعمت

۱۰۲-۲-۱-۵- جلوگیری از پس‌گرفتن نعمت ر.به: نعمت

۱۰۳-۲-۱-۵- جلوگیری از زیان ر.به: نیکی

۱۰۴-۲-۱-۵- جلوگیری از عذاب ر.به: نعمت‌های اخروی

۱۰۵-۲-۱-۵- نعمت، عطا، احسان و رحمت و...

۱۰۵-۲-۱-۵- نعمت

﴿۳۸۴۴﴾ شکر، هم نعمت است و هم پاداش.

﴿۳۸۴۵﴾ پاک و منزهی ای خدای من، چقدر حلیم و بزرگ و عزیز و بزرگوار و بلندمرتبه و قدیم و حکیم و دانایی. علم تو بر تهدیدهای متکبران احاطه دارد و نعمت شکر شاکران را فراگرفته است.

۱-۱-۵-۲-۱-۵- به کمال رسیدن نعمت

﴿۳۸۴۶﴾ و برای اوست که پرستیده شود و بندگی در برابر او سزاوار است و تنها از اوست امید به تمام کردن (نعمت) و زیادت‌بخشیدن آن. فقط او را شکر می‌کنیم و او را می‌پرستیم و تکمیل شدن و اضافه شدن نعمت‌ها را از او امید داریم.

۱-۱-۵-۲-۱-۵- نماز را با آن کامل کنی

﴿۳۸۴۷﴾ سجده‌ی شکر بر هر مسلمانی واجب است، به گونه‌ای که نمازت را با آن کامل و رضایت پروردگارت را به دست می‌آوری، و فرشتگان را به شگفتی وامی‌داری، و بدون شک هرگاه بنده نماز بگذارد و پس از فراغ در پی آن به سجده‌ی شکر رود، پروردگار متعال حجاب میان او و فرشتگان را برمی‌دارد، و به آنان خطاب کند: بنگرید به‌سوی بنده‌ی من که وظیفه‌ی واجب خویش را انجام داده و به پیمان من وفا نموده، و به شکرانه‌ی برخوردارگی از لطف من در مقابل به سجده افتاده است.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٨٤٨﴾ الرضا عليه السلام: السَّجْدَةُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى مَا وَفَّقَ لَهُ الْعَبْدُ مِنْ أَدَاءِ فَرِيضِهِ وَادْتِنَى مَا يُجْزَى فِيهَا مِنَ الْقَوْلِ أَنْ يُقَالَ شُكْرًا لِلَّهِ شُكْرًا لِلَّهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ قُلْتُ فَمَا مَعْنَى قَوْلِهِ شُكْرًا لِلَّهِ قَالَ يَقُولُ هَذِهِ السَّجْدَةُ مِنِّي شُكْرًا لِلَّهِ عَلَى مَا وَفَّقَنِي لَهُ مِنْ خِدْمَتِهِ وَادْتِنَا فَرِيضِهِ وَ الشُّكْرُ مُوجِبٌ لِلزِّيَادَةِ فَإِنْ كَانَ فِي الصَّلَاةِ تَقْصِيرٌ لَمْ يَتِمَّ بِالنَّوَافِلِ تَمَّ بِهِذِهِ السَّجْدَةُ؛

وسائل الشيعة ج: ٧ ص: ٥

٢-١-٥-١٠-٢-٥-١-إِخْتِلَابُ النُّعْمَةِ

﴿٣٨٤﴾ الشُّكْرُ عَلَى النِّعْمَةِ جَزَاءُ لِمَاضِيهَا وَاجْتِنَابُ لِّآتِيهَا؛ غرر الحكم ص: ٢٧٨

٣-١-٥-١٠-٢-٥-١- إحاطة النعمة

﴿٣٨٥﴾ لَا تُحَاطُ النَّعْمُ إِلَّا بِالشُّكْرِ؛ غررالحكم ص: ٢٨٠

٤-١-١٠٥-٢-٥-١-إدارة النعمة

﴿٣٨٥١﴾ شُكْرُ الْإِلَهِ يُدْرُ النِّعَمَ؛ غرر الحکم ص: ٢٧٩

٥-١-١٠٥-٢-٥-١- إِرْتِبَاطُ النِّعْمَةِ

﴿٣٨٥٢﴾ الْكَافِرُ: التَّحَدَّثُ بِنِعْمِ اللَّهِ شُكْرٌ وَ تَرَكُ ذَلِكَ كَفَرٌ فَارْتَبَطُوا نِعَمَ رَبِّكُمْ تَعَالَى

بِالشُّكْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٣١٧

﴿٣٨٥٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَ اللّٰهُ مَا نَزَعَ اللّٰهُ مِنْ قَوْمٍ نَعْمَاءَ إِلَّا بِذُنُوبٍ اجْتَرَحَوْهَا فَأَرْبَطُوهَا

بِالشُّكْرِ وَقَيِّدُوهَا بِالطَّاعَةِ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ١٥٠

١-٥-٢-١٠-٥-١-٦-الإزديادُ في النعمة راجع: زيادةُ النعمة

٧-١-١٠٥-٢-٥-١-إِسْتِحْقَاقُ النِّعْمَةِ

﴿٣٨٥٤﴾ الرسول ﷺ: أَحَقُّ النَّاسِ بِالنِّعَمِ أَشْكُرُهُمْ لَهَا وَ نِعْمَةٌ لَا تُشْكُرُ خَطِيئَةٌ لَا تُغْفَرُ؛

مستدرک الوسائل ج: ۱۲ ص: ۳۶۹

٨-١-١٠٥-٢-٥-١-الأمان من تحويل النعمة

﴿٣٨٥﴾ شُكْرُ النُّعْمَةِ أَمَانٌ مِنْ تَحْوِيلِهَا وَكَفِيلٌ بِتَأْيِيدِهَا؛ غرر الحكم ص: ٢٨٠

٩-١-٥-١٠-٢-٥-١-إِمْتِدَادُ النِّعْمَةِ

﴿٣٨٥٦﴾ أَبْلَغُ مَا تَسْتَمِدُّ بِهِ النُّعْمَةُ الشُّكْرَ وَاعْظُمُ مَا تُمَحِّصُ بِهِ الْمِحْنَةُ الصَّبْرَ؛ غَرَّرَ الْحَكَمُ

ص: ۲۷۸

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٨٥٧﴾ السَّجَادُ الطَّيِّبُ: يَا مَنْ جَعَلَ الصَّبْرَ عَوْنًا عَلَى بَلَائِهِ وَ جَعَلَ الشُّكْرَ مَادَّةً لِنِعْمَائِهِ قَدْ جَلَّتْ نِعْمَتُكَ عَنْ شُكْرِي فَتَفَضَّلْ عَلَى إِقْرَارِي بِعَجْزِي بِعَفْوِ أَنْتَ أَقْدَرُ عَلَيْهِ وَأَوْسَعُ لَهُ مِنِّي؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٣١

١٠-١-١٠٥-٢-١- بقاء النعمة

﴿٣٨٥٨﴾ الصَّادِقُ الطَّيِّبُ: إِذَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْكَ بِنِعْمَةٍ فَأَخْبِثْ بِقَاءِهَا فَأَكْثِرْ مِنَ الْحَمْدِ وَ الشُّكْرِ عَلَى اللَّهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ لَكِنَّ شُكْرُكُمْ لَا زِيَادَتَكُمْ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٢٠٠
﴿٣٨٥٩﴾ الرَّسُولُ ﷺ: إِذَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْكَ بِنِعْمَةٍ فَأَخْبِثْ بِقَاءِهَا وَ دَوَامِهَا فَأَكْثِرْ مِنَ الْحَمْدِ وَ الشُّكْرِ عَلَيْهَا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ فِي كِتَابِهِ لَكِنَّ شُكْرُكُمْ لَا زِيَادَتَكُمْ؛ العدد القوية ص: ١٤٩

١١-١-١٠٥-٢-١- تأييد النعمة

﴿٣٨٦٠﴾ شُكْرُ النِّعْمَةِ أَمَانٌ مِنْ تَحْوِيلِهَا وَ كَفِيلٌ بِتَأْيِيدِهَا؛ غرر الحكم ص: ٢٨٠

١٢-١-١٠٥-٢-١- تثمير النعمة

﴿٣٨٦١﴾ الرَّسُولُ ﷺ: لَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ عَلَى تَثْمِيرِكَ قَلِيلَ الشُّكْرِ وَ إِعْطَايِكَ وَافِرَ الْأَجْرِ؛

المصباح للكفعمي ص: ٤١٥

١٣-١-١٠٥-٢-١- تجديد النعمة

﴿٣٨٦٢﴾ شُكْرُ النِّعْمَةِ يَقْضِي [يُقْضَى] بِمَزِيدِهَا وَ يُوجِبُ تَجْدِيدَهَا؛ غرر الحكم ص: ٢٧٩

﴿٣٨٦٣﴾ شُكْرُ نِعْمَةٍ سَالِفَةٍ يَقْضِي [يُقْضَى] بِتَجْدُدِ نِعَمٍ مُسْتَأْنَفَةٍ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٨

١٤-١-١٠٥-٢-١- تقييد النعمة

﴿٣٨٦٤﴾ قِيدُوا قَوَادِمَ النِّعَمِ بِالشُّكْرِ فَمَا كُلُّ شَارِدٍ بِمَرْدُودٍ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٨

١٥-١-١٠٥-٢-١- حراسة النعمة

﴿٣٨٦٥﴾ الصَّادِقُ الطَّيِّبُ: كُلُّ نِعْمَةٍ يَحْرُسُهَا الشُّكْرُ لَا تُسَلَبُ؛ الصراط المستقيم ج: ١ ص: ٢٢٢

١٦-١-١٠٥-٢-١- حِرْزُ النِّعْمَةِ

﴿٣٨٦٦﴾ صَيَّرَ الدِّينَ حِصْنَ دَوْلَتِكَ وَ الشُّكْرَ حِرْزَ نِعْمَتِكَ فَكُلَّ دَوْلَةٍ يَحُوطُهَا الدِّينُ لَا تُغْلَبُ وَ

كُلَّ نِعْمَةٍ يَحْرُزُهَا الشُّكْرُ لَا تُسَلَبُ؛ غرر الحكم ص: ٣٤٣

١٧-١-١٠٥-٢-١- حصن النعمة

﴿٣٨٦٧﴾ الشُّكْرُ حِصْنُ النِّعَمِ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٨

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۸۵۷﴾ ای آن که صبر را یاور دوران بلا و شکر را مایه‌ی جلب نعمت‌هایش قرار داد. نعمت بسیار بیشتر از شکر من است؛ پس در مقابل اقرار من به عجز خود با عفو‌ی که تو بر آن توانا تر و از من بر آن مسلط تری بر من لطف کن.

۱۰-۱-۱۰۵-۲-۱-۵-۱-باقی ماندن نعمت

﴿۳۸۵۸﴾ هرگاه خدا به تو نعمتی ارزانی داشت و تو مایل بودی که آن نعمت پایدار بماند، بسیار حمد و سپاس خداوند را به‌جا آور، زیرا خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: "اگر شکرگزاری کنی، حتماً آن را برای شما افزایش می‌دهم."

﴿۳۸۵۹﴾ هرگاه خدا به تو نعمتی ارزانی داشت و تو مایل بودی که آن نعمت پایدار بماند، بسیار حمد و سپاس خداوند را به‌جا آور، زیرا خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: "اگر شکرگزاری کنی، حتماً آن را برای شما افزایش می‌دهم."

۱۱-۱-۱۰۵-۲-۱-۵-۱-تثبیت نعمت

﴿۳۸۶۰﴾ شکر نعمت ایمنی است از تغییر دادن آن، و عهده‌دار دوام و ماندگاری آن است.

۱۲-۱-۱۰۵-۲-۱-۵-۱-زایش نعمت

﴿۳۸۶۱﴾ پروردگارا، ستایش مخصوص توست، به خاطر آنکه شکر اندک ما را بارور کردی و در مقابل آن اجرا فراوان دادی.

۱۳-۱-۱۰۵-۲-۱-۵-۱-تجدید نعمت

﴿۳۸۶۲﴾ شکر نعمت حکم می‌کند به افزونی نعمت و واجب می‌سازد نوشدن و مجدد و پی‌درپی تکرار شدن آن را.

﴿۳۸۶۳﴾ شکر نعمتی که گذشته، سبب می‌شود که نوبه‌نو شود نعمت‌هایی که ابتدا کرده شده (شکر آن را به‌جا آورده شده).

۱۴-۱-۱۰۵-۲-۱-۵-۱-نگهداشتن نعمت

﴿۳۸۶۴﴾ نعمت‌های پیش تاخته را با شکرگزاری به بند بکشید و بدانید که هرگز یزنده‌ای ممکن است بازنگردد.

۱۵-۱-۱۰۵-۲-۱-۵-۱-محافظت از نعمت

﴿۳۸۶۵﴾ هر نعمتی را که شکر محافظت کند گرفته نمی‌شود.

۱۶-۱-۱۰۵-۲-۱-۵-۱-نگهداری از نعمت

﴿۳۸۶۶﴾ بگردان دینداری را پناهگاه امن دولت خود، و شکر را (نگهدارنده) پشتیبان معنوی نعمت خود، پس هر دولتی که حفظ کند آن را (دینداری)، مغلوب نمی‌شود، و هر نعمتی را که نگهداری از آن کند به وسیله‌ی شکر، ربوده نمی‌شود.

۱۷-۱-۱۰۵-۲-۱-۵-۱-محافظت از نعمت

﴿۳۸۶۷﴾ شکر پناه نعمت‌هاست

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٨٤٨﴾ الشُّكْرُ زِينَةُ الرَّحَاءِ وَحِصْنُ النُّعْمَاءِ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٨

﴿٣٨٦﴾ يَا ابْنَ آدَمَ إِذَا رَأَيْتَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَتَابَعُ عَلَيْكَ نِعْمَهُ فَأَحْذَرَهُ وَ حَصِّنَ النِّعَمَ بِشُكْرِهَا؛

غُرر الحکم ص: ۲۷۸

﴿٣٨٧﴾ لَنْ يَقْدِرَ أَحَدٌ أَنْ يُخْصِنَ النَّعْمَ بِمِثْلِ شُكْرِهَا؛ غررالحكم ص: ٢٧٨

﴿٣٨٧١﴾ مَا حُصِّنَتْ النِّعَمُ بِمِثْلِ الشُّكْرِ؛ غُرُورَ الْحَكَمِ ص: ٢٧٨

١٨-١-١٠٥-٢-٥-١ حفظ النعمة

﴿٣٨٧﴾ أَنَّهُ قَالَ لِلَّيْنِ يَا بَنِي أَقْتِنِ مِنْ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ خَمْسًا وَارْضُ سِتًّا وَاطْلُبِ الْعِزَّ بِسَبْعٍ وَاحْرِصْ عَلَى ثَمَانٍ... فَأَمَّا الْخُمْسُ الْمُتَّقَنَةُ فَحَفْظُ الْجَانِبِ وَبَذْلُ الْمَعْرُوفِ وَإِعْطَاءُ النِّصْفِ مِنْ نَفْسِكَ وَتَجَنُّبُ الْأَذَى وَتَوْفَى الدِّمِّ وَأَمَّا السِّتَةُ الْمَرْفُوضَةُ فَطَاعَةُ الْهَوَىٰ وَارْتِكَابُ الْبَغْيِ وَسُلُوكُ التَّطَوُّلِ وَقِسَاوَةُ الْقَلْبِ وَحَفَاطَةُ الْقَوْلِ وَكَثْرَةُ التَّهَاوُنِ وَأَمَّا السَّبْعَةُ الَّتِي يُنَالُ بِهَا الْعِزُّ فَأَدَاءُ الْأَمَانَةِ وَكَيْمَانُ السِّرِّ وَتَأْلِيفُ الْمُجَانِبِ وَحِفْظُ الْإِحَاءِ وَإِقَالَةُ الْعَثْرَةِ وَالسَّعْيُ فِي حَوَائِجِ النَّاسِ وَالصَّفْحُ عَنِ الْإِعْتِدَارِ وَأَمَّا الثَّمَانُ الَّتِي يُحْرَصُ عَلَيْهَا فَتَعْظِيمُ أَهْلِ الْفَضْلِ وَسُلُوكُ طَرُقِ الْكِرَمِ وَالْمُؤَاسَاةَ بِمِلْكِ الْيَدِ وَحِفْظُ النِّعَمِ بِالشُّكْرِ؛ أعلام الدين ص: ١٥٨

١٩-١-١٠٥-٢-٥-١-دَوَامُ النُّعْمَةِ

﴿٣٨٧٣﴾ أَحْسَنُ النَّاسِ حَالًا فِي النَّعَمِ مَنْ اسْتَدَامَ حَاضِرَهَا بِالشُّكْرِ وَ ارْتَجَعَ فَاتِّهَا بِالصَّبْرِ؛

غررالحكم ص: ٢٧٨

﴿٣٨٧٤﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: اُكْتُبُوهَا فِي دِيْوَانِ الْحِكْمَةِ فَإِنِّي رَأَيْتُ قَطَعَ الْآوَاخِرَ يَمْنَعُ شُكْرَ الْآوَائِلِ؛

أعلام الدين ص: ٢٨٤

﴿٣٨٧٥﴾ الْعَسْكَرُ ^{الْمَلِكِيُّ}: اتَّقُوا اللَّهَ فِي نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تُفَرُّوْهَا عَنْكُمْ بِمَعَاصِيهِ بَلْ

استَدِيمُوهَا بِطَاعَتِهِ وَشُكْرِهِ عَلَى نِعَمِهِ وَأَيَادِيهِ؛ بحار الأنوار ج: ٤٩ ص: ١٨٢

﴿٣٨٧٦﴾ اِسْتَدِمِ الشُّكْرَ تَدْمُ عَلَيْكَ النُّعْمَةُ؛ غررالحكم ص: ٢٧٨

﴿٣٨٧٧﴾ الرضا عليه السلام: اسْتَدِيمُوا نِعَمَ اللَّهِ بِالشُّكْرِ فَإِنَّ الشُّكْرَ عَقْلُهَا؛ المصباح للكفعمي ص: ٧١١

﴿٣٨٧٨﴾ الشُّكْرُ يَدُومُ (يُدِيمُ) (بَذَرَ) النِّعَمَ؛ غرر الحکم ص: ٢٧٨

﴿٣٨٧﴾ النِّعَمُ تَدْوُمُ الشُّكْرِ؛ غررالحكم ص: ٢٧٨

﴿٣٨٨﴾ السَّجَادَ ^{السَّجْدَةَ}: أَوْزَعْنَا شُكْرَكَ وَآدِمَ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ وَعَافَيْتَكَ؛ إقبال الأعمال ص: ٢٤٧.

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۸۶۸﴾ شکر زینت و آراستگی دوران توسعه‌ی زندگانی است و قلعه‌ای است برای حفظ نعمت.
﴿۳۸۶۹﴾ ای پسر آدم، هرگاه ببینی خدای سبحانه به طور مداوم بر تو نعمت‌های خود را عرضه می‌کند پس از آن حذر کن، و نعمت‌ها را با شکر آن‌ها نگهداری کن.
﴿۳۸۷۰﴾ هرگز کسی نمی‌تواند با وسیله‌ای بهتر از شکر نعمت‌ها را حفظ کند.
﴿۳۸۷۱﴾ نعمت‌های خداوند به چیزی مانند شکرگزاری مستحکم نشده‌اند.

۱۸-۱-۱۰۵-۲-۵-۱- حفظ نعمت

﴿۳۸۷۲﴾ ایشان به فرزندشان فرمودند: ای فرزند عزیزم، از نیکی‌های اخلاق پنج چیز را کسب کن و از شش چیز دوری کن؛ به‌وسیله‌ی هفت چیز عزت را طلب کن و بر هشت چیز حریص باش... اما پنج چیزی که باید کسب شود؛ فروتنی و نیکی‌کردن و دیگران را با خود برابر دانستن و اذیت نکردن و بدگویی نکردن و اما شش چیزی که باید از آن‌ها دوری کرد: اطاعت از هوی و ظلم کردن و تکبر و سخت‌دلی و بدزبانی و زیاد تحقیر کردن، اما هفت چیزی که به‌وسیله‌ی آن‌ها به عزت می‌توان رسید: ادای امانت و رازداری و خوش‌برخوردی و نگهداری برادری و گذشت از لغزش‌ها و تلاش در برطرف کردن نیازهای مردم و قبول کردن پوزش و اما هشت چیزی که باید بر آن‌ها حرص داشت: بزرگداشت صاحبان فضل و پیروی از راه‌های کرم و بخشش از دارایی‌ها و اموال خود و حفظ نعمت‌ها با سپاسگزاری و....

۱۹-۱-۱۰۵-۲-۵-۱- استمرار نعمت

﴿۳۸۷۳﴾ بهترین مردم نسبت به نوع عملکردشان درباره‌ی نعمت‌ها، کسی است که با شکر کردن به نعمت‌ها استمرار و تداوم ببخشد، و نعمت‌های ازدست‌رفته را نیز با شکیبایی برگرداند.
﴿۳۸۷۴﴾ در لوح حکمت چنین بنویسید که من علت قطع نعمت را در ناسپاسی کردن نعمت‌های دریافت‌شده می‌دانم.

﴿۳۸۷۵﴾ از شکستن حریم خدا بپرهیزید و قدر نعمت او را بدانید، مبادا با انجام معصیت، نعمت را از خود دور کنید، بلکه به‌وسیله‌ی اطاعت و بندگی و شکر و سپاسگزاری آن نعمت‌ها را برای خود دوام ببخشید و پایدار کنید.

﴿۳۸۷۶﴾ به شکر خود تداوم ببخش تا آمدن نعمت نیز تداوم داشته باشد.

﴿۳۸۷۷﴾ به شکر خود تداوم ببخشید زیرا شکر، نگهدارنده‌ی نعمت است.

﴿۳۸۷۸﴾ شکر، باعث تداوم نزول نعمت می‌شود.

﴿۳۸۷۹﴾ نعمت‌ها با شکر پایدار می‌شوند.

﴿۳۸۸۰﴾ شکر را به ما الهام کن و نعمت‌ها و عافیت را پیوسته بر ما ارزانی دار.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

- ﴿٣٨٨١﴾ بالشُّكْرِ تَدُومُ النِّعَمُ؛ غررالحكم ص: ٢٧٨
 ﴿٣٨٨٢﴾ فِي شُكْرِ النِّعَمِ دَوَامُهَا؛ غررالحكم ص: ٢٧٨
 ﴿٣٨٨٣﴾ كُفِرَ النِّعْمَةُ مَزِيلُهَا وَشُكْرُهَا مُسْتَدِيمُهَا؛ غررالحكم ص: ٣٢٣
 ﴿٣٨٨٤﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: لَا تَدُومُ النِّعَمُ إِلَّا بَعْدَ ثَلَاثِ مَعْرِفَةٍ بِمَا يُلْزِمُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ فِيهَا وَ آدَاءِ شُكْرِهَا وَ لَا يَغِيبُ فِيهَا؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٢٣٢
 ﴿٣٨٨٥﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: لَا نَفَادَ لِفَائِدَةٍ إِذَا شُكِرَتْ وَ لَا بَقَاءَ لِنِعْمَةٍ إِذَا كُفِرَتْ؛ الإرشاد ج: ١ ص: ٣٠٠

- ﴿٣٨٨٦﴾ لَنْ يَقْدِرَ أَحَدٌ أَنْ يَسْتَدِيمَ النِّعَمَ بِمِثْلِ شُكْرِهَا؛ غررالحكم ص: ٢٧٨
 ﴿٣٨٨٧﴾ مَعَ الشُّكْرِ تَدُومُ النِّعْمَةُ؛ غررالحكم ص: ٢٧٨
 ﴿٣٨٨٨﴾ مَنْ آدَامَ الشُّكْرَ اسْتَدَامَ الْبِرَّ؛ غررالحكم ص: ٢٧٧
 ﴿٣٨٨٩﴾ مَنْ شَكَرَ دَامَتْ نِعْمَتُهُ؛ غررالحكم ص: ٢٧٨
 ﴿٣٨٩٠﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: يَا مُدِيمَ نِعْمَتِهِ عَلَى الشَّاكِرِينَ: الْمَقَامُ الْأَسْنَى ص: ٩٧
 ﴿٣٨٩١﴾ الرَّسُولُ صلى الله عليه وآله: إِذَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْكَ بِنِعْمَةٍ فَأَحْبَبْتُ بَقَاءَهَا وَ دَوَامِهَا فَأَكْثِرْ مِنَ الْحَمْدِ وَ الشُّكْرِ عَلَيْهَا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ فِي كِتَابِهِ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ؛ العدد القوية ص: ١٤٩
 ﴿٣٨٩٢﴾ الرضا عليه السلام: إِنَّهُ كَانَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ رَجُلٌ فَأَتَاهُ فِي مَنَامِهِ مَنْ قَالَ لَهُ إِنَّ لَكَ نِصْفَ عُمْرِكَ سَعَةً فَاخْتَرِ أَى النِّصْفَيْنِ شِئْتَ فَقَالَ إِنَّ لِي شَرِيكَاً فَلَمَّا أَصْبَحَ الرَّجُلُ قَالَ لِزَوْجَتِهِ قَدْ آتَانِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ رَجُلٌ فَأَخْبَرَنِي أَنَّ نِصْفَ عُمْرِي لِي سَعَةً فَاخْتَرِ أَى النِّصْفَيْنِ شِئْتَ فَقَالَتْ لَهُ زَوْجَتُهُ اخْتَرِ النِّصْفَ الْأَوَّلَ فَقَالَ لَكَ ذَاكَ فَأَقْبَلَتْ عَلَيْهِ الدُّنْيَا فَكَانَ كُلَّمَا كَانَتْ نِعْمَةٌ قَالَتْ زَوْجَتُهُ جَارِكَ فَلَانُ مُحْتَاجُ فَصْلِهِ وَ تَقُولُ قَرَابَتِكَ فَلَانُ تَقْطِطِيهِ وَ كَانُوا كَذَلِكَ كُلَّمَا جَاءَتْهُمْ نِعْمَةٌ أَعْطَوْا وَ تَصَدَّقُوا وَ شَكَرُوا فَلَمَّا كَانَ لَيْلَةٌ مِنَ اللَّيَالِي آتَاهُ الرَّجُلُ فَقَالَ يَا هَذَا إِنَّ النِّصْفَ قَدْ انْقَضَى فَمَا رَأَيْكَ قَالَ لِي شَرِيكَاً فَلَمَّا أَصْبَحَ قَالَ لِزَوْجَتِهِ آتَانِي الرَّجُلُ فَأَعْلَمَنِي أَنَّ النِّصْفَ قَدْ انْقَضَى فَقَالَتْ لَهُ زَوْجَتُهُ قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْنَا فَشَكَرْنَا وَ اللَّهُ أَوْلَى بِالْوَفَاءِ قَالَ فَإِنَّ لَكَ تَمَامَ عُمْرِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٥٤
 ٢٠-١٠٥-١-٥٢-١-إزدياد النعمة
 ٢٠-١-٥٢-١٠٥-١-أزدياد
 ﴿٣٨٩٣﴾ إِبْرَاهِيمُ عليه السلام: اشْكُرْ لِي نِعْمَتِي أَزِدْكَ مِنْهَا؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٥٤
 ٢٠-١-٥٢-١٠٥-١-أزدياد

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٨٩٤﴾ وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ؛ إِبْرَاهِيم: الآية ٧

﴿٣٨٩﴾ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ لَكِنَّا كَفَرُهُمْ غَالِيًا

ديوان الإمام علي (ع) ص: ٣١٨

﴿٣٨٩٦﴾ الصادق عليه السلام: إِذَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْكَ بِنِعْمَةٍ فَأَحْبَبْتَ بَقَاءَهَا فَأَكْثَرَ مِنَ الْحَمْدِ وَ الشُّكْرِ

عَلَى اللَّهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ لِمَنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٢٠٠

۳-۲۰-۱-۱۰۵-۲-۵-۱- استزادتها

﴿٣٨٩٧﴾ الْحَسِينُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ، وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَلْهَمَ، وَ الثَّنَاءُ بِمَا قَدَّمْ مِنْ

عَمُومٍ نَعَمٍ ابْتَدَأَهَا، وَ سُبُوغِ آلَاءِ اسْدَافَهَا، وَ تَمَامِ مِيزِنِ وَالْأَهَاءِ، جَمْعٌ عَنِ الْإِحْصَاءِ عَدَدُهَا، وَ نَأَى عَنِ الْجَزَاءِ أَمَدُهَا، وَ تَفَاوُتِ عَنِ الْإِدْرَاكِ أَبَدُهَا، وَ نَدْبَتُهُمْ لَاسْتِرَادَتِهَا بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا؛ بِبَلَاغَاتِ النِّسَاءِ

٢٦:٥

٤-٢٠-١-١٠٥-٢-٥-١-تزذ

﴿۳۸۹۸﴾ اشْكُرْ تَزِدْ غَرر الحکم ص: ۲۷۹

٥-٢٠-١-١٠٥-٢-٥-١-تزیدان

﴿٣٨٩٩﴾ زِيَادَةُ الشُّكْرِ وَصَلَّةُ الرَّحِمِ تَزِيدَانِ النِّعَمَ وَتَفْسَحَانِ فِي الْأَجَلِ، غُرُورُ الْحَكَمِ ص: ٤٠٦

٦-٢٠-١-٥-٢-١-٥-زائد، زائداً

﴿٣٩٠﴾ الأئمة عليهم السلام: يا زائد الشَّاكرين؛ إقبال الأعمال ص: ١١٩

﴿٣٩٠﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): مَا كَانَ لِلَّهِ حَقٌّ فَإِنَّمَا هُوَ لِرَبِّهِ وَإِنَّمَا جَعَلَ الْمُؤْمِنِينَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ سَلَمًا

وَمُرْتَفَعًا وَدَرَجَةً فَإِنَّ اللَّهَ وَفَى لِمَنْ وَفَى لَهُ زَائِدًا لِمَنْ شَكَرَ؛ مشكاة الأنوار ص: ١٠٦

۷-۲۰-۱-۵-۱۰۵-۲-۵-۱- زادنا

﴿٣٩٠٢﴾ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قُلْتُ لَأُمِّي عِنْدَ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَرَأَيْتَ هَذِهِ النُّعْمَةَ الظَّاهِرَةَ عَلَيْنَا مِنْ اللَّهِ أ

لَيْسَ إِنْ شَكَرْنَاهُ عَلَيْهِا وَحَمْدُنَاهُ زَادَنَا كَمَا قَالَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ فَقَالَ نَعَمْ مَنْ

حَمْدَ اللَّهِ عَلَى نِعَمِهِ وَشُكْرَهُ وَاعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ مِنْهُ لَا مِنْ غَيْرِهِ؛ تفسير العياشي ج: ٢ ص: ٢٢٢

٨-٢٠-١-٥-١٠-٢-٥-١-زاده

﴿٣٩٠٣﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ شَكَرَهُ زَادَهُ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ١٩٩

﴿٣٩.٤﴾ مَنْ شَكَرَ اللَّهَ زَادَهُ؛ غررالحکم ص: ٢٧٩

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۸۹۴﴾ و (همچنین به خاطر بیاورید) هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت: "اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهیم افزود و اگر ناسپاسی کنید، همانا مجازات من شدید است."

﴿۳۸۹۵﴾ اگر شکر کنید بر شما می‌افزایم... ولیکن کفر آن‌ها باعث نابودی نعمت شد.

﴿۳۸۹۶﴾ هرگاه خدا به تو نعمتی ارزانی داشت و تو مایل بودی که آن نعمت پایدار بماند، بسیار حمد و سپاس خداوند را به‌جا آور، زیرا خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: "اگر شکرگزاری کنی، حتماً آن را برای شما افزایش می‌دهم."

۳-۲۰-۱-۵-۱۰۵-۲-۵-۱- بر آن بیافزاید

﴿۳۸۹۷﴾ ستایش مخصوص خداست در برابر نعمتهایی که عطا کرده و شکر متعلق به اوست به خاطر الهاماتی که کرده است به خاطر تمامی نعمتهایی که از ابتدای پدیدآمدن بر من بخشیده و نعمتهایی که بر من تمام کرده و تمامی فضل و کرمی که پی‌درپی فرو فرستاده است او را می‌ستایم نعمتهایی که فراتر از حد شمارش است و ادای حقش به سزواری ناممکن است و انتهایش درک نشود و خداوند با پیوند دادن افزونی نعمت به شکر، چنین خواسته است که بندگان بیش از بیش شکر گزار باشند.

۴-۲۰-۱-۵-۱-۵-۲-۵-۱-زیاد شوی

﴿۳۸۹۸﴾ شکر نعمت کن تا نعمت تو زیاد شود.

۵-۲۰-۱-۵-۱-۲-۵-۱- زیاد می کنند

﴿۳۸۹﴾ بسیار سپاسگزاری نمودن و شکرانه‌ی نعمات الهی را به‌جای آوردن به همراه صلہ رحم موجب افزایش نعمت‌ها هستند و طول عمر را افزایش می‌دهند.

۶-۲۰-۱-۵-۱۰۵-۲-۵-۱-افزایش

﴿۳۹۰﴾ ای آن که بر شکر کنندگان (نعمت را) می افزاید.

﴿۳۹۰﴾ هر حقی که خدا دارد به ولی نیز تعلق دارد. خداوند بعضی مؤمنین را برای بعضی دیگر نردبان و پله و وسیله‌ی بالا رفتن قرار داده است، خداوند به عهدش وفا کرده و بر نعمت کسی که وفا کند و شکر نعمت به‌جای آورد افزوده است.

۷-۲۰-۱-۵-۱-۲-۵-۱- بر ما افزود

﴿۳۹۰﴾ به حضرت صادق (علیه السلام) گفتیم: این نعمت ظاهری را که خدا عنایت فرموده ملاحظه می‌فرمایید؟ آیا چنین نیست که اگر ما شکر خدا را در برابر این نعمت انجام داده و حمد و سپاس او را به جا آوریم خداوند، همچنان که خود فرموده "لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ" نعمت را بر ما می‌افزاید؟ حضرت فرمود: آری، مطلب همین طور است، هر کس خداوند را در برابر نعمتش حمد و سپاس نماید و بداند که این نعمت و یا این توفیق فقط از اوست نه غیر او، خداوند نعمت را زیاد می‌کند.

۸-۲۰-۱-۵-۱۰-۲-۵-۱- بر او افزود

﴿۳۹۰﴾ هر که خدا را شکر کند، خدا نعمتش را می‌افزاید.

﴿۳۹.۴﴾ هر که خدا را شکر کند، خداوند نعمت او را زیاد میکند.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٩٠٥﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى عَلَى نِعَمِهِ حَقًّا وَهُوَ شُكْرُهُ فَمَنْ آدَاهُ زَادَهُ وَمَنْ قَصَرَ فِيهِ سَلَبَهُ مِنْهُ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ٣٨

﴿٣٩٠٦﴾ فَإِنَّا نَحْمَدُ اللَّهَ رَبَّنَا وَإِلَهَنَا وَوَلِيَّ النِّعَمِ عَلَيْنَا الَّذِي أَصْبَحَتْ نِعْمُهُ عَلَيْنَا ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً اٰمِنَانَا مِنْهُ بِغَيْرِ حَوْلٍ مِنَّا وَلَا قُوَّةٍ لِيُبْلُوَنَا أَوْ نَشْكُرُ أَمْ نَكْفُرُ فَمَنْ شَكَرَ زَادَهُ وَمَنْ كَفَرَ عَذَّبَهُ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٧ ص: ٣٩

٩-٢٠-١-٥-١٠٥-٢-١-٥-١- زادها

﴿٣٩٠٧﴾ الصادق عليه السلام: فَقَالَتْ أَنَا أَرْضُ اللَّهِ الْمُقَدَّسَةُ الْمُبَارَكَةُ الشَّفَاءُ فِي تَرْبَتِي وَمَائِي وَلَا فَخْرَ بَلْ خَاضِعَةٌ ذَلِيلَةٌ لِمَنْ فَعَلَ بِي ذَلِكَ وَلَا فَخْرَ عَلَيَّ مَنْ دُونِي بَلْ شُكْرًا لِلَّهِ فَأَكْرَمَهَا وَزَادَهَا بِتَوَاضُعِهَا وَشُكْرِهَا لِلَّهِ بِالْحُسَيْنِ وَأَصْحَابِهِ؛ وسائل الشيعة ج: ١٤ ص: ٥١٥

١٠-٢٠-١-٥-١٠٥-٢-١-٥-١- زدْتُكُمْ

﴿٣٩٠٨﴾ إدريس عليه السلام: فَإِنْ شَكَرْتُمْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ زِدْتُكُمْ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٦٣

١١-٢٠-١-٥-١٠٥-٢-١-٥-١- زدْتَنِي

﴿٣٩٠٩﴾ الحسين عليه السلام: إِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي وَإِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي كُلُّ ذَلِكَ إِكْمَالًا لِأَنْعَمِكَ عَلَىَّ وَإِحْسَانًا إِلَيَّ؛ إقبال الأعمال ص: ٣٤١

١٢-٢٠-١-٥-١٠٥-٢-١-٥-١- زدْتُهُ

﴿٣٩١٠﴾ الحسين عليه السلام: اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ فَأَعْطَيْتَهُ وَشَكَرَكَ فَزِدْتَهُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٢٤

١٣-٢٠-١-٥-١٠٥-٢-١-٥-١- الزِّيَادَةُ، بِالزِّيَادَةِ، زِيَادَةٌ، زِيَادَتِي، الزِّيَادَات

﴿٣٩١١﴾ الرسول ﷺ: مَنْ بَسَّرَ لِلشُّكْرِ رُزْقَ الزِّيَادَةِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٥٨

﴿٣٩١٢﴾ مَنْ شَكَرَ اسْتَحَقَّ الزِّيَادَةَ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٩

﴿٣٩١٣﴾ الرسول ﷺ: لَا فَتَحَ لِعَبْدٍ بَابَ شُكْرٍ فَخَزَنَ عَنْهُ بَابَ الزِّيَادَةِ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ١٦١

﴿٣٩١٤﴾ الصادق عليه السلام: يَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ صَدُوقًا لِيُؤْمَنَ عَلَى حَدِيثِهِ وَشُكُورًا لِيَسْتَوْجِبَ الزِّيَادَةَ؛ تحف العقول ص: ٣٦٤

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۹۰۵﴾ همانا برای خدای تعالی در هر نعمتی حقی است، که آن سپاسگزاری خداست، آن کس که سپاسگزاری کند نعمتش زیاد می‌شود و آن کس که در سپاسگزاری کوتاهی کند نعمت از او گرفته می‌شود.

﴿۳۹۰۶﴾ خداوند را سپاس می‌گذاریم که پروردگار و مولا و ولی نعمت ماست، او که نعمت‌هایش را آشکار و پنهان بر ما ارزانی داشته تا بر ما احسان نماید بدون آنکه سخنی بر زبان رانده باشیم (و از او درخواست کرده باشیم) و یا قدرتی از خود بر شکرگزاری یا کفران نعمتش داشته باشیم. پس که شکر او را به‌جای آرد فزونی دهد و آن را که کفران کند عذاب نماید.

۹-۲۰-۱-۵-۱-۲-۵-۱- بر او افزود

﴿۳۹۰۷﴾ گفت من زمین مقدس و مبارک خدایم در خاک و آبم شفاست و این سخن را به خاطر تفاخر نمی‌گویم بلکه من خاضع و ذلیل به درگاه کسی هستم که این - فضل - را به من عطا کرد و بر هیچ‌کس دیگر هم هیچ فخری نیست بلکه شکر مخصوص خداست. پس خداوند هم او را به خاطر امام حسین علیه السلام و اصحابش اکرام نمود و به خاطر تواضع و شکرگزاری‌اش بر گرامی‌داشت او افزود.

۱۰-۲۰-۱-۵-۱۰-۲-۵-۱- بر شما افزودم

﴿۳۹۰۸﴾ ای مردم، اگر نعمت‌هایم را سپاس بگذارید، بر شما می‌افزایم.

۱۱-۲۰-۱-۵-۱۰۵-۲-۵-۱- بر من افزودی

﴿۳۹۰﴾ هرگاه از تو فرمان برداری کنم قدردانی می کنی و هرگاه شکر کنم نعمتم را می افزایی و هر دو کمال لطف و احسان تو بر من است.

۱۲-۲۰-۱-۵-۱۰-۲-۵-۱- بر او افزودی

﴿۳۹۱۰﴾ خدایا، در این وقت ما را از کسانی قرار ده که از تو درخواست کردند و تو به آن‌ها عطا نمودی و تو را شکر کردند و بر نعمت آنان افزودی.

۱۳-۲۰-۱-۵-۱۰۵-۲-۵-۱-افزودن

﴿۳۹۱﴾ کسی که اندک را هم شکر کند روزی اش زیاد شود.

﴿۳۹۱۲﴾ هر که شکر کند شایسته ی دریافت نعمت بیشتر می شود.

﴿۳۹۱۳﴾ خداوند در شکر را برای کسی نمی‌گشاید ولی در افزایش نعمت را بر او ببندد.

﴿۳۹۱۴﴾ لازم است که عاقل راست گو باشد تا به گفتارش اعتماد حاصل شود و شکر گزار باشد تا موجب افزایش نعمتش بشود.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٩١٥﴾ الصادق عليه السلام: أَشْكُرُ مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ وَ أَنْعَمَ عَلَى مَنْ شَكَرَكَ فَإِنَّهُ لَا إِزَالَهَ لِلنَّعَمِ إِذَا شُكِرَتْ وَ لَا إِقَامَهَ لَهَا إِذَا كُفِرَتْ وَ الشُّكْرُ زِيَادَةٌ فِي النَّعَمِ وَ أَمَانٌ مِنَ الْفَقْرِ؛ تحف العقول ص: ٣٥٩

﴿٣٩١٦﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ أُعْطِيَ أَرْبَعًا لَمْ يُحْرَمِ أَرْبَعًا مَنْ أُعْطِيَ الدُّعَاءَ لَمْ يُحْرَمِ الْإِجَابَةَ وَ مَنْ أُعْطِيَ الْإِسْتِغْفَارَ لَمْ يُحْرَمِ التَّوْبَةَ وَ مَنْ أُعْطِيَ الشُّكْرَ لَمْ يُحْرَمِ الزِّيَادَةَ وَ مَنْ أُعْطِيَ الصَّبْرَ لَمْ يُحْرَمِ الْأَجْرَ؛ وسائل الشيعة ج: ٧ ص: ٢٨

﴿٣٩١٧﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ أُعْطِيَ الدُّعَاءَ لَمْ يُحْرَمِ الْإِجَابَةَ وَ مَنْ أُعْطِيَ الشُّكْرَ لَمْ يُحْرَمِ الزِّيَادَةَ وَ تَلَا أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: وَ إِذْ تَادَنَ رَبُّكُمْ لَيْنَ شُكْرْتُمْ لِأَزِيدَنَّكُمْ؛ وسائل الشيعة ج: ١٦ ص: ٣٢٩

﴿٣٩١٨﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ أُعْطِيَ الشُّكْرَ أُعْطِيَ الزِّيَادَةَ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَيْنَ شُكْرْتُمْ لِأَزِيدَنَّكُمْ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٥

﴿٣٩١٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ أُعْطِيَ الشُّكْرَ لَمْ يُحْرَمِ الزِّيَادَةَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لَيْنَ شُكْرْتُمْ لِأَزِيدَنَّكُمْ؛ روضة الواعظين ج: ٢ ص: ٤٧٣

﴿٣٩٢٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ أُعْطِيَ الشُّكْرَ لَمْ يُحْرَمِ الزِّيَادَةَ وَ تَصَدِّقُ ذَلِكَ فِي كِتَابِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي الدُّعَاءِ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ وَ قَالَ فِي الْإِسْتِغْفَارِ وَ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظِلْمَ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا وَ قَالَ فِي الشُّكْرِ: لَيْنَ شُكْرْتُمْ لِأَزِيدَنَّكُمْ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ١٢١

﴿٣٩٢١﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ أُعْطِيَ ثَلَاثًا لَمْ يُمْنَعْ ثَلَاثًا مَنْ أُعْطِيَ الدُّعَاءَ أُعْطِيَ الْإِجَابَةَ وَ مَنْ أُعْطِيَ الشُّكْرَ أُعْطِيَ الزِّيَادَةَ وَ مَنْ أُعْطِيَ التَّوَكُّلَ أُعْطِيَ الْكِفَايَةَ ثُمَّ قَالَ آ تَلَوْتَ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ وَ قَالَ لَيْنَ شُكْرْتُمْ لِأَزِيدَنَّكُمْ وَ قَالَ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٦٥

﴿٣٩٢٢﴾ الصادق عليه السلام: فَيَحِقُّ عَلَى مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِمَعْرِفَتِهِ وَ هِدَاةِ لِدِينِهِ وَ وَقَفَهُ لِتَأْمُلَ التَّدْبِيرَ فِي صُنْعَةِ الْخَلَائِقِ وَ الْوُقُوفِ عَلَى مَا خَلَقُوا لَهُ مِنْ لَطِيفِ التَّدْبِيرِ وَ صَوَابِ التَّعْبِيرِ بِالذَّلَالَةِ الْقَائِمَةِ الدَّلَالَةَ عَلَى صَانِعِهَا أَنْ يُكْثَرَ حَمْدُ اللَّهِ مَوْلَاهُ عَلَى ذَلِكَ وَ يَرْغَبَ إِلَيْهِ فِي الثَّبَاتِ عَلَيْهِ وَ الزِّيَادَةَ مِنْهُ فَإِنَّهُ جَلَّ اسْمُهُ يَقُولُ لَيْنَ شُكْرْتُمْ لِأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَيْنَ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ؛ توحيد المفضل ص: ٤٤

﴿٣٩٢٣﴾ أَحَقُّ النَّاسِ بِزِيَادَةِ النُّعْمَةِ أَشْكُرُهُمْ لِمَا أُعْطِيَ مِنْهَا؛ غرر الحكم ص: ٢٧٩

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۹۱۵﴾ سپاسگزار کسی باش که به تو نعمت بخشیده و نعمت عطا کن به آن کسی که قدرشناس توسست و تشکر می کند. زیرا وقتی که شکرگزاری می کنی نعمت از بین نمی رود، وقتی کفران کنی پایدار نخواهد بود؛ شکر موجب افزایش نعمت و امان از فقر و تنگدستی است.

﴿۳۹۱۶﴾ هرکس چهار چیز را دارا باشد از چهار چیز محروم نمی شود؛ هرکس موفق به دعا شد از اجابت محروم نخواهد گردید، هرکس موفق به استغفار شود از توبه محروم نمی شود، هرکس توفیق شکر یافت، زیادتى در نعمت پیدا می کند، و هرکس صبر و استقامت پیدا کند پاداش می گیرد.

﴿۳۹۱۷﴾ کسی که توفیق دعا و تضرع داشته باشد از اجابت دعا محروم نخواهد شد و کسی که سپاسگزار باشد از افزایش نعمت منع نمی شود و حضرت این را تلاوت فرمود: "و پروردگار شما اعلام فرموده که اگر سپاسگزاری کنید نعمت را بر شما می افزایم".

﴿۳۹۱۸﴾ هرکس سپاسگزاری کرد، بر نعمت او افزوده می گردد، خداوند متعال در قرآن فرمود: اگر سپاسگزاری کنید بر نعمت های شما خواهیم افزود.

﴿۳۹۱۹﴾ هرکس سپاسگزاری کرد، بر نعمت او افزوده می گردد، خداوند متعال در قرآن فرمود: اگر سپاسگزاری کنید بر نعمت های شما خواهیم افزود.

﴿۳۹۲۰﴾ هرکس توفیق شکر و سپاس یافت از افزایش نعمت محروم نخواهد شد خداوند برای هر یک از این ها در قرآن مجید آیه ای نازل کرده و درباره ی دعا فرموده است: "مرا بخوانید تا اجابت کنم"، درباره ی استغفار فرموده است: "هرکس کار بدی بکند و یا به خود ستم روا دارد ولی بعد از آن استغفار کند خداوند را آمرزنده و مهربان خواهد یافت" و درباره ی شکر فرموده است: "اگر شاکر باشید و سپاسگزاری کنید من بر روزی شما خواهیم افزود."

﴿۳۹۲۱﴾ به هرکس سه چیز عطا شود از سه چیز محروم نمی گردد، هرکس موفق به دعا شد از اجابت محروم نمی شود، و هرکس موفق به شکر و سپاسگزاری شد از زیادتى نعمت محروم نخواهد شد. هرکس به توکل توفیق پیدا کرد خداوند او را بی نیاز می کند، بعد از آن فرمود: مگر در کتاب خدا نخوانده ای که فرمود: هرکس به خداوند توکل کند خدا او را بی نیاز می کند و در جای دیگر فرمود: اگر شکرگزاری کنید خداوند زیاد می کند و به نعمت های شما می افزاید، و نیز فرمود: مرا بخوانید تا شما را اجابت نمایم.

﴿۳۹۲۲﴾ پس بر کسی که خداوند معرفت خود را به او تنضّل کرده و او را به دین خود هدایت کرده و به او توفیق داده باشد لازم است که در مدیریتى که در خلقت خلاق به کار رفته تأمل کند و دریابد که برای چه آفریده شد و با براهینی که بر صانع ایشان دلالت می کند بداند که تدبیر پروردگارش لطیف و تعابیر او درست و بجاست و خدا و مولای خود را بر این نعمت بزرگ بسیار حمد کند و به درگاه خدا زاری کند که او را بر این موهبت عظیم ثابت بدارد، و هدایت او را بیافزاید زیرا که حق تعالی می فرماید: "اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهیم افزود و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است".

﴿۳۹۲۳﴾ سزاوارترین مردم به دریافت نعمت بیشتر، شکرگزارترین ایشان در مقابل نعمتهایی که دریافت کرده است.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٩٢٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ تَأَذَّنَ لِلْمُحْسِنِينَ بِالْحُسْنَى وَلِمَنْ شَكَرَهُ بِالزِّيَادَةِ؛ الإرشاد

ج: ١ ص: ٢٣٥

﴿٣٩٢٥﴾ الرسول الله عليه: عَلَيْكَ بِالشُّكْرِ فَإِنَّ مَعَهُ الزِّيَادَةَ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ لَمَنْ شَكَرْتُمْ لَا زَيْدًا لَكُمْ

وَلَمَنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٥٨

﴿٣٩٢٦﴾ بالشُّكْرِ تُسْتَجْلَبُ الزِّيَادَةُ؛ غررالحكم ص: ٢٧٩

﴿٣٩٢٧﴾ الرسول الله عليه: بِشُّكْرِهِ تُسْتَوْجِبُ الزِّيَادَاتُ؛ فلاح السائل ص: ٢٥١

﴿٣٩٢٨﴾ الصادق عليه السلام: أَيُّمَا عَبْدٍ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ وَحَمِدَ اللَّهَ عَلَيْهَا بِلِسَانِهِ لَمْ

تَنْفَدْ حَتَّى يَأْمُرَ اللَّهُ لَهُ بِالزِّيَادَةِ وَهُوَ قَوْلُهُ لَمَنْ شَكَرْتُمْ لَا زَيْدًا لَكُمْ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٤٢

﴿٣٩٢٩﴾ دَاوُدُ عليه السلام: أَهْلُ شُكْرِي فِي زِيَادَتِي؛ بحار الأنوار ج: ٧٤ ص: ٤٢

﴿٣٩٣٠﴾ الرسول الله عليه: أَلْهَمْنَا زِيَادَةَ الشُّكْرِ وَالتَّنَاءِ وَتَفَضَّلَ عَلَيْنَا بِإِنْجَازٍ وَعَدِكَ لِمَنْ شَكَرَكَ

مِنْ زِيَادَةِ النِّعْمَةِ وَبُلُوغِ الرَّجَاءِ؛ الأمان ص: ١٤٩

﴿٣٩٣١﴾ أَمَّا وَاللَّهِ لَهْدُمُ النِّعْمَةِ أَيْسَرَ مِنْ بِنَائِهَا وَمَا الزِّيَادَةُ إِلَيْكُمْ بِالشُّكْرِ أَسْرَعَ مِنْ زَوَالِ

النِّعْمَةِ عَنْكُمْ بِالْكَفْرِ؛ بلاغات النساء ص: ٢٠

﴿٣٩٣٢﴾ اغْتَنِمُوا الشُّكْرَ فَأَدْنَى نَفْعِهِ الزِّيَادَةُ؛ غررالحكم ص: ٢٧٩

﴿٣٩٣٣﴾ الهادي عليه السلام: اِلْقُوا النِّعَمَ بِحُسْنٍ مُجَاوِرَتِهَا وَاتَّمِسُوا الزِّيَادَةَ فِيهَا بِالشُّكْرِ عَلَيْهَا؛

مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٦٩

﴿٣٩٣٤﴾ مَنْ أَلْهِمَ الشُّكْرَ لَمْ يَغْدَمْ الزِّيَادَةَ؛ غررالحكم ص: ٢٧٩

﴿٣٩٣٥﴾ الصادق عليه السلام: الشُّكْرُ زِيَادَةٌ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٤

﴿٣٩٣٦﴾ كَفَى بِالشُّكْرِ زِيَادَةً؛ غررالحكم ص: ٢٧٩

﴿٣٩٣٧﴾ ثَمَرَةُ الشُّكْرِ زِيَادَةُ النِّعَمِ؛ غررالحكم ص: ٢٧٩

﴿٣٩٣٨﴾ حُسْنُ الشُّكْرِ يُوجِبُ الزِّيَادَةَ؛ غررالحكم ص: ٢٧٩

﴿٣٩٣٩﴾ دَوَامُ الشُّكْرِ عُنْوَانُ دَرَكِ الزِّيَادَةِ؛ غررالحكم ص: ٢٧٩

﴿٣٩٤٠﴾ فِي الشُّكْرِ تَكُونُ الزِّيَادَةُ؛ غررالحكم ص: ٢٧٩

﴿٣٩٤١﴾ الباقر عليه السلام: تَخَلَّصْ إِلَى عَظِيمِ الشُّكْرِ بِاسْتِكْثَارِ قَلِيلِ الرِّزْقِ وَاسْتِقْلَالِ كَثِيرِ الطَّاعَةِ وَ

اسْتَجْلِبْ زِيَادَةَ النِّعَمِ بِعَظِيمِ الشُّكْرِ وَتَوَسَّلْ إِلَى عَظِيمِ الشُّكْرِ بِخَوْفِ زَوَالِ النِّعَمِ؛ تحف العقول

ص: ٢٨٤

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۹۲۴﴾ خداوند پاداش نیک برای نیکوکاران و افزایش نعمت برای شکرگزاران را اعلام کرده است.

﴿۳۹۲۵﴾ شکرکردن بر تو واجب است زیرا که همراه آن، فزونی است و خداوند بلندمرتبه فرمود: "اگر سپاسگزاری کنید، [نعمت] شما را افزون خواهم کرد، و اگر ناسپاسی نمایید، قطعاً عذاب من سخت خواهد بود."

﴿۳۹۲۶﴾ با شکر و سپاس در برابر نعمت، افزون شدن نعمت جلب می‌شود.

﴿۳۹۲۷﴾ با شکر مستوجب دریافت نعمت افزون‌تر می‌شوید.

﴿۳۹۲۸﴾ هر بنده‌ای که خداوند به او نعمتی دهد و آن بنده با قلب خود آن نعمت را بشناسد (و لطفی از طرف خدا بداند) و با زبان نیز حمد و سپاس الهی را به‌جا آورد. هنوز حمد و سپاسش تمام نشده است که خداوند دستور افزایش نعمت را برای او صادر می‌کند. و این است معنای آیه‌ی "اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود."

﴿۳۹۲۹﴾ اهل شکرگزاری به پیشگاه من در افزایش نعمت هستند.

﴿۳۹۳۰﴾ خداوند، سپاسگزاری و ثناگویی بیشتر را به ما الهام فرما و با وفاکردن به وعده‌هایی که به سپاسگزارانت داده‌ای، مانند دادن نعمت بیشتر و رساندن به آرزوها، در حق ما بزرگواری فرما.

﴿۳۹۳۱﴾ قسم به خدا، از بین بردن نعمت آسان‌تر از درست کردن نعمت است و آنچه نعمت را زیاد می‌کند شکر بر نعمت است و آنچه با سرعت نعمت را از بین می‌برد کفران نعمت است.

﴿۳۹۳۲﴾ شکر را غنیمت بدانید که، کمترین فایده‌ی آن زیاد شدن نعمت است.

﴿۳۹۳۳﴾ با همراهی خوب با نعمت‌ها به‌سوی آن‌ها بروید و با سپاسگزاری کردن بر آن‌ها افزایش نعمت را بجوئید.

﴿۳۹۳۴﴾ به هرکس شکر الهام شود، افزایش نعمت را از دست نخواهد داد.

﴿۳۹۳۵﴾ سپاس، موجب فزونی است.

﴿۳۹۳۶﴾ برای زیاد شدن نعمت، شکر کافی است.

﴿۳۹۳۷﴾ نتیجه‌ی شکر زیادتی نعمت‌هاست.

﴿۳۹۳۸﴾ شکر خوب، زیاد شدن نعمت را واجب می‌کند.

﴿۳۹۳۹﴾ دایم‌بودن شکرگزاری به‌عنوان دریافت زیادتی است.

﴿۳۹۴۰﴾ در شکر زیاد شدن نعمت نهفته است.

﴿۳۹۴۱﴾ شکر بزرگ را با بسیارشمردن روزی اندک، و کم‌شمردن طاعت فراوان به دست آور، و نعمت فراوان را با شکر بسیار کسب کن، و با هراس از زوال نعمت یا برای نجات از زوال نعمت به شکر بسیار پناه ببر.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٩٤٢﴾ الصادق عليه السلام: تَلَقَّوْا النِّعَمَ يَا سَدِيرُ بِحُسْنِ مُجَاوَرَتِهَا وَاشْكُرُوا مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكُمْ وَانْعَمُوا عَلَى مَنْ شَكَرَكُمْ فَإِنَّكُمْ إِذَا كُنْتُمْ كَذَلِكَ اسْتَوْجِبْتُمْ مِنَ اللَّهِ الزِّيَادَةَ وَمِنْ إِخْوَانِكُمُ الْمُنَاصَحَةَ ثُمَّ تَلَا لَمَنْ شَكَرْتُمْ لَا زَيْدَ لَكُمْ؛ وسائل الشيعة ج: ١٦ ص: ٣٢٨

﴿٣٩٤٣﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: مَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ بَابَ شُكْرِ فَخَزَنَ عَنْهُ بَابَ الزِّيَادَةِ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٤

﴿٣٩٤٤﴾ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُفْتَحَ عَلَى عَبْدٍ بَابَ الشُّكْرِ وَيُعْلَقَ عَنْهُ بَابُ الزِّيَادَةِ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٢٠ ص: ٨٢

﴿٣٩٤٥﴾ الباقر عليه السلام: وَجَدَ مَكْتُوباً فِي حِكْمَةِ آلِ دَاوُدَ وَاشْكُرْ لِمَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ وَانْعَمْ عَلَى مَنْ شَكَرَكَ فَإِنَّهُ لَا زَوَالَ لِلنِّعَمِ إِذَا شُكِرَتْ وَلَا إِقَامَةَ إِذَا كُفِّرَتْ وَ الشُّكْرُ زِيَادَةٌ لِلنِّعَمِ وَ أَمَانٌ مِنَ الْغَيْرِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٥٩

﴿٣٩٤٦﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: اَللّهُمَّنا زِيَادَةَ الشُّكْرِ وَ الثَّنَاءِ وَ تَفَضَّلْ عَلَيْنَا بِإِنْجَازِ وَعْدِكَ لِمَنْ شَكَرَكَ مِنْ زِيَادَةِ النِّعَمَاءِ وَ بُلُوغِ الرَّجَاءِ؛ الأمان ص: ١٤٩

﴿٣٩٤٧﴾ الرضا عليه السلام: السَّجْدَةُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى مَا وَقَّعَ لَهُ الْعَبْدُ مِنْ آدَاءِ فَرَضِهِ وَ آدَتِي مَا يُجْزَى فِيهَا مِنَ الْقَوْلِ أَنْ يَقَالَ شُكْرًا لِلَّهِ شُكْرًا لِلَّهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ قُلْتُ فَمَا مَعْنَى قَوْلِهِ شُكْرًا لِلَّهِ قَالَ يَقُولُ هَذِهِ السَّجْدَةُ مِنِّي شُكْرًا لِلَّهِ عَلَى مَا وَقَّعَنِي لَهُ مِنْ خِدْمَتِهِ وَ آدَاءِ فَرَضِهِ وَ الشُّكْرُ مُوجِبٌ لِلزِّيَادَةِ فَإِنْ كَانَ فِي الصَّلَاةِ تَقْصِيرٌ لَمْ يَتِمَّ بِالنَّوَافِلِ تَمَّ بِهِذِهِ السَّجْدَةُ؛ وسائل الشيعة ج: ٧ ص: ٥

١٤-٢٠-١٠٥-١-٥-٢-١-المزید، مزید، مزیداً، بالمزید، للمزید

﴿٣٩٤٨﴾ مَنْ شَكَرَ النِّعَمَ بِجَنَانِهِ اسْتَحَقَّ الْمَزِيدَ قَبْلَ أَنْ يُظْهَرَ عَلَى لِسَانِهِ؛ غررالحکم ص: ٢٨٠

﴿٣٩٤٩﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ شَكَرَ اللَّهَ عَلَى مَا أُفِيدَ فَقَدْ اسْتَوْجِبَ عَلَى اللَّهِ الْمَزِيدَ وَمَنْ أَضَاعَ الشُّكْرَ فَقَدْ خَاطَرَ بِالنِّعَمِ وَلَمْ يَأْمَنْ التَّغْيِيرَ وَ النِّقْمَ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٥٥

﴿٣٩٥٠﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانِي لَوْلَايَتِكَ وَ مَا كُنْتُ لِأَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانِي اللَّهُ حَمْدًا يَقْتَضِي ثَبَاتَ النِّعْمَةِ وَ شُكْرًا يُوجِبُ الْمَزِيدَ مِنْ فَضْلِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٩ ص: ١٠٠

﴿٣٩٥١﴾ الباقر عليه السلام: لَا يَنْقَطِعُ الْمَزِيدُ مِنَ اللَّهِ حَتَّى يَنْقَطِعَ الشُّكْرُ عَلَى الْعِبَادِ؛ مشكاة الأنوار ص: ٣٢

﴿٣٩٥٢﴾ كَافِلُ الْمَزِيدِ الشُّكْرُ؛ غررالحکم ص: ٢٧٩

﴿٣٩٥٣﴾ سَبَبُ الْمَزِيدِ الشُّكْرُ؛ غررالحکم ص: ٢٧٩

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۹۴۲﴾ ای سدید، نعمت‌های الهی را با همراهی شایسته و سپاسگزاری فراگیرید و از کسی که به شما احسان نموده تشکر کنید و به کسی که از احسان شما تشکر می‌کند بخشش کنید که اگر چنین کنید سزاوار دریافت افزونی نعمت از خدا و خیرخواهی از جانب برادران ایمانی می‌شوید. سپس آیهی " اگر شکر کنید خدا بر شما می‌افزاید " را تلاوت فرمود.

﴿۳۹۴۳﴾ خداوند هرگاه در شکر را بر بنده‌ای بگشاید در افزایش را نیز بر او باز می‌کند.

﴿۳۹۴۴﴾ خداوند چنین شیوه‌ای ندارد که در شکر را به روی بنده‌ای باز کند و توفیق شکرگزاری به او بدهد ولی در افزایش نعمت را به رویش ببندد.

﴿۳۹۴۵﴾ دست‌خط و نوشته‌ای در حکمت خاندان داود علیه السلام پیدا شد در آن چنین نوشته بود: " شکرگزار کسی باش که به تو نعمتی می‌بخشد و به شاکر و قدرشناس نعمت بده؛ زیرا نعمت اگر شکرش به‌جا آورده شود از بین نمی‌رود و اگر مورد ناسپاسی قرار گیرد باقی نمی‌ماند. شکر موجب افزونی نعمت و محافظ آن از دگرگونی است. "

﴿۳۹۴۶﴾ خداوند، سپاسگزاری و ثناگویی بیشتر را به ما الهام فرما و با وفاکردن به وعده‌هایی که به سپاسگزارانت داده‌ای، مانند دادن نعمت بیشتر و رساندن به آرزوها، در حق ما بزرگواری فرما.

﴿۳۹۴۷﴾ سجده‌ی بعد از نماز واجب، شکر به درگاه خداوند است به خاطر توفیقی که به بنده‌اش برای ادای نماز واجب داده است، و کمترین ذکر در سجده‌ی شکر این است که سه بار بگوید: " شکر الله " " شکر مخصوص خداست ". گفتیم: معنی این ذکر چیست؟ فرمود: " یعنی: این سجده به عنوان سپاسگزاری بر توفیقی است که بر خدمت و ادای واجبش به ما عطا کرد ". شکر موجب افزونی نعمت می‌شود؛ اگر در نماز کوتاهی شده باشد که حتی با نوافل جبران نشود با این سجده برطرف می‌شود.

۱۴-۲۰-۱-۵-۲-۱۰-۵-۱-افزایش

﴿۳۹۴۸﴾ هر که نعمت‌ها را در دل خود شکر کند، پیش از اینکه آن شکر بر زبان او جاری شود سزاوار دریافت نعمت بیشتر خواهد شد.

﴿۳۹۴۹﴾ هر کس به آنچه که رسیده شاکر باشد، مستوجب دریافت نعمت بیشتر خواهد شد و هر کس از سپاسگزاری دست بردارد نعمت را در مخاطره افکنده است، و از تغییر آن در امان نخواهد بود.

﴿۳۹۵۰﴾ ستایش مخصوص خدایی است که مرا به پذیرش ولایت شما هدایت کرد و اگر خدا مرا هدایت نمی‌کرد من اصلاً راه را نمی‌یافتم، و ستایشی که موجب دوام نعمت باشد و شکری که موجب افزوده شدن بر الطاف او شود.

﴿۳۹۵۱﴾ نعمتی از طرف خداوند قطع نمی‌شود مگر اینکه از طرف بنده‌ای، شکرگزاری قطع شود.

﴿۳۹۵۲﴾ ضامن زیادت‌ی (نعمت) شکرست.

﴿۳۹۵۳﴾ سبب زیادشدن نعمت شکرست.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٩٥٤﴾ السَّجَادُ عليه السلام: فَيَحُولُ ذَلِكَ (حَالُ الْغَفْلَةِ) بَيْنِي وَبَيْنَ التَّضَرُّعِ إِلَيْكَ فِي دَوَامِ ذَلِكَ لِي مَعَ مَا أَمَرْتَنِي بِهِ مِنْ شُكْرِكَ وَوَعَدْتَنِي عَلَيْهِ مِنَ الْمَزِيدِ مِنْ لَدَيْكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٣٦

﴿٣٩٥٥﴾ خَيْرُ الشُّكْرِ مَا كَانَ كَافِلًا بِالْمَزِيدِ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٩

﴿٣٩٥٦﴾ الرضا عليه السلام: فَإِنَّهُ سُبْحَانَهُ ذَاكِرٌ مِنْ ذِكْرِهِ وَ مُعَذِّبٌ مِنْ كَفَرِهِ وَ مَزِيدٌ مِنْ شُكْرِهِ؛

المصباح للكفعمي ص: ٧١١

﴿٣٩٥٧﴾ الصادق عليه السلام: أَوْزَعْنِي شُكْرَكَ وَ أَوْجِبْ لِي الْمَزِيدَ مِنْ لَدُنْكَ؛ مصباح المتعبد ص: ٢٠٨

﴿٣٩٥٨﴾ إِيَّاهُ أَشْكُرُ وَ لَهُ أَعْبُدُ وَ مِنْهُ أَرْجُو النِّمَامَ وَ الْمَزِيدَ؛ إقبال الأعمال ص: ٢١٦

﴿٣٩٥٩﴾ الصادق عليه السلام: إِنْ مَنْ عَرَفَ نِعْمَةَ اللَّهِ بِقَلْبِهِ اسْتَوْجِبَ الْمَزِيدَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَبْلَ أَنْ يُظْهَرَ شُكْرُهَا عَلَى لِسَانِهِ؛ الكافي ج: ٨ ص: ١٢٨

﴿٣٩٦٠﴾ النُّعْمَةُ مَوْصُولَةٌ بِالشُّكْرِ وَ الشُّكْرُ مَوْصُولٌ بِالْمَزِيدِ وَ هُمَا مَقْرُونَانِ فِي قَرْنٍ فَلَنْ يَنْقَطَعَ الْمَزِيدُ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ حَتَّى يَنْقَطَعَ الشُّكْرُ مِنَ الشَّاكِرِ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٩

﴿٣٩٦١﴾ السَّجَادُ عليه السلام: أَمَرْتَنِي بِهِ مِنْ شُكْرِكَ وَ وَعَدْتَنِي عَلَيْهِ مِنْ شُكْرِكَ وَ وَعَدْتَنِي عَلَيْهِ مِنَ الْمَزِيدِ مِنْ لَدَيْكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٣٦

﴿٣٩٦٢﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا أَتْلُعُ بِهِ رِضَاكَ وَ أُودِي بِهِ شُكْرَكَ وَ اسْتَوْجِبُ بِهِ الْمَزِيدَ مِنْ عِنْدِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ١٩٢

﴿٣٩٦٣﴾ الصادق عليه السلام: يَا إِسْحَاقُ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدِهِ بِنِعْمَةٍ فَشَكَرَهَا بِسَجْدَةٍ يَحْمَدُ اللَّهُ فِيهَا فَفَرَّغَ مِنْهَا حَتَّى يُؤْمِنَ لَهُ بِالْمَزِيدِ مِنَ الدَّارَيْنِ؛ مكارم الأخلاق ص: ٢٦٥

﴿٣٩٦٤﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا أَنَالُ بِهِ رِضَاكَ وَ أُودِي بِهِ شُكْرَكَ وَ اسْتَوْجِبُ بِهِ الْمَزِيدَ مِنْ قَضَائِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ١٤٣

﴿٣٩٦٥﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي غَذَّائِي بِنِعْمَتِهِ وَ أَسْبَغَ عَلَيَّ فَضْلَهُ وَ ابْتَدَأَنِي بِرِزْقِهِ الطَّيِّبِ مِنْ غَيْرِ أَنْ أَسْأَلَهُ وَ لَا بَعْمَلٍ صَالِحٍ اسْتَوْجِبْتُ مَا ابْتَدَأَنِي بِهِ إِلَهِي وَ أَوْجِبَ عَلَيَّ مِنْ شُكْرِهِ كَمَا لَا أَسْتَحِقُّ بِهِ الْمَزِيدَ مِنْ لَدَيْهِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٢٣

﴿٣٩٦٦﴾ الْحُجَّةُ عليه السلام: شُكْرُكَ لِلَّهِ ذُو مَزِيدٍ اللَّهُ وَ رَحْمَتُهُ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٣٦

﴿٣٩٦٧﴾ الرَسُولُ عليه السلام: قِيلَ لِي يَا مُحَمَّدُ قَابِلُ نِعْمَائِي عَلَيْكَ بِشُكْرِ الْمُؤْتَرَى لِلْمَزِيدِ فَقُلْتُ يَا رَبِّي وَ مَا أَفْضَلَ مَا أَشْكُرُكَ بِهِ فَقَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ أَفْضَلُ ذَلِكَ بَشْكٍ فَضَّلَ أَخِيكَ عَلَيَّ وَ بَعَثَكَ سَائِرَ عِبَادِي

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۳۹۵۴﴾ تداوم حال غفلت و بی توجهی مانع زاری می‌شود، با اینکه تو مرا به شکر امر کردی و از جانب خودت به من وعده‌ی افزایش نعمت دادی.

﴿۳۹۵۵﴾ بهترین شکر آن است که ضامن زیادتى باشد.

﴿۳۹۵۶﴾ خداوند سبحان یادکننده‌ی هرکسی است که او را یاد کند و عذاب‌کننده‌ی کسی است که نعمت‌هایش را کفران و ناسپاسی کند و افزایش‌دهنده بر کسی است که شکر او را به‌جای آورد. ﴿۳۹۵۷﴾ پروردگارا، توفیق شکر نعمت‌هایت را به من الهام کن فرما و مرا مستوجب دریافت نعمت بیشتر کن.

﴿۳۹۵۸﴾ و برای اوست که پرستیده شود و بندگی در برابر او سزاواراست و تنها از اوست امید به تمام کردن (نعمت) و زیادتى بخشیدن آن. فقط او را شکر می‌کنیم و او را می‌پرستیم و تکمیل شدن و اضافه شدن نعمت‌ها را از او امید داریم.

﴿۳۹۵۹﴾ کسی که نعمت خدا را بشناسد موجب افزایش نعمت از جانب خدا می‌شود حتی پیش از آنکه با زبان شکرگزاری کند.

﴿۳۹۶۰﴾ نعمت به شکر و شکر به افزایش نعمت پیوند خورده است و هردو همراه و از یک شاخه و به‌هم نزدیکند پس قطع نمی‌شود افزایش نعمت مگر آنکه شکر و سپاس از شکرگزار قطع شود. ﴿۳۹۶۱﴾ تو مرا به شکر امر کرده‌ای و در برابر شکرت به من وعده‌ی قدردانی و نیز وعده‌ی فزونی از جانب خویش را داده‌ای.

﴿۳۹۶۲﴾ خدایا، تو را ستایش، ستایشی که مرا به مقام خشنودی تو برساند، و بدان وسیله مراتب سپاسگزاری‌ات را انجام داده باشم، و شایسته‌ی فزونی کرم تو گردم.

﴿۳۹۶۳﴾ ای اسحاق، اگر خداوند به بنده‌ای نعمتی بدهد و او آن را شکر گزارد، به محض اینکه از سجده فارغ شود خداوند، به فرشتگان امر می‌کند که در دو جهان بر نعمت او افزوده شود.

﴿۳۹۶۴﴾ خداوند، حمد و ستایش مخصوص و شایسته‌ی توسل ستایشی که به‌وسیله‌ی آن به خشنودی‌ات برسم، و شکر تو را به‌جای آورده باشم، و سزاوار افزونی داده‌هایت شوم.

﴿۳۹۶۵﴾ سپاس‌خدایی را سزااست که با نعمت‌هایش به من غذا داد و فضلش را بر من تمام کرد و بدون اینکه از او درخواست کرده باشم و یا به‌واسطه‌ی انجام عمل نیکی مستوجب آن شده باشم به من روزی پاکیزه داد و شکرش را بر من واجب نمود درحالی که استحقاق فزونی نعمتش را نداشتم.

﴿۳۹۶۶﴾ شکرگزاری تو از خدا، باعث افزونی از جانب خدا و رحمتش می‌شود.

﴿۳۹۶۷﴾ به من گفت ای محمد، در مقابل این نعمت‌های من شکر و سپاسی بگزار که موجب افزایش نعمت شود؛ عرض کردم: خدایا، چه شکری بهترین شکر توسل؟ فرمود ای محمد، بهترین شکر انتشار فضل علی علیه السلام است و وادار نمودن پیروان به احترام او و شیعانش و اینکه

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

عَلَى تَعْظِيمِهِ وَتَعْظِيمِ شَيْعَتِهِ وَأَمْرُكَ إِيَّاهُمْ أَنْ لَا يَتَوَادُّوا إِلَّا فِيَّ وَلَا يَتَبَاغَضُوا إِلَّا فِيَّ وَلَا يُؤَالُوا وَلَا يُعَادُوا إِلَّا فِيَّ وَأَنْ يَنْصِبُوا الْحَرْبَ لِلْإِلَهِسَ وَغَنَاءَ مَرَدَّتِهِ الدَّاعِينَ إِلَى مُخَالَفَتِي وَأَنْ يَجْعَلُوا جَنَّتَهُمْ مِنْهُمْ الْعِدَاوَةَ لِأَعْدَاءِ مُحَمَّدٍ وَعَلَيٍّ وَأَنْ يَجْعَلُوا أَفْضَلَ سِلَاحِهِمْ عَلَى إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ تَفْضِيلَ مُحَمَّدٍ عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَتَفْضِيلَ عَلِيٍّ عَلَى سَائِرِ أُمَّتِهِ أَجْمَعِينَ وَاعْتِقَادَهُمْ بِأَنَّهُ الصَّادِقُ لَا يَكْذِبُ وَالْحَلِيمُ لَا يَجْهَلُ وَالْمُصِيبُ لَا يَعْفُلُ وَالَّذِي بِمَحَبَّتِهِ تَثْقُلُ مَوَازِينُ الْمُؤْمِنِينَ وَبِمُخَالَفَتِهِ تَخَفُ مَوَازِينُ النَّاصِبِينَ فَإِذَا هُمْ فَعَلُوا ذَلِكَ كَانَ إِبْلِيسُ وَجُنُودُهُ الْمَرْدَةُ أَحْسَأَ الْمَهْزُومِينَ وَ

أَضْعَفَ الضَّعِيفِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٢٤ ص: ٣٧٩

﴿٣٩٤٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَرَغَبُ إِلَيْكَ اللَّهُمَّ فِي شُكْرِ مَا أَنْطَقْتَنِي بِهِ مِنْ حَمْدِكَ فَمَا أَيْسَرَ مَا كَلَّفْتَنِي مِنْ ذَلِكَ وَأَعْظَمَ مَا وَعَدْتَنِي عَلَى شُكْرِكَ ابْتَدَأْتَنِي بِالنَّعَمِ فَضِلًّا وَطَوَّلًا وَأَمَرْتَنِي بِالشُّكْرِ حَقًّا وَعَدَلًا وَوَعَدْتَنِي عَلَيْهِ أَوْفَاءً وَمَزِيدًا؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٢٤٣

﴿٣٩٤٩﴾ الباقر عليه السلام: مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً فَشَكَرَهَا بِقَلْبِهِ إِلَّا اسْتَوْجَبَ الْمَزِيدَ قَبْلَ أَنْ يُظْهَرَ شُكْرُهُ عَلَى لِسَانِهِ؛ وسائل الشيعة ج: ١٦ ص: ٣١١

﴿٣٩٧٠﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: يَا عَلِيُّ أَوْصِيكَ بِالدُّعَاءِ فَإِنَّ مَعَهُ الْإِجَابَةَ وَبِالشُّكْرِ فَإِنَّ مَعَهُ الْمَزِيدَ؛ وسائل الشيعة ج: ٧ ص: ٢٩

﴿٣٩٧١﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: يَا مُحَمَّدُ قَابِلُ نِعْمَائِي عَلَيْكَ بِشُكْرِ الْمُتَمَرِّى لِلْمَزِيدِ؛ بحار الأنوار ج: ٢٤ ص: ٣٧٩

١٥-٢٠-١٠٥-٢-٥-١- مزِيدُهُ، مَزِيدُهَا، مَزِيدُكَ

﴿٣٩٧٢﴾ العسكري عليه السلام: يَا يَهُودِي اتَّقِ اللَّهَ وَتَهَنَّا بِعَافِيَةِ اللَّهِ إِيَّاكَ وَلَا تَتَعَرَّضْ لِلْبَلَاءِ وَلِمَا لَا تُطِيقُهُ وَقَابِلِ النِّعْمَةَ بِالشُّكْرِ فَإِنَّ مَنْ كَفَرَهَا سَلَبَهَا وَمَنْ شَكَرَهَا امْتَرَى مَزِيدَهَا؛ بحار الأنوار ج: ٩ ص: ٣٢٣

﴿٣٩٧٣﴾ الصادقين عليهم السلام: يُسْتَحَبُّ أَنْ يُزَادَ هَذَا الدُّعَاءُ فِي الْوُثْرِ الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا لِنِعْمَائِهِ وَاسْتِدْعَاءَ لِمَزِيدِهِ...؛ مصباح المتعجب ص: ١٥٦

﴿٣٩٧٤﴾ فَمَنْ يَشْكُرِ اللَّهَ يَلْقَ الْمَزِيدَ مَنْ يَكْفُرِ اللَّهَ يَلْقَ الْغَيْرَ

شرح نهج البلاغة ج: ١٤ ص: ٨١

﴿٣٩٧٥﴾ السجادة عليها السلام: فَذَكْرُوكَ وَشُكْرُوكَ وَدَعْوُوكَ وَتَصَدَّقُوا لَكُمْ طَلِبًا لِمَزِيدِكُمْ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ١٧٢

﴿٣٩٧٦﴾ فَإِنَّ مَنْ شَكَرَ النَّعْمَ اسْتَحَقَّ مَزِيدَهَا؛ تفسير الإمام عليه السلام ص: ٥٦٩

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

دستور دهی که محبت و علاقه و همچنین بغض و دشمنی به یکدیگر را فقط در راه خدا قرار دهند نه دوست بدارند و نه دشمن بدارند مگر در راه من، و آماده‌ی جنگ با شیطان و پیروان او باشند که به مخالفت با من دعوت می‌کنند و سپر خویش را در این مبارزه دشمنی با دشمنان محمد و علی قرار دهند و بهترین اسلحه در راه مبارزه با شیطان و سپاهش برتری‌دادن محمد است بر تمام پیامبران و برتری‌دادن علی را بر سایر امت و اعتقاد به اینکه پیامبر هرگز دروغ نمی‌گوید، او بردباری است که نادانی او را فرامی‌گیرد و پیوسته تمام کارهای او صحیح است و او غفلت ندارد و او کسی است که محبتش موجب سنگینی ترازوی عمل مؤمنین می‌شود و مخالفتش باعث سبکی ترازوی دشمنان می‌گردد؛ وقتی چنین کاری را می‌کنند شیطان و پیروان او از همه خوارتر و ذلیل‌تر می‌شوند.

﴿۳۹۶۸﴾ پروردگارا، من مایل و علاقمندم که در آنچه به لطف تو بر زبانم بر ستایش و سپاسگزاری‌اش گویا شده است، ادای شکر کرده باشم پس چه آسان است تکلیف تو به من، و چه بزرگ است آنچه در ازای ادای شکر به من وعده داده‌ای از سر لطف شروع به نعمت دادن به من کرده و بر مبنای عدالت درخواست شکر داشته‌ای و آنگاه بر همین شکر (که وظیفه بوده است) وعده‌ی چند برابر شدن نعمت داده‌ای.

﴿۳۹۶۹﴾ خداوند هیچ نعمتی را بر بنده‌ای ارزانی نداشته مگر آنکه بنده با شکر آن در دل، پیش از آشکارکردن آن به زبان، شایسته افزایش آن نعمت شده است.

﴿۳۹۷۰﴾ ای علی، تو را به دعا کردن وصیت می‌کنم، اجابت همراه آن است و تو را به شکر توصیه می‌کنم که همراه آن فزونی و زیادتی است.

﴿۳۹۷۱﴾ ای محمد، در مقابل نعمت‌های من شکر و سپاسی بگزار که موجب افزایش نعمت شود.

۱۵-۲۰-۱-۵-۲-۱-۵-افزونی

﴿۳۹۷۲﴾ ای یهودی، از خدا بپرهیز و قدر عافیت و سلامتی را بدان؛ مبادا خود را دچار بلا کنی و به استقبال بلا و گرفتاری بروی، این نعمت را با تشکر و سپاسگزاری پاسخ بده، هر که کفران نعمت کند از او گرفته می‌شود و هر کس سپاسگزار باشد نعمتش را می‌افزایند.

﴿۳۹۷۳﴾ مستحب است که این دعا در نماز وتر افزوده شود: "حمد خدا را به خاطر شکر نعمت‌هایش و نیز طلب فزونی نعمت‌های بیشتر... تا آخر دعا".

﴿۳۹۷۴﴾ هر کس خدا را شکر کند، افزایش نعمت را ملاقات خواهد کرد؛ و هر کس خدا را ناسپاسی کند، با تغییر و پس گرفته شدن نعمت مواجه می‌شود.

﴿۳۹۷۵﴾ تو را یاد کردند، سپاس گزارند و خواندند و برای دریافت نعمت بیشتر صدقه دادند.

﴿۳۹۷۶﴾ هر که نعمتی را شکر کند شایسته‌ی دریافت نعمت بیشتر است.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٣٩٧٧﴾ شُكْرُ النِّعْمَةِ يُقْضَى [يُنْفَضِي] بِمَزِيدِهَا وَيُوجِبُ تَجْدِيدَهَا؛ غررالحكم ص: ٢٧٩
 ﴿٣٩٧٨﴾ الصادق عليه السلام: إِيَّاكُمْ أَنْ تَمْدُوا أَطْرَافَكُمْ إِلَى مَا فِي أَيْدِي آبْنَاءِ الدُّنْيَا فَمَنْ مَدَّ طَرْفَهُ إِلَى ذَلِكَ طَالَ حُزْنُهُ وَلَمْ يَشْفِ غَيْظُهُ وَاسْتَصْغَرَ نِعْمَةُ اللَّهِ عِنْدَهُ فَيَقِلُّ شُكْرُهُ لِلَّهِ وَانْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَكَ فَتَكُونَ لِأَنْعَمِ اللَّهِ شَاكِرًا وَلِمَزِيدِهِ مُسْتَوْجِبًا وَلِجُودِهِ سَاكِبًا؛ مستدرک الوسائل ج: ٨ ص: ٣٣٧

﴿٣٩٧٩﴾ العسكري عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ شَاكِرًا لِنِعْمَائِهِ وَاسْتِدْعَاءً لِمَزِيدِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٢ ص: ٢٢٨
 ﴿٣٩٨٠﴾ شُكْرُ النِّعْمِ يُوجِبُ مَزِيدَهَا وَكُفْرُهَا بُرْهَانُ جُحُودِهَا؛ غررالحكم ص: ٢٧٩
 ﴿٣٩٨١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِبْتَدَأْتَنِي بِالنِّعَمِ فَضَّلًا وَطَوَّلًا وَأَمَرْتَنِي بِالشُّكْرِ حَقًّا وَعَدْلًا وَعَدَّتَنِي عَلَيْهِ أَضْعَافًا وَمَزِيدًا؛ مهج الدعوات ص: ١٢٩
 ١٦-٢٠-١٠٥-٥-١-يزده

﴿٣٩٨٢﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: مَنْ يَشْكُرِ اللَّهَ يَزِدْهُ اللَّهُ؛ بحار الأنوار ج: ٤٨ ص: ٤١
 ١٧-٢٠-١٠٥-٥-١-يزيد، يزيده، يزيدها، ليزيدك

﴿٣٩٨٣﴾ المسيح عليه السلام: يَزِيدُ مَنْ شَكَرَهُ إِنَّهُ شَاكِرٌ عَلَيْهِمْ؛ تحف العقول ص: ٥٠٦

﴿٣٩٨٤﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: مَنْ يَشْكُرُ يَزِيدُهُ اللَّهُ؛ الكافي ج: ٨ ص: ٨١

﴿٣٩٨٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: يَقُولُ لَهُ النَّبِيُّ ﷺ إِنْ كَانَ وَجَعًا يَا جَبْرِئِيلُ أَجِدْنِي وَجَعًا فَقَالَ لَهُ جَبْرِئِيلُ عليه السلام: أَعْلَمُ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ لَمْ يُشَدِّدْ عَلَيْكَ وَمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ أَكْرَمَ عَلَيْهِ مِنْكَ وَلَكِنَّهُ أَحَبُّ أَنْ يَسْمَعَ صَوْتِكَ وَدُعَاكَ حَتَّى تَلْقَاهُ مُسْتَوْجِبًا لِلدَّرَجَةِ وَالثَّوَابِ الَّذِي أَعَدَّ لَكَ وَالْكَرَامَةِ وَالْفَضِيلَةَ عَلَى الْخَلْقِ وَإِنْ قَالَ لَهُ النَّبِيُّ ﷺ أَجِدْنِي مُرَبِّحًا فِي عَافِيَةِ قَالَ لَهُ فَاحْمَدِ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ فَإِنَّهُ يُحِبُّ أَنْ تَحْمَدَهُ وَتَشْكُرَهُ لِيَزِيدَكَ إِلَى مَا أَعْطَاكَ خَيْرًا فَإِنَّهُ يُحِبُّ أَنْ يُحْمَدَ وَيَزِيدَ مَنْ شَكَرَ؛ بحار الأنوار ج: ٢٢ ص: ٥٣٢

﴿٣٩٨٦﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: عَلَيْكَ بِالشُّكْرِ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي النِّعْمَةِ؛ تحف العقول ص: ٣٥

﴿٣٩٨٧﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: عَلَيْكَ بِالشُّكْرِ يَزِيدُ فِي النِّعْمَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٧٤ ص: ١٣٩

﴿٣٩٨٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: فَاحْمَدِ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ فَإِنَّهُ يُحِبُّ أَنْ تَحْمَدَهُ وَتَشْكُرَهُ لِيَزِيدَكَ إِلَى مَا أَعْطَاكَ خَيْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٢٢ ص: ٥٣٢

﴿٣٩٨٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: شُكْرُ الْمُنْعَمِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ؛ وسائل الشيعة ج: ١٥ ص: ٣٤٧

﴿٣٩٩٠﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: يَزِيدُ مَنْ شَكَرَهُ؛ كشف الغممة ج: ١ ص: ١٧

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

٢٦-١٠٥-١-٥-١- المنع من تغيير النعمة

﴿٤٠٠١﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ اللَّهَ لَمْ يُعْطِ لِيَأْخُذْ وَلَوْ أَنْعَمَ عَلَى قَوْمٍ مَا أَنْعَمَ وَبَقُوا مَا بَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ مَا سَلَبَهُمْ تِلْكَ النِّعَمَ وَهُمْ لَهُ شَاكِرُونَ إِلَّا أَنْ يَتَحَوَّلُوا مِنْ شُكْرِ إِلَى كُفْرٍ وَمِنْ طَاعَةٍ إِلَى مَعْصِيَةٍ وَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ٣١

٢٧-١٠٥-١-٥-١- المنع من زوال النعمة

﴿٤٠٠٢﴾ أَشْكُرْ مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ وَأَنْعِمْ عَلَى مَنْ شَكَرَكَ فَإِنَّهُ لَا زَوَالَ لِلنِّعْمَةِ إِذَا شَكَرْتَ وَلَا بَقَاءَ لَهَا إِذَا كَفَرْتَ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٨

﴿٤٠٠٣﴾ السجاد ﷺ: بَنِي إِنِّي جَعَلْتُكَ خَلِيفَتِي مِنْ بَعْدِي لَا يَدْعِي فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَحَدٌ إِلَّا قَلَّدَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ طَوْقًا مِنْ نَارٍ فَاحْمَدِ اللَّهَ عَلَى ذَلِكَ وَاشْكُرْهُ يَا بَنِي أَشْكُرْ لِمَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ وَأَنْعِمْ عَلَى مَنْ شَكَرَكَ فَإِنَّهُ لَا تَزُولُ نِعْمَةٌ إِذَا شَكَرْتَ وَلَا بَقَاءَ لَهَا إِذَا كَفَرْتَ وَالشَّاكِرُ بِشُكْرِهِ أَسْعَدُ مِنْهُ بِالنِّعْمَةِ الَّتِي وَجَبَ عَلَيْهِ بِهَا الشُّكْرُ وَتَلَا عَلَى بَنِي الْحُسَيْنِ ﷺ: لَتُنْ شَكَرْتُمْ لِأَزِيدَنَّكُمْ وَلَتُنْ كَفَرْتُمْ إِنْ عَذَابِي لَشَدِيدٌ؛ بحار الأنوار ج: ٤٦ ص: ٢٣١

﴿٤٠٠٤﴾ الباقر ﷺ: مَا عَاشَ قَوْمٌ قَطُّ فِي غَضَارَةٍ مِنْ كَرَامَةِ نِعَمِ اللَّهِ فِي مَعَاشِ دُنْيَا وَلَا دَائِمٍ تَقَوَّى فِي طَاعَةِ اللَّهِ وَالشُّكْرِ لِنِعْمِهِ فَأَزَالَ ذَلِكَ عَنْهُمْ إِلَّا مِنْ بَعْدِ تَغْيِيرٍ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَتَحْوِيلٍ عَنْ طَاعَةِ اللَّهِ وَالْأَحَادِيثِ مِنْ ذُنُوبِهِمْ وَقِلَّةِ مُحَافَظَةِ وَتَرْكِ مُرَاقَبَةِ اللَّهِ جَلَّ وَعَزَّ وَتَهَاوُنِ بِشُكْرِ نِعْمَةِ اللَّهِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ؛ الكافي ج: ٨ ص: ٢٥٦

﴿٤٠٠٥﴾ الصادق ﷺ: مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ أَشْكُرْ مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ وَأَنْعِمْ عَلَى مَنْ شَكَرَكَ فَإِنَّهُ لَا زَوَالَ لِلنِّعْمَةِ إِذَا شَكَرْتَ وَلَا بَقَاءَ لَهَا إِذَا كَفَرْتَ وَالشُّكْرُ زِيَادَةٌ فِي النِّعَمِ وَأَمَانٌ مِنَ الْغَيْرِ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٤

﴿٤٠٠٦﴾ الباقر ﷺ: وَجَدَ مَكْتُوبًا فِي حِكْمَةِ آلِ دَاوُدَ وَاشْكُرْ لِمَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ وَأَنْعِمْ عَلَى مَنْ شَكَرَكَ فَإِنَّهُ لَا زَوَالَ لِلنِّعَمِ إِذَا شَكَرْتَ وَلَا إِقَامَةٌ إِذَا كَفَرْتَ وَالشُّكْرُ زِيَادَةٌ لِلنِّعَمِ وَأَمَانٌ مِنَ الْغَيْرِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٥٩

﴿٤٠٠٧﴾ الصادق ﷺ: أَشْكُرْ مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ وَأَنْعِمْ عَلَى مَنْ شَكَرَكَ فَإِنَّهُ لَا إِزَالَةَ لِلنِّعَمِ إِذَا شَكَرْتَ وَلَا إِقَامَةَ لَهَا إِذَا كَفَرْتَ وَالشُّكْرُ زِيَادَةٌ فِي النِّعَمِ وَأَمَانٌ مِنَ الْفَقْرِ؛ تحف العقول ص: ٣٥٩

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٤٠٠٨﴾ الصادق عليه السلام: لَا نَفَادَ لِفَائِدَةٍ إِذَا شُكِرَتْ وَلَا بَقَاءَ لِنِعْمَةٍ إِذَا كُفِرَتْ؛ الإرشاد ج: ١ ص: ٣٠٠

٢٨-١٠٥-٢-١-المنعُ من سلب النعمة

﴿٤٠٠٩﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ لَمْ يُعْطِ لِيَأْخُذْ وَلَوْ أَنْعَمَ عَلَى قَوْمٍ مَا أَنْعَمَ وَبَقُوا مَا بَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ مَا سَلَبَهُمْ تِلْكَ النِّعَمَ وَهُمْ لَهُ شَاكِرُونَ إِلَّا أَنْ يَتَحَوَّلُوا مِنْ شُكْرِ إِلَى كُفْرٍ وَمِنْ طَاعَةٍ إِلَى مَعْصِيَةٍ وَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ٣١

﴿٤٠١٠﴾ الصادق عليه السلام: كُلُّ نِعْمَةٍ يَحْرُسُهَا الشُّكْرُ لَا تُسَلَبُ؛ الصراط المستقيم ج: ١ ص: ٢٢٢
﴿٤٠١١﴾ صَيَّرَ الدِّينَ حِصْنَ دَوْلَتِكَ وَ الشُّكْرَ حِرْزَ نِعْمَتِكَ فَكُلَّ دَوْلَةٍ يَحُوطُهَا الدِّينُ لَا تُغْلَبُ وَ كُلَّ نِعْمَةٍ يَحْرُسُهَا الشُّكْرُ لَا تُسَلَبُ؛ غرر الحكم ص: ٣٤٣

٢٩-١٠٥-٢-١-الوصول بالنعمة

﴿٤٠١٢﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاصِلُ الْحَمْدُ بِالنِّعَمِ وَالنِّعَمُ بِالشُّكْرِ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٧ ص: ٢٥٠

١-٢٩-١٠٥-٢-١-الوصول بالنعمة الآخرة

﴿٤٠١٣﴾ الصادق عليه السلام: يَا إِلَهِي وَ تَرَزَّقْنِي الشُّكْرَ عَلَى مَا أَثْبَتَنِي وَ تَجْعَلَ ذَلِكَ تَمَامًا أَبَدًا مَا أَثْبَتَنِي حَتَّى تَصِلَ ذَلِكَ بِنِعْمٍ آخِرَةٍ؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٤٠
٢-١٠٥-٢-١-الإحسان

﴿٤٠١٤﴾ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ عَلَى وَرْدٍ فِي إِحْسَانِكَ وَ كَرَمِكَ إِلَيَّ؛ بحار الأنوار ج: ٩٨ ص: ٣٢٤

﴿٤٠١٥﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ ارْزُقْنَا حُسْنَ مُصَاحَبَتِهِ، وَ اعْصِمْنَا مِنْ سُوءِ مُفَارَقَتِهِ بَارِتْكَابِ جَرِيرَةٍ، أَوْ اقْتِرَافِ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ، وَ أَجْزَلُ لَنَا فِيهِ مِنَ الْحَسَنَاتِ، وَ أَخْلَى فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَ أَمْلَأْ لَنَا مَا بَيْنَ طَرَفَيْهِ حَمْدًا وَ شُكْرًا وَ أَجْرًا وَ ذُخْرًا وَ فَضْلًا وَ إِحْسَانًا؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٤٨

٣-١٠٥-٢-١-الإصطناع

﴿٤٠١٦﴾ أَوْلَى النَّاسِ بِالْإِصْطِنَاعِ مَنْ إِذَا مُطِلَّ صَبَرَ وَ إِذَا مُنِعَ عَذَرَ وَ إِذَا أُعْطِيَ شَكَرَ؛ غرر الحكم ص: ٣٨٧

٤-١٠٥-٢-١-البر

﴿٤٠١٧﴾ مَنْ أَدَامَ الشُّكْرَ اسْتَدَامَ الْبِرُّ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٧

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۴۰۸﴾ هر بهره‌ای که به انسان برسد و شکر آن به‌جا آورده شود از میان نخواهد رفت. و هر نعمتی که ناسپاسی شود باقی نخواهد ماند.

۱-۵-۲-۱۰۵-۱-۲۸- جلوگیری از گرفته شدن نعمت

﴿۴۰۹﴾ خداوند نعمتی به مردم نداده که از آنان بازپس بگیرد پس نعمت‌هایش، تا زمانی که شب و روز باقی است باقی می‌ماند، مگر اینکه کفران نعمت کنند و از اطاعت خدا روی بگردانند. و آیهی شریفه به همین مفهوم اشاره دارد: "خداى مهربان حال و نعمت مردم را دگرگون نخواهد کرد، مگر اینکه خود آن مردم حالشان را تغییر دهند.

﴿۴۱۰﴾ هر نعمتی را که شکر محافظت کند گرفته نمی‌شود.

﴿۴۱۱﴾ بگردان دینداری را پناهگاه امن دولت خود، و شکر را (نگهدارنده) پشتیبان معنوی نعمت خود، پس هر دولتی که حفظ کند آن را (دینداری)، مغلوب نمی‌شود، و هر نعمتی را که نگهداری از آن کند به‌وسیله‌ی شکر، ربوده نمی‌شود.

۱-۵-۲-۱۰۵-۱-۲۹- رسیدن به نعمت

﴿۴۱۲﴾ حمد و سپاس سزاوار خداوندی است که حمد را به نعمت‌ها و نعمت‌ها را به شکر پیوند داده است

۱-۵-۲-۱۰۵-۱-۲۹-۱- دست یافتن به نعمت اخروی

﴿۴۱۳﴾ خدایا، به من در برابر آزمایش‌هایی که از من به‌عمل می‌آوری شکر عطا کن و آن را کامل و همیشگی تا زمانی که مرا زنده می‌داری برقرار بدار، تا جایی که آن را به نعمت‌های آخرت پیوند دهی.

۱-۵-۲-۱۰۵-۲- نیکی کردن

﴿۴۱۴﴾ پروردگارا، شکر نعمت را روزی‌ام گردان و احسان و کرم را بر من فرونی بخش.

﴿۴۱۵﴾ خدایا، بر محمد ﷺ و خاندانش درود فرست، و همراه خوبی بودن با این روز را نصیب ما گردان، و ما را از بدجدا شدن از آن بر اثر نافرمانی یا به‌جا آوردن گناه کوچک یا بزرگ، مصون نگهدار. و در این روز بر نیکی‌های ما بیافزا، و از بدی‌ها تهی‌مان ساز، و دو طرف (اول تا آخر) آن را برای ما از ستایش و سپاس و پاداش و اندوخته (برای آخرت) و بخشش و نیکی لبریز کن.

۱-۵-۲-۱۰۵-۳- احسان

﴿۴۱۶﴾ سزاوارترین مردم به احسان به او کسی است که هرگاه در وعده‌ای که به او شده تاخیر شود، صبر کند، و هرگاه، چیزی به او ندهند معذور دارد، و هرگاه به او عطا شود شکر کند.

۱-۵-۲-۱۰۵-۴- نیکی

﴿۴۱۷﴾ هر که بر شکر مداوم داشته باشد خدا بر ارسال نیکی به او تداوم خواهد داشت.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

٥-١٠٥-١-٥-٢-١- جُودُ اللَّهِ

﴿٤٠١٨﴾ الصادق عليه السلام: إِيَّاكُمْ أَنْ تَمْدُوا أَطْرَافَكُمْ إِلَى مَا فِي أَيْدِي أِبْنَاءِ الدُّنْيَا فَمَنْ مَدَّ طَرَفَهُ إِلَى ذَلِكَ طَالَ حُزْنُهُ وَلَمْ يَشْفِ غَيْظُهُ وَاسْتَصْغَرَ نِعْمَةُ اللَّهِ عِنْدَهُ فَيَقِلُّ شُكْرُهُ لِلَّهِ وَانْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَكَ فَتَكُونَ لِأَنْعَمِ اللَّهِ شَاكِرًا وَلِمَزِيدِهِ مُسْتَوْجِبًا وَلِجُودِهِ سَاكِبًا؛ مستدرک الوسائل ج: ٨ ص: ٣٣٧

٦-١٠٥-٢-١- الحَبَاءُ

﴿٤٠١٩﴾ الجواد عليه السلام: يَا مَنْ دَعَا الْمُضْطَرُّونَ فَأَجَابَهُمْ وَالتَّجَا إِلَى الْخَائِفُونَ فَأَمَنَهُمْ وَعَبَدَهُ الطَّائِعُونَ فَشَكَرَهُمْ وَشَكَرَهُ الْمُؤْمِنُونَ فَحَبَّاهُمْ وَأَطَاعُوهُ فَعَصَمَهُمْ وَسَأَلُوهُ فَأَعْطَاهُمْ وَنَسُوا نِعْمَتَهُ فَلَمْ يَخُلْ شُكْرُهُ مِنْ قُلُوبِهِمْ وَآمَنَّا عَلَيْهِمْ فَلَمْ يَجْعَلِ اسْمَهُ مَنَسِيًّا عِنْدَهُمْ؛ المصباح للكفعمي ص: ١٤٢

٧-١٠٥-٢-١- حَسَنَةُ الدُّنْيَا

﴿٤٠٢٠﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: مَنْ أُوتِيَ قَلْبًا شَاكِرًا وَزَوْجَةً صَالِحَةً تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ دُنْيَاهُ وَآخِرَتِهِ فَقَدْ أُوتِيَ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَفِي عَذَابِ النَّارِ فَقَدْ عَذَّبَ النَّارَ؛ فقه القرآن ج: ١ ص: ٢٩٩

٨-١٠٥-٢-١- الرَّحْمَةُ

﴿٤٠٢١﴾ الحجة عليه السلام: شُكْرُكَ لِلَّهِ ذُو مَزِيدِ اللَّهِ وَرَحْمَتِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٣٦
﴿٤٠٢٢﴾ الصادق عليه السلام: بَارِكْ لِي فِي جَمِيعِ مَا أَنَا فِيهِ بِرَكَّةٍ تَرْحِمُ بِهَا شُكْرِي وَتَرْحِمُنِي وَتَرْضَى عَنِّي؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ١٣٥

﴿٤٠٢٣﴾ الصادق عليه السلام: سَجْدَةُ الشُّكْرِ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ تُتِمُّ بِهَا صَلَاتُكَ وَتَرْضَى بِهَا رَبُّكَ وَتَعْجَبُ الْمَلَائِكَةُ مِنْكَ وَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا صَلَّى ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ فَتَحَّ الرَّبُّ تَعَالَى الْحِجَابَ بَيْنَ الْعَبْدِ وَبَيْنَ الْمَلَائِكَةِ فَيَقُولُ يَا مَلَأَيْكِي انْظُرُوا إِلَى عَبْدِي أَدَّى قُرْبَتِي وَآتَمَّ عَهْدِي ثُمَّ سَجَدَ لِي شُكْرًا عَلَى مَا أَنْعَمْتُ بِهِ عَلَيْهِ مَلَائِكَتِي مَا ذَا لَهُ قَالَ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا رَحِمْتُكَ ثُمَّ يَقُولُ الرَّبُّ تَعَالَى ثُمَّ مَا ذَا لَهُ قَالَ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا جَنَّتَكَ فَيَقُولُ الرَّبُّ تَعَالَى ثُمَّ مَا ذَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا كَفَايَهُ مُهِمَّهُ فَيَقُولُ الرَّبُّ تَعَالَى ثُمَّ مَا ذَا فَلَا يَبْقَى شَيْءٌ مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا قَالَتْهُ الْمَلَائِكَةُ فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى يَا مَلَائِكَتِي ثُمَّ مَا ذَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا لَا عِلْمَ لَنَا فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى لَا شُكْرَ نَهْ كَمَا شَكَرْنِي وَأَقْبَلْ إِلَيَّ بِفَضْلِي وَأُرِيهِ رَحْمَتِي؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٣٣٣

٩-١٠٥-٢-١- الرِّزْقُ

﴿٤٠٢٤﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: أَشْكُرُ تَرْزُقُ وَلَا تَكْفُرُ فَنُعَذِّبُ؛ بحار الأنوار ج: ٣٥ ص: ١٥١

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۵-۱۰-۲-۱-۵-بخشندگی خداوند

﴿۴۰۱۸﴾ از چشم‌داشت به آنچه دنیاداران دارند پرهیزید، که هر که چنین کند اندوهش زیاد شود و خشمش فروکش نکند و نعمت خدا در برابرش ناچیز به‌شمار آید و شکرش برای خدا کم شود، (در امور دنیا) به زیردستان بنگر تا قدر نعمت خدا را بشناسی و (با شکرگزاری) موجب افزون‌شدن آن (نعمت) شوی، و دریافت‌کننده‌ی عطایای الهی شوی.

۶-۱۰-۲-۱-۵-عطا

﴿۴۰۱۹﴾ ای کسی که بیچارگان او را صدا زدند و او پاسخشان داد و بیمناکان به او پناه بردند و او امانشان داد و فرمان‌برداران او را پرستیدند و او از آن‌ها سپاسگزاری کرد و مؤمنان او را شکر کردند و او به آن‌ها بخشید، او را اطاعت کردند و او آن‌ها را محافظت نمود و از او درخواست کردند و او به آن‌ها عطا کرد و نعمت‌هایش را فراموش کردند و او دل‌های آن‌ها را از شکرش بی‌بهره نمود و بر آن‌ها منت گذاشت و نامش را نزد آن‌ها به فراموشی نسپرد.

۷-۱۰-۲-۱-۵-خیر دنیا

﴿۴۰۲۰﴾ هر کس که به او قلبی سرشار از شکرگزاری و همسری صالح و درست کار عطا شود که در امور دنیا و آخرت یاورش باشد، به تحقیق به او در دنیا و آخرت حسنه و نیکویی بخشیده شده است و همچنین از عذاب آتش دور نگاه داشته می‌شود.

۸-۱۰-۲-۱-۵-رحمت

﴿۴۰۲۱﴾ شکرگزاری تو از خدا، باعث افزونی از جانب خدا و رحمتش می‌شود.
﴿۴۰۲۲﴾ در همه‌ی کارهایم بر من برکت نازل کن، برکتی که با آن سپاسگزاری‌ام را با مهربانی بپذیری، به من رحم کنی و از من راضی شوی
﴿۴۰۲۳﴾ سجده‌ی شکر بر هر مسلمانی واجب است، به گونه‌ای که نمازت را با آن کامل و رضایت پروردگارت را به دست می‌آوری، و فرشتگان را به شگفتی وامی‌داری، و بدون شک هرگاه بنده نماز بگذارد و پس از فراغ در پی آن به سجده‌ی شکر رود، پروردگار متعال حجاب میان او و فرشتگان را برمی‌دارد، و به آنان خطاب کند: بنگرید به‌سوی بنده‌ی من که وظیفه‌ی واجب خویش را انجام داده و به پیمان من وفا نموده، و به شکرانه‌ی برخورداری از لطف من در مقابل به سجده افتاده است، اکنون بگویید چه پاداشی به او بدهم؟ فرشتگان گویند: ای پروردگار ما، پاداش او رحمت توست، خداوند متعال فرماید: دیگر چه؟ گویند: خداوند، بهشت تو، باز خداوند می‌پرسد دیگر چه پاداشی دارد؟ گویند: آنکه گرفتاری‌های او را برطرف سازی، باز خداوند می‌پرسد: دیگر چه؟ امام علیه السلام فرمود: چیزی باقی نماند مگر آنکه فرشتگان آن را نام می‌برند، باز خداوند تکرار فرماید: دیگر چه؟ آن‌ها گویند: خدایا، فهم ما بیشتر از این نیست، آنگاه خداوند متعال گوید: آنکه من از او تشکر می‌کنم همان‌طور که او مرا شکر نمود، و با فضل خود به او رو کنم، و از رحمت خویش برخوردارش سازم.

۹-۱۰-۲-۱-۵-روزی

﴿۴۰۲۴﴾ سپاسگزار باش تا روزی داده شوی و کفران نعمت نکن که در این صورت عذاب خواهی شد

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١٠-١٠٥-٢-١-٥-١-الْعَطَاءُ

﴿٤٠٢٥﴾ السَّجَادُ عليه السلام: مَنْ شَكَرَ اللَّهَ أَعْطَاهُ فِيمَا أَنْعَمَ عَلَيْهِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ١٦٠
 ﴿٤٠٢٦﴾ اللَّهُمَّ ارْفَعْ مُحَمَّدًا فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ فَوْقَ مَنَازِلِ الْمُرْسَلِينَ وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَجَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ اجْزِهِمْ بِشُكْرِ نِعْمَتِكَ وَتَعْظِيمِ حُرْمَتِكَ جَزَاءً لَا جَزَاءَ فَوْقَهُ وَعَطَاءً لَا عَطَاءَ مِثْلُهُ وَخُلُودًا لَا خُلُودَ يُشَاكِلُهُ وَلَا يَطْمَعُ أَحَدٌ فِي مِثْلِهِ وَلَا يَقْدِرُ أَحَدٌ قَدْرَهُ وَلَا تَهْنِدِي الْأَلْبَابُ إِلَى طَلَبِهِ نِعْمَةً لِمَا شَكَرُوا مِنْ أَيَادِيكَ وَإِرْصَادًا لِمَا صَبَرُوا عَلَى الْآذَى فِيكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٦ ص: ٣٣٨

﴿٤٠٢٧﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: إِنَّ فَقِيرًا سَأَلَ الصَّادِقَ عليه السلام فَقَالَ: لِعَبْدِهِ مَا عِنْدَكَ قَالَ أَرْبَعُمِائَةِ دِرْهَمٍ قَالَ أَعْطِهِ إِيَّاهَا فَأَعْطَاهُ فَأَخَذَهَا وَوَلَّى شَاكِرًا فَقَالَ لِعَبْدِهِ أَرْجِعْهُ فَقَالَ يَا سَيِّدِي سَأَلْتُ فَأَعْطَيْتَ فَمَاذَا بَعْدَ الْعَطَاءِ فَقَالَ لَهُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ خَيْرُ الصَّدَقَةِ مَا أَتَيْتَ غَنَى وَأَنَا لَمْ نَغْنِكَ فَخَذْتُ هَذَا الْخَاتَمَ فَقَدْ أُعْطِيتُ فِيهِ عَشْرَةُ آلَافٍ دِرْهَمٍ فَإِذَا اخْتَجْتَ فَبِعْهُ بِهَذِهِ الْقِيَمَةِ؛ مستدرک الوسائل ج: ٧ ص: ١٧٧

١١-١٠٥-٢-١-٥-١-الْغِنَى

﴿٤٠٢٨﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: لَا تَشْغَلْنِي فِيهَا عَنْ شُكْرِ نِعْمَتِكَ عَلَى بَاكِنَارٍ مِنْهَا فَتُلهِيَنِي عَجَائِبُ بَهْجَتِهِ وَتَفْتِنَنِي زَهْرَاتُ زِينَتِهِ وَلَا يَأْقِلَالُ مِنْهَا فَيَقْصُرَ بَعْمَلِي كَدُّهُ وَيَمْلَأَ صَدْرِي هَمُّهُ بَلْ أَعْطِنِي مِنْ ذَلِكَ غَنَى مِنْ شِرَارِ خَلْقِكَ وَبَلَاغًا أَنَالُ بِهِ رِضْوَانَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٣٣٨
 ١٢-١٠٥-٢-١-٥-١-الْفَضْلُ وَالتَّفَضُّلُ

﴿٤٠٢٩﴾ الصَّادِقِينَ عليهم السلام: اللَّهُمَّ مِنْكَ النِّعْمَةُ وَأَنْتَ تَرْزُقُ شُكْرَهَا وَتَوَابَ مَا تَفَضَّلْتَ بِهِ مِنْهَا؛ مصباح المتعجد ص: ١٧٢

﴿٤٠٣٠﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَارْزُقْنَا حُسْنَ مُصَاحَبَتِهِ، وَاعْصِمْنَا مِنْ سُوءِ مُفَارَقَتِهِ بَارِئِينَ كَابِ جَرِيرَةٍ، أَوْ اقْتِرَافِ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ، وَاجْزِلْ لَنَا فِيهِ مِنَ الْحَسَنَاتِ، وَاخْلُنا فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَامْلَأْ لَنَا مَا بَيْنَ طَرَفَيْهِ حَمْدًا وَشُكْرًا وَاجْرًا وَذُخْرًا وَفَضْلًا وَإِحْسَانًا؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٤٨

﴿٤٠٣١﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: سَجْدَةُ الشُّكْرِ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ تَتِمُّ بِهَا صَلَاتُكَ وَتُرْضَى بِهَا رَبِّكَ وَتَعْجَبُ الْمَلَائِكَةُ مِنْكَ وَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا صَلَّى ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ فَتَحَّ الرَّبُّ تَعَالَى الْحِجَابَ بَيْنَ الْعَبْدِ وَبَيْنَ الْمَلَائِكَةِ فَيَقُولُ يَا مَلَائِكَتِي انظُرُوا إِلَى عَبْدِي آدَى قُرْبَتِي وَأَتَمَّ عَهْدِي ثُمَّ سَجَدَ لِي شُكْرًا

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۱۰-۱۰۵-۲-۱-۵-عطا

﴿۴۰۲۵﴾ هر که شکر کند خداوند از آنچه بر او بخشیده، عطا میکند.
 ﴿۴۰۲۶﴾ بارخدا، با رحمت محمد ﷺ را در بهترین جایگاهها قرار ده در مقامی برتر از مقام پیامبران و فرشتگان مقرب و برتر از مقام پیامبران و آفریدگان برگزیده‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان، خدایا، به خاطر شکر نعمت‌ها و بزرگداشت حرمت‌هایت به آنان پاداشی ده که بالاتر از آن پاداشی نبوده و عطایی که مثل آن عطایی نباشد و بقایی به آنان ده که هیچ بقایی نظیر آن نباشد و هیچ کس حتی به چیزی شبیه آن هم طمع نکند و اندازه‌اش را کسی نداند و خردها به طلب و درخواست آن راه نبرد، نعمتی به خاطر شکری که در مقابل نعمت‌های تو به‌جا آوردند و نیز به خاطر اینکه منتظر بودند که در راه تو آزارها را تحمل کنند.

﴿۴۰۲۷﴾ فقیری از حضرت صادق علیه السلام درخواستی کرد، امام به غلام خود فرمود: چقدر پیش تو هست؟ عرض کرد چهارصد درهم، فرمود: به او بده، آن مرد پول را گرفت و با سپاس و تشکر رفت. امام به غلام خود فرمود برو او را برگردان. وقتی برگشت عرض کرد آقا من تقاضایی کردم و شما لطفی فرمودید دیگر بالاتر از بخشش چیست؟ فرمود پیامبر اکرم فرموده است بهترین صدقه آن است که شخص را بی‌نیاز کند ولی ما تو را بی‌نیاز نکردیم، اینک انگشت مرا که ده هزار درهم است بگیر هر وقت احتیاج پیدا کردی به همین مبلغ بفروش.

۱۱-۱۰۵-۲-۱-۵-بی‌نیازی

﴿۴۰۲۸﴾ به واسطه‌ی زیادی نعمت مرا از شکر آن بازدار، و مبادا زیبایی‌های آن مرا به خود سرگرم سازد، و درخشندگی شکوفه‌هایش مرا فریب دهد (یا گمراه سازد) و نیز مرا به کمی نعمت دچار مساز که رنج به‌دست آوردن آن مرا از اعمال و عباداتم بازدارد و اندوه به‌دست آوردنش سینه‌ام را فراگیرد و بفشارد، بلکه به من بی‌نیازی به بندگان بدکارت ببخش و مرا به رضایت خرسندی‌ات برسان.

۱۲-۱۰۵-۲-۱-۵-لطف و احسان

﴿۴۰۲۹﴾ پروردگارا، نعمت از جانب توست و تو شکر آن و نیز پاداش آن شکر را به ما روزی می‌کنی.

﴿۴۰۳۰﴾ خدایا، بر محمد ﷺ و خاندانش درود فرست، و همراه خوبی بودن با این روز را نصیب ما گردان، و ما را از بدجدا شدن از آن بر اثر نافرمانی یا به‌جا آوردن گناه کوچک یا بزرگ، مصون نگهدار. و در این روز بر نیکی‌های ما بیافزا، و از بدی‌ها تهی‌مان ساز، و دو طرف (اول تا آخر) آن را برای ما از ستایش و سپاس و پاداش و اندوخته (برای آخرت) و بخشش و نیکی لبریز کن.

﴿۴۰۳۱﴾ سجده‌ی شکر بر هر مسلمانی واجب است، به گونه‌ای که نمازت را با آن کامل و رضایت پروردگارت را به دست می‌آوری، و فرشتگان را به شگفتی وامی‌داری، و بدون شک هرگاه بنده نماز بگزارد و پس از فراغ در پی آن به سجده‌ی شکر رود، پروردگار متعال حجاب میان او و فرشتگان را برمی‌دارد، و به آنان خطاب کند: بنگرید به‌سوی بنده‌ی من که وظیفه‌ی واجب خویش را انجام داده و به پیمان من وفا نموده، و به شکرانه‌ی برخوردارگی از لطف من در مقابل به سجده افتاده است، اکنون بگویید چه پاداشی به او بدهم؟ فرشتگان گویند: ای پروردگار ما، پاداش او رحمت توست، خداوند متعال فرماید: دیگر چه؟ گویند: خداوند، بهشت تو، باز خداوند

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

عَلَى مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِ مَلَائِكَتِي مَاذَا لَهُ قَالَ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا رَحِمْتُكَ ثُمَّ يَقُولُ الرَّبُّ تَعَالَى ثُمَّ مَاذَا لَهُ قَالَ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا جَنَّتْكَ فَيَقُولُ الرَّبُّ تَعَالَى ثُمَّ مَاذَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا كِفَايَةُ مُهِمِّهِ فَيَقُولُ الرَّبُّ ثُمَّ مَاذَا فَلَا يَبْقَى شَيْءٌ مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا قَالَتْهُ الْمَلَائِكَةُ فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى يَا مَلَائِكَتِي ثُمَّ مَاذَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا لَا عِلْمَ لَنَا فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى لَا شُكْرَ لَهُ كَمَا شَكَرْنِي وَأَقْبِلْ إِلَيْهِ بِفَضْلِي وَأَرِيهِ رَحْمَتِي؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٣٣٣

١٠٥-١٠٥-١-١-المطر

﴿٤٠٣٢﴾ الصادق عليه السلام: فَقَالَ يَا سَحَابَةُ تَعَالَى فَبَاءَ تَهْ فَقَالَ آيْنُ تَرِيدِينَ قَالَتْ أُرِيدُ أَرْضَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فَقَالَ أَحْمِلِي هَذَا حَمْلَ رَفِيقٍ وَضَعِيهِ فِي أَرْضِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ وَضَعَا رَفِيقًا قَالَ فَلَمَّا بَلَغَ مُوسَى بِلَادَهُ قَالَ يَا رَبِّ بِمَا بَلَغْتَ هَذَا مَا أَرَى قَالَ إِنَّ عَبْدِي هَذَا يَصْبِرُ عَلَى بَلَائِي وَيَرْضَى بِقَضَائِي وَيَشْكُرُ نِعْمَائِي؛ مستدرک الوسائل ج: ١٥ ص: ٤٨٤

١٠٥-١٠٥-٢-١-النعم الأخرى خاصة

١٠٥-١٠٥-٢-١-البقاء

﴿٤٠٣٣﴾ الشُّكْرُ أَكْبَرُ قَدْرًا مِنَ الْمَعْرُوفِ لِأَنَّ الشُّكْرَ يَبْقَى وَالْمَعْرُوفَ يَفْنَى؛ غرر الحكم ص: ٢٧٧

١٠٥-١٠٥-٢-١-الجنة

﴿٤٠٣٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا نِعْمَةً مَشْكُورَةً تَصِلُ بِهَا نِعْمَةُ الْجَنَّةِ؛ بحار الأنوار ج: ٦٣ ص: ٣٨٠

﴿٤٠٣٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَنْ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا رُفِعَتِ الْمَائِدَةُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ قَالَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا نِعْمَةً مَحْضُورَةً مَشْكُورَةً مَوْصُولَةً بِالْجَنَّةِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٦ ص: ٢٧٨

﴿٤٠٣٦﴾ طُوبَى لِعَبْدٍ جَاعَ وَصَبَرَ وَشَبِعَ فَشَكَرَ كَيْفَ يَنْغِمِسُ فِي الْجَنَّةِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٦ ص: ٢١٨

﴿٤٠٣٧﴾ الصادق عليه السلام: سَجْدَةُ الشُّكْرِ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ تَتِمُّ بِهَا صَلَاتُكَ وَتَرْضَى بِهَا رَبِّكَ وَتَعْجَبُ الْمَلَائِكَةُ مِنْكَ وَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا صَلَّى ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ فَتَحَّ الرَّبُّ تَعَالَى الْحِجَابَ بَيْنَ الْعَبْدِ وَبَيْنَ الْمَلَائِكَةِ فَيَقُولُ يَا مَلَائِكَتِي انظُرُوا إِلَى عَبْدِي أَدَى قُرْبَتِي وَأَتَمَّ عَهْدِي ثُمَّ سَجَدَ لِي شُكْرًا عَلَى مَا أَنْعَمْتُ بِهِ عَلَيْهِ مَلَائِكَتِي مَاذَا لَهُ قَالَ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا رَحِمْتُكَ ثُمَّ يَقُولُ الرَّبُّ تَعَالَى ثُمَّ مَاذَا لَهُ قَالَ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا جَنَّتْكَ فَيَقُولُ الرَّبُّ تَعَالَى ثُمَّ مَاذَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا كِفَايَةُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

می پرسد دیگر چه پاداشی دارد؟ گویند: آنکه گرفتاری های او را برطرف سازی، باز خداوند می پرسد: دیگر چه؟ امام علیه السلام فرمود: چیزی باقی نماند مگر آنکه فرشتگان آن را نام می برند، باز خداوند تکرار فرماید: دیگر چه؟ آن ها گویند: خدایا، فهم ما بیشتر از این نیست، آنگاه خداوند متعال گوید: آنکه من از او تشکر می کنم همان طور که او مرا شکر نمود، و با فضل خود به او رو کنم، و از رحمت خویش برخوردارش سازم.

۱۳-۱۰۵-۲-۱-۵-باران

﴿۴۰۳۲﴾ گفت: ای ابر بیا و آمد، به او گفت: قصد کجا داری؟ گفت فلان زمین، گفت: برو، پاره ای ابر دیگری آمد و او را پیش خواند و گفت: به کجا می روی؟ گفت: به سرزمین موسی بن عمران، گوید، به او گفت: این را با آرامش ببر و با نرمی در زمین موسی بن عمران قرار بده. چون موسی به سرزمین خود رسید گفت: پروردگارا، به واسطه ی چه عملی او را به این مقام رساندی که می بینم؟ خدا فرمود: این بنده ی من بر بلایم شکبیا و به قضایم راضی است، و شکر نعمت هایم را به جا می آورد.

۱۴-۱۰۵-۲-۱-۵-نعمت های خاص اخروی

۱-۱۴-۱۰۵-۲-۱-۵-جاودانگی

﴿۴۰۳۳﴾ ارزش شکر بیش از ارزش کار نیک است؛ زیرا که شکر باقی می ماند و کار نیک از بین می رود.

۲-۱۴-۱۰۵-۲-۱-۵-بهشت

﴿۴۰۳۴﴾ خداوند، مرا شاکر نعمت این سفره قرار ده به گونه ای که به نعمت بهشت وصل شود. ﴿۴۰۳۵﴾ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چون سفره را برمی چیدند چنین دعا می کرد: پروردگارا، قرار بده آن را نعمتی آماده، پذیرفته شده و رساننده به بهشت قرار ده. ﴿۴۰۳۶﴾ خوشا به حال بنده ای که اگر گرسنه بماند صبر پیشه کند و اگر سیر شود شکر کند. باید دید چگونه در نعمات بهشتی غوطه ور خواهد بود.

﴿۴۰۳۷﴾ سجده ی شکر بر هر مسلمانی واجب است، به گونه ای که نمازت را با آن کامل و رضایت پروردگارت را به دست می آوری، و فرشتگان را به شگفتی وامی داری، و بدون شک هرگاه بنده نماز بگزارد و پس از فراغ در پی آن به سجده ی شکر رود، پروردگار متعال حجاب میان او و فرشتگان را برمی دارد، و به آنان خطاب کند: بنگرید به سوی بنده ی من که وظیفه ی واجب خویش را انجام داده و به پیمان من وفا نموده، و به شکرانه ی برخوردار از لطف من در مقابل به سجده افتاده است، اکنون بگویید چه پاداشی به او بدهم؟ فرشتگان گویند: ای پروردگار ما، پاداش او رحمت توست، خداوند متعال فرماید: دیگر چه؟ گویند: خداوند، بهشت تو، باز خداوند می پرسد دیگر چه پاداشی دارد؟ گویند: آنکه گرفتاری های او را برطرف سازی، باز خداوند می پرسد: دیگر چه؟ امام علیه السلام فرمود: چیزی باقی نماند مگر آنکه فرشتگان آن را نام می برند، باز

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

مُهِمَّهُ فَيَقُولُ الرَّبُّ ثُمَّ مَاذَا فَلَا يَبْقَى شَيْءٌ مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا قَالَتْهُ الْمَلَائِكَةُ فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى يَا مَلَائِكَتِي ثُمَّ مَاذَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا لَا عِلْمَ لَنَا فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى لَا شُكْرَ لَهُ كَمَا شُكِرْنِي وَأَقْبَلُ إِلَيْهِ بِفَضْلِي وَأُريهِ رَحْمَتِي؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٣٣٣

﴿٤٠٣٨﴾ الرسول ﷺ: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ وَغُرِضَتِ الْخَلَائِقُ فِي الْمَوْقِفِ يُنَادِي مُنَادٍ مِنْ قَبْلِ رَبِّ الْعِزَّةِ نِدَاءً يَسْمَعُهُ أَهْلُ الْجَمْعِ كُلُّهُمْ لِيَقُمَ الَّذِينَ كَانَتْ تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ فَتَقُومُ شِرْذِمَةٌ قَلِيلَةٌ ثُمَّ يُنَادِي الْمُنَادِي لِيَقُمَ الَّذِينَ كَانُوا يَشْكُرُونَ اللَّهُ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ فَتَقُومُ شِرْذِمَةٌ قَلِيلَةٌ فَيَذْهَبُ بِالْفَرِيقَيْنِ إِلَى الْجَنَّةِ ثُمَّ يَأْمُرُ اللَّهُ تَعَالَى بِحِسَابِ الْخَلَائِقِ؛ مستدرک الوسائل ج: ٦ ص: ٣٣٩

١-٥-٢-١٠٥-١٤-٢-١ الدُّخُولُ مِنْ بَابِ الشُّكْرِ

﴿٤٠٣٩﴾ الرسول ﷺ: وَأَمَّا بَابُ الشُّكْرِ فَإِنَّهُ مِنْ يَاقُوتَةٍ بَيضَاءَ لَهَا مِصْرَاعَانِ مَسِيرَةٌ مَا بَيْنَهُمَا مَسِيرَةٌ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ لَهُ ضَجِيجٌ وَحَنِينٌ يَقُولُ اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي بَاهِلِي قَالَ قُلْتُ هَلْ يَتَكَلَّمُ الْبَابُ قَالَ نَعَمْ يُنْطِقُهُ اللَّهُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٢٩٥

٢-٥-٢-١٠٥-١٤-٢-٢ الْحَدِيقَةُ الثَّانِيَّةُ

﴿٤٠٤٠﴾ الصادق ﷺ: فَإِذَا شَكَرَ اللَّهُ وَحَمِدَهُ قِيلَ لَهُ ارْفَعْ رَأْسَكَ إِلَى الْحَدِيقَةِ الثَّانِيَةِ فَفِيهَا مَا لَيْسَ فِي الْأُولَى؛ بحار الأنوار ج: ٨ ص: ١٢٠

٣-٥-٢-١٠٥-١٤-٢-٣ دَرَجَةٌ

﴿٤٠٤١﴾ الصادق ﷺ: أَيُّمَا مُؤْمِنٍ سَجَدَ سَجْدَةً لِشُكْرِ نِعْمَةٍ فِي غَيْرِ صَلَاةٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَمَحَا عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ وَرَفَعَ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ فِي الْجَنَانِ؛ وسائل الشيعة ج: ٧ ص: ٢٠

٤-٥-٢-١٠٥-١٤-٢-٤ دَرَجَةُ الْعَلِيِّينَ

﴿٤٠٤٢﴾ العسكري ﷺ: كُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ تَكُنْ غَدًا فِي عِلِّيِّينَ؛ بحار الأنوار ج: ٥٢ ص: ٢٣

٥-٥-٢-١٠٥-١٤-٢-٥ الْمَنْزِلَةُ الْكُبْرَى

﴿٤٠٤٣﴾ داود ﷺ: يَا رَبِّ أَخْبِرْنِي بِقَرِينِي فِي الْجَنَّةِ فِي قَصْرِى فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنْ ذَلِكَ مَتَّى أَبُو يُونُسَ فَاسْتَأْذَنَ اللَّهُ تَعَالَى فِي زيارَتِهِ فَأَذِنَ لَهُ فَأَخَذَ بِيَدِهِ وَسَلِّمَانَ حَتَّى أَتَيَا مَوْضِعَهُ فَإِذَا هُوَ بَيْتٌ مِنْ سَعَفٍ فَسَأَلَ عَنْهُ فَقِيلَ إِنَّهُ فِي الْحَطَّابِينَ يَقْطَعُ الْحَطَبَ وَيَبِيعُهُ فَجَلَسَا يَنْتَظِرَانِهِ إِذْ أَقْبَلَ وَعَلَى رَأْسِهِ حُرْمَةٌ مِنْ حَطَبٍ فَأَلْقَاهَا عَنْهُ ثُمَّ حَمِدَ اللَّهُ وَقَالَ مَنْ يَشْتَرِي مِنِّي طَبِيبًا بِطَبِيبٍ فَسَاوَمَهُ وَاحِدٌ وَاشْتَرَاهُ آخَرُ فَدَنِيَا مِنْهُ وَسَلَّمَا عَلَيْهِ فَقَالَ انْطَلِقَا بِنَا إِلَى الْمَنْزِلِ وَابْتَاعَ بِمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ طَعَامٍ ثُمَّ وَضَعَهُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

خداوند تکرار فرماید: دیگر چه؟ آن‌ها گویند: خدایا، فهم ما بیشتر از این نیست، آنگاه خداوند متعال گوید: آنکه من از او تشکر می‌کنم همان‌طور که او مرا شکر نمود، و با فضل خود به او رو کنم، و از رحمت خویش برخوردارش سازم.

﴿۴۰۳۸﴾ هنگامی که روز قیامت برپا شود و تمامی آفریدگان در جایگاه حساب قرار گیرند، منادی از جانب پروردگار عزیز شکست‌ناپذیر ندا خواهد داد، با صدایی که همه‌ی اهل محشر آن را می‌شنوند: " کسانی که برای اقامه‌ی نماز شب و عبادت در دل شب از خواب راحت جدا شده‌اند برخیزند. " گروه اندکی به‌پا می‌خیزند؛ سپس منادی ندا می‌دهد: " کسانی که شکر خدا را در آسانی و سختی ادا کردند برخیزند: " گروه اندکی بر می‌خیزند؛ این دو گروه به‌سوی بهشت می‌روند و بعد از آن خدای تعالی امر می‌فرماید تا به حساب بقیه رسیدگی و محاسبه آغاز شود.

۱-۵-۲-۱۰۵-۱۴-۲-۱-۱ وارد شدن از در شکر

﴿۴۰۳۹﴾ اما دروازه‌ی شکر از یاقوت سفید است، دو لنگه دارد و میان آن‌ها پانصدسال راه است و غوغا و ناله‌ای دارد و چنین می‌گوید: خدایا، اهل مرا برایم بیاور، گفتم: مگر دروازه هم می‌تواند سخن بگوید؟ فرمود: آری خدای صاحب جلالت او را به سخن می‌آورد.

۱-۵-۲-۱۰۵-۱۴-۲-۲-۱ باغ دوم

﴿۴۰۴۰﴾ پس آنگاه که خدا را شکر کرد و ستود به او گفته می‌شود: سرت را بلند کن و بوستان دوم را ببین که در آن چیزی است که در بوستان اول نیست.

۱-۵-۲-۱۰۵-۱۴-۲-۳-۱ در جات

﴿۴۰۴۱﴾ هرکس از مؤمنان که برای شکرگزاری نعمت در غیر از نماز سجده کند، خداوند برای او ده حسنه ثبت می‌کند و ده گناه از پرونده‌اش محو می‌کند و او ده درجه در بهشت بالا می‌برد.

۱-۵-۲-۱۰۵-۱۴-۲-۴-۱ والاترین جایگاه‌ها

﴿۴۰۴۲﴾ بر این نعمت شکر کن تا فردای قیامت در بهشت برین با ما باشی.

۱-۵-۲-۱۰۵-۱۴-۲-۵-۱ مقام و منزلت برجسته

﴿۴۰۴۳﴾ خدایا، به من خبر بده که همسایه‌ی من در بهشت کیست؟ وحی رسید که او متی پدر حضرت یونس علیه السلام است، آن حضرت از خدای تعالی اجازه گرفت که به دیدارش برود، چون اجازه یافت دست فرزند خود حضرت سلیمان را گرفت و به منزل متی شتافت؛ پس از ورود مشاهده کرد که خانه‌ی او از حصیر ساخته شده است، از خانواده‌اش جوایای حال متی شد؟ گفت برای کندن هیزم به بیابان رفته است. بدین‌جهت به بازار هیزم‌فروشان رفتند و صبر کردند تا او آمد، دیدند پشته‌ای از هیزم به دوش دارد و آنگاه که آن‌ها را بر زمین نهاد حمد خدای را به‌جا آورد، و گفت کیست که این مال حلال را به درهم حلال از من خریداری کند؟ مردی پیش آمد و خریداری نمود. پس حضرت داود و سلیمان به نزدش آمدند و بر او سلام کردند، متی جواب آن‌ها را گفت و ایشان را به خانه‌ی خود دعوت کرد و به راه افتادند و در بین راه مقداری گندم خریداری نمود، چون به خانه آمدند گندم را آسیا کرد و در میان گودالی از سنگ، خمیر نمود و آتش روشن کرد و خمیر را روی آن گذاشت و نزد حضرت داود و سلیمان نشست و با ایشان

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

بَيْنَ حَجَرَيْنِ قَدْ أَعَدَّهُمَا لِذَلِكَ وَطَحَنَهُ ثُمَّ عَجَنَهُ فِي نَقِيرٍ لَهُ ثُمَّ أَجَجَ نَارًا وَأَوْقَدَهَا بِالْحَطَبِ ثُمَّ وَضَعَ الْعَجِينَ عَلَيْهَا ثُمَّ جَلَسَ يَتَحَدَّثُ مَعَهُمْ هُنَيْهَةً ثُمَّ نَهَضَ وَقَدْ نَضِجَتْ خُبْزَتُهُ فَوَضَعَهَا فِي النَّقِيرِ وَفَلَقَهَا وَوَضَعَ عَلَيْهَا مِلْحًا وَوَضَعَ إِلَى جَانِبِهِ مِطْهَرَةً فِيهَا مَاءٌ وَجَلَسَ عَلَى رُكْبَتَيْهِ وَأَخَذَ لُقْمَةً وَكَسَرَهَا وَوَضَعَهَا فِي فِيهِ وَقَالَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * فَلَمَّا ارْتَدَرَدَهَا قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ * ثُمَّ فَعَلَ ذَلِكَ بِأُخْرَى فَأُخْرَى ثُمَّ أَخَذَ الْمَاءَ فَشَرِبَ مِنْهُ وَحَمِدَ اللَّهَ تَعَالَى وَقَالَ لَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مَنْ ذَا الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَأَوْلَيْتَنِي مِثْلَ مَا أَوْلَيْتَنِي إِذْ صَحَّحْتَ بَدَنِي وَسَمِعِي وَبَصَرِي وَجَوَارِحِي وَقَوَّيْتَنِي حَتَّى ذَهَبْتُ إِلَى شَجَرٍ لَمْ أَغْرُسْهُ بِيَدِي وَلَا زَرَعْتُهُ بِقُوَّتِي وَلَمْ أَهْتُمْ بِحِفْظِهِ فَجَعَلْتَهُ لِي رِزْقًا وَأَعَنْتَنِي عَلَى قَطْعِهِ وَحَمَلْتَنِي إِلَى مَنْ اشْتَرَاهُ مِنِّي وَاشْتَرَيْتُ بِشَمْنِهِ طَعَامًا لَمْ أَزْرَعْهُ وَلَمْ أَتَعَبْ فِيهِ وَسَخَّرْتَ لِي حَجَرًا طَحَنْتُهُ وَنَارًا أَنْضَجْتُهُ وَجَعَلْتَ لِي شَهْوَةً قَابِلَةً لِذَلِكَ فَصِرْتُ أَكُلُهُ بِشَهْوَةٍ وَأَقْوَى بِذَلِكَ عَلَى طَاعَتِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَا ثُمَّ بَكَى بَكَاءً عَالِيًا فَقَالَ دَاوُدُ لِإِثْنَيْهِ سَلِيمَانُ يَا بُنَيَّ يَحِقُّ لِمِثْلِ هَذَا الْعَبْدِ الشَّاكِرِ أَنْ يَكُونَ صَاحِبَ الْمَنْزِلَةِ الْكُبْرَى فِي الْجَنَّةِ فَلَمْ أَرْ عَبْدًا أَشْكُرُ مِنْ هَذَا؛ إِرْشَادُ الْقُلُوبِ ج: ١ ص: ١١٩

٣-١٤-١٠٥-٥٢-١- حَسَنَةُ الْآخِرَةِ

﴿٤٠٤٤﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: أَيُّمَا مُؤْمِنٍ سَجَدَ سَجْدَةً لِشُكْرِ نِعْمَةٍ فِي غَيْرِ صَلَاةٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا عَشْرَ

حَسَنَاتٍ وَمَحَا عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ وَرَفَعَ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ فِي الْجَنَانِ؛ وَسَائِلُ الشَّيْخَةِ ج: ٧ ص: ٢٠

﴿٤٠٤٥﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: مَنْ سَجَدَ سَجْدَةً لِشُكْرِ نِعْمَةٍ وَهُوَ مُتَوَضِّئٌ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ

وَمَحَا عَنْهُ عَشْرَ خَطِيئَاتٍ عِظَامٍ؛ مُسْتَدْرَكُ الْوَسَائِلِ ج: ٥ ص: ١٢٧

﴿٤٠٤٦﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: مَنْ أُوتِيَ قَلْبًا شَاكِرًا وَزَوْجَةً صَالِحَةً تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ دُنْيَاهُ وَآخِرَتِهِ فَقَدْ

أُوتِيَ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَوُفِيَ عَذَابُ النَّارِ؛ فَفَهْمُ الْقُرْآنِ ج: ١ ص: ٢٩٩

﴿٤٠٤٧﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ وَكَانَ مِنْ فَرْقِهِ إِلَى قَدَمِهِ ذُنُوبٌ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَبَدَّلَهَا

حَسَنَاتٍ الصَّدَقَةِ وَالْحَيَاءِ وَحُسْنُ الْخُلُقِ وَالشُّكْرِ؛ مُسْتَدْرَكُ الْوَسَائِلِ ج: ٧ ص: ١٥٦

٤-١٤-١٠٥-٥٢-١- الْخُلُودُ

﴿٤٠٤٨﴾ اللَّهُمَّ ارْفَعْ مُحَمَّدًا فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ فَوْقَ مَنَازِلِ الْمُرْسَلِينَ وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَجَمِيعِ

النَّبِيِّينَ وَصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ اجْزِهِمْ بِشُكْرِ

نِعْمَتِكَ وَتَعْظِيمِ حُرْمَتِكَ جَزَاءً لَا جَزَاءَ فَوْقَهُ وَعَطَاءً لَا عَطَاءَ مِثْلُهُ وَخُلُودًا لَا خُلُودَ يُشَاكِلُهُ

وَلَا يَطْمَعُ أَحَدٌ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

سخن گفت تا آنکه فهمید خمیر پخته شده و نان آماده است، پس از جای برخاست و نان‌ها را با قدری نمک و ظرف آبی به حضور ایشان آورد و با کمال ادب دوزانو نشست و "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ" گفت و لقمه‌ی نانی با نمک در دهان گذاشت و چون فرو برد گفت: "الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ"، و به همین حالت بود تا سیر شد و سپس قدری آب آشامید و گفت: الحمد لله، خدایا ستایش مخصوص توست، به چه کسی نعمت دادی و دوست خود گردانیدی که همانند من باشد؟ سلامتی چشم و گوش و اعضا و جوارح به من عطا فرموده‌ای و مرا قوت دادی که رفتم هیزمی را کندم که خودم نکاشته بودم و نه آن را آبیاری‌اش کرده بودم و نه حفظ و حراستش کرده بودم و آن را رزق من قرار دادی و به من کمک کردی تا اینکه آن را کندم و به دوش گرفتم و به شهر آوردم، و کسی را فرستادی که از من خریداری کرد، و سنگ را مسخر من کردی، تا گندم را آسیا نمودم و آتش را مسخر من گردانیدی که با آن نان خود را پختم، و اشتهاهایی به من عنایت فرمودی که آن نان را خوردم تا به وسیله‌ی آن بر طاعت تو قوت بگیرم. پس خدایا، ستایش مخصوص توست سپس گریه سختی نمود، حضرت داود به سلیمان فرمود: ای پسر برای مثل چنین بنده‌ی شاکری مقامات و صاحب منزلت بزرگ در بهشت سزاوارست، و من هیچ بنده‌ی شاکری همانند این بنده‌ی شاکر ندیده‌ام.

۳-۱۴-۱۰۵-۲-۱-۵- خیر آخرت

﴿۴۰۴﴾ هرکس از مؤمنان که برای شکرگزاری نعمت در غیر از نماز سجده کند، خداوند برای او ده حسنه ثبت می‌کند و ده گناه از پرونده‌اش محو می‌کند و او ده درجه در بهشت بالا می‌برد. ﴿۴۰۵﴾ هرکس با داشتن وضو سجده‌ی شکر به‌جا آورد خداوند برای او ثواب ده نماز بنویسد، و از نامه‌ی عمل او ده گناه بزرگ را محو میکند.

﴿۴۰۶﴾ هرکس که به او قلبی سرشار از شکرگزاری و همسری صالح و درست کار عطا شود که در امور دنیا و آخرت یاورش باشد، به تحقیق به او در دنیا و آخرت حسنه و نیکویی بخشیده شده است و همچنین از عذاب آتش دور نگاه داشته می‌شود.

﴿۴۰۷﴾ چهار چیز است که اگر در هرکسی باشد مسلمانی‌اش کامل است. و حتی اگر در گناه غرق باشد او را زیان نمی‌رساند (بالاخره این صفات باعث می‌شوند از گناه دست بردارد)، و آن‌ها عبارتند از: "راست‌گویی، حیا، حسن خلق و شکر".

۴-۱۴-۱۰۵-۲-۱-۵- جاودانگی

﴿۴۰۸﴾ بارخدا، با رحمت محمد ﷺ را در بهترین جایگاه‌ها قرار ده در مقامی برتر از مقام پیامبران و فرشتگان مقرب و برتر از مقام پیامبران و آفریدگان برگزیده‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان، خدایا، به خاطر شکر نعمت‌ها و بزرگداشت حرمت‌ها به آنان پاداشی ده که بالاتر از آن پاداشی نبوده و عطایی که مثل آن عطایی نباشد و بقایی به آن نان ده که هیچ بقایی نظیر آن

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

فِي مِثْلِهِ وَلَا يَقْدِرُ أَحَدٌ قَدْرَهُ وَلَا تَهْتَدِي الْأَلْبَابُ إِلَى طَلَبِهِ نِعْمَةً لِمَا شَكَرُوا مِنْ آيَاتِكَ وَ
إِرْصَادًا لِمَا صَبَرُوا عَلَى الْأَذَى فِيكَ؛ بحار الأنوار ج: ٨٦ ص: ٣٣٨

٥-١٤-١٠٥-٥-٢-١-العقبي

﴿٤٠٤٩﴾ الهادي عليه السلام: الشَّاكِرُ أَسْعَدُ بِالشُّكْرِ مِنْهُ بِالنُّعْمَةِ الَّتِي أُوجِبَتْ الشُّكْرَ لِأَنَّ النِّعَمَ مَتَاعٌ وَ
الشُّكْرَ نِعَمٌ وَعَقْبَى؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٣٦٥

٦-١٤-١٠٥-٥-٢-١-القرآن مع الأنبياء و الأئمة عليهم السلام و اللّٰهقُ بِهِمْ

﴿٤٠٥٠﴾ الصادق عليه السلام: أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى دَاوُدَ عليه السلام: أَنْ خَلَادَةَ بِنْتُ أَوْسَ بِشَرِّهَا بِالْجَنَّةِ وَ
أَعْلَمَهَا أَنَّهَا قَرِيبَتُكَ فِي الْجَنَّةِ فَانْطَلَقَ إِلَيْهَا فَفَرَعَ الْأَبَابَ عَلَيْهَا فَخَرَجَتْ وَقَالَتْ هَلْ نَزَلَ فِي شَيْءٍ
قَالَ نَعَمْ قَالَتْ وَمَا هُوَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَيَّ وَأَخْبَرَنِي أَنَّكَ قَرِيبَتِي فِي الْجَنَّةِ وَأَنْ
أُبَشِّرَكَ بِالْجَنَّةِ قَالَتْ أَوَيْكَ اسْمُ وَافَقَ اسْمِي قَالَ إِنَّكَ لَأَنْتِ هِيَ قَالَتْ يَا نَبِيَّ اللَّهِ مَا
أَكْذَبَكَ وَلَا وَاللَّهِ مَا أَغْرَفُ مِنْ نَفْسِي مَا وَصَفْتَنِي بِهِ قَالَ دَاوُدُ عليه السلام: أَخْبَرَنِي عَنْ ضَمِيرِكَ وَ
سَرِيرَتِكَ مَا هُوَ قَالَتْ أَمَّا هَذَا فَسَأُخْبِرُكَ بِهِ أَخْبَرْتُكَ أَنَّهُ لَمْ يُصْنِنِي وَجَعَ قَطُّ نَزَلَ بِي كَائِنًا مَا
كَانَ وَمَا نَزَلَ ضَرْبِي حَاجَةً وَ جُوعٌ كَائِنًا مَا كَانَ إِلَّا صَبَرْتُ عَلَيْهِ وَلَمْ أَسْأَلِ اللَّهَ كَشْفَهُ عَنِّي
حَتَّى يُحَوِّلَهُ اللَّهُ عَنِّي إِلَى الْعَافِيَةِ وَالسَّعَةِ وَلَمْ أَطْلُبْ بِهَا بَدَلًا وَ شَكَرْتُ اللَّهَ عَلَيْهَا وَ حَمِدْتُهُ
فَقَالَ دَاوُدُ عليه السلام: فَبِهَذَا بَلَغْتَ مَا بَلَغْتَ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: وَ هَذَا دِينَ اللَّهِ الَّذِي ارْتَضَاهُ

لِلصَّالِحِينَ؛ بحار الأنوار ج: ١٤ ص: ٣٨٠

﴿٤٠٥١﴾ العسكري عليه السلام: إِنَّهُ سَمَّى رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ كُنْيَةَ مِثْلَهُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ كَالْخَضِرِ وَ ذِي
الْقُرْنَيْنِ لِيُغَيِّبَنَّ غَيْبَهُ لَا يَنْجُو مِنْ الْهَلَكَةِ فِيهَا إِلَّا مَنْ ثَبَّتَهُ اللَّهُ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَ وَفَّقَهُ الدُّعَاءَ
بِتَعْجِيلِ فَرْجِهِ وَ يَرْجِعُ مِنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرَ الْقَائِلِينَ بِهِ هَذَا سِرُّ اللَّهِ فَخُذْ وَ اكْتُمَهُ وَ كُنْ مِنْ
الشَّاكِرِينَ تَكُنْ مَعَنَا فِي عِلِّيِّينَ؛ الصراط المستقيم ج: ٢ ص: ٢٣١

٧-١٤-١٠٥-٥-٢-١-المنع من تسلط النار

﴿٤٠٥٢﴾ الرضا عليه السلام: إِلَهِي وَ مَوْلَايَ أَ تَسْلُطُ النَّارُ عَلَى وَجْهِ خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً وَ عَلَى
أَلْسُنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً وَ بِشُكْرِكَ مَادِحَةً؛ المصباح للكفعمي ص: ٥٥٧

٨-١٤-١٠٥-٥-٢-١-المنع من العذاب

﴿٤٠٥٣﴾ مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَدُوِّكُمْ إِنَّ شُكْرَكُمْ وَ آمَنْتُمْ وَ كَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا؛ النساء: الآية ١٤٧

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

نباشد و هیچ کس حتی به چیزی شبیه آن هم طمع نکند و اندازه‌اش را کسی نداند و خردها به طلب و درخواست آن راه نبرد، نعمتی به خاطر شکری که در مقابل نعمت‌های تو به جا آوردند و نیز به خاطر اینکه منتظر بودند که در راه تو آزارها را تحمل کنند.

۵-۱۴-۱۰۵-۲-۱-۵-عاقبت

﴿۴۰۴۹﴾ شکر گزار از خود شکر بیشتر بهره می‌برد تا از نعمتی که موجب شکرگزاری او شده است؛ زیرا نعمت‌ها کالای دنیایند ولی شکر، هم نعمت دنیاست و هم آخرت.

۶-۱۴-۱۰۵-۲-۱-۵-همنشینی با پیامبران و ائمه علیهم‌السلام و پیوستن به ایشان

﴿۴۰۵۰﴾ خدای متعال به حضرت داود علیه‌السلام وحی فرمود: "به خالده دختر اوس، بشارت و مژدگانی بهشت را اعلام کن و اینکه او در بهشت قرین و هم‌نشین توست". حضرت داود به دنبال این وحی به سوی خانه‌ی او روان شد و در زد آن زن به طرف در آمد و سؤال نمود آیا چیزی درباره‌ی من نازل شده است؟ داود پاسخ مثبت داد و جریان وحی را شرح داد، زن گفت: شاید درباره‌ی کسی که همانم من باشد نازل شده باشد داود گفت: درباره‌ی غیر تو نیست، زن گفت: البته من شما را تکذیب نمی‌کنم ولی به خدا سوگند در خودم صفتی که شایسته‌ی این مقام باشد نمی‌بینم. داود گفت ضمیر و حالت درونی و روحی خود را برای من توضیح بده، زن گفت: مانعی ندارد، آنچه در اندیشه و قلب دارم این است که؛ هرگونه درد و رنجی که به من رسیده و هرگونه مشکل و ناراحتی و نیازمندی و گرسنگی که به من وارد شده در کمال صبر استقبال نموده و حتی از خداوند درخواست برطرف شدن آن را نکرده‌ام تا وقتی که خود خداوند مرا از آن حالت به حالت عافیت و سلامت و توسعه در زندگی منتقل فرمود و فکر نکردم که این لطف و مرحمت الهی پاداش صبر من است، بلکه خداوند را در مقابل این همه نعمت شاکر و سپاسگزار بودم. داود فرمود: "به همین دلیل به این مقام و مرتبه نائل شده‌ای". سپس حضرت صادق علیه‌السلام فرمود. این همان دین الهی است که برای صالحین و بندگان شایسته‌ی خود پسندیده است.

﴿۴۰۵۱﴾ او همانم پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است و هم کنیه‌ی ایشان. در این امت همانند خضر و ذی‌القرنین می‌باشد، غیبتی خواهد داشت که در آن غیبت هیچ کس از هلاکت نجات نمی‌یابد مگر آن کسی که خداوند او را در قائل بودن به امامتش ثابت قدم و در دعا به تعجیل فرجش موفق داشته است و بسیاری از آن‌ها که به این امر معتقدند، از اعتقاد خود باز می‌گردند، این راز خداوند است آن را بگیر و آن را حفظ کن و از شاکران باش که در این صورت در برترین جای بهشت با ما خواهی بود.

۷-۱۴-۱۰۵-۲-۱-۵-جلوگیری از چیره شدن آتش

﴿۴۰۵۲﴾ ای خدا و ای مولای من، آیا آتش دوزخ را بر چهره‌هایی که برای عظمت به سجده افتاده و بر زبان‌هایی که صادقانه به یگانگی ات گویا شده، و سپاسگزارانه به شکرگزاری تو باز شده است چیره می‌کنی؟

۸-۱۴-۱۰۵-۲-۱-۵-جلوگیری از عذاب

﴿۴۰۵۳﴾ خدا چه نیازی به مجازات شما دارد؟ اگر شکرگزاری کنید و ایمان آورید خدا شکر گزار و آگاه است.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٤٠٥٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَرْبَعٌ لِلْمَرْءِ لَا عَلَيْهِ الْإِيمَانُ وَالشُّكْرُ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ وَالْإِسْتِغْفَارُ فَإِنَّهُ قَالَ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ وَالْدُّعَاءُ فَإِنَّهُ قَالَ تَعَالَى قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْ لَا دُعَاؤُكُمْ؛ بحار الأنوار ج: ٤٨ ص: ٤٩

﴿٤٠٥٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَا مُفَضِّلُنَا بِالْأَرْزَاقِ بَعْضَنَا عَلَى بَعْضٍ سَفِينِي وَجَهْنِي فِي تِجَارَتِي هَذِهِ إِلَى وَجْهِ غَنَى عَاصِمٍ شُكُورٍ آخِذُهُ بِحُسْنِ شُكْرِ لِنَنْفَعَنِي بِهِ وَتَنْفَعُ بِهِ مِنِّي؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٣٢٢

١٠٦-١-٥-٢- النِّفْعُ رَاجِعٌ: الْخَيْرُ

١٠٧-١-٥-٢- الْهِدَايَةُ

﴿٤٠٥٦﴾ الرسول ﷺ: مَنْ ابْتُلِيَ فَصَبَرَ وَاعْتَصِمَ فَشَكَرَ وَظَلَمَ فَغَفَرَ وَظَلَمَ فَاسْتَغْفَرَ قَالُوا مَا بَالُهُ قَالَ أَوَلَيْكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ؛ بحار الأنوار ج: ٦٤ ص: ٢٣٦

﴿٤٠٥٧﴾ الصادق عليه السلام: اِغْرِفُوا الْعَقْلَ وَجُنْدَهُ وَالْجَهْلَ وَجُنْدَهُ تَهْتَدُوا... ثُمَّ جَعَلَ لِلْعَقْلِ خَمْسَةَ وَسَبْعِينَ جُنْدًا... وَالشُّكْرُ وَضِدَّةُ الْكُفْرَانِ؛ الكافي ج: ١ ص: ٢٠

١٠٨-١-٥-٢- الْوَقَايَةُ رَاجِعٌ: الْأَمْنُ

١٠٩-١-٥-٢- الْوَلَايَةُ

﴿٤٠٥٨﴾ أَنْتَ إِلَهِي وَلِيُّ الْحَامِدِينَ وَمَوْلَى الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٣٢٥

١-٥-٣- تَبَعَاتُ ضَعْفٍ وَعَدَمُ وُجُودِ الشُّكْرِ

١-٥-٣-١- الصِّفَاتُ وَالْأَفْعَالُ

١-٥-٣-١-١- إِزْدِيَادُ الْإِثْمِ

﴿٤٠٥٩﴾ الرسول ﷺ: أَيُّمَا عَبْدٍ جَاءَتْهُ مَوْعِظَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي دِينِهِ فَإِنَّهَا نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ سَبَقَتْ إِلَيْهِ فَإِنْ قَبِلَهَا يَشْكُرُ وَإِلَّا كَانَتْ حُجَّةً مِنَ اللَّهِ عَلَيْهِ لِيَزْدَادَ بِهَا إِثْمًا وَيَزْدَادَ اللَّهُ بِهَا سَخَطًا؛ مجموعة ورام ج: ٢ ص: ٢٧٤

١-٥-٣-١-٢- الْجُحُودُ

﴿٤٠٦٠﴾ شُكْرُ النِّعَمِ يُوجِبُ مَزِيدَهَا وَكَفْرُهَا بُرْهَانَ جُحُودِهَا؛ غرر الحكم ص: ٢٧٩

١-٥-٣-٢- الْعُقُوبَاتُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۴۰۵۴﴾ چهار چیز است که به سود انسان و نه به ضرر اوست ۱ - ایمان ۲ - شکر و سپاس، که خداوند متعال می‌فرماید: خداوند اگر سپاسگزاری کرده و ایمان بیاورید شما را معذب نمی‌کند ۳ - استغفار، که خداوند متعال فرموده‌است: خداوند، مادامی که تو در میان آنان هستی هرگز این مردم را مشمول عذاب خویش نمی‌کند و درحالی که آنان استغفار می‌نمایند نیز آنان را عذاب نخواهد کرد ۴ - دعا و تضرع، که فرموده: " بگو که اگر دعا نکنید خداوند به شما اعتنایی نخواهد کرد ".

﴿۴۰۵۵﴾ ای کسی که روزی بعضی از ما را بیش از دیگران تقسیم کردی، در این تجارت مرا به‌سوی بی‌نیازی و دوری از اشتباه و شکر بسیار سوق ده تا با شکری زیبا آن را بگیرم که موجب شود تو به خاطر آن به من سود رسانی و از جانب من به تو خیر رسد.

۱۰۶-۱-۵-۱- سود بردن ر.به: خیر

۱۰۷-۱-۵-۲- هدایت

﴿۴۰۵۶﴾ هر که بلا دید و صبر کرد، نعمت یافت و شکر کرد، مورد ستم واقع شد و گذشت کرد، ستم کرد و آمرزش خواست، گفتند با او چه معامله‌ای شود؟ فرمود: آنانند که آسوده‌اند و ره‌یافته.

﴿۴۰۵۷﴾ عقل و جهل و لشکریانشان را بشناسید تا هدایت شوید... سپس برای هریک از عقل و جهل هفتاد و پنج لشکر قرار داد... از جمله شکر و ضد آن ناسپاسی.

۱۰۸-۱-۵-۲- محافظت ر.به: امن و...

۱۰۹-۱-۵-۲- ولایت

﴿۴۰۵۸﴾ تو یی پروردگار من، دوست ستایش‌کنندگان و مولای شکر کنندگان.

۱-۵-۳- عواقب سستی و عدم وجود شکر

۱-۵-۳-۱- صفات و افعال

۱-۵-۳-۱-۱- زیاد شدن گناه

﴿۴۰۵۹﴾ اگر موعظه‌ای از جانب خداوند عزیز و گرامی به بنده‌ای برسد، نعمتی است که به‌سوی او شتافته است؛ اگر آن را قبول کند شکر کرده است و در غیر این صورت خداوند بر او حجت دارد تا به خاطر آن، گناهانش را بیافزاید و بر او بسیار غضب کند.

۱-۵-۳-۱-۲- انکار

﴿۴۰۶۰﴾ شکر نعمت، افزونی آن را موجب می‌شود، و کفران آن دلیل کم‌شدن و تیره‌شدن آن‌ها خواهد بود.

۱-۵-۳-۲- مجازات‌ها

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١-٥-٣-٢-١- الإمتحانُ بِالْمَكْرُوهِ

﴿٤٠٦﴾ العسكرى عليه السلام: وَرَبَّمَا تَرَكَ بَعْضُ شَيْعَتِنَا فِي افْتِتَاحِ أَمْرِهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ فَيَمْتَحِنُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِمَكْرُوهٍ لِيُنَبِّهَهُ عَلَى شُكْرِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَالتَّنَاءِ عَلَيْهِ وَيَمْحَقَ عَنْهُ وَصْمَةَ تَقْصِيرِهِ عِنْدَ تَرْكِه قَوْلَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ وسائل الشيعة ج: ٧ ص: ١٦٩

١-٥-٣-٢-٢- إِسْتِجَابَةُ دُعَاءِ الْقَوْمِ عَلَيْهِ

﴿٤٠٦﴾ الرسول عليه السلام: مَنْ أَحْسَنَ إِلَى قَوْمٍ فَلَمْ يُقْبَلُوهُ بِالشُّكْرِ فَدَعَا عَلَيْهِمْ اسْتُجِيبَ لَهُ فِيهِمْ؛

مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ٢٧٤

١-٥-٣-٢-٣- تَعْجِيلُ الْعُقُوبَةِ

﴿٤٠٦﴾ الرسول عليه السلام: إِذَا أَرَدْتَ أَكْلَ الطَّعَامِ فِي الْمَنْزِلِ الثَّلَاثِ فَقُلِ اللَّهُمَّ قَدْ كُنْتُ تَضَيِّقْتُ عَلَى مَوَائِدِ رَحْمَتِكَ وَتَوَلَّيْتُ يَا رَبَّ تَسْيِيرَهُ فِي أَعْضَائِي عَلَى جَمِيلِ عَادَتِكَ وَ لَمْ تُعَاجِلْنِي بِعُقُوبَةٍ عَلَى إِهْمَالِ لَشُكْرِ نِعْمَتِكَ؛ الأمان ص: ١٤٣

١-٥-٣-٢-٤- الْحُجَّةُ عَلَيْهِ

﴿٤٠٦﴾ الرسول عليه السلام: أَيُّمَا عَبْدٍ جَاءَتْهُ مَوْعِظَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي دِينِهِ فَإِنَّهَا نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ سَبَقَتْ إِلَيْهِ فَإِنْ قَبِلَهَا يَشْكُرُ وَإِلَّا كَانَتْ حُجَّةً مِنَ اللَّهِ عَلَيْهِ لِيَزْدَادَ بِهَا إِثْمًا وَ يَزْدَادَ اللَّهُ بِهَا سَخَطًا؛ مجموعة ورام ج: ٢ ص: ٢٧٤

﴿٤٠٦﴾ الرسول عليه السلام: وَقَالَ أَيُّمَا عَبْدٍ جَاءَتْهُ مَوْعِظَةٌ مِنَ اللَّهِ فِي دِينِهِ فَإِنَّهَا نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَإِنْ قَبِلَهَا شَكَرَ وَإِلَّا كَانَتْ حُجَّةً مِنَ اللَّهِ لِيَزْدَادَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَخَطًا؛ مشكاة الأنوار ص: ٣١٥

١-٥-٣-٢-٥- حُلُولُ الْبَلَاءِ وَالْأَذَى وَالضَّرُّ وَالسَّقَمُ وَالْفَقْرُ

﴿٤٠٦﴾ السجادة عليها السلام: فَيَحُولُ ذَلِكَ (حَالُ الْغَفْلَةِ) بَيْنِي وَبَيْنَ التَّضَرُّعِ إِلَيْكَ فِي دَوَامِ ذَلِكَ لِي مَعَ مَا أَمَرْتَنِي بِهِ مِنْ شُكْرِكَ وَوَعَدْتَنِي عَلَيْهِ مِنَ الزَّمِيدِ مِنْ لَدَيْكَ فَسَهْوٌ وَ لَهْوٌ وَ غَفْلَةٌ وَ أَمْنٌ وَ أَشْرٌ وَ بَطَرٌ وَ تَهَاوُنٌ حَتَّى جَاءَ التَّغْيِيرُ مَكَانَ الْعَافِيَةِ بِحُلُولِ الْبَلَاءِ وَ نَزَلَ الضَّرُّ بِمَنْزِلَةِ الصَّحَّةِ وَ بِأَنْوَاعِ السَّقَمِ وَالْأَذَى وَ أَقْبَلَ الْفَقْرُ بِإِزَاءِ الْغِنَى؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٣٦

١-٥-٣-٢-٦- الدَّلَّةُ

﴿٤٠٦﴾ لَا تَغْفُلُوا عَنِ الشُّكْرِ فَيُنَازِعَكُمْ الدَّلُّ؛ أعلام الدين ص: ٣٢٧

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۱-۲-۳-۵-۱- امتحان با سختی

﴿۴۰۶۱﴾ و چه بسا بعضی از شیعیان ما در ابتدای کارشان "بسم الله الرحمن الرحيم" را ترک می کنند و خداوند آن ها را به آنچه برایشان ناگوار است مبتلا می کند تا به او هشدار دهد که شکر خدای تبارک و تعالی را به جای آورد و عوارض کوتاهی کردنش در ترک عبارت "بسم الله الرحمن الرحيم" را پاک کند.

۱-۲-۳-۵-۲- استجابت دعای دیگران بر ضد او

﴿۴۰۶۲﴾ هر که به گروهی نیکی کند و آن ها از او سپاسگزاری نکنند، اگر آن ها را نفرین کند نفرینش درباره ی آن ها مستجاب می شود.

۱-۲-۳-۵-۳- عجله در عقوبت

﴿۴۰۶۳﴾ زمانی که خواستی در منزل سوم غذا بخوری بگو: پروردگارا، من بر سفره های رحمت مهمان شده ام و تو مطابق سنت و روش نیکویت، هضم و جذب غذا در اعضايم را به عهده گرفته ای و به واسطه ی کوتاهی ام در سپاسگزاری نعمت، در کیفرم شتاب نمی کنی.

۱-۲-۳-۵-۴- حجت و برهان بر ضد او

﴿۴۰۶۴﴾ اگر موعظه ای از جانب خداوند عزیز و گرامی به بنده ای برسد، نعمتی است که به سوی او شتافته است؛ اگر آن را قبول کند شکر کرده است و در غیر این صورت خداوند بر او حجت دارد تا به خاطر آن، گناهانش را بیافزاید و بر او بسیار غضب کند.
﴿۴۰۶۵﴾ هر بنده ای که از جانب خداوند نصیحتی در رابطه با دینش دریافت کند، در واقع نعمتی از خدا که به او رسیده است، اگر آن را به کار بندد شکرگزاری نموده، و در غیر این صورت آن نصیحت حجتی از جانب خدا بر اوست تا خشم خدا نسبت به او بیشتر گردد.

۱-۲-۳-۵-۵- وارد شدن بلا و آزار و سختی و بیماری و فقر

﴿۴۰۶۶﴾ تداوم حال غفلت و بی توجهی مانع زاری می شود، با اینکه تو مرا به شکر امر کردی و از جانب خودت به من وعده ی افزایش نعمت دادی، ولی من بی توجهی و بازیگوشی و غفلت و سرمستی و سستی کردم تا اینکه با ورود گرفتاری ها نعمت از دستم گرفته شد، بیماری و درد جای سلامتی و نداری جای بی نیازی را گرفت.

۱-۲-۳-۵-۶- خواری

﴿۴۰۶۷﴾ نعمت، شما را از سپاسگزاری غافل نکند که در این صورت ذلت شما را درهم می کوبد.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٤٠٦٨﴾ يَا مُوسَى قُلْ لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَبْطِرَنَّكُمْ النِّعْمَةُ فَيُعَاجِلَكُمْ السَّلْبَ وَلَا تَغْفُلُوا عَنِ الشُّكْرِ فَيَقَارِعَكُمْ الذُّلُّ؛ بحار الأنوار ج: ٧٤ ص: ٤٢

﴿٤٠٦٩﴾ يَا مُوسَى قُلْ لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَبْطِرَنَّكُمْ النِّعْمَةُ فَيُعَاجِلَكُمْ السَّلْبَ وَلَا تَغْفُلُوا عَنِ الذِّكْرِ وَ الشُّكْرِ فَتَسْلُبُوا النِّعْمَ وَيَحِلُّ بِكُمْ الذُّلُّ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ٦١
٢-٧-٥٣-١- السَّخَطُ

﴿٤٠٧٠﴾ الجواد عليه السلام: يَا فَاعِلَ كُلِّ إِرَادَةٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَطَوِّقْنِي أَمَانًا مِنْ حُلُولِ السَّخَطِ لِقَلَّةِ الشُّكْرِ؛ البلد الأمين ص: ٢٨

﴿٤٠٧١﴾ الجواد عليه السلام: صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَطَوِّقْنِي أَمَانًا مِنْ حُلُولِ السَّخَطِ لِقَلَّةِ الشُّكْرِ وَ أَوْجِبْ لِي زِيَادَةً مِنْ إِيْتِمَامِ النِّعْمَةِ بِسَعَةِ الْمَغْفِرَةِ؛ البلد الأمين ص: ٢٨
﴿٤٠٧٢﴾ الجواد عليه السلام: صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَطَوِّقْنِي أَمَانًا مِنْ حُلُولِ سَخَطِكَ بِقَلَّةِ الشُّكْرِ؛ البلد الأمين ص: ٢٨

﴿٤٠٧٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: طَوِّقْنِي أَمَانًا مِنْ حُلُولِ السَّخَطِ فِيهِ لِقَلَّةِ الشُّكْرِ وَ أَوْجِبْ لِي زِيَادَةً مِنْ إِيْتِمَامِ النِّعْمَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٣٢٠

﴿٤٠٧٤﴾ الرسول ﷺ: أَيُّمَا عَبْدٍ جَاءَتْهُ مَوْعِظَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي دِينِهِ فَإِنَّهَا نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ سَبَقَتْ إِلَيْهِ فَإِنْ قَبِلَهَا يَشْكُرُ وَإِلَّا كَانَتْ حُجَّةً مِنَ اللَّهِ عَلَيْهِ لِيَزْدَادَ بِهَا إِثْمًا وَ يَزْدَادَ اللَّهُ بِهَا سَخَطًا؛ مجموعة ورام ج: ٢ ص: ٢٧٤

﴿٤٠٧٥﴾ الرسول ﷺ: وَقَالَ أَيُّمَا عَبْدٍ جَاءَتْهُ مَوْعِظَةٌ مِنَ اللَّهِ فِي دِينِهِ فَإِنَّهَا نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَإِنْ قَبِلَهَا شَكَرَ وَإِلَّا كَانَتْ حُجَّةً مِنَ اللَّهِ لِيَزْدَادَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَخَطًا؛ مشكاة الأنوار ص: ٣١٥

﴿٤٠٧٦﴾ الصادق عليه السلام: يَا مُحَمَّدُ قُلْ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ التَّقَرُّبَ إِلَى أَعْلَمُوا عِلْمًا يَقِينًا أَنَّ هَذَا الْكَلَامَ أَفْضَلُ مَا أَنْتُمْ مُتَقَرِّبُونَ بِهِ إِلَى بَعْدِ الْفَرَائِضِ وَ ذَلِكَ أَنْ يَقُولَ اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَمْ يُمْسِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ أَنْتَ إِلَيْهِ أَحْسَنُ صَنِيعًا وَ لَا لَهُ أَدْوَمُ كَرَامَةٍ وَ لَا عَلَيْهِ أَتَيْنُ فَضْلًا وَ لَا بِهِ أَشَدُّ تَرْفُقًا وَ لَا عَلَيْهِ أَشَدُّ حَيْطَةً وَ لَا عَلَيْهِ أَشَدُّ تَعَطُّفًا مِنْكَ عَلَى وَ إِنْ كَانَ جَمِيعُ الْمَخْلُوقِينَ يُعَدِّدُونَ مِنْ ذَلِكَ مِثْلَ تَعْدِيدِي فَاشْهَدْ يَا كَافِيَ الشَّهَادَةِ بَأَنِّي أَشْهَدُكَ بِنَبِيِّ صِدْقٍ بَأَنَّ لَكَ الْفَضْلَ وَ الطَّوْلَ فِي إِنْعَامِكَ عَلَيَّ وَ قَلَّةِ شُكْرِي لَكَ فِيهَا يَا فَاعِلَ كُلِّ إِرَادَةٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَطَوِّقْنِي أَمَانًا مِنْ حُلُولِ السَّخَطِ لِقَلَّةِ الشُّكْرِ وَ أَوْجِبْ لِي زِيَادَةً مِنْ إِيْتِمَامِ النِّعْمَةِ بِسَعَةِ الرَّحْمَةِ وَ الْمَغْفِرَةِ؛ مصباح المتهجد ص: ٢٣٨

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۴۰۶۸﴾ ای موسی، به بنی اسرائیل بگو: نعمت‌ها شما را به سرخوشی نیندازد، که در این صورت در گرفتن آن‌ها شتاب می‌شود و شما را از سپاسگزاری غافل نکند که ذلت شما را درهم می‌کوبد. ﴿۴۰۶۹﴾ ای موسی به بنی اسرائیل بگو نعمت‌های دنیا شما را به سرخوشی نیندازد که به‌زودی آن‌را از شما می‌گیرم و از یاد و سپاسگزاری من غفلت نکنید که ذلت و پستی به شما رو می‌آورد و شما را درهم می‌کوبد.

۷-۲-۳-۵-۱- خشم

﴿۴۰۷۰﴾ ای به‌وجودآورنده‌ی همه‌ی اراده‌ها، بر محمد و خاندانش درود فرست و گردنبند ایمن‌بودن از خشم خود را که به خاطر قصور ما در سپاسگزاری برافروخته شده، گردن من ببنداز. ﴿۴۰۷۱﴾ بر محمد و خاندانش درود فرست و با وجود ناچیز بودن شکر بر گردن من گردنبند ایمن‌بودن از خشم را ببنداز و به‌واسطه‌ی آمرزش و اسعت، نعمت‌های خود را بر من بیشتر کن. ﴿۴۰۷۲﴾ بر محمد و خاندانش درود فرست و با وجود ناچیز بودن شکر بر گردن من گردنبند ایمن‌بودن از خشم را ببنداز. ﴿۴۰۷۳﴾ با وجود اندک بودن شکر بر گردن من گردنبند ایمن‌بودن از خشم را ببنداز و نعمت‌های خود را بر من بیشتر کن.

﴿۴۰۷۴﴾ اگر موعظه‌ای از جانب خداوند عزیز و گرامی به بنده‌ای برسد، نعمتی است که به‌سوی او شتافته است؛ اگر آن را قبول کند شکر کرده است و در غیر این صورت خداوند بر او حجت دارد تا به خاطر آن، گناهانش را بیافزاید و بر او بسیار غضب کند.

﴿۴۰۷۵﴾ هر بنده‌ای که از جانب خداوند نصیحتی در رابطه با دینش دریافت کند، در واقع نعمتی از خدا که به او رسیده است، اگر آن را به‌کار بندد شکرگزاری نموده، و در غیر این صورت آن نصیحت حجتی از جانب خدا بر اوست تا خشم خدا نسبت به او بیشتر گردد.

﴿۴۰۷۶﴾ ای محمد ﷺ به آنان که خواهان تقرب به‌سوی من هستند بگو: یقین بدانید این کلام بعد از ادای واجبات بالاترین درجه‌ی نزدیکی به من را برایتان به ارمغان می‌آورد و آن این است که بگویید: "خدا یا، هیچ بنده‌ای نیست که تو بر او بیش از من احسان کرده باشی و کرامت تو بر او دائمی‌تر از کرامت بر من بوده و لطف تو بر او آشکارتر از لطف تو بر من باشد و با او مهربان‌تر از من باشی و حجت تو بر او بیش از من باشد و یا با او مهربان‌تر از من باشی؛ و اگر تمامی خلائق نیز همین را بگویند ای کسی که شهادت تو کافی است، خود شهادت بده و من تو را با نیت صحیح به شهادت می‌گیرم که لطف و بخشش در نعمت‌دادن به من از آن توست و کم شکر کردن من در مقابل آن‌ها از آن من است. ای به‌وجودآورنده‌ی همه‌ی اراده‌ها، بر محمد و خاندانش درود فرست و گردنبند ایمن‌بودن از خشم خود را که به خاطر قصور ما در شکر برافروخته شده بر گردن من ببنداز. و با رحمت و آمرزش گسترده‌ات فزونی نعمت را بر من واجب کن.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

٨-٢-٣-١-سوء الحال

﴿٤٠٧٧﴾ السَّجَادُ عليه السلام: وَكَمْ قَلَّدْتَنِي مِنْ مِنَّةٍ ضَعَفَتْ قُوَايَ عَنْ حَمْلِهَا وَذَهَلَتْ فِطْنَتِي عَنْ ذِكْرِ فَضْلِهَا وَعَجَزَ شُكْرِي عَنْ جَزَائِهَا وَضِيقْتُ ذَرْعًا بِإِحْصَائِهَا قَابِلَتُكَ فِيهَا بِالْعَصِيَانِ وَنَسِيتُ شُكْرَ مَا أَوْلَيْتَنِي فِيهَا مِنَ الْإِحْسَانِ فَمَنْ أَسْوَأَ حَالًا مِنِّي إِنْ لَمْ تَتَذَكَّرْنِي بِالْغُفْرَانِ وَتُوزِعْنِي شُكْرَ مَا اصْطَنَعْتَ عِنْدِي مِنْ فَوَائِدِ الْإِمْنَانِ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٥٩

٩-٢-٣-١-الطرد، كان من المطرودين

﴿٤٠٧٨﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: مَنْ لَا يَقْضِي حَقَّ الصَّبْرِ عَلَى الْبَلَاءِ حُرْمَ قَضَاءِ الشُّكْرِ فِي النِّعْمَاءِ كَذَلِكَ مَنْ لَا يُؤَدِّي حَقَّ الشُّكْرِ فِي النِّعْمَاءِ يُحْرَمَ عَنْ قَضَاءِ الصَّبْرِ فِي الْبَلَاءِ وَمَنْ حُرِمَهُمَا فَهُوَ مِنَ الْمَطْرُودِينَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٢ ص: ٤٣٩

﴿٤٠٧٩﴾ الرُّسُولُ عليه السلام: يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَنْ لَمْ يَرْضَ بِقَضَائِي وَلَمْ يَشْكُرْ لِنِعْمَائِي وَلَمْ يَصْبِرْ عَلَى بَلَائِي فَلْيَتَّخِذْ رَبًّا سِوَايَ؛ بحار الأنوار ج: ٥ ص: ٩٥

﴿٤٠٨٠﴾ الرُّسُولُ عليه السلام: يَا دَاوُدُ قُلْ لِعِبَادِي يَا عِبَادِي مَنْ لَمْ يَرْضَ بِقَضَائِي وَلَمْ يَشْكُرْ نِعْمَائِي وَلَمْ يَصْبِرْ عَلَى بَلَائِي فَلْيَطْلُبْ رَبًّا سِوَايَ؛ بحار الأنوار ج: ٦٤ ص: ٢٣٦

١٠-٢-٣-١-العذاب

﴿٤٠٨١﴾ وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ؛ إبراهيم: الآية ٧
﴿٤٠٨٢﴾ فَإِنَّا نَحْمَدُ اللَّهَ رَبَّنَا وَإِلَيْهَا وَوَلَّيْنَا وَلَى النِّعَمِ عَلَيْنَا الَّذِي أَصْبَحَتْ نِعْمُهُ عَلَيْنَا ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً اٰمِنَانَا مِنْهُ بِغَيْرِ حَوْلٍ مِنَّا وَ لَا قُوَّةٍ لِنَبْلُوْنَا اَنْ نَشْكُرَ اَمْ نَكْفُرَ فَمَنْ شَكَرَ زَادَهُ وَ مَنْ كَفَرَ عَذَّبَهُ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٧ ص: ٣٩

١١-٢-٣-١-العقاب

﴿٤٠٨٣﴾ مَنْ لَمْ يَشْكُرِ النِّعْمَةَ عُوقِبَ بِزَوَالِهَا؛ غرر الحكم ص: ٣٢٣

١٢-٢-٣-١-الغضب

﴿٤٠٨٤﴾ حَتَّى تُمِيتَنِي عَلَى الْإِخْلَاصِ بِهِ وَتَبْعُنِي عَلَى اسْتِجَابِ رِضَاكَ وَلَمَّا جَعَلْتَهُ نُورًا وَ حُجَّةً وَ حِجَابًا وَلَمَّا لَمْ تَجْعَلْهُ وَبَالًا عَلَيَّ بِتَقْصِيرِ كَانَ مِنِّي وَ ضَعْفًا مِنْ شُكْرِي فَأَكُونُ وَ مَنْ عَصَاكَ وَ خَالَفَ أَمْرَكَ وَ جَحَدَكَ بِمَنْزِلَةِ سِوَاءٍ فِي غَضَبِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٣٣
١٣-٢-٣-١-فليتخذ ربًّا سِوَايَ راجع: الطرد

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۸-۲-۳-۱-۵- بدحالی

﴿۴۰۷۷﴾ و چه بسیار نعمتی که بر گردن من آویختی اما من از حمل آن ناتوان بودم و دانش من از ذکر فضیلت‌های آن حیران شد و از شکر آن عاجز شدم و از شمارش آن ناتوان گشتم و در برابر آن‌ها نافرمانی‌ات کردم و شکر احسانی که بر من نمودی را فراموش کردم. ولی اگر تو آمرزشت را برایم مهیا نکنی و در مقابل نیکی‌هایی که به من نمودی شکرگزاری را به من الهام نکنی، چه کسی از من بدتر خواهد بود.

۹-۲-۳-۱-۵- (رانده شدن)، از رانده شدگان بود

﴿۴۰۷۸﴾ هر که حق شکیبایی بر بلا را ادا نکند، از شکر نعمت دور می‌افتد، و همچنین هر که حق شکر نعمت را ادا نکند از ادای حق صبر در بلا دور می‌افتد و هر کس از این دو محروم شود از طردشدگان و رانده شدگان است.

﴿۴۰۷۹﴾ خداوند گرامی و بلندمرتبه می‌فرماید: هر که به مقدرات من راضی نشود و از نعمت‌هایم سپاسگزاری نکند و بر بلایم شکیبایی نورزد او باید پروردگاری غیر از من برای خود برگزیند. ﴿۴۰۸۰﴾ ای داود، به بندگان من بگویند: ای بندگان، هر کس به قضای من راضی نگردد و از نعمت‌های من سپاسگزاری نکند، و در گرفتاری‌ها صبر نداشته باشد، باید خدایی جز من طلب کند.

۱۰-۲-۳-۱-۵- عذاب

﴿۴۰۸۱﴾ و (همچنین به خاطر بیاورید) هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت: "اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود و اگر ناسپاسی کنید، همانا مجازات من شدید است."

﴿۴۰۸۲﴾ خداوند را سپاس می‌گزاریم که پروردگار و مولا و ولی نعمت ماست، او که نعمت‌هایش را آشکار و پنهان بر ما ارزانی داشته تا بر ما احسان نماید بدون آنکه سخنی بر زبان رانده باشیم (و از او درخواست کرده باشیم) و یا قدرتی از خود بر شکرگزاری یا کفران نعمتش داشته باشیم. پس که شکر او را به جای آرد فزونی دهد و آن را که کفران کند عذاب نماید.

۱۱-۲-۳-۱-۵- کیفر

﴿۴۰۸۳﴾ هر که سپاس نعمت نگوید، با ازدست دادن آن عقوبت خواهد شد.

۱۲-۲-۳-۱-۵- خشم

﴿۴۰۸۴﴾ تا اینکه مرا در حال اخلاص بمیرانی و در حالی که مستوجب رضای تو باشم برانگیزی و حال که آن را نور و حجت و حفاظی قرار داده‌ای به خاطر کوتاهی و ناتوانی‌ام در شکر، آن را برایم و بال و مایه‌ی سختی قرار ندی که در آن صورت من و آن کسی که تو را نافرمانی کرده و با امرت مخالفت کند و انکار تو را نماید در برابر غضب تو یکسان خواهیم بود.

۱۳-۲-۳-۱-۵- باید برای خود خدایی غیر از من بیاید ر.به: رانندن

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

١٤-٢-٣-٥-١- فَلْيَعُدَّ مِنَ الْإِنْعَامِ

﴿٤٠٨٥﴾ مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْإِنْعَامَ فَلْيَعُدَّ مِنَ الْإِنْعَامِ؛ غررالحكم ص: ٢٨٠

١٥-٢-٣-٥-١- الْمِحْنَةُ

﴿٤٠٨٦﴾ النَّعْمَةُ إِذَا خَلَتْ مِنَ الشُّكْرِ كَانَتْ مِحْنَةً لَازِمَةً؛ شرح نهج البلاغة ج: ١ ص: ٣٢٣

١٦-٢-٣-٥-١- الْمَقْتُ

﴿٤٠٨٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كُفِرَ النَّعْمَةُ دَاعِيَةُ الْمَقْتِ وَمَنْ جَازَاكَ بِالشُّكْرِ فَقَدْ أَعْطَاكَ أَكْثَرَ

مِمَّا أَخَذَ مِنْكَ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٨٢

١٧-٢-٣-٥-١- الْمُواخَذَةُ

﴿٤٠٨٨﴾ الكاظم عليه السلام: يَا هِشَامُ إِنَّ كُلَّ نِعْمَةٍ عَجَزْتَ عَنْ شُكْرِهَا بِمَنْزِلَةِ سَيِّئَةٍ تُؤَاخَذُ بِهَا؛

تحف العقول ص: ٣٩٢

١٨-٢-٣-٥-١- النَّقْمُ

﴿٤٠٨٩﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ شَكَرَ اللَّهَ عَلَى مَا أُفِيدَ فَقَدْ اسْتَوْجَبَ عَلَى اللَّهِ الْمَزِيدَ وَمَنْ أَضَاعَ

الشُّكْرَ فَقَدْ خَاطَرَ بِالنَّعْمِ وَلَمْ يَأْمَنْ بِالتَّغْيِيرِ وَ النَّقْمِ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٥٥

﴿٤٠٩٠﴾ المجتبی عليه السلام: النَّعْمَةُ مِحْنَةٌ فَإِنْ شَكَرْتَ كَانَتْ نِعْمَةً فَإِنْ كَفَرْتَ صَارَتْ نِقْمَةً؛

العدد القوية ص: ٣٧

﴿٤٠٩١﴾ النبی عليه السلام: تَضَعُضَعُوا لَوَاقِعِ النِّقْمَةِ إِذْ لَمْ يَشْكُرُوا سَابِغِ النَّعْمَةِ وَ تَزْغَرَعُوا لِخُلُولِ

السَّخْطَةِ لَمَّا تَنَاسَوْا حَقِّي عَلَيْهِمْ عِنْدَ الْمُهْلَةِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٦٣

﴿٤٠٩٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَوَّلَا قُلْتُ كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَاتٍ وَ عُيُونٍ وَ زُرُوعٍ وَ مَقَامٍ كَرِيمٍ وَ

نِعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَكَيْهِنَ كَذَلِكَ وَ أَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ وَ مَا

كَانُوا مُنْظَرِينَ إِنَّ هَؤُلَاءِ كَانُوا وَارِثِينَ فَأَصْبَحُوا مَوْرُوثِينَ إِنَّ هَؤُلَاءِ لَمْ يَشْكُرُوا النَّعْمَةَ فَسَلِبُوا

دُنْيَاهُمْ بِالْمَعْصِيَةِ إِيَّاكُمْ وَ كُفِرَ النَّعْمَ لَا تَحِلَّ بِكُمْ النَّقْمُ؛ وقعة صفين ص: ١٤٣

١٩-٢-٣-٥-١- الْوَبَالُ

﴿٤٠٩٣﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ أَنْعَمَ عَلَى قَوْمٍ بِالْمَوَاهِبِ فَلَمْ يَشْكُرُوهُ فَصَارَتْ عَلَيْهِمْ وَبَالًا وَ

ابْتَلَى قَوْمًا بِالْمَصَائِبِ فَصَبَرُوا فَكَانَتْ عَلَيْهِمْ نِعْمَةً؛ تحف العقول ص: ٣٥٩

٢٠-٢-٣-٥-١- الْوَيْلُ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۱۴-۲-۳-۱-۵-۱ باید از چارپایان شمرده شود

﴿۴۰۸۵﴾ هر که نعمت‌ها را شکر نکند باید که از چهارپایان شمرده شود.

۱۵-۲-۳-۱-۵-۱ سختی

﴿۴۰۸۶﴾ نعمتی که با شکر همراه نشود رنجی دائمی خواهد بود.

۱۶-۲-۳-۱-۵-۱ دشمنی

﴿۴۰۸۷﴾ ناسپاسی نعمت موجب خشم است، هر که نیکی تو را با شکر پاسخ دهد بیش از آنچه دریافت کرده به تو داده است.

۱۷-۲-۳-۱-۵-۱ بازخواست

﴿۴۰۸۸﴾ ای هشام، هر نعمتی که به شکرش موفق نشوی، چون گناهی است که بر آن بازخواست شوی.

۱۸-۲-۳-۱-۵-۱ مجازات

﴿۴۰۸۹﴾ هر کس به آنچه که رسیده شاکر باشد، مستوجب دریافت نعمت بیشتر خواهد شد و هر کس از سپاسگزاری دست بردارد نعمت را در مخاطره افکنده است، و از تغییر آن در امان نخواهد بود.

﴿۴۰۹۰﴾ نعمت، در واقع ابزار امتحان و آزمایش است؛ وقتی سپاس آن را به جا آوری و شکرگزار باشی تبدیل به نعمت می‌شود و اگر کفران کردی؛ به نعمت و بلا تبدیل می‌شود.

﴿۴۰۹۱﴾ آنگاه که شکر نعمت بزرگ را ادا نکردند برای مجازات به حال خوار و زار درآمدند و به خاطر فراموش کردن حقی که با مهلت‌دادنم بر آن‌ها دارم با اضطراب شدید در معرض خشم من قرار گرفتند.

﴿۴۰۹۲﴾ امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: خدایا آیا نفرموده‌ای؟ "چه بسیار باغات و چشمه‌زارها که از آن‌ها به جای ماند. و زراعت و کشت‌زارها و زمین‌های پست و بلند و نعمت‌هایی که در کنار آن خوش‌وخرم بودند. و همین‌طور این‌ها را به دیگران ارث دادیم. (آن‌ها مردند) و نه آسمان و نه زمین هیچ‌کدام به حال رقت‌بار آن‌ها گریه نکرد و کوچک‌ترین مهلتی به آن‌ها داده نشد." حضرت فرمود: این گروه وارث دیگران بودند که اکنون دیگران وارث ایشان شدند و دارایی‌هایشان را مالک شده و به جای آن‌ها نشسته‌اند. این‌ها شکر نعمت‌ها را به جا نیاوردند و به خاطر انجام نافرمانی‌ها، این نعمت‌ها از دستشان رفت؛ پس کفران نعمت نکنید تا عذاب خداوند بر شما وارد نشود.

۱۹-۲-۳-۱-۵-۱ گرفتاری سخت

﴿۴۰۹۳﴾ خداوند گروهی را مشمول نعمت خویش قرار داد، پس سپاسگزاری او را نکردند، آن نعمت بر آن‌ها تبدیل به عذاب و گروهی دچار مصیبت شدند بر آن مصیبت صبر کردند. مصیبت برای آن‌ها تبدیل به نعمت شد.

۲۰-۲-۳-۱-۵-۱ وای

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٤٠٩٤﴾ النبي ﷺ: الْوَيْلُ لِمَنْ أَكَلَ طَيِّبَ الطَّعَامِ وَشَرِبَ لَذِيذَ الشَّرَابِ وَلَمْ يُؤَدِّ شُكْرَ الْوَهَّابِ وَإِنَّهُ مُحَاسَبٌ عَلَى الْخَرْدَلَةِ وَمَدِينٌ بِمَا صَنَعَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٧٠

﴿٤٠٩٥﴾ أمير المؤمنين ﷺ: فَأَلْوَيْلُ لِي مِنْكَ ثُمَّ الْوَيْلُ أَكْثَرُ ذِكْرَكَ فِي الضَّرَاءِ وَأَغْفَلُ عَنْهُ فِي السَّرَّاءِ وَأَخَفُ فِي مَعْصِيَتِكَ وَأَثْقَلُ عَنْ طَاعَتِكَ مَعَ سُبُوغِ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَحُسْنِ بَلَائِكَ لَدَيَّ وَقَلَّةِ شُكْرِي بَلْ لَا صَبْرَ لِي عَلَى بَلَاءٍ وَلَا شُكْرَ لِي عَلَى نِعْمَةٍ؛ بحار الأنوار ج: ٩٧ ص: ٤٢٠

١-٥-٣-٣- التَّحْرِيمُ

١-٥-٣-٣-١- تَحْرِيمُ النِّعْمَةِ

﴿٤٠٩٦﴾ الصادق ﷺ: لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي غَيْرَ شَاكِرٍ لِنِعْمَاتِكَ فَحَرَمْتَنِي؛ البلد الأمين ص: ٢٠٨

﴿٤٠٩٧﴾ الصادق ﷺ: مَنْ لَا يَقْضِي حَقَّ الصَّبْرِ عَلَى الْبَلَاءِ حُرِّمَ قَضَاءُ الشُّكْرِ فِي النِّعْمَةِ كَذَلِكَ مَنْ لَا يُؤَدِّي حَقَّ الشُّكْرِ فِي النِّعْمَةِ يُحْرَمَ عَنْ قَضَاءِ الصَّبْرِ فِي الْبَلَاءِ وَمَنْ حُرِّمَهُمَا فَهُوَ مِنَ الْمَطْرُودِينَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٢ ص: ٤٣٩

﴿٤٠٩٨﴾ مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْإِحْسَانَ لَمْ يَعْذِهِ الْجَرْمَانُ؛ غرر الحكم ص: ٢٨٠

﴿٤٠٩٩﴾ الرسول ﷺ: اللَّهُمَّ فَلَا تَحْرِمْنِي لِقَلَّةِ شُكْرِي؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٣٨١

﴿٤١٠٠﴾ إِلَهِي فَلَا تَحْرِمْنِي خَيْرَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى لِقَلَّةِ شُكْرِي؛ الصحيفة السجادية ﷺ ص: ٢٥٠

﴿٤١٠١﴾ الصادق ﷺ: إِلَهِي قَلَّ شُكْرِي سَيِّدِي فَلَمْ تَحْرِمْنِي؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٣٣٣

﴿٤١٠٢﴾ الرسول ﷺ: فَلَا تَحْرِمْنَا فَضْلَكَ لِقَلَّةِ شُكْرِنَا؛ مصباح المتعبد ص: ١٣٤

١-٥-٣-٣-٢- الْحِجَابُ عَنِ الْمَسْأَلَةِ

﴿٤١٠٣﴾ اللَّهُمَّ إِنَّهُ يَحْجُبُنِي عَنْ مَسْأَلَتِكَ خِيَالُ ثَلَاثٍ، وَتَحْذُونِي عَلَيْهَا خَلَّةٌ وَاحِدَةٌ، يَحْجُبُنِي أَمْرٌ أَمَرْتُ بِهِ فَأَبْطَأْتُ عَنْهُ، وَنَهْيٌ نَهَيْتَنِي عَنْهُ فَأَسْرَعْتُ إِلَيْهِ، وَنِعْمَةٌ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ فَقَصَّصْتُ فِي شُكْرِهَا؛؛ الصحيفة السجادية ﷺ ص: ٦٤

١-٥-٣-٣-٣- الزُّهْدُ فِي إِصْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ

﴿٤١٠٤﴾ قِلَّةُ الشُّكْرِ تَزْهَدُ فِي إِصْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ؛ غرر الحكم ص: ٢٨٠

١-٥-٣-٣-٤- الْقَطْعُ

﴿٤١٠٥﴾ الجواد ﷺ: سُبْحَانَ اللَّهِ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّهُ لَا يَنْقَطِعُ الْمَزِيدُ مِنَ اللَّهِ حَتَّى يَنْقَطِعَ الشُّكْرُ

مِنَ الْعِبَادِ؛ تحف العقول ص: ٤٥٧

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۴۰۹۴﴾ وای بر کسی که غذای پاک می خورد و نوشیدنی گوارا می نوشد و شکر پروردگار بسیار بخشنده را به جا نمی آورد، که همانا او در مقابل ذره ای به اندازه ی خردل باید حساب پس دهد و در گرو کارهایی است که انجام داده است.

﴿۴۰۹۵﴾ وای بر من، وای بر من، در سختی ها بسیار یاد تو می کنم و در راحتی از آن غفلت می کنم، گناهانت را سبک می شمارم و اطاعتت برایم سنگین است با اینکه نعمت هایت را بر من تمام کرده ای و امتحان خوبی از من گرفته ای ولی کم شکر کرده ام، و در برابر بلایت شکیبایی نورزیده و در برابر نعمت هایت شکر نکرده ام.

۳-۳-۱- جلوگیری، ممانعت، محروم کردن

۱-۳-۳-۱- محروم کردن از نعمت

﴿۴۰۹۶﴾ پروردگارا، شاید تو مرا ناسپاس دیدی و نعمت هایت را از من دریغ نمودی و مرا محروم ساختی؟

﴿۴۰۹۷﴾ هر که حق شکیبایی بر بلا را ادا نکند، از شکر نعمت دور می افتد، و همچنین هر که حق شکر نعمت را ادا نکند از ادای حق صبر در بلا دور می افتد و هر کس از این دو محروم شود از طردشدگان و رانده شدگان است.

﴿۴۰۹۸﴾ هر که احسان را شکر نکند، نابودی و محرومیت از او دور نمی شود.

﴿۴۰۹۹﴾ خداوندا به سبب ناچیزی شکرگزاری ام مرا محروم مکن.

﴿۴۱۰۰﴾ ای خدای من، مرا به سبب ناچیز بودن شکرگزاری ام از خیر و نیکی آخرت و دنیا نومیدم مگردان.

﴿۴۱۰۱﴾ پروردگارا، شکر من ناچیز است. ای سرورم، و با این وجود تو مرا از نعمت محروم نکردی.

﴿۴۱۰۲﴾ خدایا، به علت اندک بودن سپاسگزاری من، مرا از لطف خود دور نکن.

۲-۳-۳-۱- مخفی ماندن مورد درخواست

﴿۴۱۰۳﴾ خدایا، سه خصلت مرا از درخواست نمودن از پیشگاه تو بازمی دارد و یک خصلت مرا بر آن می دارد تا از تو طلب کنم؛ آنچه مرا بازمی دارد امری است که به آن فرمان دادی و من در به جا آوردن آن درنگ کردم، و آنچه از آن جلوگیری کردی ولی من به سوی آن شتافتم، و نعمتی که به من بخشیدی و من در سپاسگزاری اش کوتاهی نمودم.

۳-۳-۳-۱- بی رغبتی به احسان کردن

﴿۴۱۰۴﴾ ناچیز بودن شکر، احسان کننده را به کار خیر بی رغبت می کند.

۴-۳-۳-۱- بریدن

﴿۴۱۰۵﴾ پاک و منزّه است خداوند، مگر نمی دانی که تا شکر بندگان قطع نشود، افزایش عطای خدا قطع نگردد.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٤١٠٦﴾ النِّعْمَةُ مَوْصُولَةٌ بِالشُّكْرِ وَ الشُّكْرُ مَوْصُولٌ بِالْمَزِيدِ وَ هُمَا مَقْرُونَانِ فِي قَرْنٍ فَلَنْ يَنْقَطَعَ الْمَزِيدُ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ حَتَّى يَنْقَطَعَ الشُّكْرُ مِنَ الشَّاكِرِ؛ غررالحكم ص: ٢٧٩
١-٥-٣-٣-٥- لا يَرْضَى عَنْهُ

﴿٤١٠٧﴾ إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَ لَا يَرْضَى لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَ إِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ وَ لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ثُمَّ إِلَى رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ؛ الزمر: الآية ٧

١-٥-٣-٣-٦- لا يُسْتَجَابُ دُعَاؤُهُ

﴿٤١٠٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، فَمَا بَالُنَا نَدْعُو فَلَا يُجَابُ قَالَ: إِنْ قُلُوبُكُمْ خَانَتْ بِشَمَانٍ خِصَالٍ... السَّادِسَةُ أَنْكُمْ أَكَلْتُمْ نِعْمَةَ الْمَوْلَى وَ لَمْ تَشْكُرُوا عَلَيْهَا؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ٢٦٨

﴿٤١٠٩﴾ دَخَلَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ أَدْهَمَ الْبَصْرَةَ فَاجْتَمَعَ النَّاسُ إِلَيْهِ وَ قَالُوا يَا أَبَا إِسْحَاقَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ وَ نَحْنُ نَدْعُو فَلَا يُسْتَجَابُ لَنَا قَالَ يَا أَهْلَ الْبَصْرَةِ لَأَنْ قُلُوبَكُمْ قَدْ صَارَتْ فِي عَشْرَةِ أَوَّلِهَا عَرَفْتُمْ اللَّهَ فَلَمْ تُؤَدُّوا حَقَّهُ الثَّانِي قَرَأْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ فَلَمْ تَعْمَلُوا بِهِ الثَّالِثُ قُلْتُمْ نَحْبُ رَسُولِ اللَّهِ وَ تَرَكْنَا سُنَّتَهُ الرَّابِعُ قُلْتُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ لَنَا عَدُوٌّ فَوَافَقْتُمُوهُ الْخَامِسُ قُلْتُمْ نَحْبُ الْجَنَّةِ وَ لَمْ تَعْمَلُوا لَهَا السَّادِسُ قُلْتُمْ إِنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَ لَمْ تَتَّهَيَّتُوا لَهُ السَّابِعُ انْتَبَهْتُمْ مِنَ النَّوْمِ فَاشْتَغَلْتُمْ بِاِغْتِيَابِ إِخْوَانِكُمُ الثَّامِنُ أَكَلْتُمْ نِعْمَتَ اللَّهِ فَلَمْ تُؤَدُّوا شُكْرَهَا التَّاسِعُ قُلْتُمْ نَخَافُ مِنَ النَّارِ وَ لَمْ تَهْرَبُوا مِنْهَا الْعَاشِرُ دَفَنْتُمْ مَوْتَاكُمْ فَلَمْ تَعْتَبِرُوا بِهِمْ؛ إرشاد القلوب ج: ١١٩٦
١-٥-٣-٣-٧- لا يُغْفَرُ

﴿٤١١٠﴾ الرسول ﷺ: نِعْمَةٌ لَا تُشْكُرُ خَطِيئَةٌ لَا تُغْفَرُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٦٩

﴿٤١١١﴾ الجواد عليه السلام: نِعْمَةٌ لَا تُشْكُرُ كَسِيئَةٌ لَا تُغْفَرُ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٥٣

١-٥-٣-٣-٨- الْمَنْعُ

﴿٤١١٢﴾ مَنْ لَمْ يَشْكُرِ النِّعْمَةَ عُوقِبَ بِزَوَالِهَا؛ غررالحكم ص: ٢٨٠

﴿٤١١٣﴾ الصادق عليه السلام: فَإِنِّي رَأَيْتُ مَنْعَ الْآوَاخِرِ يَقْطَعُ لِسَانَ شُكْرِ الْآوَائِلِ؛ الكافي ج: ٤ ص: ٢٤

١-٥-٣-٤- التَّغْيِيرُ وَ الزَّوَالُ

١-٥-٣-٤-١- إِعَارَةُ النِّعْمَةِ

﴿٤١١٤﴾ الكاظم عليه السلام: مَرَّقَ مُلْكُهُ كُلَّ مُمَرَّقٍ وَ فَرَّقَ انْصَارَهُ كُلَّ مُفَرَّقٍ وَ أَعْرَهُ مِنْ نِعْمَتِكَ الَّتِي لَا يَقَابِلُهَا بِالشُّكْرِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٢ ص: ٢٢٢

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۴۱۰۶﴾ نعمت به شکر و شکر به افزایش نعمت پیوند خورده است و هردو همراه و از یک شاخه و به هم نزدیکند پس قطع نمی شود افزایش نعمت مگر آنکه شکر و سپاس از شکرگزار قطع شود.

۵-۳-۳-۱- از او راضی نمی شود

﴿۴۱۰۷﴾ اگر کفران کنید، خداوند از شما بی نیاز است و هرگز کفران را برای بندگان نمی پسندد و اگر شکر او را به جا آورید آن را برای شما می پسندد؛ و هیچ گنهکاری گناه فرد دیگری را بر دوش نمی کشد؛ سپس بازگشت همه ی شما به سوی پروردگارتان است، و شما را از آنچه انجام می دادید آگاه می سازد زیرا او به آنچه در سینه هاست آگاه است.

۶-۳-۳-۱- دعایش مستجاب نمی شود

﴿۴۱۰۸﴾ گفتند: ای امیرالمؤمنین چرا دعاها ی ما مستجاب نمی شود؟ فرمود: دل های شما هشت گونه خیانت کرده اند... ششم آنکه نعمت مولایان را می خورید ولی او را سپاس نمی گزارید
﴿۴۱۰۹﴾ ابراهیم ادهم وارد شهر بصره شد مردم دورش جمع شدند و به وی گفتند: ای اباسحاق خدای تعالی فرموده است بخوانید مرا تا شما را اجابت کنم و حال اینکه ما خدا را می خوانیم و ما را جواب نمی دهد، ابراهیم گفت ای مردم بصره به این جهت دعای شما اجابت نمی شود. که ده چیز در دل های شماست که مانع از استجاب دعاست. اول آن ها این است که خدا را شناختید حقش را ادا نکردید، دوم اینکه قرآن را خواندید ولی عمل نکردید. سوم اینکه گفتید که دوست می دارید پیامبر خدا را ولی سنت او را رها کردید. چهارم اینکه گفتید که شیطان را دشمن می داریم ولی موافق خواسته ی او عمل کردید، پنجم گفتید بهشت را دوست داریم ولی کاری برای بهشت نکردید. ششم گفتید مرگ حق است ولی مهربای مردن نشدید. هفتم از خواب بیدار شدید ولی سرگرم غیبت برادرانتان شدید، هشتم نعمت های خدا را خوردید و سپاسگزاری نکردید. نهم گفتید از آتش دوزخ می ترسید ولی از آن فرار نکردید و دهم مردگانتان را دفن کردید ولی از آن ها عبرت نگرفتید.

۷-۳-۳-۱- آمرزیده نمی شود

﴿۴۱۱۰﴾ نعمتی که شکرش ادا نمی شود مانند خطایی است که بخشیده نمی شود.

﴿۴۱۱۱﴾ نعمتی که شکرش ادا نمی شود مانند گناهی است که بخشیده نمی شود.

۸-۳-۳-۱- جلوگیری، محرومیت

﴿۴۱۱۲﴾ هر که نعمت را شکر نکند، از دریافت نعمت بیشتر محروم می شود.

﴿۴۱۱۳﴾ دیدم که عدم سپاسگزاری نعمت های آغازین موجب قطع نعمت های بعدی می شود.

۴-۳-۱- تغییر و نابودی

۱-۴-۳-۱- عدم تداوم نعمت

﴿۴۱۱۴﴾ خدایا، با پادشاهی او (امام زمان علیه السلام) همه ی سلطنت ها را در هم بشکن و یارانشان را متفرق کن و نعمت هایی را که شکر آن را ادا نمی کنند از آنان بگیر.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

٢-٤-٣-١-٥-١-تَغْيِيرُ الدَّهْرِ

﴿٤١١٥﴾ وَقَفَتْ عَلَيْنَا أَعْرَابِيَّةٌ فَقَالَتْ يَا قَوْمِ تُغَيِّرُ بَنَى الدَّهْرِ إِذْ قَلَّ مِنَّا الشُّكْرُ؛ بِلَاغَاتِ النِّسَاءِ ص: ٦٤

﴿٤١١٦﴾ أَفَلَا قُلْتُمْ كَمْ تَرَكَوْا مِنْ جَنَّاتٍ وَ عُيُونٍ وَ زُرُوعٍ وَ مَقَامٍ كَرِيمٍ وَ نِعْمَةً كَانُوا فِيهَا فَكَيْهِنَ كَذَلِكَ وَ أَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ وَ مَا كَانُوا مُنْظَرِينَ إِنَّ هَؤُلَاءِ كَانُوا وَارَثِينَ فَأَصْبَحُوا مَوْرُوثِينَ إِنَّ هَؤُلَاءِ لَمْ يَشْكُرُوا النِّعْمَةَ فَاسْلُبُوا دُنْيَاهُمْ بِالْمَعْصِيَةِ إِيَّاكُمْ وَ كَفَرُوا النَّعْمَ لَا تَحِلَّ بِكُمْ النَّقْمُ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٣ ص: ٢٠٢

٣-٤-٣-١-٥-١-تَغْيِيرُ النَّعْمِ

﴿٤١١٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُعْطِي النَّعْمَ بِشَرْطِ الشُّكْرِ لَهَا وَ الْقِيَامِ فِيهَا بِحُقُوقِهَا فَإِذَا أَخْلَى الْمُكَلَّفُ بِذَلِكَ كَانَ لِلَّهِ التَّغْيِيرُ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ١٤٩
﴿٤١١٨﴾ السَّجَاد عليه السلام: الذُّنُوبُ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ الْبُغْيُ عَلَى النَّاسِ وَ الزَّوَالُ عَنِ الْعَادَةِ فِي الْخَيْرِ وَ اصْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ وَ كُفْرَانِ النَّعْمِ وَ تَرْكُ الشُّكْرِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ وسائل الشيعة ج: ١٦ ص: ٢٨١

﴿٤١١٩﴾ فَمَنْ يَشْكُرِ اللَّهَ يَلْقَ الْمَزِيدَ وَ مَنْ يَكْفُرِ اللَّهَ يَلْقَ الْغَيْرَ

شرح نهج البلاغة ج: ١٤ ص: ٨١

﴿٤١٢٠﴾ السَّجَاد عليه السلام: فَيَحُولُ ذَلِكَ (حَالُ الْغَفْلَةِ) بَيْنِي وَ بَيْنَ التَّضَرُّعِ إِلَيْكَ فِي دَوَامِ ذَلِكَ لِي مَعَ مَا أَمَرْتَنِي بِهِ مِنْ شُكْرِكَ وَ وَعَدْتَنِي عَلَيْهِ مِنَ الْمَزِيدِ مِنْ لَدَيْكَ فَسَهْوَتُ وَ لَهْوَتُ وَ غَفَلْتُ وَ أَمِنْتُ وَ أَشْرْتُ وَ بَطَرْتُ وَ تَهَاوَنْتُ حَتَّى جَاءَ التَّغْيِيرُ مَكَانَ الْعَافِيَةِ بِحُلُولِ الْبَلَاءِ وَ نَزَلَ الضَّرُّ بِمَنْزِلَةِ الصَّحَّةِ وَ بِأَنْوَاعِ السُّقْمِ وَ الْأَذَى وَ أَقْبَلَ الْفَقْرُ بِإِزَاءِ الْغِنَى؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٣٦
﴿٤١٢١﴾ الصَّادِق عليه السلام: مَنْ شَكَرَ اللَّهَ عَلَى مَا أُفِيدَ فَقَدْ اسْتَوْجَبَ عَلَى اللَّهِ الْمَزِيدَ وَ مَنْ أَضَاعَ الشُّكْرَ فَقَدْ خَاطَرَ بِالنَّعْمِ وَ لَمْ يَأْمَنِ التَّغْيِيرَ وَ النَّقْمَ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٥٥

٤-٤-٣-١-٥-١-زَوَالُ النَّعْمَةِ

﴿٤١٢٢﴾ زَوَالُ النَّعْمِ بِمَنْعِ حُقُوقِ اللَّهِ مِنْهَا وَ التَّقْصِيرِ فِي شُكْرِهَا؛ غرر الحكم ص: ١٠٠
﴿٤١٢٣﴾ الباقر عليه السلام: مَا عَاشَ قَوْمٌ قَطُّ فِي غَضَارَةٍ مِنْ كَرَامَةِ نِعَمِ اللَّهِ فِي مَعَاشِ دُنْيَا وَ لَا دَائِمٍ تَقَوَّى فِي طَاعَةِ اللَّهِ وَ الشُّكْرِ لِنِعْمِهِ فَأَزَالَ ذَلِكَ عَنْهُمْ إِلَّا مِنْ بَعْدِ تَغْيِيرٍ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ تَحْوِيلٍ عَنْ طَاعَةِ اللَّهِ وَ الْحَادِثِ مِنْ ذُنُوبِهِمْ وَ قِلَّةِ مُحَافَظَةِ وَ تَرْكِ مُرَاقَبَةِ اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ وَ تَهَاوُنٍ بِشُكْرِ نِعْمَةِ اللَّهِ لِأَنَّ اللَّهَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

۲-۴-۳-۱-۵- تغییر روزگار

﴿۴۱۱۵﴾ زنی از اعراب بیابانی در برابر ما ایستاد و گفت: ای مردم، هرگاه شکرگزاری ما کم شود زمانه نیز رفتارش با ما عوض خواهد شد
﴿۴۱۱۶﴾ امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: خدایا آیا نفرموده‌ای؟ "چه بسیار باغات و چشمه‌زارها که از آن‌ها به جای ماند. و زراعت و کشت‌زارها و زمین‌های پست و بلند و نعمت‌هایی که در کنار آن خوش‌و خرم بودند. و همین‌طور این‌ها را به دیگران ارث دادیم. (آن‌ها مردند) و نه آسمان و نه زمین هیچ‌کدام به حال رقت‌بار آن‌ها گریه نکرد و کوچک‌ترین مهلتی به آن‌ها داده نشد. " حضرت فرمود: این گروه وارث دیگران بودند که اکنون دیگران وارث ایشان شدند و دارایی‌هایشان را مالک شده و به جای آن‌ها نشسته‌اند. این‌ها شکر نعمت‌ها را به‌جا نیاوردند و به خاطر انجام نافرمانی‌ها، این نعمت‌ها از دستشان رفت؛ پس کفران نعمت نکنید تا عذاب خداوند بر شما وارد نشود.

۳-۴-۳-۱-۵- تغییر نعمت‌ها

﴿۴۱۱۷﴾ همانا خدای تعالی نعمت‌ها را به بندگان عطا می‌کند، به شرط اینکه سپاسگزاری کنند و برای ادای حقوق الهی به‌پاخیزند سپس هرگاه بنده در وظیفه کوتاهی کرد بر خداست که نعمتش را تغییر دهد.
﴿۴۱۱۸﴾ گناهای که نعمت را تغییر می‌دهند عبارتند از: ظلم و تعدی بر مردم، و ترک عمل خیری که به آن عادت شده، و ترک امر به نیکی‌ها، و کفران نعمت، و ترک شکر، و خداوند درباره‌اش فرمود است: خداوند سرنوشت هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را که در وجود خودشان است تغییر دهند.
﴿۴۱۱۹﴾ هرکس خدا را شکر کند، افزایش نعمت را ملاقات خواهد کرد؛ و هرکس خدا را ناسپاسی کند، با تغییر و پس گرفته شدن نعمت مواجه می‌شود.
﴿۴۱۲۰﴾ تداوم حال غفلت و بی‌توجهی مانع زاری می‌شود، با اینکه تو مرا به شکر امر کردی و از جانب خودت به من وعده‌ی افزایش نعمت دادی، ولی من بی‌توجهی و بازیگوشی و غفلت و سرمستی و سستی کردم تا اینکه با ورود گرفتاری‌ها نعمت از دستم گرفته شد، بیماری و درد جای سلامتی و نداری جای بی‌نیازی را گرفت.
﴿۴۱۲۱﴾ هرکس به آنچه که رسیده شاکر باشد، مستوجب دریافت نعمت بیشتر خواهد شد و هرکس از سپاسگزاری دست بردارد نعمت را در مخاطره افکنده است، و از تغییر آن در امان نخواهد بود.

۴-۴-۳-۱-۵- نابودی نعمت

﴿۴۱۲۲﴾ زایل شدن نعمت‌ها به بازداشتن حقوق الهی از او ایجاد می‌شود و کوتاهی کردن در سپاسگزاری در برابر نعمت‌ها نیز سبب زوال آن‌ها خواهد بود.
﴿۴۱۲۳﴾ هرگز خداوند نعمت‌هایش را از مردمی که در خرمی کرامت نعمت‌های خداوند عمر به‌سر بردند و پیوسته تقوی را در طاعت خداوند رعایت نمودند و شکر نعمت‌های او را به‌جا آوردند دریغ ننموده است و قطع نکرده است مگر آنکه آنان خود را (در انجام عبادت و طاعت) واژگونه کرده و از طاعت خداوند روی گردان شده باشند و گناهای مرتکب شوند و دست از مراقبت خود برداشته و خدا را نادیده گرفته و شکر نعمت او را زیر پا گذارند زیرا خدای عزیز و جلیل در آیات

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ؛ الكافي ج: ٨ ص: ٢٥٦
﴿٤١٢٤﴾ أَمَّا وَاللَّهِ لَهْدُمُ النُّعْمَةِ أَيسَّرَ مِنْ بِنَائِهَا وَمَا الزِّيَادَةُ إِلَيْكُمْ بِالشُّكْرِ أَسْرَعَ مِنْ زَوَالِ النُّعْمَةِ عَنْكُمْ بِالْكَفْرِ؛ بلاغات النساء ص: ٢٠

﴿٤١٢٥﴾ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فِي كُلِّ نِعْمَةٍ حَقًّا مِنَ الشُّكْرِ فَمَنْ آدَاهُ زَادَهُ مِنْهَا وَمَنْ قَصَرَ عَنْهُ خَاطَرَ بِزَوَالِ نِعْمَتِهِ؛ غررالحكم ص: ٢٧٩

﴿٤١٢٦﴾ كُفِرَ النُّعْمَةُ مُزِيلُهَا وَشُكْرُهَا مُسْتَدِيمُهَا؛ غررالحكم ص: ٣٢٣
﴿٤١٢٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ لَمْ يُحِطِ النِّعَمَ بِالشُّكْرِ لَهَا فَقَدْ عَرَضَهَا لِزَوَالِهَا؛ مستدرک الوسائل

ج: ١٢ ص: ٣٧١

﴿٤١٢٨﴾ مَنْ لَمْ يَشْكُرِ النُّعْمَةَ عَوقِبَ بِزَوَالِهَا؛ غررالحكم ص: ٣٢٣
١-٥٣-٤-٥- زَوَالُ الْخَيْرِ

﴿٤١٢٩﴾ مَنْ قَلَّ شُكْرُهُ زَالَ خَيْرُهُ؛ غررالحكم ص: ٢٨٠
١-٥٣-٤-٥- سَلْبُ الدُّنْيَا

﴿٤١٣٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَفَلَا قُلْتُمْ كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ وَ نِعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ إِنَّ هَؤُلَاءِ كَانُوا وَارِثِينَ فَأَصْبَحُوا مَوْرُوثِينَ إِنَّ هَؤُلَاءِ لَمْ يَشْكُرُوا النُّعْمَةَ فَسَلِبُوا دُنْيَاهُمْ بِالْمَعْصِيَةِ إِيَّاكُمْ وَ كُفِرَ النِّعَمَ لَا تَحِلُّ بِكُمْ النِّقَمَ؛ وقعة صفين ص: ١٤٣
١-٥٣-٤-٥- سَلْبُ النُّعْمَةِ

﴿٤١٣١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَخْلَوْا بِشُكْرِ النِّعَمِ فَسَلِبُوهَا؛ إرشادالقلوب ج: ١ ص: ١٤٩
﴿٤١٣٢﴾ الحسين عليه السلام: الْإِسْتِدْرَاجُ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ لِعَبْدِهِ أَنْ يُسْبِغَ عَلَيْهِ النِّعَمَ وَيَسْلُبَهُ الشُّكْرَ؛

تحف العقول ص: ٢٤٦

﴿٤١٣٣﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ لَمْ يُعْطِ لِيَأْخُذْ وَلَوْ أَنْعَمَ عَلَى قَوْمٍ مَا أَنْعَمَ وَ بَقُوا مَا بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ مَا سَلَبَهُمْ تِلْكَ النِّعَمَ وَ هُمْ لَهُ شَاكِرُونَ إِلَّا أَنْ يَتَحَوَّلُوا مِنْ شُكْرِ إِلَى كُفْرٍ وَ مِنْ طَاعَةٍ إِلَى مَعْصِيَةٍ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ إرشادالقلوب ج: ١ ص: ٣١

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

محکم کتابش می‌فرماید: (اما) خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند، و هنگامی که خدا به قومی (به خاطر اعمالشان) اراده‌ی سوء و بدی داشته باشد، هیچ چیز مانع آن نخواهد شد. و جز خدا، سرپرستی نخواهند داشت.

﴿۴۱۲۴﴾ قسم به خدا، از بین بردن نعمت آسان‌تر از درست کردن نعمت است و آنچه نعمت را زیاد می‌کند شکر بر نعمت است و آنچه با سرعت نعمت را از بین می‌برد کفران نعمت است. ﴿۴۱۲۵﴾ همانا برای خدای تعالی در هر نعمتی حقی است و آن ادای شکر اوست پس هر که آن را به جا آورد خدا آن نعمت را بر او می‌افزاید، و هر که در ادای شکر کوتاهی کند، نعمت از او گرفته می‌شود.

﴿۴۱۲۶﴾ کفران نعمت، زایل کننده‌ی آن است و شکر پایدارکننده‌ی آن. ﴿۴۱۲۷﴾ هر کس نعمت‌ها را با شکر در بر نگیرد آن‌ها را در معرض زوال و نابودی قرار داده است.

﴿۴۱۲۸﴾ هر که سپاس نعمت نگوید، با ازدست دادن آن عقوبت خواهد شد.

۵-۴-۳-۱- از بین رفتن خیر

﴿۴۱۲۹﴾ هر که شکرش کم باشد، خیر از دستش می‌رود.

۶-۴-۳-۱- گرفتن دنیا

﴿۴۱۳۰﴾ امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: خدایا آیا نفرموده‌ای؟ "چه بسیار باغات و چشمه‌زارها که از آن‌ها به جای ماند، و زراعت و کشت‌زارها و زمین‌های پست و بلند و نعمت‌هایی که در کنار آن خوش‌وخرم بودند. و همین‌طور این‌ها را به دیگران ارث دادیم. (آن‌ها مردند) و نه آسمان و نه زمین هیچ کدام به حال رقت‌بار آن‌ها گریه نکرد و کوچک‌ترین مهلتی به آن‌ها داده نشد." حضرت فرمود: این گروه وارث دیگران بودند که اکنون دیگران وارث ایشان شدند و دارایی‌هایشان را مالک شده و به جای آن‌ها نشسته‌اند. این‌ها شکر نعمت‌ها را به جا نیاوردند و به خاطر انجام نافرمانی‌ها، این نعمت‌ها از دستشان رفت؛ پس کفران نعمت نکنید تا عذاب خداوند بر شما وارد نشود.

۶-۴-۳-۱- گرفتن نعمت

﴿۴۱۳۱﴾ آنان در سپاسگزاری نعمت‌ها کوتاهی می‌کنند، در نتیجه خداوند هم نعمت‌ها را از ایشان دریغ کرده و پس می‌گیرد.

﴿۴۱۳۲﴾ استدراج و سقوط پله‌پله آن است که خداوند سبحان بر بنده‌ای پی‌درپی نعمت بفرستد و او شکر نکند.

﴿۴۱۳۳﴾ خداوند نعمتی به مردم نداده که از آنان بازپس بگیرد پس نعمت‌هایش، تا زمانی که شب و روز باقی است باقی می‌ماند، مگر اینکه کفران نعمت کنند و از اطاعت خدا روی بگردانند. و آیه‌ی شریفه به همین مفهوم اشاره دارد: "خدای مهربان حال و نعمت مردم را دگرگون نخواهد کرد، مگر اینکه خود آن مردم حالشان را تغییر دهند.

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٤١٣٤﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى عَلَى نِعَمِهِ حَقًّا وَهُوَ شُكْرُهُ فَمَنْ آدَاهُ زَادَهُ وَمَنْ قَصَرَ فِيهِ سَلَبَهُ مِنْهُ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ٣٨

﴿٤١٣٥﴾ يَا مُوسَى قُلْ لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تُبْطِرَنَّكُمْ النِّعْمَةُ فَيُعَاجِلَكُمْ السَّلْبُ وَلَا تَغْفُلُوا عَنِ الذِّكْرِ وَ الشُّكْرِ فَتَسْلُبُوا النِّعْمَ وَيَحِلُّ بِكُمْ الذُّلُّ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ٦١
١-٥-٣-٤-٧ لا إقامة للنعمه

﴿٤١٣٦﴾ الصادق عليه السلام: أَشْكُرُ مَنْ أَنْعَمَ عَلَيَّكَ وَأَنْعَمَ عَلَيَّ مَنْ شَكَرَكَ فَإِنَّهُ لَا إِزَالَهَ لِلنِّعْمِ إِذَا شُكِرَتْ وَلَا إِقَامَهَ لَهَا إِذَا كُفِرَتْ وَ الشُّكْرُ زِيَادَةٌ فِي النِّعْمِ وَأَمَانٌ مِنَ الْفَقْرِ؛ تحف العقول ص: ٣٥٩
١-٥-٣-٤-٨ لا بقاء للنعمه

﴿٤١٣٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا نَفَادَ لِفَائِدَةٍ إِذَا شُكِرَتْ وَلَا بَقَاءَ لِنِعْمَةٍ إِذَا كُفِرَتْ؛ الإرشاد ج: ١ ص: ٣٠٠

﴿٤١٣٨﴾ الصادق عليه السلام: مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ أَشْكُرُ مَنْ أَنْعَمَ عَلَيَّكَ وَأَنْعَمَ عَلَيَّ مَنْ شَكَرَكَ فَإِنَّهُ لَا زَوَالَ لِلنِّعْمَاءِ إِذَا شُكِرَتْ وَلَا بَقَاءَ لَهَا إِذَا كُفِرَتْ وَ الشُّكْرُ زِيَادَةٌ فِي النِّعْمِ وَأَمَانٌ مِنَ الْغَيْرِ؛
الكافي ج: ٢ ص: ٩٤

١-٥-٣-٤-٩ لا مال لهم
﴿٤١٣٩﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ الَّذِينَ أُعْطُوا الْمَالَ ثُمَّ لَمْ يَشْكُرُوا لَا مَالَ لَهُمْ؛ الكافي ج: ٥ ص: ٨١
١-٥-٣-٤-١٠ نفاذ النعمه

﴿٤١٤٠﴾ العسكري عليه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ فِي نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تُنْفَرُوهَا عَنْكُمْ بِمَعَاصِيهِ بَلْ اسْتَدِيمُوهَا بِطَاعَتِهِ وَ شُكْرِهِ عَلَى نِعَمِهِ وَ آيَادِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٤٩ ص: ١٨٢
﴿٤١٤١﴾ إِذَا وَصَلَتْ إِلَيْكُمْ أَطْرَافُ النِّعْمِ فَلَا تُنْفَرُوا أَقْصَاهَا بِقِلَّةِ الشُّكْرِ؛ شرح نهج البلاغه ج: ١٨ ص: ١١٦

١-٥-٣-٥-٥ رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَى قَلِيلِ الشُّكْرِ أَوْ عَلَى مَنْ لَمْ يَشْكُرْ
١-٥-٣-٥-١ إتمام الإحسان، لا ينقص جوده

﴿٤١٤٢﴾ لَمْ يَمْنَعْكَ إِخْلَالِي بِالشُّكْرِ مِنْ إِتْمَامِ إِحْسَانِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٢٢٨
﴿٤١٤٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَا يَنْقُصُ جُودَكَ التَّقْصِيرُ فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٢٥١

١-٥-٣-٥-٢ التثمير

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٤١٤٤﴾ الرضا عليه السلام: لَكَ الْحَمْدُ يَا رَبَّ عَلَى تَثْمِيرِكَ قَلِيلِ الشُّكْرِ وَإِعْطَائِكَ وَافِرَ الْآجُرِ؛

بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١١٩

١-٥-٣-٥-٣-الرحمة

﴿٤١٤٥﴾ أَنْ اللَّهَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَى مُوسَى عليه السلام فَقَالَ يَا مُوسَى إِرْحَمْ عِبَادِيَ الْمُتَبَتِّلِي مِنْهُمْ وَ الْمُعَاْفَى قَالَ يَا رَبَّ قَدْ عَرَفْتُ رَحْمَةَ الْمُتَبَتِّلِي فَمَا بَالُ الْمُعَاْفَى قَالَ لِقِلَّةِ شُكْرِهِ؛ إرشاد القلوب ج: ١

ص: ١٢٤

١-٥-٣-٥-٣-الزيادة

﴿٤١٤٦﴾ فَهُوَ يَتَّبِعِي الزِّيَادَةَ وَإِنْ لَمْ يَشْكُرْ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٤٤٨

١-٥-٣-٥-٣-عدم التحريم

﴿٤١٤٧﴾ الْحُسَيْنِ عليه السلام: يَا مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٢٠

﴿٤١٤٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَا مَنْ قَلَّ شُكْرِي عِنْدَ نِعْمَتِهِ فَلَمْ يَحْرِمْنِي؛ مستدرک الوسائل ج: ٢

ص: ٩٠

﴿٤١٤٩﴾ السَّجَادِ عليه السلام: يَا مَنْ قَلَّ عِنْدَ نِعْمَتِهِ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي؛ بحار الأنوار ج: ٤٦ ص: ١٢٢

﴿٤١٥٠﴾ الرَّسُولِ عليه السلام: كُنَّا جُلُوسًا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ عليه السلام فَمَرَّتْ سَحَابَةٌ فَقَالَ أَ تَذَرُونَ مَا هَذِهِ قَالُوا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ هَذِهِ الْغِيَابَةُ يَسُوقُهَا اللَّهُ إِلَى أَهْلِ بَلَدٍ لَا يَعْبُدُونَهُ وَلَا يَشْكُرُونَهُ؛ بحار الأنوار

ج: ٥٥ ص: ١٠٣

١-٥-٣-٥-٣-عدم سلب النعمة

﴿٤١٥١﴾ الْمُجْتَبَى عليه السلام: إِنْ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ اتَّزَمَ الرُّكْنَ فَقَالَ إِلَهِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَمْ تَجِدْنِي شَاكِرًا وَ ابْتَلَيْتَنِي فَلَمْ تَجِدْنِي صَابِرًا فَلَا أَنْتَ سَلَبْتَ النِّعْمَةَ بِتَرْكِ الشُّكْرِ وَلَا أَنْتَ أَدَمْتَ الشَّدَّةَ بِتَرْكِ الصَّبْرِ إِلَهِي مَا يَكُونُ مِنَ الْكَرِيمِ إِلَّا الْكَرَمُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٦ ص: ١٩٧

١-٥-٣-٥-٣-العطاء والفضل

﴿٤١٥٢﴾ الصَّادِقِ عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَمْ أَشْكُرْهُ وَ ابْتَلَيْتَنِي فَلَمْ أَصْبِرْ فَلَمْ يُوجِبْ عَجْزِي عَنْ شُكْرِكَ مَنَعَ الْمُؤْمَلِ مِنْ فَضْلِكَ وَ أَوْجَبَ عَجْزِي عَنِ الصَّبْرِ عَلَى بَلَائِكَ كَشَفَ ضُرَّكَ وَ أَنْزَالَ رَحْمَتَكَ يَا مَنْ قَلَّ عِنْدَ بَلَائِهِ صَبْرِي فَعَاْفَانِي وَ عِنْدَ نِعْمَائِهِ شُكْرِي فَأَعْطَانِي

أَسْأَلُكَ الْمَزِيدَ مِنْ فَضْلِكَ؛ مهج الدعوات ص: ١٨١

١-٦-١-٦-١-قصص حول الشكر

١-٦-١-٦-١-قصة إبراهيم عليه السلام

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۴۱۴۴﴾ پروردگارا، ستایش مخصوص توست، به خاطر آنکه شکر اندک ما را بارور کردی و در مقابل آن اجرا فراوان دادی.

۳-۵-۳-۱-رحمت

﴿۴۱۴۵﴾ به موسی علیه السلام خطاب رسید: بر بندگان که گرفتارند و کسانی که از گرفتاری بدورند، رحم کن، موسی گفت: علت رحم کردن به گرفتاران را دانستم، ولی آنها که معافند نه. خداوند فرمود: به خاطر قصورشان در ادای شکر.

۴-۵-۳-۱-فزونی

﴿۴۱۴۶﴾ با اینکه شکر نمی کند خواستار افزونی نعمت است.

۵-۵-۳-۱-عدم محرومیت

﴿۴۱۴۷﴾ ای کسی که تو را اندک شکر گزاردم ولی باز هم فیض و رحمت را از من دریغ نکردی.

﴿۴۱۴۸﴾ ای آن که سپاسگزاری من در مقابل نعمتش اندک است ولی مرا محروم نمی کند.

﴿۴۱۴۹﴾ ای آن که سپاسگزاری من در مقابل نعمتش اندک است ولی مرا محروم نمی کند.

﴿۴۱۵۰﴾ نزد او نشسته بودیم و ابری گذشت، فرمود: می دانید این چیست؟ گفتند: خدا و رسولش داناترند؛ فرمود: این غایبه است، خدا آنها را به طرف شهری می راند که مردمش نه او را می پرستند و نه شکر می کنند.

۶-۵-۳-۱-نگرفتن نعمت

﴿۴۱۵۱﴾ همانا حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام... در خانه ی خدا به مقام رکن چسبیده بود و می فرمود: پروردگارا، به من نعمت دادی و مرا شاکر نیافتی و مرا امتحان کردی (مبتلا کردی) و صبورم نیافتی، ولی به خاطر شکر نکردن من نعمت را از من سلب نکردی و به خاطر صبر نکردنم، مرا به زمین نزدی. پروردگارا، از شخص کریم و بزرگوار جز کرامت توقع دیگری نمی رود.

۷-۵-۳-۱-عطا و لطف

﴿۴۱۵۲﴾ خداوند، به درستی که تو به من نعمت عطا کردی، ولی من آن چنان که شایسته ی آن بود شکرگزاری نکردم، مرا با بلا آزمودی، ولی صبر نکردم، پس ضعف من در ادای شکر تو، مانع دریافت الطاف مورد آرزویم نشد، و علیرغم ضعف من در شکیبایی کردن بر بالای تو همچنان به برطرف کردن گرفتاری های من و ارسال مهر و رحمت مشغولی؛ پس ای کسی که صبر من در مقابل بالای او ناچیز است، ولی او مرا از گرفتاری رها کرد و شکر من در مقابل نعمت های او کم بود ولی او به من نعمت عطا کرد، از تو افزایش الطافت را خواهیم.

۶-۱-داستان های پیرامون شکر

۱-۶-۱-داستان ابراهیم علیه السلام

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٤١٥٣﴾ الصادق عليه السلام: فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ سَلْ مِنْ زِيَادَةِ الْعُمْرِ مَا أَحْبَبْتَ تُعْطَهُ قَالَ فَأَخْبَرَ إِبْرَاهِيمُ سَارَةَ بِذَلِكَ فَقَالَتْ لَهُ سَلِ اللَّهُ أَنْ لَا يُمِيتَكَ حَتَّى تَكُونَ أَنْتَ الَّذِي تَسْأَلُهُ الْمَوْتَ قَالَ فَسَأَلَ إِبْرَاهِيمُ رَبَّهُ ذَلِكَ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ ذَلِكَ لَكَ قَالَ فَأَخْبَرَ إِبْرَاهِيمُ سَارَةَ بِمَا أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ فِي ذَلِكَ فَقَالَتْ سَارَةُ لِإِبْرَاهِيمَ اشْكُرْ لِلَّهِ وَاعْمَلْ طَعَامًا وَادْعُ عَلَيْهِ الْفُقَرَاءَ وَ أَهْلَ الْحَاجَةِ؛ بحار الأنوار ج: ١٢ ص: ٧٩

٢-١٤٠-١- قصّة الأشجع وَ شُكْرُهُ عِنْدَ الصَّادِقِ عليه السلام

﴿٤١٥٤﴾ الكاظم عليه السلام: فَقَالَ يَا غُلَامُ أَتَيْشَ مَعَكَ قَالَ أَرْبَعُمِائَةٍ دِرْهَمٍ قَالَ أَعْطِهَا لِلْأَشْجَعِ قَالَ فَأَخَذَهَا وَ شَكَرَ وَ وَلَّى فَقَالَ رُدُّوهُ فَقَالَ يَا سَيِّدِي سَأَلْتُ فَأَعْطَيْتَ وَ أَغْنَيْتَ فَلَمْ رُدِّتَنِي قَالَ حَدِّثْنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ خَيْرُ الْعَطَاءِ مَا أَبْقَى نِعْمَةً بَاقِيَةً وَ إِنْ الَّذِي أَعْطَيْتَكَ لَا يُبْقَى لَكَ نِعْمَةً بَاقِيَةً وَ هَذَا خَاتَمِي فَإِنْ أُعْطِيتَ بِهِ عَشْرَةَ آلَافٍ دِرْهَمٍ وَ إِلَّا فَعْذُ إِلَيَّ وَ قَتَ كَذَا وَ كَذَا أَوْفَكَ إِيَّاهَا قَالَ يَا سَيِّدِي قَدْ أَغْنَيْتَنِي؛ مستدرک الوسائل ج: ١٠ ص: ٣٩٠

٣-١٤٠-١- قصّة أَيُّوبَ

﴿٤١٥٥﴾ الكاظم عليه السلام: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْمَاضِيَّ عليه السلام عَنْ بَلِيَّةِ أَيُّوبَ الَّتِي ابْتُلِيَ بِهَا فِي الدُّنْيَا لِأَيَّةِ عِلَّةٍ كَانَتْ قَالَ لِنِعْمَةٍ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا فِي الدُّنْيَا فَادَى شُكْرَهَا وَ كَانَ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ لَا يُحْجَبُ إِبْلِيسُ دُونَ الْعَرْشِ فَلَمَّا صَعِدَ آدَاءُ شُكْرِ نِعْمَةِ أَيُّوبَ حَسَدَهُ إِبْلِيسُ فَقَالَ يَا رَبِّ إِنْ أَيُّوبَ لَمْ يُؤَدِّ إِلَيْكَ شُكْرَ هَذِهِ النِّعْمَةِ إِلَّا بِمَا أَعْطَيْتَهُ مِنَ الدُّنْيَا وَ لَوْ حَرَمْتَهُ دُنْيَاهُ مَا آدَى إِلَيْكَ شُكْرَ نِعْمَةٍ أَبَدًا قَالَ فَقِيلَ لَهُ إِنْ قَدْ سَلَطْتُكَ عَلَى مَالِهِ وَ وَلَدِهِ قَالَ فَانْحَدَرَ إِبْلِيسُ فَلَمْ يُبْقِ لَهُ مَالًا وَ لَا وَلَدًا إِلَّا أَعْطَبَهُ فَلَمَّا رَأَى إِبْلِيسُ أَنَّهُ لَا يَصِلُ إِلَى شَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ قَالَ يَا رَبِّ إِنْ أَيُّوبَ يَعْلَمُ أَنَّكَ سَتَرَدُّ عَلَيْهِ دُنْيَاهُ الَّتِي أَخَذْتَهَا مِنْهُ فَسَلِّطْنِي عَلَى بَدَنِهِ قَالَ فَقِيلَ لَهُ إِنْ قَدْ سَلَطْتُكَ عَلَى بَدَنِهِ مَا خَلَا قَلْبَهُ وَ لِسَانَهُ وَ عَيْنَيْهِ وَ سَمْعَهُ قَالَ فَانْحَدَرَ إِبْلِيسُ مُسْتَعْجِلًا مَخَافَةَ أَنْ تُدْرِكَهُ رَحْمَةُ الرَّبِّ عَزَّ وَجَلَّ فَتَحُولَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ أَيُّوبَ فَلَمَّا اشْتَدَّ بِهِ الْبَلَاءُ وَ كَانَ فِي آخِرِ بَلِيَّتِهِ جَاءَهُ أَصْحَابُهُ فَقَالُوا لَهُ يَا أَيُّوبُ مَا نَعْلَمُ أَحَدًا ابْتُلِيَ بِمِثْلِ هَذِهِ الْبَلِيَّةِ إِلَّا لِسِرِيرَةٍ سُوءٍ فَلَعَلَّكَ أَسْرَرْتَ سُوءًا فِي الَّذِي تُبْدِي لَنَا قَالَ فَعِنْدَ ذَلِكَ نَاجَى أَيُّوبُ رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ رَبِّ ابْتَلِئْنِي بِهَذِهِ الْبَلِيَّةِ وَ أَنْتَ أَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَعْزُضْ لِي أَمْرَانِ قَطُّ إِلَّا الزَّمْتُ [لَزِمْتُ] أَخَشَنْهُمَا عَلَى بَدَنِي وَ لَمْ أَكُلْ أَكْلَةً قَطُّ إِلَّا وَ عَلَى خَوَانِي يَتِيمٌ فَلَوْ أَنَّ لِي مِنْكَ مَقْعَدَ الْخِصَمِ لَأَدْلَيْتُ بِحُجَّتِي قَالَ فَعَرَضْتَ لَهُ سَحَابَةً فَنَطَقَ فِيهَا نَاطِقٌ فَقَالَ يَا أَيُّوبُ أَدُلْ بِحُجَّتِكَ قَالَ فَشَدَّ عَلَيْهِ مِزْرَهُ وَ جَثَا عَلَى

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۴۱۵۳﴾ خداوند به او وحی کرد که هرچه عمر طولانی بخواهی می‌دهم. آن حضرت به ساره خبر داد که خدا چنین فرموده است. ساره گفت: از خدا بخواه که تو را نمیراند تا زمانی که تو از او بخواهی. آن حضرت آنچه را که ساره گفته بود از خداوند درخواست کرد، و خدای تعالی پذیرفت. آن حضرت ساره را از پاسخ مطلع نمود، ساره گفت برای شکرانه‌ی این نعمت که خدا به تو عنایت کرده، غذایی آماده کن و فقرا و نیازمندان را دعوت کن که بر سر سفره‌ی تو حاضر شوند.

۲-۱-۶-۲ داستان اشجع و شکر او نزد امام صادق علیه السلام

﴿۴۱۵۴﴾ فرمود غلام چقدر پول همراه داری؟ عرض کرد: چهارصد درهم. فرمود: پول را به اشجع بده، او پول را گرفت سپاسگزاری کرد و رفت. امام فرمود: او را برگردانید. وقتی آمد عرض کرد: آقا، من درخواستی کردم و شما عطا فرمودید، چرا مرا برگردانید؟ امام علیه السلام فرمود: به من از پدران بزرگوار خود از پیامبر صلی الله علیه و آله حدیث رسیده است که بهترین بخشش آن است که به صورت یک نعمت پایدار بماند آنچه به تو دادم نعمت پایداری نبود ولی این انگشت مرا بگیر اگر ده هزار درهم از تو خریدند بده و گرنه فلان وقت نزد خودم بیاور، آن مبلغ را به تو خواهم داد. عرض کرد: آقا مرا ثروتمند کردی.

۳-۱-۶-۳ داستان ایوب

﴿۴۱۵۵﴾ از حضرت امام کاظم علیه السلام پرسیدم: بلیّه و گرفتاری ایوب در دنیا به چه علتی بود؟ امام علیه السلام فرمودند: علتش نعمتی بود که خداوند متعال در دنیا به ایوب عنایت کرد و وی شکرش را به جا آورد و در آن زمان ابلیس از اطراف و نزدیک عرش ممنوع نبود و وقتی ادای شکر ایوب را بالا بردند، ابلیس حسد برد و به درگاه پروردگار عرضه داشت: ایوب شکر آنچه را که به او داده‌ای ادا نموده حال آنکه اگر از نعمت دنیا محروم می‌شدی هرگز شکر هیچ نعمتی را به جا نخواهد آورد. امام علیه السلام فرمودند: به ابلیس گفته شد: من تو را بر مال و فرزند او مسلط کردم، ابلیس از بالا به زمین فرود آمد و هیچ مال و فرزندی برای ایوب باقی نگذارد ولی به مقصود خود نرسید، زیرا ایوب در این حال نیز شکر الهی را به جا می‌آورد، ابلیس وقتی دید به مقصودش نرسیده به درگاه الهی عرض کرد: پروردگارا، ایوب می‌داند که آنچه که از وی گرفته‌ای به زودی به او بازمی‌گردانی بنابراین شکرت را ادا می‌کند، مرا بر بدن او مسلط کن تا اثبات کنم که او شکرگزار نیست. به او گفته شد: تو را بر بدن ایوب به استثنای قلب و زبان و دو چشم و گوشش مسلط کردیم ابلیس به خاطر ترسی که از رسیدن رحمت الهی به ایوب داشت با عجله به زمین آمد و بین او و پروردگارش حائل شد، هنگامی که بلا و گرفتاری بر او شدید شد در پایان بلایا و سختی‌ها اصحابش نزدش آمده و گفتند: ما احدی را سراغ نداریم که به این گرفتاری مبتلا شده باشد مگر به خاطر باطن خبیث و بدی که داشته، شاید تو نیز که در ظاهر، خود را خوب نشان می‌دادی باطنی بد و خبیث داشتی و ما اطلاع نداشتیم، امام علیه السلام فرمودند: امر که به اینجا منتهی شد ایوب علیه السلام به درگاه خدای عزیز و جلیل نالید و عرض کرد: پروردگارا، مرا به این بلیه مبتلا ساختی، تو می‌دانی هرگز دو امری برای من پیش نیامد مگر آنکه موردی را که خشن‌تر بر بدنم

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

رُكِبَتْهُ فَقَالَ ابْتَلَيْتَنِي بِهَذِهِ الْبَلِيَّةِ وَأَنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَعْزُضْ لِي أَمْرًا قَطُّ إِلَّا أَلَزَمْتُ [لَزِمْتُ] أَخْسَنَهُمَا عَلَى بَدَنِي وَلَمْ أَكُلْ أَكْلَةً مِنْ طَعَامٍ إِلَّا وَ عَلَى خَوَانِي يَتِيمٌ قَالَ فَقِيلَ لَهُ يَا أَيُّوبُ مَنْ حَبَّبَ إِلَيْكَ الطَّاعَةَ قَالَ فَأَخَذَ كَفًّا مِنْ تَرَابٍ فَوَضَعَهُ فِي فِيهِ ثُمَّ قَالَ أَنْتَ يَا رَبُّ؛ بَحَارُ الْأَنْوَارِ

ج: ١٢: ص: ٣٤٥

﴿٤١٥٦﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: سَأَلْتُهُ عَنْ بَلِيَّةِ أَيُّوبَ عليه السلام الَّتِي ابْتُلِيَ بِهَا فِي الدُّنْيَا لَأَيِّ عِلَّةٍ كَانَتْ قَالَ لِنِعْمَةِ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا فِي الدُّنْيَا وَ آدَى شُكْرَهَا وَ كَانَ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ لَا يُحْجَبُ إِبْلِيسُ عَنْ دُونَ الْعَرْشِ فَلَمَّا صَعِدَ وَ رَأَى شُكْرَ نِعْمَةِ أَيُّوبَ حَسَدَهُ إِبْلِيسُ فَقَالَ يَا رَبِّ إِنْ أَيُّوبَ لَمْ يُؤَدِّ إِلَيْكَ شُكْرَ هَذِهِ النِّعْمَةِ إِلَّا بِمَا أَعْطَيْتَهُ مِنَ الدُّنْيَا وَلَوْ حَرَمْتَهُ دُنْيَاهُ مَا آدَى إِلَيْكَ شُكْرَ نِعْمَةٍ أَبَدًا فَسَلَّطَنِي عَلَى دُنْيَاهُ حَتَّى تَعْلَمَ أَنَّهُ لَا يُؤَدِّي إِلَيْكَ شُكْرَ نِعْمَةٍ أَبَدًا فَقِيلَ لَهُ قَدْ سَلَّطْتُكَ عَلَى مَالِهِ وَ وَلَدِهِ قَالَ فَانْحَدَرَ إِبْلِيسُ فَلَمْ يَبْقَ لَهُ مَالٌ وَ لَا وَلَدٌ إِلَّا أَعْطَبَهُ فَازْدَادَ أَيُّوبُ لِلَّهِ شُكْرًا وَ حَمْدًا فَقَالَ فَسَلَّطَنِي عَلَى زَرْعِي يَا رَبُّ قَالَ قَدْ فَعَلْتُ فَجَاءَ مَعَ شَيَاطِينِهِ فَفَنَخَ فِيهِ فَاحْتَرَقَ فَازْدَادَ أَيُّوبُ لِلَّهِ شُكْرًا وَ حَمْدًا فَقَالَ يَا رَبُّ سَلَّطَنِي عَلَى غَنَمِي فَسَلَّطَهُ عَلَى غَنَمِهِ فَأَهْلَكَهَا فَازْدَادَ أَيُّوبُ لِلَّهِ شُكْرًا وَ حَمْدًا فَقَالَ يَا رَبُّ سَلَّطَنِي عَلَى بَدَنِي فَسَلَّطَهُ عَلَى بَدَنِي مَا خَلَا عَقْلَهُ وَ عَيْنِيهِ فَفَنَخَ فِيهِ إِبْلِيسُ فَصَارَ قَرْحَةً وَاحِدَةً مِنْ قَرْنِهِ إِلَى قَدَمِهِ فَبَقِيَ فِي ذَلِكَ دَهْرًا طَوِيلًا يَحْمَدُ اللَّهَ وَ يَشْكُرُهُ حَتَّى وَقَعَ فِي بَدَنِهِ الدُّوْدُ وَ كَانَتْ تَخْرُجُ مِنْ بَدَنِهِ فَيَرُدُّهَا وَ يَقُولُ لَهَا ارْجِعِي إِلَى مَوْضِعِكَ الَّذِي خَلَقَكَ اللَّهُ مِنْهُ وَ تَتَنَ حَتَّى أَخْرَجَهُ أَهْلُ الْقَرْيَةِ مِنَ الْقَرْيَةِ وَ أَلْقَوْهُ عَلَى الْمَرْبَلَةِ خَارِجَ الْقَرْيَةِ وَ كَانَتْ امْرَأَتُهُ رَحْمَةً بِنْتُ يُوسُفَ بْنِ يَعْقُوبَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ عَلَيْهَا تَتَصَدَّقُ مِنَ النَّاسِ وَ تَأْتِيهِ بِمَا تَجِدُهُ قَالَ فَلَمَّا طَالَ عَلَيْهِ الْبَلَاءُ وَ رَأَى إِبْلِيسُ صَبْرَهُ أَتَى أَصْحَابًا لَهُ كَانُوا رُهْبَانًا فِي الْجِبَالِ وَ قَالَ لَهُمْ مُرُوا بِنَا إِلَى هَذَا الْعَبْدِ الْمُتَبَلَّى فَنَسْأَلُهُ عَنْ بَلِيَّتِهِ فَرَكِبُوا بَغَالًا شَهْبًا وَ جَاءُوا فَلَمَّا دَنَوْا مِنْهُ نَفَرَتْ بَغَالُهُمْ مِنْ تَتْنٍ رِيحِهِ فَقَرَنُوا بَعْضًا إِلَى بَعْضٍ ثُمَّ مَشَوْا إِلَيْهِ وَ كَانَ فِيهِمْ شَابٌّ حَدَثُ السِّنِّ فَقَعَدُوا إِلَيْهِ فَقَالُوا يَا أَيُّوبُ لَوْ أَخْبَرْتَنَا بِذَنْبِكَ لَعَلَّ اللَّهَ كَانَ يَهْلِكُنَا إِذَا سَأَلْنَاهُ وَ مَا نَرَى ائْتِلَاءَكَ الَّذِي لَمْ يُبْتَلِ بِهِ أَحَدٌ إِلَّا مِنْ أَمْرٍ كُنْتَ تَسْتُرُهُ فَقَالَ أَيُّوبُ وَ عِزَّةَ رَبِّي إِنَّهُ لَيَعْلَمُ أَنِّي مَا أَكَلْتُ طَعَامًا إِلَّا وَ يَتِيمٌ أَوْ ضَعِيفٌ يَأْكُلُ مَعِيَ وَ مَا عَرِضَ لِي أَمْرَانِ كِلَاهُمَا طَاعَةُ اللَّهِ إِلَّا أَخَذْتُ بِأَشَدِّهِمَا عَلَى بَدَنِي فَقَالَ الشَّابُّ سَوَاءٌ لَكُمْ عَمَدَتُمْ إِلَى نَبِيِّ اللَّهِ فَعَبَرْتُمُوهُ حَتَّى أَظْهَرَ مِنْ عِبَادَةِ رَبِّهِ مَا كَانَ يَسْتُرُهَا فَقَالَ أَيُّوبُ يَا رَبُّ لَوْ جَلَسْتُ مَجْلِسَ الْحَكَمِ مِنْكَ لَأَذَلَّتْ بِحُجَّتِي فَبَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ غَمَامَةً فَقَالَ يَا أَيُّوبُ أَذَلَّنِي بِحُجَّتِكَ فَقَدْ أَقْعَدْتُكَ مَقْعَدَ الْحَكَمِ وَ هَا أَنَا ذَا قَرِيبٍ وَ لَمْ أَزَلْ فَقَالَ يَا رَبُّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَعْزُضْ لِي أَمْرًا قَطُّ كِلَاهُمَا

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

بود اختیار کردم و هیچ‌گاه لقمه‌ای نخوردم مگر آنکه بر سر سفرهام یتیمی بود، حال اگر از ناحیه‌ی تو دشمن بخواهد مرا شماتت کند حجج و براهین خود را بیاورم که استحقاق آن را ندارم، امام علیه السلام فرمودند: ابری ظاهر شد و گوینده‌ای در آن به سخن آمد و گفت: ای ایوب برهان و حجت خود را بیاور. امام علیه السلام فرمودند: ایوب لنگ را بر کمر خود محکم کرد و سپس روی دو کنده‌ی زانو قرار گرفت و عرض کرد: خدایا، مرا به این بلیه مبتلا ساختی درحالی‌که می‌دانی هرگز دو امری برای من پیش نیامد مگر آن موردی را که بر بدنم خشن‌تر بود اختیار کردم و از طعامی لقمه‌ای نخوردم مگر آنکه بر سر سفرهام یتیمی بود. امام علیه السلام فرمودند: به ایوب خطاب شد: ای ایوب چه کسی طاعت و بندگی را محبوب تو قرار داد؟ امام علیه السلام فرمودند: ایوب مشتی از خاک برداشت و در دهان خویش ریخت سپس گفت: پروردگارا، تو بندگی را نزد من محبوب قرار دادی (و من از خود هیچ ندارم جز آنچه که تو به من عطا فرمودی).

﴿۴۱۵۶﴾ درباره‌ی بلاهایی که به ایوب علیه السلام رسید از آن حضرت سؤال کردم که علت آن‌ها چه بود؟ فرمود: به جهت نعمت دنیایی بود که خداوند به او عطا کرد و او موفق به شکر آن نعمت شد و ابلیس که در آن زمان هنوز از زیر عرش رانده نشده بود، وقتی صعود کرد و شکر بی‌اندازه‌ی ایوب را مشاهده نمود، به حسد دچار شد و گفت: پروردگارا، اگر ایوب تو را سپاس می‌گوید به جهت آن است که تو همواره در دنیا به او نعمت داده‌ای و اگر او را از دنیا و نعماتش محروم کنی او هم هرگز تو را شکر نخواهد گفت. خداوند فرمود: ای شیطان! تو را بر مال و فرزند او مسلط کردم، پس شیطان به سرعت دست بر کار نابودی مال و فرزندان ایوب شد، چون می‌ترسید که رحمت خداوند ایوب را فراگیرد و او کاری انجام نداده باشد. بعد از نابودی مال و فرزندانش، ایوب بیشتر به درگاه خدا شکر و سپاس به جا آورد، شیطان عرضه داشت: خدایا، مرا بر کشت و زرع او مسلط ساز، خطاب رسید: هرچه می‌خواهی بکن، پس شیطان با اعوانش به سراغ کشت و زرع ایوب رفتند و با نفخه‌ی خود آن را به آتش کشیدند، اما ایوب باز هم شکر و حمد الهی را به جا آورد، شیطان عرضه داشت: خدایا، مرا بر چهار پایان و گله‌ی او مسلط ساز، وقتی به او اجازه داده شد، همه‌ی دام‌های ایوب را هلاک کرد، باز هم ایوب شکر و سپاس بیشتری به جا آورد، این بار شیطان گفت: خدایا، مرا بر بدن او مسلط ساز، پس خداوند او را بر بدن ایوب دمید که موجب ایجاد زخمی شد که از فرق سر تا نوک پای او را فراگرفت و مدت‌ها آن جراحت باقی بود و ایوب همواره خدا را شکر و سپاس می‌گفت: تا آنجا که بدنش کرم گذاشت و آن‌ها از بدن او بیرون می‌آمدند و آن‌ها را بر می‌گرداند و به آن‌ها می‌گفت: به همان جایی که خداوند شما را از آن خلق کرده بازگردید، سپس آن عفونت‌ها، بدبو شد تا آنجا که اهل قریه‌ی او را بیرون کردند و وی را به زیاله‌دانی بیرون شهر بردند و همسر او رحیمه دختر یوسف علیه السلام بود که از میان مردم صدقه می‌گرفت و برای گذرانیدن زندگی به نزد ایوب می‌برد. وقتی رنج و بالای ایوب طولانی شد و ابلیس باز هم از او صبر و شکر دید، همه‌ی یارانش را که در کوه‌ها راهب بودند فراخواند و گفت: بیایید برویم و از این بنده‌ی مبتلا درباره‌ی بلایی که به او رسیده بپرسیم، پس سوار بر مرکب‌های خود از اسب و استر شدند و وقتی که به ایوب نزدیک شدند حیوانات از بوی تعفن متأذی شدند و رم کردند، پس مجبور شدند پیاده به نزد او بروند، در میان آن‌ها جوانی نورس بود، آن‌ها در کنار ایوب نشستند و از او پرسیدند: ای ایوب به ما خبر بده چه گناهی مرتکب شده‌ای که خدا تو را به چنین بلایی که هیچ‌کس را مبتلا نکرده، دچار نموده است. ایوب گفت: به عزت پروردگارم سوگند او خود می‌داند که من هیچ غذایی نخوردم جز آنکه در کنار سفره‌ی من یتیم و فقیری بود که هم‌سفره‌ی من بود و هرگز دو امر بر من عرضه نشد (که هردو طاعت الهی باشد) مگر آنکه من امر سخت‌تر را برگزیده‌ام، آن جوان مزبور وقتی چنین شنید، گفت: وای بر شما که پیامبر خدا را مجبور کردید تا عباداتی را که مخفیانه انجام داده بود، آشکار و ظاهر نماید. در ادامه ایوب گفت: اگر در مقام دشمنی و محاجه بودم، دلایل و حجج خود را ابراز می‌کردم، در این وقت خداوند ابری به‌سوی او فرستاد که از میان آن ده هزار یا شش هزار زبان گویا با او صحبت کردند و گفتند: ای ایوب حجت‌های خود را عرضه کن، چون من به تو نزدیکم و همواره نزدیک بوده‌ام، ایوب گفت: مرا بر روی زانو بنشانید و آن وقت فرمود: خدایا، تو مرا به این بلا دچار نمودی درحالی‌که

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

لَكَ طَاعَةٌ إِلَّا أَخَذْتُ بِأَشَدِّهِمَا عَلَى نَفْسِي أَلَمْ أَحْمَدَكَ أَلَمْ أَشْكُرْكَ أَلَمْ أُسَبِّحَكَ قَالَ فَنُودِيَ مِنَ الْغَمَامَةِ بَعْشَرَةَ آلَافٍ لِسَانَ يَا أَيُّوبُ مَنْ صَبَرَكَ تَعْبُدُ اللَّهَ وَالنَّاسُ عَنْهُ غَافِلُونَ وَتَحْمَدُهُ وَتُسَبِّحُهُ وَتُكَبِّرُهُ وَالنَّاسُ عَنْهُ غَافِلُونَ أَتَمَنَّ عَلَى اللَّهِ بِمَا اللَّهُ الْمَنُّ فِيهِ عَلَيْكَ قَالَ فَأَخَذَ أَيُّوبُ التُّرَابَ فَوَضَعَهُ فِي فِيهِ ثُمَّ قَالَ لَكَ الْعُتْبَى يَا رَبِّ أَنْتَ الَّذِي فَعَلْتَ ذَلِكَ بِي قَالَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ مَلَكًا فَرَكَّضَ بِرَجُلِهِ فَخَرَجَ الْمَاءُ فَغَسَلَهُ بِذَلِكَ الْمَاءِ فَعَادَ أَحْسَنَ مَا كَانَ وَاطَّرَأَ وَانْتَبَتِ اللَّهُ عَلَيْهِ رَوْضَةٌ خَضْرَاءُ وَرَدَّ عَلَيْهِ أَهْلُهُ وَمَالُهُ وَوَلَدُهُ وَزَرْعُهُ وَقَعَدَ مَعَهُ الْمَلِكُ يُحَدِّثُهُ وَيُؤْنِسُهُ فَأَقْبَلَتْ امْرَأَتُهُ وَمَعَهَا الْكَسْرُ فَلَمَّا انْتَهَتْ إِلَى الْمَوْضِعِ إِذَا الْمَوْضِعُ مُتَغَيَّرٌ وَإِذَا رَجُلَانِ جَالِسَانِ فَبَكَتْ وَصَاحَتْ وَقَالَتْ يَا أَيُّوبُ مَا دَهَاكَ فَنَادَاهَا أَيُّوبُ فَأَقْبَلَتْ فَلَمَّا رَأَتْهُ وَقَدْ رَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِ بَدَنَهُ وَنِعْمَتَهُ سَجَدَتْ لِلَّهِ شُكْرًا فَرَأَى ذَوَانِبَهَا مَقْطُوعَةً وَذَلِكَ أَنَّهَا سَأَلَتْ قَوْمًا أَنْ يُعْطَوْهَا مَا تَحْمِلُهُ إِلَى أَيُّوبَ مِنَ الطَّعَامِ وَكَانَتْ حَسَنَةَ الذُّوَابَةِ فَقَالُوا لَهَا تَبِيعِينَا ذُؤَابَتَكَ هَذِهِ حَتَّى نُعْطِيكَ فَقَطَعَتْهَا وَدَفَعَتْهَا إِلَيْهِمْ وَأَخَذَتْ مِنْهُمْ طَعَامًا لِأَيُّوبَ فَلَمَّا رَأَاهَا مَقْطُوعَةً الشَّعْرُ غَضِبَ وَحَلَفَ عَلَيْهَا أَنْ يَصْرِبَهَا مِائَةً فَأَخْبَرَتْهُ أَنَّه كَانَ سَبِيهٌ كَيْتٌ وَكَيْتٌ فَانْغَمَّ أَيُّوبُ مِنْ ذَلِكَ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ وَخَذَ بِيَدِكَ ضِعْفًا فَاضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنُتْ فَأَخَذَ مِائَةَ شِمْرَاخٍ فَضْرِبَهَا ضَرْبَةً وَاحِدَةً فَخَرَجَ مِنْ يَمِينِهِ ثُمَّ قَالَ وَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرَى لِلْأُولَى الْأَلْبَابِ قَالَ فَردَّ اللَّهُ عَلَيْهِ أَهْلَهُ الَّذِينَ مَاتُوا قَبْلَ اللَّيْلِ وَرَدَّ عَلَيْهِ أَهْلَهُ الَّذِينَ مَاتُوا بَعْدَ مَا أَصَابَهُمُ الْبَلَاءُ كُلُّهُمْ أَحْيَاهُمُ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ فَعَاشُوا مَعَهُ وَسِئِلَ أَيُّوبُ بَعْدَ مَا عَافَاهُ اللَّهُ أَيُّ شَيْءٍ كَانَ أَشَدَّ عَلَيْكَ مِمَّا مَرَّ عَلَيْكَ قَالَ شِمَاتَةُ الْأَعْدَاءِ قَالَ فَأَمْطَرَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي دَارِهِ فَرَّاشَ الذَّهَبِ وَكَانَ يَجْمَعُهُ فَإِذَا ذَهَبَ الرِّيحُ مِنْهُ بِشَيْءٍ عَدَا خَلْفَهُ فَردَّه فَقَالَ لَهُ جِبْرِئِيلُ مَا تَشْبَعُ يَا أَيُّوبُ قَالَ وَمَنْ يَشْبَعُ مِنْ رِزْقِ رَبِّهِ؛

بحار الأنوار ج: ١٢ ص: ٣٤١

﴿٤١٥٧﴾ لَمَّا اشْتَدَّ الْبَلَاءُ عَلَى أَيُّوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَتْ امْرَأَتُهُ أَلَا تَدْعُو رَبَّكَ فَيَكْشِفَ مَا بَكَ فَقَالَ لَهَا يَا امْرَأَةُ إِنِّي عِشْتُ فِي الْمَلِكِ وَالرَّخَاءِ سَبْعِينَ سَنَةً فَأَنَا أُرِيدُ أَنْ أَعِيشَ مِثْلَهَا فِي الْبَلَاءِ لَعَلِّي كُنْتُ أَدَيْتُ شُكْرَ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيَّ وَأُولَى بِي الصَّبْرُ عَلَى مَا أَبْلَى؛ مسكن الفؤاد ص: ٩٥

٤-١٦- قصّة ثعلبّة بن حاطب الأنصاري

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

می‌دانی هیچ‌گاه دو امر بر من عرضه نشد، جز اینکه من امر دشوارتر را بر می‌گزیدم و هیچ‌گاه طعامی نمی‌خوردم جز آنکه یتیمی بر سر سفرهام حاضر بود، خطاب رسید: ای ایوب چه کسی عبادت و طاعت را نزد تو محبوب نمود و چه کسی آن زمان که همه‌ی مردم از من غافل بودند، به تو توفیق حمد و تسبیح و تکبیر مرا می‌داد؟ آیا بر ما به‌واسطه‌ی چیزی منت می‌گذاری که ما آن را بر تو منت نهاده‌ایم و ارزانی داشته‌ایم؟ در این وقت ایوب مشتی خاک بر گرفت و آن را در دهان خود ریخت، سپس گفت: تو ای خدای من، این امور را به انجام رساندی و به من توفیق عبادت و شکر عنایت فرمودی. پس از آن خداوند فرشته‌ای را به‌سوی او فرستاد و فرمان داد با پای خود بر زمین بکوبد، آن‌وقت چشمه‌ای ظاهر شد که ایوب خود را در آن شستشو داد و بلافاصله از آنچه قبلاً بود نیز جوان‌تر و تندرست‌تر شد، سپس خداوند در اطراف او باغ سرسبزی رویانید و مال و خاندان و کشت و زرع و گله‌هایش را دو چندان به او بازگردانید و جبرئیل نیز در کنار او مشغول صحبت با او شد، در این وقت همسرش با تکه‌ای نان خشک سر رسید و وقتی اوضاع را دگرگون دید و دو مرد را مشاهده کرد، فریاد زد: ای ایوب چه بر سرت آمده؟ آن‌وقت ایوب او را صدا زد، وقتی جلوتر رفت و ایوب را سالم مشاهده کرد، سجده‌ی شکر به‌جا آورد، ناگهان ایوب مشاهده کرد که موهای همسرش کوتاه شده و این به جهت آن بود که او از مردم تقاضای نانی برای سدّ جوع کرده بود و چون گیسوان زیبایی داشت، مردم به او گفته بودند: موهایت را به ما بده تا ما به تو نان بدهیم، او هم موهایش را کوتاه کرد و به آن‌ها داد و طعامی برای ایوب تهیه کرد، اما ایوب که از ماجرا بی‌خبر بود با دیدن این وضع خشمگین شد و سوگند خورد که او را صد تازیانه بزند، همان دم به او وحی شد که همسرش بی‌گناه بوده و به همین جهت از سوگند خود اندوهگین شد، اما خداوند به او وحی نمود که دسته‌ای صدتایی از شاخه‌های نازک را بر گرفته و با آن ضربه‌ای بر همسرش فرود آورد و به‌این‌ترتیب سوگند خود را ادا کند و او نیز چنین کرد، و خداوند خانواده‌ی او را که همه در اثر نزول بلا هلاک شده بودند، زنده فرمود و آن‌ها در کنار او روزگار گذرانیدند. پس از بهبودی ایوب، از او سؤال کردند چه مصیبتی برای تو از همه‌ی این بلاها سخت‌تر و دشوارتر بود؟ فرمود: شماتت دشمنان. در ادامه، خداوند در خانه‌ی ایوب باران طلا بارید تا آنجا که خانه‌ی او از طلا مفروش شد و او آن‌ها را جمع می‌کرد و هرگاه باد آن را به اطراف می‌برد او آن‌ها را بر می‌گرداند، سپس جبرئیل به ایوب گفت: ای ایوب آیا سیر شدی؟ ایوب پاسخ داد: چه کسی از روزی پروردگارش اشباع می‌گردد؟

﴿۴۱۵۷﴾ وقتی که بلا و گرفتاری حضرت ایوب علیه السلام شدت یافت همسر آن حضرت به او گفت: آیا دعا نمی‌کنی که خداوند بلا را از تو برطرف کند؟ حضرت ایوب فرمود: ای زن، من هفتادسال در حال رفاه و آسایش زندگی کردم، حال مایلم که هفتادسال در بلا و گرفتاری باشم تا شاید بتوانم شکر نعمت‌های گذشته را ادا کنم؛ و صبر کردن در برابر بلا برای من سزوارتر است.

۴-۶-۱- داستان ثعلبه پسر حاطب انصاری

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٤١٥٨﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ ثَعْلَبَةَ بْنَ حَاطِبٍ الْأَنْصَارِيَّ أَتَى رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ادْعُ اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَنِي مَالًا فَقَالَ الرَّسُولُ ﷺ وَيَحْكُ يَا ثَعْلَبَةُ اذْهَبْ وَافْنَعْ بِمَا عِنْدَكَ فَإِنَّ الشَّاكِرَ أَحْسَنُ مِمَّنْ لَهُ مَالٌ كَثِيرٌ لَا يَشْكُرُهُ فَذَهَبَ وَرَجَعَ بَعْدَ أَيَّامٍ وَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ادْعُ اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يُعْطِيَنِي مَالًا فَقَالَ الرَّسُولُ ﷺ أَلَيْسَ لَكَ بِي أَسْوَةٌ فَإِنِّي بَعِزَّةٌ عَرْشِ اللَّهِ لَوْ شِئْتُ لَصَارَتْ جِبَالُ الْأَرْضِ لِي ذَهَبًا وَفِضَّةً فَذَهَبَ ثُمَّ رَجَعَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ سَلِ اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يُعْطِيَنِي مَالًا فَإِنِّي أُوْدِي حَقَّ اللَّهِ وَأُوْدِي حُقُوقًا وَأَصِلُ بِهِ الرَّحِمَ فَقَالَ الرَّسُولُ ﷺ اللَّهُمَّ آعِظْ ثَعْلَبَةَ مَالًا وَكَانَ لِثَعْلَبَةَ غَنِيمَاتٌ فَبَارَكَ اللَّهُ فِيهَا حَتَّى تَتَزَايَدَ كَمَا تَتَزَايَدُ النَّمْلُ فَلَمَّا كَثُرَ مَالُهُ كَانَ يَتَعَاهدُهُ بِنَفْسِهِ وَكَانَ قَبْلَهُ يُصَلِّي الصَّلَوَاتِ الْخَمْسَ فِي الْمَسْجِدِ مَعَ الرَّسُولِ ﷺ فَبَنَى مَكَانًا خَارِجَ الْمَدِينَةِ لِأَغْنَامِهِ فَصَارَ يُصَلِّي الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ مَعَ الرَّسُولِ ﷺ وَصَلَاةَ الصُّبْحِ وَالْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ ثُمَّ زَادَتْ الْأَغْنَامُ فَخَرَجَ إِلَى دَارٍ كَبِيرٍ بَعِيدٍ عَنِ الْمَدِينَةِ فَبَنَى مَكَانًا فَذَهَبَ مِنْهُ الصَّلَوَاتُ الْخَمْسُ وَالصَّلَاةُ فِي الْمَسْجِدِ وَالْجَمَاعَةِ وَالْإِفْتِدَاءُ بِالرَّسُولِ ﷺ وَكَانَ يَأْتِي الْمَسْجِدَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ لَصَلَاةِ الْجُمُعَةِ فَلَمَّا كَثُرَ مَالُهُ ذَهَبَ مِنْهُ صَلَاةُ الْجُمُعَةِ فَكَانَ يَسْأَلُ عَنْ أَحْوَالِ الْمَدِينَةِ مِمَّنْ يَمُرُّ عَلَيْهِ فَقَالَ الرَّسُولُ ﷺ مَا صَنَعَ ثَعْلَبَةُ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ لَهُ أَغْنَامًا لَا يَسَعُهَا وَادٍ فَذَهَبَ إِلَى الْوَادِي الْفُلَانِيِّ وَبَنَى فِيهِ مَنْزِلًا وَأَقَامَ فِيهِ فَقَالَ الرَّسُولُ ﷺ يَا وَيْحَ ثَعْلَبَةَ يَا وَيْحَ ثَعْلَبَةَ ثَلَاثًا؛

مستدرک الوسائل ج: ١٣ ص: ٢٥٦

٥-١٦-١- قِصَّةُ جُوَيْرٍ

﴿٤١٥٩﴾ الرسول ﷺ: فَقَالَ لَهُ جُوَيْرٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ دَخَلْتُ بَيْتًا وَاسِعًا وَرَأَيْتُ فِرَاشًا وَمَتَاعًا وَفَتَاةً حَسَنَاءَ عَطْرَةً وَذَكَرْتُ حَالِي الَّتِي كُنْتُ عَلَيْهَا وَغُرْبَتِي وَحَاجَتِي وَضَيْعَتِي وَكِسْوَتِي مَعَ الْغُرَبَاءِ وَالْمَسَاكِينِ فَأَحْبَبْتُ إِذْ أَوْلَانِي اللَّهَ ذَلِكَ أَنْ أَشْكُرَهُ عَلَيَّ مَا آعُطَانِي وَآتَقَرَّبُ إِلَيْهِ بِحَقِيقَةِ الشُّكْرِ فَتَهَضَّتْ إِلَى جَانِبِ الْبَيْتِ فَلَمْ أَزَلْ فِي صَلَاتِي تَالِيًا لِلْقُرْآنِ رَاكِعًا وَسَاجِدًا أَشْكُرُ اللَّهَ؛ الْكَافِي ج: ٥ ص: ٣٤٢

٦-١٦-١- قِصَّةُ خَلَادَةَ بِنْتِ أَوْسٍ قَرِينِ دَاوُدَ فِي الْجَنَّةِ

﴿٤١٦٠﴾ الصَّادِقُ ﷺ: أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى دَاوُدَ ﷺ: أَنَّ خَلَادَةَ بِنْتَ أَوْسٍ بَشَرُهَا بِالْجَنَّةِ وَأَعْلَمَهَا أَنَّهَا قَرِينَتُكَ فِي الْجَنَّةِ فَانْطَلَقَ إِلَيْهَا فَفَرَعَ الْبَابَ عَلَيْهَا فَخَرَجَتْ وَقَالَتْ هَلْ نَزَلَ فِي شَيْءٍ قَالَ نَعَمْ قَالَتْ وَمَا هُوَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَيَّ وَأَخْبَرَنِي أَنَّكَ قَرِينَتِي فِي الْجَنَّةِ وَأَنْ أُبَشِّرَكَ بِالْجَنَّةِ قَالَتْ أَوْ يَكُونُ اسْمُ وَافَقَ اسْمِي قَالَ إِنَّكَ لَأَنْتِ هِيَ قَالَتْ يَا نَبِيَّ اللَّهِ مَا أَكْذَبُكَ وَلَا وَاللَّهِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۴۱۵۸﴾ ثعلبه فرزند حاطب انصاری نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: ای پیامبر خدا ﷺ در پیشگاه خدا برای من دعا کن تا مالی به من عنایت فرماید؛ پیامبر ﷺ فرمود: ای ثعلبه، وای بر تو، برو و به آنچه داری قناعت کن، زیرا انسان سپاسگزار بهتر از انسان ثروتمند ناسپاس است. ثعلبه رفت و پس از چند روز بازگشت و گفت: ای پیامبر خدا ﷺ از خدا بخواه که مالی به من عطا کند! پیامبر ﷺ فرمود: آیا من الگوی تو نیستم؟ به عزت عرش خداوند سوگند که اگر من می‌خواستم، کوه‌های زمین برایم طلا و نقره می‌شدند؛ ثعلبه رفت، سپس بازگشت و گفت: ای پیامبر خدا ﷺ، از خدا بخواه که مالی به من دهد؛ که در این صورت من حق خدا و حقوق دیگران را پرداخت و پیوندهای خویشاوندی‌ام را برقرار خواهم نمود. پیامبر ﷺ فرمود: خدایا، به ثعلبه مال فراوانی عنایت کن. ثعلبه تعداد اندکی گوسفند داشت. با دعای پیامبر ﷺ خداوند به آن‌ها برکت داد و همانند مورچه شروع به زیاد شدن کردند. ثعلبه پیش از افزایش اموالش، نمازهای پنجگانه را همراه پیامبر اکرم ﷺ در مسجد آن حضرت به‌جا می‌آورد. با افزایش گوسفندان ثعلبه، وی ناچار شد محلی خارج از مدینه برای آن‌ها بسازد و چون شخصاً کارهای گوسفندانش را انجام می‌داد، از آن پس در نماز ظهر و عصر پیامبر ﷺ شرکت می‌کرد و نماز صبح و مغرب و عشا را در همان محل به‌جا می‌آورد. سپس با افزایش گوسفندانش از آنجا به خانه‌ی بزرگ‌تری دور از مدینه منتقل شد و از آن پس حضور در نمازهای جماعت برای خواندن نمازهای روزانه و نیز حضور در مسجد و جماعت و اقتدا به پیامبر را از دست داد و فقط جمعه‌ها برای شرکت در نماز جمعه به مسجد می‌آمد. کم‌کم با افزایش اموالش، از نماز جمعه نیز محروم گردید و از رهگذران از حوادث مدینه سؤال می‌کرد. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: ثعلبه چه می‌کند؟ گفتند: ای پیامبر خدا ﷺ! وی به قدری گوسفند دارد که هیچ‌یک از دره‌ها گنجایش آن‌ها را ندارد؛ از این رو به فلان دره رفته، در آنجا منزلی ساخته و اقامت کرده است؛ پیامبر ﷺ سه مرتبه فرمود: افسوس بر ثعلبه.

۵-۶-۱- داستان جویبر

﴿۴۱۵۹﴾ پس جویبر گفت: ای پیامبر خدا، وارد خانه‌ای بزرگ شدم و فرش و وسایلی دیدم و دختری جوان و زیبا و خوشبو. به یاد حال خودم قبل از این افتادم که غریب و نیازمند بودم و در لباس غریبان و بیچارگان. پس دوست داشتم حال که خداوند این نعمت را به من بخشیده به خاطر عطایش او را شکر کنم و با حقیقت شکر به او تقرب بجویم پس به گوشه‌ای از خانه رفتم و پیوسته در حال خواندن نماز و قرآن بودم و در رکوع و سجود خدا را شکر می‌کردم.

۶-۶-۱- داستان خلاده دختر اوس و همنشین داود علی‌ه‌السلام در بهشت

﴿۴۱۶۰﴾ خدای متعال به حضرت داود علی‌ه‌السلام وحی فرمود: "به خلاده دختر اوس، بشارت و مژدگانی بهشت را اعلام کن و اینکه او در بهشت قرین و همنشین توست". حضرت داود به دنبال این وحی به سوی خانه‌ی او روان شد و در زد آن زن به طرف در آمد و سؤال نمود آیا چیزی درباره‌ی من نازل شده است؟ داود پاسخ مثبت داد و جریان وحی را شرح داد، زن گفت: شاید درباره‌ی کسی که همانم من باشد نازل شده باشد داود گفت: درباره‌ی غیر تو نیست، زن گفت: البته من شما را تکذیب نمی‌کنم ولی به خدا سوگند در خودم صفتی که شایسته‌ی این

﴿شَكَرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

مَا أَعْرِفُ مِنْ نَفْسِي مَا وَصَفْتَنِي بِهِ قَالَ دَاوُدُ عليه السلام: أَخْبَرَنِي عَنْ ضَمِيرِكَ وَسَرِيرَتِكَ مَا هُوَ قَالَتْ أَمَّا هَذَا فَسَأُخْبِرُكَ بِهِ أَخْبِرُكَ أَنَّهُ لَمْ يُصْنَبِ وَجَعُ قَطُّ نَزَلَ بِي كَائِنًا مَا كَانَ وَمَا نَزَلَ ضَرْبِي حَاجَةً وَجُوعٌ كَائِنًا مَا كَانَ إِلَّا صَبَرْتُ عَلَيْهِ وَلَمْ أَسْأَلِ اللَّهَ كَشْفَهُ عَنِّي حَتَّى يُحَوِّلَهُ اللَّهُ عَنِّي إِلَى الْعَافِيَةِ وَالسَّعَةِ وَلَمْ أَطْلُبْ بِهَا بَدَلًا وَشَكَرْتُ اللَّهَ عَلَيْهَا وَحَمِدْتُهُ فَقَالَ دَاوُدُ عليه السلام: فَبِهَذَا بَلَغْتَ مَا بَلَغْتَ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: وَهَذَا دِينَ اللَّهِ الَّذِي ارْتَضَاهُ لِلصَّالِحِينَ؛

بحار الأنوار ج: ١٤ ص: ٣٨

٧-١٤-١- قِصَّةُ سُلَيْمَانَ وَ أَبِي ذَرٍّ

﴿٤١٦١﴾ الصادق عليه السلام: دَعَا سُلَيْمَانُ أَبَا ذَرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِمَا إِلَى مَنْزِلِهِ فَقَدَّمَ إِلَيْهِ رَغِيفَيْنِ فَأَخَذَ أَبُو ذَرٍّ الرَّغِيفَيْنِ فَقَالَ سُلَيْمَانُ يَا أَبَا ذَرٍّ لَأَيِّ شَيْءٍ تَقْلِبُ هَذَيْنِ الرَّغِيفَيْنِ قَالَ خِفْتُ أَلَّا يَكُونَا نَضِيجَيْنِ فَغَضِبَ سُلَيْمَانُ مِنْ ذَلِكَ غَضَبًا شَدِيدًا ثُمَّ قَالَ مَا أَجْرَاكَ حَيْثُ تَقْلِبُ الرَّغِيفَيْنِ فَوَاللَّهِ لَقَدْ عَمِلَ فِي هَذَا الْخُبْزِ الْمَاءُ الَّذِي تَحْتَ الْعَرْشِ وَ عَمِلَتْ فِيهِ الْمَلَائِكَةُ حَتَّى آتَوْهُ إِلَى الرِّيحِ وَ عَمِلَتْ فِيهِ الرِّيحُ حَتَّى آتَاهُ إِلَى السَّحَابِ وَ عَمِلَ فِيهِ السَّحَابُ حَتَّى أَمْطَرَهُ إِلَى الْأَرْضِ وَ عَمِلَ فِيهِ الرِّغْدُ وَ الْمَلَائِكَةُ حَتَّى وَضَعُوهُ مَوَاضِعَهُ وَ عَمِلَتْ فِيهِ الْأَرْضُ وَ الْخَشَبُ وَ الْحَدِيدُ وَ الْبَهَائِمُ وَ النَّارُ وَ الْحَطَبُ وَ الْمِلْحُ وَ مَا لَا أُحْصِيهِ أَكْثَرَ فَكَيْفَ لَكَ أَنْ تَقُومَ بِهَذَا الشُّكْرِ فَقَالَ أَبُو ذَرٍّ إِلَى اللَّهِ أَتُوبُ وَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِمَّا أَحْدَثْتُ وَ إِلَيْكَ أَعْتَذِرُ مِمَّا كَرِهْتَ؛ مستدرك الوسائل

ج: ١٦ ص: ٢٩٤

٨-١٤-١- قِصَّةُ سُلَيْمَانَ وَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

﴿٤١٦٢﴾ الرسول ﷺ: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي آخِرِ يَوْمٍ مِنْ جُمَادَى الْآخِرَةِ فِي وَقْتٍ لَمْ أَدْخُلْ عَلَيْهِ فِيهِ قَبْلُهُ قَالَ يَا سُلَيْمَانُ أَنْتَ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ أَ فَلَا أَحَدٌ كَقُلْتُ بَلَى فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ يَا سُلَيْمَانُ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ وَ لَا مُؤْمِنَةٍ صَلَّى فِي هَذَا الشَّهْرِ ثَلَاثِينَ رُكْعَةً وَ هُوَ شَهْرٌ رَجَبٌ يَقْرَأُ فِي كُلِّ رُكْعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ مَرَّةً وَ قُلُّهُ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ قُلُّ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ إِلَّا مَحَا اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ كُلَّ ذَنْبٍ عَمِلَهُ فِي صِغَرِهِ وَ كِبَرِهِ وَ أَعْطَاهُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مِنَ الْأَجْرِ كَمَنْ صَامَ ذَلِكَ الشَّهْرَ كُلَّهُ وَ كُتِبَ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْمُصَلِّينَ إِلَى السَّنَةِ الْمُقْبِلَةِ وَ رُفِعَ لَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ عَمَلُ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ كُتِبَ لَهُ بِصَوْمِ كُلِّ يَوْمٍ يَصُومُهُ مِنْهُ عِبَادَةٌ سَنَةً وَ رُفِعَ لَهُ أَلْفُ دَرَجَةٍ فَإِنْ صَامَ الشَّهْرَ كُلَّهُ أَنْجَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ النَّارِ وَ أَوْجَبَ لَهُ الْجَنَّةَ يَا سُلَيْمَانُ أَخْبَرَنِي بِذَلِكَ جَبْرِئِيلُ ع وَ قَالَ يَا مُحَمَّدُ هَذِهِ عَلَامَةُ بَيْنِكُمْ وَ بَيْنَ الْمُتَنَافِقِينَ لِأَنَّ الْمُتَنَافِقِينَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

مقام باشد نمی‌بینم. داود گفت ضمیر و حالت درونی و روحی خود را برای من توضیح بده، زن گفت: مانعی ندارد. آنچه در اندیشه و قلب دارم این است که؛ هرگونه درد و رنجی که به من رسیده و هرگونه مشکل و ناراحتی و نیازمندی و گرسنگی که به من وارد شده در کمال صبر استقبال نموده و حتی از خداوند درخواست برطرف شدن آن را نکرده‌ام تا وقتی که خود خداوند مرا از آن حالت به حالت عافیت و سلامت و توسعه در زندگی منتقل فرمود و فکر نکردم که این لطف و مرحمت الهی پاداش صبر من است، بلکه خداوند را در مقابل این همه نعمت شاکر و سپاسگزار بودم. داود فرمود: " به همین دلیل به این مقام و مرتبه نائل شده‌ای ". سپس حضرت صادق علیه السلام فرمود. این همان دین الهی است که برای صالحین و بندگان شایسته‌ی خود پسندیده است.

۷-۶-۱- داستان سلمان و ابوذر

﴿۴۱۶﴾ سلمان فارسی، ابوذر غفاری (ره) را به مهمانی دعوت نمود. پس از ورود ابوذر به منزل، سلمان دو قرص نان بر سر سفره نهاد. ابوذر آن دو قرص نان را به دست گرفت و به این طرف و آن طرف نان نگاهی کرد. سلمان گفت: ای ابوذر، برای چه این نان‌ها را مورد دقت قرار می‌دهی؟ ابوذر، گفت: چون احتمال دادم خوب پخته شده نباشند، ناگهان سلمان خشمگین شد و خیلی ناراحت گردید و گفت: ای ابوذر خیلی جرأت داری که این نان‌ها را به این طرف و آن طرف می‌گردانی و دقت می‌کنی. به خدا سوگند در راه تهیه‌ی این نان، آب زیر عرش فعالیت کرده و فرشتگان مأموریت یافته که آب را در اختیار باد قرار دهد و باد هم به نوبه‌ی خود او را به ابر تحویل دهد و ابر هم او را به صورت باران به زمین برساند و رعد و برق و فرشتگان در این راه انجام وظیفه نموده تا مراحل بسیاری طی شود و در راه تهیه‌ی این نان نیز زمین و چوب و آهن و حیوان و آتش و هیزم و نمک و چیزهای دیگری که نمی‌شود احصا کرد به کار گمارده شده است. ای ابوذر چگونه می‌توانی شکر و سپاس این همه را به جا آوری؟ ابوذر متنبه شده و گفت: توبه می‌نمایم و به سوی خدا بازگشت می‌کنم و از این غفلتی که از من واقع شده استغفار می‌نمایم و از تو هم معذرت می‌خواهم چون عملی که تو را ناراحت کرده انجام دادم.

۸-۶-۱- داستان رسول خدا صلی الله علیه و آله

﴿۴۱۷﴾ سلمان فارسی (ره) گفت: روز آخر ماه جمادی‌الآخر نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفتم و تا آن زمان در چنین موقعیتی نزد ایشان نرفته بودم. فرمودند: سلمان، تو از ما اهل بیت هستی آیا مایلی به تو سخن جدیدی بگویم؟ گفتم: آری پدر و مادرم فدایت ای پیامبر خدا. فرمودند: ای سلمان هیچ مرد و زن مؤمنی نیست که در ماه رجب سی رکعت نماز بخواند و در هر رکعت یک مرتبه فاتحه‌الکتاب و سه مرتبه " قل هو الله احد " و سه مرتبه " قل یا ایها الکافرون " بخواند مگر اینکه خداوند متعال تمام گناهانی را که در کودکی و بزرگی انجام داده است از او محو می‌کند و به او اجر کسی را می‌دهد که تمام آن ماه را روزه گرفته است و نامش نزد خداوند تا سال آینده در فهرست نمازگزاران نوشته می‌شود و هر روز برایش عملی چون عمل شهدای بدر بالا برده می‌شود و در عوض روزه‌ی هر روزی که از این ماه بگیرد عبادت یک سال برایش نوشته می‌شود و برایش هزار درجه بالا برده می‌شود و اگر تمام این ماه را روزه بگیرد خداوند عزیز و جلیل او را از آتش نجات می‌دهد و بهشت را بر او واجب می‌کند. ای سلمان، جبرئیل علیه السلام این خبر را به من داد و گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله این، نشانه بین شما و بین منافقین است، زیرا که منافقان این

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

لَا يُصَلُّونَ ذَلِكَ قَالَ سَلْمَانَ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخْبِرْنِي كَيْفَ أَصَلِّي هَذِهِ الثَّلَاثِينَ رُكْعَةً وَمَتَى أَصَلِّيَهَا قَالَ يَا سَلْمَانُ تُصَلِّي فِي أَوَّلِهِ عَشْرَ رُكْعَاتٍ تَقْرَأُ فِي كُلِّ رُكْعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ مَرَّةً وَاحِدَةً وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَقُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَإِذَا سَلَّمْتَ رَفَعْتَ يَدَيْكَ وَقُلْتَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ - لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ وَلَا مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ ثُمَّ امْسَحْ بِهَا وَجْهَكَ وَصَلِّ فِي وَسْطِ الشَّهْرِ عَشْرَ رُكْعَاتٍ تَقْرَأُ فِي كُلِّ رُكْعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ مَرَّةً وَاحِدَةً «٤٨» وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَقُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَإِذَا سَلَّمْتَ فَارْفَعْ يَدَيْكَ إِلَى السَّمَاءِ وَقُلْ - لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ - لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ - يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ - إِلَهًا وَاحِدًا أَحَدًا فَرْدًا صَمَدًا لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا ثُمَّ امْسَحْ بِهَا وَجْهَكَ وَصَلِّ فِي آخِرِ الشَّهْرِ عَشْرَ رُكْعَاتٍ تَقْرَأُ فِي كُلِّ رُكْعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ مَرَّةً وَاحِدَةً وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَقُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَإِذَا سَلَّمْتَ فَارْفَعْ يَدَيْكَ إِلَى السَّمَاءِ وَقُلْ - لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ - لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ثُمَّ امْسَحْ بِهَا وَجْهَكَ وَسَلِّ حَاجَتَكَ فَإِنَّهُ يُسْتَجَابُ لَكَ دُعَاؤُكَ وَيَجْعَلُ اللَّهُ بَيْنَكَ وَبَيْنَ جَهَنَّمَ سَبْعَةَ خَنَادِقٍ كُلَّ خَنَدَقٍ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَيَكْتُبُ لَكَ بِكُلِّ رُكْعَةٍ أَلْفَ أَلْفٍ رُكْعَةٍ وَيَكْتُبُ لَكَ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ وَجَوَازًا عَلَى الصِّرَاطِ قَالَ سَلْمَانُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَلَمَّا فَرَغَ النَّبِيُّ عَمَّنِ الْحَدِيثِ خَرَرْتُ سَاجِدًا أَبْكِي شُكْرًا لِلَّهِ تَعَالَى لِمَا سَمِعْتُ هَذَا الْحَدِيثَ؛ مصباح المتعبد ص: ٨١٧

٩-٦-١- قِصَّةُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ

﴿٤١٦٣﴾ تَصَوَّرَ لِعَبْدِ الْمُطَّلِبِ أَنَّ ذَنْجَ الْوَلَدِ أَفْضَلُ قُرْبَةً لِمَا عَلِمَ مِنْ حَالِ إِسْمَاعِيلَ فَذَكَرَ أَنَّهُ مَتَى رُزِقَ عَشْرَةَ أَوْلَادٍ ذَكَرَ أَنْ يَنْحَرَ أَحَدَهُمْ فِي الْكَعْبَةِ شُكْرًا لِلَّهِ فَلَمَّا وَجَدَهُمْ عَشْرَةً قَالَ لَهُمْ يَا بَنِيَّ مَا تَقُولُونَ فِي نَذْرِي فَقَالُوا الْأَمْرُ إِلَيْكَ وَنَحْنُ بَيْنَ يَدَيْكَ؛ المناقب ج: ١ ص: ٢٠

١٠-٦-١- قِصَّةُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام وَعَبْدِ الْمَلِكِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

نماز را نمی‌خوانند. سلمان گفت: گفتیم: ای پیامبر خدا ﷺ، به من بفرمایید این سی رکعت نماز را چگونه بخوانم و کی بخوانم؟ فرمودند: ای سلمان، در اول این ماه ده رکعت می‌خوانی و در هر رکعت یک مرتبه فاتحه‌الکتاب و سه مرتبه " قل هو الله احد " و سه مرتبه " قل يا ايها الكافرون " را می‌خوانی آنگاه که سلام دادی دستانت را بلند کن و بگو: " خدایی جز الله نیست یکتاست و شریک ندارد، پادشاهی و ستایش از آن اوست؟ زنده می‌کند و می‌میراند و او زنده‌ای است که هرگز نمی‌میرد و خیر به دست اوست و او بر هر چیز تواناست و از خداوند می‌خواهم بر محمد و خاندان پاکش درود فرستد و هیچ نیرو و قدرتی نیست مگر به واسطه‌ی خداوند بلندمرتبه و بزرگ. سپس دستان خود را بر صورت بکش و حاجت را بخواه که دعایت مستجاب است و خداوند بین تو و جهنم هفت گودال پهن و عمیق قرار می‌دهد که هر خندق به اندازه‌ی فاصله‌ی آسمان و زمین است؛ به ازای هر رکعت یک میلیون رکعت برایت می‌نویسد و برایت خلاصی از آتش نوشته می‌شود و برگه‌ی عبور از صراط. سلمان (ره) گفت: آنگاه که پیامبر ﷺ از ذکر این کلام فارغ شدند به خاطر شنیدن این کلام به درگاه خداوند سجده کردم و به شکرانه‌ی آن گریستم.

۹-۶-۱- داستان عبدالمطلب

﴿۴۱۶۳﴾ برای عبدالمطلب ﷺ با توجه به چیزی که از حال اسماعیل ﷺ می‌دانست، این‌گونه متصور شده بود که قربانی کردن پسر بیشترین نزدیکی را نزد خدا دارد پس نذر کرد که آنگاه که خداوند به او ده فرزند پسر عطا نماید یکی را در کعبه برای شکر خدایش قربانی کند آنگاه که دید ده پسر دارد به آن‌ها گفت: ای پسرانم، نظر شما درباره‌ی نذر چیست؟ گفتند: اختیار کار با توست و ما در اختیار تو هستیم.

۱۰-۶-۱- داستان امام سجاد ﷺ و عبدالملک

﴿شَكَرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٤١٦٤﴾ السَّجَادُ عليه السلام: دَخَلْتُ مَعَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام عَلَى عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ فَاسْتَغْطَمَ عَبْدُ الْمَلِكِ مَا رَأَى مِنْ آثَرِ السُّجُودِ بَيْنَ عَيْنَيْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام فَقَالَ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ لَقَدْ بَيَّنَّ عَلَيْكَ الْاجْتِهَادَ وَلَقَدْ سَبَقَ لَكَ مِنَ اللَّهِ الْحُسْنَى وَأَنْتَ بَضْعَةٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَرِيبُ النَّسَبِ وَكَيْدُ السَّبَبِ وَإِنَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ وَذَوَى عَصْرِكَ وَلَقَدْ أُوتِيتَ مِنَ الْفَضْلِ وَالْعِلْمِ وَالِدِّينِ وَالْوَرَعِ مَا لَمْ يُؤْتَهُ أَحَدٌ مِثْلَكَ وَلَا قَبْلَكَ إِلَّا مِنْ مَضَى مِنْ سَلَفِكَ وَأَقْبَلَ يُثْنِي عَلَيْهِ وَيُطْرِبُهُ قَالَ فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام كُلُّ مَا ذَكَرْتَهُ وَصَفْتَهُ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَأْيِيدِهِ وَتَوْفِيقِهِ فَأَيُّ شُكْرِهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَقِفُ فِي الصَّلَاةِ حَتَّى تَرْمَ قَدَمَاهُ وَيُظْمَأُ فِي الصَّيَامِ حَتَّى يُعْصَبَ فُوهُ فَقِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَمْ يَغْفِرِ اللَّهُ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ فَيَقُولُ ﷺ أَفَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَوْلَى وَأَبْلَى وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى وَاللَّهُ لَوْ تَقَطَّعَتْ أَغْصَانِي وَسَالَتْ مُفْلَتَايَ عَلَى صَدْرِي لَنْ أَقُومَ لِلَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ بِشُكْرِ عَشْرِ الْعَشِيرِ مِنْ نِعْمَةٍ وَاحِدَةٍ مِنْ جَمِيعِ نِعَمِهِ الَّتِي لَا يُحْصِيهَا الْعَادُونَ وَلَا يَبْلُغُ حَدَّ نِعْمَةٍ مِنْهَا عَلَى جَمِيعِ حَمْدِ الْحَامِدِينَ لَا وَاللَّهِ أَوْ يَرَانِي اللَّهُ لَا يَشْغَلْنِي شَيْءٌ عَنْ شُكْرِهِ وَذِكْرِهِ فِي لَيْلٍ وَلَا نَهَارٍ وَلَا سِرٍّ وَلَا عَلَانِيَةٍ وَلَوْ لَا أَنَّ لِأَهْلِي عَلَى حَقٍّ وَلِسَائِرِ النَّاسِ مِنْ خَاصِّهِمْ وَعَامِّهِمْ عَلَى حَقُّوْقًا لَا يَسْغِيَنِ إِلَّا الْقِيَامُ بِهَا حَسَبَ الْوُسْعِ وَالطَّاقَةِ حَتَّى أُوْدِّيَهَا إِلَيْهِمْ لَرَمَيْتُ بِطَرْفِي إِلَى السَّمَاءِ وَبِقَلْبِي إِلَى اللَّهِ ثُمَّ لَمْ أَرُدْهُمَا حَتَّى يَقْضِيَ اللَّهُ عَلَيَّ نَفْسِي وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ وَبَكَى ﷺ وَبَكَى عَبْدُ الْمَلِكِ؛ مستدرك الوسائل ج: ١ ص: ١٢٥

١١-١٤-١١- قِصَّةُ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عليهما السلام وَالْمَأْمُونِ

﴿٤١٦٥﴾ الرِّضَا عليه السلام: أَنَّ الْمَأْمُونِ أَمَرَنِي بِقَتْلِ رَجُلٍ فَقَالَ اسْتَنْتَنِي فَإِنِّي لِي شُكْرًا فَقَالَ وَمَنْ أَنْتَ وَمَا شُكْرُكَ فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى عليهما السلام: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْشُدْكَ اللَّهَ أَنْ تَتَرَفَّعَ عَنْ شُكْرِ أَحَدٍ وَإِنْ قُلَّ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَ عِبَادَهُ بِشُكْرِهِ فَشَكَرُوهُ فَعَفَا عَنْهُمْ؛ بحار الأنوار ج: ٤٩ ص: ١٨٥

١٢-١٤-١١- قِصَّةُ مَتَّى أَبِي يُونُسَ

﴿٤١٦٦﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: إِنَّ دَاوُدَ النَّبِيَّ عليه السلام قَالَ: يَا رَبِّ أَخْبِرْنِي بِقَرِينِي فِي الْجَنَّةِ وَنَظِيرِي فِي مَنَازِلِي فَأَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَيْهِ أَنْ ذَلِكَ مَتَّى أَبِي يُونُسَ قَالَ فَاسْتَأْذَنَ اللَّهَ فِي زِيَارَتِهِ فَأَذِنَ لَهُ فَخَرَجَ هُوَ وَسُلَيْمَانُ ابْنُهُ عليهما السلام: حَتَّى أَتَيَا مَوْضِعَهُ فَإِذَا هُمَا بَيْتٌ مِنْ سَعَفٍ فَقِيلَ لَهُمَا هُوَ فِي السُّوقِ فَسَالَا عَنْهُ فَقِيلَ لَهُمَا اطْلُبَاهُ فِي الْحَطَّائِينَ فَسَالَا عَنْهُ فَقَالَ لَهُمَا جَمَاعَةٌ مِنَ النَّاسِ نَحْنُ نَنْتَظِرُهُ الْآنَ يَجِيءُ فَجَلَسَا يَنْتَظِرَانِهِ إِذَا أَقْبَلَ وَ عَلَى رَأْسِهِ وَفَرُّ مِنْ حَطَبٍ فَقَامَ إِلَيْهِ النَّاسُ فَأَلْقَى عَنْهُ الْحَطَبَ وَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۴۱۶۴﴾ با حضرت زین العابدین رفتم پیش عبدالملک بن مروان اثر سجده‌ای که در پیشانی علی بن الحسین دید خیلی بزرگ شمرده، عرض کرد: واقعا در راه عبادت خدا کوشش می‌کنی، خداوند به تو عنایت فراوان دارد پاره‌ی تن پیامبری قرابت نزدیک و نسبت زیاد تو مقامی ارجمند بین خانواده‌ی خود و اهل زمان داری، دارای علم و فضل و دین و ورعی هستی که احدی پیش از تو و بعد از تو دارای این مقام نبوده‌اند جز اجداد طاهرینت شروع کرد به تعریف و ستایش آن مولا. علی بن الحسین فرمود: آنچه ذکر کردی از لطف خدا و تأیید و توفیقش می‌باشد. پس کجا می‌توان شکر و سپاس نعمت او را نمود. آن قدر پیامبر در نماز ایستاد تا قدم‌هایش ورم کرد، چنان در روزه‌داری تشنه می‌شد آب دهانش خشک می‌گردید، گفتند ای پیامبر خدا، مگر خداوند وعده‌ی مغفرت به تو نداده؟ می‌فرمود بنده‌ی شکرگزار خدا نباشم؟ خدای را سپاس بر نعمت و آزمایشش و او را ستایش از ابتدا تا انتهای روزگار به خدا سوگند اگر اعضايم قطع شود و چشمانم بر روی سینه‌ام بیفتد هنوز سپاس یک‌دهم از یک نعمت از نعمت‌های بی‌شمارش را نکرده‌ام ستایش تمام ستایشگران به پایه‌ی یک نعمت او نمی‌رسد. به خدا سوگند از کوشش در شکرگزاری فروگذار نخواهم بود تا او ببیند که پیوسته در ستایش اویم در شب و روز آشکارا و پنهان اگر خانواده‌ام و مردم بر من حقوقی نداشتند که به ناچار باید آن حقوق را مراعات نمود پیوسته چشم به آسمان می‌دوختم و دل در گرو او می‌نهادم تا جان در بدن دارم، در این موقع اشک از دیدگان فرو ریخت و عبدالملک نیز گریه کرد.

۱۱-۶-۱ داستان امام رضا علیه السلام و مأمون

﴿۴۱۶۵﴾ مأمون به من دستور داد مردی را بکشم، آن مرد گفت: مهلت بده زیرا شکری بر عهده‌ی من است که می‌خواهم، آن را انجام دهم. مأمون گفت تو که هستی و شکر تو چه ارزشی دارد؟ حضرت رضا علیه السلام فرمود یا امیرالمؤمنین تو را به خدا قسم می‌دهم از اینکه مانع شکر کردن دیگری شوی اگر چه کم باشد، زیرا خداوند به بندگان دستور می‌دهد که سپاس او را به‌جای آورند، پس آن‌ها سپاسگزاری می‌کنند و خداوند نیز ایشان را می‌بخشد.

۱۲-۶-۱ داستان متی پدر یونس

﴿۴۱۶۶﴾ حضرت داود علیه السلام به درگاه الهی عرض نمود: پروردگارا، هم‌نشین من در بهشت را که از نظر درجه و منزلت مانند من است به من نشان بده، خداوند به او وحی کرد: او متی پدر یونس است، داود گفت: به من اجازه بده او را ملاقات کنم، و خداوند به او اجازه داد، سپس داود با پسرش سلیمان به راه افتادند تا به مکانی رسیدند که در آنجا خانه‌ای ساخته‌شده از شاخه و برگ درخت خرما وجود داشت، در آنجا سراغ متی را گرفتند، گفتند: او در بازار است، سرانجام او را در بازار هیزم‌فروشان درحالی که پشته‌ای هیزم بر پشت داشت یافتند، درحالی که جماعتی از مردم منتظر او بودند، او هیزم را بر زمین نهاد و شکر الهی را به‌جای آورد و گفت: چه کسی کالای نیکوی مرا با کالای نیکوی دیگر معاوضه می‌کند؟ سرانجام هیزم‌ها را فروخت و به‌جای آن

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

حَمِدَ اللَّهُ وَ قَالَ مَنْ يَشْتَرِي طَبِيبًا فَسَاوَمَهُ وَاحِدٌ وَ زَادَهُ آخِرُ حَتَّى بَاعَهُ مِنْ بَعْضِهِمْ قَالَ فَسَلَّمَا عَلَيْهِ فَقَالَ انْطَلِقَا بِنَا إِلَى الْمَنْزِلِ وَ اشْتَرِي طَعَامًا بِمَا كَانَ مَعَهُ ثُمَّ طَحَنَهُ وَ عَجَنَهُ فِي نَقِيرٍ لَهُ ثُمَّ أَجَجَ نَارًا وَ أَوْقَدَهَا ثُمَّ جَعَلَ الْعَجِينَ فِي تِلْكَ النَّارِ وَ جَلَسَ مَعَهُمَا يَتَحَدَّثُ ثُمَّ قَامَ وَ قَدْ نَضِجَتْ خُبْزَتُهُ فَوَضَعَهَا فِي النَّقِيرِ وَ فَلَقَهَا وَ ذَرَّ عَلَيْهَا مِلْحًا وَ وَضَعَ إِلَى جَنْبِهِ مِطْهَرَةً مَلَأَ [مَلَأَتْ] مَاءً وَ جَلَسَ عَلَى رُكْبَتَيْهِ وَ أَخَذَ لُقْمَةً فَلَمَّا رَفَعَهَا إِلَى فِيهِ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ فَلَمَّا اذْزَرَدَهَا قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ ثُمَّ فَعَلَ ذَلِكَ بِأُخْرَى وَ أُخْرَى ثُمَّ أَخَذَ الْمَاءَ فَشَرَبَ مِنْهُ فَذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ فَلَمَّا وَضَعَهُ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ يَا رَبِّ مَنْ ذَا الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَ أَوْلَيْتَهُ مِثْلَ مَا أَوْلَيْتَنِي قَدْ صَحَحْتَ بَصْرِي وَ سَمِعِي وَ بَدَنِي وَ قَوَّيْتَنِي حَتَّى ذَهَبْتُ إِلَى الشَّجَرِ لَمْ أَغْرِسْهُ وَ لَمْ أَهْتَمَّ لِحِفْظِهِ جَعَلْتَهُ لِي رِزْقًا وَ سَقَيْتَنِي إِلَى مَنْ اشْتَرَاهُ مِنِّي فَاشْتَرَيْتَ بِشَمْنِهِ طَعَامًا لَمْ أَزْرَعْهُ وَ سَخَّرْتَ لِي النَّارَ فَأَنْضَجْتَهُ وَ جَعَلْتَنِي أَكُلُهُ بِشَهْوَةٍ أَقْوَى بِهِ عَلَى طَاعَتِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ قَالَ ثُمَّ بَكَى قَالَ دَاوُدُ يَا بُنَيَّ قُمْ فَأَنْصَرِفْ بِنَا فَإِنِّي لَمْ أَرَ عَبْدًا قَطُّ أَشْكُرَ لِلَّهِ مِنْ هَذَا؛ بحار الأنوار ج: ١٤ ص: ٢٠٢

﴿٢١٦٧﴾ داود عليه السلام: يَا رَبِّ أَخْبِرْنِي بِقَرِينِي فِي الْجَنَّةِ فِي قَصْرِى فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنْ ذَلِكَ مَتَّى أَبُو يُوسُفَ فَاسْتَأْذَنَ اللَّهُ تَعَالَى فِي زِيَارَتِهِ فَأَذِنَ لَهُ فَأَخَذَ بِيَدِهِ سُلَيْمَانَ حَتَّى أَتَيَا مَوْضِعَهُ فَإِذَا هُوَ بَيْتٌ مِنْ سَعَفٍ فَسَأَلَ عَنْهُ فَقِيلَ إِنَّهُ فِي الْحَطَّابِينَ يَقْطَعُ الْحَطَبَ وَ يَبِيعُهُ فَجَلَسَا يَنْتَظِرَانِهِ إِذْ أَقْبَلَ وَ عَلَى رَأْسِهِ خُزْمَةٌ مِنْ حَطَبٍ فَاتَّقَاهَا عَنْهُ ثُمَّ حَمِدَ اللَّهُ وَ قَالَ مَنْ يَشْتَرِي مِنِّي طَبِيبًا بِطَبِيبٍ فَسَاوَمَهُ وَاحِدٌ وَ اشْتَرَاهُ آخَرُ فَدَنِيَا مِنْهُ وَ سَلَّمَا عَلَيْهِ فَقَالَ انْطَلِقَا بِنَا إِلَى الْمَنْزِلِ وَ ابْتَاعَ بِمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ طَعَامٍ ثُمَّ وَضَعَهُ بَيْنَ حَجَرَيْنِ قَدْ أَعَدَّهُمَا لِذَلِكَ وَ طَحَنَهُ ثُمَّ عَجَنَهُ فِي نَقِيرٍ لَهُ ثُمَّ أَجَجَ نَارًا وَ أَوْقَدَهَا بِالْحَطَبِ ثُمَّ وَضَعَ الْعَجِينَ عَلَيْهَا ثُمَّ جَلَسَ يَتَحَدَّثُ مَعَهُمْ هُنَيْهَةً ثُمَّ نَهَضَ وَ قَدْ نَضِجَتْ خُبْزَتُهُ فَوَضَعَهَا فِي النَّقِيرِ وَ فَلَقَهَا وَ وَضَعَ عَلَيْهَا مِلْحًا وَ وَضَعَ إِلَى جَانِبِهِ مِطْهَرَةً فِيهَا مَاءٌ وَ جَلَسَ عَلَى رُكْبَتَيْهِ وَ أَخَذَ لُقْمَةً وَ كَسَرَهَا وَ وَضَعَهَا فِي فِيهِ وَ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ* فَلَمَّا اذْزَرَدَهَا قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ* ثُمَّ فَعَلَ ذَلِكَ بِأُخْرَى فَأُخْرَى ثُمَّ أَخَذَ الْمَاءَ فَشَرَبَ مِنْهُ وَ حَمِدَ اللَّهُ تَعَالَى وَ قَالَ لَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مَنْ ذَا الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَ أَوْلَيْتَهُ مِثْلَ مَا أَوْلَيْتَنِي إِذْ صَحَحْتَ بَدَنِي وَ سَمِعِي وَ بَصْرِي وَ جَوَارِحِي وَ قَوَّيْتَنِي حَتَّى ذَهَبْتُ إِلَى شَجَرٍ لَمْ أَغْرِسْهُ بِيَدِي وَ لَا زَرَعْتُهُ بِقُوَّتِي وَ لَمْ أَهْتَمَّ بِحِفْظِهِ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

مقداری گندم تهیه کرد، آنگاه داود و سلیمان نزد او آمدند و بر او سلام کردند، متی پاسخ آن‌ها را داد و آن‌ها را به منزل خود دعوت کرد و طعامی خرید و آتش برافروخت و طعام را روی آن قرار داد و همراه آن دو مشغول صحبت شد، و هنگام غذاخوردن در شروع هر لقمه "بسم الله" می‌گفت و بعد از خوردن آن "الحمد لله" بر زبان می‌آورد، بعد از اتمام غذا گفت: پروردگارا، کیست که به او به اندازه‌ی من نعمت داده باشی؟ چشمم را بینا کردی و گوشم را شنوا قرار دادی و بدنم را سلامتی و توان بخشیدی و خار و شاخه‌ی درختان را وسیله‌ی تأمین رزق من قرار دادی و کسانی را فرمان دادی که آن هیزم را از من خریداری کنند تا با پول آن طعامی را تهیه کردم که خودم آن را نکشتم و آتش را مسخّر من گردانیدی تا آن طعام را بپزم و به من اشتهایی دادی تا آن را با یاد و شکر تو تناول کنم و بدنم بر طاعت و عبادت قوت گیرد، پس حمد و سپاس شایسته‌ی توست و آنگاه گریست، سپس داود به سلیمان گفت: پسر، برخیز تا برویم من تا امروز بنده‌ای که تا این حد شاکر باشد ندیده بودم.

﴿۴۱۶۷﴾ خدایا، به من خبر بده که همسایه‌ی من در بهشت کیست؟ وحی رسید که او متی پدر حضرت یونس علیه السلام است، آن حضرت از خدای تعالی اجازه گرفت که به دیدارش برود، چون اجازه یافت دست فرزند خود حضرت سلیمان را گرفت و به منزل متی شتافت؛ پس از ورود مشاهده کرد که خانه‌ی او از حصیر ساخته شده است، از خانواده‌اش جوایای حال متی شد؟ گفت برای کندن هیزم به بیابان رفته است. بدین جهت به بازار هیزم‌فروشان رفتند و صبر کردند تا او آمد، دیدند پشته‌ای از هیزم به دوش دارد و آنگاه که آن‌ها را بر زمین نهاد حمد خدای را به جا آورد، و گفت کیست که این مال حلال را به درهم حلال از من خریداری کند؟ مردی پیش آمد و خریداری نمود. پس حضرت داود و سلیمان به نزدش آمدند و بر او سلام کردند، متی جواب آن‌ها را گفت و ایشان را به خانه‌ی خود دعوت کرد و به راه افتادند و در بین راه مقداری گندم خریداری نمود، چون به خانه آمدند گندم را آسیا کرد و در میان گودالی از سنگ، خمیر نمود و آتش روشن کرد و خمیر را روی آن گذاشت و نزد حضرت داود و سلیمان نشست و با ایشان سخن گفت تا آنکه فهمید خمیر پخته شده و نان آماده است، پس از جای برخاست و نان‌ها را با قدری نمک و ظرف آبی به حضور ایشان آورد و با کمال ادب دوزانو نشست و "بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ" گفت و لقمه‌ی نانی با نمک در دهان گذاشت و چون فرو برد گفت: "الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ"، و به همین حالت بود تا سیر شد و سپس قدری آب آشامید و گفت: الحمد لله، خدایا ستایش مخصوص توست، به چه کسی نعمت دادی و دوست خود گردانیدی که همانند من باشد؟ سلامتی چشم و گوش و اعضا و جوارح به من عطا فرموده‌ای و مرا قوت دادی که رفتم هیزمی را کندم که خودم نکاشته بودم و نه آن را آبیاری‌اش کرده بودم و نه حفظ و حراستش کرده بودم و

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

فَجَعَلَتْهُ لِي رِزْقًا وَاعْتَنَى عَلَيَّ قِطْعَهُ وَحَمْلَهُ وَ سَفَتَ إِلَيَّ مِنْ اشْتِرَائِهِ مِنِّي وَ اشْتَرَيْتُ بِمَنْهِ طَعَامًا لَمْ أَرْزُقْهُ وَ لَمْ أَتَعَبْ فِيهِ وَ سَخَّرَتْ لِي حَجَرًا طَحْنَتْهُ وَ نَارًا اَنْضَجَتْهُ وَ جَعَلَتْ لِي شَهْوَةً قَابِلَةً لِذَلِكَ فَصِرْتُ أَكُلُهُ بِشَهْوَةٍ وَ أَقْوَى بِذَلِكَ عَلَى طَاعَتِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ حَتَّى تَرْضَى وَ بَعْدَ الرِّضَا ثُمَّ بَكَى بُكَاءً عَالِيًا فَقَالَ دَاوُدُ لِإِثْنَيْهِ سُلَيْمَانَ يَا بُنَيَّ يَحِقُّ لِمِثْلِ هَذَا الْعَبْدِ الشَّاكِرِ أَنْ يَكُونَ صَاحِبَ الْمَنْزِلَةِ الْكُبْرَى فِي الْجَنَّةِ فَلَمْ أَرْ عَبْدًا أَشْكُرُ مِنْ هَذَا؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ١١٩

١٣-٦-١- قِصَّةُ الْمَلِكِ وَابْتِلَاءُ شُكْرِ الصَّحَابِيِّ

﴿٤١٦٨﴾ الصادق عليه السلام: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ إِنِّي شَيْخٌ كَثِيرُ الْعِيَالِ ضَعِيفُ الرُّكْنِ قَلِيلُ الشَّيْءِ فَهَلْ مِنْ مَعُونَةٍ عَلَى زَمَانِي فَظَرَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِلَيَّ أَصْحَابَهُ وَنَظَرَ إِلَيْهِ أَصْحَابُهُ وَقَالَ قَدْ أَسْمَعْنَا الْقَوْلَ وَاسْمَعَكُمْ فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ كُنْتُ مِثْلَكَ بِالْأُمْسِ فَذَهَبَ بِهِ إِلَى مَنْزِلِهِ فَأَعْطَاهُ مِرْوَدًا مِنْ نَبْرٍ وَكَانُوا يَتْبَاعُونَ بِالنَّبْرِ وَهُوَ الذَّهَبُ وَافِضَةٌ فَقَالَ الشَّيْخُ هَذَا كُلُّهُ قَالَ نَعَمْ فَقَالَ الشَّيْخُ أَقْبَلَ تَبْرَكَ فَإِنِّي لَسْتُ بِجَنِّي وَلَا إِنْسِيَّ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ لِأَبْلُوكَ فَوَجَدْتُكَ شَاكِرًا فَجَزَاكَ اللَّهُ خَيْرًا؛ الكافي ج: ٤ ص: ٤٨

١٤-١٦- قِصَّةُ رَجُلٍ الَّذِي كَانَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ فَأَتَاهُ فِي مَنَامِهِ مَنْ قَالَ لَهُ: (إِنَّ لَكَ نِصْفَ عُمْرِكَ سَعَةً فَاخْتَرِ أَيَّ النِّصْفَيْنِ شِئْتَ)

﴿٤١٦﴾ الرضا عليه السلام: إِنَّهُ كَانَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ رَجُلٌ فَاتَاهُ فِي مَنَامِهِ مَنْ قَالَ لَهُ: إِنْ لَكَ نِصْفُ عُمْرِكَ سَعَةً فَاخْتَرْ أَيَّ النِّصْفَيْنِ شِئْتَ فَقَالَ: إِنْ لِي شَرِيكًا فَلَمَّا أَصْبَحَ الرَّجُلُ قَالَ لِرَوْجَتِهِ: قَدْ آتَانِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ رَجُلٌ فَأَخْبَرَنِي أَنَّ نِصْفَ عُمْرِي لِي سَعَةً فَاخْتَرْ أَيَّ النِّصْفَيْنِ شِئْتَ فَقَالَتْ لَهُ: زَوْجَتُهُ اخْتَرِ النِّصْفَ الْأَوَّلَ فَقَالَ لَهَا: ذَاكَ فَأَقْبَلْتُ عَلَيْهِ الدُّنْيَا فَكَانَ كُلَّمَا كَانَتْ نِعْمَةٌ قَالَتْ: زَوْجَتُهُ جَارَكَ فَلَانُ مُحْتَاجٌ فَصَلُّهُ وَتَقُولُ قَرَابَتِكَ فَلَانُ فَتُعْطِيهِ وَكَانُوا كَذَلِكَ كُلَّمَا جَاءَ تَهُمٌ نِعْمَةٌ أَعْطَوْا وَتَصَدَّقُوا وَشَكَرُوا فَلَمَّا كَانَ لَيْلَةٌ مِنَ اللَّيَالِي آتَاهُ الرَّجُلُ فَقَالَ: يَا هَذَا إِنَّ النِّصْفَ قَدْ انْقَضَى فَمَا رَأَيْكَ قَالَ لِي شَرِيكٌ فَلَمَّا أَصْبَحَ قَالَ لِرَوْجَتِهِ: آتَانِي الرَّجُلُ فَأَعْلَمَنِي أَنَّ النِّصْفَ قَدْ انْقَضَى فَقَالَتْ لَهُ: زَوْجَتُهُ قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْنَا فَشَكَرْنَا وَاللَّهِ أَوْلَى بِالْوَفَاءِ قَالَ فَلِإِنَّ لَكَ تَمَامَ عُمْرِكَ: بحار الأنوار ج: ٤٨ ص: ٥٤

١٥-٦-١- قِصَّةُ رَجُلٍ الْمُحَارَفُ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

آن را رزق من قراردادی و به من کمک کردی تا اینکه آن را کندم و به دوش گرفتم و به شهر آوردم، و کسی را فرستادی که از من خریداری کرد، و سنگ را مسخر من کردی، تا گندم را آسیا نمودم و آتش را مسخر من گردانیدی که با آن نان خود را پختم، و اشتهایی به من عنایت فرمودی که آن نان را خوردم تا به وسیله‌ی آن بر طاعت تو قوت بگیرم. پس خدایا، ستایش مخصوص توست سپس گریه سختی نمود، حضرت داود به سلیمان فرمود: ای پسر برای مثل چنین بنده‌ی شاکری مقامات و صاحب منزلت بزرگ در بهشت سزاواراست، و من هیچ بنده‌ی شاکری همانند این بنده‌ی شاکر ندیده‌ام.

۱۳-۶-۱ داستان فرشته و آزمایش شکر صحابی

﴿۴۱۶۸﴾ مردی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: من پیری هستم که زن و فرزند فراوانی دارم که نتوانم و ندارم آیا در این گرفتاری کمکی برای من هست؟ پیامبر خدا ﷺ به اصحابشان نگاه کردند و اصحابشان هم به ایشان نگریستند و فرمودند: به گوش ما و شما رسید. مردی برخاست و به سوی پیرمرد رفت و گفت: من نیز قبلاً مانند تو بودم و او را با خود به منزلش برد و به او میله‌ای از طلا داد، و آن‌ها با همین میله‌های طلا و نقره داد و ستد می‌کردند. پیرمرد گفت: این، همه‌ی دارایی‌ات است؟ آری: پیرمرد گفت: آن را از تو می‌پذیرم؛ من نه از طایقه‌ی جنم و نه از انس بلکه فرستاده‌ی خدایم تا تو را امتحان نمایم و دریافتم که تو شاکری پس خداوند به تو پاداش دهد.

۱۴-۶-۱ داستان مردی که در بنی اسرائیل بود به خواب شخصی آمد و به او گفت که نصف عمر خود را در وسعت و رفاه به سر خواهی برد اینک هر کدام را می‌خواهی طلب کن

﴿۴۱۶۹﴾ در قوم بنی اسرائیل مردی بود که شبی در خواب به او خبر دادند که قرار است نصف عمر خود را در وسعت و رفاه به سر ببرد (و نیمی را در مشقت و نیازمندی)، و به گفته شد اینک هر کدام را که می‌خواهی طلب کن که اول با آن شروع شود. او در جواب گفت: من یک شریک دارم، اجازه بدهید تا با او صحبت کنم و بعد پاسخ دهم، این جریان را به همسرش گفت، او هم در جواب شوهر اظهار داشت، بگو نصف اول را می‌خواهم در رفاه باشم، شوهر گفت: باشد همین را خواهم گفت. پس از آن، دنیا به او روی آورد، هرگاه نعمتی به او می‌رسید، زنش می‌گفت: فلان همسایه‌ی ما نیازمند است، چیزی هم به او بده و فلان فرد از خانواده محتاج است به او هم رسیدگی کن، و آن‌ها به این روش ادامه دادند و هر نعمتی که به آن‌ها رسید به همسایگان و خویشان و ندان نیز می‌بخشیدند. مدتی گذشت بار دیگر آن شخص به خواب او آمد و گفت: نصف عمرت گذشت، اکنون چه می‌گویی گفت: من با شریک خود در این باره صحبت می‌کنم و جواب می‌دهم، صبح هنگام جریان را به زنش اطلاع داد، زن گفت: ما به نعمت رسیدیم و شکرگزاری نمودیم، خداوند هم روزی ما را می‌رساند، او هم جریان را به آن مرد در خواب گفت، آنگاه او در جواب اظهار داشت، پس تمام عمر را در رفاه خواهی بود.

۱۵-۶-۱ داستان مرد فقیر در بنی اسرائیل

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

﴿٤١٧٠﴾ الباقِرُ عليه السلام: كَانَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ رَجُلٌ عَبْدٌ وَكَانَ مُحَارِقًا لَا يَتَوَجَّهُ فِي شَيْءٍ فَيُصِيبُ فِيهِ شَيْئًا فَأَنْفَقَتْ عَلَيْهِ امْرَأَتُهُ حَتَّى لَمْ يَبْقَ عِنْدَهَا شَيْءٌ فَجَاعُوا يَوْمًا مِنَ الْأَيَّامِ فَدَفَعَتْ إِلَيْهِ نَصْلًا مِنْ غَزَلٍ وَقَالَتْ لَهُ مَا عِنْدِي غَيْرُهُ أَنْطَلِقْ فَبِعُهُ وَاشْتَرِ لَنَا شَيْئًا نَأْكُلُهُ فَأَنْطَلِقَ بِالنَّصْلِ الْغَزْلَ لِيَبِيعَهُ فَوَجَدَ السُّوقَ قَدْ غَلِقَتْ وَوَجَدَ الْمُشْتَرِينَ قَدْ قَامُوا وَانْصَرَفُوا فَقَالَ لَوْ أَتَيْتُ هَذَا الْمَاءَ فَتَوَضَّأْتُ مِنْهُ وَصَبَبْتُ عَلَى مَنْهُ وَانْصَرَفْتُ فَجَاءَ إِلَى الْبَحْرِ وَإِذَا هُوَ بِصَيَّادٍ قَدْ أَلْقَى شَبَكَتَهُ فَأَخْرَجَهَا وَ لَيْسَ فِيهَا إِلَّا سَمَكَةٌ رَدِيَّةٌ قَدْ مَكَثَتْ عِنْدَهُ حَتَّى صَارَتْ رَخْوَةً مُنْتِنَةً فَقَالَ لَهُ بَعْنِي هَذِهِ السَّمَكَةَ وَ أَعْطِيكَ هَذَا الْغَزْلَ تَتَنَفَّعُ بِهِ فِي شَبَكَتِكَ قَالَ نَعَمْ فَأَخَذَ السَّمَكَةَ وَدَفَعَ إِلَيْهِ الْغَزْلَ وَانْصَرَفَ بِالسَّمَكَةِ إِلَى مَنْزِلِهِ فَأَخْبَرَ زَوْجَتَهُ الْخَبَرَ فَأَخَذَتِ السَّمَكَةَ لِتُصْلِحَهَا فَلَمَّا شَفَقَهَا بَدَتْ مِنْ جَوْفِهَا لُؤْلُؤَةٌ فَدَعَتْ زَوْجَهَا فَأَرَتْهُ إِيَّاهَا فَأَخَذَهَا فَأَنْطَلَقَ بِهَا إِلَى السُّوقِ فَبَاعَهَا بِعِشْرِينَ أَلْفَ دِرْهَمٍ وَانْصَرَفَ إِلَى مَنْزِلِهِ بِالْمَالِ فَوَضَعَهُ فَإِذَا سَائِلٌ يَدُقُّ الْبَابَ وَيَقُولُ يَا أَهْلَ الدَّارِ تَصَدَّقُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ عَلَى الْمُسْكِينِ فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ ادْخُلْ فَدَخَلَ فَقَالَ لَهُ خُذْ إِحْدَى الْكَيْسَيْنِ فَأَخَذَ إِحْدَاهُمَا وَانْطَلَقَ فَقَالَتْ لَهُ امْرَأَتُهُ سُبْحَانَ اللَّهِ بَيْنَمَا نَحْنُ مِيَّاسِيرُ إِذْ ذَهَبَتْ بِنِصْفِ بَسَارِنَا فَلَمْ يَكُنْ ذَلِكَ بِأَسْرَعَ مِنْ أَنْ دَقَّ السَّائِلُ الْبَابَ فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ ادْخُلْ فَدَخَلَ فَوَضَعَ الْكَيْسَ فِي مَكَانِهِ ثُمَّ قَالَ كُلْ هَنِئًا مَرِيئًا إِنَّمَا أَنَا مَلِكٌ مِنْ مَلَائِكَةِ رَبِّكَ إِنَّمَا أَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُوكَ فَوَجَدَكَ شَاكِرًا ثُمَّ ذَهَبَ؛

الكافي ج: ٨ ص: ٣٨٥

١٦-٦-١- قِصَّةُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ وَ السَّحَابَةِ

﴿٤١٧﴾ الصادق عليه السلام: قَالَ يَا سَحَابَةُ تَعَالَى فَجَاءَتْهُ فَقَالَ أَيْنَ تُرِيدِينَ قَالَتْ أُرِيدُ أَرْضَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فَقَالَ احْمِلِي هَذَا حِمْلَ رَفِيقٍ وَضَعِيهِ فِي أَرْضِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ وَضَعَا رَفِيقًا قَالَ فَلَمَّا بَلَغَ مُوسَى بِلَادَهُ قَالَ يَا رَبِّ بِمَا بَلَغْتَ هَذَا مَا أَرَى قَالَ إِنَّ عَبْدِي هَذَا يَصْبِرُ عَلَى بَلَائِي وَيَرْضَى بِقَضَائِي وَيَشْكُرُ نِعْمَائِي؛ مستدرك الوسائل ج: ١٥ ص: ٤٨٤

١٧-٦-١- قِصَّةُ النَّجَاشِيِّ

﴿٤١٧﴾ الصادق عليه السلام: لَمَّا قَدِمَ جَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ مِنَ الْحَبَشَةِ قَالَ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَحَدُكُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ دَخَلْتُ عَلَى النَّجَاشِيِّ يَوْمًا مِنَ الْأَيَّامِ وَهُوَ فِي غَيْرِ مَجْلِسِ الْمُلْكِ وَفِي غَيْرِ رِيَاسَةٍ وَفِي غَيْرِ زِيَةٍ قَالَ فَحِصْنُهُ بِحِجَةِ الْمَلِكِ وَقُلْتُ لَهُ يَا أَيُّهَا الْمَلِكُ مَا لِي أَرَاكَ فِي غَيْرِ مَجْلِسِ الْمُلْكِ وَفِي غَيْرِ رِيَاسَةٍ وَفِي غَيْرِ زِيَةٍ فَقَالَ إِنَّا نَجِدُ فِي الْإِنْجِيلِ أَنَّ مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَلْيَشْكُرِ اللَّهَ وَنَجِدُ فِي الْإِنْجِيلِ أَنْ لَيْسَ مِنَ الشُّكْرِ لِلَّهِ شَيْءٌ يُعَدُّهُ مِثْلُ التَّوَاضُّعِ وَأَنَّهُ وَرَدَ عَلَىَّ فِي لَيْلَتِي هَذِهِ أَنْ أَتَيْنَ

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

﴿۴۱۷۰﴾ در میان بنی اسرائیل مرد عابدی بود که از رزق و روزی بی بهره بود و به چیزی روی نمی آورد که بهره ای از آن نصیبش گردد. زنی داشت که خرجی او را می پرداخت تا اینکه نزد آن زن نیز مالی نماند، و روزی رسید که هردو گرسنه ماندند. آن زن رفت و یک دوک نخ ریسیده شده به او داد و به او گفت: جز این چیزی ندارم، این را بفروش و چیزی بخر تا بخوریم. آن مرد دوک نخ را برداشت و برای فروش به بازار برد. بازار را تعطیل یافت و خریدارها بساط خود را برچیده و رفته بودند. با خود گفت: خوب است کنار آب بروم. وضویی بگیرم و قدری آب به سر و صورتم بزنم و بازگردم. در این اندیشه بود که کنار دریا آمد. در آنجا ماهیگیری را دید که تور خود را به دریا انداخته و در آن جز یک ماهی نا مرغوب نمانده بود. عابد به او گفت: این ماهی را به من بفروش و من در عوض این دوک نخ را به تو می دهم تا برای مرمت تور خود از آن استفاده کنی. ماهیگیر پذیرفت و عابد ماهی را گرفت و دوک را تحویل او داد. او ماهی را به خانه آورد و جریان را برای همسرش تعریف کرد. زن آن ماهی را گرفت تا آماده کند. همین که شکمش را درید مروارید گران بهایی در شکمش یافت، شوهر را خبر کرد و آن مروارید را به او نشان داد. عابد آن مروارید را برداشت و به بازار برد و به بیست هزار درهم فروخت و به خانه برگشت و پول ها را در منزل نهاد. در این هنگام گدایی به درب خانه آمد و در زد و گفت: ای اهل خانه، خدا شما را رحمت کند، به این مسکین بینوا هم صدقه ای بدهید. مرد عابد به فقیر گفت: به درون خانه بیا. فقیر وارد خانه شد و عابد به او گفت: یکی از این دو کیسه را بردار. فقیر یکی را برداشت و رفت. زنش گفت: سبحان الله، از لحظه ای که ثروتمند شدیم نیمی از ثروتمان رفت. طولی نکشید که فقیر بازگشت و در زد، مرد عابد گفت: بفرمایید. فقیر وارد شد و کیسه را به جای خود نهاد و گفت: بخور که گوارای تو باد، من فرشته ای از فرشتگان پروردگار تو بودم و پروردگارت اراده کرده بود که تو را بیازماید پس تو را مرد سپاسگزاری یافت، و از نزد عابد رفت.

۱۶-۱- داستان موسی پسر عمران و ابر

﴿۴۱۷۱﴾ گفت: ای ابر بیا و آمد، به او گفت: قصد کجا داری؟ گفت فلان زمین، گفت: برو، پاره ای ابر دیگری آمد و او را پیش خواند و گفت: به کجا می روی؟ گفت: به سرزمین موسی بن عمران، گوید، به او گفت: این را با آرامش ببر و با نرمی در زمین موسی بن عمران قرار بده. چون موسی به سرزمین خود رسید گفت: پروردگارا، به واسطه ای چه عملی او را به این مقام رساندی که می بینم؟ خدا فرمود: این بنده ی من بر بلایم شکبیا و به قضایم راضی است، و شکر نعمت هایم را به جا می آورد.

۱۷-۱- داستان نجاشی

﴿۴۱۷۲﴾ چون جعفر بن ابی طالب از حبشه باز گشت، به پیامبر خدا ﷺ گفت: ای پیامبر خدا، مطلبی برای تسان بازگو کنم: یک روز نزد نجاشی رفتم و در مجلس شاهانه نبود و لباس و وضع شاهانه نداشت به او درود شاهانه دادم و گفتم: چه شده که تو را در وضع شاهانه و جامه ی شاهانه نمی بینم؟ گفت ما در انجیل یافتیم که خدا به هر که نعمتی داد باید او را شکر کند، و باز در انجیل است که هیچ شکری برای خدا به اندازه ی تواضع نیست، و امشب به من خبر رسید که

﴿شُكْرُ الْعَبْدِ لِلَّهِ﴾

عَمَّكَ مُحَمَّدًا ﷺ قَدْ أَظْفَرَهُ اللَّهُ بِمُشْرِكِي أَهْلِ بَدْرٍ فَأَحْبَبْتُ أَنْ أَشْكُرَ اللَّهَ تَعَالَى بِمَا تَرَى؛

مستدرک الوسائل ج: ۱۱ ص: ۳۰۱

﴿٤١٧٣﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): أَنَّهُ وَرَدَ عَلَيَّ فِي لَيْلَتِي هَذِهِ أَنَّ ابْنَ عَمِّكَ مُحَمَّدًا (عليه السلام) قَدْ أَظْفَرَهُ اللَّهُ

بِمُشْرِكِي أَهْلِ بَدْرٍ فَأَخْبِيتُ أَنْ أَشْكُرَ اللَّهَ تَعَالَى بِمَا تَرَى؛ مستدرک الوسائل ج: ۱۱ ص: ۳۰۱

١٨-٦-١- قِصَّةُ يَعْقُوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

﴿٤١٧٤﴾ فَأَخْبَرْنَا عَمَّا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنْزَلَ التَّوْرَةُ قَالَ أُنْشِدْكُمْ بِاللَّهِ هَلْ

تَعْلَمُونَ أَنَّ أَحَبَّ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ إِلَيْهِ لُحُومُ الْإِبِلِ وَالْبَنَاهَا فَاشْتَكَى شَكْوَى فَلَمَّا عَافَاهُ اللَّهُ مِنْهَا

حَرَّمَهَا عَلَى نَفْسِهِ لِيَشْكُرَ اللَّهَ بِهِ قَالُوا اللَّهُمَّ نَعَمْ؛ بحار الأنوار ج: ٩ ص: ٣٠٧

﴿٤١٧٥﴾ الْبَاقِرُ السَّادَّةُ: فَأَقْبَلَ وَوُلِدَ يَعْقُوبَ يُحْثُونَ السَّيْرَ بِالْقَمِيصِ فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالَ لَهُمْ مَا فَعَلَ

اِنَّ يٰمِـِٔنَ قَالُوْا خَلَفْنٰهُ عِنْدَ اَخِيْهِ صٰلِحًا فَحَمِدَ اللّٰهُ عِنْدَ ذٰلِكَ يَعْقُوْبُ وَّ سَجَدَ لِرَبِّهِ سَجْدَةَ الشُّكْرِ

وَاعْتَدَلَ ظَهْرُهُ وَ قَالَ لَوْلَدِهِ تَحْمَلُوا إِلَى يُوسُفَ مِنْ يَوْمِكُمْ فَسَارُوا فِي تِسْعَةِ أَيَّامٍ إِلَى مِصْرَ فَلَمَّا

دَخَلُوا اعْتَقَ يُوسُفُ أَبَاهُ وَرَفَعَ خَالَتَهُ ثُمَّ دَخَلَ مَنْزِلَهُ وَادَّهَنَ وَلَبَسَ ثِيَابَ الْمُلْكِ فَلَمَّا رَأَوْهُ

سَجِدُوا شُكْرًا لِلَّهِ؛ بحار الأنوار ج: ١٢ ص: ٢٨٧

﴿شکر بنده در برابر خداوند﴾

عموزاده‌ات محمد ﷺ را خدا به مشرکان اهل بدر پیروز ساخته، و خواستم که به این وضع که می‌بینی خدا را شکر کنم.

﴿۴۱۷۳﴾ امشب به من خبر رسید که عموزاده‌ات محمد را خدا بر مشرکان اهل بدر پیروز ساخته، و خواستم که بدین وضع که می‌بینی خدا را شکر کنم.

۱۸-۶-۱ داستان یعقوب علیہ السلام

﴿۴۱۷۴﴾ به ما خبر بده اسرائیل قبل از نازل شدن تورات چه چیز را بر خود حرام نمود فرمود: تورا به خدا مگر محبوب‌ترین غذاها نزد یعقوب گوشت و نیز شتر و نبود؟ او بیمار شد و همین‌که خداوند او را شفا بخشید به عنوان شکر گزاری آن گوشت را بر خود حرام کرد. گفتند: بلی، این چنین بود.

﴿۴۱۷۵﴾ پسران یعقوب به سرعت پیراهن را آوردند و آنگاه که نزد او وارد شدند یعقوب به آنها گفت: ابن‌یامین چه شد؟ گفتند: او با احترام نزد برادرش مانده است پس یعقوب آن‌هنگام خدا را ستایش کرد و برای پروردگارش سجده‌ی شکر به جا آورد و پشتش راست شد و به پسرانش گفت: امروز به‌سوی یوسف بروید و نه روزه به مصر رفتند و آنگاه که وارد شدند یوسف پدرش را در آغوش گرفت و خاله‌اش را اکرام کرد بعد وارد اطاق خود شد و روغن مالید و لباس پادشاهی پوشید و آنگاه که او را در لباس پادشاهی دیدند به شکرانه سجده‌ی شکر نمودند.

الكتابُ الثاني: شكرُ الإنسانِ أمامَ الإنسانِ

٢-١- تعريفُ التشكُّرِ مِنَ الْآخِرِينَ وَ مَصَادِيقُهُ

٢-١-١- الإخلاصُ فِي الدُّعَاءِ لَهُ

﴿٤١٧٦﴾ السَّجَادُ (عليه السلام): أَمَّا حَقُّ ذِي الْمَعْرُوفِ عَلَيْكَ فَإِنْ تَشْكُرُهُ وَ تَذْكُرُ مَعْرُوفَهُ وَ تَكْسِبُهُ الْمَقَالَةَ الْحَسَنَةَ وَ تُخْلِصَ لَهُ الدُّعَاءَ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ كُنْتَ قَدْ شَكَرْتَهُ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً ثُمَّ إِنْ قَدَرْتَ عَلَى مُكَافَأَتِهِ يَوْمًا كَافَأْتَهُ؛ وسائل الشيعة ج: ١٥ ص: ١٧٥

٢-١-٢- الإسلامُ

﴿٤١٧٧﴾ الْبَاقِرُ (عليه السلام): أَنْ تُمَامَةً بِنَ اثَالِ اسْرَتِهِ خَيْلُ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) وَ قَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) قَالَ اللَّهُمَّ أَمْكِنِّي مِنْ ثُمَامَةٍ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) إِنِّي مُخَيَّرُكَ وَاحِدَةً مِنْ ثَلَاثٍ أَقْتُلُكَ قَالَ إِذَا تَقَتَّلَ عَظِيمًا أَوْ أَفَادِيكَ قَالَ إِذَا تَجِدَنِي غَالِيًا أَوْ أَمْنُ عَلَيْكَ قَالَ إِذَا تَجِدَنِي شَاكِرًا قَالَ فَإِنِّي قَدْ مَنَنْتُ عَلَيْكَ قَالَ

کتاب دوم: تشکر انسان از هم‌نوع خود

۲-۱- تعریف تشکر از دیگران و مصادیق آن

۲-۱-۱- اخلاص در دعا برای او

﴿۴۱۷۶﴾ حق کسی که به تو احسان کند این است که احسانش را، قدردانی کنی و خوبی او را بگویی و دعای میان خود و خدا را برای او مخلصانه کنی، چون چنین کردی شکر او را در نهان و آشکار ادا نموده‌ای و اگر روزی توانستی به او عوض دهی نیز این کار را بکن.

۲-۱-۲- اسلام

﴿۴۱۷۷﴾ ثمامه فرزند اثال را سواران پیامبر ﷺ به اسیری گرفتند و پیش از آن پیامبر اکرم ﷺ دعا کرده بود که خدایا، مرا بر ثمامه چیره گردان. پس پیامبر اکرم ﷺ به او فرمود: من تو را به گزینش یکی از این سه مخیر می‌سازم: اینکه تو را بکشم. ثمامه گفت: در این صورت مرد بزرگی را کشته‌ای. پیامبر فرمود: دیگر آنکه از تو فدیة بستانم. ثمامه گفت: در این صورت مرا ارزشمند و گران‌بها خواهی یافت. پیامبر فرمود: سوم آنکه بر تو منت نهادم و آزادت سازم. ثمامه گفت: در این صورت مرا قدردان خود خواهی یافت. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: پس من بر تو منت

﴿شُكْرُ الْإِنْسَانِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

فَإِنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّكَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَقَدْ وَاللَّهِ عَلِمْتُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ حَيْثُ رَأَيْتُكَ وَمَا كُنْتُ لِأَشْهَدَ بِهَا وَأَنَا فِي الْوُثَاقِ؛ الكافي ج: ٨ ص: ٢٩٩

٢-١-٣- الإعانة

﴿٤١٧٨﴾ الرسول ﷺ: أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ حِينَ تَزَوَّجَ خَدِيجَةَ قَالَ لِعَمِّهِ أَبِي طَالِبٍ إِنِّي أَحِبُّ أَنْ تَدْفَعَ إِلَيَّ بَعْضَ وَلَدِكَ يُعِينُنِي عَلَى أَمْرِي وَيَكْفِينِي وَأَشْكُرُ لَكَ بَلَاءَكَ عِنْدِي فَقَالَ أَبُو طَالِبٍ خُذْ أَتِيَهُمْ شَيْئًا فَآخِذْ عَلَيَّا ﷺ؛ بحار الأنوار ج: ٣٨ ص: ٢٩٥

٢-١-٤- الثناء

﴿٤١٧٩﴾ الرسول ﷺ: مَنْ أُولَى مَعْرُوفًا فَلَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ خَيْرٌ يَكْفِيهِ بِهِ عَنْهُ فَأَتْنِي عَلَى مُوْلِيهِ فَقَدْ شَكَرَهُ وَمَنْ شَكَرَ مَعْرُوفًا فَقَدْ كَافَاهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٥٥

﴿٤١٨٠﴾ الصادق ﷺ: وَاللَّهِ مَا قَالُوا هَذَا لَهُمْ وَلَكِنَّهُمْ أَضْمَرُوهُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَأَخْبَرَ اللَّهُ بِأَضْمَارِهِمْ يَقُولُونَ لَا نُرِيدُ جَزَاءً تَكَاثُفُونَا بِهِ وَلَا شُكْرًا تُثْنُونَ عَلَيْنَا بِهِ وَلَكِنْ إِنَّمَا أَطْعَمْنَاكُمْ لَوْجَهُ اللَّهِ وَطَلَبَ ثَوَابَهُ؛ بحار الأنوار ج: ٣٥ ص: ٢٤٠

٢-١-٥- الجزاء

﴿٤١٨١﴾ الشُّكْرُ أَحَدُ الْجَزَاءَيْنِ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٧

٢-١-٦- عدم تحريم النعمة

﴿٤١٨٢﴾ الرسول ﷺ: وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ إِنَّ دَوَابَّ الْأَرْضِ لَتَسْمَنُ وَ تَشْكُرُ مِنْ لُحُومِهِمْ شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٦ ص: ٢٩٩

٢-١-٧- حُسن جوار النعم

﴿٤١٨٣﴾ امير المؤمنين ﷺ: أَحْسِنُوا جِوَارَ نِعَمِ الدِّينِ وَ الدُّنْيَا بِالشُّكْرِ لِمَنْ دَلَّكُمْ عَلَيْهَا؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٧٠

٢-١-٨- الذِّكْرُ، ذِكْرُ الْمَعْرُوفِ

﴿٤١٨٤﴾ الزهراء ﷺ: اللَّهُمَّ اجْعَلْ غَفْلَةَ النَّاسِ لَنَا ذِكْرًا وَ اجْعَلْ ذِكْرَهُمْ لَنَا شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٣٣٨

﴿تشکر انسان از همنوع خود﴾

می‌نهم و آزادت می‌کنم. ثمامه گفت: من گواهی می‌دهم که خدایی جز الله نیست و محمد فرستاده‌ی اوست، به خدا سوگند آن‌هنگام که تو را دیدم در بند بودم دانستم که تو پیامبر خدایی.

۳-۱-۲- یاری

﴿۴۱۷۸﴾ هنگامی که پیامبر ﷺ با خدیجه رضی الله عنها ازدواج کرد به عمویش ابی طالب فرمود: همانا من دوست دارم که یکی از فرزندان را به من بدهی تا مرا در کارهایم کمک کند و مرا از داشتن کمک بی‌نیاز کند و با این کار مرا قدردان خود می‌کنی پس ابوطالب گفت: هرکدام از ایشان را که می‌خواهی انتخاب کن. و من علی رضی الله عنه را برگزیدم.

۴-۱-۲- تحسین

﴿۴۱۷۹﴾ اگر به کسی خیری رسید و او چیزی نداشت تا به صاحب آن خیر، پاداش دهد، اگر او را بستاید از او سپاسگزاری کرده است. و هر که از خیری سپاسگزی کند، پاداش متناسب آن را داده است.

﴿۴۱۸۰﴾ به خدا سوگند این جمله را به زبان نیاوردند بلکه فقط در دل گذراندند و خدا از نیتشان خبر داد که ایشان چنین می‌گویند: پاداشی از شما نمی‌خواهیم و توقع قدردانی و مدح و ثناگویی از شما نداریم بلکه تنها برای خدا و ثواب او به شما اطعام کردیم.

۵-۱-۲- پاداش، کیفر

﴿۴۱۸۱﴾ شکر یکی از دو نوع پاداش است

۶-۱-۲- عدم محرومیت از نعمت

﴿۴۱۸۲﴾ قسم به کسی که جان محمد صلی الله علیه و آله در دست اوست، جنبندگان زمین فربه می‌شوند و بابت آن شکر می‌کنند.

۷-۱-۲- پاسداری از حریم نعمت‌ها

﴿۴۱۸۳﴾ در اختیار داشتن نعمت‌های دنیا و آخرت را با شکرکردن از کسی که واسطه‌ی رسیدن این نعمت به شما بوده است، به خوبی همراهی کنید.

۸-۱-۲- یاد خدا، به خوبی یادکردن

﴿۴۱۸۴﴾ پروردگارا، بی‌خبری و غفلت مردم را برای ما موجب یادآوری، و آگاهی آنان را برای ما موجب شکر و سپاس قرار ده.

﴿شُكْرُ الْإِنْسَانِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

﴿٤١٨٥﴾ السَّجَادُ عليه السلام: أَمَّا حَقُّ ذِي الْمَعْرُوفِ عَلَيْكَ فَإِنْ تَشْكُرُهُ وَتَذْكُرَ مَعْرُوفَهُ وَتَكْسِبُهُ الْمَقَالَةَ الْحَسَنَةَ وَتُخْلِصَ لَهُ الدُّعَاءَ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ كُنْتَ قَدْ شَكَرْتَهُ سِرًّا وَعَلَانِيَةً ثُمَّ إِنْ قَدَرْتَ عَلَى مُكَافَأَتِهِ يَوْمًا كَفَّاهُ؛ وسائل الشيعة ج: ١٥ ص: ١٧٥

٢-١-٩- صِدْقُ الْوَلَاءِ

﴿٤١٨٦﴾ شُكْرُ مَنْ فَوْقَكَ بِصِدْقِ الْوَلَاءِ؛ غررالحكم ص: ٢٧٩

٢-١-١٠- الْعَطَاءُ

﴿٤١٨٧﴾ شُكْرُ مَنْ دُونَكَ بِسَبَبِ [بِسَبَبِ] الْعَطَاءِ؛ غررالحكم ص: ٢٧٩

٢-١-١١- الْعَمَلُ

﴿٤١٨٨﴾ شُكْرُ الْمُنَافِقِ لَا يَتَجَاوَزُ لِسَانَهُ؛ غررالحكم ص: ٤٥٩

٢-١-١٢- الْمُكَافَأَةُ

﴿٤١٨٩﴾ الْمَعْرُوفُ غُلٌّ لَا يَفْكُهُ إِلَّا شُكْرٌ أَوْ مُكَافَأَةٌ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٢٠ ص: ٢٧

﴿٤١٩٠﴾ الْحَسِينُ عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ نَافِسُوا فِي الْمَكَارِمِ وَسَارِعُوا فِي الْمَغَانِمِ وَلَا تَخَسِبُوا بِمَعْرُوفٍ لَمْ تَعْمَلُوا وَاكْسِبُوا الْحَمْدَ بِالنَّجْحِ وَلَا تَكْتَسِبُوا بِالْمُطْلِ ذِمًّا فَمَهْمَا يَكُنْ لِأَحَدٍ عِنْدَ أَحَدٍ صَنِيعَةٌ لَهُ رَأَى أَنَّهُ لَا يَقُومُ بِشُكْرِهَا فَاللَّهُ لَهُ بِمُكَافَأَتِهِ فَإِنَّهُ أَجْزَلُ عَطَاءٍ وَأَعْظَمُ أَجْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ١٢١

﴿٤١٩١﴾ الرَّسُولُ ﷺ: مَنْ أُولَى مَعْرُوفًا فَلَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ خَيْرٌ يَكْفِي بِهِ عَنْهُ فَأَتْنِي عَلَى مُوْلِيهِ فَقَدْ شَكَرَهُ وَمَنْ شَكَرَ مَعْرُوفًا فَقَدْ كَفَّاهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٥٥

﴿٤١٩٢﴾ مَنْ شَكَرَ مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْهِ فَقَدْ كَفَّاهُ؛ غررالحكم ص: ٢٨٠

﴿٤١٩٣﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: مَنْ قَصُرَتْ يَدُهُ بِالْمُكَافَأَةِ فَلْيُطِلْ لِسَانَهُ بِالشُّكْرِ؛ وسائل الشيعة ج: ١٦

ص: ٣١١

٢-٢- الْفَضْلُ وَالْأَهَمِّيَّةُ

٢-٢-١- لَا يَشْكُرُ اللَّهُ مَنْ لَا يَشْكُرُ النَّاسَ

﴿٤١٩٤﴾ السَّجَادُ عليه السلام: أَشْكُرْكُمْ لِلَّهِ أَشْكُرْكُمْ لِلنَّاسِ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٩

﴿٤١٩٥﴾ الرِّضَا عليه السلام: مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعِمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ؛ وسائل الشيعة ج: ١٦ ص: ٣١٣

﴿٤١٩٦﴾ الرَّسُولُ ﷺ: لَا يَشْكُرُ اللَّهُ مَنْ لَا يَشْكُرُ النَّاسَ؛ وسائل الشيعة ج: ١٦ ص: ٣١٣

﴿تشکر انسان از همنوع خود﴾

﴿۴۱۸۵﴾ حق کسی که به تو احسان کند این است که احسانش را، قدردانی کنی و خوبی او را بگویی و دعای میان خود و خدا را برای او مخلصانه کنی، چون چنین کردی شکر او را در نهان و آشکار ادا نموده‌ای و اگر روزی توانستی به او عوض دهی نیز این کار را بکن.

۹-۱-۲- صداقت در دوستی

﴿۴۱۸۶﴾ شکر کسی که بلند مرتبه‌تر از تو باشد دوستی صادقانه است.

۱۰-۱-۲- عطاء

﴿۴۱۸۷﴾ شکر کسی که پست مرتبه‌تر از تو باشد منجر به جاری شدن خیر و عطاست.

۱۱-۱-۲- عمل

﴿۴۱۸۸﴾ سپاسگزاری و شکر شخص منافق از زبانش تجاوز نمی‌کند (یعنی قلباً شکر نمی‌کند).

۱۲-۱-۲- پاسخ نعمت، معامله به مثل

﴿۴۱۸۹﴾ احسان همانند زنجیر و بندی است در گردن، که چیزی آن را باز نمی‌کند مگر شکرگزاری یا جبران و مکافات آن.

﴿۴۱۹۰﴾ ای مردم، در کسب اخلاق پسندیده افتخار نمایید و در به‌دست‌آوردن اعمال نیک سرعت بگیرید. کار نیکی را که در آن عجله نکرده باشید به حساب نیاورید. ستایش را با کامیابی به دست آورید. مبادا با سهل انگاری سرزنش را برای خود بخرید. هرگاه شخصی به دیگری نیکی کرده باشد و او خود را از جبران نیکی او عاجز بداند خداوند به جای آن شخص پاداش او را خواهد داد. خداوند بزرگ و اجرش عظیم است.

﴿۴۱۹۱﴾ اگر به کسی خیری رسید و او چیزی نداشت تا به صاحب آن خیر، پاداش دهد، اگر او را بستانید از او سپاسگزاری کرده است. و هر که از خیری سپاسگزی کند، پاداش متناسب آن را داده است.

﴿۴۱۹۲﴾ هر که احسان کننده را شکر کند، درواقع پاداش متناسب او را داده است.

﴿۴۱۹۳﴾ هر که دستش از دادن پاسخ برابر به لطفی که به او شده کوتاه است، باید زبانش را در سپاسگزاری بگشاید.

۲-۲- برتری و اهمیت

۱-۲-۲- کسی که از مردم تشکر و قدردانی نمی‌کند خدا را نیز سپاس نمی‌گوید

﴿۴۱۹۴﴾ سپاسگزارترین شما نسبت به خداوند، کسی است که نسبت به مردم قدرشناس‌تر و شکورتر باشد.

﴿۴۱۹۵﴾ کسی که از احسان مردم تشکر نکند، شکر خدا را به‌جا نیاورده است.

﴿۴۱۹۶﴾ کسی که از مردم قدرشناسی نمی‌کند، خدای را نیز سپاس نمی‌گوید.

﴿شكر الإنسان أمام الإنسان﴾

﴿٤١٩٧﴾ الرضا عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ أَمَرَ بِثَلَاثَةِ مَقْرُونٍ بَهَا ثَلَاثَةٌ أُخْرَى أَمَرَ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ فَمَنْ صَلَّى وَلَمْ يُزَكَّ لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ صَلَاتُهُ وَأَمَرَ بِالشُّكْرِ لَهُ وَلِلْوَالِدَيْنِ فَمَنْ لَمْ يَشْكُرْ وَالِدَيْهِ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ وَأَمَرَ بِاتِّقَاءِ اللَّهِ وَصِلَةِ الرَّحِمِ فَمَنْ لَمْ يَصِلْ رَحِمَهُ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ؛ وسائل الشيعة ج: ٩ ص: ٢٥

﴿٤١٩٨﴾ السجاد عليه السلام: يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِعَبْدٍ مِنْ عِبِيدِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَ شَكَرْتَ فَلَنَّا فَيَقُولُ بَلْ شَكَرْتُكَ يَا رَبِّ فَيَقُولُ لَمْ تَشْكُرْنِي إِذْ لَمْ تَشْكُرْهُ ثُمَّ قَالَ أَشْكُرْكُمْ اللَّهُ أَشْكُرْكُمْ لِلنَّاسِ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٩

﴿٤١٩٩﴾ الرسول عليه السلام: إِنَّهُ لَيُؤْتَى بِعَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيَقَالُ لَهُ أُوتِيتَ ذَلِكَ عَلَى يَدَيْهِ فَيَقُولُ بَلْ يَكُونُ جَعَلْتُ شُكْرَ ذَلِكَ كُلِّهِ لِلَّهِ فَيَقَالُ لَهُ لَمْ تَشْكُرِ اللَّهَ إِذْ لَمْ تَشْكُرْ مَنْ أَجْرَى اللَّهُ ذَلِكَ عَلَى يَدَيْهِ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام فَمَنْ أُوتِيَ خَيْرًا عَلَى يَدَيِّ أَخِيهِ أَوْ صَنَعَ إِلَيْهِ صَانِعٌ مَعْرُوفًا فَلْيَذْكُرْهُ فَإِذَا ذَكَرَهُ فَقَدْ شَكَرَهُ وَإِذَا كَتَمَهُ فَقَدْ كَفَرَهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٥٧

٢-٢-٢- إن لَمْ تَشْكُرُوا، شَكَرَ اللَّهُ

﴿٤٢٠٠﴾ الحسين عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ نَافِسُوا فِي الْمَكَارِمِ وَسَارِعُوا فِي الْمَغَانِمِ وَلَا تَخَسِبُوا بِمَعْرُوفٍ لَمْ تَعْمَلُوا وَاكْسِبُوا الْحَمْدَ بِالنَّجْحِ وَلَا تَكْتَسِبُوا بِالْمُطْلَ دَمًا فَمَهْمَا يَكُنْ لِأَحَدٍ عِنْدَ أَحَدٍ صَبِيعَةٌ لَهُ رَأَى أَنَّهُ لَا يَقُومُ بِشُكْرِهَا فَاللَّهُ لَهُ بِمُكَافَاتِهِ فَإِنَّهُ أَجْزَلُ عَطَاءٍ وَأَعْظَمُ أَجْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ١٢١

٢-٢-٣- الشُّكْرُ حَقٌّ

﴿٤٢٠١﴾ الصادق عليه السلام: وَمِنْ حَقِّ شُكْرِ نِعْمَةِ اللَّهِ أَنْ يَشْكُرَ بَعْدَ شُكْرِهِ مَنْ جَرَتْ تِلْكَ النُّعْمَةُ عَلَى يَدَيْهِ؛ بشارة المصطفى ص: ٢٢٢

﴿٤٢٠٢﴾ السجاد عليه السلام: حَقُّ الْمُؤَذِّنِ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ مُذَكِّرُكَ لَكَ رَبِّكَ عَزَّ وَجَلَّ وَدَاعٍ لَكَ إِلَى حَظِّكَ وَعَوْنِكَ عَلَى قَضَاءِ فَرَضِ اللَّهِ عَلَيْكَ فَاشْكُرْهُ عَلَى ذَلِكَ شُكْرَكَ لِلْمُحْسِنِ إِلَيْكَ؛ وسائل الشيعة ج: ١٥ ص: ١٧٥

﴿٤٢٠٣﴾ السجاد عليه السلام: حَقُّ الْمُسْتَوِلِ أَنْ أُعْطِيَ فَأَقْبَلَ مِنْهُ بِالشُّكْرِ وَالْمَعْرِفَةِ بِفَضْلِهِ وَإِنْ مَنَعَ فَأَقْبَلَ عُذْرَهُ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٢ ص: ٦٢٥

﴿٤٢٠٤﴾ السجاد عليه السلام: حَقُّ إِمَامِكَ فِي صَلَاتِكَ فَإِنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ تَقَلَّدَ السَّفَارَةَ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ رَبِّكَ عَزَّ وَجَلَّ وَتَكَلَّمَ عَنْكَ وَلَمْ تَتَكَلَّمْ عَنْهُ وَدَعَا لَكَ وَلَمْ تَدْعُ لَهُ وَكَفَاكَ هَؤُلَاءِ الْمَقَامَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ

﴿تشکر انسان از هم‌نوع خود﴾

﴿۴۱۹۷﴾ خداوند امر کرد که به سه چیز دیگر که پیوسته‌اند به نماز و زکات باهم امر کرد پس هرکس نماز بخواند و زکات ندهد نمازش پذیرفته نیست و به شکر بر خودش و بر پدر و مادر باهم امر کرد پس هرکس از پدر و مادر قدردانی نکند خداوند را شکر نکرده‌است و به ترسیدن از خدا و صله‌ی رحم با هم امر کرد پس اگر کسی صله‌ی رحم نکند، از خداوند متعال ترسیده و بیمناک نبوده است.

﴿۴۱۹۸﴾ خداوند روز قیامت به یکی از بندگان خود می‌گوید: آیا از فلان شخص تشکر کردی، می‌گوید: خدایا، تو را شکر کردم، خداوند می‌فرماید: هرگاه او را سپاس نگوئی مرا هم سپاس نگفته‌ای، بعد از این فرمود: سپاسگزارترین شما به خدا کسی است که از مردم تشکر کند.

﴿۴۱۹۹﴾ بنده‌ای را در روز قیامت می‌آورند و می‌گویند: این چیز به‌وسیله‌ی فلانی به تو داده شد می‌گوید: آری و همه‌ی شکر آن را نسبت به خدا انجام دادم. به او گفته می‌شود: اگر از کسی که به‌وسیله‌ی او نعمت به تو رسیده است تشکر نکنی از خدا نیز تشکر نکرده‌ای؛ سپس پیامبر خدا ﷺ فرمود: اگر به کسی از طریقی برادرش خیری برسد یا کسی به او نیکی کند باید که او را یاد کند، آنگاه که او را یاد کند خدا را شکر کرده و اگر آن را انکار کند کفران کرده است.

۲-۲-۲-۲ اگر از دیگران تشکر نکنید، خدا شکر می‌کند

﴿۴۲۰۰﴾ ای مردم، در کسب اخلاق پسندیده افتخار نمایید و در به‌دست‌آوردن اعمال نیک سرعت بگیرید. کار نیکی را که در آن عجله نکرده باشید به حساب نیاورید. ستایش را با کامیابی به دست آورید. مبادا با سهل انگاری سرزنش را برای خود بخرید. هرگاه شخصی به دیگری نیکی کرده باشد و او خود را از جبران نیکی او عاجز بداند خداوند به‌جای آن شخص پاداش او را خواهد داد. خداوند بزرگ و اجرش عظیم است.

۲-۲-۳ شکرگزاری حق است

﴿۴۲۰۱﴾ و از حق شکر نعمت خدای تعالی برای کسی که این نعمت در اختیارش قرار گرفته است آن است که بعد از شکر نیز شکر کند.

﴿۴۲۰۲﴾ حق اذان گو این است که بدانی او تو را به یاد پروردگارت می‌آورد و به بهره‌بردن فرامی‌خواند و بر انجام فریضه‌ای که خدا بر تو لازم کرده یار توست. چون تشکر از احسان‌کننده از او سپاسگزاری کن.

﴿۴۲۰۳﴾ حق کسی که از وی درخواست می‌کنی، این است که: اگر خواسته‌ات را به تو عطا کرد، با تشکر و اعطراف به لطف او، از او بپذیری. و اگر از تو دریغ داشت، عذر او را بپذیری.

﴿۴۲۰۴﴾ حق پیش‌نماز این است که بدانی نماینده‌ی توست به درگاه خدا و از طرف تو سخن گفته و تو از طرف او سخن نگفتی و برای تو دعا کرده و تو برای او دعا نکرده‌ای و برای تو درخواست کرده و تو برایش درخواست نکردی و هراسِ ایستادن پیش خدا و درخواست از او را از

﴿شُكْرُ الْإِنْسَانِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

عَزَّ وَجَلَّ فَإِنْ كَانَ نَقَصَ كَانَ بِهِ دُونَكَ وَإِنْ كَانَ تَمَامًا كُنْتَ شَرِيكَهُ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ عَلَيْكَ فَضْلٌ فَوْقَى نَفْسِكَ بِنَفْسِهِ وَصَلَاتِكَ بِصَلَاتِهِ فَتَشْكُرُ لَهُ عَلَى قَدْرِ ذَلِكَ؛ مِنْ لِيَحْضَرَهُ الْفَقِيه ج: ٢ ص: ٦٢٣

﴿٤٢٠٥﴾ السَّجَادُ الطَّيْلِ: حَقُّ أَهْلِ مِلَّتِكَ إِضْمَارُ السَّلَامَةِ وَالرَّحْمَةِ لَهُمْ وَالرِّفْقُ بِمُسِيئِهِمْ وَتَأْلُفُهُمْ وَاسْتِصْلَاحُهُمْ وَشُكْرُ مُحْسِنِهِمْ وَكَفُّ الْأَذَى عَنْهُمْ وَتُحِبُّ لَهُمْ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَتَكْرَهُ لَهُمْ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ وَأَنْ يَكُونَ شَيْوُخُهُمْ بِمَنْزِلَةِ أَبِيكَ وَشَبَّانُهُمْ بِمَنْزِلَةِ إِخْوَتِكَ وَعَجَائِزُهُمْ بِمَنْزِلَةِ أُمَّكَ وَالصَّغَارُ بِمَنْزِلَةِ أَوْلَادِكَ؛ مِنْ لِيَحْضَرَهُ الْفَقِيه ج: ٢ ص: ٦٢٥

﴿٤٢٠٦﴾ السَّجَادُ الطَّيْلِ: أَمَّا حَقُّ ذِي الْمَعْرُوفِ عَلَيْكَ فَإِنْ تَشْكُرُهُ وَتَذْكُرُ مَعْرُوفَهُ وَتَكْسِبُهُ أَلْمَقَالََةَ الْحَسَنَةَ وَتُخْلِصَ لَهُ الدُّعَاءَ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ كُنْتَ قَدْ شَكَرْتَهُ سِرًّا وَعَلَانِيَةً ثُمَّ إِنْ قَدَرْتَ عَلَى مُكَافَأَتِهِ يَوْمًا كَأَفَاتِهِ؛ وَسَائِلُ الشَّيْعَةِ ج: ١٥ ص: ١٧٥

﴿٤٢٠٧﴾ السَّجَادُ الطَّيْلِ: حَقُّ مَنْ سَرَّكَ لِلَّهِ تَعَالَى أَنْ تَحْمَدَ اللَّهَ تَعَالَى أَوَّلًا ثُمَّ تَشْكُرَهُ؛ مِنْ لِيَحْضَرَهُ الْفَقِيه ج: ٢ ص: ٦٢٥

﴿٤٢٠٨﴾ السَّجَادُ الطَّيْلِ: وَأَمَّا حَقُّ الرَّحِمِ فَحَقُّ أُمَّكَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهَا حَمَلَتْكَ حَيْثُ لَا يَحْمِلُ أَحَدٌ أَحَدًا وَأَطْعَمَتْكَ مِنْ ثَمَرَةِ قَلْبِهَا مَا لَا يُطْعِمُ أَحَدٌ أَحَدًا وَأَنَّهَا وَقَّتْكَ بِسَمْعِهَا وَبَصَرِهَا وَيَدِهَا وَرِجْلِهَا وَشَعْرَهَا وَبَشَرَهَا وَجَمِيعَ جَوَارِحِهَا مُسْتَبْشِرَةً بِذَلِكَ فَرَحَةً مُؤَبَّلَةً مُخْتَمِلَةً لِمَا فِيهِ مَكْرُوهُهَا وَالْأَمَّا وَثَقْلُهَا وَغَمُّهَا حَتَّى دَفَعَتْهَا عَنْكَ يَدُ الْقُدْرَةِ وَأَخْرَجَتْكَ إِلَى الْأَرْضِ فَرَضِيَتْ أَنْ تَشْبَعَ وَتَجُوعَ هِيَ وَتَكْسُوكَ وَتَعْرِى وَتُرْوِيكَ وَتَظْمَى وَتُظْلِكَ وَتَضْحَى وَتُنْعِمَكَ بِبُيُوسِهَا وَتُلَذِّدَكَ بِالنَّوْمِ بِأَرْقِهَا وَكَانَ بَطْنُهَا لَكَ وَعَاءً وَحِجْرُهَا لَكَ حِوَاءً وَتَذْيِئُهَا لَكَ سِقَاءً وَنَفْسُهَا لَكَ وَقَاءً تَبَاشِيرُ حَرِّ الدُّنْيَا وَبَرْدُهَا لَكَ وَدُونَكَ فَتَشْكُرُهَا عَلَى قَدْرِ ذَلِكَ وَلَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ وَتَوْفِيقِهِ؛ مُسْتَدْرِكُ الْوَسَائِلِ ج: ١١ ص: ١٦٠

﴿٤٢٠٩﴾ السَّجَادُ الطَّيْلِ: وَأَمَّا حَقُّ الْمُسِيرِ إِلَيْكَ فَلَا تَتَّهَمُهُ بِمَا يُوقِفُكَ عَلَيْهِ مِنْ رَأْيِهِ إِذَا أَشَارَ عَلَيْكَ فَإِنَّمَا هِيَ الْآرَاءُ وَتَصَرُّفُ النَّاسِ فِيهَا وَاجْتِلَافُهُمْ فَكُنْ عَلَيْهِ فِي رَأْيِهِ بِالْخِيَارِ إِذَا انْتَهَمَتْ رَأْيُهُ فَأَمَّا تَهْمُهُ فَلَا تَجُوزُ لَكَ إِذَا كَانَ عِنْدَكَ مِمَّنْ يَسْتَحِقُّ الْمُشَاوَرَةَ وَلَا تَدْعُ شُكْرَهُ عَلَى مَا بَدَأَ لَكَ مِنْ إِشْخَاصِ رَأْيِهِ وَحُسْنِ مَشُورَتِهِ فَإِذَا وَافَقَكَ حَمِدْتَ اللَّهَ وَقَبِلْتَ ذَلِكَ مِنْ أَخِيكَ بِالشُّكْرِ وَالْإِرْصَادِ بِالْمُكَافَاةِ فِي مِثْلِهَا إِنْ فَرَعَ إِلَيْكَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ؛ مُسْتَدْرِكُ الْوَسَائِلِ ج: ١١ ص: ١٦٦

٢-٢-٤- وجوبه

﴿تشکر انسان از همنوع خود﴾

طرف تو از طرف او اینکار را نکردی و اگر در این باره تقصیری است به عهده‌ی اوست نه تو؛ و اگر در کارش نقصی باشد تو در جرمش شریک نیستی و تو را بر او برتری نباشد زیرا او خود را حافظ تو نموده و نمازش را حافظ نمازت کرده و پس از او برای این امر تشکر کن.

﴿۴۲۰۵﴾ حق اهل ملت و هم‌کیشانت این است که در دل، تندرستی و رحمت آنان را خواسته و با بدهای آنان با مهربانی رفتار کنی و با آنان مدارا کرده و آنان را به خیر و صلاح بیاوری و از نیکوکارانشان سپاسگزاری کرده و به ایشان آزار نرسانی و آنچه برای خود دوست می‌داری، برای آنان نیز دوست داشته باشی و آنچه را که برای خود ناخوش داری برای آنان نیز خوش نداشته باشی و اینکه پیران آنان به منزله‌ی پدر خود و جوانان آنان به منزله‌ی برادر خود و پیر زنانشان به منزله‌ی مادر تو و زنان جوان‌تر آنان به منزله‌ی فرزندان خود بدانی.

﴿۴۲۰۶﴾ حق کسی که به تو احسان کند این است که احساسش را، قدردانی کنی و خوبی او را بگویی و دعای میان خود و خدا را برای او مخلصانه کنی، چون چنین کردی شکر او را در نهان و آشکار ادا نموده‌ای و اگر روزی توانستی به او عوض دهی نیز این کار را بکن.

﴿۴۲۰۷﴾ حق کسی که تو را برای خدا به چیزی خشنود سازد این است که، اول خدا را حمد کنی و سپس از او تشکر نمایی.

﴿۴۲۰۸﴾ و اما حق خویشاوندان؛ حق مادرت این است که متوجه باشی تو را در جایی حمل کرده که کسی دیگری را حمل نکرده است و از میوه‌ی دلش به تو خورانده، درحالی که کسی به دیگری نخورانده و تو را با گوشش و چشمش و دستش و پایش و مویش و تنش و همه‌ی اندام‌هایش نگهداری کرده و بدان راضی، خشنود و شاد بوده رنج این بار را تحمل و درد و سنگینی و غم آن را با خود داشته تا دست قدرت خدا تو را از او جدا کرده و بر زمین آورده است باز هم خوش داشته تو سیر باشی و او گرسنه و تو در جامه و او برهنه و تو را بنوشاند و خود تشنه و تو را سایه دهد و خود در آفتاب به‌سختی، تو را نعمت بخشد و با بی‌خوابی‌اش تو را به خواب ناز کند، آغوشش جای تو بوده و دامنش فضای آرامگاه تو و پستانش مشک آبت و جانش سپر جانت، سرد و گرم دنیا را برای تو در پای تو نوش کرده پس در حدّ توانت شکرگزارش باش حال آنکه نتوانی جز به یاری خدا و توفیق حضرت او.

﴿۴۲۰۹﴾ حق مستشار (کسی که با او مشورت می‌کنی) این است که اگر رأی ناموافق داد متهمش نکنی، که البته نظرات مختلف است و تو در به‌کار بستن نظر او آزادی، و چنانچه شایسته‌ی مشورتش دانستی حق اتهامش را نداری، بلکه باید از اظهار نظر و پذیرش مشورتش تشکر کنی، اگر رأی موافق (صواب) داد باید خدای را سپاسگزاری و از او با تشکر بپذیری و در فکر تلافی (این محبت) باشی که اگر روزی با تو مشورت کرد جبران کنی، و هیچ توانی نیست مگر با تکیه بر خدا.

۴-۲-۲- واجب بودن آن

﴿شُكْرُ الْإِنْسَانِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

﴿٤٢١٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: سَأَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى أَنْ أَشْكُرَ لِي وَلَوْلَا دِيكَ إِلَيَّ / أَصِيرُ فَقَالَ الْوَالِدَانِ اللَّذَانِ أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُمَا الشُّكْرَ هُمَا اللَّذَانِ وَلَدَا الْعِلْمَ وَ وَرَثَا الْحُكْمَ وَ أَمَرَ النَّاسُ بِطَاعَتِهِمَا؛ الكافي ج: ١ ص: ٤٢٨

﴿٤٢١١﴾ الصادق عليه السلام: يَجِبُ لِلْوَالِدَيْنِ عَلَى الْوَلَدِ ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ شَكَرُهُمَا عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ طَاعَتُهُمَا فِيمَا يَأْمُرَانِهِ وَ يَنْهَيَانِهِ عَنْهُ فِي غَيْرِ مَعْصِيَةِ اللَّهِ وَ نَصِيحَتُهُمَا فِي السِّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ؛ تحف العقول ص: ٣٢٢

٢-٢-٥- طلبُ شكرِ الناسِ لنفسِهِ
﴿٤٢١٢﴾ الزهراء عليها السلام: اللَّهُمَّ اجْعَلْ غَفْلَةَ النَّاسِ لَنَا ذِكْرًا وَ اجْعَلْ ذِكْرَهُمْ لَنَا شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٨٧ ص: ٣٣٨

﴿٤٢١٣﴾ الصادق عليه السلام: وَ لِيَكُنْ إِخْوَانُكَ وَ أَصْحَابُكَ الَّذِينَ تَسْتَخْلِصُهُمْ وَ تَسْتَعِينُ بِهِمْ عَلَى أُمُورِكَ أَهْلُ الْمُرُوءَةِ وَ الْكَفَافِ وَ الثَّرْوَةِ وَ الْعَقْلِ وَ الْعِفَافِ الَّذِينَ إِنْ نَفَعْتَهُمْ شَكَرُوكَ وَ إِنْ غَبِثَ عَنْ جِبَرَتِهِمْ ذَكَرُوكَ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٤٣٨

﴿٤٢١٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي زَوْجَةً صَالِحَةً وَ دُودًا وَ لُودًا شُكُورًا قَنُوعًا غَيْرُورًا إِنْ أَحْسَنْتُ شَكَرْتَ؛ بحار الأنوار ج: ١٠٠ ص: ٢٦٨

﴿٤٢١٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي زَوْجَةً وَ دُودًا وَ لُودًا شُكُورًا غَيْرُورًا إِنْ أَحْسَنْتُ شَكَرْتَ وَ إِنْ أَسَاءْتُ غَفَرْتَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٦ ص: ٣٢٥

﴿٤٢١٦﴾ فَكُنْ لِي يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى اللَّهِ سَفِيرًا وَ مِنَ النَّارِ مُجِيرًا وَ عَلَى الدَّهْرِ ظَهِيرًا وَ لِي يَا رَتِي شُكُورًا؛ بحار الأنوار ج: ٩٧ ص: ٣٥٣

٢-٢-٥-١- لَا تَلْتَمِسْ مِنْ غَيْرِكَ شُكْرَ مَا أَتَيْتَ إِلَى نَفْسِكَ
﴿٤٢١٧﴾ إِنْ مَكْرَمَةٌ صَنَعْتَهَا إِلَى أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ إِنَّمَا أَكْرَمْتَ بِهَا نَفْسَكَ وَ زَيَّنْتَ بِهَا عِرْضَكَ فَلَا تَطْلُبْ مِنْ غَيْرِكَ شُكْرَ مَا صَنَعْتَ إِلَى نَفْسِكَ؛ غرر الحكم ص: ٣٨٢

﴿٤٢١٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَهْلُ الْمَعْرُوفِ إِلَى اصْطِنَاعِهِ أَخْوَجُ مِنْ أَهْلِ الْحَاجَةِ إِلَيْهِ لِأَنَّ لَهُمْ أَجْرَهُ وَ فَخْرَهُ وَ ذِكْرَهُ فَمَهْمَا اصْطَنَعَ الرَّجُلُ مِنْ مَعْرُوفٍ فَإِنَّمَا يَبْدَأُ فِيهِ بِنَفْسِهِ فَلَا يَطْلُبُ شُكْرَ مَا صَنَعَ إِلَى نَفْسِهِ مِنْ غَيْرِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٧٩

﴿٤٢١٩﴾ كُلُّ مُصْطَنِعٍ عَارِفٌ فَإِنَّمَا يَصْنَعُ إِلَى نَفْسِهِ فَلَا تَلْتَمِسْ مِنْ غَيْرِكَ شُكْرَ مَا أَتَيْتَهُ إِلَى نَفْسِكَ وَ تَمَتَّتْ بِهِ لَذَّتْكَ وَ وَقِيَتْ بِهِ عِرْضُكَ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٢٠ ص: ٣٤٣

﴿تشکر انسان از همنوع خود﴾

﴿۴۲۱۰﴾ از امیرالمؤمنین (علیه السلام) سؤال کرد از تفسیر آیه‌ی: " برای من و برای پدر و مادرت شکر به‌جا آور که بازگشت (همه‌ی شما) به‌سوی من است " فرمود: پدر و مادری را که خداوند تشکر و سپاس از ایشان را لازم شمرده آن پدر و مادری هستند که موجب علم و حکمت شدند و دستور اطاعت از آن‌ها را داده.

﴿۴۲۱۱﴾ سه چیز بر فرزند نسبت به پدر و مادر واجب است: ۱ - سپاسگزاری از آن‌ها در هر حال. ۲ - اطاعت از آن‌ها در امر و نهی که می‌کنند اما نه آنکه در راه معصیت و مخالفت خدا باشد. ۳ - در پنهان و آشکار خیرخواه آن‌ها باشد.

۵-۲-۲- درخواست تشکر و قدردانی مردم

﴿۴۲۱۲﴾ پروردگارا، بی‌خبری و غفلت مردم را برای ما موجب یادآوری، و آگاهی آنان را برای ما موجب شکر و سپاس قرار ده.

﴿۴۲۱۳﴾ یاران و برادرانی که بر می‌گزینی و در کارهایت از آنان کمک می‌خواهی باید اهل جوانمردی باشند، به‌قدر کفاف خویش دارا بوده، آبرومند و عاقل و عقیف باشند، در صورتی که از تو به ایشان سودی رسید تو را شکرگزار باشند و اگر از کنارشان دور شدی تو را از یاد نبرند.

﴿۴۲۱۴﴾ خدایا، همسری صالح، مهربان، زاینده، سپاسگزار، قانع و تسلیم و باغیرت روزی من گردان، که اگر به او نیکی کنم سپاسگزار باشد.

﴿۴۲۱۵﴾ خداوندا، زنی صالح، مهربان، زاینده، سپاسگزار، قانع و تسلیم و باغیرت نصیب من بگردان، که اگر به او نیکی کنم سپاسگزار باشد، و اگر در حق او کوتاهی و بدی کردم از من در گذرد.

﴿۴۲۱۶﴾ ای آقای من ای امیرالمؤمنین، برای آشتی با خدا تو فرستاده‌ی من نزد خدا باش و مرا از آتش برهان و در روزگار پشتیبانم باش و زیارتم را قدر بدان.

۱-۵-۲- بابت آنچه به نفع خود انجام می‌دهی از دیگران انتظار تشکر نداشته باش

﴿۴۲۱۷﴾ احسانی که به مردم می‌کنی در واقع خودت را گرامی داشته‌ای و آبروی خودت را زینت داده‌ای، پس از غیر خود شکر آنچه را که نفعش برای خودت بوده درخواست نکن.

﴿۴۲۱۸﴾ کسانی که اهل دستگیری هستند احتیاجشان به این کار از مستمندان بیشتر است چون در قبال این دستگیری، آن‌ها پاداش و افتخار و سر بلندی به دست می‌آورند، پس وقتی کسی دست دیگری را می‌گیرد ابتدا دست خود را گرفته است، پس نباید در مقابل کاری که برای خود کرده از دیگری سپاسگزاری و تشکر بطلبد.

﴿۴۲۱۹﴾ هر که کار نیکی انجام دهد بداند که به سود خودش است، پس، از دیگری شکر چیزی را که برای خودت انجام دادی و از آن کامل بهره برده‌ای و آبروی خویش را با آن نگه داشته‌ای انتظار نداشته باش.

﴿شُكْرُ الْإِنْسَانِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

﴿٤٢٢٠﴾ لَا يُزْهَدُ نَكَاحُ الْمَعْرُوفِ مَنْ لَا يَشْكُرُهُ لَكَ فَقَدْ يَشْكُرُكَ عَلَيْهِ مَنْ لَا يَسْتَمْنَعُ بِشَيْءٍ مِنْهُ وَقَدْ يُدْرِكُ مِنْ شُكْرِ الشَّاكِرِ أَكْثَرُ مِمَّا أَضَاعَ الْكَافِرُ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛ شرح نهج البلاغة ج: ١٩ ص: ٢٤

﴿٤٢٢١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ صَنَعَ بِمِثْلِ مَا صَنَعَ إِلَيْهِ فَإِنَّمَا كَافَأَهُ وَمَنْ أَضْعَفَهُ كَانَ شُكُوراً وَمَنْ شَكَرَ كَانَ كَرِيماً وَمَنْ عَلِمَ أَنَّ مَا صَنَعَ إِنَّمَا صَنَعَ إِلَى نَفْسِهِ لَمْ يَسْتَبْطِ النَّاسَ فِي شُكْرِهِمْ وَلَمْ يَسْتَزِدَّهُمْ فِي مَوَدَّتِهِمْ فَلَا تَلْتَمِسْ مِنْ غَيْرِكَ شُكْرَ مَا أَتَيْتَ إِلَى نَفْسِكَ وَوَقَّيْتُ بِهِ عِرْضَكَ وَاعْلَمْ أَنَّ الطَّالِبَ إِلَيْكَ الْحَاجَّةَ لَمْ يُكْرِمْ وَجْهَهُ عَنْ وَجْهِكَ فَأَكْرِمْ وَجْهَكَ عَنْ رَدِّهِ؛ الكافي ج: ٤ ص: ٢٨

﴿٤٢٢٢﴾ الباقر عليه السلام: مَنْ صَنَعَ مِثْلَ مَا صَنَعَ إِلَيْهِ فَإِنَّمَا كَافَى وَمَنْ أَضْعَفَ كَانَ شَاكِراً وَمَنْ شَكَرَ كَانَ كَرِيماً وَمَنْ عَلِمَ أَنَّ مَا صَنَعَ إِلَيْهِ إِنَّمَا يُصْنَعُ إِلَى نَفْسِهِ لَمْ يَسْتَبْطِ النَّاسَ فِي شُكْرِهِمْ وَلَمْ يَسْتَزِدَّهُمْ فِي مَوَدَّتِهِمْ؛ بحار الأنوار ج: ٤٨ ص: ٥٠

﴿٤٢٢٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ فَعَلَ مَعْرُوفاً فَإِنَّمَا صَنَعَ الْخَيْرَ لِنَفْسِهِ وَلَا يَطْلُبُ مِنْ غَيْرِهِ شُكْرَ مَا أَوْلَاهُ نَفْسَهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٤٤

﴿٤٢٢٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: وَاعْلَمْ أَنَّ كُلَّ مَكْرُمَةٍ تَأْتِيهَا أَوْ صَنِيعَةٌ صَنَعَتْهَا إِلَى أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ فَإِنَّمَا أَكْرَمْتَ بِهَا نَفْسَكَ وَزَيَّنْتَ بِهَا عِرْضَكَ فَلَا تَطْلُبَنَّ مِنْ غَيْرِكَ شُكْرَ مَا صَنَعْتَ إِلَى نَفْسِكَ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٤٠

٤-٢-٢-٦- طلب توفيق الشكر

﴿٤٢٢٥﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَسَدِّدْنِي لِأَنَّ أَعَارِضَ مَنْ غَشَّنِي بِالنُّصْحِ، وَاجْزِي مَنْ هَجَرَنِي بِالْبِرِّ، وَاثْبِيبْ مَنْ حَرَمَنِي بِالْبَذْلِ، وَكَافِي مَنْ قَطَعَنِي بِالصَّلَةِ، وَأَخَالِفْ مَنْ اغْتَابَنِي إِلَى حُسْنِ الذِّكْرِ، وَأَنْ أَشْكُرَ الْحَسَنَةَ، وَأَغْضِي عَنِ السَّيِّئَةِ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٩٢

٧-٢-٢- الأمر بالشكر

﴿٤٢٢٦﴾ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَى الْمَصِيرِ؛ لقمان: الآية ١٤

﴿٤٢٢٧﴾ الرضا عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ أَمَرَ بِثَلَاثَةِ مَقْرُونٍ بِهَا ثَلَاثَةُ أُخْرَى أَمَرَ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ فَمَنْ صَلَّى وَلَمْ يُزَكِّ لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ صَلَاتُهُ وَأَمَرَ بِالشُّكْرِ لَهُ وَلِلْوَالِدَيْنِ فَمَنْ لَمْ يَشْكُرْ وَالِدَيْهِ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ وَأَمَرَ بِاتِّقَاءِ اللَّهِ وَصِلَةِ الرَّحِمِ فَمَنْ لَمْ يَصِلْ رَحِمَهُ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ؛ وسائل الشيعة ج: ٩ ص: ٢٥

﴿تشکر انسان از همنوع خود﴾

﴿۴۲۲۰﴾ مبدا ناسپاسی دیگران تو را به احسان کردن بی‌میل کند؛ زیرا کسی از تو قدردانی خواهد کرد که اصلاً از لطف تو بهره‌ای نبرده است، و آنچه از قدردانی این سپاسگزاری (خدا) به دست می‌آوری، بسیار بیشتر است از آنچه آن ناسپاس از حق تو ضایع کرده باشد. و خداوند نیکوکاران را دوست دارد.

﴿۴۲۲۱﴾ هر کس همان‌گونه که به او نیکی شده، نیکی کند همسان با نیکی‌کننده است؛ و هر که کمتر پاسخ دهد، شکرگزار محسوب می‌شود و هر که شکر کند، بزرگوار است و هر که بداند که هر عمل نیکی که انجام می‌دهد به سود خودش است، از مردم توقع نخواهد داشت که از وی تشکر کنند و به خاطر کار نیکی که برایشان انجام داده از آن‌ها طلب محبت بیشتر نمی‌کند. پس از دیگران شکر آنچه را که برای خودت انجام داده‌ای و آبرویت را با آن حفظ کرده‌ای درخواست نکن و بدان که هر که از تو درخواستی کند در صورت اجابت نکردن آبروی تو بیش از او در معرض سقوط است، پس با رد نکردن او آبروی خودت را حفظ کن.

﴿۴۲۲۲﴾ هر کس همان‌گونه که به او نیکی شده، نیکی کند همسان با نیکی‌کننده است؛ و هر که کمتر پاسخ دهد، شکرگزار محسوب می‌شود و هر که شکر کند، بزرگوار است و هر که بداند که هر عمل نیکی که انجام می‌دهد به سود خودش است، از مردم توقع نخواهد داشت که از وی تشکر کنند و به خاطر کار نیکی که برایشان انجام داده از آن‌ها طلب محبت بیشتر نمی‌کند.

﴿۴۲۲۳﴾ هر که کار نیکی بکند، به سود خودش است و نباید از دیگری شکر آنچه را که برای خود کرده، بخواهد.

﴿۴۲۲۴﴾ بدان که هر عمل کریمانه و کار پسندیده‌ای را که درباره‌ی یکی از بندگان خدا انجام داده‌ای، در واقع به شخص خود احترام نموده و شرف خویشتن را آراسته‌ای، پس هرگز تشکر خدمتی را که به خود کرده‌ای از دیگران نخواه.

۶-۲-۲- درخواست توفیق شکرگزاری

﴿۴۲۲۵﴾ خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست، و مرا توفیق ده تا با کسی که با من ناراستی نموده، از روی اخلاص (درستی) رفتار کنم، و کسی را که از من دوری کرده به نیکویی پاداش دهم، و کسی که مرا نومید گردانیده به عفو و بخشش عوض دهم، و کسی را که از من بریده به با پیوستن جبران نمایم، و از آن که از من غیبت نموده (پشت سرم بدگویی کرده) به نیکی یاد کنم، و نیکی را سپاس گزارده از بدی چشم‌پوشم.

۷-۲-۲- امر به شکرگزاری

﴿۴۲۲۶﴾ و ما به انسان درباره‌ی پدر و مادرش سفارش کردیم مادرش او را با ناتوانی بعد از ناتوانی حمل کرد (به‌هنگام بارداری هر روز رنج و ناراحتی تازه‌ای را متحمل می‌شد)، و دوران شیرخوارگی او در دوسال پایان می‌یابد (آری به او توصیه کردم) که برای من و برای پدر و مادرت شکر به‌جا آور که بازگشت (همه‌ی شما) به‌سوی من است.

﴿۴۲۲۷﴾ خداوند امر کرد که به سه چیز دیگر که پیوسته‌اند به نماز و زکات باهم امر کرد پس هر کس نماز بخواند و زکات ندهد نمازش پذیرفته نیست و به شکر بر خودش و بر پدر و مادر باهم امر کرد پس هر کس از پدر و مادر قدردانی نکند خداوند را شکر نکرده‌است و به ترسیدن از خدا و صله‌ی رحم با هم امر کرد پس اگر کسی صله‌ی رحم نکند، از خداوند متعال تترسیده و بیمناک نبوده است.

﴿شُكْرُ الْإِنْسَانِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

﴿٤٢٢٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِذَا قَصُرَتْ يَدُكَ عَلَى الْمُكَافَاةِ فَأَطِلْ لِسَانَكَ بِالشُّكْرِ؛

مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٥٦

﴿٤٢٢٩﴾ أَطِلْ يَدَكَ فِي مُكَافَاةٍ مَنْ أَحْسَنَ إِلَيْكَ فَإِنْ لَمْ تَقْدِرْ فَلَا أَقِلَّ مِنْ أَنْ تَشْكُرَهُ؛

غررالحکم ص: ٣٨٥

﴿٤٢٣٠﴾ الصادق عليه السلام: مَنْ قَصُرَتْ يَدُهُ بِالْمُكَافَاةِ فَلْيُطِلْ لِسَانَهُ بِالشُّكْرِ؛ وسائل الشيعة ج: ١٦

ص: ٣١١

﴿٤٢٣١﴾ مَنْ بَدَّلَ لَكَ جَهْدَ عِنَايَتِهِ فَأَبْدَلْ لَهُ جُهْدَ شُكْرِكَ؛ غررالحکم ص: ٢٧٨

٢-٢-٨- الشُّكْرُ خَيْرُ

٢-٢-٨-١- خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ

﴿٤٢٣٢﴾ لَنْ يَذْهَبَ مِنْ مَالِكَ مَا وَعَظَكَ وَحَازَ لَكَ الشُّكْرُ؛ غررالحکم ص: ٣٧١

٢-٢-٨-٢- خَيْرٌ مِمَّا أُعْطِيَ

﴿٤٢٣٣﴾ الصادق عليه السلام: لَا يَكُونُ الْجَوَادُ جَوَادًا إِلَّا بِثَلَاثَةِ يَكُونُ سَخِيًّا بِمَالِهِ عَلَى حَالِ الْبُسْرِ وَ

الْعُسْرِ وَأَنْ يُبَدِّلَهُ لِلْمُسْتَحِقِّ وَيَرَى أَنْ الَّذِي أَخَذَهُ مِنْ شُكْرِ الَّذِي أَسَدَى إِلَيْهِ أَكْثَرَ مِمَّا أُعْطَاهُ؛

تحف العقول ص: ٣١٥

﴿٤٢٣٤﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كُفِّرَ النُّعْمَةُ دَاعِيَةُ الْمَقْتِ وَمَنْ جَازَاكَ بِالشُّكْرِ فَقَدْ أَعْطَاكَ أَكْثَرَ

مِمَّا أَخَذَ مِنْكَ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٨٢

٢-٢-٨-٣- خَيْرٌ مِمَّا أَضَاعَ الْكَافِرُ

﴿٤٢٣٥﴾ لَا يُزْهَدَنَّكَ فِي الْمَعْرُوفِ مَنْ لَا يَشْكُرُهُ لَكَ فَقَدْ يَشْكُرُكَ عَلَيْهِ مَنْ لَا يَسْتَمْنَعُ بِشَيْءٍ

مِنْهُ وَقَدْ يُدْرِكُ مِنْ شُكْرِ الشَّاكِرِ أَكْثَرَ مِمَّا أَضَاعَ الْكَافِرُ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛ شرح نهج البلاغة

ج: ١٩ ص: ٢٤

٢-٢-٨-٤- إِنْ تَشْكُرْ خَيْرٌ مِنْ أَنْ تُكْفَرَ

٢-٢-٨-٥- خَيْرُ الْأَعْمَالِ مَا اكْتَسَبَ شُكْرًا

﴿٤٢٣٦﴾ خَيْرُ الْأَعْمَالِ مَا اكْتَسَبَ [اِكْتَسَبَ] شُكْرًا؛ غررالحکم ص: ١٥٦

٢-٢-٩- مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ

﴿٤٢٣٧﴾ مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ أَنْ تَكُونَ صَنَائِعُهُ عِنْدَ مَنْ يَشْكُرُهُ وَمَعْرُوفُهُ عِنْدَ مَنْ لَا يَكْفُرُهُ؛

غررالحکم ص: ٣٩٠

﴿تشکر انسان از همنوع خود﴾

﴿۴۲۲۸﴾ هنگامی که دستت از پاسخ دادن به محبت‌های دیگران کوتاه است، حداقل زبان خود را برای تشکر از او حرکت بده.

﴿۴۲۲۹﴾ دست خود را برای عوض دادن به کسی که به تو احسان کرده است دراز کن. ولی اگر توانایی نداشته باشی حداقل در تشکر کردن از او کوتاهی نکن.

﴿۴۲۳۰﴾ هر که دستش از دادن پاسخ برابر به لطفی که به او شده کوتاه است، باید زبانش را در سپاسگزاری بگشاید.

﴿۴۲۳۱﴾ هر که بیشترین لطف را به تو کرد، بیشترین سپاسگزاری را از او انجام ده.

۸-۲-۲- شکرگزاری خیر

۱-۸-۲-۲- بهتر از مال و ثروت

﴿۴۲۳۲﴾ آن مالی که با صرف شدنش تو را پندی داده باشد یا شکری را متوجه تو کرده باشد در واقع از دست نرفته است.

۲-۸-۲-۲- بهتر از آنچه عطا شده

﴿۴۲۳۳﴾ بخشنده، بخشنده نیست مگر به سه خصلت. ۱- مال خود را در حال توانگری و تنگدستی ببخشد. ۲- آن را به مستحق و نیازمند ببخشد. ۳- و معتقد باشد به اینکه شکری که شخص از او می‌نماید ارزشش بیشتر از مالی است که به او بخشیده است.

﴿۴۲۳۴﴾ ناسپاسی نعمت موجب خشم است، هر که نیکی تو را با شکر پاسخ دهد بیش از آنچه دریافت کرده به تو داده است.

۳-۸-۲-۲- بهتر از آنچه ناسپاس ضایع کرده

﴿۴۲۳۵﴾ مبدا ناسپاسی دیگران تو را به احسان کردن بی‌میل کند؛ زیرا کسی از تو قدردانی خواهد کرد که اصلاً از لطف تو بهره‌ای نبرده است، و آنچه از قدردانی این سپاسگزاری (خدا) به دست می‌آوری، بسیار بیشتر است از آنچه آن ناسپاس از حق تو ضایع کرده باشد. و خداوند نیکوکاران را دوست دارد.

۴-۸-۲-۲- اگر تشکر کنی بهتر از آن است که ناسپاسی کنی

۵-۸-۲-۲- بهترین اعمال آن است که تشکری را به خود جلب کند

﴿۴۲۳۶﴾ بهترین عمل‌ها آن است که برای تو تشکر و قدردانی به همراه آورد.

۹-۸-۲-۲- از سعادت انسان است

﴿۴۲۳۷﴾ از نیکبختی مرد این است که به کسی احسان کند که او را شکر کند، و به کسی لطف کند که او را ناسپاسی نکند.

﴿شُكْرُ الْإِنْسَانِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

١٠-٢-٢- قِلَّةُ الشَّاكِرِ

﴿٢٣٨﴾ الصادق عليه السلام: مَا أَقَلَّ مَنْ يَشْكُرُ الْمَعْرُوفَ؛ تحف العقول ص: ٣٥٨

﴿٢٣٩﴾ رَبُّ جَامِعٍ لِمَنْ لَا يَشْكُرُهُ؛ غرر الحكم ص: ٣٧١

١١-٢-٢- الْمُؤْمِنُ مُكَفِّرٌ

﴿٢٤٠﴾ الصادق عليه السلام: الْمُؤْمِنُ مُكَفِّرٌ وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى وَذَلِكَ أَنَّ مَعْرُوفَهُ يَصْعَدُ إِلَى اللَّهِ فَلَا

يُنْشَرُ فِي النَّاسِ وَالْكَافِرُ مُشْكُورٌ؛ بحار الأنوار ج: ٦٤ ص: ٢٦٠

﴿٢٤١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: خِيَارُ الْمُؤْمِنِينَ مُكَفِّرُونَ لَا يُشْكُرُ مَعْرُوفُهُمْ؛ وسائل الشيعة ج: ١٦

ص: ٣٠٨

﴿٢٤٢﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مُكَفِّرًا لَا يُشْكُرُ مَعْرُوفُهُ وَلَقَدْ كَانَ مَعْرُوفُهُ

عَلَى الْقُرَشِيِّ وَالْعَرَبِيِّ وَالْعَجَمِيِّ وَمَنْ كَانَ أَعْظَمَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مَعْرُوفًا عَلَى هَذَا الْخَلْقِ وَكَذَلِكَ نَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ مُكَفِّرُونَ لَا يُشْكُرُ مَعْرُوفُنَا وَخِيَارُ الْمُؤْمِنِينَ مُكَفِّرُونَ لَا يُشْكُرُ

مَعْرُوفُهُمْ؛ وسائل الشيعة ج: ١٦ ص: ٣٠٨

﴿٢٤٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: نَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ مُكَفِّرُونَ لَا يُشْكُرُونَنَا؛ علل الشرائع ج: ٢ ص: ٥٦٠

١٢-٢-٢- لَا تُطِيقُ الشُّكْرَ

﴿٢٤٤﴾ الرضا عليه السلام: وَاعْلَمْ أَنَّ حَقَّ الْأَمِّ الزَّمُّ الْحَقُوقُ وَأَوْجِبُ لَانَّهَا حَمَلَتْ حَيْثُ لَا يَحْمِلُ

أَحَدٌ أَحَدًا وَوَقْتُ السَّمْعِ وَالْبَصَرِ وَجَمِيعُ الْجَوَارِحِ مَسْرُورَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ بِذَلِكَ فَحَمَلَتْهُ بِمَا فِيهِ مِنَ الْمَكْرُوهِ الَّذِي لَا يَصْبِرُ عَلَيْهِ أَحَدٌ وَرَضِيَتْ بِأَنْ تَجُوعَ وَيَشْبَعَ وَتَظْمَأَ وَيَرُويَ وَتَعْرِىَ وَتَكْتَسِيَ وَتَظْلَهُ وَتَضْحَى فَلْيَكُنِ الشُّكْرُ لَهَا وَالْبِرُّ وَالرِّفْقُ بِهَا عَلَى قَدْرِ ذَلِكَ وَإِنْ كُنْتُمْ لَا

تُطِيقُونَ بِأَدْنَى حَقِّهَا إِلَّا بَعَوْنِ اللَّهِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٥ ص: ١٨٠

﴿٢٤٥﴾ الصادق عليه السلام: وَأَمَّا حَقُّ الرَّجْمِ فَحَقُّ أُمَّكَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهَا حَمَلَتْكَ حَيْثُ لَا يَحْمِلُ أَحَدٌ

أَحَدًا وَأَطْعَمَتْكَ مِنْ ثَمَرَةِ قَلْبِهَا مَا لَا يُطْعِمُ أَحَدٌ أَحَدًا وَأَنَّهَا وَقَّتْكَ بِسَمْعِهَا وَبَصَرِهَا وَيَدِهَا وَرِجْلِهَا وَشَعْرِهَا وَبَشَرِهَا وَجَمِيعَ جَوَارِحِهَا مُسْتَبْشِرَةٌ بِذَلِكَ فَرِحَةً مُؤَبَّلَةً مُحْتَمِلَةً لِمَا فِيهِ مَكْرُوهُهَا وَالْأَمِّهَا وَثِقَلُهَا وَغَمُّهَا حَتَّى دَفَعَتْهَا عَنْكَ يَدُ الْقُدْرَةِ وَأَخْرَجَتْكَ إِلَى الْأَرْضِ فَرَضِيَتْ أَنْ تَشْبَعَ وَتَجُوعَ هِيَ وَتَكْسُوكَ وَتَعْرِىَ وَتُرْوِيكَ وَتَظْمِئَ وَتُظْلِكَ وَتَضْحَى وَتَنْعَمَكَ بِبُؤْسِهَا وَتَلَذَّذَكَ بِالنَّوْمِ بَارِقِهَا وَكَانَ بَطْنُهَا لَكَ وَعَاءٌ وَحِجْرُهَا لَكَ حِوَاءٌ وَثَدْيُهَا لَكَ سِقَاءٌ وَنَفْسُهَا لَكَ وَقَاءٌ

﴿تشکر انسان از هم‌نوع خود﴾

۱۰-۲-۲- اندک‌بودن شکرگزاران

﴿۴۲۳۸﴾ چقدر اندک‌کند کسانی که نعمت‌ها شکر می‌کنند.

﴿۴۲۳۹﴾ بسا جمع‌کننده از برای کسی، که او را سپاس نگوید.

۱۱-۲-۲- مؤمن مورد ناسپاسی قرار می‌گیرد

﴿۴۲۴۰﴾ مؤمن مورد ناسپاسی قرار می‌گیرد و در روایت دیگر است که نیکی او به آسمان

بالا می‌رود، ولی در میان مردم منتشر نگردد، ولی کافر قدردانی شود.

﴿۴۲۴۱﴾ خوابان مؤمنان مورد ناسپاسی قرار می‌گیرند و احسانشان قدردانی نمی‌شود.

﴿۴۲۴۲﴾ پیامبر خدا ﷺ زیر پرده بود و مورد ناسپاسی قرار می‌گرفت و لطف و احسان مورد

قدرشناسی واقع نمی‌شد در صورتی که لطف او قرشی و عربی و عجمی را در بر گرفته بود و

احسان چه کسی بر این مردم بزرگ‌تر است احسان از پیامبر خدا ﷺ؟ و همچنین ما خاندان

(عصمت و طهارت نیز) مورد ناسپاسی قرار می‌گیریم و احسان ما قدردانی نمی‌شود و مؤمنان

برگزیدگان هم مورد ناسپاسی قرار می‌گیرند و احسانشان قدردانی نمی‌شود.

﴿۴۲۴۳﴾ ما اهل‌بیت پیامبر نیز مورد ناسپاسی هستیم و از افعال ما نیز تشکر نمی‌شود.

۱۲-۲-۲- نمی‌توانی شکرگزاری کنی

﴿۴۲۴۴﴾ بدان که حق مادر واجب‌تر و لازم‌ترین حقوق است، زیرا تو را در جایی حمل کرده که

کسی دیگری نمی‌توانسته است چنین کند، و از تو با گوش و دیده و همه‌ی اندام خود در کمال

رضایت و شادی محافظت کرده است و با همه‌ی ناگواری و سختی تو را با خود حمل کرده است،

کاری که کمتر کسی آن را تحمل می‌کند، خواسته خودش گرسنه باشد و فرزندش سیر باشد و

تشنه باشد و او سیراب گردد، و برهنه باشد و او لباس داشته باشد، و او را در مواقع لزوم به سایه و

آفتاب برده است، باید تا جایی که توان داری با نیکی و نرمش از او تشکر کنی، اگر چه امکان

ادای حقش را نداری مگر با کمک خدای تعالی.

﴿۴۲۴۵﴾ و اما حق خویشاوندان؛ حق مادرت این است که متوجه باشی تو را در جایی حمل کرده

که کسی دیگری را حمل نکرده است و از میوه‌ی دلش به تو خورانده، درحالی‌که کسی به

دیگری نخورانده و تو را با گوشش و چشمش و دستش و پایش و مویش و تنش و همه‌ی

اندام‌هایش نگهداری کرده و بدان راضی، خشنود و شاد بوده رنج این بار را تحمل و درد و

سنگینی و غم آن را با خود داشته تا دست قدرت خدا تو را از او جدا کرده و بر زمین آورده است

باز هم خوش داشته تو سیر باشی و او گرسنه و تو در جامه و او برهنه و تو را بنوشاند و خود

تشنه و تو را سایه دهد و خود در آفتاب به‌سختی، تو را نعمت بخشد و با بی‌خوابی‌اش تو را به

خواب ناز کند، آغوشش جای تو بوده و دامنش فضای آرامگاه تو و پستانش مشک آبت و جانش

﴿شَكَرُ الْإِنْسَانِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

تُبَاشِرُ حَرَ الدُّنْيَا وَبَرْدَهَا لَكَ وَدُونَكَ فَتَشْكُرُهَا عَلَى قَدَرِ ذَلِكَ وَ لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ وَ تَوْفِيقِهِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ١٦٠

١٣-٢-٢- مَصَادِقُ الشَّاكِرِ

١-١٣-٢-٢- رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

﴿٢٢٤٦﴾ الرِّسُولُ ﷺ: فَرَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فِي الْمَنَامِ وَهُوَ يَقُولُ قَدْ شَكَرْتُهُمْ عَلَى مَا فَعَلُوا

مَعَكَ؛ كشف اليقين ص: ٤٩٢

٢-١٣-٢-٢- أَهْلُ أُلْبَيْتِ الطَّلِيحِ

﴿٢٢٤٧﴾ الصَّادِقُ الطَّلِيحِ: إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ نَشْكُرُ الْقَلِيلَ؛ بحار الأنوار ج: ٣٠ ص: ٢٤٨

٣-١٣-٢-٢- الصَّادِقُ الطَّلِيحِ

﴿٢٢٤٨﴾ الصَّادِقُ الطَّلِيحِ: كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الطَّلِيحِ عِنْدَ إِسْمَاعِيلَ حَتَّى قَضَى فَلَمَّا رَأَى الْأَرْقَطُ جَزَعَهُ قَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ قَدْ مَاتَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَالَ فَارْتَدَّعَ ثُمَّ قَالَ صَدَقْتَ أَنَا لَكَ الْيَوْمَ أَشْكُرُ؛ بحار الأنوار ج: ٤٧ ص: ٢٥٠

٤-١٣-٢-٢- الْكَرِيمُ

﴿٢٢٤٩﴾ امير المؤمنين الطَّلِيحِ: مَنْ صَنَعَ بِمِثْلِ مَا صُنِعَ إِلَيْهِ فَإِنَّمَا كَافَأَهُ وَ مَنْ أَضْعَفَهُ كَانَ شُكُوراً وَ مَنْ شَكَرَ كَانَ كَرِيماً وَ مَنْ عَلِمَ أَنَّ مَا صَنَعَ إِنَّمَا صَنَعَ إِلَى نَفْسِهِ لَمْ يَسْتَبِطِ النَّاسَ فِي شُكْرِهِمْ وَ لَمْ يَسْتَزِدْهُمْ فِي مَوَدَّتِهِمْ فَلَا تَلْتَمِسْ مِنْ غَيْرِكَ شُكْرَ مَا آتَيْتَ إِلَى نَفْسِكَ وَ وَقَيْتَ بِهِ عِرْضَكَ وَ اعْلَمْ أَنَّ الطَّالِبَ إِلَيْكَ الْحَاجَّةَ لَمْ يُكْرِمْ وَجْهَهُ عَنْ وَجْهِكَ فَأَكْرِمْ وَجْهَكَ عَنْ رَدِّهِ؛ الكافي ج: ٤ ص: ٢٨

٣-٢- مَذْمَةُ عَدَمِ الشُّكْرِ

﴿٢٢٥٠﴾ الصَّادِقُ الطَّلِيحِ: أَرْبَعُ يَذْهَبْنَ ضَيَاعاً مَوَدَّةُ تُمْنَحَ مَنْ لَا وَقَاءَ لَهُ وَ مَعْرُوفٌ يُوضَعُ عِنْدَ مَنْ لَا

يَشْكُرُهُ وَ عِلْمٌ يَعْلَمُ مَنْ لَا يَسْتَمِعُ لَهُ وَ سِرٌّ يُودَعُ مَنْ لَا حِصَانَةَ لَهُ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٤ ص: ٤١٧

﴿٢٢٥١﴾ الصَّادِقُ الطَّلِيحِ: أَرْبَعَةُ يَذْهَبْنَ ضَيَاعاً... مَعْرُوفٌ عِنْدَ مَنْ لَا شُكْرَ لَهُ؛ بحار الأنوار ج: ٧١

ص: ١٩٤

﴿٢٢٥٢﴾ الرِّسُولُ ﷺ: أَرْبَعَةٌ لَيْسَ غِيبَتُهُمْ غِيبَةً الْفَاسِقُ الْمُعْلَنُ بِفِسْقِهِ وَ الْإِمَامُ الْكَذَّابُ إِنْ أَحْسَنْتَ لَمْ يَشْكُرْ وَ إِنْ أَسَأْتَ لَمْ يَغْفِرْ وَ الْمُتَفَكِّهُونَ بِالْأَمَّهَاتِ وَ الْخَارِجُ مِنَ الْجَمَاعَةِ الطَّاعِنُ عَلَى أُمَّتِي الشَّاهِرُ عَلَيْهَا سَيْفُهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ٩ ص: ١٢٨

﴿تشکر انسان از هم‌نوع خود﴾

سپهر جانت، سرد و گرم دنیا را برای تو در پای تو نوش کرده پس در حدّ توانت شکرگزارش باش
حال آنکه نتوانی جز به یاری خدا و توفیق حضرت او.

۱۳-۲-۲-۲ مصادیق شاکر

۱-۱۳-۲-۲-۲ رسول خدا ﷺ

﴿۴۲۴۶﴾ در عالم خواب، پیامبر خدا ﷺ را دیدم درحالی که به من می‌فرمود: فرزندم؛ من عمل
آن‌ها را در همراهی با تو قدردانی کردم.

۲-۱۳-۲-۲-۲ اهل بیت علیهم‌السلام

﴿۴۲۴۷﴾ ما اهل بیت لطف اندکی را که به ما شود قدر می‌دانیم و تشکر می‌کنیم.

۳-۱۳-۲-۲-۲ امام صادق علیهم‌السلام

﴿۴۲۴۸﴾ او عبدالله علیهم‌السلام نزد اسماعیل بودند تا اینکه اسماعیل از دنیا رفت؛ آنگاه که ارقط
بی‌تابی ایشان را در فقدان اسماعیل دید گفت: یا ابا عبدالله، پیامبر خدا ﷺ نیز از دنیا رفت، گفت:
پس ایشان علیهم‌السلام جزع و فزع را قطع کردند و گفتند: راست گفتی! من امروز از تو سپاسگزارم.

۴-۱۳-۲-۲-۲ بزرگوار و بخشنده

﴿۴۲۴۹﴾ هرکس همان‌گونه که به او نیکی شده، نیکی کند همسان با نیکی‌کننده است؛ و هر که
کمتر پاسخ دهد، شکرگزار محسوب می‌شود و هر که شکر کند، بزرگوار است و هر که بداند که هر
عمل نیکی که انجام می‌دهد به سود خودش است، از مردم توقع نخواهد داشت که از وی تشکر
کنند و به خاطر کار نیکی که برایشان انجام داده از آن‌ها طلب محبت بیشتر نمی‌کند. پس
از دیگران شکر آنچه را که برای خودت انجام داده‌ای و آبرویت را با آن حفظ کرده‌ای درخواست
نکن و بدان که هر که از تو درخواستی کند در صورت اجابت نکردن آبروی تو بیش از او در معرض
سقوط است، پس با رد نکردن او آبروی خودت را حفظ کن.

۳-۲-۳ نکوهش ناسپاسی

﴿۴۲۵۰﴾ چهار چیز است که هدر می‌روند؛ محبت و احسان به کسی که وفا ندارد، کار نیکی که
مورد سپاسگزاری قرار نگیرد، تعلیم دانش به کسی که آن را گوش نمی‌دهد، رازی که نزد کسی
به امانت سپرده شود و او از فاش شدن آن محافظت نکند.

﴿۴۲۵۱﴾ چهار چیز بی‌فایده است؛ از جمله: خیر رساندن به ناسپاس

﴿۴۲۵۲﴾ چهار دسته‌اند که غیبت آنان گناه نمی‌باشد؛ کسی که فاسق است و آشکارا مرتکب
اعمال حرام می‌شود، پیشوایی که دروغ می‌گوید و اگر کار نیکی برایش انجام دهی ناسپاسی
می‌کند و اگر مرتکب بدی شدی عفو و گذشت ندارد. کسانی که از مادران خویش لذت‌جویی
می‌کنند، و کسی که از جماعت مسلمانان فاصله بگیرد و امت را سرزنش کند، و با شمشیر آخته
علیه امت قیام کند.

﴿شُكْرُ الْإِنْسَانِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

﴿٢٥٣﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: خَمْسُ تَذَهَبُ ضِياعاً سِرَاجٌ تَعِدُّهُ فِي شَمْسِ الدُّهْنِ يَذْهَبُ وَالضُّوءُ لَا يُنْتَفَعُ بِهِ وَمَطَرٌ جَوْدٌ عَلَى أَرْضٍ سَبِيخَةُ الْمَطَرِ يَضِيعُ وَالْأَرْضُ لَا يُنْتَفَعُ بِهَا وَطَعَامٌ يُحْكِمُهُ طَابِخُهُ يُقَدِّمُ إِلَى شَبْعَانَ فَلَا يُنْتَفَعُ بِهِ وَامْرَأَةٌ حَسَنَاءُ تُزْفُّ إِلَى عَيْنَيْنِ فَلَا يُنْتَفَعُ بِهَا وَمَعْرُوفٌ تَصْطَنِعُهُ إِلَى مَنْ لَا يَشْكُرُهُ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٤٧

﴿٢٥٤﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: خَمْسُ تَذْهَبُ ضِياعاً سِرَاجٌ تَقْدُهُ فِي شَمْسِ الدُّهْنِ يَذْهَبُ وَالضُّوءُ لَا يُنْتَفَعُ بِهِ وَمَطَرٌ جَوْدٌ عَلَى أَرْضٍ سَبِيخَةُ الْمَطَرِ يَضِيعُ وَالْأَرْضُ لَا يُنْتَفَعُ بِهَا وَطَعَامٌ يُحْكِمُهُ طَاهِيهِ يُقَدِّمُ إِلَى شَبْعَانَ فَلَا يُنْتَفَعُ بِهِ وَامْرَأَةٌ حَسَنَاءُ تُزْفُّ إِلَى عَيْنَيْنِ فَلَا يُنْتَفَعُ بِهَا وَمَعْرُوفٌ يُصْطَنِعُ إِلَى مَنْ لَا يَشْكُرُهُ؛ وسائل الشيعة ج: ١٦ ص: ٣٠٢

﴿٢٥٥﴾ الرسول ﷺ: ثَلَاثَةٌ هُنَّ أُمُّ الْفَوَاقِرِ سُلْطَانٌ إِنْ أَحْسَنْتَ إِلَيْهِ لَمْ يَشْكُرْ وَإِنْ أَسَأْتَ إِلَيْهِ لَمْ يَغْفِرْ؛ بحار الأنوار ج: ٧١ ص: ١٥١

﴿٢٥٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الرَّعِيَّةِ أَثْقَلَ عَلَى الْوَالِي مِثْلَ مِثْلٍ فِي الرِّخَاءِ وَأَقْلَ لَهُ مَعُونَةٌ فِي الْبَلَاءِ وَ أَكْرَهَ لِلْإِنْصَافِ وَ أَسْأَلَ بِالْإِلْحَافِ وَ أَقْلَ شُكْراً عِنْدَ الْإِعْطَاءِ مِنَ الْخَاصَّةِ؛ تحف العقول ص: ١٢٨

﴿٢٥٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الرَّعِيَّةِ... أَقْلَ مَعَ ذَلِكَ عِنْدَ الْإِعْطَاءِ شُكْراً... مِنَ الْخَاصَّةِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٣ ص: ١٤٦

١-٢-٣- الإستعاذة و الإستغفار من عدم الشكر

﴿٢٥٨﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ مِنْ مَظْلُومٍ ظَلِمَ بِحَضْرَتِي فَلَمْ أَنْصُرْهُ، وَ مِنْ مَعْرُوفٍ أَسَدَيْ إِلَيَّ فَلَمْ أَشْكُرْهُ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ١٦٦

﴿٢٥٩﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... تَرْكِ الشُّكْرِ لِمَنْ اصْطَنَعَ الْعَارِفَةَ عِنْدَنَا؛ شرح نهج البلاغة ج: ٦ ص: ١٨٥

٢-٤- عِلَّةُ عَدَمِ الشُّكْرِ

١-٢-٤- الحسد

﴿٢٦٠﴾ مَنْ حَسَدَكَ لَمْ يَشْكُرْكَ عَلَى إِحْسَانِكَ إِلَيْهِ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٢٠ ص: ٣٣٤

٢-٥- عِلَّةُ عَدَمِ جَلْبِ الشُّكْرِ

١-٢-٥- البخل

﴿تشکر انسان از همنوع خود﴾

﴿۴۲۵۳﴾ پنج چیز است که ضایع و بیهوده است. ۱ - چراغی که در برابر آفتاب روشن نمایند که روغن مصرف می‌شود و از نورش استفاده نمی‌شود. ۲ - باران فراوانی که بر زمین شوره‌زار بیارد. باران آمده ولی زمین بازدهی ندارد. ۳ - غذای خوبی که در برابر شخص سیر بنهند که از آن بهره‌مند نمی‌شود. ۴ - زن زیبایی که برای عنین (کسی که قدرت آمیزش ندارد) به حجله گاه رود که مورد استفاده واقع نمی‌شود. ۵ - احسان و خدمتی که برای شخص ناسپاس انجام شود.

﴿۴۲۵۴﴾ پنج چیز است که ضایع و بیهوده است. ۱ - چراغی که در برابر آفتاب روشن نمایند که روغن مصرف می‌شود و از نورش استفاده نمی‌شود. ۲ - باران فراوانی که بر زمین شوره‌زار بیارد. باران آمده ولی زمین بازدهی ندارد. ۳ - غذای خوبی که در برابر شخص سیر بنهند که از آن بهره‌مند نمی‌شود. ۴ - زن زیبایی که برای عنین (کسی که قدرت آمیزش ندارد) به حجله گاه رود که مورد استفاده واقع نمی‌شود. ۵ - احسان و خدمتی که برای شخص ناسپاس انجام شود.

﴿۴۲۵۵﴾ سه چیز است که ریشه‌ی تمام مصیبت‌های کمر شکن است، از جمله: پادشاهی که اگر به او نیکی نمایی سپاسگزاری نکند و اگر بدی کنی از تو نگذرد.

﴿۴۲۵۶﴾ هیچ یک از رعایا در دوره‌ی آرامش هزینه‌شان به اندازه‌ی خواص نیست و اینان در دوره‌ی گرفتاری کمترین کمک را می‌کنند، انصاف را بر نمی‌تابند، با اصرار می‌خواهند و اگر به ایشان بدهی کمترین سپاسگزاری را دارند.

﴿۴۲۵۷﴾ در مقابل بخشش‌های حاکم، هیچ کس ناسپاس‌تر از خواص نیست.

۱-۲-۳- پناه‌بردن به خدا و طلب آمرزش به خاطر ناسپاسی

﴿۴۲۵۸﴾ خدایا، من به درگاه تو عذر می‌خواهم از اینکه ستم‌کشیده‌ای که در برابر من به او ستم رسیده و من او را یاری نکرده باشم و از لطف‌هایی که به من شده باشد و سپاس آن را به‌جا نیاورده باشم.

﴿۴۲۵۹﴾ خدایا، از... ناسپاسی درباره‌ی کسی که به ما نیکی نموده است به تو پناه می‌برم.

۴-۲- علت ناسپاسی

۱-۲-۴- حسادت

﴿۴۲۶۰﴾ آن کس که به تو حسادت می‌ورزد، حتی اگر به او احسان کنی سپاسگزار تو نخواهد بود.

۵-۲- علت مورد ناسپاسی قرار گرفتن

۱-۲-۵- بخل و خست

﴿شُكْرُ الْإِنْسَانِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

﴿٤٢٦١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: الْمُحْتَكِرُ الْبَخِيلُ جَامِعٌ لِمَنْ لَا يَشْكُرُهُ وَ قَادِمٌ عَلَى مَنْ لَا يَعْذِرُهُ؛

مستدرک الوسائل ج: ١٣ ص: ٢٧٦

٢-٥-٢- المِنَّةُ

﴿٤٢٦٢﴾ مَنْ مَنَّ بِمَعْرُوفِهِ اسْقَطَ شُكْرَهُ؛ غررالحكم ص: ٣٩٠

٢-٥-٣- مَنَعَ الْبِرِّ

﴿٤٢٦٣﴾ مَنْ مَنَعَ بَرًّا مَنَعَ شُكْرًا؛ غررالحكم ص: ٢٩٤

﴿٤٢٦٤﴾ أَحَقُّ النَّاسِ مَنْ يَمْنَعُ الْبِرَّ وَ يَطْلُبُ الشُّكْرَ وَ يَفْعَلُ الشَّرَّ وَ يَتَوَقَّعُ ثَوَابَ الْخَيْرِ؛

غررالحكم ص: ٧٧

٢-٥-٤- وَضَعَ الْمَالُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ وَ عِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهِ

﴿٤٢٦٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَمْ يَضَعْ امْرُؤٌ مَالَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ وَ عِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهِ إِلَّا حَرَمَهُ اللَّهُ

شُكْرَهُمْ وَ كَانَ لِغَيْرِهِ وَ دُهُمُ فَإِنْ بَقِيَ مَعَهُ مِنْهُمْ بَقِيَّةٌ مِمَّنْ يُظْهَرُ الشُّكْرُ لَهُ وَ يُرِيهِ النُّصْحَ فَإِنَّمَا

ذَلِكَ مَلَقٌ مِنْهُ وَ كَذِبٌ؛ وسائل الشيعة ج: ١٦ ص: ٣٠٠

﴿٤٢٦٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّهُ لَيْسَ مِنَ الشُّكْرِ لَوَاضِعٌ الْمَعْرُوفِ عِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهِ إِلَّا مَحْمَدَةَ

اللَّئَامِ وَ تَنَاءُ الْجَهَّالِ؛ وسائل الشيعة ج: ١٦ ص: ٣٠٢

٢-٥-٥- الشُّكْرُ عَلَى غَيْرِ إِحْسَانٍ

﴿٤٢٦٧﴾ مَنْ أَظْهَرَ شُكْرَكَ فِيمَا لَمْ تَأْتِ إِلَيْهِ فَاحْذَرْ أَنْ يَكْفُرَكَ فِيمَا أُسْدَيْتَ إِلَيْهِ؛

شرح نهج البلاغة ج: ٢٠ ص: ٣٠٥

﴿٤٢٦٨﴾ مَنْ شُكِرَ عَلَى الْإِسَاءَةِ سُخِرَ بِهِ؛ غررالحكم ص: ٣٤٤

﴿٤٢٦٩﴾ مَنْ شُكِرَ عَلَى غَيْرِ إِحْسَانٍ [مَعْرُوفٍ] ذُمَّ عَلَى غَيْرِ إِسَاءَةٍ؛ غررالحكم ص: ٤٦٧

﴿٤٢٧٠﴾ مَنْ شُكِرَ مِنْ غَيْرِ صَنِيعَةٍ فَلَا تَأْمَنُ دَمُّهُ مِنْ غَيْرِ قَطِيعَةٍ؛ غررالحكم ص: ٤٦٧

٢-٥-٦- مَنْ نَشْكُرُهُ؟

٢-٥-٦-١- الْإِخْوَانُ

﴿٤٢٧١﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ فِي الْإِنْسَانِ عَشْرَ خِصَالٍ يُظْهِرُهَا لِسَانُهُ شَاهِدٌ عَنْ

الضَّمِيرِ وَ حَاكِمٌ يَفْصِلُ بِهِ الْخِطَابُ وَ نَاطِقٌ يَرُدُّ بِهِ الْجَوَابَ وَ مُخْبِرٌ يَعْرِفُ بِهِ الصَّوَابَ وَ شَاهِدٌ

يُذَكِّرُ بِهِ

﴿تشکر انسان از همنوع خود﴾

﴿۴۲۶۱﴾ محترک بخیل جمع کننده‌ی مال است برای کسی که از او تشکر نمی‌کند و بر کسی وارد می‌شود که عذر او را نمی‌پذیرد.

۲-۵-۲- منت‌گذاردن

﴿۴۲۶۲﴾ هر که بخاطر احسان و لطف خود منت بگذارد شکر آن را از ضرورت انداخته است.

۲-۵-۳- ممانعت از عطا و بخشش

﴿۴۲۶۳﴾ هر که احسان نکند، شکر نخواهد شد.

﴿۴۲۶۴﴾ کم‌عقل‌ترین مردم کسی است که خیر نمی‌رساند و انتظار دارد از او تشکر کنند. و شر و بدی را مرتکب می‌شود و توقع پاداش و نتیجه‌ی نیکو دارد.

۲-۵-۴- مصرف نابجای مال و کمک

﴿۴۲۶۵﴾ کسی مال را نابجا مصرف نکند و به نااهل ندهد مگر اینکه خدا او را از قدردانی‌شان محروم سازد و محبتشان را به دیگری متمایل کند، و اگر کسی از آن‌ها که اظهار سپاسگزاری و خیرخواهی دید بداند که چاپلوسی می‌کنند و دروغ می‌گویند.

﴿۴۲۶۶﴾ آنکه کار خیر را در حق افراد غیر مستحق انجام دهد، چیزی جز ستودن افراد پست و تحسین افراد نادان به دست نمی‌آورد

۲-۵-۵- شکر بی‌دلیل

﴿۴۲۶۷﴾ اگر کسی بابت کاری که نکرده‌ای شکر کرد، مراقب باش که در مقابل نعمت ناسپاسی خواهد کرد.

﴿۴۲۶۸﴾ هر که در مقابل بدی سپاسگزاری کند، درواقع او را به تمسخر گرفته اند.

﴿۴۲۶۹﴾ هر که در مقابل بدی سپاسگزاری شود، در واقع او را به تمسخر گرفته اند. هر که بدون

دلیل وبدون دریافت احسان شکر کند، بدون دیدن بدی از تو زبان به تقبیح تو خواهد گشود.

﴿۴۲۷۰﴾ هر که از تو بدون دریافت احسان تشکر کند، ایمن مباش از اینکه بدون اینکه به او

بدی کرده باشی تو را مذمت واز تو بدگویی کند.

۲-۶- از چه کسی تشکر کنیم؟

۲-۶-۱- برادران

﴿۴۲۷۱﴾ ای مردم، همانا ده خصلت انسان که از زبانش بروز می‌کند: ۱ - شاهدهی که از درونش

گزارش دهد. ۲ - حاکمی که حرف آخر را می‌زند ۳ - ناطقی که پاسخ گوید. ۴ - خبردهنده‌ای که

به او درست از نادرست تشخیص داده می‌شود ۵ - گواهی که به وساطت او می‌توان به خواسته‌ها

دست یافت ۶ - توصیف‌کننده‌ای که هرچیزی را معرفی کند ۷ - اندرزدهنده‌ای که از بدی‌ها

﴿شُكْرُ الْإِنْسَانِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

الْحَاجَّةَ وَوَأَصْفُ يُعْرِفُ بِهِ الْأَشْيَاءَ وَوَأَعْظُ يُنْهَى عَنِ الْقَبِيحِ وَمَعِينٌ يُشْكِرُ بِهِ الْإِخْوَانَ وَحَاصِلُ
يُجَلِّي بِهِ الضَّعَائِنُ وَمُونَقُ يُلْهَى بِهِ الْإِسْتِمَاعُ؛ معدن الجواهر ص: ٧١

٢-٦-٢- الأم

﴿٢٧٢﴾ الرضا عليه السلام: وَاعْلَمْ أَنَّ حَقَّ الْأُمِّ أَلَزَمَ الْحُقُوقَ وَأَوْجَبُ لَأَنَّهَا حَمَلَتْ حَيْثُ لَا يَحْمِلُ
أَحَدٌ أَحَدًا وَوَقْتُ السَّمْعِ وَالْبَصَرِ وَجَمِيعِ الْجَوَارِحِ مَسْرُورَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ بِذَلِكَ فَحَمَلَتْهُ بِمَا فِيهِ
مِنَ الْمَكْرُوهِ الَّذِي لَا يَصْبِرُ عَلَيْهِ أَحَدٌ وَرَضِيَتْ بِأَنْ تَجُوعَ وَتَشْبَعُ وَتَظْمَأَ وَتَبْرُؤَ وَتَعْرِىَ وَ
يَكْتَسِيَ وَتُظَلِّلَهُ وَتَضْحَى فَلْيَكُنِ الشُّكْرُ لَهَا وَالْبَرُّ وَالرَّفْقُ بِهَا عَلَى قَدْرِ ذَلِكَ وَإِنْ كُنْتُمْ لَا
تُطِيقُونَ بِأَذْنَى حَقِّهَا إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٥ ص: ١٨٠

﴿٢٧٣﴾ السجاد عليه السلام: وَأَمَّا حَقُّ الرَّحِمِ فَحَقُّ أُمِّكَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهَا حَمَلَتْكَ حَيْثُ لَا يَحْمِلُ أَحَدٌ
أَحَدًا وَأَطْعَمَتْكَ مِنْ ثَمَرَةٍ قَلْبَهَا مَا لَا يُطْعِمُ أَحَدٌ أَحَدًا وَأَنَّهُا وَقَّتْكَ بِسَمْعِهَا وَبَصَرِهَا وَيَدِهَا وَ
رِجْلِهَا وَشَعْرَهَا وَبَشَرَهَا وَجَمِيعِ جَوَارِحِهَا مُسْتَبْشِرَةٌ بِذَلِكَ فَرَحَةٌ مُؤَبَّلَةٌ مُحْتَمِلَةٌ لِمَا فِيهِ
مَكْرُوهٌهَا وَاللُّمُهَا وَثِقَلُهَا وَغَمُّهَا حَتَّى دَفَعَتْهَا عَنْكَ يَدُ الْقُدْرَةِ وَأَخْرَجَتْكَ إِلَى الْأَرْضِ فَارْضِيَتْ
أَنْ تَشْبَعُ وَتَجُوعَ هِيَ وَتَكْسُوكَ وَتَعْرِىَ وَتُرْوِيكَ وَتَظْمِئَ وَتُظْلِكَ وَتَضْحَى وَتُنْعِمَكَ
بِبُؤْسِهَا وَتُلَذِّذَكَ بِالنُّومِ بَارِقِهَا وَكَانَ بَطْنُهَا لَكَ وَغَاءً وَحِجْرُهَا لَكَ حَوَاءً وَتَدْيِئُهَا لَكَ سَقَاءً
وَنَفْسُهَا لَكَ وَفَاءً تُبَاشِرُ حَرَّ الدُّنْيَا وَبَرْدَهَا لَكَ وَدُونَكَ فَتَشْكُرُهَا عَلَى قَدْرِ ذَلِكَ وَلَا تَقْدِرُ
عَلَيْهِ إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ وَتَوْفِيقِهِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ١٦٠

٢-٦-٣- الإمام العادل

﴿٢٧٤﴾ الكاظم عليه السلام: إِذَا كَانَ الْإِمَامُ عَادِلًا كَانَ لَهُ الْأَجْرُ وَعَلَيْكَ الشُّكْرُ وَإِذَا كَانَ جَائِرًا
كَانَ عَلَيْهِ الْوِزْرُ وَعَلَيْكَ الصَّبْرُ؛ تحف العقول ص: ٤١١

٢-٦-٤- إمامك في صلاتك

﴿٢٧٥﴾ السجاد عليه السلام: حَقُّ إِمَامِكَ فِي صَلَاتِكَ فَإِنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ تَقَلَّدَ السَّفَارَةَ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ
رَبِّكَ عَزَّ وَجَلَّ وَتَكَلَّمَ عَنْكَ وَلَمْ تَتَكَلَّمْ عَنْهُ وَدَعَا لَكَ وَلَمْ تَدْعُ لَهُ وَكَفَاكَ هَؤُلَاءِ الْمَقَامُ
بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَإِنْ كَانَ نَقْصٌ كَانَ بِهِ دُونَكَ وَإِنْ كَانَ تَمَامًا كُنْتَ شَرِيكَهُ وَلَمْ يَكُنْ
لَهُ عَلَيْكَ فَضْلٌ فَوَقَى نَفْسَكَ بِنَفْسِهِ وَصَلَاتَكَ بِصَلَاتِهِ فَتَشْكُرُ لَهُ عَلَى قَدْرِ ذَلِكَ؛

من لا يحضره الفقيه ج: ٢ ص: ٦٢٣

٢-٦-٥- الراضى عنك

﴿تشکر انسان از هم‌نوع خود﴾

باز دارد ۸ - ابزاری برای تشکر از برادران ۹ - محصولی که با آن کینه‌ها برطرف می‌شود ۱۰ - و صدای خوب و خوشایندی که گوش‌ها را سرگرم می‌کند.

۲-۶-۲ مادر

﴿۴۲۷۲﴾ بدان که حق مادر واجب‌تر و لازم‌ترین حقوق است، زیرا تو را در جایی حمل کرده که کسی دیگری نمی‌توانسته است چنین کند، و از تو با گوش و دیده و همه‌ی اندام خود در کمال رضایت و شادی محافظت کرده است و با همه‌ی ناگواری و سختی تو را با خود حمل کرده است، کاری که کمتر کسی آن را تحمل می‌کند، خواسته خودش گرسنه باشد و فرزندش سیر باشد و تشنه باشد و او سیراب گردد، و برهنه باشد و او لباس داشته باشد، و او را در مواقع لزوم به سایه و آفتاب برده است، باید تا جایی که توان داری با نیکی و نرمش از او تشکر کنی، اگر چه امکان ادای حقش را نداری مگر با کمک خدای تعالی.

﴿۴۲۷۳﴾ و اما حق خویشاوندان؛ حق مادرت این است که متوجه باشی تو را در جایی حمل کرده که کسی دیگری را حمل نکرده است و از میوه‌ی دلش به تو خورانده، درحالی‌که کسی به دیگری نخورانده و تو را با گوشش و چشمش و دستش و پایش و مویش و تنش و همه‌ی اندام‌هایش نگهداری کرده و بدان راضی، خشنود و شاد بوده رنج این بار را تحمل و درد و سنگینی و غم آن را با خود داشته تا دست قدرت خدا تو را از او جدا کرده و بر زمین آورده است باز هم خوش داشته تو سیر باشی و او گرسنه و تو در جامه و او برهنه و تو را بنوشاند و خود تشنه و تو را سایه دهد و خود در آفتاب به‌سختی، تو را نعمت بخشد و با بی‌خوابی‌اش تو را به خواب ناز کند، آغوشش جای تو بوده و دامنش فضای آرامگاه تو و پستانش مشک آبت و جان‌ش سپر جانت، سرد و گرم دنیا را برای تو در پای تو نوش کرده پس در حدّ توانت شکرگزارش باش حال آنکه نتوانی جز به یاری خدا و توفیق حضرت او.

۳-۶-۲ امام عادل

﴿۴۲۷۴﴾ وقتی امام و پیشوا عادل باشد برای او اجر و پاداش است و وظیفه‌ی تو شکر و سپاس. وقتی امام و پیشوا ستمگر بود برای او گناه است و وظیفه‌ی تو صبر.

۴-۶-۲ امام جماعت

﴿۴۲۷۵﴾ حق پیش‌نمازت این است که بدانی نماینده‌ی توست به درگاه خدا و از طرف تو سخن گفته و تو از طرف او سخن نگفتی و برای تو دعا کرده و تو برای او دعا نکرده‌ای و برای تو درخواست کرده و تو برایش درخواست نکردی و هراسِ ایستادن پیش خدا و درخواست از او را از طرف تو از طرف او اینکار را نکردی و اگر در این باره تقصیری است به عهده‌ی اوست نه تو؛ و اگر در کارش نقصی باشد تو در جرمش شریک نیستی و تو را بر او برتری نباشد زیرا او خود را حافظ تو نموده و نمازش را حافظ نمازت کرده و پس از او برای این امر تشکر کن.

۵-۶-۲ آن که از تو راضی است

﴿شُكْرُ الْإِنْسَانِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

﴿٢٧٦﴾ شُكْرُكَ لِلرَّاضِي [الرَّاضِي] عَنْكَ يَزِيدُهُ رِضًا وَوَفَاءً؛ غررالحكم ص: ٢٧٩

٢-٦-٦- السَّاحِطُ عَنْكَ

﴿٢٧٧﴾ شُكْرُكَ لِلسَّاحِطِ عَلَيْكَ يُوجِبُ لَكَ مِنْهُ صَلَاحًا وَتَعَطُّفًا؛ غررالحكم ص: ٢٨٠

٢-٦-٧- السُّلْطَانُ الْعَادِلُ

﴿٢٧٨﴾ الرسول ﷺ: السُّلْطَانُ ظِلُّ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ يَأْوِي إِلَيْهِ كُلُّ مَظْلُومٍ فَمَنْ عَدَلَ كَانَ لَهُ الْأَجْرُ وَ عَلَى الرَّعِيَّةِ الشُّكْرُ وَمَنْ جَارَ كَانَ عَلَيْهِ الْوِزْرُ وَ عَلَى الرَّعِيَّةِ الصَّبْرُ حَتَّى يَأْتِيَهُمُ الْأَمْرُ؛

بحار الأنوار ج: ٧٢ ص: ٣٥٤

٢-٦-٨- عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ رَاجِعٌ: مُحَمَّدٌ ﷺ وَ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ

﴿٢٧٩﴾ الباقر ﷺ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ فَقَالَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ عَلِيًّا أَحَدَ الْوَالِدَيْنِ الَّذِينَ قَالَ

اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَشْكُرُ لِي وَلِوَالِدَيْكَ؛ بحار الأنوار ج: ٣٦ ص: ١٢

٢-٦-٩- الْمُؤَذِّنُ

﴿٢٨٠﴾ السَّجَادُ ﷺ: حَقُّ الْمُؤَذِّنِ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ مُذَكِّرُكَ لَكَ رَبِّكَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ دَاعٍ لَكَ إِلَى حَظِّكَ وَ عَوْنِكَ عَلَى قَضَاءِ فَرْضِ اللَّهِ عَلَيْكَ فَاشْكُرْهُ عَلَى ذَلِكَ شُكْرَكَ لِلْمُحْسِنِ إِلَيْكَ؛

وسائل الشيعة ج: ١٥ ص: ١٧٥

٢-٦-١٠- الْمُحْسِنُ

﴿٢٨١﴾ السَّجَادُ ﷺ: حَقُّ أَهْلِ مِلَّتِكَ إِضْمَارُ السَّلَامَةِ وَ الرَّحْمَةِ لَهُمْ وَ الرَّفْقُ بِمُسِيئِهِمْ وَ تَأْلِفُهُمْ وَ اسْتِصْلَاحُهُمْ وَ شُكْرُ مُحْسِنِهِمْ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٢ ص: ٦٢٥

٢-٦-١١- مُحَمَّدٌ ﷺ وَ عَلَى بْنُ أَبِي طَالِبٍ

﴿٢٨٢﴾ الباقر ﷺ: رَسُولُ اللَّهِ وَ عَلَى الْوَالِدَانِ وَ أَمَرَ اللَّهُ ذُرِّيَّتَهُمَا بِالشُّكْرِ لَهُمَا؛ بحار الأنوار

ج: ٣٦ ص: ١٢

﴿٢٨٣﴾ المجتبي ﷺ: عَلَيْكَ بِالْإِحْسَانِ إِلَى قَرَابَاتِ أَبِي دِينِكَ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ إِنْ أَضَعْتَ قَرَابَاتِ أَبِي نَسَبِكَ فَإِنَّ شُكْرَ هَؤُلَاءِ إِلَى أَبِي دِينِكَ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَتَمُّ لَكَ مِنْ شُكْرِ هَؤُلَاءِ إِلَى أَبِي نَسَبِكَ إِنْ قَرَابَاتِ أَبِي دِينِكَ إِذَا شَكَرَكَ عِنْدَهُمَا بِأَقْلٍ قَلِيلٍ يُظْهِرُهُمَا لَكَ يَحْطُ عَنْكَ ذُنُوبَكَ وَ لَوْ كَانَتْ مِائَةً مَا بَيْنَ الثَّرَى إِلَى الْعَرْشِ وَ إِنْ قَرَابَاتِ أَبِي نَسَبِكَ إِنْ شَكَرُوكَ عِنْدَهُمَا وَ قَدْ ضَيَّعْتَ قَرَابَاتِ أَبِي دِينِكَ لَمْ يُغْنِيَا عَنْكَ فِتْيَالًا؛ مستدرک الوسائل

ج: ١٢ ص: ٣٧٨

﴿تشکر انسان از همنوع خود﴾

﴿۴۲۷۶﴾ شکر کردن تو کسی را که راضی و خشنود باشد از تو، زیاد می کند خشنودی و وفاداری او را نسبت به تو.

۲-۶-۶ آن که از تو خشمگین است

﴿۴۲۷۷﴾ شکر کردن تو کسی را که خشمناک باشد بر تو واجب می شود تا از جانب او برایت صلاح و مهربانی روا گردد.

۲-۶-۷ پادشاه عادل

﴿۴۲۷۸﴾ سلطان عادل سایه‌ی خداست در زمین که هر ستم‌دیده‌ای به او پناه می برد پس سلطانی که عادلانه رفتار کند اجر دارد و بر رعیت واجب است که از سلطان عادل سپاسگزاری کنند و اگر سلطانی ستم کند گناه ستم بر اوست و بر رعیت لازم است که صبر و شکیبایی کند تا مرگ آن ظالم برسد.

۲-۶-۸ علی علیه السلام و ر.به: محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام

﴿۴۲۷۹﴾ وارد شدم بر امام پنجم علیه السلام و فرمود: آیا نمی دانی که علی علیه السلام یکی از والدین است که خدا عزیز و جلیل فرموده: برای من و برای پدر و مادرت شکر به جا آور.

۲-۶-۹ اذان گو

﴿۴۲۸۰﴾ حق اذان گو این است که بدانی او تو را به یاد پروردگارت می آورد و به بهره بردن فرامی خواند و بر انجام فریضه‌ای که خدا بر تو لازم کرده یار توست. چون تشکر از احسان کننده از او سپاسگزاری کن.

۲-۶-۱۰ نیکوکار

﴿۴۲۸۱﴾ حق هم‌دینان تو بر تو آن است که در دل خود برای آنان سلامت و رحمت بخواهی، و با بدکار ایشان مهربان، و با همه‌ی آنان مهربان باشی، و به اصلاحشان پردازی و از نیکوکارشان سپاسگزاری کنی.

۲-۶-۱۱ محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام

﴿۴۲۸۲﴾ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام دو پدر امتند و خداوند به فرزندان آن‌ها امر کرده که آن‌ها را سپاس بگذارند.

﴿۴۲۸۳﴾ لازم است بر تو نیکی به خویشاوندان دو پدر دینی‌ات محمد و علی، گرچه حق خویشاوندان پدر و مادرت را ضایع کرده باشی مبدا رعایت حق خویشاوندان پیامبر را واگذاری به تلافی خویشاوندان نژادی خود، زیرا سپاس خویشاوندان پدران دینی محمد و علی پیش آن‌ها برایت سود بیشتری دارد از سپاس خویشاوندان پدر و مادر نژادی پیش آن‌ها، چون خویشاوندان پدران دینی وقتی تو را سپاس گزارند در نزد پیامبر و علی علیه السلام با کوچک‌ترین سپاسی یک توجه آن‌ها موجب از بین رفتن گناهانت می شود گرچه به اندازه فاصله‌ی زمین تا عرش باشد. اما اگر خویشاوندان پدر و مادر نژادی از تو سپاسگزاری کنند پیش آن‌ها در صورتی که حق خویشاوندان پیامبر را ضایع کرده باشی نمی توانند ذره‌ای از تو رفع نیاز کنند.

﴿۱۲۱۵﴾

﴿شُكْرُ الْإِنْسَانِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

﴿٤٢٨٤﴾ الْعَسْكَرِيُّ الْحَمْدُ لِلَّهِ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَبِالْوَدَّيْنِ إِحْسَانًا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَفْضَلُ وَالِدَيْكُمْ
وَأَحَقُّهُمَا بِشُكْرِكُمْ مُحَمَّدٌ وَعَلَى؛ بحار الأنوار ج: ٣٦ ص: ٨٠

﴿٤٢٨٥﴾ الْعَسْكَرِيُّ ^{عليه السلام}: وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ^ﷺ أَفْضَلُ وَالِدَيْكُمْ وَ أَحَقُّهُمَا لَشُكْرِكُمْ مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ؛ بحار الأنوار ج: ٢٣ ص: ٢٥٩
١-١١-٢- تعجز الألسن عن وصف شكر النبي ^ﷺ

﴿٢٢٨٤﴾ الرضا عليه السلام: مَا أَنْصَفُوا نَبِيَّ اللَّهِ فِي حَيْطَتِهِ وَرَأْفَتِهِ وَمَا مِنْ اللَّهِ بِهِ عَلَى أُمَّتِهِ مِمَّا تَعَجُّزُ الْإِنْسَانُ عَنْ وَصْفِ الشُّكْرِ عَلَيْهِ أَنْ لَا يُؤَدِّهِ فِي ذُرِّيَّتِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، بحار الأنوار ج: ٢٥ ص: ٢٢٧

١٢-٦-٢- المُشِيرُ

﴿٤٢٨٧﴾ السَّجَادَةُ: وَ أَمَّا حَقُّ الْمَشِيرِ إِلَيْكَ فَلَا تَهْتَمُّ بِمَا يُوقِفُكَ عَلَيْهِ مِنْ رَأْيِهِ إِذَا أَسَارَ عَلَيْكَ فَإِنَّمَا هِيَ الْأَرَاءُ وَ تَصَرُّفُ النَّاسِ فِيهَا وَ اخْتِلَافُهُمْ فَكُنْ عَلَيْهِ فِي رَأْيِهِ بِالْخِيَارِ إِذَا أَتَهَّمْتَ رَأْيَهُ فَأَمَّا تَهْمَتُهُ فَلَا تَجُوزُ لَكَ إِذَا كَانَ عِنْدَكَ مِمَّنْ يَسْتَحِقُّ الْمُشَاوَرَةَ وَ لَا تَدْعُ شُكْرَهُ عَلَى مَا بَدَأَ لَكَ مِنْ إِشْخَاصِ رَأْيِهِ وَ حُسْنِ مَشُورَتِهِ فَإِذَا وَافَقَكَ حَمِدْتَ اللَّهَ وَ قَبِلْتَ ذَلِكَ مِنْ أَخِيكَ بِالشُّكْرِ وَ الْإِرْصَادِ بِالْمُكَافَاةِ فِي مِثْلِهَا إِنْ فَرَعَ إِلَيْكَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ١٦٦

١٣-٦-٢- المضيف

﴿٤٢٨٨﴾ السَّجَادُ (عليه السلام): وَاللَّهُ اللَّهُ فِي الضَّيْفِ لَا يَنْصَرِفَنَّ إِلَّا شَاكِرًا لَكُمْ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٦ ص: ٢٤٠

١٤-٦-٢- المَعْطَى

﴿٤٢٨٩﴾ السَّجَادُ السَّجْدَةُ: أَمَّا حَقُّ الْمَسْئُولِ فَحَقُّهُ إِنْ أُعْطِيَ قِيلَ مِنْهُ مَا أُعْطِيَ بِالشُّكْرِ لَهُ؛ تحف العقول ص: ٢٦٩

١٥-٦-٢- المنع

﴿٤٢٩﴾ السَّجَادُ (عليه السلام): يَا بُنَيَّ اشْكُرْ لِمَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ وَ أَنْعِمْ عَلَى مَنْ شَكَرَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٤٦ ص: ٢٣١

﴿٤٢٩﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: تَلَقَّوْا النِّعَمَ يَا سَدِيرُ بَحْسُنْ مُجَاوِرَتَهَا وَ اشْكُرُوا مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكُمْ وَ
 أَنْعِمُوا عَلَى مَنْ شَكَرَكُمْ فَإِنَّكُمْ إِذَا كُنْتُمْ كَذَلِكَ اسْتَوْجِبْتُمْ مِنَ اللَّهِ الزِّيَادَةَ وَ مِنْ إِخْوَانِكُمْ
 الْمُنَاصَحَةَ ثُمَّ تَلَا لَنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ؛ وسائل الشيعة ج: ١٦ ص: ٣٢٨

﴿تشکر انسان از هم‌نوع خود﴾

﴿۴۲۸۴﴾ خدای تعالی فرموده است: [و بالوالدین احسانا] یعنی نیکویی کردن به پدر و مادر را سفارش کرده است. پیامبر خدا ﷺ فرمود: برترین پدر و مادر شما، و سزاوارترین ایشان به سپاسگزاری کردن محمد و علی علیهما السلام هستند.

﴿۴۲۸۵﴾ در مورد آیه "و بالوالدین إِحْسَانًا" نقل می‌کند که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: بهترین و سزاوارترین پدر و مادر شما به جهت سپاسگزاری، محمد و علی علیهما السلام هستند.

۱-۱-۲-۶-۱۱-۱ زبان از شکرگزاری پیامبر ﷺ ناتوان است

﴿۴۲۸۶﴾ در مورد پیامبر ﷺ به انصاف رفتار نکردند با وجود تمام موقعیت آن جناب و رأفتش و نعمت‌هایی که زبان از شکر آن عاجز است و خداوند به خاطر او بر امتش ارزانی داشت، لکن حق دوستی و محبت لازم را با خاندان و فرزندان او آن‌چنان که شایسته‌ی آن بودند به‌جا نیاوردند.

۱۲-۲-۶-۱۲ مشورت‌دهنده

﴿۴۲۸۷﴾ حق مستشار (کسی که با او مشورت می‌کنی) این است که اگر رأی ناموافق داد متهمش نکنی، که البته نظرات مختلف است و تو در به‌کار بستن نظر او آزادی، و چنانچه شایسته‌ی مشورتش دانستی حق اتهامش را نداری، بلکه باید از اظهار نظر و پذیرش مشورتش تشکر کنی، اگر رأی موافق (صواب) داد باید خدای را سپاسگزاری و از او با تشکر بپذیری و در فکر تلافی (این محبت) باشی که اگر روزی با تو مشورت کرد جبران کنی، و هیچ توانی نیست مگر با تکیه بر خدا.

۱۳-۲-۶-۱۳ میزبان، صاحب‌خانه

﴿۴۲۸۸﴾ خدا را خدا را در رفتار تان با مهمان در نظر بگیرید و از منزل شما برنگردد مگر اینکه سپاسگزار شما باشد.

۱۴-۲-۶-۱۴ عطاکننده

﴿۴۲۸۹﴾ اما حق کسی که از او چیزی بخواهند این است که اگر عطا کرد با تشکر و قدردانی از او بپذیرد.

۱۵-۲-۶-۱۵ بخشنده‌ی نعمت

﴿۴۲۹۰﴾ ای فرزند من، شکر کن کسی را که بر تو لطفی کرده، و لطف کن بر کسی که سپاسگزار توست.

﴿۴۲۹۱﴾ ای سدید، نعمت‌های الهی را با همراهی شایسته و سپاسگزاری فراگیرید و از کسی که به شما احسان نموده تشکر کنید و به کسی که از احسان شما تشکر می‌کند بخشش کنید که اگر چنین کنید سزاوار دریافت افزونی نعمت از خدا و خیرخواهی از جانب برادران ایمانی می‌شوید. سپس آیه‌ی "اگر شکر کنید خدا بر شما می‌افزاید" را تلاوت فرمود.

﴿شُكْرُ الْإِنْسَانِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

١٦-٢-٦- من بَدَلَ لَكَ جُهْدَ عِنَايَتِهِ

﴿٢٩٢﴾ من بَدَلَ لَكَ جُهْدَ عِنَايَتِهِ فَأَبْدَلْ لَهُ جُهْدَ شُكْرِكَ؛ غررالحكم ص: ٢٧٨

١٧-٢-٦- من جَرَتْ تِلْكَ النِّعْمَةُ عَلَى يَدِهِ

﴿٢٩٣﴾ الرسول ﷺ: إِنَّهُ لَيُؤْتَى بِعَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيَقَالُ لَهُ أُوتِيتَ ذَلِكَ عَلَى يَدَيْهِ فَيَقُولُ بَلْ يَكُونُ جَعَلْتُ شُكْرَ ذَلِكَ كُلِّهِ لِلَّهِ فَيَقَالُ لَهُ لَمْ تَشْكُرِ اللَّهَ إِذْ لَمْ تَشْكُرْ مَنْ أَجْرَى اللَّهَ ذَلِكَ عَلَى يَدَيْهِ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: فَمَنْ أُوتِيَ خَيْرًا عَلَى يَدَيِّ أَخِيهِ أَوْ صَنَعَ إِلَيْهِ صَانِعٌ مَعْرُوفًا فَلْيَذْكُرْهُ فَإِذَا ذَكَرَهُ فَقَدْ شَكَرَهُ وَإِذَا كَتَمَهُ فَقَدْ كَفَرَهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٥٧

﴿٢٩٤﴾ الصادق عليه السلام: وَ مِنْ حَقِّ شُكْرِ نِعْمَةِ اللَّهِ أَنْ يَشْكُرَ بَعْدَ شُكْرِهِ مَنْ جَرَتْ تِلْكَ النِّعْمَةُ عَلَى يَدِهِ؛ بشارة المصطفى ص: ٢٢٢

﴿٢٩٥﴾ الرسول ﷺ: يُؤْتَى الْعَبْدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيُوقَفُ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَيَأْمُرُ بِهِ إِلَى النَّارِ فَيَقُولُ أَيْ رَبِّ أَمَرْتُ بِى إِلَى النَّارِ وَقَدْ قَرَأْتُ الْقُرْآنَ فَيَقُولُ اللَّهُ أَيْ عَبْدِى إِنِّى قَدْ أَنْعَمْتُ عَلَيْكَ وَ لَمْ تَشْكُرْ نِعْمَتِى فَيَقُولُ أَيْ رَبِّ أَنْعَمْتَ عَلَىَّ بِكَذَا وَ شَكَرْتُكَ بِكَذَا وَ أَنْعَمْتَ عَلَىَّ بِكَذَا وَ شَكَرْتُكَ بِكَذَا فَلَا يَزَالُ يُحْصَى النِّعْمَةُ وَ يُعَدَّدُ الشُّكْرُ فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى صَدَقْتَ عَبْدِى إِلاَّ أَنَّكَ لَمْ تَشْكُرْ مَنْ أَجْرَيْتَ لَكَ (النِّعْمَةَ عَلَى يَدَيْهِ) وَ إِنِّى قَدْ آلَيْتُ عَلَى نَفْسِى أَنْ لَا أَقْبَلَ شُكْرَ عَبْدٍ لِنِعْمَةٍ أَنْعَمْتُهَا عَلَيْهِ حَتَّى يَشْكُرَ مَنْ سَاقَهَا مِنْ خَلْقِى إِلَيْهِ؛ وسائل الشيعة ج: ١٦ ص: ٣١٢

﴿٢٩٦﴾ الصادق عليه السلام: فَإِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الْعَطَاءَ مَحَبَّةً وَ الْمَنَعَ مَبْغَضَةً فَأَنْتُمْ وَ اللَّهُ إِنْ تَسْأَلُونِى أُعْطِيَكُمْ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ لَا تَسْأَلُونِى فَلَا أُعْطِيَكُمْ فَتَبْغِضُونِى وَ مَهْمَا أَجْرَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَكُمْ مِنْ شَيْءٍ عَلَى يَدِى فَالْمَحْمُودُ اللَّهُ تَعَالَى وَ لَا تَبْغُذُونِ مِنْ شُكْرِ مَا أَجْرَى اللَّهُ لَكُمْ عَلَى يَدِى؛

بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٤٨

١٨-٢-٦- من دَلَّكُمْ عَلَى النِّعْمَةِ

﴿٢٩٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَحْسِنُوا جِوَارَ نِعَمِ الدِّينِ وَ الدُّنْيَا بِالشُّكْرِ لِمَنْ دَلَّكُمْ عَلَيْهَا؛

مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٧٠

١٩-٢-٦- من دُونَكَ

﴿٢٩٨﴾ شُكْرَ مَنْ دُونَكَ بِسَبَبِ [بِسَبَبِ] الْعَطَاءِ؛ غررالحكم ص: ٢٧٩

٢٠-٢-٦- مَنْ سَرَّكَ لِلَّهِ

﴿تشکر انسان از همنوع خود﴾

۱۶-۲-۶- هر کس برای تو نهایت توانایی خود را نثار کند

﴿۴۲۹۲﴾ هر که بیشترین لطف را به تو کرد، بیشترین سپاسگزاری را از او انجام ده.

۱۷-۲-۶- کسی که نعمت خداوند به وسیله‌ی او به بنده رسیده باشد

﴿۴۲۹۳﴾ بنده‌ای را در روز قیامت می‌آورند و می‌گویند: این چیز به‌وسیله‌ی فلانی به تو داده شد می‌گوید: آری و همه‌ی شکر آن را نسبت به خدا انجام دادم. به او گفته می‌شود: اگر از کسی که به‌وسیله‌ی او نعمت به تو رسیده است تشکر نکنی از خدا نیز تشکر نکرده‌ای؛ سپس پیامبر خدا ﷺ فرمود: اگر به کسی از طریقی برادرش خیری برسد یا کسی به او نیکی کند باید که او را یاد کند، آنگاه که او را یاد کند خدا را شکر کرده و اگر آن را انکار کند کفران کرده است. ﴿۴۲۹۴﴾ و از حق شکر نعمت خدای تعالی برای کسی که این نعمت در اختیارش قرار گرفته است آن است که بعد از شکر نیز شکر کند.

﴿۴۲۹۵﴾ روز قیامت بنده‌ای را می‌آورند و در پیشگاه عدل پروردگار قرار می‌دهند، خداوند امر می‌کند او را به طرف دوزخ ببرند. آن مرد می‌گوید خدایا، امر می‌کنی که مرا به دوزخ ببرند؟ من قرآن تلاوت می‌کردم، خداوند می‌فرماید: من به تو نعمت دادم ولی تو شکر آن را به‌جای نیاوردی، او می‌گوید: خدایا، تو نعمت عطا کردی و من هم شکر نمودم و او همچنین نعمت‌ها و شکر خود را برمی‌شمرد. خداوند هم در پاسخ اومی فرماید: تو راست می‌گویی ولی شکر آن کسی را که نعمت من توسط او به شما رسید ادا نکردی و من با خود عهد کرده‌ام، شکر کسانی را که از واسطه‌ی نعمت شکر نکنند نپذیرم.

﴿۴۲۹۶﴾ خداوند عطا و بخشش را عامل جلب محبت و امساک و بخل را عامل جلب بغض و کینه قرار داده است؛ به خدا سوگند، اگر شما از من چیزی بخواهید به شما می‌دهم، و این عمل نزد من محبوب‌تر است از اینکه شما چیزی درخواست کنید و من ندهم و نبخشم و در نتیجه‌ی بغض و بی‌مهری شما را جلب کنم. و هر وقت که خداوند متعال با دست من چیزی به شما برساند. آن‌که واقعاً شایسته‌ی ستایش است خدای بلندمرتبه است. و شما هرگز از شکر نعمتی که خداوند به دست من جاری ساخته سرباز نزنید.

۱۸-۲-۶- کسی که شما را به سوی نعمت راهنمایی می‌کند

﴿۴۲۹۷﴾ در اختیار داشتن نعمت‌های دنیا و آخرت را با شکر کردن از کسی که واسطه‌ی رسیدن این نعمت به شما بوده است، به خوبی همراهی کنید.

۱۹-۲-۶- کسی که پست‌مرتبه‌تر از تو باشد

﴿۴۲۹۸﴾ شکر کسی که پست مرتبه‌تر از تو باشد منجر به جاری شدن خیر و عطاست.

۲۰-۲-۶- کسی که تو را برای خدا شادمان کرده باشد

﴿۱۲۱۹﴾

﴿٤٢٩٩﴾ السَّجَادَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: حَقٌّ مِنْ سِرِّكَ لِلَّهِ تَعَالَى أَنْ تَحْمَدَ اللَّهَ تَعَالَى أَوَّلًا ثُمَّ تَشْكُرَهُ؛

من لا يحضره الفقيه ج: ٢ ص: ٦٢٥

۲۱-۶-۲- مَنْ فَوْقَ

﴿٤٣٠﴾ شُكْرُ مَنْ فَوْقَكَ بِصِدْقِ الْوَلَاءِ؛ غررالحكم ص: ٢٧٩

۲۲-۶-۲- مَنْ لَا يَمْنَعُ مَزِيدَكَ

﴿٤٣٠﴾ أَحَقُّ مِنْ شَكَرْتُمْ مَنْ لَا يَمْنَعُ مَزِيدَكَ؛ غررالحکم ص: ٣٨٧

٢٣-٦-٢- الوالدین

﴿٤٣٠﴾ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَ

لِوَالِدَيْكَ إِلَى الْمَصْرِ؛ لقمان: الآية ١٤

﴿٤٣٠﴾ الباقِر (عليه السلام): دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ فَقَالَ مَا عَلِمْتَ أَنْ عَلَيًّا أَحَدَ الْوَالِدَيْنِ اللَّذَيْنِ قَالَ

اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَشْكُرُ لِي وَلِوَالِدَيْكَ؛ بحار الأنوار ج: ٣٦ ص: ١٢

(٤٣٠٤) الرضا عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ أَمَرَ بِثَلَاثَةِ مَقْرُونٍ بِهَا ثَلَاثَةُ أُخْرَى أَمَرَ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ فَمَنْ صَلَّى

وَلَمْ يُزَكِّ لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ صَلَاتُهُ وَأَمَرَ بِالشُّكْرِ لَهُ وَلِلْوَالِدَيْنِ فَمَنْ لَمْ يَشْكُرْ وَالِدَيْهِ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ وَ

أَمَرَ بِاتِّقَاءِ اللَّهِ وَصِلَةِ الرَّحِمِ فَمَنْ لَمْ يَصِلْ رَحِمَهُ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ؛ وسائل الشيعة ج: ٩ ص: ٢٥

﴿٣٠٥﴾ الباقِرُ (عليه السلام): رَسُولُ اللَّهِ وَ عَلِيُّ الْوَالِدَانِ وَ أَمَرَ اللَّهُ ذُرِّيَّتَهُمَا بِالشُّكْرِ لَهُمَا؛ بحار الأنوار

ج: ۳۶ ص: ۱۲

﴿٤٣٠٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام سَأَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى أَنْ أَشْكُرَ لِي وَلَوْلَا دَيْكَ إِلَيَّ

الْمُصِيرُ فَقَالَ الْوَالِدَانِ لِلَّذَانِ أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُمَا الشُّكْرَ هُمَا اللَّذَانِ وَلَدَا الْعِلْمَ وَوَرِثَا الْحُكْمَ وَ أَمْرَ

النَّاسُ بِطَاعَتِهِمَا؛ الكافي ج: ١ ص: ٢٢٨

﴿٤٣٠٧﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: يَجِبُ لِلْوَالِدَيْنِ عَلَى الْوَلَدِ ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ شَكَرُهُمَا عَلَى كُلِّ حَالٍ وَطَاعَتُهُمَا

فِيمَا يَأْمُرَانِهِ وَيَنْهِيَانِهِ عَنْهُ فِي غَيْرِ مَعْصِيَةِ اللَّهِ وَنَصِيحَتُهُمَا فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ؛ تَحْفَ الْعُقُولُ

ص: ۳۲۲

٢٧- ما نَشْكُرُ؟ (ما هِيَ الْأُمُورُ الَّتِي يَنْبَغِي أَنْ نَشْكُرَ الْأَخْرَيْنَ عَلَيْهَا؟ أَوْ مَا هِيَ الْأُمُورُ

الَّتِي نَكَّرَ مِنْ أَجْلِهَا؟

١-٧-٢- الإحسان

﴿٤٣٠٨﴾ أَحْسِنُ تَشْكُرُ؛ غررالحکم ص: ٣٨٦

﴿تشکر انسان از همنوع خود﴾

﴿۴۲۹۹﴾ حق کسی که تو را برای خدا به چیزی خشنود سازد این است که، اول خدا را حمد کنی و سپس از او تشکر نمایی.

۲۱-۲-۶- کسی که بلندمرتبه‌تر از تو باشد

﴿۴۳۰۰﴾ شکر کسی که بلندمرتبه‌تر از تو باشد دوستی صادقانه است.

۲۲-۲-۶- کسی که مانع افزونی نعمت تو نشود

﴿۴۳۰۱﴾ سزاوارترین فرد برای آنکه از او تشکر کنی کسی است که بعد از شکر تو افزایش نعمت را از تو دریغ نکند.

۲۳-۲-۶- پدر و مادر

﴿۴۳۰۲﴾ و ما به انسان درباره‌ی پدر و مادرش سفارش کردیم مادرش او را با ناتوانی بعد از ناتوانی حمل کرد (به‌هنگام بارداری هر روز رنج و ناراحتی تازه‌ای را متحمل می‌شد)، و دوران شیرخوارگی او در دوسال پایان می‌یابد (آری به او توصیه کردم) که برای من و برای پدر و مادرت شکر به‌جا آور که بازگشت (همه‌ی شما) به‌سوی من است.

﴿۴۳۰۳﴾ وارد شدم بر امام پنجم علیه السلام و فرمود: آیا نمی‌دانی که علی علیه السلام یکی از والدین است که خدا عزیز و جلیل فرموده: برای من و برای پدر و مادرت شکر به‌جا آور.

﴿۴۳۰۴﴾ خداوند امر کرد که به سه چیز دیگر که پیوسته‌اند به نماز و زکات باهم امر کرد پس هرکس نماز بخواند و زکات ندهد نمازش پذیرفته نیست و به شکر بر خودش و بر پدر و مادر باهم امر کرد پس هرکس از پدر و مادر قدردانی نکند خداوند را شکر نکرده‌است و به ترسیدن از خدا و صله‌ی رحم با هم امر کرد پس اگر کسی صله‌ی رحم نکند، از خداوند متعال ترسیده و بیمناک نبوده است.

﴿۴۳۰۵﴾ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام دو پدر امتند و خداوند به فرزندان آن‌ها امر کرده که آن‌ها را سپاس بگذارند.

﴿۴۳۰۶﴾ از امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال کرد از تفسیر آیه‌ی: "برای من و برای پدر و مادرت شکر به‌جا آور که بازگشت (همه‌ی شما) به‌سوی من است" فرمود: پدر و مادری را که خداوند تشکر و سپاس از ایشان را لازم شمرده آن پدر و مادری هستند که موجب علم و حکمت شدند و دستور اطاعت از آن‌ها را داده.

﴿۴۳۰۷﴾ سه چیز بر فرزند نسبت به پدر و مادر واجب است: ۱- سپاسگزاری از آن‌ها در هر حال.

۲- اطاعت از آن‌ها در امر و نهی که می‌کنند اما نه آنکه در راه معصیت و مخالفت خدا باشد. ۳- در پنهان و آشکار خیرخواه آن‌ها باشد.

۷-۲- چه چیزی را شکر کنیم؟ (کدام امور سزاوارند که بر آن‌ها از دیگران تشکر کنیم؟)

۱-۷-۲- لطف و احسان

﴿۴۳۰۸﴾ احسان کن تا در مقابل احسانت از تو سپاسگزاری شود.

﴿شُكْرُ الْإِنْسَانِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

﴿٤٣٠٩﴾ أَطْلُ يَدَكَ فِي مَكَافَاةٍ مَنْ أَحْسَنَ إِلَيْكَ فَإِنْ لَمْ تَقْدِرْ فَلَا أَقْلَ مِنْ أَنْ تَشْكُرَهُ؛

غررالحكم ص: ٣٨٥

﴿٤٣١٠﴾ الرسول ﷺ: أَرْبَعَةٌ لَيْسَ غِيبَتُهُمْ غَيْبَةُ الْفَاسِقِ الْمُعْلَنُ بِسِقْفِهِ وَ الْإِمَامُ الْكَذَّابُ إِنْ أَحْسَنْتَ لَمْ يَشْكُرْ وَ إِنْ أَسَأْتَ لَمْ يَغْفِرْ وَ الْمُتَفَكِّهُونَ بِالْأَمَهَاتِ وَ الْخَارِجُ مِنَ الْجَمَاعَةِ الطَّاعِنُ عَلَى أُمَّتِي الشَّاهِرُ عَلَيْهَا سَيْفُهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ٩ ص: ١٢٨

﴿٤٣١١﴾ امير المؤمنين ﷺ: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي زَوْجَةً صَالِحَةً وَ دُودًا وَ لُودًا شُكُورًا قَنُوعًا غَيُورًا إِنْ أَحْسَنْتُ شَكَرْتَ؛ بحار الأنوار ج: ١٠٠ ص: ٢٦٨

﴿٤٣١٢﴾ امير المؤمنين ﷺ: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي زَوْجَةً وَ دُودًا وَ لُودًا شُكُورًا غَيُورًا إِنْ أَحْسَنْتُ شَكَرْتَ وَ إِنْ أَسَأْتُ غَفَرْتَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٦ ص: ٣٢٥

﴿٤٣١٣﴾ السجاد ﷺ: أَمَّا حَقُّ أَهْلِ مِلَّتِكَ عَامَّةً فَاضْمَارُ السَّلَامَةِ وَ نَشْرُ جَنَاحِ الرَّحْمَةِ وَ الرَّفْقُ بِمُسِيئِهِمْ وَ تَأْلُفُهُمْ وَ اسْتِصْلَاحُهُمْ وَ شُكْرُ مُحْسِنِهِمْ إِلَى نَفْسِهِ وَ إِلَيْكَ؛ تحف العقول ص: ٢٧١

﴿٤٣١٤﴾ الرسول ﷺ: ثَلَاثَةٌ هُنَّ أُمُّ الْفَوَاقِرِ سُلْطَانُ إِنْ أَحْسَنْتَ إِلَيْهِ لَمْ يَشْكُرْ وَ إِنْ أَسَأْتَ إِلَيْهِ لَمْ يَغْفِرْ؛ بحار الأنوار ج: ٧١ ص: ١٥١

﴿٤٣١٥﴾ السجاد ﷺ: حَقُّ أَهْلِ مِلَّتِكَ إِضْمَارُ السَّلَامَةِ وَ الرَّحْمَةُ لَهُمْ وَ الرَّفْقُ بِمُسِيئِهِمْ وَ تَأْلُفُهُمْ وَ اسْتِصْلَاحُهُمْ وَ شُكْرُ مُحْسِنِهِمْ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٢ ص: ٦٢٥

﴿٤٣١٦﴾ مَنْ حَسَدَكَ لَمْ يَشْكُرْكَ عَلَى إِحْسَانِكَ إِلَيْهِ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٢٠ ص: ٣٣٤

٢-٧-٢- الإغطاء

﴿٤٣١٧﴾ السجاد ﷺ: أَمَّا حَقُّ الْمَسْئُولِ فَحَقُّهُ إِنْ أَعْطِيَ قَبْلَ مِنْهُ مَا أَعْطِيَ بِالشُّكْرِ لَهُ؛ تحف العقول ص: ٢٦٩

﴿٤٣١٨﴾ السجاد ﷺ: حَقُّ الْمَسْئُولِ إِنْ أَعْطِيَ فَاقْبَلْ مِنْهُ بِالشُّكْرِ وَ الْمَعْرِفَةِ بِفَضْلِهِ وَ إِنْ مَنَعَ فَاقْبَلْ عُدْرَهُ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٢ ص: ٦٢٥

﴿٤٣١٩﴾ الصادق ﷺ: إِنْ فَقِيرًا سَأَلَ الصَّادِقَ ﷺ فَقَالَ: لِعَبْدِهِ مَا عِنْدَكَ قَالَ أَرْبَعُمِائَةِ دِرْهَمٍ قَالَ أَعْطِهِ إِيَّاهَا فَأَعْطَاهُ فَأَخَذَهَا وَ وَلَّى شَاكِرًا فَقَالَ لِعَبْدِهِ أَرْجِعْهُ فَقَالَ يَا سَيِّدِي سَأَلْتُ فَأَعْطَيْتَ فَمَاذَا بَعْدَ الْعَطَاءِ فَقَالَ لَهُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ خَيْرُ الصَّدَقَةِ مَا أَبْقَتْ غِنًى وَ أَنَا لَمْ نُغْنِكَ فَخُذْ هَذَا الْخَاتَمَ فَقَدْ أَعْطَيْتُ فِيهِ عَشْرَةَ آلَافِ دِرْهَمٍ فَإِذَا اخْتَجْتَ فَبِعْهُ بِهَذِهِ الْقِيَمَةِ؛ مستدرک الوسائل ج: ٧ ص: ١٧٧

﴿تشکر انسان از هم‌نوع خود﴾

﴿۴۳۰۹﴾ دست خود را برای عوض دادن به کسی که به تو احسان کرده است دراز کن. ولی اگر توانایی نداشته باشی حداقل در تشکر کردن از او کوتاهی نکن.

﴿۴۳۱۰﴾ چهار دسته‌اند که مشمول ممنوعیت غیبت نمی‌شوند: فاسقی که آشکارا مرتکب اعمال حرام می‌شود، پیشوایی که دروغ می‌گوید و اگر کار نیکی برایش انجام دهی ناسپاسی می‌کند و اگر مرتکب بدی شدی عفو و گذشت ندارد. کسانی که تفریحشان بر زبان آوردن سخنان سخیف درباره‌ی مادران و زنان است و کسی که از جماعت مسلمانان فاصله بگیرد و امت را سرزنش کند، و با شمشیر برکشیده در مقابل امت قیام کند.

﴿۴۳۱۱﴾ خدایا، همسری صالح، مهربان، زاینده، سپاسگزار، قانع و تسلیم و باغیرت روزی من گردان، که اگر به او نیکی کنم سپاسگزار باشد.

﴿۴۳۱۲﴾ خداوندا، زنی صالح، مهربان، زاینده، سپاسگزار، قانع و تسلیم و باغیرت نصیب من بگردان، که اگر به او نیکی کنم سپاسگزار باشد، و اگر در حق او کوتاهی و بدی کردم از من درگذرد.

﴿۴۳۱۳﴾ حق هم‌کیشان این است که به فکر آزارشان نباشی، بلکه برای آن‌ها مایه‌ی رحمت باشی، با بدرفتارانشان مدارا کنی، با آن‌ها الفت‌گیری و به صلاحشان آری، و از نیک‌رفتارانشان - خواه به تو احسان کرده باشند یا نه - تشکر کنی.

﴿۴۳۱۴﴾ سه چیز است که ریشه‌ی تمام مصیبت‌های کمر شکن است، از جمله: پادشاهی که اگر به او نیکی‌نمایی سپاسگزاری نکند و اگر بدی کنی از تو نگذرد.

﴿۴۳۱۵﴾ حق هم‌دینان تو بر تو آن است که در دل خود برای آنان سلامت و رحمت بخواهی، و با بدکار ایشان مهربان، و با همه‌ی آنان مهربان باشی، و به اصلاحشان پردازی و از نیکوکارشان سپاسگزاری کنی.

﴿۴۳۱۶﴾ آن کس که به تو حسادت می‌ورزد، حتی اگر به او احسان کنی سپاسگزار تو نخواهد بود.

۲-۷-۲- بخشش

﴿۴۳۱۷﴾ اما حق کسی که از او چیزی بخواهند این است که اگر عطا کرد با تشکر و قدردانی از او بپذیرد.

﴿۴۳۱۸﴾ حق کسی که از وی درخواست می‌کنی، این است که: اگر خواسته‌ات را به تو عطا کرد، با تشکر و اعطراف به لطف او، از او بپذیری. و اگر از تو دریغ داشت، عذر او را بپذیری.

﴿۴۳۱۹﴾ فقیری از حضرت صادق علیه السلام درخواستی کرد، امام به غلام خود فرمود: چقدر پیش تو هست؟ عرض کرد چهارصد درهم، فرمود: به او بده، آن مرد پول را گرفت و با سپاس و تشکر رفت. امام به غلام خود فرمود برو او را برگردان. وقتی برگشت عرض کرد آقا من تقاضایی کردم و شما لطفی فرمودید دیگر بالاتر از بخشش چیست؟ فرمود پیامبر اکرم فرموده است بهترین صدقه آن است که شخص را بی‌نیاز کند ولی ما تو را بی‌نیاز نکردیم، اینک انگشتر مرا که ده هزار درهم است بگیر هروقت احتیاج پیدا کردی به همین مبلغ بفروش.

﴿شُكْرُ الْإِنْسَانِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

﴿٤٣٢٠﴾ الصادق عليه السلام: فَإِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الْعَطَاءَ مَحَبَّةً وَ الْمَنَعَ مَبْغِضَةً فَأَنْتُمْ وَ اللَّهُ إِنْ تَسْأَلُونِي أُعْطِيَكُمْ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ لَا تَسْأَلُونِي فَلَا أُعْطِيَكُمْ فَتَبْغِضُونِي وَ مَهْمَا أَجْرَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَكُمْ مِنْ شَيْءٍ عَلَى يَدَيَّ فَالْمَحْمُودُ اللَّهُ تَعَالَى وَ لَا تَبْعُدُونَ مِنْ شُكْرِ مَا أَجْرَى اللَّهُ لَكُمْ عَلَى يَدَيَّ؛ بحار الأنوار ج: ٤٨ ص: ٤٨

﴿٤٣٢١﴾ لَنْ يَذْهَبَ مِنْ مَالِكَ مَا وَعَظَكَ وَ حَازَ لَكَ الشُّكْرُ؛ غرر الحكم ص: ٣٧١
 ﴿٤٣٢٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الرَّعِيَّةِ أَثْقَلَ عَلَى الْوَالِي مَثْوَنَةً فِي الرَّخَاءِ وَ أَقْلَ لَهُ مَعُونَةً فِي الْبَلَاءِ وَ أَكْرَهَ لِلْإِنصَافِ وَ أَسْأَلَ بِالْإِلْحَافِ وَ أَقْلَ شُكْرًا عِنْدَ الْإِعْطَاءِ مِنَ الْخَاصَّةِ؛ تحف العقول ص: ١٢٨

﴿٤٣٢٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الرَّعِيَّةِ... أَقْلَ مَعَ ذَلِكَ عِنْدَ الْعَطَاءِ شُكْرًا... مِنَ الْخَاصَّةِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٣ ص: ١٤٦
 ﴿٤٣٢٤﴾ مَنْ لَمْ يَحْمَدَكَ عَلَى حُسْنِ النِّيَّةِ لَمْ يَشْكُرْكَ عَلَى جَمِيلِ الْعَطِيَّةِ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٢٠ ص: ٣٣٥

٣-٧-٢-الإكرام
 ﴿٤٣٢٥﴾ الصادق عليه السلام: كَانَ يَقُومُ بِالْحَاجِّ وَ يَرْعَاهُمْ وَ يَتَوَلَّى أُمُورَهُمْ وَ يُكْرِمُهُمْ وَ لَا يَنْصَرِفُونَ إِلَّا شَاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ١٥ ص: ٣٥
 ٤-٧-٢-الإنعام

﴿٤٣٢٦﴾ أَنْعِمُ تُشْكِرُ وَ أَرْهَبُ تُحْذَرُ وَ لَا تُتَمَازِحُ فَتُخْخَرُ؛ غرر الحكم ص: ٣٨٠
 ﴿٤٣٢٧﴾ أَشْكُرُ لِمَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ وَ أَنْعِمَ عَلَيَّ مَنْ شَكَرَكَ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٨ ص: ٢٨٥
 ﴿٤٣٢٨﴾ الصادق عليه السلام: مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ اشْكُرْ مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ وَ أَنْعِمْ عَلَى مَنْ شَكَرَكَ فَإِنَّهُ لَا زَوَالَ لِلنَّعْمَاءِ إِذَا شَكَرْتَ وَ لَا بَقَاءَ لَهَا إِذَا كُفِرَتْ الشُّكْرُ زِيَادَةً فِي النِّعَمِ وَ أَمَانٌ مِنَ الْغَيْرِ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٤

﴿٤٣٢٩﴾ مَنْ شَكَرَ مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْهِ فَقَدْ كَافَاهُ؛ غرر الحكم ص: ٢٨٠
 ﴿٤٣٣٠﴾ الْبَاقِرُ عليه السلام: وَجَدَ مَكْتُوبًا فِي حِكْمَةِ آلِ دَاوُدَ وَ اشْكُرْ لِمَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٥٩
 ٥-٧-٢-البر

﴿٤٣٣١﴾ فِي كُلِّ بَرٍّ شُكْرٌ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٧

﴿تشکر انسان از همنوع خود﴾

﴿۴۳۲۰﴾ خداوند عطا و بخشش را عامل جلب محبت و امساک و بخل را عامل جلب بغض و کینه قرار داده است؛ به خدا سوگند، اگر شما از من چیزی بخواهید به شما می‌دهم، و این عمل نزد من محبوب‌تر است از اینکه شما چیزی درخواست کنید و من ندهم و نبخشم و در نتیجه‌ی بغض و بی‌مهری شما را جلب کنم. و هر وقت که خداوند متعال با دست من چیزی به شما برساند. آن‌که واقعاً شایسته‌ی ستایش است خدای بلندمرتبه است. و شما هرگز از شکر نعمتی که خداوند به دست من جاری ساخته سرباز نزنید.

﴿۴۳۲۱﴾ آن مالی که با صرف شدنش تو را پندی داده باشد یا شکری را متوجه تو کرده باشد در واقع از دست نرفته است.

﴿۴۳۲۲﴾ هیچ یک از رعایا در دوره‌ی آرامش هزینه‌شان به اندازه‌ی خواص نیست و اینان در دوره‌ی گرفتاری کمترین کمک را می‌کنند، انصاف را بر نمی‌تابند، با اصرار می‌خواهند و اگر به ایشان بدهی کمترین سپاسگزاری را دارند.

﴿۴۳۲۳﴾ در مقابل بخشش‌های حاکم، هیچ کس ناسپاس‌تر از خواص نیست.

﴿۴۳۲۴﴾ هر که نیت خوب تو را سپاس نگوید، در برابر عطایای زیبایت نیز شکر نمی‌کند.

۳-۷-۲- سخاوت و گرمی‌داشت

﴿۴۳۲۵﴾ کارهای حاجیان را انجام می‌داد و کارهایشان را برعهده می‌گرفت و اکرامشان می‌نمود و آن‌ها از او جدا نمی‌شدند مگر اینکه قدردان او بودند.

۴-۷-۲- بخشیدن نعمت

﴿۴۳۲۶﴾ به مردم نعمت بده تا مورد قدردانی قرارگیری، و از خدا بترس تا از گناهان دوری کنی، و مزاح و شوخ طبعی مکن که در این صورت حقیر و کوچک شمرده می‌شوی.

﴿۴۳۲۷﴾ کسی را که به تو نعمت عطا می‌کند شکرگزار باش و کسی را که از تو تشکر می‌کند از الطاف خود بهره‌مند ساز.

﴿۴۳۲۸﴾ در تورات نوشته شده است: از کسی که به تو نعمت می‌دهد سپاسگزاری کن و به کسی که از تو سپاسگزاری می‌کند نیکی کن، و بدان اگر شکرگزاری کنی نعمت از بین نمی‌رود، و اگر ناسپاسی کنی نعمت پایدار نمی‌ماند، شکر، نعمت‌ها را زیاد می‌کند و از دگرگون‌شدن بازمی‌دارد.

﴿۴۳۲۹﴾ هر که احسان کننده را شکر کند، در واقع پاداش متناسب او را داده است.

﴿۴۳۳۰﴾ در حکمت خاندان داود نوشته شده بود: از کسی که به تو نعمت داده است تشکر کن.

۵-۷-۲- احسان و نیکی

﴿۴۳۳۱﴾ در مقابل هر کار خیری شکری لازم است.

﴿۱۲۲۵﴾

﴿شُكْرُ الْإِنْسَانِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

﴿٤٣٣٢﴾ مَنْ مَنَعَ بَرًّا مَنَعَ شُكْرًا؛ غررالحكم ص: ٢٩٤
 ﴿٤٣٣٣﴾ أَحَقُّ النَّاسِ مَنْ يَمْنَعُ الْبِرَّ وَ يَطْلُبُ الشُّكْرَ وَ يَفْعَلُ الشَّرَّ وَ يَتَوَقَّعُ ثَوَابَ الْخَيْرِ؛
 غررالحكم ص: ٧٧

﴿٤٣٣٤﴾ وَ لَقَدْ أَحْسَنْتُ جَوَارِكُمْ وَ أَحْطَتُ بِجُهْدِي مِنْ وَرَائِكُمْ وَ اعْتَقْتُكُمْ مِنْ رَبِّي الذُّلَّ وَ
 حَلَقَ الضَّيِّمَ شُكْرًا مَنَى لِلْبِرِّ الْقَلِيلَ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٩ ص: ٢٢١
 ٢-٧-٦- التذكرة للربِّ و العون على قضاء فرض الله

﴿٤٣٣٥﴾ السَّجَادُ عليه السلام: حَقُّ الْمُؤَذِّنِ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ مُذَكِّرُ لَكَ رَبِّكَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ دَاعٍ لَكَ إِلَى
 حَظِّكَ وَ عَوْنِكَ عَلَى قِضَاءِ فَرْضِ اللَّهِ عَلَيْكَ فَاشْكُرْهُ عَلَى ذَلِكَ شُكْرَكَ لِلْمُحْسِنِ إِلَيْكَ؛
 وسائل الشيعة ج: ١٥ ص: ١٧٥

﴿٤٣٣٦﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عِنْدَ إِسْمَاعِيلَ حَتَّى قَضَى فَلَمَّا رَأَى الْأَرْقَطُ
 جَزَعَهُ قَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ قَدْ مَاتَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ فَارْتَدَّعَ ثُمَّ قَالَ صَدَقْتَ أَنَا لَكَ الْيَوْمَ
 أَشْكُرُ؛ بحار الأنوار ج: ٤٧ ص: ٢٥٠

٢-٧-٧- الْحَسَنَةُ
 ﴿٤٣٣٧﴾ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ سَدِّدْنِي لِأَنْ أُعَارِضَ مَنْ غَشَّيَنِي بِالنُّصْحِ، وَ أَجْزَى مَنْ
 هَجَرَنِي بِالْبِرِّ، وَ أَثِيبَ مَنْ حَرَمَنِي بِالْبَذْلِ، وَ أَكْفِيْ مَنْ قَطَعَنِي بِالصَّلَةِ، وَ أَخَالَفَ مَنْ اغْتَابَنِي إِلَى
 حُسْنِ الذِّكْرِ، وَ أَنْ أَشْكُرَ الْحَسَنَةَ، وَ أَغْضِي عَنِ السَّيِّئَةِ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٩٢
 ٢-٧-٨- الزِّيَارَةُ

﴿٤٣٣٨﴾ فَكُنْ لِي يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى اللَّهِ سَفِيرًا وَ مِنَ النَّارِ مُجِيرًا وَ عَلَى الدَّهْرِ
 ظَهِيرًا وَ لِزِيَارَتِي شُكْرًا؛ بحار الأنوار ج: ٩٧ ص: ٣٥٣

٢-٧-٩- الصَّنِيعَةُ
 ﴿٤٣٣٩﴾ الْحُسَيْنُ عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ نَافِسُوا فِي الْمَكَارِمِ وَ سَارِعُوا فِي الْمَغَانِمِ وَ لَا تَحْتَسِبُوا
 بِمَعْرُوفٍ لَمْ تَعْمَلُوا وَ اكْسَبُوا الْحَمْدَ بِالنُّجْحِ وَ لَا تَكْتَسِبُوا بِالْمُطْلَ دَمًا فَمَهْمَا يَكُنْ لِأَحَدٍ عِنْدَ أَحَدٍ
 صَنِيعَةٌ لَهُ رَأَى أَنَّهُ لَا يَقُومُ بِشُكْرِهَا فَاللَّهُ لَهُ بِمُكَافَاتِهِ فَإِنَّهُ أَجْزَلُ عَطَاءٍ وَ أَغْظَمُ أَجْرًا؛ بحار الأنوار
 ج: ٧٥ ص: ١٢١

﴿٤٣٤٠﴾ مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ أَنْ تَكُونَ صَنَائِعُهُ عِنْدَ مَنْ يَشْكُرُهُ وَ مَعْرُوفُهُ عِنْدَ مَنْ لَا يَكْفُرُهُ؛
 غررالحكم ص: ٣٩٠

﴿تشکر انسان از همنوع خود﴾

﴿۴۳۳۲﴾ هر که احسان نکند، شکر نخواهد شد.

﴿۴۳۳۳﴾ کم عقل ترین مردم کسی است که خیر نمی‌رساند و انتظار دارد از او تشکر کنند. و شر و بدی را مرتکب می‌شود و توقع پاداش و نتیجه‌ی نیکو دارد.

﴿۴۳۳۴﴾ با شما به نیکویی به سر بردم، و به قدر طاقت از هر سو محافظتتان کردم، و شما را از بندهای خواری رهانیدم، و از حلقه‌های ستم عبور داده و جهانیدم، تا سپاسی باشد بر نیکی اندک.

۶-۷-۲- خدا را به یاد انداختن و کمک کردن در انجام واجبات الهی

﴿۴۳۳۵﴾ حق اذان گو این است که بدانی او تو را به یاد پروردگارت می‌آورد و به بهره‌بردن فرامی‌خواند و بر انجام فریضه‌ای که خدا بر تو لازم کرده یار توست. چون تشکر از احسان کننده از او سپاسگزاری کن.

﴿۴۳۳۶﴾ او عبدالله علیه السلام نزد اسماعیل بودند تا اینکه اسماعیل از دنیا رفت؛ آنگاه که ارقط بی‌تابی ایشان را در فقدان اسماعیل دید گفت: یا ابا عبدالله، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیز از دنیا رفت، گفت: پس ایشان علیه السلام جزع و فرع را قطع کردند و گفتند: راست گفتم! من امروز از تو سپاسگزارم.

۷-۷-۲- خیر و نیکی

﴿۴۳۳۷﴾ خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست، و مرا توفیق ده تا با کسی که با من ناراستی نموده، از روی اخلاص (درستی) رفتار کنم، و کسی را که از من دوری کرده به نیکویی پاداش دهم، و کسی که مرا نومید گردانیده به عفو و بخشش عوض دهم، و کسی را که از من بریده به با پیوستن جبران نمایم، و از آن که از من غیبت نموده (پشت سرم بدگویی کرده) به نیکی یاد کنم، و نیکی را سپاس گزارده از بدی چشم‌پوشم.

۸-۷-۲- دیدار

﴿۴۳۳۸﴾ ای آقای من ای امیرالمؤمنین، برای آشتی با خدا تو فرستاده‌ی من نزد خدا باش و مرا از آتش برهان و در روزگار پشتیبانم باش و زیارت‌م را قدر بدان.

۹-۷-۲- لطف و احسان

﴿۴۳۳۹﴾ ای مردم، در کسب اخلاق پسندیده افتخار نمایید و در به دست آوردن اعمال نیک سرعت بگیرید. کار نیکی را که در آن عجله نکرده باشید به حساب نیاورید. ستایش را با کامیابی به دست آورید. مبادا با سهل انگاری سرزنش را برای خود بخرید. هرگاه شخصی به دیگری نیکی کرده باشد و او خود را از جبران نیکی او عاجز بداند خداوند به جای آن شخص پاداش او را خواهد داد. خداوند بزرگ و اجرش عظیم است.

﴿۴۳۴۰﴾ از نیکبختی مرد این است که به کسی احسان کند که او را شکر کند، و به کسی لطف کند که او را ناسپاسی نکند.

﴿شُكْرُ الْإِنْسَانِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

﴿٤٣٤١﴾ كَثْرَةُ الصَّنَائِعِ تَرْفَعُ الشَّرَفَ وَيَسْتَدِيمُ الشُّكْرُ؛ غررالحكم ص: ٣٨٦

١٠-٧-٢- القبولُ والمواقفةُ

﴿٤٣٤٢﴾ الصادق عليه السلام: فَإِنْ خَالَفُوهُ وَجَفَوْهُ صَبَرَ وَإِنْ وَاقَفُوهُ وَقَبِلُوا مِنْهُ شَكَرَ مُفَوَّضاً أَمْرَهُ

إِلَى اللَّهِ نَاطِراً إِلَى عَيْبِهِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٢١٤

١١-٧-٢- القليلُ

﴿٤٣٤٣﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّا أَهْلُ تَيْتٍ نَشْكُرُ الْقَلِيلَ؛ بحار الأنوار ج: ٣٠ ص: ٢٤٨

١٢-٧-٢- المشورةُ

﴿٤٣٤٤﴾ السجاد عليه السلام: وَ أَمَّا حَقُّ الْمُسِيرِ إِلَيْكَ فَلَا تَتَّهَمُهُ بِمَا يُوقِفُكَ عَلَيْهِ مِنْ رَأْيِهِ إِذَا أَشَارَ عَلَيْكَ فَإِنَّمَا هِيَ الْآرَاءُ وَ تَصَرُّفُ النَّاسِ فِيهَا وَ اخْتِلَافُهُمْ فَكُنْ عَلَيْهِ فِي رَأْيِهِ بِالْخِيَارِ إِذَا اتَّهَمْتَ رَأْيَهُ فَأَمَّا تَهْمَتُهُ فَلَا تَجُوزُ لَكَ إِذَا كَانَ عِنْدَكَ مِمَّنْ يَسْتَحِقُّ الْمَشَاوِرَةَ وَ لَا تَدْعُ شُكْرَهُ عَلَى مَا بَدَأَ لَكَ مِنْ إِشْخَاصِ رَأْيِهِ وَ حُسْنِ مَشُورَتِهِ فَإِذَا وَافَقَكَ حَمِدْتَ اللَّهَ وَ قَبِلْتَ ذَلِكَ مِنْ أَخِيكَ بِالشُّكْرِ وَ الْإِرْصَادِ بِالْمُكَافَاةِ فِي مِثْلِهَا إِنْ فَرَعَ إِلَيْكَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ؛ مستدرک الوسائل ج: ١١ ص: ١٦٦

١٣-٧-٢- المعروفُ، العارفةُ

﴿٤٣٤٥﴾ الصادق عليه السلام: أَرْبَعُ يَذْهَبْنَ ضَيَاعاً مَوْدَّةٌ تُنْمَحُ مَنْ لَا وَقَاءَ لَهُ وَ مَعْرُوفٌ يُؤْضَعُ عِنْدَ مَنْ لَا

يَشْكُرُهُ وَ عِلْمٌ يَعْلَمُ مَنْ لَا يَسْتَمِعُ لَهُ وَ سِرٌّ يُودَعُ مَنْ لَا حِصَانَةَ لَهُ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٤ ص: ٤١٧

﴿٤٣٤٦﴾ الصادق عليه السلام: أَرْبَعَةٌ يَذْهَبْنَ ضَيَاعاً... مَعْرُوفٌ عِنْدَ مَنْ لَا شُكْرَ لَهُ؛ بحار الأنوار ج: ٧١ ص: ١٩٤

﴿٤٣٤٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: خَمْسُ تَذْهَبُ ضَيَاعاً سِرَاجٌ تَعِدُّهُ فِي شَمْسِ الدُّهْنِ يَذْهَبُ وَ الضَّوُّ لَا يُنْتَفَعُ بِهِ وَ مَطَرٌ جَوْدٌ عَلَى أَرْضٍ سَبَخَةِ الْمَطَرِ يَضِيعُ وَ الْأَرْضُ لَا يُنْتَفَعُ بِهَا وَ طَعَامٌ يُحْكِمُهُ طَابِخُهُ يُقَدِّمُ إِلَى شَبْعَانَ فَلَا يُنْتَفَعُ بِهِ وَ امْرَأَةٌ حَسَنَاءُ تُزْفُّ إِلَى عَيْنِينَ فَلَا يُنْتَفَعُ بِهَا وَ مَعْرُوفٌ تَصْطَنَعُهُ إِلَى مَنْ لَا يَشْكُرُهُ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ٤٧

﴿٤٣٤٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: خَمْسُ تَذْهَبُ ضَيَاعاً سِرَاجٌ تَقْدُهُ فِي شَمْسِ الدُّهْنِ يَذْهَبُ وَ الضَّوُّ لَا يُنْتَفَعُ بِهِ وَ مَطَرٌ جَوْدٌ عَلَى أَرْضٍ سَبَخَةِ الْمَطَرِ يَضِيعُ وَ الْأَرْضُ لَا يُنْتَفَعُ بِهَا وَ طَعَامٌ يُحْكِمُهُ طَاهِيهِ يُقَدِّمُ إِلَى شَبْعَانَ فَلَا يُنْتَفَعُ بِهِ وَ امْرَأَةٌ حَسَنَاءُ تُزْفُّ إِلَى عَيْنِينَ فَلَا يُنْتَفَعُ بِهَا وَ مَعْرُوفٌ يُصْطَنَعُ إِلَى مَنْ لَا يَشْكُرُهُ؛ وسائل الشيعة ج: ١٦ ص: ٣٠٢

﴿تشکر انسان از همنوع خود﴾

﴿۴۳۴۱﴾ احسان زیاد شرافت را بالا می‌برد و شکر را دوام می‌بخشد.

۱۰-۷-۲- پذیرش و موافقت

﴿۴۳۴۲﴾ اگر با او (مؤمن) مخالفت نمایند و جفا کنند، صبر کند. و اگر همراهی نمایند و گفته‌ی او را قبول کنند، شکر کند. و در همه‌حال کار خود را به خدا واگذارد و از عیب خود غافل نباشد.

۱۱-۷-۲- اندک

﴿۴۳۴۳﴾ ما اهل بیت لطف اندکی را که به ما شود قدر می‌دانیم و تشکر می‌کنیم.

۱۲-۷-۲- مشورت

﴿۴۳۴۴﴾ حق مستشار (کسی که با او مشورت می‌کنی) این است که اگر رأی ناموافق داد متهمش نکنی، که البته نظرات مختلف است و تو در به‌کار بستن نظر او آزادی، و چنانچه شایسته‌ی مشورتش دانستی حق اتهامش را نداری، بلکه باید از اظهارنظر و پذیرش مشورتش تشکر کنی، اگر رأی موافق (صواب) داد باید خدای را سپاسگزاری و از او با تشکر بپذیری و در فکر تلافی (این محبت) باشی که اگر روزی با تو مشورت کرد جبران کنی، و هیچ توانی نیست مگر با تکیه بر خدا.

۱۳-۷-۲- عمل نیک، خیر و نیکی

﴿۴۳۴۵﴾ چهار چیز است که هدر می‌روند؛ محبت و احسان به کسی که وفا ندارد، کار نیکی که مورد سپاسگزاری قرار نگیرد، تعلیم دانش به کسی که آن را گوش نمی‌دهد، رازی که نزد کسی به امانت سپرده شود و او از فاش شدن آن محافظت نکند.

﴿۴۳۴۶﴾ چهار چیز بی‌فایده است؛ از جمله: خیر رساندن به ناسپاس

﴿۴۳۴۷﴾ پنج چیز است که ضایع و بیهوده است. ۱ - چراغی که در برابر آفتاب روشن نمایند که روغن مصرف می‌شود و از نورش استفاده نمی‌شود ۲ - باران فراوانی که بر زمین شوره‌زار بیارد. باران آمده ولی زمین بازدهی ندارد. ۳ - غذای خوبی که در برابر شخص سیر بنهند که از آن بهره‌مند نمی‌شود ۴ - زن زیبایی که برای عنین (کسی که قدرت آمیزش ندارد) به حجله گاه رود که مورد استفاده واقع نمی‌شود. ۵ - احسان و خدمتی که برای شخص ناسپاس انجام شود.

﴿۴۳۴۸﴾ پنج چیز است که ضایع و بیهوده است. ۱ - چراغی که در برابر آفتاب روشن نمایند که روغن مصرف می‌شود و از نورش استفاده نمی‌شود ۲ - باران فراوانی که بر زمین شوره‌زار بیارد. باران آمده ولی زمین بازدهی ندارد. ۳ - غذای خوبی که در برابر شخص سیر بنهند که از آن بهره‌مند نمی‌شود ۴ - زن زیبایی که برای عنین (کسی که قدرت آمیزش ندارد) به حجله گاه رود که مورد استفاده واقع نمی‌شود. ۵ - احسان و خدمتی که برای شخص ناسپاس انجام شود.

﴿شُكْرُ الْإِنْسَانِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

﴿٤٣٤٩﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ مِنْ مَظْلُومٍ ظَلِمَ بِحَضْرَتِي فَلَمْ أَنْصُرْهُ، وَمِنْ مَعْرُوفٍ أُسَدِيَ إِلَيَّ فَلَمْ أَشْكُرْهُ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ١٦٦

﴿٤٣٥٠﴾ الْمَعْرُوفُ غُلٌّ لَا يَفُكُّهُ إِلَّا شُكْرٌ أَوْ مُكَافَأَةٌ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٢٠ ص: ٣٢٧

﴿٤٣٥١﴾ السَّجَادَ عليه السلام: أَمَّا حَقُّ ذِي الْمَعْرُوفِ عَلَيْكَ فَإِنْ تَشْكُرْهُ وَتَذْكُرْ مَعْرُوفَهُ وَتَكْسِبْهُ الْمَقَالَةَ الْحَسَنَةَ وَتُخْلِصَ لَهُ الدُّعَاءَ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ كُنْتَ قَدْ شَكَرْتَهُ سِرًّا وَعَلَانِيَةً ثُمَّ إِنْ قَدَرْتَ عَلَى مُكَافَأَتِهِ يَوْمًا كَافَأْتَهُ؛ وسائل الشيعة ج: ١٥ ص: ١٧٥

﴿٤٣٥٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: خِيَارُ الْمُؤْمِنِينَ مُكْفَرُونَ لَا يُشْكُرُ مَعْرُوفُهُمْ؛ وسائل الشيعة ج: ١٦ ص: ٣٠٨

﴿٤٣٥٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام مُكْفَرًا لَا يُشْكُرُ مَعْرُوفَهُ وَلَقَدْ كَانَ مَعْرُوفُهُ عَلَى الْقُرَشِيِّ وَالْعَرَبِيِّ وَالْعَجَمِيِّ وَمَنْ كَانَ أَعْظَمَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ عليه السلام مَعْرُوفًا عَلَى هَذَا الْخَلْقِ وَكَذَلِكَ نَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ مُكْفَرُونَ لَا يُشْكُرُ مَعْرُوفُنَا وَخِيَارُ الْمُؤْمِنِينَ مُكْفَرُونَ لَا يُشْكُرُ مَعْرُوفُهُمْ؛ وسائل الشيعة ج: ١٦ ص: ٣٠٨

﴿٤٣٥٤﴾ مَا اكْتَسَبَ الشُّكْرُ بِمِثْلِ بَذْلِ الْمَعْرُوفِ؛ غرر الحكم ص: ٣٨٦

﴿٤٣٥٥﴾ الرِّسُولُ عليه السلام: مَنْ أُولَى مَعْرُوفًا فَلَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ خَيْرٌ يَكْفِي بِهِ عَنْهُ فَأَتْنِي عَلَى مَوْلِيهِ فَقَدْ شَكَرَهُ وَمَنْ شَكَرَ مَعْرُوفًا فَقَدْ كَافَأَهُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٥٥

﴿٤٣٥٦﴾ مَنْ شَكَرَ إِلَيْكَ مَعْرُوفَكَ فَقَدْ سَأَلَكَ؛ غرر الحكم ص: ٣٩٠

﴿٤٣٥٧﴾ مَنْ صَنَعَ مَعْرُوفًا نَالَ أَجْرًا وَشُكْرًا؛ غرر الحكم ص: ١٦٦

﴿٤٣٥٨﴾ بِفِعْلِ الْمَعْرُوفِ يُسْتَدَامُ الشُّكْرُ؛ غرر الحكم ص: ٣٨٥

﴿٤٣٥٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا الْمَعْرُوفُ زَرْعٌ مِنْ أَنْمَى الزَّرْعِ وَكَنْزٌ مِنْ أَفْضَلِ الْكُنُوزِ فَلَا يُزْهَدَنَّكَ فِي الْمَعْرُوفِ كُفْرٌ مِنْ كُفْرِهِ وَلَا جُحُودٌ مِنْ جَحْدِهِ فَإِنَّهُ قَدْ يَشْكُرُكَ عَلَيْهِ مَنْ يَسْمَعُ مِنْكَ فِيهِ وَقَدْ تُصِيبُ مِنْ شُكْرِ الشَّاكِرِ مَا أَضَاعَ مِنْهُ الْعَبْدُ الْبَاجِدُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٤٠

﴿٤٣٦٠﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... تَرْكِ الشُّكْرِ لِمَنْ اصْطَنَعَ الْعَارِفَةَ عِنْدَنَا؛ شرح نهج البلاغة ج: ٦ ص: ١٨٥

١٤-٧-٢- النعمة

﴿٤٣٦١﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: وَمِنْ حَقِّ شُكْرِ نِعْمَةِ اللَّهِ أَنْ يَشْكُرَ بَعْدَ شُكْرِهِ مَنْ جَرَتْ تِلْكَ النِّعْمَةُ عَلَى يَدِهِ؛ بشارة المصطفى ص: ٢٢٢

﴿تشکر انسان از هم‌نوع خود﴾

﴿۴۳۴۹﴾ خدایا، من به درگاه تو عذر می‌خواهم از اینکه ستم‌کشیده‌ای که در برابر من به او ستم رسیده و من او را یاری نکرده باشم و از لطف‌هایی که به من شده باشد و سپاس آن را به‌جا نیاورده باشم.

﴿۴۳۵۰﴾ احسان همانند زنجیر و بندی است در گردن، که چیزی آن را باز نمی‌کند مگر شکرگزاری یا جبران و مکافات آن.

﴿۴۳۵۱﴾ حق کسی که به تو احسان کند این است که احسانش را، قدردانی کنی و خوبی او را بگویی و دعای میان خود و خدا را برای او مخلصانه کنی، چون چنین کردی شکر او را در نهان و آشکار ادا نموده‌ای و اگر روزی توانستی به او عوض دهی نیز این کار را بکن.

﴿۴۳۵۲﴾ خوبان مؤمنان مورد ناسپاسی قرار می‌گیرند و احسانشان قدردانی نمی‌شود. ﴿۴۳۵۳﴾ پیامبر خدا ﷺ زیر پرده بود و مورد ناسپاسی قرار می‌گرفت و لطف و احسان مورد قدرشناسی واقع نمی‌شد در صورتی که لطف او قرشی و عربی و عجمی را در بر گرفته بود و احسان چه کسی بر این مردم بزرگ‌تر است احسان از پیامبر خدا ﷺ؟ و همچنین ما خاندان (عصمت و طهارت نیز) مورد ناسپاسی قرار می‌گیریم و احسان ما قدردانی نمی‌شود و مؤمنان برگزیدگان هم مورد ناسپاسی قرار می‌گیرند و احسانشان قدردانی نمی‌شود.

﴿۴۳۵۴﴾ با چیزی بهتر از نیکی کردن، شکر و سپاس جلب نمی‌شود. ﴿۴۳۵۵﴾ اگر به کسی خیری رسید و او چیزی نداشت تا به صاحب آن خیر، پاداش دهد، اگر او را بستاید از او سپاسگزاری کرده است. و هر که از خیری سپاسگزی کند، پاداش متناسب آن را داده است.

﴿۴۳۵۶﴾ هر که در مقابل احسان تو تشکر کند از تو درخواست لطف بیشتر کرده است. ﴿۴۳۵۷﴾ هر کس که احسان و کار نیکی انجام دهد، اجرو قدردانی نصیب خواهد برد. ﴿۴۳۵۸﴾ انجام‌دادن کارهای خوب زمینه‌ی تداوم شکرگزاری را فراهم می‌کند. ﴿۴۳۵۹﴾ کار نیک، از رشد‌یابنده‌ترین کشت و از برترین گنج‌هاست؛ پس انکار تکذیب‌کنندگان باعث نشود که تو آن را رها نمایی زیرا هر که این صفت تو را بشنود، قدردان توست، و هر چه ناسپاسان قدرناشناسی کنند، در عوض از شکر قدرشناسان به تو بهره می‌رسد. ﴿۴۳۶۰﴾ خدایا، از... ناسپاسی درباره‌ی کسی که به ما نیکی نموده است به تو پناه می‌برم.

۱۴-۷-۲- نعمت

﴿۴۳۶۱﴾ و از حق شکر نعمت خدای تعالی برای کسی که این نعمت در اختیارش قرار گرفته است آن است که بعد از شکر نیز شکر کند.

﴿شُكْرُ الْإِنْسَانِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

﴿٤٣٦٢﴾ الرسول ﷺ: لِلْمُسْلِمِ عَلَى أَخِيهِ ثَلَاثُونَ حَقًّا لَا بَرَاءَةَ لَهُ مِنْهَا إِلَّا بِالْأَدَاءِ أَوْ الْعَفْوِ يَغْفِرُ زَلَّتْهُ وَيَرْحَمُ عَثَرَتَهُ وَيَسْتُرُ عَوْرَتَهُ وَيَقِيلُ عَثَرَتَهُ وَيَقْبَلُ مَعْدِرَتَهُ وَيَرُدُّ غِيْبَتَهُ وَيُدِيمُ نَصِيحَتَهُ وَيَحْفَظُ خَلَّتَهُ وَيَرَعَى ذِمَّتَهُ وَيَعُودُ مَرَضَتَهُ وَيَشْهَدُ مِيتَتَهُ وَيُجِيبُ دَعْوَتَهُ وَيَقْبَلُ هَدِيَّتَهُ وَيَكْفِيُ صِلَتَهُ وَيَشْكُرُ نِعْمَتَهُ؛ وسائل الشيعة ج: ١٢ ص: ٢١٢

١٥-٧-٢- النفع

﴿٤٣٦٣﴾ الصادق ﷺ: وَ لِيَكُنْ إِخْوَانُكَ وَ أَصْحَابُكَ الَّذِينَ تَسْتَخْلَصُهُمْ وَ تَسْتَعِينُ بِهِمْ عَلَى أُمُورِكَ أَهْلُ الْمُرُوءَةِ وَ الْكِفَافِ وَ الثَّرْوَةِ وَ الْعَقْلِ وَ الْعَفَافِ الَّذِينَ إِنْ نَفَعْتَهُمْ شَكَرُوكَ وَ إِنْ غِيْبْتَ عَنْ جِيرَتِهِمْ ذَكَرُوكَ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٤٣٨

٨-٢- بَعْدَ الشُّكْرِ

١-٨-٢- الإِنْعَامُ وَ الْإِعْطَاءُ

﴿٤٣٦٤﴾ الصادق ﷺ: يَا بُنَيَّ اشْكُرْ لِمَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ وَ أَنْعَمْ عَلَى مَنْ شَكَرَكَ؛ كفاية الأثر ص: ٢٤٠

﴿٤٣٦٥﴾ الصادق ﷺ: مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ اشْكُرْ مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ وَ أَنْعَمْ عَلَى مَنْ شَكَرَكَ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٩٤

﴿٤٣٦٦﴾ مَنْ شَكَرَ إِلَيْكَ مَعْرُوفَكَ فَقَدْ سَأَلَكَ؛ غرر الحكم ص: ٣٩٠

﴿٤٣٦٧﴾ الصادق ﷺ: تَلَقَّوْا النِّعَمَ يَا سَدِيرُ بَخْسٍ مُجَاوِرَتِهَا وَ اشْكُرُوا مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكُمْ وَ اتَّعَمُّوا عَلَى مَنْ شَكَرَكُمْ فَإِنَّكُمْ إِذَا كُنْتُمْ كَذَلِكَ اسْتَوْجِبْتُمْ مِنَ اللَّهِ الزِّيَادَةَ وَ مِنْ إِخْوَانِكُمُ الْمُنَاصَحَةَ ثُمَّ تَلَاكُنِ شُكْرُكُمْ لِأَزِيدَتَكُمْ؛ وسائل الشيعة ج: ١٦ ص: ٣٢٨

﴿٤٣٦٨﴾ الصادق ﷺ: إِنْ فَقِيرًا سَأَلَ الصَّادِقَ ﷺ فَقَالَ لِعَبْدِهِ مَا عِنْدَكَ قَالَ أَرْبَعُمِائَةِ دِرْهَمٍ قَالَ آعْطِهِ إِيَّاهَا فَأَعْطَاهُ فَأَخَذَهَا وَ وَلَّى شَاكِرًا فَقَالَ لِعَبْدِهِ أَرْجِعْهُ فَقَالَ يَا سَيِّدِي سَأَلْتُ فَأَعْطَيْتَ فَمَاذَا بَعْدَ الْعَطَاءِ فَقَالَ لَهُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ خَيْرُ الصَّدَقَةِ مَا أَبْقَتْ غِنًى وَ أَنَا لَمْ نُغْنِكَ فَخُذْ هَذَا الْخَاتَمَ فَقَدْ أُعْطِيتَ فِيهِ عَشْرَةُ آلَافِ دِرْهَمٍ فَإِذَا احْتَجْتَ فَبِعْهُ بِهَذِهِ الْقِيَمَةِ؛ مستدرک الوسائل ج: ٧ ص: ١٧٧

﴿٤٣٦٩﴾ الكاظم ﷺ: فَقَالَ يَا غُلَامُ أَتَيْشَ مَعَكَ قَالَ أَرْبَعُمِائَةِ دِرْهَمٍ قَالَ آعْطِهَا لِلْأَشْجَعِ قَالَ فَأَخَذَهَا وَ شَكَرَ وَ وَلَّى فَقَالَ رُدُّوهُ فَقَالَ يَا سَيِّدِي سَأَلْتُ فَأَعْطَيْتَ وَ أَغْنَيْتَ فَلِمَ رَدَدْتَنِي قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ خَيْرُ الْعَطَاءِ مَا أَبْقَى نِعْمَةً بَاقِيَةً وَ إِنْ الَّذِي آعْطَيْتَكَ لَا يُبْقَى لَكَ

﴿تشکر انسان از هم‌نوع خود﴾

﴿۴۳۶۲﴾ مسلمان بر برادر مسلمان‌ش سی حق دارد که نمی‌تواند از آن‌ها رها شود مگر با ادای آن‌ها یا آنکه صاحب حق از حق خویش چشم‌پوشد؛ از جمله: از لغزشش درگذرد، به اشکش رحم آورد، عیبش را بپوشاند و لغزش او را ببخشد و عذرش را بپذیرد، و در غیبتش از او دفاع کند، و پیوسته اندرزش دهد، و دوستی او را حفظ کند، و آنچه برعهده گرفته رعایت کند، و در بیماری عیادتش کند، و بر سر مرده‌اش حضور یابد، و دعوتش را بپذیرد، و هدیه‌اش را قبول کند و هدیه‌اش را عوض دهد، و نعمتش را قدردانی کند.

۱۵-۷-۲- بهره

﴿۴۳۶۳﴾ یاران و برادرانی که بر می‌گزینی و در کارهایت از آنان کمک می‌خواهی باید اهل جوانمردی باشند، به‌قدر کفاف خویش دارا بوده، آبرومند و عاقل و عفیف باشند، در صورتی که از تو به ایشان سودی رسید تو را شکرگزار باشند و اگر از کنارشان دور شدی تو را از یاد نبرند.

۸-۲- پس از شکر

۱-۸-۲- نعمت‌دادن و عطا کردن

﴿۴۳۶۴﴾ ای فرزند من، شکر کن کسی را که بر تو لطفی کرده، و لطف کن بر کسی که سپاسگزار توست.

﴿۴۳۶۵﴾ در تورات نوشته شده است: شکر و سپاس نعمت‌دهنده را به‌جای آور و به کسی که از تو سپاسگزاری می‌کند احسان کن.

﴿۴۳۶۶﴾ هر که در مقابل احسان تو تشکر کند از تو درخواست لطف بیشتر کرده‌است.

﴿۴۳۶۷﴾ ای سدید، نعمت‌های الهی را با همراهی شایسته و سپاسگزاری فراگیرید و از کسی که به شما احسان نموده تشکر کنید و به کسی که از احسان شما تشکر می‌کند بخشش کنید که اگر چنین کنید سزاوار دریافت افزونی نعمت از خدا و خیرخواهی از جانب برادران ایمانی می‌شوید. سپس آیه‌ی "اگر شکر کنید خدا بر شما می‌افزاید" را تلاوت فرمود.

﴿۴۳۶۸﴾ فقیری از حضرت صادق علیه السلام درخواستی کرد، امام به غلام خود فرمود: چقدر پیش تو هست؟ عرض کرد چهارصد درهم، فرمود: به او بده، آن مرد پول را گرفت و با سپاس و تشکر رفت. امام به غلام خود فرمود برو او را برگردان. وقتی برگشت عرض کرد آقا من تقاضایی کردم و شما لطفی فرمودید دیگر بالاتر از بخشش چیست؟ فرمود پیامبر اکرم فرموده است بهترین صدقه آن است که شخص را بی‌نیاز کند ولی ما تو را بی‌نیاز نکردیم، اینک انگشت مرا که ده هزار درهم است بگیر هر وقت احتیاج پیدا کردی به همین مبلغ بفروش.

﴿۴۳۶۹﴾ فرمود غلام چقدر پول همراه داری؟ عرض کرد: چهارصد درهم. فرمود: پول را به اشجع بده، او پول را گرفت سپاسگزاری کرد و رفت. امام فرمود: او را برگردانید. وقتی آمد عرض کرد: آقا، من درخواستی کردم و شما عطا فرمودید، چرا مرا برگردانید؟ امام علیه السلام فرمود: به من از پدران بزرگوار خود از پیامبر صلی الله علیه و آله حدیث رسیده است که بهترین بخشش آن است که به‌صورت

﴿شُكْرُ الْإِنْسَانِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

نِعْمَةٌ بَاقِيَةٌ وَ هَذَا خَاتَمِي فَإِنْ أُعْطِيتَ بِهِ عَشْرَةَ آلَافِ دِرْهَمٍ وَإِلَّا فَعُدْ إِلَى وَفْتِ كَذَا وَ كَذَا
أَوْفِكَ إِيَّاهَا قَالَ يَا سَيِّدِي قَدْ أَغْنَيْتَنِي؛ مستدرک الوسائل ج: ١٠ ص: ٣٩٠

٢-٨-٢ الوفاء

﴿٤٣٧٠﴾ المجتبی عليه السلام: أَنْ رَجُلًا جَاءَ إِلَيْهِ يَعْزِي الْحَسَنَ عليه السلام فَسَأَلَهُ حَاجَةً فَقَالَ لَهُ يَا هَذَا حَقُّ
سُؤَالِكَ يَعْظُمُ لَدَيَّ وَ مَعْرِفَتِي بِمَا يَجِبُ لَكَ يَكْبُرُ لَدَيَّ وَ يَدِي تَعْجُزُ عَنْ نَيْلِكَ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ
الْكَثِيرُ فِي ذَاتِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَلِيلٌ وَ مَا فِي مِلْكِي وَفَاءٌ لَشُكْرِكَ فَإِنْ قَبِلْتَ الْمَيْسُورَ وَ رَفَعْتَ
عَنِّي مَثُونَةَ الْإِحْتِفَالِ وَ الْإِهْتِمَامِ بِمَا أَتَكَلَّفُهُ مِنْ وَاجِبِكَ فَعَلْتُ؛ مستدرک الوسائل ج: ٧ ص: ٢٧٠

٢-٨-٣ لَا تَأْمَنُ عَدُوًّا وَ إِنْ شَكَرَ

﴿٤٣٧١﴾ لَا تَأْمَنُ عَدُوًّا وَ إِنْ شَكَرَ؛ غرر الحكم ص: ٤٨٣

٢-٩ ثِمَارُ الشُّكْرِ

٢-٩-١ السَّخَاءُ

﴿٤٣٧٢﴾ الصادق عليه السلام: لَا يَكُونُ الْجَوَادُ جَوَادًا إِلَّا بِثَلَاثَةِ يَكُونُ سَخِيًّا بِمَالِهِ عَلَى حَالِ الْبُسْرِ وَ
الْعُسْرِ وَ أَنْ يُبْذَلَ لِلْمُسْتَحِقِّ وَ يَرَى أَنْ الَّذِي أَخَذَهُ مِنْ شُكْرِ الَّذِي أَسَدَى إِلَيْهِ أَكْثَرَ مِمَّا أَعْطَاهُ؛

تحف العقول ص: ٣١٥

٢-٩-٢ قَطْعُ مَنَعِ الْوَاحِرِ

﴿٤٣٧٣﴾ الصادق عليه السلام: مَا تَوَسَّلَ إِلَى أَحَدٍ بِوَسِيلَةٍ وَ لَا تَذَرَعَ بِذَرِيعَةٍ أَقْرَبَ لَهُ إِلَى مَا يُرِيدُهُ مِنْ
مِنْ رَجُلٍ سَلَفَ إِلَيْهِ مِنْ يَدٍ أَتْبَعْتُهَا أَخْتَهَا وَ أَحْسَنْتُ رَبَّهَا فَإِنِّي رَأَيْتُ مَنَعَ الْوَاحِرِ يَقْطَعُ لِسَانَ
شُكْرِ الْوَائِلِ؛ الكافي ج: ٤ ص: ٢٤

٢-٩-٣ يَزِيدُهُ رِضًا وَ وَفَاءً

﴿٤٣٧٤﴾ شُكْرُكَ لِلرَّاضِي [الرَّاضِي] عَنْكَ يَزِيدُهُ رِضًا وَ وَفَاءً؛ غرر الحكم ص: ٢٧٩

٢-٩-٤ الصَّلَاحُ وَ التَّعَطُّفُ

﴿٤٣٧٥﴾ شُكْرُكَ لِلْسَّاخِطِ عَلَيْكَ يُوجِبُ لَكَ مِنْهُ صَلَاحًا وَ تَعَطُّفًا؛ غرر الحكم ص: ٢٨٠

٢-١٠ ثَمَرَةُ عَدَمِ الشُّكْرِ

٢-١٠-١ الضِّيَاعُ

﴿تشکر انسان از هم‌نوع خود﴾

یک نعمت پایدار بماند آنچه به تو دادم نعمت پایداری نبود ولی این انگشت مرا بگیر اگر ده‌هزار درهم از تو خریدند بده وگرنه فلان وقت نزد خودم بیاور، آن مبلغ را به تو خواهم داد. عرض کرد: آقا مرا ثروتمند کردی.

۲-۸-۲ وفا

﴿۴۳۷۰﴾ مردی نزد امام حسن علیه السلام آمد و از وی حاجتی خواست، امام علیه السلام به او فرمود: بدان که حق درخواست تو نزد من عظیم است، و معرفت من به حقی که برای تو برخودم واجب می‌دانم بزرگ است، و دست من از ادای کامل خواسته‌ای که تو سزاوار آنی کوتاه است، و بخشش فراوان در راه خداوند اندک است، و دردارایی من آن مقدار نیست که حق سپاسگزاری تو را ادا کند، پس اگر همین مقدار اندک و ممکن را از من قبول کنی و زحمت فراهم آوردن مالی دیگر را از من رفع کنی آن را به‌جای آورم.

۲-۸-۳ نسبت به دشمن حتی اگر در حق تو سپاسگزاری کند، ایمن مباش

﴿۴۳۷۱﴾ نسبت به دشمن هرچند درحق تو سپاسگزاری کند، ایمن مباش.

۲-۹ نتایج و ثمرات شکر

۲-۹-۱ بخشش

﴿۴۳۷۲﴾ بخشنده، بخشنده نیست مگر به سه خصلت. ۱ - مال خود را در حال توانگری و تنگدستی ببخشد. ۲ - آن را به مستحق و نیازمند ببخشد. ۳ - و معتقد باشد به اینکه تشکری که شخص از او می‌نماید ارزشش بیشتر از مالی است که به او بخشیده است.

۲-۹-۲ عدم ممانعت از ادامه‌ی اعطای نعمت‌ها

﴿۴۳۷۳﴾ هیچ کس برای نزدیک شدن به من از وسیله‌ای بهتر از این استفاده نکرده است، که فرد کمکی را دریافت کرده و شکر نعمت را به جا آورده باشد و من نیز در ادامه کمک بهتر و عالی تری به او می‌نمایم زیرا می‌دانم سپاسگزاری نعمت‌هایی که در ابتدا دریافت می‌شود مانع از قطع شدن ادامه‌ی آن خواهد شد.

۲-۹-۳ خشنودی و وفاداری او را زیاد می‌کند

﴿۴۳۷۴﴾ شکرکردن تو کسی را که راضی و خشنود باشد از تو، زیاد می‌کند خشنودی و وفاداری او را نسبت به تو.

۲-۹-۴ صلاح و مهربانی

﴿۴۳۷۵﴾ شکرکردن تو کسی را که خشمناک باشد بر تو واجب می‌شود تا از جانب او برای صلاح و مهربانی روا گردد.

۲-۱۰ نتایج ناسپاسی

۲-۱۰-۱ تلف شدن

﴿شُكْرُ الْإِنْسَانِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

﴿٤٣٧٦﴾ الصادق عليه السلام: أَرْبَعُ يَدَهْنِ ضَبَاعاً مَوَدَّةٌ تُمْنَحُ مَنْ لَّا وَقَاءَ لَهُ وَ مَعْرُوفٌ يُوضَعُ عِنْدَ مَنْ لَّا يَشْكُرُهُ وَ عِلْمٌ يُعَلَّمُ مَنْ لَّا يَسْتَمِعُ لَهُ وَ سِرٌّ يُودَعُ مَنْ لَّا حَضَانَةَ لَهُ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٤ ص: ٤١٧
٢-١٠-٢- الزُّهْدُ فِي إِصْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ

﴿٤٣٧٧﴾ قَلَّةُ الشُّكْرِ تَزْهَدُ فِي إِصْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ؛ غرر الحكم ص: ٢٨٠
﴿٤٣٧٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا الْمَعْرُوفُ زَرْعٌ مِنْ أَنْمَى الزَّرْعِ وَ كَنْزٌ مِنْ أَفْضَلِ الْكُنُوزِ فَلَا يُزْهَدَنَّكَ فِي الْمَعْرُوفِ كَفْرٌ مِنْ كَفَرِهِ وَ لَّا جُحُودٌ مِنْ جَحْدِهِ فَإِنَّهُ قَدْ يَشْكُرُكَ عَلَيْهِ مَنْ يَسْمَعُ مِنْكَ فِيهِ وَ قَدْ تُصِيبُ مِنْ شُكْرِ الشَّاكِرِ مَا أَضَاعَ مِنْهُ الْعَبْدُ الْجَاهِدُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٤٠

٢-١٠-٣- الْمُقْتُ

﴿٤٣٧٩﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: كُفِرَ النُّعْمَةُ دَاعِيَةُ الْمُقْتِ وَ مَنْ جَازَاكَ بِالشُّكْرِ فَقَدْ أَعْطَاكَ أَكْثَرَ مِمَّا أَخَذَ مِنْكَ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥ ص: ٨٢

٢-١٠-٤- إِسْتِجَابَةُ دُعَاءِ النَّاسِ عَلَيْهِمْ

﴿٤٣٨٠﴾ الرسول ﷺ: مَنْ أَحْسَنَ إِلَى قَوْمٍ فَلَمْ يَقْبَلُوهُ بِالشُّكْرِ فَدَعَا عَلَيْهِمْ اسْتُجِيبَ لَهُ فِيهِمْ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ٢٧٤

٢-١٠-٥- إِنْ اللَّهُ يَقُومُ بِشُكْرِهَا

﴿٤٣٨١﴾ الحسين عليه السلام: مَهْمَا يَكُنْ لِأَحَدٍ عِنْدَ أَحَدٍ صَنِيعَةٌ لَهُ رَأَى أَنْ لَا يَقُومَ بِشُكْرِهَا فَاللَّهُ لَهُ بِمَكَافَاتِهِ فَإِنَّهُ أَجْزَلُ عَطَاءٍ وَ أَغْظَمُ أَجْرًا؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٥٥

٢-١١- قِصَصُ الشُّكْرِ

٢-١١-١- قِصَّةُ شُكْرِ الْجِنِّ مِنَ الْأَرْضِ

﴿٤٣٨٢﴾ الباقر عليه السلام: إِنْ الْجِنَّ يَشْكُرُونَ الْأَرْضَ مَا صَنَعَتْ بَعْصَةَ سُلَيْمَانَ عليه السلام فَمَا تَكَادُ تَرَاهَا فِي مَكَانٍ إِلَّا وَ عِنْدَهَا وَ مَاءٌ وَ طِينٌ؛ علل الشرائع ج: ١ ص: ٧٤

﴿٤٣٨٣﴾ الباقر عليه السلام: إِنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ أَمَرَ الْجِنَّ فَبَنَوْا لَهُ بَيْتًا مِنْ قَوَارِيرَ فَبَيْنَا هُوَ مُتَكِيٌّ عَلَى عَصَاهُ يَنْظُرُ إِلَى الشَّيَاطِينِ كَيْفَ يَعْمَلُونَ وَ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ إِذْ حَانَتْ مِنْهُ النِّفَاطَةُ فَإِذَا هُوَ بِرَجُلٍ مَعَهُ فِي الْقُبَّةِ فَفَزِعَ مِنْهُ وَ قَالَ مَنْ أَنْتَ قَالَ أَنَا الَّذِي لَّا أَقْبَلُ الرُّشَى وَ لَّا أَهَابُ الْمُلُوكَ أَنَا مَلِكُ الْمَوْتِ فَقَبَضَهُ وَ هُوَ مُتَكِيٌّ عَلَى عَصَاهُ فَمَكَثُوا سَنَةً يَبْنُونَ وَ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَ يَدَّابُونُ لَهُ وَ يَعْمَلُونَ حَتَّى بَعَثَ اللَّهُ الْأَرْضَ

﴿تشکر انسان از هم‌نوع خود﴾

﴿۴۳۷۶﴾ چهار چیز است که هدر می‌روند؛ محبت و احسان به کسی که وفا ندارد، کار نیکی که مورد سپاسگزاری قرار نگیرد، تعلیم دانش به کسی که آن را گوش نمی‌دهد، رازی که نزد کسی به امانت سپرده شود و او از فاش شدن آن محافظت نکند.

۲-۱۰-۲ بی‌رغبتی در احسان کردن

﴿۴۳۷۷﴾ ناچیز بودن شکر، احسان کننده را به کار خیر بی‌رغبّت می‌کند.

﴿۴۳۷۸﴾ کار نیک، از رشد یابنده‌ترین کشت و از برترین گنج‌هاست؛ پس انکار تکذیب‌کنندگان باعث نشود که تو آن را رها نمایی زیرا هر که این صفت تو را بشنود، قدردان توست، و هر چه ناسپاسان قدرناشناسی کنند، در عوض از شکر قدرشناسان به تو بهره می‌رسد.

۲-۱۰-۳ دشمنی

﴿۴۳۷۹﴾ ناسپاسی نعمت موجب خشم است، هر که نیکی تو را با شکر پاسخ دهد بیش از آنچه دریافت کرده به تو داده است.

۲-۱۰-۴ استجاب دعای مردم بر ضد ایشان

﴿۴۳۸۰﴾ هر که به گروهی نیکی کند و آن‌ها از او سپاسگزاری نکنند، اگر آن‌ها را نفرین کند نفرینش درباره‌ی آن‌ها مستجاب می‌شود.

۲-۱۰-۵ خداوند از سزاوار شکر سپاسگزاری می‌کند

﴿۴۳۸۱﴾ هر که برای کسی کار نیکی انجام دهد و ببیند که از او تشکر نمی‌شود، خداوند پاداش او را خواهد داد، و خداوند عطایش برترین و پاداشش عظیم‌ترین است.

۲-۱۱ داستان‌های شکر

۲-۱۱-۱ داستان شکر جن از موریانه

﴿۴۳۸۲﴾ جن‌ها از کاری که موریانه‌ها با عصای سلیمان کردند تشکر نمودند بنابراین در هر کجا که موریانه دیده شود حتماً آب و گل نیز آنجا یافت می‌شود.

﴿۴۳۸۳﴾ چون سلیمان پسر داود به گروهی جن فرمود خانه‌ای بلورین برایش ساختند، در این میان به عصایش تکیه داشت و به دیوان (شیاطین) نگاه می‌کرد که چگونه کار می‌کنند و آنان هم به وی نگاه می‌کردند؛ ناگاه روی برگرداند و دید مردی در جایگاه اختصاصی‌اش به همراه اوست، به هراس افتاد و گفت: تو کیستی؟ گفت: آن که نه رشوه می‌گیرد، نه از پادشاهان می‌ترسد، منم فرشته‌ی مرگ، آنگاه در حالت تکیه بر عصا جانش را گرفت. جنیان یک‌سال مشغول کار ساختمان بودند و به او نگاه می‌کردند و کار می‌کردند تا خدا موریانه را فرستاد و

﴿شُكْرُ الْإِنْسَانِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

فَأَكَلَتْ مِنْسَاتَهُ وَهِيَ الْعَصَا فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْإِنْسُ أَنْ لَوْ كَانَ الْجِنُّ يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا سَنَةً فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ فَالْجِنُّ تَشْكُرُ الْأَرْضَ بِمَا عَمِلَتْ بَعْصَا سُلَيْمَانَ؛ بحار الأنوار ج: ٦٠ ص: ٢٧٩

﴿٤٣٨٤﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْأَرْضَ فَدَبَّتْ فِي عَصَاهُ فَلَمَّا أَكَلَتْ جَوْفَهَا انْكَسَرَتِ الْعَصَا وَخَرَّ سُلَيْمَانُ (عليه السلام) مِنْ قَصْرِهِ عَلَى وَجْهِهِ فَشَكَرَتِ الْجِنُّ لِلْأَرْضِ صَنِيعَهَا فَلَا جُلَّ ذَلِكَ لَا تَوْجَدُ الْأَرْضَ فِي مَكَانٍ إِلَّا وَعِنْدَهَا مَاءٌ وَطِينٌ وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَى مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَاتَهُ يَعْنِي عَصَاهُ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ؛ بحار الأنوار ج: ١٤ ص: ١٣٦

﴿٤٣٨٥﴾ الباقر (عليه السلام): فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (عليه السلام) إِنَّ الْجِنَّ يَشْكُرُونَ الْأَرْضَ مَا صَنَعَتْ بَعْصَا سُلَيْمَانَ فَمَا تَكَادُ تَرَاهَا فِي مَكَانٍ إِلَّا وَعِنْدَهَا مَاءٌ وَطِينٌ؛ بحار الأنوار ج: ١٤ ص: ١٣٧

٢-١١-٢- قِصَّةُ ثُمَامَةَ بِنِ أَثَالِ

﴿٤٣٨٦﴾ الباقر (عليه السلام): أَنَّ ثُمَامَةَ بِنِ أَثَالِ أَسْرَتْهُ خَيْلُ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله) وَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) قَالَ اللَّهُمَّ أَمْكِنِي مِنْ ثُمَامَةَ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) إِنِّي مُخِيرُكَ وَاحِدَةً مِنْ ثَلَاثٍ أَقْتُلُكَ قَالَ إِذَا تَقَتَّلَ عَظِيمًا أَوْ أَفَادِيكَ قَالَ إِذَا تَجِدَنِي غَالِيًا أَوْ أَمِنُ عَلَيْكَ قَالَ إِذَا تَجِدَنِي شَاكِرًا قَالَ فَإِنِّي قَدْ مَنَنْتُ عَلَيْكَ قَالَ فَإِنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنْتَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَقَدْ وَاللَّهِ عَلِمْتُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ حَيْثُ رَأَيْتُكَ وَمَا كُنْتُ لِأَشْهَدَ بِهَا وَأَنَا فِي الْوَتَاقِ؛ الكافي ج: ٨ ص: ٢٩٩

٢-١١-٣- قِصَّةُ شُكْرِ السَّائِلِ

﴿٤٣٨٧﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): إِنَّ فَقِيرًا سَأَلَ الصَّادِقَ (عليه السلام) فَقَالَ: لِعَبْدِي مَا عِنْدَكَ قَالَ أَرْبَعُمِائَةِ دِرْهَمٍ قَالَ أَعْطِهِ إِيَّاهَا فَأَعْطَاهُ فَأَخَذَهَا وَوَلَّى شَاكِرًا فَقَالَ لِعَبْدِهِ أَرْجِعْهُ فَقَالَ يَا سَيِّدِي سَأَلْتُ فَأَعْطَيْتَ فَمَاذَا بَعْدَ الْعَطَاءِ فَقَالَ لَهُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) خَيْرُ الصَّدَقَةِ مَا أَبْقَتْ غِنًى وَأَنَا لَمْ نَغْنِكَ فَخَذْتُ هَذَا الْخَاتَمَ فَقَدْ أَعْطَيْتُ فِيهِ عَشْرَةَ آلَافٍ دِرْهَمٍ فَإِذَا اخْتَجْتَ فَبِعْهُ بِهَذِهِ الْقِيَمَةِ؛ مستدرک الوسائل ج: ٧ ص: ١٧٧

﴿تَشْكُرُ انْسانَ از هَمْنوعِ خود﴾

عصای او را خورد و او به زمین افتاد. آدمیان فهمیدند که اگر جنیان غیب می‌دانستند یک‌سال در این حالت خوارکننده نمی‌ماندند، و جنیان برای اینکه موریانه عصای سلیمان را خورد از او قدردانی می‌کنند.

﴿۴۳۸۴﴾ خداوند موریانه را فرستاد تا در عصای سلیمان وارد شود تا درونش را خورد و شکست و سلیمان در قصر خود با صورت به زمین افتاد و جنیان از موریانه قدردانی کردند، از این‌رو موریانه در جایی نیست مگر اینکه آب و گل دارد، و این است فرمایش خدای عزیز و جلیل (با این‌همه جلال و شکوه سلیمان) هنگامی که مرگ را بر او مقرر داشتیم، کسی جنیان را از مرگ وی آگاه نساخت مگر جنبنده‌ی زمین [موریانه] که عصای او را می‌خورد (تا شکست و پیکر سلیمان فرو افتاد) هنگامی که بر زمین افتاد جنیان فهمیدند، که اگر ایشان از غیب آگاه بودند در عذاب خوارکننده باقی نمی‌ماندند.

﴿۴۳۸۵﴾ هنگامی که سلیمان علیه السلام بر زمین افتاد جنیان فهمیدند که اگر از غیب آگاه بودند در عذاب خوارکننده باقی نمی‌ماندند، پس، ابوجعفر علیه السلام فرموده: همانا گروه جنیان به علت خوردن عصای سلیمان از موریانه‌ها تشکر کردند، پس (موریانه‌ای) در جایی دیده نمی‌شود مگر آنکه در آنجا آب و گل باشد.

۲-۱۱-۲- داستان ثمامه فرزند اثال

﴿۴۳۸۶﴾ ثمامه فرزند اثال را سواران پیامبر صلی الله علیه و آله به اسیری گرفتند و پیش از آن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دعا کرده بود که خدایا، مرا بر ثمامه چیره گردان. پس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او فرمود: من تو را به گزینش یکی از این سه مخیر می‌سازم: اینکه تو را بکشم. ثمامه گفت: در این صورت مرد بزرگی را کشته‌ای. پیامبر فرمود: دیگر آنکه از تو فدیة بستانم. ثمامه گفت: در این صورت مرا ارزشمند و گران‌بها خواهی یافت. پیامبر فرمود: سوم آنکه بر تو منت نهادم و آزادت سازم. ثمامه گفت: در این صورت مرا قدردان خود خواهی یافت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: پس من بر تو منت می‌نهم و آزادت می‌کنم. ثمامه گفت: من گواهی می‌دهم که خدایی جز الله نیست و محمد فرستاده‌ی اوست، به خدا سوگند آن‌هنگام که تو را دیدم در بند بودم دانستم که تو پیامبر خدایی.

۳-۱۱-۲- داستان شکر فقیر

﴿۴۳۸۷﴾ فقری از حضرت صادق علیه السلام درخواستی کرد، امام به غلام خود فرمود: چقدر پیش تو هست؟ عرض کرد چهارصد درهم، فرمود: به او بده، آن مرد پول را گرفت و با سپاس و تشکر رفت. امام به غلام خود فرمود برو او را برگردان. وقتی برگشت عرض کرد آقا من تقاضایی کردم و شما لطفی فرمودید دیگر بالاتر از بخشش چیست؟ فرمود پیامبر اکرم فرموده است بهترین صدقه آن است که شخص را بی‌نیاز کند ولی ما تو را بی‌نیاز نکردیم، اینک انگشت مرا که ده هزار درهم است بگیر هر وقت احتیاج پیدا کردی به همین مبلغ بفروش.

الكتاب الثالث: شكرُ اللهِ أمامَ الإنسانِ

٣-١- إنَّ اللهَ شاكِرٌ و شكُورٌ

٣-١-١- شكرُ الله قبلَ شكرنا

﴿٤٣٨٨﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إلهي إنَّ جُودَكَ بَسَطَ أَمَلِي وَ شُكْرَكَ قَبْلَ عَمَلِي؛ بحار الأنوار ج: ٩٥

ص: ٨٩

﴿٤٣٨٩﴾ الجواد عليه السلام: يَا مَنْ جَلَّ عَنْ أَدَوَاتِ لِحَظَاتِ الْبَشَرِ وَ لَطْفَ عَنْ دَقَائِقِ خَطَرَاتِ الْفِكْرِ لَا تُحْمَدُ يَا سَيِّدِي إِلَّا بِتَوْفِيقٍ مِنْكَ يَقْتَضِي حَمْدًا وَ لَا تُشْكَرُ عَلَيَّ أَصْغَرَ مِنْهُ إِلَّا اسْتَوْجِبْتَ بِهَا شُكْرًا فَمَتَى تُحْصِي نِعْمَاؤُكَ يَا إِلَهِي وَ تُجَازِي آلَاؤُكَ يَا مَوْلَايَ وَ تُكَافِي صِنَائِعُكَ يَا سَيِّدِي وَ مِنْ نِعْمِكَ يَحْمَدُ الْحَامِدُونَ وَ مِنْ شُكْرِكَ يَشْكُرُ الشَّاكِرُونَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٩ ص: ٥٥

٣-١-٢- إنَّ اللهَ شكُورٌ وَ لَوْ شَاءَ مَا شَكَرْنِي

کتاب سوم: تشکر و قدردانی خدا از انسان

۳-۱- خداوند شاکر و سپاسگزار است

۳-۱-۱- شکر خدا قبل از شکر ماست

﴿۴۳۸۸﴾ خدایا، جود و کرم تو آرزوهایم را گسترش داده و قدردانیات عمل (ناچیزم را) مورد پذیرش قرار داده است.

﴿۴۳۸۹﴾ ای آن که از ابزار نگاه بشر بزرگ تر و از ظرافت های آنچه به فکر خطور کند لطیف تری، ای آقای من، تو ستایش نمی شوی مگر آنکه خودت توفیق دهی که در آن صورت بر آن ستایش، ستایش دیگری واجب می شود و بر کوچک ترین نعمت ها شکر نمی شوی مگر آنکه برای آن نیز مستوجب شکر می شوی. پس کجا نعمت های را بشمارم ای خدای من، و چگونه عطاهایت را پاداش دهم، ای مالک من، چگونه نیکی های را پاسخ متناسب دهم ای آقای من؟ در حالی که حمد ستایش کنندگان خود نعمتی از نعمت های توست و شکر شکر کنندگان نیز از قدردانی توست.

۳-۱-۲- خداوند بسیار سپاسگزار است و اگر می خواست از من تشکر نمی کرد

﴿شُكْرُ اللَّهِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

﴿٤٣٩٠﴾ السَّجَادُ عليه السلام: وَلَوْ شِئْتَ مَا تَرَدَّدْتَ إِلَيَّ يَا حَسَانِكَ وَلَا شَكَرْتَنِي بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَلَا أَخَرْتَ عِقَابَكَ عَنِّي بِمَا قَدَّمْتَ يَدَايَ وَلَكِنَّكَ شَكُورٌ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ١٣٢

٣-١-٣- لا يَمَلُّ عَنِ الشُّكْرِ

﴿٤٣٩١﴾ الرِّضَا عليه السلام: اللَّهُمَّ مَا غَيَّبْتَ عَنِّي مِنَ الْأُمُورِ فَلَا تُغَيِّبْنِي عَنْ حِفْظِكَ وَمَا فَقَدْتُ فَلَا أَفْقُدْ عَوْنَكَ وَمَا نَسِيتُ فَلَا أَنْسَى ذِكْرَكَ وَمَا مَلَكَتُ فَمَا أَمَلْتُ شُكْرَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٢٨٣

﴿٤٣٩٢﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: مَا نَسِيتُ فَلَا أَنْسَى ذِكْرَكَ وَمَا مَلَكَتُ فَلَا أَمَلْتُ شُكْرَكَ؛ مهج الدعوات ص: ١٨٦

٣-١-٤- لَمْ يُهْمِلْ فِي الشُّكْرِ

﴿٤٣٩٣﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ اسْتَغْفَارَ مَنْ لَمْ يَهْمِلْ شُكْرِي؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٥٧

٣-١-٥- خَيْرُ الشَّاكِرِينَ

﴿٤٣٩٤﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: يَا خَيْرَ الشَّاكِرِينَ؛ البلد الأمين ص: ٢٢١

٣-١-٦- خَيْرُ شَاكِرٍ

﴿٤٣٩٥﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: يَا خَيْرَ شَاكِرٍ وَمَشْكُورٍ؛ البلد الأمين ص: ٢١٠

٣-١-٧- شَاكِرٌ

﴿٤٣٩٦﴾ يَا شَاكِرُ يَا وَلِيُّ يَا مَوْلَى يَا نَصِيرُ يَا اللَّهَ يَا مُسْتَعَانُ يَا خَلَّاقُ يَا لَطِيفُ يَا شَكُورُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٨٢

﴿٤٣٩٧﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: يَا شَاكِرُ يَا شَكُورُ؛ المقام الأسنى ص: ٩١

٣-١-٨- الشَّكُورُ

﴿٤٣٩٨﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى تِسْعَةٌ وَتِسْعِينَ إِسْمًا... الشَّكُورُ؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ٢٦٤

﴿٤٣٩٩﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَا اللَّهَ يَا شَكُورُ؛ بحار الأنوار ج: ٨٨ ص: ١٢٠

﴿٤٤٠٠﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: يَا بُرُّ يَا شَكُورُ؛ البلد الأمين ص: ١٨٠

﴿٤٤٠١﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: يَا شَاكِرُ يَا شَكُورُ؛ المصباح للكفعمي ص: ٣٥٤

﴿٤٤٠٢﴾ الرَّسُولُ عليه السلام: يَا شَكُورُ؛ البلد الأمين ص: ٢٠٧

﴿تشکر و قدردانی خدا از انسان﴾

﴿۴۳۹۰﴾ و اگر می‌خواستی پی‌درپی بر من احسان نمی‌کردی و با نعمت‌هایت از من قدردانی نمی‌نمودی عقوبت عملکرد مرا به تأخیر نمی‌انداختی ولیکن تو بسیار قدردانی.

۳-۱-۳- از شکر کردن خسته و ملول نمی‌شود

﴿۴۳۹۱﴾ خدایا، هرچه به من نمی‌دهی، محافظتت را از من دریغ نکن و هرچه ندارم، مبادا یاری‌ات را از دست بدهم و هرچه فراموش می‌کنم چنان مکن که یاد تو را فراموش کنم و از هرچه خسته شوم پس چنان مکن که از شکر و سپاس تو خسته شوم.

﴿۴۳۹۲﴾ هرآنچه را که فراموش کنم، یاد تو را فراموش نمی‌کنم و از هرچه خسته شوم از شکر تو خسته نمی‌شوم.

۳-۱-۴- از شکرگزاری دست نکشیده است

﴿۴۳۹۳﴾ از خدای تعالی درخواست مغفرت و آمرزش دارم، آمرزش از کسی که در قدردانی از ما کوتاهی نکرده است.

۳-۱-۵- بهترین شکرگزاران

﴿۴۳۹۴﴾ ای بهترین شکرگزاران و قدردانی‌کنندگان.

۳-۱-۶- بهترین شکرگزار

﴿۴۳۹۵﴾ ای بهترین کسی که قدردانی می‌کند و مورد شکر و سپاس قرار می‌گیرد.

۳-۱-۷- شکرگزار و شکرپذیر

﴿۴۳۹۶﴾ ای شکرکننده، ای سرپرست، ای مالک، ای یاور، ای سرپرست، ای یاری‌کننده، ای آفریننده، ای صاحب لطف و ای بسیار قدردان.

﴿۴۳۹۷﴾ ای شکرگزار و ای بسیار قدردان.

۳-۱-۸- بسیار شکرگزار

﴿۴۳۹۸﴾ خدای تبارک و تعالی را نود و نه نام باشد... که از آن جمله است؛ نام شکور (قدردان).

﴿۴۳۹۹﴾ ای خدای شکرگزار و قدردان.

﴿۴۴۰۰﴾ ای نیکوکار، ای قدردان.

﴿۴۴۰۱﴾ ای شکرگزار و ای بسیار قدردان.

﴿۴۴۰۲﴾ ای بسیار قدردان.

﴿شُكْرُ اللَّهِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

- ﴿٤٤٠٣﴾ يَا اللَّهُ يَا مُسْتَعَانَ يَا خَلَّاقُ يَا لَطِيفُ يَا شَكُورُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٨٢
- ﴿٤٤٠٤﴾ الرسول ﷺ: أَنْتَ اللَّهُ الشَّكُورُ؛ البلد الأمين ص: ٣٥١
- ﴿٤٤٠٥﴾ الرسول ﷺ: سُبْحَانَكَ يَا غَفُورُ تَعَالَيْتَ يَا شَكُورُ؛ البلد الأمين ص: ٣٦٢
- ﴿٤٤٠٦﴾ الرسول ﷺ: سُبْحَانَهُ مِنْ شَكُورٍ مَا أَغْفَرَهُ؛ البلد الأمين ص: ٣٦٤
- ﴿٤٤٠٧﴾ الرسول ﷺ: سُبْحَانَهُ مِنْ شَكُورٍ مَا أَوْفَاهُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٣٦٧
- ﴿٤٤٠٨﴾ الرسول ﷺ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا غَفُورُ يَا صَبُورُ يَا شَكُورُ؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٣٩١

٣-١-٨-١- البر الشَّكُورُ

- ﴿٤٤٠٩﴾ الصادق عليه السلام: البر الشَّكُورُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ١٣٧
- ٣-١-٨-٢- حَلِيمٌ شَكُورٌ، شَكُورٌ حَلِيمٌ
- ﴿٤٤١٠﴾ الرسول ﷺ: حَلِيمٌ شَكُورٌ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٣٧٤
- ﴿٤٤١١﴾ الرسول ﷺ: غَفُورٌ حَلِيمٌ شَكُورٌ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٣٧٤
- ﴿٤٤١٢﴾ الرسول ﷺ: شَكُورٌ حَلِيمٌ؛ بحار الأنوار ج: ٤ ص: ٢١٩
- ﴿٤٤١٣﴾ الصادق عليه السلام: سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَرِيمُ الْغَفُورُ وَ تَغْفِرُ الْخَطَايَا وَ تَسْتُرُ الْعُيُوبَ شَكُورٌ حَلِيمٌ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٢٤٨

٣-١-٨-٣- الدِّيَانُ الشَّكُورُ

- ﴿٤٤١٤﴾ الرسول ﷺ: سُبْحَانَكَ أَنْتَ اللَّهُ الدِّيَانُ الشَّكُورُ؛ البلد الأمين ص: ٣٥١
- ٣-١-٨-٤- غَفُورٌ شَكُورٌ
- ﴿٤٤١٥﴾ لِيُؤْفِقِيَهُمْ أَجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ؛ فاطر: الآية ٣٠
- ﴿٤٤١٦﴾ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ؛ فاطر: الآية ٣٤
- ﴿٤٤١٧﴾ الصادق عليه السلام: يَا اللَّهُ الْغَفُورُ الشَّكُورُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٤٤٣
- ﴿٤٤١٨﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَسْأَلُكَ أَنْ تَقْبَلَ مِنِّي فَإِنَّكَ غَفُورٌ شَكُورٌ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٢٠١

﴿٤٤١٩﴾ الصادق عليه السلام: أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَفُورُ الشَّكُورُ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٨٣

﴿٤٤٢٠﴾ الرسول ﷺ: إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ؛ الكافي ج: ٨ ص: ٣١٢

﴿تشکر و قدردانی خدا از انسان﴾

﴿۴۴۰۳﴾ ای خدا، ای آنکه باید از او یاری خواست ای آفریننده، ای لطف کننده، ای قدردان.
﴿۴۴۰۴﴾ تو خدای شکرگزاری.
﴿۴۴۰۵﴾ پاک و منزهی تو ای خداوندی که آمرزنده‌ای و بلندمرتبه‌ای شکرگزار و فزون‌بخشی.
﴿۴۴۰۶﴾ شگفتا از قدردانی که چه بسیار آمرزنده است.
﴿۴۴۰۷﴾ شگفتا از قدردانی که چه بسیار وفادار است.
﴿۴۴۰۸﴾ پروردگارا، به حق نامت از تو درخواست می‌کنم، ای عفوکننده، ای آمرزنده، ای صبرکننده و ای شکور.

۱-۸-۱-۳- نیکوکار قدردان

﴿۴۴۰۹﴾ احسان کننده‌ی، بسیارشکرگزار.
۲-۸-۱-۳- بردبار قدردان، قدردان بردبار
﴿۴۴۱۰﴾ خداوند بردبار و قدردان است.
﴿۴۴۱۱﴾ آمرزنده، مداراکننده، جزادهنده است.
﴿۴۴۱۲﴾ شکرکننده و بردبار است.
﴿۴۴۱۳﴾ خدایا، پاک و منزهی و جز تو خداوندی نیست؛ تو که کریم هستی و آمرزنده و بخشنده‌ی هر خطایی و پوشاننده‌ی عیوب بندگان تویی آن خدای شکرگزار بردبار.

۳-۸-۱-۳- پاداش‌دهنده‌ی بسیار شکرگزار

﴿۴۴۱۴﴾ پاک و منزهی. تویی خدای حاکم و قدردان.
۴-۸-۱-۳- بسیار آمرزنده‌ی بسیار قدردان
﴿۴۴۱۵﴾ آن‌ها این اعمال صالح را انجام می‌دهند تا خداوند اجر و پاداش کامل به آن‌ها دهد و از فضلش بر آن‌ها بیافزاید که او آمرزنده و شکرگزار است.
﴿۴۴۱۶﴾ آن‌ها می‌گویند: " حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که اندوه را از ما برطرف ساخت؛ پروردگار ما آمرزنده و سپاسگزار است.
﴿۴۴۱۷﴾ ای خدای آمرزنده‌ی قدردان.
﴿۴۴۱۸﴾ خداوندا، از تو درخواست می‌کنم که از من بپذیری، که همانا تو بسیارآمرزنده، و بسیار شکر کننده‌ای.

﴿۴۴۱۹﴾ تو آن خدایی هستی که جز تو خدایی نیست؛ تو آمرزنده‌ی شکرگزاری.
﴿۴۴۲۰﴾ به‌راستی پروردگار ما بسیار آمرزنده‌ای قدردان است.

﴿شُكْرُ اللَّهِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

﴿٤٤٢١﴾ الرسول ﷺ: وَالنَّاسُ عَلَى الصِّرَاطِ فَمُتَعَلِّقُ تَزَلُّ قَدَمُهُ وَتَثْبُتُ قَدَمُهُ وَالْمَلَائِكَةُ حَوْلَهَا يُنَادُونَ يَا كَرِيمُ يَا حَلِيمُ اغْفُ وَاصْفَحْ وَغُدْ بِفَضْلِكَ وَسَلِّمْ وَالنَّاسُ يَتَهَافَتُونَ فِيهَا كَالْفَرَّاشِ فَإِذَا نَجَا نَاجَ بِرَحْمَةِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى نَظَرَ إِلَيْهَا فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّانِي مِنْكَ بَعْدَ يَأْسٍ بِفَضْلِهِ وَمَنْهُ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ؛ الكافي ج: ٨ ص: ٣١٢

٥-١-٣- ودود شكور

﴿٤٤٢٢﴾ الرسول ﷺ: اللَّهُمَّ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَدُودٌ شَكُورٌ؛ مستدرک الوسائل ج: ٢ ص: ٢٣٥

٦-١-٣- الشكور الكبير

﴿٤٤٢٣﴾ الشكور الكبير الحفيظ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٢٤٠

٩-١-٣- أشكر

﴿٤٤٢٤﴾ الصادق عليه السلام: يَا أَشْكَرَ مِنْ كُلِّ شَاكِرٍ؛ المقام الأسنى ص: ٨٦

﴿٤٤٢٥﴾ الصادق عليه السلام: أَنْتَ أَعَزُّ وَأَجَلُّ وَأَسْمَعُ وَأَبْصَرُ وَأَعْلَى وَأَكْبَرُ وَأَظْهَرُ وَأَشْكَرُ؛

بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٤١

﴿٤٤٢٦﴾ الأئمة عليهم السلام: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ أَكْبَرُ وَأَبْصَرُ وَأَخَيْرُ وَأَقْدَرُ وَأَظْهَرُ وَأَنُورُ

وَأَشْكَرُ؛ إقبال الأعمال ص: ١٢٤

﴿٤٤٢٧﴾ الصادق عليه السلام: يَا أَشْكَرَ مَنْ حُمِدَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٣٣٥

﴿٤٤٢٨﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَجَلُّ مَنْ ذَكَرَ وَأَشْكَرُ مَنْ عُبِدَ؛

بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٤١

١-١-٣- مَا أَشْكَرُهُ

﴿٤٤٢٩﴾ الرسول ﷺ: سُبْحَانَهُ مِنْ قَابِلِ مَا أَشْكَرُهُ؛ البلد الأمين ص: ٣٦٤

﴿٤٤٣٠﴾ الرسول ﷺ: سُبْحَانَهُ مِنْ ذَاكِرٍ مَا أَشْكَرُهُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٣٦٧

٢-١-٣- مَا أَشْكُرُكَ

﴿٤٤٣١﴾ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ مَا أَحْمَدُكَ وَآمَجِدُكَ وَأَجُودُكَ وَأَكْرَمُكَ وَأَرَأْفُكَ وَ

أَرْحَمُكَ وَأَعْلَاكَ وَأَقْرَبَكَ وَأَقْدَرَكَ وَأَفْهَرَكَ وَأَوْسَعَكَ وَأَفْضَلَكَ وَأَثْبَتَكَ وَأَتُوبُكَ

وَأَحْضَرَكَ وَأَخْبَرَكَ وَالْطَّفِكَ وَأَعْلَمَكَ وَأَشْكُرُكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٧٩

٢-٣- مَا الشُّكْرُ مِنَ اللَّهِ

﴿تشکر و قدردانی خدا از انسان﴾

﴿۴۴۲۱﴾ و مردم که بر صراط بگذرند بعضی پایشان بلغزد و آویزان شوند و سپس پایشان در جای خود قرار گیرد، و فرشتگان در پیرامون آنها باشند و فریاد می‌زنند: ای خدای کریم وای خدای بردبار، درگذر و چشم‌پوشی کن و به فضل خویش به آنها توجه کن و سالم نگاهدار، و مردم همچون پروانه در آتش بریزند، و چون کسی به رحمت خدا از آن نجات یابد، به آتش بنگرد و گوید: ستایش خدایی را که پس از نومی‌دی، به فضل و رحمت خود از اینجا نجاتم داد، به راستی که پروردگار ما آمرزنده و قدردان است.

۵-۱-۳- بسیار با محبت، بسیار قدردان

﴿۴۴۲۲﴾ پروردگارا، تو ستوده و والا و مهربان و شکور هستی.

۶-۱-۳- بسیار قدردان، بزرگ

﴿۴۴۲۳﴾ خدای بسیار شکرکننده‌ی بزرگ و نگه‌دارنده.

۹-۱-۳- قدردان‌ترین

﴿۴۴۲۴﴾ ای کسی که از همه‌ی شکرگزاران، شکرگزارتری.

﴿۴۴۲۵﴾ خدایا تو عزیزترین و با جلال‌ترین و شنونده‌ترین و بیناترین و بلندمرتبه‌ترین و بزرگ‌ترین و آشکارترین و شکرکننده‌ترین هستی.

﴿۴۴۲۶﴾ پروردگارا، از تو درخواست می‌کنم ای کسی که او بزرگ‌ترین و بیناترین و خیرخواه‌ترین و قدرتمندترین و پاک‌ترین و نورانی‌ترین و سپاسگزارترین است.

﴿۴۴۲۷﴾ ای قدردان‌ترین کسی که مورد ستایش قرار گرفته است.

﴿۴۴۲۸﴾ پروردگارا، تو خدایی هستی که خدایی جز تو نیست، بزرگوarter از آن هستی که به زبان بندگانت آید و شکر و سپاس تو از آنچه بندگی می‌شوی بیشتر است.

۱-۹-۱-۳- چه قدر قدردان است !

﴿۴۴۲۹﴾ تعجب است از توبه‌پذیری که چه بسیار قدردان است.

﴿۴۴۳۰﴾ پاک و منزّه است او از ذکر هر ذاکری و از آنچه که شکرگزارده شود منزّه و بی‌نیاز است.

۲-۹-۱-۳- چه قدر قدردانی !

﴿۴۴۳۱﴾ خداوندا حمد و ستایش مخصوص توست چقدر، ستوده و بزرگ و سخاوتمند و بزرگوar و مهربان و بلندمرتبه و نزدیک و توانمند و چیره و گسترده و با لطف و با ثبات و پاداش دهنده و حاضر و باخبر و لطیف و دانا و قدردانی.

۲-۳- خداوند چگونه سپاسگزاری می‌کند؟

﴿شُكْرُ اللَّهِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

١-٣-٢-١- الإجابة، بلوغ السؤل، نيل السؤل

﴿٤٤٣٢﴾ الباقر عليه السلام: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عُثْمَانَ شَوْقِي إِلَى رُؤْيَةِ مَوْلَانَا عليه السلام فَقَالِي: مَعَ الشَّوْقِ تَشْتَهِي أَنْ تَرَاهُ فَقُلْتُ نَعَمْ فَقَالَ لِي شَكَرَ اللَّهُ لَكَ شَوْكَ وَ أَرَاكَ وَجْهَهُ فِي يُسْرٍ وَ عَافِيَةٍ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٠ ص: ٣٦٥

﴿٤٤٣٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: وَقَدْ أَوْجَبَ الدَّهْرُ شُكْرَهُ عَلَى مَنْ نَالَ سُؤْلَهُ؛ الكافي ج: ٨ ص: ٢٢

﴿٤٤٣٤﴾ قَدْ أَوْجَبَ الدَّهْرُ شُكْرَهُ عَلَى مَنْ بَلَغَ سُؤْلَهُ؛ غرر الحكم ص: ٢٧٧

٢-٣-٢-٢- الجزاء

﴿٤٤٣٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ يُطْعِ اللَّهُ يَسْتَحِقَّ الشُّكْرَ مِنَ اللَّهِ بِحُسْنِ الْجَزَاءِ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥

ص: ٢

﴿٤٤٣٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَمَنْ زُحِرَ عَنْ عُقُوبَةِ رَبِّهِ وَ سَكَنَ حَضْرَةَ فِرْدَوْسٍ وَ تَقَلَّبَ فِي نَعِيمٍ وَ سَقَى مِنْ تَسْنِيمٍ وَ مُزِجَ لَهُ بَزْجَبِيلٍ وَ ضَمَحَ بِمِسْكِ وَ عَنَبٍ مُسْتَدِيمٍ لِلْمَلِكِ مُقِيمٍ فِي سُرُورٍ مَحْبُورٍ وَ عَيْشٍ مَشْكُورٍ؛ أعلام الدين ص: ٧٢

٣-٣-٢-٣- القبول

﴿٤٤٣٧﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِلَهِي جُودَكَ بَسَطَ أَمَلِي وَ شُكْرُكَ قَبْلَ عَمَلِي؛ بحار الأنوار ج: ٩١

ص: ١٠٦

﴿٤٤٣٨﴾ إِلَهِي بِجُودِكَ بَسَطْتُ أَمَلِي فِيكَ وَ بِشُكْرِكَ أَقْبَلُ عَمَلِي؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٢٢٨

﴿٤٤٣٩﴾ الرَّسُولُ للله: اللَّهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ بِالشُّكْرِ وَ الْقَبُولِ عَلَى مَا تَرْضَاهُ وَ يَرْضَاهُ الرَّسُولُ؛

المصباح للكفعمي ص: ٦١٥

﴿٤٤٤٠﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَقَبَّلْ مِنِّي عَمَلِي وَ اشْكُرْ سَعْيِي؛

بحار الأنوار ج: ٩٨ ص: ١٧٥

﴿٤٤٤١﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: وَ قَدْ أَتَيْتُكَ زَائِرًا قَبْرَ ابْنِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ فَاجْعَلْ تُخَفِّتَكَ إِيَّايَ

فَكَأَنَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَ تَقَبَّلْ مِنِّي عَمَلِي وَ اشْكُرْ سَعْيِي؛ بحار الأنوار ج: ٩٨ ص: ١٧٥

﴿٤٤٤٢﴾ اللَّهُمَّ وَ ائْمَنْ عَلَى بِالْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ، وَ زِيَارَةِ قَبْرِ رَسُولِكَ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ رَحْمَتُكَ

وَ بَرَكَاتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ، وَ آلِ رَسُولِكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَبَدًا مَا أَقْبَيْتَنِي فِي عَامِي هَذَا وَ فِي كُلِّ

عَامٍ، وَ اجْعَلْ ذَلِكَ مَقْبُولًا مَشْكُورًا؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ١١٢

﴿تشکر و قدردانی خدا از انسان﴾

۱-۲-۳- اجابت، رساندن به خواسته

﴿۴۴۳۲﴾ شکوه و گلایه کردم به پدرم جعفر محمد بن عثمان، از علاقه‌ام برای دیدار مولایمان علیه السلام، پس گفت برای من، همراه شوق و علاقه‌ام که بسیار مشتاق دیدنش هستم؟ پس گفتم: آری مشتاقم؛ پس ایشان فرمودند: شکر خدا بر تو لازم است به سبب شوق و اینکه ببینی رویش (مولایت) را در شادی و سلامتی و عافیت.

﴿۴۴۳۳﴾ روزگار، شکر خود را بر آنکه به درخواستش رسیده واجب کرده است.

﴿۴۴۳۴﴾ روزگار شکر خود را بر کسی که به خواسته‌ی خود دست یابد واجب ساخته است.

۲-۲-۳- پاداش

﴿۴۴۳۵﴾ هر که مطیع خدا باشد مستوجب قدردانی اوست.

﴿۴۴۳۶﴾ هر که از عقوبت پروردگارش دور و در کوی بهشت برین ساکن شود و از نعمتی به نعمت دیگر در گردش شود و از شراب تسنیم آمیخته با زنجبیل و مشک و عنبر دائمی بنوشد، در پادشاهی پایدار و در شادی و خرسندی و زندگی پسندیده و مورد قبول باشد.

۳-۲-۳- پذیرش

﴿۴۴۳۷﴾ خدایا، کرم تو امید مرا گسترش داده و شکر تو اعمال را مورد پذیرش قرار داده است.

﴿۴۴۳۸﴾ پروردگارا، به امید جود و کرم آرزویم را گسترده و با قدردانی‌ات، عملم را بپذیر.

﴿۴۴۳۹﴾ خدایا، در این روز روزه‌ام را با شکر و قبول به نحوی که تو و پیامبر می‌پسندید قرار ده.

﴿۴۴۴۰﴾ خداوندا بر محمد و آلش درود فرست، و عملم را از من بپذیر، و سعی و کوشش مرا قدر بدان.

﴿۴۴۴۱﴾ قبر مطهر فرزند پیامبرت را که رحمت تو بر او باد زیارت می‌کنم، خدایا، تحفه‌ای که می‌خواهی به من بدهی این باشد که مرا از آتش دوزخ برهانی، و عمل مرا قبول فرمایی، و سعی و کوشش مرا مورد قدردانی قرار دهی.

﴿۴۴۴۲﴾ خدایا، بر من منت گزار و حج و عمره و زیارت قبر پیامبرت که درودهای تو و رحمت و برکات و نیکی‌هایت بر او و بر خاندان او باد و زیارت قبور خاندان پیامبرت (بر ایشان درود باد) را همیشه تا هنگامی که مرا زنده می‌داری در این سال و در هر سال نصیب من کن و آن حج و عمره و زیارت قبور پیامبر و خاندان او را پذیرفته و مورد قدرشناسی قرار ده.

﴿شَكَرُ اللَّهِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

٣-٢-٤- المَغْفِرَةُ

﴿٤٤٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَنَّنَوَافِلَ الزَّوَالِ هِيَ صَلَاةُ الْأَوَّابِينَ وَأَنَّ لَهَا عِنْدَ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ مَقَامًا مَشْكُورًا فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ فَإِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ غُفُورًا؛ فلاح السائل ص: ١٢٤
٣-٣- ما شكره الله

٣-٣-١- الإحسانُ و راجع: الحسنة

﴿٤٤٤﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: يَقُولُ الْجَبَّارُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَتَذْكُرُ يَوْمَ كَذَا وَكَذَا أَطَعَمْتَ جَائِعًا وَصَلْتَ أَخًا مُؤْمِنًا كَسَوْتَ يَوْمًا حَجَبْتَ فِي الصَّحَارَى تَدْعُونِي مُخْرَمًا أَرْسَلْتُ عَيْنِيكَ فَرَقَا سَهَرْتَ لَيْلَةً شَفَقًا غَضَضْتَ طَرْفَكَ مِنِّي فَرَقَا فَإِذَا [فَذَا] بِذَا أَمَّا مَا أَحْسَنْتَ فَمَشْكُورٌ وَأَمَّا مَا أَسَأْتَ فَمَغْفُورٌ؛ بحار الأنوار ج: ٨ ص: ٢١١

﴿٤٤٥﴾ الكاظم عليه السلام: كَانَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ رَجُلٌ صَالِحٌ وَكَانَتْ لَهُ امْرَأَةٌ صَالِحَةٌ فَرَأَى فِي النَّوْمِ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ وَقَّتَ لَكَ مِنَ الْعُمْرِ كَذَا وَكَذَا سَنَةً وَجَعَلَ نِصْفَ عُمْرِكَ فِي سَعَةٍ وَجَعَلَ النِّصْفَ الْآخَرَ فِي ضَيْقٍ فَاخْتَرْتُ لِنَفْسِكَ إِمَّا النِّصْفَ الْأَوَّلَ وَإِمَّا النِّصْفَ الْآخَرَ فَقَالَ الرَّجُلُ إِنِّي لِي زَوْجَةٌ صَالِحَةٌ وَهِيَ شَرِيكِي فِي الْمَعَاشِ فَأُشَاوِرُهَا فِي ذَلِكَ فَتَعُودُ إِلَيَّ فَأُخْبِرُكَ فَلَمَّا أَصْبَحَ الرَّجُلُ قَالَ لَزَوْجَتِهِ رَأَيْتُ فِي النَّوْمِ كَذَا وَكَذَا فَقَالَتْ يَا فُلَانُ اخْتَرِ النِّصْفَ الْأَوَّلَ وَتَعَجَّلْ الْعَافِيَةَ لَعَلَّ اللَّهَ سَيَّرَ حِمْنًا وَيَتِمُّ لَنَا النِّعْمَةُ فَلَمَّا كَانَ فِي اللَّيْلَةِ الثَّانِيَةِ أَتَى الْآتِي فَقَالَ مَا اخْتَرْتَ قَالَ النِّصْفَ الْأَوَّلَ فَقَالَ ذَلِكَ لَكَ فَأَقْبَلْتَ الدُّنْيَا عَلَيْهِ مِنْ كُلِّ وَجْهِ وَلَمَّا ظَهَرَتْ نِعْمَتُهُ قَالَتْ لَهُ زَوْجَتُهُ قَرَأْتُكَ وَالْمُخْتَانِجُونَ فَصَلُّهُمْ وَبَرِّهِمْ وَجَارِكَ وَأَخُوكَ فَهَنَّهُمْ فَلَمَّا مَضَى نِصْفُ الْعُمْرِ وَجَازَ حَدُّ الْوَقْتِ رَأَى الرَّجُلُ مِثْلَ الَّذِي رَأَاهُ أَوَّلًا فِي النَّوْمِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدْ شَكَرَ لَكَ ذَلِكَ وَلَكَ تَمَامَ عُمْرِكَ سَعَةً مِثْلُ مَا مَضَى؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٦٨

٣-٣-٢- إرادة الآخره والسعي لها

﴿٤٤٦﴾ وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا؛ الاسراء:

الآية ١٩

٣-٣-٣- الإستقدامُ والمُواساةُ لِلْإِمَامِ

﴿٤٤٧﴾ العسكري عليه السلام: كُنْتُ أَوَّلَ مَنْ شَرَى نَفْسَهُ وَأَوَّلَ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ اللَّهِ قَضَى نَحْبَهُ فَفَزَتْ وَرَبُّ الْكَعْبَةِ شَكَرَ اللَّهُ لَكَ اسْتِقْدَامَكَ وَمُوَاسَاتِكَ إِمَامَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٨ ص: ٢٧٢

﴿تشکر و قدردانی خدا از انسان﴾

۴-۲-۳- آمرزش

﴿۴۴۳﴾ مقصود از نماز اوّابین همان نمازهای نافله‌ی ظهر است، و آن‌ها جایگاه ستوده‌ای نزد خداوند باجلالت دارا هستند. آنجا که خداوند عزیز و جلیل می‌فرماید: به‌راستی که خداوند نسبت به بسیار توبه‌کنندگان، بسیار آمرزنده است.

۳-۳- آنچه مورد قدردانی خدا واقع می‌شود

۱-۳-۳- احسان و ر.به: نیکی

﴿۴۴۴﴾ پس خداوند جبار تبارک و تعالی می‌گوید: آیا به یاد می‌آوری فلان روز را که گرسنه‌ای را سیر کردی و با برادری مؤمن پیوند برقرار کردی در صحراها حج نمودی و در حال احرام مرا خواندی و چشمانت از من واهمه داشت و شبی از ترس بیدار ماندی و از ترس من نگاهت را پایین انداختی. پس به خاطر آن اعمال، نیکی‌هایت قدردانی و بدی‌هایت آمرزیده خواهد شد.

﴿۴۴۵﴾ در میان بنی‌اسرائیل مرد صالحی بود که همسری شایسته داشت، شبی در خواب دید که به او گفته شد: خداوند عمر تو را تا فلان سال مقدر نموده است، و قرار است نیمی از عمرت را در وسعت و توانگری و نیم دیگر را در سختی و فقر به‌سر ببری، پس خودت انتخاب کن که کدام نیمه اول باشد، مرد گفت: من همسر عاقل و شایسته‌ای دارم که در امر معاش شریک من است، اجازه دهید با او مشورت کنم و پاسخ دهم. صبح که مرد برخاست، ماجرا را به همسر خود گفت: همسرش گفت: ای مرد، به نظرم بهتر است نیمه‌ی اول عمرت در عافیت و وسعت نعمت باشد، شاید خداوند به ما رحم کند و نعمت خود را تا آخر عمر در حق ما تمام کند. شب دوم وقتی آن رؤیا تکرار شد، مرد گفت: من ترجیح می‌دهم نیمه‌ی اول عمرم در وسعت و آسایش باشد. پس دنیا به او روی آورد و از هر جهت در وسعت و رفاه قرار گرفت. وقتی نعمت در زندگی ایشان ظاهر شد، همسرش به او گفت: با محتاجان و نزدیکان ارتباط و صله برقرار کن و به آن‌ها نیکی نما و به همسایگان و برادران خود عطا و بخشش داشته باش، وقتی نصف عمر او گذشت و باز هم نعمت ادامه پیدا کرد، شبی در خواب باز هم آن منادی را دید که این بار به او گفت: خداوند تعالی قدردان است و به جهت رسیدگی تو از خویشان و نیازمندان، تمام عمرت تو را مانند نیمه‌ی اول در وسعت و عافیت قرار می‌دهد.

۲-۳-۳- میل و رغبت به آخرت و تلاش برای آن

﴿۴۴۶﴾ پس هر کس درحالی که آن مؤمن و با ایمان است آخرت را بخواهد و برای آن تلاش کند، تلاشش مورد قدردانی قرار می‌گیرد.

۳-۳-۳- پیش‌قدم‌شدن در یاری امام خود

﴿۴۴۷﴾ اولین کسی بودی که جانش را معامله کرد و اولین سلسله‌ی شهیدان بود که به شهادت رسید؛ و سوگند به پروردگار کعبه که رستگار شد. خداوند از پیشگامی‌ات و اینکه امام خود را یاری نمودی قدردانی کند.

﴿شُكْرُ اللَّهِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

٤-٣-٣- الإيثارُ

﴿٤٤٤٨﴾ الرسول ﷺ: خُذُوا هَذَا اللَّهُ وَبَارِكْ لَكُمْ وَبَارَكْ عَلَيْكُمْ قَدْ هَبَطَ عَلَيَّ جِبْرِيلُ مِنْ عِنْدِ رَبِّي وَهُوَ يَقْرَأُ عَلَيْكُمُ السَّلَامَ وَقَدْ شَكَرَ مَا كَانَ مِنْكُمْ وَأَعْطَى فَاطِمَةَ سُؤْلَهَا وَأَجَابَ دَعْوَتَهَا: تأويل الآيات ص: ٧٢٥

٥-٣-٣- الإيمانُ

﴿٤٤٤٩﴾ مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا؛ النساء: الآية ١٤٧
﴿٤٤٥٠﴾ وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا؛ الاسراء:

الآية ١٩

﴿٤٤٥١﴾ امير المؤمنين (عليه السلام): وَأَمَّا الشَّيْنُ فَالشَّاكِرُ لِعِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٢ ص: ٣١٩

٦-٣-٣- البرُّ

١-٣-٣-٦- برُّ الوالدين

﴿٤٤٥٢﴾ الصادق (عليه السلام): إِنْ رَجُلًا مِنْ خِيَارِ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَغُلَمَائِهِمْ خَطَبَ امْرَأَةً مِنْهُمْ فَأَنْعَمَتْ لَهُ وَخَطَبَهَا ابْنُ عَمٍّ لَذَلِكَ الرَّجُلِ وَكَانَ فَاسِقًا رَدِيئًا فَلَمْ يُنْعِمُوا لَهُ فَحَسَدَ ابْنُ عَمِّهِ الَّذِي أَنْعَمُوا لَهُ فَقَعَدَ لَهُ فَقَتَلَهُ غِيلَةً ثُمَّ حَمَلَهُ إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ هَذَا ابْنُ عَمِّي فَقَدْ قُتِلَ فَقَالَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ قَتَلَهُ قَالَ لَا أَذْرَى وَكَانَ الْقَتْلُ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ عَظِيمًا جَدًّا فَعَظَّمَ ذَلِكَ عَلَى مُوسَى فَاجْتَمَعَ إِلَيْهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ فَقَالُوا مَا تَرَى يَا نَبِيَّ اللَّهِ وَكَانَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ رَجُلٌ لَهُ بَقْرَةٌ وَكَانَ لَهُ ابْنٌ بَارٌّ وَكَانَ عِنْدَ ابْنِهِ سِلْعَةٌ فَجَاءَ قَوْمٌ يَطْلُبُونَ سِلْعَتَهُ وَكَانَ مِفْتَاحُ بَيْتِهِ تَحْتَ رَأْسِ أَبِيهِ وَكَانَ نَائِمًا وَكَرِهَ ابْنُهُ أَنْ يُنْبِئَهُهُ وَيُنْغَصَّ عَلَيْهِ نَوْمَهُ فَأَنْصَرَفَ الْقَوْمُ فَلَمْ يَشْتَرُوا سِلْعَتَهُ فَلَمَّا انْتَبَهَ أَبُوهُ قَالَ لَهُ يَا بُنَيَّ مَاذَا صَنَعْتَ فِي سِلْعَتِكَ قَالَ هِيَ قَائِمَةٌ لَمْ أَبْعُهَا لِأَنَّ الْمِفْتَاحَ كَانَ تَحْتَ رَأْسِكَ فَكَرِهْتُ أَنْ أَنْبِئَكَ وَانْغَصَّ عَلَيْكَ نَوْمَكَ قَالَ لَهُ أَبُوهُ قَدْ جَعَلْتُ هَذِهِ الْبَقْرَةَ لَكَ عَوْضًا عَمَّا فَاتَكَ مِنْ رِنَجِ سِلْعَتِكَ وَشَكَرَ اللَّهُ لَائِنِهِ مَا فَعَلَ بِأَبِيهِ؛ بحار الأنوار ج: ١٣ ص: ٢٥٩

٢-٣-٣-٦- برُّ الإخوان و الجيران و صِلَتُهُمْ

﴿٤٤٥٣﴾ الكاظم (عليه السلام): كَانَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ رَجُلٌ صَالِحٌ وَكَانَتْ لَهُ امْرَأَةٌ صَالِحَةٌ فَرَأَى فِي النَّوْمِ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ وَقَّتَ لَكَ مِنَ الْعُمُرِ كَذَا وَكَذَا سَنَةً وَجَعَلَ نِصْفَ عُمُرِكَ فِي سَعَةٍ وَجَعَلَ النِّصْفَ الْآخَرَ فِي ضَيْقٍ فَاخْتَرْتَ لِنَفْسِكَ إِمَّا النِّصْفَ الْآوَّلَ وَ إِمَّا النِّصْفَ الْآخَرَ فَقَالَ الرَّجُلُ إِنْ لِي زَوْجَةٌ

﴿تشکر و قدردانی خدا از انسان﴾

۴-۳-۳- ترجیح دادن دیگران بر خود

﴿۴۴۴۸﴾ بگیرید خداوند آن را بر شما مبارک گرداند و به شما برکت و فراوانی دهد، جبرئیل از نزد پروردگارم بر من فرود آمد و او به شما سلام می‌کند و از شما به خاطر کاری که انجام دادید تشکر کرد و درخواست فاطمه علیها السلام را به او عطا و دعایش را اجابت نمود.

۵-۳-۳- ایمان

﴿۴۴۴۹﴾ خدا چه نیازی به مجازات شما دارد؟ اگر شکرگزاری کنید و ایمان آورید خدا شکرگزار و آگاه است.

﴿۴۴۵۰﴾ پس هر کس درحالی که آن مؤمن و با ایمان است آخرت را بخواهد و برای آن تلاش کند، تلاشش مورد قدردانی قرار می‌گیرد.

﴿۴۴۵۱﴾ و اما حرف شین (ش) در نامهای خداوند شکرگزار و قدردان بندگان مؤمنش است.

۶-۳-۳- نیکی

۱-۶-۳-۳- نیکی به پدر و مادر

﴿۴۴۵۲﴾ مردی از نیکان بنی‌اسرائیل و دانشمندان ایشان زنی را خواستگاری کرد و او پذیرفت هم زمان پسرعموی آن مرد نیز از آن زن خواستگاری کرد و چون مردی فاسق و گناهکار بود، زن نپذیرفت، پس پسرعموی آن مرد دچار حسد شد و در کمین او نشست و او را به قتل رساند، سپس جنازه‌ی او را برداشت و آن را به نزد موسی برد و گفت: ای پیامبر خدا، این مرد پسرعموی من است که کشته شده و من نمی‌دانم قاتل او کیست؟ و امر قتل در نزد بنی‌اسرائیل بسیار قبیح و جرم آن سنگین بود، بنابراین موسی نیز به آن اهتمام نمود و بنی‌اسرائیل را جمع کرد تا در این باره تصمیم بگیرند، از طرف دیگر در بنی‌اسرائیل مردی بود که گاو ماده‌ای داشت و صاحب پسری نیکوکار بود، روزی پسرش کالایی داشت که می‌خواست آن را بفروشد، اما کلید انبار کالا زیر سر پدرش بود و او نیز خوابیده بود و پسر راضی نشد که پدر را بیدار کند و خواب او را برهم زند، پس خریداران کالای او منصرف شدند و کالایش را نخریدند، وقتی پدرش بیدار شد به پسر گفت: پسر، مال التجاره‌ات را چه کردی؟ او گفت: کالاهای همچنان هست و من آن‌ها را نفروختم، چون کلید آن زیر سر شما بود و من دوست نداشتم شما را از خواب بیدار کنم، پدر گفت: در عوض این نیکویی که در حق من کردی من این گاو را به تو می‌بخشم تا جبران آن سودی باشد که قرار بود از فروش کالا به دست بیاوری، خداوند شکور نیز از عمل خالصانه‌ی این پسر قدردانی کرد.

۲-۶-۳-۳- نیکی به برادران و همسایگان و برقراری ارتباط با ایشان

﴿۴۴۵۳﴾ در میان بنی‌اسرائیل مرد صالحی بود که همسری شایسته داشت، شبی در خواب دید که به او گفته شد: خداوند عمر تو را تا فلان سال مقدر نموده است، و قرار است نیمی از عمرت را در وسعت و توانگری و نیم دیگر را در سختی و فقر به‌سر ببری، پس خودت انتخاب کن که کدام نیمه اول باشد، مرد گفت: من همسر عاقل و شایسته‌ای دارم که در امر معاش شریک من

﴿شَكَرُ اللَّهِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

صَالِحَةً وَهِيَ شَرِيكِي فِي الْمَعَاشِ فَأَشَاوَرُهَا فِي ذَلِكَ فَتَعَوَّدُ إِلَيَّ فَأَخْبِرُكَ فَلَمَّا أَصْبَحَ الرَّجُلُ قَالَ لِرُؤُوسِهِ رَأَيْتُ فِي النَّوْمِ كَذَا وَكَذَا فَقَالَتْ يَا فُلَانُ اخْتَرِ النِّصْفَ الْأَوَّلَ وَتَعَجَّلِ الْعَافِيَةَ لَعَلَّ اللَّهَ سَيَرَحَمَنَا وَيُتِمُّ لَنَا النِّعْمَةَ فَلَمَّا كَانَ فِي اللَّيْلَةِ الثَّانِيَةِ أَتَى الْآتِي فَقَالَ مَا اخْتَرْتَ قَالَ النِّصْفَ الْأَوَّلَ فَقَالَ ذَلِكَ لَكَ فَأَقْبَلَتِ الدُّنْيَا عَلَيْهِ مِنْ كُلِّ وَجْهِ وَ لَمَّا ظَهَرَتْ نِعْمَتُهُ قَالَتْ لَهُ زَوْجَتُهُ قَرَأْتِكَ وَالْمُحْتَاجُونَ فَصَلِّهُمْ وَبِرَّهُمْ وَجَارِكَ وَأَخُوكَ فَهَبْهُمْ فَلَمَّا مَضَى نِصْفُ الْعُمُرِ وَجَازَ حَدَّ الْوَقْتِ رَأَى الرَّجُلُ مِثْلَ الَّذِي رَأَاهُ أَوَّلًا فِي النَّوْمِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدْ شَكَرَ لَكَ ذَلِكَ وَ لَكَ تَمَامُ عُمْرِكَ سَعَةً مِثْلَ مَا مَضَى؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٦٨

٣-٣-٧- البصيرة

﴿٤٤٥٤﴾ إِلَهِي إِيَّاكَ قَصَدْتُ وَإِلَى وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ وَقَدْتُ نَارًا بِعُقُوبَتِكَ عَائِذَا بِعُقُوكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ فَارْحَمْ غُرْبَتِي وَأَقِلْ عَثْرَتِي وَأَقْبَلْ تَوْبَتِي وَأَحْسِنْ أَوْتِي مَشْكُورَ الْبَصِيرَةِ مَغْفُورَ الْعَلَانِيَةِ وَالسَّرِيرَةِ مِنْ كُلِّ كَبِيرَةٍ وَصَغِيرَةٍ؛ بحار الأنوار ج: ٩٨ ص: ٢٢٧

٣-٣-٨- ترك شرب الخمر

﴿٤٤٥٥﴾ الرسول ﷺ: يَا عَلِيُّ مَنْ تَرَكَ الْخَمْرَ لَغَيْرِ اللَّهِ سَقَاهُ اللَّهُ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَغَيْرِ اللَّهِ قَالَ نَعَمْ وَاللَّهِ صِيَانَةً لِنَفْسِهِ يَشْكُرُهُ اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٤ ص: ٣٥٢

﴿٤٤٥٦﴾ الباقر ﷺ: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى رَسُولِهِ ﷺ أَنِّي شَكَرْتُ لِجَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَرْبَعَ خِصَالٍ فَدَعَاهُ النَّبِيُّ ﷺ فَأَخْبَرَهُ فَقَالَ لَوْ لَا أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَخْبَرَكَ مَا أَخْبَرْتُكَ مَا شَرَبْتُ خَمْرًا قَطُّ لَأَنِّي عَلِمْتُ أَنِّي إِنْ شَرَبْتُهَا زَالَ عَقْلِي وَمَا كَذَبْتُ قَطُّ لَأَنَّ الْكَذِبَ يَنْقُصُ الْمُرُوءَةَ وَمَا زَنَيْتُ قَطُّ لَأَنِّي خِفْتُ أَنِّي إِذَا عَمِلْتُ عَمَلًا بِي وَمَا عَبَدْتُ صَنَمًا قَطُّ لَأَنِّي عَلِمْتُ أَنَّهُ لَا يَصُرُّ وَلَا يَنْفَعُ قَالَ فَضَرَبَ النَّبِيُّ ﷺ يَدَهُ عَلَى عَاتِقِهِ وَقَالَ حَقُّ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُجْعَلَ لَكَ جَنَاحَيْنِ تَطِيرُ بِهِمَا مَعَ الْمَلَائِكَةِ فِي الْجَنَّةِ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٤ ص: ٣٩٧

٣-٣-٩- تصديق الإمام

﴿٤٤٥٧﴾ الباقر ﷺ: كُنَّا عِنْدَهُ بِكُمْ مُؤْمِنِينَ مُسَوِّمِينَ وَبِفَضْلِكُمْ مَعْرُوفِينَ وَبِتَصَدِيقِنَا إِيَّاكُمْ مَشْكُورِينَ وَبَطَاعَتِنَا لَكُمْ مَشْهُورِينَ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٠ ص: ٤٢١

٣-٣-١٠- التطوع

﴿تشکر و قدردانی خدا از انسان﴾

است، اجازه دهید با او مشورت کنم و پاسخ دهم. صبح که مرد برخاست، ماجرا را به همسر خود گفت: همسرش گفت: ای مرد، به نظرم بهتر است نیمه‌ی اول عمرت در عافیت و وسعت نعمت باشد، شاید خداوند به ما رحم کند و نعمت خود را تا آخر عمر در حق ما تمام کند. شب دوم وقتی آن رؤیا تکرار شد، مرد گفت: من ترجیح می‌دهم نیمه‌ی اول عمرم در وسعت و آسایش باشد. پس دنیا به او روی آورد و از هر جهت در وسعت و رفاه قرار گرفت. وقتی نعمت در زندگی ایشان ظاهر شد، همسرش به او گفت: با محتاجان و نزدیکان ارتباط و صله برقرار کن و به آن‌ها نیکی نما و به همسایگان و برادران خود عطا و بخشش داشته باش، وقتی نصف عمر او گذشت و باز هم نعمت ادامه پیدا کرد، شبی در خواب باز هم آن منادی را دید که این بار به او گفت: خداوند تعالی قدردان است و به جهت رسیدگی تو از خویشان و نیازمندان، تمام عمرت تو را مانند نیمه‌ی اول در وسعت و عافیت قرار می‌دهد.

۷-۳-۳- آگاهی

﴿۴۴۵۴﴾ خدایا، فقط قصد تو را کرده‌ام و به‌سوی ولایت و فرزند ولایت سفر نمودم؛ هرچند سزاوار من کیفر توست (اما) از عقوبت تو به بهشت پناه آورده‌ام پس بر غربتم رحم کن و از لغزشم درگذر و توبه‌ام را بپذیر و بازگشتم را نیکو کن؛ به‌گونه‌ای که بصیرتم مورد قدردانی واقع شود و ظاهر و باطنم از هر گناه صغیره و کبیره‌ای بخشیده شده باشد.

۸-۳-۳- ترک شراب‌خواری

﴿۴۴۵۵﴾ ای علی، اگر کسی حتی شراب را برای رضای غیر خدا ترک کند، خداوند از رحیق مختوم به او می‌نوشاند. علی علیه السلام عرض کرد: حتی برای غیر خدا؟ فرمود: آری. سوگند به خداوند، هرکس که آن را به خاطر حفظ جان خود نیز ترک کند، خداوند به همین خاطر به او پاداش می‌دهد.

﴿۴۴۵۶﴾ خدا به رسولش وحی کرد که: "من از صفات جعفر بن ابی‌طالب چهار صفت را تقدیر می‌کنم " پیامبر صلی الله علیه و آله او را خواست و به او خبر داد عرض کرد اگر خدا به تو خبر نداده بود من هم اظهار نمی‌کردم، من هرگز می، ننویشیدم زیرا می‌دانستم که اگر بنوشم عقلم می‌رود هرگز دروغ نگفتم زیرا دروغ نقص مردانگی است، زنا نکردم زیرا ترسیدم که با من همان عمل بشود و هرگز بتی نپرستیدم زیرا دانستم که بت زبانی را دفع نمی‌کند و سودی نمی‌رساند، راوی گفت: پیامبر دست بر شانه‌اش زد و فرمود: سزاوار است که خداوند به تو دو بال دهد تا در بهشت پرواز کنی.

۹-۳-۳- تصدیق امام

﴿۴۴۵۷﴾ ما نزد خدا به شما ایمان داریم و علامت - دوستی - شما را داریم و با فضل شما شناخته شده‌ایم و به خاطر اینکه شما را تصدیق کرده‌ایم مورد قدردانی قرار گرفته‌ایم و به فرمان‌برداری از شما شناخته شده‌ایم.

۱۰-۳-۳- اعمال افزون بر واجبات

﴿شُكْرُ اللَّهِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

﴿٤٤٥٨﴾ إِنَّ الصَّنَا وَالْمُرُوءَةَ مِنَ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ؛ البقرة: الآية ١٥٨

١١-٣-٣- الجهاد

﴿٤٤٥٩﴾ وَاللَّهُ مُسْتَأْدِيكُمْ شُكْرَهُ؛ شرح نهج البلاغة ج: ١١ ص: ١٤٢

١٢-٣-٣- الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ وَ رَاجِع: السَّعْيُ

﴿٤٤٦٠﴾ اللَّهُمَّ وَامْنُنْ عَلَيَّ بِالْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ، وَ زِيَارَةِ قَبْرِ رَسُولِكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ رَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ، وَ آلِ رَسُولِكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي فِي عَامِي هَذَا وَ فِي كُلِّ عَامٍ، وَ اجْعَلْ ذَلِكَ مَقْبُولًا مَشْكُورًا؛ الصحيفة السجادية (عليه السلام) ص: ١١٢

﴿٤٤٦١﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): مَنْ زَارَ إِمَامًا مُفْتَرَضًا طَاعَتُهُ وَ صَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حِجَّةً مَبْرُورَةً وَ عُمْرَةً مَشْكُورَةً؛ روضة الواعظين ج: ١ ص: ٢٠٢

١٣-٣-٣- الْحَسَنَةُ وَ رَاجِع: الْإِحْسَانُ وَ الْمَعْرُوفُ

﴿٤٤٦٢﴾ ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَرِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ؛ الشورى: الآية ٢٣

﴿٤٤٦٣﴾ الرُّسُولُ (عليه السلام): أَنْ تَجْعَلَ أَعْمَالَنَا فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَ فِي سَائِرِ اللَّيَالِي مَقْبُولَةً وَ ذُنُوبَنَا مَغْفُورَةً وَ حَسَنَاتِنَا مَشْكُورَةً وَ سَيِّئَاتِنَا مَسْثُورَةً؛ البلد الأمين ص: ١٨٣

١٤-٣-٣- الْحَمْدُ

﴿٤٤٦٤﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): يَا أَشْكُرَ مَنْ حَمِدَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٣٣٥

﴿٤٤٦٥﴾ الرُّسُولُ (عليه السلام): إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَشْبَعُ مِنَ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ فَيَحْمَدُ اللَّهَ فَيُعْطِيهِ اللَّهُ مِنْ الْأَجْرِ مَا لَا يُعْطَى الصَّائِمُ إِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ يُحِبُّ أَنْ يُحْمَدَ؛ وسائل الشيعة ج: ٢٥ ص: ٢٥٢

﴿٤٤٦٦﴾ الصَّادِقُ (عليه السلام): لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَبْلُغُ أَوَّلُهُ شُكْرَكَ وَ عَاقِبَتُهُ رِضْوَانُكَ؛ بحار الأنوار

ج: ٩٤ ص: ١٤٢

﴿٤٤٦٧﴾ الرُّسُولُ (عليه السلام): كَانَ لِلَّهِ مِمَّا يَقُولُ إِذَا اسْتَقْبَلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانِي بَعْدَ مَوْتِي إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ شَكُورٌ؛ بحار الأنوار ج: ١٦ ص: ٢٥٣

١٥-٣-٣- زِيَارَةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام)

﴿تشکر و قدردانی خدا از انسان﴾

﴿۴۴۵۸﴾ صفا و مروه از نشانه‌های خداست؛ بنابراین، کسانی که حج خانه‌ی خدا و یا عمره انجام می‌دهند، مانعی نیست که بر آن دو طواف کنند (و سعی صفا و مروه انجام دهند. و هرگز اعمال بی‌رویه‌ی مشرکان، که بت‌هایی بر این دو کوه نصب کرده بودند، از موقعیت این دو مکان مقدس نمی‌کاهد؛) و کسی که فرمان خدا را در انجام کارهای نیک اطاعت کند، خداوند (در برابر عمل او) شکرگزار، و (از افعال وی) آگاه است.

۱۱-۳-۳- جهاد

﴿۴۴۵۹﴾ و خداوند شکر خود را بر عهده‌ی شما نهاد.

۱۲-۳-۳- حج و عمره

﴿۴۴۶۰﴾ خدایا، بر من منت گزار و حج و عمره و زیارت قبر پیامبرت که درودهای تو و رحمت و برکات و نیکی‌هایت بر او و بر خاندان او باد و زیارت قبور خاندان پیامبرت (بر ایشان درود باد) را همیشه تا هنگامی که مرا زنده می‌داری در این سال و در هر سال نصیب من کن و آن حج و عمره و زیارت قبور پیامبر و خاندان او را پذیرفته و مورد قدرشناسی قرار ده. ﴿۴۴۶۱﴾ هرکس امامی را که فرمان برداریش واجب است زیارت کند و چهار رکعت نماز بگذارد، خداوند برای او پاداش حج و عمره‌ی پذیرفته شده می‌نویسد.

۱۳-۳-۳- پاداش و ربه: احسان و نیکی

﴿۴۴۶۲﴾ این همان چیزی است که خداوند بندگان را که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند به آن نوید می‌دهد؛ بگو: "من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست‌داشتن اهل‌بیتم و هرکس کار نیکی انجام دهد بر نیکی‌اش می‌افزایم، زیرا خداوند آمرزنده و سپاسگزار است."

﴿۴۴۶۳﴾ از تو می‌خواهم که اعمال ما را در این شب و شب‌های دیگر پذیرفته و گناهانمان را بیامیزی و اعمال نیک ما را مورد قبول قرار دهی و بدی‌هایمان را بیوشانی.

۱۴-۳-۳- ستایش

﴿۴۴۶۴﴾ ای قدردان‌ترین کسی که مورد ستایش قرار گرفته است.

﴿۴۴۶۵﴾ مؤمن هروقت که از خوردن غذا و آشامیدن سیر شود حمد خدا می‌گوید و خداوند به او اجر و پاداشی می‌دهد که به شخص روزه‌دار عطا نمی‌کند، خداوند سپاسگزار و آگاه است و دوست دارد که ستایش شود.

﴿۴۴۶۶﴾ تو را می‌ستایم، ستایشی که آغاز آن به شکر و سپاس تو بینجامد و پایان و آن به رضایت تو.

﴿۴۴۶۷﴾ و چون بیدار می‌شد بسیار می‌گفت: "سپاس خدا را که پس از مردنم زنده‌ام کرد، پروردگارم بسیار آمرزنده و قدرشناس است.

۱۵-۳-۳- زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

﴿شُكْرُ اللَّهِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

﴿٤٤٦٨﴾ مَنْ زَارَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام بِهَذِهِ الزِّيَارَةِ وَصَلَّى بِهَذِهِ الصَّلَاةِ رَجَعَ إِلَى أَهْلِهِ مَغْفُورًا ذَنْبُهُ مَشْكُورًا سَعْيُهُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٧ ص: ٢٧٩

١٦-٣-٣- السَّعْيُ

١٦-٣-٣-١- اجْعَلْ سَعْيِي مَشْكُورًا

﴿٤٤٦٩﴾ اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَوَاتِي بِهِمْ مَقْبُولَةً وَذُنُوبِي بِهِمْ مَغْفُورَةً وَسَعْيِي بِهِمْ مَشْكُورًا؛ بحار الأنوار ج: ٨٤ ص: ٥٩

﴿٤٤٧٠﴾ الصادق عليه السلام: اجْعَلْ عَمَلِي فِيهَا مَقْبُولًا وَسَعْيِي فِيهَا مَشْكُورًا؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٢٦٨

﴿٤٤٧١﴾ الصادق عليه السلام: اجْعَلْ عَمَلِي فِيهِمَا مَقْبُولًا وَسَعْيِي مَشْكُورًا؛ فلاح السائل ص: ٢٢٢

﴿٤٤٧٢﴾ الرسول عليه السلام: اللَّهُمَّ اجْعَلْ سَعْيِي فِيهِ مَشْكُورًا؛ المصباح للكفعمي ص: ٦١٥

﴿٤٤٧٣﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيَّ مَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ وَفِيَّ مَا تَفَرِّقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدَرِ أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حُجَّتَهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمْ؛ تهذيب الأحكام ج: ٣ ص: ١٢٤

﴿٤٤٧٤﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ حَجًّا مَبْرُورًا وَعَمَلًا مَقْبُولًا وَسَعْيًا مَشْكُورًا؛ الكافي ج: ٤ ص: ٤٧٨

﴿٤٤٧٥﴾ وَاجْعَلْ سَعْيِي عِنْدَكَ مَشْكُورًا؛ البلد الأمين ص: ١٣١

﴿٤٤٧٦﴾ الصادق عليه السلام: وَاجْعَلْ عَمَلِي فِيهَا مَقْبُولًا وَسَعْيِي فِيهَا مَشْكُورًا؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٢٦٨

٢-١٦-٣-٣- اجْعَلْ سَعْيَنَا مَشْكُورًا

﴿٤٤٧٧﴾ الرضا عليه السلام: فَاجْعَلْ سَعْيَنَا مَشْكُورًا؛ مستدرک الوسائل ج: ٧ ص: ٤٤٤

﴿٤٤٧٨﴾ السجاد عليه السلام: وَاجْعَلْ عَمَلَنَا فِيهِ مَقْبُولًا وَسَعْيَنَا فِيهِ مَشْكُورًا؛ إقبال الأعمال ص: ٢٤٥

٣-١٦-٣-٣- أَرْزُقْنِي سَعْيًا مَشْكُورًا

﴿٤٤٧٩﴾ الصادق عليه السلام: اللَّهُمَّ وَاسْقِنِي كَمَا سَقَيْتَهُمْ شَرَابًا طَهُورًا وَحَلِّنِي كَمَا حَلَّيْتَهُمْ أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَارْزُقْنِي كَمَا رَزَقْتَهُمْ سَعْيًا مَشْكُورًا؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٢٧١

٤-١٦-٣-٣- أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِنَ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمْ

﴿٤٤٨٠﴾ الصادق عليه السلام: أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حُجَّتَهُمُ الْمَكْفَرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ الْمَغْفُورَةِ ذُنُوبُهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمْ؛ الكافي ج: ٤ ص: ١٦١

﴿تشکر و قدردانی خدا از انسان﴾

﴿۴۴۶۸﴾ هرکس امیرالمؤمنین را با این کلمات زیارت کند و این نماز را بخواند، در حالی به‌سوی خانواده اش بازمی‌گردد که گناهش آمرزیده و کوشش او پذیرفته شده است.

۱۶-۳-۳- تلاش

۱-۱۶-۳-۳- سعی و تلاشم را مورد قدردانی قرار ده

﴿۴۴۶۹﴾ خدایا، نمازهایم را به خاطر ایشان (اهل بیت) مورد پذیرش قرار ده و گناهانم را به خاطر آن‌ها بخشیده و تلاشم را به خاطر ایشان مورد قدردانی قرار بده.
﴿۴۴۷۰﴾ اعمال مرا در دنیا مورد پذیرش خویش قرار بده و تلاش و همتم را جزای خیر عطا فرما.

﴿۴۴۷۱﴾ عملم را بپذیر، و کوششم را مورد سپاس خویش قرار ده.

﴿۴۴۷۲﴾ خدایا، در این روز تلاشم را قدر بدان.

﴿۴۴۷۳﴾ خدایا، در آنچه از فرمان حتمی خود حکم کرده و مقدر فرموده‌ای و در آنچه براساس حکمت در شب قدر تدبیر می‌کنی، نام مرا در زمره‌ی حاجیان خانه‌ی محترم کعبه‌ات ثبت فرما، آنان که حجتشان مقبول و سعیشان مورد تقدیر بوده است.

﴿۴۴۷۴﴾ خدایا، آن را حجتی نیکو و عملی مقبول و تلاشی مورد قدردانی قرار ده.

﴿۴۴۷۵﴾ خدایا تلاشم را قدردانی کن.

﴿۴۴۷۶﴾ و عملم را در آن مورد قبول و تلاشم را در آن مورد قدردانی قرار بده.

۲-۱۶-۳-۳- سعی و تلاشمان را مورد قدردانی قرار ده

﴿۴۴۷۷﴾ خداوند، سعی و کوشش ما را مشمول جزای خیر و پاداش قرار بده.

﴿۴۴۷۸﴾ و عملمان را در آن مورد قبول و تلاشمان را در آن مورد قدردانی قرار بده.

۳-۱۶-۳-۳- سعی و تلاشی که مورد قدردانی باشد روزی‌ام کن

﴿۴۴۷۹﴾ خدایا، چنانچه نوشیدنی پاک به آن‌ها نوشاندی به من نیز بنوشان، و از زیورهایی که آن‌ها را بدان آراستی بر من نیز بپوشان، و همان‌طور که کوششی مقبول و مورد قدردانی، روزی آن‌ها کردی، روزی من نیز بفرما.

۴-۱۶-۳-۳- از تو درخواست می‌کنم که مرا از کسانی قراردهی که سعی و تلاششان مورد قدردانی است

﴿۴۴۸۰﴾ از تو می‌خواهم که مرا در ردیف حاجیان و زائران خانه‌ی خودت قرار دهی؛ حاجیانی که با حج پسندیده بازگردند و خطاهایشان پوشیده شده و گناهانشان بخشیده گردد و تلاش و کوشش آنان مورد قدر دانی تو قرار گرفته باشد.

﴿شُكْرُ اللَّهِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

٥-١٦-٣- أسألكَ أَنْ تَرُدَّنِي بَعْدَ سَعْيِ مَشْكُورٍ
﴿٤٤٨١﴾ الرسول ﷺ: أَنْ تَرُدَّنِي سَالِمًا إِلَى وَطَنِي بَعْدَ حَجٍّ مَقْبُولٍ وَ سَعْيٍ مَشْكُورٍ وَ عَمَلٍ مُتَقَبَّلٍ؛
بحار الأنوار ج: ٩٧ ص: ١٥٩

٦-١٦-٣- أسألكَ أَنْ تَشْكُرَ سَعْيِي، أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يَشْكُرَ سَعْيِي
﴿٤٤٨٢﴾ الصادق ﷺ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَقَبَّلَ عَمَلِي وَ تَشْكُرَ سَعْيِي؛ تهذيب الأحكام ج: ٦ ص: ٦٩
﴿٤٤٨٣﴾ أَسْأَلُ اللَّهَ بِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ أَنْ يَقْبَلَ زِيَارَتِي لَكُمْ وَ يَشْكُرَ سَعْيِي إِلَيْكُمْ؛
بحار الأنوار ج: ٩٩ ص: ٦٧

٧-١٦-٣- أسألكَ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنَ الْمَشْكُورِ سَعِيهِمْ
﴿٤٤٨٤﴾ الصادق ﷺ: أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجَّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعِيهِمْ؛
الكافي ج: ٤ ص: ٧١

﴿٤٤٨٥﴾ الصادق ﷺ: أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِي هَذَا الْمَبْرُورِ حَجَّهُمْ
الْمَشْكُورِ سَعِيهِمْ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ١٦٣
﴿٤٤٨٦﴾ أمير المؤمنين ﷺ: أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي هَذَا الْعَامِ وَ فِي كُلِّ عَامٍ
الْمَبْرُورِ حَجَّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعِيهِمْ؛ المقنعة ص: ١٩٥
٨-١٦-٣- أسألكَ أَنْ يَشْكُرَ سَعْيَنَا

﴿٤٤٨٧﴾ السجاد ﷺ: أَنْ يَسْتَجِيبَ دُعَاءَنَا وَ يَقْبَلَ مِنَّا صَوْمَنَا وَ يَزَكِّي أَعْمَالَنَا وَ يَشْكُرَ سَعْيَنَا وَ
لَا يَرُدَّنَا خَائِبِينَ وَ أَنْ يَجْعَلَنَا عِنْدَهُ مِنَ الْمُقْبُولِينَ؛ إقبال الأعمال ص: ٢٤٣
٩-١٦-٣- أسألكَ سَعْيًا مَشْكُورًا

﴿٤٤٨٨﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ قُلُوبًا سَلِيمَةً وَ السِّنَّةَ صَادِقَةً وَ أَزْوَاجًا صَالِحَةً وَ إِيْمَانًا
ثَابِتًا وَ عِلْمًا نَافِعًا وَ بَرًّا ظَاهِرًا وَ تِجَارَةً رَيْبَحَةً وَ عَمَلًا نَجِيحًا وَ سَعْيًا مَشْكُورًا؛ البلد الأمين
ص: ١٢٣

١٠-١٦-٣- أَشْكُرُ سَعْيِي
﴿٤٤٨٩﴾ الصادق ﷺ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَقَبَّلْ مِنِّي عَمَلِي وَ اشْكُرْ سَعْيِي؛
بحار الأنوار ج: ٩٨ ص: ١٧٥

﴿تشکر و قدردانی خدا از انسان﴾

۵-۱۶-۳- از تو درخواست می‌کنم که مرا با تلاش قدردانی شده برگردانی

﴿۴۴۸۱﴾ از تو درخواست می‌کنم که مرا بعد از انجام حجتی مقبول و سعیی مورد قدردانی و عملی پذیرفته شده، سالم به وطنم برگردانی.

۶-۱۶-۳- از تو درخواست می‌کنم که سعی و تلاش مرا مورد قدردانی قرار دهی، از خداوند می‌خواهم که از سعی و تلاش من قدردانی کند

﴿۴۴۸۲﴾ پروردگارا، از تو به حق محمد و خاندانش علیهم‌السلام درخواست می‌کنم که بر محمد و خاندانش علیهم‌السلام درود فرستی و اینکه معلم را بپذیری و تلاشم را مورد قدردانی قرار دهی. ﴿۴۴۸۳﴾ از خدای تعالی، به حق شأن و مقامی که شما نزد او دارید درخواست می‌کنم، که زیارتم را قبول و از تلاشم قدردانی کند.

۷-۱۶-۳- از تو درخواست می‌کنم که مرا از کسانی قراردهی که سعی و تلاش آن‌ها مورد قدردانی است

﴿۴۴۸۴﴾ از تو می‌خواهم که نام مرا در زمره‌ی حاجیان خانه‌ی محترم خود ثبت کنی، آنان که حجتشان مقبول و سعیشان مورد قدردانی قرار گرفته است.

﴿۴۴۸۵﴾ از تو می‌خواهم که نام مرا امسال در زمره‌ی حاجیان خانه‌ی محترم خود ثبت کنی، آنان که حجتشان مقبول و سعیشان مورد قدردانی قرار گرفته است.

﴿۴۴۸۶﴾ از تو می‌خواهم که نام مرا امسال و هر سال در زمره‌ی حاجیان خانه‌ی محترم خود ثبت کنی، آنان که حجتشان مقبول و سعیشان مورد قدردانی قرار گرفته است.

۸-۱۶-۳- از تو درخواست می‌کنم که از سعی‌مان قدردانی کنی

﴿۴۴۸۷﴾ از خدای متعال خواستاریم که دعای ما را مستجاب کند و از ما روزه‌مان را قبول فرماید و اعمال ما را پاک کند و فزونی بخشد و عمل ما را مورد قدردانی قرار دهد خداوند، ما را ناامید برنگردان و ما را از پذیرفته شدگان قرار بده.

۹-۱۶-۳- از تو سعی و تلاش قدردانی شده درخواست می‌کنم

﴿۴۴۸۸﴾ پروردگارا، از تو می‌خواهم که با لطف خود دلی خداجو و زبانی راستگو و همسرانی درست‌کردار و ایمانی راسخ و علمی مؤثر و مفید و خیری آشکار و تجارتی سودمند و عملی موفق و تلاش و کوششی پذیرفته شده به من عطا فرمایی.

۱۰-۱۶-۳- از سعی و تلاشم، قدردانی کن

﴿۴۴۸۹﴾ خداوندا بر محمد و آلش درود فرست، و معلم را از من بپذیر، و سعی و کوشش مرا قدر بدان.

﴿شُكْرُ اللَّهِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

﴿٤٤٩٠﴾ الصادق عليه السلام: وَقَدْ جَعَلْتُ لِكُلِّ زَائِرٍ كَرَامَةً وَلِكُلِّ وَافِدٍ تَخَفَةً فَاسْأَلْكَ أَنْ تَجْعَلَ

تُخَفَّتَكَ إِيَّايَ فَكَأَكْ رَقَّتِي مِنَ النَّارِ وَأَشْكُرُ سَعْيِي؛ بحار الأنوار ج: ٩٧ ص: ١١٢

﴿٤٤٩١﴾ السجاد عليه السلام: اللَّهُمَّ فَاشْكُرْ سَعْيِي؛ مصباح المتعبد ص: ٧١٨

﴿٤٤٩٢﴾ الصادق عليه السلام: وَقَدْ آتَيْتُكَ زَائِرًا قَبْرَ ابْنِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ فَاجْعَلْ تُخَفَّتَكَ إِيَّايَ

فَكَأَكْ رَقَّتِي مِنَ النَّارِ وَتَقَبَّلْ مِنِّي عَمَلِي وَأَشْكُرُ سَعْيِي؛ بحار الأنوار ج: ٩٨ ص: ١٧٥

١١-١٦-٣-شكر سعيك، شكر سعي

﴿٤٤٩٣﴾ الرسول عليه السلام: قَبْلَ اللَّهِ حَجَّكَ وَشَكَرَ سَعْيِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٣ ص: ٢٣٤

﴿٤٤٩٤﴾ مَا أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَأَشْرَفَ مُتَقَلِّبَكَ أَشْهَدُ لَقَدْ شَكَرَ اللَّهُ سَعْيَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٨

ص: ٢٤٢

﴿٤٤٩٥﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَحَشَرَنِي اللَّهُ فِي زُمْرَتِكُمْ وَأَوْرَدَنِي حَوْضَكُمْ وَ

جَعَلَنِي فِي حِزْبِكُمْ وَأَرْضَاكُمْ عَنِّي وَقَلْبِي فِي دَوْلَتِكُمْ وَأَحْيَانِي فِي رَجْعَتِكُمْ وَمَلَكْنِي فِي

أَيَّامِكُمْ وَشَكَرَ سَعْيِي بِكُمْ؛ تهذيب الأحكام ج: ٦ ص: ١٠١

﴿٤٤٩٦﴾ شَكَرَ سَعْيِي بِكَ وَغَفَرَ ذَنْبِي بِشَفَاعَتِكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٧ ص: ٣٥٣

١٢-١٦-٣-كَانَ سَعْيُكُمْ (سَعْيُهُمْ) مَشْكُورًا

﴿٤٤٩٧﴾ وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا؛ الإسراء:

الآية ١٩

﴿٤٤٩٨﴾ إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا؛ الإنسان: الآية ٢٢

﴿٤٤٩٩﴾ الرسول عليه السلام: خُذُوا هَنَّاكُمْ اللَّهُ وَبَارَكْ لَكُمْ وَبَارَكْ عَلَيْكُمْ قَدْ هَبَطَ عَلَيَّ جِبْرِيلُ

مِنْ عِنْدِ رَبِّي وَهُوَ يَقْرَأُ عَلَيْكُمُ السَّلَامُ وَقَدْ شَكَرَ مَا كَانَ مِنْكُمْ وَأَعْطَى فَاطِمَةَ سُؤْلِهَا وَأَجَابَ

دَعْوَتَهَا وَتَلَا عَلَيْهِمْ إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا إِلَى قَوْلِهِ إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ

جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا؛ تأويل الآيات ص: ٧٢٥

١٣-١٦-٣-لَا تُخْرِجْنِي مِنْ هَذِهِ الدُّنْيَا إِلَّا بِسَعْيٍ مَشْكُورٍ

﴿٤٥٠٠﴾ الرضا عليه السلام: اللَّهُمَّ لَا تُخْرِجْنِي مِنْ هَذِهِ الدُّنْيَا إِلَّا بِذَنْبٍ مَغْفُورٍ وَسَعْيٍ مَشْكُورٍ؛

بحار الأنوار ج: ٨٤ ص: ٢١٣

١٤-١٦-٣-لَا تُخْرِجْنِي مِنْ هَذِهِ الْقُبَّةِ الشَّرِيفَةِ إِلَّا مَشْكُورًا سَعْيِي

﴿تشکر و قدردانی خدا از انسان﴾

﴿۴۴۹۰﴾ برای هر دیدارکننده لطفی در نظر گرفته‌ای و برای هر واردشده‌ای هدیه‌ای داری. پس از تو می‌خواهم هدیه‌ی مرا آزادی‌ام از آتش جهنم قرار دهی و تلاشم را مورد قدردانی قرار دهی. ﴿۴۴۹۱﴾ پروردگارا، سعی و کوششم (در راه عبادت و بندگی و انجام فرمان‌هایت) را پاداش ده و فزونی بخش.

﴿۴۴۹۲﴾ قبر مطهر فرزند پیامبرت را که رحمت تو بر او باد زیارت می‌کنم، خدایا، تحفه‌ای که می‌خواهی به من بدهی این باشد که مرا از آتش دوزخ برهانی، و عمل مرا قبول فرمایی، و سعی و کوشش مرا مورد قدردانی قرار دهی.

۱۱-۱۶-۳-۳ سعی تو را بپذیرد و مورد قدردانی قرار دهد، سعی مرا بپذیرد و مورد قدردانی قرار دهد

﴿۴۴۹۳﴾ خداوند حجت را قبول کند و تلاش تو را قدردانی کند. ﴿۴۴۹۴﴾ چه بزرگ و با کرامت است مقام تو و چه با شرافت است جایگاه تو، خداوند تلاش و سعی تو را قدردانی کند.

﴿۴۴۹۵﴾ درود بر شما، و خدا مرا در جمع شما محشور نماید و از واردین بر کوثر شما و حزبتان قرار دهد و شما را از من راضی بگرداند و مرا در دوران حکومت الهی شما بازگرداند، و در رجعت شما زنده کند، و مرا در عصر شما فرمانروایی و مأموریتی نصیبم گرداند و فعالیت‌م را به لطف شما مورد قبول قرار دهد.

﴿۴۴۹۶﴾ شکر کرد تلاشم را به واسطه‌ی تو و آمرزید گناه‌م را به شفاعت تو.

۱۲-۱۶-۳-۳ سعی شما مورد قدردانی قرار گیرد

﴿۴۴۹۷﴾ پس هر کس درحالی که آن مؤمن و با ایمان است آخرت را بخواهد و برای آن تلاش کند، تلاشش مورد قدردانی قرار می‌گیرد.

﴿۴۴۹۸﴾ این پاداش شماست، و سعی و تلاش شما مورد قدردانی قرار خواهد گرفت.

﴿۴۴۹۹﴾ بگیرید خدا بر شما گوارا کند و مبارک گرداند؛ جبرئیل از نزد پرودگارم بر من وارد شد و گفت خداوند به شما سلام رساند و قدردانی خود از شما را اعلام کرد و درخواست فاطمه را اجابت نمود و چنین تلاوت کرد: "به یقین ابرار (و نیکان) از جامی می‌نوشند که با عطر خوشی آمیخته است، این پاداش شماست، و سعی و تلاش شما مورد قدردانی است."

۱۳-۱۶-۳-۳ مرا از این دنیا جز با سعی و تلاش قدردانی شده خارج مکن

﴿۴۵۰۰﴾ پروردگارا، مرا از این دنیا بیرون مبر مگر با گناه آمرزیده و سعی و تلاشی پذیرفته شده.

۱۴-۱۶-۳-۳ مرا از این قبه‌ی شریف جز با سعی و تلاش قدردانی شده خارج مکن

﴿شُكْرُ اللَّهِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

﴿٤٥٠١﴾ اللَّهُمَّ لَا تَفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُ أَبَدًا وَلَا تُخْرِجْنِي مِنْ هَذِهِ الْقُبَّةِ الشَّرِيفَةِ إِلَّا مَغْفُورًا ذَنْبِي مَشْكُورًا سَعْيِي؛ بحار الأنوار ج: ٩٩ ص: ٢٣

١٥-١٦-٣- لَا يَجِدُ لِسَعْيِهِ شَاكِرًا سِوَاكَ

﴿٤٥٠٢﴾ الرَّسُولُ ﷺ: أَدْعُوكَ دُعَاءَ مَنْ قَدِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَعَظُمَ جُرْمُهُ وَأَشْرَفَ عَلَى الْهَلَكَةِ وَضَعُفَتْ قُوَّتُهُ وَمَنْ لَا يَتَّقُ بَشِيءًا مِنْ عَمَلِهِ وَلَا يَجِدُ لِدَنْبِهِ غَافِرًا غَيْرَكَ وَلَا لِسَعْيِهِ شَاكِرًا سِوَاكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٣٩١

١٧-٣- الشُّكْرُ

﴿٤٥٠٣﴾ مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَدَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا؛ النساء: الآية ١٤٧

﴿٤٥٠٤﴾ الرَّسُولُ ﷺ: شُكُورٌ إِذَا شُكِرْتَ؛ إقبال الأعمال ص: ٦٩٠

﴿٤٥٠٥﴾ الرَّسُولُ ﷺ: شَاكِرٌ مَنْ شَكَرَهُ؛ إرشاد القلوب ج: ١ ص: ٧٣

﴿٤٥٠٦﴾ تَشْكُرُ مَنْ شَكَرَكَ وَأَنْتَ أَلْهَمْتَهُ شُكْرَكَ وَتَكَفَى مَنْ حَمِدَكَ وَأَنْتَ عَلَّمْتَهُ حَمْدَكَ؛ الصحيفة السجادية ﷺ ص: ١٩٢

﴿٤٥٠٧﴾ الرَّسُولُ ﷺ: اللَّهُمَّ أَنْتَ الذَّاكِرُ لِمَنْ ذَكَرَكَ الشَّاكِرُ لِمَنْ شَكَرَكَ؛ البلد الأمين ص: ٤٢١

﴿٤٥٠٨﴾ الصَّادِقُ ﷺ: سَجْدَةُ الشُّكْرِ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ تَتِمُّ بِهَا صَلَاتُكَ وَتَرْضَى بِهَا رَبُّكَ وَتَعْجَبُ الْمَلَائِكَةُ مِنْكَ وَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا صَلَّى ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ فَفَتَحَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْحِجَابَ بَيْنَ الْعَبْدِ وَبَيْنَ الْمَلَائِكَةِ فَيَقُولُ يَا مَلَائِكَتِي انظُرُوا إِلَى عَبْدِي أَدَّى فَرَضِي وَآتَمَّ عَهْدِي ثُمَّ سَجَدَ لِي شُكْرًا عَلَى مَا أَنْعَمْتُ بِهِ عَلَيْهِ مَلَائِكَتِي مَاذَا لَهُ عِنْدِي قَالَ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا رَحِمْتَكَ ثُمَّ يَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ثُمَّ مَاذَا لَهُ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا جَنَّتَكَ ثُمَّ يَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ثُمَّ مَاذَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ يَا رَبَّنَا كَفَايَهُ مُهِمَّهُ فَيَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ثُمَّ مَاذَا قَالَ وَلَا يَبْقَى شَيْءٌ مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا قَالَتْهُ الْمَلَائِكَةُ فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَا مَلَائِكَتِي ثُمَّ مَاذَا فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ رَبَّنَا لَا عِلْمَ لَنَا قَالَ فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَشْكُرُ لَهُ كَمَا شَكَرَ لِي وَأَقْبِلْ إِلَيْهِ بِفَضْلِي وَأَرِيهِ وَجْهِي؛ من لا يحضره الفقيه ج: ١ ص: ٣٣٣

﴿٤٥٠٩﴾ الرَّسُولُ ﷺ: اللَّهُمَّ أَنْتَ الذَّاكِرُ لِمَنْ ذَكَرَكَ الشَّاكِرُ لِمَنْ شَكَرَكَ؛ البلد الأمين ص: ٤٢١

﴿٤٥١٠﴾ أمير المؤمنين ﷺ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي لَمْ أَفِرَّ وَلَمْ أُولِ [أَوَّل] الدُّبْرِ فَشَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ ذَلِكَ فِي مَوْضِعَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ وَهُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٤١ ص: ٣

﴿تشکر و قدردانی خدا از انسان﴾

﴿۴۵۰۱﴾ پروردگارا، بین من و او هرگز جدایی مینداز و مرا از این مکان شریفه خارج مکن مگر با آمرزش گناهم و پذیرش و قدردانی عملم.

۱۵-۱۶-۳-۳- برای سعی و تلاش خود قدردانی جز تو نمی‌یابد

﴿۴۵۰۲﴾ تو را می‌خوانم، خواندن کسی که فقر و تهیدستی‌اش سخت و جرم و گناهش بزرگ است، نزدیک است که هلاک شود، و نیرویش تحلیل رفته است، و به عمل و کردار خود هیچ‌گونه اطمینان و اعتمادی ندارد (تا به او سودی ببخشد)، و جز تو نه آمرزنده‌ای برای گناهش می‌یابد، و نه کسی که سعی و تلاشش را قدر بداند.

۱۷-۳-۳- شکر

﴿۴۵۰۳﴾ خدا چه نیازی به مجازات شما دارد؟ اگر شکرگزاری کنید و ایمان آورید خدا شکرگزار و آگاه است.

﴿۴۵۰۴﴾ شکرگزار (افزایش‌دهنده‌ی نعمت و جزادهنده است) هنگامی که سپاس گزارده شود.

﴿۴۵۰۵﴾ شاکر را مورد لطف قرار می‌دهد.

﴿۴۵۰۶﴾ هر که تو را سپاس گزارد پاداش می‌دهی، حال آنکه تو خود سپاسگزاری را به او الهام کرده‌ای و هر که تو را بستانی جزا می‌دهی، حال آنکه تو ستودن را به او آموخته‌ای.

﴿۴۵۰۷﴾ پروردگارا، تو از کسی که تو را یاد می‌کند یاد می‌کنی و کسی را که تو را شکر کند سپاس می‌گویی.

﴿۴۵۰۸﴾ سجده‌ی شکر بر هر مسلمانی واجب است، به گونه‌ای که نمازت را با آن کامل و رضایت پروردگارت را به دست می‌آوری، و فرشتگان را به شگفتی وامی‌داری، و بدون شک هرگاه بنده نماز بگزارد و پس از فراغ در پی آن به سجده‌ی شکر رود، پروردگار متعال حجاب میان او و فرشتگان را برمی‌دارد، و به آنان خطاب کند: بنگرید به‌سوی بنده‌ی من که وظیفه‌ی واجب خویش را انجام داده و به پیمان من وفا نموده، و به شکرانه‌ی برخورداری از لطف من در مقابل به سجده افتاده است، اکنون بگویید چه پاداشی به او بدهم؟ فرشتگان گویند: ای پروردگار ما، پاداش او رحمت توست، خداوند متعال فرماید: دیگر چه؟ گویند: خداوند، بهشت تو، باز خداوند می‌پرسد دیگر چه پاداشی دارد؟ گویند: آنکه گرفتاری‌های او را برطرف سازی، باز خداوند می‌پرسد: دیگر چه؟ امام علیه السلام فرمود: چیزی باقی نماند مگر آنکه فرشتگان آن را نام می‌برند، باز خداوند تکرار فرماید: دیگر چه؟ آن‌ها گویند: خدایا، فهم ما بیشتر از این نیست، آنگاه خداوند متعال گوید: آنکه من از او تشکر می‌کنم همان‌طور که او مرا شکر نمود، و با فضل خود به او رو کنم، و از رحمت خویش برخوردارش سازم.

﴿۴۵۰۹﴾ پروردگارا، تو از کسی که تو را یاد می‌کند یاد می‌کنی و کسی را که تو را شکر کند سپاس می‌گویی.

﴿۴۵۱۰﴾ حمد و ستایش مخصوص خدایی است که مرا توفیق داد که در جنگ نگریم و پشت به دشمن نکنم، و خداوند این امر را در دو جای قرآن مورد قدرشناسی قرار داده است قول و کلام حق تعالی است: "به زودی خداوند به شاکرین جزا و پاداش می‌دهد.

﴿شُكْرُ اللَّهِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

١-١٧-٣- الشَّاكِرُ قَلِيلُ الشُّكْرِ

﴿٤٥١١﴾ إِنَّكَ الْمَنَّانُ بِجَسِيمِ الْمَنِّ، الْوَهَّابُ لِعَظِيمِ النَّعْمِ، الْقَابِلُ يَسِيرَ الْحَمْدِ، الشَّاكِرُ قَلِيلُ الشُّكْرِ؛ الصَّحِيفَةُ السَّجَّادِيَّةُ الرَّضَا ص: ١٦٠

﴿٤٥١٢﴾ الصَّادِقُ الرَّضَا: وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَوْجَبَ مِنِّي الشُّكْرَ وَ إِنِ كُنْتُ قَلِيلًا شُكْرِي؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٢٨٦

﴿٤٥١٣﴾ الرضا الرَّضَا: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَوْجَبَ الشُّكْرَ عَلَى بِفَضْلِهِ وَ إِنِ كُنْتُ قَلِيلًا شُكْرِي؛ بحار الأنوار ج: ٩١ ص: ٢٨٣

١٨-٣- الشُّوقُ إِلَى رُؤْيَاهُ الْإِمَامِ الرَّضَا

﴿٤٥١٤﴾ الْبَاقِرُ الرَّضَا: شَكُوْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عُثْمَانَ شَوْقِي إِلَى رُؤْيَاهُ مَوْلَانَا الرَّضَا فَقَالِي: مَعَ الشُّوقِ تَشْتَهِي أَنْ تَرَاهُ فَقُلْتُ نَعَمْ فَقَالَ لِي شَكَرَ اللَّهُ لَكَ شَوْفَكَ وَ أَرَاكَ وَجْهَهُ فِي يُسْرِ وَ عَافِيَةٍ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٠ ص: ٣٦٥

١٩-٣- الصَّبْرُ

﴿٤٥١٥﴾ الرَّسُولُ ﷺ: اللَّهُمَّ بَدِّلْنَا بِمَا فَاتَنَّا مِنْ طَعَامِنَا هَذَا مَا هُوَ خَيْرٌ مِنْهُ وَ اشْكُرْ لَنَا صَبْرَنَا؛ تأويل الآيات ص: ٧٢٥

٢٠-٣- الصَّلَاحُ

﴿٤٥١٦﴾ الصَّادِقُ الرَّضَا: ثُمَّ ذَكَرَ الْغُلَامَيْنِ فَقَالَ وَ كَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ شَكَرَ صِلَاحَ أَبِيهِمَا لَهُمَا؛ بحار الأنوار ج: ١٣ ص: ٣١٢

١-٢٠-٣- الْعَمَلُ الصَّالِحُ

﴿٤٥١٧﴾ الصَّادِقُ الرَّضَا: اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ الشَّكُّ فِي أَنَّ لَيْلَةَ الْقَدَرِ فِيهَا أَوْ فِيمَا تَقْدَمُهَا وَاقِعٌ فَإِنَّهُ فِيكَ وَ فِي وَحْدَانِيَّتِكَ وَ تَرْكِيبِكَ الْأَعْمَالِ زَائِلٌ وَ فِي أَيِّ اللَّيَالِي تَقَرَّبَ مِنْكَ الْعَبْدُ لَمْ تُبْعِدْهُ وَ قَبْلَتْهُ وَ أَخْلَصَ فِي سُؤَالِكَ لَمْ تَرُدَّهُ وَ أَجَبْتَهُ وَ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ شَكَرْتَهُ وَ رَفَعَ إِلَيْكَ مَا يَرْضِيكَ ذَخَرْتَهُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ١٦٠

٢١-٣- الصَّلَاةُ

﴿٤٥١٨﴾ امير المؤمنين الرَّضَا: إِنَّمَا هُوَ عِيدٌ لِمَنْ قَبَلَ اللَّهُ صِيَامَهُ وَ شَكَرَ قِيَامَهُ وَ كُلُّ يَوْمٍ لَا تَعْصِي اللَّهَ فِيهِ فَهُوَ يَوْمٌ عِيدٍ؛ وسائل الشيعة ج: ١٥ ص: ٣٠٨

﴿تشکر و قدردانی خدا از انسان﴾

۱-۱۷-۳- پاداش دهنده‌ی سپاس اندک

﴿۴۵۱۱﴾ زیرا تویی بسیار نعمت‌دهنده و بسیار بخشاینده‌ی نعمت‌های بزرگ، پذیرنده‌ی هر ستایش اندک، قدردان سپاس ناچیز.

﴿۴۵۱۲﴾ همه‌ی ستایش مخصوص خدایی است که مرا مستوجب قدردانی می‌داند هر چند شکر و سپاسگزاری‌ام ناچیز بوده‌است.

﴿۴۵۱۳﴾ حمد و ستایش مخصوص خدایی است که تشکر و قدردانی از من را بر خود لازم دانسته است، هرچند من بسیار کم شکر او را به‌جا آوردم.

۱۸-۳-۳- اشتیاق برای دیدار امام علیه السلام

﴿۴۵۱۴﴾ شکوه و گلایه کردم به پدرم جعفر محمد بن عثمان، از علاقه‌ام برای دیدار مولایمان علیه السلام، پس گفت برای من، همراه شوق و علاقه‌ام که بسیار مشتاق دیدنش هستم؟ پس گفتم: آری مشتاقم؛ پس ایشان فرمودند: شکر خدا بر تو لازم است به سبب شوق و اینکه ببینی رویش (مولایت) را در شادی و سلامتی و عافیت.

۱۹-۳-۳- صبر

﴿۴۵۱۵﴾ خدایا، در عوض این غذای ما که به آن دست نیافتم، بهتر از آن را به ما عطا کن و از صبر ما تشکر کن.

۲۰-۳-۳- صلاح

﴿۴۵۱۶﴾ سپس حضرت، داستان آن دو کودک را که پدرشان مرد صالحی بود بیان فرمود و فرمود آیا نمی‌بینی که خدا تشکر و سپاس خود را از صالح‌بودن پدرشان در حق آن‌ها اعمال فرمود.

۱-۲۰-۳- عمل صالح

﴿۴۵۱۷﴾ خدایا، اگر در اینکه شب قدر در این شب بوده و یا در شب‌های قبل از آن قرار داشته شک است در هر صورت چنین شکی نزد تو و در مقابل یگانگی تو و پاک‌کردن اعمال بندگان به‌وسیله‌ی تو جایگاهی ندارد و در هر شبی که بنده به تو نزدیک شود تو او را دور نمی‌کنی و او را می‌پذیری و چنانچه با اخلاص از تو درخواست نماید تو او را رد نکرده و جوابش را می‌دهی و اگر عمل نیک انجام دهد تو از او تشکر می‌کنی و چنانچه آنچه مورد رضای توست به‌سوی تو بفرستد تو آن را برایش ذخیره می‌کنی.

۲۱-۳-۳- نماز

﴿۴۵۱۸﴾ همانا این روز برای کسی عید است که خداوند روزه‌اش را قبول کند و قیامش را برای عبادت بپذیرد و هر روزی که خدا معصیت نشود همان روز عید است.

﴿شُكْرُ اللَّهِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

﴿٤٥١٩﴾ الصادق عليه السلام: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: حَدِّثْنِي كَيْفَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِإِبْلِيسَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ قَالَ لِشَيْءٍ كَانَ تَقَدَّمَ شُكْرَهُ عَلَيْهِ قُلْتُ وَ مَا هُوَ قَالَ رُكْعَتَانِ رُكْعَتُهُمَا فِي السَّمَاءِ فِي أَلْفِي سَنَةٍ أَوْ فِي أَرْبَعَةِ آلَافِ سَنَةٍ؛ بحار الأنوار ج: ٦٠ ص: ٢٤٠

﴿٤٥٢٠﴾ الصادق عليه السلام: أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنْ إِبْلِيسَ بِمَا اسْتَوْجَبَ مِنَ اللَّهِ أَنْ أَعْطَاهُ مَا أَعْطَاهُ فَقَالَ بِشَيْءٍ كَانَ مِنْهُ شُكْرُهُ لِلَّهِ عَلَيْهِ قُلْتُ وَ مَا كَانَ مِنْهُ قَالَ رُكْعَتَيْنِ رُكْعَتُهُمَا فِي السَّمَاءِ فِي أَرْبَعَةِ آلَافِ سَنَةٍ؛ وسائل الشيعة ج: ٤ ص: ٣٧

١-٢١-٣-٣- صلاة الأوابين

﴿٤٥٢١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: أَنَّ نَوَافِلَ الزَّوَالِ هِيَ صَلَاةُ الْأَوَّابِينَ وَ أَنَّ لَهَا عِنْدَ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ مَقَامًا مَشْكُورًا فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ فَإِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ عُفُورًا؛ فلاح السائل ص: ١٢٤

٢٢-٣-٣- الصنعة

﴿٤٥٢٢﴾ العسكري عليه السلام: فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ لِصَنِيعِهِ بِحُسْنِ جَزَائِهِ؛ تفسير الإمام عليه السلام ص: ٥٦٩

٢٣-٣-٣- الطاعة و راجع: العبادة

﴿٤٥٢٣﴾ الصادق عليه السلام: أَطِيعَ فَشَكَرَ؛ الكافي ج: ١ ص: ٩١

﴿٤٥٢٤﴾ الرضا عليه السلام: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الشَّاكِرُ لِلْمُطِيعِ لَهُ؛ البلد الأمين ص: ٩٣

﴿٤٥٢٥﴾ تَشْكُرُ لِلْمُطِيعِ مَا أَنْتَ تَوَلَّيْتَهُ لَهُ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ١٦٢

﴿٤٥٢٦﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: إِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٣١٦

﴿٤٥٢٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ يَسْتَحِقَّ الشُّكْرَ مِنَ اللَّهِ بِحُسْنِ الْجَزَاءِ؛ بحار الأنوار ج: ٧٥

ص: ٢

﴿٤٥٢٨﴾ يُطَاعُ رَبُّنَا فَيَشْكُرُ؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٩٣

﴿٤٥٢٩﴾ الباقر عليه السلام: تُطَاعُ رَبُّنَا فَتُشْكِرُ؛ جمال الأسبوع ص: ٤١٤

﴿٤٥٣٠﴾ الهادي عليه السلام: لَبَّاءُ إِلَيْهِ الْخَائِفُونَ فَامْنَهُمْ وَ عَبْدَهُ الطَّائِعُونَ فَشَكَرَهُمْ وَ حَمِيدَهُ الشَّاكِرُونَ

فَأَتَابَهُمْ؛ مهج الدعوات ص: ٦١

﴿٤٥٣١﴾ الجواد عليه السلام: يَا مَنْ دَعَاهُ الْمُضْطَرُّونَ فَأَجَابَهُمْ وَ التَّجَأَ إِلَيْهِ الْخَائِفُونَ فَامْنَهُمْ وَ عَبْدَهُ

الطَّائِعُونَ فَشَكَرَهُمْ؛ المصباح للكفعمي ص: ١٤٢

﴿تشکر و قدردانی خدا از انسان﴾

﴿۴۵۱۹﴾ به امام صادق علیه السلام گفتم: برای من بیان بفرمایید چرا خداوند عزیز و جلیل به ابلیس فرمود: تو تا روز وقت معلوم مهلت داری؟ فرمود: این لطف پاداش عمل ابلیس بود، گفتم: آن کدام عمل بود؟ فرمود: دو رکعت که آن را در آسمان در مدت ۲ و یا ۴ هزار سال خواند.

﴿۴۵۲۰﴾ از ایشان درباره‌ی ابلیس پرسیدند که چرا مستوجب چنین عطایی از جانب خداوند گردیده است، و ایشان فرمودند: به علت قدردانی خدا از یکی از اعمال او بود. گفتم: مگر ابلیس چکار کرده بود؟ فرمود: دو رکعت نماز خواند که رکوع یکی از آن‌ها در آسمان، چهار هزار سال بود.

۱-۲۱-۳-۳- نماز بازگشت کنندگان

﴿۴۵۲۱﴾ مقصود از نماز اوّابین همان نمازهای نافله‌ی ظهر است، و آن‌ها جایگاه ستوده‌ای نزد خداوند باجلالت دارا هستند. آنجا که خداوند عزیز و جلیل می‌فرماید: به‌راستی که خداوند نسبت به بسیار توبه‌کنندگان، بسیار آمرزنده است.

۲۲-۳-۳- احسان

﴿۴۵۲۲﴾ خداوند از انجام‌دهنده‌ی این کار با پاداش نیک قدردانی می‌کند.

۲۳-۳-۳- اطاعت و ر.به: عبادت

﴿۴۵۲۳﴾ خداوند مورد اطاعت قرار می‌گیرد و تشکر می‌کند.

﴿۴۵۲۴﴾ معبودی نیست جز خدایی که از فرمان‌بردارش قدردانی می‌کند.

﴿۴۵۲۵﴾ خدایا، تو از فرمانبردار قدردانی می‌کنی، حال آنکه همین نعمت اطاعت را تو سرپرستی کردی.

﴿۴۵۲۶﴾ اگر از تو فرمان‌برداری کنم از من قدردانی می‌کنی.

﴿۴۵۲۷﴾ هر که مطیع خدا باشد مستوجب قدردانی اوست.

﴿۴۵۲۸﴾ پروردگار من اطاعت می‌شود و قدردانی می‌کند.

﴿۴۵۲۹﴾ تو، مورد اطاعت قرار می‌گیری و قدردانی می‌کنی.

﴿۴۵۳۰﴾ بیمناکان به او پناه بردند و او به آن‌ها امان داد و فرمان‌برداران او را پرستیدند و او از

آن‌ها سپاسگزاری کرد و سپاسگزاران او را ستودند و او به آن‌ها پاداش داد.

﴿۴۵۳۱﴾ ای کسی که بیچارگان او را صدا زدند و او پاسخشان داد و بیمناکان به او پناه بردند و

او امانشان داد و فرمان‌برداران او را پرستیدند و او از آن‌ها سپاسگزاری کرد.

﴿شُكْرُ اللَّهِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

﴿٤٥٣٢﴾ الرسول ﷺ: أَشْكُرُ مَنْ أَطَاعَهُمْ وَأَهْلِكَ مَنْ عَصَاهُمْ إِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ؛ بحار الأنوار

ج: ٢٣ ص: ١٤٥

٣-٣-٢٤- العبادَةُ و راجع: الطَّاعَةُ

﴿٤٥٣٣﴾ الحسين (عليه السلام): يَا مَنْ عَبْدَ فَشَكَرَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٢ ص: ٣٩٩

﴿٤٥٣٤﴾ الصادق (عليه السلام): اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَجَلُ مَنْ ذَكَرَ وَأَشْكُرُ مَنْ عَبْدَ؛

بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٢٤١

﴿٤٥٣٥﴾ الجواد (عليه السلام): يَا مَنْ دَعَا الْمُضْطَرُونَ فَأَجَابَهُمْ وَالتَّجَا إِلَيْهِ الْخَائِفُونَ فَأَمَنَهُمْ وَعَبَدَهُ

الطَّائِعُونَ فَشَكَرَهُمْ؛ المصباح للكفعمي ص: ١٤٢

﴿٤٥٣٦﴾ الحسين (عليه السلام): وَأَمَّا الشَّيْنُ فَالشَّاكِرُ لِعِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٢ ص: ٣١٩

٣-٣-٢٥- الْعَمَلُ

٣-٣-٢٥-١- الْعَمَلُ الصَّالِحُ

﴿٤٥٣٧﴾ الصادق (عليه السلام): اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ الشَّكُّ فِي أَنْ لَيْلَةَ الْقَدَرِ فِيهَا أَوْ فِيمَا تَقَدَّمَهَا وَقَعَ فَإِنَّهُ

فِيكَ وَفِي وَحْدَانِيَّتِكَ وَتَرْكِيبِكَ الْأَعْمَالُ زَائِلٌ وَفِي أَيْ اللَّيَالِي تَقَرَّبَ مِنْكَ الْعَبْدُ لَمْ تُبْعِدْهُ وَ

قَبْلَتُهُ وَأَخْلَصَ فِي سُؤَالِكَ لَمْ تَرُدَّهُ وَأَجَبْتَهُ وَعَمِلَ الصَّالِحَاتِ شَكَرْتَهُ وَرَفَعَ إِلَيْكَ مَا يُرْضِيكَ

ذَخَرْتَهُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ١٦٠

٣-٣-٢٥-٢- الْعَمَلُ الْقَلِيلُ راجع: الْقَلِيلُ

٣-٣-٢٥-٣- الْعَمَلُ الْيَسِيرُ راجع: الْيَسِيرُ

٣-٣-٢٦- الْفَرَائِضُ

﴿٤٥٣٨﴾ الكاظم (عليه السلام): اجْعَلْ ذُنُوبَنَا مَغْفُورَةً وَغُيُوبَنَا مَسْتُورَةً وَفَرَائِضَنَا مَشْكُورَةً وَنَوَافِلَنَا

مَبْرُورَةً؛ مستدرک الوسائل ج: ٥ ص: ٧٢

٣-٣-٢٧- قَرْضُ الْحَسَنَةِ

﴿٤٥٣٩﴾ إِنَّ تَقَرُّضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يَضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ؛ التغابن: الآية ١٧

٣-٣-٢٨- الْقَلِيلُ وَ راجع: الْيَسِيرُ

﴿٤٥٤٠﴾ الرسول ﷺ: شَكَرَ لَهُمُ الْعَمَلُ الْقَلِيلَ وَغَفَرَ لَهُمُ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ؛ بحار الأنوار ج: ٧

ص: ١٩٩

﴿تشکر و قدردانی خدا از انسان﴾

﴿۴۵۳۲﴾ مطیع و فرمانبرشان را سپاسگزار باش و نافرمان را هلاک کن که همانا تو نزدیک و پاسخ‌دهنده هستی.

۲۴-۳-۳-عبادت و ر.به: اطاعت

﴿۴۵۳۳﴾ و ای کسی که عبادت شده است و قدردانی می‌کند.

﴿۴۵۳۴﴾ پروردگارا، تو خدایی هستی که خدایی جز تو نیست، بزرگوارتر از آن هستی که به زبان بندگانت آید و شکر و سپاس تو از آنچه بندگی می‌شوی بیشتر است.

﴿۴۵۳۵﴾ ای کسی که بیچارگان او را صدا زدند و او پاسخشان داد و بیمناکان به او پناه بردند و او امانشان داد و فرمان‌برداران او را پرستیدند و او از آن‌ها سپاسگزاری کرد.

﴿۴۵۳۶﴾ و اما حرف شین (ش) در نامهای خداوند شکرگزار و قدردان بندگان مؤمنش است.

۲۵-۳-۳-عمل

۱-۲۵-۳-۳-عمل صالح

﴿۴۵۳۷﴾ خدایا، اگر در اینکه شب قدر در این شب بوده و یا در شب‌های قبل از آن قرارداشته شک است در هر صورت چنین شکی نزد تو و در مقابل یگانگی تو و پاک‌کردن اعمال بندگان به وسیله‌ی تو جایگاهی ندارد و در هر شبی که بنده به تو نزدیک شود تو او را دور نمی‌کنی و او را می‌پذیری و چنانچه با اخلاص از تو درخواست نماید تو او را رد نکرده و جوابش را می‌دهی و اگر عمل نیک انجام دهد تو از او تشکر می‌کنی و چنانچه آنچه مورد رضای توست به‌سوی تو بفرستد تو آن را برایش ذخیره می‌کنی.

۲-۲۵-۳-۳-عمل اندک ر.به: آسان

۳-۲۵-۳-۳-عمل کم ر.به: آسان

۲۶-۳-۳-واجبات

﴿۴۵۳۸﴾ خدایا، گناهان ما را مورد بخشش و غفران قرار بده و معایب و زشتی‌های ما را بپوشان، واجباتمان را بپذیر و مستحباتمان را با احسان و نیکی خودت پاسخ بده.

۲۷-۳-۳-قرض الحسنه

﴿۴۵۳۹﴾ اگر به خدا قرض الحسنه دهید، آن را برای شما چند برابر می‌کند و شما را می‌بخشد و خداوند شکرکننده و بردبار است

۲۸-۳-۳-کم و ر.به: آسان

﴿۴۵۴۰﴾ پروردگارا، برای ایشان (بندگان) شکر بگزار (افزایش در نعمت و جزا و پاداش خیر عطا فرما) به سبب عمل کم و ناچیزشان و پیامرز برای ایشان گناهان بسیار و بزرگشان را.

﴿شُكْرُ اللَّهِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

﴿٤٥٤١﴾ الصادق عليه السلام: أَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ أَنْ تُبَلِّغَنِي أَمَلِي وَتَشْكُرَ قَلِيلَ عَمَلِي؛ بحار الأنوار ج: ٩٨ ص: ٣١١

﴿٤٥٤٢﴾ الصادق عليه السلام: إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَحِيمٌ يَشْكُرُ الْقَلِيلَ إِنَّ الْعَبْدَ لَيُصَلِّي رُكْعَتَيْنِ يُرِيدُ بِهِمَا وَجْهَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَيَدْخُلُهُ اللَّهُ بِهِمَا الْجَنَّةَ؛ وسائل الشيعة ج: ١ ص: ٦١

﴿٤٥٤٣﴾ الصادق عليه السلام: فَإِنَّ رَبَّكُمْ رَحِيمٌ يَشْكُرُ الْقَلِيلَ؛ من لايحضره الفقيه ج: ١ ص: ٢٠٩

﴿٤٥٤٤﴾ الصادق عليه السلام: فَيَا مَنْ أَحْصَى الْقَلِيلَ فَشَكَرَهُ؛ بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٣٣٦

﴿٤٥٤٥﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَا مَنْ أَخَذَ الْقَلِيلَ وَشَكَرَ الْكَثِيرَ؛ البلد الأمين ص: ١٩٢

﴿٤٥٤٦﴾ الصادق عليه السلام: يَا مَنْ أَخَذَ الْقَلِيلَ وَشَكَرَهُ؛ إقبال الأعمال ص: ٩٠

﴿٤٥٤٧﴾ يَا مَنْ يَشْكُرُ عَلَى الْقَلِيلِ وَيُجَازِي بِالْجَلِيلِ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٦ ص: ١٧٨

٢٩-٣-٣- ما أَنْعَمَ وَأَعْطَى

﴿٤٥٤٨﴾ الحجة عليه السلام: سُبْحَانَ مَنْ أَنْعَمَ وَشَكَرَ؛ مستدرک الوسائل ج: ٦ ص: ٧٥

﴿٤٥٤٩﴾ الرسول صلى الله عليه وآله: يَا مَنْ بَطَنَ فَخْبَرٌ وَظَهَرَ فَقَدَرٌ وَأَعْطَى فَشَكَرَ؛ البلد الأمين ص: ٣٨٢

﴿٤٥٥٠﴾ امير المؤمنين عليه السلام: يَا شَكُورُ أَنْتَ الشَّكُورُ عَلَى مَا رَعَيْتَ وَغَذَيْتَ وَهَبْتَ وَأَعْطَيْتَ وَأَغْنَيْتَ فَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْهَامِدِينَ؛ إقبال الأعمال ص: ٥٢١

٣٠-٣-٣- مَعْرِفَةُ الْعَارِفِينَ بِالتَّقْصِيرِ عَنْ مَعْرِفَتِهِ

﴿٤٥٥١﴾ السجاد عليه السلام: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قَرَأَ هَذِهِ آيَةَ وَ/إِنْ تُعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوها يَقُولُ عَلَيْهِ السَّلَامُ سُبْحَانَ مَنْ لَمْ يَجْعَلْ فِي أَحَدٍ مِنْ مَعْرِفَةِ نِعْمِهِ إِلَّا الْمَعْرِفَةَ بِالتَّقْصِيرِ عَنْ مَعْرِفَتِهَا كَمَا لَمْ يَجْعَلْ فِي أَحَدٍ مِنْ مَعْرِفَةِ إِدْرَاكِهِ أَكْثَرَ مِنَ الْعِلْمِ بَأَنَّهُ لَا يُدْرِكُهُ فَشَكَرَ عَزَّ وَجَلَّ مَعْرِفَةَ الْعَارِفِينَ بِالتَّقْصِيرِ عَنْ مَعْرِفَتِهِ وَجَعَلَ مَعْرِفَتَهُمْ بِالتَّقْصِيرِ شُكْرًا؛ تحف العقول ص: ٢٨٣

٣١-٣-٣- الْمَعْرُوفُ

﴿٤٥٥٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: إِنَّمَا الْمَعْرُوفُ زَرْعٌ مِنْ أَمْنَى الزَّرْعِ وَكَنْزٌ مِنْ أَفْضَلِ الْكُنُوزِ فَلَا يُزْهَدُ نِكَاحٌ فِي الْمَعْرُوفِ كُفْرٌ مِنْ كُفْرِهِ وَلَا جُحُودٌ مِنْ جَحْدِهِ فَإِنَّهُ قَدْ يَشْكُرُكَ عَلَيْهِ مَنْ يَسْمَعُ مِنْكَ فِيهِ وَقَدْ تُصِيبُ مِنْ شُكْرِ الشَّاكِرِ مَا أَضَاعَ مِنْهُ الْعَبْدُ الْجَاهِلُ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٢ ص: ٣٤٠

٣٢-٣-٣- الْمَقَامُ

﴿٤٥٥٣﴾ هَذَا الْعَبَّاسُ بْنُ رَبِيعَةَ... اللَّهُمَّ اشْكُرْ لِلْعَبَّاسِ مَقَامَهُ وَاغْفِرْ ذَنْبَهُ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٥

ص: ٢٢٠

﴿تشکر و قدردانی خدا از انسان﴾

﴿۴۵۴۱﴾ ای خدای من و ای آقای من، به حق سخاوت و بخشش و کرم و عطایت از تو درخواست می‌کنم که مرا به آرزویم برسانی عمل اندکم را قدر بدانی و بپذیری.
﴿۴۵۴۲﴾ پروردگار شما بسیار مهربان است که از عمل کوچکی هم تقدیر می‌کند. مثلاً بنده‌ی او دو رکعت نماز با خلوص نیت و برای رضای حق می‌خواند خداوند با همین عمل او را داخل بهشت می‌کند.

﴿۴۵۴۳﴾ پروردگار شما مهربان است، از اعمال اندک نیز قدردانی می‌کند
﴿۴۵۴۴﴾ پس ای کسی که کم را هم می‌شمرد و مورد قدردانی قرار می‌دهد.
﴿۴۵۴۵﴾ ای کسی که عمل ناچیز را می‌پذیرد و بسیار قدردانی می‌کند.
﴿۴۵۴۶﴾ ای کسی که عمل ناچیز را هم می‌پذیرد و مورد قدردانی قرار می‌دهد.
﴿۴۵۴۷﴾ ای آن که عمل کم را می‌پذیرد و پاداش بزرگ می‌دهد.

۲۹-۳-۳- آنچه نعمت داده و عطا کرده

﴿۴۵۴۸﴾ منزّه است کسی که نعمت داده است و ثواب داده است.
﴿۴۵۴۹﴾ ای کسی که به باطن امور آگاه است، ظاهر است و توانا، می‌بخشد و قدردانی می‌کند.
﴿۴۵۵۰﴾ ای بسیار قدردان، تو با حفظ کردن و غذا دادن بخشیدن، عطا کردن و بی‌نیاز کردن، شایسته‌ی سپاسگزاری هستی پس مرا از شاکران خود و از ستایش‌کنندگان به خاطر نعمت‌هایی که به من ارزانی داشتی قرار ده.

۳۰-۳-۳- آگاهی عارفان به کوتاهی و ناتوانی از شناخت خداوند

﴿۴۵۵۱﴾ هروقت حضرت زین‌العابدین علیه السلام آیه‌ی "وَإِنْ تُعْدُوا نِعْمَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا" را تلاوت می‌کرد می‌فرمود: منزّه است خدایی که شناخت حق نعمت خود را به کسی نداد مگر اینکه به قصور و ناتوانی از این شناخت اعتراف کرد. همچنان که شناخت و درک خود را بیش از این درجه نصیب کسی نکرد که بداند نمی‌تواند خدا را بشناسد و ادراک کند. پس خداوند عزیز و جلیل این شناخت عارفان و اعترافشان به ناتوانی از شناخت را قدردانی کرد و به عنوان "شناخت" پذیرفت. و نیز اعترافشان به اینکه از ادای حق شکر او ناتوانند را نیز مورد قدرشناسی قرار داد و آن را به عنوان "شکر" پذیرفت.

۳۱-۳-۳- نیکی

﴿۴۵۵۲﴾ کار نیک، از رشد یابنده‌ترین کشت و از برترین گنج‌هاست؛ پس انکار تکذیب‌کنندگان باعث نشود که تو آن را رها نمایی زیرا هرکه این صفت تو را بشنود، قدردان توست، و هرچه ناسپاسان قدرناشناسی کنند، در عوض از شکر قدرشناسان به تو بهره می‌رسد.

۳۲-۳-۳- جایگاه

﴿۴۵۵۳﴾ این عباس بن ربیعہ است... پروردگارا، مقام عباس را قدر بدان و گناه او را ببخش.

﴿شُكْرُ اللَّهِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

٣-٣-٣٣- الوفاءُ بِالْوَعْدِ

﴿٤٥٥٤﴾ إِسْمَاعِيلُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام فَإِنَّهُ وَعَدَ رَجُلًا فَبَقِيَ فِي مَكَانِهِ سَنَةً فَشَكَرَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ فَقَالَ وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ؛ بحار الأنوار ج: ١٧ ص: ٢٥١

٣-٣-٣٤- الْيَسِيرُ وَ رَاجِعُ الْقَلِيلِ

﴿٤٥٥٥﴾ أَشْكُرُ الْيَسِيرَ وَ أَثِيبُ الْكَثِيرَ؛ الكافي ج: ٨ ص: ٤٧
﴿٤٥٥٦﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَشْكُرُ الْيَسِيرَ وَ تَغْفِرُ الْكَثِيرَ وَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ؛

بحار الأنوار ج: ٩٤ ص: ٣٢٩

﴿٤٥٥٧﴾ اللَّهُمَّ إِنَّكَ بَكْرَمِكَ تَشْكُرُ الْيَسِيرَ مِنْ عَمَلِي؛ بحار الأنوار ج: ٩٥ ص: ٣٧٠
﴿٤٥٥٨﴾ يَا مَنْ يَجْتَنِي صَغِيرَ مَا يُتَحَفُّ بِهِ، وَ يَشْكُرُ يَسِيرَ مَا يُعْمَلُ لَهُ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام
ص: ٢٠٤

﴿٤٥٥٩﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: يَا مَنْ يَشْكُرُ الْيَسِيرَ مِنْ عَمَلِي وَ يَنْسَى الْكَثِيرَ مِنْ كَرَامَتِهِ؛ بحار الأنوار
ج: ٩٤ ص: ٣٣١

﴿٤٥٦٠﴾ الصَّادِقُ عليه السلام: يَا مَنْ يَشْكُرُ الْيَسِيرَ وَ يَغْفُو عَنِ الْكَثِيرِ؛ الكافي ج: ٢ ص: ٥٨٩
﴿٤٥٦١﴾ يَشْكُرُ الْيَسِيرَ [الْيَسِير]؛ بحار الأنوار ج: ٨٣ ص: ٩٣
٣-٤- ما لَا يَشْكُرُهُ اللَّهُ (غَيْرُ مَشْكُورٍ)

٣-٤-١- الْعِبَادَةُ بِلا إِمَامٍ

﴿٤٥٦٢﴾ الْبَاقِرُ عليه السلام: إِنْ مَنْ دَانَ اللَّهَ بِعِبَادَةٍ يُجَاهِدُ فِيهَا نَفْسَهُ بِلا إِمَامٍ عَادِلٍ مِنَ اللَّهِ فَإِنَّ سَعْيَهُ
غَيْرُ مَشْكُورٍ؛ مستدرک الوسائل ج: ١ ص: ١٦٢
٣-٤-٢- الْمِنَّةُ

﴿٤٥٦٣﴾ امير المؤمنين عليه السلام: مَنْ اصْطَنَعَ إِلَى أَخِيهِ مَعْرُوفًا فَأَمْتَنَ بِهِ أَحْبَطَ اللَّهُ عَمَلَهُ وَ ثَبَّتَ
وَزْرَهُ وَ لَمْ يَشْكُرْ لَهُ سَعْيِهِ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٤ ص: ١٧
٣-٥- من شَكَرَ اللَّهُ لَهُ

٣-٥-١- إبليس

﴿تشکر و قدردانی خدا از انسان﴾

۳-۳-۳۳- وفاکردن به وعده

﴿۴۵۵۴﴾ اسماعیل فرزند ابراهیم علیه السلام، در جایی با مردی قرار گذاشت، پس یکسال در آنجا (محل قرار) منتظر او ماند، خدای متعال به خاطر این عمل، از او قدردانی می‌کند و می‌فرماید: "و یاد کن در کتاب خود، اسماعیل را که در وعده راست و استوار بود."

۳-۳-۳۴- اندک و ربه: اندک

﴿۴۵۵۵﴾ از عبادات کم مقدار قدردانی می‌کنم و بسیار پاداش دهم.
﴿۴۵۵۶﴾ پروردگارا، تو از عمل ناچیز قدردانی می‌کنی و بسیار می‌آمیزی و تو بخشنده و مهربانی.

﴿۴۵۵۷﴾ پروردگارا، تو به واسطه‌ی کرم، از اعمال ناچیزم قدردانی می‌کنی.
﴿۴۵۵۸﴾ ای آن که چیز خردی را که به او ارمغان دهند (عمل کوچکی را که به او اختصاص دهند)، می‌پذیرد، و اندک چیزی (کاری) را که برای او انجام دهند، پاداش می‌دهد.
﴿۴۵۵۹﴾ ای کسی که از کمترین اعمال سپاسگزاری می‌کند و کرامت‌های زیاد خودش را فراموش می‌کند.

﴿۴۵۶۰﴾ ای آن که از اندک قدردانی می‌کنی و از بسیار در می‌گذری.

﴿۴۵۶۱﴾ خداوند از کم هم قدردانی می‌کند.

۳-۴- آنچه مورد قدردانی خدا قرار نمی‌گیرد

۳-۴-۱- عبادت بدون پیروی از امام

﴿۴۵۶۲﴾ هرکس خدا را بپرستد و خویشان را به زحمت اندازد با انجام عبادت اما بدون اعتقاد به امام عادل، که از جانب خدا تعیین شده باشد تمام رنج و کوشش او نامقبول است.

۳-۴-۲- منت

﴿۴۵۶۳﴾ هر که به برادرش احسانی کند و بر وی منت نهد خدا عملش را ناپود می‌کند و منت او را ثبت کند و احسان او را قدردانی نمی‌کند.

۳-۵- کسانی که مورد قدردانی خدا قرار گرفته‌اند

۳-۵-۱- ابلیس

﴿شُكْرُ اللَّهِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

﴿٤٥٤﴾ الصادق عليه السلام: أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنْ إِبْلِيسَ بِمَا اسْتَوْجَبَ مِنَ اللَّهِ أَنْ أَعْطَاهُ مَا أَعْطَاهُ فَقَالَ بَشَىٰ كَانَ مِنْهُ شُكْرُهُ اللَّهُ عَلَيْهِ قُلْتُ وَمَا كَانَ مِنْهُ قَالَ رَكْعَتَيْنِ رَكَعَهُمَا فِي السَّمَاءِ فِي أَرْبَعَةِ آلَافِ سَنَةٍ؛ وسائل الشيعة ج: ٤ ص: ٣٧

﴿٤٥٥﴾ الصادق عليه السلام: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: حَدَّثَنِي كَيْفَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِإِبْلِيسَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ قَالَ لَشَيْءٍ كَانَ تَقَدَّمَ شُكْرُهُ عَلَيْهِ قُلْتُ وَمَا هُوَ قَالَ رَكَعَتَانِ رَكَعَهُمَا فِي السَّمَاءِ فِي أَلْفِي سَنَةٍ أَوْ فِي أَرْبَعَةِ آلَافِ سَنَةٍ؛ بحار الأنوار ج: ٦٠ ص: ٢٤٠

٢-٥-٣- أَبُو إِسْحَاقَ إِبْرَاهِيمَ بْنَ إِسْمَاعِيلَ
﴿٤٥٦﴾ العسكري عليه السلام: شَكَرَ اللَّهُ لِأَبِي إِسْحَاقَ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ صَنِيعَهُ إِلَى شِيعَتِنَا وَرَزَقَهُ ذِكْرًا سَوِيًّا فَأَنَّا بِالْحَقِّ فَقُلْ لَهُ يَقُولُ لَكَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ سَمَّ أَبْنِكَ أَحْمَدَ؛ مستدرک الوسائل ج: ١٥ ص: ١٣١

٣-٥-٣- إِسْمَاعِيلُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام
﴿٤٥٧﴾ إِسْمَاعِيلُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام فَإِنَّهُ وَعَدَ رَجُلًا بَقِيَ فِي مَكَانِهِ سَنَةً فَشَكَرَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ فَقَالَ وَادُّرْكُ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ؛ بحار الأنوار ج: ١٧ ص: ٢٥١

٣-٥-٤- التَّابِعِينَ لِمُحَمَّدٍ ﷺ
﴿٤٥٨﴾ وَاشْكُرْهُمْ عَلَى هَجْرِهِمْ فَيَكُ دِيَارَ قَوْمِهِمْ، وَخُرُوجِهِمْ مِنْ سَعَةِ الْمَعَاشِ إِلَى ضِيقِهِ؛ الصحيفة السجادية عليه السلام ص: ٤٠

٣-٥-٥- جَعْفَرُ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام
﴿٤٥٩﴾ الْبَاقِرُ عليه السلام: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى رَسُولِهِ ﷺ أَنِّي شَكَرْتُ لِجَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَرْبَعَ خِصَالٍ فَدَعَا النَّبِيُّ ﷺ فَأَخْبَرَهُ فَقَالَ لَوْ لَا أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَخْبَرَكَ مَا أَخْبَرْتُكَ مَا شَرِبْتُ خَمْرًا قَطُّ لِأَنِّي عَلِمْتُ أَنِّي إِنْ شَرِبْتُهَا زَالَ عَقْلِي وَمَا كَذَبْتُ قَطُّ لِأَنَّ الْكَذِبَ يَنْقُصُ الْمُرُوءَةَ وَمَا زَنَيْتُ قَطُّ لِأَنِّي خِفْتُ أَنِّي إِذَا عَمِلْتُ عَمَلًا بِي وَمَا عَبَدْتُ صَنَمًا قَطُّ لِأَنِّي عَلِمْتُ أَنَّهُ لَا يَضُرُّ وَلَا يَنْفَعُ قَالَ فَضَرَبَ النَّبِيُّ ﷺ يَدَهُ عَلَى عَاتِقِهِ وَقَالَ حَقُّ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَجْعَلَ لَكَ جَنَاحَيْنِ تَطِيرُ بِهِمَا مَعَ الْمَلَائِكَةِ فِي الْجَنَّةِ؛ من لا يحضره الفقيه ج: ٤ ص: ٣٩٧

٣-٥-٦- الشَّيْعَةُ وَرَاجِعُ: عَلَى عليه السلام وَشِيعَتُهُ
﴿٤٥٧٠﴾ الرضا عليه السلام: الْيَوْمُ الَّذِي يَجْعَلُ اللَّهُ فِيهِ سَعَى الشَّيْعَةِ مَشْكُورًا؛ إقبال الأعمال ص: ٤٦٤

﴿تشکر و قدردانی خدا از انسان﴾

﴿۴۵۶۴﴾ از ایشان درباره‌ی ابلیس پرسیدند که چرا مستوجب چنین عطایی از جانب خداوند گردیده است، و ایشان فرمودند: به علت قدردانی خدا از یکی از اعمال او بود. گفتم: مگر ابلیس چکار کرده بود؟ فرمود: دو رکعت نماز خواند که رکوع یکی از آن‌ها در آسمان، چهارهزار سال بود.

﴿۴۵۶۵﴾ به امام صادق علیه السلام گفتم: برای من بیان بفرمایید چرا خداوند عزیز و جلیل به ابلیس فرمود: تو تا روز وقت معلوم مهلت داری؟ فرمود: این لطف پاداش عمل ابلیس بود، گفتم: آن کدام عمل بود؟ فرمود: دو رکعت که آن را در آسمان در مدت ۲ و یا ۴ هزارسال خواند.

۲-۵-۳- ابواسحاق ابراهیم بن اسماعیل

﴿۴۵۶۶﴾ خداوند پاداش این نیکوکاری ابواسحاق ابراهیم بن اسماعیل را بدهد و گناهانش را بیامزد و به او پسری کامل و سالم عنایت فرماید که معتقد به حق باشد، به او بگو حسن بن علی گفت اسم پسر را احمد بگذار.

۳-۵-۳- اسماعیل بن ابراهیم علیه السلام

﴿۴۵۶۷﴾ اسماعیل فرزند ابراهیم علیه السلام، در جایی با مردی قرار گذاشت، پس یک‌سال در آنجا (محل قرار) منتظر او ماند، خدای متعال به خاطر این عمل، از او قدردانی می‌کند و می‌فرماید: "و یاد کن در کتاب خود، اسماعیل را که در وعده راست و استوار بود".

۴-۵-۳- پیروان حضرت محمد صلی الله علیه و آله

﴿۴۵۶۸﴾ خدایا، به خاطر آنکه ایشان در راه تو از شهرها و خویشاوندانشان دوری گزیده و از زندگی فراخ به تنگی و سختی رو آوردند آنان را مورد قدردانی قرار ده.

۵-۵-۳- جعفر بن ابی طالب (ره)

﴿۴۵۶۹﴾ خدا به رسولش وحی کرد که: "من از صفات جعفر بن ابی‌طالب چهار صفت را تقدیر می‌کنم " پیامبر صلی الله علیه و آله او را خواست و به او خبر داد عرض کرد اگر خدا به تو خبر نداده بود من هم اظهار نمی‌کردم، من هرگز می، ننوشتیم زیرا می‌دانستم که اگر بنوشم عظم می‌رود هرگز دروغ نگفتم زیرا دروغ نقص مردانگی است، زنا نکردم زیرا ترسیدم که با من همان عمل بشود و هرگز بتی نپرستیدم زیرا دانستم که بت زبانی را دفع نمی‌کند و سودی نمی‌رساند، راوی گفت: پیامبر دست بر شانه‌اش زد و فرمود: سزاواراست که خداوند به تو دو بال دهد تا در بهشت پرواز کنی.

۶-۵-۳- شیعه و ر.به: علی علیه السلام و شیعه‌ی او

﴿۴۵۷۰﴾ آن روز روزی است که خدای تعالی در آن تلاش‌های شیعه را مورد تقدیر قرار می‌دهد.

﴿شَكَرُ اللَّهِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

﴿٤٥٧١﴾ الرسول ﷺ: وَ لَا تُعْتَقَنَّ مِنَ النَّارِ فِي كُلِّ حَوْلٍ فِي مِثْلِ ذَلِكَ الْيَوْمِ أَلْفًا مِنْ مَوَالِيكُمْ وَ شِيعَتِكُمْ، وَ لَا جَعَلَنَّ سَعْيَهُمْ مَشْكُورًا، وَ ذَنْبُهُمْ مَغْفُورًا، وَ أَعْمَالُهُمْ مَقْبُولَةٌ؛ بحار الأنوار ج: ٣١ ص: ١٢٤

٧-٥-٣- صاحبُ البَقَرَةِ (في قِصَّةِ الْبَقَرَةِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ)

﴿٤٥٧٢﴾ الصادق ﷺ: إِنَّ رَجُلًا مِنْ خِيَارِ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ عَلَمَائِهِمْ خَطَبَ امْرَأَةً مِنْهُمْ فَانْعَمَتْ لَهُ وَ خَطَبَهَا ابْنُ عَمٍّ لِذَلِكَ الرَّجُلِ وَ كَانَ فَاسِقًا رَدِيئًا فَلَمْ يُنْعِمُوا لَهُ فَحَسَدَ ابْنُ عَمِّهِ الَّذِي أَنْعَمُوا لَهُ فَقَعَدَ لَهُ فَقَتَلَهُ غِيلَةً ثُمَّ حَمَلَهُ إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ هَذَا ابْنُ عَمِّي فَقَدْ قُتِلَ فَقَالَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ قَتَلَهُ قَالَ لَا أَدْرِي وَ كَانَ الْقَتْلُ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ عَظِيمًا جَدًّا فَعَظَّمَ ذَلِكَ عَلَى مُوسَى فَاجْتَمَعَ إِلَيْهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ فَقَالُوا مَا تَرَى يَا نَبِيَّ اللَّهِ وَ كَانَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ رَجُلٌ لَهُ بَقَرَةٌ وَ كَانَ لَهُ ابْنٌ بَارٌّ وَ كَانَ عِنْدَ ابْنِهِ سِلْعَةٌ فَجَاءَ قَوْمٌ يَطْلُبُونَ سِلْعَتَهُ وَ كَانَ مِفْتَاحَ بَيْتِهِ تَحْتَ رَأْسِ أَبِيهِ وَ كَانَ نَائِمًا وَ كَرِهَ ابْنُهُ أَنْ يُنْهَبَ وَ يُنْغَصَ عَلَيْهِ نَوْمُهُ فَأَنْصَرَفَ الْقَوْمُ فَلَمْ يَشْتَرُوا سِلْعَتَهُ فَلَمَّا انْتَبَهَ أَبُوهُ قَالَ لَهُ يَا بُنَيَّ مَاذَا صَنَعْتَ فِي سِلْعَتِكَ قَالَ هِيَ قَائِمَةٌ لَمْ أَبْعُهَا لِأَنَّ الْمِفْتَاحَ كَانَ تَحْتَ رَأْسِكَ فَكَرِهْتُ أَنْ أَنْهَبَكَ وَ أَنْغَصَ عَلَيْكَ نَوْمَكَ قَالَ لَهُ أَبُوهُ قَدْ جَعَلْتُ هَذِهِ الْبَقَرَةَ لَكَ عَوْضًا عَمَّا فَاتَكَ مِنْ رِبْحِ سِلْعَتِكَ وَ شَكَرَ اللَّهُ لِبَنِيهِ مَا فَعَلَ بِأَبِيهِ؛ بحار الأنوار ج: ١٣ ص: ٢٥٩

٨-٥-٣- الْعَبَّاسُ بْنُ رَبِيعَةَ

﴿٤٥٧٣﴾ هَذَا الْعَبَّاسُ بْنُ رَبِيعَةَ... اللَّهُمَّ اشْكُرْ لِلْعَبَّاسِ مَقَامَهُ وَ اغْفِرْ ذَنْبَهُ؛ شرح نهج البلاغة ج: ٥ ص: ٢٢٠

٩-٥-٣- عَلِيُّ وَ فَاطِمَةُ وَ حَسَنَيْنِ ﷺ

﴿٤٥٧٤﴾ الهادي ﷺ: بَعَلَ سَيِّدَةُ النِّسَاءِ الْمُؤَثِّرِ بِالْقُوْتِ بَعْدَ ضَرْ الطَّوِي وَ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُ فِي هَلْ أَتَى؛ بحار الأنوار ج: ٩٩ ص: ١٧٨

﴿٤٥٧٥﴾ الرسول ﷺ: خُذُوا هَذَا اللَّهُ وَ بَارَكْ لَكُمْ وَ بَارَكْ عَلَيْكُمْ قَدْ هَبَطَ عَلَى جَبْرِئِيلُ مِنْ عِنْدِ رَبِّي وَ هُوَ يَقْرَأُ عَلَيْكُمْ السَّلَامَ وَ قَدْ شَكَرَ مَا كَانَ مِنْكُمْ وَ أَعْطَى فَاطِمَةَ سُؤْلِهَا وَ أَجَابَ دَعْوَتَهَا؛ تأويل الآيات الظاهرة ص: ٧٢٥

١٠-٥-٣- عَلِيُّ ﷺ وَ شِيعَتُهُ

﴿٤٥٧٦﴾ أمير المؤمنين ﷺ: فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ عِنْدَ رَبِّ الْعِزَّةِ يَا عَلِيُّ ادْخُلِ الْجَنَّةَ أَنْتَ وَ شِيعَتُكَ لَا حِسَابَ عَلَيْكَ وَ لَا عَلَيْهِمْ فَيَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَ يَتَنَعَّمُونَ فِيهَا مِنْ فَوَاقِهَا وَ يَلْبَسُونَ السُّنْدُسَ

﴿تشکر و قدردانی خدا از انسان﴾

﴿۴۵۷۱﴾ و در هر سال در چنین روزی هزار تن از دوستان شما و شیعیانتان را از آتش آزاد می‌کنم، تلاش‌هایشان را ارج می‌گذارم، گناهانشان را می‌آمرزم و اعمالشان را قبول می‌کنم.

۳-۵-۷ صاحب گاو (در قصه‌ی گاو بنی‌اسرائیل)

﴿۴۵۷۲﴾ مردی از نیکان بنی‌اسرائیل و دانشمندان ایشان زنی را خواستگاری کرد و او پذیرفت هم زمان پسرعموی آن مرد نیز از آن زن خواستگاری کرد و چون مردی فاسق و گناهکار بود، زن نپذیرفت، پس پسرعموی آن مرد دچار حسد شد و در کمین او نشست و او را به قتل رساند، سپس جنازه‌ی او را برداشت و آن را به نزد موسی برد و گفت: ای پیامبر خدا، این مرد پسرعموی من است که کشته شده و من نمی‌دانم قاتل او کیست؟ و امر قتل در نزد بنی‌اسرائیل بسیار قبیح و جرم آن سنگین بود، بنابراین موسی نیز به آن اهتمام نمود و بنی‌اسرائیل را جمع کرد تا در این باره تصمیم بگیرند، از طرف دیگر در بنی‌اسرائیل مردی بود که گاو ماده‌ای داشت و صاحب پسری نیکوکار بود، روزی پسرش کالایی داشت که می‌خواست آن را بفروشد، اما کلید انبار کالا زیر سر پدرش بود و او نیز خوابیده بود و پسر راضی نشد که پدر را بیدار کند و خواب او را برهم زند، پس خریداران کالای او منصرف شدند و کالایش را نخریدند، وقتی پدرش بیدار شد به پسر گفت: پسر، مال‌التجارات را چه کردی؟ او گفت: کالاهای همچنان هست و من آن‌ها را نفروختم‌ام چون کلید آن زیر سر شما بود و من دوست نداشتم شما را از خواب بیدار کنم، پدر گفت: در عوض این نیکویی که در حق من کردی من این گاو را به تو می‌بخشم تا جبران آن سودی باشد که قرار بود از فروش کالا به دست بیاوری، خداوند شکور نیز از عمل خالصانه‌ی این پسر قدردانی کرد.

۳-۵-۸ عباس بن ربیعہ

﴿۴۵۷۳﴾ این عباس بن ربیعہ است... پروردگارا، مقام عباس را قدر بدان و گناه او را ببخش.

۳-۵-۹ امام علی و حضرت زهرا و امام حسن و امام حسین (علیهم‌السلام)

﴿۴۵۷۴﴾ همسر سرور زنان که با وجود گرسنگی شدید غذایش را بخشید و از این کارش در سوره‌ی "هل اتی" شکرگزاری شده است.

﴿۴۵۷۵﴾ بگیری خداوند آن را بر شما مبارک گرداند و به شما برکت و فراوانی دهد، جبرئیل از نزد پروردگرم بر من فرود آمد و او به شما سلام می‌کند و از شما به خاطر کاری که انجام دادید تشکر کرد و درخواست فاطمه (علیها‌السلام) را به او عطا و دعایش را اجابت نمود.

۳-۵-۱۰ امام علی (علیه‌السلام) و شیعه‌ی او

﴿۴۵۷۶﴾ صدایی از آسمان از طرف پروردگار صاحب عزت چنین گفت: ای علی (علیه‌السلام)، تو و پیروانت بدون حساب داخل بهشت شوید. پس داخل بهشت می‌شوند و از نعمت‌ها و میوه‌ها بهره می‌برند، و لباسهایی از حریر و استبرق می‌پوشند آن‌چنان که هیچ چشمی مانند آن را ندیده، پس

﴿شُكْرُ اللَّهِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

وَالْإِسْتَبْرَقَ وَمَا لَمْ تَرَ عَيْنٌ يَقُولُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ؛

بحار الأنوار ج: ٧ ص: ١٩٨

﴿٤٥٧٧﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: قِيلَ لَهُمْ هَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَكُمْ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ رَبَّنَا رَضِينَا فَارْضَ عَنَّا قَالَ بَرَضَايَ عَنْكُمْ وَبِحُبِّكُمْ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّ حَلَلْتُمْ دَارِي وَصَافَحْتُمُ الْمَلَائِكَةَ فَهَنِينَا هَنِينًا عَطَاءَ غَيْرِ مَجْدُودٍ لَيْسَ فِيهِ تَنْغِيصٌ فَعِنْدَهَا قَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ؛

بحار الأنوار ج: ٦٥ ص: ٧٣

﴿٤٥٧٨﴾ الرسول ﷺ: يَا عَلِيُّ أَبَشِّرْ وَبَشِّرْ فَلَيْسَ عَلَى شَيْعَتِكَ حَسْرَةٌ عِنْدَ الْمَوْتِ وَلَا وَحْشَةٌ فِي الْقُبُورِ وَلَا حُزْنٌ يَوْمَ النُّشُورِ وَلَكَأَنِّي بِهِمْ يَخْرُجُونَ مِنْ جَدَثِ الْقُبُورِ يَنْفُضُونَ التُّرَابَ عَنْ رُءُوسِهِمْ وَلِحَاهِمُ يَقُولُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ؛ بحار الأنوار ج: ٧ ص: ١٩٨

﴿٤٥٧٩﴾ العسكري عليه السلام: يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَوْلَيْكَ السُّعَدَاءُ الَّذِينَ تَقَبَّلَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَشَكَرَ سَعْيَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَإِنَّهُمْ قَدْ أَحْسَنُوا فِيهَا صُنْعًا تِلْكَ قُلُوبٌ حَاوِيَةٌ لِلْخَيْرَاتِ مُشْتَمِلَةٌ عَلَى الطَّاعَاتِ مُدْمِنَةٌ عَلَى الْمُنْجِيَّاتِ الْمُشْرِفَاتِ تَعْتَقِدُ تَعْظِيمَ مَنْ عَظَّمْنَاهُ وَإِهَانَةَ مَنْ أَرْدَلْنَاهُ لَنُنْ وَأَفُونِي كَذَلِكَ لِأَثْقَلَنَ مِنْ جِهَةِ الْحَسَنَاتِ مَوَازِينَهُمْ وَلَأَخَفَنَ مِنْ جِهَةِ السَّيِّئَاتِ مَوَازِينَهُمْ وَلَأَعْظَمَنَ أَثْوَارَهُمْ وَلَأَجْعَلَنَ فِي دَارِ كَرَامَتِي وَمُسْتَقَرِّ رَحْمَتِي مَحَلَّهُمْ وَقَرَارَهُمْ تِلْكَ قُلُوبٌ اغْتَقَدَتْ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ هُوَ الصَّادِقُ فِي كُلِّ أَحْوَالِهِ الْمُحَقِّقُ فِي كُلِّ أَعْمَالِهِ الشَّرِيفُ فِي كُلِّ خِلَالِهِ الْمُتَبَرِّزُ بِالْفَضْلِ فِي جَمِيعِ خِصَالِهِ وَأَنَّهُ قَدْ أَصَابَ فِي نَصْبِهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا إِمَامًا وَعَلِمًا عَلَى دِينِ اللَّهِ وَاضِحًا وَاتَّخَذُوا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِمَامًا هُدًى وَاقِيًا مِنَ الرَّدَى الْحَقُّ مَا دَعَا إِلَيْهِ وَالصَّوَابُ وَالْحِكْمَةُ مَا دَلَّ عَلَيْهِ وَالسَّعِيدُ مَنْ وَصَلَ حَبْلَهُ بِحَبْلِهِ؛ بحار الأنوار ج: ٩٦ ص: ٢٥٩

﴿٤٥٨٠﴾ الرضا عليه السلام: أَمَا مَا عَلِمْتَ أَنَّا مَعَاشِرَ الْأَئِمَّةِ تُعْرَضُ عَلَيْنَا أَعْمَالُ شَيْعَتِنَا صَبَاحًا وَمَسَاءً فَمَا كَانَ مِنَ التَّقْصِيرِ فِي أَعْمَالِهِمْ سَأَلْنَا اللَّهَ تَعَالَى الصَّفْحَ لِصَاحِبِهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْعُلُوِّ سَأَلْنَا اللَّهَ الشُّكْرَ لِصَاحِبِهِ؛ المناقب ج: ٤ ص: ٣٤١

﴿٤٥٨١﴾ أمير المؤمنين عليه السلام: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي لَمْ أَفِرَّ وَلَمْ أُولِ [أَوَّل] الدُّبْرِ فَشَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ ذَلِكَ فِي مَوْضِعَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ وَهُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ؛ بحار الأنوار ج: ٤١ ص: ٣

﴿تشکر و قدردانی خدا از انسان﴾

ایشان می‌گویند: ستایش مخصوص خدایی است که اندوه ما را برد، همانا پروردگار ما بسیار آمرزنده و قدردان است.

﴿۴۵۷۷﴾ به آن‌ها گفته می‌شود: آیا وعده‌ی خدا را درباره‌ی خود درست یافتید؟ گویند: آری، ای پروردگار ما، ما خشنودیم پس تو نیز از ما خشنود باش، خطاب می‌شود: به سبب رضایتم از شما و دوستی شما با خاندان پیامبرم به خانه‌ی من درآمدید و با فرشته‌ها دست دادید، پس گوارا باد شما را، گوارا باد بخشش پایان‌ناپذیر بی‌کدورت، در این هنگام می‌گویند: حمد و ستایش سزاوار خدایی است که اندوه را از ما برد، همانا خدای ما بسیار آمرزنده و قدردان است که به فضل و کرم خویش ما را به خانه‌ی همیشگی درآورد، خانه‌ای که در آن رنج و خستگی نخواهیم دید.

﴿۴۵۷۸﴾ ای علی، بر تو بشارت باد و بشارت ده که بر شیعه‌ی تو، به‌هنگام مرگ حسرت و ندامتی نیست و وحشت و هراسی در قبرها نیست و حزن و اندوهی در روز رستاخیز نیست و گویا چنین است که از درون قبرها بیرون می‌آیند و از سر و صورتشان خاک، را می‌ریزند و می‌گویند: "سپاس خدایی را که حزن و اندوه را از ما زدود، همانا پروردگار ما بخشنده و پاداش‌دهنده است، خدایی که از فضلش ما را به سرای پایداری جای داد، جایی که در آن هیچ رنج و خستگی به ما نرسد."

﴿۴۵۷۹﴾ خداوند گرامی و بلندمرتبه می‌فرماید: آن‌ها سعادتمندانی هستند که خدا اعمالشان را پذیرفته و تلاششان را در همین زندگی دنیا پاس داشته است. زیرا که آن‌ها در دنیا کار نیک می‌کردند؛ این دل‌ها سرشار از نیکوکاری و لبریز از فرمان‌برداری همیشگی بوده و پیوسته مشغول کارهای نجات‌دهنده و شرافتمندانه بودند. با اعتقاد به بزرگداشت آن کسی که ما او را بزرگ می‌داشتیم و نیز اعتقاد به پستی و فرومایگی آن که ما او را فرومایه می‌داشتیم. اگر این چنین با من همراهی کنند ترازوهای عمل ایشان را از حسنات سنگین و کفه‌ی بدی‌های آن را سبک می‌کنم. نورهایشان را عظمت می‌بخشم و محل استقرار آن‌ها را در خانه‌ی کرامت و جایگاه رحمت قرار می‌دهم. این دل‌ها، دل‌هایی هستند که اعتقاد داشتند که محمد ﷺ، در تمام احوالش راستگوست و در تمام اعمالش صاحب حق و در تمامی صفاتش دارای شرافت است و او آن‌هنگام که امیرالمؤمنین علی علیه السلام را امام و پیشوای دین قرار داد مأموریت خود را به نحو کامل و به‌روشنی به انجام رسانید؛ و اینان امیرالمؤمنین را به‌عنوان امام هدایت و نگهدارنده از سقوط و هلاکت پذیرفتند و قبول کردند که آنچه او بدان دعوت می‌نماید حق و آنچه بدان راهنمایی می‌کند درست و حکیمانه است و سعادتمند کسی است که ریسمانش را به ریسمان او پیوند زند.

﴿۴۵۸۰﴾ مگر نمی‌دانی که اعمال شیعیان، هر صبح و شام بر ما امامان عرضه می‌شود؟ چنانچه هر گونه کوتاهی و تقصیری داشته باشند از خدا درخواست می‌کنیم تا به لطف خود از آن چشم‌پوشی نماید و به ازای هر کار نیکی که داشته باشند از پروردگار تقاضا می‌کنیم تا به ایشان جزای خیر دهد.

﴿۴۵۸۱﴾ حمد و ستایش مخصوص خدایی است که مرا توفیق داد که در جنگ نگریزم و پشت به دشمن نکنم، و خداوند این امر را در دو جای قرآن مورد قدرشناسی قرار داده است قول و کلام حق تعالی است: "به زودی خداوند به شاکرین جزا و پاداش می‌دهد.

﴿شَكَرُ اللَّهِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

﴿٤٥٨٢﴾ امير المؤمنين عليه السلام: أَتَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام ذَاتَ لَيْلَةٍ فَقَالَ يَا أَعُورُ مَا جَاءَ بِكَ قَالَ فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ جَاءَ بِي وَاللَّهِ حُبُّكَ قَالَ أَمَا إِنِّي سَأُحَدِّثُكَ لِشُكْرِهَا أَمَا إِنَّهُ لَا يَمُوتُ عَبْدٌ يُحِبُّنِي فَتَخْرُجُ نَفْسُهُ حَتَّى يَرَانِي حَيْثُ يُحِبُّ وَلَا يَمُوتُ عَبْدٌ يُبْغِضُنِي فَتَخْرُجُ نَفْسُهُ حَتَّى يَرَانِي حَيْثُ يَكْرَهُ؛ بحار الأنوار ج: ٦ ص: ١٩١

﴿٤٥٨٣﴾ العسكري عليه السلام: وَقَدْ شَكَرَهُ اللَّهُ لَهُ إِنَّ وَلَيْنَا الْمَوَالِيَ لِأَوْلِيَانَا الْمُعَادِيَ لِأَعْدَائِنَا إِذَا ابْتَلَاهُ اللَّهُ بَمَنْ يَمْتَحِنُهُ مِنْ مُخَالِفِيهِ وَفَقَهُ لَجَوَابٍ يَسْلَمُ مَعَهُ دِينُهُ وَعَرْضُهُ وَيُعْظِمُ اللَّهُ بِالتَّقِيَّةِ ثَوَابَهُ؛ بحار الأنوار ج: ٦٨ ص: ١١

﴿٤٥٨٤﴾ العسكري عليه السلام: كُنْتُ أَوَّلَ مَنْ شَرَى نَفْسَهُ وَأَوَّلَ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ اللَّهِ قَضَى نَحْبَهُ فَفُزْتُ وَرَبُّ الْكَعْبَةِ شَكَرَ اللَّهُ لَكَ اسْتِقْدَامَكَ وَمَوَاسَاتِكَ إِمَامَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٨ ص: ٢٧٢

١١-٣-٥-١١- علي بن الحسين عليه السلام

﴿٤٥٨٥﴾ مَا أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَأَشْرَفَ مُنْقَلَبَكَ أَشْهَدُ لَقَدْ شَكَرَ اللَّهُ سَعْيَكَ؛ بحار الأنوار ج: ٩٨ ص: ٢٤٢

١٢-٣-٥-١٢- قَارُونَ

﴿٤٥٨٦﴾ امير المؤمنين عليه السلام: فَقَالَ قَارُونُ وَآسَفَى عَلَى آلِ عِمْرَانَ فَشَكَرَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ فَأَمَرَ اللَّهُ الْمَلِكَ الْمُوَكَّلَ بِهِ أَنْ يَرْفَعَ عَنْهُ الْعَذَابَ أَيَّامَ الدُّنْيَا؛ تفسير القمي ج: ١ ص: ٣١٨

١٣-٣-٥-١٣- لَأَوَى بْنِ يَعْقُوبَ

﴿٤٥٨٧﴾ جَعَلَهَا فِي وَلَدِ لَأَوَى أَخِي يُوسُفَ وَذَلِكَ لِأَنَّهُمْ لَمَّا أَرَادُوا قَتْلَ يُوسُفَ قَالَ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَآلِقُوهُ فِي غِيَابَتِ الْجُبِّ فَشَكَرَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ وَلَمَّا أَرَادُوا أَنْ يَرْجِعُوا إِلَى آبِيهِمْ مِنْ مِصْرَ وَقَدْ حَبَسَ يُوسُفُ أَخَاهُ قَالَ فَلَنْ أَتْرَحَ الْأَرْضَ حَتَّى يَأْذَنَ لِي أَبِي أَوْ يَحْكُمَ اللَّهُ لِي وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ فَشَكَرَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ فَكَانَ أَنْبِيَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ وَلَدِ لَأَوَى بْنِ يَعْقُوبَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام وَكَانَ مُوسَى مِنْ وَلَدِهِ وَهُوَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ بْنِ يَهُصِيرَ بْنِ وَاهِيثَ بْنِ لَأَوَى بْنِ يَعْقُوبَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ؛ بحار الأنوار ج: ١٢ ص: ٢٥١

١٤-٣-٥-١٤- مُحَمَّدٌ وَآلِهِ عليهم السلام

﴿٤٥٨٨﴾ العسكري عليه السلام: وَاشْكُرْ لَهُمْ عَلَى حَسَبِ كَرَمِكَ وَجُودِكَ وَمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَى الْعَالَمِينَ بِالْقُسْطِ مِنْ عِبَادِكَ وَادْخُرْ لَهُمْ مِنْ ثَوَابِكَ مَا تَرْفَعُ لَهُمْ بِهِ الدَّرَجَاتِ؛ بحار الأنوار ج: ٨٢ ص: ٢٣٢

﴿تشر و قدردانی خدا از انسان﴾

﴿۴۵۸۲﴾ شبی نزد امیرالمؤمنین علیه السلام رفتیم فرمود چه چیز تو را به اینجا کشانده است؟ گفتیم: ای امیرالمؤمنین، به خدا علاقه به شما، فرمود: برای سپاس محبت تو کلامی برایت بگویم؛ "هیچ بنده‌ای نیست که با علاقه به من از دنیا برود مگر آنکه به هنگام مرگ آنچه دوست دارد مشاهده می‌کند؛ و هیچ بنده‌ای نیست که با کینه نسبت به من از دنیا برود مگر آنکه به هنگام مرگ آنچه را ناخوش دارد مشاهده می‌کند."

﴿۴۵۸۳﴾ و خداوند هم از وی (ولایت پذیر اهل بیت) تقدیر می‌کند، دوستان ما با دوستان ما دوستی، و با دشمنان ما دشمنی می‌کنند، خداوند دوستان ما را با آنچه مخالفان در معرض آزمایش قرار می‌دهد امتحان می‌کند ولی او را موفق می‌کند تا جوابی به او بدهد که آبرو و دینش سالم بماند، و با حفظ تقیه پاداش بزرگی او را می‌دهد.

﴿۴۵۸۴﴾ اولین کسی بودی که جانش را معامله کرد و اولین سلسله‌ی شهیدان بود که به شهادت رسید؛ و سوگند به پروردگار کعبه که رستگار شد. خداوند از پیشگامی‌ات و اینکه امام خود را یاری نمودی قدردانی کند.

۱۱-۵-۳- امام سجاد علیه السلام

﴿۴۵۸۵﴾ چه بزرگ و با کرامت است مقام تو و چه با شرافت است جایگاه تو، خداوند تلاش و سعی تو را قدردانی کند.

۱۲-۵-۳- قارون

﴿۴۵۸۶﴾ پس قارون گفت؛ وای و بدا به حال خاندان عمران، و خداوند (محبتش به خویشاوندان مرا) قدرشناسی کرد پس، و به فرشته‌ی موکل عذاب او دستور داد که تا دنیا باقی است عذاب را از او بردارد.

۱۳-۵-۳- لاوی بن یعقوب

﴿۴۵۸۷﴾ و آنگاه خداوند آن نور را در پشت لاوی؛ برادر یوسف قرار داد و این بدان دلیل بود که زمانی که برادران قصد قتل یوسف را داشتند لاوی مانع شد و گفت: "یوسف را نکشید، و اگر می‌خواهید کاری انجام دهید، او را در نهانگاه چاه بیفکنید" و هنگامی که بنیامین به دستور یوسف در مصر ماندگار شد و برادران قصد مراجعت نزد یعقوب نمودند، او گفت: "من از این سرزمین حرکت نمی‌کنم، تا پدرم به من اجازه دهد یا خدا درباره‌ی من داوری کند، که او بهترین حکم‌کنندگان است". و خداوند به این وسیله عمل او را پاس داشت و از او تقدیر نمود. بنابراین همه‌ی پیامبران بنی اسرائیل از فرزندان لاوی پسر یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم بودند و موسی علیه السلام نیز از فرزندان او بود. و او موسی بن عمران بن یهصر بن واهث (واهب) بن لاوی بن یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم است.

۱۴-۵-۳- حضرت محمد و خاندان او علیه السلام

﴿۴۵۸۸﴾ بر محمد و خاندانش درود فرست و به وسیله‌ی آن‌ها تمام کرانه‌ها و ناحیه‌ها را پر از عدل و قسط و رحمت و فضل کن و برحسب کرم و سخاوت و بخششی که عادلانه بر تمام بندگان گستردی از آن‌ها شکرگزاری کن و از ثوابت آن را برای آن‌ها ذخیره کن که درجاتشان را بالا ببرد.

﴿شُكْرُ اللَّهِ أَمَامَ الْإِنْسَانِ﴾

١٥-٥-٣-الوالدين

﴿٤٥٨٩﴾ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَامْلَأْ بِهِمْ كُلَّ أَفْقٍ مِنَ الْآفَاقِ وَ قُطْرٍ مِنَ الْأَقْطَارِ قِسْطًا وَعَدْلًا وَ مَرَحْمَةً وَ فَضْلًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ، وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ، وَ اخْصُصْهُمْ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ سَلَامِكَ. وَ اخْصُصْ اللَّهُمَّ وَالِدِي بِالْكَرَامَةِ لَدَيْكَ، وَ الصَّلَاةَ مِنْكَ... اللَّهُمَّ اشْكُرْ لَهُمَا تَرْبِيَّتِي، وَ أَثْنِهُمَا عَلَى تَكْرِمَتِي؛ الصَّحِيفَةُ السَّجَادِيَّةُ الطَّيِّبَةُ ص: ١١٤

﴿تَشْكُرُ وَ قَدَرْدَانِي خُدا از انسان﴾

۱۵-۵-۳- پدر و مادر

﴿۴۵۸۹﴾ خدایا، بر محمد بنده و فرستاده‌ی خود و بر خاندان پاکش (حضرت زهرا علیها السلام و امامان معصومین علیهم السلام) رحمت فرست، و آنان را به بهترین رحمت‌ها و نیکی‌ها و درود خود امتیاز بخش و خدایا، پدر و مادر مرا به گرمی‌داشتن نزد خود و احسان و نیکی از جانب خویش برتری ده... خدایا، آنان را به سبب پرورش من جزا (ی نیکو) عطا فرما و به خاطر گرمی‌داشتنم پاداش مرحمت نما.

فهرست منابع

- الاحتجاج؛ ابو منصور احمد بن علی طبرسی، مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ ق.
- الاختصاص؛ شیخ مفید، کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- الإرشاد؛ شیخ مفید، کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- إرشادالقلوب؛ حسن بن ابی الحسن دیلمی، شریف رضی، قم، ۱۴۱۲ ق.
- الإستبصار؛ شیخ طوسی، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۹۰ ق.
- الإشراف؛ شیخ مفید، کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- الإعلام؛ شیخ مفید، کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- أعلامالدين؛ حسن بن ابی الحسن دیلمی، مؤسسه آل البيت (ع)، قم، ۱۴۰۸ ق.
- إعلامالوری؛ امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی، دارالکتب الإسلامیه، تهران، بی تا.
- الإفصاح؛ شیخ مفید، کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- إقبالالأعمال؛ سید علی بن موسی بن طاوس، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۶۷ ش.
- أقسام المولى فى اللسان؛ شیخ مفید، کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- الألفین؛ بن فهد حلی، دار الهجرة، قم، ۱۴۰۹ ق.
- الأمالی؛ شیخ صدوق، کتابخانه اسلامیه، ۱۳۶۲ هجری .
- الأمالی؛ شیخ طوسی، دارالثقافة، قم، ۱۴۱۴ ق.
- الأمالی؛ شیخ مفید، کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- الأمان؛ سید علی بن موسی بن طاوس، آل البيت (ع)، قم، ۱۴۰۹ ق.

﴿فهرست منابع﴾

- الأنوار؛ احمد بن عبدالله بكرى، شريف رضى، قم، ١٤١١ ق.
- أوائل المقالات؛ شيخ مفيد، كنگره جهانى شيخ مفيد، قم، ١٤١٣ ق.
- إيمان أبى طالب للفخار؛ سيد فخارين معد موسى، سيد الشهداء (ع)، قم، ١٤١٠ ق.
- إيمان أبى طالب للمفيد؛ شيخ مفيد، كنگره جهانى شيخ مفيد، قم، ١٤١٣ ق.
- بحار الأنوار؛ علامه مجلسى، مؤسسة الوفاء، بيروت، ١٤٠٤ ق.
- البرهان فى تفسير القرآن؛ سيد هاشم بن سليمان بحراني، تصحيح قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة، قم، ١٣٧٤ ش.
- بشارة المصطفى؛ عماد الدين طبرى، كتابخانه حيدريه، نجف، ١٣٨٣ ق.
- بصائر الدرجات؛ محمد بن حسن بن فروخ صفار، كتابخانه آيت الله مرعشى، قم، ١٤٠٤ ق.
- بلاغات النساء؛ ابن طيفور احمد بن ابى طاهر، شريف رضى، قم.
- البلد الأمين و الدرع الحصين؛ ابراهيم بن على عاملى، مؤسسة الأعلمى للمطبوعات، بيروت، ١٤١٨ ق.
- بناء المقالة الفاطمية؛ سيد احمد بن موسى بن طاوس، مؤسسه آل البيت (ع)، قم، ١٤١١ ق.
- تأويل الآيات الظاهرة؛ سيد شرف الدين حسينى استرآبادى، جامعه مدرسين، قم، ١٤٠٩ ق.
- التحصين لابن طاوس؛ سيد على بن موسى بن طاوس، مؤسسه دارالكتاب، قم، ١٤١٣ ق.
- التحصين لابن فهد الحلبي؛ بن فهد حلى، مدرسه امام مهدي (عج)، قم، ١٤٠٦ ق.
- تحف العقول؛ حسن بن شعبه حراني، جامعه مدرسين، قم، ١٤٠٤ ق.
- التذكرة بأصول الفقه؛ شيخ مفيد، كنگره جهانى شيخ مفيد، قم، ١٤١٣ ق.
- تصحيح الاعتقاد؛ شيخ مفيد، كنگره جهانى شيخ مفيد، قم، ١٤١٣ ق.
- تفسير العياشى؛ محمد بن مسعود عياشى، علميه، تهران، ١٣٨٠ ق.
- تفسير القمى؛ على بن ابراهيم بن هاشم قمى، دارالكتاب قم، ١٤٠٤ ق.
- تفسير امام عسكرى (ع)؛ امام حسن عسكرى (ع)، مدرسه امام مهدي (عج)، قم، ١٤٠٩ ق.
- تفسير فرات الكوفى؛ فرات بن ابراهيم كوفى، بى تا، ١٤١٠ ق.
- تفضيل أمير المؤمنين (ع)؛ شيخ مفيد، كنگره جهانى شيخ مفيد، قم، ١٤١٣ ق.
- تقريب المعارف؛ ابوالصلاح حلبى، جامعه مدرسين، قم، ١٤٠٤ ق.
- التمحيص؛ محمد بن همام اسكافى، مدرسه امام مهدي (عج)، قم، ١٤٠٤ ق.
- تنزيه الأنبياء (ع)؛ سيد مرتضى علم الهدى، شريف رضى، قم.
- تهذيب الأحكام؛ شيخ طوسى، دارالكتب الإسلامية، تهران، ١٣٦٥ ش.
- توحيد المفضل؛ مفضل بن عمر جعفى كوفى، مكتبة الداورى، قم، ١٩٦٩ م.
- التوحيد؛ شيخ صدوق، جامعه مدرسين قم، ١٣٩٨ ق، ١٣٥٧ ش.
- ثواب الأعمال؛ شيخ صدوق، شريف رضى، قم، ١٣٦٤ ش.
- جامع الأخبار؛ تاج الدين شعيرى، رضى، قم، ١٣٦٣ ش.
- الجعفریات؛ محمد بن محمد بن اشعث كوفى، ج ١، مكتبة نينوى الحديثة، تهران.
- جمال الأسبوع؛ سيد على بن موسى بن طاوس، رضى، قم.
- الحكايات؛ شيخ مفيد، كنگره جهانى شيخ مفيد، قم، ١٤١٣ ق.

﴿فهرست منابع﴾

- الخرائج و الجرائح؛ قطب‌الدین راوندی، مؤسسه امام مهدی (عج) قم، ۱۴۰۹ ق .
خصائص الأئمة (ع)؛ سید رضی، مجمع البحوث آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۴۰۶ ق.
الخصال؛ شیخ صدوق، جامعه مدرّسین، قم، ۱۴۰۳ ق.
خلاصة الإيجاز؛ شیخ مفید، کنگره جهانی شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
دعائم الإسلام؛ نعمان بن محمد تمیمی مغربی، دارالمعارف، ۱۳۸۵ ق.
الدعوات؛ قطب‌الدین راوندی، مدرسه امام مهدی (عج) قم، ۱۴۰۷ ق.
دلائل الإمامة؛ محمد بن جریر طبری، دار الذخائر للمطبوعات، قم.
دیوان الإمام علی (ع)؛ امام علی بن ابی طالب (ع)، پیام اسلام، قم، ۱۳۶۹ ش.
روضة الواعظین؛ محمد بن حسن فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۱، رضی قم.
ریاض السالکین فی شرح صحیفة سیدالساجدین، سید علیخان بن احمد کبیر مدنی، تصحیح؛ محسن حسینی امینی، دفتر اسلامی، قم، ۱۴۰۹ ق
الزهد؛ حسین بن سعید اهوازی، الزهد، ج ۱، حسینیان، بی‌جا، ۱۴۰۲ ق.
سعد السعود؛ سید علی بن موسی بن طاوس، دارالذخائر، قم، بی‌تا.
شرح الکافی - الأصول و الروضة، محمد صالح بن احمد، مازندرانی، تصحیح، ابوالحسن شعرانی، المكتبة الإسلامية، تهران، ۱۳۸۲ ق.
شرح نهج البلاغة؛ ابن ابی‌الحدید، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴ ق.
شواهد التنزیل؛ حاکم حسکانی، مؤسسه چاپ و نشر بی‌جا، ۱۴۱۱ ق.
صحیفة الرضا (ع)؛ امام علی بن موسی الرضا (ع)، کنگره جهانی امام رضا (ع)، مشهد، ۱۴۰۶ ق.
الصحیفة السجادية؛ امام سجاد (ع)، الهادی، قم، ۱۳۷۶ ش.
الصراط المستقیم؛ علی بن یونس نباطی بیاضی، کتابخانه حیدریه، نجف، ۱۳۸۴ ق.
صفات الشیعة؛ شیخ صدوق، اعلمی، تهران، بی‌تا.
الصوارم المهرقة؛ قاضی نورالله شوشتری، ج ۱، نهضت، تهران، ۱۳۶۷ ق.
طب الأئمة (ع)؛ عبدالله و حسین بسطامی، شریف رضی، قم، ۱۴۱۱ ق.
طب الرضا (ع)؛ امام علی بن موسی الرضا (ع)، خیام، قم، ۱۴۰۲ ق.
طب النبی (ص)؛ ابوالعباس مستغفری، رضی، قم، ۱۳۶۲ ش.
الطرائف؛ سید علی بن موسی بن طاوس، خیام، قم، ۱۴۰۰ ق.
العدالة القویة؛ رضی‌الدین علی بن یوسف حلّی، کتابخانه آیت الله مرعشی قم، ۱۴۰۸ ق.
عدة الداعی؛ بن فهد حلّی، دارالکتاب الاسلامی، بی‌جا، ۱۴۰۷ ق.
علل الشرائع؛ شیخ صدوق، مكتبة الداوری، قم، بی‌تا.
العمدة؛ بن بطریق یحیی بن حسن حلّی، جامعه مدرّسین قم، ۱۴۰۷ ق.
عوالی الآلی؛ بن ابی جمهور احسائی، سید الشهداء (ع) قم، ۱۴۰۵ ق.
العویص؛ شیخ مفید، کنگره جهانی شیخ مفید قم، ۱۴۱۳ ق.
عین العبرة؛ سید احمد بن موسی بن طاوس، دارالشهاب، قم، بی‌تا.
عیون أخبار الرضا (ع)؛ شیخ صدوق، جهان، بی‌جا، ۱۳۷۸ ق.
الغارات؛ ابراهیم بن محمد ثقفی، مؤسسه دارالکتاب، قم، ۱۴۱۰ ق.

﴿فهرست منابع﴾

- غررالْحَكَم؛ عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، یک جلد، دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۶۶ ش.
- الغیبة للطوسی؛ شیخ طوسی، مؤسسه معارف اسلامی، قم، ۱۴۱۱ ق.
- الغیبة للنعمانی؛ محمد بن ابراهیم نعمانی، مكتبة الصدوق، تهران، ۱۳۹۷ ق.
- فتح الأبواب؛ سید علی بن موسی بن طاوس، مؤسسه آل البيت (ع) قم، ۱۴۰۹ ق.
- فرج المهموم؛ سید علی بن موسی بن طاوس، دار الذخائر، قم.
- فرحة الغری؛ سید عبدالکریم بن طاوس، رضی، قم.
- فضائل الأشهر الثلاثة؛ شیخ صدوق، مكتبة الداوری، قم.
- فضائل الشيعة؛ شیخ صدوق، اعلمی، تهران.
- الفضائل؛ شاذان بن جبرئیل قمی، رضی، قم، ۱۳۶۳ ش.
- فقه الرضا (ع)؛ امام رضا (ع)، كنجره جهانی امام رضا (ع)، مشهد، ۱۴۰۶ ق.
- فقه القرآن؛ قطب الدین راوندی، كتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۵ ق.
- فلاح السائل سید علی بن موسی بن طاوس، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، بی تا.
- قرب الإسناد؛ عبدالله بن جعفر جَمیری قمی، كتابخانه نینوی، تهران، بی تا.
- قصص الأنبياء؛ سید نعمت الله جزائری، كتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۴ ق.
- قصص الأنبياء؛ قطب الدین راوندی، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۴۰۹ ق.
- الكافي؛ ثقة الاسلام کلینی، دار الكتب الإسلامية، تهران، ۱۳۶۵ ش.
- كامل الزیارات؛ ابن قولویه قمی، مرتضویه، نجف اشرف، ۱۳۵۶ ق.
- كتاب سليم؛ سليم بن قیس هلالی کوفی، الهادی، قم، ۱۴۱۵ ق.
- كتاب المزار؛ شیخ مفید، كنجره جهانی شیخ مفید قم، ۱۴۱۳ ق.
- كشف الریبة؛ شهید ثانی، مرتضوی، مشهد، ۱۳۹۰ ق.
- كشف الغمة؛ علی بن عیسیٰ إربلی، بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ ق.
- كشف اليقين؛ علامه حلی حسن بن یوسف، مؤسسه چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
- کفاية الأثر؛ علی بن محمد خزاز قمی، بیدار، قم، ۱۴۰۱ ق.
- كمال الدين؛ شیخ صدوق، دار الكتب الإسلامية، قم، ۱۳۹۵ ق.
- کنز الفوائد؛ ابوالفتح کراچکی، دارالذخائر قم، ۱۴۱۰ ق.
- اللاهوت؛ سید علی بن موسی بن طاوس، جهان، تهران، ۱۳۴۸ ش.
- المؤمن؛ حسین بن سعید اهوازی، مدرسه امام مهدی (عج) قم، ۱۴۰۴ ق.
- مئة منقبة؛ بن شاذان قمی، مدرسه امام مهدی (عج) قم، ۱۴۰۷ ق.
- متشابه القرآن؛ بن شهر آشوب مازندرانی، بیدار، بی جا، ۱۳۲۸ ش.
- مثير الأخران؛ بن نما حلی، مدرسه امام مهدی (عج) قم، ۱۴۰۶ ق.
- المجتبی؛ سید علی بن موسی بن طاوس، دارالذخائر، قم، ۱۴۱۱ ق.
- مجمع البحرين، فخرالدین بن محمد طریحی، تصحیح احمد حسینی اشکوری، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ ش.
- مجموعه ورام؛ ورام بن ابی فراس، مكتبة الفقيه، قم.

﴿فهرست منابع﴾

- محاسبة النفس؛ سيد علي بن موسى بن طاوس، مرتضوى.
 المحاسن؛ احمد بن محمد بن خالد برقى، دارالكتب الإسلامية، قم، ۱۳۷۱ ق.
 مسائل على بن جعفر (ع)؛ على بن جعفر (ع)، مؤسسه آل البيت (ع)، قم، ۱۴۰۹ ق.
 مسار الشيعة؛ شيخ مفيد، كنگره جهانى شيخ مفيد، قم، ۱۴۱۳ ق.
 مستدرک الوسائل؛ محدث نوري، مؤسسه آل البيت (ع)، قم، ۱۴۰۸ ق.
 مستطرفات السرائر؛ محمد بن ادریس حلی، جامعه مدرسين، قم، ۱۴۱۱ ق.
 مسکن الفؤاد؛ شهيد ثانی، کتابخانه بصيرتی، قم، بی تا.
 مشکاة الأنوار؛ ابوالفضل علی بن حسن طبرسی، کتابخانه حیدریه، نجف اشرف، ۱۳۸۵ ق.
 مصادقة الإخوان؛ شيخ صدوق، کرمانی، قم، ۱۴۰۲ ق.
 مصباح الشریعة؛ امام صادق (ع)، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بی جا، ۱۴۰۰ ق.
 مصباح المتهجد؛ شيخ طوسی، مؤسسه فقه الشیعه، بیروت، ۱۴۱۱ ق.
 المصباح؛ ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، رضی، قم، ۱۴۰۵ ق.
 معانی الأخبار؛ شيخ صدوق، جامعه مدرسين، قم، ۱۳۶۱ ش.
 معدن الجواهر؛ ابوالفتح کراجکی، کتابخانه مرتضویه، تهران، ۱۳۹۴ ق.
 مفتاح الفلاح؛ شيخ بهایی، دار الأضواء، بیروت، ۱۴۰۵ ق.
 المقام الأسنى؛ ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، مؤسسه قائم آل محمد (عج)، قم، ۱۴۱۲ ق.
 المقنعة؛ شيخ مفيد، كنگره جهانى شيخ مفيد، قم، ۱۴۱۳ ق.
 مکارم الأخلاق؛ رضی الدین حسن بن فضل طبرسی، شریف رضی، قم، ۱۴۱۲ ق.
 المناقب؛ بن شهر آشوب مازندرانی، ۴ ج، مؤسسه علامه، قم، ۱۳۷۹ ق.
 منتخب الأنوار المضيئة؛ علی بن عبد الكريم نیلی نجفی، خیام، قم، ۱۴۰۱ ق.
 من لا يحضره الفقيه؛ شيخ صدوق، جامعه مدرسين، قم، ۱۴۱۳ ق.
 منية المريد؛ شهيد ثانی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۴۰۹ ق.
 مهج الدعوات؛ سيد علي بن موسى بن طاوس، دار الذخائر، قم، ۱۴۱۱ ق.
 نزهة الناظر؛ يحيى بن سعيد حلی، رضی، قم، ۱۳۹۴ ق.
 نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ص)، به کوشش ابو القاسم پاینده، دنیای دانش، تهران، ۱۳۸۲ ش.
 نهج البلاغة؛ امام علی (ع)، دار الهجرة، قم.
 نهج الحق؛ حسن بن یوسف حلی، دارالهجرة، قم، ۱۴۰۷ ق.
 النوادر؛ احمد بن محمد بن عیسی اشعری (ع)، مدرسه امام مهدی (عج)، قم، ۱۴۰۸ ق.
 النوادر؛ سيد فضل الله راوندی، مؤسسه دارالکتاب، قم.
 الهدایة الكبرى، حسین بن حمدان خصیعی، البلاغ، بیروت، ۱۴۱۹ ق.
 وسائل الشيعة؛ شيخ حر عاملی، مؤسسه آل البيت (ع)، قم، ۱۴۰۹ ق.
 الوسيلة؛ ابن حمزه طوسی، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۸ ق.
 وقعة صفین؛ نصر بن مزاحم بن سيار منقري، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۳ ق.
 اليقين؛ سيد علي بن موسى بن طاوس، مؤسسه دارالکتاب، قم، ۱۴۱۳ ق.